



اسفاد لائنہ جاسوسیے آمریکا

کتاب ششم

مؤسسہ مطالعات و پبلیکیشنز انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسناد لانه جاسوسی آمریکا

نویسنده:

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۶	اسناد لانه جاسوسی آمریکا جلد ۶
۲۶	مشخصات کتاب
۲۷	کتاب پنجاه و یکم ۱
۲۷	شوروی «شرق تجاوزگر» بخش سوم (۱)
۲۸	تماس با اتباع شوروی و بلوک کمونیستی
۳۱	عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییها
۳۲	مقدمه
۳۲	ماهیت برنامه عملیاتی شوروی
۳۵	سازمانهای اطلاعاتی شوروی
۳۷	استقرار کا. گ. ب. و جی. آر. یو در کشورهای خارجی
۴۰	سازمانهای اطلاعاتی کا. گ. ب. و کشورهای بلوک شرقی در خارجه
۴۳	هدفها و آماجهای آمریکایی در کشورهای خارج برای دستگاه اطلاعاتی شوروی
۴۳	اهداف
۴۴	انواع هدفها
۴۵	پرسنل رمز و مخابرات
۵۷	پرسنل نظامی
۶۸	تفنگداران دریایی
۷۲	منشیها و کارمندان آرشیو بایگانی
۸۶	پرسنل دیپلماتیک
۸۹	آمریکاییهای غیررسمی: بازرگانان و دانشجویان
۱۰۳	تأسیسات اطلاعاتی شوروی درباره هدفهای آمریکایی در خارج
۱۰۴	اتباع شوروی
۱۰۸	مأمورین اطلاعاتی سایر کشورهای بلوک کمونیست
۱۱۰	اتباع سایر کشورهای بیگانه
۱۱۱	دیپلماتهای جهان سوم
۱۱۸	شهروندان محلی
۱۲۱	کارمندان محلی تأسیسات آمریکایی

- ۱۳۱ رسوخ الکترونیکی در تأسیسات آمریکایی در غرب
- ۱۳۶ بررسی تکنیکها و فتح بابهای عملیاتی شوروی
- ۱۳۷ نظر شوروی درباره آماجهای آمریکاییهای مقیم خارج
- ۱۳۹ به کاربردن عوامل مشوق مادی
- ۱۴۰ تماس مستقیم اجتماعی
- ۱۴۵ تکنیکهای متفرقه برای پرورش و به کارگیری
- ۱۴۶ سازش
- ۱۴۸ فتح بابهایی با انگیزه های جنسی و همجنس بازی
- ۱۴۹ سفرها به کشورهای بلوک کمونیستی
- ۱۵۱ تابعیت قلابی
- ۱۵۲ فتح بابها جهت تماس
- ۱۵۵ نتیجه گیری
- ۱۵۷ کتاب پنجاه و دوم
- ۱۵۷ شوروی «شرق تجاوزگر» بخش سوم (۲)
- ۱۵۹ گفتگو با دیپلماتها و ملل تبعه کشورهای کمونیستی
- ۱۶۴ توجیه های امنیتی خلاصه پرونده های اخیر و مهم SAS
- ۱۸۰ توجیه دوباره اتباع محلی سرویس خارجه
- ۱۹۳ مجموعه نیازمندیهای کا. گ. ب درباره تأسیسات و کارمندان سفارت آمریکا در خارج
- ۱۹۷ راهنمایی در مورد روابط شخصی با ملیتهای کشور شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی
- ۲۰۱ راهنمایی در مورد روابط شخصی با افراد تبعه شوروی و بعضی دیگر از کشورهای کمونیستی
- ۲۰۳ دو سند سیا راجع به وارطامیان
- ۲۰۷ سند سیا راجع به اریک ایوانویچ
- ۲۰۹ سند سیا در مورد کورولف (گزارشگر ایزوستیا)
- ۲۱۰ مکمل خلاصه اطلاعاتی اقیانوس هند
- ۲۱۲ سند راجع به لووچنکو(خبرنگار نووودرمیا)
- ۲۱۵ سند سیا راجع به فلوریان گرکو
- ۲۱۶ شوروی و اروپای شرقی
- ۲۲۰ مقدمه اسناد لاری جیل
- ۲۳۰ پتر ایوزیفویچ آشورکویک رئیس و یوری سمئوویچ چرومکین قائم مقام...

۲۳۲	
۲۳۳	اسناد لاری جیل
۲۹۲	چند سند متفرقه
۲۹۷	کتاب پنجاه و سوم
۲۹۷	شوروی «شرق تجاوزگر» بخش چهارم
۲۹۹	امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۲/۴
۳۱۳	حفاظت متارکه گران در کشورهای خارجی
۳۲۳	محدودیت‌های اعطای پناهندگی
۳۲۴	روبارویی در مورد متارکه گران با حضور ملیت‌های شوروی و..
۳۲۶	روش‌های عملکرد کمیته درون آژانس متارکه گران در تهران
۳۳۰	روش ایجاد تماس در رابطه با پناهندگی سیاسی ملیت‌های روسی...
۳۳۴	بازگرداندن داوطلبین کمونیست
۳۴۳	دستورالعمل‌های مربوط به داوطلب
۳۴۷	دستورالعمل مورد استفاده برای کاربن نویسی (رمزنویسی)
۳۴۸	رمزنویسی با کاربن
۳۴۸	آماده کردن کاغذ نامه سفید
۳۵۰	آماده کردن پیام سری
۳۵۲	اقدامات احتیاطی
۳۵۲	ظاهر کردن پیام‌های رمزی با آب
۳۵۳	ظاهر کردن پیام رمز با استفاده از حرارت
۳۵۴	ارتباط سری
۳۵۵	فهرست بررسی داوطلب
۳۵۷	بخش اول (سؤالات مخصوص داوطلب)
۳۵۹	بخش دوم (فرم‌های مخصوص داوطلب)
۳۷۳	نحوه برخورد با تقاضای پناهندگی شهروندان کشورهای کمونیستی
۳۸۲	کد جایگزین تلفنی جهت گزارش در مورد داوطلبین
۳۸۶	کتاب پنجاه و چهارم
۳۸۶	مصر
۳۸۹	تاریخچه مختصر مصر

- روابط و گرایشات شخصیت‌های مهم جمهوری متحده عربی ۴۰۶
- گزارش بیوگرافیک اشرف عبداللطیف غوربال سفیر مصر در آمریکا ۴۱۰
- ناو جنگی اتمی و عبور آن از کانال سوئز ۴۲۱
- عبور ناو جنگی اتمی از کانال سوئز ۴۲۳
- تأثیر گزارشاتی که بر مبنای آنها به سازمان سیا دستور داده شده است که نهضت‌های اسلامی را در مصر مورد مطالعه قرار دهد ۴۲۶
- نظریات سادات در مورد شاه و اوضاع ایران ۴۳۱
- عکس العمل ایرانیها در قبال قرارداد صلح مصر و اسرائیل ۴۳۵
- عضویت مصر در کنفرانس اسلامی... ۴۳۷
- خلاصه اطلاعاتی ۸۰۲ و ۸۰۳ (تعلیق عضویت مصر در کنفرانس اسلامی) ۴۳۹
- دهمین کنفرانس وزرای خارجه اسلامی ۴۵۲
- خلاصه اطلاعاتی ۸۰۴ (تعلیق عضویت مصر در کنفرانس اسلامی) ۴۵۴
- نظرات جیبوتی پیرامون عضویت مصر در کنفرانس اسلامی ۴۶۲
- مصریها فکر می کنند که مراکش آنها را در «فاس» فریب داده اس ۴۶۴
- خلاصه اطلاعاتی ۸۰۹ (تعلیق عضویت مصر در کنفرانس اسلامی) ۴۶۶
- روابط کنونی خارجی ۴۷۳
- مصر: نیازهای نظامی سادات و مشکلات مالی ۴۷۸
- خلاصه اطلاعاتی ۸۴۵ (دورنمای داخلی مصر و تحریمهای عربی) ۴۸۹
- خلاصه اطلاعاتی ۸۶۳ (مبارزه سادات با شبه نظامیان اسلامی) ۴۹۶
- سؤالات خلیل در مورد بیانیه سناتور استون ۵۰۶
- روابط مصر و شوروی ۵۰۷
- یادداشت اطلاعات دفاعی آژانس اطلاعاتی دفاعی ۵۱۱
- کتاب پنجاه و پنجم ۵۱۲
- خط میانه (۵) ۵۱۲
- پیشگفتار ۵۱۴
- توضیح اسناد مربوط به شریعتمداری ۵۲۵
- نامه رئیس قرارگاه سیا در تهران به رئیس کل سیا ۵۴۱
- تحلیل اوضاع و امکانات اعمال نفوذ در جریان امور ایران ملاقات رئیس قرارگاه سیا با کاردار سفارت امریکا در مورد ملاقات باروز و توافق بر سر ۵۴۴
- ملاقات ولید و شریعتمداری ۵۴۷

- ۵۵۰
- ۵۵۲ شرح ملاقات اس. دی. ولید و شریعتمداری
- ۵۵۵ نظرات باروز و تحلیل قرارگاه سیا در مورد تماس با شریعتمداری و...
- ۵۵۷ بررسی اطلاعات حاصل از تماس اس. دی. جانوس، ولید و باروز با شریعتمداری
- ۵۶۰ اهداف سیا در تماس با شریعتمداری
- ۵۶۲ اظهارات اس. دی. جانسون هویت مرتضی موسوی در مورد حمایت سیا از شریعتمداری و موقعیت وی در ایران و طرح جمع آوری پول برای شریعتمداری جهت سازماندهی و اجرای یک فعالیت وسیع
- ۵۶۶ معرفی هویت مورد بحث در سند قبل
- ۵۶۷ پیشنهاد اقدامات عملیاتی برای برقراری یک کانال مخفی با شریعتمداری
- ۵۷۰ سوابق مقدم مراغه ای، موضع شریعتمداری نسبت به ملی گراها و...
- ۵۷۶ شرح ملاقات ولید با شریعتمداری و پیشنهاد وی به ولید مینی بر...
- ۵۷۹ مذاکره با اس. دی. جانوس در رابطه با امکان برقراری یک ارتباط...
- ۵۸۱ تلاشهای سیا برای ایجاد یک کانال ارتباطی با شریعتمداری و...
- ۵۸۴ تأیید قرارگاه جهت ملاقات با حسن شریعتمداری
- ۵۸۷ نتایج ملاقات مرتضی موسوی با شریعتمداری
- ۵۹۰ کمک و حمایت بعد از تکمیل شدن اطلاعات توضیحات ج ۱۳/ در مورد مواضع و اهداف شریعتمداری و تأکید بر حمایت از وی توسط سیا
- ۵۹۳ ملاقات با حسن شریعتمداری
- ۵۹۶ ادعاهایی در مورد فعالیتهای افراطیون...
- ۵۹۹ ملاقات رئیس قرارگاه سیا با جانوس/ ۱۳ و موسوی و...
- ۶۰۲ معرفی آیت الله زنجانی از سوی جانوس/ ۱۳ به عنوان جنبه ثانی شخصیت شریعتمداری
- ۶۰۵ سوابق سعید فرید و آیت الله زنجانی
- ۶۰۸ توضیح در مورد یک گزارش
- ۶۰۹ توافق بر سر ملاقات با زنجانی و اینکه جانوس/ ۱۳ نقش مترجم را به عهده داشته باشد
- ۶۱۰ ملاقات (هویت) منوچهر نیک پور با رنسکله (مأمور پایگاه فیلادلفیا)
- ۶۱۳ معرفی هویت سند قبل
- ۶۱۴ توضیح در مورد سند شماره ۲۶
- ۶۱۵ تلاش برای تماس با جانوس/ ۱۳
- ۶۱۶ ملاقات با موسوی و جانوس/ ۱۳
- ۶۱۷ تدارک برای ملاقات با زنجانی
- ۶۱۹ تماس تلفنی با جانوس/ ۱۳

- ۶۱۹
- ۶۲۰ متن بازجویی از اهرن رئیس قرارگاه سیا در تهران در مورد فرازیان...
- ۶۲۳ اظهارات اهرن در مورد فرازیان
- ۶۲۴ اظهارات اهرن در مورد اس. دی. ولید
- ۶۲۵ توضیح اسناد مربوط به مقدم مراغه ای
- ۶۲۷ معرفی رئیس قرارگاه به مقدم
- ۶۲۸ توضیح در مورد منبع گزارشی که مقدم به سیا داده
- ۶۲۹ خبرهای فراهم شده مقدم در مورد یزدی، صباغیان، چمران، آیت الله طالقانی و شورای انقلاب برای سیا
- ۶۳۰ اظهارات آیت الله شریعتمداری درباره اولتیماتوم به دولت...
- ۶۳۱ اظهارات مراغه ای درباره اوضاع سیاسی ایران
- ۶۳۴ دستور قطع روابط بخش سیاسی سفارت با مقدم به خاطر امکان لو رفتن وی ۳۱
- ۶۳۵ نمرات و نظریات درباره گزارشهای مقدم
- ۶۳۶ نظر مقدم در مورد انحلال مجلس و برخورد انتظام با آن
- ۶۳۸ پیشنهاد انحلال مجلس خبرگان توسط خمینی
- ۶۳۹ جزئیات تکمیلی
- ۶۴۱ توضیح در مورد سند پیشنهاد انحلال مجلس...
- ۶۴۲ توضیح مقدم درباره دیدار خود با امام
- ۶۴۳ توصیه اهرن در مورد ویزای پسر مقدم
- ۶۴۴ تأییدیه موقت عملیاتی برای مقدم
- ۶۴۴ متن نوشته اهرن درباره مقدم
- ۶۴۵ متن اظهارات اهرن در مورد مقدم مراغه ای
- ۶۴۶ توضیح اسناد مربوط به حسن نزیه
- ۶۴۷ طرح سیا برای ایجاد رابطه مجدد بین حسن نزیه و رابط سابق وی در سیا..
- ۶۴۸ معرفی هویت سند شماره ۱
- ۶۴۸ تلاش برای دیدار با نزیه
- ۶۵۰ طرح تماس با نزیه در خارج از کشور
- ۶۵۱ تعویق طرحها تا ورود آدلسیک به تهران
- ۶۵۲ حسن نزیه تحت الحمایه آیت الله شریعتمداری
- ۶۵۳ کتاب پنجاه و ششم

۶۵۳	
۶۵۷	توضیح اسناد مربوط به امیرانتظام
۶۵۸	طرح ملاقات آدلسیک با انتظام در سوئد
۶۵۹	برنامه ریزی ملاقات جان استمپل و آدلسیک
۶۶۰	سابقه ارتباط سیا و امیرانتظام
۶۶۱	آمادگی برای تبادل مطالب توجیهی
۶۶۲	ملاقات انتظام، یزدی، بازرگان با بیدن کوپف
۶۶۴	ملاقات آدلسیک با انتظام
۶۶۶	از سرگیری رابطه اطلاعاتی
۶۷۱	ارتباط و درددل انتظام با سیا
۶۷۴	دستورالعمل اطلاعاتی
۶۷۵	تماس انتظام با رئیس قرارگاه سیا و تعیین وقت برای جلسه توجیهی
۶۷۶	تعویق جلسه توجیهی
۶۷۷	قبول بتعویق افتادن جلسه توجیهی از سوی انتظام
۶۷۸	ترتیب برنامه برای جلسه توجیهی
۶۷۹	توضیح اسناد مربوط به بهرام بهرامیان
۶۸۲	تبدیل ریال به دلار برای بهرامیان
۶۸۳	شماره حساب بهرامیان
۶۸۳	تعیین آدرس عملیاتی برای بهرامیان
۶۸۴	تائید آدرس پیشنهادی از سوی قرارگاه لندن
۶۸۵	تعیین جزئیات برای مکاتبه بهرامیان با آدرس عملیاتی
۶۸۷	سوابق بهرامیان ارتباط با نهضت آزادی ارتباط با سیا
۶۹۰	تائید کلی آدرس عملیاتی و جزئیات مکاتبه
۶۹۰	درخواست حفظ محل سکونت برای تابعیت از سوی بهرامیان
۶۹۱	شرح ملاقات سیا با بهرامیان
۶۹۳	طرح تماس و ملاقات
۶۹۴	توضیح در مورد هویت‌های ذکر شده در سند قبل
۶۹۴	تماس تلفنی بهرامیان با قرارگاه تهران
۶۹۵	فرکانس تعیین شده برای ارتباط رادیویی بهرامیان با سیا در موارد اضطراری

۶۹۶	
۶۹۷	سوابق بیمه عمر و مالیاتی برای بهرامیان
۶۹۸	فعال کننده RAPIDOPRINT
۶۹۹	طرح تماس و ملاقات
۶۹۹	سوابق بهرامیان (تماس با یزدی در زمان حمله سفارت در ۲۵ بهمن)
۷۰۳	طرح قرارگاه برای استفاده از بهرامیان و نحوه ملاقات با وی
۷۰۴	کوششهای گروهی شامل آیت الله طالقانی برای ادغام قدرت مذهبی و ...
۷۰۵	نظریات مربوط به گزارشها
۷۰۷	درخواست بهرامیان مبنی بر ملاقات تلفنی
۷۰۷	تماس تلفنی با بهرامیان و بخطر افتادن ظاهری وضعیت وی
۷۰۹	مشخصات بهرامیان
۷۱۰	توضیح تکمیلی در مورد سند قبلی
۷۱۰	طرح خروج مخفی و تهیه مدارک جعلی
۷۱۳	مقدمات و مدارک لازم برای جعل پاسپورت برای بهرامیان
۷۱۴	گردآوری مجموعه لوازم جهت حدود پاسپورت پرتغالی و ...
۷۱۶	نمرات و نظریات مربوط به گزارشها
۷۱۷	توضیحات مربوط به پاسپورتهای پرتغالی
۷۱۹	متن دست نویس اهرن در مورد بهرامیان
۷۲۰	متن اظهارات اهرن در مورد بهرامیان
۷۲۱	توضیح اسناد مربوط به خسرو قشقایی
۷۲۴	سوابق قشقایی
۷۲۵	سوابق بیوگرافیک قشقایی
۷۲۷	گفتگو با خسرو قشقایی
۷۲۹	سوابق قشقائی
۷۳۱	ملاقات قشقایی با فونست نماینده کنسولی آمریکا
۷۳۴	آقای کومو
۷۳۴	خسروخان قشقایی
۷۳۵	نقشه های خسروخان
۷۳۸	ممانعت از اعطای روادید آمریکا به قشقایی

۷۳۹	فعالیت سیاسی ایل قشقایی و تدارک نظامی اضطراری
۷۴۱	نظرگاههای رئیس ایل قشقایی درباره اوضاع سیاسی ایران
۷۴۳	جزئیات فنی تکمیلی سند قبلی
۷۴۴	فعالیت پیرامون راه اندازی یک روزنامه با کمک قشقایی
۷۴۶	نمرات و نظریات درباره گزارشهای قشقایی
۷۴۸	فعالیت سیاسی و نگرانیهای امنیتی استاندار خوزستان مدنی
۷۵۰	فعالیت تشکیلات نظامی و سیاسی ایل قشقایی
۷۵۲	کوششهای بختیار برای جلب حمایت میانه روها در ایران
۷۵۳	نمرات و نظریات سیا در مورد گزارشهای قشقایی
۷۵۵	ملاقات با قشقایی
۷۵۶	اظهارات قشقایی درباره مقامات عالیرتبه ایرانی و فعالیتهای سیاسی ایل قشقایی
۷۵۸	اظهارات قشقایی درباره ملاقاتش با خمینی و تحولات سیاسی اخیر
۷۶۰	جزئیات فنی تکمیلی سند قبلی
۷۶۰	متن نوشته اهرن در مورد خسرو قشقایی
۷۶۲	متن اظهارات اهرن در مورد خسرو قشقایی
۷۶۴	توضیح اسناد مربوط به سنجایی و فروهر
۷۶۵	تمایل ملاقات ستاد مرکزی سیا با سنجایی
۷۶۶	اطلاع راجع به تابعیت یزدی
۷۶۶	پاسخ رد سیا به درخواست سنجایی
۷۶۷	سام سنجایی (پسر کریم سنجایی) و سیا
۷۶۸	سام سنجایی و سیا
۷۶۹	اظهارات فروهر درباره تغییر کابین
۷۷۱	اظهارات فروهر
۷۷۲	توضیح اسناد مربوط به علی سیف پور فاطمی و اس. دی. رایت
۷۷۲	تاریخچه ای در مورد فاطمی و عقاید وی
۷۷۴	برنامه تماس با فاطمی پس از خروج از کشور
۷۷۵	آدرس و تلفنهای فاطمی
۷۷۵	تماس با اس. دی. رایت در مورد فاطمی
۷۷۶	رهنمود ستاد مرکزی سیا درباره تماس با فاطمی

۷۷۷	
۷۷۸ سوابق تحصیلاتی و مشکلات تابعیت فاطمی در آمریکا
۷۸۰ دانشجویان ایرانی
۷۸۰ ادامه مطالب مربوط به سوابق تحصیلاتی فاطمی و مشکل تابعیت وی
۷۸۲ اقدام اداره مهاجرت و تابعیت در مورد علی فاطمی
۷۸۴ توضیح اسناد مربوط به تورج و فریدون ناصری
۷۸۶ برنامه تماس با تورج ناصری و سوابق روابط وی
۷۸۷ معرفی هویت الف، ب و ج
۷۸۸ بیوگرافی و سوابق ارتباط فریدون ناصری با سیا
۷۸۹ طرحهای آینده دکتر ناصری، وضع کمیسیون مشترک ایران و آمریکا و...
۷۹۲ سوابق فریدون ناصری
۷۹۳ کتاب پنجاه و هفتم
۷۹۳ صنعت بین المللی نفت در سال ۱۹۸۰
۷۹۵ پیشگفتار
۸۰۰ صنعت بین المللی نفت در سال ۱۹۸۰
۸۱۴ خلاصه مطلب و نتیجه گیری
۸۱۸ مقدمه
۸۲۰ اهداف شرکتها و دولت
۸۲۵ منابع، تولید و تقاضا
۸۲۵ الف منابع اولیه
۸۲۶ ب عرضه و تقاضا
۸۳۰ ج نفت قراردادی از منابع غیر عربی
۸۳۲ د نفت غیرمرسوم
۸۳۴ ه قیمت نفت جهانی که توسط هزینه تولید ترکیبات نفتی تعیین می شود
۸۳۶ امتیازات مرسوم
۸۴۴ مسائل مربوط به مشارکت و کاهش ارزش دلار
۸۴۷ درآمد آتی دولتهای اوپک و ملاحظات مربوط به تراز پرداختها
۸۴۸ الف: درآمد اوپک
۸۵۱ ب: ملاحظات مربوط به موازنه یا تراز پرداختها

- ۸۵۷ قدرت شرکتهای
- ۸۵۸ مهمترین وظیفه آنها تأمین و تضمین سرمایه است
- ۸۵۹ دومین قدرت صنعت مخابراتی است که در زمینه تکنولوژی دارد و...
- ۸۶۰ شرکتهای به عنوان مانعی میان دولتهای تولیدکننده و مصرف کننده
- ۸۶۲ نقاط ضعف کشورهای مصرف کننده در برابر اوپک
- ۸۶۳ تحریم تجاری
- ۸۶۴ مسدود شدن منابع مالی
- ۸۶۵ قطع کمکها
- ۸۶۵ منابع جایگزین انرژی قبل از سال ۱۹۸۰
- ۸۶۷ گاز
- ۸۷۰ رابطه جدید بین دولتهای مصرف کننده و تولیدکننده
- ۸۷۲ روابط جدید بین دولتهای مصرف کننده و شرکتهای نفتی
- ۸۷۶ ایجاد روابط سیاسی با دولتهای تولیدکننده خاورمیانه برای ثبات عرضه نفت...
- ۸۸۰ نیازهای سرمایه ای دهه آینده
- ۸۸۳ نتیجه گیریها
- ۸۸۷ اقدامات پیشنهادی
- ۸۸۷ با اوپک قراردادهای جدیدی در زمینه تولید برای بعد از سال ۱۹۷۶ متعقد گردد
- ۸۸۷ ترکیب شرکتهای تولید کننده نفت را افزایش دهید.
- ۸۸۸ اقداماتی که دولت آمریکا باید در داخل کشور به خاطر شرکتهای انجام دهد.
- ۸۸۸ تشکیل یک گروه مشاور نفتی بین المللی
- ۸۸۹ به شرکتهای اجازه داده شود که مشترکا برای رسیدن به اهداف محدود همکاری نمایند.
- ۸۹۰ پ: روشهای دیپلماتیک به خاطر شرکتهای
- ۸۹۱ در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز درباره نیازهای سرمایه صنعت در ده سال آتی مرور و بررسی انجام گیرد
- ۸۹۱ بحث درباره نیاز به ثبات در بازار نفت جهانی
- ۸۹۱ سرمایه گذاری در زمینه نفت غیر قراردادی
- ۸۹۲ افزایش ذخایر نفتی
- ۸۹۳ تسریع در ایجاد انرژی هسته ای با همکاری اروپا و ژاپن
- ۸۹۴ ایجاد روابط دوستانه با کشورهای تولیدکننده

۸۹۴	اقداماتی که دولت امریکا باید انجام دهد تا ثبات و انعطاف پذیری خود را در برخورد با کشورهای تولیدکننده افزایش دهد
۸۹۵	افزایش بخشیدن به عرضه نفت داخلی
۸۹۷	تشویق در زمینه ایجاد اشکال جدید انرژی
۸۹۷	اقداماتی انجام شود تا از طریق آنها میزان رشد مصرف انرژی در آمریکا کاهش یابد
۸۹۹	هماهنگی در سیاست انرژی
۸۹۹	انعقاد قرارداد انرژی با کانادا
۹۰۰	انعقاد یک قرارداد در زمینه انرژی با ونزوئلا و دیگر تولیدکنندگان واقع در آمریکا لاتین
۹۰۱	آخرین حرف
۹۰۳	رابطه مصرف کننده و تولیدکننده
۹۰۳	انعطاف پذیری مصرف کنندگان در برخورد با اوپک
۹۰۴	نیازهای سرمایه ای
۹۰۵	نتیجه گیری
۹۰۵	تذکر در مورد دو سند انتهایی
۹۱۲	کتاب پنجاه و هشتم
۹۱۲	بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵
۹۱۴	مقدمه
۹۲۳	خلاصه بحث عرضه و تقاضای نفت تا پایان سال ۱۹۸۵
۹۴۰	پیشگفتار
۹۴۳	بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵
۹۴۳	عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵
۹۷۴	سناریوهای تولید اوپک
۹۷۷	تقاضای کشورهای سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک
۱۰۰۱	تقاضای کشورهای غیرکمونستی خارج از کشورهای عضو سازمان...
۱۰۰۴	کشورهای کمونیست در بازار نفت
۱۰۱۷	تقاضای جهانی برای نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵
۱۰۲۷	نتیجه گیری پایانی
۱۰۲۷	ضمیمه الف: متدولوژی
۱۰۳۵	ضمیمه ج: جزوه «بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵» در مقایسه با جزوه...
۱۰۳۷	ضمیمه د: تقاضای جهان برای نفت اوپک پیش بینی ها و فرضیات تطبیقی

۱۰۴۱	
۱۰۴۵	کتاب پنجاه و نهم
۱۰۴۵	فعالیت‌های اقتصادی نظامی کشورهای کمونیستی
۱۰۴۷	توضیحات
۱۰۵۹	رساله تحقیقی فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست رو به رشد در سال ۱۹۷۸
۱۰۶۸	مقدمه
۱۰۷۱	برنامه کمک‌های نظامی: کاهش فروش، افزایش محموله‌ها
۱۰۷۹	ارزش سلاح‌های کمونیستی
۱۰۸۱	الگوها در سال ۱۹۷۸
۱۰۸۷	عوااید بازرگانی حاصله از این برنامه‌ها
۱۰۸۸	خدمات فنی نظامی در سطح جدید
۱۰۹۱	برنامه کمک اقتصادی: در نقطه اوج
۱۰۹۳	شوروی: رکورد سال در ارائه کمک‌ها
۱۱۱۳	خدمات فنی: وسیله جذب ارز
۱۱۱۸	آموزش فنی: تلاشی روزافزون
۱۱۱۹	دانشجویان آکادمیک: یک سرمایه‌گذاری کم خرج
۱۱۲۱	ضمیمه: کشورهای منتخب
۱۱۲۱	آفریقای شمالی
۱۱۳۲	آفریقای مادون صحرا
۱۱۷۳	آسیای شرقی
۱۱۷۸	آمریکای لاتین
۱۱۹۳	اروپا
۱۱۹۵	خاورمیانه
۱۲۲۲	آسیای جنوبی
۱۲۳۷	فعالیت‌های کمکی و تجاری کمونیستی در کشورهای رو به رشد، در فصل سوم سال ۱۹۷۸
۱۲۳۸	نکات اصلی
۱۲۳۹	مقاله برنامه کمک‌های چین منعکس‌سازنده واقعیت‌های اقتصادی
۱۲۴۸	کتاب شصت
۱۲۴۸	دخالت‌های آمریکا در ایران

۱۲۵۰	
۱۲۵۹	«امنیت در حکومت ایران» مروری بر سیستم امنیتی ایران
۱۲۶۱	مقدمه
۱۲۶۲	مبانی قانونی در ارتباط با مسئله امنیت
۱۲۶۴	دیدگاه عمومی در ارتباط با مسئله امنیت
۱۲۶۴	تشکیلات کشوری برای تأمین امنیت
۱۲۶۶	«شورای امنیت ملی»
۱۲۶۷	سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)
۱۲۶۹	بخش «J ۲» (اداره دوم ستاد مشترک)، ستاد عالی فرماندهی
۱۲۷۰	بخش «G ۲» از ستاد ارتش
۱۲۷۰	گروه ضد اطلاعات (CIC)
۱۲۷۲	پلیس کشوری ایران
۱۲۷۳	ژاندارمری شاهنشاهی ایران
۱۲۷۵	اداره اطلاعات ویژه
۱۲۷۵	روابط و هماهنگی درون سازمانی
۱۲۷۷	امنیت در ادارات دولتی
۱۲۷۸	امنیت فیزیکی (محیط و تجهیزات)
۱۲۷۸	وزارتخانه های غیرنظامی
۱۲۷۸	نیروهای مسلح
۱۲۷۹	حفاظت اسناد طبقه بندی شده
۱۲۸۱	امنیت پرستلی
۱۲۸۴	امنیت صنعتی
۱۲۸۴	نتایج حاصله
۱۲۸۶	پیشنهادات
۱۲۸۷	نتیجه
۱۲۸۷	ضمیمه «الف» کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده...
۱۲۸۸	ضمیمه «ب» عمده افسران ایرانی که گروه «USMICC» با آنان مذاکره و مشورت نمود
۱۲۸۸	ضمیمه «ج» عمده مأمورین آمریکایی که گروه «USMICC» با ایشان مذاکره و مشورت نمود
۱۲۹۰	ضمیمه «د» برنامه ملاقاتهای «۶۴۷» USMICC

۱۲۹۳	
۱۲۹۶	ارزیابی شش ماهه اوضاع سیاسی ایران
۱۲۹۹	شاه
۱۳۰۱	اوضاع اقتصادی
۱۳۰۳	روابط ایران و آمریکا
۱۳۰۶	ایران و خلیج فارس
۱۳۰۹	ایران و عراق روبرویی شط
۱۳۱۱	ایران و کشورهای دیگر
۱۳۱۵	روابط ایران با کمونیستها
۱۳۱۹	دولت، پارلمان و احزاب
۱۳۲۲	مخالفت و امنیت داخلی
۱۳۲۴	اصلاحات ایران
۱۳۲۶	خلاصه و مقدمه
۱۳۲۷	اصلاحات ارضی
۱۳۳۰	ملی شدن جنگلها
۱۳۳۲	فروش سهام کارخانجات دولتی
۱۳۳۲	سهیم شدن کارگران در سود کارخانه ها
۱۳۳۴	اصلاح قانون انتخابات
۱۳۳۴	سپاه دانش
۱۳۳۶	سپاه بهداشت
۱۳۳۷	سپاه ترویج و عمران
۱۳۳۸	خانه های انصاف و شوراهاى داوری
۱۳۴۱	ملی شدن منابع آب
۱۳۴۱	بازسازی کشور
۱۳۴۳	انقلاب اداری و آموزشی
۱۳۴۶	اقدامات دیگر
۱۳۴۷	اظهاری نظر
۱۳۵۰	جوانان
۱۳۵۳	برنامه اصلاحی

۱۳۵۸	بررسی اطلاعات ملی
۱۳۵۹	فصول بررسی کلی
۱۳۶۰	تغییر از بالا
۱۳۶۵	موانع موجود در برابر تغییر (C)
۱۳۶۹	سنت پادشاهی (U/OU)
۱۳۷۲	به انحصار در آوردن قدرت سیاسی (S)
۱۳۷۵	انقلاب سفید
۱۳۷۸	نفت و دیگر چه ؟
۱۳۸۲	نظر به شرق، غرب و به خاورمیانه
۱۳۸۴	اگر شاه برود، ایران هم می رود
۱۳۸۶	وقایع نگار (U/OU)
۱۳۹۳	مشخصات کشور
۱۴۰۱	مقدمه
۱۴۰۲	منافع آمریکا
۱۴۰۴	مشخصات فیزیکی
۱۴۰۷	مردم، مذهب، فرهنگ
۱۴۱۴	عمران اجتماعی و صنعتی
۱۴۱۷	توسعه صنعتی
۱۴۱۹	خطر خارجی
۱۴۲۰	عراق فعالترین دشمن ایران است
۱۴۲۲	استراتژی
۱۴۲۳	سازمان دفاعی
۱۴۲۴	توسعه و تجهیزات نیروها، نیروهای زمینی
۱۴۲۵	نیروی هوایی
۱۴۲۷	سازمان نیروی دریایی ایران
۱۴۲۸	موقعیت نیروها
۱۴۲۸	تاریخ کمک نظامی و هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا
۱۴۲۹	تشکیلات گروه کمک مستشاری نظامی
۱۴۳۰	بخش ارتشی

- ۱۴۳۱ بخش نیروی هوایی
- ۱۴۳۱ بخش نیروی دریایی
- ۱۴۳۱ فعالیت پشتیبانی فرماندهی اروپایی
- ۱۴۳۲ تیمهای کمک فنی صحرائی
- ۱۴۳۳ فروش نظامی خارجی
- ۱۴۳۴ آموزش CONUS۷۱۹
- ۱۴۳۶ کتاب شصت و یکم
- ۱۴۳۶ دخالت‌های آمریکا در ایران
- ۱۴۴۰ معرفی کتاب
- ۱۴۴۹ نامه هلمز به عباسعلی خلعتبری
- ۱۴۵۲ ضمیمه مربوط به روشها و اقدامات کلی امنیتی
- ۱۴۵۴ جوابیه خلعتبری به سفیر هلمز
- ۱۴۵۵ دیدار سناتور پرسی و موضوعات سیاسی
- ۱۴۵۶ موضع دولت ایران در قبال رویارویی اعراب و اسرائیل
- ۱۴۵۶ کشور فلسطینها
- ۱۴۵۶ آینده عربستان سعودی
- ۱۴۵۷ عکس العمل مردم ایران
- ۱۴۵۸ حرکت در جهت رفاه اجتماعی کشور
- ۱۴۵۹ آموزش و نیروی انسانی
- ۱۴۶۴ اصلاحات پزشکی
- ۱۴۶۶ مسکن
- ۱۴۷۰ استفاده زمین
- ۱۴۷۲ سازمان کشاورزان ایران
- ۱۴۷۶ رفاه و امنیت اجتماعی
- ۱۴۷۷ نتایج
- ۱۴۷۹ گزارش پایان مأموریت دورنمایی از ایران
- ۱۴۸۱ اقتصاد داخلی شکوفایی در عین مشکلات
- ۱۴۸۶ روابط اقتصادی خارجی آثار آن بر ایالات متحده
- ۱۴۹۴ اهرمهای احتمالی جهت نفوذ ایالات متحده

۱۴۹۷	طرز فکر ایرانیان در مورد خارجیهای مقیم ایران
۱۵۰۲	مصاحبه با دکتر کیوان صالح
۱۵۱۰	مصاحبه با دانشجویان و یک ایرانی ۲۴ ساله مشغول کسب و کار
۱۵۱۲	مصاحبه با خانم فرهنگ مهر
۱۵۱۳	مصاحبه با دکتر مهدی هروی
۱۵۱۸	مصاحبه با روزنامه نگار شول بخش (SHAUL BAKHASH)
۱۵۲۴	مصاحبه با شهرام چوبین
۱۵۲۵	مصاحبه با باری چوبین از شرکت ملی نفت ایران
۱۵۲۸	مصاحبه با آقای رحیمی نژادی
۱۵۳۰	مصاحبه با بهروز شاهنده
۱۵۳۲	مصاحبه با علی قاضی، رئیس بخش دریافت اطلاعات کامپیوتری سازمان برنامه و بودجه
۱۵۳۴	مصاحبه با آقای مهایی، رفتگری که در جنوب خیابان نادری کار می کند
۱۵۳۷	مصاحبه با آقای مایک پیشوائیان، مدیر بازرگانی شرکت دیزل اتوپارت
۱۵۳۹	مصاحبه با محسن دربانی، مدیر کارگزینی، شرکت آسانسور اوتیس
۱۵۴۱	مصاحبه مرلین مک کافی با مهناز افخمی، وزیر مشاور در امور زنان
۱۵۴۴	مصاحبه میلز با دکتر ضیائی رئیس کمیته روابط خارجی مجلس
۱۵۴۶	مصاحبه گوردون وینکلر با خداداد فرمانفرمائی، رئیس بانک صنعتی ایران
۱۵۵۰	مصاحبه با آقای محمد طاهری
۱۵۵۲	مصاحبه با سعید کوبکی
۱۵۵۴	مصاحبه با پارسا
۱۵۵۵	مصاحبه با آقای شابی، مدیر رستوران چلوکبابی در خیابان هشت گرد
۱۵۵۶	مصاحبه با سیروس الهی، استاد اقتصاد در دانشگاه ملی
۱۵۵۷	مصاحبه گوردون وینکلر با دکتر کامبیز محمودی، معاون مدیر کل رادیو و تلویزیون ملی
۱۵۶۱	شورشهای تبریز در ۱۸ مارس ۱۹۷۸
۱۵۶۴	تحلیلی مقدماتی در ارتباط با «آشوب و قیام مردمی در تبریز»
۱۵۷۱	ناآرامیهای قم و تبریز
۱۵۷۲	تمایل سرلشکر پاکروان مبنی بر افزایش نقش مشورتی آمریکا برای شاه
۱۵۷۷	برداشتهای عمومی در مورد دولت آموزگار
۱۵۷۹	اغتصابات اصفهان

۱۵۸۷	
۱۵۹۱	واردات نظامی و صادرات نفتی ایران
۱۵۹۳	تراز تجارت خارجی و حساب جاری ایران با جهان و آمریکا در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷
۱۶۰۵	کتاب شصت و دوم
۱۶۰۵	دخالت‌های آمریکا در ایران
۱۶۱۷	پیشگفتار
۱۶۱۸	هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)
۱۶۱۹	فهرست مقامات اصلی
۱۶۲۳	نگرش کلی
۱۶۲۶	خط مشی
۱۶۲۹	مدیریت
۱۶۳۶	امور خاور نزدیک / ایران
۱۶۳۷	ارزیابی و نتیجه‌گیری
۱۶۴۰	مدیریت پست دیپلماتیک، حقایق
۱۶۴۱	ارزیابی، حقایق
۱۶۴۶	ارزیابی و نتیجه‌گیریها
۱۶۴۶	امور سیاسی
۱۶۴۸	امور سیاسی / نظامی
۱۶۴۹	امور کارگری
۱۶۵۱	امور اقتصادی / بازرگانی، حقایق، ارزیابی و نتیجه‌گیری
۱۶۵۳	واحد اقتصادی
۱۶۵۴	واحد بازرگانی
۱۶۵۶	کمیسیون مشترک
۱۶۵۸	پیشنهادات
۱۶۵۸	امور کنسولی، حقایق، ارزیابی و نتیجه‌گیری
۱۶۵۹	مدیریت
۱۶۶۰	روادیدها
۱۶۶۴	منابع پرسنلی کنسولی و آموزش
۱۶۶۵	مشکل مربوط به روادیدهای دانشجویی

- ۱۶۶۸ فعالیتهای امور اداری، حقایق، ارزیابی، نتیجه گیری
- ۱۶۷۱ پیشنهادات
- ۱۶۷۱ عملیات کارگزینی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۶۷۷ عملیات بودجه و مالی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۶۸۴ پیشنهادات
- ۱۶۸۴ ارتباطات و بایگانی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۶۸۷ پیشنهادات
- ۱۶۸۸ عملیات خدمات عمومی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۶۸۸ انعقاد قرارداد پیرامون خدمات
- ۱۶۹۲ کنترل انبار، سیاست مسکن
- ۱۶۹۳ عملیات پارک موتوری، پیشنهادات
- ۱۶۹۴ پیشنهادات
- ۱۶۹۵ پزشکی، حقایق، ارزیابی، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۶۹۸ پیشنهادات
- ۱۶۹۸ املاک سفارت، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۷۰۱ پیشنهادات
- ۱۷۰۲ امنیت، حقایق و نتیجه گیری
- ۱۷۰۸ پیشنهادات
- ۱۷۰۹ ارزیابی پرسنلی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۷۱۰ کنسولگری اصفهان، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۷۱۱ مقدمه
- ۱۷۱۵ امور کنسولی
- ۱۷۱۸ امور اداری
- ۱۷۱۹ پیشنهادات
- ۱۷۲۳ کنسولگری شیراز، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
- ۱۷۲۴ مقدمه
- ۱۷۲۶ امور کنسولی
- ۱۷۲۷ امور اداری

۱۷۲۹	پیشنهادات
۱۷۳۰	کنسولگری تبریز
۱۷۳۴	پیشنهادات
۱۷۳۴	وزارت دفاع، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
۱۷۳۷	سازمان ارتباطات بین المللی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
۱۷۴۱	پیشنهادات
۱۷۴۱	وزارت دادگستری و سازمان مبارزه با مواد مخدر، حقایق،...
۱۷۴۳	وزارت کشاورزی، حقایق، ...
۱۷۴۶	وزارت بازرگانی مرکز تجاری آمریکا در تهران، حقایق،...
۱۷۵۰	پیشنهادات
۱۷۵۱	وزارت خزانه داری و اداره مالیات بر درآمد، حقایق،...
۱۷۵۳	پیشنهادات
۱۷۵۴	مدرسه آمریکایی تهران، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
۱۷۵۵	پیشنهادات
۱۷۵۵	انجمن کارمندان آمریکا، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
۱۷۵۷	پیشنهادات
۱۷۵۸	امور علمی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری
۱۷۶۱	پیشنهاد
۱۷۶۱	فهرست اعلام
۱۸۹۵	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: ایالات متحده. سفارت (ایران).

عنوان و نام پدید آور: اسناد لانه جاسوسی آمریکا / دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

وضعیت ویراست: [ویراست ۴۳].

مشخصات نشر: تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری: ج. + یک لوح فشرده.

شابک: دوره: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۵۳؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۱: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۴۶؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۲: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۷۶۴؛
۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۳: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۷۹-۱؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۴: ۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۰۷؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۵:
۹۷۸۹۶۴۵۶۴۵۸۱۴؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۹: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۸-۳؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۸۹-۰؛
۷۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۵-۹۶-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Documents from the U.S. espionage den.

یادداشت: چاپ قبلی: جهان کتاب، ۱۳.

یادداشت: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۵) (فیبا).

یادداشت: ج. ۴ و ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیبا).

یادداشت: ج. ۹ و ۱۰ (چاپ اول: ۱۳۸۶) (فیبا).

یادداشت: ج. ۱۱ (چاپ اول: ۱۳۸۸) (فیبا).

یادداشت: نمایه.

مندرجات: ج. ۹. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۰. اسناد لانه جاسوسی (روزشمار انقلاب).- ج. ۱۱. خلیج

فارس

عنوان دیگر: مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

موضوع: سفارتخانه ها و کنسولگری های آمریکا-- ایران

موضوع: ایران -- روابط خارجی -- ایالات متحده -- اسناد و مدارک

موضوع: ایالات متحده -- روابط خارجی -- ایران -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: دانشجو یان مسلمان پیرو خط امام

شناسه افزوده: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

رده بندی کنگره: DSR۱۵۰۲/۳ الف ۹ الف ۸۶ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵۰۷۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۴۷۸۴۰

ص: ۱

کتاب پنجاه و یکم ۱

شوروی «شرق تجاوزگر» بخش سوم (۱)

تماس با اتباع شوروی و بلوک کمونیستی

تاریخ: ۳ سپتامبر ۱۹۶۴ ۱۲ شهریور ۱۳۴۳ محرمانه وزارت امور خارجه دفتر امنیت

از: معاونت مدیریت امنیتی: ناظران امنیتی منطقه ای

شماره نامه دفتر: ۳۶ / ۶۴ D مقامات امنیتی منطقه ای، مقامات امنیتی (فنی)

موضوع: تماس با اتباع شوروی و بلوک کمونیستی

نامه CA ۴۷۱ مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۴۳ تحت عنوان «تماس با اتباع شوروی و بلوک کمونیستی»

نیازهای خاص توجیهی افسران امنیتی منطقه ای و PSOS را در رابطه با پرسنل روحانی مشخص می سازد.

افسران امنیتی منطقه ای باید از آگاهی PSO های منطقه خود در مورد نامه CA ۱۴۷۱ و تطابق آنها با

شرایط توجیهی مطمئن گردند.

بررسیهای امنیتی آتی باید در برگیرنده «گزارش سیاست تماس گیری» طبق بخش ۴ D، و نیز اقدام به

عمل آمده توسط واحد به منظور اجرای دستورالعملهای CA ۱۴۷۱ باشد.

خیلی محرمانه ۱۵ مرداد ۱۳۴۳

از: دستورالعمل مشترک دولت، ACDA, AID, USIA به: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی

موضوع: تماس با ملیتهای شوروی و بلوک کمونیست

کاهش کنترل شوروی در رابطه با رژیمهای اروپای شرقی و مخالفت و ملی گرایی روزافزون آنها سبب

بالا رفتن ارزش مقامات اروپای شرقی به عنوان منابع اطلاعاتی سیاسی، اقتصادی و جاسوسی شده است.

بنابراین از تمام واحدها خواسته می شود که تلاشهای خود را جهت گسترش و بهره برداری از این منابع

مورد بررسی و تجدید نظر قرار دهند. در همان حال، آژانسهای ذیربط میل دارند یک سیستم جهانی ایجاد

نموده و از طریق آن به ضبط و کنترل تماس پرسنل آمریکایی با ملیتهای بلوک کمونیستی پردازند.

این سیستم در مورد تلاشهای شوروی و کشورهای بلوک یک الگوی جهانی به دست خواهد داد و سبب خواهد شد که دفاتر مربوطه بتوانند به تحقیق و تحلیل در مورد تغییر عکس‌العملهای کشورهای بلوک در رابطه با آمریکا پردازند.

مهمتر از همه اینکه، این سیستم به حفاظت از پرسنل آمریکایی در تماس با ملیتهای بلوک خواهد پرداخت. در رابطه با این نکته باید گفته شود که مقامات بلوک شوروی در تماسهای خود با افراد غربی دائماً گزارش تهیه می‌کنند. بعضی از این گزارشها به سازمان امنیتی آمریکا بازگردانده شده تا اطلاعات کاذب، تحریف و بازایبهای ناقص در آنها گنجانده شود. ارزش بازسازی یک گزارش واقعی از منابع آمریکا معلوم است.

افسرانی که به علت وظایف خود دائماً در تماس رسمی با اعضای کشورهای بلوک هستند، باید یادداشتهای مکالماتی گفتگوهای مهم را مطالعه نمایند. اینگونه یادداشتهای مکالماتی، باید از طریق کانالهای آژانس مربوطه به سرپرست مقامات و یا معاون او تسلیم گردد. تمام مقاماتی که با اعضای کشورهای بلوک چه در نتیجه کار و چه در مجامع عمومی و یا غیررسمی روبرو می‌شوند، باید در رابطه با جنبه‌های مهمه تماس خود گزارشی ارائه نمایند. در صورتی که گفتگو با پرسنل کشورهای بلوک کمونیستی (در این مورد شامل یوگسلاوی نمی‌باشد) محدود به تعارفات معمول و یا مطالب عادی

می شود که ارزش گزارشی ندارند. باز هم باید در مورد این تماس، به ریاست و یا معاون وی گزارشی ارائه شود تا او بتواند سوابقی از این تماسها را در اختیار داشته باشد.

مقامی که این گزارشها را کنترل می کند نیز باید در مورد تمام تماسهای رسمی، اجتماعی و اتفاقی به طور مکرر گزارشهایی به این وزارتخانه ارسال نماید. البته تماسهای دارای اهمیت را باید با رعایت اولویت گزارش نمود. این گزارشها به آژانسهای ذیربط وزارتخانه ارسال و با نمایندگان آژانسها در واشنگتن در مورد آنها هماهنگی به عمل خواهد آمد.

افسران امنیتی منطقه ای و افسران امنیتی واحدها نیز که بازجوییهای امنیتی معمول را به عهده دارند باید به پرسنل روحانی اطلاع دهند که تماس با پرسنل کشور شوروی و یا بلوک کمونیستی کلاً قابل قبول نمی باشد. البته تماسهای اتفاقی و غیر رسمی در شرایط خاص قابل اجتناب نیست و باید با آن مؤدبانه و محترمانه برخورد نمود. ولی این گونه تماسها باید تا حد امکان مختصر و گفتگوها نیز محدود به تعارفات اجتماعی باشد و علاوه بر این سعی باید شود که تماس رو در رو برقرار گردد. وزارتخانه علاقه دارد در مورد تماسهای پرسنل روحانی و کارمندی نیز اطلاعاتی داشته باشد و افسر کنترل نیز باید مانند مراتب ذکر شده در پاراگراف پیشین، گزارش این تماسها را به وزارتخانه ارسال دارد.

عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییها

سند شماره (۲)

خیلی محرمانه ژوئیه ۱۹۶۸ تیر ۱۳۴۷

عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییها و تأسیسات آمریکایی

در خارج تجزیه و تحلیل از آیین و عرف شوروی

اخطار

این سند شامل اطلاعاتی است که در دفاع ملی ایالات متحده در چهارچوب معنای ماده ۱۸ از بخشهای ۷۹۳ و ۷۹۴ قانون جزائی ایالات متحده آمریکا آن طوری که اصلاح شده است، تأثیر می گذارد. انتقال این سند به دیگری یا افشای محتویات آن به یک شخص غیرقابل صلاحیت از نظر قانونی ممنوع است.

مقدمه

به موجب یک رهنمود دستگاه رهبری کمیته امنیت دولتی KGB در سال ۱۹۵۹ تحت عنوان «درباره تشدید عملیات علیه آمریکاییان در خارجه» مأموریت‌های مهمی به افراد کا. گ. ب. مقیم خارجه داده شده است. به موجب این رهنمود دستور داده شده است تا برای داوطلب گیری آمریکاییهایی که در همه نوع تأسیسات دولتی و آمریکاییهایی که در سفارتخانه ها و واحدهای نظامی و ستادهای بلوکهای نظامی کار می کنند بر کوششهای خود بیفزایند. همچنین آمریکاییهایی که در سازمانهای بین المللی کار می کنند و آنهایی که نمایندگان مؤسسات علمی و بازرگانی هستند و نیز روزنامه نگاران و دانشجویان و غیره در قلمرو این دستور قرار می گیرند. «کتاب دستی آموزشی کا. گ. ب. منتشر شده در سال ۱۹۶۲. به کلی سری:» داوطلب گیری آمریکاییها در ایالات متحده و خارجه.

ماهیت برنامه عملیاتی شوروی

از نظر حکومت شوروی و همچنین به ویژه از نظر دستگاههای اطلاعاتی شوروی ایالات متحده «دشمن اصلی» به شمار می رود و این اصطلاحی است که در اسناد متعدد شوروی به چشم می خورد. در مقابل این «دشمن اصلی» دستگاههای اطلاعاتی شوروی، با مرور سالها رشد کرده و امروز برنامه های هماهنگ و جهانشمول برای آزمایش و جستجو و داوطلب گیری آمریکاییها اعم از رسمی یا خصوصی، غیرنظامی یا نظامی تهیه کرده اند تا در سازمانهای ما رخنه کنند و سیستمهای رمزنویسی ما را به دست بیاورند و پیکهای مخابراتی ما را خنثی کنند و پژوهشهای نظامی و عمرانی ما را کشف کنند و غیره و غیره. در این کوشش شورویها این اعتقاد را دارند که آمریکاییها به طور عمده دارای خصلتهای ماتریالیستی هستند و در درجه اول دستخوش انگیزه نیاز پولی یا طمع واقع می شوند و بنابر این می توان آنها را برای خدمت به منافع شوروی «خریداری کرد».

این مطالعه از طریق نمونه ها، تهدید مهمی را نسبت به امنیت ایالات متحده تشریح می کند و آن عبارت است از برنامه مرتب و منظم و فشرده کا. گ. ب. شوروی (کمیته امنیت دولتی) و ج. آر. یو (امنیت نظامی شوروی) درباره داوطلب گیری آمریکاییها در خارج و رخنه به تأسیسات آمریکا.

این سند همچنین تجسم بخش آمریکایی متوسط در خارج از کشور آن طوری که دستگاههای اطلاعاتی شوروی او را می بینند می باشد. یعنی فردی که علاقمند به پول و افزودن بر آن است و کسی که معمولاً نسبت به شیوه ها و وسائل و مخاطرات کار بی توجه است و کسی که معتقد به دفاع نیست و عادت به پرحرفی دارد. در خارج نزدیک شدن به او آسانتر از این است که اگر او در خود آمریکا می بود. این تصور اغواگر خیالی نیست و جزئی از آیین اطلاعاتی شوروی می باشد و در سراسر این مطالعه در نقل قولهایی از اسناد کا. گ. ب. گنجانده شده است. نمونه های واقعی که ذکر شده و بعضی از آنها تفصیل دارد نشان دهنده این آیین در عرف و عمل می باشد. همچنین درباره مفهوم مشابه شوروی مبنی بر اینکه بعضی از طبقات

آمریکایی از قبیل کادرهای نظامی داوطلب، کارمندان دون پایه سفارتخانه ها و دانشجویان در عمل «شهروندهای درجه دوم» می باشند آماجهای بسیار مناسبی برای افسران اطلاعاتی شوروی و عمال آنها هستند.

برنامه شوروی آن طوری که بر یک اساس جهانی مشاهده شده است، با عملیات جاسوسی شوروی در داخل ایالات متحده موازی بوده و تکمیل کننده آن است. یکی از هدفهای عمده آن به دست آوردن عمال آمریکایی در خارج می باشد یعنی افرادی که امکانات بالقوه دارند و می توان آنها را در جهت منافع جاسوسی شوروی در ایالات متحده در شعبات مختلف حکومت فدرال و در صفوف سه گانه نیروهای مسلح و در احزاب سیاسی و همچنین در مؤسسات علمی و فنی و صنایع به کار گرفت. هماهنگ با اولویتهای اطلاعاتی شوروی که در مفهوم «دشمن عمده» گنجانده شده است آمریکاییهای خارج از ایالات متحده چه در سمتهای رسمی و یا غیر رسمی هر گاه که امکان داشته باشد آماجهایی برای داوطلب گیری بوده اند. در

اوائل سال ۱۹۵۱ از مسکو به کادرهای اطلاعاتی شوروی در خارج از کشور دستوراتی برای تقویت عملیات موجود و فعالیت علیه آمریکاییها صادر شد. این دستورات در بهار سال ۱۹۵۳ و همچنین در دسامبر همان سال تکرار شد. دستور دستگاه رهبری کا. گ. ب. که در آغاز این مطالعه از آن نقل قول شده

است منعکس کننده یک تصمیم، از سوی گردانندگان شوروی برای افزایش دامنه کوششهای عملیاتی است. اسناد طبقه بندی شده شوروی که به طور قابل ملاحظه جدیدتر هستند نیز در دست است که به موجب آن تهدید شوروی افزایش یافته و پیچیدگیهای فزاینده عملیاتی که امروز علیه آمریکاییها در خارج به کار برده می شود در آن دیده می شود.

در سالهای اخیر همه «تماس گیرندگان طرف اعتماد» و عمال کا. گک. ب. به هر ملیتی که تعلق داشته باشند و فعالیتشان هر چه باشد برای جهت گیری احتمالی آنها علیه اهداف آمریکا بار دیگر در معرض ارزشیابی قرار گرفته اند. اطلاعات قابل اتکای بسیار در دسترس است که تأیید می کند کا. گک. ب. و ج. آر. یو. یعنی اطلاعات نظامی شوروی با کوششهای متمرکز شده شدیدی بر علیه آمریکاییها و تأسیسات آمریکا در خارج کار می کنند و موفقیتهایی نیز به دست آورده اند.

سازمانهای اطلاعاتی شوروی

لزومی ندارد که بین دستگاههای اطلاعاتی شوروی و قلمروهای صلاحیت آنها وارد نکات مربوط به کارهای سازمانی و فنی بشویم، ولیکن ذکر مختصر عناصر عمده ترکیب کننده ای که بیش از پیش در برنامه عملیات در مقیاس جهانی علیه آمریکاییها در خارج فعالیت دارند برای درک خود برنامه ضرورت دارد. الف اولین عنصر ترکیبی و مهمترین آنها مدیریت خارجی کا. گک. ب. می باشد (که به عنوان مدیریت اصلی اول نیز نامیده می شود). این مدیریت در خارج از مرزهای اتحاد جماهیر شوروی مسئولیت اولیه جمع آوری اطلاعات مثبت از طرق مخفی را به عهده دارد. این اطلاعات ممکن است سیاسی، نظامی، اقتصادی و علمی باشد. این مدیریت همچنین مسئول فعالیتهای پنهانی بسیار تخصصی برای نفوذ در سیاستها و اقدامات حکومتهای خارجی می باشد. مدیریت خارجی همچنین مسئولیت ضد اطلاعات در خارج را به عهده دارد که شامل نفوذ در همه دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی خارجی است. افسران ستاد

کا. گ. ب. که برای خدمت در خارج تحت پوشش دیپلماتیک خدمات بازرگانی و سایر اشکال تعیین می شوند تحت مدیریت بلاواسطه بخشهای جغرافیائی مربوط در مدیریت خارجی قرار گرفته اند. در سالهای اخیر مشاهده شده است که افسرانی که تجربیاتی در مورد ایالات متحده دارند، به نحو فزاینده ای به پستهایی که از آمریکا بسیار دور است اعزام می شوند و این امر براساس آن تئوری آزمایش شده می باشد که کار علیه آمریکا آسانتر و ثمربخش تر است. (در این باره بعداً بحث بیشتری به عمل خواهد آمد.) بسیاری از کارشناسان امور آمریکا در کا. گ. ب. دوره هایی در ایالات متحده دیده اند و به زبان انگلیسی به روانی تکلم می کنند و با جنبه های رسمی و خصوصی آشنا هستند و کوششهای عملیاتی خود را نسبت به اهداف آمریکا هر جا که مستقر شده باشند متمرکز می کنند.

ب در حالی که کا. گ. ب. به عنوان سازمان بزرگتر و ارشدتر شوروی نقشی عمده را در عملیاتی که در این رساله بحث شده است به عهده دارد، جی. آر. یو. (که عملاً مدیریت اطلاعاتی اصلی ستاد وزارت دفاع است) فعالانه و با صلاحیت تخصصی مشابه برای جمع آوری اطلاعات نظامی استراتژیک در خارجه کار می کنند و بنابراین در درجه اول برای سرشاخ شدن با کادرها و تأسیسات نظامی آمریکا تعیین شده است. این سازمان همچنین در عملیات علیه کادرهای علمی و فنی آمریکا در کشورهای غرب، به ویژه در جاهایی که زمینه تخصصی دارای مصرف نظامی است سرگرم است. معذالک جی. آر. یو. از یک

قلمرو انحصاری حتی از زمینه اطلاعات نظامی هم برخوردار نیست و درهم آمیختگی عملیات این دو سازمان با یکدیگر و حتی رقابت جی. آر. یو و کا. گ. ب. یک امر رایج است.

استقرار کا. گ. ب. و جی. آر. یو در کشورهای خارجی

تعداد کمی از آمریکاییهای در خارج از کشور که در زمینه های دیپلماتیک یا نظامی و کارهای رسمی و خصوصی کار می کنند، می توانند استقرار گسترده دستگاههای اطلاعاتی شوروی در خارج کشور را که علیه آنها و علیه اهداف غیر آمریکایی می تواند عمل کند و همین را هم می کند، به طور کامل درک نمایند.

واقعیت این است که حدود ۶۰ درصد از اتباع شوروی در خارج که تعداد آنها ۷ هزار نفر است و در تأسیسات رسمی آنها کار می کنند، از مأمورین اطلاعاتی این دو سازمان هستند و از هر سه مأمور دو نفر در کا. گ. ب. و یک نفر در جی. آر. یو. کار می کنند. در میان اتباع شوروی که درجه دیپلماتیک دارند نسبت افسران اطلاعاتی حتی بالاتر است. حد وسط جهانی اتباع شوروی که مأمور کا. گ. ب. هستند حدود ۷۵ درصد و در بعضی از کشورها ۹۰ درصد است. این آمارها براساس افشاگریهایی است که از مأمورین اطلاعاتی شوروی که به غرب پناه برده اند به دست آمده است. این اشخاص قادرند همکاریهای سابق خود را انگشت نما کنند. این ارقام همچنین براساس تجزیه و تحلیل دستگاههای امنیتی و ضد اطلاعاتی غرب از جمله دستگاههای اطلاعاتی آمریکا که توانسته اند شاهد عملیات اطلاعاتی شوروی باشند فراهم شده است.

واحدهای اطلاعاتی (که به عنوان اقامتگاههای قانونی شناخته شده اند) متعلق به کا. گ. ب. و جی. آر. یو. مستقل از یکدیگر در هیئتهای سیاسی شوروی در خارج وجود دارد و کادرهای اداره هر دو دستگاه بر اساس مسئولیت دیپلماتیک مورد حمایت قرار گرفته یا دارای سمت رسمی دیگر می باشند.

رئیس عملیاتی هر اقامتگاه (که به عنوان ساکن عنوان می گردد) معمولاً یک سمت رسمی دیگر دارد که

بر ماهیت عملی او سرپوش می گذارد. در مورد کا. گ. ب. فرد ساکن اقامتگاه، ممکن است که راینز رسمی سفارت بوده و یا لاقبل عنوان دبیر اول را داشته باشد. از سال ۱۹۶۱ مقام ساکن جی. آر. یو. از نقش آشکار وابسته نظامی مجزا شده و اکنون وابستگی نظامی مشهوری ندارد.

چنین شخصی ممکن است دبیر اول سفارت و یا شاید معاون رئیس نماینده بازرگانی شوروی باشد. مأموران عملیاتی اطلاعاتی کا. گ. ب. و جی. آر. یو. در خارجه، به نحو وسیعی در سراسر همه اجزای ترکیبی و سطوح هیئت رسمی شوروی پخش شده اند. آنها همه از پوشش برخوردار بوده و براساس نیمه وقت، به عنوان دبیران دیپلماتیک در همه مدارج و به عنوان وابسته های سیاسی و فرهنگی و علمی و یا کنسول و یا کنسولیار و وابسته مطبوعاتی و اطلاعاتی و نماینده بازرگانی خارجی خدمت می کنند و همان طوری که گفته شد، در هر کشور تعداد آنها به مراتب بیشتر از دیپلماتهای مشروع وزارت امور خارجه و نمایندگان غیر اطلاعاتی سایر وزارتخانه ها و سازمانهای شوروی است. در بعضی از ادارات، کادرهای اطلاعاتی ممکن است از انحصار کامل برخوردار باشند. مثلاً بعضی از اداره های کنسولی تماماً از مأمورین کا. گ. ب. تشکیل شده است و اکنون این واقعیت مسلم شده است که همه کادرهای دفاتر وابسته نظامی و از جمله کارمندان غیرنظامی ظاهراً دون پایه، عملاً مأموران نظامی حرفه ای و اعضای حرفه ای جی. آر. یو. می باشند. چنین اوضاعی اغلب تحولات عجیب و غریبی در پوشش و درجه ایجاد می کند. برای مثال

می توان گفت پاول ایوانویچ لوماکین، یک راننده غیر نظامی دفتر وابسته نظامی در رم از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰، بعداً در قبرس در سال ۱۹۶۴ با درجه سرهنگ دوم با عنوان معاون وابسته نظامی ظاهر شد.

همچنین روبسپیران فیلاتوف که سمت راننده و مترجم جهت وابسته نظامی در اتاوا (پایتخت کانادا) از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ را به عهده داشت، در سال ۱۹۶۳ در ریودوژانیرو (پایتخت سابق برزیل) با درجه دبیر دوم خدمت می کرد. چنانچه دانسته شده است فیلاتوف در عمل در ارتش شوروی درجه ارشدی داشته است در حالی که در کانادا خدمت می کرده و لوماکین نیز شاید هنگام خدمت در رم درجه سرگردی داشته است.

استقرار مأموران اطلاعاتی شوروی در خارجه اعم از اینکه در داخل یا خارج تأسیسات رسمی مستقر شده باشند نسبتاً پستهای پوششی اعطاء شده موجود را می توانند پر کنند. اکثریت پرسنل رسانه های گروهی شوروی در خارج، مأمورین اطلاعاتی می باشند. روی هم رفته بیش از ۶۰ درصد آنها در این سمت تشخیص هویت شده اند و این ۶۰ درصد حداقل نسبت را نشان می دهد. خبرنگاران روزنامه های پراودا و ایزوستیا و نمایندگان خبرگزاری تاس و خبرگزاری نووستی در این مقوله به شمار آمده اند.

آیروفلوت شرکت هواپیمایی غیر نظامی شوروی که در همه جا تشکیل شده و همچنان توسعه می یابد پوشش و پیشتیانی در اختیار دستگاه اطلاعاتی شوروی خصوصاً جی. آر. یو. قرار می دهد و در سالهای اخیر طبق بررسیهایی که به عمل آمده ثابت شده است که ۷۰ درصد از نمایندگان خارج از کشور آیروفلوت مأموران ستاد جی. آر. یو می باشند.

از موارد جاسوسی متعدد که در ایالات متحده علنی شده است، آمریکاییها روی هم رفته دریافته اند که سازمان ملل متحد در نیویورک و از جمله دبیرخانه بین المللی آن و مقر دائمی هیئت نمایندگی شوروی، در سازمان ملل متحد به عنوان پوششی از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی مورد استفاده قرار می گیرد. همین مدعا در مورد ادارات و سازمانهای تخصصی ملل متحد در اروپا نیز صدق می کند.

یک نمونه بارز، ستاد سازمان اقتصادی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) است که در پاریس قرار دارد.

در این سازمان بیش از ۶۰ نفر اتباع شوروی در دبیرخانه آن کار می کنند و یا وابسته به هیئت شوروی در

یونسکو می باشند. تقریباً ۲۵٪ کارمندان شوروی به عنوان مأمورین اطلاعاتی تشخیص داده شده و یا

مظنون به داشتن وابستگیهای اطلاعاتی می باشند.

نمونه دیگر آژانس بین المللی انرژی اتمی است که مقر آن در وین می باشد و از ۵۵ نفر اتباع شوروی که

در دبیرخانه این مؤسسه بین المللی به عنوان کارشناس، مترجم و غیره مشغول به کار هستند و یا از

کارمندان دائمی هیئت نمایندگی شوروی در این آژانس می باشند، تقریباً نیمی از آنها به عنوان مأموران

اطلاعاتی تشخیص هویت شده اند و یا مظنون به داشتن چنین سمتی می باشند و خطای جزئی ممکن است،

بیشتر ماهیت محافظه کارانه داشته باشد. با تصویر مشابهی نیز در ژنو می توان برخورد کرد که تمرکز

افسران کا. گ. ب. و جی. آر. یو. در مقر اروپایی سازمان ملل متحد و هیئت نمایندگی دائمی شوروی در

مقر سازمان ملل متحد در ژنو و کمیسیون اقتصادی اروپا و سازمان بهداشت جهانی و سازمان مطالعات

جوی جهانی و سازمان بین المللی کار و اتحادیه بین المللی مخابرات دور دست و غیره بچشم می خورد.

سازمانهای اطلاعاتی کا. گ. ب. و کشورهای بلوک شرقی در خارجه

در چندین نقطه به نمونه هایی اشاره خواهد شد که در آنها عمال یا کادرهای یکی از دستگاههای

اطلاعاتی کشورهای بلوک کمونیستی اروپای شرقی از عملیات اطلاعاتی شوروی علیه یک آمریکایی در کشورهای غربی پشتیبانی کرده اند. این یک نتیجه مناسبات کاری نزدیک می باشد که از قرار معلوم بین کا. گ. ب. و دستگاههای غیر نظامی کشورهای کمونیست اروپائی که مانند اتحاد شوروی، ایالات متحده آمریکا را به عنوان «دشمن اصلی» تلقی می کنند وجود دارد. (برای مقاصد این رساله، دستگاهها عبارتند از دستگاههای امنیتی آلمان شرقی، لهستان، چکسلواکی و مجارستان و تا حدودی رومانی.) لاسلو سابو، یک مأمور ارشد اطلاعاتی که از دستگاه اطلاعاتی مجارستان ای. وی. اچ (EVH) فرار کرده بود، درباره این همکاری طی ادای شهادت در کمیته مجلس نمایندگان آمریکا در کنگره هشتماد و نهم گفت: «شورویها در فواصل زمانی معین کنفرانسی با شرکت دستگاههای اطلاعاتی کشورهای بلوک در خاک اتحاد جماهیر شوروی برای بحث درباره هدفها و مشکلات اطلاعاتی، کنفرانسهایی تشکیل می دهند. کار و روابط بین دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی شوروی و کشورهای بلوک شوروی نتیجه مستقیم همکاری بین احزاب کمونیست ملی و حزب کمونیست اتحاد شوروی است و دستگاه اطلاعاتی هر یک از این کشورها با دستگاه اطلاعاتی شوروی توافق کرده است که بعضی از هدفهای وسیع اطلاعاتی را به نفع خود و به نفع دستگاههای اطلاعاتی سایر کشورهای بلوک عملی سازد. ایالات متحده آمریکا در این کنفرانسها به عنوان دشمن اصلی تلقی می شود.»

کنفرانسهای دوره ای که سالو به آنها اشاره کرده است هر سال تشکیل می شود و توافقیهای بین دستگاههای اطلاعاتی این کشورها منجر به هماهنگیهای روزانه و رهنمود از سوی یک گروه کوچک از افسران کا. گ. ب. که در ستادهای هر یک از کشورهای بلوک مأموریت دارند، ابلاغ می شود. هر چند بیشتر تأکید، مربوط به عملیات علیه تأسیسات پرسنلی آمریکا و سایر کشورهای غربی در داخل منطقه کشورهای بلوک است (و این مسئله ای است که خارج از این رساله به شمار می رود). شواهدی در دست

است که دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بلوک که در کشورهای خارجی غرب نماینده دارند گاه به گاه همکاری نزدیکی با کا. گ. ب. دارند و اغلب کادرها و عمال محلی خود را در دسترس کا. گ. ب. می‌گذارند.

در زمینه عملیات اطلاعات نظامی و به ویژه عملیاتی که به نظامیان و تأسیسات آمریکایی وابسته به سازمان و ۱

مان آتلانتیک شمالی، ۴ پیمان ۱

لانتیک، ۴ آتلانتیک شمالی (ناتو) مربوط می‌باشند، مناسبات بین، جی. آر. یو. و دستگاه‌های

اطلاعات نظامی و ۱

ویای شرقی، ۴ اروپای شرقی بسیار نزدیک است. در اجتماعات سالیانه کشورهای عضو پیمان ورشو،

توافقی دربارۀ نیازهای اطلاعاتی حاصل می‌شود. شواهدی در دست است که جی. آر. یو. و

دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای بلوک به طور منظم با یکدیگر دربارۀ تجربیات و دانش‌های فنی و

مأموریت‌های عملیاتی نه تنها در سطح ستادها و در داخل منطقه کشورهای بلوک، بلکه همچنین در غرب

از طریق مناسبات همکاری بین محلهای استقرار از مجرای وابسته‌های بازرگانی کشور مربوطه تبادل نظر

می‌کنند.

به طور خلاصه این مقدمه سعی داشته است موجودیت و تشدید مداوم خطر دستگاه‌های اطلاعاتی

شوروی علیه آمریکا و پایگاه‌های آن کشور در خارج را تشریح کرده و همچنین عناصر روسی درگیر در

بسیاری از مواضع پوششی که از طریق آنها عملیات همه جانبه خود را اجرا می‌کرده اند، شناسایی نماید.

بخش‌های بعدی اصولاً با اهداف عملیاتی دستگاه‌های جاسوسی شوروی در خارج علیه آمریکاییها،

اهداف دارای اولویت، (و آسیب پذیری آنها) و برخورد شوروی با این اهداف به طور مستقیم یا غیر مستقیم از نظر طراحی، تکنیکهای شوروی از نظر پیچیدگی و سادگی در رابطه بوده و همان گونه که خواهیم دید با شکست روبرو می شوند ولی اغلب با وارد آوردن خسارات امنیتی علیه آمریکا موفقیتهایی نیز کسب کرده اند.

هدفها و آماجهای آمریکایی در کشورهای خارج برای دستگاه اطلاعاتی شوروی

در رهنمود ستاد (دستگاههای کا. گک. ب.) ضرورت به خدمت گیری عمالی که بتوانند اسناد رسمی از پایگاههای آمریکایی برای ما فراهم کنند تأکید شده است. درباره عمالی که دسترسی به مکاتبات سری و رمزی دارند از قبیل کارمندان رمز و تکنیسینهای ماشینهای رمز و کارمندان پرونده ها و منشیها اولویت داده می شود... در این رهنمود به افسران ما دستور داده می شود که در فراهم آوردن تماسهای شخصی و مناسبات محرمانه با آمریکاییان ساکن خارج که بتوانند در داخل پایگاههای آمریکایی در خارج و یا در سازمانهای دولتی و علمی آمریکایی در ایالات متحده کار پیدا کنند روش تعرض آمیزتری در پیش گیرند. همچنین روابط محرمانه با آمریکاییان ساکن خارج که با هر سمتی در مؤسسات آمریکایی کار می کنند از قبیل مترجمان یا رانندگان و یا حتی پیشخدمتها مطلوب می باشند... این چنین شبکه های عمال برای به دست آوردن تصویر کاملی از کارمندان و برنامه های کاری داخل پایگاههای آمریکایی به کار گرفته می شود تا اسناد سری به دست آمده و دستگاههای استراق سمع در آنجا کار گذاشته شود.

اهداف

هدفهای اولیه عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییان در خارج عبارت است از به دست آوردن مطالب نوشته شده به رمز تا بتوان مخابرات رمزی را قرائت کرد و اسرار رسمی ترجیحا به شکل اسناد از طریق به کارگیری آمریکاییان اعم از کشوری و نظامی و در هر درجه ای که دسترسی به اطلاعات

طبقه بندی شده دارند به دست آورند.

البته هدفهای دیگری وجود دارد که عبارتند از: جمع آوری اطلاعات علمی و تکنولوژیکی عملاً در همه زمینه ها اعم از صنعتی و نظامی و یا آشکار و یا طبقه بندی شده به منظور حرکت در جهت رخنه و دستکاری زندگی سیاسی و عمومی آمریکا از طریق تشخیص هویت و ارزیابی آمریکاییانی که بالقوه بتوانند، اعمال اقدامات سیاسی شوند و علاوه بر این پرورش طبقات مختلفی از آمریکاییهای غیررسمی در خارج از قبیل، دانشجویان که بتوان آنها را تحت کنترل در آورد و آنها را متقاعد ساخت تا بالمآل کارهایی در تأسیسات دولتی آمریکا و از جمله خدمات اطلاعاتی و امنیتی دست و پا کنند. معذالک همه اینها نسبت به هدف اصلی یعنی به دست آوردن اطلاعات سری از پایگاههای آمریکایی در خارج به هر طریقه ممکن در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است.

انواع هدفها

در حالی که کا. گ. ب. هر گونه هدف نوید دهنده آمریکایی از قبیل یک سفیر و یا یک مأمور خدمات خارجی یا اینکه مأمور ارشد دیگر آمریکایی در خارج را مورد بی اعتنائی قرار نخواهد داد، از آیین

اطلاعاتی شوروی و عملیات گزارش شده و مشاهده شده کا. گ. ب. و جی. آر. یو. و همچنین از فتح بابهای وابسته داوطلب گیری، کاملاً روشن است که شدیدترین فعالیت شوروی متوجه کارمندان جزء مراکز دیپلماتیک آمریکا و سایر تأسیسات رسمی کارمندان نظامی آمریکایی در خارج باشند. در این طبقه وسیع منشیهای رمز، منشیهای اداری، تفنگداران دریایی محافظ و غیره از سوی شورویها به عنوان اشخاص به ویژه آسیب پذیر تلقی می شوند، زیرا (طبق مندرجات یک رهنمود کا. گ. ب.) «این اشخاص به طبقات ممتاز تعلق ندارند و از لحاظ مالی وضعشان چندان رضایت بخش نیست.»

پرسنل رمز و مخابرات

در سال ۱۹۶۱ در یک رهنمود کلی که به محلهای استقرار کا. گ. ب. در خارج فرستاده شده و به امضاء الکساندر نیوکولایویچ شلپین رئیس وقت کا. گ. ب. رسیده بود با شدت هر چه تمامتر تأکید شده بود که وظیفه اولیه دارای اولویت هر یک از قرارگاههای کا. گ. ب. عبارت است از «به کار گرفتن منشیهای رمز» در این رهنمود به نحو صریح یادداشت شده بود که «ثمربخش ترین نتایج» بدین طریق به دست می آیند. به قرارگاههای کا. گ. ب. دستور داده شود که در روی تشخیص هویت منشیهای رمز آمریکایی به قصد تماس با آنها و استخدامشان فعالیت خود را متمرکز کنند. به طوری که دانسته شده است دست کم یک قرارگاه کا. گ. ب. در غرب از ستاد کا. گ. ب. در مسکو، متعاقب رهنمود شلپین مورد پشتیبانی قرار گرفته است. این پشتیبانی به شکل یک فهرست آماده شده از منشیهای رمز توأم با نامها و اطلاعات بیوگرافیک بود که در آن زمان به کشورهای غربی برای کار اعزام شده بودند و قرار بود کوششهای قرارگاه کا. گ. ب. در مورد همین اشخاص متمرکز شود.

اکثر منشیهای رمز و سایر دستگاههای مخابراتی در خارج در مقوله «کارمندان جزء» از لحاظ درجه و حقوق قرار گرفته اند. این اشخاص اکثراً نسبتاً جوان بوده و اغلب فاقد وابستگی می باشند (اعم از اینکه

مرد یا زن باشند) و اغلب ساعات فراغت خود را در جوار یکدیگر و سایر کارمندان جوان می گذارند. برخلاف همتهای شوروی در خارج که در محدوده تأسیسات رسمی شوروی زندگی می کنند و اجازه ندارند بدون اسکورت محافظان در خیابانها دیده شوند. کارمندان سفارت آمریکا هر جا که دلشان بخواهد زندگی می کنند و آزادند هرگونه تماس اجتماعی که مایل باشند برقرار کنند و با ساکنان محل و آمریکاییان غیررسمی کشورهای خارجی که به آنجا گمارده شده اند معاشرت کنند. در چنین شرایطی شغلای تخصصی حساس آنها به نحو وسیعی دانسته می شود و در واقع برای یک قرارگاه اطلاعاتی شوروی در خارج و به ویژه قرارگاهی که از شبکه مأمورین محلی استفاده می کند تشخیص هویت و ایجاد وسایل تماس مستقیم و یا غیرمستقیم به منظور ارزیابی و در بعضی موارد کوشش برای به خدمت گیری آنها نسبتاً آسان است.

کوشش شورویها در مقابل منشیهای رمز شامل هر شکل قابل تصویری می شود و از عملیات شدیداً ناپخته تا عملیاتی که پر از ریزه کاری بوده و به خوبی تنظیم شده و بسیار پیچیده است و دست داشتن شورویها در آنها تا آخرین لحظه مخفی می ماند و قربانی مورد نظر ناگهان غافلگیر می شود، امتداد دارد. یکی از نمونه های ناپختگی شوروی به ویژه به یک شکل بسیار آشکاری در دارالسلام پایتخت تانزانیا در سال ۱۹۶۶ روی داد. ولادیمیر پوتیا توف، دبیر دوم سفارت شوروی و افسر جی. آر. یو. که گویا در

عملیات پرسنل مخبراتی تخصص داشت، به یک کارمند رمز سفارت آمریکا که در یک رستوران واقع در بلاژ از یک منشی سفارت پذیرایی می کرد، نزدیک شد. پوتیاتوف که از پرورش دهندگان با پشتکار افراد آمریکایی بود، چند هفته قبل با این منشی رمز آمریکایی ملاقات کرده و بدون شک از شکل وی آگاه بود. این مأمور شوروی زوج آمریکایی را به شام دعوت کرد و کارش به مستی کشید و آن گاه به هر دو نفر آمریکایی وعده داد که اگر آنها اسناد سفارت را به او بدهند او با پرداخت حق الزحمه آنها به دلار آمریکایی، آنها را ثروتمند خواهد کرد. او مدام پافشاری می کرد که منشی رمز با او به طور خصوصی ملاقات کند. این دو نفر آمریکایی که از مداومت پوتیاتوف بیشتر به تنگ آمده بودند تا اینکه مضطرب شد. حتی بعد از ناسزاهای مستقیم نتوانستند افسر جی. آر. یو را وادار کنند که دست از سر آنها بردارد. سرانجام یک نفر از اتباع دیگر شوروی (که مأمور شناخته شده کا. گ. ب. بود) به نزدیک میز آنها آمد و همکار خود را که از فرط مستی تلوتلو می خورد از میز آنها دور کرد. معذالک پوتیاتوف، حتی هنگامی که هشیار بود دست از سماجت خود بر نمی داشت. چند هفته بعد او در یک میهمانی شامی که از سوی یک کارمند آژانس بین المللی عمران برای چند نفر آمریکایی ترتیب داده شده بود و یکی از دعوت شدگان همان منشی رمز بود، بدن اینکه دعوت شده باشد ظاهر شد. این بار بدون آنکه لب به مشروب بزند توجه خود را معطوف این منشی رمز آمریکایی کرد. به هر حال منشی رمز، دفتر امنیت سفارت آمریکا را درباره اقدامات گستاخانه پوتیاتوف در جریان گذاشت و این مرد روسی سرانجام به کوششهای خود پایان داد.

اغلب یک طریقه غیرمستقیم شامل استفاده از عمال محلی «غیر روسی» و در زحمت قرار دادن فرد مورد نظر از طریق گرفتار کردن او در روابط جنسی از انواع گامهای اولیه مطلوب شوروی است. چند سال قبل در یک کشور آفریقای شمالی یک مأمور اطلاعات شوروی به یکی از عمال خود که یک بازرگان اروپایی بود و در آنجا سکنی داشت گفته بود که هدف اصلی او رخنه در بخش مخبرات و ارتباطات

سفارت آمریکا است. او در نظر داشت از طریق گرفتار کردن یک منشی زن در سفارت آمریکا در روابط جنسی که وی به آن عامل معرفی کرده بود به هدف خود برسد. این بازرگان اروپایی که در آن زمان آشنایی کمی با دختر آمریکایی داشت دستور گرفته بود که این دختر را اغوا کند و در مقابل این کار در صورت موفقیت پولی کلان به عنوان پاداش دریافت نماید. در این مورد او موفقیتی به دست نیاورد.

به همین ترتیب در یک کشور واقع در خاور نزدیک، یک کارمند محلی دولت که از سوی شورویها به عنوان عامل به کار گرفته شده بود دستور داشت تا با دو دختر آمریکایی که با هم بسیار نزدیک بودند و یکی از آنها منشی رمز سفارت و دیگری کارمند سیا بود ملاقات کرده آنها را برای مقاصد شوروی پرورش دهد.

مأمور شوروی این دو دختر را جذاب، مجرد و «شهروندان درجه دوم» توصیف کرده بود. مأمور شوروی هنگامی که به عامل خود می گفت که با یکی از این دو دختر گرفتاری جنسی پیدا کند، یک انگشتر الماس را به او نشان داد و گفت که اگر او بتواند مأموریت خود را به طور صحیح انجام دهد آن انگشتر الماس در اختیار او به عنوان هدیه قرار خواهد گرفت.

کا. گ. ب. به محض اینکه چشمش به یک هدف رمز یا مخابرات بخورد که حتی از دور دستخوش تلقینها یا تهدیدهای شوروی قرار می گیرد از خود سماجت و شکیبایی نشان می دهد. تکنیسین مخابرات وزارت امور خارجه ما که هر چند در آمریکا متولد شده، زمینه قومی و تربیتی اروپای شرقی داشته و

زمانی در یک هیئت آمریکایی در اتحاد جماهیر شوروی در جریان جنگ جهانی دوم سمت محقری داشته است. از آن زمان به بعد در معرض تماس در قسمتهای مختلف جهان قرار گرفته و در یک پست خارجی ثالث کوشش به عمل آمده بود که او را به کار گیرند. در این مورد به خصوص کا. گ. ب. ترتیب یک برخورد «تصادفی» در خاور دور با یک شهروند شوروی را داده بود (که این شهروند شوروی هر چند یک مأمور رسمی شوروی نبوده ولی برای این منظور تعلیم دیده بود). فرد مورد نظر آمریکایی او را شانزده سال قبل ملاقات کرده بود که آن زمان او یک الکتریسیان جوان و دوست و فرد قابل دسترس در اتحاد جماهیر شوروی بود. این بار این فرد روسی خود را به عنوان یک مدیر کارخانه تلویزیون سازی مرفه در لنینگراد معرفی کرده بود که به طور موقت برای امور بازرگانی به خاور دور آمده است. (ولی در عمل اسناد مسافرتی حاکی از آن بود که این فرد مجهز با یک گذرنامه دیپلماتیک برای انجام وظیفه موقتی از وزارت امور خارجه در آنجا حضور داشت). دومین کوشش برای تماس از طرف شوروی در اروپا دو سال بعد صورت گرفت و فرد مورد نظر، این بار یک عضو کا. گ. ب. کارشناس عملیات آمریکا و تحت پوشش دیپلماتیک بود که خود را به فرد آمریکایی با عنوان ابلغ کننده سلام و حامل نامه از طرف دوست روسیش معرفی کرده بود. این شخص جدید کوشیده بود با تلاشهای تجدید شده دنباله تماس اولیه را پی گیری کند و بساط دوستی و نزدیکی را فراهم کند. یک تماس سوم نیز که دارای حساسیت بود ۳ سال بعد در یک کشور اروپای غربی صورت گرفت. این آمریکایی بدون اینکه سوءظنی ببرد با شخصی که خود را به عنوان یک بازرگان آمریکای جنوبی دارای ریشه اروپای شرقی مانند آن آمریکایی جا زده بود ملاقات کرد و با او دوست شد. این دو نفر، قبل از اینکه چیزی اتفاق بیفتد مدت حدود هشت ماه با یکدیگر تماسهای گاه به گاه دوستانه برقرار کرده بودند تا هنگامی که پیشنهاد غیرمنتظره به کار گرفتن او عنوان شد و رد شد این پیشنهاد ظاهراً به نفع خدمات اطلاعاتی آن کشور اروپای شرقی بوده است که می خواست اطلاعاتی

«درباره تمام انواع دستگاههای رمزی آمریکا» به دست بیاورد و در برابر آن، به این آمریکایی یکه خورده پیشنهاد شده بود که امنیت مالی او تا آخر عمرش تضمین خواهد شد. اوضاع و احوال این اقدام به کارگیری که به نتیجه نرسید معلوم کرد که این فرد آمریکای جنوبی که ظاهراً تغییر تابعیت داده است عملاً یک فرد روسی «غیرقانونی» بوده است، یعنی یک مأمور اطلاعاتی که با حالت استتار در غرب زندگی و کار می کند و اسناد هویت او نشان دهنده تعلق او به یک ملیت غیر روسی و قلابی است.

مورد زیر هر چند که تازگی ندارد و در زمان خود در مطبوعات منعکس شده در اینجا با جزئیات بیشتری از سابق نقل می شود. هر چند جنبه های غیرقابل توضیح که به احتمال هرگز حل نخواهد شد، وجود دارد. کوشش شوروی برای به کار گرفتن دونالدولتان، منشی رمز، یک نمونه کلاسیک از عملیاتی می باشد که به خوبی طرح ریزی شده و از راههای مختلف انجام گرفته است و طی آن دست شوروی تا آخرین لحظه کاملاً پنهان مانده بود.

دونالد والتان، سی ساله، متولد در بروکلین و کارمند سفارت آمریکا در وین، فارغ التحصیل دانشگاه کالیفرنیا و تقاضا کننده کار به عنوان کار حرفه ای در وزارت امور خارجه و آشنا به زندگی اروپائی از زمان سکونت سابقش در پاریس به دلایل مختلفی مورد علاقه دستگاههای اطلاعاتی شوروی قرار گرفت. قبل از همه چیز، او منشی رمز بود و بدین ترتیب به خودی خود برای به کارگیری در درجه اول اولویت قرار داشت. ثانیاً پدر او از مهاجرین روسیه تزاری در ایالات متحده بود و هر چند فرزند او در خانه تنها به زبان

انگلیسی تربیت و پرورده شده بود از دید نزدیک بینانه دستگاههای اطلاعاتی شوروی ممکن بود مجالی به وجود آید که وی اندکی همدردی و همفکری نسبت به میهن پدر خودش نشان دهد. ثالثاً او یهودی بود و ظاهراً احساسات تندی درباره عملیات نازیها در جنگ جهانی دوم و علاقه به نهضتهای مقاومت در این جنگ داشت و بالاخره او به فرانسه تسلط کاملی داشت و دوست داشت که به این زبان تکلم کند و به طور کلی علاقه مند به زبانها بود. همه این عوامل علاوه بر عوامل دیگر مورد توجه، شورویها در وین از طریق تواناییهای محلی آنها برای خبرگیری از نزدیک درباره وضع کار و خصوصیات شخصی و الگوهای اجتماعی گروه جوان آمریکایی در وین از جمله منشیهای رمزی سفارت و منشیهای دیگر و دانشجویان فارغ التحصیل از دانشگاه وین و بعضی از آنهایی که کشور خود را ترک کرده و از طرق مبهمی امرار معاش می کردند قرار گرفت. عده دیگری متعلق به ملیتهای مختلف از جمله کارمندان اطریشی سفارت آمریکا با این گروه درهم آمیخته بودند. هر چند این گروه به هیچ وجه یک گروه منحصر به فرد از لحاظ معاشرتهای اجتماعی به سبک جذاب قهوه خانه های وین و کنسرتهای این شهر و ضیافتهای کوکتل نبود. معذالک شورویها در میان خود عاملی داشتند که به نحو انحصاری علیه آمریکاییهای این گروه فعالیت می کرد و از مدتها قبل اولتان را انگشت نما کرده بود و او و دوستانش را می شناخت و در زندگی اجتماعی آنها سهم بود و میل داشت به کا. گ. ب. کمک کند و قابلیت این کار را نیز داشت و به همین دلیل عملیات عجیب و غریبی در مقابل این منشی رمز به راه انداخت.

کافه زاخرو، هتل قدیمی و معروف که محل بسیار خوشایندی برای چشیدن تنقلات در ماه می ۱۹۵۸ بود، صحنه گشایش این ماجرا را تشکیل می دهد. عامل شوروی که از اتباع یک کشور اروپای غربی دوست بود که تغییر تابعیت داده بود و ریاضیدان درخشانی به شمار می رفت از یک معلم آمریکایی بیکار که از دوستان نزدیک اولتان بود و مانند او به زبان فرانسه کاملاً تسلط داشت دعوت کرده بود که برای

آشامیدن مشروب به او ملحق شود. نقشه کاملاً ساده بود و آن عبارت از این بود که یک ملاقات «تصادفی» میان این معلم و یک غریبه که در میز مجاور نشسته بود صورت گیرد. این غریبه یک فرد با قامت متوسط بود که موهای سرش اندکی ریخته بود و حدود چهل سال سن داشت و عینک دودی به چشم می زد و وضع لباسش محافظه کارانه و خوب بود و به فرانسه تکلم می کرد و خود را به نام ژوزف بک، یک بازرگان بلژیکی نیمه بازنشسته معرفی کرده بود و مدعی بود که از تنهایی رنج می برد و از صورت غذا به زبان آلمانی ناراحت است، ترتیب این ملاقات چندان دشوار نبود و ریاضیدان مورد بحث که عامل شوروی بود آن گاه معذرت خواست و رفت و اعتماد داشت که معلم آمریکایی با نهایت میهمان نوازی از بک دعوت خواهد کرد که به اتفاق اولتان در یک رستوران نزدیک شام بخورند. این دقیقاً چیزی بود که اتفاق افتاد. یک جنبه جالب توجه این عملیات شوروی آن است که بک نه در آغاز و نه بعداً مستقیماً نگاهش را به اولتان ندوخته بود، هر چند اولتان منشی رمز سفارت آمریکا در واقع هدف اول بود. پس از این ملاقات اول بر سر میز شام، بک ترتیب یک گردهمایی اجتماعی دیگر با معلم آمریکایی بدون اولتان را داد. او به خوبی می دانست هر گاه که او به اتفاق آن معلم باشد یقیناً با اولتان ملاقات خواهد کرد و در سراسر ماه مه و ماه ژوئن اوضاع بر همین منوال بود و این الگوئی از ملاقات منظم در کافه ها و قهوه خانه ها بود که به تشویق گروه متشکل از چندین ملیت که اولتان جزئی از آن بود صورت می گرفت. مکالمات ساعات طولانی، همیشه به زبان فرانسه جریان داشت (بک زبان فرانسه را به یک لهجه اسلاوی تکلم می کرد و این لهجه را به

منشأ بسارابی (واقع در مرز رومانی و شوروی نسبت می داد). شبهای آرام، بازی شطرنج و گشت و گذارهایی به یکی از میخانه های جذاب واقع در جنگل وین همچنان جریان داشت. بک، خود را یک یهودی معرفی کرده بود که در جستجوی خانه ای برای یکی از خواهران خود در اسرائیل است که می خواهد به اطیش منتقل شود. او همچنین درباره برادری که ساکن تل آویو است صحبت می کرد. بک هرگز افشاء نکرد که در وین در کجا زندگی می کند و ظاهراً هیچ کس در پی آن نبود که در این باره از او پرس و جو کند. پس از هر گردهمایی شبانه تقاضا کرد که در یک گوشه خیابانی از قسمت ویژه شهر او را پیاده کنند. بک همچنین نشانه خود را در بلژیک به کسی نداد. حتی در آن موقع که کسی در این باره از او سؤال می کرد وی چنین وانمود می کرد که او ساکن محلی در نزدیکی بروکسل است. او می گفت که تخصص کار بازرگانی او در منسوجات است ولی در این باره بحث کمتر بود و یا می توان گفت که اصلاً نبود. آنچه که او را به محفل اولتان دلبسته کرده بوده علاقه ادعایی او به همان چیزی بود که اولتان از آن لذت می برد و آن مکالمه به زبان فرانسه و موضوع زبانها به طور کلی و بحث درباره آزار یهودیان و نهضتهای مقاومت در جریان جنگ بود. بک می گفت که او عضو نهضت زیرزمینی بلژیک بود و دارد کتابی در این باره می نویسد. با توجه به آنچه که بعداً اتفاق افتاد جالب توجه و شگفت آور این است که بک ظاهراً هیچ گونه کوشش برای دیدن اولتان به تنهایی نمی کرد و عدم وجود روابط صمیمی شخصی می تواند نشانگر این واقعیت باشد که اولتان و سایر اعضای این گروه همواره دوست جدید خود را آقای «بک» خطاب می کردند، با این احساس که به کار بردن نام کوچک او ممکن است نشانه صمیمیت بیش از اندازه باشد. در زمانی قبل از ۱۲ ژوئن و پس از اینکه بک میزبان یک گردهمایی کوچک شام جهت اولتان به اضافه معلم آمریکایی و یک دانشجوی آمریکایی در رشته روان شناسی و همسر او بود از نظرها ناپدید شد و ظاهراً بدون آنکه بگوید کجا می رود وین را ترک کرده بود و تصور می شد که او به بلژیک بازگشته است

ولی هیچ کس در این باره یقین نداشت.

حدود پنج ماه بعد یعنی دقیقاً روز اول نوامبر و در زمانی که والدین اولتان از وین دیدن می کردند، بک ناگهان در آپارتمان اولتان که به طور مجرد در آن زندگی می کرد پدیدار شد. او بدون اینکه قبلاً اعلام کرده باشد و در حالی که یک بطری ویسکی به عنوان هدیه در دست داشت آمده بود. او عصبی به نظر می رسید و پس از حداقل گفتگوی پراکنده که شامل هیچ گونه توضیحی درباره غیاب وی از وین نبود او به سرعت به نکته مورد نظر خود پرداخت. او گفت که عامل شوروی است و می تواند فرصتی برای ثروتمند شدن اولتان فراهم کند. او گفت: «ما چیز زیادی از شما نمی خواهیم بلکه تنها آنچه که شما از کار خود می دانید. اولتان که به شدت یکه خورده بود و هنوز فکر می کرد که با یک فرد بلژیکی طرف است پیشنهاد او را رد کرد. بک آغاز به بحث کرد و تأکید کرد که آنها هر دو یهودی هستند و اشاره به یک «بوگروم» (کشتار به زبان روسی) که اخیراً در نقطه ای در فرانسه صورت گرفته بود کرد (معلوم نشد که این امر چه بوده است) ولی او به ویژه تأکید کرد که با فراهم کردن اطلاعات سری برای شورویها براساس یک نوبت اولتان می توانست کودتایی را انجام دهد و احتیاجی به آن نخواهد بود که درگیری بعد داشته باشد. در چنین لحظه ای مکالمات به طور غیر مترقبه ای قطع شد و معلم آمریکایی که دوست اولتان بود برای دیداری وارد منزل شد. همان طور که اغلب چنین کاری می کرد و مکالمه به امور عادی در حضور او تبدیل شد. سرانجام اولتان برای خرید آبیجو برای همه آنها از آپارتمان خارج شد و بک نیز پشت سر او رفت و آنجا در پیاده رو، بحث دوباره در گرفت و

بک به کرات پیشنهاد پول به اولتان کرد و اولتان پرسید «چند» و این سؤال بیشتر از روی کنجکاوی بود تا علت دیگر. بک در پاسخ گفت: «خودت بگو.» بک از اولتان خواست که آیا موافقت خواهد کرد بار دیگر در این باره با او ملاقات کند. هنگامی که اولتان آرام شد، بک ورقه کاغذی از جیب درآورد و آنرا به اولتان داد، بر روی این کاغذ محل ملاقات، محلی در قلب شهر نوشته شده بود. آنها با یکدیگر توافق کردند که ساعت ۳ بعد از ظهر روز پنج نوامبر با یکدیگر ملاقات کنند. اولتان که در این مرحله هنوز کاملاً اهمیت آن چیزی را که داشت اتفاق می افتاد درک نکرده بود، با دلسوزی از بک پرسید که آیا شوروها او را وادار کرده اند که برای آنها کار کند. پاسخ کاملاً غیرمترقبه بود و بک گفت که او تحت فشار قرار نگرفته و بلژیکی هم نیست: «من یک شهروند شوروی با گذرنامه شوروی هستم.» او روی خود را برگردانده و در خیابان به حرکت افتاد و از نظر ناپدید شد.

اولتان که کاملاً بهت زده شده بود به آپارتمان خود بازگشت و آنچه را که اتفاق افتاده بود به معلم آمریکایی بازگو کرد. توصیه ای که به او شده بود این بود که باید تمامی ماجرا را بلافاصله به مأمور امنیتی سفارت گزارش دهد. اولتان موافقت کرد ولی اشتباهها چنین احساس کرد که مسئولیت اولیه او این است که والدین خود و به ویژه پدر روسی خود را به بهانه ای از شهر خارج کند؛ ظاهراً او به خاطر امنیت والدینش نگران بود. این امر چند روزی طول کشید و روز چهارم نوامبر اولتان با مأمور امنیتی سفارت تماس گرفت.

برای اینکه هویت حقیقی بک، مسجل شود ترتیباتی با مقامات اطریش برقرار شده بود تا در ملاقاتی که برای روز بعد ترتیب داده شده بود، بک را دستگیر کنند. مأمورین امنیتی با لباسهای ساده در اطراف محوطه ای که محل ملاقات در آن قرار داشت مستقر شدند و هنگامی که این دو نفر ملاقات کردند، حلقه محاصره تنگتر شد. معذالک هنگامی که از بک تقاضا شد هویت خود را معلوم کند او مصونیت خود را از

دستگیری با ارائه یک گذرنامه دیپلماتیک صادره از مسکو در روز ۱۸ مارس ۱۹۵۸ به نام اشچوکین، ۴ میخائیل

اشچوکین، دبیر سوم وزارت امور خارجه مدعی شد. اطریشیها راه دیگری جز رها کردن او نداشتند. او روز بعد با هواپیما به مسکو بازگشت.

مقامات اطریش توانستند هویت اشچوکین را که ممکن بود یک اسم قلابی باشد مشخص کنند.

اشچوکین ابتدا در تاریخ ۲۸ مارس ۱۹۵۸ به عنوان کارمند هیئت نمایندگی دائمی شوروی در آژانس بین المللی انرژی اتمی که یک مؤسسه تابع سازمان ملل متحد بوده و مقر آن در وین است از مسکو به وین آمده بود.

این واقع حدود پنج هفته قبل از تاریخی بود که این شخص، به نام ژوزف بک وارد محفل اطرافیان اولتان شد. در تاریخ ۱۲ ژوئن مشخص شد که اشچوکین با هواپیما بازگشته و تا ۲۴ اکتبر به وین بازنگشته بود. از این الگوی ملاقات مسلم شد که اشچوکین عملاً به عنوان یک کارمند با وظائف دائمی در اطریش مستقر نشده بود. بدون شک به عنوان یک افسر ستاد کا. گ. ب. (و به احتمال غیر یهودی) بر عکس آن چیزی که بک خود را معرفی کرده بود، زیرا وجود یهودیها معمولاً در دستگاه جاسوسی شوروی بسیار نادر است چنین به نظر می رسید که او در پوشش دیپلماتیک برای انجام وظیفه موقتی صرفاً به منظور انجام عملیات مربوط به اولتان به وین آمده است. او در ماه ژوئن هنگامی که ظاهراً احساس می کرد که مرحله تحول را با موفقیت انجام داده به مسکو رفت و در اواخر اکتبر جهت انجام مرحله نهایی یعنی کوشش ناموفق برای به کارگیری اولتان به وین بازگشته بود. شکاف غیرعادی پنج ماهه بین کار، بر روی وابسته

منشی رمز آمریکایی و کوشش ناموفق برای به کارگیری اولتان را دشوار می توان توضیح داد. این تأخیر ممکن بود تدبیری برای حمایت از شخص اصلی ردیاب غیرروسی باشد که برای یک شغل حرفه ای در یک کشور دیگر غربی وارد مذاکره شده بود. این عامل ردیاب در واقع درست قبل از کوشش برای به کارگیری اولتان اطریش را ترک کرده بود. از سوی دیگر این تأخیر ممکن بود در نتیجه عوامل دیگر از قبیل بحث در داخل کا. گ. ب. درباره اینکه آیا اولتان حقیقتاً مستعد به کارگیری بود یا خیر باشد.

پرسنل نظامی

«رهنمود کا. گ. ب. به تاریخ ۱۹۵۹ مشخص کننده نیاز برای عمال بیشتر چه آمریکایی و چه شهروندان محلی که در... پایگاههای نظامی و سایر اهداف استراتژیک کار می کنند می باشد.»

قبلاً در این رساله اشاره شده بود که هر چند جی. آر. یو. از لحاظ عملیاتی علیه پرسنل و تأسیسات آمریکایی در خارجه فعال است، کا. گ. ب. نیز اهداف نظامی را تعقیب می کند و در واقع مأمور چنین کاری هست همان طوری که از نقل قول از یک سند کا. گ. ب. که در بالا نقل شده است برمی آید.

پرونده های دستگاههای امنیتی ایالات متحده مملو از نمونه هایی از آزمایش مستقیم و غیرمستقیم پرسنل نظامی آمریکایی در هر گوشه ای از جهان از سوی شورویها می باشد. این امر درباره افراد نیروهای مسلح که در ادارات وابسته نظامی، دریائی و هوایی در خارجه منصوب شده و به طور کلی همان خاصیت تحرک اجتماعی را در محیط محلی مانند کارمندان جوان کشوری سایر بخشهای تأسیسات دیپلماتیک مربوطه دارند، صدق می کند.

این امر همچنین در هر کجا که پرسنل نظامی آمریکایی در خارج از کشور وجود دارند از قبیل آلمان غربی، ایتالیا، اسپانیا، یونان، ترکیه، ایران، لیبی، تایلند، ژاپن و غیره صدق می کند.

هدف شوروی که عبارت است از جستجو و شناسائی نکات ضعف اخلاقی و پرورش آنها و

آسیب پذیرهای شخصی که در به کارگیری و تحت کنترل داشتن یعنی کنترلی که در درازمدت و پس از به کار گرفته شدن عامل و بازگرداندن آن به آمریکا نیز قابل اجرا باشد؛ صرف نظر از موقعیت و محل یکسان است.

در یک مطالعه ای که در سال ۱۹۶۶ تحت عنوان «انگیزه های خیانت» تهیه شده، دفتر معاون ستاد اطلاعات وزارت ارتش مقایسه منظم، عواملی را که از جنگ جهانی دوم به بعد پرسنل نظامی آمریکا را به اشتغال به جاسوسی یا تغییر جبهه (پناهندگی) به سوی اتحاد شوروی یا کشورهای بلوک کمونیستی واداشته انجام داده است. آنچه که جالب می باشد این است که در این مطالعه هیچ گونه مدرکی در مورد عملیات جاسوسی یک سرباز ارتش آمریکا که براساس تولد در یک کشور خارجی و یا ترجیحا ایدئولوژیک به خاطر کمونیسم یا تهدید خویشاوندان در مناطق تحت کنترل کمونیستها باشد وجود ندارد. معدالک مسلم شده است که پرسنل نظامی که با محیط خود جور نشده اند و یا «دلخوریهایی» داشته اند بیش از دیگران در معرض به کارگیری شوروی و سایر کشورهای متخاصم قرار گرفته اند. به عنوان مخرج مشترک در مورد همه اینها در موارد جاسوسی و پناهندگی عواملی نظیر، روابط جنسی و مشروبات و اشکالات زناشویی و عدم بلوغ شخصی و بدهکاری در میان بوده است بزرگترین انگیزه در به کارگیری برای جاسوسی حرص پول بوده است.

این کشفیات به میزان قابل ملاحظه ای با آیین اعتقادی اطلاعاتی شوروی تطبیق می کند. در یک سند رسمی شوروی این موضوع چنین تشریح شده: «در پرورش کاندیداهای به کارگیری، کا. گک. ب. شدیداً توصیه می کند که از عواملی نظیر بهره برداری ماهرانه از عدم تأمین مالی و نیازهای مادی و ضعف در مقابل مشروبات الکلی و همچنین قمار و عوامل دیگر آسیب پذیری استفاده شود.»

رابرت ال. جانسون، سرگروهان ارتش که در سال ۱۹۶۵ از سوی اف. بی. آی. دستگیر شده و در حال حاضر دوران محکومیت ۲۵ سال زندان خود به خاطر جاسوسی را می گذارند، یکی از نمونه های اصلی سربازانی است که با مقامات مافوق «درافتاده» و در پی گرایش به شورویها بوده ولی در عوض عاقبت کارش به خدمت به شورویها به عنوان یک عامل چه در اروپا و چه در آمریکا به مدت بیش از ۱۰ سال منجر شد. در جریان این ۱۰ سال آن طوری که خود او برآورد کرده است وی حدود ۲۵ هزار دلار دریافت کرده است و از نظر شوروی این پولی بود که بجا خرج شده است.

جانسون، که محصول یک خانواده از هم پاشیده و یک اخراج شده از مدرسه می باشد، در مدت ۱۰ سال خدمت در ارتش با انواع و اقسام مشکلات شخصی و حرفه ای تا اوائل سال ۱۹۵۳ دست به گریبان بود و در این زمان به یک واحد پیاده نظام مستقر در برلین غربی پیوست. او از یک معشوقه متولد اطریش که سابقه فساد اخلاق و تزلزل فکری و یک فرزند نامشروع داشت حمایت می کرد. در همه کوششهایی که برای گرفتن اجازه ازدواج به عمل آورده بود موفقیت نداشت و او چندان امیدوار هم نبود. در مأموریتهایی که در واحد نظامی به او می دادند او دچار یک سلسله ناکامیهای واقعی و خیالی شده بود که به عقیده او تقصیر مافوقهایش بوده است. او بالاخره به این مرحله رسید که آن طوری که خود می گوید: «من دیگر نمی خواستم سر و کار بیشتری با ارتش یا طرز زندگی آمریکا داشته باشم... و در حالی که این همه عوامل در مغز من بود من تصمیم گرفتم از شورویها پناهندگی سیاسی بگیرم». چنین کوششی در برلین شرقی به

عمل آمد، ولی جانسون به آسانی متقاعد شد تا در محل خود به عنوان یک عامل جاسوس شوروی باقی بماند. اندکی بعد از آن او اجازه ازدواج گرفت و حکم انتقال به فرماندهی برلین بخش ۲ (ضد جاسوسی) را به عنوان منشی مسئول پرونده ها دریافت کرد. در این سمت جدید او به نحو منظم اسناد طبقه بندی شده را با یک دوربین عکاسی جاسوسی کوچک، عکسبرداری کرده سپس از همسر خود به عنوان پیک برای انتقال دادن فیلم مربوطه به شورویها استفاده کرد. در این دوران در مقابل پرداخت نقدی، جانسون، جیمز آلن، میتکنبائو را که او هم یکی از منشیهای بخش ضد جاسوسی بود به کار گرفت و بعدها وی را به سرویس اطلاعاتی شوروی معرفی کرد تا وی را در کارهای جاسوسیش یاری دهد. (در سالهای بعد از آن جانسون و میتکنبائو هر دو با هم و به طور جداگانه برای شورویها کار می کردند. حتی پس از سال ۱۹۵۶ هنگامی که میتکنبائو برای مرخص شدن به آمریکا بازگشت. میتکنبائو همزمان با جانسون دستگیر شد و هر یک به ۲۵ سال زندان محکوم شدند). هر چند همه کارهای جانسون برای شورویها ارزش داشت، نقطه اوج حرفه ای جاسوسی او در هنگامی بود که وی به بخش انتقال پیک نیروهای مسلح در اورلی، ۴میدان اورلی نزدیک پاریس مأموریت یافت و این یک نقطه انتقال برای ارسال مکاتبات پستی مهر و موم شده که بیشتر آنها طبقه بندی شده بودند، بین دستگاههای نظامی آمریکا در اروپا و ایالات متحده آمریکا بود. این سرویس انتقال پیک همچنین به وسیله سایر نهادهای دولتی آمریکا مورد بهره برداری قرار می گرفت. جانسون از ماه مه سال ۱۹۶۱ درباره خدمات پرسنل پیک با ارزیابی خودش گزارش می داد (و بدین

ترتیب تعداد چشم اندازه‌های بالقوه را برای به کارگیری توسط آنها فراهم می کرد) و بخش قرارگاه‌های پیکها را عکس برداری کرده و توصیف می کرد و همه اینها مقدمه هدف واقعی شوروی بوده و نمایانگر رخنه دزدکی شوروی به داخل قرارگاه پیکها برای دسترسی به پاکتهای داخل کیسه اسناد طبقه بندی شده بود. جانشون برای اینکه این عمل را انجام دهد داوطلب شد برای روزهای پایان هفته در این قرارگاه خدمت کند و در این زمان او شبها تنها بسر می برد و دسترسی به محوطه خارج زیر زمین قرارگاه را داشت. جانشون با استفاده از چاپ مومی، کلیدی که برای باز کردن قفل به کار می رفت و با به کار بردن یک دستگاه رادیو اکتیو تحویل شده از سوی شوروی برای عکسبرداری با اشعه ایکس از قفل ترکیبی و خواندن عناصر ترکیب دهنده آن در نوامبر سال ۱۹۶۲ به خود زیر زمین که قرارگاه اسناد طبقه بندی شده بود دسترسی پیدا کرد و پاکتهای کیسه مکاتبات سری را در اختیار شوروی قرارداد و هر بار او تا میزان ۱۵ پاکت اسناد طبقه بندی شده تا مرحله به کلی سری را از قرارگاه بیرون برده و با استفاده از تاریکی شب به فرد روسی مورد تماس خود که اندکی با او فاصله داشت منتقل می کرد. این پاکتها چند ساعت بعد، پس از اینکه شورویها آنها را باز کرده و از محتویات آنها عکسبرداری می کردند دوباره به جانشون بازگشت داده می شدند. کارشناسان اسناد کا. گ. ب. از مسکو به پاریس اعزام شدند تا مطالب باارزشی را که جانشون در اختیار آنها گذاشته بود کشف رمز کنند و کار بسیار ظریف باز کردن اسناد و مهر و موم کردن مجدد پاکتها نیز از سوی شورویها انجام می گرفت. در اواخر پاییز ۱۹۶۳ شورویها به دلایل امنیتی، عملیات مربوط به قرارگاه سری اسناد را معلق گذاردند ولی در نظر داشتند هنگامی که شبها درازتر می شود، فعالیت خود را از سر گرفته و توسعه دهند، ولی در آن زمان جانشون از اورلی منتقل شده بود.

مورد زیر که شامل به کارگیری یک سرباز ساده می باشد با جزئیاتی کامل به عنوان یک نمونه برجسته از ردیابی کامل قبلی و ارزش یابی دستگاه اطلاعاتی شوروی و بهره برداری از نقاط ضعف اخلاقی و طمع

برای پول و کاربرد و روش تهدید به فشار بر اساس اطلاعات لازمه شرح داده شده است.

نخستین آمریکایی سیاهپوست که تاکنون به خاطر جاسوسی محاکمه شده است، دروموند، ۴۰ ساله، در سال ۱۹۶۳ به خاطر خیانت به کشور خود در مقابل پرداخت حدود ۲۴ هزار دلار از سوی شورویها در یک دوران پنجساله، به حبس ابد محکوم شده است. هر چند حرفه ناپاک او در اواخر یکی از شبهای سپتامبر ۱۹۶۲ در محوطه پارک یک رستوران در لارچمونت نیویورک هنگامی که اف. بی. آی که از مدتی پیش در تعقیب او بود به پایان رسید و او هنگام ارتکاب انتقال اسناد نیروی دریایی به یک افسر ستاد جی. آر. یو که خود را به عنوان یک دیپلمات جا زده بود دستگیر شد، آغاز لغزش و سرازیری او به سوی جاسوسی و انحطاط نهایی در حقیقت در لندن، در فاصله ۳ هزار مایلی از محل دستگیری صورت گرفت. دروموند، در اواخر پائیز ۱۹۵۷ یک منشی اداری ۲۸ ساله در ستاد میدان گراسونور، فرماندهی نیروی دریایی در انگلستان و اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه (در آن زمان به عنوان (CINCNELM) شناخته می شد) بود. سمت او به عنوان ترخیص اسناد به کلی سری، دسترسی او را به اسناد طبقه بندی شده آمریکایی نیروی دریایی و ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) تسهیل می کرد. ولی علیرغم سمت مورد اعتماد، او این ملوان تنومند که موی سرش تا اندازه ای ریخته بود و یک سیل مرتب و منظمی نیز داشت دارای عیوب اخلاقی و آسیب پذیری به عنوان یک فرد بود. یکی از آن عیوب آن بود که دروموند قمار باز بود و مدام با مشکلات مالی کلنجار می رفت و این امر او

را به قرض کردن پول از هر کسی که می توانست به او قرض بدهد کشاند. بدهیهای او بر رویهم انباشته شد. او به فروش مشروبات و سیگار از فروشگاه نیروی دریائی آمریکا در بازار سیاه می پرداخت. مخارجی وجود داشت که بایستی پرداخت می شد، هزینه رفتن به میخانه های لندن و شبهای میگساری در یک نقطه بدنام به نام سانست کلوپ باید جبران می شد. در همین جا بود که او با یک پیشخدمت روسپی که یک فرزند نامشروع نیز داشت ملاقات کرد. این زن بدون اینکه در هیچ یک از حرفه های خود، کار بکند مدت یک سال در چندین آپارتمان ارزان قیمت با او زندگی می کرد. دروموند بالاخره او را از نزد خود راند و دست به یک سلسله خوش گذرانیهای مداوم در کوچه پس کوچه ها زد و با بعضی از آنها بسیار با خشونت رفتار می کرد، به طوری که هیچ یک از آنها هر بار بیش از چند روزی پیش او نمی ماندند. دروموند روی هم رفته یک شخص فاسدالاخلاق بود و در جریان ساعات خارج از خدمت هنگام رفتن به محلهای متفاوت با چنین خصوصیتی معروف شده بود. شوروپها از طریق چشم و گوشهای ردیاب عمال خود که همواره در شهرهای بیگانه آنها را حفظ می کنند، نسبت به این شخص و شغلش و نقطه های ضعف و کارهای عادی روزانه اش آشنایی کامل پیدا کردند. بقیه کار بسیار آسان بود.

یک شب دروموند هنگامی که لباس غیرنظامی به تن داشت و به سوی خانه خود واقع در خیابان بلیس واتر می رفت و می خواست سوار قطار زیرزمینی شود، یک نفر بیگانه که ظاهر دوستانه ای داشت به او نزدیک شد و باب مکالمه را با او گشود و مجبور شدند به یک میخانه نزدیک بروند، برای بیش از یک ساعت این مرد غریبه پول مشروبهای دروموند را به نرخ هر گیلان یک دلار پرداخت کرد. ملوان سیاهپوست آمریکایی به آسانی پیشنهاد او را برای اینکه شب دیگر در همان مکان با یکدیگر مشروب بخورند پذیرفت. دربار دوم، مشروبخوری به درازا کشید و حدود پنج ساعت ادامه داشت. مرد غریبه بار دیگر حساب او را پرداخت. دروموند پنج سال پس از دستگیریش اظهار داشت فکر می کرد مردی که به او

کممک می کرده انگلیسی بوده است. بعدها اعتراف کرد که متوجه لهجه او شده بود ولی زیاد به آن اهمیت نداده بود، چون تعداد خارجیها و تعداد لهجه های خارجی در لندن زیاد است. به هر حال او اصلاً فکر نمی کرد که دوست جدیدش روسی باشد و در این مورد هم سؤالی ننمود و حتی اسم او را نیز نپرسید. حتی در پاسخ به اینکه آیا مایل است با تهیه یک کارت هویت نیروی دریایی به طور غیر قانونی ۲۵۰ پوند به دست آورد تا دوستان وی بتوانند وارد مرکز مبادله اطلاعات نیروی دریایی شوند در حالت مستی پاسخ مثبت داد. او پول را گرفت و بدون آنکه تردیدی به دل خود راه بدهد رسید آنرا امضاء کرد و مرد بیگانه به او گفت که او این رسید را برای ارائه به «خودیها» برای اینکه ثابت شود پول به کجا رفته است لازم دارد.

یک هفته یا ده روز بعد هنگامی که مرد غریبه در همان میخانه با او برخورد کرد دروموند نتوانست کارت شناسایی نیروی دریایی را ارائه دهد و در واقع او وسیله ای برای دسترسی به چنین کارتی نداشت. به او وعده داده شده بود که اندکی بیشتر صبر کند و در ملاقات چهارم هنگامی که ملوان هنوز هم نمی توانست این کارت را فراهم کند اقدامات بالا گرفت و مرد بیگانه به او گفت که بهتر است با او بیاید و این دو مرد چند بلوک دیگر پیاده راه را طی کردند تا به جایی رسیدند که ملوان ابتدا تصور کرد یک ساختمان مجلل خصوصی است. سپس آنها در امتداد یک جاده خصوصی حرکت کردند و آن گاه به یک مدخل جنبی رسیدند. در اتاقی در پشت طبقه اول مرد غریبه به دروموند گفت بنشینید و خود را به عنوان یک سرهنگ ارتش شوروی معرفی کرد. (بدون آنکه نام خود را افشاء کند). او اصل رسید دریافت ۲۵۰ پوند را که متن

آن تغییر یافته، شامل عبارتهائی مبنی بر آن بود که امضاء کننده موافقت کرده است اسناد و یک کارت نیروی دریایی را فراهم کند، به او نشان داد و گفت که اگر دروموند از تحویل اسناد طبقه بندی شده از محل کار خود در ستاد نیروی دریایی آمریکا برای انگلستان و ناتو خودداری کند او را به عنوان کسی که در بازار سیاه فعالیت دارد بر ملا کرده و رسید امضاء شده دروموند را به مقامات تحویل خواهد داد. این ملوان که کاملاً بیمناک شده بود موافقت کرد و رسید دیگری برای دریافت ۵۰ پوند امضا کرد و آن گاه او را از یک درب جنبی خارج کرده به یک اتومبیل که در انتظار او بود نشانند و این اتومبیل او را از طریق یک راه دیگری به خیابان دیگری برد و آن گاه پس از مدتی رانندگی به طور پراکنده، او را در گوشه یک کوچه پیاده کرد. ظرف چند هفته بعد از آن یک اتومبیل که به وسیله راننده ای هدایت می شد دوباره هنگامی که دروموند در امتداد خیابان بلیس واتر حرکت می کرد کنار او نگهداشت و از او خواستار اسناد وعده داده شده از ستاد نیروی دریایی آمریکا در انگلستان و ناتو شد. عدم امکان دروموند برای تحویل اسناد مورد تقاضا منجر به برخورد دیگری با این سرهنگ در محلی شد که ملوان آمریکایی پی برده بود که سفارت شوروی است.

تهدیدها این بار شدیدتر بود. پرداخت دیگری به عمل آمد و یک رسید جدید امضاء شد که به ویژه شامل وعده فراهم کردن اطلاعات طبقه بندی شده از ستاد میدان گراسونور که همان ستاد آمریکا در ناتو بود می شد. در آن مرحله (یا شاید زودتر برای اینکه اعترافهای بعدی دروموند را نمی توان کاملاً قابل اتکاء تصور کرد) انتقال منظم مطالب حساس آغاز شد. تکنیک کار همیشه یکسان بود. او در روزهای تعیین شده ای با دو نفر تبعه شوروی در یک اتومبیل که در کنار او در خیابان بلیس واتر توقف می کرد ملاقات می نمود. او اسناد را به فرد روسی که در صندلی عقب نشسته بود تحویل می داد و این فرد روسی بزودی بعد از آن در یک گوشه خیابان پیاده می شد و ناپدید می گردید. راننده اتومبیل (که به گفته دروموند هرگز حرف

نمی زد) آن گاه بدون هدف در خیابانهای لندن در حالی که ملوان مسافر او بود رانندگی می کرد و سرانجام برای سوار کردن آن فرد دیگر روسی که تا آن موقع از اسناد عکسبرداری کرده و اسناد را به دروموند باز می گرداند باز می گشت و آن گاه دروموند بدون آنکه کسی متوجه او شود با پرونده های ستاد نیروی دریایی باز می گشت. دو ملاقات دیگر در سفارت شوروی با سرهنگ مورد بحث صورت گرفت. در ملاقات اول، رسیدی به مبلغ ۳۰۰ دلار که شامل فهرست دقیق اسنادی بود که او فراهم کرده بود امضاء کرد. ملاقات دوم که بعد از مارس ۱۹۵۸ روی داد، اندکی بعد از تاریخی بود که دروموند به یک شغل غیر حساس که او را از دسترسی اطلاعات طبقه بندی شده محروم می کرد منتقل شده بود. سرهنگ به دروموند اخطار کرد که او به خاطر موضوعاتی که با کار او برای شورویها ارتباط ندارد، تحت تعقیب است و بنابراین تماس به طور موقت به عنوان یک تدبیر احتیاطی قطع خواهد شد. این بار مبلغ ۵۰۰ دلار به او پرداخت شد (اخطار شوروی بسیار جالب است. زیرا صحیح بود که دروموند در این زمان یکی از چند نفری در محوطه کار خود در دفتر اطلاعات دریایی بود که به مناسبت ناپدید شدن چند سند تحت تعقیب قرار گرفته بود و دلیل انتقال او به یک کار جدید هم همین بود. ظاهرا شورویها از منابع دیگر، اطلاعاتی از داخل این دستگاه به دست آورده بودند. دروموند بعدا از هر گونه سوءظنی مبرا شد به طوری که او می گوید اسنادی که در محل نگهداریشان پیدا نشده بود جز آن اسناد نبود که او به شورویها داده بود).

ترتیب زمانی دقیق معلوم نیست ولی قبل از اینکه دروموند به ایالات متحده در ماه مه ۱۹۵۸ منتقل

شود او دستوراتی از شوروی برای برقراری تماس مجدد با جی. آر. یو در نیویورک دریافت کرد. به طوری که خود او روایت می کند این دستورات به وسیله شخصی که هویت او معلوم نبود و هنگامی که او در یک اتاق محل استراحت در بندر سوتامتون اندکی قبل از اینکه سوار کشتی شود به طور کتبی به او داده شده بود. او همچنین یک دستبند با نقش سر اسب که قرار بود در محل قرار ملاقات مجدد در محله هارلم نیویورک به برگردان یقه بزند تا هویت او مشخص شود و طرف روسی نیز همان دستبند را به برگردان یقه خود خواهد زد و همچنین دستوراتی که شامل عبارتی برای شناسایی متقابل بود، دریافت نمود.

این مطالب مربوط به داوطلب گیری و بهره برداری از این آمریکایی در خارج و طریقه او برای انجام عملیات مداوم جاسوسی برای شورویها در ایالات متحده کافی است. تماس مجدد در نیویورک طبق برنامه پیش بینی شده برای چهار سال آینده در جریان سفرهای مأموریتی دروموند به بوستون و نورنوک و سرانجام پایگاه نیروی دریایی آمریکا در نیوپورت، رودآیلند به وسیله ۳۰ تا ۴۰ ملاقات مخفیانه با ۳ مأمور متوالی مخفی اطلاعاتی شوروی که همه آنها برای او با عنوان «ما یک» شناخته شده و همه آنها نمایندگان رسمی شوروی بودند که در مقر اتحاد شوروی در سازمان ملل متحد کار می کردند، صورت گرفت. ملاقاتها به طور عمده در محدوده نیویورک بود و دروموند مقادیری اسناد طبقه بندی شده که مهمترین آنها از پرونده های واحد تکنیکی و الکترونیکی سیار در پایگاه نیوپورت به دست آمده بود به شورویها انتقال داد. این اسناد درباره تجهیزات رادارهای دریایی و اطلاعات مربوط به تدبیرهای متقابل الکترونیکی و سیستمهای کنترل اسلحه و غیره بود. بزودی پس از اینکه دروموند دستگیر شد چنین برآورد شد که هزینه تجدید نظر و صدور مجدد کتابهای دستی و انتشارات مربوط به نیروی دریایی به تنهایی بیش از ۲۰۰ میلیون دلار تمام شده بود.

در نتیجه دستگیری که در سپتامبر ۱۹۶۲ در لارچمونت صورت گرفت، دو افسر جی. آر. یو از ایالات

متحدہ اخراج شدند۔ یکی از آنها «مایک ۳» بود کہ اسم اصلی او یوگنی میخایلوویچ پروخوروف دبیر دوم ہیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل متحد بود و دیگری همکاری بود کہ در آن نزدیکیها بہ عنوان یک ناظر متقابل پرسہ می زد و اسم او ایوان پاکولوویچ ویرادوف بود کہ بہ عنوان دبیر سوم ہیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل متحد انجام وظیفہ می کرد۔ دو افسری کہ در ابتدا در ایالات متحدہ با دروموند کار می کردند و ہر دو آنها قبلاً ایالات متحدہ را طبق رسم معہود تغییر مأموریت، ترک کردہ بودند بہ نامہای میخائیل استپانوویچ ساولف، دبیر اول ہیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل متحد تا سپتامبر ۱۹۶۱ و دیگر وادیم ولادیمیروویچ سوروکین، دبیر سوم ہیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل بود کہ در ماہ مہ ۱۹۶۲ ایالات متحدہ را ترک کردہ بود۔ این دو بہ نامہای «مایک ۱» و «مایک ۲» ہر دو افسران ستاد جی۔ آر۔ یو بودند۔

تفنگداران دریایی

تفنگداران نیروی دریائی کہ بہ عنوان محافظ در تأسیسات دیپلماتیک در خارج خدمت می کنند، اہداف بسیار جالبی برای دستگاہہای اطلاعاتی شوروی ہستند و این بہ علت دسترسی آنها بہ ترکیبات گاو صندوق و حضور آنها (گاهی بہ تنہایی) در سفارتخانہ ہا ہنگام کشیک شب و توانایی آشکار آنها در صورت بہ کارگیری برای نصب میکروفون و سایر دستگاہہای استراق سمع و فرستندہ می باشد۔

هر چند پرسنل تفنگداران دریائی که به عنوان محافظ انجام وظیفه می کنند به خاطر وظایف خود در خارج آمریکا دستچین شده و آموزش ویژه دیده و تحت تعلیمات امور مربوط به امنیت قرار می گیرند، بیشتر آنها جوان و مجرد هستند و در ساعات خارج از کشیک خود اغلب در شهر «پرسه می زنند.» آنها به نحو اجتناب ناپذیری در معرض وسوسه هایی قرار می گیرند که شورویها می توانند در سر راه آنها قرار دهند. آنها ممکن است به وسیله اشخاص محلی که از عمال دستگاه اطلاعاتی شوروی می باشند مورد تماس قرار گرفته و اغلب خود شورویها نیز ممکن است با آنها تماس بگیرند. در هر قسمتی از جهان مواردی از تماس هر دو نوع صورت گرفته و کوششهایی برای به کارگیری آنها به عمل آمده است.

علاقه شوروی به تفنگداران دریائی اغلب در شرایطی که برای عمال شوروی ارائه شده آشکار گردیده است. به عنوان مثال در ماجرای رخنه کا. گک. ب. به سفارت آمریکا در بروکسل، که اخیراً فاش شده است (بعدا در این بخش شرح داده خواهد شد) از عامل محلی که کارمند بود خواسته شده بود که موقعیت همه پستهای تفنگداران دریائی در داخل سفارت تشریح شود و جزئیات برنامه معاوضه محافظان تهیه شود. در وین یک عامل اطریشی کا. گک. ب. که در جریان استخدام خود به تأسیسات و پرسنل آمریکایی دسترسی داشت دستور گرفته بود اشخاصی از دو مقوله را در داخل سفارت پرورش دهد و این دو مقوله عبارت بودند از شهروندان محلی که به عنوان اپراتور تابلوی کنترل کار می کنند و پرسنل تفنگداران دریایی. چند سال قبل در وین یک تیم والیبال متشکل از افراد تفنگداران دریایی قرار بود با یک تیم والیبال محلی شوروی مسابقه دهد. مسابقه اول در یک پایگاه موقتی در نزدیکی محل سکونت تفنگداران دریایی صورت گرفت و شورویها بعداً از تیم والیبال آمریکایی دعوت کردند که بار دیگر در داخل محوطه مسکونی شوروی در محل، مسابقه ترتیب داده شود و این خود یک رفتار بی سابقه بود که هدف آن در نهایت وضوح، دادن امکان به کارشناسان عملیاتی کا. گک. ب. نسبت به تأسیسات آمریکایی برای پرورش

تفنگداران از لحاظ اجتماعی و گشودن راه جهت تماسهای اجتماعی بعدی و ارزیابی و گسترش آنها بود.

برای اینکه این مسابقه شکل یک جشن را داشته باشد، عملاً هم اعضای جامعه اتباع شوروی در اطریش همراه با همسران و کودکان خود در این مراسم حضور داشتند و قبل از انجام بازی نمایش یک فیلم صورت گرفت و پس از انجام گرفتن بازی، نوشابه و سایر مأكولات و مشروبات تعارف شد. مأموران کا. گک. ب. و به ویژه آنهایی که در رابطه با عملیات آمریکاییها شناخته شده بودند، در میان میهمانان خود از تفنگداران دریائی و سایر آمریکاییهایی که حضور داشتند می گشتند و سرگرم گپ زدن و پرسش و در ضمن برآورد چشم اندازه‌های بالقوه فعالیت خود بودند. یک عکاس شوروی در محوطه پرسه می زد و از آمریکاییها عکس می گرفت. بعداً چندین فقره کوشش برای دنبال کردن تماسهایی که بدین مناسبت برقرار شده بود، به ویژه در یک زمین بازی بولینگ که تفنگداران دریائی و سایر آمریکاییان اغلب به آن سر می زدند به عمل آمد. مأموران اطلاعاتی شوروی بدون آنکه از آنها دعوتی شود وارد محوطه می شدند و تقاضا داشتند به آنها آموخته شود که چگونه این بازی را انجام دهند و آن گاه برای نوشیدن نوشابه از آنها دعوت می کردند و برای مناسبات اجتماعی بعدی از این آمریکاییان دعوت به عمل می آوردند.

چند سال قبل در جزیره قبرس، تفنگداران دریایی به یک «بار» که صاحب آن بعداً عضو حزب غیرقانونی کمونیست قبرس و یک مأمور اطلاعاتی شوروی از آب درآمد سر می زدند. این شخص به طوری که معلوم شده است عده ای از تفنگداران دریائی آمریکا را به مأموران اطلاعاتی شوروی که در

قبرس مستقر بودند و یکی از آنها مأمور جی. آر. یو شوروی به نام رانوف، ۴ نیکولای ایوانویچ رانوف بود که به زبان انگلیسی به روانی تکلم می کرد و با نهایت موفقیت هنگام معرفی نقش یک بازرگان اروپائی را ایفا می نمود معرفی کرد. رانوف در واقع در زیر پوشش نماینده محلی آیروفلوت شرکت هواپیمائی شوروی انجام وظیفه می کرد و حکومت قبرس در ماه مارس ۱۹۶۷ او را به اتهام جاسوسی از قبرس اخراج کرد. در کپنهاگ پایتخت دانمارک کوششی از سوی شوروی برای برقراری مناسبات با یک تفنگدار دریائی سفارت آمریکا صورت گرفت که نحوه آن بسیار ساده و خلع سلاح کننده بود، یک افسر کا. گ. ب. به نام الکساندر ایوانویچ روکانوف همراه با گروهی از متقاضیان رواید برای آمریکا به سفارت آمریکا آمد و این یک دیدار عادی برای سمت پوششی او به عنوان کنسولیار بود. هنگامی که روکانوف در اتاق پذیرایی در انتظار به سر می برد، با تفنگدار دریائی آمریکا که سرگرم انجام وظیفه بود وارد گفتگو شد و در جریان آن او نام و درجه و نشانی و شماره تلفن خود را به این تفنگدار نیروی دریائی داد. دو روز بعد او با این تفنگدار دریائی در محل اقامتش تماس تلفنی گرفت و او را به یک نمایشی که قرار بود چند روز بعد انجام گیرد دعوت کرد.

تفنگدار دریایی این دعوت را به مقامات مسئول گزارش داد و آنها به او گفتند که این دعوت را نپذیرد و او بعداً به روکانوف گفت که دیگر مزاحم او نشود.

در سال ۱۹۶۲ در جا کارتا پایتخت اندونزی الکساندر ویچ روسف چندین بار کوشیده بود تا پرسنل تفنگداران دریایی را پرورش دهد و در یک مورد هم می خواست آنها را برای مقاصد شوروی به کار گیرد. روش او از این قرار بود که در «بار» یک هتل محلی با تفنگداران دریائی تماس گرفته و پول مشروبات آنها را بپردازد و همراه آنها برای تماس های اجتماعی بیشتری روانه اقامتگاههای آنها شود. او پیشنهاد کرده بود که یکی از این تفنگداران دریائی را همراه خود به یک گردش در ایام پایان هفته برده و همراهانی از

جنس مؤنث برای او ترتیب دهد. نقطه اوج این ماجرا هنگامی صورت گرفت که او یکی از تفنگداران دریائی را در یکی از خیابانهای جاکارتا متوقف کرده و پس از یک مکالمه طولانی کوشید تا برپایه پرداخت های کلان، او را برای فراهم کردن اطلاعاتی که به عنوان رئیس نیروی محافظان در اختیار دارد و از جمله افشای پرسنل نیروی اطلاعاتی آمریکا در اندونزی به کار گیرد.

منشیا و کارمندان آرشو بایگانی

منشیهای مؤنث و کارمندان بایگانی در تأسیسات دیپلماتیک و سایر تأسیسات رسمی آمریکا در خارج به عنوان اهداف مناسب از سوی کا. گ. ب شناخته می شوند و این امر به علت دسترسی آنها به اسناد طبقه بندی شده و به ویژه تلگراف و همچنین به علت آسیب پذیری بالقوه آنها در مورد ماجراهای عشقی اعم از اینکه با خود شورویها باشد (همچنان که این مورد اتفاق افتاده) یا با اتباع غیر شوروی که به نفع کا. گ. ب. کار می کنند، می باشد.

یک مأمور کا. گ. ب. در یک کشور اروپای غربی دو نفر از عمال محلی خود را مأمور کرد تا از منشی سفیر آمریکا برای تهیه اطلاعات استفاده کنند. او به ویژه می خواست نشانی محل سکونت این منشی زن را بداند و همچنین می خواست بداند این منشی زن در چه ساعتی هر روز سفارت آمریکا را ترک می کند و مسیر بازگشت او به محل اقامتش چیست. در اینکه کا. گ. ب به چه ترتیبی می خواست از این اطلاعات

بهره برداری کند معلوم نشده است. زیرا این منشی زن به پایان دوران مأموریت خود نزدیک می شد و چند هفته بعد از آن محل مأموریت خود را ترک کرد.

در اوائل ۱۹۶۷ یک کارمند بایگانی مستقر در مصر به نحو غیر منتظره ای با ویکتور آی. ولاتسکوف دبیر سوم سفارت شوروی و مأمور اطلاعاتی که هرگز او را قبلاً ندیده بود برخورد کرد. توضیحی که مأمور شوروی برای دیدار از او داد بر آن دلالت می کرد که شورویها او را کشف کرده (و ظاهراً به نحو دقیقی ارزیابی کرده بودند) و این عمل مربوط به ۵ سال قبل بود. در سال ۱۹۶۲ این زن آمریکایی که در آن زمان در خاورمیانه مأموریت داشت با یک قایق تفریحی در دریای سیاه روانه یالتا شده بود. در جریان این سیر تفریحی با قایق او با یک غیر نظامی شوروی ملاقات کرد که با او مناسبات دوستانه برقرار کرده بود. آنها نشانیهای یکدیگر را مبادله کرده و مدت یک سال به نحو پراکنده با یکدیگر مکاتبه می کردند. آخرین نامه او به مأمور شوروی در اتحاد جماهیر شوروی یک کارت تبریک جشن کریسمس در سال ۱۹۶۳ بود که در آن زمان این زن سمت جدیدی در همان منطقه داشت. ۴ سال بعد از آن هنگامی که ولاتسکوف به او نزدیک شد، او این داستان ظاهراً ساختگی را که فاقد پایه و اساس بود برای او عنوان کرد که دوست او که در سیر و سیاحت یالتا همراهش بود اخیراً با یک کشتی روسی که مدت کوتاهی در مصر لنگر انداخته بود حضور دارد و از ولاتسکوف خواسته بود تا دنبال منشی آمریکایی که به عقیده او باید «در نقطه ای در خاورمیانه باشد» تماس بگیرد.

ولاتسکوف موفق شد با این زن آمریکایی در دو اجتماع بسیار پر حرارت ملاقات کند و در جریان آن جذابیت شخصی قابل ملاحظه ای از خود نشان داد و گفت او مایل است مناسبات آنها ادامه یابد. معذالک، خوشبختانه این زن آمریکایی مراتب را به مقامات مافوق خود گزارش داد و به تماس بین این دو خاتمه داده شد.

یک نمونه دیگر از همین نوع تماس که نشانه ای از طرح ریزی قبلی بود در یک پست آمریکایی در خاور دور در سال ۱۹۶۷ اتفاق افتاد. یک فرد روسی که خود را از دیدارکنندگان یک نمایشگاه محلی معرفی می کرد به یک منشی آمریکایی در دفتر آژانس بین المللی عمران تلفن کرد. او گفت که مایل است با او ملاقات کرده و نامه ای از یکی از خویشاوندان دور دست او در جمهوری لاتویا به او تسلیم کند. منشی آمریکایی با او ملاقات کرد و یک نامه و یک عکس از آن خویشاوند به او تسلیم شد. این منشی که کاملاً از لحاظ عاطفی خلع سلاح شده و شخص زودباوری بود به ابتکارات عشقی فرد روسی در یک سلسله ملاقات بعدی تسلیم شد. هنگامی که وقت عزیمت این فرد روسی فرا رسید او این منشی آمریکایی را به یک مأمور کا. گ. ب. که در زیر پوشش دیپلماتیک کار می کرد معرفی نمود. ظاهراً این معرفی بدان منظور بود که مأمور کا. گ. ب. به عنوان وسیله مکاتبه در آینده قرار گیرد. سرانجام اوضاع برای مأمور امنیت سفارت آمریکا روشن شد و این منشی زن مناسبات خطرناک جدید را قبل از اینکه به مراحل حساس برسد قطع کرد.

گاهی لازم شده است که پرسنل آمریکایی که وظیفه منشیگری را انجام می دهند از یک پست دیپلماتیک خارجی منتقل شوند و این هنگامی است که این منشیها در یک اوضاع بالقوه زیان آور که به دلیلی آنها نتوانسته اند از روی واقع گرایی ارزیابی کنند گرفتار شوند. مثلاً یک منشی در یک موقعیت حساس در سفارت آمریکا در یک کشور جمهوری آفریقای شرقی با یک کارمند جزء که قومیت عربی

داشت و قبلاً در استخدام سفارت آمریکا بود در یک ماجرای عشقی گرفتار شد. او در این ماجرا علیرغم اخطار مکرری که به او شده بود و به عقیده او این اخطارها، کوششهای دیوان سالاری برای محدود کردن زندگی اجتماعی او بود، در این ماجرا مداومت می کرد. اولین نگرانی امنیتی در این مورد بود که، فاسق او یک مرد جلفی بود که طرز زندگانی او با درآمد او مطابقت نداشت و از قرار معلوم اخیراً با یک مأمور اطلاعاتی شوروی در پوشش دیپلماتیک با علاقه ویژه ای نسبت به آمریکاییها تماس برقرار کرده بود. هر چند دلیلی وجود نداشت که وفاداری این منشی آمریکایی و یا رازداری او در معرض پرسش قرار گیرد و هر چند شواهدی مبنی بر اینکه دوست پسر او بهره برداری از او را برای اطلاعات به نفع شوروی آغاز کرده باشد وجود نداشت، مراتب انتقال او برای خنثی کردن مراحل اولیه عملیات کا. گ. ب در مورد سفارت به فوریت انجام گرفت.

داستانی که در زیر نقل می شود طولانی تر از دیگر داستانها است، ولی شایسته مطالعه است. این داستان به شکل یک سرمشق کلاسیک درباره به دام انداختن یک آمریکایی مؤنث در خارج از آمریکا درآمده است. این آمریکایی مؤنث آماج یک سلسله عملیات پیچیده در نهایت مهارت به وسیله کا. گ. ب. قرار گرفته بود. این داستان نشانگر استفاده شوروی از تکنیک «پرچم قرلابی» (ملیت استتار شده) و همکاری نزدیک بین کا. گ. ب. و یک دستگاه اطلاعاتی بلوک کمونیست می باشد. این داستان همچنین به شکل چشم گیری عواقب شخصی تسلیم شدن به آرزو و ایمان کورکورانه هنگام برخورد با فریب های ماهرانه را نشان می دهد. در ساعات اولیه بامداد روز یازده ژوئن ۱۹۶۱ یک منشی جذاب سی و یک ساله سلف سرویس خارجه که به بخش پرونده های محدود سفارت آمریکا در آلمان غربی منصوب شده بود، در معرض وحشتناکترین آزمایش زندگی خود قرار گرفته بود. ساعاتی او را تحت بازجویی تضعیف کننده عوامل اطلاعاتی آلمان شرقی به سر برده بود، اتهامات دروغین مبنی بر جاسوسی به او وارد شده و مدارک

قانع کننده ای در جلوی او گذاشته شده بود و تحقیر یک بازرسی دقیق را که در آن از هیچ قسمت بدن او فروگذار نشده بود، همراه با سوء رفتار فیزیکی، بیشتر به صورت سیلیهای مکرر به صورت خود تحمل کرده بود. در مقابل او برای نخستین بار در ساعت دو بامداد یک فرد روسی بدون نام در اونیفورم یک سرهنگ ایستاده بود که به زبان روان انگلیسی اعلام داشته بود که زندگی او و همچنین زندگی نامزد او بستگی به موافقت او به تهیه تلگرامهای رمزی و سایر اسناد سری درباره سیاستهای آمریکا و نقشه های مربوط به برلین و آلمان شرقی دارد. الیانور (که اسم حقیقی او نیست) با آگاهی به اینکه نامزد او که به عقیده او یک شهروند آمریکایی است که برای دستگاه اطلاعاتی غربی کار می کند و در آن زمان در اختیار شوروی و آلمان شرقی در نقطه دیگری از این شهر است چاره ای جز آن نداشت که تسلیم شود. او اعلامیه ای را امضاء کرد که به موجب آن موافقت کرده بود برای دستگاه اطلاعاتی شوروی در ازای وعده این سرهنگ مبنی بر حمایت از جرج اشتاین نامزد او کار کند. در جریان یک رویارویی بعدی با این سرهنگ در روز بعد او تحت فشار قرار گرفت که هویت و خصوصیات شخصی همه همکارانش در قسمت آرشیو و بازرسی اتاق رمز و مأمور ارتباطات سفارت را افشاء کرده و درباره آنها اظهار نظر کند. او متوجه شد که سرهنگ ظاهراً با ترتیبات طرح بخش آرشیو و محل اسناد بکلی سری و سایر جزئیات منطقه محدود آشناست. الیانور همچنین پذیرفته بود که در مقابل دریافت پول که به او داده شده بود به آلمان غربی باز گردد و اسناد طبقه بندی شده را برای ملاقات بعدی در تاریخ ۲۴ ژوئن همراه خود به برلین شرقی

بیاورد. او آن گاه آزاد شده بود تا با اولین هواپیما از برلین غربی به میهن خود باز گردد. خوشبختانه الیانور قصد نداشت علیرغم نگرانی بسیار جدی در مورد تأمین جانی شخصی که او وعده ازدواج با او را داده بود به عنوان مأمور شوروی که در سفارت آمریکا رخنه کرده است کار کند. بیست دقیقه پس از اینکه او به آپارتمانی بازگشت که با مادر مسن خود در مجتمع مسکونی آمریکا در پلitzردورف در نزدیکی بن در آن زندگی می کرد و علیرغم از هم پاشیدگی عاطفی و جسمی، او تمامی ماجرا را برای مأمور امنیتی سفارت آمریکا نقل کرد. پس از اینکه تحقیقات لازم به عمل آمد، الیانور این حقیقت را پذیرفت که آن اشتاین خوش منظر که چهار ماه قبل وارد زندگی او شده بود، آن آمریکایی که او مدعی بود نبود بلکه یکی از عمال (دستگاه اطلاعاتی آلمان شرقی یا کا. گ. ب. بود (که ملیت او معلوم نیست) و به نفع شوروی کار می کرد و تنها مأموریت او به دام انداختن این زن بر ضد کشور خود بود. ماجرا در ماه فوریه در یک مجلس رقص در باشگاه غیر رسمی سفارت که از سوی گروه جوانان «مجرد» چند ملیتی جامعه دیپلماتیک ترتیب داده شده بود، آغاز شد. اینکه چگونه این جرج اشتاین ظاهراً توریست آمریکایی که در آلمان تعطیلات خود را می گذراند خود را وارد این ماجرا کرد معلوم نیست. ممکن بود از طریق همکاری یک عامل و مأمور جا افتاده در داخل این گروه بوده باشد یا اینکه ممکن است او به طور ساده وارد این باشگاه شده و با جمعیت در آمیخته و خود را به یک یا دو مرد غربیه معرفی کرده و آن گاه ترتیب آن را داده بود تا به وسیله یکی از آنها به الیانور معرفی شود. درباره تأیید این نظر مدارکی در دست است. معذالک احتمال نمی رود که اشتاین به طور اتفاقی به سوی الیانور کشیده شده است، الیانور در سفارت آمریکا در بن یک شخص تازه وارد بود و قبلاً به عنوان منشی رمز در سفارت آمریکا در بروکسل و دهلی نو کار کرده بود.

دهلی نو یکی از آن پستهایی است که معلوم شده است که شورویها در آنجا شبکه بسیار خوب آماده شده ای از ردیابی و ارزیابی نسبت به آمریکاییها را دارا می باشند. از آنجایی که الیانور تنها یک تور جنبی

در دهلی نو داشت و مستقیماً از هند به بن منتقل شده و بیشتر به خاطر ارفاق به او (مواظبت از مادرش)

می توان چنین فرض کرد عملیات کا. گ. ب. علیه او ابتدا در هند طرح ریزی شده و سپس برای اجرا

هنگامی که او در سمت جدیدش قرار می گیرد، منتقل شده بود.

نقشه عملیات برای اجرا مدتی وقت و دقت لازم داشت. لازم بود که یک مأموری پیدا شود که دارای

تجربه زندگی در آمریکا در یک مرحله قبلی در زندگی باشد و تلفظ انگلیسی او دارای لهجه آمریکایی

بوده و از لهجه های خارجی میرا باشد تا اینکه یک گذرنامه قلابی آمریکایی به او داده شود (و اشتاین چنین

گذرنامه ای داشت) تا او را در مورد یک داستان زندگی قابل باور کردن آموزش دهند و او را به منطقه بن

منتقل کنند. اکنون دانسته شده است که مرحله عملیاتی عملاً در اوائل ماه ژانویه آغاز شد. یعنی یک ماه

قبل از اینکه اشتاین با الیانور ملاقات کرد. او ابتدا در هتل کلین مستقر شد. در پانسیون که او برای مدت

سه ماه اقامتی گرفته بود خود را با موفقیت یک آمریکایی معرفی کرد در همین مدت او دوبار در هتل کلین

ثبت نام کرد. بار اول به عنوان یک شهروند آلمانی با مدارک مربوطه و بار دوم با یک هویت آمریکایی.

به محض اینکه او با الیانور ملاقات کرد وقت را از دست نداد. شب اول او اجازه خواست تا برای تعیین

ملاقات در آینده نزدیکی به او تلفن کند. این مکالمه تلفنی ظرف ۲ روز انجام گرفت. از آن زمان به بعد یک

سلسله دیدارها به آپارتمان الیانور و شبها در کاباره ها و کوکتل پارتهای و بعداً در گریه های عاشقانه صورت

می گرفت. اشتاین و الیانور هر چند که اغلب تنها بودند ولی با اشخاص دیگری که در گروه اجتماعی الیانور

شرکت داشتند نیز همراه بودند. در جریان دوران بعدی پرورش کوتاه مدت اوضاع، از ماه فوریه تا ماه مه، الیانور اشتاین را به لاقل ده نفر از دوستان آمریکایی خود که همگی منشیهای رمز یا کارمندان آرشیو در سفارت بودند معرفی کرد. آنها بدون هیچ گونه پرسشی همان گونه که الیانور معرفی کرده بود پذیرفتند.

الیانور که جذب این جوان تنومند سیاه موی ۲۰۰ پوندی شده بود در وضعی قرار نداشت که چیزی سؤال کند. (ظرف ۴ هفته آنها درباره ازدواج بحث می کردند و اندکی بعد او خود و اشتاین را نامزد یکدیگر تلقی می کردند). او با قطعات جسته گریخته ای از داستانی که اشتاین برای او تعریف کرده بود راضی بود، مبنی بر اینکه اشتاین در سال ۱۹۲۸ از یک پدر آلمانی و یک مادر پرتغالی، در شهر شانگهای چین به دنیا آمده و پس از جنگ جهانی دوم به آمریکا رفته و تابعیت آمریکایی را پذیرفته است. اندکی بعد جرج درباره این اطلاعات مطالب مبهمی گفت مبنی بر اینکه والدین او فوت کرده اند و او مدتی در ناوگان بازرگانی به عنوان ملوان کار می کرد و سابقه ای از تحصیلات دانشگاهی به دست آورد و کارهای ساختمانی را آغاز کرد و سرانجام از خود کار و باری به هم زد. او نشانی خود را در شهر لاس وگاس در ایالات نوادا معرفی کرد. (عملاً در آدرس خیابانی که او داده بود یک متل قرار داشت و هیچ گونه نشانه ای از او در دست نداشت). او به الیانور گفت که کار و زندگی خود را فروخته و برای مدت نامحدودی به عنوان توریست به اروپا آمده است.

شواهد ظاهری او به عنوان یک آمریکایی تمام عیار، اشتهای او برای خوردن کره از روغن بادام زمینی و ژامبون و تخم مرغ برای صبحانه و پیروی از ماجراها و خواندن هفته نامه نیوزویک برای پیروی از حوادث جهان و مطالعه مداوم کارتونها دیک تریسی و ماجراهای نظیر آن به آمریکایی بودن ظاهری او کمک می کرد. او مرد سریع الحركتی بود و در وقت گذرانیهای باشگاه سفارت با کارت الیانور و کارت خود بینگو بازی می کرد. او نسبت به مادر الیانور توجه خاصی داشت و او را ماما صدا می کرد و این امر برای

الیانور بسیار خوشایند بود. او همواره برای آنها به مناسبات ویژه هدیه می آورد و برای الیانور این یک حادثه غیر عادی نبود که نامزد او با داشتن چنین سابقه ای به عنوان علاقه مند به تاریخ طبیعی و رایبندرات شاعر هندی این همه علاقه نشان می داد. جرج اشتاین برای اینکه تصور را کامل کند به موسیقی جاز نیز علاقه مند بود.

هر چند جرج مدعی بود که می خواهد هر چه زودتر ازدواج کند معذالک با الیانور توافق کرد که الیانور ابتدا برنامه جهانگردی از سوی سفارت را که قرار بود قبل از پایان سال منقضی شود به پایان برساند. بدین ترتیب کاملاً طبیعی به نظر می رسید که جرج به جای اینکه به لاس و گاس بازگردد به برلین غربی برود و در جریان دوره قبل از ازدواج یک کار موقتی پیدا کند. او در ماه آوریل حرکت کرد و اتاقی در خانه ارنست ماتسدورف هفتاد و یکساله که یک کارمند بازنشسته مهربان بود و نقش او در این میان به صورت یک واسطه و مرد ساده لوح بیگناه بود، اتاقی اجاره کرد. به زودی پس از رسیدن به برلین غربی، جرج به الیانور گفت که کاری به عنوان مترجم مدارک فنی پیدا کرده است ولی کارفرمای خود را معرفی نکرد. تا آن اندازه که ماتسدورف می دانست مستأجر آمریکایی او یک نوع نقشه کش بود. او هرگز ندیده بود که جرج کاری انجام دهد. (به عنوان جمله معترضه بعداً معلوم شد که جرج نام خود را نزد مقامات برلین غربی طبق تقاضای قانون به عنوان یک شهروند آلمانی و نه آمریکایی به ثبت رسانده است و محل تولد خود را دایرن در چین اعلام داشته است و نه شانگهای، ولی ماتسدورف در این باره اطلاعی نداشت. ماتسدورف در

مورد ماجرای عشقی جرج با الیانور اطلاع داشت، زیرا الیانور و جرج گاه بگاه در برلین یا آلمان غربی با یکدیگر ملاقات می کردند و مکالمه تلفنی و مکاتبه بین این دو اغلب صورت می گرفت.

ممکن است هرگز مشخص نشود که آیا نقشه عملیاتی اصلی شوروی و آلمان غربی مستلزم پرورش طولانی تر الیانور با برداشت مربوط به به کارگیری بیشتر از آنچه توصیف شده است بود یا خیر. معذالک احتمالی به نظر می رسد که یک حادثه غیرمترقبه باعث شده بود که بعضی از قسمتهای نقشه عملیات مورد تجدید نظر قرار گیرد و همین امر جریان و زمان گستردن دام که متعاقبا انجام گرفت را تعیین کرد. این حادثه تصادف جرج با یک اتومبیل در تاریخ ۳۱ ماه مه در برلین شرقی تنها چند ساعت قبل از اینکه او با هواپیما برای دیدن الیانور و مادرش در آلمان غربی حرکت کند بود. (جرج بدون تردید برای مذاکره با مافوقهای شوروی یا آلمان شرقی خود در برلین شرقی به سر می برد) بر اثر این حادثه جرج با زخمهای بسیار جدی بر روی صورتش و یک تورم ناهنجار در قسمت شکم در بیمارستان بستری شده و در انتظار عمل جراحی برای درآوردن طحال بود. (هم الیانور و هم ماتسدورف بعدا شاهد مدارک قانع کننده ای درباره آسیب جسمی بودند و ماتسدورف در مراحل آخر این پرونده آثار عمل جراحی در شکم او را دیده بود و این نشانه آن بود که عمل جراحی صورت گرفته است).

الیانور که از این حادثه خبر نداشت، بیهوده در فرودگاه بن در تاریخ ۳۱ ماه مه انتظار می کشید و سرانجام به منزل رفت. چند ساعت بعد ماتسدورف از برلین غربی به الیانور تلفن کرده و گفت که طبق یک پیام تلفنی از سوی یک شخص ناشناس، جرج در یک حادثه مجروح شده و می خواهد که این خبر به الیانور ابلاغ شود. او جزئیات بیشتری در این باره نمی دانست و اطلاعی نداشت که جرج کجاست. الیانور که معلوماتش در زبان آلمانی آنقدر کافی نبود با شدت هر چه بیشتر خواستار کمک اپراتور تلفن کشیک شب هنگام سفارت شده و از او تقاضا کرده بود تا درباره نامزد او پرس و جو کنند. در نتیجه رسید گیها به

زودی معلوم شد که جرج در هیچ کدام از بیمارستانهای آلمان غربی نیست.

دو روز بعد سرانجام الیانور نامه ای از جرج دریافت کرد که مبدأ پستی آن برلین غربی بود ولی محل او مشخص نشده بود. روز سوم ژوئن ماتسدورف به الیانور تلفن کرده و گفت که یک نفر غریبه از او دیدن کرده و گفته که جرج در بیمارستان فریدریک هاین در برلین شرقی دوره نقاهت را می گذراند. الیانور آن گاه مستقیماً به بیمارستان تلفن کرد و توانست با جرج که مشتاق دیدار او بود صحبت کند. الیانور بدون اینکه شک و تردیدی به خود راه دهد سوار نخستین هواپیما به مقصد برلین شد و سپس با تاکسی مستقیماً به بیمارستان در بخش شرقی برلین حرکت کرد. (این واقعه قبل از برپا شدن دیوار برلین صورت گرفته).
آنگاه این زوج در بیمارستان با نهایت خوشوقتی به یکدیگر ملحق شدند. الیانور بدون هیچ گونه ایرادی توضیح بی پایه و اساس جرج را درباره اینکه چگونه خودش در بخش تحت کنترل شوروی اتومبیلی را که مال خودش نبود هنگام وقوع حادثه رانندگی می کرد پذیرفت. دیدار اول بدون حادثه ای برگزار شد و همچنین دیدار دوم. در روز بعد، پس از اینکه الیانور شب را در خانه ماتسدورف در برلین غربی گذراند بنا به اصرار اکید جرج، الیانور موافقت کرد تا برای دیدارهای بعدی در هفته بعد به برلین برود. این امر ثابت کرد که کار الیانور ساخته است. زیرا نقشه های مربوط به آزمایش عذاب آور او در به کار گرفتن او تکمیل شده بود.

روز دهم ژوئن در هنگام دیدار بعدی او با جرج، او برحسب اتفاق یک حلقه فیلم به الیانور داده و از او

خواست که تا لطف کرده و این حلقه فیلم را در اتاق او در برلین غربی جا بگذارد. این امر چنان ماهرانه صورت گرفت که او به هیچ وجه احساس خطر نکرد. ولی هنگامی که او چند ساعت بعد بیمارستان را ترک کرد زندگی برای او ناگهان به کابوسی تبدیل شد. مأمورین امنیتی آلمان شرقی به همراهی یک مترجم او را دم در دستگیر کرده و حلقه فیلم را از کیف او بیرون کشیدند و او را به جاسوسی متهم کردند و سپس او را به زور در داخل یک اتومبیل که در انتظارش بود پرتاب کرده و به یک خانه ای که دورش حصار کشیده بود و در آغاز این ماجرا به آن اشاره شد، بردند. پس از بازرسی بدنی که بسیار تحقیرکننده انجام گرفته بود، مرحله بازرسی خشن و سیلی زدن به صورت او (که همگی اینها جزئی از تکنیک عمدی ایجاد شوک برای درهم شکستن قدرت کنترل نفس او به شمار می رفت) ساعتها بدون وقفه ادامه داشت. به او عکسهای چاپ شده ای نشان دادند که ظاهراً از حلقه فیلم جرج به دست آمده بود و در آن تانکها و پل و سایر صحنه های دارای اهمیت نظامی، به عنوان مدارک جاسوسی نشان داده شد. حدود نیمه شب او را به شکل یک بسته پیچیده و به طور موقت به محل جدیدی بردند و این محوطه ای بود که جرج با تختخواب بیمارستان و غیره به آنجا منتقل شده بود. آن گاه این دو نفر را برای تشخیص هویت یکدیگر رو در روی یکدیگر قرار دادند. تواناییهای بازیگری جرج چندان غیر قابل ملاحظه نبود. جرج با قدرت هر چه بیشتر با مقامات آلمان شرقی در حضور الیانور استدلال می کرد که او در ارتکاب هرگونه جرمی بی تقصیر است. جرج اعتراف کرد که او حلقه فیلم را به الیانور داده است و با اصرار می گفت که الیانور از محتویات آن بی خبر است. پس از یک دوران بازرسی بیشتر، در یک اتاق جداگانه به الیانور اجازه داده شد که برای چند لحظه ای با نامزد خود به تنهایی ملاقات کند. الیانور نامزد خود را در حالی که در تختخواب دراز کشیده بود و در یک حالت ناامیدی ظاهری می گریست، یافت. جرج از اینکه الیانور و خود را در یک چنین وضع خطرناکی قرار داده است پوزش طلبید و زمزمه کنان اعتراف کرد که از زمانی که برلین آمده

است به طور مخفیانه برای یک دستگاه اطلاعاتی غربی کار می کرده است».

این ادعا کذب محض بود همان طور که بعداً تأیید شد ولی الیانور حرف او را باور کرد. الیانور که از وضع فلاکت بار خود مأیوس شده بود ظاهراً در عین حال درباره امنیت جرج اشتاین نگران بود. او در این مرحله ملایم تر شد و برای تقاضای به کارگیری به اندازه کافی رسیده بود (با این تضمین که جرج محافظت خواهد شد). این تقاضا از سوی یک فرد روسی یونیفورم پوش که به محض اینکه او را به نقطه اصلی بازپرسی بازگشت داده بودند عنوان شد. همان طوری که در آغاز ماجرا گفته شد وی پذیرفت که توسط آنها به کار گرفته شود و وعده داد که روز ۲۴ ژوئن به برلین شرقی برود ولی در ضمن وفاداری را، مافوق عشق قرار داد و به محض اینکه صحیح و سالم به آلمان غربی رسید ماجرا را برای مأمور امنیتی سفارت آمریکا فاش کرد.

آنچه بعداً در این ماجرا روی داد از اهمیت کمتری برخوردار است ولی در عین حال ممکن است که شایسته گزارش باشد. ماتسدورف که به کلی از شخصیت دوگانه جرج و عملی که نسبت الیانور صورت گرفته بود خبری نداشت همچنان به ایفای نقش یک صاحبخانه مهربان ادامه داد و چندین بار قبل از ۲۴ ژوئن از جرج در بیمارستان برلین شرقی دیدن کرد و گزارش داد که پس از عمل جراحی حالش به تدریج بهتر می شود. به تقاضای جرج، ماتسدورف لوازم شخصی او را از اتاق او در برلین غربی به اتاق توشه در فرودگاه تمپلهوف منتقل کرد. جرج توضیح داد که به این ترتیب برای او مناسب تر است زیرا او قصد دارد که

به محض اینکه از بیمارستان مرخص شود مستقیماً به ایالات متحده یا بن باز گردد تا همراه الیانور باشد. (بدین ترتیب هیچ چیز متعلق به جرج که حائز اهمیت باشد در اتاق او باقی نماند در حالی که ممکن بود این لوازم شخصی بعداً به دست مقامات بیفتد، خود اسباب و اثاثیه بامداد روز ۲۴ ژوئن در فرودگاه تمپلهوف توسط اشخاصی که هویت آنها شناخته نشده بود تصاحب شد).

الیانور سرانجام متقاعد شده بود که او را بیرحمانه فریب داده بودند و دیگر قصد رفتن به برلین شرقی در ۲۴ ژوئن را نداشت و حتی اجازه چنین کاری به او داده نمی شد، معذالک او موافقت کرده بود تا آن تاریخ دست به یک بازی بزند. با در نظر گرفتن این احتمال که جرج اشتاین به برلین غربی کشانده شود و در آنجا مقامات آماده دستگیری او شوند. جرج خستگی ناپذیر روز ۲۲ ژوئن به او تلفن کرد تا یقین حاصل کند که او روز ۲۴ ژوئن خواهد آمد. جرج گفت او اکنون می تواند بیمارستان را ترک کند. الیانور قول داد به برلین غربی بیاید ولی گفت او از گذشتن بخش مرکزی به سوی برلین شرقی هراسناک است. جرج با یک لحن محبت آمیزی به او اطمینان داد که همه چیز روبراه خواهد بود ولی اگر الیانور بر اظهاراتش پافشاری می کند می تواند در هتل هیلتون برلین غربی ثبت نام کند و او در آنجا با الیانور ملاقات خواهد کرد.

بامداد روز ۲۴ ژوئن الیانور به همراهی یک اسکورت امنیتی که جلب توجه نمی کرد و مأمور ایمنی او بود در فرودگاه تمپلهوف سوار هواپیما شد. هنوز الیانور، رهسپار فرودگاه نشده بود که جرج به عنوان یک نامزد ایثارگر به مادر الیانور تلفن کرد تا یقین حاصل کند که آیا الیانور راه افتاده است یا خیر و هنگامی که مادر الیانور به او گفت که الیانور راه افتاده است او بسیار مسرور شد.

در هتل هیلتون برلین الیانور قسمت اعظم روز را در انتظار به سر می برد، سرانجام جرج به او تلفن کرد و به او اصرار کرد که به برلین شرقی بیاید. الیانور نپذیرفت. در این مرحله برای نخستین بار جرج همه

حقه بازیها را کنار گذاشت و به طور ناگهانی و بدون مقدمه به او گفت که «باید حتما بیاید.» آنگاه ارتباط تلفنی قطع شد. الیانور ظرف یک ساعت با هواپیما از برلین خارج شد و ماجرای جرج اشتاین «آمریکایی قلابی» به پایان رسید.

تنها یک توضیح پاورقی باقی مانده است. هویت مأمور شوروی در این عملیات بسیار پیچیده در مقابل یک تبعه آمریکا و از طریق او علیه یک مؤسسه آمریکایی در نتیجه توصیف خصوصیات ظاهری و مقایسه عکس به آسانی تشخیص داده شد. بوگینی آلکسویچ رائوستروتسف مأمور کا. گ. ب. در دفتر امور آمریکا بوده است که دستگاہهای اطلاعاتی آمریکا او را خوب می شناسند. او قبلاً به عنوان وابسته فرهنگی سفارت شوروی در واشنگتن خدمت می کرد و در سال ۱۹۵۹ به اتهام جاسوسی بدون سر و صدا از آمریکا اخراج شده بود. در برلین زیر پوشش دیپلماتیک به عنوان دبیر دوم سفارت شوروی در آلمان شرقی او یک فرد شناخته شده و یک کارشناس عملیات جاسوسی مربوط به آمریکا تشخیص هویت داده شده بود.

پرسنل دیپلماتیک

چندی قبل یک مأمور حرفه ای خدمات خارجی آمریکا با درجه دیپلماتیک دبیر اول، هدف یک کوشش به کارگیری از سوی شورویها در محل خدمت او در اروپا واقع شده بود که موفقیتی نداشت.

این کوشش از سوی یک مأمور کا. گک. ب. تحت پوشش دبیر دوم به عمل آمده بود. هیچ گونه دعوت خاصی برای جاسوسی در میان نبود و نیز اثری از ارباب هم دیده نشده بود. مأمور شوروی با نهایت نزاکت ولی در ضمن با مداومت هر چه بیشتر مأمور خدمات خارجی آمریکا را تحت فشار قرار داده بود تا اطلاعات تحلیلی اقتصادی و آماری به او بدهد.

این مأمور کا. گک. ب. که در زیر پوشش دیپلماتیک قرار گرفته بود افزود که او این اطلاعات را در مقالات بدون امضاء خواهد گنجانید که به ادعای او بدون آگاهی سفارتش به یک مجله با تیراژ محدود برای مطالعه گروهی کارشناس در اتحاد جماهیر شوروی تسلیم خواهد شد. مأمور کا. گک. ب. پیشنهاد کرده بود که حق التحریری که وی به مناسبت این مقالات دریافت می کند و بسیار سخاوتمندانه است با افسر خدمات خارجی آمریکا تقسیم کند. افسر کا. گک. ب. در ضمن برای تشویق بیشتر قول داده بود که اطلاعات اقتصادی سودمندی از اوضاع داخلی اتحاد جماهیر شوروی متقابلاً به مأمور خدمات خارجی آمریکا تسلیم کند. به این مأمور آمریکایی اطمینان داده شده بود که «همکاری» او مطلقاً سری خواهد بود. هنگامی که مأمور خدمات خارجی آمریکا که تماسهای دیپلماتیک و اجتماعی منظم او با شورویهای با صلاحدید مقامات مافوق او، در سفارت او در آمریکا صورت می گرفت و به طور منظم و کتبی گزارش داده می شد بانهایت خشم خاطر نشان ساخت که پذیرفتن چنین پیشنهادی حتی در صورتی که در برگیرنده اطلاعات طبقه بندی نشده باشد یک نوع عمل حاکی از عدم وفاداری به خدمات خارجی آمریکا است. مأمور کا. گک. ب. کوشید تا این جنبه را با این ادعای قلبی مردود به شمارد که هیچ گونه وفاداری و یا عدم وفاداری در میان نبوده است و او تنها یک پیشنهاد خصوصی کرده است که متقابلاً به نفع هر دوی آنها به طور انفرادی و هر دو کشور می باشد.

ماجرای فوق نشان می دهد که مأمور خدمات خارجی آمریکا هر چند در طبقه «شهروندان درجه ۲»

که در مورد آنها دستگاه‌های اطلاعاتی شوروی آشکارا و به نحو تعرض آمیزی فعالیت نشان می دهند نمی باشد. معذالک در معرض بازرسی و نظارت نزدیک و مداوم کا. گ. ب. در خارج قرار می گیرند. دلایل چنین علاقه ای کاملاً آشکار است، خدمات خارجی آمریکا روزانه به اطلاعات طبقه بندی شده و اغلب حیاتی درباره امور سیاست خارجی دسترسی دارد. به همین ترتیب در نتیجه فعالیت‌های عادی دیپلماتیک کارکنان خدمات خارجی می توانند نه تنها منعکس کننده نظریات سیاسی آمریکا باشند بلکه همچنین اطلاعات دیگری را که برای شوروی جالب است و مأمورین شوروی از طریق مکالمه یا مذاکره با هم‌تاهای دیپلماتیک کشورهای دوست به دست می آورند کسب کنند. یک مأمور خدمات خارجی آمریکا قادر است با جزئیات بسیاری درباره نقاط ضعف و قدرت مأمورین خدمات خارجی آمریکا در سمتی که وی به آن منصوب شده یا در جایی دیگر گزارش دهد. او با طرح و نقشه و ترتیبات امنیتی سفارت خود و سیاست‌های خدمات خارجی و مقررات و ترتیبات قابل اجرا در سراسر جهان آشناست. سرانجام آنچه که در یک دوران دراز مدت از همه مهمتر است او در یک موقعیت بالقوه ای قرار گرفته است که ممکن است در نهایت به یک سمت با نفوذ در شکل دادن سیاست خارجی آمریکا منتهی شود.

دستگاه اطلاعاتی شوروی هنگام کار در مقابل پرسنل دیپلماتیک آمریکا در خارجه، از این واقعیت حداکثر استفاده را می برد که تماس اجتماعی یک وظیفه عادی دیپلماتیک است و راه را برای برخورد مستقیم با مأموران خدمات خارجی آمریکا جهت پرورش هموار می کند. هر چند شورویها کمتر امیدوار

به فراهم کردن عملیات موفقیت آمیز به کارگیری در چهارچوب محفل دیپلماتیک اندکی محصور شده تا در چهارچوب یک محیط غیررسمی «کارمندان کوچکتر» و کم تجربه تر می باشند.

یک برنامه آزمایش مرتب و استخراج اطلاعات و ارزیابی خصوصیات از سوی آنها حفظ می شود و انتظار می رود کا. گ. ب. ممکن است در مورد هر گونه ضعف شخصی و یا آسیب پذیری مظنون یا آشکار شده موضوع را تعقیب کند. همه اعضای جامعه رسمی شوروی به این برنامه کمک می کنند، حتی دیپلماتهای به اصطلاح مشروع شوروی (که در اغلب کشورها تعداد آنها بیشتر از مأموران اطلاعاتی با ویش دیپلماتیک است) باید درباره همه تماسهای خود با آمریکاییها و دیپلماتهای سایر کشورها به کا. گ. ب. گزارش دهند و از سوی کا. گ. ب. در مورد بهره برداری در زمینه های اطلاعاتی و مقاصد دیپلماتیک راهنمایی شوند. والریان الکساندروویچ زورین، معاون سابق وزارت امور خارجه شوروی، در کتاب خود تحت عنوان «اصول خدمات دیپلماتیک» که در سال ۱۹۶۴ منتشر شد، هنگامی که تأکید کرده بود که هر کلمه یک دیپلمات شدیداً تحت کنترل می باشد و در امور مهم هیچ مأموری اجازه ندارد چیزی به ابتکار خود بگوید که ممکن است اهمیت مادی داشته باشد، ممکن است نقش همه گیر کا. گ. ب. را در نظر داشته باشد.

آمریکاییهای غیررسمی: بازرگانان و دانشجویان

«... عوامل انگیزه ای و آسیب پذیری که می تواند در برقراری مناسبات بالمآل منجر به به کارگیری (بازرگانان) بشود: آمادگی برای پذیرفتن پاداش مالی در ازای اطلاعات فنی و نمونه های جدید و میل به داد و ستد با اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوی سوسیالیستی... دانشجویان آمریکایی (در خارج) هسته بسیار خوبی را تشکیل می دهند که از میان آنها ما می توانیم اشخاصی را در آینده برای رخنه در دولت آمریکا بکار گیریم... دانشجویان آمریکایی علی القاعده دچار کمبود پول هستند... و اغلب آنها

بسیار مستقل بوده و در انتخاب دوستان خویش آزادند.... آنها فاقد تجربیات زندگی و پختگی هستند.»

هر چند نقل قولهای مقامات کا. گک. ب. که در فوق آمده است، نشان دهنده علاقه شوروی به بازرگانان و دانشجویان آمریکایی در خارج است. این نقل قولها تنها گویای قسمتی از داستان می باشند. علاقه دراز مدت به هر مقوله (یعنی بازرگانان و دانشجویان) بسیار روشن است.

بازرگانان و به ویژه کارشناسان مقوله های مختلف که به طور موقت در خارج به سر می برند از نقطه نظر شوروی بیشتر قابل دسترسی بوده و نزدیک شدن به آنان در یک محیط خارجی که در آنجا فاقد محافظ می باشند و بازرسی ضد اطلاعاتی به طور کلی کمتر از ایالات متحده آمریکا شدت دارد، آسانتر است.

اگر به کارگیری چنین اشخاصی در خارج با موفقیت انجام بگیرد در بسیاری از موارد اطلاعات علمی و فنی با ارزشی در محل فراهم خواهد کرد. معذالک عالترین امکان بالقوه مربوط به آینده است یعنی هنگامی که فرد مورد بحث به ایالات متحده بازگشته و به عنوان نفوذی در پژوهشهای علمی و مراکز صنعتی یا حتی ردیاب و به کارگیرنده به نفع دستگاههای اطلاعاتی شوروی در چنین مراکزی به کار گرفته شود.

دانشجویان آمریکایی در خارج که به تخصص دانشگاهی خود متکی هستند نیز امکانات بالقوه دراز

مدت در زمینه علمی و تکنولوژی دارند.

معدالک بزرگترین امکان بالقوه آنها با رخنه در سازمانهای دولتی آمریکا در آینده وابسته است.

علاقه اتباع شوروی در محل نسبت به آمریکاییها در خارج مشاهده می شود. این اشخاص به علت

دسترسی آنها به سایر آمریکاییها در سمتهای رسمی که هدفهای اولیه دستگاههای اطلاعاتی شوروی

هستند قرار می گیرند. بدین مفهوم آنها به عنوان واسطه ها ارزش دارند، زیرا از آنها می توان برای مأموران

اطلاعاتی شوروی و عمال آنها از طریق تماس مستقیم با آمریکاییان دیگر استفاده کرد.

تجربه به کرات نشان داده است که یک نفر آمریکایی در خارج که فاقد سمت دیپلماتیک و رسمی باشد

و در یک کشور خارجی به عنوان یک بازرگان یا دانشجو زندگی می کند متأسفانه محتمل نیست که پی برد

که او به طور خود به خود و به نحو عادی از آماجهای کا. گ. ب یا جی. آر. یو. واقع شده و حتی مظنون به

پرورش «دوستانه» از سوی شورویها واقع می شود تا آن اندازه که به تکنیکها و ترفندهای شوروی مربوط

است یک چنین شخصی به طور کلی در این باره هیچ گونه آگاهی ندارد.

اخیرا یک تکنیسین جوان و آمریکایی که عضو یک گروه عمل آوردن اطلاعات در یک شرکت

آمریکایی بود که با حکومت یک کشور مسلمان قرارداد بسته بود، با نهایت نگرانی گزارش داد که کوشش

از سوی شورویها پس از یک سلسله گامهای حساب شده و رشد یابنده که به هیچ وجه سوءظن او را

برنینگیخته بود برای به خدمت گرفتن او انجام گرفته بود.

او و همسرش که به اتفاق، یک زوج عادی به شمار آمده و ظاهرا هیچ گونه نقاط آسیب پذیر نداشته، در

یک مراسم اجتماعی محلی با یک دیپلمات شوروی و همسرش در اوضاع و احوال معصومانه ملاقات

کردند. این ملاقات به تماسهای بعدی بین دو خانواده که همیشه به ابتکار دیپلمات شوروی بود منجر شد.

بار اولی که دیپلمات شوروی و همسرش از خانه این زوج آمریکایی دیدار کردند. دیپلمات شوروی پنج

بطری مشروب الکلی که به هیچ وجه مورد درخواست نبود همراه آورد. در یک مراجعه به زمان گذشته معلوم شد که این مشروب الکلی به عنوان یک هدیه تصادفی نبوده است هر چند از نظر ذوق آمریکایی ممکن بود چنین به نظر برسد، بلکه این هدیه به عنوان یک طعمه شکار تلقی شده بود. هر چند این فرد آمریکایی و همسرش مشروبات الکلی مصرف نمی کردند آنها از این واقعیت آگاه بودند که در این کشور اسلامی قانون منع مشروبات شدیداً مراعات می شود و هرگونه مشروبی ممکن است ارزش معتناهی در بازار سیاه داشته باشد.

این زوج که فاقد سمت رسمی بودند دسترسی به فروشگاه کارمندان دیپلماتیک که در آن مشروبات الکلی به دست می آید نداشتند. فرد روسی که یک مأمور اطلاعاتی بود از این عوامل کاملاً آگاهی داشت. هنگامی که فرد آمریکایی احمقانه داوطلب شد که پنج بطری مشروبات الکلی را به قیمتهای نازل دیپلماتیک خریداری کند، کاملاً رفتار خوشایندی نشان داد. این معامله به نظر فرد روسی برای آن فرد آمریکایی نوعی سازش بود چون هرگونه تخطی از مقررات محلی منع استفاده از مشروبات الکلی، در صورت افشاء می توانست موجبات شرمساری شرکت وی و سفارت آمریکا را که هر دو نسبت به در خطر افتادن روابط محتاطانه بین خود و دولت مسلمان حساسیت به خرج می دادند فراهم آورد. این خرید مشروب از سوی فرد آمریکایی تنها گام اول بود و هنگامی که مناسبات او با فرد روسی منجر به دوستی بسیار نزدیک گردید او از این مشروبات الکلی از فرد روسی تعداد بیشتری خریداری کرد. همسر مأمور

اطلاعاتی شوروی نیز نقشی داشت که می توانست انجام دهد و این نیز جزئی از تکنیکهای پرورشی مناسبات بود. همسر این فرد روسی از همسر فرد آمریکایی تقاضا کرد تا درس زبان انگلیسی به او بدهد و او نیز متقابلاً درس زبان روسی به همسر فرد آمریکایی بدهد این عملیات براساس مرتب و منظمی آغاز شد و همسر آمریکایی بدون آنکه خود متوجه شود به فرآیند ارزیابی نقاط آسیب پذیر که ممکن بود قابل بهره برداری باشد کمک کرد. او علناً درباره شرایط دشوار زندگی در این کشور اسلامی و درباره فقدان فروشگاه کارمندان دیپلماتیک و تسهیلات پستی گله کرده، نتیجه آن شده که زوج آمریکایی حاضر شدند آرد و سایر اقلام مورد فروش در فروشگاه افراد دیپلماتیک شوروی را بپذیرند. ظاهراً این اقلام به عنوان هدیه از سوی فرد روسی پیشنهاد شد و از سوی زوج آمریکایی پذیرفته می شد و هدف آن توسعه دوستی با شورویها و ایجاد یک نوع احساس تعهد شخصی نسبت به دیپلمات شوروی که شرایط زندگی آنها را آسوده تر می ساخت تلقی می شد.

سرانجام مأمور جاسوسی شوروی احساس کرد که برای روکردن دست خود آماده است و زمینه های موفقیت خود را ابتدا براساس دوستی و در صورت عدم موفقیت در این زمینه براساس سودهای مالی مبتنی ساخت. او زوج آمریکایی را به خانه خود دعوت کرد و شوهر را به کناری کشید. در درجه اول اومی خواست احساس اطمینان کند که آنها با یکدیگر دوست هستند و فرد آمریکایی با نهایت آمادگی و صمیمانه چنین اطمینانی به او داد. فرد روسی آن گاه با نهایت صراحت و صمیمیت از تکنیسین آمریکایی خواست تا بعضی اطلاعات کامپیوتری از دفتر شرکت این فرد را در ایالات متحده آمریکا به دست آورد.

چیزی که مأمور اطلاعاتی شوروی می خواست اطلاعات پیشرفته فنی بود که این فرد آمریکایی می دانست که توسط شرکت او برای کشور میزبان مسلمان یا اتحاد شوروی ممنوع است. فرد آمریکایی از مأمور اطلاعاتی شوروی پرسید که آیا وی به طور جدی از او می خواهد اطلاعات طبقه بندی شده به دست

آورد و اگر چنین است چنین تقاضائی به منزله ارتکاب خیانت است. مأمور اطلاعات شوروی ابتدا درباره کلمه «طبقه بندی شده» خود را به کوچه علی چپ زد و آن گاه اظهار رنجش کرد و سپس تقاضای خود را بر این مبنا که چنین تقاضایی با توجه به دوستی میان آنها کاملاً بجاست تجدید کرد. هنگامی که فرد آمریکایی بار دیگر دوستی خود را بیان داشت ولی تقاضای او را رد کرد، فرد روسی آن گاه موضع دیگری را در پیش گرفت. در این باره ریزه کاری دیگر مطرح نبود. اگر فرد آمریکایی موافقت نماید که برای شوروی کار کند فرد روسی به او کمک خواهد کرد تا به حساب خودش کارهای بازرگانی در زمینه فنی در آمریکا انجام دهد و تأمین مالی آنرا کاملاً به عهده خواهد گرفت. در گیریهای کامل این پیشنهاد در این مرحله برای نخستین بار برای فرد آمریکایی روشن شد و او به سرعت همسر خود را برداشته و عزیمت کرد.

برای زوج آمریکایی که سخت تکان خورده بودند ده روز طول کشید تا بتوانند تصمیم بگیرند که چه بکنند، آنها سخت در وضع دشوار قرار گرفته بودند و در مورد چند نکته نگران بودند. آنها متوجه شدند که بسیار ساده لوح بودند که مشروبات الکلی را که برخلاف قوانین کشور میزبان آنها است، خریداری کرده بودند. (هنوز روشن نیست که آیا این مشروبات را در بازار سیاه این کشور فروخته بودند یا خیر. البته در صورت مثبت بودن این موضوع خلاف دیگری نیز انجام داده بودند). پذیرفتن کالا از فروشگاه دیپلماتیک شوروی نیز یک تخلف دیگر از آنها بود. معذالک آنها تصمیم صحیحی گرفته و تمامی داستان را به مقامات

مربوط آمریکایی نقل کردند.

هر چند دانشجویان آمریکایی در خارج اکنون سالهاست هدف دستگاه اطلاعاتی شوروی می باشند، شواهدی که اخیراً از نقاط مختلف دیگر جهان به دست آمده نشان می دهد که کوششهای شوروی و به کار بردن تکنیکهای مختلف برای فراهم کردن تماسهای اولیه در شرایط ظاهراً معصومانه و ادامه پرورش و سرانجام کوشش در به کارگیری این دانشجویان تشدید شده است.

افراد روسی با سمتهای رسمی به اشکال مختلف اغلب در کلاسها و دانشگاههای محلی و مؤسساتی که دارای تحصیلات نیمه وقت می باشند و ظاهراً برای تکمیل زبان با مطالعه منطقه صورت می گیرد ثبت نام می کنند. یک چنین دوره هایی از تحصیل وسایل بسیار خوبی برای آغاز تماس با دانشجویان خارجی از جمله دانشجویان آمریکایی است، شورویهایی که اجازه دارند در چنین رشته هائی مطالعه کنند. اغلب بدون استثناء مأمورین اطلاعاتی هستند که به مطالعه همدرسیهای خود بیشتر از مطالعه موضوعی که در این رشته تدریس می شود علاقه نشان می دهند. البته راههای متعدد دیگری نیز برای ملاقات و پرورش دانشجویان آمریکایی وجود دارد. این دانشجویان آمریکایی اغلب توسط مأمورین رسمی شوروی مورد جستجو قرار می گیرند و مأمورین شوروی آنها را با پیشنهاد افزایش درآمد حقیر خود از طریق دادن درس زبان انگلیسی یا انجام کارهای ترجمه و سوسه می کنند. ملاقاتهای تصادفی اعم از اینکه واقعه طبق نقشه باشد در مراکز دانشجویی، سخنرانیها، کنسرتها و پارتهای خصوصی و غیره، معمولاً به دنبال خود پوششهایی برای مناسبات اجتماعی دارد که این مناسبات به نوبه خود پس از یک دوران ارزیابی جنبه مخفیانه و زیرزمینی پیدا می کند. در نیمکره غربی تاکتیکهایی از این نوع در شهر مکزیکو (پایتخت مکزیک) که گروه بزرگی از دانشجویان آمریکایی تمام وقت و نیمه وقت و تعداد زیادی مأموران اطلاعاتی شوروی در آن حضور دارند در عملیاتی که متوجه کشور همسایه آنها یعنی ایالات متحده است، چشمگیر

بوده است. کا. گ. ب. کشور مکزیک (و منطقه آمریکای لاتین به طور کلی) را به عنوان محیط به ویژه جذاب برای به کارگیری دانشجویان آمریکایی که در نظر دارند وارد خدمات دولتی ایالات متحده آمریکا شوند یا می توانند به این خدمات کشانده شوند تلقی می کنند. یک سند تحلیلی از سوی کا. گ. ب. درباره دانشجویان آمریکایی در کشورهای آمریکای لاتین دلیل آن را در کلمات زیر بیان می نماید:

«بیشتر آنها از طبقه متوسط آمریکا می باشند، اغلب تنها وسیله امرار معاش آنها بورسی است که از (ارتش آمریکا) جهت خدمت در ارتش دریافت می کنند یا مقرری ناچیز است که خانواده شان برای آنها می فرستند. دانشجویانی که در این طبقه قرار گرفته اند، تمایل آن را دارند که از نظر بینش لیبرال تر باشند. آنها به آسانی پذیرای احساسات ملی گرایی و ضد استعماری هستند. آنها همچنین تمایل دارند که سیاستهای اقتصادی و خارجی حکومت ایالات متحده و سیاست استعماری آمریکا را نسبت به آمریکای لاتین رد کنند همه این ملاحظات علاوه بر شرایط مساعد عملیات، جهت عملیات اطلاعاتی خارجیشوروی به نحو بسیار وسیعی برنامه عملیاتی ما را در آمریکای لاتین تسهیل می کنند.»

یک طریقه اضافی که دستگاه اطلاعاتی شوروی بوسیله آن با دانشجویان آمریکایی تماس می گیرد از طریق برنامه مبادله دانشجو با شوروی است این دانشجویان از اواسط دهه ۱۹۵۰ به تعداد زیادی در مراکز تحصیلات عالی در اروپا و آمریکای جنوبی و سایر قسمتهای دیگر جهان یافت می شوند. بیشتر آنها مأمورین اطلاعاتی حرفه ای هستند که دوران ابتدائی «آزمایشی» را می گذرانند یا اینکه برای مأموریت

بعدی در خارج در زیر سرپوش رسمی اغلب در همان منطقه جغرافیائی که تحصیل کرده اند دست به سفرهای آشنایی می زنند. مثلاً نیکولای گئورگیویچ کورودیخ، یک دانشجوی مبادله ای در دانشگاه لندن در سال تحصیلی ۱۹۶۴-۱۹۶۵ که در سال ۱۹۶۶ بار دیگر در دانمارک با سمت دیپلماتیک دبیر سوم ظاهر شد و وظیفه وابسته مطبوعاتی را انجام می داد. کورودیخ با نهایت جدیت تماسهایی را با دانشجویان آمریکایی در لندن برقرار کرده و بعداً کارهای خود را در دانمارک از طریق رفتن به یک آموزشگاه زبان برای خارجیها در شهر کپنهاگ و یک مرکز بین المللی دانشجویی در این شهر ادامه داده است. همچنین ایلینتسف، ۴۰ساله ایوانویچ ایلینتسف، یک دانشجوی ۳۳ ساله مشمول برنامه مبادله دانشجو در دانشگاه یل (YALE) در سال تحصیلی ۱۹۶۳-۱۹۶۴ در سال ۱۹۶۵ با نقش دیپلماتیک وابسته فرهنگی در هندوستان سر درآورد و تا این تاریخ فعالیت اصلی او در دهلی نو، تعقیب و پرورش آمریکاییان بوده است. ایلینتسف یک مأمور در بخش مربوط به آمریکای کا. گ. ب است و دوران آزمایشی او در ایالات متحده برای آشنایی با آمریکا و راه و رسم آمریکاییها و تکمیل زبان انگلیسی خود بوده است. در دانشگاه ییل او به نحو برجسته ای فاقد شرایط برای کار مافوق دانشگاهی در رشته ظاهراً مورد علاقه خود (حکومت شهرداری) بود و دوران یکساله تحصیلی خود را به عنوان یک مستمع گاه به گاه در کلاس، بدون تحصیل جدی و یا تهیه رساله تحصیلی به پایان رساند.

دانشجویان مبادله ای شوروی در غرب که ممکن است مأمورین اطلاعاتی هم نباشند اغلب به عنوان عمال دستگاه اطلاعاتی شوروی به کار برده می شوند، هر چند این دانشجویان فاقد آموزش اطلاعاتی هستند مأموران شوروی در محل آنها را راهنمایی می کنند تا درباره دانشجویان همکلاس آمریکایی خود که در این کشورها تحصیل می کنند گزارش دهند و یا آنها را ارزیابی کنند. هر چند موارد متعددی در این باره وجود دارد که می توان آنها را نقل کرد، معذالک دو مورد زیر به شکل خلاصه شده کافی خواهد بود

که نشان دهد که چگونه دستگاه اطلاعاتی شوروی می‌کوشد دانشجویان آمریکایی در خارج را به کار گرفته و از آنها بهره‌برداری کند. در مورد اول که به سرعت منجر به عملیات به کارگیری شد، هدف یک دانشجوی فارغ‌التحصیل آمریکایی بود که در تلاش برای اخذ درجه دکترای خود در دانشگاه آکسفورد کار می‌کرد. هنگامی که او علاقه خود را درباره مطالعه بعد از دوران دکترای خود در اتحاد جماهیر شوروی بیک دانشجوی فارغ‌التحصیل شوروی که او نیز در چهارچوب مبادله‌ای دانشجویی در آکسفورد بود بیان داشت، شخص اخیر اطلاعاتی از این دانشجوی آمریکایی بیرون کشید و از جمله این اطلاعات این بود که او در استخدام مقاطعه کار بزرگ دفاعی در ایالات متحده آمریکا بوده و این شرکت مقاطعه کار سرگرم تولید اجزای مرکب هواپیما و موشک می‌باشد و او شاید در بازگشت خود برای همین شرکت آمریکایی کار بکند. این امر منجر به آن شد که ملاقاتی با یک مأمور شوروی در لندن که یک مأمور اطلاعاتی تشخیص هویت داده شده در رشته علوم و تکنولوژی بود صورت بگیرد. دانشجوی مبادله‌ای شوروی پس از اینکه مقدمات معرفی را به عمل آورد از نظرها ناپدید شد و بعداً مأمور شوروی و دانشجوی آمریکایی یک سلسله ملاقاتهایی با یکدیگر انجام دادند که ابتدا در اطراف چشم اندازهای تحصیل پیشرفته در اتحاد جماهیر شوروی دور می‌زد. همه ملاقاتها به خواهش طرف شوروی در آبخوفروشیها و رستورانهای لندن صورت می‌گرفت، به جای اینکه در سفارت شوروی انجام بگیرد و در همان تماسهای اولیه به این دانشجوی آمریکایی گفته شده بود که هرگز به سفارت آمریکا تلفن نکند. سرانجام پس از یک دوران

کوتاهی از پرورش و ارزیابی (از جمله درخواستی مبنی بر اینکه دانشجوی آمریکایی خلاصه مفصلی از زمینه تحصیلاتی و تخصصی علمی خود فراهم کند) مأمور شوروی به او وعده داد که می تواند از تحصیلات رایگان در اتحاد شوروی در تاریخ بعدی استفاده کند و همچنین به او گفت لازم نیست که در گذرنامه آمریکایی او رواید شوروی وجود داشته باشد. در ازای این لطف فرد روسی از دانشجوی آمریکایی خواست تا به او در به دست آوردن اطلاعاتی از نوعی که در دسترس شوروی نبود کمک کند. دانشجوی آمریکایی به سابقه استخدامی خود و کاربرد نظامی آن اشاره کرد و پرسید که آیا این همان اطلاعاتی است که مورد تقاضای فرد روسی است. مأمور شوروی پاسخ داد: شما به سرعت آنچه را که مورد تقاضا است می قاپید.» دانشجوی آمریکایی که پی برد او اشتباهی وارد اوضاعی شده است که جدای از خواست اوست تمامی ماجرا را به مقامات آمریکایی گزارش داد. معذالک قبل از اینکه روابط کاملاً قطع شود مأمور شوروی آنرا بر یک اساس مخفیانه (ملاقاتها در خارج شهر و دور از دید احتمالی) قرار داده بود و یک حقوق ماهیانه به دانشجوی آمریکایی در جریان بقیه مدت اقامت او در خارج به اضافه مبلغی که معادل نصف حقوق ماهیانه عادی او پس از بازگشت به آمریکا و از سرگرفتن کار عملی مربوط به دفاع او بود پیشنهاد کرده بود.

وضع فلاکت بار یک دانشجوی آمریکایی در وین که در اوائل ۱۹۶۷ پی برد که مدت یک سال و بدون اینکه مورد سوءظن قرار گیرد از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی به عنوان ردیاب و ارزیابی کننده افراد همتای آمریکایی قرار گرفته است، کمتر چشمگیر بود معذالک آموزنده است. تکنیک به کار رفته در این مورد زمینه های دیگری نیز مشاهده شده است. مأمور اطلاعاتی شوروی با نزاکت و ظرافت قابل ملاحظه از عدم بلوغ و عدم پیچیدگی که شورویها انتظار دارند در بسیاری از دانشجویان آمریکایی در خارج مشاهده کننده، استفاده کرد.

این فرد آمریکایی در بهار ۱۹۶۶ در حالی که تنها ۲۴ سال از عمرش می گذشت و دانشجوی کالج نبود، برای آموختن زبان آلمانی به وین آمد و در یک خوابگاه دانشجویی مسکن گزید. اندکی پس از ورودش وی با آلبرت گئورگیویچ فاتیف که یک مترجم وابسته به بخش ترجمه روسی آژانس بین المللی انرژی اتمی بود آشنا شد. او و این فرد نامبرده شوروی به اتفاق یکدیگر به ماهیگیری می رفتند. در پایان تابستان فاتیف پیشنهاد کرد که او و آن فرد آمریکایی به تنهایی در قسمت مرکزی وین شام صرف کنند. در مدت چند هفته این توافق بدون اینکه جلب توجه کند تبدیل به ملاقاتهای منظم هفتگی در زمان معین و در محلهای از پیش تعیین شده در شهر وین شد.

فاتیف بسیار سر راست بود و در حالی که پانزده سال از دانشجوی آمریکایی بزرگتر بود او این فرد آمریکایی را با نهایت تملق هم فکر خود قلمداد می کرد. در حالی که قضیه چنین نبود. برای این فرد آمریکایی به هیچ وجه این سؤال پیش نیامد که چرا این فرد روسی که بیشتر از او تجربه دارد این همه وقت را با او صرف می کند، مأمور شوروی از این نکته در معلومات خود استفاده می کرد که فرد آمریکایی در سالهای اولیه دانشکده، رشته روان شناسی را می گذارند و ظاهراً فکر می کند که در ارزیابی انسانی کارشناس شده است. بعداً (و این یکی از کهنه ترین حقه های شوروی به شمار می رود) فاتیف از فرد آمریکایی خواست به یک دوست روزنامه نگار (که هرگز هویت او معلوم نشده بود) که سلسله داستانهایی درباره جامعه اتریشی و آمریکایی در وین تهیه می کرد، کمک کند. دانشجوی آمریکایی با کمال خشنودی

یک مقاله ده صفحه ای برای این مأمور شوروی تهیه کرد و مأمور شوروی پیشنهاد کرد که دستمزدی به او بپردازد. فرد آمریکایی که در آن موقع کمبود پولی نداشت، این پیشنهاد را رد کرد و مأمور پرحوصله شوروی در این باره اصراری نوریذ. دانشجوی آمریکایی معذالک پذیرفت که اقلامی از فروشگاه دیپلماتیک شوروی به قیمت‌هایی کمتر از قیمت‌های بازارهای وین خریداری کند. او همچنین یک رادیو ترانزیستوری را به مناسبت هدیه جشن تولد خود پذیرفت و بدین ترتیب در ظرف یک مدت کوتاه فاتیف گفت دوست روزنامه نگار او قصد دارد زمینه فعالیت خود را توسعه دهد و خواستار گزارش‌های کتبی بیشتر به شکل ارزیابی‌های روان شناسی درباره دانشجویان وین به ویژه آمریکاییها شد. این دانشجوی آمریکایی «به زودی به طور منظم گزارش‌های مشابهی تسلیم می کرد و کمتر متوجه شده بود» که او به نحو مداوم از سوی فاتیف موظف شده بود که مسئله ای را درباره هر یک از آمریکاییانی که او درباره آنها مطالبی نوشته بود پیگیری کند. او درباره پیشنهادهای دیگر شوروی مطلب ویژه ای را متوجه نمی شد. مثلاً به او پیشنهاد شده بود که از تماس‌های خود با اتریشیها بکاهد و با آمریکاییهایی که در برنامه دانشگاه استانفورد که در نزدیکی وین سرگرم عملیاتی هستند دوست شود و دامنه تماس‌های اجتماعی خود را توسعه داده و هر روز در مؤسسه مطالعات اروپایی وین برای ملاقات با آمریکاییهای دیگری نهار صرف کند. سرانجام در همین زمینه ولی به دلیلی که مورد عمل قرار نگرفت فاتیف پیشنهاد کرد که این دانشجوی آمریکایی در کنسولگری آمریکا در وین کاری برای خود به عنوان کارمند محلی دست و پا کند.

در اوائل سال ۱۹۶۷ تحولات چندی باعث شد که ذره ای از شک و تردید به وجود آمده و پرورش یابد. هنگامی که گزارش‌های ارزیابی کتبی رو به کاهش گذاشت فاتیف بیش از حد نگران شد. او مرتب از دانشجوی آمریکایی می خواست تا به نوشتن خود ادامه دهد و استدلال می کرد که «مهم نیست چه می نویسی ولی برای من چیزی بنویس.» درباره این موضوع یک نوع پافشاری عصبی در کار بود.

دانشجوی آمریکایی از اینکه فرد روسی به او اصرار می کرد که در وین طولانی تر از آنچه قصد داشت باقی بماند اندکی به فکر فرو رفت. فرد روسی به او گفته بود که اگر موضوع سر پول است «من می توانم ماهی ۱۰۰ دلار به شما بدهم. شما چنان آدمی خوبی هستید که باید به مطالعات خود ادامه دهید.»

تصمیم نهایی و توأم با شک و تردید دانشجوی آمریکایی برای دادن گزارش آنچه که در جریان است به مأمور امنیتی سفارت آمریکا زمانی گرفته شد که وقوع حادثه ای خاص جریان را به نحو نگران کننده ای در معرض دید قرار داد. فاتیف یک روز به او معادل ۶۰ دلار آمریکایی پول نقد اتریشی داد و توضیح داد که این پول از جانب دوست روزنامه نگار که هویتش فاش نشده بود بابت «کاری» که او انجام داده بود، پرداخت شده است. فاتیف همچنان به او وعده داد که اگر او به نوشتن برای شورویها ادامه دهد پرداختهای دیگری صورت خواهد گرفت. هنگام پرداخت فاتیف از دانشجوی آمریکایی خواست که یک قبض رسید امضاء شده به او بدهد. دانشجوی آمریکایی هنگام نقل داستان خویش به زحمت می توانست باور کند که او برای مدت چندین ماه از سوی یک مأمور اطلاعاتی که در درجه اول اهداف آمریکایی مد نظرش بوده گول خورده است. این دانشجو هر چند از ماهیت قضیه بی خبر بود به نحو منظمی با مأمور اطلاعاتی براساس شرایط نیمه مخفی ملاقات کرده بود و آنچه را که از او خواسته بودند انجام داده و سرانجام پول دریافت کرده و قبض رسید آن را داده بود. اظهار نظر او درباره دادن گزارش بسیار گویا بود: «من اصلاً نمی توانم باور کنم این نوع مطالب را که در روزنامه ها می خوانیم و فکر نمی کنیم که درباره ما هم ممکن

است اتفاق بیفتد، من اکنون می توانم آن را بینم ولی هنوز هم از بعضی لحاظ باور کردن اینکه من در این ماجرا آلوده بودم دشوار است.... این امر برای چند هفته نبود بلکه تقریباً یک سال ادامه داشت.»

در ارتباط با ماجرای فوق لازم است خاطر نشان شود که دانشجویان آمریکایی در خارج گاهی درباره پرورش شوروی در مراحل اولیه آن ظنین می شوند ولی هنگامی که از مقامات آمریکایی در این باره اطلاعی ندارند و درباره مسائل امنیتی چندان هوشیار نیستند توصیه های اشتباهی را دریافت می کنند. در یکی از چنین مواردی یک دانشجوی آمریکایی به طور منظم مبالغ قابل ملاحظه ای از یک دانشجوی مبادله ای شوروی برای ترجمه مقالات از مطبوعات محلی به زبان انگلیسی دریافت می کرد. او از یک مأمور کنسولگری آمریکا پرسید که آیا چنین ترتیبی ایرادی ندارد. درباره این پرسش در مدارک رسمی چیزی ثبت نشده و در آن زمان به مأمور امنیتی سفارت گزارش داده نشد. ماجرا هنگامی برملا شد که ماهها بعد دانشجوی آمریکایی بازگشته و گزارش داد که شورویها می خواستند او را به عنوان یک عامل اطلاعاتی شوروی به کار گیرند. اگر این آمریکایی در همان دیدار اول مراتب را به مأمور امنیتی سفارت گزارش داده بود، می توانست راهنمایی صحیحی دریافت کند. مأمور کنسولگری نتوانسته بود این مطلب را درک کند که هیچ دانشجوی شوروی در غرب نیاز مشروع برای ترجمه مطالب مندرج در مطبوعات یا پول برای پرداخت بابت این ترجمه از سوی خود ندارد.

تأسیسات اطلاعاتی شوروی درباره هدفهای آمریکایی در خارج

«در کشورهایی که تجمع آمریکاییان، که از لحاظ اطلاعاتی جالب باشند، وجود دارد، تأسیسات ما در محل به طور منظم شرایط کار آنها را مطالعه می کنند و در پی راههایی هستند تا با آنها تماس برقرار کنند. ما از منابع عمال خود و تماسهای شخصی و سایر شکل‌های نظارت درباره کارمندان و الگوهای کار در داخل تأسیسات آمریکایی و وضع حقوقی و استخدامی آنها و همچنین الگوهای رفتاری و موضع گیری نسبت به

تماس با شورویها به عنوان آماجهای انفرادی خودمان اطلاعات جمع آوری می کنیم.»

اتباع شوروی

هر چند ژنرال الکساندر میخایلوویچ ساخاروفسکی، رئیس مدیریت خارجی کا. گ. ب. از قرار معلوم در یک رهنمود سال ۱۹۶۱ به همه نمایندگی های مستقر در کشورهای خارجی گله کرده بود که مأمورین کا. گ. ب. با گسترش تماسهای خود با آمریکاییها خود را در معرض دید آنها قرار داده و به صورت هدفهای ضد اطلاعاتی آنها قرار می گیرند، کاملاً روشن است که در عمل مأمورین اطلاعاتی شوروی در سراسر جهان در پی تماسهای شخصی با آماجهای بالقوه برای به کارگیری هستند. نمونه های از این واقعیت در این رساله داده شده است و نمونه های دیگری نیز وجود دارد که متعددتر از آن است که در اینجا بدون پیچیده تر کردن مطلب ذکر شود.

در قسمتهای اولیه این رساله خاطر نشان شده بود که در سالهای اخیر، مأمورین کا. گ. ب. دیده شده اند که گاهی در اقصی نقاط کره زمین کوششهای خود را علیه آمریکاییها در خارج متمرکز می کنند. این اشخاص که از لحاظ دانش زبان کاملاً واجد شرایط بوده و با زندگی و خصوصیات آمریکا آشنا هستند در بسیاری از موارد آماجهایی را که با آنها کار می کنند مستقیماً پرورش می دهند، گاه به گاه در

مراحل اولیه پرورش آنها از یک پرچم جعلی استفاده می کنند. بدین معنی که خودشان را کانادایی یا اتباع کشورهای اروپایی که به زبان انگلیسی تکلم می کنند، معرفی می نمایند.

برای نمونه در هند که یک محیط فعالیت فشرده کا. گ. ب. علیه آمریکاییها است، لاقل یک کارشناس باتجربه متخصص در امور آمریکا در رابطه با تماس مستقیم با پرسنل مورد آماج قرار گرفته آمریکایی در هر یک از سالهای دهه قبل حضور داشته است. در جریان بخشهایی از این مدت چندین نفر از این پرسنل همزمان حضور داشتند. یکی از مأموران بخش آمریکا با سه مأمور آمریکایی در تماسهای اجتماعی گرفتار بود و شخصا یک منشی رمز و چندین کارمند عادی دیگر آمریکایی را پرورش می داد. یکی دیگر با لاقل ۸ مأمور آمریکایی از جمله یک مأمور خدمات خارجی و یک منشی رمز تماس داشت. یک نفر سومی مناسبات پرورشی لاقل با ۷ نفر مأمور آمریکایی در مقوله های مختلف و همچنین تعدادی آمریکایی غیررسمی داشت. یک نفر چهارمی که دور از دهلی نو مستقر شده بود مشاهده شده بود که در پرورش شخصی آمریکاییها فوق العاده فعال است.

هنگامی که سابقه مأمورین شناخته شده بخش آمریکایی کا. گ. ب. را به سابقه سایر پرسنل اطلاعاتی شوروی مشکوک (روی هم رفته بیش از ۳۰ نفر) که مستقیماً در عملیات علیه آمریکاییها در هند در یک زمان شرکت داشتند اضافه کنیم، شواهد ناراحت کننده تر می شود. تماسهای اطلاعاتی شوروی با عمق و طول زمانی مختلف تقریباً با ۷۰ مأمور آمریکایی به اضافه لاقل ۱۸ «کارمند جزء» و مأمور فنی (از قبیل منشی رمز و نگهبان و سکرترها) و لاقل ۲۵ نفر اتباع خصوصی آمریکا برقرار شده بود. تعداد دهها تماس شامل پرورش مستقیم بود که به ویژه بسیار فشرده به شمار می رفت. علاوه بر افسران ستاد که در زیر پوشش دیپلماتیک یا سایر پوششهای رسمی در غرب کار می کنند، دستگاه اطلاعاتی شوروی هنگام کار علیه آمریکاییان مقیم خارج از به کار گرفتن افراد غیرقانونی نیز استفاده می کند. همان طور که قبلاً گفته

شد اینها مأمورین غیرقانونی شوروی هستند که با کارت شناسایی غیر شوروی مجهز به مدارک کامل و در عین حال قلابی به عنوان شهروندان سایر کشورها می باشند.

بعضی از آنها در غرب سالهای سال فعالیت دارند و سرگرم انواع مختلف فعالیتهای مشروع استتاری که با مأموریت اطلاعاتی آنها وفق داده شده است، می باشند. مثلاً سرهنگ دوم یوگینوویچ رونگ، مأمور کا. گ. ب. و یک فرد غیرقانونی که در ماه اکتبر سال ۱۹۶۷ در آلمان به مقامات آمریکایی پناهنده شد، خود را برای مدت ۱۲ سال با نهایت موفقیت به عنوان یک شهروند آلمانی و یک بازرگان تراز پایین که خود کارفرمای خویش بود معرفی کرده بود. کار او برایش پوشش مناسبی بود و قدرت تحرک و فرصت کافی مورد احتیاج را به او می داد تا یک شبکه مهم آلمانی را رهبری کند.

افراد غیرقانونی که در غرب زندگی می کنند ممکن است با استفاده از سمت پوششی خود یا اوضاع اجتماعی طبیعی تماسهای قابل قبول با آمریکاییهایی که از لحاظ اطلاعاتی جلب توجه می کنند برقرار کنند. آنچه که بعداً اتفاق می افتد تابع الگوی معینی نیست. فرد غیرقانونی ممکن است به عنوان یک ردیاب و ارزیاب مشکوک وارد میدان شده و فرد آمریکایی را که آماج او قرار گرفته است به مرحله ای برساند که تنها یک گام با کوشش به کارگیری فاصله داشته باشد. در این هنگام شخص دیگری که ممکن است یک فرد غیرقانونی یا یک تبعه معمولی شوروی با سمت رسمی باشد، در اوضاع و احوالی که هیچ گونه سوءظنی ایجاد نمی کند، وارد صحنه شده و انجام عملیات را به عهده بگیرد و آن را به پایان برساند. در

زمانهای دیگری تنها یک فرد غیرقانونی ممکن است عملیات را از طریق همه مراحل از ردیابی تا به کارگیری اداره کند.

در بعضی اوضاع، یک فرد غیرقانونی شوروی ممکن است برای کوشش در به کارگیری یک آمریکایی که دستگاه اطلاعاتی شوروی در مورد او اطلاعات دارد و لاقلاً تا اندازه ای ارزیابی شده است از اتحاد جماهیر شوروی اعزام شود این نوع فرد غیرقانونی ممکن است خود را به عنوان یک توریست از یک کشور غربی و یا یک روزنامه نگار آزاد و یا بازرگان سیار و یا نماینده یک سازمان خیالی برای پیشبرد صلح جهانی یا آرمان با ارزش دیگر معرفی کند. پوشش او به طور کلی سطحی است و هر چند برای ایفای نقش خویش دارای مدارک کافی است، او بی میل خواهد بود از اینکه درباره سابقه و شغل خویش عمیقاً مورد سؤال قرار گیرد. یک تبعه یکی از کشورهای اروپای شرقی که در ماجرای که قبلاً نقل شد ظاهراً به عنوان تبعه آفریقای جنوبی تغییر تابعیت داده بود کوشیده بود تا یک کارشناس ارتباطاتی و مخبراتی وزارت امور خارجه را که دارای ریشه قومی یکسان با وی بود، استخدام کند. وی یک فرد غیرقانونی و احتمالاً از نوع تک مأموریتی بود.

دستگاه اطلاعاتی شوروی اغلب از سایر اتباع شوروی در خارج در عملیات علیه آمریکاییها استفاده می کند. اینها اتباع شوروی می باشند نه اعضای کا. گ. ب. یا جی. آر. یو که سمتهای مشروع آنها در کشورهای خارجی، از قبیل استعداد آنها در تکلم به زبان انگلیسی و تحرک بازرگانی و مناسبات اجتماعی آنها یا تخصص فنی آنها، به آنها این امکان را می دهد تا بعضی از وظایف را براساس مأموریتهای نیمه وقت جهت یکی از دو دستگاه کا. گ. ب. یا جی. آر. یو انجام دهند. به کارگیری دانشجویان مبادله ای اصیل، بدین طریق قبلاً خاطر نشان شده است. سایر مقوله ها شامل خبرنگاران خارجی شوروی در سمتهای مشروع، دانشمندان و کارشناسان بازرگانی خارجی در وزارت امور خارجه می باشند. عادیترین

نقش آنها عبارت است از ردیابی و ارزیابی آمریکاییانی که با آنها تماس عادی مکرر دارند. گزارشهای آنها درباره چنین تماسهایی به رئیس محلی کا. گ. ب یا جی. آر. یو تسلیم می شود و به دقت تجزیه و تحلیل می گردد و به عنوان شالوده ای برای برنامه ریزی عملیات به کارگیری مورد استفاده قرار می گیرد. فرد روسی اولیه ممکن است آنگاه برای معرفی تحت یک بهانه پذیرفتنی یا یک مأمور اطلاعاتی و یا یک عامل به آن فرد آمریکایی که مشمول هدف قرار گرفته به کار رود.

مأمورین اطلاعاتی سایر کشورهای بلوک کمونیست

دستگاههای اطلاعاتی کشورهای بلوک کمونیست در اروپای شرقی علیه آمریکاییها در خارج، در تعقیب هدفهای ویژه خویش، به ویژه هنگامی که منشأ قومی یک مأمور و کارمند آمریکایی متعلق به اروپای شرقی باشد فعالیت دارند ولی همچنان که قبلاً خاطر نشان شده است شواهدی در دست است که دستگاههای کشورهای بلوک کمونیستی اروپای شرقی هر جا که در خارج از این محیط نماینده دارند تنها بخشی از فعالیت خود را به منافع شوروی اختصاص می دهند. ماجرای منشی آرشیو سفارت آلمان فدرال و نامزد قلابی آمریکایی او که قبلاً به تفصیل ذکر شد، نشان دهنده مشارکت دستگاه اطلاعاتی آلمان شرقی در عملیاتی است که تحت کنترل کا. گ. ب. بوده است.

در چندین نقطه جهان، نمونه هایی از واگذاری موقت یک عامل متعلق به این بلوک تحت کنترل مستقیم

دستگاه اطلاعاتی شوروی مشاهده شده است. در یک کشور، شهروند یکی از کشورهای اروپای غربی که از طریق تغییر تابعیت تبعه این کشور شده بود، به عنوان یک عامل از سوی دستگاه اطلاعاتی کشور اصلی او که متعلق به بلوک کمونیستی بود، به کار گرفته شده بود. هر چند دستگاه اطلاعاتی این کشور بلوک کمونیستی نقشه دراز مدتی برای استفاده از این عامل داشت، هنگامی که معلوم شد او به تعدادی از آمریکاییان مورد نظر شوروی دسترسی پیدا کرده است، بلافاصله تحت کنترل مستقیم کا. گ. ب درآمد. او آنگاه منحصر از سوی شورویها در پشتیبانی از عملیاتی که چندین سال به طول انجامید مورد استفاده قرار گرفت. بعداً در یک کشور دیگر او بار دیگر برای دستگاه اطلاعاتی یک کشور بلوک کمونیستی که زادگاه او بود تغییر شغل داد. به همین ترتیب در یک منطقه غیر اروپایی هنگامی که یک مأمور اطلاعاتی بلوک کمونیست کسب اطلاع کرد که یکی از عمال محلی آن که تا آن زمان علیه آماجهای کشور خودش کار می کرد و درسهای خصوصی زبان به یک مأمور آمریکایی می داد، این عامل به یک مأمور ستاد بخش آمریکایی کا. گ. ب. واگذار شد. برای مدتی بعد از آن کا. گ. ب. از آن عامل بلوک کمونیستی برای جمع آوری اطلاعات درباره این آمریکایی استفاده کرد از آنجایی که درسهای زبان در خانه این آمریکایی انجام می گرفت، به این عامل گفته شد تا با خانواده آمریکایی مورد بحث بیشتری دوستی کند تا بتواند دیدارکنندگان از این آمریکایی را تشخیص هویت دهد. همچنین از او خواسته شد تا نقشه تقریبی اتاقهای این خانه را با حداکثر جزئیات تهیه کند (شاید برای اینکه دستگاههای استراق سمع در آن نصب شود) و نمونه ای از دست خط این آمریکایی فراهم کند با این بهانه که وی در تجزیه و تحلیل خط مهارت دارد. مأمور کا. گ. ب. نمونه امضای او را در ته یک کاغذ فاقد نوشته لازم داشت و به این عامل آموخته بود که چگونه کاغذ را تا کند به طوری که فرد آمریکایی متوجه نشود که او در زیر یک کاغذ نوشته نشده امضاء می کند. (یک چنین نمونه ای ممکن بود برای استفاده در عملیات جعل اسناد کا. گ. ب. به کار رود).

همکاری بلوک کمونیستی با دستگاه اطلاعاتی شوروی به طرق دیگر نیز نشان داده شده است. در بعضی کشورها تماسهایی بین مقامات آمریکایی و همتهای دیپلماتیک شوروی آنها به دلایل سیاسی مربوط به روابط آمریکا با حکومت محلی تشویق نمی شود. مناسبات اجتماعی با مقامات بلوک کمونیستی معمولاً کمتر محدود است. مواردی وجود داشته است که در آنها مقامات بلوک کمونیستی از آمریکاییها برای شرکت در جشنهایی دعوت کرده اند که در آنها یک مأمور کا. گ. ب. که کارشناس در امور آمریکا می باشد شرکت دارد، حضور یک چنین فردی همواره تصادفی نبوده است.

اتباع سایر کشورهای بیگانه

هر چند مأمورین اطلاعاتی شوروی در پی تماس مستقیم با آمریکاییها در کشورهای خارج می باشند، بسیاری از آمریکاییها که درباره هدفهای شوروی آگاهی و هشیاری دارند، میل ندارند تماس مستقیم با شورویها داشته باشند. از لحاظ غریزی نیز از فرصتهایی که برای چنین تماسهایی پیش می آید دوری می گزینند. کا. گ. ب. و جی. آر. یو برای غلبه بر چنین دشواری و همچنین برای به تعویق انداختن یا پنهان کردن موجودیت مورد علاقه شوروی بر روی پرورش و دستکاری عمال سایر ملیتها جهت ارزیابی و پرورش و گسترش افراد آمریکایی به منظور به کارگیری بعدی آنها تأکید می کنند. یک سند کا. گ. ب. درباره این جنبه از آیین عملیاتی در عبارات زیر اشاره می کند:

«تجربه ما از این قرار بوده است که در بعضی از کشورها که در آنها برنامه های ضد اطلاعاتی علیه ما وجود دارد پرورش مستقیم آمریکاییها از سوی مأموران ما معمولاً چندان مؤثر نیست... در چنین اوضاع و احوالی ترجیح داده می شود که از عمال محلی برای پرورش و ارزیابی آمریکاییها برای ما استفاده شود... (مثلاً) هیئت ما در رم تعدادی از این عمال را آموزش داد و به آنها دستور داد تا با آمریکاییان در تأسیسات و واحدهای ویژه دوست شوند و از آنها اطلاعات جمع آوری کنند. آنهایی که در بخشهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ارتباطاتی سفارت آمریکا و یا گروه مساعدت نظامی و یا بخش اطلاعاتی (مقصود اطلاعات مطبوعاتی و غیره است م) آمریکا و نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در ایتالیا کار می کنند مشمول این فعالیت می باشند.» چند مقوله از اتباع خارجی هستند که به عنوان عمال علیه آمریکاییهای خارجی از سوی کا. گ. ب. و جی. آر. یو. به کار گرفته می شوند و در صفحات بعدی این بخش این مقوله ها با مثالهای متعدد ذکر خواهد شد.

دیپلماتهای جهان سوم

در مسکو هیئت مدیره ضد اطلاعات کا. گ. ب. (مدیریت دوم) مسئول عملیاتی و امنیتی و ضداطلاعاتی بیگانگان مقیم شوروی یا دیدار کننده از شوروی است. این مدیریت به عنوان یکی از مأموریتهای متعدد خود مسئول تهیه و اجرای برنامه های عملیاتی بسیار عظیم و مبارزه جویانه برای رخنه در تأسیسات دیپلماتیک خارجی در مسکو و به کارگیری کادرهای دیپلماتیک خارجی به عنوان عمال شوروی در دوران خدمت آنها در اتحاد جماهیر شوروی است. شرح تفصیلی بسیاری از جنبه های این برنامه خارج از گنجایش این رساله است، معذالک می توان خاطر نشان ساخت که این برنامه علیه همه کارمندان دیپلماتیک خارجی در حیطه عملیاتی وسیع فنی کا. گ. ب. و منابع آنها در یک محیط کاملاً تحت کنترل می باشد. برنامه کا. گ. ب. در طول سالها کاملاً موفقیت آمیز بوده است، یک مأمور اطلاعاتی

شوروی که از این کشور فرار کرده، برآورد کرده است که در هر لحظه معین در مسکو کا. گ. ب. لااقل دارای یک عامل به کار گرفته در هیئت سیاسی نمایندگی هر یک از کشورهای رو به رشد خاورمیانه، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین است. کا. گ. ب. همچنین موفقیت چشمگیری در عملیات به کارگیری علیه پرسنل دیپلماتیک اروپایی و سایر کشورهای غربی در مسکو داشته است.

هر چند پرسنل دیپلماتیک خارجی که در مسکو به کار گرفته می شوند ممکن است به عنوان منابع اطلاعاتی ارزش بلافاصله داشته باشند، سودمند بودن آنها برای کا. گ. ب. اغلب پس از اینکه آنها خاک اتحاد جماهیر شوروی را ترک می کنند، ارزش بیشتری دارد. معمولاً کنترل این اشخاص به مدیریت خارجی کا. گ. ب. واگذار می شود و بهره برداری دراز مدت از آنها به عنوان عمال شوروی در مأموریت‌های بعدی در داخل کشور یا نقاط دیگری در خارج ادامه می یابد. آنها علاوه بر خدمت در رخنه کردن در دستگاه‌های دولتی خود به عنوان عمال شوروی اغلب نقشهایی در عملیات شوروی علیه آمریکاییها در کشورهای خود یا در سایر کشورها ایفا می کنند که کشف آنها بسیار دشوار است. آنها به عنوان دیپلماتهای کشورهای بیطرف یا غربی قادرند مناسبات رسمی و اغلب مناسبات نزدیک شخصی با همتهای آمریکایی خویش با سهولت بیشتری از نمایندگان شوروی در همان حیطه برقرار کنند. بدین ترتیب مهمترین کمکهای آنها به عملیات اطلاعاتی شوروی علیه آمریکا عبارت است از تواناییهای آنها در

اوضاع و احوال ظاهراً بسیار عادی برای پرورش و ارزیابی کامل از مأمورین آمریکا به نفع شوروی. آنها همچنین به عنوان کانالهایی جهت معرفی آمریکاییها به مأمورین اطلاعاتی شوروی در زمانها و محللهایی که از سوی شوروی انتخاب می شود مورد استفاده قرار می گیرند. «همکاری کنندگان» دیپلماتیک از کشورهای بیطرف اعم از اینکه در مسکو به کار گرفته شده باشند و یا در جای دیگری تحت نفوذ شوروی آورده شده باشند، واسطه های مطلوبی جهت نزدیک شدن شوروی به آمریکاییها می باشند.

محل هر چه باشد، یک ... راه مؤثر برای برقراری تماس با آمریکاییها عبارت است از به طور غیر مستقیم از طریق همکاری کنندگان از کشورهای بیطرف، به ویژه کارمندان سفارتهای کشورهای بیطرف که در عین حال دارای روابط حسنه با آمریکاییها می باشند. نمونه هایی از چنین سفارتخانه ها را می توان سفارتخانه های هند و برمه و کشورهای عربی و آمریکای لاتین ذکر کرد. برای برقراری تماس با آمریکاییها بدین طریق مأمورین اطلاعاتی ما در پی برقراری مناسبات همکاری با نمایندگان چنین کشورهای بیطرف هستند. آنچه در زیر خلاصه می شود یک نمونه بارز از کار دستگاه اطلاعاتی شوروی علیه آمریکاییها توسط یکی از عمال سطح عالی یک کشور جهان سوم می باشد که در مسکو به کار گرفته شد. در این مورد کارفرما جی. آر. یو یعنی دستگاه اطلاعاتی نظامی شوروی بود، زیرا این دستگاه قبلاً کارهای مرحله تدارکاتی را برای عملیات به کارگیری در خارج از اتحاد جماهیر شوروی انجام داده بود.

بسیاری از خوانندگان شاید با حوادث برجسته کار حرفه ای جاسوسی سرهنگ نیروی هوایی سوئد به نام سرهنگ استیگ ونرستروم (Stig Wennerstroem) آشنا باشند. این شخص به مدت ۱۵ سال از عمال موفق جی. آر. یو. تا زمان دستگیری خود در سال ۱۹۶۳ بود و در دادگاه به حبس ابد محکوم شد.

او به خاطر لو دادن سیستم دفاع هوایی سوئد به شورویها که باعث خسارت سنگینی به کشورش شده، معروف است. همچنین در مورد بخشی از زندگی حرفه ای او (۱۹۵۲-۵۷) یعنی زمانی که به عنوان وابسته

هوایی سوئد در آمریکا به سر می برد و حدود دهها هزار نشریه فنی آمریکایی و اسناد نظامی را که بسیاری از آنها دارای طبقه بندی خیلی محرمانه بود جمع آوری کرده و به صورت میکروفیلم در اختیار اربابان روسی خود قرار داده بود و در همان حال در جوامع اجتماعی و دیپلماتیک واشنگتن نیز توانسته بود راه پیدا کند، مطالب بسیار منتشر گردیده است. مطالعات منتشره، بیشتر این شخص را از جنبه روان شناسی مورد مطالعه قرار داده، او را به عنوان مردی که یکی از مقامات حرفه ای مستعد و عاری از عیب و نقص یک کشور «بیطرف» است نشان داده اند که در پس چهره اش دنیایی از تخیلات والترمیتی و تمایل به شهرت شخصی مداخله در اموری که به جهان شکل می بخشند وجود دارد. این خصوصیات نقاط ضعف مرگبار شخصیت او بودند که جی. آر. یو. به نحو صحیحی در اواخر دهه ۱۹۴۰ یا شاید قبل از آن تجزیه و تحلیل کرده بود و با پاداش مالی جبران می کرد. معذالک آنچه که به موضوع این رساله مربوط می شود، جنبه «آمریکاییهای مقیم خارج» در ماجرای ونرستروم می باشد که در سراسر آن از ابتدا تا پایان گنجانده شده است. در هنگام به کارگیری رسمی او در سال ۱۹۴۹ در مسکو که او به عنوان وابسته هوایی سوئد در آنجا کار می کرد به او گفته شده بود که شورویها با سوئد کاری ندارند و سر و کار آنها با ایالات متحده آمریکا است که همه منابع و امکانات شوروی بر علیه آنها باید به کار رود. از نخستین روز زندگی حرفه ای او تحت فرمان جی. آر. یو. ابتدا در مسکو و سپس در استکهلم و آلمان و اسپانیا (و البته ایالات متحده) فعالیت او متوجه آمریکاییها بود. نخستین مأموریت ونرستروم عبارت بود از نزدیکترین تماس ممکن با سفارت

آمریکا در مسکو، زیرا شورویها در سال ۱۹۴۹ مسکو را به عنوان پایگاه اساسی کلیدی در اتحادیه ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) تلقی می کردند.

از ورنستروم تقاضا شده بود تا اسامی و سمتها و جزئیات شرح حال و زندگی و خصوصیت‌های اخلاقی شخصی پرسنل سفارت آمریکا را فراهم کند و این مأموریتی بود که او به آسانی می توانست انجام دهد زیرا او بسیاری از دیپلماتها و افسران نظامی سفارت آمریکا را می شناخت و بعضی از آنها در سوئد خدمت کرده بودند. چنان که خود ورنستروم پس از دستگیری گفته بود: «من به سرعت وارد سفارت آمریکا شدم. این سفارت یک موقعیت مشخصا مسلط در میان هیئتهای نمایندگی سیاسی خارجی در مسکو داشت و اگر یکی ورود به این سفارت را برای خود امکان پذیر ساخت بقیه (اطلاعات مورد توجه برای شورویها) به خودی خود به دست می آمد.» ظاهرا چنین به نظر می رسید که به برکت «اعتماد» همتهای آمریکایی، او را آن چنان که ظاهرا می نمود بدون هیچ گونه سئوالی پذیرفته بودند.

ورنستروم اطلاعاتی نه تنها درباره پرسنل جمع آوری می کرد، بلکه همچنین اطلاعات دیگری درباره «فرماندهی استراتژیک هوائی» که به تازگی تأسیس شده بود (و درباره آن شورویها خواستار اطلاعاتی بودند)، از جمله مناطق آماجی فرماندهی استراتژیک هوائی در داخل اتحاد جماهیر شوروی در صورت بروز جنگ را در اختیار شوروی قرار می داد. در سال ۱۹۵۷ ورنستروم از واشنگتن به استکهلم بازگشت (مأموریت او در ایالات متحده به طوری که کسب اطلاع شده یک پاداش پیش بینی نشده برای شورویها بود) و تا زمان بازنشستگی از انجام وظیفه فعال نظامی، در سال ۱۹۶۱ عضو فرماندهی دفاعی سوئد شد. در این دوره آنچه که درباره ایالات متحده از سوی شوروی خواسته می شد همچنان اهمیت داشت. به دستور جی. آر. یو. او موظف شد تا ارتباطات صمیمانه را با پرسنل نظامی سفارت آمریکا حفظ کند. بار دیگر انجام این مأموریت برای ورنستروم بسیار آسان بود زیرا او محبوبیت خاصی در میان آمریکاییها

داشت و به طور منظم در همه امور اجتماعی سفارت آمریکا شرکت می کرد. ونرستروم به عنوان کارمند فرماندهی دفاع سوئد توانسته بود نشریات حجیمی را که درباره هواپیماها و تجهیزات نظامی آمریکا به دست آورده و میکروفیلم آن را تهیه کند.

در سال ۱۹۵۸ از ونرستروم دعوت شد تا چند روزی را به عنوان میهمان یک دوست نزدیک که یک ژنرال برجسته در ستاد نیروی هوایی آمریکا بود در شهر ویسبادن در آلمان بگذراند.

شورویها اصرار داشتند که او این دعوت را بپذیرد و حتی زمان دقیق دیدار او را در ماه ژوئیه

تعیین کردند. به او دستور داده شد تا درباره سرکشی از فرودگاه نظامی زحمتی به خود راه ندهد (می توان

نتیجه گرفت که شورویها این قسمت از اطلاعات را در دست داشتند) بلکه در نزدیکی میزبان خود باقی

مانده و هر حادثه جالب توجهی را که اتفاق بیفتد گزارش دهد و این شاید نشان می داد که جی. آر. یو. دلیل

کافی داشت تا معتقد باشد که اتفاقی خواهد افتاد و چنین اتفاقی در واقع صورت گرفت. اندکی قبل از

عزیمت ونرستروم (به او گفته شده بود که مستقیماً به عنوان توریست برای شرکت در یک ملاقات مخفی با

ژنرالی که فعالیت جاسوسی او را کنترل می کرد به بخش برلن شرقی برود)، میزبان او در ویسبادن قرار بود

به طور ناگهانی با هواپیما رهسپار ترکیه شود، به گفته عامل سوئدی هنگامی که ونرستروم این حادثه را در

برلن شرقی گزارش داد «ژنرال» شوروی فوراً اتاق را ترک کرد و «ظاهراً قصد داشت تلگرافی به مسکو

بفرستد.» ونرستروم تنها بعداً کسب اطلاع کرد که این پرواز ناگهانی میزبان او به ترکیه با تدارکات آمریکا

جهت مداخله نظامی در بحران لبنان ارتباط داشته است.

بار دیگر در سال ۱۹۵۸ هنگامی که ونرستروم به شورویها گفت که بعضی از آمریکاییهایی که با او تماس داشتند به اسپانیا رفته اند به او دستور داده شد تا مرخصی خود را در آن کشور گذرانده و تماسهای خود را تجدید کند و حداکثر اطلاعات را درباره فرماندهی استراتژیک و تأسیسات اسپانیا به دست آورد. (جی. آر. یو) به او توضیح داد که به علت نبودن یک هیئت شوروی در اسپانیا جمع آوری اطلاعات از این کشور دچار محصه شده است). ونرستروم بعداً درباره این سفر گفت: «من متوجه شدم که علاقه شورویها درباره کار من در سوئد کاهش یافته است... و تأکید اکنون بر روی امکان گماشتن من در اسپانیا به نحوی از انحاء است.»

این تأکید در عمل تا مدتی به حال رکود قرار داشت زیرا ونرستروم دست به فعالیت جاسوسی علیه کشور خود زد که نتایج فلاکت باری را برای سوئد داشت. او می توانست به اسناد طبقه بندی شده سوئدی و آمریکایی، درباره اطلاعات نظامی حتی بعد از بازنشستگی در سال ۱۹۶۱ از طریق به دست آوردن کار جدیدی به عنوان مشاور تسلیحاتی وزارت امور خارجه سوئد دسترسی داشته باشد. معذالک شورویها ظاهراً تدارکات دراز مدتی را برای گماشتن او در اسپانیا پس از بازنشستگی کامل او در سال ۱۹۶۴ می دیدند. آنها در این باره چندین بار صحبت کردند و تنها چند روز قبل از دستگیری او در ماه ژوئن ۱۹۶۳ مبلغ هنگفتی پول برای انجام یک سفر اکتشافی به اسپانیا در اختیار او گذاشتند. ونرستروم بعداً اعتراف کرد که در این سفر او قرار بود براساس دستور جی. آر. یو تصمیم بگیرد که چه تماسهای آمریکایی برای بهره برداری بعدی باید برقرار کند. متحمل به نظر می رسد که شورویها در فکر آن بودند که ونرستروم بعد از بازنشستگی در جنوب اسپانیا و در نزدیکی پایگاه زیر دریایی آمریکایی پلاریس در روتا که از قرار معلوم از مناطق آماجی اطلاعاتی شوروی برخوردار از اولویت بود بگذرانند. این فرضیه براساس ادای

شهادت و نرستروم می باشد، مبنی بر اینکه مأموریت نهایی پیش بینی شده او عبارت از جمع آوری اطلاعات دریایی و به ویژه کوشش در تشخیص مناطق آماجی جماهیر شوروی مربوط به موشکهای پلاریس آمریکا بود.

شهروندان محلی

مسلم است که سرویس اطلاعاتی شوروی در تهیه اطلاعات مربوط به وضع استخدامی و نحوه رفتارهای مشخص آمریکاییان مورد نظر و حالات فردیشان در تماس با شورویها شدیداً بر شهروندان محلی هر کشور در خارج یعنی محللهایی که هم روسها و هم آمریکاییها در آن استقرار یافته اند متکی است. به استثنای کارمندان محلی تأسیسات آمریکا (مقوله ای که بعداً به طور جداگانه مورد بحث قرار خواهد گرفت) شهروندان کشورهای میزبان بر یک اساس بی خبری به کار گرفته شده و گاهی مورد استفاده قرار می گیرند تا از عملیات علیه پرسنل آمریکایی مستقیماً پشتیبانی کنند. نقش عمده آنها عبارت است از، ردیابی و ارزیابی آمریکاییهایی که با آنها براساس اجتماعی یا رسمی در تماس می باشند. همان طوری که در یک سند کا. گ. ب. گفته شده است: «در مواردی که اطلاعات پیشرفته حاکی از آمادگی یک نفر آمریکایی برای همکاری با ما براساس ایدئولوژیک سیاسی یا مادی وجود دارد و یا اطلاعات حساس ممکن است به دست آید ما قادر هستیم قبل از تماس شخصی گامهای ویژه ای را برای جلب او در برقراری

رابطه به عنوان عامل برداریم.»

در واقع شهروندان محلی جزء مکملی از هر شبکه عمال شوروی به شمار می آیند که هر هیئت کا. گ.

ب. و جی. آر. یو. در کشورهای مختلف انتظار می رود به عنوان پشتیبانی از هدفهای کلی دستگاه

اطلاعاتی خارجی شوروی در هر کشور این شبکه را برقرار کند. تا آنجایی که مربوط به آماج آمریکایی

باشد، شهروند محلی که عامل شوروی است ممکن است یک کارمند بار، یا یک پیشخدمت در محلهایی

باشد که آمریکاییها اغلب از آنجا دیدار می کنند، یا یک ماشین شوی کنار خیابان در نزدیکی سفارت

آمریکا، یا یک فروشنده روزنامه ها در کیوسکهای نزدیک به تأسیسات آمریکا یا یک نماینده آژانس

توریستی، یا یک واسطه بنگاه معاملات ملکی که آمریکاییها برای یافتن مسکن به او مراجعه می کنند، یا

یک کارمند دولت با آمریکاییها سر و کار دارد و یا شخصی که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی مقام

برجسته ای دارد و از آمریکاییها پذیرایی می کند و در محافلی که آمریکاییها به آن مراجعه می کنند مرادود

دارد، باشد و فهرست چنین اشخاص تقریباً پایانی ندارد.

در این مرحله بجاست این واقعیت را که درباره آن چندان بحث نشده تأکید کنیم که شیوه دستگاههای

اطلاعاتی شوروی در خارج این است که «بارها» و کافه هایی را که آمریکاییها بیشتر در آنها پرسه می زنند

جزء هدفهای آمریکایی شوروی تشخیص دهند و همچنین منشیهای رمز و تفنگداران دریایی و منشیها و

کارمندان آرشیو تأسیسات دیپلماتیک نظامی و رسمی آمریکایی نیز جزء این هدفهای اطلاعاتی شوروی

می باشند. برای شورویها گماشتن عمال محلی در چنین محیطی بسیار آسان است زیرا این عمال سوءظن

آماجهای خود را بر نمی انگیزند بلکه قادرند با آمریکاییهایی که در نتیجه صحبتهای آنها و رفتارهای آنها

فاش می کنند که در بازار سیاه کار می کنند یا آنکه در قرض فرو رفته اند و یا معشوقه های متعدد دارند و یا

آنکه بیش از اندازه مشروبات الکلی مصرف می کنند و یا اینکه در محل کارشان سرخوردگی پیدا کرده اند و

یا آنکه از بالا سرهای خودشان ناراضیند تماس برقرار کرده و آنها را ردیابی می کنند. این چنین اشخاص و نقاط آسیب پذیر آنها، به سرعت برای مأمورین اطلاعاتی شوروی آشکار می شود و آنها به خودی خود به صورت آماجهایی برای فعالیت مورد توجه شوروی قرار می گیرند.

ماجرای یک صاحب رستوران در پایتخت یکی از کشورهای خارجی که سالها به عنوان یک عامل یا احتمالاً یک ابزار بی خبر، محیط منحصر به فردی را برای کا. گ. ب. جهت ردیابی و ارزیابی و گشودن باب دسترسی مستقیم به کارمندان سفارت آمریکا که در حد اعلا ی اولویت اطلاعاتی قرار گرفته اند، نشانگر ارزش اتباع محلی از نظر دستگاه جاسوسی شوروی در مرحله عملیاتی آنها علیه آمریکاییها می باشد.

این صاحب رستوران که دارای ثروت اندکی بود و از لحاظ اجتماعی در میان سطوح جوانتر کارمندان مورد توجه هیئتهای دیپلماتیک بود، یک شرکت آذوقه رسانی برای هیئتهای دیپلماتیک از جمله سفارت شوروی تأسیس کرده بود. هم رستوران و هم خانه شخصی او محل مرادده شورویها و از جمله سه نفر از کارمندان کا. گ. ب. که مأمور بخش آمریکایی آن بودند قرار گرفته بود و او از آنها در نهایت دست و دلبازی پذیرایی می کرد. صاحب رستوران که زنان آمریکایی برای او شدیداً جذابیت پیدا کرده بودند و شاید این جذابیت زنان آمریکایی به دستور شورویها بود با تعدادی از منشیهای رمز آمریکایی ترتیبات ملاقاتی را فراهم کرده بود و از طریق این منشیها عملاً همه پرسنل بخش ارتباطات سفارت آمریکا را به محفل اجتماعی خود جلب کرده بود. مأموران کا. گ. ب. که تقریباً همیشه در این گونه جشنها حاضر بودند

فرصت کافی برای مطالعه در نهایت فراغت درباره آماجهای بالقوه خود داشتند.

یکی از این منشی های رمز که یک زن مطلقه بود یکی از هدفهای فعال دستگاه اطلاعاتی شوروی قبل از منتقل شدن از این منطقه قرار گرفته بود. یکی از مأمورین کا. گ. ب. موفق شد با او قرار ملاقاتی بگذارد (این زن در آن زمان جریان ملاقات را گزارش نداده بود) و یکی از کارمندان غیر دیپلماتیک سفارتخانه یک کشور بیطرف که بعدا اعتراف کرد که در خدمت کا. گ. ب. به عنوان عامل قرار گرفته بود مأموریت یافت که این زن را پرورش داده و او را اغوا کند ولی در مأموریت خود شکست خورد.

کارمندان محلی تأسیسات آمریکایی

از آنجایی که پرورش آمریکاییهای برگزیده جهت به کارگیری ایجاب می نمود که مأمورین اطلاعاتی شوروی بهترین تصویر ممکن را از کار و طرز رفتار فرد آمریکایی و چگونگی او داشته باشند، کا. گ. ب. خواهان اطلاعات درباره پرسنل آمریکایی سفارتخانه ها و سایر تأسیسات رسمی آمریکایی از همه منابع و از جمله کارمندان محلی غیر آمریکایی بود. دامنه این کوشش شورویها چنان وسیع است که باید تصور شود که در میان کارمندان محلی در اغلب سفارتخانه ها و تجهیزات نظامی آمریکا عمال شوروی وجود دارند.

به محض اینکه کارمندان محلی به استخدام شوروی درمی آیند از آنها خواسته می شود که افراد آمریکایی را که به آنها دسترسی دارند توصیف کنند و وظایف و عادات کار و برنامه های روزمره و خصوصیات اخلاقی شخصی و موضع گیریهای آنها و طرفهای مراوده آنها و نقاط ضعف و آسیب پذیری شخصی آنها را تا آن اندازه که ممکن است تشریح کنند.

علاوه بر این از کارمندان محلی که عمال شوروی شده اند خواسته می شود تا شماره های تلفن آنها و نقشه مسکن آنها و فهرست کارمندان و نمونه هایی از تمبرهای طبقه بندی شده و لوازم التحریر را برای

شورویها تهیه کرده و روشهای تأسیسات و وظایف و عادات انبارداری اسناد و غیره را تشریح کنند.

کارمندان محلی که به طور نهایی در استخدام شوروی قرار گرفته اند توانائی آن را دارند تا دستگاههای الکترونیکی استراق سمع را به نمایندگی از کارفرمایان شوروی خود در محل‌های مورد تقاضا نصب کنند.

دستگاه اطلاعاتی شوروی کارمندان محلی تأسیسات آمریکایی را به عنوان افرادی آسیب پذیر در قبال به کارگیری شوروی تلقی می کنند. هر چند شورویها کاملاً مطلعند که این کارمندان معمولاً براساس معیارهای محلی حقوق خوب می گیرند و علاقمند به حفظ کار خود هستند. دستگاههای اطلاعاتی شوروی در ردیابی و جمع آوری اطلاعات درباره کارمندان محلی که نامزد به کارگیری هستند در جستجوی افرادی هستند که بیشتر علاقه مند به پول باشند تا اینکه با سیاست آمریکا هماهنگی داشته باشند، یا اینکه اشخاصی باشند که از سرنوشت خود به علت اینکه در یک پایه مساوی با همتای آمریکایی خود در آن مؤسسه قرار نگرفته اند ناراضی می باشند، یا اینکه افرادی باشند که آنها را بتوان به نحوی در وضع ناهنجاری قرار داد و این شخص از ترس برملا شدن وضع خود به استخدام آنها درآید.

در کوشش برای به کارگیری کارمندان محلی تأسیسات آمریکایی، شورویها یک اهرم تلقینی نیز به جای فریب پول و سایر اشکال پاداش در اختیار دارند و این عبارت است از اینکه در بیشتر کشورها قوانین جاسوسی فقط علیه دولت محلی به مورد اجرا گذاشته می شود و هیچ قانونی درباره یک کارمند محلی که

درباره پرسنل آمریکایی به شوروی گزارش دهد یا اینکه اسناد آمریکایی را به شورویها گزارش دهد وجود ندارد. کارمند محلی در صورتی که با شورویها همکاری کند فقط کار خود را از دست می دهد و هیچ گونه امکانی برای اقدام قانونی از سوی دولت محلی علیه او وجود ندارد. در این ارتباط جالب است خاطر نشان سازیم که اخیراً در چند کشور غربی، مأمورین اطلاعات شوروی با بی اعتنایی نسبت به نقض سنت، سمتهای پوششی خود را برای مأمورین دولت محلی فاش کرده و علناً اعتراف کرده اند آنها کار اطلاعاتی انجام می دهند. در کشورهایی که این کار صورت گرفته همراه با این اطمینان بوده که فعالیت اطلاعاتی شوروی لازم نیست که نگرانی دستگاههای امنیتی دولت محلی را برانگیزد زیرا آنها تماماً علیه آمریکاییهاست (ولی این اطمینان صحت ندارد).

در بسیاری از کشورهای خاورمیانه که جوامع ارمنی در آن وجود دارند آمریکاییها کارمندان ارمنی را استخدام می کنند و ارمنیها را نسبت به جوامع دیگر محلی ترجیح می دهند و این به علت استعداد جاسوسی و ابتکار ارمنیهاست. این گونه اشخاص آماجهای طبیعی برای به کارگیری از سوی شورویها به شمار می روند. در سالهای اخیر در کشورهای لبنان ایران مصر سوریه ماجراهای متعددی به وقوع پیوسته که طی آن افسران اطلاعاتی شوروی با ریشه قومی ارمنی از پیوند مشترک میراث ارمنی استفاده کرده و اغلب از وجود خویشاوندان در اتحاد جماهیر شوروی برای برقراری تماس با کارمندان ارمنی تأسیسات آمریکایی و پرورش این تماسها سود برده اند. شواهدی در دست است که به موجب آن تعدادی از این کارمندان با موفقیت مورد استفاده کا.گ.ب. قرار گرفته اند.

این واقعیت که کا.گ.ب. همچنین در سایر زمینه ها موفق بوده است در ماجرای مذکور در ذیل نشان داده می شود.

یک فاسق پایه سن گذارده و حسود از روی حس انتقام تصمیم گرفته بود که معشوقه ۳۳ ساله بلژیکی

را کاملاً متکی به خود نگهدارد. این شخص در ماه آوریل ۱۹۶۷ عملیات کا.گ.ب. را که مدت پنج سال ادامه داشت بر ملا کرده و موفق به رخنه در سفارت آمریکا در تونس و بلژیک شده و در پایان، مأموریت یافته بود در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا رخنه کند.

در نتیجه یک مأمور کا.گ.ب. که به عنوان خبرنگار خبرگزاری تاس شوروی در بروکسل مأموریت یافته بود دستگیر و از بلژیک اخراج شد. دو نفر از همکاران اطلاعاتی او که آنها نیز در این ماجرا سر و سزی داشته اند و یکی از آنها وابسته سفارت شوروی و دیگری نماینده فیلمهای شوروی بود به آرامی اطلاع یافتند که ادامه حضور آنها در این کشور دیگر مطلوب نیست.

نه این خیانتکار ۷۰ ساله و نه مأمور اطلاعاتی مؤنث شوروی در این ماجرا هویتشان معلوم نشد. مطبوعات در گزارش مختصر شده خود درباره این زن تنها به نام مادام ایکس اشاره کرده اند. با وجود این، این ماجرا شایسته آن است که با تفسیر بیشتر مورد توجه قرار گیرد و نه تنها به عنوان عملیات تکمیلی علیه پرسنل آمریکایی و تاسیسات آمریکایی در خارجه تلقی گردد بلکه به عنوان نشانگر دستکاریهای ماهرانه شوروی علیه آمریکاییها و مداومت صبورانه آنها در قبال مسائلی که کنترل عامل آنها را تهدید می کند و در زمانهایی که عملیات به طور موقتی قطع می شود می باشد.

«مادام ایکس» مادر یک کودک کوچک که اخیراً از شوهرش جدا شده بود در اوائل سال ۱۹۶۲ به تونس رفت تا در کنار پدر ناتنی خود، که یک شهروند بلژیکی بود و برای حکومت تونس کار می کرد،

اقامت داشته باشد. او به زودی به عنوان یک منشی و مترجم سه زبانه در مؤسسه زبان بورقیه کاری پیدا کرد و سه ماه بعد متوجه شد که از عمال به کار گرفته آندری نیکولا یویچ زلنین، یک افسر کا.گ.ب. تحت پوشش وابسته سفارت شوروی می باشد.

زلنین ظاهراً برای مطالعه زبان فرانسه ولی عملاً برای بررسی دانشجویان متعلق به ملیتهای مختلف و استفاده از آنها به عنوان عامل نام نویسی کرده بود. زلنین به سرعت از طریق فتح باب بسیار آشنا از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی به «مادام ایکس» مراجعه کرد. او از «مادام ایکس» تقاضا کرد تا به همسرش در خانه آنها درس خصوصی فرانسه بدهد. پس از هر درس منظمی زلنین «مادام ایکس» را به منزل می رساند. هیچ تردیدی نیست که زلنین به سرعت نفوذ بسیار نیرومندی بر روی آماج بلژیکی خود پیدا کرد. از همان لحظه به بعد این زن بلژیکی از لحاظ عاطفی و شاید احساساتی به سوی این مأمور شوروی جلب شد. احساس تعهد شخصی که دستگاه جاسوسی شوروی همواره می کوشد الهام بخش آن باشد بدون شک وجود داشت.

هنگامی که زلنین در ازای اطلاعات او درباره مدرسین و دانشجویان مؤسسه زبان به او پیشنهاد پول کرد، این زن بدون بحث آن را پذیرفت. علاقه زلنین متوجه پرسنل دیپلماتیک و دولتی چندین ملیت و به ویژه آمریکایی و فرانسوی که در این مؤسسه نام نویسی کرده بودند می شد. زلنین می خواست درباره این اشخاص ارزیابی شخصی به دست آورد و او درباره آنها جزئیات نقاط آسیب پذیر و احتیاج به پول، علاقه به امور جنسی و غیره توسط این زن به دست آورد.

در نوامبر ۱۹۶۲ «مادام ایکس» موفق شد کاری در سفارت آمریکا در تونس به دست آورد و این امر زلنین را بسیار شادمان ساخت. او ابتدا در بخش حمل و نقل خدمات عمومی قرار گرفته ولی به زودی سمتهای جالبتری به دست آورد. (البته از نقطه نظر کا.گ.ب.) و آن سمت اپراتور و مأمور پذیرایی بود.

مدت هفت ماهی که او کارمند سفارت آمریکا بود نیازهای زلنین را که شامل نقشه های مختصری از دفاتر سفارت و نامهای اشغال کنندگان آن و اطلاعاتی درباره همه کارمندان سفارت آمریکا بود برآورده می کرد. زلنین بر روی بعضی مقوله ها از قبیل مأمور امنیتی، منشی آمریکایی، پرسنل دفتر وابسته نظامی و پرسنل اطلاعاتی و ارتباطاتی تأکید ویژه داشت.

هر چند «مادام ایکس» قرار بود از کار خود در سفارت آمریکا در تونس استعفا داده و در ماه ژوئیه ۱۹۶۳ برای تکمیل روندهای حقوقی و قانونی به مناسبت طلاق رسمی خود به بلژیک بازگردد. زلنین عملاً زودتر از این زن تونس را ترک کرد و مأمور سفارت در الجزیره گردید. معذالک قبل از اینکه زلنین تونس را ترک کند وی این زن بلژیکی را به یک مأمور جدید شوروی به نام یوگنی گورگیویچ موراتوف، که یک مأمور کا. گ. ب. تحت پوشش دبیر سوم سفارت شوروی در تونس بود، واگذار نمود. در ماههای آخر اقامت خود در آفریقای شمالی این زن بلژیکی همچنان به کار درباره نیازهایی که به او ابلاغ شده بود ادامه می داد و ملاقاتهای مخفیانه از پیش تعیین شده با موراتوف در حومه های شهر تونس انجام می داد. اندکی قبل از اینکه زن بلژیکی رهسپار بروکسل شود موراتوف درباره اینکه چگونه با یک مأمور اطلاعاتی شوروی در بلژیک ملاقات مخفیانه داشته باشد، دستوراتی به او داد.

نخستین مأمور شوروی که با این زن در بروکسل تماس گرفت ویتالی دمیتری یویچ بالاشوف، وابسته سفارت شوروی بود که علاقه او درباره آماجهای آمریکایی ابتدا در چند سال قبل در جریان یک

مأموریت اطلاعاتی در بلژیک به عنوان یک دانشجو در دانشگاه بروکسل آغاز شده بود. نقشه های شوروی جهت «مادام ایکس» در بلژیک قابل پیشگویی بود. به او دستور داده شده بود برای کاری در سفارت آمریکا تقاضا بنویسد. بالاشوف در عین حال به او گفته بود که تا زمانی که این زن بلژیکی موفقیت پیدا نکند پول به او نخواهد پرداخت. در نوامبر ۱۹۶۳ این زن بلژیکی در سفارت آمریکا به عنوان منشی مشغول کار بود.

«مادام ایکس» ماهی یک بار برای دریافت حدود یکصد دلار در ازای گزارش درباره پیشرفت در انجام نیازهای شوروی ملاقات می کرد و دستورات جدیدی دریافت می نمود. او فهرستهایی از پرسنل سفارت آمریکا توأم با نشانی خانه های آنها و شماره های تلفن و شماره های پلاک اتومبیل و غیره و غیره فراهم کرد. او همچنین اطلاعات شخصی درباره یک زن آمریکایی منشی رمز فراهم کرد. بالاشوف از او تقاضا کرد که درباره نامهای آمریکاییهایی که او آنها را خدمات ویژه می نامید و مقصود پرسنل اطلاعاتی بود گزارش دهد. بالاشوف به او گفته بود که او به آسانی می تواند درباره این گونه اشخاص ردیابی کند، زیرا آنها معمولاً در ساعات منظم کار نمی کنند و اغلب در ساعات دیر وقت شب مشغول انجام وظیفه هستند. تصور می شود که این زن بلژیکی این مأموریت را انجام داده بود. زن بلژیکی محل پاسگاههای تفنگداران دریایی را در تأسیسات سفارت به بالاشوف داده بود، ولی نتوانسته بود تقاضای بالاشوف را مبنی بر کسب اطلاع در مورد تعویض محافظان سفارت به او بدهد. در ضیافتهای سفارت او دستورات بالاشوف را درباره مطالعه رفتار آنهايي که حضور دارند و درباره آنهايي که بیش از اندازه مشروب می خورند و همچنین درباره مناسبات مابین گروه سفارت انجام می داد.

بالاشوف ظاهراً کمال رضایت را از او نداشت. او به این زن بلژیکی درباره «یک اتاق زره پوش» که در یک طبقه ویژه (با نشان دادن منطقه ارتباطاتی سفارت که با دقت تمام توسط کا. گ. ب. تهیه شده بود) قرار

داشت صحبت می کرد و از او خواست تا بکوشد سمتی در این اتاق یا نزدیک آن به دست آورد. در غیر این صورت از او خواسته شد که تقاضای انتقال به دفتر وابسته نظامی سفارت آمریکا را بنماید.

در آوریل یا مه ۱۹۶۴ شورویها با مسائلی در زمینه کنترل عمال خود مواجه شدند که بعد از آن عملیات آنها پیچیده تر گشت. «مادام ایکس» تماس خود را با بالاشوف قطع کرد و این ظاهرا به علت تغییر احساسات جنسی نسبت به او بود. همچنین یک عامل دیگر که شاید مهمتر باشد این بود که او معشوقه مردی شده بود که ممکن بود که سن پدر او را داشته باشد. این مرد یک حقوقدان بلژیکی بود که جریان طلاق او را ترتیب داده بود. این یک ماجرای عشقی طوفانی و شدید بود ولی در جریان دورانهای آرامش نسبی و امنیت مالی زن بلژیکی علاقه به جاسوسی به نفع شورویها را از دست داده بود. این زن در عین حال علاقه به استخدام در سفارت آمریکا را نیز از دست داده در واقع در اوت ۱۹۶۴ از کار در سفارت آمریکا استعفا داده بود.

تا ماه ژانویه ۱۹۶۵ کا. گ. ب. او را به حال خود گذاشت. در آن ماه زلنین، یعنی آن مأمور شوروی که او را در تونس به کار گرفته بود و زن بلژیکی نسبت به او علاقه و دل بستگی پیدا کرده بود برای مدت کوتاهی به بروکسل آمد تا زن بلژیکی را بار دیگر تحت کنترل شوروی قرار دهد. او در موقع بسیار مناسب به بروکسل آمده بود زیرا ماجرای عشقی این زن با حقوقدانی که طلاق او را ترتیب داده بود، رو به سردی گذاشته بود و این زن بار دیگر برای تجدید در گیریهای خود آمادگی داشت. زلنین از او مصرا خواست تا بار دیگر

تقاضای کار در سفارت آمریکا را بدهد و او را به یک مأمور جدید شوروی که با او سر و کار خواهد داشت معرفی کرد. این مأمور شوروی، آناتولی تریفنویچ اوگردنیکف، خبرنگار خبرگزاری تاس بود. زلنین شاید برای اینکه مأمور جدید شوروی را برای این زن پذیرفتنی تر بسازد به این زن گفت که او یعنی گردنیکف از دوستان زمان «نوجوانی» او بوده است. زلنین آن گاه به پست خود در الجزیره بازگشت، با این اعتقاد که مأموریت او انجام شده است.

با وجود این اوضاع طبق دلخواه جریان پیدا نکرد و این بار هم علتش ماجرای عشقی او بود. «مادام ایکس» در عمل، بار دیگر تقاضای کار در سفارت آمریکا را داد ولی این تقاضا براساس اینکه در گذشته کار او چندان درخشان نبوده و در پرونده او منعکس شده است، رد شد.

زن بلژیکی که ماجرای خود را با حقوقدان بلژیکی به نحوی وصله پینه کرده بود، چندین قرار ملاقات خود را با (اوگردنیکف) مأمور شوروی بر هم زده بود و یک روز در اواخر بهار و یا اوائل تابستان، هنگامی که او با مأمور شوروی در خیابان ملاقات کرد به این مأمور گفت که او حامله شده است (این موضوع حقیقت داشت) و انتظار دارد به زودی ازدواج کند و دیگر مایل نیست با شورویها تماس حاصل کند. او بعدا نامه ای به زلنین نوشت و آنچه را که همکار او گفته بود تأیید کرد.

واکنش (اوگردنیکف) صبر و شکیبایی بود و برخلاف انتظار، تهدید و امثال این گونه اعمال، هیچ گونه تهدیدی صورت نگرفت. (اوگردنیکف) تنها این مطلب را گفت که او همچنان ماهی یک بار به محل ملاقات تعیین شده آنها خواهد رفت با این احتمال که زن بلژیکی تصمیم خود را عوض کرده باشد.

تقریباً یک سال گذشت بدون آنکه حادثه ای رخ داده باشد ولی حوادثی که بعدا روی داد حاکی از آن است که کا. گ. ب. «مادام ایکس» را از نزدیک تحت نظر قرار داده بود. در اواخر ماه ژوئیه ۱۹۶۶ زن بلژیکی (که در ضمن دچار سقط جنین شده بود و ازدواج نکرده بود) در نزاع شدید غیرمعمولی با

حقوقدانی که فاسق او نیز بود درگیر شده بود. این حقوقدان فاسق کوشیده بود که تا او را خفه کند و بدین ترتیب ماجرای عشقی آنها درهم شکست. به احتمال قوی این امر یک تصادف نبود که «اوگردنیکف» بار دیگر سر و کله اش پیدا شد و با پرداخت صدها دلار به پول بلژیکی از او تقاضا کرد تا کاری در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا، که قرار بود از پاریس به کاستیو در جنوب بروکسل انتقال داده شود ظرف کمتر از یک سال دست و پا کند. زیرا این ستاد، آن گاه نیاز به کارمندان متعددی با خصوصیات او خواهد داشت. ترتیبات جدیدی برای ملاقات داده شد و در هر بار از این ملاقاتها مبلغ ۱۲۰ دلار به فرانک بلژیکی به او پرداخت می شد.

در مدتی که بعدا گذشت اوگردنیکف عامل مؤنث بلژیکی خود را، درباره تکنیکهای پیچیده جاسوسی تعلیم می داد و ظاهرا پیش بینی می کرد که پس از آنکه این زن کاری در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا به دست آورد نیاز به انجام مأموریتهای حرفه ای از سوی کا. گ. ب. خواهد داشت.

این زن یک دوربین عکاسی برای عکسبرداری از اسناد خریداری کرد و کاربرد آن را یاد گرفت و فیلمهای آزمایشی آن را به مأمور شوروی داد (اوگردنیکف) یک سیستم پیچیده ملاقاتهای مخفیانه را ترتیب داد که از جمله به کار بردن علامتهای خطر و پیش بینی تماسهای اضطراری بود. سرانجام پس از اینکه اوگردنیکف فرم تقاضانامه او را برای کار در ستاد عالی نیروهای متفقین مطالعه کرد، در دسامبر ۱۹۶۶ به او اطلاع داد که در تابستان ۱۹۶۷ او به کشورش باز خواهد گشت و مأمور شوروی که بعدا با او

سر و کار خواهد داشت، اولگ الکساندروویچ سمیکوف خواهد بود که نماینده توزیع فیلم شوروی در بلژیک از سال ۱۹۶۴ است. او گردنیکف همچنین به او گفت که به ملاحظات امنیتی این زن بلژیکی با او ملاقات نخواهد کرد. ملاقات بعدی او با سمیکوف تا ژوئیه سال ۱۹۶۷ روی نخواهد داد. معذالک اگر او توانست قبل از این موعد کاری در ستاد عالی نیروهای متفقین در اروپا در کاسیتو به دست آورد (زیرا انتقال ستاد در مارس ۱۹۶۷ روی خواهد داد) او علامت لازم را جهت یک ملاقات اضطراری به سمیکوف خواهد داد. او گردنیکف برای اینکه او را راضی نگهدارد، از پیش مبلغی معادل ۵ ماه حقوق او را به او پرداخت کرد.

«مادام ایکس» در آوریل ۱۹۶۷ توسط مأمورین امنیتی بلژیکی دستگیر شد. هر چند او اطلاعی نداشت فاسق سرخورده او ۶ ماه قبل او را به چند مأمور بلژیکی براساس یادداشتهای روزانه ای که او از تماسهای خود با شورویها تهیه کرده بود لو داده بود و او با اتهامات فعالیت جاسوسی چه از طرف مقامات آمریکایی و چه بلژیکی تحت تعقیب بود. دستگیری او گردنیکف و اخراج او از بلژیک اندکی پس از اعترافات عامل او صورت گرفت و همان طوری که قبلاً ذکر شده بود بالاشوف و سمیکوف از ماندن بیشتر در بلژیک به آرامی صرف نظر کردند.

روخ الکترونیکی در تأسیسات آمریکایی در غرب

روش اطلاعاتی شوروی همان طوری که نشان داده شده است، بر گسترش شبکه های عاملان با دسترسی مستقیم به تأسیسات آمریکایی در خارج که بتوانند «از داخل» گزارش دهند و از جمله دستگاههای بسیار ریز پنهان شده میکروفون و فرستنده و استراق سمع، تأکید می نماید. به کار بردن عمال برای نصب میکروفونها در تأسیسات آمریکایی در غرب یک نوع فرع منتهجه از دو رشته اطلاعاتی شوروی و فعالیت امنیتی است: (۱) پرورش و کاربرد دستگاههای پیچیده فنی سمعی در برابر

سفارتخانه های خارجی در مسکو و (۲) اولویت نسبت داده به برنامه عملیاتی آنها علیه اهداف آمریکایی در خارج. عملیات میکروفونی در داخل کشورهای بلوک کمونیستی البته به خوبی شناخته شده است که از جمله آنها دهها دستگاه میکروفون است که در سالهای اخیر در سفارتخانه آمریکا در مسکو و ورشو و صدها میکروفون دیگر که در سایر سفارتخانه های غربی و اقامتگاههای رسمی (از جمله آمریکایی) در کشورهای بلوک کمونیستی کار گذاشته شده است. به طوری که معلوم شده است شورویها عملیات فنی خورد را در مسکو بسیار موفق و با ارزش تلقی می کنند و از طریق به کار بردن آنها در طول سالهای متمادی در عملیات سمعی تجربه هایی به دست آورده و با مأمورین اطلاعاتی کشورهای بلوک کمونیستی سهیم بوده اند.

شگفتی ندارد که شورویها این تکنیکها را به عملیات خود در غرب توسعه داده و به ویژه تأسیسات آمریکایی را در غرب هدف خود قرار داده اند. اطلاعات موثقی در دست است که کا. گک. ب. حتی در اوائل ۱۹۵۳ دستگاههای فرستنده ای در سفارتخانه های آمریکا در دو کشور اروپای غربی نصب کرده اند. در یکی از این عملیات، دستگاه فرستنده در یک گلدان که به وسیله یک لباسشوی یا زنی که کارهای خانگی را انجام می داد، به محوطه سفارت آمریکا آورده شده بود و همچنین اطلاعات موثقی در دست است که جی. آر. یو. سرگرم عملیات تعرض آمیز سمعی در غرب بوده و با موفقیت دستگاههایی در بعضی از دفاتر

اقامتگاه مأمورین دولتی و نظامیان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی کار گذاشته است.

تأیید مقاصد شوروی در این زمینه به کرات از طریق عملیات مأمورین دوجانبه لاقبل در بیش از ۱۰

کشور به دست آمده است.

مأمورین اطلاعاتی شوروی طرحهای مربوط به نصب دستگاهها در دفاتر آمریکایی و سایر

کشورهای غربی و در اقامتگاه و حتی اتومبیلها را مورد بحث قرار داده اند. نشانه های ملموسی از این نوع

بیش از ۱۰ سال قبل به ظهور رسید، معذالک اخیراً و در پنج سال اخیر این گونه فعالیتها افزایش یافته

است.

کشفیاتی که در کشور آفریقایی غنا به دنبال کودتایی که در فوریه ۱۹۶۶ رژیم طرفدار شوروی

نکرومه را سرنگون ساخت به دست آمده، شواهد چشمگیری را عرضه کرد مبنی بر اینکه شورویها هر جا

که در غرب بتوانند عملیات سمعی انجام می دهند. به توصیه مستشاران شوروی در سال ۱۹۶۵ یک واحد

نظارت سمعی به نام واحد فنی ۳ (TU ۳) در دستگاه امنیت ملی غنا نصب شده بود.

TU ۳ حدود ۲۲ تکنیسین غنائی داشت که مأمور استفاده از آن بودند که در هنگام کودتا مأموریت

استفاده از آن را داشتند و جدول سازمان عملاً خواستار پرسنل اضافی بود. چهار نفر از تکنیسینها در

اتحاد شوروی آموزش دیده بودند و بقیه در خود غنا به وسیله مشاور فنی کا. گ. ب. یعنی آندریف ، ۴ آندری

نیکولایویچ آندریف که از ژوئن تا دسامبر ۱۹۶۵ در غنا به سر می برد تعلیم یافته بودند. مقادیر بسیار

زیادی تجهیزات شوروی که در کارگاههای الکترونیکی و عملیاتی تهیه شده و هنوز ناتمام مانده بود پیدا

شد (و در آزمایشگاههای تحقیقاتی علمی ملی استتار شده بود) شامل دستگاه مخبراتی عمال مخفی

شوروی و دستگاههای فرستنده نظارتی و فرستنده ها و میکروفونها جهت تأسیسات سمعی بود.

تأسیسات گرانقیمت موجود در غنا که دسترنج کا. گ. ب. بود، ظاهراً به منظور حفظ امنیت داخلی غنا

تحت حکومت نکرومه بود و در واقع ۳ TU با شرکت مستقیم آندریف و یک مأمور دیگر کا. گ. ب. قبلاً از ۲ هتل آکارا (پایتخت غنا) استراق سمع می کرد و قرار بود که همین کار را در پنج هتل دیگر انجام دهد. معذالک شکی وجود ندارد که این واحد تحت سرپرستی شورویها و به مأموریت کا. گ. ب. سرانجام متوجه هیئتهای نمایندگی سیاسی غرب از جمله آمریکا می شد، البته اگر کودتا رژیم نکرومه را ساقط نمی کرد. هر چند استفاده از آمریکاییهای محلی از سوی کا. گ. ب. و جی. آر. یو. برای نصب دستگاههای سمعی را نمی توان بعید دانست، عملیات شوروی علیه کارمندان بومی ادارات آمریکایی در خارج درباره تأسیسات سمعی علاقه مخصوصی نشان می دهد و همان طوری که در عملیات نظافتچی در ۱۹۵۳ ۱۹۵۴ که در فوق ذکر شد اتفاق افتاد، نمونه دیگری در سال ۱۹۶۵ به وقوع پیوست. هنگامی که کا. گ. ب. پیشخدمت یک سفیر آمریکا را برای اینکه این شخص یک دستگاه کوچک میکروفون و فرستنده را در زیر میز ناهارخوری سفیر قرار دهد به کار گرفت. تقریباً در همان زمان در کشور دیگری حادثه مشابهی با اندک تفاوت صورت گرفت. یک کارمند محلی یکی از سفارتخانه های یک کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی که در دفتر وابسته نظامی آن کشور کار می کرد اعتراف کرد که از عمال کا. گ. ب. است و دستور گرفته است هر گاه وابسته دفاعی آمریکا قرار باشد با مافوق این عامل ملاقات کند قبلاً مراتب را به کا. گ. ب. گزارش دهد. مأمور کا. گ. ب. متصدی تماس به این عامل گفته بود که آن گاه به او یک دستگاهی که با بطری کار می کند خواهد داد تا در زیر میز یا میز تحریر برای ضبط مکالمات بین دو

شخصیت قرار دهد.

تکنیکهای کوچک کردن دستگاههای سمعی و مجهز کردن آنها با وسایل الکترونیکی از مدتها قبل به آن درجه از کمال و پیچیدگی رسیده است که می توان چنین دستگاههایی را به آسانی و سرعت به وسیله یک عامل که به دفتر مورد علاقه دسترسی دارد نصب کرد. مثلاً یک قطعه از چوب اره شده که کمتر از ۱۲ اینچ طول داشت در قسمت عقبی یک قفسه کتاب اتاق کنفرانس یک سفارت آمریکا در خاورمیانه در اوائل ۱۹۶۷ پیدا شده بود. در این قطعه چوب یک فرستنده و یک میکروفون ساخت شوروی و یک دستگاه گیرنده کنترل شده به وسیله سوئیچ (که به وسیله یک علامت الکترونیکی از خارج سفارت ممکن بود که آنرا روشن کرد) و یک مخزن باطری که به طور اتوماتیک پر می شد، کار گذاشته شده بود. برای به کار بردن چنین دستگاهی که کوتاهتر از یک خط کش عادی بود و ضخامت چندانی نداشت کمتر از ۱۰ ثانیه وقت بود و عامل می بایست آن را در مقابل یک سطح چوبی فشار دهد و آن گاه به وسیله دو قسمت کوچکی که در داخل هر یک از دو انتهای چوب کار گذاشته بود به کار می افتاد.

در ماه اوت سال ۱۹۶۷ یک دستگاه دیگر میکروفون و فرستنده شوروی که تقریباً با آن حد که توصیف شد یکسان بود در قسمت زیرین یک قفسه کتاب در دفتر کاردار آمریکا در یکی از سفارتخانه های آمریکا در یک کشور آفریقایی مرکزی که تعداد نمایندگان کا. گ. ب. در آن بسیار زیاد بود کشف شد. جای پونزهای متعدد در همان قفسه کتاب و در زیر قفسه کتاب دفتر تخلیه شده سفیر سابق آمریکا دلالت بر آن می کرد که لااقل دو دستگاه سمعی از همین نوع با موفقیت در این دو دفتر در ظرف چند ماه کار گذاشته شده و به طور مرتب برداشته می شد. شاید بدان منظور که باتریهای آن تعویض شده و دوباره در جای خود قرار داده شود. در هر دوی این موارد که در فوق ذکر شد، موفقیت در فعالیت شوروی به علت بهره برداری از عملیات یک عامل شوروی (در داخل) دستگاه سفارت آمریکا بود که درباره

الگوی فعالیت شوروی اطلاعات کامل داشت و به اطاقهای برگزیده سفارت دسترسی پیدا می کرد. در مورد کشوری که در خاورمیانه قرار داشت کتابخانه و اطاق کنفرانس سفارت در طبقه همکف در کنار محوطه پذیرایی قرار داشت و یک کارمند محلی آنجا انجام وظیفه می کرد. معمولاً به استثنای زمانی که کنفرانس قرار بود تشکیل شود کتابخانه برای همه کارمندان سفارت از جمله کارمندان محلی برای ورود آزاد بود. در مورد کشور آفریقایی سفارت مورد بحث آمریکا در بخشی از یک ساختمان بزرگی که در آن مؤسسه های بازرگانی و آپارتمانها وجود داشت واقع شده بود و تفنگداران دریایی در آن وجود نداشتند تا حداکثر امنیت فیزیکی در شب و روزهای تعطیل در آن تأمین شود. علاوه بر این کارمندان محلی در ساعات کار سفارت آزادانه حرکت می کردند.

بررسی تکنیکها و فتح بابهای عملیاتی شوروی

نمونه هایی که تاکنون برای نشان دادن طریقه استفاده کارمندان و عمال از سوی کا. گک. ب. و جی. آر. یو. علیه آمریکاییهای مقیم کشورهای خارج ذکر شد، منعکس کننده تکنیکها و فتح بابهای عملیاتی مأموران اطلاعاتی شوروی برای ردیابی آماجهای خود و دستیابی مستقیم و یا غیرمستقیم به آنها و ارزیابی آنها در جستجوی بدون وقفه نقاط آسیب پذیر آنها و استعدادهای آنها بوده است. در این بخش بعضی از تکنیکهای آنها مورد بحث قرار خواهد گرفته و به تکنیکهای دیگری که هنوز ذکر نشده است

اشاره خواهد شد و کوشش به عمل خواهد آمد تا این تکنیکها بر یک اساس وسیعتری بدون اشاره به انواع انفرادی آماجها مورد بحث قرار گیرد.

هر چند مفاهیم آیینی دستگاه اطلاعات شوروی درباره آمریکاییان مقیم (خارج تاکنون روشن شده است) بهترین معنی که کارمندان جوائتر در عمل «شهروندان درجه دو به شمار می روند و بدین ترتیب آسیب پذیرترند و اینکه دانشجویان به علت عدم بلوغ نسبی و نداشتن پول هدفهای بسیار خوبی به شمار می روند» ملاحظات عملی و آیینی دیگری نیز وجود دارند که در رابطه با تشدید کوششهای شوروی در مقابل آمریکاییهای مقیم خارج و تکنیکهای به کار رفته می باشند.

نظر شوروی درباره آماجهای آمریکاییهای مقیم خارج

از نقطه نظر شوروی عملیات علیه آمریکاییانی که در کشورهای خارج از بلوک شوروی هستند، به طور کلی آسانتر و ثمربخش تر از عملیاتی است که در داخل ایالات متحده آمریکا صورت می گیرد و البته یک عامل در این زمینه شدت فعالیت ضد اطلاعات اف. بی. آی. می باشد که در مقابل کوششهای کا. گ. ب. و جی. آر. یو برای به کارگیری آمریکاییها در داخل کشور موانعی به وجود آورده است ولیکن ملاحظات دیگری نیز وجود دارد و این ملاحظات بستگی به چهره ای دارد که شورویها براساس تجربه درباره افراد آمریکایی مقیم خارج از محیط عادی آنها ایجاد کرده اند.

یک آمریکایی متوسط الحال آن طوری که شورویها او را می بینند، ترجیح می دهد بیشتر برای منافع مادی و هدفهای خودخواهانه در خارج از آمریکا کار کند. کا. گ. ب. این نقطه نظر را به شرح زیر خلاصه کرده است:

«آمریکاییها دوست دارند برای مدتهای مدیدی به خارج بروند و این به دلیل منافع مختلف از قبیل حقوق بیشتر و امکان صرفه جویی بیشتر به علت مخارج زندگی ارزانتر در خارج و بعضی از فعالیتهای

مالیاتی و خانه های رایگان ارزانتر در خارج و بعضی از معافیت‌های مالیاتی و خانه های رایگان و مرخصی‌های طولی‌المدت و فرصت کافی برای اقدام به داد و ستدهای ارز خارجی می باشد.»

صرف نظر از دقت این اظهار نظر، امر مسلم این است که طبق برداشت شورویها از تجربیات عملیاتی آمریکاییهایی که خارج از کشورشان زندگی می کنند بیشتر تمایل به خویشتن داری نشان می دهند و آزادانه تر صحبت می کنند و با خارجیان از جمله شورویها آزادانه تر تماس می گیرند. البته این نکته را باید متوجه شد که استثنائاتی از قاعده کلی وجود دارد و در بعضی از قلمروها آمریکاییها از تماس با اتباع شوروی خودداری می کنند و تمایل به آن را دارند که در صورت وقوع چنین تماسهایی گزارش دهند. با وجود این از لحاظ اصولی و عرف، کا. گ. ب. و جی. آر. یو. براساس این تئوری کار می کنند که آمریکاییهای مقیم خارج از کشور به طور کلی با رفتار آشکار خود و طبیعت پرحرف و آزادی نقل و انتقال و مراودات، نسبتاً استعداد مراوده مستقیم و غیرمستقیم را دارند، و تمامی فرایندهای عملیاتی از ردیابی گرفته تا پرورش و به کارگیری آسانتر از آن است که در ایالات متحده صورت گیرد.

یک عامل اضافی (که قبلاً در متن در چهارچوب دیگری ذکر شد) همچنین در شدت و فشردگی برنامه شوروی علیه آمریکاییها ذکر شده و اجازه می دهد که تکنیکهای بی بند و بار و یا اعمال زور از سوی شورویها در کشورهای خارج به کار رود. شورویها نیک می دانند که در فعالیت تعرض آمیز علیه

آمریکاییان خارج ایالات متحده و از جمله به کار گرفتن و استفاده از عمال علیه آنها در اغلب در موارد به هیچ وجه قوانین محلی را نقض نمی کنند، زیرا فعالیت آنها متوجه کشور میزبان نیست. بدین ترتیب شورویها و عمال محلی آنها در صورتی که عملیات آنها علیه آمریکاییها به شکست انجامد و یا برملا شود معمولاً مستوجب مجازات نیستند.

به کاربردن عوامل مشوق مادی

دستگاه اطلاعاتی شوروی دقیقاً معتقد است که آمریکاییها در ازای پول هر کاری را خواهند کرد و عامل مشوق مادی تقریباً در هر نوع عملیاتی به کارگیری وجود دارد. آیین کا. گک. ب. در این مورد کاملاً صریح است:

«استفاده موفقیت آمیز از انگیزه مالی در به کارگیری، نیازمند به درک ساخت روانی آمریکایی متوسط الحال هست. او به طور جدی درباره پول به عنوان تنها چیزی که می تواند آزادی و استقلال او را تأمین کند و نیازهای مادی و معنوی او را تحقق بخشد، فکر می کند. این موضع گیری از سوی یک آمریکایی نمونه نسبت به پول یک نوع بی تفاوتی درباره وسیله به دست آوردن آن را ایجاد می کند، هر چند که خطراتی نیز در آن وجود داشته باشد.... تشخیص در آمد یک نفر آمریکایی در ارتباط با پرورش او و به ویژه به کارگیری او فوق العاده اهمیت دارد.»

نقل قول فوق یکی از جنبه های برداشت شورویها از آمریکاییان در خارج است. دقت کلی این برداشت مهمترین عامل نیست، معذالک باید گفت که این اظهار نظر نتیجه فعالیت های موفق شوروی در به کارگیری آمریکاییهاست و در طرح ریزی عملیات کا. گک. ب. و جی. آر. یو. اثر دارد و توضیح می دهد که چرا در موارد پرورش سئوالات بسیار معصومانه ای درباره حقوقها و دشواریهای مالی کرده می شود و چرا پیشنهادهای هدیه و وام از عرفهای عادی شورویهاست. شورویها در غرب وام نمی دهند و هدیه پیشنهاد

نمی‌کنند مگر اینکه به آنها اجازه داده شود. آنهایی که دست به چنین کاری بزنند یا مأموران اطلاعاتی هستند و یا عمال آنها و انگیزه آنها کاملاً جنبه حرفه‌ای دارد نه شخصی.

تماس مستقیم اجتماعی

همان طوری که نشان داده شده است، شیوه‌های پیچ در پیچ و غیرمستقیم تماس شورویها با آمریکاییها در خارج به هیچ وجه غیر معمول نیست ولی در اکثر مواردی که گزارش شده است تماس مستقیم بوده و بر یک پایه اجتماعی به انواع مختلف با حالات متنوع که گاهی فوق العاده زیرکانه بوده صورت گرفته است و به دنبال آن تکنیکهای پیگیری به کار رفته است. این تماسها در هر مورد با توجه به فردی که باید پرورش یابد طرح ریزی شده است.

تماس مستقیم اجتماعی شوروی با آمریکاییها در خارج تقریباً از سال ۱۹۴۹ مشاهده شده است. در سال ۱۹۵۱ واضح شد که سیاستهای قبلی شوروی که براساس آن پرسنل شوروی مقیم کشورهای خارج از اتحاد شوروی در انزوای کامل قرار گرفته و هرگونه تماس غیررسمی با آمریکاییها و سایر خارجی‌ها ممنوع بود، کنار گذاشته شده است. در سال ۱۹۵۳ روند قطعی از تماس عمومی اجتماعی با آمریکاییها در خارج، در سطوح مختلف رسمی لااقل در سه کشور مشاهده شده بود. این روند اکنون در

عمل کاربرد جهانی پیدا کرده است و استفاده های اطلاعاتی در دستورالعملهای عملیاتی رسمی کا. گ. ب. رسمیت پیدا کرده که یکی از آنها به شرح زیر است:

«مأمور اطلاعاتی باید درک کند که برقراری مناسبات محرمانه و غیررسمی با یک آمریکایی یک گام به پیش در راه به کارگیری و مناسبات مخفی است... مناسبات مخفی باید به طریقی آغاز شود که فرد آمریکایی پی نبرد که وی با یک مأمور اطلاعاتی تماس گرفته است یا اینکه درباره مقاصد واقعی اطلاعاتی شوروی سوءظن ببرد» «هنگامی که یک آشنایی غیررسمی با یک کارمند دولت آمریکا برقرار می شود نکته ای که اهمیت دارد این است که نباید با پرسشهای زودرس درباره مسائل اطلاعاتی او را مضطرب ساخت. بکوشید تا اعتماد آمریکایی را جلب کنید و مناسبات دوستانه ایجاد کنید، تشویق علاقه او در جریان مکالمه با او و دادن جنبه شخصی به علایق خود درباره بعضی موضوعات بسیار مهم است.»

صرف نظر از اینکه تماس اجتماعی فرد روسی با فرد آمریکایی نتیجه یک انجام وظیفه دیپلماتیک یا رسمی باشد و یا یک برخورد «اتفاقی» یا نتیجه معرفی در یک «بار» یا در خیابان یا در استخر شنا باشد، طرف شوروی این کار را به دست می گیرد. این شخص رفتار دوستانه دارد و نسبت به آشنایی جدید خود علاقه نشان می دهد و احتمالاً به او تملق می گوید و پیشنهاد ملاقات بعدی را می کند که ممکن است به شکل دعوت به ضیافتهای سفارت شوروی و یا نمایش فیلم شوروی و یا هنرنمایی هنرمندان سیار شوروی باشد. به محض اینکه یک دعوت پذیرفته شد دعوتهای دیگر به دنبال آن می آید که مربوط به مسابقات ورزشی و با نمایش تئاتر می شود. همان طوری که کا. گ. ب. خاطر نشان ساخته است: «بلیت برای این گونه حوادث و نمایشات یا فرستاده می شود یا به آشناهای نه چندان صمیمی داده می شود. چنین رفتارهایی از جانب آمریکاییان کاملاً معصومانه تلقی می شود. در جریان تماس مأمور ما با آمریکایی مورد، تماس می گیرد و او را وارد مکالماتی می نماید که برای این منظور مناسب است ولی هدف اصلی آن

ممکن ساختن ادامه مناسبات است.»

در بسیاری از موارد به ویژه در مورد منشیهایی که با علامتهای رمز سر و کار دارند و یا منشیهای دیگر و سایر پرسنل جوانتر، مأمور شوروی خواهد کوشید در مراحل اولیه پرورش یک نوع دوستی با این آمریکایی ایجاد کند و مانع آن شود که فرد آمریکایی این تماسها را به مأمور امنیتی خویش گزارش دهد. مأمور شوروی شاید با نهایت تأسف اظهار بدارد که البته فرد آمریکایی جرأت ندارد بدون دادن گزارش به مأمور امنیتی خود با یک فرد روسی ملاقات کند. آمریکاییهایی شناخته شده اند که چنین پیشنهادی را به عنوان توهین به آزادی شخصی خویش تلقی کرده و هر گونه نیازی را به دادن گزارش انکار کرده و مبارزه طلبی طرف مقابل را پذیرفته اند. این ترفند شوروی نشان دهنده آن است که آنها درباره بسیاری از آمریکاییها درک کامل دارند. آنچه که زیاد معمول است مهمان نوازی شوروی به زودی به شکل مراودات خانوادگی و رفتن به گردشها و هدیه های کوچک به همسر و کودکان فرد آمریکایی توسعه می یابد. کا.گ.ب. این جنبه کار را با چنین کلماتی تشبیه می کند:

«برای تحکیم علنی دوستیهایی که به چنین طریق با آمریکاییها برقرار می شود مأمورین ما در سفارت شوروی معمولاً هدایایی به مناسبت جشن سال نو یا مناسبتهای دیگر اختیار دارند. مأمور اطلاعاتی هدیه خود را شخصاً در زمانی که فرد آمریکایی در خانه اقامت دارد به او خواهد داد. مقصود این است که یک نوع حالت غیررسمی و دوستانه به این مناسبات داده شود، در عوض فرد آمریکایی معمولاً از خانه مأمور

شوروی دیدن کرده و هدیه ای به او می دهد.»

همان طوری که برای تکنیسین کامپیوتر آمریکایی در یک کشور اسلامی اتفاق افتاد. درسهای زبان اغلب در چنین مرحله ای پیش کشیده می شود و در این مرحله است که همسر مأمور اطلاعاتی شوروی در اغلب موارد نقش پشتیبانی عملیاتی را ایفا می کند. کا. گ. ب. بدون اینکه اشاره ویژه ای به درسهای زبان که اکنون به صورت یک فتح باب استاندارد درآمده است، کرده باشد نقش همسر فرد شوروی را چنین خلاصه می کند:

«اغلب مفید است که مأمور اطلاعاتی شوروی همسر خود را هنگام دیدار از خانه شخصی که در معرض پرورش قرار گرفته همراه ببرد. مأمور شوروی به کمک همسر خویش می تواند بعضی از نکات اطلاعاتی یا ارزیابی را درباره فرد مورد هدف روشن کند و بدین ترتیب تشخیص دهد که چگونه به بهترین وجهی مناسبات دوستی خود را با او تحکیم بخشد.»

در مراحل اولیه پرورش، مکالمات معمولاً درباره موضوعات بی ضرر از قبیل ورزش و هنر و زندگی در کشورهای یکدیگر می باشد. مأمور شوروی ممکن است بگوید که او از زندگی در یک کشور خارجی خسته شده و شاید از تماس با افراد خودش نیز خسته شده و احساس تنهایی می کند و خواستار معاشرتهای جالبتر هست، مسائل ضد و نقیض معمولاً مورد بحث قرار نمی گیرد یا اینکه به سرعت از آن دور می شود. این فرایند مقدماتی هدفی دارد و آن ارزیابی سودمند بودن بالقوه فرد آمریکایی برای مقاصد جاسوسی و ارزیابی او از نظر امکان به کارگیری است. این امر نیاز به آشنایی با تاریخچه زندگی فرد آمریکایی و اوضاع خانوادگی، موفقیت مالی، (که همان طوری که اشاره شد مهمترین عامل است)، آمال تحقق نیافته او و نقطه ضعفهای او نسبت به زنان است. در جریان این مرحله ارزیابی، فرد روسی در پی تحکیم دوستی خویش و در عین حال ایجاد یک نوع تعهد به خاطر مهمان نوازی از طریق دادن هدیه است.

با توجه به برداشت شوروی از اینکه پول مهمترین انگیزه آمریکاییهاست تاکتیکهای شوروی ممکن است گاهی بسیار خام و مضحک باشد و شامل پرسشهای مستقیم و شخصی درباره عایدات فرد آمریکایی، بدهیها یا میزان کرایه پرداختی یا پرداختهای مالیاتی او و غیره باشد.

دیر یا زود مرحله پرورش، در صورتی که شورویها به این نتیجه برسند که چشم انداز جالبی به دست آورده اند جنبه های کوچک تماسهای مخفیانه به تدریج وارد این مناسبات خواهد شد. محلهایی که چندان علنی نباشد و بیشتر جنبه غیرمعمولی داشته باشد برای ملاقات پیشنهاد خواهد شد. از فرد آمریکایی تقاضا خواهد شد که «برای اجتناب از اینکه فرد آمریکایی در اوضاع ناهنجاری قرار گیرد» از او خواسته خواهد شد تا به شماره رسمی او تلفن نکند و شاید قرارهای ملاقاتی قبلاً در زمانها و محللهای معینی ترتیب داده شود. تمامی اینها مقدمه چینی برای مراحل بعدی است. بالمآل شاید ظرف چند هفته یا شاید چند ماه هدف مأمور شوروی ظاهر خواهد شد؛ هر چند در ابتدا قابل تشخیص نباشد. همان طوری که در مورد دانشجویان وین که قبلاً ذکر شد اتفاق افتاد. فرد شوروی از دوست آمریکایی خود خواهد خواست تا درباره اطلاعاتی که ماهیت علنی دارد به او کمک کند. شاید برای یک دوست روزنامه نگار و احیاناً برای تهیه یک رساله تحقیقی و یا مقاله ای که فرد روسی مدعی است که آن را خود تهیه می کند و شاید حتی برای یک نظرخواهی عمومی غیررسمی. از دانشجوی وین خواسته شده بود تا درباره همدوره های آمریکایی خود ارزیابیهای اخلاقی بنماید؛ چیزی که به عقیده آن دانشجو چندان ناراحت کننده نبود. یک تبعه یکی از

کشورهای اروپایی در خاورمیانه که به علت دسترسی او به آمریکاییها در معرض پرورش شوروی قرار گرفته بود از سوی مأمور شوروی با صراحت بیشتری روبرو شد. تقاضای شوروی مطلبی شبیه مراتب ذیل بود: «شما در اینجا خلیها را می شناسید، آنها به شما چیزهای زیادی را که به من نمی گویند خواهند گفت. برای اینکه من یک دیپلمات هستم و نماینده یک کشوری هستم که متأسفانه چندان باب طبع آنها نیست... آنها با شما با صمیمیت بیشتری صحبت خواهند کرد، بنابراین اگر شما لطف کرده و از آقای فلانی که او را می شناسید پرسید که...»

تقاضاهایی از این نوع حتی برای اطلاعات بسیار علنی ممکن است همراه با پیشنهاد پرداخت پول باشد. اگر چنین پیشنهادی پذیرفته شد تقاضا خواهد شد که به بهانه قابل قبولی قبض رسید داده شود. فرآیند، آلودگی تدریجی در این مرحله در جریان خواهد بود و عناصر فعالیت مخفی و عوامل احتمالی سازش در این مرحله در میان خواهد آمد. سرانجام یک روز در یک محیط دوستی گرم و اعتماد متقابل فرایند به کارگیری با تقاضاهایی جهت اطلاعات یا خدمت که کاملاً ماهیت اطلاعاتی سیاسی یا نظامی دارد به عمل خواهد آمد. البته وعده پاداش مالی قابل ملاحظه ای نیز داده خواهد شد. اگر شخص آمریکایی بترسد یا خودداری کند البته با استدلالهای معقول با او روبرو خواهند شد و اظهار دوستی تجدید خواهد گردید. بر حسب جریان ارزیابی شوروی و فرآیند ملایم کردن برخورد و خط مشی سرسخت تری به دنبال خواهد بود. از قبیل تهدید یا اخطار برای اینکه دوباره به فکر فرو رود به ویژه اگر فرد آمریکایی از خط و مرز تعیین شده فراتر رفته و خود را در معرض خطر قرار داده باشد. عکس العمل فرد آمریکایی هر چه باشد طرف شوروی همان طوری که در مورد اولتان، ۴دونالد اولتان منشی رمز آمریکایی اتفاق افتاد، مصرا خواستار یک یا چند ملاقات اضافی خواهد شد.

دامنه کامل روشهای عملیاتی شوروی برای ملاقات و پرورش و به کارگیری آمریکاییها در خارج موارد فرضی معینی ندارد. چند مورد که در ذیل مورد بحث قرار می گیرد شایسته روشننگری و تأکید به منظور هشدار می باشد.

سازش

هر چند کا. گ. ب. طبق آیین خود، انگیزه مالی را به طور کلی عامل اصلی در به کارگیری موفقیت آمیز آمریکاییها در خارج به شمار می آورد، عنصر سازش یا به مخاطره انداختن طرف نیز از بخشهای اساسی هر رشته به شمار می رود. این اوضاع به طرقتی ایجاد می شود که اغلب محسوس و مشهود نیست. لذا از نقطه نظر دستگاه اطلاعاتی شوروی هر آمریکایی که به مناسبات شخصی و غیررسمی با یک فرد روسی تن در می دهد و این واقعیت را از مافوقهای خود کتمان می کند نخستین گام را به سوی به مخاطره انداختن خود برداشته است. همان طوری که مناسبات بین طرفین پرورش می یابد و خودمانی تر می گردد همان طوری که در بالا ذکر شد هر حرکت شوروی به منظور افزایش درجه مخاطره صورت می گیرد.

فرد آمریکایی با پذیرفتن جنبه های کم اهمیت کار مخفیانه که به تدریج انجام می گیرد، از قبیل مخاطب قرار دادن طرف شوروی نه از طریق سمت رسمی او یا موافقت ملاقات با او در زمانها و مکانهای غیرعادی

وضع مخاطره خود را پیچیده تر می کند. (لطفهای) اولیه معصومانه که فرد روسی براساس دوستی از فرد آمریکایی تقاضا می کند جزء بخشهای حساب شده فرآیند به مخاطره انداختن اوست.

همچنین پیشنهاد پرداخت و تقاضای ظاهراً قابل قبول دریافت قبض رسید. در ضمن فرد روسی از طریق آزمایش و وسایل دیگر نشانهایی از نقاط ضعف شخص و آسیب پذیری فرد آمریکایی را کشف می کند. (از قبیل داشتن بدهی یا افراط در مشروب خواری یا روابط جنسی در خارج از محیط عادی و غیره). این موضوعات به عنوان (اسرار) بین فرد آمریکایی و (دوست روسی او) تلقی می شود و بدین ترتیب جزئی از پیچ و خمهای مخاطره به شمار می رود. اثرات این فرآیند به مرور زمان فرد آمریکایی را به مناسبات (محرمانه) می کشاند که فرد آمریکایی بتدریج پی می برد که او نمی تواند خود را از میان آن خارج کند مگر به بهای مزاحمت شدید یا شاید عواقب شدید ناگوار شخصی از طریق افشای وضع مخاطره انگیز خود به مافوقهای خویش.

عملاً تقویت اوضاع مخاطره از سوی دستگاه اطلاعاتی شوروی بیشتر به منظور اثر روانی در جریان دوره پرورش و هنگام به کارگیری به عمل می آید. در عملیاتی که در غرب روی می دهد شورویها معمولاً قصد جدی برای اینکه به منظور باجگیری از آمریکاییها برای انجام تقاضای آنها از اطلاعات مخاطره انگیز استفاده کنند، ندارند. استفاده از تهدید و جبر برای برهم زدن زندگی حرفه ای فرد آمریکایی از طریق برملا کردن اطلاعات مضر جزء تکنیکهایی است که تنها به ندرت در خارج از منطقه بلوک شوروی به کار می رود. این بدان جهت است که در کشورهای غربی شورویها فاقد کنترل کامل محیطی که آنها در اتحاد شوروی از آن برخوردارند می باشند. بدین ترتیب برای آنها کسب شواهد واقعاً زیانبار به شکلی که برای باج گیری به نحو مؤثری بهره برداری شود بسیار دشوار است.

معدالک در مسکو و کشورهای اروپای شرقی، باجگیری یکی از عرفهای معمول علیه غربیها، از جمله

آمریکاییها به شمار می آید. کا. گ. ب. هنگام عمل در زمینه های خودی و یا با همکاری کشورهای بلوک شرق قادر است در شرایط کنترل شده شواهد بسیار خطرناکی بر علیه طرف مقابل به دست آورد (که معمولاً از طریق عکسبرداری یا نوار ضبط صوت انجام می گیرد) و آن گاه به عنوان وسیله ای برای به کارگیری از آن بهره برداری می شود. یکی از نمونه های متعدد عملیاتی از این نوع ماجرای مشهور ایروین اسکاربک مأمور وزارت امور خارجه می باشد که در شهر ورشو مستقر شده و با یک عامل مؤنث لهستانی آلودگی پیدا کرده و برای پذیرفتن به کارگیری در معرض باج گیری قرار گرفته بود.

فتح بابهایی با انگیزه های جنسی و همجنس بازی

در این پژوهش گزارشهایی از فتح بابها از طریق روابط جنسی یا آغاز به روابط جنسی در مورد آمریکاییهایی که در خارج از بلوک کمونیستی واقع شده اند، چه به تفصیل و چه به نحوه گذرا، ذکر شده است. هر چند کوشش کا. گ. ب. برای به کارگیری الیانور منشی آرشیو سفارت آمریکا در بن متکی به تاکتیک شک و تهدید علیه ایمنی شخصی او و نامزد خیالی آمریکایی او بود. عملیاتی که علیه او انجام گرفت در مراحل اولیه عبارت بود از ماجرای یک اغواگری که ظرف چند هفته تکمیل شد. در مورد ماجرای منشی سفارت در آفریقا که فاسق محلی او با یک مأمور اطلاعاتی شوروی در تماس بود چنین به نظر می رسد که درگیری جنسی او به طور غیر مستقیم به نفع شوروی مورد بهره برداری قرار گرفت. منشی

هیئت نمایندگی کمکهای عمرانی در خاور دور که نامه ای را از یک دیدارکننده شوروی دریافت کرده و ظاهراً به فتح بابهای عاشقانه او قبل از تسلیم به یک مأمور محلی کا. گ. ب. تن در داده بود، یقیناً قبلاً در معرض این نوع برخوردها قرار گرفته بود.

لااقل در یک مورد اخیر، در خارج از بلوک کمونیستی کسب اطلاع شده است که کا. گ. ب. یک فرد اروپایی را که دارای تمایلات همجنس بازی بوده، به کار گرفته و آن گاه او را علیه آمریکاییها به کار برده است. خود به کارگیری براساس مقاصد باجگیری نبوده است (فرد اروپایی درباره تمایلات همجنس بازی خود پنهان کاری نکرده بود و از اینکه در این مورد راز او برملا شود ترسی نداشت)، ولی به محض اینکه این فرد از سوی شورویها به کار گرفته شد شورویها کوشیدند تا جنبه تمایلات همجنس بازی او را مورد بهره برداری قرار دهند. شورویها اقدام این فرد اروپایی در کرایه کردن یک آپارتمان را جهت پذیرایی از لحاظ مالی تأمین کردند و از او خواستند تا درباره آمریکاییهایی که با او آشنایی داشته و سمتهای رسمی داشته و ممکن بود تمایلات علنی یا خفته همجنس بازی داشته باشند به آنها گزارش دهد. این عامل در مأموریت موفقیتی پیدا نکرد؛ اما اگر او می توانست یک رابطه مخاطره انگیز با یک چنین شخصی برقرار کند، بسیار احتمال می رفت که کا. گ. ب. از تکنیک باجگیری برای به کارگیری آن شخص استفاده کند. کا. گ. ب. ظاهراً معتقد است که شواهد مربوط به همجنس بازی اطلاعات بسیار زیانباری است که می توان آن را از طریق باجگیری مورد بهره برداری قرار داد.

سفرها به کشورهای بلوک کمونیستی

کا. گ. ب. معمولاً دستور دارد که به نمایندگیهای خود در کشورهای خارجی به عنوان جزئی از برنامه عملیاتی خود علیه آمریکاییهای مقیم خارج «در پی فرصتهایی برای سازمان دادن سفرهایی به اتحاد جماهیر شوروی و دمکراسیهای خلقی باشد تا آمجاهای خود را پیروراند.» دلیل این تکنیک کاملاً آشکار

است. این تکنیک به شورویها فرصت می دهد که با فراغت در سرزمین خودشان یک عامل احتمالی آینده را با عمق بیشتر از آنچه ممکن است در غرب صورت گیرد و در اوضاع و احوالی که به مراتب برای آنها مساعدتر است از طریق عملیاتی ارزیابی کنند. (در بعضی موارد هنگامی که به کارگیری در غرب صورت گرفته است عامل جدید به اتحاد شوروی یا یکی از شهرهای بلوک اروپای شرقی برده می شود تا در معرض تعلیمات فشرده در مورد مأموریت خود قرار گیرد. کا. گک. ب. و جی. آر. یو. می توانند این امر را بدون آنکه روایت شوروی در گذرنامه فرد آمریکایی نشان داده شده باشد، انجام دهند. نمونه هایی از چنین دعوت هایی بسیار متعدد است و برای روشن شدن این مطلب که چگونه دعوت هایی انجام می گیرد، یک نمونه ذکر می شود.

چند سال قبل یک مأمور آژانس عمران بین المللی در پاکستان براساس مناسبات اجتماعی دوستانه به وسیله لئونید گابریلویچ کویموف، که یک مأمور اطلاعاتی با پوشش دیپلماتیک به عنوان دبیر اول بود در معرض پرورش قرار گرفت. فرد روسی به طریقی که اکنون دیگر معلوم شده است، هدیه های مختصری برای خانواده این فرد آمریکایی می آورد و به زودی این دو نفر چنان عادت کردند که هفته ای چندین بار با همدیگر ملاقات کنند و سرزده به خانه یکدیگر بروند. فرد روسی سرانجام خواستار کتابچه راهنمای تلفن جیبی هیئت نمایندگی آژانس بین المللی عمران شد و یک نسخه کهنه شده که معمولاً به فراوانی یافت

می شود به او داده شد. او آن گاه چندین بار کوشید تا ببیند که آیا فرد آمریکایی می توانست علاقه مند باشد که به یک سفر تفریحی به مسکو براساس یک ترتیب ویژه برود. هنگامی که این پیشنهاد رد شد، مأمور شوروی دست به شگرد دیگری زد و از فرد آمریکایی دعوت کرد تا برای یک دوره به اتحاد شوروی بیاید و به عنوان معلم، شغلی برای خود در آنجا اختیار کند. مأمور شوروی به او گفت که این یک تجربه بسیار باارزش خواهد بود و فرد آمریکایی حقوق بسیار بالایی دریافت خواهد داشت.

شورویها همچنین علاقه مند به جلب اشخاصی که آنها به عنوان آماجهای احتمالی جهت به کارگیری تشخیص داده اند، بوده اند. مثلاً در سال ۱۹۶۶ سه داوطلب مؤنث سپاه صلح در ترکیه از دفتر اینتوریست (آژانس مسافرتی شوروی) در آنکارا دیدن کرده و خواستند تا ترتیب سفر آنها به اتحاد شوروی داده شود. هنگامی که آنها در دفتر اینتوریست بودند سه نفر از اتباع شوروی (همه آنها مأمورین اطلاعاتی بودند) که در کوششهای خود برای پرورش آنها اصرار داشتند، با آنها ملاقات کردند. اندکی بعد مدیر سپاه صلح آمریکا در محل، این سه نفر را متقاعد ساخت تا برنامه سفر خود به اتحاد شوروی را حذف کنند. هنگامی که نماینده اینتوریست، که خود یک مأمور کا. گ. ب. بود، اطلاع یافت برنامه سفر این سه عضو سپاه صلح آمریکا حذف شده است، او نرخ سفر را از ۲۵۰ دلار (حداقلی) که تعیین کرده بود به ۱۰۲ دلار کاهش داد. (البته سپاه صلح جهت دستگاه اطلاعاتی شوروی هدف بسیار جذابی است زیرا بیشتر داوطلبان سابق این سپاه بعداً در دولت ایالات متحده استخدام شده اند و امید می رود که در آینده نیز عده دیگری از این افراد استخدام شوند. انواع مختلفی از کوششهای شوروی برای پرورش پرسنل سپاه صلح از کشورهای در قاره آفریقا و خاورمیانه و آسیا گزارش شده است.)

تابعیت قلابی

تکنیک شوروی با استفاده از «تابعیت قلابی» در پرورش یا کوشش در به کارگیری از سوی شوروی

چندین بار نشان داده شده و برای تأکید ذکر شده است. زیرا شناسایی یا کشف هویت آنها تا زمانی که دستشان رو نشده است، بسیار دشوار است (و ممکن است هرگز رو نشود). در مواردی که هدف آمریکایی احتمالاً دارای تمایل نسبت به مقاصد شوروی به نظر نمی آید. به صورت نظری دست شوروی هرگز روش نمی شود چون ماهیت این شیوه مستلزم آن است که استخدام کننده (تبعه شوروی یا یک عامل غیر روسی) تظاهر کند که نماینده یک سرویس اطلاعاتی غیرروسی یا یک سازمان تجاری یا صنعتی است. مثلاً یک آمریکایی که آلمانی الاصل باشد از او ممکن است خواسته شود که به کشور اصلی خود به نحو مخفیانه کمک کند یا از یک آمریکایی که متعلق به جامعه یهود است، می خواهند که برای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل کار کند. از تکنیسین مخابرات وزارت امور خارجه آمریکا که ماجرای او در اینجا شرح داده شد، خواسته شده بود تا با دستگاه اطلاعاتی کشور مبدأ خود در اروپای شرقی همکاری کند. معذالک این عملیات به شوروی بستگی داشت و شامل یک فرد روسی بود که خود را غیرقانونی جا زده بود. ماجرای اولتان یک نوع دیگر از همین تکنیک اساسی بود.

فتح بابها جهت تماس

انواع طرقی که دستگاه اطلاعاتی شوروی می کوشد تا تماس اولیه را با آمریکاییها در خارج آغاز کند

و چشم انداز ملاقاتهای آینده را تأمین کند بسیار چشمگیر است. در ماجراهایی که تاکنون شرح داده شده است، ما شاهد مأموران شوروی بوده ایم که در خیابان یا در «بارها» یا در مهمانیها و پارتیهای خصوصی از طریق افرادی از ملیتهای دیگر و غیره به آمریکاییها نزدیک شده اند.

یک سند دستورالعملی که از سوی کا. گ. ب. تهیه شده پیشنهادات دیگری را نیز عنوان می کند:

«مأمور اطلاعاتی برای آنکه دامنه پوشش خود را برای ملاقات با آمریکاییها توسعه دهد می تواند

وارد فعالیتهای ورزشی شده و یا خود را مشغول جنبه های مختلف علمی یا هنری بنماید، یا اینکه دست به

کاری بزند که جنبه مشغولیتی دارد مثلهایی از این قبیل مانند ماهیگیری، بازی تنیس، جمع آوری تمبر و

سکه و غیره.»

از این دستورالعملها در همه نقاط جهان در نهایت وفاداری پیروی شده است و حتی بهبود نیز داده شده

است. شورویها همان طور که نشان داده شد، بازیهای سازمان داده اند. مثلاً بازی والیبال که در وین انجام

گرفت و همچنین کوشیده اند تا از آمریکاییها بخواهند تا به همسرانشان یا خودشان درس زبان بدهند و

همچنین در بازیهای بولینگ آمریکاییها شرکت نموده اند و حتی از محل اقامت تفنگداران آمریکایی دیدن

کرده اند.

گنجاروف، ۴ گریگوری یوسیفویچ گنجاروف یک مأمور جی. آر. یو. (اطلاعات نظامی شوروی) در رباط مقدار

قابل ملاحظه ای از وقت خود را در ساحل در جستجوی کادرهای نظامی آمریکایی صرف می کرد، به این

امید که بتواند یک آشنایی غیر رسمی با آنها پیدا کند. چند سال قبل در سوریه متوجه شدند که شخصی به

نام کنستانتین موزل یک مأمور اطلاعاتی شوروی عادت بر آن داشت که قسمت اعظم سه روز در هفته را

در استخر شنای جامعه دیپلماتیک بگذارند و وارد گفتگو با همسران انگلیسی زبان بشود در حالی که

شوهرانشان در حال کار بودند.

در تریپولی، دستور کا. گ. ب. درباره جمع آوری تمبر، عینا توسط کارمندان اطلاعاتی شوروی به کار برده می شد بعضی از آنها دیده می شدند که با کلاسورهای حاوی تمبرهای پستی در خیابانها این طرف و آن طرف می گردند و برای آغاز گفتگو در بارها، کافه ها و سایر امکان عمومی از آن استفاده می کنند. اگر شخصی که بدین ترتیب طرف تماس قرار می گرفت علاقه به تمبر نشان می داد، مأمور شوروی بسته ای را که همراه داشت به او می داد و پیشنهاد می کرد که طرف آن را به منزل برده و مطالعه کند و تصمیم بگیرد که کدام یک از آنها را دلش می خواست داشته باشد. البته این امر زمینه را برای ملاقات دیگر فراهم می کرد که طی آن موضوع تمبرها مورد بحث قرار می گرفت و شاید تمبرهایی مبادله می شد ولی شکی نیست که قسمت اعظم وقت از سوی مأمور شوروی صرف تحکیم مناسبات و بیرون کشیدن اطلاعات مربوط به شرح زندگی، کار و پایه گذاری زمینه جهت ملاقاتهای بعدی می گردید.

مأمور جی. آر. یو. در ترتیب دادن حادثه ای در بروکسل در سال ۱۹۶۶ نشان داد که هدف ایجاد تماس یکی از مأموران جی. آر. یو. با یک کارمند آمریکایی مؤنث، هیئت مستشاری نظامی آمریکایی (MAAG) بود. این زن آمریکایی هنگامی که یک روز به خانه بازمی گشت متوجه شد که یک زن روسی که ظاهرا مریض به نظر می رسید در خارج اقامتگاه او تکیه داده است. مرد همراه روسی او بنام ولادیمیر آی چرتون، که خود را نماینده شرکت هواپیمایی شوروی ایروفلوت در بلژیک معرفی کرده بود، از این زن آمریکایی تقاضا کرد که آیا می تواند همسر خود را برای استراحت به منزل این آمریکایی برد. به محض

اینکه این زن روسی وارد منزل شد (در حالی که هویتش معلوم نشد) به فوریت بهبود پیدا کرد و در همان حال چرتون می کوشید تا قدردانی خود را به زن آمریکایی ابراز بدارد. او بار دیگر ولی بدون موفقیت چند ماه بعد کوشید تا در خیابان با نزدیک شدن به این زن آمریکایی روابط دوستانه برقرار کند. چرتون در سال ۱۹۶۷ از سوی مقامات بلژیک دستگیر شد و به علت فعالیتهای اطلاعاتی خود وادار شد تا بلژیک را ترک کند.

نتیجه گیری

کوششهای اطلاعاتی شوروی برای به دست آوردن اطلاعات مخفی از طریق به کارگیری آمریکاییها و رخنه در تأسیسات آمریکایی در خارج، همان طوری که این مطالعه نشان داده است، از لحاظ دامنه سراسر جهان را فرا می گیرد و مقیاسهای آن بسیار عظیم و شدت و مداومت آن لاینقطع بوده و قوه تخیل بسیار عالی در نقشه های آنها به کار می رود. هدفهای مطلوب کا. گ. ب. و جی. آر. یو. متنوع بوده و شامل آمریکاییهای خصوصی و رسمی می باشد ولیکن فعالیت عملیاتی که جنبه تعرض آمیز داشته باشد متوجه کارمندان جوان مؤسسات دیپلماتیک و سایر مؤسسات رسمی و همچنین علیه سربازان ساده نیروهای مسلح آمریکاست. البته ارجحیت به کارمندان رمز و مخبرات و تفنگداران دریایی و منشیهای بایگانی و مصادر امور داده می شود، زیرا شورویها این گروه وسیع را به عنوان عناصر آسیب پذیر نسبتا آسان جهت نزدیک شدن به آنها تلقی می کنند.

مفهوم آیینی کا. گ. ب. درباره یک آمریکایی متوسط الحال و ساخت و ترکیب روانی او و ماهیت مادی او و علاقه درجه یک او به پول و اینکه چگونه هر چه بیشتر پول به دست بیاورد که در این مطالعه به شکل سند تنظیم شده است، یک مطلب مورد اختلاف نظر بوده و ممکن است برای اکثر خوانندگان بسیار ناهنجار باشد. معذالک در بسیاری از موارد انفرادی که طی آنها شورویها موفق شده اند به نحو باارزشی عده ای را

برای هدفهای خود به کار گیرند، این مفهوم صحت خود را ثابت کرده است.

به عنوان یک تعمیم کلی این مفهوم در نتیجه بسیاری از شکستهایی که شورویها در فعالیت به کارگیری خود خورده اند حتی پس از ارزیابی و تدارکات دقیق اشتباه از آب درآمده است. ضوابط و سوابق نشان می دهد که آمریکاییها به طور کلی به عنوان یک گروه به کشور خود وفادار هستند و از هر ملیت دیگری که شورویها کوشیده اند به نفع خود به کار گیرند سر سختی بیشتری نشان داده اند. با وجود این با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا «دشمن اصلی و عمده» بوده و کا. گ. ب. و جی. آر. یو. وقت و کوشش بیشتری برای عملیات به کارگیری علیه آمریکاییها نسبت به افراد ملل دیگر اختصاص می دهند، این امتیاز آمریکاییها تا اندازه ای خنثی می شود. هیچ دلیلی نیست که درباره معتبر بودن تجربه شوروی شک داشته باشیم که به کارگیری آمریکاییها در خارج از به کارگیری آنها در خود ایالات متحده آسانتر است یا اینکه درباره این نظر شوروی تردید داشته باشیم که یک نفر آمریکایی مقیم خارج از حالت دفاعی را که در کشور خود دارد از آن میراست، و درباره خود آزادانه صحبت می کند و بدون هیچ گونه سوءظنی با خارجیان معاشرت می کند. شورویها از این آزادی نقل و انتقال و معاشرت که آمریکاییان در خارج از ساعات خارج از انجام وظیفه از آن برخوردارند استفاده می کنند. شورویها برقراری تماس مستقیم شخصی جهت پرورش و ارزیابی در خارج را آسانتر تشخیص می دهند و آنها در عین حال از عده ای عمال متنوع خود در خارج که

از همکاران آماده و متمایلی هستند در چنین مواردی بهره برداری می کنند.

نمونه هایی از تکنیکهای متعدد عملیاتی شوروی در این مطالعه نشان داده شده است. گاهی این تکنیکهای بسیار واضح می باشند ولیکن آنها اغلب از یک زیرکی خاصی برخوردار بوده و غیرمستقیم می باشد. شیوه های شوروی از ردیابی و ارزشیابی و پرورش و به کارگیری افراد بسیار متنوع بوده و تنها بر حسب منابع و امکانات عملیاتی و قوه تخیل مأمور اطلاعاتی شوروی محدود می شود. مؤثر بودن این شیوه ها منوط به درجه درک آمریکاییها از مقاصد شوروی و درک تکنیکهای شوروی و هوشیاری همیشگی آمریکاییها نسبت به نظاهر احتمالی این مقاصد شوروی و تکنیکهای آنهاست.

این موضوع مهم است که به خاطر داشته باشیم که شورویها در غرب به عنوان یک قاعده کلی، اجازه ندارند تماسهای غیررسمی و اجتماعی با آمریکاییان داشته باشند مگر اینکه برای چنین کاری دلایل و مجوز اطلاعاتی داشته باشند. تماس اتفاقی و ظاهرا بدون نقشه قبلی با یک فرد روسی باید در همان موارد با مقامات امنیتی مربوطه گزارش داده شود. اقدامات کنجکاوانه غیرطبیعی از سوی افراد غیر روسی، به ویژه درباره اطلاعات بیوگرافیک اعم از فعالیتهای خصوصی و رسمی و وضع مالی شخصی کارمندان رسمی آمریکایی و کارمندان آمریکایی در خارج باید یادداشت شده و گزارش شود.

مقامات امنیتی اغلب برای تشخیص هویت مأمورین اطلاعاتی شوروی و همچنین عمال آنها دارای اطلاعات بوده و یا قدرت آن را دارند که چنین اطلاعاتی به دست آورند و راهنماییهای لازم را بنمایند.

کتاب پنجاه و دوم

شوروی «شرق تجاوزگر» بخش سوم (۲)

گفتگو با دیپلماتها و ملل تبعه کشورهای کمونیستی

خیلی محرمانه ۵ ژوئن ۱۹۶۹ ۱۵ خرداد ۱۳۴۸

مدیریت بخش اقتصادی یا دفتر منافع آمریکا

مشاور سیاسی جان الف. آرمیتاژ، راهنمای امور خارجه سیاسی

نسخه ای از آخرین مقررات مربوطه به گفتگو با دیپلماتها و یا ملیتهای کمونیست به پیوست ارسال

می گردد. این دستورالعمل باید توسط تمام پرسنل آمریکایی رؤیت و مطالعه گردد.

ضمیمه:

همان گونه که ذکر گردید (خیلی محرمانه)

خیلی محرمانه جلد دوم امور سیاستاریخ: ۳ خرداد ۱۳۴۸

نامه انتقالی: سیاسی ۲۰ مقررات یکنواخت دولت ACDA/USIA/AID

گفتگو با دیپلماتها و ملل تبعه کشورهای کمونیستی

تمام کارمندان خدمات خارجی واحدها و واشنگتن در بخشهای دولتی ACDA، USIA، AID، باید

گفتگوهای خود با دیپلماتها و ملل تبعه کشورهای کمونیستی را گزارش نمایند. اهمیت این گزارشها قبلاً

در CA ۱۴۷۱ مورخه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۳ مطرح گردیده بود.

سرلوحه COMTALK که جهت توزیع این گزارشها تعیین شده، در بخش ۴/۲۱۲، ۲۰۰ OFAM

تجدید نظر شده صادر خواهد شد.

اقدام مورد لزوم

مقامات اداری باید این دستورالعمل را مورد توجه تمام پرسنل آمریکایی قرار دهند.

دستورالعملهای بایگانی

صفحه ضمیمه شده ۴/۲۴۳ را پس از صفحه ۲/۲۴۳ بایگانی نمایید.

CA ۱۴۷۱ مورخ ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۳ دستورالعمل مشترک دولت، ACDA ، USIA ، AID را لغو

نمایید.

خیلی محرمانه

مقررات یکنواخت دولت / اداره اطلاعات ارتش / آژانس کنترل و خلع تسلیحاتی / آژانس اطلاعات

دفاعی ۴/۲۴۳ گفتگو با دیپلماتها و ملل کمونیستی

موضوع: تماس با ملیتهای تبعه شوروی و بلوک کمونیست

الف بنا به دلایل مهم و غیره، باید در مورد گفتگوهای کارمندان با دیپلماتها و ملل کشورهای

کمونیستی گزارشاتمی ارسال گردد و

(۱) باید در برگیرنده تماسهای رسمی و شخصی باشد؛

(۲) ممکن است به مسائل سیاسی، اقتصادی و دیگر مسائل رسمی ربط داشته باشد؛

(۳) ممکن است تماس در یک محل همگانی و یا شخصی مانند ضیافت‌های شام، حضور در سینما و تأثر و سیاحت رخ داده باشد.

به هر حال پس از برقراری چند تماس ظاهراً بی اهمیت در مدت چند ماه باید به این گونه تماسها اهمیت داد. تماسها زمانی باید گزارش شود که معلوم شود که نماینده ملت کمونیستی در اثر تداوم روابطش به این تماسها اهمیت می دهد.

ب منظور از دستورالعمل بالا به هیچ وجه این نیست که از تماس با نمایندگان ملل کمونیست جهت اهداف عادی و یا دلایل مطروحه در راهنما امتناع ورزیده شود.

۱ ۲۴۳ کارمندان واحدهای سرویس خارجی

در صورتی که محتوای تماس، ارسال تلگرام را ایجاب نماید باید یادداشت مکالماتی تحت پوشش یک نامه هوایی و طبق بخش ۲۸، ۲۶۳ ارسال گردد. تلگرامها و یا نامه های هوایی که حاوی این گونه تماسها هستند باید سرلوحه «COMTALK» را داشته باشند و از طریق کانالهای ارتباطی آژانس مادر ارسال شوند. کارمندان آژانس اطلاعاتی آمریکا باید فرم آژانس اطلاعاتی ۳۹۴ یادداشت مکالماتی را به دفتر امنیتی آژانس بفرستند.

۲ ۲۴۳ کارمندان موجود در آمریکا

به منظور مطمئن شدن از فعالیتهای ملل کمونیستی در قبال کارمندان وزارتخانه و خدمات خارجی، نوع تماسی که در پاراگراف الف بخش ۴/۲۴۳ مطرح شده نیز باید توسط تمام کارمندان موجود در واشنگتن گزارش شود. این گزارشها که مانند قبل عنوان و سرلوحه خاصی دارد، به ترتیب زیر ارسال و انتقال می یابد:

برای دولت توسط فرم DS ۱۲۵۴، یادداشت مکالماتی، مستقیماً به OPR/RS جهت تکثیر و توزیع.
برای اداره اطلاعاتی ارتش توسط یادداشت به رئیس، دفتر امنیتی از طریق ناظر این کارمندان.
برای آژانس اطلاعاتی آمریکا توسط فرم IA ۳۹۴، یادداشت مکالماتی به دفتر امنیتی آژانس.
برای آژانس کنترل و خلع تسلیحاتی توسط فرم DS ۱۲۵۴ یادداشت مکالماتی به OPR/RS داده
می شود تا به رؤیت ریاست اجرائی برسد.

توجه های امنیتی خلاصه پرونده های اخیر و مهم SAS

سند شماره (۴)

خیلی محرمانه تاریخ: ۲۱ ژانویه ۱۹۷۰ ۱ بهمن ۱۳۴۸

از: جانشین معاونت مدیر امنیتی: ناظران امنیتی منطقه ای

عطف به: نامه «Sy D» به شماره ۴۷/۶۹ مورخ ۲۸ مرداد ۱۳۴۸ شماره نامه دفتر: ۷۰۱۵ - D مقامات:

امنیتی منطقه ای، مقامات امنیتی (فنی) وزارت امور خارجه دفتر امنیت

موضوع: توجه های امنیتی خلاصه پرونده های اخیر و مهم SAS

در رابطه با مرجع مذکور، هشت خلاصه مورد مهم SAS که اخیراً صورت گرفته و شامل تلاشهای

حقیقی و یا مظنون از طرف سرویسهای اطلاعاتی متخاصم برای به سازش کشانیدن و یا استخدام پرسنل سرویس خارجی وزارتخانه و یا دیگر آژانسهای دولت آمریکا می باشد را ضمیمه کرده ایم.

در تیر ماه ۱۳۴۸، تعدادی از افسران امنیتی منطقه ای خواستار دریافت اطلاعاتی در مورد تلاشهای انجام شده اخیر نفوذی و یا استخدامی پرسنل شدند تا در جلسات توجیهی واحدها در مورد پرسنل تازه وارد و یا برگزاری جلسات توجیهی بعدی مورد استفاده قرار دهند. همانگونه که خاطر نشان خواهد شد اسامی اشخاص و مکانها حذف شده اند تا از تجسس پیرامون هویت فرد مشمول جلوگیری به عمل آمده باشد و نیز از بروز موجبات شرمساری افرادی که پیرامون این تلاشها گزارش خود را به مقامات مربوطه و نیز افسر امنیتی منطقه ای تسلیم نموده اند، ممانعت شده باشد. واضح است که هر افسر امنیتی منطقه ای بدون تحمل هیچ گونه دردسری می تواند هویت هر یک از این افراد را مشخص کند ولی باید از انجام این کار خودداری شود.

مهم به یاد داشتن این مطلب است که نیروهای اطلاعاتی متخاصم دائما از تاکتیکهای قدیمی استفاده می کنند تا بتوانند از نقاط ضعف شخصی افراد در تلاش خود بر به سازش کشانیدن و یا استخدام پرسنل ما بهره برداری کرده و یا موفق به جلب همکاری آنها بشوند، باج گیری از طریق تهدید به افشاء، بی احتیاطیهای عادی و یا غیرعادی سکسی، درگیری در عملیات بازار سیاه و پیشنهاد اقناع شخص از جمله روشهای اصلی مورد استفاده در این گونه تماسها می باشد. همان گونه که می دانید موفقیت این گونه روشها متضمن استفاده بیشتر از این روشها می باشد.

از نظر من یک توجیه و یا توجیه مجدد خوب امنیتی مهمترین اقدامات ضدجاسوسی است و شخصا از هر یک از افسران امنیتی می خواهم که دقت و توجه کافی به آن مبذول نمایند. در هر یک از جلسات توجیهی، از همه پرسنل موجود باید صریحا خواسته شود که تماسهای خود با اتباع بلوک کمونیستی را

طبق مقررات گزارش نموده و در مورد تلاشهای مربوط به سازش کشانیدن و یا استخدام با تأکید بر این واقعیت که این گزارش مورد توجه کامل افسر امنیتی منطقه ای و وزارتخانه قرار خواهد گرفت. ارسال، گزارش حتما صورت پذیرد.

در جلسات توجیهی باید یادآور شد که حتی اشخاصی که رفتار نادرست ندارند نیز ممکن است به عنوان یک هدف اطلاعاتی در نظر گرفته شوند؛ و تماسها معمولاً با در نظر گرفتن موقعیت وی در واحد مربوطه و یا آگاهی و یا مشارکت وی در عملیات طبقه بندی شده، صورت می گیرد.

ضمیمه شده:

هشت خلاصه SAS

خیلی محرمانه

در سال ۱۳۴۷، از یکی از افسران متأهل سرویس خارجی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی، توسط آژانس اطلاعاتی امنیتی محلی عکسی گرفته شد که وی را با یک هنرپیشه زن محلی تابع آن کشور به طور عریان نشان می داد. روش باجگیری و استخدام آمده در ذیل با شکست روبه رو شد.

جزئیات:

به علت محتوای مغایر با اخلاق از ترجمه متن اصلی خودداری شده است. مترجم

در سال ۱۳۴۷، یکی از کارمندان سرویس خارجی که به عنوان ناظر ارتباطاتی در یکی از واحدهای مستقر در دیوار آه‌نین مشغول به کار بود توسط افسران اطلاعاتی محلی مورد تماس واقع شد تا به کار گرفته شود. به وی پیشنهاد کمک شخصی داده شد که با وظایف رسمیش در سفارتخانه مغایرت داشت و می‌توانست بعدها به عنوان «باج سیل» مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این تلاش به کارگیری نیز با شکست روبه‌رو شد.

جزئیات:

ناظر ارتباطاتی و سوابق در یکی از واحدهای اروپای شرقی شخصا به وزارتخانه دولتی ارتباطات محلی رفت تا اجازه مربوط به تغییر و نصب تجهیزات مورد نیاز در واحد ارتباطی سفارت را کسب کند. به عنوان اطلاع بیشتر در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که این کار تحقق نمی‌پذیرد مگر آنکه تمام پروانه‌های معافیت ورود تجهیزات از طریق دولت محلی دریافت شده باشد. چند شرکتی که تجهیزات ارتباطاتی را فروخته و نصب می‌کنند برای به دست آوردن پیمان مزبور رقابت می‌کردند که تاکنون هیچ یک از آنها موفق نشده‌اند.

یک هفته قبل از دیدار بالا، این ناظر ارتباطاتی سفارت در یکی از هتل‌های محلی با نماینده یکی از شرکت‌های فروشنده تجهیزات ارتباطاتی (که شرکتی آمریکایی است) ملاقات کرد، و در مورد استخدام خود در شرکت مزبور به هنگام بازنشستگی که یک سال بعد از این تاریخ آغاز می‌شد سؤال کرد. این ملاقات نتیجه‌ای قطعی به همراه نداشت و گمان نمی‌رفت که کارمند سفارت پیشنهاد استفاده از نفوذ خود

در رابطه با قرارداد مزبور را مطرح کرده باشد.

هنگامی که ناظر ارتباطاتی سفارت وارد دفتر وزارت ارتباطات شد که معمولاً نیز کارهای ارتباطاتی خود را در آنجا انجام می داد با دو نفر غیر نظامی روبرو شد که او آنها را نمی شناخت ولی آنها مدعی شدند که کارمند همان وزارتخانه هستند. آنها اظهار داشتند که عمده مسئولیت اعطای برگهای معافیت کار و واردات به عهده آنها گذاشته شده است. آنها با صراحت گفتند که از موضوع تقاضای کار وی در یکی از شرکت های جوینده پیمانکاری سفارت پس از بازنشستگی خبر دارند. به ناظر ارتباطات گفته شد که در ازاء همکاری (نامعلوم) وی آن دو نیز از نفوذ بسیار خود در ارائه معافیتهای مورد نیاز بهره خواهند گرفت و معافیتهای لازم را طوری ارائه خواهند کرد تا شرکت ارتباطاتی مورد نظر بتواند قراردادهای مربوط به کار پیرامون سفارت را به دست بیاورد. به افسر ارتباطات گفته شد که این اقدام سبب جلب نظر شرکت خواهد شد و پس از بازنشستگی نیز خواهد توانست در آنجا به کار مشغول گردد. ناظر ارتباطات، مؤدبانه لیکن با قدرت هر چه تمامتر این پیشنهاد را نپذیرفت و کمی بعد به سفارت بازگشت و این واقعه را به افسر امنیتی منطقه ای گزارش داد. موضوع در همین جا خاتمه یافت.

تحقیق و تجزیه و تحلیلهای بعدی نشان داد که سازمان اطلاعاتی محلی قصد داشته با ارائه یک هدیه

جالب توجه، ناظر ارتباطاتی را وسوسه کند که اگر این هدیه پذیرفته می شد همکاری (استخدام) وی از

طریق باج گیری قطعی می شد.

در اوایل سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات نمایندگی تجاری شوروی با یکی از منشی های ارتباطاتی مستقر در سفارت آمریکا که در یکی از کشورهای اروپای غربی واقع شده بود، سه بار همراه با دعوت های اجتماعی تماس گرفت که بعدها معلوم شد که این شخص در ارتباط با سازمان اطلاعاتی شوروی (کا.گ.ب) می باشد.

جزئیات:

این داستان واقعی مربوط به یکی از کارمندان سرویس خارجی آمریکایی است که به عنوان منشی ارتباطات در سفارت آمریکا واقع در یکی از کشورهای اروپای غربی مشغول به کار بود. وی همراه با یکی از همکارانش در آپارتمان خود سکونت داشت. در سال ۱۳۴۵، پس از انتقال همکار مزبور به جایی دیگر، وی نتوانست شخص مناسب دیگری را بیابد تا بتواند در پرداخت حق الاجاره وی را یاری دهد. به همین دلیل این منشی ارتباطات به یک مجتمع آپارتمانی دیگر نقل مکان کرد که کارمندان دون رتبه تر جامعه دیپلماتیک در آنجا سکونت داشتند. مستأجران سفارتهای خارجی این مجتمع عبارت بودند از دو منشی بخش آمار سرویس خارجی سفارت آمریکا و یک مقام نمایندگی تجاری شوروی و خانواده اش. چند روز پس از اسباب کشی به آپارتمان جدید، کارمند سرویس خارجی پس از پایان کار به آپارتمان صاحبخانه اش که در همان مجتمع واقع شده بود، رفت. هدف از این ملاقات نیز گفتگو پیرامون این مسئله بود که وی چه زمانی اجازه دارد از ماشین لباسشویی استفاده کرده و در چه مکانی باید زباله هایش را دور بریزد، به محض ورود به آپارتمان صاحبخانه وی به مقام نمایندگی تجاری شوروی که در همان شهر سکونت داشت معرفی گردید. صاحبخانه گفت که میهمان روسیش قبلاً در همین مجتمع سکونت داشته و

اکنون برای دیدن یکی از همکارانش که در اینجا زندگی می کند به اینجا آمده است. فرد روسی گفت که وی آمده است تا به صاحبخانه اش سر بزند. پس از پایان کار کارمند سرویس خارجی سفارت آمریکا، وی فکر کرد که بهتر است با شخص روسی نیز چند دقیقه ای وارد گفتگو شود. ولی فرد روسی با وی حدود یک ساعت به صحبت مشغول شد و از منافع فرهنگی مشترک، ناآرامیهای داخلی در آمریکا، مداخله آمریکا در ویتنام و غیره سخن به میان آورد. با دشواری بسیار سرانجام کارمند مزبور موفق شد گفتگو را خاتمه دهد. قبل از خروج، فرد روسی وی را به شام دعوت کرد تا پس از آن کارمند سفارت را به نقاط معروف و مورد توجه جهانگردان ببرد و دست آخر نیز وی بلیط یکی از فیلمهای فرهنگی روسی را ارائه کرد. در تمام این موارد کارمند سرویس خارجی آمریکایی مؤدبانه لیکن سرسختانه دعوتها را نپذیرفت.

ماه بعد نیز مقام نمایندگی تجاری روسی دوبار با منشی ارتباطات مزبور تماس گرفت و وی را به ضیافتهای اجتماعی دعوت نمود، لیکن هر بار با امتناع مؤدبانه وی روبرو شد. پس از این ملاقات در آپارتمان صاحبخانه، کارمند سرویس خارجی موضوع را با افراد مافوق خود در سفارت و سپس با افسر امنیتی منطقه ای را در میان گذاشت. تحقیقات بعدی نشان داد که مقام نمایندگی تجاری شوروی یکی از اعضای سازمان جاسوسی کا. گ. ب. بوده است. کارمند سرویس خارجی آمریکایی به طرز عادی واحد

مأموریت خود را ترک گفت و اتفاق دیگری رخ نداد.

توجه:

هنوز برای مقام امنیتی منطقه ای مشخص نشده که چرا این مأمور سازمان کا. گ. ب. مصرانه می خواسته است که از همان روز اول نقل و انتقال این کارمند آمریکایی به ساختمان جدید از وی بهره برداری کند و در عین حال از دو منشی آمریکایی دیگری که حدود یک سال در همان مجتمع سکونت داشتند چشم پوشی کرده بود.

در سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات صدور روادید که در یکی از کشورهای اروپای شرقی انجام وظیفه می کرد به نحوی از انحاء با اتباع محلی روابط دوستانه و با یکی از آنها در شرایط مظنون روابط جنسی برقرار کرده بود. همه شواهد موجود حاکی از آن است که سازمان اطلاعات محلی در نظر داشته مقام صدور روادید مزبور را به دام انداخته و وی را به همکاری جلب نماید.

جزئیات:

در سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات سرویس خارجی که به عنوان مقام صدور روادید در یکی از سفارت‌های آمریکا واقع در یکی از کشورهای اروپای شرقی کار می کرد در یک کوکتل پارتی نیمه رسمی که از طرف یکی از همکاران آمریکاییش ترتیب داده شده بود شرکت جست. در این ضیافت وی با دو نفر آشنا شد که می گفتند در وزارت بازرگانی محلی به کار مشغول هستند. مقام مزبور متوجه شد که (از نظر اجتماعی) وی دارای وجوه مشترک بسیاری با این دو نفر است و پس از پایان کوکتل پارتی نیز با آنها به هتلی در همان اطراف رفت تا با آنها مشروب بیشتری بنوشد. وی متوجه شد که دوستان جدیدش به هیچ وجه میل ندارند از کار وی سر در بیاورند بلکه بیشتر خواهان دوستی با وی بوده و ادعا می کردند که به زنان محلی برای

برقراری روابط نامشروع جنسی به آسانی دسترسی دارند.

یک هفته بعد مقام سرویس خارجی مزبور بنا به دعوت دوستانش به یکی از مشروب فروشیهایی که محل اجتماع زنان روسپی بود رفت. فرد آمریکایی قبلاً نیز دوبار به آنجا رفته بود ولی با زنان این میکده هیچ گونه تماس نادرستی برقرار نکرده بود. پس از پایان خوشگذرانی فرد آمریکایی گفت که دو دوست خود و یکی از زنان آنجا را به محل سکونتشان خواهد رساند. پس از رسانیدن دو دوست مزبور مجبور شد زن روسپی را نیز به خانه اش برساند. در محل به جای اینکه از وی مؤدبانه جدا شود، زن مزبور مقام سرویس خارجی را به داخل آپارتمان خود کشانید و سعی کرد با وی روابط جنسی انجام دهد. فرد آمریکایی مدعی است که این روابط بطور جدی ادامه نیافت و وی پس از چند دقیقه آنجا را ترک گفت. روز بعد مقام سرویس خارجی پس از یادآوری سخنرانیهای امنیتی و اعلام ممنوعیت برقراری ارتباط اجتماعی با اتباع محلی از طرف سفارت، نزد مقام امنیتی منطقه ای رفت. پس از تحقیق مشخص شد که احتمالاً قرار بوده است با اجرای توطئه ای وی نیز مجبور به باج دهی و همکاری شود. در خاتمه، مقام سرویس خارجی گفت که در آینده این گونه دعوتها را از طرف اتباع محلی نخواهد پذیرفت و در مورد

وی، موضوع به همین جا پایان یافت.

در اواسط سال ۱۳۴۸ در یکی از واحدهای مستقر در یکی از کشورهای آفریقایی، یکی از مقامات اطلاعاتی شوروی تحت عنوان گزارش اخبار سعی کرد یکی از کارمندان سرویس خارجی را وادار به همکاری نماید و پیشنهاد نمود که وی پس از استعفا از سمت کنونی خود مرکزی را در کانادا ایجاد کند و سربازان فراری آمریکایی را در کانادا پناه دهد.

جزئیات:

در پاییز سال ۱۳۴۷ یکی از مقامات سرویس خارجی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای آفریقایی در کوکتل پارتی مطبوعاتی که از طرف گزارشگر اخبار ملی سویس ترتیب داده شده بود شرکت کرد و در آنجا با یکی از اتباع روسی که می گفت در آنجا با سرویس مطبوعاتی شوروی همکاری می کند آشنا شد. مقام سرویس خارجی آمریکایی و گزارشگر خبری روسی متوجه شدند که علائق مشترک بسیاری بین آنها وجود دارد و در شش ماه بعد در رستورانهای محلی ملاقاتهای بسیاری انجام دادند. فرد روسی نیز اغلب صورت حسابها را پرداخت می کرد و برای فرد آمریکایی ودکا و آبجو سفارش می داد. این ملاقاتها که در ملاعام صورت می گرفت، مورد توجه بعضی از همکاران آمریکایی سفارت قرار گرفت لیکن هیچ گاه در مورد مقاصد فرد روسی سؤالی پیش نیامد. این گزارشگر روسی در گفتگو با فرد آمریکایی نشان داد که به کارمندان سفارت آمریکا، کار آنها، موارد جالب و مورد تنفر آنها و عکس العمل آنها نسبت به ناآرامیهای داخلی در آمریکا، نظر آنها در مورد تداوم مداخلات آمریکا در ویتنام و غیره توجه بسیار دارد. در نتیجه این گفتگوها نیز وی دریافت که فرد آمریکایی از نظام سربازگیری آمریکایی که جوانان این کشور را به آمریکا می فرستد خوشش نمی آید. رویدادهای بعدی نیز حکایت از آن داشت که خبرنگار روسی فکر

می کرد که این فرد آمریکایی در برهم زدن وضع سربازی آمریکا وی را یاری خواهد داد. در اواسط سال ۱۳۴۸ طی ملاقاتی که در یک رستوران عمومی صورت گرفت گزارشگر روسی مستقیماً پیشنهاد کرد اگر مقام سرویس خارجی آمریکایی از کار خود استعفا داده و در کانادا مرکزی برای تجمع سربازان فراری آمریکایی ایجاد کند وی نیز از نظر مالی او را حمایت خواهد کرد. وی همچنین گفت که حاضر است با ارائه کمکهای مالی بیشتر موجبات سفر وی را به سوئد فراهم سازد تا با نحوه کار مراکز گردآوری سربازان فراری آمریکایی در آنجا آشنا گردد. مقام آمریکایی نیز به علت دشواریهای موجود در خلاصی از کار و مظنون شدن به اینکه وی احتمالاً در گیر شرایط نادرستی شده است، تمام این موضوع را به افراد مافوق و افسر امنیتی منطقه ای خود گزارش داد. مقام مزبور سریعاً به واحد دیگری منتقل شد و از آن بعد نیز گزارشگر مزبور با وی تماس دیگری برقرار نکرده است.

سفارت و افسر امنیتی منطقه ای مسئول پس از خاتمه تحقیقات متوجه شدند که فرد روسی مزبور عضو سازمان اطلاعاتی روسیه یعنی کا. گ. ب. بود و سعی داشته است برای انجام مقاصد خود، این کارمند سرویس خارجه را به کار گیرد.

در اواخر سال ۱۳۴۶ و اوایل ۱۳۴۷ یکی از کارمندان سرویس خارجی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی با یکی از کارمندان محلی سفارت درگیر روابط نادرست شد و ظاهر این امر این بود که گویا زن مزبور تحت کنترل سازمان اطلاعاتی محلی بوده است.

جزئیات:

این کارمند سرویس خارجه حدوداً از شهریور ۱۳۴۶ تا دی ماه ۱۳۴۷ در بخش اداری سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی مشغول به کار شد.

وی فردی شایسته و با وجدان کاری شناخته شده بود لیکن، اخلاقیات و رفتار وی در خارج از ساعت کار ناپسند بود. این فرد آمریکایی قبل از ورود به واحد جدید از همسرش جدا شده بود؛ وی در نوشیدن مشروبات الکلی افراط می کرد و پس از آنکه تحت تأثیر الکل قرار می گرفت در ضیافت‌های نیمه رسمی سفارت با زنان مجرد و متأهل رفتار ناشایستی می کرد. مسئله مهمتر اینکه وی علیرغم گوشزدهای مکرر با یکی از معلمین مؤنث زبان محلی سفارت رابطه نامشروعی برقرار کرده بود. زن مزبور در بعضی از ضیافت‌های سفارت شرکت می کرد و به همین علت کارمند سفارت می توانست او را تحت تعقیب قرار دهد. پس از پایان ضیافتها کارمند، وی را به آپارتمان خود و یکی از آپارتمانهای مجهز سفارت می برد و بنا به گفته خود روابط عادی جنسی با وی برقرار می کرد. دوبار هنگامی که وی زن مزبور را به خانه اش می رساند متوجه شد که ماشینهای گشتی محلی وی را دنبال می کنند. کارمند مزبور فکر نمی کرد که روابط موجود آن چنان جدی شود، ولی چنین به نظر می رسید که معلمه زبان محلی مقاصد دیگری دارد. وی ادعا می کرد که عاشق او شده است، بطور خصوصی و علنی تنفر خود را علیه دولت محلی ابراز می داشت و می گفت که اگر فرصت آن را داشته باشد به یکی از کشورهای اروپای غربی یا آمریکا خواهد گریخت، کارمند مزبور که به نادرستی روابط خود پی برده بود، سعی کرد با عدم ملاقات وی در آینده رابطه اش را با

وی قطع نماید. معلمه زبان محلی بشدت او را دنبال می کرد و همیشه در سر راه کارمند سرویس خارجه قرار می گرفت و یک بار نیز توسط یکی از کارمندان نامه سرگشاده ای برای وی فرستاده و در آن خصومت خود را نسبت به دولت محلی ابراز داشت و گفت که حاضر است در یک محل کاملاً مخفی با کارمند مزبور ملاقات نماید. کارمند آمریکایی با مقامات مافوق و افسر امنیتی منطقه ای مشورت نمود و بدون اینکه واقعه ای رخ دهد از آنجا منتقل شد.

در رابطه با ابراز تنفر علنی توسط این معلمه از دولت محلی و این واقعیت که وی هیچ گاه از طرف پلیس امنیتی محل مورد تفتیش قرار نمی گرفت، باید گفت که گمان می رود که وی شدیداً تحت کنترل سازمان اطلاعاتی محلی بود که سعی داشته اند کارمند آمریکایی را از طریق وی وادار به همکاری نمایند.

در اواخر سال ۱۳۴۶ یکی از مقامات کا. گ. ب. شوروی با یکی از نیروهای امنیتی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای غربی تماس گرفت تا وی را به کار گیرد.

در اوایل ۱۳۴۵ یکی از گاردهای امنیتی وارد یکی از سفارت های آمریکا در اروپای غربی شد. فرد مزبور دائما زیر نظر افراد مافوق خود بود چون او را فردی نابالغ، فاقد قضاوت صحیح و زیر پا گذاردن قوانین و مقررات دانسته و به عنوان «مهره ای ضعیف» در برنامه امنیتی سفارت به حساب می آوردند. در یکی از روزهای آذر ماه ۱۳۴۶ این گارد امنیتی به یکی از کافه های مورد علاقه اش رفته بود. به محض ورود مرد دیگری نیز در کنارش نشست و دوستانه با وی وارد گفتگو گردید. بدون معرفی خود، فرد مزبور گفت که وی از اتباع روسی است که به عنوان مترجم انگلیسی در یک سازمان بین المللی به کار مشغول است. فرد روسی بسیار سخاوتمند بود و صورتحساب گارد ما را نیز پرداخت نمود و گفت که او و همسرش، همه چیز آمریکا و مردم آمریکایی را دوست دارند و میل دارند که او را برای شام شب بعد به خانه خود دعوت نمایند. فرد روسی گفت که حاضر است کلکسیون سکه های خود را نیز به گارد امنیتی نشان دهد. چندین بار وی را به شام دعوت کرد لیکن هر بار با امتناع گارد امنیتی روبرو شد. پس از پایان چند نوشیدنی فرد روسی گفت که او می داند که محل کار وی کجاست و حتی می داند که او و همکارانش سه بار در هفته در محل خاص به ورزش بولینگ می پردازند.

حدود دو ساعت از گفتگو گذشته بود و گارد امنیتی با خود گفت که بهتر است با این فرد روسی قطع رابطه نماید. وی گفت که باید برای انجام کاری بروم و نیز نمی تواند دعوت وی را برای صرف شام بپذیرد چون در آن موقع باید به بولینگ بپردازد. به این ترتیب وی به تنهایی میکده را ترک گفت.

روز بعد وی جریان ملاقات خود را با فرد روسی را به سرپرست خود و مقام امنیتی منطقه ای گزارش داد. به وی دستور داده شد که به کافه مورد علاقه اش پا نگذاشته و از فرد روسی ناشناس دوری گیرند. وی همان روز عصر به محل بولینگ رفته بود تا همراه دیگر همکارانش مدتی را در آنجا بگذرانند. درست پس

از آغاز بولینگ، فرد روسی وارد و به طرف گارد امنیتی آمد. بار دیگر از وی خواست تا بعد از پایان بولینگ به خانه اش آمده و با همسرش و او شام را صرف نمایند. گارد مزبور دعوت را نپذیرفت و گفت که با همکارانش شام را صرف خواهد کرد سرپرست وی نیز در همان نزدیکی ایستاده بود و از وی حمایت می کرد.

گارد امنیتی نیز مؤدبانه به گفتگو خاتمه داد و بازی را آغاز نمود. فرد روسی نیز آنجا را ترک گفت و دیگر به سراغ وی نیامد.

مقام امنیتی منطقه ای مسئول، بعدها فرد روسی مورد نظر را به عنوان عضو کا. گک. ب. شناسایی نمود.

طی سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ یکی از مأمورین آژانس بین المللی آمریکا که در یکی از سفارتهای آمریکا در اروپای شرقی کار می کرد درگیر اقداماتی شد که تحت نظر سازمان اطلاعاتی محل بود و منجر به یک «باجگیری می شد» تا همکاری وی جلب گردد. این تلاش با شکست روبه رو گردید و مأمور آژانس بین المللی آمریکایی به نقطه ای دیگر منتقل گردید.

در سال ۱۳۴۴ مقام مزبور به بخش فرهنگی سفارت آمریکا در یکی از کشورهای اروپای شرقی مأمور شد. به علت تجارت پیشین و آشنایی وی با زبان محلی، وی اغلب همراه هیئتهای آمریکایی به شهرهای اطراف سفر می کرد. همه فکر می کردند که وی به موارد امنیتی آگاه بوده و این آگاهی تا حدی است که پلیس امنیتی و اطلاعاتی محلی قادر به دام گستری برای وی نیستند.

در اواخر تابستان ۱۳۴۵ این مقام مجرد، هنگامی که گروهی از مقامات آمریکایی را در سفر به چند شهر همراهی می کرد با دو خبرنگار محلی که قبلاً آنها را در کوکتل پارتهای نیمه رسمی دولتی ملاقات کرده بود چند بار شام صرف کرد. در اولین میهمانی شام، که چند زن نیز در آن شرکت داشتند، مقام آمریکائی در نوشیدن مشروبات الکلی افراط کرد تا حدی که آنها مجبور شدند وی را به اتاقش ببرند. روز بعد دو خبرنگار مزبور به وی گفتند که افراط وی در مشروبخواری به حدی بود که پلیس محلی به وی مظنون گردیده است. علاوه بر این چند عکس به وی نشان داده شد که وی را همراه با یکی از دختران شب قبل به طور عریان نشان می داد. ولی به وی گفته شد که اصلاً نگران نباشد و عکسها را در حضور وی نابود کردند. دو خبرنگار وانمود کردند که وضع خود آنها نیز خوب نبوده و اگر عکسها به پلیس محلی داده شود برای آنها نیز گران تمام خواهد شد. مقام مزبور فکر کرد که موضوع خاتمه پیدا کرده است.

در ماههای بعد نیز مقام مزبور هر ده روز یک بار با یکی یا هر دوی آنها ملاقات می کرد و معتقد بود که آنها قابل اعتماد هستند؛ ولی همیشه سعی داشت که در نوشیدن مشروبات مانند آن جلسه افراط ننماید.

در بهمن ۱۳۴۶ هنگامی که باز هم مأموریتی در خارج از واحد داشت، دو خبرنگار مزبور ناگهان به ملاقات مقام مزبور در هتل محل اقامتش آمدند. هنگام مشروبخوری در اتاقش به وی گفته شد که پلیس

هنوز هم در مورد مشروبخواری قبلی وی به تحقیق مشغول است (اوت ۱۹۶۶). علاوه بر این منبع

ناشناسی عکسهای فوق الذکر را در اختیار پلیس نهاده است. سرانجام پیشنهاد شد که یا او با پلیس امنیتی محلی همکاری نماید و یا پلیس او را به خاطر برهم زدن آرامش دستگیر خواهد کرد. مقام مزبور از پیشنهاد مطروحه توسط این «دوستان» شدیداً تکان خورد، مقام مزبور با رد کردن پیشنهاد همکاری به طرز مؤدبانه به این ملاقاتها خاتمه داد و دو روز بعد پس از بازگشت به سفارت موضوع را به مقام امنیتی منطقه ای گزارش کرد. چند روز بعد وی به نقطه دیگر منتقل گردید و اتفاق دیگری رخ نداد.

توجیه دوباره اتباع محلی سرویس خارجه

سند شماره (۵)

تاریخ: ۱۵ آوریل ۱۹۷۱ سَری

از: معاونت مدیر امنیتی ۲۶ فروردین ۱۳۵۰ شماره نامه D ۱۱/۷۱

به: ناظران امنیتی، مقامات امنیتی منطقه ای، مقامات امنیتی (فنی) وزارت امور خارجه، دفتر امنیتی

موضوع: توجیه دوباره اتباع محلی سرویس خارجه

در چند سال گذشته، به کارمندان محلی سرویس خارجه مستقر در نمایندگیهای ما در اروپای شرقی

اجازه داده می شد تا چه بطور رسمی به منظور انجام کارهای سفارت و یا به منظور خوشگذرانی موطن

خود را ترک گفته و به غرب سفر کنند. بعضی از آنها تصمیم گرفتند به کشور خود بازنگردند و در تعدادی از

کشورهای اروپای غربی چون اتریش، آلمان و ایتالیا متقاضی دریافت روادید پناهندگی شدند. این افراد

هنگام کار در نمایندگیهای ما، از طرف سرویسهای اطلاعاتی کشورهای متبوع آنها تحت فشار قرار می گرفتند تا پیرامون عملیات سفارت آمریکا، پرسنل و فعالیتهای آنها گزارش تهیه نموده و دیگر وظایف مربوط به گردآوری اطلاعات را به آنها محول می کردند. این افراد نیز به نوبه خود به صورت منابع بسیار مهمی در رابطه با عملیات نفوذی به داخل تأسیسات ما و پی بردن به نکات ضعف نظام امنیتی خودمان درآمده بودند. در نتیجه، شایسته است که به محض پناهنده شدن این گونه افراد با آنها تماس گرفته و در این رابطه توجیه شوند، به منظور روشن شدن این دستورالعمل باید گفته شود که یک کارمند محلی سرویس خارجه می تواند هر یک از کارمندان مستقیماً استخدام شده و یا پیمانی سفارت را در بخشهای دفتر حفاظت آمریکا، دفتر وابسته دفاعی، کشاورزی و نیز افرادی که گهگاه به استخدام نمایشگاههای تجاری، و پروژه های خاص در می آیند، در بر گیرد. علاوه بر این، افراد داخلی نیز مورد توجه بوده و به همین ترتیب مانند کارمندان محلی سرویس خارجه توجیه خواهند شد.

مقامات امنیتی منطقه ای دستور دارند که انتقال کارمندان محلی سرویس خارجه به غرب را چه در واحد محل اقامت و چه در واحدهای تابعه زیر نظر داشته، و در صورتی که قرار است این افراد به جایی سفر کنند، با ذکر مقصد موضوع را به SY/SAS اطلاع دهند. در صورتی که به کارمند محلی سرویس خارجه قانوناً اجازه مهاجرت داده شده باشد، باید خلاصه اطلاعاتی در مورد تقاضای روادید و نیز اسامی افراد حامی آنها در غرب ارسال گردد. گذشته از این، نسخه ای از اسناد ذیربط موجود در بایگانی امنیتی واحد و آخرین فرمهای PSP ۳۳ نیز باید به SY/SAS ارسال گردد.

مقامات امنیتی منطقه ای که در کشورهای دارای مراکز پناهندگان و یا سازمانهای پناهندگی داوطلبانه خدمت می کنند، باید با مقامات این آژانسها تماس برقرار سازند تا هنگامی که یکی از کارمندان محلی سرویس خارجه از کشورهای کمونیستی (و یا اقوام درجه یک آنها) قرار باشد مهاجرت نموده و یا اسکان

دوباره یابند، اطلاع به ما با سهولت بیشتری امکان یابد.

به محض ارزیابی و هماهنگی مناسب SY/SAS، مقام امنیتی منطقه ای که قرار است کارمند محلی سرویس خارجه مورد نظر به حیطة اختیارات وی وارد شود آماده می شود و شخص مزبور را کاملاً در جریان امر قرار می دهد. در هر مورد با در نظر گرفتن وضع کارمند محلی سرویس خارجه یعنی پناهندگی یا مهاجرت و غیره دستوراتی به مقام امنیتی منطقه ای داده می شود و اطلاعات موجود در بایگانی SY و CAS در سطح قرارگاه در اختیار وی گذاشته خواهد شد.

نکات مورد توجه در این گونه توجیه ها در ضمیمه الف گنجانده شده، لیکن لازم نیست که صرفاً محدود به آنها شود. علاوه بر این نمونه ای از یک جلسه توجیهی ضمیمه شده تا گزارش همه جانبه اطلاعات مفید ناشی از این توجیهات به سهولت گزارش شود (ضمیمه ب). بخش های غیر قابل کاربرد می تواند به دلخواه مورد جرح و تعدیل واقع گردد.

گزارش به موقع در مورد مسائل SY/SAS مربوط به این دستورالعمل بسیار ضروری است.

ضمائم:

الف / ب

ضمیمه الف

نکات خاص مورد توجه

- (۱) سوابق و تاریخچه شخصی.
 - (۲) فهرست اقوام، و شغل‌های آنها و محل اقامت کنونی آنها.
 - (۳) اطلاعات مربوط به ازدواج، تحصیلات و کار همسر
 - (۴) اطلاعات مربوط به تحصیلات و کار به طور مفصل
 - (۵) سفرها، به خصوص به خارج از اروپای شرقی و چگونگی انجام آنها. (بهتر است تمام ادوار زمانی تا موقع استخدام در نمایندگی آمریکا ذکر شود).
 - (۶) تاریخ کار در نمایندگی آمریکا، سمتها، سرپرستان آمریکا و نحوه استخدام
 - (۷) اولین تماس با سرویس اطلاعاتی محلی. نحوه تماس، مکان ملاقات و روش مورد استفاده برای جلب همکاری یعنی روش توسل به فشار بوده و یا توسل به وطن پرستی.
 - (۸) مدت ارتباط با سرویس اطلاعاتی محلی (دوران دقیق فعالیتها)، نام و مشخصات عامل، روش ارتباط با عامل و مکانهای ملاقات.
 - (۹) دفعات تماس با عامل و آموزشهای خاص در صورت امکان.
 - (۱۰) شرایط خاص تعیین شده و توسط عامل در مورد نمایندگی مربوطه و اطلاعات خاص مورد نظر در رابطه با کارمندان محلی و آمریکایی. (در این رابطه فهرستی از آمریکاییهای مستقر در واحد در دوره مزبور تهیه خواهد شد. ارزیابی خاص و دیگر اطلاعات مربوطه در مورد هر یک کسب خواهد شد).
- همچنین اطلاعات مربوط به نصب دستگاههای استراق سمع و یا دستگاههای جاسوسی در اطراف محوطه سفارت دریافت خواهد شد.

۱۱) اطلاعاتی که به سرویس اطلاعاتی محلی داده شده و نکات مورد علاقه عامل در رابطه با

نمایندگی.

۱۲) اطلاعات مربوط به شرایط گزارش دیگر کارمندان محلی، سرویس خارجه و ماهیت و حدود

توجه معطوف شده به این افراد.

۱۳) اطلاعاتی در مورد امکان آگاهی سرویس اطلاعاتی محلی، از سفر این افراد به غرب. آیا سرویس

اطلاعاتی محلی می بایست به آنها در این زمینه اجازه دهد و یا پس از ورود به غرب نیز به آنها دستوراتی

داده شده است.

۱۴) میزان دشواری موجود در تهیه گذرنامه و روادید خروج.

۱۵) تماس با مقامات تابعه کشور مربوطه در غرب. ماهیت و میزان این گونه تماسها باید به تفصیل

شرح داده شود.

۱۶) برنامه های جاری و آتی که شامل مقاصد کوتاه مدت و آتی خواهد بود.

عناوین

شرایط جاری

مختلف

بررسیهای پلی گرافی (دروغ سنجی)

اظهارات نهایی

ضمائم یا پیوستها

جزئیات:

آنچه در ذیل می آید اطلاعاتی است که از مفعول، طی مصاحبه با مقام گزارشگر در تاریخ ۱۱، ۱۲، ۱۳،

۱۶ اسفند ۱۳۵۰ به دست آمده است.

سوابق و تاریخچه شخصی:

تحت این عنوان بندهای ۱، ۳، ۴، ۵، ۶ ضمیمه الف باید بطور مفصل گزارش گردد و باید سوابق والدین،

شهرهای محل اقامت، مدارس، مشارکت در سازمانهای جوانان، ماهیت و میزان تلاشهای (آکادمیک)

تاریخچه کار، وضع تأهل، مسافرت و سرگرمیها را در بر گیرد.

خویشاوندان:

فهرستی از تمام اقوام پدری و مادری، و محل اقامت کنونی، شغلها و فعالیتهای آنها.

نزدیکترین دوستان لهستانی:

فهرستی از دوستان، محل اقامت کنونی، شغلها، فعالیتهای و ماهیت دوستی آنها.

افسران رابط:

فهرستی از افسران رابط، اسامی مورد استفاده، مشخصات و مدت زمانی که مطیع و فرمانبردار وی

بوده اند.

جزئیات شرایط، مکان و دفعات تماس:

تحت این عنوان بندهای ۷، ۸، ۹ ضمیمه الف باید به تفصیل گزارش شود. اولین تماس، به کارگیری،

روش استخدام، دفعات تماس، مکان ملاقات، روش مورد استفاده در تدارک ملاقات، نحوه مراقبت در مسیر ملاقات و آموزشهای ویژه اطلاعاتی را در بر گیرد. این بخش نیز باید به ترتیب تاریخ وقایع با ذکر هر یک از افسران رابط و تاریخ (ماه و سال) گزارش شود.

شرایط گزارش: (بندهای ۱۰ و ۱۱ ضمیمه الف).

کلی:

موضوعات مورد علاقه کلی افسران رابط (موارد در زیر مشخص شده است) که ناشی از سؤالات مکرر افسر رابط در دستورات خود به تابع است تا از طریق گفتگو با مقامات آمریکایی، نظارتهای مشخص و یا «شایعات» موجود در جامعه آمریکایی پیرامون آنها اطلاعات گردآوری نماید.

ص: ۸۴

ضمیمه ب

طبقه بندی پرونده: تحقیق ویژه سری

وزارت امور خارجه / دفتر امنیتاریخ گزارش: ۱۰ مارس ۱۹۷۱

مسئول حوزه: مقام امنیتی منطقه ایفرم: DS، ۵ ۲۶ ۴ ۸۳۸

نام: نونامسکی، جرجتاریخ تحقیق: ۲، ۳، ۴، ۷ مارس ۱۹۷۱

توضیح

فرد تابع از سپتامبر ۱۹۶۳ تا ژوئن ۱۹۷۰ در سفارت آمریکا در ورشوی لهستان به عنوان کارمند

محلّی سرویس خارجه به کار مشغول بوده و توجیه گردیده و اطلاعات جامعی در مورد سوابق، کار،

همکاری با UB (لهستان، ۴ سازمان اطلاعاتی لهستان) و مشخصات کارمندان آمریکایی و محلّی فراهم آورده

است. نحوه توجیه مفصل در اینجا آورده شده. بسته

عطف به: درخواست ویژه رئیس، ستاد تکالیف ویژه به تاریخ ۲ فوریه ۱۹۷۱

جدول مطالب

عنوان

سوابق و تاریخچه فردی

خویشان

نزدیکترین دوستان لهستانی

افسر رابط

جزئیات به کارگیری؛ مکان و دفعات تماس

نیازهای گزارشی:

کلی

ویژه

مشخصات کارمندان آمریکایی

مشخصات کارمندان لهستانی

مطالب مربوط به خروج از لهستان

تصویب کننده

مقام امنیتی منطقه ای

نسخه های ارجاع شده

SY/SAS ۳

۱ مقام امنیتی منطقه ای

بررسی مجدد توسط ناظر عامل

تاریخ امضاء

سری

این گزارش مربوط به وزارت خارجه آمریکا است و محتوای آن نباید با اشخاص غیر معتبر در میان گذاشته شود.

الف) سابقه: اطلاعات کلی بیوگرافیک

ب) علائق فرهنگی و کلی: شامل ورزش، سرگرمیها و خواندنیهای مورد علاقه.

ج) مسافرت: مسافرت‌های گذشته و پیشنهادی؛ مکان و هدف سفر؛ مسافران همراه؛ وسیله نقلیه.

د) مأموریت‌های قبلی: محل و ماهیت کار.

ه) وضع مزاجی: بیماریهای موقت یا دائمی و یا امراض جسمی و روحی.

و) نقاط ضعف: نوشیدن مشروبات الکلی، مسائل مربوط به تأهل، امکان دوزنه بودن یا روابط جنسی با دیگر پرسنل مجرد.

ز) روابط بین پرسنل آمریکایی: از کارمندان آمریکایی چه کسی از جمله دوستان صمیمی وی به حساب می آید و چه کسی از وی کینه بدل دارد.

ح) دفعات حضور وی در کوکتل پارتی و دیگر ضیافت‌های اجتماعی:

ط) موضوع گفتگو با آمریکاییها: به خصوص اینکه از وی چه سؤالاتی شده و محتوای کلی علاقه آنها به او چیست.

موارد خاص:

نیازهای گزارشی خاص معین شده توسط افسر رابط و میزان تحقق آنها توسط تابع.

(نمونه ها)

فیزیکی

الف) مشخص کنید که از محل درب ورودی تا بخش اداری چند زنگ خطر نصب شده است.

ب) محتوای اتاق ۳۱۲ را مشخص و پرسنل مخصوص آن را شناسایی کنید.

ج) برنامه گشت گارد امنیتی را در طبقه چهارم به دست آورید.

پرسنل

دوروتی وایت: نظر وایت در مورد سیاست عدم مصاحبت، تمایلات وی در مورد انتصابات آتی و نظر

وی در مورد سرپرستش یعنی تام جونز.

آلبرت گرین: نظر وی در مورد پوشیدن مینی ژوپ در محل کار، وضع درد استخوان همسرش و امکان

ایجاد ارتباط بین او و تابع و یا دیگر زنان موجود در واحد.

مری بلو: ماهیت و میزان علاقه او به بودائیسیم، زن با امکان استفاده از مواد مخدر توسط او و ماهیت

تضاد بین او و شوهرش ب. بلو در مورد این مسائل.

غیره

مشخصات کارمندان آمریکایی:

تهیه این مشخصات بر ملاحظات شخصی تابع و سوءظن آمریکاییهایی که با وی تا حدودی رابطه داشته اند استوار بوده است.

(مثالها)

آقا و خانم رالف براون: تابع آنها را فقط در ضیافت های اجتماعی ملاقات کرده است و به نظر او، کارمندان آمریکایی آنها را افرادی «خونگرم و اجتماعی» می دانند. عامل به خانواده براون چندان علاقه ای نشان نداد و فقط در مورد نظرات کارمندان آمریکایی در رابطه با سانحه اتومبیل خانم براون در سال ۱۹۶۹ گزارش داد.

جورج بلک: وی ظاهراً متصدی بخش روادید است. نسبت به کارمندان محلی سرویس خارجه بسیار صمیمانه رفتار می کند و اغلب به واحدهای کنسول تابعه در سراسر لهستان سفر می کند. افسر رابط مایل به برقراری رابطه با همسر، به دست آوردن کتابچه یادداشت مسافرت و رابطه با همسفران وی می باشد. الینورینک: منشی میان سال خونگرم، ساکت و مجرد، علاقه به کارهای سفارت نشان نداده و در میان آمریکاییها نیز ظاهراً دوستانی ندارد. شایع است که وی با دبیر دوم سفارت ترکیه ملاقات کرده است که برای افسر رابط چندان جالب توجه نیست.

مشخصات کارمندان سفارت:

(مثالها)

میکول پویاپسکی: راننده سفیر. خیلی مغرور و ضدآمریکایی. ظاهراً با لهستان، ۴ سازمان اطلاعاتی لهستان در ارتباط است. گرچه فرد تابع در این زمینه اطلاع خاصی ندارد ولی نکات متعددی که توسط افسر رابط بیان

شد، تنها می تواند توسط پویا پسکی به وی گفته شده باشد (توضیح دهید).

میرا لوداسکا: مسئول بخش پذیرش؛ آمریکاییها و کارمندان محلی او را دوست دارند لیکن خود او

عصبی و نگران به نظر می رسد. تابع یکبار او را در یکی از کافه ها دید که با فرد مشکوکی که به نظر تابع، از

اعضای لهستان، ۴ سازمان اطلاعاتی لهستان است در حال گفتگو بود. وی با مشاهده طرز لباس پوشیدن او و اینکه او

حرف می زد و لوداسکا «مرعوب و مرهوب» مانده بود چنین برداشت کرده است.

جزئیات سفر از لهستان:

نتایج گزارش بندهای ۱۳ و ۱۴ ضمیمه الف.

نیازهای کنونی:

نتایج گزارش بند ۱۵ ضمیمه الف شامل نیازهای کلی و ویژه مشخص شده توسط افسر رابط، در رابطه

با غرب.

موارد مختلف:

نتایج گزارش بند ۱۶ ضمیمه الف و دیگر اطلاعات دارای اهمیت از نظر ضدجاسوسی.

آزمایش دروغ سنجی:

در موارد خاص بنا به دستور SY ممکن است به آزمایش دروغ سنجی نیاز باشد. نتایج این آزمایش

باید مفصلاً در اینجا گزارش شود.

اظهار نظرهای پایانی:

اظهار نظرهای مقام گزارشگر شامل ارزیابی وی از صحت بیانات تابع، نتایج بررسی اطلاعات و یا

ملاحظات شخصی.

عکسها و ضمائم:

حداقل باید یک عکس از تابع و یک نسخه از فرم ۳۳ DSY وی ضمیمه شود.

مجموعه نیازمندیهای کا. گ. ب درباره تأسیسات و کارمندان سفارت آمریکا در خارج

سند شماره (۶)

تاریخ: ۳ اوت ۱۹۷۷ ۱۲ مرداد ۱۳۵۶ سری شماره اداری نامه: ۶/۷۷ د

از: معاونت وزیر در بخش امنیت: ناظرین امنیتی منطقه ای

وزارت امور خارجه دفتر امنیت مقامات امنیتی منطقه ای مقامات فنی منطقه ای

موضوع: مجموعه نیازمندیهای کا. گ. ب درباره تأسیسات و کارمندان سفارت آمریکا در خارج

به پیوست فهرستی از مجموعه نیازمندیهای کا. گ. ب درباره کارمندان و تأسیسات سفارت آمریکا

در خارج که در سال ۱۹۷۷ خواسته شده ارسال می گردد و این نیازمندیها توسط SRF (نام دیگر سیام)

در دسترس دفتر امنیتی قرار داده شده است. به علت منبع مربوطه، این پیوست از حساسیت اطلاعاتی

برخوردار بوده و نباید در دسترس بیگانگان قرار گیرد.

آنچه در پیوست آمده برای استفاده خاص افسران امنیتی تهیه شده و بر اساس «باید دانسته شود»

مورد مراقبت قرار گیرد. به همین جهت، مطالب مندرج در پیوست به دیگر آژانس ها و بخشها فقط با اطلاع

SRF مکان پذیر خواهد بود.

پیوست نباید از این نامه جدا شود

به پیوست: مجموعه نیازمندیهای کا. گ. ب.

سری

I. ساخت درونی، روش های کار، ارتباط بین تأسیسات.

(۱) بافت مدیریت و وظایف تأسیسات.

(۲) اطلاعات در مورد تبعیت و اختیارات واحدهای سازمانی.

(۳) اطلاعات و سوابق در بخشها و واحدهای تابعه و وظایفشان.

- (۴) اطلاعات و سوابق درباره واحدهای سری.
- (۵) سازمان کاری در تأسیسات ارتباط داخلی واحدهای مختلف.
- (۶) روشهای طراحی و اداره فعالیت تأسیسات و نیز ارائه و مأموریت تابعه.
- (۷) تماس تأسیسات با رهبران کشور مورد نظر، و با نمایندگان ارتش و سازمانهای اطلاعاتی آن.
- (۸) تماس تأسیسات با دیگر ارگانهای دولتی، وزرا و بخشها.
- (۹) تماس با رهبران احزاب پیشین (مثلاً مخالفین) و سازمانهای کشور مورد نظر.
- (۱۰) تماس با نهادهای آموزشی.
- (۱۱) تماس با مراکز سرمایه گذاری در حوزه خدمات.
- (۱۲) تماس با وسایل ارتباط جمعی و روزنامه نگاران انفرادی.
- (۱۳) تماسهای رسمی با افراد.
- (۱۴) تماس با سازمانهای بین المللی که در کشور مورد نظر نماینده دارند.
- (۱۵) تماسهای رسمی یا شخصی کارمندان تأسیسات با نمایندگان روسی و دیگر کشورهای سوسیالیستی.

II. اطلاعات مورد نیاز درباره کارمندان تأسیسات:

- (۱) تعداد و نحوه توزیع کارمندان در واحدهای مختلف تأسیسات.
- (۲) سیاستهای کارمندی مدیریت تأسیسات.
- (۳) نحوه استخدام رده های مختلف یا متعدد کارمندی در پایگاه با ذکر شرایط لازم و طول معمولی کار.
- (۴) حقوق و وظایف کارمندان تأسیسات.
- (۵) اطلاعات و سوابق فردی، از قبیل اطلاعات دارای ماهیت بیوگرافیک، درباره رابطها، نظریات

سیاسی، موقعیت ارتقاء شغلی، عادات، حالات، نقاط ضعف، نکات مهم و غیره.

(۶) نیازهای کارمندی تأسیسات و عناصر فردی آن در زمان حال و آینده.

(۷) نحوه انتخاب و استخدام کارمندان جدید محلی.

(۸) اصول پاداش دهی و نحوه پیشرفت.

(۹) موانع پیشرفت برای طبقات مختلف کارمندی.

(۱۰) نیازهای انضباطی.

(۱۱) انتقال کارمندان در درون تأسیسات در صورت ممکن.

(۱۲) نشانه های نتایج کاری و علل آن.

(۱۳) نحوه انجام تکالیف TDY و سوابق فردی اشخاص.

(۱۴) نهادهای آموزشی کشور مورد نظر و نهادهای دیگری که به عنوان منبع مورد نظر در انتخاب کارمند

به کار می رود.

(۱۵) شرکت کارمندان تأسیسات در کلوپها.

(۱۶) ادارات استخدامی که جهت استخدام کارمند مورد استفاده قرار می گیرد.

(۱۷) بافت اجتماعی کارمندان تأسیسات.

(۱۸) بافت سیاسی کارمندی، عضویت حزبی.

(۱۹) جو کاری در تأسیسات.

(۲۰) محلهای سکونت کارمندان.

(۲۱) محلهای آمد و رفت کارمندان تأسیسات (کافه ها، سواحل دریا، غیره)

III. موقعیت و تجهیزات تأسیسات

(۱) مشخصات ساختمانها و وضعیت آنها.

(۲) تجهیزات فنی (وسیله تولید نیرو، فاضلاب، شبکه ارتباطات، محل کابلها).

(۳) تجهیزات ویژه تأسیسات (محل SSHO / بخش سری / تلفنخانه، قسمت تله تایپ، آنتنها و غیره).

(۴) صندوق پستی اجاره شده و نحوه توزیع نامه ها.

راهنمایی در مورد روابط شخصی با ملیتهای کشور شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی

سند شماره (۷)

خیلی محرمانه ۲۸ آذر ۱۳۵۷، نامه هوایی ۱۲۹۹

از: وزارت امور خارجه: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی و SFM آمریکا

موضوع: راهنمایی در مورد روابط شخصی با ملیتهای کشور شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی

مقدمه:

(خیلی محرمانه) این نامه هوایی، حاوی سیاست این وزارتخانه در مورد تماسهای شخصی با ملیتهای

شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، رومانی، بلغارستان، جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری

سوسیالیستی ویتنام، لائوس و کوبا می باشد. دستورالعملهای مطروحه به منظور جلوگیری از بروز

موقعیتهایی است که طی آن یکی از سازمانهای اطلاعاتی متخاصم قادر به بهره برداری می شود. در مورد

جمهوری خلق چین نیز، نامه هوایی جداگانه ای ارسال خواهد شد.

زمینه:

(طبقه بندی نشده) بخشی از موفقیت خدمات خارجی مرهون توانایی پرسنل ما در ایجاد کارهای مؤثر و روابط اجتماعی با مقامات و شهروندان دیگر کشورهاست. در رابطه با کشورهای مطروحه در بالا در سالهای اخیر از افزایش تماسها منافع بسیاری کسب کرده ایم. مأموران واحدهای ما در اکثر این کشورها توانسته اند تماسهای رسمی و غیررسمی خود را افزایش داده علاوه بر نمایاندن منافع آمریکا توانسته اند روحیات کشور میزبان را نیز گزارش نمایند.

وضع و موقعیت کنونی:

(خیلی محرمانه) شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی هنوز هم سعی دارند با استفاده از روشهای اطلاعاتی مرسوم بهره برداریهایی انجام دهند. گرچه در نیمه اول این دهه در تلاش آنها در مورد به کارگیری آمریکاییها شاهد کاهش بسیار بوده ایم، لیکن میزان فعالیتهای اطلاعاتی در سال ۱۹۷۶ افزایش بسیار یافته است. در سال ۱۹۷۵ تعداد گزارش های مربوط به عملیات اطلاعاتی خصمانه، عملیات

بهره برداری بیش از تعداد گزارشهای مشابه در سه سال گذشته بوده است. سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۰ نیز

مشابه سال ۱۹۷۵ بوده است. ظاهر امر این است که این سازمانهای اطلاعاتی متخاصم مانند اوایل

سالهای ۱۹۷۰ شکست این تلاشهای بکارگیری را چندان مد نظر قرار نمی دهند.

(طبقه بندی نشده) تجربه نشان می دهد که برقراری رابطه صمیمانه بین یک آمریکایی و یکی از افراد

کشورهای مذکور نمی تواند برای طرفین خالی از خطر باشد. مطمئن باشید که این گونه تماسها تحت

مراقبت است و فرد غیر آمریکایی نیز شدیداً تحت کنترل می باشد و بالاخره از وی خواسته خواهد شد که

در مورد دوست آمریکایش اطلاعاتی تهیه نماید. در واقع برای سازمان کا. گ. ب. و سازمانهای

اطلاعاتی دیگر کشورهای کمونیستی استفاده از شهروندان خود به منظور بهره برداری از دوستی با

بیگانگان امری بسیار عادی و استاندارد می باشد. این بهره برداری گاهی به شکل گزارش در مورد حرکات

و فعالیتهای آمریکایی ظاهر می شود؛ و در موارد دیگر از افراد غیر آمریکایی یا به اجبار و یا به اختیار

درخواست شده است که در به کارگیری بیگانگان همکاری نماید. سازمان کا. گ. ب. و هم پیمانانش در

مورد بهره برداری از بیگانگان با توسل به درگیریهایی عشقی و فعالیتهای جنسی ملل کشورهائیشان،

تاریخی طولانی و موفقیت آمیز دارند.

بیان خط مشی و سیاست:

(طبقه بندی نشده) از افسران انتظار می رود که در مورد کار و تماس اجتماعی با مقامات و شهروندان

کشورهای مزبور تا حدی پیش بروند که عملکرد وظایف رسمی آنها توأم با سهولت شود. حدود این تماس

را اهداف تعیین شده توسط ریاست نمایندگیها و وزارتخانه مشخص می نماید. ولی همه پرسنل باید از

روابط فردی که ممکن است برای افراد کشورهای مزبور مشکلاتی به وجود آورد و یا اساس یک فعالیت

اطلاعاتی علیه آمریکاییها را پدید آورد اجتناب ورزند.

(خیلی محرمانه) تجربه نشان می دهد که بهره برداری، توسط سازمانهای اطلاعاتی متخاصم زمانی انجام گرفته که از قوانین آمریکا و یا کشور میزبان سرپیچی شده و یا پرسنل آمریکایی شخصا درگیر مسائل سیاسی و یا اجتماعی شده و یا بین کارمندان آمریکایی و شهروندان کشورهای مزبور مسائل جنسی رخ داده است. به عنوان یک قانون کلی، تماس اجتماعی رسمی و قابل قبول با شهروندان کشورهای مذکور تنها زمانی باید برقرار شود که منظور دست یابی به یک هدف در سیاست خارجی باشد. این سیاست بدون در نظر گرفتن محل اقامت آن شهروند و یا بدون در نظر گرفتن محل کار کارمند آمریکایی قابلیت کاربرد و مصداق دارد.

(طبقه بندی نشده) سؤالات مربوط به روابط اجتماعی با دیپلماتها یا شهروندان کشورهای مذکور را می توانید با سفیر، سرپرست مسئول، ناظر بخش، و نیز افسر امنیتی واحد محل اقامت در میان بگذارید. هرگونه رخداد مشکوک و یا تماسی که در خارج انجام گرفته و نوعی عملیات اطلاعاتی بیگانه تلقی شود بایستی فوراً به سرپرست مسئول و یا افسر امنیتی منطقه گزارش داده شود. پرسنل وزارتخانه باید این اطلاعات را به ناظر بخش (مربوطه) و دفتر امنیتی ستادی ویژه، اطاق ۲۲۳۶ مین استیت، شماره تلفن ۶۳۲ ۱۰۴۰ گزارش نمایند. پرسنل **ACDA , AID , USICA** واشنگتن نیز باید با دفاتر امنیتی ذیربط تماس حاصل نمایند. کارمندانی که این گونه گزارشها را ارسال می دارند باید منتظر بازجویی و ارائه پاسخ

حرفه ای باشند.

(طبقه بندی نشده) عدم موفقیت در اعمال قضاوت صحیح در اجتناب از ارتباط شخصی که بتواند منجر به آسیب پذیری در برابر تلاشهای اطلاعاتی خارجی بشود، صریحا نمی تواند زمینه موفقیت در وزارت خارجه را فراهم آورد. اگر تماسهای اطلاعاتی خارجی گزارش نشود متخلف باید منتظر مجازات و برخورد شدید باشد.

راهنمایی در مورد روابط شخصی با افراد تبعه شوروی و بعضی دیگر از کشورهای کمونیستی

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۲۲۷۹ شهریور ماه ۱۳۵۸ خیلی محرمانه

از: کارل د. آکرمان، دستیار ریاست امنیتیشماره اداری نامه، D ۱۷/۷۹

به: ناظران امنیتی منطقه ای، مقامات امنیتی منطقه ای، مقامات امنیتی فنی

عطف به: (طبقه بندی نشده) نامه هوایی ۱۲۹۹، مورخ ۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ با موضوع بالا

موضوع: راهنمایی در مورد روابط شخصی با افراد تبعه شوروی و بعضی دیگر از کشورهای کمونیستی

هدف:

(طبقه بندی نشده) نامه هوایی ۱۲۹۹ (نسخه ضمیمه شده) به این جهت نوشته بود تا سیاست این

وزارتخانه در مورد تماس بین پرسنل خدمات خارجی (شامل کارمندان مؤسسه ارتباطات بین المللی و

اداره اطلاعاتی ارتش) و افراد تبعه کشورهای کمونیستی روشن گردد. سیاست این وزارتخانه سالها روشن

نبوده و هر واحد کم و بیش یک سیاست محلی «عدم ارتباط صمیمانه» جهت برآورد نیازهای خود

طرح ریزی کرده بود. نامه هوایی این سیاستها را به صورت هماهنگ ارائه می کند.

حوزه:

(طبقه بندی نشده) همان گونه که در بیانیه سیاست نامه هوایی ذکر شده، این سؤال که آیا باید با فردی از اتباع کشور کمونیستی رابطه برقرار نمود یا نه، بستگی به این دارد که آیا این روابط عملکرد وظایف رسمی را سهولت می بخشد و با اهداف مشخص شده توسط وزارتخانه و ریاست نمایندگی مغایرت دارد یا خیر. در رابطه با مقاماتی که مسئولیتهای نمایندگی و گزارشی دارند این گونه تماسها باید برقرار گردد. لیکن در مواردی که رابطه بین یک کارمند و یکی از اتباع کشورهای کمونیستی برقرار می گردد و مجاز دانسته نشده و علاوه بر این هدف ارضای یکی از سیاستهای خارجی نمی باشد، نامه هوایی نحوه قطع اینگونه ارتباطها را طرح ریزی و پیشنهاد می نماید. این سیاست به خصوص در مواردی که کارمند مربوطه حاضر نیست روابط خود با تبعه کشور کمونیستی را قطع نماید و یا درخواست مقام مسئول را در مورد خاتمه دادن به این تماس مورد سؤال قرار می دهد، قابل کاربرد است.

(محرمانه) چنین به نظر می رسد که این نامه هوایی دارای انعطاف پذیری بسیار است و به ارزیابی شایستگیهای هر مورد تماس شخصی بین پرسنل خدمات خارجی و افراد تبعه کشور کمونیستی می پردازد و اساس قطع این تماسها را که خطر امنیتی دارند روشن می کند. مسئله درگیریهای عشقی و روابط جنسی با ملیتهای کمونیستی در تمام جهان نوعی عدم قضاوت حسنه به حساب آمده و ممنوع بشمار می آید. واحدها و به خصوص آنهایی که در شوروی و اروپای شرقی هستند باید در سیاست های

خود برقراری روابط جنسی با افراد این کشورها را ممنوع اعلام نمایند.

(خیلی محرمانه) نامه هوایی همچنین در بر گیرنده روش صحیح گزارش تماسهای مظنون اطلاعاتی

است. به محض گزارش به واحد و بسته به حساسیت و فوریت آن، اطلاعات مربوطه باید فوراً از طریق

کانال دفتر امنیتی اسکادران پشتیبانی مستقیم هوایی و دفتر امنیتی SAS و یا از طریق یادداشت منحصر به

ریاست دفتر امنیتی / SAS به وزارتخانه منتقل گردد. گزارش تلگرافی ارجح است.

(خیلی محرمانه) دیگر کانالها از قبیل کانال راجر نباید مورد استفاده گزارشهای مربوط به تلاشهای به

کارگیری، نفوذهای خصمانه و یا عملیات مشابه آن قرار گیرد. این کانالها در وزارتخانه موجب انتشارهای

وسیعتری می شود و باعث افشای غیرضروری اطلاعات حساس در رابطه با شهروندان آمریکایی

می گردد.

اجرا:

مسائل مطروحه در نامه هوایی ۱۲۹۹ باید توسط SAS با پرسنل مربوطه در اقامتگاه و واحدهای

مربوطه در میان گذاشته شود. سؤالات مربوط به راهنمایی های مندرج در نامه هوایی باید به ریاست دفتر

امنیتی SAS ارجاع گردد. خطرات امنیتی و ضداطلاعاتی ناشی از رابطه با ملیتهای کمونیستی نیز مانند

گذشته و به موقع باید به ریاست دفتر امنیتی SAS گزارش شود.

ضمیمه (۱): نامه هوایی ۱۲۹۹

خیلی محرمانه

دو سند سیا راجع به وارطامیان

سند شماره (۹)

سری ۸ مرداد ۵۸ اعضا

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

۱ اس. دی. ترامپ / ۱ در ۷ مرداد اطلاع داد که وارطامیان (نام اولش مشخص نیست) پس از چهار سال اقامت در کابل به تهران بازگشته است. او قبلاً در ایران کار کرده و فارسی را به آسانی تکلم می کند. تصور می شود که ت / ۱ گفت او از طرف ایزوستیا مأمور اینجا شده اما ممکن است به جای ایزوستیا تاس باشد. صحت و سقم آن را معین خواهیم کرد.

۲ ت / ۱ گفت که همسر وارطامیان خدمتکار کاسیگین بوده یا هست. خانواده وارطامیان ظاهراً چیزهای دیگری هم دارند که به این نوع قرابت اضافه می کند. یعنی داشا، ات... (احتمالاً نام فرزندان آنها) ۳ به نظر متحمل می آید که حتی بدون داشتن نام اول و نام والدین، سابقه چشمگیر وارطامیان بتواند به شناسایی او کمک کند. آیا ستاد او را می شناسد؟

۴ پرونده. بعداً تعیین شود. تا تاریخ ۸ مرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

سی. کی. تاپ

عطف به: تهران ۵۳۸۰۷

۱ فرد مورد اشاره تلگرام مرجع، لوون پاروویچ و ارطامیان دارای پرونده (۲۰۱ ۸۱۹۵۵۸)

می باشد. (به گفته مشارالیه، گاهی اوقات شورویها نامش را با تلفظ روسی لو پاولویچ استعمال می کنند.)

تاریخ و محل تولد: ۳۱ مارس ۲۹، ایروان (ارمنستان) همسرش سوفیا نیکو لاینفا، تاریخ و محل تولد: ۲۹

سپتامبر ۳۰، لنینگراد. پسرش سورن، تاریخ تولد ۵۹. دخترش ناتالیا، تاریخ تولد ۵۳ (احتمالاً دکتر /

جراح است؛ در اواسط سالهای ۷۰ در مدرسه پزشکی حضور می یافت).

۲ مشارالیه از دانشگاه مسکو درجه فوق لیسانس را در فلسفه شرق دریافت کرد. زمینه های عمده

مورد علاقه او اسلام و زبان فارسی و بعد از مدتی امور خلیج فارس است. فارسی را خیلی خوب، انگلیسی

را ضعیف، روسی را خوب و ارمنی را در حداقل صحبت می کند. در سال ۶۹ مشارالیه عضو «شورای عالی

نویسندگان مسکو» شد. (منبع خبر بیشتر از این درباره شورا چیزی اظهار نداشت اما امکان دارد که

اتحادیه نویسندگان باشد. این دلیل «عایداتی مثل دسترسی به خرمن، و غیره» می باشد.) مشارالیه در سال

۱۹۷۰ مدال دستور لنین گرفت.

۳ مشارالیه نماینده تاس در تهران از مه ۶۷ تا اکتبر ۷۱ بود. از سپتامبر ۵۷ تا زمستان ۷۷ به عنوان

دبیر اول در کابل خدمت کرد.

۴ برادر فرد مزبور، ایگور دارای پرونده (۷۸۵۶۳۴ ۲۰۱)، تاریخ تولد ۲۵ ژانویه ۳۶، قبلاً به عنوان کنسول شوروی در عراق (بهران) خدمت کرد و در تاریخ اکتبر ۷۲ دبیر دوم در اتاوا بود. به گفته پی. دی. ستیزفای ایگور به عنوان مأمور شناخته شده کا. گک. ب. به حساب آورده شده. مشارالیه مظنون به فعالیت برای سازمانهای اطلاعاتی روسیه، احتمالاً جی. آر. یو به حساب می آید که این حساب به دلیل سیر حرفه ای / مأموریتهای وی و مراودتهای گذشته او با مأموران شناخته شده سازمانهای اطلاعاتی روسیه می باشد برای اطلاع شما، پی. دی. استوریج گفته که فردی به نام ل. پ. وارطانیان یک سروان، رتبه سوم، عضو جی. آر. یو و احتمالاً همان مشارالیه است.

۵ مشارالیه قرار بود که در تابستان سال ۷۴ به عنوان نماینده پرآودا (که بعداً به نماینده تاس تبدیل شد) به تهران بازگردد. براساس سوابق که سازمان اطلاعاتی همکار / سیا داشتند دال بر اینکه مشارالیه مظنون به... می باشد دولت ایران از دادن ویزا به نامبرده خودداری کرد. در ژانویه ۷۷، مشارالیه به عنوان سرکنسول شوروی در استانبول پیشنهاد شد... ترک محلی... به دلیل نام ارمنی وی این معرفی را تردیدانگیز به حساب آوردند و قرارگاه کابل خاطر نشان ساخت که اعزام یک ارمنی روسی به استانبول را می توان بی حرمتی به ترکها دانست. به هر صورت فرد مزبور ظاهراً به استانبول نرفت و احتمالاً دولت ترکیه او را رد نمود.

۶ مشارالیه هنگامی که قبلاً در تهران اقامت داشت هدف عمده قرارگاه... بود تا آنکه عاقبت این نتیجه

گرفته شد که او قابلیت ضعف کمی از خود نشان می دهد. منابع مختلف یک جانبه (و سازمان اطلاعاتی همکار) با مشارالیه تماس داشتند که از جمله آنها اس. دی. ترامپ / ۱ بوده که منبع این گفته که مشارالیه اظهار داشته پدرش از یاران لنین بوده می باشد... همسرش سابقا منشی (نه خدمتکار) کاسیگین بوده است. در ارتباط با این موضوع از طرف سایر منابع نظری ابراز نشده است.

۷ قرارگاه تهران در سال ۱۹۷۲ (گزارش از شخصیت‌های شوروی) درباره مشارالیه گزارشی تهیه نمود. او به عنوان خوش برخورد و غیر دگماتیک اما فردی که احتمال کمی دارد استخدام پذیر باشد وصف شده است. نامبرده ظاهرا بسیار به همسر و فرزندانش علاقه دارد. اگر چه او خودش از مأموریت‌های خارج از کشور، خصوصا در خاورمیانه لذت می برد همسرش طی این مأموریتها ناراحت بوده است. همسرش فقط به روسی تکلم می کند که عاملی در انزوای او می باشد و فرزندانش را... که باعث شد بین مسکو و محل‌های مأموریت در خارج کرارا مسافرت کند.

۸ آیا مشارالیه در مأموریت‌های فعلی همراه همسرش است. در صورت اطلاع، لطفا خبر هم دهید که او هم اکنون دارای چه مقامی می باشد، در چه تاریخهایی وارد شده، به جای که آمده، آیا علاقه ای هست که گزارشی از شخصیت‌های شوروی درباره او را دریافت کنید.

۹ پرونده. ۲۰۱۸۱۹۵۵۸ تاریخ ۱۱ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزی

سزی

سند سیا راجع به اریک ایوانویچ

سند شماره (۱۱)

سری ۱۹ مرداد ۵۸ تلگرام غیر فوری

از: واشنگتن ۴۹۲۵۰۷ به: کوالامپور

رونوشت برای تهرانی. کی. تاپ نکر اسوف، اریک ایوانوویچ

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

۱ مشارالیه (۲۵۵۹۶۹ ۲۰۱) تاریخ و محل تولد: ۱۱ ژانویه ۲۹، نزدیک مسکو. پرونده ای طولانی

دارد. معذالک در حال حاضر گزارش نشده که در تهران به سر می برد. آخرین خبر (۱۹۷۷) وی را رئیس

دیپارتمان بین الملل جامعه تماماً متحد «ZNANIYE» (مؤسسه نشر دانش زنانیا کشورهای سوسیالیست)

مسکو معرفی کرده است.

۲ مشارالیه در ۵۷ ۵۶ و ۶۸ ۶۴ در کابل و در ۷۲ ۷۰ در تهران خدمت کرده است. وی مأمور

شناخته شده ک. گ. ب است و احتمالاً در تهران رزیدنت (Resident) بوده و در کابل حداقل مأمور ارشد

ک. گ. ب. (اگر رزیدنت نه) بود. پرونده اش شامل دو اشاره به فریتز دیهم بود. تاریخ خبر. ۶؟ دیهم نزد

مأمور قرارگاه کابل اظهار داشت که مشارالیه مشغول دادن سفارشات به یک بنگاه آلمانی سفارش پستی

بود. تاریخ خبر: ۶۷: دیهم «داستان سرگرم کننده ای» برای کارمند سیاسی کابل درباره درخواست

مشارالیه برای کمک در پرداخت به بنگاه آلمان غربی سفارش پستی جهت کالاهای سفارش شده نقل

کرد. در تهران مشارالیه مأمور هدفهای آمریکایی به حساب می آید و تماس های مشخص نشده ای با یک

کارمند سفارت آلمان غربی داشت.

۳ مشارالیه جهت مرخصی در وطن در ژوئیه ۷۲ از تهران عزیمت کرد. با این حال بازنگشت و به یاران خود نامه نوشت که درخواست مأموریت در جای دیگری کرده بود چون در تهران «وی دایما» دچار فشار خون بود. او قبلاً اظهار داشته بود که دوست دارد محل خدمتی در اروپا پیش از بازنگشتگی داشته باشد. وی در ژانویه... عضو نمایندگی شورای جهان صلح در کلمبو، سری لانکا بود. در آوریل، ۷۵ وی از شوروی به آلمان غربی مسافرت کرد... معلوم نیست، و همچنین اینکه آیا این مأموریت، اعزام موقت یا به عنوان عضو هیئت نمایندگی بود.

سند سیا در مورد کورولف (گزارشگر ایزوستیا)

سند شماره (۱۲)

۲۳ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: رئیس ۵۱۳۷۲۶ به: تهران رونوشت برای آلمان، بن

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

سی. آ. وردانت سی. آ. برایت

عطف به: بن ۸۴۲۳۱ (در ۳۰۳۳۷۱۹) (۳۰۳۳۷۱۹ / ۳۱۵ TDFIRBD ۷۷۶۰) (EGN ۷۹ ۱۵۵۵۹) اطلاعاتی

۱ مطلب ذیل یک پارگراف از تلگرام مرجع الف که یک گزارش طولانی از مناسبات شوروی آلمان

غربی است می باشد که دارای قیود غیرقابل رؤیت برای بیگانگان، غیرقابل رؤیت برای مشاوران یا

مشاوران پیمانکار و پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده است. این پارگراف برای اطلاع قرارگاه

ارسال می شود. مطالب استخراج شده ای از این پاراگراف از کانالهای وزارت خارجه در اختیار سفارتخانه

تهران قرار می گیرد.

منع: یک مقام آلمان غربی که به مطلب دسترسی داشت. گزارشهای وی اغلب مورد تأیید قرار

گرفته اند.

«یوگنی وی. کورولف، از گزارشگران ایزوستیا» که اخیراً مأمور به خدمت در آلمان غربی شده در اوایل شهریور با یک عضو دفتر نخست وزیری تماس گرفت تا درباره موضوعات مختلفی گفتگو کند. کورولف درباره اوضاع ایران که شوروی آن را به دقت زیر نظر دارد نیز صحبت کرد. در ابتدا شوریها «بطور احساسی و با همراهی» از آیت الله خمینی حمایت کرده بودند چون او با شاه مخالفت نموده بود. معذالک، خمینی برای تثبیت اوضاع در ایران که ممکن است از دست خارج شود کاری نمی کند، لذا اتحاد شوروی دیگر از خمینی حمایت نمی کند. شوروی خود را بیطرف نگه می دارد اما در عین حال نگران و نظاره گر است.

۲ بدون پرونده تا تاریخ ۲۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سزی

مکمل خلاصه اطلاعاتی اقیانوس هند

۲۷ مهر ۵۸ سری SPOKE

هشدار شامل منابع و شیوه های حساس اطلاعاتی است ضمن ساعات عادی کار به دفتر وابسته دفاعی

در تهران بدهید مکمل خلاصه اطلاعاتی اقیانوس هند ۲۷ مهر ۵۸

۱ مخابرات دریایی شوروی. مخابرات قابل توجهی ملاحظه نشد.

هوایمایی دریایی شوروی

دو هوایمایی ۳۸ IL (می) دریایی قرار است از تاشکند جنوب (تاسه ۴۱۱۶ شمال، ۰۶۹۱۷ شرق)

شوروی به عدن در جمهوری دموکراتیک یمن در ۱ آبان پرواز کند و در ۱۰ آبان به تاسه بازگردد. ساعت

پیش بینی شده عزیمت از تاسه ۲۳۰۲۰۰ و ساعت پیش بینی شده ورود به عدن ۲۳۱۲۳۰ می باشد. قرار

است که این هوایمایی در راه عدن از موقعیت های ذیل عبور کند: ۶۶۱۶ شمالی ۰۶۹۱۷ شرقی (تاسه)،

۳۷۴۲ شمالی، ۰۵۸۳۳ شرقی، ۲۶۳۸ شمالی، ۰۵۶۳۱ شرقی، ۲۶۱۲ شمالی، ۰۵۶۴۶ شرقی، ۲۵۳۰

شمالی، ۰۵۶۳۱ شرقی، ۱۲۵۰ شمالی و ۰۴۵۰۲ شرقی (عدن). در بازگشت هوایمایی می در ۱۰ آبان

نقشه پروازی دقیقاً برعکس مورد استفاده قرار می گیرد.

آنچه درباره غرض از این اعزام نیرو اظهار شده این بوده که به منظور آموزش خدمه آن در جستجو و

نجات سفینه های فضایی در منطقه اقیانوس هند است. معذک، ۳۸ IL ها ضمن اعزام به عدن احتمالاً

عملیات شناسایی در رابطه با گروه رزمی میدوی USS که ضمن این مدت در اقیانوس هند عملیات دارد

خواهند داشت.

در پشتیبانی اعزام ۳۸ IL، دو ۱۲ AN دریایی (CUB) شوروی قرار است بین شوروی و عدن رفت

و برگشت داشته باشند. آنها در ۲۹ مهر به عدن پرواز دارند و در ۱۱ آبان به تاشکند بازمی گردند. قرار است

یک AN ۱۲ مستقر KADKHRABROVO ؟ ALINI (۵۴۵۳ ۶۳۷۰/ شمالی ۰۲۰۳۵ شرقی) به NIS

شرح ذیل پرواز کند: عزیمت از تاشکند جنوبی در ۲۱۰۲۰۰ به وقت گرینویچ و ورود به عدن در

ساعت ۲۱۱۲ پس از یک ساعت توقف در کراچی (۲۴۵۴ شمالی، ۰۶۷۰۹ شرقی) و پاکستان. این هواپیما

در ساعت ۲۲۰۳۰۰ از یک مسیر معکوس پرواز، عدن را ترک خواهد کرد.

یک AN ۱۲ مستقر در (۴۴۴۷ NL / ۳۷۰ KACHA شمالی، ۳۳۳۴ شرقی) با یک فاصله ۱۰

دقیقه ای هواپیمای جلودار را دنبال خواهد کرد. آنچه درباره غرض از این پرواز اظهار شده انتقال ۵۴۰۰

کیلوگرم وسایل فنی و ۲۱ مسافر بوده است.

همچنین احتمالاً در پشتیبانی از این IL ۳۸ یک AN ۱۲ تابع OSTAFEVO مسکو قرار است پرواز

رفت و برگشت ویژه ای بین تاسه و عدن در فاصله ۲۷ مهر ۱ آبان انجام دهد (۲۴ مهر ۵۸ WPAC IF؟

FO، پاراگراف A؟ مرجع).

مکمل ۲۷ مهر ۵۸.....

سند راجع به لووچنکو (خبرنگار نوپودرمیا)

از: رئيس ۵۴۲۶۳۳ به: با حق تقدم به قرار گاهها و پايگاهها در جهان

(به استثنای پورت آپرینس، بانگوی، کامپالا) براز اویل، ماپوتو، انجمن، ژوهانسبورگ

(پیام اداری)

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است حساس پی. ال. آثرونات. پی. دی. کوئیک

۱ استانیسلاو الکساندروویچ لووچنکو، خبرنگار نوویو در میادر توکیو شب ۱ آبان در توکیو به دولت

آمریکا پناهنده شد. اینک او در منطقه ستاد بسر می برد تخلیه های اطلاعاتی اولیه ظاهرا ادعای وی را

مبنی بر اینکه از اعضای رسمی (STAFFER) ک. گ. ب است تأیید می کنند. او غیر از ژاپن در جای

دیگری از خارج خدمت نکرده و اطلاع او ظاهرا به عملیات ک. گ. ب در ژاپن و همچنین ساخت و

شخصیتهای سازمانی محدود می گردد. به اقتضای رخدادهای جدیدتر قرار گاه ها را در جریان خواهیم

گذارد.

۲ در صورتی که مورد سؤال قرار گرفتید می توانید برای رابطهای سازمانهای همکار تأیید کنید که

لووچنکو در اختیار ماست. لطفا درباره موقعیت اطلاعاتی او چیزی اظهار نکنید. در این زمان آشکار

است که نمی خواهیم خواستار احتیاجات اطلاعاتی از سازمانهای رابط گردیم و ممنون می شویم که

قرار گاهها چنین درخواست هایی را رد نمایند اگر اطلاعی به دست آوردیم که برای سازمانی اهمیت

مستقیم و چشمگیر داشت، البته آن را در اختیار خواهیم گذارد.

۳ تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سري

سری ۹ آبان ۵۸ تلگرام غیر فوری

از: واشنگتن ۵۴۳۱۲۹ به: تهران رونوشت برای هلسینکی

عطف به: تهران ۵۱۰۵۱

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. سی. کی. لگ ارکی هویتین

۱ تأییدیه موقت عملیاتی برای پرورش ارکی هویتین، دیپلمات فنلاندی، به عنوان منبعی درباره

مواضع شوروی اروپای شرقی در قبال اوضاع سیاسی ایران و ارزیابیهای آنها از اعتبار خارج شده است.

این تأییدیه در ابتدا در ۲۳ بهمن ۵۸ به درخواست دیمیتروف مأمور قرارگاه تهران صادر شده بود. وی

رابطه اجتماعی با هویتین برقرار کرده بود و او را واجد صفات لازم برای اجرای مؤثر نقش عامل

دسترسی به حمایت شورویها دانسته بود. هویتین پیش از ورود خود به تهران در سال ۱۹۷۸ (۵۶۷۵)

مأمور به خدمت در وین بود و آنجا مدت هیجده ماه یکی از آشنایان اجتماعی مأموری از سیا بود و

به عنوان یک خبردهنده ناخودآگاه درباره یکی از مقامات شوروی که مورد توجه قرارگاه بود عمل

می کرد.

۲ لطفا اطلاع دهید آیا در حال حاضر با هویتین در تماس هستید یا نه و آیا می خواهید تأییدیه موقت عملیاتی را تمدید کنیم.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۹۵۹۳۹۵. تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سرّی
سند شماره (۱۶)

سرّی ۹ آبان ۵۸ تلگرام غیر فوری

از: تهران ۵۴۶۲۲۴ به: واشنگتن رونوشت برای هلسینکی

عطف به: الف واشنگتن ۵۴۳۱۲۹، ب تهران ۵۱۰۵۱

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. سی. کی. لگ ارکی هویتین

۱ تلگرام مرجع ب دیگر در پرونده های قرارگاه نیست.

۲ قرارگاه به تازگی به قدرتی که در برنامه پیش بینی شده رسیده و اکنون در مقامی هستیم که فعالانه تر

به دنبال دستیابی به هیئت نمایندگی شوروی در اینجا باشیم. در حال حاضر با هویتین تماس نداریم. اما

پیشنهاد می کنیم اگر هنوز اینجاست او را پیدا کنیم و امکان بازدهی وی به عنوان عامل دسترسی را

مشخص نماییم.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۹۵۹۳۹۵ تا تاریخ ۹ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سرّی

سند سیا راجع به فلوریان گرکو

سند شماره (۱۷)

سرّی ۱۱ آبان ۵۷ تلگرام غیر فوری

از: واشنگتن ۵۴۴۸۸۸ به: تهران عطف به: تهران ۵۴۶۱۳

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. سی. کن. تاپ او. زی. رام ردگیری

۱ در ستاد سوابقی درباره فلوریان گرکو یافت نشد.

۲ تا هنگامی که رابطه اجتماعی کلی توسط مأمور مربوطه یا کارمند دیگری از سفارتخانه برقرار

نشده باشد نمی توانیم علاقه عملیاتی یا انگیزه را مشخص کنیم. لطفا اگر در آینده هرگونه اطلاعات

بیشتری به دست آوردید از قبیل صورتهای متفاوت اسم او، مناصب قبلی و غیره ما را در جریان قرار دهید

و ما دوباره ردگیری خواهیم کرد. (برای اطلاع شما به علت محدودیت اطلاعات تهیه شده از حوزه فعالیت

درباره حضور افراد SE از اواخر ۱۹۷۸ (پائیز و زمستان ۵۷) ستاد از دریافت اطلاعاتی مثل تلگرام مرجع

تشکر می کند تا موجودی خود درباره پرسنل شوروی و بلوک شرقی مأمور به خدمت در ایران را تازه

کند).

۳ پرونده ۴۱۸۲. تا تاریخ ۹ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

شوروی و اروپای شرقی

سند شماره (۱۸)

سری

شوروی و اروپای شرقی

افزایش ظرفیت انبار تسلیحات در سورو مورسک (بدون طبقه بندی) (سری / هشدار شامل منابع و

شیوه های اطلاعاتی است / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) تأسیسات انبار تسلیحات سورو مورسک در

فاصله بین ۱۹۷۰ تا اواخر ۱۹۷۲ ساخته شد و در اواسط ۱۹۷۳ شروع به فعالیت کرد. در ساحل شرقی کولسکی زالیف (KOLSKIY ZAKIV) یا دهانه (KOLUINETET) در فاصله ۵/۰ میل دریایی شرق

موجگیرها پایگاه دریایی سورو مورسک، این تأسیسات که جاده هایی به آن منتهی می شوند دارای

مأموریت پشتیبانی رزمندهای سطح دریایی پایگاه دریایی سورو مورسک می باشد. از اوایل سال ۱۹۷۵

جعبه ها، ظروف و سایر تجهیزات مربوط به موشکهای سطح به سطح SS - N ۱۴ در این مکان مشاهده

شده است، تصور می شود که این سیستم موشکی سلاح اصلی تحت حفاظت تأسیسات سورو مورسک

باشد. این موشکهای کروز ضد زیردریایی که از کشتی شلیک می شوند بر روی کشتی کروز KRCSTA - II

حامل موشک هدایت شونده و ناوچه های KRIVAKI - II حامل موشکهای هدایت شونده سوار

می گردند. این کشتی و ناوچه ها تشکیل دهنده... اصلی... دریایی در سورو مورسک می باشند. این

موشکها... مهمات... ضد زیردریایی... اژدر با کلاهک ۹۰ کیلوگرمی هستند.

(سری / هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) تأسیسات

انبار تسلیحات سورو سورمک یک مرکز تقریباً مستطیل شکل می باشد. این مرکز حدوداً ۴ هکتار را در

برگرفته و با یک حصار... و چهار برج حفاظتی که هر یک ... چهار گوشه آن مستقر شده اند. تعدادی از

ساختمانهای... شامل یک ساختمان سوار کردن... سلاحها، یک ساختمان کار روی سلاحها و نگهداری

آنها و چندین ساختمان پشتیبانی می شوند. در آوریل ۱۹۷۸ یک طرح توسعه ظرفیت انبار این تأسیسات

شروع شد. یک انبار سقف طاقی بزرگ که در عکسبرداری ۸ ژوئیه ۷۹ بچشم می آید نشان دهنده وضع

فعلی این طرح توسعه است. این انبار که اینک تقریباً به اتمام رسیده حدوداً ۴۵×۱۲ متر است و احتمالاً

برای نگهداری موشکهای SS N ۱۴ به کار گرفته خواهد شد. در گوشه جنوب شرقی تأسیسات، انبار

مشابه دیگری مراحل اولیه ساختمان خود را طی می کند. در آنجا زمین در دست ... است تا برای نهادن زیربنا ... آماده گردد.

(سری / هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) سابقا

ذخیره... در این تأسیسات محدود بود. الحاق این دو انبار موجب افزایش چشمگیری در تعداد سیستمهای تسلیحاتی آماده به کار قابل نگهداری تأسیسات می شود.

با توجه به اندازه های این انبار تقریبا کامل شده و با فرض اینکه فقط ردیفهای یک سطحی عمودی با

راهرو در وسط برای حرکات و انتقالات چیده می شوند حدود ۶۰ موشک ۱۴ N SS را می توان در آنجا

نگهداری کرد. به علاوه، با فرض اینکه انبار دوم رو به ساختمان همین اندازه را خواهد داشت، تعداد مشابه

موشکهای انبار شده ظرفیت کلی را به ۱۲۰ افزایش می دهد این ظرفیت تقریبا امکان دو تغذیه موشکی

برای KRIVAK ها و KRESTA ها در پایگاه دریایی سورو مورسک را فراهم می کند. (طبقه بندی توسط

منابع مختلف تا تاریخ ۱۴ اکتبر ۹۹ در بایگانی ضبط شود.) الیس جوزف

کشتی تجاری شوروی با آنتن غیر عادی (بدون طبقه بندی)

(خیلی محرمانه) سوپرتانکر کریم کلاس KRYM CLASS شوروی که در ۱۹۷۶ عرضه شد دارای

یک آنتن مخابراتی بود... و فرکانس زیاد، که نام رمز VEE BAR در ناتو به آن اطلاق شده است. این همان

متنی است که بر روی ناو هواپیما بر کیف کلاس KEEVCLAS نیروی دریایی شوروی نصب شده است.

تعبیه این آنتنهای مخابراتی فوق العاده کارآمد بر روی کشتیهای تجاری مخصوص به این کلاس CLASS است، هر چند که بعضی از کشتیهای آکادمی علوم شوروی مجهز به (آنتن) وی کون VEE COONE، نمونه قدیمی وی بار VEE BAR می باشند.

(خیلی محرمانه) علت تعبیه این نوع آنتن بر روی کلاس کریم نامعلوم است. تحلیلی که از نمودار فعالیت این کشتیها صورت پذیرفته تاکنون سرنخی به دست نداده است. معذرت، الحاق (آنتن) وی بار به این تانکرهای تجاری ممکن است به منظور آزمایش دیگری از تواناییهای آنها باشد. به علاوه این ممکن است نشان بدهد که تانکرهای حامل این آنتنها واحد قابلیت نظامی هستند (طبقه بندی توسط منابع

مختلف، خروج از طبقه بندی در ۱۲ اکتبر ۸۵) آلفرد اشتراوب DB ۱۲

تسلیمات دریافتی جدید ارتش خلق مغولستان (سرّی)

(سرّی / هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) اولین بار

بار توپهای هویتزر ۱۲۲ میلی متری DC ۳۰ شوروی در یک واحد ارتش خلق مغولستان مشاهده.

شده اند در عکسبرداری هوایی از دو سر سربازخانه اولان باتار ULAANBAATAR که واحدهای

آموزشی ارتش در آن به سر می برند روی هم رفته پنج توپ DC ۳۰ آشکار گردید. وجود یک سلاح

توپخانه ای خط اول شوروی در یک واحد آموزش حاکی از آن است که این سلاح بزودی در واحدهای

رزمی مغولستان جای خواهد گرفت و احتمالاً جایگزین... ۱۲۲ میلیمتری... خواهد شد.

(سرّی / هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان)

اینکه دریافت توپهای DC ۳۰ واقعا در ضمن یک فروش نظامی بوده یا جزئی از یک... موافقتنامه

تجاری است معلوم نیست. معذرت، این بهبود کیفیت ارتش مغولستان احتمالاً همراه با... پروژه معدنی و

عقد قراردادهای مالی بین مغولستان و شوروی در چند سال گذشته است. فی الجمله، این قراردادها بوسیله تبادل تکنولوژی و ماشین آلات شوروی در ازای.... و مولیدن مغولستان می باشند (طبقه بندی توسط منابع مختلف تا تاریخ ۱۹ سپتامبر ۹۹ در بایگانی ضبط شود).

مقدمه اسناد لاری جیل

به دنبال گزارشهای سرهنگ سیمور لوین رئیس بیمارستان نظامی آمریکا در تهران از تماسهای اجتماعی و برخوردهای فراوان خود در میهمانیهای به اصطلاح دیپلماتیک با پرسنل مختلف روسی به اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی آمریکا مستقر در تهران (واحد ۷۲)، فعالیت در جهت استفاده اطلاعاتی از امکانات سرهنگ لوین از طرف آن اداره آغاز می گردد. (تا تاریخ ۱۶ اوت ۷۶) پس از توجیحات لازمه و تکمیل تحقیقات در ۲۹ سپتامبر، استخدام رسمی و امضاء قرارداد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی (تنها واحدی از وزارت دفاع آمریکا در ایران که کار تحقیقاتی امنیتی انجام می داد و مسئول امنیت نظامیان آمریکائی و تهیه پوشش ضد اطلاعاتی دفاعی برای شرکتهای آمریکایی پیمانکار پروژه های نظامی و کمک ضد تروریستی به آنها بوده است) همکاری بین سرهنگ و اداره ویژه و تعیین نام مستعار صورت می گیرد. پائول ویندسور به عنوان نام رمز قراردادی سرهنگ با مأموران و لاری جیل به عنوان نام رمز داخلی برای مکاتبات بین ادارات ویژه مشخص می شود. مقاصدی که برای این عملیات در نظر گرفته شده بودند به شرح زیر است:

۱ برقراری یک رابطه اجتماعی بین او (سرهنگ لوین یا لاری جیل) با سازانوف و سرهنگ دوم لئونید داوینیا.

۲ جمع آوری اطلاعات و شرح احوال و شخصیت این دو نفر.

۳ معلوم و مشخص کردن مریدی ظاهری سازانوف.

۴ فراهم کردن امکان استفاده از تجهیزات درمانی آمریکا از ناراحتی سازانوف، به واسطه حضور خود در ایران و عدم اعتمادش به امکانات درمانی شوروی استفاده شود.

۵ تحلیل و تعیین چیزهای خوشایند و ناخوشایند این دو نفر به قصد روانه کردن جاسوسهای دیگر به سوی آنها.

۶ پیشبرد آشنایی او با اعضای سفارت چین به قصد اعزام جاسوسهای دیگر به سوی آنها. سازانوف (آنا تولی) مظنون به فعالیت در ک. گ. ب. و سرهنگ داوینیا (لئونید) مأمور شناخته شده جی. آر. یو. (مدیریت اطلاعات ارتش سرخ) بوده اند. سازانوف در سفارت شوروی به عنوان دبیر سوم مشغول به کار بود. از همان ابتدا سیا که در جریان قضیه قرار می گیرد نسبت به این فعالیت علاقه مندی نشان می دهد و جلسات منظم و فراوانی برای هماهنگی این عملیات با سیا تشکیل می گردد. سیا در ۲۵ اوت ۷۶ اطلاعاتی را که تا آن هنگام درباره سازانوف جمع آوری کرده در اختیار مأمورین اداره ویژه قرار می دهد که اهم نکات آن از این قرارند: «سازانوف» احتمالاً مأمور ک. گ. ب. می باشد و اولین مأموریت خارج از کشورش را در ایران به انجام می رساند. طی یک سال گذشته او قدری پریشان بوده و در کار خود چندان موفقیت نداشته است. او فردی نامنظم و آشفته است و بر سر قراردادهایی که می گذارد حاضر نمی شود یا تأخیر دارد. چندین تصادف اتومبیل در تهران داشته است. او احتمالاً سخت مشروبخوار است و حداقل دو بار در حال مستی مشاهده شده است. او قطعاً از کار خود یا زندگی در تهران ناراضی است و به افراد مختلفی منجمله سفیر شوروی در ایران و وزیر خارجه نامه نوشته تا از تهران منتقل شود. او اکثر ارز خارجی دریافتی خود را بابت خرید یک اتومبیل ولگا خرج نموده و این باعث ناراحتی همسرش شده است. از آن مهمتر او از یک ناراحتی ناشی از تشعشع بیش از حد امواج مضره رنج می برد و این ناراحتی را

از یکی از مراکز کار خود در شوروی گرفته است. با این حال او ترجیح می دهد که به پزشکان بیمارستانهای روسی مراجعه نکند چون به کار و تجهیزات آنها اطمینان ندارد. در ۱ سپتامبر ۷۶ قرار گذاشته می شود که طی یک جلسه مشترک بین نماینده سیا و نماینده اداره ویژه و لاری جیل، نماینده سیا اطلاعات مفصلی درباره سازانوف به جیل بدهد و در جلسه بعد بیوگرافیهای از کسانی که توصیه می شود درباره آنها اطلاعات جمع آوری شوند ارائه دهد. اوراق شناسایی که سیا به مأموران ویژه داده، درباره سرهنگ دان مدیک، وابسته نظامی یوگسلاوی به ضمیمه چندین عکس مخفی از او سرهنگ داوینیا همراه با نتیجه تحقیق از مدیر و استادان زبان یک مؤسسه تعلیم زبان که داوینیا در تهران به آنجا رفته و درس می خواند، آشورکویک رئیس بیمارستان شوروی چرومکین معاون سابق آن بیمارستان و عضو جی. آر. یو. موجود است. در ۲۹ سپتامبر ۷۶ لاری جیل یک میهمانی ترتیب می دهد و در آن از سازانوف و همسرش نیز دعوت به عمل می آید. یکی از مأموران سیا با سازانوف بعد از میهمانی تماس گرفته و سازانوف به او می گوید که در آن میهمانی شرکت داشته و نمی داند چرا به آن دعوت شده بود.

در ۲۷ اکتبر ۷۶ پیشنهاد می شود که لاری جیل از ناراحتی طبی سازانوف با استفاده از موقعیت پزشکی خود حداکثر استفاده را بنماید و در عین حال به پیشبرد روابط یا برقرار روابط با داوینیا، آشور کووانگ توجه داشته باشد و این کار را با حضور در محافل مختلف انجام دهد تا بتواند آنها را به ملاقات حضوری و فردی با خود بکشد و درباره آنها اطلاعات مختلف و بیوگرافیک جمع آوری کند تا با مناسب بودن اوضاع، عوامل منتخبی به جانب آنها روانه گردند و در ضمن پیشنهاد می شود که همسر مأمور ویژه تماس با جیل و خود همسر جیل نیز برای تسهیل ارتباطات و تأمین پوشش اجمالاً در جریان فعالیت قرار داده شوند که پیشنهاد بعداً در مورد همسر جیل پذیرفته می شود و او هم همکاری با اداره بازرسیهای ویژه را آغاز می کند.

در ۲۸ اکتبر ۷۶ یک مأمور سیا که هر هفته یکبار با سازانوف تماس داشته خبر می دهد که از سازانوف و همسرش دعوت کرده به یک مسابقه ورزش برونند و آنها قبول کرده اند و متعاقبا به منزل عضو سیا رفته اند و مشروب صرف کرده اند.

عمال دیگری نیز در ارتباط با سازانوف بوده و آنها نیز از او خبر می داده اند و یکی از آنها یک بار به سازانوف می گوید که او از سایر افراد روسی متمایز است در اینکه فردی حساس و مخفی کار ولی در عین حال قابل معاشرت است. عمال سیا در ملاقات خود سعی نمود دائما اشاره کند به اینکه سازانوف با دیگران فرق دارد. گردانندگان قضیه احتمال داده اند که برخورد با وی از این موضع که او فردی غیر از دیگران است و دوستی با وی ارزش خاصی دارد و از طرف دیگر تماسهای سازانوف با سرهنگ آمریکایی موجب می شود که ارتباطات با سازانوف صمیمی تر شود و کمال مطلوب آنکه اگر بعدا تصمیم گرفته شد پیشنهادی برای همکاری به سازانوف داده شود، این گونه برخورد می تواند در پذیرفتن پیشنهاد از جانب او مؤثر باشد. ضمنا سازانوف اگر به کسی از همکارانش بازگو کند که از طرف یک آمریکائی درباره او چه اظهار نظر شده موجب تحقیر او نزد همکارانش و محسوب شدن او به عنوان یک خطر بالقوه و یک نقطه ضعف خواهد شد.

یک مأمور دیگر سیا نیز مدتی بعد از ملاقات فوق الذکر در یک میهمانی سفارت امارات متحده عربی سازانوف را می بیند و با او گفتگو می کند ولی متوجه می شود سازانوف جوابهایش طفره آمیزتر شده و

صریح پاسخ نمی دهد.

در جلسه هماهنگی بعدی (در ۲۹ دسامبر ۷۶) نماینده سیا به تماسهای جیل با ریاباوالوف که حدس می زند با جی. آر. یو همکاری داشته باشد اظهار علاقه می کند و توافق می شود که جیل سعی کند دوباره با

ریاباوالوف و سرهنگ داوونیا تماس برقرار کند. از قرار معلوم در این حدود زمانی جهت فعالیت از

سازانوف به تدریج به فرد دیگری منتقل می شود.

یکی دیگر از آشنایان روسی لاری جیل، دکتر آناتولی رامکف معاون رئیس بیمارستان شوروی در

تهران بوده. در عین حالی که ملاقاتهای جیل با رامکف طبیعت اجتماعی داشته و مذاکرات آنها محدود به

حرفه خود بود، پزشک روسی بطور مداوم از موقعیت خود و حقوق کم و مزایای پائین و زندگی سطح

عادی که داشته ابراز نارضایتی می نمود. او از اظهار تنفر خود نسبت به رئیس که در کیفیت مادی زندگی

مؤثر بوده و دائما اعمال ریاست می کرده خودداری نمی نمود. در بعضی اسناد اداره بازرسیهای ویژه از او با

نام رمز بیل و ث نام برده شده است. طی یکی از ملاقاتها، رامکف سه کتاب درباره تکنولوژی طبی شوروی

به لاری جیل نشان می دهد. در یک جلسه ملاقات دیگر جیل اظهار می دارد که قرار است در یک کنفرانس

طبی ارتش آمریکا شرکت کند و از همردیف روسی خود دعوت به عمل آورد که او نیز حضور یابد.

رامکف، پزشک روسی اظهار اشتیاق می کند و ضمنا با حسرت می گوید که تصور نمی کند هیچ گاه به وی

اجازه چنین کاری داده شود. به دنبال آن لاری جیل در جلسه بعد یک نشریه طبی ارتش آمریکا را که خود

او نیز در آن مقاله ای نوشته بود به پزشک روسی می دهد. این اقدام پس از قدری تأمل مورد تأیید مأموران

اداره ویژه ناظر بر قضیه قرار می گیرد به این اعتبار که می توان با دادن نسخه های متوالی این نشریه، زمینه را

برای حفظ تماس با این فرد فراهم نمود. اسناد مورد تحویل حداقل سه فقره از این نشریه را منعکس

می سازند.

در سه نوبت دیگر نیز، یکبار در ۱۹ ژوئن ۷۷ هنگامیکه پزشک روسی همراه با لاری جیل به پیک نیک رفته بود و دوبار نیز هنگامی که آن پزشک به منزل رفته بود نشریات و کاتالوگهای طبی از او دریافت می دارد.

در ۳۰ اوت ۷۷ طی جلسه مشترک مأمور سیا با مأموران اداره ویژه، مسئله تقاضای رامکف برای دریافت نشریات طبی مورد بحث قرار گرفت و به این نتیجه رسیدند که این تقاضای رامکف همراه با افزایش تقاضای شورویها برای گرفتن اطلاعات طبی از مرکز مهم طبی نیروی هوایی آمریکا در تگزاس نشان دهنده تأکید و توجه جدید شورویها برای جمع آوری اطلاعات طبی است و همچنین نشان می دهد که رامکف ممکن است غیر از حرفه پزشکی خود فعالیت دیگری هم داشته باشد خصوصاً آنکه رامکف جانشین فردی شده که عضو جی. آر. یو. بوده است.

در همان جلسه مأمور سیا اطلاع می دهد که ساواک طی یک یادداشت خبر داده بود که سرهنگ آمریکایی (همان لاری جیل) با رامکف در ارتباط است و رئیس عملیات سیا در جواب اظهار داشته بود (۱۶ مه ۷۷) که مقامات آمریکایی از این موضوع با خبر شده و نتیجه این بوده که ساواک احتمالاً تلفنهای بیمارستان شوروی را استراق سمع می نمود و رامکف را هم تحت مراقبت قرار می داد.

در ۲۰ دسامبر ۷۷ مأموران اداره ویژه با رئیس عملیات سیا در تهران اجلاس داشتند. مأمور سیا اظهار داشت که سیا این عملیات را با علاقه فراوانی دنبال می کند از آن جهت که فکر می کند از طریق رامکف

می توان خبرهای فراوانی درباره ناراحتیهای درمانی مأموران شناخته شده اطلاعاتی روس که بستری می شوند خصوصاً ناراحتیهای الکلی آنها به دست آورد. همچنین سیا مایل است که سرهنگ آمریکایی از رامکف بخواهد خبرهای فردی طبی به او بدهد و اگر رامکف خبرها را داد آن گاه تقاضای خبر درباره افراد به خصوص از روسها بشود.

در ۱۲ فوریه ۷۸ مأمور سیا اطلاع می دهد که سیا تحولات اخیر را بسیار چشمگیر می داند. در رابطه با اینکه رامکف تقاضاهای فراوان دریافت خبر داشته است و بدون شک رامکف همکاری اطلاعاتی با جی. آر. یو. یا شاید ک. گ. ب. دارد. همچنین سیا معتقد است که رفتار رامکف امکان حرکت برای استخدام وی را مطرح می سازد. سیا به علاوه فکر می کند که دادن پاسخ مثبت لاری جیل به درخواستهای دریافت اطلاعات طبی که رامکف عنوان کرده ممکن است باعث شود سازمانهای اطلاعاتی شوروی او را به دیده یک طعمه عالی برای جاسوسی بنگرند (در صورتی که خود رامکف فعالیت اطلاعاتی برای روسها داشته باشد) و این مانع حرکت برای استخدام رامکف شود. لذا بهتر است که سرهنگ آمریکایی در قبال درخواستهای اخیر بی اعتنا و بی خیال بماند. فعلاً سیا قصد دارد مسئله وارد کردن یک مأمور آشنای به آلمانی یا روسی سیا که جریان را بررسی کند تا در صورت عزیمت و پایان قرارداد کار جیل در ایران در ژوئن ۷۸ او تماس با رامکف را حفظ کند، مورد توجه قرار دهد.

در ۲۸ فوریه ۷۸ طی جلسه مشترک مأموران اداره ویژه با سیا اطلاع داده می شود که ستاد مرکزی اداره بازرسیهای ویژه نیروی هوایی با وارد کردن یک مأمور سیا به جریان برای معرفی وی توسط لاری جیل به رامکف موافقت کرده است. مأمور سیا اطلاع می دهد که تلاش برای جذب رامکف باید قبل از عزیمت آشورکوویک رئیس بیمارستان شوروی و مافوق رامکف در ۲۲ مارس ۷۸ صورت بگیرد. چون تنفر رامکف از حضور رئیس خود یک تأثیر مثبت روانی در استخدام وی دارد. سپس مأمور سیا خبر

می دهد که از طرف لاری جیل یک مورد قواعد امنیتی نادیده گرفته شده است. او توضیح می دهد که یکی از کارمندان سفارت سوئیس که با رامکف تماس داشته و در مورد تهیه اطلاعات درباره شخصیت رامکف قصد داشته به سیا کمک کند خبر داده است که در ۲۷ فوریه ۷۸ سرهنگ نزد او رفته (در یک میهمانی) و اشاره کرده که می داند او و رامکف با هم تماسهایی دارند. به مأمور سیا گفته می شود که این حرکت در طرحهای اداره ویژه نبوده و سرهنگ مؤاخذه خواهد شد.

در جلسه مشترک ۱ مارس با مأموران سیا، سیا خبری می دهد که طرح برای داخل کردن مأمور جدید و معرفی او به رامکف این است که لاری جیل به رامکف بگوید که مسائل را با دوست نزدیک خود در میان گذارده و مطمئن است که دوستش راه حلی دارد. در صورت قبول ملاقات با فرد جدید از سوی رامکف، اولین جزء از طرح جذب و استخدام او به وی اظهار می شود و در صورت قبول آن همین طور ادامه داده می شود تا طرح به طور کامل اظهار شود، به این صورت هم موقعیت غیراطلاعاتی و دوستانه لاری جیل در رابطه با رامکف و هم هویت مأمور سیا حفظ می شود. از معاون رئیس سیا در تهران سؤال می شود آیا تاریخ غیرقطعی عزیمت آشور کویک باعث تهیه طرح شده یا غیر از آن هم عواملی بوده؟ پاسخ داده می شود که این نکته فقط جزئی از انگیزه این طرح است و سیا از یک منبع دیگر خود از سفارت سوئیس مطلع شده و نتیجه گرفته که رامکف به حرکتهای مخفی پاسخ مثبت می دهد و هنوز می خواهد روابطش را با خارجیها حفظ کند. او خود را فردی فوق العاده مادی که عاشق آزادی فرد خود است نشان داده است. این نکات

همراه با احساساتی که اخیراً به خانم لاری جیل ابراز داشته موجبات این طرح ریزی سیا را فراهم نموده و اکنون مناسبترین وقت است. در طرح سیا پیش بینی شده که اگر رامکف پیشنهاد را کاملاً رد کرد و خواست بطور علنی علیه دولت آمریکا جنجال کند، نوع اطلاعاتی که او تاکنون به مأمور سفارت سوئیس داده برای وی یادآوری شود که در صورت اطلاع مافوقهایش حتماً متهم به خیانت خواهد شد یا اینکه به ساواک که رامکف را اطلاعاتی می داند بگویند که او قصد داشته از یک پزشک ارتش آمریکا اطلاعات بگیرد و این موجب اخراج فوری او از ایران خواهد شد.

در جلسه ۹ مارس ۷۸ با مأموران سیا مأمور سیا خبر می دهد که از طریق منبع دیگرشان خبر یافته اند که رامکف قرار است یک سال دیگر در تهران ماندگار شود. سپس برای یک سال به مسکو بازگردد و در کلینیک شماره ۲۶ کار کند و بعد امیدوار است مقامی در سازمان جهانی بهداشت در ژنو به دست آورد. مأمور جدید سیا قرار است طی هفته حدود ۱۹ مارس ۷۸ به تهران بیاید و تماسش با رامکف در حدود ۲۴ مارس ۷۸ صورت پذیرد.

در ماه مارس اتفاقاً لاری جیل به رامکف پیشنهاد می کند که یک تلویزیون در اختیار رامکف بگذارد. این عمل با اعتراض مأموران ویژه روبرو می شود، معهداً موافقت می کنند و یک تلویزیون پاناسونیک سیاه و سفید به وی می دهند تا در هنگام دیدار رامکف از منزل لاری جیل به او داده شود (۱۹ مارس). در جلسه ۸ مه ۷۸ با سیا، سیا خبر می دهد که سیراک جانشین آشور کو رئیس بیمارستان شوروی شده و اطلاعات بیوگرافی ساده ای درباره او می دهد.

در اسناد هماهنگی با مأمورین سیا که مهمترین اسناد را هم تشکیل می دهند نام مأمورین سیا بعضاً با سمت آنها ذکر شده است.

علاوه بر اینها فعلاً یک سند رشته شده از اسناد سازمان سیا موجود است که به تلاشهای مأمورین

سفارت برای راه یافتن به محوطه پیشین آرمیش مگ (مستشاری آمریکا در ایران) و دسترسی به اسناد باقیمانده واحد ۷۲ اداره بازرسیهای ویژه نیروی هوایی که اسناد پرونده لاری جیل در میان آنها بود مربوط می شود. این اسناد و دسترسی به آنها از آن جهت برای سازمان سیا اهمیت داشته که نام چند تن از مأمورانش و همچنین نام جاسوس سیا از سفارت سوئیس در بعضی اسناد این پرونده خصوصا پوشه هماهنگی آن ذکر شده والا مابقی این پرونده از لحاظ سیا چندان قابل اعتنا دانسته نشده و علت هم آن بوده که یکی از مقامات پیشین عالیرتبه ساواک که پس از انقلاب به لندن گریخته (اس. دی. پرتیکست / ۱) به سیا اطلاع می دهد که یکی از منابعش اظهار داشته آناتولی رامکف یکی از اعضای سازمان ک. گ. ب. است و در صورت صحت این مطلب قضیه لاری جیل به صورت تلاشهای یک مأمور ک. گ. ب. برای کار روی یکی از عوامل اداره بازرسیهای ویژه در جهت منافع سازمانهای اطلاعاتی شوروی در می آید و لذا بازپس گرفتن اسناد مربوط به رامکف چندان حساسیتی ندارد.

در پایان اسناد مربوط به لاری جیل دو سند نیز تحت عنوان بیل کرین وجود دارد که مربوط به اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی آمریکا مستقر در تهران (واحد ۷۲) می باشد. محتوای این اسناد نیز شبیه مطالب مندرج در پرونده لاری جیل جذب و استخدام فرد روسی دیگری می باشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پتر ایوزیفویچ آشورکویک رئیس و یوری سمنوویچ چرومکین قائم مقام...

سری یادداشت شماره ۴۷، ۲۵ نوامبر ۱۹۷۴

از: سیا (SRF) به: اداره تحقیقات ویژه

موضوع: پتر ایوزیفویچ آشورکویک Petr Iosifovich Ashurko رئیس و

یوری سمنوویچ چرومکین قائم مقام رئیس بیمارستان صلیب سرخ شوروی

۱ پرونده های ما در رابطه با پتر ایوزیفویچ آشورکویک رئیس بیمارستان شوروی اطلاعات ذیل را

نشان می دهند. آشورکویک حدود سال ۱۹۷۳ در بوبروسیک تولد یافته است. او به جای ایوان ایوزیفویچ

گاج به عنوان رئیس این بیمارستان نشست و حدود نوامبر / دسامبر ۱۹۷۳ وارد ایران شد. او با رگینا

کوزیمیروفنا تارلتزکایا، متولد ۱۹۴۱ در مینسک ازدواج کرده است. رگینا شغل معلمی دارد. آشورکویک

به روس بایلوبی تکلم می کند و هیچ گاه محل خدمت خارج از کشور نداشته است. ما اطلاعی حاکی از

آنکه آشورکویک یک مأمور اطلاعاتی است نداریم.

۲ یوری سمنوویچ چرومکین در ۲۳ مه ۱۹۷۳ در گورکی تولد یافته است. همسرش نینا ولادیمیروفنا

یوتاشکوا متولد ۱۹۳۲ است. همسر وی ادعا می کند که شغلش مدیریت یا ویرایشگری است اما به عنوان

تایپیست و صندوقدار در بیمارستان شوروی کار می کند. وی علاوه بر آن مسئول پرونده های مربوط به

کارکنان ایرانی محلی بیمارستان می باشد.

۳ چرومکین در ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۲ به عنوان قائم مقام بیمارستان وارد ایران شد. وی از ۱۰ فوریه تا ۳

اکتبر ۱۹۷۱ دبیر سوم سفارت شوروی در لندن بود. نام چرومکین در کتابی که جان بارون با نام «کا. گ.

ب» اخیراً منتشر کرده، در بخشی تحت عنوان «شهروندان شوروی دست اندر کار عملیات مخفی در

خارج» به چشم می خورد. طبق این کتاب، چرومکین در ۳ اکتبر ۱۹۷۱ از بریتانیا اخراج شد. اگر چه اداره

ما چرومکین را احتمالاً یک افسر جی. آر. یو. به حساب می آورد، ولی وی از زمان ورودش به تهران مشغول در فعالیتهای اطلاعاتی مشاهده نشده است.

۴ در نوامبر ۱۹۷۳، چرومکین اظهار علاقه نمود که به رئیس بیمارستان نیروهای آمریکایی معرفی شود و از تأسیسات بیمارستان بازدید کند. در آن زمان دیداری ترتیب داده نشد اما در سپتامبر ۱۹۷۴ دوباره تمایل خود به ملاقات با رئیس بیمارستان آمریکایی را آشکار کرد. در اکتبر ۱۹۷۴ سرهنگ پلاتوف موافقت نمود که با چرومکین تماس بگیرد و به محض اینکه کار بازگشایی در بیمارستان آمریکایی اتمام پذیرفت، ترتیب یک ملاقات را بدهد.

سرهنگ دوم لئونید واسیلیوویچ داوینیا مأمور شناخته شده جی. آر. یو.

۱- متن انگلیسی این سند موجود نبود.

ص: ۱۰۷

سند شماره (۲)

سزی

سرهنگ دوم لئونید واسیلیوویچ داوونیا مأمور شناخته شده جی. آر. یو.

تاریخ و محل تولد: ۱۹۳۹، اوکراین تاریخ ورود: ۲ اکتبر ۱۹۷۵

شغل: دستیار وابسته نظامی، سفارت شوروی، تهران

پاسپورت: دیپلماتیک شماره ۲۱۸۷۴

خانواده: همسر ناتالیا ویکتوروفنا داوونیا؛ دختر مارینا، متولد ۱۹۶۶؛ پسر والرئ، متولد ۱۹۶۸

متفرقه:

داوونیا اظهار داشته که پدرش در آلمان «کشته» شده و مادرش نیز فوت کرده، خودش ده سال است که

ازدواج کرده و این اولین مأموریت وی در خارج از کشور است.

مشارالیه فردی صمیمی و همراه توصیف شده است. او خوش بنیه است، چشمان آبی رنگ، موی

بلوند، سرخ گونه دارد و پوشش موهایش کمی عقب می نشیند و به آسانی به خنده می افتد. همسرش زیبا و

همراه دانسته شده است.

داوونیا به فارسی تکلم نمی کند، اما شجاعانه تلاش می کند تا گفتگو را در سطح انگلیسی محدود خود

نگه دارد. وی در مدرسه زبان، مکتب زبان، فارسی می خواند.

اسناد لاری جیل

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۲ اوت ۷۶ سزی

ستاد نیروی هوایی بازرسیهای ویژه حوزه ۷۲ به: سیا، تهران

عطف به: نامه ۲۲۷ ۵۸۲ D ستاد

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

۱ (سری) پیرو مذاکرات قبلیمان، پرونده و نام پوششی فوق تعیین گردیده تا در آن نتایج عملیاتی ثبت شود که به منظور هدایت فعالیتهای مشارالیه (سوژه) در مناسبات اجتماعی نظارت شده او با شخصیتهای مختلف در ایران شروع گردید.

۲ (سری) اولین فعالیت در جهت پرورش بیشتر مناسبات فعلی با آناتولی سازانوف و سرهنگ دوم لئونید داوینیا خواهد بود تا اطلاعات تفصیلی در خصوص بیوگرافی به دست آید و زمینه ای برای معرفی منابع نظارت شده دیگری به این شخصیتهای آماده شود.

۳ (بدون طبقه بندی) اداره شما در جریان رویدادهای عملیاتی مهم، گذاشته خواهد شد و گزارشهای کتبی در اختیار شما قرار داده می شود.

فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

خیلی محرمانه D ۲۲۷ ۵۸۲ ستاد گزارش تماس شماره ۱، ۲۴، D اوت ۷۶

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

۱ تاریخ و زمان تماس: یکشنبه / ۲۳ اوت / ۷۶ / ساعت ۰۰/۹

۲ موقعیت محل تماس: بیمارستان ارتش آمریکا، تهران، ایران.

۳ موقعیت محل تماس حضوری: دفتر مشارالیه، بیمارستان ارتش آمریکا، تهران ایران.

۴ مدت ملاقات: ۵۰/۹ ۰۰/۹.

۵ افراد حاضر در ملاقات؛ مشارالیه و مأمور مربوطه.

۶ وسائط نقلیه مورد استفاده: مأمور مربوطه از یک وسیله نقلیه رسمی که برای اداره تحقیقات ویژه

حوزه ۷۲ تعیین شده برای رفتن به بیمارستان ارتش آمریکا استفاده کرد. این وسیله نقلیه یک پلیموت

فیوری ۱۹۷۳، سفید رنگ، شماره ثبت ۰۳۴۹۸ B ۷۳ ثبت تهران ۹۵۲۳۹ بود. وسیله نقلیه مزبور در

محوطه پارکینگ بیمارستان گذاشته شد چون مأمور مربوطه کارهای اداری را هم بررسی می کرد.

۷ غرض از تماس / ملاقات؛ ارزیابی بیشتر و حفظ رابطه و کنترل توسط مأمور.

۸ معرفی گزارشهای جنبی: گزارش مأمور مربوطه (ملاقات با منبع)

۱۰ ترتیبات ملاقات بعدی: به مشارالیه گفته شد که ظرف ۱۰ روز تلفنی با او تماس گرفته خواهد شد

تا ترتیب ملاقات آینده داده شود.

۱۴ گزارش تماس تهیه شده توسط: مأمور ویژه رونالد ام. فیلیپس

۱۵ توزیع: ستاد اداره تحقیقات ویژه/ IVOE۱

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۵)

سری

تاریخ: ۲۵ اوت ۷۶ شماره پرونده: D ۲۲۷ ۵۸۲ ستاد

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ نیروی هوایی حوزه ۷۲

تهیه شده توسط: گروه بان رونالد ام فیلیپس

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱ (سری) در ۲۲ اوت ۷۶، سیا / تهران درخواست یک ملاقات فوری با مأمور مربوطه نمود، غرض از

آن تأکید مجدد روی علاقه سیا بود به عملیات پرورش یک رابطه اجتماعی نظارت شده تا با استفاده از

مشارالیه اطلاعات به خصوصی در رابطه با آناتولی سازانوف دبیر سوم کنسولگری شوروی در تهران به

دست آید. سیا اطلاعات ذیل را که تاکنون در رابطه با سازانوف جمع آوری کرده اند در اختیار گذارده و به

نظر آنها پس از تأیید صحت این اطلاعات باید برای مسائل بعدی مربوط به فرار از خدمت مورد استفاده

احتمالی قرار گیرد.

سازانوف احتمالاً عضو ک. گ. ب بوده و این اولین مأموریت وی در خارج از کشور است. تصور می شود که مقام فعلی وی رئیس یکم مدیریت خارج از کشور در تهران باشد. در شش ماه تا یک سال گذشته، سازانوف مطمئناً دچار زحمت یا اشکال و ناراحتی بوده است. او در تهران خیلی موفق بوده و تا آنجا که سیا اطلاع دارد وی با افراد کشورهای بلوک غیر کمونیستی فقط ۱۶ تماس داشته است. او ظاهراً کارایی خود را از دست داده است. او شلخته، بی نظم، و فاقد روحیه تهاجمی است. او مکرراً وعده هایی را که قبول کرده می شکند، یا اگر هم در سر وعده حاضر می شود کاملاً دیر می آید. او در طی اقامت خود در تهران چند تصادف اتومبیل داشته است. او احتمالاً سخت مشروبخوار است و حداقل دوبار در حالت مستی در انظار عمومی دیده شده است آشکار است که سازانوف از زندگی خود و همچنین از شرایط کاری خود در تهران راضی نیست. هر چند که او از «خارج رفتن» بطور خاصی بدش نمی آید، قطعاً مایل است که از تهران برود.

در این رابطه، او مکاتباتی با یک مقام بلند پایه سابق در اینتوریست مینسک، شوروی داشته، عرضحالی برای سفیر شوروی در تهران نوشته و حتی نامه هایی به وزیر خارجه گرومیکو ارسال کرده است، و تمام اینها به قصد خلاصی از مأموریت فعلی خود است.

به نظر سیا، سازانوف مبتلا به مسائل حاد خانوادگی یا ازدواج نیست، هر چند که طبق گزارشها یک پسر ۱۱ ساله خود را در شوروی به جای گذارده است. آنها احساس می کنند که ازدواجشان اساساً آرام است، علیرغم آنکه خصوصیات همسرش آن را بیشتر به صورت دیگری نشان می دهد. درباره همسر سازانوف به نام ناتاشا گفته اند که خیلی جلوه گر، خوش نما، سرزنده، گستاخ، عشوہ گر، شوخ است و زبان انگلیسی را خوب می داند. معذرت درباره اینکه او خواستار مباشرت با یک مرد دیگر بوده باشد هیچگاه

اطلاعی داده نشده است. سازانوف و همسرش زمانی با هم آشنا شدند که سازانوف مأمور به خدمت در شهر دوشنبه در تاجیکستان شوروی بود. رابطه بین آنها ضمن تدریس زبان انگلیسی توسط ناتاشا به سازانوف شکل گرفت. ناتاشا در آن موقع یک معلم زبان انگلیسی بود. سازانوف اخیراً حدود تمام مجوزهای مبادله ارز خارجی خود را صرف خرید یک اتومبیل جدید و لگا نمود که در شوروی تحویل داده می شود. بنابر گزارشها، سازانوف این کار را بدون اطلاع کامل همسرش انجام داد، و در نتیجه پیش بینی می کرد که با همسرش مقداری درگیری داشته باشد و به طوری که گزارش داده اند همینطور هم شد ولی این درگیری بدون عواقب بعدی گذشت.

علیرغم مطالب یاد شده، مطلب ذیل اهمیت بیشتری دارد:

سازانوف به چند نفر بطور خصوصی اظهار داشته که مبتلا به یک بیماری ناشی از تشعشع رادیولوژیکی است و دچار یک مرض خون است که روی جگر او تأثیر می گذارد؛ و کاملاً پیش بینی می کند که در سنین جوانی از دنیا برود. او گفته که سابقاً مأمور به خدمت در دوشنبه در تاجیکستان بوده، «در آنجا در زمینی که روی آن راه می رفت از لابلاش اشعه درز می کرد.» هر چند که به سازانوف پیشنهاد شده برای امراض خود به یک بیمارستان برود، بطوریکه گفته اند سازانوف به خود اجازه نمی دهد که بستری شود چون وی به دکترهای روسی یا تسهیلات بیمارستانی آنها اعتماد ندارد. تصور می شود که در این رابطه او یک مالیخولیایی باشد، با این حال توصیه پزشکی روسها را نمی پذیرد.

۲ (سری) سیا اطلاع داد که آنها سعی کرده اند از تمام مطالب فوق تعبیر منظم به دست آورند. با توجه به اینکه گفته اند سازانوف در نوامبر ۷۶ برای مرخصی به وطن خود می رود و تا ژانویه ۷۷ باز نخواهد گشت، آنها فکر می کنند که زمان تشخیص درستی مطالبی که درباره شرایط جسمی / فکری سازانوف گفته شده و/ یا به دست آوردن اطلاع بیشتر از این شرایط هم اکنون فرا رسیده است و باید پیش از عزیمت وی باشد و دلایل آن هم مبرهن است. به نظر سیا مشارالیه یک فرد کلیدی در جهت نیل به مقاصدشان می باشد یا می تواند باشد.

سیا پیشنهاد کرده که طی جلسات اولیه توجیه تفصیلی مشارالیه در رابطه با مشکلات سازانوف حضور داشته باشد و یا ترتیب چنین جلساتی را بدهد و کاملاً وابسته به دیدگاههای اداره بازرسیهای ویژه باشد. سیا بدون تردید خاطر نشان ساخت که آنها به هیچ وجه اقدام به گرفتن کنترل اداره بازرسیهای ویژه بر مشارالیه به نفع خود نخواهند کرد.

۳ (سری) سیا پیشنهاد کرد که کمکهای لازم را در اختیار قرار دهند و اظهار داشتند که چون مشارالیه هم اکنون یک آشنایی با سازانوف دارد، تماس وی با سازانوف در گردهماییهای اجتماعی برای شروع مکالمه کار غیر عادی محسوب نمی شود.

۴ (سری) دو طرف توافق نمودند که طرح ریزی عملیاتی جهت ترتیب دادن تماس بین مشارالیه و سازانوف هر چه زودتر شروع شود.

توزیع: ستاد اداره بازرسی های ویژه ۱ نسخه

حوزه ۱۷۲ نسخه

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنک دوم نیروی هوایی

تاریخ: ۱ سپتامبر ۷۶ خیلی محرمانه نیروی هوایی حوزه ۷۲

گزارش مأموراداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ شماره پرونده: D ۲۲۷ ۵۸۲ ستاد

تهیه شده توسط: گروه بان رونالد ام. فیلیپس

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(خیلی محرمانه) در ۱ سپتامبر ۷۶، موضوع استفاده از مشارالیه و نقش وی در این عملیات توسط مأمور مربوطه و جانشین مأمور مربوطه با سیا / تهران هماهنگی شد. توافق شد که جهت دادن به فعالیتهای مشارالیه و امور نظارت بروی در اختیار قانونی اداره بارزسیهای ویژه باشد. به درخواست مأمور مربوطه، یک نماینده سیا، تهران کار توجیه مقدماتی تفصیلی مشارالیه در زمینه شخصیت مورد نظر را با حضور مأمور مربوطه انجام خواهد داد. برای برگزاری یک جلسه مشترک با مشارالیه بطور موقت، قراردایی گذاشته شد و جلسه در ۷ سپتامبر ۷۶ صورت خواهد گرفت. در خاتمه این جلسه، سیا / تهران توضیحاتی

در خصوص شرح احوال شخصیت‌های مورد نظر ارائه کرد.

توزیع: ستاد اداره بازرسی‌های ویژه ۱ نسخه

حوزه ۱۷۲ نسخه

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

سند شماره (۷)

سری ۱۶ سپتامبر ۷۶، ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

بیانیه اهداف عملیاتی تصویب شده

لاری جیل (بدون طبقه بندی)

۱ (سری) ایجاد یک ارتباط اجتماعی بین مشارالیه و آناتولی سازانوف دبیر سوم سفارت شوروی،

تهران و سرهنگ دوم لئونید داوینیا دستیار وابسته نظامی سفارت شوروی، تهران.

۲ (سری) جمع آوری اطلاعات در رابطه با شناخت بیوگرافی و شخصیت سازانوف و داوینیا.

۳ (سری) تعیین نوع ناراحتی طبی که سازانوف ادعای ابتلا به آن را دارد (یعنی مسمومیت

رادیولوژیکی خون).

۴ (سری) در صورت امکان بهره برداری از تفری که سازانوف اظهار داشته از ایران دارد و عدم

اعتماد وی به متخصصین طبی شوروی بوسیله ارائه تکنیک‌های پزشکی مورد استفاده در ایالات متحده.

۵ (سری) تحلیل شخصیت‌های سازانوف و داوینیا در رابطه با خوشایندها و ناخوشایندهای ایشان به

منظور معرفی مأموران دیگری برای دسترسی به آنها.

۶ (سری) اقدام به ایجاد و تشویق تماسهای بین مشارالیه و اعضای سفارت چین در تهران تا عاملان

دسترسی را علیه چینی ها در تهران روانه کنند.

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۸)

خیلی محرمانه

موضوع: گواهی تفاهم و توافق

من، سیمور لوین، داوطلبانه موافقت دارم که به اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی (آمریکا)

در یک قضیه ضد اطلاعاتی در جهت منافع ایالات متحده کمک کنم و در رابطه با این روابط نهایت

مخفیکاری را رعایت کنم. من درک می کنم که تمامی اطلاعات، وسایل، مخارج یا دیگر مطالب که از

سرویس دشمن در نتیجه این عملیات عاید شده از اموال دولت ایالات متحده می باشد. من متعاقبا توافق

می کنم که داوطلبانه یک آزمایش دروغ سنجی را در ارتباط با این قضیه ضد اطلاعاتی در فرصت هایی که

بوسیله اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی ضروری تشخیص داده می شود بگذرانم.

این مناسبات ممکن است در هر زمانی چه از جانب من یا اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی

هوایی با رضایت طرفین فسخ شود. مناسبات یا هر نوع اطلاعات به دست آمده بوسیله من در این مدت

بدون اظهار رضایت آشکار اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی پس از فسخ آن از جانب من
فاش نخواهد گردید.

امضاء: سیمور لوین

تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۶

رونالد. ام. فیلیس

شاهد

سند شماره (۹)

خیلی محرمانه

موضوع: موافقتنامه اسم مستعار

با توجه به جنبه های امنیتی همکاری من با اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی (آمریکا)،

AFOSI، قرار بر این شده که برای حفظ مخفی کاری کامل در رابطه با این مناسبات، من، سیمور لوین، نام

پائول ویندسور را به عنوان اسم مستعار جهت محافظت از این مناسبات انتخاب کنم.

به استثنای چیزهایی که میان من و مأمور مربوطه ام در آینده توافق خواهد شد، من تمامی اسناد

همچون رسید پولهای پرداخت شده و وسایل و چنین اقلامی را با اسم مستعار امضاء می کنم. من موافقت

می کنم که امضاء با اسم مستعار، آن چنان که در زیر نشان داده شده، قانوناً همچون امضاء با نام حقیقی

الزام آور باشد. من وجود چنین توافقنامه ای را بدون اظهار رضایت آشکار اداره بازرسیهای ویژه وابسته به

نیروی هوایی فاش نخواهم ساخت.

نام مستعار نام حقیقی تایپ شده یا تایپ شده یا چاپ شده: پائول ویندسور چاپ شده: سیمور لوین امضاء: ویندسور امضاء:

سیمور لوین شاهد: تایپ شده یا چاپ شده: رونالد ام. فیلیس امضاء: رونالد ام. فیلیس مشغول: مأمور ویژه اداره بازرسیهای ویژه تاریخ:

لاری جیل (بدون طبقه بندی) سری ۵۸۲ ۲۲۷ D ستاد

طرح ریزی عملیاتی

۱ (سری) بنابر ضرورت، تمرکز کوششها در این زمان باید روی تثبیت بیشتر مشارالیه در مناسبات خود با سازانوف پیش از عزیمت سازانوف در نوامبر به وطن خود قرار گیرد. بطور صریحتر، مشارالیه راهنمایی خواهد شد که از هر فرصت برای ملاقات با سازانوف استفاده کرده و آن را غنیمت بشمارد و در صورت امکان، ملاقاتها را بر اساس مبنای یک به یک تثبیت کند. طی این ملاقاتها، مشارالیه روی تمایل طبیعی سازانوف به مطرح کردن مشکلات پزشکی خود، کار خواهد کرد و با احساس ناخوشایندی که

سازانوف اظهار داشته نسبت به ایران دارد، همراهی خواهد کرد و در این ضمن علاقه صادقانه خود به پیشبرد رفاه و سلامتی سازانوف و پیشنهاد کمک در این زمینه را جا می‌اندازد. با آنکه ممکن است ولی متحمل نیست که طرز فکر سازانوف درباره اقدام به کاهش مدت مأموریت خود پیش از عزیمتش تغییر شدیدی پیدا کند. معذالک تصور می‌شود در صورتی که تلاش سازانوف برای کوتاه کردن مدت مأموریتش با موفقیت روبرو نشد، ممکن است در مراجعت به تهران به ندای دوستی مشارالیه بیشتر جواب دهد. به علاوه، این امکان هم وجود دارد که مشارالیه سازانوف را ترغیب کند به یک آزمایش جسمی کامل تن در دهد که این مکن است بسیاری از سؤالات را برای اداره تحقیقات ویژه و سازانوف حل کند. مشارالیه در نظر دارد در هفته حول ۲۲۱۶ اکتبر ۷۶ سازانوف را برای صرف شام به منزل خود دعوت کند و به دنبال آن یک دعوت متقابل را بپذیرد یا آنکه در صورت مناسبت و آشکار نبودن زیاد پیشنهاد خواهد کرد که پیش از عزیمت سازانوف یک بار دیگر دور هم جمع شوند.

۲ (سری) در همان زمان، مشارالیه راهنمایی خواهد شد که مناسبات خود با داوینا، آشور کویک و ونگ را با حضور در فعالیتهای اجتماعی مختلف رسمی و غیررسمی حفظ یا بیشتر تثبیت کند. براساس موفقیت وی در این تماسها در صورتی که مناسب بود مسئله راهنمایی مشارالیه به برقراری ملاقاتهای یک به یک (دو نفره) با یک یا چند نفر از این افراد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در نتیجه این ملاقاتها، اطلاعات بیوگرافیک به دست خواهد آمد و با داشتن یک نظر، معرفی منابع انتخاب شده بیشتر مطابق اقتضای شرایط شخصیت وی سنجیده خواهد شد.

۳ (سری) به منظور زمینه سازی برای تهیه گزارشهایی عمیق تر در نظر گرفته شده که اطلاعات همسر مشارالیه در رابطه با تماسها و مشاهدات خود از شخصیتهای مورد نظر تخلیه شود. در ابتدا یک توجیه مختصر درباره ۲۰۵ ۵۷ AFR، علاقه اداره تحقیقات ویژه به این هدفها و همکاری مشارالیه با اداره

تحقیقات ویژه به او داده خواهد شد. در این توجیحات روی دستیابی به اطلاعات مربوط به بیوگرافی و شخصیت تأکید خواهد شد. با پیدا شدن آشنایان بیشتر و گزارش درباره آنها، استعداد وی در اجرای یک وظیفه عملیاتی در رابطه با همسران افراد مورد نظر سنجیده خواهد شد. این کار وقتی صورت می گیرد که موقعیت، آن را ایجاب کند و به تصویب IVOE / اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی رسیده باشد.

۴ (سری) برای تسهیل ادامه دستیابی به اطلاعات به موقع درباره شخصیت مشارالیه و همچنین فراهم کردن یک راه ارتباط غیر حضوری برای موقع لزوم در نظر گرفته ایم که پس از جلب موافقت IVOE / اداره تحقیقات ویژه، همسر مأمور مربوطه آگاهانه در این عملیات به کار گرفته شود. همسر مشارالیه در محل فعالیت مشارالیه در موقعیتی مشغول به کار است که امکان دسترسی روزانه به تمام مناطق آن محل و تماس شخصی با کارمندان منجمله خود مشارالیه برایش میسر است. مشخصاً، وی منشی در بخش امور بیماران است. اظهارات و مشاهدات اخیری که در رابطه با مشارالیه، موافق یا غیر موافق در مورد شخصیت وی و مناسباتش با کارکنان به همسر مأمور مربوطه گفته شده یا مورد توجه وی واقع شده اند حاکی از آنند که اطلاعات و افری موجودند که بطور مؤثری در سنجش بیشتر مشارالیه کمک می نمایند. ماهیت قضیه این است که گزارشهای محدودی توسط منبع تهیه خواهد شد. همچنین استفاده از همسر مأمور مربوطه به عنوان یک میان بر را می توان در حین اجرای وظایف عادی وی تحقق داد. (توجه: شیوه های ارتباط غیر حضوری، ملاقاتهای شخصی و دستورالعملهای امنیتی بیشتری برای استفاده در این

عملیات تحت بررسی می باشند. از آنجایی که شرایط اینجا ایجاب می کند در کار با منبع به طرز غیر معمولی ملاحظات امنیتی رعایت گردد در طرح ریزی عملیاتی خود اشاره ویژه ای به آن نمودیم). برای آنکه استفاده از همسر مأمور مربوطه در این عملیات همراه با ایمنی باشد، ضروری است که مختصراً توجیه شود و در صورت مناسبت، یک تعهدنامه امنیتی را پر کند. مشخصاً به وی فقط گفته خواهد شد که: «مشارالیه در یک پرونده حساس ضد اطلاعاتی با اداره تحقیقات ویژه همکاری می کند. به منظور جلوگیری از آشکار شدن توجه اداره تحقیقات به مشارالیه نزد عموم بر اثر حضور بیش از حد مأمور مربوطه در آن محل، گاه به گاه از او خواسته خواهد شد که پیامهایی را انتقال دهد و بین مشارالیه و مأمور مربوطه پاکتهای مهموری را فردا حمل کند. به علاوه، برای مأمور مربوطه لازم است که از هرگونه خبر، موافق یا غیر موافق در رابطه با مرادوات، مناسبات مشارالیه با کارکنانش و یا با سایر افرادی که به اقتضای مقامش تماس دارد و او (همسر مأمور مربوطه) امکان تحت نظر داشتن آنها در ضمن اجرای وظایف روزانه خود را دارد آگاهی یابد.».

تصور می شود استفاده از همسر مأمور مربوطه در نقش دوگانه میان بر و منبع فرصتهایی هم برای آزمایش عملیاتی مشارالیه به یک نحو غیر محسوس را فراهم می کند. تأکید می شود که این طرح کاری نباید به عنوان طریقه «ارجح» یا تنها طریقه ارتباط غیر حضوری محسوب شود.

۵ در رابطه با ملاقاتهای فردی با منبع، در نظر گرفته شده که افراد منتخبی شناسائی شوند تا به عنوان نگهدارندگان محل های امن عمل کنند و ترتیب استفاده از اقامتگاههای ایشان بر اساس استفاده یک نوبتی یا غیر مکرر داده شود. این موارد اگر با ملاقاتهای فردی در رستورانهای محلی مختلف و مکانهای احتمالی ملاقات در ساختمان هتل قراردادی محل همراه شوند، تصور می شود که امنیت عملیاتی کافی تأمین خواهد شد. استفاده از ساختمانهای هتل های تجارتي، چون مستلزم پاسپورت برای ثبت است و

ملاقات در وسائط نقلیه متحرک به علت مشکلات عظیم رفت و آمد، در تهران مشکلات ویژه ای را در بر

دارد. تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۲۳ اکتبر ۷۶ سَری

نیروی هوایی، حوزه ۷۲ گزارش مأمور

شماره پرونده: D ۲۲۷ ۵۸۲ ستاداداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

تهیه شده توسط: گروه بان رونالد ام. فیلیپس

عطف به: RC شماره ۵

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱ (سری) در ۱۳ اکتبر ۷۶، این عملیات توسط مأمور مربوطه و جانشین مأمور مربوطه با نمایندگان

سیا / تهران هماهنگی شد. طی این جلسه سیا در زمینه کوکتل پارتی که مشارالیه در ۲۸ سپتامبر ۷۶

برگزار نمود توجیه شد. چون سازانوف و همسرش در ضیافت شرکت داشتند و بطور غیر قطعی پیشنهاد

مشارالیه را پذیرفتند که در آینده دور هم جمع شوند دو طرف توافق داشتند که این عملیات به آرامی جلو می رود. از جمله نکات مهم اظهارات سیا در رابطه با تماسی بود که یکی از نمایندگان آن در ۲ اکتبر ۷۶ با سازانوف داشت، در این تماس سازانوف اظهار داشت که در یک مهمانی در منزل مشارالیه شرکت کرده بود. سازانوف افزود که کاملاً نمی داند که چرا او به آن مهمانی دعوت شده بود. نماینده سیا بطور دقیق به خاطر نداشت که سازانوف در چه زمینه ای این حرف را زده بود (یعنی چرا او (سازانوف) به یک میهمانی که مشارالیه بانی آن بود دعوت شده بود یا چرا او (سازانوف) به این میهمانی که مدعوین آن از تیپهای بسیار مختلف بودند دعوت شده بود، به ویژه آنکه اکثریت سایر مدعوین افرادی بودند که سازانوف با آنها وجه اشتراکی نداشت).

استفاده فقط برای زمینه هشدار شامل منابع و شیوه های حساس است

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۱۲)

از: IVOE (۵۸۲ ۲۲۷ D) ستاد) به: اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲ / IVOE

ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی (بدون طبقه بندی)

(فرم ۹۶ شما، ۲۷ اکتبر ۷۶، طرحهای عملیاتی)

موضوع: لاری جیل

۱ (سری) مطابق SC، دلیلی ندارد که همسر مشارالیه نتواند به عنوان یک منبع آگاه در این عملیات به

کار گرفته شود. عملیات ساسل (D ۲۲۷ ۴۵۸ ستاد) در منطقه شما توسط یک تیم زن و شوهر اداره

می شد و فوق العاده خوب کار کرد. پیش از آنکه برای بدل کردن وی به یک منبع آگاه تصمیم قطعی اتخاذ

شود دو چیز باید در نظر گرفته شود. اولاً، اینکه شما او را قابل ایفای این وظیفه به حساب می آورید یا نه،

باید مشخص گردد. به عبارت دیگر، شناخت شما از قابلیت و التفات وی به اصول امنیتی چگونه است؟

ثانیا، شما باید به یک نحو غیر مستقیم یقینا دریابید که نظر جیل درباره مشارکت همسرش چه خواهد بود؟ چون جیل هنوز یک رابطه یک به یک با طرفهای مقابل ایجاد نکرده، برای سنجش همسر وی به تعیین قابلیت‌های وی باید وقت کافی در دست باشد و در عین حال بشود نظر مشارالیه درباره مشارکت همسرش را تشخیص داد. ضمنا شما می توانید به تخلیه ۲۰۵ ۵۷ IAW IFR وی بر یک اساس مورد به مورد ادامه دهید. در چنین زمانی اگر تشخیص دادید که همسر جیل را می توان استخدام کرد. لطفا این ستاد را مطلع فرمایید.

۲ (سری) استفاده از همسر مأمور مربوطه به عنوان یک منبع آگاه افشای غیر ضروری مورد علاقه عملیاتی اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی می باشد. اطلاع درباره جیل آشکارا از طریق مکالمات غیررسمی به دست می آید. تا به امروز، شواهدی از اینکه جیل رفتارش مظنون یا غیرعادیست و ایجاب می کند پرس و جوی دامنه داری توسط یک منبع آگاه صورت گیرد مشاهده نشده است. بنابراین، به نظر نمی رسد که با آگاه کردن همسر مأمور مربوطه چیزی به دست آید.

۳ (سری) استفاده از همسر مأمور مربوطه به عنوان یک میان بر آگاه، مسائل بالقوه اش بیش از آن است که بتوان آن را در نظر گرفت جز آنکه به عنوان مستمسک نهایی جهت غلبه بر مشکلات امنیتی عظیم در

روابط بین منبع مأمور مربوطه بررسی شود. از موارد ۶ تا ۹، بخش «طرح ریزی ضد اطلاعاتی» چنین برمی آید که جیل دلایل قانونی برای تماس آشکار توسط اداره تحقیقات ویژه دارد (یعنی اینکه وی فرمانده یک واحد است).

فورست آ. سینگهوف

سرهنگ نیروی هوایی آمریکا

رئیس ضد اطلاعات

سند شماره (۱۳)

سری ۲۸ اکتبر ۷۶

از: اداره بازرسیهای ویژه، حوزه ۷۰، لیندسی آلمانبه: ستاد واشنگتن دی. سی

عطف به: نامه حوزه ۷۲، مورخ ۹ اکتبر ۷۶ و اداره بازرسیهای ویژه ۹۶ FM

مورخ ۱۰ اکتبر ۷۶ (۲۲۷ ۵۸۲ D ستاد)

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

۱ (سری) در ۱۹ اکتبر ۷۶ حوزه CC/۷۰ و IVO با نماینده ضد اطلاعات / معاونت اطلاعاتی ستاد

خبری زمینی آمریکا در اروپا هماهنگی نمودند و سرلشکر مک کابی را مطابق درخواست حوزه ۷۲ توجیه نمودند.

۲ (سری) تیمسار مک کابی با استفاده از مشارالیه بنابر طرحی که رئوسش در نامه مرجع مشخص

شده کاملاً موافقت داشت. معذرت تیمسار این درخواست را هم مطرح کرد که ما بررسی نماییم آیا بین

فعالیت‌های مشارالیه و قرارداد ژنو تعارضی وجود دارد یا نه؟ خصوصاً آنکه، قرارداد ژنو لازم می دارد

پرسنل درمانی افراد تمام کشورها را تحت معالجه قرار دهند و هر گونه کمک پزشکی که داده می شود باید

به خاطر مریض باشد ولا غیر. ما اطلاع داریم که مشارالیه به عنوان یک «در و پنجره» عمل می کند و از او تقاضای مداخله در فعالیتهای ضد اطلاعاتی نخواهد شد، معذرت این را از طریق ستاد خود تأکید خواهیم کرد و تیمسار مک کابی، را در جریان توصیه آنها قرار نخواهیم داد.

۳ (سری) در مذاکرات بعدی با نماینده معاونت اطلاعاتی ستاد در رابطه با درخواست تیمسار مک کابی معاونت اطلاعاتی خواستار هماهنگی اداره بازرسیهای ویژه با دستیار اطلاعاتی ریاست ستاد نیروی زمینی و ستاد مرکزی سیا شد. به گمان معاونت اطلاعاتی برای مواقعی از این قبیل، سوابق قبلی باید وجود داشته باشد. معاونت اطلاعاتی همچنین اظهار داشت که آنها باید ریاست ستاد و سرفرماندهی نیروی زمینی آمریکا در اروپا را توجیه کنند. برای این منظور نسخه ای از نوشته مطالب توجیهی خود را به معاونت اطلاعاتی دادیم.

۴ (سری) معاونت اطلاعاتی همچنین درخواست کرد که ما در فکر توجیه رکن ۲ فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا باشیم زیرا آنها در ارتباط با افراد نظامی مأمور به خدمت در حوزه ۷۲ حق ویژه ای دارند. نظریات و موافقت شما با توجیه رکن ۲ فرماندهی اروپا را خواستاریم.

۵ (بدون طبقه بندی) یک نامه گزارشی به حوزه ۷۲ و ستاد اداره بازرسیهای ویژه / IVO متعاقباً ارسال خواهد شد. (خروج از طبقه بندی سال ۲۰۰۶)

ص: ۱۱۷

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۲۹ اکتبر ۱۹۷۶ اداره تهیه کننده: حوزه ۷۰

شماره پرونده: D ۲۲۷ ۵۸۲ ستاد ۷۶ تهیه شده توسط: گروه بان فرانسیس آر. دیلون

عطف به: نامه حوزه ۷۲ مورخ ۹ اکتبر ۷۶ گزارش مأمور

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱ (سری) در ۲۶ اکتبر ۷۶، سرهنگ سی. ال. مارتین فرمانده اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۰، سوابقی

را در رابطه با این عملیات به اطلاع افراد ذیل از پرسنل معاونت / اطلاعاتی ستاد / نیروی زمینی آمریکا در

اروپا رساند:

سرهنگ دین شانسه معاون اطلاعاتی / نیروی زمینی در اروپا.

سرهنگ جان سی. راجرز رئیس بخش ضد اطلاعات / D معاونت اطلاعاتی / نیروی زمینی در اروپا

آقای توماس سی. هیوز دستیار ویژه رئیس بخش ضد اطلاعات / D معاونت اطلاعاتی / نیروی

زمینی در اروپا.

سرهنگ دوم دوگلاس هالدین رئیس شعبه عملیات ویژه / D معاونت اطلاعاتی / نیروی زمینی در

اروپا.

الف با مرور نوشته مطالب توجیهی ما برای تیمسار سرلشکر مک کابی فرمانده فرماندهی پزشکی

نیروی زمینی آمریکا در اروپا، سرهنگ شانسه و سرهنگ راجرز اظهار داشتند که به نظر آنها در این

هماهنگی اشکالی وجود ندارد. معذرت، بنابر شیوه معمول عملیاتی آنها، هم ریاست ستاد و هم

سرفرماندهی نیروی زمینی در اروپا باید در جریان این عملیات قرار داده شوند. یک نسخه از نوشته مطلب توجهی نزد سرهنگ راجرز گذاشته شد تا ایشان یا سرلشکر دیلارد، معاونت اطلاعاتی ستاد / نیروی زمینی در اروپا بتوانند شخصا ریاست ستاد و سرفرماندهی را توجیه کنند.

ب سرهنگ شانسه درباره درست بودن توجیه رکن ۲ فرماندهی اروپا سؤال کرد. چون اکثر پرسنل نظامی مستقر در ایران تحت کنترل THEATER فرماندهی نیروهای اروپا می باشند، به سرهنگ شانسه اطلاع داده شد که با موافقت ستاد اداره تحقیقات ویژه ترتیب توجیه رکن ۲ فرماندهی اروپا را خواهیم داد.

ج مسأله اطلاعات تکمیلی برای پرسنل لازم نیروی زمینی در اروپا هم توسط سرهنگ راجرز مطرح شد. به او گفته شد که خلاصه های مناسبی در اختیار دفتر وی قرار داده خواهد شد تا معاونت اطلاعاتی و سرفرماندهی نیروی زمینی در اروپا در جریان وقایع عمده مربوط به مشارالیه واقع باشند.

۲ (سری) در ۲۶ اکتبر ۷۶، سرلشکر مارشال مک کابی در حضور سرهنگ دوم هالدین توسط سرهنگ مارتین و سرگرد دیلون توجیه شد. تیمسار مک کابی با استفاده از مشارالیه بنابر طرحی که رئوسش در ضمیمه ۱ مشخص شده کاملاً موافقت داشت. با این وجود، تیمسار مک کابی این را هم درخواست کرد که ما بررسی کنیم آیا بین فعالیتهای مشارالیه و قرارداد ژنو تعارض وجود دارد یا نه. بگفته

تیمسار مک کابی، قرارداد ژنو لازم می دارد که پرسنل پزشکی کمک پزشکی خود را در اختیار افراد همه کشورها قرار دهند و این کمک باید صرفاً به خاطر مریض باشد و لاغیر.

تیمسار مک کابی اطمینان نداشت که در این مورد به خصوص تعارضی وجود دارد. اما درخواست نمود که این مسئله در سطوح بالاتری بررسی شود تا اطمینان حاصل گردد، درگیری پرسنل پزشکی در فعالیتهای اطلاعاتی عواقب دیپلماتیک ندارد. به تیمسار مک کابی اطلاع داده شد که مشارالیه به عنوان یک «در و پنجره» عمل خواهد کرد و به هیچ وجه از او خواسته نخواهد شد که وارد فعالیتهای اطلاعاتی گردد. به علاوه، اینکه هر کمک عرضه شده به مریض توسط مشارالیه صرفاً به خاطر خود مریض خواهد بود. به تیمسار مک کابی اطلاع داده شد که ما از ستاد خود سؤال خواهیم کرد تا مطمئن شویم، این مسئله از طریق سازمانهای ذی صلاح در واشنگتن هماهنگی می شود و ما او را در جریان پاسخ آن قرار خواهیم داد.

۳ (سری) در یک مذاکره بعدی با نمایندگان معاونت اطلاعاتی در رابطه با درخواست تیمسار مک کابی، سرهنگ راجرز توصیه کرد که ستاد اداره تحقیقات ویژه این مسئله را با دستیار اطلاعاتی ستاد نیروی زمینی و ستاد سیا هماهنگ نماید. سرهنگ راجرز گمان داشت که برای استفاده از پرسنل پزشکی در زمینه عملیات اطلاعاتی باید سوابق قبلی وجود داشته باشد. به سرهنگ راجرز گفته شد که پیش از برگزاری یک ملاقات تکمیلی با تیمسار مک کابی و پاسخ داده شده به تیمسار مک کابی با دفتر وی هماهنگی خواهد شد.

ضمیمه: ۱ نوشته مطالب توجیهی

تصویب الن بی هرشون

سرهنگ دوم نیروی هوایی

معاون فرماندهی عملیات تحقیقی

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۹ دسامبر ۷۶ سری

نیروی هوایی، حوزه ۷۲ اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

(اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی) شماره پرونده: D ۲۲۷ ۵۸۲ استاد

تهیه شده توسط: گروه بان رونالد ام. فیلیسگزارش مأمور

عطف به: RC شماره ۱۴

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۱۴ دسامبر ۷۶ این عملیات توسط مأمور مربوطه و مأمور ویژه کورتیس اس. موریس با

سیا / تهران هماهنگی شد تا پیرامون فعالیت عملیاتی آتی مشارالیه در رابطه با سازانوف و سایر

شخصیتهای مورد نظر طرح ریزی شود.

ولادیمیر اسکوتزکو، نماینده سیا، اظهار داشت که وی بابت تلاشهای عملیاتی جیل خیلی متشکر

است. به علاوه، وی فکر می کرد که فعالیتهای جیل در کنار چندین عامل دیگر واسطه در دسترس سیا در

ترسیم سیمای روشنتری از سازانوف بسیار مفید بوده است. با توجه به حاضر نشدن سازانوف در قرار شام

با جیل در تاریخ ۱۴ نوامبر ۷۶ و تماس نگرفتن وی با یک عامل مخفی سیا در ۱۶ نوامبر ۷۶، اسکوتزکو اظهار داشت که ممکن است اقدامات یک عامل مخفی سیا، مأموریت موقت سازانوف یا فی الواقع شیوه ظاهرا عادی سازانوف که فراموشکاری و بی نظمی فردی از خود نشان می دهد موجب این عدم حضور شده باشد. این دو دلیل ذکر شده آخر به احتمال قویتر موجب این «غیبت» بوده اند. در این اواخر، سایر کسانی که با سازانوف در تماس بوده و مشغول برقراری یک رابطه صمیمی با وی بودند گهگاه و بطور ناگهانی دیده اند که تماس با آنها قطع شده است. «خلف وعده» با طرف خود چیز غیر عادی نبود.

اسکوتزکو اطلاع داد که یک عامل مخفی سیا در ۱۱ نوامبر ۷۶ با سازانوف ملاقات کرد و به او گفت که او با سایر افراد روس در تهران تفاوت دارد. خصوصا آنکه سازانوف فردی حساس، مخفی کار اما بیشتر قابل معاشرت است. همچنین، این عامل سیا به دوستی با سازانوف ارج می گذارد. این روال کلی در جریان ملاقات آنها دنبال شد به این منظور که به سازانوف فهمانده شود او با دیگران تفاوت دارد. ظاهرا این نقشه همراه با تماسهای سازانوف با جیل ممکن است موجب برقراری مناسبات صمیمانه تری شود. کمال مطلوب آن است که این عامل مثبتی برای تحت تأثیر قرار دادن سازانوف شود تا اگر در آینده تصمیم گرفته شد به او «پیشنهاد همکاری» داده شود او بپذیرد. (در حال حاضر طرحی برای اجرای این کار در نظر گرفته نشده و در صورتی که این اقدام مورد بررسی قرار گرفت به اداره تحقیقات ویژه اطلاع داده خواهد شد). «نقشه من فرد متفاوتی هستم» می تواند سازانوف را در موقعیت ناهنجاری قرار دهد. اگر سازانوف آن را با کس دیگری از جماعت روسها در تهران در میان بگذارد او به عنوان یک «خواهر ضعیف» شناخته خواهد شد یعنی آنکه وی یک خطر امنیتی بالقوه است و از تماس با بیگانگان منع خواهد شد.

خلاصه آنکه، کارایی، موقعیت و شهرت وی به عنوان یک «رفیق وفادار» بطور جبران ناپذیری ضایع خواهد شد. چون سازانوف فرد باهوشی است امکان اینکه وی موضوع «من فرد متفاوتی هستم» را با

دیگران مطرح کند عملاً بعید است. او ملتفت خواهد شد که به عنوان یک خطر امنیتی شناخته شدن چه مشقاتی برای فرد او در بر دارد و این قابل درک است. پس از اظهار این مطلب در ۱۱ نوامبر ۷۶ به وی، سازانوف در ضیافت شام جیل در ۱۴ و قرار ملاقات با عامل سیا در ۱۶ نوامبر حاضر نشد. به هر دلیل عملی که بود، به نظر می رسید که سازانوف تماس با اعضای جماعت دیپلمات رسمی را کنار گذاشته است. معذرت در نتیجه تحقیقات بی و سر و صدای جیل و سیا معلوم شد که سازانوف ظاهراً به مسافرت رفته است.

اطلاع حاصل شد که سازانوف در یک ضیافت بزرگ (با حدود ۷۰۰ میهمان) به تاریخ ۱۲ دسامبر ۷۶ در سفارت امارات عربی متحده در تهران شرکت کرده و در آن مکالمه مختصری با یک نماینده سیا داشته است. سازانوف اظهار داشت که به مسافرتی به اصفهان رفته بوده و در تدارک گذراندن مرخصی در وطن خود بود. سازانوف همچنین اظهار داشت که بواسطه کثرت تعداد گزارشهای آخر سالی که می بایست پیش از رفتن به اتمام برساند عزیمت وی به وطن تا ۲۳ دسامبر ۷۶ به تأخیر افتاده است. سازانوف ضمن آنکه گرم و صمیمی بود بیشتر از معمول خوددار به نظر آمد و در جواب به سؤالاتی که در خصوص فعالتهایش طی هفته های اخیر شد طفره می رفت. چون سازانوف اظهار داشته بود که شش هفته به مرخصی می رود، سیا / تهران فی الواقع پیش بینی نمی کرد که وی تا آخرین هفته فوریه یا اولین هفته مارس ۱۹۷۷ به تهران بازگردد. به علاوه چون سازانوف در آن ضیافت بوده و در کنار کار خود روی گزارشها، مأموریت موقت

هم داشته اینکه وی درباره موضوع «من فرد متفاوتی هستم» با کسی صحبت کرده باشد قابل تردید است. دو طرف متفقا نظر دارند که مشارالیه نباید برای تماس با سازانوف حتی پس از مراجعت وی از مرخصی بازگشت به وطن پیشقدمی بیشتر به خرج دهد ولی در صورتی که سازانوف تماس گرفت وی باید همچنان آنها را بپذیرد. سیا به تماسهای مشارالیه با ریاباوالوف که به نظر آنها مظنون به وابستگی به جی. آر. یو است، اظهار علاقه کرد. توافق شد که مشارالیه را واداریم اقدام به برقراری مجدد تماس با وی و همچنین برقراری مجدد و دنبال کردن تماسهای خود با دوابنیا نماید.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

استفاده فقط برای زمینه

هشدار: شامل منابع و شیوه های حساس است.

سند شماره (۱۶)

سوم نوامبر ۷۶ خیلی محرمانه

نیروی هوایی، حوزه ۷۲ (اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی) گزارش مأمور

شماره پرونده: ستاد مرکزی حوزه ۲۲۷ ۵۸۲ D دفتر تهیه کننده: حوزه ۷۲

تهیه شده بوسیله: مأمور ویژه، رونالد. ام. فیلیپسمرجع: RC شماره ۵

عناوین (توافقنامه های مالی)

عنوان: لاری جیل (طبقه بندی نشده)

AR (خیلی محرمانه) در جریان ملاقات ۲۹ سپتامبر ۷۹، (مرجع ملاقات با منبع) شخص فوق الذکر به عنوان منبع در این عملیات استخدام شد و در ارتباط با توجیهی که ضمن استخدام به عمل آمد به وی گفته شد که تمامی مخارجی که او در هنگامی که اداره بازرسیهای ویژه را در پشتیبانی از این عملیات یاری می کند، متحمل شود بوسیله مأمور مربوطه جبران خواهد گردید. توضیح داده شد و فرد مذکور با آگاهی دریافت که فقط مخارجی را که به دستور اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی متحمل شده پرداخت خواهد گردید و از فرد مذکور خواسته شد تا حساب دقیقی از مخارجش را حفظ کند. مأمور مربوطه با اشاره به میهمانی صرف مشروب در ۲۸ سپتامبر ۷۶ پیشنهاد کرد، مخارجی که به عهده وی افتاده بود بازپرداخت شود چون وی با دعوت از افراد مورد هدف به عملیات کمک کرده و این کارش مبنای تماسهای بیشتری شده بود و وسیله توسعه بیشتر مناسباتش با آن افراد شده بود.

فرد مذکور اظهار داشت که او در مورد جبران مالی نگرانی نداشته است. وی گفت: «تمایلی ندارم که یک دسته کاغذ اداری را فقط برای چند دلار پر کند.» مأمور مربوطه احتمال افزایش مجالس اجتماعی در آینده را توضیح داد که همه آنها پس از مدتی به طرز چشمگیری افزایش خواهد یافت. پیشنهاد گردید که هر بار که پولی خرج می شود جبران بشود تا از پیگیری و جمع آوری تمامی این جزئیات در آینده احتراز شود. فرد مذکور با این توصیف که او هیچ راهی برای دانستن حتمی اینکه چه مقدار میهمانی خرج برای او برداشته است ندارد گفت که «در این مورد فکر خواهد کرد.» مأمور مربوطه به فرد مذکور گفت که فهرستی

از مخارج را حتی الامکان با دقت تهیه ببیند و در یک ملاقات آینده بیشتر درباره موضوع صحبت خواهد شد که فرد مذکور با آن موافقت کرد.

توزیع: ستاد مرکزی اداره بازرسیهای ویژه وابسته به نیروی هوایی تأیید شد.

فرانک. ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

فقط برای استفاده به عنوان سابقه

هشدار شامل منابع و شیوه های حساس است.

سند شماره (۱۷)

۶ نوامبر ۷۶ سزی

نیروی هوایی، حوزه ۷۲ گزارش مأمور

شماره پرونده: ۲۲۷ ۵۸۲ D ستاد اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

تهیه شده توسط: گروه بان جیمی ال. استوت

عطف به: RC شماره ۶

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱ (سزی) در ۲۴ اکتبر ۷۶، گروه بان کورتیس اس. موریس و جانشین مأمور مربوطه پیرامون این

عملیات با سیا / تهران مذاکره کردند. به تلاشهای جیل برای تماس با آناتولی سازانوف اشارات صریحی

گردید. به سیا اطلاع داده شد که جیل هنوز تماس مجددی با سازانوف برقرار نکرده است هر چند که اقداماتی در این رابطه انجام گرفته بود. قرار شد که ملاقاتی بین مأمور مربوطه و جیل در رابطه با اوضاع برگزار شود.

سیا سپس اطلاع داد که یکی از نمایندگان اداره آنها مرادوات هفتگی دو هفتگی با سازانوف داشته و دارد. معذرت، اقدامات اخیر برای برقراری تماس شخصی نیز با موفقیت روبرو نشده و باعث ناامیدی آنها گشته است. به دنبال یک تماس تلفنی با کنسولگری شوروی در تهران (با شماره تلفن دفتر سازانوف) که در هفته گذشته صورت گرفت، نماینده سیا پی برد که سازانوف به علت یک بیماری که نوعش فاش نشد در بیمارستان بستری است و سر کار خود حاضر نشده است.

۲ (سری) در ۲۸ اکتبر ۷۶، نماینده سیا / تهران که فوقاً به وی اشاره شد، به جانشین مأمور مربوطه

اطلاع داد که دوباره توانسته با سازانوف تماس برقرار کند.

سازانوف توضیح داد که بعد از یک هفته یا ۱۰ روز طی دوران نقاهت یک حمله قلبی ضعیف، بتازگی از

بیمارستان شوروی مرخص شده است. نماینده سیا اظهار داشت که وی از سازانوف و همسرش دعوت

کرده بود که با وی به یک برنامه ورزشی در ۲۹ اکتبر ۷۶ بیایند و در آن موقع وی اقدام به پرس و جو درباره

جزئیات بیماری اخیر سازانوف خواهد نمود.

۳ (سری) در ۲۹ اکتبر ۷۶، سیا / تهران اطلاع داد که سازانوف و همسرش دعوت فوق را قبول کرده اند و پیرو آن برای دیدار به منزل نماینده سیا رفتند. سازانوف تکرار کرد که علت بستری شدن وی یک حمله قلبی ضعیف بوده است. معذرت، سیا فکر می کند که ممکن است سازانوف کاملاً راست نگفته باشد؛ سازانوف دائماً سیگار می کشید و طی آن دیدار اجتماعی وی در پذیرفتن مشروبات مخلوط تردیدی بخود راه نمی داد. هنگامی که آن نماینده سیا از سازانوف پرسید علت ادامه استفاده وی از تنباکو و مشروب الکلی چیست با آنکه خودش می گوید یک حمله قلبی داشته است؟ سازانوف فقط لبخند زد و با بی اعتنایی از این حرف گذشت.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنک دوم نیروی هوایی

فرمانده

استفاده فقط برای زمینه

هشدار شامل منابع و شیوه های حساس است.

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶

سند شماره (۱۸)

۲ فوریه ۷۷ سری

نیروی هوایاداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۰

شماره پرونده: D ۲۲۷ ۵۸۲ استاد گزارش مأمور

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۰ تهیه شده توسط: مأمور ویژه برتون آ. کستیل

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۲۲ ژانویه ۷۷، مأمور ویژه برتون آ. کستیل این عملیات را با سرهنگ دوم دی. دبلیو. هالدین رئیس SO (ضد اطلاعات) ACACB / سرفرماندهی نیروی زمینی آمریکا در اروپا هیدلبرگ، جمهوری فدرال آلمان هماهنگ کرد و خلاصه ای از فعالیتهای جیل تا تاریخ ۲۶ دسامبر ۷۶ را در اختیار گذارد. هالدین از پیشرفت این عملیات راضی بود، معذرت کمی اظهار نگرانی کرد که آیا جیل بطور فعال مؤظف به تلاش و ترتیب دادن / پرورش روابطی بوده که اضافه و فراتر از فعالیت عادی وی بوده اند. به هالدین گفته شد که به واسطه رتبه، مقام نظامی و موقعیت اجتماعی جیل بطور فعال وظایفی در جهت داشتن فعالیت تهاجمی / ضربتی برای پرورش افراد به نحوی که غیر عادی باشد به وی ابلاغ نشده است. اضافه بر آن به هالدین اطلاع داده شد که خلاصه های دیگری به موقع و بطور منظم در اختیار دفتر وی قرار خواهد گرفت.

تصویب رابرت وس. لوکنز

سرگرد نیروی هوایی

رئیس شعبه عملیات ضد اطلاعاتی

تاریخ خروج از طبقه بندی. ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

۱۹ آوریل ۱۹۷۷ سَری

گزارش مأمور شماره پرونده: ۳۲۳۴۵ D ستاد ۷۷

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ تهیه شده توسط: مأمور ویژه رونالد ام. فیلیس

عطف به: گزارش تماس شماره ۲۴

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(چیزهای داده شده برای استفاده عملیاتی)

(سَری) در ۱۵ مارس ۷۷، طی یک ملاقات حضوری بین مشارالیه و مأمور مربوطه، یک دستگاه

تلویزیون قابل حمل سیاه و سفید پاناسونیک مدل BF ۲۳۸ TR، شماره سری ۲۱۵۳۵...، پیرو مجوز قید

شده در پیام ۸ مارس ۷۷ اداره تحقیقات ویژه / IVO در اختیار مشارالیه گذارده شد. توضیح داده شد که

مشارالیه این دستگاه تلویزیون را هنگامی که آناتولی رامکف، قائم مقام رئیس بیمارستان شوروی در

تهران به منزل او می آید، به وی اهدا کند. به مشارالیه گفته شد که از این دستگاه باید همچون یک «وسیله

دست دوم» مراقبت به عمل آید. به علاوه، مشارالیه باید زمانی که این دستگاه به رامکف داده شد، باید برای

توضیح نحوه تهیه آن اساساً مطالب ذیل را نقل کند:

مشارالیه به هنگام ورود به تهران، همراه خانواده حدود سه ماه را در یک هتل محلی گذارند تا آنکه

اقامتگاهشان آماده شد. طی این مدت این تلویزیون را برای راحتی فرزندانش خرید چون یک سرگرمی

بود که در هتل به آن دسترسی نبود. پس از نقل مکان به اقامتگاه و دریافت لوازم خانگی خود که شامل

چهار دستگاه تلویزیون هم که سابقاً در ایالات متحده خریده بود می شد این تلویزیون سیاه و سفید کنار

گذارده شد و مورد استفاده واقع نشد.

به مشارالیه توصیه شد که هر مبلغ جزئی را اگر دکتر رامکف پیشنهاد کرد که بابت آن پردازد قبول کند.
به مشارالیه گفته شد در صورتی که دکتر رامکف نسبت به قبول این دستگاه به عنوان یک هدیه صاف و ساده بی میلی نشان داد. او می تواند یک قیمت جزئی را عنوان کند و به دکتر رامکف تأکید نماید که این دستگاه واقعا استفاده ای ندارد و فقط «جا می گیرد.» در خاتمه این ملاقات مشارالیه بابت دستگاه یک رسید با نام حقیقی امضاء کرد که برای مراجعات بعدی نزد مأمور مربوطه نگهداری می شود. نسخه ای از این رسید با محموله جداگانه ای به ستاد اداره تحقیقات ویژه / IVOE ارسال می شود. (رجوع شود به پیامهای ۱۳ فوریه ۷۷، و ۷ مارس ۷۷).

توزیع: ستاد اداره تحقیقات ویژه / IVOE نسخه

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

گزارش مأمور شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D استاد ۷۷

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ تهیه شده توسط: مأمور ویژه رونالد ام. فیلیپس

عطف به: گزارش تماس شماره ۲۴

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(اخطارها / اشکالات کنترل)

(سری) در ۱۵ مارس ۷۷، طی یک ملاقات حضوری با مأمور مربوطه، توصیه هایی که هنگام

استخدامش به وی داده شد خاطر نشان گردید. مشخصا، به مشارالیه خاطر نشان گردید که لازم است در

اتخاذ تصمیماتی که روی جهت امور عملیاتی و خصوصا روی امور مربوط به هزینه تأثیر می گذارند از

دستورالعملهای مأمور مربوطه پیروی کند. در رابطه با مذاکرات (وی) با دکتر آنتولی رامکف قائم مقام

رئیس بیمارستان شوروی در تاریخ ۲۳ فوریه ۷۷ در تهران که طی آن مشارالیه پیشنهاد کرد یک دستگاه

تلویزیون برای رامکف تهیه کند، به مشارالیه خاطر نشان گردید که این قول و تعهد بدون جلب موافقت

قبلی مأمور مربوطه صورت گرفته و در نتیجه کارهایی با یادداشتهای فوری انجام گرفتند که اگر وی در آن

موقع این قول را به عهده نگرفته بود بهتر می شد آنها را برنامه ریزی کرد. مأمور مربوطه به مشارالیه گفت با

آنکه هیچ لطمه آشکاری وارد نشده چون رامکف هنوز در رابطه با تلویزیون به دیدار وی نیامده یا تماس

نگرفته؛ ولی اگر چنین می شد، انعکاس ناخوشایندی روی مقبولیت و مورد اعتماد بودن مشارالیه نزد

رامکف می داشت و ممکن بود روی طرحهای عملیاتی آتی تأثیر گذارد. مشارالیه به اشتباه خود در این

مورد اعتراف کرد و به نظر مأمور مربوطه شرایطی از این قبیل دیگر نباید رخ دهند.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۱ مه ۷۷ سزی

از: COS تهرانیه: AFSSO USAFER

رونوشت برای: AFSSO USAF توزیع محدود از حوزه ۷۲/ IVOE

عطف به: الف) پاراگرافهای ۶۹، ۳۲، ۱۲۴ AFOSIR ب) گزارش مأمور (ملاقات با مأمور)، ۴ ژانویه

۷۷ ج) گزارش مأمور (ملاقات با مأمور)

(عطف به ۱۲ RC و ۱۳)، ۲۸ دسامبر ۷۶)

۱ (سزی) در جریان «پنج صفر» در ۲۵ آوریل ۷۷ بایبل و ث (CN) که یک فرد ۴۳۶ است و در

گزارش مرجع ب بیشتر معرفی شده، مذاکره به امور حرفه ای کشیده شد. مشارالیه اظهار داشت که در آینده

نزدیک در یک کنفرانس حرفه ای که در ناحیه حوزه ۷۰ برگزار می شود شرکت خواهد کرد و گفت ای کاش، وث می توانست در آن شرکت کند چون این کنفرانس برای وث از لحاظ حرفه ای ذیقیمت می باشد. وث اظهار داشت که مایل است در آن شرکت کند اما فکر نمی کند که هیچ گاه بتواند چنین کاری را انجام دهد. وث سپس پرسید آیا مشارالیه از نشریات حرفه ای در دسترس در رابطه با فنون، شیوه ها و تجهیزات جدید استفاده می کند. مشارالیه توضیح داد که بیشتر اطلاعات شفاها مطرح خواهد شد اما اگر نشریاتی در دسترس واقع شد اقدام به جمع آوری تعدادی از آنها خواهد نمود. به دنبال این مذاکره، مشارالیه جزوه ای در اختیار وث گذارد که در آن مقالات ارائه شده توسط متخصصین مختلف در حرفه خود درج گردیده بود و ظاهراً توجه وث را به خود جلب کرد. این جزوه یک سند بدون کنترل، بدون طبقه بندی ارتش آمریکاست که ماهانه انتشار می یابد و حاوی یک مقاله نوشته مشارالیه بود. لازم به توجه است که دادن این جزوه یک عمل فی البداهه بود که مشارالیه مرتکب شد. مأمور مربوطه سابقاً مشارالیه را در رابطه با ضرورت جلب موافقت برای چنین اعمالی توجیه نکرده بود، بنابراین وی رفتاری مناسب با موقعیت حرفه ای خود داشته بود.

۲ (سری) جزوه مورد اشاره یک نشریه جاری است. اینک معتقدیم که ممکن است تداوم و پیشبرد بیشتر رابطه ۳۴۵ فعلی بین مشارالیه و وث برای ما با ارزش باشد. پیرو پیام مرجع الف، اقدام برای ادامه مجوز جامع برای شماره های آتی این جزوه در پوشش جداگانه ای تسلیم می شود. خروج از طبقه بندی

۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

تهیه شده توسط: رونالد ام. فیلیپس

مأمور ویژه

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم

سند شماره (۲۲)

۱۱ ژوئن ۷۷ سری

از: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی حوزه ۷۲ تهران ایران

به: ستاد اداره تحقیقات ویژه واشنگتن دی. سی.

عطف به: الف) گزارش مأمور (ملاقات با مأمور) ۹ مه ۷۷ ب) پاراگراف ۶۷، ۱۲۴ AFOSIR ۳۲ ج)

ضمیمه دو ۱۲۴ AFOSIR ۳۴

منحصراً برای IVOE

موضوع: لاری جیل (۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷)

۱) (سری) مشارالیه اخیراً از مأموریت موقت به کنفرانس در ۳۹۹ که در آن اعضای نظامی و

غیرنظامی حرفه مشارالیه شرکت داشتند بازگشت. طی این کنفرانس، مشارالیه ده جزوه مربوط به حرفه

خود را که ۱۰۵ بنگاه دارویی به عنوان تبلیغات تهیه کرده بودند به دست آورد. این جزوات فاقد کنترل بوده

و مبدأ غیر رسمی دارند هر فرد علاقه مندی فارغ از حرفه یا تابعیت خود می تواند به سهولت این جزوات را

از هر مرکز فعالیت مربوط به حرفه مشارالیه به دست آورد.

۲ (سری) ما اقدام ۴۹ را برای تداوم ۴۳ فعلی خود مفید به حساب می آوریم. بشرط عدم اعتراض

اداره شما، ما می خواهیم با استفاده از مجوز پیام مرجع ب در ۴۹ جلو برویم.

تاریخ خروج از طبقه بندی ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

تهیه شده توسط جیمی ال. استوت

مأمور ویژه

تصویب فرانک ام. هیوی

سرهنک دوم

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۳۰ اوت ۱۹۷۷

گزارش مأموراداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷ تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت

عنوان: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

۱ (سری) در ۲۹ ژوئن ۷۷، مأمورین ویژه فرانک ام. هیوی و کورتیس اس. موریس با آقای ولادیمیر

اسکو تزکو از سیا / تهران ملاقات کردند. توجه مختصری درباره آخرین تحولات در اختیار اسکو تزکو

گذاشته شد. اشاره شد که مجوز لازم به مشارالیه داده شده که در جواب به تقاضاهای رامکف بعضی انواع

مدارک / گزارشهای پزشکی بدون طبقه بندی سطح پائین را به وی بدهد. همچنین به این هم اشاره شد که

درخواست نسبتا جدید رامکف برای دریافت مطالب نوشته پزشکی ظاهرا در رابطه با افزایش در،

درخواست‌های شوروی برای اطلاعات پزشکی در مراکز مختلف مهم پزشکی نیروی هوایی ایالات متحده در تگزاس می باشد. احتمال دارد این منعکس کننده تأکید جدید شوروی روی جمع آوری اطلاعات پزشکی و همچنین این واقعیت باشد که رامکف ممکن است غیر از یک دکتر چیز دیگری هم باشد. اسکوتزکو با این مطالب موافق بود و این را هم قبول داشت که رامکف در حال گرفتن مقامی است که سابقاً در تصدی یکی از اعضای جی. آر. یو. بوده است.

۲ (سری) اسکوتزکو اطلاع داد که ساواک، سازمان اطلاعات کشور ایران، یک یادداشت کوتاه مورخ ۱۶ مه ۷۷ به سیا داده که همین اواخر به دست ما رسید. این یادداشت حاکی از آن بود که مشارالیه (سوژه) با رامکف مراد دارد و با وی تلفنی مکالمه داشته است. به علاوه مسئله باید تحقیق شود. با دریافت این یادداشت، آقا ویلیام وارنل رئیس عملیات سیا چنانکه قبلاً در چنین امور توافق شده بود به ساواک گفت که مقامات آمریکایی از این وضع اطلاع دارند و مشارالیه مسئله را به مقامات نظامی آمریکایی از OUTSET گزارش داده است. این جواب ساواک را راضی کرد و انتظار نمی رود که از جانب سازمانهای میزبان کنکاش بیشتری به عمل آید. به نظر می رسد که امنیت این عملیات به خطر افتاد باشد. همچنین از این یادداشت اینطور برمی آید که ساواک ظاهراً یک خط استراق سمع از تلفنهای بیمارستانهای شوروی به علاوه مراقبت فیزیکی گاهگاهی از رامکف دارد. اسکوتزکو اظهار داشت که در صورت دریافت سؤالات بیشتری راجع به این عملیات از طرف سازمانهای میزبان، سیا مراتب را فوراً به اداره تحقیقات ویژه اطلاع

ص: ۱۲۷

خواهد داد.

۳ (خیلی محرمانه) در ۱۳ ژوئیه ۷۷ توسط مأمورین ویژه هیوی و موریس این عملیات با سرلشکر کنت پی. مایلز رئیس مستشاری نظامی تهران، ایران هماهنگ شد. خلاصه ای از فعالیتهای مشارالیه تاکنون در این عملیات به اطلاع تیمسار مایلز رسانده شد به علاوه نسبت به نحوه مساعدتی که مشارالیه داشته اظهارات تشکرآمیزی ایراد شد. تیمسار مایلز ابراز تفاهم کرد و در خصوص ادامه مشارکت وی اعتراضی مطرح نمود و بابت توجیه (پیرامون عملیات) تشکر کرد.

۴ (خیلی محرمانه) در ۲۸ ژوئیه ۷۷، مأمور ویژه هیوی سرلشکر مارشال مک کابی فرمانده، فرماندهی پزشکی نیروی زمینی آمریکا در اروپا را در رابطه با بخشهای مربوطه این عملیات تاکنون توجیه کرد. به تیمسار مک کابی اطلاع داده شد که اداره تحقیقات ویژه بسیار از پیشرفت امور خوشحال است و بابت پشتیبانی و مساعدتی که مشارالیه داشته خیلی متشکر است. تیمسار مک کابی ابراز تفاهم کرد و در خصوص ادامه مشارکت وی اعتراضی مطرح نمود.

تصویب، فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

سند شماره (۲۴)

۳۱ اکتبر ۱۹۷۷ سَرّی

شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۱۷۷ اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

عطف به: گزارش مأمور، ملاقات با منبع، ۱۹ اکتبر ۷۷ تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین هامت

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(تحویل مطالب)

(سری) در ۱۷ اکتبر ۷۷، دکتر آناتولی رامکف، قائم مقام «رئیس بیمارستان شوروی، تهران، ایران به

اقامتگاه مشارالیه رفت. در خاتمه این دیدار، مشارالیه شماره های ژوئیه و اوت ۱۹۷۷ جزوه ۱۶۹ ۵۰

۴۰ بولتن های پزشکی USAREUR را در اختیار رامکف قرار داد. مجوز تحویل این مطالب قبلاً از اداره

تحقیقات ویژه حوزه ۷۰ به موجب پیام ۸ ژوئن ۷۷ USREUR - AFSSO کسب شده بود.

الف بولتن پزشکی USAREUR جلد ۳۴، شماره ۷، نسخه ژوئیه ۷۷، ۲۸ صفحه، بدون طبقه بندی و

کنترل.

ب بولتن پزشکی USAREUR جلد ۳۴، شماره ۸، نسخه اوت ۷۷، ۲۸ صفحه بدون طبقه بندی و

کنترل.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

ص: ۱۲۸

سند شماره (۲۵)

۲۴ دسامبر ۱۹۷۷ سَری

شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۱۷۷ اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲

عطف به: گزارش مأمور (ملاقات با منبع) تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(تحویل مطالب)

(سَری) در ۱۶ نوامبر ۷۷، دکتر آناتولی رامکف، قائم مقام رئیس بیمارستان شوروی، تهران، ایران به

منزل مشارالیه رفت. در خاتمه این دیدار، مشارالیه شماره سپتامبر / اکتبر ۱۹۷۷ جزوه ۱۷۱ ۵۰ ۴۰

«بولتن پزشکی USAREUR» را در اختیار رامکف قرار داد. مجوز تحویل این سند قبلاً از اداره تحقیقات

ویژه حوزه ۷۰ به موجب پیام ۸ ژوئن ۷۷ AFSSO - USAFER کسب شده بود. شایان تذکر است که این

سند در جواب به EEI درخواست خاصی که رامکف داده باشد نیست، بلکه تحویل این سند ابتدا یک عمل

فی البداهه از طرف مشارالیه بود، اینک به صورت یک «عمل معمولی» وی درآمده است.

الف بولتن پزشکی USAREUR جلد ۳۴، شماره ۹، نسخه سپتامبر / اکتبر ۱۹۷۷، ۲۴ صفحه، بدون

طبقه بندی و کنترل.

تصویب فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷

۳ ژانویه ۱۹۷۸ خیلی محرمانه

گزارش مأمور شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی حوزه ۷۲

تهیه شده توسط: مأمور ویژه کورتیس اس. موریس

عطف به: گزارش مأمور (ملاقات با مأمور) ۲۶ دسامبر ۷۷

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(خیلی محرمانه) در ۲۶ دسامبر ۷۷ سرهنگ دوم جک سی. استاکی کفیل فرمانده فعالیت پشتیبانی

آمریکا ایران و سرهنگ دوم روبرت شانون (نام وسط مشخص نیست) رئیس دژبانی فعالیت پشتیبانی

توسط مأمور ویژه کورتیس اس. موریس در مورد ذیل توجیه شدند:

الف یک شهروند شوروی که مقامی رسمی دارد ممکن است سعی کند در یک گردهمایی اجتماعی در

باشگاه افسران تهران که قرار است در ۲۸ یا ۲۹ دسامبر برگزار شود شرکت کند. به احتمال قوی وی به

عنوان یک مهمان به یک ضیافت صرف مشروب که آقای مک کنا مدیر کل فعالیتهای بین المللی بل هلیکوپتر در ایران برپا می کند، می آید.

ب از استاکی و شانون سؤال شد آیا به حضور این فرد روسی اعتراضی دارند. هر دو اعتراضی نداشتند. شانون اظهار داشت که با احتیاط سعی خواهد کرد نسخه هایی از لیست مهمانان این ضیافت و لیست مهمانان داده شده به دروازه مرکز فعالیت اجتماعی تفریحی مستشاری آمریکا را برای اداره تحقیقات ویژه تهیه کند.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

سند شماره (۲۷)

۱۳ مه ۱۹۷۸ سّری

گزارش مأمور شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲ تهیه شده توسط: گروه بان ادوین ال. هامت

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سّری) در ۸ مه ۷۸ طی یک جلسه هماهنگی با سیا / تهران، اطلاعات بیوگرافیک ذیل درباره

دیمیتری سیراک در اختیار گذارده شد. سیا / تهران اطلاع داد که سیراک مدیر جدید بیمارستان شوروی

در تهران است که بجای دکتر آشور کویک، ۴ پیتر آشور کویک آمده است.

نام: دیمتری لئونتیویچ سیراک

تاریخ و محل تولد: ۱۹۲۴ ونیتسکی اوبلاست

شماره و نوع پاسپورت: ۷۰۲۵۳۸، عادی، صادره در ۲۳ نوامبر ۷۷ مسکو

تابعیت: شوروی

مقام: رئیس بیمارستان شوروی، خیابان ویلا، تهران، ایران

تاریخ ورود: ۶ آوریل ۷۸

همسر: یوگنیا لوگیانوفنا سیراک (که او هم یک پزشک شاغل است) سیا / تهران همچنین اظهار داشت

که سیراک از قرار معلوم خویشاوند نزدیک فردی به نام بالتیسکی است که رئیس صلیب سرخ شوروی

است.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سری ۷ ژانویه ۱۹۷۸ شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

گزارش مأمور تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی حوزه ۷۲

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۲۰ دسامبر ۷۷، مأمورین ویژه فرانک. ام. هیوی، جیمی. ال. استوت و ادوین ال. هامت با

فرانک جانسون رئیس بخش عملیات سیا / تهران ملاقات کردند. جانسون اظهار داشت که سیا به این

عملیات با علاقه وافری می نگرد از آن حیث که فکر می کنند از طریق رامکف می توان اطلاعات فراوانی

درباره مأموران اطلاعاتی شناخته شده (IO) شوروی به دست آورد. بطور مشخص، جانسون عقیده

داشت که رامکف در موقعیتی خواهد بود که درباره مسائل پزشکی مأموران اطلاعاتی شوروی که تحت

درمان قرار دارند از قبیل اعتیاد ایشان به الکل گزارش دهد. به جانسون اطلاع داده شد که در گذشته تمام

اطلاعاتی که از طریق رامکف درباره مأموران اطلاعاتی شناخته شده از مشارالیه به دست آمده در اختیار

سیا قرار داده شده و در صورتی که در آینده اطلاعاتی به دست آمد آنها هم تحویل خواهند شد. جانسون

اضافه بر آن اظهار داشت که سیا، مایل است مشارالیه شروع به دادن درخواستهای EEI های پزشکی به

رامکف نماید. تأمین این درخواستها برای رامکف هر چه بیشتر سختی خواهد داشت. اگر وی فی الواقع به

این درخواستها پاسخ گفت، آن گاه می شود مطلب دادن درخواستهای EEI هایی درباره شخصیتهای

روسی مورد نظر را تحت بررسی قرار داد. به جانسون گفته شد که این پیشنهادها در آینده نزدیک با

مشارالیه در میان گذاشته خواهند شد تا بتوان یک برنامه کاری را طرح ریزی کرد چون مشارالیه در

تابستان ۱۹۷۸ بطور PCS عزیمت خواهد کرد.

تصویب فرانک ام هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۲۹)

سری ۱۳ فوریه ۱۹۷۸ شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

گزارش مأمور تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

اداره تهیه کننده: اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی حوزه ۷۲

عطف به: گزارش مأمور (ملاقات با مأمور) ۱۲ فوریه ۷۸

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۱۲ فوریه ۷۸، این عملیات با فرانک جانسون، رئیس بخش عملیات سیا / تهران هماهنگی

شد. جانسون اطلاع داد که باتوجه به درخواستهای سطح بالای صریحی که آناتولی رامکف ظاهراً به مشارالیه می دهد تا اطلاعات تهیه کند، سیا / تهران تحولات اخیر در این عملیات را بسیار چشمگیر تلقی می کند. به نظر سیا / تهران تردیدی وجود ندارد که رامکف یک همکار اطلاعاتی احتمالاً جی. آر. یو. است. اما امکان این را هم که برای ک. گ. ب. کار بکند را کنار نگذارده اند. سیا / تهران معتقد است جوانب دیگری نیز از نحوه رفتار رامکف، امکان این را که وی در قبال یک برخورد استخدامی احتمالی به منظور متارکه در محل مربوطه اش تأثیرپذیر باشد، مطرح می سازند اما پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم قطعی در این رابطه سنجش خیلی بیشتری باید به عمل آید. به نظر سیا / تهران اگر مشارالیه به درخواستهای اخیر (یا درخواستهای آتی) جواب دهد، ممکن است که سازمانهای اطلاعاتی شوروی مشارالیه را یک هدف عالی برای استخدام جاسوس به حساب آورند. آشکار است که این کار امیدهای کوتاه مدت به امکان متارکه رامکف در محل مربوطه اش را نقش بر آب می کند. لذا سیا / تهران پیشنهاد کرد که مشارالیه نسبت به تماسهای آینده رامکف در رابطه با درخواست چیزهایی مثل داروهای متابولیت همچنان «خونسرد و بی خیال» باقی بماند تا سنجش بیشتری بتوان به عمل آورد. در حال حاضر، سیا / تهران مایل است امکان وارد کردن یک فرد آلمانی یا روسی دان به عملیات از طریق مشارالیه را بررسی کند تا در صورتی که مشارالیه مطابق برنامه، ایران را در ژوئن ۷۸ ترک نمود تماس با رامکف را بتوان حفظ کرد.

به جانسون گفته شد که بیش از ادامه کار یا تغییر در جهت فعلی عملیات، تمام مطلب باید با ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی هماهنگی تا تأییدیه لازم برای تغییر جهت مشارالیه از موقعیتی که به عنوان «در و پنجره» دارد و اطلاعات سنجشی درباره بیوگرافی و شخصیت افراد اپوزیسیون جمع آوری می کند جلب شود.

سرهنگ دوم نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۳۰)

سری ۵ مارس ۱۹۷۸

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

موضوع: لاری جیل

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۲۸ فوریه ۷۸، جزئیات اخیر این عملیات با فرانک جانسون رئیس بخش عملیات سیا /

تهران هماهنگی شد. به جانسون اطلاع داده شد که ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی با به کارگیری

مشارالیه به منظور معرفی یک مأمور مربوطه سیا به دکتر آناتولی رامکف، برای فراهم آوردن موجبات

متارکه رامکف در مکان مربوطه موافق است. جانسون اظهار داشت که تاکنون پیامی به ستاد مرکزی سیا

ارسال شده و در آن رئوس طرح پیشنهادی مشخص شده و درخواست گردیده که یک مأمور مربوطه سیا

با مهارت در زبان آلمانی به تهران اعزام شود تا در تماس به منظور متار که همکاری نماید. جانسون افزود که سناریوی نهایی آن تنظیم نشده، اما زمان آن در آینده نزدیک خواهد بود و اداره تحقیقات ویژه در جریان قرار خواهد گرفت. به نظر جانسون این تماس با رامکف باید پیش از ۲۲ مارس ۷۸ یعنی تاریخ گزارش شده عزیمت دکتر آشور کویک، ۴ پیترا آشور کویک سرپرست رامکف از ایران صورت پذیرد. اساساً، سیا فکر می کند که حضور آشور کویک در یک موقعیت سرپرستی رامکف یک امتیاز روانی قطعی به نفع تماس به منظور متار که دارد و علت آن تنفر شدید رامکف از آشور کویک است؛ لذا تماس پیش از ۲۲ مارس ۷۸ تأیید می شود. جانسون موافقت نمود در ۱ مارس ۷۸ با حضور دستیار رئیس قرارگاه سیا و اعضای نظارتی حوزه ۷۲ در رابطه با تماس پیش بینی شده به منظور متار که در محل مربوطه بیشتر بحث نماید. در خاتمه مذاکره فوق جانسون خاطر نشان ساخت که اطلاع به خصوصی توجه سیا را جلب کرده و به نظر ایشان یک تخطی امنیتی از طرف مشارالیه می باشد. جانسون سپس آقای فرد جنی، یک کارمند سفارت سوئیس را که او هم در تماس با رامکف بوده و در شناخت شخصیت رامکف آگاهیهای بیشتری در اختیار سیا / تهران می گذارده معرفی کرد. جانسون توضیح داد که تخطی امنیتی چنین بوده که مشارالیه در شب ۲۷ فوریه ۷۸ با جنی تماس گرفته و شفاهاً به جنی اشاره نموده که وی (مشارالیه) می داند که جنی و رامکف با یکدیگر ملاقاتهایی داشته اند. جانسون اظهار داشت لطمه وارده جبران ناپذیر نبوده و معذرت بیم آن دارد که هر تخطی امنیتی دیگری که مشارالیه مرتکب بشود خوب ممکن است که تلاشهایی را که برای فراهم آوردن متار که رامکف در محل مربوطه اش صورت می گیرند عقیم گذارد.

در این مرحله، به جانسون اطلاع داده شد که اداره تحقیقات ویژه از صمیم دل موافقت دارد که اقدام مشارالیه یک تخطی جدی امنیتی بوده و اداره تحقیقات ویژه به هیچ وجه آگاهی نداشته که مشارالیه می خواهد چنین حرفی را اظهار کند. به جانسون اطمینان داده شد که مشارالیه به خاطر عمل خود بطور

مناسب توییح گردیده و در مورد ضرورت مراعات کامل امنیت در مراودات خود با رامکف اکیدا آموزش خواهد دید.

تصویب: فرانک ام هیوی

سرهنگ دوم، نیروی هوایی آمریکا

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۳۱)

تاریخ: ۵ مارس ۱۹۷۸ سزی

گزارش مأمور شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

عطف به: گزارش مأمور (هماهنگی) ۵ مارس ۷۸

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(اخطارها / اشکالات کنترل)

(سزی) در ۱ مارس، طی یک ملاقات حضوری با مأمور مربوطه، از مشارالیه خواسته شد که فعالیتهای

خود در شب ۲۷ فوریه ۷۸ را تشریح کند. مشارالیه اطلاع داد که او و خانم جیل در یک نمایش عکس در سفارت سوئیس، تهران از حدود ساعت ۳۰/۱۹ تا ۳۰/۲۰ شرکت داشتند. در نمایشگاه مشارالیه با چندین کارمند سفارت سوئیس، من جمله آقای فرد جنی صحبت کرد. در یک جای گفتگوی خود با جنی، مشارالیه اظهار داشت که اتفاقاً با یکی از دوستان جنی ملاقات کرده است. جنی از مشارالیه پرسید منظورش کیست و او پاسخ داد که دکتر آناتولی رامکف را می گوید با ذکر نام رامکف، جنی بطور آشکاری نیز آشفته شد اما عمدتاً آرام باقی ماند و پاسخ داد که فی الواقع رامکف را می شناخته و در یک یا دو نوبت با هم ملاقات کرده اند. پس از پاسخ جنی، موضوع گفتگو دوباره به نمایش عکس کشیده شد و درباره رامکف چیز بیشتری گفته نشد. مشارالیه اظهار داشت که سؤالش از جنی درباره رامکف صرفاً از روی کنجکاوی بدون هدف بوده همان گونه که رامکف در چندین مورد درباره دیدار با جنی صحبت کرده است. مشارالیه افزود پس از ذکر نام رامکف نزد جنی، وی پی برد که در کار خود اشتباه بزرگی نموده است. مشارالیه بابت غفلت از اصول امنیتی توبیخ شد. به او گفته شد که اختیار بر ملا کردن یکجانبه معاشرت خود با رامکف از آن وی نیست و هیچگاه هم نبوده، بلکه منحصرراً در اختیار اداره تحقیقات ویژه است. این تخطی امنیتی نزد تبعه یک کشور ثالث اگر چه غیر قابل جبران نیست ولی بسیار جدی بوده و هرگز نباید تکرار شود. مشخصاً ضرورت پیروی از توصیه های مأمور مربوطه را یادآوری کرد زیرا اگر این توصیه ها به کار بسته نشوند، احتمال موفقیت در هر طرح عملیاتی آینده کاهش بزرگی خواهد یافت. مشارالیه اظهار داشت که مسئله را کاملاً درک می کند.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم، نیروی، هوایی

طبقه بندی تا تاریخ: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

سند شماره (۳۲)

تاریخ: ۷ مارس ۱۹۷۸ گزارش مأمور

شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۵۷۷ مارس ۱۹۷۸ اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

عطف به: گزارش مأمور (هماهنگی) تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در تاریخ ۱ مارس ۷۸ این عملیات با سیا / تهران هماهنگی شد. افراد حاضر در جلسه عبارت

بودند از مأمورین ویژه فرانک ام. هیوی، کورتیس اس. موریس، جیمی ال. استوت و ادوین ال. هامت، از

طرف سیا / تهران، جیمز هیگام دستیار رئیس قرارگاه و فرانک جانسون رئیس بخش عملیات شرکت

داشتند. هیگام اطلاع داد که سیا دست به کار تنظیم پیشنهادی است که به هنگام تماس برای متارکه در

مکان مربوطه به دکتر آناتولی رامکف ارائه خواهد شد. امید آن است که این پیشنهاد پیش از ۲۲ مارس ۷۸

صورت بگیرد. سیا در نظر دارد که این پیشنهاد جزء به جزء مطرح شود. سیا مایل است که ابتدا جیل به

رامکف بگوید که وی (جیل) با یک دوست بسیار نزدیک خود درباره مشکلات رامکف صحبت کرده و دوست جیل اطمینان دارد که راه حلی برای این مشکلات دارد. در این مرحله مأمور مربوطه آلمانی دان سیا که هنوز معرفی نشده توسط جیل به رامکف معرفی خواهد شد به قصد اینکه بین سیا و رامکف رابطه گفتگویی برقرار شود. اگر رامکف به ملاقات با مأمور مربوطه سیا تن در داد، آنگاه جزء اول پیشنهاد متارکه ارائه خواهد گردید. بر حسب اینکه رامکف چقدر از این قدم اولیه استقبال نماید، سیا اقدام به ادامه رابطه گفتگو خواهد نمود تا بتوان اجزا دیگری از این پیشنهاد را مطرح نمود و این ادامه خواهد یافت تا آنکه تمام پیشنهاد مطرح گردد و رامکف آن را قبول یا رد خواهد کرد. آشکار است که سیا به این دلیل پیشنهاد را اینطور تنظیم خواهد کرد که اگر رامکف در این مرحله آنرا رد کرد، هم موقعیت غیر خصومت آمیز و هم هویت سیا مخفی بماند.

سپس از هیگام پرسیده شد آیا استدلال سیا برای انجام دادن تماس برای متارکه پیش از ۲۲ مارس ۷۸ صرفاً بر مبنای تاریخ غیر (قطعی) ۲۲ مارس ۷۸) عزیمت سرپرست رامکف، دکتر پتر آشور کویک بود. هیگام اطلاع داد که عزیمت آشور کویک فقط بخشی از استدلال سیا بوده، سپس توضیح داد که سیا جدا از اطلاعاتی که جیل تهیه می کند از معجرائی دیگر هم درباره رامکف اطلاعات جمع آوری می کند. سیا از طریق منبع خبری خود (فرد جنی از سفارت سوئیس) فهمیده بود که رامکف برای راهنماییهای مخفیانه پاسخگوست و هنوز می خواهد تماس با بیگانگان را ادامه می دهد. هنگامی که این مراتب در کنار حرکت اخیر رامکف که در حضور خانم جیل احساسات خود را علنی نمود ملاحظه شوند (گزارش مرجع از مأمور، ملاقات با منبع، مورخه ۵ مارس ۷۸) سیا مطمئن می شود که اینک مناسب ترین زمان برای تماس به منظور دادن پیشنهاد متارکه است. هیگام علاوه بر آن اظهار داشت که سیا پیش از انجام دادن هرگونه تماس با رامکف، این طرح کاری پیشنهاد شده را برای ویلیام اچ. سولیوان سفیر آمریکا در ایران و

سرلشکر فیلیپ سی. گست رئیس مستشاری آمریکا ارائه خواهد نمود تا موافقت آنها را جلب کند. اضافه بر آن، هیگام اطلاع داد که برای موقعی که رامکف تماس را بکلی رد می کند و به صورت علنی دست به وارد کردن لطمه علیه دولت آمریکا می زند، سیا دو راه مقابله احتمالی در نظر دارد. اولین راه خاطر نشان ساختن این نکته به رامکف است که اطلاعاتی که وی در اختیار جنی گذاشته آن طور است که اگر سرپرستان وی مطلع شوند مطمئنا موجب وارد شدن اتهام خیانت علیه وی خواهند شد. دومین راه این است که نزد ساواک رفته و به آنها اطلاع دهیم رامکف که در نظر آنها یک مأمور اطلاعاتی شوروی به حساب می آید سعی دارد از یک پزشک نظامی ایالات متحده مطالب اطلاعاتی جمع آوری کند. این منجر به اخراج فوری رامکف از ایران خواهد شد. در خاتمه هیگام گفت که به محض تهیه پیشنهاد متارکه نهایی و ارسال آن به ستاد مرکزی سیا، وی پیشنهاد خواهد کرد که برای تسریع در جریان اموری ستاد، سیا مستقیما با ستاد اداره تحقیقات ویژه نیروی هوایی هماهنگی کند.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی، هوایی آمریکا

فرمانده

سری ۹ مارس ۱۹۷۸ شماره پرونده: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷

گزارش مأمور تهیه شده توسط: مأمور ویژه ادوین ال. هامت

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲

عطف به: گزارش مأمور (هماهنگی)، ۷ مارس ۱۹۷۸

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(هماهنگی)

(سری) در ۹ مارس ۷۸ این عملیات با سیا / تهران هماهنگ شده، حاضرین عبارت بودند از مأمورین ویژه فرانک ام. هیوی، کورتیس اس. موریس و ادوین ال. هامت. نمایندگان سیا / تهران، جیمز هیگام، دستیار رئیس قرارگاه و فرانک جانسون رئیس بخش عملیات بودند. سیا / تهران اطلاع داد که از طریق یک منبع خبری غیر از لاری جیل (بنام فرد جنی از سفارت سوئیس در تهران) آنها مشغول جمع آوری اطلاعات بیشتر درباره دکتر آناتولی رامکف هستند. تا به امروز آنها اطلاع یافته اند که در ۴ مارس ۱۹۷۸، ولادیمیر وینوگرادوف سفیر شوروی در ایران دکتر پتر آشورکویک رئیس بیمارستان شوروی در تهران را تشویق کرده تا مدارک لازم را برای تمدید مأموریت رامکف به مدت یک سال دیگر در ایران امضاء کند. همچنین معلوم گردید که خواستهای رامکف این هستند که یک سال دیگر در ایران بماند، بعد به مسکو بازگشته و مدت یک سال در کلینیک شماره ۲۶ (بیشتر از این مشخص نشد) به کار پردازد. رامکف امیدوار است که پس از اتمام این یک سال، مقامی در سازمان جهانی بهداشت واقع در ژنو، سوئیس به دست آورد.

ظن سیا / تهران به اینکه رامکف یکی از همکاران جی. آر. یو. است، با یک اشتباهی که رامکف مرتکب شد، کمابیش تایید شده است. اخیرا جنی از رامکف پرسید که او چرا همیشه سعی دارد اطلاعات نظامی / پزشکی جمع آوری کند در حالی که وی یک دکتر غیرنظامی است؟ رامکف جواب داد: «آه، آن را برای داوینیا می خواهم.» (سرهنگ دوم لئونید داوینیا دستیار وابسته نظامی و یک عامل شناخته شده جی. آر.

یو.) پس از اظهار این مطلب، رامکف به اشتباه خود پی برد و فوراً موضوع مکالمه را عوض کرد.

سیا / تهران همچنین اطلاع داد که آنها فکر می کنند الان مناسب ترین فرصت برای اجرای یک برخورد

Defection با رامکف است. ستاد مرکزی سیا به آنها گفته است که مأمور مربوطه ای که آشنا به زبان آلمانی

باشد و تقاضا شده بود در برخورد **Defection** کمک کند در هفته حول ۱۹ مارس ۷۸ وارد تهران خواهد

شد. پس از آنکه مأمور مربوطه سیا در مورد عملیات توجیه می شود و با اداره تحقیقات ویژه و لاری جیل

ملاقات می کند. سیا / تهران می خواهد ملاقات مأمور مربوطه سیا با رامکف در ۲۴ مارس ۷۸ صورت

پذیرد. در انتها سیا / تهران اظهار داشت که به محض ورود مأمور مربوطه سیا، آنها به اداره تحقیقات ویژه

اطلاع خواهند داد تا بتوان برای جلسات هماهنگی دیگری قرار گذاشت.

تصویب: فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

خیلی محرمانه ۱۳ نوامبر ۷۸

شماره: ۳۲ ۳۴۵ D ستاد ۷۷ گزارش تماس شماره ۶۹

موضوع: لاری جیل (بدون طبقه بندی)

۱ تاریخ و زمان تماس: ۱۲ نوامبر ۷۸ / ساعت ۵۵/۱۹ یکشنبه / تلفنی.

۱۳۲ نوامبر ۷۸ / ساعت ۰۰/۰۹ دوشنبه / ملاقات حضوری.

۳ موقعیت محل تماس حضوری: بیمارستان ارتش آمریکا، تهران، ایران.

۴ مدت ملاقات: ۵۸/۱۹ ۵۵/۱۹، ۱۲ نوامبر ۷۸، تلفنی ۰۵/۱۰ ۰۰/۰۹، ۱۳ نوامبر ۷۸، تماس

حضوری.

۵ افراد شرکت کننده در ملاقات: ۱۲ نوامبر ۷۸، تلفنی، مشارالیه و مأمور مربوطه.

۱۳ نوامبر ۷۸، ملاقات حضوری، مشارالیه و مأمور مربوطه.

۷ غرض از تماس / ملاقات؛ مشارالیه تلفنی با مأمور مربوطه در اقامتگاهش تماس گرفت تا بگوید

دوران بستری شدن وی در آلمان به سر رسیده و بازگشته است. مشارالیه از مأمور مربوطه درخواست کرد

که در ۱۳ نوامبر ۷۸ با مأمور مربوطه و خانم جیل ملاقات کند. تماس حضوری در ۱۳ نوامبر ۷۸ به منظور

مذاکره با مشارالیه و خانم جیل درباره وضع فعلی ناآرامی داخلی ایران و حفظ کنترل و رابطه خانواده جیل

بود.

۸ معرفی گزارشهای جنبی: گزارش مأمور (فعالیت جنبی).

۱۰ ترتیبات ملاقات بعدی: ابتدا مشارالیه و / یا خانم جیل به دنبال تماس چشمگیری که با جناح

مقابل پیدا می کنند، تماس خواهند گرفت. در آن موقع ترتیب یک ملاقات حضوری داده خواهد شد.

۱۲ ارزیابی امنیت عملیاتی: مشارالیه تماس تلفنی خود با مأمور مربوطه در ۱۲ نوامبر ۷۸ را تحت

لوای سؤال در رابطه با شرایط طبی دفتر مأمور مربوطه انجام داد. سپس وی اظهار داشت به دلایل طبی،

وی توسط هواپیما به آلمان انتقال داده شده بود و بتازگی بازگشته و مایل است توسط اداره تحقیقات ویژه

درباره وضع فعلی ناآرامی داخلی در ایران، توجیه شود. به نظر نرسید که تماس مشارالیه با مأمور مربوطه

با دیدار مأمور مربوطه در دفتر وی در تاریخ ۱۳ نوامبر زیان سختی به امنیت این عملیات وارد کرده باشد.

۱۴ گزارش تماس تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت، مأمور مربوطه.

۱۵ توزیع: ستاد اداره تحقیقات ویژه / ۱ IVOE نسخه

اداره تحقیقات ویژه / حوزه ۱۷۲ نسخه

تاریخ خروج از طبقه بندی: ۳۱ دسامبر ۲۰۰۸

چند سند متفرقه

از: ستاد مرکزی ۲۹۱۶ به: با حق تقدم به تهران (فقط برای مشاهده پکوتین)

عطف به: الف ستاد ۱۲۴۵ ب تهران ۵۳۴۴۷ ج تهران ۵۳۵۸۴ م. ا. چ. کرب آر. آی. اونت سی.

کی. کون

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

۱ شماره های رمز و اوصاف ذکر شده در تلگرام مرجع الف برای صندوقها درست هستند. یعنی شماره

رمز صندوق حاوی مطالب ال. ان. ایز درباره عملیات سی. کی. کون ۳ ۱۸ ۴۰ به جای ۱۳ ۲۸ ۵۰ (که

اشتباهها در پاراگراف ۳ الف تلگرام مرجع ب داده شده) می باشد. شماره رمز صندوق آن طرف راهرو

همانطور که در پاراگراف ۳ الف تلگرام مرجع ب داده شده صحیح است. در جواب به موارد ژنرال گست،

شما می توانید از اطلاعات مندرج در پاراگراف ۱ تلگرام مرجع الف در رابطه با ناحیه حوزه ۷۲ استفاده

کنید. دیرلینت در جواب به تلگرام مرجع ج از کانال کماند (کانال عادی مخبرات م) یک پیام ارسال

خواهد داشت و در آن اوصاف تمام ناحیه حوزه ۷۲ را برای استفاده مستشاری نظامی تفصیلاً بیان خواهد

کرد.

۲ تحت شرایط فوق الذکر، به نظر می رسد که نمایندگان مستشاری نظامی هم موفق به باز کردن

هیچکدام از صندوقها نشده اند. اگرچه توصیفی که تلگرام مرجع ب از ساختمان حوزه ۷۲ می دهد قدری

سردرگم است، ولی به نظر می رسد که صندوقهای باز شده در ناحیه ای که در انتهای پاراگراف ۱ به آن

اشاره شده متعلق به واحد تحقیقات جنائی بوده نه واحد اطلاعاتی حوزه ۷۲ یعنی صندوقهای چهار

کشویی و «به کلی سری» که در تلگرام مرجع الف توصیف شده اند هنوز امن و دست نخورده اند. ما توصیه

می کنیم که آن دو صندوق باز نشوند تا آنکه مطالب باقی مانده در آنها را بتوان بدون آگاهی ایرانیها اعاده نمود.

۳ همانطور که می دانید، منبع اس. دی. پریتکست / ۱، سی. کی. کون را یک مأمور کادر ک. گ. ب.

معرفی کرده و اگر این صحت داشته باشد او به خوبی امکان داشته که مشغول پرورش لاری جیل عامل

دسترسی ال. ان. ایز برای مقاصد سازمانهای اطلاعاتی روسیه بوده باشد. لذا، اعاده مطالب ال. ان. ایز

درباره عملیاتشان علیه وی حساسیت ندارد.

منبعی که ما برای حفاظت وی نهایت نگرانی را داریم آی. ان. ست / ۱ می باشد که در یک یادداشت

هماهنگی «ال. ان. ایز» در پرونده «لاری جیل» با نام حقیقی معرفی شده است. این یادداشت مورخ ۹

مارس ۷۸ بوده و از حوزه ۷۲ خطاب به ستاد ال. ان. ایز می باشد. در آن یادداشت درباره یک ملاقات با

پرتلانت و دیما (با نام حقیقی) مأموران قرارگاه سیا در ۹ مارس ۷۸ گزارش شده و سی. کی. کون با نام

حقیقی معرفی شده است. در آن آی. ان. ست / ۱ نیز به عنوان یک منبع سیا و فردی که مأمور به خدمت در

سفارتخانه کشورش در تهران است وصف شده است. اعاده و نابود کردن این یادداشت با ایمنی، انگیزه

اصلی ماست که می خواهیم به مطالب ال. ان. ایز دسترسی پیدا کنیم. یعنی این تنها فقره از پرونده لاری جیل

است که در درگیری سیا در قضیه سی. کی. کون را نشان می دهد و عامل دسترسی ما را معرفی می کند.

۴ پرونده: ۷۴۶۳/۹۳۹. تا تاریخ ۱۲ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

نیروی هوایی حوزه ۷۲ سری ۳۰ آذر ۱۳۵۷

گزارش مأمور شماره پرونده: ۱۳۶ ۳۴۰ D ستاد ۷۸

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت

جزئیات: (هماهنگی)

موضوع: بیل کرین (بدون طبقه بندی)

۱ (سری) در ۲۴ آذر ۵۷، یک جلسه هماهنگی با سیا در تهران برگزار شد تا درباره وضع این عملیات مذاکره شود. اشاره شد که آخرین تماس مشارالیه با یکی از افراد سرویس اطلاعاتی شوروی (SIS ساش) در ۳۰ مرداد ۵۷ صورت گرفته، و ملاقاتی که قرار بود در ماه اکتبر ۷۸ انجام گیرد تحقق نیافت و ساش از اوت ۷۸ (مرداد ۵۷) به اقدام دیگری در جهت تماس مجدد با مشارالیه دست نزده است. همچنین اشاره شد که وضع ناآرامی داخلی فعلی در ایران و ساعت تحمیلی حکومت نظامی بین ۲۱۰۰ تا ۰۵۰۰، به احتمال قوی علت عدم اقدام ساش است. سیا اتفاق نظر داشت و پیشنهاد کرد که در این زمان، اقدام از طرف مشارالیه جهت برقراری مجدد تماس چندان لازم نیست. هر دو طرف موافق بودند که اگر تا موعدهای پیش بینی شده برای ملاقات در ژانویه ۷۹ (دی ماه ۵۷) اقدامی از طرف ساش برای تماس مجدد صورت نگیرد، باید برای طرح ریزی آتی در رابطه با این عملیات مذاکره شود.

۲ (سری) پس از مطالب فوق، سیا چند عکس از اعضای شناخته شده / مظنون ساش را ارائه کرد و درخواست نمود مشارالیه آنها را بررسی کرده تا «جورج» را شناسایی نماید. «جورج» همان فردی است که مشارالیه در ۳۰ مرداد ۵۷ او را ملاقات کرد. سیا خاطر نشان کرد از توصیفی که مشارالیه داده است، «جورج» احتمالاً یوری ام. دنیسوف، دبیر دوم، سفارت شوروی و یک مأمور شناخته شده «اهداف

آمریکایی» ک. گ. ب می باشد.

امضاء

فرانک ام.

هیوی، سرهنگ دوم، نیروی هوایی

فرمانده

سند شماره (۳۷)

نیروی هوایی حوزه ۷۲ سَری ۲۸ آذر ۱۳۵۷

گزارش مأمور شماره پرونده: ۱۳۶ ۳۴۰ D ستاد ۷۸

اداره تهیه کننده: حوزه ۷۲ تهیه شده توسط: مأمور ویژه جیمی ال. استوت

عطف به: RC شماره ۳۴

موضوع: بیل کرین (بدون طبقه بندی)

تفصیل:

(ملاقات با منبع)

(سَری) در ۲۷ آذر ۵۷ با مشارالیه توسط مأمور مربوطه در تهران، ایران ملاقات شد. اگر چه قسمت

اعظم این ملاقات صرف حفظ کنترل و رابطه با مشارالیه و مذاکره درباره وضع ناآرامی داخلی جاری در ایران شد، به مشارالیه خاطرنشان گردید که او هنوز باید در این زمان اقدامی در جهت برقراری مجدد تماس با «جورج» یکی از اعضای سرویس اطلاعاتی شوروی در تهران انجام دهد.

به مشارالیه دستورالعمل کلی داده شد تا در صورت تماس تلفنی «جورج» یا آمدنش به منزل او چگونه واکنش نشان دهد. اساسا به وی آموخته شد که چنین تماسی را به منزله «شروع همه چیز از اول» به حساب آورد. یعنی او باید «دست خالی» با چنین ملاقاتی برخورد کند و اصرار نماید که می خواهد بداند «جورج» دقیقا از او چه توقع دارد.

پیش از خاتمه ملاقات، مشارالیه چند عکس از یک پرونده اداره تحقیقات ویژه حوزه ۷۲ را که از مقامات مأمور به خدمت در سفارت / کنسولگری شوروی در تهران بود مرور کرد. ضمن این مرور، مشارالیه با تردید، یوری ام. دنیسف دبیر دوم سفارت شوروی در تهران را بسیار شبیه به «جورج» معرفی کرد.

امضاء

فرانک ام. هیوی

سرهنگ دوم نیروی هوایی

فرمانده

کتاب پنجاه و سوم

شوروی «شرق تجاوزگر» بخش چهارم

۱۳ اکتبر ۱۹۵۹ ۲۱ مهرماه ۱۳۳۸ طبقه بندی: سری

به: (اکثر سفارتخانه های آمریکا در کشورهای جهان م)

عطف به: CA، ۲۸ ۱۶۹۴ مرداد ۱۳۳۷ تجدید نظر امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۲/۴ یعنی

«برنامه پناهندگان خارجی» ضمیمه شده است.

موضوع: امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۲/۴

امریه مورد تجدید نظر قرار گرفته که از تاریخ ۵ تیر ماه ۱۳۳۸ معتبر است و نشان می دهد که نام کمیته

مشاورت اطلاعاتی به هیئت اطلاعاتی آمریکا تغییر یافته است. هرگز

پیوست:

امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۲/۴

(فهرست توزیع نیز به پیوست ارسال شده است)

امریه شماره ۲/۴ ریاست اطلاعات مرکزی

برنامه پناهندگان خارجی

(دارای اعتبار از تاریخ ۵ تیر ماه ۱۳۳۸)

۱ حوزه

به دنبال شرایط امریه شماره ۴ شورای امنیت ملی، این امریه مراحل پذیرش، بهره برداری، استقرار

دوباره و نحوه کار با پناهندگان خارج از محدوده قاره آمریکا و متصرفات آن را روشن می نماید. این امریه

در میادین جنگی که نیروهای آمریکا درگیر آن هستند و یا در مواردی که رئیس جمهور دستور دهد

صادق نمی باشد.

از نظر هدف این امریه، عناوین زیر مفهوم مورد نظر را می‌رساند:

الف. متارکه گران: متارکه گران به آن دسته از افراد شوروی و یا بلوک چین و شوروی اطلاق می‌گردد که

از کنترل چنان کشوری فرار کرده و یا در خارج از حیطه و کنترل آن کشورها بوده و میل ندارند به آنجا

بازگردند و برای دولت آمریکا نیز دارای ارزش خاصی می‌باشند چون:

(۱) آنها می‌توانند اطلاعات ارزشمند جدیدی در تائید دانسته‌های موجود آمریکا در رابطه با بلوک

شوروی ارائه نمایند؛

(۲) آنها از نظر یکی از وزارتخانه‌ها و یا آژانسهای آمریکایی دارای اهمیت ویژه می‌باشند؛

(۳) از فرار آنها می‌توان به نفع آمریکا استفاده روانشناسی نمود.

ب. انگیزه: انگیزه عملی است که یکی از مقامات آمریکایی به وجود می‌آورد، تا شخصی را فرار دهد تا

دولت آمریکا نیز در صورت فاش شدن آن مسئولیت آن را پذیرا شود.

ج. متارکه گران اصلی: متارکه گران اصلی یا تبعه شوروی و یا تبعه یکی از کشورهای بلوک چین و

شوروی است که (۱) از دولت متبوع خود ناراضی است و یا با آن نقض پیمان کرده است؛ (۲) به طور معقول

می توان چنین برداشت کرد که فرد مزبور مایل است پناهنده و یا به کار گرفته شود، (۳) ظاهراً دارای

شرایط پناهندگی که در پاراگراف (۲ الف) بالا مطرح شده می باشد.

د. شخص ناراضی: یکی از پناهندگان اصلی است که از طریق ایجاد انگیزه و یا بطور داوطلبانه متمایل

به پناهنده شدن گشته است.

ه. تازه وارد: تازه وارد یکی از اشخاص پناهنده است که خود را به یکی از تأسیسات آمریکایی در یک

کشور خارجی معرفی و تقاضا می کند که به وی پناهندگی داده و یا به او کمک شود تا از کنترل کمونیستها

فرار کند.

و. پناهنده یا آواره: یکی از افراد تبعه کشور تحت سلطه کمونیستها است که از کشور خود فرار کرده و یا

میل ندارد به کشور خود بازگردد، ملیت دیگری ندارد و در اقتصاد کشور کنونی محل اقامت جایی ندارد و

متارکه گر نیز نمی باشد.

ز. فراری: یکی از پناهندگانی است که تبعه (۱) اقمار اروپایی (به استثنا نژاد آلمانی) یا یوگسلاوی است

و از تاریخ ۱۰ دی ماه ۱۳۲۷ از کشور خود فرار کرده و یا (۲) تبعه شوروی بدون ذکر تاریخ فرار است، و یا

(۳) تبعه چین کمونیست یا اقمار آسیایی است و براساس تمایل شخصی فراری شده است.

۳ ملل خارج از بلوک چین و شوروی

شرایط این امریه می تواند در مورد ملل کشورهای خارج از شوروی و یا بلوک چین و شوروی که بنابه

دلایلی غیر از آنچه در تعریف متارکه گران در پاراگراف (۲ الف) گفته شد بطور کلی و یا جزئی صدق کند،

البته در صورتی که این عمل به تصویب ریاست اطلاعاتی مرکزی و با مشورت هیئت اطلاعاتی آمریکا

رسیده باشد. این عمل معمولاً به وسیله کمیته درون آژانس متارکه گران، به واشنگتن توصیه می شود.

۴ خلاصه سیاست آمریکا در مورد برنامه متارکه گران

الف. متارکه بخصوص از شوروی بایستی با استفاده از لوازم قراردادی و غیرموسوم تشویق و تحریک شود، البته با در نظر گرفتن منافع آمریکا. به همین ترتیب آمریکا باید:

(۱) حداکثر اشخاص شوروی و یا ملل روسی خارج از آن کشور را به متارکه گری تشویق و ترغیب نماید.

(۲) تلاش خود را جهت فراری دادن اعضای هیئت حاکمه کشورهای خارج از شوروی را که ممکن است شرایط لازم را داشته باشند ادامه و گسترش دهد.

ب. به منظور تشویق و ترغیب و متارکه و عدم بازگشت آنها آمریکا باید نگهداری، اسکان و کمک به فراریان را نه تنها در هنگام بهره برداری و استفاده بلکه پس از آن نیز ادامه دهد.

ج. آمریکا نباید اقدامی به عمل آورد که سبب مراجعت تعداد کثیری از ملیتهای بلوک چین و شوروی به استثناء کشور شوروی گردد.

د. قبل از شروع عمل توسط یکی از ادارات و یا آژانسهای آمریکایی جهت وادار به پناهنده شدن، یک متارکه گر سیاسی یا شخص ناراضی، ارزش به کارگیری شخص در مکان مورد نظر به دقت مورد بررسی

قرار خواهد گرفت. در صورتی که به کارگیری شخص مورد نظر به نفع آمریکا باشد شرایط امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی مصداق خواهد یافت.

ه. سیاست کلی این است، شخصی که به او پناهندگی داده شده بدون رضایت خودش بازگردانده نخواهد شد.

و. قبل از بهره برداری روانشناسی از متار که گران باید به اهداف و ملاحظات اطلاعاتی اولویت داده شود. بهره برداری روانشناسی محدود به موارد خاصی می شود که صرفاً برای آمریکا نفعی دربر داشته باشد. این سیاستها در مورد اشخاصی که تحت کنترل دولتی غیر از بلوک چین و شوروی قرار دارند باید تا جایی که عملی است به مرحله اجرا درآید.

ز. اجراء سیاست تبلیغاتی آشکار در رابطه با فرد متار که گر باید با هماهنگی ریاست وزارتخانه مربوطه انجام شود.

ح. پیشنهادات خود را در رابطه با افشا و یا انتشار تبلیغات آشکار اولیه در رابطه با فرد متار که گر به IDC و واشنگتن ارسال نماید.

۵ روشها و مراحل عملیاتی

الف. رفتاری که با یک متار که گر احتمالی و یا شخص ناراضی در تماس اول خود با مقام آمریکایی می شود ممکن است در تصمیم او جهت پناهنده شدن و یا مفید واقع شدن آتی وی برای آمریکا مؤثر افتد. هرگونه سؤالی که مستقیماً و یا از طریق یک واسطه از طرف متار که گر احتمالی مطرح می شود تا مطمئن شود که به آمریکا پذیرفته خواهد شد و یا مطمئن شود که به او و خانواده اش کمک خواهد شد بایستی توأم با روشن سازی مشکلات موجود در این زمینه باشد. البته وانمود شود که این مشکلات را می توان به نحوی مرتفع نمود. بجز در موارد به کارگیری در محل و یا دیگر استفاده های عملیاتی نباید هیچ گونه تعرفه مالی را

پذیرفت، تا آنکه پرونده به وسیله کمیته محلی متارکه گران مورد بررسی قرار گیرد و پس از آن جهت انتقال به آمریکا جوازهای مناسب از واشنگتن دریافت گردد. در اولین فرصت ممکن باید از هر فرد ناراضی خواسته شود که یک تقاضا نامه کتبی امضاء نماید و در آن قید کند که پناهندگی وی به طور داوطلبانه بوده و خواستار پناهندگی سیاسی می باشد.

ب. هرگاه یک شخص ناراضی و یا متارکه گر در اختیار دولتی غیر از دولتهای بلوک شوروی و چین قرار گیرد و مقامات دولت آمریکا در خارج از آن با خبر شوند، آن را به ریاست کمیته محلی متارکه گران سریعاً گزارش دهند، تا او نیز با مشاورت با اعضا کمیته اقدامات لازم را در جهت منافع آمریکا به اجرا در آورده و هماهنگ سازد. تا آن جا که ممکن باشد متارکه گرانی را که در اختیار دولت دیگری قرار دارند، همان گونه که قید شد به نفع آمریکا باید مورد استفاده قرارداد، ولی باید در نظر داشت که ملاحظات و قراردادهای سیاسی نیز می تواند، بر بهره برداری از متارکه گران تحت کنترل آن تأثیر بگذارد.

ج. اگر باید از یک متارکه گر به منظور اهداف عملیاتی استفاده شود و نام او نیز مخفی بماند، ریاست کمیته محلی متارکه گران کمیته را بدون افشای هویت در جریان موجودیت متارکه گر با ارائه سوابق کلی در رابطه با رشته تخصصی و میزان صلاحیت قرار می دهد. امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی شماره ۱/۵ در این گونه موارد مصداق می یابد. باید تلاش شود که نیازهای اطلاعاتی به سرعت و به طور کامل برآورده

شود.

در اطلاعات، اخبار مربوط به اهمیت خصومت یا خطری که علیه تأسیسات آمریکایی وجود دارد، در اولین فرصت از فرد ناراضی دریافت می گردد.

د. جلب اعتماد اشخاص ناراضی شایان توجه خاص است و علت آن نیز استفاده آشکار از کانالهای متارکه گر از طریق خدمات خصمانه است، تا بتوان نفوذ نمود و اطلاعات گمراه کننده و یا کاذب را به سازمانهای اطلاعاتی آمریکایی منتقل نمود.

ه. هماهنگی که در اینجا مطرح شده، بایستی با احترام به منافع، استعدادها و شرایط تمام وزارتخانه ها و آژانسها انجام شود تا استفاده کامل از این تواناییها در حمایت از برنامه متارکه گران به عمل آید.

۶ کمیته های محلی متارکه گران

تحت سرپرستی یکی از نمایندگان عالیرتبه آمریکا در کشور مربوطه کمیته محلی متارکه گران ایجاد خواهد شد. این کمیته مرکب از نمایندگان سازمان سیا، ریاست، وزارت امور خارجه، وزارت ارتش، نیروی دریایی و هوایی تشکیل می گردد. این کمیته می تواند از نمایندگان دیگر وزارتخانه ها و آژانسها دعوت به عمل آورد تا در اجلاسهای آن شرکت جویند. کمیته محلی متارکه گران کارهای زیر را انجام خواهد داد:

الف. به صورت دوره ای و معمولاً فصلی جلسه تشکیل خواهد داد تا جنبه های درون آژانس برنامه متارکه گران را در منطقه مربوطه هماهنگ کرده و استفاده کامل از منابع و تواناییهای دولت آمریکا را در حمایت از برنامه متارکه گران تأمین نماید. نسخه هایی از مطالب کمیته های محلی متارکه گران از طریق کانالهای سیا به IDC واشنگتن فرستاده خواهد شد.

ب. به حل و فصل مسائل متقابل که شامل بررسی اولیه اشخاص ناراضی واجد شرایط پاراگراف

۲. الف) که اعضا نام برده اند بپردازند. هنگامی که کمیته های محلی نتوانند این مسائل را حل کنند، باید آنها

را از طریق کانال سیا به IDC و اشنگتن ارجاع دهند. در اینگونه موارد نمایندگان دیگر وزارتخانه ها و

آژانسها می توانند مستقیماً با رؤسای خود در رابطه با مسئله مربوطه تماس برقرار نمایند. در صورتی که

محدودیت زمانی اجازه ندهد که مسئله به IDC و اشنگتن ارجاع گردد، نماینده آمریکا در منطقه می تواند

پیرامون آن تصمیم بگیرد.

ج. IDC و اشنگتن باید در رابطه با هر متارکه گر و وضع بهره برداری و اختتام پرونده مطلع گردد. در

مورد اشخاص ناراضی گزارشات مناسبی به IDC و اشنگتن ارسال خواهد شد. مگر آنکه مسئله به

کارگیری در مکان مربوطه و یا دیگر بهره برداریهای عملیاتی مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفته باشد.

د. روشهای مکمل مطابق با این امریه را جهت اجرای بهتر برنامه متارکه گران در منطقه مربوطه به IDC

و اشنگتن ارجاع دهد تا تصویب گردد. این پیشنهادات شامل (۱) اقدامات امنیتی مناسب در مورد پرسنل و

تسهیلات برنامه متارکه گران، (۲) تأمین این مسئله که (الف) در اولین فرصت اطلاعات مربوط به اهمیت

خصوصیت و یا خطراتی علیه امنیت تأسیسات آمریکایی از شخص تازه وارد و یا ناراضی بدست خواهد

آمد، (ب) این اطلاعات با ذکر منبع و ارزیابی مناسب فوراً در حوزه و در سطح ملی منتشر خواهد گردید،

(ج) شخص ناراضی یا تازه وارد در اولین فرصت همراه با البسه، اسناد و دیگر لوازم شخصی و نتیجه جلسه

توجهی مقدماتی فرد به سازمان سیا سپرده خواهد شد.

ه. عملیات محلی را طوری طرح ریزی کنید که فرد تازه وارد سریعاً به مقام مربوطه پایگاه آمریکایی ارجاع و طوری رفتار شود که امنیت فرد مربوطه و پایگاه آمریکایی نیز تأمین گردد.

۷ مسئولیتهای نمایندگان حوزه ای سیا

نماینده حوزه ای سیا مسئول اجراء برنامه متارکه گران خارجی و ارائه خدمات مشترک می باشد. او باید:

الف. به عنوان نماینده... ریاست اطلاعاتی مرکزی فعالیت متارکه گران را در منطقه حوزه مسئولیت خود هماهنگ سازد که موارد زیر را نیز دربر می گیرد:

(۱) با واحدهای امنیتی و اطلاعاتی و یا دیگر عناصر ذینفع دولتهای خارجی در رابطه با مسئله متارکه گران رابطه برقرار نماید،

(۲) استفاده کامل از منابع و تواناییهای همه وزارتخانه ها و آژانسها را در حمایت از این برنامه به عمل آورد.

(۳) ایجاد انگیزه و استفاده عملیاتی از متارکه گران بر طبق اصول امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی

شماره ۱/۵ از طریق وزارتخانه ها و آژانسها

ب. با کمیته محلی متارکه گران مشورت نماید:

(۱) در رابطه با اشخاص ناراضی، ارزش ویژه و خطرات احتمالی علیه منافع سیاسی، نظامی،

دیپلماتیک و امنیتی آمریکا را مشخص سازد.

(۲) اطلاعات به دست آمده از متارکه گران را سریعاً به بخشهای اطلاعاتی مربوطه ارسال نماید.

(۳) نحوه های خاص برخورد با این اطلاعات را از قبیل محدودیت انتشار محلی اطلاعات در رابطه با

افراد ناراضی و متارکه گر هنگامی که مسائل سیاسی، نظامی، دیپلماتیک، امنیتی و غیره در آن دخیل باشد مشخص سازد. در این گونه موارد، سفارشات مربوط به نحوه برخورد به واشنگتن ارسال خواهد گردید.

ج. متارکه را تشویق و از متارکه گران استفاده عملیاتی به عمل آورد.

د. با مشورت با نمایندگان وزارتخانه ها و یا آژانسهایی که احتمالاً در تشخیص هویت و یا تحویل فرد

ناراضی همکاری داشته و یا بنابه دلایل دیگر توجه و یا توانایی خاصی در رابطه با وی دارند، میزان

صداقت وی را تعیین نمایند.

(۱) نمایندگان وزارتخانه ها و یا آژانسهای مربوطه در زمان تشخیص میزان صداقت دائماً در جریان

امر قرار داده می شوند و هنگام پایان تعیین میزان صداقت و ارزشهای ویژه نیز برای آنها، یک خلاصه

گزارش نهایی ارسال می گردد. در آن موقع به وزارتخانه ها و یا آژانسها اجازه داده می شود که به او

دسترسی داشته و شرایط مورد نیاز امنیتی و یا عملیاتی اطلاعاتی خود را تأمین نمایند و از وی جهت

اهداف دیگر بهره برداری نمایند.

(۲) اطلاعات حاکی از اهمیت خصومت یا دیگر اطلاعات بسیار با اهمیت در اولین فرصت استخراج

گردیده و فوراً در سطح حوزه و در سطح ملی منتشر گردد. تحقیق و تفحص متارکه گران به منظور کسب

اطلاعات دارای اهمیت عملیاتی همگام با دیگر وزارتخانه ها و آژانسها انجام می گیرد؛ سرنخهای ویژه ای

که در فعالیتهای مخفی آنها قابلیت کاربرد دارد، به وزارتخانه ها و یا آژانسهای ذیربط ارجاع داده خواهد شد.

(۳) اگر در مدت زمان معقول نتوان میزان صداقت یک فرد ناراضی را مشخص نمود، به دیگر اعضای کمیته محلی متار که گران پیرامون فرد ناراضی یک گزارش وضعیت داده می شود که در آن به طور کلی درباره سوابق، تخصص و حوزه نسبی صلاحیت و شایستگی مطالبی آمده است. وزارتخانه ها و یا آژانسهای ذیربط براساس شرایط مشخص شده به وسیله نماینده سیا و شرایط غیرعادی پرونده موردنظر سعی خواهند کرد در اسرع وقت نیازهای اطلاعاتی خود را تدارک و ارضا نمایند، در حالی که تماس مستقیم با فرد ناراضی ممکن باشد.

(۴) وقتی که پرونده حاکی از عملیات ضد جاسوسی باشد، یعنی عامل را دارای روحیه خصومت بار مشخص کرده باشند، شرایط این امریه درباره وی صادق نخواهد بود، بلکه پرونده براساس امریه ریاست اطلاعاتی مرکزی شماره ۱/۵ بررسی خواهد شد. اگر مشخص گردد که عملیات ضدجاسوسی در کار نیست وزارتخانه ها و یا آژانسها تقاضا خواهند کرد که با تماس مستقیم با شخص ناراضی و طبق شرایط تعیین شده توسط نماینده سیا شرایط و نیازهای اطلاعاتی خود را تأمین نمایند.

ه. نماینده آمریکا در محل باید از وجود یک متار که گر یا متار که گر احتمالی مطلع شود و با آن نماینده پیرامون تمام جنبه های متار که گر مشورت شود.

و. از متار که گر با مشارکت وزارتخانه ها و یا آژانسهای درگیر در برنامه متار که گران جهت کسب اطلاعات مثبت تحقیق به عمل آید.

ز. وسایل و پرسنل لازم را جهت بازجویی از متار که گران و حمل و نقل وی به نقاط امن را فراهم آورد.

ح. بین کمیته محلی متار که گران و IDC / واشنگتن به عنوان یک کانال ارتباطی عمل نماید.

ط. با اطلاعات خارجی و خدمات امنیتی در رابطه مسائل متارکه گر از قبیل تبادل گزارش، سؤال و جوابها رابطه برقرار سازد.

۸ مسئولیتهای نمایندگان حوزه ای وزارت خارجه، ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی نمایندگان منصوب وزارت خارجه، ارتش، نیروی دریایی و نیروی هوایی وظایف زیر را به عهده دارند:

الف. مطابق شرایط پاراگراف ۷ الف بالا، مسئول انجام فعالیتهای مکمل در حمایت از برنامه متارکه گران شامل ایجاد انگیزه متارکه، ایجاد رابطه با خدمات اطلاعاتی خارجی و امنیتی در مورد مسائل متارکه گر و مبادله گزارش سؤال و جوابهای خود می باشند.

ب. هویت هر متارکه گر احتمالی را همراه با اطلاعات ذیربط موجود سریعاً به نمایندگان سیا گزارش دهند.

ج. در محدوده توانایی خود باید وسایل حمل و نقل، مسکن، پرسنل و دیگر تسهیلات را در حمایت از برنامه متارکه گران فراهم سازند.

د. باید به نماینده ریاست اطلاعاتی مرکزی از تأثیرات سیاسی، نظامی، دیپلماتیک یا امنیتی پیشنهادی در برنامه متارکه گران اطلاع دهند.

۹ مسئولیت‌های نماینده ارشد آمریکا در منطقه

نماینده ارشد آمریکا در منطقه دارای مسئولیت‌های زیر می باشد:

الف. با مشورت و توصیه نماینده ریاست اطلاعاتی مرکزی میزان و نحوه تأثیر اقدامات انجام شده در قبال شخص ناراضی و متارکه گران را که می تواند از نظر سیاسی و دیپلماتیک بر منافع آمریکا تأثیر بگذارد مشخص سازد.

ب. مطمئن شود که مقامات ذیربط آمریکایی که در پاراگراف ۵ نیامده و احتمالاً با شخص ناراضی در تماس هستند و در رابطه با مسئله متارکه گران به نحو محدودی توجیه شده اند.

ج. با نمایندگان آمریکایی وزارتخانه ها و یا آژانسهای ذیربط و تا حد لزوم با آژانسهای دولتهای خارجی در مورد بهره برداریهای تبلیغاتی و روانی متارکه گران هماهنگی ایجاد نماید.

د. به نماینده سیا در اجراء مسئولیت‌های مطروحه خود در این امریه کمک نماید.

آلن دبلیو دالاس

رئیس اطلاعات مرکزی

۹ بهمن ماه ۱۳۳۹ طبقه بندی: سری

حفاظت متارکه گران در کشورهای خارجی

از: وزارت امور خارجه

به: تمام نمایندگیهای دیپلماتیک آمریکا (به استثناء بوخارست، بوداپست، مسکو، پراگ، صوفیه و

ورشو)، اسکندریه، الجزیره، برلن، بمبئی، کلکته، کازابلانکا، داکا، داکار، فرانکفورت، ژنو، هنگ کنگ،

اصفهان، استانبول، لاگوس، لاهور، لئوپولدویل، مدرس، مشهد، نایروبی، سالزبورگ، سنگاپور، تبریز،

طنجه، تریسته، نمایندگی آمریکا در سازمان ملل

افزایش سفر و ایجاد نمایندگیهای دیپلماتیک بین بلوک چین و شوروی و جهان آزاد احتمالاً ایجاب خواهد کرد که تعداد واحدهای خدمات خارجی در سر و کار داشتن با متارکه گران طبق تجویز امریه های کنونی اطلاعاتی افزایش یابد. این امریه ها، در مورد بسیاری از جزئیات مفصل مراحل مربوط به متارکه گران بطور کلی برخوردار می کنند. معذالک، تجارب اخیر ایجاب می کند که به موقع بعضی از اصول مؤثر بر موقعیت و رفاه افراد متارکه گر، طرز تفکر سنتی آمریکایی در این رابطه، وضع کشورهای میزبانی را که متارکه در آنها به وقوع می پیوندند مورد بررسی قرار دهیم.

فرضیه پناهندگی سیاسی

متارکه گری که از طرف دولت میزبان خود از نظر اقدامات غیرقانونی متهم نشده ممکن است از یکی از نمایندگان آمریکایی تقاضا کند که به او در قلمرو آمریکا پناهندگی داده شود. دو پاراگراف امریه، ریاست اطلاعات جاسوسی شماره ۲/۴ (که همراه CA ۳۲۵۲ به تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۳۸ به اکثر نمایندگان ارسال گردید) با مسئله «پناهندگی» به صورت زیر برخوردار می کنند:

پاراگراف ۲ (ه) داوطلب: داوطلب فردی ناراضی است که وارد یکی از تأسیسات آمریکایی در یکی از کشورهای خارجی می شود و تقاضای پناهندگی می کند و یا تقاضا می کند که به او کمک کنند تا از کنترل کمونیستها فرار کند.

پاراگراف ۶ (الف) «... در اولین فرصت ممکن باید از شخص ناراضی خواسته شود که بیانیه ای امضا نموده و در آن قید نماید که متارکه وی داوطلبانه صورت گرفت و خواستار پناهندگی سیاسی می باشد». این وزارتخانه کلمه «پناهندگی» را که در پاراگرافهای بالا قید شده به معنی پناهندگی قلمروی در آمریکا تفسیر می کند و آن را به معنی پناهندگی دیپلماتیک در یکی از تأسیسات رسمی آمریکا نمی داند. در حراست از متارکه گر حق حاکمیت دولت میزبان (و نیز گرایشهای سیاسی آن) الزاما باید مدنظر قرار گیرد. در نهایت، مقامات آمریکایی تمام تلاش خود را باید به کار گیرند تا از بازگشت اجباری متارکه گران به کشور موطن خود ممانعت به عمل آورند.

بهرتر است به مقامات محلی بند ۱۴ بیانیه جهانی حقوق بشر (قطعنامه شورای ملی مورخه ۲۳ آذر ماه ۱۳۲۷) به عنوان علت اصلی مقاومت در برابر تقاضای اعاده متارکه گر به کشور اصلی خود گوشزد گردد. بند ۱۴ بیانیه قید می کند که «هرکس حق دارد جهت فرار از مجازات به کشورهای دیگر پناهنده شود». روشهای احتمالی جهت حراست از متارکه گران

ضمیمه ۲، یکی از موارد اخیری را نشان می دهد که در آن حقوق متارکه گر، آمریکا و کشور میزبان به نحو موفقیت آمیزی تحت حراست و سازش درآمده بود. بنابراین از واحدها تقاضا می شود که در هنگام بروز موارد مشابه تلاش خود را جهت انجام مراحل زیر به کار بندند:

۱ نمایندگان خدمات خارجی واجد شرایط بایستی در اجراء فعالیتهای قانونی ضروری (ثبت،

سندبرداری، سؤال و جواب و غیره) مطابق با قوانین و مقررات کشور میزبان همراه متارکه گر باشند.

۲ اگر ممانعت از رویارویی با رؤسای پیشین او امکان پذیر نیست، یکی از مقامات خدمات خارجی در چنین رویارویی‌هایی باید حضور داشته باشند که در آن زبان مورد استعمال نیز باید برای دو رئیس و نماینده آمریکا قابل درک باشد. مقامات محلی باید متقاعد شوند که انحراف از روشهای رویارویی (به ضمیمه ۳ نگاه کنید) علت اختتام جلسه رویارویی را پدید خواهد آورد.

روشهای احتمالی در مورد بازگشت به کشور اصلی

اگر متارکه گری تقاضای پناهندگی تسلیم مقامات آمریکایی نمود در هنگام (و بعد از) رویارویی اگر او راضی به بازگشت به کشور خود گردی، د باید از او خواسته شود که در بیانیه ای مطالب زیر را مطرح سازد که: الف) بازگشت او به کشور موطن خود بنا به میل خودش بوده و براساس زور و جبر آن را انجام نداده است؛ ب) هنگام به سر بردن در توقیف آمریکا از حقوق خودش محروم نشده است؛ ج) او تقاضای پناهندگی خود در آمریکا را معتبر نمی داند.

مسائل خاص آلمان غربی و برلن

در آلمان، واحدهای نظامی آمریکایی مستقیماً با نمایندگان آنها و قرارگاههای نظامی شوروی در تماس

بوده و مسئولیت تشکیل جلسه رویارویی برای متار که گران نظامی را به عهده دارند. این امریه به منظور تغییر برنامه ها نیست. لیکن ممکن است که واحدها بخواهند تغییراتی را یا از طریق کانال کمیته متار که گر (آلمان) و یا مستقیما به وزارتخانه پیشنهاد نمایند تا توسط کمیته درون آژانس متار که گر در واشنگتن مورد بررسی قرار گیرد.

این دستورالعمل باید به اعضای تمام واحدهای مورد خطاب نشان داده شود. هرگز
ضمیمه:

۱ مورد کازناکیف

۲ راهنمایی در رابطه با تشکیل جلسه رویارویی.

پرونده کازناکیف

۲ تیرماه ۱۳۳۸: کازناکیف، افسر اطلاعاتی شوروی وارد کتابخانه دفتر حفاظت منافع آمریکا در رانگون شد و از متصدی کتابخانه پرسید که آیا می تواند با یکی از مقامات سفارت آمریکا دیدار نماید. تقاضای او به رئیس ایستگاه داده شد و نماینده ریاست ایستگاه از سفارت که زیاد از آنجا فاصله نداشت جهت مصاحبه با او از راه رسید. کازناکیف به افسر مزبور، اطلاعاتی کلی درباره خویش، و انگیزه هایش داد و تقاضا کرد که او را به طور امن از برمه خارج سازند. قرار شد که در ساعت ۹ صبح روز بعد ملاقات دیگری انجام شود (۳ تیرماه) و کازناکیف برای گذراندن شب به محل سکونت خود بازگشت. در مورد این پرونده در بعد از ظهر روز ۲ تیرماه میان کمیته محلی متار که گران رانگون، سفیر و نماینده دفتر حفاظت منافع آمریکا گفتگویی انجام گرفت. همه توافق کردند که در صورت مشخص شدن صداقت کازناکیف او را به عنوان یک متار که گر خواهند پذیرفت.

۳ تیرماه: کازناکیف طبق برنامه در ساعت ۹ صبح حاضر گردید و یک تقاضای پناهندگی ساده امضاء

کرد. او را به محل اقامت وابسته نظامی جهت تحقیقات اولیه بردند و در ساعت ۱ بعد از ظهر به سفارت آمریکا انتقال دادند.

۳ و ۴ تیرماه: تلاش شد تا از برمه اجازه افشاء متار که گر در محل و انتقال آشکار او از برمه انجام شود.

در این مورد ملاقاتهایی چند بین پرسنل سفارت آمریکا و مقامات دولت برمه انجام گرفت.

۵ تیرماه: پس از تأیید و تصویب وزارتخانه، سیا به ریاست ایستگاه در رانگون دستور داد، در صورت

امکان بهتر است که موضوع در برمه افشاء شود در غیر این صورت این پرونده باید به طور یک جانبه مورد

بررسی قرار گیرد و فرد مزبور در اختفا به بانکوک منتقل گردد.

۶ تیرماه: صبح روز مذکور دولت برمه به سفارت اجازه داد که علاوه بر افشاء موضوع فرد مزبور به

سرعت از برمه خارج شود. وابسته هوایی اقدامات لازم را جهت انجام سفر هوایی به عمل آورد و یک

فروند هواپیمای سی ۱۳۰ نیروی هوایی آمریکا در بعد از ظهر روز هفتم تیرماه وارد رانگون گردید.

ظهر روز ششم تیرماه، سفیر با وزیر خارجه برمه تماس گرفت و او را در جریان اوضاع و برنامه ای که

توسط مقامات اطلاعاتی و امنیتی برمه جهت محافظت، افشاء زمان تبلیغ و انتقال کازناکیف توسط هواپیما

به عمل آمده بود قرارداد. منابع برمه ای قبلاً وزیر خارجه را در جریان امر قرار داده بودند.

بعد از ظهر روز ششم تیرماه دفتر روابط خارجه به سفیر یادآور گردید که سفارت شوروی درباره

کازناکیف پرس وجو کرده است و وی در پاسخ گفته است که فرد مزبور در اختیار سفارت آمریکا قرار دارد. عصر همان روز دفتر روابط خارجی به سفیر اطلاع داد که اجازه دولت برمه جهت انتقال کازناکیف از این کشور لغو گردیده است.

داستان توسط سفارت در ساعت ۸ بعد از ظهر در روز ششم تیرماه در اختیار مطبوعات محلی و

خدمات بی سیم به وقت محلی قرار داده شد تا با انتشار خبر مزبور ضربه ای به شورویها وارد گرداند.

۷ تیرماه: در سفارت آمریکا یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار گردید. کازناکیف مورد مصاحبه قرار

گرفت و از وی عکس برداری شد.

بین پرسنل سفارت آمریکا و مقامات دفتر روابط خارجی برمه و اطلاعات نظامی ملاقاتهایی صورت

گرفت و منجر به ملاقات بین سفیر و نخست وزیر برمه گردید که در آن او به گفتگو پیرامون جنبه های

قانونی مورد مذکور پرداخت. آنها توافق کردند که قبل از انتقال از برمه، کازناکیف به وزیر امور خارجه

برمه سپرده شود تا مدت کوتاهی در توقیف برمه به سر برد. پس از آن از وی سؤال خواهند کرد که آیا او

داوطلبانه این تصمیم را گرفته است و به او پناهنده شدن در برمه را پیشنهاد خواهند نمود. اگر او اظهار دارد

که مایل است به آمریکا پناهنده شود او را به سفارت آمریکا خواهند سپرد. قبل از اعاده او به سفارت

آمریکا، برمه ایها به سفیر شوروی فرصتی خواهند داد تا بتواند در حضور مقامات برمه ای با کازناکیف

گفتگو نماید. سفیر آمریکا این شرایط را پذیرفت، لیکن گفت که هنگام گفتگوی سفیر شوروی با کازناکیف

نماینده آمریکا نیز باید حضور داشته باشد و علاوه بر این مکالمات باید به زبان انگلیسی صورت پذیرد.

۹ تیرماه: مقامات سفارت در ساعت ۱۵/۱۰ صبح روز مزبور کازناکیف را به سفیر معرفی کردند. سفیر

هنگام ظهر او را به کالج دفاع ملی برمه برد و با وزیر خارجه ملاقات نمود. سفیر او را در آنجا به حال خود

گذاشت، به سفارت بازگشت و به کالج دفاعی برمه در ساعت ۵/۱۲ بازگشت. برمه ایها به مدت چهار

ساعت با کازناکیف گفتگو کردند. به سفیر شوروی پیشنهاد شد که با کازناکیف گفتگو نماید، لیکن پیشنهاد مذکور به این دلیل که زمان جهت برقراری تماس با مسکو کافی نیست رد گردید.

سفیر آمریکا کازناکیف را شخصا به فرودگاه برد و از آنجا او با هواپیمای نیروی هوایی آمریکا در ساعت ۴/۴ دقیقه بعد از ظهر برمه را ترک گفت (جزئیات سفر به فرودگاه رانگون در ارسالی شماره ۶ مورخ ۱۱ تیرماه ۱۳۳۸ تشریح شده است).

چند هفته بعد، سفیر آمریکا پرونده را به صورت زیر خلاصه نمود:

برمه ایها دقیقا دریافته بودند که برای حفاظت خود در برابر انتقادات سفارت شوروی باید به کازناکیف دسترسی داشته باشند تا بتوانند حقایق پرونده را روشن سازند. سفارت شوروی آنها را متهم کرده بود که کازناکیف به دام افتاده است و توسط آنها وادار به رفتن به سفارت آمریکا شده است. آنها می خواستند مطمئن شوند که کازناکیف و یا سفارت آمریکا قوانین برمه را زیر پا نگذاشته اند و کازناکیف بنابه میل و اراده خویش این کار را انجام داده و اتهامات وارده به برمه ایها در انجام مسئولیت در قبال سفارت شوروی و پرسنل آن بی اساس می باشد.

«برداشت من این است که دفتر خارجه برمه در رابطه با معنی پناهندگی دیپلماتیک ابتدا درک

صحیحی نداشته و نمی دانسته که مقصود ما از ارائه کازناکیف به دولت برمه چیست. ابتدا و اشتباها آنها فکر می کردند که می توانند با او مانند یک زندانی رفتار کرده و برخلاف میل و رضای خود او را وادار به

ملاقات با سفیر شوروی در غیاب نماینده آمریکا بنمایند. آنها بالاخره تحت فشار اعمال شده از طریق من این موضع را اتخاذ نکردند که براساس قوانین برمه ای او یک فرد آزاد است.

«این سفارت پرونده را مطابق با دستورات مربوط به رفتار با پرونده های متار که گران مورد بررسی

قرار داد. و نه مدعی شد که می خواهد به کازناکیف پناهندگی دیپلماتیک اعطا کند و هیچ گاه اعلام نکرد که

کازناکیف در حیطه قانونی برمه قرار ندارد. سفارت به هیچ وجه از سنت آمریکا علیه استفاده از مأموریت

دیپلماتیک خود به منظور اعطای پناهندگی دیپلماتیک جدا نبوده است.»

راهنمای تشکیل جلسات رویارویی با متار که گران

این جلسه معمولاً این طور شروع می گردد که یکی از مقامات وزارت خارجه محلی طرفین را به

یکدیگر معرفی می نماید.

نمایندگان بلوک شوروی حق دارند سؤالات زیر را مطرح نمایند.

۱ آیا صحت دارد که متار که گر از آمریکا یا دولت محلی تقاضای پناهندگی کرده است؟

۲ آیا او داوطلبانه این کار را انجام داده است؟

۳ آیا او به جدیت این تصمیم پی برده است؟ آیا او آماده است که خانواده، دوستان، حقوق و امتیازات

خود را رها کرده و خود را از زندگی عادی خود جدا سازد؟

۴ آیا او به وابستگانش در مورد این تصمیم خود اطلاع داده است؟

۵ آیا میل دارد با وابستگان و دوستانش ارتباط برقرار نماید؟ (اگر توافق کرد، متن ارتباط باید برای او

خوانده شود) اگر وابستگانش از وی بخواهند که در تصمیم خود تجدید نظر نماید آیا او باز هم به متار که

تمایل نشان خواهد داد؟

۶ آیا وضع سلامت او خوب است؟

۷ آیا او مشغول به کار است؟

۸ آیا او تقاضای تبعیت دیگری را نموده است؟ آیا او هویت خود را به مقامات آمریکایی و یا محلی

تسلیم نموده است؟ (اگر جواب مثبت است، اسناد مربوطه را دولت صادرکننده می تواند بعدا ارائه نماید).

در صورتی که نمایندگان بلوک مزبور ناگهان از زبانی غیرمفهوم برای نماینده آمریکا استفاده کنند و یا

خانواده و دوستان متارکه گر را تهدید نمایند (و یا خود او را تهدید نمایند)، جلسه رویارویی فوراً باید

خاتمه یابد، نباید اجازه داده شود که جلسه در روی نوار ضبط گردد چون به منظور تبلیغاتی و یا مقاصد

دیگر می توان آن را به سادگی تحریف نمود.

۱۷ تیرماه ۱۳۴۳ طبقه بندی: طبقه بندی نشده

از: وزارت امور خارجه: تمام واحدهای دیپلماتیک و کنسولی

موضوع: تجدید نظر FAM ۲/۲۲۵ محدودیتهای موجود در اعطای پناهندگی

آنچه در پیوست آمده متن مورد تجدید نظر واقع شده ۲/۲۲۵ مربوط به «محدودیتهای اعطای

پناهندگی» می باشد. همان گونه که از اولین جمله FAM ۲/۲۲۵ پیشین برمی آید، سیاست آمریکا بر آن

است که بجز در موارد استثنایی به کسی امتیاز پناهندگی ندهد.

در همان حال تجربه نشان داده است که در مواردی، گذشته از آنکه فردی از طرف یک گروه خشمگین

در معرض تهدید و خطر جسمی قرار می گیرد، مواردی نیز وجود دارد که باید به شخصی امتیاز پناهندگی اعطا گردد. موارد آشکار عبارتند از مواردی که خطر جدی از طرف مقامات دولتی بی پروا و جسور اعمال می گردد. برای روشن شدن مطلب درج کلمه «مانند» قبل از عبارت «گروه خشمگین» مفهوم مصورتر می گردد و محدودیت آن از میان می رود.

اعطای این امتیاز بدان معنی نیست که می توان به فردی که تحت پیگرد قانونی دولت میزبان هست نیز آن امتیاز را داد. شما حتما می دانید که دولت میزبان می تواند ادعا کند که با اعطای پناهندگی در حاکمیت آن مداخله به عمل آورده اید. بنابراین واضح است که قبل از اعطای پناهندگی باید کمال احتیاط و دقت را مبذول بدارید.

به محض پناهنده شدن، سفارت و یا کنسولگری باید سریعا با وزارتخانه تماس حاصل نماید تا دستورات لازمه را اخذ نماید و در این رابطه تمام اطلاعات مربوطه را باید ارائه نمایند. کنسولگریها نیز علاوه بر این باید از سفیر در این باره راهنمایی بخواهند، تا زمان دریافت دستور از وزارتخانه، سفارت و کنسولگریها باید به سؤالات پناهنده و یا دولت میزبان درباره حضور پناهنده پاسخ گفته و اظهار دارند که منتظر دریافت دستور از واشنگتن می باشند.

پناهندگی ادامه خواهد یافت تا زمانی که مقامات ذیربط دولت ملی به نحو رضایتبخش اطمینان دهند که امنیت شخصی پناهنده در برابر اقدامات خودخواهانه و غیرقانونی تأمین خواهد شد و فرد موردنظر تحت حمایت قانونی قرار خواهد گرفت. هر سؤالی که در رابطه با رضایتبخش بودن اطمینانها پیش آید باید به وزارتخانه ارجاع گردد. بال، اکتینگ

محدودیتهای اعطای پناهندگی

قانونا یک افسر دیپلماتیک و یا کنسولی نباید به اشخاصی که خارج از محل اداری و یا شخصی خود

هستند پناهندگی اعطا کند. می توان به اشخاص از راه رسیده به خاطر اینکه از طرف یک گروه خشمگین در معرض خطر قرار گرفته اند، پناهندگی اعطا کرد ولی این پناهندگی تا زمان دوام خطر ادامه خواهد داشت. به محض دریافت اظهارنامه ای که براساس آن دولت ملی امنیت شخص پناهنده را علیه بی قانونی و یا خودخواهی تأمین می کند و پرونده او براساس صحیح قانونی مورد بررسی قرار می گیرد پناهندگی وی نیز پایان می یابد (۲/۲۲۵FAM۲).

رویارویی در مورد متارکه گران با حضور ملیتهای شوروی و..

۲۸ اسفند ماه ۱۳۴۷ طبقه بندی: سزی

از: وزارت خارجه: تمام واحدهای دیپلماتیک آمریکا

عطف به: CA ۶۱۲۰ مورخ ۹ بهمن ماه ۱۳۳۹

موضوع: رویارویی در مورد متارکه گران با حضور ملیتهای شوروی و کشورهای

کمونیستی اروپای شرقی

۱ اخیرا این وزارتخانه در مورد سیاست رویارویی ما با متارکه گران شوروی و کشورهای کمونیستی

اروپای شرقی تجدید نظر کاملی به عمل آورده است. هدف ما این بود که این سیاست را با اهداف مشروع

اطلاعاتی و نیز حفاظت شهروندان آمریکایی علیه دستگیریهای ناخواسته در کشورهای مربوطه و

جلوگیری از پیچیدگیهای غیرضروری در روابط خود با این کشورها هماهنگ سازیم.

۲ این وزارتخانه تصمیم گرفته است که به طور کلی دولتهای شوروی و کشورهای کمونیستی اروپای شرقی را در جریان متارکه اتباع آنان و پناهنده شدن آنان به آمریکا قرار دهد و در صورت تقاضا ترتیبی بدهد که متارکه گران آنها با نمایندگان مربوطه دولتهای آنان در رو در رو شوند.

۳ به همین ترتیب، به همه متارکه گران نقاط مذکور به محض قرار گرفتن در کنترل ما چه در آمریکا و چه در خارج باید اطلاع داده شود که دولت متبوع آنها در اولین فرصت در جریان امر قرار داده خواهد شد و آنها باید توافق کنند که در صورت لزوم تحت حفاظت ما با نمایندگان دولت خود رو در رو شوند. اگر یکی از این متارکه گران اصل رو در رویی را قبلاً نپذیرفت، قبل از انجام مراحل برنامه متارکه گران، آمریکا مسئله را با وزارتخانه در میان نهد.

۴ در صورتی که جامعه اطلاعاتی فکر می کند که وضع یک متارکه گر خاص طوری است که اخطار و یا رویارویی ممکن است اهداف اطلاعاتی ما را به مخاطره بیفکند حقایق مربوطه را به وزارتخانه اطلاع دهید تا پیرامون آن بررسی به عمل آورد.

۵ این وزارتخانه می داند که موارد متارکه ای که در کشورهای خارج رخ می دهند مشکلات حساسی را در رابطه با کشورهای ثالث پدید می آورند و تصمیم مربوط به اخطار و رویارویی در این شرایط باید براساس خصوصیات پرونده موردنظر گرفته شود. در بعضی موارد، ممکن است مسئله اخطار و رویارویی الزاما تا بعد از ورود متارکه گر به آمریکا به تعویق افتد. معذالک، در صورت امکان، بهتر است که واحدها مسئله رویارویی را حل نمایند و یا از دولت میزبان دوست بخواهد که قبل از انتقال متارکه گر توسط آمریکا به این کار مبادرت ورزند.

۶ براساس این سیاست کلی، دولت آمریکا می تواند انعطاف پذیری لازم خود را در رابطه با بعضی

موارد به دلایل بشردوستانه و یا سیاسی و به منظور منافع اطلاعاتی حفظ نماید. معذالک بهتر است که حق انتخاب در مورد اخطار و یا تشکیل جلسه رویارویی به جای متارکه گراز آن دولت آمریکا باشد.

۷ باید به یاد داشت که این سیاست کلی تنها در مورد متارکه گران خاص مصداق پیدا می کند و در مورد آوارگانی که جامعه اطلاعاتی مسئولیت مستقیمی درباره آنها ندارد کاربرد نمی یابد.

۸ این نامه هوایی که با کمیته درون آژانسی متارکه گران واشنگتن هماهنگ شده باید به اطلاع تمام پرسنل مربوط به متارکه گران و کمیته های محلی متارکه گران رسانیده شود. راسک

روشهای عملکرد کمیته درون آژانسی متارکه گران در تهران

سند شماره (۲)

۱۸ فوریه ۱۹۶۹ ۲۹ بهمن ۱۳۴۷ سزّی / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

روشهای عملکرد کمیته درون آژانسی متارکه گران در تهران

۱ اختیارات. اختیارات مربوط به ایجاد روشهای عملکرد محلی امریه ریاست اطلاعات مرکزی

شماره ۲/۴ (برنامه متارکه گران خارجی) می باشد. این سند روشهای وسیعی را جهت اقتباس، اسکان

دوباره و مسائل دیگر مربوط به متارکه گران را ایجاد کرده و به هر کمیته متارکه گران محلی (که از این به بعد

از آنها فقط بنام کمیته یاد خواهیم کرد) امر می کند که روشهای تکمیلی مفصلی را در برخورد با این موارد

تهیه نمایند. کمیته تهران مرکب از ریاست ایستگاه (سرپرست)، افسر امنیتی سفارت، مشاور سیاسی،

وابسته دفاعی و یکی از مقامات تعیین شده توسط ریاست ایستگاه به عنوان منشی می باشد.

۲ حوزه. این روشهای تکمیلی تنها در رابطه با متارکه گران و یا متارکه گران احتمالی نمایندگیهای

اقمار شوروی در ایران قابلیت کاربرد دارد. نمی توان آنها را در رابطه با عوامل ریاست ایستگاه و یا

اشخاصی که توسط ریاست ایستگاه به صورت عامل مورد استفاده قرار می گیرند به کار برد. در صورتی که

یک فرد روسی و یا یک فرد از کشورهای اقماری آن به صورت عامل ریاست ایستگاه درآید و در شغل خود

باقی بماند، باز هم با او به عنوان یک عامل و نه یک متارکه گر برخورد می نمایم. به عنوان یک عامل،

ریاست ایستگاه، گزارشهای مربوط به او را به کمیته ارجاع نخواهد داد.

۳ اخطار. اعضای کمیته در اولین فرصت و یا هر شش ماه یکبار به پرسنل ذی ربط آژانسهای دولت

آمریکا که در ایران به سر می برند اطلاع خواهد داد که طبق مسئولیت خود باید به عضو مناسب کمیته

سریعا گزارش دهند که (الف) آیا یک فرد روسی و یا عضو کشورهای اقماری آن متارکه کرده است یا

(ب) علائمی در دست است که براساس آن می توان گفت که یکی از افراد اقماری شوروی ناراضی است و

می توان او را تحریک به متارکه کرد، یا (ج) آیا گذشته از ضیافتهای رسمی، با شهروندان اقماری شوروی

تماس برقرار کرده اند یا خیر. مسئولیتهای ویژه جهت مطلع ساختن پرسنل مربوط به دیگر آژانسها برطبق

این پاراگراف به شرح زیر است:

الف. وابسته دفاعی باید اطمینان حاصل کند که پرسنل مربوطه مستشار نظامی آمریکا و GENMISH

در جریان امر قرار گرفته اند.

ب. نماینده وزارت خارجه در کمیته نیز در قبال امور بین المللی آمریکا همین مسئولیتهای را دارد.

ج. ریاست ایستگاه با افسر امنیتی سفارت ترتیبی خواهند داد تا گاردهای محافظ پرسنل مربوطه

محلی، نسبت به مسئولیتهای خود در نحوه برخورد با یک داوطلب آشنا شوند.

۴ القاء. اگر یکی از اعضاء کمیته از وجود یک متارکه گر و یا متارکه احتمالی یا رابط تجاری و اجتماعی مهم عملیاتی با خبر شده باشد، باید گزارش وضعیتی را به ریاست کمیته تسلیم نماید. این گونه اطلاعات از نظر عملیاتی حساس به حساب آید و باید گزارشی بین عامل خبردهنده و ریاست ایستگاه مطابق امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۱/۵ باشد، تا مشخص شود که به کارگیری درازمدت و یا متارکه کوتاه مدت در مکان مربوطه امکان ناپذیر است.

۵ در چنین موقعیتی (که شرح آن در پاراگراف ۴ رفته است) ریاست کمیته براساس شرایط بالا تشکیل جلسه کمیته را اعلام خواهد کرد تا (الف) مشخص شود که دولت آمریکا به چه طریق می تواند متارکه را القاء نماید؛ (ب) کدامیک از اعضاء کمیته به طرز مؤثر و صحیحی قادر به اداره پرونده می باشد، (ج) چه روشی باید در پیش گرفته شود؛ و (د) به فرد مورد بررسی و واسطه ها چه پیشنهاداتی باید بشود.

الف عضوی که مناسب کار با پرونده تشخیص داده شود در ارتباط و راهنمایی عملیاتی ریاست ایستگاه، کار خود را انجام خواهد داد. هر دو عضو در مدت زمان مورد توافق به کمیته مربوطه گزارش خواهند داد.

ب نماینده ریاست ایستگاه بر طبق امریه ریاست اطلاعات مرکزی شماره ۲/۴ به واشنگتن گزارش خواهد داد.

۶ پذیرش. پذیرش هر متارکه گر نسبت به شرایط متارکه آن فرق می کند. به منظور برخورد مؤثر با این

اوضاع یک سند جداگانه تحت عنوان، روش برخورد با داوطلبین، به عنوان روش عملیاتی پیشنهادی به ضمیمه ارسال شده است. این سند حاوی جزئیات روش برخورد با یک داوطلب یا متارکه گر را که بر عهده گرفته است می باشد.

۷ مسئولیت در قبال دولت میزبان. در برخورد با این مسئله نمی توان قوانین خاصی را از قبل تجویز نمود. هر پرونده مفرد باید براساس شرایط موجود بررسی گردد و تصمیم لازم نیز براساس روش صحیح در رابطه با دولت میزبان اتخاذ شود. در نتیجه کمیته باید بتواند هر پرونده را جدا از دیگری مطالعه کرده و تصمیم بگیرد که آیا به دولت میزبان باید درباره متارکه گر اطلاع دهد یا خیر.

۸ جلسات کمیته درون آژانس متارکه گران هر فصل یک بار جهت بحث پیرامون مسائل و روشهای روزمره برگزار می گردد. با این وصف آنها می توانند هر گاه و به درخواست هریک از اعضاء جهت بحث درباره یک مسئله دارای فوریت گردهم جمع شوند.

معمولاً مقام آمریکایی سعی خواهد کرد فرد مورد نظر را آرام نموده و در همان حال به افسر امنیتی یا افسر وظیفه سفارت اطلاع دهد که محموله ای وارد شده که باید درباره آن گفتگو شود. این علامتی است که سبب می شود افسر امنیتی یا افسر وظیفه ریاست ایستگاه را از محل فرد مورد نظر مطلع سازد.

ه درخواست ملاقات. اگر به یک مقام آمریکایی توسط شخصی که او را می شناسد تلفن شود و از او بخواهد که در مورد یک مسئله «مهم و قطعی» او را در مکان و زمان مشخصی ملاقات کند، وی باید:

(۱) یکی از رستورانها و یا مکانهای عمومی را که دور از تأسیسات رسمی بلوک شوروی است جهت

ملاقات تعیین نماید. همچنین محل ملاقات باید یکی از مکانهای سفارش شده در تهران باشد که فهرستی از آن به عنوان ضمیمه ای بر مطلب حاضر منتشر خواهد شد.

(۲) سعی کند زمان ملاقات کمتر از دو ساعت بعد از مکالمه تلفنی نباشد.

(۳) در ساعات کار فوراً مطلب را به افسر امنیتی سفارت گزارش نماید و منتظر دریافت دستور باشد.

در ساعات غیر اداری مطلب را به افسر امنیتی و یا افسر آماده خدمت تا حد امکان به طور مفصل و امن گزارش دهد.

شخص دوم باید فوراً ترتیب تماس مستقیم بین مقام آمریکایی و ریاست ایستگاه را بدهد.

(د) دستورات عملیاتی به ریاست ایستگاه داده خواهد شد.

۴ مسئولیتها.

الف افسر امنیتی سفارت مسئول توجیه و ارائه دستورات به بخش اطلاعات سفارت و گاردهای

حفاظتی است او سعی می کند اطمینان حاصل نماید که افسر آماده خدمت سفارت از محتوای این

یادداشت و هویت مقامات عالیرتبه ریاست ایستگاه مطلع است.

ب کنسول نیز مسئول توجیه بخش اطلاعات محلی در کنسولگری می باشد.

ج ریاست ایستگاه مسئول توجیه افسر امنیتی سفارت است که او نیز به نوبه خود هریک از افسران

آماده به خدمت سفارت را در مورد هویت مقامات ریاست ایستگاه و مکان ایجاد ارتباط با آنها در ساعات

غیراداری توجیه می کند.

د ریاست ایستگاه مسئول اداره فرد مورد نظر پس از تماس اولیه و موارد بعدی آن می باشد.

روش ایجاد تماس در رابطه با پناهندگی سیاسی ملیتهای روسی...

۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۸ سزّی / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: روش ایجاد تماس در رابطه با پناهندگی سیاسی ملیتهای روسی،

اروپای شرقی، کوبایی، ویتنام شمالی و کره شمالی یا چین

۱ حوزه و هدف: این دستورالعمل به این جهت منتشر شده است تا مقامات آمریکایی سفارت و دفاتر

کنسولی نسبت به برخورد صحیح با اوضاعی که در آنها یکی از ملیتهای مذکور با تأسیسات و یا افسران

آمریکای به منظور اخذ پناهندگی سیاسی تماس می گیرند توجه و راهنمایی شده باشند.

۲ کلی: دولت آمریکا از قدیم الایام پناهندگی سیاسی اعطا می کرده و نسبت به افرادی که متقاضی

این گونه کمک و یاری هستند احساس همدردی می کند.

برای هر یک از افسران یا مقامات درک این مطلب که رفتار صحیح سریع و مؤدبانه با فردی که

خواستار پناهندگی سیاسی است دارای اهمیت بسیار است لازم می باشد. یک مقام آمریکایی ممکن است

در نتیجه یک تقاضای شخصی در یک ضیافت؛ تلفن «خیلی مهم» به محل سکونتش، یا از طریق تلفنی که

از طرف بخش اطلاعات یا محافظ سفارت به او می شود و به او گفته می شود که فردی مایل است با وی در

مورد یک «مسئله مهم و غیرقابل افشاء» ملاقات کند، در چنین وضعی قرار بگیرد. این گونه درخواست

باید فوراً و بدون سردرگمی و غفلت مورد بررسی قرار گیرد. اگر تقاضا در ساعات غیراداری و یا در

روزهای تعطیل مطرح گردید، باید فوراً درباره آن عمل نمود و نباید آن را به روز بعد موکول نمود.

مقام آمریکایی دریافت کننده درخواست پناهندگی وظیفه دارد که با احساس همدردی و به طور

مؤدبانه فرد را بپذیرد و موقتاً امنیت وی را فراهم آورد، و مقامات مربوطه را همان گونه که در ذیل گفته

می شود سریعاً در جریان امر قرار دهد.

واقعیت مربوط به موجودیت یکی از ملیتها که خواستار پناهندگی است و هویت آن فرد، یک مسئله

بسیار بسیار حساس است، باید فقط در اختیار افراد مسئول مشروح در ذیل قرار گیرد.

فردی که خواستار پناهندگی سیاسی است ممکن است بسیار خونسرد باشد و یا از طرف دیگر بسیار عصبی باشد. لازم است که حفاظت و امنیت و یک محل خلوت برای وی تأمین گردد. اعصاب او را باید آرام نمود و در صورت امکان نباید او را تنها گذاشت. باید به دقت به داستان او گوش فراداد و سؤالات مناسبی را مطرح کرد، ولی به هیچ وجه نباید از وی بازجویی به عمل آورد، هرگز نباید تعهدی نامشروط، و یا قولی در رابطه با تأیید دولت آمریکا در مورد پناهندگی، امکان دوباره و یا کمکهای پولی و یا کمکهای دیگر به فرد مزبور بدهید. به طور کلی می توانید فرد را مطمئن سازید که دولت آمریکا از قدیم الایام پناهندگی سیاسی اعطا می کرده است و شما حداکثر تلاش خود را به کار می برید تا مسئله پناهندگی با سرعت و دقت و تحت حفاظت شدید به انجام برسد.

در صورتی که فرد مورد نظر قادر نیست با مقامات آمریکایی منتظر بماند، برای ملاقاتهای بعدی ترتیبی قطعی و دقیق فراهم آورید.

۳ راهنماییهای ویژه:

الف در ساعات اداری باید به دفتر اطلاعات سفارت دستور داده شود که تمام تلفنهای غیرعادی ارباب رجوع را به افسر امنیتی ارجاع دهند. در غیاب وی مسئول دفتر اطلاعات باید با اولین افسر آمریکایی که در فهرستی در اختیار وی قرار داده شده تماس حاصل نماید.

ب در ساعات اداری کنسولگری، باید به دفتر اطلاعات اعلام شود که تلفنهای غیرعادی را به کنسول و در غیاب وی به کنسول دیگر و یا معاون کنسولی ارجاع دهد.

ج در صورتی که معلوم شد که ارباب رجوع خواستار پناهندگی سیاسی است، افسر آمریکایی (افسر امنیتی یا کنسول و یا غیره) باید:

(۱) فرد را به یک مکان خصوصی و امن منتقل سازد (در سفارت می توانید از اطاق کوچکی که در

سمت چپ سالن اطلاعات و هم اکنون در اشغال ADI است استفاده کنید. در کنسولگری از اطاق ۲۱۱ استفاده نمایید).

فرد مورد نظر نباید تنها گذاشته شود و تا حد امکان نباید به وسیله کارمندان محلی رؤیت شود.

(۲) سعی کنید فرد مورد نظر را آرام نموده و به حرفهایش همان گونه که قبلاً ذکر شد گوش فرا دهید از بازجویی مستقیم امتناع ورزید و قول و تعهدهای صریح و بی پرده ندهید.

(۳) افسر امنیتی، کنسول یا مقامی که در بالا ذکر شد فوراً با یکی از مقامات ریاست ایستگاه در دفتر یا

محل سکونت وی تماس گرفته و او را در جریان «ورود یک محموله» قرار خواهد داد و از او خواهد خواست که بیاید و آنرا تحویل بگیرد.

د در ساعات غیراداری:

(۱) گاردهای حفاظتی در سفارت و کنسولگری در مورد پذیرش یک پناهنده احتمالی توجیه شده اند.

در صورت دریافت یک تلفن غیرعادی آنها سریعاً با افسر امنیتی و یا افسر آماده به خدمت تماس خواهند

گرفت. گارد به افسر مربوطه اطلاع خواهد داد که شخصی می خواهد در مورد یک مسئله مهم با وی

ملاقات کند و او نیز برای بررسی آن خواهد آمد. پس از آن گارد امنیتی سعی خواهد کرد ارباب رجوع را به

اعصاب خود مسلط سازد و در صورتی که زبان او را نفهمد سعی خواهد کرد با استفاده از کارتهای

مخصوص نام، ملیت و حرفه او را تعیین کند.

(۲) افسر امنیتی یا افسر آماده به خدمت پس از مشخص کردن این مسئله که ارباب رجوع متقاضی

پناهندگی سیاسی است فوراً با ریاست ایستگاه تماس گرفته و پیام را به او خواهد داد و منتظر ورود او و

تحویل ارباب رجوع می گردد.

ه تماس در محل سکونت: در صورتی که با یکی از مقامات آمریکایی در محل سکونت تماس گرفته

شود و یا در صورتی که فردی از ملیتهای مذکور طی یک مکالمه تلفنی بخواهد با وی ملاقات نماید، همان

اهداف اساسی از قبیل پذیرش، تأمین امنیت و مطلع ساختن مقامات مسئول به کار گرفته می شود، لیکن

کاربرد آنها متفاوت است، ولی نباید اصول شدید و سختی در پیش گرفته شود، بخش اعظم مسئله بستگی

به قضاوت مقام آمریکایی دارد.

بازگرداندن داوطلبین کمونیست

۳ ژانویه ۱۳۷۳ دی ۱۳۵۱ طبقه بندی: سرّی حساس

از: ریاست بخش بلوک شوروییه: رؤسای قرارگاهها و پایگاهها

اقدام: بخوانید و به عنوان مرجع نگاه دارید

موضوع: حساس ردتاپ، بازگرداندن داوطلبین کمونیست

۱ در ماههای اخیر تعدادی از اتباع ملیتهای ردتاپ REDTOP وارد تأسیسات ال. ان. باز

(L.N.BUZZ) شده و متقاضی پناهندگی سیاسی شده اند. بسیاری از آنها به صورت پناهنده و یا متارکه گر

درآمده اند و بسیاری از افراد گروه دوم نیز اطلاعات مفیدی ارائه کرده اند. تعداد عمده ای از آنها متقاعد

شده اند که به کشور خویش بازگردند و برای ما کار کنند و اکثر آنها نیز در حال حاضر به عنوان عوامل

درازمدت در مکان مربوطه برای ما حائز اهمیت می باشند. در بعضی از موارد، قرارگاهها توانسته اند در

برخورد با داوطلبین ردتاپ به خوبی عمل کنند و در موارد دیگر فرصتهای فوق العاده ارزشمندی را از

دست داده اند. این از دست رفتنها عموماً نتیجه عدم درک صحیح اهداف، اولویتها و تواناییهای دبلیو.

او.میس (W.O.MACE) در قرارگاههای حوزه فعالیت و نتیجه مشکل بودن برقراری ارتباط با داوطلب

بوده است. این مرسله و ضمائم آن به منظور تصریح اهدافمان و آشناسازی قرارگاههای حوزه فعالیت با

تواناییهای بی.کی. هرالد (BKHERALD) در بهره برداری از داوطلبین ردتاپ و به منظور قادر ساختن

مأموران به کسب اطلاعات ضروری از اتباع ملیتهای ردتاپ که با آنها زبان مشترک ندارند طرح ریزی

شده است.

۲ گذشته از مسئولیتهای ال. ان. باز در قبال متقاضیان پناهندگی و کمک به پناهندگان که در مرسله ها

و نامه های هوایی دیگر بحث آن رفته است، ما در اینجا فقط در رابطه با افرادی صحبت می کنیم که دارای

اهمیت اطلاعاتی هستند. گرچه متارکه گران می توانند اطلاعات بسیار خطیری ارائه کنند، ولی موارد کمی را می توان پیدا کرد که اگر فرد مزبور به محل کار سابق خود بازگشته و در محل مربوطه حداقل برای یک مدت متعارفی مانده بود به ارزشش افزوده نمی شد بنابراین «بازگرداندن» باید هدف اولیه در برخورد با یک داوطلب خوش محل باشد. علاوه بر این، معمولاً تحت ارشاد ستاد مرکزی، گاهی باید سعی کرد که یکی از افرادی که یک عامل مفید می تواند باشد، حتی اگر دسترسی چندان به منابع حساس نداشته باشد، بازگردانده شود. در صورتی که یک داوطلب جوان و خوش برخورد با انگیزه های مهم، ولی بدون دسترسی به منابع مهم وارد شود، ما آماده ایم که او را در حرفه اش کمک و راهنمایی نمائیم تا بتواند به منابع مورد نظر دسترسی پیدا کند. اکثر این گونه افراد پناهنده هستند و نه متارکه گر، معقول این است که بازگردانیده شوند.

۳ وقتی که ما از بازگرداندن یک داوطلب برای «کار در محل مربوطه» صحبت می کنیم، منظورمان این است که او پس از بازگشت به موطن خود در محل مورد نظر به کار مشغول شود. واضح است که اگر یک مقام کمونیست مستقر در منطقه شما بتواند بازگردانده شود، ما خواهیم توانست از موقعیت وی تا زمانی که خارج از کشور کمونیستی مستقر است بهره برداری اطلاعاتی بنماییم. ولی به استثناء موارد خاص، هدف نهایی ما این است که داوطلب به موطن خود بازگردد و به عنوان عامل یا جاسوس ما در داخل کشور خود به کار مشغول شود.

۴ بی. کی. هرالدر داخل کشورهای ردتاپ عوامل مقیم بسیاری دارد. ما قادر هستیم عملیات خود

را برای مدت نامعلومی ادامه دهیم و می توانیم در زمانی که یک عامل باید کشور خود را ترک کند در خانواده های آنها در کشورهای ردتاپ عامل دیگری را به کارگیریم. برای اینکه بتوانیم داوطلبها را به صورت یک عامل مقیم ردتاپ در آوریم، لازم است که تمام مقامات بی.کی. هرالد که ممکن است با این گونه اشخاص مصاحبه نمایند. با روشهای ما آشنا شده و علاوه بر این لازم است که تمام قرارگاههای حوزه فعالیت وسایل عملیاتی خاصی را در اختیار داشته باشند، تا بتوانند اطلاعات مورد لزوم ستاد مرکزی را به دست آورده و به ما بدهند تا ما نیز بتوانیم روش اقدام صحیح را پیش پای آنها بگذاریم. در مورد تمام داوطلبین، زمان شدیدا محدود است؛ مگر آنکه مقام رابط بتواند حداقل اطلاعات ضروری را به دست آورد، مگر آنکه به ستاد مرکزی سریعاً اطلاع داده شود، و مگر آنکه ستاد بتواند سریعاً با راهنماییهای لازم به آنها پاسخ دهد، و در غیر این صورت می بینیم که فرصت بازگرداندن یک داوطلب سریعاً از دست رفته است. بنابراین، قرارگاههای حوزه فعالیت باید آماده باشند که بتوانند با عوامل بالقوه ای که ممکن است امکان ملاقات دیگری با آنها نباشد و نیز در مورد آنها بی که طرح ریزیها می تواند سر فرصت و باحوصله انجام گیرد برخورد نماید.

۵ روشهای کلی مورد استفاده «در بازگرداندن» را شاید با تشریح موارد خاصی که با وجود

محدودیت زمان با آنها اخیراً برخورد شده بتوان بهتر توضیح داد:

الف در اولین ملاقات قرارگاه با پایگاه فرد را در مورد انگیزه ها، سوابق بیوگرافیک و دیگر دستورات

عملیاتی ضروری مورد سؤال قرار می دهید. در صورتی که زمان اجازه دهد، در رابطه با نکات موردنظر

قرارگاه یا پایگاه در پرس وجوهای اولیه یا بعدی قبل از عزیمت وی می توانید سؤالاتی بنمایید.

ب جریان و تمام جزئیات مربوطه به وسیله تلگرام فوری یا آنی به اطلاع ستاد رسانیده می شود. در

این رابطه اگر چند تلگرام کوتاه ارسال کنید مؤثرتر از تلگرامهای طولانی تر خواهد بود.

ج ستاد با راهنمایی در مورد قرارگاه یا پایگاه و داوطلب پاسخ می دهد و یک سیستم رمز نویسی خاص را پیشنهاد می کند. از داوطلب خواسته می شود که این سیستم رمز را حفظ کند و برای او یک شاخص رمز نویسی تعیین می گردد. پس از آن به داوطلب گفته می شود که به کشورش بازگردد و منتظر نامه ای باشد (که توسط مقام بی.کی.هرالد بطریق امنی برای او به کشورش ارسال خواهد شد) که دو یا سه ماه پس از مراجعت برای او فرستاده خواهد شد و حاوی دستورات نوشته شده به رمز می باشد.

د ستاد نیز پس از آن محموله ای از وسایل ارتباط مخفی احتیاجات گزارشگری و دستورات دیگر را فراهم می آورد و یا از طریق پرتاب از هواپیما و یا به طریق مطمئن دیگری به دست عامل در موطن خود می رساند.

ه پس از آن یک پیام رمز نوشته از داخل کشور به داوطلب داده می شود تا بداند که محموله عملیاتی را چگونه دریافت دارد.

۶ البته طرح عملیاتی دقیق نسبت به شرایط تغییر می کند؛ مثلاً آیا هویت و دسترسی به داوطلب مشخص شده و یا نامعلوم است؟ آیا این یک عملیات ضربتی است که در آن ما از نظر زمانی با داوطلب دچار محدودیت هستیم و یا زمان کافی برای تکمیل یک طرح پیچیده و مؤثر عملیاتی وجود دارد؟ پاسخ به این سؤالات مشخص می کند که آیا باید با او به طور غیرمستقیم و غیرشخصی تماس برقرار شود و یا باید او را فوراً در یک طرح ارتباطی قرار دهیم که از طرف کارمندانمان در کشورهای ردتاپ ما را به

مخاطره می اندازد. اگر زمانی کافی وجود داشته باشد و پاسخ به سؤالات نیز حاکی از آن باشد، به بعضی از

این افراد بازگشت شونده می توان قبل از مراجعت به کشورشان پیامهای رمز نوشته ای تحویل داد.

۷ مهمترین عاملی را که در یک برنامه ضربتی باید در نظر داشته باشیم این است که حتما آدرس پستی

داوطلب در مؤظن وی را به دست آوریم. منظور ما آدرسی است که وی بتواند از طریق آن نامه های پستی

شده به او در داخل کشورش را بدون دردسر به دست آورد. و ممکن است آدرس محل سکونت و یا آدرس

دوست و خویشاوندی باشد که به محض دریافت نامه به او مظنون نشود. مؤثرترین روش کسب این

اطلاعات این است که او در پشت پاکتی آدرس را به زبان خودش بنویسد و در ضمن به وی اطمینان داده

شود که از آن فقط به عنوان یک نمونه استفاده خواهد شد. علاوه بر این ما باید یک شاخص رمز نوشته

برای او در متن باز تهیه کنیم که به صورت یک نام و یا عبارت باشد و او به محض رؤیت آن بفهمد که نامه

حاوی رمز نوشته شده است. در اولین پاسخ، قرارگاه معمولاً خواهد گفت که آیا رمز نویسی معتبر است و

دیگر اینکه از چه سیستم رمز نویسی باید استفاده شود. در صورتی که زمان کافی وجود ندارد، بی درنگ به

داوطلب مهم، یکی از سیستمهای آبی و یا حرارتی رمز نویسی را بدهید. تحت این شرایط اگر داوطلب

نخواهد هیچ یک از سیستمهای یاد شده را بپذیرد بدون در نظر گرفتن تأیید ستاد مرکزی سیستم

میکرودات را به او بدهید.

۸ در مورد داوطلبی که ستاد فرصت کافی برای راهنمایی و تخصص دارد شرایط برخورد فرق

می کند. در صورت موجودیت زمان کافی و امیدوارکننده بودن فرد مزبور ما می توانیم یکی از مأموران

کادری مجرب در سیستمهای ارتباطی مورد استفاده در منطقه کمونیستی را بفرستیم تا وی را در زمینه این

ارتباطهای منظم، مستقیماً آموزش دهد. در این مورد ما ممکن است اصلاً احتیاجی به ارسال نامه به عامل

در منطقه رد تاپ نداشته باشیم و مستقیماً با وی تماس شخصی برقرار سازیم. در صورت کافی بودن زمان

و ناشناس بودن فرد، احتمالاً سعی خواهیم کرد با استفاده از فرصت انگیزه ها و تناسب وی را به عنوان یک عامل مشخص سازیم. این مورد نیز می تواند از طریق ارتباط تلگرافی به ستاد، یا از طریق ارسال یک افسر آماده به خدمت موقت از قرارگاه حل شود.

۹ به منظور سهولت بازجویی از داوطلبین در برنامه های ضربتی و غیر ضربتی، ضمیمه «الف» حاوی سؤالاتی به زبان انگلیسی و چند زبان کشورهای ردتاپ است. از داوطلب خواسته می شود که با دست خط خود و با حروف درشت به این سؤالات پاسخ دهد.

جدول از الفبای YK BAND, VSYOKE, CKPOLAR با تلفظ آنها به حروف لاتین تهیه شود که می توان توسط آنها پاسخ هر فرد به زبان اصلی اش را گزارش نمود. در صورت تمایل، تلگرامها را می توانید به شماره ضمیمه متصل ساخته و به این مرسله ارجاع دهید. پرسش نامه به دو بخش تقسیم شده است. بخش اول مربوط به وضع، مقام و تاریخچه بیوگرافیک داوطلب است. بخش دوم خواستار دریافت پاسخهایی عملیاتی است که می تواند در طرح ارتباطی مخفی مفید واقع شود. در صورت کافی بودن زمان، از داوطلب بخواهید که بخش دوم را پس از تکمیل بخش یکم و پس از صدور اجازه از طرف ستاد به قرارگاه تکمیل نماید، ولی در موارد امیدوار کننده ای که وقت کافی موجود نیست به قرارگاهها اجازه داده می شود که بنابه ابتکار خود در مورد بخش دوم عمل کنند. ارزش این پرسش نامه این است که از طریق آن مقامی که به زبان اصلی داوطلب آشنایی بسیار ندارد، می تواند اطلاعات ضروری و لازم را کسب نماید.

علاوه بر این، این امکان پدید می آید که حتی در صورت محدودیت زمانی به مهمترین سؤالات پاسخ داده شود و از طریق جوابهای نوشته شده در قبال سؤالات ابهام و اغلاط نیز به طرز قابل ملاحظه ای کاهش یابد.

۱۰ ضمیمه «ب» حاوی فرمهایی به زبان انگلیسی و زبانهای ردتاپ است تا ایجاد ارتباط رمزنویسی با داوطلب با سهولت انجام گیرد. سؤالاتی نیز در رابطه با آدرس پستی او در زادگاهش و نوع نامه هایی که در آنجا دریافت می کند، تعیین یک شاخص رمزنویسی، یک سری دستورالعمل جهت ظهور یا خواندن سیستمهای رمز نوشته متفاوتی که یک عامل دریافت می دارد (شامل میکروودات) و احتیاج به ظاهرکننده خاصی ندارد و رمزنویسی کاربن نیز در آن آمده است. دستورالعملهای مربوط به عامل توأم با نمونه پیامهای ظاهر شده و پیامهای آماده ای است که داوطلب می تواند در صورت فرصت با تمرین آنها را ظاهر نماید. دستورالعملهای مربوط به میکروودات نیز شامل گلوله های عدسی و نمونه های میکروودات است. کاربنهای رمزنویسی تمرینی نیز با دستورالعمل مربوط به رمزنویسی کاربنی ارائه می شود. متون زبانهای خارجی به دو صورت تهیه شده است: به صورت استاندارد و به صورت نوشته های ریز با کاغذ قابل حل در آب. نوع دوم را می توان به داوطلب داد تا در فرصتهای موجود به مطالعه آنها بپردازد؛ ولی او نباید به هیچ وجه همراه با این دستورالعملها به کشورش مراجعت نماید.

۱۱ دستورالعمل ضمیمه «ب» مفصل تر از فرمهای استاندارد WOLOCK به منظور استفاده و آموزش دادن توسط تکنیسین رمزنویسی است. این متون وسیع فرض را بر آن قرار می دهند که مقام رابط در موقعیتی قرار دارد که از نظر دستورالعمل قادر نیست کمک چندانی به داوطلب بنماید، ولی باید متوجه بود که گرچه این دستورالعملها گسترده و وسیع هستند، ولی بدون ارائه آموزش توسط یک مدرس رمزنویسی نمی توانند به قدر کافی مؤثر واقع شوند. در مواردی که شرایط و زمان ایجاب کند ما ترجیح می دهیم که

تکنیسین WOLOCK جهت آموزش فرد فراخوانده شود، به همین ترتیب رؤسای قرارگاه و یا پایگاه نیز

در صورت فرصت خود را در اختیار تکنیسین / CCB بگذارند تا مقام رابط نیز به طور کامل در مورد

استفاده از سیستمهای ارائه شده آموزش دیده و در موارد لزوم از آنها استفاده کند. حداقل تمام مقاماتی که

با داوطلبها سروکار دارند بایستی با مثالها و نمونه های ضمیمه «ب» آشنایی پیدا کنند. در صورت لزوم

می توانیم نسخه های دیگری از این نمونه ها را برایتان ارسال داریم. تمام افسران عملیاتی حوزه فعالیت نیز

باید کاملاً با این فنون آشنا بشوند.

۱۲ تجزیه و تحلیل داوطلبین ردتاپ در سالهای اخیر صریحا نشان می دهد که سازمانهای ردتاپ از

داوطلبهای پیچیده و جدی به عنوان یک محرک استفاده نکرده اند، ولی ترس از تحریک، بیش از علل

دیگر مسئول بدرفتاری با داوطلبین بوده است. ما نتیجه گرفته ایم که اگر به دلیل ترس از تحریک از یک

مورد امیدبخش دوری گزینیم به خودمان خدمت نکرده ایم. ما مایل هستیم که ظاهراً طی یک دوره معقول

با یک فرد مفید کار کنیم و می توانیم آن را به طریقی انجام دهیم که اگر فرد مورد نظر تحت کنترل بود ضرر

چندانی به ما نرسد. ما می توانیم مشخص کنیم که آیا یک عامل مولد اطلاعات صادقانه ای ارائه می کند یا

خیر.

۱۳ یک مسئله حقوقی مربوط به ترغیب «به بازگشت» نیازمند اظهار نظر خاصی است. بسیاری از

داوطلبین و متار که گران با اصرار، خواهان تضمین اسکان دوباره در WODUAL می باشند؛ قرارگاه حق

ندارد به اختیار خود چنین تعهدی بنماید و ستاد نیز از قدیم الایام مایل نیست این اعتبار را عطا کند. عامل یا جاسوسی که با کمال وفاداری «در داخل» طی یک دوره (معمولاً چند سال) به آمریکا خدمت کند اگر زمانی بخواهد «بازنشسته» شود درخواست وی تحقق خواهد یافت و افسران عملیاتی حوزه فعالیت صلاحیت دار نیز معمولاً این نکته را بدون تعهدی خاص در مورد اسکان دوباره در WODUAL به آنها یادآور می شوند. «غرب» یا «یک کشور دوست» کلماتی قابل قبول هستند. ولی ستاد به عنوان آخرین راه چاره و در صورتی که ارزش یک داوطلب ایجاب کند تعهد خواهند کرد که وی را در WODUAL اسکان دهد، ولی قرارگاه باید تلاش کنند که بدون قبول چنین تعهدی داوطلب مزبور را بازگردانند.

۱۴ یک مسئله نهایی دیگری که مشکلاتی را به وجود آورده این است که تلگرامهای مربوط به داوطلب همیشه مورد توجه عناصر ذینفع ستاد در مواقع درست قرار نمی گیرد. به منظور تسریع برخورد و تأمین امنیت کانال تلگرامی باید تحت عنوان «حساس PLAERONAUT» و با اولویت بسیار ارسال گردد. استفاده از اولویتهای بالا نیز توسط محدودیت زمانی مشخص می شود. حداقل در ملاقات اولیه، تلگرام نباید حامل شاخص FJPASTIM و یا حاوی درگیری رسمی با WONIK باشد تا مورد تصویب ستاد قرار گیرد. شاخص PLAERONAUT حداقل تا زمانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت که امیدی به بازگرداندن فرد نباشد. رابرت پی. تیزی

دستورالعملهای مربوط به داوطلب

سند شماره (۴)

سری

موضوع: دستورالعملهای مربوط به داوطلب

این یادداشت به صورت مروری بر مسئولیتهای پرسنل قرارگاه در هنگام رویارویی با داوطلبی از

شوروی، اروپای شرقی، چین، کره شمالی، ویتنام شمالی، کوبا و کشورهای چوَن سوریه و عراق مطرح می شود. همان گونه که حتما می دانید، داوطلبین، مخصوصاً در حوزه شوروی اطلاعات بسیار خطیر و مهمی را در اختیار آژانس قرار داده اند. در تجارب بخش بلوک شوروی، حاصل از برخورد با داوطلبین روسی و اروپای شرقی در خارج از بلوک، دلیلی در دست نیست که براساس آن بتوان گفت که سازمان کا.گ.ب، جی.آر.یو سعی کرده اند با عملیات نفوذی خود پرده از روشها و پرسنل آژانس بردارند. نکته اصلی این است که داوطلبین این کشورها معمولاً مشروعیت دارند و تا زمانی که عکس آن ثابت نشده باید با آنها به همان نحو رفتار نمود. لطفاً به خاطر بسپارید که یک داوطلب متار که گر نیست و مهم نیست که او چه می گوید و موقعیتش چیست. این را به خاطر داشته باشید تا مسئله به کارگیری و یا بازگرداندن در نتیجه این برداشت که وی ممکن است به دنبال بیاناتش یک متار که گر به حساب آید از میان برود.

در اکثر موارد گارد محافظ، افسر آماده خدمت یا افسر امنیتی سفارت حضور یک داوطلب را در محوطه سفارت یا کنسولگری به شما اطلاع خواهد داد. همچنین ممکن است که از دفتر حفاظت منافع آمریکا یا گروه کمک مستشار نظامی آمریکا به عنوان نقطه تماس استفاده شود. به این مقامات دستور داده شده است که ما را با جمله «من برای آقای میدی پیامی دارم» و همراه با محل آقای میری در جریان ورود یک داوطلب احتمالی قرار دهند. به گاردهای محافظ نیز گفته شده است که ریاست ایستگاه، معاون ریاست ایستگاه و ریاست شعبه اول را در جریان امر بگذارند. در غیاب تمام این افراد او باید به یکی از

مقامات ایستگاه آشنا موضوع را گزارش دهد. به هر حال زمانی که شما وارد سفارت یا کنسولگری می شوید داوطلب یا همراه گارد محافظ خواهد بود و یا در کتابخانه سفارت منتظر شماست. همراه با فرد مزبور شما وارد اتاق ۱۱۳ سفارت (دفتر مخفی ریاست شعبه اول) یا اتاق ۴۰۴ کنسولگری می شوید که هر دو آنها محیطی امن برای بازجوییهای اولیه است. در صورتی که پس از ملاقات با فرد داوطلب متوجه شدید که زبان یکدیگر را نمی فهمید ما در مورد زبانهای بلوک، روسی و چینی مطالبی تهیه کرده ایم که حاوی تعارفات اولیه به زبان اصلی فرد مزبور، مطالب مربوط به بازجویی، و تقاضانامه پناهندگی سیاسی است (این پاکتها در گاو صندوق شعبه اول و کشوی بالایی گاو صندوق معاون ریاست ایستگاه قرار دارند). علاوه بر این فهرستی از اسامی آن دسته از مقامات سفارت را که زبانهای خارجی مورد نیاز را می دانند تهیه کرده ایم.

واضح است تمام مسائل و مشکلاتی را که در رابطه با یک داوطلب ممکن است گریبانگیر شما بشود نمی توان پیش بینی کرد که روش مورد استفاده جهت تماس او با شما و یا وضع روحی و جسمانی او در لحظه ورود از این جمله است. معذالک فهرست ضمیمه به شما راهنماییهای لازم را می نماید و نشان می دهد که حداقل چه اطلاعاتی را باید از یک داوطلب کسب نمایید.

بنابراین:

الف از او بخواهید که به سفارت یا محل کار خود بازگردد (اگر یکی از مقامات PCS است)، در توجیه این اصرار می توانید بگویید که برای خارج نمودن وی از کشور به زمان بیشتری نیاز دارید. اگر فرد معقولی است، به او دستورالعمل ملاقات بعدی (شامل زمان، محل ملاقات و محل ثانی ملاقات) و شرایطی را که باید برای ملاقات بعدی فراهم آورد به او بدهید. هر افسر باید منطقه یا مکان امنی را برای چنین رویدادهایی در نظر داشته باشد.

ب اگر وی موافقت کند که در محل خودش به کار مشغول شود، ولی به طور موقت به اینجا آمده است و به زودی به نقطه دیگری خواهد رفت مسائل زیر باید در نظر گرفته شود:

(۱) آدرس موطنش را که از طریق آن نامه های ارسالی را به دست می آورد بگیرید و بگویید که در پشت پاکتی، خودش این آدرس را مرقوم دارد.

(۲) یک شاخص رمز نویسی برای داوطلب معین کنید که معمولاً به صورت نام یا عبارتی در متن باز نامه باشد و او با رؤت آن متوجه شود که نامه حاوی رمز نوشته است.

(۳) به او باید نحوه ظهور رمز نویسی نیز گفته شود (دستورالعمل مربوط به رمز نویسی آبی و حرارتی نیز در ضمیمه ارسال شده است). اگر زمان کافی وجود ندارد که بتوان با استاد در مورد صدور رمز نویسی مشورت کرد، بدون درنگ دستورالعمل مربوط به ظهور سیستم رمز نویسی آبی یا حرارتی را به داوطلب امیدبخش بدهید.

(۴) مشخص کنید که آیا او دوستان و یا خویشاوندان غربی طرف مکاتبه در غرب دارد و یا دوست و خویشاوندی دارد که به غرب مسافرت کرده و یا خواهند کرد یا خیر.

اگر او با کار در محل مربوطه موافقت نکرد یا شرایط موجود این امکان را از بین می برد، او را در نقطه ای دور از دسترس افراد محلی اسکان دهید تا در مورد وی تصمیمی گرفته شود (در این مورد می توان از یک

اطاق کوچک دارای توالت در مجاورت آزمایشگاه عکاسی محوطه سفارت و یا به عنوان آخرین راه

چاره از یکی از آپارتمانهای سفارت استفاده نمود) و در تمام اوقات یکی از افسران ایستگاه باید همراه داوطلب بماند.

یک تلگرام فوری همراه با کلیه اطلاعات مربوطه به قرارگاه بفرستید. در صورتی که داوطلب مزبور عضو یکی از سفارتهای محلی است به پرونده ۲۰۱ سفارت مراجعه کنید و اطلاعات ذکر شده در آن را نیز به قرارگاه بفرستید. به دنبال آن اطلاعات حاصله از بازجویی را نیز ارسال نمایید. در صورتی که داوطلب خواستار متار که نیست شما نمی توانید به او قولی بدهید، لیکن می توانید به او اطمینان بدهید که در مورد وی همکاری تام به عمل خواهد آمد. این بار باید حتما از او یک تقاضای پناهندگی با دست خط خودش دریافت دارید (خطوط اصلی این تقاضانامه به زبانهای مختلف در گاو صندوق ریاست شعبه اول و گاو صندوق معاون رئیس ایستگاه وجود دارد).

در صورتی که داوطلب خواستار متار که بود و یکی از مقامات اطلاعاتی مورد توجه ستاد است ما سعی خواهیم کرد او را به سرعت از کشور خارج سازیم. اگر داوطلب در این طبقه واقع نمی شود و از نظر عملیاتی نیز نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد، کمیته متار که گر سفارت بنا به دستور ریاست ایستگاه تشکیل جلسه خواهد داد تا مشخص شود که آیا می تواند به او امتیاز متار که گر را داد یا خیر. در صورتی که داوطلب یک افسر اطلاعاتی باشد و یا بتوان از او استفاده عملیاتی نمود، کمیته متار که گر تشکیل جلسه نخواهد داد و در جریان امر نیز قرار نخواهد گرفت.

دستورالعمل مورد استفاده برای کاربن نویسی (رمزنویسی)

سند شماره (۵)

دستورالعمل مورد استفاده برای کاربن نویسی (رمزنویسی)

(این دستورالعملها را به دقت بخوانید)

رمزنویسی با کاربن

یک کاربن رمزنویسی مانند یک قطعه کاغذ نامه نگاری عادی است. لیکن این کاغذ خاص مانند کاغذ کاربن ماشین تحریر عمل می کند و تحت فشار یک مداد، یک جوهر غیرقابل رؤیت از آن بر روی یک صفحه کاغذ منتقل می گردد. بین کاربن ماشین تحریر و کاربن رمزنویسی چهار تفاوت اساسی وجود دارد.

(۱) جوهر کاربن رمزنویسی غیرقابل رؤیت و بسیار ناچیز است، (۲) هر دو طرف این کاربن رمزنویسی دارای آن جوهر خاص است و شما می توانید از هر دو طرف آن استفاده کنید، (۳) اگر این کاربن را در جای مناسب نگاهدارید و در کارکردن با آن دقت نمائید می توانید از هر کاربن برای نوشتن ۳۰ پیام استفاده نمائید. (۴) تنها ما قادر به خواندن آنچه نوشته اید هستیم. با استفاده از این کاربن رمزنویسی شما به طریقی خالی از خطر با ما ارتباط برقرار خواهید کرد.

مراقب باشید که کاربن رمزنویسی کثیف و یا با کاغذهای دیگر اشتباه نشود. هنگام استفاده از کاربن دستهایتان باید تمیز باشد و تنها لبه کاغذ را با دست بگیرید کاربن را در جایی بگذارید که بتوانید آن را بعدا پیدا کنید تا در ضمن کثیف نیز نشود. برای سهولت در تشخیص آن می توانید یک چیز معمولی مانند یک یادداشت، شماره تلفن و یا آدرس و غیره در یک گوشه آن بنویسید.

آماده کردن کاغذ نامه سفید

برای این کار می توانید از هر کاغذی که برای نامه نگاریهای شخصی استفاده می کنید بهره برداری نمایید. بهترین نوع کاغذ غیرشفاف است که نه چندان ضخیم و نه چندان نازک می باشد.

کاغذی را که می خواهید بر روی آن چیز بنویسید بر روی یک سطح تمیز قرار دهید. با یک قطعه پارچه تمیز چون یک دستمال به آرامی از چپ به راست و از بالا به پایین کاغذ را کاملاً پاک کنید. پس از آن کاغذ را ۹۰ درجه چرخانده و همان کار را انجام دهید. کار تمیز کردن و چرخاندن نامه را در هر چهار جهت انجام دهید. سپس کاغذ را برگردانده و پشت آن را نیز پاک کنید این پاک کردنها سبب می شود که الیاف کاغذ بلند شود و جوهر سری را به خوبی در خود بپذیرند.

این نامه را درست مانند نامه ای که به اقوام و دوستان خود می نویسید، بنویسید این نامه باید حاوی مطالبی باشد که توجه بیگانگان را به خود جلب نماید و علاوه بر این عناوینی داشته باشد که سبب تحریک سوءظن و کنجکاوی خواننده نامه نشود. بهترین راه برای فهمیدن اینکه این نامه خوب است یا خیر این است که از خودتان سؤال کنید «آیا این نامه ارزش ارسال شدن دارد؟ اگر جواب «بلی» بود نامه خوب است.» نامه را بر روی یک سطح نرم و تمیز و با یک خودکار بنویسید.

الف در نامه چیزی ننویسید که شما را به عنوان ارسال کننده معرفی نماید.

ب نام اصلی خود را در پایین نامه ننویسید. به جای آن از یک اسم مستعار استفاده کنید و در تمام نامه های آتی نیز همان نام را به کار ببرید.

ج در پشت پاکت نامه آدرس و یا نام بازگشتی نامه را ننویسید.

د نامه را در صندوق پستی محلی و منطقه ای خود نیندازید.

ه نامه را به اداره پست نبرید. به جای آن از صندوق پست خیابانها استفاده کنید، البته در موقعی که

کسی شما را نبیند.

آماده کردن پیام سری

قبل از مبادرت به نگارش دستهای خود را کاملاً بشویید، شما باید پیام سری را درست مانند یک نامه

عادی بنویسید. متن قابل روت در کار خواندن پیام توسط ما دخالتی نخواهد داشت.

نوشتن پیام رمز باید به صورت زیر انجام شود.

الف یک ورق کاغذ سفید و تمیز (الف) روی یک سطح سخت و تمیز (شیشه بهتر است) قرار دهید.

ب نامه (ب) را روی آن قرار دهید به طوری که روی صفحه به سمت بالا باشد.

ج کاربن رمزنویسی را روی نامه قرار دهید (C). اگر در یک طرف کاربن رمزنویسی چیزی نوشته اید

تا کنجکاوی کسی تحریک نشود، روی نوشته نشده آن را حتماً بر روی نامه قرار دهید.

د روی این کاربن یک ورق کاغذ تمیز دیگر (د) قرار دهید. این ورقی است که بر روی آن مطلب

خواهید نوشت.

ه چهار ورق مربوط را از طرف پایین و چپ با یکدیگر تطبیق دهید. با فشار کمی که بر روی حاشیه

کاغذها می آورید از جابجا شدن آنها در هنگام نوشتن جلوگیری کنید. در نقاطی که چیزی می نویسید

فشاری وارد ننمایید.

و برای نوشتن از یک مداد نرم استفاده کنید (چون مدادهای سخت آثار قابل توجهی از خود به جای می گذارند). هنگام نوشتن با مداد آنقدر فشار وارد نکنید که آثاری از آن بر روی پیام رمز نوشته باقی بماند. همیشه فشار ثابتی را به کار ببرید. در هر چهار طرف کاغذ ۲ سانتی متر فاصله ایجاد کنید. نامه را به حروف درشت ۵ میلی متری بنویسید. به جای نقطه آخر جمله حرف «X» را بگذارید. اگر کلمه خاصی مانند نام و یا شماره ای بسیار پراهمیت است آن را دوبار بنویسید. یعنی یک بار آن را نوشته و پس از کلمه «تکرار» بار دیگر آن را بنویسید. در پایان پیام رمز نویسی کلمه «پایان» را بنویسید.

ز پس از خاتمه پیام رمز نوشته کاغذ (د) را از بین برده، کاربن رمز نویسی (ج) را جهت استفاده های آتی پنهان سازید. با دقت هر دو طرف کاغذ (ب) را بررسی کنید تا آثار نوشتن بر روی آن نمانده باشد. برای این کار آن را به طور مورب در برابر نور بگیرید و نامه را به آرامی بچرخانید و بالا و پایین ببرید اگر در روی این نامه اثری مشاهده کردید آن نامه را از بین ببرید و با استفاده از فشار کمتر نامه دیگری بنویسید.

ح اگر هنگام نوشتن پیام رمز اثری بر روی کاغذ بماند آن نامه باید نابود شود، بهتر است قبل از نوشتن هر پیام تمرین کنید، لیکن به جای استفاده از یک نامه و کاربن رمز نویسی واقعی از اوراق تمیز استفاده کنید. وانمود کنید که در حال نوشتن یک پیام رمز هستید با فشار کم یک جمله بنویسید و به نوشتن این جمله ادامه دهید. لیکن در هر جمله میزان فشار را بالا ببرید. ورق «ب» را در زیر نور بررسی کنید.

می بینید که باید از بیشترین فشار استفاده کنید تا اثری از آن برجای نماند علت هم این است که کاربن رمز نویسی برخلاف کاغذ کاربن ماشین تحریر حساسیت بسیاری ندارد.

ط پس از آنکه اطمینان یافتید که از مداد بر روی نامه اصلی اثری باقی نمانده دستهای خود را بشویید، نامه را طبق معمول تا کرده و در پاکت بگذارید. هنگام این کار دقت کنید که انگشتان بر روی بخش رمز نوشته مالیده نشود چون این کار باعث پاک و ناخوانا شدن آن می گردد. می توانید با

استفاده از یک قطعه کاغذ نامه اصلی را تا کنید، ولی یادتان باشد که آن را همراه نامه اصلی در پاکت قرار ندهید.

اقدامات احتیاطی

الف هرگز نامه اصلی را در تماس با کاربن رمزنویسی قرار ندهید. کاربن رمزنویسی و نامه ها را تنها به کمک لبه آنها بردارید و آنها را به هیچ وجه تا ننمایید.

ب در پیام رمزنویسی هرگز سعی نکنید کلمه ای را پاک کرده و یا دوباره بنویسید. به جای آن کلمه اشتباه را پس از کلمه نادرست بنویسید و پس از آن کلمه صحیح را قرار دهید.

ج قبل از نوشتن پیام، پیش نویسی از آن را تهیه نمایید. به این ترتیب خواهید توانست قبلاً اصلاحات لازم را انجام دهید. علاوه بر این پس از تهیه پیش نویس خواهید توانست به نحوه نوشتن خود توجه بیشتری کرده و اشتباه نکنید.

ظاهر کردن پیامهای رمزی با آب

پیامهایی که ما برای شما خواهیم فرستاد در پشت نامه و در زاویه راست متن باز، نوشته خواهد شد. این پیام حاوی دستورالعملهای دیگری برای شما خواهد بود.

نامه های سری را می توان به چند طریق ظاهر نمود. عملی ترین کار این است که نامه را در یک ظرف آب تمیزی عاری از روغن، صابون یا گریس قرار دهید تا پیام به صورت حروف شفاف بر روی یک زمینه رنگ پریده ظاهر گردد. اگر نامه مدت زیادی در آب بماند حروف کدر خواهد شد، به محض خوانا شدن متن پیام سری، نامه را از آب بیرون آورید آن را بر روی یک کاغذ سفید و تمیز قرار داده پیام را بخوانید. پیامهایی که با آب ظاهر می شوند تنها تا زمانی که خیس باشند قابل خواندن هستند، ولی آن را به همین ترتیب چهار بار می توان ظاهر کرد.

اگر مرکب خودنویس به آب ظرف اضافه شود پیام سری برای همیشه ظاهر و هرگز پس از خشک شدن ناپدید نخواهد شد و حروف سیاه رنگ و زمینه سفیدتر خواهد نمود.

پس از آنکه پیامی را خواندید و یادداشتهای لازم را برداشتید حتماً آن را کاملاً از بین ببرید.

احتیاط: کاغذ خیس به آسانی پاره می شود. هنگام ورفتن با پیام خیس دقت بسیار به خرج دهید.

ظاهر کردن پیام رمز با استفاده از حرارت

پیامهای سری که ما برایتان می فرستیم حداقل یک بار قابل تکرار است. قسمت رو و پشت نامه هریک حاوی یک نسخه از پیام خواهند بود. بنابراین در صورت مواجه با اشکال دوبار فرصت خواندن نامه را خواهید داشت. پیام سری، در زاویه راست متن باز نوشته شده است و دستورالعملهای دیگری نیز برای شما به همراه خواهد داشت.

۱ پیام سری با استفاده از حرارت نیز ظاهر می گردد. خود پیام سریعتر از کاغذ رنگ تیره به خود

می گیرد. کاغذ آنقدر باید در مجاورت حرارت قرار گیرد تا پیام کاملاً خوانا باشد. فنون پیشنهادی به شرح

زیر است:

۱ کاغذ را در برابر شعله آتش نگه دارید چون ممکن است شعله ور شود. اگر از اجاق گاز استفاده می کنید

روی شعله یک تاوه قرار دهید تا به صورت یک دیسک داغ درآید. هنگامی که تاوه شدیداً داغ شد کاغذ را روی آن نگهدارید تا کاغذ قهوه ای رنگ و پیام ظاهر گردد.

۲ از یک قطعه آهن صاف و یک اطوی برقی نیز می توان به عنوان منبع حرارتی استفاده کرد. در این مورد کاغذ توسط یک اطوی داغ اطوکشی می شود اطو را آهسته عقب و جلو بکشید تا پیام در روی صفحه ظاهر گردد. پس از خواندن پیام رمز و نت برداری، کاغذ حاوی پیام را کاملاً نابود سازید.

ارتباط سری

سند شماره (۶)

ارتباط سری

حدود دو تا سه ماه پس از مراجعت به کشورتان نامه ای به زبان خودتان و در کشورتان دریافت خواهید کرد. لطفاً آدرس خود را درست مانند وقتی که نامه می نویسد بر روی پاکت بنویسید.

چه نوع نامه و یا نوشتارهایی را از طریق این آدرس به دست می آورید؟

این نامه حاوی شاخصی خواهد بود و نشان می دهد که یک پیام سری برای شما فرستاده شده، این شاخص می تواند با شخص امضاءکننده نامه، عبارت یا جمله ای در متن نامه و یا نحوه تاریخ گذاری نامه و غیره باشد. این شاخص را شما باید به آسانی به یاد بیاورید، لیکن دیگران نباید به آسانی متوجه آن شوند.

لطفا شاخصی را که میل دارید در این مورد استفاده کنید در ذیل بنویسید.

فهرست بررسی داوطلب

سند شماره (۷)

سری

فهرست بررسی داوطلب

۱ نام کامل و نام والدین او را مشخص نمایند (تبصره: در صورتی که داوطلب در ابتدا مایل نباشد

اسامی را بدهد، بعدا پس از هماهنگی به آن پردازید).

۲ تاریخ: محل تولد؛ خانواده اسامی تاریخ و محل تولد آنها.

۳ مقام دقیق او.

۴ آدرس و شماره تلفن محلی.

۵ آدرس و شماره تلفن در کشور اصلی او.

۶ اسنادی را که مربوط به هویتش همراه دارد بگیرید تا میزان صدقش معلوم شود (در صورت امکان

اسناد عکس دار).

۷ او تا چه مدت می تواند در اینجا بماند.

۸ مشخص نمایید که آیا او یک مقام اطلاعاتی است. در این صورت نام مستعار، اطلاعات اساسی در

مورد اقامت، عملیات او در منطقه و نقاط دیگر علیه اهداف آمریکایی.

۹ در مورد مسائل اطلاعاتی او را مورد بازپرسی قرار دهید: آیا اطلاعاتی در مورد خصومت علیه

آمریکا، تأسیسات و همپیمانان آن دارد.

۱۰ مشخص کنید که آیا او عضو حزب کمونیست است.

۱۱ در مورد انگیزه اصلی او از آمدن به اینجا سؤال کنید: پناهندگی، کار در محل مربوطه، کمک،

حفاظت و یا اینکه به منظور دیگری به اینجا آمده است؟

۱۲ ببینید آیا او در مورد آمدنش به اینجا با کسی صحبت کرده است و آیا خانواده اش نیز با او همراه

است و یا با کسان دیگر در این مورد تماس گرفته است.

۱۳ در صورتی که این داوطلب عضو اطلاعاتی و یا مقام دولتی چین است، فوراً از او بخواهید که در

محل خود با ما همکاری کند و از او بخواهید که فوراً به سفارت و یا محل کار خود باز گردد (در توجیه این

امر می توانید اظهار دارید که دولت آمریکا به زمان بیشتری جهت تصمیم پیرامون پرونده و یا خارج کردن

او از این کشور احتیاج دارد). اگر او با کار در محل موافقت دارد شرایط را به او بگویید.

۱۴ در صورتی که داوطلب موقتاً در اینجا به سر می برد و با همکاری در محل خود موافق است:

(الف) آدرس پستی محل سکونت در کشورش را خواسته و بخواهید که آن را در روی پاکتی بنویسد. (ب)

یک شاخص رمز نویسی برایش تعیین نمایید (نام یا عبارت). (ج) سیستم رمز نویسی آبی و حرارتی را به او

داده و آن را برای او تشریح کنید، و به او بگویید که دستورالعملی در رابطه با رمز نویسی در داخل کشورش

به او داده خواهد شد. (د) ببینید که آیا دوست و یا اقوامی در غرب دارد و یا خواهد داشت و یا او کسی را

می شناسد که بتواند برای او نقش واسطه را ایفا کند.

۱۵ تماس دوباره: (الف) در مورد متقاضیان پناهندگی: در صورت امکان دو روز بعد به سفارت

بازگردد؛ در غیر این صورت در خارج از سفارت با وی ملاقات شود. (ب) در مورد افراد مایل به همکاری

در محل مربوطه: در یک مکان عمومی ترتیب ملاقات بدهید (محل، تاریخ ملاقات محل ثانی، و علائم

شناسایی را تعیین کنید.) (ج) برای افراد موقت: سعی کنید با وی در خارج در محل مربوطه ملاقات نمایید.

۱۶ مشخصات: قد، وزن، سن ظاهری، رنگ چشم، رنگ مو، رنگ چهره، دندان، لباس، وضع ظاهر،

نحوه سخن گفتن.

۱۷ پول: اگر داوطلب به مقداری پول نیازمند است، تا ملاقات بعدی مقدار معقولی پول به او بدهید.

بخش اول (سؤالات مخصوص داوطلب)

سند شماره (۸)

اطلاعاتی که شما با استفاده از این پرسشنامه ارائه می کنید تنها به وسیله مقامات ذیربط دولت آمریکا

رؤیت و به عنوان اطلاعات خیلی محرمانه حفظ خواهد گردید.

در حال حاضر افسری که به زبان شما آشنایی کامل داشته باشد وجود ندارد. لطفا اسنادی را که همراه

شماست نشان دهید تا شخصی که این دستورالعمل را به شما داده از هویت شما مطلع گردد. این شخص

ممکن است بخواهد برای مدت کوتاهی این اسناد را جهت تأیید نگهدارد، ولی قبل از آنکه امروز اینجا را

ترک نمایید به شمار بازگردانده خواهد شد.

لطفا زمانی را که می خواهید از اینجا بروید بنویسید (به رقم) ساعت. اگر امکان بازگشت شما به اینجا

هست، تاریخ و زمان بازگشت خود به اینجا را در این محل بنویسید.

لطفا پرسشنامه همراه را پر کنید تا بهتر بتوانیم به شما یاری دهیم. پاسخهای خود را به حروف درشت

بنویسید. اگر به صفحات بیشتری احتیاج دارید می توانید از پشت این صفحات استفاده کنید.

بخش اول

۱ نام کامل:

۲ تاریخ و محل تولد:

۳ تابعیت:

۴ شغل:

۵ آدرس دائمی و شماره تلفن منزل:

۶ آدرس شما در شهر و کشوری که هم اکنون در آن به سر می برید.

۷ اگر لازم باشد که در چند روز آینده با شما تماس برقرار سازیم، چگونه این کار را انجام دهیم؟

۸ در صورتی که مسافر هستید چه زمانی این شهر را ترک خواهید کرد؟ تاریخ و محل مورد بازدید آتی

خود را بنویسید. چه زمانی به کشور خود باز خواهید گشت؟

۹ به چه زبانی صحبت می کنید و می توانید بنویسید و بخوانید؟ لطفا فهرستی از زبانها با در نظر گرفتن

میزان تسلط خود بنویسید. هر زبانی را که خیلی خوب با آن تکلم می کنید اول و زبانی را که آشنایی

کمتری دارید در آخر درج نمایید.

۱۰ میل دارید درباره چه مطالبی و با چه کسی صحبت کنید؟ ما چگونه می توانیم به شما کمک کنیم؟

۱۱ نام کامل و آدرس محل کار خود را بنویسید. وظیفه، تولید و رابطه سازمانی آن را با سازمانهای

بالاتر بنویسید؟

۱۲ کار کنونی خود را شرح دهید. عنوان شغلی شما چیست؟ رئیس شرکت / کارخانه / وزارتخانه شما

کیست؟

۱۳ آیا در محل کار خود به اطلاعات یا اسناد سری دسترسی دارید؟ اگر پاسخ مثبت است بگویید که

چه چیزهایی هستند؟ دسترسی قبلی خود به اطلاعات سری را در شغل کنونی شرح دهید؟

۱۴ میزان تحصیلات و رشته تحصیلی شما چیست؟

۱۵ اگر در ۱۰ سال گذشته در ارتش خدمت کرده اید، درجه، شعبه خدمات، واحد و وظایفی را که

انجام داده اید بنویسید.

۱۶ آیا شما یکی از اعضای حزب کمونیست و یا سازمان وابسته آن هستید؟ تاریخ عضویت و مقام

خود را بنویسید.

۱۷ در صورتی که قبلاً با یکی از سازمانهای اطلاعاتی همکاری داشته اید، اوضاع، تواریخ، اسامی

اشخاص و مکانها و ماهیت دقیق فعالیت خود را شرح دهید.

۱۸ مقام کنونی شما چیست؟ آیا به عنوان یک سیاح تنها و یا با گروه سفر می کنید؟ آیا به یک مسافرت

رسمی آمده اید؟ اگر برای انجام مسافرتهاى خارجى پاسپورت دارید، چه نوع ویزا و یا جواز سفر با

خود دارید و تا چه مدت و برای چه کشورهایی اعتبار دارد؟

۱۹ آیا هیچ یک از اعضای خانواده تان با شما در این کشور به سر می برند؟ اگر جواب مثبت است نام،

تاریخ تولد و نوع وابستگی او را به خودتان بنویسید.

بخش دوم (فرمهای مخصوص داوطلب)

۱ آیا در یک یا دو سال آینده به خارج از کشور سفر خواهید کرد؟ کجا؟ کی؟ و به چه منظور؟

۲ اگر در پایتخت کشورتان زندگی نمی کنید چند بار می توانید به آنجا سفر کنید؟

۳ آیا در خارج از کشورهای سوسیالیستی دوستان یا اقوامی دارید؟ نام، آدرس و رابطه آنها با

خودتان را بنویسید؟

۴ لطفا آدرس خود را به همان صورتی که در موقع نامه نگاری به کار می برید روی یک پاکت بنویسید.

۵ توسط این آدرس چه نوع نامه های شخصی دریافت می دارید. ماهانه در داخل کشور چند نامه

دریافت می کنید؟ از خارج کشور چند نامه در ماه دریافت می کنید؟ آیا مجله، کتاب و یا نوشتارهای

تجاری نیز به دست شما می رسد؟ از طرف چه کسی؟

۶ آیا از طریق پست عمومی به شما نامه می رسد؟ اگر جواب مثبت است آدرس دقیق خود را بنویسید.

۷ در کشور خودتان چه نوع نشریه، روزنامه یا مجله غربی را می خوانید؟

۸ در محل سکونت در کشورتان چه کسی با شما زندگی می کند و رابطه او با شما چیست محل

سکونت و تعداد اطاقها را به طور مختصر شرح دهید. در طبقه چندم ساختمان واقع شده؟ آیا نامه های شما

در داخل صندوق پستی مخصوص شما نهاده می شود؟ اگر جواب مثبت است بگویید که صندوق پستی در

کجا واقع شده؟ آیا نام و یا شماره آپارتمان روی آن نوشته شده؟

۹ آیا اتومبیل دارید؟ مدل، رنگ و شماره گواهینامه را بنویسید.

۱۰ لطفا نام، مدل، سال ساخته شدن رادیو و تلویزیون موج کوتاه خود را بنویسید.

۱۱ چه نوع وسیله عکسبرداری دارید؟ آیا فیلمها را در خانه ظاهر می کنید؟

فرم چهارم

(مطالبی به زبان چینی م)

لطفا بیانیه بالا را با دست خط خود بر روی این کاغذ نوشته و امضاء کنید.

فرم پنجم

ما چنین برداشت کرده ایم که شما متقاضی پناهندگی سیاسی در آمریکا هستید، ما کاملاً میل داریم که به شما کمک کنیم، ولی چون در اینجا در حال حاضر کسی که چینی بداند وجود ندارد نمی توانیم در مورد این مسئله با شما به طور کامل بحث کنیم. بنابراین بهتر است که شما فوراً به سفارت خود بازگردید تا ما توسط تلگرام مقامی را به اینجا فراخوانیم که بتواند به زبان چینی صحبت کند.

ما می دانیم که شما میل ندارید به سفارت خود بازگردید، ولی از شما می خواهیم که به آرامی و به سرعت بازگردید و در صورتی که از شما سؤال شد در مورد غیبت خود یک جواب قانع کننده به مقام بالا دست خود بدهید و با آرامش کار خود را ادامه دهید.

در طول هفته بعد با نوشتن نامه ای دلایل خود را برای تقاضای پناهندگی، ماهیت کار خود و جزئیات کار معمول خود، و مسافرت های تفریحی خودتان به خارج از سفارت را شرح دهید. لازم است بدانیم که شما چه مواقعی سفارت را ترک کرده، به کجا و با چه کسی می روید تا بتوانیم ترتیب تماس خالی از خطری را بدهیم. اگر می دانید که می توانید در دو هفته آتی به مدت ۱۵ دقیقه به سفارت ما بیایید تاریخ و زمان دقیق آن را بنویسید تا منتظر ورود شما باشیم.

نامه را در پاکتی که هم اکنون آدرس بر روی آن نوشته شده بگذارید، آن را در جای امنی نگاهدارید و فوراً بدون اینکه کسی شما را ببیند آن را پست نمایید.

شما مهمترین گام را برای رسیدن به پناهندگی و آزادی برداشته اید. به محض تأیید هویت و صداقت شما، ما طرحی خواهیم ریخت تا بوسیله آن شما بدون خطر فرار نمائید. لطفاً تصمیم درست را اتخاذ کنید و مطمئن باشید که در بقیه راه ما به شما کمک خواهیم کرد.

فرم ششم

شما در سفارت جمهوری خلق چین چه کاری انجام می دهید؟

کار تحقیق و بررسی در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی؟ بلی-خیر

کار تحقیق و بررسی در مورد مسائل فرهنگی؟ بلی-خیر

کار تحقیق و بررسی در مورد مسائل علمی؟ بلی-خیر

کار ترجمه؟ بلی-خیر

حسابداری و کتابداری؟ بلی-خیر

دریافت و توزیع اسناد رسمی از پکن؟ بلی-خیر

کار تجاری؟ بلیخیر

کار تایپ و یا کد رمزی؟ بلی-خیر

ترجمه و تحقیق برای دفتر سازمان خبرگزاری چین؟ بلی-خیر

آیا در سفارت آشپز هستید؟ بلی-خیر

آیا به عنوان راننده، کارگر منزل یا باغبان کار می کنید؟ بلی-خیر

رئیس بخش مربوط به شما چه کسی است؟

آیا شما عضو حزب کمونیست چین یا اداره تحقیقات سفارت هستید؟ بلی-خیر

آیا شما عضو ارتش آزادیبخش خلق یا اداره اطلاعاتی سفارت هستید؟ بلی-خیر

آیا شما اعضاء ارتش آزادیبخش خلق یا اداره اطلاعاتی سفارت را می شناسید؟ بلی-خیر

آیا شما در رابطه با اداره رابط بین المللی کار می کنید؟

بلی-خیر

آیا شما عضو حزب کمونیست چین هستید؟

بلی-خیر

آیا شما در جلسات توجیهی سفیر و یا کنسول شرکت می کنید؟ بلی-خیر

آیا می توانید وارد اطاق رمز (یا اطاق سرّی) شوید و اسناد و تلگرامها را بخوانید؟ بلی-خیر

قرار بود در چه زمانی برای کار یا گذراندن تعطیلات به چین باز گردید؟

همین ماه آینه در اواخر سال جاری سال آینه

آیا اخیرا توسط بالادستهایتان در سفارت از شما انتقاد شده است؟ بلی-خیر

دلیل انتقاد چه بوده است؟

عکس العمل سیاسی ناراحت کننده؟ بلی - خیر

گرایشها و رفتارهای بورژوازی؟ بلی - خیر

اشتباه در کار؟ بلی - خیر

حال که اعصابتان آرامتر شده است، آیا می توانید خلاصه ای از تاریخچه شخصی خود را بنویسید؟ در این بیانیه باید تمام جزئیات مربوطه به تحصیلات، تجارب کاری و تجارب خود در حزب کمونیست چین پرا بنویسید، همچنین اسامی، محل، و شغل های تمام اعضای خانواده خود را بنویسید، در یک نامه ثانی، گزارشی کامل از وظایف خود در سفارت جمهوری خلق چین از زمان ورودتان به آنجا را بنویسید. چون فراگیری زبان انگلیسی برای شما بی فایده نخواهد بود، این شخص به شما انگلیسی یاد خواهد داد، کتابهای آموزشی به زبان چینی نداریم بنابراین آموزش به نحو مستقیم صورت خواهد گرفت.

آیا شما مریض هستید؟ و می خواهید با یک پزشک ملاقات کنید؟ بلی - خیر

فرم هفتم

دیگر دستورالعملها و عبارات مفید.

لطفا روی این صندلی بنشینید. می خواهم از شما عکس بگیریم.

ما به مدت چند روز شما را به جای امنی خواهیم برد تا ترتیب خروج شما از کشور داده شود. این محل سکونت امن است و از شما حفاظت به عمل می آید. یک فرد آمریکایی همیشه با شما خواهد بود و در صورت نیاز به شما کمک خواهد کرد. این دستورالعمل را به کار بندید و بدون اجازه او ساختمان را ترک ننمایید. به شما وسایلی داده خواهد شد تا مدت اقامتتان توأم با آسایش باشد.

پس از چند روز یک آمریکایی که به زبان چینی صحبت می کند به اینجا برای کمک به شما خواهد آمد و همراه شما از کشور خارج خواهد شد.

ما می خواهیم شما را تغییر چهره بدهیم تا در خارج از ساختمان کسی شما را نشناسد. پس از پایان تغییر چهره و در خارج از ساختمان دستورات شخصی را که همراهتان است به دقت به کار بندید.

چمدانتان را همراه نبرید. آن چیزهایی را که در جیب جای می گیرد با خود برده و بقیه را در همین جا بگذارید. از آنها مواظبت و مراقبت به عمل خواهد آمد.

سند شماره (۱۰)

کارت ۱

سلام. من یکی از مقامات این سفارت هستم، متأسفم که نه من و نه فرد دیگر قادر به تکلم به زبان چینی نیستیم، لیکن ما این مسئله را پیش بینی کرده ایم و با استفاده از این کارتها که به زبان شما نوشته شده با شما تماس برقرار خواهیم کرد.

بعد: ۲

کارت ۲

لطفا شهرت و نامهای اول خود را بنویسید.

دستورالعمل: اگر نام وی به زبان لاتین نوشته شده کارت شماره ۳ را بردارید و در صورتی که به زبان چینی

نوشته شده از کارت ۴ استفاده کنید.

کارت ۳

لطفا نام خود را به زبان چینی بنویسید.

راهنمائی: کارت شماره ۴ را بردارید.

کارت ۴

آیا شما تبعه جمهوری خلق چین هستید؟

بلی خیر

اگر جواب مثبت است کارت شماره ۵ را بردارید

اگر جواب منفی است، توقف کنید.

ص: ۱۷۶

کارت ۵

من درباره شما، اطلاعاتی لازم دارم. مطمئن باشید که این اطلاعات محرمانه به حساب خواهد آمد و تنها در همین سفارت محفوظ خواهد ماند.

بعد: ۶

کارت ۶

لطفا اسنادی را که در تائید هویت خود به همراه دارید نشان دهید.

راهنمایی: اگر می خواهید همراه با اسناد مزبور اطاق را ترک کنید کارت ۷ و در غیر این صورت کارت ۸ را مورد استفاده قرار دهید.

کارت ۷

لطفا منتظر باشید من باید این اسناد را به ارشد خود نشان دهم و فورا آنها را برای شما خواهم آورد.

بعدی: ۸

کارت ۸

آیا شما عضو سفارت چین هستید؟

بلی خیر

اگر جواب مثبت باشد اگر جواب منفی باشد

کارت شماره ۹ را بردارید کارت شماره ۱۱ را بردارید

کارت ۹

آیا شما در این شهر مستقر هستید؟

بلی خیر

ص: ۱۷۷

اگر جواب مثبت باشد اگر جواب منفی باشد

کارت شماره ۱۰ بردارید کارت شماره ۱۵ را بردارید

کارت ۱۰

لطفا بنویسید که در چه زمانی مدت کارتان به پایان خواهد رسید.

سال ماه روز

بعدی : ۱۸

کارت ۱۱

آیا شما به عنوان عضو هیئت نمایندگی تجاری چین از این کشور بازدید می کنید؟

بلی خیر

اگر جواب مثبت باشد اگر جواب منفی باشد

کارت شماره ۱۶ بردارید کارت شماره ۱۲ را

بردارید

کارت ۱۲

آیا شما به عنوان عضو هیئت نمایندگی فرهنگی از این کشور بازدید می کنید؟

بلی خیر

اگر جواب مثبت باشد اگر جواب منفی باشد

کارت شماره ۱۶ بردارید کارت شماره ۱۳ را بردارید

کارت ۱۳

آیا به عنوان یکی از مقامات چین به اینجا سفر کرده اید؟

بلی خیر

اگر جواب مثبت باشد اگر جواب منفی باشد

کارت شماره ۱۶ بردارید کارت شماره ۱۴ را بردارید

کارت ۱۴

لطفا شغل و آدرس خود را در ذیل بنویسید.

بعدی : ۱۵ یا ۱۶

کارت ۱۵

لطفا در روی این نقشه محل خود را مشخص کنید

بعدی : ۱۷

کارت ۱۶

لطفا در روی این نقشه مسیر سفر خود را مشخص نمایید.

بعدی : ۱۷

کارت ۱۷

لطفا با استفاده از تقویم و ساعت بگویید که در چه تاریخ و زمانی باید این شهر را ترک نمایید.

کارت ۱۸

لطفا در این فهرست مقام رسمی خود را مشخص کنید. اگر مقام شما در این فهرست آورده نشده آن را

اضافه کنید.

ص: ۱۷۸

بعدی: استفاده از فهرست

پس از فهرست کارت ۱۹ را بردارید.

کارت ۱۹

لطفا بگویید چرا به اینجا آمده اید.

اگر دلیل «دیگری» داده شد به کارت ۲۰ و در غیر این صورت به کارت شماره ۲۳ مراجعه کنید.

کارت ۲۰

آیا شما خواستار کمکهای سیاسی هستید؟

بلی خیر

در صورت مثبت بودن در صورت منفی بودن

کارت ۲۲ را بردارید کارت ۲۱ را بردارید

کارت ۲۱

لطفا با دست خود آنچه را که می خواهید بنویسید.

بعدی: ۲۳

کارت ۲۲

شجاعت شما را در آمدن به اینجا تحسین می کنم و معتقدم که تصمیم عاقلانه ای گرفته اید.

ما تا سرحد امکان به شما کمک خواهیم کرد. من نماینده دولت هستم و به شما اطمینان می دهم که به

شما کمک خواهیم کرد.

بعدی: ۲۳

کارت ۲۳

در اینجا هیچ یک از مقامات آمریکایی به زبان چینی آشنا نیستند. یکی از مقامات آمریکایی که چینی می داند به اینجا خواهد آمد. این موضوع حداکثر دو روز طول خواهد کشید. به محض ورود او به اینجا، ما مطلب مورد نیاز شمار را با شما مورد بحث و گفتگو قرار خواهیم داد.

اگر می خواهید که به سفارت بازگردید شماره ۲۴ و در غیر این صورت کارت شماره ۲۵ و طرح تماس دوباره خود را استفاده کنید.

کارت ۲۴

به محل خود بازگشته و به کار خود پردازید. ما دو روز وقت می خواهیم تا طی آن یکی از مقامات آمریکایی آشنا به زبان انگلیسی و چینی به اینجا برسد. ۳ تا ۵ روز دیگر به اینجا باز خواهید گشت و زمان ملاقات بین ساعت ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر خواهد بود. اگر این ساعات برای شما مشکلی ایجاد می کند، هر

ص: ۱۷۹

وقت که می توانید به اینجا بیایید، پس از آنکه به اینجا باز گشتید ما درباره تقاضای شما باهم صحبت خواهیم کرد.

اگر متقاضی «کمک سیاسی» نیستید با کارت ۲۷ به کار پایان دهید در غیر این صورت کارت ۲۶ را بردارید.

کارت ۲۵

اکنون از شما می خواهیم که به محل خود بازگشته و به کار خود پردازید. ما دو روز وقت می خواهیم تا طی آن یکی از مقامات آمریکایی آشنا به زبان چینی به اینجا برسد. در این مدت به سفارت آمریکا وارد نشوید و دستورات ما را اجرا کنید.

بعدی: ۲۶

کارت ۲۶

ما جریان این دیدار را به دولت شما و یا دولت محلی گزارش نخواهیم کرد. لطفا شما نیز با هیچ کس در این باره صحبت نکنید. لطفا به سرعت به محل کار خود بازگشته و با آرامش به کار خود پردازید و بار دیگر پس از انقضای دو روز به اینجا بیایید.

بعدی: پایان با کارت ۲۷

کارت ۲۷

لطفا همراه من بیایید. من شما را تا درب خروجی همراهی خواهم نمود.

آخرین کارت

ببینید که همه کارتها را جمع کرده اید.

برخواسته و اینجا را ترک نمائید.

نحوه برخورد با تقاضای پناهندگی شهروندان کشورهای کمونیستی

سند شماره (۱۱)

۱۹ آبان ۱۳۵۲ / نوامبر ۱۹۷۳ س.ر.ی / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: نحوه برخورد با تقاضای پناهندگی شهروندان کشورهای کمونیستی

(شوروی، جمهوری خلق چین، چکسلواکی، لهستان، مجارستان، بلغارستان،

رومانی، آلمان شرقی، آلبانی، یوگسلاوی، کوبا، کره شمالی، ویتنام شمالی)

۱ کشور ما از دیرباز نسبت به کسانی که از ظلم می گریخته اند احساس همدردی نشان می داده است و

سیاست دولت آمریکا بر این است که تقاضای پناهندگی در هر نقطه که مطرح گردد سریعاً مورد بررسی

کامل قرار گیرد. علاوه بر این، اشخاصی که خواهان پناهندگی و یا برقراری تماس پنهان با دولت آمریکا

هستند دارای اطلاعات با ارزشی می باشند. به همین علت ملاحظات انسان دوستانه و نیز منافع دولت

ایجاب می کند که سفارت و دیگر عناصر جامعه رسمی آمریکایی در ایران آماده بررسی و برخورد سریع و

مطمئن با تقاضای پناهندگی باشند.

۲ این یادداشت (که بر یادداشت ۱۰ آذر ۱۳۵۱ ارجحیت دارد) نشان می دهد که در صورت ارائه تقاضای پناهندگی توسط یکی از شهروندان کشورهای کمونیستی به پرسنل دولت آمریکا در ایران، در کمک به وی و یا حراست از وی در برابر مقامات ذیربط چه باید بکنند. همین یادداشت نشان می دهد که مقامات آمریکایی در صورت برخورد با اشخاصی که بطور مثال می گویند «حاوی اطلاعاتی مهم برای دولت آمریکا» بوده و یا می خواهند در مورد «موضوعی محرمانه» با سفیر و یا یکی دیگر از مقامات آمریکایی گفتگو کنند، چگونه اقدام نمایند.

۳ البته بعضی از تقاضاهای پناهندگی و بیانات مربوط به «اطلاعات مهم» ممکن است صحت نداشته باشد، این گونه داستانها احتمالاً یا توسط افراد شرور ساخته و پرداخته شده و یا حاصل کار سرویسهای اطلاعاتی متخاصم است که می خواهند از روشهای ما و هویت افراد اطلاعاتی ما سر در آورند، ولی بهتر است چند تقاضانامه کاذب پذیرفته شود تا یک تقاضانامه اصیل از دست نرود. از هیچ کس نباید تنها به این دلیل که رفتار وی عجیب است و یا داستانش بعید، روگردان شد در صورت اثبات، بسیاری از داستانهای آنها معقول به نظر خواهد رسید.

۴ فرد طالب پناهندگی و یا کمک به طرق مختلفی با مقامات آمریکایی تماس برقرار می سازد، و شرح این روشها در ذیل خواهد آمد. ولی، در تمام موارد فرد آمریکایی دریافت کننده تقاضای پناهندگی یا کمک باید در کمال ادب و همدردی رفتار کرده و باید طبق شرایط موجود کمک و حفاظت لازم را در اختیار وی قرار دهد. مهمتر از آن، طبق توضیحات ذیل، فرد آمریکایی مسئول است که بدون تأخیر مقامات ذیربط را در جریان امر قرار دهد، البته بدون در نظر گرفتن زمان ارائه تقاضای پناهندگی. معنی آن این است که حتی اگر تقاضای پناهندگی در خارج از ساعات کار نیز دریافت شود فوراً باید در مورد آن اقدام کرد و آن را به روز بعد موکول نمود.

یک نکته دیگر: فرد طالب پناهندگی و یا مصاحبه محرمانه ممکن است اطلاعات طبقه بندی شده ای داشته باشد که برای دولت آمریکا حائز اهمیت بسیار باشد. به منظور حفاظت از وی و اطلاعات او، هویت یا واقعیت پناهندگی و یا درخواست کمک وی نباید فاش شود و تنها با مقام ذیربط آمریکایی در میان گذاشته شود، که شرح آن در ذیل می آید.

۵ کسی که خواستار پناهندگی یا کمک است به احتمال بسیار شخصا به سفارت و یا کنسولگری چه در ساعات کار و چه در خارج از آن خواهد آمد. ولی امکانات دیگری نیز هست. وی ممکن است با یکی دیگر از پایگاههای آمریکایی تماس بگیرد و در صورتی که ورود وی به آنجا مشکلاتی را پدید آورد ممکن است شخص دیگری را به جای خودش بفرستد. امکان دیگر، برقراری تماس شخص متقاضی پناهندگی با فرد آمریکایی در محل اقامت یا نقطه ای دیگر می باشد. این گونه تماس معمولاً توسط افراد روسی مایل به ارتباط با دولت آمریکا برقرار شده است. گاهی هم ممکن است که از طریق تلفن به سفارت یا دیگر تأسیسات آمریکایی و یا با منزل یک آمریکایی در مورد ارائه تقاضای پناهندگی تماس گرفته شود، ولی ممکن است این گونه تلفنها نیز در ساعات کار انجام نشود.

تقاضای پناهندگی شخصی مطروحه در ساعات کار در سفارت

۶ فرد متقاضی پناهندگی ممکن است به گارد امنیتی نزدیک شود و یا ابتدا با گارد ایرانی مستقر در

برابر درب اصلی سفارت تماس بگیرد. اگر فردی غیرایرانی با تقاضای پناهندگی و یا تقاضای ملاقات با سفیر و یا مقامی دیگر با گارد درب اصلی تماس گرفت، باید سریعا نزد گارد امنیتی فرستاده شود.

۷ در صورتی که گارد امنیتی تقاضانامه مطروحه در پاراگراف قبل را چه مستقیما و چه از طریق گارد درب اصلی دریافت نمود، وی باید فرد مزبور را به اتاق گارد راهنمایی کند و سپس با افسر امنیتی تماس حاصل نماید. در غیاب افسر امنیتی وی باید با احتیاط با مقام سیا و یا هریک از مقامات سیا که وی او را می شناسد تماس برقرار سازد. پس از استماع مطالب فرد مورد نظر (و مسئول دفتر پذیرش) وی باید تلفنا بگوید «من از طرف آقای میدی برای شما پیامی دارم».

این عبارت نشان می دهد که کسی یا تقاضای پناهندگی دارد و یا تقاضایی غیرعادی مانند تقاضای مطروحه در پاراگراف ۶ را مطرح کرده است.

۸ در صورت احضار به طریق فوق، افسر امنیتی و یا هریک از دیگر مقامات سفارت.

(الف) باید با استفاده از عبارت میری بخش، سیا را در جریان امر قرار دهد.

(ب) موجبات آسایش فرد مزبور را تا رسیدن نماینده سیا فراهم آورد.

به یاد داشته باشید که فرد طالب پناهندگی و یا تماس مخفیانه با دولت آمریکا بسیار متشنج خواهد

بود. بنابراین افسر پذیرائی کننده از وی نباید او را تنها بگذارد و در صورت امکان اقدامات لازم را جهت

آرام کردن وی به عمل آورد. اگر او و فرد مزبور زبان یکدیگر را می فهمند وی باید مشخصات فرد را سؤال

کند (از قبیل نام، کشور متبوع، شغل) و اینکه او چه می خواهد، ولی نباید از وی بازجویی به عمل آورد.

افسر مزبور باید گفته های فرد را بادقت و مؤدبانه بشنود و به وی اطمینان دهد که فرد مسئول به زودی برای

دیدن وی خواهد آمد و دیگر اینکه مقامات مسئول با تقاضای وی با دقت برخورد خواهند کرد. طبیعتا این

افسر باید از زدن حرفهایی خودداری کند که منجر به پیدایش این تصور برای فرد شود که به تقاضای

پناهندگی او به آمریکا پاسخ مثبت داده خواهد شد و یابه منظور خروج وی از ایران، دولت آمریکا به وی کمک خواهد نمود.

در صورتی که فرد گذرنامه و یا اوراق هویت دارد و در صورتی که شرایط ایجاب می کند افسر مزبور باید از آنها فتوکپی بگیرد.

۹ نماینده سیا به محض ورود بقیه مسئولیتها را به عهده خواهد گرفت.

۱۰ در صورتی که فرد نمی تواند منتظر مأمور سیا باشد، افسر باید از وی بخواهد که در ساعتی معین که بهتر است در همان روز باشد دوباره به سفارت بیاید. اگر فرد اظهار داشت که بازگشت وی به تأسیسات آمریکایی خالی از خطر نیست، وی باید با او در یک محل عمومی مانند مشروب فروشی یکی از هتل‌های محلی قرار ملاقات بگذارد. باید به این فرد گفته شود که مجله ای در دست داشته باشد تا افسر سیا بتواند او را به راحتی بشناسد. تعیین تاریخ ملاقات، مکان و وسیله شناسایی باید به دقت انجام شود. قبل از ترک فرد، اطلاعات ذیل را حتما از وی دریافت کنید.

الف نام، ملیت، تاریخ و محل تولد، آدرس محل (محل اقامت یا هتل) و شماره تلفن محل.

ب مشخصات ظاهری وی از قبیل لباسی که به تن دارد را حتما و با دقت یادداشت کنید.

ج اگر یادداشت و یا کاغذی به شما می دهد حتما آن را قبول کنید.

د در صورتی که وقت کافی دارد از او بخواهید که تقاضای خود را بنویسد.

تقاضاهای ارائه شده به سفارت پس از ساعات اداری و یا در روزهای تعطیل

۱۱ در صورتی که گارد محافظ سفارت (واحد شماره ۱) در خارج از ساعات اداری و یا در روزهای تعطیل با فردی روبه رو شد که ظاهراً متقاضی پناهندگی است و یا از نوع تقاضاهای غیرعادی مطروحه در پاراگراف ۶ را داد باید:

(الف) فرد را در اتاق گارد مطابق مطالب پاراگرافهای ۶ و ۷ فوق بنشانید.

(ب) وی باید با مراجعه به کتابچه خود ببیند که آیا هیچ یک از مقامات بخش سیاسی سفارت در آن موقع (روز جمعه و یا صبح شنبه) در محل سفارت حاضر است یا خیر. در صورتی که جواب مثبت است وی فوراً با استفاده از عبارت آقای میدی که در پاراگراف ۷ آمده او را نزد فرد متقاضی ملاقات بیاورد. در صورتی که هیچ یک از افسران بخش سیا در سفارت نباشد، وی باید از طریق تلفن به مقام بخش سیا و یا افسر امنیتی موضوع را اطلاع دهد. این بار نیز وی باید از عبارت آقای میدی پاراگراف ۷ استفاده کند.

(ج) تا رسیدن نماینده سیا، گارد محافظ باید به دستورات پاراگراف ۸ عمل نماید.

(د) در صورتی که فرد قادر نیست منتظر بماند، گارد محافظ باید طبق پاراگراف ۱۰ با وی قرار ملاقات بعدی را بگذارد.

تقاضاهای تسلیم شده به بخشهای وابسته به سفارت (کنسولگری)

۱۲ در صورتی که تقاضای پناهندگی یا مشابه آن در ساعات اداری به کنسولگری تسلیم شد، مسئول ایرانی پذیرش باید فرد متقاضی را به مقام منصوب توسط سرپرست کنسولگری ارجاع دهد. وی نیز به نوبه خود فرد متقاضی را به اتاق ۳۱۱ و ۴۰۴ کنسولگری خواهد برد و طبق پاراگراف ۸ عمل خواهد کرد. در صورتی که تقاضا پس از ساعات اداری و یا در روزهای تعطیل عنوان شد، گارد محافظ باید فرد

متقاضی را به اتاق انتظار متقاضیان روادید بفرستد و سپس طبق پاراگرافهای ۱۱ (ب)، ۱۱ (ج)، ۱۱ (د) و ۱۱ (ه) عمل کند.

تقاضانامه های ارائه شده به دیگر تأسیسات آمریکایی

۱۳ در صورتی که تقاضای پناهندگی و یا مشابه آن به دفتر حفاظت منافع آمریکا داده شد، افسر

دریافت کننده به افسر امنیتی سفارت و او نیز به نوبه خود نماینده سیا را در جریان امر قرار خواهد داد.

۱۴ در صورتی که کسی در ساعات اداری خود را با تقاضای پناهندگی یا مشابه آن به یکی از

تأسیسات هیئت مستشاری نظامی یا GENMISH معرفی کرد، وی باید به افسر امنیتی واحد ارجاع داده

شود. او نیز افسر امنیتی سفارت را در جریان قرار خواهد داد و افسر امنیتی هم، به نماینده سیا اطلاع

خواهد داد خواهد داد. هنگام اطلاع به افسر امنیتی سفارت، افسر امنیتی واحد باید از عبارت آقای میدی

استفاده کند. در خارج از ساعات اداری افسر امنیتی واحد با گارد محافظ سفارت تماس خواهد گرفت که

پس از آن افسر امنیتی سفارت و نماینده سیا در جریان امر قرار داده خواهند شد.

تقاضاهای ارائه شده به نقاط دیگر

۱۵ امکان تماس شخص متقاضی پناهندگی و یا تماس مخفیانه با مقام آمریکایی در محل اقامت وی نیز هست. این امر به خصوص زمانی انجام می شود که آنها یکدیگر را بشناسند. در این صورت نیز از همان روش برخورد و اطلاع دادن آنها استفاده شود.

تقاضاها و یا پیامهای تلفنی

۱۶ فرد متقاضی پناهندگی یا تماس ممکن است ورود به سفارت را خطرناک و یا غیرمنطقی تلقی نماید. در این گونه موارد وی تلفنا خواستار ملاقات با مقام آمریکایی در خارج از سفارت خواهد شد. در صورتی که این تقاضا در خارج از ساعات اداری و یا در روزهای تعطیل مطرح شد، گارد محافظ با نماینده سیا در سفارت تماس گرفته و تلفن را به وی ارجاع خواهد داد. اگر نماینده سیا در سفارت نباشد، می تواند دیگر مقامات آمریکایی موجود را در جریان قرار دهد. در صورتی که این کار نیز ممکن نباشد، گارد محافظ باید شماره تلفن فرد مقابل را بگیرد. در صورتی که وی نمی تواند شماره تلفن را به او بدهد باید از او بخواهد که دو ساعت دیگر تماس بگیرد. باید با یکی از نمایندگان سیا تماس گرفته شود تا به سفارت آمده و منتظر تلفن بماند.

۱۷ هنگامی نیز که تقاضای پناهندگی و یا تماس از طریق واسطه انجام می شود باید از روش اساسی فوق استفاده شود. دریافت کننده تقاضا باید از واسطه بخواهد که فرد متقاضی را به سفارت بیاورد. در صورتی که این کار امکان نداشته باشد، باید طبق مفاد پاراگراف ۱۰ در خارج از سفارت قرار ملاقات گذاشت. در هر دو مورد باید مشخصات واسطه و متقاضی یادداشت شود.

تقاضانامه های دریافتی در خرمشهر و تبریز

۱۸ در صورتی که متقاضی پناهندگی یا تماس با کنسولگری خرمشهر یا تبریز تماس بگیرد، به

استثناء بعضی تغییرات، به همان روش فوق عمل می شود. مشخصات فرد متقاضی (و زبانهایی که می داند) یادداشت می شود و در صورت امکان او باید در کنسولگری بماند. اگر نمی تواند در کنسولگری بماند، از او خواسته شود که کمتر از دو ساعت دیگر به آنجا بیاید. در صورتی که این کار هم غیرممکن باشد باید در خارج از کنسولگری برای دو روز بعد با وی قرار ملاقات گذاشته شود. این تأخیر دو روزه برای این است که نماینده سیا بتواند از تهران به محل مورد نظر بیاید. کنسول با افسر امنیتی سفارت یا یکی از مقامات عالیرتبه سیا یا دیگر مقامات سفارت با استفاده از عبارت آقای میدی تلفنا تماس حاصل کند. سپس یکی از مقامات سیا در اولین فرصت از تهران به آنجا خواهد آمد.

مسئولیت‌های توجیهی

۱۹ سیا مسئول توجیه افسر امنیتی سفارت است که هر دوی آنها مشترکاً گارد محافظ را توجیه می نمایند.

۲۰ افسر امنیتی سفارت مسئول توجیه مقامات تازه وارد سفارت و هر یک از افسران آماده به خدمت سفارت می باشد. او مسئولیت توجیه گاردهای حفاظتی، مسئول ایرانی پذیرش، تلفنچی و گاردهای درب

اصلی را به عهده دارد.

۲۱ سرپرست بخش کنسولی مسئول توجیه مقامات خود و مسئول ایرانی و پذیرش کنسولگری می باشد.

۲۲ رئیس دفتر حفاظت منافع آمریکا نیز مسئول توجیه مقامات خود و گاردهای ایرانی می باشد.

۲۳ وابسته دفاعی نیز همراه با نماینده سیا مسئولیت توجیه مقامات عالیرتبه و امنیتی در هیئت مستشاری نظامی و GENMISH می باشند.

کد جایگزین تلفنی جهت گزارش در مورد داوطلبین

سند شماره (۱۲)

۹ نوامبر ۱۹۷۵ ۱۸ آبان ۱۳۵۴ سز

کد جایگزین تلفنی جهت گزارش در مورد داوطلبین

این کد برای کنسولگریهای تبریز، شیراز، و اصفهان تهیه شده تا به وسیله آن به سفارت اطلاع دهند که یک داوطلب وارد شده و با او قرار ملاقات بعدی گذاشته شده است.

اگر با یک داوطلب سروکار پیدا کردید، ابتدا او را طبق دستورالعمل داوطلب جاری سفارت بازپرسی

نمایید. پس از آن سعی کنید در شهر خود و یا در تهران با وی یک قرار ملاقات دیگر بگذارید. قرار ملاقات

بعدی در شهر خودتان از ۲۴ ساعت بعد نباید کمتر باشد و بهتر است که حدود ۴۸ تا ۷۲ ساعت بعد باشد، تا

وقت کافی جهت ورود یک افسر سیا از تهران باشد. اگر در تهران قرار ملاقات گذاشتید، یکی از دو مکانی

را که در پایین آمده انتخاب کنید و وقت کافی نیز جهت ورود به تهران در نظر بگیرید. با سفارت تماس

حاصل کنید و از کد جایگزین مناسب جهت روشن کردن وضع و موقعیت داوطلب استفاده کنید. مکالمه

تلفنی نباید به طور پیشنهادی در اینجا حتی شفاهی باشد، بلکه باید حاوی عناصر ضروری مربوط به

تشریح اوضاع باشد:

«من (نام تلفن کننده) در (محل) هستم. من پیامی برای (یکی از افسران سیا که در دستورالعمل داوطلب سفارت آمده) دارم. آقای میدی که یک تاجر آمریکایی (شغل: از کد شهر و ایالت استفاده کنید) نیاز به یک قرارداد صادراتی شامل ملیت: از کد کالا استفاده کنید) دارد. او علاقه ویژه ای به مقام: از معمای مناسب استفاده کنید). «آیا می توانید مقادیر جنس تا (زمانی را استفاده کنید که طی آن یک افسر سیا بتواند خود را به شهر شما برساند) ارسال دارید؟ (البته در صورتی که قرار است بار دیگر در شهر خودتان با وی ملاقات نماید).

او به تهران می آید، و من به او گفته ام که به (محل تماس در تهران: «سفارت» یا «کتابخانه تجاری») در تاریخ (تاریخ و زمان ملاقات در تهران) بیاید. (در صورتی که قرار است با وی در تهران ملاقات شود از این جمله استفاده شود).

«آقای میدی مایل است که با (برای نشان دادن زبان داوطلب از نام کشور مربوط استفاده کنید مثلاً انگلستان برای انگلیسی، روسیه برای روسی، و اسپانیا برای اسپانیایی و غیره) در مورد مسائل تجاری گفتگو کند.

(در اینجا به مطالب مختلف مربوطه از قبیل اینکه آیا داوطلب تنها و یا با خانواده اش مسافرت می کند، آیا از وسیله نقلیه شخصی استفاده می کند و چه مدت در ایران خواهد ماند و غیره اشاره کنید).

برقرار نمودن تماس در تهران:

الف در صورت توافق داوطلب از او بخواهید که در تاریخ و زمان دقیق به سفارت بیاید. در پیام تلفنی خود پس از مشخص کردن زمان و تاریخ بگویید که به آقای میدی گفته اید که به «سفارت» بیاید.

ب در صورتی که داوطلب مایل به ملاقات در خارج از سفارت در تهران باشد. تاریخ و زمان دقیق آن را تعیین کنید و به او بگویید که در پیاده رو جلوهتل کاسپین در خیابان تخت جمشید دو چهار راه دورتر در سمت غربی سفارت آمریکا منتظر ملاقات با یک مقام آمریکایی باشد. او باید یک روزنامه قابل رؤیت به زبان انگلیسی در دست داشته باشد تا شناسائی وی امکان پذیر باشد. مقام آمریکایی پس از ملاقات با داوطلب خود را معرفی خواهد کرد و از او خواهد پرسید که آیا او شخصی است که به کنسولگری در تبریز، شیراز یا اصفهان رفته است. در پیام تلفنی خود زمان و تاریخ را ذکر کنید و بگویید که به آقای میدی گفته اید که به «کتابخانه تجارتي» برود.

کلمه رمز

الف. شوروی نقره

ب. جمهوری خلق چین ... چینی آلات

ج. لهستان کاغذ

د. چکسلواکی کریستال

ه. جمهوری دموکراتیک آلمان طلا

و. مجارستان شاهدانه

ز. یوگسلاوی نخ تاییده

ح. آلبانی ... آسفالت

ط. رومانی ... لاستیک

ی. بلغارستان ... آجر

ک. جمهوری دموکراتیک خلق کره ... سفال کائولین

ل. ویتنام شمالی... پلاستیک وینیل

م. کوبا ... سیگار

ن. عراق ... آهن

س. سوریه ... سودا

ع. لیبی ... سرب

ف. فلسطین و یا تروریست دارای ملیت دیگر... قلع

کلمه رمز شغل

الف. مقام اطلاعاتی یا امنیتی ... ایندیانا

ب. دیپلمات ... دنور

ج. نماینده تجاری ... تگزاس

د. مقام حزب کمونیست ... کنکنیکات

ه. تکنیسین ... تنسی

و. افسر نظامی ... مین

ز. سرباز، یا مشمول نظام وظیفه ... سانفرانسیسکو

ح. غیره ... اوماها

کلمه رمز موقعیت

الف. حاوی اطلاعاتی برای دولت آمریکا است..... «اطلاعات در مورد مقررات گمرکی آمریکا».

ب. میل دارد به طور پنهانی برای آمریکا کار کند... «اطلاعات در مورد اجازه کار در آمریکا».

ج. متقاضی پناهندگی یا متارکه، لیکن می تواند به کشورش بازگشته و برای دولت آمریکا کار کند

«می خواهد در مورد جواز صادراتی ایرانی صحبت کند».

د. برای شخص دیگری واسطه شده است.... «می خواهد با یک بنگاهی صحبت کند».

ه. به طور غیرقانونی از مرز عبور کرده.... «می خواهد درباره امکان بسته شدن مرز صحبت کند».

و. غیره... «می خواهد به جای کنسولگری در سفارت با کسی حرف بزند».

کتاب پنجاه و چهارم

مصر

این جانب بیش از پانزده سال است که خطر اسرائیل
غاصب را گوشزد کرده ام و به دول و ملل عرب این حقیقت را
اعلام نموده ام. اکنون با طرح استعماری صلح مصر و اسرائیل
این خطر بیشتر، نزدیکتر و جدیتر شده است. سادات با قبول
این صلح، وابستگی خود به دولت استعمارگر آمریکا را
آشکارتر نمود. از دوست شاه سابق ایران انتظاری بیش از این
نمی توان داشت.

ایران خود را همگام با برادران مسلمان کشورهای عربی
دانسته و خود را در تصمیم گیریهای آنان سهیم می داند. ایران
صلح سادات و اسرائیل را خیانت به اسلام و مسلمین و
برادران عرب می داند و موضع سیاسی کشورهای مخالف این
پیمان را تأیید می کند.

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۹

روح الله الموسوی الخمینی

تاریخچه مختصر مصر

تاریخ شش هزار ساله مصر با سلطه فراعنه شروع شده و این سلطه تاکنون در قالب فرعونهای جدید
مصر، سادات و مبارک بر سر مردم مظلوم و ستم کشیده این دیار تداوم یافته است. حکومت فراعنه،
درگیریهای مصر و ایران و رم قدیم، حاکمیت عثمانیها بر مصر، تهاجم ناپلئون و... تاریخ طولانی مبارزات،

شکستها و جنگهای مصر را تشکیل می دهد. دیون مصر به کشورهای اروپایی به انضمام جنگها و شورشهای داخلی، بریتانیا را در سال ۱۱۸۱ هجری شمسی بر این کشور مسلط کرد. پیر استعمارگر انگلیس تا سال ۱۳۰۱ (ه ش) به غارت و چپاول این کشور مشغول بود و در این سال هر چند به ظاهر قرارداد شناسایی استقلال مصر به امضاء رسید، اما عملاً تحت حاکمیت وابستگان به بریتانیا و پادشاهان خود فروخته و به بیانی صریحتر تحت سلطه بریتانیا قرار داشت.

سال ۱۳۳۲ شمسی (۱۹۵۳ میلادی) آغاز عصر نوینی در تاریخ مصر است، یعنی پایان سلطنت و آغاز

جمهوری. این اختتام که به همت گروهی از افسران جوان ارتش مصر صورت گرفت با اعلام جمهوری،

ژنرال نجیب را به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر و ریاست شورای فرماندهی انقلاب و جمال

عبدالنصر را نیز به نیابت نخست وزیر و وزارت کشور برگزید.

مبارزه بر سر به دست گرفتن قدرت بین ژنرال نجیب و ناصر، منجر به برکناری ژنرال نجیب در سال

۱۳۳۳، به اتهام همکاری با اخوان المسلمین برای ترور ناصر شد. دوران ریاست جمهوری خود را بر پایه

ناسیونالیسم عربی و سوسیالیسم بنیان گذاشته بود؛ دوران بریدگی از غرب و اتکا و وابستگی به شوروی و

کشورهای بلوک شرق بود. سفرهای دو جانبه رهبران این دو کشور به پایتختهای یکدیگر و قراردادهای

اقتصادی و نظامی روابط محکمی را بین مصر و شوروی به وجود آورد.

سادات و سیادت بر مصر

جنگ ۱۹۶۷ (۱۳۴۶ شمسی) بین مصر و اسرائیل و شکست مصر دوران تیره و تاری بود که در آخرین

سالهای زمامداری ناصر گریبانگیر مصر و جهان عرب شد و عمیق ترین ضربه در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹)

شمسی) فرود آمد و آن مرگ ناصر و روی کار آمدن انور سادات بود. سادات که معاون رئیس جمهور و از

نزدیکان ناصر بود، در آغاز به عنوان تداوم بخش سیاستهای داخلی و خارجی ناصر پا به عرصه گذاشت و

سالهای اولیه زمامداری وی نیز تداوم همان سیاستها یعنی گسترش روابط با دنیای عرب از جمله سودان،

لیبی و سوریه و وابستگی و اتکا به شوروی بود. لیکن این تظاهر به تداوم سیاستهای ناصر دیری نپایید و

اولین گامها در جهت ناصر زدایی با تصفیه عناصر طرفدار مسکو و آغاز ارتباط با اروپا و آمریکا شروع

شد. تغییر قانون اساسی مصر و اعطای آزادیهای فردی به سبک کشورهای سرمایه داری و سیاست

درهای باز اقتصادی قدمهای بعدی در ادامه ناصر زدایی از جامعه مصری بود. بعد از شکست جنگ

رمضان ۱۹۷۳ که علتش خواه ناشی از وابستگی پنهان سادات به غرب بوده، یا عدم تعهد شوروی نسبت به

ارسال تجهیزات نظامی در لحظات سرنوشت ساز و تداوم بلا تکلیفها در قبال حل اختلافات با اسرائیل، آغازگر و انگیزه روابط با اروپا و آمریکا گردید.

در آبان ۱۳۵۲ (نوامبر ۱۹۷۳) مصر و آمریکا در «اصول» آغاز روابط دیپلماتیک به توافق رسیدند و سفیر مصر راهی آمریکا شد. این سیاستها تا قطع روابط امپریالیسم شرق و وابستگی مطلق به امپریالیسم غرب ادامه یافت. سادات هر چند در آغاز زمامداری خویش تهیه مقدمات جنگ جدیدی با اسرائیل را مطرح می ساخت، ولی در عین حال بر گسترش روابط دیپلماتیک و حل اختلافات مصر و اسرائیل از طرق سیاسی تأکید داشت که این تفکر بعد از جنگ ۱۹۷۳ نهایتاً منجر به انعقاد قرارداد صلح کمپ دیوید و آغاز روابط رسمی در حد سفارت بین مصر و اسرائیل گردید.

مصر و سیاستهای سادات

به طور کلی نتیجه عملکرد و سیاستهای سادات را به صورت زیر می توان خلاصه کرد.

۱ افزایش اختلاف طبقاتی با اجرای سیاستهای درهای باز و متعاقب آن رشد سرمایه داری آزاد به قیمت چپاول و فقر توده مستضعف مصر.

۲ تخصیص قسمت اعظم بودجه کشور بابت امور دفاعی و پرداخت آن بابت خرید تسلیحات و

تجهیزات نظامی به اروپا و آمریکا، افزایش واردات مواد اولیه غذایی که قبل از سادات در خود مصر تأمین می شد و در بعضی موارد آن را نیز صادر می کرد، افزایش قیمت‌ها و تورم مهار گسیخته در این کشور، گسترش فرهنگ بی بند و باری و سرگرم ساختن مردم به امور مبتذل.

۳ قرارداد صلح مصر و اسرائیل و نتایج آن این قرارداد روشنفکران و مردم را علیه سادات بسیج کرد و گروه‌های مختلف مذهبی و غیر مذهبی موجود در مصر را بر علیه هیئت حاکمه و سیاست‌های متخذه از طرف آنها شوراند. در صفوف کشورهای عربی به ظاهر ایجاد شکاف کرد و باعث شد تا نحوه موضع‌گیری کشورهای عربی در مقابل اسرائیل به صورت ظاهر مشخص شود.

کمپ دیوید و کشورهای عربی

طرح این قرارداد از سوی مصر کشورهای عربی را وادار کرد تا در کنفرانس بغداد به تحریم مصر بپردازند. کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس علیرغم مواضع سیاسیشان و یا وابستگی‌هایشان در قبال اسرائیل و آمریکا به خاطر حفظ وجهه و بعضی مصالح اقتصادی و اتکانشان به کشورهای پولدار عربی، به ناچار بر این امر توافق نمودند. این مسئله یعنی تحریم مصر از سوی کشورهای عربی، آمریکا و متحدان اروپایش را بیشتر از خود مصر به وحشت انداخت، زیرا این تحریم باعث به خطر افتادن منافع و

درآمدهایی می شد که از بابت فروش تسلیحات و کالا به این کشور به دست می آوردند. نتیجه این تحریم قطع کمک‌هایی بود که کشورهای عربی و سازمان صنعتی خلیج و در رأس آن سعودیها به مصر بابت خرید تسلیحات می کردند. طبق سند ۲۱ «خریدهایی که مصر توسط کمک‌های اعراب از اروپای غربی و آمریکا

از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ انجام داده بالغ بر ۳/۵ میلیارد دلار بوده است» و قطع این کمک‌ها ضربه عظیم

اقتصادی نظامی بود که بر مصر، و بیشتر از آن بر آمریکا و اروپا به خصوص فرانسه و انگلیس وارد

می شد. از سویی این تحریم‌ها باعث می شد که سادات از حل مشکلات داخلی مصر نیز عاجز بماند و در

نتیجه پایه های حکومتش لرزان شود و نهایتاً از بین رفتن مزدور با وفایی چون سادات، ضربه هولناکی بر آمریکا و منافع آن در منطقه بود.

تلاش کشورهای عربی مبنی بر تحریم مصر و اخراج این کشور از کنفرانس کشورهای اسلامی، نهضت غیر متعهدها، آ. اوپک و اتحادیه کشورهای آفریقایی، سادات را به موضع گیری دفاعی و یا جذبی در برابر این کشورها واداشت. وی با اتخاذ این موضع توانست بعضی از کشورهای عربی و بعضی کشورهای غیر عرب مسلمان را تحریک به میانه روی، عدم موضع گیری یا حتی موضع گیری مثبت نسبت به قرارداد کمپ دیوید نماید. آمریکا نیز در این وضعیت شریک درد و یاور صمیمی مصر بود. سعودیها نیز که همیشه در تلاش بوده اند که با اتخاذ تاکتیکهای میانه روانه موضع گیری تند نیروهای رادیکال عرب را نرمتر کنند در قبال این مسئله هر چند علاقه ای به وارد کردن خسارت عمده بر مصر نداشتند و امید آشتی با مصر را در سر می پروراندند، لیکن برای حفظ وجه اسلامی و تظاهر به مخالفت با اسرائیل همراه با نیروهای رادیکال عرب عمل می کردند، ولی این امر یک موضع گیری موقت بود و نهایتاً تلاشهای آمریکای و روابط صمیمانه با سعودیها موضع عربستان را آشکار نمود. تعداد زیادی از اسناد این مجموعه مربوط به موضع گیری کشورهای عربی، اسلامی و آفریقایی در قبال قرارداد صلح مصر و اسرائیل و تلاشهای مصر و آمریکا در این زمینه است.

ایران و انقلاب اسلامی، مصر و قرارداد کمپ دیوید

روابط شاهان ایران و فراعنه مصر به زمان کورش و آماریس برمی گردد. این روابط چه به صورت اقتصادی یا نظامی (لشکرکشی) ادامه داشته است. در سال ۱۳۳۹ در پی انتشار برقراری روابط سیاسی بین ایران و اسرائیل، روابط مصر و ایران قطع گردید. بعد از روی کار آمدن سادات، دو دولت اقدام به تجدید روابط سیاسی نمودند که این روابط با سفر شاه و زنش به مصر و دیدار سادات از تهران یک بار در سال ۱۳۵۳ و بار دیگر سفر سادات و زنش به تهران و سفر رضا پهلوی به مصر در سال ۱۳۵۵ به اوج خود رسید. شاه و سادات دو مزدوری که تحت حمایت یک ارباب بودند در جهت همگامی با اسرائیل و ایجاد ارتباط با آن و مقابله با خلق محروم فلسطین موضع واحدی اتخاذ کرده و تبادلات اقتصادی و سیاسی گسترده ای را پی ریزی کردند.

انقلاب اسلامی طوفانی بود که پایه های لرزان کاخهای فراعنه ایران و مصر را به لرزه درآورد و متعاقب آن با فرار شاه و دعوت وی به مصر از سوی سادات، تاریخ بود که تکرار می شد و تشابه سرنوشت جبارانی چون شاه و پدرش که وی نیز در آخرین روزهای عمرش به مصر گریخته بود. تلاش سادات و ملاقاتهای مکرر وی با مسئولان کشوری و مأموران سیاسی آمریکا مبنی بر گرفتن قول حمایت بی چون و چرای آمریکا از شاه در خلال انقلاب و بعد از آن، نشانگر ترس وی از عاقبتی نظیر عاقبت شاه و یافتن پناهگاه و نقطه اتکایی نه برای شاه که برای خود بود. به هر حال خانواده سلطنتی در آخرین روزهای حکومتشان با برنامه ریزی آمریکا و هماهنگی با سادات به مصر پناهنده شدند و با پیوندهای سببی، پیوند نسبی خویش را که از فراعنه به ارث برده بودند محکمتر و استوارتر گرداندند.

گسترش روزافزون انقلاب اسلامی و انتشار آن در بین مسلمین جهان زنگ خطری برای ابرقدرتهای شرق و غرب و دست نشانندگان آنها و نقطه پایانی بر خواب ملتها و یغماگری دولتهای وابسته بود. اسلام که

از دیر باز خطری عمده برای ظالمان و استعمارگران بود، در ایران به عنوان ایدئولوژی پویای انقلاب بانگ رهایی ملتها از چنگال استعمارگران را سرداد و این بانگ برای غارتگران و در رأس آنها آمریکا بسیار رعب آور و ناخوشایند بود، بدین جهت تلاشهای سابقه دار مأموران سیا برای تماس، نفوذ و اعمال نظر در داخل نهضت‌های اسلامی مخالف سادات و آمریکا دوباره نضج گرفت و سیا مسئولیت مطالعه نهضت‌های اسلامی را در رأس برنامه های خویش قرار داد. مطرح کردن آمریکا به عنوان مسئول تمام بدبختی‌های مسلمین و مستضعفین جهان و به عنوان دشمن اسلام و انسانیت و باوراندن این امر به آنها از سوی ایران زیباترین ورق تاریخ این امت را رقم زده و اگر از آثار این انقلاب تنها به همین نتیجه اکتفا شود بر اصالت و رسالت اسلامی و ضد امپریالیستی این انقلاب کفایت می کند. انقلاب اسلامی آنچنان تنفر نسبت به امپریالیسم را در دل‌های مسلمین نشانده و آنچنان سیاست و دیانتشان را به هم پیوند داد که شعار پایان بخش عبادتشان «مرگ بر آمریکا» شد. اعتراف آمریکاییها را به این نکته می توان در سند شماره ۶ مشاهده کرد که رساترین اقرار بر موفقیت و گسترش این تفکر در بین مسلمین جهان است و انگیزه ای برای تلاشهای ضداسلامی این کشور «... در هفته های گذشته با وخیم تر شدن اوضاع ایران، اتفاق آرای مسلمانان متعصب علیه آمریکا افزونتر شده است... از نظر آنها آمریکا دشمن اسلام است.... در افکار بسیاری از مسلمانان متعصب مصر این ایده شکل گرفته است که آمریکا با اسلام دشمن است. لازم است که یک زنجیره عملیات مثبت از طرف ما صورت بگیرد تا این عدم اعتماد مسلمانان نسبت به ما از بین

همزمان با تلاشهای آمریکا برای تماس با رهبران مسلمانان مصر در جهت اعمال سیاست فوق، اسلام زدایی سادات نیز شروع می شود و به گفته یکی از مخالفین سادات «سادات به یک رویارویی غیر ضروری و ابتدائی با مذهبیبون راستگرا» دست می زند (سند ۲۳).

ترس سادات از اینکه یک انقلاب اسلامی دیگر در مصر بساط سلطه ننگین وی را برچیند او را وادار می کرد به این اعمال دست بزند که خوشبختانه این عاقبت نیز گریبانگیرش شد و به دست بهترین فرزندان امت اسلام به درک واصل شد.

طرح قرارداد صلح مصر و اسرائیل و متعاقب آن امضای این قرارداد بدون توجه به حقوق حقه ملت فلسطین از سوی سادات در اصل تأییدی بود بر غصب اراضی و اموال و حیثیت ملت فلسطین و تجاوز و اشغالگری صهیونیستها. نتایج مترتب بر این قرارداد از چند سو سادات را در معرض خطر قرار می داد: (۱) گسترش مخالفت مردم، ارتش و روشنفکران متعهد مصری، (۲) تحریمهای اقتصادی اعراب و مشکلات اقتصادی، نظامی ناشی از آن، (۳) هراس از عدم موفقیت طرح کمپ دیوید و بر باد رفتن وجهه سادات و (۴) عدم موفقیت سیاستهای اقتصادی داخلی مصر و در نتیجه افزایش قیمتها و... به دنبال این قرارداد آمریکاییها برای جلوگیری از بر باد رفتن وجهه سادات (به گمان خودشان) و شکست طرح کمپ دیوید و مقابله با تحریم اعراب سناریوهای پیشنهادی خود را به سادات و وزارت امور خارجه آمریکا ارائه می کردند که اسناد ۲۲ و ۲۱ نمونه های بارز این عملکرد می باشد، در سند ۲۲ آمریکاییها اظهار می دارند که «از نظر مادی و در طول مذاکرات سادات، باید از حمایت دائم و شدید آمریکا و مصر برخوردار باشد» و چون پیش بینی می کنند که در هر صورت ممکن است خطراتی متوجه سادات شود و با توجه به علاقه سادات مبنی بر اینکه حسنی مبارک جانشین وی شود جانشین احتمالی وی را نیز تعیین می کنند، چون

معتقدند که «سیاست خارجی حسنی مبارک با سیاست خارجی سادات شباهت زیادی دارد».

بعد از امضای این قرارداد آمریکایی پیام حضرت امام که در تیتراژ مطلب آمده پایان بخش روابط

سیاسی ایران اسلامی و مصر اسرائیلی بود. رهنمود امام پایان بخش این مطلب است، به امید پیروی ملل

مسلمان از این رهنمودها و پیروزی امت اسلامی:

مشکل مسلمین، حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده اند،

ملت‌ها مشکل مسلمین نیستند، ملت‌ها با آن فطرت ذاتی که دارند می‌توانند مسائل را حل کنند. لکن مشکل،

دولت‌ها هستند. این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابطشان با ابرقدرتها و سرسپردگی شان با ابرقدرت‌های

چپ و راست، مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کرده اند. اگر این مشکل از پیش پای مسلمین

برداشته شود، مسلمین به آمال خودشان خواهند رسید و راه حلش با دست ملت‌هاست.

آن روز فتح مطلق و نصر به تمام معناست که همه مستضعفین جهان را این نور سنت الهی و سایه پرچم

«نصر من الله» فرا گیرد. آن روزی که مسلمین جهان با مدد غیبی در هر کشور و قطر دست جنایتکار

ستمگران و چپاولچیان را از کشور خود قطع کنند و پرچم اسلام و آرم الله اکبر را افراشته نمایند. آن روزی

که با قیام دلاوران و بانگ الله اکبر، با امثال سادات و هم مسلکان شاه مخلوع، آن کنند که ملت شجاع ایران

با محمدرضا پهلوی کرد.» دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

ص: ۱۹۴

سند شماره (۱)

مصر:

خشکی:

۱، ۲۵۸،۰۰۰ کیلومتر مربع (شامل ۹۳۱،۴۸ کیلومتر مربع اراضی اشغال شده به وسیله اسرائیل، ۲۶ ژوئن ۱۹۷۹)، ۸/۲٪ زمین کشاورزی (که در ۷۰٪ آن انواع محصولات کاشته می شود)، ۵/۹۶٪ بیابان، هرز، یا اراضی شهری، ۷/۱۰٪ آبهای داخل کشور.

طول مرزهای خاکی = ۲۵۲۷ کیلومتر (۱۹۶۷) تقریباً، ۲۵۸۰ کیلومتر که شامل صحرای اشغال شده سینا می شود (از تاریخ سپتامبر ۱۹۷۵).

آبها:

محدوده آبهای داخلی (ادعا شده) = ۱۲ میل دریایی (به اضافه ۶ میل «منطقه نظارت الزامی»).

طول نوار ساحلی = ۲۴۵۰ کیلومتر (۱۹۶۷)، که شامل تقریباً ۵۰۰ کیلومتر نوار آبی داخل ۹ صحرای اشغال شده سینا می شود (از تاریخ سپتامبر ۱۹۷۵).

مردم:

جمعیت = ۰۰۰،۹۵۸،۴۰ (ژوئیه ۱۹۷۹) میانگین رشد سالانه ۷/۲٪ (در حال حاضر)

ملیت = نام مصری (ها)، صفت مصری یا جمهوری عربی مصر.

تقسیمات نژادی = ۹۰٪ از دودمان سامی شرقی، ۱۰٪ یونانی، ایتالیایی، سوری، لبنانی

دین = (برآورد رسمی) ۹۴٪ مسلمان، ۶٪ عیسوی یعقوبی و بقیه ادیان.

زبان = زبان رسمی عربی است، انگلیسی و فرانسه در میان طبقه تحصیل کرده رایج است.

سطح سواد = در حدود ۴۰٪

نیروی کار = ۱۳ میلیون، ۴۵ تا ۵۰ درصد کارگران به کشاورزی مشغولند، ۱۰٪ کارگران صنعتی، ۱۰٪

تجارت و مالی، ۳۰٪ خدمات و بقیه، کمبود نیروی انسانی متخصص مشهود است.

نیروی کار سازمان یافته = یک تا سه میلیون نفر.

دولت:

نام حقوقی = جمهوری عربی مصر

نوع = جمهوری، که از تاریخ ۱۹۵۶ تحت رهبری ریاست جمهوری است.

پایتخت = قاهره

تقسیمات فرعی سیاسی = ۲۶ استان

سیستم حقوقی = سیستم حقوقی براساس قوانین عامه انگلیس، حقوق اسلامی و قوانین ناپلئونی

می باشد، قانون اساسی دائمی در سال ۱۹۷۱ تدوین گردید. بررسی حقوقی تا اندازه محدود بر روی آن در

دیوان عالی و همچنین در شورای کشور که اعتبار و حقانیت تصمیمات اداری را بررسی می نماید انجام

شد، تحصیلات حقوقی در دانشگاه قاهره امکان پذیر است، قوانین اجباری کمیسیون بین المللی قضات را

قبول دارد.

تعطیل ملی = روز ملی، ۲۳ ژوئیه

شعبات = قدرت اجراییه در دست ریاست جمهور می باشد، او کسی است که کابینه را انتخاب

می نماید، مجلس خلق کم کم با اجرای قوانین و آزادی سیاسی قدرتش زیادتر می شود، وزیر دادگستری به طور مستقل قوه قضائیه را اداره می نماید.

رئیس دولت = رئیس جمهور انور سادات

انتخاب عمومی = شرکت در انتخابات برای عموم افراد بالای ۱۸ سال آزاد است.

انتخابات = انتخابات مجلس خلق در هر ۵ سال یک مرتبه اجرا می شود (که آخرین آن در ژوئن

۱۹۷۹ برگزار گردید). انتخابات ریاست جمهوری هر ۶ سال یک مرتبه (که آخرین آن در سپتامبر ۱۹۷۶ برگزار گردید).

احزاب و رهبران سیاسی = برای تشکیل، حزب سیاسی باید به وسیله دولت مورد تصویب قرار بگیرد،

حزب ملی دموکراتیک که در روابط سال ۱۹۷۸ به وسیله سادات به وجود آمد مهمترین حزب می باشد، و تعداد زیادی احزاب کوچک مخالف وجود دارند.

کمونیستها = به طور تقریب ۵۰۰ نفر که عضو حزب می باشند.

عضویت در سازمانهای بین المللی = AAPSO، بانک عمران آفریقایی، سازمان مواد و غذایی

کشاورزی، گروه ۷۷، قرارداد عمومی تعرفه و تجارت، آژانس انرژی اتمی بین المللی، بانک بازاری و

عمران بین المللی، ICAC سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی، مؤسسه عمران بین المللی، مؤسسه مالی

بین المللی، IHO، سازمان بین المللی کارگری، سازمان مشاوره دریایی بین دولتمین، صندوق بین المللی

پول، نهضت غیر متعهدها، اتحادیه عرب، سازمان ملل، یونسکو، اتحادیه پست جهانی، سازمان بهداشت

جهانی، IOOC، اتحادیه تجاری بین المللی، شورای غله بین المللی، WIPO، سازمان هواشناسی

بین المللی، سازمان شخم زنی جهانی، WPC، WSG، عضویت مصر در آوریل سال ۱۹۷۹ در اتحادیه

عرب و اوپک عربی به حالت تعلیق درآمد.

اقتصاد:

تولید ناخالص ملی = ۷/۱۱ میلیارد دلار (۱۹۷۸)، ۲۹۰ دلار درآمد سرانه، در صد رشد سالانه ۹٪
در سال ۱۹۷۸ می باشد.

کشاورزی = مهمترین محصول کتان، انواع دیگر محصولات عبارتند از برنج، پیاز، لوبیا، مرکبات،
غله، ذرت، جو، در تولید مواد غذایی خود کفا نمی باشد، ولی بخش کشاورزی یک قسمت برای ورود ارز
خارجی می باشد.

صنایع مهم = منسوجات، کنسروسازی غذا، مواد شیمیایی، نفت، ساختمان، سیمان.

نیروی الکتریسته = ظرفیت ۵،۰۰۰،۰۰۰ کیلووات (۱۹۷۸)، ۱۴ میلیارد کیلووات ساعت تولید شده
در (۱۹۷۸)، تولید سرانه ۳۵۰ کیلووات ساعت برای هر نفر.

صادرات = ۷۲۵،۲ میلیون دلار (با احتساب هزینه حمل تا بندرگاه، تخمین ۱۹۷۸)، کتان خام، کتان
به صورت نخ درآمده و پارچه، نفت خام، برنج، پیاز، سیب زمینی، مواد شیمیایی، سیمان (خیلی محرمانه).
واردات = ۹۰۰/۴ میلیون دلار (با هزینه خود کالا، بیمه و باربری، تخمین ۱۹۷۸)، مواد غذایی،

ماشین آلات و تجهیزات، کود، چوب. (خیلی محرمانه)

طرفهای مهم تجاری = کشورهای عضو جامعه اروپا، آمریکا (خیلی محرمانه).

کمکها = اوپک (۵/۷۷۱۳) (۷۷ ۱۹۷۳) ODA) میلیون دلار، آمریکا ۲/۲۳۱۸ میلیون

دلار، کشورهای غربی (۱۹۷۰ ۷۷) ۶/۱۸۵،۲ میلیون دلار، کشورهای کمونیستی (۱۹۷۰ ۷۷)

۵/۸۲۱ میلیون دلار، کمکهای نظامی از کشورهای کمونیستی (۱۹۷۰ ۷۷) ۷۳۲،۲ میلیون دلار.

(سری)

نرخ تبدیل ارز = نرخ رسمی یک پوند مصر برابر است با ۵۴/۲ دلار آمریکا (البته این نرخ فروش

می باشد)، ۳۹۴/۰ پوند مصر برابر با یک دلار آمریکاست (البته این نرخ فروش می باشد)، یک پوند مصر

برابر است با ۴۳/۱ دلار آمریکا، ۶۹۹/۰ پوند مصر برابر با یک دلار آمریکا.

سال مالی = سال تقویمی، آغاز در ۱۹۷۳

ارتباطات:

خطوط راه آهن = مجموعاً ۴۸۵۷ کیلومتر، ۹۵۱ کیلومتر خط دو طرفه، ۲۵ کیلومتر خط برقی،

۴۵۱۰۹ کیلومتر با فاصله ریل استاندارد (۴۳۵/۱ متر)، ۳۴۷ کیلومتر با فاصله ریل ۷۵۰/۰ متر.

جاده ها = مجموعاً ۰۲۵،۴۷ کیلومتر، ۱۲۳۰۰ کیلومتر جاده آسفالت، ۲۵۰۰ کیلومتر شنی و سنگ

خرد شده، ۲۰۰،۱۴ کیلومتر جاده خاکی مرمت شده، ۱۸۰۲۵ کیلومتر جاده خاکی مرمت نشده.

آبهای داخلی = ۳۲۶۰ کیلومتر، کانال سوئز به طول ۱۶۰ کیلومتر، که به وسیله کشتیهای قاره پیما با

ارتفاع حداکثر ۵/۱۱ متر در آب مورد استفاده قرار می گیرد، راه آبی اسکندریه قاهره برای کرجیهای با

ظرفیت یک تن متریک قابل عبور می باشد، رود نیل و کانالهای بزرگ برای کرجیهای ۴۲۰ تن متریک

قابل عبور می باشد، کانال اسماعیلیه برای عبور کرجی های نسبتاً بزرگ بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن متریک قابل

عبور می باشد، کانالهای کوچک دیگری وجود دارند که برای کشتیهای کوچک بین ۱۰ تا ۷۰ تن متریک

قابل استفاده می باشد.

بار حمل شده = از کانال سوئز (۱۹۶۶) ۲۴۲ میلیون تن متریک که ۶/۱۷۵ تن متریک آن مواد نفتی

بود.

خط لوله = برای نفت خام ۶۷۵ کیلومتر، برای محصولات پالایش شده ۲۴۰ کیلومتر، برای گاز طبیعی ۳۶۵ کیلومتر.

بندر گاهها = ۳ بندر مهم (اسکندریه، پورت سعید، بندر سوئز)، ۸ بندر کوچک.

ناوگان بازرگانی = مجموعاً ۸۵ کشتی (۱۰۰۰ تنی یا بیشتر) که جمعاً ۴۲۵۵۸۶ تن وزن خالص و

۵۷۲۴۲۶ تن وزن ناخالص، که شامل ۸ کشتی مسافربری، ۶۲ کشتی باربری، ۱۴ کشتی نفتکش، یک

فروند تانکر می باشد (خیلی محرمانه).

هواپیمایی غیرنظامی = ۲۸ هواپیمای حمل و نقل بزرگ که شامل ۳ هواپیمای کرایه شده می باشد.

فرودگاهها = جمعاً ۱۰۵ فرودگاه، که ۷۵ فرودگاه قابل استفاده و ۶۷ فرودگاه با باند دائمی، ۴۷

فرودگاه با باندهایی به طول بین ۳۶۵۹ تا ۲۴۴۰ متر، یک فرودگاه با باند بیشتر از ۳، ۶۶۰ متر، ۱۹ فرودگاه

با باندهایی به طولهای بین ۲۴۳۹ تا ۱۲۲۰ متر.

ارتباطات = سیستم ارتباطات تلفنی، بزرگ و نامناسب برای احتیاجات می باشد و در وضع نامطلوبی

نگهداری می شود، مراکز اصلی آن اسکندریه و قاهره می باشد، ولی مراکز درجه دوم عبارت از المنصوره،

اسماعیلیه، و تانتا می باشند، ارتباطات بین شهری به وسیله کابلهای هم محور ماکروویو انجام می گیرد،

مقدار زیادی از تأسیسات در حال تعویض شدن با دستگاههای جدید می باشند، ۵۰۰،۰۰۰ تلفن (۳/۱)

تلفن هر ۱۰۰ نفر)، ۲۲ موج آ. ام، موج اف. ام ندارد و ۲۹ ایستگاه تلویزیونی، یک ایستگاه ماهواره ای اقیانوس اطلس، ایستگاه ماهواره ای سمفونی، ۲ کابل هم محور زیر دریایی.

نیروی دفاعی:

نیروی انسانی نظامی = مذکر بین ۱۵ ۴۹ سال ۰۰۰،۰۲۷،۱۰ نفر که ۰۰۰،۵۱۷،۶ مناسب برای

خدمت نظامی می باشند، در حدود ۰۰۰،۴۲۳ نفر همه ساله به سن (۲۰) سال که سن سربازی است می رسند.

پرسنل = نیروی زمینی ۰۰۰،۳۲۰ نفر، نیروی دریایی ۰۰۰،۲۰ نفر، نیروی هوایی ۰۰۰،۲۷ نفر

(۱۰۰۰ خلبان)، دفاع هوایی ۰۰۰،۸۰ نفر، سپاهان مرزی ۰۰۰،۱۰ نفر، نیروهای گارد و امنیتی ۵۰۰،۴۴ نفر، گارد ملی ۳۰۰۰ نفر، گارد ساحلی ۷۳۰۰ نفر (سری).

واحدهای مهم زمینی = ۲ ارتش مستقل و یک نیروی مستقل از ۱۰ لشکر (۵ لشکر پیاده، ۲ لشکر

مکانیزه، ۳ لشکر زرهی)، ۳۱ تیپ مستقل (۱۰ تیپ پیاده، ۲ تیپ گارد ریاست جمهوری، یک تیپ

شناسایی، ۳ تیپ زرهی، ۱۱ تیپ توپخانه صحرائی، ۲ تیپ خمپاره، ۲ تیپ موشکهای زمین به زمین)، یک

ستاد نیروی مخصوص با یک تیپ چتر باز، ۲ تیپ برای حملات هوایی، و ۵ تیپ کماندو، ۲۶ تیپ دفاع

هوائی با استفاده از موشکهای سام (سری).

کشتیهای نظامی = ۵ ناوشکن، ۱۲ زیر دریایی، ۳ ناوچه گشتی، ۱۲ قایق کوچک مناسب برای دنبال

نمودن زیر دریایی، ۱۲ قایق تهاجمی مسلح به موشک (۶ واحد جدید تهاجمی مسلح به موشک هنوز به

کار گرفته نشده اند)، ۲ قایق گشتی سریع، ۱۱ قایق اژدرافکن، ۱۷ قایق آتش سریع پشتیبانی، ۵ قایق

گشتی، ۳ فروند هاورکرافت، ۱۲ مین جمع کن، ۱۷ فروند قایق خاکی و آبی، ۱۷ فروند قایق کمکی و

خدمات، و مقدار معتنا بهی قایقهای کوچک دیگر (سری).

هوایما = ۹۱۴ فروند (۵۹۴ فروند جت، ۲۵ فروند جت ملخدار، ۱۳۰ ملخدار، ۱۶۵ هلیکوپتر)

(سری).

موشک = ۶۵ گردان سام ۲، ۱۵ گردان سام ۶، ۱۶۷ سکوی سام ۷. (سری).

تدارکات = مصر اسلحه نیروهای پیاده اش، مهمات، کشتی نفت سوز و قایق گشتی را تولید می نماید و

برای بقیه تجهیزات دیگر متکی به منابع خارجی می باشد (خیلی محرمانه).

بودجه نظامی = برای سال مالی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ به پایان رسید بودجه نظامی بالغ بر ۵/۱

میلیارد دلار بود، که ۱۹٪ از بودجه دولت مرکزی را تشکیل می داد. (خیلی محرمانه).

اطلاعات و امنیت:

اطلاعات عمومی برای امور داخلی و خارجی، اداره عمومی برای تحقیقات امنیتی کشور برای امور

داخلی، مدیریت اطلاعاتی نظامی برای امور داخلی و خارجی، اطلاعات ریاست جمهوری (PI) برای

امور داخلی و خارجی. (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان).

روابط و گرایشات شخصیت‌های مهم جمهوری متحده عربی

۲۴ دی ۱۳۴۴ ۱۴ ژانویه ۱۹۶۵ سَری

از: وزارت امور خارجه

به: سفارت آمریکا در: آدیس آبابا، الجزیره، امان، آنکارا، بغداد، بیروت، قاهره،

دمشق، اورشلیم، جده، خارطوم، کویت، لندن، پاریس، رباط، طائز، تهران، تل آویو، تریپولی، تونس.

موضوع: روابط و گرایشات شخصیت‌های مهم جمهوری متحده عربی

به دنبال تشدید مشکلات در جمهوری متحده عربی، گزارشاتی پیرامون تعویض پرسنل در مقامات

عالی و احتمال بروز مبارزه برای به دست گرفتن قدرت، رسیده است. این وزارتخانه معتقد است که

شخصیت‌های مهم این مانور به شرح زیر خواهند بود:

۱ شخصیت‌های متمایل به شرق

الف: علی صبری: وی سالهاست که دست راست ناصر و مهمترین مشاور وی در زمینه مسائل خارجی

و داخلی بوده است به همین دلیل، او بیش از هر کس دیگر پس از ناصر در سیاست‌های مصر نفوذ دارد. او

مهمترین ترویج کننده وحدت عربی به رهبری جمهوری متحده عربی و حامی تحکیم بیشتر وحدت با

بهره برداری از احساسات ضدعربی و ضد اسرائیلی و احساسات ناسیونالیستی عربی، می باشد. وی

ظاهراً به شدت از سیاست بهره برداری از شوروی و هراساندن کمونیست‌های محلی طرفداری می کند. هم

او بود که خیلی زود متوجه شد که می تواند از رقابت چین و شوروی به نفع جمهوری متحده عربی

بهره برداری نماید. در رابطه با مسائل داخلی، صبری شدیداً از سوسیالیزم حکومتی طرفداری می کرده

است و او وحاتیم مسئول ملی شدن مطبوعات در ماه مه ۱۹۶۰ شناخته شدند.

با این وصف، صبری یک چهره مردمی نیست. او به عنوان فردی دسیسه گر، نمک شناس، تشنه قدرت

و بسیار مرموز معروف شده و در عین حال به زرنگی و ذکاوت و راستگویی نیز معروف است. گفته می شود که وی برای خود در حیطة دولت یاران و همراهانی دست و پا کرده است، تا مقام و موقعیت خود را حفظ کرده و فعالیتهای رقیبان خود را خنثی سازد. مهمترین دشمنان وی عبارتند از بغدادی و زکریا محی الدین، لیکن عبدالحکیم نیز از جمله دوستان وی به شمار نمی آید.

ب: عبدالحکیم امیر: امیر برخلاف صبیری به تیزهوشی و جاه طلبی مشهور نیست، و می گویند که او معتاد به حشیش است، ولی صحت این گفته معلوم نشده است. لیکن او نشان داده است که قادر است در برابر تجاوز دیگران به حریم شخصی خود یعنی نیروهای مسلح از خود دفاع نماید. می گویند او یک مسلمان سرسپرده و احتمالاً تحت تأثیر اخوان المسلمین است و بیش از آنکه سیاستمدار باشد خود را یک سرباز می داند. جالب توجه است که نام او در زمره کسانی که برای رسیدن به قدرت مانور می دهند، وارد نشده است. امیر مسئول سرنگونی سوریه در سال ۱۹۶۱ شناخته شده و به همین دلیل ناصر می خواست وی را تنبیه نماید. بنا به گزارشهای رسیده امیر، صبیری و هیکل را مسئول تشویق ناصر به این امر دانسته بود. با این وصف دوستی بین امیر و صبیری همچنان پا برجاست.

می گویند امیر در ارتش از محبوبیت خاصی برخوردار است، محبوبیتی که بدون شک از توزیع شغل و مزایا در میان افسران ناشی شده است. شایع است که افسرانی که مایلند در صنایع ملی شده به جایی برسند

و یا در ارتش ارتقاء درجه یابند دائما به وی تعظیم و تکریم می کنند. هنوز معلوم نیست که مبارزات یمن بر این طرز برخورد و تفکر در قبال وی تأثیر گذاشته باشد. با این وصف گزارشات رسیده حاکی از آن است که تجارب جمهوری متحده عربی در یمن سبب شده است امیر در مورد منطقی بودن ماجراهای بدین شکل نظامی تردید بدل راه دهد.

۲ میانه روها:

الف عبداللطیف البغدادی، بغدادی را فردی سرسپرده به آرمانهای انقلاب جمهوری متحده عربی توصیف کرده اند، لیکن وی یک سیاستمدار یا ایدئولوگ نبوده و بسیار متعصب است. او با سیاست «مصر ارجح» موافق است و با ماجراجوییهای خارجی مخالفت می ورزد، او با اتحاد سوریه و مصر مخالف و خواستار خروج نظامیان مصر از یمن بود.

وی احساس می کند که گرایش مصر به سمت شرق زیاده از حد شده است. هنگام اجرای فرامین ملی گرای و سوسیالیزاسیون در سال ۱۹۶۱ وی با آنها شدیداً مخالفت می ورزید. در حالی که صبری شدیداً از آنها حمایت می کرد. به دنبال این اصطکاک و برخوردهای دیگر وی با ناصر، درخشش ستاره بغدادی کاهش یافته و از مارس ۱۹۶۴ از محافل داخلی جدا شده است، لیکن از سپتامبر ۱۹۶۴ گویا ناصر به او روی آورده است تا در حل معضلات پیچیده اقتصادی وی را یاری دهد. با وجود اینکه شایع شده بود که وی در توطئه تابستان سال ۱۹۶۴ علیه ناصر دست داشت، ولی ما شاهی در اثبات این ادعا نداریم.

بغدادی در میان مردم جمهوری متحده عربی به عنوان مردی که «وظایف خود را انجام می دهد»

محبوبیت دارد. مرکز محبوبیت وی نیز در نیروهای مسلح ظاهراً نیروی هوایی است. او شدیداً از امیر و

صبری متنفر است. از جمله اعضای محافل درونی که با وی شدیداً صمیمی است می توان از زکریا

محمی الدین نام برد.

ب: زکریا محی الدین. او فردی نیست که جاه طلب برای رسیدن به قدرت باشد. در ظاهر، وی با بغدادی پیوند دارد و به وحدت عربی اهمیت چندانی نمی دهد، و او و بغدادی در اکتبر سال ۱۹۶۱ از ناصر به خاطر پیروی «کورکورانه اش از سوسیالیزم یوگسلاوی» انتقاد کردند، ولی زکریا محی الدین بیش از بغدادی فرصت طلب است. او ظاهراً مایل به مصالحه است و در اکتبر سال ۱۹۶۱ او و امیر خواستار آشتی با رژیم سوریه که از مصر کناره گرفته بود شدند.

نفوذ محی الدین از نقطه اوج خود در سال ۱۹۵۶ یعنی قبل از حمله اسرائیل به صحرای سینا کاهش یافته است. در ژوئیه ۱۹۵۷ علی صبری به عنوان سرپرست بخش اطلاعاتی جانشین وی گردید، و از آن زمان به بعد وی از صبری و شهرت و اعتبارش منزجر شده است. در سال ۱۹۶۱ گزارش شد که وی در محافل پلیسی از شهرت و محبوبیت بسیاری برخوردار شده است، و در میان آنها هنوز هم ممکن است پیروان بسیاری داشته باشد.

اطلاعات بالا جهت استفاده پیشینه ارائه شده است. در گفتگو پیرامون این مطالب با مقامات باید کمال احتیاط را رعایت نمود، نباید وانمود کرد که دولت آمریکا مایل است در بافت قدرت جمهوری متحده عربی شاهد تغییراتی باشد و یا مایل که شخصی و یا گروه ویژه ای در مبارزه بر سر قدرت در این جمهوری پیروز گردد. اگر اطلاعات تکمیل کننده دیگری به دست آورید برای ما ارسال دارید. راسک

گزارش بیوگرافیک اشرف عبداللطیف غوربال سفیر مصر در آمریکا

ص: ۲۰۰

سند شماره (۳)

نوامبر ۱۹۷۳ آبان ۱۳۵۲ سَری

سازمان مرکزی اطلاعات (CIA) غیرقابل رؤیت برای خارجیان

گزارش بیوگرافیک

اشرف عبداللطیف غوربال

سفیر مصر در آمریکا

هشدار

این سند حاوی اطلاعاتی است که بر دفاع ملی آمریکا طبق بندهای ۷۹۳ و ۷۹۴ لایحه ۱۸ قانون

مصوبه آمریکا تأثیر می بخشد. انتقال یا افشای محتوی این سند و یا دریافت آن به وسیله افراد غیرمجاز

قانوناً ممنوع می باشد.

سَری

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

مقدمه

به دنبال جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ روابط دیپلماتیک بین آمریکا و مصر قطع گردید. چون

فکر می کردند که هواپیمای آمریکایی هدفهای مصری را به حمایت از اسرائیل کوبیده است. بالاخره نتیجه

این شد که جمال عبدالناصر رابطه دیپلماتیک مصر را با این کشور قطع گردانید. آمریکا سفارت خود را در

قاهره تعطیل نمود و تنها در بخشی از سفارت اسپانیا دفتر حفاظت منافع آمریکا را وسیله چند کارمند

معدود بازگشایی نمود. سفارت مصر در واشنگتن نیز تعطیل گردید و دفتر حفاظت منافع مصر در سفارت

هند گشوده شد.

عبدالناصر بعدها به اشتباه خود درباره هواپیماهای آمریکایی پی برد، لیکن هیچ گاه نخواست از دولت آمریکا عذرخواهی کرده و آغاز دوباره روابط را خواستار شد که البته پرزیدنت لیندن، ب، جانسون بر سر این دو مطلب پافشاری بسیار نمود. علیرغم فقدان روابط رسمی، دولت آمریکا رابطهای بسیار والا مرتبه ای در حکومت مصر یافته بود تا از طریق آنها به ایجاد صلحی در خاورمیانه اقدام نماید. در هفتم نوامبر ۱۹۷۳ مصر و آمریکا در «اصول» آغاز روابط دیپلماتیک کامل به توافق رسیدند. در آن زمان بود که دولت مصر اشرف غوربال را به عنوان سفیر مصر راهی این کشور نمود.^(۱)

انتشار خارجی ممنوعسری

مصر

اشرف عبداللطیف غوربال

سفیر مصر در آمریکا

در ۷ نوامبر ۱۹۷۳، پس از آغاز روابط دیپلماتیک میان مصر و آمریکا، دولت مصر اشرف عبداللطیف

۱- این گزارش در سرویس مرجع مرکزی تهیه و در سازمان سیا و وزارت کشور تصحیح گردیده است. اظهار نظرها و سئوالات را می توان با گلن هوراک کد ۱۴۳ □ داخلی ۴۱۷۲ در میان گذاشت.

غوربال را به سمت سفیر مصر در این کشور منصوب نمود. تا قبل از این انتصاب، از ماه ژانویه به بعد او به عنوان مشاور مطبوعاتی پرزیدنت انورسادات خدمت می کرد. غوربال که یک کارمند با سابقه وزارت امور خارجه است برای این کشور (آمریکا م) به هیچ وجه چهره غریبی نیست. او در هاروارد تحصیلات عالی را به پایان رسانید، با شروع کار در وزارت امور خارجه، او به عنوان نماینده دائمی از سوی مصر در سازمان ملل به کار مشغول گردید، و بعدها به عنوان رئیس دفتر حفاظت منافع مصر در سفارت هند در واشنگتن، او مهمترین دیپلمات مصر در آمریکا در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۶۸ بود.

نظرات او درباره خط مشی آمریکا در خاورمیانه

غوربال معتقد است که آمریکا، در سالهای اخیر فرصتهای دیپلماتیک بسیاری را در خاورمیانه از دست داده، لیکن وی امیدوار است که روابط بین آمریکا و مصر بهبود یابد. پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، غوربال گفت که به نظر او آمریکا سیاست خود را در قبال خاورمیانه تغییر نخواهد داد، مگر اینکه منافع نفتی خود را در خطر جدی ببیند. او در همین اواخر گفت که جنگ اعراب و اسرائیل و تحریم نفتی متعاقباً ضربه مهمی به آمریکا زد.

غوربال اصولاً نمی داند که در صورتی که مصر بخواهد در رابطه با مسائل و مشکلات خاورمیانه با آمریکا درگیر شود، چه مشکلاتی خواهد داشت. خوش بینی او نیز از خوش برداشتی او از وزیر امور خارجه هنری کیسینجر ناشی می شود.

درباره دکتر کیسینجر اینطور گفته است: «به نظر من او یک دوست است. در گذشته از او درباره خاورمیانه مطالب منطقی بسیار شنیده ام که هیچ یک از دیگر اعضای وزارت خارجه نتوانسته بودند اینچنین نظریاتی را ابراز دارند.»

در یک مصاحبه اخیر از غوربال پرسیده شد که وظایف او به عنوان سفیر در آمریکا چه خواهد بود.

وی در جواب گفت: «من همه توان خود را در متقاعد ساختن کنگره، مطبوعات و سرمایه گذاران به کار خواهم گرفت تا تلاشهای خود را برای رسیدن به صلحی عادلانه در منطقه به دو برابر افزایش دهند.»

انتصاب قبلی او در واشنگتن

در یک گفتگوی اختصاصی در سال ۱۹۶۹ غوربال گفت که به علت آگاهی در مورد آمریکا و به

علت سوابق شخصیش وی را به سمت مهمترین دیپلمات مصری در آمریکا در سالهای بحرانی قطع روابط

برگزیده اند. زمانی که روابط در حال قطع شدن بود، او در حال آماده شدن برای سمت ریاست سفارت مصر

در واشنگتن بود و در آن زمان به همراه معاون رئیس جمهور، زکریا محی الدین درست یک روز قبل از

آغاز جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به واشنگتن جهت انجام مذاکرات سفر کرد. پس از قطع روابط

با آمریکا اعلام کرد که حاضر است یک دیپلمات مصر در سطح وزیر را به عنوان ریاست دفتر حفاظت

منافع مصر بپذیرد و پذیرشی برای تصدی غوربال در این سمت صادر نمود.

یکی از آمریکاییهایی که او را در آن زمان می شناخت درباره او می گوید که او شخصی است که اصرار

دارد عقاید خود را در قالب سیاستهای رسمی مصر ابراز نماید. به عنوان یک وزیر، غوربال نتوانست با

مقامات کاخ سفید و وزارت امور خارجه و رئیس جمهور تماس حاصل نماید. (روابط بین قاهره و آمریکا

از طریق دفتر حفاظت منافع آمریکا در قاهره اداره می شد تا دفتر حفاظت منافع مصر در واشنگتن). او که دریافته بود که حتی دولت خود، او را در مذاکرات حساس پیرامون مسائل خاورمیانه منزوی ساخته است، بر آن شد تا با جلب اعتماد افراد متنفذ در دیگر سطوح واشنگتن به مقابله با این عمل برخاسته و خود را از انزوای بیرون کشد. او با تلاش بسیار در جستجوی افرادی بود که از او و عقایدش استقبال می کردند، تا بدین وسیله بتواند قاهره را تحت تأثیر کافی قرار دهد. او با مقامات میان رتبه وزارت امور خارجه، اعضای کنگره و کارمندان کنگره و حتی مدیران شرکت نفت آمریکا به این منظور که از نفوذ آنان در دولت بهره برد تماس حاصل می نمود. او از نظر ایراد سخنانیها نیز بسیار فعال بود و یکی از دیپلماتهای فعال عربی در این زمینه به شمار می آمد.

غوربال خیلی سعی داشت بداند که چه کسی به مصر سفر می کند. نمایندگان کنگره و مدیران بازرگانی از برنامه های آشناسازی که او برایشان در قاهره ترتیب می داد بسیار راضی بودند. او مخصوصاً در مورد مسافرت شخصیتهای مهم کنجکاوی به خرج می داد، و سعی می کرد همزمان با آنها در قاهره باشد و بر وظایف آنها نظارت داشته باشد. در زمان اقامتش در واشنگتن، غوربال مکرر به سفارت روسیه می رفت تا طرف تماسهایی در آنجا بیابد و از آنها به عنوان منبع اطلاعات دیپلماتیک بهره برداری نماید.

انتصاب دوباره در قاهره

در طول مدتی که ریاست دفتر حفاظت منافع مصر را به عهده داشت، غوربال توانسته بود اعتماد محمود ریاض وزیر امور خارجه را نسبت به خود جلب نماید. لیکن چون ریاض با طرح مصر مبنی بر یک موافقت میان دوره ای که باعث باز شدن کانال سوئز بشود مخالف بود، سادات بر او خشم گرفت. ریاض در ژانویه ۱۹۷۲ از سمت وزارت امور خارجه برکنار شد و در نتیجه غوربال نیز به عنوان یکی از حامیان او در بهار سال ۱۹۷۲ از واشنگتن فراخوانده شد.

لیکن، غوربال با سربلندگی به قاهره بازگشت. قبل از عزیمت از واشنگتن او به درجه سفارت ارتقاء

پیدا کرد. پس از آن به عنوان دستیار حافظ اسماعیل مشاور رئیس جمهور در امنیت ملی انتخاب و منصوب

گردید. این انتصاب نیز همانند انتصاب قبلی او در آمریکا به خاطر آگاهی او از مسائل آمریکا بود.

مشاور ریاست جمهوری

ظاهراً غوربال وظایف خود را به عنوان دستیار اسماعیل به خوبی انجام داده بود. چون بعدها او به

سمت مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور در ۱۷ فوریه ۱۹۷۳ منصوب گردید. این طور به نظر می رسد که

سادات این موقعیت را برای غوربال در دفتر به وجود آورد تا از او به عنوان مشاور خود در رابطه با مسائل

آمریکا استفاده کند. در همین رابطه بود که غوربال در سپتامبر ۱۹۷۳ به همراه سادات در کنفرانس

غیرمتعهدها در الجزیره شرکت نمود. او به عضویت کمیته عالی جنگ که قبل از جنگ ۱۹۷۳ اعراب و

اسرائیل توسط سادات به وجود آمده بود، درآمد.

اکثر روزنامه نگاران خارجی، به خصوص روزنامه نگاران غیر عربی، نحوه عملکرد غوربال را به

عنوان مشاور مطبوعاتی رئیس جمهور ستوده اند. گزارش اخبار معمولاً به طرز واقع بینانه انجام می گرفت

و بیاناتی که در رابطه با جنگ می شد معمولاً در حد توجیه اهداف جنگی مصر بود. از این نظر

روزنامه نگاران برای غوربال احترام بسیار قائل هستند.

زندگی و حرفه های اولیه

اشرف عبداللطیف در ۲۲ ماه مه ۱۹۲۵ در اسکندریه مصر در خانواده ای از طبقه بالا لیکن متوسط الحال از نظر معیشت به دنیا آمد. او فرزند معاون وزیر پیشین دادگستری عبداللطیف غوربال بود. مشهورترین فرد خانواده اش شفیق غوربال مورخ بود. اشرف غوربال در رشته علوم سیاسی در دانشگاه فؤاد اول (دانشگاه قاهره) به مطالعه پرداخت و در سال ۱۹۴۵ فارغ التحصیل گردید. اسماعیل فهمی (وزیر امور خارجه در سال ۱۹۷۳) و محمد ریاض (مشاور رئیس اتحادیه عرب) دو تن از همکلاسیهای او بودند. هر سه آنها مدتی بعد از پایان تحصیل به وزارت امور خارجه پیوستند و آنها را در وزارت امور خارجه به عنوان «مثلث» می شناختند.

این وزارتخانه در سال ۱۹۴۶ غوربال را برای ادامه تحصیلات به آمریکا فرستاد. او به وسیله کشتی کورنلیاس گیلیان که یک کشتی آزادیبخش مملو از سربازان آمریکایی مراجعت کننده از جنگ بود به آمریکا سفر کرد. در طول سفرش با قاسان طوینی یکی از دانشجویان لبنانی که عازم دانشگاه هاروارد بود آشنا شد (طوینی در حال حاضر معاون نخست وزیر و وزیر اطلاعات و آموزش و نیز سردبیر و ناشر روزنامه بیروتی النهار می باشد). این دو پس از سه و نیم سال که در هاروارد با یکدیگر گذراندند، همچنان با یکدیگر دوست و صمیمی هستند.

غوربال در ادامه تحصیل در هاروارد تقریباً مردود شد و در ترم اول به صورت مشروط مجبور به ادامه تحصیل گردید و بعدها او مشکلاتش را به غربت و دوری از وطن نسبت داد. پس از اینکه دید در حال اخراج از دانشگاه هاروارد است با جدیت بیشتر به درس خواندن پرداخت و در سال ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ فوق لیسانس و دکترای خود را در علوم سیاسی گرفت. عنوان تز دکترای او چگونگی ایجاد امنیت در منطقه

بود.

در سپتامبر ۱۹۴۹ او به عنوان وابسته به وزارت امور خارجه بازگشت. در فوریه ۱۹۵۰ در نمایندگی سازمان ملل (با دریافت کمک هزینه) به کار مشغول شد. در سال ۱۹۵۱ به عنوان دبیر سوم به قاهره بازگشت و در ماه مه همان سال به عنوان عضو انجمن شهر از آمریکا بازدید به عمل آورد. از آن زمان به بعد، غوربال به عنوان معاون مدیریت سازمانهای بین المللی، بخش قراردادهای و کنگره ها در وزارت امور خارجه عمل می کرد. تا سال ۱۹۵۲ به عنوان دبیر سوم در نمایندگی مصر در سازمان ملل به کار مشغول بود تا اینکه در سال ۱۹۵۴ به عنوان سفیر به پاریس فرستاده شد.

در ژانویه ۱۹۵۶ به عنوان دبیر سوم به لندن رفت و یک ماه بعد غوربال به سمت دبیر اولی ارتقاء یافت. در ژوئیه ۱۹۵۷ به نمایندگی مصر در دفتر اروپایی سازمان ملل در ژنو فرستاده شد، در حالی که در آن سمت بود به عنوان عضو کمیته فرعی جمهوری متحد عربی انجام وظیفه می نمود و مذاکرات اقتصادی با فرانسه در سال ۱۹۵۸ را انجام داد. در آخرین سال اقامتش در ژنو در سال ۱۹۶۰ به سمت کنسول نمایندگی در ژنو رسید.

پس از بازگشت به قاهره، غوربال مدت کوتاهی به عنوان معاون مدیریت دیپارتمان کنفرانسها و سازمانهای بین المللی وزارت امور خارجه انجام وظیفه نمود. در سال ۱۹۶۰ در اولین کنفرانس غیر

متعهدها در بلگراد شرکت نمود. پس از آن از سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۶۲ به عنوان معاون مدیریت دپارتمان امور آسیایی خدمت کرد. در ۱۹۶۳ به عنوان کنسول نمایندگی مصر در سازمان ملل به نیویورک رفت. در سال ۱۹۶۳ با وجود اینکه کنسول نمایندگی مصر در اتاوا شده بود، لیکن تا سال ۱۹۶۴ نتوانست در آنجا به کار مشغول شود. پس از بازگشت به قاهره در اوائل ۱۹۶۵ پست ریاست کابینه در دفتر معاونت وزارت امور خارجه را عهده دار گردید. در بین سالهای ۶۷ تا ۱۹۶۶ او مدیر دپارتمان نظارت و هماهنگی در وزارت امور خارجه گردید، و در آن مقام مشغول به کار بود تا اینکه در ژانویه سال ۱۹۶۸ به سمت ریاست دفتر حفاظت منافع مصر در واشنگتن منصوب گردید.

انتصابهای او در سازمان ملل

غوربال بر تجربیات حاصله از خدمتش در سازمان ملل ارج بسیار می نهد. در سالهای خدمتش بین ۱۹۵۲ و ۱۹۵۴ در سازمان ملل او به عنوان عضو کمیته حقوق بشر کنسول اجتماعی اقتصادی سازمان ملل نیز به کار مشغول بود. در آوریل ۱۹۵۵ در یازدهمین اجلاس این کمیته در ژنو شرکت جست. یکی از اعضاء سازمان ملل از غوربال به عنوان یک فرد مطلع، توانا، و صمیمی و همکار یاد می کند. در ژوئیه ۱۹۵۹ و آوریل ۱۹۶۳ غوربال به عنوان ناظر در اجلاس ۲۸ و ۳۵ کمیته حقوق بشر کنسول اجتماعی اقتصادی سازمان ملل فعالیت نمود. در آوریل ۱۹۶۳ او در پانزدهمین اجلاس کمیسیون اجتماعی سازمان ملل شرکت جست و کارهای سازنده او در اجلاس ژوئن ۱۹۶۳ کمیته مساعدت فنی، ستایش بسیاری از نمایندگان سازمان ملل را برایش ارمغان آورد. در سپتامبر همان سال غوربال به عنوان معاون ریاست کمیته حقوق بشر کنسول اجتماعی اقتصادی بر گزیده شد.

غوربال در بسیاری از اجلاسهای مجمع عمومی سازمان ملل به عنوان نماینده حضور داشت. او در

هنگام وضع قانون دوم کنفرانس دریاها در سال ۱۹۶۰ نیز حضور داشت.

سفیر منصوب کنونی مصر در آمریکا فردی شناخته شده و بسیار خونگرم است. او به طرز بسیار محافظه کارانه ای لباس می پوشید. او به زبان انگلیسی و فرانسه مسلط است و در بین آمریکاییها احساس غربت نمی کند. او خیلی علاقه دارد راجع به اسکندریه در مصر به خصوص راجع به باغی که در نزدیکی آنجا دارد صحبت کند. اخیراً گفته است که یک باغ هلو در دلتای نیل خریداری کرده است. سخن گفتن خارج از موضوع با غوربال ممکن نیست و او هر چه را که بشنود کاملاً به قاهره مخابره می کند. با وجود اینکه مسلمان است، غوربال مشروب نیز می نوشد، او سیگار نمی کشد مگر اینکه گاهی بعد از شام یک سیگار نیز مصرف کند. او را خیلی وقت شناس در ملاقاتها دانسته و اکثر کارهایش را در اوائل روز انجام می دهد.

غوربال شناگر بسیار ماهریست و از راهپیمایی و حمامهای سونا بسیار لذت می برد. آخرین باری که به واشنگتن آمده بود تقریباً هر روز خانواده اش را به یک کلوپ شنا می برد. او سعی کرد در زمان عهده دار بودن وظیفه کنسولی نقاشی را نیز بیاموزد، لیکن فشار کاری باعث شد که نتواند این مشغولیات را فرا گیرد.

غوربال با آمال احمد امیر ازدواج کرده است. وی برخلاف شوهرش با آمریکاییها با خونگرمی برخورد نمی کند، لیکن با دو زبان انگلیسی و فرانسه تسلط دارد. خانواده غوربال در خانه ای در خیابان ماساچوست واشنگتن قبلاً توسط خود خانم غوربال تزئین شده بود سکونت خواهند گزید. این دو دارای دو فرزند هستند، یکی دختر ۱۹ ساله بنام ناهید و دیگری پسر ۱۵ ساله بنام عمر. ناهید در سال تحصیلی ۱۹۷۱ ۷۲ در مدرسه خدمات خارجی جورج تاون به تحصیل مشغول گردید. او در حال حاضر ثبت نام نکرده است. ممکن است برای ترم بهاره و یا آغاز سال ۱۹۷۳ ۷۴ به دانشگاه جورج تاون بازگردد.

۲۳ نوامبر ۱۹۷۳

ناو جنگی اتمی و عبور آن از کانال سوئز

سند شماره (۴)

۱۴ فروردین ۱۳۵۷ ۳ آوریل ۱۹۷۸ سری

از: سفارت آمریکا در قاهره: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: ناو جنگی اتمی و عبور آن از کانال سوئز

۱ در این فکر بودم که چگونه موضوع مرجع را در رابطه با محدودیتهای مطروحه در تلگرام مرجع ارائه نمایم. این موضوع را با دریاسالار هالوئی در سفر اخیرش به اینجا در میان گذشته ام. محدودیتهای موجود را در مورد آنچه که می توان در مورد عبور ناو جنگی اتمی گفت می دانم، لیکن امیدوارم که بتوانم چیزهایی در این مورد ارائه کنم تا مصریها نیز از جنبه های امنیتی آن مطمئن شوند. در این رابطه، فکر می کنم که بهتر است اعتراف کنیم که ورود این ناو جنگی به بنادر و عبور آن از کانال سوئز دو مسئله کاملاً متفاوت است. دو ناو جنگی اتمی که به اسکندریه وارد شده بودند در خارج از اسکله داخلی و حدود ۷/۱

میل دریایی دورتر لنگر انداخته بودند. حداقل بعضی از مصریها معتقدند که درست است که از نظر امنیتی به ناوهای جنگی اتمی ما شک و تردیدی ندارند، ولی لنگراندازی آنها در خارج از اسکله نیز که به خاطر مسائل امنیتی مقرر شده بود. در حالی که عبور این ناو جنگی از کانال سوئز به معنی آن است که این ناو از یک کانال با وسعت ۲۰۰ متر از میان شهرهای پرجمعیت بندر سعید، اسماعیلیه و سوئز که در مقایسه با اسکندریه به ناوها بسیار نزدیک هستند باید بگذرد، موجبات نگرانی بیش از حد مقامات کانال سوئز را فراهم کرده که مشکل بزرگی نیز به حساب می آید.

۲ من با معاون نخست وزیر احمد سلطان گفتگوی دیگری نیز داشتم و مشکلات مربوط به افشای این موضوع را نیز به وی یادآور شدم به او گفتم که طبق پیشنهادش حاضریم یک فرد متخصص به محل اعزام داریم، ولی در عین حال یادآور شدم که این فرد نخواهد توانست کار زیادی انجام دهد. تقریباً تمام مطالب مربوط به ناو جنگی اتمی و عملیات و طرحهای آن طبقه بندی شده است و ما دائماً از ارائه آن به کشورهای میزبان ناوهای جنگی اتمی خود امتناع ورزیده ایم. اگر چه همه قبول دارند که متخصص آمریکایی نخواهد توانست به همه سؤالات پاسخ دهد و اگر این اقدام را نوعی حرکت آرایشی در جهت کمک به سلطان در متقاعد ساختن کمیته خود به حساب می آورند، البته این متخصص را به منطقه اعزام خواهیم داشت. سلطان گفت وی به ماهیت مشکلات معترف است، لیکن مایل است که این ملاقات صورت گیرد. وی گفت اگر این فرد متخصص بتواند به آنها توضیح دهد که در هنگام عبور ناو جنگی اتمی از کانال پاناما چه

اقدامات امنیتی خاصی صورت گرفته، برای آنها مفید خواهد بود. اگر در کانال پاناما اقدامات صورت نگرفته باشد، کمیته تحت تأثیر آن واقع خواهد شد. لطفا در صورت امکان توضیح دهید که هنگام عبور از کانال پاناما چه اقدامات احتیاطی خاصی انجام شده است.

۳ پیرامون این موضوع با معاون رئیس جمهور مبارک نیز صحبت کرده و او را در جریان گفتگوهای پیشین خود با گمسی (GAMSY) کامل، عالی و سلطان قرار دادم. در انجام آن، مبارک را به طور مختصر در جریان سوابق امنیتی عملیاتی بیست ساله گذشته ناوهای جنگی اتمی خود در بنادر مختلف قرار دادم. علاوه بر این به وی گفتم که دو ناو جنگی اتمی آمریکا به اسکندریه نیز سفر کرده اند. به وی گفتم که گمسی، کامل و سلطان مایلند در این زمینه تشریک مساعی نمایند. معذالک کمیته فنی در این زمینه با مشکلاتی روبه رو می باشد. مبارک توصیه کرد که با گمسی، کامل و سلطان همکاری نموده و نگرانیهای کمیته را برطرف نمایم. وی گفت در صورتی که کمیته به لجبازی خود ادامه دهد، وی با کمال میل مداخله خواهد کرد تا تصمیم مقتضی گرفته شود. من از این وسیله به عنوان آخرین راه چاره بهره برداری خواهم کرد.

۴ با در نظر گرفتن نظریات سلطان در پاراگراف دوم بالا، معتقدم که بد نیست در پایان چویننگ به مصر بیاید و با سلطان و کمیته فنی در این باره ملاقات نماید، لیکن باید به یاد داشته باشید که هدایت کانال پاناما از اهمیت بسیار برخوردار است. چون سلطان بخش اعظم این ماه را در مسافرت به سر خواهد برد، وی پیشنهاد کرده است که چویننگ در اواخر ماه آوریل به مصر بیاید. لطفا از امکان این سفر ما را مطلع سازید.

عبور ناو جنگی اتمی از کانال سوئز

سند شماره (۵)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سیبه: سفارت آمریکا در قاهره، فوری

موضوع: عبور ناو جنگی اتمی از کانال سوئز

۱ اطلاعات ذیل مربوط است به پاسخگویی به پرس و جوهای تلگرام مرجع در مورد اطلاع دولت

آمریکا از تضمینهای انگلستان، فرانسه و شوروی در مورد مسئولیت و امنیت ناو جنگی اتمی.

الف: بیانیه دولت انگلستان از همه نظر مشابه بیانیه استاندارد آمریکا می باشد. علاوه بر این، بیانیه

وزیران دولت انگلستان در ژوئن ۱۹۶۷ نیز دارای تأثیر و نتایج مشابه به قانون عمومی آمریکا به شماره

۹۳۵۱۳ می باشد. آمریکا و انگلستان نیز در مورد ورود ناو جنگی اتمی به بنادر خارجی روش و

برخوردی یکسان دارند.

ب: تا آنجا که ما می دانیم تنها فرانسویها هستند که باید قبلاً برای ورود ناوهای اتمی خود به بنادر

خارجی تقاضاهایی را مطرح نمایند. در گفتگوی دولت آمریکا با دولت فرانسه در ارتباط با ورود ناو

جنگی اتمی به ما خاطر نشان ساختیم که در صورتی با تقاضای ورود ناو اتمی فرانسه موافقت خواهد شد

که فرانسه نیز با استانداردهای آمریکایی به طور یک جانبه موافقت نماید و سوابق مربوط به عملکرد

خالی از خطر را نشان دهد.

ج: این وزارتخانه در مورد عملکرد شوروی در رابطه با ورود ناوهای اتمی آن کشور به بنادر خارجی

اطلاعی ندارد و تنها در مورد دو بندری که ناوهای اتمی شوروی از آنها بازدید کرده اند، مطالبی می داند.

یکی از بنادر، بندر سنیفوگوس و بندر دیگر بندر اسکندریه بوده است. تصمیمات پیشین دولت مصر در رابطه با سفرهای اوائل سال ۱۹۷۲ و سفرهای پیشین ناو اتمی شوروی به اسکندریه احتمالاً ملاحظات سیاسی را در نظر داشته و در رابطه با وضع حاضر مصداق ندارد.

۲ موضع دولت آمریکا در رابطه با سفرهای ناو اتمی: آمریکا دقیقاً همان نکاتی را در نظر می گیرد که شما با وزیر خارجه کامل (پاراگراف ۵ تلگراف مرجع الف) در میان گذاشته اید. در رابطه با فرضیات شما در پاراگراف ۸ تلگراف مرجع الف، دولت آمریکا نسبت به صدور اجازه از طرف دولت مصر جهت عبور ناوهای جنگی اعتراضی ندارد، به شرط آنکه شرایط قانون قسطنطنیه ۱۸۸۸ براساس (۱) تضمینهای یک جانبه مانند تضمینهای ارائه شده از طرف خودمان و (۲) نشان دادن سوابق عملکرد خالی از خطر از طرف کشوری که می خواهد ناو اتمی خود را از کانال سوئز عبور دهد، در رابطه با همه ناوهای اتمی به کار برده شود.

۳ محض اطلاع شما: هدف ما این است که از فرسایش سیاست یک جانبه ای که ما و انگلستان در سرتاسر جهان به منظور عبور ناوهای اتمی خود استفاده می کنیم اجتناب ورزیم. چون فرسایش این سیاست ممکن است منجر به لزوم پیدایش توافق دو جانبه و یا چند جانبه شود که مورد قبول آمریکا نخواهد بود. درست است که نمی توانیم نحوه قرارداد پیشنهادی یک کشور ثالث را تحت کنترل داشته باشیم، ولی هدف ما این است که دولت مصر را متقاعد سازیم که تنها تضمینهای یک جانبه ما طبق بیانیه استاندارد دولت آمریکا و قانون عمومی ۹۳ ۵۱۳ کافی است. پایان، بخش محض اطلاع شما.

۴ تقاضای دولت مصر از اداره اتمی بین المللی در مورد ارائه مشورتهای فنی پیرامون ورود ناو جنگی اتمی، از نظر ما تنها در رابطه با عبور کشتی های بازرگانی اتمی صادق خواهد بود، ولی ناوهای جنگی اتمی به طریق کاملاً متفاوت و تنها توسط خودمان و کشورهای میزبان این سفرها اداره می گردد. می توانید به

دولت مصر اطلاع دهید که تقاضای ما تنها در مورد عبور ناو جنگی اتمی آمریکا از کانال سوئز مصداق دارد و ناوهای تجاری اتمی و عبور آنها از کانال با روش دیگر انجام می گیرد.

۵ در پاسخ به تلگرام مرجع ج، تنها ناوهای جنگی اتمی ما و انگلستان از کانال پاناما عبور کرده اند. محض اطلاع شما: تاکنون هیچ ناو اتمی خارجی از این کانال عبور نکرده است، لیکن قرار است در سال جاری دو ناو اتمی انگلستان از آن عبور نمایند. پایان، محض اطلاع شما.

چون انگلستان تضمینهای مشابهی را در رابطه با ورود ناوهای اتمی انگلستان به بنادر آمریکا ارائه کرده است، بنابراین برای عبور از کانال پاناما نیاز به ارائه مجدد آنها نیست. از آنجایی که در مورد سیاست شوروی و فرانسه در رابطه با ورود ناوهای اتمی آنها به بنادر و ورود آنها به آبهای داخلی کشورهای دیگر اطلاعی نداریم، با قاطعیت نمی توانیم در مورد نحوه اداره عبور ناوهای اتمی این کشورها از کانال پاناما اظهار نظر کنیم. تا زمانی که کانال تحت کنترل آمریکاست، ما سعی خواهیم کرد از تضمینهای یک جانبه خود در رابطه با دیگر کشورها استفاده کنیم، تا ثبات سیاست خود را در رابطه با عملکرد ناوهای اتمی خود و انگلستان در سرتاسر جهان حفظ نماییم.

۶ محتوای تلگرافهای مرجع و این تلگرام با سفارت انگلستان در واشنگتن مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است. سفارتهای مستقر در قاهره و لندن ممکن است بخواهند با همتهای خود در این رابطه تماس حاصل نمایند.ونس

تأثیر گزارشاتی که بر مبنای آنها به سازمان سیا دستور داده شده است که نهضتهای اسلامی را در مصر مورد مطالعه قرار دهد

از: سفارت آمریکا در قاهره: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. ۸۸۵۷

موضوع: (سّری) تأثیر گزارشاتی که بر مبنای آنها به سازمان سیا دستور داده شده است که

نهضت‌های اسلامی را در مصر مورد مطالعه قرار دهد

۱ (تمام متن سری است).

۲ خلاصه: الاهرام مقاله ای را که در واشنگتن پست درج گردیده و حاکی از آن است که از سازمان سیا

خواسته شده که نهضت‌های اسلامی را در تمام جهان مورد مطالعه قرار دهد، مد نظر قرار داده است. درز

نمودن این گونه اخبار بسیار تأسف آور، است زیرا شیوع این گونه اخبار سّری در زمانی که سفارت آمریکا

در تلاش است تا به گفتگوهای سازنده با دست راستیهای مذهبی در مصر دست بزند، روند این گونه

مذاکرات را بر هم می ریزد. بخش اسلامی متعصب بسیار حساس و مظنون است. به علت نگرانی در مورد

اورشلیم، احساس همدردی شدیدی با فلسطینیها کرده، از اشغال دائمی ساحل غربی رود اردن و نوار غزه

و به خاطر اینکه قادر نیستند کار مثبتی در این باره انجام دهند بسیار عصبانی هستند و تمام سرزنشها را

متوجه آمریکا می کنند. در هفته های گذشته با وخیم تر شدن اوضاع ایران، اتفاق آرای مسلمانان متعصب

علیه آمریکا افزودن تر شده، مقالات شدیدالحن در روزنامه های مذهبی مصری به چاپ رسیده و در

خطبه های روز جمعه نیز انتقادهایی از آمریکا شده است. از نظر آنها آمریکا دشمن اسلام است. لازم است

که یک زنجیره عملیات مثبت از طرف ما صورت بگیرد تا این عدم اعتماد مسلمانان نسبت به ما از میان

برود. گزارشات مطبوعات در زمینه مطالعات اطلاعاتی اگر هم ضروری باشد، در این زمینه ما را یاری

نخواهد داد. پایان خلاصه.

۳ با نفوذترین روزنامه مصری الاهرام، دیروز مقاله، هاگلد از واشنگتن پست را به چاپ رسانده است که در آن دکتر برژینسکی از سازمان سیا خواسته است تا مطالعات همه جانبه ای را پیرامون نهضت‌های اسلامی در سراسر جهان به عمل آورند. این طور که از مقاله برمی آید اطلاعات مربوطه از طریق کمیته روابط خارجی به واشنگتن پست داده شده است. با وجود اینکه ما خاطر نشان ساخته ایم که در مقاله هاگلد از «جامعه اطلاعاتی» خواسته است که چنین مطالعه ای را از سر گیرد، ولی الاهرام این عبارت را به سازمان سیا ترجمه می کند. چنین مطالعه ای باید خیلی زودتر از اینها انجام می گرفت، ولی باعث تأسف است که خبر به این سرعت درز کرده است و حتما در زنجیره تلاشهایی که از طرف سفارت جهت انجام گفتگوهای سازنده با عناصر مذهبی دست راستی مصری صورت می گیرد، تأثیر خواهد کرد.

۴ هیچ بخش دیگر مصری حساس تر از بخش دست راستیهای مسلمان نیست، که در حال حاضر بقایای اخوان المسلمین قبلی است که همچون آفتی بر مصر در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ تاختند، و هنوز قدرتمند است، گر چه در حال حاضر بالهائش قیچی شده است و از عدم وجود رهبری رنج می برد. از طریق منابع متعددی سعی شده است که با رهبران اخوان تماس مستقیم برقرار شود، ولی موفقیت حاصل نگردید، لیکن در یک سال و نیم گذشته توسط مقامات بخش سیاسی تماسهایی با عمر تلمسانی مدیر نشریه ماهانه اخوان که ادعا می کند یکی از رهبران سازمان است حاصل شد. در این مراحل تلاش بر آن بود که تماسها با دقت و احتیاط انجام پذیرد. لیکن تلمسانی و همکارانش گویا از تماس آشکار و مباحث

رک و بی پرده با مقامهای سفارتی هراسی ندارند. هیچ چیز آنها را نمی ترساند مگر اینکه بفهمند که عملیات سیا برای «مطالعه» (یا از نظر مسلمانان «درک») نهضتهای اسلامی می باشد.

۵ پرداختن تصویر مشکوک آمریکا از نظر این مسلمانان بنیادگرا بسیار مشکل است. آنها به علت علاقه شان به اورشلیم با فلسطینها احساس همبستگی شدید داشته، نگران اشغال دائمی ساحل غربی رود اردن و نوار غزه توسط اسرائیلیها هستند. دست راستیهای مسلمان، سادات را از این نظر که نتوانسته است از طریق قرارداد کمپ دیوید تعهد روشنی در مورد بازگرداندن اورشلیم شرقی یعنی مکان حرم شریفه به اعراب که به معنی کنترل مسلمانان است به دست آورد، شدیداً مورد انتقاد قرار داده اند. انتظار می رود که اعمال اخیر اسرائیل در هبرون و حرم ابراهیمی عکس العمل منفی مسلمانان دست راستی مصری را را به همراه بیاورد. از اینکه دیگر مسلمانان عربی قادر نیستند در قبال اشغال دائمی ساحل غربی رود اردن و اعمال آن کشور کاری انجام دهند، این مسلمانان متعصب تمام تقصیرها را به گردن آمریکا انداخته او را مسئول این کارها می شمارند.

۶ در چند هفته گذشته، با وخیمتر شدن اوضاع ایران ما افزایش این شک و تردید را و به خصوص اتفاق رأی مسلمانان مصری متعصب را علیه آمریکا احساس می کنیم و هر چند عملکرد سیاسی شیعه و سنی در مصر و ایران متفاوت است، لیکن هر دو گروه یا هر دو ملت در مظنون بودن علیه آمریکا شریک هستند. علاوه بر اینها مقالات ضد آمریکایی نه تنها در دو ماهنامه مذهبی الدعوه و الاعتصام مصری به چاپ رسیده است بسیاری از وزرای مهم مصری نیز نگرانی خود را در مورد انگیزه های آمریکا که مورد سؤال خطیبان جمعه مساجد قرار گرفته، ابراز داشته اند. این وضع در حالی که روسیه و مصریان چپگرا چون خالد محی الدین برآند تا با راست گرایان تماس برقرار کرده از فرصت سود برند، بدتر خواهد شد. گزارشهای مربوطه به «مطالعات» سازمان سیا به وخیمتر شدن هر چه بیشتر اوضاع کمک خواهد کرد.

۷ بد نیست در اینجا پیرامون شایستگی یکی از مطالعات سازمان سیا پیرامون فعالیتهای اسلامی نیز

سخن رانده شود. چند سال پیش من شخصا پیشنهاد آغاز چنین مطالعاتی را دادم، ولی به من جواب داده

شد که این موضوع در رابطه با دولت مصر از حساسیت بسیار برخوردار است، به خصوص که سازمان سیا

در آن درگیر باشد. این موضوع به طور صحیح تفهیم گردیده بود، لیکن من به سفارت دستور دادم تا در

جوامع مسلمانان متعصب تماسهای محتاطانه ای برقرار سازند و این چنین نیز شده است. ما این کارها را

ادامه خواهیم داد و نشان خواهیم داد که درز این گونه خبرها به بیرون از طریق مطبوعات تا چه حد مانع

پیشرفت ما در کارها بوده است. حساسیت مسلمانان مصری کمتر از سادات و یا دولت مصر نیست و انجام

یک چنین مطالعاتی از طرف سازمان سیا باید از طریق منابع دست دوم (مانند دولت مصر) انجام پذیرد.

البته نکات منفی بسیاری در این گونه برخورد مطالعاتی وجود دارد. در همان حال، سیا (SRF) نظریات

بسیار جالبی درباره مذهبیبون دست راستی دارد و گزارشات سفارت (برای نمونه گزارش سال ۷۸ قاهره به

شماره الف ۱۷۷) اطلاعاتی مشابه آن نظریات دارد و تماسهایی نیز برقرار کرده است.

۸ چون مسلمانان متعصب مصری کلید ثبات سیاسی آینده این کشور را در دست دارند باید با دقت

بسیار نظارت گردد. با این حال من امیدوارم که واشنگتن خبرهای مربوط به بنیادگرایی اسلامی در مصر را

تا حد امکان پنهان نگه دارد. آرامش ناپذیری و حساسیت توأم با عصبانیت این گروه را به آسانی نمی توان

توصیف نمود. تلاش ما باید در جهت ایجاد گفتگوهای پر ثمر و صریح با اخوان المسلمین باشد نه اینکه

آنان فکر کنند که این فقط یک مطالعات جاسوسی است، هر چند هم که اینگونه اعمال ضرورت زمانی داشته باشد.

۹ در افکار بسیاری از مسلمانان متعصب مصری این ایده شکل گرفته است که آمریکا با اسلام دشمن است. این ایده را به آسانی نمی توان از بین برد و اخوان المسلمین بسیاری از مقالاتی را که در این زمینه در مطبوعات آمریکا به چاپ می رسد به عنوان دلیلی بر ادعای خود ارائه می دهند.

انتقاداتی که توسط رهبران کنگره و دیگر شخصیت‌های آمریکایی و عربستان سعودی در این باره می شود، به عنوان حملاتی غیر مستقیم علیه جامعه مسلمانان متعصب نگریسته می شود. ما هشدار می دهیم که منطق غربی و نحوه تعقل غربی قابل تطبیق با منطق و نحوه تعقل دست راستیهای مسلمان مصری نمی باشد. کارهای مثبتی که از طرف ما ارائه شده تا نشان بدهیم که با حس همدردی می خواهیم به درک اسلام بپردازیم، از قبیل دعوت پرزیدنت کارتر از شیخ فقید الازهر و گفتارهای اخیر پرزیدنت کارتر در از بین بردن حس عدم اعتماد علیه انگیزه های آمریکا بسیار مفیدتر واقع می شوند. لیکن گزارشهای مطبوعاتی پیرامون مطالعات جاسوسی این حالت را دارا نیستند. ایلتس

نظریات سادات در مورد شاه و اوضاع ایران

سند شماره (۷)

۵ بهمن ۱۳۵۷ ۲۵ ژانویه ۷۹ سزّی

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سیبه: سفارت آمریکا در تهران فوری

موضوع: (سزّی) نظریات سادات در مورد شاه و اوضاع ایران

۱ (تمام متن سزّی است)

۲ خلاصه: سادات می گوید شاه از رفتار دولت آمریکا بسیار ناراحت و عصبانی شده است. او از شاه و

شهبانو خواسته است که به مصر بازگردند و آنها نیز در نظر دارند همین کار را انجام دهند. شاه در آسوان با نیروهای ارتش ایران و یا نیروهای امنیتی تماس نگرفته است، لیکن در قاهره خواهد توانست اوضاع ایران را زیر نظر داشته و نحوه تکامل آن را ارزیابی نماید. سادات از دولت آمریکا می خواهد که راههای بیشتری پیش پای وی بگذارد. وی با نگرانی گفت که شاه به او اظهار داشته است که دولت آمریکا از نیروی هوایی ایران خواسته است که در صورت وخامت بیشتر امنیت داخلی ایران تجهیزات نظامی پیشرفته آمریکا در ایران را بمباران نماید. وی گفت حاضر است این تجهیزات را در مصر جای دهد. وی معتقد است که ماشین نظامی ایران عامل اصلی ثبات در منطقه است و مصرانه می خواهد که ما رابطه بسیار صمیمانه خود را با آن حفظ نماییم. او علاوه بر این مایل است که یک خط ارتباطی بین آمریکا و ارتش ایران ایجاد گردد. پایان خلاصه.

۳ بخش اعظم مذاکره دو ساعته من با سادات و معاونش مبارک به شاه و اوضاع ایران و پیچیدگیهای آن مربوط می شد. سادات به کرات نکات زیر را مطرح نمود:

۴ در گفتگوهای متعدد با شاه در آسوان، رئیس جمهور دریافته بود که شاه باور دارد که آمریکا با وی بد رفتاری کرده است. اکثر چیزهای گفته شده و اقدامات کارتر و مقامات عالی رتبه این دولت به ضرر شاه بوده است. شاه بسیار عصبانی است. من گفتم این امر مایه تعجب است، چون دولت کارتر مانند پیشینیان خود از شاه حمایت کرده و او را رهبر مشروع کشور خوانده است. واقعیت امر این است که بسیاری از

منتقدین شاه در آمریکا از دولت کارتر نیز به خاطر حمایت از وی انتقاد کرده اند. سخنگویان دولت بارها اعلام کرده اند که از ورود شاه به آمریکا استقبال می کنند. سادات گفت او به این امور واقف است، لیکن گفت که شاه فکر می کند دولت آمریکا با وی بدرفتاری کرده است. لیکن به جزئیات آن اشاره ای ننمود.

۵ سادات گفت، از شاه خواسته است که به مصر بازگردد و تا هر زمان که بخواهد در آنجا بماند. وی معتقد است که به جای آمدن به آمریکا، آنها در یکی دو روز آینده به مصر خواهند آمد. هنگام اقامت در آسوان، برخلاف اصرار شهبانو مبنی بر اینکه وی با ارتش ایران و نیروهای امنیتی آن کشور تماس برقرار سازد، شاه از انجام آن سرباز زده بود. شاه گفته بود که قول داده است این کار را نکند و به گفته خود پای بند خواهد بود. سادات گفت، بازگشت شاه به قاهره سبب خواهد شد که به ایران نزدیکتر باشد و تکامل اوضاع ایران را به دقت ارزیابی کند. سادات از اظهار نظر پیرامون کمک دولت مصر به شاه در بازگشت به قدرت خودداری کرد. در واقع، رئیس جمهور مصر گفت نمی داند که آیا شاه خواهد توانست به ایران بازگردد یا خیر. معذک وی گفت امید است که آمریکا تمام راهها را در برابر شاه باز بگذارد و به اصطلاح «درها را به روی او نبندد».

۶ با یادآوری پیشنهاد قبلیش مبنی بر اینکه وی حاضر است تجهیزاتی را که می خواهیم از ایران خارج کنیم در مصر جای دهد (قاهره ۲۹۴)، سادات گفت پس از شنیدن این مطلب از شاه که قرار است این تجهیزات نابود شوند بسیار ناراحت شده است. شاه محرمانه به وی گفته بود که روابط آمریکا با نیروهای مسلح ایران و به خصوص نیروی هوایی ایران صمیمانه است. وی گفته بود که به فرمانده نیروی هوایی کاملاً اطمینان دارد. بنا به گفته شاه، دولت آمریکا از فرمانده نیروی هوایی ایران خواسته است (یا دستور داده است) که در صورت وخامت اوضاع امنیتی ایران در صورتی که تجهیزات پیچیده آمریکا در معرض خطر قرار گرفت آنها را نابود نماید. سادات گفت اگر این امر واقعیت داشته باشد، منطقی نیست. وی

پیشنهاد کرده بود که این تجهیزات در مصر انبار شود و این پیشنهاد هنوز به قوت خود باقی است. وی گفت این تجهیزات در اینجا بسیار مفید واقع خواهد شد. اگر دولت آمریکا نمی تواند در حال حاضر آنها را در اختیار دولت مصر قرار دهد، زمان حمل و نقل آنها را می توان به موقع مناسب دیگری موکول کرد.

۷ سادات پس از آن به ماشین نظامی ایران اشاره کرد که به وسیله دولت آمریکا تجهیز شده و آموزش دیده است، و یک نیروی ثابت در منطقه به حساب می آید. وی گفت لازم است که تواناییهای آن حفظ گردد. رابطه نزدیک دولت آمریکا با ارتش ایران باید حفظ شود و بنا به گفته سادات وی مایل است که یک خط رابط بین آمریکا و ارتش ایران ایجاد گردد. او پیرامون این مطلب با شاه صحبت نکرده بود. وی تأکید کرد که در حال طرح توطئه ای نیست، لیکن امیدوار است که بتواند به اکثریت ارتش ایران بفهماند که سادات معتقد است سرنوشت ایران و مصر به عنوان ضرائب ثبات در منطقه، ضرورت همکاری و تفاهم دو جانبه ای را ایجاب می نماید.

۸ من به سادات گفتم که ما نیز مانند او در مورد اوضاع ایران نگران هستیم. ما شدیداً و در سطوح عالی اوضاع این کشور را زیر نظر داریم. من گفتم متأسفم از اینکه شاه فکر کند با وی بدرفتاری شده است، لیکن سادات باید بداند که ما هنوز هم شاه را سلطان مشروع کشور می دانیم. اعتراف کردم که ما روابط دیرینه و بسیار نزدیکی با رهبران نظامی ایران برقرار کرده ایم و با وجود پرداختن به جزئیات به وی اطمینان دادم که باید هر کاری را انجام داد تا ارتش ایران به صورت یک عنصر ثبات منطقه حفظ شود. در

رابطه با شاه نیز تکرار نمودم که ما او را سلطان مشروع ایران دانسته و فکر نمی کنیم که کسی بخواهد به اجبار راهها را به روی او ببندد. در اینجا مردم ایران باید تصمیم بگیرند. گفتم که تردید دارم که به نیروی هوایی ایران دستور داده شده باشد که تجهیزات نظامی آمریکا را از بین ببرند. البته اظهار نظرهای وی را به واشنگتن گزارش خواهم کرد و او را در جریان ماقع قرار خواهم داد.

۹ سادات میل دارد در رابطه با اعتراض خود پاسخی دریافت دارد. لطفا به وزارتخانه اطلاع دهید که چه پاسخی باید به ایشان بدهم.

۱۰ وزارتخانه ممکن است بخواهد این پیام را به سفارت آمریکا در تهران ارسال دارد. ایلتس. پایان
نقل قول.

عکس العمل ایرانیها در قبال قرارداد صلح مصر و اسرائیل

سند شماره (۸)

۶ فروردین ۱۳۵۸ ۲۶ مارس ۷۹ خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی

موضوع: عکس العمل ایرانیها در قبال قرارداد صلح مصر و اسرائیل

۱ تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ خلاصه: وزارت امور خارجه ایران، رهبران مذهبی و «مردم» با برگزاری تظاهرات و راهپیمائیهای

اعتراض آمیز نسبت به قرارداد پیشنهادی صلح مصر و اسرائیل عکس العمل نشان داده اند. پایان خلاصه.

۳ وزارت امور خارجه ایران امروز با انتشار یک بیانیه رسمی از طریق رادیوی ملی پیمان صلح مصر

و اسرائیل را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. این بیانیه با اعلام حمایت کامل از انقلاب فلسطین اظهار داشته

است که تنها پیمانی معتبر خواهد بود که حقوق فلسطینیها را در منطقه به رسمت بشناسد. سنجابی وزیر

امور خارجه با ارسال تلگرامی به عرفات او را به عنوان نماینده رسمی فلسطینها به رسمیت شناخته و

حمایت کامل دولت ایران را از وی اعلام داشته است.

۴ رادیو تهران نیز در بیانیه خود که به وسیله دو دانشجوی عرب قرائت شد این قرارداد را شدیداً مورد

حمله قرار داد. سخنگویان که عضو گروه اشغالگر سفارت مصر هستند. مدعی هستند که گروهشان مرکب

از دانشجویان عرب مقیم ایران می باشد. آنها همچنین ادعا کرده اند که به سفارت حمله نکرده اند، بلکه

یکی از مقاماتی «که حمایت خود را از انقلاب آنها اعلام داشته بود به آنها آزادانه اجازه داده بود تا سفارت

را به اشغال خود در آورند. این ادعا با متن گزارش سفارت مصر مغایرت دارد (به تلگرام مرجع مراجعه

شود).

۵ گروهی تحت عنوان «دانشجویان مسلمان» دانشکده افسری تهران بیانیه ای در اعتراض نسبت به

این قرارداد منتشر ساخته و تظاهرات ضد این قرارداد تاکنون در دو شهر ایالتی برگزار شده است. در

رفسنجان، حدود ۴۰ هزار نفر در حمایت از جمهوری اسلامی ایران و در اعتراض به این قرارداد تظاهراتی

به راه انداختند. در تبریز، رادیو تعداد تظاهرکنندگان ضد قرارداد صلح مصر و اسرائیل را «صدها هزار نفر»

اعلام کرده است که گویا این تظاهرات هنوز هم ادامه دارد و علاوه بر آن خمینی نیز در ضدیت با این

قرارداد سخنرانی کرده (تلگرام جداگانه)، و آیت الله بروجردی نیز امضاء این قرارداد را محکوم نموده

است.

۶ در تهران در تمام طول روز تظاهرات به صورت پراکنده ادامه داشت. علاوه بر اشغال سفارت مصر، صبح روز جاری تظاهرات اعتراض آمیز دیگری نیز در خیابان شاهرضا برگزار گردید. امروز بعد از ظهر یک گروه کوچک از تظاهرکنندگان از کنار سفارت آمریکا گذشت (بدون توقف) و انتظار می رود که گروههای دیگر نیز همین کار را انجام دهند. سولیوان

عضویت مصر در کنفرانس اسلامی...

سند شماره (۹)

۲ می ۱۲۷۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در صنعابه: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی. سی

موضوع: (خیلی محرمانه) عضویت مصر در کنفرانس اسلامی وزرای امور خارجه

و آژانسهای سازمان ملل (WHO)

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ کاردار با معاون وزیر امور خارجه ابراهیم القبصی در ۳۰ آوریل ملاقات نمود تا پیرامون نکات مهم

(مرجع الف) درباره نقش نیروهای اضطراری سازمان ملل در صحرای سینا که در اجلاس نیز بر سر آن

بحثهایی شده بود و در تلگرام سپتامبر نیز گزارش شده بود، به تبادل نظر بنشینند، گفتگوهای کاردار و

القبصی بر دو موضوع متمرکز بود که عبارت بودند از کنفرانس وزرای امور خارجه اسلامی و تلاشهایی که

جهت اخراج مصر و اسرائیل از آژانسهای تخصصی سازمان ملل به عمل خواهد آمد.

۳ القبصی سیاست دولت یمن را که عبارت از «حمایت» توأم با سکوت از مصر بود را دوباره تکرار

کرد و گفت که این دولت از اخراج مصر از کنفرانس حمایت نخواهد کرد، مگر اینکه به وسیله دیگر دولتهای

عربی مجبور به این کار شود. اصولاً، دولت یمن خیلی مایل است بیش از اینها در حمایت از مصر کار انجام

دهد، لیکن موقعیت سیاسی درونی و وابستگی این دولت به کمکهای عربستان سعودی محدودیتهایی برای آن کشور به وجود آورده است. تهدید عراق مبنی بر منحرف کردن دولتهایی که لایحه دوم بغداد را تصویب کرده اند، برای دولت یمن خیلی جدی به حساب می آید. در اظهار نظر پیرامون قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل القبصی گفت که قبول دارد که این قرارداد سرانجام به یک راه حل همه جانبه خواهد رسید، لیکن خاطرنشان ساخت که پیشرفتهای چشمگیری که نشانه حرکت در این جهت باشد انجام نشده است.

۴ کاردار شدیداً خواستار به عضویت درآمدن مصر و اسرائیل در آژانسهای تخصصی سازمان ملل است با تکیه مخصوص بر آژانسهای جهانی بهداشت و اظهار این حقیقت که سرشت انسانی این آژانسها باید حفظ شود و از سیاست به دور ماند، برای بار دیگر توافق خود را بر سر اصول بیان داشت، لیکن گفت که دولت یمن نیز باید منافع خود را در برابر فشار و محدودیتهای اعمال شده از طرف دولتهای عربی حفظ نماید. احتمالاً علاقه یمن در به عضویت درآمدن مصر و اسرائیل در آژانسهای تخصصی قادر به ایستادگی در برابر تهدیدهای عراق و پایان کمکهای مالی عربستان سعودی نیست. دولت یمن بالاخره همرنگ اکثریت بر سر این موضوع خواهد شد.

۵ در رابطه با پایگاههای منطقه ای سازمان بهداشت جهانی، القبصی به نکاتی اشاره کرد، که آن وزارتخانه حتماً تاکنون از محتوای آن از طریق سفارتخانه های آمریکا در دیگر مناطق با خبر شده است که با تغییر ندادن پایگاههای سازمان بهداشت جهانی از اسکندریه توسط سازمان ملل، این سازمان

کارآیی این سازمان را کاهش داده است. استدلال به این ترتیب است که: در صورتی که مقر سازمان بهداشت جهانی در اسکندریه باقی بماند، اعراب در اجلاسهای آموزشی آن شرکت نخواهند کرد، و در صورتی که اعراب در سازمان بهداشت جهانی شرکت نکنند، این سازمان نخواهد توانست به اکثریت مردم خدمت کند، بنابراین سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی هستند که تصمیمی سیاسی می گیرند که سازمان بهداشت جهانی اسکندریه بماند تا از میزان کارایی آن کاسته شود. استدلالات کاردار مبنی بر اینکه آژانسهای بشردوستانه مانند مقر سازمان ملل در نیویورک باید از سیاست جدا نگاه داشته شوند (یعنی اینکه آمریکا به تمام ملل حتی آنهایی که از نظر سیاسی مخالف آنهاست اجازه شرکت در سازمان ملل می دهد) بی فایده بود. القصبی این گفتگوها را به این ترتیب خاتمه داد که اگر محمد به کوه نمی رود کوه باید نزد محمد بیاید.

۶ دولت یمن شمالی علاقه دارد که به حمایت از مصر بپردازد، لیکن در موضعی قوی از نظر سیاسی و مادی قرار ندارد تا بتواند در برابر فشارهای ضد مصری «میانہ روها» و «جبهه امتناع» دولتهای عربی مقاومت نماید. گنهم

خلاصه اطلاعاتی ۸۰۲ و ۸۰۳ (تعلیق عضویت مصر در کنفرانس اسلامی)

سند شماره (۱۰)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲ می ۱۲۷۹ اردیبهشت ۵۸

به: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا با اولویت ۹۰۰۷

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۲۸۰۲ می ۱۹۷۹

(پاراگرافهای ۱۹ خیلی محرمانه است)

۱ یک ماه پس از اعلام قرارداد تحریم مصر توسط بغداد تنها ضربه اقتصادی که متوجه مصر شده،

عبارت است از دست دادن کمکهای عربی به این کشور و احتمالاً «پایان ضمانت» عربستان سعودی در

قبال قرض دهندگانی که نسبت به آینده مصر حس اعتمادی در آنها به وجود آمده بود. برنامه

سرمایه گذاریهای رسمی دچار قدری رکود شده ولی کاملاً متوقف نگردیده است؛ سرمایه گذاران

خصوصی عربی جانب احتیاط را گرفته اند، لیکن در کار خود دچار تردید صد درصد نشده اند.

علیرغم آشفتگی و نگرانی درباره تحریم کانال سوئز و خط لوله نفتی سوئز مدیترانه روابط حمل و نقل و

ایجاد ارتباط در اصل سالم و دست نخورده باقی مانده است. لیکن عراق محدودیت تجاری یک طرفه

خود را به معرض اجرا گذارده است.

۲ محدودیتهایی که از طرف اعراب تندرو بر ژاپن و آلمان برای جلوگیری از کمک آنها به مصر ایجاد

می شود باعث شده که ناراحتیهایی در بن و توکیو به وجود آید که میزان این نگرانیها در توکیو بیشتر شده

است، لیکن هیچ یک از آنها علیه مصر به این امید که قبل از آن آنکه مجبور شوند موضع گیری کنند طوفان

از بین برود، اقدامی ننموده است.

۳ تاکتیک میانه روهای عرب این بوده است که در موارد مهم با سر تسلیم فرود آوردن نیروهای مهم

رادیکال را جذب نمایند. با وجود اینکه سعودیها علاقه ای به وارد کردن خسارت به مصر در دراز مدت

ندارند و امید آشتی دوباره را در سر می پروراندند، لیکن چون معتقد هستند که مصر از اعتماد آنها

سوءاستفاده کرده است، لذا مصر باید اولین گام را بردارد. با این وصف، گویا سادات اصلاً تمایلی به آشتی

ندارد. او در اکثر مواقع در حالی که در برابر یک ضربه جا خالی کرده است، ولی جواب آن را به جای یک ضربه با سه ضربه داده است.

۴ کمکهای دو جانبه از قبیل پرداختهای خارطوم و رباط اکنون کاملاً متوقف شده است. سازمان توسعه مصری خلیج که بهترین وسیله کمک اقتصادی اعراب به مصر بود، در حال حاضر به وسیله گردانندگان آن معوق اعلام شده که در حقیقت حرکتی کشنده برای سازندگی دوباره سرمایه های مصری است. لیکن موضوع جالب توجه تر قروضی است که مصر به سازمان توسعه مصری خلیج بدهکار است که در سال ۱۹۷۹ بالغ بر ۱۵۰ میلیون دلار و در ۶ سال آینده بالغ بر ۳/۲ میلیارد دلار می گردد. عربستان سعودی، با این حال اعلام کرده است که مبلغ ۵۲۵ میلیون دلار تعهد شده به وسیله این کشور را در قبال برنامه جنگنده های اف ۵ حاضر است به مرحله اجرا در آورد.

۵ عضویت مصر در مؤسسات مالی زیر به حالت «تعلیق» در آمده است: سرمایه عربی، سرمایه ارزی عربی، بانک عرب و آفریقا، شرکت سرمایه گذاری عربی، و مرکز بانکهای عربی (تلاشی که در جهت اخراج مصر از سازمان توسعه صنایع کشاورزی در سودان به عمل آمده بود به دلیل اینکه این سازمان یک شرکت غیردولتی بود و مشمول شرایط تحریم بغداد نمی گردد، عقیم ماند). پس از به تعلیق درآمدن عضویت مصر، مدیران سرمایه عربی تقبل کرده اند که بقیه پروژه وامی ۲۴۵ میلیونی را که تا این زمان فقط ۳۰ درصد آن پرداخت شده بود باز هم پردازند و آن را قطع ننمایند. آنها پرداخت وام در مورد ۶ پروژه که شامل دوباره سازی کانال سوئز نیز می شود به این دلیل که مصر دیون خود را پرداخته است قطع کرده اند. ۶ در همین اثناء تندروها به رهبری عراق سعی در اخراج مصر از کنفرانس اسلامی دارند که باعث می شود که این کشور از وامهایی که برای توسعه کانال سوئز از سرمایه های بانک اسلامی می گیرد نیز بی بهره باشد، یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری نیز که قرار بود از طرف چند بانک بازرگانی عربی به این کشور

پرداخت شود به علت نگرانی صاحبان سهام صنایع به تعویق افتاده است.

۷ پس از ممنوعیت موقت پروازهای ملی (به ابتکار مصر) جهت دستیابی به راههای بهتر برای بیرون

کشیده شدن از وام، تمام خطوط برای بار دیگر گشایش یافت به جز خط هوایی منتهی به بغداد. پیشنهاد

تحریم کانال سوئز و خط لوله نفتی سوئز مدیترانه در اجلاس کشورهای عربی صادر کننده نفت (آ. اوپک)

مورد بحث قرار گرفت، لیکن میانه روها برای مدتی هم که شده از تصویب آن جلوگیری کردند.

۸ پیشرفتهای دیگری که صورت گرفته است عبارتند از:

(الف) عضویت مصر در اوپک و شرکت آن در سازمانهای وابسته به اوپک نیز به حالت تعلیق در آمده

است.

(ب) وضعیت سازمان صنعت عربی هنوز کاملاً روشن نیست. گردانندگان سازمان صنعت عربی هنوز

نمی دانند از بین تندرهای عربی و تسهیلات فیزیکی سرمایه گذاری در مصر کدامیک را انتخاب کنند.

(پاراگرافهای ۱۹ ۱۰ طبقه بندی نشده است)

۹ بررسیهای اخیر حاکی از آن است که با وجود حمایت اکثریت مردم آمریکا از قرارداد صلح اسرائیل

و مصر نسبت به دورنمای صلح در خاورمیانه در دراز مدت خوش بین نبوده و از آمریکا می خواهند که از

کمکهای اقتصادی و نظامی و نفتی به مصر و اسرائیل خودداری نماید.

۱۰ تحقیقاتی که به وسیله سی. بی. اس.، هاریس و ان. بی. سی. در اواخر ماه مارس به عمل آمده

حاکی از مخالفت شدید عموم نسبت به افزایش کمکهای اقتصادی و نظامی به اسرائیل است.

۱۱ تحقیقات سی. بی. اس. نشان می دهد که قسمت اعظم مخالفت از طرف آنهایی است که فکر

می کنند برخورد و تضاد بیشتری بین مصر و اسرائیل به وجود خواهد آمد. اکثریت مردم مورد تحقیق

(حدود ۶۰ درصد) نسبت به دوام صلح بین مصر و اسرائیل خوش بین نیستند. قسمت اعظم همین اکثریت

که (حدود ۸۳ درصد است) مخالف افزایش کمکهای مالی آمریکا در این رابطه هستند. از آنهایی که نسبت

به آینده صلح مصر و اسرائیل خوش بین هستند، مخالفین افزایش کمک به ۳۰ درصد می رسند.

۱۲ در پرسشنامه خود هاریس از مردم پرسیده بود که آیا با ۱۲ شرط مختلف قرارداد صلح بین مصر

و اسرائیل موافق هستند یا مخالف. اکثریت قاطعی از پاسخ دهندگان با ۱۱ شرط قرار داد که شامل

عقب نشینی اسرائیل از صحرای سیناست و نیز آن بخش از مذاکرات مصر و اسرائیل که درباره ایجاد یک

کشور مستقل و خودمختار فلسطینی در ساحل غربی رود اردن سخن می راند موافقت نشان داده اند. با این

وصف اکثریت عمده آنها (حدود ۶۵ درصد) با دادن کمک عمده نظامی جدید به مصر و اسرائیل مخالف

هستند.

۱۳ تقریباً اکثریت همه گروههای مورد بررسی و تحقیق مخالفت نشان داده اند. یهودیان تنها

پاسخ دهندگانی بودند که نسبت به افزایش کمک آمریکا موافقت خود را اعلام کرده اند (که بین ۶۲ تا ۲۶

درصد در نوسان بوده است). اکثریت آنها که حامی کمک نظامی بودند از طبقه دانشجوی، اساتید و

گردانندگان دانشگاهها که درآمدهایشان بیش از ۲۵۰۰۰ دلار در سال است و افراد ۵۰ سال به بالا، شرقیها،

دموکراتها و لیبرالها هستند (به نسبت ۳۰ درصد موافق در برابر ۶۰ درصد مخالف) و اکثریت مخالف را

بیشتر اعضای دبیرستانها و دانش آموزان و آنها که کمتر از ۱۵۰۰۰ دلار در سال درآمد دارند و افراد ۴۹

ساله و کسانی که در غرب و غرب میانه زندگی می کنند و جمهوریخواهان و محافظه کاران تشکیل

می دهند (به نسبت ۲۰ درصد موافق در برابر ۶۵ درصد مخالف).

۱۴ این مخالفت زمانی کاهش خواهد یافت که شواهدی دال بر همکاری بیشتر بین مصر و اسرائیل مشاهده گردد. کمک نظامی آمریکا به مصر و اسرائیل از این جهت مورد مخالفت قرار گرفته که ممکن است این دو این سلاحها را علیه یکدیگر به کار برند. لیکن هدف این است که این کمکها را جمعا جهت حراست بیشتر از منافع آمریکا به کار ببریم. یکی از تحقیقات دیگر هاریس که در اواخر سال ۱۹۷۶ انجام گرفت این سؤال را در برابر گروه تحقیق شونده قرار داد که «در حالی که روسیه مصر و سوریه را مسلح می کند، آیا شما فکر می کنید که آمریکا در کمک نظامی به اسرائیل راه صواب یا راه خطا می رود.»

۵۹ درصد پاسخ دهندگان جواب دادند که آمریکا درست عمل می کند، در حالی که ۱۹ درصد جواب مخالف داده اند.

۱۵ مردم آمریکا به نسبت ۶۰ درصد در برابر ۳۲ درصد با فروش نفت آمریکا به اسرائیل در صورتی که اسرائیل در آینده با کمبود نفت مواجه شود مخالفت نشان می دهند.

۱۶ بررسیهای به عمل آمده توسط سی. بی. اس. در اواخر مارس نشان داد که مخالفت با فروش نفت آمریکا به اسرائیل عمدا از طرف کسانی بروز داده شده که به سؤال مربوط به کمبود نفت در آینده پاسخ داده اند (۶۹ درصد نمونه تحقیق) و یا اینکه معتقد بوده اند که تضاد بیشتری بین مصر و اسرائیل به وجود خواهد آمد (۶۸ درصد نمونه مورد تحقیق). آنها که کمبود نفت در جهان را به یک مسئله «واقعی»

انگاشته اند و آنها که در دراز مدت نسبت به صلح بین مصر و اسرائیل اظهار خوش بینی کرده اند به نسبت مساوی در رابطه با فروش نفت آمریکا به اسرائیل مخالفت نشان داده اند.

۱۷ فارغ التحصیلان و یا دانشجویان دانشگاهی به نسبت آنها که تحصیلات دانشگاهی ندارند مخالفت کمتری در رابطه با فروش نفت آمریکا به اسرائیل نشان داده اند (در گروه دانشگاهی ۴۸ درصد مخالفت در برابر ۴۶ درصد موافق قرار گرفتند، و در گروه غیر دانشگاهی ۶۲ درصد مخالف در برابر ۳۰ درصد موافق قرار گرفتند).

۱۸ (خیلی محرمانه) اسرائیل: مطبوعات اسرائیل گزارش می دهند که حدود ۵۰ نفر زن و کودک اردوگاه قیریات اربع از ۲۶ آوریل ساختمانی را در مرکز شهر هبرون در ساحل غربی رود اردن در اعتراض به مخالفت دولت در ایجاد اردوگاهی مشرف بر هبرون اشغال کرده اند. این ساختمان که در حال حاضر تحت کنترل UNRWA می باشد اغلب نقطه برگزاری تظاهرات اسرائیلیهایی بوده است که خواستار تشکیل اردوگاهی در هبرون برای نشان دادن حضور یهودیها در این منطقه هستند. ربای لونیگر که یکی از شبه نظامیان گوش آمونیوم است بنا به گزارشهای رسیده تقاضاهای خود را تجدید کرده است. برای جلوگیری از ورود دیگر تظاهرکنندگان، نیروی دفاعی اسرائیل این منطقه را ممنوع ورود اعلام کرده است، لیکن برای بیرون راندن مهاجرین از این منطقه نیز اقدامی به عمل نیاورده است. شارون و موشه شامیر در ۱۹ آوریل از منطقه بازدید کرده حمایت خود را از تظاهرکنندگان اعلام داشتند.

۱۹ (طبقه بندی نشده) فلسطینیها: بنا به گزارش آسوشیتدپرس، شهردار میلهیم از شهر هلهول در ساحل غربی رود اردن که اکنون در آمریکا به سر می برد اعلام داشته است که فلسطینیها در مذاکرات آینده خودمختاری شرکت نخواهند کرد، مگر اینکه در ابتدا اسرائیل حق حاکمیت فلسطینیها را به رسمیت بشناسد. وی برای بار دیگر تکرار کرد که در حالی که اسرائیل می خواهد «حق» کنترل و نظارت بر زمین و

آب و دیگر منابع را برای خود حفظ کند، خودمختاری معنایی نمی تواند داشته باشد. وی گفت که فلسطینیها خواستار «یک هویت، یک پاسپورت، و سرزمینی به عنوان وطن هستند تا در آن احساس امنیت داشته باشند.» وی گفت که به محض اینکه اسرائیل حق ملیت فلسطینیها را به رسمیت بشناسد فلسطینیها نیز حق حاکمیت اسرائیل را به رسمیت خواهند شناخت. او امکان ارتباط بین یک کشور فلسطینی با اردن را نیز قبول دارد، چون ساحل غربی رود اردن را بدون ساحل شرقی آن به مثابه بدنی بدون دستگاه تنفس می داند.

۲۰ (طبقه بندی نشده) مصر اعراب: سادات شاید در خشونت آمیزترین حمله اش به منتقدین عربی

در تظاهراتی که به مناسبت روز ماه مه در کلیه استانها برگزار شده سخنرانی کرده و گفت:

(الف) «من می خواستم مقامات سوری را در مذاکره برای بازگرداندن ارتفاعات جولان یاری نمایم

ولی دیگر بس است... «بگذار علویهای کثیف خودشان این کار را بکنند... من می توانستم جولان را

برایشان به ارمغان بیاورم، ولی در حالی که علویها قدرت را به دست دارند مسئولیتی متوجه من نیست.»

(ب) در ادامه اظهار داشت که، «من مسئول قرار دادن فلسطینیها در یک مسیر صحیح هستم...» زیرا

ساف نمی تواند در حالی که هر یک از گروههای متشکله این سازمان دیگری را متهم به خیانت می کند

ادعای مالکیت ساحل غربی رود اردن و نوار غزه را داشته باشد.

(پ) و سعودیها را متهم کرد که میانه روهای عربی را وادار به قطع رابطه با مصر کرده است.

(ت) و پدر بزرگ شاه حسین یعنی شاه عبداللّه را متهم به خیانت به آرمان اعراب نمود.

(ث) سوگند یاد کرد که روابط خود با اسرائیل را پس از انجام اولین مرحله عقب نشینی با وجود

مخالفت دیگر دولتهای عربی به حالت عادی برگرداند و گفت که «دیگر راه بازگشت وجود ندارد.»

۲۱ (محرمانه) دست راستیهای مذهبی مصر: یک نشریه مذهبی جدید در ۲۷ آوریل، وسیله یک

سازمان نیمه دولتی که مسئول هماهنگ سازی مسائل مختلف گروههای صوفی مصری است به چاپ

رسیده است. پرزیدنت سادات در یک مقاله چهار صفحه ای که برای این نشریه نوشته بود خواستار ترویج

تصوف واقعی و آثار آن شده است. این نشریه جدید نیز ظاهرا به وسیله طرفداران نشریات طرفدار

مسلمان اخوان، الدعوه، الاعتصام که اخیرا از دولت در رابطه با کمپ دیوید انتقاد بسیار کرده اند و ممکن

است به وسیله دولت تحریم شده باشند استقبال خواهد شد. لیکن هنوز معلوم نیست که این نشریه نیز جزو

برنامه های دولتی در راه مبارزه با بنیادگرایی اسلامی باشد، چون در حال حاضر روزنامه و نشریات

مذهبی بسیاری از طرف دولت نشر و توزیع می گردد. ونس

سند شماره (۱۱)

۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ ۳ می ۱۹۷۹ خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا با اولویت

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۱۳۸۰۳ اردیبهشت ۱۳۵۸

(پاراگرافهای ۱۷ خیلی محرمانه است).

۱ علیرغم تلاشهای دیپلماتیک مصر به منظور ممانعت از تعلیق عضویت خود یا اخراج از کنفرانس

اسلامی فاس (۲۲ ۱۶ اردیبهشت) قاهره از دورنمای امیدوارکننده ای برخوردار نیست. حدود نیمی از

۴۱ عضو کنفرانس کشورهای عربی هستند که با امضاء قطعنامه بغداد از تعلیق عضویت مصر در کنفرانس

اسلامی، سازمان وحدت آفریقا و جنبش غیر متعهدها حمایت کرده و با مصر قطع رابطه کرده اند.

۲ سه کشور غیر عربی (ایران، افغانستان، و کومودور) نیز احتمالاً با همکاران عربی خود موافقت خواهند کرد. اکثر دیگر اعضای غیر عربی سعی دارند در منازعه بین مصر و دیگر تندروها درگیر نشوند، لیکن بسیاری از آنها نیز از اعراب پیروی خواهند کرد.

۳ مصر نیز بنوبه خود سعی نکرده است با دولتهای متعدد عربی از جمله عربستان سعودی که با وی قطع رابطه کرده اند وارد گفتگو شود، ولی سعودیها هنوز هم کلید اصلی ممانعت از تعلیق عضویت مصر را در دست دارند. لیکن انتقادات شدیداللحن سادات از سیاستها و رهبران عربستان سعودی در ۱۱ اردیبهشت، سبب مصمم تر شدن سعودیها علیه مصر خواهد گردید.

۴ موضع سعودیها چندان امیدوارکننده نیست. سفارت آمریکا در جده گزارش می دهد که، درست است که سعودیها تعلیق عضویت مصر را پیشنهاد نخواهند کرد، لیکن به خاطر تعهدات خود نسبت به تصمیمات اتخاذ شده در بغداد از هرگونه قطعنامه در این رابطه حمایت خواهند کرد. مقامات سعودی می گویند آنها در برابر نیروی ابتکار سوریها و عراقیها قادر به انجام کاری نیستند.

۵ مصریها، بنا به گفته پطروس غالی، معتقدند که سعودیها فعالانه بر علیه آنها به تلاش پرداخته اند. وی گفت که سخنانی ۱۱ اردیبهشت سادات بر اطلاعاتی استوار بود که از طریق چند کشور خلیج یعنی

سومالی، جیبوتی، و تونس به دست آمده و حاکی از آن بود که سعودیها خواستار قطع رابطه با قاهره شده و ابتکار عمل را در تعلیق عضویت مصر از اتحادیه عربی و هیئتهای مختلفه آن به دست گرفته اند.

۶ طرز برخورد سعودی با تعلیق عضویت مصر بر مواضع دیگر اعراب میانه رو، و نیز مواضع

کشورهای غیر عربی از قبیل مالزی، اندونزی و پاکستان که اکثرا میل دارند خود اعراب درگیر این مسائل

حساس شوند. تأثیر خواهد گذاشت. در غیاب فعالیت سعودی به خاطر مصر کشورهای میانه رو برای

ممانعت از تعلیق عضویت مصر تلاش چندانی به خرج نخواهند داد و به جای آن سعی خواهند کرد به

حراست از روابط خود با اکثریت اعراب پردازند.

۷ تعلیق عضویت مصر از کنفرانس اسلامی الزاما سبب نخواهد شد که سازمان وحدت آفریقا و نهضت

غیر متعهدها نیز از آن پیروی کنند. عضویت، پویایی داخلی و رهبریت این دو سازمان با عضویت، پویایی

داخلی و رهبریت کنفرانس اسلامی تفاوت دارد و وظیفه تندروها در آنها بسیار مشکل خواهد بود.

۸ (طبقه بندی نشده) اسرائیل: در مصاحبه روز استقلال در ۱۲ اردیبهشت بگین گفت «اسرائیل هرگز

از ارتفاعات جولان خارج نخواهد شد، حتی اگر با سوریه پیمان صلحی منعقد سازد.» وی گفت «امکان

ندارد که امنیت خود را به خاطر به دست آوردن صلح به مخاطره بیفکنیم.» وی بر امتناع اسرائیل از خروج

از ساحل غربی تأکید کرد و گفت «در بخش غربی سرزمین اسرائیل هرگز مرز دیگری به وجود نخواهد

آمد.» وی گفت «طرح خودمختاری سبب خواهد شد که شهروندان ساحل غربی و نوار غزه از

خودمختاری کامل برخوردار شوند و در زمان حال به امنیت یهود و حق سکنی گزینی آنها در هر نقطه از

ساحل غربی کمک خواهند کرد.» وی گفت «این قرارداد به خودمختاری اداری اشاره دارد نه به

خودمختاری مشروع.» وی گفت «اسرائیل هرگز با ساف وارد مذاکره نخواهد شد.»

۹ (محرمانه) سرکنسولگری ما در اورشلیم در ۱۲ اردیبهشت گزارش داد که غیرنظامیان مسلح

اسرائیل در اطراف دانشگاه بیرزیت راندگی کرده و بی هدف به همه جا تیراندازی می کردند. بنا به همین گزارش یک دانشجو مصدوم و بستری گردید. بنا به گزارش رادیو اورشلیم در نقطه ای دیگر از ساحل غربی، چند خانواده اسرائیلی سعی کردند آبادی نشینی را در جلیله غربی برپا سازند و با روستائیان عرب به زد و خورد پرداختند. پلیس این یهودیان و تجهیزات آنها را به جای دیگری انتقال داد.

۱۰ (طبقه بندی نشده) دولت اسرائیل آماری را منتشر ساخته است که حاکی از آن است که جمعیت آن به ۷۶/۳ میلیون نفر رسیده است. ۸۴ درصد این رقم یهود و بقیه غیریهود می باشند. از سال ۱۹۴۸ جمعیت یهود ۴۹۰ درصد افزایش داشته که عامل اصلی آن مهاجرت بوده است. جمعیت غیریهود نیز ۳۸۴ درصد افزایش داشته است که عامل اصلی آن افزایش طبیعی جمعیت می باشد.

۱۱ (طبقه بندی نشده) در تاریخ ۱۳ اردیبهشت، بگین از اعطای روادید به شفیق الهوت عضو سازمان ساف از سوی آمریکا انتقاد کرد و گفت، «اگر روزی آمریکا با این سازمان جانی وارد مذاکره شود، آن روز، روز تیره بختی انسان آزاد خواهد بود». وی گفت، که در یادداشت اعتراض آمیز به وزارت امور خارجه خواستار آن شده است که قبل از برقراری تماس با مقامات ساف توسط آمریکا با اسرائیل مشورت شود.

۱۲ (محرمانه) تحریمها: سفارت آمریکا در جده گزارش داد که گویا کنفرانس وزیران اوپک عربی در نظر دارد در اجلاس آتی خود در کویت تحریم خط لوله نفتی سوئد (سوئز مدیترانه م) را پیشنهاد نماید. مطبوعات به نقل از یمانی وزیر نفت سعودی گفته اند که هنوز در این مورد تصمیمی اتخاذ نشده است.

همان گونه که قبلاً یادآور شدیم، ۵۰ درصد این خط لوله تحت تصاحب عربستان سعودی و چند کشور خلیج می باشد که ممکن است این تحریم به آنها فشار وارد آورد. با این وصف، مقامات بانکی آمریکا در قاهره به سفارت ما اطلاع داده اند که طبق گزارشات رسیده به آنها از طرف همکارانشان در جده تحریم خط لوله سومد از حمایت عربستان سعودی برخوردار خواهد بود.

۱۳ (خیلی محرمانه) کمک به مصر: وزیر اطلاعات قطر اخیراً به سفیر کیلگور گفت که تمام کمکهای قطر به مصر متوقف شده است. این امر بعثت امضای قطعنامه بغداد از طرف قطر قابل پیش بینی بود. معذک این امر نشانگر ژرفای احساسات در میان اعراب میانه رو می باشد، چون امیر قطر یکی از حامیان دیرین مصر و سادات و منبع ثابت کمکهای مالی مصر بوده است.

۱۴ (خیلی محرمانه) سفارت آمریکا در توکیو با اظهار نظر پیرامون تلگرامهای اخیر سفارت آمریکا در قاهره و کویت پیرامون روابط ژاپن و مصر گزارش داده است که یکی از مقامات عالیرتبه وزارت خارجه در بخش خاورمیانه به طور محرمانه گفته است که دولت متبوع وی در موقع مناسب «کمکهای معتدل، لیکن مازادی در اختیار مصر قرار خواهد داد. وی گفت که ژاپن میل ندارد روابطش با کشورهای عربی که بخش اعظم نفت مور نیاز این کشور را تأمین می کنند آسیب ببیند و امیدوار است بتواند طوری وانمود کند که آنها فکر نکنند که کمک اضافی این کشور به مصر در نتیجه فشارهای وارده از طرف آمریکا ناشی شده و یا بخشی از ابتکار و برنامه های آمریکا به حساب می آید. اینها عوامل مؤثر در تأخیر سفر رئیس جمهور سادات به ژاپن در ماه ژوئیه بوده اند. سفارت یادآور شد که ژاپن از قرارداد صلح مصر و اسرائیل به طور کامل حمایت کرده و در بیانیه مربوط به گفتگوهای نخست وزیر اوئیرا و رئیس جمهور کارتر از این موضوع با حالت مثبت یاد خواهد شد.

۱۵ (طبقه بندی نشده) عراق سوبسیدها: مطبوعات بغداد گزارش می دهند که عراق قسط دوم کمک

مربوط به اجلاس بغداد را که حدود ۱۷۴ میلیون دلار است در ۱۱ اردیبهشت به اردن، سوریه و ساف خواهد پرداخت. قسط اول آن ۳/۱۶۸ میلیون دلار بود.

۱۶ (طبقه بندی نشده) لبنان گزارش وضعیت: سفارت آمریکا در بیروت گزارش داد که از تاریخ ۱۲ اردیبهشت در پایتخت لبنان صدای شلیک مسلسل، تانک و موشک اندازه‌ها آغاز شده است، این نقطه اوج شلیک سلاحهای کوچک بود که قبلاً گزارش شده بود. مطبوعات لبنان بیانیه ای از راستگرایان شبه نظامی را مبنی بر رد هرگونه قرارداد امنیتی بین سوریه و لبنان منتشر کرده اند. راستگرایان پیش بینی می کنند که سوریها سعی دارند از طریق این گونه قراردادها نقش خود در لبنان را در زمانی که نیروهای دفاعی عربی تنها از عملیات سوری تشکیل شده «مشروعیت» بخشند.

۱۷ (طبقه بندی نشده) حداد نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان: یکی از سخنگویان سازمان ملل در اورشلیم در تاریخ ۱۲ اردیبهشت بیانیه ای صادر کرد و طی آن ادعای مطبوعات اسرائیل که اعلام کرده بودند سربازان ایرلندی به فلسطینها اسلحه می فروشند را تکذیب کرد. سازمان ملل گفت هدف این مقالات نادرست، جلوه دادن حقایق به منظور از بین بردن اعتبار نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان می باشد. ونس

دهمین کنفرانس وزرای خارجه اسلامی

تاریخ: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ می ۷۹ خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سیبه: سفارت آمریکا در آنکارا

موضوع: دهمین کنفرانس وزرای خارجه اسلامی:

نکات مطروحه دیگر پیرامون اخراج مصر

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲ در رابطه با کنفرانس اسلامی مورخ ۲۲ ۱۴ اردیبهشت واحدهای منتخب ممکن است مایل باشند

با استفاده از نکات ذیل دولتهای میزبان خود را در جریان امر قرار دهند. با وجود اینکه ممکن است بعضی

از نمایندگان پایتختهای خود را جهت شرکت در مراحل تدارکاتی این اجلاس ترک کرده باشند، ولی

ظاهراً وزرای امور خارجه قبل از تاریخ ۱۸ اردیبهشت در پایتختهای خود باقی خواهند ماند و در آن

تاریخ رهسپار فاس خواهند شد. علاوه بر ارائه استدلالهای اعراب میانه رو، از نظر ما نکات ذیل می تواند

بیانگر نگرانی شدید دولت آمریکا در نتیجه تشنج ناشی از اخراج مصر باشد.

۳ نکات مطروحه:

در اجلاس غیرمتعهدها در نیویورک حقوق مصر در امضاء قرارداد با اسرائیل به رسمیت شناخته

شده است. بنابراین، اعراب می خواهند به خاطر اقدامی مصر را متنبه سازند که کاملاً در حیظه حاکمیت و

اختیارات مصر بوده و از نظر جهانیان به رسمیت شناخته شده است.

در گفتگوهای متعدد به ما یادآوری شده است که تنها شرط عضویت در کنفرانس اسلامی برای یک

کشور، اسلامی بودن آن کشور می باشد.

اخراج مصر با اهداف بنیاد کنفرانس اسلامی مغایرت دارد، بنابراین این امر از خصیصه جهانی

کارایی آن خواهد کاست.

۴ لطفا اظهار نظرهای قابل توجه توسط دولتهای میزبان را گزارش و نسخه ای هم جهت اطلاع رباط

ارسال نمایید. کریستوفر

خلاصه اطلاعاتی ۸۰۴ (تعلیق عضویت مصر در کنفرانس اسلامی)

سند شماره (۱۳)

۴ می ۱۹۷۹ ۱۴ اردیبهشت ۵۸ سزی

از: وزیر امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا با اولویت

هشدار: شامل منابع و شیوه های حساس اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای بیگانگان غیرقابل

رؤیت برای پیمانکاران و یا مشاوران پیمانکار

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۴۸۰۴ می ۷۹

(پاراگرافهای ۱۸ خیلی محرمانه است)

۱ عراق و سوریه، با کمکهایی که گهگاه از عربستان سعودی دریافت می دارند در تلاش هستند تا

تصمیم شماره ۲ بغداد علیه مصر را به مرحله اجرا درآورند. با وجود اینکه مصریها تحریم اقتصادی را یک

تهدید جدی به شمار می آورند، لیکن اعراب تندرو معتقدند که به انزوا کشیده شدن سیاسی مصر باعث

خواهد شد که سادات در عین حالی که نتواند با اسرائیلیها به توافق برسد، قدرت و حمایت مردم را نسبت

به خودش نیز از دست بدهد. در راه نیل به این هدف، مخالفان وی در تلاشند تا قطعنامه بغداد را عملی سازند.

(الف) هفده کشور عربی و سازمان آزادیبخش فلسطین، به همین منظور، روابط دیپلماتیک خود را با مصر قطع کرده اند.

(ب) مصر از همه هیئتهای عربی که بعد از قطعنامه بغداد اجلاسهایی نیز داشته اند، موقتا اخراج شده است.

(پ) علیرغم کارشکنیهای مصر تغییر مکان مقر اتحادیه عرب به تونس در حال انجام شدن است.

(ت) سفرای عربی اغلب از همکاران مصری خود پرهیز می نمایند.

(ث) همان طور که قبلاً خاطر نشان کرده بودیم، احتمالاً مصر از کنفرانس اسلامی نیز موقتا اخراج خواهد شد و مخالفین سعی خواهند کرد که از این «موفقیت» در میادین دیگر سودجویی نمایند.

(ج) تغییر مکان بعضی از دفاتر سازمان ملل در مصر به احتمال زیاد به وقوع خواهد پیوست.

۲ حتی کشورهایی چون سودان، سومالی، و عمان نیز که قطع روابط دیپلماتیک با مصر را پیشه خود نساخته اند نیز قدری عصبی و نگران هستند. هر سه کشورهای یاد شده تداوم روابطشان با مصر را در امر امنیت خود مهم می دانند، لیکن بجز عمان دو کشور دیگر قرارداد (بغداد م) را صحه نگذاشته، تصمیم دارند تا حد امکان بیطرف باقی بمانند.

(الف) نمیری مورد انتقاد شدید از طرف صدیق المهدی و یارانش قرار گرفته و او نخواهد توانست فرسایش روزافزون پایگاههای حمایت کننده اش را شاهد باشد.

(ب) زیادباره نیز امیدوار است که از مصر تانک و سلاحهای دیگر دریافت دارد، ولی از قطع کمکهای عراق به کشورش نیز بیمناک است.

پ) سلطان قابوس نیز باید به این امید باشد که نگرانی عراق و سوریه از گسترش نفوذ رادیکالها در

یمن جنوبی به علاقه شان در حرکت علیه او بچربد.

۳ از طرف دیگر، تعدادی از اعراب میانه رو از طریق دفاتر حفاظت منافع و کنسولگریها در قاهره و

جاهای دیگر تماسهای مخفیانه با مصریها برقرار ساخته اند. آنها نیز منتظر هستند تا تغییر کافی، موقعیت

اجازه آشتی دوباره را بدهد.

۴ مقامات مصری، به سهم خودشان، از اینکه دوستان قبلیشان با تمایل در تحمیل قراردادهایی علیه

مصر شرکت جسته اند هم متعجب و هم عصبانی به نظر می رسند. سادات که همیشه از طریق مشاورین

خود آتشیهای خشم خود را فروکش می کرد، این بار آنچنان با عصبانیت به سعودیها تاخت که نزدیک بود

آنها را به دامان شبه نظامیان سوق بدهد.

۵ سعودیها مستقیماً به اتهامات سادات پاسخ ندادند، لیکن رادیو دولتی سعودی، به طور مثال،

سادات را «دروغگو» خواند. لیکن در مجموع سعودیها از قرارداد (بغداد م) چندان خشنود نیستند، و

مخالفت آنها با بعضی از نظامیان بغداد بیشتر براساس اختلاف تاکتیکی آنها بوده، تا بر سر اصول.

۶ در بیشتر به انزوا کشیدن مصر در جهان عرب، نظامیان امیدوارند پایگاههای قدرت سادات را

درهم بریزند. آنها از این حقیقت نیز به خوبی آگاهند که بسیاری از تحصیلکرده های این کشور علاوه بر

اینکه خود را عرب می دانند خود را مصری نیز می دانند. این مصریها از اینکه مصر نقش رهبری خود را در

دنیای عرب از دست می دهد بسیار ناراحت هستند. نظامیان عرب نیز می خواهند تا حد امکان مصر را از نمایندگی فلسطینیهای معتبر محروم سازند. تندروها با خود حساب کرده اند که اگر سادات بر سر قرارداد خودمختاری با شکست مواجه شود و یا امتیازهای تحقیرآمیز به اسرائیلیها بدهد، مردم مصر که در حال حاضر از سختیها و مشکلات اقتصادی برخوردارند، نسبت به سادات و قرارداد حالت یأس و ناامیدی خواهند یافت. مثلاً، وزیر امور خارجه سوریه خدام بارها گفته است که انتظار می رود که سادات به زودی سرنگون شود، ولی با این احوال او از حمایت گسترده ای در مصر برخوردار است.

۷ در همین اثناء، سادات تا آنجا که بتواند از غرور مصریها در میراث خود بهره ها می برد و ثروتهای باد آورده اعراب در صحراها را به مسخره می گیرد.

۸ با این وصف، سادات باید از افراط در این عمل اجتناب ورزد. یک حرکت خصمانه آشکار که علیه منتقدینش حتی جبهه پایداری انجام گیرد می تواند حمایت او در داخل کشور و حیثیت بین المللی او را تیره سازد.

۹ (خیلی محرمانه) مصر: منصور حسن، که یکی از اعضای هیئت مدیره حزب دموکراتیک ملی است، معتقد است که حزب او در انتخابات ۷ ژوئن خواهد توانست ۳۵۰ کرسی از ۳۸۲ کرسی تحت مبارزه و رقابت را برآید. منصور به سفارت آمریکا در قاهره گفته است که وی «امیدوار» بود که حزب دموکراتیک ملی بتواند حداقل ۳۰۰ کرسی را به دست آورد (تا به این ترتیب بتواند یک جبهه مخالف قوی بسازد)، اما او اکنون متقاعد شده است که این بار نیز حزب سادات اکثریت را به دست خواهد آورد.

وی مدعی است که از حزب خواسته است که کاندیداهای ضعیف خود را علیه «مخالفین قسم خورده» علم کنند، ولی مطمئن نیست که این کار عملی بشود. ولی منصور گفته است که حزب دموکراتیک ملی سعی خواهد کرد تا منتقدین سادات را شکست دهد. وی «جبهه ملی» را به عنوان هدف اصلی مشخص نمود.

وی فکر نمی کند WAFD یا اخوان بتوانند نقش عمده ای در مبارزات ایفا نمایند.

۱۰ (سری) قرارداد صلح: سفارت آمریکا در قاهره از طریق مقامات سرشناس مصری گزارش

می دهد که والد‌هایم از نیروهای اضطراری سازمان ملل خواسته است که از هرگونه اقدامی که پای

نیروهای اضطراری سازمان ملل را به قرارداد صلح بکشد اجتناب ورزند. این دستورات سازمان ملل را از

شرکت در عملیات العریش و در صف آراییهای دوباره در رابطه با عقب نشینی اسرائیلیها از العریش ممنوع

می سازد. این نیز به این معنی است که شرکت سازمان ملل در اجلاس کمیسیونهای مشترک مجاز نیست.

وزیر دفاع مصر این طور استنباط کرده است که اقدامات اولیه عقب نشینی بدون شرکت نیروهای

اضطراری سازمان ملل نیز می تواند صورت پذیرد. سفارت آمریکا در قاهره اظهار می دارد که امتناع

سازمان ملل از به مرحله اجرا درآوردن قرارداد صلح می تواند پایان بخش همکاری و تعاون بین مصریها و

اسرائیلیها باشد.

۱۱ (طبقه بندی نشده) در سوم ماه مه، بگین طرح خودمختاری خود را در اختیار کمیته وزارتی

بررسی خودمختاری قرار داد. در این طرح آمده است که خودمختاری در مدیریت به ساکنین نوار غزه و

ساحل غربی رود اردن اعطا خواهد شد. دولت نظامی از این مناطق عقب نشینی خواهد کرد، لیکن لغو

نخواهد شد. اسرائیل نیز تنها از طریق حکومت نظامی می تواند «خودگردان» باشد. در همین حال اسرائیل

مسئول امنیت، ایجاد اردوگاهها و حافظ کنترل زمینهای عمومی خواهد بود که مورد استفاده پناهندگان

قرار خواهد گرفت. این هفته بگین در مصاحبه ای اظهار داشت که دولت پیشنهادات خود را در مورد خودمختاری تا دو هفته آینده تعیین خواهد کرد و قبل از آغاز مذاکرات خودمختاری به سمع عموم خواهد رساند.

۱۲ (طبقه بندی نشده) آژانس خبری خاورمیانه از قول وزارت امور خارجه مصر گزارش داده است که طرح خودمختاری ارائه شده به وسیله بگین، سرپچی از موافقتی است که در «کمپ دیوید» به آن نائل آمده اند. در این بیانیه آمده است که تمام اسنادی که به وسیله مصر و آمریکا امضاء شده است، خواستار خودمختاری کامل برای فلسطینیها، خاتمه حکومت نظامی اسرائیل و عقب نشینی نظامیان اسرائیل به «محلهای مشخص» است. بیانیه مصری اظهار می دارد که گفته های بگین برای «تصرف محلیها» ایراد شده است.

۱۳ (خیلی محرمانه) اسرائیل: تظاهرات گوش امونیوم در ۲ مه، بنا به گزارشها، از بزرگترین تظاهراتی بوده است که در ساحل غربی رود اردن برگزار شده است. در حالی که حدسیات پیرامون نتایج آن به طرز فاحشی تفاوت دارد، سفارت آمریکا در تل آویو گزارش داده است که برخلاف انتظار رهبران گوش امونیوم تظاهرات خیلی عظیمتر بوده است. یک مخبر اسرائیلی این موضوع را اولاً نتیجه هوای مساعد و ثانياً نتیجه حمایت از گوش امونیوم می داند.

سفارت آمریکا اظهار می دارد که میزان تظاهرات نشان دهنده این واقعیت است که گوش امونیوم را نمی توان دست کم گرفت بلکه نیرویی است بسیار قوی که باید آن را به رسمیت شناخت. رادیو اورشلیم گزارش داد که حدود ۳۰۰ نفر تظاهراتی ترتیب داده اند تا مخالفت خود را علیه تلاش گوش امونیوم ابراز دارند. سخنگوی گروه اظهار داشت که نهضت صلح برای حال به طور مشابه عمل نکرده بود.

۱۴ (طبقه بندی نشده) بنا به گزارش اخبار، مقامات شوروی امسال هیئتهای نمایندگی گسترده ای را

به اسرائیل گسیل خواهند داشت تا سالگرد پیروزی بر آلمان نازی را برگزار نمایند. به این ترتیب می توان به این نتیجه رسید گرچه این نتیجه گیری اساس درستی ندارد که ممکن است روابط دیپلماتیک بین روسیه و اسرائیل برقرار گردد. رهبر این هیئت نمایندگی چهار نفره الکساندر بوبین، مخبر غیرنظامی ایزوستیا که به قولی بسیار به پرزیدنت برژنف نزدیک است، خواهد بود. دو تن از سه عضو دیگر این هیئت نمایندگی یهودیهای روسی سرشناس خواهند بود.

۱۵ (طبقه بندی نشده) ساحل غربی رود اردن: مقامات اسرائیلی دستور تعطیل دانشگاه بریزیت را به خاطر تظاهراتی که وسیله آسوشیتدپرس گزارش شده صادر کرده اند. در ۲ ماه مه یک دانشجوی عرب به وسیله یکی از ساکنین اردوگاه کشته شده بود که این خود سبب اعتراض گردید و از مردم خواسته شد که به اعتصاب عمومی دست بزنند.

۱۶ (خیلی محرمانه) ساف خودمختاری: سفارت آمریکا در دمشق گزارش داد که ناشاشیبی مدیر کمیته اجرایی ساف در گفتگویی با دیپلماتهای استرالیایی گفته است که در صورتی که ساف بخواهد مانع خودمختاری حقیقی و حق حاکمیت از نوع آمریکایی / مصری شود، حتما شکست خواهد خورد. در صورتی که یک چنین مدلی علیه نظارات بگین غالب گردد، ناشاشیبی استدلال کرد که ساف بهتر است خود را کنار بکشد و اجازه دهد حامیانش در انتخابات شرکت جویند و پس از گذشت ۲ یا ۳ سال در طرح توسعه چهارچوب کمپ دیوید در ژنو شرکت نماید. ناشاشیبی احساس می کرد که ممکن است عرفات

یک چنین سیاست خونسردانه را رد کند تا اینکه بتواند مستقیماً شرکت جسته یا در غیر این صورت به خرابه کاری تلاشهای مصر و آمریکا بینجامد، وی گفت که کارهای تروریستی ساف در اسرائیل فاجعه به بار آورده است و «مضر» نیز بوده است. به جای اینها عرفات بایستی به اردوگاههای ساحل غربی رود اردن بتازد و توجه جهانی را نسبت به آنچه که بگین انجام می دهد معطوف سازد.

۱۷ (سری) لبنان: آمریکا و سازمان ملل گزارش می دهند که لبنان نامه ای برای شورای امنیت فرستاده است و می خواهد بداند که چه اقداماتی صورت گرفته است تا برنامه های اقداماتی مربوط به جنوب لبنان به اجرا درآید. این برنامه به بیانیه ۲۶ آوریل پرزیدنت و شورای امنیت در مورد نیروهای میانجیگر سازمان ملل و جنوب لبنان اشاره می نماید. این نامه پیشنهاد می کند که در صورتی که چنین اقداماتی انجام شده باشد، شورای امنیت باید خیلی سریع و بدون تأخیر تشکیل جلسه دهد. وزیر امور خارجه لبنان بوتروس به کاردار ما گفت که او فکر نمی کند که حرکت دیگری بتوان کرد مگر اینکه شورای امنیت را وادار به تشکیل اجلاس نمود.

۱۸ (طبقه بندی نشده) وزیر امور خارجه سوری در ۳ مه در بیروت بود. گزارش مطبوعات حاکی از آن است که قرار است اجلاسی با شرکت سران سوری و لبنانی تشکیل شود که احتمالاً دو هفته طول خواهد کشید.

۱۹ (سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار) نهضت مستقل ناصریست (مرابطون) اخیراً تلفنی با مبارزین قبلیش در سالهای ۱۹۷۶ ۱۹۷۵ در جنگ داخلی لبنان تماس گرفته است. از آنها خواسته شده است که هر چه زودتر خود را به دفاتر نهضت معرفی ساخته سلاح گرفته و آماده باشند. در همان حال، بنابه گفتار منبع، اعضای گروههای چپی ارتش عربی لبنان در اواخر آوریل از سربازان مسلمان ارتش عادی لبنان خواسته اند که به این حزب بپیوندند.

۲۰ (طبقه بندی نشده) در اولین برخورد خیلی شدید که بین نیروهای مسلح لبنانی و نظامیان

دست راستی مسلح در گرفت ۷۰ نفر از لبنانیهای مسلح در منطقه در ۲ مه بوده شدند و برای چند ساعت

آنجا نگاه داشته شدند. ۶۰ نفر از آنها تاکنون آزاد شده اند. دست راستیها ادعا می کنند که این عمل آنها در

تلافی زندانی کردن ۴۷ نفر توسط نیروهای مسلح لبنان بوده است.

۲۱ عربستان سعودی مراکش: رادیو مراکش گزارش داد که ولیعهد عربستان سعودی، فهد در دوم

ماه مه وارد رباط شده است. کریستوفر

نظرات جیوتی پیرامون عضویت مصر در کنفرانس اسلامی

سند شماره (۱۴)

۶ می ۱۶۷۹ اردیبهشت ۵۸ خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در جیوتیه: وزارت امور خارجه در واشنگتن، فوری

موضوع: (طبقه بندی نشده) نظرات جیوتی پیرامون عضویت مصر در کنفرانس اسلامی

۱ تمام متن خیلی محرمانه است.

۲ وزیر امور خارجه مؤمن باهدون که اخیرا از یک سری کنفرانسها و دیدارها در کیگالی، پاریس، و

غیره بازگشته بود امشب در ۶ ماه مه اینجا را به منظور شرکت جیوتی در کنفرانس اسلامی وزرای امور

خارج ترک خواهد کرد. کاردار ما از حضور کوتاه وزیر امور خارجه در جیوتی استفاده کرد تا پیرامون

چند موضوع کوتاه به بحث بنشینند که یکی از آنها همین کنفرانس اسلامی می باشد. با وجود اینکه سفارت درباره نکات مهمی که فرستاده می شود اقدامی نمی کند، ما معتقد هستیم که جواب وزرای امور خارجه نشان دهنده روحیه خوبی است که وسیله بعضی از کشورهای عربی کمتر وارد در امور سیاسی ایجاد شده است.

۳ در جواب به کاردار، مؤمن باهدون گفت که جیبوتی تفاوتی میان اتحادیه عرب و کنفرانس اسلامی قائل است. وی خاطر نشان ساخت که منشور کنفرانس اسلامی قانونی برای اخراج یک عضو تدوین نکرده است، به خصوص در زمانهایی که حق حاکمیت مورد نظر باشد که در مورد مسئله قرارداد صلح مصر و اسرائیل موضوع حق حاکمیت بسیار مطرح است. مؤمن باهدون گفت از زمانی که شنیده است که ایران از کنفرانس، تقاضای اخراج مصر را نموده بسیار ناراحت شده است.

۴ وزیر جیبوتی از این مسئله هراس دارد که اخراج مصر از کنفرانس اسلامی هموار کننده و بردارنده موانع برای اخراج وی از اتحادیه عرب باشد. مؤمن باهدون اعلام داشت که جیبوتی نسبت به هر دو اخراج کاملاً مخالفت نشان خواهد داد.

۵ مؤمن باهدون گفت که حضور مصر در کنفرانس رباط در صورتی که اقدامات ضد اخراج این کشور مفید واقع بشود، بلا مانع خواهد بود. این وزیر خارجه گزارش می دهد که بسیاری از کشورهای عربی دیگر نیز با او درباره اینکه اقدامات مختلف جهت اخراج مصر خیلی پیشرفته است، هم عقیده هستند. او در این مورد مشخصاتی را ارائه نداد. او از هدف مأموریت گی به قاهره سر در نمی آورد. ولی امیدوار است که منجر به نادیده گرفتن کنفرانس توسط مصر نشود.

۶ اظهار نظر: وزیر جیبوتی ممکن است بتواند رابط مفیدی در رباط باشد. لیکن، با او بر اساس فردی بهتر می توان تماس گرفت. ما متوجه شده ایم که او در گروههای غیر رسمی، که حتی خیلی کوچک باشند

نیز ساکت مانده در مباحث عمومی شرکت نمی جوید. ما با خود می گوئیم نکند این کناره گیری نتیجه اش این بشود که این وزیر کشور مرزی عربی در کنفرانس اسلامی با صدایی بلند و رسا سخنگویی آغاز کند.

کلارک

مصریها فکر می کنند که مراکش آنها را در «فاس» فریب داده اس

سند شماره (۱۵)

۸ می ۱۹۷۹ ۱۸ اردیبهشت ۵۸سری

از: سفارت آمریکا در قاهره: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی فوری

موضوع: مصریها فکر می کنند که مراکش آنها را در «فاس» فریب داده است.

۱ (تمام متن سری است).

۲ ما از طریق مدیر دفتر بین المللی وزارت امور خارجه یعنی عامر موسی اطلاعات بیشتری راجع به

دوباره به عضویت در آمدن مصر در کنفرانس اسلامی دریافت کردیم. اطلاعات موسی در این زمینه به

شرح ذیل است.

۳ بنا به اظهارات موسی، قراردادی که بین دولت مصر و عمب سیلا (که هم نمایندگی مراکش و هم

ریاست کنفرانس را به عهده داشت منعقد گردید نشانگر آن است که در اختفا چه پیرامون کار کمیته

مقدماتی و چه پیرامون کار خود کنفرانس به توافقهایی رسیده اند (سیلا قبل از اجلاس کمیته مقدماتی

جهت هماهنگی بیشتر با سیگ گ کی تلفنی تماس حاصل کرده بود). اساس موافقت نامه این بود که هم کشور مراکش (به عنوان ریاست کنفرانس) و هم سرپرست آن علیه تعلیق مصر از کنفرانس کار خواهند کرد اما به این شرط که مصر از به هم زدن کنفرانس خودداری ورزد. خصوصاً به سیلا این اختیار داده شده بود که اطمینان بدهد که حرکت لیبی در کمیته مقدماتی جهت اضافه کردن موضوع تعلیق به برنامه کار در هم شکسته خواهد شد.

۴ موسی گفت که برای مصر در واقع تنها یک راه باقی مانده بود و آن هم پذیرفتن پیشنهاد سرپرست کنفرانس و مراکش بود. زیرا قبلاً دولت مراکش به هواپیمای مصری که اجازه فرود در خاک آن کشور را درخواست کرده بود، اجازه به زمین نشستن را نداده بود. وقتی که در مورد دلیل قرار گرفتن مراکش در چنین موضعی سؤال شد، موسی گفت که احتمالاً به این دلیل این موضع اتخاذ شده است که این کشور که میزبان کنفرانس است شاید خواسته است که کنفرانس در آرامش و عدم تفرقه خاتمه یابد. در همین رابطه، سیگ گ کی نیز گویا می خواسته است که کنفرانس تا زمانی که قوانین به منصفه اصلاح درآمده باشند ادامه یابد، تا بلکه او در کار خود موفق شود.

۵ موسی گفت که وزارت امور خارجه فکر نمی کند که مراکشها و سیگ گ کی قراردادی را که با سیلا بسته اند به مورد اجرا بگذارند. این عملکرد کمیته مقدماتی که می خواست برنامه تعلیق مصر را در اول برنامه کاری خود قرار دهد، می تواند گویای این حالت باشد. فرضاً اخراج و یا تعلیق یکی از اعضاء توسط کنفرانس نیاز به دو سوم آراء دارد در حالی که کمیته مقدماتی صرفاً به رأی اکثریت نیازمند می باشد، در این رابطه نیز عدم موفقیت ریاست کنفرانس و سیگ گ کی در به مخالفت برخاستن علیه حرکت لیبی در وهله اول علامت نامبارکی بود. در حقیقت این عمل چیزی جز یک فریبه کاری نمی توانست باشد.

۶ از نظر موسی بسیار بعید به نظر می رسد که دولت مصر بخواهد هیئت نمایندگی خود را به «فاس»

بفرستد. در صورتی که بخواهند مصر را از کنفرانس اخراج نمایند این کار به سادگی انجام خواهد گرفت و در این صورت مصر دیگر قادر به حضور در کنفرانس نخواهد بود. موسی نیز این نظریه را تأیید می کند که اگر از مصر هیئت نمایندگی فرستاده شود این هیئت یک هیئت «مذهبی» به سرکردگی وزیر اوقاف النیمر خواهد بود. با این وصف، گویا کنفرانس تصمیم دارد که یک سره علیه مصر عمل نماید. در این رابطه، او نیز معتقد است که پیام خمینی که کنفرانس اسلامی را مخاطب قرار داده و از آن خواسته است که مصر را اخراج نمایند بی تردید همزم بیشتری بر آتش افروخته شده، بوده است.

خلاصه اطلاعاتی ۸۰۹ (تعلیق عضویت مصر در کنفرانس اسلامی)

سند شماره (۱۶)

۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ ۱۱ می ۱۹۷۹ سری

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سیبه: نمایندگی آمریکا در صحرای سینا، با اولویت

هشدار: شامل منابع و شیوه های حساس اطلاعاتی است و غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۰۹ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

۱ (خیلی محرمانه) اکثریت اعضای کنفرانس اسلامی به تعلیق عضویت مصر از آن سازمان رأی

داده اند. با این وصف، بعضی از کشورهای عربی می خواهند با استفاده از این کنفرانس فراتر از موضوع

تعلیق عضویت رفته و تنبیه بیشتری را برای مصر در نظر بگیرند تا بدین ترتیب علاوه بر رد قرارداد صلح،

کشورهای آزادی را که از مصر حمایت می کنند دچار رعب و وحشت نمایند.

۲ (طبقه بندی نشده) احتمالاً قطعنامه های بیشتری در مورد فلسطینها و اورشلیم صادر خواهد شد.

یکی از سخنگویان کنفرانس در تاریخ ۲۰ اردیبهشت گفت که کمیته سیاسی این کنفرانس تصمیم گرفته

است اورشلیم را پایتخت فلسطین و عضو دائمی سازمان پایتختهای اسلامی به حساب آورد.

۳ (طبقه بندی نشده) رادیو رباط خاطر نشان ساخت که عربستان سعودی «برای آزادسازی

اورشلیم» یک برنامه گام به گام را پیشنهاد کرده است، لیکن در مورد این مسئله رأی گیری انجام نشده

است.

۴ (خیلی محرمانه) سودان و عمان از جمله هشت کشوری بودند که در مورد به تعلیق درآمدن

عضویت مصر رأی ممتنع داده اند. بقیه این کشورها یعنی سنگال، گابن، ولتای علیا، نیجر، گینه بیسائو و

گامبیا اعلام کرده اند که چون سازمان وحدت آفریقا موضع خاصی در رابطه با قرارداد صلح اتخاذ نکرده

است، آنها تصمیم گرفته اند در این مسئله مداخله نمایند. ظاهراً هیچ یک از اعضاء علیه مسئله تعلیق

عضویت مصر رأی نداده اند.

۵ (خیلی محرمانه) اعراب تندرو نیز می توانند با کمال رضایت اظهار نمایند که حتی قبل از آغاز

کنفرانس، تشنج مربوط به مسئله تعلیق عضویت، روابط بین مصر و مراکش را تیره ساخته است. مصریها

فکر می کردند که مراکشها در طرح یک استراتژی در کنفرانس آنها را یاری خواهند داد، لیکن بعداً به

این نتیجه رسیدند که به آنها خیانت شده است. این امر سبب شد که وزارت امور خارجه مصر بیانیه ای

منتشر سازد و در آن «مانورهای اجرا شده توسط حکومت مراکش» را افشا نماید. در گذشته مراکش یکی

از حامیان محافظه کار ابتکار صلح سادات به شمار می آمد.

۶ (طبقه بندی نشده) سادات به انتقادات خود از اعضای کنفرانس که به طرفداری از تعلیق عضویت

مصر رأی داده اند ادامه داد. وی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت در طول سفر خود از مصر سفلی گفت «مراکش نقش موزیانه ای را ایفا کرده است» سادات گفت مسئله تعلیق عضویت مصر «ادامه طرح عربستان سعودی است»، لیکن در ادامه اضافه کرد که تعلیق عضویت مصر «چندان اهمیت و ارزشی ندارد»

۷ (خیلی محرمانه) طرف خطاب سادات آن دسته از مردم مصر است که حداقل در حال حاضر، از حملات و انتقادات وی علیه اعراب ثروتمند شبه جزیره عربی لذت می برند. ولی در دراز مدت عناصر اندیشمند موجود در میان جمعیت مصر انزوای کشور خود را از مللی که با آنها روابط مشترک سیاسی، فرهنگی و مذهبی دارند به زیر سؤال خواهند کشید. در صورتی که دریابند که مصر در نتیجه این انزوا و تحریم ضربه خورده و از قرارداد صلح نتیجه ای عایدش نشده است، این پرس و جو و شک و تردید شدت بیشتری پیدا خواهد کرد.

۸ (طبقه بندی نشده) تحریمها: آژانس خبری عراق از تونس گزارش داد که شورای اجرایی سازمان هواپیمای عربی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت پیشنهاد کرده است که از ورود هواپیمایی کشوری مصر به فضای هوایی عربی ممانعت به عمل آید، دفاتر هواپیمایی مصر در کشورهای عربی تعطیل گردد و دفاتر هواپیمایی کشورهای عربی در مصر نیز بسته شوند. شورای اجرایی توصیه کردند که دولتهای عربی این اقدامات را به مرحله اجرا در آورند.

۹ (طبقه بندی نشده) مصر خودمختاری: در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه، پطروس غالی در مصاحبه با

الجمهوریه ادعای اسرائیل را مبنی بر اینکه خودمختاری فلسطینیها شامل کنترل بر زمین نخواهد بود مردود اعلام کرد. وی با اعلام این مطلب که اسرائیلی ها به تعبیر خودمختاری برخلاف آنچه توافق شده است پرداخته اند و گفت، برای فلسطینی ها امکان ندارد که بدون به دست آوردن کنترل بر زمین بتوانند به خودمختاری برسند. غالی گفت که بیانیه های اسرائیل برای استفاده محلی و تحریک جبهه پایداری طرح ریزی شده است. وی گفت اسرائیل و اعراب جبهه پایداری با یکدیگر «پیمان بسته اند» (و با بهره برداری از تحریک یکدیگر) میل دارند بر سر راه خودمختاری فلسطینیها موانعی ایجاد کنند.

۱۰ (خیلی محرمانه) فلسطینیها: رشاد شوا شهردار شهر غزه در مصاحبه های مطبوعاتی اخیر خود به کرات از سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها سخنگوی مشروع فلسطینیها حمایت کرده است. شوا که متنفذترین سیاستمدار غزه می باشد، مذاکرات آتی خودمختاری را مورد انتقاد قرار داده گفت، این مذاکرات امکان ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی را از بین می برد. معذالک وی به ملاقات با رئیس جمهور مصر علاقه نشان داد و گفت حاضر است با وی پیرامون مذاکرات خودمختاری بحث و تبادل نظر نماید. شوا در حال حاضر از اردن، سوریه و لبنان بازدید می کند و در نظر دارد پیرامون مذاکرات با یاسر عرفات رهبر ساف گفتگو نماید.

۱۱ (طبقه بندی نشده) اسرائیل: در تاریخ ۲۰ اردیبهشت آسوشیتدپرس گزارش داد که مقامات اسرائیلی دو نفر آمریکایی را به خاطر شرکت در تظاهرات ضد اسرائیلی در ساحل غربی رود اردن زندانی کرده و اخراج خواهند کرد. تظاهرات مورد نظر احتمالاً تظاهراتی است که سبب شد این مقامات چند روز قبل به تعطیل دانشگاه بیرزیت اقدام نمایند. دو آمریکایی مزبور برادران دوقلویی هستند که پدرشان از جمله کارمندان دانشگاه بیرزیت به شمار می آید.

۱۲ (خیلی محرمانه) سفارت آمریکا در تل آویو گزارش داد که آوراهاام کاتز عضو کنست هفته گذشته

لایحه ای را به مجلس برد تا از طریق آن از بازگشت رؤسای جمهوری اسرائیلی پس از ترک این سمت به صحنه سیاسی خودداری گردد. براساس این لایحه، رؤسای جمهوری پیشین چهار سال پس از برکناری از سمت ریاست جمهوری قادر نخواهند بود برای به دست آوردن کرسیهای کنست به مبارزات سیاسی پردازند. هدف از ارائه این لایحه ظاهراً ممانعت از تحقق جاه طلبیهای سیاسی رئیس جمهور ناون می باشد. بنا به گفته سفارت، این لایحه از حمایت چندانی برخوردار نیست، لیکن نشانگر تشنج موجود بین لیکود و ناون از زمان انتخاب وی به عنوان رئیس جمهور در سال گذشته می باشد.

۱۳ (طبقه بندی نشده) در تاریخ ۲۰ اردیبهشت یکی از دادگاه های اسرائیلی یک افسر سنگالی نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان را به اتهام قاچاق مواد منفجره به این کشور به ده سال زندان محکوم کرد. این دادگاه ادعای سازمان ملل را که اسرائیل حق ندارد کارمندان سازمان ملل را محاکمه نماید. نپذیرفته است.

۱۴ (طبقه بندی نشده) در تاریخ ۲۰ اردیبهشت روزنامه معاریو گزارش داد که اسرائیل یادداشت شدیدالحن اعتراض آمیزی برای فرمانده سازمان ملل در جنوب لبنان ارسال داشته است که علت آن نیز ظاهراً حمله گروهی از جبهه خلق آزادیبخش فلسطین به یکی از کیبوتزها بوده است که گویا از قلمرو نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان عبور کرده اند. معذکک، رادیو اسرائیل بعداً گزارش داد که یک سخنگوی ارتش اسرائیل ارسال این یادداشت اعتراض آمیز را تکذیب کرده است. مطبوعات اسرائیل به

نقل از منابع فاش نشده نظامی اسرائیل گفته اند که نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان مسئول عبور چریکها از مناطق تحت کنترل سازمان ملل می باشند.

۱۵ (طبقه بندی نشده) در تاریخ ۱۹ اردیبهشت، حسابدار کل دولت اسرائیل که بر فعالیتهای دولت نظارت می کند، نحوه عملکرد حمله سال گذشته اسرائیل به جنوب لبنان را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. طبق گزارش رویتر، تدارکات حمله به درستی فراهم نشده بود، عملکرد اطلاعاتی توأم با اشکالاتی بود و ناهنجاریهای نظامی و وقایع اجتناب پذیر خساراتی را وارد کرده بود. حداقل حدود ۱۷۸ سرباز در حین غارت و جمع آوری غنایم دستگیر شده بودند. یکی از سخنگویان ارتش گفت که تحقیق پیرامون نقائص فاش شده آغاز شده و اقداماتی انجام خواهد شد تا از سوءاستفاده و وقایع نادرست جلوگیری شود. در ۱۹ اردیبهشت به طور غیرمستقیم به پیشنهاد بگین مبنی بر آغاز مذاکرات بین دو کشور پاسخ منفی داد. در این پاسخ اعلام شده بود که ایجاد یک راه حل کلی در قبال مسئله فلسطینیها ضرورت دارد. سفارت.

۱۶ (خیلی محرمانه) اسرائیل لبنان: رئیس جمهور لبنان، سرکیس با استفاده از گردهمایی کابینه آمریکا در بیروت اظهار می دارد که در رابطه با پاسخ نخست وزیر الحوص (مسلمان) که علناً پیشنهاد بگین را نپذیرفته بود، رئیس جمهوری سرکیس (که مارونی است) ظاهراً سعی کرده است با این مسئله درگیری بسیار پیدا نکند.

۱۷ (طبقه بندی نشده) یک روزنامه عراقی مصاحبه ای با سلیمان فرنجه انجام داده که در آن وی اظهار داشته که در صورتی که آمریکا حملات اسرائیل را علیه لبنان متوقف نسازد، لبنان باید با آمریکا قطع رابطه کند.

۱۸ (طبقه بندی نشده) طبق گزارش رویتر ریش سفیدهای یک روستای لبنانی به سازمان ملل متوسل

شده اند، تا بتوانند ۹ تن از افراد محلی را که در طول حمله هفته جاری به لبنان توسط اسرائیل ربوده شده اند آزاد سازند.

۱۹ (سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) سوریه لبنان: یکی از منابع وابسته دفاعی ما در تل آویو

گزارش داد که گویا سوریها در نظر دارند در لبنان با تغییر آرایش نیروهای خود از طریق عقب نشینی و یا تعویض، موضع خود را نیز تغییر دهند. ممکن است سوریها بخواهند تعدادی از مواضع حساس بیروت را به ارتش لبنان بسپارند. این منبع اظهار می دارد که فعالیت سوریه ممکن است نشانه ایجاد یک رابطه جدید بین لبنان و سوریه و (احتمالاً یک قرارداد دفاعی) باشد، تا حضور سوریه در لبنان از مشروعیت و معقولیت خاصی برخوردار شود، چون در حال حاضر آنها تنها یاری دهندگان این کشور به حساب می آیند.

۲۰ (سری) بنا به یکی از گزارشهای سازمان سیا که براساس گزارش سفارت آمریکا در صنعا استوار

است، رئیس جمهور یمن شمالی علی عبدالله صالح با وجود اینکه علناً از پیوست دوباره یمن شمالی و

جنوبی حمایت می کند، در حال حاضر در پی به دست آوردن فرصت بیشتر است تا توانایی نظامی یمن

شمالی را افزایش دهد. پس از آتش بس ماه مارس تنها یکی از هشت کمیته مشترک جلسه ای تشکیل داده

است، که هدف آن نیز تهیه پیش نویس قانون اساسی می باشد. مذاکره گران شمالی موفق شده اند اجلاس

آتی این کمیته را تا اول ماه ژوئن به تعویق بیندازند.

۲۱ (خیلی محرمانه) رئیس جمهوری یمن جنوبی عبدالفتاح اسماعیل که هدفش متحد ساختن دو

یمن تحت رژیم و رهبریت خودش می باشد، به صالح خاطر نشان ساخته است که او دست از تلاش برنخواهد داشت. بنا به گزارش اسماعیل هفته گذشته با صالح اتمام حجت کرد و گفت اگر مذاکرات متوقف گردد، وی به زور متوسل خواهد شد. اسماعیل نیز خواستار آن است که اجلاس آتی که در دوران آتش بس بر سر آن توافق شده بود هفته آینده تشکیل شود. ونس

روابط کنونی خارجی

سند شماره (۱۷)

۱۷ می ۲۷۷۹ اردیبهشت ۵۸سری

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی. به: تمام پایگاههای دیپلماتیک و کنسولی

موضوع: روابط کنونی خارجی، نشریه شماره ۱۹، ۱۶ ماه مه ۱۹۷۹

۱ فهرست مطالب روابط کنونی خارجی:

۱. EB قرارداد تجاری بین چین و آمریکا در پکن به امضاء رسید.

۲. IO مصر از کنفرانس اسلامی اخراج گردید.* (۱)

۳. NEA لبنان *

۴. NEA ایران: ادامه اعدامها *

۵. ARA ریاست دیوان عالی شیلی تقاضای آمریکا را مبنی بر استرداد نمی پذیرد.

۶. ARA تداوم خشونت در نیکاراگوئه و السالوادور

۷. ARA رئیس جمهور پاناما درباره اجرای معاهده کانال به بحث و تبادل نظر می پردازد.

۸. PA به دنبال واقعه ای در رابطه با نیروگاه نگرانی درباره نیروی هسته ای افزایش می یابد

(پاکستان).

۹. INR کمک شوروی کاهش چندانی نمی یابد.

۱۰. AF چاد: دورنمای نامشخص.

۲ IO اخراج مصر از کنفرانس اسلامی (خیلی محرمانه). علیرغم تلاشهای گسترده مصر و آمریکا در

جهت حمایت از موضع مصر از شرکت هر چه بیشتر این کشور در کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای

اسلامی در تاریخ ۱۲ ۸ ماه مه در اجلاس آن واقع در شهر فاس جلوگیری به عمل آمد.

نتیجه چندان هم شگفت انگیز نبود، چون تقریباً نیمی از اعضای حاضر، امضاء کنندگان قراردادهای

بغداد ۲ بوده اند. با این وصف یکی از وقایع چشمگیر این بود که تعدادی از کشورهای اسلامی آفریقایی از

چنین نتیجه ای در ملاء عام اظهار نارضایتی کردند و ظاهراً کشور سنگال علیه این ابتکار اعراب تلاش به

خرج داده بود. دو عضو آسیایی یعنی اندونزی و مالزی به طور خصوصی از اخراج مصر اظهار نارضایتی

کردند، ولی در برابر این حکم اعراب خونسرد ماندند.

اخراج مصر از کنفرانس اسلامی سبب منزوی شدن مصر در دنیای عرب می گردد و ممکن است روحیه

حاکمی از تضاد سادات را در برخورد با مخالفین عربی خود شدیدتر و سخت تر بنماید. لیکن، در مورد دیگر

هیئتهای بین المللی که اعراب از شماره عضویت قابل توجهی برخوردار نیستند این کار امکان پذیر نیست.

آزمایش بعدی مصر در کنفرانس سازمان وحدت آفریقا در مونرویا که در ماه ژوئیه برگزار می گردد، انجام

۱- فقط قسمتهای علامت زده شده ترجمه شده اند م

می شود که در آن نارضایتی تقریباً آشکار شده آفریقاییها باید به یک حمایت همه جانبه تبدیل گردد.

۳ NEA لبنان (سری). هفته های اخیر شاهد افزایش خشونت در لبنان بوده است. زمانی که سعد

حداد رهبر شبه نظامیان دست راستی نسبت به کاربرد یک گردان از نیروهای ارتش لبنان در اواسط آوریل

جهت کمک به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل اعتراض نمود و گفت که در آن منطقه فقط دولت لبنان

حاکمیت دارد وضع در جنوب لبنان بدتر گردید. حداد نیروهای ارتش لبنان و قرارگاههای سازمان ملل را

به گلوله بست که در نتیجه تعدادی از پرسنل سازمان ملل مجروح و تعدادی از غیرنظامیان لبنان کشته

شدند، و به دنبال آن استقلال منطقه خود را اعلام داشت. با وجود اینکه این اعلامیه او به وسیله هیچ کس

حتی حمایت کنندگان اسرائیلیش نیز حمایت نشده است، وجود این منطقه خطری جدی علیه تقویت

حکومت شکننده لبنان به شمار می رود.

زنجیره تشنج فلسطینیها و اعمال تلافی جویانه اسرائیلیها علیه هدف های فلسطینی در لبنان نیز شدت

یافته است. به دنبال حمله تروریستی، فلسطینیها در ۲۲ آوریل به یک شهر اسرائیلی به نام نهریه، اسرائیل

دست به زنجیره ای از حملات هوایی علیه پایگاههای فلسطینی زد که در نتیجه آن بسیاری از غیرنظامیان

کشته شدند. در حال حاضر اوضاع آرام است، ولی اسرائیل ممکن است دست به تعدادی اعمال

تلافی جویانه در لبنان در رابطه با بمباران شهر تیرباس در ۱۴ ماه مه که سبب کشته شدن دو تن اسرائیلی و

زخمی شدن عده دیگری شده بود بزند. رهبری ساف در بیروت مسئولیت این حمله را به عهده گرفته است.

در بیروت، در روزهای اخیر حملات شدیدی بین بخشهای مسیحی بر سر به دست آوردن کنترل

قسمتهای جنوب شرقی این شهر در گرفته بود. این خشونت کشتار آمیز مسیحیان از مشاجره بین

گروههای رقیب ناشی شده و از نظر سیاسی انگیزه ای ندارد. جهت توقف این درگیریها، رهبران مهم

مسیحی اتحاد بین نیروهای خود را اعلام داشتند که البته قبلاً از طریق یک ستاد مشترک در تتوری با

یکدیگر متحده شده بودند.

دولت لبنان نیز در روزهای ۱۶ ۱۵ ماه مه مشغول مذاکره با رهبر سوریه در دمشق بود. رئیس جمهور سرکیس امیدوارست که از این طریق بتواند به مصالحه ای دست یابد که از طریق آن سوریه اجازه دهند که یک نیروی بازسازی شده نظامی لبنانی جای نیروهای سوری در بیروت را بگیرد. هنوز از نتایج مذاکرات اطلاعی در دست نیست.

۴ NEA ایران: ادامه اعدامها (خیلی محرمانه). اعدام مهمترین صنعتگر یهودی القانیان در

هفته گذشته باعث ایجاد نگرانی شدید در جامعه یهودیان ایران شده است. ترس و نگرانی این جامعه زمانی بیشتر شد که شایعاتی مبنی بر دستگیری بسیاری دیگر از چهره های تجاری یهودی پخش شده بود (اطلاعات تقریبی ما گویای این واقعیت است که احتمالاً بین ۲۵ ۱۲ یهودی در توقیف به سر می برند). آقای القانیان محاکمه شد به خصوص به خاطر اینکه «با اسرائیل و صهیونیسم در ارتباط بوده است.» این اتهام بعد دیگری به اعدامهای ایرانی بخشیده است.

ما به کرات عدم تأیید شدید خود را علیه این اعدامها و محاکمه های مختصر در ایران ابراز داشته ایم. ما درباره بیگناهی و یا گناهکاری طرفین درگیر مداخله نکرده ایم فقط شدیداً اعلام کرده ایم که متهمین باید از یک محاکمه عادلانه و آشکار و نیز از فرصت کافی برای دفاع از خود برخوردار باشند، ما از مقامات ایرانی خواسته ایم که مراحل را به طور درست اجرا کرده و اصول مورد قبول حقوق بشر و عدالت از نظر

بین المللی را محترم به شمارند. در مورد آقای القانین موضعی که ما اتخاذ کردیم این بود که اعدام ایشان بنا به اتهامات بالا با احترام دموکراتیک به عقاید مختلف که یکی از جنبه های استاندارد انقلاب ایران است مغایرت دارد.

دولت ایران به ما اطمینان داد که اعدام آقای القانین یک موضوع فردی بوده و به هیچ وجه در رابطه با جامعه یهودیان ایران نیست. به ما گفته شده است که یهودیان ایران نه مورد اذیت و آزار قرار گرفته و نه خواهند گرفت. آیت الله خمینی به گروهی از نمایندگان برجسته یهودیان گفت که مبارزه ای علیه جامعه یهودیان وجود ندارد. لیکن اظهارات خمینی درباره صهیونیزم باعث شد که نگرانی آنها کاملاً از بین نرود. بنا به گزارشات رسیده بین ۵۰۰ ۳۰۰ یهودی هر روز ایران را ترک می کنند و این مهاجرت ظاهراً ادامه خواهد یافت.

در ۱۳ ماه مه خمینی اعلام داشت که از این به بعد تنها کسانی که متهم به قتل بوده یا دستور قتل را صادر کرده اند و یا کسانی را شکنجه کرده اند که منجر به مرگ شده باشد، اعدام خواهند شد.

وزیر دادگستری اعلام کرد که به آنها که متهم به اتهامات کوچک در رژیم قبلی هستند عفو عمومی داده

خواهد شد. نخست وزیر بازرگان قبلاً خواستار این عفو شده بود و از مردم خواسته بود که گذشته را

فراموش کرده برای به راه انداختن دوباره اقتصاد دست به کار شوند. آیت الله شریعتمداری تقاضا کرده

است که در اجرای عدالت میانه روتر باشند، چون هم قرآن و هم اسلام با خشونت مخالف هستند.

آیت الله خلخالی در ۱۳ ماه مه اعلام داشت که وی رئیس دادگاه انقلاب تهران می باشد. بنقل از

مطبوعات، خلخالی اعلام داشته است که شاه و دوازده تن از اعضای خانواده و رابطین نزدیکش در غیاب

به اعدام محکوم شده اند و بنا به اصول اسلام هرکس در هر کجای جهان آزاد است آنها را به قتل برساند. ما

اظهار داشتیم که از این گونه عملیات خشونت بار بسیار متأسف هستیم.

ادامه اعدامها ظاهراً کار رژیم است که احساس ناامنی شدیدی دارد و خود را در خطر حمله از طرف عناصر طرفدار شاه، چپ و نیروهای خارجی می بیند و نیروی کافی و اختیار لازم را جهت برقراری نظم و یا جلوگیری از کشتارها و عصیانهای متفرق ندارد، اعدامها نیز کار عناصر متعصبی است که در دستگاه انقلابی پاسخی به تقاضاهای میانه روهایی چون بازرگان نداده و تحت کنترل خمینی نیز نیستند.

مصر: نیازهای نظامی سادات و مشکلات مالی

سند شماره (۱۸)

گزارش شماره ۱۲۰۹ تاریخ: ۲ ژوئیه ۱۱۷۹ تیر ۵۸

سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان / غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

(طبقه بندی نشده) مصر: نیازهای نظامی سادات و مشکلات مالی

خیلی محرمانه / NF خلاصه:

تحریمهایی که از طرف اعراب علیه سادات پس از امضاء قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل وضع شده سبب شده است که کمکهای قابل ملاحظه اعراب که در اختیار قاهره قرار داده شده بود تا برای خرید سلاح از اروپای غربی و آمریکا به کار رود، پس گرفته شود. خریدهایی که از این طریق از سال ۱۹۷۶ به بعد صورت گرفت بالغ بر ۳/۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است. عدم موجودیت کمکهای اعراب ممکن است بر ۵۰ درصد یا بیشتر از این مبلغ تأثیر بگذارد که این تأثیر شامل خرید اف ۵ ها از آمریکا و

قراردادهای عظیم با فرانسه و انگلیس در مورد سلاحها می شود.

(خیلی محرمانه / NF) تحریمهای وضع شده توسط اعراب نمی تواند تأثیری فوری بر استعداد نظامی مصر بگذارد، لیکن در دراز مدت در تلاش مصر برای مدرن سازی نیروهای مسلح خودش می تواند تأثیری جدی بر جای بگذارد.

(خیلی محرمانه / NF) مصر می تواند از طریق ترکیبی از یک سری اقدامات، کمکهای لازم برای رسیدن به اهداف قراردادی با غرب را تهیه نماید که عبارتند از:

قرض تجاری با وانمود کردن به اینکه بدون حمایت اعراب نیز این منبع مالی را در اختیار خواهد داشت:

منحرف ساختن منابع از واردات غیرنظامی که عملی است خطرناک چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی.

کاهش برنامه های مدرن سازی در ارتش که در صورت مبهم بودن، مخالفت نیروهای مسلح علیه سادات را برخواهد انگیخت.

تقاضای کمک بیشتر از آمریکا.

(سری / NC / NC) یکی دیگر از روشهایی که از طریق آن می توان نیازهای تسلیحاتی مصر را برآورد

این است که به تعمیر تجهیزات روسی موجود در این کشور پرداخته شود. مثلاً موتور هواپیمای میگ ۲۱

توسط انگلیس، تعمیر بخشهای الکترونیکی میگ ۲۱ توسط ایتالیائها و آزمایش زیردریاییهای روسی

توسط آمریکا از این گونه عملیات است.

(سری) قطع کمکهای اعراب

در اواسط ماه مه، وزیر دفاع عربستان سعودی شاهزاده سلطان اعلام داشت که سازمان صنعتی عرب(۱)

از تاریخ ۱ ژوئیه منحل می باشد. هدف اصلی تشکیل این کنسرسیوم که در سال ۱۹۷۵ توسط مصر، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به وجود آمد یک هدف مضاعف بود یعنی: توسعه یک صنعت تسلیحاتی در مصر برای برآوردن نیازهای دفاعی قاهره که در اصل منبع اصلی تولید سلاح برای اعضا و دیگر کشورهای عربی باشد. ولی از همان آغاز به نظر می رسید که میان کشورهای خلیج بر سر این موضوع که سازمان صنعتی عرب بتواند فراتر از کمک به مصر برود تردید وجود دارد به خصوص که اعراب خلیج بیشتر میل به خرید مستقیم سلاح از اروپای غربی دارند.

به هر حال، هر یک از کشورهای خلیج در ابتدا سهمی معادل ۲۶۰ میلیون دلار فراهم کردند و نیز اعلام نمودند که در صورت نیاز کمکهای بیشتری فراهم خواهد شد (چنین گمان می رود که ۷۸۰ میلیون دلار سرمایه گذاری اولیه بر سر سازمان صنعتی عرب یا مصرف شده و یا در اختیار و تحت کنترل مصر قرار دارد). سهم مصر نیز در این سرمایه گذاری عبارت بود از ایجاد تسلیحات مربوطه به کارخانه تسلیحاتی و موجودیت کارگران فنی که عظیمتر از هر کشور دیگر عربی می باشد.

علاوه بر کمک بر سر سازمان صنعتی عرب، مصر حدود بیش از یک میلیارد دلار مصرف نشده دارد که از کشورهای خلیج از سال ۱۹۷۴ جهت خرید سلاح وام گرفته است. چون اخیرا اطلاعات خاصی

۱- بنا به گزارشهایی از این سازمان به عنوان سازمان عربی برای صنعتی سازی و یا سازمان صنایع نظامی عربی یاد شده است.

پیرامون وضعیت این بودجه نداریم باید بگوییم که قسمت اعظم این پول دیگر در اختیار مصر نیست.

(سری / NC / NF) خرید اسلحه از اروپای غربی

خرید اسلحه که به طور رسمی و یا غیررسمی توسط مصر از اروپای غربی از سال ۱۹۷۶ صورت گرفت به ۹/۲ میلیارد(۱) دلار بالغ می گردد که قسمت اعظم آن از فرانسه و انگلیس خریداری شده است.

به علاوه، مصر در این مدت بیش از ۱۲۰ میلیون دلار سلاح از کشورهای کمونیستی بخصوص از چکسلواکی خریداری کرده که در حال حاضر ۱۸ هواپیما از ۴۰ هواپیمای جت جبهه مخصوص اف ۶ (میگ ۱۹ روسی ساخت چین) را در اواخر ۱۹۷۸ تحویل آن کشور داده است.

سرمایه سازمان صنعتی عرب:

حداقل ۸۳۵ میلیون دلار خرید از اروپای غربی تحت حمایت سازمان صنعتی عرب انجام می شود که عبارتند از:

حدود ۷۰ میلیون دلار از آلمان غربی جهت خرید ماشین آلات و کمکهای فنی برای تولید توپ و تانک و مهمات مربوطه در مصر.

حدود ۷۶۵ میلیون دلار از انگلیس، اساسا جهت تولید، ابتدا در انگلیس و بعدها در مصر، هلیکوپتر لیکس، موتور لیکس، و سلاح هدایت شونده ضد تانک سوینگ فایر.

علاوه بر اینها، مصر قراردادی را امضا کرد تا در سال ۱۹۷۸ خرید ۱۶۰ جت بمب افکن آلفا را تحقق بخشد که این جتها قرار بود در قاهره مونتاژ شود. این معامله ۸۰۰ میلیون دلار تمام می شد و از نظر مالی قرار بود توسط سازمان صنعتی عرب تأمین گردد. لیکن، شواهد قبل از امضاء قرارداد صلح مصر و اسرائیل، چه از نظر قیمت و چه از نظر کارآیی این هواپیما تردید و نگرانیهای در مصریها به وجود آورد.

لیکن اینطور به نظر می رسد که قرارداد (صلح مصر و اسرائیل م) به طور اتوماتیک قرارداد مربوط به این هواپیما و هر قرارداد دیگری را که سازمان صنعتی عرب در آن نقشی داشته باشد خاتمه داده است.

کمکهای مالی از طریق منابع عربی و غیر از سازمان صنعتی عرب

همچنین مصر قراردادهای تسلیحاتی متعددی با فرانسه و انگلیس منعقد ساخته که بالغ بر ۸۴۰

میلیون دلار می باشد: با انگلیس، جهت خرید کشتیهای تسلیحاتی رمضان، بالغ بر ۲۸۸ میلیون دلار و

جهت خرید هلیکوپتر بالغ بر ۲/۷ میلیون دلار، با فرانسه جهت خرید تسلیحات دریائی اتومات و جت‌های

میراژ به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار، و جهت خرید موشکهای زمین به هوا بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار و جهت

خرید میراژهای ۳ و ۵ به مبلغ ۴۲ میلیون دلار. این خریدها از طریق سازمان صنعتی عرب از نظر مالی

تأمین نشده است. لیکن می بایستی یا به طریقه قسطی و یا به طور کامل از یک میلیارد دلار باقیمانده

سرمایه عربی که برای نیازهای نظامی مصر کنار گذاشته شده بود پرداخته شود.

۱- همه آمار دلاری مربوط در این گزارش دربرگیرنده انتقال سلاحها تجهیزات نظامی □ مهمات □ قطعات یدکی □ لوازم لجستیکی □ آموزش □ و تولید مجاز و یا قراردادهای مربوط به مونتاژ نیز می باشد.

درست قبل از قرارداد، بنا به گزارشات مصر قرارداد خرید چند FRIGATE از نوع لوپور از ایتالیا به مبلغ ۲۲۵ میلیون دلار به امضاء رسانید. معامله اصلی در سال ۱۹۷۸ صورت گرفت، در حالی که قرار بود عربستان سعودی قسمت اعظم یا تمام مبلغ را بپردازد، ولی سرانجام به وسیله قاهره این معامله لغو گردید. در حال حاضر معلوم نیست که آیا بر سر این معامله، قرارداد دوباره ای به امضاء رسیده است و یا اینکه حرص و آز مصریها در اولین فصل سال ۱۹۷۹ نسبت به کمک مالی عربستان سعودی نسبت به خود بیشتر شده بود، ولی در صورتی که معامله لوپو همچنان به قوت خود نیز باقیمانده باشد، نمی توان گفت که از نظر مالی کمکی از طرف اعراب به این کشور بشود.

منبع مالی مصری:

۲۰۰ میلیون دلار باقیمانده که برای خرید سلاح از اروپای غربی در سال ۱۹۷۶ به کار رفته باید توسط مصریها پرداخته شود. این مبلغ شامل ۵۰ میلیون دلار برای خرید تانکهای آلمانی، ۵۰ میلیون دلار جهت خرید وسایل الکترونیکی مخصوص هواپیما و اژدرهای ضد زیردریایی از ایتالیا و مبلغی بیش از ۱۰۰ میلیون دلار بابت خرید تجهیزات و خدمات انگلیسی که عبارتند از قطعات یدکی و مهمات تا دوباره سازی هواپیماهای روسی و تبدیل ناوچه های گشتی روسی به ناوچه های مخصوص پرتاب موشک حتی تا سال ۱۹۷۸، مصر هنوز ۱۰۰ میلیون دلار بابت این محموله های بسیار مهم بدهکار است. (سری / NF / NC) تأثیر بر خریدهایی که از طریق اروپا انجام می شود. مشکل اصلی که در نتیجه بیرون کشیده شدن سرمایه های عربی به وجود می آید در وضع خریدهای تسلیحاتی مصر و طرحهای تولیدی و مهمتر از همه تأثیر بر توان مصر در به اتمام رساندن وظایف خود نسبت به این قراردادها می باشد. (۱)

براساس اطلاعات تقریبی درباره دیون پرداخت نشده قراردادهای انگلیس و آلمان از طریق سازمان

صنعتی عرب می توان گفت که مقدار پولی که مصر باید در ۲ یا ۳ سال آینده بپردازد بالغ بر ۲۰۰۶۰۰

میلیون دلار خواهد گردید. گمان می رود که مقداری از سرمایه گذاری اولیه سازمان صنعتی عرب دست

نخورده باقیمانده باشد و بتواند قدری از وظایف قراردادی قاهره را جبران سازد، ولی همه اینها بسته به

سرعت عمل مصر در جلوگیری از خروج این ارز توسط کشورهای خلیج دارد.

سناریو ۲

با این وصف، مصر ممکن است نیاز به صدها میلیون دلار اضافی داشته باشد تا خرج این پروژه ها را

بتواند تأمین سازد. بنابراین قاهره حدود ۵/۱ میلیارد دلار جهت کامل کردن پروژه های سازمان صنعتی

۱- ممکن نیست که بتوان میزان اصلی پولی را که در این معاملات نظامی مصر درگیر بوده است تعیین کرد □ چون اطلاعات کافی در مورد میزان بهره پیش پرداخت □ پرداخت دوم □ و میزان تخفیف و به طور کلی شرایط و وضعیت قرارداد را نمی توان به دست آورد. بنابراین تنها از یک روش برای ارزیابی ارزش دلاری و یا کمبود مصر میتوان بهره گرفت که براساس ارزش کلی قراردادها منهای ارزش حدسی بخشهای تحویل شده قراردادهای مهم انجام می پذیرد.

ص: ۲۳۷

عرب نیاز دارد.

سناریو ۳

دیگر قراردادهای فرانسوی و انگلیسی که معادل ۸۴۰ میلیون می باشد و ظاهراً مستقیماً به وسیله کشورهای خلیج فارس تأمین سرمایه می شد در حال حاضر یک شکاف ۳/۲ میلیارد دلاری برای مصر به وجود آورده است.

سناریو ۴

قرارداد مرکب یک میلیارد دلاری جت‌های آلفای فرانسوی و FRIGATE های لوبوی ایتالیایی گویا دیگر فراموش شده است و امیدی نیست که از طرف اعراب نسبت به این قراردادها کمکی انجام شود. این خرید برای مصر شکاف را به ۳ میلیارد می رساند، البته اگر مخارج و هزینه های لازم برای گرداندن کارخانه تولید آلفا را در نظر نگیریم.

خرید اسلحه از آمریکا

(سری) قبل از قرارداد: خریدهایی که از آمریکا قبل از امضای قرارداد صلح مصر و اسرائیل صورت

گرفت بالغ بر ۸۷۰ میلیون دلار بود که اساساً در برگیرنده ۵۰ فانتوم اف ۵، ۲۰ دستگاه هواپیمای ۱۳۰

C و فروش در محل و مونتاژ جیبهای AMC پس از تحویل هواپیماهای ۱۳۰ C و جیبها مقداری پول

پرداخت شد (آمریکا تصویب کرده است که هواپیماهای شناسایی به مبلغ ۶۶ میلیون دلار را به مصر

بفروشد، لیکن مصر هنوز رسماً قرارداد را امضاء نکرده است).

(سری / NF / NC) تحریمهای اعراب علیه مصر می تواند بر خرید اسلحه توسط این کشور از آمریکا

نیز تأثیر بگذارد، خرید اف ۵ ها بالغ بر ۵۲۵ میلیون می باشد که قرار بود توسط عربستان سعودی

پرداخت گردد. لیکن، این تصمیم اخیر سعودیها مبنی بر اینکه پول اف ۵ ها را نخواهد داد، چون قرارداد

صلح مصر و اسرائیل امضاء شده است آیا می تواند، اعتبار معامله هواپیماها را از بین ببرد یا خیر؟

(سری) تأثیر این موضوع بر خرید جیپها هنوز روشن نیست. هر دو قرارداد AMC که بالغ بر ۹۰ میلیون

دلار می باشد فروشهای تجاری بوده و سرمایه گذاری اعراب را شامل نمی گردد. کارخانه ای که در مونتاز

جیپ مورد استفاده بود یک کارخانه سازمان صنعتی عرب بود و قادر است در روز ۵۰ جیپ را مونتاز

نماید. این کارخانه در دسامبر ۱۹۷۸ در قاهره افتتاح گردید و کارخانه دیگری (گویا تحت سرپرستی

سازمان صنعتی عرب) که قادر است جیپ تولید کند قرار است در ماه دسامبر ۱۹۷۹ افتتاح گردد. بنابراین،

انحلال سازمان صنعتی عرب در دراز مدت می تواند بر تولید جیپ نیز تأثیر بگذارد.

(سری) از زمان انعقاد قرارداد:

براون وزیر دفاع آمریکا رسماً به وزیر دفاع مصر کمال حسن علی اعلام نمود که بنا به قرارداد صلح

مصر و اسرائیل آمریکا حاضر است ۵/۱ میلیارد دلار اعتبار برای سه سال آینده مصر ایجاد نماید. یک

گروه آمریکایی که به مصر رفته بود تا نیازهای تسلیحاتی این کشور را برآورد نماید، اکنون بازگشته است،

مطالعات مقدماتی نشان می دهد که مصریها مایلند ۲۵ جت اف ۴، ۲ شکاری از نوع گیرینگ، ۱۲ باطری سیستم موشکی هاوک ۱، سام، ۸۰۰ دستگاه نفربر زرهی، ۱۲۰۰ کامیون و دستگاه آزمایش فشار زیر دریاییهای روسی را خریداری نمایند. در صورتی که این صورت خریداری شود، تمام اعتبار ۵/۱ میلیاردی مصرف خواهد گردید.

دورنما

(سری / NF) جمع کلی خریدهای رسمی و غیررسمی تسلیحاتی از اروپای غربی و آمریکا (به علاوه ۵/۱ میلیارد اعتبار) از سال ۱۹۷۶ بالغ بر ۴/۵ می گردد. قراردادهای تمام شده و پرداختها نمی تواند بیش از ۱ میلیارد یا یک پنجم این مبلغ باشد.

(سری / NF) پایان سرمایه گذاریهای غربی می تواند خطر بزرگی را متوجه قسمت عمده این مبلغ یا ۴ میلیارد باقیمانده بنماید که در ذیل به صورت میلیونی نشان داده می شود.

انتخاب «ب» انتخاب «الف»

(سناریو ۲) ۱۵۰۰ (سناریو ۱) ۲۰۰ ۶۰۰

(اف ۵ ها) ۵۲۵ (اف ۵ ها) ۵۲۵ ۵۲۵

(۵۰٪) ۲۰۲۵ (۲۸٪ تا ۱۷٪) ۷۲۵ ۱۱۲۵

انتخاب «د» انتخاب «ج»

(سناریو ۴) ۳۰۰۰ (سناریو ۳) ۲۳۰۰

(اف ۵ ها) ۵۲۵ (اف ۵ ها) ۵۲۵

(۸۸٪) ۳۵۲۵ (۷۰٪) ۲۸۲۵

(محرمانه / NF) با در نظر گرفتن شرایط خرید جتهای آلفای فرانسوی و فریگاتهای لوپوی ایتالیا

انتخاب «د» به نظر درست نمی آید، ولی ممکن است مصر بخواهد پروژه های انگلیسی و آلمانی را با سرمایه های عربی تکمیل کرده، از طریق اف ۵ ها را خریداری نماید و حداقل یکی از خریدهای فرانسوی یا انگلیسی را نیز عملی سازد. بنابراین کمبودهای مصر برای خرید سلاحهای حاضر چیزی بین انتخاب «ب» و انتخاب «ج» می باشد.

(محرمانه / NF) مصر می تواند با یک سری اقدامات سرمایه لازم را به دست آورد.

استفاده از وامهای تجاری، با این فرض که این وام بدون کمک اعراب در دسترس می باشد که البته در این مورد نیز شک وجود دارد.

انحراف منابع از واردات غیرنظامی، که با وجود اینکه غیر ممکن نیست، لیکن خطرهای سیاسی و اقتصادی دارد.

کاهش برنامه های مدرنیزاسیون ارتش که در صورت اهمیت این برنامه ها سلب حمایت ارتش از سادات می تواند خطری جدی برای سادات باشد.

دیگر اینکه مصر از آمریکا بخواهد کمک بیشتری در اختیار وی بگذارد.

(سری / NF) یکی دیگر از روشهایی که می توان از طریق آن نیازهای تسلیحاتی مصر را برآورد این

است که به تعمیر تجهیزات روسی موجود در این کشور پرداخته شود، مثلاً موتور هواپیماهای میگ ۲۱

توسط انگلیس، تعمیر بخشهای الکترونیکی میگ ۲۱ توسط ایتالیائها و آزمایش زیر دریائهای روسی توسط آمریکا از این گونه عملیات است.

تهیه شده وسیله: لوئیس جی ساریس

تأیید شده وسیله: رابرت الف. مارتین

NF = غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

NC = غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران

خلاصه اطلاعاتی ۸۴۵ (دورنمای داخلی مصر و تحریمهای عربی)

سند شماره (۱۹)

۴ ژوئیه ۱۳۷۹ تیر ۵۸ سَری

به: مجمع گردآوری خلاصه های اطلاعاتی با اولویت

هشدار شامل منابع و شیوه های حساس اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۳۸۴۵ ژوئیه ۱۹۷۹

(پاراگرافهای ۱۶ سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است)

۱ دورنمای داخلی مصر: تحلیل اخیری که توسط سازمان سیا ارائه شده نشانگر این واقعیت است که محبوبیت سادات در ارتش و در میان اکثریت مصریها که قرارداد صلح را حمایت می کنند و فکر می کنند این قرارداد منافع اقتصادی نیز در بردارد، کاهشی نیافته است. مخالفین سادات در بخش با نفوذ جامعه مصری وجود دارند، لیکن از سازماندهی و رهبریت مکفی برای جلب پیروان بیشتر برخوردار نیستند. موقعیت سادات در درون کشور دستخوش تغییرات است و ممکن است در محبوبیت او در سال آینده کاهش فاحشی به وجود آید. در صورتی که توسعه های اقتصادی مورد نیاز مردم برآورده نشود و یا در

صورتی که پیشرفتی در مذاکرات خودمختاری در چهارچوب یک ساله ای که سادات و بگین تعیین کرده اند حاصل نشود، سیاستها و موفقیت سادات در میان مردم با تهدیدی جدی روبه رو خواهد گردید. جهت جلوگیری از رشد و توسعه چنین تهدیدی، ممکن است سادات گامهای بسیار خطرناکی را برای سرکوبی منتقدان خود بردارد.

۲ قرارداد صلح موافقت اکثریت مصریها را که از نتایج برخوردها با مصر بسیار ناراحت بودند جلب نمود. با این وصف همه توقع دارند که قرارداد صلح به دنبال خود پیشرفتها و یا بهبودیهای اقتصادی را به همراه داشته باشد. ارتش مصر نیز چشمداشت چنین پیشرفتهای اقتصادی را دارد و خیلی شاد است از اینکه صحرای سینا بازگشته و دیگر از اینکه برای جنگ با اسرائیل که اصلاً آمادگی آن را ندارد، صف آرای نباشد. نگرانیهای ارتش درباره سلاحهای کهنه و متروک را می توان به وسیله ورود سلاح از آمریکا تسکین بخشید.

۳ سادات برای اینکه بتواند از کاهش محبوبیت خود جلوگیری کند نیاز به پیشرفت آشکار در مذاکرات با اسرائیل یا نیاز به پیشرفت مثبت در زمینه اقتصاد دارد. لیکن در این زمینه ها پیشرفتهای چشمگیر به سختی حاصل خواهد شد، چون پیچیدگیهای مشکلات اقتصادی مملکت و عدم امکان آشتی پذیری میان اعراب و مصر، اطلاعات اسرائیل و طبیعت موضوع ساحل غربی رود اردن و نوار غزه این اجازه را نمی دهد. در صورتی که در روند مذاکرات پیشرفتی به وجود نیاید، منتقدین مصری پیمان

صلح فعالتر و جدی تر خواهند شد.

۴ سادات از طرف رادیکالهای خارجی و داخلی دائما در معرض خطر ترور قرار دارد. امنیت سادات، به طور کلی خوب است، لیکن به علت نارضایتی اعراب از قرارداد صلح با اسرائیل تلاشهایی در راه از بین بردن او خواهند کرد. در قانون اساسی مصر جانشینی برای سادات تعیین نشده است، لیکن سادات بسیار مایل است که حسنی مبارک جانشین او بشود، مگر اینکه شرایط به طرز عجیبی تغییر کند. سیاست خارجی حسنی مبارک با سیاست خارجی سادات شباهت بسیار دارد و احتمالا او نیز روند مذاکرات صلح با اسرائیل را دنبال خواهد کرد. مرگ سادات بی ثباتی زیادی را در مصر ایجاد خواهد کرد. لیکن بسیاری از مصریها ترجیح می دهند که «امن»ترین روش یعنی بازگشت به عربیت را مشی خود قرار دهند.

۵ تحریمهای عربی: با وجود اینکه عوارض حاصل از صادرات نفت، جهانگردی، کانال سوئز و کارگران خارجی توانسته است مصر را در برابر اقتصاد اعراب قدرت مقاومت بخشد، می توان گفت که ادامه بیشتر فعالیتهای ضد مصری می تواند از نظر اقتصادی و سیاسی برای این کشور بسیار کشنده باشد. حرکاتی چون احتمال اخراج ۶۰۰،۰۰۰ کارگر مصری از دیگر کشورهای عربی و یا اجتناب از پرداخت حقوق آنها می تواند خسارت جدی به مصر وارد آورد. قاهره قسمت اعظم این سرمایه را که بالغ بر ۷۵/۱ میلیارد دلار است از دست خواهد داد و با مشکل ایجاد مسکن و کار برای آنها که بازگردانده می شوند روبه رو خواهد گردید. هر روز بر میزان کسانی که عقل و درایت سادات را در ابتکار صلح مور سؤال قرار می دهند اضافه می شود که البته این مشکلات اقتصادی نیز می تواند به اختلاف و آشوبهای داخلی دامن بزند. مخالفین راست و چپ سعی خواهند کرد، از موقعیت استفاده نمایند. حتی اگر این مشکلات را نیز نادیده بگیریم، باز هم مخالفین با بهانه قرار دادن نرخها، دستمزد کم و مسکن ناکافی نگرانیهای مردم را بالا خواهند برد.

۶ از نظر مادی و در طول مذاکرات، سادات باید از حمایت دائم و شدید آمریکا و مصر برخوردار باشد. در صورتی که مصریها از حمایت آمریکا برخوردار شوند و یا در صورتی که تصمیم بگیرند حمایت خود را کم کنند، درایت و تدبیر سادات در مذاکرات صلح مورد سؤال قرار گرفته، حمایت داخلی از او کاهش ناگهانی خواهد یافت.

۷ (خیلی محرمانه) مصر و عربستان سعودی: سفیر وست گزارش می دهد که نماینده وزیر خارجه، منصوری به او گفته است که حداقل دو سال طول خواهید کشید تا روابط بین مصر و اسرائیل عادی شود. یک سال برای تعویض سفیر با اسرائیل و هشت ماه بعد از آن تا روابط بهتر شود. منصوری خیلی خوشحال بود که بعد از میانجگیری سفیر ایلتس حملات مطبوعات تخفیف بیشتری پیدا کرده است.

۸ (طبقه بندی نشده) مصاحبه عربستان سعودی خالد: شاه خالد در ۳۰ ژوئن در مصاحبه با یک روزنامه کویتی به چند نکته اشاره کرد. شاه قبول کرد که بر سر مراحل صلح بین عربستان سعودی و آمریکا اختلاف نظر وجود دارد، لیکن اذعان داشت که روابط بین دو کشور «بسیاری قوی و براساس دوستی و تعاون و منافع دو جانبه و مشترک استوار است»... و این گزارش را که گفته اند آمریکا بر عربستان سعودی فشار وارد می کند تا از میزان مخالفت و یا تحریم خود علیه مصر بکاهد، تکذیب نمود. وی اضافه کرد که کشورش به صهیونیزم، کمونیزم و امپریالیسم به عنوان سه عامل متحد علیه حقوق عربی و اسلامی و تعالیم آن می نگرد...» و تکرار نمود که: «بدون ارجاع حقوق ملی فلسطینیها و بازگرداندن همه سرزمین های

اشغال شده عربی و اورشلیم نمی توان انتظار صلح و ثبات در این منطقه را داشت». دست آخر این طرز فکر یعنی مداخله کردن نیروی نظامی در شبه جزیره عربی را مورد انتقاد قرار داده گفت: «دوره ای که در آن قدرت می توانست حافظ منافع باشد دیگر برای همیشه پایان یافته است.»

۹ (طبقه بندی نشده) پطروس غالی و مذاکرات خودمختاری:

روزنامه منا در قاهره در ۲ ژوئیه گزارش داد که پطروس غالی به چند مجمع کمیته مصری گفته است که

برای رسیدن به خودمختاری ساحل غربی رود اردن و نوار غزه در صورتی که اسرائیل موضع

«تغییرناپذیر» خود را حفظ کند و یک سال پس از مذاکرات جاری خودمختاری تحقق نیابد، مصر راههای

دیپلماتیک را پیشنهاد می کند. در ادامه از اسرائیل خواست که از حمله به فلسطینیها در لبنان اجتناب ورزد

و سیاست اردوگاههای اسرائیل را نیز مورد انتقاد قرار داد.

۱۰ (طبقه بندی نشده) نفت عربستان سعودی: رادیو دولتی عربستان سعودی در ۲ ژوئیه گزارش داد

که به منظور حفظ سلامت اقتصاد جهانی بنا به اعلان دیوان سلطنتی، این کشور میزان تولید نفت خویش را

افزایش خواهد داد. در این گزارش از نظر میزان و زمان چیزی گفته نشد (گزارشهای قبلی اشاره کرده اند که

در شرایط خوب عربستان سعودی ممکن است افزایش ۵۰۰،۰۰۰ بشکه در روز را مد نظر قرار دهد).

۱۱ (خیلی محرمانه) سلاح نفت لیبی: در یک کنفرانس مطبوعاتی در کویت در یکم ژوئیه قذافی ادعا

کرد که قطع صدور نفت توسط این کشور «استفاده مشروع از سلاح نفت» می باشد. لیکن اظهار داشت که

هنوز وقت آن نرسیده است که گفته شود این تصمیم در چه زمان و برای چه مدت به اجرا گذاشته خواهد

شد. در رابطه با «تهدیدات» او سفارت آمریکا در تریپولی اظهار می دارد که قذافی به تلاشهای خود

پیرامون به هم زدن تعادل آمریکا ادامه خواهد داد. عکس العمل بازار بین المللی نشان داده است که آمریکا

نسبت به ابتکارات لیبی بسیار صدمه پذیر است.

۱۲ (طبقه بندی نشده) اسرائیل ساحل غربی رود اردن: گزارشات مطبوعات حاکی از آن است که مقامات نظامی اسرائیل اجازه بازگشایی دانشگاه بیرزیت در ساحل غربی را داده اند. این دانشگاه در ماه مه پس از تظاهراتی که انجام گرفت و در آن یک دانشجو توسط اسرائیلیها به قتل رسید تعطیل شده بود. گزارشات مطبوعات حاکی از این است که وزیر دفاع و ایزمن در نظر دارد شهردار نابلس شاکا را به علت رهبری یک تظاهرات صلح آمیز در اعتراض به تشکیل اردوگاه ایون موره در نزدیکی شهرش به دادگاه بکشاند. بنابر همین گزارشات، مقامات اسرائیل از تشنجاتی که به دنبال این محاکمه به وقوع خواهد پیوست در بیم و هراسند. لیکن، دیگر اقدامات تأدیبی علیه نابلسیها به اجرا گذاشته خواهد شد. شکست اسرائیل در ساحل غربی رود اردن در ماههای اخیر خشم مطبوعات اسرائیل را برانگیخته است. گزارشگر روابط عربیها آرتز در ۲ ژوئیه گفت علیرغم سیاستهایش در اولین ۱۸ ماه خدمتش، وزیر دفاع و ایزمن فعالیتهایی را مورد تأیید قرار می دهد که تنها چند ماه قبل آنها را رد می کرد که عبارتند از تخریب خانه ها، تعطیل مدارس برای مدتهای طولانی و حکومت نظامیهای طولانی در اردوگاهها و غیره، این مقاله ادعا می کند که عکس العمل شدید مدیریت نظامی علیه تظاهرات و گردهماییها در ساحل غربی رود اردن، این منطقه را از منطقه تحت مدیریت نظامی به یک منطقه تحت اشغال نظامی درآورده است. گزارشگر روابط عمومی داور نیز مقاله ای نوشته است که با خطوط کلی گزارش قبلی موافقت دارد.

۱۳ (طبقه بندی نشده) اسرائیل شایعات: یک سخنگوی سفارت آمریکا در تل آویو به شدت این

شایعه را که وابستگان نظامی و یا دیگر مقامات آمریکایی در یک ضیافت شامپاین شرکت جسته تا پیروزی خلبانان اف ۱۵ را بر هواپیماهای جنگنده سوریه جشن بگیرند تکذیب نمود. این جواب در پاسخ به رادیو خبری انگلیسی اسرائیل در ۲ ژوئیه بود که اظهار می داشت که وابسته نظامی ما در یک چنین مهمانی و ضیافتی شرکت داشته است. با این وصف، یکی از روزنامه های کویتی این داستان دروغین را چاپ کرده است.

۱۴ (محرمانه) اسرائیل لبنان: گزارشهایی که از بیروت رسیده حاکی از آن است که توپخانه اسرائیلیها و دست راستیهای مسیحی اهدافی را در جنوب لبنان در مورخه ۲ ژوئیه گلوله باران کردند. وابسته نظامی و گزارشات مطبوعاتی حاکی از آن است که هواپیماهای اسرائیلی نیز بر فراز این سرزمینها به پرواز درآمده بودند، روزنامه های لبنانی گفته اند که نخست وزیر الحوص از فلسطینیها خواسته است که از مناطق پرجمعیت جنوب لبنان خارج شده و از اجرای عملیاتی که باعث شود اسرائیلیها به تلافی برخیزند اجتناب ورزند.

۱۵ (طبقه بندی نشده) لبنان دولت: بنا به گزارش رویتر در ۲ ژوئیه پرزیدنت سرکیس رسماً از نخست وزیر الحوص خواست تا دولت جدیدی را تشکیل دهد. الحوص استعفای دولت خود را در ۱۶ ماه مه ارائه داد تا راه را برای یک دولت اتحاد ملی باز کند. لیکن شکاف عمیق میان گروههای مختلف مانع آن شد. انتظار می رود که الحوص حجم کابینه خود را گسترش داده، تعداد سیاستمداران در برابر تکنوکراتها را برای کار به عنوان وزراء افزایش دهد.

۱۶ (طبقه بندی نشده) لبنان کمکهای مالی عربستان سعودی: سفارت آمریکا در بیروت گزارش می دهد که سفیر عربستان سعودی علی سعیر به نخست وزیر الحوص چکی از طرف دولت سعودی به مبلغ ۵ میلیون دلار در ۲۷ ژوئیه به عنوان کمک فوری به جنوب لبنان داده است. بنا به گفته آیک دین ۵ میلیون

دلار اولین پاسخ به درخواست کمک ۲۲ میلیونی برای جنوب لبنان بوده است. سعیر به حوص گفت که شاه خالد ۱۶ میلیون دلار باقیمانده را کنار گذاشته است، تا برای جوامع مذهبی و بشر دوست برای استفاده در مورد لبنانیها به کار رود.

۱۷ (خیلی محرمانه غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) نیروهای میانجیگر سازمان ملل در لبنان (UNIFIL) ایتالیا: یکی از منابع وابسته دفاعی ما نحوه کمک ایتالیا به UNIFIL را بیان کرده است. گروهی که در اواسط یا اواخر ژوئیه برای مدتی نامعلوم برای کمک به UNIFIL اعزام خواهند شد از چهار هلیکوپتر، ۱۳ خلبان و ۱۵ تکنیسین تشکیل شده است. کریستوفر

خلاصه اطلاعاتی ۸۶۳ (مبارزه سادات با شبه نظامیان اسلامی)

سند شماره (۲۰)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سیسری

به: مجمع گردآوری خلاصه های اطلاعاتی با اولویت ۸ مرداد ۱۳۵۸ ۳۰ ژوئیه ۷۹

موضوع: خلاصه اطلاعاتی ۸۶۳ ۸ مرداد ماه ۱۳۵۸

(پاراگرافهای ۱۶ سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان / غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و

مشاوران پیمانکار.

۱ مبارزه سادات با شبه نظامیان اسلامی: سادات هنوز هم به حملات غیر مخفیانه خود علیه حقوق

اسلامی در مصر ادامه می دهد. بعضی از سیاستمداران تردید دارند که او با تهاجم علیه نهضتی که می تواند به صورت یک مخالفت بالقوه علیه حکومت وی در آید به عمل عاقلانه ای دست زده باشد. با این وصف، او نسبت به استعداد خود در پرده برداشتن از روحیه مصری اعتماد دارد و ترسی از بنیادگرایان مسلمان به دل راه نمی دهد.

۲ اولین حمله وی در مبارزه کنونی بیانیه فوریه گذشته سادات بوده است که در آن اخطار کرده است که مذهب در سیاست جایی ندارد و این اخطار را ماه بعد نیز تکرار نمود. سادات اخیراً:

(الف) پیشنهاد ایجاد تغییرات مهم در قوانین فردی را نموده است که از جمله آنها اعطای حقوق بیشتر به زنان به خصوص در مواضع حساس از قبیل طلاق را می توان نام برد.

(ب) در خطابه خود در مجلس شورای ملی اعلام نمود که برنامه کنترل زاد و ولد باید بیشتر پیشرفت نماید.

(ج) تمام اتحادیه های دانشجویی را منحل اعلام نمود، تا این اتحادیه ها از سلطه انجمنهای اسلامی بیرون بیایند.

(د) از حزب حاکمه خود خواست که در اجرای فرائض و آموزشهای اسلامی کوشا باشند.

(ه) خواستار انجام آموزشهای اسلامی از سطح مدارس ابتدایی گردید.

(و) به شاه در مصر پناهندگی اعطا نمود.

۳ رهبران اسلامی راستگرا این حرکات را تلاش در جهت از بین بردن محبوبیت و

برنامه هایشان می دانند، رهبران بنیادگرای اسلامی که قبلاً از سادات به خاطر تعطیل اردوهای کار اجباری محل حبس آنها طرفداری می کردند، چون به آنها اجازه داده بود که به طور نیمه آشکار عمل کنند، اکنون نسبت به او اظهار نارضایتی روزافزون می کنند. بخشی از این نارضایتی ناشی از تنفر آنها نسبت به

معاهده ایست که نه اعاده اورشلیم عربی را سبب می شود و نه حقوق هم کیشان فلسطینی شان را تأمین می نماید، ولی نارضایتی کلی آنها مربوط به این است که آنها سعی دارند جامعه مصری را از «نفوذ بیگانگان» رهانیده و به تفاسیر و تعبیر سخت اسلامی سوق دهند.

۴ ممکن است در اینکه این گروه های غیر متشکل نمی توانند با وی مبارزه کنند سادات درست اندیشیده باشد. معذکک تعدادی از مسئولین مصری معتقدند که استراتژی سادات خالی از خطا نمی باشد. رهبر «جناح مخالف وفادار» دستچین شده، ابراهیم شکری اخیراً اظهار داشته است که رئیس جمهور می خواهد به یک رویارویی غیر ضروری و ابتدایی با مذهب یون راستگرا دست بزند. شکری از تلاشهایی که جهت منع مخالفت مصمم از مجلس شورای ملی (شامل سخنگویان مسلمانان راستگرا) انجام شده انتقاد کرده است. وی معتقد است که سادات بدون مراجعه به مراحل عادی قانونی با اصلاح قوانین فردی دچار اشتباه شده است.

۵ با این وصف، اشاره به فعالیتهای مخالفین اسلامی بجز ناآرامیهایی که در خوابگاههای دانشجویی در بهار حاضر صورت گرفت، کاری دشوار است علاوه بر این، یک بار گزارش شد که رهبریت اسلامی آماده رویارویی با یک مبارزه همه جانبه شده است. البته ممکن است که در مورد ترس آنها کمی اغراق شده باشد. سادات هنوز هم اجازه می دهد که نشریه اخوان المسلمین پس از یک دوره تعلیق کوتاه مدت دوباره توزیع گردد و هنوز به تاکتیکهای صریح مسلحانه متوسل نشده است.

۶ بنیادگرایان اسلامی در پائیز کنونی احتمالاً سعی خواهند کرد جناح مخالف سادات را در خوابگاه‌های دانشگاهی سازمان دهند، چون نیروی آنها در این بخش از جامعه مصری خیلی قویتر است. معذکک هنوز مسئله ای وجود ندارد که آنها بتوانند پیرامون آن به مخالفت همه جانبه با سادات دست بزنند.

۷ (سّری) اسرائیل آمریکا کشورهای عربی: اسرائیل نسبت به برنامه های ویژه نظامی آمریکا در عربستان سعودی و اردن اعتراض کرده است. سفارت اسرائیل در واشنگتن گفت که اسرائیل با مدرن سازی گارد ملی سعودی مخالف است، چون تسلیحات سعودی به علت مخالفت سعودیها با پیمان صلح ممکن است علیه اسرائیل به کار رود و اگر مسئله ای مانند مسئله ایران در عربستان سعودی رخ دهد، این سلاحها در اختیار افراد رادیکال قرار خواهد گرفت. اسرائیل با فروش تانکهای ام ۶۰ به اردن توسط آمریکا نیز مخالفت بسیار نشان داده است. آنها ادعا می کنند که این کار موازنه قدرت در منطقه را به هم خواهد زد و ممکن است که سوریها و عراقیها از این تسلیحات در جبهه های شرق بهره برداری و استفاده نمایند.

۸ (محرمانه) طرح درابلز عکس العمل رسانه های گروهی: مطبوعات عربی، اورشلیم پست و بخش خدمات داخلی اورشلیم همه گزارش داده اند که ماتیتیا هو درابلز (سرپرست بخش سازمان جهانی آبادی نشین های صهیونیستی) پیشنهاد کرده است که در «اطراف نابلس حلقه ای از آبادی نشینها ایجاد گردد. سرمقاله پنجم مرداد چنین نتیجه گیری می کند که لحن گستاخانه درابلز عکس العمل خصمانه ساحل غربی رود اردن را به دنبال خواهد داشت.

۹ (محرمانه) مذاکرات برگ آمریکا: اورشلیم پست در پنجم مرداد گزارش داد که برگ وزیر کشور که ریاست تیم مذاکرات خودمختاری اسرائیل را نیز به عهده دارد، نقش آمریکا در دور کنونی مذاکرات را

مورد انتقاد قرار داده است. وی در یک اجتماع عمومی گفت که «آمریکا دقیقا» در حد وسط طرفین قرار ندارد و بین مکانهای مقدس و مکانهای نفتی تفاوت بسیار قائل می شود.» برگ گفت که سیاست کنونی دولت بر آن است که به سرعت تعداد آبادی نشینهای یهودی را افزایش دهد. او به انعطاف پذیری مذاکرات اشاره کرد و گفت اسرائیل نمی تواند به اعراب هر چه بخواهند بدهد، چون هیچ چیز برای اعراب کافی نیست. او مصرانه گفت که خودمختاری نمی تواند منجر به تشکیل یک دولت فلسطینی شود و گفت که به عنوان وزیر کشور او به ریاست تیم اسرائیلی درآمده است چون مذاکرات یک مسئله داخلی می باشد. یکی از دستیاران برگ به سفارت آمریکا در تل آویو گفت که آمریکا نباید این مقاله را به عنوان «بحران جدی اعتماد» تلقی نماید، لیکن گفت که برگ از گفته های سفیر استراوس و لئونارد در مورد ابتکارات مربوط به مسئله اورشلیم نگران شده است.

۱۰ (خیلی محرمانه / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) اسرائیل بمبهای خوشه ای: یکی از منابع

وزارت دفاع اسرائیل به وابسته دفاعی ما در تل آویو گفت که یکی از کارخانه های اسرائیل تولید بمبهای خوشه ای را آغاز کرده است. چهار نوع از این بمبها تولید می گردد و اسرائیل می خواهد اف ۱۵۱۶ های خود را مجهز به این سلاح بنماید. این بمب هم اکنون برای استفاده در هواپیماهای آ ۴، اف ۴ و کفیر در نظر گرفته شده است.

۱۱ (طبقه بندی نشده) اسرائیل لیکود: رویتر در پنجم مرداد ماه گزارش داد که حزب لیبرال تهدید

کرده است که اگر در عرض ۹۰ روز سیاستهای اقتصادی جدیدی اتخاذ نشود، از ائتلاف لیکود خارج خواهد شد. بنا به گزارشهای رسیده کمیته مرکزی حزب لیبرال به چهار عضو خود که از جمله وزیران کابینه می باشند دستور داده است که همکاران خود را وادار به پذیرش پیشنهادات اقتصادی لیبرالها و وزیر دارایی سیمکا اهرلیک بنمایند. یکی از مطبوعات اسرائیلی گفت که سیاستهای اقتصادی قرار است به مدت ۹۰ روز تحت بررسی قرار گیرند، ولی از امکان خروج حزب از لیکود سخنی به میان نیاورده است.

۱۲ (خیلی محرمانه) اسرائیل آمریکا قطعنامه ۲۴۲: یکی از مقامات وزارت خارجه اسرائیل به سفارت آمریکا در تل آویو در پنجم مرداد ماه گفت که دولت اسرائیل از امکان اصلاح قطعنامه ۲۴۲ توسط شورای امنیت سازمان ملل اظهار نگرانی کرده است. اسرائیل مطمئن است که اعراب تلاش خود را جهت تحقق آن به کار خواهند گرفت. وی گفت که اگر آمریکا تغییراتی از قبیل درج شدن «خودمختاری» یا «حقوق مشروع» را بپذیرد. اسرائیل آن را تغییری اساسی در موضع آمریکا تلقی خواهد کرد و این کار تأثیری بسیار جدی بر روند صلح و مذاکرات خودمختاری خواهد داشت. او از آمریکا خواست که موضع خود را در قبال این تغییر بیانیه روشن نماید.

۱۳ (طبقه بندی نشده) اسرائیل آمریکا ساف: دایان هنگام بازگشت از هلند به اسرائیل در پنجم مرداد ماه به گزارشگر رادیویی اورشلیم پست گفت که به نظر وی آمریکا به تعهدات خود عمل خواهد کرد، یعنی آمریکا، با ساف تماس برقرار نخواهد کرد مگر آنکه ساف قبلاً قطعنامه ۲۴۲ را به رسمیت بشناسد.

دایان گفت که آمریکا پس از امضای قرارداد دو جانبه به دنبال قرارداد صلح، متعهد به انجام این عمل گردید. روزنامه یدیوت آهارونوت گفت که اورشلیم درباره بیانات آقای ساندرز مبنی بر اینکه، آمریکا قصد دارد «به طور غیررسمی با ساف وارد مذاکره شود نگران است». این روزنامه معتقد است که این بیانیه راه را جهت برگزاری مذاکرات رسمی با ساف هموار خواهد ساخت.

۱۴ (سری) ملاقات برانت با عرفات: برانت صدراعظم اسبق آلمان از نتایج ملاقات مرداد ماه خود با

یاسر عرفات رهبر ساف در وین اظهار نظر کرده است. برانت احساس می کند که عرفات در طرز تفکر خود

نسبت به مذاکره با اسرائیل بسیار انعطاف پذیر شده است (وزارت خارجه آلمان غربی در ارزیابی خود

تندروی بسیار به خرج نداد و معتقد است که عرفات در قبال دیدار پر سر و صدای خود با کرایسکی و

برانت امتیاز چندانی نداده است). برانت در خلاصه گزارشی که خود از ملاقات با عرفات تهیه کرده گفته

است که:

(الف) عرفات مدعی است که ساف به هیچ وجه از نابودی اسرائیل حمایت نمی کند.

(ب) ساف خواستار خودمختاری جهت تشکیل یک دولت آزاد در کرانه غربی و نوار غزه می باشد.

(ج) عرفات معتقد است که ملاقات ژنو که دربرگیرنده روسها نیز باشد بهترین وسیله دستیابی به یک

راه حل است و گفته است که مایل است نظامیان سازمان ملل تا زمانی که لازم باشد در خاک فلسطین

مستقر باشند.

(د) عرفات احساس می کند که اسرائیل و کشورهای عربی نمی توانند با یکدیگر همکاری نمایند و

دیگر اینکه اسرائیل می تواند نقش مهمی را در خاورمیانه ایفا نماید.

(ه) وسعت کشور فلسطین اهمیت ندارد: آنچه مهم است این است که فلسطینیها گذرنامه مخصوص به

خود را داشته باشند.

(و) عرفات گفته که مایل است به حفاظت جامعه یهود در ایران کمک نماید.

(پاراگرافهای ۱۸ ۱۵ طبقه بندی نشده هستند.)

۱۵ آمریکا اعراب فلسطینیها صالح خلف از مقامات ساف در مصاحبه با یک روزنامه کویتی گفت که وی با اعراب تولیدکننده نفت صحبت کرده و از آنها خواسته است، تا تولید خود را ۳۰ تا ۴۰ درصد پائین بیاورند تا جهان بداند که مسئله فلسطین باید حل شود. خلف گفت که تاکنون از اهرم نفتی استفاده مؤثری به عمل نیامده است.

۱۶ قتل محسن صاعقه: یکی از روزنامه های لبنانی در پنجم مرداد ماه گفت که به دنبال فوت ظهیر محسن، سمیع عطاری رهبر جدید صاعقه خواهد شد. عطاری قبلاً نیز یک بار سرپرستی صاعقه را به عهده داشت و عضو فرماندهی ملی حزب بعث سوریه می باشد. در همان حال که ساف اسرائیل را مسئول مرگ محسن می داند، یکی از سخنگویان صاعقه گفت که بین مصر و اسرائیل در این زمینه همکاری صورت گرفته است و قول داد که انتقام وی را از هر دوی آنها بگیرد.

۱۷ جنوب لبنانیها فلسطینیها: روزنامه اردنی الرأی در پنجم مرداد ماه گزارش داد که بنا به گفته «منابع آگاه» چریکهای فلسطینی درخواست لبنان را مبنی بر عقب نشینی به شمال رودخانه لیتانی در جنوب لبنان پذیرفته اند. ما هنوز تأییدیه ای در حمایت از این ادعا به دست نیاورده ایم. چپگرایان فلسطینی و لبنانی در ۱۵ خرداد ماه تعهد کردند که حضور خود در جنوب لبنان را تغییر دهند و از مناطق پرجمعیت خارج شوند، لیکن حضور واقعی آنها در جنوب تاکنون نه تنها تغییر نکرده بلکه در بعضی نقاط افزایش نیز یافته است.

۱۸ (طبقه بندی نشده) نیروهای میانجیگر سازمان در لبنان اسرائیل: وابسته دفاعی ما در دوبلین

گزارش داد که در تاریخ ۴ مرداد در روزنامه آیریش تایمز مقاله ای درج شده که در آن فرمانده گردان

ایرلندی نیروهای میانجیگر سازمان ملل گفته است که فلسطینیها و چپگرایان لبنانی به طور پراکنده در خطوط جناح راست نیروهای میانجیگر سازمان ملل نفوذ کرده اند، لیکن خسارات وارده توسط آنها کمتر از میزان خسارات وارده توسط عملیات مشترک شبه نظامیان دست راستی و اسرائیلیها می باشد، مقاله در پایان این گونه نقل قول می کند که «یک مقام برجسته سازمان ملل» بیان داشته است که اقدامات اسرائیلیها و دست راستیها بهترین تبلیغات ممکن جهت «پیوستن مردم منطقه به ساف» می باشد. نیروهای ایرلندی امکان دارد که درگیر یک رویارویی با نیروهای حداد در دهکده بیت یاهون در بخش عملیاتی ایرلندی ها شوند.

۱۹ (محرمانه) لبنان گلوله باران: رادیو بیروت گزارش داد که اسرائیل و شبه نظامیان حداد در تاریخ ۶ مرداد شهر حصیه را گلوله باران کردند. بنا به همین گزارش گلوله باران به دفتر فرمانداری، چند ساختمان دیگر دولتی و چند منزل آسیب وارد کرده است. تعدادی مرگ و میر نیز در همین رابطه گزارش شده است. ولید جنبلاط نیز اخیراً از گلوله باران شدن این شهر دروزی به سفارت آمریکا در بیروت شکایت کرده است.

۲۰ (طبقه بندی نشده) اسرائیل لبنان: رادیو قاهره در تاریخ ۷ مرداد ماه گزارش داد که نیروهای دفاعی اسرائیل در حال تمرکز در مجاورت مرز ساحلی لبنان هستند. ما هنوز اطلاعاتی در تأیید این مطلب به دست نیاورده ایم.

۲۱ (طبقه بندی نشده) عراق دستگیریهها: النهار و السفير روزنامه های بیروت گزارش داده اند که حداقل ۲۵۰ تن از اعضای حزب بعث عراق به منظور یک پاکسازی مهم دستگیر شده اند. السفير در ادامه می گوید که دستگیرشدگان شامل ۵۰ تن از افسران نظامی، ۷۰ تن از رهبران حزبی در بغداد، ۳۲ تن از رؤسای منطقه ای حزبی و ۸ تن از رهبران اتحادیه های تجاری می باشند. هر دو روزنامه مدعی هستند که «یک دولت ناشناس عربی» در این توطئه دست دارد. آژانس خبری عراق یعنی آژانس رسمی خبری عراق گزارش داده است که توطئه گران «از خارج حمایت می شده اند».

۲۲ (محرمانه) سادات عربستان سعودی: سادات انتقاد خود از عربستان سعودی را در سخنرانی ۴ مرداد از سر گرفت و این اولین باری بود که در طول سه ماه وی از سعودیها انتقاد کرده است. لیکن لحن سخنرانی مانند گذشته تند و خشن نبوده است. علاوه بر مطالب دیگر وی گفت که سعودیها رضایت داده اند که عراق در منطقه خلیج قدرت را به دست گیرد. وی گفت که اعراب خلیج فارس از وقایع ایران وحشت زده شده اند. سادات، امیر فقید کویت و فیصل، شاه فقید عربستان سعودی را ستایش نمود. وی گفت که اتحاد سعودی و عراق دوام چندانی نخواهد داشت، چون «این پیمان بر روی شن استوار است» که یک بیان واقعگرایانه توسط رئیس جمهور مصر به شمار می آید.

۲۳ (خیلی محرمانه) مصر تحریم روزنامه نگاران: سفارت آمریکا در قاهره مطلع شده است که مصطفی امین روزنامه نگار الاخبار به علت درج مقاله ای که در آن سادات با سوموزا مقایسه شده تحریم گردیده است. به امین اجازه داده شده که به «نوشتارهای روشنفکرانه» خود ادامه دهد، ولی به او گفته شده که باید از سیاست اجتناب ورزد. آخرین تعلیق امین ۴۰ روز طول کشید.

۲۴ (محرمانه) مصر تحریمها: باستثناء خطوط هوایی سوریه و عراق بگفته یکی از مقامات هوایی مصر، اکثر خطوط هوایی عربی پروازهای خود به قاهره را علیرغم زمان تعیین شده توسط شورای هوایی

غیرنظامی عربی یعنی ۲۴ تیر به تعلیق در نیاورده اند. (لیبی و جمهوری دموکراتیک خلق یمن مدتها قبل به علت اختلافات موجود پروازهای خود به قاهره را قطع نموده بودند). خط هوایی مصر به پروازهای خود به دیگر کشورهای عربی همچنان ادامه می دهد.ونس

سؤالات خلیل در مورد بیانیه سناتور استون

سند شماره (۲۱)

۱۸ مرداد ۱۳۵۸ ۹ اوت ۷۹ خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سیبه: سفارت آمریکا در قاهره، فوری

موضوع: سؤالات خلیل در مورد بیانیه سناتور استون

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ شما مجاز هستید به خلیل بگویید در صورتی که وی نکات زیر را مطرح نماید، سناتور استون

اعتراضی نشان نخواهد داد:

الف آمریکا پیش نویس مطروحه توسط نماینده کویت در سازمان ملل را وتو خواهد کرد.

ب تنها قطعنامه قابل قبول برای آمریکا قطعنامه ای است که در آن صریحا قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸

شورای امنیت تأیید شده باشد و علاوه بر این در آن حق حیات اسرائیل در مرزهای مشخصه و توأم با

امنیت با بیانی روشن به رسمیت شناخته شده باشد.

۳ وزیر امور خارجه هیچ گونه بیانیه دیگری را معتبر اعلام نکرده است و به خلیل اطمینان دهید که تنها سناتور استون مسئول مطالب مطروحه دیگرش می باشد.

۴ در صورت درخواست دیگر دولتهای میزبان، دیگر واحدهای مخاطب نیز می توانند از این راهنما استفاده کرده به آنها پاسخ دهند.ونس

روابط مصر و شوروی

سند شماره (۲۲)

۱۵ اکتبر ۲۳۷۹ مهر ۵۸ خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در مسکوبه: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی

موضوع: (طبقه بندی نشده) روابط مصر و شوروی

۱ (تمام متن خیلی محرمانه است).

۲ خلاصه: از نظر ما بنا بر اطلاعاتی که در مسکو داریم، روابط بین مصر و شوروی دست نخورده

باقیمانده است، و منافع متصل کننده دو کشور به هم بسیار ناچیز بوده و شواهدی مبنی بر رابطه در جهت

کمکهای نظامی به چشم نمی خورد و سطوح و محتوای مذاکرات بر سر موضوعاتی چون خاورمیانه بین

شوروی و مصر بسیار محدود است. علیرغم این شایعه که سفیر جدیدی از مصر به مسکو خواهد رفت.

اینچنین چیزی اتفاق نیفتاده است، تنها کارداری جدید به اینجا آمده است. به ما گفته شده است که سادات

با فرستادن سفیر، علیرغم اصرار شوروی و مقامات وزارت امور خارجه در فرستادن سفیر، موافق نیست.

در رابطه با روابط بین آمریکا و مصر، روسها هدف و حجم کمک نظامی آمریکا به مصر در رابطه با امنیت از

دست رفته مصر در نتیجه قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل را مورد سؤال قرار داده اند. پایان خلاصه.

۳ علیرغم اشاره به حرکتهایی که در جهت بهبود روابط می شود، در چند ماه گذشته هیچ گونه حرکتی

که حاکی از بهبود روابط مصر و شوروی باشد به چشم نخورده است. رابطهای سفارت مصر در مسکو به ما اطلاع داده اند که سطح روابط بین مصر و مقامات شوروی در مصر بهتر نشده است، مثلاً در ضیافتی که به مناسبت روز ملی مصر و ۶ اکتبر تدارک دیده شده بود، مهمترین مقام شوروی شرکت کننده افسر رابط روسی در وزارت امور خارجه بود.

۴ احمد ابوالقیط (حفاظت شود) دبیر اول تازه وارد سفارت مصر به مقام سفارتی آمریکا درباره تماس بی فایده اش با افسر رابط شوروی در وزارت امور خارجه سخن گفت. قیط سعی کرده بود که به طور کلی پیرامون خاورمیانه با وی به بحث و تبادل نظر پردازد لیکن او به سردی این تقاضا را رد کرده بود. افسر رابط روسی «بدون اینکه حرفی بزند و در حالی که به سقف چشم دوخته بود گوش می داد» و تنها دونکته مهم را بیان کرد: که ظاهراً مصر دارای مشکلات اقتصادی بسیار جدی است و به مصر بستگی دارد که با «برادران عرب» خود بنشیند و این مسائل را حل کند. در رابطه با برنامه در جریان، قیط گفت که پروتکل فرهنگی شوروی و مصر برای تجدید دوره بدون جار و جنجال و یا تغییر محتوی به زودی وارد مصر خواهد شد. پروتکل تجاری در سال ۱۹۷۷ خاتمه یافت، لیکن معاملات بازرگانی به قوت خود باقی هستند.

۵ در جبهه سیاسی، طرح ابتکاری جدیدی از طرف مصریها ارائه نشده و مصریها نیز فکر نمی کنند که حرکت بزرگی از طرف روسیه آغاز بشود. علیرغم این شایعه که سفیر جدیدی از طرف مصر وارد مسکو

خواهد شد، تنها یک کاردار به اینجا آمده است آنهم در سپتامبر. روسها که خود سفیری در قاهره دارند از مصر نیز خواسته اند که سطح نمایندگی خود را به سطح سفارت ارتقاء دهند. بنا به اظهارات مصر، روسها هدفشان از داشتن سفیر در مسکو بالا بردن حیثیت خودشان در مصر است، چون از نظر آنها مصر در دنیای عرب نقش مهمی را ایفا می کند. بنا به اظهار منابع ما در سفارت در مصر، وزیر امور خارجه نیز خواستار ارتقاء نمایندگی مصر در مسکو به درجه سفارت می باشد و استدلال می کند که با داشتن یک کاردار در مسکو، مصر نفعی نمی برد. بنا به استدلال این وزارتخانه، مصر در شوروی چه سفیر داشته باشد و چه نداشته باشد روابط بسیار ناچیز خواهد بود، لیکن برای بیرون کشیدن سفارت مصر از انزوا و دسترسی سریع به مسکو بهتر است سفیری به این کشور اعزام گردد...

۶ در حقیقت در جامعه دیپلماتیک گزارشاتی شده است که زمانی که انتقاد شوروی از مصر کاهش یابد و فرصت بهتری پیش بیاید مصر سفیری را اعزام مسکو خواهد کرد. با این وصف، منابع ما در سفارت مصر می گویند که این موضع فقط بستگی به تصمیم انور سادات دارد و تا حال هم به خاطر اینکه دولت شوروی حالتی خصمانه نسبت به سادات به خصوص پس از مذاکرات کمپ دیوید و قرارداد صلح مصر و اسرائیل اتخاذ کرده با فرستادن سفیر به این کشور بسیار مخالف است.

۷ یک موضوع ناراحت کننده این است که کاردار جدید مصری حسن قندیل بنا به گزارشات خود گفته است که او امیدوار است که روند مذاکرات کمپ دیوید با شکست روبه رو شود، تا سیاست مصر با کمک به بهبود روابط شوروی و مصر تغییر کند. ما هنوز با قندیل ملاقات نکرده ایم و این اطلاعات را از طریق قیظ و یا مشاورمان وحبا دریافت نکرده ایم (در صورتی که وزارتخانه یا سفارت اطلاعاتی در مورد قندیل در اختیار ما بگذارد ما بسیار ممنون خواهیم شد).

۸ در رابطه با ارتباطات نظامی مصر و شوروی رابطهای مصری ما وجود هر گونه نقل و انتقال

محموله های مهم نظامی از شوروی به مصر و یا تلاش در جهت بهبود روابط نظامی را شدیداً تکذیب کرده اند. ظاهراً دریافت محموله های کوچک نظامی روسی شامل قطعات یدکی ممکن است شامل روابط بازرگانی مجدد باشد و علاوه بر این، این گونه لوازم را مصر می تواند از طریق اروپای شرقی نیز برای خود فراهم کند. یکی از این رابطهای مصری ما در این زمینه از رومانی و یوگسلاوی نام برد، لیکن ما هنوز نتوانسته ایم آن را مورد تأیید قرار دهیم.

۹ یکی از نگرانیهای مهم شوروی که در بسیاری از گفتارها و ملاقات نیز مشهود است همان رابطه کمک نظامی بین مصر و آمریکا و هدف اساسی سیاسی نظامی از چنین حرکتی می باشد. پاول آکاپوف معاون اول دپارتمان خاور نزدیک در بحثی که درباره خاورمیانه با مقام سفارتی داشت اهداف آمریکا در مسلح کردن مصر را مورد سؤال قرار داد. وی ادعا می کند با عطف به این واقعیت که قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل امضاء شده است، پس هدف آمریکا از مسلح کردن مصر قرار دادن آن کشور در برابر یکی دیگر از همسایگان عرب این کشور و یا در برابر یک کشور آفریقایی می باشد. مقام سفارتی به روابط نظامی مهم بین شوروی و دیگر کشورهای عرب اشاره کرد گفت که مصر از حق حاکمیت خود برای برآوردن نیازهای مشروع دفاعی خود بهره می برد. آکاپوف بدینی خود را نسبت به موضوع این طور ابراز داشت که مسخره است که فکر کنیم که امضاء یک قرارداد صلح باید به مسلح سازی منجر شود و اشاره کرد که به نظر او مصر خود را برای ایفای یک نقش سیاسی نظامی در منطقه آماده می کند. او به اندازه مطبوعات روسی بی پرده

سخن نگفت که مصر با هماهنگی با آمریکا و اسرائیل می خواهد نقش ژاندارم در خاورمیانه را ایفا کند، لیکن این را می توان از گفته هایش به وضوح مشاهده کرد.

۱۰ این نگرانی روسیه احتمالاً از طرفی به خاطر انعکاس گزارشات مطبوعاتی آمریکا پیرامون تعاون نظامی آمریکا و مصر به وجود آمده و به خصوص از طرف دیگر به خاطر مقالاتی چون مقاله کریستوفر رن که از قول یک مقام مهم مصری در نیویورک تایمز نوشته شده است. البته مصر ژاندارم آمریکا نخواهد بود. لیکن زمانی که بین آمریکا و مصر منافع مشترکی وجود داشته باشد، چرا با هم همکاری نکنیم و در رابطه با توسعه طلبی روسیه، ما دارای منافع مشترک هستیم. تون

یادداشت اطلاعات دفاعی آژانس اطلاعاتی دفاعی

سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۵ آبان ۱۳۵۸ ۲۷ اکتبر ۷۹ سری غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

از: آژانس اطلاعاتی دفاعی در واشنگتن دی. سی. به: آژانس اطلاعات دفاعی (CUR INTEL)

موضوع: یادداشت اطلاعات دفاعی آژانس اطلاعاتی دفاعی

۱ (خیلی محرمانه / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته دفاعی آمریکا در موگادیشو، ارسال اخیر ۲۲ دستگاه تانک تی ۵۴ را از مصر به سومالی مورد تأیید قرار داده است. ظاهراً این تانکها در اوائل مهر وارد شده و در رژه نظامی پایتخت سومالی در تاریخ ۲۹ مهرماه شرکت کرده اند. محموله مشابه دیگری در اواسط آبان ارسال خواهد شد. ۴۴ دستگاه تانک دیگری که ارسال خواهد شد محموله تسلیحاتی ارسالی مصر به سومالی را تکمیل خواهد کرد.

۲ (سری / غیرقابل رؤیت برای بیگانگان) ارسال این تانکها احتمالاً نتیجه مستقیم دیدار علی، وزیر دفاع از موگادیشو در اردیبهشت گذشته بوده است. کمی پس از مراجعت خود به قاهره در خرداد، علی در

مورد سومالی با سفیر آمریکا گفتگو کرد و خاطرنشان ساخت که مصر می تواند تعدادی از تانکهای مورد نیاز آن کشور را تأمین نماید، لیکن قادر نیست تعداد دقیق ۲۰۰ تانک مورد نیاز دولت مذکور را فراهم آورد.

۳ (سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) علیرغم فشارهای وارده از سوی اعراب تندرو، به خصوص عراق، سومالی یکی از سه کشور عربی است که پس از امضاء قرارداد بین مصر و اسرائیل توانسته است روابط عادی خود با مصر را حفظ کند. به همین دلیل، علاوه بر خطر نظامی که از طرف اتیوپی متوجه سومالی است، رئیس جمهور سادات، قطعاً به ارائه کمک نظامی به دولت مزبور ادامه خواهد داد. با این وصف علاوه بر مشکلات مهم قاهره در زمینه قطعات یدکی و مسائل دیگر، کمک مصر نخواهد توانست نیاز سومالی را برآورده سازد. تا اردیبهشت ماه گذشته، حدود ۱۰۰ نفر مستشار نظامی مصری در سومالی به سر می بردند.

تهیه شده توسط: سرگرد تی. سیمپسون، نیروی هوایی آمریکا، ۵ JSI

کتاب پنجاه و پنجم

خط میانه (۵)

ص: ۲۵۲

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

اسناد مندرج در کتابهای شماره ۲۵ الی ۲۸ از مجموعه اسناد لانه جاسوسی که تحت عنوان «خط میانه» در گذشته منتشر شده است، عموماً به معرفی چهره های جریان حامی منافع نامشروع آمریکا و چگونگی امیدها و برنامه ریزیهای دستگاه محاکمه آن در جهت فعال کردن و جانشینی این جریان به جای خط انقلاب و امام می پرداخت. یادآور می شود این اسناد متعلق به بخش سیاسی جاسوسخانه آمریکا در تهران بوده است.

در خلال این مدت بازسازی بخشی از اسناد ایستگاه سیا «سازمان جاسوسی آمریکا» در تهران که تحت پوشش سفارت فعالیت می کرد نیز به پایان رسید که در واقع مکمل اسناد گذشته بوده و با وضوح بیشتری پشتیبانی عملیاتی و جاسوسی آمریکا از تقویت جریان خط میانه را نشان می دهد. این اسناد در دو جلد در اختیار امت انقلابی و افکار عمومی جهان قرار می گیرد تا سند دیگری در حقانیت مبارزات ملت ما در منزوی ساختن جریانات سیاسی وابسته باشد، جلد اول آن شامل اسناد شریعتمداری، مقدم مراغه ای و حسن نزیه و جلد دوم مربوط به چهره های شناخته شده ای از قبیل امیر انتظام، بهرامیان، خسرو قشقائی و چهره های ناشناخته دیگری از جمله تورج ناصری و علی سیف پور فاطمی می باشد.

مجموعه حاضر افشاگر طیف گسترده ای از عناصر و جریاناتی است که با شعارهای استقلال، دموکراسی و حقوق بشر و حتی لوای دین، مجریان و کارگزاران مقاصد کسانی بوده و هستند که آرمانشان در قبال ملل محروم چیزی جز استعمار و استثمار نیست، اسناد افشاگر جناحهایی است «که هر چند در این آب و خاک زاده شده و پرورش یافته اند» و هر چند شکست افسانه دیرینه شکست ناپذیری آمریکا را به دست این مردم دیدند، باز مصلحت مملکت و ملت را از وی می جویند؛ «حالایی که مملکت ما و ملت ما قدرت آمریکا را در اینجا شکست داده است باز روابط با آمریکا دارند، این ننگ را کجا باید برد و این

شکایت را پیش که باید کرد؟» آن جمعیت و اشخاصی که در ازای دریافت وعده حمایت سیاسی، حقوق ماهیانه، ارضای جاه طلبیهای فردی و سیاسی و بهتر بگوییم «عشق به آمریکا» آگاه یا ناخودآگاه دل در نابودی، نظامی بسته بودند که بر گستره کفر زده گیتی، منادی اسلام، استقلال و آزادی است. این طیف گسترده را مقدس مابان سیه قلبی که زنگار نفسانیتشان حائل قلب و خدایشان شده، وجیه المله هایی که افسار ملی گرایی ساخته امپریالیسم بر گردنشان افتاده، ملی گرایان مسلمانی که تربیت یافتگان فرهنگ

غربند و سلطنت طلبان معلوم الحالی که کوس رسوائیشان در همه جا نواخته شده، تشکیل می دهند.

اما آن مقدس مابان: «که اظهار اسلام می کنند و کمر اسلام را می خواهند بشکنند و کار مسلمانان با اینها مشکل است. حل مسئله اینها بسیار مشکل است... که هویدا معلوم بود دشمن اسلام و مسلمین است و نصیری هم معلوم بود که مردم را چه کرده و تکلیف مردم با او معلوم بود... آن آدم مقدس مابی که تسبیح هم دستش گرفته است و به اسلام هم دارد می گوید من خدمت می کنم، این مقدس ماب را چه باید بکنیم؟»

(سخنرانی حضرت امام ۲۴/۹/۵۸)

حدیث وجیه المله ها، حدیث آنانی است که مأمور بودند تا انقلاب را از درون پیوسانند و «در انقلاب ایجاد نفاق و اختلاف کنند و مدفونش کنند و پس از اینکه انقلاب در خود مدفون شد... یک بساطی درست کنند و همان مسائل سابق را پیش بیاورند... یک مستی از اراذل، یک مستی از اشخاص از خدا بی خبر، یک مشت از اشخاصی که از خانه هایشان چیزهای ننگ آور بیرون آمده است دیگرانشان هم همین طور اینها آمده اند در مقابل همه مسلمین به کمک کارتر و امثال کارتر فعالیت بکنند. سخنرانی حضرت امام ۱۹/۹/۵۸.

حدیث دسته سوم، حدیث آن کسانی است که در طی حاکمیت پنجاه ساله ظلم و ضلالت در این سرزمین، در همان چارچوبی پرورش یافته، اندیشه و عمل کرده اند که شیطان بزرگ برای ترویج آن آمده بود حدیث «همین آدمی بود که معلوم شد چکاره است، مع الاسف همینها باز از اینها تعریف می کنند برای اینکه مغز عوض شده است، یک کسی که پنجاه سال مغزش را آنها تربیت کرده اند و از مغز انسانی بیرونش کردند یک مغز غربی رو آن گذاشتند. این هر چه همه که ضربه از غرب به این مملکتش بخورد، به این کشورش بخورد باز از آنها تعریف می کند، باز هم دنبال این است که برگرداند...» (سخنرانی حضرت امام

خط میانه، خط همپیمانان با کفر است «خودآگاه یا ناخودآگاه» که بر ضد پاکترین انسانها بسیج شده اند. انسانهایی که در حد توان خویش عزم را بر حاکمیت بخشیدن به قوانین قرآن، سنت رسول الله و ائمه معصومین جزم کرده اند. مثل پیروان خط میانه» مثل ابوسفیان و همان اشخاصی است که در آن وقت با هم پیوند می کردند که نگذارند پیغمبر اسلام یک حکومتی تشکیل بدهد. آنها از اسلام می ترسیدند برای منافع خودشان، اینها هم که الان دارند مخالفت می کنند از اسلام می ترسند برای منافع خودشان و برای منافع اربابان خودشان خدمتگزار اجانب هستند. آنها از اینها حالشان بهتر بود، برای اینکه آنها برای اجانب نبود، آنها خودشان می خواستند قیام کنند و برخلاف اسلام قیام کردند، اینها برای اجانب دارند قیام می کنند و برای اجانب فعالیت می کنند که قیام شما مردان خدا را فلج کنند. (سخنرانی حضرت امام

۳۰/۹/۵۸)

در دنباله مطالب سعی می شود که با استفاده از اسناد، دیدگاههای آمریکای و افراد منتسب به خط میانه پیرامون انقلاب اسلامی و نحوه مقابله با آن آورده شود.

شرکت و دخالت آمریکا در تمام شئون مملکت و رشد طبقه متوسط در ایران این توهم را برای آمریکا پیش آورد که مذهب به عنوان یک عامل انقلاب، صورت ضعیفی پیدا کرده و حرکاتی که ممکن است نارضایتی از رژیم شاه را دامن بزند جریانات چپ و جریانات راست ناسیونالیستی الهام گرفته از غرب با پوشش مذهبی یا غیرمذهبی است. البته این بدان معنی نیست که آمریکا واقعیتهای جامعه ایران را نادیده

گرفته باشد و پارامتر مذهب را کاملاً حذف کرده باشد، بلکه بدین معنی است که، اهمیتی که برای جریان‌هاست راست و چپ قائل می‌شد برای حرکت‌های مذهبی قائل نمی‌شد. آمریکا با این دید به شناسایی و برآورد ماهیت مخالفتها با رژیم شاه پرداخت. در این شناسائیه‌ها غیر از دو هدف عمده که یکی برآورد میزان نارضایتی از شاه و رژیم سلطنتی و دیگری هدایت این جریان‌ها به کانال حمایت از شاه بود، هدف سومی را نیز دنبال می‌کرد که آن شناخت جناح و جبهه بندیها و کلاً تشکیلات و سیاستهای بافتهای مخالف بود تا از طریق آن عناصری را که مناسب می‌دید به کار گیرد و پرورش دهد تا در صورت مواجه شدن جدی شاه با خطر «آخرین احتمال»، رژیمی مرکب از این عناصر بر سر کار آورد تا منافعش به روال قبل تأمین شود، «البته نباید از نظر دور داشت که این افراد و جریان‌ها نیز بنا بر ماهیتشان خواه ناخواه سر از آخور امپریالیسم در می‌آورند». در این زمینه آمریکا به تمام اهداف تعیین شده اش دست می‌یابد.

قیام ۱۵ خرداد هشداری بود تا آمریکا در مورد ارزیابی خود درباره جریان‌ها مخالف تجدید نظر کند. با توجه به این قیام و نقش روحانیت بیدار و مجاهد شیعی و میزان حمایت مردم از آن، آمریکا دریافت که مذهب و روحانیت هنوز عوامل منفرد و مؤثر در بسیج توده‌ها علیه شاه و استبداد شاهنشاهی هستند. در پی این امر، آمریکا در صدد برآمد تا در حین کارکردن در مورد جریان‌ها راست مذکور، دست به شناسایی و احتمالاً به کارگیری عناصری در میان روحانیت بزند و در صورت امکان بتواند با نفوذ با پرورش فردی به عنوان مرجعیت این ستون عظیم تشیع را در خدمت مصالح خویش به کار گیرد. همسانی نیازهای عملیاتی ساواک و سیا و هماهنگی آنها با هم در اجرای طرحهایشان، آنها را به سمت فردی بنام سید کاظم شریعتمداری سوق داد.

دیدگاه شریعتمداری در مورد آمریکا همچون دیگر هم سخنانش مبتنی بر این نگرش بود که

عدم حضور آمریکا در ایران برابر با نابودی استقلال این مملکت است و علت پناه بردن به دامن کفر

امپریالیسم را مترسک سر خرمن آمریکا یعنی کفر کمونیسم و شوروی می دانستند و اعتقاد به این عقیده کافی بود تا آمریکا برای ایشان حساب باز کند. به هر صورت شریعتمداری تا قبل از انقلاب در لباس شامخ مرجعیت و تحت حمایت ساواک در ظاهر و سیا در باطن به رشد بادکنکی خویش ادامه داد تا در روز مبادا بتواند منافع امپریالیسم را برآورده کند.

علیرغم تلاشهای آمریکا از کانال عناصر خط میانه برای جلوگیری از سقوط شاه و سرنگونی رژیم سلطنتی، از دولت آشتی ملی و نخست وزیری بختیار گرفته تا اعلامیه های آرامش بخش و حمایتهای پنهانی از نظامیان از سوی روحانی نمایان، آمریکا نتوانست در مقابل توفندگی و عظمت انقلاب تاب مقاومت بیاورد و توان تحلیل و مقابله با آن را از دست داد و در نهایت انقلاب اسلامی با پیروزی خویش استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را نوید داد.

علتهای عمده ای که آمریکا به خاطر آن نتوانست در مقابله با انقلاب اسلامی به موفقیت دست یابد، یکی اعتماد بیش از حد آمریکا به رژیم شاه و عواملش در درون این رژیم و اعتماد به تثبیت نظام شاهنشاهی بود و دیگری یکسان دانستن و همتراز کردن مبارزات مذهبی با جنب و جوشهای برخاسته از گرایش ملی گرایانه و التقاطی، که با توجه به شناختی که از آنان داشت و با توجه به طرز فکر و وابستگیهای سران و گردانندگان جریانات فوق تصور می کرد می تواند مانع از روی کار آمدن رژیمی بشود که منافعش را تهدید نماید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و درک نسبی عوامل مؤثر در پیروزی آن، آمریکا بر آن شد تا از کانال همین افراد موجبات روی کار آمدن دولتی را فراهم کند که علیرغم تفاوت اسمی و اختلافات صوری با رژیم پهلوی باز هم بازار خوبی برای صنایع نظامی و مصرفی و پایگاه خوبی برای جاسوسی و منبع تأمین انرژی مطمئنی برای چرخهای صنعتی آمریکا باشد. به همین جهت دست به کار استفاده فعال از عناصر خود در رئوس جریانات خط میانه بودند، می شود.

در اینجا سوای از اهداف آمریکا در قبال انقلاب اسلامی، برخوردها و اهداف گروههای خط میانه نیز مطرح می شود. رشد سریع و سرعت توفنده و تاکتیکهای منحصر به فرد انقلاب اسلامی در مقابله با حاکمیت امپریالیسم موجب شد که گروههای مذکور نیز همچون اربابشان نتوانند تحلیل جامعی در مورد سیر وقایع و حوادث داشته باشند و با فرصت طلبیهای گاه و بیگاه در روند انقلاب اسلامی بیشتر به طور ناخواسته و برای حفظ ظاهر دنباله روی رهبری انقلاب و مردم بودند. سرعت انقلاب و کسب وجهه کاذب این عناصر در بین مردم در آغاز انقلاب و پیروزی آن، عامل عمده ای بود که ماهیت حقیقی شان پوشیده ماند، ولی حقانیت انقلاب اسلامی و عدم همزیستی حق و باطل چهره پلید یکایک اینان را افشا کرد و رسوایشان ساخت.

خصیصه فرصت طلبی و منفعت پرستی فردی و عدم درک اوضاع در آغاز انقلاب باعث شد که جریانات مذکور نتوانند موضع واحدی بر علیه انقلاب اسلامی بگیرند. گروهی با دستیابی به شغلهای حساس و امکان تحقق بخشیدن به ایده آلهایشان و گروهی دیگر با خیال رسیدن به پستها و مقامها برای اعمال عقایدشان، برای مدتی باز از ابراز عقاید قلبیشان پرهیز می کردند، اما مغایرت نیت اینها با مقاصد ملت که همانا تحقق یافتن احکام اسلام بود و در جریان مجلس خیرگان، تدوین قانون اساسی و اجرای احکام اسلام بروز می کرد باعث شد تا پرده از چهره کریه خود بردارند. دسته ای به مقابله علنی با انقلاب

اسلامی پرداختند، گروهی با استفاده از آنچه که انقلاب در دست‌رسان گذاشته بود شروع به تخطئه آرمانهای انقلاب نمودند و عناصری دست به ایجاد تشکیلات سیاسی زدند و فی الجمله تهیه مقدمات برای سرنگونی جمهوری اسلامی، و گسترش روابط با آمریکا را در رأس برنامه های خویش قرار دادند.

تلاشهای سیا در این میان در درجه اول به تهیه تحلیل جامعی از اوضاع ایران و سپس تعیین خط مشی باتوجه به تحلیل صورت گرفته و سرانجام شیوه اعمال خط مشی معطوف بوده. سیا با به کارگیری تمام عوامل خود در ارتش، ادارات و وزارتخانه ها و افراد شاغل در قسمتهای بازرگانی اولویت کامل را به جمع آوری اطلاعات در مورد کلیه جریانات داخلی و مسائل مورد نیاز اختصاص داد و سپس با توجه به اطلاعات به دست آمده خط مشی و شیوه اعمال آن را به صورت خلاصه به نحو زیر ارائه داد:

۱ خط مشی سیا «آمریکا» در قبال انقلاب اسلامی آمریکا در سطح حاکمیت و عناصر دخیل در آن در ایران خود را با دو جریان عمده روبه رو می دید، یکی رهبری انقلاب و یاران و همفکران ایشان، دیگری طیف خط میانه که هر کدام به نحوی مصدر امری شده بودند و یا قدرت آن را داشتند که بتوانند عامل به عملی شوند. عزم قاطع امام بر پیاده کردن احکام اسلام و حاکمیت قرآن در جامعه و ستیزه جویی و سازش ناپذیری ایشان در برابر تمامی مظاهر کفر از غرب گرفته تا شرق و عوامل آنها، آمریکا را متوجه کرد که تحقق حاکمیت خط امام به معنای مرگ تمامی آرزوهای امپریالیسم برای دستیابی مجدد به منافع این مرز و بوم است. آمریکا در مقابله با این خط و با توجه به عواملی که در اختیار داشت تصمیم بر نابودی

و سرنگونی جمهوری اسلامی گرفت. اما به خاطر نقصان عوامل کارا و برای شناسایی، پرورش و جایگزین کردن یک نیروی کاملاً وفادار به خود که قدرت نظامی هم داشته باشد «آمریکا گمان می کرد چنین نیرویی در درون ارتش وجود دارد» و همچنین زمان مورد نیاز برای چنین طرحی در مرحله اول سعی کرد تا یک ائتلاف متشکل از سران بالقوه لیبرالهای سیاسی، چهره های مذهبی میانه رو، سران ارتشی متمایل به غرب، سران قبایل و گروههای قومی را رهبری کند و برای به دست گیری حاکمیت «موقت» راهنمایی نماید، تا فضای مناسب و بازی برای پیاده کردن طرح اصلی خود بیاید. بالطبع در صورت پیاده شدن طرح اصلی، این عناصر کنار گذاشته نمی شدند، بلکه در جهت مصالح و منافع همان رژیم به کار گرفته می شدند. علت آنکه آمریکا به حاکمیت عناصر خط میانه اکتفا نمی کرد آن بود که در کنار آنها مجبور می شد به اعمال فشارهایی که از جانب خط امام صورت می گرفت تن در دهد، ولی آمریکا رژیمی را می خواست که کاملاً به خواسته هایش گردن نهد. «آمریکا همزمان با این طرحها، در استفاده از عوامل ضد انقلاب اعم از ساواکیها، بختیار، سلطنت طلبها و کلاً عناصری که از آغاز مخالفت علنی با انقلاب اسلامی داشتند، کوتاهی نمی کرد که در این مجموعه به خاطر اختصاص یافتنش به خط میانه از ذکر آنها خودداری می شود. اسناد مربوط به این افراد در کتاب شماره ۳۸ به چاپ رسیده است.»

۲ اعمال خط مشی به دنبال تصمیم سیا مبنی بر تشکیل ائتلافی متشکل از لیبرالهای سیاسی و چهره های دینی میانه رو و کلاً عناصر خط میانه، کسی که به گمان آمریکاییها احتمال داده می شد این ائتلاف را سرعت ببخشد، شریعتمداری بود. علت انتخاب شریعتمداری به عنوان محور این جریان، این ویژگی بود که وجهه مذهبی وی آن هم در سطح مرجعیت عاملی بود که هم در رابطه با مردم مسلمان کارساز بود و هم شخص وی تمام ملزومات تحقق بخشیدن به چنین ائتلافی را دارا بوده است. تشکیل چنین ائتلافی برای سیا بدین مفهوم نیست که سیا قصد داشته تشکیلات مجزای این افراد را در هم ادغام

کند، بلکه سعی داشت که از کانال هر کدام از این جریانات هدفهای مقدماتی طرح اصلی را نیز تحقق بخشد. مثلاً از طریق خسرو قشقایی و مدنی می خواست روزنامه ای برای بیندازد تا زمینه فرهنگی و تبلیغاتی را آماده کند؛ از طریق نهضت آزادی و دولت موقت سعی در بی اعتبار نشان دادن تصمیمات سیاسی متخذه از سوی امام نماید؛ از طریق حزب خلق مسلمان با رهبری شریعتمداری قصد راه اندازی روزنامه ای را داشت تا حضور سیاسی خویش را وجهه مذهبی ببخشد. البته این برنامه های هماهنگ شده از سوی سیا در عمل، گذشته از اینکه اختلافات صوری این گروهها را حل می کرد عاملی بود که در جهت خط مشی اصلی «تشکیل ائتلاف» رانده شوند و تماس و ارتباط آنها را با همدیگر تضمین می نمود «تماسهای طرح ریزی شده جبهه ملی، خسرو قشقایی و... با شریعتمداری که در اسناد ذکر آنها رفته بیانگر قدمهای اولیه برای برآوردن این هدف است».

نتایج حاصله از تلاشهای سیا برای تحقق اهدافش در اسناد به خوبی قابل مشاهده است. در پایان اسامی عناصری از این طیف که یا عضو سیا بوده اند و یا به نحوی اطلاعات در اختیار مأموران سیا قرار می داده اند ذکر می شود و خود اسناد به صراحت گویای خودفروختگی و خودباختگی آنهاست.

نهضت آزادی:

بهرام بهرامیان عضو رهبری عالی نهضت آزادی؛ عامل حقوق بگیر سیا از سال ۱۳۵۶.

عباس امیرانتظام عضو عالیرتبه نهضت آزادی؛ عامل سیا از اوائل دهه ۱۳۴۰ «در سندی که در این مجموعه آمده مأمور سیا جرج کیو به رئیس سیا اظهار می دارد که امیر انتظام در اوائل دهه ۱۳۴۰ با وی کار می کرده است»؛ مأمور تماس برای تبادل اطلاعات با سیا، از سوی دولت بازرگان.
باند ملی گراها:

سام سنجابی در تماس با مأموران سیا در سانفرانسیسکو بوده است. از آنجایی که وی فرزند کریم سنجابی بوده، سیا از وی به عنوان واسطه ارتباط با رهبری جبهه ملی استفاده می کرده است.
خسرو قشقایی عامل سابقه دار سیا؛ انگیزه وی از همکاری با سیا گرفتن قول حمایت مالی و سیاسی در جهت نیات و اهداف آینده اش در قبال جمهوری اسلامی بوده است.
رحمت الله مقدم مراغه ای عامل سیا از ۱۳۴۰ و دوست دیرینه قرارگاه سیا در تهران از ۱۳۳۲.
حسن نزیه عامل سیا، «تاریخ رابطه وی با سیا به قبل از انقلاب بازمی گردد».
در مورد ارتباط با عناصر مذهبی میانه رو از سوی سیا و در رأس آنان شریعتمداری، به اسناد شریعتمداری مراجعه شود.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پائیز ۱۳۶۴

توضیح اسناد مربوط به شریعتمداری

افراد ذیل از سوی سفارت و سیا در رابطه با شریعتمداری بوده و یا گزارش داده اند:

۱ فرانک باروز

شغل: رئیس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا

باروز به دنبال ملاقاتی که با شریعتمداری داشته به سفارت گزارش می دهد که شریعتمداری به وی گفته است که به علت اینکه همیشه اطلاعات موثقی به دستش نمی رسد احساس می کند که برای سر و کار داشتن با مسائل جاری آمادگی چندانی ندارد. کاردار این اظهار شریعتمداری را به عنوان یک دعوت ضمنی شریعتمداری از دولت آمریکا برای تهیه خبر و اطلاعات و در جریان قرارداد او تعبیر می کند. در همین رابطه ستاد سیا به دنبال این گزارشات علاقه خود را به خواست ظاهری شریعتمداری به اخذ اطلاعات از دولت آمریکا ابراز می دارد و به دنبال مجرای مناسبی برای رساندن اطلاعات به وی می گردد. در آغاز به دنبال آن بوده اند که در صورت توافق باروز از وی بخواهند که به شریعتمداری بگوید، یک پیک مورد اعتماد را معین نماید «که انگلیسی بداند» تا اطلاعات را از طریق وی دریافت دارد و پس از تهیه مقدمات باروز از صحنه خارج شود.

باروز در رابطه با شریعتمداری این نظر را داشته که سفارت باید مشوق دیدگاههای میانه روانه او باشد تا او احساس اطمینان نماید که در طرفداری خود از نظریه «نیاز به ابقای بازرگانی خارجی در ایران» از تأیید آمریکا برخوردار است. باروز شریعتمداری را بهترین امید تجارت در ایران می دانست.

سیا با توجه به دیدگاه محدود وی در مورد شریعتمداری و اینکه فقط جزئی از اهداف سیا را در نظر

دارد و می خواهد که این ارتباطات در محدوده کارهای سفارت باشد، از امکان به کارگیری وی

چشم پوشی می کنند اما بدون اینکه او را به عنوان یک کانال بالقوه از نظر دور بدارد.

۲ نام واقعی: نامعلوم

نام رمز: اس. دی. ولید

شغل. احتمالاً کار تجاری و دارای املاک و مستغلاتی بوده است یکی از جاسوسان حرفه ای سیا که در زمینه امور نفتی، تماس با رؤسای جبهه سیاسی ضدانقلاب منجمله فروهر، علی اسلامی از سران حزب خلق مسلمان و رؤسای شرور بعضی قبایل ترکمن صحرا و خوزستان و کارگذاری و استفاده از وسائل جاسوسی، فعال بوده «موضوع پیش بردن عملیاتی که بنابر آن تله متری «کسب الکترونیکی اطلاعات از راه دور» به طور مخفی برای آمریکا تهیه می شود و در سند ۷ آبان ۵۸ ذکر شده در رابطه با همین جاسوس است».

سیا بعد از اظهارت باروز، اس. دی. ولید را که قرار بوده برای یادبود مرگ پدرش به قم برود مأمور می کند که با شریعتمداری تماس بگیرد. هدف عمده از این تماس این بوده که از مفاد مکالمه و نوع استقبال شریعتمداری از وی سرنخی درباره امکان استفاده آینده از ولید را ارزیابی کنند.

ولید در ۱۰ اردیبهشت در قم با شریعتمداری ملاقات می کند و ابراز می دارد که پیغامی حاوی، عرض ارادت دوستان ایرانی و آمریکایی خود را در آمریکا برای شریعتمداری آورده است. شریعتمداری به گفته

ولید از این پیغام مسرور می شود. این ملاقات پس از مقداری صحبت و اظهار مواضع شریعتمداری با دعوت مجدد ایشان از ولید با این بیان که «یک بار بیا، دوباره، هر چند بار که دوست داری» به پایان می رسد. سیا پس از این دیدار می گوید که گزارش ولید با شواهد اخیر مبنی بر اینکه شریعتمداری ممکن است بخواهد کانال مناسبی با دولت آمریکا برقرار کند هماهنگی دارد.

در ۳۱ اردیبهشت قرارگاه تصمیم می گیرد که ولید را برای درک هرگونه علامتی از سوی شریعتمداری مبنی بر میل به برقراری تماس «اطلاعاتی» با سیا به قم بفرستد. این ملاقات در صبح ۵ خرداد صورت می گیرد. در این ملاقات، علیرغم تعجب ولید، به زودی و گرمی پذیرفته می شود. ولید با اظهار اینکه دوستان آمریکایی وی ابراز احترام نموده و گفته اند که می دانند او «شریعتمداری» در صحنه سیاسی ایران می خواهد چه بکند، از شریعتمداری می خواهد که با توجه به میل احتمالی دوستان آمریکاییش نام شخصی را که درباره این امور با وی مذاکره کنند بدهد. شریعتمداری می گوید که حزب سیاسی وی احتیاج به کمک دارد و از ولید می خواهد که با سران حزب صحبت کند و به حزب بیوندد. ولید می گوید که قصد دارد به حزب بیوندد، اما فکر می کند بهتر آن است که این تماسها توسط فردی صورت پذیرد که شریعتمداری کاملاً به وی اعتماد داشته باشد و مطمئن باشد که این امور را محرمانه نگه می دارد.

شریعتمداری نام پسرش حسن را به ولید می دهد و می گوید هر کدام از دوستان را که می خواهد نزد حسن ببرد. ولید در ملاقاتش با قرارگاه اظهار می دارد که شریعتمداری می دانست چه نوع رابطه ای در حال برقراری بود و به خوبی می داند که «دوستان آمریکایی» همان دولت آمریکا است.

ولید سپس به ملاقات حسن می رود و آنچه را بین او و پدرش گذشته به وی بازگو می کند، طی آن ملاقات حسن نشانی و تلفن خود در تهران را به ولید می دهد و از او دعوت می کند که هرگاه آماده بود همراه یا بدون «دوستان» تماس بگیرد. کفیل ریاست قرارگاه تهران «گلگروف» از ولید می خواهد که با

حسن ملاقات کند، اما نوعی بهانه هم دست و پا کند تا از سرعت جریانات برای مدت کوتاهی کاسته شود.

در همین ضمن، قرار می شود ولید به حزب خلق مسلمان بپیوندد. در اینجا سیا اظهار می دارد که ولید

کاری عالی انجام داده و یک کانال مستقل، محتاط و ظاهراً بسیار قابل اطمینان به شریعتمداری برای ما

تهیه کرده است.

در ۲۰ خرداد گلگروف تحت پوشش مأمور دیپلماتیک سفارت با حسن شریعتمداری ملاقات می کند.

ولید معرفی را انجام می دهد و به عنوان مترجم عمل می کند. ضمناً قرار بوده که ملاقات دیگری از سوی

ولید با حسن در مورد اینکه آمریکا چه کار باید بکند در ۲۲ خرداد صورت گیرد.

در رابطه با این ملاقات و ادامه کار اس. دی. ولید در جریان شریعتمداری اسناد دیگری به دست نیامده

است. تنها یک سند دیگر در مورد ولید در این بخش موجود است که وی پس از ملاقات با افراد مهم قبائل

ترکمن که اهل ناحیه گناباد بودند به سفارت گزارش می دهد که این قبایل قصد مبارزه مسلحانه داشته اند،

اما شریعتمداری این کلام را به آنها رسانده که فعلاً مقاومت مسلحانه را شروع نکنند.

نکته قابل تذکر این است که عوامل دیگری که سیا در جریان شریعتمداری به کار می گرفته از وجود

بقیه کانالها و رابطین بی اطلاع بوده اند.

۳ نام اصلی: سرتیپ «یا سرلشکر» فرازیان

نام رمز: اس. دی. جانوس / ۱۳

شغل: مقام عالیرتبه سابق ساواک

۴ نام اصلی: مرتضی موسوی

شغل: مدیر و رئیس شرکت پیرانکو

فرازیان پیش از انقلاب با قرارگاه سیا تماس رسمی داشته است. وی پس از انقلاب تماس خود را از طریق ملاقات و تلفن حفظ می کرده است. در یکی از اولین ملاقاتهای بعد از انقلاب وی موسوی را به مأمور قرارگاه به عنوان بازرگانی که با شریعتمداری رابطه دارد معرفی می کند.

در سند ۲۰ اردیبهشت، سیا در پی مسائل مربوط به باروز و ولید در مورد شریعتمداری به اقدامی که از سوی فرازیان صورت گرفته مبنی بر اینکه تمایل شریعتمداری به ایجاد رابطه با آمریکا را ارزیابی نمایند، اشاره می کند و می گوید این حرکت از جانب یکی از زیردستان شریعتمداری انجام گرفت.

در پی تصمیمات سیا برای یافتن یک کانال رضایت بخش با شریعتمداری و مسائلی که تا حدودی ذکر آنها رفت، فرازیان نیز به عنوان یک احتمال در نظر گرفته می شود. اما دادن اطلاعات از طریق یک مقام سابق ساواک «فرازیان» و ارتباط بین او و شریعتمداری با توجه به حساسیت جامعه نسبت به ارتباط یک ساواکی با شریعتمداری و احتمال لو رفتن این رابطه، سیا را در صحیح بودن این رابطه به تردید می اندازد.

هرگونه تصمیم گیری در مورد نحوه اقدام به ارتباط با شریعتمداری برای سیا مستلزم داشتن اطلاعات کافی در مورد کلیه جوانب ایران و آمادگیهای بالقوه و بالفعل شریعتمداری برای تکیه به وی به عنوان عنصری که کارایی لازم را در آینده داشته باشد و بتواند منافع آمریکا را تضمین کند، بوده است. حزب شریعتمداری «حزب خلق مسلمان» به عنوان یکی از راههای نیل به این اهداف و دسترسی به اطلاعات

مورد نظر سیا قرار می گیرد و باز هم فرازیان به خاطر ارتباط و کسب اطلاعات از این حزب فرد مفیدی تشخیص داده می شود.

فرازیان به خاطر جاه طلبیهای فردی و سیاسی در تلاش طلبیهای برای تضمین حمایت آمریکا از شریعتمداری این هدف را دنبال می کرده که خود را رئیس نهایی سازمان جدیدی می دیده که در زمان یک دولت تحت حاکمیت شریعتمداری تشکیل می شود. وی فعالانه ملاقات سیا با شریعتمداری را پیگیری می کرده و برای سهولت کار خویش و از بین بردن اشکال تماس خود با شریعتمداری و همفکرانش، موسوی را که دارای دیدگاههایی همچون خودش و پیرو متعصب شریعتمداری بوده، به کار می گیرد و با خود همراه می کند.

در یک مکالمه تلفنی با فرازیان و یادداشتی که وی از طریق موسوی به یکی از مأموران قرارگاه تهران می رساند، موسوی بیان می دارد که از مقامات ثروتمند ساواک که به خارج گریخته اند وجوهاتی گرفته شود، موسوی و فرازیان هر دو فکر می کنند که شریعتمداری از پشتیبانی، استقبال خواهد نمود مشروط بر آنکه یک کانال کارآمد و کاملاً امن برقرار گردد. آنها همچنین معتقدند که شریعتمداری با ملاقات مستقیم موافقت خواهد نمود.

در ۳۱ اردیبهشت سیا گرفتن خبر در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان از طریق فرازیان را تأیید

می کند و از فرازیان می خواهد که بفهمد آیا شریعتمداری ایجاد این کانال را تجویز کرده و تأیید می کند یا نه. در ۷ خرداد طی یک جلسه ای با مأمور سیا، فرازیان اظهار می دارد که وی بار دیگر با «سران» حزب جمهوری خلق مسلمان تماس گرفته بود و این افراد فکر همکاری با آمریکاییها را تأیید کرده بودند و می گوید در صورت موافقت ما، افراد منتخبی از حزب به قم خواهند رفت تا درباره مسئله با شریعتمداری حرف بزنند. تا تأیید یا عدم تأیید وی را بگیرند. فرازیان می گوید که دوستان شریعتمداری فکر می کردند که به راهنمایی سیاسی و مالی احتیاج دارند، چون سعی می کنند طرفداران خود را به مجلس بفرستند. گلگروف «مأمور قرارگاه» می گوید که قبل از مبادرت به هر عملی ضرورت دارد که مقدماتی اطلاعات کاملاً موثق به دست بیاوریم، سپس در مورد انتخابات و کیفیت نیروها از فرازیان خواستار یافتن اطلاعاتی می شود. در ۱۶ خرداد طبق گزارشی، ستاد سیا به تهران اطلاع می دهد که به خاطر تحولاتی که در ارتباط با تمایل شریعتمداری به برقراری تماس از طریق پسرش حسن سریعاً روی می دهد، در ستاد تصمیم بر این گرفته شده که به خاطر کمبود اطلاعات در مورد اقدام در مورد مسیر آینده سیاسی ایران و سرعت جریانات، ما سریعتر از حد خود به سوی اقدام سیاسی پیش می رویم، به علاوه ما خطر از دست دادن کنترل اوضاع را متوجه منابع ذخیره خود می کنیم که ممکن است خود منافع و مقاصد سیاسی خاصی داشته باشند. اگر چه منافع ما با آنها عموماً اشتراک دارد، اما دیدگاههای آنها در مورد نحوه نیل به این مقاصد و سرعت حرکت بدون شک با دیدگاههای ما تفاوت دارد، در این رابطه مسئله فرازیان را به عهده قرارگاه تهران می گذارد و می گوید با این وجود ما تصور می کنیم بهترین کار این است که با سرعت خود را از اینکه فرازیان به عنوان کانال شریعتمداری باشد خلاص کنیم، چون میل داریم فرازیان را به عنوان یک منبع ذخیره گزارشگر درباره صحنه سیاسی و سازمان اطلاعاتی حفظ کنیم و توجه به سابقه وی نشان می دهد که خطر وی به عنوان یک کانال سیاسی بیش از اندازه بزرگ است.

در تماس تلفنی با فرازیان در ۱۷ خرداد، وی به گلگروف گفت که موسوی به قم رفته و با شریعتمداری ملاقات کرده و شریعتمداری با توصیه ای که موسوی با سایر سران حزب جمهوری خلق مسلمان به او نموده بودند، مبنی بر اینکه برای بررسی امکان برخورداری از حمایت دولت آمریکا با آن دولت تماس گرفته شود «کاملاً موافقت کرده بود» شریعتمداری بعد از ابراز موافقت مشروط به دو شرط می گوید که قول می دهد در آینده برای بازپرداخت هر مقدار پولی که از دولت آمریکا درخواست خواهد شد، به هر کاری که ممکن باشد دست بزند. شریعتمداری به مرتضی موسوی می گوید که آمریکاییها را خاطر جمع کند که رقم ۵ میلیون دلار برای کمک «یعنی همان رقمی که قبلاً فرازیان به سیا رسانده بود» فقط برای تأمین.... کفایت می کند. وی می گوید مشکل پر هزینه است و نیاز به مبلغی چندین برابر مبلغ ۵ میلیون دلار است. در پایان تماس، فرازیان تأکید می کند که شریعتمداری خودش می خواهد بالفور بداند آیا دولت آمریکا می خواهد از او حمایت کند یا نه، که گلگروف توضیح می دهد که چنین تصمیمات برجسته ای معمولاً بعد از مقداری بحث و هماهنگی صورت می گیرند.

در یک تماس تلفنی دیگر با فرازیان در ۱۹ خرداد، گلگروف بر مواضع قبلی خود مبنی بر رد کمک مالی به شریعتمداری تا هنگام کامل شدن اطلاعات و به دست آوردن توافق کامل تأکید می کند ولی درباره دادن اطلاعات به وی موافقت می نماید. فرازیان از این موضوع ناراحت می شود و می گوید که اهداف شریعتمداری کاملاً روشن است و نیازی به صرف وقت بیشتر برای درک آنها وجود ندارد و شریعتمداری

برای به دست آوردن پیروان بیشتر نیاز به پول دارد تا این وجوهات را بین افراد لایق تقسیم کند و وفاداری آنها را به دست آورد، از این وجوهات برای تأمین مخارج اضافی حزب استفاده خواهد شد و در آخر می گوید که بسیار به نفع ماست که شریعتمداری... کافی... با نظریاتی به میدان بیاید که خمینی را به مبارزه بطلبد، فرازیان قرار بوده تصمیم سیا را به موسوی برساند.

در ۲۵ تیر موسوی و فرازیان با اهرن «رئیس قرارگاه سیا در تهران» ملاقات دو ساعته ای برگزار می کنند و در این ملاقات اصرار می کنند که یک مأمور سیا مستقیماً با شریعتمداری صحبت کند. در رابطه با سؤالی از سوی رئیس قرارگاه تهران مبنی بر اینکه کمک ما اگر تأمین شود چگونه استفاده ای از آن به عمل خواهد آمد. موسوی می گوید که علیرغم مرتبه اولی که پول در خواست کرده بود و شریعتمداری در آن بار قصد داشت از آن برای خرید سلاح در جهت مسلح کردن آذربایجانیهای مقیم تهران استفاده کند، اکنون اوضاع کمتر غیرعادی است.

در ملاقاتی که اهرن با فرازیان و موسوی در... مرداد صورت می دهد. فرازیان باز هم در مورد تماس مستقیم با شریعتمداری صحبت می نماید و وقتی مأمور سیا می گوید که ستاد به مزایای تماس مستقیم واقف است، اما اشکال کار در پیدا کردن کسی است که مباشرت وی با ساواک مانع آمدن وی به اینجا نشود، فرازیان اظهار می دارد که سیا می تواند با آیت الله زنجانی تماس بگیرد، چون زنجانی جنبه ثانی شخصیت شریعتمداری می باشد، وی می گوید هر چند زنجانی به انگلیسی تکلم نمی کند، ولی می توان از پسر وی فرید که فعلاً در تهران است به عنوان مترجم استفاده کرد.

در چند تماس و ملاقات بعد از دیدار در مرداد ماه و طرح مسئله زنجانی، سیا و موسوی و فرازیان در پی تهیه تدارک برای ملاقات با زنجانی بوده اند و در ملاقاتی در ۲۲ مهر، فرازیان می گوید که موسوی مطابق توافقمان به قم رفته و تأیید شریعتمداری برای آن ملاقات با زنجانی را گرفته و این کلام را نزد

زنجانی برده...

۵ نام اصلی: منوچهر نیک پور

نام رمز: اس. دی. بیپ

این فرد به ادعای خودش به واسطه موقعیت خانوادگی ممتاز و منابع مادیش رابطه دیرینه ای با شریعتمداری داشته است، آخرین تماس حضوری وی با شریعتمداری در سال ۵۷ بوده که جریان این تماس در ۱۸ اردیبهشت ۵۸ به روزنامه ها درز پیدا می کند. نیک پور در ۲۰ شهریور در تماسی با مأمور پایگاه فیلادلفیا گزارشی در مورد، شخصی به نام علی اکبر شهلا که رئیس شرکت فرعی شیشه آلات وارداتی است می دهد. نیک پور می گوید که این فرد از اقوام درجه اول و معتمد شریعتمداری است و زمانی که در ایران بود هر هفته مرتب با شریعتمداری ملاقات می نمود. نیک پور به مأمور سیا می گوید که حاضر است از طرف سیا ترتیب ملاقات با شهلا را بدهد. ستاد سیا از پایگاه فیلادلفیا می خواهد که هیچ اقدامی برای تماس با دوست نیک پور «شهلا» انجام ندهند، اما خواستار اطلاعات وی در مورد شریعتمداری می شوند.

همان گونه که در قسمت مربوط به فرازیان ذکر شد، در یکی از ملاقاتها فرازیان و موسوی می گویند که سیا می تواند با آیت الله زنجانی تماس بگیرد، زیرا وی جنبه ثانی شخصیت شریعتمداری است؛ به دنبال این

امر سیا سعی می کند در رابطه با وی سوابقی به دست بیاورد، ثانیاً از میزان ارتباط بین شریعتمداری و وی اطلاعاتی تهیه کند.

بعد از چند گزارش و اظهار نظر ستاد سیا به قرارگاه تهران اطلاع می دهد که مرور پرونده، ادعای نزدیکی زنجانی و شریعتمداری را تأیید نمی کند، اما البته امکان آن را نیز رد نمی کند و اظهار می دارد که به طور کلی موافقیم که با زنجانی به منظور جمع آوری اطلاعات درباره حزب خلق مسلمان و... شریعتمداری ملاقات شود.

به دنبال درخواست قرارگاه از ستاد سوابقی در مورد زنجانی و پسرش محمد سعید فرید زنجانی که به مناسبتی درگیر در این جریان بوده ارسال می شود.

آیت الله حاج آقا رضا زنجانی مشهور به رضا زنجانی مشهور به ملا سیدرضا زنجانی فرد شماره ۶۰۵۴ «؟» ۲۰۱ و دارای نام رمز هویت الف می باشد «سند مربوط به نام رمز زنجانی به دست نیامده» ... دوست دیرینه و نزدیک منبع ذخیره تهران اس. دی. روپ / ۱ «و یکی از امرای سابق ارتش» بود که قرارگاه را در جریان فعالیتهاش قرار می داد... زنجانی تعداد وسیعی رابط در سرتاسر ایران منجمله سیاسیون ناراضی و افراد سرشناسی که عضو دستگاه نبودند از جمله بازاربها داشت. وی قویا ضد دولتی بود... و بعد از این مقداری به سوابق فرید اشاره می کند.

در یکی از اسناد فرازیان به مأمور قرارگاه می گوید، سعید فرید پسر آیت الله زنجانی در صورتی که لایق و مایل بود در نظر خواهیم گرفت که او شاید بتواند با کارایی به عنوان مسئول تأمین مالی و پاسخگوی روابط عمومی شریعتمداری عمل کند. در یکی دیگر از ملاقاتها موسوی و فرازیان بعد از پیشنهادات ملاقات با زنجانی، فرید را به عنوان مترجم پیشنهاد می کند و سوابق فرید در این رابطه خواسته می شود.

بعد از ذکر نکاتی راجع به عوامل و جاسوسان درگیر با جریان شریعتمداری، ذکر نگرش آمریکا به این مسئله و اهدافش ضروری به نظر می‌رسد. در یکی از اسناد رئیس قرارگاه سیا در تهران برنامه کار خود را چنین تشریح می‌کند:

«من نظر خود را تا زمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی کند اعلام می‌کنم و این هم مرحله ای است که برای طی آن از دست ما تقریباً کاری ساخته نیست، کاری که از دست ما برمی‌آید و من هم اکنون درگیر آن هستم، این است که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از لیبرالهای سیاسی، چهره‌های دینی میانه‌رو و سران ارتشی متمایل به غرب «هنگامی که ظهورشان شروع شد» را شناسایی کرده و آماده حمایت از آنها شویم. کسی که بیش از دیگران احتمال داده می‌شود این ائتلاف را سرعت بخشد آیت‌الله شریعتمداری است.

در شروع کار سیا برای تماس با شریعتمداری، کفالت قرارگاه در یکی از اسناد بعد از ذکر این نکته که باب حمایت از شریعتمداری و حزبش گشوده است می‌گوید در این کار هدف ما همان‌طور که خمینی نسبت می‌دهد ایجاد شکاف در نهضت اسلامی و تضعیف آن خواهد بود، تا صاحبان افکار معقولانه‌تری بتوانند عرض وجود کنند.» در جواب به این پیشنهاد قرارگاه، ستاد سیا این نظر را تصحیح کرده و تنها ایجاد شکاف را کافی نمی‌داند، بلکه بر روی کار آوردن دولتی موافق با نظرات آمریکا را مد نظر قرار

می دهد و می گوید «هدف از اقدام سیاسی ما در ایران روی کار آوردن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر موافق داشته باشد. برای آنکه حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راههای نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم لازم است که قدرت و نفوذ آن را معین کنیم.» برای روی کار آوردن چنین دولتی راه حلشان توسعه و حاکم کردن نیروهای میانه روی موجود در جامعه بوده که دارای وجهه اسلامی نیز بوده اند و با توجه به اینکه برای استقرار چنین حاکمیتی وجود یک نیروی نظامی ضروری بوده سیا نوعی تشکیلات قابل اطمینان انتظامی اعم از ارتشی و گروههای مسلح همفکر با خودشان را در اولویت کامل قرار داده و آن را تحقق بخش نهایی ایده آلهای خود می دانسته است و در همین رابطه از قرارگاه در مورد نحوه حمایت گروههای مسلح و میزان جذبشان به حرکتهای شریعتمداری سؤال می کند. البته قبل از تحقق یافتن چنین تشکیلاتی تحکیم پایه های یک دولت میانه رو برای جلب حمایت توده و پایگاهی مردمی ضروری می نموده است. سیا در این رابطه بیان داشته که: «بهترین راه نیل به این هدف استقرار یک دولت میانه روی برخوردار از حمایت مردم است که یا تحت رهبری یا حمایت جامعه روحانیت باشد و قدرت حفظ نظم و قانون را داشته باشد.»

آمریکا و شریعتمداری

با توجه به استراتژی کلی آمریکا و سیا در قبال انقلاب اسلامی، سیا سعی داشته با رعایت حداکثر جوانب امنیتی و اطلاعاتی تاکتیکهای خود را پیاده نماید.

بعد از ملاقات باروز و اظهار نداشتن اطلاعات موثق درباره اوضاع از سوی شریعتمداری این امر به منزله دعوت ضمنی شریعتمداری از دولت آمریکا برای همکاری قلمداد می شود. از سوی دیگر تظاهراتی که در تبریز علیه مقاله روزنامه اطلاعات در مورد حزب جمهوری خلق مسلمان برگزار شده را به گمان باطل خودشان با تظاهراتی که علیه مقاله کیهان در مورد امام در دی ماه ۱۳۵۶ صورت گرفت مقایسه

می کنند و آن را به حساب افزایش محبوبیت شریعتمداری می گذارند و برای او حساب باز می کنند. از همه مهمتر استراتژی کلی آمریکا که ذکر آن رفت، سیا را وامی دارد که در این مورد به برنامه ریزی پردازد. در درجه اول ستاد سیا نسبت به خواست ظاهری شریعتمداری به اخذ اطلاعات از دولت آمریکا موافقت می کند و در پی یافتن مجرای مناسبی برای رساندن این اطلاعات می گردد. بعد از طی مراحل مقدماتی و اظهارات بعضی از عواملش مبنی بر اینکه شریعتمداری خواهان روابط مستحکمتر و پیچیده تر از جمله تقاضای پول برای به راه انداختن یک تشکیلات وسیع سرتاسری سیاسی نظامی بوده، سیا با مسائل عمده ای درگیر می شود که در پی حل آن بر می آید. آن مسائل عمدتاً عبارتند از:

۱ اطمینان به اینکه اظهارات و علامتهای ابراز شده از سوی شریعتمداری دقیقاً همانهایی هستند که منابعشان گزارش داده اند. «این امر با توجه به کانالهای مختلفی که با شریعتمداری برقرار می کنند تا حدودی حل می شود».

۲ مشکلات تماس مستقیم با وی و چاره جویی در جهت یافتن رابطی که به طور غیرمستقیم از طریق وی بتوانند مسائلشان را به شریعتمداری برسانند و نیز او بتواند کاملاً دیدگاههای شریعتمداری و گروهش را منعکس نماید. «حسن شریعتمداری از سوی پدرش در این رابطه به ولید معرفی می شود تا به سیا «دوستان آمریکایی» معرفی گردد و آیت الله زنجانی نیز در این رابطه از سوی موسوی و فرازبان به سیا

پیشنهاد می شود که تا آنجا که اسناد نشان می دهد، مراحل اولیه برای تماس و کسب اطلاعات در مورد وی جریان داشته است».

۳ اقدام به گسترش پایگاههای سیاسی و حتی نظامی که حامی شریعتمداری باشند که حزب خلق مسلمان با توجه به ویژگیهایش مورد توجه کامل آمریکا قرار می گیرد «عضو شدن ولید در این حزب و ارتباط موسوی و فرازیان با سران حزب در جهت تحقق بخشیدن به این هدف صورت می گیرند».

۴ در صورت به نتیجه رسیدن موفقیت آمیز جنبه های ذکر شده در بالا و جمع بندی اطلاعات کامل به دست آمده در مراحل قبلی، هماهنگی و برنامه ریزی و در اختیار گذاشتن امکانات از سوی آمریکا به شریعتمداری و گروهش برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران «علت اینکه آمریکا در مقابل درخواست صریح منابعش برای کمک مالی به شریعتمداری در همان زمان امتناع می کرد، یکی کامل نشدن طرحهای مقدماتیش بود و دیگری نیاز به زمان برای یک بررسی کلی و جامع از کلیه شرایط ایران و بافتهای مخالف. البته این نیاز به زمان بدین مفهوم نیست که اقدامات خود را معوق بگذارد و در اسناد مشاهده می کنیم که همزمان با جریان امور به شریعتمداری سیا امکاناتش را در مورد تحقق بخشیدن به آمالش درباره خسرو قشقایی و مراغه ای و... به کار گرفته است».

شریعتمداری

سوابق:

در کتابهای خط میانه در مورد سوابق شریعتمداری و ارتباطاتش با ساواک و دربار مطالبی منتشر شده، در سند مورخ ۱۲ اردیبهشت نیز این روابط تا حدی که آمریکا مطلع بوده آورده شده است:

«گزارشهای متعدد اطلاعاتی از تاریخ ۱۳۴۵ وجود دارند که اساسا نشان می دهند که او با شاه مناسبات نسبتا خوبی داشته و همچنین در لیست حقوق بگیران ساواک بوده است. به عنوان نمونه ادعای اخیر، در

گزارش مورخ آبان ۱۳۵۰ از او به عنوان رئیس مرکز مذهبی قم نامبرده شده که از نخست وزیری و ساواک وجوهاتی دریافت می کند. در مورخ ۱۳۵۰ شریعتمداری به عنوان یکی از برجسته ترین رهبران مذهبی که با ساواک برای تشکیل یک.. مذهبی همکاری می کند گزارش شده، در یک گزارش در سال ۱۳۵۷ گفته شده که او چهره مذهبی برجسته ای است که توسط ساواک..... می شود.....»

دیدگاهها و اعمال:

با توجه به چنین سوابقی دیدگاههای شریعتمداری در قبال امام و جمهوری اسلامی مشخص است. شریعتمداری در جواب ولید که از او می پرسد دوستان آمریکایی می خواهند بدانند او چه موضعی در قبال مسائل دارد، می گوید که باید متن تلگرامی را بخوانند که او در اوائل اردیبهشت به شیخ محمد خاقانی فرستاده، یعنی زمانی که شیخ محمد تهدید می کرد که ایران را ترک خواهد نمود، مگر آنکه فعالیت های کمیته در آن منطقه تحت کنترل آورده شود. البته این پیام در زمانی بوده که امام و آیت الله طالقانی از خاقانی خواسته بودند که ایران را ترک نکند و همزمان با دعوت از او برای آمدن به قم جهت مذاکره، شریعتمداری به خاقانی توصیه کرده بوده که به هیچ وجه آبادان را حتی برای رفتن به قم ترک نکند، چون مملکت در آن محل به او احتیاج دارد. «البته منظور شریعتمداری ایجاد یک منطقه خطر دیگر برای جمهوری اسلامی و

نامه رئیس قرارگاه سیا در تهران به رئیس کل سیا

رودرویی با امام در خوزستان بوده است». موضع‌گیریه‌های ایشان در قبال بقیه مسائل از موضع مقابله با امام و جمهوری اسلامی ناشی می‌شده و گرایش فکر و عملی ایشان به عنوان نیروی جایگزین مبتنی بوده بر روی کارآوردن سیستم و جریانی که بتواند منافع شخصی و جاه طلبی‌های سیاسی ایشان را برآورده کرده و این جز از کانال به قدرت رسیدن گروه‌های طرفدار آمریکا و عوامل ایشان اکثراً عوامل سیا، ساواکیها، طرفداران رژیم شاهنشاهی و دوستداران آمریکا بوده اند و خود ایشان نیز بنا بر همین نگرشها اقدام به ایجاد رابطه با سیا می‌کند و با علم به اینکه با چه کسانی دارد تماس می‌گیرد نهایت علاقه خویش را به این تماسها ابراز می‌دارد و تقاضای پول می‌نماید.

شریعتمداری پس از طی چند ملاقات با عوامل سیا دقیقاً مشخص می‌کند که انگیزه اش فقط کسب خبر و اطلاعات از آمریکا نیست «منظور شریعتمداری از کسب اطلاعات مربوط به جریان‌ات روز، گرفتن مواضع صحیح در جهت مقاصد آمریکاست و نگرانی از اینکه به خاطر ندانستن اخبار موضعی بگیرد که هماهنگ با دیدگاه‌های آمریکا در مورد ایران نباشد». ایشان از طریق موسوی تقاضای پول می‌نماید که وی در آغاز قصد داشته که این پول را در جهت مسلح کردن آذربایجانیه‌های مقیم تهران به کار گیرد تا در موقع مقتضی به وسیله این افراد اهداف خویش را جامعه عمل ببوشاند. بعد از مدتی که به اصطلاح خودشان به درک بهتری از مسائل می‌رسند تصمیم می‌گیرد که از این پول در جهت تحقق بخشیدن به یک تشکیلات سرتاسری در ایران استفاده نماید و حتی درخواست همکاری از عناصر آمریکایی برای برنامه ریزی و منسجم کردن جریان‌ات تشکیلاتی حزب خلق مسلمان را می‌نماید. شریعتمداری با توجه به خطراتی که در این گونه تماسها وجود داشته نهایت سری بودن و حفظ جوانب امنیتی را نیز خواستار می‌شود و این خود بیانگر این مسئله است که می‌دانسته دقیقاً چه می‌کند و چه نوع رابطه‌ای را پی می‌ریزد. در زمینه هماهنگی با جبهه متحد ضد انقلاب، و واقعیت بخشیدن به استراتژی موقت آمریکا در جهت

روی کار آوردن جریان میانه رویی که تحت رهبری یا حمایت روحانیت میانه رو باشد، شریعتمداری

مقدمات تماس، خط دادن و همگامی با جبهه ملی، مقدم، نزیه، خسرو قشقایی را تهیه می بیند و قدمهایی نیز

برداشته می شود.

سند شماره (۱)

۳۰ مهر ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۵۳۷۱۵۶ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

عطف به: الف. تهران ۵۳۹۱۰ ب. تهران ۵۴۴۵۴ ج. تهران ۵۴۵۱۳

۱ از تأخیر در پاسخ معذرت می خواهیم.

۲ ال. دلیو. سرف مشخصه ارتباطات غیررسمی است که مستقیماً بین رؤسای قرارگاهها و رئیس

اطلاعات مرکزی صورت می گیرد. نامه ها باید خطاب به [\(DCS\)](#) با نام مستعار و با امضاء مستعار در زیر آن

و باید مشخصه ال. دلیو. سرف را هم روی خارج پاکت و هم روی خود نامه همراه داشته باشد.

۱- به معنای رئیس اطلاعات مرکزی بوده باشد و در مخایره تلگرام اشتباه حرفی روی داده باشد. چنان که DCI می بایست

DCS ۱ به نظر می رسد که در جمله اول پاراگراف دوم همین سند ذکر شده مخاطب نامه رئیس اطلاعات مرکزی است.

۳ نامه های ال. دبلیو. سرف نباید از دو صفحه تایپ شده بیشتر باشند و نباید حاوی توصیه ها یا

درخواستهای اقدام باشند «آنها را باید در مکاتبات عادی اعضاء نوشت».

۴ معمولاً نامه های ال. دبلیو. سرف یک پاراگراف دارند که صحنه کلی «فضای سیاسی» را توصیف

می کند و به دنبال آن تحولات عملیاتی، مسائل پرسنلی، مشکلات و غیره مورد بحث قرار می گیرند.

۵ نامه های ال. دبلیو. سرف را می توان هر موقع ارسال نمود، اما براساس برنامه فعلی هر شش ماه یک

بار باید آنها را تسلیم نمود. نامه های رؤسای قرارگاه های خاور نزدیک باید در آبان و اردیبهشت فرستاده

شوند.

۶ بدون پرونده تا تاریخ ۳۰ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

تحلیل اوضاع و امکانات اعمال نفوذ در جریان امور ایران ملاقات رئیس قرارگاه سیا با کاردار سفارت امریکا در مورد ملاقات باروز و توافق بر سر

سند شماره (۲)

۷ آبان ۱۳۵۸

از: دونالد سی. پکوئینه: رئیس قرارگاه تهران

یادداشت برای: ادوارد جی. گنین (۱)

موضوع: ال. دبلیو. سرف اداری غیررسمی

ادوارد عزیز

اینکه چهارماه از زمانی که شما را ملاقات کردم و در تدارک عزیمت به تهران بودم می گذرد، تلقی

عمده ای که من طی این مدت از امور سیاسی ایران به دست آورده ام این است که احتمالاً «عوامل سیاسی» همچنان به طور بی نتیجه یکدیگر را فشار خواهند داد تا راه خود به جلو را باز کنند و برای رسیدن به موقعیتهای بهتر مانورهای خود را ادامه می دهند. تحلیلگران اغلب رویدادهای اینجا را موجب تسریع «یا بر حسب مورد، تأخیر» یک رودرویی اجتناب ناپذیر قطعی می بینند که در فاصله ای نسبتاً نزدیک یا منجر به تحکیم کنترل حکومت الهی یا جایگزین آن توسط چیز دیگری خواهد شد. من بیشتر طرفدار این نظر هستم که فرسایش تدریجی اقتدار شخص خمینی یک دوران رقابت بی نظم و ترتیب گاهی خشونت بار را به دنبال خواهد داشت، که در خلال آن هیچ رقیب منفردی دارای قدرت نظامی یا برنامه های جذب کننده کافی برای غلبه بر مخالفین خود نخواهد بود. در صورتی که ارتش از کسی طرفداری کند اوضاع می تواند صورت دیگری پیدا کند، اما آنها «ارتشیها» هنوز کاملاً وحشت زده اند. انضباطشان ضعیف است و اشتیاق حرفه ای عملاً وجود ندارد و رهبران احتمالی که به نظر برسد بتوانند اعتماد به نفس نهاد خود را بازگردانند، هنوز پدیدار نشده اند.

خمینی بدجوری در کردستان اشتباه کرده و اعدامهای سریع مخالفان کرد فراموش نخواهد گشت. دولت اینک با تأخیر مشغول مذاکره با کردهاست، اما نحوه مناسبات قم با اقلیتهای قومی دیگر تثبیت شده است.

با وجود نارضایی روبه تزايد از این نوع حکومت اسلامی، به نظر می رسد که چپ افراطی چندان

۱- ادوارد جی. گنین نام رمز آدمیرال ترنر رئیس وقت اطلاعات مرکزی آمریکا بوده است.

سودی نمی برد. احساسات ضدروس و ضد کمونیستی در تمامی سطوح جامعه که هر یک دیگری را تشدید می کند، موجب دشواری کار کمونیستها در ایجاد جذبۀ توده ای یا رخنه در ارتش می گردد. معذالک، کمونیسم نفوذ چشمگیری در دانشگاهها و حوزه های نفتی دارد. اگر وارداتی که با پول نفت تأمین می شود برای جلوگیری از فاجعه در زمستان کفایت نکند، فشار اقتصادی احتمالاً باعث رشد سریع قدرت کمونیستها خواهد شد.

شما از من خواستید که در یک فرصت راجع به امکانات اعمال نفوذ در جریان امور اظهار نظر کنم. من نظر خود را فقط به طور حاشیه ای و جزئی و تا زمانی که ارتش دوران نقاهت خود را طی کند اعلام می کنم و این هم مرحله ای است که برای طی آن از دست ما تقریباً کاری ساخته نیست. کاری که از دست ما برمی آید و من هم اکنون درگیر آن هستم، این است که سران بالقوه یک ائتلاف متشکل از لیبرالهای سیاسی، چهره های دینی میانه رو و سران ارتشی متمایل به غرب «هنگامی که ظهورشان شروع شد» را شناسایی کرده و آماده حمایت از آنها شویم. کسی که پیش از دیگران احتمال داده می شود این ائتلاف را سرعت بخشد آیت الله شریعتمداری است؛ من به طور جداگانه با چند تن از حامیان وی تماسهایی داشته ام. امکانات از سرگیری فعالیت هیچ کدام از دو سایت تکزمن به نحوی که راجع به آزمایشهای موشکی شوروی تله متری «کسب الکترونیکی اطلاعات از راه دور م» در اختیار بگذارد دلگرم کننده نیست. دلیلش این است که این کار تا حدی مستلزم مشارکت آمریکاییهاست و ایرانیها احتمالاً آن را از لحاظ سیاسی قابل قبول نمی دانند. لذا ما مشغول پیش بردن عملیاتی هستیم که بنابر آن تله متری به طور مخفی برای ما تهیه می شود؛ این کار خوب جلو می رود و با کمی توفیق می تواند حدوداً در اوائل سال ۱۹۸۰ «زمستان ۱۳۵۸ م» فعالیت خود را شروع کند.

از من خواستید که در رابطه با احتیاجات عملیاتی تهران درباره استفاده از پوششهای غیررسمی و

همچنین نظامی اظهار نظر کنم. من می توانم از یک مأمور دارای پوشش غیر رسمی (۱) تا حدی به منظور ارتباط اضطراری با منابع حساس و تا حدی به منظور دسترسی قرارگاه به اخبار غیرعلنی مربوط به امور مالی و اقتصادی، خصوصاً در بخش نفت، استفاده خوبی بکنم. حداقل احتیاج من در دسترسی به ارتش تأمین شده، چون کاردار به درخواست من یکی از مأموران قرارگاه را در پست خالی کارمند سیاسی نظامی جای داده است. معذالک، اضافه شدن یک مأمور ملبس «به لباس نظامی» نهایت فایده را در برخواهد داشت.

من در اواسط نوامبر «اواخر آبان ماه م» که به منظور استفاده از مرخصی و مشورت به ستاد می آیم به این مسائل مربوط به پوشش و سایر امور رسیدگی خواهم کرد. چشم انتظار دیدار شما در آن زمان می باشم.

با بهترین سلامها

دونالد سی. پکوئین

ملاقات ولید و شریعتمداری

۱- مأموران دارای پوشش غیررسمی جاسوسانی میباشند که تحت عناوین قلابی رسمی مثل کارمند سیاسی و اقتصادی کنسولگری سفارتخانه با سایر واحدهای دولتی فعالیت ندارند □ بلکه به عنوان افراد غیردولتی □ بازرگان □ روزنامه نگار □ کارمند شرکت و غیره کار جاسوسی خود را پیش می برند و رابطه خود با مأمورین جاسوس تحت پوشش رسمی را به طور بسیار مخفی حفظ می کنند.

۴ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۲۷۹۹ به کفالت گلگروفه: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است حساس

عطف به: تلگرام سفارتخانه تهران ۴۲۵۳

۱ به دنبال گزارش مفصلی که کاردار قبلاً در اول روز از یک بازرگان آمریکایی که مدت‌ها ساکن ایران

بوده دریافت داشت «تلگرام مرجع را ببینید» پکوئین کفیل ریاست قرارگاه در تاریخ ۳ اردیبهشت

مذاکرات طولانی با کاردار درباره آیت الله شریعتمداری برگزار نمود. این آمریکایی هر چند نامش در آن

تلگرام ذکر نشده، آقای فرانک باروز رئیس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا است. کاردار نقش باروز در این

مورد و چشم انداز اقامت وی و ثبات در ایران را امور بسیار حساسی تلقی کرد و از ما خواست که نام

«باروز» را گزارش نکنیم.

۲ به گفته کاردار آنچه که از تلگرام مرجع عمداً حذف شده بود، شکوه شریعتمداری به مخاطب

آمریکایی خود بود درباره اینکه وی «شریعتمداری» به علت اینکه همیشه اطلاعات «موثقی» به دستش

نمی رسد گاه گاهی احساس می کند که برای سر و کار داشتن با مسائل جاری سیاسی آمادگی چندانی

ندارد. او از قرار معلوم به شایعاتی اشاره کرد مبنی بر اینکه آشوب اخیر در کردستان تا اندازه زیادی به

تحریک دانشجویان تحصیلکرده در آمریکا بوده است، یعنی دانشجویانی که اخیراً از آمریکا باز گشته اند.

شریعتمداری پرسید این گزارشها را چگونه باید ارزیابی کرد؟ او گفت که کاملاً می داند مردمی که دوروبر او

را گرفته اند احتمالاً سعی دارند از او برای مقاصد خودشان استفاده کنند و او بدون اینکه به طور مستمر در

جریان حوادث قرار گرفته باشد، آمادگی کافی برای پاسخگویی معقولانه ندارد. کاردار این «اظهار

شریعتمداری» را به عنوان یک دعوت ضمنی شریعتمداری از دولت آمریکا برای تهیه و در جریان قرار دادن او تعبیر کرد. به عقیده کاردار، شریعتمداری امید داشته که مخاطب آمریکایی او نتایج ملاقات را به سفارتخانه گزارش خواهد داد.

۳ همان طور که ستاد متوجه خواهد شد، شریعتمداری همراه با طالقانی و خاقانی که آیت الله بلند مرتبه خوزستان است در بعضی مسائل بین خود و خمینی هر چه بیشتر... قائل می شوند. محبوبیت شریعتمداری ظاهراً رو به افزایش است؛ تظاهرکنندگان در تبریز در تاریخ ۳ اردیبهشت علیه مقاله اخیر اطلاعات که توسط یک ملای طرفدار خمینی در مخالفت با ایجاد حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان شریعتمداری نوشته شده بود اعتراض کردند. اعتراض کنندگان ظاهراً اصرار داشتند که هر کس به شریعتمداری توهین کند باید در دادگاه اسلامی محاکمه شود و اینها همه یادآور حمله ناشیانه ای است که در دی ماه ۱۳۵۶ علیه خمینی در روزنامه درج شد و جرقه ای بود که نیروهایی را که سرانجام شاه را سرنگون کردند به حرکت آورد. رژیم اسلامی فعلی نیز به نوبه خود از دستیاران ناشی برخوردار است.

۴ به خاطر می آوریم هنگامی که قرارگاه رابطه خود با اس. دی. فورگیو / ۱ را تجدید نمود، پیشنهادهایی درباره تماس با شریعتمداری ابراز شد. خواهشمند است خلاصه ای از عملیات مربوط به تماسهای قبلی اعم از مستقیم یا غیره را که احتمالاً قرارگاه با شریعتمداری داشته در اختیار بگذارید. طبق گزارشهای جراید، او در نظر دارد کشور را به قصد دیداری از مصر ترک کند «این خبر ممکن است مخدوش

باشد، چون محتمل به نظر نمی آید که دولت موقت در این موقع بخواهد چنین چهره برجسته ای، خود را نشان بدهد».

۵ اس. دی. ولید / ۱ در نظر دارد در ۹ اردیبهشت برای یادبود مرگ پدرش به قم برود و توافق کرده بود که برای ما با شریعتمداری ملاقات کند «مدعی است که خانواده اش او را به خوبی می شناسد». ما میل نداریم که به و / ۱ مأموریت بدهیم تا به عنوان پلی بین قرارگاه و شریعتمداری عمل کند، مطمئن نیستیم که بتواند از عهده آن برآید. فکر می کنیم گزارش و / ۱ مفاد مکالمه ای که با شریعتمداری خواهد داشت و نوع استقبالی که از او می شود سرنخی درباره امکان استفاده آینده از و / ۱ در این نقش را به دست خواهد داد. ۶ سوابق باروز درخواست می شود.

۷ شماره پرونده بعدا تعیین شود. تا تاریخ ۴ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری

سری

سوابق شریعتمداری

سند شماره (۴)

۱۲ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سری

از: رئیس ۴۳۰۲۵۳ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: تهران ۵۲۷۹۹

۱ ستاد هیچ گونه سابقه ای از تماس با شریعتمداری ندارد. گزارشهای متعدد اطلاعاتی از تاریخ

۱۳۴۵ وجود دارند که اساسا نشان می دهند که او با شاه مناسبات نسبتا خوبی داشته و همچنین در لیست

حقوق بگیران ساواک بوده است. به عنوان نمونه ادعای اخیر، در گزارش مورخ آبان ۱۳۵۰ از او به عنوان رئیس مرکز مذهبی قم نامبرده شده که از نخست وزیری و ساواک وجوهاتی دریافت می کند. در مورخ.....

۱۳۵۰ شریعتمداری به عنوان یکی از برجسته ترین رهبران مذهبی که با ساواک برای تشکیل یک سپاه دین مذهبی همکاری می کند گزارش شد. در یک گزارش در سال ۱۳۵۷ گفته شده که او چهره مذهبی برجسته ای است که توسط ساواک تأمین می شود. تصور می شود که قرارگاه سابقه و بیوگرافی کافی از سفارتخانه گرفته باشد، در غیر آن صورت لطفاً اطلاع دهید و ستاد تهیه خواهد کرد.

۲ ما نسبت به خواست ظاهری شریعتمداری به اخذ اطلاعات از دولت آمریکا بسیار علاقه مندیم. تصور می کنیم که این تمایل فرصتی عالی برای عملیات مخفی را فراهم می کند و اگر مجرای مناسبی برای رساندن اطلاعات به وی فراهم شود حاضر خواهیم بود که آنها را فراهم کنیم. براساس تلگرام مرجع، ما آگاهیم که باروز در موقعیت حساس قرار دارد، ولی هنوز نمی دانیم آیا او توافق خواهد کرد که به شریعتمداری ... که دولت آمریکا اطلاعات محرمانه را «به انگلیسی» در اختیار او قرار خواهد داد، تا به او در ارزیابی نه تنها اوضاع داخلی ایران بلکه مبادی و تأثیرات ایران در خارج از کشور کمک کند. باروز می تواند احتمالاً به شریعتمداری پیشنهاد کند که یک پیک مورد اعتماد را معین نماید «ترجیحاً زبان انگلیسی بداند»، تا این فرد مطالب را در یک محل که از قبل تعیین شده بگیرد. تصور می کنیم که تماس مستقیم سفارتخانه با شریعتمداری اعتبار محلی او را از بین خواهد برد. پس از تهیه مقدمات باروز از میدان

خارج خواهد شد. استفاده احتمالی از باروز صرفاً فکر اولیه ماست که براساس اطلاعات محدودی می باشد. خواستار پیشنهادهای تفصیلی قرارگاه درباره طرق تماس و تحویل اطلاعات هستیم. اگر تصمیم به رساندن اطلاعات به شریعتمداری گرفته شد ما احتمالاً مایل خواهیم بود در مورد ارقام انتخاب شده ای از محور مطالب... کار را با قرارگاه شروع کنیم. اگر او خود را پذیرا و موافق نشان داد ما می توانیم دادن مطالب بیشتری را در نظر بگیریم. تقاضا می شود که قرارگاه پس از مذاکره درباره مطالب فوق به طور کلی با کاردار، نظر خود را ابراز دارد.

۳ سوابقی در مورد باروز به دست نیامد. در صورتی که دخالت عملیاتی او طرح ریزی شد از دریافت جزئیات بیوگرافیک.... تشکر خواهیم کرد.

۴ بدون پرونده. تا تاریخ ۱۲ اردیبهشت در بایگانی ضبط شود. تماماً سزی

شرح ملاقات اس. دی. ولید و شریعتمداری

سند شماره (۵)

۱۶ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۲۹۴۷ «به کفالت گلگروف» به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

اس. دی. ولید کیو. آر. بولستر(۱)

عطف به: الف تهران ۵۲۷۹۹ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳

۱ در ۱۴ اردیبهشت اس. دی. ولید/ گزارش نمود که توانسته در ۱۰ اردیبهشت در قم ملاقاتی با

شریعتمداری داشته باشد. و/ از نتایج جلسه که به وضوح فراتر از انتظارات او بوده اند به وجد آمده بود.

ضمن آنکه از این ملاقات محصول اطلاعاتی ضعیفی به دست آمد، حواشی آن بیش از اطلاعات داده شده

جلب نظر می کند. شرح ملاقات از قول و ۱ / در ذیل آمده:

۲ پس از آنکه شریعتمداری آشنایی با پدر و ۱ / و خانواده وی را اظهار نمود، و ۱ / سوابق شخصی خود را شرح داد و گفت که پیغامی حاوی عرض ارادات دوستان ایرانی و آمریکایی خود در آمریکا برای شریعتمداری آورده است. و ۱ / گفت شریعتمداری به واسطه این پیام مسرور شد، پس از آن و ۱ / گفت که می خواهد چند سؤالی از شریعتمداری بنماید.

۳ جوابهای شریعتمداری به پرسشهای و ۱ / غالباً چیزی بر آنچه قبلاً در گزارشهای مطبوعات و وزارت خارجه درباره موضع سیاسی شریعتمداری گفته شده نیفزود. شریعتمداری به و ۱ / گفت که او از بازرگان مایوس شده بود، زیرا به گفته وی بازرگان اجازه می دهد که مورد استفاده «دیگران» واقع شود. او گفت که «دوستان آمریکایی» برای اینکه بدانند او چه موضعی در قبال مسائل دارد، باید متن تلگرامی را بخوانند که او در اوائل اردیبهشت به آیت الله شیخ محمد خاقانی، روحانی عالیرتبه خوزستان فرستاد در زمانی که شیخ محمد تهدید می کرد که ایران را ترک خواهد نمود، مگر آنکه فعالیتهای کمیته در آن منطقه تحت کنترل آورده نشوند. «قرارگاه سعی دارد گزارش خبری مربوط به این تلگرام را به دست آورده و آن

۱- کیو. آر. بولستر نام رمز فعالیتهای عملیات مخفی در ارتباط با وسائل جمعی ایران است □ چنان که کیو. آر. کابل نام رمز این گونه عملیات در رابطه با افغانستان و کیو. آر. رام در رابطه با کوبا بوده و اسنادی در این رابطه قبلاً به ترتیب در کتابهای اسناد افغانستان و غیرمتعهدا ارائه گردیده است.

را ترجمه کند». شریعتمداری گفت که همزمان با درخواستهای خمینی و طالقانی از خاقانی که ایران را ترک نکند و همزمان با دعوت از او برای آمدن به قم جهت مذاکره، شریعتمداری به خاقانی توصیه کرده بود که به هیچ وجه آبادان را حتی برای رفتن به قم ترک نکند، چون مملکت در آن محل به او احتیاج دارد.

۴ و ۱/ نظر شریعتمداری را در مورد طرح پیش نویس قانون اساسی جویا شد. شریعتمداری گفت که طرح ابتدایی و پیش نویس قبل از انتشار آن به او نشان داده شده بود و نظریات او را پرسیده بودند. سپس او لبخندی مصنوعی زد و به ۱/ و گفت «ما پیشنهادهای خود را اضافه نمودیم ولیکن جهت این کار ناچار شدیم چندین برگ کاغذ جدید ضمیمه کنیم.» دریافت و ۱/ این بود که شریعتمداری فکر می کند قانون اساسی اختلاف فراوانی با آنچه که مطلوب بوده دارد. او به ۱/ و گفت پیش بینی می کند قانون اساسی در ظرف سه ماه تصویب شود، ولی اجرای انتخابات پنج یا شش ماه طول خواهد کشید.

۵ و ۱/ به مأمور مربوطه گفت که چندین بار طی ملاقات فکر کرد که بیش از حد مقتضی جلسه اول نزد شریعتمداری مانده است، اما دو نوبت که سعی نمود مرخص شود، شریعتمداری اصرار کرده بود که نرود. هنگامی که و ۱/ پرسید آیا ممکن است دوباره وی را ببیند، شریعتمداری جواب داد «یک بار بیا، دوبار بیا، هر چند بار که دوست داری.» و ۱/ گفت سایر افرادی که منتظر دیدار با شریعتمداری بودند، فکر کردند که و ۱/ «کانال» مخصوصی با شریعتمداری دارد و هنگام خروج از او خواستند به عنوان واسطه برای آنها عمل کند.

۶ با در نظر داشتن اینکه و ۱/ چقدر ناجور می خواست که در مأموریت خود موفقیت حاصل کند و امکان شاخ و برگ دادن، با این وجود گزارش و ۱/ با شواهد اخیر مبنی بر اینکه شریعتمداری ممکن است بخواهد کانال مناسبی با دولت آمریکا برقرار کند هماهنگی دارد. در این رابطه پیام جداگانه ای که حاوی گزارش پیشنهاد اس. دی. جانوس / ۱۳ است ارسال خواهد شد. تصور می شود همین که در مورد پیگیری

این فرصت عملیاتی و چگونگی آن تصمیم گرفتیم مصلحت در اعزام دوباره و/و ۱ به قم باشد. ۷ پرونده:

۲۰۱۹۵۹۵۱۱

تماما سزی

سزی

نظرات باروز و تحلیل قرارگاه سیا در مورد تماس با شریعتمداری و...

سند شماره (۶)

۲۰ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۳۰۲۳ «به کفالت گلگروف» به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است حساس

عطف به: الف. تهران ۵۲۷۹۹ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳ ج. تهران ۵۲۹۴۷ د. تهران ۵۲۹۶۹

۱ تلگرامهای مرجع همگی مربوط می شوند به گزارشهایی دال بر اینکه آیت الله شریعتمداری شاید

بخواهد رابطه ای با دولت آمریکا داشته باشد.

۲ به عنوان پیگیری تلگرام مرجع الف کفیل ریاست قرارگاه در یک مکالمه چهار نفره اجتماعی به

تاریخ ۱۹ اردیبهشت با حضور خودش، باروز، کارمندان سفارتخانه استمپل و تیلور، شرکت کرده،

موضوع این مکالمه «ملاقات باروز با شریعتمداری» بود. باروز نسبت به این موضوع تقریبا بی میل نیست

و در واقع فعالانه مشغول تهیه برگزاری یک ملاقات بین کارمندان سفارتخانه و شریعتمداری بود. او شریعتمداری را آخرین امید نجات تجارت آمریکا در ایران می داند. باروز از هشدار سفارتخانه در مورد صحبت با شریعتمداری خیلی خرده گیری می کند، به خاطر داشتن این نکته مهم است که ملاقات با شریعتمداری بنا به فکر باروز صورت پذیرفت و شریعتمداری آن را درخواست نکرده بود. باروز اساساً معتقد است که ما باید شریعتمداری را نرم کرده، مشوق دیدگاههای میانه روی او باشیم تا او احساس اطمینان نماید که در طرفداری خود از نظریه «نیاز به ابقای بازرگانی خارجی در ایران» از تأیید آمریکا برخوردار است. باروز پیشنهاد کرد یک کارمند سفارتخانه به فرد واسطه ای که «نام برده نشد» و ملاقات او با شریعتمداری را ترتیب داده بود معرفی شود.

۳ محاسبه مقدماتی ما در مورد آقای باروز این است که او برای کاری که در تلگرام مرجع ب شرح داده شده مناسب نیست. او احتمالاً فکر می کند که این کار یک امر مربوط به سفارتخانه است که باید به دست خود سفارتخانه باشد. حقیقت امر فقط کمی با هدفی که آقای باروز می خواهد در این ملاقاتها در نظر گرفته شود اشتراک دارد. یعنی او می خواهد شریعتمداری را جلو بیندازیم که در برابر اقدامات ضد اجنبی، ضد بازرگانی خمینی مقاومت کند. همچنین ما نمی توانیم مطمئن باشیم که حدسیات تلگرام مرجع الف دقیقاً منعکس کننده تمایلات شریعتمداری هستند یا حتی مطمئن باشیم که شریعتمداری خود خواستار تماس با دولت آمریکاست.

۴ اقدام از طریق اس. دی. جانوس / ۱۳ نیز تا حدودی به همین ترتیب است. در این مورد حرکت از جانب یکی از زبردستان شریعتمداری انجام گرفت و باز هم نمی توانیم مطمئن باشیم که شریعتمداری آن را تأیید نماید.

۵ معهداً باب حمایت از شریعتمداری و حزبش گشوده است. با در نظر داشتن اتهامات علنی خمینی

مبنی بر اینکه آمریکاییها در صدد شکاف انداختن در وحدت نهضت انقلابی هستند، هرگونه حرکت در جهت تماس با شریعتمداری باید توأم با دقت و حداکثر توجه به امنیت صورت پذیرد. فکر می کنیم که باید تصور روشنتری از موضع خود شریعتمداری در قبال تماس با آمریکا، به علاوه توقعاتش از این تماس داشته باشیم. سعی خواهیم کرد که این اطلاعات را به دست آوریم. در این کار، هدف ما همان طور که خمینی نسبت می دهد ایجاد شکاف در نهضت اسلامی و تضعیف آن خواهد بود تا صاحبان افکار معقولانه تری بتوانند عرض وجود کنند. ما خواستار راهنمایی ستاد در رابطه با اعتبار این هدف از نظرگاه خط مشی هستیم.

۶ شماره پرونده بعدا تعیین شود. تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط گردد.

تماما سرّی

سرّی

بررسی اطلاعات حاصل از تماس اس. دی. جانوس، ولید و باروز با شریعتمداری

۲۱ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۴۳۶۲۱۱ به: با حق تقدم تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

حساس اس. دی. جانوس

عطف به: الف. تهران ۵۲۹۶۹ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳ ج. تهران ۵۲۹۹۹

۱ اطلاعاتی که در مورد تماس اس. دی. جانوس / ۱۳ «ج / ۱۳» با گروه شریعتمداری داده شد

موجب تقدیر ما هستند. ما اطلاعات ج / ۱۳ در مورد تماس را قبول می کنیم چون در گذشته او خود را یک

فرد سیاسی نشان داده و احتمالاً هنوز خود را رئیس نهایی سازمان جدیدی می بیند که در زمان یک دولت

تحت حاکمیت شریعتمداری تشکیل می شود. براساس اظهارات شریعتمداری به باروز، ملاقات اس. دی.

ولید / ۱ با شریعتمداری و حالا اطلاعات ج / ۱۳ ما می توانیم این فرض قوی را ایراد کنیم که شریعتمداری

دارد موضع ما را می سنجد. در تلگرام مرجع ب ما اظهار علاقه کرده بودیم اطلاعاتی را که شریعتمداری

ادعا کرده بود لازم دارد به وی بدهیم. در صورتی که بتوان یک کانال رضایتبخش پیدا کرد، هنوز

می خواهیم چنین کنیم. قطعاً به نظر می رسد که ج / ۱۳ یک کانال باشد، اما مطمئن نیستیم که رد کردن آن از

طریق یک مقام سابق ساواک مصلحت باشد یا به همین علت شریعتمداری حاضر شود آن را از طریق

ج / ۱۳ قبول کند یا نه.

۲ برای تشخیص اینکه آیا زمان مناسب «با در نظر گرفتن آشفتگی وضع عمومی ایران» جهت شروع

طرح ریزی برای اقدام سیاسی فرا رسیده ما به آگاهی از واقعیات بیشتری در مورد اوضاع محل احتیاج

داریم. هدف از اقدام سیاسی ما در ایران روی کار آمدن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر

موافق داشته باشد. برای آنکه حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راههای نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم لازم است که قدرت و نفوذ آن را معین کنیم. ج/۱۳ چگونه به رقم هشت میلیون نفر آماده پیوستن «به حزب» رسید؟ آیا شریعتمداری خط مشی حزب را تعیین می کند، یا اینکه مقصود این است که اسما در رأس قرار داشته باشد؟ آن مقام رتبه دوم که هویتش مشخص نشد و ج/۱۳ با او تماس دارد کیست؟ چه کسانی کادر اصلی را تشکیل می دهند؟ اگر ج/۱۳ بتواند به اینها و سایر، سؤالات جواب دهد کمک خواهد کرد که تعیین کنیم آیا حزب شریعتمداری کارآمد هست یا نه.

۳ ستاد در مورد هوصافی، فیروزی یا سعید فرید هیچ اطلاعات قابل تطبیقی ندارد. در مورد هوصافی یک احتمال بعید ممکن است علی اسافی «با اسم رمز» شماره پرونده ۲۰۱۷۸۹۹۸۳ باشد که رئیس جدید اداره هشتم در سپتامبر ۱۹۷۸ بود. فیروزی ممکن است که دکتر سیف الله فیروزی متولد ۱۹۲۰ در رشت باشد. مشاغل امنیتی در رکن ۲ داشت، در ۱۹۵۷ به عنوان رئیس بخش قضایی اداره سوم به ساواک پیوست. در ۱۹۶۳ قائم مقام رئیس اداره سوم شد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و در سالهای دهه ۱۹۷۰ مسئول کارگزینی «پرسنلی و مالی» اداره یکم بود. در تاریخ ژوئن ۱۹۷۳ به رتبه ۹ «یعنی بالاترین رتبه» رسیده بود. پسرش ضد شاه بود و به طوری که گزارش شده در نیویورک به خاطر تظاهرات علیه شهبانو فرح دستگیر شد. فیروزی در رابطه با فعالیتهای پسرش استعفای خود را تسلیم کرد که اس. دی. رد/۱ را به خشم آورد. اس. دی. رد/۱ از پذیرفتن استعفا امتناع ورزید.

۴ تحقیق امنیتی محلی درباره فرید مستلزم تحقیق از همسایگان، کارمندان و غیره است که ستاد ترجیح می دهد در این موقع این کار را نکند. به علاوه اگر فرید از اتباع ایالات متحده باشد، ناچار خواهیم بود پیش از چنین تحقیقی اجازه وی را به دست آوریم. یک نفر به نام محمد سعید فرید «۱۷۷۸۰۹۱ ۲۰۱» دانشجوی ایرانی دانشگاه نیویورک در سال ۱۹۶۵ در حزب توده فعالیت داشت. «بخش» امنیت پرونده ای درباره یک نفر به نام س. رحیمی فرید متولد ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۳ در ایران دارد. پرونده از دور خارج و امکان دارد ناپدید شده باشد. اما ما مشغول تحقیق هستیم و شما را در جریان خواهیم گذارد. همچنین در اولین فرصت از اس. دی. اینورموس ۱/ پرس و جو خواهیم کرد.

۵ به پسر ج/۱۳ در پاریس اطلاع داده ایم که تماس در تهران شروع شده و لزومی ندارد موضوع را در تلفن، با ج/ ۱۳ به بحث بگذارد. به او همچنین گفتیم که اگر تماس بیشتری از طریق کامینسکی لازم بود وی باید به ما اطلاع دهد و ما او را با مأمور پاریس که می تواند پیامها را با امنیت ارسال کند در تماس قرار خواهیم داد. پسرش موافقت دارد.

۶ پرونده شماره ۲۰۱ زیر به شریعتمداری داده شد.

۲۰۱ ۹۶۰۸۴۵۷ تا تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزّی

سزّی

اهداف سیا در تماس با شریعتمداری

سند شماره (۸)

۲۲ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزّی

از: رئیس ۴۳۷۲۶۷ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۲۳ ب. رئیس ۴۳۰۲۵۳ ج. رئیس ۴۳۶۲۱۱

۱ براساس اظهارات مندرج در تلگرام مرجع الف درباره باروز، ما با قرارگاه توافق نظر داریم که او ظاهراً آن کانالی که دنبالش بودیم نیست. پیشنهاد اولیه راجع به استفاده از باروز بر این فرض استوار بود که شریعتمداری قدم پیش نهاده است نه باروز. ما هم مثل قرارگاه فکر می کنیم که باید اول مطمئن شویم که شریعتمداری می خواهد کانالی با دولت آمریکا داشته باشد و آن گاه اقدام به برقراری آن نماییم و زمانی هم که برقرار شد باید حتی الامکان کانالی مطمئن باشد.

۲ قصد ما در تماس با شریعتمداری کمک به ایجاد یک «راه حل میانه» است. هدف ما ایجاد شکاف در نهضت اسلامی نیست، بلکه می خواهیم نیروهای میانه رو درون آن را تا حد حاکم شدن توسعه دهیم. وجود یک جناح میانه روی قوی که بر نهضت حاکم باشد، می تواند به خوبی آنهایی را که در سرتاسر کشور صاحب افکار میانه رو دنیوی هستند حداقل در شکل یک ائتلاف جذب کند. در حالی که آشکار است که جناحهای چپ رادیکال همچنان دشمنان هرگونه نهضت میانه رو خواهند بود، آنها بار دیگر ناچار از اتخاذ مواضع افراطی چپ خواهند شد. امیدواریم که نهضت میانه رویی با پایگاه وسیع سر برآورد که گروههای چپ و راست در حاشیه آن واقع باشند.

۳ معهدا، تمام مطالب فوق بر فرض این هستند که امکان وجود ناچیزی شبیه به فعالیت سیاسی عادی

باشد. واقعیت حاضر این است که سلاحها و در نتیجه قدرت حقیقی در دست رادیکالهاست. تا نوعی تشکیلات قابل اطمینان انتظامی «مثل ارتش» تجدید سازمان نشده و ایرانیان میانه رو به خود جرأت ندهند نظریات خود را با قوت بیان دارند، فضای مناسب برای رشد نهادهای دموکراتیک موجود نخواهد شد. به شق حزب» رسید؟ آیا شریعتمداری خط مشی حزب را تعیین می کند، یا اینکه مقصود این است که اسما دردیگر آیا گروه شریعتمداری حامیان مسلح ویژه خود دارد؟ آیا هیچ یک از دسته های مسلح موجود ابراز حمایت از شریعتمداری می نمایند یا قابل جذب به نهضت وی می باشند؟

۴ ما در تلگرام مرجع ج هدف از اقدام سیاسی خود را که برپا کردن دولتی است که نسبت به منافع آمریکا نظر موافق داشته باشد اظهار داشته ایم. در اوضاع سیاسی جاری، بهترین راه نیل به این هدف استقرار یک دولت میانه روی برخوردار از حمایت مردم است که یا تحت رهبری یا حمایت جامعه روحانیت باشد و قدرت حفظ نظم و قانون را داشته باشد. در عین حالی که تعریف این هدف ساده است ما هنوز در جستجوی شیوه های حصول آن هستیم و از نظریات و پیشنهادهای قرارگاه در این رابطه استقبال می نمایم.

۵ پرونده: ۲۰۱۹۶۰۸۴۵ تا تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزی

سزی

اظهارات اس.دی. جانسونو هویت مرتضی موسوی در مورد حمایت سیا از شریعتمداری و موقعیت وی در ایران و طرح جمع آوری پول برای شریعتمداری جهت سازماندهی و اجرای یک فعالیت وسیع

سند شماره (۹)

۲۶ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۳۰۹۵ به کفالت گلگروفبه: رئیس با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

حساس اس. دی. جانوس

عطف به: الف رئیس ۴۳۶۲۱۱ ب رئیس ۴۳۷۲۶۷

۱ تلگرامهای مرجع عالی بودند. تصور می کنیم در مورد چیزی که می تواند یک ابتکار عمده و

فوق العاده پرارزش عملیاتی بشود اکنون طرز فکرمان به یکدیگر نزدیک شده است.

۲ خبرهای ذیل از مکالمه تلفنی ۲۳ اردیبهشت با اس. دی. جانوس / ۱۳ «ج / ۱۳» و یادداشتی که

ج / ۱۳ نوشته و توسط هویت به دست مورلوت رسانده شود، اخذ شده اند. آن هویت یکی از دوستان ج /

۱۳ است که او را تأمین می کند: فکر پشتیبانی دولت آمریکا از شریعتمداری یا همکاری با وی فقط بین ج /

۱۳ و آن هویت مورد مذاکره واقع شد و مورلوت به ج / ۱۳ اطلاع داده که قضیه باید همین طور بماند تا

هنگامی که ستاد بتواند اوضاع را سبک و سنگین کند. فکر اولیه آن هویت این بود که از مقامات ثروتمند

ساواک که به خارج گریخته اند وجوهاتی گرفته شود. ج / ۱۳ پیشنهاد کرد که او «ج / ۱۳» امکان این امر را

با سیا مورد گفتگو قرار دهد. ج / ۱۳ و هویت هر دو فکر می کنند که شریعتمداری از پشتیبانی استقبال

خواهد نمود مشروط بر اینکه یک کانال کارآمد و کاملاً امن برقرار گردد. آنها همچنین معتقدند که

شریعتمداری با ملاقات مستقیم موافقت خواهد نمود اما در غیاب تضمین شریعتمداری و غیره این مسئله

قابل بحث باقی می ماند. به نظر قرارگاه مزیت تماس مستقیم با شریعتمداری آن است که به ما یقین می دهد

که واقعا با شریعتمداری در ارتباط هستیم، به علاوه آنکه دقیقا می فهمیم شریعتمداری سعی دارد به چه چیزی نایل آید. اما تماس غیر مستقیم آشکار است که امن تر است و امکان تکذیب کردن ارتباط با شریعتمداری را فراهم می کند. همچنین این شیوه ممکن است به ما اجازه دهد بر روی هویت به عنوان عامل نفوذی یک جانبه در گروه شریعتمداری کار کنیم

۳/ج ۱۳ هویت را یک مقاطعه کار موفق ساختمان سازی و جاده سازی، یک شیعه که با انقلاب به طور نزدیک همراهی داشته و فردی که اینک به شریعتمداری و حزبش سخت متعهد است توصیف نمود. ج/۱۳ می گوید هویت از لحاظ اجتماعی بسیار محبوب و یک لیبرال دموکرات دارای ثبات رأی است. متأسفانه وی انگلیسی نمی داند. ج/۱۳ گفت که کاملاً به این فرد اطمینان دارد و مورلوت باید بیفزاید که این فرد برنامه تماس عبوری با اتومبیل را با رفتاری منظم و آرام به انجام رساند. اگر مذاکرات به فارسی برگزار شوند او حاضر خواهد بود مستقیماً با مأمور مربوطه در تهران یا در خارج ملاقات کند.

۴/ج ۱۳ تأکید دارد که تعداد کسانی که در حال حاضر به شریعتمداری وفا دارند ۸/۰۰۰/۰۰۰ نفر می باشند و ادعا می کند بیشتر هم خواهند شد. همان طور که انتظار می رفت شریعتمداری با قاطبه آذربایجانی «یکپارچه» است و ادعا شد حمایت بیشتری از جانب «حزب رادیکال» رحمت الله مقدم مراغه ای، و «گروه قران»، بعضی اکراد و بازرگانان و انجمنهای کارگری مختلف در تهران ابراز می شود. شریعتمداری ۳ تا ۵ هزار نفر از مجاهدین در تهران و یک کمیته طرفدار چریکها را تحت کنترل دارد. ج / ۱۳ مطلب را بعداً تفصیل خواهد داد، اما اظهار داشت که استاد سیدصدرالدین بلاغی هویت، دکتر احمد عزیزاده، حجت الاسلام سیدهادی خسروشاهی، پسر شریعتمداری «نامش مشخص نشد» و شبستری زاده سران حزب هستند. در نظر است که تشکیلات مرکزی حزب در تهران و تبریز «تعداد کثیری از مجاهدین» باشد و دفاتری در آذربایجان، خراسان، گیلان، قم و بعضی مناطق کردنشین تأسیس گردد. به گفته ج / ۱۳،

شریعتمداری از جانب گروه «خلق مسلمان» «شرح بیشتری داده نشد» حمایت مطبوعاتی می شود یا می تواند از آن برخوردار شود «توضیح مترجم: در متن انگلیسی عینا تلفظ «خلق مسلمان» درج شده است». ج / ۱۳ و آن هویت می گویند که با توجه به مشکلات تشکیلاتی موجود، وجوهای حزب محدود می باشند. آن هویت می افزاید که، پول بیشتر به معنای مجاهدین مسلح بیشتر نیز هست. درباره تصمیمات حزب، آن هویت می گوید که بیشتر تصمیمات را شریعتمداری می گیرد، اما گاهی اوقات با مشاورین حزبی خود مذاکره می کند «قرارگاه سؤال خواهد کرد آیا این هویت خودش نیز جزو مشاوران است». به گفته ج/ ۱۳ حمله اخیر شریعتمداری علیه «عدالت» دادگاههای اسلامی آغاز مبارزه ای است که طی آن شریعتمداری درباره مسائل اجتماعی مهم ابراز نظر خواهد نمود. مرولوت از ج/ ۱۳ پرسید آیا شریعتمداری حاضر خواهد شد علنا با خمینی مخالفت ورزد و ج/ ۱۳ گفت که او «شریعتمداری» در واقع هنگامی که دو یا سه ماه دیگر فرصت مناسب شد به این جدایی تحقق خواهد بخشید.

۵ برای اطلاع شما، فرد مورد اشاره پاراگراف چهارم تلگرام مرجع الف کسی است که کارت سبز دارد و فرزند آیت الله سنجابی (زنجانی) «نام اولش مشخص نشد» که به گفته ج / ۱۳ بسیار مورد احترام است می باشد. ج/ ۱۳ در تلفن گفت که یک نسخه از نشریه این فرد در نیوجرسی را برای مطالعه ما ضمیمه خواهد نمود، اما این فقره در تماس عبوری ما داده نشد. اگر مشارالیه لایق و مایل بود در نظر خواهیم گرفت که او شاید بتواند با کارایی به عنوان مسئول تأمین مالی و پاسخگویی روابط عمومی شریعتمداری

عمل کند. با تعداد کثیری از ایرانیان ثروتمند که به غرب گریخته اند، مسئله فقدان پول برای شریعتمداری به قدر سازماندهی و اجرای یک فعالیت وسیع برای گردآوری پول اهمیت ندارد. اگر قرار است که سیا در چند ماه آینده یک نقش مخفی به عهده بگیرد پیشنهاد می کنیم که با شریعتمداری، ارائه نظریات حرفه ای درباره فنون گردآوری پول و زیر و بمهای به راه انداختن یک فعالیت وسیع روابط عمومی در آمریکا و اروپا به علاوه «سرمایه گذاشتن» جهت شروع تلاش خود، مطرح شود. در حقیقت بسیاری از میانه روها در ایران از تاکتیکهای کمیته ای خمینی متوحش و آشفته شده اند و حتی ج/۱۳ و آن هویت می گویند که افراد شریعتمداری فکر می کنند که قدری در صحنه قدرت عقب افتاده اند و زمان از دست می رود.

۶ درخواست می شود که ستاد با حق تقدم سوابقی درباره آن هویت ارائه کند. همچنین از تحلیل شعبه «ایران» در مورد «شناسایی و روابط قدرت بین افراد و گروههای» مذکور در پاراگراف چهارم فوق استقبال خواهیم نمود. کاملاً مشهود است که ج/۱۳ در نوشتن به انگلیسی دچار اشکال بوده و از او خواهیم خواست هنگامی که در ۳۰ اردیبهشت تلفنی با او صحبت می کنیم شفاهاً توضیح دهد. با موافقت ستاد، در نظر داریم در مرحله بعدی با ج/۱۳ این مسئله را طرح کنیم که آیا آن هویت می تواند امکان تماس دولت آمریکا «نه سیا» با شریعتمداری را تحقیق نماید. در این در این مقطع، نقش ج/۱۳ نزد شریعتمداری فاش نخواهد شد.

۷ پرونده: ۲۰۱ ۱۴۹۰۶۶، ۲۰۱ ۹۶۰۸۴۵ تا تاریخ ۲۶ اردیبهشت در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

معرفی هویت مورد بحث در سند قبل

۲۶ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سَری

از: تهران ۵۳۰۹۴ «به کفالت گلگروف» به: با حق تقدم رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: تهران ۵۳۰۹۵

۱ هویت: سیدمرتضی موسوی

تاریخ تولد: حدود ۱۳۰۵

شغل: مدیر و رئیس شرکت پیرانکو با مسئولیت محدود و... تهران.

۲ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۰۸۴۵؛ ۲۰۱ ۱۴۹۰۶۶ تا تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سَری

سَری

پیشنهاد اقدامات عملیاتی برای برقراری یک کانال مخفی با شریعتمداری

۳۱ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۳۱۶۶ «به کفالت گلگروف» به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف. تهران ۵۲۹۹۹ ب. رئیس ۴۳۶۲۱۱ ج. رئیس ۴۳۷۲۶۷، د. تهران ۵۳۰۲۳، ه. تهران

۵۳۱۰۵

۱ پیشنهاد می شود اقدامات عملیاتی ذیل اتخاذ شود تا مطلوبیت و امکان برقراری یک کانال مخفی با

شریعتمداری سنجیده شود:

الف: از طریق اس. دی. جانوس / ۱۳ گرفتن خبرهای اساسی لازم درباره حزب جمهوری خلق

مسلمان، شریعتمداری را ادامه دهیم. اصرار کنیم که ج / ۱۳ بفهمد آیا شریعتمداری ایجاد این کانال را

تجویز کرده و تأیید می کند یا نه. به دنبال رخنه در جنبش شریعتمداری باشیم.

احتمالاً از لحاظ امنیتی ملاقات مستقیم با او غیر عاقلانه خواهد بود، مگر آنکه شریعتمداری کشور را

ترک نماید.

ب: اس. دی. ولید / ۱ را به قم بفرستیم تا ملاقات دیگری با شریعتمداری داشته باشد. عملاً این کار

می تواند یک عمل «طعمه گیری» باشد یعنی و / ۱ گوش به زنگ هرگونه علامتی باشد که از جانب

شریعتمداری ابراز شود، اما خود را نماینده رسمی کسی در آنجا معرفی نکند.

ج: اقدامات سیاسی اس. دی. راتر / ۴(۱) را هدایت کنیم تا تأثیری را که می تواند بر جناح مخالف

سازنده داشته باشد به حداکثر برسانیم و ارزشهایی را که برای ما از لحاظ دادن خبرهای خارجی و

عملیات مخفی دارد به حداکثر خود برسانیم. در این رابطه تاکنون به ر/۴ توصیه کرده ایم که جبهه ملی را

بیازماید. به شرط آنکه جبهه ملی موقعیت با نفوذی در اختیار وی بگذارد. ر/۴ در جبهه ملی باید در راه ایجاد نیرویی که میانه رو و طرفدار آمریکا باشد تلاش کند و در همان ضمن، مرتب درباره تحولات گزارش بدهد. فعلاً قرارگاه به ر/۴ پیشنهاد کرده که هم اکنون شروع به فعالیت تمام عیار سیاسی نماید. ما پیشنهاد کرده ایم که او «الف» با احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور ملاقات کند تا اطلاع بهتری درباره طرحهای دولت موقت برای انتخابات به دست آورد «ب» با شریعتمداری در قم و خاقانی در خرمشهر، ملاقات کند. ر/۴ می گوید این فکر خوبی است و قصد دارد آن را اجرا کند و سعی نماید پیرامون امکان یک طرح ریزی تحقیق نماید، «ج» با تیمسار جم در لندن ملاقات کند. ر/۴ سعی خواهد کرد این کار را در سفر بعدی خود به خارج انجام دهد. او جم را دوست دارد و فکر می کند او هنگامی که موعدهش فرا برسد می تواند نقشی را ایفا نماید.

ر/۴ فکر خود را برای تشکیل یک شورای قبیله ای قشقایی که بتواند طرحی برای سازمان سیاسی سایر گروههای قبیله ای و هماهنگی با آنها باشد را دنبال می کند.

۲ ما به ر/۴ گفته ایم خوشحالیم که می بینیم او و دریادار مدنی با طرح برپا کردن یک روزنامه در تهران فعالیت می کنند. اگر چه در آخرین ملاقاتمان چیزی در این رابطه گفته نشده، اما پشتیبانی از ر/۴ در این ابتکار شاید به صرفه باشد (ر/۴ می گوید او و مدنی پول فراوانی دارند اما از توصیه های تخصصی استقبال

می کنند).

۳ همان طور که در طرح فوق ابراز شده، هدف ما این است که میانه روهای طرفدار آمریکا را از حوزه های دینی، غیر دینی سیاسی و نظامی گرد هم آوریم و در این کار احتمالاً از ۴/ر به عنوان وسیله اقدام و کاتالیزور اصلی استفاده شود. باید درباره کانال مخفی با بخش شریعتمداری بیشتر تحقیق شود، اما ۴/ر حاضر به رفتن است و اگر ۴/ر بتواند خودش نوعی پیمان با شریعتمداری برقرار کند، ممکن است نیاز به ایجاد چنین کانالی را منتفی سازد (ما می توانیم در صورتی که بخواهیم از طریق ۴/ر به شریعتمداری پول برسانیم).

۴ از نظریات ستاد استقبال می شود.

۵ پرونده: بعداً تعیین شود تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

سری

سوابق مقدم مراغه ای، موضع شریعتمداری نسبت به ملی گراها و...

سند شماره (۱۲)

۴ خرداد ۵۸ اعضاء سری

از: رئیس ۴۴۵۴۱۳ به: تهران با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

حساس اس. دی. جانوس

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۹۵ ب. رئیس ۴۳۶۲۱۱

۱ ستاد سابقه ای درباره مرتضی موسوی ندارد.

۲ رحمت الله مقدم مراغه ای همچنين مشهور به سرهنگ دوم مقدم دارای پرونده ۲۳۷۹۲۶ و ۲۰۱

هویت رمز می باشد. در آبان ۱۳۴۰ تأییدیه عملیاتی برای استفاده در دادن گزارشهای سیاسی و همچنين

تبلیغات مخفی خصمانه (در متن اصلی کلمه «تبلیغات سیاه» بجای «تبلیغات مخفی خصمانه» به کار رفته

است م) برای او صادر شد. دوست دیرینه قرارگاه تهران از سال ۱۳۳۲ بوده است. تلگرام ۲۵۸۱۷

کپنهاک مورخ ۹ اسفند ۱۳۵۷ گزارش کرد که به استانداری آذربایجان منصوب شده و اس. دی. پرنک/۱

او را نزدیکترین دوست خود در ایران دانسته است. «یک گزارش تلکس خبری مورخ ۲۷ اردیبهشت نشان

می دهد که او هنوز استاندارد است». او همچنين یک بار هم شهردار تهران بود. کپنهاک اظهار داشت که اگر

علاقه ای باشد آنها می توانند احتمالاً مشوق تماسهای فشرده تر اس. دی. پرنک/۱ با او باشند.

مطابق خبر اداره مراجعات مرکزی، لمبراکیس در تاریخ ۲۲ خرداد ۵۷ از منزل رحمت الله مقدم دیدار کرد.

در آنجا چهار تن از سران جنبش مخالفین یعنی بازرگان، سنجابی، فروهر و سید جوادی حاضر بودند. آنها

به لمبراکیس گفتند که شبستری زاده اخيرا پیامی از جانب شریعتمداری به آنها رسانده بود که در آن

اطمینان داده شده بود که شریعتمداری بدون آنها با دولت ایران مذاکره نخواهد نمود یا به توافقی نخواهد

رسید. شبستری زاده از سران مخالفین و نام اولش حاجی هاشم بود.

سفارتخانه باید بتواند شرح حال کامل او را در اختیار گذارد. در غیر این صورت اطلاع دهید و ما ارسال

خواهیم نمود.

۳ ما خبری درباره گروه گوران نداریم، اما تصور می‌کنیم که گوران ترجمه غیر صحیح قرآن باشد. هویت خلق مسلمان نامشخص است. طی یک جلسه تخلیه اطلاعات اس. دی. پریکتست/۱ او این گروه را حزب شریعتمداری معرفی نمود. با این وجود، گروه دیگری که از همان نام در فارسی استفاده می‌کند، نام انگلیسی «حزب جمهوری اسلامی توده های مسلمان ایران» را به کار می‌گیرد. مرکز آن در استان خراسان قرار دارد.

۴ اطلاعاتی درباره بلاغی، علیزاده با خسروشاهی نداریم.

۵ NITA ۱۵۲۰۶ مورخ ۸ آذر ۱۳۳۹ گزارش داد که فردی به نام آیت الله سید بیوک زنجانی از سران برجسته هواخواهان حزب شاه می‌باشد. همچنین در مورد او ذکر شده که ممکن است عامل انگلیسیها باشد. ما هر آنچه را که بازرسی سوابق در این مورد آشکار نماید باز هم اطلاع خواهیم داد.

۶ درباره پاراگراف ۴ تلگرام مرجع ب، معلوم شد که فریدیک جراح در یک بیمارستان برزیل «آیندین» است.

۷ از ردگیریهای فوق، خبرهایی که ج/۱۳ داده و سایر منابع ما می‌توانیم اثباتا بگوئیم که حزب

جمهوری خلق مسلمان به نحوی از انحاء وجود دارد. چندان تردیدی نیست در اینکه شریعتمداری تصمیم

بگیرد فعال شود جذبه وی برای میانه روها او را عامل قابل محاسبه ای در آینده سیاسی ایران خواهد

ساخت. به هر صورت، در حال حاضر نیروهای دیگری نیز که از اهمیت مساوی برخوردارند یا شاید

مهمتر باشند وجود دارند. به گفته تحلیلگران، «حزب جمهوری اسلامی» بهشتی که بنابر گزارشها حمایت

خمینی و قدرتی را که او نماینده آن است پشت سر خود دارد، یک گروه بندی عمده دیگر است. در حالی که

این حزب به نظر نمی‌رسد که براساس موازین غربی یک حزب سیاسی باشد با این وجود یک ذات سیاسی

است که از طریق دستگاه روحانیت عمل می‌کند. در حالی که ناراحتی از خمینی ممکن است در حال رشد

باشد، ما این گروه را به عنوان تنها گروهی که هنوز می تواند توده های جنوب تهران را متشکل کند و آنها را به خیابان بکشاند می بینیم. سومین گروه عمده ای که علیرغم ضعف فعلیش نمی توان از آن صرف نظر کرد «جبهه ملی» است. اگر چه سنجابی احتمالاً سخت می کوشد تا آن را احیاء کند، ما نمی توانیم آینده آن را پیش بینی کنیم، اما هنوز استعداد ایفای مقام برجسته ای را دارد. با خروج شاه از صحنه، جبهه ملی احتمالاً آینده پرزحمتی را برای اینکه عناصر مختلف پیشین خود را در هیئت یک سازمان متحد کند در پیش دارد (مثلاً ۱۰۶۰۱ NIT را ببینید).

۸ خبر دیگری نشان می دهد که «جبهه دموکراتیک ملی» به رهبری هدایت الله متین دفتری و کیل، برای مترقیون دنیوی، لیبرالها و افراد مرکزی با تمایلات چپ جذبده دارد. در سطح دیگر باید در نظر گرفته شود که گروه بندیهای قبيله ای بزرگتر سعی خواهند کرد با حمایت از حزبی که بیش از همه محتمل است تقاضاهای آنها برای خودمختاری را تحقق بخشد، در رویدادهای آینده اعمال نفوذ کنند.

۹ گروههای رادیکال کوچک غیر از چریکها نیز که تحت اسمهای گوناگون تشکیل می شوند، اما شناسایی آنها مشکل است در حال سر برآوردن هستند. به علاوه ما نیز نباید آیت الله طالقانی و طرفداران کثیرش را در بین مجاهدین از یاد ببریم. در این مقطع، به نظر می رسد استعداد این گروهها عمدتاً ایجاد اغتشاش است.

۱۰ توصیف فوق به رغم ابهام آن، به طور خلاصه صحنه سیاسی را از نظرگاه ما نشان می دهد. قبل از

آنکه بتوانیم مبادرت به اقدام سیاسی خاصی بنماییم، ما باید آگاهی روشنتری از نیروهای در کار، اینکه دقیقاً شریعتمداری چه مقامی دارد و استعداد موفقیت او داشته باشیم. واضح است که در حال حاضر ما اطلاع کافی برای چنین قضاوتی نداریم. قرارگاه پیشرفت عالی در رابطه با این مقصود داشته است، اما باز هم بیشتر مورد احتیاج است. اول باید مطمئن باشیم که علائم را اشتباه نمی خوانیم و شریعتمداری واقعا خواهان تماس است. شاید یک نوبت ملاقات حضوری با او از طریق کانال دیگر غیر مستقیم مقتضی باشد، سایر شیوه های برقراری رابطه دارای اشکال می باشند. ما احتیاطات قرارگاه را در مورد باروز می پذیریم بدون اینکه به هر حال او را به عنوان یک کانال بالقوه از نظر به دور داریم، اما هنوز احتیاطات خود را در رابطه با مقبولیت کانالی به دولت آمریکا که یک مقام سابق ساواک ترتیب آن را داده باشد حفظ می کنیم.

ما به زحمتی که قرارگاه در سرو کارداشتن با اس. دی. جانوس/۱۳ از طریق ارتباط غیر حضوری

دارد واقفیم، اما تقاضا می کنیم شما سؤالات ذیل را در نظر بگیرید:

الف. آیا شریعتمداری می داند ج/۱۳ برای او کار می کند؟

ب. آیا شریعتمداری ج/۱۳ را به عنوان یک مقام ساواک می شناسد؟

اگر او از سابقه ج/۱۳ خبر ندارد، در صورتی که از شخص دیگر آن را بفهمد چه عکس العملی خواهد

داشت؟

ج. آیا شریعتمداری ج/۱۳ یا شخص نزدیکی به ج/۱۳ را به عنوان واسطه با ما قبول خواهد کرد؟

تصور می کنیم که باید به ج/۱۳ تذکر دهیم که این نکات برای ما مسئله هستند. در عین حال باید برای

ج/۱۳ روشن کنیم که دادن اطلاعات مربوط درباره صحنه سیاسی باید نسبت به هر گونه قول پشتیبانی

تقدم داشته باشد.

۱۱ به یاد می آوریم که در حدود دی و بهمن مأمور سیاسی موقت سفارتخانه به نام دیوید پاترسون با

شریعتمداری ملاقات کرده بود و شریعتمداری ظاهرا از تماس سفارتخانه خوشحال شده بود. آیا سفارتخانه تماسهای حضوری جدیدتری با شریعتمداری داشته است؟ شما می توانید با کاردار مذاکره کرده خاطر نشان کنید که اگر چه تماسهای علنی سفارتخانه در دوران پیش از خمینی امری عادی بودند، شرایط جاری مراعات احتیاط بیشتری را ایجاب می کند و به جای آنکه تماس سفارتخانه با شریعتمداری به کلی خاتمه یابد، قرارگاه منحصرأ دارای مقدمات ادامه ارتباط با شریعتمداری به قصد جمع آوری اطلاعات است. در هر صورت، ممکن است قرارگاه بتواند نکته ای از کانال پاترسون را به کار گیرد و پیشنهاد می کنیم شما درباره این امکان به عنوان شق سوم احتمالی برای برقراری تماس غیرمستقیم تحقیق کنید.

۱۲ شما به امکان «پیشنهاد» تلگرام کانال ویژه واشنگتن ۳۱۸۰۶ نیز توجه نمائید. (۱)

۱۳ به طور خلاصه، ما هنوز شک داریم که ج/۱۳ بهترین واسطه برقراری تماس اولیه با شریعتمداری باشد. به هر حال، اگر پس از در نظر گرفتن موارد فوق قرارگاه هنوز معتقد باشد که او بهترین مورد را از میان شقوق موجود ارائه می کند، موافقت می کنیم که شما مسئله تماس نهانی با شریعتمداری را به قصد کسب اطلاعاتی که فوقا مطرح شد با ج / ۱۳ در میان بگذارید.

۱- از مطلب ذکر شده در پاراگراف ۱۲ معلوم می شود علاوه بر طرحهایی که تاکنون درباره رابطه با شریعتمداری عنوان شده □ طرح فوق العاده حساسی هم بوده که مرکز سیا در واشنگتن آن را در ردیف مکاتبات عادی خود ندانسته و از کانال ویژه ارسال کرده است.

۱۴ تلگرام تهران ۵۳۱۶۶ را که جلوتر دریافت شد به طور جداگانه مورد بحث قرار خواهیم داد.

۱۵ پرونده: ۲۰۱۹۶۰۸۴۵ تا تاریخ ۱ خرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

شرح ملاقات ولید با شریعتمداری و پیشنهاد وی به ولید مبنی بر...

سند شماره (۱۳)

۸ خرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۳۲۵۴ «به کفالت گلگروف» به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

حساس اس. دی. ولید

عطف به: تهران ۵۳۲۰۶

۱ اس. دی. ولید/۱ پس از موافقت در ملاقات مجدد با شریعتمداری در صبح ۵ خرداد از قم

بازگشت.

۲ ذیلاً ماجرای آن ملاقات نقل می شود. توصیه های قرارگاه در مسئله جامعه درگیر شدن در

اقدامات سیاسی جهت حمایت از شریعتمداری و بعضی از گروههای میانه رو ایرانی به طور جداگانه

گزارش خواهند شد.

۳ و ۱/ گزارش داد که در ورود به منزل شریعتمداری وی متوجه حضور بسیاری افراد ایلاتی

آذربایجانی مسلح هم در محوطه بیرونی و هم اندرونی منزل شد. و ۱/ گفت که این چیز تازه ای بود، در

آخرین دیدار وی به تاریخ ۱۰ اردیبهشت محافظی در آنجا نبود و بدون شک این امر را می توان نتیجه موج

حملات علیه چهره های مذهبی برجسته دانست.

۴ و ۱ گفت که دستیار اصلی شریعتمداری برای وی گفته بود که و/۱ آنجا آمده تا او را ببیند و بار دیگر، با اینکه نسبتاً عجیب بود، شریعتمداری فوراً و/۱ را دعوت کرد داخل شود. پس از مقدمات، و/۱ در حالی که در سالن بین سایر دیدارکنندگان نشسته بود، آهسته به شریعتمداری گفت که چیز محرمانه ای را می خواهد با او در میان گذارد. به طوری که گزارش شده، شریعتمداری خم شد تا و/۱ بتواند در گوشش نجوا کند، و و/۱ گفت که پس از آخرین ملاقاتشان با یکدیگر وی در تماس با «دوستان آمریکایی» بوده است. آن دوستان بار دیگر نسبت به شریعتمداری ابراز احترام نموده و اظهار داشته بودند که می دانند او می خواهد در صحنه سیاسی ایران چه بکند. آن گاه شریعتمداری گفت که حزب سیاسی که او آن را حمایت می کند به کمک احتیاج دارد، حزب حدود دو میلیون عضو دارد اما کارهای زیادی باید انجام گیرد. و/۱ گفت که دوستان آمریکایی شاید مایل باشند درباره این امور مذاکره کنند و آیا کسی هست که و/۱ بتواند اسمش را در این رابطه بدهد؟ شریعتمداری آن گاه گفت که آنها می توانند با سران حزب ما صحبت کنند؛ شریعتمداری از و/۱ خواست که به حزب پیوندد و گفت که حزب محتاج افراد تحصیلکرده بیشتر است که آگاهی سیاسی داشته باشند. و/۱ گفته که قصد دارد به حزب پیوندد «به توصیه ما حالا این کار را خواهد کرد»، اما حقیقتاً فکر می کند بهتر آن است که این تماسها با «دوستان» توسط فردی صورت پذیرد که شریعتمداری کاملاً به وی اعتماد داشته باشد و مطمئن باشد که این امور را محرمانه نگاه می دارد. به نظر

رسید که شریعتمداری موافق بود و نام پسرش سیدحسن شریعتمداری را به و/۱ داده او به و/۱ گفت که هر کدام از دوستان را که می خواهد نزد حسن ببرد. به نظر و / ۱ شریعتمداری دقیقا می دانست چه نوع رابطه ای در حال برقراری بود و به خوبی می داند که «دوستان آمریکایی» همان دولت آمریکاست. و/۱ از شریعتمداری تشکر کرد که برای پذیرفتن او وقت داده بود. و دوباره به او گفته شد که هر گاه بیاید خوش آمده است. و/۱ کمی قبل از آنکه رخصت بگیرد پرسید، آیا می تواند نظر او را درباره یک نفر جویا شود، این نظر را «دوستان» آمریکایی خواسته اند. شریعتمداری پذیرفت؛ ما گزارش «آن» را در شکل اطلاعاتی به طور جداگانه ارسال خواهیم کرد. ملاقات با شریعتمداری حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید.

۵ و/۱ سپس به ملاقات حسن رفت و حدود ۱۵ دقیقه را با وی گذارند و آنچه را که بین او و پدرش روی داده بود توضیح داد طی آن ملاقات حسن نشانی و تلفن خود در تهران را به و/۱ داد و و/۱ را دعوت نمود تا هرگاه آماده بود همراه یا بدون «دوستان» تماس بگیرد. ما نشانی و شماره های تلفن را برای پرونده داریم. حسن بین ۳۰ تا ۳۵ سال دارد. و / ۱ مطمئن نیست آیا او انگلیسی تکلم می کند یا نه.

۶ در ملاقات ۷ خرداد که اطلاعات فوق در آن به دست آمده گلگروف به و / ۱ گفت که «جریان را» ادامه دهد و با حسن ملاقات کند، اما نوعی بهانه هم دست و پا کند برای اینکه از سرعت جریانات برای مدت کوتاهی کاسته شود. و/۱ قصد دارد در ۸ یا ۹ خرداد با حسن تماس بگیرد و به او بگوید که فشار امور شخصی باعث می شود که ملاقات مربوط به «دوستان» برای یک هفته یا حدود این مدت به تعویق افتد، اما می تواند به حسن اطمینان دهد که در اولین فرصت ممکنه دوباره تماس خواهد گرفت. در همین ضمن، و / ۱ به حزب خواهد پیوست.

۷ به نظر می رسد که و / ۱ کاری عالی انجام داده و یک کانال مستقل، محتاط و ظاهرا بسیار قابل

اطمینان به شریعتمداری برای ما تهیه کرده است.

۸ پرونده: ۲۰۱۹۵۹۵۱۱؛ ۲۰۱۹۶۰۸۴۵ تا تاریخ ۸ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

مذاکره با اس.دی. جانوس در رابطه با امکان برقراری یک ارتباط...

سند شماره (۱۴)

۹ خرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۳۲۴۸ «به کفالت گلگروف» به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

حساس اس.دی. جانوس

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۹۵ ب. رئیس ۴۴۵۴۱۳

۱ این گزارش درباره جلسه ما با اس.دی. جانوس / ۱۳ در ۷ خرداد در رابطه با امکان برقراری یک

ارتباط با آیت الله شریعتمداری و حزب سیاسی او می باشد. توصیه های قرارگاه در مورد مسئله جامعت

اشتغال به اقدام سیاسی برای حمایت از... تعدادی از گروههای میانه رو ایران به طور جداگانه بعدا گزارش

می شوند. پیش از... این گزارش و گزارشهای بعدی در مورد این موضوع، ستاد باید به گزارش سفارتخانه

تهران مورخ ۲ خرداد شماره ۵۲۸۷ مراجعه کند که گزارش تماس جداگانه سفارتخانه با گروه

شریعتمداری را نقل می کند و بسیاری از جزئیات گزارش تلگرام مرجع الف ج / ۱۳ را تأیید می کند.

۲ با اظهار این مطلب صحبت را شروع کرد که وی بار دیگر با بعضی «سران» حزب جمهوری خلق مسلمان تماس گرفته بود و این افراد فکر همکاری با آمریکاییها را تأیید کرده بودند. هنگامی که از او خواسته شد. اسمهای این سران را بدهد، ج/۱۳ گفت که آنها همان کسانی بودند که قبلاً نامهایشان را به ما داده بود «تلگرام مرجع الف». ج/۱۳ گفت که در صورت موافقت ما، افراد منتخبی از حزب به قم خواهند رفت و درباره مسئله با شریعتمداری حرف خواهند زد تا ببینند آیا شریعتمداری آن فکر را تأیید می کند یا نه. ج/۱۳ گفت در فکر این است که خودش هم به عنوان عضوی از این گروه همراه برود، گلگروف وی را متقاعد ساخت که به چندین دلیل این فکر خوبی نیست که او در تمام این قضیه نقشی.... در پایان مکالمه و براساس بعضی تفاهات بسیار مشخص «رجوع شود به ادامه متن» گلگروف به ج / ۱۳ گفت که دوستان خود را روانه مسافرت به قم کند و عکس العمل شریعتمداری را نسبت به قدمی که برداشته اند....

۳ ج / ۱۳ گفت که.... شریعتمداری فکر می کردند که به راهنمایی مالی و سیاسی احتیاج دارند چون آنها سعی می کنند طرفداران خود را به مجلس بفرستند. گلگروف گفت که ما اوضاع سیاسی ایران را آنقدر مشوش و متغیر که قبل از مبادرت به هر عملی ضرورت دارد که مقداری اطلاعات کاملاً به دست بیاوریم. آیا دوستان ج/۱۳ خبر داشتند که انتخابات کی و چگونه برگزار خواهد شد؟ آیا آنها رأی محکمی نسبت به توازن فعلی نیروها دارند که بتوانند با ما هم در میان بگذارند؟ ج / ۱۳ گفت که صفوف و مراتب آنها بسیار مغشوش است، بهمین علت آنها برای راهنمایی به ما چشم دارند. «هنگامی که گلگروف این را شنید، وی پی برد که دستهای ما بیش از آنچه حدس می زدیم درگیر..... بود». ج / ۱۳ گفت که اگر گلگروف.... که هنوز سازماندهی برای انتخابات زود است این فکر مورد نظر قرار خواهد گرفت. ج / ۱۳ گفت که نکته مهم..... انتخابات برگزار خواهند شد. وی گفت که حزب شریعتمداری به

همین دلیل دست به کار تماسهای اولیه با جبهه ملی شده است. به گفته ج / ۱۳، جبهه ملی تنها حزبی است که حزب شریعتمداری با آن تماس حاصل کرده است.

۴ ما به ج/ ۱۳ گفتیم که در اصل ما میل داریم با حزب شریعتمداری درباره..... مذاکره کنیم. هنوز صحبت درباره پشتیبانی از حزب زود می باشد چون نه ج/ ۱۳ و نه ما نمی دانیم آیا شریعتمداری فکر یک کانال یا رابطه با آمریکاییها را حتی تأیید می کند یا نه. ما فکر می کنیم که اهمیت دارد به زودی از نظریات شریعتمداری در این مورد مطلع شویم. به هر حال هنگامی که دوستان ج/ ۱۳ مسئله را برای شریعتمداری شرح می دهند، باید توضیح داده شود که دوستان..... با این فکر نزد آمریکاییها رفتند..... آمریکاییها قدم اول را..... برداشتند..... هنوز مطمئن نیستند که درگیر جریان بشوند.....

..... ۵

..... ۶

تلاشهای سیا برای ایجاد یک کانال ارتباطی با شریعتمداری و...

۱۰ خرداد ۵۸ اعضاء سزى

از: تهران ۵۳۲۵۷ «به كفالت گلگروف» به: رئيس

هشدار شامل منابع و شيوه هاى اطلاعاتى است.

عطف به: الف رئيس ۴۳۶۲۱۱ ب رئيس ۴۳۷۲۶۷ ج رئيس ۴۴۵۴۱۳ د تهران ۵۳۲۵۴ ه تهران

۵۳۲۴۸

۱ تلگرامهاى مرجع د و ه جديدترين تحولاتى را گزارش مى کنند که در تلاشهاى اس. دى.

جانوس/۱۳ و اس. دى. وليد/۱ برای ايجاد يك کانال به شريعتمدارى و بدان وسيله گشودن باب امکان...

پشتيبانى از اين رهبر ميانه رو مذهبى و حزب سياسى روى داده اند. کاردار درباره اين قضايا و اين تحولات

توجه شده است.

۲ همان طور که ستاد در تلگرام مرجع خاطر نشان کرده، درباره اوضاع سياسى کلى ايران هنوز

نکات مجهول زيادتر از آن است که در تلاشمان برای اعمال نفوذ در آن اوضاع، اجازه دهد چندان احساس

آسايش خاطر کنيم فقط در تهران تقريبا هر روز احزاب و گروههاى جديد تشکيل مى شوند. بعضى از اين

گروهها، سازمانهاى ... مستقلى نيستند، بلکه گروههاى کوچکتر جديدى هستند که برای ابراز حمايت از

نيروهاى مذهبى قويتر تشکيل شده اند. در چنين فضايى حقيقتا..... اينکه حقيقت اوضاع چيست،

مى خواهيم چگونه بشود و.... از اينجا به آنجا برسيم غير ممکن است، خصوصا در زماني که انتخابات

ممکن است ابزار معتبرى برای تأثير در رويدادها نباشد.

۳ قرارگاه گزارش..... پيشهاد کند که از حزب شريعتمدارى يا هر حزب ديگر در اين مرحله

حمايت کنيم. ما بايد در جهت ايجاد راههاى جدای از حمايت از حزب شريعتمدارى کار کنيم، يا اينکه در

صورتی که خواستیم، از طریق اس. دی. راتر/۴ برای حمایت از وی برای یک حزب مشابه اقدام کنیم. ما پیشنهاد می کنیم که سیا با اقدام از طریق پسر شریعتمداری حسن، بازی را تا همان طور که از طریق ر/۴ اقدام می کنیم «از این طریق هم» مقداری اطلاعات به دست بیاوریم. گلگروف مایل است با حسن ملاقات کند و از و/۱ در صورت لزوم به عنوان مترجم استفاده نماید. موافقت ستاد ر/۴ تقاضا می شود.

۴ ما این کانال را به کانالی که از طریق و دوستانش در حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان احتمالاً وجود دارد ترجیح می دهیم. پیشنهاد می شود که با حسن ملاقات نشود تا هنگامی که از نتایج سفر گروهش به قم را برای آنکه مطمئن شویم که کل فعالیت را تحت کنترل داریم و می توانیم به نحوی با ج / ۱۳ تماس بگیریم که اوضاع را به هم نریزیم.

۵ ملاقات با حسن ما را پایبند شریعتمداری نمی کند، یا در صورتی که بعداً تصمیم گرفتیم از کسان دیگری پشتیبانی کنیم مانع از این کار نمی شود. ما نظرم آن نسبت به همکاری با شریعتمداری این خواهد بود که این همکاری از طریق ای است مخفی برای اعمال نفوذ در این نهضت، تا هر اندازه که باشد و در ضمن آن نوع اطلاعاتی را هم که فقط در دسترس افراد فعال در مبارزه سیاسی می باشد جمع آوری

می کنیم. این نکته مهم خواهد بود که نگذاریم در موقعیتی واقع شویم که برای حزب تصمیم بگیریم.

۶ اگر یک دو ملاقات اول با حسن مثر مثر بودند، شاید اقدام به نقل مکان به خارج از ایران به

صلاح باشد. خیلی از کار بستگی خواهد داشت به حساب ما از.....کسب امنیت در ملاقاتها.

۷ پرونده: ۲۰۱۹۶۰۸۴۵ تا تاریخ ۱۰ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

تأیید قرارگاه جهت ملاقات با حسن شریعتمداری

سند شماره (۱۶)

۱۶ خرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: رئیس ۴۵۲۶۴۷ به: تهران با حق تقدم

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

حساس. اس. دی. ولید

عطف به: الف. تهران ۵۳۰۹۵ ب. تهران ۵۳۲۵۹ ج. تهران ۵۳۲۵۴ د. سفارتخانه تهران ۵۲۸۷.

۱ به دنبال تحولاتی که در ارتباط با تمایل شریعتمداری به برقراری تماس از طریق پسرش حسن

سریعا روی می دهند در ۱۱ خرداد جلسه ای بین طرفهای ذینفع ستاد برگزار شد تا جهت حرکت خود را

تعیین نماییم. اجماع آراء بر این بود که ما هنوز اطلاعات کافی در اختیار نداریم تا درباره مسیر آینده اقدام

سیاسی در ایران قضاوت صحیح نماییم و ممکن است براساس خبرهای محدود موجود سریعتر از حد

خود به سوی اقدام سیاسی پیش می رویم. به علاوه ما خطر از دست دادن کنترل اوضاع را متوجه منابع

ذخیره خود می کنیم که ممکن است خود منافع و مقاصد سیاسی خاصی داشته باشند. اگر چه منافع خود ما

عموما با منافع اس. دی. جانوس/۱۳، اس. دی. ولید/۱ و اس. دی. راتر/۴ اشتراک دارد، اما دیدگاههای

آنها در مورد نحوه نیل به این مقاصد و سرعت حرکت بدون شک با دیدگاههای ما تفاوت دارد.

۲ با ملاقات قرارگاه با حسن پسر شریعتمداری موافقت می شود. با این وجود، از گلگروف درخواست می شود خود را مقید کند به اینکه نقش یک کارمند سیاسی را ایفا نماید که علاقه مند به ملاقات با یکی از شخصیت‌های اصلی ایران است و برای حفظ شهرت و آینده سیاسی شریعتمداری تأکید دارد بر اینکه ملاقات با احتیاط برگزار گردد. در این مقطع نباید هیچ گونه وعده پشتیبانی به طور غیرمستقیم ابراز شود یا موضوع مذاکره قرار گیرد، هر چند که اگر این موضوع از جانب حسن مطرح شد لزومی هم ندارد گفته شود که هیچ نوع آن در آینده امکان پذیر نیست. مقاصد تماس را عبارت می دانیم از اینکه حسن به عنوان منبع گزارشگر بالقوه سنجیده شود، ارتباط را بر مبنای مخفی قرار دهیم و امکان حمایت احتمالی از شریعتمداری در یک زمان آینده را فراهم کنیم. درباره حسن سوابقی موجود نبود. همچنین به تماسهای سفارتخانه با یک فرد طرفدار شریعتمداری که در تلگرام مرجع د آمده توجه نمایید. فکر می کنیم که قرارگاه تماسهای سیاسی را با وزیر مختار «سفارتخانه» هماهنگ می کند بنابراین با فعالیتهای سفارتخانه تداخل پیدا نمی کنیم.

۳ مسئله پاراگراف ۴ تلگرام مرجع ج را به قرارگاه محول می کنیم. با این وجود، تصور می کنیم بهترین کار آن است که با سرعت و تردستی تمام خود را از کانال ج/۱۳ شریعتمداری خلاص کنیم. ما یقیناً میل داریم ج/۱۳ را به عنوان یک منبع ذخیره گزارشگر درباره صحنه سیاسی و سازمان اطلاعاتی حفظ کنیم، اما به نظر می رسد او بدون آنکه لازم باشد بر رابطه آمریکاییها وقوف یافته و فکر می کنیم سابقه او نشان

می دهد که خطر وی به عنوان یک کانال سیاسی بیش از اندازه بزرگ است.

۴ در رابطه با اس. دی. راتر / ۴، ما علاقه وافر داریم به اینکه فعالیتهای سیاسی او و هرگونه اطلاعات ناشی از آن را اداره کنیم. ما با فکر وسیله ارتباط جمعی به عنوان طرح پیشنهادی برای کمک به گردآوری میانه روهای طرفدار آمریکا از حوزه های دینی، غیردینی، سیاسی و نظامی موافقت داریم. هرگاه روزنامه وی تأسیس گردید، ما خواهیم توانست مقالاتی برای آن تهیه کنیم. تحت شرایط مناسب ما می توانیم در صورتی که خواسته شود امکان دادن توصیه های تخصصی را در نظر بگیریم.

۵ برای آنکه اطلاع موثقی از گروههای قدرت در ایران به دست آوریم و با این وسیله به مسئولین سیاسی آگاهی بهتری بدهیم درباره اینکه منافع آمریکا در کجا تأمین می شوند و کدام راه حل های اقدامی واقع بینانه هستند، ما احتیاج به توسعه استعداد گزارشگری داریم. تنها تحت این شرایط می توانیم اقدام سیاسی گسترده تری را «برای قرارگاه» پیش بینی کنیم. کمال مطلوب این است که و... منابع ذخیره گزارشگر در سایر مراکز عمده کشور، گزارشهای بیشتر درباره قبایل و ارتش، منابعی بین بازرگانان و سایر گروههای قدرت داشته باشیم. در عین حالی که خود اذعان داریم این یک برنامه دراز مدت است، ولی بعضی منابع هم اکنون در موقعیتی قرار دارند که می توان تشویقشان کرد در آینده نزدیک اطلاعات سیاسی تهیه کنند. ما از بار اضافی که بر دوش یک قرارگاه دو نفره گذارده شده آگاهیم و به عنوان بهترین کاری که از ما در اینجا برمی آید تا کوششهای تهران را تکمیل کنیم، این است که همچنان به شناسایی منابع بالقوه ادامه دهیم.

۶ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۰۸۴۵ تا تاریخ ۱۵ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزی

سزی

۱۷ خرداد ۵۸ اعضاءسری

از: تهران ۵۳۳۷۶ «به کفالت گلگروف» به: با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است حساس

عطف به: الف تهران ۵۳۲۴۸ ب تهران ۵۳۲۵۷ ج رئیس ۴۵۱۵۶۹

۱ چنان که قرار گذاشته شده بود در..... خرداد با اس دی جانوس/۱۳ تماس تلفنی انجام گرفت.

ج/۱۳ با قدری شرمساری اعتراف کرد که در تماس تلفنی..... وی با پسرش او از خود فراموشکاری

نشان داده بود و بابت آشفتگی احتمالی در کارها معذرت خواهی کرد.

۲ ج/۱۴ گزارش داد که مرتضی موسوی به قم رفته و به طور خصوصی با شریعتمداری ملاقات کرده

تا..... وصف شده در تلگرام مرجع الف را دنبال کند. ج/۱۳ همراه او نرفته بود، به طوری که نقل کرده اند

شریعتمداری این را تصمیم عاقلانه ای دانسته بود.

۳ ج/۱۳ گفت که شریعتمداری با توصیه ای که مرتضی موسوی و سایر سران حزب جمهوری خلق

مسلمان به او نموده بودند مبنی بر اینکه برای بررسی امکان برخورداری از حمایت دولت آمریکا با آن

دولت تماس گرفته شود «کاملاً موافقت کرده بود»..... خوب می داند که افراد او تماس آزمایشی با دولت

آمریکا برقرار می کنند نه برعکس. به گفته ج/۱۳، شریعتمداری گفت که موافقت وی فقط مشروط به دو شرط است. اول آنکه این تماسها باید خیلی کم و خیلی سری باشند. دوم آنکه، تماسها باید در محدوده همکاری دو جانبه و تساوی باشند. موقعی که گلگروف از ج/۱۳ برای دادن توضیحات دقیقتری در این مورد پرس و جو کرد، او گفت منظور شریعتمداری این بوده که رابطه به صورت برتر و پائین تر نباید باشد، دو طرف باید مثل یکدیگر پشت یک میز بنشینند. شریعتمداری گفت که قول می دهد در آینده برای بازپرداخت هر مقدار پولی که از دولت آمریکا درخواست خواهد شد به هر کاری که ممکن باشد دست بزنند.

۴ به طوری که گزارش شده شریعتمداری به مرتضی موسوی گفت که آمریکاییها را خاطر جمع کند که رقم ۵ میلیون دلار برای کمک یعنی همان رقمی که قبلاً ج/۱۳ به گوش ما رسانده بود فقط برای تأمین.... کفایت می کند. شریعتمداری گفت که تشکل پرهزینه است و نیاز به... کلاً چندین برابر مبلغ ۵ میلیون دلار است. شریعتمداری نگفت که برای همه کارها به دولت آمریکا تکیه خواهد شد، اما اظهار داشت که ما می توانیم..... را تأمین کنیم.

۵ ج/۱۳ گفت که مرتضی موسوی با یک احساس فوری بودن این مسئله از قم بازگشت. شریعتمداری فکر می کند که حالا زمان آن فرا رسیده که به طور جدی دست به کار تشکیلاتی شویم. او می خواهد ابتدا به آذربایجان پردازد تا حمایت حوزه پشتیبانی از خود را قطعی کند. بعد سراغ سایر استانهای اصلی «که نام برده نشدند» برود. شریعتمداری می خواهد روی استانها تأکید کند، و به مرتضی موسوی گفت که فکر می کند با دست به کار شدن از حالا، می تواند به مقاصد خود برسد.

۶ در زمینه جزئیات عملی کار، شریعتمداری گفت که به دلایل امنیتی وی شخصا مایل نیست که با مقامات خارجی در داخل ایران ملاقات کند. شریعتمداری گفت که او تلاشهای سفیر انگلستان و دیگران

را که می خواستند با او در قم ملاقات کنند رد کرده بود «ما می دانستیم که انگلیس سعی داشت قرار ملاقاتی ترتیب دهد». در صورتی که پوشش مناسبی تهیه شود او با ملاقات با فرستاده دولت آمریکا موافقت خواهد کرد. «ج/۱۳ در مورد اینکه غیر از مرتضی موسوی، که انگلیسی یاد ندارد، چه کس دیگری می تواند واسطه ما شود چیزی به نظرش نرسید». به گفته ج/۱۳، شریعتمداری گفت که می خواهد هیچ کس جز آنها که مطلقاً لازم است بدانند، از این ترتیبات مطلع نشود حتی پسرش حسن، تکرار می شود حتی پسرش حسن.

۷ ج/۱۳ گفت که شریعتمداری افزوده بود که امیدوار است تماس با دولت آمریکا منجر به بهتر شدن آگاهی او از مسائل جاری گردد. «ستاد به خاطر می آورد که این همان قافیه اظهاراتی است که فرانک باروز پس از ملاقات خود با شریعتمداری به کاردار اظهار داشته بود». ج/۱۳ گفت که شریعتمداری پیرامون مجادله اخیری که با واشنگتن بر سر معرفی سفیر روی داده «خیلی سردرگم» است. لازم است که او «مطلع» باشد تا مواضع علنی وی مفید واقع گردند. او همچنین می خواهد در یابد آیا در دولت ایران کسی هست که ما به او اعتماد داشته باشیم.

۸ در خاتمه گفتگو با گلگروف، ج/۱۳ تأکید کرد که شریعتمداری خودش می خواهد سریعاً بداند آیا دولت آمریکا می خواهد از او حمایت کند یا نه. هنگامی که گلگروف توضیح داد چنین تصمیمات برجسته ای معمولاً بعد از مقداری بحث و هماهنگی انجام می گیرند، ج/۱۳ دلسرد شد. او امید داشت که

پیش از پایان هفته بتواند جوابی به شریعتمداری برساند. ج/۱۳ تأکید کرد که شریعتمداری می خواهد فوراً دست به کار شود و می خواهد بداند آیا می تواند روی کمک آمریکا حساب کند یا نه.

۹ ما یک تماس تلفنی با ج/۱۳ خواهیم داشت که قرار است در ۱۹ خرداد صورت گیرد. اظهارات خود به وی را براساسرئیس متکی خواهیم کرد. قصد داریم به ج / ۱۳ بگوییم که به نظر ما برای صحبت از تعهد بستن با حزب شریعتمداری هنوز زود است، اما امکان همکاری قابل ملاحظه در زمانی دیگر را مردود نخواهیم شمرد.

۱۰ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۰۸۴۵؛ ۲۰۱ ۱۴۹۰۶۶ تا تاریخ ۱۷ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

سرّی

کمک و حمایت بعد از تکمیل شدن اطلاعات توضیحات ج/۱۳ در مورد مواضع و اهداف شریعتمداری و تأکید بر حمایت از وی توسط سیا

سند شماره (۱۸)

۲۰ خرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۳۳۹۵ «به کفالت گلگروف» به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: تهران ۵۴۳۳۷۶

۱ مطابق قرار قبلی در تاریخ ۱۹ خرداد با اس. دی. جانوس/۱۳ تماس تلفنی حاصل شد. گلگروف

توضیح داد که ما حاضر نیستیم به شریعتمداری برای پشتیبانی از او تضمین بدهیم. گلگروف گفت موضع ما

این است که ابتدا با ید اطلاعات بیشتری درباره اوضاع ایران و نیروهای در صحنه به دست آورد و افزود که

چون شریعتمداری می خواهد این قدر زود بداند که آیا ما حاضریم برای او پول فراهم کنیم، رؤسای گلگروف ناچار بودند که قاطعانه پاسخ منفی دهند. وارد شدن در این عملیات تنها موقعی ممکن است که طرح ریزی دقیق به عمل آمده و درباره هدفها توافق کامل حاصل شده باشد.

۲ ج/۱۳ گفت این پیام را توسط مرتضی موسوی به شریعتمداری خواهد رساند. او گفت اهداف شریعتمداری در این مورد کاملاً روشن است و نیازی به صرف وقت بیشتر برای درک آنها وجود ندارد. هدف شروع سازماندهی جدی است. گلگروف پرسید سازماندهی برای چه؟ اگر انتخاباتی قرار است صورت بگیرد، بدون شک نیاز «به سازماندهی» خواهد بود، اما حالا چه کسی می تواند بگوید که انتخاباتی در کار خواهد بود؟ ج/۱۳ گفت که ما باید درک کنیم که چون شریعتمداری یک چهره برجسته مذهبی است، طرف مراجعه مردم برای راهنمایی و کمک قرار داد. شریعتمداری برای به دست آوردن پیروان بیشتر نیاز به پول دارد «از این لحاظ که موقعیت و اهمیت مراجع شیعه بستگی به تعداد پیروان آنها دارد» شریعتمداری وجوهات را بین افراد محترم تقسیم خواهد کرد و بدین وسیله وفاداری آنها را به دست خواهد آورد..... این وجوهات همچنین برای تأمین مخارج اضافی حزب استفاده خواهد شد.

ج/۱۳ بار دیگر تأکید کرد که شریعتمداری می خواهد هر چه زودتر در آذربایجان و سایر شهرستانها شروع کند «رجوع شود به گزارش ۱۰۶۳۶ NIT راجع به اظهارات استاندار آذربایجان درباره کارهای تشکیلاتی طرفدار خمینی..... در استان وی». ج/۱۳ گفت شریعتمداری فکر نمی کند که الان زمان به نفع او باشد. ج/۱۳ گلگروف را به خاطر..... او به نظر خود، در مصرف نهایی هر دلار سرزنش کرد. ج/۱۳

گفت..... باید پی ببرد «یا ببریم م» که بسیار به نفع ماست که شریعتمداری به قدر کافی احساس کند تا با نظریاتی به میدان بیاید که خمینی را به مبارزه بطلبد.

۳ ج/ ۱۳ آن گاه درباره تمایل ما برای در جریان نگاهداشتن شریعتمداری از حقیقت اوضاعی که در مناسبات ایران و آمریکا تأثیر دارند «پاراگراف ۷ تلگرام مرجع» سؤال کرد. گلگروف گفت که ما از اطلاع دادن خیرها به شریعتمداری خوشحال خواهیم شد، ولی با این حال هنوز خیلی مانده تا کم و کیف کار مشخص شود. در جریان ارائه خلاصه ای از اوضاع از نظر ما، گلگروف این امکان را مطرح کرد که دولت ایران شاید جدا علاقه مند باشد روابط دیپلماتیک را قطع کند. بسیار ضروریست که بهانه ای برای این کار، مثل اتهام دست داشتن با شریعتمداری به آنها داده نشود. ج/ ۱۳ گفته که این پیام را خواهد رساند.

۴ برای آنکه کانال ج/ ۱۳ به شریعتمداری را مدتی بیشتر فعال نگاه داریم، به ج/ ۱۳ گفتیم که سؤالاتی درباره اوضاع سیاسی محلی برای او خواهیم داشت که به مرتضی موسوی و شریعتمداری برساند.

گلگروف به ج/ ۱۳ گفت که ما هنوز منتظر نظریات ستاد هستیم. قرار شده که تماس تلفنی بعدی با ج/ ۱۳ در ۲۶ خرداد صورت پذیرد که در طی آن سؤالات بیشتری را رد خواهیم کرد.

۵ از ج/ ۱۳ درباره وضع خودش سؤال شد. او می گوید که وی..... ایستاده و صبر می کند، اما با فقدان تضمینهای قابل اطمینان به سر کار خود بازمی گردد. ج/ ۱۳ گفت خود را خوب اداره می کند و به کمک از جانب ما احتیاج ندارد.

۶ قرار گاه توضیحات و توصیه های بیشتری را به طور جداگانه ارائه خواهد کرد.

۷ پرونده: ۱۴۹۰۶۶؛ ۲۰۱؛ ۹۶۰۸۴۵؛ ۲۰۱. تا تاریخ ۲۰ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزی

سزی

ملاقات با حسن شریعتمداری

سند شماره (۱۹)

۲۰ خرداد ۵۸ اعضاءسری

از: تهران ۵۳۳۹۸ به: با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

حساس اس. دی. ولید

عطف به: الف تهران ۵۳۳۷۶ ب رئیس ۴۵۲۶۴۷

۱ گلگروف در تاریخ ۲۰ خرداد با حسن شریعتمداری در منزل وی ملاقات کرد. اس. دی. ولید / ۱

معرفی را انجام داد «گلگروف به عنوان «آقای فرانک» معرفی شد» و به درخواست حسن ماند تا به عنوان

مترجم عمل کند. حسن انگلیسی را به حد کفایت می فهمد، اما مایل نیست به آن صحبت کند. این ملاقات

۴۰ دقیقه طول کشید و بسیار صمیمانه برگزار شد.

۲ مطابق توافق قبلی، و/ ۱ به حسن توضیح داد که «دوستان آمریکایش» نام گلگروف را به عنوان

مقام مناسب سفارتخانه آمریکا برای تماس داده بودند. گلگروف کارمند سیاسی سفارتخانه است.

گلگروف می خواهد که ملاقات به نحوی بسیار معتدلانه برگزار شود تا منافع هر دو حفظ گردد. حسن

سؤالاتی در این مورد نکرد. او گفت که از فرصت ملاقات گلگروف و بحث با وی درباره امور سیاسی

استقبال می کند و در خاتمه گفته که «امیدوارم دوباره شما را ببینم.» در رابطه با و/۱، حسن اینک از او انتظار دارد کار تشکیل شعبه آمریکای «واشنگتن» حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان را بین ایرانیان آنجا شروع کند. شاید ستاد بخواهد که با و/۱ طی اقامتش در آنجا در این باره بیشتر صحبت کند.

۳ شکل این ملاقات عمدتاً سؤال و جواب بود. اهداف آن اندازه گیری تمایل حسن به بحث صریح درباره اوضاع، سنجش جذابیت وی به عنوان کاندیدای عملیاتی و مقایسه محتوی و جهت کلی این ملاقات با پیامی که جداگانه از اس. دی. جانوس / ۱۳ به دست ما می رسد بود. ما انتظار هیچ پیشرفت اطلاعاتی نداشتیم و چنین چیزی هم نشد.

۴ حسن گفت که در هفته چهار روز را در تهران برای فعالیتهای حزب جمهوری خلق مسلمان و سه روز باقیمانده را در قم می گذارند. او قدری با حالت تدافعی می گوید که در این حزب «نامهای مهم» یافت نمی شوند، «او از نام بردن سران آن خودداری ورزید» و می گوید که به طور جدی در این زمان تلاش جهت همکاری با سایر احزاب سیاسی جریان ندارد. او مزاح کرد و گفت اکنون خیلی احزاب در حال شکل گرفتن هستند و تعداد خیلی کمی از آنها جدی گرفته می شوند لذا به دنبال ائتلاف با آنها بودن هنوز زود است. او..... که جبهه ملی با مشکلاتی روبه روست فقط برای آنکه به حزب قدیمی آن شکل دهد. حسن معتقد است که این انتظار بزرگی است که حزب یک تشکیلات سراسری در ایران برپا کند، اما با تمرکز بر بعضی نواحی خصوصاً آذربایجان می تواند یک حزب کارآمد ایجاد کرده و فکر می کند که برای این امر یک مهلت زمانی وجود دارد چون این در دست دولت است که پس از تصویب قانون اساسی هرگاه..... انتخابات «برای مجلس» را اعلام کند.

۵ او شغل خود را آماده کردن حزب برای رقابت..... انتخابات مجلس می داند. حزب به مرحله معرفی نامزدهایی برای تصدی مقام نرسیده است، تشکیلات فعلاً کار اصلی است که باید انجام

گیرد.

۶ حسن از ابراز نظر درباره نقش مجاهدین، فداییان یا سپاه «پاسداران» انقلاب در سازمان دادن

انتخابات خودداری ورزید. در رابطه با خواسته‌های اکراد و شاید سایر اقلیتهای کشور برای خودمختاری

منطقه ای، حسن توضیح داد که دورنمای شورشهای مسلح در جهت خودمختاری عاملی در سیاست

خارجی دولت خواهد بود. به نظر او نیروهای خارجی به طور وسیعی پشت این حرکات می باشند و اگر

دولت بتواند این حامیان خارجی را به توقف فعالیت‌هایشان تشویق کند، مسئله رفع خواهد شد.

۷ هنگامی که ساخت نسبتاً خشک سؤال و بی جوابی جلسه شروع به نرم شدن نمود، حسن پرسید

داستان حقیقی پشت جریان کاتلر چیست؟ گلگروف گفت که رسماً اعلام شده بود که ارتباط کاتلر با

موبوتو در زئیر برای دولت ایران این معنی را در بردارد که از او برای ارتباطی استفاده شده بود که دولت

موقت نمی خواهد در اینجا هم آن طور باشد. حدس ما این است که علت حقیقی مخالفت با کاتلر از

عکس العمل..... به قطعنامه سنای آمریکا که از ایران خرده گرفته بود ناشی می شود. حسن پرسید که آیا به

نظر ما حقیقتاً یزدی یا خمینی حامی این تصمیم درباره کاتلر بودند. ما گفتیم «خمینی»؛ حسن سر تکان

داد. برای نشان دادن امکان اینکه بعضی خبرهای محرمانه را می توان با حسن مبادله کرد، ما پرسیدیم آیا او

شنیده که انتظام می خواهد برود. حسن گفت که نشنیده و دو سؤال درباره آن نمود.

۸ هنگامی که ملاقات پایان پذیرفت، دوستانه دست داده شد و به طور رسمی و مقدماتی «شاید» گفته

شد به امید دیدار. اما مطمئنم که از حسن هیچ علامتی مبنی بر اینکه فرصت آینده برای تماس با آمریکاییها را مغتنم خواهد شمرد مشاهده نگردید. اظهارات و نظریات وی مجموعه ای خیلی سرد و مؤدبانه و برای وقت گذرانی بود. حسن کاملاً محتاط به نظر می آمد که شاید برای ملاقات اول طبیعی بود و اهداف آشکاری برای اینکه وی به آنها دست یابد نداشت. و/و ۲۲ خرداد ملاقات دیگری با حسن دارد که برای بحث این است که و/و برای حزب در آمریکا چه کار باید بکند. به و/و گفته ایم که گوش به زنگ هرگونه نظری که حسن ممکن است در آن موقع درباره ملاقات ۲۰ خرداد اظهار کند باشد.

۹ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۰۸۴۵؛ ۲۰۱ ۹۵۹۵۱۱. تا تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

ادعاهایی در مورد فعالیتهای افراطیون...

سند شماره (۲۰)

۳ تیر ۵۸ اطلاعاتی سرّی

از: رئیس ۴۸۲۰۸۱

به: تهران رونوشت برای امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه، کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل آویو
هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعاتی،

گزارش الحاقی ۱۳۰۹۲۷۹ / ۳۱۵ TDFIRDB است که باید مطابق خط مربوط به پخش از حوزه
فعالیت پخش شود.

تاریخ پخش ۲ مرداد ۵۸

این یک گزارش اطلاعاتی است که بررسی نهایی اطلاعاتی نشده است.

طبقه بندی گزارش سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای بیگانگان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده پخش فقط محدود به لیستی است که در پاراگراف آخر آمده است.

کشور: ایران

موضوع: ادعاهایی در مورد فعالیتهای افراطیون و برنامه های گروه سیاسی که از طرف شریعتمداری پشتیبانی می شوند. «تاریخ اطلاعات تیر مرداد ۵۸».

منبع گزارش: مدیر تجاری ایرانی که قابلیت اطمینان به وی مشخص نشده است. او این اطلاعات را از یک فرد که امکانات و دسترسی خوبی دارد به دست آورده است.

۱ یک تاجر «بازاری» مهم به نام علی اسلامی با وضع خوب و طرفدار نظام بازاری قدیم با

سرمایه گذاریهایی در کشاورزی و مزرعه پرورش دام، در حال حاضر محرم نزدیک و برنامه ریز تظاهرات

برای آیت الله سید کاظم شریعتمداری می باشد، اسلامی ادعا دارد که او سی هزار نفر اهالی جنوب شهر

تهران را آماده راهپیمایی و تظاهرات بر علیه آیت الله روح الله خمینی دارد. اسلامی ادعا می کند که قادر

است با یک اشاره و اعلام ظرف ۲ ساعت تظاهر کنندگان را به حرکت در بیاورد. او ادعا کرد بعد از سه ماه

زندانی شدن در کمیته ها، رشوه داده و خود را آزاد کرده است. او بیان کرد که تظاهر کنندگان را یک ماه و نیم

بعد از زندانی شدن سازمان داده است.

۲ اسلامی دو مورد را که واحدهایش علیه خمینی عمل کرده بودند بیان کرد. اولین آن حمله ای بود که حدود سه هفته پیش با استفاده از نارنجک دستی به محل اقامت خمینی صورت گرفت. هدف این حمله این بود که به مردم به طور کلی ثابت شود که نیروهایی وجود دارند که قادر به مخالفت با خمینی باشند.

۳ دومین حادثه فرستادن تقریباً ۱۰۰۰ نفر زن ایرانی به قم برای پس گرفتن جواهرات شخصیشان بود که بلافاصله بعد از بیرون کردن شاه به جنبش خمینی اهداء کرده بودند. منظور از این عمل ثابت کردن عدم وفاداری به دولت فعلی آیت الله خمینی بوده است.

۴ برطبق اظهارات اسلامی وقت کاملاً برای مبارزه علیه خمینی مناسب است، اما یک رهبر سیاسی یا فرد مستبد و دیکتاتوری که، خلاء قدرت را پر کند وجود ندارد. موضوعی که افراد گروه در حال حاضر بر آن توافق دارند این است که هر مرد قدرتمندی که آنها می خواهند انتخاب کنند باید مطابق منافع و مورد قبول هم آمریکا و هم شوروی باشد و این احساس می شود که هیچ فردی غیر از شاه از عهده این کار بر نمی آید. اسلامی سپس اظهار داشت که گروه آنها برنامه ریزی کرده که از دست خلخال راحتی و خلاص شوند، البته اگر او قبلاً نمرده باشد.

۵ «نظریه ستاد مرکزی: برای آگاهی بیشتر در مورد روابط اسلامی با شریعتمداری تلگرام شماره ۱۵۸۶ به تاریخ ۱۱ خرداد ۵۸ که از سفارت آمریکا در تهران فرستاده شده را ملاحظه فرمایید».

۶ به دست آمده در تاریخ ۲۸ تیر ۵۸

۷ پخش از حوزه فعالیت: فرستاده شده به تهران امان بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه، کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل آویو «فقط برای رؤسای هیئتهای نمایندگی»

۸ پخش از واشنگتن:

قید می شود: فقط برای رئیس، به وزارت خارجه: منحصرأ برای رئیس اطلاعات و پژوهشها.
طبقه بندی گزارش سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای
بیگانگان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاورین پیمانکار پخش و اقتباس تحت نظر تهیه کننده
تا تاریخ ۲ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود، تمام اجزای گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشد.

ملاقات رئیس قرارگاه سیا با جانوس/۱۳ و موسوی و...

سند شماره (۲۱)

۲۸ تیر ۱۳۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۳۷۱۳ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس، کیو. آر. بولستر

عطف به: الف: تهران ۵۳۶۹۶ «NTI ۱۰۶۶۱»، ب: رئیس ۴۶۹۴۷۰، ج: رئیس ۴۳۹۹۳۹

۱ رئیس قرارگاه ملاقات دو ساعته ای در ۲۵ تیر با اس. دی. جانوس/۱۳ و موسوی «که نام اولش
مشخص نیست» داشت. همان طور که پیش بینی می شد، آنها به خاطر عدم تصمیم گیری دولت آمریکا در
رابطه با پشتیبانی از شریعتمداری ما را سرزنش کردند و ترغیب نمودند فرصت را از دست ندهیم. ما سابقه
اولین درخواستشان برای پشتیبانی را مطرح نمودیم و ج/۱۳ توصیه خود مبنی بر اینکه یک نماینده سیا

مستقیماً با شریعتمداری صحبت کند را دوباره اظهار داشت. اطلاعات این ملاقات به طور جداگانه گزارش شد.

۲ ج/ ۱۳ و موسوی هر دو خصوصاً موسوی به سادگی توقع داشتند کلام مثبتی در رابطه با پشتیبانی از شریعتمداری بشنوند و ج/ ۱۳ فکر می کرد که ما باید کاملاً از کوششهای سازمان امنیت داخلی که تحت نظر مصطفی چمران اداره می شود مطلع باشیم. به این ترتیب در جلسه ما سعی بر این شد که از این توقعات بکاهیم و در عین حال میل آنها را به همکاری حفظ کنیم.

۳ حتی با محسوب داشتن اینکه ناتوانی ما از دادن قول تأمین پشتیبانی مادی ممکن است مانع شده باشد آنها هر چه را که می دانند در میان بگذارند، بازهم ما این طور دریافتیم که حتی موسوی یعنی فرد رابط حقیقی، هم درباره تشکیلات یا برنامه شریعتمداری چندان اطلاعی ندارد. او اهداف شریعتمداری را ناسیونالیستی توصیف کرد و بعد هنگامی که قدری تحت فشار واقع شد گفت که شریعتمداری و حزبش نسبت به تمام «خارجیهایی» که برای اداره دولت بازگردانده شده بودند معترض بودند. او از یزدی، انتظام و قطب زاده به عنوان نمونه «خارجیها» نام برد. «مدتی بعد، موسوی این حرف را تکرار کرد و گفت این نظر خودش است و فکر می کند شریعتمداری هم همین نظر را دارد». ما خواستیم بدانیم که کمک ما اگر تأمین شود از آن چگونه استفاده ای به عمل خواهد آمد و جواب شنیدیم که نیازهای حزب دیگر عین آن موقع که موضوع برای بار اول مطرح شد نمی باشند. به گفته موسوی در ابتدا که تشویق شریعتمداری نسبت به خشونت خودسرانه کمیته ها او را واداشته بود تا مسلح کردن ۱۰۰۰/۰۰۰ آذربایجانی مقیم تهران را جهت ساقط کردن حاکمیت کمیته ها پیشنهاد کند، او «شریعتمداری» از پول ما برای خرید اسلحه لازم استفاده می نمود. اوضاع اکنون کمتر غیرعادیست و موسوی می تواند به ما بگوید که شریعتمداری دیگر چنین راه حل افراطی را پیشنهاد نمی کند، ما نتوانستیم بفهمیم که در واقع او پیشنهاد می کند که چه کاری انجام شود.

برای ضبط در بایگانی عنوان می شود که در این رابطه به ما گفته شده که نیاز مالی حزب کمتر از موقعی که برای بار اول درخواست کمک شد مبرم است.

۴ موسوی گفت که رحمت الله مقدم مراغه ای همکاری کامل با شریعتمداری اما قادر نبود هدف تاکتیکی یا استراتژیکی هر کدام از این دو را در تشکیل حزب جداگانه ای برای خود بیان کند. موسوی در جواب به سؤال درباره ائتلاف شریعتمداری با چهره های نظامی، قومی و مذهبی گفت که روابطی با مجاهدین خلق وجود دارد، اما از ما خواست برای به دست آوردن جزئیات نزد شریعتمداری برویم. «در اینجا نیز مانند سایر مواقع این طور دریافتیم که موسوی اگر چه شاید خبرهایی هم داشته که مجاز به طرح آن نبود، در حقیقت فرد مطلعی نبود».

۵ موسوی و ج/ج ۱۳ همچنان بر مطلوبیت تماس مستقیم با شریعتمداری اصرار ورزیدند. در جواب سؤال ما درباره مخاطره ای که به واسطه تماس با مقام رسمی آمریکایی متوجه شریعتمداری می شود آنها پیشنهاد کردند که مأموری تحت پوشش روزنامه نگار این ملاقات را انجام دهد. جدا از مشکلات احتمالی پیرامون شیوه های کار پوششی ما فکر می کنیم که این فکر ارزش بررسی را داشته باشد. در صورتی که موسوی درباره تمایل شریعتمداری به رابطه مستقیم درست گفته باشد، یک جلسه تحقیقی تک نوبتی اما تمام و کمال که یک مأمور مجرب عملیاتی فارسی دان «آدلیسک؟» مجری آن باشد، آگاهی ما را از این رهبر کلیدی و تشکیلات و ائتلافات وی را به طور فوق العاده ای بالا خواهد برد.

۶ مانع عمده احتمالی همان است که قبل از عزیمت پکوئین در ستاد مورد بحث قرار گرفت «یعنی»:

محرز نشده که زوج ج/۱۳ موسوی هنگامی که می خواهند از جانب شریعتمداری حرف بزنند از موضع قاطعیت سخن می گویند و قلت اطلاعات مستند حاصل از ملاقات ۲۵ تیر ماه دلگرم کننده نیست. یک اشکال بالقوه دیگر مرض وابستگی ایرانیها است «یعنی»: نیاز آنها به دریافت علامتی از برادر بزرگ چنان مصرانه است که آنها «حداقل ج/۱۳ و موسوی، اگر نگوئیم خود شریعتمداری» ممکن است موافقت ما به داشتن تماس مستقیم را به عنوان تعهد ضمنی ما به تأمین پشتیبانی تعبیر کنند هر چند که ما تکذیب بکنیم.

۷ از وجه مثبت «قضیه» ممکن است که ما تأثیر اولین ملاقات ج/۱۳ و موسوی با بیگانه ای که خبر..... را دست کم گرفته باشیم، ممکن است آنها مطلعتر باشند و با بسط معنی ممکن است اعتبار نمایندگیشان بیش از آنچه نشان داده اند باشد. ما همچنین فکر می کنیم که اگر علاقه شریعتمداری قطعاً محقق شد ما می توانیم با تمهیدات دقیق این خطر را که تماس مستقیم توقعات زیادی را ایجاد می کند تقلیل دهیم. قرار است ملاقات بعدی با ج/۱۳ در ۶ مرداد صورت پذیرد و ما قبل از دیدار با وی از نظریات ستاد حتی اگر نظریات خام باشند استقبال می کنیم.

۸ لطفاً سوابق موجود درباره موسوی را ارسال دارید.

۹ به تازگی ترجمه مصاحبه..... با شریعتمداری را در FBIS لندن دیده ایم که در ۲۶ تیر انتشار یافت. توصیه می شود به آن توجه کنید.

۱۰ پرونده: ۲۰۱۵۱۴۹۰۶، ۲۰۱۹۶۰۸۴۵ تا تاریخ ۲۸ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سزی

سزی

معرفی آیت الله زنجانی از سوی جانوس/۱۳ به عنوان جنبه ثانی شخصیت شریعتمداری

..... مرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۹ () ۵۳ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس. کیو. آر. بولستر

عطف به: تهران ۳ () () ۵۳

۱ ملاقات با اس. دی. جانوس «ج/۱۳» و موسوی در..... مرداد برگزار شده هیچ یک از این دو

اطلاعات مایه داری نداشتند که بدهند..... اصلی دستور کار پیشنهاد آنها در مورد تماس با شریعتمداری بود.

۲ ج/۱۳ می خواست بداند عکس العمل ستاد در مورد پیشنهاد تماس مستقیم با شریعتمداری

چیست. ما گفتیم که ستاد به مزایای تماس مستقیم واقف است، اما اشکال کار در پیدا کردن کسی است که

«۱» فارسی را به روانی تکلم کند «۲» و مباشرت وی با ساواک مانع آمدن وی به اینجا نشود. ج/۱۳ این را

پذیرفت، و اظهار داشت که اگر کسی برای آمدن به اینجا پیدا نشد، ما می توانیم با آیت الله زنجانی «نام

کوچکش مشخص نشد» تماس بگیریم. او گفت زنجانی جنبه ثانی شخصیت شریعتمداری می باشد و

می داند که ج/۱۳ واسطه بین ما و..... است. ج/۱۳ گفت که زنجانی به انگلیسی تکلم نمی کند، ولی

می توان از پسر وی فرید که معمولاً در تهران است. به عنوان مترجم استفاده کرد. به گفته ج/۱۳، فرید در نیویورک زندگی می کند؛ طی مذاکرات اولیه درباره این موضوع آدرس وی به یکی از مأموران پیش از پکوئین داده شد.

۳ پرونده های قرارگاه چیزی درباره زنجانی ندارند و ما از ستاد..... سوابق و اطلاعات ارسال دارند.

برای اطلاع شما: مشاور سیاسی زنجانی را به عنوان یار دیرینه بازرگان می شناسد، اما نتوانست این ادعا را تأیید کند که او با شریعتمداری رابطه صمیمی داشته است.

۴ در گفتگو درباره..... وقت کفایت نکرد و ما به هر صورت ترجیح دادیم..... بیشتر را به دریافت

اطلاعات ستاد درباره این موضوع موکول کنیم. سؤالات..... جواب در ذیل آمده:

الف آیا زنجانی واقعا رابطه با..... به وسیله ج / ۱۳ دارد؟

ب اگر دارد، آیا وی درباره..... تشکیلات و طرح..... که نمی توانیم از..... و موسوی به

دست آوریم به ما..... خواهد داد؟

ج آیا در تماس با زنجانی به جای تماس مستقیم با شریعتمداری مزایای امنیتی چشمگیری وجود

دارد؟

۵ ستاد هنوز در مورد پیشنهاد ج / ۱۳، ذکر شده در پاراگراف..... تلگرام مرجع اظهار نظر ننموده

است. ما هنوز معتقدیم که این پیشنهاد شایان بررسی است،.....

.....

..... درخواست می شود ستاد نظر خود را در مورد این..... اعلام دارد. همچنین درخواست داریم

در رابطه با پاراگراف چهارم فوق اطلاعات داده شود.

۶ قرار شده ملاقات بعدی با ج / ۱۳ در ۱۶ مرداد صورت گیرد.

۷ پرونده: ۱۴۹۰۶۶ ۲۰۱، تا تاریخ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

سوابق سعید فرید و آیت الله زنجانی

سند شماره (۲۳)

۲۳ مرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: رئیس ۴۹۴۱۹۰ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس. کیو. آر. بولستر

عطف به: تهران ۵۳۸۵۹

۱ تلگرام تهران ۵۲۹۶۹ مورخ ۱۷ اردیبهشت ۵۸ خواستار سوابق سعید فرید که در کار انتشاراتی در نیوجرسی است شده بود. تلگرام رئیس ۴۳۶۲۱۱ مورخ ۲۱ اردیبهشت ۵۸ گزارش کرد که یک نفر به نام محمد سعید فرید در سال ۱۳۴۴ دانشجوی دانشگاه نیویورک و از فعالان توده و دارای پرونده شماره ۲۰۱ ۷۷۸۰۹۱ بود. تلگرام تهران ۵۳۸۵۹ مورخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ در جواب گزارش کرد که فرید پسر آیت الله سنجابی «زنجانی» است. ستاد پرونده ۲۰۱ ۷۷۸۰۹۱ را مرور کرده و در مورد آیت الله

زنجانى رد گيريهایی به عمل آورد که نتایج آن ذیلأ ملاحظه می شود.

۲ فرد شماره ۲۰۱ ۷۷۸۰۹۱ محمد سعید فرد به طوری که در خرداد «یا تیر» ۱۳۴۴ گزارش شد

دانشجوی نیمه وقت دانشگاه نیویورک و فعال در توده بود. تاریخ و محل تولد: ۸ مرداد ۱۳۱۵ «یا

۱۳۱۱»، زنجان، ایران. در ۱۳۴۶ به استخدام شرکت البسه لانا واقع در مونت کلر علیا نیوجرسی در آمد.

نشانی: شماره ۳۸۰ جاده رودخانه علیا آپارتمان ۱۴ ۱ نیوجرسی. از یک فرد به نام م. سعید

فرید به عنوان معاون امور بین الملل ISA آمریکا تا شهریور ۱۳۴۵ یاد شده است. مطابق تلگرام ۱۹۱۳۰

NTTA مورخ ۳۱ خرداد ۱۳۴۴ م سعید فرید به عنوان دانشجوی نیمه وقت دانشگاه نیویورک ثبت نام

کرده و پدرش آیت الله سید فرید سابقه فعالیت توده ای در ایران دارد. گزارش وزارت خارجه در تاریخ ۱۵

مهر ۴۶ اعلام داشت که محمد سعید فرید با همان تاریخ و محل تولد فوق در سال ۱۳۳۸ وارد آمریکا شد.

در مهر ۴۴ درخواست PRA نمود. در استخدام شرکت البسه لانا بوده مقیم پاسایک، همان طور که فوقا

ذکر شد. نام کامل وی محمد سعید فرید زنجانى اعلام شد. گزارش ۱۵۲۱ NITA مورخ ۲۴ شهریور ۴۶

که گزارش چهاردهمین کنگره سالانه ISA بود اعلام داشت که محمد س. فرید معاون SAN «عینا نقل

شده» و رهبر شعبه نیویورک گروه SPLINE است که شعبه نیویورک در پاسایک را تشکیل داده بود.

۳ آیت الله حاج آقا رضا زنجانى مشهور به رضا زنجانى مشهور به ملا سید رضا زنجانى فرد شماره

۲۰۱ ۱۰۶۰۵۴ و دارای نام رمز هویت الف می باشد تاریخ تولد حدود ۱۲۸۴ دوست دیرینه و نزدیک

منبع ذخیره تهران، اس. دی. روپ/۱ بود که قرارگاه را در جریان فعالیتهايش قرار می داد. اس. دی.

روپ/۱ گاهی اوقات مایل نبود با زنجانى تماس بگیرد، چون ساواک او «زنجانى» را تحت مراقبت قرار

می داد. زنجانى تعداد وسیعی رابط در سرتاسر ایران منجمله سیاسيون ناراضی و افراد سرشناسی که عضو

دستگاه نبودند از جمله بازاریها داشت. وی قویا ضد دولتی بود، زنجانى همراه با باقر کاظمی و بختیار از

جاناب دکتر محمد مصدق جهت تشکیل یک شورای اجرایی سه نفره انتخاب شدند تا بر فعالیتهای جبهه ملی سوم جدید که براساس دستورات مصدق توسط کاظمی در حال تشکیل بود نظارت داشته باشند.

گزارش NITA ۱۹۱۳۰ مورخ ۳۱ خرداد ۱۳۴۵ اعلام داشت که رابط قرارگاه به نام جلال یزدی «دارای نام رمز هویت ب، ۲۰۱ ۷۸۰۱۲ مهندس شرکت نفت» مأمور قرارگاه مدنسکی را به برادر زنش «یا شوهر خواهرش» که پسر آیت الله زنجانی بود معرفی کرد. آن فرد «برادر زن یا شوهر خواهر» که نامش س. رحیم فرید بود تابعیت آمریکایی را پذیرفته و با یک تبعه آمریکایی ازدواج کرده و چهار فرزند داشت.

مطالعاتی در دانشگاه هال نیویورک داشته، نشانی: صندوق پستی ۱۰۸، برازین، ایندیانا، متخصص جراحی عمومی بود و شماره پرونده ۲۰۱ ۷۷۸۰۹۰ برای وی تعیین شد. برادر کوچکترش نامش م.

سعید فرید بوده، تاریخ و محل تولد حدود ۱۳۱۱ دانشجوی دانشگاه نیویورک که شماره پرونده ۷۷۸۰۹۱ ۲۰۱ برای وی تعیین شد. تلگرام تهران ۶۲۶۳ مورخ ۷ مهر ۳۵ گزارش داد که مقامات هیئت دیپلماتیک سوریه در تهران از طریق سید رضا زنجانی در تماس با نهضت مقاومت ملی بودند. نهضت مقاومت ملی مطالبی مربوط به طرز تلقی ایران در مورد «کانال م» سوئز به سوریها می دادند تا در رادیو قاهره پخش شود.

۴ مرور پرونده، ادعای نزدیکی زنجانی به شریعتمداری را تأیید نمی کند، اما البته امکان آن را نیز رد نمی کند. چون در مورد زنجانی اختلاف زبانی آشکاری وجود دارد و لازم خواهد بود که از طریق پرسش

فرید ارتباط گرفته شود، قسمت اعظم کار به مدت اقامت فرید در تهران و نظر قرارگاه نسبت به مناسب بودن یا قابلیت اطمینان به وی بستگی خواهد داشت. در مجموع ستاد تمایلی به تعقیب این هدف ندارد. ۵ اظهار نظر درباره سایر جهات کار به طور جداگانه ارسال خواهد شد.

۶ پرونده: ۲۰۱ ۱۴۹۰۶۶، ۲۰۱ ۱۷۷۸۰۹۱، ۲۰۱ ۱۰۶۵۴ تا تاریخ ۲۲ مرداد ۷۸ در بایگانی

ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

توضیح در مورد یک گزارش

سند شماره (۲۴)

۶ شهریور ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۴۰۵۰ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

عطف به: تهران ۵۴۰۵۱ «۷۰۰/۱۰» NIT

۱ خبر گزارش مرجع را اس. دی. جانوس/۱۳ از موسوی گرفت. موسوی..... حضور داشت و

ج/۱۳ کار ترجمه را انجام می داد و ما توانستیم چند نکته را که در دفعه اول انتقال مطلب مبهم بودند

توضیح دهیم..... از موسوی پرسیدیم آیا این خبر را مستقیماً از شریعتمداری اخذ کرده، ولی او چیزی

از خود بروز نداد.

۲ بدون پرونده. تا تاریخ ۶ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

توافق بر سر ملاقات با زنجانی و اینکه جانوس/۱۳ نقش مترجم را به عهده داشته باشد

سری

سند شماره (۲۵)

۱۵ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: رئیس ۵۰۸۵۰۹ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس

عطف به: الف تهران ۵۴۱۱۵ ب تهران ۵۴۰۵۷ ج رئیس ۴۹۴۱۹۰

۱ به طور کلی موافقیم که با زنجانی به منظور جمع آوری اطلاعات درباره حزب خلق مسلمان و

شریعتمداری ملاقات شود و اس. دی. جانوس/۱۳ «ج/۱۳» هم کار ترجمه را به عهده داشته باشد. پسر

زنجانی را باید به این صحنه وارد نکرد. پکوئن باید برای زنجانی روشن سازد که این ملاقات به منظور

جمع آوری خبر است و هیچ معنای تعهد، پشتیبانی یا چیز دیگر نباید از آن تعبیر شود.

۲ مایلیم بدانیم آیا شریعتمداری از این ملاقات آگاهی دارد و آیا زنجانی خود را سخنگوی وی تلقی

می کند. پیش بینی ما این است که این ملاقات موقعیت ج/۱۳ در رابطه با نیروهای شریعتمداری را ارتقاء

خواهد داد و امیدواریم دسترسی وی به اخبار راجع به حزب خلق مسلمان را بیشتر کند و همچنین به او

نشان خواهد داد که کوششهایش برای ما ثمراتی داشته است.

۳ دریافت اطلاعات بیشتر درباره ترتیبات ملاقات و نقش پوشش که مأمور قرارگاه می خواهد ایفا کند، موجب امتنان خواهد بود. لطفا توضیح دهید آیا به موسوی گفته شده که پکوئین مأمور سیا است.

۴ پرونده: ۱۴۹۰۶۶ ۲۰۱ تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

سرّی

ملاقات (هویت) منوچهر نیک پور با رنسکله (مأمور پایگاه فیلادلفیا)

سند شماره (۲۶)

۲۲ شهریور ۵۸ اعضاء سرّی

از: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۶ به: رئیس، تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

ردگیری. اس. دی. بیپ

عطف به: رئیس ۵۱۰۷۲۵ «به تهران ارسال نشده»

۱ در ملاقات ۲۰ شهریور، اس. دی. بیپ «ب / ا» «هویتش برای تهران داده می شود» که منبع ذخیره

جدید است به رنسکله مأمور پایگاه فیلادلفیا که به عنوان مأمور سیا و با نام مستعار بود موضوع احتمالاً

عملیاتی ذیل را داد:

نام: علی اکبر شهلا «شخص مورد نظر»

تاریخ و محل تولد: حدود ۱۲۹۸، تبریز، ایران.

تابعیت: ایرانی

شغل: رئیس شرکت فرعی شیشه آلات وارداتی که متعلق به دولت چکسلواکی است و محل آن بخش بازار تهران است.

نشانی: بازار، تهران.

۲ فرد مورد نظر دوست شخصی و قدیمی ب/۱ و از اقوام درجه اول و معتمد آیت الله کاظم شریعتمداری است. ب/۱ به رنسکله گفت که می داند زمانی که در ایران بود فرد مورد نظر و شریعتمداری مرتب هر جمعه با هم ملاقات می کردند. ب/۱ ایران را در «۲۶ بهمن ۵۷» ترک کرد. به گفته ب / ۱، مشارالیه همواره غیرسیاسی بوده تا از فلسفه شریعتمداری مبنی بر اینکه رهبران دینی «و خانواده هایشان» باید به جای اداره امور حکومتی در مساجد حاضر شوند تبعیت کرده باشد. با این وجود وی به واسطه نفوذ «بی صدای» خود در قاطبه آذربایجانی بازار برای شریعتمداری پراح بوده است. ب/۱ وی را فردی عمیقا مذهبی و قویا ناسیونالیست دانست. او در ایران تحصیل کرده و حداقل یک دختر دارد که منشی شخصی ب/۱ در تهران بود. وی به فارسی و ترکی تکلم می کند. فرد مذکور چند باری مسافرتهاى تجارى به آلمان و چکسلواکی داشته و هنوز نیز با داشتن دلایل قابل قبول «و روابط خانوادگیش با شریعتمداری» می تواند آزادانه به خارج از ایران مسافرت نماید.

۳ ب / ۱ به رنسکله گفت که حاضر است از کانال تلفنی مخفی خود با استفاده کرده تا از طرف سیا ترتیب ملاقاتی را در آینده با مشارالیه در اروپا بدهد ب/۱ داوطلب شد تا هنگامی که در اواخر این

ماه «اوائل مهر مترجم» به لندن و پاریس می رود اقدام به تماس با فرد مورد نظر نماید تا از طرحهای وی برای دیدار از اروپا در این سال اطلاع یابد. ب/۱ همچنین داوطلب شد تا اگر با فرد مذکور ملاقات نمود مأمور سیا را «به عنوان مستعار مأمور دولت آمریکا» معرفی نماید. ب/۱ مؤکدا اظهار داشت که این فرد معتمدترین دوست شریعتمداری است و بنابراین دسترسش به شریعتمداری و نفوذش در وی عالی است. ب/۱ هنگامی که به رنسکله گفت که می تواند «به نحوی مطمئن» از این فرد درخواست ملاقاتی در خارج از ایران بنماید و او نیز به این دعوت جواب مساعد بدهد به اندازه کلام قبلیش اصرار داشت. ب / ۱ گفت که مطمئن است که فرد مذکور قبل از دعوت ب/۱ با شریعتمداری مشورت خواهد نمود و شریعتمداری تأیید خواهد نمود.

۴ ب/۱ نیز بواسطه موقعیت خانوادگی ممتاز خود و منابع مالیش رابطه دیرینه ای با آیت الله شریعتمداری داشته است. ب/۱ گفت که آخرین ملاقات حضوریش با شریعتمداری در حدود ۱۳۵۷ در قم طی ادوار اولیه انقلاب اسلامی در ایران صورت پذیرفت. آخرین تماس ب/۱ با شریعتمداری مخفیانه در ۱۸ اردیبهشت ۵۸ به صفحه روزنامه های ایرانی راه یافت. ب/۱ متهم به داشتن فعالیتهای «ضد انقلابی» در لندن شده بود. ب/۱ گفت که در آن هنگام وی از کانال تلفنی مخفی خود استفاده نمود تا به شریعتمداری بگوید که آن اتهامات صحت ندارند. شریعتمداری با استفاده از همان کانال به ب/۱ پیام فرستاد که او «باید مداوای خود را در آمریکا ادامه دهد و هرگاه مناسب بود از او خواهم خواست که بازگردد» «به ایران». ب/۱ به رنسکله گفت که فرد مورد نظر در این تماسهای بین ب/۱ و شریعتمداری نقش واسطه را داشت.

۵ ب/۱ به رنسکله گفت که پدرش و شریعتمداری دوستان نزدیکی با هم بوده اند. در سال ۱۳۵۲ ب/۱ در عمل به وصیت پدر در حال احتضار خود مبنی بر اینکه مبلغ معتابهی از ثروت خانواده ب/۱ به

شریعتمداری داده شود کوشا بود. ب/۱ گفت که کمک قابل توجه دیگری نیز در سال ۱۳۵۴ به دنبال مرگ

پسرش «در یک سانحه رانندگی خارج از سانفرانسیسکو» به عنوان عشریه «ده یک» اعطا نمود. ب/۱

گفت به این دلایل دوستی وی با شریعتمداری و فرد مورد نظر محکم خواهد ماند و اگر شریعتمداری از او

بخواهد به ایران بازگردد و امنیت وی را تضمین کند در عمل به آن تردید نخواهد کرد.

۶ گزارشهای دیگری درباره ملاقات ۲۰ شهریور بین ب/۱ و رنسکله با تلگرامهای غیرفوری ارسال

خواهند شد. احتیاجات «اطلاعاتی» مندرج در تلگرام مرجع جهت استفاده در رابطه با ب/۱ برای

ملاقات ۲۰ شهریور خیلی دیر آمدند و به ملاقات بعدی که قرار است در ۲ مهر بلافاصله قبل از مسافرت

ب / ۱ به اروپا برگزار گردد موکول می شوند.

۷ برای ستاد: تحقیق کنید آیا کامینسکی می تواند در ۲ مهر برای ملاقات با ب/۱ و رنسکله در اتاق

هتل فیلادلفیا رأس ساعت ۰۰/۱۲ حضور یابد.

۸ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۱۵۸۷ تا تاریخ ۲۲ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

معرفی هویت سند قبل

ص: ۳۰۳

سری

سند شماره (۲۷)

۲۲ شهریور ۵۸سری

از: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۷ به: تهران

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. ردگیری

عطف به: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۶

۱ هویت منوچهر نیک پور(۱)

۲ تا تاریخ ۲۲ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

توضیح در مورد سند شماره ۲۶

سند شماره (۲۸)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: رئیس ۵۱۶۳۳۲ به: بخش خارجه / فیلادلفیا رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. بیپ

عطف به: بخش خارجه / فیلادلفیا ۱۱۹۲۶

۱ بابت اطلاع تلگرام مرجع درباره اس. دی. بیپ/۱ «ب/۱» با شریعتمداری متشکریم. در حال

حاضر می خواهیم هیچ اقدامی برای تماس با دوست ب/۱ انجام ندهیم اما همچنان مایلیم به هر چه ب/۱

می خواهد درباره شریعتمداری رد کند گوش فرا دهیم. برای اطلاع شما عنوان می شود که قرارگاه تهران

چند ماهی با پیروان شریعتمداری که خواستار قراردادن سیا در تماس مستقیم با شریعتمداری بوده اند

تماس داشته است. هنوز به واسطه اشکالات امنیتی و سیاسی لاینفک قضیه ما کانال مستقیم ارتباطی با او برقرار نکرده ایم. در حقیقت کاملاً مطمئن نیستیم که او واقعا خواهان یک رابطه مستقیم با ما است. قرارگاه تهران در جهت مشخص کردن این مطلب فعالیت می کند.

۲ کامینسکی قصد دارد مسافرت به فیلادلفیا برای ملاقات مذکور در تلگرام مرجع به تاریخ.....

شهریور «یا مهر» را از طریق مترو لاینر انجام دهد. وی ساعت ۰۰/۰۸ از واشنگتن حرکت می کند و کمی

بعد از ساعت ۰۰/۱۰ وارد خواهد شد. درخواست می شود رنسکله در ایستگاه خیابان سی ام به ملاقات

بیاید تا پیش از ملاقات «مذکور در تلگرام مرجع» ساعتی برای مذاکره درباره قضیه دست دهد. طول قد

کامینسکی فوت و اینچ و وزنش ۱۵۰ پوند می باشد. موهای قهوه ای کمرنگ دارد و

لباس طرح شطرنجی به تن خواهد داشت.

۳ درباره فرد مورد اشاره تلگرام مرجع سابقه ای موجود نبود.

۴ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۱۵۸۷ تا تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری

تلاش برای تماس با جانوس / ۱۳

۱- منوچهر نیک پور نام اصلی اس. دی. بیپ است.

ص: ۳۰۴

سری

سند شماره (۲۹)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: تهران ۵۴۲۵۱ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

کیو. آر. بولستر. اس. دی. جانوس

عطف به: رئیس ۵۰۸۵۰۹

۱ به علت در دسترس نبودن اس. دی. جانوس/۱۳ نتوانسته ایم روی تأییدیه ستاد برای ملاقات با

زنجان اقدام کنیم. مطابق دستورالعمل خود وی، برای تماس با او به منزل دوست فرانسه زبان او زنگ

زده ایم. اما هرگاه که تماس گرفته ایم او آنجا نبوده است و دوستش فقط گفته که فکر می کند ج/۱۳ در فکر

یک مسافرت است.

۲ در آخرین ملاقاتمان، ما شماره خط تلفن مستقیم قرارگاه را به ج / ۱۳ داده ایم، او از آن استفاده

نکرده است.

۳ ما تلاش خود برای تماس با ج / ۱۳ را ادامه خواهیم داد و..... را اطلاع خواهیم داد.

۴ پرونده: ۱۴۹۰۶۶ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری

ملاقات با موسوی و جانوس/۱۳

سری

سند شماره (۳۰)

از: تهران.....به:,

۱..... اس. دی. جانوس / ۱۳ در منزل دوستش..... و تمایل خود به برگزاری یک ملاقات را نشان دادیم. در..... سپتامبر او و موسوی را دیدیم. ج/۱۳ گفت که غیبتش به علت این بود که دخترش در پاسادنا تحت یک جراحی مهم در قسمت پشت قرار داشت و او به هر دری می زد تا برای دیدن او اجازه خروج از کشور بگیرد. درخواست وی اینکه در دست چمران است تا به نخست وزیر برساند. در عین حال، ج/۱۳ درخواست می کند که ما جویای احوال دخترش بشویم: او به اخباری که توسط به دست آورده راضی نیست. او گفت که کامینسکی می تواند از طریق پسر ج/۱۳ پرس و جو شود. متشکر خواهیم شد اگر ستاد در این مورد جویا شود. قرار شده ملاقات آینده با ج/۱۳ در ۱۲ مهر برگزار گردد.

.....

۳ موسوی می گوید زنجانی از پایگاه محبوبیت خاص خود در بین ترکهای آذربایجانی برخوردار است «شاید به همین دلیل شریعتمداری ضمن توصیف..... برای اس. دی. پروب / ۱، مدعی حمایت فقط سه میلیون..... می شود.....»

تدارک برای ملاقات با زنجانی

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس. اس. دی. پروب

عطف به: الف تهران ۵۴۳۵۶ ب ۵۲۴۴۲۳

۱ هنوز اس. دی. جانوس/۱۳ «ج/۱۳» را برای تدارك نهایی ملاقات با زنجانی ندیده ایم، از طریق دوست فرانسه زبان ج/۱۳، ملاقات مقرر در ۱۲ مهر را دو روز به تأخیر انداختیم. این تأخیر برای پذیرایی از یک دیدار کننده که در ارتباط با شغل پوششی رئیس قرارگاه است بود. نه ج/۱۳ و نه موسوی هیچ کدام در موعد مقرر حاضر نشدند، ما استنباط می کنیم که واسطه «تماس» دستورالعملهای ما را مخدوش نمود. موسوی در ۱۵ و ۱۶ مهر به تلفن خود جواب نداد و ج/۱۳ هم از شماره تلفنی که چند هفته پیش به وی داده شد استفاده نکرده است.

۲ در آخرین ملاقات با اس. دی. پروب/۱ «پ/۱» ما در مورد محبوبیت فردی زنجانی و رابطه اش با شریعتمداری از وی سؤال کردیم. پ/۱ گفت که زنجانی بیشتر سیاسی است تا مذهبی و بین روشنفکران به اندازه متوسطی طرفدار دارد. او نفوذ زنجانی در آذربایجان را قابل چشم پوشی دانست. پ/۱ گفت که تماسهایی بین زنجانی و شریعتمداری وجود دارد و او در ملاقاتی که با شریعتمداری داشت زنجانی را هم دید. آن ملاقات هنگامی صورت گرفته که شریعتمداری پس از رمضان در سر راهش از مشهد به قم در تهران توقف نمود. پ/۱ روابط آنها را به طور خاصی نزدیک به حساب نمی آورد.

۳ ما آنچه را که در بالا ذکر شده هنگام تنظیم سؤالات برای مصاحبه با زنجانی که هنوز امیدواریم

ترتیب آن را بتوانیم بدهیم در نظر خواهیم گرفت.

۴ از کمکی که در تلگرام مرجع ب مبذول داشتید تشکر می کنیم. اگر ج/۱۳ خود را نشان داد اطلاع خواهیم داد.

۵ پرونده: ۲۳۷۹۲۶ ۲۰۱، تا تاریخ ۱۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

تماس تلفنی با جانوس/۱۳

سرّی

سند شماره (۳۲)

از: تهران ۵۴۴۹۰ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس

عطف به: تهران ۵۴۴۳۵

۱ با آن واسطه «که اس. دی. جانوس/۱۳ اکنون می گوید شوهر خواهر یا برادر زن وی است» تماس

گرفته و قرار ملاقات با ج/۱۳ را گذاشتیم که در ۲۲ مهر انجام گرفت. او گفت که موسوی مطابق توافقمان به

قم رفته، تأیید شریعتمداری برای آن ملاقات با زنجانی را گرفته و این کلام را نزد زنجانی برده.....

شرح دیدار اس. دی. ولید از قبایل ترکمن

سند شماره (۳۳)

۲۴ مهر ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۴۵۰۱ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. ولید. اطلاعاتی

عطف به: تهران ۵۴۵۰۰

۱ در تاریخ یکشنبه ۲۳ مهر، در خلال سفر به مناطق دریای خزر اس. دی. ولید/ «و/» با افراد مهم قبایل ترکمن که اهل ناحیه گناباد بودند به بحث سیاسی نشست. اهالی این قبایل شدیداً مخالف دولت فعلی هستند و اظهار می دارند که می خواهند مبارزه مسلحانه را شروع کنند. آنها به هر حال گفتند که آیت الله شریعتمداری این کلام را به آنها رسانده که فعلاً مقاومت مسلحانه را شروع نکنند «و/» از شنیدین این مطلب که تنها ممانعت شریعتمداری، ترکمنها را از جنگ بازداشته خیلی متعجب شد و صحت و سقم این موضوع را از حسن شریعتمداری سؤال خواهد کرد.

۲ پرونده: ۹۵۹۵۱۱. ۲۰۱ تا ۲۴ مهر ۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سَری

متن بازجویی از اهرن رئیس قرارگاه سیا در تهران در مورد فرازیان...

متن بازجوئی اهرن در مورد فرازیان

اس. دی. جانوس / ۱۳. آقای فرازیان. مقام عالی‌رتبه سابق ساواک «احتمالاً سرتیپ یا سرلشکر»

تخصص: تحلیل اطلاعاتی. دفتر: طبقه دوم یا سوم «ستم چپ پلکان» در یک ساختمان اداری که درست

شمال فروشگاه روسی واقع در نادرشاه سابق قرار دارد.

سن: ۵۰ ۵۵

غرض از تماس: «۱» خبر درباره تشکیلات و مأموریت ساواما که آقای فرازیان یکی از مشاوران

بدون حقوق (؟) آن بود «۲» خبر درباره نقش روحانیون در سیاست ایران، آقای فرازیان پیشنهاد کرد از

طریق یک آشنای خود به نام آقای موسوی ترتیب یک ملاقات با آیت الله شریعتمداری را بدهد. واشنگتن

فکر کرد که ممکن است در مورد مقاصد این ملاقات سوء تفاهم روی دهد و آن را تصویب نکرد. ظاهراً به

پیشنهاد آقای موسوی، آقای فرازیان اعلام کرد که آیت الله زنجانی هم فرد مطلعی است اما با هیچ حزب

سیاسی همراه نیست. واشنگتن اصل قضیه را تصویب کرد. قرار بود که از زنجانی خواسته شود مشخص

نماید آیا شریعتمداری خبری دارد که بخواهد برساند. تا تاریخ ۱۳ آبان این ملاقات برگزار نشد.

اس. دی. جانوس/ ۱۳

راه های تماس: تماس با آقای فرازیان در دفترش یا در منزل خویشاوند وی «بردار زن؟» ترتیب داده

می شد. محل ملاقاتها در دفتر وی بودند.

در رابطه با مورد ۱ فوق: راجع به طرحهایی برای استخدام مأموران سابق ساواک که علیه

سفارتخانه های خارجی کار کرده بودند و راجع به هدف گیری ساواما در رابطه با سفارتخانه های

کمونستی، اروپای غربی و ایالات متحده از او خبر گرفته شد.

آقای موسوی یک فرد عادی «غیرروحانی، غیرنظامی» و یک بازرگان است «نوع تجارت وی را نمی دانیم». سن: ۵۵ و ۵۰ او دفتری در شمال تهران دارد. او طرفدار شریعتمداری است اما اینکه آیا او مستقیماً با آیت الله مرتبط هست یا نه را نمی دانم.

اظهارات اهرن در مورد فرازیان

سند شماره (۳۵)

اظهارات اهرن در مورد فرازیان

اس. دی. جانوس / ۱۳،

آقای فرازیان

آقای ف در پیش از انقلاب با قرارگاه تماس رسمی داشت، پس از انقلاب او با تلفن تماس خود را حفظ کرد. اولین ملاقات با وی در اوائل یا اواسط مرداد در دفترش واقع در ساختمانی درست شمال سوپر مارکت روسی خیابان نادرشاه سابق صورت گرفت. در یکی از ملاقاتهای اولیه، آقای ف آقای موسوی را با خود آورد و وی را یک بازرگان معرفی نمود.

ملاقاتها بر یک اساس غیرمنظم به طور متوسط هر سه یا چهار هفته یک بار انجام می گرفتند.

آقای ف گفت که به عنوان یک مشاور غیررسمی و حقوق نگیر در زمینه تشکیلات ساواما با مصطفی چمران در تماس است. وی گفت که در بعضی از جلسات مقامات ساواما شرکت می کند؛ که او یا در رابطه با چنین جلساتی یا از طریق قرار ملاقاتهایی که خودش ترتیب می داد با مهدی چمران در تماس بود.

آقای ف درباره موضوع یک جلسه که در آن اولویتهای عملیاتی مورد بحث قرار گرفت گزارش داد.

اکثر شرکت کنندگان می خواستند اولویت اصلی را برای فعالیتهای اطلاعاتی که به سفارت شوروی نسبت می دادند و اولویت دوم را برای سفارت آمریکا تعیین کنند. یک شرکت کننده خواستار آن بود که اولویت

اصلی برای سفارت آمریکا تعیین شود. آقای فرازبان نام این مقام را داد، اما من به خاطر ندارم.

در همین زمینه، آقای فرازبان در مورد پیشنهاد اینکه ساواما حدود ۵۰ مأمور سابق ساواک را در کار ضداطلاعاتی علیه سفارتخانه های بیگانه تجربه داشتند به استخدام آورده شرح داد. در این پروژه تغییرات گوناگونی داده شد: ابتدا، قرار شد که آنها به دور نیمه وقت استخدام شوند؛ سپس قرار شد که تمام طرح کنار گذارده و تمام مقرریهای مأموران سابق ساواک لغو گردد، سپس قرار شد که حداقل تعدادی از آن ۵۰ نفر به طور تمام وقت استخدام شوند.

آقای موسوی به عنوان یک حامی اما نه نماینده شریعتمداری معرفی شد. «آقای ف گفت که موسوی پکوئین را فقط به عنوان یک مأمور سفارتخانه می شناسد». نه آقای ف و نه موسوی ظاهرا در مورد دیدگاههای شریعتمداری یا تشکیلات و برنامه حزب سیاسی وی اطلاع درستی نداشتند و پیشنهاد کردند که بین شریعتمداری و مأموران ترتیب یک ملاقات براساس «فقط خبری»، را بدهند. واشنگتن این را تصویب نکرد، به این دلیل که ممکن است شریعتمداری از مقاصد، سوءتعبیر پیدا کند و چون مسافرت به قم سخت است، آقای ف و موسوی آن گاه اظهار نظر کردند که آیت الله زنجانی می تواند در مورد حزب شریعتمداری و همچنین هرگونه نظر گاهی که شریعتمداری بخواهد انتقال دهد خبر در اختیار گذارد. تا ۱۳ آبان می دانستیم که آقای موسوی مشغول تهیه مقدمات یک ملاقات با آیت الله زنجانی است.

اظهارات اهرن در مورد اس. دی. ولید

متن اظهارات اهرن در مورد

اس. دی. ولید / ۱، اس. دی. ولید / ۱

گلگروف در ماه مه یا اوائل ژوئن با حسن فرزند آیت الله شریعتمداری ملاقات نمود. اطلاعات مربوط

در این مورد خالی از تردید نمی باشد. لیکن عقیده بر این است که اس. دی. ولید / ۱ این ملاقات را ترتیب

داده و به عنوان مترجم در آن عمل می کرد. علاوه بر این گویا به حسن گفته نشده بود که گلگروف تنها یک

مقام سفارتی نیست. (احتمالی دیگر اس. دی. فوروارد / ۱ است اگر چنانچه فکر می کنم خود اس. دی.

ولید / ۱ بوده، وی متعاقبا سفری به آمریکا کرد و چنانکه ذکر شد از آن بازگشت).

توضیح اسناد مربوط به مقدم مراغه ای

نام اصلی: رحمت الله مقدم مراغه ای

نام رمز: اس. دی. پروب

مقدم مراغه ای از سال ۱۳۳۲ دوست دیرینه قرارگاه سیا در تهران بوده، و از آبان ۱۳۴۰ تأییدیه

عملیاتی برای استفاده در دادن گزارشهای سیاسی و همچنین تبلیغات خصمانه مخفی «بر علیه مخالفان

آمریکا» برای وی صادر شده است. سند این مطلب در اسناد پرونده شریعتمداری «سند شماره ۱۲»

می باشد. پس از انتصاب مراغه ای به سمت استاندار آذربایجان از سوی دولت موقت، آمریکاییها تصمیم

می گیرند از طریق اس. دی. پرنک مجدداً رابطه خود را برقرار کنند. ظاهراً این امر صورت نمی گیرد تا

اینکه در مرداد ماه ۵۸ قرار می شود به محض اینکه مقدم از آذربایجان به تهران بازگشت، هاسه گاوا، یکی

از عوامل سیا در سفارت ژاپن وی را برای برقراری تماس مجدد به رئیس قرارگاه سیا در تهران معرفی کند.

بالاخره پس از معرفی، ملاقاتها هر هفته در منزل هاسه گاوا صورت می گیرد.

مراغه ای در تماسهای خویش گزارشات زیادی راجع به دولت، مقامات، جریانات کردستان، شورای

انقلاب، مجلس خبرگان، و وابستگیهای خویش به نهضت رادیکال و شریعتمداری می دهد. در یکی از

ملاقاتها وی برای بهتر شدن روابط آمریکا با ایران پیشنهاد می کند که یکی از افراد آمریکایی برای گشودن

باب دسترسی هیئت نمایندگی یا قرارگاه به علمای دیگر، با امام ملاقات کند. وی همچنین در مورد

طرحهایی برای تشکیل یک جبهه سیاسی متحد متشکل از نهضت رادیکال خودش، جبهه ملی و حزب

جمهوری خلق مسلمان شریعتمداری با سیا صحبت می کند.

مراغه ای هم با بخش سیاسی سفارت «مدت زمانی طولانی» و هم با بخش سیا ارتباط داشته است.

بعد از برقراری تماس مجددش در مهر ۵۸، سیا برای جلوگیری از انگشت نما شدن وی، از بخش سیاسی

می خواهد که ارتباط با وی را قطع کند، چون در هر صورت تماسهای زیاد احتمال مشکوک شدن به وی را زیاد می نمود (بخش سیاسی ظاهراً نسبت به مسائل و ارتباطات سیاسی اطلاع است).

معرفی رئیس قرارگاه به مقدم

سند شماره (۱)

۱۰ مرداد ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۳۸۲۵ به: رئیس رونوشت برای کپنهاک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. جانوس. اس. دی. پروپ. اس. دی. پرنک. اس. دی. پوتی

عطف به: الف رئیس ۴۸۴۶۳۵

ب تهران ۵۳۶۷۰ «به کپنهاک فرستاده نشد / لازم نبود».

۱ ما نمی دانیم شاید در حین تهیه تلگرام مرجع الف احتمالاً به تلگرام مرجع ب توجه نشده است. در

۱۰ مرداد، هویت تلگرام مرجع ب دوباره تکرار کرد که قصد دارد به محض آنکه مقدم از مسافرت به

آذربایجان غربی بازگشت رئیس قرارگاه را به او معرفی کند. ما فعلاً ترتیب یک توصیه ویزا برای پسر مقدم

را داده ایم و به نظر می رسد که این احتمالاً زمینه ای جهت تلاش برای ایجاد یک رابطه مثمر باشد.

۲ علیرغم هر جنبه دیگری که ستاد بخواهد دنبال کند، تصور می کنیم که شما مایل باشید ما این تلاش

محلّی را ادامه دهیم.

۳ روشن است که هویت تلگرام مرجع ب خود را در یک رابطه همکاری با سیا به حساب می آورد. درخواست می شود پرونده ۲۰۱ و نام رمز برای وی مشخص گردد. تصور می کنیم که بیوگرافی نسبتاً کاملی در ستاد موجود باشد.

۴ بدون نام برای ثبت در فهرست. پرونده: ۲۳۷۹۲۶، ۲۰۱ ۱۰۵۹۰۶، ۲۰۱ ۲۲۹۷۲۵ تا

تاریخ ۱۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

توضیح در مورد منبع گزارشی که مقدم به سیا داده

سرّی

سند شماره (۲)

۱۸ شهریور ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۴۱۶۷ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. پروب. اطلاعاتی

عطف به: تهران ۵۴۱۶۶ «۷۲۰/۱۰ NIT»

۱ اس. دی. پروب / ۱ «خبر» پاراگراف یک تلگرام مرجع را از پسر شریعتمداری گرفت. منابع کردی

وی نام برده نشده اند؛ به نظر می رسد که آنها خبردهندگان اتفاقی باشند، اما ما هنوز دقیقاً مطمئن نیستیم که

او اخبار خود راجع به آن موضوع را از کجا می آورد.

۲ بدون پرونده: تا تاریخ ۱۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری

سری

خبرهای فراهم شده مقدم در مورد یزدی، صباغیان، چمران، آیت الله طالقانی و شورای انقلاب برای سیا

سند شماره (۳)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: تهران ۵۴۲۶۹ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعاتی

۱ اس. دی. پروب / ۱ خبرهای پراکنده ذیل را درباره ۳۴ / ۳۰۵ / ۲۰۱ فراهم کرد.

الف یزدی، صباغیان، چمران و طباطبایی با یکدیگر سعی بر این دارند تا موقعیت قدرت جمعی خود را بهبود بخشند. از قرار معلوم آنها قصدشان این است که حضور خود در مقامات با نفوذ در دولت جدید را قطعی سازند. درباره این تشریک مساعی شایعاتی وجود داشته، اما یک دلیل قطعی هم در دست است که بخشی از آنچه را که گفته شد تأیید می نماید. «توضیح: برای ما امکان ندارد که بفهمیم این دلیل چیست».

ب طالقانی باید واقعا رئیس شورای انقلاب در هنگام مرگ خود بوده باشد. در غیر این صورت اعلان رسمی آن غیر ممکن می بود «توضیح: اس. دی. پروب / ۱ اذعان داشت که پیش از مرگ طالقانی از ریاست او بر شورای انقلاب آگاه نبود».

ج شورای انقلاب که به نظر می آید اعضای آن نسبتاً ثابت باشند، در هفته دو، یا اغلب سه جلسه در ساختمان پارلمان برگزار می کند «توضیح: تا آنجا که ما توانستیم بفهمیم، تلقی اس. دی. پروب/۱ از ثبات اعضای شورا بر اساس اعلانی بوده که چند هفته قبل داده شده حاکی از اینکه شورای انقلاب به عنوان معاونین وزراء انتصاب شده اند و به طور همزمان وزرای... دولت موقت به عضویت شورا ارتقاء می یابند».

۲ بدون پرونده. تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

اظهارات آیت الله شریعتمداری درباره اولتیماتوم به دولت...

سند شماره (۴)

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. طبقه بندی گزارش: سری

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار..... کشور: ایران

منبع: یک سیاستمدار لیبرال که روابط خوبی در محافل سیاسی دولتی دارد. قابلیت اطمینان به

گزارشهای وی تأیید شده است. او خبر را از یک مقام عالی رتبه دولتی با دسترسی عالی اخذ کرده است.

موضوع: اظهارات آیت الله شریعتمداری درباره..... اولتیماتوم به دولت در مورد محاصره مهاباد و

امور سیاسی مخالفین تبعیدی و داخلی (تاریخ خبر: اکتبر ۷۹ «مهر ۵۸»)

۱ آیت الله کاظم شریعتمداری در اواخر اکتبر ۱۹۷۹ «اوائل مهر ۱۳۵۸» گفت که برای خاتمه دادن به

محاصره مهاباد آذربایجان غربی پادرمیانی کرده است. او اظهار داشت که یک فرستاده ویژه نزد هاشم

صباغیان وزیر کشور فرستاده و درخواست کرده آن محاصره برداشته شود. شریعتمداری گفت که فرستاده

خود را موظف کرده بگوید که اگر محاصره ادامه یابد، او ترکهای آذربایجان را بسیج خواهد کرد تا با زور

آن را بردارند. «توضیح منبع: شریعتمداری نگفت که چه موقع این اولتیماتوم را داده بود»، «توضیح حوزه

فعالیت: صباغیان یکی از سه عضو یک کمیته دولتی است که اخیراً مأمور شد برای پیدا کردن راه حل

شورش کردها اقدام نماید. تهران تایمز گزارش داده که محاصره مهاباد تا ۱ آبان ادامه داشته، اما در ۲ آبان بخشی از آن برداشته شد».

۲ شریعتمداری در جواب به یک سؤال، قویا داشتن هرگونه ارتباط با شاهپور بختیار نخست وزیر پیشین تبعیدی را مورد تکذیب قرار داد. او گفت که بختیار یک بار پیشنهاد کرده بود که رابطه ای برقرار شود، اما ارتباطی بین آنها وجود ندارد. شریعتمداری صریحا تکذیب کرد که برای حمایت از بختیار تعهدی داده باشد یا چنین قصدی داشته باشد.

۳ شریعتمداری گفت که مشغول توصیه به حزب جمهوری خلق مسلمان است که از رودرویی با آیت الله روح الله خمینی و رهبری مذهبی اجتناب ورزند. «توضیح منبع: شریعتمداری درباره محکوم شدن تجمع عمومی ۲۷ مهر حزب خلق مسلمان توسط خمینی صحبت می کرد. در این تجمع برای انحلال مجلس خبرگان.....» شریعتمداری که به نظر وی اقتدار خمینی رو به کاهش است و او..... که احتمالاً ظرف دو یا سه ماه گروههای مخالف امکان خواهند یافت با آزادی بیشتری انتقادهای خود را بیان کنند.....

اظهارات مراغه ای درباره اوضاع سیاسی ایران

بخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده طبقه بندی گزارش سرّی

کشور: ایران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای بیگانگان غیر قابل رؤیت برای

پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

منبع: یک سیاستمدار لیبرال که روابط خوبی در محافل سیاسی دولتی دارد. قابلیت اطمینان به

گزارشهای وی تأیید شده است. او خبر را از یک منبع با دسترسی عالی اخذ کرد.

موضوع: اظهارات مقدم مراغه ای درباره اوضاع سیاسی ایران

۱ در اوائل اکتبر ۱۹۷۹ «اواسط مهر ۱۳۵۸» رحمت الله مقدم مراغه ای عضو مجلس خبرگان درباره

طرحهایی برای تشکیل یک جبهه سیاسی متشکل از نهضت رادیکال خودش، جبهه ملی، و حزب

جمهوری خلق مسلمان آیت الله کاظم شریعتمداری صحبت کرد، مقدم گفت که خبر دارد کریم سنجابی

رهبر جبهه ملی به زودی از ایالات متحده باز خواهد گشت. او گفت که تشکیل جبهه جدید ممکن است تا

۲۱ مهر اعلان شود. در آن روز این سازمان جدید، کار تدارک برای انتخابات پارلمان جدید را شروع

خواهد کرد.

۲ مقدم گفت که در حال حاضر جنبش رادیکال مانند سایر گروههای سیاسی ایران است، یعنی ماهیتا

ادامه و گسترش یک شخصیت است. هیچ MEMBERSHIPROLL یا فعالیت تشکیلاتی رسمی وجود

ندارد. «توضیح منبع: مقدم تلویحا اظهار داشت که آمادگی برای انتخابات به یک برنامه سیستماتیک تر

احتیاج دارد. او نگفت که تصمیم گرفته این آمادگی به چه صورتی باشد» «توضیح حوزه فعالیت: گزارش

۷۴۴/۱۰ NIT از همین منبع حاوی اظهارات مشابهی است که مقدم درباره وضع تشکیلاتی حزب خلق

مسلمان داشته است».

۳ به گفته مقدم، نفوذ آیت الله خمینی بتدریج رو به کاهش می رود اما این کاهش ابتدا از چنان موقعیت برتری چون و چرایی شروع می شود که می توان انتظار داشت خمینی حداقل مدت چند ماهی و شاید بسیار بیشتر کنترل خود بر دولت را حفظ کند. مقدم گفت که فکر می کند با این وجود بعضی از آنها که به خمینی وفا دارند احساس می کنند که انقلاب در خطر است و این امر موجب شده عزم ساده لوحانه ای برای تحکیم کنترل خود بر جامعه و دولت در آنها پدید آید. مقدم از پنج مقام دولتی که ابراهیم یزدی وزیر خارجه یکی از آنها بود نام برد و اظهار داشت که به نظر وی اینها در رأس فعالیتی می باشند که برای تحکیم اقتدار انقلاب صورت می گیرد. مقدم گفت که یزدی را پیش از انقلاب هم می شناخته و او را فردی اساساً میانه رو و حتی طرفدار غرب دانست. وی گفت که اینک به نظر می رسد که یزدی و دیگران به سیا ایجاد یک سیاست عمومی صحیح توجه ندارند، چون مشغول کشمکش برای تحکیم قدرت خود می باشند. مقدم سایر افرادی را که در گروه می باشند به این قرار معرفی کرد: مصطفی چمران وزیر دفاع، صادق طباطبایی معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت، هاشم صباغیان وزیر کشور و صادق قطب زاده مدیر رادیو و تلویزیون ملی ایران.

۴ به دست آمده در: ایران، تهران «۱۵ مهر ۱۳۵۸» شماره گزارش از حوزه فعالیت ۷۶۳/۱۰ NIT.

۵ انتشار از حوزه فعالیت، سفارتخانه تهران «فقط برای کاردار». فرستاده شد به منامه، دهلی نو،

۶ طبقه بندی گزارش: سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیرقابل رؤیت برای بیگانگان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده تا تاریخ ۱۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

دستور قطع روابط بخش سیاسی سفارت با مقدم به خاطر امکان نورفتن وی ۳۱

سند شماره (۶)

۱۸ مهر ۵۸ اعضاء سرّی

از: تهران ۵۴۴۳۸ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. پروب

۱ در جلسه ۱۴ مهر کارکنان، در خلال بحث در امور مربوط به اس. دی. پوتی/۱، کاردار به کفیل مشاور سیاسی دستور داد که با اس. دی. پروب/۱ به عنوان منبع احتمالی پیرامون این قضیه تماس بگیرد. مشاور سیاسی پاسخ داد که شاید بهتر باشد صبر کنیم تا اوضاع آرام شود. چون کاردار در مواقع دیگری هم نسبت به پ/۱ اظهار علاقه کرده ما به این نتیجه رسیدیم که موقع آن فرا رسیده که تماسمان با او را برملا کنیم. کاردار آشکارا راضی است به اینکه در امور دخالت نکند و با توجه به عکس العمل مشاور سیاسی ما پیش بینی می کنیم که لزومی به دادن دستور قطع و خاتمه به بخش سیاسی که بیشتر ارتباط ما را آشکار می کند نباشد.

۲ خلاصه و نتیجه آن بود که کاردار از ما خواست درباره آنچه که پ/۱ «و ما» به عنوان بدبینی تشدید

شده ایرانیان می بینیم با او تبادل نظر کنیم. در مذاکره با پ/۱ در این مورد، صحبت کشیده شد به راههای

محدود کردن ضرر وارده به روابط متقابلمان. پ/۱ هم مثل اس. دی. ارن /۱ پیشنهاد کرد که باید با خمینی تماس گرفته شود. او گفت که فکر می کند که حتی یک عبارت موافق در مورد قبول انقلاب و نگرانی در مورد روابطمان نتایج خوبی در برخواهد داشت. «موردی که پ/۱ به آن اشاره نکرد این بود که چنین ملاقاتی اگر به طور قابل قبولی خوب جلو رفت، ممکن است باب دسترسی هیئت نمایندگی یا قرارگاه به علمای دیگر را باز کند».

۳ پ / ۱ اول پیشنهاد کرد که دیک کاتم انتخاب خوبی برای ملاقات با خمینی است و توضیح داد که پیشنهاد را برای این اساس می دهد که کاتم قبلاً با او ملاقات کرده و آشنایی قبلی مقداری مزیت دارد. پ/۱ گفت تماس توسط کاردار با یک مقام دیگر ایالات متحده را به همان اندازه معتبر می داند و در انتها گفت که فکر می کند ما اگر فاصله خود با خمینی را حفظ کنیم، صرفاً میدان را برای قدرتهای دشمن با ما باز می گذارد. در این رابطه، او داوطلبانه اظهار داشت که هیچ حدسی نمی تواند بزند که در واقع چه کسی بر افکار خمینی تأثیر می گذارد.

۴ مفاد پاراگرافهای دو و سه فوق با کاردار در میان گذاشته شده است.

۵ پرونده: ۲۳۷۹۲۶ ۲۰۱، تا تاریخ ۱۸ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری

نمرات و نظریات درباره گزارشهای مقدم

۲۰ مهر ۵۸ تلگرام غیرفورسری

از: واشنگتن ۵۳۱۲۰۰ به: تهران

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است نمرات و نظریات برای گزارشها

۱ در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ۷۱۰/۱۰ NIT الی ۷۲۰/۱۰ NIT ماه سپتامبر که

در ۱۸ مهر ۱۳۵۸ مرور شدند، می آید. (۱)

هدف: S.I.B.نمره: ۵

شماره گزارش از حوزه فعالیت ۷۲۰/۱۰ NIT بدون OPACT،

شماره انتشار: ۱۵۷۸۳۷۹ / ۱۷۳۱۵، TDFIRDB شهریور ۱۳۵۸،

یک جانبه، منبع اس. دی. پروب / ۱، با تمام کنترلها،

موضوع: «۱ موضع خمینی در برابر رویدادهای کردستان ۲ وجود نداشتن دخالت عراق در

کردستان». (۲)

نظریه: اینکه گزارشی درباره نحوه تلقی خمینی از اوضاع کردستان در زمان تصرف شهرهای کردنشین

داشتیم چیز مفیدی بود. همچنین، همان طور که قرارگاه می داند، اظهارنظرهای بی پایان درباره احتمال

دخالت عراق در حرکتهای اقلیتهای قومی ایران ادامه دارد. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار

اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

نظر مقدم در مورد انحلال مجلس و برخورد انتظام با آن

۲۶ مهر ۵۸ تلگرام غیرفورسری

از: واشنگتن ۵۳۴۸۶۱ به: تهران

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است نمرات و نظریات برای گزارشها

۱ در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای NIT ۷۲۱/۱۰ تا NIT ۷۳۳/۱۰ ماه سپتامبر

می آید. با توجه به تلگرام تهران ۵۴۴۶۰ بازنویسی می شود.

هدف: S.I.B.نمره: ۵

NIT ۷۲۱/۱۰ بدون OPACT ۷۹ ۱۵۷۷۷ / ۳۱۵ TDFIRDB

۱۸ شهریور ۱۳۵۸

یک جانبه، اس دی پروب / ۱ با تمام کنترلها،

موضوع: «پیشرفت مجلس خبرگان»،

نظریه: ما بسیار احساس خوشوقتی می کنیم که اس. دی. پروب / ۱ در یک موقعیت منحصر به فرد

است که گزارشهایی از مجلس خبرگان که بسیار مورد علاقه تحلیلگران است می دهد. آنها از ادامه دریافت

گزارشها درباره این موضوع استقبال می کنند. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس

ستاد استفاده شد.

۱- از این سند فقط یک مورد مربوط به گزارشهای مراغه ای می شد که در اینجا آمده است.

۲- این گزارش مراغه ای هنوز به دست نیامده است.

ص: ۳۱۵

هدف: S.I.E.نمره: ۵

بدون NIT ۷۲۲/۱۰ TDFIRDB ۳۱۵ / ۱۵۷۸۲ / ۷۹ OPACT

۱۸ شهریور ۱۳۵۸.

یک جانبه، اس. دی. پروب / ۱ با تمام کنترلها

موضوع: «نظرگاه های رحمت الله مقدم مراغه ای درباره دورنماهایی برای یک ائتلاف سیاسی جدید

ایرانی حول حزب جمهوری خلق مسلمان».

نظریه: این گزارش تحلیل خوبی از اس. دی. پروب/۱ درباره مقام احتمالی شریعتمداری در عرصه

سیاست است. به گفته گلگروف، اس. دی. جانوس/۱۳ سعی داشته به ما بگوید که شریعتمداری

طرفدارانی بین مجاهدین دارد و ما حرف او را باور نکردیم. اس. دی. پیر/۱ نیز اینک گزارش داده که بین

مجاهدین یک دسته طرفدار شریعتمداری وجود دارد. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی

رئیس ستاد استفاده شد.

پیشنهاد انحلال مجلس خبرگان توسط خمینی

سند شماره (۹)

۲۸ مهر ۵۸ اعضاءسری

از : جده ۸۱؟؟؟ به: رئیس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است اطلاعاتی

عطف به: جده ۵۸۰؟؟؟ «NIT ۱۰۷۸۰»

۱ اس. دی. پروب/۱ خبر گزارش مرجع را مستقیما از انتظام و بهشتی اخذ کرد.

۲ ما تعجب کردیم وقتی دیدیم پ/۱ ظاهرا فکر انتظام را هیچ پرت به حساب نیاورد. پ/۱ گفت که

انتقاد وی از آن همین قدر بوده که خواسته بازرگان پیش از انحلال مجلس خبرگان موافقت خمینی را جلب نماید. ما می توانیم به آسانی تصور کنیم که خمینی همین طوری کار اکثریت روحانی مجلس خبرگان را کنار بزند، اما پ/۱ یک فرد با تجربه و به نظر ما یک ناظر زیرک می باشد و نظرگاههای وی را نباید سبک شمرد.

۳ بدون پرونده: تا تاریخ ۲۸ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سزی

جزئیات تکمیلی

سزی

سند شماره (۱۰)

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی استطبقه بندی گزارش سزی

کشور: ایران «تاریخ اطلاعات: اوائل آبان ۱۳۵۸»

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور

منبع: یک سیاستمدار لیبرال که روابط خوبی در محافل سیاسی دولتی دارد. قابلیت اطمینان به

گزارشهای وی تأیید شده است. او خبر را از یک مقام عالیرتبه دولتی با دسترسی عالی اخذ کرده است.

موضوع: «پیشنهاد انحلال مجلس خبرگان توسط خمینی»

۱ در یک اجلاس کابینه به تاریخ ۲۸ یا ۲۹ مهر، ۱۷ نفر از ۲۲ عضو دولت موقت ایران درخواست

نامه ای را که نخست وزیر مهدی بازرگان ارائه کرده بود امضاء کردند که در آن انحلال مجلس خبرگان که مشغول تصحیح پیش نویس قانون اساسی می باشد، تقاضا شده بود. در ۲۹ مهر بازرگان و پنج تن دیگر از وزرای کابینه به قم رفتند تا تأیید آیت الله روح الله خمینی را جلب کنند. بازرگان عنوان کرد که مجلس با دوباره نویسی کامل پیش نویس قانون اساسی از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و از مدت قانونی خود فراتر رفته است.

۲ خمینی قاطعانه پیشنهاد را رد کرد و بازرگان را برای ارائه آن شدیداً توبیخ کرد. او بازرگان و سایر وزراء را متهم به همدستی با انتقادکنندگان از مجلس، خصوصاً رحمت الله مقدم مراغه ای و کسان دیگری که با حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان بودند نمود. «توضیح منبع: خمینی پیش از آن در یک سخنرانی به تاریخ ۲۸ مهر درخواستهایی را که در میتینگ عمومی ۲۷ مهر حزب خلق مسلمان برای انحلال مجلس ابراز شده بود محکوم نموده بود.» «توضیح حوزه فعالیت: گزارش ۱۸۴۰۶۷۹ / ۳۱۵ TDFIRDB، NIT ۱۰۷۸۰ درباره یک پیشنهاد برای ترغیب بازرگان به انحلال مجلس بود».

۳ عکس العمل تند خمینی نسبت به پیشنهاد انحلال، سران حزب خلق مسلمان، نهضت رادیکال و جبهه ملی اعلان رسمی ائتلاف بین سه گروه را به تعویق انداخته است. «توضیح منبع: اتحاد سه گروه هم اکنون نیز وجود دارد و اجتماعات عمومی جمعه مثل جلسه ۲۷ مهر را هر سه گروه برگزار می کنند».

۴ به دست آمده در: ایران، تهران «۲ آبان ۱۳۵۸» شماره از حوزه فعالیت: ۷۸۸/۱۰ (۱). (NIT)

۵ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی تهران، فرستاده شده به امان، بیروت، قاهره،

اسلام آباد، جدّه، کراچی، کویت..... دهلی نو، تل آویو.

طبقه بندی گزارش سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای مشاورین یا مشاورین پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده

تا تاریخ..... در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش

حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

توضیح در مورد سند پیشنهاد انحلال مجلس...

سند شماره (۱۱)

سری

از: تهران ۵۴۵۹۷۴ آبان ۵۸ اطلاعاتی

به: با حق تقدم به رئیس رونوشت برای امان، بیروت، قاهره.....، کراچی، کویت، منامه، دهلی نو،

تل آویو

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اطلاعاتی زی. آر. واهو

جزئیات تکمیلی: اس. دی. پروب / ۱، رئیس مراجعه کند به تلگرام تهران ۵۴۵۹۶ که در خط انتشار

نیامده است، به سازمان اطلاعاتی همکار داده نشود. بدون نام برای ثبت در فهرست بایگانی بدون

پرونده به دست آمده توسط پکوئین..... شماره از حوزه فعالیت NTI ۷۸۸/۱۰

۱- مده است. " ۱ / ۷۸۸ NIT در این سند جزئیات فنی مربوط به سند شماره ۱۰

ص: ۳۱۷

سند شماره (۱۲)

۴ آبان ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۴۵۹۶ به: با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعاتی

عطف به: الف. تهران ۵۴۵۹۷ «NIT ۷۸۸/۱۰»، ب. تهران ۵۴۵۹۸ «NIT ۷۸۹/۱۰»

۱ اس دی پروب / ۱ پاراگرافهای یک و دو تلگرام مرجع را از جوادى وزیر دادگستری به دست

آورد که بازرگان را در سفر به قم همراهی کرد، پ / ۱ در اخذ تصمیم ذکر شده در پاراگراف سه شرکت داشت.

۲ پ / ۱ خبر تلگرام مرجع ب را مستقیماً از شریعتمداری در ۱ آبان اخذ کرد.

۳ بدون پرونده. تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سزی

توضیح مقدم درباره دیدار خود با امام

سزی

سند شماره (۱۳)

۴ آبان ۵۸ اعضاء، سزی

از: تهران ۵۴۵۹۹ به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. پروب

۱ در ملاقات ۳ آبان، اس. دی. پروب / ۱ گفت که در سفر خود به قم در ۱ آبان به نزد خمینی رفت. او

گفت که بنا بر عرف معمول در بیت خمینی، قبل از آنکه به حضور برسد وی را در جمع گروهی از

دیدارکنندگان جای دادند. وی گفت که طی این جلسه خمینی از ملاقات با..... امتناع ورزید و بعد وقتی

پ/۱ درخواست ملاقات خصوصی کرد، به او گفته شد که خمینی..... او را ببیند.

پ ۲ / ۱ گفت که فکر می کند به هر حال مواجهه با این ژست احیانا به زحمتش می ارزد. وی افزود که

شریعتمداری همان روز به وی توصیه کرد کاری نکند که باعث همان اقدام تنبیهی شود که حسن نزیه شد.

ما مختارانه آن عمل را تأیید کردیم.

۳ پرونده: ۲۳۷۹۲۶ ۲۰۱. تا تاریخ ۴ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

توصیه اهرن در مورد ویزای پسر مقدم

سری

سند شماره (۱۴)

۷ آبان ۱۳۵۸ محرمانه

از: کارمند ارجاع دهنده: بخش کنسولی

سفارت آمریکا، تهران، ارجاع درخواست کننده ویزا، «نوع دوم» از طریق: کارمند

تصویب کننده: توماس ل. اهرن

من توصیه ای درخواست می کنم برای متقاضی یا متقاضیان ذیل که به نظر من شایستگیهای لازم برای

چنین توصیه ای را واجد است «هستند»:

نام: رحمت الله مراغه ای مقدم

مدارک ضمیمه: پاسپورت، درخواست ویزای غیرمهاجرتی و عکس

اثبات لزوم: مطابق مکالمه شفاهی.

تأییدیه موقت عملیاتی برای مقدم

سند شماره (۱۵)

۱۰ آبان ۵۸ اعضای سزی

از: رئیس ۵۴۴۵۴۱ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. پروب

۱ در ۴ آبان ۱۳۵۸ تأییدیه موقت عملیاتی به اس. دی. پروب ۱/ داده شد.

۲ پرونده: ۲۳۷۹۲۶ ۰۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ آبان ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سزی

متن نوشته آهرن درباره مقدم

سند شماره (۱۶)

متن نوشته آهرن درباره مراغه ای.

اس. دی. پروب/۱ آقای مقدم مراغه ای. استاندار سابق آذربایجان شرقی. عضو مجلس خبرگان. سن:

۵۵ ۶۰. آدرس: شمال خیابان میرداماد، نزدیک نفت. متأهل است یک پسرش در ایالات متحده به

مدرسه می رود. زبانها: فرانسه، انگلیسی. کار معرفی به او را دیپلمات ژاپنی آقای هاسه گاوا در مرداد ماه

در منزل مراغه ای انجام داد. ملاقاتها هر هفته در همان محل صورت می گرفتند. غرض از تماس: ۱ خبر

در مورد پیشرفت مجلس خبرگان ۲ خبر در مورد تشکیلات و اعضای احزاب سیاسی ایران؛ ۳ خبر در

مورد پیشرفت و مسائل انقلاب ۴ دیدگاههایی که در مورد روابط ایران و آمریکا وجود داشت.

در رابطه با «۱»: تأکید اصلی روی مسئله حاکمیت بود یعنی نقش روحانیت، نقش مردم، ولایت فقیه.

همچنین توصیف رویدادهای مجلس «خبرگان» خصوصا در مورد مواد ۵ و ۱۵.

در رابطه با «۲»: ساخت غیررسمی و پایگاه قومی شریعتمداری در آذربایجان؛ برنامه شریعتمداری و

آقای مراغه ای برای گسترش دادن پایگاه حمایت از انقلاب از طریق انتخابات.....

متن اظهارات اهرن در مورد مقدم مراغه ای

سند شماره (۱۷)

متن اظهارات اهرن در مورد مقدم مراغه ای

رحمت مقدم مراغه ای، گزارشاتی راجع به: ۱ پیشرفت مجلس خبرگان، ۲ مسائل و مشکلات انقلاب

در آینده و بیشتر مسائل کلی.

او منبع نبوده است و حتی من به او نگفته بودم که مأمور سیا هستم، بلکه به عنوان مأمور سیاسی سفارت

تقریبا هر هفته یک بار در روزهای پنج شنبه بعد از ظهر با وی در خانه اش ملاقات داشتم. پول نمی گرفته

است. اسم رمز اس. دی. پروب / ۱

سؤال: درباره مقدم مراغه ای قدری بیشتر توضیح دهید:

یک فرد در سفارت ژاپن آقای مقدم را می شناسد، اسم وی هاسه گاوا است. در ماه اوت با وی آشنا

شدم. وی به دنبال کسی می گشت که برای پسرش که در آمریکا درس می خواند و تابستان را در تهران بوده

است، ویزا بگیرد. لذا فرد ژاپنی وی را به من معرفی کرد، زیرا من علاقه مند بودم که با وی تماس بگیرم.

محل ملاقات در خانه وی بوده است. بعد از ظهرها معمولاً ساعت ۵/۲ یا ۳ بعد از ظهر ملاقات

می کردیم برای مدت یک ساعت و نیم «حدوداً». معمولاً روزهای پنج شنبه به آنجا می رفتم.

یک بار برای وی یک بطری اسکاچ به عنوان هدیه بردم، ولی خودش نخورد و به من هم نداد.

در رابطه با رابطه بین شریعتمداری و خمینی بحث کردیم.

پیشنهاد کرد که باید کسی از طرف دولت آمریکا به دیدار خمینی برود هر چند که دیر شده است، ولی

هنوز هم به نفع منافع آمریکاست که این ملاقات صورت پذیرد. (۱)

توضیح اسناد مربوط به حسن فزیه

۱- متن این سند از بازجوئی های شفاهی اهرن استخراج شده که اصل آن به صورت نوار ضبط صوت همراه اصل اسناد رشته ای نگاهداری می شود.

نام اصلی: حسن نزیه، نام رمز: اس. دی. پوتی

با توجه به سند شماره ۱ این گونه استنباط می شود که حسن نزیه قبل از ۱۱ مرداد ۵۸ و حتی قبل از انقلاب با سیا ارتباط داشته و سیا مجددا تمایل یافته که تماس خود با نزیه را از طریق رابط سابق وی جوزف دبلیو. آدلسیک برقرار کند «آدلسیک در سالهای پیش از انقلاب معاون رئیس و رئیس قرارگاه سیا در تهران بوده است». در این رابطه سیا سعی می کند تا از برنامه های مسافرت نزیه به خارج اطلاع پیدا کند تا این تماس در خارج از ایران صورت بگیرد.

از مرکز سیا به قرارگاه تهران اطلاع داده می شود که این طرح را تا ورود آدلسیک به تهران به تعویق بیندازد تا آدلسیک در یک جلسه توجیهی در آبان ۵۸ قبل از اینکه نزیه مأمور قرارگاه را ببیند، تمایل وی را برای همکاری مجدد ارزیابی نماید.

طرح سیا برای ایجاد رابطه مجدد بین حسن نزیه و رابط سابق وی در سیا..

سند شماره (۱)

۶ مرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: رئیس ۴۸۷۴۱۹ به: فوری به لندن، پاریس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: لندن ۱۶۴۳۸ ب. پاریس ۱۱۱۹۶

۱ موافقت می شود که کیلتایگر با مأموریت موقت به فرانسه برود تا با فتح الله ملاقات کند. تأییدیه موقت عملیاتی در دست تهیه است.

۲ در گفتگوهای خود با فتح الله لطفا سعی کنید از طرحهای نزیه «هویت» برای مسافرت در آینده

نزدیک اطلاع حاصل کنید. ستاد مایل است در اولین فرصت در خارج از ایران مجدداً بین نزیه و رابط

سابق وی در سیا، جوزف دبلیو. آدلسیک رابطه برقرار کند.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۲۲۹۴۲۵ تا تاریخ ۱۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

معرفی هویت سند شماره ۱

سرّی

سند شماره (۲)

۱۱ مرداد ۵۷ اعضاء سرّی

از: رئیس () ۴۸۷۴۲ به: فوری به لندن، پاریس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

عطف به: رئیس ۴۸۷۴۱۹

۱ هویت اس. دی. پوتی/۱ است.

۲ پرونده: ۲۰۱ ۲۲۹۴۲۵، تا تاریخ ۱۰ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سرّی

تلاش برای دیدار با نزیه

۲۴ شهریور ۵۸ اعضاء سری

از: کویت ۳۰۰۲۰ به: با حق تقدم به رئیس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کازمو

عطف به: کویت ۳۰۰۲۱ «NQK ۲۶۲۱»

۱ اس. دی. کازمو / ۱ «اس / ۱» تلگرام مرجع را از یک مقام شرکت ملی نفت ایران دریافت داشت

«هویتش بیشتر معرفی نشد» که به اس / ۱ تلفن کرد تا ترتیب دیدار حسن نزیه رئیس شرکت نفت از کویت

را در اوائل مهر ۱۳۵۸ بدهد. ک / ۱ اطلاعی از جزئیات اموری که قرار بود طی این دیدار مورد مذاکره قرار

بگیرد ندارد.

۲ شولار به طور خصوصی از اس / ۱ پرسید علت کاهش تولید نفت ایران چه بود و اس / ۱ روی موضع

خود همچنان استوار ماند که علل یاد شده در گزارش مرجع همانهایی بودند که آن مقام شرکت نفت داد.

۳ اس / ۱ گفت هنگامی که اس. دی. وری / ۱ از دیدار جاری خود از تهران بازگشت، وی درباره

اوضاع تهران سؤال خواهد کرد.

۴ اس / ۱ همچنین گزارش داد که از چندین نفر که اخیرا به ایران مسافرت کرده بودند شنیده که، دفاتر

ساف / فتح در تهران و اهواز تعطیل شده اند. دفتر تهران به بهانه پیدا کردن تسهیلات بهتر و به دستور دولت

موقت و دفتر اهواز به دستور دریادار مدنی استاندار خوزستان تعطیل شده بود. به گفته منابع اس / ۱ این دو

مورد تعطیلی در سکوت و بدون اعلانهای عمومی صورت گرفته بودند.

۵ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۱۰۰۰ تا تاریخ ۲۴ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

طرح تماس با نزیه در خارج از کشور

سَری

سند شماره (۴)

۲۸ شهریور ۵۸ اعضاء سَری

از: رئیس ۵۱۶۹۹۹ به: حق تقدم به کویت رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

اس. دی. کازمو. اس. دی. پوتی

عطف به: کویت ۳۰۰۲۰

۱ آن مقام شرکت ملی نفت ایران که در پاراگراف یک تلگرام مرجع به آن اشاره شده بود اس. دی.

پوتی/۱ است که ما خیلی علاقه مندیم ترتیب تماس با وی در خارج از ایران را بدهیم.

۲ لطفا دیدار پ/۱ از کویت را با اس. دی. کازمو/۱ با بصیرت دنبال کنید و ستاد مرکزی و تهران را در

جریان مسیر مسافرت وی قرار دهید و حتی الامکان خبرها را پیشاپیش بدهید، تا بتوان اعزام موقت

مأمور مربوط سابق پ/۱ را تدارک نمود.

۳ برای تهران: درخواست می شود هرگونه اطلاعاتی راجع به مسافرت پ/۱ در اختیار دارید اعلام

نمایید.

ص: ۳۲۲

۴ پرونده: ۲۲۹۷۲۵ ۲۰۱ تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سرّی

تعویق طرحها تا ورود آدلسیک به تهران

سرّی

سند شماره (۵)

۴ مهر ۵۸ اعضاء سرّی

از: رئیس ۵۲۰۸۷۴ به: با حق تقدم به تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

حساس، اس. دی. پوتی

عطف به: الف تهران ۵۴۳۱۱ ب استکھلم ۲۶۲۱۰

۱ از ابتکار قرارگاه قدردانی می کنیم. یک راه سوم این است که طرحها را تا هنگام ورود آدلسیک به

تهران به تعویق اندازیم و قرارگاه بتواند همراه با او در رابطه با اس. دی. پوتی ۱/ جلو برود. برای اطلاع شما

طرح آزمایشی ستاد برای آدلسیک این است که برای جلسه توجیهی ما اکتبر، ذکر شده در تلگرام مرجع ب

به طور موقت به تهران اعزام شود. مزیت کار این است که پیش از آنکه پ/۱ مأمور قرارگاه را مشاهده کند،

آدلسیک می تواند یک شناخت فعلی از تمایل اس. دی. پوتی / ۱ به همکاری به دست آورد.

۲ به هر صورت اگر قرارگاه فکر می کند که باید هم اکنون جلو برود، موافقیم که بهترین راه تدارک از

طریق اس. دی. پروب/۱ می باشد. در چنین حالتی، ممکن است بعضی فواید پوششی در استفاده نکردن از

نام آدلسیک باشد.

۳ پرونده: ۲۲۹۷۲۵ ۲۰۱؛ ۲۳۷۹۲۶ ۲۰۱ تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

حسن نزیه تحت الحمايه آیت الله شریعتمداری

سَری

سند شماره (۶)

۳۱۵ / ۱۹۳۵۰ ۷۹ TDFIRDB، توزیع سَری ۱۱ آبان ۱۳۵۸

پخش و اقتباس تحت نظر تهیه کننده می باشد کشور: ایران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی استتاریخ اطلاعات: اواخر مهرماه ۱۳۵۸

این یک گزارش خبریست که مورد سنجش نهایی اطلاعاتی قرار نگرفته است

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکاران

منبع: یک افسر ارشد پیشین ارتش ایران که خبردهنده با قابلیت اطمینان نامعلوم است. تصور می شود که

وی به خبری که ذیلاً ذکر شده دسترسی خوبی داشته است.

موضوع: رئیس بازنشسته شرکت ملی نفت ایران حسن نزیه تحت الحمايه آیت الله شریعتمداری

۱ نخست وزیر پیشین شاهپور بختیار و اطرافیانش این خبر به دستشان رسیده که رئیس پیشین

شرکت ملی نفت ایران حسن نزیه در تهران در منزل آیت الله سید کاظم شریعتمداری در اختفاء به سر

می برد. نزیه هنگامی مخفی شد که طی یک تحول دولتی در اواسط مهرماه ۱۳۵۸ از مقام خود به عنوان

رئیس شرکت ملی نفت ایران اخراج شد. در آن زمان نزیه از سوی دادستانی انقلاب مورد تحقیق قرار گرفت که منجر به صدور حکم دستگیری وی شد. نزیه ظاهراً توانست از حمایتی که موقعیت شریعتمداری برایش فراهم کرد در جهت جلوگیری از محاکمه خود استفاده کند.

۲ گروه‌های متعلق به بختیار فکر می‌کنند که نزیه اسنادی به محل اختفای خود برده که ثابت می‌کنند مبالغ معتنا بهی از درآمدهای نفتی ایران به سازمان آزادیبخش فلسطین «ساف» داده شده است. این گروه‌ها فکر می‌کنند که این اسناد.....، به جنبش بختیار کمک می‌کنند که نشان دهند حکومت خمینی روابطی با ساف برقرار کرده که از آنچه عموماً تصور می‌شود صمیمانه تر است و نشان می‌دهند که در این زمان بحران شدید اقتصادی پول ایران از کشور به خارج فرستاده می‌شود.

۳ به دست آمده در: «۱۰ آبان ۱۳۵۸».

۴ انتشار از حوزه فعالیت: فرستاده شد به تهران، لندن، پاریس، بیروت.....

...

کتاب پنجاه و ششم

خط میانه (۶)

بسم الله الرحمن الرحيم

در پی چاپ اسناد مربوط به شریعتمداری، مقدم مراغه ای و حسن نزیه در کتاب خط میانه ۵، اینک اسناد عباس امیرانتظام (این اسناد علاوه بر مدارکی است که در کتاب شماره ۱۰ منتشر شده)، بهرام بهرامیان، خسرو قشقایی، سام سنجابی، علی سیف پور فاطمی، تورج و فریدون ناصری در این کتاب آورده شده است.

همانند کتاب قبلی، پیش از شروع متن اصلی اسناد هر فرد، توضیحات لازم جهت آشنایی بیشتر خوانندگان ارائه گردیده است، با این امید که گامی دیگر در جهت رسوا نمودن پایگاههای داخلی امپریالیسم آشکار بوده باشد و موجب ناامیدی بیشتر آمریکا از رشد جریانات انحرافی در مقابل حرکت انقلاب اسلامی گردد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

زمستان ۶۴

توضیح اسناد مربوط به امیرانتظام

بسمه تعالی

نام اصلی: عباس امیر انتظام

نام رمز: اس. دی. پلاد / ۱

شغل: معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت موقت و عضو نهضت آزادی.

اسناد حاضر درباره امیر انتظام اسناد رشته شده ای شده و یا به دست آمده است. این اسناد تشریح کننده ادامه طرحهای عملیاتی سیا در ارتباط با تبادل اطلاعات با دولت موقت به ریاست بازرگان است. دو نکته اضافه بر آنچه در کتاب شماره ۱۰ آمده در این اسناد وجود دارد:

۱ اینکه امیر انتظام از اوائل دهه ۱۳۴۰ با سیا و مامور سابقه دار سیا جرج کیو (آدلسیک) ارتباط داشته است.

۲ در رابطه با فرستادن امیر انتظام به عنوان سفیر کبیر ایران در استکهلم، دو هدف از سوی گردانندگان نهضت آزادی (دولت موقت) دنبال می شده، یکی اینکه ایشان از سوی دولت موقت مامور برقراری تماس مجدد با سیا و تبادل اطلاعات باشند، دیگری جذب ایرانیان مقیم اروپا برای بازگشت به ایران.

طرح ملاقات آدلسیک با انتظام در سوئد

ص: ۳۲۹

سند شماره (۱)

۹ مرداد ۵۸ اعضاء سّری

از: رئیس ۴۸۵۹۶۹ به: با حق تقدم به استکھلم رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: استکھلم ۲۵۹۲۹

۱ وزارتخانه تلگرامی به سفارتخانه استکھلم می فرستد و از آنها می خواهد با امیرانتظام سفیر جدید

ایران در سوئد تماس بگیرند. قرار شده سفارتخانه به انتظام پیشنهاد کند یک مامور

سرویس خارجه که انتظام وی را خوب می شناسد به استکھلم بیاید تا با وی ملاقات نماید.

۲ فقط برای اطلاع شما. این اقدام را وزارتخانه به تحریک سیا انجام می دهد. اگر انتظام با برگزاری

این ملاقات موافق بود، قصد داریم ژوزف دلیو. آدلسیک معاون سابق رئیس قرارگاه تهران را همراه آن

مأمور سرویس خارجه بفرستیم تا با انتظام ملاقات کند. رئیس قرارگاه به صلاحدید خود می تواند به

کاردار اطلاع دهد که جریان ملاقات با انتظام بتوصیه مقامات بلند پایه دولت آمریکا به منظور توسعه

تماسهای دولت آمریکا با دولت موقت ایران انجام می پذیرد.

۳ تمام افراد ذینفع در این قضیه مایلند این ملاقات هر چه زودتر اجرا شود.

۴ بدون پرونده. تا تاریخ ۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سّری

برنامه ریزی ملاقات جان استمپل و آدلسیک

سند شماره (۲)

سری ۱۲ مرداد ۵۸ اعضاء

از: رئیس ۴۸۸۳۰۹ به: فوری به استکھلم، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساساقدام شبانه استکھلم

عطف به : رئیس ۴۸۵۹۶۹

۱ آدلسیک آقای جان استمپل مأمور سرویس خارجه را در مسافرت به استکھلم همراهی خواهد

کرد و صبح روز یکشنبه با پرواز شماره ۳۰ خط هوایی نورث وست وارد استکھلم خواهند شد.

۲ از قرار گاه تقاضا می شود برای آدلسیک (هویت) هتل رزرو کرده و در فرود گاه برای باجه نورث

وست پیامی بگذارید. ترجیحا در همان هتلی اتاق رزرو شود که سفارتخانه برای استمپل رزرو می کند.

۳ بدون پرونده، تا تاریخ ۱۲ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سّری

سابقه ارتباط سیا و امیرانتظام

سند شماره (۳)

۱۹ مرداد ۵۸ تلگرام غیر فورسّری

از: واشنگتن ۴۹۲۲۹۴ به: تهران

از: بخش خاور نزدیک / ایران

عطف به: الف استکھلم ۲۵۹۶۲ ب استکھلم ۲۵۹۷۰

موضوع : هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. پلاد

۱ برای اطلاع شما: در ملاقات با فرد مورد اشاره تلگرامهای مرجع در استکھلم به تاریخ ۱۵ مرداد،

آدلسیک دریافت مشارالیه همان فردی است که در اوایل دهه ۶۰ (دهه ۱۳۴۰) با آدلسیک همکاری کرده

بود. به هر حال وی این کار را با نام مستعار انجام داده بود و برای وی نام رمز اس. دی. پلاد /۱ تعیین شده

بود. (۱)

۱- احتمال دارد این نام مستعاری که مورد اشاره قرار گرفته نام سابق امیر انتظام بوده است. نکته مورد ذکر دیگر اینکه از اوایل

دهه ۶۰ (سالهای ۱۳۴۰) نام رمز اس. دی. پلاد /۱ در سیا برای امیر انتظام تعیین شده بود.

آدلسیک هیچ گاه اسم حقیقی وی را نمی دانست. تفصیل بیشتر این قضیه و فرصتهایی که اینک به دست آمده، در پیام جداگانه ای مطرح خواهد شد.

۲ بدون پرونده تا تاریخ ۱۸ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزی

سزی

آمادگی برای تبادل مطالب توجیهی

سند شماره (۴)

۲۲ مرداد ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۴۹۳۶۱۸

به: فوری به استکھلم، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اس.دی. پلاد

۱ پیرو مذاکراتی که آدلسیک طی مأموریت موقت خود به استکھلم داشت... این پیام را به قائم مقام

هیئت نمایندگی بدهید.

لطفا با آقای امیرانتظام تماس بگیرید و به او بگویید ما آماده ایم مطالب توجیهی را در ۱۹ شهریور

بدهیم.

لطفا از آقای امیرانتظام بخواهید که با دکتر یزدی تماس گرفته و از او بخواهد با کاردار در تهران تماس

بگیرید تا قرار..... جلسه توجیهی را معین نمایند».

۲..... آدلسیک در نظر دارد پس از تعیین تاریخ..... با مأموریت موقت به استکھلم برود. پس از

دریافت..... این را با وزارت خارجه مذاکره خواهیم کرد.

قرارگاه را در جریان نگاه خواهیم داشت.

۳ پرونده: ۹۶۲۰۵۴۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزی

سزی

ملاقات انتظام، یزدی، بازرگان با بیدن کوفی

۳۱ مرداد ۵۸ اعضای سری

از: تهران ۴۳۹۹۶ به: با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اس. دی. پلاد

عطف به : رئیس ۴۹۸۱۸۳

۱ در ۳۱ مرداد بیدن کوپف مدت دو ساعت بازرگان، یزدی و انتظام را درباره اوضاع منطقه توجیه

نمود. کاردار و رایزن سیاسی نیز در جلسه حضور داشتند. طول مدت جلسه قرار بود یک ساعت باشد و

سؤالات متعدد مطرح شده نشان می دهد که ... مقبول افتاده است.

۲ پس از توجیه، بازرگان از طریق انتظام اظهار داشت امیدوار است جلساتی مشابه هر دو ماه یک بار

با بیشتر ... اگر ضرورت خاص پیش آمد، ارائه شوند. به بازرگان گفته شد جواب به این درخواست پس از

مشورت با واشنگتن از طریق کاردار به دست خواهد رسید. بعد انتظام گفت: امیدواریم سازمان شما روابط

خود را با ما بهبود بخشد، درست همان طور که کشورهایمان با کوششهای کاردار و دکتر یزدی روابط خود

را بهبود بخشیده اند. «انتظام ضمن ادای این گفته... کنار بازرگان بود (بازرگان آن قدر انگلیسی می داند که

معنای این حرف را فهمیده باشد). ولی دلیلی نیست که این گفته از طرف بازرگان بوده باشد. بیدن کوپف

ارتباط خود با سیا* را آشکار نکرد و مستقیماً به این حرف پاسخ نداد. بیدن کوپف با کنار گذاشتن حرف

انتظام از جانب آدلسیک معذرت خواست که نتوانسته بیاید و انتظام گفت که وضع او را درک می کند و

مشاق دیدار وی در استکهلم است. انتظام گفت اول شهریور از تهران به استکهلم عزیمت می کند و

می خواهد کمی پس از مراجعت با آدلسیک دیدار کند. انتظام امروز با خمینی در قم ملاقات داشت و ممکن

است ... با ارزش داشته باشد.

۳ بدون پرونده تا تاریخ ۳۱ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سَری

سَری

ملاقات آدسیک با انتظام

۱- در کتاب سند شماره ۳ حاوی هیچ گونه مطلبی نبود □ بنابراین حذف گردید. پس سند شماره ۴ به ۳ □ سند شماره ۵ به ۴ و سند شماره ۵ الف به ۵ تبدیل گردید.

از: استکھلم ۲۶۰۹۴؟ به: با حق تقدم به رئیس رو نوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اس.دی. پلاد

۱ در شب ۸ شهریور آدلسیک اولین ملاقات خود با اس.دی. پلاد را برگزار نمود. اولین سؤال این بود

که چرا قبل از همه چیز اس.دی. پلاد ۱/ مأمور به استکھلم شده بود. پ/۱ گفت که او در استکھلم مدت

زیادی نخواهد ماند. اگر ایران در آینده نزدیک با ایالات متحده سفیر مبادله کرد. او احتمالاً به عنوان سفیر،

مأمور به واشنگتن خواهد شد. اگر این عملی نشد او به تهران باز خواهد گشت و شغل دیگری در دولت

خواهد گرفت.

۲ اس.دی. پلاد ۱/ گفت که او در استکھلم فقط دو مأموریت دارد. اول آنکه رابطه اطلاعاتی با سیا را

دوباره برقرار کند. دولت تهران احساس کرده که اگر درباره ترتیبات امر در خارج از تهران مذاکره شود

آسانتر است (....مذاکرات موضوع تلگرام جداگانه ای خواهند بود). پ/۱ گفت مسؤولیت عمده دیگر وی

اقدام به تشویق تعداد هر چه بیشتری از ایرانیها به پذیرفتن جمهوری اسلامی و.... به ایران است. او اکثر

اوقات خود را صرف مسافرت وضعیت برای گروههای بزرگ ایرانیها می کند.

۳ از اس.دی. پلاد ۱/ درباره شاهپور بختیار سؤال شد. او گفت که یکی از وظایفش گزارش از فعالیت

سیاسی تبعیدیان ایرانی است. در رابطه با بختیار او هنوز نتوانسته منابع خوبی به دست آورد. او فکر می کند

که قضیه بختیار بیشتر حرف است. اگر تشکیلاتی در جریان باشد، وی اطمینان دارد که خبر آن به گوشش

می رسد (در یک پیام جداگانه بیشتر راجع به بختیار گفته خواهد شد).

۴ پ/۱ گفت به محض برقراری تماس سیا با.... وظیفه اطلاعاتی وی خاتمه خواهد یافت. تصور

می شود که او از تماس با سیا استقبال خواهد کرد و آدلسیک محاسبه خواهد کرد آیا این به صرفه است یا نه.

۵ شماره پرونده بعدا تعیین شود. تا تاریخ ۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سزی

از سرگیری رابطه اطلاعاتی

سند شماره (۷)

از : لندن ۱۷۴۴۳ (به کفالت شیکلینگ) سزی ۱۵ شهریور ۵۸ تلگرام غیر فوری

به : واشنگتن، رونوشت برای تهران، استکهلم

برای : رئیس خاور نزدیک، رونوشت برای معاون رئیس خاور نزدیک / SAO خاور نزدیک / ایران،

رئیس قرارگاه تهران، رئیس قرارگاه استکهلم

موضوع : هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعات کشور بیگانه، حساس / ملاقات

عملیاتی

۱ اس. دی. پلاد / ۱ و آدلسیک و ۸ و ۹ شهریور پیرامون فعالیتهای به مذاکره پرداختند. به عنوان

نشانه اندازه آنها برای از سرگیری رابطه اطلاعاتی قائل هستند، اس. دی. پلاد / ۱ پس از ملاقات ۸

شهریور × اس. دی. پلاد / ۱ تأکید کرد که رابطه اطلاعاتی هرچه زودتر از سر گرفته شود و برای

تمایل ما به بررسی این رابطه اطلاعاتی اهمیت × اس. دی. پلاد / ۱ روی اظهاراتش تأکید

کرد..... آنها(۱) کاملاً آگاه هستند که اگر بخواهند..... حرکت دوباره..... باید برای کمک رو به سوی ایالات متحده آورند. آنها صادقانه مشتاق هستند..... ایالات متحده در ایران موقعیتی اتخاذ کند..... بتواند دولت ایران را اداره کند.×..... می خواهند با سرعت خودشان جلو بروند و در چنین هیچ اعمال نفوذ بی مورد ایالات متحده بر..... داخلی ایران را.....× (اس. دی. پلاد/۱) گفت که آخوندها در آینده نزدیک (مشکل)..... ایجاد خواهند کرد چون آنها با..... نفوذ بیگانگان در ایران سرسختانه مخالف هستند. به علاوه آنها قادر نیستند این واقعیت اساسی را..... که ایران احتیاج به کمک (خارجی)..... دارد تا بتواند به عمران..... ادامه دهد. به این ترتیب هر کاری که صورت می گیرد باید به آهستگی..... انجام شود تا تشنج سیاسی بی مورد ایجاد نکند. اس. دی. پلاد / ۱ خاطر نشان کرد که..... لحظه کاهش نفوذ روحانیون.... بازرگان و او امیدوار بود که این کار..... ماه انجام شود، اما با این نکته موافق بود که ممکن است خیلی..... به طول کشد..... خاطر نشان کرد که اگر روحانیون در انتخابات..... اکثریت را ببرند برای دولت بسیار بیشتر طول خواهد کشید که خود را.....× (اس. دی. پلاد/ ۱) گفت که یک امتیاز مثبت این است که(۲)..... از سرگیری ترتیبات رابطه اطلاعاتی و احتیاج به کمک خارجی.....×

۲ (اس. دی. پلاد/ ۱) گفت که در از سرگیری..... چون آنها در گذشته با ما سروکار داشته اند و مناسبات آنها امیدوارند که..... دیگر از طریق رابطی صورت گیرد که به طور خاصی..... رابطه اطلاعاتی.....× (اس. دی. پلاد/ ۱) گفت که..... ایالات متحده راهنمائیها و ایده های..... بررسی مشکلات گوناگون.....× آدلسیک به (اس. دی. پلاد/ ۱) گفت..... رابطه اطلاعاتی را از سر گیرد به منظور.....

اطلاعاتی.....× (آدلسیک)..... از (اس. دی. پلاد/ ۱) خواست که این را با بازرگان مورد مذاکره که آنها جلسات گفتگویی را با کاردار شروع کنند ×..... معضلی که رودرروی دولت جدید قرار دارد این است که..... که به طور کلی نسبت به آمریکا و (علی الخصوص سیا)..... نظر خوبی دارند، اما در برابر جمعیتی

واقع شده اند که سرخوش از.....است.

۳ آدلسیک پیشنهاد کرد که او واس. دی. پلاد/ ۱.....برقراری دوباره یک رابطه را...بعد می توانیم

.....موافقت دولتهای متبوع خود را.....× (اس. دی. پلاد/ ۱).....این را.....و افزود که هم اکنون نیز

برقراری این رابطه را.....کرده اند. آدلسیک به (اس. دی. پلاد/ ۱) گفت از نظر.....این رابطه باید در

تهران.....علنی باشد. (اس. دی. پلاد/ ۱) گفت که آنها.....به نفعشان است که این واقعیت که.....

سری.....×بازرگان تاکنون به مهدی(۳) چمران گفته است پس از.....رابطه را مستقیماً در تهران برگزار

کند. اس. دی. پلاد/ ۱ افزود چمران چهارمین.....در جلسه توجیه (اطلاعاتی) می باشد، اما نتوانسته

.....کردستان.....×

۴ اس. دی. پلاد/ ۱ گفت که آنها.....را شروع خوبی به حساب آورده اند. آنها راضی بودند از اینکه

.....این بعضی از سؤالاتی که آنها.....جواب داده بود.....مسائل مطرح شده در آن هنگام توجیه کرده

بود. به این اس. دی. پلاد/ ۱ گفته شد که ما سؤالاتی را که توسط دکتر یزدی به توجیه کننده داده شده بود....

و مقدار زیادی اطلاعات که آنها خواستار بودند.....پروژه آیکس.....کرده ایم. اس. پی. هیاتوس نیز

۱- در اصل سند زیر عبارت "صادقانه مشتاق هستند" تا آخر جمله (... اداره کند.) خط کشیده شده است.

۲- در اصل سند زیر عبارت "از سرگیری ترتیبات رابطه اطلاعاتی" خط کشیده شده است.

۳- در اصل سند زیر کلمه "مهدی" خط کشیده شده است.

..... جاسوسی مخبرات داشت که در گذشته با ارزش بوده است. اس. دی. پلاد/ ۱ گفت آیکس

..... اما از قابلیت‌های آگاه نمود توجیه کلی پیرامون قابلیت‌های سیستم آیکس به او

داد..... سپس پرسید آیا ما می توانیم توجیهی پیرامون

آیکس تهیه کنیم..... اظهار داشت که اس. دی. پلاد/ ۱ و سایر اعضای بلند پایه از افسران

نیروی هوایی که درگیر بوده اند توجیهی دریافت کنند. آدلسیک از سر تیپ آذر جدید به عنوان

فردی که ریاست را داشت نام برد..... اظهار داشت که سرهنگ جلالی به خوبی در جریان
قابلیت‌های (آیکس) است. آدلسیک افزود به این ترتیب..... هرگونه سوءظن بازرگان ما ممکن

است بخواهیم در رابطه با آیکس آنها را به گمراهی بکشیم..... نام آذر جدید و نام جلالی را او گفت

..... می خواهد نظریات ما را بدانند چون آنها مطمئن نیستند..... نیروی هوایی واقعا ارزشمند باشد (به

نظر آدلسیک این یک اعتراف جالب بود). اس. دی. پلاد/ ۱ گفت که برای هر مذاکره ای

پیرامون اسر سرگیری به تهران چیزهایی که خیلی فنی باشند نمی خواهند، هرچند که با زمینه

..... او می تواند..... فنی را هم درک کند. او پیشنهاد کرد که آدلسیک چنین..... را از طریق رئیس

قرارگاه استکهلم که در جلسه به (اس. دی. پلاد/ ۱)..... معرفی شده بود. بفرستند. توصیه می شود که

ما توجیهی اس. دی. پلاد/ ۱..... قابلیت‌های آیکس بفرستیم. او گفت که خود شخصا و

ارتباطات ویژه ای که نظر او را جلب کرده بود.

۵ در رابطه با زمان بندی احتمالی برگزاری در تهران به شرط توافق طرفین در مورد برقراری

مجدد..... بر سر اوایل ماه اکتبر اتفاق نظر حاصل شد، ما مذاکرات را می توان به عنوان بخشی از

یک جلسه توجیهی دیگر برگزار کرد× گفت: که آنها از یک جلسه توجیهی در زمینه

..... استقبال خواهند کرد. این می تواند انجام شود. او اصرار نمود که آدلسیک..... مذاکرات پیرامون از

سرگیری رابطه اطلاعاتی را اداره کند. وی خاطر نشان ساخت..... آدلسیک نزد همه مدیران در تهران به خوبی شناخته شده است پیشنهاد کرد که ما یک آدم فنی که بتواند آیبکس و سایتهای (مطلب بعدی راملاحظه کنید) چون آنها کمک ما در براه انداختن و فعال کردن آیبکس در حوزه قابلیت‌های خود از یک تیم سه یا دو نفر، یک متخصص فنی صحبت کرد. ما موافقت کردیم که در مورد رابطه اطلاعاتی از طریق رئیس قرارگاه استکھلم با او ارتباط داشته باشیم. اس. دی. پلاد/ ۱ باید حداقل دو هفته پیش از در تهران به وی اطلاع دهد تا وی بتواند زمان بندی را تأیید کند..... تهران تا ترتیبات لازم، را تدارک نماید. او انتخابات ممکن است با زمان بندی جلسه تداخل کند.

۶ سایتهای تک‌من به عنوان بخشی از قابلیت جاسوسی الکترونیک مورد مذاکره قرار گرفتند. آدلسیک خاطر نشان ساخت که در سقوط شاه ما دست اندر کار دو کامیون آیبکس در سایت شماره ۱ بودیم، به علاوه اطلاعات قابل ملاحظه ای که برای ارزش فوق العاده ای دارند در رابطه با قابلیت‌های شوروی آدلسیک اگر به اس. دی. پلاد/ ۱ نگوید..... جمع آوری اطلاعات در سایتها قرار دادیم واقعا ساده لوحی خودش را نشان خواهد داد که می داند نیروی هوایی از سایتها محافظت می کند..... آنها هیچ کس را بداخل راه نداده بودند تا یک در مورد آنها انجام شود. اس. دی. پلاد/ ۱ گفت که دوستی که مایل به فعالیت به عنوان یک خواهد بود..... موجبات دسترسی سیا به سایتها

را فراهم کند. او پیشنهاد کرد..... هر گونه توجیه اطلاعاتی پیرامون سایتها که جلسات در تهران در اختیار او بگذاریم، او گفت که در این پیش بینی اینکه تصمیم دولت در رابطه با دستیابی سیا به سایتهای چه «توجه: اس. دی. پلاد/ ۱ براساس این تصور وی بود که سایتها لذا ممکن است محلی برای مذاکره باشد».

۷ ملاقات با خطرات خوش از خیلی سالهای گذشته خاتمه یافت. به نظر می رسد این واقعیت که خبر تماسها با آنها را محفوظ داشته ایم به ما کمک کرده است و که دولت بازرگان رو به سوی آورده است..... به طور موقت قرار ملاقاتی برای صبح ۱۰ شهریور گذاشتیم..... در راهروی هتل علاقه ای به وی اظهار داشت..... از آنجا ناشی شده که اس. دی. پلاد/ ۱ یک محافظ ایرانی دارد. بنابراین ملاقاتی برگزار نشد.

۸ پرونده: اس. دی. پلاد/ ۱ ۲۰۱۱، تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. توضیح سیستم انتشار پیامها: پیرو..... رونوشت برای تهران به استکهلیم مخابره شد.

سزی

توضیح: در این سند و سند بعد مقداری از رشته های لازم برای تکمیل به دست نیامده و لذا موجب ناقص شدن ترجمه و کاهش میزان صحت آن گردیده است. هر جا که متن ناقص بوده در ترجمه نقطهچین گذارده شده است. علامت × بعد از چند نقطه چین نشان می دهد که به نظر ما در آن محل جمله ای پایان یافته و جایی که کلمه یا عبارتی درون () پیش از چند نقطهچین آمده حاکی از آن است که به احتمال قوی آن کلمه یا عبارت به جای نقطهچین می بایست باشد.

ارتباط و درددل انتظام با سیا

۱۵ شهریور ۵۸ تلگرام غیر فوریسری

از : لندن ۱۷۴۶۰ (به کفالت شیکلینگ) به : واشنگتن، رونوشت برای تهران، استکهلم

برای : رئیس خاور نزدیک، رونوشت برای معاون رئیس خاور نزدیک / SAO خاور نزدیک / ایران،

رئیس قرارگاه تهران، رئیس قرارگاه استکهلم

موضوع : هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعات کشور بیگانه، حساس ملاقاتهای

عملیاتی آدلسیک با اس. دی. پلاد / ۱

۱ شاید مهمترین نکته ای که باید به آن اشاره کرد..... دو ملاقات بین اس. دی. پلاد / ۱ و آدلسیک

..... برقراری مناسبات است. کاملاً روشن است که سیا را به دیده احترام می نگر (د) (ند). این واقعیت

که تماس پنهانی با سیا داشته و این هیچ گاه به ساواک نرسیده بدون شک کمک کرده است.

اس. دی. پلاد / ۱ بار دیگر تأکید کرد..... که آنها مایلند از طریق سیا با ایالات متحده در عین

حال نگران چگونگی نگرش ما به اوضاع بود..... درباره توانایی سیا به اینکه هر چیزی را..... ×

آدلسیک به او اطمینان داد که اگر اوضاع درهم بریزد..... از اشتباهات خودشان به چیزی که

ما..... ×.

۲ اس. دی. پلاد / ۱ مثالهای متعددی آورد تا نشان دهد چقدر دولت ذاتا ضعیف است. (مقامات)

بلندپایه تهران شبانه روز کار می کنند. او پنج روز صرف طی مسافرت آخر و بیرون از جلسه توجیهی فقط

یک ساعت × ضعف سیاسی دولت به اهمیت شخص خمینی افزوده است. (چند) گفت که امیدوار است و دعا می کند هیچ چیز × اس.دی.پلاد / ۱ گفت که اینک آنها نتیجه می گیرند که خمینی ۳ تا ۵ سال دیگر تا به آنها بدهد، او تنها کسی است که می تواند وارد صحنه شود و حمایت از یک خط مشی مشخص را × او مورد و دستور دادن مراعات انضباطی در ارتش را برای نمونه ذکر کرد. اس.دی.پلاد / ۱ در هر موردی که به خمینی به عنوان «امام» اشاره می کرد، همچنین با عبارات نسبتاً اشاره ای صحبت می کرد. کسی چه می داند مهدی بازگشته است.

۳ اس. دی. پلاد / ۱ گفت که خمینی در قم مشاورین ندارد. او به اندازه قابل توجهی خود را دارد، اشکال در اینجاست که او به طور مستمر در هفته در برخورد با روحانیون است، روی طرز فکر او اثر می گذارد، او وقت زیادی صرف یافتن راه حل از قم به تهران نقل مکان کند. در تهران آنها می توانند نفوذ روحانیون و دولت از محبوبیت ملی وی استفاده مؤثری بنماید.

۴ در یک مرحله ما پیرامون حزب توده روی کار آمدن یک دولت مارکسیست در ایران به مذاکره پرداختیم. اس. دی. پلاد / ۱ ایرانیها به سختی جذب حزب مارکسیست می شوند. اس. دی. پلاد / ۱ گفت که آنها فکر می کنند حزب توده اخبار موجود در اداره هشتم ساواک گفت که حزب توده و مارکسیستها فقط در یک از کاری که توسط دیگران انجام می گیرد بهره برداری می کنند. او به عنوان قضیه دستور خمینی به پوشیدن تظاهراتی که زنان علیه چادر راه انداختند به خودی خود در رابطه با مارکسیستها با حزب توده نمود. اما آنها سعی کرده بودند تظاهرات یک لعاب مارکسیستی بدهند. اس. دی. پلاد / ۱ که آنها نگران قابلیت فعلی توانایی توده و مارکسیستها با شورویها در (داخل شدن به) فعالیتهای نیستند بلکه توانایی آینده در چنین فعالیتهایی × اس. دی. پلاد / ۱ گفت که آنها می باشند شورویها نسبت به آنها دشمنی خواهند ورزید و در مورد نفوذ یک جمهوری اسلامی در کنار مرزهایشان نگرانی دارند × که ما بتوانیم درباره

فعالیت‌های شوروی در ایران اطلاعاتی در اختیار بگذاریم.

۵ اس. دی. پلاد/۱ گفت در این امید وجود دارد (۱) که ایالات متحده مفهوم اسلامی را به رسمیت

بشناسد، آدلسیک خاطر نشان کرد که ما را به رسمیت شناخته ایم و این مانعی در راه ایجاد مناسبات خوب

نبوده است. از طرف وی مقداری نگرانی به چشم می خورد که تأخیر در سفرها به نحوی نمایانگر

ناخوشنودی آمریکا آینده نزدیک بتوان سفر را مبادله کرد.

۶ طی مذاکرات اس. دی. پلاد/۱ و دیگران مطرح شدند اس. دی. پلاد/۱ گفت که به محض اطلاع از

برنامه نهایی سفر اس. دی. پلاد/۱ تماس خواهد گرفت.

۷ موقع خداحافظی بسیار دوستانه بود و چیزی که اس. دی. پلاد/۱ موافق بود که ما باید تماس حفظ

کنیم رابطه اطلاعاتی در تهران به خوبی تثبیت شده اس. دی. پلاد/۱ موافق بوده ما باید این را بررسی کنیم

فکر خوبی است که با او در جای دیگری در اروپا ملاقات کنیم تا مجبور به رودرویی با محافظان وی

نشویم یا حداقل محافظ ایرانی وی.

۸ پرونده: اس. دی. پلاد/۱ ۲۰۱ تا تاریخ ۱۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. توضیح سیستم

انتشار پیامها: پیرو رونوشت برای تهران استکهلم مخابره شد.

دستور العمل اطلاعاتی

۱- در اصل سند زیر عبارت "امید وجود دارد" خط کشیده شده است.

ص: ۳۳۷

سند شماره (۹)

۲۲ شهریور ۵۸ تلگرام غیر فوریسری

از: واشنگتن ۵۱۲۵۹۸ به: تهران

از: رئیس بخش خاور نزدیک / ایران

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اس.دی.پلاد

۱ لطفا به طور مستمر آن گزارشهای اطلاعاتی را که از اس.دی.پلاد/۱ اخذ می شوند به طور حتم به کاردار ابراز کنید که از کیست.

همچنین ما میل داریم که شما درباره نتایج ملاقاتهای اخیر آدلسیک پاپ/۱، وی را توجیه کنید چون به گسترش رابطه اطلاعاتی با دولت موقت مربوط می شوند.

۲ پس از آنکه لینگن عازم تهران شد و آدلسیک به واشنگتن بازگشت. آدلسیک می خواهد به لینگن گفته شود که متأسفیم که ممکن نشد وی را در اینجا پیرامون ملاقاتهای استکهم توجیه کنیم.

۳ بدون پرونده: تا تاریخ ۲۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سری

تماس انتظام با رئیس قرارگاه سیا و تعیین وقت برای جلسه توجیهی

سند شماره (۱۰)

۳۰ شهریور ۵۸ اعضاءسری

از: استکهم ۲۶۱۹۹ به: با حق تقدم به رئیس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی.پلاد

عطف به: لندن ۱۷۴۴۳

۱ اس. دی. پلاد/۱ («ادوارد») با رئیس قرارگاه تماس گرفت، هنگامی که رئیس قرارگاه این تماس را جواب گفت، او که ۱۳ مهر از استکهلم عازم تهران می شود و در ۱۹ مهر به استکهلم باز می گردد. او پرسید آیا می شود جلسه توجیهی (پاراگراف ۵ تلگرام مرجع) از ۱۴ یا ۱۵ مهر شروع شود.

۲ رئیس قرارگاه جواب داد که هیچ حرفی راجع به زمان آن به وی گفته نشد و پرس و جو خواهد کرد.

اس. دی. پلاد/۱ انتظار دارد در هفته آینده پاسخ خود را بشنود. لطفا نظر خود را اطلاع دهید.

۳ پرونده: ۹۶۲۰۵۴۲۰۱ تا تاریخ ۳۰ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سرّی

تعویق جلسه توجیهی

سند شماره (۱۱)

۳۱ شهریور ۵۸ اعضاء سرّی

از: رئیس ۱۹۲۹۳ به: با حق تقدم به رئیس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس. دی. پلاد

عطف به: استکهلم ۲۶۱۹۹

۱ تقاضا می شود رئیس قرارگاه با اس. دی. پلاد/۱ تماس گرفته و به او اطلاع دهد که ما به واسطه

مقداری اشکال که پیش می آید از حاضر شدن در موعد پیشنهاد شده در تلگرام مرجع معذوریم. ما مطالب

توجیهی را بموقع برای هنگام ورود آدلسیک به تهران در ۲۲ مهر با حدود آن آماده خواهیم کرد. لطفا از

اس.دی.پلاد/۱ پرسید آیا می تواند برنامه ISS را در یک هفته به تأخیر اندازد و تأکید کنید که ما خواهیم توانست با این یک هفته اضافی که داده می شود خیلی بهتر آماده شویم.

۲ برای اطلاع شما: اگر اس.دی.پلاد/۱ تأکید می کند که جلسه توجیهی در ۱۵۱۴ مهر برگزار شود ما حاضریم بپذیریم، اما به او خاطر نشان سازید که تمام مطالب لازم برای جلسات توجیهی به آن زودی آماده نخواهند بود. به علاوه آدلسیک و توجیه کننده دیگر تعهداتی هم دارند که ورود ایشان به تهران در ۱۲ مهر را مشکل می سازد.

۳ لطفاً به اس.دی.پلاد/۱ توصیه کنید که جواب خود را با قائل شدن اولویت برای آن تهیه کند.

۴ پرونده: ۹۶۲۰۵۴۲۰۱ تا تاریخ ۳۱ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سزّی

قبول بتعویق افتادن جلسه توجیهی از سوی انتظام

سند شماره (۱۲)

۳ مهر ۵۸ اعضاء سزّی

از: استکھلم ۲۶۲۱۰ به: با حق تقدم به رئیس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی.پلاد

عطف به: الف استکھلم ۲۶۱۹۹، ب رئیس ۵۱۹۲۹۳

۱ بعد از مقداری اصرار اس.دی.پلاد/۱ موافقت کرد که جلسه توجیهی تا ۲۲ مهر به تأخیر بیفتد تا در

ارائه بیشتری داده شود. رئیس قرارگاه به او گفت که ما.....

۲ لطفاً هنگامی که تاریخ قطعی تعیین شد اطلاع دهید.

۳ پرونده: ۹۶۲۰۵۴۲۰۱ تا تاریخ ۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

ترتیب برنامه برای جلسه توجیهی

سند شماره (۱۳)

۱۰ مهر ۵۸ اعضاء سري

از: استكهلم ۲۶۲۶۴ به: با حق تقدم به رئيس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی.پلاد

عطف به: الف استكهلم ۵۲۴۴۷۷، ب رئيس ۵۲۰۱۹۷

۱ اس.دی. پلاد/ ۱ گفت که جلسات توجیهی هنوز هستند و خبری که این تصمیم را تغییر دهد از

تهران نگرفته است. طبق معمول او در تلفن و مودب بود.

۲ به نظر وی گرفتن ویزا در واشنگتن اشکالی ندارد، اما روشن است که در اینجا از طریق وی آسانتر

است. اگر آدلسیک و اسمیت قصد دارند از اینجا ویزا بگیرند ما باید تا آغاز وقت اداری ۱۳ مهر اطلاع پیدا

کنیم چون اس.دی. پلاد/ ۱ در مهر از استكهلم عازم پاریس می شود و باید دستورالعملهایی راجع به

ویزها بگذارد. به نظر وی لازم نبود آدلسیک پیش از ملاقات تهران در اینجا با وی مشورت کند.

۳ اس.دی. پلاد/ ۱ در ۱۶ یا ۱۷ مهر از پاریس عازم استكهلم می شود. لذا وی می خواهد جلسه

توجیهی تهران حداکثر در ۲۳ مهر انجام می پذیرد. تا از «اتلاف وقتش» در تهران جلوگیری شود.

۴ اگر مطلبی که در محموله شماره ۵۰۷۷۸۵ است روز جمعه ۱۳ مهر به استكهلم رسید آیا باید آن را

بدهیم؟ تشخیص ملاحظات امنیتی آن را به ستاد واگذار می کنیم چون اس. دی. پلاد/ ۱ از قرار معلوم یا مطالب را در دفتر خود می گذارد یا آنکه با خود به پاریس می برد. اگر ترجیح می دهید که بدهیم آیا باید در مورد رفتار با آن دستورالعمل امنیتی بدهیم؟

۵ پرونده: ۹۶۲۰۵۴۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سرّی

توضیح اسناد مربوط به بهرام بهرامیان

نام اصلی: بهرام بهرامیان

نام رمز: اس. دی. ارن ۱/

طبق آنچه اسناد سیا نشان می دهد، بهرامیان عضو رهبری عالی نهضت آزادی و دوست بازرگان بوده است. وی در ژوئن ۱۹۷۷ به عنوان منبع ذخیره یک جانبه برای گزارش در مورد فعالیت‌های به اصطلاح تروریستی و مخالفین در ایران به استخدام سیا در می آید. همکاری وی با سیا در آغاز بر این مبنا بوده که نظریات گروه سیاسی میانه روی خود را از کانالی به دولت آمریکا برساند به این امید که دولت آمریکا عاقبت برای تماس آشکار با این گروه و حمایت از آن تحت حکومت شاه اقدامی نماید. البته وی از مطلع کردن همکاران خود از تماسش با سیا منع شده بود. با وقوع انقلاب میل وی به ایجاد یک سیستم سیاسی کاملاً باز در ایران افزایش می یابد و احساس می کند که دولت آمریکا در این زمینه می تواند نقش مهمی ایفا کند. او مدت زیادی از پذیرش دستمزد امتناع ورزیده بود، ولی از خرداد ۵۷ یک یادداشت تعهد پرداخت حقوق را پذیرفت که به موجب آن سیا پول یک بیمه عمر معادل ۱۰۰۰۰۰۰ دلار و سالانه ۵۰۰۰ دلار آمریکا در یک حساب غیر مستقیم بپردازد. وی دارای یک مجوز مخصوص بیگانه دائم الاقامه در آمریکاست که به وی قول داده شده بود که مجوز فوق برای وی و خانواده در مدت زمانی که وی در خارج زندگی می کند حفظ شود.

بهرامیان آموزش مخفی نویسی، مخبرات مخفی و امنیت را دیده است. وی دارای رادیوی مخابراتی MX-۳۵۰ بوده که در جریان بهمن ۵۸ و حمله به سفارت، مأمور قرارگاه سیا با وی تماس می گیرد. و از او کمک می خواهد، وی نیز به یزدی اطلاع می دهد. از آن زمان به بعد رادیوی وی پس گرفته می شود. وی آزمایش دروغ سنجی را با موفقیت گذرانده است.

عمده گزارشهای بهرامیان در مورد رهبری دولت موقت، شورای انقلاب و روحانیت بوده که از اهمیت بسیار بالایی برای سیا برخوردار بوده اند و اکثراً نمرات عالی برای گزارشهای خویش گرفته است. وی در حد فاصل دی ۵۷ الی شهریور ۵۸ منبع ۶۷ گزارش بوده است.

در پرونده بهرامیان ابتدا چند سند در رابطه با تعیین یک آدرس عملیاتی در انگلستان به منظور استفاده بهرامیان قرار دارد.

به طوری که این اسناد نشان می دهند. سیا به این فکر می افتد که با بدتر شدن اوضاع ایران برای ملاقاتهای حضوری با بهرامیان و اخذ اطلاعات وی در ایران چاره ای بیندیشد تا این ارتباط از بین نرود، لذا یکی از عوامل خود در لندن را برای دریافت گزارشهای بهرامیان که به صورت نامرئی و با ظاهر نامه عادی ارسال خواهند شد تعیین می کنند که نام و آدرسش در اسناد آمده است.

سپس مطالبی هم در رابطه با وسائل فنی که در اختیار بهرامیان بوده و نگهداری آنها رد بدل می شود. بعد آن اسنادی هم در انتهای پرونده می آیند که درباره طرح احتمالی خروج مخفیانه بهرامیان از ایران و فعالیتهایی هستند که سیا برای تهیه مدارک شناسایی جعلی برای بهرامیان داشته بود.

لازم به تذکر است که در اسناد مربوط به نهضت آزادی (سند شماره ۹) از کتاب شماره ۲۴ نیز شرح ملاقاتی است که محمد توسلی از نهضت آزادی همراه با این جاسوس (بهرام بهرامیان) با یکی از مأمورین بخش سیاسی لانه جاسوسی آمریکا داشته اند که تاریخ آن ۳ مهر ۵۷ بوده و این جاسوس همراه با محمد

توسلی به نمایندگی از طرف نهضت آزادی این ملاقات را برگزار کرده اند.

تبدیل ریال به دلار برای بهرامیان

سند شماره (۱)

۶ فروردین ۵۸ اعضاء سّری

از: تهران ۵۲۵۰۸ (به کفالت پلنتینگا) به: با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس پی. ال. اس. دی. ارن

۱ اس. دی. ارن / ۱ (الف / ۱) در ۵ فروردین ۰۰۰/۵۰۰ ریال همراه با این درخواست به ما تحویل داد

که این مبلغ به دلار آمریکایی تبدیل و در شماره حساب هویت سپرده شود.

۲ الف / ۱ پول را برای آن لازم دارد که همسرش بیمار بود و ظرف چند هفته آینده برای جراحی به

ایالات متحده مسافرت خواهد کرد.

۳ خواهشمندیم ستاد تبدیل مبلغ فوق به دلار را تصویب نموده و در ترتیبات سپردن دلارها در شماره

حساب هویت کمک نماید. به اطلاع می رساند که سفارتخانه تبدیل ریال به دلار را با نرخ هر دلار آمریکا

۵/۷۴ ریال انجام می دهد. با آنکه این نرخ با نرخ معاملاتی سیا تفاوت دارد. تقاضا می شود از همین نرخ

استفاده شود. اگر سیا در این مبادله تسهیلاتی زیان می بیند پیشنهاد می شود که در صورت لزوم مبلغ زیان

از وجوهاتی که به الف / ۱ «می پردازیم» تأمین گردد.

۴ لطفا اطلاع دهید آیا تسهیلات فوق مورد تصویب قرار می گیرند یا نه و همچنین تاریخ ارسال چک

به شماره حساب هویت را اطلاع دهید، تا اس. دی. ارن / ۱ را با خبر کنیم که آن وجوهات در دسترس

می باشند.

۵ پرونده: بعدا تعیین شود. تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سّری

شماره حساب بهرامیان

سند شماره (۲)

۶ فروردین ۵۸ اعضاء سَری

از : تهران ۵۲۵۰۹ (به کفالت پلنتینگا) به : با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اطلاعات کشور بیگانه اس.دی.ارن

عطف به : تهران ۵۲۵۰۸

هویت : شماره حساب ۷۱۳۳۰۱۰۹ فرست نشنال بانک دفتر شهر و روستا خیابان فارهیلز دیتون،

اوهایو ۴۵۴۲۹ (حساب پس انداز)

تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سَری

تعیین آدرس عملیاتی برای بهرامیان

ص: ۳۴۲

سند شماره ۳

۱۵ فروردین ۵۸ اعضاء سري

از: تهران ۱۳۱۵۱ به: رئيس رونوشت براي تهران، آتتك، ديرتك.

هشدار شامل منابع و شيوه هاي اطلاعاتي است. حساس. پي. ال. اس. دي. ارن (۱)

عطف به: رئيس ۴۰۵۴۳۷

۱ ما اخيرا يك آدرس عملياتي را پيشنهاد کرده ايم تا از لبيبي توسط يك منبع ديگر از خاور نزديك

(۱.ا. سي. ويزارد / ۱ تلگرام لندن ۱۲۹۶۹ به رئيس و ديرتك را ملاحظه كنيد) مورد استفاده قرار گيرد.

۱.۲ سي. ويزارد / ۱ در هفته هاي آتي اين آدرس عملياتي را آزمايش خواهد كرد و ما فرصت خواهيم

يافت ببينيم كارايي آن چقدر است. ا. سي. ويزارد / ۱ به طور منظم و مكرر از اين آدرس استفاده خواهد

كرد، در حالي كه مي دانيم اس. دي. ارن / ۱ از آن فقط تحت بدترين شرايط استفاده مي كند. بنابراين

قضاوت ما اين است كه آدرس عملياتي مي تواند كار هر دو عامل را با اين شرايط در دست داشته باشد.

۳ ما مشغول بررسي امكان استفاده از صندوق پستي بجاي آدرس عملياتي هستيم اما اين مطلب

هنوز تحقق پيدا نكرده است. پيشنهاد مي شود همان آدرسي كه به ا. سي. ويزارد / ۱ داده شده به اس. دي.

ارن / ۱ نيز داده شود.

۴ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاريخ ۱۵ فروردين ۷۸ در بايگاني ضبط شود.

تأيد آدرس پيشنهادي از سوي قرارگاه لندن

سند شماره (۴)

۱۷ فروردين ۵۸ اعضاء سري

از: رئيس ۴۱۴۴۹۹ به: لندن رونوشت براي تهران، آتتك، ديرتك.

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس .پی. ال (۲). اس.دی.ارن

عطف به : لندن ۱۳۱۵۱

۱ اعتراضی نسبت به استفاده از همان آدرس عملیاتی و ا. سی. ویزارد / ۱ نداریم. به نظر ما نامی که به

اس. دی. ارن / ۱ داده می شود، باید با نامی که به ا. سی. ویزارد / ۱ داده شده تفاوت داشته باشد، یا آنکه با

هجی دیگری باشد.

۲ از کمک شما در این مسئله تشکر می کنیم.

۳ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ ۱۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سرّی

تعیین جزئیات برای مکاتبه بهرامیان با آدرس عملیاتی

۱- ۱ پی. ال. اختصار PERSCRIBED LIMITED است و در گزارشهای حساس در ارتباط با منابع مهم جلوی نام رمز منبع یا پروژه به کار می رود و مانند RYBAT که در ترجمه به جای آن حساس نوشته ایم از جمله قیود و کنترلهای اداری بررسی گزارش می باشد.

۲- پی. ال. اختصار PERSCRIBED LIMITED است و در گزارشهای حساس در ارتباط با منابع مهم جلوی نام رمز منبع یا پروژه به کار می رود و مانند RYBAT که در ترجمه به جای آن حساس نوشته ایم از جمله قیود و کنترلهای اداری بررسی گزارش می باشد.

۲۰ فروردین ۵۸ اعضاء سزی

از: لندن ۱۳۲۹۵ به: رئیس رونوشت برای تهران، آتکک، دیرتک.

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس .پی. ال. اس.دی.ارن

عطف به: رئیس ۴۱۴۴۹۹

۱ علیرغم آگاهی از پیشنهاد اصلی IIN، ما از نظر خود ترجیح می دهیم از یک اسم استفاده کنیم.

توجیهش هم این است که فقط امیدواریم نام (داده شده) برای نامه رسان آشنایی پیدا کند و روال توزیع

محلی نام به آن آدرس به جای رساندن نامه به نام فرد شناخته شده مقیم آن آدرس را بیشتر تقویت نماید.

ما امیدواریم که نامه های ارسالی از ایران موجب انحراف توجهات از نامه های ارسالی از لیبی شود و

بالعکس. استفاده از نامهای متفاوت می تواند باعث شود نامه رسان متحیر شود چند نفر آنجا زندگی

می کنند که او تا به حال ایشان را ندیده است. پیش بینی می کنیم که در فرصتهایی که پیش می آیند از سایر

نواحی بریتانیا و کشورهای دیگر نامه های متناوبی بفرستیم تا ابهام قضایا را بیشتر کنیم).

۲ پیشنهاد می شود نام تعیینی برای اس.دی.ارن / ۱ همان نام ولی به جای حرف اختصاری که ا.سی.

ویزارد / ۱ به کار می برد نامی مثل «جان» یا «جیمز» باشد، مگر به نظر ستاد مرکزی امکان اینکه یک منبع

فاش شود و به دنبال آن نام و نشانی آدرس عملیاتی هم افشاگری شود، از لحاظ بیشتر از امنیت اضافی

باشد که به نظر ما در این پیشنهاد مطرح است.

۳ این مطلب بسته به انتخاب تهران / ستاد است. اتخاذ تصمیم نهایی را به شما واگذار می کنیم. لطفا

اطلاع دهید.

۴ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ ۲۰ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سزی

۲۳ فروردین ۵۸ اعضاء سري

از : لندن ۱۳۴۲۵ به : رئيس رونوشت براي تهران، آتتك، ديرتك.

هشدار شامل منابع و شيوه هاي اطلاعاتي است. حساس .پي. ال. اس. دي. ارن

عطف به : رئيس ۴۱۷۰۶۸

۱ پيشنهاد مي كنيم كه نشانه وجود مخفي نويسي استفاده از حرف مختصر «اس» به عنوان نام وسط

باشد.

۲ تهران: آدرسي كه مي توان به اس. دي. ارن داده به عنوان هويت ارائه مي شود.

۳ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاريخ ۲۳ فروردين ۷۸ در بايگاني ضبط شود.

سوابق بهراميان ارتباط با نهضت آزادي ارتباط با سيا

ص: ۳۴۴

سند شماره (۷)

۲۳ فروردین ۵۸ اعضاء سزی

از: لندن ۱۳۴۲۶ به: رئیس رونوشت برای تهران، آتتک، دیرتک.

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس .پی. ال. اس. دی. ارن

عطف به: لندن ۱۳۴۲۵

۱ هویت: آقای جیمز رافرتی تکرار می شود رافرتی شماره ۳۵ تکرار می شود ۳۵ وایت لجز تکرار

می شود لجز.

W ۱۳۰۰۰۰۰ تکرار می شود، W ۱۳

لندن JB تکرار می شود.....

۲ تا تاریخ ۱ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سزی

سند شماره (۸)

۲۵ فروردین ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۴۱۹۴۶۸ به: رم رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس .بی. سی. هاواک

عطف به: تهران ۵۲۶۴۹

پیرو درخواست تلگرام مرجع، ذیلاً خلاصه هایی از قضایایی که می توان انتظار داشت در تهران لاتش (۱)

به دست بگیرد ارائه می شوند: اس. دی. ارن (الف / ۱) ۳۹ ساله سابقا از دانشجویان فعال علیه شاه بوده و

استاد دانشگاه و بازرگان است. در ژوئن ۱۹۷۷ به عنوان منبع ذخیره یک جانبه برای گزارش درباره

فعالیت های تروریستی و مخالفین در ایران استخدام شد. او عضو رهبری عالی نهضت آزادی ایران بود،

دوست نخست وزیر فعلی است. با خراب شدن اوضاع ایران اکنون انگیزه الف / ۱ میل وی به پدیدار شدن یک سیستم سیاسی کاملاً باز در ایران است و احساس می کند که دولت آمریکا نقش مهمی را می تواند ایفا کند او فوق العاده ضد کمونیست است. به علاوه الف / ۱ دارای مجوز مخصوص بیگانه دائم الاقامه (در آمریکا) است و این نیز جزو انگیزه وی است. او از پذیرفتن دستمزد امتناع ورزیده، اما ما یک حساب غیر مستقیم که توسط ستاد واریز می شود و یک حساب تأمین بیمه عمر برای وی حفظ کرده ایم، بنابراین او می تواند در حالی که خارج از آمریکاست مجوز بیگانه خود را همچنان داشته باشد. همچنین برای وی یک برنامه دادن وام ترتیب داده ایم و قول داده ایم مجوز بیگانه دائم الاقامه را برای وی و خانواده اش حفظ کنیم الف / ۱ آموزش قواعد امنیتی را طی کرده و هنگامی که در تهران بوده به طور مخفی ملاقات داشته

۱- پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ قرارگاه سیا در تهران در صدد می شود فعالیت خود را به حال عادی برگرداند □ ولی به علت گریختن اکثر مأموران آن در دوران اوج گیری انقلاب با کمبود کارکنان مواجه می گردد □ لذا ستاد مرکزی سیا چند تن از کارکنان خود را که در واحدهای مختلفی در سایر کشورها مشغول به فعالیت بودند □ به طور موقت مأمور می کند برای از سرگیری این فعالیت به تهران بیایند. یکی از این مأموران فردی به نام مستعار لاتش مستقر در قرارگاه رم بوده که مدتی برای جاسوسی به تهران می آید. در این سند ستاد مرکزی سیا خلاصه قضایای چند جاسوس ایرانی را معرفی می کند □ تا مأمور یاد شده با آنها در تهران رابطه جاسوسی را ادامه دهد. لازم به تذکر است که در این سند نام و قضایای چند جاسوس دیگر هم بوده که قسمتهای مربوط به کسانی از آنها که با موضوع این کتاب (خط میانه) مناسبت دارند در همین مجموعه عنوان شده و مابقی به شرط توفیق الهی در کتابهای دیگر معرفی خواهند گردید.

است. او آموزش مخفی نویسی را نیز طی کرده و یک آدرس عملیاتی در لندن (جهت ارسال نامه های مخفی) برای وی تعیین شده است. برای استفاده از وسایل مخابراتی مخفی مجوز تصویب شده با این وجود تا تاریخ ۲ (یا ۱۲ یا ۲۲ م) مارس ۷۸ هیچ وسیله رادیویی در اختیار نداشته است.

تأیید کلی آدرس عملیاتی و جزئیات مکاتبه

سند شماره (۹)

۲۸ فروردین ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۴۱۷۰۶۸ به: رونوشت برای تهران، آتک، دیرتک

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس .پی. ال. اس. دی. ارن.

عطف به: لندن ۱۳۲۹۵

۱ ما با طرز فکر شما موافقیم و پیشنهاد IBI را می پذیریم که همان نام (آدرس عملیاتی م) به اس.

دی. ارن ۱/ داده شود، اما نام کوچک «جیمز» را به جای آنکه اختصاراً فقط «ج» ذکر کند تماماً بنویسد،

چرا که ا.سی. ویزارد ۱/ از نام اختصاری استفاده می کند. یک چیزی که به آن توجه داریم این است که اگر

علائم پستی محو بودند یا اینکه دو منبع ذخیره از یک منطقه نامه فرستادند از آشفتگی بین نامه های

ارسالی ا.سی. ویزارد ۱/ و اس. دی. ارن ۱/ جلوگیری شود. چون ا.سی. ویزارد ۱/ نشانه هایی برای

(وجود) مخفی نویسی جز آدرس ندارد، احتمالاً باید نشانه های بیشتری به اس. دی. ارن ۱/ داده شود.

۲ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ ۲۱ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سزی

درخواست حفظ محل سکونت برای تابعیت از سوی بهرامیان

سند شماره (۱۰)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ اعضا سړی

از : رئیس ۴۲۹۰۰۸ به : تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن.

عطف به : تهران ۵۲۷۱۸

۱ برای تسریع در کار درخواست حفظ محل سکونت برای کسب تابعیت (۱)، دیگر لازم نیست که قرارگاه با اس.دی. ارن ۱/ کاری کنند. با دریافت فرم درخواست ما آن را با یک یادداشت به دفتر امور بیگانگان ستاد مرکزی می فرستیم و درخواست می کنیم برای کسب موافقت اداره مهاجرت و تابعیت در مورد دادن امتیازات مناسب برای اس.دی. ارن ۱/ اقدام کنند. هنگامی که موافقت اداره مهاجرت را به دست آوردیم اطلاع خواهیم داد.

۲ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سړی

شرح ملاقات سیا با بهرامیان

۱- از قرار معلوم سیا در تلاش بوده ترتیبات تغییر تابعیت بهرامیان را فراهم کند. احتمالاً این کار به درخواست بهرامیان و براساس دوراندیشی خودش صورت گرفته بود.

۲۳ خرداد ۵۸ اعضاء سزى

از : تهران ۵۳۴۳۶ (به كفالت گلگروف) به : با حق تقدم به رئيس

هشدار شامل منابع و شيوه هاى اطلاعاتى است. پى. ال. اس. دى. ارن.

عطف به : تهران ۵۳۴۳۴ (NIT ۶۴۳/۱۰ -)

۱ اس. دى. ارن ۱/ خبرهاى پارگرافهاى دو و سه تلگرام مرجع را از بازرگان و خبر پاراگراف چهار را

از مصطفى چمران گرفت.

۲ در ملاقاتى كه طى آن گزارش مرجع اخذ شد، اس. دى. ارن ۱/ بيش از هر موقع ديگرى كه او را

ديده ايم نسبت به آينده انقلاب ايران بدبين بود. الف ۱/ شخصا بسيار خسته و مايوس مى باشد، او ساعات

فراوانى را صرف مى كند تا برنامه ها و جريانهاى اقداماتى را كه به نظر صحيح و واقع بينانه مى آيند اختراع

كند و عاقبت مى بيند چنين كار سختى انجام نگرفته (يا حداقل با يك اظهار نشر از طرف خمينى و يا

شوراى انقلاب کنار گذاشته شده است)، در يافته ايم كه الف ۱/ روز به روز بدبين تر مى شود، تمام اين امور

بر بازدهى او تاثير گذاشته است، چون او اكنون وقت كمترى دارد كه با ما بگذراند و به سوى اين باور

متمایل است كه اكثر آنچه روى مى دهد چندان اهميت حقيقى ندارد.

۳ الف ۱/ يك آدم اهل «صحنه هاى مهم» است و بيشترين انطباق را با اوضاعى مثل آنچه در پائيز و

زمستان گذشته جارى بود دارد و همكاريش با قرارگاه از لحاظ اقدام سياسى چشمگير بود. او از دريافت

شواهدى مبنى بر اينكه دولت آمريكا ماييل نسبت ابتكار عمل داشته باشد تا مناسبات خود با ايران انقلابى

را بهبود بخشد افسرده است. او خصوصا بابت بى ميلى ما به ارسال يك فرستاده مخصوص نزد خمينى

نگران مى باشد. ما فكر مى كنيم كه اكنون او شروع کرده از خود بپرسد در همكاريش با ما چقدر مثمرتر

است. معهدا او طرح ملاقات با مأمور مربوطه جدید در خردادماه را پذیرفت (گزارش جداگانه را ببینید) و

هنوز هیچ نشانه ای از اینکه می خواهد عقب بکشد از خود بروز نمی دهد.

الف/ یک فرد فوق العاده با هوش است، اما از آنجا که او ماهیتاً یک فرد ایده آلیست از بابت خشکی بعضی

متعصبینی که او باید با آنها کار کند بسیار دارد بی طاقت می شود.

۴ پرونده : ۲۰۱۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۲۳ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سزی

طرح تماس و ملاقات

سند شماره (۱۲)

۲۴ خرداد ۵۸ اعضاء سزی

از : تهران ۵۳۴۴۹ (به کفالت گلگروف) به : رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن.

۱ ذیلاً طرح تماس مجدد برای اس. دی. ارن/۱ می آید:

الف طی هفته اول ژوئیه (هفته دوم و سوم تیر)، پکوئین می تواند با اس. دی. ارن/۱ به وسیله شماره

تلفنهای هویت الف یا هویت ب تماس بگیرد. او با معرفی خود به عنوان «دوست آقای ویلیامز» می تواند از

قراردادهایی راجع به بیمارستانهای محلی متحرک یاد کند و پیشنهاد ملاقات نماید. در هر روزی که توافق

می شود، پکوئین باید در خیابان نزدیک رستوران پیتزای ونتو عمود بر خیابان مهرشاه به طرف شمال

حرکت کند. نقشه محل ملاقات در پرونده اس.دی.ارن/۱ جای دارد. الف/۱ پکوئین را سوار فولکس واگن سبز کمرنگ خود (یکی از چند اتومبیل معدود این نوع) خواهد کرد. زمان ملاقات ساعت ۳۰/۲۰ می باشد.

ب اگر الف/۱ بخواهد اول تماس بگیرد، تلفن داخلی سفارت شماره ۱۱۰۶ یا ۱۱۳۵ را خواهد گرفت و درخواست می کند با «تام» صحبت کند. او خودش را «برایان» معرفی خواهد کرد. مابقی مشابه ترتیبات پاراگراف الف می باشد.

۲ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سزی

توضیح در مورد هویت‌های ذکر شده در سند قبل

سند شماره (۱۳)

۲۴ خرداد ۵۸ اعضاء سزی

از: تهران ۵۳۴۵۰ (به کفالت گلگروف) به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن.

عطف به: تهران ۵۳۴۴۹

۱ هویت الف ۲۱۴۲۴۷ تکرار می شود ۲۱۴۲۴۷.

هویت ب ۸۴۱۱۶۲ تکرار می شود ۸۴۱۱۶۲.

۲ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ ۱۹ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماس تلفنی بهرامیان با قرارگاه تهران

سند شماره (۱۴)

۲۳ تیر ۵۸ تلگرام غیر فورسری

از : تهران ۵۳۶۸۰ به : واشنگتن

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. تماس با اس. دی. ارن/۱.

عطف به : تهران ۵۳۶۷۰

۱ در اوائل شب ۲۲ خرداد با تلفن عمومی از اس. دی. ارن/۱ با خبر شدیم. علیرغم اینکه روز تعطیل بود، ولی صدای ترافیک در مکالمه تداخل می کرد، اما فهمیدیم که الف/۱ گفت هنوز نوعی قرارداد بازرگانی پیچیده او را مشغول به خود می دارد. وی ادعا کرد که مسئله پیچیده او را مشغول به خود می دارد. وی ادعا کرد که مسئله پیچیده تر از آن است که بتوان توضیح داد و گفت که در «هفته آینده» با ما تماس خواهد گرفت. ما گفتیم که خیلی علاقه مند به دیدار او هستیم و اطمینان گرفتیم که هنوز شماره تلفن ما را دارد. لحن الف/۱ مانند بازرگانان ولی خوشایند بود؛ هیچ نکته ای از دلیل غیبت اخیرش یا مقاصدش در رابطه با تماس در آینده به ما نداد.

۲ ستاد در جریان امر قرار خواهیم داد.

۳ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

فرکانس تعیین شده برای ارتباط رادیویی بهرامیان با سیا در موارد اضطراری

ص: ۳۴۸

سند شماره (۱۵)

۱۰ خرداد ۵۸ اعضاء سړی

از: دیرتک ۵۲۶۱۴ به: تهران رونوشت برای آتتک رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. آکواتیک ای. زی. رالی. ای. زی. گودز

عطف به: تهران ۵۳۲۷۷

در رابطه با پاراگراف ۳ تلگرام مرجع، توصیه می کنیم که قرارگاه (۱) صوتی مخفی یا مطمئن است. SV/A-۸ شماره سړی ۶۱۹، SV-۸

شماره سړی ۴۲۹ و SV شماره سړی ۳۴۱ همگی را روی طول موج ۰۳۰/۱۷۰ تکرار می شود

۰۳۰/۱۷۰ مگاهرتز برای استفاده اضطراری اس. دی. ارن/۱ نگاه دارد. تمام ادوات دیگر را از کانالهای

فست اکت به ستاد مرکزی باز گردانید. تا تاریخ ۱۰ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سړی

مشخصات رادیویی که نزد بهرامیان بوده است

سند شماره (۱۶)

۴ تیر ۵۸ اعضاء سړی

از: دیرتک ۵۳۰۶۲ به: تهران رونوشت برای آتتک رئیس اچ. بی. گریزینگ

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. آکواتیک ای. زی. رالی. اس. دی. ارن

عطف به: الف. تهران ۵۲۳۱۳ (برای تمام مخاطبین ارسال نشده). ب: رئیس ۳۹۸۵۷۴ (برای تمام

مخاطبین ارسال نشده).

۱ در تلگرام مرجع الف اشاره شده بود که MX (۲) ۳۵۰ DVP اس. دی. ارن/۱ بازپس گرفته شده و

ستاد نتوانسته جواب داده شده به سؤال تلگرام مرجع ب را پیدا کند که آیا باطری شارژ مخفی شده در

دستگاه استریو سانو هنوز مورد احتیاج است یا نه.

۲ در رابطه با احتیاج احتمالی آتن به ۸-SV/A برای اس.دی.ارن/۱ لطفاً اطلاع دهید آیا باطری

شارژر MX ۳۵۰ ذکر شده در تلگرام مرجع ب هنوز مورد احتیاج می باشد یا نه.

تا تاریخ ۳۱ خرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سوابق بیمه عمر و مالیاتی برای بهرامیان

سند شماره (۱۷)

۹ شهریور ۵۸ تلگرام غیر فوری سڑی

از : واشنگتن ۵۰۵۶۹۲ به : تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. پی. ال. اس. دی. ارن جی. بی. سنت

عطف به : تهران ۵۴۰۵۵

۱ خوشحالیم که می بینیم تماس رودرو با اس.دی.ارن/۱ (الف / ۱) دوباره برقرار شده است □ چنان

که در تلگرام مرجع اشاره شده است.

۲ ما دو فقره (مدرک) اداری داریم که نهایتاً امضای الف / ۱ را لازم دارند تا سوابق بیمه و مالیاتی وی

۱- این حروف و اعداد مشخص کننده نوع دستگاه ارتباط رادیویی صوتی به صورت مخفی می باشند تماس SECURE

VOICE مخفف S

۲- MX ۲۳۵۰ یک نوع دستگاه تماس رادیویی بوده که سیا به بهرامیان داده بود و در سند شماره ۲۰ هم به آن اشاره شده

است.

تکمیل شوند.

الف یک تأییدیه (که قرارگاه می تواند بنویسد) امضاء شده به اجمال حاکی از اینکه الف / ۱ می داند که از دستمزد پرداختی به وی توسط سیا هیچ یک از مالیاتهای فدرال یا دولتی یا تأمین اجتماعی اگماض نخواهد شد و او طی یک دوره استخدام هیچ اعتبار تأمین اجتماعی برای خود جمع نخواهد کرد. این تأییدیه باید به منظور نگهداری به ستاد مرکزی ارسال شود تا در صورتی که مسئله ای در مورد متابعت وی از مقررات سرویس درآمد داخله در رابطه با دستمزدش از سیا مطرح شد به کار آید.

ب تعیین فرد استفاده کننده از بیمه نامه عمر اس.دی. ارن / ۱ این کار محتاج امضای وی و نامهای استفاده کنندگان اصلی و اضطراری به انتخاب وی می باشد.

۳ با توجه به ادامه مخاطرات مربوط به ملاقات الف / ۱ و ماهیت نسبتاً اتهام آمیز خود مدارک □ ما ارسال فقره (ب) به قرارگاه را به تعویق انداخته ایم. خواهان نظریات قرارگاه درباره امکان اقدام به گرفتن امضاها در آینده نزدیک هستیم. اگر جواب مثبت بود □ فقره (ب) را ارسال خواهیم کرد اما اگر تردیدی وجود داشت می توانیم این مطلب را باز هم به تأخیر بیندازیم.

۴ پرونده: ۲۰۱ ۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۹ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

فعال کننده RAPIDOPRINT

سند شماره (۱۸)

۱۴ شهریور ۵۸ اعضاء سزی

از: فرانکفورت ۷۲۸۶۱ به: تهران رونوشت برای رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس.دی. ارن

عطف به: الف. تهران ۵۱۲۹۰ ب. تهران ۵۱۶۲۵ ج. تهران ۵۴۱۲۰

فعال کننده PAPIDOPRINT که در تلگرام مرجع ج به آن اشاره شده قرارگاه شما در ۳ بهمن ۱۳۵۷ با تلگرام مرجع الف سفارش داده بود. به علت مشکلات پیشین توزیع در ناحیه شما، این دستگاه تا این اواخر حمل نشده، بنابر تلگرام مرجع ب، این فعال کننده برای استفاده با به عمل آورنده سریع FOTORITE مدل D۱۴۹۴ می باشد. ما نمی توانیم سابقه دیگری در اختیار گذاریم .

تا تاریخ ۱۳ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود.سری

طرح تماس و ملاقات

سند شماره (۱۹)

۱۵ شهریور ۵۸سری

یادداشت برای پرونده اس. دی. ارن / ۱

موضوع : ترتیبات ملاقات

- ۱ ملاقات آینده قرار است از طریق تلفن ترتیب داده شود. الف / ۱ با شماره ۱۱۳۵ یا ۶۶؟ ۱۱ تماس گرفته سراغ تام را می گیرد. از تاریخ و موقعی که مورد توافق قرار می گیرد باید دو عدد کاسته شود.
- ۲ محل (ملاقات) خیابان سیبویه، بالای خیابان آپادانا و عمود بر آن است. مأمور مربوط به طرف شمال پیاده می رود و الف / ۱ که با اتومبیل به سمت شمال می رود او را سوار خواهد کرد.

سوابق بهرامیان (تماس با یزدی در زمان حمله سفارت در ۲۵ بهمن)

ص: ۳۵۰

سند شماره (۲۰)

۲۲ شهریور ۵۸ تلگرام غیر فوری سَری

از: واشنگتن ۵۱۲۸۰۶ به: تهران

متن ذیل FSAR پیشنهادی ما برای اس دی ارن / ۱ جهت گزارشگری وی در حد فاصل فروردین ۵۷ الی

مهر ۵۸ است. لطفا هر گونه اظهار نظر یا تصحیح که مناسب می دانید به عمل آورید و لطفا اطلاعات

درخواستی را تأمین نمایید تا FSAR تکمیل شود.

مدت گزارشگری: فروردین ۵۷ مهر ۵۸

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است FSAR برای اس دی. ارن / ۱

۱ هویت: الف اس. دی. ارن. ب پی. ال. اس. دی. ارن / ۱

پرونده: ۲۰۱۰۹۴۹۱۶۳

FAN: ۳۳۴۹۴۴ ۲

۳ هدف: S

۴ جزئیات عملیاتی:

الف. تأییدیه موقت عملیاتی.

پی. ال. اس. دی. ارن / ۱ یک شهروند ایرانی مقیم تهران است که دارای مجوز مخصوص بیگانه دائم

الاقامه در آمریکا می باشد. او مورد اعتماد رهبران میانه رو است که مخالفین دیرینه شاه بوده اند و اکنون از

مقامات عالیرتبه دولت موقت می باشند و او عموماً درباره نظر گاههای ایشان و تحولات داخلی گزارش

می دهد. در ۲۲ خرداد ۵۶ به وی تأییدیه موقت عملیاتی و در ۷ فروردین ۵۸ نیز تأییدیه عملیاتی داده شد.

ب. دسترسی الف / ۱ به رهبران فعلی دولت موقت در خصوص فعالیت اطلاعاتی در مورد این هدف از

اهمیت اساسی برخوردار است.

ج. کنترل و تعهدات :

در آغاز الف / ۱ با سیا همکاری می کرد، برای اینکه نظریات گروه سیاسی میانه رو خود را از کانالی به کانالی به دولت آمریکا برساند، به این امید که دولت آمریکا عاقبت برای تماس آشکار با این گروه و حمایت از آن تحت حکومت شاه اقدامی نماید. او از مطلع کردن همکاران خود از تماسش با سیا منع شد و در آبان ۵۶ یک آزمایش دروغ سنجی را با موفقیت گذراند که کاشف از هماهنگی وی با این رهنمود بود. در جریان بدتر شدن اوضاع سیاسی و امنیتی او یک عامل مخفی حقوق بگیر تمام عیار شده است. الف / ۱ در عین حالی که طی مدت قابل ملاحظه ای از دریافت هرگونه دستمزد خود داری می ورزد، در ۱۷ خرداد ۵۷ یک یادداشت تعهد را که در اسفند ۵۸ اصلاح شد پذیرفت که به موجب آن سیا پول یک بیمه نامه عمر معادل ۱۰۰۰۰۰ دلار آمریکا را می پردازد و سالانه ۵۰۰۰ دلار آمریکا در یک حساب امانی ستاد واریز می نماید.

آخرین اصلاح یادداشت تعهد تاریخ ۹ فروردین ۵۸ را دارد که به موجب آن سیا همچنین به الف/۱ کمک می کند که حین اقامتش در خارج از آمریکا حق مخصوص بیگانه دائم الاقامه خود را حفظ کند و این حق از مقامات ایرانی پوشیده ماند. در فروردین ۵۸ یک وام با نرخ مساعد برای الف / ۱ ترتیب داده شد که ۱۳۰۰ دلار باز پرداخت آن به سیا به عنوان پاداش ملغی گردید.

د. تماس: ملاقات ها با الف / ۱ با سوار شدن او به اتومبیل (مأمور) پس از تماس تلفنی با او در منزلش صورت می گیرند. در مرداد و شهریور ۵۸ تماس قطع گردید، اما در اواخر شهریور ۵۸ دو باره برقرار شد و الف / ۱ گزارشهای خود را می دهد (لطفا قرارگاه در مورد هر تغییری که در ترتیبات تماس حاصل شده توضیح دهد). یک آدرس عملیاتی در لندن به الف / ۱ داده شده است و تأییدیه برای استفاده از وسایل مخابراتی و مخفی صادر گردید. در جریان بحران بهمن ۵۸ (رادیوی) MX-۳۵۰ الف / ۱ به مأمور قرارگاه امکان داد که با او تماس بگیرد و برای سفارتخانه که تحت اشغال در آمده بود کمک بگیرد. از آن زمان آن دستگاه پس گرفته شده است.

ه امنیت: الف / ۱ آموزش امنیتی دیده است و قواعد را مراعات می کند. در آذر ۵۶ به دستورالعملهای تماس جهت رد کردن پیام از طریق دوست مشترک به مامور مربوطه اعتنا ننمود و FSAR فروردین یادآور شد که در زمینه امنیتی لازم است الف / ۱ به دقت تحت نظارت باشد. (لطفا قرارگاه در مورد هرگونه مشاهدات امنیتی جاری اظهار نظر نماید). اس. دی. ارن در آبان ۵۷ به عنوان یک مورد که احتیاج به دسترسی محدود و سفارش دارد طبقه بندی شد PLSDURN.

و الف / ۱ آموزش مخفی نویسی با سیستم مدادی (کربنی) و مخابرات به علاوه امنیت را دیده است. (لطفا قرارگاه در مورد هر طرح آموزشی که دارد اظهار نظر نماید).

۵ موفقیتها و طرحها:

الف / ۱ یک منبع اساسی گزارش در باره رهبری دولت موقت است و تعداد قابل ملاحظه ای گزارش ارزشمند تامین کرده است. طی حد فاصل دی ماه ۵۷ الی شهریور ۵۸ او منبع (؟) ۶ گزارش بوده و قسمتی از یک گزارش دیگر را تامین نموده است. ۲۳ فقره آنها نمره «۱۰» و ۴۲ فقره نمره «؟» و دو فقره نمره «۱» گرفتند. طی تصرف سفارتخانه در ۲۵ بهمن منشاء کمک مهمی بود. هنگامی که مامور مربوطه اش با وی

تماس گرفت او به دکتر یزدی تلفن کرد و در تشویق وی به اعزام پاسداران برای نجات کمک نمود (لطفا قرارگاه در مورد طرحهایش برای تغییرات بیشتر اظهار نظر نماید).

۶....

الف بودجه ۶۰۰۰ دلار آمریکا در سال.

هزینه های عملیاتی (قرارگاه لطفا اظهار نظر نماید)،

ب حق بیمه زندگانی و واریز پول به یک حساب امانی در ستاد ج،..... (لطفا قرارگاه تامین نماید).

تا تاریخ ۲۲ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سَری

طرح قرارگاه برای استفاده از بهرامیان و نحوه ملاقات با وی

سند شماره (۲۱)

۲۵ شهریور ۵۸ تلگرام غیر فوری سَری

از : تهران ۵۴۲۲۲ به : واشنگتن

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. ارن ۱/

عطف به : واشنگتن ۵۱۲۸۰۶

۱ متن ذیل در رابطه با تلگرام مرجع است:

۴. د. ملاقات با الف / ۱ در اتومبیل انجام می شود و به طوری که از قبل قرار گذاشته می شود از اتومبیل

وی یا اتومبیل مامور مربوطه استفاده می گردد. علامت درخواست ملاقات به وسیله تلفن از جانب یکی از طرفین داده می شود.

۴. ه. از موقع برقراری مجدد ارتباط در مرداد ۱۳۵۸ هیچ مسئله امنیتی روی نداده است.

۴. و. در حال حاضر طرحی برای آموزش آتی در دست نیست.

۵ طرحهای قرارگاه برای استفاده از الف / ۱ در ارتباط با تمایل ادغام دو ساخت قدرت متوازی

می باشد، ما روی گزارشگری در باره رهبری مذهبی و نقش آن در تعیین جهت دولت موقت و دولت جدید تأکید خواهیم کرد.

۶ الف. هزینه عملیات... (؟) دلار آمریکا،

۶ ج. یک دهم.

۲ پرونده: ۲۰۱۰۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۲۵ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

کوششهای گروهی شامل آیت الله طالقانی برای ادغام قدرت مذهبی و...

سند شماره (۲۲)

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای بیگانگان یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده.

کشور: ایران

موضوع: کوششهای گروهی شامل آیت الله طالقانی برای ادغام قدرت مذهبی

و غیر مذهبی در یک رژیم موقت جدید (تاریخ خبر: اوایل شهریور ۱۳۵۸).

منبع: فردی است که مورد اعتماد عضو عالیرتبه ای از یک سازمان سیاسی ایران قرار دارد و از نزدیک

در جریان انقلاب در ایران بوده و آشنایان عالیرتبه ای در دولت ایران دارد. گزارشهای گذشته وی عموماً مورد تأیید قرار گرفته اند.

۱ یک گروه غیر دولتی سعی داشته نخست وزیر مهدی بازرگان را تشویق به صحنه گذاردن بر طرحی کند که بنا بر آن قدرت غیر مذهبی که نمایندگی آن با دولت موقت است و قدرت مذهبی که در آیت الله روح الله خمینی مجسم شده با هم ترکیب می شوند. اعضای این گروه که شامل آیت الله سید محمود طالقانی، عبدل ابوالحسن و عزت سبحانی هستند؛ معتقدند که سیستم فعلی قدرت دوگانه قادر به برخورد با مسائل فوری نیست و بازرگان مایل نیست با این مسائل حتی مواجه شود و قدرت فردی خمینی باید در یک تشکیلات حاکم موقتی و یک دست ادغام شود. بازرگان، که نقش خود را محدود به نظارت بر انتقال یک دولت... می بیند، علیرغم روابط شخصی نزدیکش با اعضاء گروه تهیه کننده این پیشنهاد، مایل به تأیید آن نبوده است. اگر او نظر خود را در هفته حول ۴ شهریور عوض نکند،... امید کمی به این کار وجود دارد، طالقانی در آخر هفته به قم خواهد رفت تا موافقت خمینی را جلب کند.

۲ در بافت موقتی که گروه بانی قضیه در نظر گرفته، خمینی رئیس «هیئت» حاکمه خواهد بود. بازرگان هم یکی از اعضاء خواهد بود و به عنوان «دبیر کل» فعالیت می کند. تمام اعضاء کابینه فعلی کنار گذاشته خواهند شد و شورای انقلاب هم منحل می شود و مقاماتی زیر نظر هیئت حاکمه به مناصب اجرایی مثل... دفاع، کشاورزی، مسکن... گمارده خواهد شد....(ادامه سند به دست نیامده)

نظریات مربوط به گزارشها

۴ مهر ۵۸ تلگرام غیر فوری سَری

از: واشنگتن ۵۲۱۵۶۸ به: تهران

موضوع: هشدار منابع و شیوه های اطلاعاتی است نمرات و نظریات مربوط به گزارشها

۱ در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ماه اوت می آید:

۱۰/۷۰۹ و ۱۰/۷۰۸ و ۱۰/۷۰۷ و ۱۰/۷۰۴ و ۱۰/۷۰۱ و ۱۰/۷۰۰ NIT های که در ۳ مهر

۱۳۵۸ مرور شدند. مابقی NIT های ماه اوت گزارشهای نفتی هستند که بخش اقتصادی / خاور نزدیک به

طور جداگانه به آنها نمره خواهد داد. (۱)

هدف: S.1.B نمره: ۵

TDFIRDB ۳۱۵ / ۱۵۱۶۸ ۷۹ ارن دی. اس NIT ۱۰ / ۷۰۴

۷ شهریور ۱۳۵۸

یک جانبه اس.دی.ارن با تمام کنترلها

موضوع: کوششهای گروهی شامل آیت الله طالقانی برای ادغام قدرت مذهبی و غیر مذهبی در یک

رژیم موقت جدید.

نظریه: این گزارش به نظر می رسد که قدری در مطبوعات تأیید شده باشد. گزارشهای بعدی نشان داد

که پیشنهادهای این گروه رد شده است. تحلیلگران همچنان علاقه مند به حرکاتی هستند که روحانیت

برای به دست آوردن یک موقعیت حکومتی فعالانه تر ایفا می کند. علاقه وافر به هر گزارش در باره

نظرگاه های روحانیون ایران هر کدام که باشند وجود دارد. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار

اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

درخواست بهرامیان مبنی بر ملاقات تلفنی

سند شماره (۲۴)

۵ مهر ۵۸ تلگرام غیر فوری سری

از: تهران ۵۴۳۲۶ به: واشنگتن

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است پی.ال.اس.دی.ارن

۱ از نظر شما دور نمانده که اس.دی.ارن / ۱ اخیراً هیچ به آگاهی ما از نسبت بین نیروهای محرکه

دولتی من جمله ماجرای نزیه نیافزوده است. در آخرین ملاقات ما به درخواست الف / ۱ مبنی بر اینکه

ملاقات بعدی با تماس تلفنی او شروع شود موافقت کردیم. هنوز از او خبری نشده و طی سه روز گذشته

پیامهایی در منزل و دفتر وی گذاشته و خواسته ایم که با ما تماس بگیرد. نتایج حاصله را اطلاع خواهیم داد.

۲ پرونده: ۲۰۱ ۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۵ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

تماس تلفنی با بهرامیان و بخطر افتادن ظاهری وضعیت وی

۱- در این تلگرام که ستاد سیا نظر خود را درباره گزارشهای ارسالی (غیر نفتی) از قرارگاه تهران در ماه اوت اظهار داشته □ فقط یک مورد مربوط به گزارش اس.دی.ارن / ۱ می شده که در اینجا آمده و برای حفظ انسجام مطلب از آوردن سایر قسمتهای آن خودداری شده تا هر مورد در پرونده مربوط به خودش مطرح شود.

از: تهران ۵۴۴۰۸ به: فوری، رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس پی.ال.اس.دی.ارن

عطف به: تهران ۵۴۳۲۶

۱ شب ۱۱ مهر به وسیله تلفن.... با اس.دی.ارن / ۱ (الف / ۱) تماس گرفتیم:

الف: او مشغول خاتمه دادن به تجارت خود و مناسباتش با دولت موقت است. پرسید آیا خبری

درباره..... داشتیم (جواب منفی دادیم).

ب یک محافظ.... برای منزل وی تعیین شده که معلوم نیست چه کسی ترتیب آن را داده است. این

امر..... احتمالاً علت تماس نگرفتن او با قرارگاه بوده است.

ج او باید به بلوچستان مسافرت کند تا به کاری که مشخص نشد رسیدگی نماید. سعی خواهیم نمود

از فرودگاه..... بازگشت در اواخر هفته آینده.....

۲ با توجه به وضع الف / ۱..... ما میلی نداشتیم که مکالمه را طولانی کنیم یا در باره..... سؤال نماییم.

مطمئن ترین گمان ما این است که تصمیم به قطع..... ناشی از ماجرای اس.دی.پوتی / ۱ بوده و پیش از

تعیین محافظ برای جلوی درب وی اتخاذ شده است. الف / ۱ به نظر افسرده و..... نشان می داد.

۳ در تماسهای اخیر با منزل الف / ۱ ما صدای پسرش و یک فرد مونث که احتمال داده می شود همسر

یا دخترش بوده باشند را شنیدیم.

این واقعت که خانواده اش هنوز اینجا هستند.

ممکن است خودش..... که این قضیه مثل قضیه اس.دی.ایگل / ۱ [\(۱\)](#) نخواهد بود. معذکک، دادستانی

انقلاب ظاهرا خانواده های کسانی را که بزهدکار تشخیص داده شده اند، مشمول..... گرداند، و امکان دارد

که الف / ۱ به این نتیجه برسد که باید به تنهایی اقدام به خروج مخفیانه نماید. در باره اینکه آیا ما باید

برای..... چنین خروجی تلاش نمائیم و در چنین صورتی چه طرحهای احتیاطی ابداع کنیم در خواست

داریم که ستاد نظر خود را اعلام نماید . (۲)

مشخصات بهرامیان

سند شماره (۲۶)

۱۲ مهر ۵۸ اعضاءسری

از : رئیس ۵۲۶۹۷۴ به : فوری، فرانتک، دیرتک، رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس. پی.ال.اس.دی.ارن

عطف به : رئیس ۵۲۶۹۶۶

۱ هویت عبارتست از :

بهرام بهرامیان

۱- اس. دی. ایگل / ۱ نام رمز عطارزاده □ کارشناس ضد تروریستی ساواک و منبع نفوذی سیا بوده که در اوایل سال ۵۸

توسط متخصصین اعزامی سیا تغییر صورت داد و از کشور خارج شد و اینک برای سیا کار می کند.

۲- ادامه این سند هنوز به دست نیامده است.

ص: ۳۵۵

تاریخ و محل تولد: ۲ اردیبهشت ۱۳۱۹، ایران، جنس: مذکر

تابعیت: ایران. بهرامیان.... (دارای ویزای م) بیگانه دائم الاقامه

شغل: بازرگان

اوصاف:

قد: ۷۰ اینچ وزن:

رنگ پوست: گندمگون، خصوصیات چهره: صورت.... با دماغ بزرگ، عینک می زند، رنگ...

سیاه، رنگ چشم: قهوه ای، دندانها

زبان: زبان مادری فارسی، انگلیسی خوب

۲ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱ تا تاریخ ۱۲ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

توضیح تکمیلی در مورد سند قبلی

سند شماره (۲۷)

۱۳ مهر ۵۸ اعضاء سزی

از : تهران ۵۴۴۱۲ به : فوری به رئیس رونوشت....

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس پی.ال.اس.دی.ارن. اف. جی پستایم

عطف به : الف رئیس ۵۲۶۹۶۶، ب رئیس ۵۲۶۹۷۴

۱ توصیف جسمی (ذکر شده) درست است،.... به جای سیاه قهوه ای تیره.....

۲ پرونده: ۹۴۹۱۶۳۲۰۱. تا تاریخ ۱۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

طرح خروج مخفی و تهیه مدارک جعلی

سند شماره (۲۸)

از: دیرتک ۵۴۸۹۵ سری ۱۳ مهر ۵۸ اعضاء

به: فوری تهران رونوشت فوری برای فرانتک، رئیس

حساس. ال. پی. گامین پی. ال. اس. دی. ارن اف. جی. پستایم

عطف به: الف. رئیس ۵۲۶۹۶۶، ب. تهران ۵۴۴۱۲

۱ چون ممکن است مدارک جعلی جهت خروج مخفی اس. دی ارن / ۱ لازم باشد نظریات زیر ارائه

می گردد.

۲ بررسی امکان صدور پاسپورت توسط اداره خدمات فنی در رابطه با ملیت قابل توجیه برای اس

دی ارن / ۱ با در نظر گرفتن جنبه های نژادی، آشنایی زبان، و شرایط ویزایی برای داخل شدن به ایران و

ادامه سفر، صدور پاسپورت پرتغالی در ماکائو را بسیار مناسب جلوه می دهد. تمام پاسپورتهای آمریکای

لاتین به ویزا نیاز دارند. پاسپورتهای موجود کشورهای خاور نزدیک به ویزای ایرانی نیاز دارند. البته به

استثناء پاسپورت کشور تونس که چون فرد مذکور فرانسوی نمی داند دادن این پاسپورت مناسب نیست.

پاسپورت کویتی نیز در نظر گرفته شد، لیکن شرایط اخذ ویزا و ادامه احتمالی سفر از ایران به کویت این

انتخاب را نیز چندان مناسب جلوه نمی دهد.

۳ پیشنهاد می کنیم از داستان پوششی بازرگان پرتغالی که در ماکائو زندگی می کند و سفرهایی چند به

هنگ کنگ و اروپای غربی کرده است استفاده شود. آثار این سفرها در پاسپورت خواهد آمد. فرد مذکور

در حال حاضر مرحله بازگشت سفر دو سره فرانکفورت ماکائو فرانکفورت را به انجام می رساند و به محض فرود آمدن در تهران استفاده واقعی از پاسپورت جعلی آغاز خواهد شد.

۴ امکان صدور اسناد لازم ذیل وجود دارد:

الف: کارت واکسیناسیون آبله و تیفوس از هنگ کنگ.

ب: کارت شناسایی برای افراد مقیم ماکائو. که اگر عکس قدیمیتری از فرد مذکور در دسترس باشد، ممکن است تاریخ آن چند سال جلوتر نشان داده شود.

۵ مدارکی که لازم است از تهران جهت صدور فرستاده شوند عبارتند از:

الف: عکسهای قدیمی و جدید فرد مذکور در صورت موجود بودن. در صورتی که نگاتیوها در

دسترس باشد چه بهتر. ستاد مرکزی قادر است اولین سری چاپ عکسهای فرد مذکور را در پرونده های ال. ان. یوما جای دهد.

ب: دفتر خدمات فنی می تواند دو اسم فرضی و دو شهرت فرضی را جعل کرده به تهران مخابره کند، تا جهت به دست آوردن شش نمونه امضاء مشابه که خود فرد مذکور شخصا می دهد مورد استفاده قرار گیرد.

۶ خواهشمند است قرارگاه نظریات خود را در مورد تناسب استفاده از پاسپورت پرتغالی صادره در ماکائو ارسال دارد. در صورتی که اسناد جعلی مورد استفاده قرار گیرد، اطلاع دهید آیا قرارگاه در استفاده از ظاهر مبدل نیز ضرورتی احساس می کند.

۷ فراتک: خواستار نظریات و پیشنهاد شما هستیم. سوابق دفتر خدمات فنی نشان نمی دهند که ای.

زی. نوا دارای ظرفیت صدور پاسپورت پرتغالی باشد. در صورت لزوم ارسال خواهد گردید. خواهشمند است نظر خود را اعلام دارید.

۸ پیشنهاد فوق صرفا به قصد چاره جویی مقدماتی برای خروج مخفی بود که در صورت ضرورت

مورد استفاده قرار گیرد.

۹ پرونده: ۲۰۱۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۳ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

مقدمات و مدارک لازم برای جعل پاسپورت برای بهرامیان

سند شماره (۲۹)

۱۴ مهر ۵۸ اعضاء سري

از: فرانتک ۳۹۹۴۵

به: فوری به دیرتک رونوشت فوری برای تهران، رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است حساس پی.ال.اس.دی.ارن.اف.جی.پستایم.

عطف به: الف. رئیس ۵۲۶۹۶۶، ب. دیرتک ۵۷۸۹۵، ج. فرانتک ۳۹۹۲۶ (به تمام مخاطبین ارسال

نشده)

۱ سناریوی طرح شده در تلگرام مرجع ب برای خروج مخفی احتمالی اس.دی.ارن از ایران با اسناد

پرتغالی شایان توجه است. معذالک فکر می کنیم که مجرد لزوم ویزای ورود نباید موجب از نظر افتادن

پاسپورت آمریکای لاتین یا سایر کشورها که پاسپورتهایشان ویزا لازم دارد شود. آخرین اخبار ما در

مورد مسافرت به ایران حاکی از لزوم داشتن ویزا می باشند (راتر فورد(۱) گزارش داد که او در آتن بدون

۱- راتر فورد همان مأمور ویژه ای بود که سیا برای تماس با بنی صدر خائن به تهران و پاریس اعزام داشته بود.

تأخیر یا اشکالی ویزای ورود گرفت). اطلاع ما در مورد مسافرت بدون ویزا به ایران، خصوصاً در رابطه با دست نوشته های وارده در پایین کارت ورود به کشور که هنگام خروج خواسته می شود ناقص است. خروج مخفی در این حالت محتاج تلاش برای جمع آوری اطلاعات می باشد تا این نقیصه تکمیل شود. ۲ به نظر ما اگر ویزاهای ورود به ایران اکنون بیش از گذشته در دسترس باشد، حتی ممکن است ویزا را به طور قانونی در پاسپورت مشار الیه جای داد، در غیر اینصورت نمونه هایی برای نسخه برداری و جعل موجود خواهد بود. استفاده از پاسپورتهای آمریکای لاتینی یا سایر ملیتها که به ویزاهای ورود احتیاج داشته باشد، باید به طور جدی بررسی شود. ما... خالی پرتغالی نداریم.

۳ راتر فوردد گزارش داد که هنگام ورود به ایران، در چندین نقطه متفاوت در جریان کنترل پاسپورت بازرس گمرک راجع به علت مسافرتش به ایران و مدت اقامتی که در نظر دارد از او سؤال نمود. او متوجه هیچ اقدام کنترلی فوق العاده ای در ضمن عزیمت خود نشد.

۴ برای تهران، ما می دانیم که در این مرحله تهیه اسناد خروج تنها چاره است، معذالک پیشنهاد می کنیم که برای بررسی پاسپورتهای کارتهای ورود مسافرینی که با داشتن و همچنین بدون ویزا اخیراً به ایران رفته بودند تلاشهایی صورت بگیرد.

۵ پرونده: ۲۰۱ ۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۴ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

گردآوری مجموعه لوازم جهت حدود پاسپورت پرتغالی و...

سند شماره (۳۰)

۲۰ مهر ۵۸ اعضاء سری

از: دیرتک ۵۴۹۸۰ به: با حق تقدم به فرانتک رونوشت برای تهران، رئیس

حساس ال. پی. گامین پی. ال. اس. دی. ارن اف. جی. پستایم تکز.

عطف به : الف. دیرتک ۵۴۸۹۵ ب. فرانتک ۳۹۹۴۵

۱ اداره خدمات فنی اقلام زیر را برای استفاده احتمالی در تهیه مدارک اس. دی. ارن یا محموله

۴۷۹۱۹۰ به ای. زی. نوا می فرستد:

الف: مجموعه چهار نگاتیو که از کارتهای شناسایی اس. دی. ارن / ۱ همسر، پسر و دخترش ساخته شده است.

فیلم مثبت نگاتیوها نیز ضمیمه است. عکسهای اصلی از پرونده های ال. ان. یوما (۱) برداشته شده است و می بایست به جای خود باز گردانده شود. این عکسها در حد فاصل تقریبی ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸ گرفته شده بودند. طرح فعلی برای اعضای خانواده مشارالیه این است که در صورت امکان آنها به طور علنی عازم شوند. شاید بعدا ناچار شویم به خانواده اش کمک کنیم.

ب: نسخه هایی از نمونه کارتهای شناسایی ماکائو.

۲ اداره خدمات فنی مشغول گردآوری مجموعه لوازم صدور پاسپورت پرتغالی و کارت شناسایی ماکائو می باشد که در مدت کوتاهی به ای. زی. نوا ارسال خواهد شد.

۳ در صورتی که مشارالیه تقاضای مدارک با نام مستعار نمود اداره خدمات فنی ترجیح می دهد از

۱- ال. ان. یوما نام رمز یکی از واحدهای دولتی آمریکا می باشد □ ولی معنای دقیق آن هنوز روشن نشده است. پیشوند ال. ان. مخصوص این تأسیسات می باشد □ چنان که برای مثال در بعضی اسناد برای اشاره به سفارتخانه های آمریکا کلمه رمز ال. ان. فال به کار می رود.

پاسپورت پرتغالی استفاده کند. به نظر ما پاسپورت برزیلی در صورت انتخاب آمریکای لاتین بهتر از همه می باشد، زیرا که این تنها پاسپورت به زبان پرتغالی است. تهیه مدارک اسپانیولی زبان شاید مخاطره بیشتری برای مشارالیه در بر داشته باشد، زیرا احتمال بیشتری دارد که مقامات ایرانی به زبان اسپانیولی به جای پرتغالی بازخواست کنند.

۴ مایلم به تهران خاطر نشان کنیم که این نگاتیوهای ارسالی به ای.زی.نوا دومین سری عکسهای چاپی را به دست خواهد داد که حکم داخلی را نسبت به عکسهای اصلی خواهند داشت. نگاتیوهای یاد شده فقط در صورتی داده خواهد شد که تهران نتواند نگاتیوها/ تصاویر بهتر یا... استفاده در کارت شناسایی ماکائو به دست آورد.

۵ توضیحات و اقلام فوق که برای ای.زی.نوا ارسال می شوند به شرطی تحویل می گردند که... مدارک مسافرت با نام مستعار تهیه گردد.

۶ پرونده: ۲۰۱ ۹۴۹۱۶۳ تا تاریخ ۱۹ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

نمرات و نظریات مربوط به گزارشها

سند شماره (۳۱)

۲۰ مهر ۵۸ تلگرام غیر فوری سری

از: واشنگتن ۵۳۱۲۰۰ به: تهران

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

نمرات و نظریات برای گزارشها

نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ۱۰/۷۱۰ NIT تا ۱۰/۷۲۰ NIT ماه سپتامبر که در ۱۸ مهر

هدف: S.1.E

شماره گزارش از حوزه فعالیت: NIT ۱۰ / ۷۱۶

نمره ۵ اس. دی. ارن.

شماره انتشار: TDFIRDB ۱۵ ۳۱۵ / ۱۵۶۶۷۷۹ شهریور ۱۳۵۸

یک جانبه، منبع اس. دی. ارن / ۱، با تمام کنترلها.

موضوع: ۱ ساخت شورای انقلاب.

۲ روابط بین چهره های سیاسی و دولتی ایران.

نظریه: همچنان به شناسایی چهره های برجسته دولتی و آنها که بالقوه شخصیت‌های برجسته ای هستند

علاقه مندیم. مرکز تحلیلهای خارجی کشور هنوز خواهان گزارشهایی راجع به شورای انقلاب، اعضا و

مقام آن در رژیم می باشد.

توضیحات مربوط به پاسپورتهای پر تگالی

۱- ۱ رجوع شود به پاورقی سند شماره ۲۵

از: دیرتک ۵۵۱۵۸ به: با حق تقدم به فرانتک رونوشت برای تهران، رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس ال. پی. گامین، پی. ال. اس. دی. ارن اف. جی.

پستایم

عطف به الف دیرتک ۵۴۸۹۵، ب دیرتک ۵۴۹۸۰، ج دیرتک ۵۵۰۰۴

۱ اقلامی که در ذیل نام برده شده اند، چنان که در تلگرامهای مرجع قول داده شده بود، با محموله

شماره ۵۱۰۹۶۴ TM فرستاده شدند تا مورد استفاده احتمالی برای تهیه مدارک اس. دی. ارن / ۱ قرار

گیرند.

الف مهر خشک فرضی برای استفاده روی عکس دارنده پاسپورت پرتغالی که در ماکائو صادر شده

است. فیش هایی که پاسپورت صادره از ماکائو را نشان می دهند، دارای هیچ اثر... از مهر نیستند. به هر

حال، پاسپورتهای پرتغالی که در جاهای دیگری صادر شده اند، ظاهراً دارای مهر یا لاک نیستند. همچنین

عبارت «(لاک / مهر خشک)» به پرتغالی بین دو محل الصاق عکس در پاسپورت پرتغالی درج می شود.

مهر فرضی روی لاک سرکنسولگری پرتغال در پاریس در سال ۱۹۷۵ ثبت می شود.

ب نگاتیوها و نسخه های زیراکس رنگی حاشیه نوشته دو صفحه باز از پاسپورت که لاکهای سال

۱۹۷۹ ماکائو و هنگ کنگ را نشان می دهند.

۲ پاسپورتی که نسخه های یاد شده در بند ب از آن برداشته شده، به طور عادی از آن عکسبرداری

شد تا در سیستم LTD جای داده شود.

۳ پرونده: ۲۰۱ ۹۴۹۱۶۳. تا تاریخ ۲۷ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سری

متن دست نویس اهرن در مورد بهرامیان

سند شماره (۳۳)

متن دست نویس اهرن در مورد بهرامیان

اس. دی. ارن / ۱

پیمانکار ساختمانی با شغل آزاد. متاهل بوده و حداقل یک فرزند دارد، یک پسرش حدود ۱۲ سال دارد

الف / ۱ حدود ۴۰ سال داشت.

تا مرداد ۵۸، الف / ۱ عضو یک گروه غیر رسمی توصیه و مشورت به نخست وزیر بازرگان بود. (به یاد

می آورم که او دو یا سه عضو دیگر را نام برد که فکر می کنم انتظام و فردی به نام آقای سحابی بین آنها

بودند)، او از این موقعیت خود در مورد طرحها و فعالیتهای دولت گزارش می داد.

در فاصله بین اوایل تیر تا هنگام اشغال سفارت سه یا چهار ملاقات با الف / ۱ بر گزار شد که تمام آنها

در مرداد و شهریور صورت گرفتند. گزارشهای خبری او در آن دوره حول یک طرح عمران روستایی دور

می زد که با اجرای تکنیسینهای بیکار و منابع وزارتخانه هایی مثل راه و بهداری به کار گرفته می شدند.

(الف / ۱ قادر نبود به سؤالات قرارگاه در رابطه با موضوعاتی مثل مفاد ملاقاتهای بازرگان با امام پاسخ

دهد).

در اوایل یا اواسط مهر ماه، پس از آنکه الف / ۱ در دو ملاقاتی که قبلاً قرار گذاشته شده بود حاضر

نگریدید چندین بار سعی شد تلفنی با او تماس گرفته شود که این کار نتیجه ای ببار نیاورد عاقبت توانستند در منزل با او ملاقات کنند. او گفت که نگران ایمنی خود است، چون یک «پاسدار» (احتمالاً یک مراقب) اخیراً جلوی منزل وی آمده بود. او گفت که نمی داند این پاسدار از چه سازمانی است اما با توجه به مشکلات آقای «نزیه» می ترسد که دستگیر شود. الف / ۱ گفت که تصمیم گرفته مباشرت خود با نخست وزیر را قطع کند، کار خود را خاتمه دهد و از کشور خارج شود. او گفت که قصد دارد بلافاصله بعد از مسافرت به بلوچستان (چنان که به خاطر می آید) برای خاتمه بخشیدن به یک کاری در آنجا ایران را ترک گوید. از او خواسته شد که پس از مراجعت تلفنی تماس بگیرد. او چنین کاری نکرد و بعد از آن ارتباطی با وی صورت نگرفت.

قرارگاه این امر را گزارش کرد و ستاد به دلیلی. او. لاک، ای. زی. نوا، و ای. زی. ویوید دستور داد که دست به کار طرح اضطراری شوند تا در صورتی که الف / ۱ برای خروج از کشور به کمک احتیاج داشت مورد استفاده واقع شود.

جزئیات مکاتبات بعدی را به خاطر نمی آورم، اما تصور می کنم که مشغول بررسی پاسپورتهای ماکائو و لبنانی بودند. از آنجایی که تماس دیگری صورت نگرفت، کمکی هم درخواست یا داده نشد.

متن اظهارات اهرن در مورد بهرامیان

سند شماره (۳۴)

متن اظهارات اهرن در مورد بهرامیان

اسم. بهرامیان. اسم کوچک را نمی دانم

موقعیت: یک فرد تاجر است. یک مقطعه کار ساختمانی است. بین ۴۰ تا ۴۵ سال دارد.

عضو نهضت آزادی است و فردی نزدیک به افراد موجود در دولت است.

به دنبال اطلاعاتی در مورد: روابط بین دولت و رهبران مذهبی بودم. او منبع مأمور قبلی بوده است. به

مدت یک ماه منبع من بود. دو ملاقات و دو گزارش داشتم.

موضوع اول: در باره مسائلی از قبیل نقل و انتقال دادن وسائل جاده سازی از وزارت خانه به جای

دیگری بوده که یک پروژه بوده است.

موضوع دوم: گزارش داد که این پروژه با شکست مواجه شد.

در اواخر سپتامبر یا اوائل اکتبر به من گفت که کارش را بسته و در نظر دارد که کشور را ترک کند، اما

نگفت که کدام کشور و در چه تاریخی می خواهد ایران را ترک کند. متأهل است و بچه دارد زیرا یک بار که

به منزل وی تلفن زدم یک بچه گوشی را برداشت .

اسم رمز اس.دی.ارن / ۱.

توضیح اسناد مربوط به خسرو قشقایی

نام اصلی: خسرو قشقایی

نام رمز: اس. دی. راتر / ۴

در این بخش اسناد مربوط به خسرو قشقایی تنظیم شده که قسمتی از آن مربوط به اسناد وزارت خارجه و بخش دیگر مربوط به اسناد سیا است (اسناد مربوط به سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۳ مربوط به وزارت خارجه و بقیه مربوط به سیا است).

با توجه به تاریخ و محتوای اسناد وزارت خارجه و ملاقاتهای وی با مأموران سفارت (سال ۱۳۳۱) میزان وابستگی وی به آمریکای جنایت کار مشخص و معلوم می شود. وی علیرغم انگیزه های فردی ضد شاهی دارای تمایلات طرفداری از آمریکا و غرب است و در این رابطه از اظهار کمک از آنها هرگز خودداری نمی کند.

اسناد سیا در رابطه با خسرو قشقایی بیشتر شامل ملاقاتها و گزارشهای وی به مأمورین سیا و مواضع وی در قبال جریانات جاری ایران است و در مورد سابقه وی با سیا چیزی در دست نیست. باتوجه به اینکه وی حقوقی از سیا دریافت نمی کرده، انگیزه وی از همکاری با سیا احتمالاً گرفتن قول حمایت از آمریکا در جهت نیات و اهدافش در آینده و در قبال جمهوری اسلامی بوده است.

عمده گزارشها و دیدگاههای خسرو قشقایی بر حول چند محور دور می زند:

باتوجه به ضعیف شدن دولت موقت و مخالفت پنهانی با جمهوری اسلامی علیرغم حمایت ظاهری در صدد بوده تا با سران مختلف سیاسی و نظامی در جنوب ایران دست به یک سری اقدامات براندازی بزند. در این رابطه با مدنی تماس می گیرد و از وی می خواهد که یک کودتای نظامی را علیه امام و دولت بازرگان رهبری کند که وی چنین حرکتی را در چنین زمانی زود توصیف می کند. قشقایی بر طبق ادعاهای خودش

طرح‌های تدارکاتی و تسلیحاتی و استراتژی لازم برای ایجاد مخالفت و درگیری مسلحانه علیه جمهوری اسلامی را داشته است. از طرف بختیار نیز با وی تماسهایی صورت گرفته و حتی به قشقایی گفته شده که پول مورد نیاز برای کودتا نیز به وی پرداخت خواهد شد. در یکی از ملاقاتها وی در مورد تماسش با مخالفین عرب صحبت کرده و گفته که این مخالفین به طور گاه و بیگاه به عنوان حمل کننده سلاح به قبایل غیر عرب در جنوب نیز عمل می کنند.

قشقایی در نظر داشته که به همراه مدنی دست به انتشار نشریه ای بزند و این طرح را با سیا نیز در میان می گذارد. سیا نیز به خاطر تمایلی که به داشتن امکانات نشریه ای و بیان نظریاتش در قبال جو ضد آمریکایی و حملات بر علیه آمریکا در ایران داشته، باطنا سعی نموده نه تنها خسرو قشقایی را تشویق کند، بلکه در ازای کمکی که خسرو برای چاپ و توزیع این نشریه خواستار بوده، امکان انتخاب محتوی برای نشریه را از وی جویا می شوند.

سیا از این ملاقاتها و دیدارها در پی کسب اطلاعات در موارد زیر بود:

ایل قشقایی و امکانات این ایل در مقابله با جمهوری اسلامی و احتمال استفاده از آن در موارد اضطراری با توجه به باورشان که قشقاییها تنها ایلی هستند که جدا از کردها می توانند فعالیت مخالف چشمگیری ایجاد کنند.

اطلاعاتی در مورد وضعیت امنیتی خوزستان و فارس

برنامه های سیاسی مدنی با توجه به اینکه قشقایی با مدنی تماسهای نزدیک داشته اند.

هدایت اقدامات قشقایی برای تاثیر گذاری بر جریانات مخالف (با جمهوری اسلامی). در این مورد

توصیه هایی به قشقایی می شود؛ از جمله نفوذ در جبهه ملی برای رشد میانه روهای طرفدار آمریکا و

رساندن و گزارش اطلاعات ملاقات با صدر حاج سید جوادی وزیر کشور برای اطلاع یافتن درباره

طرحهای دولت موقت برای انتخابات، ملاقات با شریعتمداری و خاقانی برای امکان یک طرح ریزی،

ملاقات با تیمسار جم به این امید که در موعد معین وی می تواند نقشی را ایفا کند. به طور کلی هدف،

استفاده از قشقایی به عنوان کاتالیزوری برای گرد هم آوردن میانه روهای طرفدار آمریکا از کلیه قشرهای

جامعه بوده است (سند مربوط به این بخش در ضمن اسناد شریعتمداری است).

سوابق قشقایی

سند شماره (۱)(۱)

خسرو قشقایی در شانزدهمین و هفدهمین دوره مجلس به عنوان نماینده شرکت داشت و مشاور

نزدیک مصدق در امور قبیله ای بود. او به همراه چند تن از برادرانش به طور رسمی از ایران تبعید شده در

ژنو زندگی می کند، گرچه در حال حاضر در آمریکا به سر می برد. او در مخالفت علیه دولت شاه بسیار

فعال است، ولی رابطه اش با اکثر گروههای موجود در ایران قطع شده است، فقط برادرش محمدحسین

اجازه دارد در تهران زندگی نماید. بنا به گزارشهای رسیده وی معتاد به مواد مخدر است.

نامه خسرو قشقایی به مصدق

خسرو قشقایی که در حال حاضر در اروپا به سر می برد نامه ای به دکتر محمد مصدق نخست وزیر

پیشین نوشته است. در این نامه او از وضع جبهه ملی اظهار نارضایتی کرده است. دکتر مصدق نیز در پاسخ

در مورد رهبران جبهه ملی اظهار ناخشنودی کرده است. خسرو قشقایی هر دو نامه را در اختیار مطبوعات

اروپایی قرار داده است.

سوابق بیوگرافیک قشقایی

سند شماره (۲)

تهران ۱۸۶ ضمیمه اخیلی محرمانه

سوابق بیوگرافیک: خسرو قشقایی

اطلاعات شخصی: تاریخ و محل تولد ۱۹۲۱، فیروزآباد، جوانترین فرزند صولت الدوله، مجرد

تحصیلات: کالج البرز، تهران

زبان: ترکی، فارسی، انگلیسی.

سوابق: ۱۹۴۱ به دوش گرفتن وظایف اداره امور قبیله قشقایی به عنوان یکی از چهار برادر مسؤول

نزد مادر خود.

نوامبر ۱۹۴۲ شرکت در کنفرانسی که از طرف کنسول انگلیس پیرامون سیاستهای کلی قبیله ای

برگزار گردید.

ژوئیه ۱۹۴۴ با دریافت سلاح و تجهیزات از طرف دولت به تعقیب و سرکوب برادرزاده فراری خود

۱- این سند بریده های خبری مخصوصی بایگانی بیوگرافیک سفارتخانه بوده است.

چنگیزخان پرداخت.

۱۹۴۷ ۴۹ نماینده مردم فیروزآباد در پانزدهمین دوره مجلس

نوامبر ۱۹۴۷ به آمریکا و سویس سفر کرد.

آوریل ۱۹۴۸ به ایران باز گشت.

۱۹۵۰ نماینده مردم فیروزآباد در شانزدهمین دوره مجلس، عضویت در کمیسیون کشاورزی

مجلس.

نکات قابل ذکر:

کمی بعد از ترک کالج آمریکایی تهران در سال ۱۹۳۹، خسروخان بر خلاف برادران دیگرش که اکثر

اوقات را در تهران می گذراندند، به اجرای وظایف قبیله ایش پرداخت و از آن زمان قسمت اعظم اوقات

خود را در استان مصروف نمود.

قبل از انتخاب شدن به عنوان نماینده در پانزدهمین دوره مجلس، فقط برای سفرهایی گاه به گاه به

تهران می آمد و در باره او خیلی کمتر از دیگر برادرانش تبلیغات می شد. در سال ۱۹۴۳ او به عنوان

فرماندار فیروزآباد انتخاب و منصوب گردید و از جمله مهمترین وظایف او تادیب رهبران جزء قبیله ای که

سر جنگ داشتند و شرکت در کنفرانسهایی بود که گاه به گاه با شرکت مقامات ارتش ایران برگزار می گشت.

در آن زمان قشقایی ها طرفدار و مورد لطف دولت مرکزی نبودند، چون قبلاً از آلمانها هواداری کرده بودند

و از خلع سلاح نمودن مردان قبیله خود امتناع می ورزیدند.

در ماه اوت ۱۹۴۴ خسرو با دریافت اسلحه و مهمات دولتی و به همراه پنجاه تن از یاران خود به تعقیب

و سرکوب برادرزاده فراری خود چنگیزخان مبادرت ورزید.

در فوریه ۱۹۴۲، خسروخان در مسئله (سمیرم) درگیر شد. در این واقعه قبیله قشقایی تحت فرمان او

به پادگان (سمیرم) حمله برده حدود صد سرباز را کشتند و فرمانده آن پادگان را اعدام کردند. در ۱۹۴۶ در

جریان جنبش ملی فارس وی در مبارزه علیه دولت شرکت جست.

در اکتبر ۱۹۴۷ پس از مشاجرات طولانی بر سر خلع سلاح نمودن افراد قبیله به او روایت آمریکا و

سویس اعطا گردید. بنا بر اظهارات محلی درباره این مسافرت، قشقایها به این کار تن دادند تا خشم شاه

فروکش نماید....

در مجلس کنونی، خسرو یکی از چهار دبیر مجلس است.

وی دارای قدی متوسط و بدنی تنومند و یک ورزشکار است، با مشخصات درشت خود شبیه

ترکهاست، موهای سیاه تیره و لبخندی دلپذیر دارد. خیلی محتاط است، همیشه طرفدار آمریکا، ضد

شوروی و بی اعتماد نسبت به انگلیس است.

گفتگو با خسرو قشقایی

۲۶ ژوئیه ۱۹۵۲ ۴ مرداد ۱۳۳۱ سزی

اطلاعات امنیتی سرویس خارجی آمریکا

دفتر وابسته نیروی زمینی تهران، ایران

یادداشت برای: آقای کومو، سفارت آمریکا

نکات مهم گفته های خسرو شامل مطالب زیرین است:

علیرضا پهلوی در ناآرامیهای روز دوشنبه حضور داشت و مشخصا دو نفر از ایرانیان را به ضرب گلوله کشت.

کمیته تحقیق، افراد مسوؤل کشتارهای دوشنبه را شناسایی و محکوم به اعدام خواهد کرد.

من از شاه متنفرم .

تمام اعضای رکن ۲ ارتش مجرم بوده و در برابر کمیته حاضر خواهند شد.

استفاده از ارتش علیه ایرانیها مغایر با اصول قانون اساسی است.

به تیمسار گارزان هفته پیش مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان پرداخت نمودم (بقیه جمله قابل تشخیص نبود).

من طرفدار آمریکا هستم.

جان ای. هینک

سرهنگ، وابسته نیروی زمینی

یادداشت دسترسی محدود

از: آقای نوردن به: آقای کومو

موضوع: گفتگو با خسرو قشقایی

شب گذشته در کوکتل پارتنی آقای ملبورن بین سرهنگ هینک و خسرو قشقایی گفتگویی انجام شد که من نیز در آن شرکت داشتم و آن را برای شما گزارش می‌نمایم.

قشقایی به گفتگو در باره احساسات مردم در باره شاه پرداخت و گفت امروز حتی یکی از عکسهای شاه را در مجامع عمومی نمی‌توانید ببینید، چون مردم آنها را پاره کرده‌اند. وی گفت حسابهایی دارد که باید با شاه تصفیه نماید، چون پدر شاه پدر وی را به قتل رسانده است، ولی شاه هنوز هم خالی از فایده نیست. درباره اینکه آیا شاه هنوز هم فرمانده کل قوا هست یا نه، نیز گفتگو در گرفت: قشقایی در این باره گفت که آمریکا کمکهای نظامی را به شاه می‌دهد نه به ایران.

بعضی از مواقع قشقایی بی‌شبهت به خط حزب توده نبود و من به همین دلیل با کمی ناراحتی از وی سؤال کردم که آیا او عضو جبهه ملی است یا خیر. وی گفت که عضو جبهه ملی می‌باشد. چون گفتگو قبل از رسیدن من شروع شده بود، اطلاعات بیشتری را می‌توانید از هینک دریافت نمایید.

سوابق قشقایی

۱۴ اکتبر ۱۹۵۲ ۱۲ مهر ۱۳۳۱ خیلی محرمانه

اطلاعات بيو گرافيك مکمل مکمل CBD سفارت که تاریخ نداشت

قشقایی، خسروخان

سوابق:

۱۹۵۰ فوریه ۱۹۵۲: نماینده فیروزآباد در شانزدهمین دوره مجلس، معاون رئیس مجلس

۲۷ آوریل ۱۹۵۲: نماینده فیروزآباد در هفدهمین دوره مجلس.

نکات مهم:

بر اساس آرائی که از طرف قبیله اش به وی داده شد، وی بی چون و چرا به عنوان نماینده مجلس

انتخاب گردید. با وجود انتقادهایی که از سیاستهای دکتر مصدق می کند، ولی دائما و آشکارا از دولت

حمایت کرده یکی از افراد با ارزش جبهه ملی به شمار می رود.

اخیرا قشقایی در مجلس سخنرانی خصمانه ای ایراد نمود و به آمریکاییها برای خرابکاریهایی که در

دولت مصدق در هنگام نخست وزیری قوام انجام داده بودند حمله کرد، ولی در دوستی او با چند تن از

اعضای سفارت آمریکا تغییری حاصل نشده است. وی گفته که سخنان وی به این منظور ایراد شده تا

آمریکا به اشتباهات خود در عدم حمایت فعالانه از دولت جبهه ملی پی ببرد. وی در مورد اعتراض خود

نسبت به هیئتهای نظامی آمریکا نیز بیشتر توضیح داده گفت که تجهیزات و افراد آموزش یافته توسط آنان

علیه منافع ایران به کار گرفته خواهند شد. ظاهرا در شکافی که بین کاشانی و مصدق به وجود آمده و هر

چه بیشتر باز می شود او تصمیم گرفته است با مصدق بماند، ولی تمایل او به دسیسه پردازی در سطح وسیع

موجب می شود که استنتاجاتی از این قبیل در بهترین حالت، ضعیف به شمار آیند. ام. آر. پریش

ملاقات قشقای با فونست نماینده کنسولی آمریکا

سند شماره (۵)

۲۸ اکتبر ۱۹۵۴ ۶ آبان ۱۳۳۳ خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران ایران به: جناب برایانت باکینگهام کنسول آمریکا در اصفهان

اداری غیر رسمی

آقای باکینگهام عزیز:

همراه این نامه متن گفتگویی را که در ملاقات اخیر با خسرو خان در شیراز انجام دادم برایتان ارسال می دارم، شاید توجهتان را جلب نماید. یک نسخه دیگر از آن را نیز در اختیار آقای کورن قرار می دهم. سفر من به فارس بسیار دلپذیر بود. صبح روز شنبه به طرف شیراز پرواز کردم. روز یکشنبه برای دیدن آثار تخت جمشید رفتم و روزهای دوشنبه و سه شنبه را در شیراز ماندم و روز سه شنبه بعد از ظهر به تهران باز گشتم.

امیدوارم که به شما و خانم باکینگهام در سفر خوش گذشته باشد. آقای گیلفیلن گفت امیدوار است که شما بار دیگر به شیراز بیایید.

من نیز از ملاقات با شما بسیار خوشحالم و امیدوارم بار دیگر با شما و خانم باکینگهام ملاقات نمایم.

ارادتمند، رابرت ال. فونست

نماینده کنسولی آمریکا

۲۸ اکتبر ۱۹۵۴ ۶ آبان ۱۳۳۳

برایانت باکینگهام، کنسول آمریکا اصفهان

رابرت ال. فونست، معاون کنسول آمریکا در تبریز

خسرو خان سفر اخیر به شیراز

در هنگام صحبت دوستانه و غیر رسمی در مورد امور کلی قبیله ای با آقای بهمن بیگی رئیس برنامه آموزشی قبیله ای اصل چهار (ترومن م) در شیراز، دریافتم که خسروخان در روز یکشنبه ۲۴ اکتبر با تیمسار عزیزی ملاقات نموده است. طبق گفته بهمن بیگی، خسروخان در حال حاضر در فیروزآباد به سر می برد.

پس از آن، آقای دونالد گیلفلین مدیر استانی اصل چهار در شیراز به من گفت که امروز بعدازظهر قرار است تیمسار عزیزی با وی دیدار نماید (۲۵ اکتبر). به گیلفلین گفتم که با لحن عادی به ملاقات خسروخان با تیمسار اشاره نماید. اطلاعات زیر توسط آقای گیلفلین پس از گفتگو با تیمسار عزیزی در اختیار این جانب قرار داده شد.

طبق گفته تیمسار عزیزی یکی از پیکهای خسروخان در روز یکشنبه، با وی تماس گرفته گفت که خسروخان در خارج شهر است و می خواهد پس از دریافت امان نامه با تیمسار گفتگو نماید. تیمسار گفت که فوراً یک ملازم فرستاد تا خسروخان را به دفترش راهنمایی نماید. تیمسار به گیلفلین گفت که خسروخان خیلی عصبی به نظر می رسد. عزیزی به خسروخان گفت که به هیچ وجه نگرانی به خود راه ندهد و دیگر اینکه خسرو می تواند آزادانه به هر کجا که می خواهد سفر نماید.

ولی تیمسار به وی گفت که بنا به خواسته دولت خسرو باید تا تاریخ معینی اینجا را ترک نماید، در غیر این صورت دستگیر خواهد شد.

وی گفت که دولت و خصوصا فرماندهی او در فارس امیدوارند که بتوانند با قبایل روابط حسنه برقرار نمایند. وی به خسرو گفت که برای قبایل مشکلی ایجاد نخواهد شد. وی به خاطر دردهایی که سال گذشته فراهم کرده بود، واجب است که اینجا را ترک گوید. به گفته گیلین، تیمسار به وی اخطار کرده است که اگر تا تاریخ تعیین شده اینجا را ترک ننماید (البته تاریخ را ذکر نکرده است) ارتش وارد شده او را اخراج خواهد کرد.

به این ترتیب اطلاعاتی که در زمینه مکالمه گیلین عزیزی به دست آورده بودم پایان می یابد. در گفتگوهای قبلی بهمین بیگی به من گفت که خسروخان دیگر از حمایت قابل توجهی در قبایل برخوردار نیست، و تنها ثروت اوست که موجب حمایت باقیمانده از وی شده است. سوابقی در مورد بهمین بیگی:

وی حدوداً ۴۰ ساله و عضو قبیله عماله است. پدرش به همراه بخشهایی از قبیله در کوهستان به سر می برد. بهمین بیگی از دانشکده حقوق دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده است. وی گرداندگی برنامه آموزش قبیله ای اصل چهار را که ظاهراً یک برنامه عالی است به عهده دارد. او ظاهراً به کارش علاقه بسیار دارد.

برای انجام یک سفر خصوصی در سال ۱۹۵۲ به مدت شش ماه در آمریکا اقامت نمود. بودجه این سفر عمدتاً توسط خسروخان تأمین می شد. او به زبان انگلیسی خوب آشنا است. می گفت چون با طرح

پارلمانی کاهش دهنده سال قبل خسرو مخالف بود او از چشم وی افتاده است، ولی اظهار می دارد که در حال ایجاد یک جبهه مخالف علیه طرح پارلمانی خسروخان است.

رونوشت به: آقای کورن

کنسول آمریکا در تبریز

آقای کومو

سند شماره (۶)

آقای کوموژوئی ۱۹۵۷ تیر ۱۳۳۶

دیشب در اقامتگاه آقای ملبورن با خسرو قشقایی و فرمانده پولارد چند لحظه گفتگو نمودم. قشقایی می گفت که چون سلاحهای آمریکایی مردم بیگناه را کشته، آمریکا نیز در این کشتار بی تقصیر نیست. پولارد خاطر نشان ساخت که همه کمکهای نظامی به دولت ایران داده شده است. قشقایی پاسخ داد که چهل سال است که در ایران یک دولت ایرانی واقعی وجود ندارد و تنها یک دولت سرویس اطلاعاتی وجود دارد که دولت سرگرد جکسون، دکتر زنر و میدل تون است. وی گفت آمریکا باید به دولت واقعی ایران کمک نماید، در حالی که سلاحها در گذشته به شاه داده شده است. وی گفت «بین من و شاه یک مسئله هست که حل نشده و من یک روز آن را حل خواهم کرد». وی گفت ایران خواستار یک شاه دموکرات است و در این لحظه من گروه را ترک نمودم.

خسروخان قشقایی

سند شماره (۷)

از: معاون ریاست بخش طرحها ۲۹ دسامبر ۵۷ دی ۳۶

یادداشت برای رئیس اداره تحقیق فدرال (اف.بی.آی) آقای : اس. جی. پاپیچ

موضوع: خسروخان قشقایی

۱ یک منبع معتبر و حساس گزارش کرده است که خواهرزاده خسروخان قشقایی یعنی امیر عبدالله قشقایی که پزشک است و در شماره یک: خیابان مین، چیشلوم، مین زندگی می کند از وی دعوت کرده است که به آمریکا سفر نماید.

۲ خسروخان قشقایی که ایرانی است در سال ۱۹۲۰ در شیراز، ایران متولد گردید. وی یکی از رهبران تبعید شده قبیله قشقایی ایران است. رهبران قشقایی به خاطر مداومت در مخالفت علیه رژیم کنونی ایران که گاه منجر به شورش مسلحانه می شد، در حدود سال ۱۹۵۴ مجبور به فرار شدند. فرد مورد بحث در حال حاضر در شهر مونیخ آلمان به سر می برد و با تمام عناصر ضد رژیم مقیم خارج در ارتباط می باشد.

۳ در صورتی که وی دعوت خواهرزاده اش را برای دیدار از آمریکا بپذیرد، این سازمان مایل است فعالیتهای وی را زیر نظر داشته و از روابط وی اطلاعاتی داشته باشد.

۴ برای حفاظت از منبع گزارشگر از شما تقاضا می شود که در گفتگوهای خود با خسرو قشقایی از وی نام نبرید.

رونوشت: به اداره مهاجرت و تابعیت وزارت خارجه.

نقشه های خسروخان

تاریخ خبر: ۶ ژوئن ۱۹۶۳ ۱۶ خرداد ۴۲ طبقه بندی: سری انتشار خارجی ممنوع

گزارش خبر اطلاعاتی وزارت دفاع محل و تاریخ کسب خبر: ۱۵ ژوئن ۱۹۶۳

تاریخ گزارش: ۱۹ ژوئن ۱۹۶۳ کشور: ایران

تهیه کننده: وابسته نیروی زمینی ایالات متحده ایران منبع: یکی از ناظران برجسته آمریکایی

مقام تصویب کننده: سرهنگ سی. ام. پوستون وابسته نیروی زمینی ایالات متحده

این گزارش حاوی اخبار بررسی نشده است طرحها و / یا سیاستها نباید صرفاً بر اساس این گزارش تهیه یا جرح و تعدیل شوند.

خلاصه مطلب: این گزارش حاوی مطالبی پیرامون وضع کنونی و نقشه های خسروخان قشقایی می باشد.

موضوع: (خیلی محرمانه) قیام نقشه خسرو قشقایی

۱ خسروخان قشقایی و مادرش در نظر دارند در آینده نزدیک آلمان را ترک نمایند، چون پاسپورت

آنها ضبط گردیده است. وی مقصد نهایی خود را فاش نمی سازد، ولی طبق اظهارات منبع گزارش دهنده وی سعی دارد به داخل ایران «نفوذ» نماید.

۲ محمد حسین در حدود یکم ژوئن در مونیخ به سر می برد. وی به سویس بازگشت و در آینده نزدیک به آلمان باز خواهد گشت.

۳ تظاهرات دانشجویی قرار است در آینده نزدیک در اروپا برگزار گردد. قرار است در هنگام این تظاهرات به سفارتهای ایران حمله شود.

۴ خسروخان مدعی است که دانشجویان ایرانی مقیم اروپا به وی ۲۵۰۰۰ دلار کمک کرده اند. وی در

نظر دارد این پول را برای خرید اسلحه استفاده کند. وی مایل است تفنگهای کالیبر ۴۵٪ (ام ۳)، تفنگهای

اتوماتیک براونینگ، موشک اندازه‌های کالیبر ۵/۳ و مواد منفجره پلاستیکی خریداری نماید. وی امیدوار است بتواند اینها را به ایران ببرد و در آنجا علیه خطوط ارتباطی به عملیات تروریستی مبادرت ورزد.

۵ وی معتقد است که ترکهای بختیاری گروه بعدی قبیله ای هستند که در نهضت مقاومت علیه دولت شرکت خواهند کرد، البته به استثناء پیروان جوانرودی.

۶ اگر بتواند وسایل تبلیغاتی لازم از قبیل رادیو، بلندگو، و تجهیزات فرستنده را به دست بیاورد، در نظر دارد به یک مبارزه تبلیغاتی به طور همزمان با حملات خود علیه خطوط ارتباطی دولت دست بزند.

۷ به گفته وی قبایل تا کنون از ارتش ایران و ژاندارمری ایران در فارس ۲۵۰۰۰ تفنگ گرفته اند.

۸ به گفته وی تفنگ ده گلوله ای انگلیسی که در فارس موجود است، از نوع تفنگهای جنگ جهانی دوم انگلیسی می باشد.

۹ در فارس هر خشاب فشنگ تفنگ ام ۱ را اینک به مبلغ ۵ تومان (تقریباً معادل ۶۶ سنت) می فروشند.

۱۰ خسروخان مدعی است که با تیمور بختیار رابطه نزدیک برقرار کرده است و آنها امیدوارند از نفوذ وی در میان افسران ارتش ایران استفاده کرده بتوانند رژیم کنونی را از بین ببرند.

اظهار نظر:

منبع اظهار می دارد که خسروخان تنها یک هدف دارد و آن سرنگون ساختن اعلیحضرت است و برای

رسیدن به این هدف، وی یک طالب بقرار عملیات چریکی شده است. منبع که اخیرا با بسیاری از قشقایها دیدار داشته به این نتیجه رسیده است که خسروخان در میان قشقایها بیش از آنچه تصور می شود مقبولیت دارد، بنا به اعتقاد وی خسروخان اطلاع نسبتا دقیق در مورد وقایع ایران در اختیار دارد. ممکن است رقم تخمین سلاحهای به دست آمده از ارتش و ژاندارمری بالا باشد، ولی غیر ممکن نیست. منابع خارجی نظامی معتبر سلاحهای از دست داده شده به وسیله ارتش را در همین حدود تخمین می زنند و اظهار می دارند که حدود ۳۴ خمپاره انداز ۲/۴ و حداقل دو کامیون حامل مسلسلهای کالیبر ۳۰/۰ که (حدود ۴۰ ۳۰ عدد می باشند) توسط آنها ربوده شده است. علاوه بر این، قبایل از طریق استقرار اردوگاههای قلبی مقدار زیادی غذا و مهمات دریافت کرده اند.

اظهار نظر:

(مقام تهیه کننده این گزارش) حتی با تخفیفهایی که در اروپا داده می شود، با ۲۵۰۰۰ دلار نخواهد توانست تعداد زیادی تفنگ اتوماتیک، بازو کا و تجهیزات مخابراتی خریداری نماید. با این مقدار خرید خسروخان خواهد توانست تعدادی از افراد را برای مدتی گول بزند و نشان بدهد که در خارج نیز از وی حمایت می شود.

هماهنگی در حوزه فعالیت: منابع کنترل شده آمریکایی (سیا)، وزارت خارجه / بخش سیاسی.

ممانعت از اعطای روادید آمریکا به قشقای

سند شماره (۹)

قشقای، خسرو خیلی محرمانه

محل اقامت در آلمان

وزارت امور خارجه درخواست کرد که به شخص مذکور در هنگام سفر شاه به آمریکا روادید آمریکا

اعطا نشود. سوابق گذشته وی نشان می دهد که در سفرهای گذشته شاه، وی ایجاد دردسر و مزاحمت می کرده است.

تلگرام تهران ۱۱۱۴.

۳ ژوئن ۱۹۶۴ ۱۳ خرداد ۱۳۴۳.

فعالیت سیاسی ایل قشقایی و تدارک نظامی اضطراری

سند شماره (۱۰)

طبقه بندی گزارش: سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالیرتبه ای در دولت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است. (۱)

کشور ایران

موضوع: فعالیت سیاسی (ایل) قشقایی و تدارک نظامی اضطراری (تاریخ خبر اواسط تیرماه ۱۳۵۸)

۱ اگر چه خسرو قشقایی از دولت موقت نخست وزیر مهدی بازرگان حمایت می کند، ولی به نظر وی

۱- منبع تمام گزارشهایی که این عبارت را در معرفی منبع داشته اند □ خود قشقایی بوده است.

اختیارات این دولت محدود و هنوز در حال تقلیل می باشند و فکر می کند ظرف سه ماه آینده بی نظمی گسترده و خشونت ممکن است از سر گرفته شود. وی بنابراین دست اندرکار تدارکاتی با سران مختلف سیاسی و نظامی در جنوب ایران و تهران است تا در صورت از بین رفتن اقتدار بیشتر دولت، از مردم قشقایی و متحدانشان محافظت شود. قشقایی تخمین می زند که نود درصد مناطقی که افراد (ایل) قشقایی در کثرت قرار دارند، از او حمایت می کنند و در بخشهای مجاور آنها در جنوب غرب ایران نیز طرفداری چشمگیری از او وجود دارد. او فکر می کند که تعداد طرفدارانش اینک به حدود پنج میلیون نفر بالغ می شوند. (توضیح حوزه فعالیت: منبع کاملاً با مقاصد قشقایی موافقت دارد و انتظار نمی رود که در مبالغاتی که خسرو قشقایی پیرامون قدرت کمی و نفوذ سیاسی ایل قشقایی داشته باشد، تصحیحی به عمل آورد).

۲ قشقاییها مشغول ایجاد تماسهایی با فرماندهی نظامی در محل و در تهران می باشند. تماسهای نزدیکی با فرماندهان واحدهای زرهی و پیاده شیراز و اصفهان برقرار است و در تهران نیز با سرلشکر ولی فلاحی فرمانده نیروهای زمینی ایران تماس وجود دارد (توضیح حوزه فعالیت منبع درباره محتوای این تماسها چیزی اظهار نداشت).

تلاشهایی برای فراهم کردن رابطهای مشابهی در نیروی هوایی صورت گرفته اند، اما عمدتاً به واسطه اضمحلال فعالیت و سازمان نیروی هوایی توسط تکنیسینهایی بنام همافر، متمرثمر نبوده اند.

۳ افراد ایل قشقایی سلاحهای جدید بیشتری دریافت می دارند. آخرین حمل ۴۰۰... و تفنگ می باشد. اکثر... قشقایی سلاحهای انفرادی می باشند، اما چند... و تعداد مسلسل و خمپاره نیز وجود دارد.

۴ به دست آمده در: ایران، تهران (۱۸ تیر ماه ۱۳۵۸).... شماره گزارش از حوزه فعالیت....

۵ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی تهران. فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره،

اسلام آباد، جدہ، کویت، کابل، کراچی،...، دہلی نو، تل آویو.

طبقه بندی گزارش: سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده، تا تاریخ ۱۸ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مامور گزارشگر ثبت شده. تمام

اجزاء گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

نظر گاههای رئیس ایل قشقایی درباره اوضاع سیاسی ایران

سند شماره (۱۱)

طبقه بندی گزارش سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده.

کشور: ایران

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان

عالیتره ای در دولت موقت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

موضوع: نظر گاههای رئیس ایل قشقایی در باره اوضاع سیاسی ایران

۱ در اواسط تیرماه ۱۳۵۸، رئیس ایل قشقایی خسرو قشقایی به یاران نزدیک خود تفسیر ذیل را از

اوضاع سیاسی در ایران ارائه کرد.

الف آیت الله روح الله خمینی با هوشترین و فردی با کمترین تمایلات ارتجاعی در مقایسه با سایر ملاحی مهم است، اما تکیه وی به اصول دینی مانع می شود که او قدرت واقعی را به دولت موقت ایران تفویض کند. او اگر هم مایل باشد چنین کند، مابقی دستگاه مذهبی از آن جلوگیری خواهد کرد. ملاحی عموماً نادان، کوتاه فکر، ظنین به یکدیگر و حسود نسبت به پیروان فردی خود می باشند. خمینی هنوز از حمایت احتمالاً ۷۰ درصد ایرانیان برخوردار است. اما این حمایت با سرعتی کاهش می یابد که در سه ماه آینده می تواند تعداد پیروان را به نصف تقلیل دهد. (توضیح حوزه فعالیت: پرسیده شد آیا قشقایی ملاحی مثل حافظ شریعتمداری (۱) را بیش از خمینی متکی به اصول می داند، منبع گفت که قشقایی، شریعتمداری را یک سیاستمدار نه یک چهره مذهبی به حساب می آورد).

ب ضعف دولت بازرگان فقط تا حدی ناشی از وابستگی آن به خمینی است. دو عامل مهم دیگر فقدان تخصص سیاسی در دولت و درگیریهای داخلی آن است که نتیجه اش این می شود که دولت موقت قدرتی را که در دست دارد اعمال نمی کند (توضیح منبع: قشقایی آن شکافهای داخلی را شرح نداد، یا زمینه هایی را که دولت برای نشان دادن اقتدار خود مغتنم نمی شمرد معرفی نکرد).

ج برای از سر گرفته شدن بی نظمی گسترده دو عامل ممکن است با هم جمع شوند. یکی تشنجات فزاینده بین گروه های سیاسی که هر یک از آنها، کم و بیش بی توجه به ایدئولوژی مقصدش رسیدن به یک انحصار قدرت است. دوم دور نمای مشکلات شدید اقتصادی می باشد. دولت همچنان تامین پروژه های خدمات عمومی را معلق گذارده، در حالی که به دنبال شواهدی از فسادهای مالی گذشته است و در نتیجه موجب افزایش بیکاری شده است. این موضوع با تغییر شکل اقتصاد محلی تشدید می شود که در آن اقتصاد مثلاً مشاهده فروش مرغهای یخزده وارداتی در دهات یک صحنه عادی شده بود. این واردات

اینک متوقف شده اند و اقتصاد محلی نه آماده است که شهرها را تامین کند نه اینکه تمام احتیاجات خود را تامین کند.

۲ به دست آمده در: ایران، تهران (۱۸ تیر ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزه فعالیت: NIT ۶۵۹/۱۰
۳ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی در تهران فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه، کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل آویو.

طبقه بندی گزارش سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار. پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده. تا تاریخ ۱۹ تیر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجزاء حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

جزئیات فنی تکمیلی سند قبلی

۱- منظور کاظم شریعتمداری بوده که اسمش را اشتباه نوشته اند.

ص: ۳۷۲

سند شماره (۱۲)(۱)

۱۹ تیر ۵۸ اطلاعاتی سّری

از: تهران ۴۹ () ۵۳

به: رئیس، رونوشت برای امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه،

کابل، کراچی، کویت، دهلی نو، تل آویو.

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعاتی اس. دی. راتر

جزئیات تکمیلی: اس. دی. راتر/۴ در ۱۸ تیر. به سازمان اطلاعاتی همکار داده نشود. بدون نام خاص

برای ثبت در فهرست بایگانی. اخذ شده توسط پکوئین. DIR به تلگرام تهران ۵۳۶۴۸ مراجعه کند که در

خط انتشار نیامده است. شماره گزارش از حوزه فعالیت ۶۵۹/۱۰ NIT طبقه بندی توسط ۱۵۳۵۶. بدون

پرونده.

فعالیت پیرامون راه اندازی یک روزنامه با کمک قشایی

سند شماره (۱۳)

۱۰ مرداد ۵۸ اعضاء سّری

از: رئیس ۴۸۶۸۳۳ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. راتر عملیات روانی

۱ اینک شش ماه از موقعی که رژیم فعلی قدرت را در ایران به دست گرفت می گذرد. امید این بود که

اگر ایرانیها برای مدتی کم و بیش به خود وا گذاشته شوند یک دولت با ثبات، میانه رو و نسبتاً طرفدار

آمریکا شاید سر بر آورد. واقعیت این طور نبوده و ما با عدم ثبات مستمر در ایران، مداخله روزافزون

شوروی در کشور مجاور افغانستان و یک بحران انرژی رو به رو هستیم. براساس این اوضاع ما

می خواهیم مکانیسمهای عملیات مخفی را به کار اندازیم تا در صورتی که از ما خواسته شد، سیاست علنی را پشتیبانی کنیم.

۲ برای شروع، ما می خواهیم امکان ایجاد یک منفذ به یک روزنامه را بررسی کنیم که بتوانیم یا مستقیماً آن را کنترل کنیم و یا حداقل جوابگوی یک خط مشی مقالات که ما دیکته خواهیم کرد، باشد. در آغاز امیدواریم که آن روزنامه حاضر باشد دخالت شوروی در منطقه را افشاء و با آن مقابله کند و به این دلیل ستاد مجوز لازم را دارد. هنگامی که ظرفیت روزنامه برقرار شد تغییر جهت آن به سوی سیاست محلی در صورتی که چنین درخواستی به سیا تحمیل شد، باید کار نسبتاً ساده ای باشد.

۳ در مورد اینکه جستجو برای چنین روزنامه ای چگونه شروع شود، فوراً نام اس.دی.راتر/۴ به ذهن می آید. در ماه فوریه (بهمن ۵۷) ر/۴ به ما گفته بود که در نظر دارد یک نشریه هفتگی برپا کند و از کمک مخفی آمریکا استقبال می کند. جواب ستاد این بود که اطلاع داد در حالی که تردید داریم چنین فکری به خودی خود چندان جالب باشد، ما باید به جزئیاتی که ر/۴ داده شد که گفت جزئیات را در یکی از جلسات آینده خواهد داد. در آوریل (فروردین) ر/۴ گفت که او و دریادار مدنی در نظر داشتند چند نشریه هفتگی محلی را برپا کنند و برای این منظور ۲۰ میلیون ریال جمع آوری کرده بودند. متکی به اصول می داند، منبع گفت که قشقایی (اردیبهشت) قرارگاه گزارش داد که ر/۴ گفته او و مدنی حدود یک ماه دیگر

یا همین حدود یک نشریه هفتگی برپا خواهند کرد.

۴ از قرارگاه خواسته می شود در ملاقات آینده از ر/۴ در باره وضع نشریات خود سؤال کنند. از آنجایی که ر/۴ فرد با هوشی است، تصور می کنیم که باید در رابطه با علت مطرح کردن این مسئله صادق باشیم یعنی بگوییم با آنکه هنوز خط مشی بی جهت در گیر شدن در تبلیغات در ایران تصویب نشده، ما می خواهیم قضیه را کاملاً تحقیق کنیم، تا بتوان قضاوت کرد چه اقدامی در صورتی که لازم بود باید اتخاذ شود. ما به هر نشریه ای که دارد انتشار می یابد یا قصد انتشار آن هست، در موارد ذیل علاقه داریم: تیراژ، گروه مورد هدف، طرحهای انتشار، جهت گیری مقالات، نوع و اندازه سانسور دولتی و شیوه تأمین مالی. در صورتی که ر/۴ مسئله کمک مالی از ما را، مطرح کرد، لطفا تخمینهایی از اینکه احتیاجات او چه خواهند بود و در عوض تمایل او امکان چه مشارکتی از جانب ما در انتخاب محتوی فراهم خواهد شد ارائه کنید.

۵ به علاوه سؤال از ر/۴ درباره روزنامه خودش، همچنین از شما درخواست می شود از او بپرسید. آیا از وجود سایر نشریاتی که امکان دارد نسبت به کمک مخفی از جانب ما موافق باشند اطلاع دارد. در جنب مورد ایران، علاقه مند به چنین نشریاتی در اروپا که خوانندگان وسیعی بین ایرانیهای آنجا دارند می باشیم.

۶ از نظریات قرارگاه استقبال می کنیم.

۷ پرونده: ۰۶۳۵۲۷ تا تاریخ ۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

نمرات و نظریات درباره گزارشهای قشقای

سند شماره (۱۴)

۲۷ مرداد ۵۸ تلگرام غیر فوری سری

از: واشنگتن ۴۹۷۷۱۱ به: تهران

۱ در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای ماه ژوئیه که در اینجا ذکر شده اند می آید. این گزارشها در ۲۴ مرداد ۱۳۵۸ مرور شدند. (۱)

(هدف) NIT ۶۵۸/۱۰ S.۱.B بدون TDFIRDB ۷۹۱۲۲۷۱/۳۱۵ OPACT.

نمره: ۵ (یک جانبه) اس. دی. راتر/ ۴ سری / با تمام کنترلها

انتشار در ۱۹ تیر ۱۳۵۸

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است گزارشها

«فعالیت سیاسی (ایل) قشقایی و تدارک نظامی اضطراری» (۲).

نظریه: با آن توضیحاتی که حوزه فعالیت در پاراگراف یک درج کرده مبنی بر اینکه تخمین های اس. دی.

راتر/ ۴ در باره قدرت کمی و نفوذ سیاسی احتمالاً مبالغه آمیز است موافقیم، ولی خود گزارشگری راجع به

ایل قشقایی منحصر به فرد است. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد نیروی

زمینی استفاده شد.

(هدف) S.۱.B

۱- از این سند فقط دو مورد که مربوط به خسرو قشقایی بودند ارائه شده و بقیه موارد در جاهای مناسب خود خواهند آمد.

۲- سند شماره ۱۰ پرونده قشقایی.

OPACT۷۹۱۲۲۶۷/۳۱۵ TDFIRDB بدون NIT ۶۵۹/۱۰

نمره: ۵ (یک جانبه) اس.دی.راتر / ۴ سری / با تمام کنترلها انتشار در ۱۹ تیر ۱۳۵۸،

«نظرگاه های رئیس ایل قشقایی در باره اوضاع سیاسی ایران». (۱)

نظریه: ما ارزش این را که اس.دی.راتر / ۴ سعی داشته یک تصویر واقع بینانه از صحنه سیاسی سیاسی

ایران ارائه دهد درک می کنیم، و همچنان خواهان نظرگاه های وی هستیم.

فعالیت سیاسی و نگرانیهای امنیتی استاندار خوزستان مدنی

سند شماره (۱۵)

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ قشقایی که آشنایان

عالیرتبه ای در دولت موقت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

کشور: ایران

موضوع: فعالیت سیاسی و نگرانیهای امنیتی استاندار خوزستان مدنی

(تاریخ خبر: اواسط شهریور ۱۳۵۸)

۱ تا اواسط شهریور ۱۳۵۸، آیت الله محمدحسین بهشتی و آیت الله حسن لاهوتی سعی داشته اند

آیت الله روح الله خمینی را متقاعد کنند که می توان عدم کارایی دولت موقت ایران را با انتصاب دریادار

محمد مدنی به جای نخست وزیر مهدی بازرگان علاج کرد (توضیح منبع: خمینی اگر تصمیمی گرفته باشد

هنوز معلوم نشده، ولی شواهدی وجود دارند حاکی از اینکه خمینی از موفقیت مدنی در مهار کردن

نارضاییهای اعراب در خوزستان راضی می باشد، (توضیح حوزه فعالیت: یک منبع قابل اطمینان در ۱۵

شهریور اظهار داشت که عموماً تصور می شود که بهشتی شخصا با مدنی خصومت دارد).

۲ خسرو قشقایی رئیس ایل قشقایی به دریا دار مدنی توصیه کرده است که یک کودتای نظامی علیه

خمینی و دولت بازرگان را رهبری کند. مدنی جواب داد که چنین حرکتی در این موقع زود است. در این

زمینه وی به ادامه ضعف نیروهای مسلح اشاره نمود.

۳ مدنی عمیقاً نگران وضع امنیت استان خوزستان است. اگر چه فعالیت ناراضیان عرب در چند هفته

گذشته تقلیل یافته، ولی مدنی شواهدی در دست دارد مبنی بر اینکه فعالیت تشکیلاتی بین اعراب سرعت

فراوانی یافته است (توضیح حوزه فعالیت : منبع تفصیلی در باره این موضوع نداشت).

۴ به دست آمده در: ایران، تهران (۱۴ شهریور ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزه فعالیت ۷۱۵/۱۰

.NIT

۵ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه تهران (فقط برای کاردار) فرستاده شد به: امان، بیروت، قاهره،

اسلام آباد، جده، کراچی، کویت، دهلی نو،.... تل آویو، (فقط برای کارمندان اصلی).

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. غیر قابل رویت برای

بیگانگان غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

۱- سند شماره ۱۱ پرونده قشقایی.

تهیه کننده. تا تاریخ... در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مامور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

فعالیت تشکیلات نظامی و سیاسی ایل قشقایی

سند شماره (۱۶)

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالی رتبه ای در دولت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است. کشور: ایران

موضوع: فعالیت تشکیلات نظامی و سیاسی ایل قشقایی (تاریخ خبر: اواسط شهریور ۱۳۵۸)
۱ به گفته رئیس ایل قشقایی خسرو قشقایی، این ایل و متحدانش در فارس و استانهای مجاور مجموعاً ۲۰۰۰۰ سلاح سبک در اختیار دارند. این سلاحها تقریباً فقط از نوع تسلیحات انفرادی می باشند، هر چند که چند خمپاره و مسلسل سبک نیز در این میان یافت می شود (توضیح حوزه فعالیت: احتمالاً در تعداد سلاحهای سبک مبالغه شده است. برای داشتن اخبار قبلی از همین منبع در باره فعالیت

(ایل) قشقایی مراجعه کنید به گزارش TDFIRDB ۷۹۱۲۲۷/۳۱۵ و ۶۵۸/۱۰ - NIT فعالیت

تشکیلاتی برای تسهیل استفاده از این قوا بخوبی پیش رفته است و خسرو قشقایی معتقد است که می تواند ظرف سه روز تا ۲۰۰۰۰ نفر از افراد قشقایی و قبایل متحد را به تهران انتقال دهد. سازماندهی جوانب تدارکاتی و ترابری چنین انتقالی به این بهانه اعمال می شود که ایل قشقایی شاید ناچار شود در مقابل یک

خطر برای آیت الله روح الله خمینی عکس العمل نشان دهد. در واقع، (ایل) قشقایی می خواهد آماده باشد تا هنگامی که مناسب بود برای سرنگونی خمینی قوای نظامی در اختیار گذارد.

۲ برنامه سیاسی نیروهای قشقایی وفادار به خسرو قشقایی خواهان همبستگی رابطهای خود در ارتش ایران است، آنها همچنین به دنبال برقراری اتحادی با سیاستمداران دنیوی (غیر دینی) مثل گروه جوان جبهه ملی می باشند (توضیح منبع: خسرو قشقایی بسیار تحت تاثیر سید جوادی است و فلسفه سیاسی وی را منطبق با منافع افراد قبایل و ملت ایران می داند..... رژیم را در نظر خود دارد که در خط مشی، مشابه رژیم نخست وزیر.... مصدق باشد.) نخست وزیر سابق.... بختیار اخیرا اقدام به تماس با.... کرده است.... فکر می کند که صلاح نیست با بختیار.....

۳ (توضیح حوزه فعالیت: منبع یکی از حامیان خسرو قشقایی است. برای ما امکان نبوده که صحت... وی را مبنی بر اینکه عملاً تمام ایل قشقایی به خسرو وفا دارند را تأیید کنیم).

۴ به دست آمده در: ایران، تهران (۱۴ شهریور ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزه فعالیت: NIT -

۵ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه تهران (فقط برای کاردار) فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره،

اسلام آباد، جدّه، کراچی، کویت، تل آویو، (فقط رؤسای هیئت های نمایندگی)

طبقه بندی گزارش سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده تا تاریخ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزاء گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

کوششهای بختیار برای جلب حمایت میانه روها در ایران

سند شماره (۱۷)

طبقه بندی گزارش: سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده

کشور: ایران

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان

عالیرتبه ای در دولت موقت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

موضوع: کوششهای بختیار برای جلب حمایت میانه روها در ایران

(تاریخ خبر شهریور تا اواسط مهر ۱۳۵۸)

۱ خسرو قشقایی رئیس ایل قشقایی تعدادی پیام کتبی و شفاهی از شاهپور بختیار دریافت داشته

است. منظور از این پیامها جلب حمایت قشقایی از کوشش بختیار برای ایجاد رژیم جانشین رژیم اسلامی

آیت الله روح الله خمینی می باشد. (توضیح منبع: قشقایی اظهار داشت که آخرین یادداشت بختیار در هفته

اول ماه اکتبر ۹ الی ۱۶ مهر به دستش رسید).

۲ در ارتباطات بختیار با قشقایی ادعا شده که روحانیون میانه رو منجمله آیت الله کاظم شریعتمداری

و عناصری در ارتش از تمام مراتب گروه افسران قول حمایت داده اند. بختیار همچنین ادعا کرد از حمایت

تمام اقلیتهای قومی و مشخصا اعراب ایران برخوردار است.

(توضیح منبع: قشقایی گفت که شریعتمداری را از لحاظ سیاسی زیرک تر از آن می داند که تعهدی به برنامه بختیار داده باشد. وی گفت که درباره صحت دعاوی بختیار پیرامون حمایت از وی در ایران تردید دارد و فکر می کند که بختیار با تمایل معمول تبعیدیان که پیرامون حمایت جزئی (از خود) در کشور مبالغه می نمایند این حرف را زده است).

۳ بختیار پیشنهاد کرده حمایت مالی «نامحدود» در اختیار ایل قشقایی بگذارد. او تضمین کرده فوراً تا ۵۰۰ میلیون ریال (حدوداً ۵/۴ میلیون دلار نرخ بازار آزاد) تهیه کند.

(توضیح منبع: قشقایی گفته است که در مورد پیشنهاد کمک مالی مثل دعاوی بختیار پیرامون حمایت از خود در ایران شک دارد. (۱))

نمرات و نظریات سیا در مورد گزارشهای قشقایی

سند شماره (۱۸)

۲۰ مهر ۵۸ تلگرام غیر فوری

از: واشنگتن ۵۳۱۲۰۰ به: تهران

موضوع: هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. نمرات و نظریات برای گزارشها.

۱ در ذیل نمرات و نظریات مربوط به گزارشهای NIT ۷۱۰/۱۰- الی NIT ۷۲۰/۱۰ ماه سپتامبر که

۱- ادامه این سند هنوز به دست نیامده است

در ۱۸ مهر ۱۳۵۸ مرور شدند می آید. (۱)

(هدف): S.1.B: نمره: ۵

شماره گزارش از حوزه فعالیت OPACT، -NIT ۷۱۳/۱۰ اس. دی. راتر

شماره انتشار: ۷۹ ۳۱۵/۱۵۶۱۰/۱۵ TDFIRDB، شهریور ۱۳۵۸.

یک جانبه: منبع اس. دی. راتر/۴، با تمام کنترلها

موضوع: «فعالیت تشکیلاتی نظامی و سیاسی ایل قشقایی» (۲)

نظریه: علاقه مداومی به گزارشهای مربوط به ایل قشقایی، تشکیلات دسته بندیها، رؤسا،

وفاداریهایشان، دریافت تسلیحات و فعالیت آنها وجود دارد. به گفته اس. دی. پیر/۱ قشقایها تنها ایلی

هستند که می توانند فعالیت مخالف چشمگیری ایجاد کنند (جدا از کردها): او بختیارها را به حساب

نمی آورد. از گزارش در خلاصه مخصوص دستیار اطلاعاتی رئیس ستاد استفاده شد.

هدف: S.1.B: نمره: ۵

شماره گزارش از حوزه فعالیت: OPACT، -NIT ۷۱۵/۱۰

شماره انتشار: ۷۹ ۳۱۵/۱۵۵۹۵/۱۵ TDFIRDB

۱۵ شهریور ۱۳۵۸

یک جانبه، منبع اس. دی. راتر/۴، با تمام کنترلها

موضوع: «فعالیت سیاسی و نگرانیهای امنیتی استاندار خوزستان مدنی» (۳)

نظریه: علاقه مداومی به گزارشهای مربوط به مدنی و مواضع چهره های اصلی نسبت به وی وجود دارد. ما

علاقه مندیم گزارشهای تکمیلی درباره شواهدی که در دست مدنی قرار دارند، حاکی از اینکه فعالیت

تشکیلاتی بین اعراب به مقدار فراوانی افزایش یافته است. داشته باشیم. از گزارش در خلاصه مخصوص

ملاقات با قشایی

سند شماره (۱۹)

از:.....به:.....

عطف به : الف. تهران ۵۴۴۷۳ (NIT-۷۶۷/۱۰-)، ب. تهران ۵۴۴۷۲ (۴-)(NIT-۷۶۸/۱۰)، ج. تهران

۵۴۱۴۴

موضوع :.....اس. دی. راتر

۱ در ملاقات ۲۱ مهر، اس. دی. راتر/۴ (ر/۴) گفت که افرادش با مخالفین عرب تماس دارند. این

مخالفین حداقل به طور گاه و بیگاه به عنوان حمل کننده تسلیحات به قبایل غیر عرب واقع در جنوب نیز

عمل می کنند، او گفت که می خواهد در... به ما کمک کند، اما در موقعیتی نیست که واسطه..... شود.

۳/۴ همچنین انتظار دارد این هفته با مصطفی چمران، ملاقات کند (احتمالات این کار وابسته به

۱- ۱ رجوع شود به پاورقی سند شماره ۱۴

۲- سند شماره ۱۶ پرونده قشایی.

۳- سند شماره ۱۵ پرونده قشایی.

۴- ۷۶۸/۴-۱۰/NIT سند شماره ۱۷ پرونده قشایی می باشد.

زمان بازگشت چمران از کردستان می باشد). ما خواسته های اطلاعاتی خود در رابطه با ارتش و سازمان اطلاعاتی و شناخت فردی را تحمیل کردیم.

۴/۴ چنان که طبق معمول پرسید او و افرادش چه باید بکنند ما، طبق معمول جواب دادیم که نواقص زندگی تحت حکومت خمینی هر چه می خواهد باشد، ما قصد نداریم مشوق هرگونه فعالیتی باشیم که نتیجه نهایی آن به خوبی ممکن است... (۱)

اظهارات قشقایی درباره مقامات عالی رتبه ایرانی و فعالتهای سیاسی ایل قشقایی

سند شماره (۲۰)

طبقه بندی گزارش: سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده

کشور: ایران

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از روسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان عالی رتبه ای در دولت موقت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

موضوع: اظهارات خسرو قشقایی درباره مقامات عالی رتبه ایرانی و

درباره فعالیت سیاسی ایل قشقایی (تاریخ خبر اواخر مهر ۱۳۵۸)

۱ رئیس ایل قشقایی، خسرو قشقایی در اواخر مهر ۱۳۵۸ اظهار داشت که از پنج نفر از با نفوذترین

افراد شخصی (غیر روحانی و نظامی) او فقط یکی از آنها را یک انقلابی قطعی به حساب می آورد، این فرد

مصطفی چمران وزیر دفاع می باشد. (توضیح منبع: قشقایی گفت که حدوداً ده سال می شود که چمران را

ندیده است و نمی تواند یقین داشته باشد که شور ایدئولوژیکی وی در ضمن این مدت برجا مانده است).

قشقایی گفت که ابراهیم یزدی وزیر خارجه، صادق طباطبایی معاون نخست وزیر و صادق قطب زاده مدیر رادیو تلویزیون ملی ایران ماهیتاً فرصت طلبهایی هستند که بیشتر نگران دستیابی به قدرت و اعمال قدرت می باشند، تا آنکه برای تحول جامعه براساس یک برنامه سیاسی منسجم نگرانی داشته باشند. قشقایی نسبت به قطب زاده تنفر خاصی اظهار داشت. او قطب زاده را فردی دانست که حاضر است خود را به هر کس که تجملات و مداخل مورد آرزوی وی را تهیه کند بفروشد.

۲ درباره یزدی، قشقایی گفت که وی از قطب زاده پیچیده تر و بسیار مصمم است و قطعاً یک ایدئولوگ انقلابی نیست. خسرو گفت که به نظر او طباطبایی فردی است که به اندازه دیگران انگیزه اش منفعت شخصی است، وی گفت که وزیر کشور هاشم صباغیان را یکی دیگر از با نفوذترین افراد شخصی در دولت به حساب می آورد و فکر نمی کند که او مثلاً از یزدی انقلابی تر باشد، خسرو افزود که تمام این پنج مقام را برای موقعیتهای ذی نفوذ کلاً وابسته به آیت الله روح الله خمینی می داند و گفت که اینها به عنوان افرادی که مدتهای مدیدی در تبعید بوده اند طرفداران شخصی در ایران ندارند.

۳ قشقایی گفت که وی به فراهم کردن رابطهای برای ایل قشقایی در بخشهای مختلف کشور ادامه می دهد. او ادعا کرد که بین افسران مشغول به خدمت و بازنشسته محترم رابطهای جدیدی پیدا شده اند. وی گفت که تماسها با رئیس ستاد نیروهای زمینی ولی فلاحی ادامه دارند و منظور از این مناسبات آماده

۱- این سند از تکه های باقی مانده در دستگاه پودر کن بوده و قسمتهایی از آن نابود شده که بجای آنها نقطه چین گذارده شده است.

شدن برای موارد اضطراری مثل مرگ یا ناتوانی خمینی است. قشقایی گفت که فلاحی هیچ گاه صریحا اظهار خصومت با خمینی و اسلوب اسلامی حکومت نداشته است.

۴ قشقایی گفت که دولت موقت بدون سر و صدا، اما به طور رسمی دستورهایی را که برای خلع سلاح قبیله قشقایی داده شده بودند لغو کرده است. او گفت که پس از انتشار این دستور، نامه ای به قم نوشته و بحث کرده بود که بهترین راه تأمین امنیت منطقه قشقایی دادن اجازه داشته سلاح به افراد ایل بود. به گفته قشقایی، شورای انقلاب در اواسط شهریور به دولت موقت دستور داد قصد اعلان شده خود برای اقدام به خلع سلاح (ایل) قشقایی را دنبال نکند (توضیح منبع: قشقایی تخمین زد که بیش از ۲۰ درصد افراد ایل قشقایی راضی نمی شدند که بدون درگیری سلاح خود را رها کنند). (توضیح حوزه فعالیت: قشقایی شاید به فعالیتی که برای اعاده سلاحهای غیر مجاز توسط دادستان انقلاب اسلامی اعلان شد اشاره داشته است. این افراد به دنبال خشونتی که پس از تعطیلی روزنامه لیبرال آیندگان در اواخر مرداد ماه روی داد انجام گرفت).

۵ به دست آمده در: ایران، تهران (۲۱ مهر ۱۳۵۸ شماره گزارش از حوزه فعالیت NIT ۱۰/۷۶۸-).

۶ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی در تهران، فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه، کراچی، کویت، دهلی نو.

طبقه بندی گزارش: سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای مشاوران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده

تا تاریخ ثبت ۲۲ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده تمام اجزاء

گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند.

اظهارات قشقایی درباره ملاقاتش با خمینی و تحولات سیاسی اخیر

طبقه بندی گزارش: سرّی هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده.

منبع: یکی از اعضای ایل قشقایی است که مورد اعتماد یکی از رؤسای بزرگ ایل قشقایی که آشنایان

عالیرتبه ای در دولت موقت ایران دارد می باشد. قابلیت اطمینان به گزارشهای وی مشخص نشده است.

موضوع:... رئیس ایل قشقایی درباره ملاقاتش با خمینی... تحولات

سیاسی اخیر (تاریخ خبر اوایل آبان ۱۳۵۸)

۱ رئیس ایل قشقایی خسرو قشقایی در اوایل آبان ۱۳۵۸ اظهار داشت که با پیشقدمی خود در ۳ آبان،

یک ملاقات خصوصی با آیت الله روح الله خمینی داشت. وی گفت که در یک تلگرام به خمینی برای

درخواست ملاقات وی به رفتار بعضی از روحانیون اشاره کرده بود و طی این ملاقات به این موضوع

پرداخته بود. وی گفت که خمینی گوش فرا داد و ضمن این ملاقات صمیمی بود، اما به شکایات جواب نداد.

(توضیح منبع: قشقایی نگفت که چه موارد به خصوصی را به خمینی ارائه کرده بود. خمینی به اوضاع

خوزستان اشاره نمود و از دریا دار مدنی بابت کارش در آنجا تمجید کرد. او از قشقایی خواست که قوای

ایل خود را صرف کمک به مدنی در کنترل وضع امنیت در خوزستان نماید (توضیح منبع: مدنی با خمینی

در ۲ آبان ملاقات کرده بود).

۲ به گفته قشقایی، خارج کردن پاسداران انقلاب از بندر انزلی به دنبال ناآرامیهای اخیر در آنجا به دستور مدنی بوده است. او گفت که این رویداد ناراحتی رهبری پاسداران از مدنی را که قبلاً قیود سختی برای فعالیت پاسداران در خوزستان اعمال کرده بود تشدید کرد. (توضیح منبع: به نظر می رسد که قشقایی این طرز تلقی را دارد که وزیر دفاع مصطفی چمران نیز با مدنی خصومت دارد، اما شاهی در تأیید این مدعا ارائه نکرد). (توضیح حوزه فعالیت: بندر انزلی، بندر پهلوی سابق، پس از درگیریهای بین ماهیگیران و مقامات انقلاب تحت کنترل نیروی دریایی بود. خارج کردن پاسداران انقلاب در مطبوعات گزارش شد....(۱))

جزئیات فنی تکمیلی سند قبلی

سند شماره (۲۲)

۸ آبان ۵۸ اطلاعاتی

از: تهران ۵۴۶۰۳

به: رئیس رونوشت برای امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه، کراچی، کویت، دهلی نو، تل آویو

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اطلاعاتی

جزئیات تکمیلی: اس. دی. راتر ۴/ در... اکتبر، برای اختفای منبع تاریخ دستیابی تغییر داده شد. به

رابطهای سازمان اطلاعاتی همکار داده نشود. بدون پرونده به دست آمده توسط پکوئین، شماره گزارش از

حوزه فعالیت ۱۰۷۹۰ (۲) NIT

متن نوشته اهرن در مورد خسرو قشقایی

سند شماره (۲۳)

اس. دی. راتر ۴/ خسرو قشقایی، رهبر قبیله قشقایی در شیراز زندگی می کند. وضعیت تأهل را نمی دانم. سنش حدود ۵۵ ۵۰ سال است. قبل از انقلاب در آلمان غربی و آمریکا اقامت داشت. تقریباً هر سه یا چهار هفته یک بار در تهران با وی ملاقات می شد یا در هتلش و یا اینکه به وسیله ماشین او را در خیابان سوار می کردیم از هتل شرایتون واینتر کنتینانتال استفاده می شد.

هدف از تماس:

الف برای تهیه منابع خبرهایی در مورد عربهای خوزستانی که شامل سازماندهی و تشکیلات و رهبری آنها و هرگونه دخالت و حمایت از جانب عراق می باشد.

ب اطلاعاتی در مورد وضعیت امنیتی در مورد استانهای فارس و خوزستان

ج برنامه های سیاسی دریادار مدنی.

در مورد قسمت الف در ماه مهر قشقایی گفت که به او در مورد دو عرب خوزستانی که حرفه شان

قاچاق بود که احتمالاً می توانند اطلاعاتی خواسته شده را تهیه نمایند خبر داده شده است. قشقایی قرار

بود اسامی و سایر مسائل مهم را در مقالات ماه آبان باطلاع برساند.

۱- قسمتهایی از صفحه اول و تمامی صفحه دوم آن هنوز به دست نیامده است.

۲- از شکل برش و رنگ نوشته این سند و مقایسه آن با سند قبلی چنین می نماید که جزئیات مربوط به همان سند را شرح می دهد.

در مورد قسمت ب آقای قشقایی اطلاعاتی هم در مورد کوششهایش در حفظ انقلاب از خطرها و هم نسبت به جلوگیری از استقرار پاسداران و کمیته ها در میان مردم قشقایی برای ما تهیه نمود. وی کوششهایش را در مورد به دست آوردن دوستان برای قبیله قشقایی در میان افسران ارتش و شخص دریادار مدنی برای ما تشریح کرد.

در مورد قسمت ج آقای قشقایی علاقه مدنی را برای رئیس جمهور شدن تحت قانون اساسی جدید برای ما توصیف کرد.

آقای قشقایی در مورد هفته نامه ای که وی و دریادار مدنی مشترکاً می خواسته اند ایجاد کنند توضیح داد. اغلب خبرهای مربوط به ادامه تأخیر در انتشار هفته نامه بود که در وهله اول به خاطر نبودن فرد در نظر گرفته شده برای سردبیری هفته نامه در ایران بود (اسمش را نمی دانیم). هفته نامه قرار بود در تهران در تیراژ ۷۰۰۰۰ چاپ شود به طور کلی ماعلاقه مند بودیم که از مطبوعاتی که دنبال توسعه حمایت از انقلاب و اگر ممکن باشد دنبال رفع اختلاف بین ایران و آمریکا باشند حمایت نماییم، اما تا تاریخ ۱۳ آبان هیچ گونه حمایتی در مورد این هدف نه پیشنهاد و نه درخواست شده بود. حقوق پرداختی به نامبرده: هیچ. یک ویزای آمریکا برای خواهر آقای قشقایی گرفته شد.

متن اظهارات اهرن در مورد خسرو قشقایی

سند شماره (۲۴)

متن اظهارات اهرن در مورد خسرو قشقایی

اسم: خسرو قشقایی

اطلاعات:

۱ راجع به موقعیت و مسائل گروههای عرب در خوزستان که مخالف دولت هستند.

۲ راجع به موقعیت گروهها و ایلهای محلی موجود

اسم رمز اس. دی. راتر ۴/

پول نمی گرفته است، ولی می دانسته که با یک مأمور سیا تبادل اطلاعات می کرده است.

سؤال: آیا مطالبی را که در آخر جلسه قبل مطرح شد در ارتباط با فکر کردن بیشتر و به خاطر آوردن

مطالب بیشتری درباره منابع به خاطر داری؟

جواب: یک مقدار مطالب جدیدی به خاطر آمده است که عبارتند از:

۱ اس. دی. راتر ۴/ یک مسئله که یادم رفته بود در ارتباط با این فرد گوشزد نمایم این است که در

جلسات گفتگویی که با وی داشتم او مطرح کرد که در نظر دارد یک روزنامه چاپ نماید و در دو یا سه

جلسه گفتگو او اظهار امیدواری زیادی می کرد که این کار را انجام بدهد. قبل از اینکه من به تهران بیایم در

واشنگتن، سیا نسبت به مطالبی که اکثرا در روزنامه های ایرانی به چاپ می رسد که تماما بر خورد نمودن به

آمریکا و حمله نمودن به دولت آمریکا و نقش سیا و مقولاتی از این قبیل می باشد، نگران بوده و سعی

داشتیم که کاری در مقابل این حملات ضد آمریکایی که اکثرا بدون دلیل و سند و مدرک بوده است، انجام

دهیم و مرکز به من گفته بود که در این جهت سعی شود کاری انجام پذیرد. قرار بود این کار از طریق انتشار

یک روزنامه که اهداف زیر را در برداشته باشد انجام پذیرد:

۱ سعی در تشویق بیشتر مردم در ارتباط با داشتن یک حکومت و دولت دمکراتیک و تأیید روی این

مسئله که ما خواستار دمکراسی بیشتری هستیم.

۲ سعی در تشویق بیشتر سردبیران و مقاله نویسان برای نوشتن مقالات راجع به منافع مشترک و

درازمدت ایران و آمریکا و ترویج نمودن این عقیده و علاقه مندی در بین مردم.

سؤال: کار شما در این زمینه تا به کجا پیشرفت داشته است؟ جواب: در آخرین جلسه ای که با وی

داشتم توضیح داد که علت عقب افتادن این برنامه مسافرت فردی است که قرار است سردبیری روزنامه را

به عهده بگیرد. او هم چنین توضیح داد که از طرف مقابل در تماس تلفنی که با وی داشته است شنیده که

قرار است به زودی به ایران بازگردد.

سؤال: آیا این مطلب را شما از وی خواسته اید که انجام بدهد؟ جواب نه، خود ایشان علاقه مند به انجام

چنین کاری بودند و ما هم سعی در تشویق ایشان داشتیم.

توضیح اسناد مربوط به سنجابی و فروهر

اسناد نشان می دهند که سیا علاقه مند به گفتگو با سنجابی بوده منوط بر اینکه پس از این ملاقات وی تقاضای ملاقات با شورای امنیت / کاخ سفید نداشته باشد. سیا با هماهنگی با وزارت خارجه قصد داشته که یکی از مأموران خود را تحت پوشش مقام بلند پایه اطلاعاتی متخصص در امور ایران به ملاقات با وی بفرستد. اما با توجه به وضع مزاجی سنجابی تا ۲۰ شهریور این ملاقات صورت نگرفته بود. تاریخ تلگرام بعدی در مورد سنجابی ۸ آبان می باشد. و با توجه به اینکه اسناد مرجع سند فوق به دست نیامده، صورت گرفتن یا نگرفتن این ملاقات معلوم نشده است. اسناد این بخش همچنین نشان می دهند که سام سنجابی پسر کریم واسطه سیا با پدرش بوده و خود از رابطه بسیار نزدیکی با سیا برخوردار بوده است.

تمایل ملاقات ستاد مرکزی سیا با سنجابی

سند شماره (۱)

۹ مرداد ۵۸ اعضاء سرّی

از: رئیس ۴۸۶۰۱۴ به: فوری به بخش خارجه / سانفرانسیسکو رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۰۷۷

۱ ستاد مرکزی علاقه مند به گفتگو با کریم سنجابی است منوط بر آنکه سنجابی پیشنهاد جداگانه ای برای ملاقات با شورای امنیت کاخ سفید نداشته باشد، چون آن گاه دوباره کاری خواهد شد. وزارت خارجه را از ورود سنجابی مطلع کرده و هماهنگی مقدماتی در رابطه با ملاقات با او را برقرار نموده ایم، وزارت خارجه از طرحهای سنجابی برای مسافرت به ایالات متحده جهت درمان پزشکی بی اطلاع بود.

۲ در رابطه با هویت آن مأمور ستاد که در شرکت خواهد کرد بعداً اطلاع خواهیم داد. (آن مأمور اداری) عنوان پوششی مقام بلندپایه اطلاعاتی متخصص در مورد ایران خواهد بود. با محل و زمان بندی پیشنهاد شده در پاراگراف ۲ تلگرام مرجع موافقیم.

۳ پرونده: ۹۶۱۴۴۰۲۰۱، تا تاریخ ۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سَری

اطلاع راجع به تابعیت یزدی

سند شماره (۱) الف

از: تهران ۵۳۸۷۹ سَری ۱۸ مرداد ۵۸ اعضاء

به: با حق تقدم به بخش خارجی سانفرانسیسکو رونوشت با حق تقدم برای رئیس.

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: بخش خارجی / سانفرانسیسکو.؟؟ ۲۵

۱ ما هم معتقدیم که سنجاییها احتمالاً از اطلاع راجع به تابعیت یزدی جهت بی حیثیت کردن او

استفاده خواهند کرد. این خلاف درک قرارگاه و هیئت نمایندگی از اهداف ما در رابطه با دولت موقت است

و به نظر ما شایسته نیست اطلاع صرف نظر از منشاء آن در اختیار کسی گذاشته شود.

۲ پرونده:..... ۲۰۱۰۹۶ تا تاریخ ۱۸ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سَری

پاسخ رد سیا به درخواست سنجایی

۱۹ مرداد ۵۸ اعضاء سزى

از: رئيس ۴۹۲۹۰۶ به: با حق تقدم به بخش خارجه / سانفرانسیسكو رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف تهران ۵۳۸۷۹ ب بخش خارجه / سانفرانسیسكو ۲۵۱۴۰

۱ با تلگرام مرجع الف در رابطه با مصلحت نبودن تأمین درخواست سنجابی توسط سیا موافقیم.

پایگاه نباید خود را در مقام کمک به سنجابی در این مورد قرار دهد.

۲ پرونده: ۲۰۱ ۹۶۱۴۴۰ تا تاریخ ۱۹ مرداد ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سزى

سام سنجابی (پسر کریم سنجابی) و سیا

۲۰ شهریور ۱۳۵۸ اعضاء سزى

از: بخش خارجه / سانفرانسیسكو ۲۵۳۳۰ به: رئيس رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس

عطف به: الف بخش خارجه / سانفرانسیسكو ۲۵۱۴۰، ب تهران ۵۳۸۷۹

۱ کریم سنجابی در منزل پسرش سام سنجابی واقع در چیکو کالیفرنیا در حال بهبود یافتن است.

متأسفانه وی عفونتی همراه با تب شدید دارد که نوع آن مشخص نشده و آنتی بیوتیکها هم روی آن اثر

نکرده است و به هیچ وجه در وضع مناسبی برای مصاحبه قرار ندارد. سام پیش بینی می کند برای اینکه

کریم حالش برای صحبت مناسب بشود، لااقل یک هفته دیگر درمان و استراحت ضروری خواهد بود.

شما را مطلع خواهیم کرد.

۲ سام بر درخواست خود مبنی بر گرفتن اطلاعات درباره تابعیت یزدی اصرار می ورزد. ما به وی گفتیم مدارکی از نوع آنچه که وی درخواست می کند، به موجب قانون حقوق خصوصی محفوظ هستند. سام جواب داد که به تهیه مدرک احتیاجی ندارد. بلکه صرفاً آمار اصلی مربوط به تاریخ و محل تابعیت یزدی را می خواهد که استدلال می کرد جزء اطلاعاتی است که می تواند در اختیار عموم قرار گیرد. اگر این اطلاعات از نوعی است که در اختیار همگان می تواند قرار بگیرد پیشنهاد می شود که ستاد آنها را به دست آورده تا در اختیار سام سنجابی قرار گرفته و معرفی به مأمور ستاد آسان شود.

۳ پرونده ۰۹۶۱۴۴۰ تا ۲۰۱۰ شهر یور ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماماً سری

سام سنجابی و سیا

سند شماره (۴)

از: بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۵۹۱ سری ۸ آبان ۱۳۵۸ اعضا

به: با حق تقدم به رئیس، تهران رونوشت برای بخش خارجه / لس آنجلس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است.

عطف به: الف بخش خارجه / سانفرانسیسکو ۲۵۳۳۰، ب بخش خارجه سانفرانسیسکو ۲۵۴۵۰ (به

تهران فرستاده نشده)

۱ دکتر کریم سنجابی مطابق اظهارات پسرش، سام چند روز پیش پیامی تلفنی از علی اردلان

(خویشاوند کردش که وزیر دارایی است) دریافت داشته که طی آن وی را به بازگشت سریع به تهران دعوت کرد. قبل از ادامه سفر به اروپا جهت دیدن آشنایان ایرانی تبعیدی در آنجا، دکتر کریم سنجابی در تاریخ ۶ آبان کالیفرنیا را به قصد یک توقف کوتاه در ایلی نویز برای ملاقات پسر دیگرش ترک کرد. انتظار می رود که وی در ۱۶ آبان یا همین حدود به تهران بازگردد.

۲ سام براساس صحبت‌های خود با پدرش تصور می کند که دلایل احضار ممکن است عبارت باشند از:

الف کمک به دولت در حل مسئله کردستان از طریق نفوذش در ایل سنجابی،

ب همکاری با دولت متزلزل بازرگان یا جانشین آن در مقامی مثل ریاست کابینه کریم سنجابی گفت

که وی از پذیرفتن هرگونه شغلی کابینه خودداری خواهد کرد، مگر آنکه اقتدار متناسب با عنوان آن شغل

نیز تضمین گردد. او نمی خواهد که دوره کوتاهی از وزیر امور خارجه بود دیگر تکرار شود.

۳ وضع سلامتی دکتر سنجابی بسیار بهبود یافته و در مدت استراحتش در چیکو کمی بر وزنش

افزوده شده است.

۴ سام قول داد که ما را از هرگونه تحول جدیدی مطلع سازد.

۵ پرونده ۰۹۶۱۴۴۰ تا ۲۰۱۸ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی حفظ شود. تماما سرّی

اظهارات فروهر درباره تغییر کابین

سند شماره (۵)

طبقه بندی گزارش سرّی

غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکارپخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.

منبع: یک مدیر تجاری که عموماً قابل اطمینان می باشد کشور: ایران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

موضوع: اظهارات داریوش فروهر درباره تغییر کابینه (تاریخ خبر: ۷ مهر ۱۳۵۸)

۱ در ۷ مهر ۱۳۵۸، داریوش فروهر گفت که مقام وزیر مشاور در کابینه جدید ایران را پذیرفته است، چون شورای انقلاب می خواست از وجهه او در کابینه استفاده کند. خود فروهر نمی خواست که در مقام ریاست هیچ وزارتخانه ای به کار ادامه دهد، چون می ترسید مثل حسن نریه، مدیرعامل پیشین شرکت ملی نفت ایران زمانی مورد اتهام و تحت تعقیب واقع گردد (توضیح حوزه فعالیت: پیش از تغییر کابینه فروهر وزیر کار بود).

۲ فروهر گفت که دکتر علی شریعتمداری وزیر پیشین علوم و آموزش عالی ابتدا در لیست وزرایی که می بایست عوض شوند قرار نداشت، اما شریعتمداری در ۵ مهر برای اعتراض علیه سایر تغییراتی که در کابینه صورت گرفته بود استعفای خود را تسلیم نمود (توضیح منبع: دکتر علی شریعتمداری از اقوام دور آیت الله کاظم شریعتمداری معروف است).

۳ به دست آمده در: ایران، تهران (۹ مهر ۱۳۵۸) شماره گزارش از حوزه فعالیت NIT ۷۵۳/۱۰.

۴ انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته دفاعی در تهران، فرستاده شد به امان، بیروت، قاهره، اسلام آباد، جدّه، کراچی، کویت، منامه، دهلی نو، تل آویو.

طبقه بندی گزارش سری هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. غیر قابل رؤیت برای

بیگانگان غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار پخش و اقتباس خبر تحت نظر

تهیه کننده تا تاریخ ۹ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. طبقه بندی توسط مأمور گزارشگر ثبت شده. تمام اجزای گزارش حاوی طبقه بندی و قیود کل سند می باشند. سری

اظهارات فروهر

سند شماره (۶)

از:.....به:.....

عطف به :.....(۱)(NIT/۱۰/۷۵۴)

۱ اس. دی. ولید/۱ (و ۱/۱) گزارش مرجع را مستقیماً از داریوش فروهر در ۷ مهر اخذ نمود، در آن

تاریخ وی او را در منزل دوست خود، وطنی ملاقات کرد. وطنی و فروهر دوستان قدیمی هستند؛ چون آن

دو در زمان شاه با یکدیگر در زندان بودند.

۲ فروهر همچنین اظهار داشت که افراد ذیل به سمتهای دیپلماتیک منصوب خواهند شد.

صراف یزدی کاردار در بنگلادش،

علی رسولی کاردار در سنگال،

نادر شهزاد کاردار در رم. (۲)

قاسم افتخاری کاردار در برزیل،

احمد حسینی فرد کارمند مطبوعاتی در برلن شرقی،

۳ به گفته فروهر، افزود افراد ذیل عضو شورای انقلاب می باشند: بنی صدر، قطب زاده، آیت الله

خامنه ای و آیت الله رفسنجانی، اس. دی. ولید ۱/ از اظهارات فروهر توانست مطمئن شود که آیا منظورش

این بود که فقط این افراد در شورای انقلاب هستند یا آنکه طور دیگر.

۴.....تا..... مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری

توضیح اسناد مربوط به علی سیف پور فاطمی و اس. دی. رایت

اس. دی. مارکت

اس. دی. رایت

اس. دی. مارکت (علی سیف پور فاطمی) استاد اقتصاد در یک دانشگاه آمریکایی است که در آذر ۵۷ به عنوان منبعی در مورد مسایل مربوط به سیاست ایران استخدام شده است. انگیزه وی از همکاری با سیا این بوده که آمریکا باید به حمایت خود از میانه روها ادامه دهد تا آنها بتوانند برای اوضاع سیاسی ایران راه حلی پیدا کنند. وی یک بیگانه دائم الاقامه در آمریکا بوده که برای بررسی کارش در مرکز آموزش بین المللی ایران، چندین بار به ایران آمده بوده است.

با توجه به آنچه جاسوسی دیگر در مورد اس. دی. مارکت به مأمور سیا گفته، احتمالاً اتهامات

اختلاس و فساد در رابطه با اردشیر زاهدی متوجه وی بوده است. در همین رابطه سیا با توجه به احتمال خطراتی که متوجه وی می شد قصد نداشته برای تماس وی را در فشار بگذارد.

تاریخچه ای در مورد فاطمی و عقاید وی

۱- سند شماره ۵ همین پرونده.

۲- کنار این عبارت با خودکار نوشته شده "تأیید شده است."

۲۵ فروردین ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۴۱۹۴۶۸ به: رم رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس بی.سی.هاوک

عطف به : تهران ۵۵۶۴۹

۱ پیرو درخواست تلگرام مرجع، ذیلاً خلاصه هایی از قضایای که می توان انتظار داشت در تهران

لاتش به دست بگیرد ارائه می گردند:

ه. اس. دی. مارکت ۱/ (م/۱)، ۴۳ ساله، استاد اقتصاد در یک دانشگاه آمریکایی، به دفعات به تهران

مسافرت می کرد تا به کارش در مرکز آموزش بین المللی ایران برسد. یک روشنفکر ایرانی است که در

اواخر دهه ۱۹۶۰ در گروههای غیر کمونیست ضد شاهی در خارج از ایران فعال بود. در آذر ماه ۵۷

به عنوان منبع خبر درباره وضع سیاسی ایران استخدام شد. آشنایان فراوانی در دولت، جبهه ملی و محافل

میانه رو دارد که با آنها برای کسب خبر درباره رویدادهای محلی دیدار می کند. انگیزه اش این اعتقاد قوی

اوست که دولت آمریکا باید به حمایت خود از ایران ادامه دهد تا در همان حال میانه روها تلاش کنند

راه حلی برای اوضاع پیدا نمایند. او یکی از عواملی است که حقوق نمی گیرد هرچند که در دی ماه ۵۷

موافقت شد تبدیل ارزی ۰۰۰/۳۰۰ ریال تسهیل گردد یا آنکه همان مبلغ وام داده شود. تا به مصرف

پرداخت حقوق کارمندان محلی مرکز آموزش بین المللی ایران برسد. ملاقاتها در انواع سوار شدن به

اتومبیل، ملاقات در رستوران و غیره صورت می گیرند. استفاده از تجهیزات ارتباطی برای او تصویب شده

است. معذالک آن وسیله دیگر در اختیار او نیست (به علت اوضاع امنیتی محل، در تاریخ ۲۱ اسفند ۵۸

مدتی از اعاده آن توسط قرارگاه گذشته بود). اس. دی. مارکت ۱/ فردی باهوش و خوش بیان است و

گزارشهای پیشین وی مورد تأیید قرار گرفته اند. چون بسیاری از دوستان وی زندانی یا در بعضی موارد اعدام شده اند، اس. دی. مارکت ۱/ که یک بیگانه دائم الاقامه است قصد دارد به محض آنکه دولت خروج مردان را اجازه داد، تهران را ترک کند. موافقت نموده در آمریکا با سیا ملاقات نمایند.

۲ بدون پرونده: تا تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

برنامه تماس با فاطمی پس از خروج از کشور

سند شماره (۲)

۶ فروردین ۵۸ اعضاء سری

از: تهران ۵۲۵۱۴ (به کفالت پلنتینگا) به: با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس اس. دی. مارکت.

۱ اس. دی. مارکت ۱/ (م/۱) همچنان قصد دارد هر چه زودتر ایران را ترک کند. او امیدوار است تا

اواسط فروردین موفق به این کار شود.

۲ در صورتی که م/۱ بعد از ورود گلگروف هنوز در اینجا بود. وی انتظار دارد گلگروف با وی تماس

بگیرد. اگر م/۱ توانست در آتیه نزدیک از کشور خارج شود ما ترتیبی داده ایم که از طریق همسرش در

آمریکا با وی تماس برقرار شود. ما به طور موقت موافقت کرده ایم که م/۱ مدت کوتاهی پس از ورودش به

آمریکا به واشنگتن برود تا اطلاعاتش به طور کامل تخلیه گردد.

۳ برای ثبت در پرونده اطلاع داده می شود که محل اداره وی تغییر یافته است. شماره جدید اداره و محل «هویت» است.

۴ پرونده: بعدا تعیین شود. تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سَری

آدرس و تلفنهای فاطمی

دسند شماره (۳)

۶ فروردین ۵۸ اعضاء سَری

از: تهران ۵۲۵۱۵ (به کفالت پلنتینگا) به: با حق تقدم به رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعی است. حساس اس.دی.مارکت

عطف به: تهران ۵۲۵۱۴، ۱ هویت: مرکز آموزش بین المللی ایران

تلفنها ۳ (؟) ۰ ۶۲۵ ۵۳۴ ۶۲۵

دفتر در گوشه شمالی، تقاطع تخت طاووس و شاه عباس، ساختمان مزبور ۵ طبقه دارد. علائمی در

درب ورودی جلو می باشد. (۱) (یک بانک در طبقه همکف واقع است.)

تا تاریخ ۶ فروردین ۷۸ در بایگانی ضبط شود. سَری

تماس با اس.دی. رایت در مورد فاطمی

سند شماره (۴)

۲۷ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سَری

از: تهران ۵۳۱۱۴ (به کفالت گلگروف) به: رئیس

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس.دی.رایت

۱ مورلوت در ۱۷ اردیبهشت از اس.دی. رایت ۱/ شنید که اس.دی. مارکت ۱/ عمدتا به این دلیل

خود را بسیار کم در تهران نشان می دهد که از عواقب ارتباط گذشته خود با اردشیر زاهدی در محل واهمه دارد. ۱/م ادعا می کند که زاهدی مقداری پول بابت چند پروژه کشاورزی که هیچ گاه به اجراء در نیامدند به ۱/م پرداخت کرده بود. در رابطه با اینکه بر سر آن پول چه آمد سوءظنهایی وجود دارد. ۱/م فکر می کند که ۱/م می خواهد به بریتانیا بگریزد.

۲ علیرغم آنکه تلاش برای بازگرداندن ۱/م به یک ارتباط گزارشگری با ما مطلوب است، ولی قرارگاه می تواند نگرانی ۱/م را درک نماید و میلی نداریم به اینکه او را تحت فشار قرار دهیم. اتهامات ادعا شده دایر بر «فساد» و خدمت برای سردمداران رژیم سابق واقعا خطرناک و گاهی اوقات منجر به مرگ می شوند. ما بیشتر می خواهیم به نظر ۱/م احترام بگذاریم که اینکه داشتن تماس برای او زیاد مخاطره دارد. مگر آنکه ستاد فکر کند که باید به ۱/م فشار بیاوریم تا ارتباط از سر گرفته شود.

۳ پرونده ۲۰۱ تا تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

رهنمود ستاد مرکزی سیا درباره تماس با فاطمی

۱- " ۱ در پائین سند با خودکار نوشته شده "منزل ۸۴۸۱۲

۲۹ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۴۴۱۹۲۷ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. مارکت. اس. دی. رایت.

عطف به: تهران ۵۳۱۱۴

۱ بانظر شما مبنی بر اینکه برای تماس با اس. دی. مارکت ۱/ تلاش نماییم موافقت می شود. معذک،

آیا امکان تماسهای تلفنی گاه به گاه وجود دارد؟

۲ پرونده. ۲۰۱ ۳۱۶۶۱۷، ۲۰۱ ۸۸۵۱۶۳ تا تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماما سزی

بیوگرافی و سوابق دانشجویی فاطمی

۲۸ سپتامبر ۱۹۶۳ خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهرانبه: وزارت امور خارجه واشنگتن

به نظر ما زمان آن فرا رسیده که بار دیگر روی اخراج دانشجویان ایرانی، علی سیف پور فاطمی و

صادق قطب زاده اصرار ورزیم به این علت که بدون پاسپورتهای معتبر ایرانی در ایالات متحده به سر

می برند. همان طور که وزارتخانه اطلاع داد این دانشجویان عمیقا در فعالیتهای سیاسی ضد دولت ایران

دست دارند و از قرار معلوم پرونده قضایی خوبی علیه شان وجود دارد.

آخرین باری که این امر در تلگرام مرجع مورد بحث قرار گرفت وزارتخانه از سفارت خواست از

نخست وزیر تضمین بگیرد که در صورت مراجعت ایشان به ایران برای اعمال ارتکابی خود تا آن زمان

تحت تعقیب واقع نشوند. متعاقبا سفارت به شرحی که در تلگرام سفارتی شماره ۹۵۷ آمد چنین تضمینی

را از خود تضمینی را از خود شاه گرفت. دلیلی ندارد که ما در مورد ادامه اعتبار این تضمینها شک کنیم و در صورت لزوم می توانیم آنها را به دولت خاطر نشان کنیم.

واقعه ای که آشوبگران دانشجو در رابطه با وزیر خارجه ایران به شرح مندرج در تلگرام مرجع (ب) به وجود آوردند نشان می دهد که باید فرصت را غنیمت شمرد و با وزارت دادگستری (آمریکا م) مجددا اقدام کرد. اگر چه سفارتخانه شواهدی حاکی از دخالت شخص آنها در این ناآرامی اخیر دریافت نکرده، ولی ما قویاً احساس می کنیم که اقدام در مورد فاطمی و قطب زاده تأثیری مفید بر سایر دانشجویان ایرانی مقیم ایالات متحده دارد.

ضرورت فرصت شناسی را خبر اخیر مندرج در تلگرام مرجع (ج) درباره موضع اداره مهاجرت نیز تأیید می کند خصوصاً این جمله خبر که اداره (مهاجرت و تابعیت) به طور غیر رسمی به وزارتخانه اطلاع داده احتمالاً مجوز اقامت دانشجویی با این وضع را دیگر تمدید نخواهد کرد «یعنی وقتی که پاسپورت ایرانیش تمدید نشده است».

هولمز

گزارشگر: ام.اف.هرتر بخش سیاسی

تأیید: جی. پی. لوزتر (پیش نویس)

بخش کنسولی

سوابق تحصیلاتی و مشکلات تابعیت فاطمی در آمریکا

تاریخ: ۲۶ دسامبر ۱۹۶۳ خیلی محرمانه

از: وزارتخانه: سفارت آمریکا در تهران

فاطمی و قطب زاده امروز به دفتر کمیسر اداره مهاجرت و تابعیت خواسته شدند و کمیسر به آنها شدیداً
اخطار کرد از ایجاد دردسر دست بردارند و گرنه با اقدام قانونی برای اخراج جبری رو به رو می شوند،
چنان که در مورد بیگانگان فاقد پاسپورتهای معتبر معمول است. اخطاریه به نام دادستان کل صادر شده
بود. کمیسر گفت دادستان «دلگرد» شده بود که در گذشته به درخواست وی ملایمت به عمل آمده و این
منجر به اصلاح رفتار انجمن دانشجویان ایرانی نشده بود. به فاطمی و قطب زاده گفته شد انتظار این است با
استفاده از نفوذ خود در آن انجمن از شرکت دیگران در ایجاد دردسر جلوگیری کنند و این معنا را بفهمانند
که دانشجویان فاقد پاسپورت معتبر باید رفتار خود را کنترل کنند، والا با اقدام قانونی لازم مواجه
می شوند.

دردسرهایی که تصریح شدند عبارت بودند از: ایذا و توهین به شخصیتهای ایرانی بازدید کننده، دخول
جبری به ساختمانهای دیپلماتیک ایران، و توزیع نشریات کمونیستی.

اقدام فوق در نتیجه نامه ارسالی از دفتر وزیر به دادستان کل صورت گرفت. اخطار امروز در حضور
نماینده بخش خاور نزدیک (وزارت خارجه م) داده شد که جهت تأکید تذکرات کمیسر به آنجا دعوت
شده بود. صورت مذاکرات بدون طبقه بندی و تصویب شده جلسه امروز در اسرع وقت با پست دیپلماتیک
ارسال خواهد شد. فروغی را هم از این ملاقات با خبر کرده ایم چون وی به دفعات از طرف آرام در مورد
اقدام صورت گرفته از طرف ما جهت محدود ساختن فعالیتهای دانشجویان سؤال کرده است.

جهت اطلاع. دو ایرانی فوق الذکر با آنکه اظهار بی گناهی کردند و فعالیتهای سیاسی را به عنوان جزئی
از حقوق خود وانمود می ساختند ولی از جلسه جا خورده بودند و ملاحظه اینکه در موضع دولت آمریکا

نسبت به آنها تغییر رخ داده، در آنها اثر گذاشته بود. ایشان سخت تلاش کردند تفاوت‌هایی بین مواضع وزارت‌های خارجه و دادگستری پیدا کنند، ولی چیزی عایدشان نشد. فاطمی براساس اینکه همسرش بعد از کسب تابعیت شهروند آمریکایی است، درخواست کرده موقعیت (اقامتش) به بیگانه دائم اقامه تغییر داده شود، اما امروز روی این قضیه انگشت نگذاشت. ما امیدواریم در نتیجه تحقیق پیرامون توزیع نشریات کمونیستی و منبع مالی انجمن دانشجویان این تغییر موقعی را اگر جلوگیری نشد لاقفل به تأخیر اندازیم.

پایان بخش جهت اطلاع

راسک

دانشجویان ایرانی

۲۸ دسامبر ۱۹۶۳ خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران: وزارت امور خارجه

دانشجویان ایرانی

امروز وقتی خبر مشروحه در تلگرام مرجع را به وزیر خارجه رساندم، وی عمیقا اظهار قدردانی کرد و از من خواست که تشکرات خود و وزارت خارجه را به وزارتخانه ابلاغ کنم. وی خصوصا مایل بود مراتب امتنانش از وزیر بابت اینکه رأسا چنین اقدام سازنده ای در این قضیه پیش گرفته ابلاغ شود.

راکول

ادامه مطالب مربوط به سوابق تحصیلاتی فاطمی و مشکل تابعیت وی

رسمی غیر اداریوزارت امور خارجه واشنگتن

جناب مارتین اف هرتر

مشاور سفارتخانه در امور سیاسی

سفارتخانه آمریکا تهران

مارتین عزیز:

دیروز وکیل علی فاطمی زنگ زد که بگوید اداره مهاجرت در خواست فاطمی دائر بر تغییر موقعیت خود به وضع (بیگانه) دائم الاقامه را اجابت کرده است که با اداره مهاجرت ارتباط دارد بعدا این ادعا را تأیید کرد. وقتی من تذکر دادم که به دلایل سیاسی علاقه داریم پیشاپیش از اتخاذ تصمیماتی مثل این مطلع شویم جواب داد که مأمور تحقیق ویژه که با موقعیتی نیمه قضایی عمل می کند هنگامی که تصمیم اتخاذ شد بدون قید و شرط نتیجه را به متقاضی اطلاع می دهد. خوشبختانه تصمیم بر مبنای این ادعا گرفته نشده بود که در صورت اخراج فاطمی به ایران وی تحت تعقیب قرار می گیرد. به احتمال قوی علت این تصمیم مانند موارد مشابه اش این بوده که همسر و فرزند فاطمی تبعه آمریکا هستند و اخراج فاطمی ممکن است موجب سختی برای آنها شود.

از ابتدا تا انتهای مراحل اداری اتخاذ تصمیم، وزارتخانه بر موضوع خود که اولین بار در سال ۱۹۶۴ اظهار شد پابرجا ماند که تغییر موقعیت (اقامت فاطمی) تأثیر وخیمی بر روابطمان با ایران خواهد گذاشت. اداره مهاجرت که به موجب قانون مسؤول اتخاذ تصمیماتی از این قبیل است نظر ما را قبول نکرد. با آنکه این ماجرا از لحاظ روابط خارجی امان مطمئنا اسف انگیز است، ولی به نظر من و دان و مایر وزارتخانه به هر وسیله اداری قانونی که در اختیار داشت تا سر حد ادعای وجود منافع ملی مهمتر توسل شد تا ترتیبی

دهد سازمان مسؤول در این امر از جوانب تأثیر این قضیه بر روابط خارجی کاملاً آگاه باشد. البته

علاقه مندییم بدانیم چه واکنشهایی در تهران انجام می گیرند.

با سلام

ارادتمند

فرانکلین ج. کرافورد

امور ایرانمحرمانه

اقدام اداره مهاجرت و تابعیت در مورد علی فاطمی

۱۹ ژوئیه ۶۶سری

سفیر

بخش سیاسی مارتین هرتر

اقدام اداره مهاجرت و تابعیت در مورد علی فاطمی

علی محمد سیف پور فاطمی، فرد مورد اشاره نامه پیوست رئیس سازمانهای دانشجویان ایرانی در

ایالات متحده و قدرت پشت دو نشریه دانشجویان ایرانی به نامهای ایران نامه و دانشجو که جهت گیری

ناسیونالیستی دارند بوده است. او در فعالیتهای متعدد ضد شاهی دست داشته است که از آنها می توان از

اعتصاب نشسته ضد شاهی در سفارت ایران در واشنگتن در ژانویه ۱۹۶۳ و تظاهرات در سازمان ملل در

سپتامبر و اکتبر همان سال نام برد. سفارت ایران که در سال ۱۹۶۱ از تجدید پاسپورت فاطمی به علت فعالیتهای سیاسی ضد شاهی او در آمریکا خودداری کرده بود در ۱۹۶۳ از تجدید مجوز دانشجویی او نیز امتناع ورزید.

فاطمی در ۱۵ مه ۱۹۳۵ در اصفهان به دنیا آمد و برادرزاده وزیر خارجه دکتر مصدق، دکتر حسین فاطمی است که در ۱۰ نوامبر ۱۹۵۴ اعدام شد. خانواده فاطمی که پس از اعدام یکی از اعضایش بسیار از میل انتقام انگیزه شده، احتمالاً سرسخت ترین گروه از گروههای اصلی ایرانیان مخالف شاه را تشکیل می دهند. علی که «دانشجو» است با ژاله امیر طهماسبی (یک ایرانی که بعد از کسب تابعیت شهروند آمریکا گردید) ازدواج کرده و مقیم نیوجرسی است.

در سپتامبر ۱۹۶۴ کمیسر اداره مهاجرت و تابعیت در منطقه نیوجرسی تقاضای او را برای تغییر موقعیت به (بیگانه) دائم الاقامه رد کرد و به او اطلاع داد اگر قبل از ۱۱ اکتبر ۱۹۶۴ داوطلبانه از ایالات متحده خارج نشود، خروجش جبری خواهد شد. با دریافت اطلاعیه اداره مهاجرت، علی فاطمی با عمویش نصرالله فاطمی که استاد دانشگاه فیرلی دیکنسن در شهر مدیسون نیوجرسی است خواستار مساعدت سناتور کیس از نیوجرسی شدند. تا مانع اجرای دستور اخراج اداره مهاجرت شود. دلایل ایشان این بود که فاطمی در صورت مراجعت به ایران تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. علی فاطمی که با قاضی ویلیام دوگلاس و سناتور رابرت کندی آشنا و دوست است ظاهراً توانست سد اقدامات اداره مهاجرت در ۱۹۶۴ برای اخراجش شود.

گزارشهایی حکایت می کنند که علی فاطمی در ۱۹۶۳ با احمد بن بلا در سازمان ملل ملاقات کرد و خود را نزد رئیس جمهور سابق الجزایر خوب نشان داد و بن بلا از او دعوت کرد به الجزایر برود. بنابر گزارشها بعد از این ملاقات سفارت الجزایر در واشنگتن پاسپورتی الجزایری به علی داد او به الجزایر رفت،

گفته می شود که او در آنجا دوره آموزش شبه نظامی طی کرد.

در مورد فاطمی گزارشهایی هم هست مبنی بر اینکه در سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ سفرهایی به اروپا داشته و با عناصر مختلفی از جبهه ملی و سایر مخالفین تماس گرفته است، اما اینکه او با چه مدارکی از ایالات متحده خارج شده و بازگشته معلوم نیست.

گزارشگر ال.و.سماکیس

۱۹ ژوئیه ۶۶

سری

توضیح اسناد مربوط به تورج و فریدون ناصری

بسمه تعالی

نام اصلی: تورج ناصری

نام رمز: اس.دی. کاراوی ۱/

نام اصلی: فریدون ناصری (برادر تورج)

نام رمز: اس.دی. پکن ۱/

تورج ناصری استاد دانشگاه صنعتی شریف بوده که از قبل از انقلاب با سیا ارتباط داشته و سه گزارش تا قبل از سقوط بختیار به سیا ارائه داده است. به دنبال انقلاب و مسائل امنیتی، در رابطه وی با سیا وقفه حاصل می شود، ولی بعد از انقلاب سیا تصمیم به تماس مجدد با وی می گیرد.

ناصری در تماس تلفنی با گنجیان (نام رمز یکی از مأموران قرارگاه سیا در تهران) به وی می گوید که عضو کمیته تصفیه دانشگاه صنعتی شریف است و به خاطر مسائل امنیتی نمی تواند ملاقات حضوری داشته باشد، اما مایل است که تماسهای تلفنی ادامه یابد.

در مجموعه خط میانه از اسناد بخش سیاسی لانه جاسوسی آمریکا سند مورخ ۱۲ فوریه ۷۸، شرح

ملاقات دکتر تورج ناصری با جان استمپل از مأموران بخش سیاسی می باشد.

تورج ناصری عامل معرفی برادر خود فریدون (اس.دی. پکن ۱/) به گنجیان (مأمور سیا) است. فریدون در تاریخ مرداد ۱۳۵۷ معاون وزیر کشور و قائم مقام سازمان برنامه و بودجه بوده است. در شهریور ۱۳۵۷ به استخدام سیا درآمده و ماهانه ۷۵۰ دلار به حساب امانی او پرداخت می شده است. وی در مورد طرحهای و مقاصد دولت ایران فعالیتهای کابینه، رویدادهای سیاسی و آشنایان خود در ارتش و گروه های نظامی، اطلاعاتی برای سیا تهیه می کرده است.

برنامه تماس با تورج ناصری و سوابق روابط وی

سند شماره (۱)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: ۴۲۹۰۱۰ به: تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. اس. دی. کاراوی

۱ قرارگاه می تواند سند تماس مجدد با اس. دی. کاراوی/ ۱ (ک/ ۱) (هویت الف) را که استاد دانشگاه

(هویت ب) است دوباره در نظر گیرد. ک / ۱ برادر اس. دی. پکن/ ۱ (پ / ۱) است و اولین بار او پ/ ۱ را به

گنجیان معرفی نمود. ک/ ۱ می دانست که پ ۱۹ تماسهایی با گنجیان دارد. اما احتمالاً نمی دانست که

همکاری پ/ ۱ با سیا تا چه حد است.

۲ ک / ۱ منبع سه گزارش در مورد مخالفین مستقل «پناه (نه جبهه ملی، نه دینی) پیش از سقوط دولت

بختیار بود. او از وابستگی گنجیان به سیا اطلاع داشت. موافقت کرده بود که رابطه خود را محرمانه و

محتاطانه نگه دارد و طرح تماس مجدد را پذیرفت (به پاراگراف سه رجوع شود). آخرین تماس با ک / ۱

تلفنی بود و پیش از عزیمت گنجیان صورت گرفت. ک / ۱ گفت که او عضو «کمیته» هویت ب است و افزود

آنها مشغول تحقیق از مقامات دولتی پیشین هستند که با هویت ب ارتباط داشته بودند ک / ۱ به دلیل وضع

امنیتی از پذیرفتن ملاقات حضوری خودداری نمود، اما اظهار داشت که قصد دارد تماس تلفنی را ادامه دهد. ک ۱/ تمایل «روشنفکری» داشت به اینکه درباره تمایلات و وقایع کلی اوضاع سیاسی ایران به قدر قابل توجهی صحبت کند، اما در عین حال اخبار مستندی نیز که دارای ارزش اطلاعاتی بودند می داد. به هر صورت ک ۱/ خود را فردی با هوش و خوش بیان با علائق سیاسی پر دامنه نشان داده است. او بر حسب شرایط فردی خود ممکن است حاضر باشد تماس با مأمور سیا را بپذیرد.

۳ مشارالیه پذیرفت که به هر کس که از عبارت کلیدی «سنگ گچ انگلیسی» استفاده کند جواب دهد. اگر او اسم رمز را فراموش کرده باشد. به هر کس که خود را دوست و همکار گنجیان (نام حقیقی) معرفی کند جواب خواهد داد. محل ملاقات باید در تماس او معین گردد. ۴ پرونده: ۰۹۵۸۸۵۴ تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سزی

معرفی هویت الف، ب و ج

سند شماره (۲)

۱۰ اردیبهشت ۵۸ اعضاء سزی

از: رئیس ۴۲۹۰۲۸ به: تهران

هشدار شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است

عطف به: رئیس ۴۲۹۰۱۰

۱ در ذیل هویت مرجع می آیند:

هویت الف دکتر تورج ناصری

هویت ب دانشگاه صنعتی آریامهر

هویت ج نشانی منزل: شهرک غرب، قطعه ۹۰۷، فاز...

تلفن منزل: ۶۸۹۲۲۸ تکرار می شود ۶۸۹۲۲۸ تلفن اداره: ۹۱۸۵۱۱ تکرار می شود ۹۱۸۵۱۱

۲ پرونده: ۰۹۵۸۸۵۴۲۰۱ تا تاریخ ۸ اردیبهشت ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماما سری

بیوگرافی و سوابق ارتباط فریدون ناصری با سیا

سند شماره (۳)

۲۵ فروردین ۵۸ اعضاء سری

از: رئیس ۴۱۹۴۶۸ به: رم رونوشت برای تهران

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است. حساس بی.سی. هاوک

عطف به: تهران ۵۵۶۴۹

۱ پیرو درخواست تلگرام مرجع، ذیلاً خلاصه هایی از قضایی که می توان انتظار داشت توسط لانتش به

دست گرفته شوند ارائه می گردند:

الف

ب اس.دی. پکن/۱، ۴۴ ساله در مرداد ۱۳۵۷ معاون وزیر کشور و قائم مقام سازمان برنامه و بودجه

در امور بودجه بود. وضع فعلی وی در دولت موقت هنوز نامعلوم است. او از مقام خود استعفاء نموده و باید

مورد تحقیقات رژیم جدید قرار گیرد. لذا وی تا فروردین ۱۳۵۸ هنوز درخواست ملاقات ننموده است.

قرار است ملاقات بعدی در ۷ اردیبهشت صورت پذیرد. مایل است رابطه خود با قرارگاه را حفظ کند،

هرچند که ترجیح می دهد ناچار به ملاقاتهای مخفی نباشد. او در شهریور ۱۳۵۷ شناسایی و استخدام شد. از زمان استخدام خود اطلاعاتی درباره طرح و مقاصد دولت ایران، فعالیتهای کابینه و رویدادهای سیاسی تهیه کرده است. همچنین اطلاعات مفیدی از آشنایان خود در ارتش و گروه های نظامی اخذ کرده است. او فردی باهوش و یک گزارشگر خوب می باشد. با آنکه آموزش رسمی فنون حرفه ای را طی نکرده است، ولی شرایط فعلی تهران باعث شده به سرعت رفتار ملازم با ملاقاتهای مخفی را پیدا کند. او اخیراً در یک طرح تماس مجدد شرکت کرده و با مأمور مربوطه جدید خود ملاقاتهایی در اتومبیل داشته است. به او گفته شده که هم اینک داشتن ارتباط علنی امکان پذیر نیست. اس. دی. پکن ۱/ اینک یاد داشت تعهد شفاهی دارد و ماهانه ۷۵۰ دلار به حساب امنی او پرداخت می شود. او این پول را یک دستمزد به حساب نمی آورد بلکه آن را تقریباً نوعی پول احتیاطی می داند که برای کمک به او با خانواده اش در به او با خانواده اش در زمان احتیاج پرداخت می شود. خانواده اش اینک در لندن به سر می برند. او یک برادر هم در ایالات متحده دارد. در بهمن ماه ۱۳۵۷ درخواست تسهیلات مبادله ارزی ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال به دلار و واریز کردن دلارها به حساب بانکی برادرش در آمریکا نمود. این تسهیلات مبادله با نرخ ۹۷/۹۱/۵ (نرخ رایج در ۸ اسفند) مورد تصویب قرار گرفت. سوابق ستاد نشان نمی دهند آیا تصویب این مطلب یا نرخ مبادله به اس. دی. پکن ۱/ اعلام شد یا نه. در صورتی که او هنوز بخواهد این مبادله را انجام دهد، ما قبل از آن به اطلاعات بانکی احتیاج خواهیم داشت، به نظر می رسد انگیزه اس. دی. پکن ۱/ (در رابطه خود با سیا) در این باشد که او ناسیونالیستی است که فکر می کند اگر تصمیم گیرندگان سیاسی ایالات متحده در جریان اوضاع قرار داده شوند به نفع کشور وی تمام خواهد شد.

طرحهای آینده دکتر ناصری، وضع کمیسیون مشترک ایران و آمریکا و...

تاریخ و محل: ۰۰/۱۲ نیمه شب ۳۱ خرداد ۱۳۵۶

یادداشت مکالمه‌خیزی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

شرکت کنندگان: دکتر فریدون ناصری معاون اول سابق وزارت کار و امور اجتماعی میتوپ وارد، کارمند

کمیسیون مشترک ایران در آمریکا، سفارت آمریکا در تهران.

موضوعات: طرحهای آینده دکتر ناصری، وضع کمیسیون مشترک ایران و آمریکا

و نیروی کار در ایران.

پس از تعارفات اولیه، وارد از ناصری پرسید چرا تصمیم گرفته از وزارت کار بیرون بیاید و آیا قصد

دارد همچنان شغلی دولتی داشته باشد. ناصری احترام خود نسبت به وزیر کار جدید منوچهر آزمون را

مورد تأکید قرار داد و چند مرتبه تکرار کرد که وی به خوبی از صلاحیت لازم برای مقام برخوردار است.

وی به هر حال همچون شش ماه گذشته اشاره نمود که او و دکتر آزمون در بعضی مسائل بنیادی در

خصوص تشکیلات وزارتخانه اختلاف نظر دارند و در رابطه با شخصیات خود و آزمون یک... اساسی

وجود دارد، لذا عزیمت وی از وزارتخانه اجتناب ناپذیر بود. به علاوه ناصری اظهار داشت که بیش از سه

سال وی معاون اول بوده و به چیز بهتری علاقه دارد (یعنی وزارتخانه ای از آن خودش). مسئله اینکه آیا به

فعالیت در دولت ادامه می دهد یا شغلی در جای دیگر پیدا می کند هنوز حل نشده است. ناصری به

«الطاف» نخست وزیر هویدا، پیش از آنکه خدمت دولتی را بالکل ترک کند، چشم داد. وی برای وارد

توضیح دارد که میل ندارد این تلقی را در اذهان به جای گذارد که خدمت دولت را ترک می کند. چون در آخرین دور انتصابات وزرای کابینه از او نام برده نشده است. ناصری ادعا می کند که به اعتقاد وی مقامات عالی رتبه دولتی باید منظمًا به مشاغلی در بخش خصوصی انتقال داده شوند و مدیران موفق بخش خصوصی به دولت آورده شوند تا به این ترتیب تخصصهای مدیریت در هر دو بخش مستمرا تجدید شود. ناصری شغلی در بخش خصوصی را ترجیح می دهد، ولی اگر نخست وزیر اصرار ورزد در خدمت دولت باقی خواهد ماند.

ناصری برای وارد فاش ساخت که استانداری اصفهان یا شیراز را به انتخاب خودش پیشنهاد کرده اند. هر چند که وی علاقه ای به زندگی در «شهرستان» ندارد. به گفته ناصری، زیر و زبر حفظ یک مرکز اداری با تمام کارکنانش در استان، در تهران و در لندن بسیار شبیه ابتلاء به سر درد است. دوست قدیمی ناصری هم، دکتر شجاع الدین شیخ الاسلام زاده وزیر بهداری از او خواسته مسؤولیت مدیریت بنیاد خدمات اجتماعی ایران با سالانه یک میلیارد دلار را به عهده بگیرد. این بنیاد بزرگترین بنیاد سرمایه گذاری در ایران و مقام مدیریت، عواید جنبی چندی شامل حقوق ماهانه ۳۰۰۰ دلار، دو برابر حقوق ناصری در مقام معاونت وزارت کار دارد. معذک ناصری گفت که ترجیح می دهد خدمت دولت را بالکل ترک کند. او ادعا می کند که مقام مشاورت یک شرکت بزرگ چند ملیتی، که وی نامش را نگفت، با حقوق ماهانه ۱۰۰۰۰ دلار به او پیشنهاد کرده اند.

فعالتهای دولت ایران

وارد از ناصری پرسید آیا در سه سال گذشته تغییراتی چه خوب چه بد در تشکیلات و فعالیت دولت ایران به چشم خورده است.

ناصری جواب خود را با ذکر این مطلب آغاز کرد که در ایران بعضی چیزها هیچ گاه عوض نمی شوند و

بعضی چیزها هم در مورد حکومتها هیچ گاه عوض نمی شوند. وزارتخانه ها همچنان بیشتر به قلمرو خصوصی وزرا می مانند و بین وزرا در سطح کاری هماهنگی کمی وجود دارد، یا اصلاً نیست چون هیچ ایرانی واقعی سعی نمی کند در اداره قلمرو همکار خود «فضولی» کند. ناصری به هر حال فکر می کند در سطوح بالای دولت هماهنگی قویتر و بهتری از هنگامی که وارد خدمت دولت شد وجود دارد. ناصری اشاره نمود با آنکه عدم صداقت و کارایی هنوز در دولت ایران به چشم می خورد، این مورد در هر دولتی هست و احساس می کند که امروز کمتر از گذشته این موارد وجود دارند. پرسنل کاری عموماً تحصیلاتشان بهتر از گذشته است و اکثر وزارتخانه های ایران به تدریج «مانند وزارتخانه های اروپایی» فعالیت می کنند. وارد از او خواست کارایی عمومی فعالیت بوروکراسی ایران را با آنچه در سایر کشورهاست مقایسه کند. ناصری

اعتراف کرد که با فعالیتهای کاری سایر وزارتخانه ها آشنا نیست، اما به نظر وی وزارت کار به کارایی وزارتخانه مشابه اش در انگلستان فعالیت می کند، اما شاید با کارایی کمتر از وزارتخانه ها مشابه آلمان غربی، فرانسه و ایالات متحده.

سوابق فریدون ناصری

فریدون ناصری معاون طرح و بررسوزارت کار و امور اجتماعی

طرز خطاب: آقای ناصری

فریدون ناصری، حدوداً ۳۹ ساله در ۱ خرداد ۱۳۵۳ معاون طرح و بررسی وزارت کار شد. وی قبلاً در آن وزارتخانه مدیر کل استخدامی بود و در این مقام وی عمدتاً درگیر امور طرح ریزی برای نیروی کار و مشغول پیشبرد ایده ایجاد سرویس استخدامی جدا و مستقلی بود.

ناصری فوق لیسانس حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد از دانشگاه تهران و دکترا در همین رشته ها از دانشگاه تولوز فرانسه دارد و به منظور شرکت در یک برنامه آموزش تخصصی در مسائل اجتماعی سیاسی به ایالات متحده آمد. وی در دانشگاه تهران حقوق تدریس کرده و به عنوان وکیل در وزارت دادگستری و به عنوان کارشناس در سازمان برنامه و بودجه کار کرده است. پس از خدمت در مقام مشاور سفارت ایران در واشنگتن به ایران بازگشت و مدیر دفتر مطالعات اجتماعی سیاسی و بررسی و نیروی کار در وزارت کار شد.

ناصری به اروپای غربی مسافرت کرده است. وی انگلیس و فرانسه را به روانی تکلم می کند.

دستیابی بشر به نفت خام به هزاران سال پیش باز می گردد. اما قریب یک قرن قبل بود که بشر توانست با حفر چاه در آمریکای شمالی به میزان وسیع به نفت خام دسترسی پیدا کند. از آن پس بود که این منبع انرژی جای خویش را به تدریج در صنعت باز کرد. صنعت نفت همگام با دیگر صنایع گسترش پیدا کرد و امکان اکتشاف و استخراج و پالایش نفت را در مقیاسهای بسیار بزرگ فراهم ساخت. به دلیل نیاز بشر به یک منبع ارزان و فراوان انرژی، جریان نفت اکنون به مثابه رگ حیات صنایع درآمدی است. با توسعه صنایع جنبی نفت نظیر پتروشیمی در چند دهه اخیر، بر اهمیت نقش نفت افزوده شد و مکانی را نیز به عنوان مواد اولیه بعضی صنایع پیدا نمود.

فرآورده های این گونه صنایع که انواع پلمیرها و مواد پلاستیک می باشند، به دلیل قیمت تمام شده پایین و سهولت کاربرد صنعتی، مورد استفاده فراوانی پیدا کرده اند. از طرفی سرعت رشد صنعت و دانش شیمی پلیمر، روزبه روز کاربرد این نوع مواد را متنوع تر ساخته و اهمیت آنها فزونی می بخشد. به این دلایل است که مصرف نفت به عنوان سوخت، یکی از بدترین انواع کاربرد آن به شمار می رود.

علیرغم تلاش وسیع و سرمایه گذاریهای فراوانی که تاکنون توسط کشورهای صنعتی در جهت یافتن جانشینی دیگر برای انرژی صورت پذیرفته است، در این زمینه هنوز موفقیت چشمگیری به دست نیامده است.

کاربرد انرژی هسته ای به دلیل نیاز به سرمایه هنگفت و تجهیزات سنگین، محدودیتهای بسیاری را در بردارد و نقش این نوع انرژی آن چنان با اهمیت نیست. قابل ذکر است که در سال ۱۹۷۵، ۸/۶۵ درصد مصرف انرژی جهان از نفت و گاز و ۷/۲۶ درصد از زغال سنگ تأمین می شد، در حالی که سهم سایر انرژیها (از جمله انرژی هسته ای) فقط ۵/۷ درصد بود. به هر صورت نفت، نقش خویش را به عنوان اولین منبع انرژی حفظ نموده و برای سالهای نه چندان نزدیک آینده هم، یقیناً حفظ خواهد نمود.

اگر از نقطه نظر اقتصادی نیز به موضوع نگاه کنیم، مسئله اهمیت بیشتری پیدا می کند. مسئله نفت با شتاب فزاینده ای با وضعیت اقتصادی و سرنوشت کشورها عجین می شود و تأثیر تغییرات بازار آن بر اقتصاد کشورها عمیق تر می گردد. برای آنکه در این زمینه معیاری به دست داده شود. نظر یکی از کارشناسان اقتصادی سازمان سیا که در ماه اوت ۱۹۷۸ پیرامون مسئله افزایش قیمت نفت اظهار گشته، آورده می شود:

«از نظر ما افزایش در حد ۱۰٪ قیمت نفت تأثیری معادل ۶۰٪ افزایش قیمت در سال ۱۹۷۳ را خواهد

داشت، (۱) چون در آن زمان نقش نفت در فعالیتهای اقتصادی بسیار ناچیزتر از زمان حال بوده است. هر ۱۰٪ افزایش قیمت نفت تأثیری معادل نیم درصد کاهش در رشد تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی خواهد داشت و میزان بیکاری را ۵۰۰/۰۰۰ نفر بالا خواهد بود و نیم درصد نیز به تورم اضافه خواهد کرد و علاوه بر این مشکلاتی نیز در موازنه پرداختهای بسیاری از کشورها پدید خواهد آورد. (۲)

به راستی اگر تغییرات کم دامنه بازار نفت تا به این حد غارتگران جهان را به هراس می افکند، کنترل بازار نفت چگونه انجام می شود؟ چگونه برخواستهایی به حق صاحبان اصلی درآمدهای نفت، که مردم محروم کشورهای صادرکننده می باشند، سرپوش گذاشته می شود؟ چگونه دولتمردان این کشورها را نفتخوران در مجرای سیاستهای خویش هدایت می کنند؟ چگونه جناحهای مختلف حاکمیت در کشوری مانند آمریکا بر سر این مسئله تبدیل به سدی نفوذناپذیر می شوند؟ جواب این سؤالات و بسیاری پرسشهای اساسی دیگر را درباره نفت از کجا می توان یافت؟ واقعیت آن است که آگاهی در مورد بسیاری از این مسائل را نمی توان از طریق بررسی اخبار و مطالب منتشره در رسانه های گروهی به دست آورد. آنچه که در بسیاری از موارد راهنمای خوبی برای بررسی و تحقیق در اینگونه موضوعات است، اطلاع از اخبار پشت پرده و به اصطلاح طبقه بندی شده در این مورد می باشد.

اسناد ارزشمند بسیاری که عمدتاً دارای طبقه بندی بالایی هستند در لانه جاسوسی وجود دارد که محور تمامی آنها مسائل نفتی بوده و قبل از اشغال نیز تحت همین عنوان توسط گردانندگان سفارت نگهداری می شده است. اهمیت این اسناد زمانی مشخص می شود که دریابیم این اولین موردی است که اخبار سری و خیلی محرمانه نفتی برای اطلاع عموم منتشر می شود و از همین روست که اهمیت بررسی و تحلیل آنها بیش از پیش روشن می گردد این اسناد در مجموعه های مرتبط تنظیم گشته است و به خواست

خدا به تدریج منتشر خواهد شد.

صنعت بین‌المللی نفت در سال ۱۹۸۰

بعد از دستیابی به حوزه‌های وسیع نفتی در آمریکا، اروپاییان که خود را از این منبع عظیم و با اهمیت انرژی بی‌بهره می‌دیدند، در پی نفت، به جستجو در مستعمرات و سرزمینهای تحت نفوذ خویش پرداختند. در خاورمیانه و بخصوص حوزه خلیج فارس که عظیم‌ترین میدانهای نفتی در آن قرار دارد، انگلیسها به نفت دست یافتند. حرص و طمع آنها از سویی و بی‌خبری فرمانروایان وقت این کشورها، اشتباهی دست یابندگان به نفت را بیش از پیش تحریک کرد و آنها برای غارت این منابع، حکمفرمایان را تطمیع کرده و فریفتند و قراردادهای ناصرالدین شاه قاجار با بارون ژولیوس دورویتر انگلیسی و مظفرالدین شاه با ویلیام ناکس داریسی که او نیز انگلیسی بود از این زمره است. رویتر حق انحصار کلیه منابع معدنی را به استثنای معادن طلا و نقره و سنگهای قیمتی به مدت ۷۰ سال در ازای پرداخت ۰۰۰/۴۰ لیره استرلینگ گرفت که به دلیل مخالفت روسیه تزاری این امتیاز لغو شد. سپس داریسی امتیازی خاص و انحصاری جهت

-
- ۱- در سال ۱۹۷۳ قیمت نفت در بازارهای جهانی □ جهش بیسابقه‌ای پیدا کرد و از بشکه‌ای ۳ دلار به ۱۲ دلار رسید (قیمتها تقریبی است و برحسب انواع مختلف نفت تغییر می‌کند).
 - ۲- نقل از یکی از جزوه‌های تحلیلی سیا موجود در لانه جاسوسی.

اکتشاف و استخراج و صدور نفت و گاز و قیروموم طبیعی به مدت ۶۰ سال از فرزند شاه قبلی اخذ کرد بهای این امتیاز ۰۰۰/۲۰ لیره استرلینگ پول نقد و ۰۰۰/۲۰ سهم شرکت استخراج بود، در حالی که سهام شرکت بالغ بر ۰۰۰/۶۰۰ سهم می گشت. ره آورد این قراردادها که اصطلاحاً «قراردادهای امتیازی» نامیده می شود به یغما رفتن ثروت ملی کشورهای محروم و وابستگی روزافزون آنها به غارتگران یهود بود، به عنوان مثال در سال ۱۹۱۷ میلادی (۱۲۹۵ هجری شمسی) منافع خاص شرکت نفت ایران و انگلیس (که پس از برخورد داری به مشکلات مالی و عدم توانایی ادامه کار، در سال ۱۹۰۹ توسط دولت انگلیس برای ابقای امتیاز داری تأسیس شد)، پس از کسر استهلاک، بهره، عوارض داخلی و حق الامتیاز به ۱۰۹/۳۴۴ لیره استرلینگ بالغ می شد. در آن سال حق الامتیاز دولت ۳۸۲۹ لیره بود که به مقامات ایران پرداخت نگردید و در ازای خسارتی که بر اثر قطع خط لوله توسط ایلات ایران به شرکت وارد آمده بود، ضبط گردید.

روابط شرکتهای نفتی، که عامل اصلی تاراج نفت هستند، با کشورهای تولیدکننده نفت (صاحب منابع) آن قدر یک جانبه است که دولتمردان آمریکایی نیز در سالهای اخیر با لحن اعتراض آمیزی از آن یاد می کنند. به مطلب زیر که برگزیده از همین کتاب است بنگرید:

«۶۰ یا حتی ۲۰ سال پیش این چنین به نظر می رسید که شرکتهای نفتی منبع را به وجود می آورند و اگر تلاشهای آنان در زمینه علمی و سرمایه گذاری نفتی نبود، نفت همچنان در قلب زمین باقی می ماند. در نتیجه بومیان بایستی نسبت به هر چه که کمپانیها به آنان می دهند راضی و خشنود باشند و این داده ها نیز لزوماً نباید زیاد باشد. برخی وجود دارند که هنوز این نظر را گرامی می دارند، ولی اکثراً مواضع روشنفکرانه تری اتخاذ نموده اند. در حقیقت امتیازات به هیچ طریق اسنادی خشک نبوده اند، بلکه مکرراً در طول ۳۰ سال گذشته و تقریباً به صورت تغییرناپذیری به نفع دولتهای تولیدکننده تعدیل شده اند.»

«متأسفانه هنوز در دولتها و دانشگاههای کشورهای تولیدکننده، افرادی وجود دارند که تغییرات

کمپانیها را حس نکرده اند.»

تحلیل عباراتی نظیر «تغییرات کمپانیها» که از آن بالحن مثبت یاد شده است و «تغییرات به نفع دولتهای

تولیدکننده» که به عنوان یک اقدام لازم و مثبت قلمداد شده است، بیانگر آن است که امتیازات و روابط

سابق شرکتهای نفتی با دولتهای تولیدکننده چقدر یک جانبه بوده است. در هر صورت سالهای متوالی این

قراردادها با تغییرات اندکی که تحت فشار افکار عمومی کشورهای صاحب منابع توسط کمپانیها به عمل

می آمد، تنها عامل تعیین کننده بود و سهم ناچیزی از درآمدهای نفت نصیب صاحبان واقعی آنها می شد.

رشد افکار عمومی و بیداری نسبی توده های مردم در این کشورها و وقوع تغییرات در دولتها، تا

حدودی موانعی بودند که صدور نفت، مانند شرایط گذشته را مختل می کردند و واکنشهای شدیدی در

جهت قطع این غارتگری و خلع ید از غارتگران به وقوع پیوست، اما این واکنشها عموماً با ترفندهای

سیاسی و گاهی اقدامات حادثتر نظیر کودتا خنثی شد. مبارزات ریشه دار مردم ایران در سالهای ۱۳۲۸

۱۳۳۲ که منجر به ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۹ و بیرون راندن انگلیسیها شد، از مثالهای جالب و بارز در

این مورد است و کودتای ۲۸ مرداد نمونه ای از پاسخهایی است که به این نوع مبارزات داده می شود.

با گذشت زمان وضع به صورت دیگری درآمد. رشد افکار عمومی آنقدر زیاد شد که امکان پرده پوشی

موضوع و سرپوش نهادن برخواستهای مردم صاحب نفت که دولتها نیز به ناچار مجبور به انعکاس آنها

شده بودند، نمی رفت. این جو ملتهب در سالهای ۱۹۷۰ (۱۳۴۸ ۴۹) جوشش بیشتری به خود می گیرد و غارتگران را به بررسی دوباره اوضاع و تحلیل دقیق آن وامی دارد. این کتاب شامل یک سند سری از وزارت خارجه آمریکا است که موضوع فوق را تحلیل و مورد بررسی قرار داده است. همان طور که توضیح داده شد، اوضاع و احوال حاکم بر بازار نفت و صنعت نفت به گونه ای است که اقدامی خاص را برای کنترل آن می طلبد. وضعیت به گونه ای است که امکان دارد کشورهای اوپک دست به اعمالی زده و تصمیماتی را اتخاذ کنند که ضایعات جبران ناپذیری برای شرکتها و مصرف کنندگان نفتی به همراه داشته و آنان را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد. از این رو وزارت خارجه آمریکا در جهت هماهنگی بین محافلی که سیاست نفتی ایالات متحده را تعیین می نماید، دست به یک اقدام خاص می زند. این محافل به قرار زیرند:

دولتمردان ایالات متحده در وزارتخانه های مختلف مانند وزارت کشور، بازرگانی، خارجه،

دادگستری و...

بانکهای عمده و مهم آمریکایی نظیر چیس مانهاتان، فرست نشنال سیتی بانک نیویورک و...

مدیریت شرکتهای عمده نفتی آمریکایی که اکثریت اعضای هفت خواهران را تشکیل می دهند:

تگزاکو، استاندارد اویل کالیفرنیا، استاندارد اویل نیوجرسی، گلف و موبیل(۱)

شرکتهای مستقل نفتی آمریکایی: آتلانتیک ریچفیلد، کنتیننتال، مارتون، اکسیدنتال و استاندارد

ایندیانا.

محورهای عمده اقدام خاصی که وزارت خارجه عهده دار آن است به این ترتیب است:

طرح سؤالات متعددی که جواب آنها مشخص کننده تحلیل مسائل روز و تصمیمات محافل است.

ارسال این سؤالات برای محافل خاص فوق الذکر به منظور کسب نظر از آنها (سؤالات در قسمت

آخر سند به صورت یک ضمیمه آمده است).

تحلیل همه جانبه مسائل جهت روشن نمودن وضعیت برای محافل تصمیم گیری.

پیشنهاد انجام اقداماتی برای حل مسئله روز.

مطالب سند بسیار واضح است و به خودی خود بیانگر همه آن چیزی است که باید در زمینه نقش

آمریکا در بازار و صنعت نفت گفت. این نقش آن چنان انحصار گرایانه و یک طرفه است که فقط از ورای

مطالب اسنادی که سخنان صریح گردانندگان آمریکاست، روشن می شود. اما نکاتی در سند وجود دارند

که باید به آنها توجه عمده ای نمود. بررسی دقیق این نکات شناخت عمیق تری نسبت به مسئله حیاتی نفت

ایجاد کرده و ما را قادر می سازد تا به عنوان یک تولیدکننده عمده نفت و به عنوان یکی از اعضای برجسته

اوپک در مقابل سیاستهای نفتخواران بین المللی و هیاهوی تبلیغاتی آنها راه خود را آسانتر و صحیح تر

تشخیص دهیم.

اهمیت نفت برای اقتصاد آمریکا

گذشته از آنکه آمریکا به عنوان یک کشور صنعتی و دارای بالاترین مصرف انرژی در جهان، به این

منبع انرژی نیاز حیاتی دارد، از نقطه نظر اقتصادی نیز اهمیت بسیار زیادی برای آن قائل است. سودهای

۱- دو شرکت دیگر □ بریتیش پترولیوم انگلیسی و رویال داچ شل هلندی انگلیسی می باشند.

هنگفت و کلانی که از قبل تجارت نفت عاید اقتصاد آمریکا می شود به مراتب دارای اهمیت است. کافی است به یاد آوریم که از هفت شرکت عمده نفتخوار جهانی، پنج تای آن آمریکایی هستند و در استخراج، پالایش، بازاریابی و فروش نفت جهان غیر کمونیست، بیشترین سهم را دارند. در این باره بهتر است به این مطلب از دیدگاه آمریکاییها توجه شود. در این کتاب به نقل از تحلیلگر وزارت خارجه می خوانیم:

«سهم صنعت نفت بین المللی در تراز پرداختهای ما به اندازه مجموع تمام سرمایه گذاریهای دیگر در خارج از کشور می باشد و همین دلیل دیگری است برای اثبات علاقه ما به سالم و مولد باقی ماندن شرکتهای نفتی مان.»

به همین جهت است که آمریکاییها مایل نیستند از منافعشان و به عبارت دیگر غصب حقوق مردم محروم صاحب منابع حتی یک سنت گذشت نمایند. وقتی مسئله مشارکت کشورهای صاحب منابع در شرکتهای استخراج کننده نفت به عنوان گامی در راه کسب منافع بیشتر از سوی آنها مطرح می شود، طیف حاکمان آمریکا گذشته از اینکه چه ارتباطی با مسئله نفت دارند، در مقابل آن جبهه گیری کرده و آن را به عنوان خطری که تهدید کننده منافعشان است قلمداد می کنند:

«یک درصد مشارکت برابر است با یک سنت منفعت کمتر در هر بشکه نفت تولیدی.»

و در هر صورت آخرین حرف این است که، آمریکاییها حاضر نیستند از موضع کسب منافع بی حد و حساب، حتی گامی عقب نشینی کنند.

«ولی به هیچ وجه نمی خواهیم در انظار نشان بدهیم که ملی شدن نفت و یا تبدیل ساختن شرکتهای خریداران برای ما قابل قبول است.»

راههای دیگر دستیابی به نفت خام برای کاهش وابستگی به منابع فعلی

همان طور که در اول این نوشتار آمد، تلاشهای بسیاری برای یافتن دیگر منابع انرژی به عمل آمده

است، اما موانع و محدودیتهای بسیار، دستیابی و سهولت استفاده از آنها را با اشکال مواجه می سازد. در این سند راههای وصول به دیگر اشکال نفت خام مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است.

اصولی ترین روشها به قرار زیرند:

به دست آوردن نفت از زغال سنگ،

استحصال نفت از ماسه سنگهای نفتی (tar sands)،

شیوه های بازیابی ثانویه و ثالث از چاههای نفتی که فشار آنها کم شده است،

تهیه نفت از شیل (shale).

به لحاظ مخارج زیادی که تهیه و بازیابی نفت خام به شیوه های فوق در بردارد، قیمت نفت خام به

دست آمده از این طرق قابل رقابت با قیمت نفت تولیدی از راههای معمولی نیست و در این سند نیز

همچنان که در عبارات زیر دیده می شود با ناامیدی به آنها نگریسته می شود.

«در هر صورت تردیدی نیست که این دو منبع» (شیل و زغال سنگ «و» ماسه سنگهای نفتی «م»).

مهمترین ذخایر می باشند و حداقل بخشی از نیاز آمریکا به هیدروکربن نیز می تواند از طریق نفت تولیدی

از این دو منبع تأمین می گردد. علاوه بر این، این دو پرهزینه ترین ذخایری هستند که تحت بررسی قرار

گرفته اند.»

«کشورهای مصرف کننده می توانند نفت کمتری خریداری نمایند، ولی نمی توانند تا مدت زیادی دوام

بیاورند، چون نه می توانند این نفت لازم را از منابع غیر اوپک دریافت نمایند و نه اینکه به دیگر اشکال انرژی دسترسی دارند.»

از طرفی باید در نظر داشت که تحلیلگر در این سند تفاوت قیمت تمام شده نفت به دست آمده از این شیوه ها را با قیمت متداول نفت کمتر از حد واقعی نشان داده است. در یک جزوه دیگر که مربوط به سیا بوده و موضوع با دیدی فنی تر بررسی شده است، نتایج منفی تری ارائه می گردد، از این رو باید اذعان داشت که در این مورد به موضوع خوشبینانه نگریسته شده و بهایی بیش از آنچه که باید، به این منابع داده شده است.

قدرت تولیدکنندگان نفت در مقابل نفتخواران

عبارت «استفاده از نفت به عنوان یک سلاح سیاسی» بسیار مصطلح است. سخنگویانی که در پی طرح «مسئله قدرت مستضعفین کشورهای نفت خیز» هستند، همواره آن را طرح می کنند. از سویی کاربرد نفت به عنوان یک سلاح سیاسی همواره از طرف کشورهای صاحب قدرت صنعتی محکوم شده و آن را به عنوان یک عمل غیرعادلانه تقبیح می نمایند. هر چند که در تبلیغات، روی معیارها و ضوابط اخلاقی انسانی تکیه می شود و این امر مغایر با قراردادهای بین المللی قلمداد می شود. اما در ریشه یابی امر می توان دریافت که انگیزه مطلب دیگری است. واقعیت آن است که نفتخواران و کشورهای صنعتی همواره از اتحاد کشورهای صاحب منابع نفتی هراس بسیاری داشته و همواره درصدد آن هستند که مانع پاگرفتن موضوعی به عنوان محور همبستگی کشورهای تولیدکننده شوند. در این سند ضعف فراوان نفتخواران در یک مواجهه اصولی با صاحبان منابع مشاهده می شود و از این رو که تکیه، حتی صرفاً بر عبارت «سلاح»، خود می تواند نمونه ای از اقتدار و توانمندی را در میان کشورهای تولیدکننده به نمایش گذارد، کشورهای عمده مصرف کننده طرح و پاگرفتن آن می شوند.

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) به مثابه تنها جبهه مدافع کشورهای صاحب منابع همواره هراس فراوانی را در میان نفتخواران برانگیخته است. اطلاق عباراتی مانند «کارتل نفتی» و یا «سازمان عقابها» به این سازمان مبین آن است که هر عنصر وحدت که باعث یکسان شدن سیاستهای نفتی و در نتیجه حفظ منافع صاحبان اصلی درآمدهای نفتی می شود، همواره در معرض کینه و بغض کشورهای غارتگر قرار می گیرد. عملکرد این سازمان تا تاریخ سند (۱۹۷۱) باعث آن شده است که نفتخواران در مقابل آن احساس ضعف شدیدی بنمایند. در قسمتی از سند دیده می شود:

«با حداقل همکاری در داخل اوپک (که در سال گذشته این همکاری بسیار قابل ملاحظه بوده است)

این کشورها خواهند توانست در سال ۱۹۷۶ و در پایان قرارداد تهران،^(۱) قیمتها را خیلی بالاتر ببرند و در همان حال قادر خواهند بود شرکتهای نفتی را وادار سازند که با تقاضاهای آنها در زمینه مشارکت موافقت نمایند. البته اگر زودتر دست به کار شوند، موافقت آنها را قبل از آن زمان نیز به دست خواهند آورد.»

سپس تحلیلگر عواقب برخورد خشن و نامناسب را از سوی شرکتهای عمده نفتی این چنین ارزیابی

۱- قرارداد تهران در سال ۱۹۷۱ بین اوپک و کمیته ۳ نفر منتخب شرکتهای نفتی بسته شد. مهمترین مواد این موافقتنامه را می توان افزایش نرخ مالیات به قم ۵۵٪ در کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس و افزایش ۳۳ سنت به قیمت هر بشکه نفت خام حوزه خلیج فارس ذکر کرد. این قرارداد از ۱۵ فوریه ۱۹۷۱ به اجرا درآمد.

می نماید:

«ولی اگر شرکتها مقاومت به خرج دهند، ممکن است سبب ملی شدن کامل شرکتها بشوند که در زمینه منافع شرکتها و عرضه نفت جهانی نتایج تأسف باری خواهد داشت.»

از لحاظ سیاسی نیز دقت شود که تا چه حدودی روی واکنشهای کشورهای صاحب منابع حساب

می شده است:

«مبادرت به اتخاذ موضع حمایت از اسرائیل به طور آشکار و انحصاری می تواند خنثی سازنده تمام

گامهایی باشد که آمریکا برای تأمین عرضه نفت برخواهد داشت.»

حال باید دید که دلیل انحصار منابع نفتی عربستان سعودی توسط کمپانی آرامکو و تاخت و تاز فعلی

کشورهای صنعتی و شرکتهای نفتی بر سر قیمت نفت و از سوی دیگر برخوردهای وقیحانه آمریکا در

حمایت از صهیونیسم بین المللی چیست؟ آیا علت آن جز در تفرقه مسلمین و جز در خودفروشی و

وابستگی سران و امرای کشورهای مرتجع عرب می باشد؟

بی مناسبت نیست اشاره ای بر موضوعی که در متن سند خواهد آمد بشود. شیخ زکی یمانی وزیر نفت

عربستان سعودی در اجتماع دانشجویان آمریکایی در بیروت، در اوائل سال ۱۹۶۷، آرامکو را این گونه

توصیف می نماید:

«آرامکو گاوی شیرده است که نباید آن را اذیت و آزار نمود، تا دهقان سعودی تا آنجا که ممکن است

بتواند آن را بدوشد.»

برخوردی اینچنین ضعیف، آن هم برای توجیه عملکردهای خفت بار قبلی می نمایاند که اشکال قضیه

در کجاست. در عبارت زیر که ارزیابی طرف مقابل از توان کشورهای تولیدکننده است تفاوت، آنچه که

«باید» با آنچه که «هست» بهتر دریافته می شود:

«با وجود اینکه بعضی از مقامات شرکتها و حتی مقامات دولتهای مصرف کننده رؤیای روزهای گذشته

را در سر می پرورانند، ولی باید اذعان داشت که دیگر در برخورد با دولتها قدرت چندانی ندارند.»

و حاصل کلام:

«خلاصه اینکه و در حال حاضر و حتی در بیست سال آینده شلاق در دست کشورهای تولیدکننده

بوده و خواهد بود.»

«شرکتها و دولتهای مصرف کننده و شرکتهای خودمان هنوز هم برگهای برنده ای در دست دارند که در

بخش بعد به توضیح و تشریح آنها خواهیم پرداخت، ولی این برگها را باید با احتیاط تمام رو کرد، تا

شکست ناپودکننده ای نصیبمان نشود.» ترفندهای غرب برای ایجاد وضعیت و رابطه مطلوب در این

نوشتار، راه حلهای موجود که از جانب سازمانها و محافل مختلف برای کاهش خطرات و ضایعات قطع

نفت و یا کم کردن امکان وقوع این خطر داده شده است مورد بررسی قرار می گیرد. از طرفی میزان هنگفت

ارزی که کشورهای صنعتی برای خرید نفت می پردازند، مورد توجه قرار گرفته است و یکی از اهداف

راه حلهای ارائه شده آن بوده که بتواند مقداری از این ارز را به مبداء آن بازگرداند. اساس این راه حلها

مبتنی بر ایجاد و تشدید وابستگیهای اقتصادی، سیاسی و نظامی و گسترش روابط تجاری است. در

قسمتی از دیده می شود:

«کشورهای بزرگ تولیدکننده صنایع با افزایش روابط تجاری بین خود و دولتهای تولیدکننده خواهند

توانست مقدار زیادی از این ارز را (ارز پرداخت شده بابت خرید نفت (۱)) از این کشورها پس بگیرند.»

به هدف کشورهای صنعتی از گسترش روابط تجاری با دولتهای تولید کننده پرداخته شد و حال به منظور و مقصود این کشورها از کمکهای فنی، اقتصادی و فرهنگی به کشورهای صاحب منابع دقت شود:

«ولی با افزایش پیشرفت اوپک، وابستگی آنها به کالاهای خارجی و کمکهای فنی نیز افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین به نفع کشورهای مصرف کننده است که کشورهای تولید کننده را به سوی پیشرفت سوق دهند. ایجاد یک طبقه متوسط در منطقه اوپک و وارد ساختن تمام جمعیت این منطقه به بازار پولی سبب گسترش وابستگی این کشورها به کشورهای مصرف کننده می شود که باید کالا در اختیارشان بگذارد.»

وقتی در باغ سبز «توسعه، پیشرفت و مدرنیزاسیون» به کشورهای جهان سوم نشان داده شده و به دنبال آن تبلیغات فراوان و تلاش وسیع فرهنگی به منظور پرده پوشی اصل قضیه صورت می گیرد، آرزوی دیرین غارتگران برآورده می شود. کشورهای تولید کننده خلع سلاح می شوند و در این میان طرف مقابل است که تعیین تکلیف می نماید. تحلیل قضیه نیز به صورت زیر است:

«این طرح که وسیله مقامات جامعه اقتصادی اروپا (EEC) در بروکسل تهیه شده، خواستار نوعی وابستگی اقتصادی بین کشورهای مصرف کننده و تولید کننده است و معتقد است که در این صورت اگر تولید کنندگان به تحریم نفتی مبادرت ورزند اقتصاد خود آنها نیز به اندازه اقتصاد کشورهای مصرف کننده آسیب خواهد دید. بنابراین وابستگی دو جانبه ضامن ثبات در عرضه نفتی خواهید گردید.»

ارسال سلاحهای پیچیده و وابستگیهای نظامی نیز اهرم کنترل کشورهای تولید کننده را تقویت کرده و کارایی بیشتری بدان می بخشد. با دامن زدن با اختلافات قومی، مذهبی و ارضی در میان کشورهای منطقه ای خاص، تشدید تنش می شود تا زمینه مساعدی در کشورهای مورد هدف برای خرید سلاح به

وجود آید. سپس اقدام به فروش اسلحه می شود تا از این طریق هم سودهای سرشاری نصیب سازندگان آن شود و از سوی دیگر موضع سیاسی را در برخورد با کشور خریدار تقویت نماید. در این رابطه به عبارت زیر دقت شود:

«موضع رسمی آمریکا در عربستان سعودی با افزایش تمایل این کشور برای به دست آوردن تجهیزات نظامی و کمکهای فنی آمریکا که توسط برنامه تسلیحاتی گروه مهندسين مشاور ریتون هاوک نشان داده شده و بیشتر شدن نقش رسمی و خصوصی آمریکا در مدرنیزه ساختن نیروهای هوایی عربستان سعودی، لجستیک، ارتش، گارد ملی، نیروی دریایی و گارد ساحلی بهبود بسیار یافته است.»

ما حاصل کلام آنکه، وابستگی از هر نوع و به هر صورت و تحت هر عنوان، بیش از آنچه به نفع کشورهای مستضعف صاحب منابع باشد به ضرر آنها و بسود دولتهای غارتگری است که برای نابودی منابع آنها کمر بسته اند.

«در صورتی که این امکان وجود داشته باشد که از طریق آن بتوان تولیدکنندگان اصلی را به شدت به کشورهای مصرف کننده وابسته کرد، باید بدون درنگ و با تلاش بسیار این کار را انجام داد.»

۱- توضیح داخل پراوتر از ماست.

رقابت در دنیای سرمایه داری

غارث منابع نفتی کشورهای مستضعف دارای نفت از طریق استخراج بی حساب آنها و خرید ارزان و بازگرداندن ارز مصرفی بابت خرید، به روش وابستگی اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. نکته جالب توجه دیگری که مبین حرص و آز سیری ناپذیر دنیای سرمایه داری است، دندان تیز کردن کشورهای سرمایه داری غرب برای منابع یکدیگر است. صورت قضیه این است که آمریکا به منظور تأمین قسمتی از نفت خام مورد نیاز خویش مایل به انعقاد قراردادی با کانادا می باشد. تحلیلگر پیشنهاد می کند در صورتی که کانادا مایل به عقد قرارداد نباشد، باید کنترل و نظارت را از روی نفت کانادا برداشت و ورود آن را به آمریکا اعلام کرد و نتیجه این اقدام باعث افزایش فشارهای تجاری بر نفت و گاز کانادا و در نتیجه اکتشاف و استخراج منابع نفتی آن می شود.

حرف آخر

در اوضاع و احوال کنونی تلاش وسیع و همه جانبه ای از ناحیه نفتخواران برای تضعیف جبهه وحدت کشورهای تولیدکننده، به عمل می آید. این تلاشها که به دلیل رکود نسبی بازار نفت و به پشتوانه تولید وسیع نفت خام از دریای شمال توسط انگلیس و نروژ و دیگر تولیدکنندگان غیر اوپک صورت گرفته، در جهت ایجاد یک «جنگ قیمت» بین تولیدکنندگان و در نهایت سپردن بازار به دست خریداران به جای فروشندگان فزونی می یابد. به موازات این تلاشها وانمود می شود که روزهای اقتدار کشورهای تولیدکننده سپری شده و ابتکار عمل در دست کشورهای مصرف کننده است. از سویی به دلیل اقدامات خودسرانه بعضی کشورهای تولیدکننده که در میان آنها اعضاء اوپک نیز دیده می شود، زمینه مناسبی ایجاد شده است که نفتخواران و بوقهای تبلیغاتی آنها صحبت از نزدیکی انحلال اوپک بنمایند. اما آنچه از ورای این جنجالها آشکار و هویدا است، ترس پایان ناپذیر کشورهای صنعتی مصرف کننده نفت و قدرت بی مانند

تولیدکنندگان است. اگر تولیدکنندگان با همه کاستیها و ضعفها، با شگردهای متنوع جبهه مقابل، مدافعه کرده و در برابر آن پایدار بمانند، بدون تردید سالهای آینده قدرت افزونتری خواهند یافت. باید باور داشته باشیم که نفت یک سلاح است و به تعبیر امام عزیزمان:

«این سلاحی که شما دارید، دنیا ندارد و او سلاح نفت است. دنیا به سلاح شما احتیاج دارد، رگ حیات دنیاست. این سلاحی که خدای تبارک و تعالی به اختیار شما گذاشته است، برای خدای تبارک و تعالی از او استفاده کنید.»

این سلاح کارایی خود را در برخی موارد نشان داده است، اما هیچ گاه با تمام قدرت عمل نکرده است. اگر با پایداری و تحمل سختی به سمتی برویم که توان استفاده از سلاح را تمام و کمال به دست آوریم، بدون شک سرنوشت شرکتها و دولتهای غارتگر به تعبیر خودشان «شکست نابودکننده ای» خواهد

بود. زمستان ۱۳۶۴

والسلام

من الله التوفيق وعليه التكلان

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

خلاصه مطلب و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه صنعت بین المللی نفت در سال ۱۹۸۰

صنعت بین المللی نفت در سال ۱۹۸۰

خلاصه مطلب و نتیجه گیری

جهان کنونی شاهد بازار خرید کوتاه عمر خود در زمینه نفت قراردادی است. ما در سال ۱۹۷۵ و احتمالاً قبل از آن به میدان بازار دائمی فروشندگان پا خواهیم گذاشت، در حالی که هر یک از تولیدکنندگان اصلی قادر خواهند بود با قطع صدور نفت بحرانی جدی در عرضه آن به وجود آورند. خود آمریکا نیز در موقعیت نسبتاً راحت انرژی اش شاهد نوعی زوال است تا جایی که در سال ۱۹۸۰ مجبور خواهد شد نیمی از واردات مورد نیاز نفتی خود را از نیمکره شرقی فراهم آورد.

آمریکا و هم پیمانانش پس از به نمایش گذاردن وحدت بین مصرف کنندگان، و با ایجاد فشارها و متقاعدسازیهای دیپلماتیک در چند کشور عضو اوپک، از بحران ایجاد شده به وسیله این سازمان بدون اینکه خسارتی را متحمل گردند جان سالم به در بردند. آینده موفقیت، حتی اگر بتوان به آن نائل آمد، چندان طولانی و رضایتبخش نیست، مگر اینکه شرکتهای نفتی مایل باشند با دولتهای تولیدکننده در زمینه ایجاد روابطی جدید پس از ۱۹۷۶ به بحث و تبادل نظر پردازند.

آمریکا و هم پیمانانش نخواهند توانست اوپک را به سازش وادار سازند، بلکه باید بتوان تولیدکنندگان نفت را متقاعد کرد که برخورد ما با آنها منصفانه بوده و دیگر اینکه در نتیجه ثبات است که آنها در درازمدت نفع خواهند برد نه در نتیجه ایجاد بی ثباتی و سودجوییهای کوتاه مدت.

دولت آمریکا باید به «مطالعات» پایان ناپذیر خود درباره مشکلات انرژی پایان داده، اقداماتی انجام دهد. در آمریکا باید تصمیماتی اتخاذ شود که براساس آن بتوانیم نیاز دو دهه دیگر خود را در زمینه انرژی

تأمین نماییم. اتخاذ تصمیم در زمینه کاهش میزان رشد مصرف، بالا بردن هزینه های گزاف را نیز سبب خواهد شد. برآورده ساختن این نیازها، احتیاج به تهور سیاسی بسیار دارد و وزارت امور خارجه باید در پیشنهاد و دفاع از آنها نقش مهمی را ایفاء نماید.

هماهنگ ساختن سیاستهای سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی در زمینه مسائل مربوط به انرژی و اتخاذ یک جبهه مشترک در قبال کشورهای تولیدکننده و متقاعد ساختن اوپک به اتخاذ سیاستهایی که در نتیجه قیمتهای قابل پیش بینی به ثبات در عرضه نفت کمک می کند، فعالیتهای مهم دیپلماتیک آمریکا در دو سال آینده را تشکیل خواهد داد.

دومین تقاضای اوپک به منظور «مشارکت» مسئله ای بسیار جدی خواهد بود. شرکتهای نفتی معتقدند که این تقاضا با مفاد قراردادهای تهران مغایرت دارد و ما هم با آنها هم عقیده ایم، اکثر آنها در برابر این تقاضا مقاومت خواهند کرد و ما هم باید از نظر دیپلماتیک از آنها پشتیبانی بنماییم و به فکر ما فقط در صورتی می توان از اقدامات اوپک که می تواند به مصادره شدن اموال منجر گردد. جلوگیری نمود که شرکتهای نفتی مایل باشند هم اکنون به بحث و تبادل نظر درباره روابط جدید بین دولت و شرکت نفتی برای بعد از سال ۱۹۷۶ پردازند.

اگر نتوانیم اقدامات کنونی را در رابطه با مشارکت به تأخیر بیندازیم باید از سال ۱۹۷۶ به ایجاد روابطی جدید میان تولیدکننده شرکت مصرف کننده پردازیم. در حال حاضر مهمترین مسئله این است که

بتوان نفت را بطور ثابت و یا شرایط منطقی عرضه کرد، یعنی شرایط طوری باشد که مصرف کنندگان قادر به پرداخت آن بوده و در دراز مدت بتوانند روی آن حساب کنند.

صنعت بین المللی نفت در سال ۱۹۸۰

فهرست مطالب

۱ مقدمه

۲ اهداف کمپانی

۳ منابع، تولید و تقاضا

۴ امتیازات قراردادی یا مرسوم

۵ مسائل مربوط به تراز پرداختها و پائین آمدن ارزش دلار

۶ ملاحظات مربوط به تراز پرداختها و درآمد کشورهای عضو اوپک

۷ قدرت کشورهای تولید کننده در مقابله با شرکت ها

۸ قدرت کمپانی

۹ ضعف های کشورهای مصرف کننده در مقابل اوپک

۱۰ منابع جایگزین انرژی قبل از ۱۹۸۰

۱۱ گاز

۱۲ روابط جدید بین دولتهای مصرف کننده و تولید کننده

۱۳ روابط جدید بین دولتهای مصرف کننده و کمپانی ها

۱۴ روابط سیاسی کشورهای تولید کننده ای که در تأمین عرضه نفت نقش به سزایی دارند.

۱۵ نیازهای سرمایه ای دهه آتی

مقدمه

در طول چهار سال گذشته مقامات وزارت خارجه موضوع آینده صنعت بین المللی نفت را تقریباً با مقامات تمام شرکتهای نفتی که منفعی در خارج دارند، مورد مذاکره قرار داده اند. این گفتگوها به صورت ویژه ای بوده اند و عموماً در اطراف مسائلی از قبیل نیاز شدید و فوری دور می زده اند. در ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۷۱ این مذاکرات به دفعات تکرار شد، گرچه دارای بافت مشخص و برنامه کار و نتیجه چندانی نبود و اقدامات پیشنهادی چندانی نیز به همراه نداشت. در ژوئیه ۱۹۷۱ به منظور جلب توجه به این مسئله، بخصوص اهداف و اقداماتی که دولت و صنعت می توانند در دستیابی به این اهداف در نظر داشته باشند، تعدادی سؤال مطرح کرده برای دست یابی به این صنعت ارسال نمودیم (ضمیمه ۱)، منظور این نبود که سؤالات منحصر به فرد باشند یا بر اقدام مشخصی اشاره داشته باشند؛ بلکه منظور طرح مشکلاتی بود که باید قبل از تهیه یک برنامه جدی برای دهه آتی، به حل و فصل آنها پرداخته شود.

در چهار ماه گذشته ما با پنج کمپانی بزرگ آمریکایی یعنی با گلف، موبیل، استاندارد اوایل کالیفرنیا،

استاندارد اوایل نیوجرسی و تگزاکو، شل (به استثناء بریتیش پترولیوم) و نیز با پنج شرکت بزرگ «مستقل»

یعنی آتلانتیک ریجفیلد، کنتینتال، ماراتون، اکسیدنتال و شرکت نفت استاندارد ایندیانا ملاقاتهایی

داشته ایم. همچنین سؤالات برای چندین شرکت مستقل دیگر نیز فرستاده شد و لیکن هنوز هیچ جوابی

واصل نشده است. سؤالات با مقامات بانک چیس مانهاتان و بانک فرست نشنال سیتی نیویورک و با

واترلوی مطرح گردید. در زمانهای مختلف دیگری موضوع به صورتی کلی ولی نه با سؤالات ویژه و با

تعداد قابل ملاحظه ای از مقامات رده دوم شرکتهایی که نامشان در بالا آمد و نیز با مقامات شرکتهای

وابسته آنها در خارج مطرح گردید. مجموع افرادی که نظراتشان را در خصوص لیست سؤالات ویژه ارائه

کردند، حدود ۱۰۰ نفر بودند، مذاکراتی در مورد همین موضوع در خلال سال گذشته با مقامات ۱۰۰

شرکت دیگر نیز صورت گرفت.

برخی از شرکتهای در مورد موضوع تغییر شرایط در روابط بین کمپانی و دولت در محدوده تولید و

مصرف عقاید زیادی ابراز نمودند، دیگران ظاهراً ترجیح می دادند که در مقابل وقایع عکس العمل نشان

دهند، نه اینکه آنها را پیش بینی نمایند. در هر حال با استثنائاتی چند، امکان آن نیست که بتوان راجع به یک

«موضع» یک پارچه و بدون نقص کمپانیها صحبت کرد. برداشتها و برخوردها در داخل اغلب شرکتهای

مانند وزارت خارجه (از دولت فدرال که بگذریم) به صورت قابل ملاحظه ای متغیر هستند. در چندین

مورد اختلافات وحشتناک عقیدتی در میان مقامات ارشد یک کمپانی وجود داشت. چیزی که کمتر مایه

تعجب بود این بود که نظراتی که توسط مقامات ارشد یک شرکت ابراز می شد مغایر بود و سرانجام

اختلافات نسبتاً شناخته شده ای در روش و گرایشات مقامات بالای صنعت به طور کلی وجود دارد که

برخی به صورتی سنتی یک خط سرسختانه را برگزیده اند و دیگران یک خط مصالحه جویانه تر را. در این

گزارش نظریات یک شخص یا کمپانی خاص به طور ویژه نمایان نخواهد شد.

ما همچنین لیست سؤالات را برای نمایندگان گیهایمان در پایتخت کشورهای عضو اوپک و در مراکز عمده مصرف ارسال داشتیم و نظرات آنان را جویا شدیم. پاسخهای آنان نیز در این گزارش آمده است. یکی از واحدها اظهار داشته است که کمپانیهای نفتی در پاسخهای خود صداقت کامل نشان نداده اند و احتمالاً می دانند که در صحنه بین المللی نفت تغییراتی به وجود خواهد آمد و به همین دلیل طرحهای دقیق برای مقابله با این تغییرات نیز پیش بینی کرده اند. این واحد معتقد است که کمپانیها در نشان دادن سرسختی خود مبالغه کرده اند تا در برخوردهای آتی شان با تولیدکنندگان، دولت آمریکا به طور کامل از آنها حمایت کند. به عبارتی راحت تر خواهد بود اگر باور کنیم که صنعت مال اندیش و با بصیرت بوده است و به دقت برنامه هایش را به نحوی تنظیم کرده است تا با مشکلات جدی دهه ۱۹۷۰ رویارو شود. البته این موضوع باعث می شود که صنعت نفت بتواند در پیش بینی وقایع از مقدار زیادی پیش آگاهی و هماهنگی و تمایل برخوردار باشد. چنین رشد فکری و فردی همیشه حتی از خصوصیات وزارت خارجه نیز نبوده است. به هر حال ما هیچ گونه مدرکی در مورد مانورهای تعمدی صنعت نفت نداشته ایم و فرض را بر صراحت و صداقت کامل از جانب آنهايي که ما با آنان صحبت کرده ایم گذشته ایم.

اهداف شرکتها و دولت

در اوان تحقیق، کسانی در صنعت وجود داشتند که می گفتند منافع و اهداف دولت آمریکا و شرکتهای نفتی یکسان نبوده و با یکدیگر مغایرت بسیار نیز دارند. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، همکاری بین صنعت و دولت مشکل خواهد بود (و شاید غیر ممکن). بنا به گفته آنها شرکتهای می خواهند همیشه تولید کنندگان نفت خارجی باشند؛ در حالی که دولت فقط به تداوم جریان نفت به کشور علاقه مند بوده و برایش فرق نمی کند که چه کسی مالک نفت باشد و در ادامه به نقل قول بیانات مقامات دولتی پرداختند که حاکی از آن بود که برای آمریکا فرق ندارد که شرکتهای نفتی کنترل کننده نفت عربی باشند یا روسیه این نقش را ایفا نماید. اعراب بجز بازار غرب بازار دیگری ندارند، علاوه بر این آنها نمی توانند نفت را بنوشند؛ بنابراین در تداوم جریان نفت هیچ گونه تغییر پدید نخواهد آمد و برای امنیت و منافع آمریکا نیز خطری جدی به وجود نخواهد آورد.

ما در مشورتهای و تبادل نظرهای خود با صنعت سعی کردیم اول اهداف خودمان را مشخص کنیم و امیدواریم که در خلال تحقیق به نگرانیهای صنعت پاسخ گفته شده باشد و صنعت نیز اکنون متوجه شده است که منافعش به طور کامل با منافع دولت آمریکا یکسان می باشد. اگر سرنوشت صنعت نفت برای دولت موضوع بی اهمیتی بود، هیچ گونه احتیاجی برای چنین تحقیقی نبود و دیگر اینکه لازم نبود که دولت و یا صنعت اقدامات پیشنهادی ارائه نمایند.

ما با صبر و متانت اجازه خواهیم داد که شرکتهای به برخوردارهای غیرقابل اجتنابشان با اوپک و سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی پردازند و نقش ناظرانی را که تقریباً در این موضوع ذینفع هستند بازی خواهیم کرد. کنترل منابع اصلی نفت دنیا موضوع بسیار پراهمیتی برای دولت آمریکا می باشد. دولت آمریکا مایل است شاهد عدم قطع جریان نفت باشد و شرکتهای نفتی نیز همین طور.

بعضیها ممکن است اصلاً نگران این نباشند که کنترل نفت اوپک و یا حتی خاورمیانه ممکن است به

دست نیروهای متخاصم با آمریکا بیفتند. ولی امکان چنین رخدادی برای وزارت امور خارجه به هیچ وجه خالی از نگرانی نیست.

ما از منابع ارزی بزرگ خیلی از کشورهای اوپک مطلع هستیم و می دانیم که این منابع آنان را قادر می سازد تا در فواصل طولانی قطع تولید نفت دوام بیاورند. ما می دانیم جمعیت‌های آنها چقدر کوچک است و چقدر از اقتصاد پولی به دور هستند. و می دانیم که (همان گونه که توسط آنگلو ساکسونها گفته شده) عکس العمل آنها بیشتر جنبه احساساتی دارد تا نفع شخصی.

ما به خاطر داریم در سال ۱۹۵۰ در ایران و در ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ در خاورمیانه چه اقدامی به عمل آمد و ما می دانیم منابع ژاپن و اروپا چقدر محدود بوده و در نتیجه قطع صدور نفت اقتصاد آنها نیز به سرعت دچار بحران می گردد، تا آنجا که در آمریکا نخواهیم توانست این خسارات وارده را جبران نماییم. یکی از وظایف مهم و سنتی سرویس خارجی حمایت از سرمایه گذاری آمریکا بوده است. این وظیفه تغییر نیافته است. سهم صنعت بین المللی نفت در تراز پرداختهای ما به اندازه مجموع تمام سرمایه گذاری های دیگر در خارج از کشور می باشد و همین دلیل دیگری است برای اثبات علاقه ما به سالم و مولد باقی ماندن شرکتهای نفتی مان.

دولت ایالات متحده در اکتشاف مستمر و تولید نفت جدید به اندازه شرکتهای نفتی ذیعلاقه است و

چنانچه صنعت بین المللی نفت از صحنه تولید نفت برکنار بماند یا حتی از نقش آن در تولید نفت کاسته شود فکر نمی کنیم که اکتشاف و توسعه بیشتر نفت امکان پذیر باشد.

خلاصه کلام این است که دولت و صنعت مایلند هر دو شاهد استمرار نقش ویژه صنایع آمریکا در تولید نفت خارجی، حمل و نقل، پالایش و بازاریابی آن باشند. دولت و صنعت هر دو معتقدند که باید یک جو پایدار وجود داشته باشد تا شرکتها در آن بتوانند به اکتشاف و توسعه ذخایر جدید نفتی بپردازند و علاوه بر این هر دو به این نتیجه رسیده اند که برای دستیابی به اهداف ثبات و رشد در زمینه تولید نفت باید تلاش زیادی به خرج دهند.

گذشته از این مطلب، در مورد نحوه دستیابی به این اهداف تفاوت سلیقه هایی وجود دارد. ۲۰۰ مقام شرکت نفتی و دیگران که ما با آنها صحبت کردیم را می توان به پنج گروه تقسیم نمود:

۱ آنهایی که می گویند سیستم امتیازی فعلی خوب است... و ایجاد تغییرات وضع را بهتر نخواهد کرد و شرکتهای نفتی باید با تمام نیروی خود در برابر تغییرات مقاومت نمایند... و وظیفه دولت‌های مصرف کننده اروپا، ژاپن و نیز آمریکا این خواهد بود که از شرکتها در مقابله شان با دولت‌های تولید کننده اوپک حمایت نمایند.

۲ آنهایی که می گویند تغییر، احتمالاً غیرقابل اجتناب است، ولی باید در هر مرحله در مقابل آن مقاومت نمود. چون چیزی که به آسانی و بدون مقاومت به دست آید به آسانی نیز از دست می رود. این گروه معتقد است که آنها می توانند با موفقیت امتیازاتشان را طولانی تر نمایند. در صورتی که فقط زمانی تسلیم شوند که کاملاً مجبور به این کار شده باشند.

۳ آنهایی که معتقدند تغییر غیرقابل اجتناب است و مایل هستند که در کمال سربلندی و افتخار به یک دوران جدید وارد شوند، ولی خودشان نمی خواهند داوطلبانه به ایجاد تغییرات در زمینه قراردادها تن در

دهند.

۴ آنهایی که معتقدند که این تغییرات بالاخره به صنعت تحمیل خواهد شد و بنابراین بهتر است که قبلاً تقاضاهای آنها را پیش بینی کرده در ایجاد روابطی جدید، حداقل با بعضی از کشورهای عضو اوپک، پیشگام گردند. این وضع سبب می شود که برای مذاکرات جو دوستانه تری به وجود آید تا به توافقهایی بهتری دست یابند که در یک جو خصمانه امکان دست یابی به آنها غیر محتمل است.

۵ آنهایی که معتقدند ملی شدن کامل غیر قابل اجتناب است و احتمالاً خیلی زود واقع خواهد شد. بنابراین شرکتها بایستی شروع به برنامه ریزی نقش جدیدشان به عنوان خریداران نفت خام از شرکتهای ملی نفت بنمایند.

از تمام پنج موضع می توان دفاع کرد. چرا به چیزی تسلیم شویم که فوراً لازم نیست؟ و با این حال مشخص گردیده که عدم توافق می تواند به وجود آورنده اقدام خصمانه و حتی ملی کردن کامل باشد که نمی توان در مقابلش مقاومت نمود. اگر می شد آینده را به صورت صحیحی دید تمام پنج گروه در یک گروه خلاصه می شدند. درست پیش از آنکه تغییر عملی می شد، شرکتها به اندازه کافی عقب می کشیدند تا دولتهای تولیدکننده را راضی نگهدارند. بدبختانه هیچ کس در دولت یا صنعت در این مورد نظر صریحی ندارد و زیان تن دادن به خواستها به طور نابهنگام خیلی بیشتر از زیان مقاومت در برابر آنهاست. سنجیدن این راه چارها و ارائه اقدامات پیشنهادی دومین هدف این گزارش است. ارائه طریقهها براساس حقایقی

خواهد بود که ما در مورد آنها اطلاع داریم، ولی تفسیر این حقایق به ناچار ذهنی خواهد بود.

منابع، تولید و تقاضا

الف منابع اولیه

بین دو سوم و سه چهارم منابع نفتی شناخته شده جهان غیر کمونیست در کشورهای عرب، آفریقای شمالی و خاورمیانه می باشد. ارقام جدول زیر عموماً مورد قبول صنعت واقع شده است.

ارقام به میلیارد بشکه

ایالات متحده-۴۰

کانادا-۱۰- ونزوئلا-۱۵-

دیگر کشورهای آمریکای لاتین-۱۵-

مجموع نیمکره غربی-۸۰

دنیای عرب(۱)- ۳۵۰

ایران - ۵۵

اندونزی - ۱۰

آفریقای غیر عرب - ۱۰

دیگر کشورها - ۵

مجموع نیمکره شرقی - ۴۳۰

مجموع جهان غیر کمونیست- ۵۱۰

برآورد کمتر از ۳۰ میلیارد بشکه که برای عراق به کار رفته نیز پایین است و منابع احتمالی قابل

برداشت حداقل ۱۰۰ میلیارد بشکه می باشد. یک عقیده نسبتاً همگانی در صنعت وجود دارد که تا سال

۱۹۸۵ تولید تمام کشورهای اوپک به استثنای عربستان سعودی و عراق به انتها خواهد رسید و شروع به

کاهش خواهد کرد، مگر اینکه روشهای برداشت ثانی در این زمینه به وجود آید.

جدول بالا موضوعی بسیار حائز اهمیت برای مصرف کنندگان نفت و شرکتهای نفتی که تقریباً تمام

هزینه های اکتشافی خود را به محدوده هایی غیر از خاورمیانه و آفریقای شمالی اختصاص می دهند

می باشد. آنها در جنوب شرقی آسیا، در مناطق شمال کانادا و آلاسکا، در دریای شمال، در آمریکای

جنوبی و در حقیقت در هرجایی که حوزه های جالب توجه رسوبی وجود دارد به دنبال نفت هستند، ولی

این حقیقت نیز وجود دارد که میزان قابل توجهی از نفت دنیا در منطقه ای قرار دارد که به شدت ناامن است

و در برخی موارد واقعا نسبت به ایالات متحده متخاصم می باشد.

ب عرضه و تقاضا

۱- بیش از نصف مجموع نفت دنیای عرب در شبه جزیره عربستان (عربستان سعودی □ کویت □ کشورهای بیطرف و عمان) قرار دارد. برخی در مورد نفت عربستان (McNaughton) و مک ناتان (deGolyer) زمین شناسان مدعی هستند که برآورد ۱۳۰ میلیارد بشکه ای دی گالیر سعودی درست نیست و میزان ذخایر این کشور خیلی بیشتر از اینهاست و منابع قابل استخراج این کشور دو یا سه برابر رقم ارائه شده است.

ایالات متحده اکنون حدود ۱۲ میلیون بشکه از ۵/۱۵ میلیون بشکه نفت مورد نیاز مصرفی خود را تولید می نماید. تا سال ۱۹۸۰ چنانچه یک اقدام فوری از طرف دولت برای تغییر دادن این روند به وجود نیاید، ایالات متحده (۱) ۲۴ میلیون بشکه نفت در روز مصرف خواهد نمود، در صورتی که سطح تولید داخلی آن چندان هم بیش از سطح کنونی تولید نخواهد بود. این موضوع شامل این فرض خواهد بود که ۳ میلیون بشکه روزانه در آلاسکا تولید خواهد شد. از ۱۲ میلیون بشکه باقیمانده کمی بیش از یک میلیون بشکه در روز از طریق کانادا وارد خواهد شد، مگر اینکه قراردادهای جدیدی بین کانادا و آمریکا در زمینه انرژی منعقد گردد که سبب بالا رفتن میزان تولید نفت کانادا بشود، علاوه بر این دو میلیون بشکه دیگر آن هم احتمالاً از دیگر کشورهای نیمکره غربی تأمین خواهد شد. در مجموع ۹ میلیون بشکه باقی می ماند که بایستی از نیمکره شرقی و عمدتاً از خاورمیانه و آفریقای شمالی وارد شود.

ارقام احتمالی تولید و مصرف جهانی در سال ۱۹۸۰ که با ۱۹۷۱ مقایسه شده اند در جدول زیر نمایش داده شده اند. این برآورد بر این فرض قرار داده شده که یک سیاست عدم مداخله اساسی از جانب بیشتر کشورهای تولیدکننده و مصرف کننده وجود خواهد داشت و هیچ گونه اغتشاشی در مناطق تولیدکننده و نیز هیچ گونه بحران اقتصادی حاد وجود نخواهد داشت.

ارقام به میلیون بشکه در روز

(فقط برای کشورهای غیر کمونیست)

عکس

۱ اختلاف بین ارقام مصرف و تولید کل با وارد کردن یک میلیون بشکه در روز از کشورهای

کمونیستی از بین برده می شود. ۲ فرض می شود تولید و مصرف اتحاد جماهیر شوروی متعادل هستند و اساساً نه نفتی صادر می شود

و نه وارد می شود و یا واردات با صادرات معادل هستند. مطالعات انگلیس و ناتو اشاره بر این دارند که

۱- تخمین نیاز مصرفی بین ۲۲ میلیون بشکه در روز (توسط وزارت کشور) و ۲۶ میلیون بشکه در روز (توسط چیس مانهاتان) در نوسان است و به فرضیاتی بستگی دارد که مهمترین آنها وضع اقتصادی این دهه می باشد.

اتحاد شوروی مثل امروز در ۱۹۸۰ به صادر کردن حدود ۰۰۰،۸۰۰ بشکه نفت در روز به دنیای غیر کمونیست ادامه می دهد. یکی از بررسیهای سازمان سیا نشان می دهد که میزان خالص واردات شوروی تقریباً معادل میزان صادرات آن کشور است. در هر حال طرفین معادله برابر است و اشتباهات و خطاها در سال ۱۹۸۰ قابل پیش بینی است. در هر حال بعید به نظر می رسد که احتیاج شوروی به نفت یا رقابت شوروی با تولیدکنندگان نفت اوپک به زودی از موضوعات حائز اهمیت شود. کشورهای کمونیست اروپای شرقی ممکن است تا سال ۱۹۸۰ به همان اندازه ای که از شوروی نفت وارد می کنند از کشورهای عضو اوپک نیز وارد نمایند، ولی با در نظر گرفتن پایه و مقداری که با آن شروع کرده اند، بعید به نظر می آید که تا آن هنگام عوامل مهمی در صحنه بین المللی نفت دنیا پدیدار گردند.

۳ این رقم شامل ۶/۱ میلیون بشکه در روز در کانادا، ۹/۱ میلیون در دیگر کشورهای آمریکای لاتین، ۹/۱ میلیون در آفریقای غربی و ۵/۱ میلیون در جنوب شرقی آسیا می باشد.

۴ این رقم شامل ۳ میلیون بشکه در روز در کانادا، ۵/۲ میلیون بشکه در دیگر کشورهای آمریکای لاتین، ۵/۴ میلیون در آفریقای غربی و ۳ میلیون در آسیای جنوب شرقی می باشد.

به نظر می رسد که نفت از لحاظ قیمت به طور قابل توجهی غیرقابل انعطاف است. در هر صورت این موضوع از لحاظ تغییرات نسبتاً کوچک در قیمت‌های نفت صحت داشته است. زمانی که قیمت بنزین در ایالات متحده گالنی ۲ سنت افزایش یافته است، هیچ کاهش قابل توجهی در مصرف بنزین به وجود نیامده است. یک چنین موردی عمدتاً در اروپا نیز وقوع یافته است. در هر حال اگر قرار بود که ما تغییرات عمده ای را در قیمت‌ها شاهد باشیم برای مثال، اگر قرار باشد که افزایشی در مالیات بنزین در ایالات متحده از قرار ۲۰ یا ۳۰ سنت در هر گالن به وجود آید، مطمئناً کاهشی در مصرف ایجاد خواهد شد و یقیناً تغییری در جهت استفاده از موتورهای کوچکتر و باصرفه تر به وجود خواهد آمد. اگر نرخهای سابق مالیات در

اروپا و ژاپن به چیزی نزدیک به نرخ داخلی آمریکا افزایش یابد و چنانچه قیمت نفت خام حمل شده در

اروپا و ژاپن قرار باشد که از ۵۰/۲ دلار فعلی به مثلاً ۵۰/۳ دلار در هر بشکه افزایش یابد، در نتیجه

مصرف نفت احتمالاً در آنجا نیز کاهش خواهد یافت. مسئله این است که چه مقدار کاهش خواهد یافت؟ (۱)

بررسی انجام شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی درباره انعطاف پذیری تقاضای نفت در

رابطه با افزایشهای اساسی در قیمتها می تواند طرحی با ارزش باشد.

ج نفت قراردادی از منابع غیر عربی

تا جایی که به ایالات متحده مربوط می شود، چنانچه اکنون اقدامی صورت گیرد که ما را از منابع جدید

انرژی و نحوه استفاده با صرفه تر از نفت موجود برخوردار سازد، دورنما کاملاً متفاوت خواهد بود. برای

مثال، چنانچه جو سیاسی و اقتصادی در کشورهای آمریکای لاتین و عمدتاً در ونزوئلا چنان باشد که

سرمایه گذاریهایی در جهت پیدا کردن و توسعه ذخایر جدید بتواند انجام پذیرد، آمریکا می تواند به میزان

خیلی بیشتری از آن کشورها نفت وارد نماید. به همین ترتیب انعقاد قراردادی در زمینه انرژی با کانادا

۱- حتی در اروپا اطلاعات تجربی خیلی کمی در مورد این موضوع وجود دارد. مالیاتهای بنزین انگلستان به مدت کوتاهی

پس از جنگ ۱۹۶۷ خاورمیانه معادل ۱۰ سنت در هر گالن افزایش یافت. مصرف به میزان کمی کاهش یافت □ ولی به

سرعت افزایش پیدا کرد و در عرض ۶ ماه تقریباً به سطح مصرفی قبل از وضع مالیاتها برگشت.

می تواند منجر به تولید و صادرات عمدتاً بیشتری به ایالات متحده گردد. کشف هیدروکربن در دریای شمال شدیداً مهم بوده است و تولید از آن منبع ممکن است کمتر از میزان اصلی برآورد شده باشد. در ۱۹۸۰ تولید می تواند به ۲ میلیون بشکه در روز برسد (یک منبع تخمین می زند که می تواند این رقم به ۳ میلیون بشکه نیز برسد)، ولی چون مصرف اروپای غربی در آن زمان حدود ۲۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود، تولید دریای شمال در مقایسه با واردات، کم خواهد بود. اکتشافات زیادی برای نفت در اندونزی وجود داشته است، ولی امیدهای بزرگ اولیه هنوز تحقق پیدا نکرده اند. این موضوع دورنماهای مربوط به مابقی مناطق ساحلی آسیای شرقی را پیشگویی نمی کند.

تمام کمپانیها موافقت داشتند که تقریباً و به طور حتم مقدار زیادی نفت در فلات خارجی قاره ایالات متحده وجود دارد. به طور صریح غیرممکن خواهد بود که قبل از اینکه آن سوی خط جغرافیایی هم عمق ۲۰۰ متر به اجاره داده شود از آن بتوان بهره برداری نمود. سیاست فعلی دولت آمریکا که همانا اجاره ندادن مناطق عمیق تر از این خط جغرافیایی است، به وجود آورنده مانعی بر سر راه توسعه تکنولوژی لازم برای برآورده ساختن نیاز نفتی کنونی می باشد. در هر حال برای اینکه بتوان مناطق با عمق بیش از ۲۰۰ متر را اجاره داد و در عین حال از بیانیه رئیس جمهور در ۲۳ مه ۱۹۷۰ در مورد اقیانوسها نیز سرپیچی ننمود. بایستی از طریق رژیم بین المللی که قرار است توسط سازمان ملل در کنفرانس دریاها در سال ۱۹۷۳ تشکیل شود اقدام به اجاره دادن آنها نمود. معذک کار چند کمپانی در زمینه حفر چاههای نفتی در بستر اقیانوسها رو به اتمام است.

هر زمان که این تحقیق به طور موفقیت آمیز پایان پذیرد، محدودیت عمق که اکنون توسط محدودیتهایی در مورد طول پایه های سکوهای حفاری برقرار شده است، کنار خواهد رفت و امکان پذیر خواهد بود که تا ۲۰۰۰ متر و حتی عمیق تر به حفاری پرداخت. در هر حال سیاست اجاره دادن عمق

دریایا توسعه این تکنولوژی را موجب خواهد شد.

تمامی این موضوع نسبتاً برای ایالات متحده آرامش بخش است، ولی برای اروپا یا ژاپن نسبتاً کمتر آرامش بخش خواهد بود و وابستگی آنان به اعراب و ایران احتمالاً به وضع کنونی باقی خواهد ماند. دو سوم مصرف فعلی آنان و یک سوم تولید دنیای غیر کمونیست اکنون از این کشورها می آید. تا سال ۱۹۸۰ سه چهارم مصرف اروپا و ژاپن و تقریباً ۶۰٪ مصرف دنیای غیر کمونیست از این کشورها خواهد بود. افزایشهای خالص به گونه ای که مصرف تقریباً در آن دوران دو برابر خواهد شد و حتی چشمگیرتر خواهد بود.

بایستی متذکر شد که تا به حال ما فقط به تولید از چیزی که در اینجا «ذخایر اولیه» خوانده می شود اشاره کرده ایم که نفتی است که تحت فشار خودش از زمین بیرون می آید و هزینه تولید آن بسیار پایین است. شاید مقدار نفت بیشتری به میزان دو یا سه برابر این حجم را بتوان با روشهای بازیافت گرانتر ثانی و ثالث در خاورمیانه کشف نمود.

د نفت غیر مرسوم

منابع اصلی دیگری از هیدروکربن در خارج از خاورمیانه وجود دارد که بایستی «ذخایر ثانویه» خوانده شوند (این اصطلاح نباید با «بازیافت ثانویه» اشتباه شود). این ذخایر نفت سنگین و نژوئلا و ماسه

سنگهای نفتی (tar sands) کانادا و آمریکا را شامل می شوند و منابع عظیم متعددی را تشکیل می دهند.

ونزوئلا قطعاً حدود یک تا سه تریلیون بشکه در حوزه نفتی خود دارد. از طریق منابع ماسه سنگهای نفتی

کانادا نیز می توان حدود یک تریلیون بشکه نفت به دست آورد. گرچه با تکنولوژی کنونی نمی توان بیش از

بخشی از این نفت را استخراج نمود، ولی ده درصد بازیافت (یک رقم معقول) یک تریلیون بشکه معادل

۱۰۰ میلیارد بشکه است که در نتیجه معادل دو یا سه برابر منابع کنونی آمریکا است.

هزینه بازیافت این نفت به صورت قابل توجهی از هزینه «ذخایر اولیه نفت» بالاتر است. برای مثال از

نظر اقتصادی نفت سنگین ونزوئلا با مالیاتهای فعلی ونزوئلا نمی تواند تولید شود و در بازار دنیا به فروش

برسد. و به همین ترتیب نفت موجود در منابع ماسه سنگهای نفتی آتاباسکای کانادا نیز نمی تواند تولید و به

فروش برسد. در هر حال نفت ونزوئلا از نظر اقتصادی چنانچه آزادانه و تحت قیمتهای پشتیبانی شده

ایالات متحده می توانست وارد آمریکا بشود، قابل تولید بود. این جریان در صورتی امکان پذیر خواهد بود

که یک موافقتنامه با ونزوئلا منعقد گردد که از سرمایه گذارهایمان حمایت نماید و کمپانیهای ما را قادر

سازد تا نفت سنگین را توسعه دهند. اگر این امر انجام گردد، واردات از ونزوئلا در سال ۱۹۸۰ حداقل دو

برابر رقمی می تواند باشد که در بالا ارائه شد. احتمالاً به همراه ورود آزادانه به ایالات متحده این امر

افزایش مختصری در قیمتهای ایالات متحده به وجود خواهد آورد که نفت آتاباسکا را با صرفه تر

می سازد.

سرانجام ذخایر ثانویه وجود دارند که از شیل (shale) و زغال سنگ تشکیل می شوند. در اینجا است که

ایالات متحده بیشترین خوشبختی را دارا می باشد. ذخایر شیل در ایالات متحده احتمالاً در دنیا بیشترین

ذخایر هستند. برآوردها مختلف است، ولی اغلب توافق دارند که معادل بیش از یک تریلیون بشکه نفت در

این مکان وجود دارد. نفتی که از شیل یا زغال سنگ تولید می شود حتی از «ذخایر ثانویه» نیز گرانتر تمام

می شود ولی در مورد هزینه عقاید مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که نفت حاصله از شیل و زغال سنگ را می توان با قیمتی کمی بیش از قیمت نفت خام کنونی، یعنی حدود هر بشکه ۴ دلار به بازار ارائه نمود، دیگران معتقدند این رقم خیلی نزدیکتر به ۵/۵ دلار در هر بشکه خواهد بود. یک جنبه از نفت حاصل از شیل که همیشه در برآوردهای هزینه به حساب گرفته نشده است. این حقیقت می باشد که تولید مقادیر کم نفت از شیل با آب کافی موجود ممکن است واقعا هزینه کمتری از تولید مقادیر زیاد نفت از شیل را در برداشته باشد.

همچنین اختلاف عقیده قابل ملاحظه ای در این مورد که آیا نفت به مقادیر زیاد ابتدا از سنگ شیل تولید می شود یا از زغال سنگ وجود دارد که ظاهرا ناشی از منافع شخصی است؛ آنهایی که سنگ شیل را در اختیار دارند، معتقدند که نفت ابتدا باید از حوزه آنها تولید شود؛ لیکن آنهایی که منابع چشمگیر زغال سنگ را در اختیار دارند. معتقدند که تغییر زغال سنگ به نفت بسیار ساده تر است و هزینه نهایی آن نیز خیلی پایین تر از هزینه نهایی تبدیل شیل به نفت می باشد.

در هر صورت تردیدی نیست که این دو منبع (شیل و زغال سنگ و ماسه سنگهای نفتی م) مهمترین ذخایر جهانی می باشند و حداقل بخشی از نیاز آمریکا به هیدروکربن نیز می تواند از طریق نفت تولیدی از این دو منبع تأمین گردد. به علاوه این دو پر هزینه ترین ذخایر هستند که تحت بررسی قرار گرفته اند.

ه قیمت نفت جهانی که توسط هزینه تولید ترکیبات نفتی تعیین می شود

زمانی که نفت به مقدار زیاد با استفاده از منابع ترکیبی گرانبه‌تر تهیه شود، دیگر نمی‌توان قیمت نفت قراردادی را پایین نگاه داشت. حتی اگر این کار امکان‌پذیر باشد که در صورتی که این قیمت نیز مانند قیمت گاز تحت کنترل هیئت قیمت‌گذاری فدرال باشد امکان‌پذیر هم هست، ولی نمی‌توان باور کرد که خواهیم توانست قیمت‌های تعیین شده توسط اوپک را کنترل نماییم. ما می‌توانیم عوارض گمرکی سنگینی روی نفت وارداتی بگذاریم، ولی باورکردن این نکته مشکل است که تولیدکنندگان اصلی نفت (با این فرض که نفت به مقدار کم عرضه می‌شود) به سادگی راضی گردند که به دولت ایالات متحده اجازه دهند تفاوت بین ارزش واقعی نفت که توسط هزینه تبدیل زغال سنگ و شیل معین می‌شود و هزینه نفت وارداتی را از میان بردارند. اوپک مکرراً درآمدهای اروپایی از مالیات‌های غیرمستقیم بر روی تولیدات نفتی عایدشان می‌گردد، متذکر شده است. آنها می‌گویند که حتی پس از افزایش قیمت‌های اخیر، دولت‌های مصرف‌کننده درآمدهای بسیار زیادتر از یک بشکه نفت اوپک به دست می‌آورند تا دولت‌های تولیدکننده. بحث دولت‌های مصرف‌کننده در این مورد که آنان آزادند تا مالیات‌ها را در هر سطحی که مایل هستند برقرار نمایند و مالیات‌های داخلی ارتباطی به قیمت‌ها ندارند، کاملاً از نظر دولت‌های تولیدکننده قانع‌کننده نیست.

موضع تولیدکنندگان این است که ارزش حقیقی نفت و مشتقات آن توسط ارزش خرده‌فروشی تولیدات در بازارها با در نظر داشتن مالیات و عوارض معین می‌شود. مصرف‌کننده مایل است که این قیمت‌ها را پردازد و در نتیجه او این ارزش را برای نفت معین کرده است. تنها عامل مربوطه دیگر ارزش منابع جایگزین انرژی است.

در عین حالی که هزینه تبدیل شیل و زغال سنگ می‌تواند در تأثیرگذاران بر دولت‌های تولیدکننده برای افزایش قیمت‌های نفت عاملی اصلی باشد، در ضمن و به احتمال زیاد محدودیت بیشتر افزایشی را بر روی قیمت نفت عادی قرار خواهد داد. می‌توان با مقادیر عظیم شیل و زغال سنگی که وجود دارد چنین تصور

نمود که در بلند مدت چنانچه قرار باشد قیمت‌های نفت بیشتر از هزینه تولید نفت از ترکیبات نفتی افزایش یابد، مصرف کنندگان به نفت به دست آمده از این منابع روی بیاورند. این بدین مفهوم نیست که تمام دنیا می‌تواند یا می‌خواهد که به وسیله زغال سنگ یا شیل یا ماسه سنگ‌های نفتی قاره آمریکای شمالی تأمین شود (حداقل نه در چند دهه آینده). بلکه در صورتی که قیمت نفت بیش از هزینه نفت حاصله از ترکیبات نفتی شود، منطقی است که مقداری از نفت مورد نیاز در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از این طریق تأمین گردد.

منبع یا نوع نفت امروزه به صورت کلی یک مسئله اقتصادی است. امروزه تکنولوژی بجایی رسیده است که نفت را می‌توان از ماسه سنگ‌های نفتی آتاباسکا (فی الواقع این نفت در مقادیر کم هم اکنون تولید می‌شود) و از نفت سنگین ونزوئلا یا از شیل و زغال سنگ ایالات متحده تولید نمود. عمدتاً هزینه این نفت است که از تولیدش جلوگیری می‌کند. اگر تصمیم گرفته شود که نفت از این منابع غیرمرسوم تولید شود، در آن صورت وابستگی آمریکای شمالی به نفت نیمکره شرقی می‌تواند کاهش یابد. از لحاظ تئوری حتی این نفت می‌تواند صادر شود. به طوری که گزارش شده ژاپنیها به جنبه های تولید نفت از ماسه سنگ‌های نفتی آتاباسکا نظری داشته اند، ولی این موضوع دارای مشکلات اقتصادی است و ما مطمئن نیستیم که ژاپنیها در این مورد جدی بوده باشند.

امتیازات مرسوم

سیستم امتیازی فعلی خیلی خوب عمل کرده است. این یک سیستم آزمایش شده و قابل پیش بینی است. این سیستم توسعه مؤثر میدانهای نفتی در بلوکهای بزرگ را امکان پذیر ساخته است و به میزان زیادی به عملیات انعطاف پذیری داده است و مصرف کنندگان را از ثبات دراز مدت در تولیداتشان مطمئن ساخته است. این سیستم دولتهای تولیدکننده را به بازگشایی مناطق بزرگ برای توسعه قادر ساخته است و در بسیاری از موارد در پیشرفت اقتصادی آنها نیز سهم به سزایی داشته است. این سیستم چنان سقفی برای درآمدهای دولتهای تولیدکننده به وجود آورده است که درگیر شدن آنان در بازاریابی نفت را غیر لازم نموده است.

کمپانیها سرمایه و تکنولوژی لازم برای تولید نفت را مهیا می سازند، ولی دولتهای تولیدکننده جز زمین و منابع چیز دیگری را عرضه نمی دارند. این موضوع از نظر برخی از کمپانیها به عنوان هدیه ای که به مناطق تولیدکننده داده شده است نگریسته می شود. ۶۰ یا حتی ۲۰ سال پیش این چنین به نظر می رسید که شرکتهای نفتی منبع را به وجود می آورند؛ و اگر تلاشهای آنان در زمینه علمی، سرمایه گذاری نبود، نفت همچنان در قلب زمین باقی می ماند. در نتیجه بومیان بایستی نسبت به هر چه که کمپانی ها به آنان می دهند راضی و خشنود باشند و این داده ها نیز لزوماً نباید زیاد باشد. برخی وجود دارند که هنوز این نظر را گرامی می دارند، ولی اغلب مواضع روشنفکرانه تری اتخاذ نموده اند. در حقیقت امتیازات به هیچ طریقی اسنادی خشک نبوده اند، بلکه متناوباً در طول ۳۰ سال گذشته و تقریباً به صورت تغییرناپذیری به نفع دولتهای تولیدکننده تعدیل شده اند. متأسفانه هنوز در دولتها و دانشگاههای کشورهای تولیدکننده افرادی وجود دارند که تغییرات کمپانیها را حس نکرده اند.

به نظر می رسد آنان بر این باور باشند که کمپانیها فقط به هر چه سریعتر استفاده کردن از منابع تا آنجایی که در توان دارند و دادن هر چه کمتر به دولت و مردم کشور علاقه مند هستند، ولی به هر اندازه ای که

مدیریت کمپانیها مال اندیش باشند حقیقت غیرقابل گریز این است که به استثنای شرکتهای بزرگ جدیدتر کمپانیهایی که امتیازات را امروزه در اوپک به دست دارند با مناطق تولیدی بیگانه هستند. آن شرکتهایی که خیلی بزرگ هستند و خیلی از جنبه های یک تشکیلات مستعمراتی را دارا بوده اند، امتیازاتشان را خیلی وقت پیش دریافت داشتند و تشکیلاتشان را مستقر ساختند. فی الواقع لغت عربی امتیاز همان لغت مرسوم عثمانی برای کاپیتولاسیون است و خیلیها خصوصاً در دنیای عرب تفاوت خیلی کمی بین شرکتهای امتیازی و جوامع خارجی که صد سال پیش در امپراطوری عثمانی مستقر شدند قائل می گردند.

هیچ گونه بحثی در مورد این حقایق وجود ندارد که: خارجیها می آیند، نفت را تولید می کنند، به دولتها در عوض مقدار زیادی پول می دهند، ولی به جای ابراز قدردانی نسبت به شرکتهای نفتی برای بزرگ منشی و پیشقدمی آنان، ناسیونالیستهای جدید با تأکیدی فزاینده می گویند که سیستم امتیازی خوار و خفیف کننده است. اینکه دولت بایستی آخرین حرف را در مورد سرنوشت اقتصادی خودش بزند شعار حزبی جدید ناسیونالیستها است و ناسیونالیستها باور دارند که زمانی دولت می تواند این کار را انجام دهد که ابتداء شرکتهای نفتی عمل کننده در حوزه خود را تحت کنترل درآورد.

احتمالاً بدون هیچ گونه استثنایی دولتهای تولیدکننده نیز این عقیده را دارند که منافی که از استخراج نفت کشورهایشان به وجود می آید گزاف است و دولتها حتی با تقسیم منافع به نسبت ۶۰ و ۴۰ به نفع

تولیدکننده (یا ۸۰ یا ۲۰ براساس قیمت‌های واقعی) به منافع شرکتها و ارزش مجموع سرمایه گذاری در کشورهايشان می نگرند و آن را با بازده معمولی تجاری ۱۰ یا ۱۵ درصد مقایسه می کنند. آنها نتیجه گیری می کنند که منافع شرکتها تماماً خارج از حدود فعالیتهای معمول تجاری است. البته مقداری از این گناه بستگی به شرکتها یا مقررات مالیاتی در ایالات متحده یا جای دیگر دارد که به شرکتها این منفعت را می رساند که تمام یا قسمتی از سودشان را به پایان تولید اختصاص دهند و در عملیات ابتدایی سود نسبتاً کمی را نشان دهند. این حقیقت که بازدهی صنعت نفت از چاهها تا پمپ بنزین ها از بازدهی عمومی در صنایع تولیدی کمتر است، در کشورهای تولیدکننده تشخیص داده نشده است. فی الواقع این موضوع در بسیاری از مناطق مصرفی نیز نادیده گرفته می شود.

به طور کلی سیستم امتیازی در خاورمیانه و جاهای دیگر منافع بسیاری به کشورهای تولیدکننده و نیز کمپانیها رسانیده است. زمانی که عملیات ابتدایی نیز در نظر گرفته شوند، منافع شرکتها زیاد نبوده است و اگر قرار بود کشورهای تولیدکننده فقط به منافع اقتصادی که می توانستند از صنعت نفت دریافت کنند نظر داشته باشند، احتمال زیادی وجود دارد که سیستم امتیازی فعلی تنها با تعدیلات خیلی کمی تا پایان شرایط امتیازی در آغاز یا اواسط قرن آینده ادامه یابد.

در هر حال امروزه به نظر می رسد که ملاحظات اقتصادی از احساسات یا ناسیونالیسم کم اهمیت تر باشد و خیلی محتمل به نظر می آید (و از نظر ما قطعی است) که سازمان کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) در دهه آینده علاوه بر درآمدی بیشتر از هر بشکه نفت تقاضای برخی کنترلها (و احتمالاً کنترل کامل) را بر کمپانیهای نفتی که در داخل مرزهایشان فعالیت دارند داشته باشد و به احتمال زیاد کنترلها را به دست می آورند. موافقتنامه تهران که در فوریه ۱۹۷۱ به وسیله کمپانیهای نفتی امضاء شد، شرط افزایش تدریجی قیمتها و در نتیجه آن مالیات و پرداختهای حق لیسانس افزایش یافته را تا ۱۹۷۵ تأمین می نمود.

کشورهای عضو اوپک موافقت کرده اند تا برای یک دوره کامل از شرایط این موافقتنامه تبعیت نمایند. آنها می گویند تقاضاهای جاری که آنان در مورد «مشارکت» عنوان می کنند بایستی خارج از موافقتنامه های تهران در نظر گرفته شود و به هیچ طریقی تخلفی از جانب آنان نیست.

دولتهای اوپک با استفاده از جنبه قانونی متن قرارداد و مفهوم آن به آسانی نخواهند توانست منظور خود را ابراز نمایند و کمپانیها نیز با این تقاضاها مخالفت خواهند ورزید. بخصوص که طبق مطالعات و بیانات اوپک خسارات وارده جبران نیز نخواهد گردید.

طبق قرارداد تهران، منعقد شده بین شرکتهای نفتی و کشورهای حوزه خلیج در فوریه ۱۹۷۱، علاوه بر موارد دیگر موافقت گردید که:

۱) «توافق و قرارداد موجود بین دولتهای خلیج و هر یک از شرکتهای نفتی که این قرارداد اصلاحیه ای بر آن است طبق شرایط آنها معتبر باقی می ماند.»

۲) «شرایط ذیل نمایانگر شرایط مربوط به برداشت دولت و وظایف مالی کمپانیهای عمل کننده در کشورهای خلیج با در نظر گرفتن مفاد قطعنامه های اوپک و صدور نفت از خلیج از تاریخ پانزدهم فوریه ۱۹۷۱ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۵ می باشد.»

خلاصه مطلب اینکه این قراردادها امتیازاتی را که شرکتهای دولتها دریافت داشته بودند معتبر شناخته است، و به عبارت دیگر بیان داشته است که شرایط قرارداد حق الامتیاز، مالیات دولتها و دیگر تعهدات

مالی را به مدت ۵ سال مشخص کرده است و عدم درگیری آمریکا در این مسئله نیز تصویری محال است. در ژانویه ۱۹۷۱ معاون وزیر ابروین با حکام ایران، عربستان سعودی و کویت ملاقات نمود و آنها به وی اطمینان دادند که قراردادهای بین خود و شرکتهای نفتی را به طور کامل اجرا خواهند نمود. در صورتی که هر سه آنها نیز به شدت از مسئله مشارکت پشتیبانی نمایند، باید توسط نمایندگان دیپلماتیک در سطوح بالا اقدام نمود.

با وجود اینکه بسیاری از کمپانیها با خوش بینی معتقدند که در امور مالیاتی و در زمینه حق الامتیاز مورد توافق در قرارداد تهران تریپولی بغداد تغییرات چندانی به وجود نخواهد آمد، در عین حال اکثر آنها معتقدند که پس از سال ۱۹۷۶ قیمتها به طور عمده ای افزایش خواهند یافت و قبل از آن جهان وارد بازار فروشندگان نفتی شده است و در آن حال قیمت و موجودیت منابع جایگزین نفت در آمریکا به ۵/۴ دلار در هر بشکه رسیده است (در حالی که قیمت کنونی آن ۵/۳ دلار است و قیمت هر بشکه نفت تحویلی از حوزه خلیج حدود ۵/۲ دلار در هر بشکه است). با وجود اینکه در سال ۱۹۷۶ قیمت نفت جهان ممکن است معادل قیمت نفت در داخل امریکا نشده باشد، ولی نمی توان گفت که اختلاف بین آنها چندان فاحش است. در صورتی که مقدار ۲۵ سنت جهت حمل و نقل هر بشکه نفت از حوزه به خلیج مکزیک و ۷۵ سنت دیگر جهت حمل و نقل آن از خلیج مکزیک به خلیج فارس را از قیمت ۵/۴ دلار در تگزاس کم کنیم، قیمت فروش احتمالی خلیج فارس برای هر بشکه ۵/۳ دلار خواهد بود. این محاسبه قابل دفاع است، گرچه ممکن است قیمتها این قدر بالا نرود. به عبارت دیگر ساحل شمالی خلیج مکزیک همان گونه که تا سال ۱۹۵۰ این گونه بود، می تواند تعیین کننده قیمت نفت باشد.

همان گونه که در بخش پیشین اشاره شد هزینه تبدیل زغال سنگ یا شیل به نفت، عامل محدود کننده قیمتهای نفتی در امریکا خواهد بود، ولی پیرامون رقم صحیح این قیمت اختلاف نظر وجود دارد: (طبق

ارزش کنونی دلار) آیا این قیمت به گفته بعضی از شرکتها ۴ دلار خواهد بود و یا به گفته دیگران ۵/۵ دلار، ولی این قیمت هر چه باشد محدودکننده قیمت نفت قراردادی در آمریکا نیز خواهد بود. البته اگر ۵/۵ دلار برای هر بشکه تعیین شود نفت قراردادی بیشتری نیز تولید خواهد گشت؛ ولی در مورد میزان واقعی نفتی که از این طریق تولید خواهد شد نیز اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. بعضی از کمپانیها معتقدند که قیمت ۵/۵ دلار باعث خواهد شد که از طریق اکتشافات حاصله از حفاری مناطق حاشیه ای، حفاری عمیق تر و راههای بازیافتی ثالث بتوان میزان زیادی از نفت داخلی را تولید نمود. در واقع، بعضی از آنها معتقدند که این قیمت می تواند میزان منابع قابل بازیافت ما را به دو یا سه برابر افزایش دهد. دیگران درست در نقطه عکس این نظریه قرار داشته، اظهار می دارند که ۵/۵ دلار قادر نیست نفت زیادی را در آمریکا به وجود آورد. به هر حال اگر هزینه شیل را ۵/۵ دلار پذیرفته باشیم، قیمت نفت قراردادی نیز همان و یا نزدیک به آن خواهد بود. به این ترتیب می توان انتظار داشت که قیمت نفت خلیج فارس به ۵/۴ دلار برسد. پس از ژانویه ۱۹۷۶ یعنی زمان خاتمه یافتن قراردادها وضع با امروز تفاوت بسیار خواهد داشت. احتمالاً تنها راه ممکن برای جلوگیری از مشارکت این است که به کشورهای اوپک و بخصوص به عربستان سعودی، کویت و ایران بفهمانیم که در همان حال که ما (دولت و شرکتها) مایل هستیم که قراردادها زیر پا گذاشته نشود، خواهان آن هستیم که در خاتمه این قراردادها روابطی جدید را ایجاد نماییم. این روش برخورد زمانی موفقیت به همراه خواهد داشت که شرکتها همین حالا و یا در آینده خیلی

نزدیک به بحث پیرامون ماهیت این روابط جدید پردازند. البته نباید به مشارکت به عنوان تنها نوع رابطه نگریست. مثلاً می توان قسمتهایی از امتیازات، خدمات آمده در قرارداد و سرمایه گذاری مشترک را نادیده گرفت. احتمالاً اگر این کار صورت بگیرد امتیازات با کاهشهای حاصله در بخشهایی از آنها ادامه خواهد یافت. علاوه بر این کلمه «امتیاز» باید از میان برداشته شود؛ چون مفاهیم ضمنی بسیار ناشایستی به همراه دارد. کلمه «قرارداد» بسیار قابل قبول تر است، چون مفهوم توافق بین دو عنصر مساوی را می رساند. علاوه بر این احترام به قراردادهای یک سنت اسلامی است و دولتی که امتیاز را زیر پا می گذارد قبل از زیر پای گذاردن قرارداد دچار تردید و دو دلی می شود.

خلاصه اینکه، به نظر ما بهتر است برای حفظ سلامت صنعت بین المللی نفت نظریات گروههای ۱ و ۲ را که در بخش ۲ درباره آنها توضیح داده شده در پیش گیریم: یعنی مصرانه بخواهیم که تا پایان سال ۱۹۷۶ قرارداد تهران محترم شمرده شود و پس از آن در درازمدت نظریات گروههای ۳ و ۴ را مد نظر قرار دهیم، یعنی به کشورهای اوپک بفهمانیم که مایلیم از ژانویه سال ۱۹۷۶ براساس روابط جدید به کار خود ادامه دهیم. دلایل این نتیجه گیری بدینانه در بخشهای ۷، ۸، ۱۹ ذیل ارائه شده است. البته گروه ۵ که بدین ترین عضو در میان دیگر گروههاست نیز ممکن است بر حق باشد؛ ملی شدن نفت و یا تبدیل ساختن شرکتها به ولی به هیچ وجه نمی خواهیم در انظار نشان بدهیم که ملی شدن نفت و یا تبدیل ساختن شرکتها به خریداران برای ما قابل قبول است. ما اصلاً آن را نخواهیم پذیرفت و فکر هم نمی کنیم که این کار برای تولیدکنندگان نفت فایده ای به همراه داشته باشد. چون نمی توانیم بفهمیم که کارتل اوپک و قیمتهای بالای نفت چگونه می تواند ادامه پیدا کنند، در حالی که بین مصرف کنندگان در زمینه قیمت ها جنگی صورت پذیرد، که منفعی بسیار گذرا و ناپایدار در برخواهد داشت. و اصولاً نمی توانیم متقاعد شویم که اگر قرار باشد شرکتهای ملی نفت برای خودشان عمل کنند و به رقابت با خود برخیزند چگونه خواهند توانست در

تسهیلات صادراتی و تولیداتی جدید مورد نیاز جهان سرمایه گذاری نمایند.

مسائل مربوط به مشارکت و کاهش ارزش دلار

ناسیونالیزم دلیل اصلی تقاضای مبنی بر اشتراک در شرکتهای نفتی است. دولتها شاید می خواهند درگیر باشند تا بتوانند با نیروی حکومتی خود در صنعت اصلی عمل کننده در درون مرزهای خودشان قدرت خود را نیز نشان دهند. وزیر دارایی کویت اخیراً گفته است که مسئله اصلی «کنترل» است. لازم نیست که شرکتهای نفتی پول بیشتری بپردازند. کشورهای دیگری چون ایران و عراق که برخلاف کویت با کمبود مالی روبه رو هستند علاوه بر کنترل در مدیریت خواهان افزایش پرداختها نیز هستند.

اصولاً شرکتهای نگرانی نداشتند اگر فکر می کردند که محدودیت مشارکت دولتها در شرکتهای نفتی در سطح ۲۰ درصد باقی خواهد ماند. ولی آنها شدیداً نگران هستند چون وضع آینده و بیانات بسیاری از اعضاء اوپک که گفته اند این تنها اول کار است و دولتها می خواهند ۵۱ درصد و یا تمام تسهیلات تولیدی را در اختیار خود داشته باشند، این نگرانی آنها را تشدید کرده است. البته ممکن است برای شرکتهایی که خودشان تسهیلات حمل و نقل، پالایش و بازاریابی را در اختیار دارند این موضوع چندان هم نگران کننده نباشد. در آینده آنها می توانند با دولتها قراردادهای خرید منعقد سازند و منافعشان هم حتی بیش از گذشته و حتی عظیم تر باشد، ولی شرکتهای کوچکتر که دارای بازارهای خاصی در خارج نیستند و دسترسی آنها

به آمریکا نیز محدود است به احتمال زیاد از بین خواهند رفت.

کمپانیهای بزرگ به دو دلیل در برابر چنین تغییری مقاومت خواهند کرد. دلیل اول این است که برای جلوگیری از پرداخت مالیات، آنها نشان می دهند که قسمت اعظم منافعشان در زمان تولید عایدشان می گردد و پرداختهای خود به دولت میزبان را «مالیات بر درآمد» نامگذاری کرده آن را به عنوان اعتبار مالیاتی از «مالیات بر درآمدی» که باید در کشورهای مصرف کننده پردازند کم می کنند. نتیجه این است که بسیاری از شرکتهای بزرگ در آمریکا مالیات درستی نمی پردازند. اگر از آنها به اجبار خواسته شود که منافع حقیقی خود را نشان دهند، البته منافی را که امروز به دست می آورند نشان خواهند داد، ولی نیمی از آن به عنوان مالیات بر درآمد از دست آنها گرفته خواهد شد. نیاز شدید شرکتهای به سرمایه را نیز می توان با بالا بردن قیمت تولیدات نفتی تأمین نمود، لیکن این موضوع مقاومت جدی مصرف کننده را نیز به همراه خواهد داشت. دلیل دوم این است که شرکتهای مطمئن نیستند (ما هم نیستیم) که دولت های تولیدکننده با سرمایه هایی که در اختیار دارند و باید در جنبه های مختلف مملکتی به کار رود بتوانند به سرمایه گذاری در زمینه نفت پرداخته نیازهای یک یا دو دهه آینده را برآورده سازند.

تا زمانی که اطلاعات دقیقی در مورد خواست اصلی دولتهای عضو اوپک و قیمت دلخواه آنها و زمان به دست نیاورده ایم نمی توانیم بگوئیم که این مشارکت برای شرکتهای چقدر خرج برمی دارد، ولی نمی توان گفت که یک درصد مشارکت برابر است با یک سنت منفعت کمتر در هر بشکه نفت تولیدی در صورتی که کمپانی مزبور (براساس قیمت های گذشته) بین ۸۰ سنت تا یک دلار در هر بشکه سود عاید خودش نماید. مثلاً اگر یکی از کشورهای خواستار ۲۰ درصد مشارکت باشد و آن دولت نیز دولت عربستان سعودی باشد، باید ۱۶ سنت دیگر به این دولت برای هر بشکه پرداخت شود. تقاضای لیبی برای تصاحب ۵۱ درصد سهام شرکت به معنی آن است که در ازاء هر بشکه ۵۰ سنت دیگر نیز باید به این دولت داده شود. البته این موضوع

در مورد هر کشور با در نظر گرفتن هزینه تولید فرق می کند. اگر برای محاسبه سودهایی که عاید شرکت شده از قیمت‌های حقیقی به جای قیمت تعیین شده استفاده شود میزان پول اضافی نیز که باید به کشور خواستار مشارکت پرداخت شود کمتر خواهد بود.^(۱)

طبق اطلاعاتی که در مورد اوپک به دست آورده ایم، جبران خسارات وارده بر شرکتها براساس ارزش دفتری اموال احتساب می گردد که مبلغ ناچیزی خواهد بود.^(۲) بنابراین پرداختها از محل منافع آن سهامی از شرکت که مصادره می شود صورت می پذیرد (تا در عواید دولت کاهشی رخ ندهد) و در مدت حداقل پنج سال باید پرداخت آن به پایان برسد. بنابراین درآمد شرکت در طول مدتی که «خسارات جبران» می شود یا دست نخورده باقی می ماند و یا اینکه با برداشتهای دولتی کاهش می یابد. به هر حال، کمپانیها

-
- ۱- انگلیسیها معتقدند که برای احتساب هزینه های اضافی بهتر است از قیمت‌های واقعی استفاده شود. چون □ تقاضای ۲۰٪ مشارکت در خلیج فارس به معنی این است که به هزینه خالص شرکت در مورد استخراج هر بشکه □ نفت ۶ سنت افزوده می شود. دولت نیز به شرکتها اجازه می دهد که سهم نفت آنها را نیز در "بازار" به فروش برسانند که در نتیجه در مقدار ۶ سنت افزایش هزینه یا مخارج به این ترتیب کاهش پدید می آید. بنابراین تقاضای ۲۰٪ مشارکت به معنی ۲ یا ۳ سنت هزینه اضافی در هر بشکه است که در حقیقت اصلاً هزینه ای اضافی به حساب نمی آید □ ولی فکر نمی کنیم که کشورهای اوپک براساس قیمت‌های واقعی مذاکره نمایند □ گرچه ممکن است نتیجه نهایی همان باشد. بنابراین در رابطه با تقاضای مشارکت کشورهای اوپک از طرف مصرف کنندگان مخالفتی بروز نخواهد کرد (که از مخالفت شرکتها جدا باشد).
 - ۲- احتمالاً کشورهای اوپک در محاسبات خود از ارقامی که وسیله وزارت بازرگانی آمریکا در مورد ارزش سرمایه‌گذارهای آمریکا در خارج سالانه منتشر می گردد □ استفاده خواهند کرد.

نیز این هزینه اضافی را از طریق مصرف کنندگان به دست می آورند، چون امکان ندارد که این شرکتها بتوانند افزایشهایی بیش از آنچه در ژانویه ۱۹۷۱ به وجود آمد را متحمل بشوند. همان گونه که قبلاً گفته شد، دولت آمریکا نیز باید در مورد مشارکت اوپک قبل از پایان قرارداد تهران اعتراض نماید.

درخواست اوپک برای ایجاد تغییرات در پرداختها در رابطه با افزایش مؤثر ارزش دلار بسیار پیچیده است. اوپک ممکن است اظهار نماید که به دلیل ضرورت این قراردادها به طور اتوماتیک مورد گفتگو قرار گرفته اند، ولی شرکتها نیز استدلال می کنند که در قرارداد تهران در زمینه بالا رفتن تورم مفادی وجود دارد که در مورد کاسته شدن ارزش پولی اقدامی انجام می دهد. به هر حال، آمریکا به آسانی نخواهد توانست اوپک را متقاعد سازد که به دنبال درآمد بیشتر نباشد. مشکلات ارزی کنونی جهان نیز در نتیجه اقدامات آمریکا به وجود آمده، بنابراین به آسانی نمی توان از اوپک خواست که در جهت بقاء خود اقداماتی انجام ندهد. این موضوع خصوصاً در مواردی که قیمت مواد خارجی را به دلار افزایش داد نیز صادق است. اگر بخواهیم بگوییم که ما مایل هستیم که قیمت کالاهای ساخته شده یا کالاهای بعضی از کشورها افزایش یابد، ولی قیمت نفت به صورت قبلی باقی بماند، حرف ما در کشورهای اوپک خریداری نخواهد داشت. ما به شرکتهای نفتی خود اطلاع داده ایم که از نظر دیپلماتیک نمی توانیم در این زمینه آنها را یاری دهیم. آنها گفته اند که خواستار حمایت ما نیستند، ولی بیندیشند. ما نیز مقالات بررسی تجارت تهیه شده وزارت دادگستری را بر ایشان ارسال داشته ایم، تا آنها نیز بتوانند کار خود را انجام دهند. در مورد این موضوع با اروپاییها نیز گفتگو کردیم و اظهار داشتیم که اگر موجبات نگرانی آنها فراهم شود آنها نیز می توانند با دولتهای اوپک این موضوع را در میان بگذارند، ولی اکثر آنها ظاهراً مایل نیستند این کار را انجام دهند.

الف: درآمد اوپک

جدول ضمیمه این بخش نمایشگر تقریبی درآمدهای نفتی دولتهای خاورمیانه و آفریقای شمالی در سال ۱۹۷۵ است. میزان رشد پایین ۱۰ درصد است که خیلی پایین تر از میزان رشد تولید در چند سال گذشته است.

در صورتی که دولتهای خاورمیانه ای و آفریقای شمالی عضو اوپک تا سال ۱۹۷۵ موفق به بالابردن قیمتها به دلار بشوند عوایدی که نصیب آنها می شود دو برابر شده و از ۶/۱۴ میلیارد دلار به ۲۷ میلیارد دلار خواهد رسید. با در نظر گرفتن ۳۰/۳ دلار تا ۶۰/۳ دلار برای هر بشکه به هنگام تولید و اضافه کردن ضریب تورم و هزینه حمل هر بشکه به پالایشگاه ساحلی آمریکا و منطقه صادراتی، رقم ۵۰/۴ دلار برای هر بشکه در سال ۱۹۷۵ در دست آمدن رقم بالا به کار برده شده است. عوارض و درآمدهایی که نصیب دولتها در خلیج فارس می شود با کم کردن هزینه حمل و نقل از آمریکا به خلیج فارس، هزینه تولید نفت در خلیج و مبلغی که به شرکتهای می رسد از ۵۰/۴ دلار تعیین می گردد که میزان این عایدات در هر بشکه ۸۰/۲ دلار می باشد. در مورد دولتهای آفریقای شمالی نیز همین کار انجام شد و چون هزینه حمل و نقل از آفریقای شمالی به آمریکا در مقایسه با هزینه حمل و نقل از خلیج فارس به آمریکا خیلی کمتر است، عواید حاصله برای دولتهای آفریقای شمالی بر اساس قیمت گذاری آمریکا در هر بشکه ۳۵/۳ دلار

می باشد.

البته این ارقام همه حدودی و تقریبی هستند. البته فرض می کنیم که هزینه حمل و نقل همیشه ثابت و زیاد است (که همیشه این طور نیست) (مقیاس جهانی ۱۰۰). هزینه حمل و نقل ارزان در میزان عایدات دولتی نیز افزایشی پدید می آورد.

از ارقام مربوط به نیجریه، ونزوئلا، اندونزی و دیگر تولیدکنندگان در این جدول آورده نشده است. با وجود اینکه به دست آوردن ارقام صحیح در مورد تولیدات این کشورها کاری است بسیار مشکل، ولی منطقی است اگر فرض کنیم که میزان تولیدات و عواید حاصله معادل یک سوم ارقامی است که در جدول نشان داده شده است. بنابراین اگر بر اساس قرارداد تهران عمل شود، تولید گروه اوپک به ۳۴ میلیون بشکه در روز و عواید حاصله ۲۰ میلیارد دلار خواهد شد؛ ولی اگر تا سال ۱۹۷۵ قیمت نفت هم سطح قیمت آن در امریکا افزایش یابد عواید حاصله بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار خواهد گردید.

میزان تولید نفت در سال ۱۹۷۰ و میزان تقریبی آن در سال ۱۹۷۵ (ارقام به هزار بشکه در روز)

و عایدات دولتی (به میزان میلیارد دلار در سال)

عکس

در سال ۱۹۸۰ در آمد کشورهای تولید کننده به طرز فزاینده ای بالا خواهد رفت و با بالا رفتن قیمت نفت جهانی و برابری آن با قیمت نفت در داخل آمریکا و در نتیجه تغییراتی که در آن از تبدیل شیل و زغال سنگ به نفت به وجود خواهد آمد پرداخت خالص به دولتها برای هر بشکه معادل ۳ دلار خواهد بود، و در آمد دولتهای تولید کننده به حدود ۸۰ میلیارد دلار در سال خواهد رسید. این در آمد حدود ۱۰ برابر در آمد آنها در سال ۱۹۷۱ و حدود ۴ برابر در آمد آنها در سال ۱۹۷۵ خواهد بود، البته در صورتی که در این مدت قرارداد تهران به طور کامل اجرا شود.

در مورد این نتایج با رئیس بخش جدید انرژی صندوق بین المللی پول نیز صحبت و تبادل نظر گردید
وایشان فرضیات ما در زمینه قیمت‌های آتی نفت و حجم تولید جهانی نفت پذیرفته اند. این صندوق به زودی

مطالعه ای را در زمینه حجم درآمد اوپک که انتظار می رود به بازار تجارت برگردانده شود و مقداری از آن نیز به عنوان ذخایر ارزی ذخیره گردند و تأثیر آن بر ثبات سرمایه ای بین المللی آغاز خواهد کرد.

ب: ملاحظات مربوط به موازنه یا تراز پرداختها

اگر در سال ۱۹۸۰ آمریکا هر روز ۱۲ میلیون بشکه نفت وارد نماید و قیمت نفت نیز در آن زمان به میزان کنونی باقی بماند و در دریافت پولی شرکتها نیز تغییری به وجود نیاید، هزینه خالص موازنه پرداختهای آمریکا برای هر بشکه ۵/۱ دلار یا ۵/۶ میلیارد دلار در سال خواهد بود. لیکن، اگر قیمت نفت جهانی معادل قیمت نفت در آمریکا بشود که احتمال این فرض بیشتر است و نیز تغییر تبدیل شیل نیز بر آن تأثیر بگذارد (همان گونه که قبلاً درباره آن صحبت شد)، آمریکا باید برای هر بشکه به طور خالص ۳ دلار به دولت تولیدکننده بپردازد و هزینه خالص وارد کردن هر بشکه به آمریکا ۵/۳ دلار خواهد بود. در این صورت موازنه پرداختهای آمریکا معادل ۲۵ میلیارد دلار در سال خواهد گردید.

لیکن در صورتی که شرکتها نفتی به وضع کنونی باقی بمانند، یعنی بتوانند به عملیات انتفاعی خود به نحوی ادامه دهند، سودی که عاید آنها می شود از فرار ارز جلوگیری می کند، ولی برای مصرف کنندگان اروپایی و ژاپنی هزینه مصروف برای هر بشکه بیشتر از هزینه مصروف توسط آمریکا خواهد گردید. در صورتی که قیمت نفت به طرز فاحشی بالاتر برود، برای اروپاییها (بجز انگلیس و هلند) هزینه خالص برای هر بشکه معادل ۴ دلار خواهد شد. و در صورتی که اروپا در سال ۱۹۸۰ هر روز ۲۶ میلیون بشکه نفت مصرف نماید، کل هزینه ای که اروپا باید در هر سال متحمل شود معادل ۳۸ میلیارد دلار می شود. ولی اگر ژاپن در هر روز ۱۲ میلیون بشکه مصرف نماید که احتمال آن زیاد است (شاید هم میزان مصرف کم حدس زده باشد)، هزینه کلی که ژاپن در هر سال باید بپردازد ۱۷ میلیارد دلار خواهد بود.

کشورهای بزرگ صنعتی با افزایش روابط تجاری بین خود و دولتهای تولیدکننده خواهند توانست

مقدار زیادی از این ارز را از این کشورها پس بگیرند، گرچه ممکن است که مخارج هر کشور نتواند با فروش اضافی آن برابر و جبران گردد. برای ملل توسعه نیافته افزایش این گونه ای فاجعه آمیز خواهد بود.

قدرت و توان کشورهای تولیدکننده در برخورد با شرکتهای

مصرف نفت در جهان در سال ۱۹۵۱ یعنی همزمان با ملی شدن شرکت انگلیسی ایرانی کشور ایران، حدود یک چهارم مصرف کنونی نفت در جهان بود. تولید نفت در ایران دچار توقف گردید، لیکن پس از مدت کوتاهی این کاهش تولید به وسیله کشورهای حوزه خلیج از قبیل عراق، عربستان سعودی و بخصوص کویت جبران گردید. در ۱۵ سال بعد استعداد افزایش تولید نفت در جهان بالا رفت. آمریکا به مقدار زیادی خود کفا شده بود هر روز حدود ۲ میلیون بشکه وارد مخازن خود می نمود. در بسیاری از کشورهای مهم تولیدکننده نیز همین وضع حاکم بود. این ظرفیت اضافی سبب شد که شرکتهای نفتی از امنیت و انعطاف پذیری بسیار برخوردار شوند. با سرنگونی خشونت بار سلطنت عراق در سال ۱۹۵۸ و حملاتی که علیه شرکتهای نفتی انجام گرفت، طرحهای توسعه طلبانه شرکتهای در عراق بی فایده ماند، ولی دولت عراق در تولید نفت کاهشی ایجاد ننمود. رژیم تندرو عبدالکریم قاسم و رژیمهای بعد ناسیونالیست عربی و بعثی تهدید کردند که شرکت نفت عراق را ملی خواهند کرد، ولی تاکنون تهدیدهای خود را عملی

ساخته نساخته اند، چون می دانند و یا حداقل ترس از آن دارند که شرکتهای نفتی کاهش نفت عراق را در خارج از این کشور جبران نمایند و چون عراق هرگز نتوانسته است همکاری دیگری تولیدکنندگان را به خود جلب نماید، ترس از آن دارد که نتواند بازاری برای نفت خود بیابد و در نتیجه درآمندی نیز نداشته باشد. دولت عراق دچار نوعی کمبود دائمی مالی بود و به همین دلیل نمی توانست حتی از یک چهارم درآمد حاصله از نفت نیز چشم پوشی نماید.

همزمان با جنگ ۱۹۶۷ خاورمیانه و بسته شدن کانال سوئز نیز در خلیج فارس، ظرفیت تولیدی قابل ملاحظه ای وجود داشت، ولی با توقف تانکرهای نفت کش وسیله دیگری برای وارد کردن این نفت به بازار وجود نداشت، و در آن حال لیبی نقش کویت در سال ۱۹۵۱ را ایفاء کرد؛ میزان تولید نفت این کشور به سرعت بالا رفت و وابستگی جهان به نفت لیبی بیشتر شد. کمی بعد از سرنگونی سلطنت لیبی در سپتامبر ۱۹۶۹، دولت جدید تندرو لیبی دریافت که قدرت آن را دارد که شرایط جدیدی را بر شرکتهای نفتی تحمیل نماید و به همین جهت تهدید نمود که اگر خواستههای این کشور برآورده نشود تولید نفت را متوقف خواهد کرد و این کشور بیش از هر کشور دیگر قادر به عملی ساختن تهدید خود بود. چون جمعیت لیبی بسیار کوچک بود و علاوه بر این دولت آن کشور حدود ۲ میلیارد دلار ارز خارجی در اختیار داشت که می توانست به وسیله آن در صورت عدم تولید نفت نیز به حیات خود ادامه دهد. علاوه بر این، معلوم نبود که اروپا بتواند تحمل فقدان نفت لیبی را داشته باشد. خط لوله نفتی ترانس عربی قطع گردید، و به نظر می رسید که عراق نیز منتظر است تا به محض اقدام لیبی در مورد شرکتهای، وی نیز به ملی کردن شرکت نفت عراق مبادرت ورزد و به این ترتیب خریداران نفت و شرکتهای نفتی در وضع کاملاً جدیدی قرار گرفتند. در گذشته هیچ یک از این کشورها نمی خواستند و یا قادر نبودند به منظور گرفتن امتیازات اقتصادی از شرکتهای نفتی عمل کننده در آنجا به تنهایی صدور نفت را قطع نمایند، ولی لیبی این کار را کرد و دیگر

کشورهای عضو اوپک نیز از وی دنباله روی کردند، ولی تقاضاهای آنها در قبال شرکتهای نفتی معادل تقاضاهای لیبی نبود.

ولی در ماههای اخیر وضع آرامش بیشتری یافته است. نرخ نفتکشها کاهش یافت و چون قیمتهای تعیین شده به وسیله اوپک بر اساس مرغوبیت نفت تعیین گردید، قیمت نفت مدیترانه، آفریقای غربی و ونزوئلا افزایش یافت، ولی تولید در هر سه منطقه کم شد و این کاهش تولید نیز به وسیله خلیج فارس جبران گردید و در برخورد آتی ما با لیبی ما بیش از سال گذشته ملایمت و خونسردی نشان خواهیم داد. چون تولید نفت آن در حال حاضر (نوامبر ۱۹۷۱) کمتر از ۵/۲ میلیون بشکه در روز تولید می کرد. و در صورتی که علیه شرکتهای اقدامی انجام دهد و حتی اگر تولید نفت لیبی کاملاً قطع گردد، به احتمال زیاد خواهیم توانست تمام این کمبود را با افزایش تولید از طریق خط لوله نفتی عراق و خط لوله ترانس عربی (که در حال حاضر فقط از ۵۰٪ ظرفیت آن بهره برداری می شود) و نیز از طریق نیجریه و ونزوئلا جبران نماییم.

ولی این راه حل نیز نگرانیها را به طور کلی برطرف نمی نماید. اگر یکی از کشورهای «حوزه خلیج» از لیبی حمایت کند، یعنی عراق شرکت نفت خود را ملی نماید و خط لوله ترانس عربی نیز قطع شود، باز هم ما با بحرانی روبه رو خواهیم شد که البته شدت این بحران مانند سال قبل نخواهد بود و خسارات وارده نفتی نیز به همان میزان نخواهد بود.

یکی از خطراتی که جبران کمبود لیبی می تواند دربرداشته باشد، به وجود آوردن روحیه آسوده خاطری است. برای مصرف کنندگان نفت و نیز شرکتها «بازار خریداران» خیلی سودآورتر است، که در حال حاضر ما در همین نوع بازار قرار داریم. ولی باید در نظر داشت که عمر این بازار کوتاه است و احتمالاً آخرین بازار این گونه ای است که ما شاهد آن خواهیم بود. (۱)

تا سال ۱۹۷۵ مصرف جهانی نفت آن قدر بالا رفته و تولید جهانی نفت آن قدر در خاورمیانه و آفریقای شمالی متمرکز خواهد گردید که احتمالاً یکی از دو واقعه زیر رخ خواهد داد:

(۱) ظرفیت تولید اضافی و ذخیره ای جهانی آنقدر کم خواهد شد که قطع عرضه نفت توسط هر یک از پنج کشور اصلی عرضه کننده یعنی ونزوئلا، لیبی، ایران، کویت و عربستان سعودی، سبب خواهد شد که عرضه نفت به اروپا و ژاپن بحرانی پدید آید؛ یعنی پنج کشور خود را در موقعیت لیبی در سال ۱۹۷۰ خواهند دید، گرچه ذخایر ارزی ایران و ونزوئلا آنقدر نیست که آنها بتوانند در برابر کمبود درآمدهای خود مقاومت نمایند.

(۲) اکثر کشورهای اوپک که دائماً روی تولید اضافی خود حساب می کرده اند که میزان رشد آن نیز دائماً رو به افزایش بوده است در آینده نزدیکی خواهند دید که تولید کاهش یافته و سقوط شدیدی پیدا خواهد کرد. بنابراین از اوپک به عنوان یک گروه باید انتظار داشت که دائماً طالب افزایش قیمت هربشکه باشد؛ از این رو اوپک ممکن است اقدام به محدود نمودن تولید نماید تا بتواند نفت را برای آینده حفظ نماید. این استدلال که ارزش نفت کنونی در رابطه با نفتی که در سال ۱۹۹۰ تولید خواهد شد صفر است، به مذاق بسیاری از اعضاء اوپک چندان خوشایند نمی آید. ارزش تئوریک این استدلال هر چه باشد، تنها زمانی حائز اهمیت می گردد که درآمد حاصله از نفت در زمینه های تولیدی مورد استفاده قرار گیرد، نه در زمینه خرید اجناس تجملی و تسلیحاتی.

تا سال ۱۹۸۰ یا ۱۹۸۵ تولید نفت ونزوئلا، نیجریه، الجزایر، لیبی، کویت و اندونزی احتمالاً به «اوج»

خود رسیده درجه نهایی را نشان خواهد داد. اگر تا سال ۱۹۸۰، در نقاط دیگر جهان اکتشافات جدید و

غیرمنتظره دیگری رخ ندهد، مطمئناً عربستان سعودی و عراق و احتمالاً ایران در تولیدات نفتی خود

افزایش پدید خواهند آورد.

اگر از روشهای بازیافت ثانی و ثالث نیز استفاده شود. این افزایش تولید احتمالاً در چند دهه آتی و

حتی در قرن آینده نیز ادامه خواهد یافت، ولی هزینه مصروف در این زمینه بسیار سنگین خواهد بود و

برای استفاده از چنین منابع بازیافتی باید بتوان کاری کرد که دولتها نیز در مقابل هر بشکه نفت پول کمتری

دریافت نمایند.

البته منظور این نیست که عایدات آنها کمتر از آنچه امروز هست باشد، بلکه باید کمتر از عوایدی باشد

که در زمان توسل به روشهای بازیافت ثانی دریافت می گردد. در آن موقع حتی اگر فرض کنیم که تبدیل

زغال سنگ، شیل و یا نفتی تعیین کننده قیمت نفت جهانی باشد، باز هم میزان عایداتی که نصیب دولتهای

تولیدکننده می شود خیلی بیشتر از امروز خواهد بود، یعنی در قبال هر بشکه عایدات خیلی بیشتری به

۱- در گفتگویی که با دولت انگلیس در پایان اکتبر و اوایل نوامبر داشتیم □ دولت انگلیس اظهار داشت که ما در تعریف کنونی بازار نفت خیلی بیشتر از آمریکاییها بدبین هستیم. چون ما در تعریف خود آن را «آخرین لحظات بازار خریداران» نامیدیم □ در حالی که انگلیسیها فکر می کنند که به نظر آنها «بازار دائمی فروشندگان که جهان آن را در سال ۱۹۷۶ تجربه خواهد کرد □ موقتاً نرمش به خرج داده است.»

جیب آنها سرازیر خواهد شد.

با حداقل همکاری در داخل اوپک (که در سال گذشته این همکاری بسیار قابل ملاحظه بوده است) این کشورها خواهند توانست در سال ۱۹۷۶ و در پایان قراردادهای تهران قیمتها را خیلی بالاتر ببرند و در همان حال قادر خواهند بود شرکتهای نفتی را وادار سازند که با تقاضاهای آنها در زمینه «مشارکت» موافقت نمایند. البته اگر زودتر دست به کار شوند موافقت آنها را قبل از آن زمان نیز به دست خواهند آورد. خلاصه اینکه، در حال حاضر و حتی در بیست سال آینده شلاق در دست کشورهای تولیدکننده بوده و خواهد بود. شرکتهای دولتهای مصرف کننده و شرکتهای خودمان هنوز هم برگهای برنده ای در دست دارند که در بخش بعد به توضیح و تشریح آنها خواهیم پرداخت، ولی این برگها را باید با احتیاط تمام رو کرد تا شکست نابودکننده ای نصیب مان نشود.

قدرت شرکتهای

در گذشته شرکتهای نفتی بزرگ، در رابطه با دولتهای تولیدکننده طوری رفتار می کردند که گویی آنها (شرکت) ملل حاکم هستند و در بسیاری از موارد، تکنولوژی در آمد و عظمت شرکتهای آنها را نیرومندتر از بسیاری از دولتها نشان می داد. این شرکتهای در مناطق تحت امتیاز خود دولتها را مورد تهدید قرار می دادند و اظهار می داشتند که تولید را متوقف کرده به مناطق بهتری کوچ خواهند کرد. نتیجه این روش جسورانه در برخورد با دولتها خصومتی است که امروزه در رابطه با شرکتهای نشان داده می شود. لیکن با وجود این که بعضی از مقامات شرکتهای و حتی مقامات دولتهای مصرف کننده رؤیای روزهای گذشته را هنوز هم در سر می پروراندند، ولی باید اذعان داشت که دیگر در برخورد با دولتها چندان قدرتی ندارند و در مدت کوتاهی این مطلب برای هر یک از تولیدکنندگان اوپک اگر تاکنون روشن نشده، حتما آشکار خواهد شد.

با این وصف، شرکتهای هنوز هم آنقدر ضعیف نشده اند. آنها سه وظیفه مهم دارند که باید در انجام آن

مهمترین وظیفه آنها تأمین و تضمین سرمایه است

طبق برآورد بانک چیس مانهاتان، این صنعت در خارج از دنیای کمونیستی در ده سال آینده به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه نیز خواهد داشت. که از این مبلغ ۱۸۰ میلیارد آن برای برآورد نیاز کاری و دیگر نیازهای عمومی شامل اوراق قرضه است، و ۳۶۰ میلیارد دیگر سرمایه مورد نیاز در زمینه مخارج است.

(در این مورد در همین مقاله در موضوعی دیگر بحث خواهد شد). از سرمایه مورد نیاز برای مخارج حدود یک سوم دیگر تسهیلات آتی (یعنی، اکتشاف، توسعه و تولید) به کار خواهد رفت. بعضی از کشورهای اوپک احتمالاً سرمایه زیادی را ذخیره خواهند کرد، ولی اکثر آنها به این کار تن درنخواهند داد. به هر حال، نیاز محلی به سرمایه بر نیاز به سرمایه گذاری بیشتر در زمینه نفت ارجحیت خواهد یافت. اگر دولتها تصمیم بگیرند که شرکتهای ملی نمایند و یا حداقل کنترل آنها را به دست گیرند، حداقل امکان دارد که وحدت میان اوپک از میان برود؛ و در آن صورت خلاف اوضاع کنونی که تمام دولتهای تولیدکننده در برابر صنعت قرار گرفته اند، این امکان کاملاً وجود دارد که رقابت میان این دولتها قیمت نفت را کاهش دهد.

این موضوع در کوتاه مدت به نفع مصرف کنندگان و حتی شرکتهای خواهد بود چون آنها ابتدا مبادرت با

خرید نفت کرده، حمل و نقل، پالایش و بازاریابی آن را نیز به عهده می گیرند (دلایل بسیاری حاکی از آن است که کشورهای اوپک این خطر را شناخته اند و به همین دلیل اجازه خواهند داد که شرکتها تا حدی در تولید نقش داشته باشند). بنابراین، می توان گفت که سرمایه لازم در زمینه تولید مصرف نخواهد شد و در مدت کوتاهی جهان بحرانی را در زمینه عرضه تجربه خواهد کرد که بجز کاهش شدید در مصرف راه فرار دیگری از آن نخواهد داشت.

ممکن است اینطور استدلال بشود که دولتهای تولیدکننده آن قدر بالغ شده اند که مقدار زیادی از درآمد خود را برای ایجاد تسهیلات تولیدی بکار برند و امکان دارد که بعضی از کشورها نیز این کار را انجام بدهند، ولی امکان ندارد و اصولاً قابل درک نیست که یکی از کشورهای اوپک پول و تولید خود را در کشوری دیگر به کار گیرد، بخصوص که خطر از دست رفتن سرمایه آنها مانند شرکتهای نفتی نیز وجود دارد.

البته این امکان نیز وجود دارد که کشورهای مصرف کننده سرمایه لازم را برای توسعه منابع جدید به کار گیرند، ولی مشکل بتوان بدون استفاده از شرکتهای نفتی که تجربه لازم در این زمینه را در اختیار دارند به این هدف چ آمد. تجارب ENI ، CFP ، ERAP در زمینه تولید در خارج نیز نمی تواند سبب از بین رفتن نگرانی کسانی شود که فکر می کنند شرکتهای نفتی دولتی قادر هستند در زمینه مسئله عرضه نفت راه حلی ارائه دهند.

دومین قدرت صنعت مهارتی است که در زمینه تکنولوژی دارد و...

اگر همه کشورهای اوپک نتوانند، اکثر آنها خواهند توانست امور حوزه های نفتی خود را در دست بگیرند. نفت در حال حاضر استخراج شده است و مطمئناً از طریق چاههای نفت کنونی تولید خواهد شد، ولی حفر چاههای جدید مشکلات جدیدی را نیز به همراه خواهد داشت و اکثر تکنیسینهای کشورهای

اوپک حتی در ونزوئلا که از نظر تکنولوژی در میان کشورهای اوپک خیلی پیشرفته تر و پیچیده تر نیز هست، قادر نخواهند بود که حوزه های جدید نفتی را کشف و مورد بهره برداری قرار دهند. پیچیدگی مشکلات در زمینه بهره برداری حوزه های نفتی جدید با اضافه شدن مشکل بازاریابی نفت دوصد چندان خواهد شد، ولی شک نیست که کشورهای اوپک اهمیت این موضوع را نیز دریافته اند. در تقاضای اوپک برای «مشارکت» صریحاً آمده است که خود کمپانیها باید نفت را مستقیماً به بازار عرضه کنند، به احتمال قوی در طرح بازار معمولی شرکتها، نه شرکتها و نه دولتها هیچ یک نخواهند توانست به تنهایی بازار جدیدی برای ۲۰٪ نفت تولید شده در کشورهای اوپک پیدا کنند.

شرکتها به عنوان مانعی میان دولتهای تولیدکننده و مصرف کننده

(۳) سومین نکته عبارت است از وظیفه شرکتها به عنوان مانعی میان دولتهای تولیدکننده و مصرف کننده. این موضوع برای هر دو حائز اهمیت است. دولتهای تولیدکننده می توانند شرکتها را مورد تهدید و اذیت و آزار قرار دهند. در صورتی که با دیگر شرکتهای ملی نفت و یا با دولتهای مصرف کننده مستقیماً سر و کار داشتند موضوع حیثیت ملی به میان می آمد و سازش و مصالحه اصولاً امکان پذیر نمی بود. حتی اگر این موضوع هم در میان نباشد، شک نیست که قراردادهای تهران / تریپولی / بغداد در نیمه اول ۱۹۷۱

طوری اجرا گردید که از به میان کشیده شدن حیثیت و شرف ملی اجتناب ورزیده شود. اگر در ژانویه ۱۹۷۱ دولتها به جای شرکتها در تهران حضور می داشتند، مشکل بتوان تصور کرد که نتیجه حاصله به اندازه نتایج حاصله کنونی رضایتبخش می بود.

اقدامات دولت آمریکا از طریق نمایندگی ایروین به خلیج فارس صرفاً شامل:

الف) اعلام اختار نسبت به کشوری بود که صدور نفت به آمریکا و دوستانش را قطع نماید که در نتیجه بر روابط بین آن کشور و آمریکا نیز شدیداً تأثیر خواهد بخشید.

ب) خواستار تمدید زمان مذاکره برای شرکتها شده بود.

پ) خواستار توقف جهش قیمتها در اوپک شده بود. دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی صرفاً به حمایت از شرکتها و تلاشهای آمریکا پرداختند.

در اینجا نکته دیگری نیز هست که نباید زیاد بر آن تکیه نمود، ولی ذکر آن هم خالی از فایده نیست. ما

معمولاً کشورهای تولیدکننده را راهزنان بی وجدانی می نامیم که برای قوانین بین المللی و اخلاقیات

احترام قائل نیستند. اگر شرکتها و دولتهای مصرف کننده و دولت خودمان نیز همین رویه را در پیش بگیرند

ما نیز به همان نام خوانده خواهیم شد، ولی باید اعتراف کنیم که در اوپک مردانی چون شاه فیصل، امیر

کویت و دیگران... وجود دارند که به شرف و تمامیت ارضی احترام می گذارند. اگر واقعیت را در نظر بگیریم

می بینیم که باید از آنها انتظار داشته باشیم که برای حفظ منافع خود به طور منصفانه عمل نمایند. بعضی از

دولتهای اوپک از قبیل دولت عراق گاهی اقداماتی انجام داده اند که با هیچ منطقی مطابقت نمی کند، ولی

اکثر آنها رفاه اقتصادی خودشان را نیز در نظر دارند. برای شرکتها و یا دولتهای مصرف کننده چندان هم

مشکل نیست اگر بخواهند از طریق نمایندگیهای دیپلماتیک و یا سفیران ویژه تولیدکنندگان را متقاعد

سازند که باید به قراردادی که براساس اعتماد دو جانبه و تفاهم منعقد گردیده احترام بگذارند تا منابع

جدید نفتی کشف شود و تسهیلات لازم برای تولید، پالایش، حمل و نقل و توزیع آن ایجاد گردد، و باید روشن شود که تولیدکنندگان و مصرف کنندگان هر دو از ثبات در بازار نفت بهره می برند.

نقاط ضعف کشورهای مصرف کننده در برابر اوپک

۹ نقاط ضعف کشورهای مصرف کننده در برابر اوپک (۱)

وابستگی روزافزون کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، بخصوص اروپای غربی و ژاپن به نفت اوپک امکان انجام اقدامات مؤثر توسط آنها را محدود و هر کاری که بخواهند انجام دهند باید بدون مداخله نظامی (که در اینجا این مورد در نظر گرفته نشده است) تأثیری فوری داشته باشد، در حالی که برای به اجرا گذاشتن بسیاری از سیاستها زمان لازم است. علاوه بر این، تفرقه اقتصادی و ایدئولوژیک حاد جهان احتمالاً به این معنی خواهد بود که ائتلافی از ملل کشورهای کمتر توسعه یافته در خارج سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و کشورهای اروپای شرقی و شاید چین سبب شود که اقدامات انجام شده توسط این سازمان خنثی گردد.

در رابطه با خواست اوپک مبنی بر افزایش نامحدود قیمت نفت و یا قطع صدور نفت تا زمانی که قیمتها

۱- این فصل را می توان نقاط قوت تولیدکنندگان نیز نامگذاری کرد. این بخش را به این دلیل از قسمت جدا شده است تا بتوان به طور کامل در مورد پیشنهادات ارائه شده در زمینه اقدامات تلافی جویانه ای که از طرف مصرف کنندگان علیه تولیدکنندگان نفت ممکن است اتخاذ شود □ بحث نمود.

افزایش یابد، کشورهای مصرف کننده می توانند نفت کمتری خریداری نمایند، ولی نمی توانند تا مدت زیادی دوام بیاورند چون نه می توانند این نفت لازم را از منابع غیراوپک دریافت نمایند و نه اینکه به دیگر اشکال انرژی دسترسی دارند.

به عنوان اقدامات تلافی جویانه ای که کشورهای مصرف کننده ممکن است در قبال افزایش قیمت نفت علیه کشورهای اوپک انجام دهند، در زمانهای مختلف سه پیشنهاد شده است که عبارتند از: تحریم تجارتي، مسدود ساختن آن بخش از منابع مالی اوپک که در کشورهای مصرف کننده نگاهداری می شود و حذف کمک به اوپک ولی هیچ یک از آنها عامل مشوق نبوده، عملی نیز نمی باشد:

تحریم تجاری

بسیاری از کشورهای اوپک دارای نظامهای اقتصادی و اجتماعی نسبتاً ابتدایی هستند. اکثریت جمعیتهای آنان به کشاورزی اشغال داشته، خارج از اقتصاد پولی عمل می کنند. به عبارت دیگر، ممانعت از جریان واردات به آنها کمتر از دیگر جوامع پیشرفته آسیب می رساند، ولی بدون شک در برنامه های عمرانی و میزان رشد آنان وقفه عمده ای پدید خواهد آمد. ممکن است مجبور شوند از بعضی از کالاهای تجملی چشم پوشی بنمایند، ولی واردات عمده از قبیل مواد غذایی و سرمایه ای را که برای تداوم حداقل فعالیت اقتصادی احتیاج دارند، قطعاً از طریق کشورهای دیگری در آفریقا، آسیا یا بلوک شوروی تأمین خواهند نمود. علاوه بر این، تحریمهای تجاری غالباً فاقد عملکرد مثبت هستند. تحریمی که در این زمینه تحت حمایت بسیاری از کشورهای جهان علیه رودزیا صورت گرفت نیز فاقد تأثیر لازم بود، و تحریم کشورهای اوپک نیز از حمایت مشابه آن چنانی برخوردار نخواهد بود.

ذخایر ارزی بین المللی پنج کشور بزرگ اوپک در پایان سال ۱۹۷۰ به قرار زیر بوده است:

عراق ۰۰۰/۰۰۰/۳۹۰ دلار

عربستان سعودی ۰۰۰/۰۰۰/۹۴۶ دلار

کویت ۰۰۰/۰۰۰/۲۲۳ دلار

ایران ۰۰۰/۰۰۰/۳۱۵ دلار

لیبی ۰۰۰/۰۰۰/۳۳۱/۲ دلار

در مقایسه با ذخیره ارزی و میزان کل واردات می توان گفت که ایران آسیب پذیرترین این کشورها می باشد. چون ذخایر ارزی این کشور تقریباً معادل صورت حساب واردات سه ماهه این کشور در سال است.

ولی، لیبی با ذخایر ارزی خود می تواند حدود ۴۱ ماه دوام بیاورد. در واقع صورت حساب وارداتی بهنگام تحریم کاهش می یابد، چون واردات غیر ضروری نفتی در این زمان حذف می گردد و در همان حال صورت حساب وارداتی به قدری کم نخواهد شد که آن را واردات «بحرانی» بتوان نامید، چون باید واردات گران قیمت تری جایگزین آنها بشود. لیکن در صورت تعادل، حتی کشور ضعیف ایران نیز می تواند بیشتر از سه ماه دوام بیاورد و در صورتی که لیبی و عربستان سعودی هم به این کشور از نظر مالی کمک نمایند، خواهد توانست بیشتر روی پای خود بایستد.

مسدود شدن منابع مالی

کشورهای مصرف کننده می توانند منابع مالی کشورهای اوپک را، یا توام با تحریم تجاری و یا به عنوان سیاستی مستقل مسدود نمایند. قسمت اعظم منابع مالی کشورهای اوپک یا در سویس و یا در انگلیس نگهداری می شود. مشکل به اجرا گذاشتن و موجودیت اعتبارهای کوتاه مدت از طریق کشورهای کمونیستی از تأثیر مسدود شدن منابع مالی اوپک می کاهد. ممکن است که انگلیس نیز که به عنوان مرکز بانکداری و پولی بین المللی عمل می کند، با مسدود شدن منابع مالی اوپک در کشور خود موافقت نماید، گرچه این احتمال چندان هم امکان پذیر نیست. در تمایل سویس به این کار نیز تردید بسیاری وجود دارد، حتی امریکا نیز ممکن است نتواند چنین کاری را انجام دهد؛ چون مسئله این است که آیا در صورت بروز یک موقعیت اضطراری ملی ما از نظر قانونی قادر به انجام چنین کاری هستیم یا خیر. بنابراین مسدود شدن منابع مالی چندان هم واقعگرایانه نیست و اگر هم باشد چندان مؤثر نخواهد بود.

قطع کمکها

در این زمینه ایران تنها دریافت کننده کمکهای خارجی چشمگیر می باشد و حتی این کشور نیز با کمک عربستان سعودی، لیبی و بلوک شرق خواهد توانست تا مدت زیادی دوام بیاورد. البته مبادرت به هر یک از اقدامات بالا سبب خواهد شد که شوروی و چین در منطقه اوپک مواضع خود را مستحکم نمایند و به این ترتیب در پایان مرافعه کشورهای مصرف کننده مواضعشان ضعیفتر از آغاز این برخورد شده است.

منابع جایگزین انرژی قبل از سال ۱۹۸۰

برآوردهای حاصله نشان می دهد که در سال ۱۹۸۰ از طریق شیل می توان حدود ۰۰۰/۱۰۰ تا یک میلیون بشکه در روز نفت تولید نمود، در حالی که خوش بینانه ترین این برآوردها تولید ۰۰۰/۳۰۰ بشکه در روز را ممکن می دانند. یکی از شرکتهایی که شدیداً در زمینه شیل به کار مشغول است اظهار داشته که با

تلاش دولت و صنعت و با اعمال نظارت‌های زمان جنگ بر تولید، تا آن زمان می‌توان هر روز حدود ۳ میلیون بشکه نفت از این طریق تولید نمود. ولی دیگران معتقدند که این کار امکان‌پذیر نیست. در کوتاه مدت آینده تولید نفت از زغال سنگ نیز چندان رضایتبخش نیست. در منطقه کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز آینده استفاده از انرژی هیدروالکتریک چشم‌انداز امیدبخشی ندارد و در این چهارچوب زمانی مبادرت ورزیدن به یک برنامه ضربتی انرژی اتمی نیز نخواهد توانست وابستگی ما به نفت را کاهش دهد. غیرعادی‌ترین انواع انرژی تبدیل انرژی خورشیدی یا ترکیب هیدروژنی است که از مهمترین منابع نیرو به شمار می‌آیند، ولی هیچ‌یک از آنها تا پایان این قرن امکان‌پذیر نمی‌باشد. استفاده مؤثرتر از انرژی، به کمک MHD که هنوز کشف نشده است نیز می‌تواند مقداری از این وابستگی را از بین ببرد، لیکن در حال حاضر مقدور نیست.

به این ترتیب نمی‌توان چندان هم به کشفیات یا اختراعات جدید در حل مشکلات ما در زمینه انرژی در قرن بیست و یکم امیدوار بود. مسئولانه نخواهد بود اگر فکر کنیم که قبل از سال ۱۹۸۰ ماشینی به کمک ما خواهد آمد. بلکه باید در زمینه پیشنهادات کمی بیشتر کار کنیم یعنی این واقعیت را در نظر بگیریم که در

صورتی که بهترین تلاشها نیز متمر ثمر واقع شود، اروپای غربی، ژاپن و احتمالاً آمریکا هیچ کدام نخواهند توانست در آینده ای قابل پیش بینی (یعنی قبل از ۱۹۸۰) خود را از قید وابستگی کامل به اوپک برهانند.

گاز

هدف اصلی مورد بحث در این رساله نفت است، ولی بد نیست در اینجا چند کلمه ای هم درباره گاز گفته شود. گاز را «سوخت ایده آل» نامگذاری کرده اند. گاز بدون آلودگی می سوزد و تولیدات آن دی اکسید کربن و آب است. تولید کثافت و سولفور نمی کند و به آسانی می توان آن را در آشپزخانه و نیروگاههای عظیم به کار برد. با سیاست قیمت گذاری کمیسیون فدرال نیرو، قیمت گاز مصرفی در آمریکا نیز بسیار ارزان است. گاز کنونی به قیمت ۲۰ سنت برای هر هزار فوت مکعب فروخته می شود و گاز جدیداً کشف شده را نیز حدود ۲۵ سنت برای همین مقدار می فروشند. قیمت گاز در حال حاضر خیلی کمتر از قیمت نفت است. با قیمت ۲۵ سنت برای هر هزار فوت مکعب گاز، در حالی که هر ۵۸۰۰ فوت مکعب آن از نظر محتوای حرارتی برابر یک بشکه نفت است، قیمت هر بشکه نفت باید ۴۵/۱ دلار باشد. در آمریکا قیمت کنونی هر بشکه نفت حدود ۵/۳ تا ۷۵/۳ دلار است؛ قیمت هر بشکه نفت در خلیج نزدیک به ۲ دلار تمام می شود و قیمت هر بشکه نفت خام کم سولفور نیجریه و لیبی که گاز کاملاً می تواند با آن رقابت کند، حدود ۳ دلار تمام می شود.

ذخایر گازی آمریکا به طرز قابل ملاحظه ای رو به کاهش است و اکنون آمریکا گاز را به نسبت ۲۲ تریلیون فوت مکعب در سال مصرف می کند و منابع بازیافتی جدید گاز فقط نیمی از آن را می توانند تأمین نمایند. به عبارت دیگر ذخایر ما به میزان ۱۰ تا ۱۲ تریلیون فوت مکعب در حال از بین رفتن است و با این وصف که کل ذخایر گازی ما بالغ بر ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب می شود باید گفت که وضع چندان نیز امیدوارکننده نیست. در واقع به عقیده صنعت تا سال ۱۹۷۵ مصرف ما در این زمینه دچار محدودیت

خواهد گردید و چون در سال ۱۹۸۰ نفت تنها معادل واقعی گاز می باشد، شاید رقم مصرفی نفت در جاهای دیگر پایین نشان داده شده است.

صنعت گاز معتقد است پایین بودن مصنوعی قیمت گاز در آمریکا تنها دلیل مستقیم برای کشف نشدن حوزه های جدید گازی است. البته دیگران با این نظریه چندان هم موافق نیستند؛ چون فکر می کنند که افزایش قیمت تولید گاز تنها سبب می شود که میزان عرضه گاز به مقدار ناچیز افزایش یابد. بنابراین لازم است که دولت و صنعت مشخص نمایند که افزایش قیمت گاز به هنگام تولید در آمریکا چه نقشی را در عرضه گاز ایفا خواهد کرد. البته این مسئله از طرف وزارت امور خارجه به صنعت گاز، صنعت نفت و کمیسیون نیروی فدرال توصیه گردیده است. یکی از مجلات مهم تجاری کار خود را در این زمینه به زودی آغاز خواهد کرد.

از همان زمانی که نفت در کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج فارس کشف گردید، گاز به موازات آن پیدا شد و بی هدف سوزانده می شد. اکنون ایران مقداری از گاز طبیعی خود را به شوروی می فروشد و مقداری از آن را وارد کپسولها می نماید، ولی به طور کلی حدود سه چهارم گاز تولید شده در خلیج فارس به هدر می رود. شرکتهای نفتی معتقدند که این نوع گاز یک منبع نیست و همراه با تولید و استخراج نفت تولید می گردد، بنابراین نمی توان از آن بهره برداری کرد. در حال حاضر حدود ۱۰ میلیارد

فوت مکعب گاز در روز به هدر می رود و درست است که قبلاً برای آن بازاری وجود نداشته است، لیکن این موضوع نیز به زودی تغییر خواهد کرد. در حال حاضر تعدادی از کشورهای آفریقای شمالی از قبیل لیبی و الجزایر که به بازارهای اروپایی نزدیکترند، گاز مایع را در آنجا می فروشند. الجزایر نیز قرار است طبق یک پروژه عظیم به آمریکا گاز بفروشد. البته نرخ این گاز در مقایسه با نرخ گاز در آمریکا بسیار بالا است. بسیاری از خریداران آتی گاز از اینکه باید گاز الجزایر را به قیمت هر هزار فوت مکعب ۸۰ سنت در آمریکا بفروشند بسیار تعجب کرده اند. البته این قیمت در مقایسه با گازی که آمریکا به قیمت هر هزار فوت مکعب ۴۰ سنت می فروشد بسیار گران است، ولی اگر با قیمت نفت مقایسه شود می بینیم که اصلاً گران نیست. چون قیمت ۸۰ سنت برای هر هزار فوت مکعب برابر است با قیمت ۶۴/۴ دلار برای هر بشکه نفت، در حالی که نفت نامرغوب کم سولفور که چندان هم مفیدتر از گاز نیست و در نیویورک به قیمت ۴۰/۴ دلار برای هر بشکه به فروش می رسد.

گاز را می توان از نفتا(۱) نیز تولید کرد، اما این کار بستگی به قیمت ارزان نفت دارد. البته قیمت آن امروزه خیلی پایین است، ولی اگر تبدیل به گاز شود قیمت آن افزایش خواهد یافت. و به هر حال نیز قیمت آن بالا خواهد رفت چون صنعت پتروشیمی از نفتا به عنوان منبع تغذیه خود استفاده می کند، و احتمالاً پروژه های تبدیل زغال سنگ یا نفت خام به گاز منطقی تر به نظر می رسد. لیکن در اینجا قیمت هر هزار فوت مکعب گاز ترکیبی حدود ۲۰/۱ دلار است. که با این قیمت هر بشکه نفت باید ۷ دلار تمام بشود. با وجود امتیازات بسیار گاز، گمان نمی رود که بسیاری از استفاده کنندگان (بجز منازل) بتوانند چنین قیمت گزافی را برای آن پردازند.

قیمت گاز مایع به هنگام تولید در مقایسه با هزینه لازم برای سرمایه گذاری و تولید و صدور آن بسیار ناچیز است. ظاهراً در الجزایر هر هزار فوت مکعب آن حدود ۱۰ سنت تمام می شود. ممکن است این

قیمت نیز افزایش پیدا کند، ولی چون گاز نیز مانند نفت برای این کشورها یک منبع درآمد اصلی نیست امکان افزایش آن خیلی کم است.

هزینه حمل و نقل گاز از خلیج فارس آنقدر بالاست که گمان نمی رود بتوان آن را عملی نمود. در آینده، در صورتی که قیمتها بالاتر برود و در صورتی که کانال سوئز نیز باز بشود خلیج فارس علاوه بر عمده ترین منبع نفت مهمترین منبع گاز نیز به حساب خواهد آمد.

رابطه جدید بین دولتهای مصرف کننده و تولیدکننده

بعضی از کشورهای مصرف کننده معتقدند که عدم ثبات در عرضه نفت ناشی از خصومت اعراب علیه آمریکا است، چون بسیاری از اعراب معتقدند که آمریکا با حمایت از اسرائیل با منافع آنها مخالفت می ورزد. تعدادی از کشورهای مصرف کننده (از قبیل ایتالیا، فرانسه و اسپانیا) معتقدند که برای ایجاد ثبات در این زمینه باید روابط جدید با کشورهای تولیدکننده برقرار کرد که فراتر از روابط ایجاد شده توسط شرکت های نفتی «آنگلوساکسون» باشد و به این ترتیب بتوان مانع اقدامات بعدی اعراب علیه آمریکا گردید. این طرح که به وسیله مقامات جامعه اقتصادی اروپا در بروکسل تهیه شده خواستار نوعی وابستگی اقتصادی بین کشورهای مصرف کننده و تولیدکننده است و معتقد است که در این صورت اگر تولیدکنندگان

به تحریم نفتی مبادرت ورزند اقتصاد خود آنها نیز به اندازه اقتصاد کشورهای مصرف کننده آسیب خواهد دید. بنابراین وابستگی دو جانبه ضامن ثبات در عرضه نفت خواهد گردید.

ولی معلوم نیست که تمام کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی و یا حتی بخشی از آنها

بتوانند در برابر نتایج سیاسی داخلی علیه موضع آمریکا در خاورمیانه مقاومت نمایند. چون در این

صورت مجبور خواهند بود برخلاف بسیاری از سیاستهای سنتی خود عمل نمایند. آلمان، هلند، دانمارک،

نروژ و انگلیس با اسرائیل همبستگی بسیار دارند. علیرغم موضع دولت فرانسه از سال ۱۹۶۷، مردم

فرانسه با سیاست وابستگی کلی به اعراب تمایل نشان نمی دهند. ایتالیا و ژاپن نیز ممکن است بخواهند

چنین سیاستی را اتخاذ نمایند و با مخالفت داخلی سیاسی قابل توجهی روبه رو نشوند و نتایج چنین

حرکتی به هیچ وجه به حل مسئله اعراب و اسرائیل کمکی ننموده، در رابطه آنها با ما، انگلیس و دیگران

ایجاد اشکال خواهد نمود.

کشورهای اوپک در رابطه با واردات صنایع مادر وابستگی بسیار دارند، لیکن در همه حال آنها

خواهند توانست بدون آنها نیز زندگی کنند، یعنی خیلی طولانی تر از مدتی که اروپاییها خواهند توانست

بدون نفت سر کنند. وابسته نمودن اقتصاد پیشرفته اروپایی به اقتصادهای اصولاً ابتدایی از قبیل اقتصاد

لیبی، سبب خواهد شد که لیبیاییها بر اقدامات مشتریان خود کنترل شدید داشته باشند، بنابراین مشکل به

نظر می رسد که چگونه ضد آمریکایی ترین یا پر حرارت ترین هواداران عربی دولتهای مصرف کننده بتوانند

به دفاع از این نظریه پردازند، ولی با افزایش پیشرفت اوپک وابستگی آنها به کالاهای خارجی و کمکهای

فنی خارجی نیز افزایش پیدا خواهد کرد، بنابراین به نفع کشورهای مصرف کننده است که کشورهای

تولید کننده را به سوی پیشرفت سوق دهند. ایجاد یک طبقه متوسط در منطقه اوپک و وارد ساختن تمام

جمعیت این منطقه به بازار پولی سبب گسترش وابستگی این کشورها به کشورهای مصرف کننده می شود

که باید کالا در اختیارشان بگذارند. لیکن این برنامه به زمانی طولانی نیازمند است و در این مدت ایجاد هر گونه رابطه یک جانبه برای کشورهای مصرف کننده بیش از نظام کنونی که در آن شرکتهای نفتی به عنوان میانجی واسطه در عرضه نفت عمل می کنند، خطر در برخواهد داشت.

کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی ممکن است با پیشنهاد کمک، کمکهای نظامی، یا روابط تجاری یک جانبه در رابطه خود با کشورهای تولید کننده بهبود ایجاد نمایند، لیکن آینده این روابط نیز چندان امید بخش و دلگرم کننده نیست. گذشته از همه اینها، باید اذعان داشت که با بهتر شدن روابط سیاسی کشورهای مصرف کننده و تولید کننده در وضع کشورهای مصرف کننده نیز بهبود پدید خواهد آمد، و معلوم است که اگر عدم توافق سیاسی اعراب نسبت به ما کاهش یافته یا از بین برود، آمریکای شرکتهای نفتی آنگلو ساکسون و مصرف کنندگان از موضع بهتری برخوردار خواهند شد.

و در صورتی که این امکان وجود داشته باشد که از طریق آن بتوان تولید کنندگان اصلی را به شدت به کشورهای مصرف کننده وابسته کرد، باید بدون درنگ و تردید و با تلاش بسیار این کار را انجام داد.

روابط جدید بین دولتهای مصرف کننده و شرکتهای نفتی

آزادی تجاری شرکتهای نفتی در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در تعدادی از

این کشورها از قبیل، انگلیس، امریکا، آلمان و بنلوکس، (۱) نامحدود (برخلاف دیگر صنایع) بوده و در فرانسه و ژاپن توأم با نظارت می باشد و در ژاپن از شرکتهای خارجی خواسته شده است که با شرکتهای ژاپنی در کار خود شریک بشوند.

مدتها قبل توسط دبیر جامعه اقتصادی اروپا نظریه ای پیشنهاد شد و به وسیله بعضیها مورد قبول واقع گردید، گرچه مقامات ایتالیایی آن را نپذیرفتند. این نظریه مبنی بر این بود که نفت مهمتر از آن است که در اختیار شرکتهای خصوصی قرار گیرد و اقتصاد هر یک از کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (بجز آمریکا و کانادا) بستگی به مقدار زیاد نفت وارداتی دارد. همه کسانی که این پیشنهاد را پذیرفتند معتقدند که شرکتهای در گذشته خیلی خوب عمل کرده اند، لیکن به گفته یکی از مقامات ایتالیایی «انعطاف پذیری مبالغه آمیز در پائیز سال ۱۹۷۰» یعنی زمانی که یکی از کشورها (لیبی) اظهار داشت که جهان را با بحرانی در عرضه نفت روبه رو خواهد کرد، پایان یافت چون شرکتهای نتوانستند برای جلوگیری از آن کاری انجام دهند.

این نظریه خواستار آنست که شرکتهای نیز مانند دیگر «مؤسسات عمومی تنظیم» گردند. یعنی دولتها در زمینه نفت با دولتهای تولیدکننده قرارداد منعقد سازند و قیمتها را نیز تعیین نمایند و شرکتهای نفت را استخراج، پالایش و به بازار منتقل نمایند، لیکن باز هم دولت قیمت مواد را تعیین نماید، و برای سرمایه گذاری شرکتهای نیز سودی «منصفانه» تعیین نماید.

ولی این اتهام که شرکتهای دیگر انعطاف پذیری خود را از دست داده اند چندان هم منصفانه نیست. مسئله مهم بسته شدن کانال سوئز شرکتهای را تحت تأثیر قرار نداد، آنها خسارات وارده در نتیجه قطع نفت خط لوله ترانس عربی را جبران کردند و حتی کاهش تولید نفت لیبی به میزان سه چهارم میلیون بشکه در روز نیز نتوانست در مسئله عرضه نفت بحرانی به وجود آورد. لیکن انعطاف پذیری نیز یک عامل نامحدود نبود، و

زمانی این انعطاف پذیری پایان یافت که لیبی تهدید نمود که اصولاً صدور نفت خود را به طور کامل قطع خواهد نمود. بنابراین این سابقه انعطاف پذیری آنها چندان هم بد نبوده است.

ولی امروزه اوضاع فرق کرده است. قرارداد بغداد و تریپولی قیمت نفت کوتاه مسافت را بالا برد، البته این مسئله نیز تا زمانی که نرخ حمل و نقل نفتکشها نیز بالا بود قابل توجه می نمود، لیکن به خاطر کمتر شدن سرعت رشد مصرف و بحران ناچیز اقتصادی ژاپن که سبب شد کشتیهای حمل کننده کلوخه صنعتی به صورت کشتیهای نفت کش در آیند، این مسئله نیز از بین رفت. با پایین آمدن نرخ حمل و نقل تانکرهای نفت کش، تولید خلیج فارس نیز به قیمت از دست رفتن تولید در عراق، لیبی، نیجریه و ونزوئلا افزایش یافته است و خط لوله ترانس عربی نیز به میزان نصف ظرفیت خود به کار افتاده است. امروز اگر باز هم لیبی بخواهد تولید خود را متوقف سازد، قدری درد سر ایجاد خواهد شد، ولی بحرانی در عرضه نفت به وجود نخواهد آمد البته به این شرط که یکی دیگر از تولیدکنندگان اصلی کم مسافت نیز تولید خود را قطع ننماید. بنابراین «انعطاف پذیری مبالغه آمیز» دوباره به جای خود بازگشته است.

و تا زمانی که این انعطاف پذیری ادامه داشته باشد، تقاضاهای اروپاییان مبنی بر تحت کنترل گرفتن شرکتها تا مدتی مسکوت خواهد ماند، ولی متأسفانه باید گفت این انعطاف پذیری برای همیشه و یا حتی برای مدت زیادی ادامه نخواهد یافت و قطعاً و یقیناً قبل از ۱۹۷۵ یا تمام و یا از میزان آن به شدت کاسته

شده است. مسئله بعدی این است که آیا کشورهای مصرف کننده می توانند این انعطاف پذیری را به وسیله شرکت‌های ملی نفتی خود بازگردانند یا با تنظیم شرکت‌های مهم بین المللی؟ جواب این است که آنان قادر به انجام این کار نخواهند بود و حداقل می توان گفت که تاکنون نتوانسته اند سابقه خوبی را در این زمینه کسب نمایند. شرکت‌های ملی از قبیل ENI نیز نتوانسته اند در زمینه اکتشاف و تولید نفت موفقیتی بدست آورند. با وجود کمکهایی که به ENI می شود، این آژانس خواهد توانست تا حدی به رقابت با شرکت‌های نفتی اصلی بین المللی بپردازد، لیکن سودی به دست نخواهد آورد. معذالک، اگر بحران جدیدی در عرضه نفت به وجود آید، و یا شرکتها نتوانند در برابر قیمت‌های سنگین و یا خساراتی که از «مشارکت» نصیب آنها می شود مقاومت نمایند، احتمالاً اروپاییان بار دیگر این مسئله را مطرح خواهند کرد و محدودیتی که جامعه اعمال خواهد کرد احتمالاً با میزان افزایش قیمت نفت رابطه مستقیم خواهد داشت.

بعضی از مدیران شرکت‌های نفتی آمریکایی که ما با آنها گفتگو کرده ایم اظهار داشته اند که وضع «روابط» جدید برای آنها در اروپا چندان مشکلی ایجاد نخواهد کرد. اگر به سرمایه گذاری آنها سودی «منصفانه» تعلق گیرد خوبست، چون در این صورت می توانند با بسیاری از شرکت‌های ملی اروپایی رقابت نمایند و در زمینه تولید و بازاریابی مشکلات خود را کاهش دهند.

ولی بسیاری از مقامات شرکتها از این نحو برخورد متعجب شده، شدیداً به مخالفت با آن برخاستند. دولت آمریکا نیز باید با آن قویاً مخالفت نماید مگر اینکه بتواند ثابت نمایند که این عمل امنیت و ثبات را افزایش داده و سبب خواهد شد که سرمایه های جدیدی برای بازیافت و توسعه ذخایر جدید نفتی به کار خواهد رفت. اکثر دولتهای اروپایی نیز با نگرانیهای مشابه دست به گریبان بوده درباره افزایش قیمت نیز نگران هستند، ولی قبل از اینکه جامعه یا سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در این جهت عملی انجام دهد، باید مطمئن بشود که در پایان پشیمان نخواهند شد که چرا به شرکتها اجازه نداده است که خودشان

این مسئله را حل و فصل نمایند.

مذاکرات سازمان توسعه و همکاری اقتصادی با اوپک برخلاف گذشته چندان هم خلاف واقع به نظر

نمی‌رسد، لیکن باید مطمئن بشویم که می‌دانیم در نتیجه این عمل چه چیزی را می‌خواهیم به دست

بیاوریم، چطور می‌خواهیم آن را به دست بیاوریم، نیرویمان در برابر اوپک چقدر است و علیه

تولیدکنندگان چه نوع محدودیتهایی را خواهیم توانست به وجود بیاوریم. در حال حاضر سازمان توسعه و

همکاری اقتصادی به این درجه نرسیده است.

ایجاد روابط سیاسی با دولتهای تولیدکننده خاورمیانه برای ثبات عرضه نفت...

بخصوص در خاورمیانه، امور مربوط به کار و تجارت در جو دوستانه بهتر انجام می‌شود. بنابراین،

حفظ روابط دوستانه سیاسی آمریکا با دولتهای تولیدکننده محیطی گرم را به وجود می‌آورد که در آن

برخوردهای بین دولتهای میزبان و شرکتهای نفتی آمریکایی و نیز مذاکراتی که در دهه ۱۹۷۰ باید در

زمینه تغییر روابط انجام گیرد با سهولت و صمیمیت به وقوع پیوندد. مهمترین نمونه منفی این تغییر روابط

خصمانه را می‌توان در محیطهایی دید که شرکتهای نفتی در آنجاها به کار مشغول بوده اند، از قبیل عراق و

لیبی پس از انقلابهایی که در این کشورها به وقوع پیوست. نمونه مثبت تر و مربوط به آن را در سفر هیئت

نمایندگی ایزوین به ایران، عربستان سعودی و کویت به هنگام بحران نفتی قبل از «قرارداد تهران» در سال

۱۹۷۱ می توان مشاهده کرد. با بهره برداری از روابط سیاسی دوستانه بین آمریکا و این کشورها، وی از آنان درخواست نمود که از تهدیدی که علیه شرکتها شده جلوگیری به عمل آورده جریان نفت خلیج را قطع نمایند و با شرکتها در مورد قیمتها براساس تجاری و نه سیاسی وارد مذاکره شوند، ولی لیبی در همان حال خواستار پیروی از عکس این قضیه شده بود. نخست وزیر این کشور به شرکتهای نفتی که برای مذاکره به آنجا رفته بودند گفت که دولت وی در نظر دارد خواستهای خود را در رابطه با شرکت افزایش داده، آنها را وادار نماید که قیمتها را آنقدر بالا ببرند تا مصرف کنندگان نفت و هم پیمانان آمریکا، آمریکا را وادار نمایند که در سیاست حمایت از اسرائیل در خاورمیانه تغییراتی ایجاد نمایند.

این تجارب نشان می دهند که برای در نظر گرفتن منافع آمریکا در نفت خاورمیانه سیاست خارجی ما در قبال این منطقه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تا آنجایی که به دولتهای تولیدکننده عربی مربوط می شود، ما نمی توانیم از افزایش توانایی آنها، همان گونه که به طور مختصر در سال ۱۹۶۷ نشان داده شد، در استفاده از نفت به عنوان یک «سلاح سیاسی» علیه غرب بی توجه باشیم، در گذشته نیز، ما به طور مؤکد اظهار داشته ایم که در حفظ و تداوم جریان نفت خاورمیانه به هم پیمانان خود در ناتو، ما مقاصد استراتژیک خود را دنبال می کنیم و توانیهای مثبت آمریکا را در ادامه جریان آن نیز نشان داده ایم. حقیقت این است که ما باید جلو یک سری عکس العملهای منفی علیه سیاستهای خاورمیانه ای خود را بگیریم، یعنی باید اقداماتی انجام دهیم که اعراب نتوانند بر مصرف کنندگان اروپایی فشار وارد آورده، آنها را وادار به عدم حمایت از سیاست خاورمیانه ای آمریکا و نادیده گرفتن دارندگان امتیاز نفتی آمریکا بنمایند تا بتوانند عرضه نفت خام ضروری خود را حفظ نمایند.

ما برای حفظ روابط دو جانبه با تولیدکنندگان نفتی خاورمیانه، گذشته از اتخاذ یک سیاست عربی اسرائیلی که برای آنها قابل تحمل باشد، باید روش کنونی خود را ادامه دهیم. موضع رسمی آمریکا در

عربستان سعودی با افزایش تمایل این کشور برای به دست آوردن تجهیزات نظامی و کمکهای فنی آمریکا که توسط برنامه تسلیحاتی گروه مهندسين مشاور ریتون هاوک نشان داده شده، و بیشتر شدن نقش رسمی و خصوصی آمریکا در مدرنیزه ساختن نیروی هوایی سعودی، لجستیک ارتش، گارد ملی، نیروی دریایی و گارد ساحلی، بهبود بسیار یافته است. نفوذ ما در ایران ناشی از حمایت تاریخی ما از آنها در مقابل فشارهای شوروی است و امروز بسته به ارسال کمکهای مالی تجهیزات و مشاورین نظامی به این کشور است. در کویت ما برآنیم تا در زمینه امنیتی و پیشرفت اقتصادی نقش خود را بیش از انگلیس توسعه دهیم و این مقصد خود را در شیخ نشینهای خلیج نیز که به زودی از تحت الحمايگی انگلیس خارج خواهند شد، دنبال خواهیم کرد. این اقدامات آمریکا علاوه بر این، به منظور بر آورد یک سری نیازهای تکنولوژیکی است که حتی اگر در عربستان سعودی یک رژیم ناسیونالیست نیز روی کار بیاید، بی فایده نخواهند بود. این همکاری آمریکا با کشورهای تولیدکننده سبب می شود که یک جو روانی دوستانه در زمینه روابط نفتی پدید آید، ولی این جو به هیچ وجه نخواهد توانست در زمینه مسائل نفتی این کشورها به عنوان اهرمی مؤثر در دست آمریکا باشد. بنابراین به حکم ضرورت باید بر محدودیتهای وارده در توانائی روابط سیاسی خود با کشورهای تولیدکننده به منظور حفظ منافع نفتی خود اعتراف نماییم. کشورهای تولیدکننده از مدتها قبل با انگیزه اقتصادی سودجویانه، خواستار افزایش یافتن عایداتی هستند که از طریق نفت نصیب آنها می گردد. در اوایل ۱۹۶۷، وزیر نفت سعودی یعنی یمانی برای دانشجویان عربی در بیروت آرامکو را

اینطور تعریف کرد «که این شرکت گاوی شیرده است که نباید آن را اذیت و آزار نمود تا دهقان سعودی بتواند تا آنجا که ممکن است آن را بدو شد.» هیئت نمایندگی ابروین بحران نفتی ۷۱ ۱۹۷۰ را دوباره به کانال تجاری انداخت، ولی مستقیماً از مشخص کردن صورت حساب ناشی از چک و چانه زدنها خودداری کرد. در تحلیل نهایی، ما امیدواریم که به جنبه دوجانبگی منافع اقتصادی بین دولتهای تولیدکننده و شرکتهای نفتی امریکایی، بخصوص در حوزه تولیدکنندگان عربی، بیش از روابط سیاسی با آمریکا تأکید و توجه شود.

متأسفانه، کشورهای تولیدکننده دارای انگیزه های اقتصادی ناسیونالیستی هستند که در سکوی اوپک به نمایش گذشته می شود و گاهی هم احساسات سیاسی بر این ناسیونالیزم اقتصادی غلبه می کند. هر بار که در کویت مجلس شورای ملی به طور آزاد انتخاب گردید (مانند سالهای ۶۶ ۱۹۶۴ و امسال)، فوراً قراردادهای بین شرکت و دولت مسدود اعلام گردید و بهانه این کار نیز این بوده است که به منظور حفاظت از منافع مادی کویت لازم است در اعتبار قراردادهای امتیازات نفتی مطالعه و مروری دیگر شود. ایران، یعنی مهمترین منطقه نفوذ سیاسی آمریکا در خاورمیانه نیز در سالهای ۷۱ ۱۹۷۰ تیغ تیز حمله خود را متوجه شرکت آمریکایی در آنجا نمود. این وضع نشانگر این واقعیت است که سیاست «مشارکت» کشورهای تولیدکننده نمی تواند تحت تأثیر روابط سیاسی دوستانه امریکایی انگلیسی با دولت میزبان قرار گیرد، ولی این روابط ممکن است در نحوه مذاکرات بهبودی ایجاد نماید.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از میانه روها «مشارکت» را یک گام تندروانه نمی پندارند. یمانی در چند سال گذشته به کرات به آرامکو گفته است که این شرکت باید به دولت عربستان سعودی در اداره صنعت نفت کشورش اختیاراتی بدهد و همیشه گفته است که وی به عنوان یک میانه رو و به عنوان دوست شرکتهای این حرف را می زند. وی در ادامه می گوید اگر شرکتهای در این باره قدری انعطاف پذیری

نشان ندهند تندرورها را وادار به ملی کردن شرکتها خواهند نمود. در یکی از جلسات پایان ماه نوامبر، یمانی به آرامکو گفت که مسئله مشارکت دیگر بر کلمه «اگر» متکی نیست بلکه به «چه وقت و چطور» چشم دوخته است. او از شرکت خواسته است که این اصل را پذیرفته درباره نحوه اجرای آن پیشنهاداتی بنماید.

نیازهای سرمایه ای دهه آینده

همان طور که قبلاً اشاره شد، طبق برآورد بانک چیس مانهاتان صنعت بین المللی نفت در دهه آینده ۳۶۰ میلیارد دلار سرمایه در زمینه مخارج و ۱۸۰ میلیارد دلار سرمایه کاری احتیاج خواهد داشت. البته این مقدار سرمایه معادل است با کل سرمایه ای که این صنعت در تاریخ خود تا به حال مصرف نموده است، لیکن مصرف نفت نیز در دهه آتی بیش از آنچه تاکنون مصرف شده است خواهد بود و هزینه اکتشاف و ایجاد حوزه های جدید نفتی به میزان فاحشی بالا خواهد رفت، چون صنعت مجبور است برای این کار به حوزه های عمیقتر و محدودتر و نیز آبهای ژرف دور از ساحل پناه ببرد.

در منابع کنونی جهان حدود ۵۰۰ میلیارد بشکه نفت وجود دارد که به راحتی می تواند نفت ۳۰ سال آینده را تأمین نماید (در این مورد از بیانات درست استفاده نمی گردد. از نظر مهندسی و فنی این یک موضع آرامش بخش است، لیکن نگرانی ما در مورد این است که بخش اعظم این منابع در خاورمیانه قرار گرفته است). اگر فرض کنیم که مقداری هم ذخیره و صرفه جویی خواهیم کرد، در پایان این دهه برای حدود ۲۰

سال دیگر خواهیم توانست نفت تولید نماییم. در آن هنگام نفت در سال ۳۰ میلیارد بشکه خواهد بود که به این ترتیب کل ذخایر باید حدود ۶۰۰ میلیارد بشکه، یعنی ۱۰۰ میلیارد بشکه بیش از مقدار منابع کنونی باشد، ولی تا پایان همین دهه حدود ۲۵۰ میلیارد بشکه نفت مصرف خواهد شد، یعنی باید حدود ۳۵۰ میلیارد بشکه نفت دیگر نیز در همین دوره کشف شده باشد. با در نظر گرفتن این کمیته‌ها، می بینیم که خلیج پرودهو ۱۰ میلیارد بشکه و کویت نیز ۷۰ میلیارد بشکه نفت دارند. در هر یک از سالهای اخیر نتوانسته ایم سه نقطه مانند خلیج پرودهو کشف نماییم، بنابراین آینده کشفیات عمده نفتی چندان هم امیدوارکننده نیست.

در دهه آینده هر سال مصرف به میزان ۴۰ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. برای مطالعه مصرف، باید گفت که مصرف فرانسه ۲ میلیون بشکه در روز، مصرف آلمان ۷/۲ میلیون بشکه در روز و مصرف انگلیس ۱/۲ میلیون بشکه در روز می باشد. اکنون سؤال این است که سرمایه لازم از کجا خواهد آمد؟ باید گفت که صنعت خودش این سرمایه را تولید کرده است. در سال ۱۹۶۰ این صنعت ۹۰۰ میلیون دلار یا ۱۶ درصد سرمایه لازم خود از ۵/۵ میلیارد دلار را وام گرفت. در سال ۱۹۷۰ میزان این وام به ۱/۳ میلیارد دلار یا ۲/۲۷ درصد از ۴/۱۱ میلیارد دلار لازم رسیده بود. بدهی دراز مدت استاندارد اوایل نیوجرسی در سال ۱۹۶۱ معادل ۸۰۰ میلیون دلار بود که در سال ۱۹۷۰ معادل ۴۴/۲ میلیارد دلار گردید. ولی منافی که عاید صنعت می شود به نسبت سرمایه گذاری آن زیاد نیست. «گروه» شرکتهای نفتی بانک چیس مانهاتان که متشکل از همه شرکتهای مهم بین المللی و شرکتهای مهم مستقل کنترل کننده تولید نفت جهان در خارج از آمریکا می باشد، در سال ۱۹۷۰ معادل ۳/۱۰ درصد کل سرمایه سود برد که البته این میزان سود حدود یک درصد کمتر از سودی است که نصیب کارخانه های سازنده وسایل صنعتی آمریکا شده است.

در واقع اگر میزان منافع و سود به همین نسبت باقی بماند، صنعت به هیچ وجه قادر نخواهد بود سرمایه لازم برای گسترش مورد نیاز در سالهای ۱۹۷۰ را تهیه نماید. دیوید بارن، سرپرست شرکت نفت شل گفته است که سود شرکتهای نفتی برای هر بشکه باید معادل ۴/۰ دلار باشد (که در حال حاضر سود آنها در ازای هر بشکه نفت نیمکره شرقی ۳۳/۰ دلار و در ازای هر بشکه نفت نیمکره غربی کمی بیشتر است). حتی اگر این خواسته نیز تحقق یابد و در دهه آینده ۲۵۰ میلیارد بشکه نفت هم مصرف شود سود کل آنها معادل ۱۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. ۲۰۰ میلیارد دلار مورد نیاز دیگر را احتمالاً از طریق استهلاک وسایل به دست خواهند آورد. لیکن هنوز ۲۰۰ میلیارد دیگر باقی می ماند که ۲۰ میلیارد دلار آنرا احتمالاً خواهند توانست از طریق رهنی در ده سال آتی به دست آورند. که این مبلغ آخر معادل هفت برابر ۳ میلیارد دلاری است که در سال ۱۹۷۰ وام گرفته اند. آیا ممکن است بتوان این مبالغ را از طریق وام و یا فروش سهام تهیه نمود؟ البته این کار خطر زیادی را در بردارد و بانکها منابع مالی خود را در امور و زمینه های سودآورتری سرمایه گذاری خواهند کرد. اگر ارقام ارائه شده توسط بانک چیس مانهاتان درست باشد و اگر ارقام تهیه شده به وسیله سیتی بانک نیز قابل پذیرش باشد، متوجه می شویم که سود ۴۰/۰ دلاری آقای بارن در قبال هر بشکه کم است. این سود معادل حدود یک سنت کمتر در یک گالن آمریکایی است که این رقم خیلی پایین است، اگر آن را با مالیات دریافتی ۱۲ سنت برای هر گالن در آمریکا و حدود چهار برابر آن در کشورهای اروپایی مقایسه کنیم.

یک دورنمای جالب توجه این است که کشورهای تولیدکننده می توانند مقداری از ذخایر سرمایه خود را در دهه آینده برای خرید سهام ارائه شده و یا حتی برای خرید سهام شرکتها در زمانی که بازار سهام دچار رکود می شود به کار ببرند. به این ترتیب در مدتی نسبتاً کوتاه، در صنعت بین المللی نفت تولیدکنندگان دارای موضعی نیرومند می شوند و اگر بخواهند می توانند چند شرکت مهم را تحت کنترل خود در آورند.

نتیجه گیریها

امروزه وضع کشورهای مصرف کننده بهتر از سال قبل است. ارزشهای سهام بالا رفته است و نرخ حمل و نقل وسیله نفتکشها پایین، تولید نفت کوتاه مسافت نیز پایین آمده است و به همین جهت ظرفیت ذخایر لیبی، نیجریه و ونزوئلا نیز افزایش یافته است.

در مذاکراتی که هم اکنون آغاز شده است، اوپک در برابر شرکتها دو تقاضا را مطرح خواهد ساخت.

تقاضای اول تطبیق پرداختها به تولیدکنندگان در برابر کاهش ارزش دلار است. شرکتها سعی کرده اند با اعلام این حقیقت که این خواست با مفاد قرارداد تهران مغایرت دارد، در برابر آن مقاومت نمایند، ولی فکر نمی کنیم که موفقیتی به دست آورند. البته با پیشنهادهای که برای دولتهای تولیدکننده می نمایند معلوم است که در این راه موفق نشده اند. و احتمالاً نتیجه به این ترتیب که دولت تولیدکننده در هنگام کاهش ارزش دلار در رابطه با (مثلاً) مارک آلمان پول بیشتری دریافت می کند، نخواهد بود بلکه ظاهراً سعی بر آن است که فرمولی تهیه شود تا براساس افزایش هزینه تجاری استوار باشد، یعنی کل افزایش پرداخت به دولت میزبان به عنوان دلار معادل سه یا چهار درصد باشد.

تقاضای مربوط به مشارکت خیلی جدی تر است، بخصوص که معلوم است که این موضوع به مشارکت معادل ۲۰ درصد در خلیج فارس ختم نخواهد شد و موضوع ۵۱ درصد و حتی ۱۰۰ درصد مشارکت به

پیش کشیده خواهد شد. به نظر ما این مسئله کاملاً مغایر مفاد قرارداد تهران است. به این ترتیب، شرکتها باید اعتراض نمایند و ما هم راهی نداریم مگر از آنها در مذاکراتشان با کشورهای اوپک حمایت نماییم. ب نظر ما دیگر نمی توان امکان برخوردهای دیگر را از بین برد، مگر اینکه شرکتها حاضر بشوند پیرامون روابطی جدید با دولتهای تولیدکننده برای بعد از سال ۱۹۷۶ یعنی پایان قرارداد تهران گفتگو نمایند. لیکن اگر دولتهای اوپک درباره تقاضاهای خود در حال حاضر پافشاری نمایند، آمریکا باید از آنها بخواهند که (خسارات وارده بر کمپانیها را سریعاً و به طور کامل) بپردازند و اگر به این خواست ما پاسخ ندهند در بسیاری از کشورهای اوپک بجز ایران نمی توانیم کاری انجام دهیم. (ما فرض را بر این گرفته ایم که اندونزی از این خط اوپک پیروی نخواهد کرد، قراردادهای ونزوئلا از هم اکنون تا سال ۱۹۸۳ نیز به زودی منعقد خواهد گردید و ایران نیز اعلام کرده است که پس از سال ۱۹۷۹ با کنسرسیوم قراردادی نخواهد بست و بنابراین ممکن است خواستار ۲۰ درصد مشارکت نیز نباشد). اکثر کشورهای تولیدکننده از ما کمک دریافت نمی کنند و جهان نیز به نفت احتیاج دارد. اگر تقاضای مشارکت نیز جنبه قانونی به خود بگیرد. شرکتها چاره ای جز موافقت با آن نخواهند داشت. البته آنها می توانند اساس تعیین منافع شرکتها را قیمتهای واقعی بدانند و نه قیمتهای تعیین شده و نیز می توانند خواستار مقداری فوق العاده بازاری بشوند که به آنها اجازه دهد که نفت را برای شرکتهای ملی بفروشند. به این صورت بار مالی که بر دوش شرکت

قرار می گیرد ناچیز خواهد بود.

با در نظر گرفتن قدرت دولتهای تولیدکننده و تقاضای ناسیونالیسم باید گفت که در دراز مدت حرکت در جهت مشارکت یافتن عملی حاکی از عدم مسئولیت است، ولی اگر شرکتها مقاومت به خرج دهند، ممکن است سبب ملی شدن کامل شرکتها بشوند که در زمینه منافع شرکتها و عرضه نفت جهانی نتایج تأسف باری خواهد داشت. بنابراین بهتر است که در حال حاضر شرکتها اقدام به ارائه پیشنهادات خود مبنی بر ایجاد روابطی جدید با تولیدکنندگان برای دوران پس از سال ۱۹۷۶ بنمایند. این روابط می تواند مانند امتیازاتی که در حال حاضر اعطا می شود نوعی قرارداد ۵۰/۵۰ باشد، در حالی که سهم ارائه شده توسط شرکتها جبران می شود و دولت نیز ۵۰ درصد نیاز سرمایه ای آتی را برآورده خواهد ساخت. این مسئله می تواند مشارکت در هنگام تولید را نیز در برگیرد، شرکتها اغلب به این شرط تن در نداده اند، لیکن میزان سود خود را همیشه در پایان تولید نشان می دهند و اگر کشورهای اوپک مایل باشند که در زمینه پالایش و بازار نیز سرمایه گذاری نمایند، باید پیش از گذشته و با دقت بیشتر آن را مورد مطالعه قرار داد. چون در این صورت هم آنها قادر خواهند بود مقداری از سرمایه خود را ذخیره بنمایند.

روابط جدید می تواند شامل خروج داوطلبانه شرکتها از بخش عظیمی از حوزه امتیازاتی خودشان باشد (همان طور که در عراق در سال ۱۹۶۰ با توسل به زور این کار انجام شد) و پس از این شرکتها شاید بتوانند با ایجاد روابط جدید با دولتهای تولیدکننده و احتمالاً با دیگر شرکتهای کشورهای مصرف کننده باز هم وارد مناطق اخراجی بشوند. بنابراین دولتها نیز از همان ابتدا می توانند در تولید نفت بیش از میزان کنونی دخالت مستقیم داشته باشند.

اوضاعی که این رساله به تشریح آن پرداخته است چندان هم دلگرم کننده نیست، ولی کار جدیدی

نیست، چون سازمان ناتو و سازمان توسعه همکاری اقتصادی نیز قبلاً در مورد اوضاع بین المللی

بررسیهایی داشته اند. وزارت کشور، وزارت دفاع، شورای نفتی ملی، مشاور علمی رئیس جمهور، شورای امور داخلی و کمیته سیاست نفتی نیز اوضاع داخلی و خطر وابستگی به نفت وارداتی را مورد مطالعه و گوشزد قرار داده اند.

نتیجه گیری همه آنها مشابه و بسیار ترسناک بوده است. این نتایج آن قدر ناخوشایند بود که ما تصمیم گرفتیم آنها را نادیده گرفته و مسئله را با مطالعات بیشتر حل نماییم. سناتور جکسون معاون ریاست کمیته وزارت کشور در مجلس سنا مطالعه وسیعی را آغاز کرده است که احتمالاً به اهتمام کنگره و سنا و با شرکت قوه مجریه، دولت در حال انجام است. ما امیدوار بودیم که توصیه های ارائه شده در این رساله مورد قبول واقع شده، اقداماتی در قبال آنها انجام گیرد و البته نگران هم بودیم که نکند این کار چند سال طول بکشد. این مطالعه در آغاز با مشکلاتی مواجه شده بود و از حمایت کامل مجلس سنا و کنگره برخوردار نبود. سناتور پراکسمایر به تنهایی در این زمینه به بررسی پرداخته است و نماینده کنگره اسپینال که معتقد است جکسون برای به دست آوردن حمایت بیشتر در انتخابات ریاست جمهوری به این بررسی پرداخته است، نیز یک نیروی ویژه در زمینه انرژی و منابع تشکیل داده است. ما معتقدیم که این مطالعات و بررسیها هر چه زودتر باید خاتمه یابد، مگر اینکه فردی پیدا بشود که بتواند خیلی سریع و بدون وقفه نتیجه های گرفته شده در مطالعات قبلی را به درستی رد نماید، چون زمان آن رسیده است که چه در داخل و چه در خارج اقدامات مناسب انجام شود. ما اقدامات ویژه وزارت امور خارجه را در بخش بعدی پیشنهاد

اقدامات پیشنهادی

الف اقداماتی که باید به وسیله شرکتها انجام شود

با اوپک قراردادهای جدیدی در زمینه تولید برای بعد از سال ۱۹۷۶ منعقد گردد

شرکتها باید بدانند که سال ۱۹۷۶ پایان مدتی خواهد بود که آنها قادر به حفظ امتیازات خود می باشند، مگر اینکه تغییری صورت پذیرد. پایان قرارداد تهران جنبشهای غول آسایی در قیمت نفت به وجود خواهد آورد و دولتهای اوپک خواستار ایجاد روابط جدید بین دولت و شرکت خواهند شد اگر تاکنون این تقاضاها را مطرح نکرده باشند و تنها راه مقاومت در برابر افزایش قیمت و تقاضای مشارکت این است که برای بعد از سال ۱۹۷۶ با کشورهای تولید کننده قرار دادی در زمینه روابط جدید منعقد گردد و این به معنی کاهش منافع شرکتها نباید باشد، بلکه به این معنی است که به دولتهای تولید کننده در مدیریت شرکتها در حال کار در مرزهایشان اختیاراتی داده شود.

ترکیب شرکتهای تولید کننده نفت را افزایش دهید.

در حال حاضر بخش اعظم تولید نفت در اختیار هفت شرکت عظیم اصلی نفت است، که پنج شرکت آنها آمریکایی، یکی از آنها انگلیسی و دیگری انگلیسی هلندی می باشد. فرانسویها نیز در تولید نفت نیمکره شرقی نقش دارند، ولی این نقش نمی تواند نیازهای نفتی خودشان را نیز به تنهایی برآورده سازد. مصرف کنندگان مهم نفت یعنی ژاپن، آلمان و ایتالیا سعی کرده اند خودشان کنترل تولید مربوط به خود را بگیرند، شرکتها باید کاری کنند که قدری از امتیازاتشان در اختیار شرکتهای این سه کشور قرار گیرد. مثلاً می توان به گسترش کنسرسیوم در ایران یا آرامکو در عربستان سعودی همت ورزید. برای شرکتها بهترین کار این است که به سرمایه گذاری مشترک در مناطق جدید مبادرت ورزند. مثال بسیار خوب این مورد

عملیات موبیل ژاپنی در ایران می باشد.

..... اقدام ویژه (۱) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود

وزیر امور خارجه و معاون وزیر باید مقامات مهم اجرایی شرکتهای نفتی بزرگ و مستقل را فرا خوانده، نظریات ما را درباره وقایع احتمالی در جهان نفت با آنها در میان گذاشته و اقداماتی را که ما ممکن است به خاطر آنها انجام دهیم برای آنها (همان گونه که در ذیل تشریح شده) مطرح نمایند و از آنها خواسته شود که اقدامات بالا را انجام دهند و نیز به آنها گفته شود که اگر آنها به اعضاء اوپک نشان ندهند که مایل هستند برای بعد از سال ۱۹۷۶ روابط جدیدی را برقرار نمایند، شانس موفقیت ما نیز در زمینه دیپلماتیک بسیار ناچیز خواهد بود.

اقداماتی که دولت آمریکا باید در داخل کشور به خاطر شرکتهای آنها انجام دهد.

تشکیل یک گروه مشاور نفتی بین المللی

این گروه می تواند مشابه شورای نفت ملی که با وزیر کشور همکاری می نماید، باشد. این گروه وزیر

امور خارجه را در جريان امور نفتی بين المللی قرار داده جلسات آن طبق برنامه يا و به قيد فوریت تشکیل خواهد شد. این گروه بسته به نحوه عملکرد خود ممکن است به یک نشریه مانند مجله بررسیهای تجاری و یا شکل دیگری از آن که به تصویب وزارت دادگستری برسد نیاز داشته باشد.

..... اقدام ویژه (۲) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام گیرد

هنگامی که سرپرستان اجرائی شرکتها در واشنگتن گرد می آیند تا پیرامون آینده صنعت نفت بحث و تبادل نظر نمایند، وزیر یا معاون وزیر باید این موضوع را با آنها در میان بگذارد. در حال حاضر با تعدادی از مقامات نیز در این مورد گفتگو شده و همه از آن حمایت کرده اند. در اجلاس یک کمیته ویژه برگزیده خواهد شد.

به شرکتها اجازه داده شود که مشترکاً برای رسیدن به اهداف محدود همکاری نمایند.

دولت آمریکا باید به شرکتها اجازه دهد که در برابر اوپک متحداً عمل نمایند، بدون اینکه از مجازاتهای ضد تراستی در آمریکا ترس داشته باشند. شرکتهای اروپایی و ژاپنی تحت حمایت کامل دولتهای خود عمل می کنند و لازم است که شرکتهای آمریکایی نیز از همین امتیاز برخوردار باشند. البته همیشه این طور نبوده است، و بعضی از دولتهای تولیدکننده فکر می کنند که آمریکا حاضر است از شرکتها به عنوان مهره های خود در سیاست خارجی استفاده نماید.

اقدامات لازم درباره شرکتها در ژانویه ۱۹۷۱ و ۲۲ اکتبر ۱۹۷۱ انجام شد و وزارت دادگستری به

شرکتها اجازه داد که در برابر اوپک یک جبهه مشترک و متحد را تشکیل دهند.

..... اقدام ویژه (۳) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

بنا به درخواست وزارت امور خارجه، وزارت دادگستری به شرکتها در ژانویه ۱۹۷۱ و ۲۲ اکتبر

۱۹۷۱ اجازه داد که در برابر اوپک یک جبهه مشترک و متحد را تشکیل دهند. این وزارتخانه باید دائماً با

وزارت دادگستری و نمایندگان مهم کنگره تماس داشته باشد و به آنها دلایل مربوط به این اقدامات و منافعی که برای شرکتها و مصرف کنندگان در نظر گرفته شده را تفهیم نماید. در حال حاضر این کار انجام می شود.

پ: روشهای دیپلماتیک به خاطر شرکتها

(۱) در خلیج فارس در نتیجه سفر هیئت نمایندگی ایروین

در صورتی که اوپک بر تقاضاهای خود مبنی بر مشارکت اصرار و پافشاری نماید، آمریکا نیز باید از شرکتها در زمینه دیپلماتیک حمایت کافی بنماید.

..... اقدام ویژه (۴) که باید توسط وزارت خارجه انجام گیرد.

این وزارتخانه باید به تهران، جدو و کویت یادداشتهایی ارسال دارد و به حکام این کشورها خاطرنشان سازد که آنها به نماینده رئیس جمهور آمریکا قول داده اند که تا پایان قرارداد آن را زیر پا نگذارند. این

وزارتخانه باید خطرات و مشکلاتی را که متوجه ما، دیگر مصرف کنندگان و بالاخره خود اوپک در نتیجه تقاضای «مشارکت» می شود، آن هم پس از آنکه جهان فکر می کرد پس از قرارداد تهران در فوریه ۱۹۷۱ در عرضه نفت یک ثبات پنج ساله به وجود آمده است، یادآور شود. بالاخره، این وزارتخانه باید حکام این کشورها را متوجه سازد که پس از سفر آقای ابروین، آمریکا در مورد این قراردادها احساس اطمینان کرد و به هم پیمانان خود نیز این احساس را منتقل نموده است و به دنبال آن می توان نامه ای از طرف رئیس جمهور ارسال نمود و یا سفیر ریاست جمهوری را باز هم به این مناطق روانه نمود.

در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی نیز درباره نیازهای سرمایه صنعت در ده سال آتی مرور و بررسی انجام گیرد

..... اقدام ویژه (۵) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام گیرد.

این وزارتخانه باید نظریات تمام اعضاء سازمان توسعه و همکاری اقتصادی را جویا شده، در مورد تعیین و تعریف «نفع منطقی» که باید در دهه آینده عاید شرکتها شود ایجاد تفاهم نماید.

بحث درباره نیاز به ثبات در بازار نفت جهانی

وزارتخانه باید نظریه زیر را به بحث بگذارد، اما لزوماً نباید از آن دفاع کند:

نظریه تماس کشورهای OECD یا جمعی برگزیده از کشورهای OECD با بعضی کشورهای اوپک برای برقراری روابط جدید بین تولیدکننده و مصرف کننده همان گونه قبلاً بوسیله EEC و ایتالیایی ها مطرح شده است.

سرمایه گذاری در زمینه نفت غیر قراردادی

این وزارتخانه می تواند بار دیگر امکان سرمایه گذاری اروپاییان و ژاپنیها را در زمینه شیل آمریکا، ماسه سنگهای نفتی کانادا یا نفت سنگین ونزوئلا مطرح نماید. البته باید این کار با موافقت دولتهای کانادا و ونزوئلا و کنگره آمریکا صورت گیرد. کمیته تخصصی انرژی و ژاپن اگر از ثبات این نفت بیش از سال

گذشته مطمئن بشوند احتمالاً برای آن قیمت بیشتری نیز خواهند پرداخت.

..... اقدام ویژه (۷) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

این وزارتخانه پس از مطلع ساختن شورای امنیت ملی باید این امکان را با دولتهای کانادا و ونزوئلا و کمیته های داخلی سنا و کنگره امریکا در میان بگذارد. در صورت دریافت جواب مثبت آن را در برنامه کار کمیته نفتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی قرار دهد.

افزایش ذخایر نفتی

پس از بحران خاورمیانه ای در سال ۱۹۶۷، نماینده آمریکا در کمیته نفتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی از این سازمان خواست که قدرت مصرف ذخایر را ۱۸۰ روز تمدید نماید. در آن هنگام اکثر این ذخایر دارای برنامه مصرفی ۶۰ روزه بودند و بسیاری از کشورها نیز مدت کمتری برای آن قائل شده

بودند. اکنون بسیاری از کشورهای عضو این سازمان با ناراحتی اعتراف می کنند که آمریکا درست پیش بینی کرده بود، و اگر اروپا و ژاپن نیز ۱۸۰ روز به زمان تعیین شده مصرف ذخایر خود اضافه می کردند، امکان مقاومت در برابر باج خواهی لیبی بیشتر می شد. طبق اظهارات این سازمان زمان مصرف ذخایر به ۹۰ روز افزایش داده شده است.

..... اقدام ویژه (۸) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

نماینده آمریکا در کمیته نفت باید باز هم این موضوع را مطرح نماید و خواستار تمدید مدت مصرف ذخایر به ۱۸۰ روز بشود، ولی ۱۲۰ روز هم مانعی ندارد، ولی در صورتی که امکان آن هم نبود همان ۹۰ روز کافی است. لیکن اساس این ذخایر باید در مصرف آتی و ذخایر مؤثر باشد و نمی توان نفت باقیمانده در ذخیره گاهها و خط لوله را نیز ذخیره نامید.

تسریع در ایجاد انرژی هسته ای با همکاری اروپا و ژاپن

البته در این زمینه هم اکنون کارهایی در حال انجام است. ولی کافی نیست. موانع مالی و امنیتی که کمیته مشترک بر سر راه همکاریهای چند ملیتی برای غنی ساختن اورانیوم و موارد مربوطه قرار داده است، همکاری واقعی را غیر ممکن می سازد. اگر نتوان در زمینه همکاری به موقع به نتیجه رسید هم پیمانان نخواهند توانست به موقع از این انرژی برای برآورده ساختن نیازهای خود بهره برداری نمایند و در دراز مدت هم این کار ممکن است سبب شود که بازار اورانیوم غنی شده و سرمایه تجهیزاتی مربوط به صنعت انرژی هسته ای به روی آمریکا بسته شود. باید به یک همکاری مشترک میان آمریکا، اروپا و ژاپن در زمینه انرژی هسته ای از طریق ایجاد کنسرسیومی مشابه INTELSAT پرداخت، در صورتی که آمریکا سهم بیشتری در تولید اورانیوم غنی شده در سر تا سر جهان به دست آورد.

..... اقدام ویژه (۹) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

این امر به رهبری مهم وزارت امور خارجه و نیز تصویب کنگره آمریکا نیازمند است و لازم هم نیست که با سیاست کنونی آمریکا مبنی بر تحویل اورانیوم غنی شده به بخش خصوصی مغایرت داشته باشد. وزارت امور خارجه باید سریعا این مسئله را نیز با شورای امنیت ملی و کمیسیون انرژی اتمی و کمیته مشترک کنگره در امور انرژی اتمی در میان بگذارد.

ایجاد روابط دوستانه با کشورهای تولیدکننده

..... اقدام ویژه (۱۰) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

برنامه ای را که در بخش ۱۴ همین رساله تشریح شده در مورد عربستان سعودی و ایران در پیش بگیرید. سیاست کنونی دولت را در حفظ تعادل روابط با همه کشورهای خاورمیانه ادامه دهید. مبادرت به اتخاذ موضع حمایت از اسرائیل به طور آشکار و انحصاری می تواند خنثی سازنده تمام گامهایی باشد که آمریکا برای تأمین عرضه نفت برخواهد داشت.

اقداماتی که دولت امریکا باید انجام دهد تا ثبات و انعطاف پذیری خود را در برخورد با کشورهای تولیدکننده افزایش دهد

افزایش بخشیدن به عرضه نفت داخلی

این کار را می توان به طرق مختلف انجام داد:

(الف) اجاره دادن فوری بخش خارجی قاره.

برای اینکه اجاره دادن اعماق بیش از ۲۰۰ متر بایبانه رئیس جمهور در مورد اقیانوسها مغایرت

نداشته باشد، باید از هر گونه رژیم و روش بین المللی که سازمان ملل در کنفرانس امور دریا در پیش

خواهد گرفت پیروی نمود و این کار هم باید براساس پرداخت پاداش صورت گیرد، چون به این ترتیب

فقط تعداد انگشت شماری از شرکتها قادر به شرکت در این زمینه خواهند شد. قراردادهای مالیاتی جدید و

یا برقراری ظرفیت مکمل را می توان در نظر گرفت (که یکی از شروط مناقصه می تواند باشد).

اقدام ویژه (۱۱) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

وزیر خارجه به طور کتبی به وزیر کشور اطلاع دهد که در همان حال که امیدواریم بتوانیم به یک

قرارداد بین المللی در زمینه بخش خارجی قاره دست یابیم، با اجاره دادن اعماق بیش از ۲۰۰ متر

حوزه های نفتی توسط آن وزارتخانه نیز معترض نیستیم. برای اینکه این اجاره دادنها نقض بیبانه رئیس

جمهور در مورد اقیانوسها را به همراه نداشته باشد، این کار را با تبعیت از رژیم بین المللی که توسط سازمان

ملل در کنفرانس دریاها تعیین خواهد شد، انجام خواهیم داد.

(ب) اجاره دادن ذخایر دریایی نفتی شماره ۴ آلاسکا با شرایطی از قبیل برقراری ظرفیت مکمل.

(پ) بهره برداری سریع از شیل و تبدیل زغال سنگ، این هم بدین معنی است که باید مناطق اداری شیل

را نیز فوراً اجاره داد احتمالاً لازم خواهد بود که به نفت ترکیبی نیز همان فوق العاده استخراجی را که به

نفت مرسوم داده می شود، بدهیم.

(ت) تشویق تولید نفت قراردادی و گاز با وضع فوق العاده های مالیاتی در زمینه نفتهای جدید کشف

شده، یا در مورد نفتی که از طریق روشهای بازیافت ثالث تولید می گردد.

(ث) به دقت تعیین می گردد که اگر قیمت گاز جدیدا کشف شده به هنگام تولید ۱۰ سنت بیشتر از قیمت گاز مایع باشد، در آمریکا چه مقدار گاز دیگر تولید خواهد شد. اگر کمیته هماهنگ کننده قیمت‌های فدرال، وزارت کشور و صنعت نشان دهند که تحت این قیمت‌ها گاز بیشتری تولید خواهد شد، باید حتما قیمت را بالا برد و چون در آینده مجبور خواهیم شد که برای گاز مایع وارداتی قیمت بیشتری پردازیم، از نظرامنیتی و موازنه پرداختها بهتر است که تا حد امکان به تولید گاز در خود امریکا مبادرت ورزیم.

..... اقدام ویژه (۱۲) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

نماینده این وزارتخانه در کمیته فرعی شورای داخلی انرژی و کمیته سیاست نفتی باید نگرانی ما را در مورد کمبود انرژی در سال ۱۹۸۰ نشان دهد نکات (ب)، (پ)، (ت) و (ث) را خاطر نشان گردد. وی همچنین باید خاطر نشان سازد که تاکنون این وزارتخانه در مورد خطوط لوله نفتی آلاسکا کار خود را انجام داده است و دیگر وزارتخانه ها نیز باید با وزیر کشور همین موضوع را مطرح نمایند. مقامات این

وزارتخانه باید همه موضوعات را در کمیته های امور خارجه و داخله مجلس سنا و کنگره نیز مطرح نمایند.

تشویق در زمینه ایجاد اشکال جدید انرژی

آنچه به وضوح در بیانیه رئیس جمهور در مورد انرژی در ۴ ژوئن ۱۹۷۱ مشهود بود این است که دولت آمریکا به تحقیق در زمینه انرژی اولویت خواهد داد. لیکن گویا همه کسانی که این پیام را شنیده اند منظور آن را دریافت نکرده اند.

اقدام ویژه (۱۳) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

وزیر باید در برنامه ای به رئیس جمهور نگرانیهای ما را در مورد عرضه انرژی منعکس ساخته، با اشاره به پیام رئیس جمهور در ماه ژوئن از او یا از مشاور علمیش بخواهد که در یک بیانیه عمومی اعلام نماید که دولت سیاستی را اتخاذ کرده است که براساس آن اشکال جدید انرژی باید به وجود آید، و در صورتی که علم نشان بدهد که به سرمایه برای تحقیقات و اکتشافات خود نیاز دارد، دولت این منابع مالی را در اختیار وی قرار خواهد داد، به عبارت دیگر پول عامل محدودکننده در کشفیات مربوط به اشکال جدید انرژی نخواهد بود.

اقداماتی انجام شود تا از طریق آنها میزان رشد مصرف انرژی در آمریکا کاهش یابد

این موضوع علاوه بر موارد دیگر شامل:

(الف) بالابردن میزان مالیات بنزین و جداساختن مالیات و عوارض بنزین از صندوق ترمیم شاهراهها و پس از آن از همین عوارض برای ایجاد وسائط نقلیه عمومی استفاده شود.

(ب) جلوگیری از افزایش مصرف برق با حذف قیمت‌های ویژه برای کسانی که برق زیاد مصرف

می کنند.

(پ) تشویق به مصرف برق در ساعتی که مصرف برق در اوج خود نیست. این کار با وضع نرخهای ویژه برای برقی که از ساعت ۶ صبح مصرف می گردد امکان پذیر است. کنتورهای جدیدی نیز باید ساخته شود. که این کار در حال حاضر در اروپا انجام شده است.

(ت) تشویق کردن مردم به اینکه آلومینیم را دور نریزند و یا در استفاده از آن صرفه جویی کنند. تولید آلومینیم انرژی بسیار لازم دارد که معادل ۱۵ برابر انرژی است که برای همان مقدار آهن مصرف می شود. به هر حال، با بالا رفتن قیمت انرژی در مصرف آلومینیم نیز کاهش پدید خواهد آمد.

(ث) با تشویق آمریکاییها به ۵ درجه گرمتر نگاه داشتن منازل در تابستان و ۵ درجه خنک تر نگاه داشتن آنها در زمستان یک برنامه ملی تحت عنوان «یک وات صرفه جویی کنید» آغاز گردد و این رابطه باید جلو تمام تبلیغاتی را که هدفشان افزایش استفاده انرژی (بخصوص گاز) است گرفت.

..... اقدام ویژه (۱۴) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

نماینده این وزارتخانه باید این مسائل را در شورای داخلی و کمیته سیاست نفتی مطرح نماید. این

وزارتخانه همچنین باید از سناتورهای و نمایندگان کنگره بخواهد که قوانینی را ارائه نمایند که این اهداف را دنبال کند.

قانونی برای جداسازی عوارض بنزین از صندوق ترمیم شاهراهها به زودی وضع خواهید گردید. ما این موضوع را با شرکتهای عمده نفتی در میان گذاشته ایم و آنان نیز با این قانون برخلاف گذشته مخالف نیستند.

هماهنگی در سیاست انرژی

همه می دانند که آمریکا در حال ورود به یک بحران در زمینه انرژی است، با این وصف هنوز هم در دولت آمریکا در زمینه انرژی هماهنگی وجود ندارد. به نظر ما بهتر است که یک گروه مسئولیت همه مسائل مربوط به انرژی را به عهده بگیرد که عبارتند از: نفت، گاز، زغال سنگ، انرژی اتمی و اشکال غیرمرسوم انرژی رئیس جمهور اعلام نمود که امور مربوط به انرژی در وزارت منابع طبیعی تمرکز خواهد یافت و ما هم آن را تأیید می کنیم. ولی معتقدیم که برای ایجاد هماهنگی در امور انرژی لازم نیست منتظر تشکیل این وزارتخانه بشویم. به نظر ما مهمترین عامل هماهنگ کننده وزیر کشور می تواند باشد.

..... اقدام ویژه (۱۵) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام گیرد.

وزیر در نامه ای که به رئیس جمهور در رابطه با اقدام پیشنهادی شماره ۱۳ می نویسد باید از وی تقاضا نماید که یک کمیسیون انرژی تشکیل دهد که مشکلات و مسائل انرژی دهه هفتاد را شناخته برای آنها راه حل پیشنهاد نماید، البته وقتی که وزارت منابع طبیعی تشکیل شد این کمیسیون نیز می تواند جذب آن گردد.

انعقاد قرارداد انرژی با کانادا

البته این قرارداد می تواند براساس پیشنهاداتی که سال گذشته به کانادا شده بود منعقد گردد. در صورتی

که کانادا مایل به انعقاد این قرارداد نباشد، ما می توانیم بطور یک جانبه اعلام نماییم که دیگر نظارت و کنترل کاناداییها از درجه اعتبار ساقط است (البته در واقع هم همین طور است) و دیگر اینکه نفت کانادا برای ورود به آمریکا آزاد است، البته مشروط بر اینکه نفت وارداتی کانادا از خط مرزی غرب دره اوتاوا نگذرد (در حال حاضر این یکی از سیاستهای کانادا است) و خطوط لوله ای که از مرز گذشته وارد آمریکا نیز می شوند همیشه دارای ظرفیت مکمل باشند. به این ترتیب با این فشارهای تجاری بر نفت و گاز کانادا می توان انتظار کشف و توسعه بیشتر آنها را داشت در مورد مکزیک نیز باید همین اقدام انجام گیرد.

..... اقدام ویژه (۱۶) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

تلاشهای کنونی را برای انعقاد قرارداد با کانادا قطع ننمایید و با مکزیک هم این موضوع را در میان بگذارید.

انعقاد یک قرارداد در زمینه انرژی با ونزوئلا و دیگر تولیدکنندگان واقع در آمریکا لاتین

این موضوع شامل دو بخش است: (۱) تضمین در مورد سرمایه گذاریهایی که در زمینه نفت سنگین ونزوئلا می شود و اجازه ورود آزاد این نفت به آمریکا به همین ترتیب می توان قراردادهایی با اکوادور و کلمبیا وضع کرد.

..... اقدام ویژه (۱۷) که باید توسط وزارت امور خارجه انجام شود.

آن وزارتخانه باید امکان ورود به چنین قراردادهایی را با ونزوئلا، اکوادور و کلمبیا مطرح نماید و در صورت ممکن مذاکرات را به منظور منعقد شدن این قراردادها آغاز نماید.

آخرین حرف

در صورت انجام اقدامات پیشنهادی آمده در این رساله آمریکا در سال ۱۹۸۰ موضعی کاملاً متفاوت از آنچه در دیگر بخشها نشان داده شده خواهد داشت. مصرف ۲۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود (به جای ۲۴ میلیون بشکه). تولید داخلی معادل ۱۵ میلیون بشکه خواهد بود (به جای ۱۲ میلیون) و واردات از نیمکره غربی به جای چهار میلیون بالغ بر ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود. باقیمانده واردات مورد نیاز نفت یعنی ۱۲ میلیون بشکه دیگر را نیز می توان از نیمکره شرقی به دست آورد.

سؤالات ضمیمه شده است.

رابطه تولیدکننده و شرکتهای

۱ فواید و مضرات نظام امتیازاتی سستی چیست؟

۲ آیا فکر می کنید که این نظام امتیازاتی تا ده سال آینده نیز دوام داشته باشد؟ در غیر این صورت فکر

می کنید چه نظام دیگری جایگزین آن بشود؟

۳ آیا هیچ یک از دولتهای اوپک در مراحل تصمیم گیری شرکتهای نفتی وارد شده اند؟ اگر جواب

مثبت است شرح دهید چطور؟

۴ برای ایجاد تغییر در امتیازات در ۱۰ سال آینده، کشورهای تولیدکننده چه تقاضاهایی را مطرح

خواهند کرد؟

۵ فواید و مضرات این تغییرات برای ما، شرکتهایمان، مصرف کنندگان و دولتهای تولیدکننده چه

می باشد؟

۶ دولت آمریکا چه امکاناتی برای نفوذ در مناطق تولیدکننده دارد؟ دیگر کشورهای مصرف کننده

چطور؟

۷ دولت آمریکا (و احتمالاً انگلیس، هلند و فرانسه) از شرکتهای در مذاکراتشان با دولتهای تولیدکننده

چه نوع حمایت باید (و شاید) بنمایند؟

۸ آیا این امکان هست که بتوان به تشکیل یک «کارتل مصرف کننده» دست زد، فواید و مضرات این

سازمان چیست؟

۹ نکات مثبت و منفی بیانیه ENI یعنی «تنظیم عرضه نفت باید به طور یک جانبه قابل فسخ نباشد

روابط پیچیده سیاسی اقتصادی که از طرفین (تولیدکننده و مصرف کننده) هر دو از آن نفع می برند، یک

اصل ضروری باشد»، چیست؟

۱۰ آیا برای این استدلال ENI که شرکتهای بین المللی نفتی، دیگر کنترل رابطه خود با دولتهای تولیدکننده را از دست داده اند و بنابراین نمی توان به این شرکتهای به عنوان عرضه کنندگان نفت به قیمت قابل قبول نگریم، می توان اعتبار قائل شد؟

رابطه مصرف کننده و تولیدکننده

۱۱ در دهه آینده دولتهای مصرف کننده چه تقاضاهایی را در رابطه با به دست گرفتن کنترل صنعت نفت ارائه خواهند نمود؟

۱۲ فواید و مضرات چنین تغییرات برای دولتها و مصرف کنندگان چه می تواند باشد؟

۱۳ آیا امکان دارد که دولت آمریکا بتواند در عکس العمل کشورهای مصرف کننده علیه شرکتهای نافذ واقع شود؟

۱۴ آیا ENI سخنگوی دولت ایتالیاست؟ آیا در آینده نزدیک خواهد بود؟ دیگر کشورهای جامعه

اقتصادی اروپا چگونه؟ آیا ENI بر نظریات خود مصمم است؟ آیا می توان آنها را تغییر داد؟ چگونه؟

۱۵ در خارج از جامعه اقتصادی اروپا تا چه حد بر عملیات شرکتهای کنترل اعمال می گردد؟ آیا ممکن

است که نظریات ENI در میان دیگر مصرف کنندگان نیز شایع شود؟

۱۶ اگر جامعه اقتصادی اروپا به اتخاذ یک نظام استوار بر «شرکتهای» خودی «بپردازد شرکتهای

آمریکایی چه خواهند کرد؟ آیا به شرکتهای آمریکایی اجازه خواهند داد که از طریق اروپاییان واجد

شرایط گردند.

انعطاف پذیری مصرف کنندگان در برخورد با اوپک

۱۷ معنی این جمله چیست؟ دولتهای مصرف کننده در برابر افزایش بی رویه قیمتها چه کاری

می توانند انجام دهند؟

۱۸ برای اینکه در هنگام بروز یک بحران جدید «کمکی انجام» دهد، آمریکا چه کار می تواند بکند؟

۱۹ با عرضه نفت ترکیبی و منابع جایگزینی انرژی انعطاف پذیری ما تا چه حد بالا خواهد رفت؟

۲۰ در سال ۱۹۷۵ کشورهای اوپک چه مقدار نفت تولید خواهند کرد؟ در سال ۱۹۸۰؟ و در هر یک

از این سالها ظرفیت مکمل چقدر است؟ و در کجاست؟

۲۱ تا سال ۱۹۸۰ چه مقدار نفت را می توان در خارج از حوزه اوپک تولید نمود؟

۲۲ آیا تولید در هر یک از کشورهای اوپک قبل از سال ۱۹۸۰ نزول خواهد کرد؟ ۱۹۸۵؟ ۱۹۹۰؟

اگر جواب مثبت است به چه میزان؟

۲۳ نیروهای تفرقه انداز در اوپک کدامند؟ آیا باید آنها را تشدید کرد، چطور؟

نیازهای سرمایه ای

۲۴ فرض کنیم که در سال ۱۹۸۰ مصرف نفت دو برابر شود، سرمایه لازم برای به دست آوردن منابع

جدید نفت از کجا به وجود می آید چه در شرایط موجود امتیازی و چه در شرایطی که تغییراتی در این نظام

ایجاد شده باشد؟

۲۵ در سال ۱۹۷۵ در اوپک باید چه مقدار سرمایه گذاری کرد؟ ۱۹۸۰؟

۲۶ تا سال ۱۹۸۰ هزینه سرمایه گذاری اروپای غربی ژاپن و آمریکا در زمینه تسهیلات تولیدی چه

مقدار خواهد بود؟

۲۷ سرمایه گذاری در تولید و تسهیلات تولیدی در حالی که در اروپا و ژاپن فعالیت شرکتها کاملاً

محدود و در کشورهای تولیدکننده در حال ملی شدن است، چگونه خواهد شد؟

نتیجه گیری

۲۸ چه نوع رابطه جدیدی را برای شرکت و دولت تولیدکننده در سال ۱۹۸۰ می پسندید؟ آیا می توان

به آن دست یافت؟ دولت آمریکا و شرکتها برای به وجود آمدن این رابطه جدید یا چیزی شبیه به آن چه

کاری می توانند بکنند؟

تذکر در مورد دو سند انتهایی

دو سندی که در صفحات بعد می آید، اظهارنظرهای وابسته نفتی سفارت آمریکا در تهران و ریزن

اقتصادی این سفارت است که پس از مطالعه پیش نویس سند «صنعت بین المللی نفت در سال ۱۹۸۰»

برای نویسنده آن ارسال شده است.

دفتر سوخت و انرژی وزارت امور خارجه آمریکا قبل از انتشار وسیع این تحلیل، پیش نویس آن را

جهت کسب نظر برای سفارتخانه ها و محافل چندی از جمله سفارت آمریکا در تهران ارسال می دارد که

اظهار نظر دو تن از مقامات سفارت طی اسناد بعدی مشاهده می گردد.

لازم به تذکر است که در این دو سند به شماره صفحاتی از سند اصلی اشاره شده است که این شماره ها

مربوط به پیش نویس سند بوده و با صفحات سند چاپ شده در این کتاب مطابقت ندارد. پیشنهاد می شود

برای پیگیری مطالب، با توجه به موضوع آن در متن سند اصلی جستجو شود.

۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ سَری

اداری غیررسمیتهران، ایران

وزارت امور خارجهدفتر سوخت و انرژی

واشنگتن دی سی ۲۰۵۲۰

آقای جمیز، ئی آکینز

جیم عزیز:

از دریافت نامه مورخ ۲۷ اکتبر شما که شامل پیش نویس نوشتار شما در مورد صنعت نفت بود بسیار خوشحال و سپاسگذار شدم. از آنجا که کاردار نیز اظهارات آژانس انرژی ملی را در مورد اظهارات شما دریافت داشته، فکر کردم بهتر است نامه حاوی اظهارات ما از طریق بیل لهفلد به دست شما برسد، چون به این ترتیب سفارت نیز بر اظهارات شما صحنه گذاشته و احتمالاً از نظر اداری بیشتر برای شما مفید واقع خواهد شد.

میل دارم در اینجا مطلبی را بیان دارم که در واقع خارج حدود و ثغور نوشته شماست، اما با آن رابطه دارد به نظر من خیلی قبل از سال ۱۹۸۰ ایران با شدتی بیش از آنچه که در پاراگراف دوم صفحات ۳۶ و ۳۷ شما مطرح شود در صدد مشارکت در روند تولید برخواهد آمد. اخیرا مصاحبه ای بسیار نگران کننده با آقای هادی انتخابی رئیس گروه پروژه های ویژه ماوراء بحار شرکت ملی نفت ایران (که یکی از موارد آن شامل پالایشگاه بلژیک می شود) داشتم. همکارانش انتخابی را فردی فاقد صلاحیت و متکبر می دانند، ولی به خاطر صمیمیتی که بین او و اقبال یعنی حامیش وجود دارد مجبورند وجود را او تحمل کنند.

انتخابی در بیان این مطلب که ایران تحت تأثیر علل ناسیونالیستی عاطفی و نیز اقتصادی قرار داشته و با افزایش کنترل خویش بر مبادی دسترسی به نفت ایران کمپانیهایی را که با ایران خصومتی نشان نمی دهند مورد لطف و مرحمت قرار خواهد داد، لیکن با آن دسته از کمپانیهایی که در زمینه فرآورده های پالایشگاهی و نیز بازاریابی در کشورهای مصرف کننده به رقابت ایران بر خواسته اند شدیداً برخورد خواهد نمود و شیر نفت را به روی آنها خواهد بست، تصریح نمود که به نمایندگی از جانب اقبال سخن می گوید. البته در مورد میزان و سرعت سرمایه گذاریهای ایران در روند تولید بلوف زده شده و مبالغه گویی شده است، اما موضوع اصلی به وضوح نشان داده شده و من به عنوان واقعیتهای غیرقابل انکار آن را می پذیرم. به همین دلیل، من فراتر از مطلب مشارکت را می بینم که خود مسئله ای است بسیار نگران کننده در مورد اینکه با کشورهای تولیدکننده ثروتمند که پیشرفت روزافزونی را در زمینه صنعت نفت کسب می کنند و عزم خود را جزم کرده اند که پرچم کشورشان نیز باید به دنبال جریان نفتشان در نقاط دیگر به اهتزاز درآید چگونه باید برخورد نمود.

ارادتمند

جان واشبرن

وابسته امور نفتی

۲۹ نوامبر ۱۹۷۱ سَری

اداری غیررسمیتهران ایران

وزارت امور خارجهدفتر سوخت و انرژی

واشنگتن دی سی ۲۰۵۲۰

آقای جمیز، ئی آکینز

جیم عزیز:

این نوشتار در پاسخ به نامه مورخ ۲۷ اکتبر به جان واشبرن یعنی پیش نویس رساله شما در مورد آینده صنعت بین المللی نفت است. جان احساس طبق برداشت من حتما این موضع را با شما در میان گذاشته که اگر این اظهارات به امضاء من برسد از نظر اداری کمی بیشتر به شما کمک خواهد شد. من کاملاً با این عقیده موافق نیستم، ولی بالاخره به این کار تن در دادم چون هر دوی ما می خواهیم تا سر حد امکان در تلاش مهم شما مفید واقع شویم. علاوه بر این، اظهارنظرهای آژانس ملی انرژی را نیز دریافت داشته ایم، بنابراین در مورد این موضوعات به ذکر چند نکته خواهیم پرداخت. از بخش جدید مربوط به روابط بین دولت مصرف کننده و کمپانی بدمان نمی آید. ما معتقدیم که پیشنهاد برقراری یک رابطه جدید با بعضی از

کشورهای حوزه خلیج به احتمال بسیار مؤثر واقع نخواهد شد. از طرف دیگر، در مورد این سؤال که آیا ما نیز در بازار خرید ارزان به آخر خط رسیده ایم با شما موافقم نه با آژانس ملی انرژی. به نظر ما پس از ارائه

براهین مستدل در بخش اول رساله تان، استفاده از کلماتی چون «به طور قطع» در صفحه ۲۹، و «به

احتمالی» در همان صفحه و صفحه ۳۰ نشانگر رعایت کافی احتیاط در انجام پیش بینی هاست که مورد

موافقت ما نیز می باشد.

در مورد تأثیر موافقت نامه تهران، ما نیز با آژانس ملی انرژی هم عقیده هستیم که در پارگراف آغازین

موافقت نامه، رعایت تمام جنبه های قرارداد امتیازی موجود برای ۵ سال آینده مورد نظر نبوده، ولی به

تعریف و محدودسازی تأثیرات اصلاحی بر این قراردادهای موافقت نامه تهران بدون ممانعت از بروز

تغییرات آتی بر مسائلی بجز آنچه که در موافقت نامه مذکور منعکس گردیده مانند توافقات مالی و میزان

برداشت دولتی، پرداخته شده است. توضیحات نمایندگان کمپانی در فوریه گذشته و نیز استدلال حقوقی

خود شرکت که سهم شدن یا مشارکت را مغایر با ممنوعیت خاص مندرج در بند مربوط به تجدید نظر

توافقات مالی قرارداد تهران می داند، موجب افزایش میزان اطمینانمان نسبت به این نکته شده است.

بنابراین در همین رابطه ما ترجیح می دهیم که در مورد نحوه و چگونگی حمایت دولت آمریکا از کمپانیها،

راه را بر خود باز نگاهداریم، زیرا تقاضای دولت تولیدکننده برای سهم شدن در روند تولید می تواند به

صورتی ابراز شود که خود مغایر با توافقات مالی باشد و یا نباشد و یا اینکه منجر به افزایش میزان برداشت

دولت بشود.

در بررسی مستقیم نوشتار شما، از آخرین سطر صفحه ۲۱ و مفهوم آن مبنی بر اینکه در تقاضای اوپک

برای مشارکت در روند تولید هیچ سخنی از امکانات جبران سازی به میان نیامده سر در نمی آوریم. بحث

بیشتر شما در این مورد در صفحات ۳۲ و ۳۳ چنین می نمایاند که منظور شما این است که پیشنهاد اوپک

یعنی جریان در حد ارزش دفتری، خنده دار است و یا اینکه روش پرداخت پیشنهادی هیچ گونه اقدام جبران کننده واقعی را برای این شرکتها به دنبال نخواهد داشت. در این صورت بهتر است این مطلب را در تجزیه و تحلیل خود از مشارکت و جبران سازی، صریحا بیان نموده و این تجزیه و تحلیل کامل را در پایین صفحه ۲۱ بگنجانید. گذشته از این موضوع، گمان نمی کنیم که طبق گفته شما در صفحه ۳۳، ارائه مطالب توسط اوپک در مورد ارزش سرمایه های آمریکایی در خارج از کشور که به نقل از وزارت بازرگانی بیان شده، کمپانیها را در وضع ناهنجار قرار دهد. اگر موضوع تقاضای مشارکت در روند تولید در خلیج به کرسی نشانده شود، به طور قطع کمپانیها خواستار تجدید نظر و مرور بر تمام آمار و سوابق مربوطه خواهند شد که این مرور و بررسی مشابه آن چیزی است که در تعیین مجدد ارزش ارزی در مذاکرات وین جریان دارد.

در رابطه با پاراگراف دوم صفحات ۳۶ و ۳۷ شما باید بگویم که ایران با استفاده از منابع مالی خویش می تواند تخصص مورد نیاز جهت دستیابی به برنامه های اکتشاف و توسعه به جای کمپانیهای نفتی را آغاز کند و در این راه با هیچ مشکلی مواجه نخواهد شد. به جز متخصصین ابزارآلات نفتی، اکثر کارکنان دستگاههای حفاری مشغول کار در ایران اکنون صد درصد ایرانی هستند، بنابراین در صورت خروج کمپانیها، ما دلیلی نمی بینیم که سدکو، ریدینگ اندیتس و دیگران (شرکتهای حفاری م) از کار برای ایران خودداری کنند. با اشاره به پاراگراف الف شما در صفحه ۵۶، باید بگویم که به نظر ما دولت ایران

هیچ اقدامی در مورد کنسرسیوم به عمل نخواهد آورد تا مفاد اصلی قرارداد ۱۹۶۴ در سال ۱۹۷۹ اختتام

پیدا کند، البته اگر کنسرسیوم به تقاضای دولت ایران یعنی گسترش ظرفیت طی چند سال آینده

عکس العمل مساعد نشان دهد، این موضوع بیشتر به واقعیت نزدیک خواهد بود، همچنان که در حال

حاضر تمایل خویش را برای آغاز مذاکره پیرامون نحوه طرح مشارکت در سال ۱۹۷۹ و پس از آن نشان

داده است.

اظهارنظریهای ما را همینها تشکیل می دهد، ولی به هیچ وجه مانع از موافقت قبلی و پشتیبانی ما از تز

اساسی شما که در نوشتار به خوبی مطرح شده، نمی شود. ما با عقیده شما در این مورد که صنعت بین المللی

نفت در راهی گام بر می دارد که نهایت آن کنترل ملی روند تولید و توسعه است، موافقیم، مشارکت و

سرمایه گذاری مشترک و انعقاد قراردادهای خدماتی نیز قدمهایی در جهت نیل به همین هدف می باشند.

مهمترین برگ برنده موجود در اختیار کمپانیها این است که تضمین شود که پس از تکمیل این روند، تجارت

بین المللی بر منفعتی مانند پالایش و مهارتهای بازاریابی و توان آنها در جذب سرمایه، طبق گفته شما باز

هم در انحصار آنها باقی بماند. وظیفه اساسی ما در دولت این است که اطمینان حاصل کنیم که کمپانیها به

ماهیت رویدادها پی برده و آنها را با آغوش باز پذیرا شوند. نوشتار و ابتکار شما که بخشی از آن است، در

نیل به این اهتمام تفاهم بسیار مؤثر واقع خواهد شد.

با آرزوهای صمیمانه

ارادتمند

ویلیام. دبلیو. لهفلد

مشاور سفارت در امور اقتصادی

توضیح اختصارات آمده در متن کتاب:

شرکت نفت دولتی فرانسه- CFP

جامعه اقتصادی اروپا- EEC

آژانس ملی سوخت ایتالیا- ENI

شرکت فرانسوی توسعه و تحقیقات نفتی- ERAP

سازمان بین المللی ارتباطات ماهواره ای- INTELSAT

ماگنتو هیدرو دینامیک- MHD

سیاست اقتصادی نیکسون (احتمالاً)- N.E.P

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی- OECD

کتاب پنجاه و هشتم

بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

ص: ٤٦٠

مقدمه

هدف از انتشار این اسناد که دومین کتاب از مجموعه اسناد لانه جاسوسی در زمینه نفت می باشد، معرفی و افشای یکی از ابعاد ناشناخته و در عین حال بسیار مهم از فعالیتهای گسترده سازمان جاسوسی سیا است. تاکنون اسناد منتشره هر کدام گواهی بر عملکرد مذموم سیا در بعد براندازی و تعقیب دیگر اهداف سیاسی هیئت حاکمه آمریکا بوده است. این اعمال باتوجه به آنچه که در مورد این سازمان در اذهان وجود داشته و دارد، حکم مصادیق عملکرد سیا را پیدا نموده و طبیعی و شاید بدیهی به نظر می رسد، لیکن جاسوسی پیرامون مسائل اقتصادی آن هم در یک سطح وسیع و گسترده در نظر اول در چهارچوب فعالیت سیا قرار نمی گیرد.

آن گونه که اسناد به دست آمده در لانه جاسوسی نشان می دهد، دقیقاً به موازات فعالیتهای وزارتخانه های انرژی، بازرگانی، کشور خارجه و نهادهای خصوصی نظیر شرکتهای نفتی و بانکهای مهم آمریکا، سیا نیز با به کارگیری ابزارهای پنهان و آشکار به عنوان مکمل آنها و چشم بینای دولت آمریکا در جایی که نیاز به اطلاعات غیرقابل دسترسی جهت تصمیم گیری است، عمل می کند.

ابعاد جاسوسی اقتصادی سیا از لحاظ موضوعی طیف وسیعی را در برمی گیرد، لیکن به طور مشخص در رابطه با نفت و انرژی، سرمایه گذاری عمده و مشهودی صورت گرفته که این وجه را کاملاً متمایز می سازد. این نکته در واقع تأکیدی است بر اهمیت نقشی که منابع نفت و انرژی در برنامه ریزی کلی سیاستگذاران آمریکایی دارا می باشد و اینکه کنترل بازار نفت در اختیار کسی است که اطلاعات بیشتر و صدا البته نفوذ بیشتری در سطوح مختلف تصمیم گیری در کشورهای صاحب نفت داشته باشد.

کار اگر به همین جا خاتمه می یافت و در حد جمع آوری اطلاعات باقی می ماند، شاید به عنوان نیاز طبیعی هر حکومتی برای اتخاذ تصمیم صحیح و مناسب تلقی می گردید، لیکن سیا پس از اطلاع از جزئی ترین مسائل انرژی کشورهای جهان سوم متناسب با برنامه ها و اهداف حاکمیت آمریکا شروع به

اعمال نفوذ در رده های مختلف تصمیم گیری آن کشورها می کند و روشن است که نتیجه کار افزایش

سرمایه های آمریکایی و در طرف مقابل کاهش ذخایر حیاتی صاحبان منابع انرژی و افزایش فقر

آنهاست. البته در این بین واسطه های غارت که باید به عنوان امین مردم محروم صاحب منابع نفتی عمل

کنند خود و اعوان و انصارشان به نوایی می رسند.

بدیهی است اساس طرحهای اقتصادی سیاسی که در کشورهای صاحب انرژی به اجرا در می آید

متأثر از روندی است که برای جریان استخراج و تولید و قیمت گذاری و توزیع انرژی در جهان در نظر گرفته

شده است. از سوی دیگر در اختیار داشتن نفت برای ماشین عظیم صنعت غرب امری حیاتی است. مجموعه این شرایط نشان می دهد، که اهمیت بقاء یا فنای حکومت‌های دست نشانده برای غارتگران غربی در گرو مسئله نفت است و سرمایه گذاریهای سیا در این راستا قابل توجه می باشد.

اگر بخواهیم اسناد به دست آمده در سفارت آمریکا در تهران را که پوشش فعالیت‌های جاسوسی سیا را نیز تأمین می کرده تیربندی کنیم به غیر از اسنادی که جنبه عام داشته و مسئله نفت و انرژی را در سطح جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. تنها در رابطه با کشورمان عناوین زیر قابل توجه می باشد:

شناخت منابع نفتی در سطح کشور و میزان ذخیره آنها

شناخت نحوه استخراج نفت در نقاط مختلف و نیازمندیهای مربوطه

تواناییهای فنی موجود به لحاظ کیفیت نیروی انسانی و تجهیزات

وضعیت پالایشگاهها با جزئیات کامل

میزان تولید و استخراج از حوزه های مختلف به صورت روزمره

میزان فروش و بهای فروش به صورت روزانه

توانایی برای صدور به لحاظ فنی و اطلاع دقیق از ترمینالهای بارگیری و صدور

چارت سازمانی تشکیلات صنعت نفت و شناخت عناصر با نفوذ در رده های مختلف

وضعیت رفاهی و صنفی طبقات مختلف شاغل در صنعت نفت

گرایشهای سیاسی و مسائل کارگری در صنعت نفت ..

اسنادی که تاکنون در رابطه با چند کشور نفت خیز منتشر شده، حاکی از عملکرد مشابه دستگاه

جاسوسی آمریکا در این کشورهاست.

سندی که در این کتاب چاپ شده است یکی از تحلیلهای سیا می باشد که اختصاص به درونمای هفت

ساله بازار جهانی نفت داشته، در نهایت قصد آن دارد که تقاضای جهانی برای نفت اوپک و میزان وابستگی به این سازمان را برآورد نماید. دوره زمانی که این تحلیل آن را مورد مطالعه قرار می دهد بین سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۵ قرار دارد به طور خلاصه مراحل این مطالعه را به ترتیب زیر می توان برشمرد:

برآورد میزان عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵ از طریق بررسی وضعیت تولیدی کشورهای مهم عضو سازمان.

تشکیل چند سناریو از تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک و کمبود انرژی این کشورها.

برآورد تقاضای نفت کشورهای رو به رشد، کشورهای کمونیستی و بقیه نقاط جهان. مقایسه سناریوهای مختلف عرضه و تقاضا.

از آنجا که نتایج گرفته شده در این مطالعه، ذاتا از نوع پیش بینی می باشند، حتی در صورت طی شدن روندهای در نظر گرفته شده در آن نیز، نمی باید انتظار دقت چندانی را در آنها داشت و به مقایسه ارقام و آمار مستند در دوره های مختلف با آنچه در این رساله پیش بینی شده است پرداخت. علی الخصوص که جریانات و اتفاقات غیرمنتظره چندانی سیر و گذر روندهای نفتی و اقتصادی را تغییرات اساسی بخشیده و مسیر آنها را به کلی عوض نموده است.

یکی از این اتفاقات که تنها شش ماه پس از انتشار این تحلیل به وقوع پیوسته است، ولی در این نوشتار

کوچکترین احتمالی برای تأثیر آن در نتیجه‌ها در نظر گرفته نشده است، رشد و پای گیری انقلاب اسلامی در ایران است. این انقلاب اثرات عمیقی بر کلیه روندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گذاشت و بسیاری از معادلات جهانی را تغییر داد. در این تحلیل می بینیم که اقتصاددانان سیا در نظر دارند با تشکیل سناریوهایی برای عرضه و تولید نفت اوپک، عرضه و تقاضای جهانی نفت را با یکدیگر هماهنگ نموده و از این طریق مانع افزایشهای ناگهانی در قیمت‌های نفت که به گمان آنها اثرات تخریبی بر اقتصاد غرب می گذارد، شده و بالنتیجه رشد قیمت‌ها را با رشد اقتصادی متناسب نمایند. پس بسیار قابل تأمل است وقتی دریابیم در نتیجه شوک نفتی که وقوع انقلاب اسلامی به بازار نفت وارد کرد، قیمت نفت در ظرف کمتر از دو سال از بشکه ای ۱۳ دلار به ۳۸ دلار رسید و یک مسیر رشد سیصد درصدی را طی نمود.

از طرفی وقوع این اتفاق و در نتیجه انجام اقدامات بسیاری از سوی مصرف کنندگان عمده نفت در جهت کاهش وابستگی به نفت اوپک از جمله صرفه جوییهای بسیار و از سوی دیگر افزایش تولید کشورهای غیراوپک، باعث شد تقاضا در سال ۱۹۸۵ برای نفت اوپک بین ۱۶ الی ۱۸ میلیون بشکه در روز باشد در حالی که در این تحلیل برای آن رقمی بین ۳۳ الی ۴۰ میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شده است.

بحث مفصل و تحلیلی پیرامون سیر این روندهای در حوصله این کلام نیست. این دو مثال نیز برای آن زده شد تا خواننده در حین مطالعه مطالب در ذهن خود آمار و ارقام پیش بینی شده برای دوره‌های زمانی متفاوت را با آنچه در واقع وجود داشته است، مقایسه نماید. بلکه آنچه که باید مورد امعان نظر قرار گیرد، روش کار، طریقه تنظیم و ارائه اطلاعات، میزان بهادادن به پارامترهای مختلف و در حالت کلی متدولوژی حاکم بر این تحلیل است.

امیدوارم خوانندگان محترم لغزشهای موجود در ترجمه و تنظیم سند را با توجه به حجم کار بر ما

بیخشد و از راهنماییها و ارشادات خود ما را بی نصیب نگذارند. خواهشمند است پیشنهادات خود را برای

استفاده در چاپهای بعدی، به آدرس مرکز نشر اسناد لانها جاسوسی ارسال نمایند.

من ... التوفیق وعلیه التکلان

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

پاییز ۶۵

توضیح:

برای استفاده از جداول و اشکالی که در ترجمه سند به آنها اشاره شده است به متن انگلیسی کتاب

(۵۸)، در C.D ضمیمه کتاب مراجعه شود. به لحاظ اینکه جداول و نمودارها عمدتاً شامل اعداد بوده اند، از

ترجمه آنها خودداری شده است.

ص: ۴۶۴

فهرست

خلاصه

پیشگفتار

۱ عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

عربستان سعودی

ایران

عراق

ونزوئلا

نیجریه

کویت

ابوظبی

اندونزی

الجزیره

لیبی

دیگران

۲ سناریوهای تولید اوپک

۳ تقاضای کشورهای سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک

نگرشی بر تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای آینده

عرضه انرژی توسط سازمان همکاری و عمران اقتصادی

تقاضای واردات خالص نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

۴ تقاضای کشورهای غیر کمونیستی خارج از کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای

نفت اوپک

تقاضای خالص واردات نفتی کشورهای در حال توسعه غیر اوپک

۵ کشورهای کمونیست در بازار نفت

مشکل نفتی شوروی

فقر انرژی در اروپای شرقی

دیگر کشورهای کمونیستی

تداوم صادرات چین

موازنه تجارت نفتی کمونیستی

۶ تقاضای جهانی برای نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

موازنه عرضه و تقاضای نفتی: تأثیرات

ضد فشارها

تأثیر افزایش احتمالی قیمت

تصمیمات اوپک پیرامون قیمت گذاری

نتیجه گیری پایانی

ضمیمه ها

الف متدولوژی

ب جداول آماری تکمیلی

ج جزوه «بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵» در مقایسه با جزوه «اوضاع انرژی بین المللی: نگرشی بر سال

۱۹۸۵»

د تقاضای جهان برای نفت اوپک

ه عرضه و مصرف انرژی در کشور

خلاصه بحث عرضه و تقاضای نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

آژانس اطلاعات مرکزی (سیام) مرکز ملی ارزیابی خارجی

خلاصه‌هاوت ۱۹۷۸

دامنه (مطالعات) و محدودیتها

این مطالعات دورنمای بازار بین‌المللی نفت را در هفت سال آینده مورد بررسی قرار می‌دهد. (۱) به منظور تشخیص شرایطی طرح ریزی شده که براساس آنها فشار تقاضا بر عرضه موجود نفت ممکن سبب افزایش قیمتها گردد و علاوه بر این احتمال وقوع این شرایط را نیز ارزیابی می‌کند، ولی راه‌حلهایی برای حل یک مشکل بالقوه پیشنهاد نمی‌کند.

این تجزیه و تحلیل بسیار پیچیده است، چون بر تداخل پیش‌بینی‌های سه متغیر مهم بستگی دارد که عبارتند از رشد اقتصادی در کشورهای صنعتی، میزان کارایی اقدامات مربوط به صرفه‌جویی در انرژی و تولید نفت. علاوه بر این، پیش‌بینی‌ها ذاتا واجد عدم قطعیت می‌باشند. آنها متکی به سوابق تاریخی هستند که تعابیر مختلفی از آنان می‌شود و گذشته از آن به وقایع آتی متکی می‌باشند، که در مورد آنها نمی‌توان پیش‌بینی نمود.

به خاطر نقش بحرانی کشورهای مرتبط با سازمان کشورهای صادرکننده نفت در عرضه نفت مورد نیاز جهانی، این تجزیه و تحلیل بر اساس تقاضا برای نفت اوپک و تمایل و توانایی کشورهای اوپک به برآورده ساختن این تقاضا تدوین شده است، ما برای آسانتر کردن مسئله این تجزیه و تحلیل را از سه راه محدود ساخته ایم:

قیمتهای اوپک براساس شرایط واقعی ثابت تلقی شده است.

تأثیر تغییرات احتمالی سیاستهای انرژی کشورهای صنعتی را در نظر نگرفته ایم.

از نظر زمان، فقط تا پایان ۱۹۸۵ را مورد مطالعه قرار داده ایم. چون این مدت به قدر کافی کوتاه است و برنامه های زمانی لازم جهت طرحریزی و اجرای پروژه های بزرگ موانع مهمی بر سر راه افزایش و توسعه ظرفیت تولید نفت می باشند.

البته در عمل اگر تقاضا برای انرژی بر عرضه نفت فشار وارد آورد، قیمت های واقعی نفت افزایش خواهد یافت و احتمالاً در سیاست های دولت نیز تغییراتی پدید خواهد آمد. افزایش قیمت ها مستقیماً و به طور غیرمستقیم در نتیجه تأثیر منفی آن بر رشد اقتصادی سبب کاهش تقاضا برای نفت خواهد شد. دولت ها نیز به نحو جدی تری سعی در صرفه جویی انرژی و افزایش عرضه خواهند نمود.

در این چهارچوب تحلیلی، ما دامنه های زیر را به عنوان پارامتر های محتمل برای متغیر های اصلی در نظر گرفته ایم:

در طول سال های ۸۵-۱۹۷۸ رشد واقعی اقتصادی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و عمران از میانگین سالانه $7/3$ درصد به سطح $2/4$ درصد افزایش خواهد یافت.

صرفه جویی در انرژی، در پاسخ به افزایش قیمت های گذشته و سیاست های موجود دولت ها، رشد

تقاضای انرژی کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و عمران را بین ۷۰ تا ۸۰ درصد میزان رشد

۱- این مطالعات تحلیلی انجام شده در نشریه ۷۷-۱۰۲۴۰ (وضعیت بین المللی انرژی □ دورنگری به سال ۱۹۸۵ □ آوریل ۱۹۷۷) را با ER شرایط روز تطبیق داده و آنها را گسترش می بخشد.

اقتصادی نگاه خواهد داشت.

تولید نفت اوپک از ۷/۳۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به سطحی بین ۳۳ تا ۴۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش پیدا می کند.

عرضه و تقاضای نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

نتایج حاصله از مطالعات در آوریل ۱۹۷۷ چنین بود: «در صورتی که در میزان صرفه جویی انرژی

افزایش پدید نیاید، تقاضای جهانی برای نفت در اوائل سالهای ۱۹۸۰ معادل ظرفیت تولید خواهد

گشت... و قیمتها آنقدر افزایش پیدا خواهند کرد که میزان نفت موجود جیره بندی شود.» لیکن در سال

گذشته چند فاکتور دستخوش تغییر گشته است. مهمترین آنها این است که ظرفیت تولیدی اوپک و به

خصوص عربستان سعودی به سطح پیش بینی شده قبلی نخواهد رسید، و یکی از دلایل آن نیز این است که

دولتهای اوپک که در اخذ تصمیمات نقش عمده ای دارند، اهدافی متفاوت با اهداف صاحبان شرکتهای

پیشین دارند. در رابطه با تقاضا، به نظر می رسد رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته در سالهای ۷۸-۱۹۷۷

معادل نیم درصد کمتر از پیش بینی ماه آوریل گذشته بوده که در تقاضای آتی نفتی، نوعی اعتدال پدید

می آورد. علاوه بر این ما پیش بینی های خود را در رابطه با حداکثر واردات خالص نفتی کشورهای

کمونستی در سال ۱۹۸۵ پایین آورده ایم، تا به خصوص نشان دهیم که شوروی و کشورهای اروپای

شرقی نیاز مبرمی به ارز معتبر دارند.

با در نظر گرفتن تمام این تغییرات، خطر کاهش تولید نفت در نیمه اول سالهای ۱۹۸۰ که می تواند منجر

به سیر صعودی قیمت واقعی نفت اوپک گردد هنوز بسیار زیاد است. ترکیبهای دیگر پیش بینی های سه

متغیر اصلی نشان می دهد که چندین سال طول می کشد تا چنین مشکلی پدید آید.

در صورتی که عرضه نفت اوپک فقط به ۳۳ میلیون بشکه در روز برسد و میانگین میزان رشد اقتصادی

نیز سالانه معادل ۲/۴ درصد باشد، تا سال ۱۹۸۰ یک مشکل نفتی به وجود خواهد آمد. حتی در صورتی که تولید نفت کشورهای عضو اوپک به ۴۰ میلیون بشکه در روز برسد، که به عقیده ما بسیار خوش بینانه است، تقاضا برای نفت اوپک قبل از سال ۱۹۸۵ با میزان عرضه نفت تطبیق خواهد کرد، البته در صورتیکه میزان رشد اقتصادی به بالاترین سطحی که پیش بینی کردیم برسد. ترکیبی از افزایش تولید نفت اوپک، کاهش رشد اقتصادی، و صرفه جویی شدید نفتی حداقل تا پایان سال ۱۹۸۵ از بروز این مسئله جلوگیری خواهد کرد.

البته همه صاحب نظران نفتی با نحوه قضاوت ما درباره اهمیت مسئله موافق نیستند. لیکن اکثر پیش بینی هایی که در مورد تقاضا برای انرژی و تولید داخلی انرژی کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شده مشابه پیش بینی های ما می باشند. تعداد کمی از این صاحب نظران امکان اینکه کشورهای کمونیستی تبدیل به وارد کنندگان خالص نفتی بشوند را در نظر گرفته اند، ولی این اختلاف در مقایسه با برآوردها، بحرانی نیست. اگر کشورهای کمونیستی به نحوی از انحا در زمره وارد کنندگان تقاضای پیش بینی شده بر ذخایر نفتی فقط یک سال به تعویق می افتد. تفاوت اصلی بر تولید نفت اوپک متمرکز است. خوش بین ترین صاحب نظران فرض را بر آن قرار داده اند که ظرفیت تولیدی اوپک و به خصوص عربستان سعودی خیلی بیش از نتایج پیش بینی های ما می باشد. البته بعضی از آنها در سال گذشته

پیش بینی های خود را در مورد ظرفیت تولیدی اوپک تقلیل داده و بعضی دیگر نیز مشابه ما پیش بینی کرده اند.

نقش اوپک

به نظر ما تمایل و توانایی کشورهای اوپک در تأمین نیازهای نفتی جهان توام با تردید فزاینده ای است. سیاستهای اقتصادی و سیاسی و نیز ملاحظات فنی کشورهای اصلی تولیدکننده بر افزایش و گسترش ظرفیت تولیدی اوپک تأثیر خواهد بخشید. بعضی از کشورهای صادرکننده نفت که کنترل منابع خود را خود در دست دارند، نسبت به کمپانیهای بین المللی نفتی افقهای دورتری را مدنظر دارند. آنهایی که پول بیشتری از درآمد نفت نصیبشان می شود، یا ظرفیت تولید را پایین می آورند و یا از تأسیس ظرفیتهای جدید تولیدی خودداری می ورزند. انگیزه این محدودیت تولید می تواند ناشی از نگرانیهای توام با صرف جویی در جهت بالا بردن سود فرآورده های نفتی باشد. دلایلی از قبیل سیاست خارجی نیز می تواند در تسریع و یا به تأخیر افتادن برنامه های گسترش ظرفیت تولیدی مؤثر واقع شود.

چندین دولت مهم عضو اوپک در حال حاضر اقداماتی در زمینه کاهش تولید نفت و محدود نمودن سرمایه گذاری در جهت گسترش ظرفیت تولیدی انجام داده اند. عربستان سعودی و ابوظبی در مورد بعضی از حوزه های نفتی و بعضی از انواع نفت خام خود سقف تولیدی خاصی را معین کرده و عملیات کمپانیهای نفتی را محدود نموده اند.

عربستان سعودی عامل مهم

عربستان سعودی، مهمترین تولیدکننده بخش اعظم نفت بازارهای جهان در دهه گذشته، کلید اصلی توانایی اوپک برای تأمین تقاضای فزاینده نفتی جهان در سالهای ۱۹۸۰ را در دست دارد. دورنمای گسترش ظرفیت تولیدی نفت عربستان سعودی در سال گذشته رو به وخامت نهاده است. کمپانی آرامکو،

که تولیدکننده تمام نفت عربستان سعودی می باشد، در اوائل سال گذشته تصمیم گرفت که تا سال ۱۹۸۵ حداکثر ظرفیت تولیدی را به ۱۶ میلیون بشکه در روز برساند. لیکن سعودیها این برنامه را هرگز تصویب نمودند و دستیابی به این هدف دیگر مقدور نمی باشد.

سعودیها در مورد بعضی از حوزه های نفتی و انواع نفت خام خود سقف تولیدی خاصی را تعیین کرده، بر عملیات کمپانیهای نفتی، محدودیتهایی قائل شده اند و منابع مالی که برای سرمایه گذاری در اختیار آرامکو قرار می دهند را محدود نموده اند. آرامکو در آخرین برنامه خود اعلام کرده است که تا سال ۱۹۸۳ ظرفیت تولیدی را به ۵/۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد رساند.

ما معتقدیم که ظرفیت تولیدی عربستان سعودی را می توان تا سال ۱۹۸۵ به ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز (پیش بینی ما در مورد حداکثر ظرفیت تولیدی اوپک) رساند البته مشروط بر آنکه سرمایه گذاریهای جدید بشود و بخشی از محدودیت تولیدی تحمیل شده به وسیله عربستان سعودی نیز از میان برداشته شود. ولی برای دست یافتن به این ظرفیت تولیدی لازم است که ظرفیت تولیدی بعضی از حوزه های نفتی سعودی به میزان معقولی بالا برده شود و سرمایه گذاریهای درازمدتی نیز در این زمینه انجام گیرد. در حالی که، رعایت مقررات کنونی سبب می گردد که ظرفیت تولید از سطح کنونی ۸/۸ میلیون بشکه در روز

پایین تر بیاید (پیش بینی ما در مورد حداقل ظرفیت تولیدی اوپک).

از نقطه نظر سودجویی اقتصادی کوتاه بینانه، سعودیها ممکن است به این نتیجه رسیده باشند که با پیروی از برنامه های گسترش ظرفیت تولیدی گران قیمت، که توأم با خطراتی نیز هست فایده زیادی عایدشان نخواهد شد. اکثر سیاستمداران ارشد نفتی عربستان سعودی طرفدار محدود کردن نه تنها تولید نفت بلکه ظرفیت تولیدی آینده نیز هستند. آنها معتقدند که اگر نفت در اعماق زمین بماند، بهترین نوع پس انداز برای آنها به شمار می رود و نمی خواهند تحت فشارهای خارجی، سطح تولید خود را بیش از آنچه که مایل هستند بالا ببرند. علاقه به صرفه جویی با این نظریه شدت گرفته است که محاسبه غلط در مورد سطح تولیدی مناسب می تواند به از دست رفتن دائمی ذخایر نفتی منجر گردد.

گرچه افزایش عمده ظرفیت اهرمی علیه تصمیمات اوپک پدید می آورد، لیکن سعودیها معتقدند که این افزایش عمده ظرفیت تولیدی، تحت فشار افزایش تقاضای جهانی بی اثر خواهد گردید. بنابراین باید ملاحظاتی در زمینه سیاست خارجی انجام داد، تا سعودیها متقاعد شوند که باید یک سری تصمیمات مثبت اتخاذ نمایند، تا در سال ۱۹۸۵ ظرفیت تولیدی را به سطح ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز برسانند. به هر حال، ما معتقدیم که تولید نفت عربستان سعودی در سطح ۵/۱۰ میلیون بشکه در روز (حد وسط پیش بینی ما در مورد ظرفیت تولیدی اوپک) تا سال ۱۹۸۵ بیشتر امکان پذیر خواهد بود.

دیگر کشورهای اوپک

در رابطه با دیگر کشورهای اوپک، احتمال افزایش ظرفیت تولیدی نفت بسیار ناچیز است. در حالی که نصب تجهیزات تولیدی جدید در ایران دچار وقفه گشته است، ظرفیت تولیدی ۵/۶ میلیون بشکه ای این کشور نیز تا اواسط ۱۹۸۰ به سطح ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. عراق باید بتواند ظرفیت تولیدی خود را تا حدی بالا ببرد لیکن برنامه های بغداد در رابطه با تولید نفت در آینده از سال

۱۹۷۳ تا به حال چندین بار با کاهش همراه شده است. نظریات مربوط به صرفه جویی در کویت و ابوظبی نیز مانع از افزایش ظرفیت تولیدی می گردد. نیجریه، ونزوئلا و اندونزی نیز خواهند توانست سطح تولید کنونی خود را حفظ نمایند.

کشورهای کمونیستی

دورنمای تولیدی کشورهای کمونیستی از زمان به پایان رسیدن آخرین تحقیق ما هنوز تغییر نکرده است. ما پیش بینی کرده بودیم که در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ ظرفیت تولیدی شوروی به سطح ۱۰ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت و این مقدار تولید نیاز داخلی شوروی را برآورده خواهد ساخت. لیکن برای صدور آن به خارج، مازادی باقی نخواهد گذارد و از آنجایی که چین تنها مقدار کمی از نفت خود را به خارج صادر خواهد کرد و اکثر کشورهای کمونیستی دیگر نیز دچار کمبود زیاد و فزاینده نفتی خواهند شد. ما پیش بینی کرده ایم که کشورهای کمونیستی به جای صدور به وارد کردن نفت می پردازند. ولی معلوم نیست که تا سال ۱۹۸۵ میزان واردات نفتی آنها چقدر خواهد بود. پتانسیل تقاضای آنها به صرفه جویی و رشد اقتصادی بستگی دارد. علاوه بر این، آنها مجبورند ذخایر محدود ارز معتبر خود را بین واردات نفتی و دیگر واردات دارای اولویت تقسیم نمایند. آنها اگر تنها رشد اقتصادی را در نظر بگیرند،

نخواهند توانست تمام نفت مورد نیاز خود را وارد نمایند. کشورهای کمونیستی کلاً به صورت یک گروه در سال ۱۹۷۷ معادل ۱/۱ میلیون بشکه نفت در روز صادر کرده بودند. با در نظر گرفتن دورنمای اقتصادی آنها، صرفه جویی انرژی و جایگزینی دیگر منابع انرژی و محدودیت آنها در تحصیل ارز معتبر، بر این باوریم که در صورت ثابت ماندن قیمت‌های واقعی نفت، شوروی، اروپای شرقی، کوبا و دیگر کشورهای خریدار نفت شوروی در خاور دور تا سال ۱۹۸۵ معادل سه میلیون بشکه در روز نفت وارد خواهند کرد. چین نیز احتمالاً ۵۰۰/۰۰۰ بشکه نفت صادر خواهد کرد و به این ترتیب میزان واردات نفتی کشورهای کمونیستی را به سطح ۵/۲ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. (۱)

گرچه بخش اعظم این واردات نفتی برای اروپای شرقی و کوبا می باشد ولی مسکو نیز باید در تأمین منابع مالی مورد نیاز به آنها کمک نماید، چون اروپای شرقی و کوبا نمی توانند بدون متحمل شدن مشکلات حاد اقتصادی هزینه های مربوطه را به تنهایی بپردازند. بنابراین شوروی و اروپای شرقی مجبور خواهند بود از واردات غیرنفتی خود از کشورهایی که دارای ارز معتبر می باشند بکاهند، تا بتوانند ارز معتبر موجود خود را در زمینه واردات نفتی مصرف نمایند.

به همین دلیل، مسکو با یک مشکل نفتی روبرو است که به سختی قابل حل است و باید در سیاستهای خود تصمیمات دردناکی بگیرد، یعنی باید در مورد یکی از این راهها تصمیم بگیرد: چه مقدار از واردات غیرنفتی خود از غرب را بکاهد تا بتواند ارز معتبر خود را در مورد واردات نفتی مصرف نماید، و یا برای کمک به کوبا و اروپای شرقی چه مقدار از هزینه ها را متحمل شود و چه مقدار از رشد اقتصادی شوروی و اروپای شرقی را کاهش دهد تا بتواند در میزان مصرف انرژی و میزان واردات نیز کاهشی پدید آورد. (۲)

۱- در تحقیق آوریل ۱۹۷۷ ما پیش بینی کردیم که حداکثر ظرفیت تولیدی شوروی در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز و حداقل نیاز ۳ میلیون بشکه در روز و صادرات نفتی چین نیز ناچیز خواهد بود. در تحقیق حاضر پیش بینی ما /

وارداتی نفتی شوروی و اروپای شرقی معادل ۲۵ میلیون بشکه در روز / در مورد وضع تولیدی شوروی تغییر نکرده است. واردات خالص نفتی شوروی و اروپای شرقی نیز به رقمی معادل ۷۰۰۷ بشکه در روز در / ۸۰۰ بشکه در روز نشانگر انتظارات ما از این امر است که در شوروی احتمالاً معادل ۰۰۰ / کاهش داده شد □ تغییر ۱۰۰۰۰۰۰ بشکه در روز / مصرف نفت صرفه جویی خواهد گردید و تغییرات رشد اقتصادی و برآورد میزان صرفه جویی در اروپای شرقی نیز ۵۰۰۰۰۰۰ بشکه در روز □ نفت صادر خواهد کرد. علاوه بر / باقیمانده را دربر می گیرد. پیش بینی کنونی ما این است که چین تا سال ۱۹۸۵ معادل ۰۰۰ این □ در تحقیق کنونی میزان واردات خالص نفتی کوبا و دیگر کشورهای کمونیستی تا سال ۱۹۸۵ سیصد هزار بشکه در روز در نظر گرفته شده تا ۲ میلیون بشکه در روز بشود. یکی از اختلافات دیگر این تحقیقها این است که در تحقیق قبل / کل واردات همه کشورهای کمونیستی معادل ۵ پیش بینی بود که اگر ظرفیت تولیدی شوروی کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز بشود میزان واردات شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی به میزان ۴/۵ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. لاین در حال حاضر به این نتیجه رسیده ایم که حداکثر واردات نفتی شوروی و اروپای شرقی ۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود چون در زمینه ارز معتبر دچار محدودیتهایی هستند و علاوه بر این اگر تولید نفت شوروی به کمتر از / معادل ۱۰۷ میلیون بشکه در روز برسد برای جبران کمبود به واردات بیشتر متوسل نخواهند شد بلکه در رشد اقتصادی اروپای شرقی و شوروی کاهش پدید خواهند آورد.

۲- اختلافات دیگر این تحقیقها این است که در تحقیق قبل پیش بینی بود □ که اگر ظرفیت تولیدی شوروی کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز بشود □ ۴ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. لیکن در حال حاضر به این نتیجه / میزان واردات شوروی و دیگر کشورهای کمونیستی به میزان ۲۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود چون در زمینه ارز معتبر دچار / رسیده ایم که حداکثر واردات نفتی شوروی و اروپای شرقی معادل ۷ محدودیتهایی هستند و علاوه بر این اگر تولید نفت شوروی به کمتر از ۱۰ میلیون بشکه در روز برسد برای جبران کمبود به واردات بیشتر متوسل نخواهند شد □ بلکه در رشد اقتصادی اروپای شرقی و شوروی کاهش پدید خواهند آورد.

دیگر تولیدکنندگان نفت

انتظار می رود که در طول مدت این ارزیابی، در رشد ذخایر نفتی قابل دسترس خارج از اوپک نیز نوعی کندی پدید آید. تولید نفت دریای شمال که در سالهای ۸۰-۱۹۷۸ تقریباً سه برابر یعنی معادل ۹/۲ میلیون بشکه در روز (پیش بینی) گردیده بود، تا سال ۱۹۸۵ افزایشی معادل فقط ۴/۱ میلیون بشکه در روز خواهد داشت. تولید نفت در ایالات متحده در دوره ۵-۱۹۸۰ احتمالاً ثابت خواهد بود. پس از اولین افزایش سریع در جریان نفتی آلاسکا، مازاد نفت شیبهای شمال به سختی خواهد توانست کاهش تولید نقاط دیگر را جبران نماید. مکزیک نیز یک منبع نفتی جدید خواهد بود، و در صورت تداوم برنامه های توسعه دولت کنونی این کشور، سطح تولید آن را ۱/۱ میلیون بشکه در روز در سال گذشته به سطح روزانه ۹/۳ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ خواهد رسید. اکثر کشورهای روبه رشد نیز در جستجوی نفت بوده اند، ولی میزان واردات نفتی آنها بازم بالا خواهد رفت.

منابع انرژی جایگزین چاره مایوس کننده

گسترش و استفاده از منابع انرژی غیرنفتی نمی تواند کاهش عرضه نفتی را جبران نماید. گرچه و هنوز مشخص نشده است که از زغال سنگ و گاز طبیعی چه چیزی می توان به دست آورد. این ارزیابی افزایش تولید زغال سنگ کشورهای صنعتی را معادل ۲۵ درصد بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵ در نظر گرفته که تقریباً و به طور عمده منعکس کننده ۴۰٪ افزایش در ایالات متحده می باشد. استفاده روزافزون از زغال سنگ در کشورهای پیشرفته به وسیله (الف) هزینه سنگین تولید در بعضی از کشورها، (ب) زیربنای غیر کافی، و (ج) عدم وجود انگیزه کافی در ترغیب صنایع و مصارف عمومی به استفاده از زغال سنگ و گاز به جای نفت، محدود می گردد.

در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۸۵، انرژی هسته ای سهم تولید انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و

عمران اقتصادی را دوبرابر کرده و به ۱۱ درصد خواهد رساند. برنامه های درازمدت چند ساله و افزایش فشارهای سیاسی و قانونی در بسیاری از کشورهای صنعتی، استفاده بیشتر از این انرژی را در طول این مدت زمانی محدود کرده است. تولید گاز طبیعی در کشورهای پیشرفته تا حدی کاهش خواهد یافت، لیکن افزایش قابل ملاحظه واردات گاز طبیعی و گاز مایع از کشورهای اوپک، مصرف گاز را در کشورهای صنعتی بالا خواهد برد. در رابطه با دیگر منابع انرژی از قبیل نیروی هیدروالکتریک و منابع حرارتی زمینی باید گفت که محدودیت منابع موجود قابل بهره برداری، برنامه های درازمدت زمانی، و هزینه های سنگین در این مورد موانعی ایجاد کرده است. فنون انرژی خورشیدی موجود که از نظر هزینه بسیار مقرون به صرفه است، ایجاد ساختمانهایی که بتوانند حداکثر استفاده از نور خورشید و انرژی خورشیدی را در زمینه گرم کردن آب بنمایند، احتمالاً به کندی جایی برای خود باز خواهد کرد.

میزان تأثیرات بر رشد اقتصادی

اکثر کشورهای پیشرفته در یک دوران انتقال به سوی کاهش اتکاء به نفت دچار مشکلاتی هستند حتی اگر صرفه جویی سبب شود که در رابطه بین استفاده از انرژی و تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در طول سالهای ۱۹۷۷-۸۵ سیر نزولی پدید آید. اگر تقاضا برای

انرژی به سرعتی همانند سرعت تولید ناخالص ملی تا سطح ۸۰ درصد افزایش پیدا کند، حتی یک رشد اقتصادی به میزان ۷/۳ درصد در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز خطر کاهش عرضه نفت را تا قبل از سال ۱۹۸۵ پدید خواهد آورد (به جدول ۱ مراجعه شود) این وضع سبب بالا رفتن قیمت‌های نفتی و متعاقبا کاهش رشد اقتصادی خواهد گشت.

افزایش صرفه جویی مشکل را فقط مدت کوتاهی به تعویق خواهد افکند. تحت اکثر ترکیبات عرضه و تقاضا، هرگونه تغییری که تقاضا برای انرژی در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی را به مقدار ۵/۲ درصد تا سال ۱۹۸۵ کاهش دهد (۱) میزان رشد تقاضای انرژی را معادل ۷۰ درصد رشد اقتصادی نگهدارد، خواهد توانست کاهش عرضه در بازار نفت را فقط یک سال و اندی به تأخیر اندازد. حتی این مقدار صرفه جویی نیز قبل از سال ۱۹۸۵ در عرضه بازار نفت کمبود پدید خواهد آورده مگر آنکه تولید نفت اوپک معادل بالاترین میزان پیش بینی ما باشد.

به نظر می رسد فشارهای سیاسی و اجتماعی کشورهای مصرف کننده نفت در بسیاری موارد با توسعه هایی که سبب از بین رفتن کمبود عرضه بازار نفت تا سال ۱۹۸۵ خواهند شد، در تضاد می باشند. در حالی که تعداد بیکاران سه سال پس از آخرین بحران اقتصادی معادل ۱۶ میلیون نفر می باشد، فشارهای زیادی به دولتهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی وارد می شود تا رشد اقتصادی را افزایش دهند. یک سری انتخابات ملی برنامه ریزی شده برای سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۸۱ تمایل به افزایش قیمت‌ها پس از یک دوره رکود را تشدید خواهد نمود. گرچه معلوم نیست که عموم تا چه حد قادر به تحمل بیکاری باشند، ولی گمان نمی رود که رأی دهندگان واقعیت مشاغل کمتر در کوتاه مدت را بپذیرند، تا از سیر نزولی اقتصاد متکی به نفت در یک سال آینده اجتناب ورزند.

در همین حال، چند عامل سبب می گردد که مردم و در بعضی موارد دولتها نتوانند وجود یک مشکل

نفتی را پذیرا شوند. مهمتر از همه اینکه به خاطر جریان یافتن نفت دریای شمال و آلاسکا در حال حاضر و در حالی که تقاضا پایین است در بازار نفت حالت اشباع ایجاد شده است. در مجموع صنایع زغال سنگ آمریکا و اروپا نیز به علت کاهش تقاضای جهانی فولاد دارای افزایش ظرفیت واقعی هستند. البته اگر رشد اقتصادی همین سیر صعودی اعتدالی خود را در دو سال آتی ادامه دهد، این شرایط نیز از میان خواهد رفت و اتخاذ تصمیمات شدیدتری در زمینه صرفه جویی انرژی و تغییر سبک زندگی را نیز به تأخیر خواهد انداخت. کند بودن سرعت رشد سرمایه گذاری نیز در بسیاری از کشورها سبب به تعویق افتادن و به کارگیری روشها و ماشین آلات تولیدی با صرفه جویی بیشتر در انرژی خواهد گردید.

راههای تطابق ممکن

مشکل آتی نفتی ممکن است به صورت افزایش عظیم و سریع قیمتها مانند سالهای ۱۹۷۳، ۱۹۷۴ بروز نماید، و اگر به این ترتیب ظاهر شود بر رشد اقتصادی، بیکاری و تورم در کشورهای صنعتی بار دیگر ضربه ای کشنده خواهد زد. از نظر ما افزایش در حد ۱۰ درصد در قیمت نفت در حال حاضر تأثیر معادل ۶۰ درصد افزایش در سال ۱۹۷۳ را خواهد داشت، چون در آن زمان نقش نفت در فعالیتهای

۱- برای مثال □ این تأثیر تقریبی قانونی است که باتوجه به تخمینهای وزارت انرژی در مورد انرژی وضع شده و انتظار تصویب کنگره به سر می برد.

اقتصادی بسیار ناچیزتر از زمان حال بوده است. هر ۱۰ درصد افزایش قیمت نفت خام تأثیری معادل نیم درصد کاهش در تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی خواهد داشت و میزان بیکاری را ۵۰۰/۰۰۰ نفر بالا خواهد برد و نیم درصد نیز به تورم اضافه خواهد کرد و علاوه بر این به مشکلات حاد فعلی در تراز پرداختهای بسیاری از ملل خواهد افزود.

لیکن اگر سیر صعودی قیمتها معتدلتر انجام گیرد، تعدیل نیز تدریجا صورت خواهد گرفت. در هر حال در چند سال آینده قیمتهای نفت مستعد افزایش خواهد بود، چون کشورهای اوپک می خواهند که به شرایط تجاری خود که در نتیجه تأثیر تورم جهانی و کاهش ارزش دلار وخیم شده بود بهبودی بخشند. با پیدایش و وسعت گرفتن مشکل احتمالی عرضه، نفت قیمتهای نفت نیز بالا خواهد رفت.

پاورقی مربوط به جدول صفحه قبل

۱ این نرخهای رشد براساس پیش بینی های روندهای سنی ویژه جمعیت و پیش بینی نرخهای مشارکت و کاربرد رابطه تولید ناخالص ملی با اشتغال، محاسبه شده این نرخها با در نظر گرفتن رابطه تاریخی بین اشتغال رشد و تولید ناخالص ملی، بیکاری مداوم را به طور تلویحی در کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه می رساند. (میانگین ۲/۴٪ برای سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه) و یا به گونه ای دیگر و با در نظر گرفتن کاهش در رابطه تاریخی کارآیی تولیدی به رشد تولید ناخالص ملی آن را بیان می دارد. (۷/۳٪ میانگین برای کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه)

۲ تقاضای جهانی برای انرژی یا کاهش ۵/۲٪ در تقاضای انرژی سازمان همکاریهای اقتصادی و

توسعه در سال ۱۹۸۵ تعدیل شده است، به طوریکه مقادیر به صورت خطی در سال ۱۹۸۵ به این سطح می رسد. این اثر تقریبی قانون مربوط به انرژی است، که توسط وزارت انرژی تهیه شده و در انتظار تصویب

کنگره است. * * *

جدول ۱

سناریوهای تقاضای جهانی برای نفت اوپک شکل (۱)

(در شرایط قیمت ثابت نفت اوپک)

عرضه از تقاضا بیشتر است +

تقاضا از عرضه بیشتر است

تولید ناخالص ملی کشورهای OECD، ۷/۳٪.۱

سناریوهای عرضه ۱۹۷۸ ۱۹۷۹ ۱۹۸۰ ۱۹۸۱ ۱۹۸۲ ۱۹۸۳ ۱۹۸۴ ۱۹۸۱ عرضه بالا توسط اوپک +++++ عرضه متوسط توسط اوپک

++++ عرضه پائین توسط اوپک

++ تولید ناخالص ملی کشورهای OECD، ۲/۴٪.۱ عرضه بالا توسط اوپک +++ عرضه متوسط توسط اوپک

++++ عرضه پائین توسط اوپک ++

تقاضای جهانی برای نفت اوپک یا منظور کردن صرفه جوئی بیشتر (۲) عرضه از تقاضا بیشتر است +

تقاضا از عرضه بیشتر است

تولید ناخالص ملی کشورهای ۱٪ ۷/۳، OECD سناریوهای عرضه ۱۹۷۸ ۱۹۷۹ ۱۹۸۰ ۱۹۸۱ ۱۹۸۲ ۱۹۸۳ ۱۹۸۴ ۱۹۸۵ عرضه بالا توسط اوپک

+++++++ عرضه پایین توسط اوپک

+++++++ عرضه بالا - توسط اوپک ++++++ عرضه متوسط توسط اوپک +++++ عرضه پایین توسط اوپک ++ تولید ناخالص ملی کشورهای ۱٪ ۲/۴، OECD

عرضه بالا توسط اوپک ++++++ عرضه متوسط توسط اوپک +++++ عرضه پایین توسط اوپک ++...

پیشگفتار

این مطالعه به تحلیل پیرامون دورنمای بازار بین المللی نفت در هفت سال آینده می پردازد. چون کشورهای اوپک، که ۸۵ درصد نفت جهانی را تولید می نمایند، عناصر اصلی بازار نفتی در این دوره خواهند بود، این تحلیل نیز براساس تقاضا برای نفت اوپک و تمایل و توانایی کشورهای اوپک در برآورد این تقاضای نفتی تدوین شده است.

بررسی این متن پیرامون عرضه نفت اوپک در دورانی مابین حال حاضر و سال ۱۹۸۵ بوده و آن را با پیش بینی های مختلفی که در مورد تقاضای جهانی برای نفت اوپک خواهد شد، مقایسه خواهد نمود. علاوه بر این به بررسی و نتیجه گیری پیرامون عوامل اصلی تعیین کننده نتایج عرضه و تقاضا نیز می پردازد. این مطالعه نوعی تجدیدنظر در تحقیق ارائه شده در آوریل ۱۹۷۷ بوده و مانند تمام تلاشهای دیگری که در زمینه ارزیابی موازنه های عرضه و تقاضای جهانی شده، با ظهور اطلاعات و اخبار جدیدتر دستخوش تغییر و دگرگونی خواهد گشت. این تجزیه و تحلیل از آنجا که مبتنی بر پیش بینی است عاری از خطا نیست و با کسب اطلاعات جدیدتر باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

در رابطه با عرضه نفت اوپک، ما در کشورهای مهم دامنه ای از امکانات تولید نفت را در نظر گرفته ایم و مانند دیگر تحلیلگران بازار نفتی، ما نیز سعی در تعیین یک حداکثر ظرفیت تولید نفت اوپک تا سال ۱۹۸۵ کردیم، البته با در نظر گرفتن برنامه های دولتی برای بالا بردن ظرفیت، و عوامل فنی دیگر از قبیل میزان تولید و ذخایر و میزان اکتشاف نفت. البته در نتیجه قضاوتهای خودمان عوامل دیگری را نیز در نظر گرفته ایم که با عرضه در ارتباط بوده و با سیاستهای مدیریت منابع نفت و تعدادی از وقایع سیاسی و نهادی کشورهای اوپک بستگی پیدا می کنند.

سناریوهای مربوط به تقاضای نفت براساس دو فرضیه رشد تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی (۱) استوار بوده و تحت فرضیه های مختلف روندهای کارآیی تولید بر

بیکاری مداوم دلالت دارد. این سناریوها صریحاً فرض را بر آن قرار داده اند که قیمت واقعی نفت در بازار جهانی در هشت سال آتی ثابت خواهد بود، یعنی افزایش قیمت نفت اوپک معادل افزایش قیمت صادرات کشورهای غیراوپک خواهد بود.

در این فرضیات ۵/۲ درصد افزایش سالانه در قیمت واقعی انرژی آمریکا نیز براساس لایحه قانونی اخیر که مشابه لایحه صرفه جویی انرژی سال ۱۹۷۶ می باشد در نظر گرفته شده است، و چون ما با قیمت‌ها و حجمهایی (از تولید) سروکار داریم که تنها با تکاپو نمودن عرضه امکان پذیر می باشد، سناریوهای تقاضا را باید به عنوان یک وسیله سنجش در نظر گرفت و نه پیش بینی. زمانیکه پیش بینی تقاضا برای نفت اوپک بر عرضه نفت اوپک فزونی یابد، به میزان تقاضا مقرر نمی توان دست یافت و در نتیجه بالا رفتن قیمت‌های جهانی نفت از افزایش باز خواهد ماند. به خاطر عدم وجود سیاست‌های متعادل کننده دولتی در افزایش قیمت‌ها، تقاضای نفت اوپک به وسیله پایین آوردن رشد اقتصادی کشورهای مصرف کننده نفت، و وادارسازی به صرفه جوئی بیشتر و افزایش بازده انرژی کشورهای غیر عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه با عرضه نفت اوپک معادل می شود.

۱- در سرتاسر این نوشتار □ منظور از کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی همه کشورهای عضو این سازمان به استثناء استرالیا و زلاندنو می باشد □ مگر اینکه خلاف این موضوع دقیقاً ذکر گردد.

گزارش و روند تحلیلی آن شامل چهار بخش اصلی می باشد. اول آنکه میزان عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵ برآورد شده است. ثانياً، چند سناریو در مورد تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه در رابطه با نفت اوپک در نتیجه برآورد تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه و کمبود انرژی این کشورها تشکیل یافته است. ثالثاً، در مورد تقاضای کشورهای رو به رو شد غیر اوپک در زمینه وارد کردن نفت و تقاضای کشورهای کمونیستی و بقیه نقاط جهان نیز برآوردهایی شده است. رابعاً، سناریوهای تقاضا و عرضه مختلف نیز با یکدیگر مقایسه گشته اند.

* * *

بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵

عرضه نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

عوامل فنی، اقتصادی، نهادی و سیاسی احتمالاً قابلیت دسترسی به نفت اوپک را در هشت سال آینده محدود خواهد نمود. برآوردهایی که در مورد تولید آتی می شود، نه تنها باید عواملی چون پایه منابع و زیر بنای تولید و تحویل نفت را در نظر بگیرد، بلکه باید طرز تفکر دولتهای تولیدکننده را نیز در مورد نحوه بهره برداری از این منابع مورد ملاحظه و بررسی قرار دهد.

تا همین اواخر، برنامه های تولیدی اوپک بر معیارهای کمپانیهای نفتی در جهت تأمین نیازهای نفتی بازار استوار بود. با ملی شدن صنعت نفت، این ۹ معیارها نیز دچار دگرگونی و تغییر خواهند شد. برنامه زمانی دولتهای بسیار طولانی تر از برنامه زمانی کمپانیهای نفتی است (و معنی آن این است که میزان کاهش تولید خیلی پایین تر خواهد بود). ارزشهای نسبی که در مورد تولید آتی پدید آمده با ارزش های موجود در رابطه با تولید در زمان حاضر تفاوت بسیار دارند به همین ترتیب در مورد صلاحیت

سرمایه‌گذاری‌های کنونی و عملیات موقر در افزایش اکتشاف درازمدت نفت نیز اختلاف نظرهایی به وجود آمده است.

تعدادی از دولتهای اوپک از هم‌اکنون اقداماتی در جهت کاهش تولید نفتی و محدود کردن سرمایه‌گذاری‌های مربوط به گسترش ظرفیت تولیدی انجام داده‌اند. عربستان سعودی و ابوظبی در مورد حوزه‌های خاص و انواع ویژه نفت خام خود سقف تولید به خصوصی را تعیین کرده و در زمینه عملیات تولیدی نیز محدودیتهایی به وجود آورده‌اند تا تولید را زیر ظرفیت نگاه‌دارند. این سیاستها زمانی اتخاذ شده که بازار دچار ضعف است و با ظاهر شدن کاهش عرضه این ضعف نیز تبدیل به بحران خواهد گردید. با این وصف آنها پافشاری کرده و در آینده سعی در محدود کردن حوزه عملیاتی شرکتهای نفتی خواهند نمود.

مهمتر اینکه، تلاش این دولتها در کاهش تولید سبب می‌شود که نه تنها انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در رابطه با گسترش ظرفیت باقی‌مانده، بلکه برای ابقاء ظرفیت کنونی نیز از سرمایه‌گذاری امتناع شود. کویت در این رابطه مثال بسیار بارزی است. به علت مازاد درآمد وسیع و به علت احساسات صرفه‌جویانه قوی، این کشور سقف تولید سالانه خود را روزانه یک میلیون بشکه کمتر از ظرفیت تولید موجود تعیین کرده است. بنابراین کویتی‌ها و پیمانکارانی که در حوزه‌های این کشور به کار مشغول هستند، برای اقدام به

حفاریهای جدید، و انجام کارهای تعمیر و نگهداری روزانه از قبیل انجام کار در مورد چاهها بیش از نیازشان انگیزه ای نمی بینند و به همین دلیل ظرفیت تولید روزانه از سال ۱۹۷۳ معادل ۵۰۰/۰۰۰ بشکه کمتر شده است. به همین ترتیب، تصمیم سعودیها مبنی بر کاهش تولید بزرگترین حوزه نفتی دنیا یعنی حوزه الغوار سبب شده است، که سفارشات مربوط به نصب تجهیزات نمک زدایی لغو گردند. در غیاب این نمک زدایی ها، تعداد چاههایی که در حوزه الغوار در اثر هجوم آب بسته شده اند، افزایش یافته و ظرفیت تولید نیز پایین تر می آید.

جهت تعیین دامنه ای برای میزان احتمال تولید نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵، ما سه نوع فرضیه را در مورد ظرفیت تولیدی اوپک در نظر گرفته ایم.

* ظرفیت ثابت، که «ظرفیت تأسیساتی» نیز خوانده می شود، عبارت است از حداکثر ظرفیت چاهها، خطوط لوله نفتی، و بقیه نظام انتقال نفت. در این فرضیه محدودیتهای عادی عملیاتی از قبیل زمان لازم برای تعمیر و نگهداری و آب و هوا در نظر گرفته نشده است.

* ظرفیت قابل ابقاء، سطح تولیدی می باشد که می تواند، برای یک مدت طولانی از قبیل چندماه و یا بیشتر ادامه یابد بدون اینکه به حوزه نفتی خساراتی وارد گردد. برای هر حوزه، این مضمون ظرفیت یک عنصر قضاوت و نتیجه گیری را شامل می شود. مهندسین نفتی بسیار مطلع در مورد حداکثر میزان تولیدی یک حوزه موافقت نظر نداشته و ندارند.

* ظرفیت مجاز، میزان تولیدی را گویند که به وسیله مقررات و قوانین دولتی مجاز شناخته شده است. پیش بینی های ما در مورد تولید اوپک هر سه فرضیه را در بر می گیرد. ما طرحهای موجود هر کشور را در مورد ظرفیت ثابت براساس سرمایه گذاریها، زمان لازم جهت توسعه ذخایر احتمالی و تثبیت شده، و سیاست دولتی مورد بررسی قرار داده ایم. ظرفیت قابل ابقاء نیز براساس تجارب تاریخی تولید و مطالعات

مهندسی موجود پیش بینی شده است و در اغلب موارد معادل ۹۰ تا ۹۵ درصد ظرفیت ثابت می باشد. در هر موردی که سقف تولیدی در مورد ظرفیت تولید مجاز مانند عربستان سعودی، کویت و ابوظبی تعیین شده باشد ما میزانهای بازده ممکن را در نظر گرفته ایم تا سیاستهای مختلف دولتی را نشان داده باشیم.

تصویر ۱

عربستان سعودی

عربستان سعودی کلید اصلی برآورد نیازهای روزافزون نفتی جهان را در سالهای ۱۹۸۰ در اختیار دارد. ذخایر احتمالی و تثبیت شده عربستان سعودی دربرگیرنده ۱۵۰ میلیارد بشکه نفت است، که یک چهارم ذخایر نفتی شناخته شده جهان غیر کمونیست را شامل می شود و حدود یک دهه است که به عنوان مهمترین منبع تأمین نیاز فزاینده نفتی جهان عمل می کند. تا سال ۱۹۷۷ سعودیها ۶/۲۹ درصد تولید کلی اوپک را تولید می کردند، درحالیکه این تولید در سال ۱۹۶۰ معادل ۱/۱۵ درصد بود. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷ آنها بر تولید نفت جهانی ۴۰ درصد افزودند که سهم آنها در تولید کلی جهانی ۱۵ درصد بوده است. (به تصویر ۲ نگاه کنید) لیکن سطح تولید هنوز هم در مقایسه با میزان ذخایر بسیار پایین است. با این وصف، دورنمای گسترش سریع ظرفیت تولید نفتی عربستان سعودی در سال گذشته وخیم تر

شده است. برنامه اولیه آرامکو برای بالا بردن ظرفیت قابل ابقاء تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۱۶ میلیون بشکه در روز کنار گذاشته شده است. برنامه های سرمایه گذاری برای رسانیدن ظرفیت قابل ابقاء به ۴/۱۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۳ و ۷/۱۲ میلیون بشکه در روز تا سال ۱۹۸۷ در اوائل سال ۱۹۷۷ در اصول مورد تصویب دولت سعودی قرار گرفت، لیکن آرامکو معتقد است که شرایط سرمایه گذاری تحمیلی توسط سعودیها نیل به این سطح پیشنهادی را غیرممکن می سازد. تحت برنامه کنونی سرمایه گذاری آرامکو پیش بینی می کند که تا سال ۱۹۸۳ نخواهد توانست ظرفیت تولیدی را بیش از ۵/۱۱ میلیون بشکه در روز بالا ببرد(۱) (به جدول ۱ نگاه کنید). (۲)

برنامه های سرمایه گذاری منعکس کننده ملاحظات مالی و مشکلات فنی موجود در بعضی از حوزه های نفتی است. این هر دو عامل نیز گرایش عربستان سعودی را نسبت به اتخاذ سیاستهای توأم با صرفه جویی در رابطه با گسترش منابع نفتی تشدید می نمایند. این طرز برخوردها نیز به نوبه خود سبب کاهش تولید نفت و کاهش سرمایه گذاریها گشته است. بنابراین اگر دلایل اجباری سیاست خارجی وجود نداشته باشند، انتظار نمی رود که تصمیمی در جهت افزایش عمده ظرفیت تولیدی اتخاذ گردد. با در نظر گرفتن عواملی که در ذیل شرح آنها به تفصیل خواهد رفت از قبیل نظریه صرفه جویی سعودیها هزینه و زمان لازم برای مرتفع ساختن مشکلات فنی و تصمیمات اخیر سعودی در مورد سرمایه گذاریها، احتمالاً حدود ۱ تا ۲ میلیون بشکه در روز به ظرفیت قابل ابقاء سعودی اضافه خواهد گشت که ظرفیت تولیدی آن را تا پایان سال ۱۹۸۵ معادل ۴/۱۰ میلیون بشکه در روز می گرداند. در واقع بسته به تصمیمات سعودیها ظرفیت تولیدی یا ثابت خواهد ماند و یا حتی سیر نزولی در بیش خواهد گرفت.

تعدادی مشکلات فنی در عربستان سعودی ظهور کرده که حاکی از جریان کامل شدن توسعه

حوزه های نفتی است، ولی برای سعودیها نسبتاً تازگی دارد.

* با ادامه تولید یک حوزه نفتی، فشار طبیعی کاهش می یابد، تا جایی که مقدار کافی آب و یا گاز را

باید به طور مصنوعی در حوزه تزریق نمود، تا سطح تولید حفظ گردد و بخشی از ذخایر بازیافتی نیز به هدر

نرود.

* هنگامی که وجود آب شور در ذخایر نفتی مشاهده شود باید یا با نصب تجهیزات نمک زدائی آب

شور را از نفت جدا نموده و یا چاه را مسدود نمود.

ملاحظات فنی تابع تصمیمات کلی سعودیها در مورد ظرفیت آتی نفتی و سیاست تولیدی می باشد.

معدالک، مسائل فنی در تعیین مدت و هزینه لازم برای رسیدن به یک ظرفیت تولیدی موردنظر، اهمیت

۱- این برنامه ها ظرفیت تولیدی منطقه بی طرف را که خارج از حیطه عملیاتی آرامکو است و عربستان سعودی در بازده آن با کویت سهیم است ۳۰۰ بشکه در روز می باشد. / از این قاعده مستثنی ساخته است. ظرفیت تولیدی کنونی عربستان سعودی در منطقه بی طرف معادل ۰۰۰

۲- ضمیمه این کتاب □ جلد ۵۸ مراجعه نمایید. C.D ۲ برای مراجعه به جداول و تصاویری که در این بحث به آنها اشاره شده است □ لطفاً به

بسیار دارند. علاوه بر این تا زمانی که در مورد نحوه برخورد با مشکلات فنی تصمیماتی اتخاذ نشود، ظرفیت قابل ابقاء نیز سیر نزولی خواهد داشت.

بروز مشکلات فنی در حوزه الغوار که یکی از حوزه های غول آسای نفتی سعودی است و ۹ درصد تولید نفت خام جهان از آنجا به دست می آید و بروز همین مشکلات در حوزه های دیگر سعودی که آنها هم با توجه به معیارهای جهانی، بزرگ هستند مشکلات منحصر به فرد و پیچیده ای را پدید آورده است. (به تصویر شماره ۳ نگاه کنید) میزان ذخایری که ممکن است در نتیجه محاسبات نادرست از بین برود بسیار عظیم است. در نتیجه، عدم اطمینان معمول در پیش بینی نحوه رفتار یک حوزه نفتی سبب شده است که در مورد میزان تولید احتمالی و مقرون به صرفه، نتیجه گیری و قضاوت های بسیاری بشود. علاوه بر این، ارزیابی متخصصین تا حدی بستگی به این دارد که این نظام اگر تحت فشار قرار گیرد تا چه مقدار خواهد توانست تولید نماید و یا اینکه با حداقل خطر چه مقداری باید تولید نماید.

با نشان دادن تمایل سعودی به حداکثر رساندن تولید نهائی منابع نفتی، وزارت نفت در مورد آرامکو مقررات محدود کننده عملیاتی وضع کرده است سقف تولیدی ۵/۸ میلیون بشکه در روز که در سال ۱۹۷۳، در نتیجه اقدامات صرفه جویانه و قبل از تحریم نفتی اعراب برای آرامکو تعیین شده بود ولی در سال ۱۹۷۷ به علت جدایی عربستان سعودی از دیگر کشورهای اوپک به خاطر مسئله قیمت های نفتی از بین رفته بود، بار دیگر در سال ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمد، و سعودیها در نظر دارند بازم این سقف تولید را پایین تر بیاورند حتی اگر سقف تولید پایین تر نیاید، دیگر مقرراتی که در پایین شرح آنها رفته و تحمیل شده است و یا توسط سعودیها تحت بررسی و مطالعه است امکان دارد میزان بازده را به مدت دو سال و اندی کمتر از ۸ میلیون بشکه در روز تعیین نماید.

عربستان سعودی در ماه فوریه به آرامکو اطلاع داد که تولید نفت خام سبک عربی نباید بیش از ۶۵

درصد بازده کلی نفت این کشور را تشکیل دهد. در حالی که سقف تولید ۵/۸ میلیون بشکه در روز است قانون ۶۵ درصد به آرامکو اجازه نمی دهد که بیش از ۵ میلیون بشکه در روز نفت خام تولید نماید و سهم پترومین نیز ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز می باشد. ظرفیت قابل ابقاء نفت فوق العاده سبک حوزه البری و نفت خام متوسط و سنگین حدود ۳ میلیون بشکه در روز است و این مقدار، تولید آرامکو را به سختی به سطح ۵/۸ میلیون بشکه در روز می رساند.

تکنیسینهای وزارت نفت در نظر دارند تولید مجاز نفت خام سبک عربی را پایین تر آورده و در سال ۱۹۷۹ یا ۱۹۸۰ مقدار تولید آن را ۶۰ درصد بازده کل تعیین نمایند، تا تولید انواع نفت خام با میزان تولید ذخایر متناسب گردد. این گام سبب می شود که در سقف تولیدی ۵/۸ میلیون بشکه در روز، تولید مجاز نفت خام سبک عربی بیش از ۱/۵ میلیون بشکه در روز نباشد. با این وصف، اگر ظرفیت تولیدی نفت فوق العاده سبک حوزه البری و نفت متوسط و سنگین را به سطح بیش از ۳ میلیون بشکه در روز افزایش ندهند، کل بازده نفتی این کشور نیز نخواهد توانست فراتر از ۱/۸ میلیون بشکه در روز باشد. به هر حال این سقف تولید کلی از بین خواهد رفت و جای آن را سقفهای تولیدی معین در مورد هر حوزه خواهد گرفت، که احتمالاً در مراحل اولیه بسیار محدود خواهد بود.

محدود کردن میزان تولید یک وسیله مناسب جهت هدایت آشفتهگی تولید در هنگام رکود بازارهای نفتی بوده و در همان حال انعطاف پذیری را در برخورد با افزایش تقاضا حفظ می نماید. از نقطه نظر

خط مشی، سعودیها می خواهند فروش نفت متوسط و نفت سنگین خام را افزایش دهند و تا حد امکان نفت سبک خود را ذخیره نمایند. آنها در حال حاضر می توانند، تولید خود را محدود سازند بدون اینکه به کشورهای مصرف کننده ضربه ای وارد نمایند، چون دیگر کشورهای اوپک ظرفیت تولیدی استفاده نشده بسیار دارند. می توانند کمبود بازار نفت را جبران نمایند و یا بحرانی تر شدن بازار در سالهای ۱۹۸۰ سعودیها خواهند توانست قوانین محدود کننده تولید را از بین ببرند، تا منجر به اعتدال در افزایش قیمتها و جبران کمبود بازار نفتی شود.

تصویر ۳

حتی قبل از وضع قانون ۶۵ درصد، به آرامکو دستور داده شده بود که از تولید در مناطقی که فشار ذخایر آن به پایین تر از «نقطه جوش» رسیده است، یعنی در آن نقطه گاز محلول در ذخیره نفتی خودبخود از نفت تجزیه می گردد، اجتناب ورزند. افزایش شدید تولید نفتی سعودی در اوائل سالهای ۱۹۷۰ با تزریق آب کافی جهت حفظ فشار ذخایر همراه نبوده است، به همین دلیل فشار ذخایر نفتی به خصوص در حوزه الغوار به سطح پائین تر از «نقطه جوش» نزول پیدا کرد. از سال ۱۹۷۴ میزان تزریق شده به داخل چاهها افزایش بسیار پیدا کرده و منجر به اعاده نسبی فشار گردید، لیکن مناطق وسیعی از حوزه الغوار که حاوی چاههای نفتی بسیار پر بار می باشد، هنوز دارای فشاری پایین تر از «نقطه جوش» می باشد.

متخصصین امر در مورد اینکه تا چه مدت می توان به یک چاه نفتی اجازه داد که فشار آن پایین تر از «نقطه جوش» بماند اختلاف نظر دارند. با تداوم سیر نزولی فشار، سرانجام فشار چاه مزبور به نقطه ای به نام «اشباع بحرانی گاز» می رسد. در این حال، گاز که از نفت همراه خود جدا شده به سرعت از محل و موقعیت اصلی خود فرار می کند. تزریق آب قادر به اعاده فشار هست، ولی نمی تواند گاز را وارد نفتی که از آن خارج شده است بنماید، و در صورت فرار گاز مقدار زیادی از نفت باز یافتی به طور دائمی از بین

می رود.

آرامکو به وزارت نفت اطلاع داده است که علیرغم ایجاد فشار مصنوعی، میزان گاز فرار در حوزه الغوار خیلی بیش از دو سال گذشته افزایش یافته است، با این وصف این وزارتخانه تمایل به اتخاذ یک سیر تولیدی محافظه کارانه را نشان داده است تا از خطر از دست دادن تولید آتی در امان بماند. نمودارهای آرامکو در مورد فشار ذخایر نفتی نشان می دهد، که اگر قوانین مربوط به نقطه جوش اجرا گردد، بازده الغوار در سال ۱۹۷۸ به سطح ۵/۳ میلیون بشکه در روز تنزل خواهد یافت که روزانه ۲ میلیون بشکه کمتر از بازده آن در سال ۱۹۷۷ می باشد و بازده کلی نفت عربستان سعودی را به سطح ۷ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد داد.

تغییر برنامه های سرمایه گذاری

محدودیتهای عملیاتی با افزایش تقاضا برای نفت سعودی از میان برداشته خواهد شد، لیکن سعودیها در مورد سرمایه گذاریها نیز محدودیتهایی قائل شده اند. تأخیر در کارهای مربوط به تعمیر و نگهداری و سفارشات مربوط به تجهیزات در ماههای اخیر سبب به هدر رفتن وقت گردیده است. هرگونه تأخیر در

انجام سرمایه گذاری موجودیت ظرفیتهای جدید تولیدی را به تعویق می اندازد، چون برنامه های زمانی اغلب انعطاف پذیر نیستند، بنابراین حتی تغییر خط مشی سعودی در آینده نزدیک نیز قادر نخواهد بود تأثیر سیاستهای اخیر را بر ظرفیت تولیدی اوائل سالهای ۱۹۸۰ از بین ببرد.

یک سال قبل آرامکو در نظر داشت که تولید خود را در اواسط سالهای ۱۹۸۰ به سطح ۱۶ میلیون بشکه در روز برساند. لیکن این برنامه مورد تصویب دولت سعودی واقع نشده است. در این برنامه ها کاهش اساسی پدید آمده است. این شرکت در حال حاضر معتقد است که ظرفیت ثابت سال ۱۹۷۸ خود یعنی ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز را خواهد توانست در سال ۱۹۸۳ به سطح ۱/۱۳ میلیون بشکه در روز رسانده و ظرفیت قابل ابقاء را از ۱/۱۰ میلیون بشکه در روز در همان مدت به ۵/۱۱ میلیون بشکه در روز برساند. (۱)

تقریباً پس از یک سال شک و تردید، دولت سعودی ظاهراً آخرین برنامه سرمایه گذاری را که شامل میزان تأمین منابع مالی و پروژه های مهم می باشد، تصویب کرده است. سهامداران آرامکو در مورد تمایل سعودیها به تجدیدنظر صعودی برنامه در سال ۱۹۸۳ یا گسترش عمده ظرفیت در سال ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ تردید دارند.

بنابراین آنها احساس می کنند که تأثیر تصویب برنامه ۵/۱۱ میلیون بشکه در روز منطقه آرامکو تا پایان سال ۱۹۸۳ به معنی محدود شدن ظرفیت قابل ابقاء کشور به ۱۲ میلیون بشکه در روز تا پایان سال ۱۹۸۵ می باشد.

از نظر آرامکو سرمایه گذاری تنها عامل محدودکننده به شمار می آید. به این شرکت در ماه نوامبر دستور داده شد تا برای اهداف برنامه ریزی درآمد، سطح تولید خود را در سالهای ۱۹۸۰ نیز همان مقدار ۵/۸ میلیون بشکه در روز تعیین نماید. در حالی که سرمایه گذاری مجاز در قبال درآمد حاصله از فروش

هر بشکه نفت توسط سعودیها ۵۰ سنت می باشد، درآمد سالانه حاصل شده بالغ بر ۶/۱ میلیارد دلار می گردد. (۲) البته سقف تولید می تواند افزایش یابد. اما تأیید برنامه آرامکو توسط سعودیها بر پایه محدودیت سقف سرمایه گذاری عکس این خط مشی را باعث می شود. درحالیکه سقف تولید ثابت می ماند، نیاز مالی عظیم پروژه های مربوط به ابقاء ظرفیت موجود، سرمایه کمی را برای گسترش ظرفیت باقی می گذارد.

تداوم ظرفیت

مهمترین مسئله، هزینه پروژه های تزریق آب است. تحت شرایط حاضر، تداوم ظرفیت و رعایت مقررات مربوط به تأمین فشار ذخایر نفتی، افزایش حجم آب تزریق در داخل چاهها را ایجاب می نماید. لیکن، هنوز برنامه ای جهت افزایش تزریق آب به داخل چاهها در نظر گرفته نشده است. در تمام برنامه های مربوطه، تزریق و جانشینی آب دریا به جای آبهای زیرزمینی در نظر گرفته شده است.

-
- ۱- این برنامه ها دربر گیرنده برنامه های گسترش ظرفیت حوزه های غیر آرامکو در منطقه بی طرف که عربستان سعودی و کویت در آن سهم هستند □ نمی باشد.
 - ۲- طرحهای بزرگ چند میلیارد دلاری بهره برداری از گاز و تولید برق از آن □ که به عهده آرامکو گذاشته شده به طور جداگانه از نظر مالی تأمین می گردند.

البته تا به حال، از آبهای سفره های زیرزمینی جهت تزریق استفاده شده است، لیکن نگرانیهای مربوط به خشک شدن منابع آب زیرزمینی باعث شده که سعودیها اصرار ورزند که از آب دریا جهت تزریق در چاههای استفاده گردد.

در سال جاری پس از پایان یافتن تأسیسات آب دریا در بخش شمال العثمانیه در حوزه الغوار که می تواند روزانه ۳/۴ میلیون بشکه آب را منتقل نماید، استفاده از آب دریا آغاز خواهد گشت. در این بخش از حوزه الغوار برای استخراج یک بشکه نفت باید ۷/۱ بشکه آب به داخل چاهها تزریق گردد، بنابراین احداث این سیستم آبرسانی در بخش شمال العثمانیه ضرورت دارد تا بتوان ظرفیت قابل ابقاء را از ۸/۱ میلیون بشکه در روز به ۶/۲ میلیون بشکه در روز بالا برد. ولی تا قبل از نصب تأسیسات نمک زدایی نمی توان از ظرفیت کامل این بخش استفاده نمود.

در اوائل سال ۱۹۷۸ وزارت نفت سعودی به آرامکو توصیه نمود که یک پروژه دیگر به ظرفیت ۳/۴ میلیون بشکه در روز جهت تزریق آب به مناطق عین دار و شدقم حوزه الغوار طرحریزی نماید. این پروژه که قرار است در ژوئن ۱۹۸۲ به پایان رسد، شامل اتصال خط لوله آبی موجود و تأسیس پمپ و تأسیسات آبی اضافی می باشد، و هزینه لازم برای آن معادل یک میلیارد دلار است که اگر در این زمینه مصرف نشود، آرامکو می تواند با استفاده از آن به ظرفیت تولیدی نفت روزانه حدود یک میلیون بشکه بیفزاید. مطابق این طرح، مقدار ۶/۲ میلیون بشکه نفت در روز از مناطق عین دار شدقم فراهم خواهد آمد. با این وجود این مقدار ممکن است کاهش داده شود، زیرا وزارت نفت ظاهراً در نظر دارد که تولید نفت را تا اندازه ای محدود کند. به هر صورت طرح استفاده از آب دریا به جای آبهای زیرزمینی اجرا خواهد شد، ولی کاملاً واضح است که افزایشی در ظرفیت تولید به وجود نخواهد آورد.

نیاز تأمین منابع مالی تأسیسات عظیم تزریق آب، در اثر محدودیتهای سرمایه گذاری تحمیلی

سعودیها، سبب شده است که در برنامه نمک زدائی تأخیرهای رخ دهد. برنامه سال ۱۹۷۷ آرامکو بدوا خواستار تأسیس و نصب تجهیزات نمک زدائی به ارزش یک میلیارد دلار در کارخانه های تجزیه گاز و نفت الغوار و بقیق تا قبل از سال ۱۹۸۱ بود، لیکن تهیه ۲۲ دستگاه از ۲۵ دستگاه نمک زدایی به بعد از سال ۱۹۸۱ موکول گشته است. این تجهیزات می بایست روزانه ۶ میلیون بشکه مایع (حاوی نفت و آب) را تجزیه نماید. سه واحد نمک زدایی خریداری شده قادر نیستند ظرفیت قابل ابقای حوزه الغوار را حفظ نمایند. و هم اکنون تعداد ۲۰۰ حلقه چاه به علت هجوم آب مسدود گشته اند و تا زمانی که بقیه واحدهای نمک زدایی تهیه شوند، چاههای بیشتری در اثر هجوم آب شور مسدود خواهند شد.

امکانات گسترش

برنامه کنونی آرامکو چنین فرض می کند که پس از تأمین هزینه پروژه های لازم برای حفظ ظرفیت کنونی سرمایه باقیمانده را می توان تا پایان سال ۱۹۸۳ برای بالا بردن ظرفیت جدید به میزان یک میلیون بشکه در روز مصرف نمود. بخش اعظم این افزایش ظرفیت در مورد حوزه های خارج از خشکی از قبیل مرجان و الظلوف صورت خواهد گرفت و در این نقاط باید به حفاریهای جدید و نصب خطوط لوله تازه مبادرت ورزید.

با فرض اینکه آرامکو تا پایان سال ۱۹۸۳ به ظرفیت ۵/۱۱ میلیون بشکه نفت در روز برسد، ظرفیت

قابل ابقاء کلی عربستان سعودی نیز تا پایان سال ۱۹۸۵ می تواند به سطح روزانه ۵/۱۲ میلیون بشکه افزایش یابد. سهم عربستان سعودی در تولید نفت منطقه بی طرف نیز در همین مدت روزانه معادل ۰۰۰/۵۰۰ بشکه خواهد بود. برای اینکه بتوان روزانه ۰۰۰/۵۰۰ بشکه دیگر تولید نمود چند راه دیگر نیز وجود دارد که به طور مثال به ذکر آنها می پردازیم:

منطقه الشیبه که حاوی نیمی از ذخایر تثبیت شده ۲۲ حوزه شناخته شده سعودی است هنوز مورد بهره برداری قرار نگرفته و تقریباً گسترش یافته است. آرامکو به علت محدودیتهای موجود در امر سرمایه گذاری کار در آنجا را متوقف کرده است، ولی معتقد است که تا پایان سال ۱۹۸۵ می توان روزانه ۰۰۰/۵۰۰ بشکه نفت از الشیبه استخراج نمود.

* منیفه، که در سال ۱۹۷۷ روزانه ۰۰۰/۴۵ بشکه نفت تولید می کرد، قرار بود طبق برنامه آوریل ۱۹۷۷ آرامکو، سطح تولید روزانه آن به ۰۰۰/۴۷۵ بشکه برسد. ولی چون نفت خام منیفه بسیار سنگین و حاوی ناخالصیهای فلزی می باشد و از نظر پالایشی فقط در حداکثر ظرفیت تولیدی مقرون به صرفه است، توسعه آن یکی از اولین برنامه هایی بود که هنگام کاهش برنامه های تولیدی توسط آرامکو لغو گردید؛ ولی کار پیرامون آن را می توان دوباره از سر گرفت.

علاوه بر این، نصب واحدهای نمک زدایی در منطقه آرامکو می تواند موجب افتتاح دوباره چاهها و بالا بردن ظرفیت تولیدی کلی کشور به سطح ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز بشود.

افزایش ظرفیت قابل ابقاء به سطحی بالاتر از ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ متضمن تغییرات عمده ای در اولویت پروژه ها و تعهدات عمده و جدید در زمینه سرمایه گذاری است. محدودیت سرمایه گذاری موضوعی مرتبط با خط مشکی و بنا بر این قابل تغییر است. الغوار دارای توانی قابل توجه برای افزایش ظرفیت در درازمدت می باشد. لیکن بعضی از برنامه ها را نمی توان تا پایان سال

۱۹۸۵ به مرحله اتمام رسانید.

حفظ فشار ذخایر به میزان لازم در سطوح تولیدی بالای ۵/۱۲ میلیون بشکه نفت در روز، مستلزم تزریق مقادیر بالقوه بیشتر آب از آنچه که در برنامه های جاری پیش بینی شده و در بالا شرح آن رفت خواهد بود. لیکن یک برنامه جامع تزریق آب دریا علاوه بر دو برنامه تصویب شده فعلی تا زمانی که عملکرد اولین پروژه برای شمال العثمانیه کاملاً ارزیابی نشده، نمی تواند طرح ریزی شود. اگر مدت یک سال برای ارزیابی و یک سال هم برای طرح ریزی در نظر بگیریم، دومین فرصت برای تصویب این پروژه سال ۱۹۸۰ خواهد بود. حدوداً پنج سال وقت برای ساختن و نصب اقلام عمده تجهیزات ضروری لازم است. البته با این فرض که تولیدکنندگان عمده ظرفیت تولیدی لازم را داشته باشند. بنابراین تکمیل شدن برنامه تزریق آب در سال ۱۹۸۵ امکان پذیر خواهد بود. لیکن بکتل Bechtel که مهمترین پیمانکار دو پروژه موجود تزریق آب می باشد، معتقد است که این مدت زمان برای مدیریت خوب پروژه مناسب نیست. حتی با فرض اینکه سعودیها زودتر از موعد تصمیم به گسترش ظرفیت بگیرند. خیلی محتمل به نظر می رسد که ملاحظات مدیریتی، رقابت دیگر خریداران تجهیزات و وقفه های معمولی کار که در پروژه های بزرگ مهندسی با آن برخورد شده تکمیل آنها را تا سال ۱۹۸۶ و یا ۱۹۸۷ بتعویق افکند.

البته ظرفیت تولیدی نفت بدون ظرفیت اضافی تزریق آب نیز می تواند افزایش یابد ولی این امر نیز مستلزم آن است که سعودیها اجازه دهند که آب به داخل حوزه های نفتی و نه اطراف آنها تزریق گردد.

کمپانی از عربستان سعودی خواسته است که در این مورد موضع ملایم تری را اتخاذ نماید و با این کار به آرامکو اجازه دهد که فشار را با سرعت بیشتری حفظ نماید. این عمل توام با نصب گسترده دستگاههای نمک زدایی، موثرترین روش برای افزایش عمده ظرفیت تولیدی عربستان سعودی است.

با این حال مقامات سعودی معتقدند که تزریق آب در حوزه الغوار موجب از دست رفتن ذخایر بازیافتی زیادی خواهد شد و تا به حال در مقابل ارائه تمام راههای دیگر مقاومت نشان داده اند و به علت وسعت عظیم حوزه الغوار و فاصله پیرامون حوزه از مرکز، تزریق آب فقط در بخش محیطی آن مانع حفظ فشار در نزدیکی مرکز حوزه می شود. اگر تزریق آب به داخل حوزه الغوار به دقت انجام گیرد میزان خسارات وارده بر نفت بازیافتی بسیار ناچیز خواهد بود با این وصف همیشه این خطر نیز وجود دارد که به لحاظ عدم پیش بینی خصایص ذخایر، خسارات بسیار جدی به بار آید. در بعضی موارد از قبیل دو ذخیره نفتی مهم ابوظبی که دارای لایه های نفوذپذیر می باشد. تزریق آب سبب شده است که مقدار زیادی نفت از بین برود. و چون هدر رفتن ناچیز نفت در بازیافت نهائی حوزه الغوار معادل حجم بسیار زیادی نفت است، سعودیها میل ندارند در این زمینه دست به کارها و تصمیم گیریهای خطرناک که لزومی بر آن نمی بینند، بزنند.

در صورتی که سعودیها محدودیت استفاده از آبهای زیرزمینی را از میان بردارند، با هزینه کمی می توان ظرفیت قابل ابقاء نفتی را به سرعت افزایش داد. به محض به کار افتادن تأسیسات تزریق آب دریا در عین دار و شدقم و در شمال العثمانیه به فاصله دو سال می توان تأسیسات برای تزریق تکمیلی آب زیرزمینی را نیز نصب نمود. به عنوان یک خط مشی، سعودیها میل دارند سفره های آب زیرزمینی خود را به منظور استفاده های آتی در کشاورزی حفظ نمایند. و این یکی از ملاحظاتی است که در رابطه با تصمیم گیری نهائی موثر واقع می گردد.

مسئله ای که سلسله مراتب سعودی در حال حاضر با آن دست به گریبان است، این است که در مورد ظرفیت آتی چه می توان کرد. استدلالهایی که بر علیه افزایش ظرفیت تولید در آینده نزدیک می شود نسبتاً صریح و بی پرده هستند:

* سعودیها در آمد بیشتر نیازی ندارند. با قیمتهای کنونی اوپک، در آمدی که عربستان سعودی با ادامه سطح تولید کنونی و سرمایه گذاریهای خارجی خود می تواند بدست آورد، نیاز مالی برنامه های عمرانی و سیاست خارجی آن را تأمین می نماید.

* تورمی که عربستان سعودی در چهار سال گذشته تجربه کرده ناشی از افزایش مخارج از محل عایدات نفتی بوده است. اکنون که سعودیها توانسته اند این تورم را تحت کنترل در آورند، نمی خواهند دوباره آن را شعله ور سازند.

* اگر تقاضای خارجی در چند سال آینده در توجیه افزایش ظرفیت بالا نرود، سرمایه گذاری در افزایش قیمت موجب به هدر دادن منابع مالی خواهد بود.

* اگر ظرفیت تولیدی در همین حد باقی بماند و تقاضا افزایش یابد سعودیها تحت فشارهای وارده مجبور به افزایش تولید و تخلیه موجودی ذخایر نفتی خود، خواهند شد.

* افزایش عمده ارزش نفت در درازمدت، نفت باقیمانده در منابع را بهترین نوع پس انداز جلوه گر می سازد.

استدلالتی نیز که به طرفدارای از افزایش تولید می شود بسیاری پیچیده است و در برگیرنده محاسباتی درباره اقتصاد جهانی و ثبات سیاسی می باشد. سعودیها وابستگی زیادی به آینده جهان غرب دارند و خود نیز بر آن واقفند. در صورت بروز بحرانهای اقتصادی در اروپا و آمریکا به منافع عظیم مالی آنها در این نقاط جهان لطمه شدیدی وارد خواهد آمد. آنها همچنین معتقدند که اگر نابسامانیهای اقتصادی در اروپا و آمریکا بوجود آید ممکن است راه را برای سلطه دولتهای کمونیستی در این نقاط بگشاید. بنابراین از نقطه نظر ژئوپلتیک آنها میل دارند در زمینه برقراری ثبات سیاسی و رفاه اقتصادی جهانی همکاری نمایند. علاوه بر این، اگر آنها معتقد باشند که افزایش تولید عربستان سعودی در حفظ نظم جهانی نقش عظیمی را برعهده دارد، بهترین حافظ ذخایر می تواند نصب تأسیسات برای ظرفیت بالاتر باشد که به حداقل رساندن خطر فنی را طرح می ریزد. از افزایش ظرفیت تولید، در اوپک نیز می توان به عنوان یک اهرم مؤثر استفاده کرد.

یکی از عوامل مؤثر در طرز تفکر سعودیها، رابطه بین تصمیم گیری در مورد ظرفیت تولید و روند مصرف کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی است. سعودیها می خواهند کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی را وادار به صرفه جویی کنند تا تقاضای بیشتر و بیشتر برای نفت کاهش یابد. آنها می توانند مستقیماً با افزودن بر قیمت نفت اوپک به صورتی که شرایط بازار اجازه دهد صرفه جویی را تشویق نمایند. لیکن نمی خواهند با این عمل تورم را در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی شعله ور نمایند. آنها می توانند کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی را «وادار» به صرفه جویی شدیدتر نمایند. و در صورتی که این کشورها اقدامات مربوط به صرفه جویی را در

پیش گیرند. آنها نیز خواهند توانست ظرفیت تولیدی خود را بالا ببرند.

تصمیم گیرندگان سعودی مجبور هستند که عکس‌العملهای سیاسی داخلی را نیز در قبال ظرفیت تولیدی خود مورد ملاحظه قرار دهند. این عقیده که برای منفعت نسلهای بعدی در منابع نفتی سعودی باید صرفه جویی شود بسیار گسترده و همه گیر است. بسیاری در عربستان سعودی به این اعتقاد دست یافته اند که عربستان سعودی در رابطه خود با غرب به طور اعم و آمریکا به طور اخص بیش از آنچه دریافت کند، از دست می دهد. بنابراین اگر مسلم شود که منافع عربستان سعودی فدای منافع غرب می شود، از هیچ یک از خط مشی های قیمت گذاری تولیدات نفتی از نظر سیاسی حمایت نخواهد شد.

بسیاری از اعضای شورای عالی نفتی طرفدار محدود شدن تولید نفت و ظرفیت تولیدی آتی عربستان سعودی هستند و معتقدند که اگر نفت در زمین باقی بماند، بهترین نوع پس انداز می باشد. اشباع فعلی بازار نفت جهانی به آنها این فرصت را داده که انتخاباتهای خود را بیشتر بررسی نمایند. علاوه بر این دوران عدم تصمیم گیری در مورد سطوح ظرفیت آتی همراه با کندی روند تصمیم گیری سعودیها، که براساس مصالحه، آشتی، و هنر ظریف به تأخیراندازی استوار می باشد، طولانی تر شده است. در جایی که عدم قاطعیت و یا مخالفت با تغییرات وجود داشته باشد، به دفع الوقت گذراندن قاعده روز است و موقعی که در مورد ایجاد تغییر در مسائل مهم توافق نظر وجود نداشته باشد، نوعی رخوت و سستی حاکم می گردد، مگر اینکه ملاحظات غالب دیگری وجود داشته باشد.

کشمکشی که در سلسله مراتب سعودی جهت کنترل تولید نفت سیاست و سرمایه گذاری آغاز شده بود و هم اکنون ظاهراً حل شده است، تمایل به تعویق انداختن تصمیمات مربوط به گسترش ظرفیت را تشدید نموده است. یمانی وزیر نفت خواستار ایجاد یک مؤسسه مستقل دولتی به ریاست یکی از طرفداران خود بود تا نیازهای سرمایه گذاری نفتی سعودی را جدا از شورای عالی نفتی مشخص و تعیین نماید.

وزیر دارایی ابوالخیل و وزیر برنامه ریزی نظیر با وی مخالفت کرده و هر دو اشتیاق داشتند که این تصمیم گیریها باید در شورای عالی نفتی که خودشان نیز از جمله اعضای آن هستند مطرح و اتخاذ گردد. مهمترین مسئله کنترل امور مالی و مبارزه کلی برای به دست آوردن قدرت و نفوذ بوده است.

ولیعهد فهد تصمیم گرفته است که شرکت ملی نفت جدید را که به دنبال ملی شدن (فعالاً معلق) آرامکو به وجود خواهد آمد تحت اختیار شورای عالی نفت قرار دهد. به هر حال مبارزه بر سر به دست گرفتن قدرت تصمیم گیری بوده است و نه بر سر تعیین سطح تولید در آینده. اکثر رهبران دو طرف مبارزه در عربستان سعودی و خودیمانی معتقدند که تولید نفت آتی عربستان سعودی باید محدود به ۱۲ میلیون بشکه در روز یا کمتر شود.

به منظور برنامه ریزیهای درازمدت، رهبران سعودی ظاهراً در مورد چهارچوبی ملی برای تولید نفت که تا سطح ۱۲ میلیون بشکه در روز تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ ثابت می ماند ائتلاف کرده اند. براساس ذخایر کنونی سعودی و پیش بینی درصد اکتشافات آتی می توان حدود ۲۵ تا ۳۰ سال این درصد اکتشافی را حفظ نموده و چند دهه طول خواهد کشید تا سطح تولید سیر نزولی در پیش گیرد. سعودیها مطلوبیت کمتری را در سطح تولیدی بالاتر تشخیص می دهند (برای مثال ۱۴ میلیون بشکه در روز) چون آن ظرفیت ۱۵ تا ۲۰ سال دوام خواهد آورد و سیر نزولی زودتر از موعد مقرر فرا خواهد رسید. در مقایسه با نسبت بین تولید عادی و ذخایر نقاط دیگر جهان، سطوح بالاتر تولید امکان پذیر است. لیکن از نظر سعودیها چندان

مطلوب نمی باشد.

دورنما و نتیجه گیری

بالاخره، ما معتقدیم که احتمال بسیار ضعیفی وجود دارد که عربستان سعودی تا پایان سال ۱۹۸۵ به ظرفیت قابل ابقاء بیش از ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز دست یابد. حتی اضافه کردن ۲ میلیون بشکه در روز به ظرفیت قابل ابقاء کنونی و رساندن سطح تولید به ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز نیز بسیار دشوار به نظر می رسد. سیاست سعودیها بر این است که میزان نهائی نفت بازیافتی را افزایش دهند، نه اینکه به میزان درآمد خود در آینده نزدیک بیفزایند. چنین به نظر می رسد که سعودیها مایل نبوده اند حتی ظرفیت کنونی روزانه ۱/۱۰ میلیون بشکه ای منطقه آرامکو را به سطح ۵/۱۱ میلیون بشکه در روز افزایش دهند. و اگر بخواهند این ظرفیت را بیش از این افزایش دهند، بایستی متکی به دلایل سیاست خارجی قاطع تری باشند. عربستان سعودی همگام با گسترش ظرفیت قابل ابقاء، احتمالاً سعی خواهد کرد سرمایه گذارهای جدید را طوری شکل بدهد که با حداکثر اکتشاف نفت در درازمدت مغایرت نداشته باشد. این موضوع نیز احتمالاً به معنی تداوم محدودیتهای عملیاتی از جمله محدودیت تولید خواهد بود تا از میزان خسارات وارده احتمالی به حوزه های جلوگیری شود. این استراتژی نیز از حمایت سیاسی کافی برخوردار خواهد بود. این روش نوعی انعطاف پذیری به سعودیها خواهد داد تا بتوانند برای تقاضاهای اضطراری بازده را با

از بین بردن محدودیتهای عملیاتی به عنوان آخرین راه چاره، افزایش دهند.

ایران

ظرفیت نفت قابل ابقای ایران در حال حاضر ۵/۶ میلیون بشکه در روز است. عامل قاطع تعیین کننده

ظرفیت آینده ایران، زمان بندی و میزان موفقیت در اجرای برنامه های وسیع تزریق مجدد گاز و

سرمایه گذاریهای عظیم در حوزه های تحت عملکرد اسکو یا کنسرسیوم شرکت های نفتی خارجی

تولید کننده نفت ایران می باشد.

حفظ فشار ذخایر مارون و اهواز که دو حوزه نفتی عظیم این کنسرسیوم می باشد و روزانه ۲ میلیون

بشکه از تولیدات نفتی از آن حوزه ها برداشت می شود، (و بخش اعظم گاز طبیعی آن به شوروی صادر

می گردد) از اهم مسائل مورد توجه خاص شرکت ملی نفت ایران می باشد. ظرفیت ثانویه گاز مارون به

سرعت رو به گسترش است و شرکت ملی نفت ایران به اسکو دستور داده است که تا سال ۱۹۸۱ تولید گاز

اهواز و مارون را کاهش دهد. در عین حال قرار است گاز حوزه پارس جهت تزریق به مارون آورده شود

که از سال ۱۹۸۱ شروع می شود. در گچساران که سومین حوزه بزرگ نفتی است عملیات تزریق گاز آغاز

شده و یک برنامه احداث تونل فرعی تزریق گاز در کرنج در دست مطالعه است. حوزه نفتی آغاچاری که به

طور وسیعی در آن تولید انجام گرفته و در وضعیت کاهش تولید قرار دارد.

اسکو پیش بینی می کند که ظرفیت قابل ابقاء آن تا پایان سال ۱۹۸۰ به ۲/۶ میلیون بشکه در روز

خواهد رسید و از آن پس کاهش یافته و تا پایان سال ۱۹۸۳ به سطح ۸/۵ میلیون بشکه در روز خواهد

رسید. ولی حتی ادامه یافتن تولید ۸/۵ میلیون بشکه در روز نیز مستلزم حصول به یک زمانبندی پیچیده

سرمایه گذاری و اکتشاف ثانویه می باشد. برنامه پرخرج تزریق گاز (در سالهای ۸۴-۱۹۷۸ معادل ۱۱

میلیارد دلار) نه برای رسیدن به مرتبه بالاتر در تولید بلکه به منظور بیشترین افزایش در بازیافت که عمدتاً

به وسیله بالا بردن عمر حوزه ها انجام می گیرد، طرح ریزی شده است، علاوه بر این سالانه معادل ۵۰۰ میلیون دلار لازم است تا در زمینه تهیه تجهیزات نمک زدایی، انجام کار در مورد چاههای موجود و حفاریهای جدید مصرف گردد. و اکتشافات جدید نیز باید به طور متوسط معادل ۵۰۰ میلیون بشکه در سال باشد، تا سطح ظرفیت تولیدی برنامه ریزی شده را حفظ نماید. لیکن برنامه تزریق گاز به طور جدی دچار وقفه گشته است. علاوه بر این ظرفیت اسکو نیز در حال حاضر ممکن است شروع به کاهش نموده باشد. ارزیابی اخیر حوزه اسکو نشان داد که ظرفیت قابل ابقاء در آوریل ۱۹۷۸ کمتر از ۹/۵ میلیون بشکه در روز بوده است و در مقایسه، همین ظرفیت در سال ۱۹۷۷ معادل ۱/۶ میلیون بشکه در روز و در سال ۱۹۷۶ معادل ۳/۶ میلیون بشکه در روز بود. احتمال موفقیت برنامه های حفاری اکتشافی نیز با در نظر گرفتن نتایج ناراحت کننده گذشته اخیر چندان زیاد نیست. با توجه به کلیه جهات، ما فکر نمی کنیم که اسکو بتواند به هدف تولیدی خود دست یابد.

چهار شرکت مشترک با ایران نیز در خارج از حوزه عملکرد اسکو در سال ۱۹۷۷ معادل ۰۰۰/۶۰۰ بشکه در روز نفت تولید کرده اند و میزان بازده آنها تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ به طور معتدل افزایش خواهد یافت. در مقایسه با معیارهای خاورمیانه، ذخایر حوزه های این شرکتها بسیار ناچیز بوده و امکان اکتشافات دیگر نیز چندان زیاد نیست. اکثر این حوزه ها نیز در اوایل و اواسط سالهای ۱۹۶۰ کشف شده

بودند و منطقه تحت عملیات اکتشافی وسیع قرار گرفته است. افزایش تولید این شرکت همچنین نخواهد توانست کاهش تولید منطقه اسکو را جبران نماید. براساس خوشبینانه ترین فرضیات تولید این شرکتهای مشترک با ایران تا پایان سال ۱۹۸۵ می تواند به ۱ میلیون بشکه در روز برسد، ولی نتیجه محتمل الوقوع تر ۰۰۰/۷۰۰ بشکه در روز است. به نظر ما ترکیب ظرفیت رو به کاهش در حوزه های اسکو و افزایش محدود در حوزه های شرکت های مشترک با ایران سبب می گردد که ظرفیت قابل ابقای این کشور در مقایسه با ۵/۶ میلیون بشکه امروز چیزی بین ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ باشد.

عراق

دولت عراق در نظر دارد ظرفیت قابل ابقای سال ۱۹۷۸ خود را از ۳ میلیون بشکه در روز تا اواسط سالهای ۱۹۸۰ به سطح ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. در مورد این گسترش برنامه ریزی شده اطلاعات چندانی در دست نیست.

گسترش تولید نفت عراق کمتر از حد مورد انتظار بوده است، و برنامه های بغداد در مورد بازده آتی نیز از سال ۱۹۷۳ چندین بار کاهش یافته است. مهمترین حوزه های نفتی یعنی کرکوک و رومیله به نقطه اوج تولیدی خود رسیده اند و باید برای ابقاء تولید از راههای چاره بسیار وسیع بهره گرفت. افزایش تولید باید از اکتشافات اخیر تأمین گردد.

براس پترو، شاخه خارجی انحصار نفت دولتی برزیل و الف اراپ فرانسوی که هر دو با بغداد به صورت پیمانکار همکاری می نمایند، اعلام کرده اند که از سال ۱۹۷۴ اکتشافات نفتی صورت گرفته ۳ میلیارد بشکه نفت به ذخایر بازیافتی اضافه کرده است. این شرکتهای در نظر دارند حفاریهای بیشتری انجام دهند. در صورتی که وضع تولیدی حوزه های قدیمی تر ثابت بماند، گسترش برنامه ریزی شده حوزه های جدید سبب خواهد شد که تولید کلی نفت خام عراق به ۵/۳ تا ۴ میلیون بشکه در روز تا پایان سال ۱۹۸۵

برسد.

ونزوئلا

در سال ۱۹۷۷ تولید نفت روزانه ۲/۲ میلیون بشکه تقریباً ۰۰۰/۴۰۰ بشکه پایین تر از ظرفیت قابل ابقاء ولی برابر با سطوح برنامه ریزی شده صرفه جویی بود. ونزوئلا برای اینکه بتواند ظرفیت تولیدی کنونی خود را حفظ نماید باید فعالیتهای اکتشافی خود را افزایش داده و در آبهای کارائیب و دریاچه ماراکائیبو ذخایر بیشتری کشف نماید. لیکن از زمان ملی شدن صنعت نفت این تلاشها بی ثمر مانده است. فعالیتهای اکتشافی در سال ۱۹۷۶ نزدیک به حدود پایین حفاریهای انجام شده در آخرین سال عملیات شرکتیهای خصوصی بوده و مخارجی که در سال ۱۹۷۷ برای حفاری صرف گردید، فقط مقدار کمی فعالیت بیشتر را به دنبال داشت. با درصدهای توسعه فعلی، ما پیش بینی می کنیم که ظرفیت تا حدودی کاهش خواهد یافت و از سطح کنونی ۶/۲ میلیون بشکه در روز به ۴/۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ و ۳/۲ میلیون بشکه در روز تا پایان سال ۱۹۸۵ تنزل خواهد کرد.

دولت در نظر دارد اهمیت زیادی برای تسریع اکتشافات و حفظ ظرفیت تولیدی در سالهای ۸۵۱۹۷۸ قائل شود. و سعی خواهد کرد تلاشهای خود را بر حوزه های نفتی امیدوارکننده، ولی واقع در

خارج از خشکی و گسترش دادن اورینو کوتاربلت متمرکز نماید. ونزوئلا امیدوار است که در دوران ۱۹۷۶-۸۰ به ۶ میلیارد بشکه نفت دست یابد و چنانچه در این بین تولید در سطوح فعلی ادامه یابد، حاصل آن افزایش خالص دو میلیارد بشکه نفت تا سال ۱۹۸۰ به ذخایر تثبیت یافته خواهد بود.

کشف و توسعه ذخایر جدید مستلزم مشارکت روزافزون شرکتهای خارجی می باشد. بدون کمک آنها ونزوئلا مستقلاً نخواهد توانست تکنولوژی پیچیده لازم برای بهره برداری از حوزه های نفتی خارج از خشکی و اورینو کو را فراهم آورد. در درازمدت نیز افزایش عمده ذخایر بازیافتی بستگی به موفقیت در بهره برداری از اورینو کوتاربلت دارد که معادل ۷۰۰ میلیارد بشکه نفت را در خود جای داده است. لیکن با قیمتهای کنونی تنها از جزئی از این ذخایر می توان بهره برداری کرد.

نیجریه

ذخایر نفتی نیجریه از سال ۱۹۷۵ در نتیجه کاهش میزان اکتشافات سیرنزولی یافته است. اگر روندهای کنونی ادامه یابد، نیجریه به سختی خواهد توانست در سطوح بالای تولیدی گذشته که ۲ میلیون تا ۳/۲ میلیون بشکه در روز بوده و در اوائل و اواسط سالهای ۱۹۷۰ حاصل می شد، به طور مؤثر به تولید بپردازد. حوزه های نفتی نیجریه کوچک و دارای عمر تولیدی کوتاهی هستند. در نتیجه فقط برای حفظ ظرفیت تولید کنونی یک برنامه اکتشافی فعال مورد نیاز می باشد و تا زمانی که منافع توسعه جدید شروع به تأثیر گذاردن بر تولید نمایند، ظرفیت از سطح کنونی تولیدی ۳/۲ میلیون بشکه در روز اندکی کاهش پیدا خواهد کرد.

با این وصف نیجریه برخلاف دیگر کشورهای تولیدکننده اقدامات مثبتی در راه افزایش اکتشافات انجام داده است. پاسخ شرکت نفت به انگیزه های اخیر سرمایه گذاری که در اواخر سال گذشته ارائه شد کلاً مثبت بوده است. افزایش اکتشافات و فعالیتهای گسترشی احتمالاً به میزان ذخایر نفتی اضافه خواهد کرد

تا تولید در سطح کنونی بتواند تا اوائل سالهای ۱۹۸۰ ادامه یافته و تا پایان سال ۱۹۸۵ مقداری افزایش نیز در آن پدید آید.

شرکتهای مشغول به کار حتی با انگیزه های جدید نیز پیش بینی می کنند که برای نیجریه در اواسط سالهای ۱۹۸۰ مشکلاتی به وجود خواهد آمد. گرچه شرایط و انگیزه برای انجام اکتشافات در خشکی و در داخل آب تا اعماق کمتر از ۹۰ متر جالب توجه است ولی برای افزایش اکتشاف در آبهای عمیق تر و گرانتر انگیزه های کافی به نظر نمی رسد. اگر نیجریه بخواهد سطح تولید کنونی خود را در سالهای بعد از ۱۹۸۰ نیز حفظ نماید، فعالیت بیشتری مورد نیاز خواهد بود.

کویت

کویت در سه سال گذشته روزانه معادل ۲ میلیون بشکه نفت تولید می کرده است. در حالی که ظرفیت تولیدی قابل ابقاء آن ۳/۲ میلیون بشکه در روز (شامل منطقه بی طرف) می باشد. دولت کویت برای شرکت نفتی کویت که تقریباً بخش اعظم نفت این کشور را تولید می کند، یک سقف تولیدی ۲ میلیون بشکه در روز تعیین کرده است. حامیان نظریه صرفه جویی در دولت کویت معتقدند که ظرفیت تولید باید به سطح ۵/۱ میلیون بشکه در روز کاهش یابد تا این میراث ملی برای نسلهای آینده محفوظ بماند. همین سطح اغلب به

عنوان حجم تولیدی ذکر می گردد که گاز طبیعی مرتبط با آن را به مقدار کافی برای برآوردن نیازهای داخلی کویت فراهم سازد.

با سرمایه گذاریهای عظیم می توان ظرفیت تولیدی را افزایش داد. یکی از مطالعات اخیر ما در مورد اوپک این نتیجه را به دست داد که بازده نفتی کویت تا پایان سال ۱۹۸۵ می تواند به سطح ۲۸/۴ میلیون بشکه در روز و پس از ۱۹۹۰ نیز به سطح ۵/۶ میلیون بشکه در روز برسد، که مستلزم یک برنامه سرمایه گذاری چند میلیارد دلاری می باشد. مهمترین محدودیتهای موجود در مورد گسترش ظرفیت عبارتند از: (الف) فقدان تجهیزات جداکننده آب و نفت و (ب) شیرین غیر کافی جهت پالایش نفت خام. با در نظر گرفتن موقعیت کنونی کویت از نظر مازاد درآمد عظیم و مستمر نفتی و سیاست اقتصادی تر کردن تولید تا حد امکان، گمان نمی رود که مقامات دولتی اجازه تولید متوسطه بیش از ۲ میلیون بشکه در روز را بدهند تا چه رسد به تقلیل یک برنامه سرمایه گذاری جدید و مهم.

ابوظبی

ابوظبی برای شرکتهای نفتی خارجی محدودیتهای عملیاتی تعیین کرده است که تولید سال ۱۹۷۸ را به ۵/۱ میلیون بشکه در روز یعنی روزانه ۰۰۰/۴۰۰ بشکه کمتر از ظرفیت تولیدی قابل ابقاء محدود خواهد کرد. دولت تصریح کرده است که صرفه جویی نقش عظیمی را در تصمیمات آتی ابوظبی در امر تولید ایفا خواهد کرد. عتیبه وزیر نفت ابوظبی در اواخر سال ۱۹۷۷ اعلام کرد که سقف تولید مجاز بعضی از حوزه ها کاهش یافته است، چون دولت فکر می کند که بهره برداری از حوزه های نفتی خیلی سریع انجام می گیرد. وی گفت با در نظر گرفتن اینکه به ذخایر افزوده نمی شود، تولید آتی نیز ممکن است دچار محدودیت گردد.

مقدار سرمایه گذاری لازم جهت انجام اکتشاف و تولید از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ معادل ۵/۴ میلیارد

دلار پیش بینی شده است. حدود ۴۰ درصد این سرمایه گذاری برای گسترش ساختمان قسمت فوقانی حوزه نفتی خارج از خشکی زاکوم که ظاهراً توان تولیدی بین ۵۰۰/۵۰۰ بشکه و ۳/۱ میلیون بشکه در روز را دارد مصرف خواهد شد، ۱۲ درصد دیگر آن برای ساختمان دو حوزه نفتی استفاده نشده خارج از خشکی که مشترکاً قادر به تولید روزانه ۲۰۰/۲۰۰ بشکه نفت خواهند بود به کار گرفته خواهد شد. ولی تنها بخشی از این افزایشها در تولید نفت تا پایان سال ۱۹۸۵ قابل دستیابی خواهد بود.

اندونزی

تولید نفت اندونزی در سال ۱۹۷۷ به سطح ۷/۱ میلیون بشکه در روز رسید و احتمالاً تا سال ۱۹۸۵ افزایش زیادی نخواهد یافت. عملیات اکتشافی در نتیجه وخامت روابط صنعت نفت و دولت و تجدیدنظرهای متعاقب آن در قراردادهای پیمانکاران خارجی فعلی عملاً متوقف گشته است. بدون انجام عملیات اکتشافی جدی در خارج از خشکی نمی توان انتظار داشت که به بیش از معدودی حوزه های جدید دست یافته شود. ذخایر نفتی خارج از خشکی اندونزی عمری کوتاه از نظر اقتصادی داشته و برای جبران این تخلیه سریع نیاز به سرمایه گذاری عظیمی در زمینه اکتشاف و گسترش می باشد. شرکت های نفتی که در اندونزی فعالیت دارند، خواستار وضع قوانین مالیاتی مطلوبتری شده اند تا بتوانند حفاریهای

اکتشافی خود را از سر بگیرند، که در غیر این صورت تا قبل از سال ۱۹۸۰ تولید نفت کاهش خواهد یافت. استعداد این کشور به خاطر ساختار ژئولوژیکی آن برای ذخایر جدید محدود است، به طوری که معمولاً ذخایر کوچکی ایجاد می شود و میزان تخلیه آنها بسیار شدید است. حوزه نفتی میناس در سوماترای مرکزی که روزانه معادل ۰۰۰/۳۶۰ بشکه نفت تولید می نماید، بزرگترین حوزه نفتی اندونزی به حساب می آید. گمان نمی رود که حوزه دیگری به بزرگی حوزه میناس در اندونزی پیدا شود. اکتشافات آتی نیز محدود به ذخایر خیلی کوچکی خواهند بود که برای گسترش، نیاز به هزینه های سرمایه ای سنگین دارند.

الجزایر

تولید کلی نفت الجزایر تا پایان سال ۱۹۸۵ باید کمی افزایش یابد. گرچه بازده نفت خام در حدود سال ۱۹۸۰ کاهش خواهد یافت ولی پیش بینی می شود که میزان بازده گاز مایع طبیعی در طول سالهای ۱۹۸۰-۸۵ به میزان کافی افزایش پیدا کند که کاهش نفت خام را جبران نماید. تولید گاز طبیعی مایع (NGL) همراه با بازده رو به رو شد، گاز طبیعی برای برآوردن نیازهای مربوط به فروش گاز طبیعی مایع (LNG) افزایش خواهد یافت. اکتشافات نفتی انجام شده در الجزایر امیدوارکننده نبوده است، و در ۱۲ سال گذشته اکتشافات نفتی پیاپی صورت پذیرفته است.

لیبی

به علت اینکه سرمایه گذاری در سطح حداقل نگاه داشته شده، تولید نفت لیبی در سالهای اخیر کاهش یافته است. ظرفیت کنونی حدود ۳/۲ میلیون بشکه در روز است که از سطح ۳ میلیون بشکه در روز در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ پایتتر آمده است. طرابلس پروژه های متعددی را برای بالا بردن بازده در پیش گرفته است. ولی به علت سرمایه گذاریهای ناکافی و مشکلات فنی کار پیرامون این پروژه ها دچار وقفه

گشته است و نخواهند توانست تولید رو به کاهش حوزه های نفتی قدیمی تر را جبران نمایند. به طور کلی، بازده نفتی لیبی تا پایان سال ۱۹۸۵ از مرز ۲ میلیون بشکه در روز فراتر نخواهد رفت.

دیگران

دیگر اعضای اوپک از قبیل قطر، گابن و اکوادور نیز به همین سرنوشت دچار شده اند هر یک از آنها ذخایر بسیار کوچکی را در اختیار داشته و انتظار نمی رود که بتوانند به ذخایر عمده دیگری دست پیدا کنند. تا پایان سال ۱۹۸۵ تولید هر یک از سه کشور یاد شده احتمالاً ثابت خواهد ماند.

سناریوهای تولید اوپک

ما سه سناریوی نمایش یا تصویرگر به وجود آورده ایم که راههای مختلفی که کشورهای اوپک می توانند از آن طریق به گسترش تولیدشان در خلال سالهای ۸۵-۱۹۷۸ پردازند را به معرض دید می گذارند. (به جدول ۲ نگاه کنید) سناریوهای سطح بالا و سطح پایین حدود نتایج ممکن برای کل تولید اوپک را نشان می دهند. سناریوی سطح متوسط به طور تخمینی آنچه را که ما فکر می کنیم محتمل ترین

سطح تولید اوپک در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ می باشد را به نمایش می گذارد.

در این سناریوها دامنه های پیش بینی شده برای تولید کشورهای عربستان سعودی، کویت و ابوظبی نشانگر وجود اختیارات برای تعیین خط مشی تعمدی می باشد. در دیگر کشورها از قبیل ایران و عراق

دامنه های وسیع پیش بینی های بازده تا سال ۱۹۸۵ نشان دهنده ملاحظات فنی می باشد. در دیگر

کشورهای اوپک، دامنه تولید آتی مورد انتظار نسبتاً محدود است.

سطح بالاترین سناریوی تولیدی اوپک حداکثر نیست که براساس امکانات فنی کشورهای مهم اوپک باشد، بلکه در برگیرنده حد نهائی دامنه ای است که نتایج فراگیر احتمالات منطقی را در این مدت دربر می گیرد و مخصوصاً فرض را بر این قرار داده است که:

* عربستان سعودی محدودیتهای تولیدی را از بین برده و در خلال سال آینده یا کمی پیش از آن تصمیم خواهد گرفت سرمایه گذاریهای لازم جهت افزایش ظرفیت تولید مداوم و رسانیدن آن به سطح ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز را تا سال ۱۹۸۵ انجام دهد.

* کویت محدودیتهای تولیدی را تا سال ۱۹۸۵ از بین می برد لیکن ظرفیت خود را افزایش نمی دهد.
* ابوظبی در سال ۱۹۷۹ محدودیتهای تولیدی را از بین می برد و به میزان تولید تدریجاً می افزایش دهد تا در سال ۱۹۸۵ به سطح ۵/۲ میلیون بشکه در روز برسد.

* تولید نفت ایران پس از سال ۱۹۸۰ کمی کاهش خواهد یافت و تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

* تولید نفت عراق مداوماً افزایش یافته و در سال ۱۹۸۵ به سطح ۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

سناریوی سطح متوسط بر فرضیات زیر استوار است:

* عربستان سعودی سرمایه گذارهای لازم را به تدریج انجام داده و برخی محدودیتهای تولیدی را از بین خواهد برد تا در خلال سالهای ۸۵-۱۹۸۲ به میزان مداوم ۵/۱۰ میلیون بشکه در روز تولید نماید.

* کویت برای شرکت نفت اوپک سقف تولید سالانه جاری را حفظ می کند و روزانه ۰۰۰/۳۰۰ بشکه نفت به عنوان سهم خود از بازده منطقه بی طرف دریافت می نماید.

* ابوظبی میزان تولید خود را تدریجا افزایش داده و تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۳/۲ میلیون بشکه در روز می رساند.

* برنامه تزریق گاز ایران مانع از کاهش سطح تولید به کمتر از ۵/۵ میلیون بشکه در روز خواهد شد.

* عراق مانند سناریوی سطح بالا سطح تولید خود را تا سال ۱۹۸۵ معادل ۴ میلیون بشکه در روز بالا می برد.

سناریوی سطح پایین تر بر فرضیات زیر استوار است:

* عربستان سعودی تا پایان سال ۱۹۸۵ محدودیت سطح تولید مجاز را در سطح ۸/۸ میلیون بشکه در روز حفظ می کند که ۵/۸ میلیون بشکه آن مربوط به آرامکو و ۰۰۰/۳۰۰ بشکه آن مربوط به بازده منطقه بی طرف که با کویت در آن سهیم است، خواهد بود.

* ابوظبی سقف تولید ۶/۱ میلیون بشکه در روز را تا سال ۱۹۸۰ حفظ خواهد کرد و از آن پس نیز اجازه خواهد داد تا با برداشت از ذخایر جدید به تولید افزوده گردد.

* ظرفیت تولیدی ایران در سال ۱۹۸۰ به پایین تر از ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و به تدریج به سطح ۵ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت.

* عراق ظرفیت تولیدی خود را فقط به ۵/۳ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد داد.

* کویت سقف تولیدی کنونی خود را حفظ می کند.

جدول ۲

تقاضای کشورهای سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک

همان گونه که تولید کشورهای اوپک شاخص اصلی عرضه نفت جهانی است، نیاز نفت وارداتی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز شاخص تقاضای جهانی برای نفت اوپک می باشد. برای تعیین دامنه ارقام تقاضای کشورهای عضو همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک در سالهای ۸۵-۱۹۷۸، این تجزیه و تحلیل به بررسی عرضه و تقاضا در زمینه همه اشکال انرژی پرداخته و نفت اوپک را به عنوان یک وزنه ایجاد تعادل در نظر می گیرد. تقاضای انرژی در چهار منطقه عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی یعنی آمریکا، ژاپن، اروپای غربی (۱) و کانادا بر اساس فرضیه های مختلف رشد تولید ناخالص ملی برآورد شده است. (به جدول ۳ نگاه کنید)

در تمام موارد پیش بینی های پایه ای ما در برگیرنده تأثیر قوانین گذشته بر تقاضا برای انرژی است لیکن شرایط حاصله از قوانین پیشنهادی را در نظر نمی گیرد.

جدول ۳

قیمت انرژی داخلی در رابطه با قیمت دیگر کالاها در اروپای غربی، ژاپن و کانادا ثابت انگاشته شده است. سیاست انرژی کنونی کانادا خواستار افزایش قیمت نفت داخلی در برابر سطوح بین المللی تا سال ۱۹۹۰ و افزایش قیمت گاز طبیعی داخلی به سطح رقابتی مناسب با نفت می باشد. ولی افزایشهایی که

تاکنون برنامه ریزی شده اند در سرتاسر دوران ۸۵-۱۹۷۸ تأثیر ناچیزی بر قیمت‌های نسبی انرژی خواهد

گذاورد. در آمریکا، که قیمت داخلی انرژی خیلی کمتر از سطوح بازار جهانی آن است، ما فرض کرده ایم که

در این دوره و تا پایان سال ۱۹۸۵ قیمت نسبی انرژی سالانه ۵/۲ درصد افزایش خواهد یافت. این

بالاترین میزان افزایشی است که دیگر تحلیلگران در صورت عدم تعادل قیمت‌ها برآورد کرده اند.

عرضه انرژی غیرنفتی قابل حصول و تولید نفت داخلی از میزان تقاضای انرژی هریک از کشورهای

منطقه عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی کم شده است تا میزان تقاضا برای واردات نفتی برآورد

شود. (۲) پیش بینی های مربوط به عرضه داخلی به نظر ما در رابطه با آنچه امکان پذیر است عموماً قضاوت‌های

۱- در سرتاسر این ارزیابی اروپای غربی شامل فرانسه □ ایتالیا □ انگلیس □ آلمان غربی □ اتریش □ بلژیک □ لوکزامبورگ □ دانمارک □ فنلاند □ یونان □ ایسلند □ ایرلند □ هلند □ نروژ □ پرتغال □ اسپانیا □ سوئیس □ سوئد و ترکیه می باشد.

۲- چون ما براساس هریک از فرضیات مربوط به رشد واقعی تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در تولیدات داخلی انرژی آنان تغییر به وجود نیاموردیم □ متدولوژی ما نشان می دهد که واردات نفتی می تواند تقاضای روز افزون انرژی را در سطوح بالا-تر رشد اقتصادی تأمین نماید. پیش بینی های مربوط به میزان و بافت آتی ظرفیت تولید برق با استفاده از سوخت فسیل نشان می دهد که کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی ظرفیت کافی برای کاربرد مقادیر نفت پیش بینی شده توسط ما را خواهند داشت.

خوش بینانه می باشد. این قضاوتها در مورد آمریکا، مقداری افزایش قیمتها را حتی در غیاب عدم تعادلات بیشتر در قیمتها در نظر می گیرند. هرگونه افزایش بیشتر در قیمتها و یا دیگر اقدامات مور بر افزایش قیمتها، احتمالاً تا نیمه دوم سالهای ۱۹۸۰ بر تولید تأثیر بسیار نخواهند داشت.

محاسبات مربوط به تولید و مصرف انرژی در رابطه با منابع اصلی انرژی از قبیل نفت خام، گاز طبیعی مایع، زغال سنگ، گاز طبیعی، انرژی اتمی و انرژی هیدروالکتریک و ژئوحرارتی انجام گرفته است. (۱) تمام منابع انرژی به معادل آنها یعنی یک میلیون بشکه نفت در روز تبدیل شده است.

تصویر ۴

نگرشی بر تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی

در سالهای ۷۰-۱۹۶۱ تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی سریعتر از تولید واقعی ناخالص ملی افزایش یافت، درحالیکه قیمتها نسبی انرژی مداوما کاهش پیدا کرده بودند. با کند شدن سیر نزولی قیمتهای نسبی در سال ۷۳-۱۹۷۱ افزایش تقاضا برای انرژی با سرعت کمتری از تولید واقعی ناخالص ملی در سه منطقه از چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی افزایش پیدا کرد. پس از آن در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ افزایش شدیدتری در قیمتهای نسبی پدید آمد و رشد تولید ناخالص ملی به میزان قابل ملاحظه ای بر تقاضای انرژی فزونی یافت. (به شکل ۴ نگاه کنید). روابط تاریخش مشاهده شده بین تقاضا برای انرژی، تولید واقعی ناخالص ملی، و قیمتهای نسبی انرژی در سالهای ۷۶-۱۹۶۱ از طریق مدلهای معادلات ساده (تک مجهولی) تقاضای انرژی در هر یک از چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی به مقادیر کمی تبدیل شدند. به طور کلی، در نتیجه هر یک درصد افزایش در تولید واقعی ناخالص ملی، تقاضا برای انرژی ۹۶/۰ درصد تا ۱/۱ درصد افزایش

می یافت در حالی که در برابر هر یک درصد افزایش در قیمتهای نسبی انرژی، در تقاضا برای انرژی ۲۰/۰

درصد تا ۲۷/۰ درصد با گذشت زمان بسته به منطقه موردنظر کاهش پدید می‌آید. گرچه این نتایج از نظر تئوریک منطقی می‌باشند و با اطلاعات تاریخی به خوبی مطابقت می‌کنند، ولی باید یادآور شد که دیگر محققین با استفاده از معادله‌هایی با مشخصات متفاوت و دوره‌های زمانی نمونه، کششهای قیمت و درآمد متفاوتی به دست آورده‌اند. به طور مثال در بعضی از مطالعات و بررسیها در آمریکا به تخمین درآمد اساسا پایین تر و کشش قیمت بالاتری از ما دست یافته شده است. در نتیجه، چون بیش بینهای چند ساله (بلند مدت) تغییراتی که از اختلاف بین پارامترها حادث می‌شوند را بزرگتر نشان می‌دهد، پیش بینی ما در مورد تقاضای انرژی آمریکا برای سال ۱۹۸۵ در مقایسه با دیگر محققینی که به کششهای پایین تر درآمد دست یافته‌اند، کمی بیشتر می‌باشد. (۲)

برای آزمایش تقریبی صحت روشها و مراحل برآوردهایمان در پیش بینی صرفه جویی اخیر انرژی، ما

۱- به ضمیمه الف در رابطه با متدولوژی مراجعه نمایید.

۲- ضمیمه "الف" را نیز مشاهده کنید.

تغییر مصرف انرژی آمریکا را که برای سال ۱۹۷۷ پیش بینی شده بود به وسیله متدولوژی خودتان محاسبه کرده و با تغییرات نشان داده شده در اطلاعات اولیه ۱۹۷۷ مقایسه کرده ایم. معادله ما نشان داد که در سال ۱۹۷۷ معادل ۷/۱ میلیون بشکه در روز به این مصرف افزوده می شود، در حالی که افزایش واقعی مقدماتی ۵/۱ میلیون بشکه در روز بوده است. اطلاعات مربوط به تقاضای انرژی اولیه سال ۱۹۷۷ در رابطه با دیگر مناطق کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی هنوز در دسترس نمی باشد. معادلات مربوط به چهار منطقه برای میزان ذخیره سازی در انرژی به لحاظ افزایش زیاد قیمت‌های نسبی انرژی که به دنبال تحریم نفتی به وقوع پیوسته بود، مورد استفاده قرار گرفته است. مقایسه تقاضای واقعی انرژی با تقاضایی که با فرض باقی ماندن قیمت‌ها در حد قیمت‌های سال ۱۹۷۳ به وجود می آمد، نشان دهنده این است که کشورهای پیشرفته در مصرف انرژی در سال ۱۹۷۶ معادل ۹/۳ میلیون بشکه در روز صرفه جویی کرده اند (به تصویر ۵ نگاه کنید) پس از افزایش میزان صرفه جویی در سال ۱۹۷۴ به دنبال پایین آوردن درجه ترموستات‌ها و اتخاذ روش‌های کم هزینه در زمینه مصرف انرژی، بهبود آن در سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ بسیار کندتر انجام گرفت. به طور مثال در سال ۱۹۷۶ فرانسه هیچ گونه صرفه جویی نکرده بود.

تصویر ۵

تاکنون بخش اعظم صرفه جویی در بخش‌های تجاری و مسکونی کشورهای پیشرفته انجام گرفته است. در بسیاری از کشورها، صرفه جویی در بخش‌های صنعتی به کندی و نامحسوس تحقق یافته است، بازگشت سرمایه از طریق سود سهام به خاطر تقاضای ناچیز برای سرمایه گذاری از سال ۱۹۷۳ بسیار کند بوده است. چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی هریک نشانگر الگوی تقریباً متفاوتی از یکدیگر در زمینه صرفه جویی هستند:

* در آمریکا در سال ۱۹۷۶ میزان صرفه جویی انرژی روزانه ۶/۱ میلیون بشکه (۴ درصد مصرف) بوده است، استفاده سوخت توسط وسایط نقلیه در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ بسیار کاهش یافت و استفاده انرژی در واحدهای صنعتی برای هر واحد کالای تولید شده کمتر از میزان استفاده انرژی در دوران قبل از تحریم نفتی بوده است.

* در ژاپن، میزان صرفه جویی در سال ۱۹۷۶، ۰۰۰/۸۰۰ بشکه در روز (۱۲ درصد مصرف) برآورد شده است، که این میزان صرفه جویی نیز محدود به بخشهای مسکن، تجارت، خدمات عمومی و کشاورزی می شود که از عایق بندی بهتر و درجه حرارت داخلی کمتری برخوردار بوده اند. در بخش حمل و نقل به علت برقراری ضوابط جدی تر و شدیدتر در مورد وسایط نقلیه دودزا، تراکم شدیدتر ترافیک، و استفاده از اتومبیلهای بزرگتر، فی الواقع میزان مصرف انرژی برای هر وسیله نقلیه از سال ۱۹۷۳ بیشتر شده است.

* در میان کشورهای بزرگتر اروپای غربی، فرانسه از همه موفقتر بوده است. مقررات وضع شده تأثیر قیمتهای بالاتر را افزایش داده است، به خصوص اینکه نفت مورد مصرف حرارتی از اواسط ۱۹۷۴ جیره بندی شده بود. گرچه مقدار صرفه جویی در بخشهای غیرصنعتی خیلی بیشتر از دیگر بخشها بوده است، در کارایی بخشهای صنعتی و حمل و نقل نیز مقداری بهبود حاصل شده، و کارآیی تولید انرژی برق

نیز بیشتر شده است. ایتالیا نیز در بخش حمل و نقل به صرفه جویی قابل ملاحظه ای دست یافته، و منعکس کننده گران ترین قیمت برای بنزین در اروپا بوده است. درصد صرفه جویی در آلمان غربی خیلی کمتر از فرانسه و ایتالیا بوده ولی بیشتر از انگلیس بوده است، چون در انگلیس صرفه جویی کمتر از گسترش منابع داخلی اولویت دارد.

* کانادا صرفه جویی آنچنانی در زمینه مصرف انرژی نداشته است. افزایش قیمت داخلی انرژی کانادا در سال ۱۹۷۶ خیلی کمتر از دیگر کشورهای صنعتی بوده و برای مثال معادل نیمی از افزایش قیمت نسبی انرژی در ژاپن بوده است.

تقاضای انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای آتی

برای پیش بینی تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی تا پایان سال ۱۹۸۵ ما روابط تخمینی بین تقاضای انرژی، تولید واقعی ناخالص ملی و قیمت‌های نسبی انرژی هریک از مناطق را از طریق پیش بینی آن تغییرها ترکیب کرده ایم. معادلات ما اکثر صرفه جوییها در تقاضای انرژی را به خاطر تغییرات قبلی در قیمت‌های نسبی و در مورد آمریکا به خاطر تغییرات پیش بینی شده به دست می دهند. با این وصف مقررات جدید دولتی و یا تغییرات آمار جمعیتی را در بر نمی گیرند. این معادلات ممکن است تمامی تأثیرات افزایش قیمت‌های گذشته در مورد کارایی تجهیزات انرژی، ساختمانها و دیگر کالاهای بادوامی که در آینده تولید و معرفی خواهند شد را در برنگیرد. تعیین کمیت این صرفه جوییهای اضافی بسیار دشوار بوده و تا حد زیادی به قضات شخصی بستگی دارد. باید تأکید نماییم که روی هم رفته دامنه خطا به دلیل استفاده از روشهای تخمینی و تردیدهای موجود در مورد صرفه جویی می تواند وسیع باشد. بدون توجه به شرایط بازار، احتمالاً در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در چند سال آینده در زمینه انرژی صرفه جوییهای بیشتری صورت خواهد گرفت.

* کنگره آمریکا مقرر داشته است که در سال ۱۹۸۵ میانگین جدید بنزین مصرفی توسط اتومبیلها بایستی به یک گالن در هر ۵/۲۷ مایل (۸/۸ لیتر به ازای یکصد کیلومتر م) برسد. تأثیر این مقررات بر مصرف بنزین که در حال حاضر در برگیرنده ۲۰ درصد تقاضای انرژی است با کاهش شدید رشد جمعیت راننده در دهه بعد افزایش خواهد یافت. (به تصویر ۶ نگاه کنید). بعضی از منابع صنعتی معتقدند که این تحولات خواهد توانست معادل ۲ تا ۵/۲ میلیون بشکه در روز از میزان تقاضا برای انرژی بکاهد. انتظار می رود دیگر اقداماتی که در این زمینه در آمریکا در پیش گرفته شده، مقدار کمی به این صرفه جویی اضافه نماید.

* ژاپن برای بالا بردن میزان صرفه جویی کار زیادی انجام نداده است. مهمترین اقدام صرفه جویانه توکیو بر بخش صنعتی متمرکز است. بانک عمران ژاپن به صنایعی که در زمینه تأسیسات و تجهیزات صرفه جویی انرژی سرمایه گذاری می کنند، طرحهایی با نرخ بهره کمتری از وامهای تجاری می دهد. تخصیص منابع مالی برای این برنامه ها در بودجه سال ۷۸-۱۹۷۷ فقط ۷۰ میلیون دلار بوده است. کارخانه های کوچک و متوسطی که مبدل های حرارتی را به کوره های موجود می افزایند در سال اول اجازه دارند یک چهارم این سرمایه گذاری را مستهلک نمایند.

* دورنمای صرفه جویی بیشتر در اروپای غربی بسیار تیره است. مقررات آلمان غربی بر بخش مسکن متمرکز می باشد. یکی از پیمانکاران وزارت تحقیقات و تکنولوژی برآورد کرده است که خانه سازی جدید و مقررات جدید در رابطه با تأمین گرمای منازل به تدریج باعث می شود، تا روزانه ۰۰۰/۵۴۰ تا ۰۰۰/۶۴۰ بشکه صرفه جویی گردد. فرانسه بیش از دیگر کشورهای اروپایی بر صرفه جویی تأکید ورزیده و شانس خوبی دارد که تا سال ۱۹۸۵ به هدف صرفه جویی روزانه ۰۰۰/۹۰۰ بشکه در مجموع دست یابد. برای کمک به دست یابی به این هدف از صرفه جویی غیرمرتبط با ایجاد انگیزه به وسیله قیمت‌ها استفاده شده است، که منتج از اقداماتی برای تنظیم معیارهایی در مورد ساختمانهای جدید، ایجاد انگیزه های مالی برای ترغیب به ساخت تجهیزاتی که فعلاً موجود نمی باشد و اختصاص ۲۰۰ میلیون دلار در بودجه جاری برای کمک به تأمین سرمایه گذاریهای صنعتی در زمینه صرفه جویی در انرژی، می باشد. توانایی برای صرفه جویی غیرمرتبط با انگیزه های قیمتی به نظر می رسد که در انگلیس و ایتالیا محدود باشد. لندن به طور کلی در زمینه صرفه جویی تأکید بسیار نداشته است، گرچه نصب عایقهای حرارتی در صنایع را از نظر مالیاتی ۱۰۰ درصد آزاد اعلام کرده است. علاوه بر این تجهیزات سرمایه ای که به مناطق روبه رشد داده می شد شامل تجهیزات صرفه جویی انرژی شده اند. در ایتالیا تلاش برای صرفه جویی بر مالیات و قیمت‌ها متمرکز بوده است، که تأثیر آن در معادلات ما برای اروپای غربی با رابطه قیمت به دست داده می شود.

* کانادا برآورد می کند که با بوجده برنامه عایق بندی منازل مسکونی که از سپتامبر ۱۹۷۷ آغاز گشته می تواند روزانه ۰۰۰/۱۴۰ بشکه صرفه جویی نماید. بودجه این برنامه در هفت سال آینده ۴/۱ میلیارد دلار می باشد که تا میزان دوسوم آن برای هزینه سرمایه گذاری ساخت تجهیزات عایق بندی منازل برای

تجهیز واحدهای مسکونی موجود به صورت وام اعطاء خواهد شد.

باتوجه به شناسایی مشکلات تعیین کمیت تأثیرات صرفه جوییهای اضافی، ما از روی قضاوت برآورد ابتدایی خود از تقاضای انرژی را کاهش دادیم تا پایه پیش بینی خود را در زمینه تقاضا بدست آوریم. پس از بررسی دقیق مقررات کنونی انرژی، ما تقاضای انرژی هر یک از مناطق سازمان همکاری و عمران اقتصادی را در سال ۱۹۸۵، ۵ درصد کاهش دادیم و فرض کردیم که در رابطه با این مقدار، میزان صرفه جویی در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ به صورت خطی بالا خواهد رفت. بار دیگر باید هشدار دهیم که هم در نتایج حاصله از معادلات و هم در ۵ درصد کاهش در صرفه جوییهای اضافی، احتمالاً دامنه قابل ملاحظه ای از خطا وجود دارد. مقررات پیشنهادی هرچقدر به میزان صرفه جویی بیفزاید، تقاضای آتی انرژی نیز به همان نسبت از پیش بینی ما کمتر خواهد بود. به طور مثال، وزارت انرژی آمریکا برآورد می کند که مقررات پیشنهادی تا سال ۱۹۸۵ به اندازه کافی خواهد توانست در میزان تقاضای انرژی آمریکا کاهش ایجاد نماید و حدوداً روزانه ۲ میلیون بشکه از تقاضای بالقوه (۴ درصد کل تقاضا) خواهد کاست. این معادل همان مقدار صرفه جویی است که در نتیجه لایحه قانونی مصوبه ۱۹۷۶ در مورد معیارهای سرعت در اتومبیلرانی پیش بینی می شود.

متدولوژی ما میزان صرفه جویی را بسیار زیاد برآورد می کند و نشان می دهد که سالانه از میزان شدت

مصرف انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی به طور متوسط ۷/۰ درصد کاسته خواهد شد که این میزان انرژی مورد نیاز برای تولید یک واحد تولید ناخالص ملی در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ است. این مقدار معادل نیمی از نرخ کاهش به دست آمده در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ می باشد. (به تصویر ۷ نگاه کنید) این مقدار با دامنه ای از کاهشهای سالانه از ۲/۰ درصد تا یک درصد که توسط دیگر تحلیلگران پیش بینی شده قابل مقایسه است. (۱) متدولوژی ما همچنین فرض را بر آن قرار می دهد که نرخهای صرفه جویی در تقاضای انرژی هریک از چهار منطقه کاهش خواهد یافت: نسبتهای تولید واقعی ناخالص ملی در طول نه سال با روندهای دوره ۷۶-۱۹۷۴ مقایسه شده است.

* در آمریکا نسبت تقاضای انرژی به تولید ناخالص ملی به میزان سالانه ۸/۰ درصد در سالهای ۱۹۷۷-۸۵ پیش بینی شده که کاهش خواهد یافت در حالی که در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ این میزان کاهش ۱ درصد در سال بوده است.

* در ژاپن نسبت تقاضای انرژی به تولید ناخالص ملی نشانگر ۹/۰ درصد کاهش سالانه در سالهای ۱۹۷۷-۸۵ است در حالی که در مقایسه این میزان کاهش در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ سه درصد در سال بوده است.

* در اروپای غربی میزان کاهش پیش بینی شده آتی ۶/۰ درصد است که از ۳/۱ درصد کاهش سالانه در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ پایین تر است.

* در کانادا که صرفه جویی موضوع یک خط مشی عمده نیست، پیش بینی شده که نسبت به میزان ۲/۰ درصد در سال که اساساً کمتر از سالهای ۷۶-۱۹۷۴ خواهد بود، کاهش می پذیرد.

ما به منظور درک مفاهیم وسیع برآوردهایمان در مورد عرضه نفت اوپک، سناریوهای تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی را مرتبط با دو نرخ رشد اقتصادی واقعی ایجاد کرده ایم که ملازم با

بیکاری ثابت این کشورها و براساس فرضیه های بهره وری جایگزینی مختلف هستند. در سناریوی پایه، ما میزان رشد تولید ناخالص ملی هر منطقه را به میزانی که بتواند بیکاری را در سطوح کنونی نگهدارد، برآورد کرده ایم. میانگین سالانه به دست آمده در مورد سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۱۹۷۸-۸۵ حدود ۲/۴ درصد بود.

تصویر ۷

ما چند عامل مؤثر در میزان بیکاری آتی، از قبیل رشد جمعیت قادر به کار، پیش بینی نرخهای مشارکت نیروی کار، روابط مشاهده شده در سالهای ۱۹۷۰ بین تغییرات در تولید ناخالص ملی واقعی و تغییرات در اشتغال را در این برآوردها دخالت داده ایم. (به جدول ۴ نگاه کنید)

چون تغییرات عمده ای در جمعیت قادر به کار سه منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی از زمان حال تا اوائل سالهای ۱۹۸۰ رخ خواهد داد، ما نرخهای رشد را آنقدر تغییر داده ایم تا نرخ بیکاری ثابت بماند. منبع پیش بینی های ما در مورد جمعیتها (سازمان ملل)، این ارقام را در دوره های زمانی پنجساله ارائه می دهد که باعث می شود در پیش بینی های ما برای سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ عدم تداوم و گسیختگی

۱- برای بحثی در مورد پیش بینی مقایسه ای تقاضای انرژی ضمیمه "د" را ببینید.

قابل ملاحظه ای پدید آید. استفاده از ارقام سال به سال منتج به نرخهای رشد لازمه با تغییرات ملایمتری می شود. تغییرات مزبور در رشد جمعیت قادر به کار، بیانگر یک نسبت کوچکتر از میزان بیکاری ثابت، به میزان رشد تولید ناخالص ملی در کانادا و آمریکا پس از سال ۱۹۸۱ کمتر و نسبت بزرگتری در کشورهای اروپای غربی می باشد.

به بعثت امکان تغییر در روندها و روابط تاریخی، میانگین سالانه محاسبه شده ۲/۴ درصد رشد برای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ را باید صرفاً نشانگر رشد تولید ناخالص ملی که برای ثابت ماندن بیکاری لازم می باشد دانست و نباید آن را یک پیش بینی دقیق انگاشت. به طور مثال، در مورد آمریکا بسیاری از ناظران معتقدند که نرخهای رشد بیکاری مداوم کمتر از آن چیزی است که علی الخصوص در سالهای ۸۱-۱۹۷۸ مورد استفاده قرار داده ایم. ظاهراً این نظریات مختلف به موارد زیر ربط دارند: (الف) پیش بینی مشارکت کمتر نیروی کار و (ب) این اعتقاد که به لحاظ نرخهای کاهش یافته تشکیل سرمایه و دیگر ضرایب، افزایشهای فرض شده در تولید ناخالص ملی ممکن است مستلزم تغییرات بالاتری در اشتغال به جای افزایش در کارایی تولیدی بشاد. برای در نظر گرفتن این امکان که میزان اشتغال ممکن است در رابطه با تولید ناخالص ملی آتی بیش از گذشته بالا برود، ما یک سری فرضیات مختلف برای رشد تولید ناخالص ملی به میزان ۵/۰ درصد کمتر از سناریوی پایه در نظر گرفتیم (نرخ میانگین برای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ معادل ۷/۳ درصد می باشد).

جدول ۴

سطح پایین ترین سناریوی رشد، ما نرخهایی از میزان رشد تولید ناخالص ملی سالانه برای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ را با میانگینی معادل ۷/۳ درصد دربر

می گیرد. در بسیاری از موارد نرخها مشابه پیش بینی های بسیاری از پیشگویان اقتصادی است، گرچه افزایش تولید ناخالص ملی آمریکا و کانادا در سالهای ۸۵-۱۹۸۲ در قسمت مقادیر کوچکتر قرار گرفته اند. گذشته از مسئله انرژی، بدبینی مربوط به رشد اقتصادی آتی ناشی از (الف) دورنمای تیره سرمایه گذاری در رابطه با منافع ناچیز و تردید در زمینه تجارت و (ب) سیاستهای اقتصادی محتاطانه دولتی در برابر کسری بودجه و پرداختهای عظیم، می باشد. در این سناریو، تقاضای انرژی کشورهای پیشرفته به میزان سالانه ۹/۲ درصد در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ افزایش خواهد یافت که در سال ۱۹۸۵ معادل ۶/۹۴ میلیون بشکه در روز می باشد.

در سناریوی سطح بالای رشد، تقاضای کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای انرژی از ۴/۷۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۹۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش می یابد. (۱) نرخهای رشد تولید ناخالص ملی که در این سناریوها مورد استفاده واقع شده است کلاً در رابطه با میزان حداکثری که پیش بینی کنندگان در مورد کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ ابراز می دارند، بسیار ناچیز است و میانگین آن ۲/۴ درصد سال می گردد و میزان رشد

۱- به ضمیمه د در مورد مقایسه تقاضاهای پیش بینی شده انرژی نگاه کنید.

مصرف انرژی نیز معادل ۳/۳ درصد می باشد.

عرضه انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی

برآورد ما در مورد عرضه انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای

۱۹۷۸-۸۵ بر تحلیل مفصل طرحها و پیش بینی ها در مورد هر یک از منابع انرژی در چهار منطقه سازمان

همکاری و عمران اقتصادی استوار است. در این رابطه ما مخصوصاً (الف) سیاستهای عمرانی دولتها و

مدیریت منابع، (ب) برآورد پایه منابع، (ج) قراردادهای موجود و کاملاً قابل اجرای تجاری، و (د) برنامه

زمانی لازم برای راه اندازی پروژه ها را مورد بررسی قرار داده ایم. اصولاً، ما «بهترین برآوردها» را در

صورت عدم ایجاد وقفه طولانی در برنامه های زمانی ساختمانی، از آنچه که می تواند تحت قوانین جاری

حاصل شود، تهیه کرده ایم.

رشد تولید انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۱-۱۹۷۸ به طور میانگین بیش از

۹/۳ درصد خواهد بود و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ با کاهش شدیدی معادل ۲ درصد همراه خواهد بود. (به

تصویر ۸ نگاه کنید) این کاهش نمایانگر کاهش سرعت رشد تولید نفت سازمان همکاری و عمران

اقتصادی پس از سال ۱۹۸۰ است که در آن تولید نفت دریای شمال و شیب شمالی آلاسکا کاهش خواهد

یافت. از جمله منابع انرژی غیرنفتی که پیش بینی شده استفاده از آن در هشت سال آتی بسیار زیاد خواهد

شد، می توان از انرژی هسته ای و زغال سنگ نام برد. تولید گاز طبیعی احتمالاً پس از سال ۱۹۸۰ دچار

رکود خواهد گشت. انتظار می رود تا سال ۱۹۸۵ واردات زغال سنگ و گاز طبیعی که معادل ۳ تا ۴ میلیون

بشکه نفت است جایگزین تولید داخلی انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی

بشود. (به جداول ۵ و ۶ نگاه کنید)

بخش اعظم افزایش تولید نفت سازمان همکاری و عمران اقتصادی بین زمان حال و سال ۱۹۸۵ از دریای شمال پدید خواهد آمد که گمان بر این می رود که این افزایش نیز پس از سال ۱۹۸۰ سیر نزولی داشته باشد. بازده نفتی انگلیس که در سال گذشته معادل ۰۰۰/۸۰۰ بشکه در روز بود، در هشت سال آینده چهار برابر خواهد شد. انتظار می رود تولید نفتی انگلیس در امسال و سال آتی روزانه ۰۰۰/۵۰۰ بشکه افزایش یابد، لیکن پس از آن این افزایش تولید دچار سیر نزولی خواهد گشت. تولید نفت نروژ نیز در سال جاری دو برابر یعنی ۰۰۰/۶۰۰ بشکه در روز خواهد شد و پس از آن افزایش خواهد یافت و در سال ۱۹۸۵ به سطح ۳/۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. مهمترین حوزه نفتی کشف شده در دریای شمال به نام استات افجورد که در سال ۱۹۸۰ تولید و بهره برداری آن آغاز خواهد شد، تولید حوزه اکوفیسک را افزایش خواهد داد. میزان ذخایر نیز آنقدر زیاد است که می تواند این سطوح تولیدی پیش بینی شده را تأمین نماید. مجموع ذخایر کشف شده در آبهای انگلیس معادل ۲۰ میلیارد بشکه نفت است. مجموع ذخایر مجتمع استات افجورد و اکوفیسک نروژ نیز رویهم رفته به ۸ میلیارد بشکه نفت می رسد. میزان تولید تا پایان سال ۱۹۸۵ بستگی به برنامه ریزی توسعه که از هر حیث استوار باشد، دارد.

انتظار می رود در تولید نفت کانادا و آمریکا فقط افزایشات کوچکی وجود داشته باشد.

* تولید نفت آمریکا در سال ۱۹۸۵ احتمالاً به سطح ۳/۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. البته

این میزان با دامنه ای از پیش بینی ها بین ۵/۹ و ۵/۱۰ میلیون بشکه در روز پیش بینی شده توسط اکثر

شرکتهای نفتی، وزارت انرژی، و بخش خدمات تحقیقاتی کنگره مورد مقایسه قرار می گیرد. بازده شیب

شمالی آلاسکا که قرار است از ۰۰۰/۳۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۲ میلیون بشکه در روز در سال

۱۹۸۵ برسد، خواهد توانست کاهش مداوم تولید منابع دیگر را جبران نماید. چون بخش اعظم تلاشهای

اکتشافی آمریکا در مناطق قدیمی و کشف شده قبلی صورت گرفته است. افزایش در میزان حفاریها منجر

به افزایش در ذخایر نشده است، ولی ادامه این عملیات سبب شده است که نرخ کاهش در تولید در خارج

از شیبهای شمالی کند شود. با وجود اینکه آمریکا در خارج از خشکی ذخایر نفتی بسیار دارد، ولی عرضه

نفت این منابع تا سال ۱۹۸۵ عمده نخواهد بود.

* بازده نفتی کانادا پس از سیر نزولی آن در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ در سال گذشته به سطح اولیه بازگشت

و تا سال ۱۹۸۵ ممکن است قدری افزایش یابد. افزایش حفاری در مخازن کم عمق در آلبرتا سبب شده تا

از کاهش در حوزه های قدیمتر در سال گذشته، ممانعت به عمل آید.

جدول ۵ و ۶

هنوز ذخایر مهمی کشف نشده است، لیکن اکتشافات در بخش پمپینای غربی آلبرتا امیدوارکننده به

نظر می رسد. نتایج حاصله از بخش پمپینا باید در سالهای ۸۵-۱۹۸۲ روزانه بین ۰۰۰/۲۰۰ تا

۰۰۰/۳۰۰ بشکه نفت تولیدی جدید به تولیدات بیفزاید. تولید نفت مصنوعی از شنهای نفتی نیز از سطح

۰۰۰/۵۰ بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به سطح ۰۰۰/۳۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش می یابد.

تولید نفت ذخایر قطبی کانادا در دوران ماقبل ۱۹۸۵ آغاز نخواهد شد چون هزینه های مربوط به گسترش

و توزیع این ذخایر بسیار سنگین می باشد.

تولید گاز طبیعی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت و در سال ۱۹۸۵ به معادل نفتی آن یعنی ۱۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. برآورد ما در مورد بازده گاز طبیعی آمریکا یعنی معادل ۴/۸ میلیون بشکه نفت در روز تا سال ۱۹۸۵ توأم با کاهش مداوم خواهد بود و تولید بر اضافات جدید در ذخایر فزونی می یابد و در میزان اکتشاف افزایش حاصل نمی شود. و تا قبل از سال ۱۹۸۵ از حوزه شیب شمالی آلاسکا، گازی در دسترس قرار نخواهد گرفت. بسیاری از پیش بینی کنندگان معتقدند که تولید گاز آمریکا تا سال ۱۹۸۵ معادل مقدار نفتی آن، یعنی ۷ تا ۹ میلیون بشکه در روز می باشد.

تولید گاز طبیعی در اروپای غربی نیز ۱۵ درصد افزایش خواهد یافت. گرچه از عرضه گاز هلند، که ۴۵ درصد مصرف اروپای غربی را تشکیل می دهد، به دلایل صرفه جویانه کاسته خواهد شد، ولی شروع بهره برداری از حوزه برنت و به اضافه استفاده کامل از حوزه فریگ، بازده دریای شمال را به میزان یک پنجم آن تا سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد داد. تولید گاز توسط نروژ در دریای شمال قرار است از معادل نفتی آن یعنی ۰۰۰/۲۸ بشکه در روز در سال گذشته به ۰۰۰/۵۰۰ بشکه در روز در سالهای ۱۹۸۰ برسد.

در میزان تولید گاز طبیعی کانادا نیز قرار است افزایشی پدید آید. اکتشافات اخیر که با انگیزه های تشویقی اکتشافاتی فدرال، مالیات کم، و امتیازات بهره برداری در سطح فدرال و استان همراه است باید بتواند، تولید گاز کانادا را در اوائل سالهای ۱۹۸۰ بالا ببرد. ژاپن نیز قادر است مقدار زیادی گاز طبیعی از حوزه های خارج از خشکی تولید نماید، لیکن تلاشهای اکتشافی و گسترش به لحاظ ادعاهای حل نشده ژاپن، چین و کره در مورد آن دچار وقفه گشته است.

تولید زغال سنگ سازمان همکاری و عمران اقتصادی از معادل نفتی آن یعنی ۳/۱۲ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۴/۱۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ بالغ خواهد گردید. با مقررات کنونی آمریکا، ما پیش بینی می کنیم که بازده زغال سنگ آمریکا از معادل نفتی آن یعنی ۵/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۴/۱۰ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ خواهد رسید، در حالی که بخش اعظم مصرف انرژی آمریکا مختص به تولید برق خواهد بود. این پیش بینی تقریباً مشابه مطالعات اخیر بخش خدمات تحقیقاتی کنگره، تحت عنوان عرضه و تقاضای انرژی در آمریکا، اختیارات محدود، فشارهای نامحدود می باشد. تصویب مقررات جدید جهت فراهم آوردن انگیزه های بیشتر برای شرکتهای صنعتی و خدمات عمومی می تواند سبب مصرف بیشتر در زمینه زغال سنگ بشود، البته اگر مشکلات مربوط به حفاظت محیط زیست، کار و حمل و نقل در رابطه با تولید زغال سنگ حل گردد.

بازده زغال سنگ اروپای غربی، کانادا و ژاپن به میزان کمی افزایش خواهد یافت.

* هزینه بهره برداری از زغال سنگ اروپای غربی به علت اینکه رگه های زغال سنگ باریک بوده و در

اعماق معادن جای دارد، بسیار سنگین است و در بعضی از کشورها قیمت زغال سنگ وارداتی برابر ۳۱

قیمت زغال سنگ تولید شده در داخل است. افزایش در تولید زغال سنگ انگلیسی قادر خواهد بود

کاهشهای مداوم در تولید زغال سنگ آلمان غربی و فرانسه را جبران نماید، و این کشورها روی هم رفته

۹۰ درصد زغال سنگ اروپای غربی را تولید می نمایند. انتظار می رود تولید زغال سنگ در دیگر نقاط اروپا به خصوص، یونان، اسپانیا و ترکیه حاصل کمی دربرداشته باشد.

* تولید زغال سنگ کانادا نیز افزایش چشمگیری نخواهد داشت. گسترش این منبع انرژی به وسیله

(الف) فقدان تسهیلات حمل و نقل لازم جهت تحویل زغال سنگ غرب به بازار شرق، (ب) تأخیر در

پیمانهای صادراتی که قبلاً از گسترش حمایت می کردند، و (ج) عدم توانایی اتاوا در تطبیق دادن اهداف خود در زمینه انرژی و در رابطه با جمعیت، دچار وقفه گشته است.

* ذخایر زغال سنگ ژاپن در مناطق دورافتاده و کوهستانی و در بافتهای عمیق واقع شده است.

هزینه های تولید خیلی بیشتر از قیمت زغال سنگ در بازار است، و کمبود حاد کارگران ماهر نیز از قدرت تولیدی ژاپن در رابطه با زغال سنگ می کاهد.

انرژی هسته ای در کشورهای پیشرفته تحت فشارهای سیاسی و قانونی بسیار قرار دارد. بحث و

مناظره فزاینده پیرامون مطلوبیت و کارایی انرژی هسته ای که با کاهش تقاضای مربوط به الکتریسیته و

هزینه های سریعاً رشد یافته تأسیسات هسته ای دو چندان گردیده، انتظارات مربوط به دستیابی به انرژی

هسته ای تا سال ۱۹۸۵ را به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش داده است. (به جدول ۷ نگاه کنید) برآورد

ظرفیت آتی با طولانی تر شدن برنامه های ساخت تأسیسات هسته ای دائماً کاهش می یابد. اکنون چنین به

نظر می رسد که حتی با ایجاد یک اختلال مهم در صنایع هسته ای از قبیل یک تأخیر طولانی در ساخت یا

اداره در یک کشور مهم، کاهشهای بیشتر در ظرفیت پیش بینی شده غیرمحمول می باشند. به این ترتیب تا سال ۱۹۸۵ برق تولیدی توسط انرژی هسته ای معادل نفتی ۶/۶ میلیون بشکه در روز به تولید انرژی کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی خواهد افزود که سه برابر مقدار آن در سال ۱۹۷۷ می باشد.

جدول ۷

ظرفیت تولیدی ثابت آمریکا در اواسط سالهای ۱۹۸۰ از مرز ۰۰۰/۱۰۰ مگاوات خواهد گذشت برق تولیدشده توسط انرژی هسته ای در سال ۱۹۸۵ معادل ۳ میلیون بشکه نفت در روز می شود که مساوی ۱۰ درصد تولیدات انرژی آمریکا خواهد بود. گسترش انرژی هسته ای نیز در برگیرنده سه چهارم افزایش عرضه انرژی ژاپن در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ خواهد بود. در ژاپن ظرفیت ثابت ۰۰۰/۲۲ تا ۰۰۰/۲۳ مگاوات تا سال ۱۹۸۵ که خیلی پایین تر از پیش بینی های دولتی است، خواهد توانست تولید برقی معادل روزانه ۰۰۰/۶۰۰ بشکه نفت را تضمین نماید، البته اگر پیرامون مشکلات که به ظرفیت هسته ای کنونی ژاپن آسیب وارد می سازد، راه حلی اندیشیده شود. در کانادا افزایش فعالیت دولت مرکزی در زمینه انرژی هسته ای خواهد توانست در هشت سال آینده در منطقه اونتاریو ۵۰۰۰ مگاوات به ظرفیت انرژی هسته ای این کشور اضافه نماید.

در اروپای غربی، فرانسه نمونه ای برای گسترش انرژی هسته ای می باشد.

* کنترل مستقیم دولت بر بازار داخلی انرژی، پاریس را قادر خواهد ساخت تا ظرفیت انرژی

هسته ای خود را بیش از هر کشور دیگری در اروپای غربی بالا ببرد. تا سال ۱۹۸۵، ظرفیت انرژی

هسته ای فرانسه به ۰۰۰/۳۱ مگاوات خواهد رسید که در مقابل در سال ۱۹۷۷ این ظرفیت معادل ۴۶۰۰

مگاوات بوده است.

* در آلمان غربی جایی که بازار انرژی آزادانه تر از فرانسه عمل می کند، ظرفیت انرژی هسته ای از میزان ۴۰۰/۱ مگاوات افزایش می یابد و در سال ۱۹۸۵ به ۰۰۰/۲ مگاوات خواهد رسید. این میزان خیلی کمتر از برنامه ای است که دولت چندسال قبل طرح آن را ریخته بود. دعاوی قانونی گروههای حفاظت محیط زیست و شرایط سخت دولتی جهت دفن مواد زائد هسته ای، ساختمان بسیاری از کارخانه ها را به تأخیر انداخته و آغاز کار بسیاری را نیز به تعویق انداخته است.

* انگلیس که پیشگام در صنعت انرژی هسته ای بوده است، در تولید انرژی هسته ای افزایش ناچیزی را برنامه ریزی کرده است. تولید فراوان زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی در داخل، نیاز به انرژی هسته ای را در کوتاه مدت از بین برده است.

دیگر منابع انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی در چندسال آینده افزایش معتدلی خواهند یافت. کلیه مناطق مهم سازمان همکاری و عمران اقتصادی در نظر دارند، در برنامه تولید برق هیدروالکتریک و ژئو حرارتی خود گسترشی به وجود آورده، و میزان تولید سازمان را از این منابع در سال ۱۹۸۵ به ۳/۶ میلیون بشکه در روز برسانند. میزان افزایش استفاده از انرژی خورشیدی، باد و دیگر منابع انرژی غیرمرسوم در سال ۱۹۸۵ بسیار ناچیز و احتمالاً معادل نفتی آن یعنی ۰۰۰/۵۰ بشکه در روز

خواهد بود. تکنیکهای موجود استفاده از انرژی خورشیدی که با قیمتهای فعلی از نظر هزینه مقرون به صرفه است از قبیل ایجاد ساختمانهایی که بتوانند حداکثر استفاده از گرمای خورشید را بنمایند و نیز استفاده از این انرژی در گرم کردن آب، احتمالاً به کندی در معرض استفاده قرار خواهند گرفت.

واردات خالص زغال سنگ و گاز طبیعی به میزانی برابر معادل نفتی آن یعنی $7/3$ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵، مکملی برای منابع داخلی انرژی سازمان خواهد شد، در حالی که در سال گذشته میزان این واردات معادل $7/1$ میلیون بشکه نفت در روز بوده است. آمریکا، اروپای غربی و ژاپن در این دوره بخش اعظم گاز طبیعی مورد نیاز خود را از طریق کشورهای عضو اوپک وارد خواهند نمود. ژاپن امیدوار است که بتواند تا سال ۱۹۸۵ واردات گاز مایع طبیعی خود را دوبرابر یعنی معادل $000/500$ بشکه نفت در روز بنماید، تا بتواند نیاز خود را در زمینه تغییر منابع انرژی و استفاده از سوخت بدون دود برآورده سازد. به دلیل هزینه های سرسام آور و تکنولوژی پیچیده لازم، ژاپن فقط به تعداد محدودی از برنامه های تولید گاز مایع طبیعی در خارج از کشور پرداخته است. مشکلات مربوط به انبار کردن و حمل و نقل نیز بر میزانی که ژاپن می تواند واردات گاز طبیعی مایع خود را افزایش دهد تأثیر خواهد گذارد. واردات گاز طبیعی اروپای غربی در سال ۱۹۸۵ دوبرابر خواهد شد که بیشتر از گاز طبیعی مایع الجزایر تشکیل می گردد. فروش گاز طبیعی شوروی به اروپای غربی نیز احتمالاً افزایش خواهد یافت (از معادل نفتی آن یعنی $000/850$ بشکه در روز به $85/1$ میلیون بشکه در روز) و به این ترتیب تا سال ۱۹۸۵ شوروی ۵۰ درصد نیاز وارداتی اروپای غربی را از نظر گاز طبیعی برآورده خواهد ساخت.

انتظار می رود واردات خالص زغال سنگ سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سال ۱۹۸۵ معادل $4/1$ میلیون بشکه نفت در روز بشود. واردات زغال سنگ اروپای غربی که از طریق افریقای جنوبی، لهستان، استرالیا و نیز آمریکا تأمین می گردد، نیز افزایش معتدلی خواهد داشت، ولی افزایش عمده ای در

این رابطه پدید نخواهد آمد، چون صنعت فولادسازی که چهل درصد مصرف زغال سنگ را به خود اختصاص داده است رشد سریعی نخواهد داشت و در زمینه تولید انرژی برق یا در استفاده از زغال سنگ به عنوان سوخت نیز افزایش چشمگیر حاصل نخواهد گردید. بنا به دلایل مشابه واردات زغال سنگ ژاپن نیز افزایش چندانی نخواهد یافت.

تقاضای خالص واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

کسر کردن تولید داخلی انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی و نیز واردات خالص غیرنفتی از تقاضای انرژی مذکور در سناریوهای ما، نشان دهنده این امر می باشد که تقاضای وارداتی انرژی این سازمان در سال ۱۹۸۵ دامنه ای از ۵/۳۱ تا ۹/۳۴ میلیون بشکه در روز را خواهد داشت، و بستگی به رشد تولید ناخالص ملی نیز دارد. (به جدول ۸ نگاه کنید) در هر دو سناریو، رشد تقاضای واردات نفتی سازمان در سالهای ۸۲-۱۹۸۰ سرعت می یابد، که منعکس کننده، کند شدن رشد تولید انرژی داخلی می باشد.

* با در نظر گرفتن فرضیات پایین تر رشد تولید ناخالص ملی که نزدیک بدان فرضیاتی است که توسط بسیاری از پیش بینی کنندگان انرژی صنعتی مورد استفاده قرار گرفته است، تقاضای خالص واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی برابر با ۵/۳۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ خواهد بود که از این مقدار ۵/۱۲ میلیون بشکه آن روزانه توسط آمریکا وارد می گردد.

با در نظر گرفتن سناریوی رشد بیشتر، واردات خالص نفتی در سال ۱۹۸۵ مشتمل بر ۹/۳۴ میلیون بشکه در روز خواهد گردید، با این فرض که میزان عرضه برای تکافوی این مقدار تقاضا مناسب خواهد بود، در این سناریو تقاضای خالص وارداتی آمریکا به ۲/۱۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید، که ظرفیت بنادر موجود را تحت فشار قرار خواهد داد.

...

تقاضای کشورهای غیر کمونیستی خارج از کشورهای عضو سازمان...

در مرحله بعدی تجزیه و تحلیل، ما به برآورد تقاضای کشورهای در حال توسعه غیر اوپک و چند کشور صنعتی خارج از حوزه سازمان همکاری و عمران اقتصادی برای نفت اوپک پرداختیم. برای ساده تر شدن تحلیل و متمرکز شدن آن بر سیاستهای موازنه ای در کشورهای پیشرفته، تصمیم گرفتیم محتمل ترین برآورد را در مورد تقاضای این کشورها در مورد نفت اوپک به دست آوریم. به علت عدم کفایت اطلاعات موجود، بقیه کشورهای غیر اوپک و غیر کمونیستی را نمی توان با کشورهای پیشرفته در یک ترازو قرار داد. در عوض، رابطه تاریخی بین فعالیت اقتصادی را که به وسیله تولید ناخالص داخلی اندازه گیری می شود و مصرف نفتی یازده کشور مصرف کننده بزرگ در حال توسعه و بقیه کشورهای در حال توسعه غیر اوپک و چهار کشور پیشرفته را مورد بررسی قرار داده ایم.

تقاضای خالص وارداتی نفتی کشورهای در حال توسعه غیر اوپک

از نظر ما کشورهای در حال توسعه غیر اوپک به طور گروهی در سال ۱۹۸۵ کمتر از امروز به نفت وارداتی نیاز خواهند داشت که در سال مزبور تقاضای وارداتی آنها برابر ۳/۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود، در حالی که در سال ۱۹۷۷ این تقاضا معادل ۳ میلیون بشکه در روز بوده است. با این وصف این تولید سریع رشد یابنده نفت مکزیک است که وابستگی وارداتی بسیاری از کشورهای در حال توسعه غیر اوپک

را مخفی نگاه می دارد. صادرات نفتی مکزیک از ۰۰۰/۲۵۰ بشکه در روز در سال گذشته به ۷/۲ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد یافت. (به جدول ۹ نگاه کنید)

به نظر ما در طول سالهای ۸۵-۱۹۷۸ مصرف نفت در کشورهای در حال توسعه غیراوپک افزایش خواهد یافت. در بسیاری از این کشورها سهم صنعت در بازده ملی رو به افزایش است، و کاهش استفاده از نفت را مشکل می سازد. به طور کلی، برآورد ما نشان می دهد که تقاضای نفتی کشورهای در حال توسعه غیراوپک از ۲/۷ میلیون بشکه در روز در سال گذشته به بیش از ۱۱ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ بالغ خواهد گردید. این برآوردهای مربوط به تقاضا، فرض را بر آن قرار داده است که این کشورها به طور گروهی در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ به رشد تولید ناخالص داخلی معادل ۵/۴ درصد در سال دست خواهند یافت. این میزان رشد اقتصادی تقریباً برابر چهارپنجم میزان رشد تاریخی است. گرچه در میان کشورهای در حال توسعه تفاوتی نیز در این زمینه به وجود خواهد آمد، ولی این میزان با نرخ نسبتاً کند رشد در کشورهای پیشرفته همراهی خواهد داشت.

تولید نفت داخلی کشورهای در حال توسعه غیراوپک از ۲/۴ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۷ به ۳/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ و ۹ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد یافت.

(به تصویر ۹ نگاه کنید) بخش اعظم این افزایش در کشورهای مکزیک و مصر و بخش کمتر آن از کشورهای هند، برزیل و برونئی و مالزی تأمین خواهد گردید. تولید نفت و گاز طبیعی مایع در مکزیک از بیش از یک میلیون بشکه در روز در سال گذشته به ۳/۲ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۰ و ۹/۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ بالغ خواهد گردید. بازده نفتی مصر احتمالاً به ۰۰۰/۷۰۰ بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ و یک میلیون بشکه در روز در سال ۸۴-۱۹۸۳ بالغ خواهد گردید.

کشف ذخایر نفتی وسیع در ایالات چیاپاز و تاباسکو در جنوب شرقی مکزیک در سال ۱۹۷۲ دورنمای وخیم عرضه نفت را دگرگون ساخت. پمکس، کمپانی دولتی نفتی یک برنامه ضربتی را برای گسترش دادن ذخائر؛ نفتی جدید ترتیب داد و مکزیک دوباره عنوان قبلی خود یعنی بشکه صادرکننده خالص نفت خام را در سپتامبر ۱۹۷۴ به دست آورد. در اواخر سال ۱۹۷۷ تولید نفت مکزیک به بیش از یک میلیون بشکه در روز بالغ گردید.

* برآوردهای اخیر مربوط به ذخایر نفتی واقع در خشکی حوزه رفورما در جنوب شرقی نشان می دهد که بین ۲۰ تا ۶۰ میلیارد بشکه نفت در این منابع وجود دارد. در این بخش ۲۰ حوزه نفتی کشف شده و حداقل ۶۵ حوزه دیگر آن کشف نشده باقی مانده است. شش حوزه نفتی با حداقل ۱۳۰ حلقه چاه فعال روزانه معادل ۰۰۰/۷۵۰ بشکه نفت تولید می نماید. در خارج از خشکی، کمپانی پمکس در منطقه «چاک» به چهارحوزه نفتی دیگر دست یافته است، که در ۷۵ کیلومتری شمال کویداد دل کارمن قرار دارد که حدود ۶۰ حوزه یا بیشتر آن هنوز بکر باقی مانده است.

قدرت نفتی مصر خیلی بیشتر از اکثر کشورهای در حال توسعه غیراوپک می باشد. کمپانیهای بین المللی نفتی به توان ذخایر مصر امید بسیار دارند، که این امید آنها بیشتر در منطقه کانال سوئز متمرکز است که در آن به چهار اکتشاف مهم و چشمگیر دست یافته شده است. به نظر ما تولید نفت مصر به آرامی

گسترش خواهد یافت، چون به لحاظ ادعاهای اسرائیل، امتیازات مربوط به اکتشافات نفت در کانال سوئز توأم با تردید باقی خواهد ماند. با توجه به عدم اطمینان در مورد وضعیت سیاسی، بازده نفتی مصر تا سال ۱۹۸۳ یا ۱۹۸۴ و در مقایسه با پیش بینی قاهره در مورد تولید ۱ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۰ به سطح یک میلیون بشکه در روز نخواهد رسید.

دیگر کشورهای پیشرفته

دورنمای تولیدی دیگر کشورهای پیشرفته از قبیل استرالیا، اسرائیل، نیوزیلند و آفریقای جنوبی چندان امیدوار کننده نمی باشد. در استرالیا که مهمترین تولیدکننده نفت این گروه به شمار می آید، انتظار می رود که در ۸۵-۱۹۷۸ تولید به سطح ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز کاهش یابد. به طور کلی، واردات نفتی این گروه از ۷۰۰/۰۰۰ بشکه در سال ۱۹۷۷ به روزانه ۳/۱ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۵ افزایش خواهد یافت.

کشورهای کمونیست در بازار نفت

ما پیش بینی می کنیم که تولید نفت شوروی در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ کاهش خواهد یافت و به سطحی می رسد که تنها خواهد توانست نیازهای داخلی را برآورده سازد و مازادی برای صدور به خارج باقی

نخواهد گذاشت. ما انتظار داریم به این لحاظ که اروپای شرقی، کوبا، ویتنام، کره شمالی و مغولستان مناطق مواجه با کمبود هستند، روند تغییرات شوروی سبب خواهد شد که موضع کشورهای کمونیستی به عنوان صادرکننده خالص نفتی به وارد کننده خالص نفتی تغییر یابد. اینکه آنها تا سال ۱۹۸۵ چه مقدار نفت وارد خواهند کرد نامعلوم است. پیش بینی های ما نه تنها تحت تأثیر نامشخص بودن اطلاعات مربوط به تولید و مصرف قرار دارد، بلکه از این واقعیت نیز متأثر می شود که واردات حتی ناچیز نفتی با توجه به استانداردهای جهانی موجب مصرف سنگین درآمدهای محدود ارز خارجی کسب شده، توسط کشورهای کمونیستی می گردد. با در نظر گرفتن شرایط احتمالی عرضه و تقاضای نفتی و با فرض اینکه قیمت‌های نفت ثابت بمانند. می توان گفت که مضیقه های مالی مرتبط با تراز پرداختهای کشورهای کمونیستی، واردات خالص نفتی آنان را در سال ۱۹۸۵ به ۵/۲ میلیون بشکه در روز محدود خواهد کرد. (به تصویر ۱۰ نگاه کنید). علاوه بر این، حتی اگر کشورهای کمونیستی از وارد کردن نفت اجتناب ورزند، تأثیر این اقدام آنها بر عرضه نفت جهانی، هجوم فشار وارده بر تقاضا را تنها یک سال به تعویق خواهد افکند.

مشکل نفتی شوروی

گرچه شوروی موضع خود را به عنوان مهمترین تولید کننده نفتی روزانه ۹/۱۰ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۷ حفظ کرده است، لیکن میزان رشد بازده نفتی به طرز قابل توجهی کندتر شده است. در تولید نفت شوروی در سال ۱۹۷۷ تنها ۵۰۰/۰۰۰ بشکه در روز افزایش وجود داشت. این مقدار از سال ۱۹۷۲ کوچکترین افزایش واقعی بود و در مقایسه با دوران بعد از جنگ کمترین میزان رشد تولید به شمار می رود. میزان بازده تمام مناطق نفتی شوروی در حال حاضر رو به کاهش است بجز غرب سبیری که اکنون به لحاظ اینکه حوزه نفتی غول آسای ساموتلر به اوج تولید خود رسیده است، بازده تولید به نظر می رسد که

دچار مشکلات بیشتری شود. (به تصویر ۱۱ نگاه کنید).

حوزه نفتی ساموتلر به تنهایی بیشترین سهم را در رشد تولید نفت شوروی در پنج تا شش سال گذشته داشته است. گسترش و بهره برداری از حوزه های دیگر غرب سبیری از برنامه خیلی عقب است. در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ حداقل از شش تا هشت حوزه جدید می بایست بهره برداری تجاری آغاز گردد، تا کاهش تولید ساموتلر جبران گردد. ولی در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ سالانه فقط پنج حوزه نفتی کشف گردید که علت آن نیز عدم توانایی برآورد نیازهای مربوط به حفاری و کارهای زیربنایی بوده است. مهمتر از همه اینکه، بازده حوزه ساموتلر احتمالاً در سال ۱۹۸۰ رو به کاهش خواهد گذارد و در سالهای ۸۵-۱۹۸۲ کاهش آن عمده خواهد بود، در حالی که کاهشی که هم اکنون در مناطق دیگر در جریان است در اثر تخلیه ذخایر سریعاً افزایش می یابد. در نتیجه ما معتقدیم که بازده نفتی شوروی در سال ۱۹۸۰ به اوج خود خواهد رسید و در اوایل سالهای ۱۹۸۰ سیر نزولی سریعتری پیدا خواهد کرد. بنابراین برآورد ما پیش بینی می کنیم بازده نفتی این کشور در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود. البته اعتقاد داریم این مقدار بالاترین دامنه امکان تولید است و در صورتی که اکتشافات موفقیت آمیز باشند و حفاریها به خوبی انجام گیرد و شوروی بتواند تجهیزات و تکنولوژی مورد نیاز خود را وارد نماید، بدان نائل می شود. اگر نتیجه این اقدامات چندان مثبت نباشد، میزان بازده حداقل ۸ میلیون بشکه در روز

خواهد بود.

در کوتاه مدت حداکثر تولید سوخته‌های جایگزین از قبیل زغال سنگ و گاز طبیعی کاهش بازده نفت را به طور نسبی خواهد توانست جبران نماید. صنعت گاز طبیعی شوروی از مرحله رشد چشمگیر گذشته و وارد یک مرحله کاهش رشد گشته است. تولید زغال سنگ شوروی نیز بسیار کم و برای تأمین نیاز برنامه‌های کافی نمی‌باشد.

گرچه ذخایر گاز خیز بسیار بزرگ و تولید سالانه سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ بیش از حد مورد نیاز بود، ولی در آینده این میزان توأم با نقصان خواهد گشت.

* پتانسیل مهم رشد هم اکنون بیش از هر زمان از وقتی که صنعت گاز شوروی رشد سریع خود را از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد، بیشتر بر یک منطقه منفرد متمرکز شده است. در حال حاضر مهمترین منطقه گاز خیز تویمان اوبلاست شمالی در غرب سیبری می‌باشد. مشکلات فیزیکی و قیمت تمام شده مربوط به گسترش ذخایر در قلمروهای غیرقابل سکونت و احداث هزاران کیلومتر خط لوله جهت انتقال گاز برای استفاده داخلی و صادرات، مشکلات جدیدی را به وجود آورده است. زیربنای نه چندان خوب و شرایط سخت قطبی، حفاری، تولید و احداث خطوط لوله را توأم با کندی خواهد کرد و مانع از آن خواهد شد که شوروی‌ها بتوانند از این ذخایر عظیم بهره برداری نمایند.

* تولید ذخایر مهم دیگر کشور در اوکراین، قفقاز شمالی، و ازبکستان در سال ۱۹۷۶ به اوج خود رسید و برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ کاهش یافت و حتی برنامه ریزی شده که در چند سال آینده نیز سیر نزولی بیشتری را طی نماید.

شوروی دارای ذخایر عظیم زغال سنگ است، لیکن بسیاری از این ذخایر که در بخش اروپایی شوروی قرار دارند نیز مانند منابع نفت و گاز در حال رسیدن به انتها بوده و بهره برداری از آنها بسیار مشکل

و گران قیمت می باشد. بخش اعظم ذخایر جدید نیز در شرق مراکز صنعتی و بخش اروپایی کشور قرار دارند و بسیاری دیگر از ذخایر قابل دسترس شرق نیز از نظر کیفیت نامرغوب هستند. در دو دهه گذشته میزان افزایش سالانه زغال سنگ دو درصد بوده است و ۳ درصد افزایش سالانه سالهای ۸۰-۱۹۷۶ هنوز تأمین نشده است. کمبود واگنهای راه آهن جهت حمل و نقل زغال سنگ، استفاده نادرست از نیروی کار و کاهشهای اضافه شده بر ظرفیت بهره برداری از معادن جدید از جمله موانع مهم به شمار می آیند. با افتتاح معادن جدید در سیبری، مسئله حمل و نقل یک مشکل غامض رو به افزایش خواهد شد.

کاهش رشد مصرف انرژی در شوروی بدون تأثیر شدید بر اقتصاد بسیار مشکل خواهد بود. (۱) نحوه مصرف انرژی شوروی با الگوی مصرف آن در کشورهای صنعتی غرب بسیار متفاوت است و مشکلی است که صرفه جویی در انرژی را بسیار دشوارتر می سازد. صنایع شدیداً پرمصرف انرژی آهن و فولاد حدود ۱۳ درصد مصرف انرژی شوروی را به خود اختصاص داده اند. در حالی که این صنایع در آمریکا تنها ۳ درصد مصرف انرژی را شامل می شوند. در کشورهای غربی حمل و نقل و مسکن بخش اعظم مصرف انرژی را به خود اختصاص داده اند، و دورنمای صرفه جویی در این نقاط بسیار امیدوارکننده است. در شوروی بسیاری از تکنیکهای مربوط به صرفه جویی انرژی در صنایع و منازل که اکنون در غرب مورد بحث قرار گرفته، در شوروی به خدمت گرفته شده اند. در شوروی حرارت بسیاری از مناطق شهری و نیز

۱- به ضمیمه "ه" جهت مشاهده بحث مفصل پیرامون عرضه و مصرف انرژی در شوروی رجوع شود.

صنعتی از طریق سیستمهای مولد مشترک تأمین می گردد. در حالی که در غرب تعداد این سیستمها بسیار کم است (که اکثر آنها در آلمان غربی و سوئد واقع شده اند). ولی شوروی هزاران سیستم اینگونه ای را در خود مستقر کرده است. بخش اعظم حمل و نقل بار در شوروی توسط خطوط راه آهن انجام می گردد، در حالی که در آمریکا و اروپای غربی به جای آن از کامیون استفاده می شود. در رابطه با اتومبیلهای سواری، شوروی برای هر ۴۰ تا ۵۰ نفر از ساکنین خود یک اتومبیل دارد، در حالی که در آمریکا و کانادا هر دو نفر بیش از یک ماشین سواری و در اروپای غربی هر چهار تا پنج نفر یک اتومبیل سواری دارند.

به خاطر ساختار مصرف، صرفه جویی یا باید از طریق ارتقای تکنولوژی صنعتی و یا تغییر تولید از صنایع سنگین به صنایع و خدمات سبک تأمین گردد. ولی هیچ کدام از این کارها آسان نیست. ارتقای تکنولوژی زمان و هزینه بسیار لازم دارد. تغییر روش از صنایع سنگین مانند آهن و فولاد نیز با نظریات گروههای حاکم ذی نفع شوروی مغایرت دارد.

تولید واقعی ناخالص ملی در شوروی رو به کاهش است و انتظار می رود در سالهای ۱۹۸۰ نیز توأم با کاهش بیشتر باشد. ما پیش بینی می کنیم که افزایش تولید واقعی ناخالص ملی در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ معادل ۴ درصد در سال و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ معادل ۳ تا ۵/۳ درصد در سال باشد. (۱)

مصرف انرژی شوروی دارای رشدی سریعت از تولید ناخالص ملی در سالهای اخیر و سالهای ۱۹۶۰ می باشد. با در نظر گرفتن محدودیت موجود در زمینه صرفه جویی انرژی مجموع تقاضا برای انرژی

احتمالاً با نرخ مشابه به نرخ رشد، تولید ناخالص ملی در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ افزایش خواهد یافت. (۲)

کاهش قریب الوقوع در تولید نفت همراه با رشد تولید ناخالص ملی سبب خواهد شد که شوروی نتواند در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ به قدر کفایت نیازهای داخلی، نفت تولید نماید و در همان حال موضع خود را به عنوان صادرکننده عمده حفظ نماید. ما انتظار داریم که نرخ رشد برای تولید انرژی، حدود نیمی از تقاضا

باشد. بنابراین شوروی باید از مقدار صادرات انرژی خود به مقدار قابل ملاحظه ای بکاهد. در سال ۱۹۷۶

میزان صادرات انرژی این کشور معادل ۳/۳ میلیون بشکه نفت در روز بود، ولی تا سال ۱۹۸۵ تداوم

حداقل ۱ میلیون بشکه نفت در روز نیز، کاری بس دشوار خواهد بود. ما فکر می کنیم که تا سال ۱۹۸۵

بخش اعظم انرژی صادراتی این کشور را گاز طبیعی تشکیل دهد. در آن زمان، بین تولید و مصرف نفت

شوروی به سختی توازن برقرار خواهد گشت، بنابراین صدور مستمر نفت شوروی به دیگر کشورهای

کمونیستی به وسیله واردات حاصله از غرب تأمین خواهد شد.

فقر انرژی اروپای شرقی

به دلیل قلت منابع انرژی داخلی، حدود ۸۰ درصد انرژی مصرفی اروپای شرقی از طریق واردات

تأمین می شود. از ۲ میلیون بشکه نفتی که روزانه در سال ۱۹۷۶ مصرف شد، حدود ۶/۱ میلیون بشکه آن

۱- در دهه آتی شوروی با مشکل اقتصادی حادی روبرو خواهد شد. گذشته از مسئله انرژی □ به خاطر کاهش شدید در میزان رشد نیروی کار □ نرخهای رو به کاهش بازدهی سرمایه □ و کشاورزی فاقد کارایی و غیرقابل اعتماد □ و محدودیت در توانایی کسب ارز معتبر جهت واردات تکنولوژی موردنیاز و خریدهای وسیع و متناوب گندم □ انتظار بر پایین آمدن نرخ رشد می رود. بحث مفصل مربوط به دورنماها و مشکلات اقتصادی شوروی در نشریه ۱۰۴۳۶ □ ۷۷ ژوئیه ۱۹۷۷ آورده شده است.

۲- به ضمیمه "ه" رجوع گردد.

را واردات نفتی تشکیل می داد که ۸۵ درصد آن از طریق شوروی تأمین می گردید. تقریباً تمام نفت تولیدی اروپای شرقی از رومانی که تقریباً خود کفاست به دست می آید و مقداری از آن نیز در یوگسلاوی تولید می گردد که این کشور نیز می تواند ۳۰ درصد نیاز خود را تأمین کرده و بقیه آن را در ازای ارز معتبر خریداری می نماید. بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان، لهستان و آلمان شرقی تقریباً به طو رکامل به واردات متکی هستند که در حال حاضر تقریباً و منحصرأ با پرداخت ارز معتبر از اتحاد شوروی تأمین می نمایند.

رشد اقتصادی اروپای شرقی با کندی روبرو شده است. یعنی در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ معادل ۵/۳ درصد بوده است در حالی که در سالهای ۷۵-۱۹۷۱ میزان رشد برابر با ۵/۴ درصد بوده و ما فکر می کنیم که این کندی رشد همچنان ادامه خواهد داشت و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ معادل ۵/۳ تا ۴ درصد در سال خواهد بود. رشد تقاضای انرژی نیز دچار سیرنزولی شده است. علیرغم افزایش واردات گاز، تأکید بر تولید زغال سنگ و آغاز یک برنامه جاه طلبانه در زمینه انرژی هسته ای واردات فزاینده نفتی باید بتواند بخش اعظم تقاضای انرژی را بر آورده نماید. به نظر ما میانگین سالانه رشد واردات نفتی نیز بشدت کاهش خواهد یافت و از ۱۲ درصد در سالهای ۷۶-۱۹۷۱ به ۵ درصد در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ تقلیل خواهد یافت. به طور کلی اروپای شرقی نیاز مبرمی به واردات نفتی روزافزون خواهد داشت.

احتمالاً رومانی و یوگسلاوی خواهند توانست در ازای نفت مورد نیاز خود ارز معتبر بپردازند. نیاز رومانی به نفت وارداتی در سال ۱۹۸۵ نباید بیش از ۰۰۰/۱۰۰ بشکه در روز باشد. یوگسلاوی نیز در حال حاضر روزانه ۰۰۰/۱۸۰ بشکه نفت وارد می کند که احتمالاً نیمی از آن از طریق شوروی و در ازاء ارز معتبر به دست می آید. ولی تا سال ۱۹۸۵ یوگسلاوی روزانه به ۰۰۰/۲۵۰ بشکه نفت وارداتی نیاز خواهد داشت که تقریباً باید در ازای همه آن ارز معتبر بپردازد.

کاهش احتمالی تولید نفت شوروی مشکلات زیادی برای اروپای شرقی به وجود خواهد آورد، و احتمالاً این کشورها نیز مجبور خواهند شد در تحمل بار سنگین کمبود نفتی شوروی شریک باشند. بهترین وضع این است که پس از سال ۱۹۸۰ به احتمال زیاد در میزان صدور نفت شوروی به اروپای شرقی افزایشی پدید نخواهد آمد و بدترین وضع این است که این صادرات ممکن است، متوقف گردد. اگر بلغارستان، چکسلواکی، آلمان شرقی و مجارستان تا سال ۱۹۸۵ مجبور شوند نفت خود را از طریق غرب تأمین نمایند، با قیمتهایی که نفت در سال ۱۹۷۷ خواهد داشت باید معادل ۱۳ میلیارد دلار بپردازند و این رقم برابر کل ارز معتبری است که جمعا در سال گذشته به دست آورده بودند. ولی واضح است هیچ راهی وجود ندارد که آنها بتوانند چنین مخارجی را متحمل شوند. تحت چنین شرایطی احتمالاً شوروی به صادرات نفتی خود در سطحی پایین تر به اروپای شرقی ادامه خواهد داد و متعاقباً در ازای ارز معتبر از طرف آنها مقداری از نفت اوپک را نیز خریداری خواهد نمود.

دیگر کشورهای کمونیستی

در حال حاضر دیگر کشورهای کمونیستی بجز چین، نفت مورد نیاز خود را از شوروی وارد می کنند. آنها منابع انرژی جایگزین معدودی دارند و احتمالاً میزان واردات نفتی آنها افزایش خواهد یافت. کوبا بخش اعظم صادرات نفتی ۰۰۰/۳۳۰ بشکه در روز شوروی را در سال ۱۹۷۷ به خود اختصاص داده

است و مسکو برای تأمین نیاز انرژی آتی هاوانا اولویت خاصی قائل شده است. کوبا در سال ۱۹۷۶ روزانه معادل ۰۰۰/۱۸۰ بشکه نفت مصرف نمود و در سال ۱۹۸۵ احتمالاً معادل ۰۰۰/۲۵۰ بشکه در روز و یا بیشتر استفاده خواهد کرد. در سال ۱۹۷۶ هزینه کل واردات نفتی کوبا حدود ۹۰۰ میلیون دلار یا بیش از کل ارز معتبر اکتسابی توسط این کشور گردید. در رابطه با کره شمالی، ویتنام، و مغولستان باید گفت که در حال حاضر مجموع واردات روزانه آنها فقط حدود ۰۰۰/۵۰ بشکه نفت می باشد و احتمال دارد که فقط به میزان کمی افزایش یابد. چین می تواند احتمالاً در آینده برای آنها منبع جایگزین انرژی به شمار آید.

تداوم صادرات چین

در دهه آتی احتمالاً چین نخواهد توانست در زمره عرضه کنندگان اصلی نفت به بازار جهانی درآید. بازده ۸/۱ میلیون بشکه در روز سال ۱۹۷۷، چین را در زمره تولیدکنندگان نفتی مهم جهان قرار داده که با اندونزی و ابوظبی قابل قیاس می باشد. لیکن تقاضای داخلی به سرعت رو به افزایش است و درحال حاضر این کشور ۹۰ درصد تولیدات نفتی خود را خود مصرف می نماید.

رشد تولید نفت خام از ۲۰ درصد و یا بیشتر در اوائل سالهای ۱۹۷۰ به ۸ درصد در سال ۱۹۷۷ کاهش پیدا کرده است. این کاهش نیز ظاهراً به دلیل ناآرامیهای سیاسی و سرعت پیدا کردن مشکلات فنی در بالا بردن بازده حوزه های نفتی بزرگ به وجود آمده است. مهمترین حوزه های تولیدی اکنون ده سال و یا بیشتر از عمر خود را سپری ساخته اند و بخشهای کم عمق آنها درحال تخلیه کامل است. با این وصف چهار حوزه کم عمق جدید دیگر نیز وجود دارد که چینها خواهند توانست با تواناییهای کنونی حفاری خود بهره برداری از آنها را آغاز نمایند. و در همین حال پکن درحال وارد کردن تکنولوژی حفاری عمیق از آمریکا است. این کشور بهره برداری از خلیج پوهای را آغاز کرده و با استفاده از مته های وارده از سنگاپور، ژاپن و نروژ به حفاریها اکتشافی مبادرت ورزیده است.

در اوائل سالهای ۱۹۸۰ احتمالاً چین خواهد توانست بیش از نیاز اقتصادی داخلی نفت تولید نماید. و در سال ۱۹۸۲ میزان صدور نفت برابر با ۰۰۰/۵۰۰ تا ۰۰۰/۶۰۰ بشکه در روز خواهد گردید. ژاپن نیز احتمالاً بخش اعظم این صادرات را جذب خواهد نمود، چون براساس یک قرارداد تجاری درازمدت بین چین و ژاپن نفت و زغال سنگ چین با تکنولوژی ژاپن معاوضه خواهد گردید. برای افزایش صادرات نفت به سطحی فراتر از سال ۱۹۸۲، چین نیازمند شانس قابل ملاحظه ای برای یافتن ذخایر بزرگ که به آسانی قابل بهره برداری هستند، می باشد و یا اینکه باید در میزان مصرف داخلی نفت، اقتصاد مبنی بر صرفه جویی را تقویت نماید.

موازنه تجارت نفتی کمونیستی

بسته به اینکه تولید نفت شوروی در چه زمانی شروع به کاهش یافتن خواهد کرد و با در نظر گرفتن میزان رشد اقتصادی کشورهای کمونیستی مختلف، و رشد ارز معتبر اکتسابی آنان، واردات خالص نفتی آنها در سال ۱۹۸۵ معادل ۵/۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود. (به جدول ۱۰ نگاه کنید) این رقم در برگیرنده ۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز صادرات قابل پیش بینی چین، واردات ۷/۲ میلیون بشکه در روز اروپای شرقی، موقعیت تعادلی برای شوروی، واردات خالص ۰۰۰/۳۰۰ بشکه در روز برای دیگر

کشورهای کمونیستی به خصوص کوبا می باشد.

روشی که شوروی مشخصاً در تخصیص واردات و صادرات نفتی خود اعمال می نماید، البته جای تعمق و بررسی دارد. مسکو در حال حاضر حدود ۵ میلیارد دلار از طریق صادرات نفتی خود، عمدتاً به اروپای غربی ارزش معتبر به دست می آورد.

جدول ۱۰

البته ممکن است شوروی بخشی از این صادرات را ادامه دهد و مقداری نفت نیز از اوپک خریداری نماید تا نیاز خود را برآورده سازد و به همین ترتیب به صدور نفت خود به اروپای شرقی ادامه خواهد داد و مقدار موردنیاز برای جبران را نیز از اوپک وارد خواهد کرد. ولی چون هیچ یک از کشورهای اوپک حاضر نیستند که در ازاء چیز دیگری به جز ارزش معتبر نفت خود را به فروش برسانند، بنابراین تأثیر آن برتر از پرداختهای ارزی شوروی، حداقل مشابه توقف صدور نفت شوروی خواهد بود. تا زمانی که شوروی نفت را در ازاء ارزش معتبر وارد نماید تا بتواند به صادرات نفتی خود به اروپای شرقی و یا کوبا در ازاء ارزش غیرمعتبر ادامه دهد، تراز پرداختهای ارزی آن وضع وخیمتری پیدا خواهد کرد.

در صورتی که قیمت نفت معادل قیمت زمان حال آن باقی می ماند، کشورهای کمونیستی احتمالاً قادر می بودند تا وجوه لازم برای واردات نفتی خود را به میزانی که پیش بینی شده بود، تأمین نمایند. در سال ۱۹۷۷ مجموع واردات در مقابل ارزش و دریافتهای ارزی شوروی، اروپای شرقی و کوبا به طور گروهی

تقریباً موازنه داشت، و در هر طرف تراز معادل ۳۳ میلیارد دلار می گردید. میزان ارزش معتبری که این کشورها در نتیجه صدور نفت در سال (۱) ۱۹۷۷ به دست آوردند معادل ۵ میلیارد دلار بود. واردات نفتی

مورد نیاز آنها در سال ۱۹۸۵ برابر با ۵/۲ میلیون بشکه در روز خواهد بود که اگر قیمت‌های نفت در سال ۱۹۷۷ ثابت بماند بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار خواهد گردید. بنابراین ۱۷ میلیارد دلار ارزش لازم، نیمی از ارزش

معتبر دریافتی آنان را تشکیل خواهد داد. بنابراین منطقی است اگر فرض کنیم که ارزش معتبر دریافتی حاصله از صادرات غیرنفتی، طلا، و اعتبارات خالص تا پایان سال ۱۹۸۵ باید حداقل به سطح ۱۰ میلیارد دلار برسد. در نتیجه گرچه لازم خواهد شد که در واردات غیرنفتی کاهش پدید آید، ولی به نظر می رسد که تمام واردات واجد ارجحیت آنها به این ترتیب برآورده شود.

این پیش بینی فرض را بر آن قرار داده است که تولید نفت شوروی در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز و یا حد بالای دامنه ای که ما احتمال آن را می دهیم، خواهد بود. ولی اگر تولید نفت در حد پایین دامنه مورد پیش بینی ما یعنی ۸ میلیون بشکه در روز باشد، فکر نمی کنیم که بتوانند کمبود مربوط را با وارد کردن نفت اضافی مورد نیاز در ازاء ارزش معتبر جبران نمایند. واردات به میزان مورد لزوم بر تراز پرداختهای تلفیقی شوروی و اروپای شرقی تأثیر غیرقابل تحملی خواهد گذاشت. به همین دلیل ما معتقدیم که پیدایش هرگونه کمبود در تولید نفت شوروی از طریق رشد اقتصادی کندتر در اقتصاد شوروی

۱- بشکه در روز می باشد و به استثنای صادرات پیش بینی ۵ به استثنای پیش بینی نفتی که به صورت پایاپای وارد می گردد و معادل شده چین.

و اروپای شرقی جذب خواهد گشت و در بازار جهانی منعکس نخواهد گردید. (۱) گرچه حجم واردات نفتی کمونستی مشخص و معلوم نیست، لیکن شک نداریم که شوروی و اروپای شرقی با مشکل عظیمی در زمینه انرژی و اتخاذ سیاستهای دردناک روبرو می شوند.

تقاضای جهانی برای نفت اوپک تا پایان سال ۱۹۸۵

براساس پیش بینی های متعددی که در بالا شرح آن رفت، ما فکر می کنیم که تقاضای جهان برای نفت اوپک به ۶/۴۱ تا ۴۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید، البته در صورتی که عرضه نفت جهت تأمین این تقاضاها کافی باشد. (به جدول ۱۱ نگاه کنید) سطح تقاضای پایین تر همراه با ۷/۳ درصد رشد سالانه در کشورهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ خواهد بود. ولی سطح بالای دامنه تقاضا منعکس کننده ۲/۴ درصد رشد سالانه کشورهای پیشرفته می باشد. در هر دو سناریو فرض بر این قرار داده شده که تقاضای اوپک برای نفت خودش بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵ دوبرابر و معادل ۴ میلیون بشکه در روز خواهد گردید.

موازنه عرضه و تقاضا نفتی: تأثیرات

گرچه دامنه عدم اطمینان که عرضه و تقاضای انرژی را دربر می گیرد وسیع است، لیکن واضح است که عرضه نفت در کشورهای مهم اوپک و غیر اوپک در نیمه اول سالهای ۱۹۸۰ مازاد چندانی برای برآوردن تقاضای بیشتر و احتمالی باقی نخواهد گذاشت مگر اینکه شرایط بسیار مناسب باشد. این موضوع الزاماً به معنی آن نیست که قیمت‌های نفت بسیار افزایش خواهد یافت، حتی اگر خطر این تحول زیاد باشد. اگر رشد اقتصادی آنقدر پایین باشد که بتواند مانع افزایش مهم در قیمت‌ها بشود، احتمالاً به جای آن میزان بیکاری در کشورهای پیشرفته بالا خواهد رفت.

با نزدیک شدن به سال ۱۹۸۵ احتمال کمبود نفت نیز زیاد می شود. (به تصویر ۱۲ نگاه کنید) بجز در

مواردی که نرخهای رشد اقتصادی خیلی بالا هستند احتمال برابری عرضه با تقاضا تا سال ۱۹۸۲ نسبتاً پایین است. اگر رشد اقتصادی سازمان همکاری و عمران اقتصادی آنقدر بالا باشد که میزان بیکاری را تخفیف دهد (یعنی سالانه بیش از ۲/۴ درصد باشد) براساس تمام فرضیات، عرضه می تواند بر بازار نفت در سال ۱۹۸۲ فشارهایی وارد سازد.

تصویر ۱۲ و جدول ۱۱

در سالهای ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ تعهد عربستان سعودی مبنی بر رسانیدن سطح تولید به ۵/۱۲ میلیون بشکه در روز و تحولات امیدوار کننده همزمان در دیگر کشورهای اوپک توأم با رشد اقتصادی کمتر از ۵/۳ درصد می تواند از بین برنده مشکلات بازار نفت باشد. تا سال ۱۹۸۵ کلیه تلفیقات در سناریوهای پایه ما در مورد عرضه و تقاضا دیگر قابل دفاع نیستند. پیش بینی ما در مورد واردات خالص نفتی کشورهای کمونیستی

۱- یلیون بشکه در روز که در گزارش آوریل ۱۹۷۷ ارائه شده بود براساس رشد اقتصادی سریعتر شوروی به دست ۳ / میلیون تا ۵ / ۱ ارقام ۵ آمده بود و میزان صرفه جویی و مشکلات تراز پرداختها را در نظر نگرفته بود.

آنقدر بحرانی نیست که بتواند به نتیجه گیری همه جانبه در مورد کمبود در بازار نفتی بینجامد. ولی اگر کشورهای کمونیستی بتوانند از وارد کردن نفت خودداری نمایند، فشار تقاضای پیش بینی شده بر تولیدات نفت در مورد هریک از ترکیبات عرضه اوپک و تقاضای سازمان همکاری و عمران اقتصادی مدت یک سال به تعویق خواهد افتاد.

برای به آزمایش گذاشتن حساسیت این نتایج نسبت به تحولات مربوط به عرضه انرژی غیرنفتی و صرفه جویی، ما سناریوهای پایه ای تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی را در سال ۱۹۸۵ معادل ۵/۲ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد کاهش دادیم (که در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ به صورت خطی افزایش یابند). (۱)

اولین کاهش سبب می شود که در میزان تقاضای آمریکا در مورد وارد کردن نفت به مقدار ۲ میلیون بشکه در روز کاهش پیدا شود که این امر را وزارت انرژی نیز به دنبال قانون و مقررات پیشنهادی آمریکا یا به خاطر برنامه هایی با تأثیر مساوی در تمامی دیگر نقاط سازمان همکاری و عمران اقتصادی محتمل می داند. کاهش دوم هر دو نتیجه را به دست می دهد. سومین کاهش خطاهای بزرگتری را در پیش بینی تقاضای انرژی و نفت پدید می آورد. با در نظر گرفتن ۱۰ درصد کاهش شدید، می توان گفت که از میزان تقاضای نفتی سازمان در سال ۱۹۸۵ روزانه ۱۰ تا ۷/۱۰ میلیون بشکه کم می شود و تقاضای جهان برای نفت اوپک را فقط به میزان ۶/۳۱ تا ۳/۳۴ میلیون بشکه در روز براساس فرضیات مربوط به تولید ناخالص کاهش می دهد.

اگر کاهش ۵/۲ درصد در نظر گرفته شود، دوران پرخطر مشکل نفتی تا سال ۸۵-۱۹۸۳ مدت یک سال به تأخیر خواهد افتاد. در واقع، براساس این فرضیه صرفه جویی جایگزینی یعنی ترکیب رشد اقتصادی کمتر و عرضه بیشتر اوپک، بروز کمبودهای بازار نفت به سال ۱۹۸۶ موکول می گردد. ولی

درصد کاهش تأخیر بیشتری را ایجاد می نماید، حتی اگر فشارهای تقاضا برای نفت تا سال ۱۹۸۵ به

حدود یک میلیون بشکه نفت در روز از تولیدات نفتی تحت کلیه ترکیبات سناریوهای ما بجز ترکیب تولید

بالای اوپک و رشد پایین سازمان همکاری و عمران اقتصادی، نزدیک شود، ۱۰ درصد کاهش نیز سبب

می شود که جهان تا سال ۱۹۸۵ با مشکل نفتی روبرو نشده، مگر آنکه تولید نفت اوپک در سطح پایین و

میزان رشد در سطح بالای دامنه پیشنهادی ما باشد.

چند عامل می تواند خطر مشکل نفتی را در نیمه اول سالهای ۱۹۸۰ از میان بردارد، که عبارتند از:

* در سالهای ۸۵-۱۹۷۸ میانگین رشد تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری و

عمران اقتصادی باید کمتر از $\frac{7}{3}$ درصد در سال باشد، یا؛

۱- خطاهای مستقل در پیش بینی عرضه و تقاضای انرژی بدون اینکه بر احتمال کمبود عرضه نفت اوپک تأثیر بگذارند از بین می روند. برای ارزیابی از بین رفتن این خطاها □ ما احتمال کمبود نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ را با در نظر گرفتن پنج شرط محاسبه کردیم. یعنی: (الف) شکاف بین عرضه و تقاضای اوپک به ۱۱ متغیر مختلف بستگی دارد که عبارتند از تقاضای انرژی □ تولید نفت و منابع انرژی غیر نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی □ عرضه و تقاضای نفتی دیگر کشورهای پیشرفته □ کشورهای روبه رشد غیر اوپک □ کشورهای کمونیست و کشورهای اوپک □ (ب) بهترین حدس در مورد هر یک از ۱۱ متغیر در رابطه با برآورد حد وسط □ (ج) هر برآورد تابع نوعی خطا است □ (د) حد خطای هر برآورد یک متغیر تصادفی در توزیع نرمال با میانه صفر و انحراف معیاری معادل ۱۰٪ برآورد می باشد □ و (ه) حدود ۱۱ خطا مستقل هستند. حتی با در نظر گرفتن چنین وسعتی برای خطای برآوردها □ احتمال بروز کمبود نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ به میزان ۷۴ درصد وجود دارد.

* کویت و ابوظبی باید محدودیتهای تولیدی فعلی را از بین ببرند، عربستان سعودی نیز باید محدودیت عملیاتی را از میان بردارد و اقدام به سرمایه گذاریهای جدید سنگینی بنماید، ایران در برنامه تزریق کار موفق شود و عراق نیز بیشترین مقدار مورد پیش بینی ما را تولید نماید، یا؛

* کشورهای مصرف کننده نفت بایستی انگیزه های جدیدی برای ساخت تجهیزات صرفه جویی کننده انرژی، ساخت ماشین آلاتی که انرژی را به صورت مفیدتری مصرف نمایند، بازگشت سریعتر سرمایه کارخانجات اتومبیل سازی و افزایش در استفاده از انرژی غیرنفتی، ابداع نمایند. این صرفه جوییها بایستی سبب شود که در رابطه مصرف انرژی و تولید ناخالص ملی کاهش معادل ۵/۱ درصد در سال، و به همان سرعتی که در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ پدید آمد، بوجود آید.

* و یا رشد اقتصادی کندتر و صرفه جویی انرژی خیلی بیشتر از آن چیزی باشد که اکثر پیش بینی کنندگان اظهار می دارند و سیاستهای نفتی اوپک نیز گسترش بیشتری پیدا کنند.

ضد فشارها

فشارهای سیاسی و اجتماعی موجود ر کشورهای مصرف کننده در خیلی از موارد در جهت عکس تحولاتی است که کمبودهای بازار نفت را کاهش می دهند. مثلاً در حالی که سه سال پس از آخرین بحران اقتصادی میزان بیکاری ۱۶ میلیون نفر است، به دولتهای عضو سازمان همکاری و عمران اقتصادی فشار وارد می شود، تا میزان رشد اقتصادی را بالا ببرند. مجموعه ای از انتخابات ملی که برای سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ در نظر گرفته شده اند تمایل به افزایش قیمتها تا سطح مطلوب را تقویت می نمایند. گرچه میزان تحمل عموم در رابطه با بیکاری چندان مشخص نیست، ولی بدون شک معلوم نیست که بسیاری از رأی دهندگان واقعیت مشاغل کمتر در کوتاه مدت را بپذیرند، تا از کاهش روند اقتصاد متکی به نفت در اواسط سالهای ۱۹۸۰ دور بمانند.

در همین حال، عرضه اضافی نفت در نتیجه جریانهای جدید نفت آلاسکا و دریای شمال در زمانی که میزان تقاضا پایین است و صنعت زغال سنگ نیز به خاطر کاهش تقاضای جهانی فولاد بیش از این نمی تواند تولید نماید، سبب شده است که مردم و حتی در بعضی موارد دولتها فرارسیدن مشکل نفتی را باور نمایند. همین مسائل سبب می گردد که در مورد انرژی سیاست های بهتری اتخاذ نگردد و سبک زندگی نیز تغییری نیابد. و در بسیاری از کشورها نحوه سرمایه گذاری با سرعت کند و با به تعویق انداختن عرضه روشها و ماشین آلات تولیدی با صرفه تر از نظر مصرف انرژی برخلاف منافع حاصله از صرفه جویی اساسی عمل می نماید.

تأثیر افزایش احتمالی قیمت

در صورتی که سیاستهای دولتی در کشورهای پیشرفته سبب شود که در موقع کندی رشد عرضه نفت، تقاضا بالا برود، قیمت نفت و تدریجا دیگر اشکال انرژی بشدت بالا خواهد رفت. در کوتاه مدت بار سنگین تطابق با قیمتهای بالاتر بر رشد اقتصادی تأثیر گذاشته و فشار خواهد آورد. افزایش واقعی قیمتهای انرژی به چند طریق زیر، رشد تولید ناخالص ملی را کاهش و میزان بیکاری را افزایش خواهد داد.

* افزایش قیمت انرژی سبب می شود که درآمد از عرضه نفت اوپک و تقاضا برای آن مصرف کنندگان به تولید کنندگان انرژی انتقال یابد که آنها نیز احتمالاً منابع مالی در دسترس خود را فوراً مصرف نخواهند کرد. کاهش حاصله در درآمد هر کشور نیز امری بحرانی به حساب می آید، چون کشورها در رشد دادن اقتصاد خود به واردات دیگران متکی هستند.

* افزایش قیمت‌های نفت یکی از ضرایب تولیدی (نفت) را محدود کرده، نیروی تولیدی اقتصاد جهانی را کاهش می بخشد. بنابراین حتی اگر دولتها تلاش کنند تا تأثیرات کاهش تقاضا به خاطر قیمت‌های بالاتر نفت را خنثی نمایند، تولید ناخالص ملی، همچنان کمتر و تورم بیشتر از آنی خواهد شد که در صورت رشد سریعتر تولیدات نفتی به وقوع می پیوست.

* بعضی از دولتها از سیاست‌های تحدیدی اقتصادی پیروی می کنند به این منظور که در کسری پرداخت‌های خارجی و تورم حاصله از افزایش قیمت انرژی تقلیل ایجاد نمایند. گرچه تصمیم گیرندگان آگاهند که این گونه اقدامات به دنبال افزایش قیمت‌ها در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ سیر نزولی فعالیت‌های اقتصادی را وخیم تر کرد، ولی عکس العمل امروز آنها نیز چندان متفاوت نخواهد بود، چون بسیاری از کشورهای صنعتی اکنون بدهی‌های خارجی عظیمی را دارا می باشند. به هر حال، در بازاری که کمبود نفت بسیار شدید است، تلاش برای از بین بردن تأثیر افزایش قیمت بر تولید ناخالص ملی، راه را برای افزایش بعدی قیمت‌ها هموار می سازد.

به دنبال افزایش قیمت نفت در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ جهان پیشرفته از عمیق ترین بحران پس از جنگ لطمه دید. کاهش رشد با تورم دو رقمی و وخیم تر شدن موضع تجاری بین المللی کشورهای صنعتی همراه بود. بین سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵، رشد تولید ناخالص ملی سازمان همکاری و عمران اقتصادی ۸ درصد کاهش یافت. ولی قیمت کالاهای مصرفی ۳۰ درصد افزایش یافت. گرچه چهار برابر شدن قیمت نفت به

دنبال تحریم نفتی تنها عامل مؤثر نبود، ولی تأثیر متعاقب آن بر نحوه عملکرد منفی اقتصادی بسیار زیاد بود. طبق محاسبات ما در حال حاضر هر ۱۰ درصد افزایش در قیمت نفت خام معادل نیم درصد از نرخ رشد اقتصادی سازمان همکاری و عمران اقتصادی می‌کاهد و کمی بیش از آن (۵/۰ درصد) به نرخ تورم می‌افزاید. افزایش قیمت‌ها به این میزان در زمان حال با ۶۰ درصد افزایش قیمت نفت اوپک در زمان تحریم نفتی برابر است، چون در حال حاضر نفت در فعالیتهای اقتصادی و علی‌الخصوص در ساختار قیمت تمام شده مصنوعات کارخانجات نقش مهمتری را بر عهده دارد.

تصمیمات اوپک پیرامون قیمت گذاری

همان طور که قبلاً گفتیم، تجزیه و تحلیل اساسی ما فرض را بر آن قرار داده است:

* در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ قیمت واقعی و نهائی انرژی در کشورهای اروپای غربی، ژاپن و کانادا ثابت خواهد ماند.

* در سالهای ۸۵-۱۹۷۷ قیمت‌های واقعی و نهائی انرژی در آمریکا سالانه ۵/۲ درصد افزایش خواهد یافت.

* قیمت واقعی صادرات نفتی اوپک در سالهای ۸۵-۱۹۷۹ ثابت خواهد ماند.

در پیش بینی های ما قیمت‌های واقعی و نهائی انرژی و تولید ناخالص ملی واقعی، تعیین کننده تقاضا

برای نفت اوپک می باشند. قیمت واقعی نفت اوپک نیز به نوبه خود قیمت‌های واقعی و نهائی انرژی را مشخص می نماید. قیمت‌های واقعی نفت از سال ۱۹۷۶ به بعد کاهش یافته اند، ولی اطلاعات ناچیز موجود حاکی از آن است که قیمت‌های نهائی انرژی در کشورهای مصرف کننده در نتیجه افزایش مالیات محصولات انرژی و قیمت انرژی غیرنفتی ثابت مانده و یا افزایش می یابد. بنابراین فرضیات ما در مورد قیمت‌های واقعی ثابت و نهائی برای انرژی در کشورهای صنعتی در خلال مدتی که قیمت واقعی نفت اوپک کاهش می یابد، منطقی به نظر می رسد. در نتیجه، افزایش رسمی قیمت نفت اوپک اگر آنقدر باشد که بتواند قدرت خرید هر بشکه نفت صادر شده را به سطح سال ۱۹۷۶ اعاده نماید، قیمت نهائی انرژی در کشورهای مصرف کننده را نیز افزایش خواهد داد، مگر آنکه این کشورها میزان مالیاتها را پایین آورده و یا اقدامات جبران کننده دیگری انجام دهند.

در داخل اوپک فشارهای زیادی برای افزایش دادن قیمت واقعی نفت به وجود آمده است. مازاد حساب جاری تلفیقی کوچک (برای تمام اعضا) در حال کاهش می باشد. (به جدول ۱۲ نگاه کنید) اعضای اوپک دریافته اند که علت کاهش قیمت‌های نفت در سالهای ۷۸-۱۹۷۶ (الف) افزایش ناچیز یا عدم افزایش در قیمت‌های رسمی نفت، (ب) افزایش قیمت‌های صادراتی از طرف تولیدکنندگان اوپک، (ج) و کاهش اخیر ارزش دلار بوده است. در سال ۱۹۷۸ ما حدس می زنیم که در میانگین قیمت واقعی نفت نسبت به قیمت‌های سال ۱۹۷۶ معادل ۸ درصد کاهش پدید خواهد آمد. در همان حال، تعدادی از کشورهای اوپک مانند نیجریه، اکوادور، الجزائر و ونزوئلا به درآمد بیشتری نیاز دارند تا بتوانند نیاز وارداتی خود را در مورد برنامه های عمرانی جاه طلبانه برآورده سازند.

جدول ۱۲

بنابراین اوپک می تواند با وجود کساد بازار نفت، قیمت نفت خود را بالا ببرد، و این کارتل نفتی

خواهد توانست با کاهش مشترک اعضاء در تولید به صورت سهمیه ای از قیمت‌های افزایش یافته حمایت نماید و در عین حال به میزان درآمدهای خود بیفزاید. اگر اوپک تصمیم بگیرد که با نرخى بیشتر از نرخ تورم جهانی قیمت‌های نفت خود را افزایش دهد، افزایش در قیمت‌های واقعی نفت موجب خواهد شد که صرفه جویی شدیدتری در پیش گرفته شود. اگر دولتها نتوانند مانع از تأثیر هزینه های فزاینده انرژی بر تولید ناخالص ملی شوند، افزایش قیمت واقعی نفت اوپک با کاهش دادن رشد اقتصاد جهانی موجب پایین آمدن تقاضای نفتی خواهد گردید. کاهش تقاضا نیز مدت پیدایش بحران شدید در بازار نفتی را به تعویق خواهد انداخت و فشار نفت بر رشد اقتصادی هرگز خود را به صورت آشکار نشان نخواهد داد.

البته یک خسارت در چند سال آینده احتمالاً بیکاری فزاینده خواهد بود تا مورد دیگری.

پیش بینی پیدایش کمبود نفت نیز می تواند در چند سال آینده منجر به پیش بینی افزایشهایی در قیمت واقعی اوپک گردد. اگر اوپک یک بازار وخیم و مواجه با کمبود را پیش روی ببیند، ممکن است تصمیم بگیرد که قبلاً قیمت‌ها را بالا ببرد تا تأثیر آنها بر اقتصاد جهان تدریجی باشد. یک سری افزایش قیمت واقعی معتدل پی در پی و پیش بینی شده، تأثیر تدریجی ولیکن متراکم ضدتورمی بر اقتصاد جهان خواهد گذاشت.

به ترتیب دیگری، اگر آگاهی جهان در مورد مسائل محتمل الوقوع گسترش یابد فشارهای ناشی از احتکار

نیز به خودی خود در چند سال آینده ممکن است باعث بالا بردن قیمت‌ها شوند. در صورتی که تا اوائل سالهای ۱۹۸۰ قیمت واقعی نفت اوپک ثابت بماند، با شروع پیشی گرفتن تقاضا بر تولید و عرضه نفت، یک ترقی سریع و ناگهانی در قیمت‌های نفت می‌تواند به وجود آید.

نتیجه‌گیری پایانی

فشار نفتی به هر صورتی که اعمال گردد، اکثر کشورها در انتقال به جوامع غیرمتکی به نفت دچار مشکلات فراوانی خواهند شد. در کوتاه مدت برنامه‌های زمانی برای پروژه‌های عمرانی، میزان سرمایه، و حتی فرامین دادگاهها و سبک زندگی بر نحوه و وسعت تصمیم‌گیریها محدودیتهایی ایجاد می‌کنند. سیاستهایی که قادرند تقاضای نفتی را کاهش دهند احتمالاً با سیاستهایی که هدف آنها ایجاد کار بیشتر و کاهش تورم است و نیز با نگرانیهای مربوط به حفاظت محیط زیست در تضاد می‌باشند. چون برقراری تعادل در عناصر مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیار سخت و شدید است. تصمیماتی که سیاستمداران در خلال چند سال آتی مجبور به اتخاذ آن می‌باشند ابعاد جدیدی از خطرات را دربر خواهند داشت.

بسیاری از افراد دفتر تحقیقات اقتصادی در تهیه این رساله ما را یاری داده‌اند. از نقطه نظرها و سؤالات استقبال می‌شود و لطفاً آنها را برای شعبه انرژی بین‌المللی شماره ۵۸۰۴-۳۵۱ بفرستید.

ضمیمه الف: متدولوژی

متدولوژی (روشها، قوانین، فرضیات و نظامات حاکم بر این تحقیق علمی م)

اطلاعات پایه مربوط به انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

در تدوین سری تقاضاهای انرژی آمریکا، ژاپن، اروپای غربی و کانادا، ما در جایی که امکان داشته از منابع اصلی اطلاعات استفاده کرده‌ایم. در اکثر موارد اطلاعات اولیه به صورت واحدهای اصلی انرژی

گزارش شده است (واحد مربوطه) که ما آنها را به یک واحد یکسان یعنی معادل نفتی یک میلیون بشکه در روز تبدیل کردیم. (به جدول الف ۱ نگاه کنید) این تبدیل واحد به میلیون بشکه در روز سبب می گردد که تقاضای نفتی که مهمترین عنصر تقاضای انرژی آمریکا محسوب می گردد، بدون توسل به تبدیل، محاسبه شود.

اطلاعات ما در مورد تقاضای انرژی با اطلاعات مشابه جمع آوری شده توسط دیگر تحقیق کنندگان تفاوت دارد. این اختلافات به ترتیب کاهش میزان اهمیت به شرح زیر می باشند:

* سرّی تقاضاهای ما به جای مجموع اطلاعات در مورد استفاده نهائی از انرژی توسط هریک از بخشهای مصرف کننده انرژی، مجموعه ای از کل اطلاعات تولید و مبادله مربوط به هر سوخت به طور منفرد می باشد.

* در برآورد مصرف نفت، انبارهای ذخیره نفت واحدهای دریایی را نیز در نظر گرفته ایم.

* برآورد ما در مورد مصرف نفت آمریکا شامل محصولات حاصله از جریان تولید (با پالایش) نفت نمی گردد.

* برای اندازه گیری برق تولیدی توسط منابع ژئوحرارتی، هسته ای و هیدرو از یک واحد میانگین حرارتی استفاده کرده ایم (که معادل میلیون بشکه نفت در روز می باشد).

* در مورد گاز طبیعی کانادا از اطلاعاتی استفاده کرده ایم که با تعریف آمریکا در مورد گاز تولیدی قابل فروش در بازار منافات نداشته باشد.

(جدول الف ۱)

* جهت جلوگیری از تجدیدنظر در اطلاعات تشریح نشده و یا ناقص موجود در یک سری اطلاعات منتشره مربوط به تقاضا برای انرژی در زمانهای مختلف، به منابع اطلاعاتی اولیه تکیه کرده ایم.

* ما از اطلاعات انرژی ژاپن براساس سال تقویمی به جای سال مالی استفاده کرده ایم.

* به جای تولید خالص برق تولید ناخالص آن را گزارش نموده ایم.

* از ضرایب تبدیلی متفاوت برای سوختها و کشورهای مختلف استفاده کرده ایم تا تقاضای انرژی را به معادل نفتی آن یعنی میلیون بشکه در روز تبدیل نماییم.

برای برآورد قیمت‌های نسبی انرژی آمریکا، ژاپن، اروپای غربی و کانادا، برای هر یک از چهار منطقه

یک سری قیمت‌های مصرف کننده نهائی انرژی به وجود آوردیم و پس از آن این قیمت‌ها را با استفاده از

عوامل جلوگیری از رشد تولید ناخالص ملی به دلار با نرخ تسعیر ثابت تبدیل کرده ایم. سری قیمت‌های

مصرف کننده نهائی میانگینهای محاسبه شده قیمت انواع مهم انرژی از قبیل سوخت‌های جامد، نفت

تولیدی، گاز طبیعی، و برق به شمار می آیند. این میانگین ها سهمی از مصرف کلی انرژی می باشند.

قیمت‌های مهمترین انواع انرژی، میانگین قیمت‌هایی است که توسط مصرف کنندگان انرژی پرداخت می گردد.

(به جدول الف ۲ نگاه کنید)

مطالعات دیگر در مورد تقاضای انرژی در کوتاه مدت و درازمدت به برآورد بالاتری از کشش قیمت‌ها

نسبت به تحقیقات ما دست یافته اند. تحلیل ما پیرامون علتهای احتمالی این تفاوتها و اختلافات نشان می دهد که منبع مهم تولید اختلاف، انتخاب زمان تاریخی خاص به عنوان پایه برآوردها می باشد. اکثر برآوردهای دیگر در مورد زمانهای قبل و تا سال ۱۹۷۳ انجام گرفته، در حالی که ما در ارائه برآوردهای خود از اطلاعات مربوط به سالهای ۱۹۷۴-۷۶ استفاده کرده ایم. دوره زمانی انتخابی تفاوت زیادی را در زمینه نتایج حاصله پدید می آورد. به طور مثال برآوردهای ما در مورد کشش قیمت برای تقاضای انرژی کوتاه مدت و درازمدت آمریکا با استفاده از اطلاعات مربوط به سالهای ۱۹۶۱-۷۶ به ترتیب عبارت است از ۰۰۷۵/۰-، ۰۲۰/۰- با استفاده از معادلات مشابه، برآوردهای مربوط به سالهای ۱۹۶۱-۷۳ کشش قیمت کوتاه مدت و دراز مدت معادل ۰۰۹۵/۰- و ۰۲۶۸/۰- را نشان می دهد، ولی برآورد مربوط به سالهای ۱۹۶۱-۷۲ کشش قیمت کوتاه مدت و درازمدت ۰۳۳۴/۰- و ۰۱۱/۰- را به دست می دهد.

جدول الف ۲

پیش بینی های مربوط به تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

برای پیش بینی تقاضای انرژی سالانه این سازمان تا پایان سال ۱۹۸۵ چهار مرحله را در مدنظر قرار

داده ایم:

* در مورد تولید ناخالص ملی واقعی و قیمت‌های انرژی، سناریوهای آتی را در نظر گرفته ایم. در این

رابطه از دو سناریوی قابل جایگزینی برای تولید ناخالص ملی استفاده کرده ایم. اطلاعات تاریخی مربوط

به رشد تولید ناخالص ملی در جدول الف ۳، و سناریوهای مربوط به آینده در جداول الف ۴ و الف ۵

نشان داده شده است. در رابطه با قیمت‌های نسبی انرژی، ما فرض را بر آن قرار داده ایم که پس از سال

۱۹۷۷، در قیمت‌هایی انرژی آمریکا سالانه ۵/۲ درصد افزایش به وجود خواهد آمد. قیمت‌های واقعی انرژی

در نقاط دیگر ثابت فرض شده است. سناریوهای مربوط به تولید ناخالص ملی و قیمت‌های انرژی

پیش بینی نمی باشند، بلکه برای برآورد زمانی که عوامل بازار سبب بالا رفتن قیمت نفت اوپک می شود به

کار خواهند رفت.

* در مورد آمریکا، ژاپن، اروپای غربی و کانادا نیز معادلاتی در زمینه تقاضای انرژی آنها تهیه

کرده ایم. در ذیل به شرح مفصل این معادلات پرداخته خواهد شد. در استفاده از معادلات جهت پیش بینی

تقاضای انرژی، ما تأثیر روندهای مفروض قیمت‌های انرژی و فعالیت کلی اقتصادی را نیز در نظر گرفته ایم؛

لیکن تأثیر لایحه سیاست انرژی و صرفه جویی آمریکا و دیگر سیاست‌های انرژی ملی را که کاملاً بر تغییر

قیمت انرژی متکی نیستند، حذف کرده ایم.

* برای دخالت دادن تأثیر آتی لایحه سیاست انرژی و صرفه جویی آمریکا و دیگر تأثیرات غیرمرتبط

با قیمت بر تقاضای انرژی، ما پیش بینی های حاصله از معادلات تقاضا را کاهش دادیم. درصد کاهش

به طور مستقیم از صفر در سال ۱۹۷۷ به ۵ درصد در سال ۱۹۸۵ افزایش می یابد. این برآورد کاهش یافته

پایه پیش بینی سیا در مورد تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی می باشد.

جدول الف ۳، الف ۴ و الف ۵

* با جرح و تعدیل پیش بینی های مربوط به تقاضا در رابطه با لایحه سیاست انرژی و صرفه جویی آمریکا و دیگر اقدامات توأم با صرفه جویی که با قیمت در ارتباط نمی باشند، در هریک از پیش بینی های سالانه، جایی برای تقاضای نفتی لازم جهت تأمین برنامه های دولت در مورد ذخایر اضطراری باز کرده ایم.

این اضافات و پیش بینی ها در مورد تقاضای نهایی انرژی در جدول الف ۶ نشان داده شده است)

معادلات ما در مورد تقاضای انرژی بر دو فرضیه استوار است:

* در صورتی که در هریک از چهار منطقه ای که ما تقاضای انرژی آن را برآورد می نماییم، قیمت های انرژی ثابت بماند، بنابراین درصد تغییر در تولید ناخالص ملی منطقه تقریباً متناسب با تغییری است که در تقاضای انرژی آن منطقه پدید می آید. این ضریب تناسب، که اغلب آن را حساسیت تقاضای انرژی با توجه به تولید ناخالص ملی می خوانند در رابطه با هر منطقه متفاوت است.

* درصد ناچیز تغییر در قیمت های انرژی در یک سال در هر منطقه نشانگر درصد کاهش تقاضای

انرژی همان سال آن منطقه است. ضریب متناسب سال اول به عنوان کشش قیمت کوتاه مدت تقاضای انرژی آن منطقه به حساب می آید. علاوه بر این، افزایش قیمت انرژی هر سال موجب می گردد که تقاضای انرژی در سالهای بعدی کاهش یابد. تأثیر کلی افزایش قیمت بر تقاضا به وسیله کشش قیمت در درازمدت اندازه گیری می شود.

از نظر ریاضی ما فرض می کنیم که تقاضای کلی انرژی هر منطقه در هر سال که $ED(t)$ است، با تولید ناخالص ملی واقعی هر منطقه یعنی $GNP(t)$ و قیمت های انرژی در گذشته و حال یعنی $P(t-1)$ ، $P(t)$ ، $P(t-2)$ ، ... بستگی دارد. و نیز تقاضای انرژی $ED(t)$ بر چند پارامتر تقریبی یعنی عامل ثابت AO ، تقاضای انرژی/نوسان تولید ناخالص ملی A_1 و کشش ها یعنی B_1 ، B_2 ، B_0 و ... بستگی داشته، و با تغییرهای قیمت یعنی $P(t-2)$ ، $P(t-1)$ ، $P(t)$ تطابق می نماید. کشش قیمتها فرضاً در طول این مدت یک سیر نزولی هندسی را در پیش می گیرد. خصوصاً اینکه، ما از حرف L برای نشان دادن ارزش صفر تا یک و از حرف B برای نشان دادن پارامتر منفی برآورد استفاده کرده ایم، یعنی BO نتیجه حاصل ضرب B در L به توان صفر است، و $B_2 = B \cdot (L)^2$ ، $B_1 = B \cdot (L)^1$ ، و الخ.

بنابراین لگاریتم طبیعی تقاضای انرژی $(\ln ED(t))$ را می توان به صورت زیر نوشت:

$$\dots + (\ln ED(t)) = \ln AO + A_1 \ln GNP(t) + B_1 \ln P(t) + B_1 \ln P(t-1) + B_2 \ln P(t-2)$$

بنابراین

$$+ (L) \ln ED(t-1) = (L) \ln AO = (L) (A_1 \ln GNP(t-1)) + B_1 \ln P(t-1) + B_2 \ln P(t-2) \\ \dots + (B_3 \ln P(t-3))$$

جدول الف ۶

با در نظر گرفتن اختلاف بین این دو معادله و ترتیب عنوانی آنها، می توانیم شکل کلی معادلات تقاضای

انرژی خود را به دست آوریم:

$$\ln ED(t) = (1-L) \ln AO + A \ln GNP(t) - (L) (A \ln GNP(t-1) + B \ln P(t) + (L) \ln ED(t-1)$$

برآوردهای ما در مورد پارامترهای معادله تقاضا در جدول الف ۷ نشان داده شده است.

اگر از این برآوردها برای پیش بینی تقاضای انرژی در گذشته استفاده می کردیم، پیش بینی ها صحیح

می بودند و برای هر یک از چهار منطقه سازمان همکاری و عمران اقتصادی +۴ درصد و برای کل

کشورهای این سازمان معادل +۳ درصد می بود. (به جدول الف ۸ تا الف ۱۲ نگاه کنید).

پیش بینی های جایگزین تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

تغییرات جزئی در پارامترهای معادله تقاضا می تواند موجب بروز اختلافات بزرگ در پیش بینی

تقاضای انرژی بشود. معادله تقاضای انرژی آمریکا مثال خوبی در این مورد است. برآورد ما در مورد

نوسان انرژی و تولید ناخالص ملی آمریکا معادل ۱/۱ می باشد. حال اگر به جای آن تنها از رقم ۰/۱

استفاده کنیم و کشش قیمت در کوتاه مدت و دراز مدت را نیز تا حدودی افزایش دهیم (یعنی نقش تولید

ناخالص ملی را کم اهمیت و نقش قیمت را در تعیین تقاضا پراهمیت بدانیم) منتج به یک معادله تجدیدنظر

شده تقاضا با اندکی کارایی بهبود یافته در آزمایشات تاریخی یعنی طی یک دوران ۱۵ ساله (۱۹۶۲-۷۶) می شود. ولی این بهبود به سالهای ۱۹۶۰ یعنی زمانی که قیمت انرژی دائما رو به کاهش بود و بافت اقتصادی و تکنولوژی کمترین تشابه را هم با بافت امروزی نداشت، می گردد. در سالهای ۱۹۷۴-۷۶ یعنی زمانی که تأثیرات افزایش فاحش قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۳-۷۴ و افزایشهای تدریجی بعدی تجربه می باشد، و افزایشهای تدریجی بعدی تجربه می شد، معادله مورد تجدید نظر واقع شده در پیش بینی تقاضای انرژی از آن معادله ای که ما انتخاب کرده ایم دقت کمتری دارد. علاوه بر این، معادله مزبور براساس سه سال تجربه به نظر می رسد که انحرافی دائمی به سمت پایین داشته باشد (منحنی)، در حالی که معادله منتخب ما نتایج واقعی را نشان می دهد. (به جدول الف ۱۳ نگاه کنید).

پیش بینی های مربوط به کشورهای غیر کمونیستی، خارج از سازمان همکاری و عمران اقتصادی ما رابطه تاریخی بین فعالیت اقتصادی را با استفاده از تولید ناخالص داخلی و مصرف نفت اندازه گیری شده برای ده کشور روبه رشد مصرف کننده نفت برآورد کرده ایم که عبارتند از: استرالیا، اسرائیل، نیوزیلند، آفریقای جنوبی و دیگر کشورهای رو به رشد غیراوپک به طور گروهی. (به جدول الف ۱۴ نگاه کنید).

نوسانات نفت بر تولید ناخالص داخلی در هریک از گروهها در سالهای ۱۹۶۰-۷۳ محاسبه شده است مصرف نفت از سال ۱۹۷۷ براساس نوسانات تاریخی و فرضیات در مورد سطوح و رشد آتی تولید ناخالص ملی پیش بینی شده است. در اکثر موارد، نرخهای رشد تقریبا برابر با چهار پنجم تاریخی آن می باشد. در مورد مکزیک از برآوردهای کمپانی پمکس در مورد مصرف نفت استفاده کرده ایم.

ضمیمه ج: جزوه «بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵» در مقایسه با جزوه...

جزوه «بازار نفت تا پایان سال ۱۹۸۵» در مقایسه با جزوه «اوضاع انرژی بین المللی: نگرشی

این ارزیابی اساساً به یک نتیجه گیری مشابه با آخرین گزارش منتشر شده ما درباره این موضوع دست می یابد. (۱۰۲۴۰ اوضاع انرژی بین المللی: نگرشی بر سال ۱۹۸۵، طبقه بندی نشده، آوریل ۱۹۷۷).

معدّلک بین این دو گزارش چند تفاوت وجود دارد. یکی از مهمترین این تفاوتها این است که ارزیابی کنونی، با عربستان سعودی به عنوان یک تولیدکننده اضافی که کمبودها را تأمین نماید برخورد نمی کند. در مطالعه آوریل ۱۹۷۷، سطح تولید اوپک جهت تأمین تقاضای نفتی غیرکمونستی بروشی مشابه آنچه که در ارزیابی کنونی مورد استفاده قرار گرفت پیش بینی شد. در آنجا فرض بر این قرار داده شده بود که همه کشورهای اوپک به استثناء عربستان سعودی با ظرفیتی تولید خواهند کرد که تقاضا برای نفت را برآورده سازند و از عربستان سعودی خواسته شد، تا نفت باقیمانده را تولید نماید تا در بازار نفتی تعادل پدید آورد. این میزان نفت که بین ۱۹ تا ۲۳ میلیون بشکه در روز در مطالعه آوریل ۱۹۷۷ برآورد شده بود، نوعی پیش بینی در مورد تولید نبود، و مطالعات پیشین نیز حاکی از آن بود که تولید در چنین سطوحی شدیداً غیرمحمّل می باشد.

تفاوت دوم بین این دو گزارش این است که در معادلات پایه تقاضای انرژی ارزیابی کنونی به طور ساده یک شرط قیمت نیز در نظر گرفته شده است. لیکن در گزارش قبلی، تمام صرفه جوییهای که انگیزه

آنها قیمت بود براساس قضاوت برآورد شده بود. جزئیات تطبیقی در این خصوص که چگونه به پیش بینی های مربوط به تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی دست یافته شده را می توان در ضمیمه الف و صفحات ۴ و ۵ گزارش آوریل ۱۹۷۷ رؤیت نمود.

نکته آخر اینکه، البته تفاوت های بسیاری بین پیش بینی های مربوط به ارزش ضرایب متعدد عرضه و تقاضای نفتی وجود دارد. لیکن اکثر این تفاوتها بسیار جزئی و در بعضی از موارد قابل اغماض می باشند. (به جدول نگاه کنید).

مهمترین تجدیدنظرهای ما در این پیش بینی از زمان گزارش آوریل ۱۹۷۷ عبارتند از:

* کاهش میزان تقاضای انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی به خاطر پایین آمدن انتظارات در

مورد رشد تولید ناخالص ملی واقعی در سالهای ۸۵-۱۹۷۸

* کاهش عرضه زغال سنگ سازمان همکاری و عمران اقتصادی در نتیجه دورنمای مایوس کننده

صنعت زغال سنگ آمریکا

* کاهش رشد واردات خالص نفتی کشورهای کمونیستی

* کاهش پیش بینی های مربوط به ظرفیت تولیدی اوپک و عربستان سعودی

ضمیمه د: تقاضای جهان برای نفت اوپک پیش بینی ها و فرضیات تطبیقی

تقاضای جهان برای نفت اوپک پیش بینی ها و فرضیات تطبیقی

ما پیش بینی های خود را در رابطه با تقاضا برای نفت اوپک با پیش بینی های دیگر محققین مورد

مقایسه قرار داده ایم. این مقایسه ها (به جدول د الف نگاه کنید) نشانگر تغییر قابل ملاحظه ای در تقاضا

برای نفت اوپک در سال ۱۹۸۵ می باشد و دامنه آن را از ۳/۳۸ میلیون بشکه در روز پیش بینی شده توسط

کمپانی نفتی D تا ۳/۴۶ میلیون بشکه در روز یعنی بالاترین پیش بینی توسط آژانس بین المللی انرژی

ادامه می یابد. پیش بینی های ما در مورد تقاضا برای نفت اوپک در سناریوهای رشد سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز در همین حدود واقع می شوند. بخش اعظم تغییرات موجود در مورد پیش بینی تقاضا ناشی از اختلافات موجود در فرضیات مبنائی است. معذالک مهمترین عامل مشکل کننده مقایسه این است که واحدهای اندازه گیری مختلف تقاضای انرژی توسط گروههای پیش بینی کننده مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. ما پیش بینی های تقاضای انرژی را تنها زمانی در واحدهای فیزیکی مورد مقایسه قرار داده ایم که مشکلات مربوط به تعریف، اندازه گیری و تبدیل در حداقل باشند که مثال مربوط به این مورد، تقاضای وارداتی نفت و تقاضای جهان برای نفتاوپک می باشد. در صورتی که این مشکلات مهم باشند، مانند اندازه گیری و تعیین کل تقاضای انرژی، ما درصد افزایشهای مورد استفاده در پیش بینی تقاضا را نشان داده ایم.

تغییر پیش بینی های مربوط به تقاضا برای نفت اوپک را می توان به شرح زیر تحلیل نمود: (الف) فرضیات مربوط به رشد اقتصادی، (ب) فرضیات مربوط به صرفه جویی، (ج) فرضیات مربوط به عرضه غیرنفتی، و (د) برآورد مبادله نفتی خالص کشورهای کمونیستی.

رشد اقتصادی و صرفه جویی

اکثر پیش بینی کنندگان نرخهای رشد اقتصادی سازمان همکاری و عمران اقتصادی موجود در دو سناریوی ما و سازمان بین المللی انرژی و سازمان اطلاعات انرژی را نزدیک به، یا در بالاترین حد برگزیده اند. اختلافات موجود در مورد صرفه جویی سازمان همکاری و عمران اقتصادی ناچیز است، در حالی که پیش بینی ما در مورد صرفه جویی امیدوارکننده می باشد. برخلاف آنچه که از جانب دیگر پیش بینی کنندگان ارائه شده ما میزان صرفه جویی آمریکا را خیلی کم در نظر گرفته ایم. در هر حال فرضیات ما در مورد حاصل صرفه جویی مستمر در دیگر نقاط سازمان همکاری و عمران اقتصادی پیش از اینکه با فرضیات دیگران در مورد این نقاط که میزان صرفه جویی را کم و یا خیلی ناچیز در نظر گرفته ایم، انحراف داشته باشد، در تضاد شدید با یکدیگر واقع می شوند.

تقاضای واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی

دیگر پیش بینی های مربوط به تقاضای واردات نفتی سازمان همکاری و عمران اقتصادی نیز در دامنه پیش بینی های ما واقع می گردند. لیکن با دو سناریوی رشد بیشتر رابطه نزدیکتری دارند. این مسئله نه تنها نشانگر تشابه در پیش بینی های مربوط به تقاضای انرژی می باشد، بلکه تشابه پیش بینی های مربوط به تولید انرژی سازمان همکاری و عمران اقتصادی را نیز می رساند و اختلاف مربوط به منابع انرژی خاص حالت متعادل کننده دارند. پیش بینی حداکثر ما در مورد تقاضای وارداتی آمریکا نه تنها نشان می دهد که میزان صرفه جویی در آمریکا کم برآورد شده بلکه میزان تولید زغال سنگ آمریکا نیز در مقایسه با دیگر پیش بینی کنندگان کمتر برآورد شده است.

مبادلات نفتی کمونیستی

فرضیات مختلف مربوط به تجارت خالص نفتی کشورهای کمونیستی یکی از منابع قابل ذکر

تغییردهنده پیش بینی تقاضای جهان برای نفت اوپک می باشد. ما و سازمان بین المللی انرژی برآورد کرده ایم که در سال ۱۹۸۵ واردات خالص منطقه کمونیستی از نظر نفت معادل ۵/۲ میلیون بشکه خواهد بود. سازمان بین المللی انرژی نیز نیاز وارداتی این کشورها را پیش بینی کرده است، لیکن به میزان کمتری ولی پیش بینی های شرکت های نفتی حاکی از آن است که در تجارت نفتی کشورهای کمونیستی موازنه وجود خواهد داشت و با صادرات خالص آنها نیز ادامه خواهد یافت.

تأثیرات این اختلافات

با در نظر گرفتن تشابه پیش بینی های متعدد در مورد تقاضا برای نفت اوپک، اختلافات موجود در نتیجه گیریهای مطالعات مختلف در مورد توازن آتی عرضه و تقاضا حول پیش بینی های مربوط به دورنمای عرضه و نفت اوپک دور می زند. در این مورد اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. پیش بینی های سازمان بین المللی انرژی مشابه پیش بینی های ما (۳۷ میلیون تا ۳۹ میلیون بشکه در روز تا سال ۱۹۸۵) می باشد. پیش بینیهای شرکتهای نفتی از تولید اوپک عموماً در حدود بالاتری هستند (۴۴ تا ۴۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵) این اختلافات احتمالاً ناشی از ماهیت سولاتی است که مطرح می شود

(یعنی آنچه که از نظر فنی ممکن است و از سیاستهای دولت میزبان چه نتایجی حاصل خواهد آمد)، و ناشی از جوابهای مختلف به آن مسئله نیست. اختلافات مربوط به نقش کشورهای کمونیستی در رابطه با نتیجه تجزیه و تحلیل های مختلف چندان مهم نیست، چون تأثیر یک جواب یا جواب دیگر بر مسئله کمونیستها تنها قادر است مسئله کمبود را یک سال و اندی به تعویق اندازد.

ضمیمه ه: عرضه و مصرف انرژی در شوروی

عرضه و مصرف انرژی در شوروی

مصرف انرژی

با استفاده از میزان رشد تولید ناخالص ملی فرضی ۴ درصد در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ و ۳ تا ۵/۳ درصد در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ میزان مصرف انرژی شوروی را برای سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ پیش بینی کرده ایم. در شوروی عموماً مصرف انرژی با سرعتی بیش از تولید ناخالص ملی افزایش یافته است و علت آن نیز تأکیدی است که بر گسترش صنایع سنگین متکی به انرژی می شود. این افزایش در نسبت مصرف انرژی و تولید ناخالص ملی واقعی علیرغم تغییر سریع شوروی از استفاده زغال سنگ به نفت و گاز ناشی شده است چون نحوه سوخت آنها در مقایسه با زغال سنگ مؤثرتر می باشد. و علیرغم سرمایه گذاری همه جانبه در ایجاد سیستمهای ارتقایی در جهت برقی شدن راه آهن که سبب بالا رفتن کارایی انرژی شده است، این مصرف همچنان بالا رفته است. در مقایسه با اقتصادهای غربی، که تأکید صنایع بر انرژی از سال ۱۹۷۳ کاهش یافته است، در شوروی مصرف انرژی پس از سال ۱۹۷۳ با سرعتی بیش از سرعت رشد تولید ناخالص ملی افزایش یافته است.

صرفه جویی انرژی در شوروی

به خصوص از سال ۱۹۷۵ که میزان صادرات انرژی شوروی برای کمک به بهبود د تراز مبادلات ارزی

این کشور افزایش یافت، شوروی به طور فزاینده ای نیازمند بالا بردن میزان کارآیی انرژی گشته است. در دو سال گذشته اقداماتی چند در زمینه محدود کردن اختصاص سهمیه سوخت انجام گرفته و در موجودی منابع سوخت نیز کاهش پدید آمده است و موقعیتهایی به وجود آمده که از اواسط سال ۱۹۷۶ کمبود سوخت بعضی از مناطق گزارش شده است. اطلاعات اولیه ۱۹۷۷ نشانگر کاهش سریع مصرف انرژی به ۳/۳ درصد (رشد تولید ناخالص ملی نیز ۳/۳ درصد بوده است.) می باشد. شورویها در سال ۱۹۷۷ اقدامات شدیدی در زمینه صرفه جویی انجام داده اند و ما معتقدیم که آنها توانسته اند در زمینه کارایی انرژی به موفقیت‌هایی مقطعی نائل آیند که در آینده امکان تکرار آن وجود ندارد.

در واقع مقداری از این صرفه جویی در زمینه سوخت از طریق کاهش اختصاص سهمیه سوخت احتمالاً توانسته است، زمان ظهور مشکل را مدتی به تعویق اندازد. تاکنون در سال ۱۹۷۸ اقداماتی در این زمینه انجام شده است که شامل دوبرابر کردن قیمت بنزین (که اصولاً یک اقدام سمبولیک می باشد) و آغاز یک برنامه برای بهبود بخشیدن به راندمان طراحی موتور می باشد.

تا زمانی که اولویتهای صنعتی بر روی صنایع سنگین پرمصرف (انرژی) باشد، بهبودیهای آینده در زمینه راندمان سوخت ناچیز خواهد بود. متخصصین انرژی شوروی از قبیل ان.وی.مالنیکف (یکی از

اعضای آکادمی علوم) و ام. آ. فیلنسکی در سال ۱۹۷۶ پیش بینی کرده اند که تا پایان سالهای ۱۹۸۰ مصرف انرژی شوروی سالانه ۵/۴ درصد تولید ناخالص ملی خواهد بود. در ماه دسامبر سال ۱۹۷۷، در کنفرانس انرژی آمریکا و شوروی، به مقامات آمریکایی گفته شد که در برنامه های پنجساله ۸۰-۱۹۷۶ و ۱۹۸۱-۸۵ مصرف انرژی سالانه ۴ تا ۶ درصد افزایش خواهد یافت.

ما مصرف انرژی ی تی (؟؟) شوروی را براساس روابط گذشته (تاریخی) انرژی و تولید ناخالص ملی پیش بینی کرده ایم و تا سال ۱۹۸۵ میزان صرفه جویی انرژی که تماماً به صورت نفت باشد را ۵/۲ درصد در نظر گرفته ایم. البته امکان صرفه جویی بیشتر وجود دارد. ولی برای دست یافتن به این امکان باید اولویتهای صنعتی نیز تغییر یابد. لیکن در برنامه سال ۱۹۷۸ و نیز برنامه پنجساله ۸۰-۱۹۷۶ اینگونه تغییر اولویت مشاهده نشده است. در نتیجه ما پیش بینی می کنیم که رشد مصرف انرژی در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ کمی بیشتر از تولید ناخالص ملی (۱/۴ درصد نرخ میانگین سالانه) و در سالهای ۸۵-۱۹۸۱ کمتر از تولید ناخالص ملی (یعنی ۲/۳ درصد برای انرژی در مقایسه با ۳ تا ۵/۳ درصد برای تولید ناخالص ملی خواهد بود. نتیجه این است که در نیاز داخلی شوروی به انرژی از ۲/۲۱ میلیون بشکه در روز (معادل نفتی) در سال ۱۹۷۶ به ۷/۲۴ میلیون بشکه در روز (معادل نفتی) در سال ۱۹۸۰ و ۹/۲۸ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۸۵ افزایش پیدا شود.

پیش بینی های ما در مورد موازنه انرژی شوروی در رابطه با سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ در جدول ه ۲ نشان داده شده است).

مانند تمام ترازهای پیش بینی شده دیگر، اینها نیز باید حکم شاخص را داشته باشند. روندها مشخص است و ما کاملاً مطمئن هستیم که بازده نفتی شوروی تا سال ۱۹۸۵ به سطح ۸ تا ۱۰ میلیون بشکه کاهش خواهد یافت. لیکن، نتیجه دقیق بسیاری از متغیرها از قبیل رشد اقتصادی، اولویت اقتصادی، برنامه های

صرفه جویی، و تولید منابع انرژی جایگزین، پیش بینی های مربوط به مبادله خالص نفتی را به شدت نامطمئن می گرداند. آنچه ما پیش بینی کرده ایم، نتیجه قطعی موازنه انرژی شوروی براساس مفروضات رشد تولید ناخالص ملی و بالاترین میزان بازده نفتی شوروی در بالاترین حد دامنه نتایج احتمالی می باشد. با کاهش بازده نفت، رشد اقتصادی نیز قطعاً ضربه خواهد خورد و منجر به کاهش در مصرف انرژی خواهد شد.

این پیش بینی با پیش بینی های ارائه شده در مشکلات و دورنمای اقتصادی شوروی از دو نظر متفاوت دارد. پیش بینی های مربوط به تقاضای انرژی و رشد اقتصادی مشابه هستند، لیکن میزان بازده انرژی جایگزین به خصوص زغال سنگ بسیار کم است و در آنها از حداکثر پیش بینی میزان تولید نفت بجای حد وسط در سال ۱۹۸۵ استفاده شده است.

پایین آوردن پیش بینی زغال سنگ اصولاً بر نحوه عملکرد نادرست صنعت زغال سنگ شوروی در نیمه اول برنامه پنجساله ۱۹۷۶-۸۰ استوار است. دورنما و مشکلات شوروی فرض را بر آن قرار داده بود که شوروی خواهد توانست به هدف موردنظر خود در برنامه ۱۹۸۰ یعنی تولید زغال سنگ خام معادل ۵/۹ میلیون تن دست یابد، که میزان این تولید در سال ۱۹۷۵ معادل ۷۰۱ میلیون تن بوده است. در فصل اول سال ۱۹۷۸ میزان بازده ۷۲۵ میلیون تن در سال بوده است و به همین دلیل ما پیش بینی می کنیم که شوروی نخواهد توانست به هدف موردنظر سال ۱۹۸۰ دست یابد و میزان تولید ۴۰ میلیون تن کمتر

خواهد بود و طبق پیش بینی های ما میزان تولید تا سال ۱۹۸۵ معادل ۱۰۰ میلیون تن کمتر خواهد شد. این منفی گرایی در مورد تولید زغال سنگ شوروی ناشی از بیانات وزیر زغال سنگ شوروی است که در چند ماه گذشته پیش بینی خود را در مورد تولید این منبع انرژی به طرز عمده ای پایین آورده است. در سال ۱۹۷۵-۷۶ وی به کرات گفته بود که میزان تولید تا سال ۱۹۹۰ به سطح یک میلیارد تن در سال خواهد رسید. ولی در ماههای گذشته وی گفته است که «تا پایان قرن» به هدف ۱ میلیارد تنی تولید دسترسی پیدا خواهد شد.

کتاب پنجاه و نهم

فعالتهای اقتصادی نظامی کشورهای کمونیستی

ص: ٥٢٩

توضیحات

سازمان سیا در نظر داشته گزارشاتی راجع به وضعیت کمکهای اقتصادی تکنیکی و نظامی کشورهای کمونیست و به ویژه شوروی به کشورهای در حال توسعه غیر کمونیست و جهان سوم تهیه نماید. بر این اساس نکات مورد نظر سیا به صورت سئوالهایی تدوین و در میان سفارتخانه های آمریکا در سراسر جهان توزیع می گردید. بعد از جمع آوری سئوالات که توسط بخشهای مختلف سفارتخانه ها جواب داده شده بود، جوابها تنظیم و به صورت گزارشات سه ماهه منتشر می گردید. در پایان هر سال چهار گزارش منتشره در آن سال جمع بندی و به صورت گزارش واحدی تحت عنوان «فعالتهای کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست روبه رو شد در سال...» درمی آمد.

مجموعه حاضر گزارش سالانه مربوط به سال ۱۹۷۸ (۱۳۷۵ ه.ش.) می باشد که پس از جمع بندی چهار گزارش سه ماهه مربوطه تهیه گردیده است. در ضمن در این مجموعه فقط مقدمه یکی از این جزوات سه ماهه (فصل سوم سال ۱۹۷۸) در مورد چین به واسطه اهمیت موضوع ترجمه گردیده، ولی اصل سند به طور کامل چاپ شده است. این مجموعه به تفصیل و با ذکر آمار و ارقام و زمینه های ارتباط سعی دارد که بخشی از سیاست خارجی و ارتباطات برون مرزی دنیای کمونیست و جهان سوم را نشان دهد و هر چند که نمایشگر عملکرد کشور رقیب و سردمدار دنیای استکبار و سرمایه داری آمریکاست، به واسطه تحقیقاتی بودن این رساله و تنظیم آن بدون در نظر گرفتن بهره برداریهای تبلیغاتی، به اعتقاد ما می تواند راهنمای خوبی جهت اهل نظر و اندیشمندان جهان سوم باشد.

انگیزه و مواضع آمریکا

از سوی ملت‌های تحت سلطه، همسانی و اشتراک اهداف دو ابرقدرت در به غارت بردن سرمایه های مالی و انسانی کشورهای جهان، اصل پذیرفته شده ای است که براساس آن می توان پی به اهداف تمام اصطلاح کمکهای اقتصادی نظامی این شیاطین برد زیرا مردم را نه توجیه های ایدئولوژیک فریب می دهد

و نه دغلبازیهای سیاسی که آنچه آنها در طی قرون متمادی و به ویژه در قرن اخیر از سردمداران استکبار دیده اند تجاوز و فریب بوده و نه رفاه و عمران. اشتراک خصلتها یعنی «نفع طلبی» و «قدرت طلبی» دو ابرقدرت ایجاد می کند که هر کدام جهان را عرصه و جولانگاه خاص خویش بدانند و بر سرخوان نعمت دنیا تنها بنشینند و در ثروت حاصله از غارت شریکی نداشته باشند. جنگ دو ابرقدرت در اصل رقابت

است و تظاهر این امر که استکبار اساسا رقیب بردار نیست.

جدای از روشها و سیاستهای دول استکباری در برابر کشورهای جهان و سیاست مقابله در برابر همدیگر نکته ای که در این مجموعه در مرحله اول نظر خواننده را جلب می کند گستردگی و کمیت اطلاعات جمع آوری شده از سوی آمریکاییهاست و میزان فعالیت و توان فوق العاده آنها را در کسب اطلاعات از کشور رقیب می رساند. در اینجا بررسی توان آمریکاییها مد نظر نیست بلکه غرض نگرش به اختصاص بودجه های کلانی است که برای این امر اختصاص می یابد و نیروی انسانی زیادی که جهت از میدان به در بردن رقیب با سرمایه حاصل از غارت کشورهای روبه رشد و جهان سوم به کار گرفته می شود. کنترل حرکات و سیاستهای روسها در جهان در ضمن این امکان را به آمریکا می دهد که در مقابله با حوادث و واکنشهای احتمالی در جهان سوم که از سوی روسها تحریک می شود ابتکار عمل را در دست داشته باشد و با عکس العمل مناسب بتواند گوی سبقت را از رقیب برآید.

شوروی

سیاستهای خارجی:

سیاست خارجی شوروی را می توان در مجموع به دو دوره تقسیم کرد که هر کدام فرازهای خاص خود را دارد. در دوره اول که از اکتبر ۱۹۱۷ تا پایان جنگهای داخلی و آغاز سیاست نوین اقتصادی بدرازا کشید، تحریکات خارجی بدون اینکه نظم و روند متعلق به یک جامعه سیاسی تثبیت شده را یافته باشد، از الهامات و تعالیم مارکسیستی بهره بیشتری داشت.

از دوره دوم که حکومت مرکزی بلشویکها می رفت تا ماندگاری خود را پس از نبردهای سختی با روسهای سفید و دیگر مخالفین بلشویسم با طراحی سیاستهای پایدارتر داخلی و خارجی تثبیت کند (سال ۱۹۲۱)، تاکنون سیاست خارجی روسیه شوروی آمیخته ای از برخوردهای ایدئولوژیکی و آنچه که

«منافع ملی» خوانده می شود، بوده است. ارجحیت یکی بر دیگری قاعدتا با روشن شدن موضوع و شرایط زمانی اعمال سیاست مذکور مشخص می شود.

بی تردید مهمترین فراز در سیاست خارجی شوروی پس از مرگ لنین، به جنگ جهانی دوم برمی گردد. طی این جنگ ارتش سرخ که یکی از پیروزمندان جنگ بود، موفق شد که با همکاری کمونیستهای داخلی تعدادی از کشورهای اروپایی، سلطه کمونیسم را به بیرون از مرزهای شوروی بکشاند.

افزایش کشورهای اردوگاه شرق از یک سو و زمینه رقابت و قدرت طلبی موجود تحت عنوان «منافع ملی» از سوی دیگر، با پذیرش این مسئله از سوی روسها همراه شد که می توان با کشورهای جهان سوم و یا به تعبیر دیگر روبه رشد تحت عنوان حکومتهای «بورژوا - دمکراتیک» همکاریهای گسترده داشت. این امر مقارن با زمانی است که روسیه شوروی ناامید از انتظار وقوع جدال میان دنیای سرمایه داری و افتادن کشورهای سرمایه دار به دامان کمونیسم علیرغم تحلیلهای از پیش بافته مارکسیستی، سعی کرد از پوسته دفاعی و انزوای تحمیل شده از سوی دنیای سرمایه داری و برخی از شرایط داخلی، بیرون بیاید و به آزمایش قدرت خود با حضور در دیگر کشورها دست یازد. همان گونه که ذکر شد هر چند این تحول امر جدیدی در سیاستهای خارجی کمونیستها نبود، تداوم سیاست بلشویکها در جهت تأمین «منافع ملی» در دنیای بیرون از جرگه آنها بود، ولی در واقع شرایط مناسب و مساعد برای این مهم با جنگ جهانی دوم

به طور بی سابقه ای فراهم گشت.

پذیرش رسمی سیاست همزیستی مسالمت آمیز از سوی حکومت خروشچف که باز ریشه های واقعی آن را در زمان لنین باید جستجو کرد، این فرصت را برای شوروی فراهم کرد که با توجهی ایدئولوژیکی و با فراغت بال همکاریهای گسترده ای را با نزدیک به تمامی کشورهای دنیا طراحی نماید. در توجه این سیاست این گونه استدلال می شد که دخالت مؤثر شوروی به شکل همکاریهای فنی - اقتصادی و فنی - نظامی، در تغییر ساختار کشورهای غیر کمونیست به کار خواهد آمد. به ظاهر تغییر ساختار حتی به شکل بطئی آن گامی به سوی پیش راندن جهان به سمت سوسیالیسم و کمونیسم تلقی می شد و در حقیقت «منافع ملی» شوروی در پرتو حضور در کشورهای در حال توسعه تأمین می گردید.

مشخصه های کمکهای شوروی

شوروی در حال حاضر در صحنه های بین المللی همانند یک کشور مقتدر و در رقابتی تنگاتنگ با آمریکا قرار دارد و خصلت مشترک ابرقدرتی و استکباری، توسعه گسترده ای به «منافع ملی» که در اصل تعریف پذیر نمی باشد، می دهد. کمک و مشارکت شوروی عمدتاً پروژه هایی است که به کار بخش خصوصی می آید و تأکید بیشتر بر این پروژه ها بهره برداری تبلیغاتی جهت انسانی نشان دادن این اعمال در پی دارد. بعضاً سرمایه گذارهای هنگفتی در پاره ای از ممالک انجام داده است که افزون بر منافع و امتیازات سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی نوعی رقابت «فنی و مالی» عظیم را نسبت به رقبای غربی در بر داشته است.

بر طبق اسناد موجود، در سال ۱۹۷۸ شوروی معادل ۷/۳ میلیارد دلار جهت کمکهای اقتصادی خویش اختصاص داده است که برای اولین بار از نظر معادل سرمایه گذاری نسبت به آمریکا کمترین فاصله را می یابد (کمکهای اقتصادی آمریکا در این سال معادل ۴-۵ میلیارد دلار بوده است). بخش قابل توجهی

از این کمکها به کشورهایی که آشکارا جهت گیری غربی داشته اند سرازیر شده است. توجیهاات و فریبه کاریهای ایدئولوژیک بدون کوچترین گوشه چشمی به اصول بنیادین مارکسیسم لنینیسم زمینه های مناسبی را برای همکاری گسترده با کشورهای نظیر ترکیه، مراکش و ایران (قبل از انقلاب) فراهم ساخته بود. روابط با ایران و ترکیه را شاید بتوان به دلایل «همجواری» به سیاستهای «حسن همجواری» که جایگاه اولیه آن در متون مارکسیسم - لنینیسم چندان مشخص نیست، ارجاع داد، ولی سرمایه گذاری در مراکش (معادن فسفات) را نمی توان جز به تشدید حس «نفع طلبی» روسها به چیز دیگری تعبیر کرد.

مواضع و موقعیت کشورهای رو به رشد

مراکش در میان کشورهای در حال توسعه مهمترین پروژه شوروی را به خود اختصاص داده بود و شرکت در معادن فسفات با یک قرارداد دو میلیارد دلاری و به مدت ۳۰ سال «قرارداد قرن» را برای روسها به ارمغان آورده بود. زمانی رهبران کرمین در توصیف تلخی و شوروی روابط احتمالی خود با برخی از کشورهای عربی نفتی خلیج فارس، می گفتند که «حاضرند چند کیلو نمک بخورند، ولی چنین روابطی نداشته باشند»، ولی امروز با گذشتن چیزی بیش از یک دهه، شاهد تلاش و علاقه روز افزون این

کشور به داشتن روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای مراکش، عربستان، کویت و... می باشیم. این مواضع به وضوح تفسیر نزدیکی دو اردوگاه شرق و غرب است و همسانی اهداف و ماهیت ساختاری یکسانشان را می رساند.

تغییر سریع دولتهای چند کشور در حال توسعه در نیمه اول سال ۱۹۷۸ زمینه را برای دیپلماسی نظامی و اقتصادی شوروی در جهان سوم فراهم می سازد. در افغانستان یک کودتا دولت وابسته به شوروی را به قدرت می رساند و شوروی به این بهانه که رژیم بی تجربه جدید را در تحکیم قدرت خودیاری دهد، حضور نظامی و اقتصادی خود را افزایش می دهد. از همین اوان در شبه جزیره عربی، مارکسیستهای طرفدار مسکو، پس از کودتای ماه ژوئن، کنترل یمن جنوبی را به دست می گیرند و راه را برای افزایش حمایتهای روسها بازتر می کنند.

علیرغم چند معامله بزرگ تسلیحاتی - اقتصادی با کشورهای فوق و چند کشور در حال توسعه دیگر، قراردادهای نظامی کمونیستی منعقد با کشورهای روبه رشد در طی سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ به پایین ترین سطح خود نزول می کند. برای این کاهش دلایل متعددی ارائه می شود که بیشتر آنها را باید به عنوان باختهای کشور شوروی و اقمارش در برابر رقبای غربیشان قلمداد کرد. از جمله این دلایل می توان نیاز کشورهای خریدار برای جذب سلاحهای خریداری شده در سالهای ۷۷-۱۹۷۶، از دست رفتن مشتریها و تنزل نفوذ تسلیحاتی شوروی را نام برد. سه عامل عمده از سوی آمریکا به عنوان عوامل از دست رفتن مشتری و تنزل نفوذ تسلیحاتی شوروی قلمداد می شود. عامل اول به روسها و مشکلات مربوطه برمی گردد از قبیل فقدان آمادگی شوروی برای واگذاری تخفیفهای قابل توجه به خاطر مسائل اقتصادی، عدم امکان ارائه قطعات و تجهیزات یدکی، کیفیت پایین تسلیحات و لوازم ارسالی. عامل دوم برتریها تکنولوژیکی، بازاریابی و خدمات جذابتر غرب را مطرح می کند که با نفوذ به درون پایگاههای

سنتی روسها (عراق، هند و سوریه) بازار را از دست روسها گرفته اند. سومین عامل به کشورهای خریدار برمی گردد که به واسطه تحولات سیاسی جهانی و موضع گیریهای خویش قصد داشته اند که منابع تسلیحاتی خود را متنوع گردانند. در نهایت آنچه از این دلایل برمی آید چیزی جز تفوق و برتری کشورهای غربی به ویژه آمریکا، فرانسه و انگلستان را در یک رقابت بلند مدت با روسها بر مبنای خصلتهای مشترک «نفع طلبی» و «قدرت طلبی» نمی رساند.

سال ۱۹۷۸ عظیم ترین حرکتی رو به غرب هواداران سنتی روسها شروع می شود. به طور مثال عراق که زمانی تصور می شد موفق خواهد شد که جای مصر ناصری را در میان اعراب بگیرد و حتی مقامات روسی فتوای «مترقی تر» بودن آنها را صادر کرده بودند، مبادلات گسترده تجاری، تسلیحاتی با غرب به ویژه فرانسه برقرار کرد. سوریه نیز به واسطه اتکای به کمکهای کشورهای ثروتمند عربی وابسته به غرب و تمایل این کشورها به خریدهای تسلیحاتی از غرب طبیعتاً گرایشاتی را برای متنوع ساختن سیستم سلاحهای نظامی خود بروز داد. هند نیز بر مبنای تمایل مذکور یعنی ایجاد تنوع در سیستمهای نظامی - صنعتی وضعیتی مشابه سوریه پیدا کرد.

در آفریقا گذشته از لیبی و الجزایر که جزء تأمین کنندگان عمده ارزهای ناشی از مبادلات و همکاریهای تجاری، تسلیحاتی برای روسها و دیگر کشورهای کمونیست هستند. کشورهایی مانند آنگولا و اتیوپی در شاخ آفریقا را باید مد نظر قرار داد. این کشورها به واسطه حکومتهای مارکسیست و

وابستگی این حکومتها به کمکهای نظامی - مستشاری و اقتصادی شوروی همچنین جنگها و درگیریها و کشمکشهای داخلی و خارجی آنها، منبع جذب عمده سلاحهای روسی و کمکهای آنها هستند. وضعیت آنها در آفریقا و چگونگی حضور شوروی و دیگر کشورهای کمونیست در آنجا تقریبا مشابه وضعیت افغانستان در آسیا می باشد.

دیگر کشورهای کمونیست

همان گونه که آمریکا با همکاری همپیمانان غربی خود و به شکلی منسجم و هماهنگ پایگاههای نفوذی خویش را در کشورهای در حال توسعه مستحکم می کند شوروی نیز با همکاری کشورهای بلوک شرق و کوبا زمینه نفوذ خویش را فراهم می آورد. تحریکات و شیوه اعمال روشهای روسها همسان رقیب خود حاکی از یک نوع تقسیم اولیه اقدامات و فعالیتهاست. برای مثال کوبا در مرحله اول مستشاران نظامی خود را به کشورهای آشفته و موردنظر گسیل می دارد و در صورت لزوم در بعضی از پروژه های ساختمانی برای کسب ارزش شرکت می جوید. آلمان شرقی و چکسلواکی با توجه به بافت صنعتی خود، اقلام ماشینی و نیازمندیهای تکنولوژیکی را در همکاریها و قراردادهای خویش می گنجانند و... هر یک از کشورهای بلوک شرق جهت تأمین منافع و نیازهای ارزی خویش نیز راسا اقدام و با همکاریهای اقتصادی، نظامی و ارائه خدمات در تحقق این اهداف سهم به سزایی را ایفا می نمایند.

در میان کشورهای کمونیست چین جایگاه ویژه ای دارد. چین که تا دوران استالین برای روسیه حق پیشگامی و اولویت قائل بود، از زمان خروشچف با طرح این مسئله که «همزیستی مسالمت آمیز» یک انحراف بزرگ از اصول مارکسیسم - لنینیسم است، خطی متمایز از روسها برای خود در پیش گرفت. امروز پس از گذشت نزدیک به سی سال آنچه را که چین برای شوروی گناهی نابخشودنی می دانست، برای خود یک «سیاست اصولی» می پندارد. به هر حال چین در میان کشورهای در حال توسعه سعی دارد

که رهبری و هدایت را از آن خود کند. ارتباط با فقیرترین کشورها و تلاش برای رقابت با شوروی و یا پرکردن جای خالی این کشور (به طور مثال در سودان و سومالی)، حرکات گسترده ای را در نزد چینها موجب شده است. انگیزه چین برای به رسمیت شناخته شدن در جامعه بین المللی در سالهای ۱۹۷۰ با ارائه کمکهای بی سابقه همراه بود و با جدایی برنامه های اقتصادی از محتوای ایدئولوژیک، به عنوان یکی از اسباب و وسائل اصلی سیاست خارجی در مبارزه برای ابقاء رهبریت کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شده است. در سال ۱۹۷۴ به خاطر مسائل و درگیریهایی قدرت میان تندروها و میانه روها، کمکهای اقتصادی پکن سیر نزولی در پیش گرفت. به هر حال با حاکمیت میانه روها (هواکوفنگ) سیاستهای خارجی مائو در قبال کشورهای فقیر ادامه پیدا کرد و با اعلام علنی آمادگی برای کمک به کشورهایی که سیاستهایی مغایر با سیاستهای شوروی اتخاذ نمایند، به تحکیم موقعیت خویش در میان کشورهای در حال توسعه پرداخت.

نکته جالب توجه در قسمت مربوط به چین اعتراف ضمنی آمریکا به ماهیت کمکهای نظامی و اقتصادی ابرقدرتها به کشورهای در حال توسعه است. در قسمتی از سند آمده است که «چین در میان ملل فقیر به عنوان یک کشور ارائه دهنده کمکهای اقتصادی از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. شرایط متعادل برنامه های کمکی که به طور مؤثری پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی را بالا می برد سبب شده است

که چین برخلاف برنامه های غربی و کمونیستی برای در نظر نگرفتن نیازهای بشری مورد انتقاد واقع نگردد. حتی اگر میزان و مقدار آنها ناچیز باشد، برنامه های کمک چین سبب بالا رفتن رفاه و میزان تولید بوده و نقصانهای اساسی و ریشه ای زیر بنایی و کشاورزی را مورد حمله قرار می داده است. فنون و تکنولوژی چینها همیشه با شرایط فقیرترین کشورهای در حال توسعه تطابق داشته است. کمکهای چین همیشه در جهت گسترش برنامه های زیربنایی، صنایع مادر و کشاورزی به کار گرفته شده اند. نکات مورد توجه در تحلیل آمریکاییها نسبت به کمکهای چین و تأکید بر روی جنبه های انسانی این کمکها و تطابق با شرایط فقیرترین کشورهای جهان همان ویژگیهایی است که در کمکهای خویش نشانه ای از آن نمی بینند. آنچه تحت عنوان «کمک» در فرهنگ این مستکبرین از آن یاد می شود، مجموعه ای از امتیازات را برای آنها به ارمغان می آورد. فروش کالاهای تجارتي و بنجل و بالتبع رونق اقتصاد و تجارت کشور به اصطلاح کمک دهنده، فروش کالاهای تسلیحاتی و در نتیجه کسب امتیازات نظامی و نفوذ در ساختار نظامی کشورهای مربوطه و توسعه صنایع تسلیحات، تبدیل کشورهای خریدار به پایگاههای نظامی جهت دستیابی به مقاصد مورد نظر، ترویج فرهنگ مادیرگرای همراه با صدور کالاهای مصرفی و کمکهای اقتصادی، در اختیار گرفتن رأی کشورهای پذیرای کمک در مجامع بین المللی توسط کشورهای کمک دهنده و... از این جمله است. نهایتاً آنچه عاید کشورهای پذیرنده کمک می شود، یک وابستگی تمام عیار در تمامی زمینه های اقتصادی، نظامی و سیاسی و مزید بر آن کسب یک هویت بیگانه با ماهیت انسانی و فرهنگی خویش و منطبق بر اهداف کشورهای مستکبر است.

«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»

بهار ۱۳۶۵

مرکز ملی اطلاعات خارجیسی - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

یک رساله تحقیقی

هشدار منابع و طرق اطلاعاتی به کار گرفته شده است.

اطلاعات مربوط به امنیت کشور

افشای بدون مجوز، جرائم جنائی در بردارد

اختصارات مربوط به کنترل انتشار این سند

(NOFORN/NF) غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

(NOCONTRACT/NC) غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران

(PROPIN/PP) هشدار - اطلاعات اختصاصی به کار گرفته شده است.

(NFIBONLY/NO) فقط ادارات هیئت خبرگیری خارجی کشور

(ORCON/OC) انتشارات واحد اطلاعات تحت نظر تهیه کننده کنترل می شود.

REL...ارائه به... مورد تصویب قرار گرفته

FGI اطلاعات دولت بیگانه

نسخه میکروفیش این سند از طریق (۳۵۱-۷۱۷۷) CR/BSO قابل دسترسی است؛ نسخه های چاپی

از (۳۵۱-۵۲۰۳) PPG-RBD تهیه گردد. دریافت منظم گزارشهای مرکز سنجش خارجی کشور به

صورت اشتقاقی طبقه بندی به موجب ۰۱۵۳۱۹ صورت می گیرد.

۶ سال بعد از این روز مورد تجدید نظر قرار گیرد. مأخوذ از منابع مختلف.

فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

یک رساله تحقیقی

اطلاعات رسیده تا ۱۵ مارس ۱۹۷۹ در تهیه

این گزارش مورد استفاده قرار گرفته است.

این رساله توسط کارول فوگارتی از دفتر تحقیقات اقتصادی تهیه شده است. سئوالات و نقطه نظرهای

خود را به خانم فوگارتی از طریق تلفن ۳۵۱-۵۲۹۱ ارائه نمائید.

فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای غیر کمونیست روبه رو شد در سال ۱۹۷۸

نگرش کلی

فعالیت‌های کمکی اقتصادی و نظامی کمونیستی به جهان سوم در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ در طول یک ربع

قرن از تاریخ این برنامه شاهد نوسانات وسیعی بوده است. کمک‌های نظامی که در سال ۱۹۷۷ به سطح ۷/۵

میلیارد دلار رسیده بود، در سال ۱۹۷۸ به سطح ۳/۲ میلیارد دلار نزول کرد، ولی در سال ۱۹۷۸ کمک

اقتصادی معادل ۴/۵ میلیارد دلار از تمام رکوردهای پیشین فراتر رفته است. (به تصویر یک مراجعه

نمائید). معذک به علت تعهدهای پیشین ارائه محموله های نظامی و اقتصادی در سال ۱۹۷۸ همچنان به

قوت خود باقی بود. شوروی همچنان در تمام جنبه های برنامه کمک کمونیستی از قبیل انتخاب

دریافت کننده و تدارک مورد نیاز تسلط و نقش برتر خود را حفظ کرده بود (طبقه بندی نشده).

تصویر ۱. کشورهای کمونیستی:

قراردادهای اقتصادی و نظامی با کشورهای رو به رشد

تعهدهای سالانه کشورهای کمونیستی در روند خود سیر نزولی و صعودی داشت و علت آن نیز: (الف)

تغییرات سریع اوضاع سیاسی کشورهای دریافت کننده کمک که بر روحیه کمک دهنده و دریافت دارنده

کمک تأثیر می گذارد و در رابطه با کمکهای نظامی منجر به شرایط بسیار حیاتی پیرامون عملیات

اضطراری و عرضه دوباره می گردد؛ (ب) مدت زمان درازی چه جهت اجرای کمکهای اقتصادی و جذب

تجهیزات نظامی در فهرست موجودیهای کشورهای در حال توسعه لازم است؛ (ج) مذاکرات دراز مدت

مورد نیاز جهت تکمیل قراردادهای اقتصادی و نظامی و فقدان هماهنگی سالانه بعدی در اضافه این

قراردادها و (د) فشارهای اقتصادی و سیاسی درونی کشورهای کمونیستی که بر میزان و نحوه توزیع

تعهدات و تحویل کمکها تأثیر می بخشد. (خیلی محرمانه).

گرچه افتهای پیشین فروشهای تسلیحاتی شوروی موقتی به حساب می آمد، ولی کاهشهای کنونی

ممکن است ناشی از عوامل سیاسی و اقتصادی بوده و تأثیر عظیم و دراز مدتی داشته باشد. اگر این مطلب

مصادق داشته باشد، در آینده شوروی از نظر نفوذ سیاسی و نظامی خود در بعضی از کشورها و از نظر

توانایی خود در تحصیل ارز معتبر دچار مشکلاتی خواهد شد. افت ناگهانی فروشهای شوروی به مشتریان

مهم خود در خاورمیانه موجب ۶۵ درصد کاهش فروش در سال ۱۹۷۸ گردید.

ایران، عراق و سوریه که جمع خریدهای سالانه آنها تقریباً معادل ۵/۱ میلیارد دلار در سالهای

۱۹۷۳-۷۷ بود، در سال ۱۹۷۸ نتوانستند قرارداد جدیدی را منعقد سازند، فروشهای این کشور به الجزیره، هند و لیبی نیز خیلی کمتر از قبل بود. خریدهای تسلیحاتی عظیم اتیوپی و افغانستان نیز که جمعا بالغ بر یک میلیارد دلار شده بود نتوانست خسارات وارده را جبران نماید. (سری)

سیر نزولی فروش تسلیحاتی شوروی در سال ۱۹۷۸ و عدم موفقیت آنها در بالا بردن این میزان فروش در شش ماهه اول سال ۱۹۷۹ به (الف) دسترسی روزافزون مشتریان مهم سلاحهای شوروی به منابع مالی سازمان کشورهای صادرکننده نفت که از طریق آنها می توانند بسیاری از نیاز خود را از غرب تأمین نمایند (این مشتریان اغلب ترجیح می دهند تجهیزات غربی خریداری نمایند چون قابلیت اعتماد امکان تعمیر و تأمین قطعات یدکی آنها بسیار است). (ب) گرایش روزافزون مشتریان تسلیحاتی مهم شوروی به تغییر منابع خریدهای خود، آن چنان که هند، عراق و سوریه نیز در همین اواخر سفارشات تسلیحاتی چشمگیری را به غرب داده اند و (ج) از دست رفتن بعضی از مشتریان بنا به دلایل سیاسی که مصر و ایران از آن جمله می باشند، بستگی دارد. بنابراین در طول دو سال پس از اواسط سال ۱۹۷۷، کشورهای در حال توسعه جهت تأمین حدود ۴ میلیارد دلار سلاحهای خود به سازندگان غربی روی آورده اند، در حالی که همین مقدار قبلاً می توانست نصیب شوروی بشود. (سری)

در سال ۱۹۷۸ نیز برای دومین سال فروشهای نظامی شوروی به اتیوپی ۴۰ درصد فروش کلی نظامی این کشور را تشکیل می داد. ۴۰ درصد دیگر نصیب افغانستان، هند و الجزیره گردید و یازده درصد باقیمانده نیز نصیب یمن جنوبی و لیبی گردید. (سری).

با احتساب درخواست خریدهای عظیم اتیوپی از مسکو، میزان تحویل تسلیحات نظامی شوروی به ۸/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ رسید. این فروشها که بخش اعظم کسری تجارت شوروی با کشورهای در حال توسعه را جبران می کرد، تقریباً معادل ۱۰ درصد از ارز معتبر اکتسابی شوروی به حساب می آمد.

اولین فروشها به کشورهای در حال توسعه شامل جت‌های جنگنده میگ - ۲۵ به الجزایر و لیبی، هواپیمای باری ۷۶ - IL، و هلیکوپترهای می - ۲۴ به الجزایر، عراق و سوریه بود. (سری).

در سال ۱۹۷۸ تعداد پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه ۶۰ درصد افزایش و به سطح ۵۲۰۰۰ نفر رسید که بخش اعظم آن ناشی از اضافه شدن ۱۶۰۰۰ نفر کوبایی به پرسنل موجود در کشورهای آفریقایی مادون صحرا می باشد. (طبقه بندی نشده)

برخلاف برنامه نظامی، دو اعتبار عظیم شوروی که شامل ۲ میلیارد دلار به مراکش و ۳/۱ میلیارد دلار به ترکیه است، تعهدات اقتصادی شوروی در سال ۱۹۷۸ را به سطح بی سابقه ۷/۳ میلیارد دلار رسانید. کمک اقتصادی ارائه شده از طرف کشورهای اروپای شرقی به سطح ۵/۱ میلیارد دلار رسید که آلمان شرقی رتبه اول را به دست آورده است. چینها نیز الگوی کمک اقتصادی اخیر خود را دنبال کردند و کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار کمک ارائه نمودند و بیشتر بر روی پروژه های کارگری متمرکز شدند که در این زمینه رکورد بیسابقه ای را به دست آورده اند. (سری)

ملاحظات سودجویانه در برنامه های کمک اقتصادی شوروی و اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ بسیار به چشم می خورد. فاحشترین نمونه آن اعتبارهای صادره از طرف شوروی جهت گسترش معادن فسفات مراکش است تا شوروی بتواند در ازای این اعتبار به مدت ۳۰ سال، سالانه ۱۰ میلیون تن فسفات از این کشور دریافت دارد و این در زمانی است که بهره برداری از معادن خود شوروی بسیار گرانتر و پردردسرت

است. کمک ۳/۱ میلیارد دلاری شوروی به ترکیه نیز به منظور گسترش کارخانه های فولاد و آلومینیوم و احداث نیروگاهها و یک پالایشگاه جدید ارائه شده است. هر دو اعتبار عظیم مزبور براساس «چهار چوب» مورد توافق (غیر اجباری و مجاز به دریافت قروض اضافی مورد نیاز) اعطا شده که نمونه کمکهای چند سال گذشته شوروی به کشورهای در حال توسعه می باشد. قرارداد مربوط به گسترش فسفات نیز نشانگر حرکت اخیر شوروی در تکمیل تولیدات داخلی از قبیل بوکسیت، آلومینیوم، نفت، گاز، سنگ آهن و قلع می باشد. (سری)

برای اروپای شرقی و تا حدود کمتر از آن برای شوروی خدمات غیرنظامی فنی در سالهای ۱۹۸۰ نخواهد توانست منبع خوبی در تحصیل ارز معتبر به حساب آید. در سال ۱۹۷۸ تقریباً حدود ۱۰۸۰۰۰ تکنیسین کمونیست در جهان سوم به سر می بردند در حالی که تعداد آنها در سال ۱۹۷۰ حدود ۲۴۰۰۰ نفر بود، ۴۰ درصد این تکنیسینها متعلق به کشورهای اروپای شرقی است. تکنیسینهای کمونیست در مناطق نفت خیز متمرکز شده بودند و تعدادی از آنها نیز براساس پیمانهای تجاری به عنوان مدیر، پزشک و کارگران ساختمانی به کار مشغول گردیده بودند. در سال ۱۹۷۸ این تکنیسینها ۵۰۰ میلیون دلار نصیب اروپای شرقی و تقریباً ۱۵۰ میلیون دلار نصیب شوروی کردند. (طبقه بندی نشده)

فهرست مطالب

نگرش کلی

مقدمه

برنامه کمکهای نظامی: کاهش فروش، افزایش محموله ها

ارزش سلاحهای کمونیستی

الگوها در سال ۱۹۷۸

عواید بازرگانی برنامه

خدمات فنی نظامی در سطح جدید

برنامه کمکهای اقتصادی: در نقطه اوج

شوروی: رکورد سال در ارائه کمکها

اروپای شرقی: به دنبال سودهای بازرگانی

برنامه کمکها: منابع حاصله برای شوروی

خدمات فنی: وسیله جذب ارز

آموزش فنی: تلاشی روزافزون

دانشجویان آکادمیک: سرمایه گذاری کم خرج

ضمیمه

بخشهای کشوری

آفریقای شمالی

آفریقای مادون صحرا

آسیای شرقی

۱ معاملات نظامی کمونیستی با کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

۲- شوروی: فروش و تحویل سلاح به کشورهای در حال توسعه به قیمت صادراتی شوروی و هزینه

تولید آمریکا

۳ پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

۴- پرسنل نظامی کشورهای در حال توسعه که در کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ مشغول

آموزش هستند.

۵- کمک اقتصادی کمونیستی به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

۶- تکنیسینهای اقتصادی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

۷- دانشجویان آکادمیک کشورهای در حال توسعه که در کشورهای کمونیستی از دسامبر ۱۹۷۸

مشغول آموزش می باشند.

تصاویر

۱ کشورهای کمونیستی: قراردادهای نظامی و اقتصادی با کشورهای در حال توسعه.

۲ قراردادهای نظامی کمونیستی و تحویل آنها به کشورهای در حال توسعه.

۳ شوروی: سهم ارز معتبر در کل فروش نظامی به کشورهای در حال توسعه.

۴ قراردادهای اقتصادی کمونیستی و تحویل آنها به کشورهای در حال توسعه.

۵ شوروی: کمک به صنایع فلزی و معدنی کشورهای در حال توسعه به صورت بخشی از کمک کلی

۶ آفریقا: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸

۷ آسیای شرقی: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸

۸ آمریکا لاتین: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸

۹ خاورمیانه: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸

۱۰ آسیای جنوبی: قراردادهای کمونیستی با کشورهای در حال توسعه، سال ۱۹۷۸

مقدمه

این بررسی مربوط به کمکهای کمونیستی به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸ و دنباله

مطالعات آغاز شده در سال ۱۹۵۶ است. بررسی این موضوع تا سال ۱۹۷۴ در زنجیره گزارشهای ۱۴-

تحت عنوان فعالیتهای تجاری و کمکی کشورهای کمونیستی در کشورهای در حال توسعه جهان آزاد در

نتیجه تلاش کمیته فرعی اطلاعاتی اقتصادی - تجاری و کمکی، دفتر اطلاعاتی آمریکا بررسی گردیده

است. این کمیته فرعی در تاریخ اول اکتبر ۱۹۷۴ منحل گردید، در حال حاضر گزارش سالانه توسط دفتر

تحقیقات اقتصادی مرکز ملی ارزیابی خارجی سازمان سیا تهیه می گردد. (خیلی محرمانه)

این گزارش علاوه بر ارائه اطلاعات مفصل درباره رویدادهای ۱۹۷۸، تفسیرهای تحلیلی را مرور نموده و اطلاعات گزارشهای پیشین سالانه را نیز مورد تجدید نظر قرار می دهد. ارزش قراردادها و محموله های نظامی کمونیستی نیز با قیمت تجاری شوروی سنجیده شده. که همان قیمتی است که طبق برآورد ما کشورهای کمونیستی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته اند. اطلاعات آماری مربوط به کمکهای نظامی و اقتصادی کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ در یک جلد جداگانه کمک مرجع بنام ER ۱۰۱۶۰-۷۹ با عنوان کمک کمونیستی به کشورهای در حال توسعه، تاریخ ۱۹۷۸ - مارس ۱۹۷۹ و طبقه بندی سرّی و غیر قابل رؤیت برای بیگانگان منتشر گردیده بود. این کتابچه حاوی اطلاعات تجاری بین کشورهای کمونیستی و در حال توسعه نمی باشد. این گونه اطلاعات به محض آماده شدن به عنوان مکمل گزارشهای مربوط به فعالیتهای تجاری و کمکی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه انتشار خواهد یافت. (خیلی محرمانه)

عنوان کشورهای کمونیستی، شوروی، جمهوری خلق چین، و کشورهای اروپای شرقی یعنی بلغارستان، چکسلواکی، آلمان شرقی، مجارستان، لهستان، و رومانی را در برمی گیرد. آنچه در این نشریه ضمیمه شده عبارت است از اطلاعات مربوط به کوبا، کره شمالی، و کمکهای یوگسلاوی و تعداد پرسنل این کشور که در کشورهای در حال توسعه به سر می بردند. (طبقه بندی شده).

عنوان کشورهای در حال توسعه جهان غیر کمونیستی کشورهای زیر را شامل می شود: (۱) تمام کشورهای آفریقایی به استثنای جمهوری آفریقای جنوبی؛ (۲) تمام کشورهای آسیای شرقی به استثنای هنگ کنگ و ژاپن؛ (۳) مالت، پرتغال، و اسپانیا در اروپا؛ (۴) تمام کشورهای آمریکای لاتین به استثنای کوبا؛ (۵) تمام کشورهای خاورمیانه و آسیای جنوبی به استثنای اسرائیل در خاورمیانه؛ کامبوج، لائوس و ویتنام که در سال ۱۹۷۵ در زمره کشورهای کمونیستی در آمدند و بنابه دلایل تاریخی در چند سال قبل

شرح آنها رفته است. (طبقه بندی نشده)

کلمه **Extention** در صورتی به کار برده می شود که قرار باشد کالا و یا خدماتی به صورت بلاعوض و یا

پرداخت آتی ارائه شود. این گونه کمکها پس از امضای قراردادها ارائه شده و یک بیانیه رسمی را در

برمی گیرد. منظور از کلمه **Drawing** تحویل کالا و یا استفاده از خدمات است. (طبقه بندی نشده)

کلمه «ناچیز» با اشاره به ارزشهای کمتر از ۵۰۰۰۰۰ دلار است و کلمه «هیچ» به معنی آن است که

قراردادی منعقد گردیده، لیکن ارزش مالی آن معلوم نمی باشد. سه نقطه (...) یا به معنی آن است که معلوم

نیست قراردادی منعقد شده باشد و یا از کشور مربوطه پرسنلی در کشور ثانی مشغول به کار نمی باشد.

(طبقه بندی نشده).

محتوای این گزارش با هماهنگی دفتر اطلاعات و تحقیقات وزارت امور خارجه، آژانس اطلاعاتی

دفاعی، و آژانس رویدادهای بین المللی تهیه شده است. (طبقه بندی نشده).

فعالیت‌های کمکی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه غیر کمونیستی
در سال ۱۹۷۸ (طبقه بندی نشده)

برنامه کمک‌های نظامی: کاهش فروش، افزایش محموله‌ها

کاهش فروش، افزایش محموله‌ها

قراردادهای نظامی شوروی از سطح حداکثر آن یعنی ۲/۵ (این رقم با توجه به شکل ۲ و مطالب قبلی باید ۷/۵ میلیارد دلار باشد - مترجم) میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ و میانگین سالانه ۳ میلیارد دلار در سالهای ۷۶-۱۹۷۳، در سال ۱۹۷۸ به سطح ۸/۱ میلیارد دلار تقلیل پیدا کرد. در همان حال، میزان محموله‌های ارائه شده از ۵/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به سطح ۸/۳ میلیارد دلار افزایش یافت و مهمترین صادرات مسکو به جهان سوم را تشکیل داد. مهمترین میزان صادرات شامل ارائه محموله‌های یک میلیارد دلاری به اتیوپی است که بالاترین میزان تحویل سلاح‌های روسی به یک کشور در حال توسعه در زمان صلح را نشان می‌دهد. (سری)

به علت کاهش قراردادهای جدید شوروی و قراردادهای تقریباً بی سابقه چین (۹۱ میلیون دلار) و فروش‌های اروپای شرقی (۴۶۳ میلیون دلار)، شوروی نتوانست در کمک‌های تسلیحاتی کمونیستی به کشورهای کمونیستی اروپای شرقی در حالی که ۳۲ تجهیزات بفروش رفته آنها (از قبیل کامیون، مهمات و پشتیبانی) به مشتریان اصلی شوروی مانند الجزایر، عراق، لیبی و سوریه تعلق می‌گرفت، برنامه‌های شوروی را تکمیل می‌کرد.

تصویر ۲: قراردادهای نظامی کمونیستی و ارسال تجهیزات به

کشورهای رو به رشد

علاوه بر این شوروی مقام خود را به عنوان دومین فروشنده تسلیحات جهانی از دست داد و انگلیس و

فرانسه بعد از آمریکا مقامهای بعدی را به دست آوردند. (سری)

ص: ۵۴۴

جدول ۱

معاملات نظامی کمونیستی با کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸ میلیون دلار آمریکا

قراردادها

شوروی اروپای شرقی چین

مراسلات

شوروی اروپای شرقی چین

جمع

افغانستان

الجزایر

آنگولا

مصر

اتیوپی

هند

ایران

عراق

لیبی

یمن جنوبی

سوریه

سایر کشورها

1767

275

236

26

13

75.

215

...

1

81

75

9

86

463

18

100

48

9

10

...

۵۰

۳۳

۵۴

۲

۱۱۱

۲۸

۹۱

...

...

...

۵۲

...

...

...

...

...

...

...

۳۹

۳۰۸۲۵

٤٥

٣٨٥

٨٥

٥

١٠٠٠

٢١٥

هـ

٩١٠

٧٨٥

١٣٥

٣١٠

٢٥٠

٣٢٥

...

٥٠

٣٠

٥

١٥

...

قابل اغماض

۴۵

۱۰۰

قابل اغماض

۳۵

۴۵

۵۵

۰۰۰

۰۰۰

۰۰۰

۱۰

۰۰۰

۰۰۰

۰۰۰

۰۰۰

۰۰۰

۰۰۰

۰۰۰

۴۵

مهمترین و قاطع ترین فعالیتهای این گونه ای مسکو، مانند سال ۱۹۷۷ در شاخ آفریقا صورت گرفت.

اتیوپی که هنوز در مراحل ابتدایی تکامل تجهیزاتی خود به سر می برد، بیش از ۴۰ درصد فروشهای

شوروی را به خود اختصاص داده و آن در حالی است که آدیس آبابا دومین اسکادران جنگنده های پیشرفته میگ ۲۳، صدها دستگاه تانک، نفر برهای زرهی، توپخانه سنگین، و تناژ عظیمی از مهمات و تجهیزات پشتیبانی لازم خود را از شوروی خریداری می نماید. قرار داد منعقد جدید ۷۵۰ میلیون دلاری با اتیوپی ارزش کلی برنامه سه ساله نظامی شوروی در اتیوپی را به ۲ میلیارد دلار، یعنی شش برابر ارزش کمکهای ارائه شده به کشور همجوار آن سومالی در طول روابط ۱۶ ساله مسکو با این کشور می رساند. حدود ۱۳۰۰ تکنیسین روسی و ۱۶۵۰۰ تکنیسین کوبائی وظایف آموزشی و تعمیر و نگهداری را در اتیوپی انجام می دهند، تا جذب تسلیحات یک میلیارد دلاری در اتیوپی به سهولت انجام گیرد و آدیس آبابا نیز حدود هزار نفر از پرسنل نظامی خود را به شوروی فرستاده است تا آموزشهای لازم را دریافت دارند. (۴۰ SNF) درصد دیگر از فروشهای شوروی در سال ۱۹۷۸ به افغانستان، الجزایر و هند تعلق گرفت، در حالی که این کشورها قبلاً بیش از ۲۰ درصد فروشهای شوروی را به خود اختصاص نمی دادند. قراردادهای مربوط به افغانستان سبب شد که ۲۷۵ میلیون دلار هواپیماهایی پیچیده در اختیار رژیم نوپای مارکسیستی این کشور قرار گیرد و شرایط اعتبار نیز مانند دیگر قراردادهای شوروی با کابل سهل و آسان بوده است. قرارداد ۲۳۵ میلیون دلاری این کشور با الجزایر و قرارداد ۲۱۵ میلیون دلاری آن با هندوستان نیز ارائه تجهیزات لازم به این دو کشور در چند سال گذشته را تکمیل نمود. قراردادهای شوروی و هند سبب خواهد شد که هند بتواند اجازه مونتاژ و تولید جنگنده پیشرفته میگ ۲۱ را به دست آورد. در جهان سوم الجزایر دومین کشوری است که قرارداد مربوط به اکتساب میگ ۲۵ را منعقد ساخته و

تاکنون چند فروند از آنها را دریافت داشته است. علاوه بر این الجزایر همراه با عراق چند فروند هلیکوپتر می-۲۴ را دریافت داشت که ارسال این هلیکوپترهای رزمی به جهان سوم برای اولین بار صورت گرفته است. دیگر هواپیماهایی که برای اولین بار به جهان سوم ارسال گردید عبارت است از تحویل هواپیماهای باری ۷۶-IL به عراق (SNF).

در میان ۱۱ کشور باقیمانده ای که در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۹۰ میلیون دلار تسلیحات شوروی را خریداری کرده اند، لیبی ۸۰ میلیون دلار سلاح و یمن جنوبی نیز تقریباً معادل همین مقدار دریافت نمودند که نشانگر حرکت تازه مسکو در حمایت از دولتهای مارکسیست رادیکال نوپا می باشد. ارائه تسهیلات هوایی و دریایی توسط عدن در ازای دریافت جنگنده های میگ ۲۱ و تانکهای تی - ۶۲، مقداری از خسارات وارده به شوروی را در نتیجه از دست دادن سوماتالی جبران خواهد کرد. یک قرارداد ۵۵ میلیون دلاری با ماداگاسکار جهت دریافت جنگنده های شکاری میگ - ۲۱ و کمکهای آموزشی و فنی مهمترین قرارداد بزرگی است که این کشور کوچک با یک عرضه کننده تسلیحات خارجی منعقد ساخته است.

(NFS)

ارزش سلاحهای کمونیستی

در تمام این رساله ارزش تسلیحات و محموله های فروخته شده با در نظر گرفتن قیمت صادراتی شوروی یعنی روبل (تبدیل آن به دلار با در نظر گرفتن قیمت تبدیل ارز) که این کشور برای کشورهای در حال توسعه تعیین کرده، مشخص می شود. این قیمتها در تمام انتشارات تجاری و کمکی استفاده خواهد شد چون (الف) در مقایسه سالانه فروش نظامی کمونیستی، (ب) مقایسه صدور تسلیحات در رابطه با کل صادرات کمونیستی ۷ و (ج) برآورد میزان قروض کشورهای در حال توسعه به کشورهای کمونیستی و نشان دادن تأثیر آن بر موازنه پرداختهای کشورهای در حال توسعه، مفید واقع می شود. ارزشهایی که

جهت محاسبه قیمت‌های صادرات به کار می‌رود از فهرست قیمت‌های شوروی (که از منابع مختلف به دست آمده) و دائما به خاطر تغییر ارزش دلاری روبل در معاملات تجاری خارجی جرح و تعدیل می‌گردد، به دست می‌آید. تحقیقات در حال انجام بر برآوردهای آتی هزینه پشتیبانی‌های نظامی (به خصوص اردنانس و تعمیر و نگهداری پشتیبانی شامل: قطعات یدکی، کالاها، تجهیزات و ابزار مربوط به تعمیر سیستم‌های تسلیحاتی در کشورهای خریدار، پیاده کردن و تعمیر در کشور فروشنده) تأثیر خواهد گذاشت. تغییرات این برآوردها می‌تواند در ارقام برآورد شده مربوط به فروشهای کمونیستی سالانه ۲۰-۱۵ درصد افزایش پدید آورد. (خیلی محرمانه)

گرچه قیمت‌های صادراتی کمونیستی مناسب منظور این رساله در برآورد فروشها و محموله‌های ارسالی به کشورهای در حال توسعه است، ولی مقیاس خوبی برای مقایسه معاملات تسلیحات بین کمونیستها و کشورهای روبرو شد؛ معاملات انجام شده با آمریکا و یا دیگر صادرکنندگان غربی نمی‌باشد، چون قیمت آنها در رابطه با قیمت‌های غربی تجهیزات مشابه تفاوت بسیار دارد. به منظور انجام این گونه مقایسات، ما بادر نظر گرفتن امکان خرید تجهیزات مشابه از آمریکا، هزینه‌های لازم را برآورد می‌کنیم. این سیستم هزینه یابی ارزش دلاری فروشها و محموله‌های کمونیستی را (براساس قیمت‌های صادراتی) همان طور که در جدول زیر در مورد شوروی نشان داده شده معادل یک چهارم افزایش می‌دهد. (طبقه بندی نشده).

با استفاده از هزینه تولید آمریکا، سهم شوروی در بازار فروش تسلیحات به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸ معادل ۱۰ درصد گردید، که در سال ۱۹۷۷ معادل ۲۵ درصد و در سالهای ۷۶-۱۹۷۴ معادل ۲۰ درصد بود. ولی ارسال محموله های شوروی ۳۰ درصد تسلیحات ارسالی در جهان را در سال گذشته تشکیل می داد، که از سال ۱۹۷۵ تقریباً در همین سطح باقیمانده است. (سزّی).

الگوها در سال ۱۹۷۸

ما معمولاً به نوسانات سالانه فروشهای تسلیحاتی شوروی اهمیت بسیاری نمی دهیم، اغلب پس از فروشهای سالانه سنگین کاهش پدید می آید و علت نیز این است که کشورهای در حال توسعه قراردادهای پیشین خود را کم می کنند و برای جذب تسلیحات مدرن در سیستم خود به وقت و زمان نیاز پیدا می کنند. کاهش شدید فروشها در سال ۱۹۷۸ و عدم توانایی این فروشها در رسیدن به سطح پیشین در شش ماهه اول سال ۱۹۷۹ ممکن است دارای اهمیت بیشتری باشد، چون (الف) مسکو تعدادی از مشتریان بزرگ خود را از دست داده؛ و (ب) مشتریان مهم شوروی در همین رابطه با غرب قراردادهایی امضاء کرده اند. (سزّی)

جدول ۲

شوروی: فروش و ارسال تسلیحات به کشورهای در حال توسعه با احتساب
قیمت صادراتی شوروی و هزینه تولید در آمریکا میلیون دلار کنونی آمریکا

فروش □ به ارز مراسلات □ به ارزش

قیمت صادراتی شوروی هزینه تولید در آمریکا قیمت صادراتی شوروی هزینه تولید در آمریکا

۱۹۷۴

۱۹۷۵

1976

1977

1978

4227

2.36

3374

5216

1767

4995

2672

4232

6167

2299

231.

1845

2576

3515

3827

2567

2422

این جدول فاقد طبقه بندی است

به نظر ما پرو، مصر یا ایران در چند سال آتی تقاضاهای عمده ای نخواهند داشت. پرو که یک قرارداد ۶۵۵ میلیون دلاری در زمینه تسلیحات با شوروی منعقد ساخته بود. به علت ناراضی بودن از روش تعمیر و نگهداری روسی، در آینده نزدیک چیزی به قراردادهای خود نخواهد افزود؛ مصر نیز در همین رابطه اجتناب را پیشه خود ساخته و ایران که با یک قرارداد ۴/۱ میلیارد دلاری در طول یک دهه خواستار دریافت تجهیزات نیروی زمینی شده بود، در رابطه با فروشهای اضافی عکس العمل چندانی نشان نداده است. (SNF).

کاهش اخیر فروشها احتمالاً نشانگر این واقعیت است که تعدادی از مشتریان بزرگ به بازارهای دیگر تسلیحاتی روی آورده اند که این می تواند بر سطح آتی فروشهای شوروی تأثیر بگذارد. گرچه هنوز زمان ارزیابی تأثیرات درازمدت تغییر بازار این خریداران تسلیحات در کشورهای در حال توسعه نرسیده ولی

گرایش آنها به غرب برای شوروی در دو سال گذشته کاهش فروشی معادل ۴ میلیارد دلار را به همراه داشته است. کشورهای غربی که اشتیاق زیادی به جذب بازار فرار مسکو نشان داده اند، در رابطه با فروش هواپیماها که نیمی از فروش تسلیحاتی شوروی در سالهای ۷۸-۱۹۷۴ را تشکیل می داد، فعالیت بسیار به خرج داده اند. پیشرفتهای فنی غربی (به خصوص در رابطه با جت‌های جنگنده، هلیکوپتر و الکترونیک)، تمایل آنها به فروش تکنولوژی پیشرفته به کشورهای در حال توسعه، و برتری آنها در ارائه خدمات و قطعات یدکی به خصوص در زمانی که مشتریان احتمالی دسترسی زیادی به دلارهای نفتی دارند، سبب بالا رفتن میزان رقابت عرضه کنندگان غربی شده است. امتیاز شوروی در رابطه با قیمت‌ها و شرایط فروش از بین رفته است. از زمان افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴، شوروی دیگر در رابطه با قیمت تسلیحات مدرن خود تخفیف عمده ای قائل نمی شود و در بعضی موارد قیمت تسلیحات روسی معادل قیمت آنها در بازار جهانی شده است. (سری).

عراق مهمترین نمونه مشتریان شوروی است که سعی کرده است منبع تأمین سلاح و وابستگی خود به تسلیحات شوروی را تغییر دهد. هند نیز در سال ۱۹۷۸ اولین خرید بزرگ خود را در غرب انجام داد، و سوریه نیز با شدت کمتری در همان طریق گام برداشته است. عدم توانایی عراق در انعقاد قراردادهای جدید تسلیحاتی با شوروی در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ تا حدودی ناشی از تشنجات سیاسی وی با مسکو و نیاز بغداد به زمان بیشتر جهت جذب تسلیحات ۵/۱ میلیارد دلاری سال ۱۹۷۶ می باشد از طرف دیگر بغداد معادل ۲ میلیارد دلار سلاح (که بخش اعظم آن را هواپیماهای فرانسوی تشکیل می داد) از غرب خریداری نمود که در گذشته این رقم نیز نصیب شوروی می شد. قراردادهای دیگری (به ارزش ۳-۵/۱ میلیارد دلار) جهت دریافت هواپیماها و تجهیزات دریایی با فرانسه منعقد خواهد شد که بازار فروش شوروی در عراق را با فرسایش بیشتری روبه رو خواهد کرد. حداقل وضعی که پیش خواهد آمد این است

که تجهیزات غربی جایگزین خرید ۵ میلیارد دلاری عراق از کشورهای کمونیستی خواهد شد. ما انتظار داریم که عراق تجهیزات روسی بیشتری را دریافت دارد و تسلیحات مدرن روسی دیگری را به تسلیحات کمونیستی خریداری شده خود در دو دهه گذشته بیفزاید، خصوصا اینکه عراق میل دارد تحویل سلاحها به سرعت صورت پذیرد. این سرعت ارسال که از مشخصات بارز سیاست تسلیحاتی شوروی است، بار دیگر با دریافت یک محموله ۶۰۰ میلیون دلاری توسط عراق در سال ۱۹۷۸ منعکس شده است. براساس قراردادهای پیشین حدود ۲۰۰ میلیون دلار سلاح دیگر باید به این کشور تحویل داده شود. (سری).

موضع مالی اخیرا تقویت شده هند و گرایشات وسیعتر سیاسیش سبب شد که وابستگی ۱۷ ساله این کشور به تسلیحات شوروی قطع شود. به همین دلیل، دهلی نو در سال ۱۹۷۸ جنگنده های جاگوار انگلیسی - فرانسوی را به ارزش ۷/۱ میلیارد دلار به جای میگ ۲۳ و سوخو ۲۰ روسی انتخاب کرد. این معامله که مهمترین خرید تسلیحاتی هند در غرب به شمار می آید، ممکن است چند سفارش مربوط به تجهیزات نیروی دریایی را نیز به دنبال داشته باشد، چون در حال حاضر هندیها پیرامون این موضوع در چند کشور غربی مذاکره را آغاز کرده اند. ارائه این سفارشات وسیع به غرب و افزایش اتکاء هند به صنعت تسلیحاتی خود سبب خواهد شد که فروشهای شوروی به هند کاهش یابد، گرچه حداقل انتظار ما این است که هند به خرید تجهیزات اصلی مورد نیاز خود از شوروی ادامه دهد. علاوه بر این هند در رابطه با صنعت تسلیحاتی خود به طرحها و عناصر بحرانی شوروی وابستگی بسیار خواهد داشت ارسال سریع

تجهیزات شوروی انگیزه ای برای تداوم خریدها خواهد بود، ولی تأخیر در فروش میگ ۲۳ بدین جهت که هند تا تحویل جنگنده های جاگوار سرگرم بماند. شرایطی چون باز پرداخت به روپیه نیز انگیزه دیگری در این رابطه خواهد بود. (سری).

عدم موفقیت مسکو و سوریه در انعقاد یک قرارداد جدید در سال ۱۹۷۸ علیرغم کاهش یافتن قراردادهای مهم یک امر سیاسی به شمار می رود؛ معذالک، بهره برداری مسکو از تسلیحات به عنوان یک اسلحه سیاسی علیه سوریه سبب روی آوردن دمشق به دیگر منابع تسلیحاتی شده است. به دنبال کمک اقتصادی و کمک نظامی مستقیم ۶ میلیارد دلاری اوپک به سوریه نیز این امکان به وجود آمده است. در سال ۱۹۷۸، سوریه برای اولین بار چند خرید مهم در غرب انجام داد (که شامل ۳۰۰ میلیون دلار جهت دریافت سیستمهای موشکی میلان فرانسوی و موشکهای ضد تانک حرارتی بود). توافق سیاسی اخیر این کشور با عراق و ایجاد یک فرماندهی نظامی متمرکز احتمالاً توانایی مالی سوریه را جهت خرید از عرضه کنندگان غیر کمونیستی بالا خواهد برد و فروشهای شوروی به سوریه (که با ۵/۴ میلیارد دلار بزرگترین مشتری آن به شمار می رفت) محدود خواهد شد. (سری).

اگر عراق، سوریه، و هند در این رابطه هم سطح شوند، به استثناء لیبی هیچ یک از دیگر مشتریان مسکو نخواهد توانست این کاهش تقاضای کشورهای در حال توسعه را در رابطه با تسلیحات شوروی جبران نماید. لیبی که همراه با خریدهای بزرگ خود از عرضه کنندگان غربی، در پنج سال گذشته ۳ میلیارد دلار سلاح از شوروی خریداری کرده، به مسکو سفارشات را داده که به نظر ما ادامه خواهد داشت. مشتریان قدیمی شوروی نیز در روابط با تجهیزات مهم به شوروی وابسته خواهند بود. در میان اینها تنها الجزایر یک مشتری مهم به شمار می رود، که تا کنون خواستار دریافت ۲ میلیارد دلار تجهیزات شده است؛ افغانستان نیز در طول ۲۵ سال گذشته با کمتر از یک میلیارد دلار در رده بعدی قرار می گیرد و یمن جنوبی نیز سهمی

معادل کمتر از نیم میلیون دلار دارد. مناطق جدید (به خصوص آفریقای مادون صحرا) به علت محدودیتهای مالی و ظرفیت جذب در رابطه با فروشهای شوروی اهمیت چندانی ندارند. (خیلی محرمانه).

عواید بازرگانی حاصله از این برنامه ها

با وجود اینکه ابتکارات اخیر شوروی مؤید تصمیم مسکو در استفاده از فروشهای نظامی به عنوان دستاویزی برای حضور در خاور میانه و منطقه اقیانوس هند است، مسکو به منافع اقتصادی حاصله از معاملات تسلیحاتی نیز واقف است؛ به طور مثال این کشور دائما بر روی دولتهای عربی متنفذ کار کرده و در قابل سلاحهای خود از آنها ارز معتبر دریافت می دارد. این صادرات بخش عظیمی از کسری بودجه سالانه تجارت غیر نظامی شوروی با کشورهای در حال توسعه را از بین برده و توانایی مسکو را در به دست آوردن ارز معتبر افزایش می دهد. تقریبا تمام قراردادهایی که براساس تبادل سلاح در قبال کالا منعقد می شد اکنون جای خود را به سلاح در ازای دریافت ارز معتبر داده است، چون مشتریان صاحب نفت شوروی در ازای سلاحهای خریداری شده توسط خودشان و نیز کشورهای فقیرتر قادر به پرداخت ارز خارجی شده اند. عربستان سعودی و کویت پرداخت هزینه مالی خریدهای تسلیحاتی چند کشور عربی از جمله سوریه را تقبل کرده اند. تنها افغانستان، هند و چند خریدار کوچک در آفریقا و آسیا امتیاز

باز پرداخت به صورت ارز و یا کالای محلی را حفظ نموده اند. طبق برآورد ما در سالهای ۷۷-۱۹۷۴ فروش تسلیحاتی شوروی در ازای ارز معتبر ۱۲ میلیارد دلار (یعنی سه چهارم کل فروش) بوده است؛ در سال ۱۹۷۸، این میزان معادل ۱ میلیارد دلار یا ۶۰ درصد کل فروش نیز نشده است. به تصویر ۳ نگاه کنید (سری).

تصویر ۳. شوروی فروشهایی که در ازای ارز معتبر

به صورت سهمی از فروش کلی نظامی به کشورهای در حال توسعه انجام می شود

...

خدمات فنی نظامی در سطح جدید

در سال ۱۹۷۸ برای دومین سال متوالی تعداد پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه بیش از ۵۰ درصد افزایش یافت. تقریباً سه چهارم ۵۲۰۰۰ مدرس، مستشار، تکنیسین و نظامی را کوباییهای مشغول به کار در آفریقای مادون صحرا تشکیل می دادند که بسیاری از آنها در رزم نیز شرکت می جستند (به جدول ۳ نگاه کنید). (طبقه بندی نشده).

اعزام ۱۵۵۰۰ کوبایی به اتیوپی در اوائل سال ۱۹۷۸ به منظور مقابله با نیروهای سومالی در اوگادن، شامل کل افزایش حضور نظامی کمونیستی در طول سال می باشد. بسیاری از این نظامیان از آنگولا به اتیوپی آورده شده بودند، حضور کوبا در آنگولا نیز با ورود ۱۹۰۰۰ کوبایی جایگزین به این کشور تأمین شد. نیروی کوبا در موزامبیک نیز (به ۸۰۰ نفر) بالغ گردیده، چون در ماه اکتبر چند صد نفر از نظامیان کوبایی مستقر در اتیوپی و آنگولا جهت تقویت بنیه دفاعی موزامبیک در برابر حملات مرزی مخرب رودزیا به این کشور وارد شدند. در این اثناء، گینه از تعداد کوباییها در کشور خود کاست، و تانزانیا علیرغم دریافت مقادیر زیادی تجهیزات روسی تا پایان سال حضور کوباییها را کاملاً از بین برد. (سری)

ورود شدید تسلیحات پیشرفته شوروی به کشورهای در حال توسعه آموزش پرسنل محلی را در رابطه با تعمیر و نگهداری و استفاده از تجهیزات، بدوش شوروی گذاشته است. در پایان سال ۱۹۷۸ تقریباً حدود ۱۹۰۰ نفر از پرسنل کشورهای در حال توسعه در شوروی دوره های آموزشی تخصصی را می گذرانند (که نیمی از آنها اهل اسیا بوده اند) (به جدول ۴ نگاه کنید). در همین حال، حدود ۱۸۰۰

روسی و ۱۳۰۰ پرسنل اروپای شرقی (۲۰ درصد بیش از تعداد سال ۱۹۷۷) در کشورهای در حال توسعه به سر می برند. در مقایسه با سالهای اخیر یعنی زمانی که بخش عظیمی از این نیروهای شوروی و اروپای شرقی در آفریقای سیاه به سر می بردند، بخش اعظم افزایش در رابطه با آفریقای شمالی و خاورمیانه و در رابطه با ارسال اولیه جنگنده های میگ - ۲۵ و هلیکوپترهای می - ۲۴ به الجزایر و لیبی و ارسال توپ ضد هوایی خود کشی ۴-۲۳ ZSU به یمن جنوبی صورت گرفته بود. (سری)

جدول ۳

پرسنل نظامی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸

تعداد افراد

جمعشورویاروپای شرقیکوباچیندیگر کشورها

جمع ۵۱۹۳۵۱۰۷۷۰۱۳۰۰۳۸۶۵۰۶۸۰۵۳۵

شمال آفریقا ۳۰۴۵۲۳۱۰۴۵۰۲۱۵۰۰۰۷۰

آفریقای مادون صحرا ۴۲۰۸۵۳۳۰۰۵۱۵۳۷۲۷۵۵۹۰۴۰۵۱

آمریکای لاتین ۱۶۰۱۵۰۰۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰

خاورمیانه ۵۷۰۵۴۱۶۰۳۳۵۱۱۵۰۰۰۰۶۰

جنوب آسیا ۹۴۰۸۵۰۰۰۰۰۰۰۹۰۰۰۰۰۰

این جدول فاقد طبقه بندی است

جدول ۴

تعداد پرسنل نظامی کشورهای در حال توسعه که در کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸

به طی دوره های آموزشی مشغولند

تعداد افراد

جمعشورویاروپای شرقیچین

جمع ۲۸۲۰۱۹۲۵۸۴۵۵۰

شمال آفریقا ۴۵۵۴۰۰۰۰

آفریقای مادون صحرا ۱۵۵۲۵۱۴۴۰۱۶۲۰

آمریکای لاتین ۱۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰

خاورمیانه ۱۰۳۰۳۸۰۶۵۰۰۰۰

جنوب آسیا ۲۵هیچهیچ ۲۵

کاهش موجود در ارتباط با آفریقای مادون صحرا از (الف) اخراج ۱۵۰۰ مستشار کمونیستی از

سومالی در ماه نوامبر سال ۱۹۷۷؛ (ب) کاهش کمتر در گینه که سبب لغو قرارداد ۶۰ مستشار روسی گردید

و (ج) کاهشهای بیشتر در تانزانیا که حضور شوروی را به تدریج کم می کرد، ناشی شده است لیکن تعداد

این افراد در آنگولا و اتیوپی تقریبا بیشتر از دو برابر شده است؛ پرسنل اروپای شرقی در رابطه با امور

امنیتی و اطلاعاتی فعالیت بسیار داشته اند. (سری).

برنامه کمک اقتصادی: در نقطه اوج

کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ تقریبا ۴/۵ میلیارد دلار به صورت کمک اقتصادی در اختیار

جهان سوم قرار دادند که به این ترتیب کل کمکهای این گونه ای کشورهای کمونیستی از سال ۱۹۵۴ به این

سو بالغ بر ۳۱ میلیارد دلار شده است، میزان تعهدات شوروی و اروپای شرقی در قبال این برنامه ها در اوج خود بود در حالی که کمکهای ۱۸۵ میلیون دلاری چین به ۱۶ کشور در حال توسعه در مقایسه با سال ۱۹۷۷ تغییر نکرده بود. (طبقه بندی نشده).

کمکهای بیسابقه ۷/۳ میلیارد دلاری مسکو در سال ۱۹۷۸ برای اولین بار برنامه سالانه آن را برابر با کمکهای سالانه آمریکا (۴۵ میلیارد دلار) نمود. برخلاف کمکهای آمریکایی که توأم با کمکهای عظیم غذایی و سرمایه مورد نیاز جهت عمران زیربنایی است، کمکهای شوروی به طور کامل مربوط به پروژه های صنعتی بخش عمومی می شد. سیاستمداران شوروی نسبت به فشارهای اعمال شده از طرف اقتصاددانان جوانتر جهت اتخاذ یک روش جدید و پیچیده تر در رابطه با برنامه های عمرانی بی اعتنایی نشان داده اند. این روش که از طرف بعضی از اعضای جامعه کمک بین المللی حمایت می شود، خواستار کمک به عمران روستایی جهت برآوردن نیازهای اصلی انسانی است. شوروی به تقاضاهای کشورهای در حال توسعه در رابطه با کمکهای امتیازی بی اعتنایی نشان داده و هنوز نشانه ای دال بر نرمتر شدن شرایط کمکهای کمونیستی به دست نیامده است. گرچه کمکهای شوروی به مراکش از شرایط بهتری برخوردار بود، یعنی مدت بازپرداخت ۱۵ سال و سه سال پاداش با نرخ بهره ۵/۳ درصد در نظر گرفته شده بود، لیکن بخش اعظم قراردادهای ترکیه دارای مدت بازپرداخت ۱۰ ساله و نرخ بهره ۵/۴ درصد بوده است. قراردادهای اروپای شرقی نیز به همین ترتیب و مدت بازپرداخت آنها بین ۸ تا ۱۵ سال با نرخ بهره ۵/۲ تا ۶ درصد بوده است که احتمالاً اکثر طرفهای قرارداد از مدت بازپرداخت ۱۰ ساله و نرخ بهره ۵/۴ درصد که شاخص معمول کمکهای اروپای شرقی است استفاده می کنند. (خیلی محرمانه).

کمک ۵/۱ میلیارد دلاری اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ نسبت به کمکهای سالهای قبل چون ۱۹۷۷ بیش از نیم میلیون دلار افزایش یافته بود و آلمان شرقی با اعتباری معادل ۹۶۵ میلیون دلار نقش عمده ای

را در این گروه ایفا کرده است. (SNF).

تصویر ۴:

قراردادهای اقتصادی کمونیستی و ارسال آنها به کشورهای در حال توسعه

شوروی: رکورد سال در ارائه کمکها

کمک اقتصادی ۷/۳ میلیارد دلاری شوروی در سال ۱۹۷۸ نسبت به سال ۱۹۷۵ معادل ۹۰ درصد افزایش داشت و کل کمکهای ۲۴ ساله شوروی را به سطح ۱۷ میلیارد دلار رساند (به جدول ۵ نگاه کنید).
(طبقه بندی نشده).

اعتبارهای عظیم داده شده به دو کشور دارای تمایلات غربی یعنی ترکیه و مراکش (که ۹۰ درصد کمک اقتصادی شوروی در سال ۱۹۷۸ را به خود اختصاص داده اند)، سبب بالا رفتن میزان کمکهای شوروی که در ده سال قبل از سال ۱۹۷۷ در سطح کمتری قرار داشت گردید.
اعتبارهای داده شده به ترکیه و مراکش براساس چهارچوب توافقیهای انجام شده صادر گردیده اند:
قرارداد مربوط به مراکش در سال ۱۹۷۸ منعقد گردید، لیکن کمکهای مربوط به ترکیه در ادامه قرارداد سال ۱۹۷۵ به این کشور اعطا شده است. اصولاً این قراردادها نقاط همکاریهای اقتصادی و فنی را مشخص کرده، ولی مقدار کمک مختص هر برنامه را تعیین نمی کند، پس از کامل شدن مطالعات تک تک پروژه ها، قراردادهای جدیدی امضاء می شود که شرایط مالی نیز از جنبه اعتبارهای بازرگانی توافقیهای امتیازاتی تغییر می نماید. در چند سال گذشته شوروی بارها این گونه قراردادهای فاقد محدودیت زمانی که در آنها اختصاص کمک مدتهای مدید ادامه می یابد را امضاء کرده است. (خیلی محرمانه)

جدول ۵

کمک اقتصادی کمونیستی به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۸ میلیون دلار آمریکا

جمع شوروی اروپای شرقی

(کل بلغارستان □ چکسلواکی □ آلمان شرقی □ مجارستان □ لهستان □ رومانی

چین

جمع

آفریقا

شمال آفریقا

مراکش

تونس

آفریقای مادون صحرا

آنگولا

اتیوپی

غنا

سومالی

سودان

تانزانیا

اوگاندا

سایر کشورها

شرق آسیا

برمه

فیلیپین

تایلند

آمریکای لاتین

برزیل

جامائیکا

سایر کشورها

خاورمیانه

یمن شمالی

یمن جنوبی

سوریه

ترکیه

جنوب آسیا

پاکستان

سريلانكا

۵۳۹۴

۲۷۰۸

۲۱۳۰

۲۱۰۹

۲۱

۵۷۸

۷۷

۳۰۶

۴۲

۱۸

۲۵

۳۰

۴۹

۳۱

۱۷۰

۱۴۰

۳۰

سج

۲۶۱

۲۰۰

۳۰

۳۱

۱۸۶۷

۶۰

۱۰۱

۳۵۰

۱۳۵۵

۲۸۸

۲۵۰

۱۳۸

۳۷۰۷

٢٠١١

٢٠٠٠

٢٠٠٠

...

١١

١

قابل اغماض

...

...

...

...

...

١٠

...

...

...

...

١٥

...

...

15

1399

38

9.

...

127.

283

225

58

15.2

627

11.

89

21

517

76

3.6

42

...

24

۳۰

۲۲

۱۷

۱۷.

۱۴.

۳۰

...

۲۴۴

۲۰۰

۲۸

۱۶

۴۴۱

...

۶

۳۵۰

۸۵

۲۰

...

۲۰

۵۶

۲۱

...

...

...

۲۱

...

۲۱

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

۲۵

...

...

...

۲۵

...

...

...

۲۴۵

۱۰۵

۲۵

۲۵

...

۸۰

فہرست

۴۵

...

...

۲۴

...

...

11

14.

14.

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

954

٣٠٧

٢١

...

٢١

٢٨٦

قابل اغماض

٢٠٦

٤٢

...

قابل اغماض

١٢

٢٢

٤

٣٠

...

٣٠

...

٢٠٦

٢٠٠

...

٤

٤٠٠

...

هـ

٢٥٠

٥٠

٢٠

...

٢٠

٥٣

١٩

...

...

...

١٩

...

٩

...

...

...

۱۰

...

...

...

...

...

...

۲۸

...

۲۸

...

۶

...

۶

...

...

...

...

...

۲۳

٢٣

١٤

١٤

...

٩١

قابل اغماض

...

...

...

٨

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

...

192

152

50

50

...

102

75

26

...

...

...

...

...

1

...

...

...

...

1.

...

...

1.

...

...

...

...

...

...

...

...

184

VI

٢٠

٢٠

...

٥١

...

...

...

١٨

قابل اغماض

...

٢٦

٧

هـيچ

...

...

هـيچ

٢

...

٢

...

۲۷

۲۲

۵

...

...

۸۵

۲۵

۶۰

این جدول سری و غیرقابل رؤیت برای بیگانگان است.

کمک ۳/۱ میلیارد دلاری این کشور به ترکیه جهت توسعه کارخانه های روسی آلومینیم و آهن و احداث نیروگاه و یک پالایشگاه جدید، میزان کمکهای شوروی به این کشور را دو برابر کرده، که در پاسخ به بحران مالی آنکارا این کار انجام شده است. (۱)

برنامه ماهیگیری شوروی در کشورهای در حال توسعه در گسترش حوزه عملیات ماهیگیری شوروی بسیار موفق آمیز بوده است. در ازای کمک ۲۶۰ میلیون دلاری به ۴۰ صنعت ماهیگیری جهان سوم، شوروی امتیاز استفاده از تسهیلات خشکی و ماهیگیری را به دست آورده است و سبب شده است که ناوگانهای ماهیگیری آن کشور به صورت مدرن ترین و عظیم ترین ناوگانهای موجود در دریاهای آزاد در آید. به طور مثال، میزان صید شوروی در سال ۱۹۷۶ (۳/۱ میلیون تن) از آبهای غرب آفریقا با صید تمام کشورهای آفریقای غربی به تنهایی برابری می کرد. در همان سال شوروی ۴۷۰۰۰۰ تن ماهی به ارزش ۱۳۰ میلیون دلار به خارج صادر نمود. (طبقه بندی نشده).

علیرغم خود کفایی بسیار مسکو در رابطه با کبالت، عدم ثبات زئیر (که یکی از تولیدکنندگان مهم کبالت بشمار می آید) سبب شده که چند خرید دراز مدت با تولیدکنندگان آفریقای کبالت منعقد گردد. مسکو به نیویوم آهن دار و منگنز جهت استفاده در صنعت فولاد و نیز محصولات آهن و فولاد علاقه نشان داده است. طرحهای شوروی در رابطه با گسترش استخراج سنگ آهن به خاطر کیفیت آن دچار وقفه شده است. در رابطه با تأمین نیازهای داخلی و کمبودهای پیش آمده، مسکو به اروپای شرقی اطلاع داده که نمی تواند نیازهای روزافزون آنها را به سنگ آهن برآورده سازد. با وجود اینکه شوروی مهمترین صادرکننده سنگ آهن است، ولی در هند به مبادله نفت و سنگ آهن پرداخته و براساس یک قرارداد منعقد قرار شده است که سالانه ۲۷۰۰۰ تن آهن خام و فولاد از کارخانه ذوب آهن ساخت شوروی در کراچی پاکستان دریافت دارد. علاوه بر این مسکو مجتمع ۳ میلیون تنی ذوب آهنی که قرار است در هند

بسازد فولاد وارد خواهد کرد و از دیگر کارخانه های ساخت شوری در هند نیز وارداتی خواهد داشت. با کاهش رشد ظرفیت فولاد شوری که با افزایش هزینه عملیاتی و گسترش همراه است شوری دیگر دارای امتیاز صادرکننده خالص فولاد نمی باشد. بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶، مسکو میزان واردات فولاد نورد شده خود را دو برابر کرد. نیاز این کشور به فولادهای دارای مقاومت بسیار افزایش می یابد، چون در رابطه با پروژه های عظیم سبیری مورد نیاز می باشند. (خیلی محرمانه).

به طور کلی، پیشنهاد شوری در رابطه با سرمایه گذاری در برنامه های عمرانی پرخرج عمومی با استقبال گرم کشورهای جهان سوم که مایل به پیشرفت هستند روبه رو بوده است. کشورهای در حال توسعه نیز در ازای این برنامه ها منابعی را دراز مدت به شوری اختصاص داده اند تا بدین ترتیب انگیزه لازم برای پیشرفت پروژه ها را فراهم آورده باشند. (طبقه بندی نشده).

خدمات فنی: وسیله جذب ارز

برنامه خدمات فنی کمونیستی که یکی از شاخه های سودبخش برنامه کمکی است با ارسال ۱۰۸۰۰۰ تکنیسین کمونیستی به کشورهای در حال توسعه که ۲۰۰۰ نفر بیش از تعداد آنها در سال ۱۹۷۷ است، در سال ۱۹۷۸ به سیر صعودی خود همچنان ادامه داده است. (به جدول ۶ نگاه کنید).

این خدمات هم از طریق برنامه های کمکی و هم از طریق قراردادهای بازرگانی در اختیار ۷۷ کشور قرار داده شده است، بخش عمده افزایش مربوط به پرسنل اروپای شرقی (۹۰۰۰ نفر) بوده که در چهار سال گذشته نیز سهم عمده ای در ارائه کمکهای فنی کمونیستی داشته است؛ حضور کوبا به دو برابر و بیش از ۱۲۵۰۰ نفر رسید؛ و شوروی نیز به تعداد تکنیسینهای خود در این نقاط ۵۰۰۰ نفر دیگر اضافه کرد؛ چین که مشغول احداث مهمترین پروژه های راهسازی روآندا و سودان بوده است، برای اولین بار در هفت سال گذشته تعداد پرسنل موجود خود در آفریقای مادون صحرا به کمتر از ۲۰۰۰۰ نفر کاهش داد. این مسئله ۱۰ درصد کاهش کلی برنامه های چین را در بر می گیرد. (طبقه بندی نشده).

تمرکز پرسنل شوروی و اروپای شرقی در کشورهای نفت خیز با حضور ۳۲۵۰۰ پرسنل اروپای شرقی و ۱۴۰۰۰ پرسنل شوروی در الجزایر، لیبی، ایران، عراق و کویت بیش از پیش چشمگیرتر شده است. تقریباً نیمی از پرسنل اروپای شرقی (۲۲۰۰۰ نفر) مستقر در خارج در لیبی به سر می برند و الجزایر و سوریه نیز در رابطه با دریافت این خدمات مقامهای بعدی را دارا بوده اند، در بعضی از موارد هزینه مالی مربوط به این خدمات از طریق برنامه های کمکی تأمین می گردد؛ در موارد دیگر به خصوص در مورد خدمات غیر پروژه ای، شوروی در ازای آنها ارزش معتبر دریافت می دارد. شوروی در سال ۱۹۷۸ از این طریق احتمالاً معادل ۱۵۰ میلیون دلار به دست آورده است. تعداد زیادی از تکنیسینهای اروپای شرقی براساس قراردادهای بازرگانی، در ازای پرداخت ارزش معتبر استخدام شده اند که در سال ۱۹۷۸ معادل ۵۰۰ میلیون دلار نصیب اروپای شرقی نمودند. به طور مثال، خدمات بلغارستان به لیبی معادل ۱۱۵ میلیون دلار برآورد شده بود که از کل صادرات بلغارستان به لیبی که معادل ۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ بوده فراتر رفت. طبق گزارش مجارستان این کشور نیز از طریق برنامه خدمات خود به جهان سوم سالانه ۵۰ میلیون دلار به دست می آورد. (سری).

تکنیسینهای اقتصادی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه در سال (۱) ۱۹۷۸

تعداد افراد

جمع-شوروی-اروپای شرقی-چین-کوبا-کره شمالی

جمع ۱۰۷۹۹۵-۲۷۶۲۰-۴۵۰۳۵-۲۲۰۰۵-۱۲۵۲۵-۸۱۰

شمال آفریقا ۳۸۰۳۰-۶۶۸۰-۲۹۴۸۵-۷۱۵-۴۵۰-۷۰۰

آفریقای مادون صحرا ۳۷۳۲۰-۴۸۹۵-۲۷۴۵-۱۸۶۱۵-۱۰۹۷۰۹-۵

شرق آسیا ۲۲۰-۳۵-۵۰-۱۳۵-۰۰۰-۰۰۰

اروپا ۱۵۵-۰۰۰-۳۰-۱۲۵-۰۰۰-۰۰۰

آمریکای لاتین ۱۰۵۰-۳۵۰-۳۵۰-۱۶۰-۱۹۰-۰۰۰

خاورمیانه ۲۵۸۹۵-۱۱۸۸۵-۱۲۰۰۵-۱۰۷۵-۱۵-۹۱۵

جنوب آسیا ۵۳۲۵-۳۷۷۵-۳۷۰-۱۱۸۰-۰۰۰-۰۰۰

۱- حداقل برآورد مربوط به یک ماه یا بیشتر □ ارقام فاقد اعشارند تا به عدد ۵ نزدیکتر باشند. این جدول سرّی و غیرقابل رویت برای بیگانگان است.

میزان حقوق‌های بالا و رو به افزایش در سه سال گذشته خدمات فنی را توأم با سودهای سرشار نموده است. حرفه ایهای چکسلواکی و لهستان بیشترین حقوق (ماهانه ۲۵۰۰ دلار) را دریافت داشته ولی پرسنل بلغارستان ماهانه فقط حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار دریافت می کنند. حقوق و دستمزد هر پرسنل روسی در رابطه با هر یک از کشورهای در حال توسعه فرق می کند. علیرغم امتیازاتی که شوروی در رابطه با پرداخت دستمزد پرسنل خود قائل می شود، چند کشور آفریقایی از خطر تحمیل تکنیسینهای شوروی بر روی اقتصادی خود شکوه نموده اند. گرچه ما شواهدی دال بر افراطی بودن میزان حقوق پرسنل روسی نداریم، ولی چاد و گینه در یک مشاجره مربوط به هزینه ها از تجدید قراردادهای بعضی از تکنیسینهای روسی امتناع ورزیده اند. (سری)

کشورهای خاورمیانه بیشترین تعداد تکنیسینهای روسی (۱۱۸۸۵ نفر) را به کار گرفته اند تعداد افرادی که شامل ۴۵ درصد پرسنل موجود این کشور در کشورهای در حال توسعه می باشد. نیروی حاضر شوروی در آفریقا به مقدار ناچیزی کمتر از آن بوده است؛ ۷۰ درصد این گونه پرسنل مستقر در آفریقا بجای اشتغال در پروژه ها به انجام خدمات حرفه ای مشغول بوده اند، در حالی که تعداد این گونه افراد در خاورمیانه بیش از ۱۵ - ۱۰ درصد نبوده است. معنی آن این است که آفریقا تقریباً ۸۵ درصد از ۱۶۰۰ پزشک و ۴۵۰۰ معلم روسی مستقر در کشورهای در حال توسعه را در سال ۱۹۷۸ جذب کرده و تقریباً نیمی از ۲۱۰۰ زمین شناس روسی مستقر در جهان سوم را در نقاط مختلف به کار گرفته است. از طرف دیگر مشتریان خاورمیانه ای و آسیای جنوبی شوروی سه چهارم ۱۸۲۰۰ پرسنل مشغول به کار در پروژه های عمرانی همچین ۲۲۵ پزشک، ۷۵۰ معلم و ۱۲۰۰ زمین شناس را پذیرفته اند. تمام ۳۵۰ پرسنل روسی مستقر در آمریکای لاتین در رابطه با پروژه های عمرانی مشغول به کار می باشند. (خیلی

کوبا نیز به حمایت خود از ابتکارات شوروی در جهان سوم ادامه داد و تلاشهای فنی خود را در بازارهای ارز معتبر گسترش و در همان حال حضور خود در جنوب آفریقا را در سال ۱۹۷۸ نیز افزایش داد. به طور مثال، الجزایر، لیبی و عراق در طول همین سال حدود ۹۰۰ پزشک کوبایی را جهت کار پذیرفتند. خدمات ارائه شده به مناطق جدید، همراه با مضاعف شدن پرسنل مستقر در آفریقای مادون صحرا حضور اقتصادی کوبا را به ۱۲۵۰۰ نفر رسانید. از این تعداد حداقل ۳۰۰۰ نفر پزشک و ۲۰۰۰ نفر آنان معلم بودند که بنابر گفته مقامات کوبایی در سال ۱۹۷۸ معادل ۵۰ میلیون دلار ارز نصیب این کشور نمودند. بقیه این پرسنل را کارگران ساختمان مشغول به کار در پروژه های زیر بنایی تشکیل می داده اند. (خیلی محرمانه).

تعداد بیشتری از پرسنل جدید کوبایی در نتیجه تغییر گرایش آنگولا در استفاده از نیروهای غیر نظامی به جای نیروهای نظامی و با گسترش کارهای ساختمانی موزانیک براساس قراردادهای منعقد در سال مزبور به آنگولا و موزامبیک روانه شدند. تعداد این پرسنل در سال ۱۹۷۹ افزایش و در پایان سال به سطح بیش از ۱۰۰۰۰ نفر بالغ خواهد گردید. علیرغم شکوه های هر دو کشور در مورد کیفیت و بعضا در مورد درستی و امانتداری کادر کوبائی، افزایش تعداد آنها ادامه می یابد. افزایش اخیر دستمزدها (که این دستمزدهای ماهانه بین ۲۵۰ تا ۸۵۰ دلار است و دستمزد پزشکان در الجزایر حدود ۳۰۰۰ دلار در ماه گزارش شده است)، ظاهرا به این معنی است که استخدام کوباییها به عنوان یک اقدام اقتصادی جذابیت

خود را از دست خواهد داد. بنا به گزارشهای رسیده، کوبا در سالهای اولیه این برنامه بسیاری از خدمات را به طور مجانی ارائه می کرد و کشورهای دریافت کننده فقط هزینه های محلی و پرداخت یک هزینه مختصر (۳۰ تا ۵۰ دلار در ماه) را به عهده می گرفتند. (سری)

کوبا علیرغم کمبود منابع نیروی انسانی داخلی، به قراردادهای ساختمانی در عراق و لیبی تن داده و امیدوار است که در سال ۱۹۷۹ از این طریق ۱۵۰ میلیون دلار از کشورهای تولیدکننده نفت به دست آورد. (طبقه بندی نشده).

چین در سال ۱۹۷۸ براساس این قرارداد منعقد با کویت جهت احداث ۴۰۰۰ واحد مسکونی، اولین خدمات بازرگانی خود را ارائه نمود. در صورتی که این قرارداد کویتی موافق چشمداشت چین در تأمین ارز معتبر باشد، پکن سعی خواهد کرد با ارائه شرایط رقابت آمیز این گونه خدمات خود را در سطح جهان گسترش دهد. در همین حال، پکن بسیاری از خدمات خود را در ازای حقوقهای ناچیز ۳۰ تا ۱۰۰ دلار در ماه به اضافه مخارج محل هر تکنیسین براساس قراردادهای کمکی دریافت نموده است. در سال ۱۹۷۹ به دنبال پروژه بندری موریتانی و جاده سازی ماداگاسکار تعداد تکنیسینهای چینی به سطح چند هزار نفر خواهد رسید. (NF S).

آموزش فنی: تلاشی روزافزون

کشورهای کمونیست در بخشی از برنامه خدمات فنی به آموزش افراد محلی کشورها مبادرت ورزیده اند تا مدیریت پروژه های عمرانی را به دست آنها بسپارند. با بیشتر شدن کارایی و کمتر شدن هزینه آموزش درون کشوری، مسکو به تدریج از تعداد پرسنلی که جهت آموزش به شوروی گسیل می شدند کاسته است. تنها حدود ۳۳۰۰ دانشجوی فنی از مهمترین مشترکان کمونیستی کشورهای عربی و آسیای جنوبی در سال ۱۹۷۸ به کشورهای کمونیستی روانه شدند و جمع کل آموزش یافتگان از ابتدای برنامه به

۴۸۰۰۰ نفر رسید. در همین حال، شوروی به یک برنامه آموزش در حین کار مبادرت ورزید که ۵۵۰۰۰۰ تبعه مختلف و ۶۰۰۰۰ نفر افغانستانی را در بر می گیرد. (طبقه بندی نشده).

کوبا نیز برنامه آموزشی وسیع خود را با پذیرش ۱۵۰۰ کودک دبستانی از اتیوپی و ۱۲۰۰ کودک دبستانی از موزامبیک در محل جدیدی در جزیره پائیز که ظرفیت پذیرش ۲۰۰۰۰ دانشجو را خواهد داشت، آغاز کرده است. (طبقه بندی نشده).

دانشجویان آکادمیک: یک سرمایه گذاری کم خرج

مسکو در دو دهه گذشته احتمالاً معادل ۱ میلیارد دلار در مورد آموزش دانشجویی جهان سوم در شوروی مصرف کرده است و به منظور حمایت و آموزش هر یک از دانشجویان کشورهای در حال رشد سالانه ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار خرج می کند. کمک هزینه های اروپای شرقی در هر سال برای یک دانشجوی آکادمیک معادل ۶۰۰۰ دلار و برای رشته های مهندسی ۴۵۰۰ دلار می باشد. (سری).

در سال ۱۹۷۸ تعداد ملیتهای کشورهای در حال توسعه در شوروی و اروپای شرقی به بیش از روسی (۱۱۸۸۵ نفر) را به کار گرفته اند ۴۵۰۰۰ نفر رسید، چون ۸۷۰۰ دانشجوی جدید جهت انجام تحصیل به این کشورها وارد شده اند (به جدول ۷ نگاه کنید). ۲۶۵۰۰ دانشجوی جهان سوم تقریباً نیمی از کرسیهای

مربوط به دانشجویان خارجی را اشغال کرده اند و براساس برنامه شوروی جهت افزایش ثبت نام دانشجویان کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۰، این تعداد به میزان یک سوم افزایش خواهد یافت. دانشجویان آفریقایی که در شوروی و اروپای شرقی اکثریت را تشکیل می دهند، بالغ بر ۲۳۵۰۰ نفر یعنی معادل نیمی از دانشجویان کشورهای در حال توسعه در نهادهای کمونیستی می باشند. (خیلی محرمانه).

جدول ۷

تعداد دانشجویان کشورهای روب رشد که تا دسامبر ۱۹۷۸ در کشورهای

کمونیستی مشغول گذراندن دوره های آموزشی بوده اند. تعداد افراد

جمع-شوروی-اروپای شرقی-چین

جمع-۴۵۲۶۵-۲۶۴۴۵-۱۸۵۶۰-۲۶۰

شمال آفریقا-۳۵۷۵-۲۰۳۵-۱۵۲۰-۲۰

آفریقای مادون صحرا-۱۹۹۷۵-۱۱۶۰۰-۸۲۳۵-۱۴۰

شرق آسیا-۳۵-۲۵-۱۰-۰۰۰

اروپا-۲۰-۱۰-۵-۵

آمریکای لاتین-۴۶۵۰-۲۷۶۰-۱۸۹۰-۰۰۰

خاورمیانه-۱۲۱۵۵-۶۶۱۵-۵۵۲۵-۱۵

جنوب آسیا-۴۸۵۵-۳۴۰۰-۱۳۷۵-۸۰

این جدول سرّی و غیر قابل رویت برای بیگانگان است.

قراردادهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد ۱۹۷۸

ضمیمه: کشورهای منتخب

آفریقای شمالی

کلی

انتقال سلاحها و قراردادهای جدید کمک اقتصادی کمونیستی با کشورهای آفریقای شمالی در سال ۱۹۷۸ به اوج خود رسید و این منطقه برای اولین بار در زمره مشتریان کمکهای اقتصادی و نظامی کمونیستی درآمد. این برنامه عبارتند از: (الف) عظیمترین قرارداد مسکو با یکی از کشورهای در حال توسعه (مراکش)، (ب) نقطه اوج کمکهای فنی نظامی و اقتصادی، و (ج) قراردادهای مربوط به ارسال جنگنده های پیشرفته میگ ۲۵ به الجزایر و لیبی، که اولین هواپیماهای پیشرفته می باشند که در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار گرفته اند. تشنجهای جدید ناشی از قرارداد کمپ دیوید و عدم موفقیت در دستیابی به یک راه حل در صحرای غربی سبب گردید که الجزایر و لیبی نیز متقاضی دریافت سلاحهای مدرن شدند. (خیلی محرمانه).

علیرغم کاهش ارزش قراردادهای جدید در سال ۱۹۷۸، تحویل سلاح به آفریقای شمالی افزایش

یافت، و تعداد مشاورین فنی کمونیستی تقریباً دو برابر گردید. بخش اعظم افزایش در لیبی که چهارمین مشتری بزرگ سلاحهای شوروی است و بعد از اتیوپی از نظر حضور فنی شوروی دومین کشور است، صورت گرفته است. علاقه مسکو به گسترش روابط تجاری با آفریقای شمالی نشانگر قرارداد ۲ میلیارد دلاری فسفات با مراکش است. (طبقه بندی نشده).

الجزایر

قرارداد ۲۳۵ میلیون دلاری این کشور با شوروی جهت دریافت پیشرفته ترین جت جنگنده مسکو یعنی میگ ۲۵ شاخص روابط الجزیره با جهان کمونیستی در سال ۱۹۷۸ است. رهبریت جدید الجزایر که پس از رئیس جمهور فقید بومدین قدرت را به دست گرفت مواضع پیشین رادیکال خود را در رابطه با امور آفریقای شمالی و خاورمیانه تأیید نمود و با صدور اجازه استفاده از بندر مرز الکبیر Mersel-Kebir توسط کشتیها و اسکادران شوروی در مدیترانه گامی دیگر به شوروی نزدیکتر گردید. میزان سلاحهای تحویلی نشانگر توافق بی چون و چرای مسکو با الجزایر در مورد اختلافات این کشور با مراکش و موریتانی بر سر صحرای غربی است. میزان این تسلیحات تحویلی در سال ۱۹۷۸ به ۳۹۰ میلیون دلار رسیده و شامل اولین فروندهای میگ ۲۵، هلیکوپترهای می-۲۴، نفربرهای زرهی، توپهای خودکشی، موشکهای زمین به هوا، و ناوچه های رزمی اوزا-۲ می باشد. (SNF NC).

انتقال جت‌های جنگنده میگ ۲۱ و میگ ۲۳، هلیکوپتر، سیستم های دفاع هوایی، تجهیزات نیروی زمینی، و اسکورتهای نیروی دریایی ادامه یافت و ۴۰۰ نظامی دیگر شوروی در سال ۱۹۷۸ به الجزایر روانه شدند که تعداد کل آنها در این کشور به ۱۰۰۰ نفر رسیده است. علی رغم افزایش یافتن پرسنل مستشاری، ناظران غربی در مورد توانایی الجزایر در استفاده مؤثر از این سلاحها تردید داشته و پیش بینی می کنند که این کشور در زمینه این گونه خدمات یک وابستگی درازمدت به شوروی پیدا خواهد کرد.

الجزایر با بلغارستان نیز یک قرارداد ۱۰۰ میلیون دلاری جهت خرید مهمات امضاء کرد، که از جمله مهمترین قراردادهای نظامی صوفیه با یک کشور جهان سوم به شمار می آید. (SNF NC).

توجه روزافزون الجزایر به آموزش و تکنولوژی غربی و قبول وامهای عمرانی غربی مقداری از نفوذ مسکو را در امور اقتصادی این کشور کاهش داده است. با این وصف شوروی هنوز هم فعالانه برنامه های خود را دنبال می کند. این کشور بر اساس اعتبار ۲۹۰ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۷۷ مطالعات خود را جهت احداث یک مجتمع آلومینیم و یک مجتمع معدنی و فلزشناسی و احتمالاً ایجاد یک کارخانه ذوب آهن دیگر آغاز کرده است، در حالی که شوروی میل ندارد در حال حاضر اقدام به احداث کارخانه ذوب آهن جدیدی بنماید. شوروی همچنین توافق کرده است که ۲۲۵۰۰ خانه مسکونی در الجزیره، اوران و اسکیدا ساخته و در سال ۱۹۸۱ یک کارخانه تولید خانه های پیش ساخته نیز احداث نماید. در مورد گفتگوهای به عمل آمده بر اساس چهارچوبه قرارداد ژانویه ۱۹۷۶ که قرار بود یک مجتمع ماشین آلات سنگین برقی، یک سد و یک پروژه آبیاری، یک پالایشگاه احداث و انجام شود، اقدامات جدیدی تاکنون صورت نگرفته است. (طبقه بندی نشده).

در همین حال، کار مربوط به نصب دومین کوره محترقه در کارخانه ذوب آهن عنابه (Annaba) که

قریب به ۴۵ در صید برنامه کمک ۷۱۵ میلیون دلاری شوروی در الجزایر را تشکیل می دهد، ادامه دارد. کمک عمرانی ۵۲۵ میلیون دلاری اروپای شرقی نیز همانند کمکهای شوروی دارای اهمیت بوده و گفته می شود که در بسیاری موارد الجزایر تکنولوژی اروپای شرقی را به تکنولوژی شوروی ترجیح می دهد. کشورهای اروپای شرقی نیز وارد کارهایی مانند ساختن منازل مسکونی شده اند، که الجزایر در این باره یک برنامه ضربتی را در مد نظر قرار داده است. به طور مثال مجارستان توافق کرده است که محل سکونت یک کارخانه ساختمان سازی عمومی را که ۵۰۰ خانه در عنابه خواهد ساخت طرح ریزی نماید و لهستان و الجزایر با تشکیل کنسرسیومی براساس برنامه های دولت الجزایر سالانه ۱۰۰۰۰۰۰ واحد مسکونی ایجاد خواهند کرد. در این رابطه ورشو مصالح ساختمانی، تجهیزات، و خدمات مهندسی لازم را در اختیار الجزایر قرار خواهد داد. مهمترین پروژه های دیگر لهستان عبارتند از یک کارخانه تولید اسید سولفویک و یک کارخانه ۵۰۰۰۰۰ تنی سیمان، بنا به گزارشها شرکتهای لهستانی در مورد قرارداد ۷۵۰ میلیون دلاری کشتی سازی مرز الکبیر مشغول به کار بوده و هم اکنون این کشور یک کارخانه کشتی سازی ما در ایجاد کرده که دو سال قبل وارد مرحله تولید شده است. چکسلواکی و آلمان شرقی بر روی کارخانه های فولادسازی و بلغارستان در ساختن سد و پروژه های آبیاری مشغول به کار بوده اند (طبقه بندی نشده). تعداد پرسنل اقتصادی کمونیستی در الجزایر به ۱۱۷۵۰ نفر رسید که ۶۰۰۰ نفر آنها روسی و مهمترین نیروی پرسنلی شوروی در جهان سوم به شمار می آیند. حدود ۵۵۰۰ پرسنل اروپای شرقی در الجزایر و در سمتهای اداری به صورت معلم و پزشک مشغول به کار بودند. کوباییها نیز برای اولین بار به دیگر تکنیسینهای کمونیستی پیوسته و ۵۰ پرسنل پزشکی کوبایی براساس قرارداد منعقد شده در اواسط سال وارد این کشور گردیدند. حدود ۳۰۰ نفر پرسنل چینی در بخش کشاورزی کار می کردند. با آموزش دیدن ۵۰۰۰۰ الجزایری در کارخانه های ساخت کمونیستی، کشورهای کمونیستی نقش مؤثری در آموزش

نیروی کار فاقد مهارت الجزایر ایفا کرده و شکاف موجود در خدمات فنی را که در نتیجه خروج فرانسه در سالهای ۱۹۶۰ به وجود آمده بود پر کردند (طبقه بندی نشده).

لیبی

اختلاف پیشین میان لیبی و شوروی از بین رفته است چون واقعیت‌های سیاسی - اقتصادی همکاری‌های بیشتری را ایجاب می‌کند. این رابطه تاکنون به (الف) قراردادهای تسلیحاتی ۶/۳ میلیارد دلاری منعقد شده با کشورهای کمونیستی، که گسترده‌ترین نیروی آتش را در خارج از پیمان ورشو در اختیار تریپولی نهاده، و (ب) خدمات فنی اروپای شرقی در اجزاء قراردادهای تجاری، که لیبی برای مناقصه‌های اروپای شرقی ارجحیت بیشتری قائل است، بستگی دارد. (SNF NC)

خرید تسلیحات کمونیستی توسط لیبی در ازای ارزش معتبر دارای یک شاخص مهم یعنی افزایش پیچیدگی تسلیحاتی و قیمت‌های گزاف است. گرچه فروش شوروی در سال ۱۹۸۱ به سطح ۸۱ میلیون دلار (قیمت حداقل ۵ فروند هواپیمای باری ۷۶ - IL) تنزل نمود، ولی نقل و انتقالات واقعی برابر با ۸۰۰ میلیون دلار بود. تجهیزات جدیدی که در رژه روز ملی ماه سپتامبر به نمایش گذاشته شد عبارت بود از جت‌های جنگنده میگ-۲۵، سیستم‌های موشکی دفاع هوایی سام - ۹، موشک‌های فراگ - ۷ و جت آموزشی ال - ۳۹ ساخت چکسلواکی. دیگر تجهیزات تحویل داده شده در سال ۱۹۷۸ شامل دو زیر دریایی اف -

کلاس روسی، یک وسیله زمین نشین لهستانی به نام پکنکنی ال اس تی، و انواع موشک، هواپیما، و تجهیزات نیروی زمینی، بود. تریپولی با کره شمالی، لهستان، رومانی و یوگسلاوی نیز قراردادهایی با ارزش کلی ۱۶۹ میلیون دلار منعقد ساخته است. (S NF NC) تعداد پرسنل فنی شوروی در سال ۱۹۷۸ به سطح ۱۳۰۰ نفر رسید که اکثر آنها در گروه مستشاری نظامی شوروی در زمینه های آموزشی، تاکتیکی و کارهای تعمیر و نگهداری به کار مشغول بوده اند (S NF NC)

تعداد پرسنل فنی شوروی در سال ۱۹۷۸ به سطح ۱۳۰۰ نفر رسید که اکثر آنها در گروه مستشاری نظامی شوروی در زمینه های آموزشی تاکتیکی و کارهای تعمیر و نگهداری به کار مشغول بوده اند.

(S NF NC)

تعداد پرسنل اروپای شرقی که در زمینه قراردادهای عمرانی لیبی به کار مشغول بودند در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۲۰۰۰ نفر گردید. این رقم دربرگیرنده نیمی از پرسنل اروپای شرقی مستقر در خارج و ۱۰ درصد نیروی کار لیبی بود. البته این رقم افزایش بیشتری خواهد یافت چون آژانسهای لیبی مجبورند پاسخگوی دستورات قذافی در اعطای قراردادهای عمرانی به کشورهای کمونیستی باشند. در سال ۱۹۷۸، دولتهای اروپای شرقی قراردادهای زیر را با لیبی منعقد ساختند:

* یک قرارداد بلغاری ۸۰ میلیون دلاری جهت نصب تسهیلات در شش بیمارستان و نیز یک قرارداد هفت ساله دیگر جهت برقراری همکاری فنی بیشتر در زمینه کشاورزی، حمل و نقل، پروژه های صنعتی و دو برابر شدن حضور فنی که در سال ۱۹۷۸ به سطح ۱۰۰۰۰ نفر رسیده است.

* یک معاهده ۱۰ ساله با آلمان شرقی پیرامون همکاریهای سیاسی، اقتصادی و علمی که شرایط آنها مشخص نشده است.

* انعقاد یک پروتکل فنی با لهستان جهت ایجاد ۴۴۰ مزرعه در لیبی، علاوه بر ۱۳۰ مزرعه ای که

لهستانیها تا به حال ایجاد کرده اند و جهت افزایش مشارکت لهستان در برنامه ریزی، طراحی و اجرای طرحهای شهرسازی. (طبقه بندی نشده)

قراردادهای میلیارد دلاری مطروحه در توافق اقتصادی لیبی و شوروی در سال ۱۹۷۶، قرار است موارد زیر را در برگیرد؛ (الف) احداث یک نیروگاه هسته ای ۳۰۰ مگاواتی؛ (ب) یک برنامه عمرانی برای صنعت گاز تا سال ۲۰۰۰؛ (ج) استخراج نفت و اورانیوم؛ (د) احداث یک رآکتور تحقیقاتی ۴۰۰ میلیون دلاری در تجورا (Tajura) (ه) احداث یک خط لوله گازی ۶۵۰ کیلومتری و (و) یک کارخانه آهن و فولاد ۵ میلیون تنی. (طبقه بندی نشده).

هم اکنون شوروی کار مربوط به رآکتور را آغاز کرده و قرارداد مربوط به احداث خط لوله گازی نیز منعقد شده است. تکنیسینهای شوروی تحقیقات مربوط به استخراج اورانیوم را آغاز کرده اند و قرار بود که قبل از پایان سال حدود ۱۰۰ تکنیسین روسی در رابطه با انجام اکتشافات نفتی وارد این کشور شوند.

(S NF NC).

در سال ۱۹۷۸، چین در مورد برقراری روابط دیپلماتیک با لیبی به توافق رسید. این امر به دنبال اولین قرارداد همکاری اقتصادی و فنی پدید آمد. کوبا نیز براساس یک قرارداد منعقد شده توافق کرد که ۳۰۰ نفر پزشک به لیبی ارسال دارد که لیبی در ازای آن با احتساب هزینه های حمل و نقل سالانه یک میلیون دلار ارز معتبر پرداخت خواهد کرد. دو طرف مزبور پیرامون احداث یک کارخانه قند ۲۰۰۰۰۰ تنی توسط

کوبا در لیبی مذاکره کردند که قرار است پس از احداث، کوبا شکر خام را در اختیار این کارخانه بگذارد.
(SNF NC).

ذخائر نفتی لیبی همیشه مورد توجه کمونیستها بوده است. به استثناء دوره دو ساله اواسط سالهای

۱۹۷۰ که لیبی یکی از مهمترین صادرکنندگان نفت به اروپای شرقی به شمار می آمد، اختلاف موجود بر سر قیمتها مانع از انعقاد یک قرارداد بزرگ و جدید می شد، ولی در سال ۱۹۷۸ بلغارستان توافق کرد که در

ازای دریافت نفت خدمات ارائه کند و بنا به گزارشها چکسلواکی نیز توافق کرد که در ازای کالاهای

صنعتی سالانه ۲۰ میلیون بشکه نفت از لیبی خریداری نماید، بنا به گزارشها و براساس یکی از

قراردادهای امضاء شده در سال ۱۹۷۶، لیبی در سال ۱۹۷۸ معادل ۶۰ میلیون بشکه نفت خام را یک ساله

به قیمت هر بشکه بین ۸ تا ۱۰ دلار به شوروی فروخت. دیگر منابع گزارش داده اند که شوروی در سال

۱۹۷۷ خرید ۲۰۰۰۰ بشکه نفت در روز را به جای پرداخت ارزش تجهیزات نظامی تقبل کرده و در سال

۱۹۷۸ نیز در ازای ارز معتبر روزانه ۴۰۰۰ بشکه نفت از این کشور خریداری خواهد کرد. نفت لیبی در

پالایشگاههای کارائیب، احتمالاً برای کوبا تصفیه می گردد.(SNF NC).

موریتانی

جمهوری خلق چین به عنوان مهمترین کمک دهنده موریتانی، توانست روابط خود را با دولت جدید

موریتانی که پس از کودتای ژوئیه ۱۹۷۸ به قدرت رسید بهبود بخشد. موقعیت شوروی در این کشور نیز

احتمالاً به خاطر مسئله صحرای غربی و فعالیتهای ماهیگیری شوروی ضعیف شده است. رومانی که

تنهاکشور اروپای شرقی دارای منافع در موریتانی اگر کمک ۵۰۰ میلیون دلاری غربی و کمکهای عمده

فرانسوی را که کمکهای ۸۵ میلیون دلاری چین را کوچک جلوه گر می سازد در نظر نگیریم، باید بگوئیم

که چین محبوب ترین کمک دهنده موریتانی است. چینی ها نیروگاه نوآکچوت را احداث و با سر و صدای

زیاد در ماه نوامبر افتتاح کردند که می تواند ۲۵ درصد نیاز شهری را برطرف کرده و مانع قطع برق چون گذشته بشود. کار چین در این کشور با احداث بندر نوآکچوت در آبهای عمیق موریتانی به ارزش ۵۵ میلیون دلار آغاز و با چند پروژه کشاورزی و طبیی ادامه یافته است. (طبقه بندی نشده).

اقدامات کمکی شوروی همیشه با برخوردی مؤدبانه مواجه بوده، لیکن در مورد آنها اقداماتی آنچنانی به عمل نمی آمده است. دولت جدید تمام قراردادهای ماهیگیری از قبیل قرارداد شوروی را لغو کرد. چون کشورهای خارجی در آبهای موریتانی به ماهیگیری بیش از حد مشغول بوده اند. پروژه های کمکی عمرانی مسکو شامل ارائه کشتیهای ماهیگیری و کارخانه شیلات و انجام تحقیقات زمین شناسی و معدنی و جستجو برای منابع طبیعی از قبیل نفت و اورانیوم می باشد. مسکو امیدوار است که بار دیگر امتیازات سودآور صنعت ماهیگیری موریتانی را به دست آورد. (SNF NC).

موریتانی نگران این است که شوروی از مرکز تحقیقاتی اقیانوس شناسی NOUADHIBOU جهت خرابه کاری علیه این کشور استفاده کند. براساس قراردادی که قبلاً با دولت پیشین منعقد شده بود، شوروی می بایست نیروی انسانی لازم برای این مرکز را جهت انجام تحقیقات و مطالعات فراهم سازد. در حال حاضر موریتانی برای راه اندازی این پروژه به کشورهای دیگر روی آورده است. (SNF NC).

قرارداد ۲ میلیارد دلاری ۳۰ ساله شوروی در رابطه با گسترش منابع فسفات مثناله (Meskala) در جنوب

مراکش که توسط شاه حسن دوم پادشاه مراکش تحت عنوان «قرارداد قرن» منعقد شده بود، مهمترین قرارداد مسکو در رابطه با یک پروژه خاص در جهان سوم بوده و اولین قرارداد شوروی در زمینه وارد کردن فسفات می باشد. یک قرارداد ۲۰ میلیون دلاری اولیه جهت مطالعه امکانات و طراحی جنبه های مختلف پروژه اختصاص یافته که احداث راه آهن، شبکه جاده ای و تسهیلات بندری و انبارسازی و عملیات استخراج معادن را شامل می گردد. بیش از ۱۰۰ پرسنل روسی جهت انجام مطالعات مربوطه به محل پروژه وارد شده اند. ناظران غربی به نحو خوش بینانه ای اظهار داشته اند که بیش از ۲۰ درصد تجهیزات مورد نیاز باید در بازارهای ارز معتبر خریداری گردد و مسکو نیز سعی خواهد کرد وامهای قابل تبدیل به ارز معتبر را در اختیار این کشور قرار دهد. (سری).

بخش اعظم بازده ۱۰ میلیون تنی متقاله به شوروی صادر خواهد شد، تا وام ۲ میلیارد دلاری تأسیساتی پرداخت شده و علاوه بر این مقداری از آن نیز در ازای کالاهای روسی صادر خواهد شد. این معامله تجاری، شوروی و مراکش را در فهرست تجاری این کشور با کشورهای آفریقایی در مقام اول قرار خواهد داد. تجارت تقریباً متعادل کنونی شوروی و مراکش که تنها به وسیله قرارداد پایاپای نفت و مرکبات پشتیبانی می گردد، شوروی را به عنوان اصلی ترین منبع نفتی رباط در آورده است. (طبقه بندی نشده).

شوروی و مراکش در ماه آوریل یک شرکت ماهیگیری مشترک افتتاح کردند که شوروی در ازای یک سهم ۴۹ درصدی فنون و اکثر تجهیزات لازم را فراهم آورد. تنها معامله نظامی بزرگ مراکش با شوروی یک قرارداد ۲۵ میلیون دلاری در سال ۱۹۷۴ مربوط به دفاع هوایی و نیروی زمینی بود که هرگز به طور کامل به مرحله اجرا در نیامده است (سری).

اعتبار ۹۰ میلیون دلاری مراکش از چکسلواکی، لهستان و رومانی به منظور گسترش فروش تجهیزات

این کشورهای اروپای شرقی صادر گردیده بود تا از طریق آن بر کسری تجاری ناشی از ادامه خریدهای عظیم فسفات فائق آیند. فقط وام ۱۴ میلیون دلاری لهستان به یک پروژه خاص یعنی گسترش ظرفیت کارخانه فسفات در صافی (Safi) به ۵۰۰۰۰۰ تن اختصاص یافته است.

گسترش این کارخانه، که چهارمین کارخانه اینگونه ای ساخته شده توسط لهستان در مراکش است، سطح بازده اسید سولفوریک این کارخانه های لهستانی را به ۲ میلیون تن در سال افزایش خواهد داد. کار احداث این کارخانه در سال ۱۹۸۲ به پایان خواهد رسید و لهستان در ازای آن فسفات دریافت خواهد نمود. در سال ۱۹۷۸، مجارستان کار نصب جرثقیلهای بندری در آقادیر (Agadir) را به پایان رساند. این کار به دنبال نصب همین اسباب و آلات در بندر کنیترا آغاز گشته بود. مراکش از خدمات فنی اروپای شرقی در این کشور راضی است و تعداد پرسنل اروپای شرقی در مراکش در سطح ۱۵۰۰ نفر ثابت باقی مانده است. (طبقه بندی نشده).

تونس

تونس قراردادهای اقتصادی و نظامی جدیدی با کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ امضاء کرد. که وابستگی تونس را به غرب و به خصوص آمریکا دستخوش تغییر نمود. قرارداد ۱۲ میلیون دلاری نظامی چین در رابطه با ارائه تفنگهای اتوماتیک، مسلسل دستی، نارنجک، و اقلام سررشته داری به قرارداد ۹

میلیون دلاری پیشین چین در مورد اعطای دو قایق گشتی نوع شانگهای - ۲ و تجهیزات نیروی زمینی اضافه شد. (SNF NC).

در همین حال، چین و شوروی به کمکهای خود در پروژه های عمرانی آبی که هزینه های مربوطه از طریق اعتبارهای پیشین، تأمین می گردد ادامه داده اند. در اواسط سال، متخصصین شوروی طرحهای مهندسی ۵۵ میلیون دلاری اعتبار سال ۱۹۷۶ احداث یک سد در رودخانه جومین را براساس اعتبار ۵۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۶ به پایان رسانیدند و چین نیز تکنیسینهای خود را به این کشور فرستاد تا احداث کانال مجردا - کاپ بن (Medjerda - Cap Bon) را براساس یکی از قراردادهای ۹۰ میلیون دلاری چین آغاز نمایند. (طبقه بندی نشده).

کشورهای اروپای شرقی بسیار فعالتر بودند و کمکهای جدیدی در سال ۱۹۷۸ ارائه نمودند که شامل ۵۲۵ تکنیسین که اکثر آنها معلم و پزشک بودند، می گردد. تلاشهای جدید آنها عبارت است از (الف) اعتبار ۲۰ میلیون دلاری آلمان شرقی جهت احداث راه آهن؛ (ب) یک قرارداد ۲۲ میلیون دلاری مجارستانی در رابطه با ورود قطارهای دیزلی که هزینه مالی آن از اعتبار ۳۵ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۷۷ تأمین خواهد گشت. (SNF NC).

آفریقای مادون صحرا

کلی

برنامه تسلیحاتی شوروی در آفریقا در سال ۱۹۷۸ توجه جهانی را به خود جلب نموده بود، و مسکو با قراردادهای جدید تسلیحاتی ۸۴۵ میلیون دلاری مقام خود را به عنوان مهمترین تأمین کننده سلاح آفریقای مادون صحرا مستحکم نمود. در نتیجه بذل حمایت از دولتهای جدید مارکسیستی در آفریقا که در آنگولا در سال ۱۹۷۵ و بعدها در موزامبیک و اتیوپی آغاز گردید، آفریقای مادون صحرا نیمی از

سلاحهای فروخته شده توسط شوروی به جهان سوم و یک چهارم فروش سال ۱۹۷۷ را به خود اختصاص داد. در حالی که قبل از سال ۱۹۷۵ میزان آن کمتر از ۵ درصد بود. (خیلی محرمانه).

قرارداد جدید ۷۵۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۸ با اتیوپی میزان قراردادهای نظامی کلی مسکو با این هم پیمان جدید را به سطحی بیش از ۲ میلیارد دلار بالا برد. تحویل سلاحهای ۱ میلیارد دلاری به اتیوپی تنها مشابه تحویل سلاح به سوریه پس از جنگ ۱۹۷۳ بوده است. این تسلیحات مدرن اتیوپی را در برابر تجزیه طلبان اریتره برای مدت طولانی مجهز خواهد کرد. ادامه تحویل سلاح به آنگولا (۸۵ میلیون دلار) و موزامبیک (۵۰ میلیون دلار) به منظور تقویت این دولتهای مارکسیستی صورت گرفته است. دیگر کشورهای خط مقدم از قبیل تانزانیا و زامبیا سلاحهایی جهت تحویل به نیروهای شورشی و حفاظت از مرزهای خود به دست آورده اند. در همین حال، تعداد تکنیسینهای کمونیستی در آفریقای سیاه در سال ۱۹۷۸ به خاطر ورود ۱۵۰۰۰ کوبایی دیگر به اتیوپی ۶۰ درصد افزایش یافت. این پرسنل در مبارزات اریتره و اوگادن نحوه استفاده از تسلیحات مدرن و هدایت لجستیک و مخابرات نظامی را آموزش می دادند. ۷۰۰ کوبایی دیگر در سال ۱۹۷۸ به موزامبیک فرستاده شدند و تعداد کل آنها در این کشور به ۸۰۰ نفر رسید. (سری)

تسلیحات روسی که به وسیله لیبی به شورشیان فرولیئات تحویل داده می شد، سقوط دولت مالوم در

چاد را به دنبال داشت و حمله شورشیان کاتانگا تحت حمایت کمونیستی به زئیر (شبا ۲) سبب شد که آفریقا کوبا و شوروی را مسئول مداخله در این قاره بدانند. (سری)

در همین حال بعضی از مشتریان قدیمی اقداماتی در جهت کاهش حضور شوروی انجام دادند. به طور مثال، گینه در اواخر سال ۱۹۷۸ اکثر مستشاران روسی و کوبایی را اخراج کرده و تهدید نمود که اجازه استفاده شوروی از بندر کوناکری را لغو خواهد کرد. این موضوع به دنبال لغو حقوق شوروی در استفاده از حوزه هوایی کوناکری جهت پروازهای شناسایی دور برد پدیدار شد. از دست رفتن تسهیلات گینه و سومالی در سال ۱۹۷۷ سبب شد که شوروی از دولت اتیوپی بخواهد که در ازای کمکهای نظامی بیشتر استفاده از تأسیسات بندری جنوب آساب (Assab) را منحصر به شوروی بدهد. (SNF).

برنامه اقتصادی مسکو در آفریقای مادون صحرا در سال ۱۹۷۸ علیرغم درخواستهای مداوم افزایش کمکهای چندان چشمگیر نبوده است. کمکهای جدید تنها معادل ۱۰ میلیون دلار (به هفت کشور) بوده است. شوروی با استفاده از اعتبارهای باقیمانده از قرارداد ۱۹۵۹ کمک جدیدی به اتیوپی ننموده و پروژه جدیدی را نیز مورد گفتگو قرار نداد. گزارشهایی درباره کمک جدید ۳-۲ میلیارد دلاری داده شده به اتیوپی براساس توافق اقتصادی و فنی سپتامبر رسیده که مورد تأیید ما نیست. (SNF).

از طرف دیگر، کشورهای اروپای شرقی با قراردادهای ۵۱۵ میلیون دلاری جدید، به کمکهای کلی خود به این کشورها ۵۰ درصد افزودند. اتیوپی در رابطه با برنامه های عمرانی زیربنایی از کشورهای اروپای شرقی ۳۰۰ میلیون دلار کمک دریافت نمود. علاوه بر این کشورهای اروپای شرقی ۷۵ میلیون دلار به آنگولا، ۴۵ میلیون دلار به غنا و مقادیر کمتری به چند کشور دیگر آفریقایی کمک کرده اند. (S)

(NF).

چین که در اوائل سالهای ۱۹۷۰ یکی از محبوب ترین کمک دهندگان کشورهای آفریقایی شده بود، به

خاطر تمرکز پکن بر طرحهای عمرانی خود، در سال ۱۹۷۸ تنها ۵۰ میلیون دلار کمک اقتصادی جدید به این کشورها داد. پکن در برنامه های در حال انجام خود سرعتی به وجود آورد و ۸۵ درصد ۲۲۰۰۰ تکنیسین خود در کشورهای در حال توسعه در آفریقای مادون صحرا را در مورد پروژه های عمرانی کشاورزی، شاهراهها، و پروژه های راه آهن به کار گرفت. (طبقه بندی نشده)

در مباحث ذیل، ابتدا کشورهای آفریقایی دریافت کننده مهمترین کمکهای کمونیستی به ترتیب الفبا مطرح شده و سپس کشورهای دارای اهمیت کمتر نیز به ترتیب حروف الفبا مطرح گردیده اند. (طبقه بندی نشده).

آنگولا

علیرغم تلاشهای عمده کمونیستی در ارائه تجهیزات و نیروی انسانی به بنیه دفاعی نهضت آزادی بخش خلق آنگولا، چریکهای ضد دولتی در سال ۱۹۷۸ تلفات سنگینی به نیروهای دولتی وارد کردند، آنگولاییها از عدم توانایی کمونیستها در کنترل شورش و اعاده نظم اقتصادی اظهار نارضایتی نموده اند. با وجود اینکه لوآندا (پایتخت آنگولا - م) درصدد فرصت برای برقراری روابط اقتصادی و فنی مجدد با غرب بود. ملل اروپای شرقی سعی می کردند روابط اقتصادی صمیمانه تری را برقرار سازند. (طبقه بندی نشده).

قراردادهای جدید تسلیحاتی کمونیستی در سال ۱۹۷۸ کاهش یافت، چون آنگولا به زمان بیشتری جهت جذب تجهیزات دریافتی کمونیستی به ارزش ۴۸۰ میلیون دلار داشته است. دو سوم کمکهای ۷۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۸ از طرف کشورهای اروپای شرقی در رابطه با تجهیزات غیر مرمی از قبیل کامیون از آلمان شرقی و لهستان، یونیفورم از رومانی و تجهیزات مخابراتی از مجارستان ارائه شده بود. ارسال هواپیماهای باری ۴۰-YAK و ۲۶-AN به ارزش ۲۶ میلیون دلار تنها تجهیزات نظامی فروخته شده به آنگولا توسط مسکو به حساب می آید. ارسال تسلیحات ۱۱۵ میلیون دلاری در سال ۱۹۷۸ هواپیماهای باری و رزمی، تجهیزات نیروی دریایی روسی، و هلیکوپترها و کامیونهای اروپای شرقی را در بر می گرفت. (سری).

تعداد مستشاران نظامی شوروی در آنگولا دو برابر تعداد آنها در زمان جنگ و معادل ۱۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۸ بود. افسران شوروی هنوز هم موقعیتهای مهمی را در فرماندهی نظامی و ساخت کنترل آنگولا در اشغال دارند. تعداد مستشاران آلمان شرقی که در حال حاضر بیش از ۳۰۰ نفر است عملیات امنیتی و اطلاعاتی آنگولا را بهبود بخشیده اند. حضور نظامی کوبا نیز در این کشور با ۲۰۰۰۰ کوبایی حفظ شده است. (سری).

کشورهای کمونیست اروپای شرقی و کوبا حضور اقتصادی خود در آنگولا را در سال ۱۹۷۸ از طریق برنامه های خدمات فنی افزایش دادند، در حالی که افزایش این فعالیتها در طول سال منجر به عقد قرارداد نسبتا بزرگ نگردید. رومانی تنها توانست یک قرارداد خاص (۷۵ میلیون دلار جهت پروژه های عمرانی) منعقد سازد و دیگر قراردادهای در مراحل مذاکراتی باقیمانده است. حدود ۱۰۰۰۰۰ تکنیسین کمونیستی در پاسخ به نیاز شدید دولت آنگولا برای اشغال ۱۰۰۰۰۰ موقعیت شغلی بدون سرپرست در نتیجه استقلال این کشور از سلطه پرتغال، به کار مشغول شده اند. (خیلی محرمانه).

با وخیمتر شدن اوضاع اقتصادی میزان شکایات علیه کمونیستها در سال ۱۹۷۸ فزونی گرفت. گرچه آنگولاییها پرسنل شوروی و کوبا را به مدیریت نادرست در تجارت خارجی و سرقت کالاها (مانند قهوه) متهم می کنند، ما شواهدی در دست نداریم که این مسئله در همه سطوح اتفاق افتاده باشد. علاوه بر این نمی دانیم که کمونیستها شرایط سختی را برای ارائه خدمات فنی تعیین کرده باشند. پرسنل شوروی و اروپای شرقی ماهانه ۱۲۰۰ دلار و کوباییها ۸۰۰ دلار دریافت می کنند که حداقل نیمی از آن به صورت ارز معتبر پرداخت می گردد. براساس قراردادهای منعقد شده در دسامبر ۱۹۷۸ حضور کوبا در این کشور گسترش بیشتری خواهد یافت. (SNF).

کشورهای اروپای شرقی با ارائه اعتبارات تجاری جهت خرید تجهیزات روابط بازرگانی خود با آنگولا را گسترش دادند. آلمان شرقی در رابطه با کارخانه ها و ماشین آلات کامل یک اعتبار پنج تا هفت ساله صادر کرد و بلغارستان، چکسلواکی و لهستان نیز در ازای فروش وسائط نقلیه شرایط مشابهی را قائل شده اند. (SNF).

قراردادهای دیگر عبارتند از: (الف) پروتکل بلغارستان جهت کمک به کشاورزی و مدرنیزه سازی شهری، (ب) تعهد کوبا برای آموزش دادن ۲۵۰۰ تکنیسین آنگولایی در کوبا، (ج) تحویل شش کشتی ماهیگیری روسی به صورت هدیه؛ و (د) تعهد شوروی مبنی بر احداث یک مزرعه غله ۴۰۰ هکتاری به صورت هدیه (طبقه بندی نشده).

برنامه اقتصادی بی اهمیت شوروی در آنگولا مشابه تلاشهای توأم با بی تفاوتی شوروی در دیگر کشورهای آفریقایی است که در آن نشانه ای از علاقه به عمران صنایع حیاتی بخش عمومی وجود ندارد. تنها در رابطه با صنعت ماهیگیری آنگولا، که به کشتیهای روسی اجازه صید در آبهای آنگولا را می دهد، و ارائه تجهیزات مدارس آموزشی، کمک هایی داده شده است. (طبقه بندی نشده)

اتیوپی

یک سال و اندی بعد تغییر جهت حمایت شوروی از سومالی به اتیوپی، هنوز هم مهمترین عامل موجود در روابط شوروی و اتیوپی برنامه کمک نظامی مسکو و افزایش وابستگی اتیوپی به کشورهای کمونیستی از نظر حمایت فنی است. برخلاف شایعات مربوط به انعقاد قراردادهای عظیم اقتصادی، آدیس آبابا کمک اقتصادی جدیدی از شوروی دریافت نکرده، گرچه اروپای شرقی ۳۰۰ میلیون دلار کمک جدید به این کشور پیشنهاد نموده است. برنامه اقتصادی مسکو هنوز هم از اعتبار ۱۰۰ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۵۹ ناشی می گردد. (SNF NC).

تأمین تسلیحاتی سه ساله مسکو برای اتیوپی سه برابر میزان سلاحهایی است که شوروی در طول ۱۳ سال در اختیار سومالی کشور همجوار اتیوپی قرارداد داده بود. تا پایان سال ۱۹۷۸، اتیوپی ۲ میلیارد دلار کمک نظامی از شوروی و ۶۶ میلیون دلار از اروپای شرقی دریافت کرده بود. در ازای این کمک، اتیوپی یک قرارداد دو جانبه دوستی بیست ساله با مسکو در ماه نوامبر امضاء کرد و به شوروی حق انحصاری استفاده از بنادری را که قرار است در شمال آساب بسازد اعطا نمود. (SNF NC).

تقریباً تمام کمکهای نظامی شوروی قبل و در طول حملات موفقیت آمیز اتیوپی در بیرون راندن نیروهای سومالی از اوگادن و در اوائل سال مزبور ارائه گردید. با وجود اینکه ما در برآوردهایمان قراردادهای جدید تسلیحاتی شوروی از آوریل ۱۹۷۸ را وارد ننموده ایم، ولی فکر می کنیم که در نیمه دوم

سال قراردادهای جدیدی امضاء شده است، تا اتیوپی بتواند از تجهیزات غربی چشم پوشیده و به تسلیحات و تاکتیکهای روسی دست یابد. قراردادهای قبلی رژیم منگیستو را از سقوط حتمی نجات داد، لیکن میزان حمایت فنی و لجستیکی آنقدر کافی نبود که بتواند یک نیروی مبارز تجهیز شده توسط شوروی را برای مدتی دراز روی پای خود نگهدارد. حتی در غیاب قراردادهای موجود بین شوروی و اتیوپی پس از آوریل سال ۱۹۷۹ نیز سیاست شوروی در قبال اتیوپی تغییر نکرد. الگوی تداوم تأمین سلاح بدون شک مشابه کارهایی است که در رابطه با بعضی از مشتریان خاورمیانه ای مسکو انجام شده، یعنی تجهیزات بیشتری روانه شده، آموزش فنی بیشتری ارائه شده و تسلیحات مدرن تری به زرادخانه اتیوپی اضافه شده و خواهد شد. (SNF).

ارسال سلاح چه از طریق دریا و چه از راه هوا که در چهار ماهه اول سال ۱۹۷۸ به اتیوپی انجام گرفت، کل یک میلیارد دلار سلاح ارسالی در این سال را در بر می گیرد. اتیوپی اولین کشور آفریقایی مادون صحرا بود که در سال گذشته جنگنده میگ ۲۳ را دریافت می کرد و علاوه بر این سلاحها و تجهیزات زیر را نیز دریافت نمود که عبارتند از: (الف) پایگاههای موشکی هدایت شونده دفاع هوایی سام - ۲ و سام - ۳ که به سرعت در اطراف آساب و آدیس آبابا مستقر گردید، (ب) ۲۰ فروند هلیکوپتر می - ۲۴؛ (ج) یک دوجین هواپیمای باری AN-۱۲ (به صورت وام) و (د) هزاران وسیله حمل و نقل روسی جهت حمایت

عظیم لجستیکی در یک جنگ دو جبهه ای. تحویل تسلیحات سنگین زمینی متناسب تیپهای مکانیزه کوبایی نیز به صورت همه جانبه انجام گرفت. این تجهیزات عبارت بودند از ۲۵۰ دستگاه تانک متوسط، بیش از ۵۰۰ دستگاه نفربر زرهی، ۳۶۰ دستگاه توپ کالیبر بزرگ و چند دوجین دیگر از سلاحهای ضد هوایی کنترل شونده توسط راداری به نام ۴/۲۳-(NF)-(ZSU S).

تحویل جت‌های جنگنده، تجهیزات نیروی دریایی و تسلیحات سنگین مکانیزه زمینی دیگری نیز براساس یک قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری به این کشور صورت خواهد گرفت. بیشتر سلاحهای روسی ارائه شده به اتیوپی ۵۰ درصد کمتر از قیمت معمول به این کشور داده می شود، ولی بررسی مقدماتی حاکی از آن است که قیمت بعضی از اقلام خیلی بیشتر از قیمت فروش آنها به دیگر مشتریان شوروی در کشورهای در حال توسعه در سالهای اخیر است. گرچه در ازای بعضی از تجهیزات باید پول نقد پرداخت شود. ولی بخش اعظم پرداختها به صورت ارز معتبر و در اقساط ۱۰ ساله پرداخت خواهد شد (که لیبی نیز پرداخت مقادیری از آن را تقبل کرده است). (SNF).

علاوه بر ارسال سلاح، شورویها قراردادهایی برای توسعه و مدرنیزه کردن تسهیلات نظامی اتیوپی و تسریع آموزش نیروهای مسلح این کشور منعقد ساخته اند. در اوائل سال ۱۹۷۸، حدود ۱۶۵۰۰ پرسنل کوبایی و ۱۶۰۰ پرسنل روسی به آموزش اتیوپیاییها در کاربرد سلاحهای مدرن و هدایت لجستیکی و مخابراتی نظامی در اوگاندا و اریتره مشغول بودند، علاوه بر این، ۹۰۰ نفر افسر و افراد مشمول به شوروی روانه شدند تا دوره های تعلیم عملیات و تعمیر و نگهداری هواپیماها، سیستمهای دفاع هوایی، ناوهای دریایی، و تجهیزات پشتیبانی مربوطه را فرا گیرند. افسران اتیوپیایی در مدارس فرماندهی شوروی نیز در حال طی دوره های آموزشی هستند. (SNF).

در همین حال، تکنیسینهای روسی تعدادی از فرودگاههای قدیمی را به پایگاههای دارای سیستم

دفاعی خوب جت‌های جنگنده تبدیل نموده و تعدادی از آنها نیز در گسترش و توسعه تسهیلات بندری آساب و ساختمان پایگاه‌های آموزشی نظامی در خولت (Kholette) نظارت می‌کردند. ساختمان یک مرکز دریایی در آساب جهت استفاده انحصاری شوروی در آینده نزدیک آغاز خواهد شد. گرچه این مرکز در رابطه با عملیات ناوگان شوروی ضرورت چندانی ندارد، ولی حضور و حیثیت شوروی را در مناطق استراتژیک تنگه دریای سرخ افزایش خواهد داد و میزان کارایی عملیات دریایی شوروی را نیز بالا خواهد برد. کشتیهای یدک کش شوروی یک اسکله شناور را (که ابتدا در آبهای سومالی و پس از آن در آبهای یمن جنوبی مستقر شده بود) به آبهای اتیوپی وارد نمودند. (SNF).

شایعات مبتنی بر اینکه قرارداد کمک فنی و اقتصادی منعقد در سپتامبر ۱۹۷۸ حدود ۳-۲ میلیارد دلار اعتبار را در برمی گرفته، خالی از اعتبار است. این توافق نیز از نظر محتوای اصلی مشابه قراردادهای دیگری است که در چند سال گذشته توسط مسکو منعقد گردیده است. قرارداد اقتصادی سپتامبر تنها خواستار تشکیل یک کمیسیون مشترک جهت نظارت بر فعالیتهای اقتصادی موجود شوروی و بررسی امکانات گسترش در مناطق جدید شده است. میزان کمک هر پروژه مطالعه شده جداگانه خواهد بود. ۸۰ میلیون دلار باقیمانده از اعتبار ۱۰۰ میلیونی سال ۱۹۵۹ نیز قبل از آنکه شوروی قراردادهای جدید سنگین تری را منعقد سازد استفاده خواهد شد. در همین حال مسکو درباره پروژه های کمکی جدید پیشنهادهای ننموده و از پاسخ به درخواست اتیوپی جهت تأسیس یک کارخانه ذوب آهن و پروژه های

صنایع سنگین دیگر نیز اجتناب ورزیده است.

در مقابل آن شوروی به اتیوپی توصیه کرده است که فعالیتهای خود را در امور کشاورزی متمرکز نماید. کمکهای شوروی هم اکنون براساس پروتکل ماه مه ۱۹۷۷ به اتیوپی اجازه استفاده از اعتبار سال ۱۹۵۹ را می دهد که ۱۵ میلیون دلار جهت ورود کالا، مقدار دیگری از آن جهت گسترش پالایشگاه روسی در آساب تا ۷۵ درصد و نصب خط لوله و مخازن نفتی در مناطق مجاور به کار خواهد رفت. تعهدات جدید به منظور پروژه های آبیاری و کشاورزی که در دره آواش مورد بررسی است، حداقل به ۳۰۰ میلیون دلار اعتبار نیاز خواهد داشت. (S NF NC).

کشورهای اروپای شرقی به تقاضای اتیوپی برای دریافت کمک پاسخ دادند: (الف) آلمان شرقی ۲۰۰ میلیون دلار به منظور توسعه بندر آساب، احداث یک خط لوله نفتی و احتمالاً یک راه آهن در اختیار این کشور قرار داد: (ب) چکسلواکی ۴۵ میلیون دلار کمک به این کشور داد؛ و (ج) بلغارستان، مجارستان و رومانی نیز در مجموع ۵۵ میلیون دلار در اختیار اتیوپی قرار داده اند. (S NF NC)

چین که قبلاً یکی از فعالترین کمک دهندگان اتیوپی به شمار می رفت. به خاطر حملات اتیوپی که به تحریک شوروی، علیه سیاستهای چین در جهان سوم صورت می گرفت فعالیتهای خود در این کشور را رها نمود. (S NF NC).

افزایش توجه کمونیستها به اتیوپی در سال ۱۹۷۸ سبب دو برابر شدن پرسنل اقتصادی اروپای کمونیستی در این کشور شد. از ۱۴۰۰ تکنیسین، ۴۰۰ نفر آنها را معلمین و پرسنل اداری روسی، ۳۰۰ نفر را پرسنل آلمان شرقی و ۵۰۰ کوبایی در بخش خدمات پزشکی تشکیل می دادند. (طبقه بندی نشده).

علاوه بر این اتیوپی در سال ۱۹۷۸ حدود ۷۰۰ دانشجوی سال اول خود را به مراکز آموزشی آکادمیک شوروی فرستاد که جمع دانشجویان اتیوپی در دانشگاههای شوروی را به ۱۵۰۰ تن رساند.

کوبا نیز با ارائه ۱۲۶۰ بورس تحصیلی جدید به دانش آموزان مدارس ابتدایی و متوسطه اتیوپی جهت تحصیل در جزایر پانیز (PINES) برنامه شوروی را تکمیل نمود. (طبقه بندی نشده).

گینه

روزهای پر جنجال روابط شوروی و گینه احتمالاً سپری شده است. چون رئیس جمهور توره سعی دارد به نهضت غیر متعهدها بپیوندد و کمک بیشتری از غرب دریافت دارد. این وضع سیاسی جدید در سال ۱۹۷۸ بر برنامه های اقتصادی و نظامی تأثیر بسیار گذاشت:

• امتیاز سوخت گیری هواپیماهای ۹۵ - TU شوروی و حق پرواز این کشور لغو گردید.

• دسترسی شوروی به اسکله کوناکری محدود گشت.

• پیشنهاد شوروی به منظور احداث یک اسکله شناور رد شد.

• تعدادی از پرسنل نظامی و اقتصادی شوروی اخراج گردیدند. (SNF).

ظاهراً شوروی از اخراج ۶۰ تن از مستشاران نظامی خود از این کشور در ماه نوامبر شگفت زده شده

بود. ۱۰۰ تن از پرسنل کوبایی که شبه نظامیان گینه را آموزش داده و میگهای آنها را تعمیر کرده بودند نیز

اخراج گشتند. در اوائل سال، کوناکری یک قرارداد ۱۰ میلیون دلاری نظامی با شوروی امضاء کرده بود که

مهمترین بخش آن دربرگیرنده قرارداد ماه ژوئن جهت تحویل یک ناو اسکورت و دو قایق گشتی دست دوم از نوع شرشن بود (که گینه قبل از آن این نوع قایقها را دریافت نموده بود). با وجود اینکه مسکو چند فروند جت میگ - ۱۷ به این کشور ارسال داشته و توافق کرده است که یک اردوگاه نظامی ۶ میلیون دلاری برای گردانهای تانک این کشور بسازد، ولی روابط آتی گینه و شوروی مشکوک به نظر می رسد و در حال حاضر کوناگری به فروشندگان تسلیحاتی دیگر روی آورده است. (SNF NC).

با اظهار نارضایتی کوناگری از ۱۵ سال کمک غیر مؤثر شوروی و عدم توانایی مسکو در ارائه کمکهای جدید در ازا برنامه های رو به اتمام برنامه های اقتصادی نیز رو به وخامت نهاده بود. تعدادی تکنیسین ۱۰ درصد کاهش و به ۴۵۰ نفر رسید که نشان دهنده امتناع گینه از تجدید قراردادهای ۵۵ معلم در دانشگاهها، دبیرستانها و مدارس فنی گینه در سال تحصیلی ۱۹۷۸-۷۹ بود و علت آن نیز عدم تسلط این معلمین به زبان فرانسه و فنون تدریس قدیمی شمرده شده است. چند تن از آنان نیز متهم به فعالیتهای سیاسی و عملیات بازار سیاه شده بودند. (SNF NC)

روابط اروپای شرقی که هیچ گاه مستحکم نبوده است، پس از اتخاذ سیاست ارز معتبر توسط گینه به عنوان تنها رسید بازپرداخت، متشنج تر گشت. تنها رومانی پیشنهاد کرد که حاضر است در سال ۱۹۷۸ در رابطه با یک پالایشگاه نفت در کوناگری و استخراج بوکسیت کمک عمرانی بدهد که منابع مالی آن نیز از طریق چند کشور ناشناس اوپک پرداخت خواهد شد. چین که تاریخی طولانی در ارائه کمک به گینه دارد. ارائه کمک جدیدی را اعلام نکرده است. در حالی که از ۸۳ میلیون دلار کمک داده شده به این کشور در گذشته مابه التفاوت چندانی (حدود ۳ میلیون دلار) باقی نمانده است. (SNF NC)

مالی

کمک نظامی مهمترین عامل در روابط بین مالی و شوروی بوده است. گرچه با ماکو (پایتخت مالی - م)

تمایل به کاهش وابستگی به تسلیحات شوروی نشان داده است. اعلام وزیر دفاع مالی در اکتبر سال ۱۹۷۸ که یکی از مهمترین حامیان تسلیحات نظامی شوروی به حساب می آمد، بر روابط بین دو کشور تأثیر منفی به جای خواهد گذاشت. (سری).

مالی هنوز هم فرودگاههای خود را (که اکثراً توسط شوروی ساخته شده است) در اختیار شوروی می گذارد، تا این کشور بتواند به عملیات خود در جنوب آفریقا ادامه دهد و در عوض تجهیزات نظامی دریافت می کند. در رژه سنتی روز استقلال در ماه سپتامبر، مالی ۳۸ دستگاه موشک جدید سام، هواپیماهای میگ، تانک، و نفربرهای زرهی تحویلی به این کشور براساس قرارداد سال ۱۹۷۷ را به نمایش گذاشت. (سری).

با وجود اینکه تجهیزات مدرن مالی همسایگان آن را ترسانیده است، ولی ارسال ۸۰۰ میلیون دلار تسلیحات نظامی در سالهای ۷۸-۱۹۷۴ توسط شوروی میزان کارایی رزمی مالی را بالا نبرده است. بخش اعظم این تجهیزات در نقاط دور از مرز انبار شده و برای شناسایی و دفاع مناسب نمی باشند. فقدان منبع مالی مورد نیاز جهت خرید قطعات یدکی بسیاری از هواپیماها را فاقد آمادگی پرواز کرده و هواپیماهای دیگر را نیز غیر قابل تحریک خواهد کرد. (سری).

مالی ها نسبت به کافی نبودن کمک اقتصادی شوروی اظهار نارضایتی کرده اند. تلاش مسکو نیز به

گسترش معدن طلای کالانا و ارسال پزشک و معلم به این کشور معطوف شده که بسیاری از آنها در مقایسه با پرسنل چینی و فرانسوی فاقد کارایی لازم به حساب می آیند. (طبقه بندی نشده).

چین که تمام تعهدات ۱۰۰ میلیون دلاری خود را در رابطه با کشاورزی و پروژه های صنعتی برق مالی انجام داده، طرحهای جدیدی را جهت اجرای برنامه های خود در دهه آتی پی ریزی می کند. (طبقه بندی نشده).

موزامبیک

وابستگی موزامبیک به کشورهای کمونیستی که از زمان ارائه حمایت نظامی قبل از دستیابی به استقلال از سلطه پرتغالیها آغاز شده بود. با اتکای روزافزون این کشور به تسلیحات کمونیستی در برپاداشتن تأسیسات نظامی خود افزایش بیشتری یافته است. کمک اقتصادی کشورهای کمونیستی که در بخش خدمات فنی متمرکز بوده چندان رضایتبخش نبوده است. (طبقه بندی نشده).

ارسال سلاح از شوروی و کشورهای اروپای شرقی به موزامبیک در سال ۱۹۷۸ معادل ۸۴ میلیون دلار بود، لیکن قراردادهای جدید تنها ۱۱ میلیون دلار ارزش دارد. شوروی اولین موشک اندازهای زمین به هوای سام - ۳ و تجهیزات مربوط به دفاع مرزی را در اختیار این کشور قرار داد. زرادخانه کمونیستی ۱۰۰ میلیون دلاری موزامبیک که از سال ۱۹۷۵ تشکیل گردید، موزامبیک را قادر به برقراری امنیت در مرزهای خود نساخته است. نیروهای رودزیایی هرگاه بخواهند به حمله علیه اردوگاههای چریکی در موزامبیک دست می زنند. اگر سیستمهای موشکی سام-۳ وارد عمل شود جای توپ های ضد هوایی و موشکهای دستی سام - ۷ را خواهد گرفت و در حفاظت فرودگاههای موزامبیک در برابر حملات رودزیا بهبودی پدید خواهد آورد. به علت عدم آشنایی موزامبیکها، تکنیسینهای روسی تا مدتها موشکهای سام-۳ را به کار خواهند برد. تعداد تکنیسینهای روسی در موزامبیک در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۳۰ نفر بود.

ماپوتو (پایتخت موزامبیک - م) از شوروی و اروپای شرقی هلیکوپتر، تانک، توپخانه، و انواع سلاحهای سبک دریافت کرده است. (SNF NC).

کوباییها در برنامه های آموزش و تعمیر و نگهداری شوروی در موزامبیک نقش بسیار مؤثری داشته اند. با ورود ۴۰۰ نظامی کوبایی از آنگولا و اتیوپی به موزامبیک حضور کوبا در این کشور در ماه اکتبر به شدت افزایش گسیل شده اند، به سلاحهای ضد هوایی مجهز هستند. حدود ۴۰۰ کوبایی دیگر در موزامبیک نقش مستشار و تکنیسین را ایفا می کردند. (سری).

کشورهای کمونیستی از سال ۱۹۷۵ بیش از ۱۶۰ میلیون دلار اعتبار اقتصادی به این کشور داده اند، لیکن هنوز هم این برنامه بر کمک فنی به جای تحویل تجهیزات و مواد متمرکز است، تقریباً ۱۳۰۰ تکنیسین اقتصادی کمونیستی، که اکثر آنها ارز معتبر دریافت می دارند، در سال ۱۹۷۸ به موزامبیک وارد گردیدند. میانگین بازپرداخت حدود ۱۰ میلیون دلار در سال بوده است. چین با حدود ۶۰ میلیون دلار اعتبار، یکی از مهمترین کمک دهندگان موزامبیک بوده است، لیکن براساس قرارداد اعتباری سال ۱۹۷۵ پروژه ای پیشنهاد نشده است. (خیلی محرمانه).

بعضی از فعالیتهای کمونیستی سبب نقصان در کشاورزی درخشان این کشور شده است. بلغارستان و شوروی با هم در سال جاری به کار بر روی پروژه عمرانی حوضچه لیمپوپو پرداخته اند. بلغارستان در نظر

دارد احداث سدهای ماسینگر و مایایی را به پایان رسانیده و یک نیروگاه ۴۰ مگاواتی بر روی سد ماسینگر و در حوضچه لیمپوپو بسازد. براساس قرارداد سال ۱۹۷۷ بلغارستان شاهره بین مپوتو - کابودلگادو را احداث خواهد کرد. مسکو نیز به تحقیقات زمین شناسی و تجهیزات مدارس فنی ادامه داد. آلمان شرقی نیز مطالعات خود را بر روی پروژه هایی از قبیل عمران کشاورزی، اکتشاف معادن، ماهیگیری، ایجاد خطوط نیروی فشار قوی، احداث یک کارخانه نساجی، و کارخانه مونتاژ کامیون که قرار است بر اساس قرارداد سال ۱۹۷۷ در پیش گرفته شود، آغاز کرده است. مجارستان نیز احتمالاً براساس همین قرارداد سال ۱۹۷۷ حدود ۵۰ دستگاه اتوبوس به مپوتو تحویل داده است. (طبقه بندی نشده).

نیجریه

روابط نیجریه با دولتهای اروپای شرقی به دنبال قرارداد منعقد شده جدید همکاری در سال ۱۹۷۸ گرمتر شد، در حالی که پس از واقعه شبا - ۲ روابط این کشور با شوروی و کوبا سردتر شده است. (طبقه بندی نشده).

روابط نظامی شوروی با نیجریه که ناشی از حمایت مسکو در طول شورش بیافرائیها در سال ۱۹۶۷ بوده است، در سالهای اخیر به خاطر نگرانی لاگوس (پایتخت نیجریه - م) در مورد سیاستهای شوروی در آفریقا رو به سردی نهاده است. از زمان فروش ۷۵ میلیون دلاری هواپیماهای شوروی که بزرگترین خرید نیجریه به حساب می آمد، شوروی تنها توانسته است موشکهای سام - ۷ و قطعات یدکی مورد نیاز نیروهای مسلح نیجریه را به این کشور بفروشد. با وجود اینکه پایگاههای نظامی نیجریه غرب زده است، ولی این کشور همچنان به تسلیحات نظامی کمونیستی علاقه نشان می دهد. گفتگوهای این کشور با لهستان و یوگسلاوی سبب شد که این کشورها پیشنهاد ارسال تانک بنمایند که قبلاً از آمریکا دریافت

می گردید. (SNF).

علیرغم کاهش حضور نظامی شوروی، حضور غیر نظامی آن به ۱۱۰۰ نفر رسید که اکثر آنها را تکنیسینهای مشغول به کار در پروژه ۱۳۷ میلیون دلاری خط لوله نفتی تشکیل می دهند. قرار بود این خط لوله ۸۰۰ کیلومتری تا پایان سال ۱۹۷۸ احداث گردد، لیکن بنا به گزارشها شوروی حدود ۸ تا ۱۰ ماه تأخیر داشته و توانسته است که تنها بخش اول این خط لوله را در سال ۱۹۷۸ تحویل دهد. (NF) (S).
طرحها و برنامه های مربوط به احداث کارخانه ذوب آهن آجاو کوتا، که مهمترین پروژه شوروی در نیجریه است، در ماه نوامبر به پایان رسید. دو طرف مزبور در مورد هزینه احداث به توافق نرسیده اند، چون شوروی ۹۰۰ میلیون دلار را در نظر دارد، ولی نیجریه گفته است که حاضر نیست بیش از ۶۰۰ میلیون دلار بپردازد. (سری).

کشورهای اروپای شرق برخلاف شوروی با امضاء چند قرارداد حیثیت خود را در نیجریه افزایش داده اند:

بلغارستان یک قرارداد همکاری اقتصادی را امضاء کرد که براساس آن یک کمیسیون مشترک جهت مطالعه و بررسی پروژه های کشاورزی، تهیه مواد غذایی و مسکن تشکیل گردید.
براساس یک قرارداد منعقد شده در ماه سپتامبر چکسلواکی توافق کرد که معلم و دیگر متخصصین را در

اختیار این کشور قرار دهد.

مجارستان طول عمر اعتبار ۲۶ میلیون دلاری سال ۱۹۷۴ خود را در رابطه با تجهیزات بیمارستانی

که در مورد ۲۵ درصد آن قراردادهایی امضاء شده، افزایش داد.

لهستان ۳۰۰ متخصص به نیجریه خواهد فرستاد و سالانه ۳۰۰ دانشجوی نیجریه ای را در

دانشگاهها و آموزشگاههای فنی خود براساس یک قرارداد دو ساله منعقد در ماه مارس، خواهد

پذیرفت.

لهستان و رومانی قراردادهایی برای معامله پایاپای کالاها و خدمات خود در ازای نفت نیجریه

امضاء کردند که نیجریه دیگر تمایل چندانی به اجراء آن نشان نداده است. (طبقه بندی نشده).

ورشو در مورد همکاری در رابطه با کشتی سازی، عمران بنادر، معادن و کشاورزی با نیجریه یعنی

بزرگترین مشتری خود در آفریقای مادون صحرا مذاکره نمود و یک کمیسیون مشترک جهت بررسی

امکانات پروژه ها تشکیل گردید. رومانی بر برنامه ایجاد یک خط کشتیرانی و ماهیگیری مشترک متمرکز

شده و مشارکت در چند پروژه از قبیل (الف) یک پالایشگاه نفت، (ب) کارخانه های پتروشیمی، (ج)

پروژه های کشاورزی، (د) کارخانه سیمان سازی، و (ه) برق رسانی به روستاها را پیشنهاد نمود. مهمترین

کار رومانی تا به حال احداث یک کارخانه چوب ۳۵ میلیون دلاری بود، ولی لهستان در رابطه با معادن

زغال سنگ مشغول به کار بوده است. (خیلی محرمانه).

سومالی

یک سال پس از لغو پیمان دوستی شوروی و سومالی، تلاش رئیس جمهور زیاد (زیاد باره - م) جهت

دستیابی به منابع تسلیحاتی دیگر به جایی نرسید. تعدادی از عرضه کنندگان غربی اظهار داشتند که به

محض عادی شدن اوضاع اوگادن، تجهیزات لازم را به سومالی خواهند فروخت. در همین حال، کمکهای

کوچکی از طرف (الف) عربستان سعودی، که معادل ۱۵ میلیون دلار سلاح سبک و مهمات از فروشندگان تجاری مجارستان و لهستان در سال گذشته برای سوماتی خریداری نمود؛ و (ب) مصر، قطعات یدکی مورد نیاز را از انبارهای روسی خود برای دفاع هوایی و تجهیز نیروی زمینی سوماتی ارسال داشت. صورت گرفت. سعودیها و دیگر نشینهای خاورمیانه هزینه مورد نیاز برای این اقلام خریداری شده را ارائه کرده و بنادر و فرودگاههای خود را به صورت کانال انتقال سلاح به سوماتی در اختیار این کشور قرار دادند، با این وصف نیروی هوایی سوماتی به علت کمبود قطعات یدکی قادر به پرواز نمی باشد. (خیلی محرمانه).

در آوریل ۱۹۷۸، رئیس جمهور زیاد به پکن سفر کرد تا شخصا درخواست دریافت کمک اضطراری اقتصادی و نظامی بنماید. چینها پیشنهاد کمک آموزشی و فنی دادند و تنها پس از سفر رئیس جمهور زیاد مقادیری تجهیزات نظامی به موگادیشو ارسال داشتند. تجهیزات ارسالی شامل چند نوع وسیله نقلیه نظامی ناشناس، توپخانه، توپهای ضد هوایی، سلاحهای سبک مقادیر قابل توجهی مهمات و قطعات یدکی مورد نیاز نفرهای زرهی روسی بود. احتمالاً هنگام سفر دو هیئت عالیرتبه چینی به سوماتی در ماه های ژوئیه و نوامبر نیز قراردادهای دیگری جهت ارسال کمکهای دیگر نظامی چین منعقد شده است. (سری). چین به حضور ۳۰۰۰ نفری خود ادامه داده است، گرچه نمی تواند جای خالی ۱۰۰۰ تکنیسین روسی

و اروپای شرقی اخراجی را بگیرد، لیکن با ارائه یک کمک ۱۸ میلیون دلاری توافق کرده است که پروژه های ناتمام شوروی را به پایان برساند. همچنین براساس یک قرارداد ۱۰۹ میلیون دلاری سال ۱۹۷۱ توافق کرده است که یک شاهراه ۲۰ میلیون دلاری بین بوراما و جیوتی احداث نماید. این شاهراه به یکی از جاده هایی که توسط اعراب بین هارگی سا (Hargaisa) و بوراما ساخته شده متصل خواهد شد. کارگران جاده سازی نیز از پروژه جاده بت اوئن - بورائو که در ماه اوت تکمیل گردیده بود به این نقطه منتقل گشته اند. رومانی که تنها کشور اروپای شرقی فعال در این کشور است، طی امضای یک پروتکل توافق کرده است که در رابطه با کشاورزی، جنگلداری، و ماهیگیری با سومالی همکاری نماید. ۱۰۰ میلیون دلار کمک جدیدی که از طرف اعراب به سومالی داده شده برابر است با ۶۰ درصد کمکی که شوروی از نظر اقتصادی در طول ۱۵ سال به این کشور داده است. (SNF NC).

کار شوروی بر روی پروژه های ۶۰ میلیون دلاری نه تنها متوقف گشت، بلکه سومالی ۳۷۰ دانشجوی این کشور را از دانشگاههای شوروی فراخواند و ادعا کرد که شوروی هزینه زندگی آنها را قطع کرده است. (SNF).

تانزانیا

قراردادهای تسلیحاتی ۲۷۵ میلیون دلاری مهمترین عامل در روابط شوروی و تانزانیا به حساب می آید. علیرغم سوءظن دارالسلام نسبت به انگیزه های شوروی، مسکو تنها منبع تأمین کننده سلاحهای مورد نیاز تانزانیا در مقابله با اوگاندا و حمایت از موزامبیک در برابر حملات رودزیا بوده است. (خیلی محرمانه).

گرچه در سال ۱۹۷۸ قرارداد نظامی جدید امضاء نشده، ولی بر اساس توافق ۱۹۷۷ قراردادهایی در رابطه با (الف) دریافت ۲۰ سیستم موشک ضد هوایی برد متوسط سام - ۶، که مسکو تنها به این کشور در

آفریقای مادون صحرا داده است؛ (ب) ۱۸ دستگاه موشک انداز ۲۱-BM (ج) موشکهای زمین به هوای

سام - ۷: (د) توپخانه؛ و (ه) تجهیزات مخابراتی، منعقد گردیده است. (S NF NC).

تانزانیا مقداری سلاح سبک و قایق نفربر از چند کشور اروپای شرقی خریداری نمود و پکن نیز ۴

میلیون دلار سلاح سبک و تجهیزات دیگر به این کشور داده است. چین علاوه بر این توافق کرده است که

یک کارخانه مخصوص ساختن این سلاحها را در تانزانیا احداث نماید. (S NF NC).

شوروی که هرگز در عمران تانزانیا فعالیت چندانی نداشت، براساس اعتبار سال ۱۹۷۷ قراردادهایی

جهت احداث چند مزرعه دولتی در روویومو (Ruvumu) و مورگورو امضاء کرد و در زمینه احداث یک سد

و یک نیروگاه نیز به کندی در حال انجام کار است. با سیر نزولی برنامه اقتصادی ۱۵ ساله شوروی، چین

هنوز هم با استفاده از شهرت خود در ایجاد راه آهن تان - زام به کار مشغول است. علیرغم سردی روابط

ناشی از حمایت چین از رژیم غیر مردمی مویوتو در طول حمله شبا حدود یک هزار نفر از تکنیسینهای

چینی در زمینه پروژه های کشاورزی و معادن به کار مشغول بودند. در ماه سپتامبر پروتکلی در رابطه با

توافق ۷۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۴ چین امضاء شد تا یک معدن ۳۰۰۰۰۰ تنی زغال سنگ و نیروگاه

مربوط به آن توسعه یافته و یک ساختمان محل تجمع حزبی نیز بنا گردد. با این وصف، چین از احداث یک

خط آهن بین آروشا و موسوما امتناع ورزیده است. (S) (NF).

در بخش اقتصادی کشورهای اروپای شرقی فعالیت شده بودند و با ارائه ۳۰ میلیون دلار اعتبار در سال ۱۹۷۸ کل تعهدات خود را به ۵۰ میلیون دلار رسانیدند. اعتبار مشترک آلمان شرقی و لهستان در پروژه نساجی ام بیا (۲۰ Mbeya) میلیون دلار بود، ولی مجارستان فقط ۱۰ میلیون دلار جهت خرید تجهیزات و ماشین آلات در اختیار این کشور قرار داده است. کوبا که حدود پنج سال است که به حضور خود در تانزانیا ادامه می دهد. با امضاء پروتکلی در سال ۱۹۷۴ توافق کرد که در زمینه ماهیگیری، کشاورزی و بهداشت عمومی تانزانیا را یاری دهد. در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲۰۰ کوبایی در پروژه های تانزانیا کار می کردند که معادل یک پنجم بیش از تعداد کارمندان شوروی و اروپای شرقی می باشد. (SNF NC).

زئیر

افزایش تضاد شبا (که به نظر زئیر به تحریک شوروی، آلمان شرقی و کوبائیا رخ داده بود) در روابط بین کینشازا و قدرتهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ تأثیر بخشید. (طبقه بندی نشده).

چین که سعی داشت از عدم اعتماد زئیر به مسکو و اروپای شرقی بهره برداری کند، تنها کشور کمونیستی حامی دولت رئیس جمهور موبوتو در برابر جدایی طلبان کاتانگا بود. در طول این حمله معادل ۶ میلیون دلار سلاح سبک و دیگر کمکها به زئیر داده شد که دو قایق توپدار شانگهای و ۲۰ دستگاه تانک متوسط را دربر می گرفت. چین علاوه بر این توافق کرد که ۱۸ توپخانه، مهمات، کامیون و قطعات یدکی مورد نیاز قایقهای گشتی چینی به زئیر بدهد و پرسنل زئیر را در چین در مورد توپخانه، عملیات قایقهای گشتی، و فنون ضد شورش آموزش دهد. (SNF).

چین در بخش اقتصادی براساس یک اعتبار ۱۰۰ میلیون دلاری کار مربوط به احداث یک کارخانه قند و تصفیه خانه آن را سرعت بخشید و در مورد ساختمان مجتمعهای ورزشی نیز مذاکراتی انجام داده است، دیگر فعالیتهای کمونیستی محدود به شرکتهای تجاری مشترک بوده است. ولی رومانی در ماه اوت

یک قرارداد اقتصادی امضاء کرد که بر اساس آن باید پاسخگوی تقاضای کمک زئیر در رابطه با پروژه های کشاورزی، ماهیگیری، جنگلداری، معادن و داروسازی، به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار در برنامه پنج ساله بعدی آن کشور باشد (۸۵-۱۹۸۱). (S NF NC).

زامبیا

رئیس جمهور کوآندا هنوز هم در رابطه با تسلیحات شوروی در جنوب آفریقا مظنون است، ولی در غیاب حمایت غرب، او مجبور شده است پیشنهاد مسکو را برای بالا بردن بنیه دفاعی زامبیا در برابر حملات رودزیاییها مورد بررسی قرار دهد. با وجود اینکه زامبیا کمکهای چین را به کمکهای شوروی ترجیح می دهد، پکن نمی تواند در کوتاه مدت انواع مختلف سلاحهای مدرن را در اختیار این کشور قرار دهد. زامبیا براساس یک قرارداد منعقد شده در سال ۱۹۷۷ تنها توانست ۱۲ فروند اف-۶ (یا میگ ۱۹) از چین تحویل بگیرد. بنا به گزارشهای رسیده شوروی در اوائل نوامبر به عنوان قسمتی از قرارداد ۲۰۰ میلیون دلاری جهت بازسازی نیروهای دفاعی زامبیا مشابه و طبق مدل نیروهای شوروی، ارائه جت های جنگنده میگ، موشکهای ضد هوایی و تانک را به این کشور پیشنهاد کرده است. زامبیا حتی با وجود اعتبارات صادره نیز نخواهد توانست قیمت این تجهیزات را بازپرداخت نماید و رئیس جمهور کوآندا نیز تا

کنون از پذیرش تعداد زیادی از پرسنل شوروی امتناع ورزیده است تا این وضع پیش نیاید. ولی در نهایت زامبیا مجبور به پذیرش بعضی از تجهیزات روسی جهت بهبود وضع دفاعی زامبیا در برابر حملات مرزی رودزیا خواهد شد. (SNF NC)

در همین حال، مسکو حدود ۲ میلیون دلار سلاح شامل توپخانه و نفربرهای زرهی را براساس قراردادهای گذشته به زامبیا تحویل داد. در حال حاضر حدود ۱۰۰ نفر کوبایی در زامبیا با شورشیان زیمابوه و با نامیبایی همکاری می کنند. انتقال تعداد زیادی از کوباییها از آنگولا به زامبیا برای آموزش دادن زاپو هنوز تأیید نشده و در شرایط کنونی رئیس جمهور کوآندا نیز این مسئله را تأیید نمی کند. (SNF). بنا به درخواست مقامات راه آهن تان-زام در سال ۱۹۷۸ پرسنل چین به زامبیا بازگردانده شدند، چون پرسنل محلی نتوانسته بودند با موفقیت به کار خود ادامه دهند. این راه آهن (که بزرگترین پروژه چین در جهان سوم به حساب می آید) رسماً در سال ۱۹۷۶ به تانزانیا و زامبیا سپرده شده بود، لیکن قرار بود که ۱۰۰۰ تکنیسین چینی به مدت دو سال در این راه آهن به کار مشغول باشند، اما با پایان یافتن دوره‌های آموزشی پرسنل، افراد چینی به کشور خود بازگشتند. در سال ۱۹۷۸ و براساس یک اعتبار ۵۱ میلیون دلاری چین در رابطه با کشاورزی و معادن کمکهایی به زامبیا داد. (طبقه بندی نشده).

مسکو طبق اعتبار ۶ میلیون دلاری خود، اکثر تجهیزات سفارش شده را به این کشور تحویل داد و کشورهای اروپای شرقی نیز در عمران زامبیا فعالیت کرده اند. رومانی نیز براساس یک اعتبار ۵۰ میلیون دلاری صادره در سال ۱۹۷۲ برنامه های خود را جهت احداث یک سردخانه، کارخانه مونتاژ تراکتور، کارخانه نساجی، کارخانه سرامیک، و یا کارخانه کفش سازی اعلام کرده است. چکسلواکی در رابطه با عمران صنعتی ۱۲ میلیون دلار وام به زامبیا داده است. (طبقه بندی نشده).

دیگر کشورهای آفریقای مادون صحرا

بنین. رژیم تندرو رئیس جمهوری کرکو در بنین تلاش نمود که شهرت مارکسیست را استحکام بخشیده، در سال ۱۹۷۸ قدرت نظامی بنین را تقویت نموده، و از حق استفاده از بنادر و فرودگاههای خود که از اواسط سالهای ۱۹۷۰ به مسکو داده شده بود، جهت گسترش یافتن فعالیت‌های شوروی در غرب آفریقا بهره برداری نماید. گرچه شوروی ممکن است با تقاضای بنین مبنی بر جایگزین ساختن ناوهای اژدرافکن به جای ناوهای نامرغوب روسی ساخت کره شمالی موافقت نماید، ولی قرارداد تسلیحاتی جدیدی منعقد نشده است. شوروی یک هواپیمای باری ۲۶-AN و ۲-AN به ارزش ۳ میلیون دلار به بنین ارسال داشته است. (SNF).

چین هنوز هم یکی از فعالترین کمک دهندگان اقتصادی بنین به شمار می آید و حدود ۲۲۵ چینی بر روی پروژه های کشاورزی و یک استادیوم مشغول به کار بوده اند، گرچه قراردادهای اقتصادی جدیدی در ماه ژوئن با آلمان شرقی و در ماه سپتامبر با بلغارستان، چکسلواکی، مجارستان و لهستان امضاء گردید، لیکن این قراردادها پروژه خاصی را به همراه نداشته است. شوروی توافق کرد که تجهیزات مربوط به یک مزرعه نمونه را براساس توافق ۱۹۷۴ به این کشور بدهد، رومانی نیز پیرامون کمک به کشاورزی، صنعت برق، معادن و نفت با این کشور مذاکره کرده است. (طبقه بندی نشده).

بوتسوانا. روابط کمکی دو ساله بوتسوانا با چین، که تا سال ۱۹۷۸ بر اعطای تجهیزات کوچک نظامی برای نیروهای دفاعی بوتسوانا استوار بود، با دریافت مقدار زیادی سلاح محکمر شد، چون پکن براساس قرارداد ۱۹۷۶ معادل ۶/۱۶ میلیارد دلار اعتبار به این کشور اختصاص داد. در پایان سال،

بوتسوانا به پیشنهاد ارسال پزشکان چینی توجه نشان داد، لیکن انتظار نمی رود که به پیشنهاد ارسال معلمین شوروی به بوتسوانا علاقه ای نشان دهد. (طبقه بندی نشده).

بوروندی. علیرغم چند پیشنهاد جدید کمونیستی جهت گسترش معادن بوروندی، الگوی کمک کمونیستی به بوروندی در سال ۱۹۷۸ تغییری نکرده است. چین، مهمترین کمونیست کمک دهنده به بوروندی، کار تکنیسینهای خود را بر روی پروژه مجتمع نساجی و نیروگاه آبی ادامه داده است، لیکن عملیات مربوط به احداث جاده بین بوجومبورا - روتو (Rutovo) به علت اختلافات مربوط به خدمات فنی معوق مانده است. (خیلی محرمانه)

رومانی در ماه نوامبر پروتکلی در زمینه پروژه های اضافی کشاورزی، صنعتی، گسترش معادن و نیروگاهها امضاء کرد که مکمل عملیات مشترک موجود بود: (الف) یک عملیات معدنی، که عملیات آن در ماه سپتامبر آغاز شد، (ب) یک شرکت کشاورزی که در زمینی به مساحت ۱۰۰۰۰ هکتار در سال ۱۹۷۸ غلات و پنبه کشت نمود. (طبقه بندی نشده).

در همین حال، به علت اختلافات موجود در مورد نحوه پرداخت جهت پی جویی روی، سرب، تنگستن، مس، مولیبدن، و قلع، یک تیم روسی جای تیم رومانی را خواهد گرفت. در پایان سال، بوروندی یکی از پیشنهادات کوبا را مورد بررسی قرار داده است که احتمالاً براساس قرارداد همکاری اقتصادی سال ۱۹۷۶ و در رابطه با گسترش منابع نیکل که بنا به اظهارات سازمان ملل بسیار وسیع است، مطرح شده بود. (CNF).

کامرون. کامرون به استفاده از ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار ارائه شده توسط چین در رابطه با خطوط انتقال نیروی سد لاگدو برای پروژه برق رسانی روستایی ادامه داده است. (طبقه بندی نشده).

کیپ ورد. به خاطر تصمیم رئیس جمهور پریرا (Pereira) جهت ایجاد تأسیسات نظامی کیپ ورد با

تجهیزات و آموزشهای روسی جدا از ارتش گینه بیسائو. حضور مسکو در کیپ ورد در سال ۱۹۷۸ افزایش چشمگیری یافت. در سال ۱۹۷۸ کیپ ورد حدود ۲ میلیون دلار تجهیزات نظامی از مسکو خریداری نمود و براساس توافق سال ۱۹۷۶ حدود نیمی از این مبلغ را به صورت (کامیون، سلاحهای سبک، و مهمات) از مسکو دریافت نمود. مسئله با اهمیت دیگر این است که در ماه مارس شوروی اولین گروه مستشاران نظامی خود را برای آموزش و تعمیر و نگهداری هواپیماها به این جزیره ارسال نمود. در ماه سپتامبر تعداد مستشاران این کشور به ۵۰ نفر رسید و حدود ۲۵۰ نفر از پرسنل کیپ ورد جهت گذراندن دوره های آموزشی رهسپار شوروی شدند. حدود ۱۵ پرسنل کوبایی و اروپای شرقی نیز در کیپ ورد مشغول به کار بوده اند. شوروی که امیدوار بود امتیاز استفاده از بنادر و ماهیگیری را در این جزیره به دست آورد. توافق کرد که نیازهای نفتی کیپ ورد را (که سالانه ۵/۲ میلیون دلار است)، به دنبال صدور یک اعتبار ۱۶ ساله در رابطه با محصولات نفتی در ماه سپتامبر، برآورده سازد. با این وصف کیپ ورد به دلیل عدم توانایی در تعمیر و نگهداری، پیشنهاد مسکو را در رابطه با احداث یک نیروگاه برق ۵۳۰ کیلوواتی در میندلو نپذیرفت. کیپ ورد اولین کمک پیشنهادی ارائه شده از طرف چین را در رابطه با احداث یک

ساختمان به عنوان محل اجتماع دولت که بسیار مورد نیاز این کشور بود و کار آن در مارس ۱۹۷۹ آغاز خواهد شد، پذیرفته است. پکن در نظر دارد احتمالاً براساس یک قرارداد منعقد در سال ۱۹۷۷، ۵۰۰۰۰۰ دلار وام کشاورزی به این کشور بدهد. (SNF).

امپراطوری آفریقای مرکزی. روابط بین مسکو و امپراطوری آفریقای مرکزی به دنبال حمله شبا و سوءظن رئیس جمهور بوکاسا در مورد نقش کشورهای کمونیستی در این حملات، تیره تر شده است. برنامه ۸ میلیون دلاری نظامی نیز پس از آن که رئیس جمهور بوکاسا در سال ۱۹۷۷ یک تیم هلیکوپتر روسی را به علت اختلافات پرداخت حقوق اخراج کرد. با تأخیر و تعویق روبه رو شده است. مهمترین منبع کمکهای اقتصادی و فنی امپراطوری آفریقای مرکزی فرانسه به حساب می آید و شوروی و چین نیز برنامه های خود را بر خدمات فنی متمرکز ساخته اند. در سال ۱۹۷۸ حدود ۲۲۵ پرسنل روسی و ۸۰ پرسنل چینی در امپراطوری آفریقای مرکزی به کار مشغول بودند. (SNF)

چاد. روابط شوروی و چاد در سال ۱۹۷۸ به علت استفاده از سلاحهای روسی ارسالی لیبی توسط مسلمانان شورشی در حمله به چاد شمالی و عدم ارسالی قطعات یدکی و مهمات توسط شوروی برای نیروهای دولتی روبه وخامت نهاد. قرارداد جدید تسلیحاتی بین چاد و شوروی منعقد نگردید، ولی چاد براساس قرارداد سال ۱۹۷۶ مقادیر ناچیزی سلاح از این کشور دریافت نمود. در همین حال بیست نفر پرسنل نظامی روسی موجود در چاد در اوائل سال ۱۹۷۸ به پنج نفر در ماه اکتبر تقلیل یافت. چاد به غرب و به خصوص فرانسه که در عملیات ضدچریکی نقش بسیار فعال داشته، متکی شده است. (سرّی).

در سال گذشته هنگامی که مسکو هزینه پرسنل خود را بالا برد. چاد اظهار ناراحتی نمود، و علاوه بر این هنگامی که چاد از پرداخت هزینه های محلی ۵۰ پزشک و معلم روسی امتناع ورزید، در ارائه برنامه کمک فنی ناچیز شوروی در این کشور اصطکاک کمایی پدید آمد؛ در پایان سال حدود ۳۰ نفر تکنیسین

غیرنظامی روسی به خرج شوروی در چاد مشغول به کار بودند. چین، مورد توجه ترین کمک دهنده چاد، ۳۶۰۰۰۰ دلار کالاهای پزشکی را مجاناً به این کشور داد و قول داد که برنامه احداث کارخانه برنج پاک کنی، احداث یک بیمارستان ۱۵۰ تختخوابی و حفر چاههای آب را مورد بررسی قرار دهد، کار مربوط به احداث یک استادیوم و یک سد که پروژه های مربوط به قرارداد سال ۱۹۷۳ می باشد در سال ۱۹۷۹ آغاز خواهد گردید. (خیلی محرمانه).

کوموروس. کوموروس پیشنهاد کمک شوروی را در ازای استفاده از فرودگاه هاهایا (Hahaya) در جزیره گراند کومور و استفاده از یک لنگرگاه در دماغه آنجوان را رد کرد. (خیلی محرمانه).

کنگو. چینها بر روی پروژه های مهم خود یعنی سد بوئرا و برق رسانی روستایی و شوروی در رابطه با اکتشافات زمین شناسی به کار مشغول هستند. کوبا در اواخر سال ۱۹۷۸ اولین دامداری نمونه را در کنگو ایجاد کرد و در نظر دارد ۱۴ دامداری دیگر بسازد. فعاليتها بر بهبود یافتن وضع نژاد دامهای محلی استوار است و کوبا هم اکنون چند نوع دام گوشتی و شیرده را به این پروژه هدیه کرده است. در اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی اوائل سال ۱۹۷۸، رومانی یک قرارداد همکاری اقتصادی جامع امضاء نمود. کنگو از فعاليتهای کشاورزی رومانی به علت بازده ناچیز محصول ناراضی بوده است. این کشور همچنین در مورد پیشرفت ناچیز ساختمان کارخانه الیاف ترکیبی که رومانی برای آن ۲۰ میلیون دلار تجهیزات وارد کرده اظهار ناراضیاتی نموده است. (خیلی محرمانه).

جیبوتی. شوروی و جیبوتی در ۳ آوریل ۱۹۷۸ در سطح سفارت روابط دیپلماتیک برقرار کردند.

(طبقه بندی نشده).

گینه استوایی. در سال ۱۹۷۸، گینه استوایی براساس قرارداد ۹ میلیون دلاری خود یک فروند

هواپیمای باری ۴۰ - YAK از روسیه تحویل گرفت. با کاهش تجهیزات ارسالی شوروی، تعداد پرسنل

مستشار کوبایی در حمایت از برنامه های شوروی (از ۲۶۰ نفر در سال ۱۹۷۷) به ۴۰ نفر در سال ۱۹۷۸

تقلیل پیدا کرد. از طرف دیگر مستشاران اقتصادی کمونیستی هنوز در این کشور به کار مشغول هستند.

حدود ۵۰۰ نفر پرسنل روسی در رابطه با برنامه ماهیگیری وسیع مسکو در خارج از بندر لوبا مشغول

فعالیت بوده اند. حدود ۱۰۰ نفر از پرسنل آموزشی، پزشکی و ساختمانی کوبایی نیز در گینه به سر

می بردند. چین تنها کشور کمونیستی که کمکهای بزرگی به این کشور کرده است (با ۲۴ میلیون دلار کمک)

۲۰۰۰ نفر از پرسنل خود را در رابطه با پروژه های زیربنایی در این کشور به کار گماشته است.

(SNF NC).

غنا. کودتای بدون خونریزی که یک دولت دارای گرایشات غربی را در ماه ژوئیه در غنا بر سر کار

آورد، بر برنامه های اقتصادی کمونیستی تأثیر نگذاشت، لیکن معاملات نظامی کمونیستی ظاهراً کنار

گذاشته شده است. مهمترین قرارداد کمونیستی آکرا در سال ۱۹۷۸ یک اعتبار ۴۲ میلیون دلاری با آلمان

شرقی در رابطه با دریافت ماشین آلات و تجهیزات بود که مهمترین قرارداد این کشور با اروپای شرقی به

شمار می رود. بلغارستان در رابطه با کشاورزی، ماهیگیری و صنعت برق اعتبارهایی خواهد داد و

مجارستان نیز قراردادهایی جهت وارد کردن جرثقیلهای بندری با این کشور منعقد ساخته است. چین که

هنوز هم یکی از کشورهای کمونیست فعال در غنا به حساب می آید، به کار خود بر روی پروژه آبیاری ۱۳

میلیون دلاری عفیفه (Afife) ادامه داده و تکنیسینهای چینی نیز به غنا آمده اند تا پیرامون احداث یک

کارخانه شیشه سازی، مزرعه نیشکر و پالایشگاه، احتمالاً با استفاده از اعتبار ۲۲ میلیون دلاری قرار داد سال ۱۹۶۴ به مطالعه و بررسی پردازند. پکن، پیرامون احداث یک آسیای برنج کوبی، کارخانه تولید سرامیک پیشنهاد کمک داده است و احداث یک کارخانه نخ ریزی را برای یک شرکت خصوصی غنا نیز به پایان رسانده است، گذشته از ادامه کار در مورد کارخانه تولید پانلهای بتنی، روسها برنامه های خود را توسعه ندادند، چون غنا از پرداخت ارز مستقیم در قبال خدمات فنی شوروی برای بازسازی پروژه های زمان نکرومه امتناع ورزیده است. (S NF NC).

غنا برای اولین بار در سال ۱۹۷۸ پس از سرنگونی نکرومه، اولین هیئت نمایندگی کوبایی را به این کشور پذیرفت. در این ملاقات پیرامون تجارت نیشکر و چوب مذاکراتی انجام گرفت و کوبا ارسال متخصصین خود را برای بالا بردن ظرفیت تولیدی کارخانه های شکر ساخت لهستان و چکسلواکی مورد بررسی قرار خواهد داد. (طبقه بندی نشده).

گابن. با وجود روابط غیر خصمانه گابن با دیگر کشورهای کمونیستی، رهبریت متمایل به غرب این کشور از برقراری روابط خود با شوروی و کوبا به خاطر فعالیتهايشان عليه ثبات آفریقا سرباز زده است. چین با یک قرارداد ۲۵ میلیون دلاری تنها کشور کمونیستی است که توانسته حضور کمکی خود در گابن را حفظ نماید. بنا به گزارشهای رسیده این کشور پیرامون مشارکت چین در احداث خط آهن گابن مذاکره کرده است. ولی تا به حال در مورد اعتبار ۲۹۰ میلیون دلاری رومانی جهت احداث بخشی از راه آهن

سرتاسری گابن اقدامی به عمل نیاورده است. رومانی قبول کرده است که اعتبار صادره اش در مدت بیست سال با کالاهایی از قبیل مواد نفتی، سنگ آهن و دیگر فلزات بازپرداخت شود. (خیلی محرمانه).

گینه بیسائو. افزایش کمک اقتصادی غربی نفوذ کشورهای کمونیستی و به خصوص شوروی را در

گینه بیسائو کاهش داده، ولی روابط نظامی همچنان به قوت خود باقی مانده است. (طبقه بندی نشده).

گینه بیسائو در سال ۱۹۷۸ حدود ۲ میلیون دلار تجهیزات نظامی از شوروی دریافت کرد، که ۳

هلیکوپتر میگ - ۴ را نیز در برمی گیرد. تنها قرارداد اقتصادی منعقد شده با شوروی در رابطه با یک قرارداد

ماهگیری بود که موجبات نارضایتی این کشور را فراهم نمود. بنابه گفته رئیس جمهور این کشور، مسکو

نه تنها ماهی کافی به بازارهای محلی این کشور وارد نکرد، بلکه ماهیگیران محلی را نیز آموزش نداد و

حتی به بیسائو اجازه نداد که منافع حاصله از سرمایه گذاری خود را به دست بیاورد. (سری).

در سال ۱۹۷۸ آموزشهای آکادمیک کمونیستی مهمترین برنامه آنها به شمار می رفت. از ۲۳۵

دانشجویی که به بیسائو بازگشته اند به استثناء ۳۰ نفر از آنها بقیه در کشورهای کمونیستی آموزش دیده اند

و دوسوم دانشجویان مشغول به تحصیل این کشور در خارج از نهادهای کمونیستی بسر می برند. (خیلی

محرمانه).

کنیا. مرگ جومو کنیاتا رهبر دیرین کنیا در ماه اوت در روحیه توأم با تردید کنیا در رابطه با کشورهای

کمونیستی تغییری پدید نیاورد. با وجود اینکه کنیا رسماً از اختلافات ایتوپی در مورد اوگادن حمایت

می کند و علت آن نیز ادعای مشابه سومالی در مورد قلمرو کنیاست، ولی نایروبی درگیری و مداخله

شوروی در ایتوپی را محکوم کرده است. کنیا به پیشنهاد کمک ۷/۶ میلیون دلاری مسکو جهت بازسازی

بیمارستان ماثار (Mathare) و یا گسترش بیمارستان ساخت شوروی در نایروبی پاسخ مثبت نداده است.

در سال ۱۹۷۸ کنیا سرانجام پیشنهاد کمک گسترش فلوریت در دره کریورا که از طرف شوروی مطرح

شده بود را رد کرد. نایروبی پیشنهاد چین را در مورد احداث یک استادیوم و پروژه تولید برنج مورد بررسی قرار داده است. (خیلی محرمانه).

لسوتو. لسوتو در پایان سال ۱۹۷۸ و به دنبال بازدید یک هیئت نمایندگی کوبا در اواسط سال مزبور آماده به رسمیت شناختن کوبا شده بود. (طبقه بندی نشده).

لیبریا. چین مهمترین عامل خیر در ابتکار لیبریا برای بهبود روابط خود با کشورهای کمونیستی و بالا بردن اعتبار عدم تعهد لیبریا بوده است. حدود ۲۰۰ پرسنل چینی در لیبریا بر روی پروژه قبلی قند ملی چین در این کشور مشغول به کار هستند. در طول سفر رئیس جمهور تولبرت به چین در ماه ژوئن، چین توافق کرد که ۲۳ میلیون دلار اعتبار برای سه ایستگاه رادیو، محصولات کشاورزی و احداث یک استادیوم در اختیار این کشور قرار دهد. چین همچنین توافق کرده است که در کارخانه قندی که پکن در سال ۱۹۷۷ از تایوان تحویل گرفت، یک کارخانه الکل سازی احداث نماید. برخلاف دیگر قراردادهای چین، لیبریا هزینه های محلی را تأمین خواهد کرد و چین نیز طرحها، تجهیزات و بعضی از مصالح ساختمانی را به این کشور خواهد داد. (خیلی محرمانه).

ماداگاسکار. شرقی گرایی در سال ۱۹۷۸ با امضاء یک قرارداد نظامی ۵۵ میلیون دلاری با روسیه مشخص گردید که بزرگترین قرارداد این کشور با یک کشور عرضه کننده تجهیزات نظامی به حساب می آید، و طی همین قرارداد ۱۲ جت میگ - ۲۱، آموزش، و کمک فنی درون کشوری را دریافت خواهد

کرد. آنتاناناریو در سال ۱۹۷۷ قرارداد مشابهی را در ازای دسترسی یک جانبه شوروی به بندر دیگوسوآرز (Diego Suarez) امضاء کرد. لیکن این قرارداد به علت ترس از افزایش حضور شوروی لغو گردید. در سال ۱۹۷۸ کره شمالی (تنها تأمین کننده دیگر کمونستی) به ماداگاسکار و برای پایگاه دیگوسوآرز چهار میگ - ۱۷ قرض داد و حدود یک میلیون دلار تجهیزات از قبیل ۱۸ دستگاه توپ ضد هوایی به این کشور تحویل داد. (SNF).

علاوه بر این مسکو ۶ میلیون دلار کمک اقتصادی جدید در اختیار این کشور قرارداد که نیمی از آن مربوط به ارسال هواپیمای باری ۴۰ - YAK و ۲۰۰ دستگاه تراکتور بوده و در اواخر سال مزبور به این کشور تحویل گردید. تکنیسینهای شوروی براساس اعتبار صادره در سال ۱۹۷۴ پیرامون احداث یک کارخانه سیمان سازی، تولید آرد و ایستگاه پخش رادیویی مطالعات و بررسیهای خود را آغاز کرده اند. (طبقه بندی نشده).

چین که هنوز هم مهمترین کمک دهنده ماداگاسکار به حساب می آید، در مورد پروژه های بزرگ فعالیت خود را کمتر کرد تا عدم تأیید خود را از برقراری نزدیک روابط این کشور با شوروی نشان داده باشد. معذک، چین به ارسال تجهیزات برای بازسازی جاده تاماتاوه - مورامانگا که مهمترین پروژه این کشور براساس اعتبار ۵۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۵ می باشد، ادامه داده است. یک تیم پزشکی چینی نیز در اواسط سال برای کار در مرکز پزشکی ساخته شده توسط چین وارد واتوماندری گردید. (طبقه بندی نشده).

رومانی پیرامون پروژه هایی مذاکرات خود را آغاز کرد که اگر به منصفه اجرا درآید، این کشور را در زمره مهمترین کمک دهندگان ماداگاسکار در خواهد آورد. این مذاکرات در برگیرنده گسترش پالایشگاه نفت تاماتاوه جهت ایجاد تنوع در بازده، بهره برداری از منبع سنگ آهن سوآلالا (Soalala)، ایجاد یک

مجتمع کشاورزی ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ هکتاری، یک کارخانه مونتاژ وسیله نقلیه، یک کارخانه ذوب آهن در

مورمانگا، بهبود وضع جاده ها و ایجاد نیروگاههای حرارتی می باشد.(SNF).

موریس. شوروی علیرغم آثار و علائم بهبود روابط، در سال ۱۹۷۸ نتوانست روابط بهتری با موریس

برقرار سازد. قراردادهای شوروی با شرکت خصوصی موریس جهت تعمیر کشتیهای ماهیگیری شوروی

(در ازای ارز معتبر) دارای کارایی عملیاتی نبود؛ موریس در سال گذشته قراردادهای ماهیگیری خود با

شوروی را ملغی اعلام کرد چون شوروی ماهی کافی به بازارهای محلی عرضه نکرده و نیازهای آموزشی

را نیز تأمین نساخته بود. موریس شوروی را متهم به غارت و چپاول در سواحل صیهاد و مالها (Sayhade -

Malha) که طبق ادعای موریس از آبهای این کشور بشمار می آید متهم کرده است. لیکن کشتیهای موریس

به معاملات تجاری خود با کشتیهای تجاری روسی ادامه داده اند. (خیلی محرمانه).

چین به علت سه برابر شدن هزینه های برآورده شده، کار مربوط به احداث یک فرودگاه براساس

توافق سال ۱۹۷۷ را آغاز نکرده است. از زمانی که پیشنهاد ۳۰ میلیون دلاری چین مطرح شده بود، تورم

هزینه های برآورد شده را به ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار افزایش داده که امکان ساخت این فرودگاه را با هزینه

اولیه پیشنهادی غیر ممکن می سازد.(خیلی محرمانه).

روآندا. روآندا و چین در ژوئن سال ۱۹۷۸ یک قرارداد اقتصادی و فنی جدید امضاء نموده و خواستار

انجام مطالعات و بررسیهای پیرامون احداث یک بیمارستان، یک استادیوم ورزشی، یک کارخانه

آردسازی، یک کارخانه تولیدکننده سرامیک شدند. این پروژه ها به منابع مالی بیشتری نیاز خواهد داشت، چون از ۲۲ میلیون دلار اعتبار سال ۱۹۷۲ تقریباً چیزی باقی نمانده است. چین در ماه ژوئیه یک نمایشگاه تجاری و اقتصادی در گیگالی برپا کرد که اولین نمایشگاه خارجی برگزار شده در روآندا به حساب می آید. (طبقه بندی نشده)

سی شلز. چین و شوروی جهت نفوذ در سی شلز که به خاطر قرار گرفتن در ساحل شرقی آفریقا دارای موقعیت استراتژیک است، به رقابت پرداخته اند. در سال ۱۹۷۸، سی شلز اولین محموله های تسلیحاتی کمونیستی را به دست آورد: (الف) ۲۰۰/۰۰۰ دلار سلاح سبک، مهمات، وسیله نقلیه، و وسایل مخابراتی از چین؛ و (ب) ۲ میلیون دلار تجهیزات روسی از قبیل ۶ دستگاه نفربر زرهی ۲-۳، BRDM فروند قایق گشتی نیروی دریایی، و تعدادی موشک انداز قابل حمل آرپی جی - ۷. با وجود اینکه مستشاران نظامی کمونیستی هنوز به این جزیره وارد نشده اند، ولی وجود آنها جهت آموزش عملیاتی و تعمیر و نگهداری تجهیزات مدرن تر ضروری خواهد بود. (SNF).

سنگال. علیرغم مخالفت رئیس جمهور سینگهور (Singhor) با فعالیتهای شوروی در آفریقا، روابط چین و اروپای شرقی با سنگال در سال ۱۹۷۸ گرم و صمیمانه بود. سنگال علیه حضور نظامی شوروی و کوبا در آفریقا مبارزاتی را آغاز نمود، لیکن اعطای ۱۲۰۰۰۰ دلار گندم را از طرف چین در زمان خشکسالی بی وقفه قبول کرد. این کشور با لهستان نیز براساس قرارداد سال ۱۹۷۶ پروتکلی را در ارتباط با تولید مواد شیمیایی (به خصوص کود فسفاته)، تهیه مواد غذایی، انرژی و صنعت برق امضاء نمود. ورشو با یک شرکت محلی جهت افزایش تجارت در رابطه با تجهیزات صنعت شیمیایی و مواد خام با سنگال شریک شده است. در ماه اکتبر بلغارستان نیز توافق کرد که در رابطه با کشاورزی، معادن و تحقیقات زمین شناسی به این کشور کمک نماید، و رومانی نیز پروتکلی را در ارتباط با همکاری در زمینه

کشاورزی، نیروی برق، صنایع و معادن امضاء نمود. (طبقه بندی نشده).

سیرالئون. چین هنوز هم مهمترین کمک دهنده کمونیست به سیرالئون بوده و قرارداد اعتباری ۴۰

میلیون دلاری این کشور موجب احداث یک استادیوم، دوپل و ۱۳ ایستگاه کشاورزی گردیده است.

شرکت ملی تجاری، یعنی تنها واردکننده کالاهای چینی، اخیراً گسترش یافته و کالاهای مردمی ارزان

قیمت بیشتری از چین خریدار خواهد کرد. تنها پروژه بزرگ چین در سیرالئون یک شرکت ماهیگیری

مشترک است و مسکو بار دیگر به فری تاون فشار وارد آورده است تا یک قرارداد ماهیگیری ده ساله

شامل احداث یک اسکله و تأسیسات ساحلی را امضاء نماید. (طبقه بندی نشده).

سائوتومه و پرنسیپ. کمک کمونیستی به سائوتومه و پرنسیپ (که بیشتر از طرف چین ارائه می گردد)

خیلی بیشتر از کمک منابع دیگر بوده، و نفوذ کمونیستها در آنجا نیز بسیار زیاد است. در سال ۱۹۷۸، چین

۶/۱۷ میلیون دلار کمک عمرانی به این کشور داد تا قرارداد دسامبر ۱۹۷۵ در رابطه با کشت برنج،

گسترش نیروگاههای آبی، و کمکهای پزشکی به مرحله اجرا درآید. برنامه کمک فنی کوبا نیز ۱۴۰

پزشک، معلم و کارگر ساختمانی از طرف مسکو به سائوتومه ارسال داشته است. براساس همین برنامه

کوبا احداث دو ساختمان آپارتمانی را در سال ۱۹۷۸ به پایان رسانید. (طبقه بندی نشده).

سودان. روابط شوروی و سودان که به دنبال اخراج مستشاران نظامی روسی از این کشور در سال

۱۹۷۷ تیره شده بود، حتی پس از برقراری روابط دیپلماتیک نیز دچار بهبود نشده است. نفوذ شوروی در

سودان ناشی از یک برنامه نظامی ۸۷ میلیون دلاری بود؛ در حال حاضر سودان ظاهراً از دیگر کشورهای کمونیستی قطعات یدکی مورد نیاز خود را خود خریداری می نماید. لهستان در سال ۱۹۷۸ ارائه معادل یک میلیون دلار هلیکوپترهای طرح روسی و نیروگاههای مخصوص تانک تی - ۵۵ را به سودان پیشنهاد کرد؛ لیکن معلوم نیست که سودان این پیشنهاد را پذیرفته باشد. نمیری هنوز هم از همکاری شوروی در اتیوپی و کمک نظامی لیبی به مخالفین سودان ابراز تنفر و انزجار می کند. (SNF)

کمکهای جدید کمونیستی در سال ۱۹۷۸ عمدتاً از طرف چکسلواکی براساس یک اعتبار ۲۴ میلیون دلاری جدید در رابطه با مسکن و دیگر تجهیزات مطرح گردید. چین و آلمان شرقی مقدار کمی کمک به این کشور ارائه کردند و لهستان توافق کرد که براساس اعتبار صادره در سال ۱۹۷۷ معادل ۱۲ میلیون دلار تجهیزات برقی به این کشور داده و براساس یک قرارداد تجاری یک تعمیرگاه کشتی ۳ میلیون دلاری در خارطوم بنا نماید. (خیلی محرمانه).

علیرغم اعتبار ۱۶۰ میلیون دلاری اخیر اروپای شرقی، چین هنوز هم یکی از مؤثرترین

کمک دهندگان سودان است. تکنیسینهای چین دومین مرحله احداث کارخانه نساجی هاساهایسا

(Hasahaisa) را در ماه ژوئن به پایان رسانیده و تدارکات مربوط به ساختن یک کارخانه پارچه بافی

مربوط به کارخانه نساجی را آغاز کرده اند. پروژه های گسترش ماهیگیری چینی در دریاچه ان - نوبا (An)

- Nubah) که براساس یک قرارداد ۴۰ میلیون دلاری انجام می شود، در حال اتمام است. کمکهای ارائه

شده در این زمینه شامل ۴۰ قایق ماهیگیری و دو سردخانه می باشد. (طبقه بندی نشده).

توگو. علیرغم ترس از اقدامات خرابه کارانه شوروی در آفریقا، توگو دانشجویان خود را به شوروی

می فرستد، و در ماه ژوئن نیز یک قرارداد اقتصادی امضاء نمود که به پروژه های عمرانی شوروی در توگو

منجر خواهد گشت. کشورهای اروپای شرقی نیز بیش از گذشته فعالیت داشتند؛ مجارستان در رابطه با

تجهیزات معادن فسفات یک قرارداد ۱۰ میلیون دلاری امضاء کرد و لهستان نیز در نظر داشت با مشارکت چند کشور غربی یک کارخانه تولید کود فسفاته به ارزش ۳۰۰-۲۵۰ میلیون دلار در توگو بنا نهد. چین نیز با استفاده از قرارداد ۴۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۲ احداث سد و مجتمع آبیاری ۶ میلیون دلاری رودخانه سیو را آغاز کرد.

این پروژه به محض اتمام در سال ۱۹۸۰ خواهد توانست ۶۶۰ هکتار شالیزار را آبیاری نماید. پروژه مشابه کره شمالی بر روی رودخانه مونز نیز به علت کمبود آب در فصول خشک با موفقیت روبه رو نمی باشد. (طبقه بندی نشده)

اوگاندا. علیرغم کمبود خلبانان واجد شرایط، اوگاندا در سال ۱۹۷۸ پنج فروند میگ - ۲۱ و سه فروند میگ ۱۷- به ارزش ۱۴ میلیون دلار و براساس قرارداد سال ۱۹۷۷ از شوروی تحویل گرفت. مسکو همچنین از طریق هوا در اوائل سال جاری مقادیری تجهیزات فنی به کامپالا ارسال کرد. در حالی که تقاضای امین را در رابطه با دریافت سلاح و خلبانان میگ - ۲۱ در مبارزه علیه تانزانیا نپذیرفته بود. در بخش اقتصادی نیز قرارداد مسکو در رابطه با اکتشافات معدنی خیلی کمتر از قرارداد ۳۵ میلیون دلاری چین جهت احداث یک کارخانه نساجی بود. ارزش قرارداد، هزینه نصب را در بر نمی گیرد و شرایط نیز برخلاف دیگر اعتبارات چین بسیار سخت است، یعنی ۲۵ درصد آن اول باید پرداخت شود و بقیه آن در طول ۹ سال و با نرخ بهره ۵ درصد بازپرداخت گردد. (S NF NC).

ولتای علیا. یک اعتبار ۴۸ میلیون دلاری چین که در سال ۱۹۷۳ صادر گشت، مهمترین کمک کمونیستی به ولتای علیا به حساب می آید. چین در سال ۱۹۷۸ دومین پروژه برنج خود در بانفورا را به این کشور تحویل، و حدود ۲۰۰۰۰۰۰ دلار کمک در مبارزه علیه خشکسالی در اختیار این کشور قرارداد. شوروی که هیچ گاه کمک آنچنانی به ولتای علیا نمی کرد، مقداری دارو و شش دستگاه کامیون ۵ تنی به ولتای علیا داد تا مواد لازم را در سال ۱۹۷۸ به قربانیان خشکسالی برساند. (طبقه بندی نشده).

قراردادهای کشورهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد ۱۹۷۸

آسیای شرقی

کلی

آسیای شرقی که از دیرباز یک منطقه دارای اهمیت تجاری برای بزرگترین کمک دهندگان کمونیستی بود، در سال ۱۹۷۸ معادل ۱۷۰ میلیون دلار کمک اقتصادی از طرف کشورهای اروپای شرقی دریافت کرد که تمام آن نیز به برمه و فلپین تعلق گرفت که این بخشی از تلاش اروپای شرقی در جهت فرسایش سلطه غرب و ژاپن در بازارهای آسیایی به شمار می رود. (طبقه بندی نشده)

برمه. مهمترین اعتباری که رانگون از یک کشور کمونیستی دریافت نمود، یک اعتبار ۱۴۰ میلیون دلاری ۱۶ ساله با نرخ بهره ۵/۲ درصد از طرف چکسلواکی برای توسعه کارخانه تراکتورسازی مالون که توسط چکسلواکی ساخته شده بود و نیز احداث کارخانه پمپهای دیزلی و تایر می باشد. معذک، روابط چین و برمه به علت مرز مشترک بین این دو کشور از اهمیت بیشتری برخوردار است. با وجود اینکه چین کمک جدیدی ارائه نکرده است، ولی توافق کرد که یک استادیوم ۱۰ میلیون دلاری براساس قرارداد ۵۷

میلیون دلاری سال ۱۹۷۱ در این کشور بسازد. (طبقه بندی نشده).

فیجی . یک تیم چینی بررسی یک کمک ۲۰ میلیون دلاری را که شامل کمک در زمینه تولید کارهای

دستی، نیروی برق آبی، کشت برنج و بهبود وضع روستاها می شود آغاز نموده است. (خیلی محرمانه)

اندونزی. علیرغم سرد شدن روابط سیاسی، ۱۰ مهندس و زمین شناس روسی به اندونزی فرستاده

شده بودند تا براساس قرارداد ۳/۲ میلیون دلاری مارس ۱۹۷۸ پیرامون احداث یک نیروگاه ۱۰۰ میلیون

دلاری در آمریکا (Mrica) و جاده مرکزی به مطالعه و بررسی پردازند. مسکو تأمین هزینه مورد نیاز

نیروگاه ۸۰۰ مگاواتی را به عهده گرفته و احداث یک نیروگاه دیگر نیز مورد بررسی است. (سری).

اندونزی پیشنهاد ۵۰ میلیون دلار اعتبار رومانی را برای گسترش صنعت نفت که باز پرداخت آن

می بایست بصورت طلا و با نرخ بهره ۶درصد و در مدت ۱۰ سال انجام شود را نپذیرفت. جاکارتا (پایتخت

اندونزی - م) پیشنهاد ۱۰۰ میلیون دلاری مجارستان را در رابطه با احداث ریخته گری، مرکز شکل

بخشی فلزات (Forging) و قالبسازی مربوط به مجتمع موتور ماشین را نپذیرفت، لیکن نسبت به پیشنهاد

لهستان در رابطه با ارائه تکنولوژی زغال سنگ، پتروشیمی، و ماهیگیری اظهار علاقه نمود. (SNF NC).

با وجود تلاش جاکارتا در گسترش روابط خود با اروپای شرقی، اندونزی از برقراری روابط تجاری

مستقیم با چین امتناع ورزید، چون پکن از تبعیدشدگان کمونیست این کشور حمایت می کند و اندونزی

نگران آن است که مبادا پکن بخواهد از این طریق وارد جامعه چینی اندونزی بشود. احتمالاً اندونزی به

خرید برنج چینی که سالانه معادل ۱۵۰ میلیون دلار است از طریق واسطه های آسیایی خود ادامه خواهد

داد. (خیلی محرمانه).

یوگسلاوی تنها کشور کمونیستی است که کمک نظامی در اختیار اندونزی قرار می دهد. جاکارتا در

سال ۱۹۷۸ یک ناو جنگی آموزشی و مهمات از بلغراد خریداری نمود و در مورد احداث یک کارخانه

اسلحه سازی به کمک یوگسلاوی اظهار علاقه نمود. (سری).

مالزی. مالزی علیرغم چند اختلاف برطرف نشده روابط خود را با چین بهبود بخشید. خرید

محصولات کشاورزی مالزی توسط چین تعادل بیشتری را در روابط تجاری بین دو کشور ایجاد کرد، ولی

در روابط بین مالزی و اروپای شرقی به علت وابستگی شدید آنها به مواد خام مالزی عدم موازنه بسیاری

قابل رؤیت است. (طبقه بندی نشده)

در طول سال مزبور کوالالمپور (پایتخت مالزی - م) تصمیم دو ساله خود را علیه سرمایه گذاری

شوروی در زمینه سد تمبلینگ Tembing علنا اعلام نمود. گرچه مطبوعات دلیل آن را تنها عوامل محیطی

ذکر کرده اند، ولی دولت از حضور یک نیروی عظیم روسی در مناطق دور افتاده اظهار نگرانی کرده است.

(طبقه بندی نشده).

پاپوا گینه جدید. چین با امضاء یک قرارداد سه ساله متعهد شد که سالانه ۲۰۰۰۰ تن مس کنستانتره

به ارزش ۲۲ میلیون دلار از پاپوا گینه جدید خریداری نماید که دو برابر خرید سالانه چین در سالهای

۷۷۱۹۷۵ می باشد. (خیلی محرمانه).

فیلیپین. علاقه فیلیپین به افزایش تنوع بخشیدن به روابط تجاری خود با کشورهای کمونیستی به دنبال

کاهش قیمت شکر که موجب کسری موازنه ۱۰۰ میلیون دلاری در تجارت بین شوروی و مانیل گردید،

بشدت ضعیف شده است. درخشانترین نقطه در این روابط تجاری قرارداد پنج ساله بین فیلیپین و چین

است که در آن چین نفت خود را به این کشور خواهد فروخت. در ازای ۴۴ میلیون بشکه نفت خام شنگلی (به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار با قیمت‌های سال ۱۹۷۸) چین شکر، مس، کنستانتره و محصولات شیمیایی و کشاورزی از این کشور دریافت خواهد کرد. (خیلی محرمانه).

آلمان شرقی نیز برای سال ۱۹۷۹ پروتکلی را امضاء کرد تا در ازای دریافت ۲۰ میلیون دلار کالای فیلیپینی، ۲۶ میلیون دلار مواد شیمیایی، کود و کالاهای مصرفی به فیلیپین بفروشد. برای تأمین هزینه مالی مورد نیاز واردات فیلیپین، آلمان شرقی ۳۰ میلیون دلار اعتبار به این کشور داد. مانیل توافق کرد که یک شرکت ماهیگیری مشترک با لهستان به وجود آورد که بتواند کشتیهای ماهیگیری لهستان را برای مدتی طولانی اجاره نماید. در مورد مراحل دیگر و نیز ایجاد مراکز پشتیبانی لازم مذاکراتی به عمل آمده است. این امر به دنبال بیش از چهار سال مذاکره فیلیپین و شوروی جهت تشکیل یک عملیات مشترک ماهیگیری مشابه صورت گرفته است. (طبقه بندی نشده).

سنگاپور. در سال ۱۹۷۸ در روابط تجاری بین سنگاپور، شوروی و اروپای شرقی تغییری پدید نیامد. سنگاپور تقاضای لهستان برای استفاده از لنگرگاههای سنگاپور جهت تعمیرات و نیز ایجاد یک کارخانه مشترک را مورد بررسی قرار داده است. ناوهای نیروی دریایی شوروی برای اولین بار در میان کشتیهای دیگر شوروی و براساس یک قرارداد ۱۷ میلیون دلاری تعمیر کشتی در کشتی سازی دولتی کپل (Keppel) دیده شد. از اواسط سالهای ۱۹۶۰ کشتیهای غیر نظامی در سنگاپور تعمیر می گردید، چون براساس یکی از قوانین این کشور نیمی از محموله این کشتیها می بایست در سنگاپور به فروش رسد. قرارداد ۴۶ میلیون دلاری چین برای دو دکل نفتی روابط چین با کشتی سازیهای محلی را گسترش داد. پکن مقداری از نفت خام شنگلی (Shengli) را به یکی از شرکتهای هنگ کنگ فروخت تا در

پالایشگاههای سنگاپور تصفیه گردد و این شرکت امیدوار است بتواند یک شرکت جدید برای تصفیه نفت خام چین در پالایشگاه سنگاپور به وجود آورد. (SNF).

تایلند. قراردادهای جدید تجاری و همکاری اقتصادی بین چین و تایلند در سال ۱۹۷۸ و پیمان مبادله وابسته های نظامی بین دو کشور احتمالاً روابط دو کشور را بهبود خواهد بخشید که به دنبال قراردادهای تجاری این گونه ای پس از به رسمیت شناختن دیپلماتیک در سال ۱۹۷۵ دچار رکود شده بود. در نتیجه قرارداد منعقد در ماه دسامبر، تایلند گندم و دیگر محصولات کشاورزی را در ازای ۰۰۰/۲۴۰ تن نفت دیزل و ۰۰۰/۶۰۰ تن نفت خام به چین صادر خواهد کرد و پکن نیز تکنیسینهای خود را برای مطالعه فنون صنعتی و کشاورزی تایلندی به این کشور روانه خواهد کرد. به دنبال تصمیم دولت جدید تایلند در گسترش روابط تجاری با کشورهای کمونیستی، بانکوک با چکسلواکی، مجارستان و رومانی نیز قراردادهای تجاری منعقد ساخت. (خیلی محرمانه).

قراردادهای کشورهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد ۱۹۷۸

آمریکای لاتین

کلی

ورود کالاهای کشاورزی و معدنی به کشورهای کمونیست اروپایی از آمریکای لاتین سبب شده است که موازنه تجاری بین این دو منطقه به مدت یک دهه نامتعادل بماند. پس از تورم قیمتها در سال ۱۹۷۳ وضع وخیم تر و کسری سالانه بیش از یک میلیارد دلار گردید. کشورهای کمونیستی نیز تلاش کردند ماشین آلات و تجهیزات خود را فروخته و ضمناً تهدید نمودند که اگر طرفین مهم آمریکای لاتین گامی مثبت در برقراری تعادل برندارند، آنها به ناچار به بازارهای دیگری روی خواهند آورد. آنها خواستار افزایش خریدهای اعتباری مهم شدند و صدور اعتبار در قبال مواد خام و مواد غذایی از کشورهای متنفذ دیگر از قبیل آرژانتین و برزیل را پذیرا شدند. (طبقه بندی نشده).

آلمان شرقی در سال ۱۹۷۸ مهمترین سرمایه گذاری را در رابطه با صدور کالا به آمریکای لاتین انجام داد. ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار تجهیزاتی به برزیل داده شد، به این امید که این مقدار کمک به ۲ میلیارد دلار کمک کمونیستی مورد استفاده واقع نشده در آمریکای لاتین، اضافه نگردد. کشورهای آمریکای لاتین ترجیح می دهند که تجهیزات مورد نیاز خود را از غرب خریداری نمایند و کلاً تجهیزات کمونیستی را نادیده گرفته اند. (طبقه بندی نشده).

گرچه قراردادها مدت چند سال را دربرمی گیرد، ولی ظاهراً مسکو در زمینه تجهیزات نیرو از وضع بهتری برخوردار است. در سال ۱۹۷۸ شوروی پیرامون قراردادهای چند میلیارد دلاری پروژه های نیرو در آرژانتین و برزیل به مذاکره پرداخت، لیکن تنها کمک جدید آن به یک کشور آمریکای لاتین اعطای دو توربین به ارزش ۱۵ میلیون دلار به نیروگاه آبی سالتو گراند بود که توسط آرژانتین و اورو گوئه ساخته می شود. مسکو تلاش نمود با ارسال نفت به برزیل در تجارت خود با این کشور تعادلی به وجود آورد و به مشتریان ونزوئلا در اروپای شرقی نفت ارسال نمود تا براساس یک قرارداد چهار جانبه ونزوئلا نیز مقدار نفت مورد نیاز کوبا را تأمین نماید. چین با اولین نفت ارسالی به نیمکره غربی، از نفت به عنوان عامل برقراری تعادل تجاری با برزیل بهره برداری نمود. یکن با چند کشور کوچکتر منطقه نیز پیشنهاد ارسال نفت را مطرح نموده است. (SNF).

کوبا با ارائه کمک به باربادوس، دومینیکا، جمهوری دومینیکن، گویان (Guyana)، جامائیکا، و پاناما فعالانه وارد بازار گردید و سعی کرد از طریق شرکتهای خصوصی تحت کنترل کوبا در جزایر کارائیب مقدمات نفوذ بیشتری را فراهم آورد. (خیلی محرمانه).

آرژانتین. شوروی در سال ۱۹۷۸ فروشهای خود به آرژانتین را تجدید نمود، تا کسری موازنه تجاری نیم میلیارد دلاری خود را کاهش دهد. مسکو که بار دیگر با تمرکز بر صنایع نیرو سعی دارد از وخامت روابط بین آمریکا و آرژانتین بر سر مسائل حقوق بشر بهره برداری نماید، تلاش می کند قراردادهایی در مورد پروژه آبی یا سیرتا و توربین های پارانا مدیو منعقد سازد. مسکو قرارداد طرح پروژه پارانا مدیو را که یک پروژه نیرورسانی و آبیاری ۵/۲ میلیارد دلاری است به دست آورد و در ماه اکتبر قراردادی را در مورد دو ژنراتور ۳۱۰ مگاواتی نیروگاه حرارتی بوئوس آیرس امضاء نمود. اعطای ۲ توربین به

تأسیسات سالتو گراند به منظور شیرین جلوه گر شدن کمک ۸۰ میلیون دلاری شوروی به پروژه مشترک

آرژانتین و اوروگوئه انجام شده بود. در همین حال شوروی بر اساس یک قرارداد ۱۲۰ میلیون دلاری مربوط به سه نیروگاه، نصب توربین در نیروگاه لوجان دوکویو را به پایان رسانید. (S NF NC).

کشورهای اروپای شرقی نیز مانند شوروی نتوانسته اند کسری تجاری خود و آرژانتین را کاهش دهند و تلاشهای مربوط به استفاده از ۲۵۰ میلیون دلار اعتبار دست نخورده توسط آرژانتین نیز عقیم مانده است. به جای آن آرژانتین ۳۰ میلیون دلار اعتبار به لهستان داد تا این کشور به وارد کردن کالاهای کشاورزی از آرژانتین پردازد.

برزیل. برزیل بزرگترین کمک کمونیستی خود یعنی ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار از آلمان شرقی در سال ۱۹۷۸ پذیرفت، ولی در همان حال از تلاش شوروی در جهت گسترش روابط بین دو کشور اجتناب ورزید. این کمک همگام با قرارداد تجاری سه ساله بین برزیل و آلمان شرقی ارائه شده، قرار است در این رابطه موازنه ای پدید آورد که اکثر شرکای کمونیستی برزیل با آن دست به گریبان هستند. برزیل نیز در همین حال به کشورهای اروپای شرقی در رابطه با ورود کالاهای کشاورزی خود اعتبارهایی داده است. (سری).

گرچه ارتقاء فروش شوروی محدود نیست، لیکن دولت نظامی نسبت به فعالیتهایی که باعث شود حضور شوروی در سال ۱۹۷۸ در برزیل بیش از ۲۵ نفر تکنیسینهای این کشور باشد معترض است. دولت در رابطه با اعتبار ۵۰۰ میلیون دلاری شوروی جهت پروژه نیروی پورتو پریمورا که باعث حضور ۲۵۰

تکنیسین روسی در برزیل می شد شدیداً مخالفت کرده است. علیرغم پیشنهاد مسکو برای تأمین ۴۰ درصد هزینه مورد نیاز ۳/۱ میلیارد دلاری با شرایط باز پرداخت ۸ تا ۱۰ ساله با نرخ بهره ۵/۴ درصد، برزیل به دنبال سرمایه گذاریهای غربی است. برزیل پیشنهاد مشابه شوروی را در مورد پروژه نیروی آبی اتیاپورد کرد و در همان حال شوروی به خاطر تأخیر در نصب اولین توربین پروژه آبی سوبرادینهو براساس اعتبار سال ۱۹۷۵ مورد ملامت قرار گرفت. (SNF NC).

در همان حال، فروش ۰۰۰/۳۰ بشکه نفت خام شوروی با قیمت هر بشکه ۱۳ دلار به گرمی پذیرفته شد. قبلاً نیز پیشنهادات این گونه ای سبب پایین آمدن کسری تجاری از ۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۸ به ۱۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۷ شده بود. (SNF NC).

مجارستان نیز که با همین گونه مشکلات تجاری دست به گریبان است. پیشنهاد کرد که حاضر است برای جبران کسری تجاری ۱۸۰ میلیون دلاری خود در سال ۱۹۷۷ در برزیل کارخانه های داروسازی و آلومینیم سازی احداث نماید. بوداپست امیدوار است که قرارداد سه ساله ۳۰۰ میلیون دلاری در سال ۱۹۷۸ در رابطه با وارد کردن مصنوعات و مواد خام برزیل در ازای تجهیزات مجارستانی بتواند تجارت بین دو کشور را متعادل تر سازد. لهستان نیز سعی کرده است با یک قرارداد سه ساله ۵۰۰ میلیون دلاری که تجارت پایاپای سالانه زغال سنگ و سنگ آهن را در بر می گیرد کسری تجاری ۱۰۰ میلیون دلاری خود را جبران نماید. (طبقه بندی نشده).

چین که کسری تجاری سالهای ۷۷-۱۹۷۴ آن تقریباً معادل ۲۵۰ میلیون دلار است و علت آن نیز معاملات این جمهوری با شرکتهای خصوصی برزیل بوده است، پس از برقراری روابط با برزیل با انعقاد یک قرارداد بین دولتی سعی کرده است این کسری را جبران نماید. این قرارداد که ارز معتبر را به عنوان یکی از شرایط خود گنجانیده است به دنبال قرارداد مبادله یک میلیون تن سنگ آهن در ازای ۵/۲ میلیون

تن نفت خام چین به مدت دو سال از سال ۱۹۷۹ پدید آمد و مقادیر بیشتری را نیز در سه سال آتی در برخواهد گرفت. این اولین فروش نفتی چین در نیمکره غربی به حساب می آید. (طبقه بندی نشده). پرو. گرچه برنامه نظامی ۶۵۵ میلیون دلاری شوروی بر روابط بین شوروی و پرو در سال ۱۹۷۸ تأثیر منفی داشت، لیکن توافق مسکو بر برنامه ریزی دوباره فروش نظامی لیما سبب ادامه این همکاریها شده است، ولی در حال حاضر در رابطه با تجهیزات نظامی سفارشات جدیدی ارائه نشده است. لیما با کشورهای عضو پیمان ورشو به عنوان عامل برهم زننده تعادل نفوذ غرب و سمبل عدم تعهد خود روابطی برقرار ساخته است. (سری).

از زمان آغاز خریدهای تسلیحاتی پرو از شوروی در سال ۱۹۷۳، سال ۱۹۷۸ اولین سالی است که پرو با شوروی معامله تسلیحاتی انجام نداده است. علت آن نیز فشار صندوق بین المللی پول جهت محدود شدن خریدهای تسلیحاتی لیما و نارضایتی پرو در رابطه با مقدار و کیفیت حمایت شوروی، آموزش و اقدامات مربوط به تعمیر و نگهداری بوده است. معذالک مسکو تمام تجهیزات مهم درخواستی پرو را به این کشور ارسال داشته که نتیجه آن ارائه ۷۷ میلیون دلار تجهیزات در سال ۱۹۷۸ که ۲۰ درصد محموله های سال ۱۹۷۷ را تشکیل می دهد، بوده است. (سری).

ارسال هواپیما دو سوم تجهیزات ارسالی ۱۹۷۸ مسکو را شامل می شد که عبارتند از دو فروند هواپیمای آموزشی ۲۲-۱۲، SU فروند هواپیمای باری ۲۶-AN و سه هلیکوپتر ۶-MI، دو دستگاه

وسيله نقلیه شناسائی آبی ۲- BRDM نیز برای اولین بار به پرو تعلق گرفت. گزارشات مربوط به این ارتش

این کشور تانکهای متوسط تی - ۶۲ را نیز تحویل گرفته است، مورد تأیید واقع نشده است. (SNF).

پرو با کمک ۱۵۰ پرسنل نظامی شوروی به استقرار سیستمهای موشکی زمین به هوا، سام - ۳ که به

سیستمهای موشکی سام - ۶ و سام - ۷ اضافه شده بود و توپ ضدهوایی ۴ - ۲۳ - ZSU و ۲۲ - SU و

۶ - MI پرداخت. این تجهیزات و چند فروند جنگنده میراژ فرانسوی پرو را بر دشمنان هم مرز خود تفوق

خواهد بخشید. (SNF).

مسکو در بهار سال ۱۹۸۰ توافق کرد که در مورد برنامه ریزی دوباره پرداخت قروض نظامی لیما که در

سالهای ۸۰-۱۹۷۸ آغاز خواهد شد تجدید نظر نماید. مسکو پذیرفت که ۹۸ میلیون دلاری را که موعد

پرداخت آن سالهای ۸۹-۱۹۷۸ است و ۵۱ میلیون دلاری را که باید در سال ۱۹۸۰ پرداخت شود تا سال

۱۹۸۵ به تعویق بیندازد. ولی لیما در ازای این مبالغ سالانه ۸ میلیون دلار خواهد پرداخت. (طبقه بندی

نشده).

روابط اقتصادی پرو با کشورهای کمونیستی پس از بحران اقتصادی ۱۹۷۶ یعنی زمانی که بر رژیم این

کشور بنا به اصرار جامعه بانکی بین المللی یک برنامه انزواطلبی تحمیل گردید، بهبود چندانی نیافته است.

گرچه کشورهای کمونیستی خرید ۱۵ درصد صادرات پرو را به خود اختصاص داده بودند، ولی بیش از

۲۸۵ میلیون دلار کمک ارائه شده کمک جدیدی به این کشور نکردند و بسیاری از پروژه های عمرانی

اوائل سالهای ۱۹۷۰ نیز وارد مرحله فعالیت نشده اند. (خیلی محرمانه).

گرچه شوروی مطالعات اولیه پروژه نیروی آب و آبیاری اولموس را که یک پروژه یک میلیارد دلاری

است و تکمیل آن ۱۰ تا ۱۵ سال به طول خواهد انجامید به پایان رسانیده است. ولی در رابطه با آغاز

ساختمان پروژه اقداماتی به عمل نیآورده است. (طبقه بندی نشده).

دیگر کشورهای کمونیستی نیز در جبهه کمک اقتصادی سال آرامی را پشت سر گذارده اند.

چکسلواکی ۱۰ میلیون دلار اعتبار به نیروگاه ایکویتوس اختصاص داد و مجارستان نیز براساس یک

قرارداد ۲/۱ میلیون دلاری تجهیزات آموزشی در اختیار این کشور قرار داد، رومانی که سالانه ۴۵۰۰۰۰

تن سنگ آهن از پرو خریداری می کند پیشنهاد کرد که در رابطه با مس، نقره، سرب، روی و دیگر مواد

معدنی روابط خود را گسترش بخشد. در سال ۱۹۷۸، بخارست یک قرارداد ۶ میلیون دلاری در رابطه با

تجهیزات راه آهن منعقد ساخت و اعلام کرد که حاضر است یک کارخانه ۱۰۰۰۰۰۰ تنی کربنات سدیم و

تجهیزات ضروری صنایع فولاد را به این کشور بفروشد. بررسی های رومانی بر روی پروژه معدن مس

آنتامینا که در سال ۱۹۷۸ به پایان رسید. در پایان سال منجر به انعقاد قرارداد دیگری نشد. (طبقه بندی

نشده).

دیگر کشورهای آمریکا لاتین

بولیوی. بزرگترین کارخانه تبخیر قلع جهان که توسط شوروی در پوتوسی احداث می گردد، عامل

اصلی روابط اقتصادی بولیوی و کشورهای کمونیست بوده است. برنامه های مربوط به کمک شوروی

پیرامون احداث یک کارخانه دیگر در مارچامارکا رو به پیشرفت است. مسکو همچنین خرید قلع خود را

که سالانه ۴۰ میلیون دلار است افزایش خواهد داد و پس از آمریکا و انگلیس سومین مشتری بزرگ قلع

بولیوی خواهد شد. قرار است شوروی و آلمان غربی در مورد ساختن یک کارخانه ذوب سرب و نقره در بولیوی با استفاده از تکنولوژی شوروی به توافق برسند. یک قرارداد تجهیزاتی ۱۰ میلیون دلاری براساس توافق سال ۱۹۷۶ کل معاملات انجام شده براساس این توافق را به ۷۰ میلیون دلار رسانید. (طبقه بندی نشده).

لهستان احداث یک کارخانه شیشه سازی ۵ میلیون دلاری را بر اساس اعتبار صادره به پایان رسانید، و چکسلواکی پیشنهاد کرد که یک کارخانه موتناژ موتور سیکلت و یک کارخانه ذوب ۱۰ میلیون تنی فولاد و قراضه فلزات در این کشور احداث نماید. (طبقه بندی نشده).

کارائیب. باهاماس و آنتیل هلند. این گروه از جزایر از طریق یک واسطه سوئیسی از چین تقاضای خرید نفت خام کردند که به دنبال تجارب حاصله از اولین محموله نفت بفروش رسیده زمینه برای انعقاد قراردادهای طویل المدت فراهم خواهد گردید. (SNF).

باربادوس. به دنبال پیشنهاد کمک کوبا در زمینه تولید شکر، لبنیات، دامداری و ماهیگیری، احتمالاً باربادوس به کوبا اجازه افتتاح یک دفتر بازرگانی در بریج تاون را خواهد داد. چین نیز در طول سفر یک هیئت چهار نفره به این کشور پیشنهاد پروژه های کمکی داد. (خیلی محرمانه).

دومینیکا. این کشور پیشنهاد کمک کوبا را در رابطه با احداث یک کارخانه سیمان سازی، چاپخانه، مراکز پزشکی، ارائه بورس تحصیلی و آموزش پرسنل در زمینه ماهیگیری و کشاورزی پذیرفت.

(SNF NC).

جمهوری دومینیکن. کوبا به این کشور پیشنهاد کرده است که حاضر است در تبدیل تفاله نیشکر به غذای دام کمک کند که خود جمهوری دومینیکن نیز در نظر دارد در صنعت شکر خود این تنوع را پدید آورد. (طبقه بندی نشده).

هائیتی. هائیتی در ازای برقراری روابط دیپلماتیک از چین کمک اقتصادی دریافت کرده است.

لهستان در میان کشورهای کمونیستی، در پریس پورت حضور دارد. (S NF NC)

جامائیکا. کار بر روی پروژه ۵/۸ میلیون دلاری کارخانه نساجی الیاف پلی استر چینی در اولدهاربور

جامائیکا در حال انجام است. دو سال قبل جامائیکا به علت وضع مادی نامساعد خود پیشنهاد ۱۵۰

میلیون دلار اعتبار مجارستان را در رابطه با تأسیس یک کارخانه آلومینیم ۶۰۰۰۰۰ تنی پذیرفت. ولی

پذیرفت که ۲۸ میلیون دلار به اعتبار تجاری سال ۱۹۷۷ اضافه شود که نیمی از آن به پروژه های عمرانی

اختصاص یافته است و بقیه آن نیز به کالاهای مصرفی، تجهیزات پزشکی، داروسازی و نساجی اختصاص

داده شده است. شرایط بازپرداخت ۸ ساله بوده و نرخ بهره ۷ تا ۸ درصد را دربر می گیرد. یک تیم

مجارستانی در اواسط سال به جامائیکا وارد شد تا پیرامون سرمایه گذاری های مشترک در رابطه با

کارخانه دوچرخه سازی، کارخانه تهیه محصولات کشاورزی، پرورش ماهی و کشت سبزیجات بررسی

نماید. کوبا برای ساختن ۶ مدرسه ۱۴ میلیون دلار به این کشور کمک خواهد کرد. علاوه بر ۴۰ پزشک،

۶۰۰ کوبائی دیگر نیز بر روی این پروژه کار خواهند کرد و در رابطه با پروژه های تأمین آب و کارخانه تهیه

قطعات پیش ساخته در جامائیکا، هاوانا پرسنل فنی مورد لزوم را ارسال خواهد داشت. در اواخر سال

۱۹۷۸، جامائیکا پیشنهاد خرید ۲۰۰۰۰۰ تن آلومینیوم توسط شوروی را رد کرد، چون قیمت پیشنهادی

مسکو بسیار نازل بوده است. (خیلی محرمانه).

آمریکای مرکزی

کاستاریکا. این کشور بخش استفاده نشده اعتبار پروژه اتوبوس شوروی را لغو نمود و طرح رومانی را در مورد استخراج بوکسیت براساس توافق ۱۹۷۷ پذیرفت. با این وصف رومانی و کاستاریکا پروتکلی را در زمینه همکاری اکتشافات معدنی و مبادلات بازرگانی امضاء کرده اند؛ چکسلواکی ارائه، تجهیزات نیروگاه، ابزار آلات ماشین، کارخانه نساجی و مصالح ساختمانی را مطرح کرده؛ ولی کوبا نتوانست در سال ۱۹۷۸ با این کشور قرار داد تجاری منعقد سازد و به جای آن یک یادداشت تجاری امضاء کرد. (طبقه بندی نشده).

گواتمالا. خرید ۲۰۰۰۰۰۰ عدل پنبه توسط چین در سال ۱۹۷۸ که یک سوم پنبه صادراتی گواتمالا را تشکیل می دهد. چین را به صورت بزرگترین خریدار پنبه از این کشور در آورده. چین مقدار مشابهی پنبه برای سال ۱۹۷۹ خریداری کرده است و مقامات گواتمالا احتمالاً به چین اجازه خواهند داد که یک دفتر بازرگانی در این کشور افتتاح نماید. (طبقه بندی نشده).

هندوراس. با اولین قرارداد تجاری خود با کوبا در طول ۱۷ سال گذشته، هندوراس ۲۰۰۰ تن سیمان از این کشور خریداری کرد، چون کوبا بهترین قیمت و بهترین شرایط تحویل را ارائه کرده بود. (طبقه بندی نشده).

نیکاراگوئه. چین ۱۵۰۰۰۰۰ عدل پنبه که معادل یک سوم کل محصول پنبه نیکاراگوئه است از این کشور خریداری کرد. (خیلی محرمانه).

پاناما. یک کمیسیون اقتصادی پانامایی در چکسلواکی، آلمان شرقی، لهستان و شوروی قراردادهای تجاری منعقد نمود و کشورهای مزبور پیشنهاد ارائه کمکهای عمرانی را مطرح کردند. کشورهای کمونیستی متقاضی خرید ۱۰ میلیون دلار موز در سال شدند؛ چکسلواکی یک قرارداد همکاری فنی

منعقد ساخت؛ و شوروی متعهد گردید که یک نیروگاه آبی ۳۰۰ مگاواتی به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار در بوکاس دل تورو بسازد که طرح آن قبلاً توسط تکنیسینهای روسی در سال ۱۹۷۷ مطالعه و بررسی شده بود.

کشورهای اروپای شرقی ۱۰۰ بورس تحصیلی برای سال ۷۹-۱۹۷۸ در اختیار دانشجویان این کشور گذاشتند و لهستان یک قرارداد فرهنگی پنجساله مبادله دانشجویان امضاء کرد و در مورد ساختن یک کارخانه کشتی سازی در بند ماهیگیری جدیدی که در واکامونت در دست ساختمان است اظهار علاقه نمود. یک هیئت کوبایی در پاناما پیرامون گسترش همکاریهای کشاورزی مذاکراتی به عمل آورد. (خیلی محرمانه)

شیلی. مذاکرات مجدد شیلی در رابطه با قروض دوران آئنده به اکثر کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۷ منجر به افزایش تجارت این کشور با تمام کشورهای کمونیستی در سال ۱۹۷۸ گردید. بدین ترتیب، شیلی از زمان کودتای ۱۹۷۳ اولین قرارداد خود را با شوروی در زمینه فروش مقادیر کمی مولیدن منعقد ساخت، چکسلواکی، لهستان و رومانی جهت خرید مقادیر کمی از محصولات شیلی قراردادهایی امضاء کردند و بانک بین المللی همکاری اقتصادی نیز بازپرداخت ۵۰ میلیون دلار از قروض شش ساله شیلی را به عهده گرفت و بدین ترتیب این کشور ۲۰ میلیون دلار به شوروی و ۵ میلیون دلار به بلغارستان بدهکار است که پیرامون آنها نیز مذاکراتی انجام خواهد گرفت. روابط کمونیستی پیشین شیلی

قبلاً محدود به روابط آن کشور با چین و رومانی بود. (خیلی محرمانه).

در طول سال مزبور سانتیاگو (پایتخت شیلی - م) به دنبال برقراری روابط بیشتر با چین که تنها کشور ادامه دهنده برنامه کمکهای خود پس از کودتاست، برآمد و در نظر داشت از چین تجهیزات نظامی دریافت دارد. در اواخر سال ۱۹۷۸، چین با امضاء یک قرارداد خواستار خرید ۰۰۰/۹۰ تن مس به ارزش سالانه ۴۶ میلیون دلار در طول سه سال آتی گشت. وزیر خارجه شیلی در سال ۱۹۷۸ به پکن سفر کرد تا پیرامون مبادله نفت چین با مس، نیترات و سنگ آهن شیلی به مذاکره پردازد. (S. NFNC)

کلمبیا. علیرغم بیانیه عمومی دولت جدید مبنی بر گسترش روابط این کشور با کمونیستها در نزدیکی روابط کلمبیا با این کشورها در سال ۱۹۷۸ تغییری پدید نیامده است. طرحهای احداث پروژه هیدروالکتریک او را (Urta) بر روی رودخانه آلتوسینو که بزرگترین پروژه نیروی ساخت شوروی در آمریکای لاتین می باشد، به پایان رسید و براساس اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۵ ساخته خواهد شد. (خیلی محرمانه).

بوگوتا. (بنابه توصیه رومانی) به شورای کمک دو جانبه اقتصادی نخواهد پیوست، لیکن همیشه سعی داشته است روابط دو جانبه را گسترش بخشد. کلمبیا اعلام کرد که در نظر دارد در مورد احداث یک کارخانه کنسرو سبزیجات یک قرارداد مشترک با بلغارستان و در مورد احداث یک کارخانه ماشین آلات کشاورزی یک قرارداد با لهستان منعقد سازد و فروش قهوه به کشورهای اروپای شرقی را در ازای دریافت ماشین آلات جاده سازی و تجهیزات نیروگاهی افزایش دهد. تجارت ۱۵۰ میلیون دلار در سال کلمبیا با کشورهای کمونیستی (که معمولاً به نفع کلمبیا است) به صورت تهاوتی و ارز معتبر انجام می گیرد. (خیلی محرمانه).

کوبا و چین نیز روابط خود را با دولت جدید بهبود بخشیده اند، قرارداد یک میلیون دلاری منعقد در

اواسط سال ۱۹۷۸ اجازه می دهد که کشتیهای کوبایی در کارتاچنا تعمیر شوند و قراردادهای جدید تجاری، فرهنگی و نساجی نیز در دست مطالعه است. قرار است چین و کلمبیا در اواسط سال ۱۹۷۹ روابط دیپلماتیک برقرار سازند.

اکوادور. دولت نظامی اکوادور از برقراری روابط با شوروی دوری می جوید، لیکن روابط خود با کوبا و اروپای شرقی را گسترش می دهد. حضور شوروی محدود به دو نفر تکنیسین روسی است که در سال ۱۹۷۸ جهت آموزش فنون ماهیگیری به پرسنل اکوادور وارد این کشور شده اند. در همین حال رومانی اولین قرارداد پنجساله و باز پرداخت تجاری خود را با اکوادور منعقد ساخت و یک قرارداد همکاری فنی و اقتصادی دیگر نیز جای قرار دارد ۱۹۷۳ را خواهد گرفت. لهستان یک محموله ۱۲ میلیون دلاری را به شرکت کشتی رانی دولتی تحویل داد و امیدوار است بتواند براساس قرارداد ماهیگیری قابل اجراء از سال ۱۹۷۹ تعدادی قایق ماهی گیری به این کشور بفروشد. در همین حال کوبا و اکوادور یک قرارداد تجارت مستقیم در ازای دلار کانادا منعقد ساختند، تا از طریق آن ۲۰۰۰۰ تن سیمان کوبایی با قهوه اکوادور مبادله گردد. (خیلی محرمانه)

گویان. گرچه گویان تنها حدود ۷۰ میلیون دلار کمک اقتصادی از کشورهای کمونیستی دریافت کرده، ولی گرایش سیاسی آن به جهان کمونیستی نشانگر کاهش در روابط فیما بین نیست. در سال ۱۹۷۸، آلمان شرقی (الف) ۵/۶ میلیون دلار اعتبار کوتاه مدت به ۳۰ میلیون دلار تعهدات پیشین خود افزود. (ب)

توافق کرد که کار مربوط به کارخانه روغن نباتی را سرعت بخشد و (ج) به ارسال تکنیسینهای خود جهت بررسی پروژه بوکسیت تمایل نشان داد. پروتکلی که به دنبال توافق ۱۹۷۷ با شوروی امضاء گردید به گویان اجازه داد که از طریق یک اعتبار ۱۰ ساله و با نرخ بهره ۵/۴ درصد تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز خود را از شوروی خریداری نماید. علاوه بر این گویان و شوروی مشترکاً به ماهیگیری ماهیگیری خواهند پرداخت و شوروی نیز یک طرح ۱۰ ساله برای صنعت گویان خواهد ریخت. گرچه شوروی در رابطه با پروژه هیدروالکتریک رودخانه مارارونی علیا کمکی ارائه نکرده، ولی یک تیم روسی مطالعات مربوط به احداث یک کارخانه آلومینیم سازی ۶۰۰/۰۰۰ تنی و نیروگاه وابسته آن را آغاز کرده اند. مسکو ظاهراً قبول کرده است که پس از تکمیل این کارخانه نیمی از بازده آن را خریداری نماید.

پروژه های چینی دچار مشکلاتی شده اند چون پیمانکاران محلی کار مربوط به پروژه ۳۶ میلیون دلاری را کندتر کرده اند مجارستان براساس قرارداد تجاری ۱۹۷۷ خود توافق کرد که ۱۰ میلیون دلار اعتبار یک ساله خود را کالای مصرفی و اعتبارهای ۵ تا ۷ ساله خود را کالاهای سرمایه ای به گویان بفروشد و گویان نیز سعی کرد برنج، شکر، دام و بوکسیت به این کشور بفروشد. در میان کشورهای کمونیست کوچکتر، کوبا تعهد کرد که یک مرکز پزشکی در دانشگاه کویان ایجاد کند و در زمینه صنعت شکر و تسهیلات خبرپراکنی رادیویی نیز کمک فنی ارائه کند و کره شمالی نیز شش پروتکل کشاورزی، تولید فیبر و سرامیک، ماهیگیری مشترک و کمک در بازسازی صنعت کشتی سازی چوبی گویان امضاء کرد. گویان مقادیر کمی کمک نظامی از کوبا، کره شمالی، و آلمان شرقی دریافت نمود. (S NF NC)

مکزیک. مکزیک سفر رئیس جمهور لویز پورتیلو به مسکو در ماه آوریل ۱۹۷۸ را که در آن شوروی پروتکل دوم معاهده تلاتلولکو (Tlatelolco) جهت ایجاد یک منطقه عاری از تسلیحات هسته ای در آمریکای لاتین) را امضاء کرد، یک گام بزرگ در سیاست خارجی تلقی کرده است. با این وصف مکزیک

دارای گرایش‌های بازرگانی غربی است و با وجود اینکه شوروی در سال گذشته به مکزیک فشار آورد (تا براساس قرارداد اعتباری نامحدود سال ۱۹۷۶) ماشین‌آلات و تجهیزات از شوروی خریداری نماید، ولی قراردادی در این رابطه امضاء نگردید. قرارداد چهارجانبه نفتی بین این کشور، اسپانیا، کوبا و شوروی نیز امضاء نشد چون شوروی این قرارداد را با ونزوئلا منعقد ساخته بود، ولی در پایان سال مکزیک خواستار خرید هواپیمای باری YAK-۴۰ برای استفاده در مناطق دور افتاده و ماشین‌آلات حفاری نفتی روسی گردید. کشورهای اروپایی شرقی در روابط خود پیشرفت چشمگیری داشتند:

* بلغارستان در رابطه با طرح، ساختمان، و مدیریت یک مجتمع کشاورزی در مکزیک براساس یک برنامه دو ساله قراردادهایی امضاء کرده است.

* در مورد احداث یک نیروگاه حرارتی در بندر لوبوس با چکسلواکی به توافقی دست یافته شد.

* مجارستان در مورد ایجاد یک شرکت مکزیک‌مجارستانی برای تولید ماشین‌آلات سبک و کارهای صنعتی به مذاکره پرداخت.

* رومانی توافق کرد که از طریق افزایش صادرات مواد شیمیایی و ماشین‌آلات به مکزیک و با همکاری در بخش صنعت نفت، همکاری اقتصادی خود را افزایش دهد. (SNFNC).

سورینام. علیرغم فقدان اشتیاق سورینام، چین اولین نمایشگاه تجاری کمونیستی را در پاراماریبو در

پاییز ۱۹۷۸ برگزار کرد. در مورد پیشنهادات کمک شوروی به سورینام جهت احداث یک نیروگاه آبی در

سال ۱۹۷۷ گزارش جدیدی نرسیده است. (SNF).

اوروگوئه. این کشور در اعطای دو توربین ۱۵ میلیون دلاری شوروی به پروژه هیدروالکتریک سالتوگراند اوروگوئه و آرژانتین سهیم است. اولین توربین در ماه مارس ۱۹۷۹ آغاز به کار خواهد کرد؛ تمام ۱۴ توربین این پروژه در دسامبر سال ۱۹۸۱ به طور جمعی به کار خواهند افتاد. این توربینها از ۸۱ میلیون دلار اعتبار صادره توسط شوروی در رابطه با این پروژه ۳/۱ میلیارد دلاری ناشی می شود. از دیگر عملیات کمونیستی در سال ۱۹۷۸ بازدید معاون وزیر بازرگانی مجارستان از مونته ویدئو در اواخر سال جاری بود که طی آن پیشنهاد کرد که به اعتبار تجاری مجارستان در اوروگوئه ۱۰ میلیون دلار افزوده گردد. (SNF NC).

ونزوئلا. پس از دو سال مذاکره. براساس یک قرارداد چهار جانبه ونزوئلا ارسال نفت به کوبا را آغاز نمود. این قرارداد ارسال روزانه ۱۰۰۰۰ بشکه نفت خام ونزوئلا به کوبا را در ازای ارسال همین مقدار نفت توسط شوروی به اسپانیا شامل می گردد. طبق این قرارداد یک ساله اسپانیا به ونزوئلا در ازای نفت شوروی ارز معتبر خواهد داد و کوبا نیز در ازای دریافت نفت ونزوئلا هزینه لازم را به شوروی خواهد پرداخت. (خیلی محرمانه).

اروپا

مالت. مالت در سال ۱۹۷۸ روابط خود را با چین و اروپای شرقی گسترش داد، لیکن به علت ورود غیر مجاز ناوهای شوروی به آبهای مالت در گراند هاربور روابط این کشور با شوروی رو به وخامت نهاده است. مالت از عدم تمایل مسکو به گسترش کمکهای و روابط بازرگانی نیز ناراضی است. به دنبال سفر کنگ پیائو معاون وزیر چینی، چین کار مربوط به موج شکن بندر Marsaxlokk و تأسیسات ساحلی را که یکی از پروژه های بزرگ چین در جهان سوم بوده و براساس اعتبار ۴۵ میلیون دلاری ساخته می گردد

آغاز کرد. لهستان نیز در پروژه مزبور با اعطای امتیاز ۳۷۰۰۰ دلاری مشاورتی سازمان ملل شرکت دارد.

عملیات مشترک این کشور با چکسلواکی در مورد تکمیل کارخانه سازنده لوازم میکروسکوپی و

تجهیزات هیدرولیک ادامه یافته است. چکسلواکی و مالت پیرامون احداث یک کارخانه ریخته گری فولاد

و یک کارخانه کفش سازی مذاکره کرده اند (طبقه بندی نشده).

پرتغال. پرتغال به کوبا اجازه داد که از تأسیسات تعمیر کشتی این کشور در ازای تحویل شکر به

پرتغال استفاده نماید. (طبقه بندی نشده).

قراردادهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد ۱۹۷۸

خاورمیانه

کلی

علیرغم علاقه دیرین مسکو به برقراری حضوری نیرومند در خاورمیانه، شورویهای در سال ۱۹۷۸ اقدامات چندان مثبتی برای تحکیم روابط خود با ملل اصلی منطقه به عمل نیاوردند. کمکهای نظامی، یعنی مهمترین وسیله نفوذ شوروی در جهان سوم، به کشورهای خاورمیانه ای در ۱۳ سال گذشته به کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار رسید و تنها ترکیه توانست کمکهای اقتصادی زیادی به دست آورد. تقریباً تمام کمکهای نظامی جدید به یمن جنوبی اختصاص داده شد، چون مسکو با ارسال جت‌های جنگنده، تانک، و موشک به حمایت از رژیم مارکسیستی جدیدی که در ژوئن ۱۹۷۸ به قدرت رسیده بود پرداخت؛ روسها کمک فنی خود را به ۱۵۰ نفر پرسنل رسانید و حدود ۱۰۰۰ پرسنل کوبایی از اتیوپی به این کشور اعزام گردیدند تا در تحکیم قدرت رژیم جدید عدن آن را یاری دهند. ۵۰۰ نفر کوبایی دیگر غیر نظامی اعزامی به یمن جنوبی و ۴۰۰ پزشک کوبایی اعزامی به عراق اولین گروه پرسنل غیر نظامی کوبایی هستند که مستقیماً در خاورمیانه مستقر شده اند. بنا به گزارشهای متعدد رسیده، شوروی چند پایگاه هوایی و دریایی در یمن جنوبی خواهد ساخت تا نیازهای خود را تأمین نماید. (سری).

سلاحهای ارسالی به این منطقه در سال ۱۹۷۸، که معادل سطح ارسالی یک میلیارد دلاری آن در سالهای ۷۷-۱۹۷۵ بود، جبران کمبود تعهدات جدید را نموده است. ارسال تسلیحات به عراق و سوریه یعنی بزرگترین مشتریان سلاحهای روسی، بسیار زیاد بود؛ البته این کشورها از سفارشات سالهای ۱۹۷۶-۷۷ خود که در سال ۱۹۷۸ تکرار نشده بود استفاده می کردند. عدم امضاء قراردادهای جدید ناشی از چند عامل است که عبارتند از: (الف) نیاز عراق و سوریه به زمان بیشتر جهت جذب سلاحهای مدرن در نیروهای عملیاتی خود، (ب) دلایل استراتژیکی - سیاسی، شامل تأمل شوروی قبل از ارسال مقادیر زیادی سلاح جدید تا مسکو بتواند تأثیر ترک خصومت بین عراق و سوریه و تأثیر آن را بر توانایی نظامی سوریه ارزیابی نماید؛ و (ج) راهیابی اخیر اروپای غربی (به خصوص فرانسه) در بازارهای تسلیحاتی عراق و سوریه، علاوه بر این ثروت بی انتهای نفتی ملل خاورمیانه موقعیت شوروی را به عنوان عرضه کننده اصلی سلاح به منطقه به مخاطره می افکند، چون خریداران خواهند توانست نیازهای خود را از طریق غرب تأمین نمایند. (سری).

کاهش معاملات تسلیحاتی جدید در مورد کمکهای اقتصادی صادق نیست. عراق مقادیر بسیاری تجهیزات براساس قدرت میلیارد دلاری و قرار دادهای عمران نفتی خود با شوروی به دست آورد. عراقیها در سال ۱۹۷۸ نیز قرار دادهای جدیدی با شوروی در رابطه با برنامه های عمرانی به خصوص عمران مدنی و عمران منابع آبی امضاء کرده اند. در سوریه ساختمان ۱۰ ساله نیروگاه روسی ۸۰۰ مگاواتی فرات در سال ۱۹۷۸ به پایان رسید و گرچه قرارداد جدیدی امضاء نشد، لیکن آلمان شرقی در رابطه با برنامه های صنعتی بیشتری مقدار اعتبار (۳۵۰ میلیون دلار) را به سوریه داد. (SNF NC).

سقوط شاه در ماه دسامبر به یک سال تردید در روابط بین ایران و شوروی خاتمه داد. تکنیسینهای اقتصادی مسکو در تمام طول سال به کار بر روی پروژه های روسی مشغول بودند، در حالی که (الف) با

انبار شدن کالاها در ناحیه مرزی فعالیتها کاهش یافته بود؛ و (ب) خط لوله ای که گاز ایران را به مرز شوروی می رساند بسته شده بود. طرح اکثر کارخانه ها دست نخورده باقیمانده و قرار داد سه جانبه خط لوله ۱۹۷۵ نیز نتیجه ای به بار نیاورد.. از طریق قراردادهای ۶۰۰ میلیون دلاری سلاح جدیدی به ایران تحویل داده نشد. خریداران کمونیست در نتیجه قطع صادرات ایران، در بازار نفت دچار کمبود شدند و رومانی بیشترین ضربه را خورد. بخارست به دیگر فروشندگان روی آورد، در حالی که واردات آن از ایران یک سوم واردات نفتی آن را تشکیل می داد. (سری).

به دولتهای میانه روی عربی فشار وارد شد تا روابط خود با کشورهای کمونیستی را عادی سازند، به دنبال آن ابوظبی و عمان با چین روابط دیپلماتیک برقرار کردند، و سعودیها نیز با مسکو اولین مذاکرات خود را انجام دادند. از طرف دیگر کویت از پذیرش تکنیسینهای روسی جهت تجهیزات دفاع هوایی خریداری شده از روسیه (در سال ۱۹۷۷) امتناع ورزید. (سری).

مصر. با تیره شدن روابط مصر با شوروی و اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ قاهره با پذیرفتن مقادیر زیادی کمک نظامی روابط خود با چین را مستحکم نمود. در همین حال بالا رفتن میزان ارز خارجی دریافتی در قبال نفت پولهای ارسالی توسط کارگران کمکهای اعراب و همکاری نزدیک سیاسی با آمریکا، گرایش دوباره روابط اقتصادی مصر را به سوی غرب سهولت و سرعت بخشید. (سری).

از میزان اهمیت سلاحهای شوروی در زرادخانه های مصر کاسته شد. تنها در سال گذشته چند میلیون

دلار قطعات یدکی و وسیله نقلیه از طرف شوروی برای مصر ارسال گردید. در همین حین، مصر تحت حمایت سرمایه های عربی، با فروشندگان اصلی غربی قراردادهایی به ارزش ۴ میلیارد دلار جهت دریافت سلاحهای مدرن منعقد ساخت که سهم آمریکا در این میان یک میلیارد دلار بود. این سفارشات عبارت بوده اند از: (الف) ۵۲۵ میلیون دلار برای دریافت جنگنده های اف - ۵ از آمریکا (ب) ۱۰۰ میلیون دلار جیب، کامیون، و تریلی از شرکتهای آمریکایی (ج) ۲۰ فروند هواپیمای سی - ۱۳۰ از آمریکا؛ (د) ۱۲۰ فروند جنگنده آلفا جت از فرانسه، (ه) موشکهای ضد تانک سوئینگ فایر Swingfire و هلیکوپتر لینکس (Lynx) از انگلیس؛ (و) ۶ فروند قایق موشکی نوع رمضان Ramadan به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار از انگلیس؛ (ز) ۱۵۰ میلیون دلار تجهیزات پشتیبانی زمینی از آلمان غربی؛ (ح) ۵۰ میلیون دلار تجهیزات الکترونیکی از ایتالیا. (سری)

کشورهای عربی توافق کرده بودند که هزینه مربوط به تمام این سفارشات را تأمین نمایند. لیکن امضاء پیمان صلح بین مصر و اسرائیل در ماه مارس ۱۹۷۹ مشارکت آنها و موقعیت این قراردادها را توأم با تردید کرده است. قاهره نیز در همان حال که به انتظار دریافت تجهیزات جدید و در دوره انتقالی به سر می برد، سعی دارد با استفاده از دیگر تسلیحات کمونیستی، ارتش مجهز به سلاحهای روسی خود را نیز دارای آمادگی عملیاتی بنماید. چین که بعضاً قطعات یدکی به این کشور ارسال می داشت. برای اولین بار هواپیمای جنگنده اف - ۶ (میگ ۱۹ روسی) را در اختیار مصر قرارداد. در پایان سال شش فروند از این هواپیماها به مصر تحویل داده شده بود. قرارداد مربوط به دریافت ۵۰ تا ۱۰۰ فروند از این هواپیماها یکی از دو قراردادی را تشکیل می دهد که در سال ۱۹۷۸ بین چین و این کشور امضاء شده است. قرارداد دیگر شامل کمک فنی و مالی برای احداث یک کارخانه سازنده قطعات یدکی در مصر است. گرچه ما در مورد شرایط بازپرداخت اطلاعاتی در دست نداریم، ولی چین معمولاً کمک نظامی خود را به صورت اعطایی در

اختیار کشورهای قرار می دهد.(S NF NC).

رومانی نیز یکی از منابع مهم قطعات یدکی برای مصر بوده است. در سال ۱۹۷۸ براساس دو قرارداد

جداگانه رومانی توافق کرد که ۵۰۰۰ تفنگ تهاجمی AKM به مصر بدهد.(S NF NC).

برنامه کمکی و تجاری بسیار اندک تنها چیز باقیمانده از روابط درخشان شوروی و مصر در گذشته

است که ۱/۱ میلیارد دلار کمک اقتصادی در بخش عمومی و ۴ میلیارد دلار تجهیزات نظامی را شامل

می گشت. کمک ۶ میلیارد دلاری اعراب (به صورت نقد) که از زمان جنگ ۱۹۷۳ خاورمیانه به مصر

انتقال یافت، مصر را در تصمیم گیری پیرامون سرنوشت اقتصادی خود انعطاف پذیر ساخته و سبب شده

است که این کشور به غرب روی آورد. علیرغم شایعات سال مزبور پیرامون اینکه سادات می خواهد

روسها را از پروژه های عمرانی اخراج کند (به خصوص از پروژه های نفتی و برق رسانی روستایی)، در

پایان سال ۷۵۰ تکنیسین روسی در مصر و به خصوص در کارخانه ذوب آهن حلوان، و کارخانه

آلومینیم سازی حمادی به کار مشغول بودند (در ماه مه، یک هیئت مصری قرار دادی را برای توسعه

کارخانه مواد نسوز حلوان منعقد ساخت).(S NF)

در میان کشورهای اروپای شرقی رومانی با حمایت از ابتکار صلح قاهره بهترین روابط را با مصر

برقرار کرده است. تکنیسینهای رومانی نصب نیروگاه حرارتی در مجتمع فسفات حمراوین (Hamrawein)

را به پایان رسانیده و در اوایل سال مزبور بخارست یک سوم ۹۰ میلیون دلار اعتبار باقیمانده از قرارداد

۱۹۷۱ را به پروژه های برق رسانی در مصر اختصاص داد. آلمان شرقی که در سال ۱۹۷۷ معادل ۹۵ میلیون دلار اعتبار به مصر داده بود در سال ۱۹۷۸ روابط تجاریش با مصر ۱۰ درصد کاهش و به ۸۰ میلیون دلار رسید و در همین حال مصر به خاطر یک مسئله کم اهمیت روابط خود را با بلغارستان قطع کرد. (طبقه بندی نشده).

در پایان سال مطبوعات مصری اعلام داشتند که عدم صدور پنبه خام به شوروی و چکسلواکی در سال ۱۹۷۹ نیز به قوت خود باقی خواهد بود؛ دیگر خریدهای شوروی نیز در سطح پیشین ادامه یافت. در سال ۱۹۷۸، تجارت بین مصر و شوروی نسبت به سال ۱۹۷۷ معادل ۲۱۵ میلیون دلار کمتر شده بود، که علت آن نیز ۱۳۵ میلیون دلار کاهش در واردات شوروی بود. در همین حال مصر توانست از طریق تجارت پایاپای خود با شوروی ۱۵۰ میلیون دلار صرفه جویی نماید. گرچه مسکو با تحریم زغال سنگ، چوب و دیگر کالاهای استراتژیک به مصر پاسخ نداد، ولی تهدید کرد که اگر مصر بخواهد بنا به امر به ۱۹۷۷ سادات تنها با ۲۰ میلیون دلار سرویس قروض اقتصادی، موازنه تجاری ایجاد کند، مسکو نیز ارسال زغال کک شوو دیگر مواد استراتژیک را به مصر قطع خواهد کرد. (خیلی محرمانه).

چین که سعی داشت از سیاست ضد روسی سادات بهره برداری کند، پیشنهاد کمک به صنایع نساجی و معدنی مصر را مطرح کرد و متعهد شد که یک مرکز کنفرانس در قاهره بسازد. (طبقه بندی نشده).

ایران. علیرغم کاهش در کمکها و ارسال محموله های بازرگانی به ایران در اواخر سال ۱۹۷۸، مسکو به کار خود در مورد قراردادهای عمرانی ادامه داد و سعی کرد حضور فنی شدیدی را در این کشور حفظ کند. ظاهراً شوروی امیدوار است که به دنبال ارزیابی مجدد تهران از اولویتهای عمرانی و روابط خود با پیمانکاران خارجی، روابط ۱۵ ساله شوروی و ایران حیاتی شود. (طبقه بندی نشده).

با وجود قطع برنامه کار در نتیجه انباشته شدن کالاها در مرز ایران حدود ۴۰۰۰ تکنیسین روسی به کار

بر روی پروژه های مهم شوروی در ایران ادامه داده اند. به این تکنیسینها اجازه داده شده است که کوره های ذوب و کوره های کک سازی در کارخانه اصفهان را در حد آمادگی عملیاتی نگاه دارند، چون حتی یک تعطیلی موقت نیز بر این کارخانه فولادسازی ضربه زده و شروع مجدد آن دو سال و یا بیشتر طول خواهد کشید. کار پروژه های دیگر روسی عبارتند از: (الف) یک سد ثانویه بر روی رود ارس، که در هر سوی رود ۴۸۶۰۰ هکتار زمین را آبیاری خواهد کرد و به نیروی برق هر کشور ۱۰۰ مگاوات خواهد افزود؛ (ب) احداث یک نیروگاه حرارتی ۱۲۰۰ مگاواتی در اهواز؛ و (ج) کارخانه ابزارآلات ماشین سازی اراک که ظرفیت سالانه آن از ۳۰۰۰۰ تن به ۵۰۰۰۰ تن افزایش خواهد یافت. (سری).

به دنبال چندین ماه عملیات منقطع، خط لوله ایگات - که گاز ایران را به مرز شوروی می رساند بسته شد. میزان صادرات شوروی به ۶۳۵ میلیون دلار رسید، ولی میزان واردات آن به علت تعطیل کار این خط لوله شدیداً کاهش یافت. در مورد وضع ارسال سلاحهای روسی به ایران در سال ۱۹۷۸ اطلاعی در دست نیست، امکان فروشهای بیشتر در آینده نزدیک نیز چندان زیاد نیست. (خیلی محرمانه)

نابسامانیهای ایران، حضور شوروی در این کشور را توأم با عدم قطعیت کرده است. مسکو ظاهراً معتقد است که ایران به فروش گاز به شوروی ادامه خواهد داد و قراردادهای موجود نیز به قوت خود پا برجا خواهند بود. که یکی از این قراردادها توافق ۳ میلیارد دلاری سال ۱۹۷۵ برای عمران و آبادانی دو طرف مرز ایران و شوروی می باشد. در پایان سال ۱۹۷۸، بیش از یک میلیارد دلار قراردادهای تجاری

منتظر اجرا بود و دیگر پروژه ها نیز تنها به صورت طرح باقیمانده بود، این قراردادها و طرحها عبارتند از:

(الف) کارخانه های صنعتی در اصفهان و کرمان به ارزش یک میلیارد دلار طبق توافق سال ۱۹۷۶؛ (ب) یک نیروگاه ۴۵۰ میلیون دلاری در اصفهان؛ (ج) یک بخش ۲۵۰ میلیون دلاری از خط لوله ایگات - ۲؛ (د) یک رابط راه آهن با شوروی طبق توافق سال ۱۹۷۶؛ (ه) یک کارخانه آلومینیوم سازی ۵۰۰ میلیون دلاری که هنوز هم تحت بررسی می باشد؛ و (و) سه برابر کردن ظرفیت کارخانه ذوب آهن اصفهان. (خیلی محرمانه).

اطلاعات مقدماتی حاکی از آن است که ایران برنامه ساختمان یک خط لوله براساس توافق سه جانبه ۲۰ ساله در سال ۱۹۷۵ با شوروی و فروش گاز به اروپای شرقی را کنار گذاشته است. براساس این توافقنامه مسکو می بایست بخشی از خط لوله ۱۵۰۰ کیلومتری (ایگات - ۲) را بسازد تا سالانه ۴۷۵ میلیارد فوت مکعب گاز را به مرز شوروی در آستارا برساند. شوروی در ازای دریافت این گاز، می بایست ۳۹۰ میلیارد فوت مکعب گاز خود را به اطریش، آلمان غربی و فرانسه بدهد که ایران نیز در ازای آن ارز معتبر دریافت کند. مسکو نیز ۸۵ میلیارد فوت مکعب گاز را به عنوان هزینه احداث خط لوله دریافت می کرد. سالانه ۱۳۰ میلیارد فوت مکعب دیگر از گاز ایران نیز به چکسلواکی ارسال می گردید. گرچه کشورهای ثالث کار را بر روی بخشی از خط لوله آغاز کرده اند، ولی ما در مورد وضع این خط لوله و میزان مشارکت شوروی در آن اطلاعی نداریم. (طبقه بندی نشده).

رابطه بین ایران و شوروی که در نتیجه مرز مشترک تکامل یافته از طریق منافع اقتصادی دو جانبه نیز مستحکم شده است. توافق سال ۱۹۶۶ شوروی برای احداث یک خط لوله گاز طبیعی از حوزه های جنوب غربی ایران تا آستارا در مرز شوروی، مبادلات بازرگانی این دو کشور را تا سال ۱۹۷۸ به یک رابطه میلیارد دلاری تبدیل کرد و سبب شد که تهران بتواند محصول بی مصرف پیشین خود را (یعنی گازی که

آتش زده می شد) سالانه منبع ۲۰۰ میلیون دلار در آمد ارزی بسازد. جریان سالانه ۳۵۰ میلیارد فوت

مکعب گاز ایران به شوروی از سال ۱۹۷۰ توانسته است منبع بسیار عظیمی برای پرداخت قروض ۴/۱

میلیارد دلاری تهران، بابت کمکهای نظامی و اقتصادی شوروی باشد. (طبقه بندی نشده).

انتقال گاز ارزان قیمت ایران به مناطق ماوراء قفقاز شوروی را از احداث یک خط لوله طویل از

حوزه های خود به این منطقه معاف ساخت. ارسال این گاز از ایران به شوروی سبب شده است که مقداری

از گاز شوروی به همپیمانان آن در اروپای شرقی و دیگر مشتریان دارای ارز معتبر صادر گردد. (طبقه

بندی نشده).

شوروی و ایران از روابط تجاری خود که مرهون برنامه کمک شوروی است نفع بسیار برده اند. فروش

تجهیزات مسکو به ایران پس از سال ۱۹۷۳ و به دنبال راه یافتن به بازار خریدهای ایران به اوج خود رسید

و در سال ۱۹۷۷ ایران به صورت بزرگترین بازار کالاهای روسی در جهان سوم درآمد بود. علاوه بر

فروشهای ۵۷۵ میلیون دلاری شوروی در آن سال مسکو از طریق خدمات فنی در پروژه های ایران نیز ۵۰

میلیون دلار به دست آورد. گرچه سهم شوروی از کل تجارت ایران (شامل صدور نفت) کمتر از ۵ درصد

بود، ولی ورود ماشین آلات از شوروی به ایران سهم عمده ای در عمران این کشور داشت. (طبقه بندی

نشده).

در اروپای شرقی، ناآرامیهای ایران مهمترین تأثیر را بر رومانی گذاشت، چون بخارست روابط

گسترده تجاری و فنی با تهران برقرار کرده بود و از نظر واردات نفتی نیز دو سوم واردات خود را به آن کشور متکی بود. در پایان سال رومانی به دیگر عرضه کنندگان نفت روی آورده بود تا ۶۰۰۰۰۰ بشکه نفتی را که قبلاً از ایران خریداری می کرد جبران نماید. در اوائل سال ۱۹۷۸، مجارستان و لهستان توافق کردند که با همکاری شوروی نیروگاه حرارتی ۴۰۰ میلیون دلاری اصفهان را بسازند و ایران نیز توافق کرد تا تجارت نفتی خود با اروپای شرقی را گسترش دهد. تهران (الف) با امضاء یک قرارداد متعهد شده بود که تا سال ۱۹۸۰ میزان تجارت خود با رومانی را به یک میلیارد دلار برساند، و (ب) براساس امضاء یک پروتکل ۲۱۵ میلیون دلاری متعهد شده بود که ۳۵ درصد نفت مجارستان را تأمین نماید. (خیلی محرمانه).

عراق. اذیت و آزار کمونیستهای عراق توسط بغداد، آشتی عراق و سوریه، سوءظن بغداد در مورد مقاصد شوروی و کوبا در شبه جزیره عربی، و حمایت شدید عراق از شورشیان اریتره در اتیوپی، دست به دست هم داد و بحران روابط شوروی و عراق را در سال ۱۹۷۸ پدید آورد. با این وصف، شوروی به عنوان منبع اصلی تسلیحات، تجهیزات پشتیبانی و کمک فنی عراق در سال ۱۹۷۸ به تلاشهای خود ادامه داد. (خیلی محرمانه).

ظاهراً این دو کشور در سال ۱۹۷۸ قرارداد جدیدی را امضاء نکرده اند. ولی شایعاتی پراکنده شده است که یک هیئت عالیرتبه نظامی عراق در ماه نوامبر با مسکو معاملات تسلیحاتی انجام داده است.

(S NF NC)

بغداد بیشتر سلاحهای مدرن و به خصوص هواپیماهای مورد نیاز خود را از غرب خریداری می کند. در سالهای ۷۸-۱۹۷۷ این خریدها (که اغلب از فرانسه انجام شده) به ۲ میلیارد دلار یعنی ۲ برابر کل سفارشات تسلیحاتی آن به غرب در بیست ساله گذشته رسیده است. تجهیزات غربی نه تنها تجهیزات

روسی را کامل می کند، بلکه فرصت راه یابی دیگر تولیدکنندگان سلاح را به این بازار انحصاری شوروی و اروپای شرقی ایجاد می نماید. کشورهای کمونیستی در دو دهه گذشته حدود ۵ میلیارد دلار سفارشات تسلیحاتی از طرف عراق دریافت کرده بودند، که نیمی از آن در سالهای ۷۸-۱۹۷۴ ارسال شده بود. تحویل سلاح توسط شوروی در سال ۱۹۷۸ تقریباً به اوج خود یعنی ۶۱۰ میلیون دلار رسید. عراق که به علت غنای آن از نظر ارزش معتبر یکی از مشتریان ارجح به شمار می رفت، پیشرفته ترین تجهیزات را قبل از هر مشتری دیگر شوروی دریافت می کرد. هواپیما ۶۰ درصد تجهیزات ارسالی توسط شوروی را تشکیل می داد که شامل آخرین مدل هواپیمای شوروی می گردید. شش فروند جت باری دور برد ۷۶ - IL (که اولین هواپیماهای صادراتی شوروی از این نوع است)، بر اساس قرارداد ۱۹۷۷ در نیمه دوم سال ۱۹۷۸ به عراق تحویل داده شد. عراق پس از الجزایر دومین کشور خارج از پیمان ورشو بود که هلیکوپترهای رزمی ۲۴ - MI را دریافت می کرد.

۱۰ فروند هلیکوپتر ۲۴ - MI و ۶۰ فروند هلیکوپتر ۸ - MI بزرگترین یگان هلیکوپتر رزمی در جهان عرب را نصیب عراق کرده است. علاوه بر این، بغداد ۳۰ فروند جت جنگنده سوخو (احتمالاً از نوع سوخو ۲۰/۲۲، جت جنگنده بمب افکن) و ۸ فروند میگ - ۲۱ نیز از شوروی دریافت کرده است. (SNF NC). عراق نیز مانند لیبی و سوریه در زمره تنها کشورهای در حال توسعه درآمد که توانست موشک زمین به هوای سام - ۹ را که سلاحی مؤثرتر از سام - ۷ در برابر جنگنده های پیشرفته است، دریافت دارد. تعداد

زیادی تانک، نفربرهای زرهی، توپ و قطعات توپخانه به عراق ارسال گردید تا برنامه توسعه نیروهای زرهی و توپخانه نیروی زمینی به مرحله اجرا درآید. (سرّی).

معاملات تسلیحاتی این کشور با اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ عبارت بودند از (الف) یک قرارداد ۲۵ میلیون دلاری با مجارستان برای دریافت تجهیزات نامعلوم؛ (ب) حدود ۸ میلیون دلار کامیون از آلمان شرقی؛ (ج) مقادیر کمی اقلام سررشته دارای از چکسلواکی ارسالیه های اروپای شرقی سومین ناو نیروی لهستانی را نصیب عراق نمود، و ۱۵۰ توپ ضد هوایی ۵۷ میلی متری اس-۶۰ و مقادیر زیادی سلاحهای سبک مجارستانی را که رویهم رفته ۵۰ میلیون دلار ارزش داشتند نصیب این کشور کرد. (SNF).

مستشاران نظامی شوروی در عراق با افزایش کمی به ۱۱۰۰ نفر رسید تا ورود تجهیزات دفاع هوایی و هواپیماهای پیچیده به این کشور به سهولت انجام شود. حدود ۵۵۰ نفر پرسنل شوروی در ارتش عراق به کار مشغول بودند که ۵۰۰ تن از آنان در نیروی هوایی و ۵۰ تن از آنان در نیروی دریایی به سر می بردند. علاوه براین، حدود ۱۵۰ کوبایی و ۱۰۰ پرسنل نظامی اروپای شرقی به عنوان مستشار و تکنیسین مورد استفاده واقع شدند. حدود ۱۰۰ تن از پرسنل نظامی عراق برای طی دوره های آموزشی به شوروی و ۱۵۰ تن از آنان به اروپای شرقی روانه شدند که تعداد آنها معادل تعداد روانه شده در سال ۱۹۷۷ بوده است. (سرّی).

با وجود اینکه عواید نفتی ۱۱ میلیارد دلاری عراق به بغداد اجازه می دهد که به انتخاب خود از تخصص خارجی بهره برداری کند، ولی عراق باز هم به کشورهای عضو شورای کمک دو جانبه اقتصادی در رابطه با کارهای عمرانی، به خصوص عمران منابع آب و نیرو متکی است. علاوه بر ملاحظات ژئو سیاسی، کمونیستها رابطه نفتی و اکتساب ارز معتبر را با اشتیاق تمام دنبال می کنند. تقریباً تمام نفت ارسالی عراق به شوروی، چه به صورت بازپرداخت قروض گذشته و چه به صورت پایاپای در ازای ارز

معتبر بار دیگر به فروش می رسد. (طبقه بندی نشده)

در سال ۱۹۷۸، مسکو با انعقاد یک قرارداد ۱۴۰ میلیون دلاری تعهد کرد که برنامه تزریق آب به حوزه نفتی روميله (Rumaylah) را دنبال کند تا مشکلات مربوط به کاهش فشار که ظرفیت تولیدی این حوزه را پایین آورده است، از میان برداشته شود و توافق کرده است که یک کارخانه نمک و آب زدایی نفتی نیز براساس اعتبار سال ۱۹۷۶ احداث نماید. کمک شوروی به صنعت نفت ملی عراق، دومین و مهمترین هدف کمکهای شوروی به عراق، با آغاز تولید در حوزه Luhais که توسط روسیه توسعه یافته بود و در جنوب عراق واقع شده (به میزان ۵۰۰۰۰ بشکه در روز) افزایش بیشتری یافته است. تمام بازده این حوزه که براساس یک قرارداد ۲۲ میلیون دلاری شوروی توسعه یافته است، به خارج صادر می گردد. در پایان سال ۱۹۷۸ یعنی با قطع صدور نفت ایران کمونیستها به عرضه نفتی دراز مدت علاقه بیشتری نشان دادند. (طبقه بندی نشده).

در سال ۱۹۷۸، سازمانهای شوروی فعالانه در مورد چند قرارداد تجاری پرمفعت شامل: (الف) یک نیروگاه آبی ۶۰۰ مگاواتی بر روی رود بزرگ زاب (Zab) (ب) یک نیروگاه حرارتی ۳۵۰ میلیون دلاری در بجيل (Bajil)؛ (ج) یک پروژه انتقال نیرو، به مناقصه پرداختند. مسکو تعهد کرده است که حدود ۲ میلیارد دلار کمک به پروژه های نیرو و آبیاری عراق براساس قراردادهای تجاری و کمکی که نیمی از آنها در سال ۱۹۷۶ امضاء شده بود، برساند. (SNF).

در سال ۱۹۷۸ حدود ۶۵۰۰ نفر از پرسنل روسی و اروپای شرقی بر روی پروژه های عمرانی عراق کار می کردند و برای اولین بار عراق ۴۰۰ پزشک کوبایی را براساس پروتکل امضاء شده در اواسط سال به کار گرفت. به دنبال اعطای قراردادهای جاده سازی و مسکن اعطایی به هاوانا در سال ۱۹۷۸ تعداد بیشتری از کوباییها به عراق خواهند آمد، و علاوه بر این بغداد از کوبا ۳۰۰ پرسنل پزشکی دیگر نیز خواسته است. (سری)

یمن شمالی. رابطه بین یمن شمالی و شوروی در سال ۱۹۷۸ به علت حمایت شوروی از یمن جنوبی که به خرابه کاری و تروریسم در یمن شمالی پرداخته بود روبه وخامت نهاد. در همان حال برنامه های گسترده مدرن سازی ارتش، با حمایت مالی عربستان سعودی و حمایت تجهیزاتی آمریکا و فرانسه سبب سوق دادن یمن شمالی به سوی غرب گردید. (خیلی محرمانه). معذکک، نقش سنتی مستشاری نظامی شوروی (تا سطح واحدها) موقعیتی را برای آن فراهم آورده است که حضور آن را دائمی می سازد. در سال ۱۹۷۸ مسکو، تانک، هواپیمای باری، میگ - ۱۷ و قایقهای گشتی Zhuk به این کشور تحویل داد. لهستان ۵۰ دستگاه تانک تی - ۵۴ به این کشور داد که هر ۵۰ دستگاه آن توسط رئیس جمهور قشمی فقید سفارش شده بود. (SNF). در بخش اقتصادی شوروی توافق کرد که با ارائه ۳۸ میلیون دلار اعتبار جدید ظرفیت کارخانه سیمان سازی ۱۰۰۰۰۰ تنی بجيل (Bajil) ساخته شده توسط روسیه را تا سه برابر بالا ببرد. این قرارداد جدید کل کمکهای اختصاص یافته روسی را به ۱۴۰ میلیون دلار رسانید. (طبقه بندی نشده).

در اواخر سال ۱۹۷۸ چین قراردادی برای ساختن یک سالن کنفرانس در صنعا امضاء کرد. ولی بنا به یک گزارش، چین به علت مشکلات تولیدی از پروژه کارخانه نساجی که توسط خودشان در صنعا ساخته شده و از بزرگترین کارخانه های صنعتی یمن می باشد اخراج خواهد شد. (خیلی محرمانه).

یمن جنوبی. سیاستهای رادیکال یمن جنوبی و اعطای اجازه استفاده از تأسیسات هوایی و دریایی یمن جنوبی به شوروی این کشور را یک وسیله بسیار مفید برای دیپلماسی تسلیحاتی شوروی ساخته است. شوروی در سال ۱۹۷۸ مهمترین منبع عرضه تجهیزات نظامی عدن به شمار می رفت. طبق گزارش، شوروی توافق کرده بود که پایگاههای دریایی و هوایی چندی در یمن بسازد تا احتمالاً نیازهای خود را برآورده سازد. یک قرارداد جدید ۷۵ میلیون دلاری و دو اسکادران میگ - ۲۱، تانک تی - ۶۲ و موشکهای زمین به زمین را نصیب عدن خواهد کرد. مهمترین اقلام موجود در محموله ۱۳۵ میلیون دلاری شوروی در سال ۱۹۷۸ عبارت بودند از اولین ناو مین یاب عدن، اولین هواپیمای جنگنده بمب افکن

سوخو - ۲۲/۲۰ و اولین توپ ضد هوایی ZSU - ۴/۲۳ بخشی از تجهیزات جدید، در قبال کمک یمن جنوبی به اتیوپی در اوگادن و ارزیابی مسکو از حفاظت منافع شوروی توسط یمن جنوبی در شاخ آفریقا و شبه جزیره عربی به این کشور هدیه داده شده است. (S NF).

مسکو در حمایت از فعالیتهای خود در یمن جنوبی به دیگر کشورهای کمونیستی نیز متکی بود. بلغارستان و مجارستان قراردادهای تسلیحاتی و مهماتی کوچکی با جمهوری دموکراتیک خلق یمن منعقد ساختند و حدود ۱۰۰۰ نفر از پرسنل کوبایی و آلمان شرقی حضور ۵۰۰ نفری شوروی را تکمیل نمودند. این کادر به تحکیم قدرت دولت جدید کمک کرده و آموزشهای سیاسی و اطلاعاتی ارائه کردند. (سری).

گزارش مربوط به نجات اقتصاد یمن جنوبی توسط کمونیستها به دنبال تحریم اعراب خالی از اغراق

نیست. علیرغم درخواست عدن برای دریافت کمک از دولتهای کمونیستی به جای کمکهای از دست رفته اعراب، از کشورهای اروپای شرقی تنها مجارستان و آلمان شرقی کمکهایی ارائه کرده اند، به این ترتیب که مجارستان ۹/۵ میلیون دلار کمک کشاورزی و آلمان شرقی نیز وامهایی در رابطه با کالاهایی مصرفی و گسترش ماهیگیری در اختیار این کشور قرار داده اند. فقط یک کمک ۸۵ میلیون دلاری برای برنامه پنجساله دوم عدن و ۵ میلیون دلار کمک غذایی و کمکهای دیگر در سال ۱۹۷۸ از طرف شوروی ارائه گردید. در حالی که قبلاً شوروی در سال ۱۹۷۶ اعلام کرده بود که میزان کمکهای خود به یمن جنوبی را در سالهای ۸۰-۱۹۷۶ به چهار برابر گذشته خواهد رسانید. مقداری از کمک اعلام شده نیز ممکن است از طریق هزینه های تأمین شده توسط شوروی در برابر کسری تجاری عدن ارائه شود که این کسری به دنبال افزایش صادرات شوروی به یمن جنوبی در سالهای ۷۷-۱۹۷۶ بدون افزایش قابل قیاس واردات پدید آمده بود. مسکو همچنین توافق کرده است که مدت بازپرداخت قروض عدن را مورد تجدید نظر قرارداد (که اکنون در مدت ۱۲ سال با ۵/۲ درصد نرخ بهره پرداخت خواهد شد) و در مورد نرخ بهره نیز ملاحظاتی صورت بگیرد. (سزی).

چین در تلاش برای برقراری حضور خود در عدن در سال ۱۹۷۸ توافق کرد که علاوه بر ارائه ۵ میلیون دلار کمک نقدی فعالیتهای جاده سازی خود را بیش از آنچه که بین **Sayhut Shih** و **Shahr** ادامه داشت افزایش دهد. چین ساختمان پنج سردخانه در **Mukalla** را براساس کمکهای ماهیگیری خود به یمن جنوبی آغاز کرده است. پرسنل چین در یمن جنوبی از محبوبیت خاصی برخوردار هستند، چون آنها سخت فعالیت می کنند و از سیاستهای داخلی نیز اجتناب می ورزند. (SNF)

سوریه. علیرغم وخامت روابط سیاسی شوروی و سوریه در سال ۱۹۷۸ و پیدایش منابع مالی جدید جهت تأمین تجهیزات نظامی از منابع غیر کمونیستی، سوریه مایل نیست رابطه تسلیحاتی خود با شوروی

را قطع نماید. معذالک دمشق نسبت به فعالیتهای شوروی و کوبا اعتراض نمود و سلاحهای روسی در اختیار انقلابیون اریتره قرار داد.(SNF).

عوامل سیاسی نقش چندان مهمی در عدم تمایل شوروی به انعقاد قراردادهای جدید نظامی با سوریه در سال ۱۹۷۸ نداشت. سیاست تسلیحاتی شوروی در سوریه انعکاس ارزیابی نیازها و ظرفیت جذب تسلیحاتی در نیروهای مسلح دمشق از طرف شوروی می باشد، مطالعات اخیر شوروی در سوریه نشانگر تأخیر در قراردادهای جدید است تا محموله های عظیم اخیر در ارتش سوریه به خوبی جذب شود تقاضای تسلیحاتی سوریه در سال ۱۹۷۸ شامل یک قرارداد ۹ میلیون دلاری خدمات و تجهیزات پشتیبانی روسی گردید. تجهیزات ارسالی شوروی بالغ بر ۳۱۰ میلیون دلار یعنی کمتر از میزان آنها در دو سال گذشته بود. حدود ۲۷۵ میلیون دلار تجهیزات دیگر براساس قرارداد نظامی ۶/۴ میلیارد دلاری دمشق بعداً به این کشور ارسال خواهد شد که احتمالاً تانکهای تی - ۷۲ و جنگنده های میگ ۲۵ را نیز دربرخواهد گرفت.(SNF).

گرچه ارسال هواپیماها در سال ۱۹۷۸ (به ارزش تقریبی ۱۰۰ میلیون دلار) توام با کاهش بود، ولی این هواپیماها شامل دو اسکادران آخرین مدل میگ - ۲۱ بود. حداقل ۱۴ آتشبار از موشکهای جدید زمین به هوا (سام - ۲، سام - ۳، و سام - ۶) یعنی ۴ آتشبار بیش از سال ۱۹۷۷ در این کشور مستقر گردید، سوریه برای اولین بار دو فروند قایق گشتی دارای موشکهای هدایت شونده اوزا - ۲ را دریافت نمود.

ارسال تجهیزات زمینی نیز کمتر از سال ۱۹۷۷ بود و شش تانک تی - ۶۲، ۵۴ دستگاه نفربر زرهی پی ام پی ۵۴، ۳۳ دستگاه APCS و ۱۴ توپ ضد هوایی ۴/۲۳ - ZSU را در بر می گرفت. سوریه اخیراً به تغییر منابع تأمین سلاح خود علاقه نشان داده است. (SNF NC).

در سال ۱۹۷۸ قراردادهای تسلیحاتی اروپای شرقی به سطح ۱۱۱ میلیون دلار رسید که نیمی از آن از طریق آلمان شرقی تأمین شده است، و ۵۰ میلیون دلار اعتبار بزرگترین کمکی است که این کشور به یکی از کشورهای رو به رشد جهان کرده است. چکسلواکی با یک قرارداد ۴۳ میلیون دلاری در رابطه با ۳۵ فروند ال - ۳۹ و ۴۰ فروند جت آموزشی یو - میگ - ۱۵ و تجهیزات رادیویی در ردیف بعدی قرار گرفت. قرارداد آلمان شرقی تجهیزات ویژه الکترونیک، اجزاء تعمیراتی جنگنده میگ - ۲۱ و کمک به نیروهای امنیت داخلی سوریه را شامل می گردد. مجارستان نیز توافق توافق کرد که حدود ۱۰ میلیون دلار تجهیزات مخابراتی به این کشور بدهد. کشورهای اروپای شرقی معادل ۴۰ میلیون دلار تجهیزات نظامی ساخت چکسلواکی به این کشور ارسال کردند. چکسلواکی ۱۶۰ تانک تغییر یافته تی - ۵۵، ۱۰ موشک انداز فراگ - ۲ مستقر بر کامیونهای تاترا، چهار هواپیمای آموزشی ال - ۲۹ و ۲ فروند هواپیمای آموزشی یو - میگ - ۱۵ به این کشور تحویل داد. (SNF).

مسکو ۲۰۰ تکنیسین دیگر به ۲۲۰۰ مستشار نظامی خود در سوریه در سال ۱۹۷۷ افزود که احتمالاً این افزایش میزان کارایی پرسنلی آن را به دنبال نارضایتی سوریه از کیفیت آموزشی شوروی بالا برده است. حدود ۱۸۰ نفر از پرسنل اروپای شرقی نیز در سوریه مشغول به کار بوده اند:

* ۶۰ نفر از پرسنل آلمان شرقی در رابطه با تعمیر و نگهداری هواپیماها و تعداد کمی از آنها در رابطه با امنیت داخلی کار می کردند.

* ۶۰ نفر از پرسنل چکسلواکی در رابطه با پیاده کردن تانکهای تی - ۵۵۰ و آموزشهای مخابراتی به

کار گرفته شده بودند.

* ۵۰ نفر از پرسنل آموزش مهندسی و فنی در آکادمی فنی نظامی Aleppo مشغول به کار بودند.

* ۱۰ نفر از پرسنل بلغاری نیز هلیکوپترها را تعمیر می کردند. علاوه بر این کره شمالی نیز با یک

نیروی ۳۰ نفره در تولید مهمات به این کشور یاری می داد. (SNF NC).

سوریه ۵۰۰ تن از پرسنل نیروی هوایی خود را در سال ۱۹۷۸ جهت گذراندن دوره های آموزشی

پرواز ال - ۳۹ و تعمیر و نگهداری به چکسلواکی اعزام کرد. در سال ۱۹۷۸ تنها ۱۰۰ تن از پرسنل سوری

به شوروی جهت طی دوره های آموزشی رفتند، چون سوریه در چند سال گذشته بر آن بود که تعداد افراد

اعزامی خود به شوروی را که در سال ۱۹۷۳ معادل ۷۰۰ نفر بود دائما کاهش دهد. (SNF NC)

مهمترین رویداد در روابط اقتصادی شوروی در سال ۱۹۷۸ پایان کار احداث سد و نیروگاه ۸۰۰

مگاواتی ۱۰ ساله فرات بود و این رویداد آن قدر مهم بود که ریاست کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی

شوروی برای شرکت در این جشن به سوریه سفر نمود. این پروژه نیم میلیارد دلاری که شوروی ۱۸۵

میلیون دلار آن را تأمین کرده بود، بازده برق سوریه را دو برابر کرد و میزان زمینهای قابل کشت سوریه را

سالانه ۷۰۰۰۰۰ هکتار افزایش خواهد داد. (SNF NC).

گرچه شوروی کمک جدیدی به سوریه نداد، ولی با امضاء یک پروتکل متعهد همکاری در زمینه

صنعت نفت گردید و حدود ۱۰۰ کیلومتر از راه آهن دمشق - حمص (Homs) را به پایان رسانید، که قرار

است در سال ۱۹۷۸ به طور کامل وارد مرحله عملیاتی گردد. درباره پروژه های عظیم درخواستی سوریه براساس توافقنامه ۳۰۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۶ (یک نیروگاه هسته ای، یک کارخانه ذوب آهن و آبیاری وسیع) هنوز اقدامی به عمل نیامده است. (طبقه بندی نشده)

آلمان شرقی در سال ۱۹۷۸ معادل ۳۵۰ میلیون دلار اعتبار جهت خرید تجهیزات به سوریه داد که بزرگترین کمک آلمان شرقی به یکی از کشورهای جهان سوم به حساب می آید. این کمک جدید احتمالاً در مورد دو کارخانه سیمان سازی (۱۳۰ میلیون دلار)، یک نیروگاه ۳۰ میلیون دلاری، یک کارخانه نساجی، و یک کارخانه تولید لامپ های برقی مصرف خواهد شد. (خیلی محرمانه).

برنامه ۴۰۰ میلیون دلاری رومانی که در دهه گذشته آغاز گردید این کشور را به صورت فعالترین کمک دهنده سوریه در آورده است. بزرگترین پروژه رومانی در جهان سوم یعنی پالایشگاه نفت بانیاس به ظرفیت ۱۲۰۰۰۰ بشکه در روز به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار در پایان سال وارد عملیات آزمایشی گردید که پس از برآورد نیازهای سوریه در رابطه با گاز، نفت سوختی، و دیگر محصولات، برای صادرات نیز مازادی تولید خواهد کرد. نیمی از کمکهای رومانی صرف این پروژه شده است؛ یک چهارم دیگر صرف اجرای یک پروژه فسفات در حمص گردید که در سال ۱۹۷۹ ساختمان آن به پایان خواهد رسید. رومانی در سال ۱۹۷۸ در مورد یک کارخانه ذوب آهن اقدام به مناقصه کرد و طی یک قرارداد ۵۰ میلیون دلاری تجاری گسترش پروژه صنعت گاز سوریه را به عهده گرفت. (سری).

کشورهای کمونیستی از تلاش سوریه در گسترش پایگاه صنعتی بخش عمومی که ۸۵ درصد سرمایه گذارهای درون کشوری را تشکیل می دهد، سود سرشاری می برند. در این خصوص اروپای شرقی با شرایط باز پرداخت سخاوتمندانه به رقابت پرداخته است. کشورهای کمونیستی از طریق این قراردادهای عمرانی سهم عظیمی از بازار ماشین آلات و تجهیزات سوریه را به خود اختصاص داده اند در

سال ۱۹۷۷ آنها ۲۰ درصد از کل واردات سوریه را تأمین می کردند و احتمالاً در سال ۱۹۷۸ نیز همین مقدار واردات را تأمین می کنند. (طبقه بندی نشده).

ترکیه. سفر نخست وزیر اجویت در اواسط سال به مسکو و صحنه گذاردن وی بر «سند سیاسی» که شوروی چندین سال در تلاش برای آن بود مرحله جدیدی را در روابط ترکیه و کشورهای کمونیستی گشود. این کشورها با عمیق تر شدن بحران اقتصادی ترکیه کمکهای اقتصادی عظیمی به این کشور پیشنهاد کردند و شوروی براساس قرارداد ۱۰ ساله ۱۹۷۵ معادل ۲/۱ میلیارد دلار کمک به ترکیه داده است، شوروی در رابطه با کارخانه ذوب آهن اسکندرون و کارخانه آلومینیم سازی Seydesehir و چند نیروگاه شدیداً مورد نیاز ترکیه کمکهای خود را ارائه کرده است.

همان گونه که در ذیل گفته خواهد شد، در پایان سال پروژه هایی که به ۴ میلیارد دلار اعتبار شوروی نیاز دارد مورد بحث قرار گرفته بود. (خیلی محرمانه).

گرچه شوروی ظاهراً آماده است تا اعتبارهای لازم برای کارخانه اورهانلی (Orhaneli) با شرایط بازپرداخت ۱۰ ساله و نرخ بهره ۵/۴ درصد تأمین کند، ولی مقامات ترکیه امید دارند که شوروی حداقل ۴۵۰ میلیون دلار دیگر نیز به پروژه های مطرح شده در فهرست برنامه ۸۵-۱۹۸۱ اختصاص دهد.

(SNF).

علیرغم اصرار ترکیه به انجام معاملات پایاپای نفت و گندم برای جبران کمبود نیرو تا پایان سال

۱۹۷۸، شوروی در این رابطه قراردادی را منعقد نساخته است. طبق این درخواست قرار بود که شوروی حدود ۶۰۰۰۰ بشکه نفت روزانه خود را از سال ۱۹۷۹ (حدود بیست درصد نیاز ترکیه) در ازای گندم و تنگستن به ترکیه بفروشد. موازنه تجاری نیز از طریق ارز معتبر برقرار می شد. این قرار داد نفتی سطح تجارت سالانه ۴۰۰ میلیون دلاری را که بر اساس قرارداد امضاء شده در ماه سپتامبر تعیین شده بود دو برابر می کرد. به منظور کاهش بحران انرژی ترکیه، بلغارستان و شوروی سالانه ۱۲۰۰ کیلووات ساعت برق به ترکیه می فروشند، که نیروی برق فروخته شده از طرف شوروی از طریق خط انتقال نیروی این کشور به مرز ترکیه تأمین می گردد. (طبقه بندی نشده).

کشورهای اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ در رابطه با کالا حمایت بی نظیری از ترکیه به عمل آوردند: *بلغارستان ۳۵ میلیون دلار مواد خام صنعتی به این کشور داد و پیشنهاد کرد که یک سد آبیاری بر روی رود تونکا بسازد.

*آلمان شرقی قول داد که ۵۰ میلیون دلار اعتبار دراز مدت جهت ورود کالاهای آلمانی به ترکیه بدهد.

*رومانی توافق کرد که در طول سه سال آتی ۲۴۰ میلیون دلار کالا به ترکیه صادر کند، که ارزش آن نیز از یک تا هفت سال و با نرخ بهره ۷ درصد قابل پرداخت باشد. (طبقه بندی نشده)

بخارست همچنین توافق کرد که (الف) کار ساختمان پالایشگاه نفتی آناتولی را سرعت بخشد، (ب)

کار مربوط به احداث یک خط لوله ۴۰۰ کیلو متری مربوط به همین پالایشگاه را هرچه زودتر آغاز کند،

(ج) یک کارخانه فسفات احداث نماید، و (د) در رابطه با اکتشاف و تولید مواد معدنی و نفت این کشور را

یاری دهد. هزینه مالی مربوط به پالایشگاه و تجهیزات اکتشاف نفتی از طریق اعتبار ۲۰۰ میلیون دلاری

سال ۱۹۷۶ تأمین می گردد، لیکن در مورد هزینه دیگر پروژه ها چیزی گفته نشده است. (طبقه بندی نشده).

ظرفیت سالانه اعتبار تقریبی مورد نیاز

(میلیون دلار آمریکا)

نیروگاه حرارتی اورهانلی ۲۰۰ مگاوات ۱۵۴

نیروگاه حرارتی کان ۶۰۰ مگاوات ۴۳۰

توسعه کارخانه آلومینیم سید سهیر ۹۳

توسعه کارخانه ذوب آهن اسکندرون ۶ میلیون تن ۲۰۰۰

معدن لیگنیت ۵/۱ میلیون تن ۳۳۳

سد و نیروگاه کاوساک - کاتاران ۵۹۰ مگاوات ۴۰۰

ریخته گری ۳۰۰۰۰ تن ۴۰

کارخانه آجر نسوز ۹۰۰۰۰ تن ۳۳

نیروگاه هسته ای ۸۹۰ تنهیچ

صنعت تجهیزات برق ۸۷

خانه های پیش ساخته ۱۳

ساختن تجهیزات صنایع سنگین ۱۳۳

این جدول سرّی و غیر قابل رؤیت برای بیگانگان است.

دیگر کشورهای خاورمیانه

قبرس. قبرس پروتکلی را جهت وارد کردن ماشین آلات و تجهیزات چکسلواکی امضاء کرده است، که اولین معامله این کشور براساس اعتبار ۵ میلیون دلاری سال ۱۹۷۶ به حساب می آید. (طبقه بندی نشده)

یونان. چین و شوروی روابط خود با یونان را گسترش داده اند. مسکو توافق کرده است که امکان (الف) تأمین هزینه مالی مربوط به احداث یک کارخانه آلومینیم سازی در یونان را که بازده آن به شوروی صادر خواهد شد؛ (ب) استفاده از کشتی سازیهای یونان جهت تعمیر و ساخت ناوهای روسی؛ (ج) ارائه کمک فنی در مورد یک کارخانه نیروی هسته ای و (د) فروش برق و گاز طبیعی به یونان را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. علیرغم نارضایتی یونان از نصب یک نیروگاه ۲۰۰ مگاواتی در اوائل سال، این کشور یک قرارداد دیگر جهت احداث یک نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی که با سوخت نفت کار خواهد کرد با شوروی امضاء کرده است. یونان و لهستان توافق کردند که به سرمایه گذاری مشترک در رابطه با بهره برداری بوکسیت یونان و احداث یک کارخانه نخ ریزی در سالونیکا مبادرت ورزند. براساس قراردادی که در اوائل سال ۱۹۷۸ بین یونان و پکن جهت مبادله پایاپای نفت با محصولات یونان منعقد شده بود، اولین محموله تنباکوی یونان تجارت این کشور با چین را افتتاح نمود. (خیلی محرمانه).

اردن. اردن در سال گذشته روابط اقتصادی خود با کشورهای کمونیستی را افزایش داد. قرارداد دراز مدت تجارت و همکاری اقتصادی منعقد در ماه ژوئن فعالیتهای اقتصادی، نظامی کشورهای کمونیستی پراگ در احداث نیروگاه ها، کارخانه های سیمان سازی، تولید سرامیک و کارخانه های چرمسازی در اردن خواهد شد. لهستان در اواخر ماه سپتامبر یک قرارداد همکاری پزشکی با اردن امضاء کرد تا از طریق آن علاوه بر کمک فنی به اردن پرسنل این کشور را نیز از نظر پزشکی آموزش دهد، رومانی با یک قرارداد ۱۷۰ میلیون دلاری مربوط به گسترش پالایشگاه Zarqa که در اثر مشکلات موجود با پیمانکاران،

ساختمان آن به پایان نرسیده بیشترین منافع را در این کشور به دست آورده است. چین اولین قرارداد تجاری خود را با اردن امضاء کرد و امان در مورد گسترش فسفات در یک منطقه جدید در ازای سنگ فسفات به شوروی امتیازاتی داده است. (SNF NC).

کویت. کشورهای کمونیستی بی سر و صدا به تلاشهای خود برای راهیابی به بازارهای کویت ادامه داده اند و شوروی نیز با استفاده از تنها قرارداد تسلیحاتی بزرگ کویت با کمونیستها که یک قرارداد ۵۱ میلیون دلاری با شوروی جهت دریافت تجهیزات دفاع هوایی است، سلاحهای مورد نیاز را به این کشور ارسال داشته است. براساس همین قرارداد کویت در سال ۱۹۷۸ موشکهای فراگ - ۷، موشک اندازهای فراگ، و موشکهای سالم - ۷ را از شوروی دریافت نمود. یک هیئت نظامی کویتی در ماه نوامبر به مسکو رفت تا پیرامون مشکلات آموزشی و تعمیر و نگهداری موشکها گفتگو نماید و علاوه بر این اعلام کرده است که این کشور به مسکو اجازه نخواهد داد که مستشاران نظامی دیگری به این کشور ارسال نماید. چین پیشنهاد کرده است که ۴۵۰۰ کارگر خود را به کویت بفرستد تا پیرامون یک پروژه مسکن ۴۰۰۰ واحدی ارزان قیمت و احداث یک استادیوم که براساس قرارداد بازرگانی در کویت احداث خواهد شد، کار خود را آغاز نمایند. این اولین تلاش عمرانی بازرگانی چین در جهان سوم است که در قبال دریافت هزینه پروژه، انجام خواهد شد. رومانی نیز امید مشارکت کویت را در پروژه پتروشیمی Navodari در دریای سیاه از دست داده و در جستجوی جلب سرمایه های لیبی در این زمینه است. براساس توافق اولیه کویت

می بایست علاوه بر تأمین ۴۹ درصد سرمایه لازم روزانه ۱۶۰۰۰۰ بشکه نفت خام به رومانی بفروشد. آلمان شرقی از وضع بهتری برخوردار است چون شرکت سرمایه گذاری بین المللی کویت اولین وام سندیکای تمام عربی آلمان شرقی را در رابطه با ورود غله و علیق از غرب با نرخ روز فراهم کرده است. این نهاد کویتی سال گذشته حدود ۵۰ میلیون دلار وام مشابه را در رابطه با لهستان فراهم آورد. (سری). عمان. چین در ماه مارس ۱۹۷۸ روابط دیپلماتیک خود را در سطح سفارت آغاز کردند. (طبقه بندی نشده).

عربستان سعودی. در سال ۱۹۷۸، چین، رومانی، و شوروی به برقراری روابط دیپلماتیک با عربستان سعودی اظهار تمایل نمودند. (طبقه بندی نشده).

امارات متحده عربی. در میان امارات متحده عربی، در سیاستهای ضد کمونیستی ابوظبی تغییری حاصل نشد، گرچه آلمان شرقی اجازه یافت که اولین دفتر تجاری خود را مانند رومانی در دومی افتتاح نماید. آلمان شرقی توافق کرده است که پزشکان لازم برای بیمارستانهای ابوظبی را روانه این امارت نماید. شارجه در اوائل سال ۱۹۷۸ میزبان اولین نمایشگاه تجاری اروپای شرقی از طرف چکسلواکی بود. چکسلواکی امیدوار است بتواند یک نمایندگی تجاری دائمی در امارات شمالی دارای گرایشهای بازرگانی افتتاح نماید. (خیلی محرمانه).

قراردادهای کشورهای کمونیستی با کشورهای رو به رشد ۱۹۷۸

آسیای جنوبی

کلی

کودتای مارکسیستی ماه آوریل افغانستان به مسکو فرصت داد که نفوذ خود را در این کشور مرزی که از دریافت کنندگان دیرین کمکهای شوروی بوده است، افزایش دهد. در پایان سال، افغانستان یک پیمان دوستی دراز مدت با شوروی بسته بود و حدود ۳۰۰۰ تکنیسین اقتصادی نظامی روسی در تمام واحدهای نظامی و اقتصادی به کار مشغول شده و افراد بی تجربه منصوب توسط دولت انقلابی را هدایت می کردند. مسکو با امضاء یک قرارداد نظامی توافق کرد که ۲۷۵ میلیون دلار هواپیمای مدرن در اختیار این کشور قرار دهد و قراردادهای کمک مذاکره شده توسط دولت قبلی را نیز امضاء نمود. علیرغم شایعات مبنی بر اینکه کمکهای جدید شوروی به سطح میلیاردها دلار خواهد رسید، کشورهای کمونیستی کمکهای جدید اقتصادی به افغانستان نداده اند تا جای کمکهای عربی را بگیرد. (S NF NC).

دیگر کشورهای آسیای جنوبی نیز قراردادهای جدیدی با شوروی در سال ۱۹۷۸ منعقد ساختند، گرچه در مورد تاثیر ثبات بر هم زنده انقلاب افغانستان و نقش شوروی در این کودتا نگرانی بسیاری مشهود بود. مسکو که نگران تمایل دوستی روزافزون بین هند و چین و احتمال ضربه زدن آن به منافع

شوروی در قاره آسیا بود، در مذاکرات خود با هند اشتیاق بیشتری نشان می داد و یک قرارداد روبل و روپیه و یک قرارداد نظامی ۲۱۵ میلیون دلاری با این کشور را امضاء کرده است. (SNF NC).
پاکستان در رابطه با کارخانه ذوب آهن کراچی و جهت تامین مخارج اضافی مورد نیاز، ۲۲۵ میلیون دلار اعتبار دریافت نمود و اسلام آباد بزرگترین قرارداد ۱۹ میلیون دلاری خود با شوروی را برای دریافت هلیکوپتر امضاء نمود. شوروی همچنین ۵۸ میلیون دلار کمک برای پروژه آبیاری ماهاولی (Mahaweli) به سریلانکا داده است (SNF).

با کاهش فعالیتهای چین فعالیتهای مسکو اوج می گیرد. نفوذ چین در پاکستان که بزرگترین دریافت کننده کمکهای نظامی و اقتصادی چین بوده است، به علت روی آوردن پاکستان به غرب در جهت اکتساب سلاحهای پیچیده تر و قابل رقابت با تسلیحات هند کاهش یافته است. اکثر کشورهای آسیای جنوبی چین را یک هم پیمان با ارزش در برابر توسعه طلبی هند و شوروی در منطقه می دانند. در سال ۱۹۷۸، کمک نظامی جدید چین تنها ۱۶ میلیون دلار و کمک اقتصادی آن به پاکستان و سریلانکا ۸۵ میلیون دلار بود (SNF).

افغانستان. تعداد مستشاران نظامی و اقتصادی شوروی از زمان کودتای آوریل ۱۹۷۸ که موجب به قدرت رسیدن دولت چپگرای نخست وزیر نورمحمد ترکی گردید، دو برابر شده است. حدود ۳۰۰۰ مستشار روسی به کارهای زیر مشغول هستند: (الف) آموزش نظامیان افغانی در مورد سلاحهای مدرن (ب) برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی و نظامی، (ج) پشتیبانی مهندسی و مدیریتی از ساختمان و عملیات چند پروژه عمرانی و (د) انطباق سیستم آموزشی با مارکسیسم. سرعت ارسال کمکهای شوروی معادل سرعت افزایش مستشاران روسی نبوده است، چون افغانستان قادر نیست کمکهای بیشتر را به خود جذب نماید. (SNF NC)

رژیم ترکی کمی بعد از به قدرت رسیدن بزرگترین قرارداد نظامی افغانستان با شوروی را برای دریافت ۲۷۵ میلیون دلار هواپیمای مدرن منعقد ساخت. شرایط قرارداد تخفیف ۷۵ درصد، دوران باز پرداخت ۱۲ تا ۲۵ ساله و نرخ بهره ۲ درصد را در برمی گیرد. هواپیماها عبارتند از (الف) جنگنده های سوخو - ۲۲/۲۰، (ب) جت جنگنده میگ - ۲۱، و (ج) MI - ۲۴ که قبلا در جهان سوم تنها به الجزایر و عراق تعلق داشت. شوروی همچنین توافق کرده است که در وضع تعمیرگاه میگ - ۲۱ پایگاه هوایی بگرام که تجهیزات لازم برای تعمیر قاب و بالهای این جت را فراهم می آورد بهبودی پدید آورد (SNF NC).

براساس توافقات پیشین ارسال تجهیزات نظامی شوروی به افغانستان علیه عناصر شورشی و دفاع کلی مرزهای این کشور ادامه داشته است. از جمله تجهیزات ۴۶ میلیون دلاری ارسالی در سال ۱۹۷۸ می توان: ۷۰ دستگاه تانک تی - ۶۲، توپخانه، و میگ - ۲۱ آموزشی را نام برد. جریان ارسال تجهیزات استعداد فنی افغانیها را از بین برده و وابستگی کابل را از نظر حمایت کامل نظامی به شوروی تکمیل نمود.

ارتقاء دسته جمعی افسران جوان توسط حزب دموکراتیک خلق به رتبه های مهم بافت نظارت و کنترل نظامی را تضعیف و نیاز به کمک فنی شوروی را در آموزش، تعمیر، نگهداری و عملیات سلاحهای مدرن موجود در این کشور به افغانیها افزایش داده است. تعداد تکنیسینهای روسی در اوائل سال ۱۹۷۹ سه برابر و معادل ۱۰۰۰ نفر گردید. حدود ۱۰۰ نفر خلبان آموزشی در ماه ژانویه و براساس یک برنامه آموزشی به شوروی رفتند و از طریق همین برنامه ۳۷۰۰ پرسنل نظامی افغانستان در رشته های مختلف نظامی

فارغ التحصیل گشته اند. تعلیم دهندگان روسی هزاران تن دیگر را نیز در افغانستان آموزش می دهند. (S)
(NF NC).

نقش سلطه جویانه مسکو در نهادهای نظامی افغانستان به سال ۱۹۵۶ برمی گردد که در آن زمان شوروی ۱۰۰ میلیون دلار کمک نظامی به کابل داده بود. پس از آن، شوروی و چکسلواکی تنها تأمین کنندگان سلاحهای مورد نیاز افغانستان شدند. شوروی حدود ۷۰۰ میلیون دلار سلاح به افغانستان ارسال داشته که ۹۵ درصد تسلیحات این کشور را تشکیل می دهد و عبارتند از (الف) ۹۳۰ دستگاه تانک متوسط (که ۱۱۵ دستگاه آنها تی - ۶۲ هستند) (ب) ۶۴۵ نفر بر زرهی؛ (ج) سه گردان سام - ۲ و سام - ۳ و تعداد کمی سام - ۷؛ (د) ۶۴۰ سلاح دفاعی هوایی؛ (ه) بیش از ۳۰۰۰ توپ و موشک اندازه؛ (و) ۳۹۰ فروند هواپیما (که ۴۴ فروند آن میگ - ۲۱ و ۲۵ فروند آن سوخوی - ۷ می باشند). (S NF NC).

حتی با ارسال مقادیر زیادی اسلحه و افزایش تعداد مستشاران نظامی روسی نیز استعدادهاى نظامی افغانستان محدود و احتمالاً از زمان کودتای ۱۹۷۸ کاهش نیز یافته است. به علت رهبریت و آموزش نظامی نادرست، وسایل حمل و نقل غیر مکفی و کمبود قطعات یدکی ارتش نخواهد توانست در برابر یکی از حملات مؤثر خارجی ایستادگی کند. نیروی هوایی نیز با رهبریت ناشایست، وسایل ابتدایی مخابراتی، پرسنل عملیاتی و تعمیر و نگهداری فاقد آموزش کافی، و کمبود پایگاههای هوایی دست به گریبان است.

(S NF NC).

برخلاف برنامه کمک نظامی شدید که دارای اهمیتی حیاتی برای کابل است، شوروی در حمایت از اقتصاد افغانستان کمک چندانی به کابل نکرده است. مهمترین کمک اقتصادی آموزش و خدمات فنی بوده است. با ورود طراحان دیگر شوروی در سال ۱۹۷۸ جهت اشغال پستهای مدیریت در وزارتخانه های اقتصادی افغانستان و بررسی و طرح برنامه های جدید، تعداد پرسنل اقتصادی شوروی دو برابر و به

۲۰۰۰ نفر رسید. در تلاش به منظور انطباق سیستم آموزشی و بالا بردن وابستگی سیاسی این کشور همجوار، شوروی یک برنامه درسی جدید مارکیستی و زبان روسی را در سیستم آموزشی افغانستان گنجانده است. شوروی نیز مانند کشورهای اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ معادل ۲۰۰۰ بورسیه

دانشجویی به دانشجویان افغانستان اعطا کرده است (NF NCS).

از زمان کودتا، شوروی کمک چندانی به برنامه ۳/۱ میلیارد دلاری ۲۴ سال گذشته خود نيفزوده است. از این برنامه، ۵۰۰ میلیون دلار دیگر باید به این کشور تحویل داده شود. محدودیت توانایی جذب افغانستان و فعالیتهای شورشیان در مناطق اجرای پروژه ها مانع از ادامه ارسال این کمکها گشته است. با وجود عدم انعقاد قراردادهای جدید در سال گذشته، دولت ترکی ۶۰ قرارداد مذاکره شده توسط دولت پیشین را امضاء نمود. این قراردادها ۲۰۰ میلیون دلار ارزش دارند؛ حداقل سه چهارم آن از طریق اعتبارات شوروی تأمین هزینه و بقیه آن نیز احتمالاً تجاری است. قراردادهای امضاء شده عبارتند از:

* احداث یک پل راه آهن و عبور وسیله نقلیه ۵۰ میلیون دلاری بر روی رود آمودریا در حیرتان به عنوان اولین خط ارتباطی مستقیم بین افغانستان و شوروی.

* ۳۰ میلیون دلار تجهیزات نفتی جهت ارسال در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰.

* مطالعات و طرحهای مربوط به کارخانه ذوب مس ۶۰۰ میلیون دلاری **Ainak** و احداث یک

کارخانه ۳۰۰۰۰۰ تنی کود در نزدیکی کارخانه ساخته شده توسط شوروی در مزار شریف.

* یک پروژه ۷ ساله ۲۲ میلیون دلاری برای نقشه برداری از شمال افغانستان.

* بازسازی ۵ میلیون دلاری بندر رود شرخان تا بتواند ظرفیت بارگیری ۲۵۰۰ تن بار در سال را داشته باشد. (خیلی محرمانه).

در ماه نوامبر، افغانستان اکتشافات جدید نفتی شوروی در شمال افغانستان را اعلام کرد که راه را برای احداث یک پالایشگاه نفتی ۵۰۰۰۰۰ تنی که سالها برنامه آن تهیه شده بود را هموار می سازد. صنعت نفت گسترش یافته توسط شوروی سرانجام علاوه بر تأمین نیازهای نفتی داخلی افغانستان مقدار کمی نیز برای صدور ارائه خواهد کرد. از اواسط سالهای ۱۹۶۰، شوروی بیش از ۲۳۵ میلیون دلار را به گسترش نفت و گاز این کشور اختصاص داده است. شوروی هم اکنون سالانه ۳ میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی از افغانستان دریافت می دارد (از طریق خط لوله ساخته شده توسط روسیه) و توسط همین گاز بخش اعظم قروض اقتصادی و نظامی این کشور به شوروی پرداخت می گردد. مسکو توافق کرد که در قبال گاز افغانستان در سال ۱۹۷۸ یک سوم بیشتر بپردازد و مدت بازپرداخت را دو تا سه سال تمدید نماید. (خیلی محرمانه).

برنامه کمک شوروی حدود نیمی از واردات مورد نیاز پروژه های کابل را در چهار برنامه پنجساله (۱۹۵۶-۷۵) تأمین کرده است. دو سوم جاده ها و دو سوم ظرفیت نیروی برق افغانستان به کمک شوروی ساخته شده است. شوروی فرودگاههای اصلی و شبکه وسیع انتقال نیروی این کشور را ساخته و بیش از ۴۰۰۰۰ هکتار زمین را به زیر کشت برده است. (خیلی محرمانه).

نقش مسکو به عنوان مهمترین کمک دهنده به افغانستان وی را به صورت مهمترین شریک تجاری این کشور نیز در آورده است. در سال ۱۹۷۸، واردات افغانستان از شوروی (اکثرا ماشین آلات و تجهیزات، نفت و غذا) ۲۵ درصد افزایش و به ۲۰۵ میلیون دلار رسید در حالی که صادرات این کشور به شوروی

(که اکثر آن گاز طبیعی و محصولات کشاورزی بود) در سطح ۱۰۰ میلیون دلار باقیمانده است. به علت وجود تورم احتمالاً افزایش واردات معادل بیست درصد بوده و حجم صادرات نیز کاهش یافته است. (طبقه بندی نشده).

علیرغم شایعات مبنی بر صدور صدها میلیون دلار اعتبار، کشورهای اروپای شرقی در سال ۱۹۷۸ به افغانستان کمک جدیدی نداده اند. آنها تنها براساس قرار دادهای قدیمی ۴۰ میلیون دلاری پیمانهای کوچکی با این کشور بسته اند. روند کمک چین نیز عادی بوده است. پکن در نظر دارد در رابطه با بیمارستان ساخته شده توسط خود در قندهار تجهیزات و دارو به این کشور ارسال دارد، و تصمیم گرفته است به لیست پروژه های ۴۵ میلیون دلاری خود براساس اعتبار سال ۱۹۷۲ یک کارخانه سیگارسازی نیز اضافه نماید. چینیها براساس همین اعتبار احداث یک مجتمع نساجی و یک پروژه آبیاری را در پیش گرفته اند. (طبقه بندی نشده).

بنگلادش . بنگلادش برای کاهش قدرت شوروی در منطقه در رابطه با کمکهای نظامی در سال ۱۹۷۸ به چین نزدیک تر گردید. گرچه پکن به تقاضای داکا جهت دریافت تانک، نفربر زرهی، توپخانه، و چهار قایق گشتی شانگهای پاسخ نداده است، لیکن توافق کرده است که ۱۱ میلیون دلار هواپیمای اف - ۶ در اختیار این کشور قرار دهد. گرایش این کشور به چین در اثر امتناع شوروی در سال ۱۹۷۶ از ارسال قطعات یدکی برای تجهیزات ۴۵ میلیون دلاری نظامی شوروی به بنگلادش به وجود آمده است. گرچه

ارسال تجهیزات شوروی در سال ۱۹۷۷ آغاز گردیده بود، ولی ما در مورد ارسال بیشتر این تجهیزات در سال ۱۹۷۸ اطلاعی در دست نداریم. (S NF NC).

شوروی در سال ۱۹۷۸ فعالیت خود را در زمینه اقتصادی ادامه داده بود و در رابطه با کارخانه تجهیزات برق احداث شده توسط خود براساس اعتبار سال ۱۹۷۲ معادل ۴ میلیون دلار ابزار و رنگ در اختیار این کشور قرار داد. مسکو در دو حوزه گاز خیز این کشور دو چاه نیز حفر کرده و پیرامون گسترش نیروگاه روسی GHOROSAL به ۲۳۰ مگاوات اقدام به مناقصه کرده است. معذکک هنوز هم داکا در مورد هزینه کمکهای شوروی اظهار نارضایتی می کند. خرید ۲/۶ میلیون دلاری گندم آمریکا در ازای ارز معتبر در سال ۱۹۷۸ جهت بازپرداخت گندم قرض گرفته شده در سال ۱۹۷۳ از شوروی، موجبات رنجش خاطر بیشتر بنگلادش را فراهم ساخت. (خیلی محرمانه).

چین در سال ۱۹۷۸ با ماشین آلات جدید، تجهیزات برقی، و قطعات یدکی کارخانه اردنانس تونگی (Tongi) را بازسازی کرد و با ارسال مواد خام و ارائه خدمات ۱۲۵ تکنیسین خود ادامه عملیات این کارخانه را امکان پذیر ساخت. برنامه کمک ۶۰ میلیون دلاری چین که براساس قرارداد ۱۹۷۷ به پیش می رود نشانگر احتیاط چین در انتخاب پروژه هاست. چین یک کارخانه تولید کود نیترا ته و احداث پروژه سیل بند را آغاز کرد که محل آنها نیز انتخاب شده بود. چین توافق کرده است که درخواست بنگلادش را در مورد تصفیه خانه شکر، آسیای برنج کوبی و روغن کشی و گسترش زغال سنگ مورد ملاحظه قرار دهد. (طبقه بندی نشده)

هند . وابستگی تاریخی هند به شوروی در رابطه با تسلیحات نیروی هوایی و زمینی در سال ۱۹۷۸ با یک معامله ۲ میلیارد دلاری خرید ۱۷۰ تا ۲۰۰ فروند جت جنگنده جاگوار از انگلیس کاهش یافته است.

هند پیشنهاد مسکو را برای ارسال میگ - ۲۳ و جت جنگنده و بمب افکن سوخو - ۲۰ به علت

محدودیت‌های برد و تمایل دهلی نو به ایجاد تنوع در منابع تأمین تسلیحات مورد نیاز خود نپذیرفت. هند ۲۰ فروند هواپیمای دریایی هاریر نیز از انگلیس خریداری کرد و مایل است زیردریایی‌های جدیدی از غرب خریداری نماید. گرچه هند از سال‌های ۱۹۶۰ با خرید تجهیزات کمی از غرب تجهیزات روسی خود را تکمیل کرده و با کسب جواز، تانک و بیجایانتای انگلیسی را ساخته است، خریدها و قراردادهای منعقد شده اخیر این کشور در غرب برای اولین بار موجب ارسال تجهیزات بسیاری از غرب به این کشور شده و حاکی از آن است که هند می‌خواهد منابع تأمین سلاح خود را گسترش دهد. (سری).

گرچه هند در بازارهای غربی فعالتر از پیش خواستار خرید تجهیزات خواهد بود، لیکن در رابطه با نیازهای اصلی تجهیزاتی اش در چند سال آتی به شوروی متکی خواهد بود. اجازه تولید داخلی هواپیماهای میگ و تجهیزات روسی دیگر بر میزان فروش تسلیحاتی شوروی به هند تأثیر خواهد بخشید. در ورود سلاحهای روسی به این کشور در سال ۱۹۷۸ افزایش (۲۲۶ میلیون دلار) مشاهده گردید. دهلی نو که سعی دارد رابطه ۳ میلیارد دلاری تسلیحاتی خود را با شوروی حفظ نماید، پیرامون کسب امتیاز تولید و مونتاژ تسلیحات دیگر روسی برای رسیدن به خودکفایی مذاکراتی انجام داده است. (سری).

دهلی نو در رابطه با طرحهای بخشهای اصلی و قطعات یدکی سلاحهای روسی تولیدی توسط خود، هنوز هم به شوروی متکی می‌باشد. به طور مثال، موتورهای ساخت روسیه خواهد توانست نیروی لازم

برای چند صد میگ ۲۱ را فراهم کرده و خطوط مونتاژ هند را از سالهای ۱۹۸۰ یا ۱۹۸۱ به راه اندازد. بیش از نیمی از جت‌های جنگنده نیروی هوایی هند یا از شوروی وارد می‌شود و یا با کسب اجازه از شوروی در داخل تولید می‌گردد. (سری)

مسکو دومین جمع‌کن از نوع ناتیا (Natya) و یک قایق گشتی موشکی نانوچکا (Nanuchka) را براساس قرارداد سال ۱۹۷۵ به هند تحویل داده است. این قایق گشتی به نوع جدیدی از موشک زمین به زمین ۲ - SS - N مجهز است. دهلی نو، علاوه بر این ۱۲۰ دستگاه تانک تی - ۵۵ نیز از شوروی دریافت نمود. (S NF NC).

تجدیدنظر پیرامون نرخ مبادله روبل و روپیه در ماه نوامبر اختلاف چند ساله موجود در رابطه هند و شوروی را از میان برداشت. گرچه دو طرف برای رسیدن به یک توافق امتیازاتی به یکدیگر داده‌اند، لیکن گرم شدن روابط بین هند و چین منجر به نرم‌تر شدن موضع مسکو گردیده بود. نرخ جدید ۱۰ روپیه در ازای هر روبل قابل مقایسه با نرخ پیشین ۳/۸ روپیه و درخواست ۱۲ روپیه برای هر روبل توسط شوروی است. توافق شده است که نرخ جدید در مورد باز پرداختها به کار برده نشود، لیکن در مورد قروض مهم استفاده شده از منابع اعتباری که باید بدون بهره در مدت ۴۵ سال پرداخت گردد به کار برده خواهد شد. این وضع ۲۰ درصد به قروض پرداخت نشده هند به شوروی خواهد افزود. هند تلاش بسیار به خرج داد تا قروض موجود از تأثیر این قرارداد جدید مستثنی گردد و بنا به اظهارات هند، در چهار سال آینده میزان باز پرداخت سالانه ۲۵۰ میلیون دلار خواهد بود. ولی تمدید مدت باز پرداخت بی سابقه توسط شوروی به ۴۵ سال تأثیر این افزایش را بر باز پرداختهای سالانه از میان می‌برد. (S NF NC).

در روابط اقتصادی دو کشور نیز کاهش بحران و تشنج مشهود است چون شوروی توافق کرده است که تجهیزات مورد نیاز برای پروژه‌های الجزایر، ایران و نیجریه را از کارخانه‌های ساخت شوروی در هند

خریداری نماید. دهلی نو در نظر داشت با شورای همکاری دو جانبه اقتصادی دیدار کرده و از فرصتهای

پیش آمده در پیمانکاریهای اروپای شرقی استفاده کند. (S N F N C)

رابطه کمک اقتصادی ۲۰ ساله هند با کمیسیون مشترک اقتصادی عالیرتبه هند و شوروی که اهداف

همکاریهای اقتصادی و فنی ۱۰ تا ۱۵ سال بعدی را مشخص کرده، در ماه مارس حیات تازه یافته است.

بیشترین توجه به صنایع فولاد و ماشین سازی، تولید و تصفیه نفت، حمل و نقل و مخابرات داده شده بود.

این پروژه ها عبارتند از:

* احداث یک کارخانه آلومینیم سازی به ظرفیت ۶۰۰۰۰۰ تن و ارزش ۵۵۰-۵۰۰ میلیون دلار با

استفاده از اعتبار ۳۴۰ میلیون دلاری سال ۱۹۷۷ که در ازای آن به شوروی آلومینیم داده خواهد شد.

(شوروی توافق کرده است که سالانه ۳۰۰۰۰۰۰ تن آلومینیم دریافت دارد).

* احداث یک مجتمع کوره محترقه ذوب فلز ۳ میلیون تنی در ویشناکاپتنام (vishnalaptnam)

* بالا بردن ظرفیت تولید آهن کارخانه های ذوب آهن ساخت شوروی در Bhilai و بوکارو (Bolaro)

به ۵/۱۰ میلیون تن.

* احداث یک کارخانه استخراج نیکل به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار توسط شوروی و کوبا در ایالت

اوريسا که مطالعات مربوط به آن آغاز شده و از سنگ نیکل مشابه کوبایی آن در هند در این کارخانه

استفاده خواهد شد.

* پی جویی و گسترش نفت و گاز در غرب بنگال.

* بهره برداری از منابع منگنز و سنگ آهن نامرغوب. (خیلی محرمانه).

پس از یک دهه وقفه کاری، در سال ۱۹۷۸ پروژه های شوروی حیات جدیدی یافت. فشار شدیدتر شوروی برای همکاری و توافق به گسترش بیشتر صنایع سنگین بخش عمومی توأم با تکمیل کارخانه ذوب آلومینیم در کوربا (Korba) و اولین مرحله کارخانه ذوب آهن بوکارو منجر گردید. کارخانه ذوب کوربا در پایان سال ۶۰۰۰۰ تن آلومینیم تولید کرده بود. روسها ارسال تجهیزات به پالایشگاه ۲۵۰ میلیون دلاری ماثورا (Mathura) را که در دست ساختمان است آغاز کرده اند و شوروی به منظور توسعه ظرفیت ماهیگیری سالانه هند به ۸ میلیون تن از ۲/۲۵ میلیون تن کنونی با این کشور مذاکراتی انجام داده است. (طبقه بندی نشده).

روابط هند با کشورهای اروپای شرقی توأم با انعقاد قراردادهای جدیدی بود که طرحهای عمرانی اقتصادی جاه طلبانه ای را در بر می گیرد.

* بلغارستان پروتکلی را امضاء کرد تا در رابطه با مجتمع های مهم کشاورزی بهار و کارناکاتا برای پرورش و تولید میوه، سبزیجات، غله، و گوشت این کشور را یاری دهد. بلغارستان همچنین توافق کرده است که یک کمپانی ماهیگیری مشترک با هند تشکیل داده و در رابطه با کالاهای چرمی، الکترونیک، مواد شیمیایی و داروسازی با این کشور همکاری نماید.

* مجارستان پیرامون سرمایه گذاریهای مشترک در دیگر کشورهای در حال توسعه مطالعاتی انجام داده و کمپانی ابزار ماشین آلات هندوستان نیز بخشی از تجهیزات مربوطه را فراهم خواهد آورد. دیگر پروژه های جاه طلبانه مورد بحث عبارتند از کارخانه آلومینیم گجرات، کارخانه تیتانیم در Kerala و تأسیسات مربوط به استخراج معادن تنگستن در راجستان (Ragastan). مجارستان توافق کرده است که

کارخانه های تولید چرم و کفش، داروسازی، و کنسرو میوه در جنوب هندوستان ساخته و در نظر دارد یک کوره کک مشابه آنچه به بلغارستان داده در مجارستان احداث کند.

* رومانی به عنوان بخشی از برنامه وسیع اقتصادی خود احداث یک نیروگاه ۳۳۰ مگاواتی و یک کارخانه سیمان ۱۵۰۰ تن در روز را پیشنهاد کرده است. این برنامه کمکهای مربوط به توسعه نفت و گاز، مونتاژ وسیله نقلیه، تولید کالاهای شیمیایی و چرمی، و گسترش صنعت الکترونیک را نیز در برخواهد گرفت. (طبقه بندی نشده).

علیرغم تلاشهای پراکنده جهت دستیابی و بهره برداری از فرصتهای تجاری جدید، تجارت بین اروپای شرقی و هند در سال ۱۹۷۸ معادل ۶۵ میلیون دلار کاهش و به سطح ۴۵۰ میلیون دلار رسید. (طبقه بندی نشده).

پاکستان . علیرغم نگرانی پاکستان در مورد افزایش حضور شوروی در افغانستان و ترس از تغییر موازنه قدرت در منطقه، پاکستان ۲۲۵ میلیون دلار اعتبار برای تأمین هزینه کارخانه ذوب آهن کراچی از شوروی دریافت کرد. علیرغم کاهش برنامه های کمکی، چین هنوز هم محبوبترین کمک دهنده پاکستان به حساب می آید. (طبقه بندی نشده)

پاکستان به تدریج وابستگی خود را به چین به عنوان مهمترین منبع تسلیحاتی خود کاهش داده است. چین که تا یک دهه پس از جنگ هند و پاکستان منبع اصلی سلاح برای پاکستان به حساب می آمد، اکنون

جای خود را به فروشندگان تسلیحاتی غربی که می توانند در برابر هند به پاکستان سلاحهای مدرنتری بدهند، داده است. در سال ۱۹۷۸ پاکستان تنها یک قرارداد ۵ میلیون دلاری نظامی با پکن منعقد ساخت در حالی که از زمان جنگ ۱۹۶۵ این گونه قراردادها بالغ بر ۵۲۵ میلیون دلار بوده و سه چهارم تسلیحات این کشور از چین وارد گردیده بود. چین در مجتمع مکانیکی تاکسیلا (Taxila) تأسیسات تعمیر و ساخت اسلحه را بنا کرده بود (که مهمترین کارخانه صنعتی چین در جهان سوم به حساب می آید) و در سال ۱۹۷۸ تعداد ۱۶ فروند جت اف - ۶ به ارزش ۲۵ میلیون دلار به پاکستان تحویل داد. (SNF NC).

علیرغم نگرانی پاکستان از خطر شوروی، اسلام آباد یک قرارداد ۱۹ میلیون دلاری جهت دریافت ۱۲ فروند هیلکوپتر می - ۸ با شوروی منعقد ساخت که قیمت ارزان، و شرایط اعتباری مناسب از مشخصات این قرارداد می باشد. (S NF NC).

برخلاف توصیه های جامعه مالی بین المللی، پاکستان برای به پایان رسانیدن ساختمان کارخانه ذوب آهن کراچی ۲۲۵ میلیون دلار اعتبار از شوروی دریافت کرد که قبلا شوروی برای آن ۴۳۰ میلیون دلار ارائه کرده بود که ۴۵ میلیون دلار اعتبار استفاده نشده را نیز در بر می گرفت. در قبال اعتبارهای جدید شوروی سالانه ۰۰۰/۲۷۰ تن آهن و فولاد دریافت خواهد کرد. شوروی با پی بردن به محدودیتهای مالی پاکستان به این کشور اجازه داد که یک سال پس از وارد عمل شدن کارخانه هزینه ها را باز پرداخت نماید. کمک دهندگان غربی اختصاص منابع کمیاب را به کارخانه ذوب آهن مورد انتقاد قرار داده اند، در حالی که پاکستان فقط تقاضای بودجه حمایتی و برنامه ریزی دوباره قروض را داشته است. (طبقه بندی نشده).

در میان کشورهای اروپای شرقی، مجارستان ۱۰۰ میلیون دلار اعتبار ۱۲ ساله با نرخ بهره ۵ درصد جهت احداث قطار زیرزمینی و اتوبوس برقی در پاکستان اختصاص داد و لهستان از سال ۱۹۸۰ ارسال ۱۶ فروند کشتی را به این کشور آغاز خواهد کرد. رومانی پالایشگاه نفت ۶۰ میلیون دلاری کراچی را که

با اعتبار ۱۶ میلیون دلاری خود ساخته شده بود افتتاح کرد. بخارست توافق کرد که ساختمان کارخانه سیمان سازی را که هزینه آن سال قبل اعلام شده بود آغاز کرده و پیرامون احداث مجتمع تجهیزات برقی بررسیهای خود را آغاز نماید. چین ساختمان یک فرودگاه در اسکار دو (Skardu) را آغاز کرد و بزرگترین پروژه چین در پاکستان را که شاهراه ۲۰۰ میلیون دلاری کارکورام (Karakoram) است و چین را به پاکستان متصل می کند به پایان رساند، این شاهراه توسط چین و بدون هزینه برای پاکستان ساخته شده است. چینها کارگران جاده سازی را سریعاً بر روی یک پروژه شاهراه سازی دیگری که اسکاردوی پاکستان را به Yarkand متصل خواهد کرد، با شرایط شاهراه قبلی منتقل کردند.

غیره

نیپال. نیپال به روابط خود با چین که ۱۸۵ میلیون دلار کمک به این کشور داده است، ارج بسیار می نهد. در سال ۱۹۷۸ چین توافق کرد که پیرامون احداث یک کارخانه قند و یک کارخانه کاغذسازی به ارزش ۴۰ میلیون دلار بررسیهایی انجام دهد. چین کارخانه نساجی Hitaura را براساس قرارداد سال ۱۹۷۲ به پایان رسانید و احداث جاده ۶۰ کیلو متری Gurka-Narayanghat را سرعت بخشید. نیپال سرانجام کارخانه تولید راتیانه و تربیانتین مورد نیاز خود را از شوروی و براساس قرارداد ۳/۴ میلیون دلاری منعقد در اواسط سال ۱۹۷۸ دریافت خواهد کرد. گرچه نیپالها از شرایط قرارداد ناراضی هستند، لیکن

این شرایط یعنی مدت باز پرداخت ۱۲ ساله با نرخ بهره ۵/۲ درصد از نظر روسها بسیار جالب است.

(طبقه بندی نشده).

سریلانکا. سری لانکا ۱۲۰ میلیون دلار کمک جدید از چین و شوروی برای گسترش منابع آب و ۲۰ میلیون دلار از طرف آلمان شرقی جهت احداث ۲۵ آسیای برنج کوبی و خرید ۵۰۰ واگن قطار به دست آورد. پیشنهاد کمک چین و شوروی برای کمک به طرح عمرانی یک میلیارد دلاری رود ماهاولی در شرق سیلان، یعنی هسته اصلی طرح عمران کشاورزی کلمبو که چند دولت غربی نیز در آن مشارکت خواهد داشت، کمک ۶۰ میلیون دلاری چین در مورد ساختن جاده، مسکن، مدارس و ساختمانهای عمومی را نیز شامل می شود. کمک شوروی نیز که حدود ۶۰ میلیون دلار است به دو پروژه آبیاری اختصاص یافته که علاوه بر پروژه سامانلاویوا (Samanalawewa) براساس اعتبار ۵۷ میلیون دلاری سال ۱۹۷۵ ساخته خواهند شد. گذشته از این شوروی پنج کشتی در اختیار مؤسسه کشتیرانی سیلان براساس قرارداد ۴۵ میلیون دلاری قرار خواهد داد. (طبقه بندی نشده)

فعالیت‌های کمکی و تجاری کمونیستی در کشورهای رو به رشد، در فصل سوم سال ۱۹۷۸

رو به رشد، در فصل سوم سال ۱۹۷۸

محتوا

مرکز ارزیابی خارجی ملی آژانس اطلاعات مرکزی

نکات اصلی دسامبر ۱۹۷۸

مقاله

برنامه های کمک چین نشانگر واقعیت‌های اقتصادی است

این بخش به بحث پیرامون روند برنامه های کمک چین در جهان سوم می پردازد.

فعالیت‌های اقتصادی کمونیستی در کشورهای در حال توسعه

قراردادهای نظامی کمونیستی با کشورهای در حال توسعه

سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران

نکات اصلی

چکسلواکی با انعقاد یک قرارداد به مراهش ۵۰ میلیون دلار اعتبار داد، تا بتواند نیروگاهها و تجهیزات سبک صنعتی را خریداری نماید.

بنین اولین قراردادهای اقتصادی خود را با لهستان و بلغارستان در ماه سپتامبر منعقد ساخت، و با چکسلواکی و رومانی نیز مذاکراتی را آغاز کرده است.

شوروی به کیپ ورد اعتبار ۱۶ ساله برای خرید محصولات نفتی داده است.

یک قرارداد اقتصادی فنی جدید شوروی اتیوپی به فعالیت‌های شوروی رسمیت می بخشد، لیکن اعتبار جدیدی در اختیار این کشور قرار نداده است.

بنابه گزارشها چین تقبل کرده است که یک شاهراه ۳۸۵ کیلومتری در سومالی بین بوداما و مرز جیبوتی به ارزش ۲۰ میلیون دلار بسازد.

شوروی توافق کرده است که دو توربین را مجاناً به پروژه نیروگاه آبی آرژانتین اوروگوئه ای

سالتوگراند بدهد، تا بدین وسیله موجبات بهبود را در روابط خود با آرژانتین فراهم آورد.

برزیل یک قرارداد سه ساله تجاری به ارزش کلی ۲ میلیارد دلار با آلمان شرقی، مجارستان و لهستان

منعقد ساخت و پیرامون اعتبار ۵۰۰ میلیون دلاری پیشنهادی شوروی برای تأسیس پروژه نیروی

پورتوپیریمورا به مطالعه پرداخت.

چین و شوروی در نظر دارند به سری لانکا در مورد پروژه یک میلیارد دلاری آبیاری ماهاولی کمک

نمایند.

شوروی پیشنهاد کرده است که حاضر است به مطالعه امکانات ایجاد یک کارخانه آلومینیم سازی و

نیروگاه هسته ای در یونان پردازد.

ایران با شوروی، مجارستان و لهستان یک قرارداد ۴۱۰ میلیون دلاری در رابطه با نیروگاه های

حرارتی منعقد ساخته است.

الجزایر نیز قراردادی امضاء کرده است تا از شوروی ۲ اسکادران میگ ۲۵ دریافت نماید، و در ازای

آن به شوروی حق ورود به بنادر خود را خواهد داد.

افغانستان یک قرارداد ۲۵۰ میلیون دلاری جهت دریافت هواپیما و تجهیزات پشتیبانی زمینی با

شوروی امضاء کرده است.

مقاله برنامه کمکهای چین منعکس سازنده واقعیتهای اقتصادی

تأکید پکن بر حل مشکلات داخلی سبب شده است که در برنامه کمکهای اقتصادی چین به جهان سوم

در دو سال گذشته کاهشی پدید آید. کمکهای جدید اقتصادی در سال ۱۹۷۷ کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار بود

در حالی که در سالهای ۷۵-۱۹۷۰ معادل ۵۰۰ میلیون دلار می گردید. در حالی که در نیم سال میزان

این کمکهای به ۵۰ میلیون دلار رسیده، کمکها قرار است همچنان در سطح پایین سال ۱۹۷۸ باقی بمانند، چون دولت هوا در حال مبارزه با مشکلات داخلی از قبیل (الف) افزایش ظرفیت در زغال سنگ، آهن و دیگر شاخه های صنایع اصلی، (ب) ارائه انگیزه برای بالا بردن تولید؛ (ج) و بهبود سطح زندگی می باشد. با این وصف پکن به تعهدات سنگین گذشته خود نیز عمل می کند. جمهوری خلق چین که از نظر ارائه کمکهای نظامی در موقعیت ممتازی قرار ندارد، بر برنامه های اقتصادی در کمکهای خود به جهان سوم تأکید بسیار دارد.

کمکهای اقتصادی

انگیزه چین برای به رسمیت شناخته شدن در جامعه بین المللی در سالهای ۱۹۷۰ با ارائه کمکهای بی سابقه همراه بود. برنامه های اقتصادی از محتوای ایدئولوژیک خود جدا گردیدند و به عنوان یکی از اسباب و وسایل اصلی سیاست خارجی در مبارزه برای ابقاء رهبریت کشورهای در حال توسعه به کار گرفته شد. در دوره پنج ساله سالهای ۷۴/۱۹۷۰ کمکهای اقتصادی بالغ بر ۸/۲ میلیارد دلار گردید که تقریباً معادل سه برابر یک میلیارد دلار کمک ارائه شده در سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۹ می باشد (به جدول

یک مراجعه شود). شصت درصد کمکهای جدید نصیب ملل آفریقایی گردید.

جدول ۱

چین: کمکهای اقتصادی ارائه شده به کشورهای در حال توسعه میلیون دلار آمریکا

جمع ۱۹۷۰-۱۹۷۱-۱۹۷۲-۱۹۷۳-۱۹۷۴-۱۹۷۵-۱۹۷۶-۱۹۷۷-۱۹۷۸

جمع ۲۳۴۹۶-۷۸۱-۵۶۳-۶۰۷-۵۷۴-۲۸۲-۳۴۸-۱۳۷-۱۵۸-۴۷

آفریقا ۲۱۸۸۱-۴۷۳-۳۵۹-۲۴۵-۳۵۷-۲۴۲-۲۵۷-۱۰۶-۱۰۶-۴۲

شمال آفریقا ۲۵-۳۰۰-۰۶۱-۴۱-۲۵-۷-۳۵-۰۰۰-۵۷-۰۰۰

آفریقای مادون صحرا ۱۹۳۵-۴۳۷-۲۹۸-۲۰۵-۳۵۵-۱۸۵-۲۲۲-۱۰۶-۴۹-۴۲

آسیای شرقی ۱۰۷-۰۰۰-۸۱-۰۰۰-۰۰۰-۲۵-۱-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰

اروپا ۴۵-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۴۵

آمریکای لاتین ۱۵۲-۰۰۰-۴-۴۸۹-۰۰۰-۸-۱۰۱-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰

خاورمیانه ۲۴۷۴-۳۴۵-۸۸-۳۷۲-۰۰۰-۲۷-۰۰۰-۵

آسیای جنوبی ۷۵۷۲-۶۵۳۴-۱۳۹-۱۸۰-۵۸۰-۳۵۱-۰۰۰

۱. این اطلاعات مربوط به دوره یکم ژانویه تا سی ام ژوئن است.

۲. ارقام گرد شده اند به همین علت است در جمع برابر صفر نشوند.

با فرارسیدن سال ۱۹۷۴، به علت مبارزه ای که بر سر قدرت میان رادیکالها و میانه روها در گرفته بود

برنامه کمکهای اقتصادی پکن سیر نزولی در پیش گرفت.

جناح میانه رو که سرانجام به رهبری هواکوفنگ به قدرت رسید به جهان سوم اطمینان داد که سیاست

رئیس جمهور مائو در کمک به کشورهای فقیر ادامه خواهد داد، لیکن خاطر نشان ساخت که به علت وضع

جمهوری خلق چین به عنوان یک کشور فقیر و در حال توسعه در میزان این کمکها محدودیتی ایجاد خواهد کردید. علاوه بر این مقامات چینی گفتند که هر مقدار منابعی که پس از برنامه های داخلی عمران باقی بماند به کشورهایی تعلق خواهد گرفت که حاضر باشند علنا از سیاستهای چین به خصوص سیاستهای مغایر با سیاست شوروی حمایت نمایند. به طور مثال، چین در سال ۱۹۷۶ به مصر و در سال ۱۹۷۷ به سومالی و سودان قول حمایت از برنامه های عمرانی آنها را داد، چون آنها با مسکو قطع رابطه کرده بودند. بخش اعظم کمکهای اقتصادی چین در سالهای ۷۷-۱۹۷۶ بر آفریقا متمرکز بود؛ در مجموع تنها دو برنامه دارای ارزش بیش از ۵۰ میلیون دلار بودند. میزان و وسعت قراردادهای کنونی با محدودیت ظرفیت اقتصادی چین متناسب بوده و مانند اوائل دهه جاه طلبانه نیستند. قراردادهای اخیر با پیروی از سنت چین بر پروژه های کشاورزی، صنایع سبک و کارگری تأکید دارد. و کمکهای فنی ارائه شده نیز متناسب با نیاز کشورهای در حال توسعه می باشد. گرچه کار چین در تأسیس راه آهن تان - زام بسیار عالی بود. لیکن اخیرا این کشور تقاضاهای آفریقاییها را برای کمک در ایجاد راه آهن و دیگر پروژه های زیربنایی رد کرده است؛ ظاهرا دولت جدید مایل است از پروژه های بزرگی که از برنامه کمکهای خارجی چین بهره ای ندارند، استفاده ننماید. گرچه روند تعهدات کندتر شده، لیکن پرداخت و انجام تعهدات مربوط به وامهای پیشین هنوز ادامه دارد. چون پکن هنوز هم به تعهدات گذشته خود عمل می نماید. یک پنجم ۳/۲ میلیارد دلار کمکهای ارائه شده به کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ پرداخت گردید

(به جدول ۲ نگاه کنید). در حالی که مهمترین کمکهای سالهای ۷۴-۱۹۷۱ عبارت بود از برآورد نیاز پروژه راه آهن تان - زام، لیکن کمکهای اخیر گسترش توزیعی بیشتری یافته است. بزرگترین پروژه هایی که در سال ۷۷-۱۹۷۶ آغاز می گردد عبارتند از پروژه ۵۵ میلیون دلاری تأسیس یک بندر در آبهای عمیق موریتانی، مطالعات مربوط به احداث یک کانال ۹۰ میلیون دلاری در تونس، احداث راه در ماداگاسکار، توسعه مجتمع ماشین سازی در پاکستان، و پروژه ۳۰ میلیون دلاری آبیاری در سری لانکا، پروژه های راهسازی ۴۰۰ میلیون دلاری اتیوپی، پاکستان، رواندا، سومالی، سودان و دو کشور یمن رو به اتمام بود.

در سال گذشته بیش از ۲۴۰۰۰ تکنیسین چینی در جهان سوم مشغول به کار بودند که این بالاترین میزان این افراد از ابتدای برنامه ها بوده است. مراجعت ۱۰۰۰۰ تکنیسین از منطقه احداث راه آهن تان زام نیز با جریان ورود این افراد به پروژه های آفریقایی جبران گردید. آفریقای مادون صحرا حدود ۸۵ درصد پرسنل کمکهای چینی در خارج را در بر می گیرد.

خدمات فنی ارزان چین ارزشمندترین جنبه تلاشهای عمرانی جمهوری خلق چین بوده است. چین در برابر خدمات فنی خود از کشورهای در حال توسعه ارز معتبر دریافت نمی دارد؛ کشورهای در حال توسعه تنها مقداری از مخارج از قبیل مخارج مورد نیاز برای مسکن، تغذیه و حمل و نقل را در داخل کشور خود می پردازند؛ و پرسنل چینی نیز بسیار سخت کوش و کم توقع هستند. و در بعضی موارد به خصوص اگر خدمات بهداشتی مورد نیاز باشد، چین تمام مخارج متحمل شده را باز می گرداند.

جدول ۲

چین: کمکهای اقتصادی ارائه شده به کشورهای در حال توسعه میلیون دلار آمریکا

جمع ۱۹۷۰-۱۹۷۱-۱۹۷۲-۱۹۷۳-۱۹۷۴-۱۹۷۵-۱۹۷۶-۱۹۷۷

جمع ۱۷۲-۷۲-۱۸۹-۲۵۹-۲۳۸-۲۵۲-۱۸۱-۲۸۳-۱۹۸

آفریقا ۱۰۳۰-۳۷-۱۱۶-۱۴۸-۱۶۴-۱۳۷-۱۱۸-۱۹۵-۱۱۵

آفریقا شمالی ۴۳-۵-۱-۰-۳-۴-۵-۵-۶

آفریقای مادون صحرا ۹۸۱-۷۳۲-۱۰۶-۱۴۵-۱۶۰-۱۳۲-۱۱۳-۱۹۰-۱۰۹

آسیای شرقی ۴۰-۰۰۰-۰۰۰-۸-۸-۱۲-۸-۳-۱

اروپا ۱۰-۰۰۰-۰۰۰-۴-۰۰۰-۲-۱-۱-۲

آمریکای لاتین ۲۵-۰۰۰-۲-۱۴-۱-۱-۱-۳-۳

خاورمیانه ۱۵۷-۶-۱۰-۹-۳۹-۳۰-۱۷-۲۳-۲۳

آسیای جنوبی ۴۱۰-۲۹-۶۱-۷۶-۲۶-۷۰-۳۶-۵۸-۵۴

چین در میان ملل فقیر به عنوان یک کشور ارائه دهنده کمکهای اقتصادی از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار است. شرایط متعادل برنامه های کمکی که به طرز مؤثری پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی را بالا می برد سبب شده است که چین برخلاف برنامه های غربی و کمونیستی برای در نظر نگرفتن نیازهای بشری مورد انتقاد واقع نگردد. حتی اگر میزان و مقدار آنها ناچیز باشد برنامه های کمک چین سبب بالا رفتن رفاه و میزان تولید بوده و نقصانهای اساسی و ریشه ای زیربنایی و کشاورزی را مورد حمله قرار می داده است.

فنون و تکنولوژی چینها همیشه با شرایط فقیرترین کشورهای در حال توسعه تطابق داشته است.

کشورهایی که درآمد سرانه سالانه آنها کمتر از ۲۰۰ دلار بوده همیشه بیش از نیمی از کمکهای چین را از آغاز به خود اختصاص داده اند.

کمکهای چین همیشه در جهت گسترش برنامه های زیربنایی، صنایع مادر، و کشاورزی به کار گرفته شده اند. مهمترین کمکها هنوز هم در زمینه احداث راه آهن، جاده، سد و احداث بنا در ارائه شده است (۳۵ درصد) کمکهای مربوط به کشاورزی، آبیاری و پروژه های چند کاره شامل ۲۰ درصد می گردد و کمک به صنایع سبک نیز ۲۰ درصد دیگر را به خود اختصاص می دهد. تنها ۵ درصد کل این کمکها به صنایع سنگین آن هم در پاکستان اختصاص داده شده است. باقیمانده این کمکها به عمران شهری، تحقیقات زمین شناسی و ایجاد تأسیسات توریستی، بندری، آموزشی، فرهنگی و پزشکی اختصاص یافته است.

راههای احداث شده و دیگر پروژه های حمل و نقل چینی مرحله جدیدی را در پیشرفت به وجود آورده، مشکلات موجود در حمل و نقل کالا و پرسنل را برطرف ساخته است. مثلاً چین در یمن جنوبی نیمی از شبکه راهها و در سومالی و سودان ۱۰ درصد این شبکه را احداث نموده است. راه آهن تان - زام که با ظرفیت نسبی به کار خود مشغول است، در حمل کالاها به بخشهای داخلی و به زامبیا سرعت ایجاد کرده و تراکم موجود در بندر دارالسلام را کاهش داده است. پروژه های صنعتی و کشاورزی با نیاز هر یک از کشورهای در حال توسعه مطابقت داده شده است. چین با استفاده از تجارب خود در دوران بعد از جنگ جهانی دوم بر پروژه ها کم خرج و آسانی که از واردات بکاهند تأکید دارد این پروژه ها اغلب تأسیساتی برای پروراندن مواد خام به وجود می آورند. تأسیسات صنعتی از قبیل کارخانه های نساجی، فیبرسازی، کاغذسازی، تهیه غذا، و کشاورزی با قیمت ارزان تأسیس و به سرعت راه اندازی می شوند. آنها از منابع انسانی و مصالح بهره برداری می کنند و برای راه اندازی و نگهداری آنها نیز مهارت بسیاری لازم نیست.

کمکهای چین به جهان سوم از امتیازات خاصی برخوردار است. در سالهای ۱۹۷۰ چین حدود نیم

میلیارد دلار کمک ارائه کرده است و از ابتدای این برنامه ها میزان این کمکها بیش از ۸۰۰ میلیون دلار است در سالهای اخیر، پکن در شرایط اعتبارهای خود نوعی میانه روی و اعتدال در پیش گرفته است. قراردادهای عمرانی چین در سالهای ۱۹۶۰ خالی از نرخ بهره بود و معمولاً مدت بازپرداخت آنها ده سال دیگر نیز قابل تمدید بود. لیکن دوره های تمدیدی اکنون بیش از گذشته و به ۲۰ تا ۳۰ سال نیز می رسد. در مقایسه با میانگین دوره بازپرداخت وامهای غربی که ۳۳ سال است و ۹ سال نیز پاداش آن محسوب می گردد و نرخ بهره نیز ۶/۲ درصد می باشد و در مقایسه با دیگر کمکهای کمونیستی که بیش از ۱۲ سال دوره بازپرداخت آن نیست و نرخ بهره آنها نیز ۵/۲ تا ۳ درصد می باشد، جالب توجه است.

کمکهای نظامی

میزان نسبتاً ناچیز کمکهای نظامی چین (مجموعاً ۸۴۵ میلیون دلار) ناشی از عدم توانایی چین در رقابت با دیگر کشورهای کمونیستی و غربی در مسلح کردن تأسیسات نظامی جهان سوم می باشد. گرچه این کمکها به ۳۸ کشور ارائه می شود که ۲۶ تای آنها آفریقایی می باشند، ولی باید گفت که ۷۵ درصد این گونه کمکها به پاکستان و تانزانیا داده شده است. مجموع کمکهای نظامی سال ۱۹۷۷ مقدار ناچیزی معادل ۵۰ میلیون دلار بوده (به جدول ۳ نگاه شود) که نیمی از آن به آفریقای مادون صحرا اختصاص یافته و در سال ۱۹۷۸ نیز به همان میزان ارائه می گردد. تولیدات نظامی چین ۲۰ سال عقب تر از غرب و شوروی

بوده و چین کیفیت و کمیت تسلیحاتی مورد نیاز کشورهای در حال توسعه را ندارد.

حتی در کشورهایی که عمدتاً سلاحهای خود را از چین وارد می کردند به علت رقابت کشورهای مهم تولید سلاح نیز تغییر گرایش پدید آمده است و به طور مثال، تانزانیا که دومین مشتری بزرگ سلاحهای پکن به شمار می رفت و تنها کشور جهان سوم بود که وابستگی عمیق به آموزش و تجهیزات چین پیدا کرده بود، دیگر مایل نیست تجهیزات چینی را مورد استفاده قرار دهد. تانزانیا عمدتاً به مسکو روی آورده است، چون چین قادر نیست سلاحهای مدرن در اختیار وی قرار دهد. در موزامبیک نیز، دولت جدید یک دهه همکاری نظامی با چین را در زمینه دریافت سلاحهای کوچک و آموزش مورد نیاز گروههای چریکی پایان بخشیده و برای تهیه سلاحهای مدرن تر به شوروی روی آورده است.

در سالهای اخیر نیز چین به مصر، سودان و سومالی تنها حمایت ظاهری نظامی داده است. در همه موارد، چین به برنامه کمکهای اقتصادی خود به عنوان وسیله ایجاد صلح و ثبات یاد می کند. پکن که بر نیاز تأکید بسیار دارد، فروش تسلیحاتی قدرتهای بزرگ را در مقایسه با کمکهای خود در پیشرفت مسالمت آمیز اقتصادی، تأسف بار می خواند.

جدول ۳

چین: قراردادهای نظامی با کشورهای در حال توسعه میلیون دلار آمریکا

جمع ۱۹۷۸-۱۹۷۷-۱۹۷۶-۱۹۷۵-۱۹۷۴-۱۹۷۳-۱۹۷۲-۱۹۷۱-۱۹۷۰

جمع ۲۱-۵۱-۴۳-۲۱-۶۴-۷۸-۹۲-۱۷-۳۸-۳۶-۲۵۹

آفریقا ۱۶-۲۹-۳۲-۳۴-۱۹-۷-۱۲-۱۵-۲۳-۱۸۷

شمال آفریقا ۱۲-۰۰۰-۰۰۰-۹-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰-۲۱

آفریقای مادون صحرا ۴-۲۹-۳۲-۲۵-۱۹-۷-۱۲-۱۵-۲۳-۱۶۶

ص: ٦٢٦

معرفة كتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی تحلیلهایی که توسط تحلیلگران آمریکایی در سازمانهای مختلف دولتی و غیردولتی آمریکا در مورد ایران صورت گرفته و در سفارت آمریکا در تهران به دست آمده است، تاکنون تحت عنوان «دخالت‌های آمریکا در ایران» در ۸ مجلد به چاپ رسیده است. نکته اساسی که برای انتشار این مجموعه تحت یک عنوان مدنظر بوده محتوای تحلیلی این اسناد است که بررسی جنبه‌های گوناگون جامعه و کشور ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی در زمانهای مختلف پرداخته است. تنظیم این اسناد برحسب تاریخ تهیه گزارش یا تحلیل، در حد مطالب مندرج در اسناد، مجموعه عواملی را که در مقاطع مختلف زمانی و نقاط عطف آن، زمینه ساز تحولات بوده اند و نهایتاً به پیدایش انقلاب در این کشور منجر شده اند را تصویر می‌کند.

با گذشت زمان و افزایش حجم کار اسناد دیگری در زمینه تحلیل اوضاع و شرایط ایران و تحت عنوان اسناد منتشره قبلی یعنی «دخالت‌های آمریکا در ایران» ترجمه و آماده چاپ گردیده اند، که در چهار جلد و به روال سابق یعنی تنظیم برحسب تاریخ سند، ارائه می‌گردد.

جلد اول یعنی کتاب حاضر مشتمل بر هشت سند است که در فاصله زمانی سالهای ۱۳۴۱/۱۹۶۵ تا ۱۳۵۳/۱۹۷۴ تهیه شده است. این اسناد در چهار موضوع کلی یعنی امنیت؛ شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران؛ انقلاب سفید و سازمان دفاعی قابل تقسیم است که ذیلاً به توضیحی مختصر در مورد هر کدام از موضوعات بسنده می‌شود:

امنیت

اولین سند با موضوع «امنیت در حکومت ایران» مروری دارد بر سیستم امنیتی در ایران. به واسطه گسترش روابط ایران و آمریکا در زمینه فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی پیشرفته و نیاز ایالات متحده

آمریکا به حفظ اسرار نظامی و تسلیحاتی خویش در کشورهای طرف معامله و همچنین تصمیم آمریکا

مبنی بر تجهیز ایران به موشکهای «هاوک» و «BIULLPUP»، وزارت دفاع آمریکا «کمیته کنترل

اطلاعات نظامی دفاع کشوری» می باشد و براساس مشاهدات گروه و اطلاعاتی که از سوی مقامات

آمریکایی و ایرانی در اختیار آنان نهاده شده، تهیه گردیده است.

در آغاز سند مبادی قانونی، نقش حکمرانی استبدادی شاه و دیدگاه عمومی در ارتباط با مسئله امنیت

مطرح شده و سپس به تشریح سازمانهای تشکیل شده برای تأمین امنیت در کشور با ذکر توضیحاتی در مورد موقعیت سازمانی، تاریخچه تشکیل و مسئولین هر سازمان و وظایف مربوطه می پردازد. تشکیلات مذکور «شورای امنیت ملی»، «ساواک» «رکن دو ستاد مشترک»، «ضد اطلاعات»، «پلیس کشوری»، «ژاندارمری» و «اداره اطلاعات ویژه» را شامل می شود.

رؤسای ساواک، رکن ۲، پلیس و ژاندارمری همگی گزارش کار خود را مستقیماً به شاه ارائه می دادند و بدین ترتیب میزانی از هماهنگی تا حد مطلوب از نظر شاه ارائه می دادند و بدین ترتیب میزانی از هماهنگی تا حد مطلوب از نظر شاه، توسط وی اعمال می گردید، و این هماهنگی توسط افرادی نظیر «سرلشگر فردوست» و با تشکیل جلسات ماهانه، هفتگی و روزانه در بین سازمانهای مختلف، تعمیم می یافت. گروه تحقیقات در ادامه گزارش به بررسی امنیت در جنبه های غیرنظامی حکومت مانند وزارتخانه ها و ادارات دولتی پرداخته و سیستمهای حفاظت اسناد طبقه بندی شده در پایگاههای نظامی، غیرنظامی و ادارات تابعه هر کدام را مورد بحث قرار می دهد.

برنامه امنیت پرسنلی که در ایران وجود دارد نیز مورد بحث گروه قرار گرفته و هرچند این برنامه روشی برای سنجش میزان وفاداری (به شاه) نیز به شمار می رفته ولی روشی بوده است که عوامل تشکیل دهنده آن در امنیت و حفاظت از اسرار تعیین کننده بوده و بدین ترتیب مراحل که یک متقاضی عضویت در نیروهای مسلح یا واحدهای تابعه بایستی طی می کرد و ملاحظات امنیتی که در این رابطه مرعی می شد، توسط گروه مورد بررسی قرار گرفته است.

شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران

اسناد شماره دو، سه، پنج و هفت به طور کلی مشتمل بر مطالبی در باب شرایط و اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی ایران هستند. موقعیت شاه به عنوان رئیس بی چون چرای خانه خود، ثبات سیاسی،

رشد اقتصادی و سیاست خارجی ایران در سال ۱۳۴۸ / ۱۹۶۹ در سند شماره ۳ به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. این ارزیابی شش ماهه به تحلیل کلیه ابعاد حکومت شاه پرداخته و شاه و مواضعش را این گونه توصیف نموده است: «دولتمردی مجرب که در صحنه جهانی، سیاست خارجی کشور را با اعتماد کامل هدایت کرده است و به صورتی غیرعلنی به ترویج مواضع مورد نظر آمریکا در میان دوستان آمریکا پرداخته، ولی در انظار عموم آن چنان نقش متعادلی را ایفا کرده که از طریق آن به گسترش جاه طلبیهای ایران در خلیج فارس و بهره برداری از روابط خود با غرب، جهان سوم و کشورهای بلوک کمونیست نائل آید.» و وی را به واسطه سرسختی در مذاکرات نفتی، اصرار وی بر قطع روابط دیپلماتیک با لبنان بر سر موضوع تیمور بختیار، موضع تهاجمی در قبال عراق به خاطر مرز بین دو کشور در شط العرب مورد انتقاد قرار داده است.

سند شماره ۳ به طور عمده شامل مطالب زیر است که فهرست وار ذکر گردیده است:

اوضاع اقتصادی ایران در سال ۱۳۴۸ و بررسی برنامه عمرانی چهارساله و نتایج مترتب بر آن در زمینه های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، کنترل پول، تورم، میزان ذخایر ارزی، پروژه های صنعتی عمده مانند خط لوله نفت و مجتمع پتروشیمی شاهپور و...

ماهیت و محتوای روابط ایران و آمریکا، ملاقات شاه با نیکسون، شرکت وزیر خارجه وقت آمریکا

«راجرز» در کنفرانس سنتو در تهران، تأثیر پرواز آپولوی ۱۱ بر ایرانیان، نقش آمریکا و روابط با آن در

«متن ناسیونالیزم مستقل» ایرانی، فروش تسلیحات به ویژه هواپیماهای اف ۴، استخدام تکنیسینهای

نیروی هوایی آمریکا برای تعمیر جت‌های نیروی هوایی ایران و اختلافات موجود بین ایران و آمریکا بر سر

دو موضوع آخر، روند مذاکرات سالانه نفتی بین دولت ایران و کنسرسیوم، همکاری دو جانبه در زمینه

کاربرد انرژی اتمی در مورد اهداف غیرنظامی، وضعیت تجارت ایران و آمریکا.

نقش ایران در خلیج فارس و اعلام اینکه ایران پس از خروج انگلستان از خلیج فارس قصد دارد

نقش ژاندارمی منطقه را به عهده بگیرد و سعی در تفهیم این امر به انگلیسها و سایر شیوخ خلیج فارس،

طرح یک سیاست دفاعی مشترک در منطقه با همکاری عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس.

درگیری ایران و عراق در مورد مرز مشترک دو کشور در شط العرب، ذکر موارد اختلاف و اصل دعوا

از نقطه نظر مرزی، حوادث اتفاق افتاده در خلال دوران درگیری، نحوه برخوردها و شیوه‌های به کار گرفته

شده از سوی دو کشور.

روابط ایران با سایر کشورها و به ویژه همسایگان از جمله قطع روابط دیپلماتیک با لبنان بر سر مسئله

استرداد تیمور بختیار رئیس قبلی ساواک (قبل از ۱۳۴۸)، سقوط ایوب خان و روابط با پاکستان، اختلاف

مرزی ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند و روابط با این کشور، روابط با هند، اسرائیل و اردن و نقش

میانجیگرانه شاه حسین اردنی در درگیری بین ایران و عراق.

روابط ایران با شوروی و کشورهای بلوک کمونیست، انگیزه شاه از ایجاد روابط با آنان، تماسهای

تجاری، اقتصادی و فرهنگی بین ایران و شوروی، مذاکرات بر سر کارخانه ذوب آهن و خط لوله گاز،

روابط با رومانی، چکسلواکی و یوگسلاوی و سفر رؤسای جمهور چکسلواکی و رومانی و نخست وزیر

یوگسلاوی به تهران.

وضعیت دولت، پارلمان و احزاب، تغییرات و انتصابات مهم دولتی، وضعیت گروههای مخالف شاه، حوادث اتفاق افتاده و مغایر با امنیت در ایران.

سند شماره ۵ تحلیلی است راجع به وضعیت جوانان در ایران و توصیف اعتقادات، دیدگاهها و میزان مشارکت آنها در مقابله یا همکاری با رژیم شاه، البته این اطلاعات و تحلیلها قشر تحصیل کرده و شهری جمعیت جوان کشور را شامل می شود و نهایتاً به تحلیل جامعه بوروکرات و طبقه متوسط شهری منجر می گردد.

سند شماره ۷ با موضوع «بررسی کلی ایران» یکی از جزوات واحد بررسی اطلاعات ملی آمریکا است که در سال ۱۹۷۳ / ۱۳۵۲ تهیه گردیده و فهرست وار شامل مطالب زیر است :

تاریخچه مختصری در رابطه با به قدرت رسیدن شاه و وقایع دوران مصدق، تأثیر وقایع و حوادثی که منجر به کودتای ۲۸ مرداد گردید بر تفکرات شاه، دیدگاههای وی در مورد مدرنیزه کردن ایران و نظراتی که به طرح «انقلاب سفید» منجر گردید.

تحلیل شخصیت ایرانی و تأثیرپذیری ایرانیان از شرایط جغرافیایی و تاریخی کشورشان (خود بزرگ بینی، فردگرایی و مخالفت با تحول و نوآوری) ؛ نقش مذهب، اهمیت روحانیون و اعتراضات علیه حاکمیت از سوی مذهبیون؛ پادشاهی در ایران و تاریخچه ای مختصر از سلسله های حاکم بر ایران. مجلس و جایگاه آن در سیستم حکومتی شاه ؛ نحوه کنترل و به اختیار درآوردن مجلس توسط شاه ؛

انحصاری کردن قدرت سیاسی از طریق اعمال نفوذ در انتخابات، انتصابات و تصدی شغل‌های حساس و غیرحساس توسط شاه؛ نقش نیروهای امنیتی و سرکوب هرگونه مخالفت با انحصارگرایی قدرت و استبداد شاه.

مدرنیزاسیون و صنعتی کردن ایران و نقش نفت در این روند؛ موقعیت بخش خصوصی، صنایع و بانکها در سیستم اقتصادی ایران؛ بررسی اقتصاد ایران و نقش نفت و دیگر منابع در آن؛ سیاستهای مربوط به تولید و فروش نفت و وضعیت ذخایر نفتی ایران.

سیاست خارجی ایران؛ روابط با آمریکا، تاریخچه مختصری در مورد روابط ایران با شوروی، روابط فعلی ایران با شوروی، سیاست ایران در خلیج فارس و نحوه روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس، عراق و مسئله درگیری با ایران.

موفقیتهای شاه در دوران زمامداری، مشکلات مبتلا به رژیم به واسطه رشد اقتصادی و روند نوآوری، پیش بینی ثبات کشور و چشم انداز اقتصادی رژیم شاه، پیش بینی موقعیت آتی شاه و وضعیت سیاسی کشور.

مشخصات کلی کشوری ایران در سال ۱۹۷۲ / ۱۳۵۱ شامل وسعت، آب، مردم، حکومت، اقتصاد، کمکها، ارتباطات و نیروهای دفاعی با ذکر آمار و ارقام.

سازمان دفاعی

سند شماره ۸ در آغاز به بررسی منافع آمریکا در ایران و سپس به ارزیابی تأثیرات موقعیت جغرافیایی

ایران در خاورمیانه بر نیازهای دفاعی و موضع دفاعی آن می پردازد. مردم، مذهب، آداب و رسوم و

پیشرفتهای عمرانی و اقتصادی و ضرایب مهم فرهنگی جامعه ایرانی به عنوان مقدمه ای بر بیان خطر

خارجی که ایرانیان می پندارند و نیز استراتژی شاه برای خنثی کردن خطر مزبور مورد بحث قرار می گیرد.

تجزیه و تحلیل دستگاه تصمیم گیرنده در امور دفاعی ایران و سپس قدرت و تسلیحات موجود و طرحهای مربوط به گسترش نیروهای سه گانه، به طور مجزا و مختصر مطالب بعدی را تشکیل می دهد. در نهایت به مرور برنامه های کمک امنیتی آمریکا در حمایت از نیروهای نظامی ایران می پردازد و در مورد فروشهای نظامی، هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران (آرمیش مگ)، تیمهای کمک فنی حوزه ای (تافت)، برنامه آموزشی نظامی جاری و آتی خارج از کشور نیروهای نظامی ایران، خطرات حاصله از تسلیح بیش از حد ایران برای آمریکا، اندکی بحث می کند.

انقلاب سفید و اصلاحات اجتماعی

اسناد شماره ۴ و ۵ با عنوان اصلاحات در ایران به تحلیل انگیزه ها، اهداف، شیوه های اجرا و بررسی شکستها و موفقیتهای رژیم شاه در اجرای اصول انقلاب سفید می پردازد. سند شماره ۴ در سال ۱۹۶۹ / ۱۳۴۸ و سند شماره ۵ در سال ۱۹۷۲ / ۱۳۵۱ تهیه شده است. در سند شماره ۷ نیز قسمتی با عنوان انقلاب سفید به بحث در مورد این رفرم پرداخته است.

جامع ترین این اسناد در باب انقلاب سفید، سند شماره ۴ است که به طور مفصل و جداگانه هر کدام از اصول دوازده گانه آن را مورد بحث قرار داده است. پس از ذکر مراحل طی شده در اجرای هر کدام از اصول

فوق به طور ضمنی و در خلال مطالب انگیزه ها و اهداف شاه و طراحان این اصول مطرح گشته، سپس مروری بر نتایج حاصله از اجرای این اصول صورت گرفته است. موفقیتها، شکستها و عوامل مؤثر بر این نتایج بررسی شده است و با توجه به عوامل مختلف (شیوه های اجرائی مطروحه در سند، بیانات و موضع گیریهای مسئولین اجرائی، تبلیغات رژیم و نتایج حاصله) تحلیل به نحوی صورت گرفته که اساس این اصول و اساس انگیزه های طراحان آن مورد سؤال قرار می گیرد، هرچند در نهایت کلیه آنها از سوی تحلیل گر موفقیت آمیز و نویدبخش ثبات، رشد اقتصادی و پویایی اجتماعی و سیاسی ایران در آینده قلمداد می گردد.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که علیرغم نیاز به گزارشاتی دقیق، موشکافانه و واقع بینانه برای تحلیل مناسب و صحیح از شرایط و اوضاع، اسناد نشان می دهد که واقعیتها و حقایق آن گونه تصویر شده و به رشته تحریر درآمده اند که گزارشگر یا تحلیلگر دوست داشته ببیند. آمال و آرزوهایشان در مورد شاه و منافع در ایران آنان را به سطحی نگری، ساده اندیشی، زودباوری و نظریه پردازیهای عجولانه کشانده بدان حد که نهایتاً از تحلیل اوضاع و پیش بینی حوادث ایران در سالهای بعد درمانده گشته و طوفان انقلاب اسلامی ایران خیمه های آمالشان را ویران و کاخهای بنا شده از ثروت ایران و کشورهای مشابه ایران را بر سرشان خراب نموده است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶

«امنیت در حکومت ایران» مروری بر سیستم امنیتی ایران

ایالات متحده آمریکا کمیته کنترل اطلاعات نظامی

این سند شامل ۳۷ صفحه بوده و رونوشت شماره ۴۶ از ۴۹ رونوشت موجود می باشد، سریهای A

«امنیت در حکومت ایران»

یادداشت منشی:

۱ گزارش ضمیمه به منظور ثبت مشاهدات «گروه کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده» تهیه

شده که از ۲۵ اکتبر الی ۳ نوامبر ۱۹۷۵، برنامه امنیتی در حکومت ایران را مورد بررسی قرار داده است.

۲ «کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده» این گزارش را طی جلسه مورخه ۱۵ دسامبر ۱۹۶۵

تأیید نموده است.

۳ این سند مستلزم «استفاده خاص» بوده و «غیر قابل واگذاری به اتباع بیگانه» می باشد.

۴ پخش و واگذاری این سند منحصر به اشخاصی است که نیاز رسمی به آن دارند (مسئولیت اداری و

رسمی آنان استفاده از آن را اقتضا می کند).

دونالد اس. هرلیس

منشی

گروه ۱

از تنزل طبقه به صورت اتوماتیک مستثنی بوده و نمی بایست از طبقه بندی (محرمانه) خارج شود.

مستلزم استفاده خاص بوده و غیر قابل واگذاری به اتباع بیگانه است. سری

مروری بر سیستم امنیتی ایران

نظر به پیشنهاد «وزارت دفاع ایالات متحده» مبنی بر تجهیز ایران به سیستمهای پرتاب موشک «HAWK» و «BWKKPUP»، و نیز از آنجا که سیستم امنیتی ایران آخرین بار توسط یک گروه کمیته کنترل اطلاعات نظامی دفاع کشوری، که طی ماههای اوت و سپتامبر ۱۹۶۰ از ایران بازدید نمود، به طور رسمی مورد ارزیابی قرار گرفته است، «کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده» (USMICC) بر آن شد تا یک گروه تحقیقات امنیتی برای بررسی مجدد سیستم امنیتی در ایران، به این کشور اعزام نماید. این گروه تحقیقات خود در ایران را از ۲۳ اکتبر آغاز و در ۴ نوامبر ۱۹۶۵ به انجام رسانید. جلسات بحث و مذاکره ای با حضور مقامات رسمی ایران و نیز نمایندگان سفارت آمریکا، هیئت مستشاری نظامی (ARMISH MAAG) و هیئت مستشاری در ژاندارمری «GENMISH» برگزار گردید.

ارزیابی امنیتی (قبلی) که ذکر آن گذشت، تحت شماره «MIC ۱۲۹/۲۰۶» مورخه ۸ فوریه ۱۹۶۱، بایگانی گردیده است. هدف از گزارش فعلی عمدتاً آن است که اطلاعات موجود در گزارش شماره «MIC ۱۲۹/۲۰۶» را تکمیل نماید. اظهارات موجود در این گزارش اساساً بر مشاهدات گروه و اطلاعاتی که از سوی مقامات ایرانی و آمریکایی در اختیار گروه نهاده شد، مبتنی است.

ضمیمه A: صورت اسامی اعضاء گروه است.

ضمیمه B: لیست اسامی عمده مقامات رسمی ایرانی است که گروه با ایشان مذاکره نموده است.

ضمیمه C: شامل اسامی عمده مقامات آمریکایی است که گروه با آنان جلسات بحث و مذاکره برگزار کرده است.

ضمیمه D: حاوی برنامه ملاقاتهای گروه می باشد.

مبادی قانونی در ارتباط با مسئله امنیت

همان طور که در گزارش شماره «MIC ۱۲۹/۲۰۶» ذکر شده است. اصول قانونگذاری امنیتی در

ایران تغییری نکرده است. مواد قانونی مورخه ۱۹۰۶ (۱۲۸۵) ۱۹۰۷ (۱۲۸۶) و ۱۹۲۵ (۱۳۰۴)،

همچنان شالوده قانونی حکومت ایران و تقسیم آن به قوایی مجزا از هم مجریه، مقننه و قضائیه را تشکیل

می دهد. با وجودی که حکومت ایران اسما دموکراتیک می باشد، اما شاه در راستای سنت قدیمی

پادشاهی مطلقه که از ابتدای ثبت تاریخ در ایران به چشم می خورد بیش از پیش نقش یک حکمران

مستبد را ایفا می نماید. بنابراین، دیدگاه شاه نسبت به مسئله امنیت و ثبات موقعیت وی، بایستی به عنوان

عامل مهمی در هرگونه ارزیابی از نظام امنیتی ایران ملحوظ گردد.

قوانین امنیتی مدنی (غیرنظامی) نیز تغییری نداشته و بر مواد ۷۹۶۰ از «قانون کیفری عمومی ایران»

مورخه ۱۹۲۵ (حاوی اصلاحات و تجدید نظرات سال ۱۹۴۵ میلادی مطابق ۱۳۲۴ ه ش) و نیز «قانون

مخالفین امنیت و استقلال کشور» مورخه ۱۹۳۱ (۱۳۱۰)، مبتنی می باشد. فعالیتهای نظامی همچنان تحت

نظارت «قوانین خط مشی و قانون کیفری ارتش» مورخه ۱۹۳۶ میلادی مطابق ۱۳۱۵ ه ش (که به نام

«عدالت نظامی و قانون کیفری ایران» نیز مشهور است) قرار دارند. لازم به توضیح است که بنابر قانون

کیفری ۱۹۲۵ فوق الذکر ترتیبی اتخاذ شده است که افراد غیرنظامی و اعضای نیروهای مسلح، در موارد

جاسوسی، توسط دادگاههای نظامی محاکمه خواهند شد. محاکمه افراد غیرنظامی در دادگاههای نظامی

در موارد دیگری چون سوء قصد به جان شاه یا ولیعهد نیز طی فصول مختلف «عدالت نظامی و قانون

کیفری ایران» پیش بینی شده است. در مدتی که گروه در ایران به سر می برد، یک دادگاه نظامی محاکمه

تعدادی غیرنظامی را که در سوء قصد به جان شاه در قصر مرمر (۱۹۶۵ میلادی مطابق ۱۳۴۴ ه ش)

شرکت داشتند، به پایان رسانید. در میان احکام صادره، دو نفر به مرگ، یک نفر به حبس ابد و ۹ نفر به

حبس ۳ الی ۸ سال محکوم شدند.

(تذکر: سوء قصد به جان شاه عملاً توسط یک سرباز وظیفه عضو گارد شاهنشاهی انجام گرفت که

خود در حین مبادرت به قتل شاه که با شکست رو به رو شد، کشته شد.)

سوء قصد به جان شاه یا ولیعهد تنها جرایمی نیستند که مجازاتشان طبق قوانین متعدد فوق الذکر مرگ

است. جرایم فراوان دیگری نیز وجود دارند که مرتکبین آنها ممکن است به مرگ محکوم شوند، و از آن

جمله جاسوسی است. گواه این مدعا که مجازات مرگ در مورد جاسوسی نیز اعمال می گردد آن است که

در اوائل سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)، سه افسر ایرانی پس از اثبات محکومیت در یک دادگاه نظامی، به جرم

جاسوسی برای روسها اعدام شدند. (تذکر: مورد جاسوسی که سه افسر مذکور محکوم به ارتکاب آن

شدند، مورد تازه ای نیست. این مورد توسط «گروه ضد اطلاعات شاهنشاهی ایران» (IICIC) کشف

گردیده است.)

دیدگاه عمومی در ارتباط با مسئله امنیت

دلیلی بر این اعتقاد وجود ندارد که ملت ایران اکنون بیش از زمانی که ارزیابی امنیتی قبلی در سال ۱۹۶۰ (۱۳۴۹) انجام گرفت، ضرورت امنیت استحفاظی را درک می کند. هر چند تحولاتی در جامعه به چشم می خورد برای مثال: رشد تدریجی یک طبقه متوسط و و نیز کاهش ناچیز درصد بیسوادی اما این تحولات برای جبران فقدان هوشیاری ملی (از آن نوع که در میان ملل غربی وجود دارد)، سطح پایین زندگی بین اقشار متوسط، فقدان آموزش رسمی (هنوز بیش از ۸۰٪ ایرانیان بیسوادند) و عقب ماندگی عمومی شایع در اکثر نقاط کشور، کافی نیست. به فرض آنکه تلاش شاه برای ارتقای سطح زندگی، ریشه کن ساختن بی سوادی، بهبود ارتباطات و ترویج هوشیاری ملی با موفقیت قرین گردد، می توان انتظار داشت که شرایط برای نسل بعد بهبود یابد.

تشکيلات كشوري براي تأمين امنيت

چون این مسئله به تفصیل در گزارش شماره «MIC ۱۲۹/۲۰۶» مورد بحث قرار گرفته است و اکثر مطالب مندرج در آن گزارش همچنان معتبر می باشد، این قسمت از گزارش فعلاً عمدتاً به تجدید نظر و اصلاح مواردی از گزارش قبلی که نیاز به اصلاح داشته است، خواهد پرداخت. عامل مهمی که طی هر گونه ارزیابی در مورد مسئله امنیت در ایران بایستی مد نظر قرار گیرد، موقعیت و مقام شاه می باشد، از زمان تهیه گزارش امنیتی قبلی در سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) تاکنون، هیچ گونه نقصانی در مرکزیت و علی الاطلاق بودن نقش شاه در حکومت ایران به چشم نمی خورد: بلکه دل بستگی شاه نسبت به مسئله امنیت و نظارت وی بر این امر به مراتب افزایش یافته است. انواع گوناگون سازمانهای امنیتی در ایران، در حقیقت به عنوان ضmann حکومت مطلقه شاه فعالیت می کنند. از سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، که شاه با سقوط «مصدق» دگر باره

قدرت را به دست گرفت، وی نسبت به عملکرد روزانه سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی مختلف علاقه شخصی عمیقی پیدا کرده است. تمامی تصمیمات مهم و بسیاری از تصمیم گیریهای جزئی در این زمینه بر عهده شاه است. دل بستگی شاه نسبت به امنیت، به ویژه پس از سوء قصد به جان وی در کاخ مرمر (آوریل ۱۹۶۵ اردیبهشت ۱۳۴۴) که با موفقیت فاصله چندانی نداشت، افزوده گشته است. حفظ و ابقا پادشاهی مهمترین اهداف امنیتی در ایران را تشکیل می دهد. دیگر مقاصد اصلی امنیتی در ایران شامل مقابله با خطر روسیه و رویارویی با تهدیدات دیگر کشورهای منطقه، یعنی عراق و جمهوری متحده عربی (UAR)، می باشد. شاه، جمهوری متحده عربی را که «ناصر» مظهر آن است، بزرگترین خطر دهه اخیر برای ایران می داند. برعکس، در مقایسه با سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹)، ایران نسبت به روسها از آرامش خاطر بیشتری بهره مند است.

رویهم رفته می توان گفت که قدرت و نفوذ شاه در ارتباط با امنیت در ایران حداقل از دیدگاه ایالات متحده، نتایج مثبتی داشته است. با این همه نقش منحصر به فرد شاه ناگزیر این پرسش را برمی انگیزد که در صورت مرگ یا انتقال ناگهانی قدرت از وی چه روی خواهد داد؟ در حال حاضر به نظر نمی رسد که احتمال خلع شاه از سلطنت، از طریق مقابله تشکیلاتی و سازمان یافته ای وجود داشته باشد، چرا که چنین

تشکیلات کارا و مؤثری وجود ندارد. اما احتمال قتل شاه همواره هست، بنابراین، همانگونه که «هلمز» سفیر پیشین (آمریکا در ایران) گفته است، موقعیت ایران در عین ثبات، شکننده می باشد. در صورت وقوع چنین حادثه ای، با در نظر گرفتن این مسئله که مخالفت سازمان یافته ای علیه رژیم فعلی وجود ندارد، ارتش احتمالاً قادر خواهد بود تداوم نوعی حکومت پایدار را که اهداف سیاست گذاری آن با خط مشی و سیاستهای آمریکا در منطقه هماهنگ باشد، تضمین نماید.

«شورای امنیت ملی»

شورای امنیت ملی (NSC)، حداقل در تئوری، عالی ترین هیئت سیاست گذاری جامعه اطلاعاتی ایران را تشکیل می دهد. تا آن جا که مشخص است، هیچ تغییری در تشکیلات این شورا به وقوع نپیوسته است. کمیته های فرعی که همزمان با «NSC» (یعنی در سال ۱۹۵۶ میلادی مطابق ۱۳۳۵ ه ش) به وجود آمدند، یعنی: «کمیته هماهنگ کننده حفاظت داخلی» (IPCC) و «کمیته هماهنگ کننده اطلاعات» (ICC) فعالیت خود را در کنار «NSC» ادامه می دهند.

در ملاقات گروه با نمایندگان ساواک (SAVAK)، «سرتیپ ماهوتیان» (رئیس امنیتی ساواک) گروه را مطلع ساخت که دو کمیته فرعی به طور ماهانه ملاقات می کنند و «IPCC» گاه دوبار در ماه تشکیل جلسه می دهد. بنابر اظهارات سرتیپ ماهوتیان، اعضای «ICC» را عمدتاً مأمورین امنیتی وزارتخانه های مختلف تشکیل می دهند. آنان مقامات ارشد وزارتخانه ها بوده و انتصاب ایشان توسط وزرای مربوطه و با مشورت ساواک صورت می گیرد. جلسات ICC معمولاً به ریاست سرتیپ ماهوتیان برگزار می شود. سرتیپ، ماهوتیان توضیح داد که «IPCC»، که سرپرستی آن را رئیس ساواک عهده دار است، نسبت به کمیته فرعی دیگر (یعنی ICC) دارای اهمیت بیشتری است. وی گفت که علاوه بر کلیه وزارتخانه ها، «شرکت ملی نفت ایران»، «سازمان برنامه (ریزی) ملی» و «شهرداری تهران» نیز در این کمیته نماینده

دارند. یکی از ابعاد امنیتی حائز توجه این کمیته آن است که هر یک از اعضای آن موظفند سالانه گزارشی حاوی مشکلات امنیتی محیط کار خویش و نظرات خود پیرامون آن مشکلات را به کمیته تسلیم نمایند.

این گزارش به سرپرست کمیته، یعنی رئیس ساواک ارائه می گردد. لازم به تذکر است که «ICC» و «IPCC» به طور منظم مشکلات و مسائل امنیتی مربوط به وزارتخانه های مختلف را مورد بحث قرار داده و «IPCC» حل مشکلاتی را که «ICC» قادر به رفع آن نبوده است را بر عهده می گیرد.

سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)

هنگام تهیه گزارش قبلی، ریاست ساواک را سرلشکر قدرتمند و با کفایت «تیمور بختیار» عهده دار بود که در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) ظاهراً به دلیل آن که بیش از حد صاحب قدرت شده بود توسط شاه برکنار شد. آن گاه «سرتیپ پاکروان» جانشین «سرلشکر بختیار» گردید، اما او هم مدت کوتاهی پس از کشته شدن نخست وزیر «حسنعلی منصور» در ۲۱ ژانویه ۱۹۶۵ (۱ بهمن ۱۳۴۴)، از این منصب برکنار گردید. برای «پاکروان» مایه تأسف بود که تشکیلات تحت سرپرستی وی، هیچ گونه اطلاع قبلی از توطئه قتل نخست وزیر نداشت. رئیس کنونی ساواک، سپهبد نعمت الله نصیری، به عنوان یک افسر بی رحم اما با کفایت که سخت هوادار شاه و وفادار نسبت به اوست شهرت دارد. رئیس ساواک سمت مشاور «NSC» و قائم

مقام نخست وزیر را نیز عهده دار می باشد.

ساواک همچنان یک سازمان قدرتمند بوده و در زمینه مسائل امنیتی کشور از مسئولیت تام و همه جانبه برخوردار است. وظایف ساواک امور زیر را شامل می گردد:

کنترل فعالیتهای سیاسی دانشجویان ایرانی خارج از کشور، رسیدگی به جاسوسی، خرابکاری، خیانت، شورش و دیگر اقدامات براندازی، جمع آوری اطلاعات پیرامون مخالفین سیاسی، نظارت بر سفارتخانه های خارجی، هیئتهای رسمی بیگانه و بیگانگان مقیم کشور، عملیات و اقدامات خارجی مرتبط با اطلاعات و ضد اطلاعات، ارتباط رسمی با سرویسهای اطلاعاتی کشورهای خارجی دوست ایران (به ویژه اسرائیلی ها) و حفظ امنیت در وزارتخانه های غیرنظامی، به گفته «رنسم هیگ»، وابسته سفارت آمریکا، شاه طی شش ماه گذشته، یک بار ابراز علاقه نموده بود که ساواک فعالیتهای شبه پلیسی را کنار گذاشته و جاسوسی و ضدجاسوسی را محور فعالیت خود قرار دهد. اما، هیگ می افزاید، تاکنون تحول چندانی در این زمینه مشاهده نشده است.

گروه به طور اخص نسبت به وظایف امنیتی ساواک در وزارتخانه های غیرنظامی علاقه مند گردید. ساواک به چند طریق وزارتخانه ها را کنترل می نماید. در وهله اول، هر وزارتخانه دارای یک مأمور امنیتی است که به عنوان یکی از مقامات ارشد آن انجام وظیفه می کند. این شخص توسط وزیر و با مشورت ساواک انتخاب می شود، ساواک صلاحیت وی را تأیید نموده و بر کفایت و کاردانی او صحنه می گذارد. ساواک تأکید می کند که این مقامات امنیتی نمی بایستی به سادگی تعویض گردند. آموزش اولیه این مقامات توسط ساواک انجام می گیرد. (آقای هیگ متذکر شد که پرسنل وزارتخانه های مختلف عموماً این مأمورین را مزدوران ساواک دانسته و بدین جهت از ایشان اجتناب می ورزند.) به هر ترتیب مأمورین امنیتی موظفند مسائل و مشکلات امنیتی موجود در وزارتخانه های مربوطه را به ساواک گزارش کنند. به

علاوه، این مقامات در جلسات مداوم «ICC» که طی آن مشکلات امنیتی مرتباً مطرح می شوند، شرکت می جویند. بنابراین ساواک بازرسی وزارتخانه ها از نظر امنیتی را طبق یک برنامه منظم از پیش مقرر شده، ضروری نمی داند، اما حق بازرسی کلیه وزارتخانه ها، در هر شرایط و زمانی که ساواک لازم بداند برای این سازمان محفوظ است.

آقای «هیگ» معتقد بود که ساواک در کار خود پیشرفت قابل ملاحظه ای نموده است. اما در مقایسه با استانداردهای ایالات متحده هنوز راه زیادی در پیش دارد. به عقیده وی، نقاط مثبت ساواک در آگاهی زیرکانه این سازمان نسبت به خطر شوروی و کارایی و شایستگی اش در شئون سیاسی نهفته است.

بخش «۲ ج» (اداره دوم ستاد مشترک)، ستاد عالی فرماندهی

در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷)، به فرمان شاه، بسیاری از وظایفی که قبلاً توسط «۲ G» انجام می گرفت، به «۲ ج» منتقل گردید. در حال حاضر، «۲ ج» فعالیت اطلاعاتی نظامی ایران را هدایت و هماهنگ کرده و اطلاعات نظامی را جمع آوری، تنظیم و منتشر می نماید. این بخش در ارتباط با موارد زیر از مسئولیت تام برخوردار می باشد: امنیت تأسیسات و کارکنان نیروهای مسلح، عملیات ضدجاسوسی نظامی، نظارت بر وابستگان نظامی ایرانی خارج از کشور، نظارت بر فعالیتهای «سازمان مقاومت ملی» (تا آنجا که تحقیقات گروه نشان می دهد، فعالیت این سازمان هرگز از مرحله طرح فراتر نرفته است). در رأس «۲ ج» از بهار

۱۹۶۱ (۱۳۴۰) تاکنون، «سپهبد عزیزالله کمال» قرار داشته است. پیش از او «سپهبد حاج علی کیا» ریاست «۲ ل» را بر عهده داشت، اما چون پیش از آنچه باید صاحب قدرت شده بود توسط شاه برکنار گردید. (کسب قدرت بیش از حد در ایران از جمله علل متداول انفصال اشخاص از خدمت به شمار می رود)

کارایی فنی «سپهبد کمال» چندان چشمگیر نیست، اما همه در این باره اتفاق نظر دارند که وی روباه پیر حيله گری است که می داند چگونه، تحت هر شرایطی، خود را مسلط بر امور جلوه دهد. همچنین به نظر می رسد آمریکاییانی که با «۲ ل» ارتباط رسمی دارند، اکثرا بر این عقیده اند که اقدامات ایمنی و آگاهی امنیتی در «۲ ل» (و لذا در نیروهای مسلح)، طی سال گذشته و به ویژه در طول شش ماه اخیر، فوق العاده بهبود یافته است. این امر ناشی از علل فراوانی است که «امکان دریافت تسلیحات حساسی نظیر «HAWK» و «BULLPUP» توسط ایران، و «تمایل شاه به بهبود عملیات امنیتی» و «تأثیر روانی بازدید گروه» «USMICC» که با علل دوگانه مسبق الذکر مرتبط می باشد از جمله مهمترین آنها به شمار می رود.

«هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران» برای اصلاح شئون اطلاعاتی و امنیتی با «۲ ل» همکاری نزدیکی داشته است. در این رابطه، «سرگرد رابرت هند» از نیروی زمینی ایالات متحده، شایسته قدردانی ویژه است چرا که همکاری مؤثر او با «۲ ل» در اصلاح بهبود خط مشی ها و ارتقای هوشیاری امنیتی این بخش نقش عمده ای داشته است.

بخش «۲ G» از ستاد ارتش

«۲ G» در حال حاضر تنها از یک نقش فرعی در امور امنیتی برخوردار بوده، لذا مورد توجه خاص گروه قرار نگرفته است و وظیفه اصلی این بخش گردآوری و تنظیم اطلاعات رزمی است.

گروه ضد اطلاعات (CIC)

اکثر ناظرانی که گروه با ایشان گفتگو و مذاکره نمود معتقد بودند که «CIC» نخبه و برگزیده سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی در ایران است. مشاهدات گروه نیز مؤید این واقعیت بود. «CIC» تشکیلات نسبتاً کوچکی است (که هنگام بازدید گروه دارای ۶۱۱ عضو بود)، اما از قابلیت تحرک، نظم و کارایی بالایی بهره مند می باشد در گذشته «CIC» بخشی از «G ۲» به شمار می آمد، اما اکنون تحت نظارت «J ۲» فعالیت می کند و رئیس «CIC» قائم مقام «J ۲» نیز هست، در عین حال، چنین به نظر می رسد که «CIC» عملاً از استقلال قابل ملاحظه ای برخوردار است. تأمین و تضمین وفاداری نیروهای مسلح مهمترین مسئولیت «CIC» است. «CIC» پاکسازی و تصفیه پرسنل نظامی را عهده دار بوده، فعالیتهای اطلاعاتی بیگانه در ارتباط با تأسیسات نظامی ایران را تحت نظر دارد. رسیدگی به فعالیتهای مخالف رژیم و نیز ایمنی فیزیکی (محیطی) و امنیت اسناد و مدارک موجود در نیروهای مسلح بر عهده «CIC» است. از جمله اختیارات «CIC» حق بازداشت پرسنل ارتش و افراد عادی (در صورتی که به طور ضمنی با ایمنی ارتش مرتبط باشد) را می توان برشمرد، در این گونه موارد، تنها شاه قادر است «CIC» را استیضاح نماید. «سرتیپ اردشیر تاجبخش ریاست «CIC» را بر عهده دارد. وی در اکتبر ۱۹۶۳ (مهر ۱۳۴۲) رسماً به این سمت منصوب گردید، اما عملاً از سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷) به عنوان سرپرست این سازمان فعالیت داشته است.

عموما بر این عقیده اند که تاجبخش با کفایت ترین و فعالترین مقام ارشد اطلاعاتی ایرانی است. بنا به گزارش «گروه مسائل کشوری» (The Country Team) تجدیدنظر در تشکیلات «CIC» یعنی تقسیم و تفکیک آن به عناصر و اجزایی که تحت فرماندهی جداگانه نیروی زمینی، دریایی و هوایی عمل نمایند، تا حدودی مورد بحث بوده است. گروه «USMICC» متذکر گردید که تفکیک عملکرد «CIC» و تبعیت آن از سرویسهای نظامی منفرد قابلیت و توانائی «CIC» برای محافظت از رژیم در برابر یک کودتای نظامی را از این نهاد سلب می کند.

پلیس کشوری ایران

پلیس کشوری ایران مدتهاست که، به خصوص از طریق دفتر اطلاعات خود، با مسائل امنیتی ایران معاصر تماس نزدیک داشته است. پلیس کشوری عمدتاً حفظ نظم عمومی در شهرهایی که بیش از ۵۰۰۰ نفر سکنه دارند را بر عهده داشته، در حالی که دفتر اطلاعات منحصرآ عهده دار مسئولیتی ضد اطلاعاتی است. پلیس کشوری همگام با ساواک موظف است فعالیت بیگانگان را در شهرها و شهرستانها تحت نظر داشته باشد. نیروی پلیس کشوری مجموعاً بالغ بر حدود ۲۴۰۰۰ نفر است. این رقم افسران پلیس، درجه داران، پلیس وظیفه و افراد شخصی (غیرنظامی) را در برمی گیرد. «سرلشکر محسن مبصر» از دوستان نزدیک «سپهبد نصیری» (رئیس ساواک)، پس از وی به ریاست پلیس کشوری انتخاب شد و از ۳۰ ژانویه ۱۹۶۵ (۱۰ بهمن ۱۳۴۴) این سمت را بر عهده داشته است.

سرپرستی دفتر اطلاعات را «سرتیپ صمد صمدیان پور» عهده دار است. مهمترین وظایف این دفتر عبارتند از: انجام تحقیقات پیرامون اشخاص و گروههایی که به فعالیتهای خرابکارانه پرداخته و با اینکه مورد سوءظن قرار دارند و نیز نظارت بر بیگانگان مقیم ایران. پلیس کشوری بدین منظور در مؤسسات دولتی، احزاب سیاسی (قانونی یا غیرقانونی)، اتحادیه های تجاری، گروههای مذهبی و در حقیقت در

تمامی ابعاد حیات اجتماعی ایرانیان راه یافته است. اطلاعات کسب شده توسط این عوامل نفوذی و دیگر منابع، به طور منظم به دفتر اطلاعات ارجاع داده می شود که به نوبه خود این دفتر آن اطلاعات را ارزیابی و طبقه بندی نموده و در دفتر «ثبت مرکزی» خود بایگانی می نمایند. در میان اقلام موجود در دفتر اخیر، بنا به گفته «سرتیپ صمدیان پور» اثر انگشت یک پنجم جمعیت ایران وجود دارد. این دفتر (به استثنای موارد جنایی) اطلاعات مربوط به یک میلیون و شش صد هزار نفر را گردآوری و ضبط نموده است. «سرتیپ صمدیان پور» اظهار امیدواری نمود که این دفتر سرانجام اثر انگشت و اطلاعات مربوط به کلیه ساکنین ایران را فراهم خواهد کرد. شرح حال تمامی اعضای احزاب سیاسی (اعم از قانونی) از جمله اطلاعات بایگانی شده در این دفتر است.

ژاندارمری شاهنشاهی ایران

ژاندارمری در میان سازمانهای گوناگون امنیتی در ایران، به طور معمول کمترین امتیاز را به خود اختصاص می دهد. «سرتیپ ملک (مالک)» که پیش از فرمانده فعلی ژاندارمری عهده دار این قسمت بود، پس از «سرتیپ عزیزی» (که به جرم فساد برکنار گردید) به جانشینی وی انتخاب شد. گفته می شود که وی ۹۵٪ از اوقات خود را به مبارزه با فساد اختصاص داده و تنها ۵٪ درصد به وظایف روزمره ژاندارمری

می پردازد. این تشکیلات دارای نیرویی بالغ بر ۳۶۰۰۰ نفر است، اما از نظر تعداد افسران وضع وخیمی دارد. چیزی بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از ژاندارمری وظیفه ها بی سواد هستند. سطح دستمزد بسیار پائین است. بیش از ۲۰۰۰ پاسگاه ژاندارمری در سراسر ایران مستقر می باشند.

مهمترین وظایف ژاندارمری عبارتند از: (۱) اعمال قوانین در شهرها و شهرستانهایی که زیر ۵۰۰۰ نفر جمعیت دارند (یعنی ۷۵ الی ۸۰٪ کشور)، (۲) مراقبت از مرزها (در سال ۱۹۶۳، ژاندارمری حدود ۵۶۰۰ نگهبان مرزی را جذب نمود که این افراد تا آن زمان قسمتی از نیروی زمینی را تشکیل می دادند)، (۳) سربازگیری، (۴) کنترل قاچاق، (۵) تأمین پوشش اطلاعاتی در نواحی مرزی، (۶) داوری احقاق حقوق و میانجیگری در مشاجرات میان روستاییان و اصلاحات ارضی، (۷) اعلان فوری تجاوزات (مرزی) و رویارویی مقدماتی با آن و (۸) نظارت (همگام با ساواک) بر شهرها و شهرستانهای حوزه فعالیت خود. آثار و علائم امیدوارکننده ای به چشم می خوردند حاکی از آن که احتمالاً در کارایی ژاندارمری بهبود حاصل خواهد شد. فرمانده جدید ژاندارمری، «سرلشگر اویسی» که از سپتامبر ۱۹۶۵ (شهریور ۱۳۴۴) به این قسمت برگزیده شده و پیش از آن فرماندهی نیروهای گارد مخصوص را عهده دار بود، به تعلیم و سازماندهی مجدد ستادهای ژاندارمری علاقه زیادی ابراز داشته است، یک مقیاس جدید دستمزد، شبیه آنچه در نیروی زمینی هست، تصویب گردیده، اما بودجه آن هنوز تأمین نشده است. ایالات متحده در پی آن است که یک «مدرسه آموزش افسری» تأسیس نماید.

سرپرست هیئت مستشاری ایالات متحده در ژاندارمری (GENMISH) معتقد است که ژاندارمری،

علیرغم ضعف و سستی حاکم بر آن، تشکیلات مؤثری بوده و نقش مهمی در حفظ ثبات در مناطق

روستایی ایفا می کند. (مسئولیت مستشاری «GENMISH» در قبال ژاندارمری طبق قراردادی تأمین

گردیده است، طبق این قرارداد، تقبل و اعمال این مسئولیت از جانب دول دیگر ممنوع اعلام شده است. به

عقیده سرپرست (GENMISH)، مذاکرات مجدد پیرامون این قرارداد به هر دلیل به عنوان مثال به منظور «GENMISH» را تابع «ARMISH» قرار دادن این امتیاز انحصاری را به مخاطره می افکند.»

اداره اطلاعات ویژه

هیچ گزارشی پیرامون تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی در ایران بدون ذکری از «اداره اطلاعات ویژه» کامل نخواهد بود. این اداره واحد کوچکی است متشکل از ۴۰ افسر و کارمند که توسط شاه در سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸)، در کاخ سلطنتی تأسیس شد. هدف از تأسیس این اداره آن است که شاه را به طور مستمر در جریان تمامی تحولات مهم، که توسط اعضای جامعه اطلاعاتی و دیگر منابع گزارش می شود، قرار دهد، این اداره اختیارات و توانایی آن را دارد که تحقیقات و پژوهشهای ویژه ای را به انجام رساند. سرپرست این اداره، «سرلشگر حسین فردوست»، یک مقام اطلاعاتی حرفه ای است. وی از سال ۱۹۶۲ (۱۳۴۱) نایب رئیس ساواک بوده است و به کفایت و وفاداری کامل نسبت به شاه شهرت دارد.

روابط و هماهنگی درون سازمانی

اگر چه ارائه شواهد عینی فراوان برای اثبات این مدعا دشوار می باشد، اما چنین به نظر می رسد که روابط و هماهنگی درون سازمانی در مقایسه با زمان تهیه گزارش قبلی بهبود نسبی یافته است و هر چند

هنوز با استانداردهای ایده‌آل آمریکایی فاصله دارد، شاید برای مقاصد در ایران کفایت کرده و رضایتبخش باشد. از آنجایی که رؤسای ساواک «۲ ل»، پلیس کشوری و ژاندارمری، همگی گزارش کار خود را مستقیماً به شاه ارائه می‌دهند، ظاهراً میزانی از هماهنگی تا آن حد که شاه مطلوب و مقتضی بداند ضرورتاً بایستی توسط وی اعمال گردد. از سوی دیگر، هماهنگی و کنترل غیر رسمی از طرف شخص «سرلشکر فردوست» صورت می‌پذیرد که به عنوان دوست نزدیک شاه، نایب رئیس ساواک و نیز در مقام فردی که مسئول انتقال مستمر تحولات امنیتی و اطلاعاتی به شاه می‌باشد، الزاماً می‌بایست برخی وظایف هماهنگ کننده را نیز عهده دار گشته و انجام دهد، یک رابطه نزدیک و غیررسمی دیگر نیز (میان تشکیلات مختلف امنیتی) موجودیت خود را مرهون این واقعیت است که دوست نزدیک رئیس ساواک پس از او به ریاست پلیس کشوری منصوب گشته است (مقصود «سرلشکر مبصر» است مترجم). بدیهی است هیچ یک از افراد مذکور، بدون کسب اعتماد شاه، پستهای کنونی را اشغال نمی‌نمودند.

جلسات ماهانه «CIC»، به صورتی رسمی، مأمورین امنیتی وزارتخانه‌ها را گردهم می‌آورد. جلسات ماهانه یا دوبار در ماه «IPCC» در سطح مقامات بالاتر برگزار می‌شود. کلیه وزارتخانه‌ها در این جلسات، از طریق نمایندگان خود، حضور دارند و سرپرستی جلسات بر عهده رئیس ساواک می‌باشد. و باز در سطحی بالاتر، جلسات «NSC» به سرپرستی نخست وزیر تشکیل می‌شود که ریاست عالی ستاد و رؤسای «۲ ل» پلیس کشوری، ساواک و ژاندارمری در آن شرکت می‌کنند. «سرتیپ تاجبخش» گروه رامطلع ساخت که در سطوح پایین تر، «CIC» و ساواک روزانه برای انجام هماهنگی تشکیل جلسه می‌دهند و در مرحله‌ای نسبتاً بالاتر، نمایندگان «CIC» ساواک و پلیس کشوری به همین منظور در جلسات هفتگی شرکت می‌نمایند وی با بی‌شائبگی اضافه کرد که همکاری میان «CIC» ساواک و پلیس کشوری (دفتر اطلاعات) با مشکلی رو به رو نیست، اما در سطح مقامات ارشد مقصود وی افسرانی است که فرماندهی

این سازمانها را عهده دارند مسائل و مشکلات خصلتی و رقابتهایی بر سر تخصص پول و پرسنل وجود دارد.

امنیت در ادارات دولتی

گروه در ارتباط با ابعاد غیرنظامی حکومت ملی، به جز در زمینه امنیت پرسنل (که بعد در این باره بحث خواهد شد) و همین طور مقررات حاکم بر امنیت، پیشرفت چندانی نسبت به آنچه در گزارش قبلی MIC ۱۲۹/۲۰۶ آمده است، مشاهده نمود. در زمانی نامشخص (ظاهراً نه چندان پس از بررسی قبلی «USMICC»)، آیین نامه امنیتی نسبتاً مشروحو برای تمام وزارتخانه های غیرنظامی از سوی ساواک اعلام گردید. این آیین نامه حاوی ۹۷ ماده جداگانه است، به عنوان یک خط مشی امنیتی از مزایای بسیاری برخوردار می باشد.

در رابطه با نیروهای مسلح نیز یک آیین نامه جدید و مفصل امنیتی طی شش ماه گذشته اعلام شده است که مقررات مندرج در آن ظاهراً ملهم و متأثر از بازدید گروه «USMICC» بوده است. آیین نامه مذکور توسط «ARMISH-MAAG» از «آیین نامه امنیتی نیروی هوایی ایالات متحده» اخذ و اقتباس گردیده و در نتیجه با استانداردهای مورد نظر برابری می کند. گروه بر این عقیده است که تلاشهای جدی در جهت مراعات و اجرا این آیین نامه، از سوی نیروهای مسلح صورت می پذیرد، در ابتدا حدود ۲۰۰

رونوشت از این آیین نامه توزیع گردید و اکنون ۳۰۰ نسخه دیگر نیز در حال توزیع است که با پخش این تعداد، میزان توزیع در سطح گردان خواهد بود مسئله ای که مایه دلگرمی است و گروه آن را به اطلاع افسر فرمانده «IIAF/CIC» نیز رسانده است، آن است که مقررات امنیتی جدید «IIAF» طبقه بندی نشده اند (در گذشته طبقه بندی شده بودند، لذا انتشار وسیع و استفاده از آنها به سهولت وسیع و استفاده از آنها به سهولت امکان پذیر می باشد).

امنیت فیزیکی (محیط و تجهیزات)

وزارتخانه های غیر نظامی

همان گونه که در بالا اشاره شد، تنها مسئله قابل اشاره در این ارتباط صدور آیین نامه امنیتی مسبق الذکر است که اعمال روشهای امنیت فیزیکی را به طور نسبتاً مشروح میسر می سازد. اما این روشها در عمل چگونه به مورد اجرا گذاشته می شوند، مسئله ای است که برای گروه قابل مشاهده نبود. با این همه می توان گفت که به عقیده اکثر ناظران صاحب صلاحیت، اقدامات مربوط به امنیت فیزیکی در وزارتخانه های غیر نظامی مختلف در مقایسه با نیروهای مسلح در سطح بسیار نازلی است.

نیروهای مسلح

گروه برای بررسی اقدامات و روشهای امنیت فیزیکی در ستاد «۲ ل»، «ستاد نیروی هوایی»، «ستاد CIC» و پایگاه هوایی مهرآباد از فرصت قابل ملاحظه ای برخوردار بود. برنامه گروه برای بازدید از پایگاه هوایی دزفول و پایگاه نیروی دریایی خرمشهر به علت شرایط نامطلوب جوی برای پرواز، ناگزیر حذف شد. در اماکنی که مورد بازدید قرار گرفت به ویژه در پایگاه هوایی مهرآباد روشهای حفظ امنیت فیزیکی بسیار عالی بود. این روشها عبارت بودند از: نگهبانی تمام وقت، گشت پیاده و موتوریزه و روشهای کنترل ورود و خروج، حصار مناسب، روشهای کنترل اسناد و ایجاد روشنایی (در محیط) و نیز

میزان بالایی از هوشیاری و آمادگی در میان کارکنان تأسیسات فوق الذکر

حفاظت اسناد طبقه بندی شده

گروه فرصت نیافت از روشهای حفظ اسناد در مؤسسات و وزارتخانه های غیرنظامی بازدید نماید، احتمالاً منطقی خواهد بود که فرض کنیم این روشها از زمان تهیه گزارش قبلی چندان تغییر نکرده باشد. اما در ارتباط با نیروهای مسلح، مشاهدات گروه و ناظران آمریکایی حاضر در صحنه، متفقاً مؤید آن بود که روشهای کنترل اسناد پیشرفت شایان توجهی نموده است. این روشها در ستاد «J۲»، ستاد نیروی هوایی و پایگاه هوایی مهرآباد مورد بررسی قرار گرفتند، (در مهرآباد مقدار نسبتاً ناچیزی اسناد طبقه بندی شده موجود است). روشهای کنترل اسناد در ستادهای مذکور بسیار عالی بود. در هر دو مورد، روشهای پیشرفته به تازگی مورد استفاده قرار گرفته اند. به جز افزایش آگاهی امنیتی در این ستادها، علت پیشرفت و بهبود روشها را بایستی عمدتاً در مطالعه مقررات امنیتی جدید جستجو کرد که به نگارش برخی «SOP»های جدید انجامیده است. علت دیگر بهبودی است که در برنامه توسعه توزیع گاو صندوقهای فولادی با ترکیب جدید حاصل شده است. ۳۰۰ عدد از این گاو صندوقها سفارش داده شده و بیش از ۸۰

عدد نیز تاکنون توزیع گردیده است. (تذکر: چهار سال پیش، تنها ۲۹ گاو صندوق در کل نیروهای مسلح موجود بود.) هر ستاد دارای یک مرکز حفاظت اسناد است که تمامی اسناد سری و فوق سری می بایست در این مرکز نگاه داشته شوند. این اسناد به پرسنل کاملاً مجاز واگذار می گردد، اما بایستی پیش از پایان ساعت کار به مرکز باز گردانده شود. این مراکز ۲۴ ساعته توسط نگهبانان مسلح محافظت می شوند طی ساعات کار، افسر مأمور مرکز کنترل اسناد حضور دارد از جمله وظایف وی، ثبت دقیق تحویل و اعاده اسناد طبقه بندی شده و پیگیری کامل جهت بازپس گرفتن اسنادی است که به پرسنل مجاز تحویل داده شده اند. وی همچنین صورت اسامی کسانی را که در استفاده از اسناد مختلف مجاز می باشند، تهیه و بایگانی می نماید. در این رابطه گروه متوجه شد که دسترسی به اسناد سری و فوق سری به شخصی که محتاج به آگاهی از محتوای آن است و یک معاون او منحصر می باشد. در این ستادها، زباله (اسناد بلااستفاده یا از رده خارج شده (TRASH) طبقه بندی شده و طبقه بندی نشده، روزانه در پایان ساعت کار جمع آوری و سوزانده می شد.

مرکز حفاظت از اسناد پایگاه هوایی مهرآباد در ساختمان کوچکی قرار دارد که بین این مرکز و دفتر «CIC» محلی مشترک می باشد. پنجره های این مرکز توسط میله های فلزی مسدود شده اند و در طول ۲۴ ساعت نگهبانان مسلح از آن محافظت می نمایند. این مرکز صاحب یکی از گاو صندوقهای سابق الذکر می باشد. روشهای (استحفاظی) مورد استفاده در این مرکز به مراکز ستادهایی که قبلاً مورد بحث قرار گرفت شباهت داشته و تنها برخی تفاوتهایی خاص محلی وجود دارد. برای مثال، اسناد سری و فوق سری که در این مرکز نگهداری می شوند، فقط در مرکز کنترل اسناد قابل مطالعه می باشند، مگر آنکه این اسناد تحت حفاظت شخصی افسر امنیتی پایگاه قرار داشته باشند.

به عقیده ناظران آمریکایی مستقر در این اماکن که با این امور آشنایی دارند، امنیت مربوط به حفاظت

اسناد در ایران به پیشرفتهای قابل ملاحظه ای نائل شده و اکنون نیز در حال بهبود است. یکی از علل این مسئله، ورود اسناد طبقه بندی شده سنتو «CENTO» است که برای حفاظت از آنها روشهای دقیق امنیتی (برای نخستین بار) اعمال گردید و اکنون نیز استفاده از این روشها ادامه دارد.

امنیت پرسنلی

برنامه امنیت پرسنلی به صورتی که در ایران وجود دارد، از دید یک آمریکایی، احتمالاً در عین حالی که برنامه ای امنیتی محسوب می گردد روشی برای (سنجش میزان) وفاداری نیز به شمار خواهد رفت. یک ناظر آمریکایی بسیار با صلاحیت، برنامه امنیتی نیروهای مسلح در ایران را عمدتاً منطبق بر اصول و روشهای مورد استفاده در نیروهای مسلح ایالات متحده توصیف نمود، با این تفاوت که در ایران روشی (جهت سنجش و حفظ) وفاداری بر برنامه مذکور تطبیق داده شده است، روشی که عوامل تشکیل دهنده آن احتمالاً تعیین کننده می باشند. کل برنامه امنیتی نیروهای مسلح به وسیله «CIC» به مورد اجرا گذشته می شود. ذکر مراحل که یک متقاضی عضویت در نیروهای مسلح بایستی پشت سر گذارد به درک مطلب کمک می کند: از جمله مراحل پذیرش پر کردن تقاضانامه مفصلی حاوی اطلاعات زیر است: سرگذشت شخصی داوطلب: نام و آدرس خویشاوندان درجه یک، دو و سه، محل اقامت (در این قسمت کروکی محل اقامت هم بایستی ترسیم شود)، مشاغل قبلی، هر گونه اشتغال قبلی در نیروهای مسلح، تابعیت فعلی و

تابعیت‌های دیگری که ممکن است فرد داوطلب در گذشته دارا بوده باشد، نام همکلاسی‌ها، نام اقوام مقیم خارج از کشور، اسامی شش معرف، عضویت در هرگونه سازمان سیاسی، ورزشی، خیریه، مذهبی یا اجتماعی (بنابر مقاصد، داوطلب می‌بایست ظرف پانزده دقیقه این قسمت را پر کند. ارائه اطلاعات در مورد هر یک از اقوام داوطلب که احتمالاً در یک حزب یا گروه سیاسی فعالیت دارند، اظهار نظر داوطلب درباره این که به نظر وی منتخبین کدام حزب مفید به حال کشور خواهند بود؟ ذکر هرگونه اشتغال در مؤسسات وابسته به کشورهای خارج، ارائه اطلاعات درباره اشخاصی که، در صورت اشتغال داوطلب در چنین مؤسساتی، معرف وی بوده اند و اینکه آیا او طرفدار هیچ یک از احزاب مخالف حکومت هست یا خیر؟ پر کردن این سند بایستی با حضور افراد «CIC» انجام گرفته و متقاضی نسبت به صحت اطلاعات ارائه شده توسط خود سوگند یاد کند. او باید شش عدد عکس همراه با نکاتیو این عکسها (چرا که عکس چاپ شده قابل دست کاری است) و نیز کارت شناسایی خود را ارائه نماید (این کارت با کارتی که در پرونده مخصوص اتباع موجود است مقایسه و تطبیق داده می‌شود). اثر انگشت متقاضی نیز روی دو برگ ثبت می‌گردد، آن گاه به سوابق وی در مؤسسات محلی و کشوری، یعنی اداره پلیس، ساواک ژاندارمری و دادگاههای غیرنظامی رسیدگی می‌شود. طی این مراحل تحقیق ممکن است از ۵ الی ۷ ماه به طول انجامد، اگر این مراحل با موفقیت پشت سر نهاده شود و متقاضی از جهات دیگر نیز شایسته ورود به نیروهای مسلح تشخیص داده شود، آن گاه او (در صورت لزوم) مجاز خواهد بود که مطالب و اسناد «خیلی محرمانه» را مورد استفاده قرار دهد. در صورتی که فرد مذکور به استفاده از اسناد «سری» و «فوق سری» نیز احتیاج داشته باشد، درباره او تحقیقات مفصلتری باید انجام پذیرد. افراد غیرنظامی که مایل به استخدام در نیروهای مسلح می‌باشند، بایستی مراحل مشابهی را پشت سر نهند.

از جمله اقدامات مهم در ارتباط با امنیت کارکنان وزارتخانه‌های غیرنظامی آن است که بنابر مصوبه

نخست وزیری، کارمندان بالقوه پیش از استخدام برای انجام تحقیقات سوء پیشینه به ساواک ارجاع داده می شوند. در چنین مواردی، آنچه بیش از هر چیز مد نظر ساواک قرار دارد، سابقه سیاسی این گونه اشخاص است. ساواک مدعی است که در ارتباط با حدود صد هزار نفر دارای پرونده هایی است که هر یک شامل اطلاعات موهن می باشد. اینکه این پرونده ها بسیار کامل و جامع هستند مسئله ای است که مورد تصدیق و اذعان عمومی است.

کلیه مشاغل در تمامی وزارتخانه ها به سه دسته تقسیم می شوند: (۱) عادی، (۲) حساس و (۳) مهم و حساس.

مشاغل دسته اول غیرحساس و پایین رتبه می باشند: کارمندان جزء، دربانها، نظافتچها و غیره. مشاغل دسته دوم، برای مثال، شامل اشخاصی است که با مقررات و قوانین سر و کار دارند. مشاغل دسته سوم وزراء و مدیران کل را در برمی گیرد. ساواک برای متقاضیان مشاغل دسته اول که از سوی وزارتخانه ها برای انجام تحقیقات معرفی می شوند، فرم جداگانه و برای متقاضیان مشاغل دسته دوم و سوم فرم خاصی دارد که مفصلتر از فرم اول است. تمامی وزارتخانه ها ملزم به استفاده از این فرمها می باشند. فرم مشاغل دسته اول فقط شامل اطلاعاتی است که مأمورین ساواک بتوانند با استفاده از آن پرونده های مربوط به سوابق سیاسی متقاضیان را بررسی کنند. فرم مشاغل دسته دوم و سوم اطلاعات کافی برای انجام تحقیقات بیشتر در باره سوابق متقاضی را در اختیار ساواک قرار می دهد. هر دو فرم

سمتی را که متقاضی برای احراز آن مورد ارزیابی قرار می گیرد، مشخص می کنند. تا آنجا که تحقیقات گروه نشان می داد، تحقیقات انجام شده در ارتباط با سوابق متقاضیان مشاغل دسته دوم و سوم فوق العاده کامل و مفصل می باشند.

امنیت صنعتی

در ایران چیزی که واقعا بتوان آن را یک برنامه صنعتی نامید وجود ندارد، چرا که نیاز به چنین برنامه ای تاکنون چندان محسوس نبوده است. البته مقدمات چنین برنامه ای برای پذیرش کارکنان کارخانه های توپ و مهمات و کارگرانی که برای بنای پایگاههای دفاعی استخدام می شوند، موجود است.

نتایج حاصله

۱ برنامه امنیتی ایران پایگاه قانونی مناسبی دارد و شواهد کافی دال بر اعمال مجازاتهای شدید در مواردی که امنیت دولت در معرض تهدید قرار می گیرد، موجود است.

۲ با وجود آن که گاه به گاه در وظایف و عملکرد مؤسسات امنیتی (یعنی: «گروه اطلاعاتی ویژه دربار شاهنشاهی»، «CIC»، «J۲»، «ساواک» و «پلیس کشوری» (شامل دفتر اطلاعات) تداخل صورت می گیرد، این مؤسسات در جایگاه حکومتی مقتضی خود، تحت نظارت و کنترل مستقیم شاه به نحو مؤثری عمل می کنند. هرچند سرلوحه اهداف مؤسسات (امنیتی) نظامی و غیرنظامی را، حفظ و ابقای رژیم فعلی تشکیل می دهد، این سازمانها خطر محور چین روسیه را به خوبی درک می کنند. با وجود رقابت مستمر میان مؤسسات امنیتی، به نظر نمی رسد که این امر بر هماهنگی و همکاری این مؤسسات در سطوح اجرایی اثر نامطلوبی بگذارد.

۳ آیین نامه امنیتی که با تأیید شخصی شاه ابلاغ گردید، مدت کوتاهی پس از گزارش قبلی «USMICC» به مورد اجرا گذاشته شد و تاکنون نیز به قوت خود باقی است. این آیین نامه که اساسا بیانگر

یک سری اصول (کلی) است، جز در ارتباط با نیروهای مسلح و مؤسسات امنیتی، به صورت مفصل و مشروح بسط نیافته است.

۴ برنامه امنیتی ایران از زمان تهیه گزارش قبلی «USMICC» به طور مشخص بهبود کلی یافته و حاکی از رشد و ارتقای هوشیاری امنیتی در این کشور می باشد.

۵ علیرغم فقدان مقررات مشروح در ارتباط با امنیت فیزیکی و کمبود تجهیزات امنیتی، نیروهای مسلح به ویژه از طریق استفاده فراوان از پرسنل حفاظتی، به مراتب بالایی از امنیت فیزیکی دست یافته است. به جز در مورد مؤسسات امنیتی، هیچ گونه شواهدی دال بر وجود یک برنامه امنیت فیزیکی خارج از نیروهای مسلح مشاهده نشده است.

۶ به درخواست و با همیاری «ARMISH – MAAG»، یک برنامه کنترل اسناد در بهار ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)، با صدور آیین نامه امنیتی نیروهای مسلح بر مبنای «۱ – ۲۰۵ USAF AFR» به مورد اجرا گذارده شد. طبق مشاهدات گروه، آنچه در عمل پیاده می شود با آیین نامه فوق مطابقت دارد. اعمال مؤثر این برنامه مستقیماً به تلاش مستمر فرماندهان و «SCS» «۲J» بستگی خواهد داشت، به جز در مورد

مؤسسات امنیتی، هیچ گونه مدرکی دال بر وجود یک برنامه کنترل اسناد خارج از نیروهای مسلح ارائه

نگردید.

۷ برنامه امنیتی مربوط به پرسنل مؤسسات امنیتی غیرنظامی عمدتاً «حول کانون» وفاداری» (عدم مخالفت با رژیم کنونی) متمرکز است. نیروهای مسلح دارای برنامه امنیتی متمرکزتری است که عناصر «وفاداری» و «امنیت» را در کنار هم مد نظر دارد.

۸ برنامه کارآموزی امنیتی مربوط به نیروهای مسلح که اخیراً آغاز شده محتاج به توسعه بیشتری است.

۹ اجرای مؤثر و مطلوب برنامه امنیتی در ایران بیش از هر چیز از طریق جلب توجه و تحریک احساس مسئولیت شاه تأمین خواهد شد.

۱۰ به علت فقدان شرایط، هیچ نوع برنامه امنیت صنعتی در ایران موجود نیست. بررسی سوابق و پذیرش پرسنل غیرنظامی که در پروژه های ساختمانی و صنعتی که حائز اهمیت دفاعی هستند استخدام می شوند، عملاً توسط نیروهای مسلح انجام می پذیرد.

پیشنهادات

پیشنهاد می شود که:

- ۱ سفیر (آمریکا در ایران) به شاه توصیه نماید که وی (شاه) طی صدور فرمانی، تمایل خود به تأمین حفاظت تجهیزات و اطلاعات طبقه بندی شده متعلق و مربوط به ایالات متحده، در تمامی سطوح را اعلام نماید. در این ارتباط، بایستی توجه داشت که روش استفاده از علائم ویژه احتمالاً مفید خواهد بود.
- ۲ «ARMISH – MAAG» بایستی به تشویق و حمایت از توسعه بیشتر کلیه ابعاد و جوانب برنامه امنیتی نیروهای مسلح ادامه دهد.

۳ آموزش مسائل امنیتی در نیروهای مسلح باید به عنوان گامی اساسی در جهت اجرای مؤثر برنامه

امنیتی با شدت پیگیری شود.

۴ «ARMISH – MAAG» باید ترتیبی اتخاذ نماید که افراد منتخب جهت «برنامه HAWK»

آموزشهای امنیتی ویژه حفاظت از این سیستم تسلیحاتی را فراگیرند. در ارتباط با هرگونه تجهیزات

طبقه بندی شده دیگری که ممکن است (به ایران) واگذار گردد، اقدام مشابهی باید صورت پذیرد.

۵ طی دو سال آینده، «ARMISH – MAAG» گزارش شش ماهه از پیشرفت برنامه امنیتی در ایران به

«USMICC» ارائه نماید.

نتیجه

هر چند برنامه امنیتی نیروهای مسلح ایران برای حفاظت از اطلاعات و تجهیزات طبقه بندی شده

ایالات متحده کفایت می کند، مقتضی است اقدام لازم جهت اجرا پیشنهادات فوق انجام پذیرد.

ضمیمه «الف» کمیته کنترل اطلاعات نظامی ایالات متحده...

ایران ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)

آقای رابرت ان. مارگریو رئیس، USMICC، مدیر، اداره کنترل مهمات، وزارت امور خارجه، رئیس.

آقای یوجین (اوژن) ام. وینترز سازمان اطلاعات مرکزی (CIA)

سروان جیمز آ. گواناف، USN عضو نیروی دریایی، USMICC

آقای هوارد آر. بوس عضو علی البدل نیروی زمینی، USMICC

سرهنگ دوم توماس اچ. گان، USAF عضو علی البدل نیروی هوایی USMICC

آقای دونالد اس. هریس منشی، USMICC، وزارت امور خارجه، منشی

ضمیمه «ب» عمده افسران ایرانی که گروه «USMICC» با آنان مذاکره و مشورت نمود

سرهنگ ح (ه) برنجیان، IIAF فرمانده CIC و IIAF و A-۲

آقای هسکم (HASKEM)، اداره ۴ ساواک

سپهبد عزیرالله کمال، رئیس، ۲ J

سرتیپ ماهوتیان، رئیس، امنیت (اداره ۴)، ساواک

سرهنگ مقدم، اداره ۳، ساواک

سرلشکر محسن مبصر، رئیس، پلیس کشوری

سرهنگ م. مطهری، قائم مقام فرمانده پایگاه، پایگاه هوایی مهرآباد

سرلشکر معتضد، رئیس، اطلاعات خارجی، ساواک

سرتیپ صمد صمدیان پور، رئیس دفتر اطلاعات، پلیس کشوری

سرتیپ اردشیر تاجبخش، رئیس، «CIC»

ضمیمه «ج» عمده مأمورین آمریکایی که گروه «USMICC» با ایشان مذاکره و مشورت نمود

عالیجناب «آرمین میر» سفیر آمریکا

سرتیپ «هیوز ال. اش»، رئیس، بخش نیروی زمینی، «MAAG»

سرهنگ «پرستون ب. کندی»، رئیس، «GENMISH»

سرهنگ «ویلیام د. کونس»، وابسته سفارتی (وزارت) دفاع و وابسته سفارتی نیروی زمینی

«آلن سی. کانوی»، وابسته سفارت

«للاندام. دان» مأمور (متخصص در امور) اقتصادی

«رنسم اس، هیگ»، وابسته سفارت

سرگرد «رابرت د. هند»، «۲ MAAG - ARMISH» «J»

«رابرت هرلن»، مشاور امور اقتصادی

«ویلیام آ. هلسث»، مأمور سیاسی

«مارتین اف. هرتز»، مشاور امور سیاسی

سرلشکر «هاروی آ. جبلنسکی»، رئیس، «ARMISH – MAAG»

سرتیپ «لاک»، رئیس، قسمت مشاورت نیروی هوایی، «MAAG»

«آر. کلیتون ماد»، دستیار ویژه سفیر

«ریچارد ال. اولسون»، مأمور امنیت منطقه ای

سرگرد «بیبی آر. پریم»، دستیار وابسته سفارتی (نیروی) هوایی

سروان «اف. اچ. والیس»، رئیس، قسمت (نیروی) دریایی، «MAAG»

سرهنگ دوم «ب. ام. یورک»، وابسته سفارتی (نیروی) هوایی

ضمیمه «د» بر نامه ملاقاتهای «۶۴۷» USMICC

ایران ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)

دوشنبه، ۲۵ اکتبر، ۱۹۶۵ ۳/۸/۴۴

۱۱ ۱۰ ملاقات با سفیر میر

۳۰/۳۱۳ ملاقات با سرلشکر جبلنسکی، رئیس MAAG

۳۰/۱۳ ۱۵/۱۵ ملاقات با سرگرد هند: ARMISH – MAAG

۳۰/۱۵ ۱۷ ملاقات با آقای آلن کانوی، وابسته سفارت

سه شنبه، ۲۶ اکتبر، ۱۹۶۵ ۴/۸/۴۴

۱۰ ملاقات با آقای رنسم اس. هیگ، وابسته سفارت

۱۱ ملاقات با آقای ویلیام آ. هلسث، قسمت سیاسی

چهارشنبه، ۲۷ اکتبر، ۱۹۶۵ ۵/۸/۴۴

۳۰/۹ ۳۰/۱۲ ملاقات با سپهد کمال، ۲ SCS، J و سر تیپ

تاجبخش، رئیس، IICIC

IICIC ۴۵/۱۲ ۳۰/۱۶ صرف ناهار و ملاقات با رئیس

پنجشنبه، ۲۸ اکتبر، ۱۹۶۵ ۶/۸/۴۴

۳۰/۹ ۳۰/۱۲ سرهنگ برنجیان، رئیس

IIAF - CIC ستاد IIAF

۱۵/۱۴ ۳۰/۱۵ سرهنگ کندی، ایالات متحده آمریکا،

رئیس ENMISH

۳۰/۱۵ ۳۰/۱۶ سرهنگ یورک، سرگرد

پریم، وابسته سفارتی (نیروی)

هوایی و دستیار وی

۳۰/۱۶ ۳۰/۱۷ آقای هرتز، مشاور امور سیاسی

ص: ۶۴۸

جمعه، ۲۹ اکتبر، ۱۹۶۵ ۷/۸/۴۴

۱۰۹ آقای اولسون، مأمور امنیت منطقه ای، ایران

۱۱۱۰ (وزارت) دفاع

۱۲۱۱ آقای هرلن، مشاور امور اقتصادی و آقای دان، مأمور

(متخصص در امور اقتصادی)

شنبه، ۳۰ اکتبر، ۱۹۶۵ ۸/۸/۴۴

۳۰/۹ ۳۰/۱۲ ملاقات با مقامات ساواک

۱۵/۱۴ ۳۰/۱۶ بازدید از صدویکمین بال جنگنده (WING FIGHTER [O] ST)،

پایگاه هوایی مهرآباد، تهران. گفتگو با سرهنگ م. مطهری. قائم مقام

فرمانده پایگاه

۱۷ ۳۰/۱۸ گفتگو با سرلشکر مبصر، رئیس پلیس کشوری و سرتیپ

صمدیان پور، رئیس دفتر اطلاعات پلیس کشوری

دوشنبه، اول نوامبر، ۱۹۶۵ ۱۰/۸/۴۴

۸ سفری به پایگاه هوایی مهرآباد در ارتباط با برنامه سفر دو روزه

به دزفول، آبادان و خرمشهر

۳۰/۱۶ ۳۰/۱۷ آقای رنسم هیگ، وابسته سفارت

سه شنبه، ۲ نوامبر، ۱۹۶۵ ۱۱/۸/۴۴

۳۰/۹ ۳۰/۱۱ سرگرد هند،

«ARMISH - MAGG»

چهارشنبه، ۳ نوامبر، ۱۹۶۵ ۱۲/۸/۴۴

۱۰ سر تپ اش،

رئیس قسمت نیروی زمینی، «MAAG»

۱۴ ملاقات با سپهد کمال،

«۲ ل»، جهت خداحافظی

۳۰/۱۵ اعلام خروج سرلشکر جینسکی

۳۰/۱۸ اعلام خروج، سفیر میر

پنجشنبه، ۴ نوامبر

۳۰/۸ عزیمت به سوی رم

یادداشت مکالمه با کنسول فرانسه در خرمشهر

یادداشت مکالمه طبقه بندی: خیلی محرمانه

شرکت کنندگان: دومینکو راورا کنسول فرانسه در خرمشهر، لاری دلبلیو، سماکیس، دبیر دوم سفارت آمریکا

مکان: محل اقامت راورازمان ۱ اسفند ۱۳۴۶ ۲۰ فوریه ۱۹۶۸

خوزستان

در سالهای اخیر در زمینه عمران خوزستان پیشرفتهای مهمی رخ داده است. برای ساکنین عرب این منطقه میزان کار، تعداد بیمارستانها و مدارس افزایش یافته و وضع اقتصادی خوزستان نیز به طور کلی بهبود یافته است. «راورا» که اغلب به نقاط ساحلی جهت شکار سفر می کند خاطر نشان ساخت که چند سال قبل وی نمی توانست به زبان فارسی با اعراب ساکن روستاهای خوزستان گفتگو کند. البته اعراب خوزستان خود را جزئی از جهان عرب می دانند. ولی نباید بر آن تأکید بسیار کرد. آنها هنوز هم به شیوخ محلی که در رژیم کنونی از وضع خوبی برخوردار هستند وفادارند. راورا در حین جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ در رابطه با اعراب خوزستانی که عمیقاً از آرمان عربی حمایت می کردند آزمایش جالبی انجام داده بود. راورا به چند تن از آنان گفته بود به خاطر حمایت فرانسه از آرمان اعراب وی به عنوان کنسول فرانسه قادر است آنها را که می خواهند از کشور خارج شده و به نیروهای عربی بپیوندند از نظر مالی تأمین کند. هیچ کس به او پاسخ مثبت نداد.

سیاستهای داخلی

مردم اصولاً به احزاب سیاسی علاقه ای نشان نمی دهند. آنها حزب ایران نوین را یکی از باورهای بوروکراسی دولتی به حساب می آورند. حزب پان ایرانیست نیز طرفداران چندانی نداشته و معمولاً

«سازمان مضحک» به حساب می آید. شاه مورد احترام و محبوبیت او بیش از گذشته است. ولی ایرانیها

بی ثبات هستند و محبوبیت شاه نیز با «تغییر هوا» دستخوش تغییر می شود.

خلیج فارس

ایران مهمترین قدرت خلیج فارس خواهد شد، و اگر عربستان سعودی و دیگر شیخ نشین ها با این

کشور همکاری کنند از وضع خوبی برخوردار خواهند شد. راورا که به بحرین نیز سفر کرده است، می گوید

ایرانیها بخش اعظم جمعیت بحرین را تشکیل داده و طولی نخواهد کشید که بحرین جزو قلمرو ایران

خواهد شد.

شرکتهای نفتی فرانسه و اقبال

راورا که در حال حاضر برای یک شرکت نفتی فرانسه در جزیره لاوان کار می کند، گفت منوچهر اقبال

حامی فعالیتهای نفتی فرانسه در ایران است. در زمان نخست وزیر امینی، اقبال مورد انتقاد شدید قرار

گرفت و مجبور به ترک ایران شد، تا از محاکمه جان سالم به در برد. در اروپا نیز، اقبال با دوگل تماس گرفت

و گفت اگر وی شاه را متقاعد سازد که به وی سمت مهمی بدهد، وی نیز به فرانسه خدمت خواهد کرد. دوگل

نیز در سفر خود به ایران شاه را متقاعد کرد که نسبت به اقبال با نظر مساعدی برخورد نماید از آن زمان به بعد اقبال نیز منافع فرانسه کمکهای بسیاری کرده، و فرانسه نیز سعی کرده است با تضمین منافع مالی وی را راضی نگاهدارد. بنا به گفته راو، اقبال مهمترین شخصیت در تجارت پرسودی است که سبب جذب سرمایه گذاران خارجی به ایران شده است.

ارزیابی شش ماهه اوضاع سیاسی ایران

سند شماره (۳)

تاریخ: ۴ سپتامبر ۱۹۶۹ ۱۳ شهریور ۱۳۴۸ طبقه بندی: سری

از: سفارت آمریکا در تهران: وزارت خارجه آمریکا

عطف به: تهران الف ۰۶۸ مورخ ۲۰ فوریه ۱۹۶۹

موضوع: ارزیابی شش ماهه اوضاع سیاسی ایران

فهرست مطالب

۱ خلاصه

۲ شاه

۳ وضع اقتصادی

۴ روابط ایران و آمریکا

۵ ایران و خلیج فارس

۶ ایران و عراق: درگیری شط

۷ ایران و کشورهای دیگر

۸ ایران و روابط آن با کشورهای کمونیستی

۹ دولت، پارلمان و احزاب

۱۰ مخالفت و امنیت داخلی

ارزیابی شش ماهه اوضاع سیاسی ایران

۱ خلاصه:

این شش ماه دورانی توأم با آرامش غیرعادی بود. موضع شاه بدون تغییر و به قوت خود باقی بود. رشد سریع اقتصادی و گسترش کامیابیهای اقتصادی ثبات درونی کشور را تضمین می نمود. از نظر مالی کشور دستخوش مشکلاتی بود، لیکن برنامه ریزان صلاحیت دار و شایسته کنترل اوضاع را در اختیار داشتند. تغییرات کابینه نخست وزیر هویدا ظاهراً به تقویت موضع وی در قبال دیگر اعضای دولت انجامیده بود ولی او دیگر اعضای کابینه همچنان در اختیار شاه مانده بودند، پارلمان کشور بدون اینکه تغییری کرده باشد بدون مطالعه دقیق به ایفا نقش خود در قانونگذاری ادامه می داد. پس از اخراج دبیر کل خسروانی، کنگره حزب ایران نوین در سپتامبر تشکیل خواهد شد، تا علاوه بر ایجاد تغییر در ساختار آن در پرسنل حزب نیز تغییراتی ایجاد گردد. نفوذ در سازمان امنیت کشور و نیز سرعت تغییرات اجتماعی و اقتصادی سازمان روحیه عناصر مخالف را بر هم زده بود. به کارگیری کردهای عراق به تعهد بیش از پیش سازمان امنیت ایران در کردستان نیاز داشت، با این حال کنترل اوضاع مشخصاً در اختیار دولت بود. دانشجویان و

کارگران آرام بودند و فقط گاه دست به اعتصابات مختصر می زدند.

ایران در سیاست خارجی راهی نیرومند و مستقل را در پیش گرفته بود. رابطه بین ایران و آمریکا در نتیجه تماسهای شخصی بین شاه و رئیس جمهوری و نیز تأثیر موضعی پرواز آپولوی ۱۱ در سطحی بسیار عالی قرار داشت. مذاکرات سالانه در مورد فروشهای نظامی و درآمدهای شرکتهای نفتی توأم با مشکلات بسیار بود، لیکن نتیجه ای رضایتبخش داشت. سیاست مراوده شاه با شوروی و اروپای شرقی تا حدودی موجبات گسترش تجارت و همکاری به خصوص با رومانی و چکسلواکی را به دنبال داشت. ایران موضع مرز خود در شط العرب را طبق معاهده ۱۹۳۷ پیش کشید، ولی عراق تمایل به مذاکره براساس شرایط ایران را نداشت و پس از چند بار چنگ و دندان نشان دادن، موضوع به صورت جنگ لفظی ادامه پیدا کرد. مهمترین منافع ایران در خلیج فارس نهفته بود. شاه اعلام کرده بود که پس از خروج انگلیس در سال ۱۹۷۱ از حضور هیچ نیروی بیگانه ای در خلیج فارس استقبال نخواهد شد، و بار دیگر اعلام کرد که آمریکا نیز باید تسهیلات بندری خود در بحرین را رها سازد. تلاش برای هماهنگ سازی روابط این کشور با عربستان سعودی و جلب حمایت شیخ نشینهای خلیج به آرامی ادامه داشت. ولی شاه از توسل به زور در مورد بحرین اجتناب ورزید و حاضر به پذیرش فدراسیونی شد که بحرین از آن مستثنی باشد. در نقاط دیگر، ایران با لبنان به قطع روابط دیپلماتیک دست زد چون این کشور، بختیار رئیس ساواک را که به آنجا پناهنده شده بود، مسترد نمود. لیکن در برخورد با جمهوری متحده عربی جانب اعتدال را در پیش گرفت و از خواسته پیشین، یعنی عذرخواهی جمهوری به عنوان شرط اول شدن روابط چشم پوشید. ایران به پاکستان توجه خاصی داشت، و به خاطر نگرانی در مورد امنیت مرزهای شرقی خود به سرعت دولت یحیی خان را به رسمیت شناخت و از روابط نزدیک بین دو کشور بهره برداری نمود. با پایان دوره گزارش حاضر، شواهدی دال بر تغییر ثبات سیاسی ایران رؤیت نشد، لیکن در مورد

کاهش سرعت رشد اقتصادی ابراز نگرانی می شد. دلایل و شواهد امیدوارکننده حاکی از آن بود که خودداری و پیگیری سیاست آرام، در مورد بحرین می تواند راه حلی را پدید آورده و راه را برای ایجاد روابط بهتر در خلیج هموار سازد. در روابط ایران و آمریکا، مشکلات سالانه از قبیل فروش اعتبار نظامی و مذاکرات مربوط به درآمدهای نفتی در حال پدید آوردن مسائل جدیدی بود. لیکن سفر رسمی شاه به آمریکا در ماه اکتبر موجب تقویت هر چه بیشتر روابطمان گردید و طرفین بار دیگر اطمینان یافتند که قادرند مسائل را با در نظر گرفتن منافع دوجانبه حل و فصل نمایند.

شاه

طی شش ماه گذشته شاه همچنان رئیس بی چون و چرای خانه خود بود و ثبات سیاسی یکنواخت کشور، رشد اقتصادی، انقلاب سفید، و یا سیاست خارجی مستقل و مفید به حال ایران را هیچ خطری تهدید نمی نمود. بنا به گفته خود او، وی با احساس یک دولتمرد مجرب در بیست و هشتمین سال سلطنت خود در صحنه جهانی سیاست خارجی کشور را با اعتماد کامل هدایت کرده است، و به صورت غیرعلنی به ترویج مواضع مورد نظر آمریکا در میان دوستان ایران پرداخته، لیکن در انظار عموم آن چنان نقش متعادلی را ایفا کرده که از طریق آن به گسترش جاه طلبی های ایران در خلیج و بهره برداری از روابط خود با غرب، جهان سوم و کشورهای بلوک کمونیست نائل آید. سرسختی شاه در مذاکرات نفتی، اصرار وی در

قطع روابط دیپلماتیک با لبنان بر سر موضوع بختیار، و موضع تهاجمی وی در قبال عراق به خاطر مرز بین دو کشور در شط العرب بر وجهه وی به عنوان سیاستمداری منطقی لطمه وارد ساخته است.

علیرغم نشانه های حاکی از بحرانهای اقتصادی، در داخل کشور شاه برای تسریع پیشرفت اقتصادی اعمال فشار می نمود. با نزدیک شدن زمان خروج انگلستان از خلیج و رویارویی با عراق در مورد شط العرب، شاه بخش اعظم توجه خود را به آمادگی نظامی ایران معطوف داشت، و علاقه وی به کسب سیستمهای دفاعی بیش از پیش افزایش پیدا کرد. طی یک خانه تکانی نظامی بیش از ۵۰ افسر عالی رتبه، از جمله رئیس ستاد فرماندهی کل، فرمانده نیروی زمینی و هفت نفر از هشت فرمانده نیروی دریایی بازنشسته و افسران جدیدی به جای آنان منصوب شدند. ریاست جدید فرماندهی کل یعنی ژنرال فریدون جم، به سمت عالیرتبه ترین مشاور شاه منصوب گردید. لیکن ژنرال خاتمی فرمانده نیروی هوایی از موضع نیرومند قبلی خود برخوردار بود. انتصاب ریاست ستاد با صلاحیت مناسب برای اولین بار در تاریخ اخیر ایران نشانگر میزان اعتماد شاه نسبت به امنیت و بقای موضع خود می باشد.

با افزایش مشارکت گروه نخبگان در صنعتی سازی ایران به جای مشاغل سیاسی، با گسترش منافع و کامیابیهای اقتصادی، و با صدور تصاویر شاه به عنوان فردی خیر و نیک به روستاها توسط انقلاب سفید شانس بقای شاه بیشتر و بیشتر شده بود. تلاش وسیعی صورت گرفته بود، تا با تبلیغ پیرامون فعالیتهای خیریه و امور داخلی دیگر به سلطنت وجهه انسانی بیشتری داده شود، ملکه به خاطر صمیمیت بی شائبه اش از محبوبیت بسیار برخوردار شده بود و چنین به نظر می رسد که پس از مبارزات وی در برابر چاپلوسیهای درباری و سخنرانیهایش در مورد حراست از موروثات فرهنگی کشور به وی اجازه داده شود تا نقش بیشتری را در ادامه امور مملکت به عهده گیرد تا بتواند برای ایفای نقش احتمالی خود به عنوان نایب السلطنه آماده شود.

لیکن محبوبیت خاندان سلطنتی هنوز قادر نیست جانشین اقتدار شاه برای ابقای سلطنت گردد، و مسئله حراست در آن، در صورت برکناری شاه از صحنه نیز هنوز لاینحل باقیمانده است.

اوضاع اقتصادی

رشد سریع اقتصادی ایران بدون وقفه ادامه دارد، لیکن حرارت و تأکید موجود حاکی از آن است که اعلامیه یا بیانیه دیگر صادر خواهد شد. برنامه ریزان اقتصادی برای مقابله با فشارهای موجود آماده شده و انتظار می رود که پیشرفت مداوم اقتصادی زیر بنای ثبات اقتصادی کشور را تشکیل دهد.

طی سال ایرانی که در تاریخ ۳۱ مارس خاتمه خواهد یافت و اولین سال برنامه عمرانی چهار ساله می باشد، رشد تولید ناخالص ملی به ۳/۱۰٪ افزایش یافت و برای جمعیت ۲۸ میلیونی ایران درآمد سرانه ای معادل ۳۰۰ دلار را به همراه داشت. در شش ماهه اول سال ۱۹۶۹، صادرات نفتی، پروژه های ساختمانی، تولید داخلی، سطح اشتغال، و میزان سرمایه گذاریها همچنان بالا بود. میزان برداشت محصول نسبتاً خوب بود، ولی میزان برداشت در محصولات مولد نقدینگی به استثنای پنبه در مقایسه با برداشت در سال ۱۹۶۹ پایین بود. پیشرفت گرچه در بعضی موارد کندتر بود، ولی در زمینه پروژه های صنعتی از قبیل مجتمع پتروشیمی که به مرحله تولید رسیده خط لوله گاز، کارخانه ذوب آهن، و کارخانه های تولید تراکتور و ماشین آلات ادامه داشته است. برنامه های تهیه شده می تواند موجبات افزایش در زمینه کشاورزی

صنعتی را فراهم آورد.

نکته نگران کننده این است که کنترل پولی سال ۱۹۶۸ قادر به کاهش فشار ناشی از تورم نبوده است. هنگامی که شاخص هزینه زندگی که خود نیز از نظر کلی بسیار عجیب و غریب بود ۲/۳٪ افزایش قیمت در دوره بین ۲۱ مارس تا ۲۱ ژوئن ۱۹۶۹ در مقایسه با همان دوره از سال گذشته را نشان می داد بانک مرکزی بار دیگر اقداماتی را در جهت محدودسازی نقدینگی با افزایش میزان بهره، ذخایر مورد نیاز بانکها بازرگانی، حداکثر بهره برداری سپرده های مدت دار و پس انداز انجام داد.

نکته نگران کننده میزان ذخایر ارزی خارجی رو به کاهش بود که در مارس ۱۹۶۹ معادل ۱۵ میلیون دلار ارز آزاد خارجی را نشان می داد. با رسیدن سطح ذخایر ارزی در ماه ژوئن به سطح ۴۵ میلیون دلار، وضع تا حدودی بهتر شده بود و نشانگر آن بود که سازمان برنامه به بدهی های خارجی توجه بیشتری معطوف داشته و در زمینه دریافت وامها با احتیاط بیشتر عمل می کند. کمبود داخلی پول نیز برای دولت مشکل ایجاد کرده بود، چون دولت علیرغم میزان قروض داخلی تورم زا قادر به تأمین اسکناسهای مورد نیاز نبود. هزینه های جاری نیز قابل کنترل نبود، چون بودجه سال جاری در مقایسه با سال قبل ۵/۱۰٪ افزایش یافته بود.

با وجود این مشکلات و مشکلات عمده ناشی از پروژه های صنعتی مهمی از قبیل پروژه خط لوله نفتی و مجتمع پتروشیمی شاهپور و امکان اینکه درآمدهای نفتی سال آتی نتواند نیاز عمرانی کشور را تأمین کند. سازمان برنامه راه تجدیدنظر را در پیش گرفته چون دریافته است که منابع مالی موجود قادر به تأمین نیاز تمام پروژه های مندرج در برنامه های عمرانی چهارم نیست. بنابراین احتمال تأخیر در مورد بعضی از پروژه های مهم وجود دارد.

لیکن اگر ایران در رسیدن به اهداف کوتاه مدت عمرانی خود به بیش از آنچه قابل هضم است دست

یافته می توان گفت که خطر آنچنانی در برابری وجود ندارد. با وجود اینکه حفظ موازنه اقتصادی در برابر فشارهای عالی از طرف شاه در رابطه با افزایش سرعت پیشرفت اقتصادی و خریدهای نظامی دشوار است ولی رده های بالای مقامات نیز دریافته اند که میزان پیشرفت قابل تحقق محدود است و اقداماتی نیز به عمل آمده، تا پیشرفت اقتصادی همگام با امکانات کشور تحقق یابد. گرچه این امر سبب کاهش میزان رشد غیرعادی خواهد شد، ولی نتیجه آن پیشرفتی منظم و سالم خواهد بود.

روابط ایران و آمریکا

ماهیت و محتوای روابط آمریکا و ایران در شش ماه گذشته تغییر نکرد و علیرغم مشکلات موجود اساس این روابط به قوت خود باقی ماند. حضور شاه در تشییع جنازه آیزنهاور فرصتی پدید آورد، تا شاه شخصا با رئیس جمهور نیکسون و دیگر رهبران دولت جدید آمریکا آشنا گردد. مشارکت وزیر خارجه راجرز در کنفرانس وزراء سنتو در تهران در ماه می جو دوستی و صمیمیت بین رهبران دو دولت را مستحکم تر ساخت. موفقیت بی نظیر ماه پیمای آپولوی ۱۱ نیز مورد توجه خاص ایرانیان قرار گرفت و احساسات تمام طبقات ایرانی را برانگیخت. این امر شهرت آمریکا را دوچندان کرد و برتری آمریکا از نظر فنی و مدیریت را در نظر آنها بسیار مورد توجه جلوه گر ساخت. سفر رسمی شاه به واشنگتن که قرار است در ماه اکتبر صورت گیرد نیز بر اهمیت روابط بین دو کشور خواهد افزود.

رابطه آمریکا با ایران حتی در متن «ناسیونالیزم مستقل» ایران از اولویت خاص برخوردار گردید که بخش اعظم این اولویت ناشی از همکاری نظامی ما با ایران است که شاه برای آن ارزش بسیاری قائل است. مذاکره در مورد برنامه فروش نظامی خارجی (بخش هفته) بار دیگر آغاز شد و علیرغم این واقعیت که نیاز شاه به خصوص در زمینه دریافت هواپیماهای اف ۴ بیش از حد برنامه بود، در این زمینه موافقتنامه ای امضا گردید. درک دوجانبه مشکلات سبب پیدایش یک راه حل رضایتبخش گردید. که براساس آن تحویل هواپیماهای اف ۴ می توانست از طریق یک «تعهد قابل اتکا» با ارائه اعتبار از طرف دولت آمریکا توسط پرداختهای آتی صورت گیرد. یک نکته اختلاف بالقوه پدید آمد که هنوز لاینحل مانده و آن مسئله استخدام تکنیسینهای نیروی هوایی آمریکا برای تعمیر جت های نیروی هوایی ایران بود که در صورت تشدید اختلاف با عراق می توانست، مورد بهره برداری قرار گیرد. مسئله کاربرد مجدد پرسنل آمریکایی در جنوب به طور غیر رسمی مطرح شد، و پس از مطلع ساختن ایرانیها از این امر که این کار می تواند برای واشنگتن مشکلاتی جدی پدید آورد پس گرفته شد. این واقعه شاید شاه را به یاد موضع آمریکا در قبال پاکستان آن هم در جنگ هند و پاکستان انداخته و شاید شاه در سفر آتی خود به واشنگتن این مسئله را بار دیگر مطرح سازد.

روند مذاکرات سالانه نفتی بین دولت ایران و کنسرسیوم شدیدتر از پیش بود. گاهی به بن بست کشانیده می شد، ولی در نهایت طرفین به توافق رسیدند. اعلامیه صریح کنسرسیوم به شاه در فوریه مبنی بر اینکه کنسرسیوم نخواهد توانست، سطح تولید را آنقدر بالا ببرد که بتواند به نیاز یک میلیارد دلاری ایران در سال آتی پاسخ دهد، موجب بروز عکس العمل تند شاه گردید. مذاکرات از آن پس با وقفه ادامه یافت و دولت ایران دست از تقاضاهای خود برنداشته و اعلام کرد که سهم مشارکت خود در کنسرسیوم را افزایش خواهد داد / کنسرسیوم نیز ترس از آن داشت که اگر مصالحه نماید، سال بعد نیز باید به تقاضاهای بزرگتر

ایران پاسخ مثبت دهد، لیکن در نهایت کنسرسیوم فرمول جدیدی را یافت که با ترکیب افزایش برداشت و تجدید پیش پرداخت در پایان سال بتواند نیاز ایران را تأمین نماید، ولی این کار تنها از طریق عواید نفتی ممکن نبود.

طبق معمول، قرارداد همکاری دوجانبه دو کشور در زمینه کاربرد انرژی اتمی در امور غیرنظامی مانند قرارداد امنیتی سه جانبه آمریکا، ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی با تأخیر رو به رو شد. در نهایت متن قابل قبول طرفین در زمینه تضمین سرمایه گذاریهای مربوط تهیه و توسط کابینه تصویب و به مجلس فرستاده شد چون ایران مایل به اصلاح قرارداد حمل و نقل هوایی دوجانبه بود، گفتگو در مورد هوایمایی غیرنظامی آغاز شد، لیکن تغییری ننمود. تعطیل دو کنسولگری از چهار کنسولگری آمریکا در ایران در رابطه با BALPA در نهایت مورد قبول واقع گردید. تجارت آمریکا همگام با تجارت کلی ایران با صادرات آمریکا ادامه داشت و ۱۸٪ خریدهای خارجی ایران را تشکیل می داد و خریداران آمریکایی ۱۰٪ صادرات غیرنفتی ایرانی را به خود اختصاص داده بودند. در شش ماهه اول ۱۹۶۹ صادرات آمریکا به ایران معادل ۱۶۰ میلیون دلار و خریدهای آمریکا از ایران (شامل فرآورده های نفتی) معادل ۵۰ میلیون دلار بود. بین شرکتهای آمریکایی و دولت ایران اختلافات مهمی در زمینه کارخانه شیمیایی شاهپور، کارخانه لوله سازی اهواز و پشم کاشمر پدید آمد ولی منجر به فسخ هیچ یک از قراردادهای مربوطه نگردید. عدم حمایت آمریکا از ایران در مناقشه با عراق آن هم بر سر شط العرب و حمایت نه چندان شدید

ما از طرح لژیون رفاه بین المللی شاه نارضایتیهایی را در ایران پدید آورد، لیکن اعتراضات چندانانی را برنینگیخت.

مذاکرات آتی نفت و فروش نظامی بار دیگر آغاز و روابط ایران و آمریکا را بار دیگر به مرحله آزمایش خواهد گذاشت. شکاف موجود بین عواید نفتی مورد نیاز ایران و پرداختهای پیش بینی شده کنسرسیوم در سال آتی ایرانی ممکن است وسیعتر از سال گذشته باشد. ولی شواهد موجود حاکی از آن است که شاه دریافته که شرایط متغیر بازارهای جهان نمی تواند پاسخگوی نیازهای ایران باشد، بنابراین در سال ۱۹۶۹ با ایرانی منطقی تر رو به رو خواهیم بود. مذاکرات مربوط به فروش نظامی در برنامه بعدی نیز خالی از دردسر نخواهد بود. «فهرست نیازمندیهای» شاه به خاطر تمایل وی به مدرنیزه ساختن سریع نیروهای مسلح این کشور با نزدیک شدن زمان خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس گسترش می یابد. لیکن با وجود این مشکلات منافع دوجانبه، اعتماد متقابل و تمایل به همکاری جهت از بین بردن اختلافات و ایجاد تفاهم بین طرفین وجود دارد.

ایران و خلیج فارس

طی دوره مورد بررسی، ایران در خلیج فارس از موضعی توأم با اعتدال و ممانعت از دیپلماسی قدرت نمایی برخوردار بود، که منجر به رویارویی با عراق در مورد شط العرب گردید (به بخش ۶ رجوع شود) شاه به همه فهماند که ایران در نظر دارد پس از خروج انگلستان نقش مهمی را در منطقه ایفا کند و به کرات اعلام نمود که پس از سال ۱۹۷۱ از هیچ قدرت بزرگی در خلیج فارس استقبال به عمل نخواهد آمد. هنگامی که ادوارد هیث رهبر حزب محافظه کار انگلستان اعلام نمود که در صورت پیروزی محافظه کاران در انتخابات آتی سیاست حزب تغییر خواهد کرد، شاه مؤدبانه لیکن قاطعانه اعلام کرد که دولت ایران از حضور مجدد بریتانیا در خلیج فارس استقبال نخواهد کرد. شاه به عربستان سعودی و دیگر کشورهای

حوزه خلیج (از بهار ۱۹۶۸) اعلام داشتند که برای طرح یک سیاست دفاعی مشترک در منطقه به وی پیوندند و از ما نیز خواست که تسهیلات بندری خود را در بحرین رها سازیم تا این بنادر براساس طرح دفاعی مشترک منطقه مورد استفاده قرار گیرد.

شاه با اشاره به بیانیه خود در دهلی نو اعلام داشت که در قبال سیاست خود در رابطه با بحرین به زور متوسل خواهد شد. عکس العمل ایرانیان در قبال فدراسیون عربی از «نفی فدراسیون دربرگیرنده بحرین به «نفی فدراسیون دربرگیرنده بحرین تا زمان حل مسئله مورد اختلاف» تغییر یافت. دولت ایران به شیخ نشین ها یادآور می شد که بحرین نمی تواند ضمیمه فدراسیون عربی گردد لیکن جلسات و رویدادهای مربوط به تشکیل فدراسیون عکس العمل چندانی را از طرف محافل مطبوعاتی و خصوصی ایران به همراه نداشت. در پایان این دوره همه دریافتند که سیاست آرام ثمربخش بوده و در مورد مسئله غامض بحرین می توان به راه حل رضایتبخش دست یافت. دولت ایران در برابر این خبر که شیخ عیسی به لندن و واشنگتن سفر خواهد کرد اعتنایی ننمود.

ایران به تلاش در جهت هماهنگ سازی روابط خود با عربستان سعودی ادامه داد. سقاف (Saqqaf) وزیرخارجه این کشور در ماه آوریل از ایران دیدار به عمل آورد و در عین حال که این سفر نتایج چندانی نداشت، ولی سبب شد که بهبود روابط بین دو کشور ادامه پیدا کند. علاوه بر این دو کشور در مورد سفر

زایرین بین ایران و عربستان سعودی به توافق دست یافتند. جنبه منفی قضیه این است که، قطع رابطه ایران با لبنان و درگیری در رود شط العرب به احتمال زیاد مقاصد ایران را در نظر ملک فیصل مشکوک جلوه گر ساخته، ولی تاکنون شواهدی دال بر اثبات این موضوع در روابط بین دو کشور مشاهده نکرده ایم. با پایان گرفتن این دوره انتظار نمی رود که ملک فیصل در ماه اکتبر به ایران سفر کند. شخص سقاف نیز نگران از این اعتقاد ایرانیها بود که باور داشتند، می توانند با توسل به زور عراقیها و احتمالاً دیگر اعراب را مرعوب سازند.

در مورد خلیج سفلی، ایران موضع معتدلتری را از خود نشان داده است. شیخ شارجه که قرار بود در اوایل این دوره به تهران رفته و در مورد جزیره ابوموسی به گفتگو بنشیند، دست از این سفر برداشت. در مورد جزایر تنب نیز پیشرفتی پدید نیامد چون شیخ رأس الخیمه قرارداد مربوط را تأیید ننمود. دولت ایران در رابطه با این رویدادها هیچ گونه نگرانی از خود نشان نداد. تا جایی که می دانیم، ادامه مذاکرات در مورد خط فاصل بین ایران و کویت حاصلی نداشته، ولی ایران با قطر در این مورد به توافق دست یافته و قرار است در ماه جاری قراردادی منعقد گردد.

ایران به جلب دوستی شیخ نشینهای خلیج ادامه داد. ولیعهدهای ابوظبی و دبئی طی برنامه دولت برای نزدیک ساختن شیوخ به یکدیگر از تهران دیدار کردند، ولی هیچ یک موفقیتی به دست نیاوردند. یک هیئت کنسولی ایرانی به مدت سه ماه در منطقه سفر کرد و برای ایرانیهای مقیم این منطقه پاسپورت صادر و تمدید کرد و به آنها اطمینان داد که ایران نسبت به آنها علاقه مند است. لیکن شاید بهتر از اینها سفر سناتور عباس مسعودی ناشر روزنامه اطلاعات به این منطقه باشد که با اجازه شاه صورت گرفت. مسعودی با مقامات منطقه از جمله حاکم بحرین ملاقات نمود. مهمتر از همه این که او اولین مقام ایرانی بود که ظرف چند سال گذشته با یکی از حکام بحرین دیدار می کرد. در مراجعت به تهران مسعودی مقالات متعددی در

مورد بحرین و شیخ نشینهای خلیج نوشت و به ایرانیان فهماند که ساکنین حوزه جنوبی خلیج به مقاصد ایران به دیده تردید و سوءظن می نگرند.

ایران و عراق رویارویی شط

در ماه مارس سال جاری دولت ایران تصمیم گرفت موضوع شط العرب را که یکی از مسائل اختلاف برانگیز است بار دیگر با عراق مطرح سازد. علت این امر هنوز کاملاً مشخص نیست. اقدامات ایدائی متعددی صورت گرفت و عراقیها با یک هیئت ایرانی که برای انجام مذاکرات به بغداد سفر کرده بودند برخورد درستی نداشتند، ولیکن امکان مذاکره در مورد مرز جدید شط (با در نظر گرفتن خط تالواگ به جای خط مرزی مورد تأیید ایرانیان) با دولت متزلزل عراق بعید به نظر می رسد و اعلام این مطلب که کشتیهای ایرانی حق دارند با پرچم ایران در آنجا به دریانوردی بپردازند، مانع از بروز خصومت‌های مداوم نگردید. نتیجه گیری ما این است که دولت ایران دریافته است که می تواند عراقیها را که مهمترین قدرت نظام عربی در خلیج هستند تحت تأثیر قرار دهد و علاوه بر این به دیگر اعراب تندرو منطقه قدرت نظامی ایران را نشان داده و به آنها بقبولاند که ایران مایل است، رهبری خلیج را عهده دار شود. از زمانی که نظامیان عراقی متعهد نبرد با اسرائیل و کردها شده اند، خطر چندانی متوجه ایران نبوده است. شاید ریشه های تضاد در سفر دسامبر گذشته نخست وزیر و وزیر دفاع عراق ژنرال حردان التکریتی به

تهران نهفته باشد. تکریتی که بنا به گزارشات واصله برای رسیدن به قدرت در عراق در صدد جلب حمایت ایران بود و گویا در آن زمان نیز کنترل بسیاری از امور را در دست داشت، از طرف دولت ایران مورد استقبال قرار گرفت. سفر وی به ایران سبب شد که چشمداشت‌های دولت ایران از عراق افزایش یابد. علیرغم اختلاف نظر سرویس‌های اطلاعاتی ایران و آژانس‌های دولتی در اواخر ماه ژانویه، خلعتبری به عراق رفت تا پیرامون مسئله شط و موارد دیگر به گفتگو بنشیند. ولی هیئت ایرانی با ناراحتی عراق را ترک گفت، چون عراقیها به بحث در مورد شط علاقه ای نشان نداده و با این هیئت رفتاری ناشایست داشتند. اتفاقات بسیاری به سرعت رخ داد. ابتدا ماهیگیران ایرانی در شط مورد اذیت و آزار قرار گرفتند و پس از آن عراق اقدام به توقف و تفتیش دو قایق رودپیمای ایرانی کردند. مناقشات دیپلماتیک بین دو کشور در ۱۹ آوریل به اوج خود رسید و افشار جانشین وزیر خارجه وقت قرارداد ۱۹۳۷ را مغایر با قوانین بین‌المللی خواند و عراق را متهم به سرپیچی از شرایط خاص این قرارداد نمود. افشار با نمایش تمایل به مذاکره اعلام نمود که ایران در مورد مسئله شط پاسخ هرگونه آتش را با آتش خواهد گفت. ایران نیز به تمرکز قوا و تسلیحات در منطقه شط مبادرت ورزیده و در دیگر تأسیسات دفاعی کشور اقدامات احتیاطی لازم را به مورد اجرا گذاشته بود.

علیرغم اعلام این مطلب توسط دولت ایران که هر کشتی عازم ایران باید دارای پرچم و ناخدای ایرانی باشد، معلوم شد که این امر تنها در مورد کشتیهای ایرانی رعایت می‌گردد. (کشتیهای خارجی بنا به علل بسیار از جمله مسئله بیمه و امنیت کشتیرانی مایل نبودند که کشتیهای خود را در شط به ناخداهای ایرانی بسپارند). پس از آنکه دو کشتی در مسیر شط از پرچم و ناخداهای ایرانی استفاده کردند (که البته اسکورت دریایی نیز آنان را همراهی می‌نمود) در اواخر ماه آوریل دولت ایران اعلام کرد که در شط به اهداف خود دست یافته است، ولی واقعیت امر این است که در نتیجه این درگیری تنها در رابطه با کشتیهای

ایرانی وارد و خارج شونده از ایران در مسیر شط مقررات جدیدی وضع شده بود.

این امر بیش از آنچه که در نگاه اول به نظر می‌رسد حائز اهمیت است، چون ایرانیها امیدوارند که

بتوانند در آینده این معاهده را کاملاً نفی کرده و عراقیها را وادار به مذاکره در این مورد بنمایند. علیرغم

حسن نیت بسیاری از کشورها و نیز میانجیگریهای اردن، عراق تا به حال نشان داده که براساس شرایط

سخت پیشنهادی توسط ایران حاضر به مذاکره نمی‌باشد و توجه عموم ایرانیان از این مسئله منحرف شده و

مقداری از نیروها نیز از این منطقه به عقب بازگردانده شده‌اند.

دو عامل مهم اختلاف برانگیز بین دو کشور، یعنی همکاری عراق با ژنرال بختیار، فعالیت‌های عراق در

خلیج فارس و تبلیغات ضدایرانی بغداد و بدرفتاری و اخراج ایرانیهای مقیم عراق هنوز به قوت خود باقی

است. اخیراً دولت ایران اعلام کرده است که شمار ایرانیهایی که از عراق به ایران رانده شده‌اند ۱۸۶۰۰ نفر

می‌رسد. ایران نیز عکس‌العمل نشان داده و هر سیلی را با سیلی پاسخ گفته است. تبلیغات مطبوعات و

رادیو ایران علیه عراق با وقفه‌هایی، گهگاه ادامه داشته است. کمک ایرانیها به کردها که دور از انتظار عراق

نبود، آشکارا و در طول بحران شط افزایش یافت تا با اعمال فشار بیشتر، دولت عراق به زانو درآید. در

پایان این دوره از درگیری مستقیم دو کشور جلوگیری به عمل آمده بود. لیکن هیچ نشانه‌ای، حاکی از پر

شدن شکاف بین دو کشور باشد، وجود نداشت.

ایران و کشورهای دیگر

به طور کلی ایران به تلاش خود در تقویت روابط با کشورهای که در بالا ذکری از آنها به میان نیامده، ادامه داده است.

عراق (در بخش ۶) و لبنان که ایران پس از مدتها مذاکرات تلخ در مورد استرداد ژنرال بختیار رئیس قبلی ساواک با آنها قطع رابطه کرد، از این قاعده مستثنی می باشند. غرض ورزی شخصی شاه این موضوع را به صورت امری خاص در آورده بود، اما به عنوان پیروزی یک عقیده شخصی بر شعور معمولی نمودار گردید.

پس از سقوط ایوب، دولت ایران تلاش کرد تا رابطه صمیمانه بین خود و پاکستان را حفظ کند. ایران به سرعت حمایت خود را از دولت یحیی خان اعلام کرد و هویدا اولین شخصیت خارجی بود که در ماه می و پس از وضع حکومت نظامی به پاکستان سفر نمود. در بیانیه ای ایران حمایت خود را از موضع پاکستان در قبال کشمیر اعلام کرد و هویدا در محافل خصوصی اعلام داشت که در صورت بروز خصومت با هند، پاکستان می تواند روی حمایت ایران حساب کند و پاکستان نیز به نوبه خود از موضع ایران در قبال شط حمایت کرد. شخصیت‌های دیگری از پاکستان از قبیل نورخان فرمانده نیروی هوایی و رحمان استاندار پاکستان غربی، در اواسط تابستان به ایران سفر کردند. بین ایران و هم پیمان دیگرش در سنتو یعنی ترکیه در این دوره انتقادهای مطبوعاتی رخ نداد و ایران نیز در مورد سیاست کشت خشخاش ترکیه مطلبی اظهار ننمود (به الف ۹۱۷ مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۶۸ رجوع شود). گرچه دورنمای احداث خط لوله نفتی خلیج فارس به اسکندرون که در مورد آن در سفر ماه ژوئن نخست وزیر هویدا به ترکیه تبلیغ شده بود، چندان امیدوارکننده نیست ولی این دیدار، حسن نیت و تفاهم بسیاری را بین طرفین به وجود آورده و روابط جنبه عادی به خود گرفته است. اجلاس ماه می شورای وزیران در مورد سنتو نیز به دنبال تهاجم شوروی به چکسلواکی از خود بردباری بسیاری نشان داد و بر ضرورت حمایت آمریکا از این سازمان صحه گذارد،

ولی شواهد ناشی از هواداری و خوش بینی زیاده از حد نسبت به آینده سنتو نبود.

موضوع رودخانه هیرمند، مهمترین مسئله موجود بین این کشور و افغانستان بود. در اوائل دوره

مذکور پیشرفت قابل ملاحظه ای در جهت دستیابی به یک راه حل صورت گرفت، لیکن در اوایل تابستان و

اعلام تمایل افغانستان به فروش آب به ایران بیش از آنچه که در قرارداد ذکر شده، مذاکرات به بن بست

رسید. به طور کلی روابط دو کشور از یک بهبود کلی برخوردار بود و گاهی نیز بهتر از قبل بود. ولی ایران

همیشه نسبت به نقش شوروی و چین در کابل و نیز اختلافات بین پاکستان و افغانستان ابراز نگرانی

می کرد.

دولت ایران نسبت به توسعه روابط دوستانه با هند در پی سفر شاه به این کشور در ماه ژانویه علاقه

بسیار نشان داد. وزیر خارجه هند رانش سینگ همراه با هیئتی به ایران سفر کرد و پیرامون مسائل

بازرگانی از قبیل ترانزیت کالاهای هندی به اروپای غربی و کشورهای حوزه مدیترانه و فروش وسیع

فرآورده های پتروشیمیایی ایران به خصوص آمونیاک برای تهیه کود شیمیایی به هند و نیز

سرمایه گذاریهای مشترک تبادل نظر نمود.

بهبود روابط با دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز ادامه داشت. شاه حسین و نخست وزیرش

جداگانه به تهران سفر کرده و نقش فعال دیپلماتیک خود را به نمایش گذاردند. ظاهراً در پاسخ به

پافشاریهای شاه حسین، شاه نیز با چشم پوشی از تقاضای پیشین خود، یعنی دریافت نامه عذرخواهی به عنوان شرط اصلی برقراری روابط دیپلماتیک، با امارات متحده عربی آشتی کرد. تبادل دیپلماتیک از طریق کشورهای ثالث پیشرفت چندانی نداشت، لیکن مطبوعات ایران در مورد امارات مطالب انتقاد آمیز چندانی درج نکرده و امارات نیز به نوبه خود در مورد مسئله شط مطلبی را عنوان نکرده و خاموش مانده است. شاه حسین نیز به خاطر حفظ منافع خود و به عنوان نشانه ای از روابط اردن و ایران تلاش کرده است تا ایران و عراق را در مورد مسئله شط بر سر میز مذاکره بکشاند ولی در این کار چندان موفق نبوده است.

در زمینه گسترش روابط با کشورهای عربی پیشرفت چندانی حاصل نشد، اما شاه و ملکه در آوریل سفر موفقیت آمیزی به تونس داشتند و مراکش و ایران نیز در مورد قرارداد فروش فسفات و نفت به مذاکره پرداخته و جو موجود بین دو کشور با سفر هیئتهای حسن نیت وزیران متعدد از جمله نخست وزیر هویدا که به عنوان میهمان شاه حسن در اواسط اوت همسرش را تنها گذاشته بود، گرمتر شد.

دولت ایران در ابراز مخالفت نسبت به توسل به زور در کسب امتیازات ارضی ادامه داده، خواستار خروج نیروهای اسرائیل از سرزمینهای اشغالی و اعاده وضعیت قبلی اورشلیم، و تأیید حمایت خود از ملت فلسطین گردید. شاه خاطر نشان ساخته است که اسرائیل در دوره بعد از جنگ ژوئن سرسختی بسیار نشان داده است. در همان حال ایران اسرائیل را به رسمیت شناخته و تهدید مبنی بر به دریا ریختن اسرائیلیها را غیر واقع گرایانه می داند.

در خارج از منطقه، سفر وزیر دریایی آلمان غربی اشتراوس به تهران در ماه آوریل و سفر هویدا به آلمان در همان ماه، اساس تمایل طرفین به گسترش روابط اقتصادی و سیاسی گردید. سفر شاه و ملکه مالزی به تهران تنها جنبه تشریفاتی داشته و سفر مزبور هیچ نتیجه خاص و چشمگیری را در پی نداشت.

روابط ایران با کمونیستها

مراوده مداوم ایران با شوروی و کشورهای اروپایی شرقی سبب افزایش سطح بازرگانی و همکاریهای اقتصادی در دوره مزبور گردید، اما به طور کلی این دوره یک دوره تجاری معمولی به حساب می آید. انگیزه اصلی شاه در این روابط عبارت است از جلب منافع اقتصادی حاصل از بازارهای بزرگ برای فروش منابع نفتی ایران و دیگر صادرات کشور، دریافت اعتبار بیشتر برای هزینه های عمرانی و جلب کمک فنی بسیار مورد نیاز. شاه هنوز هم معتقد است که حمایت ایران از آن دسته از کشورهایی که از اندیشه ای مستقل برخوردارند می تواند به تحقق کامل استقلال آنان بینجامد. روابط ایران با کشورهای بلوک، در صفحه بین المللی ایران را به کشوری دارای سیاست خارجی مستقل مشهور نمود و در داخل کشور شاه را فردی روشنفکر و معماری خستگی ناپذیر معرفی کرده است.

تماسهای تجاری و اقتصادی بین ایران و شوروی در شش ماهه آخر سال افزایش یافت، ولی نتایج ملموس بسیاری به همراه نداشت. در سفر معاون نخست وزیر شوروی با بیاکف به تهران در ماه آوریل و سفیر وزیر اقتصاد ایران همراه با هیئتی بزرگ به مسکو در ماه می و سفر وزیر راه در ماه ژوئن مذاکرات اقتصادی صورت گرفت. ماه آینده نیز قرار است که یک هیئت بازرگانی از شوروی به ایران سفر کند. ایران یک نمایشگاه تجاری در مسکو برپا کرد، که نتایج حاصله مفید بود و نمایندگان جمهوریهای جنوبی

شوروی که با ایران هم مرز می باشند، به این کشور سفر کردند تا تجارت مستقیم بین دو بخش مرزی را که هم اکنون بسیار محدود است. گسترش دهند. در فعالیتهای مربوط به کارخانه ذوب آهن روسیه پیشرفتهای چشمگیری حاصل شد، پروژه خطر لوله گاز دنبال شد، لیکن ادامه کار توأم با تأخیر بود و هزینه ها بیش از برآوردهای اولیه می باشد. و برای تمدید برنامه احداث سیلو به کمک شوروی نیز به توافقی دست یافته شد. در زمینه برقی سازی خط آهن بین تبریز و جوروفت (Juroft) و بهبود خطوط ارتباطی با شوروی نیز موافقت اصولی حاصل شد. در مورد برنامه های همکاری مورد بحث در گذشته، گرچه مطبوعات مقالاتی درج می کردند، ولی پیشرفتی پدید نیامد. ایران پیشنهاد شوروی را مبنی بر آغاز یک پروژه مشترک حفاری و بهره برداری از امکانات نفتی دریای خزر را نپذیرفت. شاه موضوع احداث خط لوله ترانز ایران را که از طریق آن بتوان نفت عربی را از حوزه خلیج به شوروی انتقال داد، در سر می پروراند، لیکن مشکلات لاینفک این پروژه، و اعتراضات شدید آمریکا و بریتانیا (که هنوز رسماً تسلیم دولت ایران نشده) تحقق این مسئله را بعید می نماید. دو کشور توافق کرده اند که شوروی یک کارخانه بازسازی هشت میلیون دلاری برای تعمیر و نگهداری وسایط نقلیه نظامی روسی در ایران احداث کند. با این حال ایران به خرید تجهیزات نظامی غیرپیشرفته از شوروی براساس قراردادهای اعتباری قبلی ادامه داد. و هیچ گونه تغییر چشمگیری در روند این قراردادها صورت نخواهد گرفت. تبادل پرسنل فنی افزایش یافت، لیکن ایران به خوبی مراقب اوضاع ایران است و تا اوت ۱۹۶۹ حدود ۱۲۰۰ تکنیسین روسی در ایران مستقر شده (همراه با خانواده هایشان) و حدود ۲۳۰ ایرانی نیز در شوروی به آموزش مشغول هستند.

گسترش فعالیتهای شوروی در ایران اعتماد دولت ایران را نسبت به کنترل حضور شوروی متزلزل نساخته است. این کشور هنوز هم نسبت به مقاصد شوروی در درازمدت مظنون است و تماسهای غیر

اقتصادی را شدیداً محدود ساخته است. اجازه ایجاد کنسولگریهای شوروی در اصفهان و رشت داده شد، به کشتیهای شوروی اجازه داده شد که در ماه ژوئن توقف کوتاهی در بندر عباس داشته باشند و سیرکهای روسی به تهران آمدند و مورد استقبال قرار گرفتند، اما تلاش برای تبادل دانشجو کاهش یافت و آموزش بینندگان ایرانی در شوروی تحت کنترل شدید قرار گرفتند. پیشنهاد روسی برگزاری کنفرانس تجارت ترانزیت منطقه ای در کابل مورد استقبال دولت ایران قرار گرفت، لیکن پیشنهاد شوروی برای ایجاد نوعی ترتیبات امنیتی منطقه ای با سردی رو به رو گردید. حمایت شوروی از حزب توده که به پخش برنامه های رادیوی مخفی خود ادامه می داد و در کنگره بین المللی حزب کمونیست شرکت کرده و در ماه مارس تظاهراتی را در برابر سفارت ایران در مسکو در مخالفت با محاکمه دانشجویان در ایران، برگزار کرد که همه نشانگر منافع شوروی است که به هیچ وجه منافع ایران را در نظر نمی گیرد. شاه در محافل خصوصی (و نه به روسها) در مورد تحویل سلاحهای روسی به کشورهای عرب متخاصم با ایران یعنی عراق و سوریه ابراز نگرانی کرد و اظهار داشت که اتحاد احتمالی این دو تحت رهبری عراق به صورت یک مشکل عمده خودنمایی خواهد کرد، وی همچنین در مورد گسترش نیروی دریایی و خطری که از این جانب سیاست ایران را در قبال خلیج فارس تهدید می کند، اظهار نگرانی نمود. برای نمایش این اختلافات بزرگ با شوروی به مطبوعات ایران اجازه داده شد تا مقالاتی انتقادی در سالگرد انعقاد پیمان بین هیتلر و استالین و حمله شوروی به چکسلواکی درج نمایند.

در میان کشورهای اروپایی شرقی ایران با کشورهایی که از نظر فکری مستقل تر می باشند، از جمله رومانی، چکسلواکی، و یوگسلاوی ارتباط نزدیکی را برقرار ساخت. در سفر وزیر تجارت خارجی رومانی در ماههای ژوئن و ژوئیه به ایران، یک موافقتنامه اصولی در مورد گسترش تجارت پایاپای منعقد، و گسترش و بهبود همکاریهای اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. بعدها اعلام شد که چائوشسکو رئیس جمهور رومانی نیز در ماه سپتامبر به ایران سفر خواهد کرد و یک هیئت عالی رتبه اقتصادی را نیز به همراه خود به این کشور خواهد آورد. چکسلواکی قراردادهای جدیدی با ایران منعقد ساخت و طی آن ۲۰۰ میلیون اعتبار خرید کالاهای سرمایه ای در اختیار ایران گذاشت و تجارت پایاپای بین دو کشور را گسترش بخشید، و رئیس جمهور چکسلواکی سووبودا (SVOBODA) نیز در ماه نوامبر به ایران خواهد آمد. معاون نخست وزیر یوگسلاوی پزدراک نیز در ماه آوریل به ایران سفر می کند. یوگسلاوی در مورد اداره یک پروژه کشاورزی صنعتی در جنوب ایران به توافق رسید، و ایران نسبت به احداث یک خط لوله نفتی بین ایران و یوگسلاوی جهت انتقال نفت به چکسلواکی و مجارستان علاقه نشان داد، ولی در مورد امور مالی و مسائل مربوطه دیگر هنوز به توافق نرسیده اند. گرچه تجارت و کمک اساس روابط ایران با این کشورها را تشکیل می دهد عنصر حمایت از تلاش برای کسب استقلال آنها نیز چشمگیر بود، بدون شک سفر چائوشسکو به ایران در حالی که شوروی نسبت به رومانی نظر مساعدی ندارد و انتخاب سووبودا، آخرین بازمانده دوران قبل از تهاجم شوروی به عنوان نماینده چکسلواکی نشانگر این واقعیت است که حمایت ایران از تمایلات لیبرالی کشورهای عضو بلوک تا چه اندازه می تواند مفید واقع گردد.

نکته قابل توجه دیگر سفر وزیر اقتصاد علیخانی به مجارستان و لهستان در ماه می است، که سبب انعقاد یک قرارداد درازمدت تجارتهای پایاپای با مجارستان گردید. حمایت آلمان شرقی از عراق در مناقشه شط العرب سبب شد که ایران تجارت بین ایران و آلمان شرقی را محدود ساخته و از تلاش آلمان

غربی در جلوگیری از عضویت آلمان شرقی، در سازمان بهداشت جهانی حمایت نماید. در تنها رویداد مربوط به کشورهای کمونیستی که از نظر دیپلماتیک به رسمیت شناخته شده اند، به پنج روزنامه نگار کره شمالی اجازه داده شد تا به مدت یک هفته وارد ایران شده و به بررسی انقلاب سفید بپردازند.

دولت، پارلمان و احزاب

علیرغم وجود شایعات در مورد برکناری وی، نخست وزیر هویدا در این دوره همچنان رئیس دولت بود. واقعیت امر این است که در نتیجه تغییرات شخصی در کابینه و دیگر ادارات دولتی، وی از موقعیت نیرومندتری برخوردار شده است. ایجاد تغییرات دو مرحله ای ماههای اوت و ژوئیه در کابینه سبب برکناری وزیر اقتصاد علیخانی، وزیر کشور خسروانی و وزیر مسکن و عمران نیک پی گردید. در این تغییر داخلی وزیر کشاورزی حسن زاهدی وزیر کشور شد، و سه چهره جدید یعنی هوشنگ انصاری به عنوان وزیر اقتصاد، ایرج وحیدی به عنوان وزیر کشاورزی و محمد یگانه به عنوان وزیر مسکن و عمران وارد کابینه شده و هر سه آنها به عنوان مدیرانی لایق و سخت کوش به دولت ایران افزوده شدند. برکناری علیخانی و خسروانی و نیز بازنشستگی اجباری عبدالرضا انصاری در سال ۱۹۶۸ از وزارت کشور سبب شد که افراد برجسته، و مستقل از نظر فکری که احتمالاً رقبای بالقوه نخست وزیر نیز به شمار می آمدند، برکنار شوند. افراد جدیدی که وارد کابینه شده اند مانند افراد سال ۱۹۶۸ جوانتر و از مهارتهای بیشتری در

زمینه های فنی و مدیریت برخوردارند و این امر وجهه کابینه را به عنوان گروهی متشکل از افراد حرفه ای که می توانند با نخست وزیر همکاری کنند، بالا می برد.

در زمانی که اوضاع داخلی کشور آرام است، مهمترین رویداد همین تغییرات داخلی دولتی به شمار می آید. سال قبل ۲۲ فقره تغییر شامل ۱۶ نفر در کابینه صورت گرفت. تغییرات مهم پرسنلی در پایان سال ۱۹۶۸ سبب وارد شدن چهره های جدید به سازمان برنامه و بانک مرکزی گردید. هر دوی این نهادهای اقتصادی چشمگیر از آن زمان دستخوش تحولات و یا تغییر مسئولیتهایی شده اند که وزارتخانه ها نیز با وجود وزیران جدید از این قاعده مستثنی نمی باشند. به طور کلی می توان گفت که تغییرات مزبور سبب روی کار آمدن مدیران امروزی در نقاط حساس شده و برخلاف گذشته از استعدادها و مسئولیتهای حداکثر بهره برداری صورت می گیرد.

روند عدم تمرکز قدرت و توزیع آن میان استانها نیز به آرامی صورت می گیرد مقامات منطقه ای وزارتخانه های بهداشتی و اصلاحات ارضی توانسته اند، هزینه های محلی را به خوبی تحت کنترل گرفته و بر پرسنل خود نظارت نمایند.

تغییر و تقسیم مجدد مرزی استانها و افزایش اختیارات استانداران نیز در آینده ای نه چندان دور صورت خواهد گرفت. انگیزه های جدید (غیرمستقیم) برای اصلاح آموزش دانشگاهی در نشست دوم رؤسای دانشگاهها و مقامات عالیترتبه آموزشی در حضور شاه و انتصاب علیخانی به عنوان رئیس دانشگاه تهران ایجاد شد. مقامات عالیترتبه دولتی در نتیجه بررسیهای سازمان بازرسی شاهنشاهی که منجر به پرده برداری از اختلاس در شرکت واحد اتوبوسرانی شد متقاعد شده اند که دولت در مبارزه خود با فساد بسیار جدی است، لیکن مجازاتهای ناچیز مسئولین تأثیر این تلاش را از بین برد.

پارلمان مانند گذشته نقش قانونگذاری خود را ایفا کرد، ولی فاقد اعتقاد و اعتماد به نفس بود. در روند

تصویب لوایح هیچ گونه بحث و مناظره آن چنانی صورت نمی گرفت، و در مورد مسائلی که امکان ایجاد اختلاف را پدید می آورد (از قبیل کشت خشخاش، اختصاص بودجه اضطراری نظامی) درباره اجازه هیچ گونه بحث و مناظره ای را نمی داد. سروصدایی که از مجلس به گوش می رسید عبارت بود از گفتارهای عوامفربانه در مورد دشمنان ملی مانند، شرکتهای نفتی و عراق.

خسروانی دبیر کل حزب ایران در اوایل سال مزبور اعلام کرد که در نظر دارد، حزب را از وجود «عناصر فرصت طلب و فردگرا» پاکسازی کند، ولی کمیته مرکزی ۲۰۰ نفره حزب تنها اقدام به ایجاد تغییرات جزئی در کمیته اجرائی کرد. اختلاف درون حزبی بین گروه سنت گرایان خسروانی و هیئت نخبگان ادامه یافت و دبیر کل متهم شد که با استفاده از پست وزارت خود، سعی دارد حامیان شخصی و حزبی خود را به قدرت برساند، لیکن این اختلافات با برکناری خسروانی از کابینه و استعفای وی از حزب در ماه اوت خاتمه یافت. اجلاس ویژه کنگره حزبی در ماه سپتامبر حتما تغییرات عمده حزبی و پرسنلی را به دنبال خواهد داشت.

در میان مخالفین وفادار هیچ رویداد مهمی به وقوع نپیوست. حزب مردم علیرغم اعلام حمایت شاه از نظام دو حزبی در سال ۱۹۶۸ شاهد هیچ گونه افزایشی در میزان حمایت از خود نبود. حزب پان ایرانیست همچنان از ناسیونالیزم سخن می گفت و یک «کنگره حزبی» برگزار کرد و جلسات دیگری نیز با شرکت دانشجویان ایرانی تشکیل داد. ولی هیچ گونه شواهدی وجود نداشت که براساس آن بتوان گفت که شاه در

نظر دارد حمایت خود از پان ایرانیسم را افزایش داده و به آن اجازه دهد که در زمینه تحریک احساسات بیش از این فعالیت نماید.

مخالفت و امنیت داخلی

کنترل دولت بر اوضاع سیاسی در دوره مزبور به طرز مؤثری اعمال می شد. فعالیت‌های خرابکارانه علنی محدود بود و نتایج قابل رؤیتی به دنبال نداشت. در یک رویداد کوچک، گروه اندکی مرکب از چند جوان و مردان بی تجربه که گویا عضو جناح چپ‌کون حزب توده بودند، به اتهام طی دوره های چریکی دستگیر شدند، ولی فعالیت کمونیستی در ایران محدود به توزیع گهگاه نشریه ها می باشد. مخالفین هر دو جبهه کمونیست و غیر کمونیست از نظر میزان نفوذ و فرصت‌های عملی موفقیت‌های بسیار ناچیزی به دست آورده اند. در نتیجه رسوخ نیروهای امنیتی، مخالفین غیرقانونی دریافتند که پیشرفت‌های اقتصادی و اصلاحات اجتماعی دیگر برای آنها بهانه ای برای مبارزه باقی نگذاشته است.

حزب توده و دیگر ناراضیان در خارج فعالیت داشته ولی در داخل نفوذی نداشتند. برنامه های رادیویی روزانه حزب توده که از طریق اروپای شرقی به ایران می رسد کاهش نیافت، ولی پیشرفت‌های ایران را به رسمیت شناخت و سعی در توجیه و تحقیر آن کرد. دولت ایران نیز تلاش خود را برای دستیابی به دانشجویان ایرانی و دیگر افرادی که در خارج به سر می برند گسترش داد و رهبران پان ایرانیست را به اروپا فرستاد تا پیام انقلاب سفید را به گروه‌های دانشجویی رسانده و خواستار بازگشت داوطلبانه منتقدین سازنده دولت گردند (به پائین رجوع شود) در نتیجه تحریم سازمان دانشجویی ایرانی در اطریش به خاطر فعالیت‌های سیاسی غیرمجاز علیه شاه در اوایل سال مزبور ناراضیان تبعیدی با شکست فاحشی روبه رو شدند. تلاش عراق برای به کارگیری کردها و اعراب ایرانی علیه رژیم کاملاً تحت کنترل و زیر نظر دولت قرار داشت. دستگیری گروهی از پیروان جلال طباطبائی در ماه می نشان داد که آنها در نظر

داشته اند که با کردهای ایرانی تماس بگیرند، ولی این توطئه ریشه کن شد. اکثر کردهایی که به جرم فعالیت‌های ضد دولتی دستگیر شده بودند، آزاد گردیدند. جمعیت عرب ایرانی نیز هیچ گاه نسبت به درخواست‌های رادیویی عراق مبنی بر قیام برای آزادسازی «عربستان» (خوزستان) از ایران عکس العمل مثبت نشان نمی دادند.

در داخل کشور دسایس خارجی با درج مقالات، و انتشار گسترده و مخفی کتابی که در آن از نخست وزیر و سخنگوی پارلمان به عنوان اعضای فرقه فراماسونری یاد شده از سرگرفته شد و این افراد متهم شدند که بازپچه سرویس اطلاعاتی انگلستان می باشند. برای خنثی سازی تأثیر این عمل، فهرستی از اسامی افرادی انتشار یافت که در آن از آن دسته از اعضای کابینه که در آمریکا تحصیل کرده بودند به عنوان عمال سازمان سیا یاد شده بود. گرچه این امر سبب بروز اقدامات تلافی جویانه دشمنان می شد، ولی هیچ گونه بحران جدی به دنبال نداشت و فقط احتمالاً میزان نفوذ عده ای را کاهش می داد. التهاب و تشنج ناشی از این کتاب و آن فهرست نشان می داد که موضوع دیگری وجود نداشته تا سیاست‌های داخلی را به خود سرگرم کند.

علیرغم موضع قوی خود، دولت همچنان نسبت به ابراز مخالفتها حساس بود. کنترل مطبوعات و سانسور با شدت بیشتری دنبال می شد. در نتیجه ملی شدن تنها شبکه تلویزیونی کشور فرصت ابراز عقاید

به نحو مستقل نیز از میان رفت، و دولت گویا در نظر گرفته است که تعداد نشریات مطبوعاتی را کاهش بخشد. ناآرامیهای دانشجویی چندان زیاد نبود، و به شکل تحریم محدود کلاسها در حمایت از شکوائیه های محلی تجلی می یافت. کارگران نیز گهگاه در حمایت از شکوائیه های محلی دست به اعتصابهای محدود و یا کاهش سرعت کار می زدند، ولی در این موارد نیز دولت به سرعت وارد عمل می شد تا به اعتصابات خاتمه دهد و در صورت لزوم بعضی از افراد را دستگیر کرده و یا به خدمت سربازی می فرستاد تا از در سازش درآیند، در میان بازاریها و رهبران مسلمان نیز هیچ گونه مخالفت متشکل رؤیت نشده و برنامه حمایت دولت از رهبران جوانتر شیعه ظاهراً سبب مقبول واقع شدن تغییرات اجتماعی و روند مدرن سازی نزد آنها گردیده است.

در تلاش محدودسازی مداوم چند اقدام در جهت ایجاد فضای آزاد سیاسی تقریبی صورت گرفت. در میان کارگران صنعتی تشکیل سازمانهای کارگری تحت کنترل مجاز شمرده شد. به دانشجویان نیز اجازه داده شد که برای خود تشکیلات دانشجویی بزرگ تشکیل دهند، ولی میزان فعالیت دانشجویان در امور فوق درسی هنوز هم محدود می باشد. طی برنامه ای دولت به آن دسته از مخالفین خود که در خارج از کشور در تبعید به سر می برند اجازه بازگشت به کشور را داد مشروط بر آنکه با اشتغال در سمتهای غیر حساس به عمران کشور کمک نمایند. انتقاد از گروههایی از دولت مانند شهرداریها و مسائل گذرا نیز مجاز شمرده شد. گرچه هدف از این اقدامات ایجاد جامعه آزاد آن چنانی نبود و در حقیقت بعضی از آنها سبب تحت کنترل درآمدن تغییرات اجتماعی می شد، ولی نوعی سویاپ اطمینان را در کشور به وجود آورده بود. با این وصف، تا زمانی که حجم این فشارها به میزان قابل ملاحظه ای افزایش نیافته، نمی توان انتظار تغییرات عمده ای را در نحوه کنترل اعمالی در داخل کشور داشت. تاچر

تاریخ: ۲۸ اوت ۱۹۶۹ ۶ شهریور ۱۳۴۸ طبقه بندی: خیلی محرمانه
از: سفارت آمریکا در ایران: وزارت خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: اصلاحات ایران

فهرست مطالب

خلاصه و مقدمه

۱ اصلاحات ارضی

۲ ملی شدن جنگلها

۳ فروش سهام کارخانجات دولتی

۴ سهام شدن کارگران در سود کارخانه ها

۵ اصلاح قانون انتخابات

۶ سپاه دانش

۷ سپاه بهداشت

۸ سپاه ترویج و عمران

۹ خانه های اصناف و شوراهای داوری

۱۰ ملی شدن منابع آب

۱۱ بازسازی کشور

۱۲ انقلاب اداری و آموزشی

۱۳ اقدامات دیگر

خلاصه و مقدمه

همزمان با پیشرفت اقتصاد ایران و برخورداری کشور از ثبات بی سابقه، شاه نیز به تلاشهای خویش ادامه داده تا شهرت خویش را به عنوان یک فرد نوگرا و ایجادکننده اصلاحات حفظ نماید. او هنوز هم شبیه مردی عجول است که خواهان شتاب بخشیدن بیشتر به سرعت روند عمران اقتصادی ایران است. بخش اعظم شهرت عمومی وی بر تمایل و خواست او برای به کرسی نشاندن این نظریه استوار است که او سلطانی امروزی و علاقه مند به رفاه مردمش می باشد و برای پیشرفت ملتش تلاش می کند.

از زمان اعلام انقلاب سفید شش ماده ای در سال ۱۹۶۳، پیگیری اصلاحات به صورت مهمترین مسئله روزمره در حیات ایران در آمده است. این برنامه اولیه در سال ۱۹۶۵ شامل ۹ ماده و بعدها دوازده ماده شد. اقدامات اصلاحی دیگری نیز در کار انقلاب سفید انجام شده تا این نظریه که شاه حامی تغییر و پیشرفت ایران است بیش از پیش تقویت گردد.

بعضی از این برنامه ها پرمعنی بوده و بعضی دیگر نه. ولی اکثر آنها در زمینه اصلاحات تأثیراتی کلی برجای می نهند. از نظر یک ایرانی عامی، نیمی از یک قرص نان از هیچ بهتر است و به همین دلیل بخش عظیم تبلیغات دولتی همراه با برنامه های جدید را به خاطر مقدار پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور تحمل می کند. ممکن است که خود او در زمینه افزایش میانگین درآمد سرانه نقش چندانی نداشته باشد، ولی امیدوار است و به این دلخوش که شاید فرزندان او و یا نوه هایش از وضع بهتری برخوردار شوند. البته

در روند مزبور همیشه خطر بیدار شدن و تحریک افزایش چشمداشتها و توقعات نیز وجود دارد. با این حال اگر قرار بر این باشد که شاه همچنان تلاش کند تا نشان دهد که خواهان تغییر و پیشرفت ایران است، ضرورت اصلاحات همیشه در دستور کار قرار خواهد داشت. (پایان خلاصه و مقدمه)

اصلاحات ارضی

اصلاحات ارضی که قلب انقلاب سفید شاه را تشکیل می دهد، از چند مرحله گذشته است. در اولین مرحله زمینداران بزرگ می بایست تمام زمینهای خود را به استثنای یک روستا به دولت بفروشند. تا میان دهقانانی که بر روی زمین کار می کنند تقسیم شود. براساس مرحله دوم مالکین یک روستا می توانستند یا باقیمانده املاک خویش را به دهقانان بفروشند، یا املاک خویش را در میان دهقانان تقسیم کرده و قسمتی را برای خود نگاهدارند و یا زمینهای خود را به طور سی ساله اجاره دهند. تا بهار ۱۹۶۹، حدود ۲۰۹۷۰۸ مالک زمینهای خود را اجاره دادند که در نتیجه ۵۴۱۸۳ (از ۶۲۰۰۰) روستای کشور، ۱۹۰۲۰ مزرعه و ۲۴۱۴۴۴۷ زارع مستقیماً از شرایط و مواهب اصلاحات ارضی بهره مند شدند.

همزمان با دو مرحله اول اصلاحات ارضی، تعاونیهای روستایی ایجاد شد تا اعتبار لازم، بذر و سوخت ارزان قیمت و دیگر خدمات سپاه ترویج وزارتخانه های اصلاحات ارضی و کشاورزی را در

اختیار اعضای تعاونی قرار دهند. تاکنون ۶۸۰۰۰ تعاونی و با مجموع اعضای مساوی ۱۲۷۸۳۸۹ نفر در ۲۳۶۹۷ روستا و با کل سرمایه ای معادل ۱۹ میلیون دلار (حدود ۲۲۰۰ دلار برای هر تعاونی) تأسیس گردیده است.

در اثر اجرای دو مرحله اول اصلاحات ارضی وضع بخش کشاورزی بهبود یافت. میانگین افزایش ۴/۳٪ تولید کشاورزی در پنج ساله گذشته نیز به عنوان دلیلی در اثبات کارایی برنامه مزبور مطرح شده، ولی بهبود وضع آب و هوا به عنوان یک عامل مؤثر را هم نباید نادیده گرفت. بانک کشاورزی یعنی مهمترین منبع وامهای کوچک برای کشاورزان، حدود ۶/۱ میلیون وام به ارزش کلی ۶/۱۵ میلیارد ریال (کمی بیش از ۲۰۰ میلیون دلار) طی پنج سال گذشته ارائه کرده است. سپاهیان ترویج و تعاونیها ارائه بذرهای اصلاح شده به کشاورزان را آغاز کرده اند. تعاونیها با همکاری شرکت ملی نفت ایران سوخت ارزان قیمت را در اختیار زارعین قرار می دهند. ایجاد بعضی از مراکز بازاری برای اینکه دهقانان بتوانند از شر واسطه ها خلاص شوند، می تواند نویدبخش درآمدهای بیشتر برای زارعین و بهتر شدن وضع کنترل بر بازار باشد. دهقانان از طریق تعاونیها میزان مشارکت در امور روستاها را افزایش داده اند، زیرا ساکنین روستاها هیئت مدیره تعاونی را از میان خودشان انتخاب می کنند. مکانیزه شدن کشاورزی از طریق خرید ماشین آلات کشاورزی از تعاونیها، تسریع شده است. فنون مدرن کشاورزی نیز به وسیله اعضای وزارت سپاه ترویج و مشاورین تعاونیهای وزارت اصلاحات ارضی به دهقانان آموخته می شود، در زمینه گسترش تعاونیها فعالیتها و اقدامات بسیاری باید انجام شود، ولی حرکت به خوبی آغاز شده است. روستاییان عموماً به تلاشهایی که دولت به خاطر آنها انجام می دهد، واقفند. به طور مثال، روستاهای دور افتاده که قبلاً در دسترس دولت مرکزی نبود و نمایندگان آن تنها برای دریافت مالیات و یا سربازگیری به آن نقاط می رفتند، اکنون از نعماتی چون تعاونیهای زراعی و فنون پیشرفته زراعی برخوردارند. با این

حال علیرغم پیشرفتهای حاصله در زمینه اصلاحات ارضی باید گفت که اکثر روستاییان هنوز به صورت رعیت زندگی می کنند، گرچه اکثر آنها مانند گذشته در محصول سهم نبوده و درآمد حاصل از کشت نیز افزایش چندانی نیافته است. به منظور ایجاد بهبود بیشتر در این وضع، سومین مرحله اصلاحات ارضی در دو بخش آغاز گردید.

اولین لایحه قانونی مهم مربوط به مرحله سوم اصلاحات ارضی، لایحه شرکتهای سهامی زراعی است. براساس این قانون پانزده شرکت سهامی که معمولاً از آنها به عنوان شرکتهای زراعی یاد می شود تأسیس گردیده و طی برنامه چهارم عمرانی نیز قرار است ۱۱۰ شرکت دیگر ایجاد شود.

چنین شرکتی زمانی می تواند تأسیس شود که ۱۵٪ از زارعین، رعایا و مالکین در یک روستا و یا گروهی از روستاهای مجاور هم از دولت اجازه تأسیس یک شرکت زراعی را بخواهند. در صورت دریافت جواز، تمام زارعین باید برای مدت ۵ سال حتماً عضو شرکت باقی بمانند. سپس کلیه اعضا یک گروه پنج نفره هیئت مدیره مرکب از سه عضو دائم و دو عضو علی البدل را بر می گزینند. مدیرکل شرکت که به وسیله وزارت اصلاحات ارضی انتخاب می شود، مهندسی است که به شرکت در اجرای تصمیمات آن یاری می دهد.

هدف از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی انجام کشتهای وسیع در سراسر ایران است. در عین حال که افزایش سطح تولیدات کشاورزی خواست و آرزوی همگان است، معلوم نیست وقتی که زارعین کوچک

دریابند که هدف از ایجاد شرکتهای سهامی زراعی تغییر برنامه اصلاحات ارضی است چه عکس العملی نشان خواهند داد. مالکیت مزرعه از آن زارع است، ولی شرکت زراعی آن را تحت کنترل خویش می گیرد. این موضوع زمانی روشن خواهد شد که شرکتهای نوع کشت زارعین را مشخص کنند و یا زارعین بفهمند که بدون اجازه شرکت حق فروش زمینهای خویش را ندارند. اگر قرار بر این باشد که مالکیت سهام یک شرکت زراعی از نظر روانی مالک یک قطعه زمین را ارضاء کند، باید منافعی را نیز برای شرکا در برداشته باشد.

لایحه قانونی دیگری که براساس آن رعایای زارع می توانند صاحب زمین شوند، به عنوان دومین بخش مرحله سوم اصلاحات ارضی، در اوایل سال ۱۹۶۹ وضع گردید. براساس این قانون زارعین پس از پرداخت اجاره بها به مدت دوازده سال صاحب زمین می شوند. (رقم دوازده سال به عنوان ارزش تقریبی زمین انتخاب شده بود)، برای اینکه پرداخت اجاره بها به مالکین تضمین شده باشد، دولت اعلام نمود که در صورت عدم پرداخت وجوه مورد نظر دولت اوراق قرضه صنعتی در اختیار مالکین قرار خواهد داد. آنها نیز می توانستند با استفاده از این اوراق در ایجاد صنایع کوچک و یا سرمایه گذاری در پروژه های صنعتی عمرانی مورد تأیید دولت شرکت کرده و یا زمینهای بایر و یا کشت نشده ای را خریداری کنند. این قانون که به سرعت به مرحله اجرا درآمد، افق جدیدی را بر روی زارعین که به صورت رعیت و یا به صورت سهام شدن در محصولات، بر روی زمین کار می کردند گشود و تضمین می نمود که بالاخره آنها نیز به صورت مالکین زمینهای کوچک خویش درمی آیند.

ملی شدن جنگلها

طی چند سال گذشته، دولت ۱/۱ میلیون هکتار جنگل و زمینهای قابل کشت را ملی اعلام کرد (قسمت دوم زمینهای جنگلی دولتی بود که به صورت غیرقانونی تصرف شده و پس از صرف کار چندین

ساله به زمینهای قابل کشت تبدیل شده بود). در عین حال که مقداری از این زمینها، به خصوص در میان دشتها، برای توسعه کشاورزی به زارعین فروخته خواهد شد، ولی بخش اعظم زمینهای جنگلی توسعه خواهد یافت، به این امید که ایران بتواند مقدار قابل توجهی چوب و الوار را همزمان با تجدید جنگلهای خویش تولید نماید.

به این منظور وزارت منابع طبیعی با کمک سازمان ملل از طریق جنگل کاری و کاشت درختان متنوع و مناسب با شرایط جوی و خاکی هر منطقه سعی در بهبود وضع جنگلها دارد. این وزارتخانه برای افراد و شرکتهایی که در برنامه جنگل کاری وزارتخانه شرکت می جویند، در زمینه مدیریت کمکهایی ارائه می کند. در حال حاضر، این وزارتخانه سرگرم سه پروژه برای بهره برداری از محصولات جنگلی است.

کوچکترین این پروژه ها (که مدیریت آن به خوبی انجام می شود) شامل ۰۰۰/۱۴ هکتار زمین جنگلی است، دومین پروژه ۰۰۰/۵۰ هکتار زمین را در برمی گیرد، و سومین آنها در برگیرنده ۰۰۰/۸۰ هکتار زمین جنگلی می باشد. شرکتی که برای انجام پروژه نخست تأسیس شده به خاطر فقدان تجهیزات سنگین با یک سوم ظرفیت خویش کار می کند. پس از انعقاد و قراردادی با وزارتخانه مزبور، یک شرکت متعلق به رومانی با اجرای پروژه سوم تجهیزات سنگین موردنیاز را وارد خواهد کرد. یک هیئت از کشور رومانی حدود یک سال قبل به ایران سفر کرد تا به بحث و تبادل نظر در مورد این پروژه بپردازد و مطبوعات نیز

مردم را در جریان این ملاقاتها قرار می دادند.

فروش سهام کارخانجات دولتی

براساس دو فاز اول اصلاحات ارضی، مالکین می توانستند در قبال زمین یا اوراق قرضه دولتی ۶ درصد و یا سهام کارخانجات دولتی که دارای ۶ درصد سود تضمینی سالانه بود دریافت نمایند. به همین منظور ۵۵ کارخانه دولتی به ارزش ۷/۲ میلیارد ریال براساس قانون مزبور ثبت گردید.

تاکنون، هشت کارخانه (دو کارخانه قند، دو کارخانه تولید روغن نباتی، یک کارخانه کنسروسازی و یک کارخانه صابون و کارخانه تولید گلیسرین) به طور کامل به افراد غیر دولتی فروخته شده است. در سه مورد دیگر یعنی کارخانه های قند، از طریق فروش بیش از ۵۰٪ سهام، کنترل کاملاً در اختیار مالکین بخش خصوصی قرار داده شده است. موانع موجود در سر راه خرید بقیه کارخانه ها که اکثراً کارخانه های نساجی هستند، عبارت است از میزان سرمایه گذاری هنگفت مورد نیاز برای بالابردن کارایی کارخانه ها و مشکل کاهش شمار کارگران غیرضروری. مشکل دوم دردسرهایی را چه برای دولت و چه برای صاحب کارخانه پدید خواهد آورد. به هر حال فروش کارخانجات دولتی هیچ گاه با موفقیت رو به رو نبوده است، و حتی یکی از نشریات دولتی نیز مجبور شده است اعتراف کند که «مردم به خرید سهام این کارخانه ها علاقه چندانی نشان نداده اند.»

سهیم شدن کارگران در سود کارخانه ها

قانون و مقررات مربوط به سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات تصریح می دارد، که کارگران باید ۲۰٪ منافع کارخانه ها و شرکتها را دریافت کنند. طی پنج سال گذشته حدود ۰۰۰/۱۲۸ کارگر قراردادهای سهیم شدن در سود کارخانه ها را با مدیریت آنها امضاء کرده اند.

ولی بررسیهای اخیر نشان می دهد که بسیاری از کارگران کارخانه سودی کمتر از ۲۰٪ قید شده در

قانون را دریافت می نمایند. در صنایع سودآورتر درآمد کارگران خیلی کمتر است. به ما گفته شده که مدیریت با تأیید دولت در حال طرفه رفتن و شانه خالی کردن از زیر بار این امر است، چون دولت نیز نمی خواهد با بالا بردن هزینه کارگری در ایران مهار عوامل تورم را در رابطه با اقتصاد کشور از دست بدهد. ولی دولت بنا به دلایل سیاسی به تبلیغ در مورد حقوق قانونی کارگران می پردازند و کارگران ایرانی (همان طور که در سمینار سالانه سهام شدن کارگران در سود کارخانجات در تهران نشان داده شد) بیش از پیش به حقوق خود واقف شده اند (به الف ۱۱۵ رجوع شود).

در اینجا می توان چنین نتیجه گرفت که اجرای شدیدتر قانون سهام شدن در سود در ایران دشوار است و علت آن نیز درست همان علت کمبود مشارکت در بازار سهام است. چون در هر دو مورد صورت حسابها باید دقیق و آشکار باشد، که پیامد آن مسائل جالبی از قبیل مالیات، مبلغی که باید به دولت پرداخته شود و مسائل دیگر مطرح می شوند.

بنابراین بی انصافی نیست اگر فرض شود که صاحبان کارخانه ها، نمایندگان کارگران و نمایندگان وزارت کار که در یک گردهمایی پیرامون مبلغ قابل پرداخت به هر کارگر چک و چانه می زنند، در مورد مزبور توافق می کنند، هنوز موقع آن نرسید که از نمایندگان کارگری انتظار داشته باشیم که سود، هزینه،

درآمد خالص و مسائل دیگر مربوط به صاحبان کارخانه ها را به زیر سؤال بکشند و علیرغم حسن تفاهمات نهفته در پیشنهاد اولیه، کارگر ایرانی احتمالاً می داند که خود بازیچه دست صاحب کارخانه و دولت شده است.

اصلاح قانون انتخابات

وزارت کشور در زمان وزیر اسبق عبدالرضا انصاری با بهره برداری از تغییرات موجود در قانون انتخابات به مشخص کردن روشها و مکانیزم روند انتخابات پرداخت. در نتیجه، ایران توانست در ماه اوت ۱۹۶۷ یک انتخابات پارلمانی آرام و سراسری را برگزار نماید و پس از آن نیز انتخابات انجمن شهر را در ماه اکتبر ۱۹۶۸ (به الف ۸۶۴ رجوع گردد) در شهرهای بزرگ و شهرکها به اجرا گذاشت. دستورالعملهای مربوط به انتخابات و صندوقها جمع آوری آرا به سرعت اعلام شد و به این ترتیب رأی گیری در مدت یک روز و در سرتاسر کشور انجام گرفت. یک شبکه ارتباطاتی بسیار مؤثر متمرکز در تهران باعث می شد که نتیجه انتخابات در عرض چند ساعت اعلام شده و نشانگر پیشرفت سریع ناشی از برنامه اصلاح انتخابات شاه باشد. این انتخابات با انتخابات دوران قبل از اجرای برنامه اصلاح قانون انتخابات شاه تفاوت بسیار داشت، زیرا در آن زمان رأی گیری چند روز طول می کشید و امکان جلوگیری از تقلب نیز وجود نداشت. علیرغم کارایی جدید و صمیمانه دولت، انتخابات از نظر معیارهای غربی به صورت آزاد و آشکار برگزار نشده بود. نتایج قبلاً تعیین شده بود و هیچ گونه اختلاف انتخاباتی نیز وجود نداشت، که قبل از رأی گیری حل نشده باشد. اصلاح انتخابات در فوت و فن انتخابات بهبودهایی را پدید آورده و می تواند برای مبارزات سیاسی آینده مقدمه خوبی باشد، اما برگزاری انتخابات واقعی به اصلاحات سیاسی اساسی بستگی دارد.

از زمان آغاز این برنامه یعنی شش سال قبل، ۵۲/۰۰۰ جوان سرباز در سپاه دانش شرکت جسته و به ۵/۱ میلیون ایرانی در ۱۷/۰۰۰ روستا خواندن و نوشتن را یاد داده اند. سپاهیان دانش در زمینه احداث مدارس، حمامهای عمومی، مساجد و جاده های هزاران روستا نقش مؤثری را ایفا کرده و حدود ۳ میلیون درخت کاشته اند. در حال حاضر ۹۰۰۰ سپاهی در ۷۰۰۰ روستای کشور مشغول کار هستند، از زمان آغاز برنامه این بیشترین تعداد روستایی است که تحت پوشش سپاه دانش درآمده است. پس از ایجاد یک برنامه آموزشی صحیح و مناسب در روستاها توسط سپاه دانش، معلمین وزارت آموزش و پرورش جهت ادامه کار به نقاط مزبور اعزام خواهند شد.

در سال جاری، دولت ایران اولین اعزام گروه از زنان را به عنوان سپاه دانش اعلام نمود. هم اکنون دو هزار زن جوان در سنین بین ۱۹ تا ۲۸ سال در مناطق روستایی به خدمت مشغولند. دولت امیدوار است که سپاهیان مؤنث بتوانند زنان و دختران روستایی را به کلاسها جذب کنند چون تا به حال هیچ یک از آنها به حضور در کلاسهای دارای معلمین مذکر تمایلی نشان نداده اند. (در روستاهایی که مورد بازدید مقام سفارت قرار گرفته درصد دختران در مقایسه با پسران حاضر در کلاسهای سپاهیان دانش ۱ به ۱۰ بوده است.)

برنامه سوادآموزی یکی از موفقترین برنامه های اصلاحی شاه و عامل مهمی در دو برابر شدن میزان با سواد از سال ۱۹۵۶ تا کنون بوده است. یکی از منابع جنبی برنامه نیز این است که سپاهیان پس از اتمام دوره خدمت سربازی به حرفه تعلیم و تعلم جذب می شوند.

بیست هزار نفر از آنهایی که در برنامه های شش سال اول شرکت داشتند. تصمیم گرفتند، به عنوان معلم به وزارت آموزش و پرورش بپیوندند.

در خلال دو سال گذشته، وزارتخانه به صورت فزاینده ای با مشکل جذب آنها به حرفه معلمی مواجه بوده، زیرا اکثر آنها پیشنهاداتی برای دریافت پول و شرایط شغلی بهتر در صنایعی که جدیداً در شهرها تأسیس می شوند، دریافت نموده اند، معذالک وزارتخانه امیدوار است زنان سپاه ترویج احتمالاً به ادامه تدریس پردازند و در نتیجه منابع انسانی وزارتخانه را تقویت نمایند.

مهمترین انتقادی که از این برنامه به عمل می آید مربوط به عدم پیگیری برنامه است. پس از آن که یک روستایی قادر به خواندن و نوشتن می شود، هیچ کار دیگری در مورد وی انجام نمی شود. در صورت عدم تقویت برنامه های بعدی از نظر دولت یک روستایی به محض باسواد شدن از نظر آماری به صف باسوادها پیوسته و در همان حال می ماند و ادامه یا قطع باسواد وی نیز حائز اهمیت نیست.

سپاه بهداشت

در حال حاضر ۱۷۴۱ پزشک، دندانپزشک و داروساز و ۳۷۲۹ کمک پزشک در ۵۰۰ تیم مختلف مشغول انتقال تسهیلات عادی بهداشتی به روستاهایی از کشور هستند که هرگز از موهبتهای درمانی برخوردار نبوده اند. (در برنامه عمرانی چهارم باید ۶۰۶ تیم به وجود آید).

اعضای تیم علاوه بر انجام کارهای پزشکی، بر کار احداث لوله های آب، حفر چاه، بهداشت محیط و فعالیتهای مربوطه نظارت می کنند.

در مورد شمار روستاهای بهره مند از خدمات سپاهیان بهداشت هیچ گونه آماری ارائه نشده است. اکثر روستاها هنوز از این گونه خدمات بهره مند نشده اند، ولی بدون شک حضور سپاهیان برای کسانی که تاکنون به دست فراموشی سپرده شده بودند، محسوس و ارزشمند می باشد.

از آنجا که استخدام افراد مایل به خدمت دشوار است، دولت ایران برای افزودن به شمار سپاهیان بهداشت درصدد اعزام دانشجویان رشته پزشکی به دیگر استانهاست. این امر مخالفت بسیاری از چهره ها و اساتید پزشکی را برانگیخته چون معتقدند که دانشجویان از چنان صلاحیتی برخوردار نیستند که بتوانند به عنوان پزشک و یا مشاور پزشکی عمل کنند. در کنفرانس انقلاب آموزشی که در شیراز برگزار گردید، شاه به دانشجویان پزشکی توصیه نمود که در برنامه مزبور شرکت نمایند.

حضور سپاهیان بهداشت مانند حضور سپاهیان ترویج، گذشته از اینکه دانشجویان دارای درجه پزشکی باشند یا نباشند می تواند به صورت یک عامل روانی به روستاییان نشان دهد که دولت به رفاه آنها چشم دوخته است.

سپاه ترویج و عمران

در طول مدت پنج سالی که از پیدایش سپاه ترویج و عمران می گذرد، ۸۵۰۰ سپاهی به عنوان کارآموز

در استانها به کار و فعالیت پرداخته و نه تنها به تدریس روشهای کشاورزی امروزی مشغول بوده اند، بلکه روستاییان را تشویق کرده اند که به انجام پروژه های خودیاری در روستاهایشان بپردازند.

این سپاه از این نظر مورد انتقاد واقع شده که افراد صلاحیت داری را برای تدریس روشهای کشاورزی به روستاها اعزام نمی دارد. که مقامات سپاه ترویج نیز در رد انتقادات می گویند که اداره ترویج کشاورزی قادر نیست افراد مروج عادی را به نقاط دورافتاده اعزام نماید و وجود سپاهیان ترویج بهتر از هیچ است.

اعضای سپاه دانش متخصصین مجرب کشاورزی نمی باشند، ولی همه آنها کسانی هستند که از میان فارغ التحصیلان دوره دبیرستان انتخاب می شوند و مسائل مربوط به کشاورزی را نیز در دبیرستان فرا گرفته اند. علاوه بر این قبل از اعزام به محل مأموریت مقصدی آشنایی نیز با برنامه مورد نظر پیدا می کنند.

نکته مهم دیگر این است که آنها به عنوان یک کانال ارتباطی بین دولت و روستاها و بالعکس عمل می کنند. از نقطه نظر روانشناسی نیز حضور آنها در خدمت مجاز به غیبت از محل مأموریت خویش نیست.

روستاها نشانگر علاقه دولت به روستاییان است. یک عضو سپاهی پس از اعزام به محل مأموریت باید برای مدت هیجده ماه در آنجا خدمت کند و تا پایان مدت خدمت مجاز به غیبت از محل مأموریت خویش نیست.

بنا به گفته مقامات سپاه ترویج، بسیاری از کسانی که به استانها اعزام می شوند، از نوعی ذوق میسیونری و علاقه به انجام کار خاص محوله برخوردار شده و شماری از آنها نیز پس از پایان دوره خدمتشان به وزارت کشاورزی می پیوندند، بدین ترتیب از نظر دولت، سپاهیان ابتدا به صورت کارآموز به کار پرداخته و در نقاطی که از نظر عاملین ترویج وزارت کشاورزی مناسب فعالیت نیست، جای آنها را می گیرند.

از زمان ایجاد اولین خانه انصاف در دسامبر ۱۹۶۳، دولت ۱۵۷۳ خانه انصاف دیگر در مناطق

روستایی ایران به وجود آورده که حدود ۲۰۰۰ روستا و توابع آنها را در برمی گیرد. به ما گفته شده که ۵/۱

میلیون روستایی یعنی معادل ۱۰٪ جمعیت ۱۵ میلیون روستانشین که به این مراکز دسترسی دارند. طبق

برنامه های موجود باید حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ خانه انصاف دیگر تا قبل از پایان سال ایرانی جاری ایجاد

شود (۲۱ مارس ۱۹۷۰) و دولت نیز قول داده که منابع لازم برای تأمین هزینه این سیستم کم خرج را تأمین

نماید. بر طبق گزارش وزارت دادگستری هر خانه انصاف سالانه به ۲۰۰۰۰ ریال بودجه (۲۷۰ دلار) برای

تأمین هزینه مربوط به میز و صندلی، لوازم التحریر و دیگر ضروریات نیاز دارد. طبق برآوردهای انجام

شده، باید حدود ۱۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ خانه انصاف ایجاد شود تا نیاز کلی جمعیت روستانشین کشور

برآورده گردد، و طبق پیش بینی های موجود این برنامه در مدت ده سال تکمیل خواهد شد.

خانه های انصاف در یاری گرفتن از نظام «ریش سفیدان» (معمدین روستا) بسیار موفق بوده است. به

عبارت دیگر این برنامه به نظام دیرین وجود افراد مسن و متعهد روستایی در حل مسائل مدنی روستایی

رسمیت داده است. علاوه بر این صورت جلسات تهیه شده توسط این نظام را از جنبه حقوقی برخوردار

ساخته که خود سطح تأثیر و کارایی آنها را نیز بالا برده است. مهمترین امتیاز این امر این است که در حال

حاضر روستاییان می توانند برای حل اختلافات جزئی خود سریعاً اقدام کنند و برای این کار به خانه

انصاف مستقر در نزدیکی روستاهای خود مراجعه می کنند و نیاز به مسافرت به نزدیکترین شهر از بین می رود.

در حال حاضر ۴۹ شورای داوری ایجاد شده که در شهرکها و شهرهای ایران به جمعیت شهری کشور خدمت می کنند. بعضی از شهرکهای بزرگتر بیش از یک شورای داوری دارند و برای تهران سی شورای این گونه ای در نظر گرفته شده است.

هر شورا دارای پنج عضو است که به وسیله اهالی منطقه تابع شورا انتخاب می شوند و علاوه بر این دارای یک مشاور حقوقی می باشد که از طرف وزارت دادگستری به عضویت شورا منصوب می گردد. در صورتی که این مشاور نتیجه گیری شورا را غیرمنصفانه بداند، می تواند پرونده را به دادگاه ارجاع دهد. این موضوع در مورد یک تا دو درصد پرونده ها صادق است. شورا نیز مانند خانه های انصاف به اختلافات مدنی که مدعی مطالبه بیش از ۱۳۰ دلار و جرایمی که مدعی مطالبه بیش از ۱۵ دلار نباشند، رسیدگی می کند. شوراها تاکنون بسیار موفق بوده اند و شوراهای فعالتر مستقر در شهرهای بزرگتر ماهانه به ۸۰۰ پرونده رسیدگی می کنند. وزارت دادگستری در حال حاضر از مجلس خواسته است که به شوراهای محل، اجازه رسیدگی به پرونده های بزرگتر را تفویض کند.

شوراها به خاطر میزان کارمند و عضویت افراد دریافت کننده حقوق و موقعیت شهری خویش بیش از خانه های اصناف به هزینه های بودجه ای نیازمند است. هزینه سالانه اداره یک شورای داوری تقریباً معادل ۰۰۰/۶۰۰ ریال (۰۰۰/۸ دلار) است. وزارت دادگستری در نظر دارد در سال جاری ۴۰ شورای دیگر ایجاد کند. به ما گفته شده که دولت ایران در سال جاری مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۳۰ ریال (۰۰۰/۴۰۰ دلار) برای اداره خانه های اصناف و ۰۰۰/۰۰۰/۴۰ ریال (۵۳۰۰۰۰۰ دلار) برای اداره شوراهای داوری در اختیار وزارت دادگستری قرار داده است. خانه های انصاف و شوراهای داوری هر دو برنامه های

محبوب و مردمی می باشند (به الف ۷۷۵، ۱۹ اوت ۱۹۶۸ رجوع شود).

ملی شدن منابع آب

منابع آبی ایران پس از تصویب لایحه ملی سازی آبها مورخ ژوئیه ۱۹۶۸ ملی اعلام شد. از نظر تئوریک این عمل باعث شده که دولت از طریق وزارت آب و نیرو بر منابع کشور کنترل بیشتری را اعمال نماید که خود منجر به بهره برداری سازنده تر از این منابع حیاتی خواهند شد نتایج ملی سازی تا به حال چندان ملموس نبوده است. هدف از ملی ساختن آنها علاوه بر حفاظت از آنها انجام بهره برداری علمی از منابع طبیعی نیز بود. به عنوان یک هدف دراز مدت دولت باید مناطق مهم از نظر کشاورزی را نقشه برداری کرده، و میزان آب موجود و میزان آبدهی آن را مشخص نماید و محدودیتها را در زمینه استفاده از آب هر منطقه تعیین نماید. این برنامه صرفه جویی در صورتی که با فنون بهره برداری بهتری توأم باشد، می تواند به استفاده منسجم تر و مؤثرتر آب منجر گردد. منابع آب در مقایسه با جنگلها توسط مالکین و زارعین با کارایی بهتر مورد استفاده قرار گرفته است. ولی به خاطر استفاده از روش آبیاری قنات (آب به میزان ثابت و بدون در نظر گرفتن نیاز در کانالهای زیرزمینی جریان می یابد) جهالت زارعین و زیاده روی در مصرف، بخش قابل ملاحظه ای از این منبع باارزش طی سالهای متمادی به هدر رفته است.

بازسازی کشور

شاید بتوان این برنامه را بی مسماترین برنامه اصلاحاتی خواند، زیرا در برگیرنده قوانین و پیشنهادات به ظاهر بی ارتباطی است که هیچ گاه جنبه قانونی نیافته و نکاتی از دیگر برنامه های اصلاحی را نیز تحت عنوان بازسازی کشور شامل می گردد. به طور کلی، هدف این برنامه در ابتدای امر بهره برداری صحیح از منابع طبیعی کشور به خصوص خاک و آب به سود روستاییان بوده است. ولی حدود و ثغور این برنامه توسعه یافته و برنامه های متنوع دیگری از قبیل احداث خانه های مقاوم در برابر زلزله و تهیه نقشه جامع شهرها را به عنوان بخشی از اصلاحات مد نظر قرار داده است.

در زمان اعلام این برنامه، سه بخش اصلی اصلاحاتی وجود داشت، اولین آنها ایجاد وزارت عمران روستایی بود. برنامه دوم شامل توسعه کاربرد سپاه ترویج بود که به مرحله اجرا درآمد. بخش سوم، تقدیم لایحه ای به مجلس برای ایجاد واحدهای زراعی تحت کنترل وزارت آب نیرو بود تا فنون کشاورزی مدرن از آن طریق به روستاها راه پیدا کند. بالاخره همین لایحه به لایحه شرکتهای سهامی زراعی تبدیل شد که شرکتهای زراعی تحت کنترل وزارت اصلاحات ارضی را پدیدار ساخت.

دو برنامه دیگری که زمانی به عنوان ماده یازدهم انقلاب سفید معرفی شده بود، عبارتند از تهیه نقشه جامع شهرها و احداث خانه های مقاوم در برابر زلزله، نقشه جامع تعدادی از شهرهای ایران از قبیل تهران و اصفهان تهیه شده، ولی جلب همکاری و برنامه ریزی بین شوراهای شهری، وزارتخانه ها و طرفین ذی نفع برای تحقق بخشیدن به این نقشه ها تاکنون امری بسیار دشوار بوده و هست. پس از وقوع زلزله سال گذشته در خراسان، احداث خانه های مقاوم در برابر زلزله از اهمیت بیشتری برخوردار شد. ولی علاقه چندانی نسبت به این برنامه وجود ندارد و روستاییان نیز نمی خواهند برای ساختن این گونه محلهای سکونت خاص بدون کمک مالی قابل ملاحظه دولت، متحمل هزینه های اضافی بشوند.

بخش بازسازی کشوری انقلاب سفید گویا در اصل منعکس کننده برنامه های شاه برای بهبود وضع

روستاییان از طریق کاهش بودجه برنامه های مختلف وزارتخانه ها بوده است. بعضی از برنامه ها جنبه قانونی پیدا کرده اند، لیکن میزان اصلاحات گسترش یافته تا به حال، مفهوم اصلی خویش را از دست داده است.

انقلاب اداری و آموزشی

انقلاب اداری حوزه وسیعی را در برمی گیرد. تقریباً تمام فعالیتها دولتی به منظور بهبود یا پاکسازی یک عملیات یا سازمان خاص تحت پوشش این برنامه واقع می شود. تماشایی ترین اکتشاف این برنامه پرده برداری از اختلاس در شرکت اتوبوسرانی بوده در حالی که موارد پرمعنی تر دیگری نیز وجود داشته است.

استقرار مجدد بازرسی شاهنشاهی در اواسط سال ۱۹۶۸ و به سرپرستی مستقیم شاه، برای شنیدن شکوائیه های مردم در مورد بوروکراسی و انجام اقدامات سریع، حرکت اصلاحات اداری را از تحرک بیشتری برخوردار ساخت. چنین برخوردی با این مشکل دیرین که مستقیماً پستیز شاه را درگیر می ساخت، می توانست از نظر روانی اذهان ایرانیان را به سوی او جلب کند، اما آنها ظاهراً امید چندانی به موفقیت این گونه اقدامات ندارند. بسیاری از کسانی که برای اخراج شدن برگزیده شده اند در کاخ سلطنتی،

کابینه یا مجلس حامیانی دارند و حمایت این گونه حامیان سرشناس می تواند، این برنامه را قبل از آغاز فعالیت نابود سازد.

اصلاحات خدمات مدنی نیز یکی از سنگهای زیربنایی اصلاح اداری است. اجرای مجموعه قوانین مصوبه پارلمان در ۱۹۶۶ که از طریق آن ۰۰۰/۳۰۰ کارمند دولتی در یک نظام پرسنلی سازماندهی می شوند، حدود پنج سال دیگر طول خواهد کشید. در همان حال، سازمان اداری و امور استخدامی کشوری بارها تلاش کرده است تا به کارمندان دولت بقبولاند که مجموعه قوانین جدید استخدامی به ضرر آنها نیست، چون هیچ کس را از کار برکنار نمی کند و آسیبی را نیز متوجه سطح درآمد آنها نمی سازد. ولی در این برنامه نیز شکافهایی رو به پیدایش است. سازمان طرح و برنامه وزارت امور خارجه تحت پوشش این لایحه قرار نگرفته و به آنها اجازه داده شد که سیستم کارگزینی مختص خود را داشته باشند. وزارتخانه های دیگر نیز با تقدیم عریضه هایی به مجلس خواستار معافیت از شرایط این برنامه اصلاحی شده اند. اصلاحات اداری یکی امتیاز نویدبخش ترین برنامه های انقلاب سفید شاه نیست و تمام پیشرفتهای مربوطه نیز حاشیه ای و اتفاقی بوده است. بوروکراسی ایران از دیرباز قادر به جذب امواج اصلاحی و انتقادات خشمگینانه شهروندان و در نهایت ادامه روال قبلی بوده است. هنگامی که بازرسین وارد شهری می شوند، نوعی تغییرات کوچک و مثبت ایجاد می شود، ولی به محض خروج آنها از نقطه مورد نظر وضع به صورت سابق برمی گردد.

انقلاب آموزشی در اوت ۱۹۶۸ با برگزاری کنفرانس مشهور رامسر به ریاست شاه آغاز گردید. یکی از اهداف این برنامه در اوان امر نوسازی دانشگاههای قدیمی ایران و تأمین پرسنل فنی مورد نیاز و هدف دیگر آن ریشه کن ساختن مشکلات دانشجویی در ایران و یا انجام اقداماتی بر علیه آنها بود. با وجود پیشرفتهایی که در این زمینه به خصوص در دانشگاه پهلوی و آریامهر صورت گرفته، ولی واقعیت این است

که موفقیتها به هیچ وجه مشابه وعده های مطروحه در رامسر نبوده و وسعت و پیچیدگی مشکل و مسئله هرگونه خوش بینی را از بین می برد. دانشجویان که مستقیماً تحت تأثیر این برنامه قرار می گیرند. نیز ظاهراً مورد تفقد اعلامیه رامسر قرار نگرفته و گویا خط مشی بینیم چه می شود را پیشه کرده اند. رؤسای تمام دانشگاهها به استثنای یک مورد عوض شده اند و اساتید جوانتر که اکثراً ایرانیهای از خارج برگشته می باشند به استخدام درآمده و بعضی از واحدهای درسی قدیمی تر با شدت بیشتر دنبال شده و واحدهای درسی جدیدتر نیز به برنامه بعضی از دانشگاهها اضافه شده و تغییرات دیگری نیز صورت گرفته است. در دانشگاههای پهلوی و آریامهر پیشرفتهای واقعی در زمینه تجدید و نوسازی روند آموزشی انجام شده است. ولی این دو دانشگاه دارای رؤسای جوان و پرتحرک می باشند که برای خود دستیارانی بسیار صلاحیت دار و شایسته دست و پا کرده اند. این دو دانشگاه اخیراً تأسیس شده و مشمول تغییر در فنون تدریس و تسهیلات آموزشی دانشگاههای دیگر از جمله دانشگاه تهران نبوده اند. این واقعیت نیز نباید نادیده گرفته شود که این دو دانشگاه جایگاه ویژه ای را در صحنه آموزشی کشور دارا می باشند، زیرا به میزان قابل ملاحظه ای توجه مردم را به شاه معطوف می دارند. آینده نشان خواهد داد که آیا پویایی و رشد امیدوارکننده دانشگاههای آریامهر و پهلوی جنبه نهادی خواهد یافت، یا اینکه تحت تأثیر شرایط ضروری صورت گرفته و در آینده دستخوش تغییرات حادی خواهد شد. با این حال به دو شکوایه بسیار مهم که یکی اصلاح دانشگاهها (منظور دانشگاه تهران) است و دیگری مشارکت دانشجویی، به مفهوم

واقعی پرداخته نشده و به ناچار باید چنین نتیجه گیری کرد که علیرغم تحرک ایجاد شده در انقلاب سفید از طریق انقلاب آموزشی و از بین رفتن مسائل جزئی توسط همین انقلاب، انقلاب آموزشی نتوانسته است بسیار از موانع موجود در راه اصلاح برنامه آموزشی کشور را از میان بردارد.

اقدامات دیگر

طی چند ماه گذشته اقدامات دیگری نیز صورت گرفته تا منعکس سازنده حس تحرک در انقلاب سفید باشد. حمایت مالی از کارمندان دولت، وعده ایجاد شرایط کاری بهتر در مورد صنعت فرش بافی، برخورد بهتر با خدمتکاران منازل، ایجاد یک «فرهنگستان» به منظور تخلیص زبان فارسی، و تشکیل شورای عالی انجمن ملی خانه فرهنگ روستایی، نمونه دیگری از تلاشهای دولت می باشد. مطبوعات با بعضی از این موارد چند روزی برخورد می کند، ولی به تدریج دنباله آن را رها می کنند و نشان می دهند که گرچه دولت به این اقدامات شدیداً توجه دارد، ولی اشاعه آنها به این خاطر صورت می گیرد که حرکت و پیشروی برنامه اصلاحی حفظ شود.

در واقع، پیشرفتهایی که در مورد آنها تبلیغاتی صورت نمی گیرد به طور مداوم در سراسر کشور انجام می شود، جاده های بسیاری در دست احداث است (گرچه وجود جاده های بسیار زیاد دیگری برای کشور ضروری است)، برق هر روز به روستاهای بیشتری رسانیده می شود، سیستمهای آبیاری و حمامهای عمومی در دست احداث است و خانه های فرهنگ روستایی نیز گشایش می یابد، همان گونه که قبلاً گفته شد سطح افراد باسواد کشور دو برابر شده، شمار دانش آموزان فارغ التحصیل دوره دبیرستان از ۷۷ هزار به ۳۵۹ هزار نفر در مدت ده سال گذشته افزایش یافته، شمار کلی دانش آموزان در همان مدت از ۴۹۹۰۶۹ به ۱۳۳۶۳۰۰ نفر رسیده، ۱۹ ایستگاه فرستنده رادیویی و هفت ایستگاه تلویزیونی در کشور به فعالیت مشغول است، و در ایران ۳۲۵ سینما وجود دارد و دولت نیز ۳۰۰ واحد سیار سینمایی در اختیار دارد، ۱۴

فرودگاه در سرتاسر کشور در دست احداث و بازسازی است و زندگی روستاییان و شهروندان فقیر نیز رو به بهبود است. سطح حداقل دستمزد بالا رفته، به طور مثال از ۳۰ الی ۴۰ ریال در ساعت به ۶۰ ریال در ساعت در تهران و خوزستان افزایش یافته است. رادیوهای ترانزیستوری و موتورسیکلت و دوچرخه در همه نقاط کشور قابل رؤیت است. خلاصه اینکه، روستاییان و کارگران دیگر نگران تأمین معیشت روزمره خویش نیستند و می دانند که دیر یا زود به مقداری از «تجملات» نیز دست خواهند یافت.

اظهار نظر

پیشروی حرکت اصلاحی گرچه ادامه داشته و گاهی نیز با وقفه هایی رو به رو می شود، ولی نکته مهم این است که پویایی خویش را به هیچ وجه به طور کامل از دست نداده است. معدودی از برنامه های برجسته تر مفهوم بهتری به جنبش اصلاحی داده و با تحرک هر از چند یکباره خویش حیات تازه ای به آن می بخشد. اصلاحات ارضی به نحوی از انحاء از زمان پیدایش قانون آن ادامه داشته، که آخرین مرحله آن انگیزه جدیدی را برای نهضت پدید آورده است. سپاه دانش، سپاه بهداشت و سپاه عمران همگی قادر به انجام کار مؤثرتر در محیط روستایی عاری از روابط ارباب و رعیتی بوده و میزان فعالیت آنها نیز رو به افزایش است. خانه های اصناف و شوراهای داوری جدیدی نیز هر روز گشایش می یابد. انقلاب

آموزشی، که هنوز چیزی کمتر از یک سال از عمر آن سپری شده، فعالانه به پاسخگویی در قبال مشکلات دانشگاهی ایران پرداخته، بگذریم از اینکه نتایج حاصله محدود بوده است.

دیگر بخشهای برنامه ۱۲ ماده ای نتایج چندان درخشانی را به همراه نداشته اند. ملی ساختن جنگلها و منابع آبی کشور به کنندی به مرحله اجرا درآمده و در هر دو مورد چندان چشمگیر نبوده و کمک چندان به پیشرفت ایران ننموده است. فروش سهام کارخانه های دولتی نیز از هواداری چندان برخوردار نبوده و علیرغم ادامه تلاشهای دولت برای به فروش رساندن بعضی از کارخانه هایی که مقرون به صرفه نیستند، این ماده نیز با موفقیت چندان رو به رو نبوده است. برنامه سهم شدن کارگران در سود کارخانه ها نیز هنوز جنبه تئوریک داشته و بنا به علل مختلف بعدی است که بتواند به اهداف عالیه مورد نظر دست پیدا کند.

اصلاح قانون انتخابات، در مکانیزم برگزاری انتخابات ایران بهبودهایی را ایجاد کرده، اما نتوانسته است پدیدآورنده رقابتهای سیاسی واقعی باشد، بازسازی کشور را کد مانده و به طور کامل مفهوم خویش را از دست داده است. به اصلاحات اداری نیز بدبینانه نگریده می شود. برنامه اصلاحات تاکنون بیشترین تأثیر را بر بخش روستایی داشته است. روستاییان امروز که از قید سیستم ارباب و رعیتی آزاد شده اند یا صاحب زمین خویش هستند و یا خواهند شد، وضع زندگی شخصی و روستای آنها نیز بسیار بهبود یافته است. آنها از بسیاری از منافع جنبی انقلاب سفید بهره مند شده و راه برای اشتراک مساعی آنها در زمین ترقی و پیشرفت کشور هموار شده است.

منافعی که نصیب جمعیت شهرنشین کشور شده به جز چند مورد استثنایی می تواند تقریباً به طور کامل به پیشرفت عمومی اقتصاد کشور ربط داده شود و نه به برنامه خاص اصلاحی، طبقه سرمایه دار روبرو شد، گرچه در برنامه های اصلاحی نقش ندارد، ولی در کامیابی و تحرک ناشی از آن سهم است. نیروی کار از برنامه های فوق بهره چندان نبرده ولی حرکتهایی نیز در این رابطه آغاز شده است. البته دانشجویان تنها

کسانی هستند که مستقیماً از پیشرفتهای حاصل از انقلاب سفید بهره مند خواهند شد. مهمتر اینکه اگر روشنفکران جامعه اذعان نمایند که بخش اعظم جمعیت از این برنامه ها بهره مند شده و می شوند، خود آنها تا حدود زیادی خلع سلاح و تخطئه خواهند شد.

شهرت شاه طی چند سال گذشته دستخوش تغییرات بسیار شده است، که همه این تغییرات ناشی از برنامه های اصلاحی وی بوده است.

ترس پیشین روستاییان به تدریج از بین رفته و جای آن را نوعی احترام و احساس همدردی هر چند احتیاط آمیز گرفته است. گرچه همه ایرانیان دارای چنین حس هواداری نیستند، ولی بدون شک میزان احترام و تمجید از وی در چند سال گذشته افزایش یافته است. چون ایرانیان به طور کلی معتقدند و اعتراف می کنند که تنها خود او قادر بوده است چنین برنامه هایی را در مدتی این چنین کوتاه به مرحله اجرا درآورد. موفقیت وی گرچه در زمینه اصلاحات محدود بوده، ولی در خنثی سازی نقش منتقدینش مؤثر بوده است.

بنابراین می توان با اطمینان گفت که برنامه اصلاحی شاه به ایجاد ثبات سیاسی که در چند سال گذشته بر ایران حاکم بوده، کمک کرده است. این برنامه جمعیت روستایی کشور را وادار به مشارکت در پیشرفت هیجان انگیز کشور کرده و می تواند موجب از بین رفتن ناآرامی در مناطق روستایی گردد. این برنامه برای دیگر بخشهای جمعیت ایران نیز نویدهایی را به همراه داشته است. و عده های ادامه اصلاحات میزان

چشمداشت و توقعات را نیز بالا خواهد برد. پیشرفت اقتصادی مداوم کشور هر گونه فشار ناشی از آن را خنثی خواهد کرد، اما آگاهی نسبت به ضرورت اصلاحات دور از دسترس روز به روز زیادتر شده و اگر شاه باز هم درصدد نشان دادن این امر یعنی ادامه اصلاحات در ایران و ایجاد کشوری کامیاب از نظر اقتصادی باشد، باید به دفعات با این مسئله برخوردی جدی تر داشته باشد.

جوانان

سند شماره (۵)

طبقه بندی: خیلی محرمانه می ۱۹۷۲ اردیبهشت ۱۳۵۱

خلاصه

«جوانان تحصیلکرده و فعال ایران تنها بخش کوچکی از کل جمعیت جوان کشور را تشکیل می دهند. با این وصف اعتقاد بر این است که مدیران آینده کشور از میان همین گروه برگزیده خواهند شد. نکته این است که با وجود این که ۵۴٪ جمعیت ایران را افراد جوانتر از ۲۴ سال تشکیل می دهند ولی نقطه نظرات آنها حائز اهمیت بسیار است. فعالان شهری که همیشه آماج حملات ساواک واقع می شوند، مخالفت خود را پنهان ساخته و فعالیتهای خود را به تظاهرات غیر خشونت بار و هواداری از اعتصابات محدود کرده اند.»

تماسها و اطلاعات سفارت در مورد جوانان ایرانی تنها به گروه فعال تحصیلکرده و شهری محدود است، این گروه تنها بخش کوچکی از جمعیت جوان ایران است (۵۴٪ کل جمعیت ایران را افراد زیر ۲۴ سال تشکیل می دهند). اما نظرات دهقانان و کارگران جوان به خوبی مطرح نشده و حتی در زمینه آنها حرفی نیز به میان نمی آید. ولی اتفاق آرا بر این است که این جوانان همیشه به روش کار افراد مسن تر از خود پایبند بوده و نمی توانند گروه قابل توجه و با اهمیتی باشند. با این حال در مورد اقلیت فعال شهری

مطالب بسیاری می توان گفت تظاهرات دانشگاهی چند سال قبل که عکس العمل وحشیانه پلیس را به دنبال داشت و موجب خونریزی شد در دهه ۱۹۷۰ راه را برای برگزاری تظاهرات عاری از خشونت و اعتصابات توأم با هواداری هموار نمود، چنین به نظر می رسد که تظاهرات دانشجویی قدرت و شدت خود را از دست داده است. جشنهای بیست و پنجمین قرن شاهنشاهی در اواخر سال ۱۹۷۱، تا حدودی موجب برانگیخته شدن اعتراضات دانشجویی گردید، ولی تعداد کمی از آنها دستگیر شدند و خشونت بسیار ناچیز بود. محاکمه اخیر خرابکاران و تروریستها نیز نگرانی و اضطراب دانشجویی را تشدید نمود، لیکن عکس العمل آنها برخلاف گذشته توأم با نرمش و انعطاف پذیری بود.

جوانان تحصیل کرده ایران تکنوکراتها، بوروکراتها و فرهنگیان جوان به طور کلی اصلاحات آموزشی انقلاب سفید را ناموفق می دانند. مداخله خارجی، مناقشات مربوط به تعیین اختیارات، تجهیزات و نحوه تدریس غیراستاندارد هنوز هم به قوت خود باقی است. گرچه گاهی نیز اساتید و مدیران فعال و معمولاً تحصیلکرده غرب پای به صحنه می گذارند، ولی بنا به اعتقاد دانشجویان، حضور ساواک سبب کاهش کارایی آنها می گردد. هر زمان اعتراض کاهش یافته، طبق گزارشات فعالیتهای ساواک نیز کم شده است. دانشجویان و جوانان دیگر، امروز برخلاف گذشته مایل نیستند، اعتراضات خود را مطرح کنند (چون در آن زمان ساواک به نظر آنها یک سازمان چندان جدی به حساب نمی آمد) و رخنه مؤثر در تمام

گروه‌های مخالف سبب سرکوب هرگونه نارضایتی شده است. ظاهراً دانشجویان دریافته اند که اعتراضات، فراتر از نارضایتی آکادمیک معمولاً عکس العمل سرکوبگرانه و خشن به دنبال دارد. این عکس العمل توسط اعتراضات مطروحه و علنی مطبوعات و رسانه های دولتی علیه دانشجویان شدت بیشتری می یابد. بنابراین می توان گفت که اعمال کنترل بیشتر بر تکنولوژی رو به بهبود، به سرکوب مخالفین کمک کرده است.

ایرانیهای جوان بر خلاف افراد مسن تر می توانند با کار در نظام موجود روحیه عصیانگر خود را مخفی نمایند. این واقعیت که سالانه حدود ۰۰۰/۱۵ ایرانی تلاش می کنند تا به دانشگاهها راه یابند، لیکن به دلایلی چون کمبود مالی و یا کمبود مکان، قادر به این کار نیستند خود گواهی است بر جذابیت تحصیلات عالی در ایران برای بسیاری از مردم دانشگاه و مدرک تحصیلی، گذرنامه ورود به زندگی بهتر در ایران است. با این وصف، محدودیتهای اعمالی در مورد تحصیلات عالی خسارات خود را وارد خواهد کرد چون جوانان ایرانی درمی یابند که آنها محتاج به تطابق و همراهی بیشتر با دستگاه دولتی ایران بوده و مباحثات سازنده (معمول در بین تمام دانشجویان دنیا) برای آنان ممنوع است. اتحادیه های دانشجویی و ورزشی تا حدود زیادی جایگزین مشارکتهای دیگر شده تا ذهن دانشجویان را به خود مشغول دارند این جایگزین سازی چیزهای دیگر به جای مشارکت دانشجویی نیز در کنترل محیط دانشگاهی در سالهای اخیر نسبتاً موفق بوده است، اما احتمالاً نتیجه مستقیم آن ارائه روشنفکرانی جوان و فاقد تجربه کافی به اجتماع خواهد بود. شاه و دولت در میان ایرانیهای جوان گاهی وحشت انگیز گاه قابل احترام و گاه قابل انزجار جلوه گر می شود. بدون شک افسران جوان نظامی به شاه و ایران وفادارند، و بخش اعظم جوانان عضو سپاهیان دانش، بهداشت و عمران و ترویج نیز از آن جمله اند. این گروهها دارای چنان احساس سرسپردگی و نخبگی هستند که جوانان ایرانی عموماً فاقد آن هستند. بنا به دلایلی که هنوز روشن نشده

شاید فردگرایی ایرانیها و نیز این تصور آنها مبنی بر اینکه هیچ چیزی نیست که واقعا ارزش مبارزه را داشته باشد مرتبط است در میان آنها هیچ گاه نفع عمومی مدنظر نیست.

درست یا نادرست، جوانان ایرانی معتقدند که تجهیزات و دستگاههای دولتی هیچ گاه مانند امروز محدود کننده نبوده است. پس از برگزاری جشنها اقدامات احتیاط آمیز امنیتی که در سراسر کشور برقرار شده بود، ادامه یافت چون دولت مصمم شده بود که گروههای چریکی و تروریست را سرکوب نماید. در نتیجه، گردهمایی دانشجویی و جوانان بیش از گذشته تحت کنترل قرار گرفته مباحثات سیاسی در میان این دانشجویان بیش از گذشته نادر شده است.

برای جوانان شهری و تحصیلکرده، نه اصلاحات پرجنجال و نه بهبود وضع بازار کار هیچ یک جذابیتی ندارند، دانشگاهها تا حدود زیادی با پذیرش تعداد بی شماری از جوانان محروم از نظر اقتصادی با دموکراسی همراه شده، اما برای بعضی از آنها روش تحصیل مضحک است و دانشگاه شباهت بسیاری به یک سیرک پیدا کرده است. اقتصاد کشور فعال شده، اما بیکاری واقعی و اشتغال در سطح پایین در میان جوانانی که چیزی به جز ارائه مدرک دانشگاهی ایران ندارند، افزایش یافته است.

جوانان تحصیلکرده ناراضی و ناراحت هستند. آنها خواستار منافع ثروتمندان و افراد بانفوذ هستند، اما از محدودیتی که بر مشارکت آنها در حیات سیاسی ملی اعمال می شود، متنفر هستند.

برنامه اصلاحی

طبقه بندی: خیلی محرمانه می ۱۹۷۲ اردیبهشت ۱۳۵۱

برنامه اصلاحی

خلاصه

انقلاب سفید ایران که در سال ۱۹۶۲ آغاز شد در سالهای اخیر قدری از پویایی خود را از دست داده است. برنامه اصلاحی ۱۳ ماده ای که قرار بود ملت ایران را وارد قرن بیستم بنماید، در زمینه هایی چون اصلاحات ارضی و سوادآموزی موفقیت بسیار داشته، لیکن در زمینه های دیگر از قبیل اصلاح امور اداری و انقلاب آموزشی موفقیت چندانی در بر نداشته است. تأثیر کل برنامه اصلاحی سبب تغییر وجهه شاه از فردی فاقد حس اعتماد به فردی علاقه مند به کشور و قادر به حکومت شده، لیکن فقدان حس اصلاحات سیاسی کافی در آینده مسائلی را ایجاد خواهد کرد.

در اثر پویایی وجهه شخصی شاه و قدرت اجرایی تکنوکراتهای ذی صلاح ایرانی برنامه اصلاحی به صورت بخشی از حیات جامعه ایرانی درآمده است، از زمان اعلام برنامه اصلاحی ۶ ماده ای در سال ۱۹۶۲ اصلاحات زبازند خاص و عام گشته و تلاشهای بسیاری صرف می شود تا هرگونه قانونی هر چند بی ربط با برنامه اصلاحی مربوط گردد.

برنامه اصلاحی ظاهراً در طول دو سال گذشته تحرك خود را از دست داده، لیکن طی سال آتی یا پس از آن مجدداً تحرك بیشتری خواهد یافت. واقعیت این است که بعضی از برنامه های خیالی انقلاب سفید کمک زیادی به پیشرفت ایران در سالهای اخیر کرده و شاه اغلب اوقات با غرور بسیار از موفقیتهای خویش دم می زند. واقعیت این است که بعضی از برنامه های اصلاحی ایران سرمشق برای دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته شده است.

انقلاب سفید شامل برنامه های زیر است:

۱ اصلاحات ارضی

۲ ملی شدن جنگلها

۳ فروش سهام کارخانجات دولتی

۴ سهام شدن کارگران در سود کارخانه ها

۵ اصلاح قانون انتخابات

۶ سپاه دانش

۷ سپاه بهداشت

۸ سپاه ترویج و آبادانی

۹ خانه های انصاف و شوراهای داوری محلی

۱۰ ملی شدن منابع آب

۱۱ بازسازی کشور

۱۲ انقلاب اداری و آموزشی

۱۳ سپاه دین

نیمی از این برنامه ها راه را برای پیشرفت و ترقی ایران هموار کرده است. اصلاحات ارضی زیربنای

تمام برنامه های اصلاحی است و موفقترین آنها نیز بوده است و سبب آزادی دهقانان از چنگال سیستم فئودالیتة غالب شده و راه را برای زمیندار شدن آنان باز کرده است. در نتیجه فعالیت جوانان مشمول خدمت در نظام وظیفه در مناطق استانی به عنوان سپاه دانش، سطح سواد از سال ۱۹۵۶ دو برابر شده و برنامه عمرانی سازمان ملل که مشغول اجرای برنامه های سوادآموزی است، اعلام کرده است که کشور در حال شکستن سد بزرگ بی سوادی است. سپاه بهداشت که تسهیلات طبی را در نقاط دور افتاده کشور فراهم می کند و سپاه عمران که خدماتی را در نقاط دور افتاده همین کشور ارائه می کند هم نتایج خوبی داشته و هم در حال گسترش است. خانه های انصاف عدالت را برای اولین بار در تاریخ کشور به روستاها برده است.

دیگر جنبه های انقلاب سفید به سادگی قابل رؤیت نیست. ملی شدن جنگلها و منابع آب به تدریج اجرا شده و نقش چندانی در پیشرفت ایران نداشته اند، لیکن ظاهرا در درازمدت منافی برای کشور به همراه خواهند داشت. فروش کارخانجات دولتی هواداری چندانی را برنینگیخته و ظاهرا تلاشی است از طرف دولت برای شانه خالی کردن از زیر بار سرمایه گذاریهای فاقد سود. سهم شدن کارگران در سود کارخانه ها هنوز به مرحله مورد نظر نرسیده و اصلاح قانون انتخابات وضع مبارزات سیاسی کشور را بهبود نبخشیده است (واقعیت این است که این کار با وجود سیستم سیاسی موجود تحقق پذیر نیست و برای شاه جنبه تبلیغاتی داشته تا یک اصلاحات واقعی). بازسازی کشور ثمری نداشته و اصلاحات اداری هنوز هم با بدبینی و تردید مورد برخورد قرار می گیرد، و به خاطر عدم موفقیت در کمک به عدم تمرکزگرایی بوروکراسی حجیم ایران مورد انتقاد قرار گرفته است. اصلاح آموزشی که در تابستان ۱۹۶۸ با جنجال بسیار بازگشایی شد (که ما فکر می کردیم شاید نوعی تعادل در این نهضت اصلاح طلبانه ایجاد کند)، نتوانسته است مشکلات دانشگاهها و دانشجویان و اساتید ایرانی را حل کند و به همین دلیل همه این

عناصر نسبت به اصلاحات آموزشی بی تفاوت می باشند. سپاه دین به خاطر فشارهای اعمالی از طرف ملاحظاتی که این برنامه را طرحی دولتی در جهت کاهش نفوذ خود در میان مردم به حساب می آورند، راکد مانده است.

انقلاب سفید مهمترین تأثیر را در بخش روستایی به جا گذاشته است: در حال حاضر دهقانان صاحب زمین خود بوده و وضع زندگی در روستاهایشان بهبود یافته است. آنها از منافع جنبی بسیاری برخوردارند و راه مشارکت آنها در ترقی کشور به طرز قابل توجهی باز شده است. جمعیت روستایی در کامیابی اقتصادی ناشی از اصلاحات سهیم است، لیکن دانشجویان و روشنفکران در اجرای برنامه های اصلاحی شرکت نکرده و در امتناع از این کار می گویند که نباید عمران اقتصادی را به جای اصلاحات واقعی اجتماعی و سیاسی پذیرفت.

وجه شاه نیز به خاطر همین برنامه های اصلاحی دستخوش تغییر بسیار در چند سال گذشته شده است. ترس سالهای پیشین دهقانان از بین رفته و احترام جدیدی جای آن را گرفته است. به کمک فعالیتهای انسان دوستانه ملکه فرح، شاه دیگر شهرت خود را به عنوان یک فرد زن باز از دست داده و به صورت یک فرمانروای جدی درآمده که به رفاه کشور و مردمش چشم دوخته است. در عین حالی که همه این گونه احساس هواداری نسبت به او را ندارند، ولی ایرانیها به طور کلی دریافته اند که این تنها شاه است که توان پیشبرد برنامه های اصلاحی را در مدتی کوتاه دارد، و به لحاظ عملکرد وی احترام او افزایش یافته

است.

تعهد شاه نسبت به برنامه های اصلاحی و شواهد موجود مبنی بر اینکه برنامه های اصلاحی به قوت خود باقی خواهند ماند، سبب شده که میزان چشمداشتها نیز افزایش یابد. فشار وارده بر اعمال اصلاحات بیشتر به خصوص در زمینه سیاسی افزایش خواهد یافت، چون ماه عسل سیاسی شاه نیز رو به پایان است. وی شخصا معترف است که مردمش باید آماده رسیدن روزی باشند که مشارکت بیشتر آنها در دولت متبوعشان الزامی خواهد بود. ولی از طرف دیگر وی میل ندارد به آنها اجازه مشارکت دهد. اینکه او چگونه این دو موضع را با یکدیگر منطبق می سازد و خود را با اوضاع دائما متغیر وفق دهد معلوم نیست. ولی پاسخ به این سؤاها کلید اصلی آینده سیاسی ایران است، زیرا مشخص است که در سالهای آتی بارها و بارها باید با مشکلات اصلاحی برخورد نمود.

بررسی اطلاعات ملی

سند شماره (۷)

بررسی کلی می ۱۹۷۳ اردیبهشت ۱۳۵۲

ایران

بررسی اطلاعات ملی

هشدار

جزوه حاضر حاوی بررسی اطلاعات ملی است و نباید منتشر و یا در اختیار نمایندگان هیچ دولت

خارجی و یا هیئت بین المللی قرار گیرد، مگر با کسب مجوز از رئیس سازمان اطلاعات، بر طبق مفاد

مندرج در بخشنامه شماره ۱ شورای اطلاعات امنیت ملی.

ولی مطالب طبقه بندی نشده بررسی اطلاعات ملی می تواند در جهت نیل به اهداف رسمی در اختیار

اتباع خارجی و یا پرسنل غیر دولتی قرار گیرد، مشروط بر اینکه در آنها اشاره ای به اطلاعات ملی و بررسی اطلاعاتی ملی به عنوان مأخذ و مرجع نشده باشد.

مطالب فرعی و گرافها جداگانه و برحسب موضوع طبقه بندی شده است / عناوین کنترلی عبارتند از:

(U/OU) طبقه بندی نشده / فقط برای استفاده شخصی

(C) خیلی محرمانه

(S) سری

فصول بررسی کلی

نگرشی جامع به کشور مورد نظر: تاریخ کشور، مختصر مطالب مربوط به کشور.

خلاصه نقشه

جامعه: ساختار اجتماعی، جمعیت، بهداشت، شرایط زندگی، مسائل اجتماعی، مذهب، آموزش و پرورش،

فعالیت‌های هنری. اطلاعات عمومی.

دولت و سیاست: تکامل اقتصاد کشور. ساختار آن کشاورزی، شیلات، جنگلداری، سوخت و نیرو،

فلزات و کانیها، صنایع و ساختمان سازی. تجارت داخلی، خط مشی اقتصادی و عمران، نیروی انسانی،

روابط اقتصادی بین المللی.

حمل و نقل و مخابرات: ارزیابی سیستمها، تحرک استراتژیک، خط آهن شاهراهها، آبهای داخلی، خطوط

لوله، بنادر، کشتیهای بازرگانی، هواپیمایی داخلی، فرودگاهها، سیستم مخابراتی.

جغرافیای نظامی: توپوگرافی و آب و هوا، مناطق جغرافیایی نظامی، مناطق استراتژیک، راههای داخلی.

مبادی ورودی: زمینی، دریایی، هوایی.

نیروهای مسلح: نهاد دفاعی، فعالیتهای مشترک، نیروهای زمینی، نیروهای دریایی، نیروهای هوایی، شبه

نظامی.

اطلاعات و امنیت: ساختار سازمانهای مرتبط با امنیت داخلی و اطلاعات خارجی، مسئولیتها و

معیارهای حرفه ای و تداخل روابط آنها، مأموریت، سازمان، عملکرد، کارایی و روشهای عملیاتی هر یک،

بیوگرافی مقامات عالیرتبه.

این بررسی کلی جایگزین مجلد مورخ نوامبر ۱۹۶۹ که نسخ آن باید نابود گردد، می شود

نمای کشور: ایران

تغییر از بالا

موانع موجود در برابر تغییر، سنت تفوق طلبی، انحصاری سازی قدرت سیاسی، انقلاب سفید، نفت و

دیگر چه؟ نگاهی به غرب، شرق و به خاورمیانه، با رفتن شاه ایران بر باد می رود.

تاریخ کشور

مختصر مطالب مربوط به کشور

خلاصه نقشه

این نمای کشوری توسط سازمان سیا برای بررسی اطلاعاتی ملی تهیه شده است. تحقیقات در ژانویه

تغییر از بالا

در میان کشورهای کمتر توسعه یافته، مهمترین کوششها برای مدرنیزه شدن در کشور ایران جریان دارد. برخلاف سایر کشورهای آسیایی و آفریقایی، به خصوص کشورهای خاورمیانه، ایران در جهت مدرنیزه شدن گامهایی برداشته که ناشی از انقلاب یا واژگونی خشونت بار نظام اجتماعی نبوده بلکه از ابتکارات فرمانروای این کشور، محمدرضا شاه پهلوی سرچشمه می گیرد. (U/OU)

محمدرضا همیشه پیشتاز حرکت نوگرایی کشور نبوده است. او در سال ۱۹۴۱، هنگامی که پدرش به خاطر مشکوک واقع شدن در زمینه همکاری با نازیها توسط روسها و انگلیسیها که ایران را اشغال نموده بودند تا از رشد و نفوذ نیروهای خط مقدم جلوگیری نمایند مجبور به کناره گیری از حکومت شد، به تخت نشست. شاه جوان که در زمان نزول بر تخت سلطنت تنها ۲۲ سال داشت مدتی از عمر خود را در سایه پدر قدرتمند و زیرک خود که مؤسس دودمان بود و چهره ای نیرومند و مسلط بر اوضاع، گذراند. به علاوه در ۱۰ سال اول حکومت خود، محمدرضا از نقشی که می بایست در اداره کشورش ایفا کند، ظاهرا

آگاهی کافی داشت. او که در سوئیس تحصیل کرده و تحت تأثیر سنتهای دموکراتیک غربی قرار داشت، تصور می کرد که باید مانند سلاطین اروپایی که در آنها یک دولت منتخب اهداف و خط مشی های ملی را تعیین می کند، انجام وظیفه کند. (U/OU)

در دوران پرنجبال نخست وزیری محمد مصدق یعنی از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ نقطه عطفی در تحول سیاسی شاه پدیدار گشت که منجر به اتخاذ روش حکومتی کنونی وی گردید. مصدق هنگامی به قدرت رسید که تخاصم و منازعه میان دولت ایران و شرکت نفت انگلیس بر سر افزایش حق الامتياز منجر به ملی شدن این شرکت شده بود. در اثر اقدامات اقتصادی متقابل انگلیس و قطع تولید نفت این شرکت، ایران مشکلات اقتصادی فزاینده ای را تجربه نمود. (U/OU)

مصدق که قادر به اصلاح خرابی اوضاع اقتصادی نبود برای خاموش کردن و فرونشاندن منتقدین خویش، به اقدامات سرکوبگرانه متوسل شد. در نتیجه او بسیاری از حامیان محافظه کار خود را از دست داد و پس از کناره گیری آنها، حزب کمونیست توده به عنوان تنها حامی او باقی ماند. سپس مصدق بر آن شد تا با انحلال مجلس موقعیت خود را تحکیم بخشد. هنگامی که شاه خواست او را برکنار کند وی از مردم خواست که با ریختن به خیابانها به نفع او تظاهرات کنند و شاه را از سلطنت خلع نموده و یک شورای نیابت سلطنت را تشکیل داد. شاه به بغداد و پس از آن به رم گریخت و سپس ارتشیان ایران با حمایت آمریکا در اوت ۱۹۵۳ طرح کودتا بر علیه مصدق را به مورد اجرا گذارده و شاه را دوباره بر تخت سلطنت نشاندند.

شاه که دریافته بود که در حکومت یا باید اقتدار بیشتری از خود نشان دهد و یا خطر از دست دادن مجدد تاج و تخت را به جان خریدار شود، درصدد تحکیم مقام و موقعیت خویش برآمد. پس از حل مسئله نفت با انگلیس، او بقیه سالهای دهه ۱۹۵۰ را صرف تقویت حکومت خود در سراسر کشور و به ویژه در

نظام ارتش و بوروکراسی دولت نمود. پس از انجام این کار او تلاش خود را به مدرنیزه کردن کشور معطوف داشت و برنامه وسیعی را برای ایجاد تغییر در نظام اجتماعی و اقتصادی کشور تهیه نمود. (U/OU)

یکی از جنبه های تلاش شاه برای مدرنیزه کردن کشور همان هدفی را دنبال می کرد که پدرش نیز در صدد تحقق بخشیدن به آن بود: ایجاد ارتشی نیرومند برای کنترل اوضاع داخلی در سرزمینی با رقابتها و خصومت های دیرین و کهنسال و گسترش نفوذ کشور در خاورمیانه. ولی مدرنیزه شدن ارتش و نیروهای مسلح به خودی خود امکان پذیر نبود و برای این کار باید ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور نیز تغییر داده می شد. تأمین نیروی انسانی برای یک نیروی مسلح که در زمینه کاربرد سلاح های مدرن آموزش دیده و مجهز به آنها باشد، مستلزم وجود سربازانی آموزش دیده تر و سالمتر بود، و این تنها در صورتی امکان پذیر است که عموم مردم از آموزش و پرورش و بهداشت بهتر برخوردار باشند. عملکرد یک سیستم نظامی نیز محتاج یک دستگاه اداری پیچیده خواهد بود. (U/OU)

شاه همچنین سعی داشت تا از طریق برنامه اصلاحات ارضی موقعیت خود را مستحکم نماید. ثروت زیاد تعدادی از خانواده ها را در ایران (احتمالاً، کمتر از ۱۰۰۰ تایی است که معمولاً ذکر می شود) قادر ساخته بود که به قدرت سلطنتی دست درازی نموده و گاه گاهی نیز با آن به مبارزه برخیزند. در ایران از دیرباز ثروت بر مالکیت زمین استوار بوده است. شاه با گنجاندن تقسیم مجدد اراضی در برنامه جدید خود دو هدف را دنبال می کرد: درهم شکستن قدرت سیاسی زمینداران به وسیله تقسیم املاکشان که منبع

درآمد آنها بوده و در عین حال جلب توجه و عطوفت رعایا. شاه امیدوار بود که از این توجه و حق شناسی

رعایا برای ایجاد یک هم پیمانی سیاسی با آنها جهت مقابله با بقایای سلاطین که در اواسط دهه ۱۹۵۰

هنوز مجلس را در کنترل داشتند، استفاده نماید. (U/OU)

نوعدوستی و ملی گرایی نیز سهم عمده ای در کوششهای شاه برای نوسازی کشور داشتند. او آشکارا

متعهد شده است که اصلاحاتی را پدید آورد. در نطق تاجگذاری خود وعده داد که تمام تلاش خود را

«صرف بهبود مستمر وضع ملت ایران خواهد ساخت تا هم سطح پیشرفته ترین و خوشبخت ترین جوامع

دنیا گردد». او بر اهمیت تغییر نظام ملوک الطوائفی موجود تأکید نموده است. بدین ترتیب او در کتاب خود

تحت عنوان «فلسفه انقلاب» که در سال ۱۹۶۷ در مورد برنامه اصلاحات نگاشته، اعلام داشته است که:

«نظام اجتماعی سابق که قرنها در ایران رواج داشت و در آن امتیازات و برتریهای طبقاتی کم و بیش در

اصل و طبیعت مسائل در نظر گرفته می شد دیگر قابل قبول نیست. متعاقبا اگر ملت ما می خواهد که در

مسیر حرکت و پیشرفت و جزء ملل آزاد دنیا باقی بماند هیچ راهی جز تغییر و اصلاح کامل نظام اجتماعی

کهنه و قدیمی و ساختن آینده خود در یک نظام جدید و سازگار با نیازها و نگرش روز ندارد.»

شاه در سال ۱۹۵۲ برای نشان دادن حقانیت کلامش، شروع به فروش املاک شخصی وسیعش نمود.

او زمینهای خود را به صورت دراز مدت به روستاییانی که روی آن کار می کردند فروخت و تقسیم نهایی در

ژانویه ۱۹۶۳ انجام شد. شاه همچنین مؤسسات دولتی را وادار نمود که اراضی مازاد خود را که جزء املاک

عمومی می باشد بین مردم تقسیم نمایند، حرکتی که در سال ۱۹۵۸ شروع شد. در سال ۱۹۶۱ شاه اقدام به

تشکیل بنیاد پهلوی نمود که سود سهام مؤسسات تجاری شاهی را دریافت کرده و آن را در جهت حمایت

از خدمات اجتماعی گوناگون صرف می نماید شاه تاجگذاری خود را تا سال ۱۹۶۷ یعنی ۲۶ سال پس از

به قدرت رسیدن به تأخیر انداخت، چرا که معتقد بود اگر چه این تاج میراث اوست، ولی تا زمانی که

شایستگی کافی برای این کار را به دست نیاورده نمی تواند آن را بر سر بگذارد. (U/OU)

موانع موجود در برابر تغییر (C)

دستیابی به تحول در ایران آسان نبوده و شاه مجبور بود با مشکلات زیادی که مستقیماً بر میزان و جهت فعالیتهای مربوط به نوآوری کشور تأثیر می گذارند، مقابله کند. نظر به نیاز یک ارتش مدرن به تحرک و دسترسی یک اقتصاد صنعتی مدرن به بازار و مواد خام می بایست با مشکلات محیط دست و پنجه نرم می شد.

ایران سرزمین صعب العبوری است مرکب از یک فلات مرتفع مثلث شکل محصور در میان کوهها، این سرزمین گوناگون از لحاظ شرایط طبیعی به چهار منطقه تقسیم می شود. کوههای غربی و جنوبی، رشته کوهها و سرزمینهای کم ارتفاع اطراف دریای خزر، فلات خشک و لم یزرع مرکزی، مناطق مرتفع شرقی، محیط طبیعی کشور منجر به پیدایش آب و هوای مخالف می شود. میزان متوسط بارش باران در منطقه تحتانی دریای خزر به ۵۰ اینچ در سال بالغ می شود. این مقدار با کمی تفاوت در کوههای شمالی و غربی نیز دیده می شود. ولی هر چه به طرف جنوب شرقی و مناطق مرکزی پیش رویم این میزان کاهش بیشتری نشان می دهد. کوهها مانع از رسیدن ابرها به منطقه مرکزی که کویر بزرگی است و تقریباً نیمی از کشور را در بر می گیرد. می شوند. وجود آب یک عامل اساسی و عمده در مشخص کردن، اندازه و موقعیت و الگوی

سکونت انسان در ایران می باشد. در خارج از مناطق شمالی و غربی که بیشتر جمعیت ۸/۳۰ میلیونی ایران در آن زندگی می کنند روستاها در اطراف منابع آب متمرکز شده اند. در برخی مکانها منابع آب آن قدر اندک است که مردم فقط در صورتی می توانند به زندگی خود ادامه دهند که به خصوصیات زندگی بادیه نشینی عادت نموده و از صحراهای کم ارتفاع به علفزارهای واقع در مناطق مرتفع تر کوچ کنند. راههایی که قسمتهای مختلف کشور را به یکدیگر متصل می کند از میان صحرا عبور کرده پس از چرخش در اطراف گذرگاههای کوهستانی به دره ها ختم می شود. در قسمت مرکزی کشور تنها یک جاده وجود دارد، که شمال را به جنوب وصل می کند و تنها دو جاده وجود دارد که از غرب به شرق می رود. سیستم راه آهن اندکی توسعه یافته و تنها شامل ۳۰۰۰ مایل خطوط آهن است که خلیج فارس را به بحر خزر و مراکز کشاورزی عمده شمال غرب و شمال شرق را به تهران وصل می کند. شهرهای بزرگتر از حمل و نقل هوایی برخوردارند، ولی مسافران معمولی برای سفر از پایتخت به استانها باید از وسایط نقلیه مشکلاتری استفاده کنند. این تنوع قسمتهای مختلف کشور باعث تفرق مردم شده است. بسیاری از آنان اولاد و نوادگان کسانی هستند که قرنها پیش به این سرزمین حمله کرده و اکنون به صورت اقلیتهایی باقی مانده اند که بزرگترین آنها ترکها، اکراد و اعراب هستند. تنها در حدود ۵۰ درصد از جمعیت کشور به زبان فارسی به عنوان زبان ملی خود تکلم می کنند. گرچه عده بسیار زیادتری این زبان را در مدرسه فرامی گیرند.

شهرنشینی باعث از بین رفتن موانع زبانی و ایجاد انسجام بیشتر شده ولی استانگرایی (تمایل به سکونت در استانها م) هنوز هم صفت مشخصه جامعه است. از نظر تاریخی به فرضیه کشور تحت حاکمیت ملت و برنامه هایی که کل کشور را تحت تأثیر قرار می دهد توجه چندانی نشده است. حتی امروز هم تنها جزء کوچکی از مردم ایران که در شهرها زندگی می کنند خود را بخشی از این ملت می دانند. بیشتر مردم در روستاها زندگی می کنند و زندگی آنها در درجه اول به خانواده و سپس به روستا وابسته است. آنها حتی به

روستای مجاور خود کمک نمی کنند تا چه رسد به بقیه کشور و ملت. قبایل چادرنشین حتی بیشتر از این حد از شرکت در حیات ملی کناره گرفته اند. تلاشهای دولت برای اسکان عشایر با موفقیت همراه بوده و سرشماری سال ۱۹۶۶ تعداد آنها را ۵۰۰/۰۰۰ و احتمال اندکی بیشتر نشان داده است. بسیاری از عشایر اسکان یافته شرکت در مسائل قبیله ای را همچنان حفظ نموده و به دولت و کشور جز به عنوان یک قدرت مرکزی که سعی در تغییر شیوه زندگی آنان دارد، نمی نگرند. حتی سوای مسائل استانگرایی شاه و حکومت او برای جلب حمایت توده های روستایی از برنامه های اصلاحی خود با مشکلاتی رو به رو خواهند بود. در نتیجه شیوه خاص زندگی خود، روستاییان نوعاً محافظه کار می باشند آماده قبول تغییراتی که آنها را مجاز به تملک اراضیشان و یا افزودن املاکشان می کنند، هستند. ولی تمایل به قبول تغییراتی از قبیل بهبود وضع زنان که بر روی امور شخصیشان تأثیر گذارده ندارند. در بیشتر نقاط آنها در فقر و بی سوادی به سر می برند و از شرایط زندگی خود راضی بوده و از زندگی توقع چندانی ندارند و در درجه اول نگرانی آنها مسئله ادامه زندگی و بقا تشکیل می دهد.

در سطوح بالاتر جامعه ایران، بیشتر افراد در فکر بهبود موقعیت و افزایش ثروت خود می باشند. البته خودپسندی و خودبینی امر تازه ای نیست، ولی جامعه ایرانی به طور سنتی خود بزرگ بین را یک فضیلت می داند. شخصی که با توسل به طرق مختلف راه ترقی را می پیماید در این جامعه مورد تمجید و تحسین واقع می شود. بنابراین و به همین دلیل هنگامی که جیمز موریس انگلیسی کتاب طنز خود را تحت عنوان

حاجی بابای اصفهانی نوشت که در آن یک فرد حقه باز و بی قید نسبت به موازین اخلاقی شخصیت اول داستان بود. به جای تقبیح یک خصوصیت غیر قابل قبول، این کتاب به عنوان داستان یک قهرمان ملی در میان ایرانیان محبوبیت یافت. در نتیجه همین کردار رایج بسیار به ندرت می توان فردی را یافت که مایل به شرکت در برنامه های ملی باشد، حال چه به عنوان مجری و چه به عنوان شرکت کننده، مگر در صورتی که نفع شخصی خود را در این مسئله بیابد.

از سویی، بخشی از تاریخ کشور مانع از مقبول واقع شدن برنامه های آینده نگر شاه می گردد. موجودیت ۲۵۰۰ ساله ایران باعث بروز مقاومت عمومی در برابر تغییر سریع شده مگر آن که این تغییر جنبه تحمیلی داشته باشد. در بخش عظیمی از تاریخ ایران این تمایل نوعی فضیلت به شمار می رفته، چرا که خطر جدی

از بین رفتن هویت فرهنگی ملت در اثر حمله و اشغال اعراب، ترکها، مغولها، تاتارها و افغانها مطرح

بوده است. اکنون بخشهایی از جمعیت ایران شاه را به خاطر گسستن پیوستگی فرهنگی و همچنین

مقابله اش با مذهب که به نظر آنها در سیاستهای وی نهفته است مورد انتقاد قرار می دهند.

اعتراضات شدید نسبت به برنامه های اصلاحی شاه به خصوص از جانب مذهبیین که از قدیم الایام

قدرتمندترین گروه موجود در ایران بوده اند، سرچشمه می گیرند. برای پی بردن به اهمیت رهبران مذهبی و

روحانیون در ایران کافی است بدانیم، که اسلام تنها یک مذهب نیست. اسلام یک نظام مذهبی، اقتصادی،

حقوقی، اجتماعی و معنوی است که کلیه جنبه های زندگی را از نماز و عبادت گرفته تا قوانین ارشاد و

روابط بین افراد در بر می گیرد. مذهبیین به خاطر علم و قدرت تفسیر قوانین اسلامی از دیر باز خواستار

برخورداری از حق و تو در مورد هرگونه فعالیت دولت که متناقض با اسلام است، بوده اند.

مذهبیین از یک قرن پیش تاکنون نسبت به دخالت دولت در مسائلی از قبیل آموزش و پرورش،

الگوهای مالکیت زمین و وضع زنان اعتراض نمود و مخالفت نشان داده اند، رهبران مذهبی به درستی

می دانستند که نتیجه نهایی رویه دولت در صورت عدم کنترل توسط آنان چیزی جز دنیا پرستی و مادی گرایی نبوده و مسائل شخصی توسط قوانین دولتی و دادگاههای دولتی اداره خواهند شد، نه با قوانین و مقررات اسلام. بنابراین هنگامی که برنامه اصلاحاتی شاه در ژانویه ۱۹۶۳ به صورت قانون درآمد، چهره های ارتجاعی مذهبیون اولین کسانی بودند که علناً به مخالفت با آن برخاستند. آنها همچنین شورشهایی را که در برخی از مراکز شهری در ژوئن ۱۹۶۳ رخ داد رهبری می کردند. اگر چه بعداً دولت نفوذ مذهبیون را در شهرهای ایران محدود نمود ولی رهبران مذهبی در مناطق روستایی همچنان تأثیر عمده خود را بر روی روستاییان که عمیقاً تحت تأثیر مذهب قرار داشتند، حفظ کردند. شاه برای آرام کردن و ساکت نمودن مخالفت مذهبیون تأکید می کند که ملت با اسلام رابطه نزدیکی دارد و خود را در انظار مردم از لحاظ عمل به وظایف مذهبی مقید می نمایاند.

سنت پادشاهی (U/OU)

ماهیت گریز از مرکز نیروهای مؤثر در امور ایران تا اندازه ای به لحاظ جنبه دیگری از تاریخ این کشور محدود می شود، که سنت وجود یک حکمران نیرومند است که در رأس یک حکومت مقتدر، بر ملت حکومت می کند. در طول تاریخ در جریان حملات و پیروزیها، وجود یک رهبر نیرومند همواره عاملی ضروری بوده و احتمالاً عامل مهمی در حفظ فرهنگ آن سرزمین ایران در برخی ادوار حتی قرنهای تحت

تسلط بیگانگان قرار گرفته، ولی هرگز شیوه های زندگی فاتحان خود را به طور کامل نپذیرفته، بلکه در عوض، گاهی اوقات اعقاب همین فاتحان خود فرمانروایان ایرانی نیرومندی شده اند.

شاهنشاه شاه شاهان در نظر مردم تجسم عینی قدرتی مهربان و حکومتی پایدار و بسیار برتر و والاتر از آنان است. اگرچه روستاییان ممکن است از اوضاع مملکت آگاه نباشند ولی حکمران آن را می شناسند، چرا که از شکوه و عظمت تاریخی کشورشان از طریق اشعار شعرای گذشته و سابقه تاریخ این کشور چه از طریق نوشتجات و چه از طریق نقل داستانهای سینه به سینه آشنا شده اند. کورش کبیر(۱) با شکست مادها و سایر پادشاهان در سرزمین بین ساحل مدیترانه ای سوریه و رود اکسوس (OXUS) در آسیای مرکزی در قرن ششم قبل از میلاد اولین امپراطوری ایرانی را بنا نهاده و نوه او داریوش این امپراطوری را به ۲۰ قلمرو یا استان که توسط شبکه های از راههای شاهی به یکدیگر متصل می شدند، تقسیم نمود. پس از پیروزی اسکندر و قرنهای سلطه یونانیان، سلسله پارتها روی کار آمد و سپس نوبت به سامانیان رسید که ایرانیان امروز آن را بلافاصله بعد از هخامنشیان می دانند. ساسانیان در خلال ۴۰۰ سال سلطنت خود که از قرن سوم تا اواسط قرن هفتم میلادی به طول انجامید، قدرت دولت مرکزی را تقویت نمودند. آنها دست به اقدامات اصلاحی در سرزمینی که هم اکنون ایران نامیده می شود زدند، و نقشه آن را تهیه کردند. با شکست آخرین پادشاه ساسانی توسط اعراب مهاجم در سال ۶۵۱ میلادی ایران پای به دوره ای نهاد که ۹ قرن به درازا کشید و شاهد تسلط بیگانگان بود. به هر حال با به قدرت رسیدن صفویان در سال ۱۵۰۱ میلادی بار دیگر یک سلسله ایرانی حکومت را به دست گرفت. شاه عباس بزرگترین حکمران صفویان، پادشاهی بی نظیر بود و در زمان حکومت وی (۱۵۶۹) امپراطوری ایران مجدداً تحت کنترل یک حکومت مرکزی مقتدر قرار گرفت. پس از دو قرن سلسله صفویه توسط پادشاه کشور افغانستان که در همسایگی ایران قرار داشت، منقرض گردید.

افغانها نیز به نوبه خود توسط نادرشاه که از قبایل ترک زبان بودند سرنگون شدند. نادرشاه آخرین

فاتح بزرگ آسیای به شمار می رود. او که شاهی مستبد بود به هندوستان حمله برد و گنجینه وسیعی شامل

تخت طاووس معروف و الماس کوه نور را با خود به ارمغان آورد. آخرین سلسله خاندان ترک قاجار بود

که دوران دراز حکومتش نمایانگر دخالت سیاسی و اقتصادی اجانب و علی الخصوص روس و انگلیس

بود.

انقراض قاجاریان در سال ۱۹۲۱ توسط رضاشاه، پدر شاه فعلی باعث شد که مجدداً یک حاکم

نیرومند بر تخت نشیند. قبل از اینکه رضا شاه توسط و روس و انگلیس مجبور به استعفا شود توانست

کمبودهایی را که در دوران قاجار ایجاد شده بود، اصلاح نماید. رضاشاه با قدرت تمام حکومت را متمرکز

نمود و ارگانهای جدا و پراکنده ارتش را در قالب ارتشی یکپارچه درآورد، اولین گامها را برای درهم

شکستن قدرت مذهبیون برداشت.

شاه فعلی سعی کرده تا با تحریک غرور مردم کشورش نسبت به عظمت پادشاهی ایران قدیم و قابل

۱- حکاکیهایی که از زمان هخامنشیان برجای مانده نشان می دهد که آنان طایفه خود را هخامنش □ قبيله خود را پارسا و نژاد خود را آریایی می نامیدند. ایران به عنوان یک اسم جغرافیایی از لغت آریا مشتق شد. این نام رسماً در سال ۱۹۳۵ به عنوان نام کشور اعلام شد. از لغت پارسا لغت یونانی پارسی که در سایر زبانهای اروپایی به پرشیا تبدیل شده □ گرفته شده است. این لغت وقتی که داخل زبان عربی شده چون زبان عربی (پ) ندارد تبدیل به فارسی شد که ایرانیان همین را مورد استفاده قرار می دهند و نام یک استان نیز هست.

قبول بودن وجود و استقرار یک پادشاهی نیرومند بر روابط و وابستگی خود به اجداد تاریخیش تأکید نماید. جدیدترین و معروفترین کوشش وی در بها دادن به این سنت، نمایش مضحک جشن بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران در تخت جمشید در سال ۱۹۷۱ بود که پادشاهان، رؤسای جمهور و سران بیش از ۶۰ کشور در آن حضور داشتند.

به انحصار در آوردن قدرت سیاسی (S)

مخالفت مجلس با برنامه های شاه تنها چیزی بوده که وی هرگز با آن روبرو نشده است و از آنجایی که وی کنترل مجلس را به دست دارد برای تصویب برنامه ها و اخذ بودجه های لازم از مجلس با مشکل چندانی رو به رو نیست. اگر چه ایران یک کشور مشروطه سلطنتی است و دارای سیستم انتخابی می باشد، لیکن شاه توانسته با توسل به تهدید و تطمیع، مجلس را به عاملی برای دمکراتیک جلوه دادن سیستم و رژیم خود تبدیل نماید.

برای اطمینان از عدم مواجهه با هرگونه مخالفتی، کاندیداها جهت تصدی پستیهای در احزاب قانونی سیاسی و یا اخذ کرسی در سطح پایین تر پارلمان (مجلس) به دقت دستچین شده و مشخصا توسط شاه تأیید می شوند، آن بخش نسبتا کوچک جامعه که آگاهی سیاسی دارند، از دخالت شاه در روند سیاسی ناراضی هستند، ولی به خوبی می دانند که جز جلب توجه مردم به این مسائل در رابطه با اوضاع موجود، کار دیگری از دستشان بر نمی آید. شاه نیز به نوبه خود برای اینکه کنترل کامل خویش بر صحنه سیاسی را نشان دهد به آنها تا اندازه ای آزادی داده که ناراحتیهای خود را شفاها بروز دهند، به همین دلیل چند سال پیش این مصاحبه ساختگی با یک نماینده فرضی پارلمان در یکی از روزنامه های تهران به چاپ رسید:

سؤال: جمعیت حوزه انتخابیه شما چند نفر است؟

جواب: ۰۰۰/۱۰ نفر

س : شما چند رأی آورده اید؟

ج : ۰۰۰/۱۵۰

س : آیا فکر نمی کنید که در اینجا اختلافی وجود دارد؟

ج : چرا ولی به من گفته شده که حرفی نزنم.

س : چند کاندیدای رقیب داشتید؟ آیا هیچ یک از آنها بیشتر از شما رأی آورد؟

ج : خیلی بودند. همه آنها از من بیشتر رأی آوردند.

س : پس شما چطور انتخاب شدید؟

ج : این معجزه صندوق رأی گیری است.

س : سه حادثه مهم که در طول دوران نمایندگی شما رخ داد چه بودند؟

ج : اولی هنگامی اتفاق افتاد که من در خانه نشسته بودم و فکر می کردم چه کاری پیدا کنم که رادیو

اعلام کرد من برای نمایندگی در پارلمان انتخاب شده ام، دومی روزی بود که پارلمان حقوق ما را به ۱۰۰۰

دلار در ماه افزایش داد و سومی وقتی بود که به ما یک حق مسکن کلان دادند.

شاه با انحصاری کردن قدرت سیاسی در واقع همان حکومت است و به تنهایی در مورد جهت و کیفیت

سیاستهای ملی تصمیم می گیرد. شاه برای اجرای جنبه های عملی حکومت عده ای از هم مسلکان خود را

در قالب افراد کابینه، کارمندان غیرنظامی سطح بالا، مقامات نظامی بلند پایه، رهبران پارلمانی، متخصصین، تجار و اعضای خانواده سلطنتی، درباریان و افراد مورد اعتماد، گرد خود جمع نموده است. شاه عده ای دیگر را نیز برای خدمت به خود به عنوان عوامل سیاسی اش در استانها در قالب سطح دومی از کارمندان دولتی و مقامات محلی که در درجات پایین تری قرار دارند به کار گماشته است. شاه برای اطمینان از ادامه سلطنت خود و اطمینان از اینکه هیچ کس بر علیه وی قیام نخواهد کرد به هیچ فرد یا گروهی فرصت ایجاد پایگاه قدرت مستقلی نمی دهد. معمولاً کسی که مظنون به داشتن چنین تمایلی است از موقعیت خود به حوزه نامربوطی انتقال داده می شود.

اگر چه نیروی امنیتی کشور هر گونه مخالفت با انحصار گرایی قدرتر توسط شاه را در هم کوبیده ولی مواردی از اغتشاش و ناامنی وجود داشته تا به دنیا نشان داده شود که در کشور هنوز مخالفانی که قادر به اقدامات سریع و عجولانه هستند، وجود دارند. یکی از این قبیل حوادث در ماه می ۱۹۷۲ هنگام دیدار پرزیدنت نیکسون از تهران به وقوع پیوست، که طی آن چندین بمب در این شهر منفجر شد. در خلال همان سال مقامات ایرانی اعلام کردند که در رابطه با اقداماتی چون حمله به پلیس و نیروهای امنیتی و ترور و آدم ربایی ۲۸ تن دیگر را زندانی کرده اند.

بیشتر افراتیون سیاسی که تعداد آنها حداقل چند صد نفر می باشد، جوان تحصیلکرده از طبقه متوسط جامعه ایرانی می باشند. از جانب اینها هیچ گونه خطر جدی متوجه حکومت نیست.

به هر حال می توان گفت که آنها تا اندازه ای اقدامات سیاسی و اقتصادی کنونی شاه را در معرض تهدید قرار می دهند، چون که تنها عده قلیلی از آنها ممکن است از طریق اقدامات انتحاری اقدام به ترور شاه بنمایند. از آنجایی که شاه معمار و پیشتاز حرکتهای اصلاحی و توسعه اقتصاد کشور است، ترور وی ادامه این حرکتها را غیرممکن خواهد ساخت.

دستگاه امنیتی به واسطه نفوذی که توسط شاه کنترل می شود قادر به کاهش و تنزل این خطر و همچنین سرپوش گذاردن بر هر گونه قدرتی که نظم و آرامش عمومی را به میزان بیشتر تهدید کند، می باشند.

انقلاب سفید

شاه برای نشان دادن این مطلب که تغییراتی را که قصد انجام آن را در ایران دارد بدون خونریزی به به دست خواهد آمد، این انقلاب را انقلاب سفید نامید. او همچنین گفته است که اصلاحات ارضی هسته این تغییرات می باشد. زمانی که این انقلاب رسماً در سال ۱۹۶۳ به وقوع پیوست اقتصاد ایران، اقتصادی کشاورزی بود. اگرچه هم اکنون محصولات کشاورزی تنها در حدود ۱۶ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد، ولی وجود این محصولات همچنان برای تهیه غذای مورد نیاز جمعیت رو به رشد و مواد خام صنعت رو به توسعه این کشور یک مسئله حیاتی به شمار می آید. به همین دلیل طرحهای شاه در جهت افزایش محصول دهی و تولید مزارع صورت گرفته است. در سیستم سنتی مالکیت زمین به این مسئله توجه چندانی نمی شد. طبقات صاحب زمین و ملاکین تنها به فکر سرمایه گذاری در مسائلی از قبیل خرید و فروش اراضی شهری بودند، و توجهی به تکنیکهای جدید برای مدرنیزه کردن کشاورزی نداشتند. روستاییان هیچ سهمی در زمین نداشتند و در حقیقت حاضر بودند که زمینهای اجاره ای خود را ترک کرده و در جستجوی کار پردرآمدتر به مراکز شهری مهاجرت کنند. امید آن می رفت که با سهم کردن روستاییان

در زمینها می توان علاقه به تولید بیشتر را در آنان کم کم ایجاد نمود.

قبل از به اجرا درآمدن قانون اصلاحات اراضی تنها یک درصد از مردم که بیشتر آنها ملاکین غایب بودند مالکیت بیش از نصف زمینهای زراعی کشور را در اختیار داشتند. این قانون آنان را مجبور کرد که به استثنای مقداری خاص کلیه املاک خود را بفروشند و برای روستاییان شرایطی فراهم کرد که بتوانند پول زمین را در مدت ۱۵ سال بپردازند. اداره اوقاف مذهبی که ۱۵ تا ۲۵ درصد دیگر زمینها را در اختیار داشت موظف شد، که این زمینها را ۹۹ ساله به مستأجرین خود اجاره دهد. در سال ۱۹۷۱ دولت اعلام داشت که کار تقسیم اراضی پایان یافته است. اگر چه آمار دقیقی در مورد مقدار ملاکینی که مشمول این قانون شده بودند در دست نیست، ولی دولت ادعا می کند که کلیه ۵۲۸۱۸ روستای موجود در ایران تحت پوشش این قانون قرار گرفتند و هم اکنون ۱۸۵۰۰۰۰ مالک جدید وجود دارد. به هر حال منافع اقتصادی حاصله به میزان مورد انتظار نبوده است.

روستاییانی که در سیستم گذشته زمینداری تنها قوت لایموتی برای ادامه زندگی به شدت می آوردند برای خرید بذر و سایر مایحتاج هنوز محتاج پولند و به علاوه حالا فشار مالی برای پرداخت پول زمینها نیز دامنگیر آنها شده است.

از نظر دولت بازدهی کشاورزی به میزان مورد نظر افزایش نیافته است. روستاییان همچنين سرمایه لازم جهت خرید تجهیزات مکانیزه و کودهای شیمیایی که می تواند تولید و بازدهی را بالا ببرد در اختیار ندارند. دولت معتقد است که مکانیزه کردن کشاورزی تنها در صورتی امکان پذیر است که خرده مالکین شرکت تعاونی تشکیل دهند، و هم اکنون سرگرم ترویج تشکیل چنین تعاونیهایی در این مرحله از برنامه اصلاحات ارضی است. ایران برای اداره شرکتهای تعاونی هم که قبلاً تشکیل شده اند نیروی انسانی تعلیم دیده کافی در اختیار ندارد. آنهایی که برای تشکیل شرکت تعاونی گرد هم آمده اند از کمبود سرمایه و عدم

کارایی مدیریت رنج می برند. مشکلات و مسائل روستاییان تنها در اثر کمبود پول نیست. جهالت، بیماری و عدم آگاهی از روشهای دیگر زراعتی که کارایی بیشتری دارند نیز از دیگر مسائلی است که گریبانگیر آنان است. هر یک از این نقایص به نظر می رسد که در تقویت سایر مشکلات برای بازداشتن کشاورز از ادامه راهی که خود را در آن یافته، مؤثر می باشد، انقلاب سفید در صدد توسعه آموزش در جهت تعلیم سواد خواندن و نوشتن، بهداشت و پیشرفت جامعه است. اقدام دولت در این زمینه شامل تشکیل گروههای سربازان وظیفه به نام سپاهی است که براساس خط مشی های نظامی سازماندهی می شوند. تشکیل این سپاهها به فارغ التحصیلان مدارس متوسطه و دانشگاهها این فرصت را می دهد که در عوض خدمت سربازی در زمینه آموزش خود به روستاها رفته و به مردم این مناطق خدمت کنند. موفقترین این گروه سپاهیان دانش بوده اند که در روستاهایی که در آنها هیچ مدرسه رسمی تشکیل نشده، فعالیت دارند. آمار دولتی نشان می دهد که تا سال ۱۹۷۱ سپاهیان بهداشت ۴/۱ میلیون نفر را در زمینه خواندن و نوشتن مقدماتی تعلیم داده اند. کمی پس از روشن شدن موقعیت سپاه دانش، سپاه بهداشت را به عهده داشت. در جریان اجرای این برنامه ۶۶۰۰ سپاهی از میان اطباء و پرسنل بهداشتی در کلینیکها و خانه های بهداشت و ۵۰۰ واحد سیار در سرتاسر کشور به کارگماشته شدند. بنا به گفته شاه تعداد روستاییانی که به خدمات این سپاهیان دسترسی داشتند، از یک میلیون در سال ۱۹۶۲ به ۸ میلیون یعنی تقریباً ۵۰ درصد جمعیت روستایی در سال ۱۹۷۱ افزایش یافته است. در این میان سپاهیان ترویج به دلیل کمبود پرسنل ورزیده در

زمینه های کشاورزی، دامپزشکی و مهندسی کمترین موفقیت را در این جمع دارا بوده اند. سایر موانع موجود بر سر راه فعالیت ایشان عبارت از کمبود سرمایه و کمبود منابع در روستاهایی که قرار است تحت پوشش کمک قرار گیرند، بوده است. برخی از این سپاهیان قادر به پر کردن جای خالی گردانندگان شرکتهای تعاونی در این مرحله از برنامه اصلاحات ارضی بوده و برخی از کشاورزان را به استفاده از تکنیکهای مدرن کشاورزی تشویق می کنند. برای رسیدن به اهداف انقلاب سفید حرکت خوبی آغاز شده است. با این وجود برخی از مشکلات کلیه ابعاد برنامه را تحت تأثیر قرار داده که واضحترین و مبرم ترین آنها کمبود پرسنل متخصص می باشد. پس از این کمبود سرمایه برای تأمین اعتبار پروژه ها از آغاز شروع آنها را باید ذکر نمود. تا اندازه ای می توان گفت که دولت با اصرار بر پیشرفت بیشتر این مشکلات را رو در روی خود قرار داده، ولی پیش از این که به تقویت هدفهای نایل آمده بپردازد به توسعه عجولانه پروژه ها دست زده است.

نفت و دیگر چه؟

شاه برای حرکت هر چه سریعتر در جهت صنعتی کردن ایران بشدت به نفت متکی بوده است. از آنجایی که ذخایر نفتی حتی با میزان استخراج فعلی تنها برای استفاده ۴۲ سال دیگر کافی خواهد بود شاه در نظر دارد از صنایع به عنوان عاملی برای عدم اتکای به نفت استفاده کند. به دلیل هزینه کلانی که ایجاد صنایع مختلف مدرن در مراحل ابتدایی در بر دارد دولت مجبور بوده که بار عمده این هزینه های مورد نیاز را به دوش خود گیرد. بخش خصوصی عمدتاً فعالیتهای مجتمع مانند را در بر می گیرد که سود سریع و زیادی را در بر داشته باشد. بیشتر این شرکتها چندان بزرگ نیستند: بنا به آمار دولت ایران ۹۱ درصد از شرکتهای ایران تنها ۹ نفر یا عده کمتری را در استخدام خود دارند. اگر چه دولت مایل است که صنایع فرعی که توسط بخش خصوصی اداره می شود وابسته به صنایع مادر نظیر کارخانه ذوب آهن و پتروشیمی است رشد کند،

لیکن بخشی خصوصی نیز با همان موانعی که در سر راه مدرنیزه شدن صنایع و برنامه های اصلاحی دولت وجود دارد رو به روست. هر دو بخش دولتی و خصوصی دچار کمبود پرسنل متخصص و مدیر برای رفع نیازهای خود بوده و در عین حال کمبود سرمایه نیز به چشم می خورد. دولت برای حل مشکل سرمایه اقدام به قرار دادن منابع مالی بیشتر در اختیار بانکهای سرمایه گذاری نموده و برای حل مشکل نیروی متخصص و کاهش این کمبود نیز طرح تعلیم در حین کار را به مورد اجرا گذارده است. حداقل شرکتهای بزرگتر از این اقدامات سود می برند. علیرغم این حقیقت که صنایع بخش خصوصی بر خلاف انتظار دولت چندان سریع رشد ننموده، ولی آنها مانند بخش صنایع (دولتی) رو به رشد بوده و سریعترین رشد در میان دیگر اجزا اقتصاد کشور دارا می باشند. پیشرفتهای جدید، مانند طرحهای دولت برای کار بر روی معادن عظیم مس و همچنین سنگ آهن که به تازگی کشف شده باعث تقویت و توسعه مستمر صنایع در ایران می شوند. به هر حال تا به امروز شاه توانسته است که برنامه مدرنیزه کردن اقتصادی و اجتماعی خود را اجرا نموده و به علاوه توانسته یک ارتش مدرن ایجاد نماید و اینها بیشتر در اثر وجود نفت بوده است. تولید ناخالص ملی در حال حاضر در ایران از کلیه کشورهای خاورمیانه بیشتر بوده و از دو برابر میزان تولید ناخالص ملی مصر و اسرائیل زیادتر است. در ۷ سال گذشته این تولید، رشد متوسط سالانه ۱۱ درصد را نشان داده است. صنعت نفت بزرگترین سهم را در تولید ناخالص ملی داشته و تنها عامل افزایش روزافزون

آن می باشد. درآمد ایران از نفت در سال مالی که در مارس ۱۹۷۲ پایان پذیرفت ۲/۲ میلیارد دلار ارز خارجی بوده و میزان این درآمد سال مالی جاری به ۷/۲ میلیارد دلار خواهد رسید. در دهه ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ میزان تولید متوسط سالانه نفت ایران ۵/۱۴ درصد افزایش یافت در همین مدت میزان افزایش تولید جهانی ۸ درصد و افزایش تولید بقیه کشورهای خاورمیانه ۱۰ درصد بوده است. امروزه ایران پس از ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی و عربستان سعودی چهارمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان می باشد. میزان تولید آن در سال ۱۹۷۱، ۷/۱ میلیارد بشکه بوده که ده درصد تولید کل جهان را تشکیل می دهد. وجود ذخایر نفتی معادل حدود ۷۰ میلیارد بشکه که ۱۰ درصد ذخایر نفتی دنیا را تشکیل می دهد، اهمیت ایران را به عنوان یک تولیدکننده بین المللی نفت نشان می دهد. افزایش درآمد نفت ایران تنها به خاطر افزایش تولید نبوده است، چرا که گاهی اوقات شاه و یا نمایندگان وی با زیرکی با شرکتهای نفتی خارجی درباره افزایش سهم ایران از سودی که این شرکتها از صادرات نفت ایران کسب می کند، به مذاکره نشسته اند. میزان واقعی سود به وسیله ایجاد یک قیمت ثابت مصنوعی که ایران برای نفت دریافت می دارد، مشخص می شود. از ابتدای امضای قرارداد اولیه، هم درصد سود و هم قیمت ثابت به نفع ایران افزایش یافته است. براساس قراردادهای جدیدی که به امضا رسیده است، انتظار می رود که ایران بتواند حدود ۱۴ میلیارد دلار در سالهای ۱۹۷۱/۷۲ تا ۱۹۷۵/۷۶ از طریق نفت کسب نماید. به علاوه، در اواسط سال ۱۹۷۲ ایران برای تهیه ترتیبات بیشتر جهت مجاز نمودن شرکت ملی نفت ایران به صدور زیادت در چهارچوب فروش نامحدود در بازار جهانی وارد مذاکراتی شد. تهران همچنین خواستار اعمال کنترل عملیاتی بر روی تأسیسات پالایشگاهی و همچنین سرمایه گذاری بیشتر از جانب شرکتهای خارجی در زمینه مسائل پالایشگاهی و سایر فعالیتهای شده است. شاه برای وادار کردن شرکتهای نفت به قبول طرحهای خویش در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۷۳ تهدید به فسخ قراردادهای جاری نمود و این در حالی بود که

مذاکرات با کنسرسیوم در این زمینه در جریان بود. به هر ترتیب ایران همچنان خواستار به دست آوردن درآمد بیشتر از نفت جهت تأمین اعتبار برای طرحهای شاه می باشد. ایران همچنین سرگرم توسعه سایر منابع درآمد می باشد. ایران از لحاظ حجم ذخایر گاز طبیعی سومین کشور دنیا بوده و میزان این ذخایر معادل ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است. در حال حاضر بزرگترین خریدار گاز ایران اتحاد شوروی است که در سال ۱۹۷۱ حدود ۲۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز به ارزش ۳۷ میلیون دلار از ایران خریداری کرده است. ایران با مسکو قراردادی برای فروش ۵۰۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز منعقد نموده است. همچنین مذاکراتی جهت تولید گاز مایع در جریان است. با شروع سال ۱۹۷۳ طرح کارخانه های جدیدی با سرمایه گذاری سه میلیارد دلار و با مشارکت شرکتهای ژاپنی و سایر شرکتهای خارجی جهت احداث آماده شد. البته درآمد حاصل از نفت به تنهایی قادر نبوده است که راه را برای تمامی اصلاحات مورد نظر شاه و برنامه های مدرنیزه کردن و صنعتی کردن کشور هموار نماید. به هر حال اعتبارات خارجی حدود یک چهارم از بودجه لازم برای طرحهای ایران را در برنامه ۵ ساله جاری تأمین خواهند نمود.

ایالات متحده از سال ۱۹۴۶ با در اختیار قرار دادن حدود ۱/۱ میلیارد دلار در قالب وامهای بلاعوض و اعتبارات برای اقتصاد و ۷/۱ میلیارد دلار برای ارتش ایران یکی از منابع اصلی این کمکها می باشد سایر اعتبارات بزرگ عمرانی توسط آلمان غربی، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و ژاپن ارائه شده، و کشورهای کمونیستی نیز از سال ۱۹۵۸ بیش از یک میلیارد دلار اعتبار اقتصادی در اختیار این کشور قرار داده اند که

منبع بیش از نیمی از آن شوروی بوده که بین سالهای ۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ نیز حدود ۳۲۵ میلیون دلار اعتبار برای مصارف نظامی در اختیار ایران گذاشته است.

نظر به شرق، غرب و به خاورمیانه

سیاست خارجی ایران رابطه نزدیکی با اوضاع داخلی آن دارد، از زمان مصدق به بعد شاه از نظر کمکهای اقتصادی و تسلیحاتی بشدت به ایالات متحده متکی شد. در همین راستا وی هم پیمانی نزدیکی با غرب پیدا کرد. در سال ۱۹۵۵ ایران به پیمان ضد شوروی، بغداد پیوست و در ۱۹۵۹ یک موافقتنامه دو جانبه با ایالات متحده به امضاء رسانید. وقتی که اقتصاد ایران در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ به طور روز افزونی قویتر شد، شاه خواهان کنار کشیدن خود از رابطه نزدیک با آمریکا و به طور کلی با غرب شد. او هم اکنون به نظر می رسد که خواستار میدان عمل بیشتری در روابطش با شرق و غرب می باشد.

روابط تهران با اتحاد شوروی از سال ۱۹۶۳ به طور مستمر گسترش یافت. مدتها پیش از آنکه شاه از اتحاد شوروی به خاطر حمایت از مصدق در دهه ۱۹۵۰ خشمگین شود، روابط ایران با همسایه شمالی اش تیره و تار بود. در بیشتر سالهای قرن ۱۹ ایران شاهد تعدیات اتحاد شوروی به خاک خود بوده و گرچه دولت بلشویک سیاستهای امپراطوری تزاری را مردود اعلام کرد با این حال سربازان روسی دوبار خاک ایران را به اشغال خود در آوردند. در سال ۱۹۲۰ روسها برای حمایت از «جمهوری سوسیالیستی گیلان» که در کناره جنوب غربی دریای خزر برپا شده بود وارد این کشور شدند. روسها زمانی که پدر شاه از امضای قراردادی با مسکو امتناع نمود و آن خطه به سرزمین ایران بازگشت از ایران عقب نشینی کردند. پس از جنگ جهانی دوم هنگامی که سربازان روس و انگلیس، ایران را در تصرف خویش داشتند، روسها از خارج شدن از این کشور خودداری نموده و حضور آنان باعث ایجاد دو جمهوری مستقل در قسمتهایی

از کشور که کردها و ترکهای آذربایجان در آنها زندگی می کردند شد، ولی سرانجام به دلیل فشار سازمان ملل، اتحاد شوروی نیروهای خود را از ایران خارج نمود.

به هر حال از اواسط دهه ۱۹۶۰ اتحاد شوروی به صورت یک منبع مهم کمکهای اقتصادی برای ایران درآمده است. بسیاری از کارخانجات صناعی سنگین ایران توسط اتحاد شوروی و اقمارش در اختیار دولت این کشور قرار گرفته اند. مسکو همچنین خریدار عمده گاز طبیعی ایران بوده است. میان سران دو کشور دیدارهایی به عمل آمده و به طور کلی دو کشور مواضع خصومت آمیز گذشته نه چندان دور خود را تغییر داده اند.

به طور طبیعی شاه نگرانی خاصی نسبت به موقعیت ایران در خاورمیانه نشان داده است. تأکید اخیر وی هنگامی بروز نمود که وی تصمیم گرفت پس از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه در سال ۱۹۷۱ ایران را به صورت قدرت حاکم بر خلیج فارس درآورد. او برای پر کردن خلاء موجود به سرعت وارد کار شد و به هدف خود دست یافت. در سال ۱۹۷۱ برای پایان دادن و حل مناقشات دیرینه ایران با دو شیخ نشین بر سر تصاحب و مالکیت جزایر استراتژیکی که در مدخل خلیج فارس قرار داشتند، شاه اقدام به یک نمایش قدرت نمود. او نیروهایی برای در دست گرفتن کنترل این جزایر و تحمیل شرایط ایران به آنجا گسیل داشت. ایران همچنان با همسایه عرب خود عراق که در غرب آن واقع است، مناقشاتی دارد.

مهمترین مسئله موجود در مناقشات دو کشور مربوط به ادعا و کشمکش عراق در زمینه مرز مشترک خود با ایران در طول شط العرب، که یک آبراه بین المللی است که دسترسی به بندر آبادان را امکان پذیر می سازد بوده و عراق ادعا می کند این مرز در ساحل ایران قرار دارد نه در خط میانی این آبراه. عراق همچنین ایران متهم به حمایت از شورشیان مناطق کرد نشین شمال عراق که در خلال ۱۰ سال گذشته شورشهای متناوبی بر علیه دولت بغداد برپا کرده اند، نموده است. ایران نیز به نوبه خود از اخراج متناوب ایرانیان از شهرهای مذهبی عراق خشمگین است ادامه این کشمکش بین یک رژیم پادشاهی غیرعرب و یک رژیم تندرو عرب چندان شگفت آور نیست. ولی بزرگ کردن این اختلافات و تبدیل آن به بحران نظامی موضوع دیگری است که هر دو طرف به دلایلی مجبور به اجتناب از آن می باشند. هیچ یک از دو طرف حاضر نیست که برای دست یافتن به مقاصد خود دست به مبارزه بزنند، لاقلاً عراق حاضر به این کار نیست، چرا که نیروی نظامی ضعیفتری دارد.

اگر شاه برود، ایران هم می رود

در مدت ده سالی که شاه برنامه های اصلاحی خود را آغاز نمود، موفقیتهایی به دست آورده است. اقتصاد ملت شاهد یک رشد واقعی بوده و صنعت رو به رشد آن به نظر می رسد میزان سالمی از رشد را دنبال خواهد کرد. در مناطق روستایی، انقلاب سفید، املاک فراوان ملاکین ثروتمند را از آنان گرفته و در اختیار کسانی قرار داده که زمینی نداشته و یا تنها قطعه کوچکی زمین در اختیار داشتند. برنامه های سوادآموزی شاه به روستاییان بی بضاعت امکان بیشتری برای دسترسی به آموزش داده است. فارغ التحصیلان دانشگاهها نیز در این میان سود برده اند، بسیاری از آنان برای اداره برنامه های اصلاحی مختلف تکنوکرات شده اند، ثروتمندان در رشد اقتصاد شرکت داشتند و از آن سود برده اند. مخالفان پیشرفتهای دهه اخیر عمدتاً از تحصیل کرده های طبقه متوسط می باشند که ندای سیاسی آنها مطابق با

چشمداشت‌هایشان نیست. ایران بدون ضعف نیست، به عنوان مثال مسئله افزایش میزان زاد و ولد در دراز مدت تهدیدی نسبت به موفقیت انقلاب سفید به حساب می‌آید. میزان رشد جمعیت بیش از یک میلیون نفر در سال است. جمعیت ایران در سال ۱۹۷۳ سی و یک میلیون نفر بود در سال ۱۹۸۹ به پنجاه میلیون نفر خواهد رسید بیشتر این جمعیت از نظر اقتصادی تولیدکننده نخواهند بود. در حال حاضر در حدود پنجاه و هفت درصد جمعیت ایران زیر ۲۰ سال هستند و همچنان که جمعیت افزایش می‌یابد میانگین سنی نیز کاهش می‌یابد.

چون میزان ورود جوانان به نیروی کار بیش از حد توانایی جذب اقتصاد است. ایران علیرغم بزرگترین رشد و توسعه اقتصاد خود با بیکاری روز افزون رو به روست. در شهرها که افراد از مناطق روستایی برای یافتن کار به آنها هجوم می‌آورند میزان بیکاری به ۱۲ درصد نیروی کار بالغ می‌شود. در اثر توسعه اقتصاد، توانایی‌های عده‌ای برای تحرک اجتماعی رو به افزایش است. ولی هیچ نشانی از کمتر شدن شکاف میان طبقه ثروتمند و فقیر به چشم نمی‌خورد. ایران ضرورتاً به خاطر تولید ناخالص ملی سرانه آن (در حدود ۴۰۰ دلار در سال) باید هنوز در جرگه کشورهای توسعه نیافته در نظر گرفته شود.

با این وصف ثبات کشور و چشم انداز اقتصادی آن دورنمای کلی این کشور را خوب و آینده آن را اطمینان بخش می‌سازد. روابط کشور با غرب مستحکم است به علاوه در قبال مسئله اعراب و اسرائیل

موضع تشنج آفرینی نداشته و از طرف دیگر به ترک مخاصمه با اتخاذ جماهیر شوروی تمایل نشان داده است.

هیچ خطری موقعیت شاه را تهدید نمی کند و موقعیت وی امن است. او بر ایران حکومت می کند. او تغییرات مهیج و مسالمت آمیزی را در رده های بالای جامعه به وجود آورده است. ضعف عمده سیستم شاه از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که هنوز به قوت خود باقی است این است که این سیستم هنوز به صورت نهادی در نیامده است. و چنین به نظر می رسد که در رابطه با انگیزه ها، جهت ها و نظرها تنها به او وابسته است. اگرچه برای اجرا پروژه ها و طرحهای وی دستگاه اجرایی دست اندر کار است، ولی فقط جزء کوچکی از تصمیمات وجود دارد که اشخاص دیگری جز شاه در اتخاذ آنها دخالت دارند.

دهه ای که او برای مدرنیزه کردن کشور گذرانده ممکن است وفاداری ها و پویاییهایی را برای خودش ایجاد کرده باشد و سن شاه (که در اکتبر ۱۹۷۳ وارد ۵۴ سالگی خواهد شد) و همچنین سلامتی وی به او اجازه می دهد، سالهای دیگری را برای تقویت سیاستهای خود و ایجاد ریشه های عمیقتر برای آنان سپری کند. ولی از آنجایی که سیستم فعلی به این صورت تک قطبی شده و ابزارهای سیاسی تنها در دست یک نفر که در رأس سیاست قرار دارد می باشد، برای آزمایش کامل قدرت دوام ایران باید منتظر از بین رفتن وی باشیم.

وقایع نگار (U/OU)

۳۳۰ ۵۵۹ قبل از میلاد مسیح

اولین امپراطوری پارس توسط کورش بزرگ و دودمان هخامنشی تأسیس شد و در برگیرنده

افغانستان کنونی در شرق و مدیترانه و دریای اژه در غرب بود.

۳۳۰ قبل از میلاد مسیح

اسکندر کبیر پس از شکست نیروهای پارسی به عنوان شاه پارس تاج بر سر می نهاد و آغازگر حکومت یونان بر این خطه می گردد که تا ۲۵۰ سال قبل از میلاد مسیح دوام پیدا می کند.

۲۵۰ قبل از میلاد مسیح

شورش علیه حکومت یونانیان منجر به پیدایش دودمان پارت می شود، که پنج قرن حیات آن ادامه می یابد.

۶۵۱ میلادی

تمام قلمرو ساسانیان تحت کنترل اعراب مسلمان در می آید و موجب پیدایش سقوط سیاسی، تفرقه، و بی نظمی ۹۰۰ ساله تحت حکومت اعراب، ترکها و مغولها می شود.

۱۷۳۶ ۱۵۰۱ میلادی

تحت حکومت صفویان نظم و وحدت داخلی به کشور بازگشته و شیعه اسلامی مذهب رسمی کشور اعلام می گردد.

۱۷۹۵ میلادی

حکومت طولانی قاجاریان ترک آغاز می شود.

ص: ۶۹۶

۱۹۰۶ دسامبر

قوانین بنیادین (قانون اساسی ملی) در زمان سلطنت دودمان قاجار به تصویب پارلمان ایران می رسد.

۱۹۰۷ اکتبر

بخش متمم قانون اساسی نیز تصویب می گردد.

۱۹۲۱ فوریه

رضاخان سرکرده تیپ قزاق ارتش ایران و سید ضیاءالدین طباطبائی که بعداً نخست وزیر شد با موفقیت علیه خاندان قاجاریه کودتا می کنند. پیمان دوستی بین ایران و جمهوری سوسیالیستی فدرال روسیه شوروی منعقد می گردد.

۱۹۲۵ دسامبر

تاجگذاری رضاخان که از این پس به رضاشاه پهلوی مشهور می گردد.

۱۹۴۱ اوت

انگلستان و شوروی به ایران حمله می آورند تا مانع گسترش نفوذ آلمان شوند.

سپتامبر

رضاشاه به نفع پسرش محمدرضا شاه از سلطنت کناره می گیرد.

۱۹۴۶ می

شوروی نظامیان خود را پس از طرح شکوائیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر عدم خروج

شوروی از ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم، خارج می سازد.

۱۹۴۹ فوریه

حزب توده، حزب سیاسی کمونیست ایران، به خاطر دست داشتن در طرح سوء قصد علیه شاه

غیرقانونی اعلام می شود.

۱۹۵۱ مارس

صنعت نفت انگلیس ملی اعلام می شود، تظاهرات خیابانی ضدانگلیس، امنیت ملی کشور را در

معرض تهدید قرار می دهند.

آوریل

محمد مصدق نخست وزیر می شود.

۱۹۵۳ اوت

مصدق به دنبال یک کودتا از کار برکنار و شاه که پس از تلاشی ناموفق علیه مصدق چند روز قبل از آن

به اروپا گریخته بود به ایران بازمی گردد.

۱۹۵۵ نوامبر

ایران به پیمان بغداد که در سال ۱۹۵۹ عنوان سازمان پیمان مرکزی (سنتو) را یافت، می پیوندد.

۱۹۵۹ ژوئیه

قرارداد دفاعی دوجانبه را با آمریکا منعقد می سازد.

۱۹۶۰ ژوئیه

ایران و جمهوری عربی متحده به دنبال مناقشه مربوط به اسرائیل روابط دیپلماتیک خویش را قطع

ص: ۶۹۷

می کند.

اکتبر

وارث ذکور شاه متولد و رضا کورش علی نام می گیرد.

۱۹۶۱ می

علی امینی نخست وزیر می شود و از طرف شاه مأمور انجام اصلاحات وسیع سیاسی، اقتصادی و

اجتماعی می گردد.

۱۹۶۲ سپتامبر

اعلامیه یک جانبه ایران به نفع شوروی مبنی بر اینکه قلمرو ایران به پایگاه هیچ یک از قدرتهای

خارجی تبدیل نخواهد شد.

۱۹۶۳ ژانویه

رفراندوم ملی در مورد برنامه اصلاحی شش ماده ای شاه سبب می شود که همگان به این برنامه رأی

مثبت بدهند.

سپتامبر

انتخابات پارلمانی مجلس بیست و یکم برگزار می شود.

۱۹۶۴ ژوئیه

ایران، پاکستان و ترکیه سازمان همکاریهای عمران منطقه ای را تشکیل می دهند.

۱۹۶۵ ژانویه

نخست وزیر حسن علی منصور توسط یکی از اعضای گروه متعصب مسلمان به قتل می رسد،

امیرعباس هویدا به نخست وزیری می رسد.

آوریل

یکی از سربازان وظیفه گارد سلطنتی به جان شاه سوء قصد می کند.

ژوئن

شاه رسماً به شوروی سفر می کند.

۱۹۶۶ ژانویه

ایران و شوروی در مورد احداث کارخانه ذوب آهن، توسعه معادن آهن و زغال سنگ و احداث یک

لوله جهت انتقال گاز طبیعی ایران به شوروی، توافق می کنند.

۱۹۶۷ ژانویه

شوروی یک اعتبار نظامی ۱۱۰ میلیون دلاری در اختیار ایران قرار می دهد.

اوت

انتخابات پارلمانی مجلس بیست و دوم برگزار می شود.

سپتامبر

مجلس مؤسسان قانون اساسی را اصلاح می کند تا جانشین شاه مشخص شود، ملکه نیز عنوان

نائب السلطنه می گیرد.

ص: ۶۹۸

اکتبر

تاجگذاری محمدرضا شاه .

نوامبر

کمک اقتصادی آمریکا به ایران رسماً پایان می یابد.

۱۹۶۸ ژانویه

انگلستان اعلام می کند که در پایان سال ۱۹۷۱ نیروهای خود را از خلیج فارس خارج خواهد

ساخت.

۱۹۶۸ فوریه

شاه سفر به عربستان سعودی جهت گفتگو در مورد وضعیت بحرین را لغو می کند زیرا رقابت موجود در

خلیج فارس افزایش می یابد.

سپتامبر

شاه به شوروی سفر می کند.

اکتبر

انتخابات شوراهای شهری در شهرهای بزرگ و شهرکها برگزار می شود.

نوامبر

شاه به عربستان سعودی و کویت سفر می کند.

۱۹۶۹ آوریل

از آنجا که لبنان از استرداد سپهبد تیمور بختیار به ایران امتناع می ورزد، چون باید در ایران محاکمه

شود، ایران با لبنان روابط دیپلماتیک خود را قطع می کنند.

ایران قرارداد ۱۹۳۷ خود با عراق را در مورد مرز شط العرب زیر پا می گذارد، زیرا معتقد است که عراق از آن سرپیچی کرده است.

اکتبر

شاه به آمریکا سفر می کند.

۱۹۷۰ ژوئیه

سپهد تیمور بختیار توسط عوامل ایرانی در عراق به قتل می رسد.

۱۹۷۱ ژوئیه

انتخابات پارلمانی مجلس بیست و سوم برگزار می گردد.

اکتبر

مراسم بزرگداشت ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران

نوامبر

نیروهای ایران جزایر ابوموسی و تنب کوچک و بزرگ در خلیج فارس را اشغال می کند.

۱۹۷۲ اکتبر

شاه و ملکه به شوروی سفر می کنند

مشخصات کشور

مشخصات کشور(۱)

زمین:

۶۳۶۰۰۰ مایل مربع، ۱۴٪ کشاورزی، ۱۱٪ جنگلی، ۱۶٪ قابل کشاورزی و دارای آب کافی، ۵۱٪

کویری، لم یزرع، یا شهری، ۸٪ مراتع مهاجرتی و غیره

مرزهای خشکی: ۳۳۰۵ مایل

آب:

محدوده قلمرو آبی (مورد ادعا): ۱۲ مایل دریایی

خط ساحلی: ۱۵۶۰ مایل (شامل جزایر دورافتاده)

مردم:

جمعیت ۰۰۰/۸۰۵/۳۰ نفر طبق برآورد یکم ژانویه ۱۹۷۳، پراکندگی جمعیت، ۴۸ نفر در هر مایل

مربع، ۴۳٪ شهری، ۵۷٪ روستایی.

ترکیب نژادی: بیش از ۵۰٪ جمعیت را می توان فارس نامید، در حالی که ۲۲٪ دیگر از جمله کردها

(۶٪) نژاد ایرانی هستند. مردم ترک زبان ۲۲٪، اعراب ۵٪ و دیگر نژادها ۱٪ می باشند.

مذهب: ۹۰٪ رسماً مسلمان شیعه می باشند، ۸٪ مسلمان سنی، ۲٪ مسیحی، یهودی، زردشتی و غیره.

زبانها: پارسی (فارسی)، ترکی، کردی، عربی

سطح سواد، حدود ۳۳٪ جمعیت ۱۰ ساله به بالا (آمار ۱۹۷۲)

نیروی کار: ۳/۸ میلیون نفر شامل: ۳۷٪ در بخش کشاورزی، ۲۷٪ در بخش صنعت و ۲۵٪ در بخش

خدمات.

سطح بهداشت، تغذیه و بهزیستی: پایین.

حکومت:

نام حقوقی: امپراطوری ایران

نوع: سلطنت مشروطه تحت کنترل شاه

پایتخت: تهران

تقسیمات فرعی سیاسی: ۱۴ استان و نه فرمانداری مستقل که به حوزه، حومه، بخش و روستا

تقسیم بندی شده اند. قرار است تقسیمات استانی جدیدی در این کشور انجام شود. (خیلی محرمانه)

نظام حقوقی: استوار بر مجموعه قوانین فرانسه همراه با عناصری از مجموعه قوانین جهانی و قانون

اسلام: قانون اساسی در سال ۱۹۰۶ به تصویب رسید، دیوان عالی برترین مرجع قضایی کشور است، منبع

تحصیلات حقوقی دانشگاه تهران است، حیطه قضایی دادگاه بین المللی قضاات را پذیرفته است.

شعبات: شاه قوه مجریه را در اختیار دارد، نخست وزیر توسط شاه منصوب و باید توسط مجلس تأیید

شود، ولی کابینه در حیطه مسئولیتهای نخست وزیری است و شاه در انتخاب وزراء نفوذ شدیدی را اعمال

می کند، قوه مقننه دو گانه، مجلس دارای ۲۶۸ کرسی است (که دو کرسی خالی برای جزایر خلیج فارس در

نظر گرفته شده است) که نمایندگان آن برای یک دوره چهارساله برگزیده می شوند نیمی از اعضای مجلس

۱- این مطالب از کتاب وقایع نامه نیمساله اطلاعاتی ۱۹۷۳ اقتباس شده است □ مطالب فوق طبقه بندی نشده و برای استفاده اداری است مگر آنکه غیر از آن بیان شود.

سنا را شاه منصوب می کند و نیمی دیگر انتخابی هستند.

برای بررسی قضایی لوایح قانونگذاری هیچ شرطی در نظر گرفته نشده است.

رهبر دولت: محمدرضا شاه پهلوی

حق رأی: برای تمام افراد ۲۰ ساله به بالا آزاد است.

انتخابات: مجلس هر چهار سال یک بار: سنا هر چهار سال یک بار، آخرین انتخابات ملی در ژوئیه

۱۹۷۱، و انتخابات محلی در اکتبر ۱۹۷۲ برگزار گردید.

احزاب سیاسی: حزب ایران نوین، حزب مردم، حزب ایرانیان،

قدرت رأی: مجلس حزب ایران نوین، ۲۳۰ کرسی، حزب مردم، ۳۷ کرسی، حزب ایرانیان ۱ کرسی،

سنا حزب ایران نوین، ۲۸ کرسی، حزب مردم، ۲ کرسی، ب اضافه ۳۸ کرسی موجود برای نمایندگان

انتصابی توسط شاه، تمام نامزدهای مجلسین باید مورد تأیید دولت باشند.

کمونیستها: ۵۰۰ الی ۴۵۰۰ (هسته اصلی، تقریبی)، دارای هوادارانی در میان کارگران و روشنفکران

می باشند، اکثر طرفدار شوروی هستند، ولی جناح طرفدار چین نیز رو به گسترش است. (سزی) دیگر

گروههای سیاسی یا صاحب نفوذ: حزب توده (کمونیست، غیر قانونی) کنفدراسیون دانشجویان ایرانی

(غیرقانونی).

عضویت در: سنتو، طرح کلمبو، سازمان خواروبار و کشاورزی، سازمان انرژی اتمی بین المللی، بانک

بین المللی بازسازی و عمران، سازمان هوانوردی غیرنظامی بین المللی، IHB,IDA، سازمان کار

بین المللی، IMCO، صندوق بین المللی پول، اتحادیه تجاری بین المللی OPED، سازمان همکاری عمران

منطقه ای، سازمان ملل، یونسکو، UPU، سازمان بهداشت جهانی.

تولید ناخالص ملی: ۱۲ میلیارد دلار (تقریبی در سال مالی ۷۲۱۹۷۱ ایرانی)، ۴۰۰ دلار سرانه، رشد

واقعی تولید ناخالص ملی ۱۴٪ در سال مالی ۷۲۱۹۷۱ ایرانی.

کشاورزی و دامداری: گندم، جو، برنج، چغندر، پنبه، خرما، کشمش، چای، تنباکو، پرورش گوسفند و بز.

صنایع مهم: تولید نفت خام (۱۶۵۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۷۱) و پالایش، منسوجات، سیمان و

دیگر مصالح ساختمانی، تهیه مواد غذایی (به خصوص قند و تولید روغن نباتی) مصنوعات فلزی (خیلی

محرمانه)

نیروی برق: ۲/۸۰۰/۰۰۰ کیلو وات ظرفیت (۱۹۷۲)، ۳/۸ میلیارد کیلو وات ساعت سطح تولید

(۱۹۷۱).

صادرات: ۳۵۶ میلیون دلار (غیرنفتی در سال مالی ایرانی ۷۲۱۹۷۱)، ۸۹٪ نفتی، فرش، پنبه خام،

میوه، خشکبار، پوست و اقلام چرمی، سنگهای معدنی، کشورهای کمونیست (به خصوص شوروی) ۳۱٪

صادرات غیرنفتی کشور را دریافت داشته اند.

واردات: ۱۸۷۲ میلیون دلار سال مالی ایرانی (۷۲۱۹۷۱)، ماشین آلات، آهن و محصولات فولادی،

شیمیایی، دارویی، تجهیزات برقی، کشورهای کمونیست منبع تأمین ۱۳٪ از کالاهای وارداتی این کشور

می باشند.

مهمترین طرفین تجاری: صادرات آلمان غربی، آمریکا، ژاپن شوروی و دیگر کشورهای کمونیست، واردات آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، ژاپن، شوروی.

کمک:

اقتصادی: ۱۰۲۹ میلیون دلار اعتبار اقتصادی توسط کشورهای کمونیست از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۱ (۶۰۱ میلیون دلار توسط شوروی)، کل کمکهای آمریکا (سالهای مالی ۷۱۴۶) ۱۱۳۱ میلیون دلار، برنامه کمک، که معادل ۶۰۳ میلیون دلار (در سالهای مالی ۷۱۴۶) بود در نوامبر ۱۹۶۷ خاتمه یافت. دریافت کمک از سازمانهای بین المللی معادل ۱/۶۸۲ میلیون دلار بود (سالهای مالی ۷۱۴۹). نظامی: ۳۲۵ میلیون دلار کمک توسط شوروی (۷۱ ۱۹۶۷)، کل کمکهای نظامی آمریکا در سالهای ۷۱۱۹۴۶ معادل ۱۷۰۰ میلیون دلار بود. (سری)

نرخ تبدیل پول ایران: ۷۵/۷۵ ریال = ۱ دلار آمریکا (۱۹۷۲)

سال مالی: از ۲۱ مارس الی ۲۰ مارس

ارتباطات:

راه آهن: ۲۸۷۵ مایل با اندازه ۴ فوت و ۵/۸ اینچ، ۵۷ مایل با اندازه ۵ فوت و ۶ اینچ

شاهراهها: ۲۶۵۰۰ مایل، ۷۱۰۰ مایل آسفالته، ۱۲۹۰۰ ایل شوسه و ۶۵۰۰ مایل خاکی.

راههای آبی: ۵۶۵ مایل به استثنای دریای خزر، شط العرب و دریاچه ارومیه.

خط لوله: نفت خام، ۳۳۰۰ مایل، فرآورده های پالایشگاهی، ۲۷۸۵ مایل گاز طبیعی ۱۷۶۰ مایل.

بنادر: ۷ بندر بزرگ، ۶ بندر کوچک

ناوگان تجاری: ۱۵ کشتی (۱۰۰۰ تنی و بیشتر) معادل ۱۵۰۳۹۹ تن یا ۲۱۹۰۷۵ تن، ظرفیت کامل،

شامل ۱۱ کشتی باری و ۴ تانکر.

هواپیمایی کشوری: ۱۸ هواپیمای بزرگ ترابری

پایگاههای هوایی: ۱۴۸ پایگاه قابل استفاده، که شش تای آنها باند فرود بالغ بر ۱۲۰۰۰ فوت، ۱۵ تا باندهای فرود بین ۸۰۰۰ الی ۹۹۹/۱۱ فوت، ۴۹ تا باندهای فرود بین ۴۰۰۰ الی ۷۹۹۹ فوت دارند و ۴۹ پایگاه دیگر دارای باندهای دائمی می باشند و ۸۲ پایگاه هوایی دیگر نیز در دست احداث است. مخابرات راه دور: سیستم پیشرفته رابطهای رله رادیویی، خطوط باسیم، کابلی، و رابطهای ماهواره زمینی، تهران مهمترین مرکز آن است، مراکز ثانوی عبارتند از اصفهان، مشهد و تبریز، ۵۰۰/۳۰۷ تلفن (۱۹۷۱)، ۳ میلیون گیرنده رادیویی (۱۹۷۰) و ۰۰۰/۷۰۰ گیرنده تلویزیونی (۱۹۷۲)، ۲۴ موج ام ۱، امواج اف ام و ۱۸ ایستگاه تلویزیونی (ژانویه ۱۹۷۳)، ایستگاه ماهواره های زمینی.

نیروهای دفاعی:

نیروهای انسانی نظامی: ذکور ۴۹۱۵ ساله، ۷۲۵۵۰۰۰ نفر، حدود ۵۹٪ مناسب برای خدمات نظامی، حدود ۳۱۷۰۰۰ نفر سالانه به سن مناسب برای ورود به خدمت نظام وظیفه (۲۱ سالگی) می رسند.

پرسنل: ۲۹۸۳۰۰ نفر به شرح زیر: نیروهای زمینی ۱۶۵۰۰۰ نفر، نیروی دریایی، ۱۳۰۰۰ نفر (شامل ۳۰۰۰ نفر نیروی پیاده دریایی)، نیروی هوایی ۵۰۰۰۰ نفر (۴۶۱ خلبان)، ژاندارمری، ۷۰۳۰۰ نفر (سری).

واحدهای مهم زمینی: ۵ لشکر (۲ پیاده، ۳ زرهی)، یک ستاد فرماندهی هوایی ارتش، ۴ تیپ مستقل

(۲ تیپ پیاده، ۱ تیپ هوابرد پیاده، ۱ تیپ نیروهای ویژه (سری))

ناوها: یک ناوشکن حامل موشکهای هدایت شونده، ۲ ناو اسکورت حامل موشکهای هدایت شونده،

۱۲ قایق گشتی، ۶ مین جمع کن، ۴ قایق آبی خاکی، ۲۱ ناو خدماتی، ۲ قایق، ۱۰ فروند هاورکرافت

(سری).

هواپیما: ۵۰۸ فروند شامل ۳۲۰ فروند (۲۱۲ جت) در نیروی هوایی، ۵۲ هواپیمای ملخی در

ژاندارمری، ۱۱۷ فروند ملخی در نیروهای زمینی و ۱۹ هواپیمای ملخی در نیروی دریایی (سری)

تدارکات: بخش کوچکی از مهمات سلاحهای کوچک و مهمان ۱۰۵ میلی متری را تولید می کند،

بخش اعظم تجهیزات آمریکایی است، قسمتی از موشکهای ضد تانک فرانسوی است، بخشی از

موشکهای زمین به هوا و ناوهای دریایی انگلیسی است، و هلیکوپترهای آن ایتالیایی است از سال ۱۹۶۷

مقادیر زیادی وسایط نقلیه، زرهی، توپخانه (از جمله توپهای خود کششی ضد هوایی) و وسایط نقلیه

ترابری از شوروی دریافت کرده است، اخیرا نیز توپهای ضد هوایی و رادارهای مربوط را از سوئیس و

تانکهای مورد نیاز خویش را از انگلستان دریافت کرده است (سری)

بودجه نظامی: برای سال مالی که در ۲۰ مارس ۱۹۷۳ خاتمه می یابد حدود ۲/۱۴۷۰ میلیون دلار

در نظر گرفته شده که حدود ۲۰٪ کل بودجه کشور را تشکیل می دهد.

سند شماره (۸)

قابل توجه برای پرسنل نیمه وقت

(طبقه بندی نشده) صبح (بعد از ظهر) بخیر آقایان. من ... هستم. از آنجا که مدت اقامت شما در ایران

کوتاه خواهد بود. یک جلسه توجیهی برای شما طرح ریزی کرده ایم تا حوزه دید و بینش شما را نسبت به

وضعیت اینجا گسترش دهد، به این امید که در اجرای مأموریت شما مؤثر واقع گردد.

مقدمه

(خیلی محرمانه)

این نوشتار در آغاز به بررسی منافع ملی آمریکا در ایران می پردازند، در ادامه به سنجش و ارزیابی تأثیرات موقعیت جغرافیایی ایران در خاورمیانه و بررسی جنبه های فیزیکی اصلی کشور می پردازد، چون این عمل می تواند در تشریح نیازهای دفاعی ایران و موضع دفاعی ایران مفید واقع شود. علاوه بر این به عمران اجتماعی و صنعتی ایران، مردم آن و مذاهب آنها نیز نگاهی خواهیم داشت و به طور مختصر در مورد چند ضریب مهم فرهنگی اظهاراتی را مطرح خواهیم کرد. آنچه گفته شد مقدمه ای است بر بیان خطر خارجی که ایران آن را متصور است و نیز استراتژی شاه برای خنثی ساختن خطر مزبور، تجزیه و تحلیل دستگاه تصمیم گیرنده در امور دفاعی ایران نیز در مرحله بعد قرار می گیرد و پس از آن از قدرت، تسلیحات موجود و طرحهای مربوط به توسعه و گسترش نیروهای نظامی سه گانه، به طور مختصر سخن به میان خواهد آمد. سپس به مرور و بررسی برنامه کمک امنیتی آمریکا در حمایت از نیروهای ایرانی پرداخته و به طور مفصل در مورد دو عنصر مهم آن صحبت می کنیم که عبارتند از هیئت مستشاری نظامی و تافت یعنی تیمهای کمک فنی حوزه ای.

از ژانویه ۱۹۷۲، ایران حدود ۵/۲ میلیارد دلار تجهیزات نظامی آمریکایی خریداری کرده که به این ترتیب این کشور به صورت مهمترین خریدار مصالح تولیدی توسط صنایع دفاعی آمریکا در آمده است. جدولی از فروشهای خارجی نظامی که تا به حال انجام گرفته و نیز فهرستی از فروشهای مهمی که قرار است در آینده صورت پذیرد. در اینجا ارائه خواهد شد. این خریدهای مهم نظامی گرچه بسیار حیرت انگیز و مؤثر می باشند، ولی باید توأم با یک برنامه آموزشی جاه طلبانه باشند تا اکتساب تسلیحات به صورت توان رزمی تحقق پیدا کند. بنابر این، تشریح برنامه آموزشی نظامی جاری و آتی خارج از کشور برای نیروهای نظامی ایران نیز ضرورت داشته و در اینجا به آن پرداخته می شود. بالاخره در این نوشتار، به بررسی فشرده عواملی می پردازیم که علاوه بر خطر خارجی به تعهد شاه در رابطه با گسترش و نوسازی نیروهای مسلح ایران شکل می بخشند.

منافع آمریکا

(طبقه بندی نشده)

بررسی منافع آمریکا نقطه آغاز بسیار مفیدی است، زیرا نشان می دهد که چرا آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم دایماً از ایران حمایت کرده چرا میزان این حمایت طی دو سال گذشته افزایشی چنین چشمگیر داشته است. ایران که در سمت غربی آن تضاد رو به انفجار اعراب و اسرائیل و در شرق آن خصومت پایدار بین پاکستان و هند وجود دارد، مانند جزیره ای از ثبات ترقی در بخشی از جهان است که این شرایط بسیار کمیاب می باشد.

(خیلی محرمانه) ثانیاً، موافقت نامه امنیتی دو جانبه منعقد شده در سال ۱۹۵۹ عامل برقراری رابطه بین آمریکا و ایران است. علاوه بر این، آمریکا و ایران در سازمان پیمان مرکزی (سنتو) هم پیمان می باشند که ایران عضو کامل آن سازمان است و آمریکا عضو وابسته به آن، طی چند سال گذشته ارزش ساختار هم

پیمانی نظامی آمریکا در بخشهایی از جهان درست مانند سرعت کاهش ارزش دلار سیر نزولی طی کرده است.

معدالک، وجود ایران به عنوان مانعی در راه دستیابی اتحاد جماهیر شوروی به آبهای خلیج فارس و اقیانوس هند برای آمریکا دلگرم کننده می باشد.

(خیلی محرمانه) ثالثاً، در هر زمانی که موانع سیاسی سدی نفوذ ناپذیرتر از موانع تکنولوژیک

می باشند، ایران برای هواپیماهای نظامی آمریکا یک فضای پرواز بی نظیر فراهم آورده است. با در

نظر گرفتن این مطلب که هواپیماهای ما از پرواز بر فضای ساحل جنوبی مدیترانه در کمانی از الجزیره تا

سوریه منع شده اند، مسیر پرواز موجود در ترکیه و ایران تنها رابطه معقول و عملی بین اروپا و چند مقصد

مهم در منطقه اقیانوس هند را پدید آورده است. به عنوان مثال، از طریق ایران فرماندهی هوای نظامی از

نظر ارتباطی به ایستگاه ما در اتیوپی، فرمانده نیروی دریای آمریکا، نیروی خاورمیانه، و برنامه کمک

امنیتی در عربستان سعودی خدمات ارزنده ای می نماید.

(طبقه بندی نشده) رابعاً، موازنه پرداختها به صورت یک مسئله مزمن و حاد در اقتصاد آمریکا

خودنمایی می کند. علاوه بر فروش تجهیزات نظامی، ایران، به صورت بازاری بسیار پررونق برای

سرمایه ها و کالاهای بازرگانی آمریکا در آمده است. در حال حاضر، بیش از ۲۰۰ شرکت آمریکایی

دفاتری در تهران دارند. دفاتر ۲۰ شرکت نفتی آمریکایی نیز از همین جمله است. ایران حتی برای کالاهای

کشاورزی آمریکا نیز بازار خوبی است که در سال گذشته میزان فروش این گونه کالاها به بیش از دو میلیون دلار رسید.

(خیلی محرمانه) خامسا، نفت موضوعی است که امروزه افکار همگان را به خود مشغول داشته است.

آمریکا در حال حاضر ۴۰ درصد نفت تولیدی جهان را مصرف می کند. نیاز ما به انرژی روی به افزایش

می باشد در حالی که میزان تولید داخلی مان رو به کاهش است. بدون شک آمریکا مجبور خواهد بود

حداقل تا پایان دهه ۱۹۸۰ مقادیر بیشتری نفت را وارد کند. در حال حاضر کمتر از ۵ درصد نفت صادراتی

ایران مستقیماً به آمریکا فرستاده می شود. ولی مقادیر بسیار بیشتری به کشور هم پیمان مهم ما در آسیا

یعنی ژاپن، و نیز به هم پیمانان ما در سازمان ناتو در اروپای غربی صادر می گردد. در صورت بروز بحرانی

در زمینه انرژی و در صورت اجرا تهدیدهای اعراب مبنی بر استفاده از نفت به عنوان سلاحی برای ایجاد

اعتدال در حمایت آمریکا از اسرائیل، ایران به صورت یک منبع مهم نفت وارداتی مطمئن عمل می کند.

(خیلی محرمانه) بالاخره، ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی خویش محل مناسبی برای فعالیت

تأسیسات متعدد آمریکایی می باشد که به نوبه خود مساعدتی است حیاتی در امنیت ملی آمریکا.

مشخصات فیزیکی

(طبقه بندی نشده)

برای ایجاد یک چهارچوب مرجع صحیح، لازم است به یاد داشته باشیم که ایران کشوری است وسیع

که مساحت آن معادل ۶۳۶/۰۰۰ مایل مربع است. برای اینکه وسعت آن بهتر نشان داده شود می توان گفت

که اگر می توانستیم ایران را روی نقشه ای از آمریکا قرار دهیم می دیدیم که بخش اعظم کشور را در شرق

رودخانه می سی سی پی در بر می گیرد. علاوه بر این اگر همین عمل بر روی نقشه اروپا انجام شود می بینیم

که بخش اعظم اروپای غربی را از اسکاتلند گرفته تا رم و از دریای بالتیک تا مرز اسپانیا می پوشاند.

(طبقه بندی نشده) در دو سوی ایران دو منبع آبی بسیار مهم قرار گرفته است. دریای خزر در شمال که آبها آن بخش اعظم خاویار جهان را تأمین می کند و خلیج فارس در جنوب که در برگیرنده بزرگترین ذخایر نفتی جهان است.

(طبقه بندی نشده) ایران با عراق و ترکیه در غرب و افغانستان و پاکستان در شرق هم مرز است. این کشور از فلاتی نیمه خشک و یا سلسله کوههای رفیع و بخش قابل توجهی کویر لم یزرع تشکیل شده است. منطقه دریای خزر نیمه استوایی است و بسیار حاصلخیز، در حالی که منطقه مجاور خلیج فارس بسیار گرم و خشک است.

(طبقه بندی نشده) ایران دارای سه بخش جغرافیایی مهم است، سلسله جبال البرز از جنوب شرقی ترکیه در تمام طول مرز ۱۲۰۰ مایلی ایران و شوروی تا مرز افغانستان ادامه می یابد. سطح ارتفاع این منطقه از ۸۶ فوت زیر دریا در دریای خزر تا حدود ۱۹۰۰۰ فوت بالاتر از سطح دریا در کوه دماوند تغییر پیدا می کند.

(طبقه بندی نشده) منطقه سلسله جبال البرز بسیار صعب العبور بوده و به صورت مانع طبیعی قد علم کرده و فقط دارای چند معبر به سمت شمال است. منطقه واقع در میان شیبهای شمالی کوههای البرز و دریای خزر در تمام طول سال دارای میزان بارش بسیار آب و هوایی معتدل می باشد. نهرها و رودهای پرپیچ و خم کوهستانی، منطقه دریای خزر را به صورت منطقه ای بسیار زیبا، غنی، حاصلخیز و کشاورزی

در آورده است. در ثانی منطقه محصولات بسیاری از قبیل برنج، نیشکر، ذرت... پنبه، تنباکو و چای به عمل می آید، محصول مرکبات این منطقه نیز دارای اهمیت بسیار می باشد. شهر تبریز در نزدیکی این منطقه واقع شده و به خاطر باغهای زیبای شاه و گلستان خویش شهرت یافته است. مهمترین محصولات این شهر عبارتند از فرش، پتو و نقره جات بسیار عالی.

(طبقه بندی نشده) دومین منطقه جغرافیایی مهم ایران سلسله جبال زاگرس است که از کوهها کردستان ترکیه در طول مرز عراق ادامه یافته و به کوههای بلوچستان و پاکستان متصل می گردد. این سلسله جبال نیز در نقاطی مانند کوههای البرز صعب العبور بوده و از عمق بیشتری برخوردار و در بعضی نقاط عرض آنها بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ مایل متغیر است.

(طبقه بندی نشده) شهر شیراز در سلسله جبال زاگرس قرار دارد و شاعرانه ترین شهر ایران می باشد. مقبره های شعرای شهیری چون سعدی و حافظ در این شهر قرار دارند. در نزدیکی این شهر، شهری بسیار قدیمی و تاریخی قرار دارد که همان تخت جمشید پایتخت سابق امپراطوری پارس می باشد، که در همان جا جشنهای بزرگداشت دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی در سال ۱۹۷۱ برگزار گردید. بین او دو سلسله جبال صعب العبور یک دشت خشک بسیار وسیع قرار گرفته که عاری از هرگونه حیات نباتی، حیوانی و انسانی است.

(طبقه بندی نشده) این سرزمین خشک و لم یزرع که در بخش شرقی و مرکزی ایران قرار دارد از ارتفاعی بین ۱۰۰۰ تا ۸۰۰۰ فوت از سطح دریا برخوردار است و با افغانستان و پاکستان هم مرز می باشد. فلات عظیم کشور در برگیرنده دشت کویر و دشت لوط می باشد. شهر اصفهان درست در لبه این فلات واقع شده و شامل مجموعه ای از مساجد زیبای ایران و بزرگترین کارخانه های نساجی کشور است. بخش اعظم کارهای دستی برنجی و بسیار زیبا در بازار کار بزرگ اصفهان تولید می شود. از نقطه نظر توریستی

اصفهان به خاطر مساجد زیبا، سدهای تاریخی و مناظر غیر آن جذابیت بسیار دارد.

(طبقه بندی نشده) از نظر سنتی و از دیر باز، کوهها موانعی دفاعی برای این کشور بوده است. ولی نکته

مضحک جالب توجه این است که مهمترین اهداف استراتژیک ایران یعنی تأسیسات تولید، پالایش و

صدور نفت کشور در جنوب غربی، در دشتی باز و در خارج از سلسله جبال دفاعی ایران واقع شده اند.

(طبقه بندی نشده) جزایر لاوان و خارک در خلیج فارس مهمترین مناطق ذخیره و صدور

فرآورده های نفتی کشور می باشند. شکوه و جلال تاریخی ایران به سرعت با پدیده هایی نو چون خط لوله

گاز از خلیج فارس تا شوروی جایگزین می گردد.

مردم، مذهب، فرهنگ

(طبقه بندی نشده)

جمعیت ایران ۳۰ میلیون نفر است که اکثر آنها مسلمان یعنی پیرو اسلام می باشند. مسلمانان ایران

بیشتر پیرو مذهب تشیع هستند تا مذهب تسنن اسلامی. در ایران مسلمانان عرب، ترک، افغان و پاکستانی

نیز زندگی می کنند. اقلیتهای مذهبی عبارتند از مسیحیان، یهودیان و زردشتیها. در ایران معاصر ۸۰۰۰۰

یهودی زندگی می کنند و یکی از قدیمی ترین جمعیتهای یهودی جهان را تشکیل می دهند.

(طبقه بندی نشده) منشأ اختلاف بین مذاهب تشیع و تسنن اسلامی مناقشه ای بود که پس از درگذشت

محمد پیامبر اسلام در مورد تعیین جانشینی وی در گرفت. شیعیان معتقدند که پس از محمد دامادش علی

و سپس گروهی از امامان جانشین وی می شوند و دوازدهمین امام، امام غایب است که از نظرها پنهان شده و روزی باز خواهد گشت.

فرقه تسنن که تمام اعراب متعلق به آن هستند، معتقد است که خلفای منتخب باید عهده دار سمت جانشینی شوند. شیعیان معتقدند که قرآن آنان را چندان مقید نمی سازد، به همین دلیل است که مثلاً در رابطه با مشروبات الکلی انعطاف پذیرتر از اهل تسنن می باشند.

(طبقه بندی نشده) نقش مذهب در حیات ایرانیان بهتر از نقش آن در حیات اکثر غربیها بوده است. از آنجا که عکس العملهای عاطفی و روشنفکرانه در قابل محیطی مادی اغلب به صورت مذهبی فرمول بندی شده، تقریباً تمام حرکتهای مذهبی ایران دارای تأثیرات بسیار شدید اجتماع و سیاسی بوده است. (طبقه بندی نشده) روحانیت اساساً نیرویی محافظه کار در ایران معاصر است. آنها با برنامه اصلاحاتی شاه و به خصوص با برنامه اصلاحات ارضی و آزادی زنان مخالفت ورزیده اند. حتی قوانین مدنی چون قوانین طلاق که اخیراً وضع شده بر مفاهیم قرآنی استوار است.

(طبقه بندی نشده) مشروعیت دودمان حاکمه از این فرضیه نشأت می گیرد که شاه به عنوان نماینده یا نایب امام غایب که در آخرین روزهای عمر جهان به زمین بازمی گردد تا حقیقت، صلح و عدالت را مستقر سازد، بر مردم حکومت می کند.

(طبقه بندی نشده) حدود ۳ درصد کل جمعیت کشور را مردم قبایل و بیابانگردی تشکیل می دهند که تا همین اواخر تمام متعلقات خویش را دوبار در سال بر شترها، قاطرها و اشتران بار کرده و به چراگاههای بهتر کوچ می کرده اند. به عنوان بخشی از اصلاحات اخیر، دولت در جهت اسکان این قبایل در روستاها و شهرکها اقداماتی را به عمل آورده است تا بتوانند در آن نقاط به کار پرورش دام، کشاورزی و یا خرده بازرگانی مشغول شوند.

(طبقه بندی نشده) کردها، بختیاریها، قشقاییها، بلوچها ترکمنها مهمترین قبایل مهم کشور می باشند.

همچنین قبایل کوچک دیگری چون لرها، شاهسونها، افشاریها و دیگر عناصر قبیله ای کوچک نیز در این کشور به سر می برند. در میان نامبردگان، کردها و بختیاریها بزرگترین قبایل بوده و به ترتیب شامل دو میلیون و یک میلیون عضو قبیله ای می باشند. به استثناء تلاشی که پس از جنگ جهانی دوم صورت گرفت و خنثی شد، کردها هیچ گاه به صورت ملتی جدا قد علم نکرده اند ولی ۳۰۰۰ سال است که این گروه به صورت نژادی خاص به حیات خویش ادامه داده است. کردهای ایران در منطقه مرزی شمال غربی کشور زندگی می کند.

(طبقه بندی نشده) تفاوت فرهنگ ایران و فرهنگ ما مانند تفاوت میان مذهب آن و مذهب ماست.

گرچه بعضی از جنبه های آن حیرت آور و شگفت انگیز است ولی بعضی از جنبه های دیگر آن بسیار زیبا و باب طبع است. اجازه دهید تنها به طرح چند نکته پرداخته و از بحثی جامع پرهیز نمایم.

(طبقه بندی نشده) از نظر اکثر ایرانیها، غریبها افرادی خونسرد و بی تفاوت و علاقه مند به تنهایی و گوشه گیری و رعایت قوانین می باشند و به وفاداریهای شخصی توجهی ندارند، ولی خود را افرادی صمیمی، سخاوتمند و مهربان می دانند.

(طبقه بندی نشده) ولی آنچه که بیش از همه اذهان آمریکاییان را به خود مشغول می دارد این جامعه حصار کشی شده است، که نفوذ و رخنه به درون آن بسیار دشوار می نماید. در درون این حصارها این افراد

در واحدهایی امن محصور در میان دوستان و اقوام زندگی می کنند و تنها به افرادی که می شناسند اعتماد دارند و آنها را «خودی» یا «یکی از خودمان» می خوانند.

(طبقه بندی نشده) برای ایرانیها رعایت احترام از همان ارزشی برخوردار است که برای خانواده و دوستان قائلند. آنها که در شرق خدمت کرده اند می دانند «آبرو» چقدر اهمیت دارد. اگر به کسی در برابر دیگران ناسزا بگوئید، بدانید که کلماتتان بیش از هر ضربه ای که از شما به او وارد شود او را می آزارد. اهانت در اینجا واقعا شخص را می آزارد. بعضی از کلماتی که ممکن است شما حتی به زبان انگلیسی در مورد وی به کار ببرید، حتما از همین تأثیر برخوردار خواهد بود. بنابراین به سادگی نمی توان دریافت که کدام یک از عبارات ممکن است خشم و نفرت آنان را برانگیزد.

(طبقه بندی نشده) و نکته دیگر اینکه اسما و اشارات نیز در اینجا مملو از معانی جدید می باشد. حتی نشان دادن علامت انگشت شست نیز دارای مفهومی بسیار توهین آمیز می باشد. ایرانیها با استفاده از دستهایشان سخن می گویند. بهتر است قبل از استفاده از دستهای خویش کاربرد زبان را فراگیرید.

(طبقه بندی نشده) علاوه بر انتقاد راههای دیگری نیز برای اهانت به دیگران وجود دارد. مردم طبقات پایین اجتماع همیشه ابتدا به شما سلام می گویند، ولی شما نیز حتما باید با گفتن «سلام» به آنها پاسخ دهید. در ایران، برخواستن در برابر یک فرد همتا و یا والامقامتر که به اتاق وارد می شود، عملی مؤدبانه است. بعضی از زنان نیز در برابر دیگر زنان و یا مردان مسن از جای بر می خیزند. هنگامی که میهمانی خانه شما را ترک می گوید، حتما او را تا خیابان و یا قسمتی از راه مشایعت نمایید، در غیر این صورت چنین تلقی می شود که او را تحقیر کرده اید.

(طبقه بندی نشده) توجه ایرانیها به رعایت احترام منجر به پیدایش خصیصه دیگری می شود که غریبها را بیشتر شگفت زده می کند. آیا می دانستید که در زبان فارسی کلمه ای شدیداللقن تر از «نه» وجود ندارد.

آنها نمی خواهند شما را ناراحت کنند. بنابراین آن چیزی را بر زبان می رانند که فکر می کنند از شنیدن آن خوشحال می شوید. ممکن است ناراحت شوید از اینکه هیچ کس از شما انتقاد نمی کند و حتی یک پاسخ «منفی» مؤدبانه به شما نمی دهند، ولی بدانید که آنها می خواهند با این کار آبروی شما را حفظ کنند.

(طبقه بندی نشده) در ایران با نظام بسیار ظریفی بنام «تعارف» مواجه خواهید شد. بعضی از عبارات مؤدبانه به مذاق تازه واردین خوش می آید و همان گونه که از فراگیری موسیقی و یا کارهای دستی ایرانی خوشحال می شوید از فراگرفتن این عبارات نیز لذت خواهید برد. بطور مثال اگر متوجه شوید که در حالی که ایستاده اید به فردی پشت کرده اید و از او معذرت بخواهید، او نیز در پاسخ خواهد گفت که «گل پشت و رو ندارد». یکی دیگر از موارد مورد نظر تعارف در مورد این است که چه کسی اول باید وارد اتاق شود. نظم تعارف بسیار دقیق است و به تدریج همگان از آن پیروی می کنند. مهمترین یا ارشدترین فرد معمولاً از این امتیاز برخوردار می شود و معمولاً همکاری خارجی نیز دارای چنین رتبه ای است، اما سعی کنید آن را سرسری نگیرید. این کار معمولاً نوعی بی ادبی تلقی می شود. زنان معمولاً در این کارها اولویت دارند. (طبقه بندی نشده) برای خارجیها «تعارف» بیشتر جنبه چانه زدن دارد و در این کار قدری تفریح و شیطنت مانعی ندارد. لیکن در ورا «تعارفات» سخاوت و میهمان نوازی واقعی و عمیق نهفته است. بنابراین فراگرفتن آن از ارزش خاصی برخوردار است و بی فایده نیست.

(طبقه بندی نشده) ایرانیها می گویند «میهمان حبیب خداست» و هر بیگانه ای که به ایران می آید از

مواهب این میهمان نوازی که به صورت هنری ملی جلوه گر می شود، بهره مند می گردد.

(طبقه بندی نشده) دعوت کننده یا پیشنهاد کننده یک نفر میزبان می شود، که خود یکی از نقشهایی

است که ایرانیها با احتیاط بسیار عهده دار آن می شوند. «میهمان کردن» نیز در اینجا بسیار رایج است. در

پایان دیدن یک فیلم و یا صرف غذا در رستوران بحث بسیار زیادی آغاز می گردد تا مشخص شود که چه

کسی باید هزینه ها را بردارد. ایرانیها میزبانی را دوست داشته و از مصاحبت با شما لذت می برند.

میهمان نوازی سنتی آن چنان شدید و مهم است که میهمان باید دقت کند که چیزی را به میزبان تحمیل

نماید. مردم نه چندان ثروتمند متحمل هزینه های بسیار می شوند تا بتوانند به میهمانی که به خصوص

خارجی باشد، خدمت کنند. هیچ گاه از اشیایی که از آن میزبان شماست تعریف نکنید چون وی ممکن

است اصرار نماید که آن را برای خودتان بردارید، ولی شما نیز باید در امتناع از این کار سخت بکوشید.

(طبقه بندی نشده) اکثر ایرانیها ظهرها غذای کاملی صرف می کنند و پس از آن در هوای گرم چرتی

می زنند و شب نیز شامی سبک مرکب از نان و کره و پنیر می خورند. ولی وقتی که شما به جایی دعوت

می شوید حتما غذای خوبی تهیه می بینند.

(طبقه بندی نشده) در محافل سنتی برای میهمانان فوراً چایی می آورند. در محافل مدرن، معمولاً

کوکتل آورده می شود. گرچه اکثر زنان تقاضای نوشیدنیهای غیرالکلی خواهند کرد. وقتی که به شما

تعارف شد، بدانید که ویسکی بسیار گران است ولی ودکا و آبجو، نه.

(طبقه بندی نشده) به گفته ایرانیها یک سفره رنگین بیش از هر چیز دیگر آنها را خوشحال می کند چون

نشانه «برکت» در آن است. در خانه های سنتی سفره ای بر روی قالی اتاق پهن شده و میهمانان در اطراف

آن می نشینند. در خانه های امروزی تر غذا به سبک بوفه ای سرو شده و هر یک از میهمانان بشقاب غذای

خود را برداشته و در اطراف میز به صرف آن مشغول می شوند و در صورت لزوم غذای بیشتری بر

می دارند. در ایران لذت بردن از غذا امری بسیار جدی و حائز اهمیت است. صرف غذا به سرعت و بدون سخن گفتن چندانی صورت می گیرد. قانونی که باید رعایت کرد این است که به محض دریافت غذا به صرف آن مشغول شوید و در عین حال که منتظر دیگران می مانید، نگذارید غذایتان سرد شود. ولی حتی اگر میزبان شما تعارف نمود، فکر نکنید که مجبورید بیش از نیاز خود غذا بخورید. چند چیز دیگر از جمله چایی نوشیده خواهد شد، ولی لازم نیست نگران صرف چایی تا آخرین قطره موجود در فنجان باشید و علاوه بر این می توانید شیرینی و میوه ای را که به شما تعارف می شود قبول کنید ولی مانعی ندارد که آن را کنار گذاشته و دست نزنید.

(طبقه بندی نشده) دعوتها نیز گاهی گیج کننده می شوند چون نظریات رایج در اینجا در مورد زنان تفاوت دارد. «روز» ایرانی از غروب آفتاب شروع می شود بنابراین شب می تواند فاصله بین یک روز و روز بعد باشد. مثلاً، غروب جمعه شاید در برگیرنده شب بین پنجشنبه و جمعه باشد. بهتر است حتما در این مورد سؤال کنید.

(طبقه بندی نشده) در مورد فرهنگ ایرانی مایلیم تنها به یک نکته دیگر اشاره کنم. ایرانیها به موروثات خویش بسیار افتخار می کنند. برای آنها شاه و پرچم کشور مایه فخر و مباهات است. ممکن است آنها به انتقاد از دولت و نهادهای دولتی خویش پردازند، ولی در صورتی که شخص دیگری مبادرت به انجام آن نماید حتما عصبانی خواهند شد. حتی ایما و اشارات نیز می تواند توهین آمیز تلقی گردد. به نظر من بهتر

است هنگام حضور در جمع ایرانیها، حتما جانب احتیاط را حفظ کنید. چون اگر دیگران به آمریکا

بی احترامی کنند خودمان هم ناراحت می شویم. پس چرا آنها این طور نباشند؟

عمران اجتماعی و صنعتی

(طبقه بندی نشده)

آنهایی که با تاریخ ایران معاصر آشنا هستند می دانند که اعلیحضرت شاهنشاه، از دیرباز یک برنامه عمرانی برای کشور تهیه دیده است، وی ابتدا این برنامه را در کتاب خویش تحت عنوان مأموریت برای وطنم در سال ۱۹۶۲ بیان نمود. بعدها وی «انقلاب سفید» را اعلام کرد و کتاب دیگری تحت همین عنوان نوشت که حاوی ۱۲ برنامه مهم اصلاحی بود. این برنامه ها که اکنون «انقلاب شاه و مردم» لقب گرفت مبنای تمام اصلاحات اجتماعی کشور را تشکیل می دهد. بیایید مختصراً به بررسی این برنامه بپردازیم. ستون فقرات همه آنها اصلاحات ارضی بوده و در این برنامه اعلیحضرت پیشگام شده و بخش اعظم زمینهای سلطنتی را میان دهقانان توزیع کرده و از ملاکین غایب خواسته است که زمین را در اختیار دهقانان که در اصل بر روی آنها کار می کنند قرار دهند. اکنون پس از گذشت یک دهه، این برنامه گسترش یافته و شامل تعاونیهای زارعی، برنامه های تأمین وام به منظور خرید تراکتور و کود شیمیایی و یک برنامه نوسازی کلی برای کشاورزی می باشد.

(طبقه بندی نشده) سه برنامه بعدی مرتبط با یکدیگر می باشند، شاید بدانید که در ایران هر زن و مرد

جوانی باید در صورت ضرورت خدمت نظام وظیفه را انجام دهد. علاوه نیروهای مسلح سه گانه، مردان و

زنان، معمولاً از میان فارغ التحصیلان دبیرستانها دانشگاهها به ارتش فراخوانده شده و پس از گذراندن

چند هفته آموزش نظامی به وزارتخانه ای مربوط برای فراگیریهای بیشتر سپرده می شوند و سپس به

روستاهای محل مأموریت خویش اعزام می شوند تا بقیه مدت خدمت خویش را در آنجا سپری کنند.

سپاه دانش در روستاها به تشکیل مدارس پرداخته و به جوانان و دیگر مردم روستاها خواندن و نوشتن می آموزند. سپاه بهداشت در روستاها کلینیکهایی را برپا کرده به تزریق واکسنها پرداخته و آموزش بهداشت را برعهده دارد. سپاه ترویج عمران نیز با احداث خیابان، و مراکز روستایی پرداخته و اجرای دیگر پروژه های مورد نیاز روستاها را عهده دار می شود.

(طبقه بندی نشده) یکی دیگر از جنبه های انقلاب سفید اصلاح قانون انتخابات است. حدود ده سال قبل زنان از حق رأی برخوردار شدند، ولی شاید مهمترین جنبه این برنامه اصلاحی تعیین حوزه های انتخاباتی باشد که براساس آن نمایندگان هر بخش براساس مناطق جغرافیایی و نژادی جمعیت به مجلسین سنا و شورای ملی راه می یابند.

(طبقه بندی نشده) قبل از تولد انقلاب سفید سازمانهای دولتی بسیار کند کار بوده و انجام هیچ کاری از طریق آنها ممکن نبود. حقوق کارمندان دولت مکفی نبود و تنها از طریق انعام دادن کارها صورت می گرفت. اعلیحضرت نه تنها سطح حقوق کارمندان را بالا برده، بلکه برنامه ای تهاجمی را برای بهبود کارایی و آموزش کارگران دولتی مد نظر قرار داده است. تقریباً تمام کارمندان دولتی در یکی از انواع کلاسهای شبانه شرکت می جویند.

(طبقه بندی نشده) تا همین اواخر در روستاها، هیچ گونه سیستم قضایی رسمی وجود نداشت. انقلاب سفید در برگیرنده خانه های اصناف است که قضات آنها انتصابی می باشند و به حل اختلافات می پردازند.

هشت هزارمین خانه اصناف اخیراً در نزدیک رشت افتتاح شد که خود پیشرفت قابل ملاحظه ای در طول یک دهه به شمار می آید.

(طبقه بندی نشده) ایران در تلاش برای ایجاد یک زیر بنای صنعتی است که بتواند با زیر بنای صنعتی کشورهای اروپای غربی به رقابت برخیزد. در آغاز دولت صنایع را سازماندهی کرده و به صورت سرمایه گذاری مشترک با یک کمپانی کاپیتالیستی از کشورهای بیگانه آنان را به راه می اندازد. در صورت موفق شدن صنعت مورد نظر، به ایرانیها اجازه داده خواهد شد که از طریق خرید سهام صنایع در آن سهم شوند. علاوه بر این در بسیاری از صنایع از انگیزه سهم شدن در سود کارخانجات استفاده می شود تا به افزایش میزان کارایی و تولید منجر گردد.

(طبقه بندی نشده) در مورد برنامه نوسازی ایران آنچه گفته شد کفایت می کند. تنها کاری که باید بکنید این است که به اطراف خود دقیق شوید، روزنامه ها را بخوانید تا دریابید که احتمالاً هیچ کشور دیگری در جهان وجود ندارد که در زمینه های مختلف چنین پیشرفتی داشته باشد.

(طبقه بندی نشده) اگر بر روی این سرزمین خشک و کویری پرواز کنید، باور نخواهید کرد که تا چند صد سال پیش این سرزمین مملو از درختان بسیار و مراتع فراوان بوده است. برای بازگشت به روزهای وفور نعمت گذشته است که دولت منابع آب، جنگل و مراتع را ملی اعلام کرده و در زمینه جنگلکاری مدیریت جنگلها، بهبود وضع مراتع، توسعه آبیاری و استفاده از آب به عنوان مولد نیروی برق برنامه های جاه طلبانه ای را مد نظر قرار داده است.

(طبقه بندی نشده) همین خود انقلاب شاه و مردم است این انقلابی است واقعی و دولت هر دلار یا ریالی را که به دست می آورد در این زمینه صرف می کند.

(طبقه بندی نشده) احتمالاً جشنهای دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی ایران را که در سال ۱۹۷۱ در

تخت جمشید برگزار شد به یاد می آورید. بنای شهید که اکنون از سمت فرودگاه مهرآباد به صورت دروازه شهر تهران درآمده در بزرگداشت این موقعیت ساخته شده است. شاه از طریق برگزاری این مراسم به جهانیان اعلام کرد که ایران به خانواده ملل مدرن جهان پیوسته است. اعلیحضرت صراحتاً اعلام کرده بود که ایران در این بخش از جهان نقش ایجاد کننده ثبات را ایفا خواهد نمود.

توسعه صنعتی

(طبقه بندی نشده)

از طریق کاربرد سازنده و مؤثر منابع خویش، ایران به بالاترین رقم نرخ رشد اقتصادی در جهان دست یافته که خود دو برابر نرخ رشد اقتصادی آمریکاست. هزینه زندگی دائماً رو به افزایش بوده است لیکن خیلی کمتر از سطح هزینه زندگی در آمریکا می باشد.

(طبقه بندی نشده) طی پنج سال گذشته درآمدهای ایران از منابع عظیم نفتی اش دو برابر شده و از همان طریق هزینه مالی مربوط به ۶۵ درصد از واردات کشور را که سه چهارم آن کالاهای سرمایه ای و مواد خام می باشند تأمین می نماید، تا صنعت ایران بیش از پیش گسترش یابد. یکی از نمونه های بارز توسعه صنعتی سریع، گسترش مداوم تأسیسات ذخیره و صدور نفت در جزایر خارک و لاوان می باشد. یکی از عظیمترین سرمایه گذاریهای ایران، یعنی خط لوله گاز به شوروی، حدود ۵۵۰ میلیون دلار برای این کشور هزینه در برداشته است. به کمک روسها در اراک یک کارخانه ماشین سازی احداث شده و یک تأسیسات تولیدی

دیگر در رابطه با ماشینهای بافندگی نیز ایجاد شده است. در اصفهان یک کارخانه ذوب آهن جدید توسط روسها احداث شده که حدود ۳۰۰ میلیون دلار هزینه داشته است.

(طبقه بندی نشده) پروژه های دیگر عبارتند از یک کارخانه تراکتورسازی رومانی که سالانه ۵۰۰۰ تراکتور تولید می کند. در اثر موافقتنامه عالی اعتباری با چکسلواکی یک کارخانه تولید ژنراتور، یک کارخانه تولید موتورهای جت توربینی، یک کارخانه سیمان و یک کارخانه قند نیز احداث خواهد شد. در این افزایش تجارت غیرغربی منافع مالی بسیاری نهفته است. بلوک شوروی معمولاً اعتبارات دوازده ساله ای را با نرخ بهره دو و یک و نیم درصد ارائه می کنند: و علاوه بر این در این کار انگیزه های دیگری نهفته است که دول و شرکتهای غربی قادر به رقابت با آن نمی باشند.

(طبقه بندی نشده) همچنین ایران قادر است اعتبارات بلوک شوروی را از طریق فروش گازی که قبلاً به هدر می رفت و یا در هوا سوخته می شد، بازپرداخت نماید. با این وصف، شرکتهای غربی نیز توسعه سریع صنعتی کشور مشارکت دارند. یک کارخانه آمریکایی مولد بخش اعظم لوله های ۴۲ اینچی مخصوص خط لوله گاز کشور به شوروی و همچنین تحقیقات مربوط به کارگذاری آنها بوده است.

(طبقه بندی نشده) فعالیتهای دیگر عبارتند از عملیات عظیم معادن و گسترش مداوم سه کارخانه پتروشیمی آبادان و جزیره خارک در زمینه تولید انرژی برق کشتی سازی و عملیات کارخانه ای، اسپانیا، آلمان و انگلستان نیز مشارکت دارند.

(طبقه بندی نشده) در بخش کالاهای مصرفی، ایران خود تولید کننده، یخچال، اجاق گاز و رادیو و تلویزیون می باشد. در این زمینه ایستگاه ماهواره زمینی در همدان باعث شده که ایران بتواند، رویدادهای ورزشی را دنبال کرده و قسمتهایی از جشنهای با شکوه سلطنتی سال ۱۹۷۱ را در معرض دید جهانیان قرار دهد. اتوبوس، اتومبیلهای سواری و جیب، کامیون، کامیون سنگین و نیز ماشین آلات کشاورزی از

جمله ارقام دیگری است که در ایران تولید می شود.

(طبقه بندی نشده) صنعتگران ایران آثار شیشه ای بسیار ظریف همراه با فرشهای ایرانی دارای شهرت جهانی را که هنوز توسط بسیاری از زنان و مردان کشور بافته می شوند، تولید می کنند. ودکا و دیگر مشروبات الکلی نیز در این جا تولید می شود. یکی از نشانه های ترقی و پیشرفت در کشور این است که در اینجا می توان قایق تفریحی فایبر گلاس ساخت ایران را خریداری نمود.

خطر خارجی

(خیلی محرمانه)

علت اصلی تجهیز نظامی ایران در خطر خارجی متصور شاه نهفته است. از دیرباز، شوروی مهمترین عنصری بوده که ایران را تهدید می کرده است. طی جنگ جهانی دوم، روسها مداخله کرده و نیمه شمالی کشور را به تصرف خویش درآوردند. همزمان با این واقعه، انگلیسها نیز وارد معرکه شده و نیمه جنوبی کشور را تحت کنترل درآوردند. این دو قدرت زمانه سعی داشتند با این گونه اعمال یک راه حیاتی تدارکاتی را به سمت شوروی به وجود بیاورند. در خاتمه جنگ آنها توافق کردند که از ایران سریعاً خارج شوند. انگلیسها به قول خود عمل کردند. اما روسها همچنان در بخش تحت سیطره خویش ماندند، و سعی داشتند با منحرف ساختن ساکنین منطقه، یک حکومت دست نشانده را در استانهای شمال غربی ایران روی کار آورند. در نتیجه اعمال فشارهای آمریکا، روسها مجبور به رها کردن طرحهای ارضی خویش

شدند. به یاد داشتن این نکته مهم است که در گذشته ای نه چندان دور حدود نیمی از ایران تحت تصرف و کنترل شوروی قرار داشت. از اواسط دهه ۱۹۶۰ ایران با اتخاذ تدابیری سعی کرده است با ابرقدرت موجود در شمال خویش روابط عادی برقرار سازد. از همان زمان میزان همکاری فنی، اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور افزایش چشمگیری پیدا نمود. در نتیجه، ایران کنونی ترسی از حمله شوروی ندارد. معذالک، شاه همچنان نگران گسترش نفوذ شوروی در سراسر منطقه است.

عراق فعالترین دشمن ایران است

(خیلی محرمانه)

از نظر نژادی یک عرب رو در روی یک آریایی قرار گرفته، از نظر مذهبی مسلمانان سنی عراق در مقابل مسلمانان شیعی ایران، از نظر نظامی تجهیزات و مستشاران روسی در عراق به کار مشغولند در حالی که در ایران تجهیزات و مستشاران آمریکایی. عراق بارها ایران را متهم به ارائه کمک به کردهای شمال عراق کرده و ایران نیز معتقد است که تروریسم شهری ایران الهام گرفته از تحریکات عراق است. حدود ده سالی است که در طول مرز ۸۰۰ مایلی عراق و ایران درگیری‌هایی رخ داده است. بالاخره، اختلاف فلسفه سیاسی دولتین دو کشور مطرح می شود. ایران نمونه بارز یک حکومت باثبات، سستی و مسئول است، در حالی که رژیم تندرو عربی بغداد دستخوش تجزیه طلبیها است و وضع آن قابل پیش بینی نیست. (خیلی محرمانه) ایران مهمترین هم پیمان منطقه ای پاکستان است. ایران به کرات خود را متعهد به حفظ ثبات سیاسی پاکستان نشان داده است. پاکستان که در نتیجه جنگ ۱۹۷۱ با هند ضعیف شده بود، دارای چند اقلیت نژادی است که دائما خطراتی را برایش به وجود می آورند. ایران نیز مانند پاکستان دستخوش مسائل قبیله ای است. در بخش جنوب شرق ایران حدود نیم میلیون نفر اعضای قبیله بلوچ به سر می برند. قبیله بلوچ بخشهایی از پاکستان و افغانستان را تحت کنترل دارد. گهگاهی نیز برای تجزیه بلوچستان

حرکت‌هایی از آنها سر می زند.

بلوچستان مفروض نیز قرار است از بخش‌هایی از ایران، پاکستان و افغانستان کنونی پدیدار شود و با اقیانوس هند هم مرز باشد و در یک نقطه نیز با شوروی تماس خواهد داشت از نظر ایران، این یک مسئله حاد امنیتی داخلی می باشد. هر چند این مسئله هنوز در زیر خاکستر پنهان شده، ولی می تواند یکی از علل تقویت نیروهای ایران در بخش جنوب شرقی کشور باشد.

(خیلی محرمانه) علاوه بر این ایران نگران آینده کشورهای عرب سنتی واقع در ساحل جنوبی خلیج فارس است. بنا به اعتقاد شاه کویت، عربستان سعودی، و شیخ نشین های متعدد امارات متحده عربی به خاطر پایگاه‌های ملی نسبتاً ضعیف و ثروت سرشار نفت شان اهداف اغواکننده ای برای فرصت طلبان بین المللی محسوب می شوند. براساس اشکال مشابه حکومتی، علاقه مشترک به تولید و صدور نفت و دیگر منافع مشترک منطقه ای، ایران سعی کرده است بین خود و کشورهای عرب حوزه خلیج پل ارتباطی برقرار سازد. شاه تلاش کرده است که به کشورهای عرب نقش رهبریت ایران در امور خلیج فارس را بقبولاند. لیکن کشورهای عرب از دادن این امتیاز سرباز زده اند. در اوایل بهار جاری هنگامی که بین عراق و کویت مناقشه مرزی در گرفت. ایران سریعاً به کویت پیشنهاد کمک نظامی داد. کویت با سپاسگزاری از پیشنهاد شفاهی به موقع ایران، اعلام داشت که قبول پیشنهاد ایران را ضروری نمی داند. در بخش دیگری از خلیج، سلطان نشین عمان پیشنهاد کمک ایران را پذیرا شد، حدود ده سال است که عمان در گیر یک مبارزه

ضد شورشی علیه عناصر چریکی تندرو می باشد که از چین و شوروی کمک‌هایی دریافت می دارند. در حال حاضر، یک نیروی ویژه نظامی ۳۰۰ نفره ایرانی با پشتیبانی هلیکوپترها در کنار نیروهای این سلطان نشین به مبارزه مشغول می باشند.

استراتژی

(خیلی محرمانه)

در نتیجه استراتژی شاه در قبال شوروی، می توان گفت که ایران انتظار ندارد که حمله ای از آن سوی مرز صورت پذیرد. ولی در صورت بروز چنین حمله ای، ایران به هیچ وجه نخواهد توانست به تنهایی در برابر آن مقاومت نماید. معذکک نیروهای ایرانی با عقب نشینی به سمت درونی جنوب کشور در پیشروی این حمله تأخیر ایجاد خواهند کرد. این کار توأم با سوزاندن زمینها موجود برای نوامید ساختن نیروی مهاجم همراه خواهد بود، تا زمان بیشتری بگذرد و قدرت غربی بتواند راه حلی را تحمیل کرده و یا به مذاکره در مورد آن پردازد.

(خیلی محرمانه) در صورت بروز درگیری با عراق، احتمالاً شاه سریعاً و بدون هیچ گونه مشورتی به جنگ خواهد پرداخت. با الگو قرار دادن کار اسرائیل در سال ۱۹۶۷ نیروی هوایی رعدآسا حمله خواهد کرد تا حوزه های هوایی عراق را خنثی ساخته و از برتری هوایی برخوردار شود. مانورهای نیروی زمینی نیز طوری انجام خواهد شد تا مقداری از قلمرو عراق به تصرف درآمده و حفظ شود و آتش بس در اراضی عراق اجرا گردد. در همین اثنا، نیروی هوایی و دریایی ایران نیز به دفاع از تأسیسات حیاتی نفتی ایران خواهند پرداخت.

(خیلی محرمانه) گرچه مأموریت نیروی دریایی ایران حراست ساحلی و ممانعت از عملیات نفوذی بوده، ولی در حال حاضر مأموریت وسیعتری به آن محول شده است. ظاهراً شاه یک استراتژی جنوبی را

فرموله کرده که از طریق آن کشور دارای یک مرز دفاعی دریای عمیق خواهد شد. طراحی جابجایی نیروها، تدارک تسلیحاتی و احداث تأسیسات در جنوب شرقی ایران، همه در حمایت از نظریه در حال اجراست. نیروی دریایی ایران تحت پوشش نیروی هوایی قادر به انجام عملیات آبی خواهد بود. شاه مصمم به حراست از تنگه هرمز یعنی شاهرگ اقتصادی منطقه است. از طریق همین تنگه، روزانه ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ بشکه نفت در اختیار ملل صنعتی جهان قرار می گیرد. ایران ۲۵ درصد این مقدار نفت را تولید می نماید. حراست از این شاهراه حیاتی برای ادامه حرکت و رشد اقتصادی کشور ضروری است. (خیلی محرمانه) شاه معتقد است که ایران در آینده نقش مهمی را در اقیانوس هند ایفا خواهد نمود. به تدریج، وی از نیروی دریایی برای به اهتزاز درآوردن پرچم ایران در این منطقه و حراست از خطوط ارتباطی دریایی ایران حتی به طور محدود، استفاده خواهد نمود. شاه با بصیرت قابل ملاحظه ای که دارد در نهایت نوعی «مثلی» بین ایران، آفریقای جنوبی، استرالیا و سنگاپور به وجود خواهد آورد تا در خدمت منافع آتی ایران در این منطقه درآید.

سازمان دفاعی

(خیلی محرمانه)

تجزیه و تحلیل دستگاه تصمیم گیری نظامی ایران نشان می دهد که شاه فعلاً به عنوان فرمانده کل قوا عمل می کند و قدرت بی چون و چرای خویش را اعمال می نماید. در رده های بعدی پنج نقطه قدرت نظامی

اصلی وجود دارد. یکی از آنها ارتشبد از هاری رئیس ستاد عالی فرماندهی است که با ستاد مشترک و ساختار نظامی خودمان تا حدودی مشابهت دارد. با این حال ستاد عالی فرماندهی تفاوت‌هایی نیز دارد. یعنی فقط مسئول ایجاد هماهنگی است و هیچ نیرویی را تحت کنترل ندارد و فاقد قدرت صدور فرمان است. فرماندهان نیروهای سه گانه، ارتشبد خاتمی (نیروی هوایی) ارتشبد اویسی (نیروهای زمینی) و دریادار عطایی (نیروی دریایی) دیگر نقاط قدرتی هستند که مستقیماً با اعلیحضرت مرتبط می‌باشند. فرد قدرتمند پنجم معاون وزیر جنگ، طوفانیان ارتشبد نیروی هوایی است که مسئول خرید تمام تجهیزات نظامی خارجی و تولیدات نظامی داخلی اوست. او نیز باید گزارش کار خود را مستقیماً به شاه بدهد. بدین ترتیب، تنها در کاخ شاهی است که سیاستهای دفاعی کشور طراحی می‌گردد، علاوه بر این، این امر سبب می‌شود تا شاه بتواند نیروهای نظامی را دائماً تحت کنترل داشته باشد.

(خیلی محرمانه) وزیر جنگ مسئول مسائلی حقوقی و بودجه ای نیروهای سه گانه است. وزیر کشور دو نیروی شبه نظامی ایران یعنی نیروی پلیس ملی و ژاندارمری را تحت کنترل دارد. هر دوی این نیروها در زمان جنگ می‌توانند تحت فرمان مستقیم ارتشبد نیروهای زمینی قرار گیرند. ژاندارمری مسئول حفظ امنیت داخلی، مرزی، کنترل شاهراهها و فعالیتهای ضد قاچاق، و ضد مواد مخدر و سر باز گیری است. پلیس ملی به انجام عملیات عادی پلیسی در شهر بانی می‌پردازد.

توسعه و تجهیزات نیروها، نیروهای زمینی

(خیلی محرمانه)

نیروی زمینی با داشتن ۱۸۰۰۰۰ نیرو بخش اعظم نیروی انسانی نظامی کشور را به خود اختصاص داده است. این بخش از نیروهای مسلح که با دو قرارگاه لشکر سازماندهی شده، داری واحدهای رزمی مرکب از سه لشکر پیاده، سه لشکر زرهی، و پنج تیپ مستقل شامل یک تیپ هوایرد و نیروی ویژه است.

نیروی زمینی ایران دارای واحدهای پیاده مکانیزه و عناصر پشتیبانی عادی توپخانه نیز می باشد.

واحدهای معمول پشتیبانی رزمی و واحدهای پشتیبانی خدمات رزمی نیز در این نیرو وجود داشته و قادر به اجرای وظایف خویش می باشد. در مراسم سالانه جشن تولد شاه واحدهای نیروی زمینی رژه بسیار تماشایی را در برابر بینندگان اجرا می کنند که قادر به رقابت با واحدهای رژه رونده آمریکایی است.

(خیلی محرمانه) با این حال، بهتر است سطح نیروی کنونی را با سطح پیش بینی شده برای پایان برنامه پنجساله که در سال ۱۹۷۸ خاتمه می یابد مقایسه کنیم. در نیروی زمینی سطح نیروها به مقدار ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. در نتیجه افزایش نسبتاً کمی در توان لشکرهای رزمی پدید خواهد آمد و نیروی اضافی برای تقویت این واحدها به صورت واحدهای پشتیبانی سازماندهی می شوند و علاوه بر این جهت تکمیل کادر مورد نیاز هوانیروز ارتش ایران استفاده خواهند شد.

افزایش هفت برابر تعداد هلیکوپترهای این نیرو عظیمترین نوع تجهیز در جهان به شمار می آید.

افزایش شمار تانکهای این نیرو نیز شایان توجه و اهمیت است. شمار پیش بینی شده ۱۸۰۰ تانک شامل ۷۵۰ تانک چيفتن متوسط و ۲۵۰ وسیله نقلیه شناسایی رزمی اسکورپیون است که ایران از انگلستان خریداری نموده است. در جدول، آماری در رابطه با توپخانه این نیروها آمده که نشانگر توپهای ۱۵۵ میلی متری و توپهای خودکششی آن است.

نیروی هوایی

(خیلی محرمانه)

این نیرو که منحصرآ مجهز به تجهيزات آمريكايي است در ميان نيروهاي مسلح ايران از نظر تكنولوجيكي پيشرفته ترين و پوياترين آنها محسوب مي شود. از زمان آغاز به كار بسيار كم اهميت در سال ۱۹۲۹ و وضعيت آن در پايان جنگ جهاني دوم كه تنها شامل دو اسكادران متروكه و خارج از رده بود، وضع آن در حال حاضر بهبود بسيار يافته است. امروزه، نيروي هوايي تحت رهبري ارتشبد خاتمي مجهز به مدرنترين هواپيماها شده، و از نظر آموزش و انگيزه در سطح بسيار خوبي قرار دارد و قادر است به خوبي از هواپيماهاي خويش كه شامل اف ۴، اف ۵، سي ۱۳۰ و چند هواپيماي خدماتي مختلف است بهره برداري كند.

(خیلی محرمانه) تاسيسات هواپيمايي مدرن احداث شده و نيروي هوايي داراي پايگاههاي عملياتي در مهرآباد، دوشان تپه، دزفول، همدان (وحدتي) و مشهد و نقاط ديگر كشور است. نيروي هوايي در حين پرواز از زبان انگليسي استفاده مي كند و در تهران داراي مدرسه اي مدرن براي تدريس اين زبان است. همسران بسياري از همكاران ما در همين مركز به تدريس زبان مشغولند. نيروي هوايي همچنين داراي سايتهاي رادار مختلفی است كه بسياري از آنها در نقاط دورافتاده مستقر شده و در شرايط آب و هوايي بسيار سخت فعاليت مي كنند.

(خیلی محرمانه) نيروي هوايي نيز مانند نيروي زميني در نظر دارد طی برنامه پنج ساله بعدي شمار پرسنل خود را به ميزان ۵۰ درصد افزايش دهد. سه پايگاه اصلي عملياتي نيز احداث خواهد شد تا شمار اسكادرانهاي عملياتي دو برابر شود. تقريبا حدود ۲۰۰ هواپيماي مدرن پيشرفته ديگر در اختيار اين نيرو قرار خواهد گرفت. اين تعداد شامل بعضي از هواپيماهاي آمريكايي بسيار پيشرفته خواهد بود. ايران به اطلاع رسانده است كه مي خواهد ۳۰ فروند اف ۱۴ و ۵۰ فروند جت جنگنده اف ۱۵، شش فروند

هوایما F3P شناسایی گشتی نیروی دریایی، شش فروند تانکر C9J3707 و تعدادی هوایمای

پشتیبانی زمینی A10 خریداری نماید. نیروی هوایی مسئولیت کل شبکه دفاع هوایی کشور را عهده دار

است. تا به حال، از آمریکا شش گردان موشک هاوک پیشرفته و از انگلستان دو گردان موشک راپیرسام

خریداری کرده تا بتواند امنیت پایگاههای هوایی، مراکز فرماندهی نظامی و تأسیسات نفتی را تأمین

نماید.

سازمان نیروی دریایی ایران

(خیلی محرمانه)

با وجود انهدام کامل نیروی دریایی ایران در زمان جنگ جهانی دوم، این نیروگاههای مؤثری برداشته

تا به یک نیروی دریایی مدرن تبدیل گردد. تحت فرماندهی دریادار عطایی، این نیرو به دو حوزه شمالی و

جنوبی و یک قرارگاه مرکز وقایع در تهران تبدیل شده که قرارگاه تهران به صورت مرکز فرماندهی و

فعالیتهای دریای خزر و خلیج فارس عمل کرده و هماهنگی لازم را بین نیروی دریایی و نیروهای دیگر و

نیز دیگر آژانسهای دولت ایران پدید می آورد. حوزه شمالی نیروی دریایی در بندر پهلوی واقع شده و در

گرداندگی مدرسه سربازان وظیفه، مدرسه دریانوردی، و دیگر مدارس و نیز چند کشتی کوچک را به

عهده دارد. دیگر مراکز نیروی دریایی در بندر پهلوی عبارتند از مراکز آموزشی و مراکز سربازگیری در

نزدیک شهر رشت.

(خیلی محرمانه) قرارگاه حوزه جنوبی نیروی دریایی در حال انتقال یافتن از خرمشهر در ابتدای خلیج فارس به بندرعباس می باشد. این نیروی دریایی جنوبی در حال حاضر دارای چند ناوشکن، ناوچه های کشتی، ناوهای توپدار گشتی، مین جمع کن ۷ تانکر و کشتیهای پشتیبانی لجستیکی و ناوهای گشتی ساحلی می باشد.

(خیلی محرمانه) با وجود این که نیروی دریایی کوچکترین نیروهای ایران است، ولی رشد قابل ملاحظه ای را تجربه می کند. نیروی دریایی ایران نیز برنامه هایی در دست اقدام دارد تا براساس آنها تعداد پرسنل خود را ۵۰ درصد افزایش دهد و در نظر دارد یک پایگاه جدید در چاه بهار احداث کرده و از آنجا اقیانوس هند را زیر نظر بگیرد و علاوه بر این تأسیسات موجود در بندرعباس و بوشهر را توسعه دهد. ناوهای جدیدی که در اختیار نیروی دریایی قرار گرفته عبارتند از ناوشکنهای موشک انداز آمریکایی و ناوچه های انگلیسی نیروی دریایی ایران که دارای بزرگترین واحد عملیاتی هاور کرافت در جهان است. در نظر دارد چهار فروند دیگر از این ماشینها را خریداری نماید. در صورت دریافت هلیکوپترهای مجهز به موشک ضد زیر دریایی، مین جمع کن و غیره توان رزمی هوایی این نیرو نیز گسترش خواهد یافت.

موقعیت نیروها

(خیلی محرمانه)

بررسی موقعیت پایگاههای مهم نظامی کشور نشان می دهد که این پایگاهها بیشتر در بخش غربی آن تمرکز یافته اند. ولی طرحهای آتی نشان می دهد که بر احداث پایگاه هر سه نیرو در بخش جنوب شرقی ایران تأکید می گردد.

تاریخ کمک نظامی و هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا

(طبقه بندی نشده)

از زمان پیدایش آن در سپتامبر ۱۹۴۱ که یک گروه آمریکایی تشکیل شد تا در برنامه های بده و بستان برای شوروی و خاورمیانه در جنگ جهانی دوم کمک کند، کمک نظامی به ایران اشکال مختلف گرفته است.

(طبقه بندی نشده) یک قرارداد رسمی در نوامبر ۱۹۴۳ منعقد گردید و در اکتبر ۱۹۴۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و به این ترتیب گروه ارتشی آمریکایی مأمور به ایران به وجود آمد. در ماه می ۱۹۵۰ قرارداد کمک دفاعی دو جانبه که موجب پیدایش هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران شد. امضا گردید. در سال ۱۹۵۸ گروههای مختلف گروه ارتشی آمریکایی مأمور به ایران و هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا در این کشور در یکدیگر ادغام شدند. در سال ۱۹۶۵ هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا مجدداً سازماندهی شد و سه بخش نیروی زمینی، هوایی و دریایی، یک ستاد مستشاری مشترک و عناصر پشتیبانی و اداری به وجود آمده که بعداً در مورد آنها صحبت خواهیم کرد. مأموریت‌های هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا در اسلاید نشان داده شده است. هر ماه با تعدادی از کشورهای دیگر، ایران آن قدر پیشرفت کرده که خود می تواند تجهیزات مورد نیاز خویش را خریداری نماید. کنگره آمریکا نیز در سال ۱۹۶۱ برنامه «فروش نظامی خارجی» را تصویب نمود. برنامه فروش نظامی خارجی از سال ۱۹۶۴ مهمترین منبع خرید تجهیزات آمریکایی مورد نیاز ایران بوده است.

تشکیلات گروه کمک مستشاری نظامی

(طبقه بندی نشده)

هیئت کمک مستشاری نظامی در حال حاضر تحت فرمان ارتشبد دول برت (DEVOL BERTT) است که علاوه بر وظایف اصلی اش در زمینه کمک مستشاری نظامی به عنوان نماینده ارشد وزارت دفاع در ایران عمل می کند و هماهنگیهای لازم را میان چند آژانس مربوط به وزارت دفاع پدید می آورد.

(طبقه بندی نشده) پس از سفیر ریچارد هلمز و معاونش دو گلاس ال. هک، ارتشبد برت سومین مقام برجسته آمریکا در ایران است. هیئت کمک مستشاری نظامی دارای تشکیلاتی بسیار ساده است. ستاد مشترک گروه تحت فرمان رئیس ستاد عمل می کند. هیئت کمک مستشاری نظامی علاوه بر ارائه پشتیبانی ستاد از رئیس، در رابطه با همتایان خود در ستاد عالی فرماندهی ایران نیز نقش مستشاری ایفا می کند.

(طبقه بندی نشده) در حال حاضر هیئت کمک مستشاری نظامی چیزی حدود ۲۵۰ پرسنل دارد.

گرچه تعداد آنها کمتر از سالهای قبل است، ولی علت این کاهش در سازماندهی مجدد نهفته است. در سپتامبر ۱۹۷۲ کل بخش پشتیبانی از گروه گرفته شد و به فرماندهی کل نیروهای آمریکا در اروپا پیوست بنابراین فعالیت پشتیبانی دیگری در تهران صورت نمی گیرد و دولت ایران نیز هزینه این گونه پرسنل را تأمین نمی نماید.

بخش ارتشی

(طبقه بندی نشده)

قرارگاههای مستشاری ارتش موقتا در ساختمانی در نزدیک محوطه بخش خلیج واقع شده است.

قرارگاه نیروی زمینی نیز اخیرا به ساختمان جدیدی منتقل شده است. بخش ارتشی تا شش ماه دیگر به محل قرارگاه نیروی زمینی انتقال خواهد یافت. بخش ارتشی در حال حاضر تحت سرپرستی سرتیپ لئوای، سوسک (LEO E. SOUCEK) که خود در تهران دارای ستادی خاص است عمل می کند. شمار

قابل ملاحظه ای از پرسنل وی به تیمهای کمکی صحرائی مأمور شده و هر یک از آنها تحت فرماندهی یک سرهنگ بوده و در یکی از دو قرارگاه لشکر ایران به سر می برند از میان این تیمها نیز عناصر یک یا دو نفری به طور موقت یا دائمی به واحدهای ویژه ایرانی یا مدارس بر اساس شرایط جاری مأمور شده اند.

بخش نیروی هوایی

(طبقه بندی نشده)

بخش نیروی هوایی در قرارگاههای نیروی هوایی در بخش جنوب شرقی شهر مستقر شده است.

رئیس بخش مستشاری نیروی هوایی سرتیپ والتر دی. درون (WALTER D. DRUEN) می باشد که

خود دارای ستاد کوچکی است و در رابطه با فعالیتهای مختلف نیروی هوایی نقش مستشاری را ایفا

می کند.

بخش نیروی دریایی

(طبقه بندی نشده)

کوچکترین عنصر مستشاری هیئت مستشاری نظامی آمریکا همین بخش است. سرپرستی بخش به

عهده سروان رابرت اس. هاروارد است که خود همراه با ستاد کوچکش در قرارگاه نیروی دریایی در تهران

مستقر می باشد. بخشی از ستاد مستشاری در حوزه دریای جنوب خلیج فارس یعنی خرمشهر، جزیره

خارک و بندرعباس مشغول فعالیت می باشد.

فعالیت پشتیبانی فرماندهی اروپایی

(طبقه بندی نشده)

تا پاییز گذشته، هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا نه تنها از خود بلکه از دیگر فعالیتهای وزارت دفاع در ایران پشتیبانی می نمود. یک عنصر کوچک پشتیبانی در این گروه مسئول حسابرسی امور پرسنلی و بخشهای حمل و نقل و تدارکات بود در سپتامبر ۱۹۷۲ این وظایف از هیئت مستشاری گرفته شد و یک گروه پشتیبانی کوچک تحت فرماندهی مستقیم فرماندهی نیروهای آمریکایی در اروپا به وجود آمد. مسئولیت این گروه در تاریخ ۱ ژوئیه ۱۹۷۴ به ارتش آمریکا در اروپا محول خواهد شد.

تیمهای کمک فنی صحرائی

(طبقه بندی نشده)

در زمان فرمول بندی برنامه توسعه نظامی ایران، معلوم شد که ایران به کمک تکنیسینهای آمریکایی نیاز خواهد داشت، تا بتواند تجهیزات مدرن آمریکایی را در نیروهای خود به کار گیرد. بالاخره آمریکا موافقت کرد که ۵۵۰ تکنیسین را به ایران اعزام نمایند. به علت محدودیتهای کنگره، این تعداد پرسنل نمی توانست به صورت حساب هیئت کمک مستشاری اضافه شود. در نتیجه یک فرضیه و سازمان جدید به نام تیم کمک فنی صحرائی پدیدار گشت از نظر سازمانی تیم کمک فنی صحرائی جدای از هیئت کمک مستشاری نظامی عمل کرده و گزارش کار خود را به عناصر فرماندهی نیروهای امریکا در اروپا تسلیم می نماید. رئیس گروه کمک مستشاری نظامی مسئول نظارت، هماهنگ سازی و ارزیابی فعالیتهای این گروه است. تیم کمک فنی صحرائی با هیئت کمک مستشاری نظامی آمریکا از چند نظر تفاوت دارد. هیئت کمک مستشاری دارای وظایف ستادی مداوم است، ولی تیم کمک فنی صحرائی در مورد معرفی و شناساندن تجهیزات نظامی جدید و سیستمهای پشتیبانی مربوط فعالیت می نماید. علاوه بر این، دولت آمریکا بخش اعظم هزینه های هیئت کمک مستشاری نظامی را تقبل و پرداخت می کند. ولی هزینه های

مربوط به تیم کمک فنی صحرائی تماما به عهده دولت ایران است، این هزینه ها عبارتند از پرداخت حقوق و مزایای پایه، هزینه سفر، و کل هزینه های سرانه و اداری و نیز هزینه هایی که چندان محسوس نیست مانند پرداخت شهریه فرزندان اعضا تیم و کمک به صندوق بازنشستگی نظامی آمریکا.

(خیلی محرمانه) تفاوت دیگر آنها در موقعیت و مکان استقرار آنهاست. در حالی که اعضای هیئت کمک مستشاری نظامی تماما در منطقه تهران مستقر می باشند. نیمی از پرسنل تیم کمک فنی صحرائی در پایگاههای مختلف نظامی ایران از تبریز در شمال غربی تا کرمانشاه و شیراز و تا بندرعباس در جنوب شرقی مستقر شده اند. در نتیجه فعالیت این تیم موقعیت و قابلیت رؤیت پرسنل نظامی آمریکا در ایران به طرز چشمگیری افزایش یافته است. با احتساب پرسنل هیئت کمک مستشاری نظامی، تیم کمک فنی صحرائی و گروه پشتیبانی فرماندهی اروپا می توان گفت که حدود ۹۰۰ موقعیت پرسنلی نظامی در ایران در رابطه با برنامه کمک امنیتی وجود دارد. در حال حاضر بیش از ۷۵۰ نفر پستهای مزبور را اشغال کرده و در سال مالی جاری نیز تعدادی از پرسنل و تکنیسین فنی بقیه موقعیتهای موجود را پر خواهند کرد.

فروش نظامی خارجی

(خیلی محرمانه)

طی گفتگوهای رئیس جمهور نیکسون با اعلیحضرت در تهران در ماه می ۱۹۷۲، آمریکا موافقت نمود که تمام تجهیزات قراردادی تولید شونده توسط صنایع دفاعی آمریکا را در اختیار ایران قرار دهد.

این اسلاید نشان می دهد که ایران تا چه حد از این فرصت استفاده کرده است.

(خیلی محرمانه) با وجودی که دولت ایران قراردادهایی را مستقیماً با کمپانیهای آمریکایی منعقد ساخته، ولی ترجیح می دهد بخش اعظم خریدهای خویش را از طریق برنامه فروش نظامی خارجی انجام دهد.

به این ترتیب با اکتساب خدمات میان دوره ای وزارت دفاع آمریکا، شاه می خواهد، مطمئن شود که با ایران در زمینه قراردادهای تجاری منصفانه برخوردار شود. در سالهای قبل، ایران مقداری وام بلاعوض از آمریکادریافت نمود. ولی در حال حاضر تمام حسابهای خود را پرداخت می کند. مبالغ صرف شده به دلار نشان می دهد که بخش اعظم هزینه های ایران در این زمینه صرف خرید هواپیما شده است. خرید سیستم دفاع هوایی موشک هاوک، نشانگر بخش دیگری از این سرمایه گذاری عظیم است. علاوه بر هزینه های سرسام آور مزبور، پیشرفت بعضی از این سیستمهای تسلیحاتی نیز شایان توجه است. علاوه بر این، علاقه شاه به خرید تجهیزات تسلیحاتی پیشرفته همچنان به قوت خود باقی است. در رأس خریدهای ایران می توان از خرید هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۱۵ نام برد که مبلغی بالغ بر یک میلیارد دلار را شامل می گردد. در نتیجه تجزیه و تحلیل نتایج حاصله از جنگ چهارم اعراب و اسرائیل می توان گفت که ایران باز هم به خرید بیشتر تسلیحات آمریکایی خواهد پرداخت.

آموزش ۷۱۹ CONUS

(خیلی محرمانه)

عامل مهم در تسریع گسترش نیروهای ایرانی جذب پرسنل آموزش دیده و قابل آموزش می باشد. همراه با برنامه اکتساب تجهیزات نظامی ۷ هیئت کمک مستشاری نظامی به تلاشی هماهنگ در زمینه آموزش نیز می پردازد. طی سال مالی گذشته، حدود ۱۴۰۰ دانشجوی ایرانی به آمریکا اعزام شدند تا در

۲۰۰ دوره مورد نیاز آموزش ببینند. در سال مالی ۱۹۷۴ این تعداد بیش از اینها افزایش خواهد یافت.

بخش اعظم آموزشهایی که به پرسنل نظامی ایران داده می شود در زمینه های بسیار فنی است و تا سالهای بعد میزان نفوذ آمریکا بر نیروهای ایرانی را نشان خواهد داد. به عنوان مثال، اکثر خلبانان ایران در آمریکا دوره دیده اند. علاوه بر این بسیاری از افسران ارشد نیروها نیز دوره هایی را در آمریکا گذرانده اند.

(خیلی محرمانه) بالاخره برای بازدیدکنندگان هیئت کمکی مستشاری نظامی این سؤال پیش می آید که: «در حال حاضر چرا ایران این مقدار عظیم از ثروت ملی خود را صرف نیروهای نظامی خویش می نماید؟» برای یک خارجی، عاملی چون تهدید خارجی نمی تواند پاسخگوی این سؤال باشد. بنابراین برای درک بهتر مقاصد شاه، لازم است به چند عامل دیگر نیز اشاره شود. اولاً هدف شاه از گسترش نیروی نظامی اش به وجود آوردن یک نیروی مدافع است. بنابه اعتقاد وی، اگر نیروهای کشور بقدر کافی گسترش یافته، نوسازی شوند و آموزش ببینند به تنهایی خواهند توانست مهاجمین را منصرف سازند.

علاوه بر این وی تصور می کند که نیروهایش می توانند شهرت منطقه ای و بین المللی کشور را بالا ببرند. گذشته از آنچه که گفته شد، تورم نیز فشار قابل ملاحظه ای را به این کشور وارد می آورد. ساده تر بگوییم اگر ایران بخواهد به تجهیز نیروهای نظامی خود ادامه دهد، سرمایه گذاری مربوطه امروز ارزان تر از فردا برایش تمام خواهد شد. علاوه بر این موضوع موجودیت تجهیزات نیز حائز اهمیت است. هم اکنون، شاه می تواند برای دریافت تجهیزات مدرن به آمریکا روی آورد. ولی در عصری که روابط سیاسی دائماً رو به

تغییر است، وی مطمئن نیست که این وضع همیشه ادامه خواهد داشت. گذشته از این، شاه به این نتیجه رسیده که آینده شاه بستگی به انطباق موفقیت آمیز تکنولوژی غربی، فرهنگ پارسی دارد تا بتواند کشور را به عرصه «تمدن بزرگ» برساند. او در نظر دارد تغییرات عمده ای در برنامه های نظامی خویش پدید آورده و منابع مالی مربوطه را صرف مدرن سازی جامعه ایران بنماید. بالاخره، یک عنصر روانی تاریخی وجود دارد که در تصمیمات شاه دخیل می باشد. در زمان جنگ جهانی دوم یعنی در دوران زندگی خودش، شاه با قدرتهای خارجی رو به رو بود که کشورش را تصرف کرده و پدرش را از سلطنت خلع نمودند. از این نظر او به نیروهای نظامی اش متکی شده تا مانع از آن شود که نیروهای مهاجم بار دیگر بتوانند شرایطی را به ایران تحمیل نمایند.

(طبقه بندی نشده) در اینجا جلسه توجیهی پایان می یابد و سؤالی ندارید؟

کتاب شصت و یکم

دخالت‌های آمریکا در ایران

چقدر برای یک مملکتی عیب است و سرشکستگی که
دستش را دراز کند طرف آمریکا که گندم بده، کشکول
گدایش را باز کند پیش دشمنش و از او بخواهد که رزقش را
بدهد، چقدر برای ما سرشکستگی دارد. تا این ملت بنای بر
این نگذارد که کشاورزیش را تقویت کند و بسازد به آنکه
خودش به دست می آورد، ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم. تا
این ملت بنای بر این نگذارد که ما باید همه چیزمان از خودمان
باشد، ما باید قطع رابطه اقتصادی، رابطه فرهنگی از خارج
بکنیم، فرهنگ از خود ما باید باشد، اقتصاد هم از خود ما
باشد. تا این بنا در توده ها نباشد و تا این مغزی که انگلی است
و استعماری عوض نشود و باورمان نیاید که ما هم آدم هستیم،
نمی توانیم استقلال پیدا کنیم..... مملکتمان هم یک مملکتی
است همه چیز هم دارد یک مملکت غنی ای است. و چنان
کردند که ما باید در آنجایی که چاههای نفتمان هست
گرسنگی بخوریم... می خواستند در محیط نفت مردم گدا
باشند تا کارگر ارزان باشد تا بتوانند استعمارشان بکنند.
همه جا را، هر جا را با یک نقشه ای عقب نگه داشتند تا استفاده
کنند.

به دنبال انتشار کتاب قبل، مجموعه حاضر محتوی ۱۳ سند می باشد که در فاصله زمانی سالهای ۱۳۵۲/۱۹۷۴ تا ژوئن ۱۹۷۸ / خرداد ۱۳۵۹ تهیه گردیده است و چهار موضوع کلی را شامل می گردد:

موضوعات و وقایع سیاسی، اصلاحات اجتماعی رفاهی، طرز فکر ایرانیان در مورد بیگانگان مقیم ایران و بررسی اوضاع اقتصادی. جهت معرفی کتاب و امکان استفاده راحت تر از موضوعات مورد علاقه، مطالب مندرج در اسناد به صورت اختصار توضیح داده می شود

موضوعات و وقایع سیاسی

تحت موضوع فوق دو محور یعنی سیاست خارجی ایران (اسناد شماره ۱ و ۲) و سیاست داخلی و وقایع جاری (اسناد شماره ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) مطرح است.

اولین سند نامه ای است از ریچارد هلمز (سفیر سابق آمریکا در تهران در سالهای حدود ۱۹۷۴ و رئیس پیشین سیا) به عباسعلی خلعتبری وزیر خارجه وقت ایران، که در آن پس از اشاره به روند رو به رشد تبادل اطلاعات طبقه بندی شده بین دولتین و توافق دوجانبه بر سر محرمانه بودن این اطلاعات، پیشنهاد می نماید که یک تفاهم نامه دوجانبه را در رابطه با تبادل اطلاعات طبقه بندی شده که چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم بین دو دولت تبادل می گردد، تأیید نماید. در ادامه سند مواد مختلف این تفاهم نامه تشریح شده و بیان نموده که هر گونه سند، نوشته، نقشه، عکس، طرح، مدل، مشخصات و یا نمونه هایی که چه به صورت شفاهی و چه کتبی، یا به صورت انتقال تجهیزات و مصالح بین دو دولت مبادله می گردد، مشمول این تفاهم نامه قرار می گیرد. همچنین براساس تفاهم نامه به هریک از متخصصین امنیتی دولت مقابل اجازه داده شده هر از چند یک بار به قلمرو کشور طرف مقابل سفر کرده تا با مقامات امنیتی آن در مورد روشها و تسهیلات لازم جهت حراست از اطلاعات طبقه بندی شده تبادل نظر به عمل آورد. در بخش ضمیمه سند اقدامات و روشهای کلی امنیتی در مورد حراست از موارد فوق تشریح شده و در پایان جوابیه خلعتبری مبنی بر تأیید این تفاهم نامه آورده شده است.

سند شماره ۲ به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۷۵/۱۹ دی ۱۳۵۳ با عنوان دیدار سناتور پرسی شرح مذاکراتی

است که بین سناتور پرسی (سناتور آمریکایی)، آموزگار و انصاری (وزرای کابینه هویدا) و لوبرانی (نماینده اسرائیلی) در موضوعات مختلف سیاسی صورت گرفته است که از اهم موضوعات مورد بحث قرار گرفته می توان از مسائل مربوط به موضوع دولت ایران در قبال رویارویی اعراب و اسرائیل، کشور

فلسطینیها، آینده عربستان سعودی و آسیب پذیری این رژیم در برابر مخالفت‌های داخلی، وضعیت اقتصادی و سیاسی ایران و موضع مردم در برابر این اوضاع نام برد. تظاهرات ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم و تداوم آن به صورت مراسم چهارم شهدای قم در تبریز و سپس برگزاری چهارم شهدای تبریز در دیگر شهرهای ایران از جمله اصفهان و شیراز موضوع مورد بحث در اسناد شماره ۶، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۲ می باشد که در آنها همراه با ذکر جزئیات حوادث و وقایع اتفاق افتاده به تحلیل تظاهرات و ریشه های آن پرداخته شده است.

سند شماره ۶ توصیف حوادث و تظاهرات تبریز است و سند بعدی با عنوان تحلیلی مقدماتی در ارتباط با آشوب و قیام مردمی در تبریز به ارزیابی و بررسی این حرکت شورآفرین پرداخته است. تعداد مردم و تلفات مکانهای مورد حمله قرار گرفته و میزان خسارات فیزیکی، ماهیت و بافت اجتماعی تظاهرکنندگان، شیوه های اقدام و مقابله جمعیت تظاهرکننده و پلیس، شعارها و انگیزه های تظاهرکنندگان و ارزیابی ریشه های نارضایتی مردم تبریز از جمله موارد مطروحه در این سند است.

چهل روز پس از تظاهرات تبریز، اصفهان شاهد تظاهرات و درگیریهای مداومی به مناسبت چهارم شهدای تبریز می گردد، که احساس ناامنی را در میان جوامع ایران و آمریکایی افزایش داده و موجب رشد بی اعتمادی وسیع در بین مردم نسبت به انگیزه ها و تاکتیکهای دولت می گردد. سند شماره ۱۱ اغتشاشات اصفهان را تشریح کرده و شیوه های مبارزه مردم با حکومت و مقابله حکومت با مردم را طرح و نهایتاً تحلیلی نسبتاً جامع از پدیده نوظهور چماقداری در اصفهان و پیدایش گروههای به اصطلاح انتقام در

سطح این شهر و ارتباط آنها با مقامات امنیتی و دولتی ارائه می نماید.

سند شماره ۱۲ پس از ذکر توضیحاتی مختصر در مورد حوادث شیراز و تظاهرات مردم آن شهر به مناسبت چهلم شهدای تبریز، روند رو به خشونت در شیراز و نقش نوگرایان و مذهبیون در این روند را به بحث کشیده است. وحدت نوگرایان (دانشگاهیان) و عناصر محافظه کار مذهبی در مقابله با رژیم شاه، نگارنده را به تحلیلی جامع در مورد انگیزه های مختلف و تضادهای اصولی عقیدتی بین دو گروه مذکور کشانده، و نقش فلسفه اسلامی و گرایش به عدالت اجتماعی نهفته در بطن این فلسفه را به عنوان عامل وحدت مطرح کرده است. با توجه به نظریه نگارنده مبنی بر اینکه نوگرایان در جریان فعالیتهای ضد رژیم دستخوش موج محافظه کاری شده اند، بررسی عوامل دخیل در این امر از دیدگاه تحلیلگر، مطالب درج شده در ادامه سند است که مختصراً می توان به عوامل زیر اشاره کرد: عدم مدرنیزاسیون کامل در کل جامعه ایران، رویگردانی عناصر نوگرا از سیاست در خلال سالهای اخیر، نداشتن تعریف و تصویر واضح از اهداف نوگرایی (به استثناء مارکسیستها)، مشخص بودن چهار چوب اصلی اهداف و جامعه دلخواه از نظر محافظه کاران مذهبی. مطالب انتهایی سند تحلیلی است در مورد نوع و ماهیت مشکلاتی که رژیم شاه از قبل داشته و یا به واسطه گسترش تظاهرات با آن روبرو شده است و به بررسی شیوه های متخذه از سوی رژیم در مقابله یا در جهت خنثی کردن آنها نیز پرداخته است.

گزارشی از برداشتهای عمومی در مورد دولت آموزگار و عملکرد آن در حدود یک سال دوران زمامداری و تأثیر اختلالات اجتماعی و اقتصادی باقیمانده از دولت هویدا بر دولت وی موضوع سند شماره ۱۰ را تشکیل می دهد و نتیجه می گیرد که پس از نه ماه همان نومیدیهایی یعنی تورم، افزایش قیمتها، کمبودها، نابرابریهای اقتصادی، کاغذ بازیهای دوران قبل از انتصاب آموزگار به جای هویدا هنوز به چشم می خورد که روند رو به رشد واپسگرایانه اقتصادی و سیاستهای غیر واقعگرایانه دولت در قبال

ناآرامیهای اجتماعی نیز بر شدت آنها افزوده است.

اصلاحات اجتماعی رفاهی

حرکت در جهت رفاه اجتماعی کشور، عنوان سند شماره ۳ است که در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۷۵/۱ اسفند ۱۳۵۳ تهیه شده است. شاه و دولت او با صرف درآمدهای عظیم نفتی در پیشگاه ملت هدفشان را به ظاهر برای شروع یک سری برنامه های رفاه اجتماعی که متضمن تندرستی، آموزش و شرایط زندگی بهتر و به ادعای خودشان توزیع عادلانه تر درآمدهای نفتی، نشان می دادند. این برنامه ها که در این سند مورد بحث قرار گرفته اند، عبارتند از:

آموزش و نیروی انسانی در این قسمت در مورد بودجه اختصاص یافته برای آموزش، دانشجویان و امکانات رفاهی، آموزش اجباری، تغذیه رایگان، آموزش رایگان، کمبود استاد و معلم و ظرفیت آموزشی ایران و کنفرانس رامسر بحث کرده و سپس به بررسی نیروی کار ماهر و نیمه ماهر نیازهای ایران به افراد متخصص در کلیه زمینه ها و همچنین کارگران فنی و امکان استخدام آنها از خارج می پردازد، و جنبه های مختلف آموزشی جاری در ایران و کیفیت این آموزشها را مورد بررسی قرار می دهد.

اصلاحات پزشکی از جمله موارد مطروحه، تلاشهای رژیم برای بهبود کیفیت و کمیت امکانات پزشکی در ایران و به ویژه در روستا و مناطق محروم می باشد که به واسطه کمبود پزشک در سطح ایران و

برای رفع این کمبود تسهیلات ویژه ای برای بهیاران و تیمهای امدادی در امر ادامه تحصیل، و امکان دادن اجازه کار برای پزشکان ایران فارغ التحصیل از دانشگاههای خارجی در نظر گرفته می شده است. وضعیت بیمارستانها، تعداد آنها، کیفیت خدمات درمانی بیمه همگانی و طرحهای دولت برای بهبود این امور از جمله مسائل مطروحه، دیگر است.

مسکن و زمین بخش مربوط به مسکن بحث جامعی است راجع به سیاستهای دولتی رژیم شاه، نقش بخش خصوصی و دولت در امر خانه سازی و تهیه مسکن برای جامعه ایران و بررسی میزان نیازها و امکانات در حل مشکل مسکن در دنبال آن مروری دارد بر ارتباط افزایش قیمت مسکن و اجاره ها از یک سو و افزایش قیمت زمین از سوی دیگر. سیاستهای دولت منجمله اقدامات مجلس و لوایح ضد زمینخواری نیز تشریح شده است.

سازمان کشاورزان ایران شاه به واسطه اهدافی که از اجرای اصطلاحات ارضی در سر داشت (این اهداف مغایر با اهداف تبلیغ شده از سوی رژیم بود) موجب گردید که زمینهای واگذار شده به کشاورزان یارها شوند و یا به مرور زمان تقسیم گردند. همچنین عدم دسترسی کشاورزان به امکانات و وسایل لازم برای کار و فقدان سرمایه امکان استفاده صحیح از زمین را از آنان گرفته بود، بدین جهت دولت سیستم تعاونی و شرکتهای سهامی زارعی را با بهانه دگرگون نمودن متدهای سنتی کشاورزی و بازاریابی از طریق گروه بندی و سازماندهی دهقانان، ایجاد کرد. سیاست مذکور اهداف آن و نتایج حاصل از اجرای این سیاست مطلب مورد بحث در این بخش از سند است. در مورد وزارت جدیدالتأسیس (۱۹۷۴) رفاه اجتماعی، وظایف، نیازها و کمبودهای آن مطالبی آورده شده و در پایان افزایش درآمد نفتی و بالا رفتن سطح انتظارات مردم، ساختار سنتی و سیاسی جامعه ایران، فساد و خویش بازی و مشکل انجام اصلاحات در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

سند شماره ۵ در واقع مجموع ۲۶ مصاحبه و یک نتیجه گیری است که به واسطه اشتراک موضوع به عنوان یک سند ارائه گردیده است. به دنبال گسترش روابط ایران و آمریکا و سود حاصله برای آمریکا، مستشاران نظامی و فنی، پرسنل تجاری و بازرگانی و کلاً سیل آمریکاییها برای پرکردن جیبهای خود و خزائن کشورشان به ایران سرازیر شدند. افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ این روند را رشدی چند برابر بخشید به نحوی که تعداد آمریکاییها در سال ۱۹۷۶ به حدود ۲۰ هزار نفر رسید و سفارت پیش بینی تا چند برابر شدن آنها را در سالهای آتی می کرد. رشد آگاهی ملت به واسطه ستمی که بر آنها می رفت و غارت ثروت مملکت و برباد رفتن استقلال و حیثیت فرهنگی کشور، آمریکاییها و طراحان آمریکایی را متوجه کرد که آخر الامر تپشها، ناله و ناله ها فریاد خواهد شد و فریادها گلوله، و اولین گلوله قلب آنان را نشانه خواهد گرفت. بدین جهت سفارت آمریکا در تهران برای سنجش و ارزیابی عقاید و آراء مردم به صورت نظرخواهی به طرح سه سؤال کلی پرداخت و در گفتگوهای خود با افراد مصاحبه شونده در پی جواب برآمد. هر سه سؤال به نحوی در جستجوی ارزیابی میزان خطری بودند که افراد و منافع آنان را مورد تهدید قرار می داد. البته باید توجه داشت که این سه سؤال به فرمهای گوناگون و همراه با حواشی و جزئیات مطرح می گردیده است. سؤالات مطرح شده پیرامون مطالب زیر است:

۱ آگاهی از تعداد خارجیهای مقیم ایران و میزان تغییر آنها در دو یا سه سال گذشته.

(سؤالات جنبی: خارجیها را چگونه می شناسید؟ آیا می توانید ملیت یک خارجی به ویژه یک

آمریکایی را در میان خارجیهای دیگر بشناسید و براساس چه مشخصات و ویژگیهایی؟ نظرتان راجع به

افزایش خارجیهای در سالهای آینده چیست؟)

۲ تأثیرات ناشی از حضور بیگانگان در ایران.

(سؤالات جنبی : تا چه حد از تسهیلات ویژه آمریکاییان در ایران خبر دارید؟ راجع به برنامه های

انگلیس رادیو و تلویزیون ایران و کانال آمریکا نظرتان چیست؟ درباره افزایش اجاره بهای منازل و

تأثیرات آمریکاییان در این باب چه نظری دارید؟ برخوردهای اخلاقی و اجتماعی آمریکاییان را چگونه

ارزیابی می کنید؟ تأثیر مصرف آمریکاییها در مایحتاج عمومی و کمبود آنها را چگونه می بینید تأثیرات

فرهنگی ناشی از حضور آمریکاییها بر نسل جوان ایران را چگونه می بینید؟)

۳ ایجاد محلهای ویژه جهت سکونت خارجیان

(سؤالات جنبی : جدا کردن محل زندگی نظامیان آمریکایی چه نتایجی دارد؟ جدا کردن آمریکاییان و

ایجاد محلهای خاص برای آنها در شهرهای بزرگ چه عواقبی دارد؟)

لازم به ذکر است اکثر افرادی که مورد سؤال قرار گرفته اند عناصر و مهره های اجرائی یا فرهنگی رژیم

بوده اند که با توجه به بافت فکری فرهنگی آنها و اینکه اکثرا تحصیلات غربی داشته اند، امکان یک

نتیجه گیری مطلوب و دقیق از این نظرخواهی را از طراحان این امر گرفته بودند.

بررسی اوضاع اقتصادی

موضوع مورد بحث در اسناد ۴ و ۱۳ مسائل اقتصادی و اقتصادی سیاسی ایران است. سند شماره ۴

یک تحلیل اقتصادی سیاسی جامع است که در سال ۱۳۵۴ تا ۱۹۷۵ توسط افسر توسعه اقتصادی مالی

سفارت تهیه گردیده و سعی نگارنده بر آن بوده که عوامل سیاسی و اقتصادی را ترکیب نموده و با توجه به پیش بینی دورنمایی روشن برای اقتصاد ایران، نقش و دخالت روبه تزايد آمریکا در ایران را چندان مطلوب جلوه گر نسازد. به واسطه جامعیت سند و تراکم مطالب مورد بحث، رئوس مطالب به صورت فهرست وار ذکر می گردد:

اقتصاد داخلی تولید ناخالص سرانه ایران، نفت و نقش آن در اقتصاد داخلی، تحلیل فقر در ایران، موقعیت اقتصادی ایران در جهان سوم و رو به رشد، طرحهای توسعه صنعتی، اقتصاد ایران بدون نفت، سازمان برنامه و بودجه و اهمیت برنامه ریزی، مشکلات عمده اقتصاد ایران (کمبود بنادر و شبکه حمل و نقل، کمبود پرسنل ماهر، وضع اسفناک کشاورزی)، مصرف زدگی و تنوع در مصرف مواد غذایی، تورم و اقدامات ضد تورمی دولت، تضاد بین رشد اقتصادی و سیستم استبدادی سیاسی، پیش بینی آینده اقتصادی ایران.

روابط اقتصادی خارجی موقعیت ایران در اقتصاد جهان، افزایش قیمت نفت و دیدگاههای ایران و آمریکا در این مورد، روابط آمریکا با ایران (تأمین تسلیحات و تجهیزات و مستشاران نظامی، روابط تجاری و تأمین غلات و ماشین آلات، ارائه مشاوره های فنی، سرمایه گذاری و رونق شرکتهای تجاری آمریکا در ایران)، عواقب سیاسی ناشی از درگیری آمریکا در سیاست نظامی و اقتصادی ایران، نظارت

نگارنده در مورد روابط و کیفیت آنها با ایران، رفتار ایران در قبال نظام مالی بین المللی و بررسی قرضه ها و بدهیهای ایران، تناقضات سیاسی (عوامل مورد اختلاف در روابط دوجانبه، تفاهات سیاسی)، تشریح وضعیت سیاسی ایران در گذشته، حال و آینده، تضاد بین روند نوگرایی و مدرنیزاسیون و ساختار استبدادی حاکمیت، پیش بینی آینده سیاسی ایران. اهرمهای احتمالی جهت نفوذ آمریکا تحلیل نیازهای ایران به آمریکا و برعکس، نیازهای ایران (تسلیمات، نیروهای فنی و نظامی، مشاوره، غلات، ماشین آلات....)، نیازهای آمریکا (نفت، بازار ایران، موقعیت اطلاعاتی و استراتژیک ایران)، اهداف و نیات در اعمال فشار بر ایران (اتخاذ مواضع متعادل در قیمت گذاری نفت)، اهرمهای فشار آمریکا (تسلیمات نظامی، غلات....)، وضعیت نظامی ایران از نظر تجهیزات.

آخرین سند یک بررسی صرفا اقتصادی است که با ارائه آمار و ارقام به صورت جداول و توضیحات وضعیت اقتصادی ایران را در زمینه های زیر مورد مرور قرار می دهد: تجارت خارجی ایران (صادرات شامل خدمات و کالاهای نفتی و غیرنفتی، واردات شامل خدمات و کالاهای نظامی و غیرنظامی)، صادرات نفتی ایران در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ (به کشورهای طرف قرارداد)، موافقتنامه ها و محموله های نظامی (از کشورهای کمونیستی و غربی غیر از آمریکا)، گزارش تحلیلی تسلیحاتی برنامه فروشهای نظامی خارجی به ایران در سالهای ۷۴ تا ۷۷ (۵۳ تا ۵۶) و گزارش تحلیلی تسلیحاتی محوله فروشهای نظامی خارجی به ایران در سال ۷۴ تا ۱۹۷۷.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶

نامه هلمز به عباسعلی خلعتبری

وزیر امور خارجه ایرانتهران، ۲۸ مه ۱۹۷۴ ۷ خرداد ۱۳۵۳

عباسعلی خلعتبری

حضرت مستطاب:

مفتخرا در اینجا به روند رو به رشد تبادل اطلاعات طبقه بندی شده بین دولتین ما اشاره می نماید.

همان گونه که در روابط دیپلماتیک معمول است، این اطلاعات به طور محرمانه مبادله گردیده و توافق بر این است که محرمانه بودن آنها حتما رعایت گردد. این اصل در زمینه قوانین و مقررات داخلی در حراست از اسرار نظامی و دولتی منعکس و در بسیاری از قراردادهای دو و یا چند جانبه نیز گنجانده شده است.

بنا به اعتقاد دولت آمریکا اطلاع از اصول حاکم بر تبادل این اخبار بسیار شایسته است، تا تبادل این گونه اطلاعات بین دو دولت ما با سهولت بیشتری انجام گیرد. به همین علت اینجانب افتخار دارد که تأیید یک تفاهم نامه دوجانبه را در رابطه با تبادل اطلاعات طبقه بندی شده که چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم بین دو دولت ما صورت می گیرد، پیشنهاد نماید، به این ترتیب که دریافت کنندگان اطلاعات مزبور:

الف: بدون تأیید دولت مربوطه، اطلاعات را در اختیار دولت ثالثی قرار نخواهند داد؛

ب: تلاش خواهند کرد تا اطلاعات دریافتی را طبق طبقه بندی دولت منتشرکننده تحت حفاظت

خویش قرار دهند؛

ج: این اطلاعات را برای مقصود دیگری جز آنچه که بیان شده به کار نبرند؛ و

د: به حقوقی خاص مانند حق ثبت، حق طبع و نشر و تبادل اسرار که در این اطلاعات گنجانده شده،

احترام بگذارند.

به منظور تصریح این قرار داد باید گفته شود که منظور و مقصود از این اطلاعات، هر گونه

سند، نوشته، نقشه، عکس، طرح، مدل، مشخصات و یا طرح و نمونه هایی است که چه به صورت شفاهی یا بصری، یا کتبی و یا به صورت انتقال تجهیزات و مصالح بین دو دولت مبادله می گردد. این اصول در رابطه با دولت آمریکا به اطلاعاتی اطلاق می گردد که توسط همین دولت با طبقه بندیهای خیلی محرمانه، سری و یا خیلی سری مشخص شده و یا به اطلاعاتی مربوط می شود که توسط دولت شما و براساس همان قرارداد مبادله می شوند، ولی این قرارداد در مورد اطلاعاتی که تبادل آنها به قراردادهای خاصی نیازمند می باشد، کاربردی ندارد.

این تفاهم نامه در مورد تمام اطلاعات مبادله شده بین تمام سازمانها و مقامات معتبر بین دو دولت چه در پایتختهای دو کشور و چه در کنفرانسهای بین المللی یا نقاط دیگر، کاربرد دارد. و انعقاد هر گونه قرارداد دیگری بین دولت ما و یا سازمانهای تابعه آنها در رابطه با تبادل این گونه اطلاعات، تا جایی که با محتوای این قرارداد مغایر نباشد، تحت تأثیر این تفاهم نامه واقع نخواهد شد. جزئیات مربوط به کانالهای ارتباطی و کاربرد اصول فوق در نتیجه مذاکرات فنی بین سازمانهای ذی ربط دولتی مشخص خواهد کردید.

هریک از دولتین به متخصصین امنیتی دولت مقابل اجازه خواهد داد، که هر از چند یک بار به قلمرو آن سفر کرده تا با مقامات امنیتی آن در مورد روشها و تسهیلات لازم جهت حراست از اطلاعات طبقه بندی شده که توسط دولت مقابل در اختیار آن قرار گرفته تبادل نظر به عمل آورد، و تسهیلاتی در اختیار این

افراد متخصص قرار خواهد داد، تا آنها مشخص نمایند که آیا از این گونه اطلاعات حراست کافی به عمل می آید یا خیر. پس از شناخت این واقعیت که حراست از اطلاعات طبقه بندی شده به خصوص در زمینه تحقیق و توسعه و تولید تجهیزات دفاعی نقش مهمی در امنیت ملی دو کشور دارد، مراحل و روش کلی حراست از این اطلاعات در ضمیمه همین نوشتار درج خواهد شد. در صورتی که دولت متبوع شما با مطالب فوق موافقت دارد، پیشنهاد می کنم که این یادداشت و پاسخ شما به آن پس از مشخص شدن نوع اطلاعاتی که بنا به میل دولت شما باید تحت پوشش این موافقتنامه واقع شود. از تاریخ پاسخ شما به صورت موافقتنامه مورد نظر تلقی گردد.

امیدوار است عالیجناب احترامات گرم و صمیمانه مرا بپذیرند. ریچارد هلمز

سفیر آمریکا

ضمیمه مربوط به روشها و اقدامات کلی امنیتی

۱ اطلاعات رسمی دارای طبقه بندی امنیتی که توسط هر یک از دولتین ما و یا بر اساس توافقنامه بین این دو دولت مشخص شود و یکی از دولتین در اختیار دولت، دیگر و از طریق کانالهای دولتی قرار می دهد، توسط مقامات ذی صلاح دولت دریافت کننده از یک طبقه بندی خاص دیگر برخوردار می گردد، تا میزان حراستی که از آن اطلاعات به عمل می آید معادل یا بیش از طبقه بندی مورد نظر دولت دهنده باشد.

۲ دولت دریافت کننده، اطلاعات را برای هیچ مقصود دیگری مگر هدف انتشار آن به کار نخواهد برد و این اطلاعات را بدون رضایت دولت دهنده در اختیار دولت ثالثی قرار نخواهد داد.

۳ در رابطه با اطلاعات ارائه شده در زمینه قرار دادهای منعقد شده بین هر یک از دولتین، سازمانها بخش خصوصی و یا افراد تابعه آن با دولت کشوری که قرارداد در قلمرو آن قابل اجراست مسئولیت اقدامات

امنیتی لازم را جهت حراست از این گونه اطلاعات که دارای طبقه بندی شده بر طبق معیارها و شرایط مشخص شده توسط آن دولت در زمینه مفاد قرار داد و اطلاعات مورد استفاده از طبقه بندی امنیتی، عهده دار می گردد. قبل از انتشار این گونه اطلاعات طبقه بندی خیلی محرمانه یا مهمتر است، به پیمانکار یا پیمانکار احتمالی، دولتی که در نظر دارد آن اطلاعات را واگذار نماید باید قبلاً تضمین کند که آن پیمانکار یا پیمانکار احتمالی و تسهیلات آن توان کافی جهت حراست از اطلاعات طبقه بندی شده را دارد، در این رابطه مجوز خاصی را ارائه خواهد نمود و مجوزهای خاص امنیتی را برای افرادی که وظیفه شان دسترسی داشتن به این اطلاعات طبقه بندی شده است را صادر خواهد نمود.

۴ دولت دریافت کننده نیز موظف به انجام وظایف زیر است :

الف: حصول اطمینان از این امر که تمام اشخاص دارای امکان دسترسی به این اطلاعات طبقه بندی شده از مسئولیتهای خود در حراست از این اطلاعات بر طبق قوانین مربوطه مطلع می باشند.

ب: بازرسیهای امنیتی را در مورد تسهیلاتی که در نتیجه اجراء قرارداد با این اطلاعات طبقه بندی شده سرو کار دارند به مرحله اجراء در آورد.

ج: حصول اطمینان از این امر که وجود این گونه اطلاعات در تسهیلات ذکر شده در پاراگراف فرعی ب تنها مورد استفاده اشخاصی قرار خواهد گرفت، که برای اجراء اهداف رسمی نیازمند آن می باشند. در این

رابطه درخواست مجوز ورود به این گونه تسهیلات در صورت نیاز به دسترسی داشتن به این گونه اطلاعات، توسط سازمان دولت مقابل تسلیم سازمان دولتی ذی ربط خواهد شد، و در این درخواست به مجوز امنیتی و رتبه رسمی بازدیدکننده و ضرورت بازدید نیز اشاره خواهد شد. برای بازدیدهای طولی‌المدت تر نیز می‌توان مجوزهای مناسب صادر نمود. دولت دریافت‌کننده درخواست بازدید موظف است که به پیمانکار مربوطه اطلاع داده و آن را در جریان بازدید مورد قبول خویش قرار دهد. هزینه‌های متحمل شده در اجراء تحقیقات امنیتی و بازرسیهای لازم از این پس بازپرداخت نخواهد شد.

۶ اطلاعات و تجهیزات طبقه بندی شده تنها بر اساس دولت به دولت انتقال خواهد یافت.

۷ دولت دریافت‌کننده تجهیزات تولید شده براساس قرارداد موجود در قلمرو دولت دیگر در جهت حراست از اطلاعات طبقه بندی شده همان اقداماتی را معمول دارد که در حراست از اطلاعات طبقه بندی شده خود انجام می‌دهد.

وزارت خارجه شاهنشاهی ایران

شماره: ۱۸/۲۵۱۵ تهران، ۶ ژوئن ۱۹۷۴

جوابیه خلعتبری به سفیر هلمز

آقای سفیر:

افتخار دارد به یادداشت شماره ۳۷۰ مورخ ۲۸ می ۱۹۷۴ شما و ضمیمه آن اشاره کند که پیشنهاد می‌نماید اطلاعات طبقه بندی شده مبادله شده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت آمریکا تابع بعضی از اصول امنیتی مورد توافق و مشخص شده در آن باشد.

در اینجا با کمال افتخار اعلام می‌دارد که دولت شاهنشاهی ایران با پیشنهاد مندرج در یادداشت

فوق الذکر و ضمیمه آن موافقت خویش را اعلام می نماید. در رابطه با اطلاعاتی که از سوی دولت ایران ارائه می گردد، اصول و روشهای مطروحه شامل تمام اطلاعات دارای طبقه بندی محرمانه، خیلی محرمانه، سری و خیلی سری می باشد، مگر آن که در مورد این گونه اطلاعات توافق خاص دیگری به عمل آید. برطبق پیشنهاد مطروحه در یادداشت شما، بدین وسیله موافقت می نماید که یادداشت شماره ۳۷ مورخ ۲۸ می ۱۹۷۱ شما و ضمیمه آن و این پاسخ از همین تاریخ به صورت قراردادی بین دو دولت ما تلقی گردد. با استفاده از این فرصت احترامات بی شائبه خود را تقدیم می دارد.

عباسعلی خلعتبری

وزیر امور خارجه ایران

دیدار سناتور پرسی و موضوعات سیاسی

سند شماره (۲)

تاریخ: ۹ ژانویه ۱۹۷۵ ۱۹ دی ۱۳۵۳ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی.سی.

عطف به: تهران ۱۶۹ (کتبی)

موضوع: دیدار سناتور پرسی: موضوعات سیاسی

۱ سناتور پرسی در تماسهای جداگانه ای با آموزگار و انصاری وزرای کابینه و نماینده اسرائیل،

لوبرانی در مسائل زیر با آنان تبادل نظر نمود. این گزارش از مرحله تصویب و تأیید نگذشته و ممکن است از طرف سناتور مورد تجدید نظر واقع گردد.

موضع دولت ایران در قبال رویارویی اعراب و اسرائیل

هر سه موافق بوده و یا مسلم می دانستند که موضع ایران اساساً تغییری نکرده یعنی، ایران به اعراب برای مقابله با اسرائیل کمک نظامی نخواهد نمود و در تحریم نفتی بر علیه اسرائیل شرکت نخواهد جست. لوبرانی معتقد است که ایران در صدد جلب حمایت اعراب، به خصوص مصر در رابطه با مشکلات بین ایران و عراق است تا موقعیت خویش را در خلیج تحکیم بخشد. وی افزود همکاریهای نهانی با اسرائیل علیرغم حساسیتهای سیاسی موجود ادامه دارد.

کشور فلسطینها

آموزگار و انصاری بر این عقیده بودند که پیشنهاد تشکیل یک کشور فلسطینی ضروری و حیاتی است. هر دو در مورد مکان و چگونگی تشکیل این کشور فلسطینی به طرز ابهام آمیزی سخن می گفتند، ولی امیدوار بودند که برای حفظ موقعیت حسین اقدامی به عمل آید. لوبرانی معتقد بود که حسین خود را برای نمایش قدرتی با فلسطینها آماده می کند و شاه قصد دارد که امکانات حسین را قبل از دیدار با سادات، ارزیابی کند.

آینده عربستان سعودی

آموزگار و لوبرانی احساس می کنند که دولت عربستان سعودی بسیار آسیب پذیر بوده و به احتمال قوی یک رژیم ضد غربی مانند رژیم قذافی جای آن را خواهد گرفت. آموزگار معتقد بود که تشکیل کشورهای کوچک در خلیج فارس اشتباهی عظیم بوده و گفت که این امارات باید خود را در یک تمامیت بزرگتر سازماندهی کنند. هم او و هم لوبرانی معتقدند که یک کشور فلسطینی فشار زیادی را بر روی

کشورهای شبه جزیره‌ها اعمال خواهد نمود. لوبرانی معتقد است که در صورتی که تغییرات سیاسی منافع دولت ایران را به خطر اندازد ایران در آن سوی خلیج به مداخله خواهد پرداخت.

عکس العمل مردم ایران

انصاری دوران فعلی را دورانی حساس توصیف کرد که ناشی از سطح چشمداشت‌های شخصی ایرانیان به منافع حاصله از نفت است و فشارهای تورم زای ناشی از تزریق مقادیر زیادی پول به جدید در اقتصاد. آموزگار مسائل دولت ایران را با لحن تندتری بیان کرد و در این زمینه از موانع فیزیکی و پرسنلی موجود در راه پیشرفت و این واقعیت که سطح درآمدها در مناطق شهری هفت برابر مناطق روستایی است، سخن گفت. انصاری اظهار داشت که دولت ایران با دقت بسیار به اداره امور مربوط به اوضاع جاری پرداخته است. هم او و هم آموزگار معتقدند که دولت ایران در رابطه با تأمین سوبسید کالاهای اساسی به منظور مهار تورم (که میزان این تورم هم اکنون به گفته انصاری ۱۲ درصد است) و ارائه خدمات اجتماعی عملکردی منطقی و معقول داشته است. هر دو بر سر این موضوع اتفاق نظر داشتند که دانشجویان و دیگران

نسبت به برنامه جدید کمکهای خارجی ایران در زمانی که نیازهای داخلی برآورده نشده، معترض هستند. هر دو معتقد بودند که دولت ایران مردم این کشور را قانع ساخته که در این کار منافع بیشتری نهفته است. نقطه نظرهای لوبرانی چندان مثبت و خوش بینانه نبود. او از این بیم داشت که خود بزرگ بینی شاه ممکن است باعث شود که وی دست به اجرای نوعی از برنامه های اجتماعی و یا اقتصادی بزند که زیردستان وی احتمالاً نتوانند آنان را اداره کرده، و بدین وسیله موجب دلسردی و ناامیدی مردم شود. لوبرانی همچنین از اختلاف درآمد و نفوذ ارتجاعی عناصر مذهبی ابراز نگرانی می کرد. آموزگار تصور می کرد که قدرت مذهبپون رو به زوال است. خلاصه اینکه هر سه نفر اوضاع داخلی را برخلاف آنچه که ترسیم می گردد، نوید بخش توصیف نمی کردند. میکلس

حرکت در جهت رفاه اجتماعی کشور

سند شماره (۳)

تاریخ: ۲۰ فوریه ۱۹۷۵ ۱ اسفند ۱۳۵۳ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا تهران به: وزارت خارجه واشنگتن

موضوع: حرکت در جهت رفاه اجتماعی کشور

خلاصه:

شاه و دولت او با صرف درآمدهای وسیع و فزاینده نفتی هدفشان را برای شروع یک سری برنامه های رفاه اجتماعی که متضمن تندرستی بهتر، آموزش بهتر و شرایط بهتر زندگی برای مردم ایران و برای اطمینان یافتن از توزیع عادلانه تر درآمدهای نفتی می باشد، نشان داده اند. این برنامه های بزرگ شامل اصلاحات عظیم احتمالی در آموزش و تربیت نیروی انسانی، خدمات درمانی، مسکن، استفاده از زمین، سازمان کشاورزان ایران و رفاه و بیمه اجتماعی که در این گزارش مورد توجه قرار گرفته اندژ می باشد.

گزارش تکمیلی دیگری که در دست تهیه است، پیشرفت انقلاب شاه و ملت را در جزئیات مورد بحث قرار می دهد. فهم این برنامه مستلزم سالهای زیاد و به وجود آوردن زیرسازی و کارشناسی کامل که ایران مثل اغلب کشورهای دیگر در حال توسعه فعلاً فاقد آن است، می باشد. موفقیت ایران در پیدا کردن راههایی برای انجام این اصلاحات عظیم اجتماعی برای توسعه و ثبات مستمر ملی حیاتی است.

آموزش و نیروی انسانی

در محدوده کلی توسعه ملی و رفاه اجتماعی به نظر می رسد که دولت ایران در حال حاضر توجه بیشتری به مشکلات آموزش و تربیت و به کارگیری نیروی انسانی نسبت به دیگر موضوعات معطوف می دارد. برنامه تجدید نظر شده پنجم ۱۳۰ میلیارد ریال (حدوداً ۹/۱ میلیارد دلار) برای آموزش و پرورش اختصاص داده است که شامل ۲۰ میلیارد ریال (حدوداً ۲۹۷ میلیون دلار) تنها برای برنامه آموزش ابتدایی رایگان می باشد. رقم ۹/۱ میلیارد دلار با وجود جالب توجه بودن، فقط نشان دهنده ۴/۲٪ افزایش و تشخیص عدم توانایی سیستم آموزشی ایران برای جذب مبلغ بیشتر می باشد. از ۰۰۰/۱۲۴ دانشجوی ایرانی که در حال حاضر در دانشگاهها هستند، تقریباً ۰۰۰/۴۱ نفر از دولت کمک دریافت می دارند. شورای هماهنگی امور دانشجویان تحت نظارت نخست وزیر اخیراً یک صندوق برای کمک به دانشجویان ایرانی خارج از کشور تأسیس نموده است و سازمان جدیدالتأسیس دانشجویان در

وزارت علوم و آموزش عالی به فارغ التحصیلان برای گرفتن شغل در آینده کمک خواهد نمود، درجات تحصیلی خارجی را ارزیابی خواهد نمود و فعالیتهای مختلف آموزشی در سطح دانشگاه را سرپرستی خواهد کرد. تعداد ۰۰۰/۴۰ دانشجو و دانش آموز داوطلب در یک طرح ۲۴ میلیون دلاری توسعه در تابستان در مناطق روستایی شرکت کردند و انتظار می رود که تعداد آنها تا سال ۱۹۷۸ به یک میلیون نفر برسد.

شاه فرمان داده است که هشت سال اول آموزش منجمله یک جیره شیر و پروتئین روزانه برای هر دانش آموز مجانی باشد. قانون دیگری والدین را از ممانعت فرزندانشان برای حضور در مدارس منع می کند. برای اطمینان پیدا کردن از اینکه از قانون تخطی نخواهد شد، برای هر کودک تازه متولد یک کارت آموزشی صادر خواهد شد. این فرمان منجر به افزایش سریع تعداد کودکان ایرانی شد که آموزش ابتدایی می بینند. بر طبق ارزیابیهای رسمی ۷۷٪ از ۰۰۰/۷۶۴/۴ کودک ایرانی بین سنین ۶ تا ۱۰ سال در حال حاضر در مدارس ابتدایی عادی و مدارس سپاهی دانش و یا کلاسهای مبارزه با بیسوادی ثبت نام کرده اند. وزارت آموزش و پرورش مسئول اجرای فرمان تا سال ۱۹۷۴ شد. در عمل، هنوز امکان نداشته است که طرح نهار مجانی کاملاً اجرا گردد و در نوامبر ۱۹۷۴ مسئولیت اجرای این بخش از برنامه به وزارت بازرگانی سپرده شد. مشکلات توزیع و خراب شدن (مواد غذایی) همچنان ادامه پیدا کردند، ولیکن تلاشی عمده برای بهبود مؤثر تغذیه تعداد زیادی دانش آموز انجام شده بود. علاوه بر این شاه اشاره کرده است که آموزش عالی مجانی منجمله هزینه های زندگی در صورتی که دانش آموز و دانشجو موافقت کنند که یک سال در مقابل هر سال تحصیلی دبیرستان و ۲ سال در مقابل هر سال تحصیلی دانشگاه برای کشور کار کنند به وسیله دولت فراهم خواهد شد. تعلیمات فنی دانشگاهی بدون شرایط بازپرداخت فراهم خواهد شد. در کوتاه مدت کیفیت آموزشی به خاطر کمبود حاد معلم که ۰۰۰/۳۰ در سال تخمین زده شده احتمالاً پایین

خواهد بود و برای چند سالی نمی توان بر آن غلبه نمود؛ چون که ظرفیت آموزش معلم در ایران ۱۰/۰۰۰ تا ۱۳/۰۰۰ می باشد. به علاوه با در نظر داشتن درصد بالای رشد جمعیت ایران کل کودکان سن دبستان که در حدود ۴/۸ میلیون در سال ۱۹۷۱ تخمین زده شده، در سال ۱۹۸۶ به ۸/۶ میلیون خواهد رسید، افزایشی که هر سیستم آموزشی را تحت فشار قرار خواهد داد. این کمبود فقط یک جهش ناگهانی تقاضای معلم را منعکس نمی کند، بلکه همچنین حقوق سطح پایین آنها و احترام کمی که ایرانیها برای این حرفه قائلند را منعکس می سازد. ایرانیان از این مشکل آگاهی دارند و در سپتامبر ۱۹۷۴، کنفرانس رامسر رأی به فراهم نمودن حقوق بهتر، بیمه و مسکن و دیگر خدمات رفاه اجتماعی برای جلب افراد بیشتری به حرفه معلمی داد. این منجر به تهیه برنامه ای جهت ساختمان ۷۰۰ واحد مسکونی برای معلمان در تهران شد.

هرچند با گفتگو بر سر مکان آن به تأخیر افتاد، ولی نمایش واقعی تصمیمی است که به طور مطلوبی معلمان آینده را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این اثنا سپاهیان دانش و مبارزه با بیسوادی آسودگی خاطری در مورد کمبود معلم برای مناطق روستایی فراهم می آورند و مقامات امیدوارند که از طریق آموزش تلویزیونی و استفاده از معلمانانی که شرایط پایین تری نسبت به بقیه دارند، کمبود معلم را برای دروسهای ابتدایی کاهش دهند. ضمناً ساختمان دانشگاه و مدارس ابتدایی با سرعت به جلو می رود. در سال گذشته ۷۰۰ مدرسه ابتدایی و متوسطه ساخته شد. بودجه دانشگاه تهران از ۱۳/۸ میلیون دلار به ۸۴ میلیون دلار افزایش پیدا کرد و تعدادی دانشگاههای منطقه ای برای مناطق درو دست کشور برنامه ریزی شد.

در زمینه آموزش نیروی انسانی، ایرانیها پیش بینی می کنند که تا سال ۱۹۷۸ به ۱/۲ میلیون کارگر جدید احتیاج خواهد بود؛ حتی اگر تمام برنامه ها در سطح مطلوبشان اجرا شوند، یک کمبود در حدود ۰۰۰/۷۲۰ نفر پیش بینی شده است. این شغلها ممکن است از طریق وارد کردن کارگر خارجی پر شود و در حقیقت، ایران هم اکنون از خیلی از دکترهای پاکستانی و هندی در مناطق روستایی استفاده می کند. به علاوه برنامه های در جریانی وجود دارد که ۰۰۰/۷ مهندس، پرسنل پزشکی و تکنیسینهای ساختمانی از فیلیپین و همچنین کارشناسانی از دیگر ملل استخدام نمایند. برای هماهنگی درخواستهای بخش عمومی و خصوصی برای کارگر خارجی وزارت کار و امور اجتماعی یک مرکز کاریابی برپا کرده است، که به پرسنل پزشکی و کارشناسان ساختمانی و راه سازی ارجحیت می دهد.

همچنین دولت ایران در تلاش است که ایرانیهای تعلیم دیده که در خارج زندگی می کنند را تشویق به بازگشت نماید. خصوصا در رشته های پزشکی و در میان مهندسين توجه به کاهش فرار مغزها به اروپا و ایالات متحده، معطوف شده است. آمار وزارت علوم نشان می دهد. که ۷۱٪ تمام دانشجویان ایرانی که در خارج تحصیل می کنند در آمریکا ۲۵ درصد در آلمان غربی، ۱۰٪ در انگلستان و ۶٪ در فرانسه هستند. دولت ایران قصد دارد که تیمهایی از استخدام کنندگان را به خارج اعزام دارد که با ایرانیان مهاجر تماس برقرار کنند و به آنها پیشنهاد حقوق بهتر و توضیحاتی در مورد شرایط بهبود یافته کاری و اجتماعی بدهند، که آنها را تحرکی به بازگشت به ایران کنند. ولی قسمت اعظم نیروی انسانی مورد نیاز آینده ایران بایستی در داخل فراهم آید. با کمک وام ۱۹ میلیون دلاری بانک جهانی، دولت ایران و یونسکو طرحی دارند که یک پروژه ۷۰ میلیون دلاری برای ساختمان ۳۹ مدرسه جدید کشاورزی و حرفه ای، مدارس ابتدایی و راهنمایی و تسهیلات آموزش معلم را شروع کنند. برنامه های جاری نیاز به دانش آموزان حرفه ای تا سال ۱۹۷۸ را به ده برابر (حدود ۰۰۰/۵۶۰) آن چیزی که هم اکنون آموزش می بینند، عنوان می دارد. دولت

ایران امیدوار است که بیشتر این آموزش در آینده از طریق ۱۵۰ مرکز آموزش حرفه ای سیار که فارغ التحصیلان خود را به یک سیستم ۲۰۰ مرکزی کاریابی سیار و ۱۵۰ مرکز کاریابی ثابت مرتبط می کند انجام گیرد، و وزارت کار انتظار دارد که قادر باشد این کارگران را به مناطقی که گاز وجود دارد منتقل نماید. در حال حاضر این مراکز عمدتاً در مرحله برنامه ریزی هستند.

بعضی جنبه های آموزش جاری ایران بی هدف است و بایستی در آن تجدید نظر شود. تعداد زیادی از فارغ التحصیلان دانشگاهی از اینکه می بینند بدون آموزش عملی بیشتر غیرقابل استخدام هستند ناامید و پریشان می شوند. فارغ التحصیلان بی تخصص دبیرستانی اغلب قادر به پیدا کردن کارهای خوب بجز بخش خصوصی که برنامه های آموزشی دارند نیستند. بعضی دانشگاهها شروع به عرضه درسهای کوتاه مدت برای به وجود آوردن مهارتهای قابل جذب در بازار کرده اند، تا پاسخگوی این مشکل باشند و دولت ایران در نظر دارد که ۶۰۰ فارغ التحصیل دبیرستان را سالانه تحت نظر سازمان بین المللی کار به خارج اعزام دارد. تأکید بیشتر متوجه به کارگیری بهتر زنان می شود که قسمت بزرگی از بیکاران جامعه ایران را تشکیل می دهند. در حال حاضر فقط ۶/۱۳٪ زنان کار می کنند و انتظار می رود که این رقم فقط ۳/۱۵٪ تا سال ۱۹۷۸ یعنی پایان برنامه پنجم افزایش پیدا کند.

گرچه بیش از نیمی فعالیت اقتصادی ایران در حال حاضر در دست دولت است، بخش خصوصی در زمینه کارگر ماهر و نیمه ماهر یک نقش مستمر و مهم بازی می کند و اکثریت عظیمی از چنان کارگرانی

آموزش و تجربه را خارج از برنامه های دولت دریافت داشته اند. در کنفرانس مدیریت شیراز در نوامبر ۱۹۷۴، دولت ایران این موضوع را (خصوصاً در قسمت شکر، سیمان و پارچه بافی) به وسیله پیشنهاد تأمین بودجه تمام یا قسمتی از هزینه های آموزشی بخش خصوصی از طریق کمک و یا تخفیف مالیاتی صریحاً تشخیص داد. این احتیاج ناگهانی به نیروی انسانی ماهر بر این حقیقت تأکید دارد که آموزش و پرورش ایران و آموزش نیروی انسانی توسعه پیدا کرده است (شاید بدون پیش بینی قابل فهم احتیاجاتی که از رشد عظیم و سریع درآمدهای نفتی ایران سرچشمه می گیرد). در بخش آموزش و به کارگیری کارگران ماهر و نیمه ماهر است که دولت ایران هم اکنون با مشکلات عاجل مربوط به توسعه روبرو است. اگر چه کنفرانس شیراز شروع به ساختن شمایی از نیازهای انسانی ایران نمود، ایران هنوز آن اساس آماری که او را قادر به استفاده صحیح از نیروی کارگری موجودش، آموزش کارگران لازم برای آینده و یا استفاده از نیروی انسانی بیکار از قبیل زنان و یا کارگران فصلی کشاورزی بنماید، ندارد. سازمان برنامه و بودجه، که مسئولیت اصلی را در این زمینه به عهده دارد، و وزارت کار هر دو مشغول تهیه امکانات آماری و تحلیلی هستند تا مشخص شود بهترین روش برخورد با این مشکلات چگونه است و بتوان به سؤالاتی از قبیل تطبیق حقوق، نیازمندیهای مسکن، بازگشت کارگران ماهر به میهن (که در وارد کردن کارگران خارجی به تعداد مورد لزوم برای ساختن ایران به انجام برنامه های توسعه اش نهفته است) پاسخ داد.

اصلاحات پزشکی

شاه کمی بعد از صدور فرمان آموزشی یک برنامه فراگیر پیشگیری پزشکی را نیز اعلام نمود. برای وسیعتر کردن دامنه مراقبتهای پزشکی قابل دسترسی در استانها و برای تعدیل اثر کمبود ملی دکتر، سازمان خدمات اجتماعی شاهنشاهی زیر نظر اشرف در نظر دارد که یک برنامه آموزشی نه ماهه برای تیمهای امدادی که شغل خودشان را باید به پیش گیریهای طبی و استعلاجی در مناطق روستایی اختصاص

دهند، ارائه کند. در پایان برنامه امید است که تیمهای امدادی به بیش از ۶۰/۰۰۰ برسند، ولی مقاومت مستقیم به وسیله دکترهای ایرانی شروع برنامه را به تعویق انداخته است. دولت همچنین یک برنامه جداگانه و کمی مشترک (با برنامه سازمان خدمات) برای آموزش دستیار و بهیار که یک دوره اجباری دوساله را باید در تیمهای امدادی بگذرانند، در نظر دارد. ولیکن پس از دوره مأموریت ابتدایی دوساله شان آنها مجاز خواهند بود یک دوره چهار ساله را شروع نمایند، که به هزینه دولت منجر به دریافت لیسانس بهیاری خواهد شد. پس از فارغ التحصیلی آنها می توانند به عنوان معلم برای تربیت دستیارهای آتی خدمت کنند و، یا به تحصیل پزشکی تا سطح دکترا ادامه دهند.

با اشاره به توسعه کمکهای پزشکی (در سطح پایین تر از دکتری)، ایرانیها در تلاش هستند که در یک مدت کوتاه بر اثرات کمبود دکتر و بی میلی دکترهای ایرانی، برای خدمت در مناطق دور افتاده استانها که یک رقم تخمینی ۸۰٪ جمعیت را بدون پوشش لازم طبی گذاشته است، غلبه کنند. برای مثال ایران با یک جمعیت ۳۲ میلیونی فقط ۱۱۷۷۴ دکتر دارد که از این تعداد ۳۵۳۸ نفر متخصص هستند که ۲۳۴۷ نفرشان (از متخصصین) در تهران کار می کنند.

دولت ایران امیدوار که ۳۰۰ تا ۵۰۰ دکتر ایرانی که در آلمان غربی به کار مشغولند را از طریق معتبر دانستن مدارک آلمانی آنها که قبلاً غیر کافی برای اشتغال به طبابت در ایران تشخیص داده شده بود،

ترغیب به بازگشت به وطن نماید. به دکترهای ایرانی که در کشورهای دیگر به کار مشغول می باشند، پیشنهاد معافیت از خدمت نظام وظیفه با کارکردن در بیمارستانی که دولت معین می کند با حقوق کامل و اجازه پرداختن به کار خصوصی پس از ساعات بیمارستان داده شده است. ایران همچنین شروع به وارد کردن دکتر از پاکستان و هند به منظور رویارویی با نیازهای توسعه اش کرده است. به هر حال تحقق بیشتر این برنامه ها که چندین فقره از آنها مکمل سپاه بهداشت می باشد، در آینده بدون اشکال خواهد بود. به استثنای برنامه واکسیناسیون که هم اکنون در دست انجام است خیلی زود است که این برنامه ها را چیزی جز پیشنهادات معرفی نماییم.

دولت در تهران برنامه های قابل تحقق فوری تری که برای افزایش دسترسی فقرا به خدمات درمانی طرح ریزی شده را شروع نموده است. اینها (برنامه ها) شامل ساختمان ۲ بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی است که نرخهای ثابت ۳۰۰ ریال روزانه برای کلینیکهایی که دارای تجهیزات کمتر هستند و ۹۰۰ ریال برای بیمارستانهای عادی را عرضه می نمایند. کلیه بیمارستانهای دیگری که ۳۰٪ یا بیشتر بودجه شان را از دولت دریافت می دارند، و نیز بیمارستانهایی که برای درمان کارمندان با دولت قرارداد دارند از این نرخهای ثابت استفاده می کنند.

دولت ایران تأکید می کند که قصد ندارد بیمه همگانی را در ایران تحمیل کند، بلکه هدفش این است که خدمات درمانی وسیع و مجانی برای آنهایی که قادر به پرداختی برای آن نمی باشند، فراهم کند در عین حال که افراد ثروتمند را که از کیفیت خدمات و درمان در بیمارستانهای عمومی ناراضی هستند، آزاد می گذارد تا برای نوع مراقبتهای پزشکی که می خواهند پول پردازند.

مسکن

در ابتدا دولت ایران قصد داشت که ۷۵ درصد خانه سازی ایران را به بخش خصوصی واگذار نماید و

دولت منابع ساختمانیش را به طور اصلی روی خانه سازی برای کارمندان دولت و نظامیان متمرکز کند. در مقایسه با برنامه چهارم (۱۹۷۳-۱۹۶۹) بخش خصوصی فی الواقع ۲۵۶۰۰۰ واحد مسکونی در مقابل ۰۰۰/۳۷ واحد دولت بنا نمود. به هر حال تراکم مسکن در این دوره از ۷/۷ به ۸/۸ نفر در مقابل یک واحد مسکونی افزایش پیدا کرد و به دنبال ترمیم کابینه در ۱۹۷۴ و علیرغم کمبود مسکن در سطح کشور (در حدود ۷/۱ میلیون واحد) دولت تصمیم گرفت که مداخله کند. هدف خانه سازی در برنامه تجدیدنظر شده پنجم از ۰۰۰/۷۴۰ واحد به ۰۰۰/۰۵۰/۱ واحد ترقی پیدا کرد و تخصیص (منابع) برای خانه سازی از ۹۰ میلیارد ریال به ۲۵۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. برطبق برآوردهای رسمی منابع اضافی به علاوه توسعه سریع و تشویق صنعت خانه سازی پیش ساخته به دولت اجازه خواهد داد که تا سال ۱۹۷۸ سالانه ۰۰۰/۱۰۰ واحد بنا کند (برطبق ارزیابیهای رسمی). (اشاره می شود به یک تذکر نامتجانس: امیرشاهی مدیر شرکت خانه سازی کورش توضیح داد که حداقل دو سال طول می کشد تا کارخانه های خانه سازی پی ساخته قبل از اینکه واحدی ساخته شود، برپاشوند.) همایون جابر انصاری وزیر مسکن و شهرسازی یک هدف عظیمتر خانه سازی را اعلام نموده است، که بر اساس آن ۰۰۰/۲۰۰ واحد در طول سال آینده ساخته خواهد شد که ۰۰۰/۱۲۰ واحد آن به وسیله بخش خصوصی و ۰۰۰/۸۰ واحد به وسیله دولت (منجمله ۰۰۰/۲۰ واحد به وسیله وزارتخانه او) ساخته خواهد شد. او انتظار دارد که این هدف ۶۹/۶

میلیارد دلار خرج بردارد. او همکاریهایی را از طرف شرکتهای آمریکایی، فرانسوی دانمارکی و عرب که نسبت به بازار خانه سازی ایران به درجات مختلف ابراز علاقه نموده اند، پیش بینی می کند. به هر حال بخش خصوصی در گذشته متمایل به تمرکز روی ساختمان آپارتمانهای مجلل که سود بیشتری را عاید می کرد، بوده است. دولت باید برنامه ای طرح کند که پیمانکاران خصوصی را به ساختن پروژه های خانه سازی به مقیاس وسیعتر و هزینه پایین برای رفع احتیاجات زیادتر ترغیب نماید. دولت همچنین در نظر دارد که آپارتمانها ساخته شده به وسیله بخش خصوصی را خریداری نماید و برای فروش مسکن ارزان قیمت به نرخهای پایین، خود نیز اقدام به ساختمان بنماید و در این میان کارگران، اعضای تعاونیهای مسکن و تعاونیهای روستایی و کسانی که برای کار فرمایانی کار می کنند که آنها را نزد سازمان بیمه های اجتماعی بیمه کرده اند، از اولویت بالا برخوردارند. برای تشویق بیشتر مسکن قرار است یک اعتبار یک میلیارد ریالی در اختیار بانک ساختمان قرار دهند که به صورت وامهای ۲۰ ساله به اعضای تعاونیها با نرخ بهره پایین ۲ تا ۶ درصد در تهران و در استانها با نرخ کمتر اعطاء شود. وامهای بانک ساختمان نیز جالب توجه تر شده است، زیرا که بانک مرکزی نرخ (بهره) وام به بانک ساختمان را از ۸ درصد به ۶ درصد کاهش داد. از خریدارانی که عضو تعاونی نیستند انتظار می رود پیش قسطی معادل ۲۰٪ وام رهنی مسکن را که از بانکهای مجاز قابل دریافت است ابتداپردازند و باقیمانده بها (منجمله ۵۰ درصد ارزش زمینی که خانه روی آن ساخته شده است) را به اقساط ۱۵ ساله با نرخ بهره ۱۲ درصد پردازند. چندین پروژه موجود خانه سازی که به وسیله بانک رفاه کارگران، بانک رهنی و سازمان مسکن تأمین بودجه شد (که بعضی از آنها قابل مقایسه با پروژه های دیگر کشورهای در حال پیشرفت می باشد) مستلزم ۲۰٪ پیش قسط با نرخهای بهره ۲ تا ۹ درصد می باشند. اگر چه جریان اخیر پول نفت، نرخهای پایین بهره و وامهای آسانتر را ممکن ساخت، ولی وامهای مسکن پرداختی به کارگران یک سیاست دراز مدت مستمر دولت

ایران می باشد. (از ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۴ سازمانهای مختلف وام دهنده دولتی ۴/۱۲ میلیارد ریال را به

۱۹۴/۱۳۲ کارگر پرداخت نمودند).

دولت ایران همچنین امیدوار است که اجاره را به وسیله الزام موجرین به محاسبه اجاره بهای سالانه شان براساس درصد مالیاتی که آنها روی زمین و ساختمان مورد اجاره می پردازند، تثبیت گرداند. (در حال حاضر خانه هایی که زیر ۰۰۰/۳۰۰ ریال ارزش دارند، از مالیات معافند و از طرق قراردایی بین صاحبخانه ها و ممیزین مالیاتی خیلی از خانه ها زیر قیمت اصلی ارزیابی شده اند.) تا ۲۱ مارس ۱۹۷۵ اجاره بهای ساختمانهای قدیمی تر محدود به اجاره بهایی است که از ۲۱ مارس ۱۹۷۲ گرفته شده است. به هر حال تقاضا برای مسکن اجاره ای در پایتخت آن قدر بالاست که هرچند اجاره ها کنترل می شوند، صاحبخانه ها مشکل زیادی برای دریافت پولهای اضافی مخفیانه از مستأجرین ندارند.

براساس قرار داد آوریل ۱۹۷۴ با UNDP (برنامه توسعه سازمان ملل)، سازمان برنامه بودجه یک مرکز برای مطالعات مسکن و ساختمان به وجود آورد، که مسئول تهیه و تنظیم آیین نامه ملی ساختمان شده است. این آیین نامه و دیگر مقررات برای کمک به وزارت مسکن در تحقق طرح بزرگ ۲۰ ساله سازمان برای ساختن ۲۳۴۹۰۰۰ واحدی شهری ۵/۷ میلیون واحد روستایی می باشد (هدفی که وقتی نخست وزیر در کنگره حزب ایران نوین در ژانویه ۱۹۷۵ صحبت می کرد آن را تا ۵/۱۱ میلیون واحد در

۱۵ سال بالا برد).

هویدا پیش بینی می کند که ۶۰٪ مسکن طرحریزی شده برای افزایش جمعیت مورد نیاز خواهد بود و ۱۴٪ برای غلبه بر کمبود موجود مسکن و ۲۵٪ برای جایگزینی و ۱٪ باقیمانده به عنوان ذخیره.

به این معیارها دولت ایران یک تعهد مهم در جهت توسعه مسکن برای ایرانیان دارد، لیکن هدفهای خانه سازی قبلی که به میزان کمتری بود عمدتاً به خاطر کمبود مصالح اصلی از قبیل سیمان و انواع مشخص آهن که صنعت ساختمان با آن روبرو بوده است، تحقق پیدا نکرده.

موقعیت سیمان بهبود پیدا کرده است، ولی رشد سریع جمعیت ایران (۲/۳٪ که یکی از بالاترین

رشد‌های دنیاست) و گرایش فعلی به مهاجرت به شهر فشارهای فزاینده ای روی ظرفیت ساختمانی کشور وارد می کند (دولت ایران برنامه ای تنظیم کرده است که مهاجرت بالعکس را ترغیب نماید، ولی تاکنون

به طوری که قابل توجه باشد موفقیت نداشته است). منابع مواد ایران، نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر و

ظرفیت حمل و نقل و واردات آن از منابع مالی او خیلی محدودترند. دولت ایران برای انجام موفقیت آمیز

برنامه های مسکن خود و اطمینان یافتن از این که مسکن بیش از حد لازم با توسعه در دیگر رشته ها

به خاطر این منابع محدود رقابت نمی کند، باید ارجحیت هایی برقرار نماید.

استفاده زمین

یک عامل اصلی در افزایش قیمت مسکن و اجاره ها ازدیاد سریع قیمت زمین بوده است. دولت در یک

تلاش برای کاهش زمینخواری گسترده، برنامه هایی را برای خرید قطعات استفاده نشده زمینهای بزرگتر

از ۵۰۰ متر مربع در نزدیکی شهرهایی که بیش از ۲۵/۰۰۰ جمعیت دارند، اعلام نموده است. زمین در

اختیار بانک مسکن دولت ایران قرار خواهد گرفت که برای مسکن دولتی، پارک و مناطق تفریحی مورد

استفاده قرار گیرد. بها به مالکین براساس قیمت روز پرداخت خواهد شد، ولی تشویق خواهند شد که

عایدات خودشان را در سهام کارخانجات دولتی به عنوان اقدام ضد تورمی سرمایه گذاری کنند.

در یک حرکت مهمتر، مجلس در حال حاضر لایحه زمین را تحت بررسی دارد (مراجعه کنید به ضمیمه ۱ برای متن لایحه) که شاید وسعیت‌ترین مبنای قانونی زمین پس از اصلاحات ارضی شاه باشد به طور اساسی لایحه، فروش زمین استفاده نشده را برای بیش از یک بار ممنوع می‌کند. قطعاتی که خارج از محدوده شهری قرار دارند به فروششان ادامه داده می‌شود، ولی مالیات بر هر قطعه زمین با هر بار فروش دو برابر خواهد شد. مالک می‌تواند زمین ساخته نشده را نگهدارد یا آن را بسازد و بعد به فروش رساند و یا اجاره دهد و یا آن را به دولت بفروشد. اگر دولت زمین را بخرد او (دولت) می‌تواند آن را به بخش خصوصی اجاره دهد و یا برای ساختمان طرحهای خانه سازی موافقت شده بفروشد. به هر صورت اگر پیمانکار نسبت به تکمیل پروژه در زمان تصریح شده قصور ورزید، جریمه خواهد شد.

این لایحه توجه بیشتری را بیش از هر چیز دیگری در تاریخ اخیر مجلس به خود جلب نمود و منجر به اصلاحیه‌های پیشنهادی شد. بعضی از این پیشنهادات از قبیل پیشنهادی که مالکین را به ساختن تمام قطعات شهری در ۱ تا ۳ سال ملزم می‌سازد و یا مواجهه با فروش زمین به دولت می‌کند، عملی نیستند.

تهران به تنهایی ۹۴۳/۲۶ قطعه خالی در اندازه‌های مختلف دارد و ایران فاقد مصالح ساختمانی و کارگر ماهر برای شروع برنامه ساختمان به این ابعاد و علاوه بر هر چیز دیگری که برنامه ریزی شده است، می‌باشد. دیگر مواد این لایحه شامل راه‌گریزهایی است (نوع ساختمانی که مجاز به فروش مجدد است

تشریح نشده و آنهایی که نفوذ کافی دارند، بدون شک می توانند زمین را خریداری کنند و ترتیبی بدهند که دولت از خرید آن امتناع ورزد) که بدان وسیله فروش خصوصی مجدد را تضمین می کند. برحسب آنکه سرانجام چه پیشنهادی قبول خواهد شد، این لایحه عام ممکن است کنترل دولت بر شرایط فروش زمینهای حومه شهری استفاده نشده (و برخی زمینهای روستایی)، ساختمانها، هزینه های اجاره، مالیات زمین و در حقیقت هر چیزی که بالقوه با معاملات زمین حومه شهری سروکار دارند، برقرار نماید.

یک حرکت مؤثر دیگر در مقابل زمینخواری ملی کردن ۰۰۰/۴۲۹ هکتار چراگاه در آذربایجان شرقی، ۳ میلیون متر مربع زمین نزدیک کاشان و قطعات مختلف زمین اصلاح نشده نزدیک قم و کرج بود. چون مبلغی که برای زمینهای ملی شده پرداخت شد، خیلی کمتر از ارزش بازار آن بود، زمین بازان به سرعت از بازار کنار کشیدند و تقاضا برای زمینهای واقع در خارج از محدوده شهر به تندی پایین آمد.

برای دلسرد کردن بیشتر زمین خواران و پایین آوردن میزان زمینی که بایر می شود و تولید کشاورزی در آن انجام نمی گیرد و محدود ساختن مهاجرت ناخواسته به شهرها، وزارت کشاورزی تقسیم زمینهای کشاورزی که در یک فاصله مشخص از شهرها قرار دارند را ممنوع کرده است. همچنین مجلس به عنوان اصلاحیه ای در لایحه زمین ذکر شده در بالا، پیشنهادی را تحت رسیدگی قرار داده است که بر مبنای آن فروش زمینهای کشاورزی یا حقوق آب را که تحت قوانین اصلاحات ارضی حاصل شده است به جز به کشاورز دیگر و یا یک تعاونی زراعی قدغن می کند. حتی این فروش محدود مستلزم تایید قبلی وزارت تعاون و امور روستاها می باشد.

سازمان کشاورزان ایران

دولت ایران در حال توسعه یک سیستم تعاونی و شرکتهای سهامی زراعی برای دگرگون نمودن متدهای سنتی کشاورزی و بازاریابی از طریق گروه بندی فزاینده و سازماندهی مؤثر دهقانان منزوی فرد

گرامی باشد. تعاونیهای روستایی که قرار است تسهیلات بازاریابی و وامهای کم بهره بانک تعاونی کشاورزی و بانک توسعه کشاورزی را برای اعضاء فراهم نمایند، یک بار تعدادشان به ۳۰۰/۸ رسید، ولی اقدام اخیر در جهت ادغام تعداد آنها را به ۲۶۹۷ رسانید. این تعاونیهای با سرمایه ۸/۴ میلیارد ریال (حدوداً ۷۱ میلیون دلار) فعالیت می کنند. قبل از ادغام هر تعاونی شامل بیش از حدوداً سه روستا می شد، ولی اکنون هیچ یک شامل کمتر از ده دهکده نمی شود و ۲۲۳ تعاونی شامل بیش از ۵۰ روستا می شود. همبستگی این تعاونی ها براساس تصور کلی مناطق رأی بود که جمعیت دهات تشویق به بهبود تولید کشاورزی شوند و فراهم نمودن آموزش، بهداشت و دیگر خدمات اجتماعی آسانتر گردد و بعضی می گویند که این ادغام برای آسان کردن هدایت کشاورزان به وسیله دولت بوده است. در آینده دولت ایران در نظر دارد که تعداد بیشتری از روستاییان را در شهرکهای روستایی جمع کند، جایی که صنایع سبک وابسته به کشاورزی از قبیل صنایع مواد غذایی برپا خواهد شد، تا برای کشاورزان در فصل بیکاری کار فراهم گردد. در حال حاضر ۶۰ شهرک از این دست در مرحله برنامه ریزی هستند. همچنین شاه تقاضای نوعی از بیمه محصول را نمود و خرید تولیدات کشاورزی به وسیله دولت را تضمین نمود.

نتیجه ایده تعاونی و شرکت سهامی زراعی (این دو مفهوم در گفتار مقامات ایران گاهی اشتراک پیدا می کنند) یک برنامه وسیع برای افزایش تولیدات کشاورزی به وسیله گروه بندی دهقانان (داوطلبانه یا

غیرداوطلبانه) در مجتمعه‌ها می‌باشد. با کمک وام ۶۰ میلیون دلاری بانک جهانی ۶۵، مجتمع تشکیل شده است. مجتمع صاحب تمام زمینها و تجهیزاتی که در قلمرو قدرت او است می‌باشد، و به اعضا سهامی بر اساس زمین، آب دیگر داراییهایی که آنها در زمان تشکیل مجتمع مالک بودند، اختصاص می‌یابد. اعضا بخشی از سود را بر اساس سهام خود دریافت می‌دارند. سهام (ولی نه زمین) قابل انتقال و قابل توارث می‌باشد. در تمام موضوعات تعاونی (منجمله مشاجرات شخصی بین اعضا)، به وسیله کمیته‌های مدیریت مرکب از ۳ نفر که به وسیله وزارت تعاون و امور روستاها تعیین می‌گردند، حکم داده می‌شود. این کمیته کارتهایی صادر می‌کند که به اعضا اجازه می‌دهد تا از فروشگاه شرکت به طور اعتباری در مقابل سود سهامی که تعلق خواهد گرفت، خرید کنند. کمیته‌ها می‌توانند اعضا را از سهام خود محروم سازند و در بعضی شرکتهای سهامی زراعی مسافرت اعضا به خارج از منطقه تعاونی را کنترل کنند.

با وجود این برنامه‌ها، در سالهای اخیر افزایش تولیدات کشاورزی همگام با درصد افزایش جمعیت و نیز مصرف که شدیداً افزایش یافته بود و درآمد سرانه بالاتر این امکان را به آن داد، نبوده است. فقط در سال ۱۹۷۴ مصرف شکر ایران ۱۸٪، روغن نباتی ۴۰٪ و گوشت صددرصد نسبت به سال قبلی افزایش پیدا کرد. ایران به طور معقولانه‌ای منابع نقدی افزایش یافته خود را برای تأمین بودجه واردات عظیم گندم، برنج، دانه‌های غذایی سویا، شکر، پنیر، گوشت و دیگر خوراکیهایی که باقیمت‌های کاهش یافته در دسترس مردم قرار می‌گیرد، مورد استفاده قرار داده است. به هر صورت یک چنین برنامه‌ای علائم را درمان می‌کند تا علل را و جانشینی برای افزایشی در تولید داخلی نیست. اما چون که انتظار می‌رود فقط ۶٪ از ۲/۱ میلیون شغل جدید که در طول برنامه پنجم (مراجعه شود به قسمت الف) پیش بینی شده مربوط به قسمت کشاورزی شود و چون کشاورزی بزرگترین رقم بیکار را دارد، چنین استنباط می‌شود که بیشتر مستخدمین داخلی برای ۹۴٪ باقیمانده شغلها باید از میان جمعیت روستایی انتخاب شوند. برخی صنایع

می تواند در مناطق روستایی تأسیس شود، ولی چنانچه ایران بخواهد که مواد غذایی بیشتر با دهقانان

کمتری تولید کند، کارایی تولید سرانه کشاورزی باید چندین برابر شود.

متأسفانه سیستم تعاونی که ایران مقدار زیادی از امیدش را برای آینده روی آن گذاشته بود خوب عمل

نکرده است. کریم گودرزی معاون اسبق تعاونیها در وزارت تعاون و امور روستاها به طور خصوصی و شاید

اغراق آمیز، تعاونیها را به عنوان یک شکست کامل توصیف کرد. بر طبق گزارش گروه مطالعات انقلاب

سفید، مقامات محلی تعاونیها به خوبی آموزش ندیده اند و نه آنها و نه اعضای آنها آگاه به توان و

مسئولیتهای سیستم تعاونی نیستند. آنها موفق به دادن کالا به اعضایشان با قیمت کمتر نبوده اند و همچنین

هیچ گونه نفوذ قابل تشخیصی بر روی تورم سراسری نداشته اند تعاونیها وظیفه بازاریابی خود را به خوبی

انجام نداده اند، اگر چه آنها موفقیت در دادن وام به اعضا داشته اند. ولیکن نرخهای بهره به سرعت نوسان

پیدا کرده اند. علاوه بر این سرمایه وام آنها آنقدر کافی نبوده است که احتیاجات اعضا را برآورده کند و

آنها را (اعضا) مجبور به تکیه به بانکهای دورافتاده یا وام دهندگان خصوصی سنتی نموده است.

تاکنون تعاونیها و شرکتهای سهامی زارعی بیشتر توانایی خود را در به هم ریختن ساخت سنتی دهات

و قرار دادن دهاتیان تحت هدایت و کنترل فزاینده دولت نشان داده اند تا در خدمت کردن به عنوان یک

سیستم کشاورزی، وام دهی، و بازاریابی پیشرفته. شاید تاکنون تعاونیها و شرکتهای سهامی زراعی

بهترین نمونه از یک شکست عمده در طرحهای رفاهی ایران باشند. یک پیشنهاد خیالی از بالا که از طرف

تمام سطوح دولت حمایت شده و یا به صورت شفاهی تأیید شده، به خاطر عدم هماهنگی و تفاهم، نقصان نیروی انسانی ماهر و عدم کفایت اداری شدیداً ضربه خورده است. همان طوری که در گزارش گروه تحقیق انقلاب سفید اشاره شده است، دولت آگاهی دارد که برنامه تعاونیهای اشکالاتی دارد. برنامه تجدیدنظر شده پنجم شامل ۲۴ درصد افزایش در سرمایه های تخصیص داده شده به توسعه روستایی و ۹۸ درصد افزایش در مخارج کشاورزی (منجمله ۱۰ میلیارد ریال که در ۲۱ مارس ۱۹۷۵ در اختیار قرار خواهد گرفت) برای قادر ساختن تعاونیها برای خرید تولید خودشان (تحت قیمت‌های از پیش تعیین شده دولت) و به بازار رساندن آنها از طریق یک شرکت سهامی زراعی بازاریابی می باشد. دولت ایران همچنین بر تصمیمش در مورد کمک به کشاورزان از فروش کود شیمیایی با قیمت‌های پایین و اختصاص ۴ میلیارد ریال برای باز پرداخت بدهیهای کشاورزان به وام دهندگان سستی تأکید نموده است. به هر صورت، خیلی از کمبودهایی که تعاونیها را دچار درسر می کنند به واسطه چیزهایی از قبیل کمبود پرسنل آموزش دیده مایل به کار و زندگی در مناطق روستایی ایجاد می شود و فقط به وسیله افزایش مخارج نمی توان این کمبودها را محدود نمود. بنابر این مورد سؤال و تردید است که برنامه در کوتاه مدیریت به هدفهای دست پیدا کند.

رفاه و امنیت اجتماعی

وزارت رفاه اجتماعی (بهبیستی) که در زمان ترمیم کابینه در آوریل ۱۹۷۴ تشکیل شده موظف شد که کلیه فعالیتهای رفاهی در سطح کشور را کنترل نماید و در صورت وجود سازمانهای داوطلب این فعالیتهای را هماهنگ سازد. وزارتخانه برنامه های وسیعی برای سرپرستی طرحهای بیمه درمانی و اجتماعی و بهبودی دارد و قصد دارد مراکزی برای توانبخشی فاحشه ها، معتادان به مواد مخدر و عقب افتاده های ذهنی ایجاد نماید. علاوه بر مسئولیت برای اجرای فرمان ۶ ژانویه ۱۹۷۵ شاه که به معلولین، بیوه ها، یتیمها

و خانواده های بدون نان آور یاری میدهد، قصد دارد که تا ۱۹۸۳ پوشش بیمه های اجتماعی را به تمام ایرانیها توسعه دهد. برنامه کمک را به صورت کمکهای نقدی فراهم می آورد.

به هرحال وزارتخانه تازه شروع کرده است و هنوز برای استقرار موضع برتر خویش با گروههای رفاه اجتماعی که پیش از این مستقل بوده اند و اغلب فاسد می باشند درگیر کشمکش و جنگ است.

علاوه بر این وزارتخانه فاقد پرسنل آموزش دیده (در دسامبر ۱۹۷۴ سازمان بیمه های اجتماعی ۲۶

ساله اولین دبیر (آمارگیر) خود را استخدام نمود) و مطالعات تحقیقاتی لازم برای اجرای برنامه های بزرگ

رفاهی می باشد و از وزارت بهداری، آموزش و پرورش و بهزیستی ایالات متحده برای بیشتر کارهایش

درخواست همکاری نموده است. وزارتخانه انتفاعی نیست و اهدافش از حمایت تاج و تخت برخوردار

می باشند، اما در مرحله فعلی توسعه اش در تلاش برای دستیابی به راههایی است که وظیفه اش را انجام

دهد.

نتایج

آشکار است که ایران تعهدی عظیم و روشنگرانه برای ایجاد طرحهای وسیع رفاهی تقبل کرده است،

که در صورت موفقیت، شرایط زندگی برای اکثریت جامعه بهبود خواهد یافت. در انجام این امر ایران در هر

چیزی به جز پول خود را دچار کمبود و نقصان می بیند. موفقیت برنامه های رفاهی ایران هر چند در مراحل اولیه اش می باشد، ولی برای توسعه مستمر ملی و شاید به مفهومی محدودتر، برای ثبات ملی نظر مهم می باشد. توسعه ایران لزوماً به طریقی صورت گرفته است که معدود افرادی به میزان خیلی بیشتری از اکثریت از آن نفع برده اند. درآمدهای زیاده تر نفت انتظارات را افزایش داده است ولی توزیع درآمد همچنان به مقدار زیادی نامتوازن است. تورم همچنان بالاتر از ۲۰٪ است و فساد و قوم و خویش پرستی (انتصاب اقوام به مقامات مهم) مشکلات بی کفایتی و نابرابری را مطرح می کنند. این مسائل در جامعه ایران سنتی هستند و ساخت سیاسی اجتماعی ایران احتمالاً در کوتاه مدت و به اندازه کافی برای قبول نوع تغییراتی که یک دولت مسئول برای برطرف کردن بعضی از این نابرابریها بخواهد اعمال کند، قابل انعطاف نیست.

دولت با درک این موضوع پاسخش ایجاد طرحهای عظیم رفاهی بوده است که ممکن است به انتقال مقداری از سود جدید نفت به مردم با گذشتن از سد سیستم سنتی و به طور مستقیم کمک کند. در حالی که این روش بیشتر علائم مشکل را مورد حمله قرار می دهد تا خود مشکل را، ولی زمان را برای جا افتادن اصلاحات بلندمدت دولت که در متن برنامه های رفاهی قرار گرفته کوتاه می کند. توده های ایرانی به طور غیرقابل انتظاری صبور هستند و با این برنامه های رفاهی آنها می توانند متوجه بهبودهایی در طریقه زندگیشان شوند. اما مشکلات اجرای برنامه های رفاهی در ایران زیاد هستند و در کشوری که تأکید غالباً بر روی ظاهر می شود تا اساس و بنیان، بعضی برنامه های خوش منظر دولت هرگز انجام نمی شوند. بعضی دیگر دچار تعویق های طولانی می شوند و با بی کفایتی که در بوروکراسی ایران بومی می باشد، دست به گریبان می شوند و تأثیرهای احتمالی آنها کاهش می یابد. اگر چه ایرانیها این نوع اجرا را انتظار دارند با این حال، برنامه های توسعه با اهداف عالی که نمی توانند نتایج را با سرعت کافی برای ارضاء نیازها و خواسته های مردم نشان دهند، ممکن است از هیچ بدتر باشند. جالب توجه خواهد بود که شاهد باشیم

چگونه تلاشهای ایران برای هدایت یک برنامه مؤثر رفاهی، نیازها و انتظارات فزاینده طبقات فقیرتر را

ارضاء خواهند نمود. هلمز

ضمیمه ۱: لایحه ضد زمین خواری

ضمیمه ۲: قانون تشکیل شرکتهای سهامی زراعی

گزارش پایان مأموریت دورنمایی از ایران

سند شماره (۴)

تاریخ: ۴ اوت ۱۹۷۵ ۱۳ مرداد ۱۳۵۴ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: گزارش پایان مأموریت دورنمایی از ایران

این نامه انعکاس ارزیابی پایان دوره مأموریت تهیه شده از سوی افسر توسعه اقتصادی مالی سفارت آمریکا در تهران طی دو سال گذشته می باشد و سعی آن براین است که فاکتورهای عوامل اقتصادی و سیاسی را ترکیب نموده و نتیجه گیری نماید که علیرغم مطلوبیت زیاد دورنمای اقتصادی این کشور، درگیری روب تزايد ایالات متحده در امور اقتصادی حاوی بذر برخوردهای احتمالی دو طرف، هرچند که ممکن است این برخوردها جدی نباشد، می باشد. دورنمای روابط سیاسی بالنسبه خوب و مبتنی بر تساوی طرفین میان دو کشور روشن است. ناسازگاری رشد سریع اقتصادی و مدرنیزاسیون با حاکمیتی استبدادی که نسبت به رونق اقتصادی بیشتر برای توده های مردم و تغییر اجتماعی و نه سیاسی، متعهد

است مهمترین عاملی است مانع از پیش بینی خوشبینانه در مورد ایران می شود. در صورتی که کشور بتواند ثبات نسبی را با در پیش گرفتن نوعی اصلاح، و نه انقلاب، با هدف لیبرالیزه کردن سیستم دولت حفظ کند، دورنمای بلند مدت تداوم رونق آن احتمالاً چیزی در حد دیگر کشورهای در حال توسعه جهان خواهد بود.

ایالات متحده و ایران هر دو احتیاجات متقابل دارند. تنها یک تغییر شدید در سیستم دولت و یا بروز یک بحران در سیستم مالی جهان احتمالاً می تواند روابط سودمند دوجانبه فعلی را به طور جدی آشفته سازد. احتمالاً ایالات متحده اعمال نفوذ زیادی در روند توسعه ایران نخواهد کرد.

هلمز

پیوست تهران ۱۷۰ الف

مقدمه: افزایش سریع قیمت در جهان و ثروت بادآورده حاصل از دلارهای نفتی طی دو سال گذشته آن چنان تغییرات شگرفی را در ایران موجب شده این امر که این کشور در اواسط ۱۹۷۳ نیز یکی از کشورهای در حال رشد سریع جهان بوده است فراموش می شود. در طی مدت برنامه چهارم عمرانی (از ۲۱ مارس ۱۹۶۸ الی ۲۰ مارس ۱۹۷۳) نرخ رشد ایران برحسب قیمت‌های ثابت به طور متوسط معادل ۱۱ درصد در سال بود. مازاد ارز خارجی حاصل از چهار تا پنج برابر شدن قیمت طی سالهای ۷۲ و ۷۳ در زمان بسیار مناسبی به دست ایران رسد. کشور درصدد شروع برنامه عمرانی بسیار جاه طلبانه ششم بود و از قبل زیربنایی بسیار برتر از آنچه که در دیگر کشورهای نفتی کناره خلیج فارس شاهد هستیم، ایجاد کرده بود.

خط مشی اقتصادی و سیاسی که ایران طی دو سال گذشته تعقیب کرده است، از دیدگاه منافع ملی این کشور معقول و تقریباً بدون استثناء با موفقیت شایانی همراه بوده اند. جز در مورد موضع ایران نسبت به

قیمت نفت سیاستهای این کشور با منافع ایالات متحده مغایرتی نداشته است. در صورتی که اقتصاد ایران قوی و مردم آن کامیاب بمانند، احتمال اینکه ایران قوی، با ثبات و طرفدار غرب به عنوان متحدی قابل اطمینان در بخش وسیعی از مرزهای جنوب غربی روسیه باقی بماند، بیشتر است. ایران عمیقاً به سرمایه گذارهای مختلط متعهد است و در این راه مشکلات ایدئولوژیکی زیادی ندارد. ایرانیان از سرمایه آمریکاییان و دیگر خارجیان استقبال می کنند. ما بر بازار واردات نظامی ایران غلبه داریم و سهم روبه تزایدی از خریدهای غیرنظامی این کشور را، که به زیان اروپای غربی و ژاپن تمام می شود، تأمین می کنیم. به او یا بدون اعمال نفوذ دولت ایالات متحده منافع ما در این کشور بایستی به رشد سریع خود ادامه دهند.

اقتصاد داخلی شکوفایی در عین مشکلات

ایران با آشفته‌گی ولی به سرعت در حال رشد است. تولید ناخالص ملی این کشور معادل ۶۱ میلیارد دلار یعنی برحسب قیمت‌های ثابت ۲۲ درصد بیشتر از سال ۱۹۷۴ تخمین زده شده است. بر اساس این تخمین ایران با تولید ناخالص ملی سرانه ای نزدیک به ۱۸۰۰ دلار در ردیف ثروتمندترین کشورهای در حال توسعه قرار می گیرد. به راحتی می توان افزایش قیمت نفت را عامل نیمی از نرخ رشد ایران دانست، اما حتی بدون افزایش قیمت نفت نیز عملکرد اقتصادی ایران چشمگیر است. فقر وجود دارد، اما در ایران یافتن مواردی شبیه به فقر شومی که در مناطق وسیعی از جنوب و جنوب غربی آسیا وجود دارد مشکل

و مشکلتر می شود و چنین سطحی از فقر نه در مناطق شهری و نه روستایی در سطح وسیع وجود ندارد.

مشکل باقیمانده مشکل تقسیم درآمدها و احتمال گسترش شکاف میان ثروتمندان و فقرا می باشد. با این حال علیرغم عدم وجود اطلاعات آماری لازم اکثر ناظران معتقدند که طبقات فقیرتر در مناطق شهری و غیر شهری می توانند، بهبود سالانه اوضاعشان را شاهد باشند.

در مقایسه با چشم انداز اقتصادی تیره بخش اعظم جهان در حال توسعه، وضع ایران رضایت بخش است. همان قدر که چشم انداز بلند مدت روشن است، باید به خاطر داشت که هنوز هیچ کس نمی تواند با اطمینان بگوید که این کشور خصوصاً پس از خوی گرفتن به سطوح بالاتر زندگی ناشی از افزایش درآمد صادرات نفت زیربنای صنعتی لازم را برای حفظ رونق اقتصادی در ۲۰ تا ۳۰ آینده که مازاد درآمد حاصل از فروش نفت روبه نقصان گذارده و تا حد زیادی کاهش می یابد ایجاد کرده است. با این حال ایران در جهت صحیح نیل به رشد اقتصادی که بدون مازاد درآمد عظیم حاصل از نفت نیز قابل تداوم باشد، حرکت می کند. طرح توسعه این کشور منطقی می باشد، اما اجرای پروژه های عظیم فولاد و پتروشیمی که ستون فقرات این طرح را تشکیل می دهند، عقب تر از برنامه پیش بینی شده می باشد و بخشهای عمده ای از این پروژه ها هنوز در مرحله طراحی می باشند. هنوز تنها کشور جهان آزاد میان اروپا و ژاپن که دارای صنایع سنگین مستقل می باشد، هند است. در این کشور تولید فولاد ۵۰ سال قبل از ایران شروع شد.

در حالی که شکل مورد تجدید نظر قرار گرفته برنامه عمرانی پنجم طرحی معقول به نظر می رسد، ارتباط آن با آنچه که عملاً در کشور می گذرد، محدود است. قدرت سازمان برنامه سابق (سازمان برنامه و بودجه فعلی) از بیش از دو سال قبل که آخرین اختیارات اجرائی خود را از دست داد کاملاً به پایان رسید.

با توجه به دست کشیدن دولت ایران از برخی اهداف جاه طلبانه کوتاه مدت خود و اعتراف علنی مبنی بر این که منابع ارز خارجی کشور پایان ناپذیر نیستند و نباید برباد داده شوند، ممکن است برنامه ریزان بخشی

از قدرت از دست داده خود را به دست آورند، ولی هنوز نشانی از این امر به چشم نمی خورد.

طی این سال و نیم گذشته در مورد دو مشکل عمده اقتصاد ایران کمبود بنادر و شبکه حمل و نقل داخلی و کمبود پرسنل ماهر زیاد گفته شده است. ایرانیان به طور قابل توجهی با این مشکلات مقابله کرده اند، اما با توجه به برنامه هایشان هنوز فاصله زیادی با حذف کامل این مشکلات دارند. طرح ضربتی که از ۱۸ ماه قبل جهت تبدیل بندر شاهپور به بندر اصلی کشور تهیه شده بود، به زحمت در دست اجرا است و هر روز براندازهای بندر شاهپور و خرمشهر انباشته تر می گردند.

خط آهن کرمان بندرعباس سالها از برنامه عقب است. شاهرآه به خاطر افزایش رفت و آمد کامیونها مسدود شده اند و طرح توسعه آنها نیز به آهستگی پیش می رود. در برنامه عمرانی پنجم (که در ۲۰ مارس ۱۹۷۸ پایان می یابد) پیش بینی شده بود که از نیروی کار ۰۰۰/۷۲۱ کارگر خارجی استفاده شود. اقتصاد ایران تا حد زیادی به کارگران ایرانی که فاقد آموزشهای لازم هستند تکیه کرده است، و ورود کارگران خارجی نیز ادامه دارد. این امر مشکل تأمین مسکن و دیگر تسهیلات را افزایش داده و انتظار بدتر از آن هم می رود. ثبات بنیادین اجتماع فرهنگ ایرانی چنان بوده است که تاکنون نفوذ خارجیان احساسات غیردوستانه زیادی برنینگیخته است، ولی هنوز هم احتمال بروز مشکلات جدی می رود.

کشاورزی هنوز هم به طور جدی می لنگد. کارشناسان خارجی شاغل در این بخش بیش از دیگران دلسرد شده اند. آب و هوای نامناسب سالهای ۷۳ و ۷۴ دلیل اصلی کمبود مواد کشاورزی طی دو سال اول برنامه

عمرانی جاری بوده است، اما مشکلات جدی دیگر نیز حل نشده اند و به نظر می رسد هیچ کس رشد هفت درصدی پیش بینی شده در بخش کشاورزی طی برنامه پنجم را جدی نگیرد. سیاستگذاران بخش کشاورزی با ایده کشت اشتراکی (تعاونیها) و کشاورزی محدود مخالفند فقدان سیاسی منطقی در قیمت گذاری کالاهای کشاورزی به چشم می خورد.

مشکلات کشاورزی ایران خاص این کشور نمی باشد و در جاهای دیگر نیز راه حل مناسبی برای آن یافت نشده، اما در حال حاضر میزان تقاضا برای رژیم غذایی بهتر و متنوعتر هماهنگ با سطح درآمدها افزایش می یابد و هزینه های صعودی واردات مواد غذایی موجب زحمت برنامه ریزانی که نگران توانایی آتی کشور در اداره خود بدون درآمد ناشی از صدور نفت هستند شده است.

اقداماتی از قبیل پرداخت سوبسید جهت کالاهای اساسی و تهدید دولت مبنی بر اتخاذ اقدامات شدید برعلیه سود جویان و محکومین نتوانسته است، تورم را مهار کند. ممکن است این اقدامات سرعت افزایش قیمتها را کاهش داده باشند، اما نرخ ۲۵ درصدی تورم در سطح وسیعی به عنوان تخمینی صحیح تلقی می شود. احتمال این که این نرخ به صعود خود ادامه داده و بعدها روبه کاهش گذارد بیشتر است. در این مورد نیز دیگر کشورها هم نتوانسته اند راز رشد سریع اقتصادی بدون تورم حاد را دریابند و باید از انتقاد بی مورد از ایران خودداری کرد، ولی در هر حال این مشکلی جدی است و احتمالاً بدتر نیز خواهد شد. حداقل ایران نسبت دادن مسئولیت این مشکل به تورم وارداتی از دیگر کشورها را متوقف ساخته و این نشان خوبی از ایجاد واقع بینی در میان سیاستگذاران اقتصادی می باشد.

نشانه دیگر درک واقعیات موقعیت ایران از سوی مراجع تصمیم گیری اقتصادی کشور را می توان در اقرارات عمومی حاکی از این که اهداف برنامه عمرانی پنجم از برنامه عقب خواهند ماند، دید. انگیزه های چنین اعترافاتی اختلاطی از انگیزه های مختلف می باشند و عبارتند از: (۱) تمایل به اشاعه این نظر که

کشور بخاطر کاهش تولید نفت، که این نیز خود به خاطر توجیه بین المللی افزایش بیشتر قیمت آن انجام شده، با کمبود منابع مالی مواجه است، (۲) تمایل به متقاعد ساختن بوروکراتهای ایرانی به اینکه ایشان پول نامحدودی برای خرج کردن ندارند، و (۳) لزوم توجیه رد درخواستهای رو به ازدیاد دریافت کمک از ایران، ولی به سادگی می توان دلیل اصلی را لزوم اعتراف به واقعیات مشکلات توسعه اقتصادی و تأخیرهای احتمالی، که روز به روز نمود بیشتری پیدا می کنند، دانست.

با وجودی که دست یافته ها مطمئنا کمتر از آنچه که وعده داده شده خواهند بود، ولی دولت ایران به خاطر اقداماتی که طی سال ۱۹۷۴ جهت رایگان و همگانی نمودن تحصیلات و تأمین خدمات بهداشتی عمومی به عمل آورد، شایسته اعتبار است. حذف بخش عمده شهریه مدارس، درآمد واقعی اکثریت طبقه متوسط شهری را که شدیداً تحت فشار بودند، افزایش داد. دیگر تلاشهای عمده جهت درک مشکل تقسیم درآمدها و تخصیص بخش عمده ای از سود واقعی شکوفایی اقتصادی ایران به طبقات فقیرتر، عبارتند از برنامه اعلام شده در مورد اصلاح قوانین مالیات بردرآمد و شرکتهای و طرح توسعه مالکیت صنایع ایران به سود کارگران، کشاورزان و عموم.

اجرای این برنامه ها مشکل خواهد بود، ولی به نظر می رسد واقعا آثار سودمندی به دنبال داشته باشند و نشانگر عزم رهبری کشور به تقسیم منافع حاصل از کامیابی اقتصادی می باشد.

مشکلات بسیاری برای اقتصاد ایران باقی می ماند، ولی به نظر می رسد اکثر آنها در بلندمدت قابل

کنترل باشند. باید به خاطر داشت که معدودی از کشورهای جهان آزاد سیاستها و برنامه های کاملاً منطقی و مناسبی جهت توسعه اقتصادی دارند. طبیعت اقتصاد مختلط مانع برنامه ریزی کاملاً دقیق می گردد. سیستم استبدادی دولت، وسعت عظیم بخش دولتی و رابطه نزدیک دولت با تجارت، در مقایسه با جوامع با اقتصاد کمتر کنترل شده، به دولت ایران قدرت بیشتری جهت هدایت اقتصاد را می دهد. از سوی دیگر استعدادهای اداره کنندگان اقتصاد کشور شدیداً محدود است و حتی کمبود جدیتری در سطح مدیران میانه و کارشناسانی که باید برنامه های اقتصادی را به اجرا در آورند، وجود دارد. در این برهه به نظر می رسد که تمامی این عوامل نهایتاً به اقتصادی با قدرت متوسط برای ایران منجر می شوند. این کشور تا پایان قرن بیستم از نظر استاندارد زندگی به پای کشورهای جنوب اروپا خواهد رسید و به راحتی می تواند از نظر تولید ناخالص ملی، جز کشورهای بزرگ اروپایی، بر دیگران پیشی جوید، ولی در میان قدرتهای اقتصادی عمده قرار نخواهد گرفت.

روابط اقتصادی خارجی آثار آن بر ایالات متحده

دو سال گذشته تغییرات عمیقی در موقعیت ایران در اقتصاد جهان به دنبال داشته است. ایران یکی از مهمترین اعضاء و بنیانگذاران موفقترین کارتل دوران بوده است. این کشور به سرعت از یک وارده کننده سرمایه به یک صادر کننده نسبتاً یا اهمیت سرمایه تبدیل شده است. ایران هنوز در میان کشورهای در حال توسعه طبقه بندی می شود و تا سالهای متمادی نیز چنین خواهد بود، ولی از گروه کشورهای غنی این طبقه به یکی از ثروتمندترین قدرتهای جهان سوم تبدیل شده است.

از نظر منافع ایالات متحده و دیگر کشورهای واردکننده نفت، حمایت ایران از افزایش بهای نفت مهمترین فاکتور در تغییر روابط اقتصادی آن با دیگر کشورهای جهان است. از این اقدام در تمام ایران استقبال شده است. واقعا هیچ ایرانی قضیه را جز در جهت توجیه سیاست دولت ایران در قیمت گذاری نفت

بررسی نمی کند. البته می توان این گونه استدلال کرد که افزایش قیمت انرژی به خاطر مشکلات اکولوژیک و محیط زیستی و محدودیت ذخایر سوخت فسیلی برای بقیه کشورهای جهان مفید خواهد بود، ولی نمی توان مدعی شد که جهش ناگهانی قیمت نفت جز زیان چیزی برای منافع کوتاه مدت ایالات متحده و دیگر کشورهای وارد کننده انرژی داشته است. طی سال ۱۹۷۴ ایران با صدور ۲ میلیارد دلار نفت به ایالات متحده برای اولین بار تبدیل به مهمترین تأمین کننده نفت این کشور شد.

همانند قیمت نفت، دومین فاکتور مهم روابط ایالات متحده با ایران، یعنی تأمین تجهیزات نظامی، نیز آثار سیاسی و اقتصادی قوی خواهد داشت. در این مورد وضعیت کاملاً متفاوت است چرا که ما تاکنون مهمترین شریک تجاری ایران بوده ایم. ایرانیان اطلاعات تجاری که حاوی اقلام واردات نظامی می باشند را منتشر نمی سازند، اما موازنه پرداختها نشان می دهد که نزدیک به نیمی از ۱۰ میلیارد دلاری که طی سال ایرانی ختم شده در ۲۰ مارس هزینه واردات شده، صرف تجهیزات نظامی شده است. آمار فروشهای نظامی و ما نیز نشان می دهد که حدود نیمی از این پول صرف تجهیزات نظامی آمریکایی شده است.

اطلاعات دقیقی در مورد بودجه نظامی ایران وجود ندارد، چرا که بخش عمده ای از هزینه های نظامی در دیگر بخشهای بودجه گنجانده می شوند، ولی تخمینهای اخیر نشان می دهد که کل هزینه های نظامی ایران طی سال جاری بیش از ده میلیارد دلار و معادل یک سوم هزینه های دولت ایران می باشد. تأثیر منفی این

مبلغ عظیم بر ذخایر مالی ایران کمتر از آن است که به نظر می رسد چرا که ظرفیت جذب دیگر بخشهای اقتصاد تقریباً به حداکثر رسیده است. احتمالاً زیان جدیتر به بخش غیر نظامی اقتصاد از ناحیه جذب تعداد زیادی از افراد آموزش دیده و استعدادهای اجرایی توسط ارتش وارد می شود. از سوی دیگر این زیان تا حدی با سودی که اقتصاد از آموزشهای داده شده به مشمولین و سربازان، که پس از چند سال خدمت نظام به زندگی غیر نظامی باز می گردند، می برد جبران می شود.

پس از نفت و تجهیزات نظامی سومین بخش مهم در تجارت میان ایالات متحده و ایران طی سال ۱۹۷۴ ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل می باشد، البته غلات با فاصله کمی در رتبه چهارم قرار دارند و از نظر اهمیت روبه افزایش هستند. احتمالاً ایران پس از تجهیزات نظامی، غلات را مهمترین چیزی می داند که از ایالات متحده آمریکا می خرد. بسیاری از ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل را می توان از دیگر کشورها خریداری نمود، ولی جز ایالات متحده هیچ کشوری توانایی عرضه مقادیر عظیمی غلات و دیگر محصولات کشاورزی به بازارهای جهانی را ندارد.

با افزایش درآمدها ایرانیان انتظار دارند مواد غذایی بیشتر و متنوعتری مصرف کنند. در عین حال، همان طور که اشاره شد، بخش کشاورزی ایران می لنگد و دورنمای میل به خودکفایی دورتر از آنچه که دو سه سال قبل به نظر می رسید، می باشد. احتمالاً طی سال جاری ایران از نظر وسعت دهمین بازار محصولات کشاورزی ما خواهد بود و فروش غلات به ۶۵۰ میلیون دلار خواهد رسید.

در حال حاضر، نه در تهران و نه در واشنگتن، اطلاع موثقی از میزان سرمایه گذاری آمریکایی در ایران وجود ندارد. سفارت اخیراً این سرمایه گذاریها را معادل ۴۰۰ الی ۵۰۰ میلیون دلار تخمین می زند. این رقم کمی کمتر از سه سال گذشته و قبل از انحلال کنسرسیوم نفتی گذشته می باشد، ولی در عوض

سرمایه گذاری آمریکایی در دو کشور دیگر آسیایی ژاپن و فیلیپین افزایش یافته است. در رابطه با آینده

سرمایه گذاریهای مشترک، که بسیاری از آنها هم اکنون در مراحل برنامه ریزی می باشند، چشم انداز مناسبی جهت افزایش سرمایه گذاریهای آمریکایی در ایران به میزان سه تا چهار برابر تا سال ۱۹۸۰ وجود دارد. انتظار می رود جو سرمایه گذاریهای خارجی همچنان مطلوب باقی بماند، اما ممکن است دولت ایران در درخواست خود سرمایه گذاران خارجی مبنی بر تبعیت از قوانین ایران سختگیری و حساسیت بیشتری به خرج دهد. درخواست یاد شده بدین صورت است که کلیه شرکتهای خصوصی چه شریک خارجی داشته باشند و چه نداشته باشند، باید ظرف ۵ سال از تأسیس شرکت ۴۹ درصد سهام خود را به کارگران، کشاورزان و عموم مردم واگذار نمایند. این مثال خوبی است از عزم دولت ایران جهت کسب اطمینان از مشارکت شرکتهای خصوصی در برنامه هایی که به سود اجتماع تلقی می شوند. سرمایه گذاران خصوصی خارجی نباید انتظار دریافت هیچ امتیازی را داشته باشند، مگر هنگامی که جهت جذب صنایعی که برای میل به اهداف توسعه لازم شمرده می شوند و یا باید در مناطق دور افتاده کشور ایجاد شوند امتیازاتی در مورد مالیات، حق گمرکی و از این قبیل در متن قرار داد گنجانیده شود.

به نظر می رسد که رابطه نزدیکتر اقتصادی میان ایالات متحده و ایران اجتناب ناپذیر باشد، چرا که ما مهمترین منبع تأمین (الف) پیچیده ترین تجهیزات نظامی مورد درخواست ایران، (ب) غلات و دیگر مواد غذایی که انتظار نمی رود ایران بتواند در کوتاه مدت نیاز روبه افزایش داخلی آن را تأمین کند و (ج) بخش عمده ای از کارخانجات و تجهیزاتی که باید برای صنعتی شدن ایران وارد شوند، هستیم و می توانیم بخش

عمده ای از سرمایه و تکنولوژی جهت سرمایه گذاریهای مشترک و دیگر صنایع ایران را تأمین نمایم.

چنین رابطه ای به او بدون تشویق رسمی دو دولت ایجاد خواهد شد. رشد روابط اقتصادی دو کشور در ماه فوریه سال جاری با تأسیس کمیسیون مشترک همکاریهای اقتصادی رسمیت یافت. ممکن است کمیسیون مشترک در بعضی موارد به معنی همکاری نزدیکتر و انتقال سریعتر کالا و خدمات باشد، ولی مشکلاتی هم به همراه خواهد داشت. باید از مداخلات اداری در امور که بخش خصوصی یک یا هر دو کشور می تواند به تنهایی بهتر ترتیب دهد، خودداری کرد. اجلاس ماه مارس کمیسیون پیش بینی کرد که ایالات متحده طی ۵ سال آینده در معامله با ایران ۱۵ میلیارد دلار مازاد موازنه بازرگانی خواهد داشت. به نظر می رسد به هر ترتیب بخش عمده ای از این مبلغ عینیت خواهد پذیرفت. بوروکراسی از پیش ناتوان ایران به درخواستهای ایالات متحده مبنی بر حمایتی که بحق باید جهت تکنیسینهای آمریکایی، که برای به اجرا در آوردن پروژه های مختلف وارد ایران می شوند را تأمین نماید پاسخ مناسبی نمی دهد.

به علاوه این خطر وجود دارد که رسمی شدن درگیری ایالات متحده در اقتصاد ایران تحت عنوان کمیسیون مشترک به صورت مشکلی جدی در روابط ایالات متحده و ایران در آید. توسعه اقتصادی ایران خیابان یک طرفه مسطحی نیست. برخورد به گودال و عقب گردهای گاه و بیگاه اجتناب ناپذیرند. قدرت خارجی که بیشترین درگیری را داشته باشد، قربانی مناسبی خواهد بود و شاید این توصیه خوبی به ما باشد که مشارکت رسمی را در پایین ترین سطح ممکن نگاه داریم.

ما جدای از قیمت پایین تر نفت، سهم بیشتر در بازار ایران و حفظ فضای مطلوب جهت سرمایه گذاری، خواهان رفتار مسئولانه تر ایران در قبال نظام مالی بین المللی هستیم. عملکرد این کشور در به جریان انداختن مجدد مازاد دلارهای نفتی اش تاکنون قابل ستایش بوده است، هرچند به درستی می توان مطرح کرد که امتیازات و دیگر قرضه های اعطا شده از سوی ایران فقط به خاطر منافع خود این کشور بود (منافع

سیاسی، اقتصادی و یا هر دو)، اما ایران قرضه های عظیم با نرخ بهره پایین به برخی از بزرگترین و در عین حال فقیرترین کشورهای در حال توسعه نظیر هند، پاکستان، مصر و افغانستان ارائه نموده، اوراق قرضه بانک جهانی خریداری کرده، و به تأسیسات نفتی (۱) [IMF](#) نیز قرض داده است. به نظر می رسد رده های بالای دولت ایران دریافته اند که احتیاج شدید کشور به واردات جهت اجرای برنامه های توسعه اقتصادی بدون ادامه کار منظم نظام مالی بین الملل تأمین نمی گردد. می توان بر روی ایرانیان حساب کرد چرا که منافع شخصی خود ایشان در صدر مسائل ذهنی ایشان قرار دارد و منافع ایشان در عدم حمایت از افزایش قیمت نفت به میزانی که ثبات نظام پولی بین الملل را تحت تأثیر قرار دهد می باشد.

اخیراً در مورد مسئله تداوم مازاد درآمدهای نفتی ایران در داخل و خارج این کشور نظرات متفاوتی ارائه شده است. استقراض از - خارج، عمدتاً جهت تأمین پولی مخارج کوتاه مدت صادرات و واردات و از بانک جهانی جهت پروژه های کشاورزی هیچ گاه متوقف نشد، چرا که قرضه های (۲) [IBRD](#) با کمکهای تکنیکی مورد نیاز همراه بوده است. احتمالاً مذاکراتی با مؤسسات خارجی تأمین اعتبار جهت گرفتن قرضه های میان مدت برای اجرای برخی پروژه ها طی سال ۱۹۷۶ انجام خواهد شد، ولی با توجه به قرضه های عظیم باز پس گرفته نشده ای که ایران طی سالهای قبل از ۱۹۷۷ و بعد از آن به کشورهای

۱- IMF صندوق بین المللی پول.

۲- IBRD: بانک بین المللی نوسازی و توسعه.

مختلف می دهد، احتمالاً این کشور به یک واردکننده صرف سرمایه تبدیل نخواهد شد. البته در این معادله آن قدر متغیرهای مختلفی وجود دارد که هرگونه پیش بینی و تجسم موقعیت مالی بین المللی ایران تقریباً بی معنی است. آینده قیمت نفت و سطح تولید نامطمئن است و هیچ کس نمی تواند در مورد نرخ رشد واردات و توانایی اقتصاد ایران در حفظ آن پیشگویی نماید. همان طور که در بالا اشاره شد به نظر می رسد که اخیراً دولت ایران در تلاش است افکار عمومی را متقاعد سازد که کشور فقیرتر از واقع می باشد. از دیدگاه ایرانیان این سیاستی کاملاً موجه می باشد، چرا که به دولت ایران ابزار لازم را جهت عقلایی نمودن حمایت از افزایش قیمت نفت می دهد و مقاصد دیگری را که قبلاً ذکر شد، تأمین می نماید. از جمله مهمترین این مقاصد لزوم مواجهه با این واقعیت است که بسیاری از پروژه ها به خاطر مشکلاتی از قبیل کمبود لوازم، زیربنای لازم و دیگر کمبودها طبق برنامه به پایان نمی رسند.

تناقضهای سیاسی: دو سال گذشته شاهد تغییرات شدید در روابط اقتصادی ایالات متحده و ایران بوده است و ایران به صورت بازاری مهم و مناسب برای صادرات آمریکا و سرمایه گذاری منصفانه در طرحهای مشترک درآمده است. دولت ایران با موضعی که در مورد مسئله قیمت نفت اتخاذ نمود برای اولین بار در تاریخ اتحاد سی ساله ما و در موضوعی بسیار با اهمیت موضعی خلاف منافع ایالات متحده گرفت. از بعد کاملاً سیاسی تغییر زیادی در روابط ایالات متحده و ایران رخ نداده است. ایران هنوز به ما به عنوان حامی عمده خود در برابر دست اندازیهای غول شمالی می نگرد. هنوز می توان بر حمایت ایران از اکثر مواضع جهان آزاد در صحنه بین المللی حساب کرد. دولت ایران از نفوذ ایالات متحده در دیگر کشورهای هم مرز با شوروی استقبال می کند و حداقل به طور ضمنی حضور قویتر ایالات متحده در اقیانوس هند را جهت ایجاد تعادل در مقابل حضور نیروی دریایی شوروی در این منطقه تأیید می نماید.

شاید بخش عمده فعالیت در روابط دوجانبه ما اقتصادی باشد، ولی مشکلترین سؤالاتی که باید به آنها

پاسخ داد سیاسی هستند و نه اقتصادی. کل روند توسعه اقتصادی و مدرنیزاسیون ایران که به سرعت در حال انجام است با عکس‌العمل‌های جدی که احتمالاً در آینده بروز خواهد کرد مغایر است. باور این مطلب تقریباً غیرممکن است که در بلندمدت حتی رژیم‌های با ثبات و قدرت رژیم ایران بتواند کشور را طی چند دهه از شکل یک اجتماع تقریباً بی‌سواد فقیر و عمدتاً روستائین به ملتی با تحصیلات نسبتاً خوب، تا حد موجهی، ثروتمند، مدرن و پرتحرک تبدیل نماید بدون آن که در برخی مقاطع درگیر ناملايمات شدید سیاسی و شاید حتی تغییرات رادیکال در جامعه شود. به عبارت دیگر رژیم فعلی ایران از مردم می‌خواهد جنبه‌های مختلف مدرنیزاسیون را بپذیرند و در عین حال درصدد حفظ نظام استبدادی که هنوز آزادیهای اولیه انسانی را از ایشان نفی می‌کند می‌باشد، در حالی که این آزادیها در اکثر جوامع غربی که ایران در تلاش رقابت با آنهاست، کاملاً پذیرفته شده‌اند.

آنچه که یک ناظر خارجی می‌تواند امیدوار باشد آن است که یک تحول سیاسی و نه یک انقلاب طی مدت زمان مناسب کشور را به سوی چیزی شبیه به یک سلطنت مشروطه مدرن هدایت کند. ایرانیانی که با آنها در این مورد بحث کرده‌ام در تئوری با این مطلب موافق هستند. ولی هیچ ایده‌ای در مورد چگونگی اجرای چنین تحولی ندارند. به نظر می‌رسد تعداد اندکی از ایشان جانشین مناسبی برای شاه سراغ داشته باشند. و افسوس که تاریخ سابقه ناامیدکننده از سالهای سقوط مستبدین ارائه می‌دهد. هیچ نمونه‌ای از حاکم مطلق که با میل خود زمام قدرت را آزادتر نماید به خاطر نمی‌آورم. ایجاد سیستم تک‌حزبی که اخیراً

انجام گرفت، حتی امید وجود اپوزیسیون وفادار به دولت اعلیحضرت را از بین برد. البته می توان مدعی شد که در واقع با تأسیس حزب رستاخیر تغییر عمده ای روی نداده است، ولی با این حال شواهد ایجاد سیستم دولتی دمکراتیک در ایران دلسرد کننده است. با توجه به این که طبقه تحصیلکرده عمدتاً مجموعه ای از افراد منفعل و غیرسیاسی را تشکیل می دهند که نگرانی عمده شان باز نمودن جای خود در سیستم موجود می باشد و توانایی یا تمایل ایجاد رهبری محافظه کارانه ای که منشأ تغییرات مسالمت جویانه گردد را ندارند، بیم آن می رود که ایشان صحنه را به سود رادیکالهای ترک نمایند. رادیکالها از گروههای نسبتاً کوچک و پراکنده ای تشکیل شده اند، اما توانایی ایشان در انجام اعمال تروریستی بی هدف بر علیه مقامات ایرانی و آمریکایی طی ماههای اخیر بسیار نگران کننده است. جوامع دمکراتیک تر با سازماندهی بهتر و با ثبات تر از ایران نتوانسته اند تروریسم را از بین ببرند، ولی در این کشور تنها به بیماری و نه ریشه اصلی آن حمله می شود. احتمال وقوع سوء قصدها و اعمال تروریستی بیشتر می رود.

علیرغم تمامی مشکلات موجود بر سر راه توسعه کشور، چشم انداز اقتصادی ایران بسیار روشنتر از پیش بینی سیاسی آن است. از سوی دیگر عملکرد بسیار موفق اقتصادی کشور احتمالاً خطر بروز انقلاب اجتماعی را کاهش می دهد. با گسترش بیشتر ثروت واقعی در تمامی کشور ایرانیان بیشتری سود خود را در حفظ چیزی شبیه به وضع موجود می بینند. شانس تجربه مدرنیزاسیون بالنسبه مسالمت آمیز نیز به خاطر ثبات بنیادین جامعه و فرهنگ ایرانی و احترام سنتی آن نسبت به قدرت بیشتر شده است. علیرغم پیش بینی بروز مشکلات عدیده در آینده ایران، که مهمترین آنها چگونگی گذر از برزخی است که پس از خروج اجتناب ناپذیر شاه از صحنه به وجود می آید، به نظر می رسد هنوز هم شانس کشور برای پرهیز از تغییرات رادیکال و آشوبهای بلند مدت و تضعیف کننده نسبتاً خوب است.

آیا ما می‌توانیم اعمال نفوذ زیادی بر روند آینده وقایع ایران بنماییم؟ شاید ولی احتمالاً نخواهیم توانست. از ظواهر این امر این گونه بر می‌آید که ایران بیش از آنچه که ما به آن نیاز داریم به ما نیاز دارد. در مقایسه با احتیاج ایرانیان به ما، جهت خرید تجهیزات نظامی پیچیده‌ای که به آنها عادت کرده و خواهان ادامه خرید آن هستند و تأمین مقادیر عظیم غلاتی که طی چند سال آینده برای برآوردن تقاضای رو به افزایش داخلی ضروری است، ما راحت‌تر می‌توانیم به منابع جایگزینی جهت تأمین واردات نفتی مان دسترسی پیدا کنیم. ایران همچنین خواهان مشارکت بیشتر ما در طرحهای مشترک می‌باشد و بانکهای ایالات متحده را به عنوان امنترین مکان جهت سپردن ذخایر ارز خارجی به صورت سپرده‌های کوتاه مدت ترجیح می‌دهد.

اگر ما بخواهیم تلاش کنیم که با استفاده از هر وسیله ممکن در سیاستهای ایران اعمال نفوذ کنیم، احتمالاً اولین هدف ما باید تلاش جهت وارد ساختن ایران به اتخاذ موضع متعادلتر در مورد قیمت نفت باشد. اما در هر زمینه‌ای که بخواهیم در سیاستهای ایران تغییری ایجاد کنیم، تعهد ما به مکانیسم بازار آزاد ما را محدود می‌سازد. با کنار گذاشتن احتمال بروز تغییرات شدید در سیاستهای آمریکا احتمالاً ما دخالتی در روند انتقال تکنولوژی و سرمایه از هر دو سو و فروش غلات نخواهیم کرد. طرف آمریکایی تمامی این فعالیتها، بخش خصوصی است. تنها خریدهای نظامی باقی می‌ماند که در این زمینه از قبل

مکانیسمی جهت اعمال کنترل دولت ایالات متحده وجود داشته است. در گذشته دلیل مناسبی که جهت عدم ایجاد محدودیت در فروش تجهیزات نظامی به ایران ارائه می شد آن بود که ایران به راحتی می تواند فروشنده دیگری در میان رقبای ما بیابد. اما امروز این دلیل فقط تا حدی صحیح است. برای مثال در حال حاضر هیچ کشور دیگری نمی تواند جنگنده های قابل مقایسه با اف ۱۴ به ایران بفروشد. ولی تا زمانی که ما برای مسئله کلی چگونگی اعمال نفوذ بر دیگر کشورهای عضو اوپک پاسخی نیافته ایم، تلاش جهت فشار به ایران از طریق ممنوعیت فروش برخی تجهیزات نظامی کاری غیر عاقلانه است. از آنجا که ایران در تعیین قیمت های جهانی نفت به تنهایی عمل نمی کند، فشار بر این کشور برای اخذ نتیجه کافی نخواهد بود. همچنین باید با توجه به سیاست خود نسبت به خلیج فارس و اقیانوس هند محدودیتهایی در مورد خرید های نظامی ایران در نظر بگیریم.

به هر حال در بلند مدت استفاده از منابع انرژی خودمان، در مقایسه با تحت فشار قرار دادن اعضای اوپک، موفقیت بیشتری در متوقف ساختن رشد قیمت نفت و حتی کاهش آن خواهد داشت. با توجه به این که تاکنون کشورهای وارد کننده نفت از انجام اقدامات هماهنگ ناتوان بوده اند، هیچ چیز نمی تواند اعضای اوپک را تحت تأثیر قرار دهد مگر موفقیت در ایجاد منابع جایگزین انرژی به میزانی که موجب کاهش چشمگیر در تقاضای جهانی نفت گردد.

از مسئله موضع ایران در مورد قیمت نفت گذشته، به نظر نمی رسد ایران هیچ گونه موضع گیری، که زیان جدی به منافع حیاتی ایالات متحده وارد سازد، بنماید؛ مگر آنکه تغییری شدید در سیستم دولت آن روی دهد. ایالات متحده و ایران متحد طبیعی یکدیگر بر علیه شوروی باقی خواهند ماند. به نظر می رسد منافع ما در خلیج فارس و اقیانوس هند طی سالهای متمادی نزدیک به هم باقی خواهد ماند، و برنامه های

جاه طلبانه ایران برای توسعه متکی بر حفظ رونق نظامی مالی جهان می باشد که در این نظام ایالات متحده

به عنوان مهمترین کشور مطرح است. ایران به طور اتوماتیک از رهبری ایالات متحده تبعیت نخواهد کرد. اما مخالفت آشکاری هم با اغلب سیاستهای ما نخواهد داشت، چرا که منافع بنیادین ما هنوز بر هم منطبق می باشد.

طرز فکر ایرانیان در مورد خارجیهای مقیم ایران

سند شماره (۵)

از: مشاور سیاسی، جان د. استمپلتاریخ: ۲۷ آوریل ۱۹۷۶ / اردیبهشت ۱۳۵۵ بیگانگان

به: سفیر طبقه بندی: خیلی محرمانه / غیر قابل رؤیت برای

موضوع: طرز فکر ایرانیان در مورد خارجیهای مقیم ایران

همان طور که می دانید در مورد طرز فکر ایرانیان در رابطه با خارجیهای مقیم ایران با عناصر ایرانی سطوح مختلف جامعه ایران در حال گفتگو و نظرخواهی بوده ایم. بیست و شش مورد مصاحبه ای که تا به حال انجام شده و توسط اینجانب مرور گردیده و می تواند نتایج کلی را در مورد این طرز فکر ارائه کند. به نظر من این یادداشت و متن مصاحبه ها می تواند در مورد توجه و استفاده بسیاری از افسران منتخب هیئت و کنسولگریهایمان قرار گیرد و از آنجایی که نتایج جالب توجهی نیز پدیدار گشته در نظر دارم یک نسخه از این مطالب را در اختیار آنان قرار دهم.

تعداد افراد شرکت کننده در مصاحبه (۲۶ نفر) بسیار کم بوده، و اکثر آنها عضو نخبگان طبقه بالا و یا متوسط جامعه ایران می باشند. این افراد بیش از اکثر ایرانیها تحصیل کرده و مطلع می باشند، به همین دلیل نظراتشان نیز بااهمیت تر از افراد عامی است، زیرا آنها در زمینه های مختلف صاحب نظر می باشند. شایان توجه است که نگرانیهای ابراز شده توسط این افراد تحصیلکرده ایران هیچ گاه در پاسخهای کسانی که خود را نماینده درصد بیشتری از مردم ایران می دانند منعکس نمی باشد. مسلم این است که مسئله حضور بیگانه تنها بر کسانی تأثیر می بخشد که تا حدود زیادی با بیگانگان یا خارجیها در تماس می باشند.

بسیاری از مصاحبه شدگان به طور کلی نگران حضور بیگانگان و نه آمریکاییان در ایران هستند. نکته قابل توجه دیگر این است که دو سوم اعضای این گروه از پاکستانیها، هندیها، و آسیای شرقیها، مانند فیلیپینی ها و اتباع کره جنوبی بعنوان گروههایی یاد کرده اند که بیشترین رشد حضوری را داشته (و بیشترین تأثیر را بر آنها داشته اند. تنها یک سوم اعضاء این گروه اظهار داشته اند که حضور آمریکاییها طی دو یا سه سال گذشته رشد سریعی داشته است. برآورد تعداد آمریکاییها در تهران بین چهار هزار تا چهل هزار نفر بوده و برآورد معتدلتر آن ۱۰ هزار تا ۱۵ هزار بوده است. تنها هشت نفر از افراد مصاحبه شده خود را آگاه نسبت به حضور خارجیها بر خلاف دو سال قبل می دانند. چند نفر از مصاحبه شدگان در خارج از کشور تحصیل کرده و یا دارای همسر خارجی می باشند، اما این موضوع در میان طبقه بالا و متوسط امری غیر عادی نیست.

۲ تأثیرات ناشی از حضور بیگانه

هفت تن از پاسخ دهندگان گفته اند که حضور کنونی بیگانگان هیچ گونه تأثیری در وضع آنها نداشته است. بقیه آنها یا با این موضوع مخالفت کرده و یا به طور ضمنی معترف بر تأثیر حضور بیگانه بر وضع

خودشان شده اند. چند نفر نیز به جنبه های مثبت حضور بیگانه از قبیل افزایش مهارت های تکنولوژیکی، و نیروی انسانی مجرب تر، اشاره کرده اند. بیش از نیمی از اعضاء این نمونه اظهار داشتند که خود و دوستانشان معتقدند که آمریکاییها و اروپاییها عامل اصلی افزایش اجاره بها طی دو سال گذشته می باشند. هفت نفر در مورد مشکلات ناشی از رانندگان خارجی سخن گفته اند. شگفت آورتر اینکه تنها هشت نفر به ذکر وقایع ناپسند پرداخته و اکثر آنها مربوط به آمریکاییهای طبقه پایین اجتماع بود که علنا به شرابخواری و عربده کشی می پردازند.

این افراد از تسهیلات ویژه خارجیان بطرز غریبی بی اطلاع بودند، اکثر اعضاء این گروه در حمایت از برنامه های رادیو و تلویزیون نیروهای آمریکایی سخن گفتند؛ بسیاری از آنها که این برنامه را دنبال کرده و یا به آن گوش می دهند آن را یکی از تسهیلات مخصوص بیگانگان نمی دانند. تنها دو نفر از آنها خواستار کنترل آن توسط ایرانیها شده، ولی یکی از آنها هشدار داد که اگر اصطکاک بین ایرانیها و خارجیها افزایش یابد رادیو و تلویزیون نیروهای آمریکا در آینده به صورت آماج منطقی حملات در خواهد آمد. تنها ۵ نفر به ذکر تسهیلات ویژه خارجیها (مانند کمیسری و حوزه خلیج) پرداختند و تنها دو نفر اعلام داشتند که این تسهیلات حسادت هیچ کس را بر نمی انگیزد. سه تن از آنها گفتند که اگر روابط ایران و آمریکا روبه وخامت نهد، این تسهیلات به صورت آماج حملات در خواهند آمد.

۳ ایجاد محل‌های مخصوص زندگی خارجیها در مقابل نظریه انطباق حیات

هیچ یک از افراد مورد نظر در حمایت از نظریه ایجاد جوامع خاص خارجیها در ایران سخن نگفت، ولی دو نفر از آنها گفتند که انجام آن در موارد خاص، (از جمله برای اتباع بلوک شوروی و دیگران در شهرهای دیگر) مانعی ندارد. بیش از نیمی از افراد مصاحبه شده (از تمام سطوح اجتماع) معتقدند که گسترش یکسان حضور بیگانه در اجتماع هم به نفع آنها و هم به نفع خارجیهاست: تنها سه نفر از این افراد به ذکر مشکلات مربوط به ایجاد محیط زیستهای خاص به خصوص تهدیدات امنیتی ناشی از همزیستی پاکستانیها و هندیها پرداختند.

تنها سه نفر از این افراد معتقدند که مضاعف یا سه برابر شدن جامعه آمریکایی در ایران مشکلات جدی را به دنبال خواهد داشت و دو نفرشان معتقدند که علت این امر نیز فقدان مسکن و فروشگاههای کافی است. پنج تن از پاسخ دهندگان معتقدند که ایران از حضور بیشتر آمریکاییها به خصوص در زمینه فنی فواید بسیار کسب خواهد کرد.

۴ نتیجه گیری

در مورد افزایش حضور خارجی نگرانیهایی ابراز شده، اما هیچ کس مشکل و خطر جدی را پیش بینی نمی کند. چند تن از پاسخ دهندگان متذکر شدند که گسترش حضور خارجیها همگام با رشد موجود در زمینه ملی است. افزایش مشکلات زندگی شهری بر خارجیها و ایرانیها تأثیرات یکسانی را اعمال می کند، اگر چه در اکثر موارد خارجیها مقصر این مشکلات شناخته می شوند، باید گفته شود که آنها در تمام موارد مقصر نیستند و ایرانیها نیز به این معترف هستند.

آنهايي که بیش از همه تحت تأثیر قرار می گیرند، اعضای طبقه متوسط طیف اجتماعی و اقتصادی ایران می باشند. آنها بیش از همیشه با خارجیها سر و کار داشته، و موقعیت حرفه ای و شخصی آنها نیز با

پروژه هایی که خارجها بر روی آنها کار می کنند مرتبط است. نخبگان طبقه بالای اجتماع کمتر با خارجها سر و کار دارند. ایرانیهای طبقه پایین اجتماع نسبت به حضور آمریکاییها توجه چندانی نشان نمی دهند اما از حضور روز افزون هندیها و آسیاییها در نتیجه رونق اقتصادی ایران متنفر می باشند.

در مواردی معدود، مانند مدیریت دانشگاهها، آنهایی که در اروپا تحصیل کرده اند از روشهای آمریکایی برخلاف حضور آنها متنفرند، زیرا همتایان آنها که در آمریکا تحصیل کرده اند (و رقبای آنها به شمار می روند) در حال دستیابی به موقعیتهای مهم در نهادهای اجتماعی ایران هستند. بنابراین موفقیت ایرانیهای تحصیل کرده آمریکا ترس و حسادت بسیاری را برانگیخته که گهگاه باعث ابراز مخالفت با جامعه آمریکایی مقیم ایران می گردد.

گرچه ترس از ضد آمریکایی گرایی بی اساس تلقی می شود، ولی باید به نگرانیهای ابراز شده توسط اعضاء گروه توجه بیشتری معطوف نمود. شاید مهمترین نظریه این باشد که در دورانی که مشکلات زندگی شهری توأم با افزایش حضور خارجی است، شاید بهتر باشد که آمریکاییهایی به این جامعه ارسال شوند که از نظر فرهنگی حساستر و بالغترند. چهار یا پنج نفر از پاسخ دهندگان از شرکتهای آمریکایی می خواهند که افراد مورد نظر خود را با در نظر گرفتن حساسیتهای ایرانی انتخاب کنند. البته این امر در مورد دولت آمریکا مانند صنایع بخش خصوصی نیز مصداق پیدا می کنند.

از آنجا که زندگی شهری در ایران برای همه مشکلتر شده، و به خصوص امکان کاهش روند پیشروی اقتصادی نیز وجود دارد، بهتر است شمار آمریکاییهایی که به اینجا وارد می شوند ثابت نگاه داشته شود. پس از ذکر این مطالب، باید گفته شود که حتی اگر به جای ۲۵/۰۰۰ آمریکایی تنها ۱۰۰۰ نفرشان در ایران حضور داشته باشند، بخش اعظم انتقادات مطروحه باز هم ابراز می شد. بنابر این طرز فکرهای مندرج در این تحقیق تنها نوعی عامل مشخص کننده محسوب می شود، ولی نمی تواند تعریف دقیق از طرز فکر ایرانیها را ارائه کند. استمپل

مصاحبه با دکتر کیوان صالح

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور خارجیها در ایران

مصاحبه مورخ ۱۸ فوریه با دکتر کیوان صالح در دفتر کار گوردون وینکلر

دکتر صالح صحبتهایش را با اظهار نظر در مورد خود مصاحبه آغاز کرد و گفت این کار می بایست مدتها قبل انجام می شد و خوشحال است که سفارت با دیدی مثبت در حال گردآوری اطلاعات در این زمینه است.

دکتر صالح گفت که می داند تعداد خارجیها بیش از دو یا سه سال قبل است و آمریکاییهای اعظم آنان را تشکیل می دهند. وی گفت در اینجا به تمام خارجیها آمریکایی اطلاق می شود، مگر آنکه تعریف دیگری از آنها شده باشد.

دکتر صالح حدس می زند که تعداد آمریکاییهای مقیم تهران حدود ۳۰/۰۰۰ نفر است ولی وقتی که به او گفته شد که تعداد آنها حدود نصف رقم ذکر شده توسط اوست تعجب کرد. وی یادآور شد که تعداد

آمریکاییهای مقیم ایران دائما رو به افزایش است و گویا قرار است حدود ۵۰/۰۰۰ خانواده آمریکایی

دیگر نیز طی سه سال آینده وارد ایران شوند. او و دوستانش می گویند که این افراد اکثرا در جنوب ایران

اسکان خواهند یافت. دکتر صالح گفت دوستانش نمی توانند ارائه رقم ۵۰/۰۰۰ نفر درست گفته باشند، ولی آنها معتقدند که تعداد آنها خیلی زیاد خواهد بود. وی گفت ظاهراً شرکت بل هلیکوپتر در نظر دارد تعداد کارمندان خود را در ایران دو برابر کند، و گویا لبنیات پاک نیز در صدد دو برابر کردن تعداد کارمندان آمریکایی خود می باشد.

دکتر صالح گفت که یک خارجی به خصوص اگر آمریکایی باشد به سادگی برای او قابل تشخیص است. وی گفت که قادر است یک آمریکایی را از پشت سرش تشخیص دهد. او گفت «شاخصهای مهم در این رابطه نحوه اصلاح سر و شلواری است که یک آمریکایی به پا می کند.» وی در توضیح مطلب گفت شلوار آمریکاییها بسیار وارفته و در بخش نشیمنگاه بسیار شل است. چون آنها عادت ندارند شلوارشان را بالا بکشند. وی گفت به نظر او و دوستانش ظاهراً آمریکاییها چندان جذاب نیستند، به خصوص از نظر رنگ لباس چون اغلب پیراهنهای سبز روش، شلوار قرمز، کفشهای سفید و جورابهای قرمز به تن می کنند. او ظاهر آمریکاییها را مسخره خواند. دکتر صالح گفت که وی می تواند بین مدیران عالیرتبه شرکتها و دیپلماتهای آمریکایی و افرادی آمریکایی رده پایین تر تفاوتی قائل شود. علاوه بر این وی گفت که افراد رده آخر تنها مکانیکهای شرکت بل هلیکوپتر نیستند بلکه ظاهراً افرادی حرفه ای هستند که برای انجام چند کار به ایران آمده اند.

در پاسخ به این سؤال که آیا حضور خارجیها بر زندگی او و خانواده و دوستانش تأثیر دارد یا خیر، وی

گفت حتما دارد و همیشه موجبات شرمساری وی فراهم می آید. او گفت «این موضوع برای من حائز اهمیت بسیار است زیرا من شدیداً با آمریکاییها سروکار دارم. در صورتی که حرفه ای نباشند من آسیب می بینم. وی گفت: «وقتی می شنوم که آمریکاییها به خوبی با مسائل ایران و ایرانی آشنا نشده اند ناراحت می شوم. آنها در اغلب موارد در جلساتی شرکت کرده و بیاناتی را ایراد می کنند که نشانگر برداشت نادرست آنها از اوضاع کشور است. او و دوستانش احساس می کنند که اکثر آمریکاییها در ایران تأثیر منفی داشته و قابلیت انطباق پذیری ندارند. «آنها به اینجا می آیند تا پول به جیب بزنند.»

او گفت: «آنچه ما را ناراحت می کند این است که آمریکاییها حقوقهای گزافی چون ۵۰/۰۰۰ دلار در سال دریافت کرده و در مورد آن در انظار عموم سخن می گویند. این کار باعث بروز عکس العمل منفی ایرانیهای تحصیلکرده می شود، چون معتقدند که این افراد از نظر حرفه ای شایستگی دریافت این گونه حقوقهای کلان را ندارند.» دکتر صالح گفت دوستانش اغلب به آمریکا سفر کرده و با آمریکاییهایی در آنجا ملاقات می کنند که با آمریکاییهای مقیم اینجا از نظر حرفه ای تفاوت دارند و به نظر او اینها افراد گلچین شده نیستند.»

وی گفت برای او و همسر و دوستانش واضح است که آنها دارای مشکلات روانی هستند، همسرانشان از امنیت برخوردار نبوده و فساد در میان آنها رواج دارد، شرابخواری بسیار است و همسران آنها در اغلب موارد افسرده هستند.

وی خاطر نشان ساخت که مدرسه آمریکایی تهران به عنوان یک «مدرسه نظامی» بین دوستانش معروف است و آموزش مکفی و مؤثر را ارائه نمی کند. وی گفت اکثر بچه های آمریکاییها اغلب از نقطه ای از جهان به نقطه دیگر منتقل شده و به همین دلیل فاقد ریشه های اجتماعی و ارزشهای لازم می باشند.

مدرسه ایران زمین و مدارس دیگر از شهرت کمتری برخوردارند.

دکتر صالح در مورد تسهیلات و سازمانهای ویژه خارجیها در تهران از کلوپ زنان آمریکایی، کلوپ پارس آمریکا و حوزه خلیج نام برد. (او از حوزه خلیج با نام «قلعه» یاد می کرد و چندی بعد گفت به نظر او حوزه خلیج این نام مستعار را از نشان حک شده بر سر در آن به ارث برده است.)

از او سؤال شد که در مورد حوزه خلیج چگونه می اندیشد. وی گفت هیچ گونه خصومتی با آن ندارد، ولی گفت که تصور می کند که تعداد زیادی از بچه های هیپی نما در حوزه خلیج وجود دارند و بسیاری از دختران آمریکایی در کنار خیابان خواستار اتومبیل سواری مجانی می شوند. وی یادآور شد که این کار مناسب جامعه ایرانی نیست.

وی گفت که به نظر او و دوستانش کلوپ زنان آمریکایی تنها دارای جنبه ظاهری است: «به نظر ما زنان آمریکایی در پارتیها خونگرم نیستند و به خوبی قاطی اجتماع نمی شوند. آنها در خود کلوپ زنان احساس راحتی بیشتری دارند»، وی گفت این امر در مورد زنان ایتالیایی، فرانسوی، سوئدی، آلمانی و دیگر زنان اروپایی صادق نیست، چون اکثر آنها اجتماعی بوده و به زبان فارسی تکلم می کنند، ولی این امر در مورد زنان آمریکایی صادق نیست، وی گفت در ضیافتهای سطح بالای اجتماعی کمتر با آمریکاییها برخورد می کند ولی اکثرا با انگلیسیها، فرانسویها بلژیکیها و دیگران روبرو می شود.

در رابطه با رادیو و تلویزیون، وی اظهار داشت که دیوانه برنامه بین المللی جدید رادیو و تلویزیون ایران است و اغلب برنامه های خود را طوری تنظیم می کند تا فرصت دیدن و شنیدن این برنامه ها را داشته

باشد (وی احساس می کند که دو گرداننده آمریکایی برنامه چندان مفید نبوده و اغلب مایه شرمساری می شوند.) بنابه گفته او خبر انگلیسی خیلی بهتر از خبر فارسی است. وی گفت قطع برنامه های آمریکایی هیچ گاه موجب نگرانی وی نخواهد شد. با این حال وی معتقد است که برنامه رادیویی نیروهای مسلح آمریکایی «به استثناء بخش موسیقی آن که مورد انزجار همگان است» باید ادامه پیدا کند. وی گفت اکثر دوستانش به برنامه های رادیویی آمریکا گوش داده و آن را دوست دارند. وی گفت این برنامه به افراد طبقه متوسط اجتماع در زمینه فراگیری زبان انگلیسی کمک بسیاری کند. در رابطه با رویداد های ناشایستی که بین خارجیها و ایرانیها به وقوع پیوسته، دکتر صالح گفت، که اطلاع خاصی ندارد، ولی در مورد رانندگان آمریکایی با لحن بسیار تندی صحبت کرد. وی گفت ایرانیها می دانند که این خود آنها هستند که به محض ورود به شاهراهها و خیابانهای تهران قوانین را زیر پا می گذارند. اما، وی گفت اینجا کشور ما است. وی گفت بسیاری از آمریکاییها پس از اقامت در اینجا بدتر از ما رانندگی می کنند. چراغهای راهنمایی و خطوط تفکیک کننده خیابان را نادیده گرفته و به نظر می رسد که ما را افرادی بسیار پست تلقی می کنند. دکتر صالح گفت در بسیاری از موارد دوستان من شیشه اتومبیل خود را پایین کشیده و فریاد زده اند که مواظب باش اینجا کشور من است. تو نمی توانی این طور در اینجا رانندگی کنی. وی گفت همه چنین تصور می کنند که این آمریکاییهای حرامزاده در کشور ما خوب زندگی کرده و خوب پول درمی آورند و گذشته از این که هیچ چیزی را نصیب کشورمان نمی کنند، وارد تمام جزئیات زندگی ما نیز می شوند. ظاهرا رانندگان آمریکایی با هدف زیر گرفتن به ما نزدیک می شوند.

در مورد رانندگی، وی گفت زنان خارجی در حین رانندگی حالتی تهاجمی پیدا می کنند. وی گفت تمام مشکلات ناشی از رانندگی وی در طول ۹ تا ۱۲ ماه گذشته رخ داده است. قبل از آن رانندگان خارجی خیلی خوب رانندگی کرده و حالتی تهاجمی نداشتند. وی گفت که مشکل برای آمریکاییها را وضعیت این

است که به نظر می آید که همه خارجیها اینطور زندگی می کنند و بهمین دلیل ایرانیها خارجیها را آمریکایی تصور می کنند و بنا به گفته دکتر صالح «عکس العمل اساسی ایرانیها در قبال این مسئله این است که آمریکاییها هیچ گونه احترامی برای ما قائل نبوده و ما را کثافت تلقی می کنند.»

در دنباله گفتگو وی که دوستانش شدیداً معتقدند که آمریکاییها برای کمک به ما اینجا نیامده اند بلکه هدفشان پول به جیب زدن است. او اغلب این سؤال را می شنود که «آنها برای ما چه کرده اند؟ وی خاطر نشان ساخت که دولت نیز تلاش می کند تا کلمات فارسی انگلیسی الاصل کمتر استعمال گردد.

وی در ادامه گفت پنج سال قبل روش آمریکایی مورد احترام همگان بود. نظام آمریکایی چه در زمینه ساخت، چه در زمینه آموزش یا پزشکی بهترین تلقی می شد. ولی در حال حاضر تنفر از این روش و نظام آن چنان افزایش یافته که ایرانیها بیش از پیش می گویند که نمی خواهند شاهد پیاده شدن روش آمریکایی باشند. ولی نکته جالب توجه این است که بنا به گفته دکتر صالح هنوز هم ماشینها و دیگر کالاهای ساخت آمریکا در جهان بهترین چیزها قلمداد می شوند: «ظاهراً ایرانیها نمی دانند که این مصنوعات از همان روش آمریکایی مورد تنفر آنها ناشی شده است.»

حضور آمریکاییها در مجامع عمومی نیز مسئله ساز است. دکتر صالح نمی داند که چرا این مسائل در رستوران محل اطراق او رخ نمی دهد، و علت آن نیز شاید حضور و آمد و شد آمریکاییها عالیرتبه باشد. با این حال همسرش و دوستان او در سوپرمارکتها با این گونه مسائل روبرو شده اند. دکتر صالح خاطر نشان

ساخت که سوپرمارکتها تجلیگاه تنفرهای شدید است. وی گفت خارجها باعث افزایش شدید قیمتها شده اند و هنگامی که یک آمریکایی وارد فروشگاه می شود مانند «ملخ» همه چیز را با خود می برد و وقتی که ایرانیها وارد می شوند چیزی برای آنها باقی نمی ماند. وی گفت از صحت این موضوع اطلاعی ندارد، ولی مهم این است که این طرز فکر ایرانیهاست.

وی گفت در زمینه مسکن هیچ امیدی برای مانیست، چون اگر او و همسرش خانه نداشتند، نمی توانستند در تهران زندگی کنند. به خاطر این که توان اجاره محل سکونت را ندارند مجبور می شدند از کشور خارج شوند. وی گفت که تمام مساکن خوب توسط خارجها تصرف شده است. وی گفت در مورد دفاتر کار، و دستیاران زبده اصلی و خارجی نیز همین موضوع صادق است. «آمریکاییها تمام شوفاها و رانندگان موجود را به استخدام خود در آورده اند».

بنا به گفته دکتر صالح یکی از نشانهای ترسناک حضور آمریکاییها در ایران، وجود تبلیغات بسیار در بخش آگهی های روزنامه های انگلیسی زبان تهران است. وی گفت این روزنامه ها به صورت یک بازار مکاره در آمده اند. او کیهان اینترنشنال را باز کرد و ستون آگهی ها را نشان داد که مربوط به آمریکاییهای در حال خروج از کشور بود. آنها می خواهند آشغالهای خود را به ما بفروشند. وی گفت «من آگهی هایی را دیده ام که در آنها در مورد فروش زیرپوشها مطالبی درج شده است.» وی گفت حدود شش ماه تا یک سال قبل «این آگهی ها وجود نداشت و حتی کسانی که می خواستند با فروش زمین در اسپانیا پول به جیب بزنند، نیز آگهی نمی دادند.» وی گفت گردآوردن آمریکاییها در محل های خاص اشتباه بزرگی است. وی گفت هنگام عبور از محلهایی که آمریکاییها یا خارجها در آنجا زندگی می کنند، می بینید که بچه های ایرانی و خارجی با هم سرگرم بازی هستند. وی گفت این موضوع دلگرم کننده است. زیرانشانگر نوعی امتزاج اجتماعی است. لیکن وی تصور نمی کند که اسکان نظامیان آمریکایی در منطقه ای خاص مشکلاتی

را ایجاد خواهد کرد. وی گفت بهتر است که آنها در خیابانها ظاهر نشوند. وی نسبت به آنها برداشتی منفی دارد و تصور می کند که اکثر آنها در خیابانها و در جیبهای مخصوص رانندگی می کنند. وقتی به او گفتم که بخش اعظم افراد هیأت مستشاری نظامی آمریکایی را افسران عالیرتبه و تحصیل کرده تشکیل می دهند وی تعجب کرد. وی گفت «در یک جمله توانستید شک و شبهه های موجود در ذهن مرا پاک کنید.»

وی در مورد ارتش گفت که به نظر او حضور تعداد بیشماری از هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا در فرودگاه مهرآباد مسائلی را در زمینه روابط عمومی ایجاد کرده است. او و دوستانش حضور آنها را به دقت دنبال کرده و می دانند که کالاهای بسیاری توسط همین هواپیماها برای جامعه آمریکایی مقیم تهران وارد کشور می شود.

دکتر صالح دائما صحبت را به بی توجهی آمریکاییها نسبت به ایران می کشانید. از او سؤال کردم که در مورد آگهی سفر به تخت جمشید، شوش و کاخ گلستان در تلویزیون آمریکا چطور فکر می کند، گفتم که این آگهی ها قطعاً نشانگر توجه بسیار آمریکاییها به فرهنگ است. دکتر صالح آن را نپذیرفت و گفت این امر فقط جنبه سیاحت دارد «چون آمریکاییها یک بار به آنجا می روند و آن را فراموش می کنند.»

وی گفت در حالی که اروپاییها به محض پای گذاشتن به این نقاط عمیقا به اصل موضوع توجه می کنند.»

در این لحظه از او سؤال کردم که آیا او و دوستانش می دانند که یک دانشجوی آمریکایی در آمریکا

می تواند برخلاف دانشجویان دیگر در مورد ایران و تاریخ آن مطالب بسیاری را فراگیرد. وی گفت او به این موضوع واقف است. ولی گمان نمی کند که ایرانیها چنین فرصتی داشته باشند.

وی گفت یکی از نقاط مشکل برانگیز مهم کلوپ کشوری شاهنشاهی (سلطنتی) است. وی گفت در حال حاضر بسیاری از آمریکاییها به این کلوپ پیوسته و در همه جا دیده می شوند. ظاهرا هدف آنها بازی گلف و دیدن فیلم های سینمایی است و در ماههای اخیر اعضاء ایرانی کلوپ نتوانسته اند به راحتی به آنجا وارد شوند. از او سوال کردم که چرا کمیته عضویت کلوپ مانع از عضویت آمریکاییها نمی شود؛ چون چنین به نظر می رسد که به پول آنها احتیاجی ندارند. ولی او جوابی نداشت.

دکتر صالح گفت او و دوستانش عمیقا نگران آینده هستند. وی گفت ازدیاد شمار آمریکاییها در این کشور مسائل بسیاری را برای ایران به وجود خواهد آورد: «برای ما محیط خفقان آور شده است، چون می بینیم که تعداد بیشتری از آمریکاییهای موجود و نیمه حرفه ای وارد کشور می شوند. که نسبت به این کشور هیچ گونه احساسی ندارند و به سرعت یک برداشت منفی به جای گذاشته و می خواهند با عجله پول کافی به دست آورده و از این کشور خارج شوند.»

مصاحبه با دانشجویان و یک ایرانی ۲۴ ساله مشغول کسب و کار

(محرمانه)

مصاحبه با دانشجویان

دو دانشجوی ایرانی در کلاس درس من در دانشکده گسترش همکاریهای منطقه ای (که شامل دانشجویان ایرانی، پاکستانی و ترک است) شاهد افزایش حضور آسیاییها در ایران بوده اند. آنها معتقدند که شمار اعضاء دیگر گروههای خارجی افزایش چندانی نیافته و برای آنها تشخیص آمریکاییها از دیگر ساکنین اروپای غربی و اسکاندیناوی دشوار است. تنها نگرانی آنها در مورد تأثیر بیگانگان این است که

آیا آنها قرار است به جای دانشجویان ایرانی پستهای دانشگاهی را پر کنند یا خیر؟ هیچ یک از آنها در مورد تسهیلات خاص خارجیها اطلاعی نداشت، ولی در مورد معابد هندوها و کلیساهای مسیحیان سخن می گفت. هر دوی آنها معتقد بودند که عمل تفکیک محل زندگی بیگانگان کار درستی نیست. هر دو دانشجو ظاهراً در مورد حضور آمریکاییها در ایران بی اطلاع بوده و به آن علاقه ای نشان نمی دادند.

یک ایرانی ۲۴ ساله مشغول کسب و کار

رضا از طرف یک شرکت کوچک در تهران به فروش تجهیزات ترافیک و ابزار مهندسی راه و ساختمان مشغول است. او که فارغ التحصیل دانشگاه پهلوی شیراز است، در چهار سال گذشته در تهران بسر برده و شاهد افزایش قلیل در شمار خارجیها بوده است. در حال حاضر تعداد پاکستانیها و هندیهای مقیم تهران افزایش بسیار یافته، زیرا قبلاً این گروهها به امارات واقع در خلیج فارس جهت تحصیل معاش می رفتند، ولی اکنون همه آنها به تهران هجوم آورده اند. تا بخشی از درآمد نفتی ما را نصیب خود سازند. رضا معتقد است که برخلاف گذشته تعداد آمریکاییها نیز افزایش یافته ولی از تسهیلات ویژه خارجیها بی اطلاع است (با وجود اینکه این فرد و همسرش گاهی به تلویزیون نیروهای آمریکا نگاه می کنند، ولی رضا هیچ گاه حتی با تلاش برای پی بردن به این موضوع از آن ذکری به میان نیاورد). رضا معتقد است که محل زندگی خارجیها نباید تفکیک گردد، زیرا این امر در مورد اعراب و دیگر گروههای این قاره از نظر امنیتی

مشکلات را برای دولت ایران در بر خواهد داشت.

به نظر او پروژه های ویژه مسکن در دیگر شهرهای استانی مناسب است، البته تا زمانی که تفاوت

فاحشی میان وضع زندگی آنها با وضع زندگی افراد محلی مشهود نباشد. استمپل

مصاحبه با خانم فرهنگ مهر

تاریخ: ۱۹ فوریه ۱۹۷۶

از: مشاور اقتصادی لانج شرمهرنیه: بخش سیاسی

موضوع: پروژه ویژه سیاسی طرز برخورد ایرانیان در قبال حضور آمریکاییها در ایران

اظهارات یک زن برجسته در مورد حضور آمریکاییها در ایران می تواند در تهیه گزارش شما با اهمیت

باشد.

خانم فرهنگ مهر همسر رئیس دانشگاه شیراز دیشب با من صحبت آغاز کرد و گفت شیراز اخیرا مملو

از آمریکاییها شده است و منظورش آمریکاییهایی بود که به خاطر قرارداد وستینگهاوس به این شهر وارد

شده اند. وی سؤال کرد که چرا این شرکت افراد بهتری را انتخاب نمی کند؟ بچه ها همه وحشی شده اند»، و

به ذکر چند نمونه از رفتار جوانان پرداخت که همسایگان ایرانی این خانواده های آمریکایی را آزرده است

که یکی از آنها یک جوان ۱۰ الی ۱۱ ساله است که در انظار عموم به کشیدن سیگار و خوردن مشروب

می پردازد. خانم مهر گفت شخصا نزدیک خانواده رفته و از آنها خواسته است که یا رفتار فرزندان خود را

تحت کنترل گرفته و یا به محل دیگری برای سکونت نقل مکان کنند. وی گفت این خانواده اکنون آن محله

را ترک کرده ولی معلوم نیست که آیا از کشور خارج شده و یا به آپارتمان دیگری نقل مکان کرده و آیا

محرک اصلی خود او بوده که هنوز مشخص نشده است.

اظهار نظر: متأسفانه بسیاری از کارمندان در زمینه سبک زندگی شخصی خود توجیه نشده و این سؤال

باقی می ماند که آیا شرکتها باید در زمینه رفتار عمومی و انطباق پذیری کارمندان خود را تحت کنترل داشته باشند یا نه. اگر برنامه های عمرانی اصفهان و شیراز ادامه یابد تعداد بیشتری از آمریکاییها وارد این مناطق خواهند شد و اظهاراتی شبیه آنچه خانم مهر بیان داشت پدیدار خواهد گشت، مگر آنکه شرکتها با کمک یا بدون کمک دولت آمریکا برنامه های معارفه و کنترل رفتار کارمندان خود را جدی تر دنبال کنند.

شهرمهرن

مصاحبه با دکتر مهدی هروی

محرمانه

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

مصاحبه با دکتر مهدی هروی، استاد علوم سیاسی و تحصیلکرده آمریکا در دانشگاه ملی، که قرار است به عنوان معاون رئیس دانشگاه رازی برگزیده شود. مصاحبه در حین صرف ناهار در یک رستوران انجام گرفت.

پروفسور هروی گفت حضور خارجیها بر خلاف دو یا سه سال گذشته تغییر چندانی نکرده، ولی برخلاف ده سال گذشته وی نسبت به حضور آنها مطلعتر است، طبق برآورد وی حدود ۸/۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می برند. او می گوید که قادر است یک آمریکایی را از خارجیهای دیگر تمیز دهد، ولی نحوه این کار را دقیقا نمی تواند بیان کند. وی می گوید علت آن شاید تجارب وسیع وی در خود آمریکا بوده

باشد.

نکته جالب توجه این است که دکتر هروی اظهار داشت که او و دوستانش بیش از پیش نسبت به حضور روسها در ایران آگاهی یافته اند. وی گفت این امر به خصوص در مورد دوستانش در اصفهان صادق است. بعضی از آنها معتقدند که شهر به تصرف روسها درآمده است. با این حال وی شخصا معتقد است که تعداد روسها فعالیت سفارت روسیه در زمینه اجتماعی و غیره بطرز محسوسی افزایش یافته است.

در پاسخ به این سؤال که آیا حضور بیگانگان بر زندگی وی تأثیر دارد و می گفت: «بله، از حضور آنها لذت می برم و دوست دارم با آنها باشم.» وی گفت شکی نیست که مردم گناه بالا رفتن قیمتها را به گردن آمریکاییها می اندازند. هروی گفت: «همه شما را ۱۰۰٪ در زمینه بالا رفتن اجاره خانه ها مقصر می دانند.» وی خاطر نشان ساخت که در یک مورد یک استرالیایی با دو برابر کردن اجاره بها به خانه ای نقل مکان کرد و مردم پس از شنیدن موضوع، استرالیایی را به عنوان آمریکایی خطاب کردند که باعث افزایش اجاره بها شده است.» پروفیسور هروی اظهار داشت چهار روز قبل نیز آمریکاییها خانه ای را که ۱۰۰ دلار اجاره بهای آن بود به قیمت ۱۷۵ تا ۲۰۰ دلار اجاره کرده بودند. وی گفت این میزان اجاره بها در کشور شما حائز اهمیت نیست، ولی برای ما بسیار گران است و همین امر وجهه آمریکاییها را از جنبه منفی برخوردار ساخته است.

از وی سؤال شد که آیا می توان چند محله خاص خارجیها را نام برد و وی از حوزه خلیج، مدرسه آمریکایی تهران و بیمارستان آمریکایی یاد کرد. وی در مورد این محل ها نظر خاصی ندارد، فقط در مورد حوزه خلیج اظهار می دارد که ایرانیها مایلند بیش از پیش از آنجا استفاده کنند. با این حال وی با این کار موافق نیست، چون اختلاط این کار آنها در می خانه سبب بروز همه گونه مشکلات خواهد شد.

دکتر هروی گفت هرگز به برنامه های تلویزیون «چه آمریکایی و چه ایرانی» توجهی ندارد. با این حال

معمولاً به برنامه های رادیو آمریکا در اتومبیل خود گوش می دهد چون: «این برنامه را بیش از برنامه رادیویی ایران دوست دارم. البته کیفیت آن مشابه کیفیت آمریکایی آن نیست، ولی من آن را دوست دارم چون دروغ پردازی در آن نیست.»

وی در ادامه گفت اعتبار و شهرت مهمترین مسئله تلویزیون ایران است، ولی بنا به گفته او بعضی از دوستانش از برنامه های جدید و بین المللی تلویزیون ایران تعریف کرده اند. وی گفت بسیاری از جوانان به رادیوی آمریکا گوش می دهند، چون موسیقی آن نسبت به موسیقی رایج در رادیو ایران معاصرتر و جهانی تر است.

از طرف دیگر بسیاری از دانشجویان جناح چپ احساس می کنند که حضور تلویزیون آمریکا به معنی «استعمار» این کشور است. وی گفت تعدادی از دانشجویانش این موضوع را به وی گوشزد کرده اند. از او سؤال کردم که آیا به نظر او درست است که با در نظر گرفتن روابط ایران و آمریکا این برنامه حذف شود؟ او نیز پس از قدری تأمل گفت: «البته اگر آن را حذف کنید، این دانشجویان چیز دیگری از جمله مجله آمریکایی و یا مرکز فرهنگی را به عنوان امپریالیسم آمریکا مورد انتقاد قرار خواهند داد.» در زمینه رویدادهای ناخوشایند وی گفت به یاد می آورد که: «به یک پسر آمریکایی در یک می خانه واقع در سلطنت آباد چاقو کشی شد و یک ایرانی نیز در یک هتل دیگر با یک خارجی وارد منازعه شد و چون گمان می کرد که او به همسرش خیره شده است.» با این حال هر وی نمی دانست که این فرد خارجی

آمریکایی است یا نه. وی گفت تصور می کند که افزایش حضور خارجیها در ایران بروز این وقایع را تشدید خواهد کرد.

وی شخصا به حضور نظامیان آمریکا واقف نیست، ولی دانشجویان چپگرا و لیبرال از آن اطلاع دارند. نسل جوانتر که حضور نظامیان آمریکا را در اینجا احساس می کنند و دانشجویان با وی در این زمینه ها سخن گفته اند. در پاسخ به سؤالی در زمینه رانندگی، هروی گفت: «آمریکاییها نیز یاد گرفته اند مانند ما رانندگی کنند» و این موضوع سبب رنجش خاطر بسیاری از ایرانیها شده است. همه احساس می کنند که آمریکاییها به جای اکتساب عادات خوب، تنها عادات بد ما را می گیرند، وی گفت ایرانیها خطاهای دیگر ایرانیها را در زمینه ترافیک نادیده می گیرند ولی نمی توانند از خطاهای آمریکاییها بگذرند.

پروفسور هروی معتقد است که اشکالی در مورد نحوه لباس پوشیدن آمریکاییها وجود ندارد و واقعیت این است که فرزندانمان سعی دارند مانند آنها لباس تن کنند.» وی افزود این امر نیز موجب رنجش خاطر ایرانیهای مسن تر و سنتی تر می شود و هنگامی که فرزندان خود را در شلوار جین و با موهای بلند می بینند سؤال می کنند که چرا «عادات بد آمریکاییها را جذب می کنید؟»

از پروفسور هروی پرسیدم که ایرانیها چه عادات خوبی دارند که آمریکاییها باید آنها را کسب کنند، وی با قدری تأمل گفت: «خوب، مؤدب بودن بیش از حد ما.» وی گفت وقتی که میزبان به مهمانان خود چای تعارف می کند انتظار دارد که یکی از آنها اولین فنجان را بردارد. ولی در همان حال انتظار دارد که او آن را به خود او تعارف کند. مسئله تعارف همیشه در این گونه مراودات شخصی معمول است و میزبان هنگام صرف چای خواستار صورت گرفتن مکالمه ای هر چند محدود است. دکتر هروی اظهار داشت که چند تن از ایرانیها در مورد این عادت بد آمریکاییها یعنی قرار دادن پا بر روی میز سخن گفته اند. این امر در فرهنگ ایرانی کاملاً ممنوع است.

به محض مطرح شدن مسئله اسکان آمریکاییها در محله ای خاص، دکتر هروی گفت کاملاً با این موضوع مخالف است، به او گفتم چطور است که گروه کوچک نظامیان آمریکایی به محوطه خاص جهت زندگی نقل مکان پیدا کند. وی گفت نظامیان در حال حاضر در شمال شهر پراکنده شده و هیچ کس به آنان توجهی ندارند. ولی اگر آنها را به محله خاصی ببرند توجه همگان جلب خواهد شد. این امر بنوبه خود مردم را متوجه تجهیز نظامی ایران و هزینه سرسام آوری که صرف آن می شود می کنند. به همین دلیل این کار اشتباه است. وی افزود مردم نسبت به وجود یک جامعه جذاب آمریکایی حسادت خواهند کرد. در این موقع موضوع کمیسری آمریکایی پیش کشیده شد. پروفیسور هروی گفت خیلیها به آمریکاییها حسادت می ورزند. زیرا آنها از اجناسی برخوردارند که بهتر از چیزهایی است که در اختیار ایرانیهاست.

وی گفت حسودترین ایرانیها کسانی هستند که در آمریکا تحصیل کرده اند و برداشت وی این است که هرکس که یک پاسپورت آمریکایی داشته باشد می تواند به کمیسری راه یابد. او گفت که این موضوع صحت ندارد.

کلاً دکتر هروی احساس می کند، حضور آمریکاییها امروز مسئله حادی را ایجاد نموده است. وقتی که در مورد امکان افزایش حضور آمریکاییها صحبت می کردیم، او گفت بهتر است که این افراد در سرتاسر کشور پخش شوند. اگر یک گروه این چنین بزرگ حتی در شهری بزرگ چون تهران متمرکز شود در دسرهایی را پدید خواهد آورد.

وی گفت: «یک گروه خاص امروزه برخلاف گذشته حضور آمریکاییها را احساس کرده و از آن انتقاد می کنند. این گروه را کلاً دانشجویان تشکیل می دهند. معمولاً از زبان آنها می شنویم که تمام این آمریکاییها به اینجا آمده اند تا پول در بیاورند و هیچ کاری برای ما انجام ندهند.»

بعضیها می گویند که تعدادی از این آمریکاییها بازنشسته های نظامی هستند که حقوق گزافی دریافت می دارند. ولی کاری انجام نمی دهند. دانشجویان علاوه بر این گمان می کنند که درصد زیادی از امریکاییهای مقیم اینجا اعضای سازمان سیا هستند.

مصاحبه با روزنامه نگار شول بخش (SHAUL BAKHASH)

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

مصاحبه با روزنامه نگار شول بخش (SHAUL BAKHASH)

تاریخ ۲۲ فوریه در حین صرف ناهار در یک رستوران

آقای بخش گفت احساس می کند که اقدامات سفارت در زمینه تحقیقی و تفحص پیرامون این موضوع بسیار بجاست. در پاسخ به این سؤال که آیا حضور بیگانگان در این کشور برای او محسوس است یا نه؟

وی جواب مثبت داد و گفت این مسئله در فروشگاهها، رستورانها و محل‌های اسکی و دیگر اماکن عمومی محسوس تر است. او شخصا به این موضوع واقف است. چون در نزدیکی خیابانهای میرداماد و جردن زندگی می‌کند که خارجیهای بسیاری در حال نقل مکان به آنجا هستند. با این حال در همان موقعی که آقای بخش به این سؤال پاسخ می‌داد هر دو به این نتیجه رسیدیم که اکثر افرادی که تا بحال مورد مصاحبه واقع شده‌اند. برای این کار مناسب نبوده‌اند. بنا به گفته وی این افراد کسانی هستند که در اروپا و آمریکا و تجارب زیادی کسب کرده‌اند و به همین دلیل تأثیر حضور خارجیها چه مثبت و چه منفی نفی بر زندگی آنها نمی‌تواند چندان مهم باشد؛ درست برعکس ایرانیهایی که هرگز به خارج از کشور پا نگذاشته‌اند. در پاسخ به این سؤال که چند آمریکایی در تهران زندگی می‌کنند، وی گفت ۲۰۰۰۰ نفر. وی گفت معمولاً قادر است با مشاهده رفتار و شنیدن لهجه یک خارجی بگوید که او آمریکایی است یا نه. در پاسخ به این سؤال که آیا بیگانگان تأثیری در زندگی او دارند یا خیر؟ وی گفت که آنها یک تأثیر مثبت دارند. یک فروشگاه واقع در محله آنها اکنون به سوپرمارکت تبدیل شده و نیاز خارجیها را تأمین می‌کند. در این فروشگاه کالاهایی یافت می‌شود که در نقاط دیگر شهر غیر قابل دسترسی است به این ترتیب زندگی بخش، از غنای خاصی برخوردار شده است. در این لحظه وی اظهار داشت که گویا نخست وزیر گفته است که فروشگاههای سنتی ایران را به سوپرمارکتها ترجیح می‌دهد، چون سوپرمارکتها با وجود اجناس بیشمارشان چشمداشتهای مردم را بالا می‌برند و نخست وزیر امیدوار است که دولت بتواند این انتظارات را برآورده سازد.

در بحث پیرامون عکس العمل موجود در قبال خارجیها، بخش گفت که به نظر او مهمترین تأثیر منفی ناشی از میزان اجاره بهای منازل است. وی گفت فعلاً افزایش میزان اجاره بها را مستقیماً به گردن خارجیها می‌اندازند، چون اجاره کردن محل سکونت برای ایرانیها یک امر واهی شده است. او می‌گوید که اغلب اظهاراتی منفی در مورد خارجیها می‌شود، به طور مثال در صف اسکی شنیده است که مردم

می گویند «من که برای اسکی به آلپ نمی روم؛ چرا آنها به اینجا می آیند وصف اسکی ما طویلتر می کنند؟

«وی گفت حضور خارجیها مسئله کمبود خدمتکار را پیش کشیده و تسهیلات عمومی نیز مورد استفاده

اعضاء طبقات بالای اجتماع قرار می گیرد.

در رابطه با تسهیلات ویژه خارجیها، وی از کمیسری آمریکا، چند کلوپ و حوزه خلیج یاد کرد. با این وصف وی احساس می کند که وجود این گونه تسهیلات نیز دارای همان جنبه منفی می باشد. قبلاً اکثر ایرانیها از فروش اجناس ویژه در این مکانها احساس ناراحتی می کردند، ولی امروزه این اقلام از جمله مواد غذایی برای اکثر مردم موجود است. یکی از مهمترین نکات نگران کننده این احساس است که خارجیها بیش از ایرانیها در کارهای مشابه حقوق دریافت می دارند، در حالی که صلاحیت آنها نیز ممکن است بیش از صلاحیت همتاهاى ایرانیشان نباشد. بعنوان مثال وی گفت مهندسین مشاور گاهی کارمندان خود را از اروپا و آمریکا وارد می کنند تا جایگزین ایرانیانی شوند که از همان صلاحیتها برخوردارند و حتی در همان دانشگاهها تحصیل کرده اند. بخش گفت این شکوائیه ها را می توان در میان ایرانیهای تحصیل کرده و صلاحیت دار نیز شنید.

بخش همچنین یادآور شد که ایرانیها بین خارجیها نیز تفاوت قائل می شوند. وی گفت اغلب به کلوپ تهران می رود که محل آمد و شد افراد انگلیسی است و متوجه شده است که امروزه این محل مملو از انگلیسیهایی است که فاقد تحصیلات کافی بوده و لهجه بسیار نامناسبی نیز دارند. وی گفت اینها همان تکنوکراتهایی هستند که برای به جیب زدن پول به اینجا می آیند. وی گفت همین موضوع در مورد آمریکاییها نیز صادق است.

سؤال شد که نظرش در مورد سه برابر شدن تعداد آمریکاییها در این کشور چیست؟ او با حالتی بسیار افسرده گفت، بهتر است با دقت بیشتر کار کنید.» وی بار دیگر گفت این تحقیق بسیار عاقلانه است ولی خاطر نشان ساخت که آمریکاییها دارای طرز برخوردی بسیار تهاجمی بود، و این روحیه می تواند باعث بروز مشکلاتی جدی گردد. وی گفت: «بهتر است میزان جامعه مقیم آمریکایی اینجا را محدود سازید.»

وی افزود جامعه کنونی به حد اشباع نرسیده و او نمی داند که نقطه اشباع آن کدام است «ولی بدون شک این نقطه اشباع وجود دارد.» حد اشباع مستقیماً به روابط بین دولتین و تغییرات آن بستگی دارد، اگر تشنج در سطوح عالی پدیدار شود، حد اشباع نیز دستخوش تغییر و تأثیر خواهد شد.» وی همچنین یادآور شد که اگر تشنجهای و بحرانهای داخلی رشد کند، اقتصاد کشور آسیب خواهد دید، و اگر کمبودی پدیدار شود مشکلات ظاهر خواهد شد. وی به خصوص گفت اگر در میان ایرانیها بیکاری ایجاد شود، همان طور که تعداد آمریکاییها افزایش می یابد، این امر می تواند باعث بروز کشمکشهای وخیمی شود زیرا مردم خواهند دانست که آمریکاییها شغل‌های آنان را از دستشان گرفته اند وی گفت: «این وضع می تواند نتایجی بسیار جدی به دنبال داشته باشد.»

وی گفت گسترش و جهان شمولی ایران هر چه باشد، روحیه ایرانی جنبه استانی دارد. به طور مثال اگر یک ایرانی به انگلستان یا آمریکا سفر کند، شهروندان این کشورها توجه نمی کنند که برداشت آن ایرانی از فرهنگ و تاریخ انگلستان یا آمریکا چگونه است. ولی در اینجا موضوع فرق می کند. در اینجا نوعی خود آگاهی وجود دارد و مردم خواهان محترم شمردن این جامعه از طرف دیگران هستند. به همین دلیل وی معتقد است که قبل از هر چیز باید تازه واردین را با فرهنگ و تاریخ ایران آشنا ساخت. ولی با اشاره به سه برابر شدن جامعه آمریکایی مقیم ایران گفت باید در قبال آن اقداماتی انجام داد و دولت من باید مانند دولت شما در مورد این مسئله نگران باشد و به آن توجه بیشتری مبذول نماید.

در رابطه با رادیو و تلویزیون، وی گفت که شخصا به برنامه های هیچ کدام گوش نمی دهد (او به نوشته ها علاقه مند است). با این حال دوستانش برنامه های تلویزیون آمریکا را می بینند. وی معتقد است که در حال حاضر بخش خارجی برنامه ها نمی تواند مشکلی را در رابطه با برنامه «فرهنگی امپریالیسم» در خاک ایران پدید آورد. ولی در صورتی که مشکلاتی در زمینه بین ملتین یا بین دولتین پدید آید، وجود استودیوی بخش برنامه های نیروهای مسلح آمریکا می تواند به بحران دامن بزند. بخش همچنین اظهاراتی را در مورد یک نکته مثبت بیان داشت وی گفت در صحبتی که با هوشنگ مهر آئین از انجمن ایران و آمریکا داشت و نتیجه نیز درج یک مقاله بسیار مثبت در کیهان بود، مهر آئین به بخش گفته بود «از آنجا که من عمیقاً به دموکراسی ایمان دارم، می خواهم مراکزی چون انجمن ایران و آمریکا در این کشور بیشتر گسترش یابد. نهادهایی این چنین شخصیت و غرور انسانی را حفظ کرده و نوعی سپر ایمنی برای ما نیز محسوب می گردد.

بخش گفت نمی داند که آیا واقعه ای ناگوار بین ایرانیها و آمریکاییها رخ داده یا خیر. وی نسبت به نحوه راندگی امروزی آمریکاییها در تهران حساسیت نشان داد و گفت این امر مشکلاتی را پدید خواهد آورد؛ ولی این احساس وی چندان تند نیست.

هنگامی که از وی خواسته شد تا در مورد تفکیک محل سکونت خارجیها نظر بدهد وی گفت کاملاً با این امر حتی در مورد نظامیان آمریکایی مخالف است. «این بدترین کاری است که می توان انجام داد.» وی خاطر نشان ساخت که حضور نظامیان آمریکایی در ایران برای وی محسوس نبوده ولی با تفکیک محل زندگی آنها شناسایی آنها با سهولت بیشتر صورت خواهد گرفت. وی گفت: « شما نه تنها با این کار این سهولتها را پدید می آورید بلکه سبب تحریک حسادت بسیاری از ایرانیها می شوید چون مجبورید برای آمریکاییها امکانات و تسهیلات ویژه ای برپا کنید.»

۲۴ فوریه ۱۹۷۶ طبقه بندی نشده

از: مشاور سیاسی آرچی ام. بولستر

موضوع: حضور آمریکا در ایران شهرام چوبین

به عنوان یک ایرانی تحصیلکرده در خارج (که دارای درجه دکترا در روابط بین الملل از دانشگاه کلمبیاست) چوبین را نمی توان الزاماً یک ناظر فاقد تعصب دانست. هنگامی که به ایران آمد تا به مؤسسه مطالعات اقتصادی و سیاسی بین المللی بپیوندند، چوبین تا حدودی به زبان فارسی و تکلم با آن آشنا بود، ولی قادر به خواندن و نوشتن آن نبود. بنابراین می توان گفت که وی بیشتر نسبت به مشکلات خارجیها در ایران ابراز همدردی می کند. چوبین خاطرنشان ساخت که ایرانیها معمولاً وجود خارجیها را تحمل کرده و حضور آنها در ایران برایشان عادی شده است. اروپاییها و آمریکاییها آشکارتر از دیگر خارجیها می باشند، و بیشتر توجه ها به آمریکاییها معطوف می گردد. چون ایرانیها می دانند که آمریکا بیش از هر کشور دیگر قادر به اعمال نفوذ در روند وقایع ایران است. مهمترین احساس تنفر افراد حرفه ای ایرانی علیه آمریکاییها ناشی از این واقعیت است که متخصصین آمریکائی اغلب از حقوق بسیار گزاف برخلاف ایرانیها برخوردارند، و این موضوع حتی در مورد ایرانیها و آمریکاییهای تحصیلکرده در یک دانشگاه نیز صادق است. یکی دیگر از ناراحتیهای ایرانیان این است که اکثر افرادی که وارد ایران می شوند با وضع این

کشور بیگانه، هستند «مزدورانی» در اینجا به سر می برند که هدفشان صرفاً پول در آوردن است و به هیچ وجه سعی نمی کنند طرز فکر ایرانیها را درک کنند. بهرام چوبین و یکی دیگر از همکارانش که در بخشی از مصاحبه حضور داشت (فریدون فشارکی) معتقدند که وابستگی ایران به مستشاران خارجی افزایش خواهد یافت. این امر به خصوص زمانی واقعیت پیدا می کند که می بینیم که ایران آن چنان تسلیحات پیشرفته ای را از آمریکا خریداری می کند که تعمیر و نگهداری آنها توسط ایرانیها ممکن نیست. هر دوی آنها معتقدند که این وضع مشکل بسیار جدی را در روابط ایران و آمریکا پدید خواهد آورد، چون ایرانیها عموماً می خواهند که وابستگی آنها به بیگانگان به تدریج کاهش یابد. اگر این امر تحقق نیابد، سرخوردگیهای بسیار شدیدی پدیدار گشته و منجر به پیدایش احساسات ضد بیگانه، به خصوص علیه آمریکا و آمریکاییان خواهد شد. بولستر

مصاحبه با باری چوبین از شرکت ملی نفت ایران

تاریخ: ۱۰ مارس ۱۹۷۶محرمانه

از: مشاور اقتصادی آقای پاترسونبه: مشاور اقتصادی آقای بروین

موضوع: طرز فکر ایرانیها در قبال حضور آمریکا

مصاحبه با باری چوبین از شرکت ملی نفت ایران

پاسخ به سؤالات به شرح زیر است:

۱ حضور خارجیها در ایران در حال حاضر محسوستر از دو یا سه سال گذشته نیست و فقط تعداد

سیاحان افزایش یافته است.

ملیتهایی که بیش از دیگران برای وی محسوس است عبارتند از انگلیسی، آمریکایی و فرانسوی. وی

گمان می کند که حدود ۴/۰۰۰ آمریکایی در تهران زندگی می کنند، اما پس از تکرار سؤال وی گفت هرگز

به فکر شمارش تعداد وابستگان نیفتاده و فقط کارمندان خارجی را در نظر گرفته است او نمی داند که تعداد وابستگان خارجیها در چه حدود است. وی گفت قطعا می تواند بگوید که کدام یک از خارجیها آمریکایی است. زیرا بنا به گفته او: «من با آنها بزرگ شده ام و با طرز راه رفتن، صحبت کردن لباس پوشیدن و غیره آنها آشنا هستم.»

۲ وی گفت تا به حال به این نیندیشیده است که آیا حضور خارجیها بر زندگی او یا خانواده و دوستانش تأثیری دارد و یا نه. وی گفت به طور کلی خارجیها صحنه تهران را دلپذیرتر می سازند.

۳ وی گفت در زمینه تسهیلات ویژه خارجیها تنها از حوزه خلیج و کمیسری خبر دارد، و خوشحال است که خارجیها دارای این گونه مکانهای ویژه هستند و خیلی مایل است که خود او نیز بتواند به این نقاط وارد شود. با این حال، هیچ گاه از وجود این گونه تأسیسات منجر نیست. وی گفت تنها به برنامه های تلویزیونی و رادیویی مخصوص آمریکاییها گوش می دهد و معتقد است که این برنامه ها باید ادامه یابد.

شنیده است که رویدادهای ناخوشایند بسیاری بین خارجیها و ایرانیان به وقوع پیوسته، ولی به استثنای یک مورد از جزئیات آنها اطلاعی ندارد. در عوض، می تواند بگوید که این رویدادها بیشتر با شرابخوارگیها مربوط بوده اند. مورد استثنایی مربوط به دو آمریکایی تازه وارد بود که خود را کارمندان انستیتو هودسون، ا.بی.سی و یک آژانس دولتی ژاپنی معرفی کرده بودند. مدتها قبل **USIS** تلگرافی به واشنگتن در مورد این واقعه فرستاد، و این دو خارجی در دفتر کار آقای چوبین به وی گفته بودند که به

خاطر افزایش قیمت‌های نفتی «روزی خواهد رسید که از این پنجره به بیرون نگاه کنید و متوجه شوید که آسمان مملو از هواپیماها و خلبانهاست.» این مسئله در ذهن چوبین باقی مانده است.

آقای چوبین گفت در مورد خارجی‌های مقیم ایران نشنیده است که درگیر رویدادهای ناخوشایند شده باشند. ولی وی اذعان داشت که شاید تغییراتی پدید آمده در میزان آگاهی و روش زندگی سبب این عدم آگاهی شده باشد.

۴ وی معتقد است که برای خارجی‌ها و ایرانی‌ها بهتر است که خارجی‌ها همراه با طبقات مختلف جامعه ایران زندگی کنند نه در محوطه‌های مجزا. تفکیک محل زندگی نوعی «خود منزوی سازی» است و اگر در اطراف یک گروه خاص مرزی ایجاد کنید مورد توجه و انزجار واقع خواهند شد. وی گفت در زمینه گروه‌های بزرگی از خارجی‌ان و اسکان آنها در شهرهای استانی نیز دارای همین نظر است. وی گفت برای «او مهم نیست» که تعداد خارجی‌ها دو یا سه برابر شوند.

چوبین نیز مانند بسیاری دیگر از ایرانی‌ها گناه بالا رفتن غیر منتظره اجاره مسکن را متوجه خارجی‌ها می‌داند. او می‌داند که علت اصلی کمبود عرضه است؛ اما با وجود مشکلات عملی بر سر راه این مسئله، وی معتقد است که تمام جوامع خارجی گرد هم خواهند آمد و خواهند گفت که آری بیشترین میزان اجاره بها را آنان با کمال میل پرداخت کرده و می‌کنند. علاوه بر این او نیز معتقد است که مالکین ایرانی بین مستأجرین خارجی و ایرانی تبعیض قائل می‌شوند (چون می‌ترسند که اگر خانه را به یک ایرانی اجاره دهند او برای مدتها در آنجا بماند و نقل مکان نکند).

دیدگاه چوبین بیشتر جنبه شخصی و فلسفی دارد. به طور مثل وی تأکید دارد که گروه‌های مختلف باید با یکدیگر مراد داشته باشند تا سلامت آنها از طریق این آشنایی تضمین گردد. ولی چوبین تحصیلکرده انگلستان و آمریکاست و بخش اعظم زندگی‌اش را در آن کشورها سپری کرده است. زبان انگلیسی زبان

مادری او محسوب می شود و خیلی بهتر از زبان فارسیاش می باشد. چنین به نظر می رسد که اکثر افرادی که تا بحال با آنها مصاحبه داشته ایم سر و ته یک کرباس باشند. اگر این مسئله صحت داشته باشد، باید بگویم که این عمل بی فایده است. من معتقدم که بخش اعظم این جامعه بسیار سنتی و مذهبی است و احساسات ضد بیگانگان در آن شدید است.

مصاحبه با آقای رحیمی نژادی

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۷۶محرمانه

از: مشاور اقتصادی لین لامبرته: مشاور اقتصادی دیوید ئی وستلی

موضوع: طرز فکر ایرانیها در قبال حضور آمریکا: مصاحبه با آقای رحیمی نژادی

از شرکت کشتیرانی یا حمل و نقل تی.تی.تی

پاسخ سؤالات به شرح زیر است:

۱ حضور بیگانگان در ایران در حال حاضر برای او محسوستر از دو یا سه سال قبل است با این حال،

معتقد است که حضور خارجیها مفید است، چون علاوه بر تکنولوژی لازم جهت برنامه های عمرانی ایران

کارگران ماهری را که در این کشور به خصوص در بخش ساختمانهای کم است تأمین می کنند. وی معتقد

است که حضور خارجیهایی که قبلاً در کشورهای دیگری زندگی کرده اند، مفیدتر از حضور آمریکاییهای

تازه از آمریکا خارج شده در ایران است. معتقد است که آن دسته از خارجیهایی که در رویدادهای داخلی

شرکت می کنند و عادات و رسوم ایرانیها را اقتباس می کنند، بهتر از دیگران در ایران زندگی کرده و مورد احترام مردم واقع می گردند. بنا به اعتقاد او آمریکاییها و کره شمالیها بخش اعظم خارجیهای مقیم تهران را تشکیل می دهند و طبق برآوردی حدود ۱۰/۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می برند. وی مدعی است که با مشاهده لباس، ظاهر، و رفتار یک خارجی می تواند آمریکایی بودن یا نبودن وی را تشخیص دهد. علاوه بر این قادر است اتباع اروپای شمالی را از اتباع جنوب اروپا تمیز دهد، ولی نمی تواند کشور هر یک را مشخص نماید.

۲ حضور خارجیها بر زندگی او، خانواده و دوستانش تأثیر خاصی ندارد. در مورد تسهیلات ویژه خارجیها، وی گفت که تنها از کمیسری آمریکایی خبر دارد، ولی در مورد آن نظری ندارد. اغلب اوقات به برنامه های رادیو و تلویزیون آمریکا گوش می دهد، خواستار ادامه کار آن است و امیدوار است که در محتوای آنها بهبودی حاصل گردد. فرزندان آقای نژادی در مدرسه خارجیها درس می خوانند و به برنامه های آمریکایی گوش می دهند تا در زبان انگلیسی پیشرفت کنند.

او می داند که بین ایرانیها و خارجیها اتفاقات ناگواری رخ داده است. او مدعی است که اکثر این رویدادها ناشی از شرابخوارگیهای آمریکاییهای طبقه پایین اجتماع و رفتار تهاجمی آنها در قبال ایرانیها می باشد. وقوع این اتفاقات در سالهای اخیر افزایش یافته، ولی اقلیت کوچکی از آمریکاییهای مقیم ایران را شامل می گردد.

۳ آقای نژادی معتقد است که خارجیها باید با نحوه زندگی انطباق پیدا کنند، چون هر دو طرف باید از فرهنگ یکدیگر مطلع شوند. وی معتقد است که ایجاد محیطهای زندگی جداگانه مشکلات فرهنگی را به وجود خواهد آورد و منافع ناشی از تبادل بین المللی را از بین خواهد برد. طرز فکر او در قبال ایجاد این محله ها چه در تهران، شیراز و یا دیگر استانها یکسان است. وی از ورود خارجیهای بیشتر در پنج سال

آینده در زمینه مهارتها و کمک برنامه های عمرانی ایران استقبال می کند. وی خواستار آن است که خارجیا بیشتر با فرهنگ ایرانی آشنا شوند، و تنها کسانی به ایران فرستاده شوند که علاقه مند به زندگی بین المللی و فراگیری فرهنگ ایران هستند.

لامبرت

مصاحبه با بهروز شاهنده

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۷۶محرمانه

از: آلبرت اس. چاپمنه: بخش سیاسی جان استمپل

موضوع: بررسی غیر رسمی طرز فکر ایرانیها در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

آقای بهروز شاهنده

پاسخ به سؤالات به شرح زیر است:

۱ بلی، حضور خارجیا در ایران بیش از ۲ یا ۳ سال قبل محسوس است. البته او آمریکاییها را در میان آنها بیشتر دیده و اخیرا آلمانی و آسیای شرقیا را نیز مشاهده کرده است. وی تصور می کند که حدود ۱۰۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می برند. بلی، او می تواند بگوید که یک خارجی آمریکایی است یا نه و برای این کار از ظاهر (لباس، رنگ پیراهن) اخلاق و صدای او استفاده می کند.

۲ خیر، حضور خارجیا بر زندگی وی یا خانواده و دوستانش تأثیر مستقیم ندارد. ولی، حضور

خارجیها به طور غیر مستقیم بر حیات ایرانیها تأثیر می گذارند، مثلاً سبب کمبود مسکن اجاره ای شده است. وی گمان می کند که در ابتدای کار استقرار شرکتهای خارجی در تهران در سالهای اخیر، به علت جستجوی تهاجمی آنها برای مسکن و وسیله حمل و نقل، قیمت این امکانات به سرعت افزایش یافته است. بسیاری از صاحبخانه های ایرانی ترجیح می دهند که منازل خود را به خارجیها اجاره دهند. چون بالاخره خارجیها این منازل را ترک کرده و آنان نیز به خانه های خود می رسند. از تسهیلات ویژه خارجیها تنها می تواند به ذکر نام حوزه خلیج پردازد. وجود این مکان برای وی مهم نیست، ولی نقش آن به انزوا کشاندن آمریکاییهاست. وی معتقد است که این گونه تسهیلات سبب بروز عکس العمل ایرانیها می گردند. وی اغلب به برنامه های تلویزیون و رادیویی آمریکا گوش فرامی دهد. اغلب اوقات نیز در اتومبیل خود به رادیویی آمریکا احتمالاً به خاطر موسیقی آن گوش می دهد. علاوه بر این دوست دارد ورزش و فیلمهای آمریکایی را از طریق این تلویزیون ببیند. (آقای شاهنده سالهایی از عمر خود را در آمریکا گذرانده است او می داند که بین ایرانیها و خارجیها مسائل ناخوشایندی به خصوص در رابطه با زندگی آپارتمانی، بلند صحبت کردن و سوء تفاهم ناشی از عدم آشنایی به زبان پدید آمده است. او در این زمینه از انگلیسیها یاد کرد، ولی معتقد است که همه خارجیها با این گونه مسائل روبرو هستند که این وقایع بیشتر در روزهای ملی آنها رخ می دهد. وی معتقد است که این رویدادها افزایش یافته چون شکایات بسیاری را شنیده است.

۳ وی دوست ندارد که خارجیها در محل زندگی منفکی به سر برده و در همانجا کار و زندگی کنند.

وی معتقد است که این کار سبب پیدایش خصومت بین طرفین می گردد در حالی که هدف اصلی آن کاهش اصطکاک بوده است. ایجاد این گونه محیطها بدین معنی است که خارجیها و ایرانیها یکدیگر را نمی پذیرند و نمی توانند در کنار یکدیگر زندگی کنند. اگر قرار باشد گروه های بزرگ از خارجیها در شهرهای استانی اسکان یابند، وی اعتراضی ندارد، ولی امیدوار است که تعداد آنها دستخوش افزایش آنچنانی شود. وی

معتقد است که خارجیها از استقبال طبیعی ایرانیها محروم مانده اند. زیرا آنها پا را فراتر از تسهیلات فراهم آمده برای تأمین نیاز خود به خصوص در زمینه مسکن گذاشته اند. اگر تعداد خارجیها دو یا سه برابر شود، خوشایند نیست. چون تسهیلات ایجاد شده برای آنها از هم اکنون دچار تراکم شده و موجب بروز تنشجاتی میان خود و ساکنین محلی گشته است.

مصاحبه با علی قاضی، رئیس بخش دریافت اطلاعات کامپیوتری سازمان برنامه و بودجه

تاریخ: ۱۵ مارس ۱۹۷۶محرمانه

از: ا.اس. چاپمنبه: جان استمپل

موضوع: طرز فکر ایرانیها در قبال حضور آمریکا

مصاحبه با علی قاضی، رئیس بخش دریافت اطلاعات کامپیوتری سازمان برنامه و بودجه دولت ایران

۱ آقای قاضی گفت که حضور خارجیها بیش از دو یا سه سال قبل برای او محسوس است و بیش از همه از حضور آمریکاییها با خبر است، ولی می داند که تعداد بسیاری از اروپائیها نیز در اینجا به سر می برند. وی معتقد است که حدود بیش از هفت هزار آمریکایی در تهران زندگی می کنند و معمولاً با شنیدن لهجه یک خارجی، قد و قامت و طرز لباس پوشیدنش می تواند بگوید این فرد آمریکایی است یا خیر.

۲ خیر، معمولاً حضور خارجیها بر زندگی او، خانواده و دوستانش هیچ گونه تأثیری نداشته است. وی گفت که شخصا با یک شرکت آمریکایی همکاری نزدیک دارد و خانواده‌هایشان اغلب با یکدیگر دیدار

می کنند. معمولاً آمریکاییها دوست دارند در محیط خودشان مروده داشته باشند. او از وجود تسهیلات ویژه خارجیها در تهران مطلع است و گفت که می داند که یک کلوپ آمریکایی در نزدیک خیابان دروس وجود دارد (ولی نام کلوپ را نمی دانست و نیز خبر نداشت که حتی ایرانیها نیز می توانند در آن عضو شوند). وی گفت: «بنابه تصور من این کلوپها نباید در انحصار خارجیها باشد. چون این کار در کشور شما مجاز نیست». وی گفت که اغلب به رادیو آمریکا گوش می دهد، چون او و همسرش هر دو به موسیقی پاپ علاقه مندند. ولی به برنامه تلویزیون آمریکا گوش نمی دهیم چون باید آنتن ویژه داشته باشیم. وقتی از وی سؤال شد که آیا به نظر او کار تلویزیون و رادیوی آمریکا در اینجا باید ادامه پیدا کند، وی پس از قدری تأمل گفت باید تحت نظارت رادیو و تلویزیون ملی ایران قرار گیرند. در پاسخ به سؤال مربوط به رویدادهای ناخوشایند بین آمریکاییها و خارجیهای مقیم اینجا وی گفت مطالب بسیاری شنیده است. وی گفت به نظر او آمریکاییهای مقیم تهران قابل تقسیم به دودسته هستند: «آمریکاییهای تحصیل کرده که مزاحمتی فراهم نمی کنند، اما در بعضی از موارد آمریکاییهای تحصیل کرده که مزاحمتی فراهم نمی کنند، اما در بعضی از موارد آمریکاییهای طبقه کارگر قادر به انجام یک گفتگوی منطقی با ایرانیها هستند، و گاهی نیز لحن بیانشان از جنبه ناخوشایندی برخوردار می شود. او نمی داند که بجز آمریکاییها، خارجیهای دیگر نیز در این رویدادها دخیل بوده اند یا نه، اما گمان می کند که مشکلاتی در رابطه با آنها نیز وجود داشته است. وی معتقد است که این وقایع در سالهای اخیر بسیار کاهش یافته است.

۳ او عمیقاً معتقد است که خارجیهای مقیم تهران باید در سرتاسر شهر پراکنده شوند، در غیر این صورت انزوای آنان شدیدتر می شود و امکان تماس بیشتر و پیدایش اصطکاک افزایش می یابد. وی می گوید که حتی اگر قرار بر افزایش تعداد خارجیها باشد باز هم باید اصل پراکندگی در میان آنان رعایت شود، چون معتقد است که ایران به تکنولوژی غرب احتیاج دارد بنابراین خارجیها باید به ایران آمده و

شرکتهای مدرن را به راه بیندازند. «انتقال مؤثر تکنولوژی به ایران تنها از طریق زندگی هماهنگ خارجیها و ایرانیها ممکن می گردد و انفکاک محل زندگی نمی تواند تماس لازم را بین آنها پدید آورد.»

مصاحبه با آقای مهابی، رفتگری که در جنوب خیابان نادری کار می کند

محرمانه

آقای مهابی، رفتگری که در جنوب خیابان نادری کار می کند

این فرد بین ۵۵ تا ۷۰ سال دارد و مدت ۲۵ سال است که در شغل حاضر کار می کند. عقاید و نظارت وی در واقع با چهارچوب روشنفکرانه تحقیق ما منطبق نیست، ولی از آنجا که این نظریات ممکن است نمایانگر نظریات بسیاری از ایرانیهای طبقه پایین باشد، آن را از نظر شما می گذرانم:

مهابی معتقد است که تعداد خارجیها در تهران احتمالاً بیشتر شده است، ولی به خاطر کثرت تعدد

نمی توان شمار آنان را مشخص نمود کثافتکاری همه بیشتر شده است، خصوصاً جوانان ایرانی که

آشغالهای خود را از ماشینها بیرون می ریزند. ولی خارجیها هیچ گاه خیابانها را کثیف نمی کنند. خارجیها

برای او مزاحمتی ایجاد نمی کنند. آنها واقعا مانند بعضی از مقاماتی که او می شناسد بد نیستند و او امیدوار

است که بعضی از آمریکاییها نیز به محله وی نقل مکان کنند، چون دوستانش که در عباس آباد هستند

می گویند که آنها خوب انعام می دهند «مهم نیست که خارجیها در کجا زندگی می کنند؟ من خودم به اندازه

کافی در دسر دارم.» (این عبارت آخر بویی از دیوانگی لیکن جنون بی آزار فرد مورد نظر را داشت، بنابراین

این دوستانه از یکدیگر جدا شدیم.»

انجمن ایران و آمریکا

بررسی غیر رسمی طرز فکر ایرانیها در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

مدیر واحدهای درسی با یک معلم ایرانی که به طور نیمه وقت زبان انگلیسی تدریس می کنند مصاحبه

کرد. فرد مورد نظر در حین مصاحبه همکاری لازم را مبذول داشت و برایش بسیار خوشایند بود که

فرصتی برایش پیش آمده تا نظریاتش را ابراز دارد.

۱ وی گفت که قطعا بیش از دو تاسه سال گذشته حضور خارجیها محسوس است.

آمریکاییها

۱۰۰۰۰ نفر

خیر

۲ وی گفت حضور خارجیها بر زندگی، او خانواده و دوستانش تأثیر بسیار دارد.

او و دوستانش نمی توانند آپارتمانی را با قیمتی مناسب اجاره کنند. صاحبخانه ها ترجیح می دهند که

منازل خود را به خارجیها اجاره دهند، چون اجاره زیادی پرداخت کرده و در یک محدوده زمانی خاصی

مکانها را تخلیه می کنند.

هنگامی که گروههایی از ایرانیها به کلو پهای شبانه و غیره می روند مردان خارجی اغلب از دختران

می خواهند که با آنها برقصند و این امر برای مردان ایرانی ناخوشایند است. وی به ذکر یک نمونه در هتل

هیلتون پرداخت که در نتیجه گروه همراه وی بسیار عصبانی شدند، ولی عکس العمل خشونت باری از خود

نشان ندادند.

بلی، او از وجود تسهیلات ویژه خارجیها در تهران مطلع است. او از هتل اوین بعنوان یکی از این

مکانها یاد کرد و گفت بخشی از هتل تنها دلار را به عنوان وسیله خرید می پذیرد. از مرکز بولینگ نیز به عنوان یکی دیگر از این موارد یاد کرد که ایرانیها باید برای ورود به آن پول پردازند، ولی خارجیها از پرداخت آن معافند. ولی با کنترل قیمتها این وضع تغییر کرده است.

وی از انجام این اعمال ابراز تنفر کرد.

او به برنامه های رادیویی و تلویزیونی آمریکا گوش می دهد. در مورد تلویزیون و رادیوی نیروهای آمریکایی احساس منفی ندارد، ولی او و دوستانش به وجود برنامه انگلیسی در تلویزیون ایران مشکوک هستند.

علاوه بر این از اینکه برنامه های تلویزیون انگلیسی دیرتر از برنامه های فارسی شروع می شود بدشان می آید. وی گفت برنامه های تنها ایستگاه اف ام تهران بسیار فشرده و زیاد است.

او شکایات مداوم خارجیها از وضع ترافیک را یکی از رویدادهای ناخوشایند می داند، آنها تنها به شکایت کردن از وضع ترافیک و مسکن اکتفا می کنند، ولی با درآوردن پول بسیار ثروتمند از قبل از ایران خارج می شوند.

این خارجیها حتما از یک کشور خاصی نیستند. (گمان می کنم منظور وی آمریکایی است در حالیکه اکثر افراد مورد تماسش آمریکایی می باشند).

او معتقد است که وقوع رویدادها افزایش یافته و افزایش خواهد یافت.

۳ بلی، او نیز معتقد است که خارجیها و ایرانیها قطعاً باید با یکدیگر کار کنند.

در صورتی که تعداد خارجیها افزایش یابد حتی در دیگر استانها باز هم همین نظریه را دنبال می کند.

افزایش خارجیها به میزان دو یا سه برابر در پنج سال آینده او را نگران خواهد نمود.

اظهار نظر

برداشت من این است که این فرد از اینکه فرصت اظهار نظر یافته بسیار خوشحال است. وی همچنین

یاد آور شد که بنا به گفته دوستانش خارجیها بیش از ایرانیهای مشغول به کارهای مشابه حقوق دریافت

می کنند، وی گفت ایرانیها نیز در طرز لباس پوشیدن شبیه غربیها هستند که بیشتر جنبه تصنعی دارد.

مصاحبه با آقای مایک پیشوائیان، مدیر بازرگانی شرکت دیزل اتوپارت

تاریخ: ۱۶ مارس ۱۹۷۶ ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ طبقه بندی: محرمانه

از: مشاور اقتصادی دیوید ئی. وستلیه: مشاور سیاسی جان استمپل

موضوع: طرز فکر ایرانیان در مورد حضور آمریکا: مصاحبه با آقای مایک پیشوائیان،

مدیر بازرگانی شرکت دیزل اتوپارت

آقای پیشوائیان اظهار داشت که در حال حاضر در مورد حضور بیگانگان در ایران مطلع تر است و این

آگاهی بیش از همیشه در مورد حضور آمریکاییها صادق است. وی حدس می زند که حدود ۴۰/۰۰۰

آمریکایی در تهران به سر می برند. وی اظهار داشت که به سادگی با رؤیت طرز لباس پوشیدن، سخن گفتن و

اقدامات یک فرد می تواند بگوید که او آمریکایی است یا خیر (به طور مثال، یک آمریکایی در هنگام صرف

غذا و طرز استفاده از قاشق و چنگال روش خاصی دارد و برای صرف غذایی دیگر اقدامات لازم را در

یک رستوران انجام می دهد و منتظر همراهان خود نمی شود تا غذای خود را کاملاً صرف کنند).

آقای پیشوایان گفت حضور خارجیها سبب معرفی عقاید جدید و مفید و بالا رفتن سطح زندگی از طریق معرفی غذاهای جدید می گردد. در مورد آخر، وی از تأثیر وضع غذایی که توسط آمریکاییها در ژاپن معمول گردید و نیز جنبه های مثبت آن بر بهداشت و وضع ظاهری ژاپنیهای بعد از جنگ جهانی دوم سخن گفت. پیشوایان در مورد کمیسی و USAFOOM و کلوپ پیکان مطالب زیادی می دانست و نیز واقف بود که این مراکز مختص آمریکاییهاست و او و ایرانیها از این مسئله ناراضی هستند، زیرا آمریکاییها در صورت تمایل از این مزایا برخوردار می شوند، اما وی احساس می کند که آمریکاییها بین خودشان تبعیض بسیار قائل می شوند. وی گفت با استفاده از کمیسی می تواند هر محصول آمریکایی مورد نظر خود را دو یا سه برابر قیمت اصلی خریداری کند.

وی گفت در منزلش (همسرش آمریکایی است) همه فقط به رادیو و تلویزیون آمریکا گوش می دهند. فرزندانش زمانی کانال ایرانی را باز می کند که قرار باشد فیلم آمریکایی به نمایش گذاشته شود تا با استفاده از موج اف. ام بتوانند زبان اصلی فیلم را نیز بشوند. به نظر وی این کار در آموزش انگلیسی به کودکان بسیار مفید است. وی گفت در صورت افزایش محتوای ایستگاه ایرانی باز هم ایستگاه آمریکایی باید فعالیت خود را دنبال کند.

پیشوایان گفت که شخصا در مورد وقوع رویدادهای ناپسند بین آمریکاییها و ایرانیها خبری ندارد،

ولی می داند که بین خود آمریکاییها این وقایع رخ داده است علاوه بر این وی نمی تواند، بگوید که میزان این وقایع افزایش یا کاهش یافته است.

پیشوایان معتقد است که وضع کنونی زندگی خارجیها که در چند نقطه تهران پراکنده شده اند بهتر از تراکم آنها در یک محوطه است، ولی خاطر نشان ساخت که آمریکاییها (و خارجیهای دیگر) همیشه در نقاط معینی گرد می آیند. وی گفت ایرانیها اساساً میهمان نوازند. در مورد دیگر شهرهای ایران و یا در صورت مضاعف شدن خارجیها نیز همین عقیده را دارد. در همان حال وی اظهار داشت، درست است که هجوم خارجیها خوب است و در اینجا از ایران و اسرائیل به عنوان دو کشوری که در نتیجه هجوم نفوذ خارجی و نیز ازدواجها گامهای بزرگی برداشته اند یاد کرد ولی افزود نمی خواهد شاهد افزایش هجوم پاکستانیها و غیره به جای آمریکاییها، انگلیسیها و آلمانیها باشد.

اظهار نظر: سخنان پیشوایان دارای دیدگاهی خاص است. او در آمریکا (آیوا) تحصیل کرده است. ده سال از عمر خود را در آمریکا گذرانده است، دارای همسری آمریکایی و یک کارت سبز است و احتمالاً در همین ایام به آمریکا مهاجرت خواهد کرد. علاوه بر این برای شرکتی کار می کند به نام آلیس چالمرز که دارای خط و خطوط بسیار آمریکایی است. با وجود اینکه سعی داشتیم حد اعلای دنائت پیشوایان روشن شود، ولی او در صراحت خود جانب احتیاط را نیز رعایت می کرد.

مصاحبه با محسن دربانی، مدیر کارگزینی، شرکت آسانسور اوتیس

محرمانه

محسن دربانی، مدیر کارگزینی، شرکت آسانسور اوتیس در

دربانی پنج سال مشاور وزیر کشور یعنی جمشید آموزگار بود و این کار تا دسامبر گذشته ادامه داشت؛

در مورد حضور واقعی بیگانگان در ایران مطالب بسیاری می داند و شاید بتوان گفت که مطلعترین کسی

است که تا به حال با وی مصاحبه کرده ام. دربارنی می گوید شمار خارجیهایی که در ایران به سر می برند طی چهار سال گذشته افزایش چشمگیری یافته است. در حال حاضر تعداد پاکستانیها، هندیها، فیلیپینی ها و اتباع کره جنوبی بیشتر شده و افزایش حضور اتباع اروپایی از جمله آمریکایی معتدل بوده است. مشکل اصلی وجود فیلیپینی ها و اتباع کره جنوبی در مشاغلی است که می تواند توسط ایرانیها اشغال شود.

(اظهارنظر: در عین حال این دو گروه از خارجیها ظاهرا افرادی ماهر در زمینه ساختمانی، رانندگی کامیون و غیره به شمار می آید، ولی بنا به گفته دربارنی، ایرانیها آنان را کارگرانی چندان ماهر به خصوص در حوزه خلیج فارس به حساب نمی آورند.) ایرانیها نمی دانند که چرا باید کار با آسیاییهای (در اغلب موارد) بی سواد را بپذیرند در حالی که خود می توانند در زمینه مهارتهای لازم آموزش ببینند.

اکثر ایرانیها احساس تنفیری نسبت به آمریکانیها و آلمانیها ندارند. چون می دانند که این خارجیها «مهارتهایی را به کشورشان وارد می کنند که آموختن آنها مدت بسیاری به طول می انجامد» که خود امتیازی برای اروپاییها و آمریکاییها به حساب می آید. از دیدگاه دربارنی مشکلات اصلی ناشی از هجوم آسیاییها به این کشور است، و به ورود تعداد بی شمار اروپاییها ربطی ندارد، چون این دسته تجاوزی به حیات شهروندان کشور ندارند. به نظر وی هیچ گونه تسهیلات خاص در اختیار این خارجیها قرار داده نشده است. (دربارنی نیز مانند بسیاری دیگر از افراد مصاحبه شده ایستگاههای تلویزیونی و رادیویی نیروهای مسلح آمریکا را بخشی از تأسیسات محلی یعنی صرفا برای استفاده ایرانیها و خارجیها می داند.)

محل زندگی آمریکاییها و اروپاییها تفاوت چندانی را در اصل مسئله ایجاد نمی کند، چون آنها در مقایسه با دیگران از جمله پاکستانیها و دیگر اتباع آسیایی، خطری علیه ایرانیها ایجاد نمی کنند. به نظر درباری ایجاد محلات خاص آمریکاییها امری منطقی نیست زیرا مانع از انطباق پذیریهای فرهنگی می گردد «و آمریکاییها بیش از دیگران مایل به ادامه این روند هستند»، اما وی معتقد است که ایجاد این گونه محلات برای آسیاییها به نفع دولت است زیرا خواهد توانست جنبه های امنیتی این جوامع خارجی را بهتر کنترل کند. استمپل

مصاحبه مرلین مک کافی با مهناز افخمی، وزیر مشاور در امور زنان

در تمام طول صحبت مهناز مؤکدا می گفت که وی شخص صاحب نظری نیست زیرا آن قدر مشغول کار است که می توان گفت که وی منزوی است. بنا به گفته خودش وی تا ساعت ۸ شب کار می کند و هیچ گاه قبل از ساعت ۹ به منزلش نمی رود و آن قدر خسته است که ترجیح می دهد فوراً به خواب برود. در یکی از دو شب از هفته که دعوتنامه هایی را قبول می کند، ضیافت ها بیشتر جنبه رسمی یافته و فرصتی برای صحبت کردن با مردم به وجود نمی آید.

وی همچنین گفت که دوستدار آمریکا و آمریکائیان است «من در آنجا بزرگ شده ام. آنجا کشور دوم من است» او تا آنجا پیش رفت که تشخیص نمی داد دیگرانی که نسبت به او علاقه کمتری به آمریکا دارند ممکن است به این طرز گفتار وی حساس شوند برای مثال گفت که شوهرش پس از دبیرستان به آمریکا رفت و وی گفته بود که او ممکن است مسائل را به گونه دیگری ببیند. با این حال صحبت های ما دارای نکاتی جالب توجه نیز بود:

برنامه بین المللی تلویزیون ملی ایران مورد تنفر همه و به خصوص کسانی است که آن را تماشا می کنند.

چرا این اوقات با ارزش باید صرف انتشار برنامه های انگلیسی زبان گردد؟

تلویزیون نیروهای مسلح آمریکایی مورد قبول است، زیرا گردانندگان آن آمریکایی هستند. آنچه

مردم را عصبانی می کند این است که چرا تلویزیون ایران باید پخش انگلیسی زبان داشته باشد.

طبق برآورد مهناز بین ۵۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰ خارجی در ایران به سر می برند. ولی از تعداد آمریکاییها

در این کشور اطلاعی ندارد. وی گفت مطمئن است که تعداد آنها افزایش یافته، ولی با اشاره به زندگی

«منزوی» خود گفت که این افزایش برای او محسوس نبوده است. وی گفت قبلاً در مورد عکس‌العملهای

منفی مطالب بسیاری می شنید، ولی بنا به گفته خودش، زندگی وی در آن زمان عاری از محدودیتهای

کنونی بود.

او نگران افزایش احتمالی تعداد خارجیها نبود، ولی سؤال موجود در ذهن وی این بود که این شهر

چگونه قادر به جذب آنها خواهد بود (مثلاً از نظر مسکن).

به نظر وی ایجاد زیستگاههای متراکم برای آمریکاییها مثمرتر نیست، حتی اگر این کار برای عده

خاصی باشد و نه برای همه. در عین حال که بعضی از مشکلات حل خواهد شد، ولی به صورت امری

تأسف بار ظاهر خواهد گردید. آمریکاییها نخواهند توانست در مورد فرهنگ ایرانی مطالبی فرا گیرند

درست مانند این که در آمریکا زندگی می کنند. علاوه بر این وی فکر می کند که تأثیر وجود زنان خارجی بر

وضع زنان ایرانی خوب بوده و خواهد بود.

مهناز گفت که اصولاً به واسطه کارش در سازمان زنان ایرانی با زنان طبقه پایین اجتماع ایران و مقامات دولتی سرو کار دارد. به نظر وی طبقه متوسط و به خصوص افراد بالای این طبقه، از بیشترین تأثیر برخوردار هستند و بیشترین عکس العمل را نشان خواهند داد.

وی ساعات بسیاری را صرف گفتگو در مورد مشکلات زنان موجود در این طبقه می کند. آنها مشکلات بسیاری از جمله اجاره نشینی دارند، اما این امر به خارجیها ارتباطی ندارد. آنها اصلاً نگران خارجیها نیستند. در میان مقامات دولتی و به خصوص تصمیم گیرندگان، تنفر فزاینده ای نسبت به فرهنگ وارداتی وجود دارد. تصمیم گیرندگان، تنفر فزاینده ای نسبت به فرهنگ وارداتی وجود دارد. «علیاحضرت همیشه در مورد آن سخن می گوید. یعنی باید برای مشکلات محلی راه حلهای محلی یافت شود.»

مقامات دولتی از تبلیغات مطبوعاتی که در مورد آنها در آمریکا به راه می افتد، ناراحت و عصبانی هستند. این عصبانیت جنبه عمیق شخصی پیدا کرده است، مقامات ایرانی بیش از پیش حساسیت پیدا کرده اند زیرا ایران بیش از پیش مورد حمله و انتقاد واقع می گردد. «این امر به میزان زیادی غیر منصفانه است.»

شاید مقامات دولتی بیش از حد حساس شده، و شاید از ماهیت مطبوعات آمریکایی بی خبر باشند، اما نسبت به آن حساسیت بسیار نشان داده و ابراز تنفر می نمایند، و این تنفر در درون کشور محسوستر است. «یکی از این موارد داستان ماریون جاویتس است. اگر عراق به جای ایران قرار داشت هرگز با آن این گونه برخورد نمی شد.»

روحیه غالب در کشور روحیه ای در حمایت از خارجیها نیست بلکه بیشتر جنبه ناسیونالیستی

پیدا کرده است. حتی همسران خارجی ایرانیها نیز در وضع بدی به سر می‌برند، چون تازگی موضوع از بین رفته است. قبلاً با آنها به عنوان افراد جالب توجه صمیمانه برخورد می‌شد. ولی در حال حاضر این طور نیست آنها بیش از این مورد اغماض واقع نمی‌شوند. اکنون با مزاحمت‌های موجود در فرهنگ ایرانی آشنا شده‌اند. اشتباه آنها دیگر «امری جالب توجه» نیست.

مصاحبه میلز با دکتر ضیائی رئیس کمیته روابط خارجی مجلس

۱ از وجود خارجی‌های بیشتر مطلع است. ولی از تراکم آنها چیزی نمی‌داند. ۶۸ ماه قبل یعنی در دوران رونق اقتصادی وضع خیلی خوب بود، زیرا هرکس سعی داشت قراردادی منعقد ساخته و پولی را به جیب بزند. اکنون حرکت این موج تمام شده است. در حال حاضر در وی احساس انزجاری وجود ندارد. افراد معقول و منطقی می‌دانند که وجود متخصصین خارجی برای انجام کارها ضروری است، به همین جهت حاضر به پرداخت هزینه‌ها و تحمل وجود آنها نیز هستند. در مورد کارگران باید اقداماتی در جهت تنظیم ورود آنان به عمل آید تا مانند کشورهای اروپایی دچار دردسر نشویم. بعضی از جوانان چپ‌گرا در این مورد ابراز انزجار کرده‌اند. اما عده آنها نیز کم است، وی می‌گوید که حدود ۴۰۰۰ ۲۰۰۰ آمریکایی در تهران به سر می‌برند. او نمی‌تواند تفاوت بین آمریکاییها و دیگر اتباع کشورهای غربی را بیان کند، ولی وقتی که به یک می‌خانه، یا هتل آمریکایی مانند می‌رود احساسی متفاوت دارد. گاهی اوقات آمریکاییها

بیش از دیگران با صراحت سخن می گویند (منظورش کله شقی و لجاجت است).

۲ فاقد تأثیر در مورد کلوپها و PX مطالب بسیاری می داند، ولی مردم از آنها بیزار نیستند. به نظر آنها وضع درمان و تندرستی آمریکاییها بهتر شده است، لیکن از این امر خوششان نمی آید (من او را از آن مبرا کردم) این افسانه که آمریکاییها با جیب پر وارد می شوند هنوز به قوت خود باقی است، ولی در حال تغییر است.

او به برنامه های تلویزیون آمریکا نگاه می کند، و در حین راندگی اخبار را به گوش می دهد و این برنامه ها را دوست دارد، مردم نیز معترض نیستند.

وی در مورد اجاره نشینها اخبار نامعقولی شنیده است. در گذشته این گونه رویدادها جنبه عمومی داشته و پر دردرس بوده است.

۳ وی هوادار اختلاط ایرانیها و خارجیهاست. انزوا مسائلی را به وجود می آورد که در انگلستان نمونه های آن دیده شده بود و هنوز هم باعث انزجار و تنفر آنهاست. اگر ناگهان تعداد زیادی از خارجیها وارد استانها شوند، می توان آنها را موقتا جدا نگاه داشت تا به یکدیگر عادت کنند، ولی اگر قدرت انطباق پذیری وجود داشته باشد، نیاز به منزوی سازی نیست. باید آنها را به عنوان بخشی از حیات عمومی جامعه نگاهداشت.

در عکس العمل در مورد خبرهای حاکی از سه برابر شدن، وی گفت که از روسها هندیهها، پاکستانیها متنفر است، چون تعداد افراد خانواده شان بسیار زیاد است. کثرت تعداد آنها در ایران سبب می شود که ایرانیها نتوانند مهارتهای لازم را فراگیرند. غریبهها مورد تنفر نیستند، زیرا منافعی را نصیب کشور می سازند؛ افرادی چون بازرگانان، سرمایه گذاران و تکنیسینها برای این منظور مناسبند، لیکن تعداد کارگران ماهر و نیمه ماهر کاهش یابد.

مصاحبه گوردون وینکلر با خداداد فرمانفرمائی، رئیس بانک صنعتی ایران

بررسی طرز فکر ایرانیها در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

مصاحبه گوردون وینکلر با خداداد فرمانفرمائی، رئیس بانک صنعتی ایران، ۱۶ مارس ۱۹۷۶، محل

مصاحبه در انجمن ایران و آمریکا

به خداداد توضیح دادم که این مصاحبه چیست و او خواهش کرد که به او اجازه دهم تا در آغاز مطلبی

را بیان کند و پس از آن به طرح سؤالات پرداخته شود.

خداداد در آغاز مطلب گفت اقدامات سفارت در تحقیق پیرامون این موضوع بسیار بجاست، ولی بهتر

است این مسئله را زیاد بزرگ نکنیم. او نگران از این است که مبدا نگرانی خود ما مسئله را برای ایرانیها

بزرگ جلوه گر سازد. وی گفت از اینکه تنها با ۲۵ یا ۳۰ نفر مصاحبه کرده ایم خوشحال است و یادآور شد

که هر یک از این افراد می تواند به نخست وزیر و یا یک مقام عالیرتبه دیگر بگوید که «سفارت آمریکا در

مورد این مسئله ابراز نگرانی کرده بنابراین ما هم باید نگران باشیم.» بدین ترتیب نخست وزیر نیز مسئله را

با شورای وزیران و یا مقامات عالیرتبه دیگر در میان خواهد گذاشت.

خداداد گفت ۱۵ تا ۱۸ سال قبل آمریکاییها به اینجا وارد شدند و در آن زمان بیش از آنچه در حال

حاضر است برای ایران مسئله ساز بودند، چون امروز دستخوش تغییرات بسیار شده است. یک و نیم دهه

قبل این کشور تنها جنبه استانی داشت. امروزه مردم بیشتری باسواد شده، تلویزیون دارند و به عبارت

دیگر بین المللی شده اند. خداداد گفت: «به این ترتیب ما به دیدن شما عادت کرده ایم.»

او از جوی که از زمان تصدی امور توسط سفیر هلمز به وجود آمده بسیار ستایش نمود. وی معتقد است که سفیر حضور خود را خالی از جنجال نگاه می دارد و در اطراف کشور برای انجام سخنرانی حضور نمی یابد. و حتی «ظاهراً» سعی دارد مانع از چاپ عکس خود در روزنامه ها گردد. وی گفت مشخص است که انجمن ایران و آمریکا و دیگر عناصر سفارت نیز طبق اوامر سفیر دریافته اند که حضور آنها در اینجا نباید با جنجال و تبلیغات بسیار توأم باشد.

خداداد گفت نکته مهم این است که ما نباید روابط ویژه بین دو کشور را به رخ همگان بکشیم. بارها و به کرات از روش سفیر هلمز، طی سه سال گذشته از مأموریتش در ایران تمجید نمود.

از وی سؤال شد که آیا حضور بیگانگان در ایران در حال حاضر محسوس تر از گذشته است یا خیر و خداداد جواب داد: «کلاً آری».

وی یادآور شد که افزایش سریع درآمدهای نفتی بسیاری از آمریکاییها و اتباع دیگر به خصوص بازرگانان را به تهران جلب و جذب کرده است. فعالیت بسیاری از این افراد پول ساز برای وی محسوس است و ظاهراً ناراحت است که چرا بسیاری از آنها می خواهند با او ملاقات کنند و بگویند که تا به حال چه اقداماتی صورت داده اند تا در حین گزارش به رئیس مافوقشان از قلم نیفتند.

وی گفت: احساس می کند که در عین مفید بودن، جریان جدید تجارت در تهران می تواند سوءظنهایی را پدید آورد «به خصوص که اگر به این امر همزمان با افشای مطالب مربوط به لاکهید نگریسته شود.» او قادر است آمریکاییها را از دیگر خارجیها تمیز دهد. «برای این کار کافی است به کفشهایشان نگاه کنید.» وی گفت پاشنه کفش آمریکاییها ضخیم تر از پاشنه کفش از اروپاییهاست. وی افزود به خاطر تجربه بسیار وسیع خود با مردم انگلیسی زبان با شنیدن لهجه یک فرد نیز می تواند بگوید که آن فرد آمریکایی است یا

بالعکس.

بار دیگر در بحث پیرامون تجارت و خارجی‌هایی که وارد کشور می‌شوند، خداداد گفت، وارد کردن انگلیسی‌ها، آلمانی‌ها و یا دیگر اتباع اروپایی ارزانتر از وارد کردن آمریکایی‌ها به ایران است. «چون آنها حقوق کمتری دریافت می‌دارند.» البته ایرانی‌ها تا حدودی نسبت به حقوق دریافتی توسط آمریکایی‌ها حسادت می‌کنند، ولی وی خاطرنشان ساخت که در رده‌های بالا متخصصین عالیرتبه ایرانی نیز مانند آمریکایی‌ها حقوق دریافت می‌دارند.

وی خاطرنشان ساخت که البته چند متخصص «قلابی» نیز به کشور وارد می‌شوند، ولی «اکنون ما می‌توانیم بهترینها را انتخاب کنیم. ما جواهر شناس هستیم، بنابراین می‌توانیم بین شیشه و الماس تفاوت قائل شویم.» وی گفت علاوه بر این اکثر این متخصصین از طرف شرکتهای خصوصی به اینجا می‌آیند و نمی‌توانند این شرکتها را تا ابد تحقیق کنند.

وقتی از وی خواسته شد که تعداد آمریکاییهای مقیم تهران را حدس بزند، وی رقم ۴/۰۰۰ تا ۵/۰۰۰ را بیان داشت. پس از آنکه به وی گفتم که تعداد آنها ۱۶۰۰۰ نفر است تعجب کرد ولی ناراحت نشد. در پاسخ به این سؤال که آیا حضور خارجیها بر زندگی او و خانواده اش تأثیر دارد یا نه وی گفت از نظر مواد غذایی، استفاده از تاکسی و تسهیلات دیگر خیر، وی گفت در رابطه با نمونه های خاصی از مسکن، افزایش اجاره ها شاید ناشی از حضور همین خارجیها باشد.

وی در ادامه گفت بعضی از فعالیتهای خارجیان از جمله شورای بریتیش، انستیتو گوته و انجمن ایران و آمریکا برای ایرانیها مفید است و بر روابط دو جانبه نیز تأثیر می گذارد.

وقتی از او سؤال شد که تعدادی از تسهیلات ویژه خارجیها را نام ببرد، وی گفت شنیده است که کلپهایی برای این منظور ایجاد شده، لیکن در هیچ یک از آنها حضور نداشته است. پس از ذکر نام حوزه خلیج او حضور و هدف از ایجاد آن را به یاد آورد، ولی وجود این گونه مراکز برای وی ناخوشایند نیست، و فکر می کنند که برای دیگران نیز باید همین طور باشد.

در مورد رادیو و تلویزیون وی گفت که همیشه به برنامه های کانال ۷ گوش می دهد و نمی خواهد، شاهد حذف آن باشد. وی گفت به نظر او نیز کانال بین المللی تلویزیون ملی ایران مفید است ولی بهتر است دو کانال انگلیسی مختلف در کشور وجود داشته باشد.

خداداد به یاد داشت که واقعه ناخوشایندی بین ایرانیها و خارجیها رخ داده باشد و فقط کشته شدن دو آمریکایی در آذربایجان را بطرز مبهمی به یاد داشت. او به بحث پیرامون حالت آمریکاییها در حین رانندگی پرداخت و گفت: «تمام خارجیها دارند مانند ما رفتار می کنند».

لیکن معتقد است که ایرانیها آن حالت تهاجمی خاص را در رانندگی امریکاییها احساس نمی کنند چون این حالت را در رفتار خود نیز نمی بینند. به نظر آنها «عبور ناگهانی از برابر دیگران» خطا نیست. خداداد در مورد امکان تفکیک محل زندگی و محل های تفریح آمریکاییها یا خارجیها ابراز مخالفت کرد و گفت این امر سبب مشخص شدن و شناسایی افراد خاص موجود در میان خارجیها خواهد شد و حسادتها و رشکهایی را تحریک خواهد کرد و روی هم رفته مخرب خواهد بود.

از وی سؤال شد که آیا این کار حتی در یک جامعه کوچکتر مانند اصفهان نیز مناسب نیست (و در اینجا گفتم که یک روستای خارجی در شمال شهر در دست احداث است) خداداد از عبارت «محل پست»

استفاده کرد، ولی گفت که البته مشکلات متفاوتی در استانها وجود دارد. «ولی با این حال من با این عقیده مخالف هستم. وی گفت در این صورت نباید چند روستای خارجی در چند شهر بنا شود، بلکه این خارجیها باید در میان جمعیت ایران پراکنده شوند. نهایت اینکه، این نظریه به هیچ وجه موافق میل خداداد نبود.

در مورد تأثیر سه برابر شدن احتمالی شمار آمریکاییها در ایران صحبت کردم، ولی ظاهراً خداداد اصلاً نگران نشد. ولی اعتراف کرد که با افزایش شمار آمریکاییها و یا دیگر خارجیها در ایران مشکلاتی نیز پدیدار خواهد شد. اما پیش بینی محل و عامل مسئله و مسئله سازی کاری بس دشوار است.

خداداد در خاتمه گفت متوجه شده است که تمام آمریکاییهایی که در تهران با وی ملاقات کرده اند با آمریکاییهایی دیگر تفاوت دارند. وی گفت «آمریکاییها بیشتر بین المللی شده اند» یعنی بسیاری از آنها که به اینجا آمده اند، در کشورهای دیگری نیز زندگی کرده اند. (البته پس از این گفتگو شخص به این نتیجه می رسد که خداداد تنها با افرادی از طبقه بالای اجتماع از نظر اقتصادی سر و کار داشته است.)

مصاحبه با آقای محمد طاهری

موضوع: نظریات آقای محمد طاهری در مورد افزایش حضور بیگانگان در ایران

سابقه:

آقای طاهری مدیر عامل شرکت فیلور است و ظاهراً در حال ترقی. او فردی است حدوداً ۴۰ ساله، خوش بیان و برجسته از نظر اجتماعی. از او خواسته شده که در اجلاس بعدی شورای تجاری مشترک ایران و آمریکا نقش مهمی را عهده دار شود. او ۱۰ سال از عمر خود را در دانشگاههای آمریکا گذراند و در نهایت درجه دکترای تحصیلی در رشته مهندسی گرفت.

آقای طاهری گفت البته افزایش شمار خارجیها در ایران برای او محسوس بوده، ولی هیچ گاه به این فکر نیفتاده که جامعه تجاری ایران (منظورش اشل بالای جامعه است) در نتیجه هجوم خارجیها دستخوش مشکلاتی شده باشند. در پاسخ به سؤال من، وی تعداد آمریکاییهای مقیم تهران را بین ۰۰۰/۱۰ تا ۰۰۰/۱۵ نفر برآورد کرد. وی گفت که معمولاً می تواند یک آمریکایی را بین چند خارجی تشخیص دهد، چون آمریکاییها در روش زندگی خود خیلی خودمانی هستند، و به خصوص در لباس پوشیدن برخلاف دیگر افراد خارجی غیر رسمی می باشند. با این اظهارات هدفش انتقاد نبوده بلکه نوعی صفات شخصی را بیان می کرد.

وی در ادامه گفت که به نظر او آمریکاییها بیش از دیگران «قبیله گرا» هستند. اکثر آنها در منطقه سلطنت آباد زندگی می کنند که شاید علت، وجود هیئت مستشاری نظامی در آن منطقه باشد. در ابتدای صحبت چنین به نظر می رسید که طبق نظر وی این قبیله گرایی آمریکائیان را از بسیاری از مزایای فرهنگی محروم می سازد. به طور مثال، اگر او به عنوان یک ایرانی در فرانسه زندگی کند، سعی خواهد کرد محصولات فرانسوی را خریداری کند و خود را وارد جامعه فرانسه نماید. به او گفته شده که حدود

۱۳/۰۰۰ آلمانی در تهران به سر می برند که او را متعجب کرده است چون آلمانیها از نظر جغرافیایی در سرتاسر تهران پراکنده شده اند. در تناقض با این موضوع وی خاطرنشان ساخت که این قبیله گرای نوعی مشخصه آمریکایی است که به هیچ وجه برای او ناخوشایند نیست.

او می داند که تسهیلات ویژه ای برای آمریکاییها ایجاد شده است. سفارت آمریکا نیز با شهروندان خود تماس بسیار نزدیکی ایجاد نموده است، و بیش از دیگر سفارتخانه ها برای این شهروندان آمریکایی فعالیت می کند. ولی وظیفه سفارت همین است.

وی گفت ممکن است که طبقه پایین اجتماع اقتصادی ایران در رابطه با جامعه خارجیها مشکلاتی داشته باشد. به طور مثال از نظر بعضی از ایرانیها محافظه کار نحوه لباس پوشیدن آمریکاییها عجیب است و حتی نوعی توهین تلقی می گردد. بار دیگر وی گفت که از نظر افراد هم طبقه خود در این جامعه این مسائل چندان مهم نیست. او نشنیده است که اتفاق ناخوشایندی بین ایرانیها و خارجیها رخ داده باشد، ولی در

پاسخ به اظهارات من گفت احتمالاً این مشکلات بین رانندگان تاکسی و یا صاحبخانه ها و خارجیها حتما پیش آمده است. از طرف دیگر ایرانیها نیز با همین مسائل دست به گریبان هستند. او در واقع به فکر وجود

مشکلات بین ایرانیها و خارجیها نیفتاده بود و مطمئن نبود که واقعه مهمی رخ داده باشد. دو یا سه برابر

شدن شمار خارجیها در ایران طی پنج سال آینده مسئله ای را برای جامعه تجاری ایران به وجود نخواهد

آورد، ولی این گونه مشکلات حتما در سطوح پایین اجتماع پدیدار خواهد گردید. بروین

مصاحبه با سعید کوبی

۲۵ مارس ۱۹۷۶ یادداشت برای بایگانی

از: مشاور سیاسی آرچی ام. بولستر

موضوع: حضور آمریکاییها در ایران

در مورد این موضوع با همسایه ام سعید کوکبی، در تاریخ ۶ مارس گفتگویی داشتم. کوکبی یک دانش آموز ۱۷ ساله و یکی از سه فرزند پسر و یک دختر یک تاجر بازاری است. خانواده کوکبی هشت سال پیش از ناحیه بازار به خیابان دروس نقل مکان کردند و سرپرست خانواده روزانه دو بار به بازار می رود. کوکبی ها یک خانواده محافظه کار هستند، اما فرزندانشان شلوار جین به پا کرده، به موزیک راک گوش می دهند و با معیارهای ایرانی می توان گفت که امروزی شده اند.

سعید کوکبی معتقد است که حضور خارجیها در ایران، مانند حضور آلمانیها در این محله بخاطر مدرسه آلمانی و کلیسای آلمانی بسیار مفید است، چون تخصصهای مورد نیاز کشور را تأمین می کنند. آموزش و پرورش در ایران آن قدر پیشرفت کرده که بتواند ایرانیها را در زمینه فنی تربیت کند. سعید برادری دارد که متالوژی خوانده و مدتها در نزدیکی اصفهان مشغول به کار بوده است. ولی در حال حاضر برای یک شرکت آمریکائی واقع در غرب تهران کار می کند. یکی از خویشاوندان دور وی (نامشخص) با تکنیسینهای روسی در یکی از سیلوهای واقع در جنوب ایران آشنا بود. روسهایی که بدون خانواده های خود در ایران به سر می برند در مجتمعهای آپارتمانی به سر برده و در خارج از محل کار خود با ایرانیها تماس چندانی ندارند. سعید گفت این روش چندان خوب نیست. از او سؤال کردم که نظرش در مورد زندگی خارجیها با خانواده هایشان در محله های خاص چیست. او گفت مخالف این کار است. وی معتقد است که خارجیها باید در میان ایرانیها زندگی کنند، فارسی را از آنها یاد بگیرند و به همسایگان خود زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و یا غیره را بیاموزند.

۲۵ مارس ۱۹۷۶ یادداشت برای بایگانی

از: مشاور سیاسی آرچی ام. بولستر

موضوع: حضور آمریکاییها در ایران

در این خصوص در تاریخ ۶ مارس با همسایه ام آقای پارسا صحبت کردم. وی کارمند وزارت آموزش و پرورش و در زمینه تحصیلات متوسط مشغول به کار است. او زبان انگلیسی را تا حدودی می داند ولی به زبان فرانسه به خوبی تکلم می کند. او فرزند جوانش را به مدرسه فرانسوی رازی می فرستد. زبان مورد استفاده ما در مورد موضوع مورد نظر فارسی بود. من موضوع را به صورت یک نظر خواهی مطرح نکردم، ولی صحبت را به نحوی به این موضوع کشاندم. وقتی از پارسا سؤال کردم که به نظر او چند نفر آمریکایی در ایران به سر می برند، وی گفت حدود ۲۰/۰۰۰ نفر که به طرز عجیبی مشابه رقم برآورد شده توسط سفارت است. وی معتقد بود که تعداد ژاپنیها بیش از آمریکاییهاست (!؟) و تعداد آلمانیها و فرانسویها نیز نمی تواند کمتر از آمریکاییها باشد. پارسا خاطرنشان ساخت که ایرانیها از گذشته های دور با خراجیها کنار آمده اند، چون کار آگاهانه خراجیها کمک زیادی برای ایران محسوب شده و منافع بسیاری به دنبال داشته است. وی اذعان داشت که این روحیه شاید بیش از همه در میان تحصیلکردگان مشهود باشد، چون آنها برای این گونه تماسها ارزش قائلند، ولی از آنجایی که افراد عامی با خراجیها تماس چندانی ندارند

نمی توانند در مورد حضور آنها صاحب نظر باشند. وی عارضه منفی ناشی از حضور بیگانگان در ایران را لمس نکرده است. خارجیها را می توان در زمینه افزایش میزان اجاره بها مقصر دانست، زیرا بنا به گفته او، این مالکین خانه ها هستند که میزان اجاره را چه برای خارجیها و چه برای ایرانیها بالا می برند. وی می گوید این مالکین هر وقت که بتوانند میزان اجاره بها را برای خارجیها افزایش می دهند. پارسال که سال گذشته به آلمان سفر کرده بود، از ترافیک منظم آنجا تعریف می کرد. وی در مقایسه این وضع با وضع ترافیک در ایران گفت، هموطنانش علیرغم شایعات رایج در مورد میهمان نوازشان، در مجامع عمومی رفتار ناهنجاری دارند. وی به عنوان مثال بوق زدن ماشینها را در هنگامی که چراغ راهنمایی قرمز است ذکر کرد، تا ماشینهای واقع در ردیف نخست حتی قبل از سبز شدن چراغ به حرکت در آیند.

مصاحبه با آقای شابی، مدیر رستوران چلوکبابی در خیابان هشت گرد

محرمانه

آقای شابی، مدیر رستوران چلوکبابی در خیابان هشت گرد (حدود چهل مایلی غرب تهران) شابی ۲۶ ساله به زبان انگلیسی آشنا نیست و طی دو سال گذشته پس از اتمام دوره دبیرستان و کار برای خانواده چلوکبابی خود را اداره می کرد، است. وی معتقد است که تعداد خارجیها در کشورش چندان افزایش نیافته، ولی می گوید که در تهران تعداد آنها بیش از ده سال گذشته یعنی زمانی است که وی به عنوان یک فرد جوان در آنجا زندگی می کرد می باشد. خارجیها تأثیر چندانی بر زندگی وی ندارند، ولی از یک سال قبل که محل کار خود را نقاشی کرده و میز و صندلیهای جدیدی خریداری کرده آنها چلوکبابی او را بر دو رقیب وی در خیابان هشت گرد ترجیح می دهند (به همین علت ما به آنجا رفته بودیم) خارجیها بهتر از ایرانیها انعام می دهند، ولی نه او و نه هیچ یک از سه خدمتکارش نمی توانند ملیت خارجیها را حدس بزنند، ولی معتقدند که اکثر آنها اروپایی می باشند.

محل زندگی خارجیها برای شابی اهمیتی ندارد، ولی چند نفر از آنها که در این خیابان زندگی می کنند در منازلی تمیز به سر می برند و زیاد وارد شهر نمی شوند. وی شخصا معتقد است که بد نیست خارجیهای دیگر نیز برای صرف غذا به اینجا بیایند.

مصاحبه با سیروس الهی، استاد اقتصاد در دانشگاه ملی

محرمانه

سیروس الهی، استاد اقتصاد در دانشگاه ملی

الهی که پس از گفتگو برای گذراندن مدت ۶ هفته عازم آمریکا گردید، یک دانشمند علوم اجتماعی تحصیلکرده آمریکاست و در صحنه سیاسی ایران رابطهای خوبی دارد، ولی به گفته خودش شخصا فاقد جاه طلبیهای سیاسی است. الهی گفت تعداد خارجیها در ایران ظاهرا افزایش یافته است. مهمترین گروههای افزایش یافته عبارتند از هندیها و سکنه «اروپای غربی» از جمله آمریکاییها. الهی از مدتها قبل سرگرم مطالعه در زمینه مشکلات خارجیها در ایران و به خصوص مسئله انطباق پذیری آنها بوده است. اکنون که شهرها به خصوص تهران، به سرعت توسعه می یابند، خارجیها نه تنها شوک عادی فرهنگی را تجربه می کنند، بلکه با همان یأسها و نومیدهایی روبرو می شوند که سبب افزایش خشونت‌های شهری در ایران در طول دو تا سه سال گذشته شده است. تنها تسهیلات خاص خارجیها دفتر مسکن بود که از آن ذکر به میان آمد (این امر بسیار عجیب است، چون الهی گهگاه به برنامه های تلویزیونی نیروهای مسلح آمریکا

گوش می دهد). الهی معتقد است که دولت ایران باید تلاش بیشتری را در جهت از بین بردن نحوه زندگی محله ای صرف کند، «البته روسها از این قاعده مستثنی هستند، چون نمی توانند هیچ گونه ارتباطی برقرار سازند، بنابراین بهتر است در جایی زندگی کنند که دائماً تحت کنترل نیروهای امنیتی باشند.» الهی متوجه شده که اخیراً میزان خصومت نسبت به بیگانگان افزایش پیدا کرده است. از وی سؤال شد که آیا این خصومت از طرف یک گروه اجتماعی خاص اعمال می گردد، و وی در پاسخ اظهار داشت طبقات مختلف از طرف گروههای مختلف به ستوه آمده اند، یعنی ایرانیهای طبقه پایین اجتماع از هجوم افسار گسیخته پاکستانیها و هندیها ناراحت بوده و بعضی از ایرانیهای طبقه بالا به خصوص کسانی که دارای سوابق تحصیلی فرانسوی و اروپایی هستند با آمریکاییها ضدیت پیدا کرده اند. الهی افزود بین تحصیل کردگان در آمریکا و ایرانیهایی که در اروپا و به خصوص فرانسه درس خوانده اند مبارزه ای واقعی برای به دست گرفتن قدرت در نهادهای دانشگاهی آغاز شده است.» شما می توانید منتظر ضربه خوردن از طرف هواداران اروپا باشید، ولی آن را جدی تلقی نکنید، زیرا ایرانیهای آمریکایی در حال پیروز شدن هستند.

استمپل

مصاحبه گوردون وینکلر با دکتر کامبیز محمودی، معاون مدیر کل رادیو و تلویزیون ملی

بررسی طرز فکر ایرانیان در قبال افزایش حضور بیگانگان در ایران

مصاحبه گوردون وینکلر با دکتر کامبیز محمودی، معاون مدیر کل رادیو و تلویزیون ملی ایران در دفتر

کارش در تاریخ ۸ آوریل ۱۹۷۶

کامبیز گفت برخلاف دو یا سه سال گذشته اکنون نسبت به حضور بیشتر خارجیها در ایران آگاه تر است.

اما هنگامی که از وی خواسته شد که به ذکر ملیتها پردازد، وی از کره ایها پاکستانیها، هندیها و فیلیپینیها

یاد نمود. وی گفت که قبلاً سکنه خارجی ایران را تنها آمریکاییها تشکیل می دادند، اما طی دو سال گذشته

هجوم آسیاییها به ایران افزایش یافته و او و دوستانش به این مسئله واقف هستند.

وی خاطر نشان ساخت که گویا حدود ۰۰۰/۳ پزشک هندی در استانهای مختلف ایران مشغول به کار هستند، و بسیاری نیز در مورد رفتار این پزشکان ابراز نگرانی کرده اند. وی گفت بعضی از ایرانیها معتقدند که تأثیر عمده یک پزشک بر زندگی فردی می تواند جنبه تأثیر فرهنگی نیز پیدا کند، وی گفت بعضیها نگران این هستند که مبادا روستاییان انگلیسی را با لهجه هندی و پاکستانی در روستاهای کشور فرا گرفته و به کار برند.

کامبیز گفت حدود ۰۰۰/۵۰ آمریکایی در ایران به سر می برند، ولی وقتی به او گفته شد که تعداد آنها معادل نیمی از این رقم است شگفت زده شد. وی گفت می تواند یک ایرانی را از یک خارجی تشخیص دهد، ولی تشخیص آمریکایی از انگلیسی یا کانادایی، آلمانی و یا فرانسوی برایش دشوار است.

وی گفت حضور خارجیها تأثیر چندانی بر زندگی وی ندارد، اما شکی نیست که مردم به این نتیجه رسیده اند که خارجیها باعث افزایش اجاره بها شده و باعث کمبود خدمتکاران داخلی شده اند. با این حال وی گفت آمریکاییها هسته اصلی موضوع را تشکیل نمی دهند. وی گفت البته در گذشته این طور نبود چون آمریکاییها بخش اصلی حضور بیگانه را تشکیل می دادند اما امروزه ایرانیها مسئله افزایش اجاره بها را به گردن کل خارجیها و ایرانیهایی که حاضرند هر اجاره بهایی را بپردازند، می اندازند.

هنگامی که در مورد تسهیلات ویژه خارجیها از وی سؤال شد، کامبیز فوراً نام کلپ آلمانها را به میان

آورد (و این امر نیز طبیعی است چون این کلوپ در سمت دیگر خیابان محل کار وی قرار دارد)، و به طرزى ابهام آمیز از کلوپ پارس آمریکا یاد نمود. وی ظاهراً از وجود حوزه خلیج بی خبر بود.

هنگامی که در مورد رادیو و تلویزیون صحبت آغاز شد، کامبیز گفت ایرانیها هیچ گونه انتقادی نسبت به حضور تلویزیون نیروهای آمریکا نداشته و شکوائیه ها و انتقادات اصلی از طرف ترکها، پاکستانیها، و دیگر مقامات رادیویی که به ایران سفر می کنند مطرح شده است. وی گفت حتی مقامات پخش خبر آمریکایی که به ایران سفر کرده اند، نیز در حضور وی سؤالاتی را در مورد نقش این تلویزیون مطرح کرده اند.

کامبیز گفت بیاد ندارد که واقعه ناخوشایندی بین ایرانیها و خارجیهای مقیم آنجا رخ داده باشد ولی بین کارمندان خارجی تلویزیون ملی ایران چند رویداد به وقوع پیوسته بود. وی گفت به طور مثال آنها مجبور شدند یک انگلیسی را به خاطر وارد کردن حشیش به داخل محوطه اخراج کنند و او می دانست که بعضی از اساتید دانشگاههای کالیفرنیاى جنوبی با یکدیگر عناد دارند ولی در رابطه با ایرانیها مشکلی وجود نداشت. کامبیز در ادامه گفت که مشکلات مربوط به وجهه آمریکاییها چندین سال قبل از این وجود داشته است. وی گفت مطمئن است تعداد کنونی آمریکاییها در این کشور بیش از گذشته است، اما پس از آن که آژانس آمریکایی توسعه بین الملل، برنامه های خود را در اینجا آغاز کرد صدها آمریکائی را وارد ایران نمود که اکثرشان افراد فاقد آداب معاشرت و تحصیلات لازم بودند. وی گفت این افراد تا حدودی وجهه آمریکاییها را لکه دار کرده و در نتیجه آن بین کارمندان ایرانی و سران آمریکایی ادارات اصطکاکهایی پدید آمد. وی گفت این وجهه منفی چند سال پس از پایان برنامه آژانس نیز ادامه داشت، ولی ظاهراً در حال حاضر به طور کامل فروکش کرده است. وی گفت شاید آمریکاییهایی که اکنون به ایران آمده اند با گذشتگان فرقی دارند یا «ما ایرانیها جهانگراتر و مترقی تر شده و طرز فکرمان عوض شده است.»

کامبیز به هیچ وجه با تفکیک محل زندگی آمریکاییها و یا خارجیهای دیگر در ایران موافق نیست. وی گفت یک جامعه تصنعی اوضاع را وخیمتر خواهد کرد و حضور خارجیها را آشکارتر، وی گفت «شما با این: کار آمجهایی را برای انتقاد فراهم می آورید و بهتر است بدانید که فرهنگ ما ضرورت امتزاج افراد را ایجاب می نماید.» وی یادآور شد که تمام بازرگانان خواستار ایجاد چنین جامعه ای هستند: «با وجود اینکه شما کمیسری مخصوص خود را دارید، بازرگانان احساس می کنند که وجود جامعه خارجیها به کسب و کار آنان رونق بخشیده است در صورتی که اگر شما یک گروه خارجی را در یک محل خاصی اسکان دهید و فروشگاههای نیز برای آنان ایجاد کنید، بازرگانان متوجه خواهند شد که فرصتهای مهم تجاری خود را از دست داده اند.»

وقتی که از وی سؤال شد که آیا در رابطه با شهرهای کوچکتر نیز همین عکس العمل را نشان میدهد وی پاسخ داد: «قطعاً.» در حین صحبت پیرامون امکان دو برابر یا سه برابر شدن جوامع آمریکایی یا خارجی در ایران کامبیز اظهار داشت که در آن صورت نمی داند چه عکس العملی پدید خواهد آمد. «با این حال اگر قرار است این کار صورت پذیرد، بهتر است گامهایی بردارید تا ورود این افراد به ایران به سهولت صورت پذیرد.» وی گفت یکی از این گامها آشناسازی جدی این افراد با ایران است که باید پیگیری شود. در راه رسیدن به این هدف، بنا به گفته کامبیز، تلویزیون ایران در حال ساختن ۹ فیلم است. پنج فیلم (در زمینه جغرافیا مردم، زن، فرهنگ ما قبل از اسلام، فرهنگ بعد از اسلام تا سال ۱۸۰۰) ساخته شده و

چهار حلقه فیلم دیگر تا آخر تابستان جاری به پایان خواهد رسید. این فیلمها صرفاً جهت استفاده در ۱۸ کالج و دانشگاه آمریکایی که دروس مربوط به ایران و زبان فارسی را تدریس می کنند، تهیه می شوند. در نتیجه گفتگوهای قبلی بین من و کامبیز در این مورد، وی گفت از تولیدکنندگان این فیلمها خواسته است که با آژانس اخبار آمریکا در واشنگتن تماس بگیرند، تا این فیلمها در جلسات معارفه مورد استفاده قرار گیرند. وی گفت تعدادی از این فیلمها در آمریکا آزمایش شده و نتایج به دست آمده موفقیت آمیز بوده است. وی گفت با وجود اینکه این فیلمها مختص دانشگاهها علی الخصوص در سطح دوران لیسانس ساخته شده اند، ولی توجه بسیاری از افراد تحصیلکرده را نیز به خود جلب کرده اند.

شورشهای تبریز در ۱۸ مارس ۱۹۷۸

سند شماره (۶)

یادداشت مکالماتطبقه بندی: خیلی محرمانه

زمان و مکان: ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ ۴ اسفند ۱۳۵۶، اقامتگاه کنسول

شرکت کنندگان: ام. هنری مارشال، مدیر مرکز فرهنگی فرانسه در تبریز دیوید سی. مک گافی کنسول

آمریکا در اصفهان

موضوع: شورشهای تبریز در ۱۸ مارس ۱۹۷۸ (۱)

مقدمه: ام. مارشال دوستی از روزهای کار در تبریز، در حالی که برای شرکت در کنفرانس مدیران مرکز فرهنگی فرانسه در اصفهان به سر می برد، به ملاقات من آمد. هنگام صرف ناهار، وی به صحبت در مورد شورشهای تبریز پرداخت. مارشال گفت که مقامات برای جلوگیری از اغتشاش اقدامات احتیاط آمیز را رعایت کرده بودند، ولی آماده مقابله با اقدامات خشونت آمیز نیز بودند. در اطراف دانشگاه و کلانتریها نیروی پلیس را مستقر ساخته و پلیسهای بی سیم به دست در هر چهار راهی دیده می شدند، کنترل آنها بر

دانشگاه آنچنان شدید بود که آنجا در تمام طول روز آرام بود. با این حال به محض آغاز ناآرامیها هرج و مرج بر همه جا حاکم گردید.

نقطه آغاز مسائل تظاهرات عظیمی بود که در برابر هتل آریا در مرکز شهر برگزار شده بود. در ابتدا گروهی از مردم به آرامی گرد آمده و به طرف «کاخ جوانان» دولتی در آن نزدیکی سنگ پرتاب کردند. شایع شده است که یک زن بدون چادر از درون اتومبیل خود بیرون کشیده شده و ناپدید گشته و می گوید که سوزانده شده است. گروه های کوچک مورد نظر وی بسیار سازمان داده شده و در تمام شهر ناگهان ظاهر گردیده بودند. شعبات بانک صادرات هدف اصلی آنها بود، و شورشیان وارد بانکها شده و به نابود کردن لوازم و مدارک پرداخته و آشغالها را آتش می زدند، ولی در مورد سرقت پول بنا به گفته وی گزارشی نرسیده است. در تبریز می گویند که این بانک از این جهت مورد حمله واقع شده که رابطه نزدیکی با خاندان سلطنتی نزدیکی با خاندان سلطنتی دارد. آقای مارشال گفت تخریب بانکها، کاخ جوانان، دفاتر حزب رستاخیز و پلاکارتهای مربوط به تجلیل از انقلاب شاه و مردم در برابر اداره اصلی پست در مدت ۲ ساعت به پایان رسید و تظاهرات بعدی چندان سازمان داده نشده بود، ولی مردم بسیاری را در بر می گرفت. بنا به گفته او پلیس از سلاحهای خود کار علیه تجمعیهای بزرگ استفاده می کرد و دوستان پزشک موجود در ساعت ۱۳ اطلاع دادند که بیمارستانها مملو از حدود بیش از ۵۰۰ نفر زخمی یا در حال مرگ است و

۱- اشتباه تاریخ مربوط به اصل سند است.

تانکهای چيفتن در چهار راههای اصلی مستقر شده اند و در نتیجه تيراندازيهای آنان نیز عهده ای ديگر کشته يا زخمی شده اند. طبق اطلاعاتی که از پزشکان تبريز دريافت داشته تعداد کشته شدگان ۱۰۰ ۹۰ نفر و تعداد زخمی شدگان حدود ۷۰۰ نفر بوده اند و بسياری نیز به طور سرپایی مداوا شده اند.

بنا به گفته او حدود بيست دختر در مدرسه پروين که يک مدرسه دختران تيزهوش است مورد ضرب و شتم واقع شده اند چون می خواستند از مدرسه خارج شوند و مقامات از والدين آنها خواسته بودند که با اتومبيل به مدرسه آمده و با چادر دختران خود را از آنجا ببرند.

وی گفت شنیده است که شعارهای تظاهرکنندگان ضد شاه و به طرفداری از اسلام بوده و حداقل یکی از گروهها شعارهایی به طرفداری از ترکها می داده است (ولی معلوم نیست که منظور ترکیه بود يا هدف از اين شعار زبان و فرهنگ محلی آذربايجان بوده است). بنا به گفته وی هيچ گونه فعاليت ضد آمريکايی و ضد خارجی مشاهده نشده، ليکن سعی داشتند به اقامتگاه کارگران خارجی پروژه IDRO حمله کنند و به انجمن ايران و آمريکا خساراتی برسانند. گفته می شود که قرار است پایگاه استاندار و رئيس پليس ساواک و ارتش مورد تهاجم قرار گیرد. «تجربه» انتصاب مقامات ارشد دارای تماس نزدیک با آذربايجان در تبريز به پايان خط رسیده است.

طبق اظهارات وی سازمان دهندگان دارای افرادی داوطلب بودند که علت آن نیز نارضايتی جمعيت کشاورز از سياستهای دولت در قبال قيمت محصولات کشاورزی می باشد، با اين حال، وی می گوید که همه رابطهای وی در تبريز معتقدند که تظاهر کنندگان تحت کنترل «عناصر بيگانه» نبوده اند، زیرا در عين

سازمان داشتن و اهداف مورد تهاجم، نشانگر نارضايتیهای آذربايجانیها بوده است. آنها معتقدند که محرک اصلی اين تظاهرات افراد محلی (و يا غير آذربايجانی ایرانی) بوده که عمليات خرابکاری آنان را مؤثرتر ساخته اند.

اظهار نظر سفارت آمریکا در تهران: در عین حال که آمار و ارقام مربوط به تلفات با آمار رسمی و موثق بسیار مغایر است، ولی اصل گفتگو واقعیت دارد هر چند تا حدودی مهیج است.

مقام سیاسی از تبریز: دیوید مک کافی

۳/۱/۱۹۷۸

تحلیلی مقدماتی در ارتباط با «آشوب و قیام مردمی در تبریز»

سند شماره (۷)

تاریخ: ۲۳ فوریه ۱۹۷۸ ۴ اسفند ۱۳۵۶ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تحلیلی مقدماتی در ارتباط با:

«آشوب و قیام مردمی در تبریز»

ابتدای خلاصه: در روز شنبه ۱۸ فوریه ۱۹۷۸، جمعیتی بالغ بر چند هزار نفر، یک روز تمام را به

ایجاب آشوب و درگیری با نیروهای پلیس و ارتش گذراندند. خسارت وارده بر اموال خصوصی و دولتی

قابل ملاحظه بود و آمار کشته ها و مجروحین صدها نفر تخمین زده می شد. خیابانهای شهر تا این تاریخ،

یعنی ۲۱ فوریه، هنوز تحت کنترل نظامی قرار دارند و انتظار می رود که آثار و عوارض آشوب تا مدتی

مدید ادامه داشته باشند. انتهای خلاصه.

اندکی پس از ساعت ۱۰ صبح شنبه ۱۸ فوریه، گروههایی که اکثریت آنان را جوانان تشکیل می دادند

در بازار و مرکز خرید اصلی شهر گرد آمدند. کوشش پلیس محلی برای جلوگیری از ازدحام به زد و خورد شدیدی منجر گردید که به سرعت و به طرز خشونت باری به دیگر نقاط شهر سرایت کرده و گسترش یافت. با وجود آنکه شبیه به طور رسمی روز کار محسوب می شد، اوراق چاپی از هفته گذشته بین مردم توزیع گشته و به آنان سفارش شده بود که روز شبیه را به مناسبت چهلم مقتولین مرکز مذهبی «قم» تعطیل نمایند و لذا، منطقه بازار و اکثریت مطلق مغازه های شهر تعطیل کرده بودند. اما تمام ادارات، فروشگاههای وابسته به دولت و بانکها باز بودند. این اماکن، همزمان با آغاز آشوب، از سوی جمعیت مورد حمله و تهاجم قرار گرفتند. با ادامه ناآرامی و آشوب در طول روز، این مسئله بیش از پیش آشکار گردید که حملات علیه ساختمانهای مختلف از قبل پیش بینی و تعیین شده و توده ای اهداف مشخصی را دنبال می کنند. هرچند تعطیل مغازه ها به مناسبت کشته های قم از قبل به طور وسیعی منتشر شده بود، اما مأمورین پلیس شهری آشکارا فاقد آمادگی لازم جهت مقابله با انفجار خشونتی که در پیش بود، به نظر می رسیدند و ظاهرا هیچ گونه برنامه ریزی قبلی در این باره انجام نگرفته، و اگر گرفته بود به هیچ وجه کفایت نمی کرد. پلیس محلی که ابتدا کوشیده بود جمعیت را از ازدحام و ایجاد آشوب منصرف نماید و آن گاه به شلیک تیرهای هوایی مبادرت ورزیده بود، به زودی کنترل خود را از دست داد و در حالی که توده ها در دیگر نقاط شهر نیز ازدحام می نمودند، پلیس اقدام به عقب نشینی نمود. اوائل بعد از ظهر، سربازان پیاده نظام به کمک پلیس شتافته و وارد صحنه شدند. (بنا به گزارش، این سربازان به پایگاه های نیروی زمینی ارتش در شهرهای «مرند» که از تبریز با ماشین ۴۵ دقیقه فاصله دارد و «مراغه» که تا تبریز حدود ۲ ساعت راه است تعلق داشته اند.) هنگامی که این نیروهای کمکی رسیدند و شلیک گلوله به سمت جمعیت به طور جدی آغاز گردید. آشوب در منطقه ای به طول ۱۲ کیلومتر (از «دانشگاه آذر آبادگان» در شرق تا ترمینال راه آهن در غرب شهر) و پهنای حدود ۴ کیلومتر (از «ستاد حزب رستاخیز» در شمال تا دو بلوک مانده به کنسولگری

آمریکا در جنوب) گسترش یافته بود. ورود ارتش و به ویژه تانکهای «چیفتن» که برای گشت و پاسداری از شهر وارد صحنه شدند (و استفاده از آنها تا حدودی موجبات نگرانی سفارت انگلیس را فراهم آورده) باعث شد که موضع تهاجمی توده ها کاهش پذیرد.

اکثر تلفات و زخمیهای محلی به همین سربازان پیاده نظام نسبت داده می شود.

در حالیکه عکس العمل دولت در برابر آشوب بی برنامه به نظر می رسید و برای چند ساعت متوالی مؤثر واقع نشد، تاکتیکها و روشهای به کار گرفته شده از سوی مردم حاکی از آمادگی بسیار خوب ایشان بود. آشوب طلبان اهداف خاصی در سر داشتند و ظهور گروه های مختلف در مناطق گوناگون شهر گروههایی که به مواد آتش زا برای ایجاد حریق در نقاط مناسب کاملاً مجهز بودند مستلزم وجود یک هسته مرکزی متشکل از شورشیان بود که به خوبی می دانستند. چه می خواهند بکنند. به آتش کشیده شدن ساختمانهایی که چندین مایل از یکدیگر فاصله دارند، در فواصل زمانی نسبتاً کوتاه، تردیدی برجای نمی گذارد که این گروهها به طور تصادفی تشکیل نشده اند. گرچه سلاح توده ها عموماً به سنگ، چماق و چاقو محدود می شد. (اخباری در ارتباط با شورشیان مسلح به تفنگ و اشخاصی که از مخفیگاه های خود مبادرت به تیراندازی نموده اند، شایع شده است، اما اکنون چنین به نظر می رسد که این موارد استثنایی بوده اند.) با این همه حتی این سلاح های ابتدایی نیز نبایستی از سوی آشوب طلبان به طور اتفاقی انتخاب شده باشند. به ساختمانها بویژه نواحی تجاری که بیشترین ویرانی را متحمل شده اند آن قدر خسارت

وارد شده است که باید گفت مردم اقلام (سلاحهای) فوق را قبلاً گردآوری و ذخیره نموده اند.

شمار تلفات و مجروحین در این روز به طور رسمی ۱۲۵ زخمی و ۶ کشته تخمین زده می شود و تعداد

از مجروحین را افراد پلیس و مأمورین امنیتی تشکیل می دهند؛ اما بنابر منابع دیگر، این ارقام، بسیار بالاتر

است. تنها در یک بیمارستان بیش از ۱۵۰ نفر، طبق گزارشات واصله، تحت مداوا قرار گرفته اند و یک ناظر

خارجی که آپارتمان محل سکونتش بر منطقه بازار، که خسارات سنگینی دیده است، مشرف می باشد

مدعی است که ۷ وانت بار کوچک، اجساد کشته شدگان را حمل نموده اند.

تعداد کشته ها طبق منابع غیر رسمی ۲۰۰ تن تخمین زده می شود. اما با در نظر گرفتن این مسئله که

دولت چنین آماری را به طور معمول کمتر از تعداد واقعی گزارش می کند و از سوی دیگر، مردم در گزارش

خود عادتاً مبالغه می نمایند، کسب آمار واقعی تلفات و زخمی ها تقریباً غیر ممکن است.

آنچه به وضوح قابل مشاهده است خسارات وسیع فیزیکی است و در این میان ساختمانهای بانکها

بیشترین آسیب را متحمل شده اند. شیشه های پنجره بیش از ۷۰ شعبه بانک خرد شده و حداقل ۱۰ بانک

هم کاملاً تخریب گشته اند. پرونده ها و قبوض بانکی در تمام شهر روی زمین پراکنده شده اند و جمع آوری

و تنظیم امور مالی مربوط به هزاران مشتری این بانکها کار بسیار مشکلی خواهد بود.

اماکن دولتی نیز آسیب جدی دیده اند: توده ها دو شعبه از ساختمانهای شهرداری، اداره آموزش و

پرورش، اداره اوقاف، دادگستری شهر، اداره مالیات، یک ساختمان متعلق به اداره تلفن و تلگراف، دو

شعبه از فروشگاههای تعاونی روستایی، چندین کیوسک پلیس و ساختمان بیمه اجتماعی را مورد تهاجم

قرار داده و مهمتر از همه ستاد حزب رستاخیز را به آتش کشیده اند.

مؤسسات فرهنگی نیز هدف قرار گرفته اند که «انجمن ایران آمریکا» و «کلوپ معلمین» از جمله

مهمترین آنها می باشند؛ شیشه پنجره های انجمن عمدتاً شکسته اند. «کاخ جوانان» نیز که وابسته به دولت

می باشد به آتش کشیده شده و آسیب زیادی دیده است. در ارتباط با بخش خصوصی، چندین مغازه و حداقل یک سینما به کلی تخریب شده اند. کارخانه محلی «پسی کولا» و یک هتل به سختی آسیب دیده اند. پنجره های چندین هتل دیگر، تقریباً تمام سینماهای شهر و تعداد محدودی مغازه نیز خرد شده اند. ساختمانهایی که مورد حمله قرار گرفته و یا به آتش کشیده شده اند به چند دسته مشخص قابل تقسیم می باشند: برخی وابسته به دولت یا بانکها هستند و بعضی چون کارخانه پسی کولا و تعدادی از مغازه های طعمه حریق شده وابسته به انجمن بهائی های محلی است. دلیلی که عموماً در ارتباط با حمله به سینماها ارائه می گردید. آن بود که در این اماکن زنها روی پرده ظاهر می شدند. در رابطه با کاخ جوانان، انجمن ایران آمریکا، کلوپ معلمین و هتلها نیز گفته می شد که در این مؤسسات زن و مرد آزادانه معاشرت و آمیزش داشته و در نتیجه موجبات انزجار و تنفر مسلمانان متعبد را فراهم می آوردند. آنچه در تخریب اماکن به وضوح آشکار می نمود، آن بود که شورشیان به خوبی می دانستند کدام ساختمانها را مورد تهاجم قرار دهند. آنان گاه برای تخریب برخی ساختمانها (نظیر ساختمان انجمن ایران آمریکا) از مسیر خود خارج می شدند، در حالی که خانه ها و مغازه های مجاور اهداف خود را دست نخورده بر جای می گذاشتند. در طول تظاهرات و آشوب، ساختمانهای معمولی بندرت صدمه دیده اند و این مسئله به طور قطع حاکی از آن است که مسئولین سازماندهی آشوب گروه های خود را تحت کنترل و نظارت کامل داشته اند. چنین به نظر می رسد که خود شورشیان اقدام به دزدی و غارت اماکن مورد تهاجم

خویش ننموده و یا به ندرت دست به این کار زده اند و دزدی های کوچکی که اتفاق افتاده اند، توسط اشخاصی (از جمله تعدادی زن) انجام گرفته که توده های تظاهر کننده را تعقیب می کرده اند.

ظاهرا خود شورشیان عمدتاً جوان بوده و پایینترین حدود سنی بین ۱۲ تا ۱۵ سال بوده است. هر چند بنابر اعلان رسمی، شورشیان «مارکسیستهای اسلامی» بوده اند. اما از دیدگاه ناظران محلی (و غیر رسمی) این لفظ هیچ گونه ارتباطی با آنچه که در تبریز به وقوع پیوست ندارد. اعتقاد عمومی بر آنست که شورشیان را اقشار بیکار و پایینترین طبقات شاغل تشکیل می داده اند اقشار ناراضی و فوق العاده انعطاف پذیری از جنس مذکر که چیزی ندارند تا با ایجاد آشوب از دست بدهند و به آسانی نیز بازیچه محرکین قرار می گیرند. هر چند چنین گروهی را می توان «مسلمان» نامید، اما افزودن برچسب «مارکسیست» بر آنان متناقض به نظر می رسد.

تبریز همچون دیگر شهرهای بزرگ ایران مورد هجوم سیل عظیمی از روستاییان جوانی قرار گرفته است که در پی یافتن اشتغال به این شهر یورش برده و بر تراکم رو به افزایش پست ترین قشر اجتماعی در این شهر، که هم اکنون نیز بیش از حد رشد یافته است، می افزایند آنان می کوشند در جامعه بسته و بسیار محافظه کار تبریز جایی برای خود باز کنند، در حالی که اکثراً بی سواد بوده و یا از سواد کمی برخوردارند.

مردان جوانی که غالباً از خانواده های خود جدا شده اند، و بدین ترتیب فاقد تکیه گاه خانوادگی ای می باشند که از نظر روانی برای ایرانیان بسیار حائز اهمیت است. اگر بتوانند کاری پیدا کنند، پست ترین نوع مشاغل یدی به ایشان واگذار می گردد. هر گونه تفریح و سرگرمی عادی جهت آزاد ساختن انرژی، از توان مالی آنان خارج است (فعالتهای ورزشی و تماشای فیلم، اوقات فراغت و پول می خواهد و هر گونه تماس واقعی با جنس مخالف ممنوع است). با این تفصیل، تعجبی ندارد که این گروه سخت انعطاف پذیر (و دمدمی مزاج) می باشند. با وجود جو متعصب و مذهبی حاکم که بر محدود نمودن نقش زنان در جامعه

تأکید می‌ورزد و لذات دنیوی، چون سینما و اماکنی که در آن «زنان خود را در معرض تماشای مردان قرار می‌دهند» یعنی کلوپهای تفریحی، هتلها، کاخ جوانان و انجمن ایران آمریکا که صرف حضور یافتن در آنها مستلزم صرف هزینه بوده و بنابراین تنها در اختیار اقشار مرفه و متوسط قرار دارند را مردود می‌شمارد، تعجبی ندارد که گروه مذکور دست به حرکات خشونت بار و عاطفی بزنند. مذهب یکی از معدود عناصر پایدار در میان این قشر از مردم است و شناخت محدود ایشان از اسلام و حس احترام آنان نسبت به سلسله مراتب شیعی، از جمله اندک چیزهایی است که آنها می‌توانند در جامعه‌ای که احساس می‌کنند از آن طور شده و از سوی آن مورد تهدید قرار گرفته‌اند، برای خود نگاه دارند.

تصمیم رهبران مذهبی مبنی بر بستن بازار و تعطیل نمودن شهر به یاد کشته‌های قم می‌تواند، اعتراض مستقیمی علیه حاکمیت دولت به شمار رود؛ اما از جهت دیگر، این امر را می‌توان به جای آوردن یک تکلیف دینی از سوی مردمی دانست که عمیقاً معتقدند کشته‌های قم در راه ایمان خود به شهادت رسیده‌اند. نفوذ واقعی روحانیت بر بخشی از مردم (در این حادثه) آشکارا به نمایش گذاشته شده و فریاد «مرگ بر شاه» و تقاضای بازگشت خمینی (رهبر مذهبی شیعی که اکنون در تبعید به سر می‌برد) به ایران، حاکی از نارضایتی سیاسی و نیز بیانگر ایمان مذهبی است. اینکه آیا انگیزه اصلی متشکل‌کنندگان توده مردم صرفاً سیاسی یا صرفاً مذهبی، و یا ترکیبی از این دو بوده است که در کنار آن دیگر محرکین و آشوب‌طلبان سیاسی نیز برای ارباب رژیم مداخله نموده‌اند، مسئله‌ای است که شاید هرگز کاملاً روشن

نشود. آنچه روشن است این است که توده عوام (در سراسر ایران) و به طور کلی تمام اقشار ناراضی مردم که آشوب طلبان از میان آنان برخاسته اند، دگرباره به سلاحی پر قدرت برای استفاده علیه رژیم تبدیل شده اند. کسانی که طرح آشوب را ریخته اند، چه روحانیون که هدف آنها اثبات ایمان و از خود گذشتگی شان نسبت به نوعی از اسلام، می باشد که به اعتقاد آنان از سوی رژیم مورد تهدید واقع شده و چه آنان، در حقیقت «آشوب طلبان مارکسیست» باشند، در هر صورت دعوی مبارزه جدی ایشان علیه رژیم، که در قالب تهاجم به مؤسسات متعدد مسبوق الذکر ابراز گردید، عواقب بسیار گسترده ای خواهد داشت. در کوتاه مدت، تا زمانی که مؤسسات آسیب دیده دوباره به حال عادی خود باز گردند، حیات اقتصادی و اجتماعی شهر مختل خواهد بود و احتمالاً تحولات جدی در سطح مقامات حکومتی محلی به خاطر قصورشان در پیش بینی و پیشگیری از آشوب، صورت خواهد گرفت. بدون تردید بسیاری از مقامات شهر و استان که سهل انگار و تا حدود انعطاف پذیر و ملایم بوده اند، تعویض شده و گروه سخت گیرتر و سرکوب کننده تری جایگزین آنان خواهند گردید. می توان پیش بینی نمود که رژیم از طریق حذف برنامه های اجتماعی و طرحهای توسعه منطقه نیز عکس العمل نشان خواهد داد. مسئله بسیار مهم تر در درازمدت آن است که آشوب تبریز نشان داد که چگونه حاکمیت بالفعل رژیم بر استانهای کشور می تواند به طور جدی از سوی نیروهای مذهبی و اجتماعی که مدتها توسط تهران نادیده انگاشته شده اند، در معرض تهدید قرار گیرد؛ نیروهایی که اکنون بسیار قدرتمندتر از آن هستند که بتوان آنان را نادیده پنداشت و یا به آسانی با خود همراه نمود. مترینکو

ناآرامیهای قم و تبریز

سند شماره (۸)

تاریخ: ۵ مارس ۱۹۷۸ ۱۴ اسفند ۱۳۵۶ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از : کلاید د. تیلور به : مشاور سیاسی جان استمپل

موضوع: ناآرامیهای قم و تبریز

آقای بختیان امروز صبح گفت که پسر عمویش که پزشک است در طول تعطیلات آخر هفته با وی دیدار کرده و رویدادهای قم را به وی گزارش نموده است. پسر عمویش گرداننده امور یک کلینیک در قم است و در آغاز اظهار داشت که تعداد کشته شدگان ناآرامیهای قم حدود ۴۰۰ نفر می باشد. وی گفت که سخنگویان دولت پس از شورشهای تبریز برای یک آیت الله در قم پیامی آورده بودند، مبنی بر اینکه اعلیحضرت مدت ۵ روز است که به خواب نرفته است و در پاسخ، آیت الله قم گفته بود «به او بگویید که ما ۵۰ سال است که نخواهیم ایم»

بنا به گفته این پزشک یکی از علل ناآرامیهای قم این است که آیت الله ایرانی که در عراق در تبعید به سر می برد به پایان شانزده سال تبعید خود رسیده و در مورد بازگشت وی سؤالاتی مطرح شده که ریشه تمام این اغتشاشات می باشد.

یکی از جالب توجه ترین اظهارات آقای بختیان این بود که به گفته وی رادیوی صبح کشور اعلام کرده بود که راه قم به علت مراسم جاری در این شهر بسته شده است. وی از من سؤال کرد که آیا قرار است بازار و مغازه های دیگر شهرهای ایران نیز تعطیل شوند یا نه که پاسخ من منفی بود. تیلور

تمایل سرلشکر پاکروان مبنی بر افزایش نقش مشورتی آمریکا برای شاه

تاریخ: ۱۹ آوریل ۱۹۷۸ ۳۰ فروردین ۱۳۵۷ طبقه بندی: خیلی محرمانه

یادداشت مکالماتمکان: منزل سرلشکر حسن پاکروان، نیاوران، تهران

شرکت کنندگان: سرلشکر حسن پاکروان، دبیر اول سفارت آمریکا کلاید دی. تیلور

موضوع: تمایل سرلشکر پاکروان مبنی بر افزایش نقش مشورتی آمریکا برای شاه

مقدمه: ضیافت شام مورد نظر فرصتی بود برای اختلاط دوستان سرلشکر (سرلشکر بازنشسته، معاون

اسبق نخست وزیر و رئیس ساواک، و غیره) و خانم پاکروان و دوستان پسرش دکتر کریم پاکروان (استاد

اقتصاد در دانشگاه آزاد ایران و مشاور سازمان برنامه و بودجه در امر انرژی) و همسرش. در تمام طول

شب سرلشکر دائما نزد من می آمد و دنباله صحبت‌های گزارش شده را ادامه می داد که حدودی یک ساعت

به طول انجامید.

سرلشکر پاکروان در مقدمه صحبت‌هایش گفت که دیگر به شاه دسترسی ندارد، اما بعضی از دوستان

جوآنترش با وی در تماس می باشند. اما در نتیجه سالها تماس مستقیم معتقد است که «شاه را همچون

کتابی می شناسد» و هنوز هم قادر است به دقت در زمینه طرز فکر شاه در رابطه در رویدادها و آینده تعمق

نموده و به قضاوت بنشیند. او گفت که افکارش را به عنوان یک وطن پرست نگران با من در میان می گذارد.

سرلشکر در ابتدا از من خواست که نظر خود را در مورد وضع اقتصادی جاری و آتی ایران بیان نمایم.

سپس پرسید که نظر آمریکا در مورد ایران چیست. پاسخ من منطبق با مطالبی بود که سفیر سولیوان در

دیدار با میهمانان خود بیان می داشت یعنی ارزش منافع آمریکا در ایران به عنوان کشور مولد گاز و نفت و

نیز کشوری که دارای ارزشهای ژئوپلتیک غیر قابل قیاس و سنجش است.

سرلشکر گفت که شاه اخیرا در مورد اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران شدیداً اظهار نگرانی کرده است.

(منظور وی تنها عدم توازن اقتصادی، فعالیت بیش از حد اقتصادی و نومیدهای ناشی از عدم موفقیت برنامه پنجم ایران که قبلاً در مورد آن تبادل نظر کرده بودیم، نبود، بلکه شامل افزایش مخالفت‌های سیاسی اجتماعی و مذهبی در ایران نیز می‌شد.) وی گفت از منزوی شدن بیش از حد شاه نگران است و معتقد است که تنها شمار کمی از افراد هستند که به خاطر بالا بردن رفاه ایران اطلاعات صادقانه‌ای را در اختیار وی قرار می‌دهند. شخص او معتقد نیست که ایران می‌تواند به اهداف تعیین شده دست یابد. بنابراین اگر قرار است یک اقتصاد سالم در دراز مدت پیاده شود که نتایج نادرست سیاسی اجتماعی به دنبال نداشته باشد، باید از شدت و حدت این اهداف کاسته شود.

سؤال کردم که آیا واقعیت ندارد که شاه برای مطلع بودن از امور جاری در جهان تجاری دائماً با گروهی از تجار و بازرگانان در تماس است؟ سرلشکر در پاسخ گفت که متأسفانه این تجار که قبلاً نیز با شاه در تماس بوده‌اند یا از جریان امر خبر ندارند و یا در برخورد با وی صادق نیستند. وی در مقام اعتراف گفت احتمالاً شاه آنچنان مجذوب اهداف خود شده که بیش از گذشته نسبت به کسانی که اخبار بدی را به او می‌دهند، مظنون می‌شود. وی گفت در جنبه رسمی و مقاماتی نیز متأسفانه وزیران و نیز رهبران تجارت خارجی و سران کشورها مانند دیگر ایرانیان عمل می‌کنند، یعنی به امید تحصیل چیزی از شاه و ایران به او نزدیک می‌شوند.

نکته مهم نهفته در گفتگوهایش این بود که اینجانب می‌بایست به دولت آمریکا و یا سران غیر دولتی

آمریکا (از جمله دیوید راکفلر) این پیام را برسانم که در زمینه مشورت با شاه فعالیت بیشتری داشته باشند. وی گفت گمان می کند که مانند سالهای گذشته، آمریکا، رئیس جمهور و سفیر تا حدودی این کار را انجام می دهند، اما معتقد است که این نقش در حال حاضر باید با فعالیت بیشتر دنبال شود و به صورتی بسیار دیپلماتیک نشانگر علاقه آنان به آینده ایران باشد. وی در مقام هشدار گفت البته ممکن است شاه عصبانی شده و یا فریاد بزند، چون طبیعتش این است. اما قبل از آن که مهار وضعیت موجود از کنترل خارج شود باید وی را مطلع ساخت. در رابطه وضع سیاسی داخلی ایران، وی گفت که آنها کاملاً به خارجیان واگذار شده است، لیکن شاه از دهه ۱۹۶۰ (زمانی که سرلشکر رئیس ساواک و طبیعتاً در تماس نزدیک با شاه بود) به این نتیجه رسیده بود که اعطای آزادیهای در ایران باید تحقق یابد. وی گفت از من می خواهد که این مطالب را به سفیر بگویم چون فکر می کند که آمریکا برای ارائه نصایح سیاستمداران به شاه از موقعیتی بهتر از دیگران برخوردار است. وی گفت دیگران از جمله رهبران آلمان، بریتانیا، فرانسه و احتمالاً ژاپن نیز می توانند نظر شاه را جلب کرده و با در نظر نگرفتن منافع تجاری خود در ایران می توانند با شاه در مورد آینده ایران صادقانه سخن بگویند.

بیوگرافی

سرلشکر حسن پاکروان:

متولد ۱۹۱۴ است و قبلاً معاون رئیس ساواک در سالهای آخر ریاست تیمور بختیار (اواخر دهه ۱۹۵۰) بود و پس از آن به عنوان رئیس ساواک و معاون نخست وزیر از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴ برگزیده شد. به خاطر تضادی که با ژنرال نعمت الله نصیری پیدا کرد. از ساواک برکنار شد و از آن زمان به بعد نصیری رئیس ساواک بوده است. بعدها سرلشکر پاکروان وزیر اطلاعات، سفیر ایران در پاکستان و فرانسه (از سپتامبر ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳) شد. از آن پس نیز چند سمت دولتی داشته است. او به زبان انگلیسی به خوبی

تکلم می کند و فردی است که از جریانهای موجود در ایران کاملاً مطلع است. بدون شک علت آن نیز شرکت وی در چند عملیات بزرگ تجاری است که یکی از آنها احداث یک کارخانه بزرگ ذوب آهن است که در نزدیکی مشهد و توسط شوروی ساخته خواهد شد.

دکتر کریم پاکروان:

فرزند سرلشکر پاکروان است و ظاهراً بیش از ۳۰ سال ندارد. او لیسانس خود را در سوئیس و در فوق لیسانس را از دانشکده اقتصاد لندن دریافت نمود و درجه دکترا را از دانشگاه شیکاگو در ریاضیات و اقتصاد گرفت. در سال ۱۹۷۶ به ایران بازگشت و در دانشگاه آزاد ایران مشغول به کار شد. وی دارای یک فرزند ۵/۲ ساله است و همسرش Aziti نیز که درجات تحصیلی چندی از انگلستان و آمریکا در رشته تلویزیون یا ارتباطات دارد نیز در ایران به طور نیمه وقت در دانشکده تلویزیون و ارتباطات دانشگاه آزاد کار می کند. دکتر پاکروان اخیراً به عنوان مدیر کل یک شرکت مشاوره تجاری بنام شرکت آگرگ در آمده که در زمینه کشاورزی، منابع و انرژی فعالیت می نماید.

چند استاد در دانشگاه نیز با وی در این شرکت سهام هستند. علاوه بر این وی تنها مشاور سازمان

برنامه و بودجه در زمینه انرژی است و با فریدون فشارکی مشاور انرژی نخست وزیر و نیز دیگر

متخصصین انرژی موجود در ایران روابط صمیمانه ای برقرار کرده است. او با سفارت بسیار صریح و بی پرده است و می تواند یک منبع خوب باشد. تیلور

برداشتهای عمومی در مورد دولت آموزگار

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: کنسولگری آمریکا در شیرازبه: وزارت امور خارجه

موضوع: برداشتهای عمومی در مورد دولت آموزگار

طی چند ماه گذشته این واحد تلاش کرده تا با تماس با تعدادی از افراد موجود در جنوب ایران از نظریات آنان در مورد دولت آموزگار که از تابستان قبل روی کار آمده مطلع گردد. پاسخ بسیاری از آنها به خصوص مقامات دولتی و افراد دارای خیال پروریهای سیاسی بیشتر مطالب کلیشه ای و معلول از جمله ایران در حال ورود به دروازه های تمدن بزرگ است، می باشد. با این حال، اظهارات صریحتر حاکی از نارضایتی نسبتا وسیع است. این نارضایتی نیز ناشی از خطاهای ملموس دولت نیست. بلکه علت اصلی آن این است که همه معتقدند که این دولت هیچ کار خاصی انجام نداده است، از جمله علل احتمالی این نحوه برداشت می توان موارد زیر را نام برد:

سالهاست که ایرانیها تحت تأثیر سخنان مقامات برای یافتن پاسخ تمام مسائل توجه خود را به دولت

مرکزی معطوف ساخته اند. شخص آموزگار گاهی تأکید کرده است که در هیچ موردی راه حل

معجزه آسایی وجود ندارد، که به نظر بسیاری از ناظران بی طرف، نظری واقعگرایانه و سالم است. با این

خیال شخص نخست وزیر نیز عاری از مبالغه گریهای یک سیاستمدار نبوده است. نتیجه این شد که حضار

وی علائم گیج کننده ای دریافت کرده اند یعنی یک روز از آنها خواسته می شود که سطح توقعات خود را

پایین بیاورند و روز دیگر تعاریف پر آب و تاب از وضعیت موجود آغاز می گردد.

آموزگار بخاطر شهرتی که در زمینه مدیریت داشت به این سمت منصوب گردید. بسیاری گمان می کردند که او خواهد توانست در آخرین ماههای دولت هویدا که توأم با اختلالات اجتماعی و اقتصادی بوده نظم و ترتیب را حکمفرما سازد. ولی نه ماه بعد همان نومیدیهایی یعنی تورم، افزایش قیمتها، کمبودها، نابرابریهای اقتصادی، کاغذبازیهای اداری دوران قبل از انتصاب آموزگار به جای هویدا، هنوز هم به چشم می خورد. روند واپسگرایانه اقتصادی بسیاری پر حرارت که همزمان با آغاز دولت آموزگار پدیدار شده بود، سبب گردید که بسیاری از رابطهای سفارت به خصوص در بخش خصوصی نسبت به دولت وی بدبین شوند. در عین حال که علت اصلی گسترش سریع اقتصادی از نظر همین افراد ناشی از بسیاری از عدم موازنه ها بود و سکونی موقت می توانست فرصت ایجاد استحکام و انسجام را پدید آورد، ولی در چند ماهه اخیر همه این افراد از روزهای پر جنجال سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ دم می زنند.

سیاستهای دولت در قبال ناآرامیهای داخلی، از نظر بسیاری از آنها، نشانه ناتوانی آن در برخورد واقعگرایانه تر با مسائل بحرانی است. طرز برخورد افراد در قبال ناآرامیها نیز بسیار پیچیده بوده و ناشی از بی میلی افراطی بسیاری از عناصر متجدد جامعه ایران در درک منابع و مفاهیم آن است، اما همه در برابر نوسانات دولت بهت زده می شوند، چون گاهی متوجه می شوند که دولت نمی داند در انتخاب دو راه یعنی بردباری در برابر نظرات ناراضیان و سرکوب کدام یک را برگزیند. جاه طلبیها گرچه شاخص اصلی

منتقدین نیست، ولی از نظر آنها این مسائل نقاط ضعف دولت محسوب می گردند.

خلاصه اینکه، دولت آموزگار تا حدودی قربانی شرایط موجود گشته است. چنین نتیجه گیری شده که به خاطر عدم توان خود در برابر شرایطی که موجود است نمی خواهد به صورت وسیله ای درآید. شکسته نفسی و واقعگرایی در برخورد با مسائل پیچیده همیشه به عنوان نقاط ضعف تعبیر شده است، معذالک، چنین به نظر می رسد که دولت نتوانسته است آنچه رهبری را به وجود آورد که موجب از بین رفتن نارضایتیها از عملکرد آن به خصوص در جنوب ایران گردد. تامست

اغتشاشات اصفهان

سند شماره ۱۱

تاریخ: ۶ مه ۱۹۷۸ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: کنسولگری آمریکا در اصفهان: وزارت خارجه آمریکا

موضوع: اغتشاشات اصفهان

آغاز خلاصه متن

اصفهان در تاریخ ۲۸ مارس یعنی بزرگداشت کشته شدگان تظاهرات تبریز در تاریخ ۱۸ فوریه، شاهد تظاهرات مداومی بوده است که احساس ناامنی را در میان جوامع ایرانی و آمریکایی افزایش داده، و ایرانیها را نسبت به انگیزه ها و تاکتیکهای دولت ایران بی اعتماد ساخته است: اخیرا ماهیت تظاهرات تغییر کرده و بسیاری از محافظه کاران را وارد درگیریها ساخته و احساسات ضد آمریکایی نیز در حال پیدایش است در صورتی که روش جدیدی در ممانعت از درگیریها ابداع نشود بی نظمی شدیدی حاکم شده و منافع شهروندان آمریکایی مقیم اینجا را به مخاطره خواهند افکند. (پایان خلاصه متن)

سرقتهای ایدائی

۴۰ روز پس از شورشهای تبریز که سبب کشته شدن بسیاری از افراد گردید، در اصفهان نیز احتمال بروز چنین درگیریهایی آن هم در آخرین روز از عزاداریهای ۴۰ روزه قوت پیدا کرده است. مقامات محلی می گویند که انتظار بروز آشوب را نداشتند، اما دفاتر امنیتی و دولتی به مدت سه روز قبل از این تاریخ در آماده باش ۲۴ ساعته به سر می بردند. در نگاه اول رویدادهای ۲۸ مارس کم اهمیت تلقی می شد، که عبارت بود از سرقت (پرتاب سنگ) در چند دفتر شهرداری و بانک جمعیت‌های خیابانی به سرعت وضع عادی پیدا کرده، و حضور کارمندان در محل کار و پلیس در محلهای کنترل ترافیک نیز جنبه عادی خود را یافت، ولی دو روز بعد و به خصوص هر روز بعد از آن رویدادهای مشابه دیگری به وقوع پیوست، یعنی در هر مورد چند نفر اتومبیل یا موتور سیکلت سوار به طرف تأسیسات فاقد نگهبان (بانکها، سینماها، مشروب فروشیها، و دفاتر پستی) حمله ور شده و به طرف آنها یا سنگ پرتاب می کردند و یا بمبهای آتش زا که اغلب عمل نمی کردند و پس از آن مهاجمین ناپدید می شدند. از سی و شش حمله گزارش شده هیچ کدام منجر به رویارویی با پلیس و یا دستگیری نشده است. پس از ده روز اول این حملات کاهش یافت، اما تا اواسط ماه آوریل همچنان ادامه داشت.

مداخله دولت ایران / تصادم؟

با ادامه این حملات در نقاطی که پلیس حضور نداشت و با تحقیقات پلیسی که فاقد هرگونه اطلاعات دقیق و یا دستگیری بود، روزنامه مطالبی را در محکوم ساختن فعالیتهای «عناصر ضد دولت» منتشر ساخته و از «سازمانهای وفادار و مردمی ایران» در خواست می کردند که مانع از ادامه این اعمال گردند، در نتیجه سازمان دفاع غیر نظامی در اصفهان تحت عنوان «جوخه های اقدام»^(۱) تشکیل گردید و برخلاف پلیس سریعاً موفق به درگیری و دستگیری «محرکین مظنون» و تحویل آنان به پلیس گردیدند.

این روش در اصفهان مورد سوءظن واقع گردید، تا اینکه اکثریت مردم این شهر به این نتیجه رسیدند که خرابکاریها بنا به دستور دولت ایران و با حمایت آن انجام می شده است. گفته می شد که هدف دولت از این کار توجیه پیدایش «چماق به دستهای» ظاهراً مردمی ولی باطناً نظامی و امنیتی بوده است. این گروههای اقدام سریع خیابانی بعداً می توانست علیه مخالفین دولتی به صورتی مشروع و یا نیمه قانونی مورد بهره برداری واقع گردد، چون دولت قادر نبود بخاطر مخالفت جهانی (به خصوص آمریکا) در زمینه حقوق بشر و سرکوبهای اعمالی از طرف دولت، مستقیماً مرتکب چنین اعمالی شود. این امر سبب می شود که دولت ایران علناً بتواند از حقوق و آزادیهای بیشتر طرفداری و در عین حال از «افراط کاریهای» این گروه از شهروندان علاقه مند که قادر است مخالفین را به طرز وحشیانه ای سرکوب کند، ابراز تأسف و نگرانی نماید.

عدم مواجهه همیشگی پلیس و این خرابکاران را اصفهانیها و عامل اصلی پیدایش این فرضیه می دانند چون اصفهان شهری است که نیروهای امنیتی آن همیشه به حال آماده باش هستند و شهر را تحت نظر دارند و علت این خرابکاریها نیز اطلاع کافی از حرکات نیروهای امنیتی در شهر است و یا بی تفاوتی مردم در برابر پیدایش این خرابکاریها در غیاب نیروهای پلیس و یا همکاری دولت با خرابکاران.

اولین دلیل با هماهنگی و یکسان بودن شیوه های خرابکاری جور در نمی آید، و دومی به لحاظ حضور و موفقیت ناگهانی جوخه های اقدام سازمان دفاع ملی واقعیت ندارد که جا را برای سومی باز می کند. علاوه بر این اصفهانیها خاطر نشان می سازند که با وجود رایج بودن این رویدادها، میزان خسارات وارده ناچیز و مغایر خسارات وارده توسط تظاهر کنندگان واقعی علیه همان گونه اهداف در تبریز می باشند.

تظاهرات مرحله دوم

گروههای دانشجویی محافظه کار در دانشگاه اصفهان تظاهراتی همراه با عکسها و اسامی قربانیان تبریز مورخه ۲۹ تا ۳۱ مارس بر پا کردند که با خرابکاریهای ایدایی کاملاً متفاوت بود. پس از این مراسم اعلام یک هفته اعتصاب یاد بود کردند که به خوبی پیگیری شد (گرچه کتابخانه و اتاقهای مطالعه مملو از دانشجویانی بود که در تدارک امتحانات بودند). تا اینجا عامل نگران کننده ای پدیدار نشده بود. ولی در تاریخ ۱۴ آوریل، واقعه ای در مسجد حسین آباد نزدیک دانشگاه رخ داد که نتایج خطرناکی را به دنبال داشت. بنا به گزارشات واصله یک ملای محافظه کار (رهبر مذهبی) اعلام کرده بود که قصد دارد در مورد خطراتی که در ایران اسلامی را تهدید می کنند، سخن بگویند، وی و همراهانش به محض ورود به مسجد، با

۱- تذکر: در یادداشتها و گزارشات سفارت دولت به این گروهها "سپاه مقاومت" اطلاق می کند که "گروههای اقدام کننده" و "سپاه مقاومت" هر دو یکی هستند.

پلیس روبرو شدند که قصد داشتند مانع ورود وی به مسجد شوند که در این کار نیز موفق شدند گذشته از موقعیت، مناقشه مربوطه جمعیتی عظیم و کینه توز را به سوی خود جذب نمود. شاهدان عینی می گویند که چهار وسیله نقلیه نظامی به این صحنه نزدیک شد، و افراد مسلح نظامی دارای تفنگ، سرنیزه و سلاحهای خودکار از آنها پیاده شده و از خود حرکات و نظم و ترتیب نظامی نشان دادند، ولی تیراندازی نشد. ظاهراً همین نیروها محل سکونت چهره های محافظه کار رامورد تهاجم قرار داده و بین ۲۰ تا ۵۰ نفر را جهت بازجویی با خود بردند. روزنامه ها این واقعه را اولین فعالیت جوخه های اقدام سازمان دفاع ملی در اصفهان قلمداد کردند که طی آن هشت نفر یا به جرم تحریک آشوبهای اخیر و یا توزیع نشریات مخرب (تهران ژورنال ۱۶/۴/۱۹۷۸) دستگیر شده بودند. رابطهای من می گویند که این افراد همان نظامیان بوده ولی در حین اقدام نشانه های نظامی خود را به تن نداشتند.

در یک عکس العمل خصمانه نسبت به رویداد حسین آباد روز سه شنبه ۱۸ آوریل حدود ۵۰۰ دانشجو در محوطه دانشگاه اصفهان گرد آمدند و اقدام به شکستن پنجره های ساختمانها و ماشینهای پارک شده در محوطه دانشگاه کرده، و پس از خروج از دانشگاه به طرف هتلی که در آن نزدیکی قرار داشت و یک شعبه بانک صادرات سنگ پرتاب کرده، و در نهایت به کارخانه پپسی کولا در یکی از خیابانهای اصلی نزدیک دانشگاه حمله ور شدند. پلیس نیز به این منطقه هجوم آورد و تیراندازی شروع شد و حداقل دو تن از دانشجویان دستگیر شدند. بنا به گفته شاهدان تعداد بسیاری از دانشجویان توسط پلیس دستگیر شدند، لیکن بعداً آزاد گردیدند و مدعی شدند که در حین بازجویی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. در روز یکشنبه ۲۳ آوریل، حدود ۲۰۰/۲ دانشجو محوطه دانشگاه را ترک و جریان ترافیک را مختل کرده و چند نفر از رانندگان را از اتومبیلهای خود بیرون کشیدند، ولی به محض آغاز حمله پلیس به یکی از مساجد محل پناهنده شدند. در این مسجد نیز بیش از بیست نفر دستگیر شدند.

در همین حال در داخل دانشگاه حدود ۱۰ درصد دانشجویان به برگزاری تظاهرات دارای ماهیت ارتجاعی مذهبی پرداخته و دانشجویان دختری را که چادر به سر نداشتند مورد اهانت قرار داده و سعی داشتند دانشجویان را وادار کنند که برای انجام نماز کلاسها را ترک نمایند. اکثر دانشجویان به خاطر امتحانات در کلاسها حاضر می شدند، اما بسیاری از آنها در برنامه جلسات رئیس و دیگر مقامات اداری دانشگاه شرکت کرده و خواهان اجرای فرایض اسلامی در دانشگاهها شدند. (زنان چادر به سر کنند، محل غذاخوری آنها تفکیک شده، کلاسها برای انجام نماز تعطیل گردد و حدود ۳۰ درصد از کارمندان دانشکده ها بخاطر گرایشات غیر اسلامی اخراج شوند). حدود ۳/۰۰۰ نفر در جلسه ای با شرکت ریاست دانشگاه شرکت نمودند تا این تقاضاها را نزد وی مطرح سازند. رئیس دانشگاه نیز در این جلسه حاضر شد، لیکن تقاضاها را نپذیرفت و به دانشجویان دستور داد که یا به کلاسها بازگشته و یا اخراج شوند. پس از عزیمت وی، جمعیت خشمگین با توسل به لوله های فشار قوی آب متفرق گردیدند.

شایعات، شایعات و عکس العمل

در تمام موارد فوق، شهر، و به خصوص جامعه آمریکایی دستخوش شایعات بود. شایعات ابتدا دارای ماهیت اغراق آمیز نشأت گرفته از درون این جامعه بود، لیکن تازگیها یک نوع شایعه نگران کننده پدیدار گشته است. چند نفر با من تماس گرفته و در مورد ربوده شدن یک کودک آمریکایی، اسید پاشی بر روی دو

زن آمریکایی، تجمع دانشجویان در نزدیکی اقامتگاههای چند آمریکایی، حمله به آمریکاییها در اتوبوسهای شهری و چند فقره حمله و تجاوز سؤالاتی را مطرح نمودند. در مدرسه ابتدایی پس از این شایعات میزان حضور دانش آموزان بشدت کاهش یافت. ولی هیچ یک از این شایعات واقعیت نداشت و آنهایی که قابل ردیابی بودند نیز توسط منابع (نامشخص) ایرانی پخش شده بودند. چنین به نظر می رسید که شخصی عمدا سعی دارد با این شایعات آمریکائیان را متوحش سازد. بالاخره ظاهرا ساواک با یکی از افسران امنیتی تماس گرفته و به وی گفته بود که دو زن آمریکایی از اتومبیلهای خود بیرون کشیده شده، لباسهای آنها دریده شده، و از آنها عکسبرداری شده است و این منبع ساواک به مقام مزبور دستور داده بود که با انتشار یک بولتن امنیتی از زنهاي آمریکایی بخواهد اقامتگاههای خود خارج نشوند. او نیز بدون هیچ گونه تحقیق بیشتر طبق دستور دریافتی عمل نمود و انتشار بولتنی امنیتی سبب فرار خانواده های آمریکایی از اصفهان گردید و بسیاری از افراد باقیمانده نیز متقاضی خروج از این منطقه می باشد. یکی از منابع دانشگاهی گزارش داد که در میان دانشجویان کتابچه ای در تمجید از موفقیت آنها در ترسانیدن آمریکاییها توزیع شده و از آنها خواسته شده که به این شایعه پراکنیها ادامه دهند؛ لیکن صحت ادعای توزیع این نشریه مورد تأیید قرار نگرفته است. علاوه بر این یک شرکت دیگر تهدیدهای تلفنی و کتبی دریافت نمود، و یکی از مقامات ژاندارمری نیز گزارش داد که چند گروهان دیگر نیز تهدیدات تلفنی دریافت نموده اند، بالاخره، یکی دیگر از گزارشات این جانب حاکی است که ملای مسجد حسین آباد و چهار ملای دیگر در خطابه های ضد شاهی خود مطالب ضد بیگانه و ضد آمریکایی را نیز گنجانده اند و آنها و دانشجویان حامی شان در حال تشکیل نیروهای دفاع از خود علیه حملات جوخه های اقدام سازمان دفاع ملی می باشند.

به نظر من نیروهای دولت ایران نتوانسته اند اوضاع اصفهان را به خوبی تحت کنترل درآورند. واقعیت مشارکت دولت در خراب کاریها هر چه باشد (که خب بعید به نظر می رسد ولی اثبات ویا اینکار آن نیز کار ساده ای نیست) تاکتیکهای بسیار متضادشان در مقابله با آنها وتظاهرکنندگان محافظه کار و دانشجویی و نیز تشکیل جوخه های سازمان دفاع مقصر بودن آنها را در انظار دانشجویان و مردم حتمی جلوه گر ساخته است. قدرت و خشونت روز افزون و تظاهرات محافظه کاران عکس العملی است، در قبال تهدیدات مودیانه دولت ایران. با تظاهرات افزایش قدرت آن همیشه این خطر وجود دارد که اقدامات ضد دولتی متوجه اهداف دیگری شود که عبارتند از جوامع یهودی، آمریکایی و بهائی مقیم اصفهان، که از میان آنها آمریکاییان به مرحله جنون رسیده اند. درگیری آشکار بین جوخه های سازمان دفاع ملی و نیروهای دفاع از خود می تواند سبب گسترش سریع شورشها گردد. مردم در عین ناراضی بودن از وضع موجود، هوادار عکس العمل محافظه کارانه می باشند. به طور مثال، با وجود این که اقلیت کوچکی از دانشجویان واپس گرا هستند، ولی ۴۵٪ کل دانشجویان در جلسه ملاقات با رئیس دانشگاه حاضر شدند، و استفاده از ماشینهای آب پاش توسط پلیس جهت متفرق ساختن این جمعیت موجب افزایش پیروان افراطیون گردید. مقامات آمریکایی اکنون در حال هشدار دادن به آمریکاییها هستند در حالیکه هفته ها بود که می گفتند نباید از چیزی ترسید. به نظر من در حال حاضر هیچ گونه خطری آمریکاییان یا منافع آمریکا را تهدید نمی کند اگر

آرامش کوتاهی برقرار شود، ترس آمریکاییهای مقیم این شهر از بین خواهد رفت، ولی بحرانی شدن اوضاع امنیت شخصی آمریکاییان را به خطر انداخته و ممکن است پرسنل مشغول به کار در پروژه های آمریکایی هدفهای بزرگ ثانوی تظاهرات وسیع قرار گیرند.

در همین حالی که روحیه تظاهرات گسترش می یابد، ظاهراً تنها مداخله خارجی می تواند مانع از بروز خشونت بیشتر گردد، و شاید این رویداد خارجی تا به حال به وقوع نپیوسته باشد. کودتای کمونیستی در کشور همسایه ایران یعنی افغانستان که گویا تحت پوشش تظاهرات مذهبی و محافظه کارانه انجام گرفته تأثیر هشیار کننده ای داشته است، چون سه روز است که تظاهراتی برگزار نشده است. اگر تظاهر کنندگان متقاعد شوند که تظاهرات آنها کمکی به پیشبرد اهداف کمونیستی خواهد بود، سعی خواهند کرد جنجال آنچنانی برپا نکنند. با این حال، حتی اگر اصفهان آرام شود، مشخص شده که عناصر ارتجاعی مذهبی قادرند حمایت بسیای از مردم را جلب کرده و جمعیت عظیمی را برای برپایی تظاهرات جذب نمایند؛ و در عین حال که این تظاهرات (مسالمت آمیز) است، ولی از مبادرت به خشونت و درگیری نیز ابایی ندارند. این موضوع یک نتیجه گیری عمومی است و مربوط به رویدادی خاص نمی باشد و همچنان ثبات کشور را تهدید خواهد کرد حتی اگر این تظاهرات و آشوبها به آرامش کشانیده شود. مک کافی

ناآرامیهای اجتماعی در شیراز

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۱۴ مه ۱۹۷۸ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷ طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: کنسولگری آمریکا در شیراز به: وزارت امور خارجه

موضوع: ناآرامیهای اجتماعی در شیراز

در تمام طول هفته هفتم ماه مه شیراز نیز مانند دیگر شهرهای موجود در قلمرو کنسولگری و نیز دیگر

شهرهای ایران شاهد موجی از تظاهرات ضد رژیم بود. تلاش تظاهر کنندگان بیشتر بر چهلمین روز بروز به خشونت در تاریخ ۳۰ مارس که ۴۰ روز پس از شورش تبریز که آن هم ۴۰ روز پس از قتل عام ژانویه در قم بود، متمرکز گردیده بود. آنچه مسلم است این است که این دوره های بزرگداشت چهل روزه وسیله ای شده برای بروز احساسات ضد رژیم که در جامعه ایران ریشه های عمیق و گسترده ای دارد. رشد روند روبه خشونت در شیراز حاکی است که بسیاری از ایرانیهای مذهبی (و احتمالاً نقاط دیگر کشور) عمیقاً نگران ماهیت حکومت و جنبه های برنامه های نوگرایی در کشورشان می باشند.

ولی وجود این واقعیت که دو گروه یعنی عناصر نوگرا مرکب از دانشجویان دانشگاهی و نیروهای محافظه کار اسلامی در تظاهرات و خشونتها درگیر بوده اند. ارزیابی علل نهفته در ناآرامیها را دشوارتر و پیچیده تر می سازد و ضرورت آزادیهای سیاسی بیشتر به نظر می رسد که مستقیماً با نادانی محافظه کاران در تضاد است. در حقیقت، خط تمایز بین این دو گروه معمولاً، به واسطه جاه طلبیهای بسیاری از عناصر نوگرا نادیده گرفته می شود. در اغلب اوقات چنین به نظر می رسد که این افراد آماده اند تضاد آشتی ناپذیر روند نوآوری را با بنیادگرایی اسلامی تحت الحمایه منتقدین محافظه کار رژیم نادیده بگیرند. گرایش به عدالت اجتماعی در فلسفه اسلامی نیز ظاهراً وحدت عجیب و غریب آنها را منطقی جلوه گر می سازد، چون سبب می شود که نوگرایان و مسلمانان خرافاتی که بیشتر نگران تأثیر این روند نوگرایی بر شکل مذهب خود به صورت که در میان مردم به آن عمل می شود، نه به لحاظ ماهیت فلسفی آن، به نوعی اشتراک هدف برسند.

با وجود اینکه ایران از دیر باز شاه داشته است، سنت جهان وطنی اسلامی وحدت بین نوگرایان و محافظه کاران را در مخالفت با رژیم سهولت بخشیده است. روشنفکران صادق نیز اغلب اوقات نگران عدم تجانس نوگرایی در محیطی تحت سلطه مطلق گرایی سلطنتی می باشند. حتی کسانی که مایلند اعتبار و ارزش مهارت‌های سیاسی شاه را به رسمیت بشناسند، نیز فضای سلطنتی و بی فکریهایی که شاخص اطرافیان سلطان است را به دیده تحقیر می نگرند. آنها نسبت به حضور همه گیر سلطنت در عصری کاملاً پیشرفته و پیچیده بدبین بوده و با توسل به فرضیه اخوت اسلامی سعی دارند، علاوه بر یافتن یک نظام بهتر، برای مشارکت با محافظه کاران نیز انگیزه ای را پدید آورند.

بعضی از نوگرایان علناً این نوع مشارکت را وسیله ای برای سهولت در نیل به هدف توصیف کرده، و بعضی دیگر از جمله عناصر مارکسیست بدون هیچ گونه تردید و دودلی در مقام بهره برداری از احساسات ضد رژیمی محافظه کاران برای رسیدن به اهدافی که مورد تأیید محافظه کاران نیست، برآمده اند. با این حال در جنوب ایران، نشانه ها حکایت از آن دارد که نوگرایان شرکت کننده در فعالیتهای ضد رژیمی دنباله رو یک حرکت محافظه کارانه می باشند. این نوگرایان به جای اینکه پیشاهنگان نهضت باشند، دستخوش موج محافظه کاری شده اند. در این روند نیز ظاهراً چند عالم دخیل است که عبارتند از: اولاً، علیرغم تغییرات بسیار فاحش دو دهه گذشته، ایران (خارج از تهران) هنوز هم جامعه ای است که مدرنیزاسیون به طور کامل در آن جامعه عمل نپوشیده است. حتی عناصر عمده جمعیت‌های سریعاً روبه رشد مراکز شهری چون شیراز، اهواز، آبادان، خرمشهر، کرمان و بندرعباس در همین اواخر از محیط‌های سنتی زیست در شهرک‌های و روستاها خارج شده اند ثانیاً در بخش نو شده جامعه، بسیاری از عناصر از سیاست روی گردان شده اند. ثالثاً، همان گونه که قبلاً گفته شد، آن دسته از نوگرایان فعال، به استثنای مارکسیست‌ها، اغلب تعریف واضحی از اهداف خود ارائه نکرده اند. آنها می دانند که با چه چیزی مخالفت می کنند، ولی

تصویر واضحی از مطلب مورد حمایت خود ندارند. نهایتاً، محافظه کاران، حداقل، این قدرت تفکر را دارند که بدانند خواستار جامعه ای هستند که عاری از صفات «غیر اسلامی» باشد. این امر مشتمل بر خلاصی یافتن از چنگال رهبری است که دفاع از دین را در صدر برنامه های خود قرار نداده و در واقع هوادار مسائلی از قبیل آزادی زن می باشد، ولی در اینجا تغییر وضع اقتصادی را که سبب بهبود وضع زندگی بسیاری از ایرانیان از جمله خود محافظه کاران شده، نادیده می گیرند. عدم تحقق هدف محافظه کاران در باب ایجاد اقتصادی صنعتی در جامعه ای که در یک قالب قرون وسطایی کامل با زنان چادری و اجرای احکام مذهبی (شریعت) قرار می گیرد، تأثیر بسیار کمی بر مشکل عملی حکومت در ایران می گذارد. اولین و مهمترین واقعیت این است که رژیم با نارضایتیهای وسیعی روبروست که نتایج مستقیم و اجتناب ناپذیر روند نوآوری در میان بخش اعظم جمعیت ایرانی است که از عصر جدید بویی نبرده اند.

تغییر روند نوآوری تقریباً غیر قابل تصور است، اما پیشرفت این روند توأم با افزایش ناآرامی در میان کسانی است که با بسیاری از تجلیات آن مخالف هستند و یا از نتایج این تجلیات هراس دارند. گرچه محافظه کاران فاقد قدرت لازم برای واپس گرایی می باشند، ولی می توانند پیشرفت را کندتر کنند. یکی از مسائلی که وضع را پیچیده تر می کند این است که آن دسته از افرادی که از نظر سیاسی در منتهی الیه طیف اجتماعی فعال هستند نگران بسیاری از بیمورد کاریها بوده و بدون تردید خواستار آزادیهای سیاسی بیشتری خواهند شد و در این راه در صورت تشخیص ضرورت حتی با نیروهای ارتجاعی نیز همگام

خواهند شد.

رژیم نیز که با این دو تنگنای سیاسی هم جهت روبرو است، شاید بخواهد درصدد بهره برداری از گرایش نوظهور نوگرایان برای عکس العمل برآید که تا به حال در زمره عناصر غیر سیاسی ایران بوده اند. این افراد که شامل کارمندان دولتی، تکنوکراتها، افسران نظامی، تجار (در برابر بازاریها که از جمله سنت گرایان محسوب می شوند) می باشند، اصولاً مایل به دنبال کردن حرفه و مسائل شخصی خود بوده اند. ولی در حال حاضر خود را با ناآرامیهای دانشگاهی و اختلال در امور تجاری به خاطر بزرگداشت شهادت قهرمانان این شهر و آن شهر و افزایش موجبات رنجش خاطر در حیات خود روبرو می بینند، به این ترتیب ذهن خود را با راه حلهای فاشیستی مشغول می دارند تا بتوانند خشونت‌هایی را که دامنگیر بسیاری از شهرها شده از بین ببرند. ندهای گهگاه در رابطه با برخورد آگاهانه باچماق به دستها و عناصر ضد دولت حاکی از آن است که رژیم نیز همین روش را مد نظر داشته و شاید تا به حال آن را رد نکرده است. تغییر جهت، به سیاست اعطای آزادیها که به عناصر ناراضی ایرانی اجازه ابراز عقیده داده است می تواند سبب پایان گرفتن تجلیات علنی ناآرامیهای اجتماعی ناشی از روند نوآوری گردد، اما گمان نمی رود که قادر به تغییر علل ریشه ای آن باشد، زیرا، واضح است که قبل از شکوفا ساختن گل‌های بسیار، سرکوب و سانسور نتوانسته است، مانع از پدیدار گشتن ناآرامی اجتماعی گردد، که اکنون در همه جا به چشم می خورد.

تامست

واردات نظامی و صادرات نفتی ایران

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۷ ژوئن ۱۹۷۸ ۱۷ خرداد ۱۳۵۷ طبقه بندی: سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

از: کلاید دی. تیلور مشاور اقتصادی: سفیر

از طریق: معاونت سفارت آقای چارلز ناس مشاور اقتصادی آقای راجر بروین

طبقه بندی بدون مطالب پیوست: محرمانه

موضوع: واردات نظامی و صادرات نفتی ایران

به پیوست جداول حاوی آمار و ارقام و برآوردهای مربوط به واردات نظامی و صادرات نفتی ایران آمده است که در برگیرنده تمام تجارت خارجی ایران (کالاها و خدمات) و تجارت آن با آمریکا می باشد. در بیانیه ای نیز که به پیوست آمده مشکلات موجود در راه تهیه این آمار، و ارقام و هشدارهای لازم در زمینه موثق بودن آنها ارائه شده است. از ابتدای ورود خویش به ایران از فقدان آمار و ارقام جامع در زمینه تجارت ایران شگفت زده بوده ام و می دانم که پیشینیان من نیز با همین مسئله دست به گریبان بوده اند. آقای کاری هاف بوئر دستیار معاون وزیر خزانه داری در امور سرمایه گذاری و تجارت بین المللی و اینجانب در اوائل سال جاری پیرامون همین مسئله بحثهای مفصلی داشتیم. او با مهربانی بر روی آن کار کرد و اطلاعاتی را که از طریق چهار دفتر آمریکایی گردآوری کرده بود در اختیار من قرار داد. پس از این تلاش وی در مورد این آمار و ارقام چنین اظهار نمود، «گمان نمی کنم گزارش مناسبی باشد.» من یک نسخه از نامه و ارقام نامه اش را محض اطلاع شما ارسال می دارم. علاوه بر آقای هاف بوئر، آقای بش نیز در این تلاش مرا یاری داده است.

مطالب پیوست:

۱ نامه هاف بوئر به تیلور در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۷۸ با چند مطلب پیوست.

۲ تراز تجارت خارجی و حساب جاری ایران با جهان و آمریکا با جدولهای ۱، ۲، ۳.

سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

بدون مطالب پیوست محرمانه است

تراز تجارت خارجی و حساب جاری ایران با جهان و آمریکا در سال ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷

آمار و ارقام کامل مربوط به تجارت خارجی ایران یا منتشر نمی شود و یا تا آنجا که می دانم توسط دولت ایران به دقت دنبال نمی شود. در آمار مربوط به تجارت کالایی، نفت از صادرات و کالاهایی که توسط ارتش وارد می شود و همه آنها نیز الزاما نظامی نیستند، تفکیک می گردد. عناصر مهم غیر قابل رؤیت دیگر در حساب جاری از جمله جهانگردی، بهداشتی، انتقال حساب، بهره، حمل و نقل و غیره تنها در صورت موازنه پرداختها منظور گشته و تقسیمات مربوط به هر کشور در آن ذکر نمی گردد.

اگر درصدد کسب اطلاعاتی در مورد ارزش صادرات نفتی ایران باشید باید با استفاده از منابع اطلاعاتی یا کشورهای دریافت کننده اطلاعات لازم را گردآوری کرده و یا به تخمین و برآورد اکتفا کنید. البته این مورد دوم مشکلاتی از قبیل «یافتن سرنخ و کندی کار» و نیز مبانی قیمت گذاری مانند FAS (تحویل در بندر) CIF (قیمت تمام شده + بیمه + حمل) و FOB (تحویل روی عرشه) را در برخواهد داشت.

به دست آوردن آمار و ارقام مربوط به واردات نظامی ایران دشوارتر است. در ابتدا فرض بر این بود که تفاوت بین واردات غیرنظامی که توسط اداره گمرکات (وزارت اقتصاد و دارایی) گزارش می شود و تراز پرداختهای مربوط به واردات کالایی گزارش شده توسط بانک مرکزی تحت عنوان تراز پرداختهای ارز خارجی می تواند نشانگر میزان واردات نظامی این کشور باشد. به این ترتیب و همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده، واردات نظامی ایران در سالهای اخیر نباید (به میلیون دلار آمریکا) در سال ۱۹۷۵ معادل

۵۲۹۸ میلیون دلار، در سال ۱۹۷۶ معادل ۳۳۰۹ میلیون دلار، و در سال ۱۹۷۷ معادل ۲۵۵۰ میلیون دلار بوده باشد. بخش اعظم اعتبار این فرضیه به رابطه نزدیک بین واردات و پرداختها بستگی دارد چون دو فرضیه کاملاً متفاوت تجاری را به یکدیگر ربط می دهد که عبارتند از گمرکات (بر اساس اسناد کالاهای دریافتی) و جریان وجوه نقدی ترازپرداختها.

این موضوع احتمالاً تا مارس ۱۹۷۶ صادق بوده است. از آن پس، به خصوص بخش دولتی ایران واردات خود را براساس اعتبار به جای پرداخت نقدی انجام می داد. این امر سبب تغییر شرایط پرداخت واردات غیر نظامی گردید در حالی که بخش اعظم واردات نظامی براساس شرایط برنامه فروش نظامی خارجی آمریکا صورت می گرفت. نتیجه این امر این است که تراز پرداخت واردات به نسبت گمرکات به طرز نادرستی برآورد می شود و بهمین ترتیب در مورد واردات نظامی نیز نمی توان نتیجه گیری معقولی داشت. نکته ضعف دیگر در این فرضیه که ناشی از برآورد بیش از حد واردات و مبنا قرار دادن تراز پرداختها است، مسئله پیش پرداخت واردات می باشد (یعنی پرداخت نقدینه بیشتر در مورد کالاهایی که اگر از طریق گمرکات وارد می شد، نقدینه کمتری به آن تعلق می گرفت، و همین موضوع میزان واردات نظامی را بیشتر از آنچه که هست جلوه گر می سازد) که بر آمار و ارقام ۱۹۷۵ و تا حدود کمتری بر آمار و

ارقام ۱۹۷۶ تأثیر می بخشد. (به سطور ششم و هفتم جدول ۲ رجوع شود).

آمار و ارقام مربوط به محموله های نظامی ارسالی به ایران که از طریق اسناد طبقه بندی نشده وزارت دفاع آمریکا در زمینه فروشهای نظامی خارجی و اسناد طبقه بندی شده (سری برای کشورهای دیگر و از طریق سیا) به دست آمده، ارقام مربوط به ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ را بسیار مبالغه آمیز جلوه گر ساخته (سطر هفتم جدول ۲) و انسان را در مورد جامع بودن این ارقام به شک و تردید وا می دارد. علاوه بر این بین سال مالی آمریکا و سال گریگورین (سال میادی م) تمایزی قائل نمی شود، تاریخ تحویل را همان تاریخ انتقال اعلام کرده و محل درج ارزش محموله را نیز خالی می گذارد.

آمار و ارقام مربوط به صادرات نفتی ایران نیز باید مورد مطالعه و برآورد دقیق واقع شود. آمار خام شرکت ملی نفت ایران که برای اطلاع عموم منتشر می شود، حاوی نام کشورهای مقصد کالا و یا مقاصد نهایی کالا نمی باشد و هیچ گاه به مقادیر پولی تبدیل نمی گردد. همان طوری که در جداول یک و سه گفته شده، سفارت ارزشها را محاسبه کرد و با استفاده از ارقام بدست آمده از طریق منابع خاص مقصد نهایی نفت خام و یا نفت پالایش شده را نیز حدس زده است؛ به این دلیل آنها دارای طبقه بندی محرمانه می باشند.

واردات غیر کالایی و صادرات غیر قابل رؤیت ایرانی نیز از طریق موازنه پرداختهای بانک مرکزی قابل محاسبه بوده، و آنهایی که مربوط به آمریکاست نیز طبق آنچه که در جدول ۲ گفته شده محاسبه می شود. ارقام مربوط به جریان صادرات غیر قابل رؤیت به آمریکا محافظه کارانه است. ارقام مربوط به خدمات صادراتی از ایران به آمریکا نه موجود است و نه از نظر وسعت قابل ارزش.

جمع و ترازهای مربوط به جدولهای ۱ و ۲ در رابطه با تجارت بیش ایران و آمریکا در زمینه کالاها و خدمات تقریباً درست است، ولی به طور کلی از مبنای چندان استواری برخوردار نیست.

ضمائم جدول ۱ و ۲ و ۳ مشاور اقتصادی: تیلور

سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

جدول ۱

تجارت خارجی ایران

(به میلیون دلار)

عکس

ص: ۸۰۲

عکس

منابع

الف / محاسبات سفارت با استفاده از ارقام شرکت اسکو و شرکت ملی نفت ایران، محاسبات سفارت برای آمریکا، بدون احتساب هزینه حمل و نقل.

ب / آمار ارقام مربوط به موازنه پرداختهای ارز خارجی ایران که بر طبق سال گریگوریان توسط بانک مرکزی شده است.

ج / سفارت «آمار و ارقام مربوط به تجارت خارجی ایران»، وزارت اقتصاد و دارایی، صادرات FOB و واردات CIF

د / اسناد آمریکا (جهت کنترل مهمات)، وزارت دفاع آمریکا (برای فروشهای نظامی خارجی) و سازمان سیا (برای کشورهای دیگر غیر آمریکا)، براساس FOB.

ه / برآوردهای سفارت و بخش خدمات فروشهای نظامی خارجی وزارت دفاع آمریکا.

* نرخ تبدیل دلار به ریال ۵/۷۰ ریال برابر یک دلار آمریکا.

سری / غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

جدول ۲

واردات نظامی ایران

(به میلیون دلار آمریکا)

عکس

الف / منبع: دفتر کنترل مهمات، وزارت خارجه، دفتر آمار سال تقویمی، FOB

ب / سال مالی آمریکا (۱۹۷۷ شامل ۵ فصل) گاهی نیز این عنوان به ایران اطلاق می شود.

ج / به استثنای صادرات غیر از مهمات کنترل شده توسط عرضه کنندگان تجاری.

د / محموله ها، نه قراردادهای: منبع: سازمان سیا، سال تقویمی.

ه / جدای از کالاهای غیر نظامی وارداتی وزارت جنگ.

و / براساس ۳۰٪ پرداخت بخش خصوصی و ۲۰٪ پرداختهای دولتی: آمار و ارقام بانک مرکزی ایران

در مورد تراز پرداختهای ارز خارجی برای سال تقویمی گریگوریان (سال میلادی م).

محرمانه

جدول ۳

صادرات نفتی ایران به درآمد تقریبی آن

۱۹۶۷ و ۱۹۷۷ و ۱۹۷۶

عکس

* احتمالاً ۷۰٪ نفت خام صادر شده توسط ایران به «کارائیب و جزائر ویرجین» تصفیه شده و مجدداً به صورت

فرآورده های نفتی به آمریکا صادر می گردد. بنابراین واردات نفتی سال ۱۹۷۶ آمریکا از ایران چه مستقیم و چه

غیرمستقیم احتمالاً حدود ۱/۱۸۵ میلیون بشکه بوده که بدون هزینه حمل و نقل ارزش آن حدود ۱/۲ میلیارد دلار

می باشد.

* احتمالاً ۷۰٪ نفت صادراتی ایران به جزایر کارائیب و ویرجین تصفیه شده و مجدداً به آمریکا صادر می گردد. بنابراین واردات نفتی آمریکا از ایران در سال ۱۹۷۷ چه مستقیم و چه غیر مستقیم احتمالاً حدود ۷/۲۸۳ میلیون بشکه و معادل ۵/۳ میلیارد دلار بوده است.

تاریخ: ۱۳ مارس ۱۹۷۸ ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ طبقه بندی: سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

وزارت خزانه داری واشنگتن

آقای کلاید تیلور

افسر امور مالی بخش اقتصادی سفارت آمریکا تهران

کلاید عزیز:

شما از ما خواسته بودید که تعداد محموله های اخیر تسلیحاتی به ایران را در اختیار شما قرار دهیم. این امر ما را ملزم ساخت تا از چهار منبع کسب اطلاع نماییم که عبارتند از: ۱ وزارت دفاع، ۲ دفتر کنترل مهمات وزارت خارجه، ۳ وزارت بازرگانی، ۴ سازمان اطلاعات مرکزی (سیا). ما با این چهار سازمان تماس گرفته ایم و اطلاعاتی را که در دسترس هستند. جمع آوری نموده ایم. لیکن این اطلاعات برای ارائه گزارشی مرتب در یک قالب قرار نمی گیرند.

وزارت دفاع ایالات متحده اطلاعاتی مفصل در مورد محموله های تسلیحاتی برای ایران در اختیار دارد که آنها را براساس سال مالی ایالات متحده نگاهداری می نماید. من نسخه ای از داده های کامپیوتری این محمولات را به منظور فراهم آوردن اطلاعات تا آنجایی که میسر باشد، ضمیمه نموده ام. «حمل مواد»

برای وزارت دفاع به این معناست که عنوان مالکیت به دولت خریدار داده شده است و معمولاً عنوان مالکیت زمانی در داخل دستگاه دولت آمریکا به خریدار داده می شود که مواد و تجهیزات آماده بارگیری و حمل باشند (و بنابر این درست کمی قبل از زمان واقعی صدور از ایالات متحده به آن اطلاق می شود). من داده های کامپیوتری وزارت دفاع را مورد موافقتنامه های فروش با ایران را نیز ضمیمه کرده ام و این

موضوع به شما اجازه می دهد تا محمولات را با برنامه های فروش مورد مقایسه قرار دهید. (منظور مقادیر حمل شده و یا در حال حمل و فروشهای آینده م) دفتر کنترل مهمات نیز اطلاعاتی در مورد صدور مواد و تجهیزاتی که براساس اختیارات (سازمان) مقررات مبادلات بین المللی تسلیحاتی کنترل می شود، به شرح زیر فراهم آورده است:

سال مالی - ایالات متحده دلار آمریکا

۱۹۷۵ - ۱۱۸۴۹۹۲۱۹

۱۹۷۶ - ۱۰۶۵۱۰۱۰۷

۲۰۵۰۶۷۶۹ - سه ماه آخر ۷۶ و اول ۷۷

۱۹۷۷ - ۱۱۹۱۲۴۱۰۶

این ارقام صادراتی براساس اطلاعات اداره آمار ارائه شده و منعکس کننده مقادیر حمل شده واقعی از ایالات متحده می باشند. من در مورد مجوزهای صادره برای صادرات به مقصد ایران اطلاعاتی به ضمیمه ارسال نکرده ام، چون که ارقام بدون استفاده ای خواهند بود. خیلی از مجوزهای صادراتی هرگز مورد استفاده واقع نمی شوند. ما با وزارت بازرگانی تماس گرفتیم تا اطلاعاتی در مورد صادرات تجاری به غیر از ارقام گنجانده شده در اطلاعات (سازمان) مقررات مبادلات بین المللی تسلیحاتی و کنترل شده به وسیله دفتر کنترل مهمات به دست آوریم. این اقلام غیر نظامی هستند، و نیز اقلامی از آن قبیل که هم مواد استفاده نظامی و هم غیر نظامی دارند را در بر می گیرند، مثل: تجهیزات ساختمانی، چادر و وسایل چادرزنی، لباس و وسایل شخصی، موتور هواپیما، و غیره که باید از منابع تجاری در آمریکا خریداری شوند. وزارت بازرگانی قادر است تا اطلاعاتی در مورد مجموع مبادلات با ایران برحسب نوع کالا فراهم آورد، ولی متأسفانه نمی تواند آن را بر حسب مصرف کننده نهایی در اختیار گذارد و بنابراین نمی تواند خریدهای

نظامی ایران را مشخص نماید. از این جهت ما باید بگوییم که ما از این طبقه بندی صادراتی آگاهیم، ولی قادر به فراهم آوردن اطلاعات مربوطه نیستیم. وسیله ای که معمولاً در گزارشاتی با این ماهیت مورد استفاده قرار می گیرد، این است که: «صادرات خارج از اقلام دفتر کنترل مهمات توسط فروشندگان تجارتي از این گزارش مستثنی هستند.» سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) اطلاعاتی در مورد محمولات نظامی به ایران از کشورهایی به غیر از ایالات متحده، فراهم آورده است. این اطلاعات براساس سال تقویمی تهیه شده اند. ستونی که با کلمه «موافقتنامه ها» مشخص شده منعکس کننده تعهدات ایران برای خرید می باشد و ستون «محمولات» به اقلامی اطلاق می شود که توسط ایران دریافت شده است. این گزارش شامل موافقتنامه ها و همچنین محمولات می باشد، چون که برخی از کشورها موافقتنامه های تسلیحاتی منعقد نموده اند، ولی ظاهراً هنوز شروع به حمل نموده اند و یا حداقل گزارشی در مورد محمولات ندارند. در هر یک از دو حالت به شما ایده ای در مورد محمولات احتمالی می دهد. نسخه ای از جدول سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) به پیوست می باشد.

این بهترین اطلاعاتی بوده است که ما قادر به جمع آوری بوده ایم و من امیدوارم که به مقصود شما کمک کند. اگر کار بیشتری از دست ما بر می آید، لطفاً مرا مطلع نمایید.

ارادتمند

گری هاف بائر

سری غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

ایران: موافقتنامه ها و محموله های نظامی

عکس

عکس

سازمان همکاریهای امنیتی

طبقه بندی و تجزیه و تحلیل از روی درصد انواع اقلام و خدمات دفاعی

گزارش تحلیلی تسلیحاتی برنامه فروشهای نظامی خارجی ایران

ترتیب توالی منطقه کشور سازمان اجرائی همه سازمانها

عکس

عکس

سازمان همکاریهای امنیتی دفاعی

طبقه بندی و تجزیه و تحلیل از روی درصد انواع اقلام و خدمات دفاعی

گزارش تحلیلی تسلیحاتی محموله فروشهای نظامی خارجی ایران

ترتیب توالی منطقه کشورسازمان اجرائی همه سازمانها

عکس

(ارقام سال مالی ۱۹۷۶ شامل سه ماهه انتقالی آخر ۷۶ و اول ۷۷ می باشد).

* ارقام کمتر از ۵۰۰ دلار (به لحاظ روند کردن ارقام ممکن است در مجموع تفاوتی داشته باشد).

کتاب شصت و دوم

دخالت‌های آمریکا در ایران

«... در زمان این (شاه جنایتکار) چقدر از ذخایر این مملکت برای خرید یک ابزارهای جنگی که خود ایرانیها نمی توانند استعمالش کنند، چقدر ذخایر ما، بودجه این مملکت صرف شد برای خریدن اینها، چیزهایی که به درد ما نمی خورد و برای پایگاه درست کردن برای آمریکا بود. نفت ما را، ثروت ما را دادند، در مقابلش به ما چه دادند؟ به ما این معنا را دادند که پایگاه برای آمریکا درست کردند. عوض پول نفتی که از ما گرفتند، نفت را از ما گرفتند عوضش یک اسلحه هایی، یک چیزهایی دادند که ما خودمان نتوانیم استعمال کنیم و محتاج به کارشناس و مستشار باشیم و امثال ذلک و به درد خود آنها بخورد، پایگاه، خود آنها درست کنند در این مملکت، از پول ما برای خودشان پایگاه درست کنند. وارد کردن چیزهای مترقی آنها این طوری است، برای خودشان است. شما تصور نکنید که اینها برای ما و برای صلاح ما یک قدم بردارند. هر که این را تصور بکند، که اینها بخواهند ممالک شرق یک قدم رو به ترقی برود، این جاهل است. ممالک شرق باید فکر خودشان باشند، نسیان کنند غرب را و خودشان مشغول بشوند به اصلاح خودشان. اگر ما می توانستیم که بلکی منقطع بشویم از اینها، اجازه می داد این مسائل که بکلی منقطع بشویم از اینها، به صلاحمان بود خیال نکنید که روابط ما با آمریکا و روابط ما با شوروی و روابط ما با اینها یک چیزی است که برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه

بره با گرگ است. رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست.

اینها می خواهند از ما بدوشند. اینها نمی خواهند به ما چیزی بدهند».

امام خمینی ۴/۸/۵۸

یازدهمین جلد از مجموعه اسناد «دخالت‌های آمریکا در ایران» یعنی کتاب حاضر، یک گزارش

بازرسی داخلی وزارت خارجه آمریکا است که به ارزیابی خط مشی و کارایی مدیریت در این وزارت و

بخشهای تابعه آن می پردازد و نیازهای اطلاعاتی حسابرسی، امور مالی و مدیریت و غیره را تأمین و به

طور کلی یک ارزیابی همه جانبه در مورد مدیریت و به طور خاص یک ارزیابی در مورد سفارت آمریکا،

مدیریت امور کشوری و کلیه قسمتهای وابسته به سفارت آمریکا در تهران ارائه می دهد.

این گزارش در آغاز به بررسی ایران و منافع آن برای آمریکا می پردازد و بیان می دارد که: «ایران برای یک آینده قابل پیش بینی، حائز اهمیت بسیار برای آمریکا خواهد بود. موقعیت استراتژیک، منابع نفت و گاز و نفوذ سیاسی آن بر دیگر کشورهای منطقه، به صورت لاینفک، به این معنی است که عمران و بهبود وضع ایران بر بعضی از منافع خاص آمریکا و هم پیمانان ما در پیمان ناتو تأثیری مستقیم دارد». سپس در باب مسائل مذکور به صورت مجزا توضیح می دهد: «... ایران مهمترین عرضه کننده نفت ژاپن و اروپای غربی است و مهمترین عنصر موجود در اوپک در زمینه تعیین قیمت نفت است. علاوه بر این، این کشور در پیشبرد عمران صلح آمیز کشورهای حوزه خلیج فارس و محدود ساختن نفوذ شوروی در این منطقه بحرانی نقش منطقه ای بسیار مهمی را ایفا می کند. بالاخره ایران محل استقرار بعضی از تجهیزات اطلاعاتی بسیار منحصر به فرد آمریکایی است که تکثیر یا تغییر مکان آنها امری بسیار دشوار است».

روابط بین ایران و آمریکا در خلال ۳۰ سال همکاری دو جانبه و روابط بین رؤسای جمهور پیشین آمریکا و شاه و روابط کارتر با شاه به عنوان روابطی که بسیار سازنده و صمیمانه بوده، مورد بحث قرار گرفته است. مشکلات بین دو کشور در زمینه حقوق بشر، فروش تسلیحات، تسلیحات هسته ای و سیاستهای مربوطه به عنوان مقدمه ای بر گسترش بحث میان دولتمردان آمریکا برای یافتن بهترین راه برخورد با شاه و سپس روش مورد کاربرد که فشار بی سروصدا از طریق رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و سفیر می باشد مطرح گردیده است.

چون محتوای اساسی سیاسی کتاب در سه قسمت با عناوین «نگرشی کلی»، «خط مشی» و

«مدیریت» درج شده، بخشهایی از مطالب مندرج به نقل از اسناد می آید:

«روابطمان با ایران به خوبی هدایت و اداره می شوند ... سفیر کنترل کامل هیئت نمایندگی خویش در

تهران را در دست دارد. تماسهای سفارت را گسترش داده تا در بر گیرنده گروه بزرگتری از ایرانیها از جمله کسانی که مخالف شاه هستند، باشد ... منابع پرسنلی کافی است و کیفیت پرسنل خوب است ...».

«... در زمینه حمایت آمریکا از دولت ایران محدودیتهای سیاسی و روانی خاصی پدید آمده که در گذشته به میزان و شدت کنونی سابقه نداشته است. این محدودیتها بر حقوق بشر، فروش تسلیحاتی و سیاستهایمان در زمینه عدم تکثیر هسته ای متمرکز است که هر یک از آنها مشکلاتی را در زمینه روابط با دولت ایران ایجاد کرده است ... اعمال فشار آرام، لیکن مداوم سفیر سبب پیدایش اعتدال قابل توجهی در زمینه حقوق بشر و برنامه اعطای آزادیهای سیاسی شاه شده ... در عین حال که فروشهای نظامی آمریکایی و آموزش مرتبط با آن سنگین است، ولی فروشها دقیقاً تحت نظارت است تا مانع از خدشه دار شدن روابط یا کاهش توان نظامی ایران گردد ... یک قرارداد همکاری هسته ای دو جانبه بین ایران و آمریکا در ژوئیه ۱۹۷۸ / تیر ۱۳۵۷ در تهران منعقد گردید ...»

«... تمایل شاه به دریافت تجهیزات پیشرفته تر دو سؤال را مطرح می نماید که یکی نیازهای واقعی نظامی و دیگری تأثیرات تمایل او به خرید برخی تجهیزات مخرب و گرانقیمت بر اقتصاد ایران می باشد ...

مهمترین وظیفه دیپلماسی آمریکا تزریق واقعگرایی و تعادل به جنبه فروش تسلیحاتی روابطمان با ایران است ... یکی دیگر از مسائلمان به میزان حضور آمریکا که اکنون معادل ۴۰۰۰۰ نفر برآورد شده، مربوط است. بخش اعظم این آمریکاییها به خاطر فعالیتهای نظامی در ایران حضور دارند ...».

«... مسئله ای که باید مورد توجه قرار گیرد مسئله دانشجویان ایرانی است. ظاهراً حدود بیش از ۶۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آمریکا مشغول به تحصیل بوده و شمار آنها هر سال رو به افزایش است ... دانشجویان ایران منبع مهمی برای گسترش این روابط و کمک مهمی در عمران در جهت مورد نظر ما به شمار می آیند ...».

«روابط ما با ایران بیشتر بر شخص شاه متمرکز است زیرا روند تصمیم گیریها در این کشور از تخت طاوس سرچشمه می گیرد ... سفیر قادر است به طور مداوم و با سهولت با شاه تماس برقرار سازد. دو تن دیگر از مقامات با او ملاقات می نمایند ... هیئت نمایندگی به طور کلی با تمام سطوح دولت ایران ارتباط خوبی برقرار ساخته و بین افسران هیئت مستشاری نظامی آمریکا و هم‌تایان ایرانی آنها نیز رابطه صمیمانه ایجاد شده است ...».

ادامه این گزارش در ۲۶ یادداشت جداگانه به بررسی واحدهای مختلف مرتبط با ایران و واحدهای مستقر در سفارت آمریکا در تهران یا بخشهای تابعه آن در تهران و دیگر شهرها می پردازد.

یادداشت اول مربوط به مدیریت بخش کشوری (ایران) است. این اداره با سه افسر و دو منشی فعالیت می کرد. افسر اول مدیر امور کشوری، افسر دوم مسئول نظارت بر مسائل اقتصادی نظامی و حقوق بشر بوده و افسر سوم مسائل اقتصادی را زیر نظر داشته و پشتیبانی لازم را از کمیسیون مشترک آمریکا و ایران به عمل می آورد. این اداره همیشه سفارت را در جریان امور مربوط به برنامه های مهم دستگاه اداری قرار می داد. از جمله وظایف این اداره می توان از طرحی یاد کرد که نحوه برخورد با مسائل بسیار غامض و عاطفی حقوق بشر را مشخص می کرد، تا اصطکاک بین دفاتر موجود در وزارت خارجه را کاهش دهد و همچنین تعیین برنامه مشخصی در رابطه با برنامه پیشنهادی فروش نظامی به صورتی دقیق تا مانع از فروشهای عمده که سبب منحرف ساختن و تحریک جناح مخالف می گردید، بشود.

دومین یادداشت مدیریت پست دیپلماتیک یا مدیریت هیئت نمایندگی آمریکا در تهران را مورد بحث قرار می دهد. این هیئت با ۱۴۰۰ آمریکایی (۱۲۰۰ نفر در هیئت مستشاری نظامی کار می کردند) و ۸۵۰ کارمند محلی، تشکیلات وسیعی را به وجود آورده بودند. در این واحد ۱۰۲ کارمند آمریکایی و ۱۶۵ کارمند در بخش وزارت خارجه به علاوه نمایندگانی از وزارتخانه های بازرگانی، کشاورزی، دادگستری، خزانه داری، دفاع و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) مشغول به کار بوده اند. این هیئت دارای نمایندگیهایی در تبریز، اصفهان و شیراز نیز بوده و بخش اجرایی سفارت تحت نظر سفیر، معاون، مشاور ستادی و یک مقام سیار قرار داشته است. وظایف و مشکلات این هیئت در گزارش آمده است.

گزارشگری سیاسی برای پوشش و تجزیه و تحلیل مسایل مهم مورد علاقه آمریکا در ایران، دانشجویان ایرانی، فعالیت احزاب سیاسی، زنان، حقوق بشر، سیاستهای خارجی ایران، مقامات ایرانی و رویدادهای داخلی وظایف محوله بخش سیاسی سفارت آمریکا در تهران بوده که با سه افسر و دو منشی مشغول به کار بوده و در یادداشت شماره ۳ مورد بحث واقع شده است. ماهیت قدرت سیاسی در ایران و مشکلات گزارشگری سیاسی در این کشور، از جمله مسائل مطروحه در این قسمت می باشد.

امور بخش اقتصادی / بازرگانی شامل ۸ پرسنل آمریکایی و ۹ پرسنل محلی و تحت سرپرستی یک افسر سرویس خارجه فعالیت می کرده است. وظایف این واحد مطالب مندرج در یادداشت شماره ۴ را تشکیل می دهد. انتشار اطلاعات مربوط به بازار و تهیه مقدمات برای ۳۵۰ شرکت آمریکایی و دفتر بانکی

آمریکایی در ایران و سیل بازرگانانی که به این کشور سفر می کردند از جمله وظایف بخش مهم اقتصادی بازرگانی سفارت بوده است. گزارشگری در زمینه امور نفتی و اقتصادی از وظایف واحد اقتصادی؛ تأمین اطلاعات مورد نیاز برای منافع بازرگانی آمریکایی و تحقیق در امر بازار از وظایف واحد بازرگانی؛ و هماهنگی فعالیتها و بهبود در وضعیت انتقال کمک فنی و تکنولوژیکی به ایران از وظایف کمیسیون مشترک بوده است.

صدور روایدهای دانشجویی، مهاجرتی، امور مربوط به اتباع آمریکایی از وظایف واحد امور کنسولی بوده که با ۱۰ افسر آمریکایی ۶ کارمند آمریکایی و ۱۷ کارمند محلی مشغول به کار بوده است و در یادداشت شماره ۵ مورد بحث قرار گرفته و به مشکلات و مسایل این واحد پرداخته شده است. یادداشت شماره ۶ در هشت قسمت فعالیتهای واحد امور اداری سفارت را تحت عناوین عملیات کارگزینی، بودجه و مالی، ارتباطات و بایگانی، خدمات عمومی، پزشکی، املاک سفارت و امنیت مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. این واحد با ۲۴ کارمند آمریکایی، ۱۴۵ کارمند محلی، ۱۴ نفر گارد امنیتی و حدود ۱۵۰ کارمند پیمانی خدمات مربوطه را به هیئت دیپلماتیک ارائه می نموده است. وظایف و مشکلات هر قسمت در یادداشت مربوطه مطرح شده است.

حضور ۱۰۰۰۰ آمریکایی تحت پوشش حوزه مأموریت کنسولگری اصفهان، تبدیل اصفهان به یک شهر مرکزی در رابطه با مجتمع صنعتی نظامی، یک مرکز مهم آموزشی و پرورشی و زادگاه بسیاری از عناصر محافظه کار مذهبی و متنفذ از نظر سیاسی از عوامل توجیه وجود کنسولگری آمریکا در اصفهان بوده است. این کنسولگری با دو آمریکایی سه کارمند محلی، یک دستیار کنسولی، سه گارد امنیتی و یک تعمیر کار پیمانی اداره می شده است. یادداشت شماره ۸ الف به تشریح وظایف اداری، کنسولی و مدیریتی این واحد می پردازد.

یادداشتهای شماره ۸ ب و ۸ ج نیز توجه وجودی کنسولگریهای شیراز و تبریز را مورد بحث قرار داده اند و وظایف و عملکرد هر کدام را به نقد و بررسی کشیده اند: «تحت پوشش بودن ۴۰۰۰ آمریکایی، در بر گرفتن تمام منطقه جنوب ایران و مراکز و بنادر تولید نفت، وجود ارتباطات مقامات کنسولگری با رابطهای خوب در شیراز و جنوب و گزارشگریهای سیاسی بسیار عالی» به عنوان دلایل وجودی کنسولگری شیراز و «ارزش واحد تبریز در رابطه با منافع آمریکا، گزارشات عالی کنسولگری در مورد رویدادهای مهم این منطقه، عوامل مربوط به حیثیت و وجهه در روابط بین ایران و آمریکا، موقعیت منطقه از نظر تاریخی، حضور کنسولگریهای ترکیه و شوروی و حضور ۲۰۰۰ آمریکایی در این منطقه» نیز به عنوان دلایل توجه وجودی کنسولگری تبریز در نظر بوده اند. مسائل مربوط به وظایف و عملکرد کنسولگریهای فوق نیز به همراه یادداشت آمده است.

دفتر وابسته دفاعی با ۸ کارمند آمریکایی و ۵ کارمند محلی تحت پوشش وزارت دفاع آمریکا و زیر نظر یک سرلشکر نیروی هوایی که نماینده وزارت دفاع نیز بوده، فعالیت می نموده است. این واحد مسائل مربوط به هیئت نمایندگی نظامی در ایران و مستشاری نظامی شامل ۹۱۸ پرسنل نظامی و ۲۷۴ پرسنل غیر نظامی را حل و فصل می کرده است. رئیس هیئت مستشاری نظامی بر فعالیت ۷۰۰۰ پرسنل پیمانی آمریکا و بر فروشهای نظامی خارجی (۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ / ۱۳۵۶ و ۳ میلیارد دلار در ۱۹۷۸ / ۱۳۵۷) و بر کار چند تیم کمک فنی حوزه ای نظارت داشته است. بررسی این فعالیتها مطالب مندرج در

یادداشت ۹ الف را تشکیل می دهد.

واحدهای وابسته به وزارتخانه های دیگر غیر از وزارت خارجه که در سفارت آمریکا در تهران مشغول بوده اند و وظایف این واحدها مطلب یادداشتهای ۹ ب، ۹ ج، ۹ د و ۹ و، را تشکیل می دهند.

واحدهای وابسته عبارتند از: سازمان ارتباطات بین المللی، سازمان مبارزه با مواد مخدر (وزارت

دادگستری) دفتر وابسته کشاورزی (وزارت کشاورزی)، مرکز تجاری آمریکا در تهران (وزارت

بازرگانی) و اداره مالیات بر درآمد (وزارت خزانه داری).

یادداشتهای شماره ۱۰ الف و ۱۰ ب به فعالیتهای متفرقه و مربوط به خدمات رفاهی و آموزشی افراد

آمریکایی مقیم ایران و وابسته به هیئت دیپلماتیک اشاره دارد که این واحدها عبارتند از: مدرسه

آمریکایی تهران، انجمن کارمندان آمریکا و وابسته امور علمی.

این گزارش هر ساله و توسط گروه بازرسی کل دفتر هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

به شکل جزوه حاضر تهیه می شده است که گزارش حاضر مربوط به سال ۱۹۷۸ / ۱۳۵۷ می باشد. لازم به

تذکر است که فعالیت واحدهای اطلاعاتی از جمله قرارگاه سیا در تهران از وظایف گزارشگری گروه

مذکور نبوده و توسط گروه ویژه بررسی و ارزیابی می شده است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بهار ۱۳۶۶

وزارت امور خارجه سپتامبر ۱۹۷۸ شهریور ۵۷

دفتر بازرس کلخیلی محرمانه

گزارش بازرسی در مورد هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

هشدار در مورد توزیع این نشریه

این گزارش بازرسی گزارش داخلی وزارت خارجه است و بخشی مستقیم از روند برنامه ریزی شده آن می باشد که به ارزیابی خط مشی و کارایی مدیریت می پردازد. این گزارش برای وزیر امور خارجه و معاونین وی تهیه شده و در زمینه ایجاد تغییر در خط مشی و مدیریت برای آنها حاوی توصیه ها و پیشنهاداتی است.

این گزارش نباید چه به صورت کامل و چه به صورت جزء در خارج از وزارتخانه توزیع گردد. ولی در صورت دریافت مجوز کتبی قبلی از بازرسی کل وزارت خارجه می تواند در اختیار آن دسته از سازمانهایی قرار گیرد که در شکل دادن و مدیریت سیاست خارجی مستقیما دخیل هستند. در واحدها و هیئت های نمایندگی وزارت خارجه، بنا به صلاحدید سرپرست آن واحد نمایندگی بخشهای مناسبی از این گزارش می تواند به نمایندگان دیگر آژانسهای اجرایی و یا وزارت خارجه دولت آمریکا نشان داده شود، مشروط بر آنکه آنان نیز با توصیه های مربوط به خط مشی مورد نظر مستقیما در ارتباط باشند.

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

پیشگفتار

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

پیشگفتار

گزارشات بازرسی به منظور تأمین نیازهای بازرسی بخش ۶۸۱ قانون خدمات خارجی سال ۱۹۴۶ و

اصلاحات آن و همچنین نیازهای حسابرسی امور مالی و مدیریت بخش ۱۱۳ قانون بودجه و روشها و

مراحل حسابداری سال ۱۹۵۰ و اصلاحات آن که به وسیله بخشنامه ۷۳۲ مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۳

مدیریت فدرال به مورد اجراء گذاشته شده است، یک ارزیابی همه جانبه در مورد مدیریت ارائه می دهد.

این بازرسی مشتمل بر آزمایشهای مناسب جهت ارزیابی کارایی کنترلهای داخلی و عملیات مدیریت

بوده، لیکن بررسی جزء به جزء کلیه فعالیتها و نقل و انتقالات انجام نگردیده است. این بازرسی در:

واشنگتن در تاریخهای ۱۵ مه تا ۳۰ مه ۱۹۷۸ و ۱۴ ژوئیه تا ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۸؛ در تهران در تاریخهای ۲۰

ژوئن ۷۸؛ شیراز در تاریخهای ۲۱ ژوئن تا ۲۲ ژوئن ۷۸؛ اصفهان در تاریخهای ۲۸ ژوئن تا ۲۹ ژوئن ۷۸

انجام گرفت.

چارلز تی . کراس

بازرس ارشد

آلن دبلیو. برنسوناورنس ا. فولر

بازرس بازرس

کنت ان . راجرزویرجینیا وایرز

بازرسبازرس

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

فهرست مقامات اصلی

سفارت

سفیر - جناب ویلیام اچ . سولیوان

رئیس هیئت نمایندگی - چارلز دبلیو. ناس

رؤسای بخشها

سیاسی - جورج . بی . لمبراکیس

اقتصادی بازرگانی - راجر سی . بروین

کنسولی - لوئیس پی . گوئلز

اداری - هنری آر . میلز رابرت ال . جینگلز

دیگر سازمانها

وزارت دفاع: هیئت نظامی آمریکا در ایران - سرلشگر فیلیپ سی. گاست، از نیروی هوایی آمریکا

آژانس ارتباطات بین المللی - جک اچ . شلنبرگر

وزارت دادگستری: اداره مبارزه با مواد مخدر - پیت ددیچ

وزارت کشاورزی - پل جی . فری

وزارت بازرگانی: مرکز تجاری آمریکا - بروکس رانیو

وزارت خزانه داری: اداره مالیات بر درآمد - مرلین رانیو

کنسولگریها

تبریز - مایکل جی . مترنیکو

شیراز - ویکتور ال . تامست

اصفهان - دیوید مک کافی

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران)

فهرست مندرجات

نگرشی کلی

خط مشی

مدیریت

جدول ۱. فهرست تمام منابع پیشنهادی

جدول ۲. خلاصه ای از تغییرات پیشنهادی در پستها

یادداشتهای بازرسی (جداگانه موجود است)

یادداشت

دفتر مدیریت (امور خاور نزدیک / ایران)-۱

مدیریت واحد-۲

امور سیاسی-۳

امور اقتصادی بازرگانی-۴

امور اقتصادی بازرگانی-۵

عملیات اداری-۶الف

عملیات پرسنلی-۶ب

عملیات بودجه و مالی-۶ج

ارتباطات و سوابق-۶د

عملیات خدمات عمومی-۶ه

واحد پزشکی-۶و

دارایی غیرمنقول-۶ز

امنیتی-۶ح

سیستم ارزیابی پرسنلی-۷

اصفهان-۸الف

شیراز-۸ب

تبریز-۸ج

وزارت دفاع-۹الف

آژانس ارتباطات بین المللی-۹ب

اداره مبارزه با مواد مخدر-۹ج

وزارت کشاورزی-۹د

وزارت بازرگانی: مرکز تجاری آمریکا-۹ه

اداره مالیات بر درآمد-۹و

مدرسه-۱۰الف

انجمن کارمندان-۱۰ب

امور علمی-۱۱

جدول کنترل پیشنهادات (جداگانه موجود است)

خیلی محرمانه

نگرش کلی

در آینده قابل پیش بینی، ایران برای آمریکا حائز اهمیت بسیار خواهد بود. موقعیت استراتژیک، منابع نفت و گاز و نفوذ سیاسی آن بر دیگر کشورهای منطقه، به صورت لاینفک، به این معنی است که عمران و بهبود وضع ایران بر بعضی از منافع خاص آمریکا و هم پیمانان ما در پیمان ناتو تأثیری مستقیم دارد. ایران در رأس منطقه حائل بین شوروی و شبه جزیره نفت خیز عربستان واقع است. در عین حال که آمریکا تنها ۵ درصد نفت این کشور را برداشت می کند، ولی ایران مهمترین عرضه کننده نفت ژاپن و اروپای غربی است و مهمترین عنصر موجود در اوپک در زمینه تعیین قیمت نفت است. علاوه بر این این کشور در پیشبرد عمران صلح آمیز و استقلال کشورهای حوزه خلیج فارس و محدود ساختن نفوذ شوروی در این منطقه بحرانی نقش منطقه ای بسیار مهمی را ایفا می کند. بالاخره ایران محل استقرار بعضی از تجهیزات اطلاعاتی بسیار منحصر بفرد آمریکایی است که تکثیر و یا تغییر مکان آنها امری بسیار دشوار است.

روابط بین آمریکا و ایران خوب است. مدت بیش از ۳۰ سال است که با یکدیگر در زمینه مسائل حائز اهمیت از نظر منافع ملی دو کشور همکاری کرده، و در این مدت عادات و روابط کاری از جمله بین شاه و یکایک رؤسای جمهور پیشین آمریکا برقرار نموده ایم که بسیار سازنده و صمیمانه بوده است. این وضع تا زمان دولت کارتر ادامه یافته است. شخص رئیس جمهور در زمینه اتخاذ سیاستها در قبال ایران بسیار دخیل بوده و با شاه دید و بازدید کرده اند. در تهران، سفیر قادر است به سهولت با شاه ملاقات نماید. معذالک، چند موضوع هست که مشکلاتی را بین دو کشور به وجود آورده است. این دشواریها حول و

حوش حقوق بشر، فروش تسلیحات، و سیاستهای ما در زمینه عدم تکثیر تسلیحات هسته ای دور می زند. عقاید ناموجه در میان دولتمردان آمریکایی برای یافتن بهترین راه برخورد با شاه در خصوص هر یک از این موارد بالا گرفته است. روش ما عموماً فشار بی سروصدا از طریق رئیس جمهور، وزیر امور خارجه، سفیر و به همین ترتیب در سطوح پایینتر بوده است. ما تا به حال درخواستهای متعددی را مطرح نکرده ایم و دست به اقداماتی نزده ایم که در نتیجه آنها منافع وسیعترمان به خطر افتد.

تاکنون این نوع دیپلماسی تا حدودی موفق بوده است: وضع حقوق بشر تا حدودی بهبود یافته و امکان به وجود آمدن روند بهتری نیز وجود دارد، مذاکره ای واقعگرایانه در مورد خریدهای تسلیحاتی با شاه صورت گرفته و یک قرارداد همکاری هسته ای نمونه نیز که حاوی تمام پیشگیریهای مهم مورد نظر ما در خصوص عدم تکثیر هسته ای می باشد به امضاء رسیده است.

روابطمان با ایران به خوبی هدایت و اداره می شوند. علاقه و توجه مقامات عالیرتبه در واشنگتن سبب می شود که در مورد مسائل مربوط به ایران سریعاً تصمیماتی اتخاذ شود. ستاد مدیریت امور کشوری که بسیار سخت کوش و ذیصلاح است ترتیبات همکاری مؤثری را با دیگر سازمانها بخصوص وزارت دفاع و جامعه اطلاعاتی ایجاد کرده است. در داخل وزارتخانه، مدیریت بخش ایران با HA و PM در زمینه نحوه برخورد با جنبه های عملی حقوق بشر و سیاستهای مربوط به فروش تسلیحات اختلافات بسیار فاحش داشته؛ ولی در نهایت اقدامات منسجمی پدیدار گردیده است. مدیر بخش ایران هم اکنون به گونه صحیحی

بر دورنمای درازمدت تر و برنامه ریزی سیستماتیک برای برخورد با این گونه موارد تکرار شونده تأکید مجدد خویش را اعلام می نماید.

سفیر کنترل کامل هیئت نمایندگی خویش در تهران را در دست دارد و تمام سازمانهای نماینده دولت آمریکا در ایران بر طبق نامه مورخ اکتبر ۱۹۷۷ رئیس جمهور عمل می کنند. اکنون سفیر که وارد سال دوم خدمت خویش در ایران شده، تماسهای سفارت را گسترش داده تا در برگیرنده گروه بزرگتری از ایرانیها از جمله کسانی که مخالف شاه هستند، باشد. به همین ترتیب وی از آژانس ارتباطات بین المللی در ایران خواسته است، تا به تلاشهایش برای دسترسی به نخبگان جدیدی که قبلاً خارج از دسترس بودند وسعت بیشتری ببخشد. برنامه های کمک نظامی ما در نتیجه سعی و تلاش ریاست هیئت مستشاری نظامی پر انرژی و مجرب نظامی آمریکا در ایران محدودتر می گردد و با بعضی از مسائل حساس اطلاعاتی برخوردی صریح به عمل می آید.

منابع پرسنلی کافی است و کیفیت پرسنل خوب است و بجز در اصفهان و واحد بازرگانی تهران ضعفهای واقعی وجود ندارند. میزان کار هیئت نمایندگی در نتیجه فعالیت های کنسولگریهای تبریز، شیراز و اصفهان رو به افزایش است چون آنها خدمات مورد نیاز آمریکاییهایی را که شمارشان در ایران رو به افزایش است ارائه کرده و گزارشات سیاسی سفارت را تکمیل می کنند و در صورت ارائه رهنمودها و پشتیبانیهای لازم می توانند بر میزان فعالیتهای بازرگانی سفارت بیفزایند.

علیرغم مشکلات کار و زندگی در تهران، با تراکم ترافیکی آن که بدترین نوع در جهان است تمرکز جمعیت و مشکلات فرهنگی، روحیه موجود در سفارت خوب است. همسران به خاطر فرصتهای شغلی موجود بخصوص در سفارت و به خاطر توجه مدیریت سفارت به نیاز خانواده ها بهتر قادر به تحمل

مشکلات زندگی در تهران می باشند.

تسهیلات فیزیکی موجود در محوطه سفارت برای تأمین نیاز کنونی مکفی است، گرچه بعضی از ساختمانها باید تعمیر و بازسازی شوند. احداث یک ساختمان جدید برای بخش کنسولی که اکنون در مکانی غیر قابل قبول فعالیت می کند نیز ضرورت دارد.

خط مشی

ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی، منابع نفتی و نفوذ سیاسی خویش در منطقه از اهمیت استراتژیک ویژه ای برخوردار است. هدف سیاستهای آمریکا تداوم کشوری با ثبات، مسئول و دوست است که (الف) برای آمریکا و هم پیمانانش تسهیلات اطلاعاتی و نظامی استراتژیک فراهم آورده و دسترسی آنها به نفت و بازارهایش را ممکن سازد و (ب) در منطقه نقش سازنده ای را منجمله در زمینه محدودسازی نفوذ شوروی ایفا کند. این خط مشیها تاکنون کاربرد خوبی داشته است.

با وجود اینکه آمریکا با ایران یک قرارداد همکاری دفاعی دو جانبه در متن پیمان سنتو در سال ۱۹۵۹ منعقد ساخته، ولی در زمینه حمایت آمریکا از دولت ایران محدودیتهای سیاسی و روانی خاصی پدید آمده که در گذشته به میزان و شدت کنونی سابقه نداشته است. این محدودیتها بر حقوق بشر، فروش تسلیحاتی و سیاستهایمان در زمینه عدم تکثیر هسته ای متمرکز است که هر یک از آنها مشکلاتی را در زمینه روابط با دولت ایران ایجاد کرده است. مهارت و ظرافت بسیار لازم است تا اجرای این سیاستها با نیل

به اهداف فوق الذکرمان هماهنگ گردد.

بازرسین معتقدند که ما تا حدودی موفق بوده ایم. اعمال فشار آرام لیکن مداوم سفیر سبب پیدایش معتدل لیکن قابل توجهی در زمینه حقوق بشر و برنامه اعطای آزادیهای سیاسی شاه شده که احتمالاً روند مداومی را دنبال خواهد کرد. در عین حال که فروش تجهیزات نظامی آمریکایی و آموزشهای مرتبط با آن سنگین است، ولی رهنمودها همیشه در مد نظر بوده و فروشها دقیقاً تحت نظارت است، تا مانع از خدشه دار شدن روابط یا کاهش توان نظامی ایران گردد. یک قرارداد همکاری هسته ای دوجانبه بین ایران و آمریکا در ژوئیه ۱۹۷۸ در تهران منعقد گردید که اولین نوع آن است. این قرارداد توسعه اتمی، ایران را در محدوده کنترلها و پیشگیریهایی قابل قبول برای ما در می آورد و بایستی نمونه و مشوقی برای دیگر موافقتنامه هایی از این قبیل باشد.

به هر حال بعضی از مشکلات جدی هنوز به قوت خود باقی است. محدودیتهای موجود در مورد هزینه های دلاری فروشهای نظامی، برنامه ریزی را مشکل می سازد چون هزینه های لوازم یدکی و تعمیرات و نگهداری هر چه بیشتر و بیشتر کل مبالغ در نظر گرفته شده برای ایران را به خود اختصاص می دهند. تمایل شاه به دریافت تجهیزات پیشرفته تر دو سؤال را مطرح می نماید که یکی نیازهای واقعی نظامی و دیگر تأثیرات تمایل او به خرید برخی تجهیزات مخرب و گرانبه بر اقتصاد ایران می باشد. در داخل دولت آمریکا با شدت بر سر آن گونه موارد کشمکش وجود دارد، اما بازرسین نمی دانند که انصاف ایرانیان در برخورد با این مسائل تا چه حدی بوده است. مهمترین وظیفه دیپلماسی آمریکا تزریق واقعگرایی و تعادل به جنبه فروش تسلیحاتی روابطمان با ایران است.

یکی از مسائل دیگر به میزان حضور آمریکا که اکنون معادل ۴۰۰۰۰ نفر برآورد شده، مربوط است بخش اعظم این آمریکاییها به خاطر فعالیتهای نظامی در ایران حضور دارند. اکثر آنها با کار در خارج از

آمریکا به عنوان غیر نظامی آشنا نبوده و خانواده هایشان نیز به زندگی در یک جامعه نسبتاً محافظه کار
مسلمان عادت ندارند. در نتیجه مشکلات عظیمی در رابطه با روابط عمومی و حراست پدیدار می گردد که
مداوماً سفارت و کنسولگریهای تابعه آن و علی الخصوص اصفهان را با دردسر مواجه می سازند. سفارت
در هدایت و فعالیتهای پشتیبانی برای تطبیق پذیری این آمریکاییها به خوبی انجام وظیفه می کند و دولت
ایران نیز که هزینه این حضور آنها را تأمین می کند، از هیچ گونه همکاری فروگذار نکرده است. با این حال،
مهمترین وظیفه سفارت تداوم بخشیدن به پیشرفت برنامه های بزرگتر است تا زمان و شمار آمریکاییهای
موجود در کشور به حداقل کاهش یابد. افسران واحد همکاری نظامی ما تحت امر سفیر قادر به دستیابی به
این امر می باشند، مثلاً اصرار و پافشاری برانگیزه ها و اهداف قراردادهای شرکتهای آمریکایی با ایران به
تکمیل به موقع پروژه ها و خروج پرسنل پیمانی آمریکایی از ایران کمک می نماید.

مسئله ای که باید مورد توجه قرار گیرد مسئله دانشجویان ایرانی است. ظاهراً حدود بیش از ۶۰۰۰۰
دانشجوی ایرانی در آمریکا مشغول به تحصیل بوده و شمار آنها هر سال رو به افزایش است. بسیاری از این
دانشجویان یا واجد شرایط نیستند و یا انگیزه درستی ندارند، در نتیجه به سرعت تحت تأثیر فعالیت
سیاسی اغلب خشونت بار قرار می گیرند که آمریکاییها را مضطرب ساخته و بحرانهایی را در روابط ایران
و آمریکا فراهم می آورند. البته در همان حال، دانشجویان ایرانی منبع مهمی برای گسترش این روابط و
کمک مهمی در عمران ایران در جهت مورد نظر ما به شمار می آیند. آنچه مورد نیاز است اینست که دولت

آمریکا بر سر نحوه کار در مورد این مسئله نوعی توافق کلی داشته باشد. بازرسین پیشنهاد کرده اند که یک گروه مطالعه درون سازمانی تشکیل شود تا معیارها و طرحهای مربوط به روایدهای دانشجویی (سطح زبان انگلیسی، نمرات دبیرستانی، غیره)، نوع جلسات معارفه ای که باید برای دانشجویان قبل از ورود به آمریکا تشکیل شود و روش مشاوره با دانشجو در حین اقامت وی در آنجا (آمریکا م) را مشخص کند. بازرسین دریافته اند که مکانیزم های گسترش و هماهنگی سیاست چه در واشنگتن و چه در محل مأموریت هیئت مؤثر واقع می شود. آخرین اسناد مربوط به این گونه خط مشی ها، PARM ۱۹۷۷ و GORM ۱۹۷۸ بر طبق رهنمودهای وزارت خارجه تهیه گردیده و مسائل و مشکلات را مشخص نموده است. با وجود این که، ایران مورد توجه عالیرتبه ترین مقامات موجود در دولت آمریکا است، تصمیمات اتخاذ شده در کاخ سفید و یا طبقه هفتم در اختیار مقامات در سطوح پایین تر قرار می گیرد و بازرسین این برداشت را داشته اند که مدیر بخش کشور ایران از امور کاملاً مطلع می شود. ایجاد هماهنگی بین سازمانی در واشنگتن دشوار است، چون تعداد سازمانهای قدرتمند و اختلاف نظر در مورد مسائل مربوط به ایران آن قدر زیاد است که گاهی رویاروییهای نیز به وقوع می پیوندد، ولی در نهایت همه آنها احتمالاً به خاطر توجه مقامات عالیرتبه حل می شوند. ارتباط بین واشنگتن و سفارت در تهران در زمینه خط مشی ها بسیار عالی است.

مدیریت

رابطه ما با ایران بیشتر بر شخص شاه متمرکز است زیرا روند تصمیم گیریها در این کشور از تخت طاووس سرچشمه می گیرد. بنابراین، اجرای مؤثر سیاستهای آمریکا در ایران به توان قابل ملاحظه سفیر و دیگر همکارانش در داشتن دسترسی به شاه و محفل کوچکی از مقاماتی که بر او نفوذ دارند، بستگی دارد. سفیر قادر است به طور مداوم و با سهولت با شاه تماس برقرار سازد. دو تن دیگر از مقامات نیز با او

ملاقات می نمایند، ولی آنان تحت کنترل سفیر عمل می نمایند. هیئت نمایندگی به طور کلی با تمام سطوح

دولت ایران ارتباط خوبی برقرار ساخته و بین افسران هیئت مستشاری نظامی آمریکا و هم‌تایان ایرانی

آنها نیز رابطه صمیمانه ای ایجاد شده است. هر یک از کنسولگریها نیز با مقامات محلی چنین رابطه ای را

برقرار ساخته اند. در واشنگتن مدیریت امور کشوری با عناصر دیگر موجود در دولت آمریکا که در رابطه

با ایران فعالیت دارند رابطه کاری مفیدی برقرار کرده است.

با در نظر گرفتن وسعت و پیچیدگیهای انجام کار در ایران می توان گفت که سفارت آمریکا در تهران از

مدیریت خوبی برخوردار است. سفیر نیز از جزئیات عملیات به خوبی مطلع است و در همه فعالیتها مگر

فعالتهای بسیاری عادی و روزمره شرکت دارد. معاونت سفیر که جدیدالورود است و در امور ایران

تجارب وسیع دارد، به خوبی جریان را تحت کنترل گرفته و در تمام مدتی که بازرسی صورت می گرفت به

عنوان کاردار عمل می کرد. سفیر بر معاونت نمایندگی به عنوان مقام اجرایی سفارت متکی است، تا ناظر بر

عملیات روزانه سفارت باشد؛ شاهد اجرای مسئولیتها توسط عناصر مختلف باشد؛ برنامه های سفارت را

هماهنگ ساخته و به مناقشات بین عناصر سفارت خاتمه دهد.

ارتباط بین واشنگتن و حوزه در مورد عملیات روزمره کافی بود و خالی از هر گونه نقیصه قابل

ملاحظه ای می باشد. در زمینه خط مشی و موضوعات دارای اولویت بیشتر با سرعت و دقت کافی عمل

می شود. به خاطر خصوصیت فراگیر جلسات روزانه ستادی، در سطوح ریاست سازمان و بخشهای تابعه سفارت اطلاعات جریانی آزاد را دنبال می کند، اما در سطوح پایین تر، خصوصاً در بخشهای کنسولی و اداری این جریان دچار وقفه هایی می گردد. سفارت از عدم توجه به احساسات موجود در این بخشها آگاه است و لذا در جهت بهبود این وضع گامهایی بر خواهد داشت.

به نظر بازرسین، تبریز، اصفهان و شیراز در زمینه منافع آمریکا اهمیت بسیاری دارند، به همین جهت آنها به پیشنهاد مطروحه خویش در گزارش بازرسی ۱۹۷۶ مبنی بر تعطیل کنسولگری آمریکا در تبریز را پس گرفتند. مدیریت کنسولگریها در تبریز و شیراز خوب است؛ ولی در اصفهان این طور نیست و بازرسین پیشنهاداتی را در جهت خلاصی یافتن این واحد از بی نظمیها مطرح ساخته اند. هر سه واحد مزبور به رهنمودها و پشتیبانی بیشتر سفارت نیاز دارند و بازرسین توصیه می کنند که مسئولیت نظارت مستقیم فعالیت آنها از سرکنسول گرفته شود، چون مسئولیتهای وی بیش از حد زیاد است و به معاون سفیر سپرده شود.

عملیات کنسولی از زمان ورود سرکنسول کنونی و علیرغم افزایش روایدها و موارد امنیتی بهبود بسیار یافته است. با این حال غیر مکفی بودن تسهیلات فیزیکی (از جمله مسکن و دفتر کار م) میزان عملیات را محدود می سازد و این تسهیلات هم اکنون آنچنان مملو از افراد است که اگر قرار باشد مقامات کنسولی به تهران اعزام شوند، مکانی برای انجام فعالیتهایشان وجود نخواهد داشت.

گزارشگریهای سیاسی کلاً خوب است، ولی منشأ بخش اعظم گزارشها از مقامات تصمیم گیرنده است. پوشش گروههای مخالف به آرامی در حال گسترش است و کنسولگریها اطلاعات جالبی را در زمینه طرز فکر سیاسی دیگر نقاط کشور ارائه کرده اند. بازرسین با بررسی دقیق سعی کردند دریابند که آیا گزارشگری توسط کارمندان تازه کار از نظر محتوا محدود و یا به آن جهت داده می شود و یا یک «خط

حزبی» از سوی سفارت بر شاه نفوذ دارد. آنها دریافته اند که ممکن است در گذشته اظهارات تندی در مورد شاه و فعالیت‌هایش اظهار شده باشد، ولی در حال حاضر این طور نیست.

کار اقتصادی بازرگانی از کیفیت مختلفی برخوردار است. گزارش‌گرهای مالی و اقتصادی از نظر محتوا، حوزه پوشش و تجزیه و تحلیل حائز اهمیت است. از طرف دیگر، عملیات بخش بازرگانی در بازار پس از رقابت ایران غیر مکفی است.

البته علت نقایص موجود در بخشی نیست که با وجود نقیضه‌های فلج کننده فعالیت‌های خویش را دنبال می کند. وضع ترافیک ارتباطی، تعیین وقت ملاقات و پیگیری آن را دشوار می سازد. کتابخانه بخش

بازرگانی در محوطه سفارت ایجاد شده که دسترسی به آن را دشوار می سازد. تدابیر امنیتی برای بازدیدکنندگان دشواری‌هایی را پدید می آورد و مانع از ایجاد انعطاف پذیری در ساعات اداری می گردد.

معدالک بازرسین احساس می کنند که با سازماندهی بهتر و ایجاد انگیزه و تخیل بیشتر این بخش می تواند خدمات بیشتری را در اختیار تجار آمریکایی قرار داده و از برنامه های ما در زمینه صادرات حمایت

بیشتری به عمل آورد. بازرسین معتقدند که مرکز بازرگانی به خوبی مورد بهره برداری واقع نشده و به همین جهت پیشنهاد می کنند که این مرکز در ژانویه ۱۹۸۰ تعطیل گردد، مگر آنکه روش بهتری برای بهره برداری از آن ابداع گردد.

امور علمی مورد توجه بیشتر سفارت واقع شده زیرا اهمیت آنها در ایران روز به روز آشکارتر می گردد

و گردش و اداره این امور نیز به عهده مقامی است که در زمینه صنعت و وزارتخانه تجارب بسیار اندوخته است. وی فردی با ارزش در حمایت از تلاشهای بازرگانی آمریکا در زمینه انرژی و بخصوص انرژی هسته ای است. وابسته علمی نیز مسئول امور جمعیتی است و رابطه بسیار خوبی را با متخصصین امور خانواده در ایران برقرار ساخته است.

دفتر اجاره ای ضمیمه سفارت که محل بخش کنسولی، دفتر بودجه و امور مالی، دفتر اداره مبارزه با مواد مخدر و دفتر اداره عوارض داخلی است از فضای کافی برخوردار نمی باشد. برنامه تعویض زمین تحت مالکیت سفارت در تبریز با یک ساختمان اداری پیش ساخته در محوطه سفارت در تهران موفقیتی بهمراه نداشته، ولی نیاز شدید به این ساختمان نیز از بین نرفته است. بازرسین توصیه می کنند که اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا مستقیماً هزینه مورد نیاز ساخت این ساختمان پیش ساخته را تأمین نماید.

از زمین با ارزش موجود در محوطه سفارت به خوبی بهره برداری نمی شود. در مورد ارزیابی قیمت آن کاری انجام نشده، ولی برآوردهای غیر رسمی حکایت از آن دارند که این زمین حدود ۶۵ تا ۲۵۰ میلیون دلار ارزش دارد. برنامه های دراز مدت جهت ایجاد فضای دفتری و مسکن کافی برای آینده طراحی نشده است.

آپارتمانهای موقتی که در محوطه سفارت بنا شده بود عمر مفید خود را سپری کرده و به محض دریافت منابع مالی لازم در جهت تخریب آنها باید اقدام گردد. ارزش زمین در تبریز به خاطر آشوبهای اخیر در آنجا و قوانین ضداحتکار (زمینخواری) نزول بسیار وحشتناکی داشته است.

در حال حاضر زمین تحت تملک اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا در تبریز باید در مالکیت آن باقی بماند. برنامه های دراز مدتی باید طراحی شود تا بخشهای غیرضروری زمین پس از بالا

رفتن قیمتها به فروش برسد و قیمتها هم حتما افزایش خواهد یافت، چون فشارهای تورم را در ایران این امر را ایجاب می کند.

از آنجا که سفارت نمی تواند به تنهایی برنامه های واقعگرایانه و دراز مدت مربوط به املاک را تهیه کند، باید یک تیم AMAT مرکب از مهندسين اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا و دیگر افراد ذیصلاح جهت مساعدت در این زمینه به تهران اعزام شوند.

برخلاف انتظار بازرسين روحیه پرسنل سفارت خیلی خوب بود. آنهایی که به سفارت در تهران منصوب شده اند معتقدند که مدیریت سفارت به مسائل مؤثر بر روحیه توجه بیشتری داشته و مثلاً با بهبود وضع مسکن، و نشان دادن برخوردی پاسخگویانه به نگرانیهای شخصی پرسنل در این راه اقدام می نماید. جنبه های سخت زندگی فیزیکی در تهران نیز بر همگان معلوم است. تراکم ترافیک، آلودگی هوا، مشکلات فرهنگی و دیگر موانع طاقت فرسا ضرورت صبر و بردباری بیشتر را آشکار می نماید. اکثر همسران به خوبی با محیط جدید تطابق پیدا کرده اند و این امر در مورد کسانی که موفق به یافتن شغلی شده اند صادق تر است. افراد ما می دانند که خدمت آنها برای آمریکا در ایران حائز اهمیت است و به همین جهت زندگی را به صورت موجود در آنجا پذیرفته اند. با تخصص کلاً خوبی که دارند، همه آنها به خوبی قادر به مبارزه با مشکلات می باشند.

جدول ۱

فهرست توصیه مربوط به تمام منابع

حذف شود اضافه شود تغییر مکان داده شود و یا در موقعیت تعدیل ایجاد گردد تهران شغل کارمند محلی متخصص امنیتی رابط سرویس

خارج از دفتر کارگزینی (۳/۵۱۰) کارمند بخش سیاسی را به بخش سیاسی / نظامی انتقال داده (یا برای پست دوم شخص دیگری را

تقاضا نمایند. شغل کارمند محلی امور مالی و بودجه سرویس خارج (۱/۵۳۰) محل شغلی کارمند تحقیقات بازار (۲۰ ۴۳۱) در

صورت تعطیل شدن مرکز بازرگانی آمریکا در تهران

حفظ شود. عنوان شغلی کارمند تجزیه و تحلیل مدیریت

(۴۳۶۵۰) را به کارمند خدمات عمومی تغییر دهید. اصفهان شغل کارمند محلی متخصص کنسولی

سرویس خارج چهار کارمند محلی اول سرویس خارج در دفتر

بودجه و امور مالی که بازنشسته می شوند نباید تا زمان

تکمیل کار تجدید سازمان این دفتر و تعیین شمار

کارمندان آن به صورتی صحیح و مفید تعویض شوند.

تبریز محل شغلی برای یک کارمند جدید استخدام آمریکایی

جدول ۲

خلاصه تغییرات پیشنهادی در مشاغل

حذف شود اضافه شود خالص

کارمندان ارشد (۱) سرویس خارج (وزارت خارج) کارمندان دفتری (۲)

سرویس خارج کارمندان محلی (۳) سرویس خارج کارمندان ارشد سرویس خارج (وزارت خارج) کارمندان دفتری سرویس

مسائل اقتصادی نظامی و حقوق بشر کرده است. افسر سوم مسائل اقتصادی را زیر نظر داشته و پشتیبانی لازم از کمیسیون مشترک آمریکا و ایران را به عمل می آورد.

ارزیابی و نتیجه گیری

اداره امور کشوری، علیرغم تغییرات بسیار پرسنلی، به عنوان مرکز توزیع محدود در یک واحد سرویس خارجه، این یادداشت تنها می تواند در اختیار کارمندان مستقیما ذیربط قرار گیرد. در واشنگتن، توزیع آن در خارج از وزارت امور خارجه تنها توسط بازرسی کل سرویس خارجه امکان پذیر است.

اداره امور ایران در داخل دولت آمریکا به خوبی عمل می کند. خوشبختانه مدیر اداره امور کشوری (۲) و افسر دوم اداره (۰۳) تجارب وسیعی در ایران داشته و افسر سوم یک فرد (۰۴) بسیار فعال و پرنرژی است که توانسته است تداوم و پیوستگی لازم را فراهم آورد. شمار کارمندان این اداره در حال حاضر کافی است، ولی در مواقع بحرانی تحت فشار بسیار قرار خواهد گرفت.

کیفیت مطالعات، نوشتارهای توجیهی، اسناد مربوط به سیاستها، مکاتبات کنگره و غیره بسیار خوب است و نشانگر برداشت صحیحی از موضوعات مورد نظر و اقدامات ضروری در دموکراسی می باشد. در تمام سطوح بین مدیریت بخش کشورهای ایران و سفارت در تهران تماس بسیار خوبی برقرار است. این اداره همیشه سفارت را در جریان امور مربوط به برنامه های مهم دستگاه اداری قرار می دهد. اداره امور کشوری در داخل بخش امور خاور نزدیک در زمینه پاسخگویی به موقع به درخواستهای ضربتی از شهرت به سزایی برخوردار است.

دفتر امور خاور نزدیک بنا به ضرورت توجه خویش را بر تضاد اعراب و اسرائیل متمرکز ساخته و بازرسی با دقت بیشتر به تفحص پرداختند تا دریابند که آیا این امر در زمینه ارائه رهنمودهای مربوط به

خط مشی های مربوط به ایران خدشه وارد ساخته یا نه. نتیجه این بود که رهنمودها و پشتیبانیهای ارائه شده توسط افسران امور خاور نزدیک کافی بود و با منافع مورد نظر کاخ سفید و طبقه هفتم در مورد ایران مطابقت داشته و اداره امور کشوری نیز به این مسئله توجه کافی مبذول داشته است. در واقع، تمرکز و توجه عالیرتبه ترین مقامات به این اداره کمک کرده است تا در زمینه اتخاذ تصمیمات در سطوح پایین تر سرعت لازم را پدید آورد.

فشارهای وارده بر اداره امور کشوری آن قدر زیاد بود که بخش اعظم فعالیت آن توأم با عکس العمل بود و تلاش کرده است تا با رویدادها هماهنگ شده و در مورد خط مشی ها و برنامه های تعیین شده از قبل حرکتی توأم با پیشرفت لازم را داشته باشد. مدیر جدید امور کشوری نیز اذعان دارد که وضع حاضر ایده آل نیست و امیدوار است که فنون برنامه ریزی دراز مدت تری را طراحی کند تا برخورد منظمتر با خط مشی ها را امکان پذیر سازد. به طور مثال، او بر روی طرحی کار می کند تا نحوه برخورد با مسائل بسیار غامض و عاطفی حقوق بشر در ایران مشخص شود و اصطکاک بین دفاتر موجود در وزارت خارجه کاهش یافته و در عین حال ضرائب و عوامل مؤثر در حقوق بشر نیز مد نظر واقع گردند.

یکی دیگر از ایده های مدیر امور کشوری، تعیین تعیین برنامه مشخصی در رابطه با برنامه پیشنهادی فروش نظامی به صورتی بسیار دقیق است، تا مانع از فروشهای عمده که سبب منحرف ساختن و تحریک

جناح مخالف می گردد بشود. بازرسین معتقدند که این نظریات با ارزش می باشند.

علاوه بر این، بازرسین معتقدند که در زمینه و تجزیه و تحلیل دراز مدت برنامه های اقتصادی ایران با در نظر گرفتن امکان از میان رفتن ذخائر نفتی آن کشور باید تلاش بیشتری مبذول شود. تأثیر اختصاص بخش عمده ای از منابع به برنامه های دفاعی بر برنامه ریزیهای صنعتی کشور نیز یکی دیگر از مسائل مهم است. هدف از این مطالعات باید مشخص کردن عناصری از سیاستهای اقتصادی و نظامی ما باشد که بقای ایران را در دراز مدت تضمین کرده و یا به مخاطره می افکند.

(پیشنهاد ۱۱)

مدیریت بخش کشور ایران با دیگر آژانسهای مرتبط با امور ایران بخصوص اداره امور امنیتی بین المللی در وزارت دفاع و عناصر مختلف جامعه اطلاعاتی رابطه خوب و سازنده ای برقرار کرده است. در زمینه هماهنگی بین سازمانی مشکل چندانی وجود ندارد.

در داخل وزارت خارجه، میان بخش امور ایران، HA و بعضی از بخشهای PM تضاد و درگیریهای تندی پدید آمده بود. اختلاف سلیقه های بین این اداره و سازمانهای مزبور احتمالاً تا زمانی که از ایران به عنوان کشوری متخلف در زمینه حقوق بشر یاد شود و روابط ما با ایران اینچنین صمیمانه و نزدیک باشد، ادامه خواهد یافت. با این حال ابداع روشهای از قبل تعیین شده و مورد توافق و مورد نظر اداره امور کشوری می تواند تشنجهای را کاهش داده و بهبودی را در امور پدید آورد.

میزان کار کمیسیون مشترک آمریکا در ایران ظاهراً رو به افزایش است و مقام اقتصادی این اداره قبل از برگزاری اجلاس خویش که سه بار در سال است، شدیداً مشغول رتق و فتق امور می باشد (به یاد داشت بازرسی ۴ رجوع شود). بنا به ابتکار همین مقام اقتصادی است که نقش کمیسیون مشترک سازنده تر از

پیش شده است.

۱۱ مدیریت امور کشوری (امور خاور نزدیک / ایران) باید در جهت مشخص سازی این مطلب که

کدام یک از سیاستهای اقتصادی و نظامی ما بقاء ایران در دراز مدت را تضمین و یا تهدید می کند، مطالعاتی

را انجام دهد. چارلز تی . کراس

بازرس ارشد

مدیریت پست دیپلماتیک، حقایق

وزارت امور خارجه محرمانه یادداشت بازرسی شماره ۲ ۱۹۷۸

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) واحد: تهران ژوئیه

مدیریت پست دیپلماتیک

حقایق

هیئت نمایندگی آمریکا در ایران از سازمانی بسیار وسیع مرکب از ۱۴۰۰ آمریکایی برخوردار است که

بخش اعظم آنها (۱۲۰۰ نفر) در گروه کمک مستشاری نظامی آمریکا در ایران مشغول به کار بوده و ۸۵۰

نفر آنها از اتباع محلی هستند. وزارت خارجه دارای ۱۰۲ کارمند آمریکایی و ۱۶۵ کارمند محلی است.

علاوه بر وزارت خارجه نمایندگانی از وزارت بازرگانی، کشاورزی، آژانس مبارزه با مواد مخدر، اداره

مالیات بر درآمد، اداره هوایی فدرال، آژانس ارتباطات بین المللی و وزارت دفاع نیز در آنجا به کار مشغول می باشند. این نمایندگی در تبریز، اصفهان و شیراز نیز واحدهایی دارد.

بخش اجرایی سفارت نسبتاً کوچک و متشکل از سفیر، معاون سفیر مشاور ستادی سفیر که در

کمیسیون مشترک ایران و آمریکا کار می کند (به یادداشت بازرسی شماره ۴ رجوع گردد) و معمولاً یک

مقام سیار است که اولین دوره خدمت خود را در آنجا می گذرانند. دو منشی آمریکایی و یک کارمند محلی

با عنوان مقام پروتکل، می باشند. سفیر به معاونت نمایندگی به عنوان مقام اجرایی سفارت متکی است، تا بر

عملیات روزمره سفارت نظارت اعمال نماید؛ اطمینان حاصل کند که تمام عناصر نمایندگی مسئولیتهای

محواله را انجام می دهند. برنامه های سفارت را هماهنگ ساخته و مناقشات مربوط به اختیارات بین

عناصر سفارت را حل و فصل نماید.

سفیر روزانه یک جلسه ستادی تشکیل می دهند که مقامات اصلی نمایندگی از جمله رئیس هیئت

مستشاری نظامی که مسافتی بسیار طولانی را جهت شرکت در این جلسه طی می کند، در آن شرکت

می نمایند. هفته ای یک بار نیز جلسه مربوط به تیم کشوری تشکیل می شود و در صورت ضرورت

جلسات دیگری به منظور ایجاد هماهنگی و برنامه ریزی ترتیب داده می شود.

ارزیابی، حقایق

ارزیابی

مدیریت نمایندگی بخصوص با در نظر گرفتن وسعت و پیچیدگیهای انجام کار در ایران، خوب است.

سفیر به خوبی در جریان جزئیات عملیات قرار داشته و فعالانه در تمام آنها به استثناء عملیات روزمره

شرکت و دخالت دارد. معاون سفیر که اخیراً وارد این واحد شده، به نحو قابل تمجیدی اداره امور را در

دست گرفته و در تمام مدت اقامت این تیم در ایران، وی به عنوان کاردار عمل می نمود.

وضع ارتباطات در سطح رؤسای بخش و سازمان خوب است چون ماهیت جامع جلسات روزانه کارمندی که در آنجا تصمیمات و تکالیف در مسائل عملیاتی اتخاذ و مشخص می گردد. چنین ایجاب می کند، این گروه در مورد رویدادهای مربوط به فعالیتهای مهم توجیه می گردد و سفیر رهنمودهای کلی را ارائه می نماید. با این حال، بازرسین شکایات نه چندان تندی مبنی بر عدم وجود ارتباطات در سطوح پائین تر دریافت داشته و مقامات و کارمندان، بخصوص در بخشهای کنسولی و اداری معتقدند که آنها آن طور که باید و شاید در جریان وقایع قرار نمی گیرند. واحد از این گونه احساسات با خبر است و تلاش دارد تا بایگانی قابل مطالعه را در اختیار همگان قرار داده و مشارکت بیشتر آنان در جلسات تیم کشوری را سبب شود. این امر بسیار دشوار است چون اتاق کنفرانس مخصوص به جلسات طبقه بندی شده بسیار کوچک است. تمام بخشها به استثنای بخش اداری جلسات ستادی خویش را برگزار می کنند که البته با ورود مقام اداری جدید این نقیصه بر طرف خواهد شد. بازرسین معتقدند که بخشی از مطالب مورد تبادل نظر میان رؤسای بخشها باید در اختیار کارمندان تابع آنها نیز قرار گیرد. بازرسی سه واحد تابعه حاکی از آن است که در زمینه ارائه رهنمود و اطلاعات لازم به خصوص در موارد سیاسی و اقتصادی و بازرگانی باید توجه بیشتری به این بخشها بشود. بازرسین پیشنهاد کردند که معاون سفیر و مشاورین سفارت در امور سیاسی، اداری، اقتصادی / بازرگانی، و کنسولی هر یک دوبار در سال به واحدهای تابعه طبق برنامه از قبل تعیین شده سفر نمایند. (پیشنهاد ۲۱) این بازدیدها باید توأم با کنفرانس عادی برگزار شوند با به

سه افسر اصلی در تهران باشد و در آنها سعی شود که واحدهای تابعه نیز وارد فعالیتهای سفارت به طور کلی بشوند.

در بازرسی قبل پیشنهاد شده بود که یک نفر به عنوان «هماهنگ کننده کنسولگریها» تعیین گردد. از آنجا که از این سه واحد تابعه دو واحد تنها امور کنسولی را اجرا می کنند، بازرسی پیشنهاد کردند که هماهنگ کننده همان رئیس بخش کنسولی باشد و از عنوان سرکنسولی برخوردار گشته و درجه شغلی وی نیز ۰۲ طبقه بندی گردد. این کار صورت گرفته است و در زمینه هماهنگی و ارائه رهنمودها در بخش کنسولی، وضع بهبود بیشتری پیدا کرده است.

با این حال، در رابطه با دیگر فعالیتهای مهم کنسولگریها و کیفیت سطح پشتیبانی اداری تغییر چندانی را ایجاد نموده است. سر کنسول، که افسر بسیار مجربی است، فقط در تهران که بخش اعظم فعالیتهای کنسولی در آنجا انجام می شد، حجم بسیار زیادی از کار را بر عهده دارد، و از او نمی توان انتظار داشت که بتواند به سازماندهی فعالیتهای در واحدهای تابعه و نیز واحد تحت فرمان مستقیم خویش پردازد. بازرسی پیشنهاد می کنند که نقش هماهنگی به معاونت سفیر داده شده ولی سرکنسول نیز عملیات کنسولی را زیر نظر داشته باشد. این تغییر، مسئولیتهای وی را کاهش نخواهد داد و به طبقه بندی مقام وی نیز لطمه ای وارد نخواهد ساخت که همان سطح ۰۲ خواهد بود. (پیشنهاد ۲۲).

هر سال چند شخصیت مهم به تک تک این سه واحد تابعه سفر می کنند. بنابراین بهتر است که به مقامات این واحدها فرصت داده شود تا در برنامه ریزی و تهیه مقدمات این گونه سفرها مستقیماً شرکت داشته باشند. معمولاً تا بحال از آنها خواسته می شد که در زمینه کارهای لجستیکی و رزرو هتل کار کنند ولی در بخشهای دیگر فعالیتی نداشته اند. اهمیت «وجهه» برای این مقامات جوان نباید از نظر نگاه داشته شود. (پیشنهاد ۲۳).

پیرنامه سیار بودن مقامات جوان به خوبی پیشرفت می کند و آنها ظاهراً از اینکه در جریان تمامی جنبه های خدمت در امور خارجی قرار می گیرند خوشحال هستند. کیفیت این برنامه ها را با برگزاری جلساتی که سفیر و معاون وی نیز در آنها شرکت داشته و به تبادل تجارب پرداخته و نحوه بهره برداری بهتر از آموزشها را فراگیرند، می توان افزایش داد. (پیشنهاد ۲۴).

روحیه کلی خوب است و وضع حاکم بر این واحدها به نسبت دو سال قبل تغییر بسیار یافته است. بازرسین معتقدند که علت این امر توجه کافی سفارت به مشکلات موجود در زمینه روحیه از جمله وضع مسکن، تفریحگاه و جلسات معارفه و پیگیری مسائل اداری به نحو احسن می باشد.

این پست دیپلماتیک دارای یازده منشی آمریکایی است که تعداد آنها کافی می باشد. به منظور بهره برداری بهتر از منابع منشیگری موجود، باید برنامه های پشتیبانی بهتری تهیه گردد. به طور مثال بخشهای سیاسی و سیاسی نظامی باید بتوانند منشیهای خود را با یکدیگر تعویض کرده و یا در صورت لزوم منشیها به یکدیگر کمک نمایند و منشیهای بخش اقتصادی و بازرگانی نیز باید در بخشهای یکدیگر آموزشهای لازم را ببینند تا در صورت لزوم هر یک بتواند جای دیگری را بگیرد. این برنامه ها سبب ایجاد جو هماهنگی بیشتر و از بین رفتن احساس انزوا می گردد. (پیشنهاد ۲۵).

پیشنهادات

۲۱. سفارت آمریکا در تهران باید سیستم سرکشی مرتب معاونت نمایندگی و مشاورین سیاسی، اداری، اقتصادی/بازرگانی و امور کنسولی را به واحدهای تابعه پیاده کند تا هر یک از این مقامات بتوانند حداقل سالی دو بار طبق برنامه مشخص به هر یک از این واحدها سفر کنند.
۲۲. سفارت آمریکا در تهران باید مسئولیت نظارت و ایجاد هماهنگی در کار واحدهای تابعه خویش را به معاونت نمایندگی محول نماید. سفارت باید با صلاحدید خود پیشنهاد به لغو شغل و عنوان هماهنگ کننده کنسولگریها را بدهد که در آن صورت باید توصیه نماید که مقام سرکنسول به قوت خویش باقیمانده و رده شغلی اش نیز همان رده ۰۲ باشد.
۲۳. سفارت آمریکا در تهران باید اقداماتی را در جهت دخالت مدیران واحدهای تابعه در برنامه ریزی و سازماندهی سفر شخصیت‌های مهم انجام دهد تا وجهه آنان نزد مقامات محلی بالا رود.
۲۴. سفیر با معاونت نمایندگی در سفارت تهران باید هر چند وقت یک بار با افسران سیار به صورت گروهی تشکی جلسه داده و ملاقات نمایند.
۲۵. سفارت آمریکا در تهران باید یک سیستم مبادله منشی با جهت کمک و پشتیبانی را برنامه ریز کند تا مثلاً منشیهای بخشهای سیاسی و نظامی و بخشهای اقتصادی / بازرگانی بتوانند با یکدیگر تعویض شده و یا در کارها یکدیگر را یاری دهند.

چارلز تی . کراس

بازرس ارشد

وزارت امور خارجه خلی محرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خارجه نزدیکایران) یادداشت بازرسی شماره ۳

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

بخش سیاسی سفارت آمریکا در تهران به وسیله یکی از افسران سرویس خارجی رده شغلی ۰۲ سرپرستی و شامل دو مقام تمام وقت دیگر و دو منشی است. بخش سیاسی / نظامی یک واحد جداگانه است، ولی در این یادداشت بازرسی به آن پرداخته می شود و یکی از کارمندان رده شغلی ۰۳ در آن مشغول به کار است که یک منشی امور مربوط به او را انجام می دهد.

ارزیابی و نتیجه گیریها

امور سیاسی

ارزیابی کار بخش سیاسی نشان می دهد که عملکرد آن به طور کلی خوب است. این بخش یک برنامه گزارشگری سیاسی بسیار جالب ارائه نمود که برای پوشش و تجزیه و تحلیل مسائل مهم مورد علاقه آمریکا طرح ریزی شده بود. موضوعات مندرج در این برنامه مانند ارسال گزارش در مورد دانشجویان ایرانی در آمریکا، فعالیت احزاب سیاسی، فعالیت زنان، حقوق بشر، سیاست ایران در قبال اقیانوس هند و خلیج فارس، مقامات ایران و رویدادهای داخلی دستورالعملی برای گزارشات کامل گردید. این گزارشگری طبق برنامه به پیش می رود و بسیاری از گزارشها هم اکنون به مرحله نهایی رسیده است. چند

موضوع جدید نیز به این گزارش افزوده شده است. گزارشات مستمر موضوعی نیز تقریباً به طور روزمره تهیه و به تناسب ارسال می شود.

ماهیت تمرکز قدرت سیاسی در دست شاه و این واقعیت که تمام تصمیمات مهم توسط شاه اتخاذ می گردد، گزارشگری سیاسی سنتی بخش سیاسی را دچار محدودیتهایی می سازد. سفیر دائماً با شاه در تماس است و از این طریق گزارشهای سیاسی قابل ملاحظه ای را ارسال می نماید که این کار نیز مکمل گزارشگری بخش سیاسی می گردد. تماسهای بخش (سیاسی) نیز ظاهراً کافی است و کیفیت آنها نیز با گسترش اخیر برنامه ها رو به بهبود است.

وزارت امور خارجه (ایران م) و دیگر شخصیت‌های مهم ساختار قدرت در ایران همیشه تحت پوشش گزارشات بخش سیاسی قرار دارند.

کار بخش سیاسی به دو بخش مهم مسایل داخلی و روابط خارجی ایران تقسیم می گردد. گزارشات داخلی در طول سال گذشته پیچیده و شدیدتر شده و این به خاطر چند رویداد است که در نتیجه برنامه اعطای آزادیها توسط شاه رخ داده است. این امر عکس العمل رهبران مذهبی محافظه کار، دانشجویان و دیگر گروهها را به دنبال داشته است.

روابط خارجی ایران، بخصوص با همسایگان نزدیکش، کشورهای کوچک حوزه خلیج، منطقه خاور نزدیک و آمریکا و شوروی نیز تحت پوشش گزارشات سفارت قرار داشته است. گزارشها از ماهیتی روشن، فشرده و تقریباً کامل برخوردار بوده ولی بهتر است در مورد مفهوم و اهمیت رویدادها تجزیه و تحلیل های بیشتری ارائه شود. بعضی از یادداشتهای مکالماتی نیز باید به تلگرام تبدیل شوند.

گزارشات ارسالی زندگینامه ای عالی، جامع و دقیق است. پرونده زندگینامه های این بخش بسیار حائز اهمیت بوده و بسیاری برای درک طرز فکر و آشنایی با شخصیت‌های مهم ایران از آن استفاده می کنند

موضوعات چند جانبه از جمله امور زنان و قانون دریاها نیز به خوبی توسط بخش سیاسی تحت پوشش واقع شده است.

تعداد کارمندان این بخش نیز ظاهراً کافی است، ولی بخش گزارشات داخلی گسترده تر از بخش تهیه گزارشات خارجی است. در تهیه گزارشات داخلی حمایت بسیار عالی سر کنسولگری آمریکا در ایران تأثیر به سزایی دارد. مدیران این کنسولگریها هر چهار ماه یک بار در تهران گرد هم می آیند تا در مورد فعالیتهای حوزه خویش تبادل نظر نمایند. این عمل درست نه تنها برای سفارت بلکه برای مدیران نیز با ارزش است، زیرا تماس شخصی آنها با یکدیگر و عناصر سفارت، حوزه دید و برداشت آنها را در مورد مسائلی که باید مورد توجه بیشتر قرار گیرند، گسترش می دهد.

امور سیاسی / نظامی

کار بخش امور سیاسی / نظامی نیز برجسته و با اهمیت است. رابطه بین آمریکا و ایران در زمینه همکاری در فروشهای نظامی بسیار گسترده بوده، و بزرگترین برنامه اینچینی ما در جهان محسوب می شود. ارزش این فروشها به دلار بسیار عظیم بوده و حضور حدود ۱۸۰۰۰ پرسنل آمریکایی و وابستگانشان که اکثراً غیرنظامی هستند، در ایران رشدی چشمگیر یافته است.

فروشهای نظامی خارجی به ایران تحت کنترل رهنمودها و بخشنامه های قوه مقننه، ریاست جمهوری،

وزارت خارجه و دفاع می باشد. مشاور سیاسی نظامی این موارد را کاملاً درک کرده است. رابطه خوب وی با هیئت مستشاری نظامی آمریکا در ایران موجبات رعایت این رهنمودها و اجرای مؤثر آنها را در پیشبرد منافع و اهداف آمریکا فراهم می آورد.

سفیر شخصاً بر امور سیاسی / نظامی نظارت دارد و مشاور سیاسی نظامی دائماً وی را در جریان رویدادها قرار می دهد. این بخش همیشه پرکار است و اعزام یک مقام از رده متوسط و آشنا به امور حوزه مأموریت و بخصوص با تجربه در زمینه PM / SAS می تواند کمک مؤثری به آن باشد. (پیشنهاد ۳۱).
مشاور سیاسی نظامی به اهمیت بعد کار خویش در زمینه حقوق بشر واقف بوده و با این گونه موارد برخوردی مؤثر دارد.

از جمله مسائل مهمی که اخیراً توسط مشاور سیاسی / نظامی به آنها اشاره شده مسئله فروش هواپیمای بوئینگ آواکس جهت افزایش توان ایران در زمینه هشدار هوایی دفاعی این کشور، پیش بینی خریدهای دفاعی ایران و انگیزه های پیمانکاران آمریکایی در تسریع خارج سازی پرسنل خویش بر طبق رهنمودهای لایحه ۱۹۷۷ همکاری امنیتی بین المللی (لایحه عمومی ۹۲ ۹۵) را می توان نام برد.
مسئله حساس نظارت بر افزایش فروش تسلیحاتی آمریکا توسط پیمانکاران دفاعی آمریکایی در چهارچوب قوانین و سیاستهای مورد تصویب قوه مجریه نیز یکی از جنبه های مهم کار مشاور سیاسی / نظامی است. او این کار را به خوبی انجام می دهد و به تداوم رابطه بسیار عالی بین هیئت مستشاری نظامی آمریکایی و سفارت کمک می نماید.

امور کارگری

گزارشگری امور کار و کارگری در سفارت، کامل نیست. این کار به عنوان بخشی از وظایف نیمه وقت به بخش سیاسی محول شده است. این امر رضایتبخش نبوده و نیاز وزارتخانه های امور خارجه و یا کار را

تأمین نمی کند. گرچه گزارش کارگری سالانه (مورخ ۵ ژانویه ۱۹۷۸، CERP ۰۰۵) کامل و دقیق تهیه شده است، معذالک فقدان جریان مداوم گزارشات از صحنه کارگری رو به تکامل ایران قابل توجه و محسوس است. البته گزارشات کارگری بسیار خوبی که از شیراز می رسد استثناء است. پیشنهاد می شود که گزارش کارگری به بخش اقتصادی و بازرگانی محول شود. در مسائل کارگری حداقل در آینده نزدیک محتوای سیاسی چندانی به چشم می خورد، اما از نظر عناصر اقتصادی چرا. (پیشنهاد ۲۳).

سفارت باید اطلاعات خود را در زمینه سازمان و فعالیتهای وزارت کار و امور اجتماعی مطابق با شرایط روز وفق داده و این اطلاعات باید در برگیرنده رهبریت کنونی، گرایشها و فعالیتهای سازمان کارگران ایرانی؛ طرز برخورد دولت ایران و مواضع آن در قبال سازمان کارگران ایرانی که مستقیماً آمریکا را نگران می سازد و تکامل وضع نیروی انسانی و کار (شامل روندهای موجود در استخدام، دستمزدها، قیمتها، تولید و توزیع درآمدها) رویدادهای مهم در روابط کارگری، مهاجرت کارگری، سیاستها و مقررات مربوط به کارگران خارجی، و در مورد برنامه ها و طرحهای مربوط به بالا بردن معیارهای کار، باشد. تجدید مداوم ارقام مربوط به نیروی انسانی، رویدادهای اتحادیه های تجاری، مسائل کارگری بین المللی و معیارهای کاری و کارگری ضرورت دارد.

در پایان سال، این کار باید مورد بررسی مجدد قرار گیرد و در صورت رضایتبخش نبودن آن، باید یک

مقام خاص را به طور تمام وقت مأمور تهیه و ارسال این گزارشات نمود.

پیشنهادات

۳۱. سفارت آمریکا در تهران باید ضرورت وجود یک مقام دیگر در امور سیاسی و نظامی را مشخص کند و یا یکی از کارمندان بخش سیاسی را به آنجا منتقل سازد و یا افسر جدیدی را درخواست نماید.

۳۲. سفارت آمریکا در تهران باید وظیفه تهیه گزارش امور کار و کارگری را به بخش اقتصادی بازرگانی و موقعیت شغلی ۳۱۷۳۰ محول نماید.

کنت ان . راجرز چارلز تی . کراس

بازرسبازرس ارشد

امور اقتصادی / بازرگانی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) یادداشت بازرسی شماره ۴

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

امور اقتصادی / بازرگانی

حقایق

بخش اقتصادی بازرگانی شامل هشت پرسنل آمریکایی و نه پرسنل محلی تحت سرپرستی یک افسر

سرویس خارجه با رده شغلی ۱۰ است. معاون وی یکی از کارمندان بخش سرویس خارجه وزارت

بازرگانی با رده شغلی ۲ است که به وزارت خارجه مأمور شده است. عناصر این بخش عبارتند از واحد

اقتصادی با یک افسر سرویس خارجه از رده شغلی ۳ و یک کارمند محلی، یک وابسته علمی و فنی، یک

مقام امور نفتی؛ و واحد بازرگانی مرکب از سه کارمند آمریکایی و هفت کارمند محلی است که دو نفر از آنها در کتابخانه بازرگانی کار می کنند. واحد اقتصادی بر کار دو کارمند برنامه کمکهای آمریکایی نظارت دارد که مشغول آموزش فردی در زمینه برنامه های کمک آمریکا در کابل هستند. بخش اقتصادی بازرگانی یک رابطه رسمی نیز با وابسته هوایی غیرنظامی و نماینده اداره مالیات بر درآمد دارد. قسمتی از این بخش را مرکز تجاری در تهران تشکیل می دهد، که در یادداشت بازرسی ۹ ه تشریح شده است. جلسات ستادی تمام پرسنل چه آمریکایی چه محلی به صورت هفتگی برگزار می شود.

ارزیابی و نتیجه گیری

منافع اقتصادی آمریکا در ایران طبیعتاً بر نفت متمرکز است، گرچه ایران تنها ۸/۴ درصد واردات نفتی آمریکا را تأمین می کند. ما در مورد هیچ کالای استراتژیک دیگر به ایران متکی نیستیم، لیکن گاز و ثروتهای معدنی دیگر آن نیز به موقع خود برای ما حائز اهمیت خواهد شد.

انتشار اطلاعات مربوط به بازار و تهیه مقدمات جالب برای شرکتهای آمریکایی از جمله مأموریتهای مهم بخش اقتصادی / بازرگانی، سه واحد تابعه سفارت، دفتر وابسته کشاورزی و مرکز بازرگانی است.

منابع قابل ملاحظه ای برای خدمت به ۳۵۰ شرکت آمریکایی و ۱۴ دفتر بانکی آمریکایی در ایران و سیل بازرگانانی که به این کشور سفر می کنند پیش بینی شده است.

کار واحد اقتصادی و کار وابسته علمی بسیار عالی است. کار واحد بازرگانی آن طور که باید و شاید خوب نیست.

واحد اقتصادی

گزارشگری اقتصادی بخصوص در زمینه اقتصاد کلان از کیفیت بالایی برخوردار است. البته کمبودها و وقفه هایی وجود دارد که با سازماندهی مجدد منابع می تواند از میان برداشته شود. گزارشات اطلاعات جاری اقتصادی کامل است و طبق برنامه تهیه و ارسال می گردد.

در همان حال، گزارش مربوط به امور نفتی، گرچه عالی است، ولی تا حدودی نسبت به روزهای بحرانی گذشته کاهش یافته و گزارش مربوط به مواد معدنی نیز کافی نبوده است. بهمین دلیل توصیه می شود که تهیه گزارش مربوط به مواد معدنی برعهده افسر گزارشگر امور نفتی گذاشته شود. (پیشنهاد ۱۴).

در عین حال که گزارشات اطلاعات جاری اقتصادی به صورت نامه هوایی ارسال می گردد، سفارت باید از تلگرام در زمینه گزارشات خود استفاده بیشتری بنماید. این امر در نحوه توزیع و ارسال به موقع بهبود بیشتری را ایجاد خواهد کرد. علاوه بر این هزینه ارسال تلگرام کمتر از هزینه ارسال نامه هوایی است. این بخش همچنین باید میزان وابستگی خود به ارسال یادداشتهای مکالماتی را کاهش داده و بیشتر به ارسال گزارشهای تلگرافی بپردازد. یادداشتهای مکالماتی به طور کافی توزیع نمی گردند و ظاهراً توجه چندانی را نیز جلب نمی کنند.

تهیه آمار و ارقام اقتصادی موثق و اطلاعات دیگر در ایران دشوار است، ولی این بخش در تلاش خود در این زمینه موفق بوده است و در مورد این مطالب مهم لیکن پیچیده روش تجزیه و تحلیل و تفسیر خوبی را ابداع کرده است. رابطه این بخش با نهادهای مالی بسیار قابل توجه است و رابطه و حمایت آن از جامعه

بانکی عظیم آمریکایی در ایران نیز شایان توجه خاص است. وزارت خزانه داری آمریکا از دریافت گزارشها و تجزیه و تحلیل های ارائه شده توسط این واحد بسیار خرسند است.

واحد بازرگانی

واحد بازرگانی مرکب از یک وابسته بازرگانی اعزامی از وزارت بازرگانی و یک کمک وابسته بازرگانی ۵، یک کارمند بازرگانی ۶ و معمولاً یک کارمند سیار است، که هیچ گاه به صورت تمام وقت در این واحد انجام وظیفه نمی کند. در رابطه با واحد اقتصادی، باید گفته شود که تأمین اطلاعات مورد نیاز برای منافع بازرگانی آمریکایی دشوار بوده است. این گونه مشکلات اغلب سبب کندی بروز عکس العمل نسبت به درخواستهای مربوط به گزارش راهنمای تجارت جهانی و ADS می گردد. بازرسین پیشنهاد کرده بودند که برای کاهش این گونه تأخیرها که وقفه های قابل ملاحظه ای را نیز ایجاد کرده اند (گرچه در زمان بازرسی کاهش پیدا کرده بود) واحد بازرگانی در هنگام پاسخگویی به یک درخواست محلی برای اطلاعات اعلام نماید که در خاتمه ۳۰ روز از زمان دریافت درخواست پاسخ به واشنگتن ارسال خواهد گردید. اگر شرکت درخواست کننده به زمان بیشتری نیاز داشته باشد باید واحد بازرگانی را در جریان امر قرار دهد.

بازرسین همچنین پیشنهادی کردند که اگر پس از ۳۰ روز پاسخ مقتضی دریافت نشد، این واحد با اطلاعات موجود به واشنگتن اطلاع داده و اعلام نماید که در صورت بروز اطلاعات بیشتر مطالب باز هم ارسال خواهد شد. این چنین گزارشگری زمان وقفه ها را کاهش خواهد داد و از کیفیت کلی گزارشات چیزی کم نخواهد کرد. کمک وابسته بازرگانی که رده شغلی ۰۵ دارد، برای اولین بار است که به عنوان یک کارمند بازرگانی انجام وظیفه می کند. هفت کارمند محلی نیز در این بخش خدمت می کنند. معمولاً آنها تحت نظر یک افسر سیار تازه کار قرار می گیرند.

کیفیت کار آنها مانند حضور و غیابشان مختلط است. شاید علت این امر این باشد که نظارت کافی بر کار آنها اعمال نمی شود. آنها می دانند که افسران سیار بزودی این محل را ترک می گویند و به همین دلیل به رهنمودهای آنان وقعی نمی نهند. بنابراین توصیه می شود که نظارت بر کار کارمندان محلی به عهده کمک وابسته بازرگانی گذاشته شود نه افسر سیار. این امر همچنین باعث می شود که در زمانی که افسر سیار به این بخش مأمور نشده وقفه در نظارت پدید نیاید. (پیشنهاد ۴۲).

یکی از کارمندان تحقیق در امر بازار از بخش اقتصادی / بازرگانی معمولاً به مرکز بازرگانی آمریکا مأمور می شود. این پست سازمانی خدمات ارزنده ای به بخش اقتصادی / بازرگانی کرده و می تواند در پیدایش عالی فرصتهای تجاری نقش مهمی داشته باشد. این وظیفه و شغل باید ابقا شود و وضعیت مرکز تجاری نباید در آن تغییری پدید آورد (پیشنهاد ۴۳).

کتابخانه بازرگانی کافی است اما محل آن مناسب برای استفاده از آن نیست. از آنجا که عموم قادر به استفاده از آن نیستند باید محل آن را تغییر داد (پیشنهاد ۴۴؛ به یادداشت بازرسی شماره ۶ ب نیز رجوع شود).

ساعات کار بخش اقتصادی بازرگانی مانند ساعات کار بقیه قسمتهای سفارت از ساعت ۷/۳۰ تا ۴

بعدازظهر است. اکثر مراکز بازرگانی تهران از ساعت ۳۰/۹ یا ۱۰ کار خود را آغاز و در ساعت ۶ بعدازظهر

تمام می کنند. علاوه بر این روزهای کار آنها نیز با روزهای اداری دیگر بخشهای جامعه تفاوت دارد.

بنابراین، سفارت باید ساعات کار بخش اقتصادی / بازرگانی را مورد تجدید نظر قرار دهد تا کارایی آن

افزایش یابد. بقیه قسمتهای سفارت به منظور و مطابقت با ساعات کار محلی چه ساعات کار خود را تغییر

دهند و چه ندهند، ولی واحد بازرگانی باید این کار را انجام دهد و احتمالاً از یکی از کارمندان خود در

روزهای عادی کار به صورت کشیک استفاده کند. (پیشنهاد ۴۵)

یک خبرنامه بازرگانی محلی نیز معمولاً چهار بار در سال منتشر می شود. انتشار آن نیز در نتیجه

مشکلات مربوط به تولید دچار تأخیر می گردد. خوشبختانه، پس از دریافت ماشین چاپ جدید توسط

آژانس ارتباطات بین المللی وضع بهتر خواهد شد.

فرصتهای بازرگانی در حومه سه کنسولگری باید با انرژی بیشتری دنبال شود. این واحد باید در تهران

جلساتی برگزار نماید که در آن مدیران سه کنسولگری گرد آمده و پیرامون موقعیت بازار و فرصتهای

تجاری موجود بحث و تبادل نظر به عمل آورند. (پیشنهاد ۴۶)

کمیسیون مشترک

کمیسیون مشترک در سال ۱۹۷۴ تأسیس گردید تا وضعیت انتقال کمک فنی و تکنولوژیکی به ایران را

بر طبق خط مشی های ارائه شده در زمینه کمک بهبود بخشد، در حالی که هزینه های مورد اول توسط ایران تأمین می گردد. (دفتر کمک در سال ۱۹۶۷ تعطیل گردید).

افسر مسئول کمیسیون مشترک مستقر در سفارت آمریکا تا همین اواخر در بخش اقتصادی / بازرگانی کار می کرد. ولی بعدها ثابت شد که این کار نمی تواند یک شغل تمام وقت باشد، بنابراین وظیفه به کارمند بخش کمک محول شد که آن را به عنوان یکی از وظایف خود انجام می دهد. کمیسیون مشترک ایران و آمریکا از پنج کمیته تشکیل شده است:

- ۱ کمیته اقتصادی و مالی، شامل کمیته های فرعی تجارت، بهداشت، مسکن، حمل و نقل و الکترونیک (که این کمیته فرعی آخر هنوز فعال نشده است).
- ۲ کمیته نیروی انسانی و همکاری فنی، شامل امور کار و کارگری.
- ۳ کمیته کشاورزی (به یادداشت بازرسی ۹ د رجوع شود).
- ۴ کمیته انرژی، شامل کمیته های فرعی انرژی هسته ای، خورشیدی، نفتی، گازی و برق رسانی روستایی.
- ۵ کمیته علوم، تکنولوژی و آموزش پرورش.

این کمیسیون دو بار در سال تشکیل جلسه می دهد و گزارش وضعیتهای مربوط به فعالیتهای کمیته ها را هماهنگ می سازد. به طور کلی، این کمیسیون مشترک فعال است و در بعضی از بخشها این فعالیت بیشتر است. با این حال، به چند موضوع دیگر نیز توجه خود را معطوف داشته و هماهنگیهایی را در آن موارد به وجود می آورد.

درست مثل مسائل دیگر موجود در دولت ایران، فعالیتهای کمیسیون مشترک با مشکلات و موانعی روبه رو می گردد چون معمولاً تصمیمات لازم در سطح کابینه اتخاذ می گردد. این کمیسیون به عنوان سمبل

همکاری جدی بین آمریکا و ایران تلقی می گردد.

پیشنهادات

۴۱. سفارت آمریکا در تهران باید مسئولیت گزارشگریهای مربوط به مواد معدنی را به افسر

گزارشگر امور نفتی محول نماید.

۴۲. سفارت آمریکا در تهران باید مسئولیت نظارت بر کار کارمندان محلی بخش اقتصادی بازرگانی

را به کمک وابسته بازرگانی محول کند.

۴۳. سفارت آمریکا در تهران باید حتی در صورت تعطیل مرکز تجاری آمریکا در تهران، پست افسر

تحقیق در زمینه بازار و ابقاء نموده و آن را در بخش اقتصادی و بازرگانی به کار بگمارد.

۴۴. سفارت آمریکا در تهران باید برای سه کنسولگری خویش در ایران حداقل سالی یک بار یک

کنفرانس بازرگانی تجاری برگزار نماید.

کنت ان . راجرز چارلز تی . کراس

بازرسان ارشد

امور کنسولی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸ طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۵

امور کنسولی

حقایق

بخش کنسولی سفارت آمریکا در تهران تحت سرپرستی یک افسر سرویس خارجه ۳ در امور

کنسولی می باشد. وی همچنین فعالیتهای سه واحد تابعه سفارت در ایران را زیر نظر دارد.

بخش کنسولی در صورت تکمیل بودن کادر پرسنلی مرکب از ۱۰ افسر آمریکایی (که دو نفر از آنها به

صورت نیمه وقت در این بخش کار می کنند)، ۱۷ کارمند محلی ۷ و ۶ کارمند PIT است که همه آنان

آمریکایی می باشند. بخش کنسولی در یک ساختمان جداگانه و حدود سه خیابان دورتر از محوطه اصلی

سفارت واقع شده است. در ایام شلوغیهای تابستانی، مسئله روادید دانشجویی در ساختمان دیگر انجام

می شود که اخیرا برای این کار احداث شده و در محوطه سفارت قرار دارد ولی از خیابان دارای یک درب

ورودی جداگانه نیز می باشد.

ارزیابی و نتیجه گیری

مدیریت

عملیات کنسولی از زمان انجام آخرین بازرسی، بهبود قابل توجهی یافته است که با در نظر گرفتن

واقعیت افزایش قابل ملاحظه حجم کار، این بهبود وضع شایان توجه بسیار می باشد. تقاضای روادیدهای

غیر مهاجرتی طی سال مالی جاری ممکن است به مرز ۱۰۰۰۰۰۰ برسد، در حالی که تعداد آنها در سال

مالی ۱۹۷۶ برابر با ۶۰۰۰۰۰ مورد بود. روادیدهای مهاجرتی نیز از ۲۱۰۰ مورد به حدود ۳۷۰۰ تا ۳۸۰۰

مورد افزایش یافته است. شهروندان آمریکایی مقیم حومه کنسولی تهران نیز بیش از ۴۰۰۰۰ نفر برآورد

شده در حالی که دو سال قبل تعداد آنها حدود ۲۸۰۰۰ نفر بود.

جذب این مقدار کار افزوده شده تنها با استفاده از فنون مدیریت تدبیر شده توسط کنسول و حمایت سفیر و معاونت وی امکان پذیر بوده است. تغییرات کوچک و بزرگ بسیاری نیز ایجاد شده تا این بخش علاوه بر هماهنگی ماندن با میزان خدمات مورد نیاز بتواند نسبت به عموم چه ایرانی و چه آمریکایی پاسخگو باشد. علیرغم کمبود کارمندان آمریکایی و برنامه نه چندان مؤثر این کار صورت گرفته است. تا همین اواخر تعداد کارمندان آمریکایی عبارت بود از ده نفر که دو نفر آنها به صورت نیمه وقت در این بخش کار می کردند. این دو افسر در حال حاضر به بخش اقتصادی و سیاسی منتقل شده و تعداد کارمندان بخش کنسولی را به ۸ نفر تقلیل داده اند. برای سال مالی ۱۹۷۹ سه موقعیت شغلی جدید برای بخش کنسولی مورد تصویب قرار گرفته، ولی امکان آموزش آنها به زبان فارسی و آشناسازی قبلی آنها در نیمه بعدی سال ضعیف به نظر می رسد.

روادیدها

یکی از چشمگیرترین بهبودها در بخش کنسولی گشایش بخش صدور روادید دانشجویی در محل

سکونت قبلی تفنگداران دریایی در کناره محوطه سفارت می باشد. گرچه این ساختمان برای عملیات صدور روادید پرحجم مناسب و ایده آل نیست، ولی از فضای موجود به دقت استفاده شده تا متقاضیان بتوانند به ترتیب مراحل مورد نظر را طی کنند: به طور مثال، سندلیهای اطاق انتظار طبق رنگ کدبندی شده اند، یعنی اگر کسی را از یک سندلی آبی برای کنترل اولیه مدارک فرا خوانند و به او بگویند که پس از اتمام کار روی یک سندلی زرد بنشیند، می داند که بعدا باید چه مرحله ای را بگذراند که مرحله مصاحبه در مورد صدور روادید است. برای یک فرد ناظر بر امور، مهمترین جنبه تسهیلات جدید دانشجویی جو صداقت و کارایی موجود در آنجاست، گرچه هنوز فصل ازدحام روادیده‌های دانشجویی از راه نرسیده، ولی مشخص است که در آن زمان نیز اقدامات لازم به عمل خواهد آمد تا نه برای متقاضی ناراحتی به وجود آید و نه بر اعصاب کارمندان فشاری وارد شود.

وضع مربوط به روادیده‌های غیر مهاجرتی در ساختمان اصلی کنسولی نیز بهبود بسیار یافته است. یک بخش از محل پارک موتوری برای محل تجمع متقاضیان در خارج از محدوده خیابان در نظر گرفته شده، تا پس از دریافت شماره نوبت به صورت گروه‌های کوچک وارد بخش صدور روادید غیر مهاجرتی شوند. مقام کنسولی تازه وارد مسئول بخش روادیده‌های غیر مهاجرتی، پاسپورتها و متقاضیان را از نظر

می گذراند تا موارد خاصی که روادید بدون نیاز به مصاحبه می تواند صادر شود، مشخص گردد (که شامل متقاضیانی است که برای چندمین بار درخواست صدور این گونه روادیدها را دارند). در این گونه موارد (که شامل ۳۰ درصد روادیده‌هاست) به فرد مورد نظر گفته می شود که نیازی به مصاحبه نیست و می تواند محل را ترک گوید و بعد از ظهر همان روز پاسپورت خود را با روادید لازم دریافت نماید. سپس بقیه

متقاضیان توسط کارمندان آمریکایی PIT، مقامات کنسولی و یا مقامات تازه کار بخشهای دیگر سفارت که اکثرا به صورت هفته ای در بخش کنسولی به کار می پردازند تا بتوانند در فصول توأم با ازدحام متقاضی

برای این بخش کمک واقع شوند، مورد بررسی قرار می گیرند. این عمل باعث می شود که کسانی که مدارک لازم را تهیه کرده و مصاحبه با آنها ضرورتی ندارد از رده حذف شده و روادید لازم را دریافت دارند و در عوض کسانی که براساس ماده ۲۲۱ مدارک لازم را تهیه نکرده اند نیز کنار گذاشته می شوند. حدود ۱۰ درصدی که پس از این مرحله باقی می مانند و از نظر فرد مسئول و بر طبق ماده (ب) ۲۱۴ و یا مقررات دیگر واجد شرایط برای دریافت روادید نمی باشند نیز توسط مقام کنسولی مورد مصاحبه ای دقیق قرار می گیرند تا در مورد استحقاق آنها برای دریافت روادید تصمیم گیری شود.

نقطه ضعف این سیستم این است که تقاضا نامه هایی که توسط کارمندان PIT، در مرحله قبل از مصاحبه مورد قبول قرار گرفته اند از نظر صدور روادید مورد بررسی مجدد یک مقام کنسولی قرار نمی گیرد. این مقامات روادیدها را امضاء نمی کنند چون مهر روادید حاوی امضاء سر کنسول می باشد. در نتیجه کارمندان آمریکایی PIT بخودی خود صدور روادید مورد نظر را تصویب کرده اند. بازرسین، بدون سوءظن به صلاحیت و یا صداقت این کارمندان، معتقدند که این عمل باید متوقف گردد و یک مقام کنسولی تمام موارد بررسی شده توسط مقامات غیر کنسولی را مورد مطالعه مجدد قرار دهد. (پیشنهاد ۱۵).

رئیس بخش کنسولی پاسخنامه های رد شده متقاضیان روادید غیر مهاجرتی را برخلاف مفاد ۴۰۵۸ CA مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۵ مورد بررسی قرار نداده و امضاء نمی کند. از آنجا که در بخش صدور روادید غیرمهاجرتی کارمندان بسیاری به صورت سیار به کار می پردازند، بهتر است که این گونه پاسخنامه های

رد شده (بجز در مواردی که علت، فقدان مدارک لازم است) توسط یک مقام مجرب بررسی شود تا هماهنگی لازم نیز حفظ گردد. این گونه موارد تنها حدود پنج درصد کل متقاضیان روزانه را تشکیل می دهد و نباید تصور شود که برای رئیس بخش مسئولیتی مازاد بر ضرورت ایجاد شده است. (پیشنهاد ۲۵).

میزان درخواست برای روادیدهای مهاجرتی نیز افزایش یافته است. اگر تعداد آنها حدود ۳۷۰۰ مورد در سال باشد، یک افسر، یک کارمند PIT آمریکایی، و سه کارمند محلی برای انجام آن کافی است ولی، افزایش سفر دانشجویان و ایرانیان دیگر به آمریکا حتما به روند مهاجرت سیر صعودی خواهد بخشید. درخواستهای تلفنی و یا کتبی برای دریافت اطلاعات بیشتر در مورد این گونه روادیدهای مهاجرتی بخشی از وقت کارمندان این واحد را تلف می سازد. به همین دلیل در آینده نزدیک یا باید تعداد کارمندان این بخش افزایش یابد، یا وظایف دیگر این واحد از جمله تصویب عریضه ها، درخواست ورود مجدد، بررسی تقاضانامه های مربوط به صدور روادید سرمایه گذاران و غیره به واحد دیگری محول شود. رئیس بخش بر امور نظارتی عالی دارد و مورد تمجید همه کارمندانش می باشد. وی ترکیب جالبی است از رهنمودها و ترغیب قوه ابتکار. با در نظر گرفتن شهرت سفارت آمریکا در تهران به عنوان یکی از سخت ترین واحدهای کنسولی وزارت خارجه، باید گفته شود که وضع روحی کارمندان آمریکایی و محلی بسیار خوب است. در همان حال، مقامات تازه کاری که وارد بخش کنسولی می شوند، دائما اظهار می دارند که گویا از بقیه قسمتهای سفارت جدا مانده اند. فشارهای ناشی از حجم کار و دوری از سفارت باعث می شود که بسیاری از آنها در جلسات هفتگی تیم کشوری حضور به هم نرسانند. تماس با دیگر کارمندان در طول ساعات اداری نیز به ندرت صورت می پذیرد. بایگانی مخصوص مطالعه نیز در مرکز ارتباطات در ساختمان اصلی سفارت نگاهداری می شود که برای دسترسی به آن باید از بخش کنسولی هر

روز به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه پیاده روی نمود.

بازرسین معتقدند که سفارت باید این بایگانی را به صورت بهتر و بیشتری در اختیار کارمندان بخش

کنسولی از طریق ارسال نسخ دوم پرونده ها به صورت روزانه قرار دهد. (پیشنهاد ۵۳).

گرچه از کارمندان تازه کار خواسته می شود که در جلسات هفتگی تیم کشوری شرکت جویند، ولی آنهایی

که در بخش کنسولی مشغول کار می شوند، به خاطر فشار کار در این جلسات حاضر نمی شوند. به نظر

بازرسین باید تلاش بیشتری در جهت دعوت این کارمندان برای حضور در این جلسات به عمل آید.

رئیس بخش کنسولی که باید هر هفته همراه با یکی از کارمندان خود در این جلسات حاضر شود، بایستی

لیستی از این افراد همراه تهیه کند تا حضور و غیاب کارمندان نیز با سهولت بیشتری انجام شود.

(پیشنهاد ۵۴).

منابع پرسنلی کنسولی و آموزش

سفارت یک برنامه متناوب بسیار فعال نیز برای کارمندان تازه کار تهیه کرده که در زمینه دو مورد از

وظایف آنها در تهران آموزش و تجربه لازم را ارائه می کند. ظاهراً، یکی از این کارمندان تازه وارد (بارده

شغلی ۳۰۳۳۲) در بخش کنسولی در این برنامه متناوب گنجانده نشده بود. این نقیصه باید مرتفع گردد تا

این کارمند نیز بتواند مانند دیگران از آموزش های نهفته در این برنامه بهره مند شود. (پیشنهاد ۵۵)

علاوه بر آموزشهای فوق، رئیس بخش کنونی نیز کارمندان بخش را هر از چند یک بار جا به جا می کند تا علاوه بر کسب آموزش در مورد وظایف گوناگون کنسولی تا حدودی از فشار کار ناشی از «صدور روادید» خلاصی یابند. تعداد کمی از متقاضیان و مقامات ایرانی طبقه متوسط یا پایین هرم سازمانی دولت به زبان انگلیسی تکلم می کنند. بازرسین معتقدند که تمام کارمندان بخش کنسولی به استثناء رئیس بخش باید در زمینه زبان آموزش ببینند. (پیشنهاد ۵۶) بازرسین چنین تصور می کردند که این کارمندان در زمینه زبان فارسی آموزش می بینند، ولی دو تن از کسانی که اخیراً وارد این بخش شده اند از این گونه آموزشها برخوردار نشده اند و به یکی از آنها نیز گفته شده بود که این کار ضرورتی ندارد. سفارت و وزارت خارجه باید مراقبت به عمل آورند تا کلیه این مناصب به وسیله افرادی که زبان فارسی فرا گرفته اند پر شوند و تمام جانشینان آنان نیز به فراگیری زبان فارسی پردازند. در همان حال برنامه آموزش فارسی نیز باید مورد تجدید نظر واقع گردد تا مفاد آن مطابق شرایط روز باشد. بسیاری از منتقدین این برنامه مدعی هستند که زبان فارسی که در مؤسسه سرویس خارجه تدریس می شود، فارسی رایج در تهران امروز نیست. دیگران نیز معتقدند که در این برنامه بیشتر روی فارسی مکتوب تأکید می گردد که در تهران ضرورت چندانی ندارد. (پیشنهاد ۵۷).

مشکل مربوط به روادیدهای دانشجویی

این سؤال که آیا معیارهای علمی و مالی و یا دیگر ضوابط مربوط به صدور ویزای دانشجویی برای ایرانیها در کمترین حد لازم تعیین می شوند یا خیر، مشکلی است که بسیاری از مقامات کنسولی که با متقاضیان روادید دانشجویی مصاحبه می کنند را نگران کرده است. سوءظنی قوی وجود دارد که بسیاری از دانشجویان ایرانی با کار در آمریکا از وضعیت قانونی خود تخلف می کنند، ولی هنوز مسجل نشده است. میزان تطبیق وضعیت آن دسته از دانشجویانی که چندین سال در آمریکا بوده اند نیز نگران کننده است.

(بررسی بایگانی روادیدها توسط بازرسین نشان می دهد که میزان انطباق پذیری آنها ۲۵ درصد یا بیشتر است).

علاوه بر این معلوم نیست که آیا آموزشهای اکتسابی توسط ایرانیان در مدارس کوچک و کم اهمیت آنها را قادر به دنبال کردن حرفه مورد نظر خویش در ایران می سازد یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، سؤال این است که تأثیرات این روند بر ثبات آتی ایران و سیاست خارجی آمریکا چگونه خواهد بود؟

با افزایش تعداد روادیدهای دانشجویی صادره در ایران در هر سال از چند هزار در دهه ۱۹۷۰ به حدود ۲۰۰۰۰ در سال جاری، باید گفته شود که یافتن پاسخهای مربوط به این سؤالات حائز اهمیت بسیار است. در اینجا مناسب است که وزارت خارجه (امور خاور نزدیک / ایران و CA/VO) و اداره مهاجرت به جمع آوری اطلاعات و تحلیل آنها پرداخته تا بتوان آماری منطقی صحیح در مورد تحصیل، کار و موارد مطابقت وضعیت دانشجویان ایرانی فراهم آورد و در نتیجه به تجزیه و تحلیلی قابل اتکاء در این خصوص که آیا مسائلی که ذکر آن در بالا رفت واقعا وجود دارند یا خیر دست یافت. (پیشنهاد ۵۸ و ۵۹).

پیشنهادات

۵۱. سفارت آمریکا در تهران باید ترتیبی دهد تا تمام روادیدهای غیرمهاجرتی به تأیید مقام کنسولی رسیده باشد.

۵۲. سفارت آمریکا در تهران باید اطمینان حاصل کند که رئیس بخش کنسولی تمام پاسخنامه های رد شده مربوط به روادیده‌های غیر مهاجرتی را بر طبق مفاد CA ۴۰۵۸ مورخ ۱۲ ژوئن ۱۹۷۵ مرور و بررسی می نماید.

۵۳. سفارت آمریکا در تهران باید نسخه رونوشت پرونده ها را از بایگانی مخصوص مطالعه در اختیار بخش کنسولی قرار دهد تا کارمندان آن بخش بتوانند در جریان فعالیتهای سفارت قرار گیرند.

۵۴. سفارت آمریکا در تهران باید مطمئن شود که یکی از کارمندان بخش کنسولی همیشه همراه سرپرست بخش کنسولی و به صورت متناوب در جلسات هفتگی تیم کشوری شرکت می نماید.

۵۵. سفارت آمریکا در تهران باید ترتیبی دهد تا کارمند تازه کار دارای رده شغلی ۳۳۲ ۳۰ نیز در برنامه آموزشی متناوب کارمندان تازه کار شرکت نماید.

۵۶. وزارت خارجه و سفارت باید از تمام کارمندان بخش کنسولی به استثناء رئیس بخش بخواهد که در زمینه زبان فارسی آموزش ببینند. همچنین باید مطمئن شوند که افراد مأمور به این گونه مناصب حتما این دوره آموزشی را دیده اند.

۵۷. وزارت امور خارجه باید برنامه زبان فارسی مؤسسه سرویس خارجی را مورد بررسی قرار دهد تا مطمئن شود که این برنامه شامل آموزش زبان محاوره ای کنونی در ایران است.

۵۸. وزارت خارجه (امور خاور نزدیک / ایران و CAVO) با همکاری آژانس ارتباطات بین المللی در اداره مهاجرت و تابعیت باید نحوه زندگی دانشجویان ایرانی در آمریکا را مورد مطالعه قرار دهند. میزان تغییر وضعیت، الگوی کاری، نوع مؤسساتی که در آنها تحصیل می کنند و عملکرد آنها باید در این بررسی گنجانده شود.

۵۹. سفارت آمریکا در تهران باید کمیته خاصی را برای بررسی معیارهای مخصوص صدور روادیده

دانشجویان ایرانی تشکیل دهد. بنا به دستور معاونت نمایندگی، این کمیته باید مرکب از کارمندان بخش کنسولی، بخش امور فرهنگی آژانس ارتباطات بین المللی و بخش سیاسی باشد. این کمیته باید در رابطه با ریز نمرات، حمایت مالی، درک زبان انگلیسی، و تناسب رشته تحصیلی مورد نظر با تأکید بر آموزش قبل از دانشگاه رهنمودهایی را ارائه کند.

ویرجینیا وایرز چارلز تی . کراس

بازرسان بازرسی ارشد

فعالیت‌های امور اداری، حقایق، ارزیابی، نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۶ الف

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

فعالیت‌های امور اداری

حقایق

بخش اداری شامل ۲۴ کارمند آمریکایی، ۱۴۵ کارمند محلی سرویس خارجه، ۱۴ نفر گارد امنیتی

تفنگدار دریایی، یک افسر خدمات ساختمانی نیروی دریایی و حدود ۱۵۰ کارمند پیمانی است. دفاتر آن

در نقاط مختلف محوطه سفارت و محوطه اجاره ای سفارت پراکنده است.

ارزیابی و نتیجه گیری

با وجود اینکه مشاور اداری که در اواخر ژوئن ۱۹۷۸ تهران را ترک نمود، دارای سبک مدیریتی بسیار عادی بود، ولی برای خود او مفید واقع شد و یک سلسله عملیات مؤثر برای امور اداری ایجاد نموده بود که مسائل کوتاه مدت را حل می کرد. او از مرکز دایره مدیریتی که ایجاد نموده بود عمل می کرد که توجه اصلی را به تأمین نیازهای رده بالای مدیریت، پروژه های خاص و قسمتها و بخشهای مشکل زا معطوف می داشت. او محل شغلی ۰۳ خدمات عمومی را پر نکرده بود، اما به طور جداگانه خدمات عمومی را سرپرستی و هدایت می نمود. او از وجود یک کارمند تجزیه و تحلیل روشهای مدیریت ۰۵ بهره برداری کرد که یکی از وظایفش بررسی داخلی و انتخابی از عملیات اداری سفارت بود.

کارمند بخش تجزیه و تحلیل روشهای مدیریت به عنوان جانشین مشاور اداری، در مدت غیبت وی عمل می کرد. او به خوبی از عهده این کار برمی آمد چون رؤسای شعبات اداری گرچه مستتر از وی بودند، ولی از کل عملیات اداری سر در نمی آوردند و به همین دلیل مایل به عهده دار شدن مسئولیتها نیز نبودند. این مشاور اداری هیچ گاه جلسات ستادی را تشکیل نمی داد و به همین دلیل میزان اطلاعات در تمام بخش از عملیات اداری بسیار محدود شده بود.

این نوع مدیریت نمی تواند در تشکیلات هرم گونه وزارت خارجه جایی داشته باشد و الزاما نمی تواند نشانه بهبود وضع باشد. استفاده بهتر از نیروی انسانی موجود در اختیار وزارت خارجه احتمالاً از طریق

نظارت مستقیم امکان پذیرتر است. به همین دلیل، بازرسین پیشنهاد کردند که جای خالی کارمند بخش

خدمات عمومی ۰۳ همان طور که پیش بینی شده پر شود و عنوان کارمند تجزیه و تحلیل روشهای

مدیریت (۴۳۶ ۲۱۳۰ ۵۰) نیز به کارمند خدمات عمومی تغییر پیدا کند. فرد مزبور هم اکنون به عنوان

کارمند خدمات عمومی خدمت می کند و مهمترین وظیفه اش که یافتن موارد استفاده از مینی کامپیوتر وانگ است، در حالی که مستقیماً از وظایف متعلق به کارمند بخش سرپرستی خدمات عمومی می باشد (پیشنهاد ۶ الف ۱).

یکی از اقدامات مشاور اداری قبلی سفارش یک مینی کامپیوتر وانگ به ارزش ۶۹۴۰۰ دلار بود. قبل از ارسال سفارش هیچ گونه زمینه کاربرد خاصی برای آن طرح ریزی نشده بود، ولی این کامپیوتر با دستگاههایی که در واحدهای دیگری در حال نصب است سازگار می باشد. سفارت آمریکا در تهران در نظر دارد برنامه های مخصوص کامپیوتر وانگ را از سفارت آمریکا در سئول قرض بگیرد. به جای تأمین بودجه برای کامپیوتر سفارت آمریکا در تهران از منابع معقول، بخشی از هزینه (۲۴۴۲۹ دلار) از طریق انجمن کارمندان آمریکایی و بخشی دیگر از محل درآمدهای ناشی از فروش داراییهای غیرقابل مصرف (۲۰۸۱۲ دلار) تأمین گردیده است. این روش کاملاً غیر عادی است. بقیه این مبلغ نیز به وزارت خارجه اختصاص داده شده تا از بودجه مشترک تخصیص یافته برای پشتیبانی تجهیزاتی تأمین گردد. قبل از نصب مقدمات لازم برای شروع کار با این کامپیوتر توسط اپراتورها فراهم نشده بود. سفارت و وزارت خارجه آمریکا باید مشترکاً به بررسی مطلب پردازند تا مطمئن شوند که عملیات کامپیوتر مقرون به صرفه است، یعنی فضای پرسنلی به میزان لازم محدود و اطلاعات مورد نیاز مدیریت تأمین شود تا تمام هزینه های مصرفی برای عملیات کامپیوتری جبران شود. در این بررسی باید تعداد پرسنل مورد نیاز برای بخش

کامپیوتری و نیز اختصاص بودجه صحیح به آن نیز مد نظر قرار گیرد. (پیشنهاد ۶ الف ۲)

پیشنهادات

۶ الف ۰۱ وزارت خارجه (PER، امور خاور نزدیک / EX) باید عنوان شغلی تجزیه و تحلیل روشهای مدیریت (۴۳۶، ۲۶۳۰، ۵۰) را در سفارت آمریکا در تهران به کارمند خدمات عمومی تغییر دهد.

۶ الف ۰۲ وزارت خارجه (امور خاور نزدیک / EX، ISO / A) و سفارت آمریکا در تهران باید مشترکاً به بررسی عملیات طراحی شده کامپیوتری پردازند تا از مقرون به صرفه بودن، وجود پرسنل مورد نیاز برای به کار انداختن و استفاده از سیستم و تأمین مالی صحیح خرید کامپیوتر اطمینان حاصل کنند.

لاورنس ا. فولر چارلز تی. کراس

بازرسبازرس ارشد

عملیات کارگزینی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) گزارش بازرسی شماره ۶ ب

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

عملیات کارگزینی

حقایق

تعداد ۱۰۴ آمریکایی و ۸۳۷ کارمند محلی سرویس خارجه سازمانهای دولت آمریکا در ایران، از

خدمات کامل قسمت کارگزینی استفاده می کنند تعداد کارمندان آن از دو آمریکایی و نه کارمند محلی

سرویس خارجه تشكيل شده كه يكي از كارمندان محلي سرويس خارجه داراي سمت نظامي است.

۱۰۴ آمريكايي فوق الذكر از كارمندان خارجه، آژانس ارتباطات بين المللي، سرويس خارجي

وزارت كشاورزي و وزارت بازرگاني مي باشند. ۷۳ آمريكايي ديگر و ۲۷۰ نفر از وابستگانشان از كمك

محدود قسمت كارگزيني برخوردار مي شوند. از ۸۳۷ پرسنل محلي سرويس خارجي، حدود ۵۹۳ نفر در

استخدام سازمانهاي نظامي آمريكايي مي باشند.

ارزيابي و نتيجه گيري

عمليات پرسنلي كلاً به خوبي اداره مي شود. تلاشهايي در جهت ممانعت از بروز مشكلات در اين

بخش انجام مي شود و در صورت بروز آنها سعي مي شود به موقع مرتفع گردند. با در نظر گرفتن وضعيت

تهران به عنوان يك شهر دستخوش ترافيك سنگين، بايد گفت كه وضع روحي كارمندان آمريكايي بسيار

خوب است. تهران يك پايتخت فاقد هر گونه مطبوعيت است. سفارت نيز تلاش بسياري را در جهت تأمين

مسكن براي كارمندان آمريكايي خويش در طول ماههاي اخير مصروف داشته است. افسر كارگزيني با

رتبه ۳ RU مسئول قسمت كارگزيني است، ولي مديريت برنامه كارمندان آمريكايي را به فرد تابع خويش

كه يك كارمند كارگزيني با رتبه ۶ RU است سپرده و خود منحصرافعاليتش را بر مديريت برنامه

كارمندان متمرکز کرده است.

در گفتگو با بازرسین، افسر کارگزینی با بیان این مطلب که مدیریت برنامه پرسنل محلی دشوارتر است و مدیریت پرسنل آمریکایی کاری غیر عادی و سخت نیست این کنجکاوی ما را برطرف ساخت.

وی اخیراً به بررسی دستمزدها پرداخت، که نتیجه آن در آوریل ۱۹۷۸ منتشر گردید و در حال حاضر

مشغول مطالعه طبقه بندی مشاغل محلی است. علاوه بر این وی در حال ایجاد یک شورای محلی

کارمندی است تا موضوعات مورد علاقه کارمندان محلی را حل و فصل کرده و راه‌های مناسبی برای آنها بیابد، و ظاهراً پروژه بسیار خوبی است.

افسر کارگزینی تازه کارتر برای اولین بار به عنوان مقام پرسنلی به کار پرداخته است. حدود نیمی از

اوقات وی صرف مشاوره با کارمندان آمریکایی و یا وابستگان و بقیه اوقات وی صرف انجام امور دفتری

مربوطه می‌شود. دوره خدمت وی امسال به پایان می‌رسد در حالی که در زمینه مدیریت برنامه پرسنل محلی تجربه چندانی کسب نکرده است.

سوء تفاهم‌های جزئی در سفارت پدیدار گشته، چون قسمت کارگزینی عملاً به دو سازمان مستقل

تقسیم شده است. بعضی از پرسنل آمریکایی از این که افسر کارگزینی خود را درگیر امور پرسنلی آنها

نساخته اظهار شکفتی کرده‌اند. افراد متقاضی کمک در زمینه مسائل مربوط به پرسنل محلی نیز گاهی از

این که به آنها گفته شده که افسر تازه کار کارگزینی قادر به کمک به آنها نیست رنجش خاطر یافته‌اند.

همچنین، در مورد سلسله مراتب فرماندهی مرتبط به مقام پرسنلی تازه کار در این گونه شرایط سؤالاتی به

وجود آمده است. با وجود این که او فعالیت بسیار خوبی از خویش نشان داده، ولی قبلاً می‌بایست در زمینه

امور پرسنلی آموزشی کافی دریافت می‌نمود. (پیشنهاد ۶ ب ۱) در نتیجه طبقه بندی مجدد مشاغل

محلی، کسانی ارتقاء درجه پیدا می‌کنند که تغییرات شغلی آنها باید مورد موافقت افسر کارگزینی و ناظر

مربوطه قرار گیرد. خطر موجود در این گونه بررسی محدود این است که ممکن است ارتقاء درجه بعضیها

چندان درست نیز نباشد. به منظور ایجاد هماهنگی، افسر کارگزینی در نظر دارد. رده های شغلی حدود ۲۰۰ کارمند پیمانی را طبقه بندی نماید. او نباید این کار را انجام دهد، زیرا این افراد کارمندان دولتی نیستند. بازرسین پیشنهاد کردند که سفارت یک هیئت بررسی ارتقای رده های شغلی تشکیل دهد تا رده شغلی هیچ کس به ناحق تغییر نکند و علاوه بر این از طبقه بندی مشاغل پیمانی دست بردارند. (پیشنهاد ۶ ب ۲).

یکی از کارمندان محلی سرویس خارجه که متخصص امنیتی می باشد رسماً به قسمت کارگزینی منصوب گشته است. حقوق سالانه وی معادل ۱۴۰۰۰ دلار است. او به عنوان دستیار افسر کشیک شب از چهارشنبه تا یکشنبه انجام وظیفه می کند. (به هر حال بخش اعظم مشکلات به وسیله کارمندان عادی آمریکایی و کارمندان محلی سرویس خارجی حل و فصل می گردند). این شغل غیر ضروری است و باید حذف گردد. (پیشنهاد ۶ ب ۳). در صورت عملی بودن، این کارمند باید به جای دیگری منتقل گردد. یکی از پرسنل کارشناسان محلی کارگزینی سرویس خارجی از کارمندان محلی که مایلند از پوشش بهداشتی بیشتری برای والدین و یا فرزندان ۱۸ سال به بالای خویش برخوردار شوند پول جمع آوری می کند و این پول را به بیمارستان بیمه کننده آنان می پردازد. از آنجا که وی یک کارمند دولتی آمریکایی است، کارمند ارشد بودجه و امور مالی باید بر جمع آوری و هزینه کردن این وجوه کنترل رسمی را اعمال نماید. (پیشنهاد ۶ ب ۴)

برای دفتر کارگزینی در زمینه پذیرش ارباب رجوع، مشاوره با کارمندان محلی و مصاحبه با متقاضیان فضای کار کافی ایجاد نشده است. قسمت کارگزینی و کتابخانه بازرگانی در طبقه دوم یک ساختمان کوچک نزدیک درب ورودی اصلی محوطه سفارت قرار دارند. باید فضای کافی برای قسمت کارگزینی ایجاد نمود و این کار تنها با انتقال کتابخانه بازرگانی به یک محل موقت در محوطه سفارت یا بالعکس امکان پذیر است. (پیشنهاد ۶ ب ۵)

بازرسین در طول این بازدید با یک گروه از نمایندگان کارمندان محلی سرویس خارجی ملاقات و پیرامون مسائل و مشکلات جاری آنان به تبادل نظر پرداختند. بعضی از این مشکلات در زیر فهرست شده است.

-- دستمزدهای نشان داده شده در لیست حقوق کارمندان محلی به دو بخش حقوق و مزایا تقسیم شده است. کسورات مربوط به بازنشستگی از خدمات دولتی تنها از حقوق اصلی کسر می شود که به نفع کارمندان محلی سرویس خارجی نیست. آنها تقاضا دارند که این دو بخش ترکیب شده و عنوان حقوق اصلی به آن داده شود.

-- تعدادی از کارمندان محلی سرویس خارجی در ایران برای صندوق مشترک اصلی کار می کردند که یک نهاد آمریکایی ایرانی بود. این صندوق بیش از پنج سال دوام نداشت. اکثر کسانی که تحت تأثیر این روادید قرار گرفته اند کارمندان آمریکایی بودند، که برای کار به این صندوق منتقل شده بودند ولی پس از آن برای مدت کار در آنجا از مزایای بازنشستگی محروم شده اند. آنها معتقدند که حتی در آن زمان نیز کارمند دولت آمریکا بوده اند.

-- بهداشت و درمان برای کارمندان محلی سرویس خارجی در تهران تنها توسط بیمارستان عمومی تهران و از طریق یک برنامه تهیه شده توسط سفارت تأمین می گردد. اگر یک طرح بیمه درمانی جامع ابداع

شود مژمرثمررر خواهد بود.

-- بهداشت و درمان برای وابسندگان یک کارمند محلی سرویس خارجی در سن ۱۸ سالگی قطع می گردد، مگر آن که حق بیمه اضافی پرداخت گردد. بعضی دیگر از کارفرمایان تا سن ۲۵ سالگی افراد را شامل این خدمات می دانند مشروط بر آن که آنان در حال تحصیل باشند.

-- وامهای بانکی و غیره در ایران به سختی قابل دریافت است. کارفرمایان معمولاً این شکاف موجود را پر می کنند. اطلاعات مربوط به راههای ممکن برای ایجاد یک اتحادیه اعتباری می تواند در این زمینه مفید واقع گردد.

-- ساعت شروع کار یعنی ۳۰/۷ دقیقه در روزهای زمستانی خیلی زود است. بهتر است در آن قسمت از سال ساعت کار تغییر کند. این مسائل با مشاور اداری و دو کارمند ارشد پرسنلی قبل از عزیمت بازرسین مورد تبادل نظر قرار گرفت. آنها نیز معتقدند که این پیشنهادات شایستگی و ارزش ملاحظه را دارد. (پیشنهاد ۶ ب ۶)

پیشنهادات

۶ ب ۰۱ سفارت آمریکا در تهران باید در آینده به کسانی که برای اولین بار به عنوان کارمند پرسنلی به آن واحد منصوب می شوند فرصت دهد تا به صورت متناوب برنامه های پرسنلی آمریکایی و محلی را

تجربه کنند.

ب ۶ ب ۰۲ سفارت آمریکا در تهران باید یک هیئت بررسی ارتقای درجات شغلی را تشکیل دهد تا مبادا فردی به ناحق ارتقای درجه پیدا کند و علاوه بر این نباید به طبقه بندی مشاغل پیمانی پردازد.

ب ۶ ب ۰۳ سفارت آمریکا در تهران باید رده شغلی متخصص امنیتی محلی سرویس خارجی به شماره ۲/۵۱۰ را حذف کند.

ب ۶ ب ۰۴ سفارت آمریکا در تهران باید بر وجوهات جمع آوری شده از قسمت کارگزینی بخش کارمندان محلی جهت پوشش بیمه درمانی والدین و فرزندان بالای ۱۸ سال آنها نظارت رسمی داشته باشد.

ب ۶ ب ۰۵ سفارت آمریکا در تهران باید فضای کافی برای قسمت کارگزینی خویش ایجاد کند.

ب ۶ ب ۰۶ سفارت آمریکا در تهران باید مسائل مورد علاقه کارمندان محلی سرویس خارجی را که در یادداشت ۶ ب مورخ ژوئیه ۱۹۷۸ فهرست شده. حل کرده و خلاصه ای از اقدامات انجام شده را در اختیار کارمندان محلی سرویس خارجی در سفارت و واحدهای تابعه آن قرار دهد.

لاورنس ا. فولرچارلز تی. کراس

بازرسبازرس ارشد

عملیات بودجه و مالی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) گزارش بازرسی شماره ۶ ج

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

عملیات بودجه و مالی

دو آمریکایی و ۱۹ کارمند محلی سرویس خارجی در دفتر بودجه و مالی که در دفتر اجاره ای سفارت واقع شده کار می کنند. دو کارمند آمریکایی دارای عناوین شغلی مقام بودجه و مدیریت و مقام بودجه و مالی هستند.

ارزیابی و نتیجه گیری

برداشت کلی بازرسین این است که دفتر بودجه و مالی عملکرد بسیار خوبی دارد، ولی در صورت مرتب تر شدن مراحل کاری با تعداد کمتری کارمند خواهد توانست کار بهتری انجام دهد. در ماه مارس ۱۹۷۸ تنها ۳۳۹ صورت حساب از این بخش گذشته بود. بخش اعظم کارمندان محلی سرویس خارجی از نظر فیزیکی و از نظر وظایف دارای اتاقهای جداگانه هستند و بسیاری از آنها آموزشهای مختلف را ندیده اند. در نتیجه مسئولان بخش بودجه و مدیریت و مالی قادر نیستند میزان تولید کارمندان محلی سرویس خارجی خود را مقایسه کرده و یا برای بهبود وضع عملیات خویش از آنها اطلاعات لازم را دریافت دارند. برای حل این مسئله، بازرسین توصیه می کنند که واحد کنترل وجوهات و واحد کنترل صورت بها به صورت یک واحد مالی در یکدیگر ادغام شده و کار بین آنها تقسیم گردد. یعنی همان متخصص مالی هم به کار حسابداری خواهد پرداخت و هم به عنوان بررسی کننده، صورت

حسابهای بخش خود عمل خواهد کرد. متخصصین مالی باید هر شش ماه یک بار به کار در بخش دیگر پردازند تا به نحوه، انجام حل وظایف واحد آشنا شوند. (پیشنهاد ۶ ج ۱)

واحد مالی باید تحت نظارت مستقیم مقام آمریکایی بودجه و مالی قرار گیرد. در این صورت، رده شغلی ۱/۵۳۰ کارمند محلی سرویس خارجه در دفتر بودجه و مالی نیز می تواند حذف بشود.

(توصیه ۶ ج ۲)

به منظور اعمال کنترل داخلی، مسئولیت توزیع چکهای وارده از RFC پاریس باید از دوش واحد رابط RFC برداشته و به مسئول امور پستی محول گردد. این فرد نیز باید مستقیماً گزارش کار خود را به مقام بودجه و مدیریت تسلیم نماید. مسئولیت ارسال اسناد به RFC پاریس نیز باید بر عهده واحد رابط RFC باشد که تعداد کارمندان آن نیز می تواند به یک نفر تقلیل یابد. این فرد نیز باید گزارش کار خود را به مقام بودجه و مالی که مقام تصویب کننده است، تسلیم نماید. هدف این است که یک نفر علاوه بر تسلیم صورتحساب، دریافت کننده چک مربوط به آن نیز نباشد. (پیشنهاد ۶ ج ۳)

روشهایی باید ابداع گردد تا آمار و ارقام مناسب حسابداری در کلیه اسناد هزینه و تعهدات ارسالی به دفتر بودجه و مالی نشان داده شوند. صورتحسابها باید در دفاتر صادر کننده ماشین شود، نه در دفتر بودجه و مالی، و قبل از ارسال آنها به دفتر بودجه و مالی حتماً باید تصویب شده باشند. این تغییر باید تمام صورتحسابها - از جمله آنهایی که از محل صندوق وجوه جزئی پرداخت می شوند و دفتر ذیربط مایل به تصویب آنهاست - را در بر گیرد. (پیشنهاد ۶ ج ۳)

در حال حاضر روش باز پرداخت نقدی صورتحسابها در دفتر بودجه و مالی به طرز غیرضروری پیچیده است و باعث پیدایش تأخیر در ارسال آن به RFC پاریس می گردد و احتمال رفع نقایص به موقع را ضعیف می سازد. بعضی از صورتحسابهای فرعی که هنوز تا تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۷۸ در مورد آنها اقدامی به

عمل نیامده است مربوط به ماههای آوریل و مه ۱۹۷۸ می باشند. در روشها باید تجدید نظری صورت گیرد تا اطلاعات حسابداری (کدگذاری حسابها) در هر صورتحساب فرعی قابل پرداخت از صندوق در زمان پرداخت منعکس گردیده و هر صندوقدار بتواند آمار و ارقام حسابداری مربوط به بازپرداخت صورتحسابهای خویش را به صورت خلاصه جمع بزند. از آنجا که بسیاری از اسناد هزینه به زبان فارسی است، سندرس باید دائماً صحت ترجمه آنها را کنترل کند تا مطمئن شود که این اسناد معتبر بوده و مبالغ منعکس شده در آنها صحت دارد. از آنجا که بررسی کنندگان صورتحسابهای جزئی قابل پرداخت از صندوق آنها را به موقع بررسی نکرده اند، فرد دیگری باید مأمور انجام این امر گردد. (پیشنهاد ۶ ج ۴)

به منظور کاهش نیاز به مبالغ هنگفت مالی هر صندوقدار فرعی باید تمام صورتحسابهای موجود در اختیار خویش را هر روز به صندوقدار طبقه ب تحویل دهد و این کار را به صورت فعلی آن یعنی هفتگی یا ماهانه انجام ندهد. هر صندوقدار باید فهرستی از صورتحسابهای فرعی باز پرداخت شده را یک یا دو بار در هفته تهیه کرده و به مقام مسئول تحویل دهد و این کار را مانند گذشته به صورت دو هفته یا ماهی یک بار انجام ندهد. مقام تأیید کننده باید اطمینان حاصل کند که تمام صورتحسابهای بازپرداختی در پایان هر روز کار و پس از دریافت توسط دفتر بودجه و مالی مراحل خاص خود را طی کرده باشند. همان طور که قبلاً گفته شد، از تاریخ بعضی از صورتحسابهای فرعی موجود دو ماه گذشته بود و این امر مربوط به زمان عزیمت ما می باشد. (پیشنهاد ۶ ج ۳)

بعضی از پرونده های موجود در دفتر بودجه و مالی مربوط به سال ۱۹۷۴ و سالهای قبل از آن است.

بسیاری از آنها نیز نسخه دوم پرونده های حسابداری رسمی سفارت است که توسط RFC پاریس نگهداری می شوند. به منظور ایجاد روحیه تولید در متخصصین مالی بجای روحیه پیروی از بایگانی، پرونده های موجود در اختیار آنها باید به صورت (۱) پرونده اسناد تعهدات انجام نشده، (۲) پرونده اسناد تعهداتی که در ماه جاری پرداخت شده اند، (۳) پرونده قراردادها و وامهای فعال، (۴) پرونده ای مرکب از قراردادها و وامهایی که در ماه جاری مختومه اعلام شده اند، و (۵) فرمهای ۶۰، ۶۲، ۸۰، ۹۰، و ۱۳۶ مربوط به RFC برای ماه جاری. در پایان هر ماه، صورتهای مربوط به حسابهای پرداختی، مختومه و اسناد تکمیل شده با قرار گرفتن در جعبه های مقوایی به اتاق بایگانی انتقال اتاق بایگانی انتقال به منظور ایجاد سرعت بیشتر در تولید مالی، متخصصین مربوطه باید در زمینه بودجه، آمار و یا ارسال گزارشات ویژه مسئولیتی نداشته باشند. یک واحد بودجه و گزارشات باید با انتقال یک یا دو نفر از واحد کنترل منابع مالی تشکیل شده تا عهده دار انجام تجزیه و تحلیلهای لازم و گزارشهای مورد نیاز باشد. رئیس این واحد نیز باید گزارش کار خود را به مقام بودجه و مدیریت بدهد تا مقام آمریکایی بودجه و مالی نیز بتواند توجه خود را به واحد مالی پیشنهادی متمرکز ساخته و صدور صورتحسابها را تسریع نماید. (پیشنهاد ۶ ج ۴)

در صورت انجام این تغییرات، تعدادی از مشاغل کارمندان محلی سرویس خارجه در دفتر بودجه و مالی نیز می تواند حذف گردد، اما سازماندهی مجدد برای کارمندان محلی قدیمی سرویس خارجه اثرات روحی جبران ناپذیری پدید خواهد آورد. به همین دلیل ما پیشنهاد می کنیم که چهار سمت خالی موجود در دفتر بودجه و مالی در صورت بازنشسته شدن یکی از کارمندان محلی سرویس خارجی، اشغال نشود تا سازمان جدید عملاً فعال بشود و شمار واقعی کارمندان ضروری مشخص گردد. (پیشنهاد ۶ ج ۴)

علاوه بر این، مقدار پول نقد لازم برای عملیات آمریکا در ایران نیز می تواند کاهش یابد. صندوقدار ب

سفارت به تنهایی ۲۵۰۰۰۰ دلار در اختیار دارد. به محض تکمیل روند سازماندهی مجدد حداکثر موجودی نقدی در صندوق وی باید به ۱۰۰۰۰۰ دلار کاهش پیدا کند. در صورت نیاز به مبالغ اضافی در هر زمان، RFC پاریس باید آن مبلغ را به صورت تلگرافی در اختیار صندوقدار مسئول قرار دهد.

(پیشنهاد ۳۶)

در حال حاضر دفتر صندوقدار ب سفارت در طبقه دوم دفتر اجاره ای سفارت واقع شده که جدای از دیگر دفاتر بودجه و مالی است که در طبقات چهارم و پنجم همان ساختمان قرار گرفته اند. کسانی که به بخش کنسولی وارد می شوند معمولاً از این صندوقدار سؤالاتی کرده و گاهی نیز خواستار تبدیل ارز می شوند. بخش کنسولی دارای یک انبار در طبقه پنجم است که می تواند به صورت دفتر صندوقدار مورد استفاده قرار گیرد. بازرسین توصیه می کنند که جای این دو اطاق با یکدیگر عوض شود. علاوه بر این آنها توصیه می کنند که صندوقدار کنسولی دارای عنوان صندوقدار فرعی شود و مقداری پول خرد نیز در اختیار وی قرار داده شود. (پیشنهاد ۶ ج ۴)

در حال حاضر سه نفر در دفتر صندوقدار سفارت مشغول کار می باشند که عبارتند از صندوقدار ب ، یک صندوقدار فرعی، یک صندوقدار پیمانی برای تابستان که بنظر ما تنها وجود یک صندوقدار کافی است. از آنجا که صندوقدار فرعی کار دریافت و پرداخت صورتحسابها را انجام می دهد، بازرسین پیشنهاد می کنند که او از عنوان صندوقدار ب برخوردار شود. از صندوقدار ب قبلی می توان به عنوان

بررسی کننده صورتحسابهای پرداختی استفاده کرد تا زمانی که بازنشسته شود. نه صندوقدار پیمانی برای تابستان و نه افراد دیگر، هیچ یک نباید به دفتر صندوقدار و یا نقدینه موجود دسترسی داشته باشند.

(پیشنهاد ۶ ج ۴)

برای کاهش میزان کار صندوقداران سفارت و تسریع در روند کار مربوط به اسناد چند راه وجود دارد.

به طور مثال، می توان از تبدیل ارز نقدی جلوگیری به عمل آورد، بخصوص به خاطر آن که انجمن

کارمندان آمریکایی چنین خدماتی را ارائه می نماید. این کار از طریق محدودسازی زمان دریافت ارز

تبدیلی امکان پذیر است. صندوقدار فرعی کنسولی می تواند به جای صندوقدار ب پیامهای طرفین

ذیعلاقه را جمع آوری کند. پنجره مخصوص دفتر صندوقدار می تواند به طور کامل یک یا دو روز در هفته

بسته باشد تا صندوقدار به صورتحسابها و دیگر اسناد خود جهت انتقال به صندوقدار مالی منطقه ای RFC

پاریس بدون اتلاف وقت پردازد (پیشنهاد ۶ ج ۴)

امنیت وجوهات نقدی در دفتر صندوقدار سفارت نیز باید تقویت شود. در حال حاضر، صندوقدار

فرعی مبالغ هنگفتی پول نقد را در کشورهای چوبی زیر پنجره خود در تمام طول روز نگاهداری می کند و

این مبالغ شبها در صندوقی که در داخل یک محل شبیه به گاوصندوق تعبیه شده نگاهداری می شود.

صندوقدار کنسولی صندوق قفل شده را به هنگام شب در داخل این کمد شبیه به گاوصندوق قرار می دهد.

رمز قفل این کمد نیز در اختیار صندوقدار ب و صندوقدار فرعی می باشد. صندوقدار پیمانی مخصوص

تابستان نیز گاهی وظایف صندوقدار فرعی را انجام می دهد. صورتحسابهای فرعی که بخشی از وجوه

موجود نزد صندوقدار ب را تشکیل می دهد، در حین بازرسی در اختیار بسیاری از کارمندان بودجه و

مالی قرار داشت و بازرسین شاهد تأیید یک صورتحساب در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۷۸ بودند. این تأییدیه در

سیستم کمرشکن صندوقدار منطقه ای RFC حدود ۱۰ ساعت وقت را تلف نمود. همان گونه که در گذشته

نیز گزارش شده، نه مقام تأیید کننده و نه بازرسین مطمئن نیستند که آیا اقلام بیشمار در حال نقل و انتقال در زمانی که صورتحساب تلفیقی تهیه می شود از صحت و درستی برخوردار می باشند یا خیر. (پیشنهاد ۶

ج ۳)

پیشنهادات

۶ ج ۱. سفارت آمریکا در تهران باید دفتر بودجه و مالی خود را مجدداً سازماندهی نماید و روشهای

مالی خود را طبق آنچه گفته شده به جریان اندازد و مرتب نماید.

۶ ج ۲. سفارت آمریکا در تهران باید محل شغلی کارمند محلی سرویس خارجه ۱/۵۳۰ و مقام

بودجه و مالی در سفارت را حذف کند.

۶ ج ۳. سفارت آمریکا در تهران باید کنترل داخلی خود را بر موجودی نقدی اعمال کرده و میزان

موجودی نقدی را به ۱۰۰۰۰۰۰ دلار کاهش دهد.

۶ ج ۴. سفارت آمریکا در تهران نباید چهار کارمند محلی سرویس خارجه در دفتر بودجه مالی را که

تا زمان سازماندهی مجدد بازنشسته خواهند شد تعویض نماید تا مشخص شود که به چه تعداد کارمند در

این بخش نیازمند است.

لاورنس ا. فولرچارلز تی. کراس

ارتباطات و بایگانی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

بازرس بازرس ارشد

وزارت امور خارجه محرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۶ د

واحد: تهران ژوئیه ۱۹

ارتباطات و بایگانی

حقایق

بخش ارتباطات و بایگانی دارای ۹ کارمند آمریکایی و بیست کارمند محلی است. دو تن از کارمندان آمریکایی تکنیسینهای منطقه ای می باشند. میزان تلگرام، نامه ها و مراسلات طی سال گذشته افزایش یافته و به خاطر فزونی گرفتن تعداد سازمانهای مورد حمایت از میزان مراسلات در آینده نزدیک کاسته نخواهد شد.

ارزیابی و نتیجه گیری

عملیات ارتباطات و بایگانی از زمان انجام بازرسی قبلی تا حدودی بهبود یافته است. یکی از مهمترین پیشرفتها عبارتست از نصب موقعیت آمیز یک سیستم جدید تلفنی بجای سیستم تلفنی قدیمی و از کار افتاده سفارت تهران. مقدمات ایجاد ارتباط مستقیم تلفنی با هیئت مستشاری نظامی آمریکایی نیز فراهم شده که با در نظر گرفتن میزان و حجم فعالیتهای وزارت دفاع در ایران (به گزارش بازرسی ۹ الف توجه شود) از ضروریات است.

در اکثر موارد، خط تلگرافی به سرعت به وسیله این بخش اداره شده، گرچه واحد ارتباطات طی

ماههای گذشته از تعداد لازم کارمندان مربوطه برخوردار نبوده است. کار اضافی محدود و نیز استخدام

کارمندان PIT برای تولید مجدد و توزیع در زمینه از بین رفتن وقفه های جدی، مؤثر واقع شده است. ولی

در مواردی، بعضی از تلگرامهائی که می بایست در اواخر روز ارسال می شد با تأخیری معادل دو روز انجام شده است. تصور بر این است که نصب سیستم کامل TERP می تواند حلال بقیه مشکلات موجود در زمینه ارسال و دریافت تلگرامها باشد گرچه سیستم TERP برای سفارت آمریکا در تهران برنامه ریز شده، ولی برای نصب آن تاریخ قطعی معین نشده است.

به عنوان یک اقدام میان مدت، که از نظر پرسنل این بخش می تواند پاسخگوی تلگرامهای ارسالی باشد، پرسنل بخش ارتباطات و بایگانی پیشنهاد می کنند که دستگاه حروفخوان چشمی سریعاً نصب و راه اندازی شود. این دستگاه بخشی از سیستم TERP است و پس از نصب دستگاه TERP نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در همین حال وقفه های موجود در این زمینه مرتفع گردیده و آموزشهای لازم در رابطه با دستگاه حروفخوان چشمی نیز انجام خواهد شد (پیشنهاد ۶ د ۱)

مدیریت بایگانی نیز به صورت مسئله ای خودنمایی کرده است. پرونده های این واحد طی یک سیستم تمرکز یافته نگاهداری می شود. پرونده های مربوط به دو سال که می بایست از رده خارج می شد اکنون در اینجا جمع آوری شده است. تلاشهای پرسنل این بخش برای حل این مسئله با موفقیت چندانی همراه نبود تا این که معاونت نمایندگی جدید بر اهمیت مدیریت بایگانی تأکید نمود. از آن زمان به بعد همکاری دفاتر و بخشهای مختلف افزایش یافته و همه تأکید دارند که این مسئله باید حل شود.

بازرسین یک نکته دیگر را که باید سفارت آمریکا در تهران به آن پاسخ گوید تا مانع از بروز مشکلات دیگر در آینده شود. یادآور شدند. اخیراً یک دستگاه تلکس بازرگانی در اتاق پست و مراسلات نصب شده است، قرار است در نهایت این تلکس به بخش عملیات کنسولی متصل شود تا ارسال تلگرامهای خصوصی با سرعت بیشتری انجام پذیرد. در این مدت، تلگرامهای بازرگانی برای انجمن کارمندان فرستاده می شد و حال آن که این انجمن به تلگرامهای اضطراری پاسخ می گفت و محموله های مفقودالاشرف و یا توأم با تأخیر را پی گیری می کرد. تاکنون از شرکت تلگراف صورتحسابی نرسیده، ولی در هر زمان انتظار آن می رود. با این حال، روشهای لازم برای ضبط، صدور صورتحساب و جمع آوری هزینه تلگرامها ابداع نشده است. بازرسین معتقدند که روشی مشابه روش مربوط به تلفنهای راه دور باید ابداع شود تا دفتر بودجه و مالی بتواند این هزینه ها را جمع آوری کند و این هزینه ها از بخش ارتباطات و بایگانی عبور بنماید. (پیشنهاد ۶ د ۲)

پیشنهادات

۶ د ۱. سفارت آمریکا در تهران، همگام با وزارت خارجه (A/OC) باید به بررسی وضعیت سیستم

TERP و امکان نصب حروفخوان چشمی به عنوان یک اقدام کوتاه مدت پردازد.

۶ د ۲. سفارت آمریکا در تهران باید روشهای رسمی مربوط به صدور صورتحساب و جمع آوری

هزینه ارسال تلگرامهای تجاری را ابداع نموده و از مشخص شدن مسئولیتها و قبول آن توسط پرسنل

ذیربط اطمینان حاصل کند.

آلن برنسون چارلز تی . کراس

بازرس بازرس ارشد

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

عملیات خدمات عمومی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

عملیات خدمات عمومی

حقایق

دفتر خدمات عمومی بزرگترین عنصر دولتی در این واحد بوده و دارای چهار کارمند آمریکایی و ۶۹

کارمند محلی مجاز می باشد. علاوه بر این به استثنای محافظین، ۶۵ کارمند پیمانی نیز در این بخش

مشغول کار می باشند. این دفتر در برگیرنده عملیات ساختمانی و تعمیر و نگهداری، تدارکات، انبارداری،

گمرکات و حمل و نقل و دفتر مخصوص اجاره منازل مسکونی می باشد. این دفتر در زمینه های فوق از

وزارت خارجه، آژانس ارتباطات بین المللی، وزارت بازرگانی، کشاورزی اداره مالیات بردرآمد و اداره

مبارزه با مواد مخدر پشتیبانی به عمل می آورد.

ارزیابی و نتیجه گیری

انعقاد قرارداد پیرامون خدمات

به طور کلی و با در نظر گرفتن میزان سنگین کار موجود در رابطه با ارائه پشتیبانی از هیئت نمایندگی بی با این وسعت، دفتر مزبور عملکرد خوبی داشته است. پس از آخرین بازرسی، بر بهبود روحیه پرسنل تأکید شد و عملیات این دفتر با موفقیت بسیار در این مسیر قرار داده شد. اما این دفتر نیز خالی از مشکلات نیست، ولی اکثر آنها شناسایی شده و می تواند در محل تصحیح گردد، ولی یکی از مسائل، یعنی انعقاد قرارداد برای خدمات، بدون خلاصی از مقررات نمی تواند حل و فصل گردد.

وضع سفارت آمریکا در تهران مشابه وضع سفارتخانه های دیگری است که در کشورهایی نه چندان پیشرفته از جهان مستقر می باشند. این واحد نیز باید خدمات بسیاری از باغبانی گرفته تا تعمیر و رنگ آمیزی میز و صندلی و مبلمان را به کار گیرد. علاوه بر این محدودیت فضای کار پرسنلی، استخدام مستقیم کارمندان لازم برای اجرای این گونه خدمات را غیر ممکن می سازد. اما اقتصاد محلی به چنان سطحی نرسیده که بتوان خدمات مورد نظر را از طریق قراردادهای خدماتی واقعی با شرکتها فراهم آورد. در نتیجه سفارت آمریکا در تهران از قراردادهای شخصی برای بهره مندی از این گونه خدمات به استثنای خدمات مستخدمی و باغبانی استفاده می کند که البته دو مورد آخر را می توان از طریق انعقاد قراردادهای واقعی با شرکتها تأمین نمود.

در زمان بازرسی، هفت قرارداد خدمات در تهران به ارزش ۷۰۰۰۰۰۰ دلار در سال منعقد شده بود. همان طور که گفته شد، دو قرارداد یعنی باغبانی و مستخدمی با شرکتها منعقد شده بود. بقیه خدمات ماهیتاً و از نظر اجرایی خدمات شخصی می باشند. به طور مثال، قرارداد راننده، نقاش، و غیره می باشد. پرسنل به کار گرفته شده پس از استخدام، آموزش یافته و سپس تحت نظارت مستقیم پرسنل سفارت کار می کردند. همین مسئله در مورد گاردهای پیمانی سفارت نیز صادق بوده است.

با در نظر گرفتن این شرایط و این واقعیت که بسیاری از کارمندان پیمانی مستقیماً استخدام شده و به

مدت بیش از بیست سال در زمینه یک کار خاص فعالیت داشته اند. کارمندان پیمانی خود را مستخدمین دولت آمریکا به حساب می آورند. اقدامات بعضی از پرسنل سفارت نیز این آشفتگی و سوء تفاهات را تشدید نموده است. به جای برخورد با مقام منعقد سازنده قرارداد یا نماینده اش، شکایات کارمندان پیمانی، اختلافات و درخواست آنها برای افزایش حقوق با سرپرستان آمریکایی و مقام کارگزینی سفارت در میان گذاشته می شود. این مقام، گرچه نماینده فرد منعقد سازنده قرارداد نیست، مگر در مورد قرارداد انجمن کارمندان آمریکایی، ولی شخصا اقداماتی به عمل آورده و حتی قول افزایش حقوق و مزایای بهتر را به آنها داده و گاهی نیز برنامه حقوق را برای کارمندان پیمانی طرح ریزی کرده است. (پیشنهاد ۱۰۶)

این فرد به اصطلاح پیمانکار در زمینه تهیه لیست حقوق خدمات و ایجاد هماهنگی همکاری می کرده است. در طول مدت بازرسی، برنامه هایی تهیه شده بود تا کارمندان ساختمانی و تعمیراتی و گاردهای پیمانی به انجمن کارمندان به نوبه خویش تنها به صورت رسمی می تواند پیمانکار باشد، انتقال یابند.

خدمات حفاظتی در تهران توسط چند شرکت ارائه می گردد. بازرسین توصیه می کنند که تلاش شود تا این قراردادها با رهنمود وزارت خارجه (الف ۲۰۰۷، مورخ ۵ مه ۱۹۷۷) منطبق گردد. یکی از این اقدامات عبارت است از انعقاد قرارداد با شرکتهایی که این گونه خدمات را ارائه می کنند و نیز درخواست این مطلب از انجمن کارمندان که مسئولیت نظارت و مدیریت پرسنل پیمانی را عهده دار شوند. (پیشنهاد ۱۰۶)

علاوه بر قراردادهای خدماتی برای کارمندان محلی، سفارت با انجمن کارمندان نیز قراردادی منعقد

ساخته تا از این طریق نیز به طور موقت برای شهروندان آمریکایی خدماتی انجام شود. در این مورد نیز از قرارداد به عنوان وسیله ای در تسریع امور استفاده می شود. این قرارداد عمدتاً برای تسریع استخدام کارمندان PIT مورد استفاده قرار می گیرد تا در این بین تشریفات اداری از قبیل (امنیت، تهیه لیست حقوق، سوابق از نظر کارگزینی و غیره) تکمیل گردد. این کارمندان توسط سفارت تهران مصاحبه، انتخاب، و استخدام می شوند. اکثر آنها هیچ گاه به دفاتر انجمن کارمندان پای نگذاشته اند. به جای آن دفتر کارگزینی یادداشتی برای انجمن فرستاده و به آن اطلاع می دهد که فرد جدیدی در لیست حقوق قرار می گیرد. در یک مورد یک کارمند به مدت سه هفته برای کنسولگری تبریز کار کرده بود، ولی تازه پس از این مدت سه هفته ابلاغیه دفتر کارگزینی به انجمن ارسال شده بود. تا آن زمان، تنها مدیر کنسولگری مسئول پرداخت حقوق این کارمند بود. باید در مورد برنامه ریزی و پیش بینی جایگزین سازی کارمندان تأکید بیشتری اعمال شود تا شرایط و نیازهای اداری تأمین شده و از قرارداد به این منظور استفاده نشود.

(پیشنهاد ۳۰۶)

اسنادی وجود ندارند که نشان دهنده این باشند که قبل از انعقاد قرارداد بررسیهای لازم به عمل آمده است. در نتیجه، نمی توان گفت در موقع انعقاد قراردادهای مربوطه به نظافت و باغبانی قراردادی با مناسبترین قیمت منعقد شده است. در هر دو مورد آگهیهای منتشر شده و بسیاری از مقاطعه کاران قیمت‌های خاص و مورد نظر خود را ارائه داده بودند. ولی در نهایت قرارداد با کسی منعقد گردیده که قبلاً قراردادهای دیگری با سفارت بسته و پیمانکار ساختمانی، تعمیراتی و حراستی سفارت به شمار می آید. در هر دو مورد، پیمانکاران دیگر قیمت‌هایی کمتر از وی ارائه کرده بودند، ولی توجیهات برای انعقاد روشن نشده بود و در یک مورد تمام هزینه ها در تعیین پیمانکار برنده مناقصه مورد شمول قرار نگرفته بود.

(پیشنهاد ۴۰۶)

کنترل انبار، سیاست مسکن

از سال ۱۹۷۶ تاکنون وسایل و تجهیزات مصرف نکردنی صورت برداری نشده است. البته در زمان انجام این بازرسی این کار در حال انجام بود. گمان نمی رود که این عمل در مدت معقول به پایان برسد و یا صورت با موجودی تطابق پیدا کند چون در پرونده انبار هم وسایل موجود ثبت شده و هم وسایلی که به دفاتر و اقامتگاهها ارسال شده است. در نتیجه، باید تلاشی بیهوده و غیرضروری به خرج داد تا تمام وسایل مصرف نکردنی موجود در دفاتر و اقامتگاهها و نیز انبار مشخص شود و با رقم موجود در پرونده انبار مطابقت پیدا کند.

سفارت آمریکا در تهران باید وضع کنترل خویش بر وسایل موجود را بهبود بخشیده و با تهیه کارتهایی برای اجناس موجود در انبار روند صورت برداری از آنها را سهولت بخشد. پس از آن صورت برداری سالانه از اجناس انبار ممکن خواهد بود و می تواند با موجودی کارتها مطابقت پیدا کند. اجناس مصرف نکردنی که از انبار خارج شده نیز می تواند در پرونده فرد یا دفتر دریافت کننده ثبت شده و با تغییر افراد در اختیار گیرنده آنها این پرونده ها نیز حتما باید تغییر پیدا کند. (پیشنهاد ۵۰۶)

ج. سیاست مسکن

از سفارت باید به خاطر تلاش بی وقفه خویش در تهیه مسکن مورد نیاز پرسنل سفارت تمجید به عمل آورد. بازرسین معتقدند که اقدامات انجام شده در این زمینه نقش مهمی را در بهبود روحیه کارمندان ایفا کرده است. با این حال سیاست موجود در این رابطه مطابق شرایط روز نیست و هیئت تهیه مسکن نماینده تمام اقشار کارمندی سفارت نبود و جنبه نهفته داشت. در نتیجه، پذیرش یک محل اقامت معمولاً تابع احساسات فردی بود و در حالی که میزان اجاره بها سرسام آور می باشد، در بسیاری از موارد واحدهای بسیار گرانقیمت تا مدت‌ها خالی از سکنه باقی می ماند. علاوه بر این، تهیه اقامتگاه برای افراد تازه وارد همیشه به صورت دقیق و کامل انجام نمی گیرد و ساکنین تازه وارد می بایست شخصا به نظافت محل بپردازند. بازرسین معتقدند که سیاست تهیه مسکن سفارت آمریکا در تهران باید جنبه رسمی پیدا کرده و تدوین شود و یک کمیته مسکن مرکب از نمایندگان سفارت تشکیل شود تا در این زمینه مشارکت متعادل و یکنواخت همگان تضمین گردد. (پیشنهاد ۶ ه ۶). علاوه بر این، اقامتگاه مورد نظر باید قبل از ورود کارمندان جدید، از نظر نظافت دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد. (پیشنهاد ۶ ه ۷)

عملیات پارک موتوری، پیشنهادات

عملیات پارک موتوری را با بررسی بهتر نحوه استفاده از وسایط نقلیه و مصرف میزان بنزین می توان بهبود بخشید. میانگین بنزین مصرفی روزانه معادل ۴۰۰ گالن در روز است و برای سال ۱۹۷۸ هزینه ای معادل ۵۰۰۰۰ دلار را برای سفارت در برداشت. بعضی از وسایط نقلیه حتی با در نظر گرفتن ترافیک وحشتناک تهران، حدود یک گالن برای هر مایل بنزین مصرف می کردند که صرف غیرضروری هزینه ها می باشد. در مواقع دیگر هزینه مصرف همان اتومبیل بهتر بود. مطالعه در این زمینه علل مصرف بیش از حد را روشن می سازد. شمار اتومبیل‌های موجود در اختیار سفارت نیز چندان زیاد نبود. از بعضی از وسایط نقلیه شدیداً استفاده می شد، ولی از بعضی دیگر خیر. اگر در زمینه استفاده از آنها نیز بررسی‌هایی انجام شود

برنامه استفاده بهتری تهیه می گردد که می تواند منجر به استفاده بهتر از عمر مفید کل اتومبیلها گردد. این

گونه مطالعات می تواند نیاز به تعمیرات را نیز سریعتر مشخص نماید. (پیشنهاد ۸۰۶)

پیشنهادات

۱۰۶. سفارت آمریکا در تهران باید ترتیبی دهد تا تنها پرسنل مجاز قادر به مذاکره با پیمانکاران

باشند و کارمندان پیمانی نیز مستقیماً در برابر آنها مسئول باشند.

۲۰۶. سفارت آمریکا در تهران باید در زمینه انعقاد قراردادها مفاد رهنمود وزارت خارجه (الف)

۲۰۰۷، مورخ ۵ مه ۱۹۷۷) را رعایت نموده و یا شرکتهایی قرارداد منعقد نماید که ارائه کننده خدمات

مورد نظر باشند و ضمناً ترتیبی دهد تا انجمن کارمندان بر کار کارمندان پیمانی نظارت و مدیریت داشته

باشند.

۳۰۶. سفارت باید روشی را ابداع کند تا با استفاده از آن در کاربرد کارمندان جدید PIT تأخیر

چندانی به وجود نیاید و از انجمن کارمندان به عنوان وسیله وارد کردن و یا بکارگیر کارمندان PIT استفاده

نکنند.

۴۰۶. سفارت آمریکا در تهران باید روشی را برای به مناقصه گذاشتن قراردادها پدید آورد تا در آنها

تصمیمات متخذة توسط کارمند امور قراردادها از صحت و حمایت کافی برخوردار باشد.

۵ ه ۶. سفارت آمریکا در تهران باید کارت بایگانی اجناس مصرف نکردنی را تهیه کرده که

نشان دهنده مقادیر اجناس موجود در انبار باشد. صورت برداری سالانه از اجناس باید انجام شود و

صورت موجودی عینی با ارقام مندرج در کارتها موجودی انبار مطابقت داشته باشد. در صورت تغییر

اشخاص استفاده کننده باید از اجناس موجود در دفاتر و اقامتگاهها نیز صورت برداری شود.

۶ ه ۶. سفارت آمریکا در تهران باید یک سیاست مسکن هماهنگ را تهیه و تدوین کند و یک دفتر

مسکن متشکل از نمایندگان کارمندان سفارت ایجاد کند.

۷ ه ۶. سفارت آمریکا در تهران باید اقامتگاههای استیجاری را مورد بازدید مفصل عینی قرار دهد تا

قبل از تصرف آنها توسط تازه واردین، از نظافت کامل آنها اطمینان حاصل گردد.

۸ ه ۶. سفارت آمریکا در تهران در زمینه بهره برداری و مصرف بنزین وسایط نقلیه مرتبا بررسیهای

لازم را به عمل آورد.

آلن برنسون چارلز تی. کراس

بازرسبازرس ارشد

پزشکی، حقایق، ارزیابی، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) یادداشت بازرسی شماره ۶

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

پزشکی

حقایق

در تهران یک بیمارستان ارتش آمریکا وجود دارد. علاوه بر این سفارت دارای یک واحد پزشکی در خود محوطه سفارت است که در آن یک پرستار و پزشک آمریکایی پیمانی به صورت نیمه وقت انجام وظیفه می کنند. مقام پزشکی مسئول منطقه ای نیز در سفارت آمریکا در کویت مستقر می باشد.

در نتیجه تلاشهای گروهی از والدین علاقه مند، سازمانی به نام مرکز بهبود اجتماعی تشکیل شده است تا از نظر روانشناسی مشاوره لازم را در اختیار آمریکاییان مقیم تهران قرار دهد. این مرکز دارای یک روانپزشک آمریکایی، چهار دستیار حرفه ای محلی، یک دستیار اداری و یک منشی است. انجمن کارمندان آمریکایی به عنوان بانکدار و پرداخت کننده مخارج این مرکز عمل می کند. به عبارت دیگر مرکز بهبود اجتماعی به عنوان یک نهاد مستقل عمل می کند.

ارزیابی و نتیجه گیری

وضع بهداشت و درمان در تهران عموماً خوب است؛ ولی در صورت لزوم و توصیه پزشکان از نظر درمانی نقل و انتقالات لازم انجام می گیرد.

مدیر بیمارستان ارتش آمریکا با ایجاد واحد بهداشتی و درمانی در خود سفارت مخالف بوده و با پرسنل این واحد همیشه همکاری لازم را مبذول نداشته است. به منظور جلوگیری از بروز شکایات دولت ایران که منابع مالی لازم در اختیار بیمارستان ارتش قرار می دهد، این بیمارستان عرضه دارو به واحد

بهداشتی و درمانی سفارت را متوقف ساخته و حتی با وجود تأمین مالی تنخواه گردان نیز دست از این کار بر نمی دارد. واحد بهداشتی و درمانی سفارت نیز داروهای مورد نیاز خود را از ارتش آمریکا در آلمان دریافت می نماید.

بسیاری از کارمندان آمریکایی سفارت از نحوه ارائه خدمات و عدم توجه کافی در بیمارستان ابراز نارضایتی کرده اند. گرچه به احتمالی شکایات مشابهی می تواند علیه هر بیمارستانی اقامه شود، ولی باید با اتخاذ روشی به بررسی و تحقیق در مورد این شکایات پرداخته شود و آنها را تصحیح نمود. یکی از مواردی که شکایات مکرری را بدنبال داشته ورودی ۲۰ دلاری است که گاهی برای مراجعه مکرر در مورد یک ناخوشی دریافت و گاهی نیز دریافت نمی شود. (پیشنهاد ۶ و ۱)

سفیر قبلی در مورد طرح استقرار یک مقام پزشکی منطقه ای در تهران اعتراض نمود چون امیدوار بود که بنا به مصالح امنیتی حضور رسمی آمریکا در ایران را کاهش دهد. با وجود اینکه مرکز بهبود اجتماعی تحت حمایت انجمن کارمندان آمریکایی عمل می کند، ولی تمام آمریکاییهای مقیم ایران را برای درمان می پذیرد و هزینه مالی آن نیز توسط شرکتهای تجاری آمریکایی تأمین می گردد. مدیر این مرکز از طریق قرارداد منعقد شده با انجمن کارمندان آمریکایی استخدام شده در حالی که خود مرکز دیگر کارمندان مورد نیاز خویش را استخدام نموده است. از آنجا که انجمن کارمندان مجاز به ارائه خدمات به آمریکاییان غیر رسمی نیست، مسئولیت نظارت بر امور مالی این مرکز باید از دوش انجمن کارمندان برداشته شده و به مدرسه آمریکایی تهران و یا کلیسای جامعه محول گردد. وزارت بهداشتی نیز از طریق مدرسه یا کلیسا به جای انجمن کارمندان آمریکایی منابع لازم را در اختیار مرکز بهبود اجتماعی قرار خواهد داد، مدرسه یا کلیسا به عنوان بانک و پرداخت کننده مخارج مرکز عمل خواهد نمود، ولی خود مرکز نیز به صورت واحدی جداگانه به عملیات خویش ادامه خواهد داد. (پیشنهاد ۶ و ۲)

وزارت خارجه (M/MED , A/OPR) رهنمودهای عملیاتی مرکز بهبود اجتماعی را در اختیار سفارت

قرار نداده است. (پیشنهاد ۶ و ۳)

پیشنهادات

۶ و ۱. سفارت آمریکا در تهران باید روشی برای بررسی شکایات کارمندان غیرنظامی آمریکایی در رابطه با بیمارستان ارتش آمریکا در تهران را ایجاد نماید و از مقامات نظامی مسئول خواهان تصحیح موارد مربوطه گردد.

۶ و ۲. سفارت آمریکا در تهران باید مسئولیت مالی مرکز بهبود اجتماعی را از انجمن کارمندان

آمریکایی گرفته و به مدرسه آمریکایی تهران یا کلیسای جامعه واگذار نماید.

۶ و ۳. وزارت امور خارجه (M/MED A/OPR) باید رهنمودهای عملیاتی مربوط به مرکز بهبود

اجتماعی را تا قبل از آغاز اجرای پیشنهاد ۶ و ۲ فوق در اختیار سفارت آمریکا در تهران قرار دهد.

لاورنس ا. فولرچارلز تی . کراس

بازرس بازرس ارشد

املاک سفارت، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۶ ز

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

املاک سفارت

حقایق

محوطه ۲۷ جریبی (جریب آمریکایی معادل ۴۰۴۷ متر مربع است م) سفارت و نیز ساختمان دفتر آژانس ارتباطات بین المللی در تهران در مالکیت دولت آمریکاست. علاوه بر این، سفارت ساختمانی را به عنوان دفتر ضمیمه سفارت، یک مرکز تجاری و دفاتر جداگانه کشاورزی و حدود ۱۱۱ اقامتگاه دیگر را به صورت کوتاه مدت و به مبلغ سالانه معادل ۱۸۰۰۰۰۰ دلار اجاره کرده است. ساختمانهای موجود در محوطه سفارت عبارتند از ساختمان اصلی سفارتخانه، اقامتگاه سفیر، اقامتگاه معاون سفیر و پانزده ساختمان دیگر.

ارزیابی و نتیجه گیری

از محوطه سفارت بهره برداری کامل صورت نگرفته است. این محوطه دارای فضای کافی برای ایجاد دفاتر و اقامتگاههای دیگری می باشد که ایجاد آنها شدیداً ضرورت دارد. ارزش زمین موجود در اختیار سفارت از نظر حرفه ای برآورد نشده است، ولی برآوردهای غیررسمی مقامات سفارت حکایت از آن دارد که ارزش آن بین ۶۵ تا ۲۵۰ میلیون دلار است.

به سفارت و نه اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه راههای گوناگونی برای بهترین نوع

بهره برداری از این دارایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده اند. به خاطر ارزش هنگفت آن، این مورد باید

بررسی شود تا مشخص گردد که آیا می توان بخشی از آن را در ازای دفاتر کار و آپارتمان تعویض کرد تا این

گونه ساختمانها با مشخصات مورد نظر اداره ساختمانهای خارجی یا در خود محوطه دایر شوند و یا در زمینی ارزان قیمت تر در تهران ایجاد شوند. یک فرد متخصص از اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه و یا یک AMAT بایستی به این منظور به تهران اعزام شود. (پیشنهاد ۶ ز ۱)

مدت اجاره دفتر ضمیمه کنونی سفارت در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ پایان خواهد یافت. این ساختمان مناسب شمار کنونی متقاضیان خدمات کنسولی نیست. در صورت تمدید اجاره این ساختمان هزینه مربوطه احتمالاً از ۳۶۰۰۰ دلار به ۱۵۰۰۰۰ دلار در سال افزایش خواهد یافت. چاره این است که یا ساختمان پیش ساخته ای در خود محوطه سفارت نصب شود و یا ساختمان مناسبتری اجاره شود. طرح تعویض بخشی از املاک اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه آمریکا در تبریز با یک ساختمان آماده به عنوان دفتر کار و یک ساختمان جهت سکونت تفنگداران دریایی که قرار بود در محوطه سفارت بنا شود نیز گویا مؤثر واقع نشده است. سفارت پیشنهاد کرده است که اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه مستقیماً هزینه خرید این ساختمانها را تأمین نماید. (تهران ۶۲۴۷ مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۷۸) در صورت عملی نبودن این رویه، سفارت در نظر دارد ساختمان روبه روی در ورودی سفارت را به مبلغ ۲۴۰۰۰۰ دلار در سال اجاره نماید. (تهران ۰۶۲۱۲ مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹) وزارت امور خارجه (اداره

ساختمانهای خارجی و امور خاور نزدیک / خارجی) در مورد مکان استقرار بخش کنسولی پس از تاریخ

۳۰ ژوئن ۱۹۷۹ باید هر چه سریعتر تصمیم گیری نماید. (پیشنهاد ۶ ز ۲)

محل سکونت تفنگداران، واحد بهداشت و درمان و ساختمان ضمیمه روادید دانشجویی در

آپارتمانهای موقتی واقع در محوطه سفارت قرار گرفته است. این ساختمانهای قدیمی را نمی توان با

شرایط مورد نیاز کنونی وفق داد بنا بر این باید در اسرع وقت تخریب شوند. علاوه بر این، ساختمان چوبی

جلوی ساختمان اصلی سفارت نیز که قبلاً محل صدور روادید دانشجویی بود، از ساختمان خوبی

برخوردار نیست و باید در فرصتی مناسب تخریب گردد. (پیشنهاد ۶ ز ۳)

سیستمهای حرارتی و خنک کننده ساختمان اصلی سفارت و نیز اقامتگاه سفیر از ابتدای امر از کیفیت

خوبی برخوردار نبوده و رو به فرسایش است. در فرصتی مناسب اداره ساختمانهای خارجی باید یکی از

نمایندگان ذیصلاح خویش را به تهران اعزام دارد تا طرحی را برای تعویض این سیستم پیاده کند.

پیشهادات

۶ ز ۱. وزارت خارجه (الف) باید یکی از متخصصین اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه یا

یک AMAT را به تهران اعزام نماید تا طرح دراز مدت املاک سفارت را تهیه نماید.

۶ ز ۲. وزارت خارجه (اداره ساختمانهای خارجی و CA و امور خاور نزدیک / خارجی) باید سریعا

در مورد محل بخش کنسولی پس از تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۷۹ تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. در صورت عملی

بودن، دفتر بودجه و مالی باید مستقیماً هزینه احداث ساختمان بخش کنسولی را در محوطه سفارت تأمین

کند.

۶ ز ۳. وزارت امور خارجه (اداره ساختمانهای خارجی) باید به سفارت آمریکا در تهران اختیار دهد

تا برای تخریب آپارتمانهای موقتی قبلی واقع در محوطه سفارت در زمان مناسب اقدام مقتضی را به عمل

آورد و ساختمان چوبی موقت نزدیک در ورودی محوطه سفارت را که قبلاً محل صدور روادید دانشجویی بود از میان بردارد.

۶ ز ۴. وزارت امور خارجه (اداره ساختمانهای خارجی) باید نماینده واجد شرایط خویش را به تهران اعزام دارد تا طرح تعویض سیستم حرارتی و خنک کننده ساختمان اصلی سفارت و اقامتگاه سفیر را پیاده کند.

لاورنس ا. فولرچارلز تی. کراس

بازرسبازرس ارشد

امنیت، حقایق و نتیجه گیری

وزارت امور خارجهمحرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۶ ح

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

امنیت

حقایق

مقامات ذیل مستقیماً در زمینه امنیت سفارت آمریکا در تهران و سازمانهای تابعه آن مسئول

می باشند:

افسران امنیتی آمریکایی

تفنگداران دریایی امنیتی

گارد‌های پلیس ملی ایران

گارد‌های پیمانی محلی

کارمند محلی پذیرش سرویس خارجه

افسر امنیتی فنی آمریکایی

افسر اداره امور ساختمانی نیروی دریایی

محققین محلی سرویس خارجه

دستیار آمریکایی مخصوص تشخیص هویت

منشی آمریکایی

سازمانهای آمریکایی نظامی موجود در تهران نیز هر یک دارای پرسنل امنیتی خاص خود می باشند.

افسران امنیتی، مأمورین محلی تحقیق سرویس خارجه، افسر امنیتی فنی، و افسر اداره امور ساختمانی

نیروی دریایی مسئولیت امنیتی واحدهای تابعه سفارت در ایران را نیز بر عهده دارند. علاوه بر این، افسر

امنیتی فنی و افسر اداره امور ساختمانی نیروی دریایی خدمات فنی امنیتی لازم را به دیگر واحدهای

موجود در کشورهای حوزه خلیج فارس ارائه می نمایند.

ارزیابی و نتیجه گیری

طراحی و نظارت امنیتی در سفارت آمریکا خیلی خوب بوده است. بررسی امنیتی در ژوئن ۱۹۷۸ به

پایان رسید؛ و برنامه تخلیه اضطراری افراد بنا به شرایط روز تغییر یافته است. گروههایی که ممکن است

هزار چند یک بار امنیت حدود ۴۰۰۰۰ آمریکایی موجود در ایران را که معمولاً بنا به دلایل حرفه ای خویش در اینجا به سر می برند، به مخاطره افکنند عبارتند از تروریستهای چپگرا، محرکین مذهبی ضد بیگانه، فعالین دانشجویی، و یا ائتلاف موقتی از همه گروههای فوق الذکر.

با یک بررسی اجمالی می توان گفت که بخش کنسولی آسیب پذیرترین محل انجام فعالیت رسمی آمریکا در ایران است. این بخش کنسولی در یک ساختمان اجاره ای واقع در حدود دو خیابان دورتر از سفارت واقع شده است. امکان اعمال کنترل فیزیکی بر این محل بسیار ضعیف است و به راحتی قابل تقویت نمی باشد. تعداد کثیری از ایرانیها معمولاً یا در داخل ساختمان و یا در کناره خیابان منتظر پذیرش می باشند. همان گونه که قبلاً نیز گفته شده، تنها راه حل موجود انتقال بخش کنسولی به محلی دیگر است تا امکان برقراری امنیت بیشتری فراهم شود.

به علت کثرت تعداد متقاضیان روادید، یک بخش صدور روادید ثانوی برای فصل تابستان بر طبق روال سالهای قبل ایجاد شده است. برای این کار از یک آپارتمان موقت واقع در قسمت عقب محوطه سفارت استفاده می شود. این محل باعث می شود که هزاران دانشجوی ایرانی روزانه متوجه شوند که از طریق آپارتمانهای موقت قبلی که اکنون محل سکونت تفنگداران دریایی و واحد بهداشت و درمان و نیز محل صدور روادید دانشجویی است، می توان وارد محوطه سفارت شد. بنابراین بهتر است که مبدأ ورودی

سفارت مجهز به زنگ خطر شود تا در صورت گشوده شدن آنها گاردها به سرعت در جریان امر قرار گیرند. (پیشنهاد ۶ ح ۱)

اکثر ناظران معتقدند که این ساختمانها نمی توانند براساس توافقه‌های وزارت خارجه با سپاه تفنگداران دریایی محل کافی به شمار آیند و سفارت چندین سال است که در تلاش برای احداث ساختمانی جدید جهت اسکان تفنگداران دریایی بوده است. در حال حاضر باید اقداماتی در جهت اجاره یک ساختمان مناسب برای تفنگداران به عمل آید تا ساختمان مورد نظر برای آنها احداث گردد. (پیشنهاد ۶ ح ۲)

با وجود این که بخش اعظم محوطه ۲۷ جریبی (جریب آمریکایی معادل ۴۰۴۷ متر مربع) سفارت با دیوارهایی محصور شده، ولی مهمترین وسیله حراست از آن گاردهایی هستند که حفظ امنیت آنجا را بر عهده دارند. گروه‌های غیرمجاز مردمی به علت وجود گاردها نخواهند توانست به ساختمان اصلی سفارت حمله ور شوند، ولی به علت سنگینی میزان آمد و شد و نیز وجود چندین مبدأ ورودی کارمندان پیشین در انجام این عمل با موانع چندانی روبه رو نخواهند بود.

کسانی که می خواهند وارد ساختمان اصلی سفارت شوند طبق معمول ابتدا وارد اتاق نگهبانی می شوند. در آنجا یک گارد امنیتی تفنگدار و یک کارمند محلی پذیرش سرویس خارجه در یک کیوسک حفاظت شده قرار دارند. پس از آن تا در اصلی ساختمان سفارت پیش رفته و در آنجا منتظر رسیدن راهنمایان می شوند. در راهروی ساختمان سفارت نیز یک تفنگدار امنیتی دیگر در یک کیوسک حفاظت شده مستقر می باشد. او از طریق قفل‌های الکترونیک تمام شش مبدأ ورودی منتهی به سفارت را تحت کنترل دارد.

یکی از نقاط ضعف راهروی بسته این است که کارمندان نمی توانند آزادانه وارد دفاتر دیگر کاری شوند و این خود ایجاد کننده مزاحمت قابل ملاحظه ای است. دستشویی مردانه در یک طرف راهرو و دستشویی

زنانه در طرف دیگر است. نقطه ضعف دیگر این است که در صورت بروز حمله، افسر و کشیک مسئول امنیت در دفتر کار خود محبوس می ماند و به علت نبودن در ورودی پشتی نخواهند توانست به کمک تفنگداران بشتابند. (توصیه ۳۶)

در ورودی شرقی ساختمان اصلی سفارت همیشه به خوبی کار نمی کند و قفل آن به خوبی بسته نمی شود. گرچه تفنگدار مستقر در راهرو می تواند از طریق یک تلویزیون مدار بسته این در را زیر نظر داشته باشد، ولی در صورت بسته نبودن، یک فرد مطلع می تواند از آنجا وارد شده و از پشت به این تفنگدار نزدیک شود. اکثر کارمندان سفارت با استفاده از در غربی زیرزمین که برای انتقال اشیاء نیز از آن استفاده می شود، به این ساختمان وارد و یا از آن خارج می شوند. تفنگدار مسئول نمی تواند این در را زیر نظر داشته باشد، ولی می تواند با استفاده از تلویزیون مدار بسته راهرو را تحت کنترل داشته باشد. معمولاً یک گارد پیمانی در کیوسکی در نزدیکی این در مستقر می باشد؛ ولی در چند مورد بازرسی مشخص شد که این مبدأ ورودی باز بوده و نگهبان آن در محل خود مستقر نیست. یک مانع فلزی کوتاه نیز راهنمای کسانی است که می خواهند با استفاده از پله ها به راهرو طبقه همکف وارد شوند. در صورتی که آنها بخواهند با استفاده از همین پله ها به طبقات بالاتر بروند، تفنگدار مربوطه در دیگری را برای آنها می گشاید. ولی بعضیها نیز که قصد داشته باشند می توانند با پریدن از روی این مانع پنهان از دید تفنگداران به طبقه دوم یعنی محلی که پرونده های حساس وجود دارد و سفیر مستقر است راه یابند.

برای کنترل مبادی ورودی به ساختمان اصلی سفارت چند راه عملی وجود دارد. به طور مثال، می توان دری را در محل ورود به زیرزمین، مجهز به زنگ خطر نصب کرد تا تنها در صورت بروز موقعیتهای اضطراری باز شود. کارمندانی که در طبقات فوقانی ساختمان کار می کنند نیز می توانند از در شرقی رفت و آمد کنند. گاردهای محلی را می توان در داخل زیرزمین و در شرق آن هم در ساعات معمولی اداری مستقر نمود. در آن طرف راهرو می توان یک مانع ایجاد کرد و یک کیوسک مخصوص نگهبانی را در کناره پله ها دایر نمود تا وی بتواند عبور افراد به سمت ساختمان سفارت و طبقه بالا را بدون ایجاد وقفه در آمد و شدهای مربوط به طبقه همکف کنترل نماید. کارمند محلی پذیرش سرویس خارجه نیز می تواند از در ورودی اصلی نقل مکان کرده و به سمت دیگر راهرو بیاید و به این ترتیب واحد نگهبانی گارد امنیتی آنجا نیز از بین می رود. حداقل، وزارت خارجه (بخش امنیتی) باید بار دیگر در مورد کنترلهای مبادی ورودی به ساختمان اصلی سفارت تجدید نظر نماید تا مطمئن شود که مطابق حداقل معیارهای لازم می باشند. (پیشنهاد ۶ ح ۴)

بخشی از سلاحهای ضد تروریستی این واحد در ساختمان اصلی سفارت نگاهداری می شود و بخشی دیگر در دفاتر مأمورین تحقیق محلی سرویس خارجه که تقریباً ۵۰ متر دورتر از مبدأ ورودی زیرزمینی سفارت واقع شده اند. از آنجا که قرار است تفنگداران در صورت بروز موقعیت اضطراری در این ساختمان مستقر شوند، تمام این سلاحها باید به درون ساختمان اصلی منتقل شوند. (پیشنهاد ۶ ح ۵)

به خاطر امکان حمله به آمریکاییهای غیررسمی، افسر ارشد امنیتی تلاش بسیاری را صرف ایجاد یک سیستم نگهبانی با همکاری فعالانه حدود ۲۰۰ شرکت آمریکایی کرده است. هدف اصلی از ایجاد این سیستم خنثی سازی شایعات مربوط به امنیت آمریکاییها در ایران و انتقال اطلاعات موثق به آنها در صورت بروز وضعیت اضطراری است.

بر خلاف اعتراضات افسر ارشد امنیتی منشی امنیتی به کرات برای انجام وظایف موقت به نقاط دیگر سفارت مأمور شده است. به خاطر اهمیت شاخه امنیتی برای این واحد و جامعه تجاری آمریکایی در ایران، باید از مأمور شدن وی به نقاط دیگر بدون جلب رضایت افسر امنیتی ارشد بجز در موارد اضطراری جلوگیری به عمل آید. (پیشنهاد ۶ ح ۶)

پیشنهادات

۶ ح ۱. سفارت آمریکا در تهران باید مبادی ورودی خیابانی به آپارتمانهای موقت پشت محوطه سفارت را از نظر امنیتی تأمین کرده و آنها را مجهز به زنگهای خطر نماید تا در صورت باز شدن این درها، نگهبان سریعاً در جریان امر قرار گیرد.

۶ ح ۲. سفارت آمریکا در تهران باید یک محل مناسب را جهت اسکان تفنگداران امنیتی اجاره کند تا ساختمان مناسب برای آنها ساخته شود.

۶ ح ۳. سفارت آمریکا در تهران باید محل استقرار افسر کشیک امنیتی خویش را طوری تغییر دهد که در صورت بروز موقعیتهای اضطراری وی بتواند به کمک تفنگداران بشتابد.

۶ ح ۴. وزارت خارجه (بخش امنیتی) باید نحوه کنترل بر مبادی قابل دسترسی به ساختمان اصلی سفارت در تهران را مورد بررسی قرار دهد تا مطمئن شود که آنها با حداقل معیارهای موجود مطابقت

دارند.

۶ ح ۵. سفارت آمریکا در تهران باید تمام سلاحهای ضد تروریستی خویش را در زمانهایی که بلااستفاده هستند در ساختمان اصلی سفارت نگاهداری کند.

۶ ح ۶. سفارت آمریکا در تهران نباید منشی امنیتی را بدون جلب رضایت افسر ارشد امنیتی بجز در موارد اضطراری به نقاط دیگر جهت انجام وظایف موقت مأمور کند.

لاورنس ا. فولرچارلز تی. کراس

بازرس بازرسی ارشد

ارزیابی پرسنلی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) یادداشت بازرسی شماره ۷

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

ارزیابی پرسنلی

حقایق

سفارت آمریکا در تهران تمام گزارشات مربوط به ارزیابی پرسنل سال ۱۹۷۸ خویش را به موقع تسلیم نموده است.

ارزیابی و نتیجه گیری

به جز چند مورد استثنایی تمام گزارشات ارزیابی پرسنلی تهیه شده در این واحد منصفانه و متعادل

است. شواهد موجود حکایت از هیچ گونه تبعیض و انتقاد بی اساس در مورد افراد نمی کند. بخش ۴ ج این

گزارشات که مربوط به امکان ایجاد بهبود وضعیت پرسنلی است بطرز خلاق و منطقی تهیه شده و در اکثر

موارد می تواند راهنمای کار مقام مورد نظر باشد. بخش بررسی کننده نیز ظاهرا با دقت و حداکثر کارایی عمل کرده است. بازرسین خاطر نشان ساخته اند که تبادل نظرهای سازنده ای میان اعضای این بخش صورت گرفته و به دنبال بررسیهای انجام شده در این بخش چند اظهار نظر غیرقابل پذیرش و یا نادرست از متن گزارشات حذف گردیده است.

بخش اعظم اظهارات مربوط به الزامات کاری در زمان مورد نظر تهیه شده و در انجام آن وقفه های جدی پدید نیامده است. بازرسین در کمال خوشحالی شاهد بوده اند که سفارت از این ابزار مدیریت خویش حداکثر بهره برداری را به عمل آورده و شرایط کاری را با اهداف مورد نظر مرتبط ساخته و مسئولیتها را نیز به وضوح مشخص ساخته است.

آلن برنسون چارلز تی . کراس

بازرس بازرس ارشد

لاورنس ا . فولر کنت ان . راجرز

بازرس بازرس

کنسولگری اصفهان، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۸ الف

واحدهای تابعه واحد: اصفهان ژوئیه ۱۹۷۸

کنسولگری اصفهان

حقایق

کارمندان کنسولگری اصفهان عبارتند از دو آمریکایی، سه کارمند محلی سرویس خارجه، یک دستیار کنسولی پیمانی، سه گارد پیمانی، و یک تعمیرکار پیمانی، کنسول یک افسر سرویس خارجه دارای رده شغلی ۴ FSO است؛ معاون کنسول برای دومین بار در این واحد مشغول خدمت شده است. دفتر کنسولگری در طبقه همکف اقامتگاه کنسول واقع گردیده است.

در حوزه این کنسولگری حدود ۱۰۰۰۰ آمریکایی وجود دارند که خود توجیه کننده وجود کنسولگری آمریکا در این شهر است. عامل توجیه کننده دیگر این است که اصفهان در حال تبدیل به صورت یک شهر مرکزی ایران در رابطه با مجتمع نظامی صنعتی جاه طلبانه آن است. علاوه بر این اصفهان یک مرکز مهم آموزش و پرورشی است و زادگاه بسیاری از عناصر مذهبی محافظه کار و متنفذ از نظر سیاسی.

ارزیابی و نتیجه گیری

مقدمه

مدیریت کنسولگری اصفهان چندان خوب نیست و نتوانسته بر مشکلات ناشی از فقدان کارمندان مهم محلی طی سال گذشته فائق آید. حقیقت این است که هیچ یک از کارمندان محلی در این کنسولگری به مدت بیش از ۱۸ ماه کار نکرده است؛ و کنسول نیز بالاجبار با مشکلات مداوم آموزشی روبه رو بوده است.

از آنجا که کنسول مقدمات لازم برای بازرسی را تدارک ندیده بود، بازرسین متوجه شدند که شخص کنسول و معاونش در انجام کارها بی نظم بوده و آشفتگی وضع دفتر کارشان نشانگر وجود بسیاری از کارهای نیمه تمام بود. اگر معاون کنسول مجربتر بود می توانست ضعف کنسول را در این بخش بپوشاند.

(پیشنهاد ۸ الف ۱)

یکی دیگر از نشانه های فقدان تشکیلات مناسب این است که بایگانی طبقه بندی شده جاری در اینجا وجود ندارد و در عین حال بسیاری از پرونده های نیمه تمام مربوط به سالهای قبل هنوز به قوت خود باقی است. این واحد همچنین از پشتیبانی و رهنمودهای کافی سفارت بخصوص در بخش مربوط به کارمندان محلی برخوردار نیست. به طور مثال مدت زیادی طول کشید تا مشاور استانی محلی سرویس خارجه را که بیمار بود و بعدها در گذشت، تعویض نماید.

به هنگام ورود کنسول در ژوئیه ۱۹۷۷، رابطه بین ایرانیهای محلی و تعداد کثیری از آمریکاییهایی که اخیرا وارد این منطقه شده و فاقد هر گونه سابقه خدمت در خارج از کشور خویش بودند، رو به وخامت نهاده بود. روحیه جامعه آمریکایی مقیم اینجا بسیار پایین و فاقد رهبریت لازم بود. کنسول در چنین وضعیتی به سرعت دست به کار شد و در میان آمریکاییها مؤسسات مشارکت و همکاری از جمله شورای

پیشاهنگی و شورای کلیسا و یک مرکز منابع اصفهان ایجاد کرد، تا علاوه بر ارائه خدمات حرفه ای برای کسانی که دچار اختلالات روانی شده بودند با مسائل دیگری چون مشروبات الکلی، مواد مخدر و دیگر مشکلات اجتماعی دست و پنجه نرم کند. گذشته از این کنسول همیشه با مقامات کارگزینی شرکتهای بزرگ آمریکایی ملاقات و تبادل نظر می کند، تا برای مشکلات مشترک آنها راه حل های توأم با تعاون و فاقد رقابت ابداع کند. در همان حال وی به تقویت روابط کنسولگری و مقامات محلی پرداخت تا همکاری بیشتر آنان را جلب نماید. به نظر می رسد که وضع موجود در نتیجه این تلاشها تا حدودی بهبود یافته است. این گونه فعالیتها و دیگر اقدامات کنسولی سبب شده است که این واحد نتواند فرصت کافی برای تهیه گزارشهای سیاسی و برنامه های تجاری داشته باشد. این واحد همچنین برای یک مدت بحرانی ۹ هفته ای مشاور استانی محلی را در اختیار نداشت. در نتیجه حجم گزارشات مکتوب بسیار کم ولی از محتوای خوبی برخوردار بود. این واحد در زمینه تهیه گزارشات کلی سیاسی سفارت و ارسال گزارشات خود از طریق تلفن بسیار مثمرتر بوده است.

بنا به همین علل، کار بازرگانی اصلاً انجام نمی شود، اما شخص کنسول با کمک خویش به شرکتهای آمریکایی مشغول کار در این منطقه کمک بسیاری به جامعه تجاری آمریکا می کند. مشاور استانی جدید در زمینه فعالیتهای بازرگانی تجربه داشته و ظاهراً این کار را دوست دارد و در صورت راهنمایی و ارشاد از طرف سفارت خواهد توانست یک برنامه بازرگانی را عهده دار شود. بازرسین معتقدند برای تشخیص این مطلب که آیا افزایش فعالیت کنسولگری ضرورتی دارد یا نه، باید در زمینه بازار تحقیقاتی به عمل آید. به هر حال مشارکت و توجه بیشتر بخش اقتصادی و بازرگانی سفارت می تواند کمک مؤثری در این زمینه باشد.

یک عامل ممانعت در تمام فعالیتهای کنسولگری شخصیت محافظه کار و درونگرای اصفهانیهاست که

ایجاد رابطه با آنها را مشکل و غیرسازنده می نماید. دسترسی کنسول به عالیرتبه ترین مقامات محلی در صورتی بهتر خواهد شد که وی مستقیماً در برنامه ریزی و تدارک سفر بسیاری از چهره های مهم آمریکایی که هر ساله به اصفهان می آیند دخیل باشد.

به کنسولگری اجازه داده شده که یک منشی آمریکایی PIT را استخدام کند، ولی هنوز این کار صورت نگرفته است، چون در زمینه کسب گواهی عدم وجود اشکالات امنیتی در مورد متقاضیان مشکلاتی وجود داشته است. علاوه بر این، کنسولگری خواستار یک کارمند آمریکایی و یک دستیار محلی کنسولی سرویس خارجه دیگر شده است. در صورتی که شرح وظایف شغلی مورد نظر حاوی وظائف منشی گری نیز باشد، این منصب بایستی به ترتیبی مورد تصویب قرار گیرد که کنسول نیازی به ادامه قرارداد استخدام دستیار دوم محلی کنسولی نداشته باشد. تا زمانی که وضع این واحد از نظر تشکیلات بهبود نیافته، نمی توان گفت که آیا وجود یک کارمند دیگر در آنجا ضروری است یا نه. در صورت لزوم، سفارت آمریکا در تهران می تواند یکی از کارمندان بخش کنسولی را به کنسولگری اصفهان بفرستد تا در دوران ازدحام متقاضیان روادید به این واحد کمک کند. (پیشنهاد ۸ الف ۲)

در این کنسولگری مطالب طبقه بندی شده چندانی تهیه نمی شود و آن مقداری نیز که تهیه می شود می تواند توسط یک منشی آمریکایی PIT ماشین شود. با این حال، بازرسین معتقدند که یک منشی ذیصلاح سرویس خارجه باید موقتا به این واحد اعزام گردد تا وضع پرونده ها را مرتب کرده و سازماندهی

امور کنسولی

طبق برآورد کنسولگری در سال ۱۹۷۸ حجم کار مربوط به صدور روادید غیرمهاجرتی معادل ۳۷۰۰ تقاضانامه می باشد. گرچه میانگین روادید مربوط به هر روز معادل ۱۵ تقاضانامه می باشد، ولی جریان متقاضیان تابع فصل است که در ماههای تابستان به نقطه اوج خود می رسد. بنا به درخواست مقامات امنیتی ایران، کنسولگری در جهت کنترل شمار متقاضیان اقداماتی به عمل آورده که از نظر بازرسی از نقطه نظر حجم کار و روابط عمومی موجه نیست. طبق این سیستم متقاضی روادید باید ساعت ۴ بعدازظهر پنج شنبه به کنسولگری بیاید (جمعه و شنبه نیز تعطیلات آخر هفته است) تا شماره ای را دریافت نموده و هفته بعد تقاضانامه خود را تسلیم نماید. گاهی بیش از بیست شماره در روز توزیع نمی شود. در نتیجه تعداد کثیری از متقاضیان قبل از شروع ساعات کار اداری در روزهای پنج شنبه در کنار خیابان صف کشیده یا می نشینند به امید آن که یکی از این شماره های کدایی را دریافت نمایند. آنهایی که این کار طاقت فرسا را تحمل کرده و یکی از شماره های محدود را می گیرند باید ساعت ۱۰ صبح روز موعود برای مصاحبه به کنسولگری بیایند. سپس به افراد واجد شرایط گفته می شود که ساعت ۳/۴ بعدازظهر همان روز جهت دریافت پاسپورت خویش مراجعت نمایند.

بازرسی به مدت ۴۵ دقیقه شاهد روند مصاحبه با متقاضیان بودند. در این مدت ده نفر از نظر افسر کنسولی گذشتند. مدت مصاحبه ها بین یک تا نه دقیقه در نوسان بود و میانگین مصاحبه ها ۳ دقیقه بود چهار بار وقفه سبب هدر رفتن ۱۵ دقیقه از آن مدت گردید. در نتیجه، نیمی از بیست مورد اختصاص یافته در آن روز در مدت یک ساعت و نیم به اتمام رسید، در حالی که صد نفر در خارج از ساختمان و در هوای گرم منتظر دریافت شماره ای بودند تا بتوانند هفته بعد تقاضانامه خویش را به کنسولگری تسلیم نمایند.

بازرسین توصیه می کنند که سیستم شماره دهی فوراً متوقف گردد. با مرتب کردن وضع خویش در صورت

لزوم یک کارمند کنسولی می تواند تمام وقت خویش را در طول صبح هر روز به مصاحبه با متقاضیان

اختصاص داده و بدون هیچ گونه دردسری روزانه ۵۰ نفر را مورد مصاحبه قرار دهد. در صورتی که شمار

متقاضیان در روز بیش از این باشد (که با در نظر گرفتن آمار سالانه غیرممکن است) می توان به متقاضیان

باقیمانده شماره ای داد که به آنها اولویت می دهد روز بعد مراجعه کنند. (پیشنهاد ۸ الف ۴)

«پرونده های روادید چندان مرتب نیست و فقط تحت پنج گروه الفبایی قرار دارد. از آنجا که این واحد در

سال ۱۹۷۵ افتتاح گردیده تلاش برای یافتن پرونده لازم در چند نقطه برای کارمند این واحد کار دشواری

نیست، با این حال اگر این پرونده ها سریعتر مرتب شوند سهولت بیشتری ایجاد خواهد شد، بنابراین

بازرسین پیشنهاد می کنند که این واحد در انجام آن هر چه زودتر اقدامات مقتضی را به عمل آورد».

(پیشنهاد ۸ الف ۵)

دیگر پرونده ها و دستورالعملهای مورد نیاز کنسولی نیز می تواند روی میز هر کسی و یا در بایگانی

یعنی جایی که واقعا باید باشد، پیدا شود. بار دیگر، باید گفته شود که به خاطر حجم سبک کار، پرسنل

موجود می توانند آنچه را که می خواهند بدون دردسر بسیار پیدا کنند، ولی باید وضع بایگانی مرتب شود تا

برای یافتن یک مورد اجباراً به حافظه اشخاص وابستگی غیرضروری پیدا نشود. (پیشنهاد ۸ الف ۶)

خدمات مخصوص آمریکاییها برخلاف خدمات بخش صدور روادید مناسبتر است. روز حضور بازرسین

در این واحد روز پنج شنبه بود که در آن روز اکثر شرکتهای آمریکایی دست از کار می کشند. در آن روز حجم خدمات مربوط به گواهی امضاء و تمدید پاسپورتها بسیار سنگین می شود، ولی تمام موارد در کمال ادب و به طرز مؤثری انجام گرفت. در حال حاضر در حوزه کنسولگری اصفهان تنها یک آمریکایی در زندان به سر می برد. از این زندانی آن طور که لازم بوده هر ماه دیدار به عمل نیامده و گزارشی در مورد بازدیدهای انجام شده به وزارت خارجه ارسال نشده، در حالی که مقررات کتابچه توقیفها این امر را تصریح و تأکید نموده است. (پیشنهاد ۸ الف ۷)

کنسولگری معمولاً از طریق دوستان کارمندان آمریکایی در جریان توقیف افراد آمریکایی قرار گرفته و مستقیماً قادر به تماس با فرد مذکور که معمولاً مورد لطف و مرحمت مقامات قرار دارند، می باشد. در اکثر موارد دستگیر شدگان در کمتر از مدت ۲۴ ساعت آزاد شده و به این ترتیب ارسال گزارش به وزارت خارجه نیز ضرورتی ندارد. معذالک، بازرسی معتقدند که بهتر است این واحد این گونه سوابق را بایگانی نماید. (پیشنهاد ۸ الف ۸)

وزارت خارجه (CA/SCS) به بازرسی اعلام کرده است که اسامی موجود و کلا در پرونده آنها متعلق به تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۷۶ می باشد. ولی در حال حاضر کنسولگری فهرستی را در اختیار دارد که فاقد تاریخ است و بنا به گفته کنسول در طول سال قبل مورد تجدید نظر واقع شده است. این فهرست باید تجدید و نسخه ای از آن به بخش امور امنیتی وزارت خارجه ارسال گردد. (پیشنهاد ۸ الف ۹)

در اتاقک مخصوص گواهی امضاها، در همان کشویی که فهرست و کلاهی دعاوی جهت توزیع قرار دارد، بازرسی بسته ای حاوی تبلیغات مورخ مه ۱۹۷۸ مربوط به یک مؤسسه مشاوره حقوقی را یافتند که شامل مختصر مطالبی در مورد سابقه اعضای مؤسسه و نیز نقشه محل شرکت بود. این مطالب فوراً باید از آنجا برداشته شود و کنسولگری با انجام اقدامات لازم اطمینان حاصل کند که هیچ یک از کارمندان آن

عملی را انجام ندهد که براساس آن یک وکیل خاص بر وکلای دعاوی موجود در فهرست وکلای ارجحیت

داده شود. (پیشنهاد ۸ الف ۱۰)

امور اداری

حقوق دستیار کنسولی پیمانی از طریق سفارشات خرید پرداخت می گردد و همسر کنسول نیز به دفعات به استخدام کنسولگری در آمده است. (پیشنهاد ۸ الف ۱۱) دیگر کارگران پیمانی نیز از طریق کارفرمای ناظر سفارت استخدام می شوند و او نیز به نوبه خود با دیگران در این زمینه قرارداد منعقد می سازد.

بخش اعظم اوقات دستیار اداری محلی سرویس خارجه نسبتاً بی تجربه به این ترتیب تلف می شود. به طور مثال، وی یک فرم مخصوص صندوقدار مالی منطقه ای را در رابطه با پرداخت هر صورت حساب تهیه می کند. هفت صورت حساب ناقص پرداختی مربوط به ۱۹ آوریل ۱۹۷۸ در آنجا وجود داشت که در آن هنگام یکی از بازرسین شاهد شمارش پول نقد در تاریخ ۲۸ ژوئن ۱۹۷۸ بود. (پیشنهاد ۸ الف ۱۲)

معاون کنسول که شمارش پول نقد را انجام می داد هیچ گاه در زمینه تهیه صورت حساب مربوط به صندوقدار مالی منطقه ای آموزش ندیده بود. (پیشنهاد ۸ الف ۱۳) منابع مالی صندوقدار ب شامل ۹۵۰۰ دلار به پول ایران و ۵۰۰ دلار به پول آمریکا بود. این واحد کوچک به دلار نیازی ندارد. هزینه های نقدی ماه گذشته

معادل مبلغی کمتر از ۱۰۰۰ دلار بود. بنابر این میزان منابع مالی باید کاهش پیدا کند (پیشنهاد ۸ الف ۱۴).
صندوقدار پولهای نقد را در صندوق نگاهداری می کند که در هنگام شب در داخل یک اتاق قرار داده می شود، برای کنترل بیشتر باید یک گاو صندوق در اختیار وی قرار داده شود. (پیشنهاد ۸ الف ۱۵) او به طرز نادرستی از ماشین رسیدهای هزینه های کنسولی مبالغ نقدی دریافت می دارد، ولی رسماً آن مبالغ را انتقال نمی دهد. (پیشنهاد ۸ الف ۱۶)

سوابق مربوط به اشیای مصرف نکردنی در مورد اشیائی که از طریق خرمشهر، تبریز، تهران و نقاط دیگر به این واحد ارسال شده، کامل نیست. (پیشنهاد ۸ الف ۱۷ و ۱۸)
در کنسولگری که در طبقه همکف اقامتگاه کنسول قرار دارد چند اقدام امنیتی احتیاطی به عمل آمده، لیکن اتاقهای مرتبط مسکونی عملاً فاقد هر گونه حفاظتی بوده و روی پنجره ها هیچ قفلی وجود ندارد و از طریق پشت بامها نیز دسترسی به آنها آسان است. (پیشنهاد ۸ الف ۱۹)
دفاتر شلوغ و دارای فضای غیر مکفی است؛ در حالی که در محل اقامتگاه کنسولی فضای استفاده نشده بیشتری موجود است. (پیشنهاد ۸ الف ۲۰)

این ساختمان در عین زیبایی، از نظر سیم کشی برق، لوله کشی، پنجره ها، درها و دیگر مصالح در وضعیت مناسبی نیست. (پیشنهاد ۸ الف ۲۱) هیچ گونه طرح اضطراری تخلیه افراد در این واحد وجود نداشت.
(پیشنهاد ۸ الف ۲۲)

کنسولگری گزارش مفصلی در مورد پرداخت خرده هزینه های خویش تهیه نکرده است. دو هتل قابل قبول موجود در این شهر روزانه ۵۷ دلار دریافت می کنند؛ در حالی که میزان بودجه ای که در حال حاضر برای این کار در نظر گرفته شده ۶۱ دلار در روز است. (پیشنهاد ۸ الف ۲۳)

۸ الف ۱. سفارت آمریکا در تهران باید در مورد امکان انتصاب مقامات کنسولی تازه کار به سفارت و امکان انتصاب افراد مجرب در امور کنسولی از میان کارمندان خود سفارت به واحدهای تابعه با وزارت خارجه جهت بررسی امر تماس برقرار سازد.

۸ الف ۲. سفارت آمریکا در تهران باید یک مقام کنسولی را به طور موقت به کنسولگری اصفهان اعزام نماید تا در صورت لزوم در مواقعی که حجم کار صدور روادید بخصوص در مواقع تعطیلات سنگین است به آن واحد یاری دهد.

۸ الف ۳. سفارت آمریکا در تهران باید یک منشی آمریکایی صلاحیتدار را به طور موقت به کنسولگری اصفهان اعزام نماید تا در زمینه سازماندهی کارهای دفتری کنسولگری به آن واحد یاری دهد.

۸ الف ۴. کنسولگری اصفهان باید در برنامه کار و روش خویش تجدید نظری به عمل آورد تا بتواند در فصول ازدحام متقاضیان میزان روادید بیشتری را صادر نماید و سیستم شماره دهی برای مصاحبه آن هم هر یک روز در هفته را سریعاً متوقف نماید.

۸ الف ۵. کنسولگری اصفهان باید پرونده های روادید خود را بر طبق ضمیمه د بخش ۹ جلد چهارم نظامنامه امور خارجه و بخشنامه اصلاحی ۲۷۴ مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۷۷ مرتب سازد.

۸ الف ۶. کنسولگری اصفهان باید تمام پرونده ها و نظامنامه های خویش را مطابق شرایط روز مرتب کند، تا در صورت نیاز بتوان بدون اتلاف وقت به آنها دسترسی پیدا کرد.

۸ الف ۷. کنسولگری اصفهان باید به آمریکاییهای زندانی ماهی یک بار سرزده و در مورد هر ملاقات گزارشی را برای وزارت خارجه ارسال نماید (امور امنیتی).

۸ الف ۸. کنسولگری اصفهان باید سوابق مربوط به توقیف شدگان و اقدامات به عمل آمده در مورد آنها را نگاهداری کرده و این کار حتی در مورد کسانی که مدت حبس آنها کمتر از ۲۴ ساعت بوده و ارسال گزارش در مورد آنها به وزارت خارجه ضرورتی ندارد، لازم است انجام شود.

۸ الف ۹. کنسولگری اصفهان باید فهرست جدیدی از وکلای دعاوی را تهیه کرده و نسخه ای از آن را به وزارت خارجه (بخش امور امنیتی) ارسال دارد.

۸ الف ۱۰. کنسولگری اصفهان باید از توزیع مطالب مربوط به وکلای موجود در فهرست خویش دست برداشته و طوری عمل نکند که استنباط از آن ارجحیت یک فرد بر دیگر افراد موجود در آن فهرست باشد.

۸ الف ۱۱. کنسولگری اصفهان نباید از طریق سفارش خرید به استخدام دستیار کنسولی بپردازد و وزارت خارجه نیز باید یک کارمند محلی سرویس خارجه در اختیار آن قرار داده، تا از کنسولگری پشتیبانی لازم را به عمل آورد.

۸ الف ۱۲. سفارت آمریکا در تهران باید یک مقام بودجه و مالی را به طور موقت به کنسولگری اصفهان اعزام نماید تا در رابطه با روش حسابداری وجوه نقد به آنها کمک نماید.

۸ الف ۱۳. سفارت آمریکا در تهران باید اطمینان حاصل کند که هر یک از آمریکاییهای انتصابی به کنسولگری اصفهان با نحوه تهیه صورتحساب مربوط به صندوقدار مالی منطقه ای آشنایی دارد.

۸ الف ۱۴. کنسولگری اصفهان باید ۵۰۰ دلار موجودی خویش را به صندوقدار مالی منطقه ای در

پاریس بازگردانده و پول ایرانی خود را به میزان مورد نیاز برای سه هفته کاهش دهد.

۸ الف ۱۵. سفارت آمریکا در تهران باید یک گاوصندوق را منحصرآ جهت استفاده صندوقدار ب به

کنسولگری اصفهان منتقل سازد.

۸ الف ۱۶. کنسولگری اصفهان باید مفاد بخشنامه الف ۲۷۱۱ مورخ ۲۹/۶/۱۹۷۷ را در رابطه با

کنترل و اداره امور مربوط به هزینه های کنسولی اجرا کند.

۸ الف ۱۷. سفارت باید یکی از کارمندان خدمات عمومی خود را به طور موقت به کنسولگری

اصفهان اعزام نماید تا صورت مربوط به اشیای مصرف نکردنی کنسولگری را از سال تأسیس آن یعنی

۱۹۷۵ تهیه کرده و گزارش کار خویش را برای تیم بازرسی بعدی بر جای بگذارد.

۸ الف ۱۸. کنسولگری اصفهان باید برای تمام اشیاء و املاک مصرف نکردنی خویش سوابق لازم را

تهیه کرده و هر سال از کلیه اقلام موجودی برداری عینی کرده و سیاهه مربوط به آنها را و تفاوت بین هر دو

صورت اشیاء را مقایسه نماید.

۸ الف ۱۹. سفارت آمریکا در تهران باید یک مقام امنیتی را موقتاً به اصفهان اعزام نماید تا وضع

امنیت اقامتگاه کنسول را که در همان ساختمان کنسولگری قرارداد بهبود بخشد.

۸ الف ۲۰. کنسولگری اصفهان باید بخشی از اقامتگاه کنسول را به دفاتر کار و اداری اختصاص دهد.

۸ الف ۲۱. سفارت آمریکا در تهران باید در صورت پیدایش فرصت مناسب، محل بهتری را برای کنسولگری و اقامتگاه کنسول تهیه کند.

۸ الف ۲۲. کنسولگری اصفهان باید با کمک سفارت یک برنامه اضطراری تخلیه افراد را تهیه کرده و تمام کارمندان خویش را از مسئولیتهایشان در صورت بروز موقعیتهای اضطراری مطلع سازد.

۸ الف ۲۳. کنسولگری اصفهان باید گزارشات لازم برای حصول اطمینان از میزان هزینه های مورد نیاز روزانه آن در اصفهان را تهیه و مرتباً ارسال نماید.

ویرجینیا وایرز

بازرس

لاورنس ا. فولر چارلز تی. کراس

بازرس بازرس ارشد

کنسولگری شیراز، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه محرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۸ ب

واحدهای تابعه واحد: شیراز ژوئیه ۱۹۷۸

کنسولگری شیراز

حقایق

کنسولگری شیراز در ماه سپتامبر ۱۹۷۵ و همزمان با تعطیل کنسولگری آمریکا در خرمشهر افتتاح

گردید. این واحد دارای سه کارمند آمریکایی و پنج کارمند محلی است و سرپرستی آن را یک افسر

مدیریت رده ۴ عهده دار است. واحد مزبور دارای سه گارد و یک تعمیرکار پیمانی نیز می باشد. در حوزه

مأموریت این کنسولگری حدود ۴۰۰۰ آمریکایی مقیم می باشند. کنسولگری شیراز تمام خدمات کنسولی را به استثنای صدور روادید مهاجرت انجام می دهد (متقاضیان مربوطه در این مورد را به سفارت آمریکا در تهران ارجاع می نماید).

ارزیابی و نتیجه گیری

مقدمه

کنسولگری شیراز به نحوی بسیار عالی اداره شده و واحدی سازنده به شمار می آید. با وجود این که حجم کار این واحد بسیار سنگین است و خدمات آن از نظر شمار روزافزون آمریکاییهای مقیم این حوزه با ارزش می باشد، ولی این علل نمی تواند تنها عوامل توجیه کننده حضور آن باشد.

با این وصف حوزه این کنسولگری شامل تمام منطقه جنوبی ایران و دربرگیرنده تمام مراکز و بنادر تولید نفت مهم کشور می باشد. از آنجا که مقامات کنسولگری رابطهای خوبی در خود شیراز داشته و طبق برنامه دقیق به تمام نقاط حوزه خویش سفر می نمایند تا رویدادهای سیاسی و اقتصادی را گزارش کنند، اطلاعاتی که توسط آنها ارائه می شود در تهران نیز قابل تهیه نیست. شاید مهمترین نکته این باشد که آنها برداشتی کاملاً متفاوت با برداشت موجود در تهران را ارائه می کنند که خود به طور کلی برای درک بهتر ایران ضروری است و به همین دلیل از نظر سفارت و واشنگتن حائز اهمیت و ارزش بسیار می باشد. این گزارشات و مطالب با در نظر گرفتن عملکرد کنسولی نشان می دهد که این واحد در مسیر منافع آمریکا

عمل می کند.

تمام عملیات این واحد به خوبی سازماندهی شده و به طرز مؤثری اداره می شود. هر سه مقام موجود توأماً عملیات کنسولی و اداری را انجام می دهند و دو مقام تازه کار نیز به تهیه گزارش رویدادهای سیاسی و اقتصادی ترغیب می شوند تا علاوه بر تکمیل گزارشات افسر ارشد کنسولگری در این زمینه آموزش لازم را نیز دیده باشند. نظارت و رهنمودهای سفارت در مورد مسائل مربوط به خط مشی و مدیریت کافی است، ولی در روند تهیه مقدمات بودجه ای باید با آن مشورت بیشتری شود و رؤسای بخشهای مختلف سفارت نیز باید به این حوزه بیشتر سفر کنند. این واحد مکلف به کمک در رابطه با اسناد خط مشی کشوری شده و بازرسی احساس می کنند که سفارت باید توجه بیشتری را معطوف عملیاتی سازد که در چهارچوب این کنسولگری صورت می پذیرد.

این کنسولگری دائماً گزارشات بسیار خوبی را به صورت نامه هوایی و یادداشت مکالماتی ارسال می دارد. محتوای تجزیه و تحلیلی این گزارشات نیز عالی بوده و موضوعات انتخاب شده توسط افسر ارشد این واحد نیز با علایق سفارت مرتبط بوده است. بخش سیاسی سفارت باید بیش از این واحد مزبور را راهنمایی و ارشاد نماید.

انجام وظیفه واحد در زمینه تهیه و ارسال گزارشات اقتصادی بخصوص طی سال گذشته بسیار خوب بوده و بنادر، سیستم راهها، ظرفیت تولید انرژی و کشاورزی ایران را در بر می گرفته است. واحد مزبور گزارشات بازرگانی چندانی را تهیه نمی کند، چون کارمند محلی که باید آمار و ارقام و مطالب اولیه را تهیه کند به قدر کافی دارای سرعت عمل نیست. کار بازرگانی در شیراز به طور کلی از عدم توجه بخش اقتصادی بازرگانی نیز برخوردار است و به تنهایی عمل می کرده است. انجام تحقیق در زمینه بازار اقدامی باارزش است و باید بین بخش اقتصادی و بازرگانی سفارت و کنسولگری تماسهای بیشتری برقرار شود.

علیرغم موانعی چون فضای کار شلوغ و غیرمکفی، یک جامعه آمریکایی بزرگ روبه رشد (۴۰۰۰ نفر)، وسعت حوزه کنسولی که تقریباً ۴۰ درصد کشور را در بر می گیرد و تقاضای روزافزون برای خدمات صدور روادید غیرمهاجرتی، عملیات کنسولی به خوبی دنبال می شود. تقاضا نامه های روادید تنها در سال گذشته به سه برابر افزایش یافته بود. این واحد توانسته است تقاضای رو به افزایش مربوط به همه نوع خدمات کنسولی را برآورده ساخته و این کار تنها از طریق برنامه ریزیهای خلاق و انعطاف پذیری سه افسر ارشد واحد امکان پذیر بوده، چون همین امر موجبات مسافرتهاى آنان به نقاط مختلف حوزه کنسولی را جهت ارائه خدمات به شمار بسیاری از آمریکاییها، فراهم آورده و در عین حال در کار خود کنسولگری نیز وقفه ای ایجاد نکرده است.

در حوزه کنسولگری شیراز و در حال حاضر هیچ یک از آمریکاییان در زندان به سر نمی برند و طی دو سال گذشته تنها سه نفر دستگیر شده اند. مقامات ایرانی رسماً کنسولگری را از طریق وزارت خارجه در جریان دستگیریها قرار می دهند، ولی در تمام این سه مورد، کنسولگری به طور غیررسمی در جریان امور قرار گرفته و قبل از رسیدن اخطاریه رسمی، تماس خویش را با دستگیر شدگان برقرار ساخته بود. اصولاً مأموران قانون ایران با آمریکاییها بهتر از اتباع خویش رفتار می کنند.

ظاهراً در یک مورد آن هم در ژوئیه ۱۹۷۷ با یک آمریکایی توقیف شده بدرفتاری شده و شبانه روانه زندان شده بود. کنسولگری پس از مطلع شدن از موضوع، با فرد آمریکایی تماس حاصل نمود و از وی خواست که نوشته ای حاوی شرح واقعه را تهیه کند و او نیز چنین نمود. دستگیری و بدرفتاری به طرز صحیحی به وزارت خارجه (بخش امور امنیتی) و سفارت آمریکا گزارش گردید.

در همین مورد به مقامات محلی اعتراضیه ای تسلیم شد و سفیر نیز شخصا موضوع را با نخست وزیر در میان گذاشت. عقیده بر این است که این واقعه منحصر به فرد بوده و نشاندهنده طرز برخورد نسبت به آمریکاییهایی که دستگیر شده اند نیست.

امور اداری

همان طور که در گزارش بازرسی ۱۹۷۶ خاطر نشان شده بود، عنوان شغلی ۰۰۲ ۲۰۲۱ ۵۰ یعنی افسر اداری مناسب نیست، چون این فرد بخش اعظم اوقات خود را صرف کارهای کنسولی و بازرگانی می کند. فردی که با این عنوان شغلی به فعالیت پردازد در حال گذراندن اولین دوره خدمت خویش می باشد. همان طور که انتظار می رفته او در نظارت بر کار کارمندان محلی سرویس خارجه با مشکلاتی روبه رو شده است. مثلاً وی در عین تازه وارد بودن سعی کرده است به آنها دستور بدهد. اسلاف وی نیز در دوره اول خدمت خویش با همین مشکلات روبه رو بوده اند. به همین دلیل، توصیه می کنیم که فردی عهده دار این مسئولیت شود که قبلاً در سفارت تهران به مدت یک سال یا بیشتر در این زمینه تجربه داشته باشد. (پیشنهاد ۸ ب ۱)

در حال حاضر، کنسولگری در طبقه دوم یک ساختمان دوبلکس واقع شده و شخص کنسول نیز در طبقه اول اقامت دارد. اتاقها طوری ساخته شده اند که بعضی از دفاتر کار به صورت محل عبور ارباب رجوع مورد استفاده قرار می گیرد که به هیچ وجه مناسب نیست. فردی به طور غیررسمی به کنسول اطلاع

داده که در صورت انعقاد قرارداد اجاره مناسبی حاضر است یک ساختمان اداری و سه خانه مسکونی را بر طبق مشخصات مورد نظر اداره ساختمانهای خارجی وزارت خارجه برای کنسولگری احداث کند. وضع امنیتی کنسولگری ضعیف است، اما کنسول میل ندارد تدابیر پیشنهادی افسر امنیتی سفارت را که دربرگیرنده هزینه بسیار می باشد، اجرا کند، چون امیدوار است که مذاکراتش با فرد ساختمان ساز مورد نظر به نتیجه برسد. (پیشنهاد ۸ ب ۳).

به روشهای مورد استفاده توسط صندوقدار ب توجه بسیار معطوف شد، چون او موافقت کرده است که مبلغ ۳۷۳۱۴ ریال (۶۵/۵۲۹ دلار) کسری حساب صندوق خود را شخصا پرداخت نماید. وی فردی بی نظم است و بیشتر برای یافتن و یا آگاهی از موجودی صندوق به حافظه خویش متکی است؛ او با صورتحسابهای خویش بنا به درخواست سفارت آمریکا در تهران و می رود تا نشان دهد که اسناد ارسالی به سفارت هنوز در اختیار وی می باشد تا سفارت شماره های انتقالی صندوقدار مالی منطقه ای را به او گزارش کند؛ او در سوابق حسابداری خود تراز حساب صندوق را نگاهداری نمی کند و چکهای حقوقی کارمندان محلی را نقد می کند و هر دو هفته یکبار صورتحسابهای هزینه را تحویل می دهد. بخش اعظم این ضعفها با بی تجربگی ناظران وی و نیز فقدان رهنمود کافی از سوی سفارت مرتبط است. یک افسر بودجه و مالی باید به این کنسولگری سفر کند و روشهای کنترل نقدینه بهتری را پیاده نماید. (پیشنهاد

۸ ب ۴). شماره انتقالی صندوقدار مالی منطقه ای نیز باید توسط کنسولگری مشخص شود نه توسط سفارت.

وضع پرونده مربوط به اشیای مصرف نکردنی قابل قبول نیست. یکی از افسران خدمات عمومی سفارت باید به این کنسولگری آمده و روشهای کنترل بهتری را برنامه ریزی کند. (پیشنهاد ۸ ب ۵) به استثنای کنترل مربوط به مدیریت نقدینه ها که در فوق به آن اشاره شد، پشتیبانی اداری سفارت از این واحد رضایتبخش بوده است.

پیشنهادات

۸ ب ۱. سفارت آمریکا در تهران باید با همکاری وزارت خارجه موضوع امکان انتصاب تمام مقامات جدیدالانتصاب را به سفارت و انتصاب مقامات مجرب از سفارت به واحدهای تابعه را مورد بررسی قرار دهد.

۸ ب ۲. سفارت آمریکا در تهران باید در اولین فرصت دفاتر کار کنسولگری شیراز را به محل امنتری منتقل سازد. در صورتی که تأخیر بیش از ۱ ماه باشد، پیشنهادات مطروحه در آخرین بررسی امنیتی حتما باید به مرحله اجرا در آید.

۸ ب ۳. سفارت آمریکا در تهران باید افسر بودجه و مالی خود را به کنسولگری شیراز اعزام نماید تا زمینه کنترل بهتر نقدینه ها را فراهم آورد.

۸ ب ۴. سفارت آمریکا در تهران باید یک افسر خدمات عمومی را به کنسولگری شیراز بفرستد تا روشهای بهتری را برای کنترل اشیای مصرف نکردنی طراحی کند.

ویرجینیا وایرز

بازرس

چارلز تی. کراسلاورنس ا. فولر

بازرس ارشد بازرس

کنسولگری تبریز

وزارت امور خارجه محرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۸ ج

واحدهای تابعه واحد: تبریز ژوئیه ۱۹۷۸

کنسولگری تبریز

حقایق

کنسولگری آمریکا در تبریز در شمال غربی ایران دارای یک افسر آمریکایی و ۱۲ کارمند محلی (پنج

کارمند استخدامی و هفت کارمند پیمانی) بوده و در محوطه ای وسیع و جالب واقع شده است. این واحد

خدمات مورد نیاز کنسولی را برای یک جامعه آمریکایی عظیم ارائه کرده و گزارشات منطقه ای مهمی را

ارسال می نماید.

ارزیابی و نتیجه گیری

بازرسین تصمیم گرفته اند پیشنهادات مندرج در گزارش بازرسی قبلی (۱۹۷۶) را تغییر داده و ایفای کنسولگری تبریز را توصیه نمایند. ارزش این واحد در رابطه با منافع آمریکا، تنها در گزارشات عالی کنسولگری در مورد رویدادهای مهم این منطقه خطیر ایران نهفته نیست، بلکه عوامل روانی و مربوط به وجهه و حیثیت نیز وجود دارند که به طرز پیچیده با یکدیگر مرتبط بوده و دریافت روابط ایران و آمریکا حائز اهمیت می باشند.

به عبارت دیگر باید گفته شود که هنوز موقع آن نرسیده که بتوان سبب مشهود منافع آمریکا که دیرزمانی است از استقرار آن می گذرد را در این منطقه بی ثبات و تجزیه طلب از میان برداشت و آینده این منطقه را دستخوش ناآرامی نمود. این حرکت ممکن است برای دولت ایران به سادگی قابل درک نباشد، چون در حال حاضر دولت ایران در صدد تقویت روابط خویش با بخش شمال غربی ایران می باشد. بسته شدن کنسولگری در این منطقه ممکن است به صورت علائمی نادرست توسط عراق، ترکیه و شوروی تعبیر شود، چون همه آنها به این منطقه همجوار با مرزهای خویش با علاقه خاصی می نگرند. علاوه بر این، این کار باعث می شود که ۲۰۰۰ آمریکایی مقیم این حوزه کنسولی از خدمات مهم آن محروم بمانند. (تعداد آمریکاییهای مقیم این حوزه در حین بازرسی سال ۱۹۷۶ برابر با ۴۰۰ نفر بود) شمار آنها رو به افزایش است و مشکلاتشان نیز پیچیده تر. ملک متعلق به کنسولگری در تبریز نیز بسیار وسیع است و از شهرت بسیار برخوردار و گاهی این نگرانی ابراز شده است که نیاز به این مکان بسیار وسیع نیست. این موضوع در حال حاضر درست است، ولی جای دیگری وجود ندارد که بتوان بدون صرف هزینه سنگین آن را در اختیار گرفت، ولی به هر حال، بخشی از محوطه کنسولگری برای فروش عرضه شده است.

در همین رابطه گفته شده است که ارزش کل این دارایی بسیار زیاد است. برآوردهای سنگینی نیز با در نظر گرفتن قیمتهای «بازار آزاد» به عمل آمده است. با این حال، این گونه برآوردها را غیر واقعگرایانه می دانیم.

بازار پررونق خرید و فروش زمین در تبریز از بین رفته و در طول سال گذشته قیمت‌ها شکسته شده است. علاوه بر این، ایرانیها مایل به پرداخت قیمت بازار آزاد در ازای زمین کنسولگری نیستند، چون تصور می‌کنند که این زمین پس از خریداری توسط آنها ممکن است توسط دولت ایران ضبط شود. اخیراً این امر در منطقه تبریز چندین بار صورت گرفته است. در چنین مواردی اغلب بخش کوچکی از هزینه‌های متحمل شده توسط خریدار و شاید چیزی در حدود ۱۰ درصد به وی باز گردانده شده است. فضای باز بسیاری در نقاط مختلف شهر وجود دارد، ولی نرخ زمین چندان بالا نیست.

گزارشات سیاسی ارسالی از تبریز عالی بوده است. مقام مسئول کنسولگری صحنه منطقه تبریز را کاملاً تحت پوشش قرار داده است. گزارشات وی در مورد شورشها و دیگر مطالب از کیفیت بسیار عالی برخوردار بوده است (تا همین اواخر، سفارت، ظاهراً گزارشات سیاسی تبریز را سانسور و یا محدود می‌کرده است، ولی این مسئله در حال حاضر حل شده است). با این حال، وی در زمینه ارسال گزارشات اقتصادی و بازرگانی فعالیت چندانى نداشته چون فاقد فرصت و تجربه کافی در این زمینه است.

حجم کار کنسولی در تبریز بخصوص در رابطه با حراست و حفاظت افزایش یافته است. در طول مدت بازرسی، سه جوان آمریکایی به جرم سرقت اتومبیل دستگیر شده بودند. مقام مسئول کنسولگری نیز با این مسائل با حساسیت و تخصص خاص خویش برخورد نمود. او موجبات انتقال دو تن از این آمریکاییها را از یک سلول کوچک و فاقد پنجره و دارای دمای ۱۰۰ درجه در حالی که مجبور بودند با ۱۲ هم سلول

ایرانی عصبانی به سر برند، به یک اتاق در بیمارستان زندان فراهم آورد.

بازرسین همچنین توصیه کرده بودند که اختیار صدور پاسپورت به کنسولگری تبریز داده شود تا وضع خدمات ارائه شده به آمریکاییهای مقیم این منطقه بهبود یابد. کار مربوط به صدور روادید غیرمهاجرتی رو به افزایش است و در سال ۱۹۷۹ دو برابر ۱۹۷۷ خواهد شد. (پیشنهاد ۸ ج ۱)

بخش اقتصادی بازرگانی کنسولگری تبریز باید فعالتر شود. به طور مثال، مسئول تحقیق در امور بازار که اکنون در خارج مرکز تجاری، آمریکا در تهران مشغول کار است باید به تبریز اعزام و مطالعات تحقیقاتی مربوطه را انجام دهد. (توصیه ۸ ج ۲) فرصتهای تجاری حتما در این منطقه وجود دارد ولی در مورد آنها گزارشی ارسال نشده است.

بنا به اعتقاد بازرسین، حوزه عمل افسر اصلی کنسولگری بسیار محدود است و آمریکا از بسیاری از مزایای نهفته در ابقای این واحد در تبریز محروم مانده است. به منظور تحت پوشش درآوردن بهتر این منطقه و ارائه خدمات کافی، او در اغلب اوقات باید به نقاط مختلف سفر کند و به این ترتیب واحد وی تحت پوشش کافی قرار نمی گیرد. در عین حال که یک کارمند توانسته است فراتر از حداقل نیاز بخش کنسولی، سیاسی و اداری عمل کند، ولی در زمینه اقتصادی و بازرگانی و یا گزارش و تجزیه و تحلیل رویدادهای شمال غرب ایران عمق مطلوب را نداشته است. به همین دلیل بازرسین توصیه می کنند که یک کارمند تازه کار دیگری که به زبان فارسی آشنا باشد، به واحد مزبور در تبریز اعزام گردد.

(پیشنهاد ۸ ج ۳)

بازرسین به این نتیجه رسیده اند که به طور کلی کنسولگری تبریز از مدیریت خوبی برخوردار بوده است. صورتی از تمام مایملک شخصی در دست تهیه بود؛ دسترسی به ماشین صدور روادید محدود بود؛ رسیدههای کنسولی کنترل شده و کلاً کنسولگری از وضعیت خوبی برخوردار می باشد، ولی در یک

زمینه یعنی کنترل ۱۰۰۰۰ دلار پیش پرداخت نقد باید تلاش بیشتری اعمال شود. بررسی اعلام نشده ماهانه حسابها صورت نمی گیرد. روشهای توصیه شده مربوط به دریافت، سپرده ها و انتقال اشیاء نیز باید دنبال نشود و این واحد باید مدارک مربوط به این گواهیها را ضبط و در بایگانی نگهداری کند. (پیشنهاد ۸ ج ۴)

پیشنهادات

۸ ج ۱. سفارت آمریکا در تهران باید اختیار صدور پاسپورت را به کنسولگری تبریز تفویض نماید.

۸ ج ۲. سفارت آمریکا در تهران باید افسر تحقیق در امور بازار را به تبریز جهت تهیه گزارش از وضع بازار اعزام نماید.

۸ ج ۳. سفارت آمریکا در تهران و وزارت خارجه باید ترتیبی دهند تا یک مقام دیگر به کنسولگری تبریز اعزام و منصوب شود.

۸ ج ۴. کنسولگری تبریز باید به صورت صحیحی بررسی و تأیید پیش پرداخت نقدینه ها را انجام داده و گزارش کار لازم را تهیه و نگاهداری نماید.

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

آلن دبلیو. برنسونکنت ان. راجرز

بازرسبازرس

وزارت دفاع، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه خيلي محرمانه

هدايت روابط با ايران (امور خاور نزديك / ايران) يادداشت بازرسي شماره ۹ الف

سازمانهاي ديگرواحد: تهران ژوئيه ۱۹۷۸

وزارت دفاع

حقايق

هيئت نمايندگي نظامي در ايران / و مستشاري نظامي مرکب از ۹۱۸ پرسنل نظامي و ۲۷۴ پرسنل غير

نظامي وزارت دفاع به سرپرستي يک سرلشگر نيروي هوايي که نماينده وزارت دفاع نيز هست، مي باشد.

رئيس هيئت مستشاري نظامي بر فعاليت ۷۰۰۰ پرسنل پيماني آمريکايي نيز نظارت دارد. هيئت

مستشاري نظامي با رعايت رده خدمتي سازماندهي شده بر فروشهاي نظامي خارجي که در سال ۱۹۷۷

معادل ۶ ميليارد دلار بوده و در سال مالي ۱۹۷۸ نيز معادل ۳ ميليارد دلار خواهد شد نظارت اعمال

مي کند. چند تيم کمک فني حوزه اي نيز وجود دارد که ارائه آموزش لازم در زمينه سيستمهاي تسليحاتي و

عملکردهاي نظامي را بر عهده دارد.

دفتر وابسته دفاعي داراي هشت کارمند آمريکايي و پنج کارمند محلي است. وابسته دفاعي نيز يک

سرهنگ نيروي هوايي آمريکا مي باشد.

ارزيابي و نتيجه گيري

عمليات تحت سرپرستي رئيس هيئت مستشاري نظامي از نظر حجم و پيچيدگي در حوزه کمک

نظامي بايد بي نظير باشد. او رهبريتي مؤثر براي ديگر عناصر تيم کشوري محسوب مي شود و با آنها به

خوبي همکاري مي کند. سفير نيز مستقيماً در تمام جنبه هاي عمليات وزارت دفاع در ايران دخالت دارد و

از جزئيات برنامه ها به خوبي مطلع است. او در جلسات روزانه کارمندی که رياست هيئت مستشاري

نیز در آن شرکت دارد، رهنمودهای لازم را ارائه می کند.

یک مشاور سیاسی نظامی توانا و سخت کوش بین سفارت و هیئت مستشاری نظامی و بین نمایندگی

آمریکا در ایران و واشنگتن رابطه لازم را حفظ کرده و تداوم می بخشد. او مطابقت فروشهای نظامی با

مقررات و رهنمودها را به دقت زیر نظر دارد و علل توجیه کننده خریدهای تسلیحاتی را که توسط دولت

ایران و مستشاری نظامی مطرح می گردد مورد ارزیابی قرار می دهد. مشکلات مربوط به خطوط ارتباطی

مستقیم که در گزارش بازرسی قبل مطرح شده بود ظاهراً مرتفع گشته است.

در زمینه رعایت مقررات مربوط به فروشهای نظامی در برگیرنده شمار عظیمی از پرسنل آمریکایی و

مبالغی چنین هنگفت نمایندگی با مشکلاتی روبه رو می باشد. بازرسین معتقدند که تلاشی صادقانه در حال

انجام است تا بر اساس این مقررات از افزایش فروشها جلوگیری به عمل آید و با انحرافات مربوطه نیز به

طور جدی برخورد شود. معذالک بین مشاوره با ایرانیها در مورد استفاده و تناسب یک سیستم تسلیحاتی

و حمایت از آن و یا پیشنهاد مربوط به یک راه حل دیگر نمی توان وجه تمایز خاصی ایجاد کرد و در این

رابطه تمام طرفین ذیربط باید با کمال هوشیاری مراقب عدم تخلف از آن باشند.

مشکل دیگر اشتباهی سیری ناپذیر ایرانیان برای سیستمهای تسلیحاتی برخوردار از تکنولوژیهای

پیشرفته است. گرچه سیاست آمریکا بر کمک به ساخت و مدرن سازی نیروهای نظامی آن کشور و تأمین سلاحهای مورد نیاز آن تأکید دارد، دولت ایران بنا به علل مختلف می خواهد تجهیزاتی را به دست آورد که توان جذب آنها را در حال حاضر ندارد. در مورد روشهای مورد استفاده در ارسال درخواستهای خرید تسلیحاتی ایران، بازرسین توجیه شده و از روش پیچیده و منسجمی که در نتیجه آن جریان تجهیزاتی، آموزش پرسنل مخصوص آنها، مکان انبار آن، و وسایل تعمیراتی آن قبل از ارسال درخواستها پیش بینی می شد، تحت تأثیر قرار گرفتند.

هیئت مستشاری نظامی بسیار بزرگ و مستقر در محل همتای خویش در نیروهای دفاعی ایران گاهی اوقات نقش وابسته دفاعی را به عنوان رابطه بین نیروهای دفاعی ایران و به عنوان مشاور سفیر در مسائل نظامی این کشور را بر عهده می گیرد. با این حال، می گویند که ایرانیها نسبت به گردآوری اطلاعات نظامی توسط خارجیها حساس هستند و به دقت کانالهای رابط وابسته دفاعی را زیر نظر می گیرند. معذالک، دفتر وابسته دفاعی در زمینه تهیه گزارشات بیوگرافیک حائز اهمیت از نظر واحد مشغول کار است. دفتر وابسته دفاعی با دیگر بخشهای سفارت نیز روابط بسیار خوبی برقرار نموده است.

کنت ان . راجرز چارلز تی . کراس

بازرسبازرس ارشد

سازمان ارتباطات بین المللی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) یادداشت بازرسی شماره ۹ ب

سازمانهای دیگر واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

سازمان ارتباطات بین المللی

حقایق

سازمان ارتباطات بین‌المللی مرکب از ۱۴ کارمند آمریکایی و ۱۷ کارمند محلی در عملیاتی بسیار وسیع و پرتحرک و مرتبط با مراکز دولتی می‌باشد. در استانها این سازمان از طریق انجمن ایران و آمریکا عمل می‌کند. ساختمان سازمان ارتباطات بین‌المللی در تهران شامل یک دفتر کار بزرگ، یک مرکز فرهنگی بسیار مجهز و یک مرکز آکادمیک تقریباً رضایتبخش می‌باشد. قرار است یک ساختمان جدید نیز توسط انجمن ایران و آمریکا در کنار مرکز فرهنگی طی سال جاری احداث شود تا مرکز آکادمیک به آنجا منتقل گردد.

ارزیابی و نتیجه‌گیری

سازمان ارتباطات بین‌المللی آمریکا در ایران که از دیرباز عنصر مهمی در روابط ایران و آمریکا و بخصوص در عصر کنونی حیات فرهنگی ایران بوده است، روشها و برنامه‌های خود را با ایران و تغییرات آن به خوبی انطباق داده و سعی دارد توجه خود را از اهداف قبلی خویش که همان نخبگان ماهر از نظر زبان، جهان‌دیده و عموماً تحصیلکرده آمریکا می‌باشند منحرف ساخته و به حضاری مرکب از آنهایی که کمتر با آمریکا آشنا بوده، ولی به تدریج بر رویدادهای ایران در ۵ تا ۱۰ سال آینده تأثیر خواهند گذاشت، معطوف نماید. در این حرکت جدید سعی خواهد کرد از ایجاد ارتباط بیشتر با ایرانیانی که دارای روابط

خصوصی بسیار با آمریکا هستند جلوگیری به عمل آورد. در این مسیر، سازمان ارتباطات بین المللی در حال تقویت عنصر فارسی برنامه های خویش می باشد. برنامه های انجمن ایران و آمریکا را توسعه می دهد تا بتوانند اتباع ایرانی بیشتری را در بر گیرند، فیلمهایی را به زبان فارسی به نمایش در می آورد، از متخصصین آمریکایی برای سخنرانی در زمینه باستان شناسی، فرهنگ و تاریخ ایران دعوت به عمل می آورد. اقداماتی در دست اجراست تا بخشی از برنامه های صدای آمریکا به زبان فارسی پخش شود، چون پخش این برنامه ها از خارج توجه بسیاری از افراد کنجکاو از نظر سیاسی را بر می انگیزد. این برنامه ها طوری ترتیب داده شده تا پایگاه تماس سازمان ارتباطات بین المللی گسترش یافته و با هدف کلی این سازمان یعنی افزایش سطح ارتباط دو جانبه با مردم سازگار واقع شود. با این حال، کارمندان این آژانس نمی توانند به تنهایی تمام وظایف را انجام دهند و به نظر بازرسین کارمندان آمریکایی بخشهای دیگر نمایندگی نیز باید در برنامه های انجمن ایران و آمریکا مشارکت بیشتری داشته باشند. (پیشنهاد ۹ ب ۱)

یک مطلب دیگر مورد توجه این سازمان دانشجویان ایرانی هستند که عازم آمریکا می باشند. در حال حاضر حدود ۶۰۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آمریکا به سر می برند و شمار آنها هر ساله رو به افزایش است. این دانشجویان هم برای آینده ایران ارزشمند هستند و هم خطری برای زمان حال آن محسوب می شوند. جنبه مثبت قضیه آن است که آنها به شمار ایرانیان تحصیلکرده ای که با آمریکا آشنا بوده و از آن هواداری می کنند، می افزایند. جنبه منفی قضیه این است که بسیاری از دانشجویان نه چندان ذیصلاحی که در آمریکا به سر می برند در گیر فعالیتهای ضد رژیم می شوند و به روابط بین ایران و آمریکا لطمه وارد می سازند. سازمان ارتباطات بین المللی نقش خود را در زمینه مشاوره و معارفه گسترش داده و تلاش خود را در زمینه آموزش زبان انگلیسی به ۵۰۰۰ دانشجوی زبانی که در انجمن ایران و آمریکا ثبت نام کرده اند

تقویت نموده است. این برنامه کاملاً خودجوش است و هزینه های عملیاتی این مرکز دو ملیتی را خود تأمین می نماید.

شمار دانشجویان فاقد صلاحیتی که به مدارس نه چندان معتبر می روند نیز بخشهای کنسولی و سیاسی را نگران کرده است. بازرسین معتقدند که باید سیاست مشخصتری در زمینه صدور روادید دانشجویی اعمال شود و سازمان ارتباطات بین المللی نیز با تخصیص ویژه خویش باید به عنوان یکی از عوامل مؤثر در این روند به کار گرفته شود. (به گزارش ۵ بازرسی رجوع شود)

برنامه های مبادله دانشجویی در عین فعال بودن نقش چندان خطیری در رابطه با اهداف آمریکا ایفا نمی کنند و علت آن نیز روابط بسیار گسترده است که بین نهادهای ایرانی و آمریکایی ایجاد شده که عامل عمده آن نیز سازمان ارتباطات بین المللی و اسلاف آن بوده اند. به همین دلیل برنامه مبادله دانشجویی از حوزه عمل بسیار محدودی برخوردار است. دولت ایران نیمی از هزینه های سازمان ارتباطات بین المللی را پرداخت می کند و بقیه توسط خود سازمان در بالا بردن سطح مبادلات فردی تأمین می گردد.

جهت گیری و تأکید برنامه های سازمان ارتباطات بین المللی در برنامه کشوری هماهنگ با اهداف آمریکا در ایران است. سفیر نیز در تهیه این برنامه شخصا مشارکت و توجه داشت تا به این ترتیب حوزه تماسهای سازمان گسترش یابد. مسئول روابط عمومی نیز عضو مهمی از تیم کشوری است و در زمینه تمام مسائل مربوط به دیپلماسی عمومی نظریات وی مؤثر واقع می گردد. بین سازمان ارتباطات بین المللی و بخش

اقتصادی بازرگانی نیز همکاری نزدیک برقرار است تا خدمات مربوط به حفظ سوابق حضار به طرز مؤثری انجام شود. بازرسی معتقدند که از این وسیله باید بیش از اینها بهره برداری شده چون این بخشها می توانند با استفاده از خدمات بایگانی سوابق حضار در زمینه تهیه فهرست اسامی میهمانان، بازدید و غیره مفید و مؤثر واقع گردند. طبق اظهارات مسئول روابط عمومی، حمایت اداری سفارت با در نظر گرفتن مشکلات کار در تهران بسیار عالی بوده است؛ مشکلات مربوط به مسکن که گویا در گذشته روابط عناصر موجود در نمایندگی را تیره ساخته بود اکنون تا حدود زیادی برطرف شده است. (پیشنهاد ۹ ب ۲)

پیشنهادات

۹ ب ۱. سفارت آمریکا در تهران باید موجبات مشارکت بیشتر پرسنل خویش را در برنامه های انجمن ایران و آمریکا فراهم آورد.

۹ ب ۲. سفارت آمریکا در تهران باید از خدمات بایگانی سوابق حضار در سازمان ارتباطات بین المللی توسط دیگر مقامات سفارت بخصوص سیاسی و اقتصادی بازرگانی، بیشتر استفاده کند.

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

وزارت دادگستری و سازمان مبارزه با مواد مخدر، حقایق،...

وزارت امور خارجه محرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۹ ج

سازمانهای دیگر واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

وزارت دادگستری و سازمان مبارزه با مواد مخدر

حقایق

نماینده سازمان مبارزه با مواد مخدر در سفارت آمریکا در تهران یک مقام مجرب است. دفتر کار وی در ساختمان کنسولی که قرار است محل آن تغییر یابد، واقع شده است. وی دارای یک منشی آمریکایی است. مقام مسئول سازمان مبارزه با مواد مخدر گزارش کار خویش را به معاونت نمایندگی تسلیم می کند. و هر دو هفته یکبار وی را در جریان فعالیتهای خود قرار می دهد. علاوه بر این وی از حمایت سفیر نیز برخوردار است و هر گاه که مایل باشد می تواند با وی ملاقات نماید.

مقام مسئول هماهنگی در مواد مخدر دومین مقام موجود در بخش سیاسی است. کمیته مواد مخدر که ریاستش به عهده معاونت نمایندگی است، دارای نه عضو از گروههای دیگر چون وابسته کشاورزی، هیئت مستشاری نظامی، سازمان ارتباطات بین المللی و وابسته سازمان مبارزه با مواد مخدر است.

ارزیابی و نتیجه گیری

مقام مسئول در سازمان مبارزه با مواد مخدر ارتباطات زیادی با پلیس کشور میزبان دارا می باشد. به نظر وی این رابطه بسیار عالی است. وی در ایجاد نهادها، حمایت فنی و تحقیقات مشترک در زمینه مسائل مربوط به فعالیتهای موجود در مورد مواد مخدر در خارج از مرزهای ایران نیز اقداماتی معمول می دارد. رابطه اطلاعاتی معمولاً به انتقال یا حمل مواد مخدر به خارج از ایران و یا از طریق آن کشور به خارج ربط

دارد. مقام سازمان مبارزه با مواد مخدر در مورد مشکلات ناشی از استفاده نادرست از مواد مخدر در چند مرحله سخنرانیهایی را انجام می دهد. او از لایحه مانسفیلد که در آن پرسنل سازمان مبارزه با مواد مخدر از مشارکت در حمله علیه خاطیان منع شده اند به خوبی آگاه است.

ایران از دیرباز صحنه استفاده نادرست از مواد مخدر بوده و دارای یک میلیون تریاک کش و ۵۰۰۰ فرد معتاد به هروئین می باشد. گرچه کشت خشخاش توسط ایران در سال ۱۹۵۵ ممنوع گردیده بود، ولی قاچاق آن از طریق ترکیه و افغانستان به صورت آفتی به جان ایران افتاد؛ در سال ۱۹۶۷ ایران کشت قانونی خشخاش را آغاز کرد تا نیاز ۱۶۷۰۰۰ معتاد ثبت شده ایرانی را تأمین کند. این گونه کشت اکنون در ۲۳ مزرعه با تولید سالانه ۳۰۰ کیلو مجاز می باشد. هر سال میزان سنی افراد واجد شرایط برای دریافت جیره دولتی یک سال کاهش می یابد. در حال حاضر تنها افراد ۶۲ ساله یا مسن تر تحت پوشش این برنامه هستند. ایران با مسئله مواد مخدر به صورت جدی مبارزه می کند و طی دهه گذشته حدود ۳۰۰ نفر را به جرم قاچاق اعدام کرده است، ولی نه در این اواخر.

کنت ان. راجرز چارلز تی . کراس

بازرسبازرس ارشد

وزارت کشاورزی، حقایق، ...

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) گزارش بازرسی شماره ۹ د

سازمانهای دیگر واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

وزارت کشاورزی

حقایق

نماینده وزارت کشاورزی (آمریکام) در ایران یک افسر سرویس کشاورزی خارجی و یک دستیار وابسته تازه کار است که برای اولین بار در رابطه با وزارت کشاورزی در خارج از کشور انجام وظیفه می کند. دفاتر کار وابسته کشاورزی در حدود دو خیابان دورتر از محوطه سفارت واقع شده است. از نظر فضای کار این دفاتر مکفی است و بهتر از دفاتر وابسته های کشاورزی قبلی در ساختمان نامناسب کنسولی می باشد. وظیفه اصلی دفتر وابسته کشاورزی تهیه گزارشات تحلیلی مربوط به کشاورزی از جمله هوا، سیاستهای تجاری و رویدادهای مربوط به آن، تغییر نوسان قیمتها و موجودی کالاها و واردات می باشد.

وابسته کشاورزی هر ماه یک بار یک گزارش جامع در مورد دورنمای کشاورزی و یک بار در سال گزارش وضعیتی در مورد سیاست و خط مشی کشاورزی ارائه می کند. این گزارش جامع در برگیرنده گزارش وضعیت کامل اقتصادی، خط مشی و برنامه ریزی کشاورزی، اطلاعات در مورد سازمانهای تخصصی کشاورزی، بودجه و برنامه ریزی کشاورزی، تحقیق و اعتبار موجود و نیز خدمات مربوط به آموزش و ادامه کار می باشد.

گزارشات وسیع در مورد قیمت گذاری، بازاریابی، و تجارت کشاورزی، حقوق گمرکی و تعرفه و تجارت دولتی از جمله مهمترین جنبه های این گونه گزارشات محسوب می شود. استفاده از زمین، سازمانهای دهقانی، منابع و بعضی از جنبه های گزارشگری مربوط به امور کارگری نیز در آنها گنجانده

می شود. گزارشات بسیار مفصلی در مورد محصولات، بخصوص پنبه، شکر، سیب زمینی، غلات و سبزیجات، نیز در این بخش ارائه می شود.

کار اصلی وابسته کشاورزی سوای گزارشگری، حمایت از فروش محصولات کشاورزی آمریکایی در ایران و مشارکت در فعالیتهای کمیسیون مشترک آمریکا و ایران است. در حال حاضر فروش محصولات کشاورزی آمریکایی به ایران سالانه مبلغی معادل نیم میلیارد دلار را در بر می گیرد. مهمترین این محصولات عبارتند از گندم سفید، دانه های روغنی و روغن این دانه ها، روغن پنبه دانه، برنج و غلات دیگر، بخصوص غلات غذایی، جو، ذرت و محصولات دیگری چون مرغ یخزده، گاوهای شیرده نیز از آمریکا از طریق هوا وارد ایران می شوند.

دفتر وابسته کشاورزی در زمینه فروش ماشین آلات کشاورزی عرضه کنندگان آمریکایی و نیز فروش مواد شیمیایی مانند کود به بخش اقتصادی بازرگانی کمک می کند. وابسته کشاورزی گاهی نیز نمایشگاه کوچکی از مواد غذایی دایر می کند و برای این منظور یکبار از مرکز تجاری آمریکا (در ژوئن ۱۹۷۷) استفاده کرده است.

نتیجه گیری و ارزیابی

دفتر وابسته کشاورزی تهران، بسیار شلوغ و سازنده است. حجم دلار ناشی از فروش محصولات کشاورزی آمریکا به ایران نیز نشانگر اهمیت فعالیت این دفتر است. شمار کسانی که از آمریکا به این کشور سفر کرده و به دفتر وابسته کشاورزی مراجعه می کنند در سال بالغ بر ۱۰۰۰ نفر می شود. گزارشات وابسته کشاورزی بسیار جامع و ارزشمند می باشد. در کمک و غنی سازی محتوای گزارشات بخش اقتصادی سفارت نیز بسیار مؤثر واقع می گردد.

در گذشته، دفتر وابسته کشاورزی بخشی از دفتر مشاور اقتصادی بود و همین امر باعث پیدایش

مشکلاتی در زمینه هماهنگی و انتشار گزارش وقایع کشاورزی می گردید. این مشکل هم اکنون حل شده و مسئولیت هماهنگی گزارشگری به انتخاب وابسته کشاورزی می باشد.

وابسته کشاورزی با وقوف بر ضرورت ایجاد بهبود وضع فروش در زمینه کشاورزی، مکانیکی، فنی و شیمیایی در ایران، مطالب قابل ملاحظه ای را برای بخش اقتصادی بازرگانی تهیه کرد تا راه برای این مهم هموار گردد.

وابسته کشاورزی در یکی از پنج کمیته کمیسیون مشترک شرکت می نماید که همان کمیته کشاورزی است و در تسهیل کار کمیسیون بخصوص در زمینه دامداری و بهداشت آن، ممانعت از آتش سوزی در جنگلها، آموزش کشاورزی، قرنطینه سازی گیاهی، و بازرسی گوشت نقش به سزایی داشته است (برای درک بهتر وضع کمیسیون به یادداشت بازرسی شماره ۴ رجوع شود).

دفتر کار وابسته کشاورزی از فضای کافی برخوردار است، لیکن در صورت احداث ساختمانی در محوطه سفارت دفتر ایشان نیز باید به آنجا انتقال یابد. این امر در تأمین نظریات نماینده اداره کشاورزی خارجه و دیگر عناصر موجود در سفارت مفید واقع خواهد شد.

کنت ان . راجرز چارلز تی. کراس

بازرس بازرس ارشد

وزارت بازرگانی مرکز تجاری آمریکا در تهران، حقایق،...

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیکایران) گزارش بازرسی شماره ۹ ه

سازمانهای دیگر واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

وزارت بازرگانی مرکز تجاری آمریکا در تهران

حقایق

مرکز تجاری آمریکا در تهران در سال ۱۹۷۳ و قبل از افزایش بی سابقه قیمت نفت تأسیس گردید. از

پانزده مرکز تجاری وزارت بازرگانی این مرکز یکی از دو مرکزی است که به وسیله دفتر بازاریابی

بین المللی اداره نمی شود (مرکز تجاری آمریکا در مسکو تحت نظارت دفتر تجارت شرق و غرب وزارت

بازرگانی است). مرکز تجاری واقع در تهران به وسیله گروه بازرگانی امور خاور نزدیک اداره می شود.

مرکز تجاری وزارت بازرگانی در تهران دارای دو کارمند آمریکایی از وزارت بازرگانی، پنج کارمند

محلی تحت استخدام وزارت بازرگانی، یک نفر که در استخدام وزارت خارجه می باشد و پنج کارمند

پیمانی است. یک افسر دارای رده شغلی ۵ از دفتر سرویس خارجی بخش اقتصادی / بازرگانی سفارت به

عنوان مسئول تحقیقات در امور بازار به این مرکز منصوب گشته است. مرکز تجاری زیر نظر مشاور

اقتصادی / بازرگانی سفارت عمل می کند. این مرکز در ساختمانی واقع در پائین شهر تهران قرار گرفته و

طی دو سالی که از آخرین بازرسی می گذرد نه نمایشگاه بزرگ دائر کرده است.

این مرکز همچنین از مشارکت نمایشگاههای آمریکایی در نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران نیز

حمایت و پشتیبانی به عمل می آورد. مهمترین نمایشگاههایی که پس از آخرین بازرسی برگزار گردیده به

شرح زیر می باشند.

تجهيزات ارتباطاتی-۲۱-۷۱۷-ژوئن ۷۷-منابع آب ۲۶-۲۴۱-ژوئیه ۷۷-عیب یابی وسائط نقلیه و ماشین آلات ۱۱-۶۹۰-نوامبر ۷۷-جیبای-۷۵-۱۰۷۱-۹-دسامبر ۷۷-مصالح و تجهيزات ساختمانی- ۱۰-۶۵۰-ژانویه ۷۸-شیمیایی / پتروشیمی ۲۴-۴۱۸-

مارس ۷۸-بسته بندی و تهیه مواد غذایی-۱۳-۴۰۷-مه ۷۸-انرژی خورشیدی-۱۴-۴۴۴

نتیجه گیری و ارزیابی

مرکز تجاری آمریکا در تهران در مواقع برگزاری نمایشگاهها بسیار فعال است، لیکن میزان فعالیت آن در فواصل زمانی بین برگزاری نمایشگاهها و علیرغم تلاش شدید این مرکز برای جلب توجه عموم چندان زیاد نیست. این مرکز از نظر محیط فیزیکی بخصوص در رابطه با نمایشگاهها و فقدان محل پارک وسائط نقلیه که در همه نقاط پائین شهر تهران به چشم می خورد دچار محدودیتهایی می باشد. کارمندان وزارت

بازرگانی مشغول به کار در این مرکز افراد بسیار مجرب می باشند. مدیر این مرکز حدود ۱۵ سال در زمینه بازاریابی با کار در یک شرکت بزرگ آمریکایی تجربه اندوخته و در وزارت بازرگانی و نیز به عنوان مدیر مرکز تجاری در بانکوک فعالیت وسیعی داشته است. معاون وی نیز در زمینه ایجاد نمایشگاههای تجاری فعالیت داشته است.

میزان فعالیت آمریکا در بازار ایران طی دو سال گذشته تا حدودی کاهش داشته، ولی حجم دلاری فروشهای آمریکا به این کشور افزایش یافته است. بازاریابی در ایران کار فوق العاده طاقت فرسایی است و وظیفه ای آسان نیست.

برنامه ریزی، تهیه مقدمات، و سازماندهی بر خلاف دیگر مراکز تجاری در اینجا دشوارتر است. معذالک، با همکاری بخش اقتصادی بازرگانی و پشتیبانی یک فرد مسئول تحقیق در امور بازار، به نتایج بسیار مفیدی دست یافته که این امر بخصوص در زمینه فروش «کالاهای انبار شده» و اجناسی که «جدیدا» به بازار وارد شده صادق بوده است. بعضی از نمایشگاهها بسیار موفق و بعضی دیگر ناموفق بوده است. با این حال، سنجش نتایج حاصل از نمایشگاههای مهم به صورت مجزا دشوار است و نمی توان منطق قاطع و مبرهنی را جهت ادامه عملکرد مرکز تجاری آمریکا در تهران ارائه نمود. بررسی عملیات مرکز تجاری توسط بازرسین حاکی از آن است که این مرکز عمر مفید خود را به پایان رسانده و ادامه حضور آن در این کشور فاقد ارزش است. طبق برداشت بازرسین، فلسفه عملیات مرکز تجاری این است که پس از چند سال فعالیت از میان برداشته شود، بنابراین آنها توصیه می کنند که این مرکز تا قبل از سال مالی ۱۹۸۰ از مرحله عمل خارج شود تا روش بهتری برای استفاده بیشتر از تسهیلات آن ابداع گردد

(پیشنهاد ۱۰۹)

محوطه نمایشگاه بازرگانی تهران ظاهراً جای مناسبی برای به نمایش گذاشتن محصولات آمریکایی

است و قبلاً نیز در موارد مناسب این مکان مورد استفاده شرکتهای آمریکایی بخصوص در نمایشگاههای سالانه قرار گرفته است.

قبل از اتخاذ هر گونه تصمیم نهایی باید عکس‌العملهای سیاسی و اجتماعی حاصل از این عمل را نیز در نظر گرفت، گرچه احتمال بروز این گونه فعل و انفعالات بسیار ضعیف است.

این مرکز در زمینه امور گمرکی مربوط به اقلام وارداتی از طریق مرکز تجاری جهت برگزاری

نمایشگاهها با مشکلات بسیار شدیدی دست به گریبان بوده است. این امر مسائلی را در برخورد با

مقامات گمرکی ایران ایجاد کرده و باید به آن توجه شود، گرچه در این اواخر وضع بهبود بیشتری پیدا کرده

است. (پیشنهاد ۲۰۹)

اگر این مرکز تعطیل شود، مسئول تحقیق در امور بازار باید در بخش اقتصادی / بازرگانی به کار

مشغول گردد. این بخش باید تقویت شود و بعضی از خدمات ارائه شده توسط مرکز تجاری برای جامعه

تجاری آمریکا باید در بخش اقتصادی / بازرگانی انجام شود که عبارتند از کمک و مشاوره با آنها در

برقراری تماس با جامعه بازرگانی ایران و راهنمایی تجار جدید در امور این کشور.

پیشنهادات

۱۰۹. سفارت آمریکا در تهران باید بر فعالیت مرکز تجاری مروری داشته باشد یا بهره برداری از آن

را به طرز مؤثرتری افزایش دهد و یا برنامه ای برای حذف آن تا قبل از سال ۱۹۸۰ پیشنهاد نماید. در انجام این عمل سفارت باید با دفتر امور خاور نزدیک/ امور ایران و وزارت بازرگانی همکاری نماید.

۹۰۲. مرکز تجاری آمریکا در تهران باید مسائل گمرکی خود را در مورد کالاهایی که این مرکز وارد کشور کرده با مقامات محلی حل و فصل کند.

چارلز تی. کراس

بازرس ارشد

آلن برنسونکنت ان. راجرز

بازرسبازرس

وزارت خزانه داری و اداره مالیات بر درآمد، حقایق،...

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیکایران) یادداشت بازرسی شماره ۹

سازمانهای دیگر واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

وزارت خزانه داری و اداره مالیات بر درآمد

حقایق

دفتر اداره مالیات بر درآمد در سفارت آمریکا در تهران یکی از چهارده دفتر این گونه ای است که در شهرهای بزرگ جهان مستقر می باشد و از سال ۱۹۷۴ در تهران کار خود را آغاز نمود است. این دفتر در بخش برنامه های خارجی دفتر عملیات بین المللی اداره مالیات بر درآمد فعالیت می کند. این دفتر دارای مسئولیت منطقه ای در برگیرنده ایران، لبنان، لیبی، مصر، بحرین، اردن، کویت، عراق، عمان، یمن، قطر، سوریه، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، پاکستان و افغانستان می باشد. دفتر مزبور در ساختمان

سرکنسولگری آمریکا حدود دو خیابان دورتر از سفارت قرار دارد.

دفتر تهران تحت نظارت یک افسر GS ۱۵ و معاونش که یک افسر GS ۱۴ است عمل می کند و هر دوی آنها کارمندان وزارت خزانه داری آمریکا می باشند. این دفتر دارای یک کارمند دیگر آمریکایی و یک منشی محلی نیز می باشد. این دفتر در طبقه چهارم ساختمان سرکنسولگری حدود دو خیابان دورتر از محوطه سفارت قرار دارد. در طول مدت شش ماه از سال یک پرسنل دیگر نیز به طور موقت به این دفتر مأمور می گردد تا در تهیه اظهار نامه های مالیاتی، مالیات دهندگان آمریکایی را یاری دهد. دفتر اداره مالیات بر درآمد رسماً با بخش اقتصادی بازرگانی سفارت مرتبط می باشد.

ارزیابی و نتیجه گیری

نمایندگان اداره مالیات بر درآمد سعی می کنند سالی دو بار به شهرهای بزرگ تحت پوشش خویش در منطقه سفر کرده و امور مربوطه را انجام دهند که خود کاری دشوار است. وظیفه اصلی این دفتر حصول اطمینان از این امر است که شهروندان آمریکایی و شرکتهای آمریکایی و اتباع خارجی تابع مقررات مالیاتی آمریکا، قوانین و مقررات مالیاتی را رعایت می نمایند.

مهمترین فعالیت این دفتر شامل کمک به مالیات دهندگان، حسابرسی مالیاتی، و برقراری تماس با مقامات مالیاتی دول منطقه می باشد. شمار آمریکاییهای مقیم این منطقه بسیار است و به طور مثال ۴۱۰۰۰ نفر از آنها در ایران و ۳۵۰۰۰ نفر در عربستان سعودی به کار مشغول می باشند.

دوره حاضر دوره ای بحرانی و پرفعالیت برای اداره مالیات بر درآمد بوده است، چون طی این مدت کنگره آمریکا در حال بحث پیرامون بخش ۹۱۱ قانون مالیاتی بود که بر بدهی مالیاتی آمریکاییهای مقیم خارج از کشور به استثنای مقامات دولتی تأثیر خواهد داشت. این امر نه تنها مایه نگرانی مالیات دهندگان بلکه شرکتهای استخدام کننده آنان نیز شده است، چون تغییر این قانون نه تنها هزینه کار بلکه نحوه رقابت ما را نیز دگرگون خواهد ساخت.

تعداد کثیری خارجی مقیم آمریکا نیز هستند که شهروندان ایرانی بوده و با «کارتهای سبز خویش» به ایران بازگشته اند. این افراد با وجود این که زمان چندانی را در آمریکا به صورت اقامت نمی گذرانند، ولی مقیم آمریکا شناخته می شوند. بنابراین تابع مقررات مالیاتی مربوط به درآمدهای خویش در تمام نقاط جهان می گردند، اجرای این مقررات در مورد کلیه این چنین افرادی در اغلب موارد در مورد درآمدهایشان در ایران دشوار است، چون بین ایران و آمریکا هیچ گونه معاهده مالیاتی منعقد نگردیده است. گاهی نیز این مورد تحت بررسی قرار گرفته ولی موفقیت چندانی نداشته است بنابراین، توصیه می شود که تلاش بیشتری در زمینه انعقاد چنین پیمانی با ایران به عمل آید. (پیشنهاد ۹ و ۱)

پیشنهادات

۹ و ۱. وزارت امور خارجه (دفتر خارجی اداره مالی داخلی) هماهنگ با وزارت خزانه داری، باید در صدد انعقاد پیمان مالیاتی با ایران باشد.

۹ و ۲. سفارت آمریکا در تهران باید در صورت یافتن یا احداث محل جدید و مناسب بخش کنسولی، مکان مناسبی را در همان ساختمان برای دفتر اداره مالیات بر درآمد در نظر بگیرد.

کنت ان. راجرز چارلز تی. کراس

بازرسبازرس ارشد

مدرسه آمریکایی تهران، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) یادداشت بازرسی شماره ۱۰ الف

فعالیت‌های دیگر واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

مدرسه آمریکایی تهران

حقایق

مدرسه آمریکایی تهران یک مدرسه خصوصی غیرانتفاعی آموزشی است که شامل برنامه های

تحصیلی از کلاس اول دبستان تا سال آخر دبیرستان می باشد. شمار دانش آموزان کنونی این دبیرستان

۳۲۰۰ نفر است.

ارزیابی و نتیجه گیری

وامهای بلاعوض دریافتی توسط این مدرسه در ژوئن ۱۹۷۶ معادل ۱۷۵۰۰ دلار؛ در آوریل ۱۹۷۷

معادل ۷۵۰۰ دلار؛ و در سپتامبر ۱۹۷۷ معادل ۲۵۰۰ دلار بوده است. به استثنای هزینه های مصرف شده

جهت به کارگیری یک هواپیمای خارجی که جهت تأمین هزینه های لازم برای آن از وام بلاعوض ژوئن

۱۹۷۶ استفاده شده بود، تمام مخارج دیگر بر طبق شرایط وام قابل پرداخت مصرف شده بود. تنها توضیحی که در زمینه استفاده از هواپیمای خارجی داده شده این است که بخش مدیریت مدرسه این امر را ضروری تشخیص داده است. اگر این موضوع صحت داشته باشد و توضیح دیگری در توجیه مطلب ارائه نشود. هزینه حمل و نقل هوایی معادل ۵۲/۱۰۲۶

پیشنهادات

۱۰ الف ۱. سفارت آمریکا در تهران باید علت استفاده از هواپیمای خارجی را روشن نماید و در صورت عدم دستیابی به توضیحات کافی، باید هزینه حمل و نقل هوایی را عودت دهد.

آلن برنسونچارلز تی. کراس

بازرسبازرس ارشد

انجمن کارمندان آمریکا، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه طبقه بندی نشده

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک ایران) یادداشت بازرسی شماره ۱۰ ب

فعالیت‌های دیگر واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

انجمن کارمندان آمریکا

حقایق

انجمن کارمندان آمریکایی یکی از عملیات وسیع از این دست در سرویس خارجه است. این انجمن دارای ۸۰۰۰ عضو بوده و در برگیرنده شهروندان آمریکایی مشغول به کار رسمی در ایران و نیز تعدادی از پرسنل بازنشسته نظامی آمریکا یا وزارت خارجه است که در ایران به سر می برند و دولت ایران به آنها اجازه داده که از مزیت خرید معاف از حقوق گمرکی محدودی برخوردار شوند. این انجمن دارای یک

رستوران یک محل صرف مشروبات الکلی، فروشگاه، سرویس تاکسیرانی، سرویس استخدامی، آپارتمانهای موقتی و سرویسهای پستی می باشد. فروش سالانه تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸، از مرز ۶ میلیون دلار فراتر خواهد رفت. در صورت اجرای عملیات گسترشی، میزان فروش سالانه به مرز ۱۰ میلیون دلار نزدیک خواهد شد.

آخرین حسابرسی مستقل انجام شده توسط حسابداران رسمی شامل دوره ۱۸ ماهه قبل از دسامبر ۱۹۷۶ بوده است. بر طبق برنامه های موجود باید کارمندان دولت غیرذینفع آمریکایی حسابرسی لازم را در ژوئیه ۱۹۷۸ انجام دهند.

ارزیابی و نتیجه گیری

نحوه کنترل و نظارت بر عملیات اصولاً خوب است. با این حال میزان بیمه مربوط به خسارات وارده به کالاها در نتیجه آتش سوزی، طوفان و وقایع دیگر، باید افزایش پیدا کند. در حال حاضر، میزان بیمه تنها کالاهای به ارزش یک میلیون دلار را در بر می گیرد، ولی ارزش کالای موجود حدود ۵/۱ میلیون دلار برآورد شده است. از آنجا که شرکت بیمه به ندرت کل ارزش مربوط به کالاهای بیمه شده را تأمین می کند، میزان خسارات احتمالی وارده به انجمن کارمندان آمریکایی می تواند وسیع باشد (پیشنهاد ۱۰ ب ۱).

مورد دیگری که باید مورد بررسی بیشتر قرار گیرد میزان پول نقدی است که بلا استفاده مانده و می تواند در صورت سرمایه گذاری به صورت سپرده بانکی کوتاه مدت مبلغی به عنوان بهره کسب نماید. تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۸، بیش از یک میلیون دلار یا به صورت موجودی وجود داشته و یا در حساب چکی انجمن سپرده شده بوده است. (پیشنهاد ۱۰ ب ۲).

در یک مورد دیگر متوجه شدیم که انجمن کارمندان آمریکا می تواند در زمینه حسابداری به گروه مشاوره تفریحی سفارت آمریکا در تهران یاری دهد. اخیراً این گروه اقدام به جمع آوری مقدراری اعانات کرده و قرار است این کار بیش از اینها نیز ادامه پیدا کند. ولی هیچ گونه نظارتی بر دریافت و پرداخت این پولها و مبالغ اعمال نمی شود. مبالغ جمع آوری شده در صندوق یکی از کارمندان سفارت نگهداری می شود و اسناد مربوطه شامل یادداشتهای مربوط به آنها می باشد.

به منظور برقراری یک سیستم حسابداری موجه و کنترلهای داخلی و جلوگیری از بروز مشکلات این مبالغ بایستی به تنخواه گردانی که توسط انجمن کارمندان آمریکایی نگهداری می شود، انتقال یابد و همین انجمن مسئول نقل و انتقالات مربوطه باشد. (پیشنهاد ۱۰ ب ۳)

پیشنهادات

- ۱۰ ب ۱. سفارت آمریکا در تهران باید از انجمن کارمندان آمریکایی بخواهد که میزان بیمه کالاهای خویش را افزایش دهد تا از وارد آمدن خسارات احتمالی جلوگیری به عمل آید.
- ۱۰ ب ۲. سفارت آمریکا در تهران باید از انجمن کارمندان آمریکایی بخواهد که حداقل نقدینه مورد نیاز را نزد خویش نگهداری کند. مبالغ مازاد نیز باید به صورت سپرده های مدت دار نزد بانک سپرده شود.
- ۱۰ ب ۳. سفارت آمریکا در تهران باید از گروه مشاوره تفریحی بخواهد که تمام موجودی خویش را به انجمن کارمندان آمریکایی بسپارد و این انجمن نیز باید حسابی را مخصوص این گروه افتتاح کرده و

تمام نقل و انتقالات مالی مربوط به آن را در آن حساب ضبط کند.

آلن برنسونچارلز تی. کراس

بازرسانبازرس ارشد

امور علمی، حقایق، ارزیابی و نتیجه گیری

وزارت امور خارجه محرمانه

هدایت روابط با ایران (امور خاور نزدیک / ایران) یادداشت بازرسی شماره ۱۱

واحد: تهران ژوئیه ۱۹۷۸

امور علمی

حقایق

در سفارت آمریکا در تهران بخش اقتصادی بازرگانی پاسخگوی امور علمی نیز می باشد. وابسته

علمی با موضوعات مهمی از قبیل مسائل مربوط به انرژی هسته ای سروکار دارد.

ارزیابی و نتیجه گیری

ایران پیمان عدم تکثیر سلاحهای هسته ای را امضاء و تأیید نموده است. به دنبال امضای لایحه

همکاری هسته ای توسط رئیس جمهور در آوریل ۱۹۷۸، تمام قراردادهای همکاری هسته ای باید مورد مذاکره مجدد قرار گرفته و از اهمیت بیشتری برخوردار گردند. ایران اولین کشوری بود که در مورد آن این امر به مرحله اجرا در آمد. بنابراین اهمیت این مذاکرات و تأثیر آن بر دیگر ملل که شمار آنها به ۴۰ می رسد. قابل ملاحظه می باشد.

وابسته علمی در زمینه امور مربوط به جمعیت نیز فعالیت داشته و با مقامات وزارت بهداشت و رفاه اجتماعی تماسهای بسیار می گیرد. او برنامه های کنترل خانواده در ایران را برای آژانس گسترش بین المللی ارزیابی کرده و در غیر این صورت به عنوان رابط عمل می کند. گرچه آمریکا در زمینه برنامه های کنترل خانواده ایران کمک مستقیمی را ارائه نمی کند، ولی ما در تلاش جهانی سازمان ملل مانند برنامه های آن در فدراسیون برنامه ریزی بین المللی والدین همکاری داریم. علاوه بر این به خاطر وابستگی ضروری موجود بین تکنولوژی مربوط به ارتقاء سطح زندگی و برنامه کنترل خانواده، می توان گفت که وابسته علمی نقش بسیار حائز اهمیتی را ایفا می کند. بازرسین احساس می کنند که وی در این زمینه عملکرد خوبی داشته و دارد. یکی از جنبه های مهم دفتر وابسته علمی مربوط به کار بخش اقتصادی/بازرگانی است و تلاشهای مهمی را در زمینه ارتقاء وضع فروش تجهیزات و خدمات مهندسی، تکنولوژیکی و علمی در بر می گیرد. موفقیت این نوع تلاشها نیاز به آگاهی از مسائلی را ایجاد می کند که نمی توان از مقام امور بازرگانی انتظار داشت، بنابراین حضور چنین وابسته علمی در تهران به نفع آمریکا می باشد. حدود نیمی از کار وی را بهبود وضع تجارت و فروشهای بازرگانی تشکیل می دهد. بخشی دیگر از کارهای وی نیز عبارت است از تماس با جامعه آکادمیک و علمی ایران که وی در صورت داشتن یک دستیار تمام وقت، مایل به گسترش آن می باشد. وابسته علمی به بازرگانان منتخب آمریکایی توجه بسیاری را معطوف می دارد و به آنها در زمینه های مختلف بخصوص انرژی هسته ای، باد، برق و

خورشیدی کمک می کند. اینها زمینه هایی است که ملل دیگر از جمله فرانسه و آلمان غربی در آنها فعالیت

بسیار دارند. ظاهراً آمریکا در تسخیر این گونه بازارها بازنده بوده است و خنده دارتر این است که

شرکتهای برنده بازار از کشورهای هستند که خود جواز تولید تجهیزات طراحی شده در آمریکا را در

اختیار دارند. ظاهراً آمریکا شرکت چندانی در مناقصه ها نداشته و در ارائه خدمات و ارزیابی مستمر

فعالیت چندانی ندارد. وزارت انرژی آمریکا نیز مایل به جمع آوری سودهای حاصله از برگزاری

نمایشگاه تجاری انرژی خورشیدی در مرکز تجاری آمریکا در تهران به تاریخ مه ۱۹۷۸ است که این

نمایشگاه نیز ظاهراً در برانگیختن توجهات سهم به سزایی داشته است. به احتمال زیاد ایران در نقاط

مختلف جهان به مقایسه امکانات خرید در زمینه تجهیزات انرژی خورشیدی خواهد پرداخت. این

نمونه ای از رقابت سرسختانه ای است که در این بخش جریان دارد چون فرانسه و آلمان معمولاً خدمات

فنی نرم افزار متعاقب فروشهای تجاری خویش را کاهش می دهند.

وابسته علمی در هر دو مورد از وظایف خویش یعنی وظیفه علمی و بهبود وضع فروشهای بازرگانی با

مشکلاتی عمده چون گردآوری اطلاعات موثق روبه رو می باشد. بخش اعظم این گونه مشکلات مربوط

به پنهان کاری سنتی و دیرین ایرانیهاست. ولی آمریکا هنوز هم در زمینه فروش و ارائه خدمات

تکنولوژیکی عالی پیشگام می باشد.

وابسته علمی در دفتر سازمان ثبات اقتصادی تجارب بسیاری کسب کرده و تجربه بیست ساله ای نیز

در زمینه صنعت اندوخته است، که در نحوه برخورد وی با صنعتگران آمریکایی تأثیر به سزایی داشته است. با وجود اینکه بیش از دو ماه از اقامت وی در ایران نگذشته، ولی وی کمکهای شایان توجهی به سفارت نموده است. میزان این کمکها در آینده نیز افزایش خواهد یافت. تغییر عنوان شغلی وی به مشاور باعث ارتقاء مقام وی و سهولت در تماس با جامعه علمی و آکادمیک ایرانی خواهد گردید. (پیشنهاد ۱۱)

(۱) نهایت این که او به یک دستیار تمام وقت نیازمند می باشد.

پیشنهاد

۱۱. سفارت آمریکا در تهران باید از وزارت امور خارجه درخواست نماید که عنوان وابسته علمی را به مشاور امور علمی و تکنولوژی تغییر دهد.

کنت ان . راجرز چارلز تی. کراس

بازر سبازرس ارشد

فهرست اعلام

آ الف

آثرونات، پی. ال. / ۹۷

آ. اوپک / ۱۹۱، ۲۱۵

آبادان / ۲۶۶، ۲۷۳، ۶۴۸، ۶۹۴، ۷۱۱، ۷۹۸

آتاباسکای (کانادا) / ۴۱۹، ۴۲۰

آتتک / ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸

آتلانتيك ريچفيلد / ۴۰۴، ۴۱۲

آتن / ۳۴۸، ۳۵۶

آدلسيک، جوزف ديليو. / ۲۹۶، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸

۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶

۳۳۷، ۳۳۸

آدميرال ترنر / ۲۶۸

آديس آبابا / ۱۹۸، ۵۴۴، ۵۶۷

آذربايجان / ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۰۵

۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۸، ۶۹۳، ۷۷۸، ۷۸۵

آذربايجان شرقی / ۳۱۸، ۷۴۰

آذربايجان غربی / ۳۰۹، ۳۱۱

آذر (سرتیپ) / ۳۳۴

آرتز / ۲۴۱

آرژانتین / ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۶، ۶۲۰

آرمیتاژ، جان الف. / ۷۱

آروشا / ۵۷۴

آزمون، منوچهر / ۳۹۵

آژانس آمریکایی توسعه بین الملل / ۷۸۳

آژانس ارتباطات بین المللی / ۸۱۷، ۸۲۰، ۸۲۷

۸۳۵، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۵۱، ۸۵۷

آژانس اطلاعات دفاعی / ۷۱، ۲۵۰، ۵۴۲

آژانس اطلاعات مرکزی سیا / ۴۶۶، ۶۱۹

آژانس بین المللی آمریکا / ۷۹

آژانس بین المللی انرژی اتمی / ۸، ۱۶، ۳۸، ۶۵۴

آژانس جهانی بهداشت / ۲۱۳

آژانس خبری خاورمیانه / ۲۲۴

آژانس خبری عراق / ۲۴۷

آژانس دولتی ژاپنی / ۷۶۶

آژانس سازمان ملل / ۲۱۳

آژانس عمران بین المللی / ۶۳

آژانس کنترل و خلع تسلیحاتی / ۷۱، ۷۲

آژانس گسترش بین المللی / ۸۸۷

آژانس مبارزه با مواد مخدر / ۸۲۷

آژانس متارکه گران / ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۷

آژانس ملی انرژی / ۴۵۶، ۴۵۷

آساب / ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹

آستارا / ۶۰۱

آسوان / ۲۱۰، ۲۱۱

آسیا / ۴۴، ۶۴، ۱۴۴، ۲۰۴، ۲۳۱، ۴۱۵، ۴۱۷

۴۱۸، ۴۳۴، ۵۳۵، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۵۰

۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۷۹، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۱۱

۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۲، ۶۸۷، ۷۰۴

۷۴۴، ۷۴۸، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۶۸، ۷۷۴، ۷۸۲

آشورکویک، پترایوزیفویچ / ۱۰۶، ۱۲۹، ۱۳۲

۱۳۴، ۱۳۵، ۵۳۴، ۵۴۱، ۵۴۸، ۵۶۴، ۵۷۲، ۵۷۶

۵۷۹، ۵۸۲، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴

ص: ۱۹۲

آکاپوف، پاول / ۲۴۹

آکرمان، کارل د. / ۹۱

آکینز، جمیز، ٹی. / ۴۵۵، ۴۵۶

آلاسکا / ۴۱۵، ۴۵۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۰۰، ۵۰۱

۵۱۵

آلبانی / ۱۷۹، ۱۸۵

آلبرتا / ۵۰۱

آلکسوئیچ، بوگینی / ۳۱

آلمان / ۹، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۱، ۴۲، ۴۵

۴۶، ۸۰، ۹۵، ۱۰۷، ۱۳۶، ۲۳۶، ۳۰۱، ۳۶۸

۳۶۹، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶، ۶۹۶، ۷۱۱

۷۸۱، ۷۹۱، ۸۵۶، ۸۸۷

آلمان شرقی / ۱۷۹، ۵۱۰، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۲

۵۵۱، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۵

۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۳، ۵۹۴

۵۹۵، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷

۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۶۱

آلمان غربی / ۱۷، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۹۴، ۹۵، ۱۵۰

۲۳۵، ۲۴۵، ۳۸۰، ۳۹۶، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۲

۵۰۳، ۵۰۹، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۹۲،

۷۰۱، ۷۳۵، ۷۳۶، ۸۸۷،

آلمان نازی / ۲۲۴

آلن، جیمز / ۱۸

آلنده، سالوادور / ۵۹۳

آماریس / ۱۹۲

آمریکا / (اکثر صفحات)

آمریکای لاتین / ۳۵۶، ۴۱۷، ۴۵۳، ۵۴۱، ۵۴۲،

۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۱، ۵۹۴، ۵۹۵،

۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴

آموزگار، جمشید / ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳،

۷۷۳، ۷۹۲، ۷۹۳

آمونیاک / ۶۵۸

آناتولی / ۱۰۱

آنتاناریو / ۵۸۱

آنتیل هلند / ۵۹۲

آندریف، آندری نیکولایویچ / ۵۵

آنکارا / ۶۴، ۱۹۸، ۵۵۳

آنگلوساکسون / ۴۳۷

آنگولا، ۵۳۴، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۵، ۵۶۴، ۵۶۵،

۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۱، ۵۷۶

آواکس / ۸۳۲

آیروفلوت / ۸، ۲۴، ۶۵

ابالخیل / ۴۸۶

ابراهیم القبصی / ۲۱۳

ابوسفیان / ۲۵۴

ابوظبئی / ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۴، ۴۹۰

۴۹۲، ۵۱۱، ۵۱۵، ۵۹۸، ۶۱۰

ا. بی. سی / ۷۶۶

اتاق بازرگانی ایران و آمریکا / ۲۵۹

اتاوا / ۸، ۹۳، ۲۰۴، ۵۰۲

اتحادیه بین المللی مخابرات / ۸

اتحادیه پست جهانی / ۱۹۵

اتحادیه تجاری بین المللی / ۱۹۵، ۷۰۰

اتحادیه عرب / ۲۲۲، ۲۲۶

اتریش / ۴۹۳

اتیوپی / ۲۵۰، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۹

۵۵۰، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹

۵۷۱، ۵۸۰، ۵۸۳، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۱۹، ۶۲۲، ۷۰۳

اجلاس بغداد / ۲۲۰

احمد ابوالقيط / ٢٤٨

احمد امير، آمال / ٢٠٥

احمد بن بلا، ٣٩٢

احمد سلطان / ٢٠٥

اخوان المسلمين / ١٩٠، ١٩٨، ٢٠٨، ٢٠٩، ٢١٠،

٢٢٣، ٢٤٣

اداره اوقاف / ٧٨٧

اداره تحقيقات ویژه نیروی هوایی / ١١٥، ١١٨،

١٢٥، ١٣٠، ١٣١، ١٣٤

ص: ۸۹۳

اداره ثبت تهران / ۱۰۸

اداره کشاورزی صنعتی در جنوب ایران / ۶۶۱

اداره مالیات بر درآمد / ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۷، ۸۳۳

۸۵۱، ۸۸۳، ۸۸۴

اداره مبارزه با مواد مخدر / ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۵۱

اداره مهاجرت و تابعیت / ۳۹۰

ادوارد جی. گنین (اسم رمز ادمیرال ترنر) / ۲۶۸

ارتش خلق مغولستان / ۱۰۰

ارتفاعات جولان / ۲۱۹

اردن / ۲۰۹، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۴۴، ۶۰۹، ۶۲۹، ۶۵۹

۸۸۳

اردوگاه قیریات اربع / ۲۱۷

ارمنستان / ۹۳

اروپا / ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۴، ۲۸، ۳۱، ۳۶

۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۳، ۷۳، ۹۵

۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۳۶

۲۷۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۲۸، ۳۳۶، ۳۶۲، ۳۶۸، ۳۶۹

۳۷۳، ۳۸۵، ۳۹۲، ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸

۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۹، ۴۵۱

۴۵۴، ۴۸۵، ۵۰۲، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۹۵

۵۹۶، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۴۹، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۹۶

۷۰۳، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۳۵، ۷۴۵، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۶۳

۷۶۴، ۷۸۲

اروپای شرقی / ۳، ۸، ۹، ۱۲، ۱۳، ۴۲، ۶۲، ۶۳

۶۴، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۹۱، ۹۷، ۹۸

۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۴، ۲۴۹، ۴۱۷، ۴۳۳، ۴۶۷، ۴۷۰

۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۳۹، ۵۴۰

۵۴۲، ۵۴۳، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷

۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷

۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷

۵۷۹، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۳

۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴

۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶

۶۱۷، ۶۱۸، ۶۵۱، ۶۶۳

اروپای شمالی / ۷۶۸

اروپای غربی / ۷۵، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۹۱، ۲۳۳

۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸، ۳۰۶، ۳۵۵، ۳۹۷، ۴۱۸

۴۳۳، ۴۳۶، ۴۵۵، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹

۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۱۸

۷۵۹، ۷۴۴، ۷۱۰، ۷۰۴، ۶۵۸، ۵۹۸، ۵۲۰، ۵۱۹

۸۱۹، ۸۱۲، ۷۸۱

اریتره / ۵۶۴، ۵۶۸، ۶۰۲، ۶۰۵

ازبکستان / ۵۰۸

اسپانیا / ۱۸۴، ۲۰۰، ۴۳۷، ۴۹۳، ۵۰۲، ۵۴۲

۷۵۸، ۷۱۱، ۷۰۴، ۵۹۶، ۵۹۵

استاکی، جک سی. / ۱۲۸، ۱۲۹

استالین / ۵۳۵، ۶۶۰

استانبول / ۹۳، ۱۴۹

استانداری اصفهان / ۳۹۶

استرالیا / ۴۷۵، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۲۲، ۷۱۳

استراوس / ۲۴۴

استکهلم / ۴۵، ۴۶، ۳۲۲، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰

۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸

استمپل، جان د. / ۳۲۹، ۳۹۳، ۷۵۲، ۷۵۵، ۷۶۰

۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۲، ۷۷۴، ۷۸۲، ۷۸۹

استوت، جیمی ال. / ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰

۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۸

استوریج، پی. دی. / ۹۳

استون (سناتور) / ۲۴۷، ۲۴۸

اس. دی. ارن (اسم رمز) / ۳۱۳، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲،

۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱،

۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹

اس. دی. ایگل / ۳۵۴

اس. دی. اینورموس / ۲۷۶

اس. دی. بیپ / ۳۰۱، ۳۰۳

اس. دی. پرتیکست / ۱۰۵، ۲۸۲

اس. دی. پرنک / ۲۸۱، ۳۰۹

اس. دی. پروب / ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱،

۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲

اس.دی. پکن / ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵

اس.دی. یلاد / ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲

۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹

اس.دی. پوتی / ۳۲۱، ۳۲۲

اس.دی. پیر / ۳۱۵

اس.دی. ترامپ / ۹۲، ۹۴

اس.دی. جانوس / ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵

۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹

۲۹۱، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷

اس.دی. راتر / ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۳۷۲، ۳۷۳

۳۸۰، ۳۸۱

اس.دی. رایت / ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹

اس.دی. روپ / ۲۶۴

اس.دی. فورگیو / ۲۷۰

اس.دی. کاراوی / ۳۹۳

اس.دی. کازمو / ۳۲۱

اس.دی. مارکت / ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹

اس.دی. ولید / ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۸۰

۳۸۶، ۳۰۸، ۳۰۶، ۲۹۲، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۴

اسرائیل / ۱۵، ۶۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳،

۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۵،

۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴،

۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۹،

۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۰، ۴۰۷،

۴۳۷، ۴۳۸، ۵۰۶، ۵۲۲، ۵۴۲، ۶۲۹، ۶۴۹، ۶۵۶،

۶۵۹، ۶۹۱، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۱۳، ۷۲۴،

۷۳۱، ۷۳۲

اسکاتلند / ۷۰۴

اسکاربک، ایروین / ۶۲

اسکاردو (۶۱۸) / Skardu)

اسکله کوناکری / ۵۶۹

اسکندر / ۶۹۵

اسکندرون / ۶۵۸

اسکندریه / ۱۴۹، ۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶،

۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴

اسکو / ۴۸۷

اسکو تزکو، ولادیمیر / ۱۱۸، ۱۲۶

اسلام آباد / ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲،

۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۶۱۲، ۶۱۸

اسلامی، علی / ۲۵۹، ۲۹۴

اسماعیل فهمی / ۲۰۳

اسماعیلیه / ۱۹۶، ۲۰۵

اشتاین / ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱

اشتراوب، آلفرد / ۱۰۰

اشتراوس / ۶۵۹

اشچو کین، میخائیل / ۱۶

اشرف عبداللطیف غوربال / ۲۰۰، ۲۰۳

اش، هیوز ال. (سرتیپ) / ۶۴۶، ۶۴۸

اصفهان / ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۳۶۵، ۳۶۶

۳۷۰، ۳۹۲، ۶۰۲، ۶۶۰، ۶۷۳، ۶۸۶، ۷۰۱، ۷۰۵

۷۱۱، ۷۲۴، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۷۸، ۷۸۰، ۷۸۴، ۷۹۳

۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۶، ۸۱۷

۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۸، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۶، ۸۶۷

۸۶۸، ۸۶۹

اطریش / ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۸۰، ۶۰۱، ۶۶۳

اف. بی. آی / ۱۸، ۱۹، ۵۷

افتخاری، قاسم / ۳۸۶

افخمی، مهناز / ۷۷۴

افریقای جنوبی / ۵۰۴، ۵۲۲

افغانستان / ۲۱۸، ۲۷۲، ۳۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۹

۵۴۴، ۵۴۸، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۷، ۶۲۰

۶۲۹، ۶۵۸، ۶۸۷، ۶۹۵، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۴۹

۷۹۷، ۸۷۹، ۸۸۳

اقبال، منوچهر / ۶۴۹، ۶۵۰

اقیانوس اطلس / ۱۹۷

اقیانوس هند / ۹۶، ۵۴۸، ۷۰۳، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۶

۷۵۰، ۷۵۲، ۸۳۰

ص: ١٩٥

اكتنيك / ١٥٤

اكسيدنتال / ٤١٢، ٤٠٤

اكوادور / ٥٩٤، ٥١٧، ٤٥٣

الازهر / ٢١٠

ال. ان. ايز / ١٣٧

ال. ان. يوما (رمز) / ٣٥٧، ٣٥٧

ال. بي. گامين / ٣٥٩، ٣٥٧

الجزاير / ٣٩٢، ٤٣٠، ٤٣٧، ٤٩١، ٥٠٤، ٥١٧

٥٣٤، ٥٣٩، ٥٤٣، ٥٤٤، ٥٤٥، ٥٤٨، ٥٥٠، ٥٥٤

٥٥٥، ٥٥٨، ٥٥٩، ٥٦٠، ٦٠٢، ٦١٢، ٦١٦، ٦٢٠

الجزيره / ٥١، ٥٣، ١٤٩، ١٩٨، ٢٠٢، ٥٣٩، ٥٥٩

٧٠٣

السالوادور / ٢٣١

العريش / ٢٢٣

الغوار / ٤٨٣

القانيان، حيب / ٢٣٢

القبصي / ٢١٣

الكبير / ٥٥٩

المنصوره / ١٩٦

الهی، سیروس / ۷۸۱

الیاس سرکیس (رئیس جمهور لبنان) / ۲۳۰

۲۳۲، ۲۴۲

الیانور / ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۶۲

امارات متحده عربی / ۲۳۴، ۶۱۰، ۶۵۹، ۸۸۳

امام خمینی / ۹۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۵۴

۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۹

۲۸۲، ۲۸۳، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۱، ۳۱۲

۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۳، ۳۳۰

۳۳۶، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶

۳۷۸، ۳۷۹، ۷۲۳، ۷۸۸، ۸۱۱

امان / ۱۹۸، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲

۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۰

امیرانتظام، عباس / ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۹۳، ۲۹۶

۳۱۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۵۹

امیرطهماسبی، ژاله / ۳۹۲

امینی، علی / ۶۴۹، ۶۹۷

ان. بی. سی / ۲۱۵

انجامنا / ۹۷

انجمن ایران آمریکا / ۷۶۵، ۷۷۱، ۷۷۶، ۷۷۷

۷۷۸، ۷۸۵، ۸۷۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۷۸

اندونزی / ۲۱۹، ۴۱۵، ۴۲۷، ۴۳۰، ۴۴۴، ۴۶۹،

۴۹۰، ۴۹۱، ۵۱۱، ۵۸۶

انستیتو گوته / ۷۷۸

انستیتو هودسون / ۷۶۶

انصاری، عبدالرضا / ۶۶۱، ۶۶۹

انصاری، هوشنگ / ۶۶۱، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۲

انقلاب سفید / ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۶۵،

۶۷۳، ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۹، ۷۰۹، ۷۴۱

انگلستان / ۱۹، ۲۱، ۱۸۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۹۰،

۳۴۰، ۳۹۶، ۴۱۷، ۵۳۴، ۶۲۹، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۶۳،

۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۱۱، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۵،

۷۶۴، ۷۶۷، ۷۷۶، ۷۹۱

انگلیس / ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶،

۲۳۹، ۲۹۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۹۷، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۶،

۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳،

۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۳، ۵۴۳، ۵۹۱، ۵۹۹،

۶۱۵، ۶۵۱، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۹۲، ۶۹۳، ۷۲۷، ۷۸۶

اوبلاست، ونیتسکی / ۱۲۹

اوپیک / ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۱۵، ۲۱۹، ۴۰۴، ۴۰۶،

ፊ፲፩ ፊ፲፪ ፊ፲፫ ፊ፲፬ ፊ፲፭ ፊ፲፮ ፊ፲፯ ፊ፲፱ ፊ፲፳

ፊ፲፻ ፊ፲፺ ፊ፲፻፲ ፊ፲፻፳ ፊ፲፻፳፯ ፊ፲፻፳፰ ፊ፲፻፳፱ ፊ፲፻፳፺

ፊ፲፻፳፻ ፊ፲፻፳፺ ፊ፲፻፳፻፲ ፊ፲፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፱ ፊ፲፻፳፻፳፺

ፊ፲፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፱ ፊ፲፻፳፻፳፺ ፊ፲፻፳፻፳፻ ፊ፲፻፳፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፱

ፊ፲፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፱ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፺ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፱

ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፱ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፺ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፱

ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፱ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፺ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፱

ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፱ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፺ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፱

ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፱ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፺ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፰ ፊ፲፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፻፳፱

۵۲۳، ۵۲۴، ۵۴۸، ۵۷۰، ۷۵۲، ۸۱۲، ۸۱۹

اورشلیم / ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۴۱،

۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۶۵۹

اورشلیم پست / ۲۴۴

اورشلیم شرقی / ۲۰۹

اورلی / ۱۸، ۱۹

اوروگوئه / ۵۸۹، ۵۹۶

اورینوکو تاربلت / ۴۸۹

او. زی. رام / ۹۸

اوکراین / ۱۰۷، ۵۰۸

اوگادن / ۵۴۹، ۵۶۴، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۸۰،

۶۰۴

اوگاندا / ۵۷۴، ۵۸۳

اوگردنیکف، آناٹولی تریفنویچ / ۵۳، ۵۴

اولان باتار / ۱۰۰

اولتان، دونالد / ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۶۱، ۶۴

اولسون، ریچارد ال. / ۶۴۷، ۶۴۸

اونتاریو / ۵۰۳

اوهاها / ۱۸۶

اوهایو / ۳۴۱

اوهیرا / ۲۲۰

اویسی، غلامعلی (ارتشبد) / ۶۳۹، ۷۱۴

اویل کالیفرنیا / ۴۰۴، ۴۱۱

اویل نیوجرسی / ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۴۳

اهرلیک، سیمکا / ۲۴۵

اهرم / ۲۴۶

اهرن، توماس ل. / ۲۶۳، ۳۰۸، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹

۳۵۹، ۳۸۱

اهواز / ۳۲۱، ۴۸۷، ۷۹۸

ایالت اورینسا / ۶۱۶

ایتالیا / ۸۰، ۲۳۶، ۲۳۸، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۴۶، ۴۹۳

۴۹۶، ۴۹۷، ۶۹۲

ایرلند / ۴۹۳

ایروان / ۹۳

ایروین / ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۴۸

ایزمن / ۲۴۱

ایزوستیا / ۸، ۹۲، ۹۵، ۲۲۴

ای. زی. نوا / ۳۶۰

ایستگاه ماهواره ای سمفونی / ۱۹۷

ایستگاه ماهواره زمینی در همدان / ۷۱۱

ایسلند / ۴۹۳

ایگور / ۹۳

ایلتس / ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۴۰

ایل قشقایبی / ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۴

۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹

ایلینتسف، والتین ایوانویچ / ۳۷

اینتوریست مینسک / ۱۰۶، ۱۰۹

ایندیانا / ۱۸۵، ۲۹۹، ۴۰۴

ایندین / ۲۸۲

ایوانوویچ، اریک / ۹۴

ای.وی.اچ (۹) / (EVH)

ب

بائر، گری هاف / ۸۰۵

باربادوس / ۵۸۹، ۵۹۲

بارن، دیوید / ۴۴۳

باروز، فرانک / ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۱

۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۹۰

بارون، جان / ۱۰۶

بازار تهران / ۳۰۱

بازرگان، مهدی (مهندس) / ۲۳۳، ۲۵۸، ۲۷۲،

۲۸۱، ۲۹۸، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۱،

۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۶۹،

۳۷۴، ۳۸۵

باشگاه افسران تهران / ۱۲۸

باکینگهام، برایانت / ۳۶۵، ۳۶۶

باکینگهام (خانم) / ۳۶۵

بال / ۱۵۴

ص: ۸۹۷

بالاشوف / ۵۱، ۵۲، ۵۴

بالفور / ۲۶۲

بانفورا / ۵۸۴

بانک بین المللی بازسازی و عمران / ۷۰۰

بانک تعاونی کشاورزی / ۷۴۰

بانک چیس مانهاتان / ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۳۱

۴۴۲، ۴۴۳

بانک رفاه کارگران / ۷۳۸

بانک رهنی / ۷۳۸

بانک صادرات ایران / ۷۹۵

بانک صنعتی ایران / ۷۷۶

بانک عمران آفریقایی / ۱۹۵

بانک عمران ژاپن / ۴۹۶

بانک فرست نشنال سیتی (نیویورک) / ۳۴۱

۴۰۴، ۴۱۲

بانک مرکزی ایران / ۶۵۳، ۶۶۲، ۷۳۸، ۸۰۱

۸۰۲، ۸۰۳

بانگوی / ۹۷

باوالوف، ریا / ۱۰۳، ۱۲۰

بাহاماس / ۵۹۲

باهدون، مؤمن / ۲۲۶، ۲۲۵

بجیل (۶۰۳) / Bajil

بحر خزر / ۶۸۵

بحرین / ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۵، ۶۵۶، ۸۸۳

بخارست / ۶۰۱، ۶۰۸، ۶۱۸، ۵۹۱

بختیار، تیمور (سپهد) / ۳۶۸، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۵

۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۹۸، ۷۹۱

بختیار، شاهپور / ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۹۹، ۳۱۱، ۳۲۲

۳۲۳، ۳۳۲، ۳۶۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۹۳

بختیان / ۷۸۹

بخش، شول / ۷۶۳

برازاویل / ۹۷

برازین / ۲۹۹

براس پترو / ۴۸۸

برانت، ویلی (صدراعظم اسبق آلمان) / ۲۴۵

براون، رالف / ۸۶، ۲۳۷

برایان / ۳۴۷

برت، دول (ارتشبد) / ۷۱۷

برزیل / ۸، ۲۸۲، ۳۸۶، ۴۸۸، ۵۰۶، ۵۸۸، ۵۸۹

۵۹۰، ۶۲۰

برژنف / ۲۲۴

برژینسکی، زیبگنیو / ۲۰۸

برلن / ۱۴۹

برلن شرقی / ۴۶، ۳۸۶

برلین / ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱

برمه / ۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۵۸۵

برنجیان (سرهنگ) / ۶۴۶، ۶۴۷

برنسون، آلن دبلیو. / ۸۱۶، ۸۵۱، ۸۵۵، ۸۶۲

۸۷۴، ۸۸۳، ۸۸۵، ۸۸۶

بروان (خانم) / ۸۶

بروجردی (آیت الله) / ۲۱۲

بروکسل / ۱۵، ۲۳، ۲۷، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۵

بروکلین / ۱۳

بروین، راجر سی. / ۷۶۶، ۷۷۹، ۷۹۹، ۸۱۷

بریتانیا / ۱۸۹، ۳۴۳، ۳۸۸، ۶۵۵، ۶۶۰، ۷۹۱

بریتیش پترولیوم / ۴۰۴، ۴۱۲

بریج تاون / ۵۹۲

بش / ۷۹۹

بغداد / ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲

٢٣١، ٢٤٧، ٤٢٣، ٤٣٩، ٤٨٨، ٥٤٧، ٦٠٢، ٦٠٣،

٦٩٣، ٦٩٦، ٧١٢

بغدادی / ١٩٨، ١٩٩

بک، ژوزف / ١٤، ١٦

بگین، مناخیم / ٢١٩، ٢٢٤، ٢٣٠، ٢٣٩

بلاغی، سیدصدرالدین / ٢٧٨، ٢٨٢

بلژیک / ١٥، ٥٠، ٥١، ٥٢، ٥٤، ٦٥، ٦٦، ٤٣٩،

٤٩٣

بلغارستان / ٨٩، ١٧٩، ١٨٥، ٥١٠، ٥٤٢، ٥٥٤،

ص: ۱۹۸

۵۵۵، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۲،

۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۰۰، ۶۰۴،

۶۰۸، ۶۱۷، ۶۱۹

بلک، جورج / ۸۶

بلگراد / ۲۰۴

بلوچستان / ۳۵۴، ۳۶۰، ۷۰۵

بلو، مری / ۸۵

بمبئی / ۱۴۹

بن / ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۶۲، ۹۵، ۲۱۴، ۳۹۲، ۶۵۸

بندر آبادان / ۶۹۴

بندر پورت سعید / ۱۹۶

بندر پهلوی (بندر انزلی) / ۳۸۰، ۷۱۵

بندر رود شرخان / ۶۱۴

بندر سعید / ۲۰۵

بندر سنیفوگوس / ۲۰۷

بندر سوئز / ۱۹۶

بندر سوتامتون / ۲۲

بندر شاهپور / ۷۴۵

بندرعباس / ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۴۵، ۷۹۸

بندر لوبا / ۵۷۹

بندر نوآکچوت / ۵۶۲

بنگلادش / ۶۱۵، ۶۱۴، ۳۸۶

بنلوکس / ۴۳۹

بنیاد پهلوی / ۶۸۴

بنیاد سرمایه گذاری در ایران / ۳۹۶

بنی صدر، ابوالحسن / ۳۸۶، ۳۵۶، ۳۵۲

بنین / ۶۱۹، ۵۷۶

بوئر، کاری هاف / ۷۹۹

بوئنوس آیرس / ۵۸۹

بویین، الکساندر / ۲۲۴

بوتروس / ۲۲۵

بوتسوانا / ۵۷۷

بوخارست / ۱۴۹

بودائیسیم / ۸۵

بوداپست / ۵۹۰، ۱۴۹

بوداما / ۶۱۹

بوراما / ۵۷۴

بوروندی / ۵۷۷

بوستون / ۲۲

بوس، هوارد آر. / ۶۴۶

بوکارو / ۶۱۶

بوکاسا / ۵۷۸

بوکاس دل تورو / ۵۹۳

بوکسیت یونان / ۶۰۹

بوگوتا / ۵۹۴

بولستر، آرچی ام. / ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۸۰

بولستر، کیو. آر. / ۲۷۲، ۳۰۴

بولیوی / ۵۹۱، ۵۹۲

بهرامیان، بهرام / ۲۵۳، ۲۵۷، ۳۲۷، ۳۴۰، ۳۴۵

۳۴۸، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰

بهشتی، سیدمحمدحسین (آیت الله) / ۲۸۲، ۳۱۵

۳۷۴

بیروت / ۱۹۸، ۲۲۵، ۲۳۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶

۳۲۳، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۵

۴۰۷، ۴۴۱

بیسائو / ۵۷۷، ۵۸۰

بی.سی. هاوک / ۳۹۴

بیگی، بهمن / ۳۶۶

بیل وٹ / ۱۰۳

بیمارستان ارتش آمریکا (تهران) / ۱۰۱، ۱۰۸،

۱۳۶، ۸۵۵، ۸۵۶

بیمارستان شوروی (تهران) / ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۲۴،

۱۳۵

بیمارستان ماثار (۵۸۰) / Mathare)

پ

پاپو آگینه / ۵۸۶

پاپیچ، اس. جی. / ۳۶۷

ص: ۸۹۹

پاترسون، دیوید / ۲۸۳، ۷۶۶

پادگان سمیرم / ۳۶۳

پاراماریبو / ۵۹۵

پارسا / ۷۸۰

پاریس / ۱۹۸، ۲۲۵، ۲۷۶، ۳۰۲، ۳۲۰، ۳۲۳

۳۳۸، ۳۵۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۶۸

پاسادنا / ۳۰۴

پاسایک / ۲۹۹

پاکروان، حسن / ۶۳۵، ۷۹۰، ۷۹۱

پاکروان، کریم (دکتر) / ۷۹۰، ۷۹۱

پاکستان / ۶۳، ۹۶، ۲۱۹، ۲۳۱، ۶۱۲، ۶۱۷، ۶۱۸

۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۵۴، ۶۵۸، ۶۹۷، ۷۰۳

۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۳۷، ۷۴۹، ۷۹۱، ۸۸۳

پاکستان غربی / ۶۵۸

پالایشگاه ساحلی آمریکا / ۴۲۶

پالایشگاه سنگاپور / ۵۸۷

پالایشگاه (غنا) / ۵۷۹

پالایشگاه ماثورا (۶۱۷) / Mathura

پالایشگاه نفت آناتولی / ۶۰۸

پالایشگاه نفت بانیاس / ۶۰۷

پالایشگاه نفت تاماتاوه / ۵۸۱

پالایشگاه نفت در کوناکری / ۵۷۰

پالایشگاههای کارائیب / ۵۶۲

پاناما / ۲۳۱، ۵۸۹، ۵۹۳

پایگاه فیلادلفیا / ۲۶۳، ۳۰۱

پایگاه نیروی دریایی خرمشهر / ۶۴۱

پایگاه هوایی دزفول / ۶۴۱

پایگاه هوایی مهرآباد / ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۶، ۶۴۸

پراکسمایر (سناتور) / ۴۴۵

پراگ / ۱۴۹

پراودا / ۸، ۹۳

پرتغال / ۴۹۳، ۵۴۲، ۵۹۶

پرتلانت / ۱۳۷

پرسی (سناتور) / ۷۲۴، ۷۳۱

پرو / ۵۴۶، ۵۹۰

پروخوروف، یوگنی میخایلوویچ / ۲۲

پروژه بلت اوئن - بورائو / ۵۷۴

پروژه نیروی آبی اتیاپو / ۵۹۰

پریرا (۵۷۷) / Pereira)

پریش، ام. آر. / ۳۶۵

پریم، بیی آر. (سرگرد) / ۶۴۷

پرینس پورت / ۵۹۲

پستایم تکز، اف. جی. / ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹

پطروس غالی / ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۴۱

پکن / ۱۷۴، ۲۳۱، ۵۱۱، ۵۳۵، ۵۵۶، ۵۶۵، ۵۷۳

۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۶، ۵۸۷

۵۸۹، ۵۹۴، ۶۰۹، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۳

۶۲۴

پکوئین، دونالد سی. / ۱۳۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰

۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۴۶، ۳۴۷

۳۷۲، ۳۸۰

پلاتوف (سرهنگ) / ۱۰۶

پلنتینگا / ۳۴۱، ۳۸۸

پوتوسی / ۵۹۱

پوتیاتوف، ولادیمیر / ۱۱، ۱۲

پورت آپرینس / ۹۷

پورتیلو، لویز / ۵۹۵

پوستون، سی. ام. / ۳۶۸

پولارد / ۳۶۷

پویا پسکی، میکول / ۸۶

پهلوی، رضا / ۱۹۲

پهلوی، علیرضا / ۳۶۴

پهلوی، فرح / ۲۱۱، ۶۵۹، ۶۹۸

پهلوی، محمدرضا / ۹۵، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۰،

۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۳۳، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷،

۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۸۲، ۲۹۵،

۳۰۶، ۳۰۷، ۳۳۴، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۶۲،

۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۲،

۶۰۲، ۶۰۳، ۶۳۳، ۵۶۳، ۵۹۸، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹

۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۹

۶۴۰، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳

۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۲، ۶۶۳

۶۶۵، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸

۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶

۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴

۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۲، ۷۰۳

۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳

۷۱۴، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴

۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۲، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۸۴، ۷۸۵

۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۸، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۹

۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۳۱

پی. ال. اس. دی. ارن / ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴

۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵

۳۵۶، ۳۵۹

پیشوائیان، مایک / ۷۷۲

پیمان آتلائییک شمالی (ناتو) / ۹، ۱۹، ۴۴، ۴۶

۵۵، ۴۴۵، ۸۱۲، ۸۱۹

پیمان سنتو / ۶۲۹، ۶۴۲، ۶۵۳، ۶۵۸، ۶۹۶، ۷۰۰،

۷۰۳، ۸۲۰

پیمان عدم تکثیر سلاحهای هسته ای / ۸۸۶

پیمان ورشو / ۸۴، ۱۴۹، ۵۶۰، ۵۷۳، ۵۸۲، ۵۹۰،

۶۰۲

پینک، الینور / ۸۶

ت

تاباسکو / ۵۰۶

تاجبخش، اردشیر (سرتیپ) / ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۶،

۶۴۷

تاجیکستان / ۱۰۹

تاچر / ۶۶۴

تارلترکایا، رگینا کوزیمیروفنا / ۱۰۶

تاشکند / ۹۶

تاگور، رابیندرانات / ۲۸

تالواگ / ۶۵۶

تامست، ویکتورال . / ۷۹۳، ۷۹۹، ۸۱۷،

تاننا / ۱۹۶

تانزانیا / ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۶۴، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶،

۵۸۳، ۶۲۳، ۶۲۴

تانک سوینگ فایر / ۲۳۵

تایلند / ۵۸۷

تایوان / ۵۸۰

تأسیسات سالتوگراند / ۶۲۰

تأسیسات سورو مورسک / ۹۹

تأسیسات نظامی کیپ ورد / ۵۷۷

تبریز / ۱۴۹، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۲۱۲، ۲۶۵

۲۷۸، ۳۰۱، ۳۶۶، ۳۶۷، ۶۶۰، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۲۴

۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۴، ۸۱۳، ۸۱۴

۸۱۷، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۸، ۸۵۳، ۸۵۷، ۸۶۷، ۸۷۲

۸۷۳، ۸۷۴

تخت جمشید / ۳۶۵، ۶۸۸، ۷۰۵، ۷۱۰، ۷۵۸

تخت طاووس / ۳۸۸، ۶۸۷، ۸۱۳

ترکمن / ۳۰۶

ترکیه / ۱۷، ۴۶، ۶۴، ۴۹۳، ۵۰۲، ۵۳۳، ۵۳۹

۵۴۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۹۷، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۵۸، ۶۹۷

۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۸۵، ۸۱۴، ۸۷۳، ۸۷۹

تره کی، نورمحمد / ۶۱۲

تریپولی / ۶۵، ۱۹۸، ۴۲۳، ۴۳۲، ۴۳۹، ۵۶۰

تریسته / ۱۴۹

تصفیه خانه شکر (بنگلادش) / ۶۱۵

تگزاس / ۴۲۳، ۱۸۵، ۱۲۶، ۱۰۳

تگزاکو / ۴۱۲، ۴۰۴

تل آویو / ۲۴۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۴، ۱۹۸، ۱۵

۲۴۴، ۲۴۵، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۷۰، ۳۷۱

۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۰، ۳۸۵

تلویزیون آمریکا / ۷۷۰، ۷۶۱

تلویزیون ملی ایران / ۷۸۳، ۷۷۸، ۷۷۴

ص: ۹۰۱

تنباکوی یونان / ۶۰۹

تنب کوچک و بزرگ / ۶۹۸

تنسی / ۱۸۶

تنگه هرمز / ۷۱۳

توسلی، محمد / ۳۴۱

توکیو / ۹۷، ۲۱۴، ۲۲۰، ۴۹۶

توگو / ۵۸۳

تولبرت (رئیس جمهور) / ۵۸۰

توماس اچ. گان (سرہنگ دوم) / ۶۴۶

تون / ۲۵۰

تونس / ۵۱، ۵۲، ۱۹۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۳۵۵، ۵۶۳

۶۲۲، ۶۵۹

تهران / (اکثر صفحات)

تهران ژورنال / ۷۹۵

تیرباس / ۲۳۲

تیپ گارد ریاست جمهوری / ۱۹۷

تیسسی، رابرت پی. / ۱۶۴

تیلور، کلاید د. / ۲۷۳، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹

۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۴

ج. آر. یو / ۵، ۶

جابر انصاری، همایون / ۷۳۷

جاده تاماتاوه مورامانگا / ۵۸۱

جاکارتا / ۲۴، ۵۸۶

جامائیکا / ۵۸۹، ۵۹۲

جامعه اقتصادی اروپا / ۴۰۸، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۵۴

جانسون، رابرت ال. / ۱۸، ۱۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲،

۱۳۳، ۱۳۵، ۲۰۰

جانسون، فرانک / ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳

جانسون، لیندن / ۲۰۰

جبلنسکی، هاروی آ. (سرلشکر) / ۶۴۷، ۶۴۸

جبهه خلق آزادیبخش فلسطین / ۲۲۹

جبهه دموکراتیک ملی / ۲۸۲

جبهه ملی / ۲۲۳، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۶،

۲۹۳، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۵،

۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۳

جبهه ملی سوم / ۲۹۹

جده / ۱۹۸، ۲۲۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۷۰،

۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۴۴۷

جزایر ابوموسی / ۶۹۸

جزایر پانیز / ۵۶۹

جزایر خلیج فارس / ۶۹۹

جزایر کارائیب / ۵۸۹، ۸۰۴

جزایر ویرجین / ۸۰۳، ۸۰۴

جزیره ابوموسی / ۶۵۶

جزیره خارک / ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۷

جزیره گراند کومور / ۵۷۸

جزیره لاوان / ۶۴۹، ۷۱۰

جسکول / ۴۴۵

جشنهای دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی ایران /

۷۱۰

جعفر نمیری / ۲۲۲

جکسون (سرگرد) / ۳۶۷

جکسون (سناتور) / ۴۴۵

جمال عبدالناصر / ۱۹۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۶۳۴

جم، فریدون (تیمسار) / ۲۸۰، ۶۵۲

جمهوری دمکراتیک آلمان / ۸۹، ۱۸۵

جمهوری دموکراتیک خلق کره / ۱۸۵

جمهوری دموکراتیک خلق یمن / ۹۶، ۲۴۷، ۶۰۴

جمهوری سوسیالیستی ویتنام / ۸۹

جمهوری عربی مصر / ۱۹۴

جمهوری فدرال آلمان / ۱۲۲

جمهوری لاتویا / ۲۵

جمهوری متحده عربی / ۱۹۸، ۱۹۹، ۶۳۴، ۶۵۱

جمهوری یمن جنوبی / ۲۳۰

جنبش رادیکال / ۳۱۲

جنبش غیرمتعهدها / ۲۰۲، ۲۲۱، ۲۷۲

ص: ۹۰۲

جنبش ملی فارس / ۳۶۳

جنگ اعراب و اسرائیل / ۲۰۰، ۲۰۱، ۶۴۹

جنگ جهانی دوم / ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۸

جنوب لبنان / ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۲

۲۴۶

جوادی / ۳۱۷

جوزف، الیس / ۹۹

جونز، تام / ۸۵

جی. آر. یو (سازمان اطلاعاتی روسیه) / ۶، ۷، ۸

۹، ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۳۴، ۴۲، ۴۳، ۴۴

۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۵

۶۶، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷

۱۲۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۵

جیوتی / ۲۱۹، ۲۲۵، ۲۲۶، ۵۷۴، ۵۷۹، ۶۱۹

جیل، لاری / ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵

۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶

۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵

۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳

۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷

ج

چائوشسکو / ۶۶۱

چایمن، آلبرت اس. / ۷۶۸، ۷۶۹

چاد / ۲۳۱، ۳۳۶، ۵۵۵، ۵۶۵، ۵۷۸، ۶۸۵، ۷۸۴

۷۸۵، ۷۹۵، ۷۹۸، ۸۰۵

چرتون / ۶۵، ۶۶

چرومکین، یوری سمنوویچ / ۱۰۶

چکسلواکی / ۹، ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۳۵، ۳۰۱

۵۱۰، ۵۳۵، ۵۴۲، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶

۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۹۱

۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۰۶

۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۱۹، ۶۲۹، ۶۵۱، ۶۵۸، ۶۶۰

۶۶۱، ۷۱۱

چمران، مصطفی (دکتر) / ۲۹۶، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۱۰

۳۱۲، ۳۴۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰

چمران، مهدی / ۳۳۳

چنگیزخان / ۳۶۳

چوبین، باری / ۷۶۶، ۷۶۷

چوبین، بهرام / ۷۶۶

چوبین، شهرام / ۷۶۵

چیاپاز / ۵۰۶

چیشلوم / ۳۶۷

چیکو (کالیفرنیا) / ۳۸۴، ۳۸۵

چین / ۲۳، ۲۸، ۸۹، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۴۳، ۱۴۴،

۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵،

۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۸، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۳،

۳۳۵، ۳۷۸، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۰۲، ۵۱۰،

۵۱۱، ۵۱۲، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۵۰،

۵۵۱، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴،

۵۶۵، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶،

۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴،

۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴،

۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۹،

۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸،

۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۴۴، ۶۵۸،

۷۰۰، ۷۱۳

ح

حاتیم / ۱۹۸

حاج سید جوادی / ۳۶۲

حاج سيد جوادى، احمد صدر / ٢٨١، ٢٨٠

حاجى باباى اصفهانى (كتاب) / ٦٨٦

حاجى هاشم / ٢٨١

حافظ / ٧٠٥

حافظ اسماعيل / ٢٠٢

حبيب زيادباره / ٢٢٢

حردان التكريتى (ژنرال) / ٦٥٦

حزب ایران / ۶۶۲

حزب ایران نوین / ۶۴۹، ۷۰۰

حزب ایرانیان / ۷۰۰

حزب بعث سوریه / ۲۴۶

حزب پان ایرانیست / ۶۴۹، ۶۶۲

حزب توده / ۳۳۶، ۶۶۰، ۶۶۳، ۶۹۶، ۷۰۰

حزب جمهوری اسلامی / ۲۸۲

حزب جمهوری خلق مسلمان / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۵

۲۷۰، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۳

۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۶

حزب دموکراتیک خلق / ۶۱۲

حزب دموکراتیک ملی / ۲۲۳

حزب رادیکال / ۲۷۸

حزب رستاخیز / ۷۸۴، ۷۸۶، ۷۸۷

حزب کمونیست ایران / ۶۹۶

حزب کمونیست چین / ۱۷۴

حزب لیبرال / ۲۴۴، ۲۴۵

حزب لیکود / ۲۴۴

حزب محافظه کار انگلستان / ۲۶۹

حزب مردم / ۶۶۲، ۷۰۰

حزب ملی دموکراتیک / ۱۹۵

حسینی مبارک / ۲۰۶، ۲۴۰

حسینی فرد، احمد / ۳۸۶

حصیه / ۲۴۶

حضرت علی (ع) / ۷۰۵

حضرت محمد (ص) / ۷۰۵

حوزه اکوفیسک / ۵۰۰

حوزه الغوار / ۴۸۰، ۴۸۴

حوزه شمالی آلاسکا / ۵۰۱

حوزه فریگ / ۵۰۱

حوزه مدیترانه / ۶۵۸

حوزه نفتی استات افجورد (دریای شمال) / ۵۰۰

حوزه نفتی اندونزی / ۴۹۱

حوزه نفتی رومیله (۶۰۳) / Rumaylah

حوزه نفتی ساموتلر / ۵۰۷

حوزه نفتی میناس / ۴۹۱

حوضچه لیمپوپ / ۵۷۲

خ

خاتمی، محمد (ارتشبد) / ۶۵۲، ۷۱۴، ۷۱۵

خارطوم / ۱۹۸، ۵۸۳

خاقانی، شیخ محمدطاهر (آیت الله) / ۲۶۶، ۲۷۰،

۲۷۳، ۲۸۰، ۳۶۲

خالد محی الدین / ۲۰۹

خامنه ای، محمد (آیت الله) / ۳۸۶

خاور دور / ۱۳، ۲۵، ۶۳

خاورمیانه / ۵۶، ۴۴۰، ۴۴۱، ۵۴۱، ۵۵۰، ۵۵۴،

۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۲

خاور نزدیک / ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۵۳،

۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۳۱، ۸۳۳

۸۳۷، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۵

۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۹، ۸۷۲، ۸۷۵، ۸۷۶

۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶

خبرگزاری آسوشیتدپرس / ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۲۹

خبرگزاری تاس / ۸، ۵۰، ۵۳، ۹۲

خبرگزاری چین / ۱۷۴

خبرگزاری نووستی / ۸

خراسان / ۲۷۸، ۲۸۲، ۶۷۳

خرمشهر / ۱۸۳، ۲۸۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۴۹، ۷۱۶،

۷۱۷، ۷۴۵، ۷۹۸، ۸۶۷، ۸۶۹

خروشچف / ۵۳۵

خسروانی / ۶۶۲، ۶۶۱، ۶۵۰

خسروخان / ۳۶۸، ۳۶۷، ۳۶۶، ۳۶۵، ۳۶۳

خسروشاهی، سیدهادی / ۲۸۲، ۲۷۸

خلخال، صادق / ۲۹۵، ۲۳۳

خلعتبری، عباسعلی / ۷۳۱، ۷۲۹، ۶۵۷

خلیج پرودهو / ۴۴۳

خلیج سفلی / ۶۵۶

خلیج فارس / ۹۳، ۲۳۷، ۲۴۷، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۲۳،

۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۴،

۴۴۷، ۵۳۳، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱،

۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۰، ۶۸۵، ۶۹۳، ۶۹۸،

۶۹۹، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷،

۷۳۲، ۷۴۴، ۷۵۲، ۷۵۹، ۷۶۴، ۷۷۳، ۸۱۲، ۸۱۹

۸۳۰، ۸۵۹

خلیج مکزیک / ۴۲۳

خلیل / ۲۴۷

خوزستان / ۲۵۹، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲، ۳۲۱، ۳۶۱،

۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۶۴۹، ۶۶۳، ۶۷۵

خولت (۵۶۸) / Kholette)

خیابان آپادانا / ۳۴۹

خیابان بلیس واتر / ۲۰، ۲۱

خیابان تخت جمشید / ۱۸۵

خیابان جردن / ۷۶۳

خیابان دروس / ۷۷۰

خیابان سی ام / ۳۰۳

خیابان سیویه / ۳۴۹

خیابان شاهرضا / ۲۱۳

خیابان فارهیلز / ۳۴۱

خیابان ماساچوست واشنگتن / ۲۰۵

خیابان مهرشاه / ۳۴۶

خیابان میرداماد / ۳۱۸، ۷۶۳

خیابان مین / ۳۶۷

خیابان نادرشاه / ۳۰۷

خیابان نادری / ۷۷۰

خیابان نیاوران / ۷۹۰

خیابان ویلا، ۱۲۹

خیابان هشت گرد / ۷۸۱

خیزتویمان اوبلاست شمالی / ۵۰۸

د

دارالسلام / ۱۱، ۵۷۴، ۶۲۳

داکا / ۱۴۹، ۶۱۴، ۶۱۵

داکار / ۱۴۹

دالاس، آلن دبلیو / ۱۴۹

دان / ۳۹۱

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام / ۱، ۱۰۵،

۱۹۳، ۲۵۸، ۳۲۷، ۴۰۹، ۴۶۳، ۵۳۶، ۶۳۱، ۷۲۸

دانشکده افسری تهران / ۲۱۲

دانشکده اقتصاد لندن / ۷۹۱

دانشگاه آذر آبادگان / ۷۸۶

دانشگاه آریامهر / ۶۷۴

دانشگاه آزاد ایران / ۷۹۰، ۷۹۱

دانشگاه آکسفورد / ۳۷

دانشگاه استانفورد / ۳۹

دانشگاه اصفهان / ۷۹۴، ۷۹۵

دانشگاه بیرزیت / ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۹، ۲۴۱

دانشگاه پهلوی شیراز / ۶۷۴، ۷۵۹، ۷۶۰

دانشگاه تولوز فرانسه / ۳۹۷

دانشگاه تهران / ۳۹۷، ۶۶۲، ۶۷۴، ۶۹۹، ۷۳۴

دانشگاه جورج تاون / ۲۰۵

دانشگاه رازی / ۷۶۰

دانشگاه شیکاگو / ۷۹۱

دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) / ۳۹۳، ۳۹۴

دانشگاه فیرلی دیکنسن / ۳۹۲

دانشگاه فواد / ۲۰۳

دانشگاه قاهره / ۱۹۴، ۲۰۳

دانشگاه کالیفرنیا / ۱۳

دانشگاه کلمبیا / ۷۶۵

دانشگاه لندن / ۳۷

دانشگاه مسکو / ۹۳

دانشگاه ملی / ۷۶۰، ۷۸۱

دانشگاه نیویورک / ۲۹۸، ۲۹۹

دانشگاه هاروارد / ۲۰۳

دانشگاه هال نیویورک / ۲۹۹

دانشگاه یل (۳۷) / YALE

ص: ۹۰۵

دان، لاندام. / ۶۴۶، ۶۴۸

دانمارک / ۴۳۸، ۴۹۳

داوینیا، لئونید واسیلیوویچ (سرهنګ دوم) / ۱۰۱،

۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۳۵

داوینیا، ناتالیا ویکتوروفنا / ۱۰۷

دایان، موشه / ۲۴۵

دبلیو. او. لاک / ۳۶۰

دبلیو. او. میس / ۱۶۰

ددیچ، پیتر / ۸۱۷

درابلز، ماتیتیاھو / ۲۴۴

دربانی، محسن / ۷۷۳

دروموند، نلسون سی. / ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲

درون، والتر دی. (سرتیپ) / ۷۱۷

دره آواش / ۵۶۹

دره کریورا / ۵۸۰

دریاچه ارومیه / ۷۰۱

دریاچه ان - نوبا / ۵۸۳

دریاچه ماراکائیو / ۴۸۸

دریای اژه / ۶۹۵

دریای بالتیک / ۷۰۴

دریای خزر / ۳۰۶، ۶۹۳، ۶۶۰، ۷۰۱، ۷۰۴، ۷۱۵

دریای سیاه / ۲۵، ۶۰۹

دریای شمال / ۴۱۵

دریای مدیترانه / ۱۹

دزفول / ۶۴۸، ۷۱۵

دستگاه اطلاعاتی مجارستان / ۹

دستگاه جاسوسی آمریکا / ۴۶۲

دفاع هوایی موشک هاوک / ۷۱۹

دفتر اطلاعاتی آمریکا / ۵۴۱

دفتر ایتوریست / ۶۴

دفتر بازرس کل / ۸۱۶

دفتر حفاظت آمریکا / ۸۱

دفتر کنترل مهمات وزارت خارجه / ۸۰۴

دلتای نیل / ۲۰۴

دماغه آنجوان / ۵۷۸

دمشق / ۱۹۸، ۲۲۴، ۲۳۲، ۶۰۵

دنور / ۱۸۵

دنیسف، یوری ام. / ۱۳۸، ۱۳۹

دورویتر، بارون ژولیوس / ۴۰۲

دوشان تپه / ۷۱۵

دو گل / ۶۴۹

دو گلاس، ال. هک (معاون سفیر) / ۷۱۷

دو گلاس، ویلیام / ۳۹۲

دومینکن / ۵۸۹، ۵۹۲

دهانه (۹۹) / KOLUINETET

دهکده بیت یاهون / ۲۴۶

دهلی نو / ۲۷، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۷۰،

۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۶۱۵، ۶۱۶،

۶۵۵

دیتون / ۳۴۱

دیرتک / ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۵۴،

۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹

دیلارد / ۱۱۷

دیلون، فرانسیس آر. (گروهبان) / ۱۱۷

دیما / ۱۳۷، ۴۸۶

دیمیتروف / ۹۷

دیوان عالی شیلی / ۲۳۱

دیهم، فریتز / ۹۴

راجرز، جان سی. (سرهنګ) / ۱۱۷، ۱۱۸، ۶۲۹،

۶۵۳، ۸۱۶، ۸۳۳، ۸۶۲، ۸۷۴، ۸۸۳

راديو آمريکا / ۷۶۱، ۷۷۰

راديو اسرائيل / ۲۲۹

راديو اورشليم / ۲۲۴

راديو بيروت / ۲۴۶

راديو تهران / ۲۱۲

راديو قاهره / ۲۴۶، ۲۹۹

ص: ۹۰۶

راديو مراکش / ۲۲۵

راديو و تلويزيون ملی ايران / ۳۱۲، ۷۷۰، ۷۲۷،

۷۸۲، ۷۵۶

راسک / ۱۵۵، ۳۹۰

رافرتی، جیمز / ۳۴۴

راکفلر، دیوید / ۷۹۱

راکول / ۳۹۰

رامسر / ۶۷۴

رامکف، آنا تولی (دکتر) / ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۳،

۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳،

۱۳۴، ۱۳۵

رانگون / ۱۵۱

رانوف، نیکولای ایوانویچ / ۲۴

رانیو، بروکس / ۸۱۷

رانیو، مریلین / ۸۱۷

راورا، دومینیکو / ۶۴۹

راه آهن تان - زام / ۵۷۴، ۵۷۶، ۶۲۱، ۶۲۲

رأس الخیمه / ۶۵۶

رباط / ۱۹۸

رحمان / ۶۵۸

رحیمی فرید، س. / ۲۷۶

رحیمی نژادی / ۷۶۷

رسولی، علی / ۳۸۶

رشت / ۶۶۰، ۷۱۵

رضاخان / ۱۹۲، ۶۸۷، ۶۹۶

رفسنجان / ۲۱۲

رم / ۱۸۹، ۳۴۴، ۳۸۶، ۳۹۴، ۶۴۸، ۷۰۴

رنسکله / ۳۰۱

رن، کریستوفر / ۲۵۰

روآندا / ۵۵۴، ۵۸۱، ۶۲۲

رود آمودریا / ۶۱۳

رود اردن / ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۴۴

رود اکسوس / ۶۸۷

رود تونکا / ۶۰۸

رودخانه آلتوسینو / ۵۹۴

رودخانه سیو / ۵۸۳

رودخانه لیتانی / ۲۴۶

رودخانه مارارونی علیا / ۵۹۵

رودخانه هیرمند / ۶۵۸

رود ماهاولی (سیلان) / ۶۱۹

رود نیل / ۱۹۶

روزنامه آیریش تایمز / ۲۴۶

روزنامه آیندگان / ۳۷۹

روزنامه اردنی الرأی / ۲۴۶

روزنامه اطلاعات / ۶۵۶، ۲۶۵

روزنامه الاخبار / ۲۴۷

روزنامه الاهرام / ۲۰۸

روزنامه السفیر / ۲۴۷

روزنامه النهار / ۲۴۷

روزنامه بیروتی النهار / ۲۰۳

روزنامه صاعقه / ۲۴۶

روزنامه کیهان / ۲۶۵

روزنامه کیهان اینترنشنال / ۷۵۸

روزنامه معاریو / ۲۲۹

روزنامه منا / ۲۴۱

روزنامه نوویو (روسی) / ۹۷

روزنامه یدیوت آهارونوت / ۲۴۵

روس / ۶۹۳، ۶۸۷، ۱۱۹، ۱۰۴

روسف، الکساندروویچ / ۲۴

روسیه / ۱۳، ۹۳، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۲۴،

۲۴۸، ۲۵۰، ۴۱۳، ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۹۸،

۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۳۴، ۶۴۴، ۷۴۴، ۷۶۱

روکانوف، الکساندر ایوانویچ / ۲۴

رومانی / ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۴۹، ۵۱۰، ۵۴۲،

۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۴،

۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲،

۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۸، ۵۹۹،

۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۱۸

ص: ۹۰۷

۶۶۷، ۶۶۱، ۶۵۱، ۶۲۹، ۶۱۹

رومیلہ / ۴۸۸

روننگ، یوگینوویچ / ۴۱

رویترا / ۲۴۲

ریاض، محمود / ۲۰۲

ریودوژانیرو / ۸

ز

زئیر / ۲۹۳، ۵۵۳، ۵۶۵، ۵۷۵

زاپو / ۵۷۶

زامبیا / ۵۶۴، ۵۷۵، ۵۷۶

زاهدی، اردشیر / ۳۸۸

زاهدی، حسن / ۶۶۱

زکریا محی الدین / ۱۹۸، ۱۹۹

زلاندنو / ۴۷۵

زلنین / ۵۱، ۵۲، ۵۳

زنجان / ۲۹۹

زنجانی، حاج آقارضا / ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۹۷، ۲۹۸

۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷

زنجانی، سید بیوک / ۲۸۲

زننر (دکتر) / ۳۶۷

زورین، والرین الکساندروویچ / ۳۳

زیمابوه / ۵۷۶

ژ

ژاپن / ۱۷، ۲۲۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۸،

۴۳۰، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۵، ۴۹۳،

۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۱۶،

۵۱۹، ۵۲۰، ۵۴۲، ۵۸۵، ۶۹۲، ۷۰۱، ۷۰۴، ۷۴۴،

۷۴۵، ۷۴۸، ۷۷۲، ۷۹۱، ۸۱۲، ۸۱۹

ژاندارمیری ایران / ۷۱۴

ژنو / ۸، ۱۱۶، ۱۳۵، ۱۴۹، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۴،

۳۶۲

ژوهانسبورگ / ۹۷

س

سائوتومه / ۵۸۲

سابو، لاسلو / ۹

ساحل غربی رود اردن / ۲۳۹

ساکاروفسکی، الکساندر میخایلوویچ / ۴۰

ساریس، لوئیس جی / ۲۳۹

سازانوف، آنا تولی / ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷،

۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵،

۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲

سازمان آزادیبخش فلسطین / ۲۲۲، ۳۲۳

سازمان ارتباطات بین المللی آمریکا (ایران) /

۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸

سازمان اطلاعات شوروی (کا. گک. ب.) / ۴، ۵، ۶،

۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹،

۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۰، ۴۱،

۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴،

۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵،

۶۶، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۷، ۹۰، ۹۳، ۹۴،

۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۵،

۱۳۷، ۱۳۸، ۱۶۴

سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) / ۷۶،

۱۰۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۳۰، ۲۳۹،

۲۵۳، ۲۸۰، ۳۵۲، ۴۰۱، ۴۱۷، ۴۳۱، ۴۶۱، ۵۴۱،

۶۴۳، ۶۴۴، ۶۶۳، ۶۸۲، ۷۶۳، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴،

۸۰۵، ۸۱۳

سازمان اطلاعاتی لهستان / ۸۴، ۸۶

سازمان امنیت ایران در کردستان / ۶۵۰

سازمان بازرسی شاهنشاهی / ۶۶۲

سازمان برنامه و بودجه ایران / ۳۹۴، ۳۹۷، ۷۲۷،

۷۳۸، ۷۴۵، ۷۶۹، ۷۹۰

سازمان بهداشت جهانی / ۱۹۵، ۲۱۳، ۲۱۴، ۷۰۰

سازمان بیمه های اجتماعی / ۷۳۸

سازمان بین المللی انرژی / ۵۲۴

سازمان بین المللی کارگری / ۱۹۵

سازمان توسعه صنایع کشاورزی در سودان / ۲۱۵

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی / ۴۴۸

سازمان ثبات اقتصادی / ۸۸۷

سازمان جهانی آبادی نشین های صهیونیستی /

۲۴۴

سازمان جهانی بهداشت / ۱۰۵، ۱۳۵

سازمان خواروبار و کشاورزی / ۷۰۰

سازمان دانشجویی ایرانی / ۶۶۳

سازمان دفاع ملی / ۷۹۵، ۷۹۶

سازمان دفاعی / ۶۳۰، ۷۱۳

سازمان رفاه و بیمه اجتماعی / ۷۳۳

سازمان زنان ایرانی / ۷۷۵

سازمان صنعتی عرب / ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷

سازمان عقابها / ۴۰۶

سازمان کار بین المللی / ۷۰۰

سازمان کشاورزان ایران / ۷۲۶، ۷۳۳، ۷۴۰

سازمان مبارزه با مواد مخدر / ۸۷۸، ۸۷۹

سازمان مجاهدین خلق / ۲۹۶

سازمان مشاوره دریایی بین دولتی / ۱۹۵

سازمان مقاومت ملی / ۶۳۶

سازمان ملل (ژنو) / ۲۰۳

سازمان ملل متحد / ۸، ۱۶، ۲۲، ۱۴۹، ۱۹۵،

۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳،

۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷،

۳۹۱، ۳۹۲، ۴۱۸، ۴۵۰، ۴۹۸، ۵۷۷، ۵۹۶، ۶۶۷،

۶۸۰، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۳۸، ۸۸۷

سازمان مواد و غذایی کشاورزی / ۱۹۵

سازمان وحدت آفریقا / ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۱،

سازمان همکاری و عمران اقتصادی / ۴۶۲، ۴۶۶،

۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۸۵، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵،

۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳،

۵۰۴، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲،

۵۲۳، ۵۲۴

سازمان هوانوردی غیرنظامی بین المللی / ۷۰۰

ساف / ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۳۲۱، ۳۲۳،

سالتوگراند (اوروگوئه) / ۵۸۹، ۵۹۶

سالزبورگ / ۱۴۹

سامانلاویوا (۶۱۹) / Samanalawewa

ساموتلر / ۵۰۷

سانتیاگو / ۵۹۴

ساندرز / ۲۴۵

سانفرانسیسکو / ۱۸۶، ۲۵۸، ۳۰۲، ۳۸۳، ۳۸۴

ساواک / ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۳۴، ۲۵۵، ۲۶۱

۲۶۳، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۳، ۲۹۷، ۲۹۹

۳۰۶، ۳۰۷، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۵۴، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۵

۶۳۶، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۴۸

۶۵۱، ۶۵۸، ۶۷۷، ۷۸۵، ۷۹۱، ۷۹۶

ساواما / ۳۰۶، ۳۰۷

ساولف، میخائیل استپانویچ / ۲۲

سپاه بهداشت / ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۹۰

۷۰۹، ۷۳۷

سپاه پاسداران انقلاب / ۲۹۳

سپاه ترویج و عمران / ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۷۰، ۶۷۳

۶۷۹، ۷۰۹

سپاه دانش / ۶۶۴، ۶۶۹، ۶۷۱، ۶۷۵، ۶۷۸، ۶۷۹

۶۸۰، ۶۹۰، ۷۰۹

سپاه دین / ۶۷۹

سپاه عمران / ۶۷۵

ست، آی.ان. / ۱۳۷

ستيزفای ايگور، پی. دی. / ۹۳

سحابی / ۳۵۹

سحابی، عزت الله / ۳۵۲

سد کاوساک - کاتاران / ۶۰۸

سد لاگدو / ۵۷۷

سد ماپایی / ۵۷۲

سد ماسینگر / ۵۷۲

س. دی. پوتی (رمز) / ۳۲۰

س. دی. راتر / ۳۷۴

سرف، ال. دبلیو. / ۲۶۷، ۲۶۸

سری لانکا / ۹۵، ۶۱۲، ۶۱۹، ۶۲۲

سعد حداد / ۲۳۲

سعدی / ۷۰۵

سفارت آمریکا (آنکارا) / ۲۲۱

سفارت آمریکا (بیروت) / ۲۴۲، ۲۴۶

سفارت آمریکا (تل آویو) / ۲۲۴، ۲۴۵

سفارت آمریکا (توکیو) / ۲۲۰

سفارت آمریکا (تهران) / اکثر صفحات

سفارت آمریکا (جده) / ۲۱۸، ۲۱۹

سفارت آمریکا (جیبوتی) / ۲۲۵

سفارت آمریکا (صنعا) / ۲۱۳، ۲۳۰

سفارت آمریکا (قاهره) / ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۲۰، ۲۲۳

۲۴۷

سفارت امارات عربی متحده (تهران) / ۱۱۹

سفارت ایران (مسکو) / ۶۶۰

سفارت ایران (واشنگتن) / ۳۹۱، ۳۹۷

سفارتخانه استکهلم / ۳۲۹

سفارت ژاپن / ۳۰۹

سفارت سوئیس / ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۵

سفارت شوروی / ۱۱، ۲۱، ۲۵، ۳۱، ۳۷، ۴۸، ۵۰

۵۱، ۵۹، ۱۳۹

سفارت مصر / ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۴۸

۲۴۹

سفارت مصر (مسکو) / ۲۴۸

سلسله جبال زاگرس / ۷۰۵

سلطان / ۲۰۶، ۲۱۱

سلطان قابوس / ۲۲۲

سلطنت آباد / ۷۷۹

سلیم الحوص / ۲۳۰، ۲۴۲

سلیمان فرنجیہ / ۲۳۰

سماکیس، ال. و. / ۳۹۲، ۶۴۹

سمیرم / ۳۶۳

سمیکوف، اولگ الکساندروویچ / ۵۴

سنا / ۴۴۵، ۷۰۰

سنت، جی. بی. / ۳۴۸

سنجابی، سام / ۲۵۸، ۳۲۷، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵

سنجابی، کریم / ۲۵۸، ۳۱۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵

سنگاپور / ۱۴۹، ۵۱۱، ۵۸۷، ۷۱۳

سنگال / ۲۲۸، ۳۸۶، ۵۸۲

سوئد / ۲۱۹، ۴۹۳، ۵۰۹

سوئیس / ۱۰۴، ۱۳۵، ۶۸۳، ۷۹۱

سوآرز، دیگو / ۵۸۱

سواحل صیهاد / ۵۸۱

سواحل مالها / ۵۸۱

سودان / ۱۹۰، ۲۲۲، ۲۲۸، ۵۳۵، ۵۵۴، ۵۸۲

۵۸۳، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴

سورن (پسر لنینگراد) / ۹۳

سوروکین، وادیم ولادیمیروویچ / ۲۲

سورو مورسک / ۹۸، ۹۹

سورینام / ۵۹۵

سوریه / ۵۰، ۶۵، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۱۶

۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۴۲

۲۴۷، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۶۴

۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۶۰، ۶۸۷، ۷۰۳

۸۸۳

سوِسک، سرتیپ لئو ای. / ۷۱۷

سولیان، ویلیام اچ. / ۱۳۴، ۲۱۳، ۷۹۰، ۸۱۷

سوماترا / ۴۹۱

سومالی / ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۵۰، ۵۳۵، ۵۴۴، ۵۴۵

۵۴۹، ۵۵۰، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰

۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴

سومد / ۲۲۰

سوموزا / ۲۴۷

سووبودا / ۶۶۱

سویس / ۷۷، ۳۶۳، ۳۶۸، ۴۳۵، ۴۹۳

سی.آ. برایت / ۹۵

سی.آ. وردانت / ۹۵

ص: ۹۱۰

سیا / ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸،
۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶،
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷،
۱۳۸، ۱۴۷، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۵۵، ۲۵۶،
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴،
۲۶۵، ۲۶۶، ۲۸۰، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۰، ۳۳۰،
۳۳۲، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۶۹، ۳۸۳،
۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۶، ۴۶۱، ۴۶۳

۵۲۰، ۷۲۴، ۸۰۱، ۸۰۲

سیبری / ۵۰۷، ۵۰۸

سی. بی. اس. / ۲۱۵

سیراک / ۱۰۵، ۱۲۹

سیراک، دیمتری لئونتیویچ / ۱۲۹

سیراک، یوگنیا لوگیانوفنا / ۱۲۹

سیرالئون / ۵۸۲

سی شلز / ۵۸۲

سیف پور فاطمی، علی محمد / ۲۵۳، ۳۲۷، ۳۸۶

۳۸۹، ۳۹۱

سی. کن. تاپ / ۹۳، ۹۸

سی. کی. لگ / ۹۸

سی. کی. کون / ۱۳۷

سیگ گی / ۲۲۷

سیلا، ۲۲۷

سیما کیس، لاری دلیو / ۶۴۹

سیمپسون، تی (سرگرد) / ۲۵۰

سینگ، رانش (وزیر خارجه هند) / ۶۵۸

سینگهور (۵۸۲) / Singhor

ش

شابی / ۷۸۱

شارون / ۲۱۷

شاکا (شهردار نابلس) / ۲۴۱

شامیر، موشه / ۲۱۷

شانسه، دین (سرهنک) / ۱۱۷

شانگهای / ۶۱۴، ۵۷۵، ۵۶۴، ۲۸

شانون، روبرت / ۱۲۹، ۱۲۸

شاه حسن / ۶۵۹، ۵۶۳

شاه حسین / ۶۵۸، ۶۲۹

شاه خالد / ۲۴۲، ۲۴۰

شاهراه ماپوتو - کابودلگادو / ۵۷۲

شاهزاده سلطان / ۲۳۴

شاه عباس / ۳۸۸، ۶۸۷

شاهنده، بهروز / ۷۶۸

شبستری زاده / ۲۷۸، ۲۸۱

شبه جزیره عربستان / ۴۱۵

شرکت آسانسور اوتیس / ۷۷۳

شرکت آگرگ / ۷۹۱

شرکت اسکو / ۸۰۲

شرکت پیرانکو / ۲۶۱، ۲۷۹

شرکت خانه سازی کورش / ۷۳۷

شرکت دیزل اتوپارت / ۷۷۲

شرکت فیلور / ۷۷۹

شرکت لانا / ۲۹۹

شرکت ملی تجاری (سیرالئون) / ۵۸۲

شرکت ملی نفت ایران / ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۸۵

۴۰۳، ۴۵۶، ۴۸۷، ۶۳۵، ۶۶۶، ۶۹۲، ۷۶۶، ۸۰۱

۸۰۲

شرکت موریس / ۵۸۱

شرکت نفت استاندارد ایندیانا / ۴۱۲

شرکت نفت انگلیس / ۶۸۳

شرکت نفت شل / ۴۱۲، ۴۴۳

شرکت نفت عراق / ۴۲۹

شرکت نفتی آرامکو / ۴۰۷، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۶

۴۶۸، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴

۴۸۶، ۴۹۲

شرکت نفتی آنگلو ساسکسون / ۴۳۸

شرمهرن، لانج / ۷۶۰

شریعتمداری، سیدحسن / ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۸۵

۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۶، ۳۰۸

شریعتمداری، سید کاظم (آیت الله) / ۲۳۳، ۲۵۳،

۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴،

۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳،

۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱،

۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰،

۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰،

۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۰،

۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۷،

۳۶۲، ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۸۵

شریعتمداری، علی (دکتر) / ۳۸۵

شط العرب (اروند رود) / ۶۲۸، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴،

۶۵۵، ۶۵۶، ۶۶۱، ۶۹۴، ۷۰۱

شفیق الهوت / ۲۱۹

شلیپین، الکساندر نیو کولایویچ / ۱۱

شلنبرگر / جک اج / ۸۱۷

شوا، رشاد / ۲۲۹

شورای امنیت سازمان ملل / ۲۴۵، ۶۹۶

شورای امنیت ملی / ۴۴۸، ۴۴۹، ۶۲۸، ۶۳۵

شورای انقلاب / ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۴۰، ۳۴۶

شورای داخلی انرژی / ۴۵۰

شورای صلح (کلمبو) / ۹۵

شورای عالی نویسندگان مسکو / ۹۳

شوروی / ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳،

۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴،

۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷،

۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸،

۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹،

۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰،

۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹،

۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰،

۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹،

۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷،

۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸،

۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۴،

۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵،

۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۸،

۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۶۹،

۲۹۵، ۳۰۷، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۶۳، ۳۷۲، ۴۱۶، ۴۱۷،

۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۸۷،

۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲،

٥١٣ ، ٥٢٥ ، ٥٢٦ ، ٥٢٧ ، ٥٣١ ، ٥٣٢ ، ٥٣٣ ، ٥٣٤
٥٣٥ ، ٥٣٧ ، ٥٣٨ ، ٥٣٩ ، ٥٤٠ ، ٥٤١ ، ٥٤٢ ، ٥٤٣
٥٤٤ ، ٥٤٦ ، ٥٤٧ ، ٥٤٨ ، ٥٤٩ ، ٥٥٠ ، ٥٥١
٥٥٢ ، ٥٥٣ ، ٥٥٤ ، ٥٥٥ ، ٥٥٦ ، ٥٥٧ ، ٥٥٩ ، ٥٦٠
٥٦١ ، ٥٦٢ ، ٥٦٣ ، ٥٦٤ ، ٥٦٥ ، ٥٦٦ ، ٥٦٧ ، ٥٦٨
٥٦٩ ، ٥٧٠ ، ٥٧١ ، ٥٧٢ ، ٥٧٣ ، ٥٧٤ ، ٥٧٥ ، ٥٧٦
٥٧٧ ، ٥٧٨ ، ٥٧٩ ، ٥٨٠ ، ٥٨١ ، ٥٨٢ ، ٥٨٣ ، ٥٨٤
٥٨٦ ، ٥٨٧ ، ٥٨٩ ، ٥٩٠ ، ٥٩١ ، ٥٩٢ ، ٥٩٣ ، ٥٩٤
٥٩٥ ، ٥٩٦ ، ٥٩٧ ، ٥٩٨ ، ٥٩٩ ، ٦٠٠ ، ٦٠١ ، ٦٠٢
٦٠٣ ، ٦٠٤ ، ٦٠٥ ، ٦٠٦ ، ٦٠٧ ، ٦٠٨ ، ٦٠٩ ، ٦١٠
٦١١ ، ٦١٢ ، ٦١٣ ، ٦١٤ ، ٦١٥ ، ٦١٦ ، ٦١٧ ، ٦١٨
٦١٩ ، ٦٢٠ ، ٦٢١ ، ٦٢٣ ، ٦٢٤ ، ٦٢٩ ، ٦٣٠ ، ٦٣٦
٦٥١ ، ٦٥٨ ، ٦٥٩ ، ٦٦٠ ، ٦٦١ ، ٦٦٢ ، ٦٦٣ ، ٦٦٤ ، ٦٦٥ ، ٦٦٦
٦٦٧ ، ٦٦٨ ، ٦٦٩ ، ٦٧٠ ، ٦٧١ ، ٦٧٢ ، ٦٧٣ ، ٦٧٤ ، ٦٧٥ ، ٦٧٦
٧٥٤ ، ٧٩١ ، ٨١١ ، ٨١٢ ، ٨١٤ ، ٨١٩ ، ٨٢٠ ، ٨٣١

٨٧٣

شوش / ٧٥٨

شولار / ٣٢١

شهرک غرب / ٣٩٤

شهر مديسون نيوجرسی / ۳۹۲

شهر هبرون / ۲۱۷

شهزاد، نادر / ۳۸۶

شهلا، علی اکبر / ۳۰۱، ۲۶۳

شیخ الاسلام زاده، شجاع الدین (دکتر) / ۳۹۶

شیخ زکی یمانی / ۴۰۷

شیخ عیسی / ۶۵۵

شیراز / ۱۸۴، ۱۸۵، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰،

۳۸۰، ۳۹۶، ۶۷۰، ۷۰۵، ۷۱۸، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۶،

ص: ۹۱۲

۷۶۰، ۷۶۸، ۷۹۲، ۷۹۷، ۷۹۸، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۶

۸۱۷، ۸۲۳، ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۲

شیکلینگ / ۳۳۲

شیلی / ۵۹۳، ۵۹۴

صاعقه / ۲۴۶

صالح (دکتر) / ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹

صباغیان، هاشم / ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۷۸

صبری، علی / ۱۹۸

صحرای سینا / ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۸

۲۲۷

صحرای غربی / ۵۵۹

صدیق المهدی / ۲۲۲

صراف یزدی / ۳۸۶

ص ض

صلاح خلف / ۲۴۶

صمدیان پور، صمد (سرتیپ) / ۶۳۸، ۶۴۶، ۶۴۸

صندوق بین المللی پول / ۱۹۵، ۷۰۰

صنعا / ۶۰۴

صوفیه / ۱۴۹

ضیائی (دکتر) / ۷۷۵

ط ظ

طالقانی، سید محمود (آیت اللہ) / ۲۶۶، ۲۷۰،

۲۷۳، ۲۸۲، ۳۱۰، ۳۵۲، ۳۵۳

طاہری / ۷۷۹

طباطبائی، جلال / ۶۶۳

طباطبائی، سید ضیاء الدین / ۶۹۶

طباطبائی / ۳۱۰، ۳۷۸

طباطبائی، صادق / ۳۱۲، ۳۷۸

ظہیر محسن / ۲۴۶

ع غ

عامر موسیٰ / ۲۲۶

عباس آباد / ۷۷۰

عبدالحکیم امیر / ۱۹۸، ۱۹۹

عبدالحلیم خدام / ۲۲۳

عبدالفتاح اسماعیل / ۲۳۰

عبدالکریم قاسم / ۴۲۸

عبداللطیف البغدادی / ۱۹۹

عبدل، ابوالحسن / ۳۵۲

عدن / ۹۶، ۵۴۵، ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۰۵

عراق / ۹۳، ۱۶۴، ۱۸۵، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۰،

۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۴۷، ۲۵۰، ۳۱۴، ۳۸۰، ۴۱۵،

۴۲۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰،

۴۴۵، ۴۶۹، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۱۵، ۵۳۴، ۵۳۸،

۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶،

۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۲۸، ۶۲۹،

۶۳۰، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶،

۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۹۳،

۶۹۴، ۶۹۸، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۳۲، ۷۷۵،

۷۸۹، ۸۷۳، ۸۸۳

عربستان سعودی / ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۸،

۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰،

۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۲۳،

۴۲۵، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲،

۴۴۶، ۴۴۹، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸،

۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۲،

۵۱۳، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۴۸، ۵۷۳، ۶۰۴، ۶۱۰، ۶۴۹،

۶۵۵، ۶۹۸، ۷۰۳، ۷۱۲، ۷۳۲، ۸۸۳

عزیزی (تیمسار) / ۳۶۶، ۶۳۸

عطارزاده / ۳۵۴

عطاری، سمیع / ۲۴۶

علیخانی / ۶۶۱

علیزاده / ۲۸۲

علی سعیر / ۲۴۲

علی عبدالله صالح / ۲۳۰

عمان / ۲۲۲، ۲۲۸، ۴۱۵، ۵۹۸، ۶۱۰، ۷۱۲، ۸۸۳

ص: ۹۱۳

عمر (پسر غوربال) / ۲۰۵

عمر تلمسانی / ۲۰۸

عیسی مسیح (ع) / ۶۹۵

غنا / ۵۷۹، ۵۵

غوربال / ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵

ف

فاتیف، آلبرت گنورگیویچ / ۳۸، ۳۹

فارس / ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۸۰، ۶۹۹

فاس / ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱

فاطمی، تورج / ۳۲۷

فاطمی، حسین (دکتر) / ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۲

فاطمی، علی / ۳۹۱، ۳۹۲

فاطمی، نصرالله / ۳۹۲

فرازیان / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶

۳۰۶، ۳۰۷

فرانتک / ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹

فرانسه / ۱۴، ۱۵، ۵۱، ۱۹۱، ۱۹۴، ۲۰۶، ۲۳۴

۲۳۵، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۳۷

۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۹۳، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷

۵۷۸، ۵۷۰، ۵۶۰، ۵۴۷، ۵۴۳، ۵۳۴، ۵۰۳، ۵۰۲

۶۹۲، ۶۵۰، ۶۴۹، ۶۰۴، ۶۰۲، ۶۰۱، ۵۹۹، ۵۹۸

۸۸۷، ۷۹۱، ۷۸۴، ۷۸۲، ۷۸۰، ۷۷۹، ۷۳۵، ۶۹۹

فرانکفورت / ۱۴۹، ۳۴۹، ۳۵۶

فرد جنی / ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵

فردوست، حسین (سرلشگر) / ۶۲۸، ۶۳۹، ۶۴۰

فرمانفرمائیان، خداداد / ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸

فرود گاه بن / ۲۹

فرود گاه تمپلهوف / ۳۰، ۳۱

فرود گاه رانگون / ۱۵۲

فرود گاه مهرآباد / ۷۱۰، ۷۵۸

فرود گاه هاهايا (Hahaya) / ۵۷۸

فروغی / ۳۹۰

فروهر، داریوش / ۲۵۹، ۲۸۱، ۳۸۵، ۳۸۶

فری، پل جی، ۸۱۷

فری تاون / ۵۸۲

فرید، رحیم / ۲۹۹

فرید زنجانی، محمد سعید / ۲۷۶، ۲۹۸، ۲۹۹

فریدیک / ۲۸۲

فشارکی، فریدون / ۷۹۱

فلاحی، ولی (سرلشگر) / ۳۷۰

فلسطین / ۱۸۵، ۱۹۳، ۲۱۲، ۲۴۵، ۶۵۹

فلوریت / ۵۸۰

فنلاند / ۴۹۳

فورد، راتر / ۳۵۶، ۳۵۷

فورست آ. سینگهوف / ۱۱۶

فوگارتی (خانم) / ۵۳۷

فولر، لاورنس ا. / ۸۱۶، ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۴۹، ۸۵۶

۸۵۸، ۸۶۲، ۸۶۹، ۸۷۲

فونست، رابرت ال. / ۳۶۵، ۳۶۶

فهد / ۲۲۵

فیجی / ۵۸۶

فیروز آباد / ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶

فیروزی، سیف الله (دکتر) / ۲۷۵

فیلاتوف، روبسپیران / ۸

فیلادلفیا / ۳۰۱، ۳۰۳

فیلنسکی، ام.آ. / ۵۲۶

فیلیس، رونالد ام. (گروهیان) / ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲

۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵

فیلیپین / ۵۸۶، ۷۴۸

قاضي، علي / ٧٦٩

قاهره / ١٩٤، ١٩٦، ١٩٨، ٢٠١، ٢٠٢، ٢٠٣،

٢٠٤، ٢٠٧، ٢٠٩، ٢١١، ٢١٨، ٢١٩، ٢٢٠، ٢٢٣،

٢٣٣، ٢٣٤، ٢٣٦، ٢٣٧، ٢٤٠، ٢٤١، ٢٤٧، ٢٥٠،

٢٩٤، ٢٩٥، ٣١٦، ٣٧٠، ٣٧١، ٣٧٢، ٣٧٤، ٣٧٥،

٣٨٠، ٣٨٥، ٥٩٩، ٦٠٠

ص: ۹۱۴

قبرس / ۸، ۲۳، ۲۴، ۶۰۹

قرارداد ژنو / ۱۱۶، ۱۱۷

قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل / ۱۹۱، ۱۹۳،

۲۱۶، ۲۳۷، ۲۴۸، ۲۴۹

قرارگاه استکهلم / ۳۳۲، ۳۳۴

قرارگاه تهران / ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴،

۲۶۸، ۳۰۳، ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۵۳، ۷۱۵

قرارگاه رم / ۳۴۴

قرارگاه سیا / ۳۴۰، ۳۴۴، ۸۱۵

قرارگاه سیا (تهران) / ۲۶۴، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۹۳

قرارگاه کابل / ۹۳، ۹۴

قرارگاه مدنسکی / ۲۹۹

قسنطنطیه / ۲۰۷

قشقای، امیر عبدالله / ۳۶۷

قشقای، خسرو / ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۶، ۲۶۷،

۲۸۰، ۳۲۷، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۸،

۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹،

۳۸۰، ۳۸۱

قشقای، صولت الدوله / ۳۶۲

قشقای، محمدحسین / ۳۶۲

قطب زاده، صادق / ۲۹۶، ۳۱۲، ۳۷۸، ۳۸۶، ۳۸۹

۳۹۰

قطر / ۲۲۰، ۲۳۴، ۶۵۶، ۸۸۳

قطعنامه بغداد / ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲

قفقاز شمالی / ۵۰۸

قم / ۲۵۹، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۸

۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۱۷، ۳۳۰

۳۳۶، ۴۰۶، ۴۸۲، ۷۲۴، ۷۴۰، ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۸۹

۷۹۷

قیام ۱۵ خرداد / ۲۵۵

ک

کابل / ۹۴، ۲۷۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲

۶۱۲، ۶۱۴، ۶۶۰

کاتانگا / ۵۶۵، ۵۷۵

کاتلر / ۲۹۳

کاتم، دیک / ۳۱۳

کاخ جوانان / ۷۸۴، ۷۸۷

کاخ سفید / ۳۸۳، ۸۲۲، ۸۲۶

کاخ سلطنتی / ۶۳۹، ۶۷۳

کاخ شاهمی / ۷۱۴

کاخ گلستان / ۷۵۸

کاخ مرمر / ۶۳۳، ۶۳۴

کارائیب / ۵۹۲

کارتاجنا / ۵۹۴

کارترو، جیمی / ۲۱۰، ۲۵۴، ۸۱۲، ۸۱۹

کارناکاتا / ۶۱۷

کازابلانکا / ۱۴۹

کازناکیف / ۱۵۱، ۱۵۲

کاستاریکا / ۵۹۳

کاسیگین / ۹۲، ۹۴

کاشان / ۷۴۰

کاشمر / ۶۵۴

کاظمی، باقر / ۲۹۹

کافه زاخرو / ۱۴

کالج آمریکایی تهران / ۳۶۳

کالج البرز / ۳۶۲

کالیفرنیا / ۳۸۵

کامبوج / ۵۴۲

کامپالا، ۹۷، ۵۸۳

ڪامرون / ۵۷۷

ڪامينسڪي / ۳۰۴، ۳۰۳

ڪاناڊا / ۷۷، ۴۰۹، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۳۹

۴۴۸، ۴۵۲، ۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۲

۵۰۹، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۹۴

ڪانال پاناما / ۲۰۶، ۲۰۷

ڪانال سوئز / ۱۹۶، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۴۰

۲۹۹، ۴۲۹، ۴۳۷، ۴۳۹، ۵۰۶

کانال فست اکت / ۳۴۸

کانال کاپ بن / ۵۶۴

کانال مجردا / ۵۶۴

کانوی، آلن سی. / ۶۴۶، ۶۴۷

کینهاک / ۲۴، ۳۷، ۲۸۱، ۳۰۹

کراچی (پاکستان) / ۹۶، ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۷۰

۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۵۵۳

۶۱۸

کراس، چارلز تی. / ۸۱۶، ۸۲۷، ۸۳۰، ۸۳۳

۸۳۶، ۸۴۱، ۸۴۳، ۸۴۶، ۸۴۹، ۸۵۱، ۸۵۵، ۸۵۶

۸۵۸، ۸۶۲، ۸۶۹، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۷۹

۸۸۰، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۸

کرافورد، فرانکلین ج. / ۳۹۱

کرانه غربی / ۲۴۵

کرایسکی / ۲۴۵

کرب، ام. اچ. / ۱۳۷

کرج / ۷۴۰

کردستان / ۲۶۸، ۲۷۰، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۳۳، ۳۷۸

کرکوک / ۴۸۸

کرمان / ۷۹۸

کرمانشاه / ۷۱۸

کره جنوبی / ۷۷۳

کره شمالی / ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۹، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۵۴

۵۶۱، ۵۷۶، ۵۸۱، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۶، ۶۶۱

کریستوفر / ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۴۲

کرین، بیل / ۱۰۵، ۱۳۸

کستیل، برتون آ. / ۱۲۲

کشمیر / ۶۵۸

کشورهای حوزه خلیج فارس / ۸۱۲، ۸۱۹، ۸۵۹

کلارک / ۲۲۶

کلاید / ۸۰۴

کلکته / ۱۴۹

کلمبو / ۶۱۹، ۷۰۰

کلمبیا / ۴۵۳، ۵۹۴

کلوپ پارس آمریکا / ۷۵۶، ۷۸۳

کلوپ پیکان / ۷۷۲

کلوپ تهران / ۷۶۴

کلوپ زنان آمریکایی / ۷۵۶

کلوپ کشوری شاهنشاهی (سلطنتی) / ۷۵۹

کلوپ معلمین / ۷۸۷

کلیتون ماد، آر. / ۶۴۷

کمال حسن علی / ۲۳۷

کمال، عزیزالله (سپهبد) / ۶۴۸، ۶۴۶، ۶۳۷

کمپانی آرامکو / ۴۶۸

کمپانی پمکس / ۵۰۶

کمپانی رویال داچ شل / ۴۰۴

کمپ دیوید / ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۸، ۲۲۴

۵۵۸، ۲۴۹

کمیسیون انرژی اتمی / ۴۴۹

کمیسیون بین المللی قضاات / ۱۹۴

کمیسیون مشترک آمریکا و ایران / ۸۱۳، ۸۲۶

۸۲۸، ۸۳۶، ۸۸۰

کنت ان. راجرز / ۸۱۶، ۸۳۳، ۸۳۶، ۸۶۲، ۸۷۴

۸۷۶، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۸

کنت پی. مایلز (سرلشگر) / ۱۲۷

کتیننتال / ۴۰۴، ۴۱۲

کندی، پرستون ب. (سرهنگ) / ۶۴۶

کندی، رابرت / ۳۹۲

کندی (سرهنگ) / ۶۴۷

کنسولگری آمریکا (اصفهان) / ۸۶۳

کنسولگری آمریکا (تبریز) / ۸۲۰، ۸۲۳، ۸۷۴

کنسولگری آمریکا (خرمشهر) / ۸۶۹

کنسولگری آمریکا (شیراز) / ۸۲۰، ۸۶۹، ۸۷۰

کنسولگری شوروی (تهران) / ۱۳۹

کنفرانس اسلامی / ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱

۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱

کنفرانس رامسر / ۷۳۴

کنفرانس وزراء ستو در تهران / ۶۲۹، ۶۵۳

کنکنیکات / ۱۸۶

کنگک پیانو / ۵۹۶

کنگره آمریکا / ۴۴۸، ۴۴۹، ۷۱۶

کنگره بین المللی حزب کمونیست / ۶۶۰

کنگره حزب ایران نوین / ۶۵۰، ۷۳۸

کنگو / ۵۷۸

کنیا / ۵۸۰

کنیاتا، جومو (رهبر کنیا) / ۵۸۰

کوئیک، پی. دی. / ۹۷

کوآندا / ۵۷۵، ۵۷۶

کوالامپور / ۹۴، ۵۸۶

کوبا / ۸۹، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۷۲، ۴۷۰

۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۲، ۵۴۴

۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲

۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۵

۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۹، ۵۹۲

۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴

کویف، بیدن / ۳۳۱

کورش / ۶۸۷، ۶۹۵

کورش، رضا / ۶۹۷

کورن / ۳۶۷

کورنلیاس گیلیان (کشتی) / ۲۰۳

کورودبخ، نیکولای گئورگیویچ / ۳۷

کورولف، یوگنی وی. / ۹۵

کوره کک (مجارستان) / ۶۱۷

کوکبی، سعید / ۷۸۰

کوکتل پارتی / ۷۶، ۷۷، ۱۱۴، ۳۶۴

کولسکی زالیف (۹۹) / (KOLSKIY)

کومو / ۳۶۴، ۳۶۷

کومودور / ۲۱۸

کوموروس / ۵۷۸

کوناکری / ۵۶۵

کونس، ویلیام د. (سرهنگ) / ۶۴۶

کوانگ / ۱۰۲

کوانگ، آشور / ۱۰۲، ۱۰۵

کوه البرز / ۷۰۴

کوه دماوند / ۷۰۴

کوه نور / ۶۸۷

کویت / ۱۹۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۹۴

۲۹۵، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۵۵، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴

۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۵، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۸

۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳

۴۴۷، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۸۱، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۲

۴۹۳، ۵۱۵، ۵۳۴، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۹۸، ۶۰۹

۶۱۰، ۶۵۶، ۶۹۸، ۷۱۲، ۸۵۵، ۸۸۳

کویک، آشور / ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۲۹

۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵

کویموف، لئونید گابریلوویچ / ۶۳

کیا، حاج علی (سپهبد) / ۶۳۷

کیپ ورد / ۵۷۷، ۶۱۹

کیس (سناتور) / ۳۹۲

کیسینجر، هنری / ۲۰۱

کیگالی / ۲۲۵

کیلتایگر / ۳۲۰

کیلگور / ۲۲۰

کینشازا / ۵۷۵

کیو. آر. بولستر / ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸

کيو. آر. رام / ۲۷۲

کيو. آر. کابل / ۲۷۲

گک

گابن / ۵۷۹، ۲۲۸

گاچ، ايوان ايوزيفويچ / ۱۰۶

گارد ملي سعودي / ۲۴۴

گارزان (تيمسار) / ۳۶۴

گاست، فيليپ سي. (سرلشگر) / ۸۱۷

ص: ۹۱۷

گالن / ۴۱۷

گامبیا / ۲۲۸

گاوا، هاسه / ۳۰۹، ۳۱۸

گرکو، فلوریان / ۹۸

گرومیکو، آندره / ۱۰۹

گروه گوران / ۲۸۲

گروه مهندسين مشاور ریتون هاوک / ۴۰۸، ۴۴۱

گریزینگ، اچ.بی. / ۳۴۸

گریگوریان / ۸۰۲، ۸۰۳

گرین، آلبرت / ۸۵

گرینویچ / ۹۶

گست، فیلیپ سی. (سرلشگر) / ۱۳۴، ۱۳۷

گلف / ۴۰۴، ۴۱۱

گلگروف / ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۷،

۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹،

۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۸، ۳۴۷، ۳۸۷، ۳۸۸

گناباد / ۳۰۶

گنجاووف، گریگوری یوسیفویچ / ۶۵

گنجیان / ۳۹۳

گنہم / ۲۱۴

گوئلز، لوئیس پی، ۸۱۷

گواتمالا، ۵۹۳

گوئاناف، جیمز آ. (سروان) / ۶۴۶

گور کی / ۱۰۶

گوش امونیوم / ۲۲۴

گویان / ۵۸۹، ۵۹۴، ۵۹۵

گیلان / ۲۷۸، ۶۹۳

گیلفیلن، دونالد / ۳۶۵، ۳۶۶

گینہ / ۲۲۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۵، ۵۶۵، ۵۶۹، ۵۷۰

۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۰

ل

لئوپولدویل / ۱۴۹

لئونارد / ۲۴۴

لائوس / ۸۹، ۵۴۲

لاتش (اسم رمز مأمور سیا) / ۳۴۴، ۳۸۷

لارچمونت / ۱۹، ۲۲

لاس وگاس / ۲۸

لاک (سرتیپ) / ۶۴۷

لاگوس / ۱۴۹، ۵۷۲

لامبرٹ، لین / ۷۶۷، ۷۶۸

لاہور / ۱۴۹

لبنان / ۴۷، ۵۰، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱

۲۳۲، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲

۶۵۶، ۶۵۸، ۶۹۸، ۸۸۳

لس آنجلس / ۳۸۴

لسوتو / ۵۸۰

لمبراکیس، جورج. بی. / ۲۸۱، ۸۱۷

لندن / ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۳۷، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۹۸، ۲۰۳

۲۰۷، ۲۸۰، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۳۲، ۳۳۵

۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۵۱، ۳۹۵

۳۹۶، ۴۹۷، ۶۵۵، ۷۹۱

لنین / ۹۳، ۹۴، ۵۳۲، ۵۳۳

لنینگراد / ۱۳، ۹۳

لوآندا (پایتخت آنگولا - م) / ۵۶۵

لوبرانی / ۷۲۴، ۷۳۲، ۷۳۳

لوزتر، جی. پی. / ۳۸۹

لوکزامبورگ / ۴۳۹

لوکنز، رابرٹ وس. / ۱۲۲

لوماکین، پاول ایوانویچ / ۸

لونيگر، ربای / ۲۱۷

لووچنکو، استانیسلاو الکساندروویچ / ۹۷

لوون پاروویویچ وارطامیان (لو پاولویچ) / ۹۲، ۹۳

لوین، سیمور (سرهنګ) / ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۲

لهستان / ۹، ۸۴، ۸۶، ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۵۰۴، ۵۱۰،

۵۴۲، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۷۲، ۵۷۳،

۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۹،

۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۹،

ص: ۹۱۸

۶۶۱، ۶۲۰، ۶۱۹، ۶۱۸، ۶۱۰

لهفلد، ویلیام. دبلیو / ۴۵۸، ۴۵۵

لیریا / ۵۸۰

لیبی / ۱۷، ۱۸۵، ۱۹۰، ۲۲۷، ۲۴۷، ۳۴۳، ۴۲۵

۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹

۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۴، ۴۹۱، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۳، ۵۴۸

۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲

۵۶۴، ۵۶۸، ۵۷۸، ۵۸۳، ۸۸۳

لیما / ۵۹۰

لیندسی (آلمان) / ۱۱۶

لینگن / ۳۳۷

م

مائو (رئیس جمهور) / ۶۲۱

ماپوتو / ۹۷، ۵۷۱، ۵۷۲

ماتسدورف، ارنست / ۲۸، ۲۹، ۳۰

ماداگاسکار / ۵۴۵، ۵۵۶، ۵۸۰، ۵۸۱، ۶۲۲

مادام ایکس / ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴

مادون صحرا / ۵۳۹، ۵۶۷

مارتین، رابرت الف. / ۲۳۹

مارتین، سی. ال. (سرهنګ) / ۱۱۷

مارشال، ام. هنری / ۷۸۴

مارگریو، رابرت ان. / ۶۴۶

مارون / ۴۸۷

مارینا (دختر لئونید) / ۱۰۷

ماکائو / ۳۵۹، ۳۵۷، ۳۵۶، ۳۵۵

مالت / ۵۹۶، ۵۴۲

مالزی / ۶۵۹، ۵۸۶، ۲۱۹

مالنیکیف، ان.وی. / ۵۲۵

مالی / ۵۷۰

مانیل / ۵۸۷، ۵۸۶

ماهنامه الاعتصام (مصر) / ۲۰۹

ماهنامه الدعوه / ۲۱۸، ۲۰۹

ماهوتیان (سرتیپ) / ۶۴۶، ۶۳۵

مایر / ۳۹۱

مایک ۱، ۲، ۲۲

مأموریت برای وطنم (کتاب) / ۷۰۹

مبصر، حسن (سرلشکر) / ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۰، ۶۳۸

مترینکو، مایکل جی / ۸۱۷، ۷۸۹

متین دفتری، هدایت الله / ۲۸۲

مجارستان / ۹، ۸۹، ۱۷۹، ۱۸۵، ۵۱۰، ۵۴۲،

۵۵۴، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۵،

۵۷۶، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲،

۵۹۵، ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۱۷،

۶۱۸، ۶۲۰، ۶۶۱

مجتمع پتروشیمی شاپور / ۶۵۲، ۶۵۳

مجتمع مکانیکی تاکسیلا (۶۱۸) / Taxila

مجلس خبرگان / ۲۵۶، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۴،

۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸

مجلس سنا / ۴۴۵، ۴۵۱، ۷۰۰، ۷۰۹

مجلس شورای ملی / ۲۴۳، ۴۴۲

مجلس مؤسسان قانون اساسی / ۶۹۷

مجلس نمایندگان آمریکا / ۹

مجله غربی / ۱۷۲

محمد انور سادات / ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲،

۱۹۳، ۱۹۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲،

۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۸،

۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۹، ۵۹۹، ۶۰۰

محمودی، کامبیز (دکتر) / ۷۸۲، ۷۸۳

مدارس فنی گینه / ۵۷۰

مدرس / ۱۴۹

مدرسه آمریکایی تهران / ۷۵۶، ۷۶۱، ۸۱۵، ۸۵۶

۸۸۴

مدرسه ایران / ۷۸۰

مدرسه ایران زمین / ۷۵۶

مدرسه پروین / ۷۸۵

مدرسه جورج تاون / ۲۰۵

مدنی، محمد (دریادار) / ۲۸۰، ۳۲۱، ۳۶۱، ۳۷۲

ص: ۹۱۹

۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۳۳، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۴

۶۷۴، ۷۰۶

مدیترانه / ۴۲۹

مدیک، دان / ۱۰۲

مرايطون / ۲۲۵

مراغه ای / ۲۶۶، ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۸

مراکز پزشکی دومینیکا / ۵۹۲

مراکش / ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۵۳۳، ۵۳۴

۵۳۹، ۵۵۲، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۳، ۶۵۹

مرز الکبیر / ۵۶۰

مرز رودزیا / ۵۷۶

مرز شط العرب / ۶۹۸

مرکز آموزش بین المللی ایران / ۳۸۷، ۳۸۸

مرکز ارزیابی خارجی ملی / ۶۱۹

مرکز بازرگانی آمریکا / ۸۳۵

مرکز بولینگ / ۷۷۱

مرکز تجاری آمریکا (تهران) / ۸۱۵، ۸۱۷، ۸۳۶

۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۷

مرکز ملی ارزیابی خارجی / ۴۶۶

مزار شریف / ۶۱۳

مسجد حسین آباد / ۷۹۴، ۷۹۶

مسعودی، عباس / ۶۵۶

مسکو / ۵، ۱۱، ۱۶، ۱۹، ۲۳، ۲۷، ۴۴، ۴۵، ۴۶

۵۴، ۶۲، ۶۴، ۹۴، ۹۶، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۹، ۱۹۰

۲۴۸، ۲۴۹، ۴۷۰، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۷

۵۴۸، ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵

۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶

۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۶

۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰

۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۹

۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۴

۶۵۹، ۶۹۳

مشهد / ۱۴۹، ۳۰۵، ۷۰۱، ۷۱۵، ۷۹۱

مصدق، محمد (دکتر) / مصدق / ۲۹۹، ۳۶۲

۳۶۵، ۳۷۵، ۳۹۲، ۶۲۹، ۶۳۴، ۶۸۳، ۶۹۳، ۶۹۶

مصر / ۲۵، ۵۰، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳

۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱

۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰

۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸

۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶،

۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶،

۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۷،

۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۰، ۵۰۶، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۶،

۵۷۳، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۹۱، ۷۳۲،

۷۴۹، ۸۸۳

مصطفی امین / ۲۴۷

مطهری، م. (سرهنگ) / ۶۴۶، ۶۴۸

مظفرالدین شاه / ۴۰۲

معادن بوروندی / ۵۷۷

معاهده تلاتلولکو (۵۹۵) / Tlatelolco

معتضد (سرلشکر) / ۶۴۶

معادن تنگستن (راجستان) / ۶۱۷

معادن مس آنتامینا / ۵۹۱

معمر قذافی / ۲۴۱، ۵۶۱، ۷۳۲

مغولستان / ۱۰۰، ۵۰۷، ۵۱۱

مقدم مراغه ای، رحمت الله / ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۷،

۲۷۸، ۲۸۱، ۲۹۶، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸،

۳۲۷

مقدم، ناصر (رئیس ساواک) / ۶۴۶

مكزيك / ٤٧١، ٥٠٥، ٥٠٦، ٥٢٢، ٥٩٥

مك كابي (تيمسار) / ١١٦، ١١٧، ١١٨، ١٢٧

مك كنا / ١٢٩

مك كافي، ديويد سي. / ٧٨٤، ٧٨٥، ٧٩٧، ٨١٧

مك، آرميش / ١٠٥، ٦٣٠

مليورن / ٣٦٤، ٣٦٧

ملك فيصل / ٢٤٧، ٤٣٣، ٤٣٤، ٦٥٦

منامه / ٣١٢، ٣١٦، ٣٨٥

منصور، حسنعلی / ٦٣٥، ٦٩٧

ص: ۹۲۰

منصوری / ۲۴۰

منگيستهو / ۵۶۷

موبوتو / ۲۹۳

موبيل / ۴۰۴، ۴۱۱

موتوريزه / ۶۴۱

موراتوف، يوگني گورگيوچ / ۵۱

مورلوت / ۲۷۸

موريتاني / ۵۵۹، ۵۶۲

موريس، جيمز / ۶۸۵

موريس، كورتيس اس. / ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۸،

۱۳۳، ۱۳۵

موزامبيڪ / ۵۴۹، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۴، ۵۷۱، ۵۷۴،

۶۲۴

موزل، كنستانتين / ۶۵

موسوما / ۵۷۴

موسوي / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶،

۲۶۷، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۵،

۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶،

۳۰۷

موسوی، مرتضیٰ / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۹،

۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲

موسی / ۲۲۷

موگادیشو / ۲۵۰

مونت کلر علیا (نیوجرسی) / ۲۹۹

مونرویا / ۲۳۱

مونیک (آلمان) / ۳۶۷

مہاباد / ۳۱۱

مہابی / ۷۷۰

مہر آئین، ہوشنگ / ۷۶۵

مہر آباد / ۷۱۵

میدان اورلی / ۱۸

میدان گراسونور / ۱۹، ۲۱

میدل تون / ۳۶۷

میدی / ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵

میر، آرمین / ۶۴۶، ۶۴۸

میرا لوداسکا / ۸۶

میکلوس / ۷۳۳

میلز، هنری آر. / ۷۷۵، ۸۱۷

میلہیم / ۲۱۷

مین / ۱۸۶

میتکنبائو / ۱۸

میندلو / ۵۷۷

مؤسسه ارتباطات بین المللی / ۹۱

مؤسسه عمران بین المللی / ۱۹۵

ن

ناپلئون / ۱۸۹

ناتاشا (همسر سازانوف) / ۱۰۹

ناتو / ۹، ۱۹، ۲۱، ۴۶، ۵۳، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵،

۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸،

۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۲۹۶، ۳۷۹، ۴۱۶، ۴۴۱، ۴۴۵،

۶۰۸، ۷۰۴، ۷۴۹، ۷۵۲، ۷۹۲، ۸۱۲، ۸۱۹

نادرشاه / ۳۰۶، ۶۸۷

ناس، چارلز دبلیو. / ۷۹۹، ۸۱۷

ناصرالدین شاه قاجار / ۴۰۲

ناصری، تورج (دکتر) / ۲۵۳، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶

ناصری، فریدون (دکتر) / ۳۲۷، ۳۹۵، ۳۹۷

ناکس، ویلیام / ۴۰۲

نامیبیایی / ۵۷۶

ناهید (دختر غوربال) / ۲۰۵

نايروبي / ۱۴۹

نپال / ۶۱۸

نجيب (ژنرال) / ۱۹۰

نروژ / ۴۰۹، ۴۳۸، ۴۹۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۱۱

نزیه، حسن / ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۷، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۲،

۳۲۷، ۳۷۴، ۳۸۵

نصیری، نعمت اللہ (تیمسار) / ۲۵۴، ۶۳۵، ۶۳۸،

۷۹۱

ص: ۹۲۱

نکراسوف / ۹۴

نکرومه / ۵۵، ۵۷۹

نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران / ۸۸۱، ۸۸۲

نمایشگاه تجاری در مسکو / ۶۵۹

نمایشگاه تجاری و اقتصادی (گیگالی) / ۵۸۲

نماینده گی آمریکا در صحرای سینا / ۲۲۱

نوا، ای. زی. / ۳۵۸

نوار غزه / ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۳۹

۲۴۵

نورخان / ۶۵۸

نوردن / ۳۶۴

نورنو ک / ۲۲

نونامسکی، جرج / ۸۴

نهضت آزادی ایران / ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۲۸، ۳۴۰

۳۴۴، ۳۶۰، ۵۶۵

نهضت مقاومت ملی / ۲۹۹

نیجر / ۲۲۸

نیجریه / ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۴

۴۶۹، ۴۸۹، ۵۱۷، ۵۷۲، ۵۷۳، ۶۱۶

نیروهای مسلح آمریکا / ۶۴۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۸۱

نیروهای مسلح ایران / ۲۱۱، ۶۴۵، ۷۰۳

نیروهای مسلح لبنان / ۲۲۵

نیروی پورتو پریماورا / ۵۸۹

نیروی دریایی ایران / ۷۱۳

نیروی زمینی آمریکا / ۱۱۶، ۱۱۷، ۶۳۷، ۶۴۶

نیروی زمینی ایران / ۷۱۴

نیروی هوایی آمریکا / ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰

۱۳۲، ۲۵۰، ۶۲۹، ۶۴۰، ۶۵۴، ۷۵۸، ۸۱۷، ۸۷۵

نیروی هوایی ایران / ۲۱۱، ۶۵۴، ۷۱۳

نیکاراگوئه / ۵۹۳

نیک پور، منوچهر / ۲۶۳، ۳۰۳

نیک پی، غلامرضا / ۶۶۱

نیکسون / ۶۲۸، ۶۵۳، ۶۸۹، ۷۱۸

نیکولایینفا، سوفیا / ۹۳

نیمکره غربی / ۴۵۳

نیوپورت / ۲۲

نیوجرسی / ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۹۲

نیوزیلند / ۵۰۶، ۵۲۲

نیویورک / ۸، ۱۹، ۲۲، ۲۰۴، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۵۰

۲۷۵، ۲۷۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۳۷

نیویورک تایمز / ۲۵۰

و

واترلوی / ۴۱۲

وارنل، ویلیام / ۱۲۶

واسکیدا، اوران / ۵۵۹

واشبرن، جان / ۴۵۶

واشنگتن / (اکثر صفحات)

والتان، دونالد / ۱۳

والدهایم، کورت / ۲۲۳

والری (پسر داوبنیا) / ۱۰۷

والیس، اف. اچ. (سروان) / ۶۴۷

واهو، زی. آر. / ۳۱۶

وایت، دوروتی / ۸۵

وایرز، ویرجینیا / ۸۱۶، ۸۴۱، ۸۶۹، ۸۷۲

وٹ، بابیل / ۱۲۴

وحیدی، ایرج / ۶۶۱

وزارت آموزش و پرورش / ۶۶۹، ۶۷۰

وزارت ارتباطات / ۷۴

وزارت اصلاحات ارضی / ۶۶۶، ۶۷۳

وزارت اقتصاد و دارایی / ۸۰۲

وزارت امور خارجه آمریکا / (اکثر صفحات)

وزارت انرژی آمریکا / ۴۹۷

وزارت بازرگانی / ۷۶، ۴۵۷، ۷۳۴، ۸۰۴، ۸۰۵

۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۴۳، ۸۵۱، ۸۸۱

۸۸۲، ۸۸۳

وزارت بازرگانی آمریکا / ۴۲۵، ۸۱۷، ۸۲۷

وزارت بهداری / ۷۴۲

ص: ۹۲۲

وزارت بهداشتی آمریکا / ۸۵۶

وزارت بهداشت و رفاه اجتماعی / ۸۸۷

وزارت تحقیقات و تکنولوژی / ۴۹۷

وزارت خارجه ایران / ۷۳۱

وزارت خزانه داری / ۸۱۵، ۸۰۴، ۸۱۷، ۸۳۴

۸۸۳، ۸۸۴

وزارت دادگستری / ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۴۷، ۶۷۲

۸۱۷، ۸۱۵

وزارت دفاع آمریکا / ۶، ۳۶۸، ۶۲۷، ۶۳۲، ۴۴۵

۶۴۶، ۶۴۸، ۷۱۷، ۷۱۹، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۴، ۸۱۴

۸۱۷، ۸۲۷، ۸۳۱

وزارت دفاع اسرائیل / ۲۴۴

وزارت رفاه اجتماعی / ۷۴۲

وزارت علوم و آموزش عالی / ۷۳۴

وزارت عمران روستایی / ۶۷۳

وزارت کار و امور اجتماعی / ۳۹۶، ۳۹۷، ۶۶۸

۷۳۵

وزارت کشاورزی آمریکا / ۶۷۱، ۸۱۵، ۸۱۷

۸۲۷، ۸۴۳، ۸۵۱، ۸۷۹

وزارت کشور / ۱۹۰، ۴۰۴، ۴۱۶، ۴۴۵، ۴۵۰،

۶۶۱، ۶۶۹

وزارت منابع طبیعی / ۴۵۲

وزارت نفت / ۴۷۹

وزارت نیرو ایران / ۶۷۲

وست / ۲۴۰

وستلی، دیوید ئی / ۷۶۷، ۷۷۲

وستینگهاوس / ۷۶۰

ولانسکوف، ویکتور آی. / ۲۵

ولتای علیا / ۲۲۸، ۵۸۴

ولید / ۲۶۰، ۲۶۵

ونرستروم، استیگ / ۴۵، ۴۶، ۴۷

ونزوئلا، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰،

۴۳۲، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۶۹، ۴۸۸، ۴۸۹،

۵۱۷، ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۶

ونس / ۲۰۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۴۷، ۲۴۸

ونگ / ۱۱۳

ویتنام / ۷۵، ۷۷، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۴۲

ویتنام شمالی / ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۹، ۱۸۵

ویرادوف، ایوان پاکولویچ / ۲۲

ویزارد، ا.سی. / ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۵

ویسبادن / ۴۶

ویلیامز / ۳۴۶

وین / ۱۵، ۲۳، ۳۹، ۶۰

ویندسور، پائول / ۱۰۱، ۱۱۲

وینکلر، گوردون / ۷۵۵، ۷۷۶، ۷۸۲

وینوگراوف، ولادیمیر / ۱۳۵

ویوید، ای.زی. / ۳۶۰

۵

هارگی سا (۵۷۴) / Hargaisa)

هاروارد / ۲۰۱

هاروارد، رابرت اس. (سروان) / ۷۱۷

هاریس / ۲۱۵، ۲۱۶

هاشمی رفسنجانی، اکبر / ۳۸۶

هاگلند / ۲۰۸

هالدین، دوروتی (سرهنگ دوم) / ۱۱۷، ۱۲۲

هالدین، دوگلاس (سرهنگ دوم) / ۱۱۷

هالوئی (دریاسالار) / ۲۰۵

هامت، ادوین ال. / ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲

۱۳۳، ۱۳۵

هاواك، بى. سى. / ۳۹۴، ۳۸۷، ۳۴۴

هاوانا / ۵۱۱، ۵۹۲، ۶۰۴

هاوك، ريتون / ۴۰۸، ۴۴۱

هيرون / ۲۰۹، ۲۱۷

هتل آريا / ۷۸۴

هتل آكارا / ۵۵

هتل اوين / ۷۷۱

هتل شرايتون / ۳۸۰

ص: ۹۲۳

هتل فيلادلفيا / ۳۰۲

هتل کاسپين / ۱۸۵

هتل کلين / ۲۷

هتل هيلتون / ۳۱، ۷۷۱

هرالد، بی.کی. / ۱۶۰، ۱۶۱

هرتز، مارتين اف / ۱۴۳، ۱۵۱، ۳۸۹، ۳۹۱، ۶۴۷

هرشون، الن بی (سرهنگ دوم) / ۱۱۸

هرلن، رابرت / ۶۴۶، ۶۴۸

هرليس، دونالد اس. / ۶۳۲

هروی، مهدی (دکتر) / ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲

هفته نامه نيوزويک / ۲۸

هلست، ويليام آ. / ۶۴۷

هلسينکی / ۹۷

هلمز، ريچارد (سفير) / ۶۳۵، ۷۱۷، ۷۳۰، ۷۴۳

۷۴۴

هلند / ۴۲۸، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۵۳، ۴۹۳، ۵۰۱

هلهور (شهر) / ۲۱۷

هليکوپتر لنیکس / ۲۳۵

همدان / ۷۱۵

هند / ۲۷، ۳۷، ۴۱، ۴۵، ۲۰۰، ۲۰۱، ۵۰۶، ۵۳۴

۵۳۹، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۳، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۵

۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۹، ۶۵۴، ۶۵۸، ۷۰۳، ۷۱۲

۷۳۷، ۷۴۵، ۸۳۰

هند، رابرت د. (سرگرد) / ۶۳۷، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸

هندوراس / ۵۹۳

هنگ کنگ / ۱۴۹، ۳۵۵، ۳۵۶، ۵۴۲، ۵۸۷

هولمز / ۳۸۹

هویتین، ارکی / ۶۷، ۹۷، ۹۸

هویدا، امیرعباس / ۲۵۴، ۳۹۵، ۴۰۹، ۶۵۰

۶۵۸، ۶۵۹، ۶۹۷، ۶۶۱، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۹، ۷۹۲

هیئت دیپلماتیک سوریه در تهران / ۲۹۹

هیئت مستشاری نظامی آمریکا (۶۵) / (MAAG)

۸۱۳، ۸۱۴، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۲۸، ۸۳۲، ۸۵۰، ۸۷۵

۸۷۸

هیئت نظامی آمریکا (ایران) / ۸۱۷

هیئت نمایندگی تجاری چین / ۱۷۶

هیتلر، آدولف / ۶۶۰

هیث، ادوارد / ۲۶۹

هیدلبرگ / ۱۲۲

هنگ / ۶۳۶

هنگام، جیمز / ۱۳۳، ۱۳۴

هنگ، رنسم اس / ۶۳۶، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸

هنگ، جان ای. (سرننگ) / ۳۶۴

هیوز، توماس سی. / ۱۱۷

هیوی، فرانک ام. / ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱

۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹

۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۳۹

ی

یاسر عرفات / ۲۲۴، ۲۴۵

یالتا / ۲۵

یحیی خان / ۶۵۱، ۶۵۸

یزدی، ابراهیم / ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۱۲، ۳۲۹، ۳۳۰

۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۰، ۳۵۱، ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۸۴

یزدی، جلال / ۲۹۹

یگانه، محمد / ۶۶۱

یمانی / ۴۴۲

یمن / ۱۹۹، ۲۱۳، ۶۲۲، ۸۸۳

یمن جنوبی / ۲۲۲، ۲۳۰، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۸

۵۵۰، ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۲۳

یمن شمالی / ۲۱۴، ۲۳۰، ۶۰۴

یوتاشکوا، نینا ولادیمیروفنا (همسر یوری) / ۱۰۶

یوجین (اوژن) ام. ویتترز / ۶۴۶

یورک، ب. ام. (سرهنگ) / ۶۴۷

یوگسلاوی / ۳، ۱۰۲، ۱۴۴، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۹

۲۴۹، ۵۱۰، ۵۴۲، ۵۶۱، ۵۷۲، ۵۸۶، ۶۲۹، ۶۶۱

یونان / ۱۷، ۴۹۳، ۵۰۲، ۶۰۹، ۶۹۵

یونسکو / ۸، ۱۹۵، ۷۰۰، ۷۳۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹